

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

جامع الأحادیث

تقوی

حدیث ۴۳۷۵

۲۹۰۰ سر عنوان (موضوع فرعی)

با ترجمه‌ی فارسی در صفحه‌ی مقابل

علیرضا برازش



مؤسسه انتشارات امیرکبیر

تهران، ۱۳۹۴

فَإِنَّ النَّاسَ لَوْ عَلِمُوا مَحَاسِينَ كَلَامِنَا لَاتَّبَعُونَا^۱

اگر مردم با زیبایی‌های کلام ما آشنا می‌شدند، از ما پیروی می‌کردند.

علی بن موسی الرضا علیه السلام

محتوای کتاب دقیقاً همان است که از نام کتاب بر می‌آید «جامع الأحادیث»؛ یعنی مؤلف در پی آن بوده است همه‌ی روایات پیرامون یک موضوع را از میان احادیث نقل شده در کتب محدثین و مؤلفین شیعی استخراج و به نحوی که مشاهده می‌کنید تدوین و تا جزئی‌ترین لایه‌ها، تبویب و فصل‌بندی نموده، به تشنگان معارف اهل بیت عصمت علیهم السلام ارائه کند.

هدف از تألیف این مجموعه، شناساندن معارف ناب اسلامی با برداشت مستقیم از آیات و روایات است.

شک نیست که با الهام از «وَالْمَعْرُوفُ مَا أَمَرْتُمْ بِهِ^۲»، «فَالْحَقُّ مَا رَضِيتُمُوهُ^۳» و «مَا آتَاكُمُ الرَّسُولُ فَخُذُوهُ وَمَا نَهَاكُمْ عَنْهُ فَانْتَهُوا^۴» و «أَمَّا إِنَّهُ شَرٌّ عَلَيْكُمْ أَنْ تَقُولُوا بِشَيْءٍ مَا لَمْ تَسْمَعُوهُ مِنَّا^۵» و ده‌ها آیه و حدیث و دلایل عقلی، برای دستیابی به معارف الهی، راهی جز مراجعه به بیانات مخاطبان وحی نیست.

و البته پرواضح است هرچقدر دامنه‌ی مآخذ وسیع‌تر و نیز هرچه محقق عمیق‌تر باشد، امکان دستیابی به نظر شارع و انطباق نظریه‌ی حاصله با آن بیشتر خواهد بود.

ضرورت تألیف

شیخ کلینی در قرن سوم و چهارم با امکانات و محدودیت‌های زمانه‌ی خود، کتاب شریف «کافی» را تدوین و تبویب نمود. پس از گذشت هشت قرن، علّامه مجلسی به ده‌ها بلکه صدها

۱. وسائل الشیعة، ج ۲۷، ص ۹۲

۲. بحار الأنوار، ج ۵۳، ص ۱۷۱

۳. همان

۴. سوره‌ی حشر، آیه‌ی ۷

۵. وسائل الشیعة، ج ۲۷، ص ۷۰

«مقدمه»

اثر حدیثی دیگر دست یافت و بر آن شد ضمن پذیرفتن کلیات نقشه‌ی جامع ابواب معارف که شیخ کلینی گسترده و حدود شانزده هزار حدیث خود را در آن تنظیم کرده بود، با توجه به در اختیار داشتن چندین برابر بیشتر از احادیثی که کلینی در اختیار داشت، همان نقشه را گسترش دهد و از بعضی فصول، بخش‌ها و ابواب جدید منشعب کند.

نگاهی به فهرست کتاب‌های «کافی» هشت جلدی و «بحارالانوار» یکصد و ده جلدی بیانگر حقیقت فوق‌الذکر است.

هر چند قائلیم نایافته‌های مجلسی در مقابل یافته‌های او بسیار اندکند، ولی سخت معتقدیم حتی در محدوده‌ی خود کتاب عظیم بحارالانوار، می‌توان احادیث بسیاری یافت که در غنای محتوای ابواب دیگر همان کتاب - جز آن بابی که هم اکنون حدیث را دربرگرفته است - بتواند نقش مؤثری ایفا کند.

مزیت نسبی زمانه‌ی مجلسی به زمانه‌ی کلینی، امکان گردآوری و ادغام صدها جلد کتاب حدیثی را فراهم آورد.

لکن مزیت نسبی زمان حال به زمان تألیف بحارالانوار نیز این فرصت را در اختیار من و سایر مؤلفین قرار داده است که حتی بدون در نظر گرفتن کتب و احادیث تازه‌یافته، یعنی حتی در همان محدوده‌ی احادیث یافت‌شده و مورد قبول مؤلفان و محدثانی چون مجلسی، حرّ عاملی، فیض کاشانی و محدث نوری، دست به تألیفاتی بزنند که هرچند در همان نقشه‌ی مهندسی ابواب دین که آن بزرگان طراحی کرده‌اند می‌گنجد، ولی به دلیل دستیابی به ده‌ها برابر حدیث در هر فصل و بخش و باب، این امکان در اختیار مؤلف قرار می‌گیرد تا به فصل‌بندی و تبویبی بسیار جزئی‌تر دست زند.

اگر باب شکر در کتاب شریف «کافی» دارای ۳۰ حدیث و باب شکر در دایرةالمعارف بحارالانوار حاوی حدود ۸۰ حدیث - بدون فصل‌بندی داخلی - است، دست‌یابی به بیش از دو هزار حدیث از همان مأخذ مورد قبول مجلسی و دیگر محدثین، یقیناً امکانی چند برابر برای تبویبی ده‌ها برابر جزئی‌شده در اختیار مؤلف قرار داده است.

مقایسه‌ی هر اثر با آثار مشابه هم‌عصر یا آثار گذشتگان ما را بر وجود یا فقدان نوآوری در اثر مورد نظر آگاه می‌کند.

توان و حوصله‌ی مؤلف برای گردآوری بیش از سی برابر احادیث یافت‌شده در فصل و باب مشابه در دایرةالمعارف بحارالانوار و وجود فهرست چند ده صفحه‌ای و چند هزار سطری برای موضوعی که در کتاب‌های شریف کلینی و مجلسی، تقریباً هیچ زیرفصلی را به خود اختصاص

﴿مقدمه﴾

نداده‌اند، بیانگر آن است که طالب دریافت معارف از سرچشمه‌ی آیات و روایات، با بهره‌گیری مناسب از این مجموعه، با وسعت و جزئیات بسیار بیشتری به گنجینه‌ی معارف دست خواهد یافت، هدفی که در تقدّش هیچ شبهه‌ای روا نیست.

تفاوت بارز این اثر با کارهای مشابه، در گستره‌ی روایات مورد استناد و استخراج زیرموضوع و تبویب بسیار جزئی احادیث است. مقایسه‌ی فهرست تفصیلی اثر حاضر که برای یک صفت اخلاقی تا بیش از هزار شاخه و زیرشاخه ترسیم و احادیث را در آن نظم داده است، با فهرست باب الشکر در کافی، بحارالأنوار، میزان الحکمة و یا کتب مستقل پیرامون این موضوع، بهترین بیانگر این تفاوت‌هاست.

مخاطب این مجموعه کسی است که می‌خواهد و می‌تواند مستقیماً احادیث اهل بیت (علیهم‌السلام) را مطالعه کند. استخراج بیشترین حدیث پیرامون یک موضوع و تبویب جزئی، به نحوی است که حتی مطالعه‌ی فهرست تفصیلی هر جلد از این مجموعه، خواننده را تا حدود زیادی بیش از آنچه تاکنون درباره‌ی آن موضوع می‌دانست، با آن آشنا می‌کند. کنار هم قرار گرفتن احادیث قریب‌المعنی، در نزدیک کردن معانی احادیث به فهم خواننده، بی‌تأثیر نیست. در هر صورت این مجموعه جز حدیث نیست و از آنجا که مطالعه‌ی احادیث اخلاقی نسبت به احادیث کلامی، فقهی و حتی تاریخی، برای اقشار غیر متخصص، سهل‌تر می‌باشد، در مرحله‌ی اول به موضوعات اخلاقی پرداختیم.

مجموعه‌ی حاضر جز از منابع معتبر حدیث شیعی استفاده نکرده است، لذا اعتبار آن به اعتبار مأخذی است که در پایان کتاب در بخش فهرست مأخذ ذکر کرده‌ایم. هر قدر به کافی، من لایحضره الفقیه، تهذیب، استبصار، بحارالأنوار، وسائل الشیعه و مستدرک الوسائل و وافی اعتماد می‌کنید به این مجموعه اتکا کنید.

هر قدر به راحتی از شیخ کلینی، شیخ صدوق، شیخ طوسی، علّامه مجلسی، شیخ حرّ عاملی، فیض کاشانی و سید بن طاووس حدیث نقل می‌کنید و به امام معصوم (علیه‌السلام) نسبت می‌دهید از این مجموعه نیز نقل کنید؛ و اگر در جایگاهی هستید که برای افتاء و اظهار نظر دقیق دینی، به بررسی تک‌تک زوایای احادیث می‌پردازید و با به‌کار بستن معیارهای علم رجال و درایه و فقه‌الحديث، روایات را ردّ و قبول می‌کنید، با این مجموعه نیز همان کنید که با سایر کتب حدیث.

بزرگان ما به‌راحتی در سخنرانی و نوشته‌ها و درس و بحث خود از کافی، نهج‌البلاغه، وسائل الشیعه، وافی، بحارالأنوار، غررالحکم و... نقل حدیث می‌کنند و با بردن نام نهج‌البلاغه، به

﴿مقدمه﴾

اعتبار سید رضی رحمته الله علیه و با بردن نام کافی به اعتبار کلینی رحمته الله علیه، این باور را در شنونده و خواننده پدید می‌آورند که آنچه می‌گوییم و می‌نویسم، نقل قول از معصوم علیه السلام است. این مجموعه نیز حرفی و کلمه‌ای خارج از آنچه کلینی‌ها و صدوق‌ها نقل کرده‌اند در خود نگنجانده است. ولی آنچه در اختیار کلینی و صدوق و مجلسی و... نبوده و مزیت زمان حاضر است، اعم از کتاب‌های خوش چاپ و کم غلط، نرم‌افزارهای جدید، امکانات جستجوی ترکیبی با سرعت بسیار، امکان مقایسه و جستجو در صدها هزار صفحه، همه و همه این امکان را به ما داده است تا بدون خدشه به وثاقت و استحکام مطالب، با در اختیار گرفتن صدها برابر حدیث نسبت به محدثان متقدم، تبویبی بسیار جزئی و غیر قابل مقایسه با دیگر آثار ارائه دهیم و البته ویژگی این مجموعه و جلوه‌ی اثر وجودی مؤلف نیز همین بخش است - تبویب و دسته‌بندی -؛ فلذا اگر دانش مؤلف در فهم موضوع حدیث و قدرت استخراج زیرموضوع از دل روایات، مورد خدشه‌ی جدی نباشد، مجموعه‌ی حاضر، ابواب جدیدی را پیش روی طالب علم می‌گشاید و به دانش‌پژوه فرصت می‌دهد تا نقشه‌ی وسیع‌تر و جزئی‌تری از هر یک از موضوعات اخلاقی را دریافت و مطالعه کند. نقطه‌ی آغازین ایده‌ی «جامع‌الاحادیث» در اواخر دهه‌ی ۶۰ و بعد از انتخاب «معجم فهرس اصول کافی» به عنوان کتاب سال جمهوری اسلامی در سال ۶۸ بود. مؤسسه‌ی انتشارات امیرکبیر در دوره‌ی مدیریت آقای حسین انواری و ریاست حضرت آیت‌الله جنتی بر سازمان تبلیغات اسلامی، طرح «جامع‌الاحادیث» را به مؤلف پیشنهاد و مرحله‌ی اول آن از آغاز سال ۱۳۶۹ شروع شد.

مجموعه‌ی معاجم کتب روایی در ۷۰ مجلد و بالغ بر پنجاه هزار صفحه از ثمرات جانبی مرحله‌ی اول این طرح بود؛ چراکه برای تألیف کتابی که جامع همه‌ی احادیث باشد وجود معاجم حدیثی ضروری می‌نمود و در آن تاریخ جز بر اصول کافی و نهج‌البلاغه معجم حدیثی قابل ذکر دیگری نبود. هرچند ترشحات و تولیدات جنبی طرح «جامع‌الاحادیث» با استقبال جامعه‌ی علمی و حوزوی مواجه شد و رهبر معظم انقلاب و آیه‌الله مکارم شیرازی و آیه‌الله هاشمی رفسنجانی و آیه‌الله جنتی هریک بر یکی از آثار تقریظ نگاشتند و دو دوره‌ی دیگر نیز بخش‌هایی از این مجموعه به عنوان کتاب سال جمهوری اسلامی برگزیده شد. لکن به دلیل تغییر مدیریت در سازمان تبلیغات اسلامی و مؤسسه‌ی انتشارات امیرکبیر و نیز محول شدن برخی مسؤولیت‌های اجرایی از جمله معاونت فرهنگی وزارت ارشاد، مدیریت کتابخانه و مرکز اسناد آستان قدس رضوی و مدیریت شبکه‌ی یک سیما به مؤلف، اجرای مراحل پایانی این پروژه‌ی بزرگ به تأخیر افتاد. شروع دوباره‌ی این طرح مدیون مدیرعامل وقت مؤسسه‌ی انتشارات امیرکبیر برادر گرامی جناب آقای احمد نثاری است که تحت ارشادات ریاست سازمان تبلیغات اسلامی، حجة الاسلام

«مقدمه»

والمسلمین دکتر سیدمهدی خاموشی طرح به فراموشی سپرده شده‌ی «جامع‌الاحادیث» را احیا کردند و توفیق سروکارداشتن با احادیث اهل بیت (علیهم‌السلام) را بعد از وقفه‌ای نسبتاً طولانی دگربار به من بخشیدند. البته در طول این سال‌ها با ورود کامپیوتر به عرصه‌ی تحقیقات مذهبی و تأسیس و توسعه‌ی موسسات پر تعداد و در رأس آنان «مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی»، روش دستیابی به احادیث، نسبت به سال‌های شروع طرح در دهه‌ی شصت، به کلی دگرگون شده است. البته علی‌رغم جمع‌شدن مجموعه‌ی منابع روایی در یک لوح فشرده باز هم نیاز به «جامع‌الاحادیث» احساس می‌شد و با شکل‌گرفتن اولین مجلدات آن و امکان مقایسه‌ی آن با کتاب‌ها و نرم‌افزارهای موجود، این فرضیه بیشتر و بیشتر تقویت شد.

این مجموعه که از موضوعات اخلاقی، عقیدتی آغاز کرده است و راه طولانی‌ای در پیش دارد، با ارائه‌ی اولین مجلدات و اولین موضوعات، خود را در معرض نقد و پیشنهاد اساتید فن و کلیه‌ی علاقمندان به گسترش کلام معصومین (علیهم‌السلام) قرار می‌دهد. چه در انتخاب و ترتیب موضوعات و چه در نحوه‌ی دسته‌بندی و ارائه‌ی آن.

دست‌اندرکاران تهیه‌ی این اثر، خود را از راهنمایی علاقمندان به نشر روایات معصومین (علیهم‌السلام) بی‌نیاز نمی‌دانند و این مجموعه را به مثابه برگ سبزی به سلسله‌ی نورانی اهل بیت عصمت (علیهم‌السلام) تقدیم می‌کنند؛ به امید آنکه در بهره‌برداری نسل حاضر و نسل‌های آینده از بیانات ارزشمند ایشان و تطبیق هرچه بیشتر زندگی با راهنمایی‌های آن پیشوایان راستین گامی هرچند ناچیز برداشته باشند.

مقدمه را با فقراتی برگزیده از کلام فقیه و محدث معاصر و مؤسس مرکز پژوهشی دارالحدیث، آیه‌الله محمدی ری‌شهری مؤلف موسوعه‌ی حدیثی «میزان‌الحکمة»، در شأن حدیث، جایگاه آن و اهمیت تنظیم موضوعی احادیث به پایان می‌برم.

❁ حدیث، بهترین وسیله برای تبلیغ دین و آشناکردن مردم با اسلام ناب است.

❁ قرآن کریم، به مثابه قانون اساسی اسلام، بیشتر کلیات را بیان کرده و تبیین تفصیل و جزئیات را به روایات واگذار کرده است. از این رو، روایات، پس از قرآن، مهم‌ترین منبع شناخت دین به‌شمار می‌آید.

❁ حدیث، به دلیل انتساب آن به معصوم (علیهم‌السلام) و وحیانی‌بودن محتوای آن، حجت است.

❁ احادیث اسلامی نه تنها در میان عموم مردم، بلکه در میان خواص حوزه‌های علمیه، جایگاه شایسته‌ی خود را ندارند.

﴿مقدمه﴾

❁ اگر برآیند صحیح قرآن و حدیث به زبان روز برای مردم جهان بیان شود، در عصر حاضر، اسلام بیش از هر وقت دیگر هوادار خواهد داشت.

❁ احادیث اسلامی، مانند آیات قرآن مفسّر یکدیگرند و تنظیم احادیث به صورت موضوعی، به خصوص در کنار ارائه‌ی موضوعی آیات قرآن، علاوه بر آنکه می‌تواند در تشخیص میزان صحت و یا سقم احادیث مؤثر باشد، موجب فهم دقیق رهنمودهای خداوند متعال و پیشوایان بزرگ اسلام نیز می‌شود و افزون بر این، دسترسی پژوهشگران و عموم علاقمندان به اسلام راستین را آسان می‌سازد.

در پایان لازم می‌دانم از همه‌ی همکاران محترم بخش‌های مختلف که در روند آماده‌سازی این مجموعه‌ی گرانسنگ تلاش کرده‌اند و به‌ویژه همکاران اصلی بخش ترجمه: حجت الاسلام والمسلمین سید رسول بهشتی‌نژاد، حجت الاسلام والمسلمین هابیل جوانی و حجت الاسلام والمسلمین حسین خداپرست و آقای مصطفی خلّاش؛ سرویراستار؛ سرکار خانم زینب فرهادی و صفحه‌آرا؛ سرکار خانم محبوبه فیضی و سایر همکاران در بخش‌های استخراج، مصدربابی، ویرایش خانم‌ها: سمیه الله‌دادی، رویا حائری، اقدس السادات حسینی، محبوبه روشنی، فائزه سیبویه، محبوبه شمشیرگرها، سهیلا عباسی، منصوره علیمردانی، مریم ناصرالملکی و آقای مجید قاسمی اقدم کمال تقدیر و سپاس را داشته و از خداوند قادر و متعال ادامه‌ی توفیقات آنان را خواستارم.

ایرادها، کاستی‌ها و اشکالات این اثر اندک نیست ولی امیدوارم عزیزان فرهیخته و نکته‌سنج، نظرات اصلاحی خویش را از ما دریغ نکنند.

و من الله التوفیق
علیرضا برازش

تقویٰ



الفهرسُ المُوْجِز

٢١٠.....	الفصلُ الأوَّلُ: ماهِيَةُ التَّقْوَى؟
٢١٠.....	١-١- معَانِي التَّقْوَى وَالْوَرَعَ
٢٥٠.....	١-٢- العَلَاقَةُ بَيْنَ التَّقْوَى وَالْوَرَعَ
٢٥٦.....	١-٣- تَفْسِيرُ التَّقْوَى وَالْوَرَعَ
٢٥٨.....	١-٤- وَضُوحُ التَّقْوَى وَ سُهولَتُهُ
٢٦٠.....	١-٥- تَعْرِيفُ التَّقْوَى وَ تَمَثِيلُهُ
٣١٠.....	١-٦- المُرَادِفَاتُ وَ المَقَارِبَاتُ وَ راجع: علاماتُ التَّقْوَى
٣٦٦.....	١-٧- المُضَادَّاتُ وَ راجع: الفصلُ الثَّامِنُ؛ مَا يُتَّقَى مِنْهُ
٣٩٤.....	١-٨- مَصْدَرُ التَّقْوَى
٤٠٢.....	الفصلُ الثَّانِي: أَهْمِيَّةُ التَّقْوَى وَ الإِهْتِمَامُ بِهَا
٤٠٢.....	٢-١- الفَرَضُ
٤٠٤.....	٢-٢- طَلَبُ تَوْفِيقِ التَّقْوَى وَ أَنْ يَكُونَ مِنَ الْمُتَّقِينَ
٤٣٢.....	٢-٣- الإِسْتِعَاذَةُ مِنْ فَقْدِ التَّقْوَى
٤٣٢.....	٢-٤- طَلَبُ إِمَامٍ مِنَ الْمُتَّقِينَ
٤٣٢.....	٢-٥- الأَمْرُ بِالتَّقْوَى وَ الْوَرَعَ
٤٩٠.....	٢-٦- الأَمْرُ بِتَرْغِيبِ الْآخَرِينَ بِالتَّقْوَى
٤٩٤.....	٢-٧- التَّرْغِيبُ بِمُصَاحَبَةِ أَهْلِ التَّقْوَى
٤٩٨.....	٢-٨- طَلَبُ تَوْفِيقِ التَّقْوَى لِلْآخَرِينَ
٥٠٢.....	٢-٩- التَّحْذِيرُ عَنْ تَرْكِ التَّقْوَى
٥٠٤.....	٢-١٠- دُعَاءُ الإِمَامِ عليه السلام لِأَهْلِ التَّقْوَى
٥٠٤.....	٢-١١- دُعَاءُ الْقُرْآنِ لِأَهْلِ التَّقْوَى
٥٠٤.....	٢-١٢- فِي مَذْمُومَةِ الَّذِينَ لَا يَتَّقُونَ
٥٠٨.....	٢-١٣- أَلِإِمَامِ عليه السلام يَسْأَلُ مَا لِلْمُتَّقِينَ
٥١٠.....	٢-١٤- أَلِإِمَامِ عليه السلام يَطْلُبُ الْمُتَّقِينَ

فهرست مختصر

فصل ۱: چیستی پرهیزکاری و مفهوم آن.....	۲۱
۱-۱- معانی پرهیزکاری و ورع.....	۲۱۱
۱-۲- رابطه‌ی تقوا و ورع.....	۲۵۱
۱-۳- تفسیر تقوا و ورع.....	۲۵۷
۱-۴- مشخصات تقوا و ورع.....	۲۵۹
۱-۵- تعریف تقوا و تمثیل آن.....	۲۶۱
۱-۶- کلمات مترادف و نزدیک به تقوا و ر.به: نشانه‌های تقوا.....	۳۱۱
۱-۷- مفاهیم متضاد تقوا و ر.به: فصل ۸؛ آنچه باید از آن پرهیز کرد.....	۳۶۷
۱-۸- جایگاه تقوا.....	۳۹۵
فصل ۲: اهمیت تقوا و توجه به آن.....	۴۰۳
۲-۱- وجوب تقوا.....	۴۰۳
۲-۲- درخواست توفیق پرهیزکاری و قرارگرفتن در ردیف پرهیزکاران.....	۴۰۵
۲-۳- پناه‌بردن به خدا از نداشتن پرهیزکاری.....	۴۳۳
۲-۴- درخواست پیشوایی که از پرهیزکاران باشد.....	۴۳۳
۲-۵- فرمان به پرهیزکاری و ورع.....	۴۳۳
۲-۶- امر به تشویق دیگران به پرهیزکاری.....	۴۹۱
۲-۷- تشویق به همنشینی با پرهیزکاران.....	۴۹۵
۲-۸- درخواست توفیق پرهیزکاری برای دیگران.....	۴۹۹
۲-۹- پرهیز از ترک تقوا.....	۵۰۳
۲-۱۰- دعای امام علیه السلام برای پرهیزکاران.....	۵۰۵
۲-۱۱- دعای قرآن برای اهل پرهیزکاری.....	۵۰۵
۲-۱۲- در مذمت آنان که پروا نمی‌کنند.....	۵۰۵
۲-۱۳- امام علیه السلام آنچه را پرهیزکاران بدان رسیده‌اند از خدا می‌طلبد.....	۵۰۹
۲-۱۴- امام علیه السلام پرهیزکاران را می‌جوید.....	۵۱۱

«الفهرسُ الموجزُ»

١٥-٢- من علاماتِ الأنبياءِ والأوصياءِ والأولياءِ عليه السلام وراجع: الفصل التاسع؛ أهلُ التقوى	٥١٢
١٦-٢- وصيةُ الآخرينَ بمودةِ المتقينَ والدُّعاءِ لَهُمْ	٥٣٠
١٧-٢- المقايسةُ بينَ التقوى وسائرِ الفضائلِ	٥٣٠
١٨-٢- من أهمِّ خصائصِ التقوى والورعِ	٥٨٦
١٩-٢- ليسَ التقوى أعلىَ درجةٍ	٦٢٦
الفصلُ الثالثُ: موانعُ التقوى وعواملُ فسادِها	٦٣٦
١-٣- البهيميةُ	٦٣٦
٢-٣- اللسانُ	٦٣٦
٣-٣- مخالطةُ الناسِ وأبناءِ الدنيا	٦٣٦
٤-٣- التذللُ لأبناءِ الدنيا وإيتارُ السلطانِ على اللهِ	٦٣٦
٥-٣- قلةُ الحياءِ وعدمُ الإتياءِ من وجوهِ الناسِ	٦٣٨
٦-٣- الذنبُ وقلةُ المحافظةِ وتركُ التهاونِ بِشكرِ نعمةِ اللهِ	٦٣٨
٧-٣- الولكُ بالدنيا وغلبةُ الشهوةِ	٦٣٨
٨-٣- الشرَّةُ، الطمعُ، الشَّبعُ، قلةُ القناعةِ	٦٤٠
٩-٣- الظلمُ، الفسادُ، العِزةُ والحُصومةُ والدُّودُ	٦٤٠
الفصلُ الرابعُ: طريقُ اكتسابِ التقوى، حفظُهِ وإزديادِهِ في النفسِ وفي الآخرينَ وطريقُ النِّيلِ	
بنوَابُ أَعْمَالِ الْمُتَّقِينَ	٦٤٤
١-٤- طريقُ اكتسابِ التقوى، حفظُهِ وإزديادِهِ	٦٤٤
٢-٤- لَوَازِمُ إِيْجَادِ التقوى لِلآخَرِينَ	٦٧٨
٣-٤- طريقُ النِّيلِ بَنوَابِ أَعْمَالِ الْمُتَّقِينَ	٦٨٢
الفصلُ الخامسُ: علاماتُ المتقينَ ومُصاديقُ التقوى	٦٨٦
١-٥- إنَّ لأهلَ التقوى علاماتٍ يُعرفونَ بِهَا وراجع: الفصل الأول؛ ماهيةُ التقوى؟	٦٨٦
٢-٥- تُجَاهُ اللهِ	٦٨٦
٣-٥- تُجَاهُ النَّبِيِّ صلى الله عليه وآله والأئمةِ عليهم السلام	٧٢٢
٤-٥- تُجَاهُ النَّاسِ	٧٣٠
٥-٥- مِنْ صِفَاتِ الْمُتَّقِينَ	٧٥٢
٦-٥- أَهْلُ التقوى وَالطَّعَامُ وَالرِّزْقُ وَالْكَلامُ	٨١٠
٧-٥- مَا وَصِيَّةُ أَهْلِ التقوى؟	٨٢٠
الفصلُ السادسُ: مَا يَتَّقُونَ مِنْهُ أَهْلُ التقوى	٨٢٢
١-٦- الإِثْمُ وَالذَّنْبُ وَالْمَعْصِيَةُ وَالْحَرَامُ	٨٢٢
٢-٦- الشُّبُهَاتُ وَمَا لَا بَأْسَ بِهِ	٨٥٠

﴿فهرست مختصر﴾

۵۱۳.....	۲-۱۵ از نشانه‌های پیامبران و جانشینان و اولیاء علیهم‌السلام و ر.به: فصل ۹: پرهیزکاران.....
۵۳۱.....	۲-۱۶ سفارش دیگران به دوستی با پرهیزکاران و دعا برای ایشان.....
۵۳۱.....	۲-۱۷ مقایسه بین پرهیزکاری و دیگر فضایل.....
۵۸۷.....	۲-۱۸ از ویژگی‌های مهم پرهیزکاری و ورع.....
۶۲۷.....	۲-۱۹ پرهیزکاری بالاترین درجه نیست.....
۶۳۷.....	فصل ۳: موانع پرهیزکاری و عوامل از بین رفتن آن.....
۶۳۷.....	۳-۱ حیوانیت.....
۶۳۷.....	۳-۲ زبان.....
۶۳۷.....	۳-۳ حشر و نشر با مردم و نیازدگان.....
۶۳۷.....	۳-۴ اظهار ذلت نزد نیازدگان و ترجیح دادن حاکم بر خدا.....
۶۳۹.....	۳-۵ کم‌حیایی و بی‌پروایی از روی مردم.....
۶۳۹.....	۳-۶ گناه و عدم مراقبت و کم‌اهمیت دادن به شکر نعمت پروردگار.....
۶۳۹.....	۳-۷ شیفتگی به دنیا و غلبه‌ی شهوت.....
۶۴۱.....	۳-۸ حرص و طمع و شکم‌بارگی، کمی قناعت.....
۶۴۱.....	۳-۹ ظلم، فساد، برتری طلبی، دشمنی.....
۶۴۵.....	فصل ۴: راه کسب، نگهداری و افزایش پرهیزکاری در خود و دیگران و راه رسیدن به پاداش پرهیزکاران.....
۶۴۵.....	۴-۱ راه کسب، نگهداری و افزایش پرهیزکاری.....
۶۷۹.....	۴-۲ لوازم برانگیختن دیگران به پرهیزکاری.....
۶۸۳.....	۴-۳ راه رسیدن به پاداش اعمال پرهیزکاران.....
۶۸۷.....	فصل ۵: نشانه‌های پرهیزکاران و مصادیق پرهیزکاری.....
۶۸۷.....	۵-۱ پرهیزکاران نشانه‌هایی دارند که به آن شناخته می‌شوند.....
۶۸۷.....	۵-۲ در مقابل خدا.....
۷۲۳.....	۵-۳ در مقابل پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم و ائمه علیهم‌السلام
۷۳۱.....	۵-۴ در مقابل مردم.....
۷۵۳.....	۵-۵ از صفات پرهیزکاران.....
۸۱۱.....	۵-۶ اهل پرهیزکاری و طعام و روزی و کلام.....
۸۲۱.....	۵-۷ سفارش پرهیزکاران چیست؟.....
۸۲۳.....	فصل ۶: آنچه اهل پرهیزکاری از آن می‌پرهیزند.....
۸۲۳.....	۶-۱ گناه، نافرمانی، حرام.....
۸۵۱.....	۶-۲ شبهات و حتی آنچه مشکل ندارد.....

﴿الفهرسُ الموجز﴾

٨٥٤.....	٣-٦- الغفلة، سُكْرُ النعمة، النسيان، السفاهة
٨٥٦.....	٤-٦- التفريط
٨٥٨.....	٥-٦- الدنيا، الجِرْصُ وَ الشَّحُّ وَ الطَّمَعُ وَ التَّكَاثُرُ
٨٦٤.....	٦-٦- الغي وَ الخروجُ من الحق
٨٦٤.....	٧-٦- تَجَاهَ اللهَ وَ الرسولَ ﷺ
٨٧٠.....	٨-٦- تَجَاهَ النَّاسَ
٨٨٠.....	٩-٦- تَجَاهَ النَّفْسَ
٨٨٤.....	١٠-٦- مَعَاصِي الْبَطْنِ وَ الْفَرْجِ
٨٨٤.....	١١-٦- مَعَاصِي اللِّسَانِ
٨٩٢.....	١٢-٦- مَعَاصِي الْمَالِ
٨٩٦.....	الفصل السابع: دَرَجَاتُ التَّقْوَى وَ الْمُتَّقِينَ
٨٩٦.....	١-٧- التَّقْوَى ذُو دَرَجَاتٍ
٨٩٦.....	٢-٧- أَحَبُّ الْإِخْوَانِ عَلَى قَدْرِ التَّقْوَى
٨٩٦.....	٣-٧- تَقْوَى الْعَامِّ، تَقْوَى الْخَاصِّ، تَقْوَى خَاصِّ الْخَاصِّ
٨٩٨.....	٤-٧- تَقْوَى خَاصٍّ وَ عَامٍّ
٨٩٨.....	٥-٧- تَقْوَى السِّرِّ وَ الْعَلَانِيَةِ
٩٢٠.....	الفصل الثامن: الْمَوَاضِعُ الَّتِي يُؤَكَّدُ فِيهَا التَّقْوَى الْكَثِيرُ وَ يُوصَى بِهِ
٩٢٠.....	١-٨- عَلَى أَىِّ حَالٍ كُنْتَ عَلَيْهِ
٩٢٤.....	٢-٨- فِي أَمْرِ اللَّهِ، فِي خَاصَّةِ نَفْسِكَ، فِي كُلِّ شَيْءٍ، فِي حَقِّ النَّاسِ،
٩٣٠.....	٣-٨- الْبَيْعُ، التَّجَارَةُ، الْمَالُ، الطَّيْبَةُ، الْحُكُومَةُ، أَخْذُ الصَّدَقَاتِ لِلْوَالِي، الْمَكَاسِبُ،
٩٤٠.....	٤-٨- الْعِبَادَاتُ
٩٤٤.....	٥-٨- عِنْدَ مَا حَرَّمَ اللَّهُ، عِنْدَ الشَّهَوَاتِ وَ اللَّذَاتِ وَ النِّعَمَاتِ، عِنْدَ الشُّبُهَاتِ
٩٤٦.....	٦-٨- الْفِتْنَةُ وَ الْفَقْرُ وَ الْأَذَى
٩٤٦.....	٧-٨- تَجَاهَ النَّاسِ
٩٤٨.....	٨-٨- السَّفِيرُ، الْعَمَلُ، الْكَلَامُ، اللَّبَاسُ
٩٥٠.....	٩-٨- أَحَقَّ النَّاسِ بِالْوَرَعِ وَ التَّقْوَى
٩٥٢.....	١٠-٨- الْأَوْقَاتُ
٩٥٦.....	الفصل التاسع: ثَمَرَاتُ التَّقْوَى
٩٥٦.....	١-٩- الصِّفَاتُ الَّتِي تُوَلَّدُ مِنْ رِعَايَةِ التَّقْوَى
٩٧٨.....	٢-٩- ثَمَرَاتُ التَّقْوَى فِي الدُّنْيَا
١٠٤٨.....	٣-٩- ثَمَرَاتُ التَّقْوَى فِي الْآخِرَةِ

﴿فهرست مختصر﴾

۳-۶	غفلت، مستی نعمت، فراموشی، مسلط شدن نادانی	۸۵۵
۴-۶	کم کاری	۸۵۷
۵-۶	دنیا، حرص، طمع، زیاده طلبی	۸۵۹
۶-۶	گمراهی و خارج شدن از جاده ی حق	۸۶۵
۷-۶	در مقابل خدا و پیامبر ﷺ	۸۶۵
۸-۶	در مقابل مردم	۸۷۱
۹-۶	در مقابل خود	۸۸۱
۱۰-۶	گناهان مربوط به شکم و شهوترانی	۸۸۵
۱۱-۶	گناهان زبان	۸۸۵
۱۲-۶	گناهان مالی	۸۹۳
فصل ۷: درجات پرهیزکاری و طبقات پرهیزکاران		
۱-۷	پرهیزکاری دارای درجات است	۸۹۷
۲-۷	برادران را بر مبنای پرهیزکاری شان دوست بدار	۸۹۷
۳-۷	پرهیزکاری عام، پرهیزکاری خاص، پرهیزکاری خاصّ الخاص	۸۹۷
۴-۷	پرهیزکاری خاص و عام	۸۹۹
۵-۷	پرهیزکاری نهان و آشکار	۸۹۹
فصل ۸: مواضعی که در آن رعایت تقوا بیشتر تأکید و سفارش شده است		
۱-۸	در همه ی حالات	۹۲۱
۲-۸	مسائل مربوط به خدا، خودت، همه چیز و مردم	۹۲۵
۳-۸	تجارت، خرید و فروش، مال، طبابت، حکومت، دریافت حقوق بیت المال، کسب و کار	۹۳۱
۴-۸	عبادات	۹۴۱
۵-۸	محرمات، شهوت ها، لذت ها، نعمت ها، شبهه ها	۹۴۵
۶-۸	فتنه و فقر و آزار	۹۴۷
۷-۸	در مقابل دیگران	۹۴۷
۸-۸	سفر، عمل، گفتار، لباس	۹۴۹
۹-۸	سزاوارترین مردم به رعایت ورع و پرهیزکاری	۹۵۱
۱۰-۸	زمان های سفارش شده	۹۵۳
فصل ۹: ثمرات و نتایج تقوا		
۱-۹	صفاتی که از رعایت پرهیزکاری نتیجه می شود	۹۵۷
۲-۹	نتایج پرهیزکاری در دنیا	۹۷۹
۳-۹	نتایج پرهیزکاری در آخرت	۱۰۴۹

﴿الفهرسُ الموجز﴾

١١٣٦	الفصلُ العاشرُ: عَوَاقِبُ فَقْدِ التَّقْوَى وَ مَفَارِقَتُهُ.....
١١٣٦	١٠-١- الصِّفَاتُ الَّتِي تُولَدُ مِنْ عَدَمِ رِعَايَةِ التَّقْوَى.....
١١٣٨	١٠-٢- عَوَاقِبُ فَقْدِ التَّقْوَى فِي الدُّنْيَا.....
١١٦٢	١٠-٣- عَوَاقِبُ فَقْدِ التَّقْوَى فِي الْآخِرَةِ.....
	الفصلُ الحادى عشر: أَهْلُ التَّقْوَى وَ الْمُتَّقُونَ وَ راجع: الفصلُ الثَّانِي؛ مِنْ عَلَامَاتِ الْأَنْبِيَاءِ وَ الْأُئِمَّةِ وَ الْأَوْلِيَاءِ.....
١١٧٠	١١-١- اللَّهُ.....
١١٧٢	١١-٢- رَسُولُ اللَّهِ ﷺ.....
١١٧٦	١١-٣- الْأُئِمَّةُ الْعَلَمَاءُ وَ الزَّهْرَاءُ ع.....
١٢٢٦	الفصلُ الثَّانِي عشر: التَّعَامُلُ مَعَ الْمُتَّقِينَ وَ الَّذِينَ لَا يَتَّقُونَ؛ وَ ثَمَرَاتُ مُصَاحَبَتِهِمْ.....
١٢٢٦	١٢-١- التَّعَامُلُ مَعَ الْمُتَّقِينَ.....
١٢٢٨	١٢-٢- ثَمَرَاتُ مُصَاحَبَةِ الْأَتْقِيَاءِ.....
١٢٢٨	١٢-٣- عَاقِبَةُ تَرْكِ مُصَاحَبَةِ الْأَتْقِيَاءِ.....
١٢٢٨	١٢-٤- التَّعَامُلُ مَعَ الَّذِينَ لَا يَتَّقُونَ.....

﴿فهرست مختصر﴾

فصل ۱۰: پی آمدهای نداشتن تقوا و جدایی از آن.....	۱۱۳۷
۱-۱۰- صفاتی که از نداشتن تقوا نتیجه می شود.....	۱۱۳۷
۲-۱۰- پیامد بی تقوایی در دنیا.....	۱۱۳۹
۳-۱۰- پیامدهای فقدان تقوا در جهان دیگر.....	۱۱۶۳
فصل ۱۱: اهل تقوا و پرهیزکاران.....	۱۱۷۱
۱-۱۱- خدا.....	۱۱۷۱
۲-۱۱- پیامبر ﷺ.....	۱۱۷۳
۳-۱۱- ائمه اطهار و حضرت زهرا ع.....	۱۱۷۷
فصل ۱۲: تعامل با پرهیزکاران و ناپرهیزکاران و نتیجه ی آن.....	۱۲۲۷
۱-۱۲- تعامل با پرهیزکاران.....	۱۲۲۷
۲-۱۲- ثمرات همنشینی با پرهیزکاران.....	۱۲۲۹
۳-۱۲- عاقبت ترک همنشینی با پرهیزکاران.....	۱۲۲۹
۴-۱۲- تعامل با ناپرهیزکاران.....	۱۲۲۹

الفهرس

٢١٠	الفصل الأول: ماهية التقوى؟
٢١٠	١-١- معاني التقوى والورع
٢١٠	١-١-١- الترمك وتولد: الفصل الثامن؛ ما يتقى عنه
٢١٠	١-١-١-١- ترك الحرام
٢١٠	١-١-١-٢- ترك الشهات فضلاً عن حرام
٢١٠	١-١-١-٣- ترك الشهوة
٢١٠	١-١-١-٤- ترك ما لا يعنى
٢١٠	١-١-١-٥- ترك ما تستحي من إظهاره فى علانيتك
٢١٢	١-١-١-٦- ترك فتح أبواب لا يدري كيف يعلقها
٢١٢	١-١-١-٧- ترك الحلال فضلاً عن الشهوة
٢١٢	١-١-١-٨- ترك ما لا بأس به
٢١٢	١-١-٢- التوبة
٢١٢	١-١-٣- الإجتنب
٢١٤	١-١-٣-١- تجنب الآثام
٢١٤	١-١-٣-٢- تجنب المآثم
٢١٤	١-١-٣-٣- اجتناب الشهوات
٢١٤	١-١-٣-٤- اجتناب المحرمات
٢١٦	١-١-٣-٥- اجتناب ما نهى عنه
٢١٦	١-١-٣-٦- مجانبة الشبه
٢١٦	١-١-٤- التجوع
٢١٦	١-١-٥- الحجز وراجع: الفصل الخامس؛ ثمرات التقوى؛ الحجز عن المعاصي
٢١٦	١-١-٦- الحذر
٢١٨	١-١-٧- الحرز
٢١٨	١-١-٨- الحفظ

فهرست

فصل ۱: چیستی پرهیزکاری و مفهوم آن.....	۲۱۱
۱-۱- معانی پرهیزکاری و ورع.....	۲۱۱
۱-۱-۱ ترک و ربه: فصل ۸؛ آنچه از آن باید پرهیز کرد.....	۲۱۱
۱-۱-۱-۱ ترک حرام.....	۲۱۱
۱-۱-۱-۲ ترک شبهات تا چه رسد به حرام.....	۲۱۱
۱-۱-۱-۳ ترک شهوات.....	۲۱۱
۱-۱-۱-۴ ترک امور بی‌اهمیت.....	۲۱۱
۱-۱-۱-۵ ترک آنچه از اظهارش در آشکار شرم می‌کند.....	۲۱۱
۱-۱-۱-۶ ترک بازکردن دری که راه بستن آن را نمی‌دانی.....	۲۱۳
۱-۱-۱-۷ ترک حلال تا چه رسد به موارد شبهه‌ناک.....	۲۱۳
۱-۱-۱-۸ ترک آنچه در آن مشکلی نیست.....	۲۱۳
۱-۱-۲ توبه.....	۲۱۳
۱-۱-۳ پرهیز.....	۲۱۳
۱-۱-۳-۱ پرهیز از گناهان.....	۲۱۵
۱-۱-۳-۲ پرهیز از گناهان.....	۲۱۵
۱-۱-۳-۳ پرهیز از شهوات.....	۲۱۵
۱-۱-۳-۴ پرهیز از محرمات.....	۲۱۵
۱-۱-۳-۵ پرهیز از منہیات.....	۲۱۷
۱-۱-۳-۶ پرهیز از شبهات.....	۲۱۷
۱-۱-۴ گرسنگی.....	۲۱۷
۱-۱-۵ پرهیز و ربه: فصل ۵؛ نتایج پرهیزکاری؛ پرهیز از نافرمانی.....	۲۱۷
۱-۱-۶ پرهیز.....	۲۱۷
۱-۱-۷ حفاظت.....	۲۱۹
۱-۱-۸ حفظ.....	۲۱۹

﴿الفهرس﴾

٢١٨.....	١-١٨-١- حِفْظُ اللِّسَانِ.....
٢٢٠.....	١-١٨-٢- حِفْظُ الْجَوَارِحِ.....
٢٢٠.....	١-١-٩- الرِّعَايَةُ لِحُدُودِ اللَّهِ.....
٢٢٢.....	١-١-١٠- المِرَاقَبَةُ.....
٢٢٢.....	١-١-١١- الرِّقْضُ.....
٢٢٢.....	١-١-١١-١- رُقْضُ كُلِّ عَيْبَةٍ.....
٢٢٢.....	١-١-١١-٢- رُقْضُ الدُّنْيَا.....
٢٢٢.....	١-١-١٢- رِيَاضَةُ النَّفْسِ.....
٢٢٤.....	١-١-١٣- التَّزْكِيَةُ.....
٢٢٤.....	١-١-١٤- الزَّمَامُ.....
٢٢٤.....	١-١-١٤-١- زِمَامُ اللِّسَانِ.....
٢٢٤.....	١-١-١٤-٢- زِمَامُ النَّفْسِ وَ لِجَامُهَا.....
٢٢٤.....	١-١-١٥- الزُّهْدُ.....
٢٢٨.....	١-١-١٥-١- تَمَامُ الزُّهْدِ.....
٢٢٨.....	١-١-١٥-٢- غَايَةُ الزُّهْدِ.....
٢٢٨.....	١-١-١٦- الصَّبْرُ.....
٢٣٠.....	١-١-١٦-١- الصَّبْرُ عَنِ الْمَعْصِيَةِ.....
٢٣٠.....	١-١-١٧- صِبَاغَةُ النَّفْسِ.....
٢٣٠.....	١-١-١٨- الصِّفَاءُ.....
٢٣٠.....	١-١-١٩- الطَّهَارَةُ.....
٢٣٠.....	١-١-١٩-١- طَهَارَةُ الْعِبَادَةِ.....
٢٣٠.....	١-١-١٩-٢- التَّطَهِيرُ عَنِ الْمَعَاصِي.....
٢٣٠.....	١-١-٢٠- الطَّيِّبُ.....
٢٣٢.....	١-١-٢١- غُرُوفُ النَّفْسِ.....
٢٣٢.....	١-١-٢٢- الْعَزَلَةُ.....
٢٣٢.....	١-١-٢٣- الْعِصْمَةُ.....
٢٣٢.....	١-١-٢٤- الْعَقَافُ.....
٢٣٤.....	١-١-٢٥- الْعَمَلُ بِالتَّقِيَّةِ.....
٢٣٤.....	١-١-٢٦- غَضُّ الطَّرْفِ.....
٢٣٤.....	١-١-٢٧- غَلَبَةُ الشَّهْوَةِ.....
٢٣٤.....	١-١-٢٨- الْإِنْفِرَادُ.....

﴿فهرست﴾

۲۱۹.....	۱-۱۸۱- حفظ زبان
۲۲۱.....	۱-۱۸۲- حفظ اعضای بدن
۲۲۱.....	۱-۱۹- رعایت حدود الهی
۲۲۳.....	۱-۱۱۰- مراقبت
۲۲۳.....	۱-۱۱۱- کنارزدن
۲۲۳.....	۱-۱۱۱-۱- کنارزدن هر عیب
۲۲۳.....	۱-۱۱۱-۲- کنارزدن دنیا
۲۲۳.....	۱-۱۱۲- ریاضت و تمرین خودسازی
۲۲۵.....	۱-۱۱۳- پاکی
۲۲۵.....	۱-۱۱۴- لگامزدن
۲۲۵.....	۱-۱۱۴-۱- مهارزدن به زبان
۲۲۷.....	۱-۱۱۴-۲- مهار و لگامزدن به نفس
۲۲۷.....	۱-۱۱۵- بی‌رغبتی
۲۲۹.....	۱-۱۱۵-۱- کمال بی‌رغبتی
۲۲۹.....	۱-۱۱۵-۲- نهایت بی‌رغبتی
۲۲۹.....	۱-۱۱۶- صبر
۲۳۱.....	۱-۱۱۶-۱- خویشن‌داری از گناه
۲۳۱.....	۱-۱۱۷- نگه‌داری نفس
۲۳۱.....	۱-۱۱۸- پاکی
۲۳۱.....	۱-۱۱۹- پاکی
۲۳۱.....	۱-۱۱۹-۱- نیت پاک در عبادت
۲۳۱.....	۱-۱۱۹-۲- پاک‌بودن از گناهان
۲۳۱.....	۱-۱۲۰- پاکی
۲۳۳.....	۱-۱۲۱- برکناربودن از همراهی نفس
۲۳۳.....	۱-۱۲۲- گوشه‌گیری
۲۳۳.....	۱-۱۲۳- عصمت و پاکی
۲۳۳.....	۱-۱۲۴- پاک‌دامنی
۲۳۵.....	۱-۱۲۵- عمل به تقیه
۲۳۵.....	۱-۱۲۶- فروانداختن چشم
۲۳۵.....	۱-۱۲۷- غلبه بر شهوت
۲۳۵.....	۱-۱۲۸- جدایی از جمع

﴿الفهرس﴾

- ٢٣٩-١-١-٢٩- مُفَارَقَةُ جَمِيعِ مَا لَا يَغْنِيهِ..... ٢٣٤
- ٢٣٩-١-٣٠- الْقَدْعُ عَنِ الْمَعْصِيَةِ..... ٢٣٤
- ٢٣٩-١-٣١- الْقَنَاعَةُ..... ٢٣٦
- ٢٣٩-١-٣٢- الْكَفُّ..... ٢٣٦
- ٢٣٩-١-٣٢-١- كَفُّ الْأَيْدِي..... ٢٣٦
- ٢٣٩-١-٣٢-٢- الْكَفُّ عَنِ أَذَى الْمُؤْمِنِينَ وَاعْتِيَابِهِمْ..... ٢٣٦
- ٢٣٩-١-٣٢-٣- الْكَفُّ عَنِ الْمَحَارِمِ..... ٢٣٦
- ٢٣٩-١-٣٢-٤- الْكَفُّ عَنِ الْمَطَالِبِ..... ٢٣٨
- ٢٣٩-١-٣٣- نَزْعُ الْقَبَادِ مِنْ يَدِ الشَّيْطَانِ..... ٢٣٨
- ٢٣٩-١-٣٤- النَّزَاهَةُ..... ٢٣٨
- ٢٣٩-١-٣٤-١- التَّقْوَى جَمَاعُ النَّزْهِ..... ٢٣٨
- ٢٣٩-١-٣٤-٢- التَّقْوَى مِنَ الذُّنُوبِ وَالتَّزَهُ عَنِ الْعُيُوبِ..... ٢٣٨
- ٢٣٩-١-٣٤-٣- التَّزَهُ أَصْلُ الْوَرَعِ..... ٢٣٨
- ٢٣٩-١-٣٤-٤- التَّزَهُ مِنْ لَوَازِمِ الْوَرَعِ..... ٢٣٨
- ٢٣٩-١-٣٤-٥- التَّوَرُّعُ عَنِ الذُّنُوبِ وَالتَّزَهُ عَنِ الْعُيُوبِ..... ٢٣٨
- ٢٣٩-١-٣٤-٦- الرَّجُلُ حَسَنُ الْوَرَعِ مُتَزَهُ عَنِ الطَّمَعِ..... ٢٣٨
- ٢٣٩-١-٣٤-٧- الْمُتَوَرَّعُونَ فِي مَكَاسِيهِمْ وَ الْمُتَزَهُونَ فِي مَذَاهِبِهِمْ..... ٢٣٨
- ٢٣٩-١-٣٤-٨- النَّزَاهَةُ ثَمَرَةُ التَّوَرُّعِ..... ٢٤٠
- ٢٣٩-١-٣٤-٩- النَّزَاهَةُ دَلِيلُ الْوَرَعِ..... ٢٤٠
- ٢٣٩-١-٣٤-١٠- أَوْرَعَ النَّاسِ أَنْزَهُهُمْ..... ٢٤٠
- ٢٣٩-١-٣٥- بِالْوَرَعِ يَكُونُ التَّزَهُ..... ٢٤٠
- ٢٣٩-١-٣٦- لَا نَزَاهَةَ كَالْتَّوَرُّعِ..... ٢٤٠
- ٢٣٩-١-٣٧- مُتَزَهُ مُتَوَرَّعٌ..... ٢٤٠
- ٢٣٩-١-٣٨- الْوَرَعُ مَنْ نَزَهَتْ نَفْسُهُ..... ٢٤٠
- ٢٣٩-١-٣٩- النِّقَاوَةُ..... ٢٤٠
- ٢٣٩-١-٤٠- الْإِنْتِهَاءُ..... ٢٤٠
- ٢٣٩-١-٤١- الْوَدَاعُ..... ٢٤٢
- ٢٣٩-١-٤٢- التَّوَرُّعُ وَرَاجِعُ: الْفَصْلُ الثَّامِنُ؛ مَا يُتَّقَى وَ يُتَوَرَّعُ مِنْهُ؛ وَرَاجِعُ: هَذَا الْفَصْلُ: الْعَلَاقَةُ بَيْنَ التَّقْوَى وَ الْوَرَعِ..... ٢٤٢
- ٢٣٩-١-٤٣- الْوُقُوفُ، عَدَمُ الدُّخُولِ، الْخُرُوجُ..... ٢٤٢
- ٢٣٩-١-٤٣-١- الْوُقُوفُ عِنْدَ الشُّبْهَةِ..... ٢٤٢

﴿فهرست﴾

۲۳۵.....	۱-۱-۲۹- دوری از هرچه بی‌اهمیت است.....
۲۳۵.....	۱-۱-۳۰- بازداشتن از نافرمانی.....
۲۳۷.....	۱-۱-۳۱- قناعت.....
۲۳۷.....	۱-۱-۳۲- خویشتن‌داری.....
۲۳۷.....	۱-۱-۳۲-۱- دست بازداشتن.....
۲۳۷.....	۱-۱-۳۲-۲- خویشتن‌داری از آزار به مؤمنین و غیبت آنان.....
۲۳۷.....	۱-۱-۳۲-۳- دست‌کشیدن از محرمات.....
۲۳۹.....	۱-۱-۳۲-۴- خویشتن‌داری از درخواست از دیگران.....
۲۳۹.....	۱-۱-۳۳- بیرون کردن مهار از دست شیطان.....
۲۳۹.....	۱-۱-۳۴- پاکی.....
۲۳۹.....	۱-۱-۳۴-۱- تقوا، گردآورنده‌ی پاکی است.....
۲۳۹.....	۱-۱-۳۴-۲- تقوا از گناهان و پاکی از معایب.....
۲۳۹.....	۱-۱-۳۴-۳- پاکی ریشه‌ی ورع است.....
۲۳۹.....	۱-۱-۳۴-۴- پاکی از لوازم ورع است.....
۲۳۹.....	۱-۱-۳۴-۵- ورع از گناهان و پاکی از معایب.....
۲۳۹.....	۱-۱-۳۴-۶- دارنده‌ی ورع نیکو، از طمع پاک است.....
۲۳۹.....	۱-۱-۳۴-۷- در کسب اهل ورع و در روش زندگی پاک هستند.....
۲۴۱.....	۱-۱-۳۴-۸- پاکی نتیجه‌ی ورع.....
۲۴۱.....	۱-۱-۳۴-۹- پاکی نشانه‌ی ورع.....
۲۴۱.....	۱-۱-۳۴-۱۰- پرهیزکارترین مردم، پاک‌ترین آن‌هاست.....
۲۴۱.....	۱-۱-۳۵- پاکی با ورع حاصل می‌شود.....
۲۴۱.....	۱-۱-۳۶- هیچ پاکی مثل ورع نیست.....
۲۴۱.....	۱-۱-۳۷- پاک پرهیزکار.....
۲۴۱.....	۱-۱-۳۸- پرهیزکار آن است که نفسش را پاک کند.....
۲۴۱.....	۱-۱-۳۹- پاکی.....
۲۴۱.....	۱-۱-۴۰- بازایستادن.....
۲۴۳.....	۱-۱-۴۱- بدرودگفتن.....
۲۴۲.....	۱-۱-۴۲- پرهیزکاری و ر.ب.ه: فصل ۸؛ آنچه از آن باید پرهیز کرد؛ و ر.ب.ه: همین فصل، رابطه‌ی
۲۴۳.....	بین تقوا و ورع.....
۲۴۳.....	۱-۱-۴۳- توقف، داخل نشدن، خارج شدن.....
۲۴۳.....	۱-۱-۴۳-۱- توقف نزد شبهات.....

﴿الفهرس﴾

- ٢٤٢..... ١-١-٤٣-٢ إذا ارتفع له الباب من الحرام لم يدخل فيه
- ٢٤٢..... ١-١-٤٣-٣ الخروج من كل شبهة
- ٢٤٤..... ١-١-٤٤-١ الإتياء وراجع: الفصل الثامن؛ ما يتقى منه
- ٢٤٤..... ١-١-٤٥-١ اليأس
- ٢٤٤..... ١-١-٤٦-١ الخوف، الخشية، الرهبة، النذر
- ٢٤٤..... ١-١-٤٦-١ الخشية
- ٢٤٤..... ١-١-٤٦-٢ الخوف
- ٢٤٨..... ١-١-٤٦-٣ الرهبة
- ٢٥٠..... ١-١-٤٦-٤ النذر
- ٢٥٠..... ١-٢-١ العلاقة بين التقوى والورع
- ٢٥٠..... ١-٢-١ قرن الورع بالتقى
- ٢٥٠..... ١-٢-٢ نعم رفيق التقوى الورع
- ٢٥٠..... ١-٢-٣ الورع أساس التقوى
- ٢٥٠..... ١-٢-٤ الورع شعار الأتقياء
- ٢٥٠..... ١-٢-٥ الورع من التقوى
- ٢٥٠..... ١-٢-٦ الورع من علامات المتقين
- ٢٥٢..... ١-٢-٧ كن تقياً تكن أروع الناس
- ٢٥٢..... ١-٢-٨ كثرة التقى عنوان وفور الورع
- ٢٥٢..... ١-٢-٩ الورع التقى
- ٢٥٢..... ١-٢-١٠ ورع تقى
- ٢٥٢..... ١-٢-١١ الورع والتقوى؛ التقى والورع
- ٢٥٤..... ١-٢-١٢ اتقوا الله؛ عليكم بالورع
- ٢٥٤..... ١-٢-١٣ فاتقوا الله وأعينوا على ذلك بورع
- ٢٥٤..... ١-٢-١٤ اتقى الله واعتصم بجبال الورع
- ٢٥٤..... ١-٢-١٥ اتقيت المحرمات وتورعت عن الشبهات
- ٢٥٤..... ١-٢-١٦ الورع أحسن اللباس والتقوى خير الذخر
- ٢٥٤..... ١-٢-١٧ صيانة الدين بالورع وقوة التقى
- ٢٥٤..... ١-٢-١٨ حسن التقوى وصدق الورع
- ٢٥٤..... ١-٢-١٩ ورع الأتقياء
- ٢٥٤..... ١-٢-٢٠ بتورع عن محارم الله ويتقى الشبهات
- ٢٥٤..... ١-٢-٢١ يفسد الطمع الورع والفجور التقوى

﴿فهرست﴾

۲۴۳.....	۱-۱-۴۳-۲- اگر در حرام برایش باز شود داخل نمی‌شود.....
۲۴۳.....	۱-۱-۴۳-۳- خارج شدن از هر شبهه.....
۲۴۵.....	۱-۱-۴۴- پرهیزکاری و ربه: فصل ۸؛ آنچه از آن باید پرهیز کرد.....
۲۴۵.....	۱-۱-۴۵- ناامیدی (از غیر خدا).....
۲۴۵.....	۱-۱-۴۶- ترس و هراس و بیم و واهمه.....
۲۴۵.....	۱-۱-۴۶-۱- ترس.....
۲۴۷.....	۱-۱-۴۶-۲- بیم.....
۲۴۹.....	۱-۱-۴۶-۳- بیم.....
۲۵۱.....	۱-۱-۴۶-۴- بیم.....
۲۵۱.....	۱-۲- رابطه‌ی تقوا و ورع.....
۲۵۱.....	۱-۲-۱- ورع، هم‌نشین تقواست.....
۲۵۱.....	۱-۲-۲- ورع همراه خوبی برای تقواست.....
۲۵۱.....	۱-۲-۳- ورع اساس تقواست.....
۲۵۱.....	۱-۲-۴- ورع شعار اهل تقواست.....
۲۵۱.....	۱-۲-۵- ورع از تقواست.....
۲۵۱.....	۱-۲-۶- ورع از نشانه‌های اهل تقواست.....
۲۵۳.....	۱-۲-۷- با تقوا باش تا باورترین مردم باشی.....
۲۵۳.....	۱-۲-۸- فراوانی تقوا نشانه‌ی فراوانی ورع است.....
۲۵۳.....	۱-۲-۹- اهل ورع پرهیزکار.....
۲۵۳.....	۱-۲-۱۰- اهل ورع پرهیزکار.....
۲۵۳.....	۱-۲-۱۱- ورع و تقوا؛ تقوا و ورع.....
۲۵۵.....	۱-۲-۱۲- از خدا پروا کنید؛ بر شما باد به ورع.....
۲۵۵.....	۱-۲-۱۳- تقوا پیشه کنید و ما را با ورع داشتن کمک کنید.....
۲۵۵.....	۱-۲-۱۴- تقوا پیشه کند و به ریسمان ورع چنگ بزند.....
۲۵۵.....	۱-۲-۱۵- در محرمات تقوا پیشه کن و در شبهات ورع داشته باش.....
۲۵۷.....	۱-۲-۱۶- ورع بهترین لباس، و تقوا بهترین توشه.....
۲۵۷.....	۱-۲-۱۷- حفاظت از دین با ورع و نیروی تقوا.....
۲۵۷.....	۱-۲-۱۸- تقوای خوب، ورع صادقانه.....
۲۵۷.....	۱-۲-۱۹- ورع متقین.....
۲۵۷.....	۱-۲-۲۰- ورع از محرمات و تقوا از شبهات.....
۲۵۷.....	۱-۲-۲۱- طمع، ورع را فاسد می‌کند و گناه، تقوا را.....

﴿الفهرس﴾

- ٢٥٦.....١-٣-١ تفسيرُ التقوى وَ الْوَرَعُ
- ٢٥٦.....١-٣-١ أَنْ لَا يَفْقِدَكَ اللَّهُ حَيْثُ أَمَرَكَ وَلَا يَرَاكَ حَيْثُ نَهَاكَ
- ٢٥٦.....١-٣-٢ إِيَّاكَ أَنْ يَرَاكَ اللَّهُ تَعَالَى عِنْدَ مَعْصِيَتِهِ أَوْ يَفْقِدَكَ عِنْدَ طَاعَتِهِ
- ٢٥٦.....١-٣-٣ تَرَكُ مَا لَيْسَ بِأَخْذِهِ بِأَسْ حَذَرًا عَمَّا بِهِ بِأَسْ
- ٢٥٨.....١-٣-٤ أَفْضَلُ الْوَرَعِ أَنْ لَا تُبْدِيَ فِي خَلْوَتِكَ مَا تَسْتَحْيِي مِنْ إِظْهَارِهِ فِي عِلَانِيَتِكَ
- ٢٥٨.....١-٣-٥ تَمَامُ التَّقْوَى أَنْ تَتَعَلَّمَ مَا جَهِلْتَ وَ تَعْمَلَ بِمَا عَلِمْتَ
- ٢٥٨.....١-٣-٦ جَمَاعُ التَّقْوَى الْعَدْلُ وَالْإِحْسَانُ
- ٢٥٨.....١-٤-١ وَضُوحُ التَّقْوَى وَ سَهُولَتُهُ
- ٢٥٨.....١-٤-١ مَسْلُكُهَا وَاضِحٌ
- ٢٥٨.....١-٤-٢ أَهْوَنُ
- ٢٥٨.....١-٤-٣ مَا شَيْءٌ أَهْوَنُ مِنْ وَرَعٍ
- ٢٥٨.....١-٤-٤ مَطَايَا ذُلٍّ
- ٢٦٠.....١-٤-٥ لَمْ يُشَدِّدْ عَلَيْكَ
- ٢٦٠.....١-٥-١ تَعْرِيفُ التَّقْوَى وَ تَمْثِيلُهُ
- ٢٦٠.....١-٥-١ التَّجَارَةُ، الزَّرَاعَةُ
- ٢٦٠.....١-٥-١-١ التَّجَارَةُ
- ٢٦٠.....١-٥-١-٢ الزَّرَاعَةُ
- ٢٦٠.....١-٥-٢ الجُنَّةُ، الْحِرْزُ، الْحِصْنُ، الْعِصْمَةُ، السَّقِينَةُ
- ٢٦٠.....١-٥-٢-١ الجُنَّةُ
- ٢٦٠.....١-٥-٢-٢ الْحِرْزُ
- ٢٦٢.....١-٥-٢-٣ الْحِصْنُ
- ٢٦٢.....١-٥-٢-٤ الْعِتَادُ
- ٢٦٢.....١-٥-٢-٥ الْعِصْمَةُ
- ٢٦٢.....١-٥-٢-٦ الْمَعْقِلُ
- ٢٦٢.....١-٥-٢-٧ السَّقِينَةُ
- ٢٦٢.....١-٥-٢-٨ الْمَعَادُ
- ٢٦٤.....١-٥-٢-٩ ثِقَةُ الْهَارِبِ
- ٢٦٤.....١-٥-٣ حُبُّ عَلَى اللَّهِ وَ لَا يُتُهُ
- ٢٦٤.....١-٥-٤ الْحَبْلُ، الْغُرُوءُ
- ٢٦٤.....١-٥-٤-١ الْحَبْلُ

﴿فهرست﴾

۱-۳- تفهیر تقوا و ورع.....	۲۵۷
۱-۳-۱- اینکه خداوند تو را در کنار دستورها حاضر ببیند و در موارد نهی، تو را نبیند.....	۲۵۷
۱-۳-۲- مبادا خدا تو را در حال نافرمانی ببیند یا در جایی که باید اطاعتش کنی، تو را نیابد.....	۲۵۷
۱-۳-۳- ترک آنچه بی‌اشکال است که مبادا به حرام منجر شود.....	۲۵۷
۱-۳-۴- بهترین ورع این است که آنچه را از اظهارش در آشکار حیا می‌کنی، در خلوت آشکار نکنی.....	۲۵۹
۱-۳-۵- تمام تقوا همین است که آنچه نمی‌دانی بیاموزی و آنچه آموختی عمل کنی.....	۲۵۹
۱-۳-۶- همه‌ی تقوا عدل و احسان است.....	۲۵۹
۱-۴- روشنی و آسانی تقوا.....	۲۵۹
۱-۴-۱- راهش روشن است.....	۲۵۹
۱-۴-۲- آسان‌ترین.....	۲۵۹
۱-۴-۳- هیچ‌چیز آسان‌تر از ورع نیست.....	۲۵۹
۱-۴-۴- مرکب رهوار.....	۲۵۹
۱-۴-۵- بر تو سخت نمی‌گیرد.....	۲۶۱
۱-۵- تعریف تقوا و تمثیل آن.....	۲۶۱
۱-۵-۱- تجارت، زراعت.....	۲۶۱
۱-۵-۱-۱- تجارت.....	۲۶۱
۱-۵-۱-۲- زراعت.....	۲۶۱
۱-۵-۲- سپر، محافظ، قلعه، کشتی، پناهگاه.....	۲۶۱
۱-۵-۲-۱- سپر.....	۲۶۱
۱-۵-۲-۲- محافظ.....	۲۶۱
۱-۵-۲-۳- قلعه.....	۲۶۳
۱-۵-۲-۴- پناهگاه.....	۲۶۳
۱-۵-۲-۵- عصمت.....	۲۶۳
۱-۵-۲-۶- دژ.....	۲۶۳
۱-۵-۲-۷- کشتی.....	۲۶۳
۱-۵-۲-۸- پناهگاه.....	۲۶۳
۱-۵-۲-۹- پناهگاه فراریان.....	۲۶۵
۱-۵-۳- محبت علی علیه السلام و ولایت او.....	۲۶۵
۱-۵-۴- ریسمان، دستگیره.....	۲۶۵
۱-۵-۴-۱- ریسمان.....	۲۶۵

﴿الفهرس﴾

٢٦٤	١-٥-٤-٢- لها حَبْلٌ وَتَبِقُ غُرُوتُهُ وَ مَعْقِلٌ مَنِيْعٌ ذُرُوتُهُ.....
٢٦٤	١-٥-٤-٣- سَبَبُ بَيْنِكَ وَ بَيْنَ اللَّهِ.....
٢٦٤	١-٥-٤-٤- الوسيلةُ إلى الله.....
٢٦٤	١-٥-٤-٥- العُرْوَةُ.....
٢٦٤	١-٥-٥- الحَسَبُ وَ النَّسَبُ.....
٢٦٤	١-٥-٥-١- الحَسَبُ.....
٢٦٤	١-٥-٥-٢- النَّسَبُ.....
٢٦٤	١-٥-٥- الحَقُّ وَ راجع: المرادفات.....
٢٦٤	١-٥-٥-١- أَصْلُ كُلِّ حَقٍّ.....
٢٦٤	١-٥-٥-٢- حَقُّ اللَّهِ عَلَيْكُمْ.....
٢٦٤	١-٥-٥-٧- الحِكْمَةُ، الْعِلْمُ وَ راجع: المرادفات.....
٢٦٤	١-٥-٥-١- حِكْمَةُ الْعِلْمِ.....
٢٦٨	١-٥-٥-٢- الحِكْمَةُ الْكُبْرَى.....
٢٦٨	١-٥-٥-٣- الحِكْمَةُ.....
٢٦٨	١-٥-٥-٤- مِيزَانُ كُلِّ عِلْمٍ وَ حِكْمَةٍ.....
٢٦٨	١-٥-٥-٥- الْفِقْه.....
٢٦٨	١-٥-٥-٨- التَّقْوَى حَاجَةُ الْخَالِقِ مِنْ خَلْقِهِ.....
٢٦٨	١-٥-٥-٩- الْخُبْرُ بَيْنَ الطَّعَامِ.....
٢٦٨	١-٥-٥-١٠- الْخُلُقُ، الْخُلَّةُ، السَّجِيَّةُ، الشَّيْمَةُ.....
٢٦٨	١-٥-٥-١٠-١- الْخُلُقُ.....
٢٦٨	١-٥-٥-١٠-١-١- خُلُقُ الْأَنْبِيَاءِ.....
٢٧٠	١-٥-٥-١٠-١-٢- رَكِيسُ الْأَخْلَاقِ.....
٢٧٠	١-٥-٥-١٠-١-٣- أَزِينُ الْأَخْلَاقِ.....
٢٧٠	١-٥-٥-١٠-١-٤- مَكَارِمُ الْأَخْلَاقِ.....
٢٧٠	١-٥-٥-١٠-١-٥- خَيْرُ الْأَخْلَاقِ.....
٢٧٠	١-٥-٥-١٠-٢- الْخُلَّةُ.....
٢٧٠	١-٥-٥-١٠-٣- السَّجِيَّةُ.....
٢٧٠	١-٥-٥-١٠-٤- الشَّيْمَةُ.....
٢٧٠	١-٥-٥-١٠-٤-١- شَيْمَةُ الْفَقِيهِ.....
٢٧٠	١-٥-٥-١٠-٤-٢- شَيْمَةُ الْمُخْلِصِينَ.....
٢٧٢	١-٥-٥-١١- دَوَاءُ دَاءٍ قُلُوبِكُمْ.....

﴿فهرست﴾

۲۶۵.....	۱-۵-۴-۲- تقوا ریسمانی با دستگیره‌ی محکم و قلعه‌ای با قلعه‌ی بلند دارد
۲۶۵.....	۱-۵-۴-۳- واسطه‌ی بین تو و خدا
۲۶۵.....	۱-۵-۴-۴- وسیله‌ی رسیدن به خدا
۲۶۷.....	۱-۵-۴-۵- دستگیره
۲۶۷.....	۱-۵-۵- ریشه‌ی خانوادگی
۲۶۷.....	۱-۵-۵-۱- ریشه‌ی خانوادگی
۲۶۷.....	۱-۵-۵-۲- ریشه‌ی خانوادگی
۲۶۷.....	۱-۵-۶- حق و حقیقت و ر.به: مترادفات
۲۶۷.....	۱-۵-۶-۱- اصل همه‌ی حقیقت
۲۶۷.....	۱-۵-۶-۲- حق خدا بر شما
۲۶۷.....	۱-۵-۷- حکمت، دانش؛ و ر.به: مترادفات
۲۶۷.....	۱-۵-۷-۱- حکمت و دانش
۲۶۹.....	۱-۵-۷-۲- بزرگ‌ترین حکمت
۲۶۹.....	۱-۵-۷-۳- حکمت
۲۶۹.....	۱-۵-۷-۴- ابزار سنجش هر دانش و حکمت
۲۶۹.....	۱-۵-۷-۵- دانش دقیق
۲۶۹.....	۱-۵-۸- تقوا خواسته‌ی پروردگار از مخلوقاتش است
۲۶۹.....	۱-۵-۹- نان در بین خوراکی‌ها
۲۶۹.....	۱-۵-۱۰- خُلق و خو
۲۶۹.....	۱-۵-۱۰-۱- خُلق
۲۶۹.....	۱-۵-۱۰-۱-۱- خُلق پیامبران
۲۷۱.....	۱-۵-۱۰-۱-۲- پیشوای خُلق و خواها
۲۷۱.....	۱-۵-۱۰-۱-۳- زیباترین اخلاق
۲۷۱.....	۱-۵-۱۰-۱-۴- اخلاق پسندیده
۲۷۱.....	۱-۵-۱۰-۱-۵- بهترین اخلاق
۲۷۱.....	۱-۵-۱۰-۲- خلق و خو
۲۷۱.....	۱-۵-۱۰-۳- خلق و خو
۲۷۱.....	۱-۵-۱۰-۴- خلق و خو
۲۷۱.....	۱-۵-۱۰-۴-۱- خلق و خوی فقیه
۲۷۱.....	۱-۵-۱۰-۴-۲- خلق و خوی مخلصان
۲۷۳.....	۱-۵-۱۱- دوی درد دل‌هایتان

﴿الفهرس﴾

٢٧٢.....	١٢-١-٥- الدِّينُ وَالسُّنَّةُ وَرَاجِعُ: المَرَادِفَاتُ
٢٧٢.....	١-١٢-٥- ما يَدَانُ اللّٰهَ بِهِ.....
٢٧٢.....	١-١٢-٥- الدِّينَانَةُ بِتَقْوَى اللّٰهِ.....
٢٧٢.....	١-١٢-٥- الدِّينُ الَّذِي يُقْبَلُ فِيهِ الْعَمَلُ.....
٢٧٤.....	١-١٢-٥- دِينَ الْأَئِمَّةِ عليه السلام
٢٧٤.....	١-١٢-٥- أَصْلُ الدِّينِ.....
٢٧٤.....	١-١٢-٥- ثَمَرَةُ الدِّينِ.....
٢٧٤.....	١-١٢-٥- جَمَاعُ الدِّينِ.....
٢٧٤.....	١-١٢-٥- خَيْرُ دِينٍ.....
٢٧٤.....	١-١٢-٥- دَلِيلُ دِينِ الْعَبْدِ.....
٢٧٤.....	١-١٢-٥- رَأْسُ الدِّينِ وَوَسْطُ الدِّينِ وَآخِرُ الدِّينِ.....
٢٧٤.....	١-١٢-٥- صَلَاحُ الدِّينِ.....
٢٧٤.....	١-١٢-٥- عِمَادُ الدِّينِ.....
٢٧٤.....	١-١٢-٥- أَفْضَلُ الدِّينِ.....
٢٧٤.....	١-١٢-٥- عَوْنُ الدِّينِ.....
٢٧٤.....	١-١٢-٥- كَمَالُ الدِّينِ.....
٢٧٤.....	١-١٢-٥- مِلَاكُ الدِّينِ.....
٢٧٤.....	١-١٢-٥- لَا دِينَ لِمَنْ لَا وَرَعَ لَهُ.....
٢٧٤.....	١-١٢-٥- مِنْ سُنَنِ الْمُرْسَلِينَ.....
٢٧٨.....	١٣-١-٥- الذِّكْرُ، الْقَوْلُ، الشَّهَادَتَيْنِ.....
٢٧٨.....	١-١٣-٥- قَوْلُ شَهَادَةِ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَأَنَّ مُحَمَّدًا رَسُولُ اللَّهِ.....
٢٧٨.....	١-١٣-٥- كَلِمَةُ التَّقْوَى لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَاللَّهُ أَكْبَرُ.....
٢٧٨.....	١-١٣-٥- قَوْلُ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ.....
٢٧٨.....	١٤-١-٥- الزَّادُ.....
٢٨٤.....	١-١٤-٥- زَادُ التَّقْوَى.....
٢٨٤.....	١-١٤-٥- خَيْرُ زَادٍ.....
٢٨٤.....	١-١٤-٥- خَيْرُ مَا تَزَوَّدْتَ.....
٢٨٤.....	١-١٤-٥- خَيْرُ مَا تَزَوَّدْتُمُوهُ.....
٢٨٤.....	١-١٤-٥- لَمْ يُتَزَوَّدْ مِثْلَ التَّقْوَى زَادٌ.....
٢٨٤.....	١-١٤-٥- لَا خَيْرَ فِي أَرْوَاحِهَا إِلَّا التَّقْوَى.....
٢٨٤.....	١-١٤-٥- مَا ادَّخَرَ لَهُ فِي الْآخِرَةِ.....

﴿فهرست﴾

۲۷۳.....	۱۲-۱-۵- دین و سنت؛ و.ر.به: مترادفات
۲۷۳.....	۱-۱۲-۵- آنچه بدان فرمان خدا اجرا می‌شود.....
۲۷۳.....	۲-۱۲-۵- دینداری با رعایت تقوا.....
۲۷۳.....	۳-۱۲-۵- دینی که خدا با آن عمل را می‌پذیرد.....
۲۷۵.....	۴-۱۲-۵- دین امامان (علیهم‌السلام).....
۲۷۵.....	۵-۱۲-۵- ریشه‌ی دین.....
۲۷۵.....	۶-۱۲-۵- نتیجه‌ی دین.....
۲۷۵.....	۷-۱۲-۵- همه‌ی دین.....
۲۷۵.....	۸-۱۲-۵- بهترین دین.....
۲۷۷.....	۹-۱۲-۵- نشانه‌ی دین بنده.....
۲۷۷.....	۱۰-۱۲-۵- اول دین، وسط دین، آخر دین.....
۲۷۷.....	۱۱-۱۲-۵- صلاح دین.....
۲۷۷.....	۱۲-۱۲-۵- ستون دین.....
۲۷۷.....	۱۳-۱۲-۵- بهترین دین.....
۲۷۷.....	۱۴-۱۲-۵- یاور دین.....
۲۷۷.....	۱۵-۱۲-۵- کمال دین.....
۲۷۷.....	۱۶-۱۲-۵- ملاک دین.....
۲۷۷.....	۱۷-۱۲-۵- کسی که ورع ندارد دین ندارد.....
۲۷۷.....	۱۸-۱۲-۵- از سنت‌های پیامبران.....
۲۷۹.....	۱۳-۱- ذکر، کلام، شهادتین.....
۲۷۹.....	۱-۱۳-۵- شهادت به توحید و نبوت.....
۲۷۹.....	۲-۱۳-۵- کلمه‌ی تقوا «لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ» وَ «اللَّهُ أَكْبَرُ» است.....
۲۷۹.....	۳-۱۳-۵- لفظ «لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ».....
۲۷۹.....	۱۴-۵- توشه.....
۲۸۵.....	۱-۱۴-۵- توشه‌ی تقوا.....
۲۸۵.....	۲-۱۴-۵- بهترین توشه.....
۲۸۷.....	۳-۱۴-۵- بهترین توشه‌ای که برداشته‌ای.....
۲۸۷.....	۴-۱۴-۵- بهترین توشه‌ای که برداشته‌اید.....
۲۸۷.....	۵-۱۴-۵- توشه‌ای مثل تقوا برداشته نشده است.....
۲۸۷.....	۶-۱۴-۵- در توشه‌های دنیوی خیری نیست مگر تقوا.....
۲۸۷.....	۷-۱۴-۵- آنچه برای آخرت ذخیره می‌شود.....

﴿الفهرس﴾

٢٨٦	١-٥-١٤-٨	ذَخِيرَةُ مَعَادٍ
٢٨٦	١-٥-١٤-٩	عُدَّةُ الْإِسْلَامِ
٢٨٨	١-٥-١٤-١٠	عُدَّةُ الْإِيمَانِ
٢٨٨	١-٥-١٤-١١	عُدَّةُ الْوَفَاءِ
٢٨٨	١-٥-١٤-١٢	الذُّخْرُ
٢٨٨	١-٥-١٥	الزَّيْنَةُ
٢٩٠	١-٥-١٥-١	زِينَةُ الرَّفْقِ
٢٩٠	١-٥-١٥-٢	زِينَةُ الْإِسْلَامِ
٢٩٠	١-٥-١٥-٣	زَيْنُ الْمُسْلِمِينَ
٢٩٠	١-٥-١٥-٤	زَيْنُ الْإِيمَانِ
٢٩٠	١-٥-١٥-٥	زَيْنُ الْمُؤْمِنِ
٢٩٠	١-٥-١٥-٦	زَيْنُ الْكَلَامِ
٢٩٠	١-٥-١٥-٧	الْحَلِيَّةُ
٢٩٢	١-٥-١٥-٨	الشُّنُوفُ بَيْنَ الْحُلِيِّ
٢٩٢	١-٥-١٥-٩	الْجَمَالُ
٢٩٢	١-٥-١٥-١٠	جَمَالُ الدِّينِ
٢٩٢	١-٥-١٦	السَّخَاءُ وَالْكَرَمُ
٢٩٢	١-٥-١٦-١	السَّخَاءُ
٢٩٢	١-٥-١٦-٢	الْكَرَمُ
٢٩٤	١-٥-١٧	الشُّكْرُ
٢٩٤	١-٥-١٨	الضِّيَاءُ وَالنُّورُ
٢٩٤	١-٥-١٨-١	ضِيَاءُ سَوَادٍ ظَلَمْتَكُمْ
٢٩٤	١-٥-١٨-٢	النُّورُ
٢٩٤	١-٥-١٩	الطَّاعَةُ، الْعِبَادَةُ، إِجْلَالُ اللَّهِ وَرَاجِعُ الْمُرَادِفَاتِ
٢٩٤	١-٥-١٩-١	أَسَاسُ كُلِّ طَاعَةٍ مَقْبُولَةٍ
٢٩٤	١-٥-١٩-٢	الْعِبَادَةُ
٢٩٤	١-٥-١٩-٣	نِظَامُ الْعِبَادَةِ
٢٩٤	١-٥-١٩-٤	إِجْلَالُ اللَّهِ
٢٩٤	١-٥-١٩-٥	مَا تَسْتَظْهَرُ بِهِ
٢٩٤	١-٥-١٩-٦	مَا تَسْتَظْهَرُ بِهِ عَلَى عَدْوِكَ
٢٩٨	١-٥-١٩-٧	الْمُسْتَعَانُ عَلَى اللَّهِ

﴿فهرست﴾

۲۸۷.....	۱-۵-۱۴-۸- ذخیره‌ی روز بازگشت.....
۲۸۷.....	۱-۵-۱۴-۹- سرمایه‌ی اسلام.....
۲۸۹.....	۱-۵-۱۴-۱۰- سرمایه‌ی ایمان.....
۲۸۹.....	۱-۵-۱۴-۱۱- سرمایه‌ی هنگام مرگ.....
۲۸۹.....	۱-۵-۱۴-۱۲- ذخیره.....
۲۸۹.....	۱-۵-۱۵- زینت.....
۲۹۱.....	۱-۵-۱۵-۱- زینت رفاقت.....
۲۹۱.....	۱-۵-۱۵-۲- زینت اسلام.....
۲۹۱.....	۱-۵-۱۵-۳- زینت مسلمین.....
۲۹۱.....	۱-۵-۱۵-۴- زینت ایمان.....
۲۹۱.....	۱-۵-۱۵-۵- زینت مؤمن.....
۲۹۱.....	۱-۵-۱۵-۶- زینت کلام.....
۲۹۱.....	۱-۵-۱۵-۷- زیور.....
۲۹۳.....	۱-۵-۱۵-۸- گوشواره در بین زیورآلات.....
۲۹۳.....	۱-۵-۱۵-۹- زیبایی.....
۲۹۳.....	۱-۵-۱۵-۱۰- زیبایی دین.....
۲۹۳.....	۱-۵-۱۶- سخاوت و بخشنده‌گی.....
۲۹۳.....	۱-۵-۱۶-۱- سخاوت.....
۲۹۳.....	۱-۵-۱۶-۲- بخشنده‌گی.....
۲۹۵.....	۱-۵-۱۷- شکر.....
۲۹۵.....	۱-۵-۱۸- نور.....
۲۹۵.....	۱-۵-۱۸-۱- روشنائی تاریکی‌هایتان.....
۲۹۵.....	۱-۵-۱۸-۲- نور.....
۲۹۵.....	۱-۵-۱۹- فرمانبرداری، عبادت، بزرگداشت خدا و ر.به: مترادفات.....
۲۹۵.....	۱-۵-۱۹-۱- پایه‌ی هر عمل پذیرفته‌شده.....
۲۹۷.....	۱-۵-۱۹-۲- عبادت.....
۲۹۷.....	۱-۵-۱۹-۳- نظم‌دهنده‌ی عبادات.....
۲۹۷.....	۱-۵-۱۹-۴- بزرگداشت خدا.....
۲۹۷.....	۱-۵-۱۹-۵- مایه‌ی پشت‌گرمی.....
۲۹۷.....	۱-۵-۱۹-۶- مایه‌ی پشت‌گرمی در مقابل دشمن.....
۲۹۹.....	۱-۵-۱۹-۷- ابزار کمک بر انجام دستورات خدا.....

﴿الفهرس﴾

٢٩٨.....	١-٥-٢٠- العزُّ و الشَّرَفُ.....
٢٩٨.....	١-٥-٢٠-١- الشَّرَفُ.....
٢٩٨.....	١-٥-٢٠-٢- أَعْلَى الشَّرَفِ.....
٢٩٨.....	١-٥-٢٠-٣- العِزُّ.....
٢٩٨.....	١-٥-٢٠-٤- أَعَزَّ عِزًّا.....
٢٩٨.....	١-٥-٢٠-٥- أَوْثَقُ الْعِزِّ.....
٢٩٨.....	١-٥-٢١- العِمَادُ وَ الأساسُ.....
٢٩٨.....	١-٥-٢١-١- عِمَادُ الْإِسْلَامِ.....
٢٩٨.....	١-٥-٢١-٢- عِمَادُ الدِّينِ.....
٣٠٠.....	١-٥-٢١-٣- آسَاسُ كُلِّ طَاعَةٍ مَقْبُولَةٍ.....
٣٠٠.....	١-٥-٢١-٤- نِظَامُ الْعِبَادَةِ.....
٣٠٠.....	١-٥-٢٢- الْعَمَلُ وَ رَاجِعُ الْمَرَادِفَاتِ.....
٣٠٠.....	١-٥-٢٣- الْمَعَادُ.....
٣٠٠.....	١-٥-٢٤- غِنِطَةُ الطَّالِبِ.....
٣٠٠.....	١-٥-٢٥- مَطَايَا ذُلٍّ.....
٣٠٢.....	١-٥-٢٦- اللِّبَاسُ.....
٣٠٤.....	١-٥-٢٦-١- لِبَاسُ الْإِسْلَامِ.....
٣٠٤.....	١-٥-٢٦-٢- لِبَاسُ الْإِيمَانِ.....
٣٠٤.....	١-٥-٢٦-٣- التَّقْوَى ثَوْبٌ.....
٣٠٤.....	١-٥-٢٦-٤- جِلْبَابٌ.....
٣٠٤.....	١-٥-٢٦-٥- سِرْبَالٌ.....
٣٠٤.....	١-٥-٢٦-٦- مَلْحَفَةٌ.....
٣٠٤.....	١-٥-٢٧- الْمِلَاحُ وَ الْمِيزَانُ.....
٣٠٤.....	١-٥-٢٧-١- مِلَاحُ الْوَلَايَةِ.....
٣٠٤.....	١-٥-٢٧-٢- مِلَاحُ الدِّينِ.....
٣٠٤.....	١-٥-٢٧-٣- مِلَاحُ الْإِسْلَامِ.....
٣٠٤.....	١-٥-٢٧-٤- مِيزَانُ كُلِّ عِلْمٍ وَ حِكْمَةٍ.....
٣٠٤.....	١-٥-٢٨- الْمَاءُ.....
٣٠٤.....	١-٥-٢٨-١- مَاءٌ لِعَسْلِ الْقَلْبِ.....
٣٠٤.....	١-٥-٢٨-٢- التَّقْوَى مَاءٌ وَ الطَّاعَاتُ أَشْجَارٌ.....
٣٠٨.....	١-٥-٢٨-٣- مَاءٌ يَنْفَجِرُ مِنْ عَيْنِ الْمَعْرِفَةِ بِاللَّهِ.....

﴿فهرست﴾

۲۹۹.....	۱-۵-۲۰- عزّت و شرافت.....
۲۹۹.....	۱-۵-۲۰-۱- شرافت.....
۲۹۹.....	۱-۵-۲۰-۲- عالی ترین شرافت.....
۲۹۹.....	۱-۵-۲۰-۳- عزّت.....
۲۹۹.....	۱-۵-۲۰-۴- بانفوذترین عزّت.....
۲۹۹.....	۱-۵-۲۰-۵- قابل اعتمادترین عزّت.....
۲۹۹.....	۱-۵-۲۱- پایه و اساس.....
۲۹۹.....	۱-۵-۲۱-۱- ستون اسلام.....
۲۹۹.....	۱-۵-۲۱-۲- ستون دین.....
۳۰۱.....	۱-۵-۲۱-۳- پایه ی هر عملی مقبول و پذیرفته.....
۳۰۱.....	۱-۵-۲۱-۴- نظم دهنده ی عبادات.....
۳۰۱.....	۱-۵-۲۲- عمل و ر.به: مترادفات.....
۳۰۱.....	۱-۵-۲۳- محلّ بازگشت.....
۳۰۱.....	۱-۵-۲۴- مقصد طالبان.....
۳۰۱.....	۱-۵-۲۵- مرکب رهوار.....
۳۰۳.....	۱-۵-۲۶- لباس.....
۳۰۵.....	۱-۵-۲۶-۱- لباس اسلام.....
۳۰۵.....	۱-۵-۲۶-۲- لباس ایمان.....
۳۰۵.....	۱-۵-۲۶-۳- تقوا لباس است.....
۳۰۵.....	۱-۵-۲۶-۴- جامه.....
۳۰۵.....	۱-۵-۲۶-۵- لباس.....
۳۰۷.....	۱-۵-۲۶-۶- جامه.....
۳۰۷.....	۱-۵-۲۷- ملاک و سنجه.....
۳۰۷.....	۱-۵-۲۷-۱- ملاک ولایت.....
۳۰۷.....	۱-۵-۲۷-۲- ملاک دین.....
۳۰۷.....	۱-۵-۲۷-۳- ملاک اسلام.....
۳۰۷.....	۱-۵-۲۷-۴- ابزار سنجش هر علم و حکمت.....
۳۰۷.....	۱-۵-۲۸- آب.....
۳۰۷.....	۱-۵-۲۸-۱- آبی برای شستشوی دل.....
۳۰۷.....	۱-۵-۲۸-۲- تقوا آب است و اعمال عبادی درخت.....
۳۰۹.....	۱-۵-۲۸-۳- آبی که از چشمه ی شناخت خدا می جوشد.....

﴿الفهرس﴾

٣٠٨.....	١-٥-٢٩- النعمةُ و الفضلُ و الحسنَةُ
٣٠٨.....	١-٥-٢٩-١- النعمةُ
٣٠٨.....	١-٥-٢٩-٢- النعمةُ العظمى
٣٠٨.....	١-٥-٢٩-٣- الفضلُ
٣١٠.....	١-٥-٢٩-٤- الحسنَةُ
٣١٠.....	١-٥-٣٠- درجةُ فوقَ الإسلام و الإيمان و دونَ اليقين
٣١٠.....	١-٦- المُرَادِفَاتُ و المُقَارِبَاتُ و راجع: عَلامَاتُ التَّقْوَى
٣١٠.....	١-٦-١- الإيمانُ و راجع: الفَصْلُ الثَّانِي: التَّقْوَى فَوْقَ الْإِيمَانِ
٣١٠.....	١-٦-١-١- آمَنَ وَ اتَّقَى
٣١٢.....	١-٦-١-٢- آمَنْتَ وَ اتَّقَيْتَ
٣١٢.....	١-٦-١-٣- آمَنُوا وَ اتَّقُوا
٣١٢.....	١-٦-١-٤- آمِنُوا وَ إِيَّايَ فَاتَّقُونِ
٣١٢.....	١-٦-١-٥- آمَنُوا وَ كَانُوا يَتَّقُونَ
٣١٢.....	١-٦-١-٦- اتَّقُوا اللَّهَ الَّذِي أَنْتُمْ بِهِ مُؤْمِنُونَ
٣١٢.....	١-٦-١-٧- اتَّقُوا اللَّهَ وَ ... بَشِّرِ الْمُؤْمِنِينَ
٣١٢.....	١-٦-١-٨- اتَّقُوا وَ آمَنُوا
٣١٤.....	١-٦-١-٩- أَرِزْنِ اللَّبَاسَ لِلْمُؤْمِنِينَ لِبَاسُ التَّقْوَى
٣١٤.....	١-٦-١-١٠- الْأَتْقِيَاءُ وَ الْمُؤْمِنُونَ
٣١٤.....	١-٦-١-١١- الْإِيمَانُ أَنْ تَتَّقِيَ اللَّهَ
٣١٤.....	١-٦-١-١٢- الْإِيمَانُ بِالْقَلْبِ وَ التَّقْوَى بِالْجَوَارِحِ
٣١٤.....	١-٦-١-١٣- الْإِيمَانُ فِي الْوَرَعِ
٣١٦.....	١-٦-١-١٤- الْإِيمَانُ كَلِمَةُ التَّقْوَى
٣١٦.....	١-٦-١-١٥- الْإِيمَانُ وَ التَّقْوَى
٣١٦.....	١-٦-١-١٦- التَّقْوَى زَادُ الْإِيمَانِ
٣١٦.....	١-٦-١-١٧- التَّقْوَى زَادُ الْمُؤْمِنِ
٣١٦.....	١-٦-١-١٨- التَّقْوَى سَبَبُ الْإِيمَانِ
٣١٦.....	١-٦-١-١٩- التَّقْوَى سُنْحُ الْإِيمَانِ
٣١٦.....	١-٦-١-٢٠- التَّقْوَى صَلَاحُ الْإِيمَانِ
٣١٨.....	١-٦-١-٢١- التَّقْوَى عُدَّةُ الْإِيمَانِ
٣١٨.....	١-٦-١-٢٢- التَّقْوَى عَلامَةُ الْإِيمَانِ
٣١٨.....	١-٦-١-٢٣- التَّقْوَى فَرْعُ شَجَرَةِ الْإِيمَانِ

﴿فهرست﴾

۳۰۹.....	۱-۵-۲۹- نعمت و فضیلت و حسنه.....
۳۰۹.....	۱-۵-۲۹-۱- نعمت.....
۳۰۹.....	۱-۵-۲۹-۲- نعمت بزرگ.....
۳۰۹.....	۱-۵-۲۹-۳- فضیلت.....
۳۱۱.....	۱-۵-۲۹-۴- حسنه.....
۳۱۱.....	۱-۵-۳۰- رتبه‌ای بالاتر از اسلام و ایمان و پایین‌تر از یقین.....
۳۱۱.....	۱-۶- کلمات مترادف و نزدیک به تقوا و ربه: نشانه‌های تقوا.....
۳۱۱.....	۱-۶-۱- ایمان و ربه: فصل ۲؛ تقوا فوق ایمان.....
۳۱۱.....	۱-۶-۱-۱- ایمان آورد و پرهیزکاری ورزید.....
۳۱۳.....	۱-۶-۱-۲- ایمان آوردی و پرهیز کردی.....
۳۱۳.....	۱-۶-۱-۳- ایمان آوردند و پرهیز کردند.....
۳۱۳.....	۱-۶-۱-۴- ایمان بیاورید و پروای مرا پیشه کنید.....
۳۱۳.....	۱-۶-۱-۵- ایمان آوردند و تقوا پیشه کردند.....
۳۱۳.....	۱-۶-۱-۶- از خداوندی که همه به او ایمان دارید پروا کنید.....
۳۱۳.....	۱-۶-۱-۷- از خدا بترسید و ... به مؤمنان بشارت دهید.....
۳۱۳.....	۱-۶-۱-۸- پروا کردند و ایمان آوردند.....
۳۱۵.....	۱-۶-۱-۹- زیباترین لباس مؤمن، لباس تقواست.....
۳۱۵.....	۱-۶-۱-۱۰- پرهیزکاران و مؤمنان.....
۳۱۵.....	۱-۶-۱-۱۱- ایمان آن است که از خدا پروا کنی.....
۳۱۵.....	۱-۶-۱-۱۲- ایمان در قلب است و تقوا در جوارح.....
۳۱۵.....	۱-۶-۱-۱۳- ایمان در ورع است.....
۳۱۷.....	۱-۶-۱-۱۴- ایمان کلمه‌ی تقواست.....
۳۱۷.....	۱-۶-۱-۱۵- ایمان و تقوا.....
۳۱۷.....	۱-۶-۱-۱۶- تقوا توشه‌ی ایمان است.....
۳۱۷.....	۱-۶-۱-۱۷- تقوا توشه‌ی مؤمن است.....
۳۱۷.....	۱-۶-۱-۱۸- تقوا موجب ایمان می‌شود.....
۳۱۷.....	۱-۶-۱-۱۹- تقوا هم‌جنس ایمان است.....
۳۱۷.....	۱-۶-۱-۲۰- تقوا صلاح ایمان است.....
۳۱۹.....	۱-۶-۱-۲۱- تقوا سرمایه‌ی ایمان است.....
۳۱۹.....	۱-۶-۱-۲۲- تقوا نشانه‌ی ایمان است.....
۳۱۹.....	۱-۶-۱-۲۳- تقوا شاخه‌ی درخت ایمان است.....

﴿الفهرس﴾

٣١٨.....	١-٦-١-٢٤- التَّقْوَى فَوْقَ الْإِيمَانِ.....
٣١٨.....	١-٦-١-٢٥- التَّقْوَى لِبَاسُ الْإِيمَانِ.....
٣١٨.....	١-٦-١-٢٦- التَّقْوَى مِنْ دَرَجَاتِ الْإِيمَانِ.....
٣١٨.....	١-٦-١-٢٧- التَّقْوَى مِنْ صِفَاتِ الْمُؤْمِنِ.....
٣٢٠.....	١-٦-١-٢٨- التَّقْوَى مِنْ عَلَامَاتِ الْمُؤْمِنِ.....
٣٢٠.....	١-٦-١-٢٩- التَّقْوَى وَالْوَرَعُ مَخُ الْإِيمَانِ.....
٣٢٠.....	١-٦-١-٣٠- الَّذِينَ آمَنُوا وَالَّذِينَ اتَّقَوْا.....
٣٢٠.....	١-٦-١-٣١- الَّذِينَ آمَنُوا وَالْمُتَّقِينَ.....
٣٢٠.....	١-٦-١-٣٢- الَّذِينَ آمَنُوا وَكَانُوا يَتَّقُونَ.....
٣٢٢.....	١-٦-١-٣٣- الَّذِينَ لَا يُؤْمِنُونَ وَهُمْ لَا يَتَّقُونَ.....
٣٢٢.....	١-٦-١-٣٤- الَّذِينَ يَتَّقُونَ ... وَالَّذِينَ هُمْ بِآيَاتِنَا يُؤْمِنُونَ.....
٣٢٢.....	١-٦-١-٣٥- الَّذِينَ يُؤْمِنُونَ ... وَاللَّهُ عَلِيمٌ بِالْمُتَّقِينَ.....
٣٢٢.....	١-٦-١-٣٦- الْمُؤْمِنُ التَّقِيُّ.....
٣٢٢.....	١-٦-١-٣٧- الْمُؤْمِنُ أَوْرَعُ أَهْلِ الْآخِرَةِ.....
٣٢٢.....	١-٦-١-٣٨- الْمُؤْمِنُ تَقَى.....
٣٢٢.....	١-٦-١-٣٩- الْمُؤْمِنُ لَمْ يَمُتْ حَتَّى وَرَعَ عَنْ مُحَارِمِ اللَّهِ.....
٣٢٤.....	١-٦-١-٤٠- الْمُؤْمِنُ لَهُ وَرَعٌ.....
٣٢٤.....	١-٦-١-٤١- الْمُؤْمِنُ مُتَوَرِّعٌ.....
٣٢٤.....	١-٦-١-٤٢- الْمُؤْمِنُ مَنْ كَانَ مُتَوَرِّعًا.....
٣٢٤.....	١-٦-١-٤٣- الْمُؤْمِنُ يَتَّقَى.....
٣٢٤.....	١-٦-١-٤٤- الْمُؤْمِنُ يَتَمَسَّكُ بِالتَّقْوَى.....
٣٢٤.....	١-٦-١-٤٥- الْوَرَعُ ثَبَاتُ الْإِيمَانِ.....
٣٢٤.....	١-٦-١-٤٦- الْوَرَعُ جَمَالُ الْمُؤْمِنِ.....
٣٢٤.....	١-٦-١-٤٧- الْوَرَعُ حُلِيَّةُ الْإِيمَانِ.....
٣٢٤.....	١-٦-١-٤٨- الْوَرَعُ حُلِيَّةُ الْمُؤْمِنِ.....
٣٢٤.....	١-٦-١-٤٩- الْوَرَعُ زَيْنُ الْإِيمَانِ.....
٣٢٤.....	١-٦-١-٥٠- الْوَرَعُ زَيْنُ الْمُؤْمِنِ.....
٣٢٤.....	١-٦-١-٥١- إِنَّ اللَّهَ أَلَزَمَ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ كَلِمَةَ التَّقْوَى.....
٣٢٤.....	١-٦-١-٥٢- إِنَّ الْمُؤْمِنِينَ ... أَتَقِيَاءَ.....
٣٢٨.....	١-٦-١-٥٣- إِنْ كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ اتَّقُوا اللَّهَ.....
٣٢٨.....	١-٦-١-٥٤- أَهْلُ الْإِيمَانِ وَالْمُتَّقِينَ.....

﴿فهرست﴾

۳۱۹.....	۱-۲۴-۱-۶- تقوا فراتر از ایمان است.....
۳۱۹.....	۱-۲۵-۱-۶- تقوا لباس ایمان است.....
۳۱۹.....	۱-۲۶-۱-۶- تقوا از درجات ایمان است.....
۳۱۹.....	۱-۲۷-۱-۶- تقوا از صفات اهل ایمان است.....
۳۲۱.....	۱-۲۸-۱-۶- تقوا از نشانه‌های مؤمن است.....
۳۲۱.....	۱-۲۹-۱-۶- تقوا و ورع مغز ایمان هستند.....
۳۲۱.....	۱-۳۰-۱-۶- آنان که ایمان آوردند و پروا نمودند.....
۳۲۱.....	۱-۳۱-۱-۶- آنان که ایمان آوردند و پرهیزکاران.....
۳۲۱.....	۱-۳۲-۱-۶- آنان که ایمان آوردند و پرهیز می‌کردند.....
۳۲۳.....	۱-۳۳-۱-۶- آنان که ایمان نمی‌آورند و پروا نمی‌کنند.....
۳۲۳.....	۱-۳۴-۱-۶- آنان که پروا می‌کنند و آنان که به آیات ما ایمان می‌آورند.....
۳۲۳.....	۱-۳۵-۱-۶- آنان که ایمان می‌آورند... و خداوند بر پرهیزکاران آگاهی دارد.....
۳۲۳.....	۱-۳۶-۱-۶- مؤمن پرهیزکار.....
۳۲۳.....	۱-۳۷-۱-۶- مؤمن از همه‌ی اهل آخرت پرهیزکارتر است.....
۳۲۳.....	۱-۳۸-۱-۶- مؤمن باتقواست.....
۳۲۳.....	۱-۳۹-۱-۶- مؤمن نمی‌میرد تا آنکه از محرمات پروا کند.....
۳۲۵.....	۱-۴۰-۱-۶- مؤمن صاحب پرهیز است.....
۳۲۵.....	۱-۴۱-۱-۶- مؤمن پرهیزکار است.....
۳۲۵.....	۱-۴۲-۱-۶- مؤمن کسی است که پرهیزکار باشد.....
۳۲۵.....	۱-۴۳-۱-۶- مؤمن پرهیز می‌کند.....
۳۲۵.....	۱-۴۴-۱-۶- مؤمن به تقوا چنگ می‌زند.....
۳۲۵.....	۱-۴۵-۱-۶- ورع ثبات ایمان است.....
۳۲۷.....	۱-۴۶-۱-۶- ورع زیبایی ایمان است.....
۳۲۷.....	۱-۴۷-۱-۶- ورع زیور ایمان است.....
۳۲۷.....	۱-۴۸-۱-۶- ورع زیور مؤمن است.....
۳۲۷.....	۱-۴۹-۱-۶- ورع زینت ایمان است.....
۳۲۷.....	۱-۵۰-۱-۶- ورع زینت مؤمن است.....
۳۲۷.....	۱-۵۱-۱-۶- خداوند کلمه‌ی تقوا را بر مؤمنین واجب کرده است.....
۳۲۷.....	۱-۵۲-۱-۶- همانا مؤمنین پرهیزکارانند.....
۳۲۹.....	۱-۵۳-۱-۶- اگر مؤمنید پرهیزکار باشید.....
۳۲۹.....	۱-۵۴-۱-۶- اهل ایمان و پرهیزکاران.....

﴿الفهرس﴾

- ٣٢٨..... ١-٥٥-١-٦-١-٦ بِالْوَرَعِ يَتَزَكَّى الْمُؤْمِنُ.....
- ٣٢٨..... ١-٥٦-١-٦-١-٦ تَوَمَّنُوا وَتَتَّقُوا.....
- ٣٢٨..... ١-٥٧-١-٦-١-٦ حُلِّلَ الْإِيمَانُ وَ لِبَاسِ التَّقْوَى.....
- ٣٢٨..... ١-٥٨-١-٦-١-٦ خَافُوا اللَّهَ أَيُّهَا الْمُؤْمِنُونَ خَوْفَ أَهْلِ التَّقْوَى.....
- ٣٣٠..... ١-٥٩-١-٦-١-٦ زِينَةُ الْإِيمَانِ وَ لِبَاسِ التَّقْوَى.....
- ٣٣٠..... ١-٦٠-١-٦-١-٦ طُوبَى لِلْمُتَّقِينَ وَ شَجَرَةُ فِي الْجَنَّةِ لَيْسَ مِنْ مُؤْمِنٍ إِلَّا وَ فِي دَارِهِ غُصْنٌ مِنْ أَغْصَانِهَا.....
- ٣٣٠..... ١-٦١-١-٦-١-٦ فَمَنْ أَتَقَى اللَّهَ لَقِيَ اللَّهَ مُؤْمِنًا.....
- ٣٣٠..... ١-٦٢-١-٦-١-٦ فَمَنْ أَتَقَى اللَّهَ لَقِيَ اللَّهَ مُسْتَكْمِلًا لِيَمَانِهِ.....
- ٣٣٠..... ١-٦٣-١-٦-١-٦ فَمَنْ كَانَ أَعْلَى دَرَجَةٍ فِي الْإِيمَانِ كَانَ أَتَقَى.....
- ٣٣٢..... ١-٦٤-١-٦-١-٦ لَا إِيمَانَ لِمَنْ لَا وَرَعَ لَهُ.....
- ٣٣٢..... ١-٦٥-١-٦-١-٦ لَا نَعُدُّ الرَّجُلَ مُؤْمِنًا حَتَّى يَكُونَ وَرِعًا.....
- ٣٣٢..... ١-٦٦-١-٦-١-٦ لَا يَكْمُلُ الْمُؤْمِنُ فِي إِيْمَانِهِ حَتَّى تَكُونَ فِيهِ وَرَعٌ يَخْجِزُهُ عَنِ الْمَعَاصِي.....
- ٣٣٢..... ١-٦٧-١-٦-١-٦ لَا يَنْفَعُ الْإِيمَانَ بَعِيرُ تَقْوَى.....
- ٣٣٢..... ١-٦٨-١-٦-١-٦ مَنْ لَمْ يَكُنْ فِيهِ وَرَعٌ لَمْ يَجِدْ طَعْمَ الْإِيمَانِ.....
- ٣٣٢..... ١-٦٩-١-٦-١-٦ مُؤْمِنٌ تَقَى.....
- ٣٣٤..... ١-٧٠-١-٦-١-٦ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا ... أَنَّ اللَّهَ مَعَ الْمُتَّقِينَ.....
- ٣٣٤..... ١-٧١-١-٦-١-٦ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ.....
- ٣٣٤..... ١-٧٢-١-٦-١-٦ يُسْنَدِلْ عَلَى الْإِيمَانِ بَكْرَةُ التَّقَى.....
- ٣٣٤..... ١-٧٣-١-٦-١-٦ يَنْبَغِي لِلْمُؤْمِنِ أَنْ يَلْتَحِفَ الْوَرَعَ.....
- ٣٣٤..... ١-٦-٢-١-٦-٢ اليقين.....
- ٣٣٤..... ١-٦-٢-١-٦-٢ أَحْسَنُ الْيَقِينِ التَّقَى.....
- ٣٣٤..... ١-٦-٢-٢-١-٦ عِلْمُ الْيَقِينِ وَ عِلْمُ التَّقْوَى.....
- ٣٣٤..... ١-٦-٢-٢-٢-١-٦ اليقين أصل الإيمان وَ التَّقَى فَرْعُهُ.....
- ٣٣٤..... ١-٦-٢-٢-٢-١-٦ يَقِينُ أَهْلِ التَّقَى.....
- ٣٣٤..... ١-٦-٣-١-٦-٣ الصِّدْقُ وَ الْإِخْلَاصُ.....
- ٣٣٤..... ١-٦-٣-١-٦-٣ اتَّقُوا اللَّهَ وَ كُونُوا مَعَ الصَّادِقِينَ.....
- ٣٣٤..... ١-٦-٣-٢-١-٦ الصَّادِقُونَ هُمُ الْمُتَّقُونَ.....
- ٣٣٤..... ١-٦-٣-٣-١-٦ لَا يَصِلُ إِلَى اللَّهِ إِلَّا مَا خَلَصَ مِنْهَا وَ لَا يَقْبَلُ اللَّهُ إِلَّا مِنَ الْمُتَّقِينَ.....
- ٣٣٤..... ١-٦-٣-٤-١-٦ مَنْ كَانَ أَتَقَى كَانَتْ عِبَادَتُهُ أَخْلَصَ.....
- ٣٣٤..... ١-٦-٣-٥-١-٦ أَخْلَصَ عَمَلَهُ لِلَّهِ وَ قَالُوا فِي شَأْنِهِ: وَرَعٌ تَقَى.....

﴿فهرست﴾

۱۵۵-۱-۶	مؤمن با ورع پاک می‌شود.....	۳۳۹
۱۵۶-۱-۶	ایمان آوردید و تقوا پیشه کردید.....	۳۳۹
۱۵۷-۱-۶	زیورهای ایمان و لباس تقوا.....	۳۳۹
۱۵۸-۱-۶	ای مؤمنان، همچون هراس پرهیزکاران از خدا بهراسید.....	۳۳۹
۱۵۹-۱-۶	زینت ایمان و لباس تقوا.....	۳۳۱
۱۶۰-۱-۶	طوبی که متعلق به پرهیزکاران است و درختی است در بهشت که در خانه‌ی هر یک از مؤمنین شاخه‌ای از آن وجود دارد.....	۳۳۱
۱۶۱-۱-۶	هرکس پروا کند، خداوند را با ایمان ملاقات می‌کند.....	۳۳۱
۱۶۲-۱-۶	هرکس پروا کند، خداوند را با ایمان کامل ملاقات می‌کند.....	۳۳۱
۱۶۳-۱-۶	هرکس به درجات عالی ایمان برسد با تقواتر است.....	۳۳۱
۱۶۴-۱-۶	کسی که ورع ندارد، ایمان ندارد.....	۳۳۳
۱۶۵-۱-۶	ما کسی را مؤمن نمی‌دانیم مگر اینکه ورع داشته باشد.....	۳۳۳
۱۶۶-۱-۶	ایمان مؤمن کامل نمی‌شود مگر آنکه ورعی داشته باشد که مانع او از ارتکاب معصیت خدا شود.....	۳۳۳
۱۶۷-۱-۶	ایمان بدون تقوا بی‌فایده است.....	۳۳۳
۱۶۸-۱-۶	کسی که ورع ندارد، طعم ایمان را نمی‌چشد.....	۳۳۳
۱۶۹-۱-۶	مؤمنی پرهیزکار.....	۳۳۳
۱۷۰-۱-۶	ای ایمان آورندگان... خداوند با پرهیزکاران است.....	۳۳۵
۱۷۱-۱-۶	ای کسانی که ایمان آورده‌اید! از خدا بپرهیزید.....	۳۳۵
۱۷۲-۱-۶	فراوانی تقوا به ایمان فرد دلالت می‌کند.....	۳۳۵
۱۷۳-۱-۶	سزاوار است که مؤمن جامه‌ی تقوا بپوشد.....	۳۳۵
۲-۱-۶	یقین.....	۳۳۵
۲-۱-۶	بهترین یقین تقواست.....	۳۳۵
۲-۲-۱-۶	علم یقین و علم تقوا.....	۳۳۵
۲-۳-۱-۶	یقین، ریشه‌ی ایمان و تقوا شاخه‌ی آن است.....	۳۳۵
۲-۴-۱-۶	یقین تقوایندگان.....	۳۳۵
۳-۱-۶	صداقت و اخلاص.....	۳۳۷
۳-۱-۶	از خدا بپرهیزید، و با صادقان باشید.....	۳۳۷
۳-۲-۱-۶	صادقان همان پرهیزکارانند.....	۳۳۷
۳-۳-۱-۶	تنها اعمال خالصانه مقبول خداوند است و او فقط اعمال اهل تقوا را می‌پذیرد.....	۳۳۷
۳-۴-۱-۶	هر که با تقواتر باشد، عبادت او خالص‌تر است.....	۳۳۷
۳-۵-۱-۶	عملش خالص شد و در شأن او می‌گفتند: «او متقی و پرهیزکار است».....	۳۳۷

﴿الفهرس﴾

٣٣٨.....	١-٤-٤- الخیرُ
٣٣٨.....	١-٤-٤-١- الْمُتَّقُونَ الْأَخْيَارُ
٣٣٨.....	١-٤-٤-٢- مُتَّقِي الشَّرِّ كَفَاعِلُ الْخَيْرِ
٣٣٨.....	١-٤-٥- الصَّلَاحُ وَ الْإِصْلَاحُ
٣٣٨.....	١-٤-٥-١- حُلِيَّةُ الصَّالِحِينَ وَ زِينَةُ الْمُتَّقِينَ
٣٣٨.....	١-٤-٥-٢- تَتَّقُوا وَ تُصْلِحُوا
٣٣٨.....	١-٤-٥-٣- تُصْلِحُوا وَ تَتَّقُوا
٣٣٨.....	١-٤-٥-٤- اتَّقُوا وَ اصْلَحُوا
٣٣٨.....	١-٤-٦- البرُّ
٣٤٠.....	١-٤-٦-١- البرُّ وَ التَّقْوَى
٣٤٠.....	١-٤-٦-٢- الَّذِينَ اتَّقَوْا رَبَّهُمْ لَهُمْ جَنَّاتٌ ... وَ مَا عِنْدَ اللَّهِ خَيْرٌ لِلْأَبْرَارِ
٣٤٠.....	١-٤-٦-٣- تَبَرُّوا وَ تَتَّقُوا
٣٤٠.....	١-٤-٦-٤- الْأَتَقِيَاءُ الْأَبْرَارُ
٣٤٠.....	١-٤-٦-٥- أَتَقِيَاءُ أَبْرَارُ
٣٤٠.....	١-٤-٦-٦- بَرَّةٌ أَتَقِيَاءُ
٣٤٠.....	١-٤-٦-٧- الْأَبْرَارُ هُمُ الَّذِينَ اتَّقَوْهُ
٣٤٢.....	١-٤-٦-٨- أَبْرَكُمْ أَتَقَاكُمْ
٣٤٢.....	١-٤-٦-٩- مُتَّقِي الْمَعْصِيَةِ كَفَاعِلُ الْبِرِّ
٣٤٢.....	١-٤-٦-١٠- بَرٌّ تَقَى
٣٤٢.....	١-٤-٧- الإحسانُ
٣٤٢.....	١-٤-٧-١- الَّذِينَ اتَّقَوْا وَ الَّذِينَ هُمْ مُحْسِنُونَ
٣٤٢.....	١-٤-٧-٢- أَحْسَنُوا وَ اتَّقُوا
٣٤٢.....	١-٤-٧-٣- اتَّقُوا وَ أَحْسَنُوا
٣٤٢.....	١-٤-٧-٤- اتَّقُوا رَبَّكُمْ لِلَّذِينَ أَحْسَنُوا فِي هَذِهِ الدُّنْيَا حَسَنَةٌ
٣٤٢.....	١-٤-٧-٥- إِنْ تُحْسِنُوا وَ تَتَّقُوا
٣٤٤.....	١-٤-٧-٦- مَنْ يَتَّقِ ... إِنَّ اللَّهَ لَا يُضِيعُ أَجْرَ الْمُحْسِنِينَ
٣٤٤.....	١-٤-٧-٧- جَمَاعُ التَّقْوَى فِي ... الْعَدْلِ وَ الْإِحْسَانِ
٣٤٤.....	١-٤-٧-٨- التَّقْوَى سُنْحُ الْإِحْسَانِ
٣٤٤.....	١-٤-٨- الرُّشْدُ وَ الْهَدَايَةُ
٣٤٤.....	١-٤-٨-١- الرُّشْدُ وَ التَّقْوَى
٣٤٤.....	١-٤-٨-٢- إِجْعَلْ عَلَى الْهُدَى أَمْرِي وَ التَّقْوَى زَادِي

﴿فهرست﴾

۳۳۹.....	۱-۴- خیر.....
۳۳۹.....	۱-۴-۱- پرهیزکاران خیراندیش.....
۳۳۹.....	۱-۴-۲- پرهیزکننده از شر مانند انجام‌دهنده‌ی خیر است.....
۳۳۹.....	۱-۵- صلاح و اصلاح.....
۳۳۹.....	۱-۵-۱- زیور صالحان و زینت پرهیزکاران.....
۳۳۹.....	۱-۵-۲- تقوا پیشه کنید، و در میان مردم اصلاح کنید.....
۳۳۹.....	۱-۵-۳- راه صلاح و پرهیزکاری پیش گیرید.....
۳۳۹.....	۱-۵-۴- پرهیزکاری پیشه کند و عمل صالح انجام دهد.....
۳۳۹.....	۱-۶- نیکی.....
۳۴۱.....	۱-۶-۱- نیکوکاری و پرهیزکاری.....
۳۴۱.....	۱-۶-۲- کسانی که تقوای پروردگارشان را پیشه می‌کنند، برای آن‌ها بهشت‌هایی است... و آنچه نزد خداست، برای نیکان بهتر است.....
۳۴۱.....	۱-۶-۳- نیکی کنید، و تقوا پیشه کنید.....
۳۴۱.....	۱-۶-۴- متَّقیان نیکوکار.....
۳۴۱.....	۱-۶-۵- متَّقیانی نیکوکار.....
۳۴۱.....	۱-۶-۶- نیکوکارانی پرهیزکار.....
۳۴۱.....	۱-۶-۷- نیکوکاران همان کسانی هستند که از او پروا می‌کنند.....
۳۴۳.....	۱-۶-۸- نیکوکارترین شما، باتقواترین شماست.....
۳۴۳.....	۱-۶-۹- پرواکننده از نافرمانی، مانند انجام‌دهنده کار نیک است.....
۳۴۳.....	۱-۶-۱۰- نیکوکاری پرهیزکار.....
۳۴۳.....	۱-۷- نیکی.....
۳۴۳.....	۱-۷-۱- کسانی که تقوا پیشه کرده‌اند و نیکوکارند.....
۳۴۳.....	۱-۷-۲- نیکی کردند و تقوا پیش گرفتند.....
۳۴۳.....	۱-۷-۳- تقوا پیشه کنند و نیکی نمایند.....
۳۴۳.....	۱-۷-۴- از پروردگارتان پروا کنید! برای کسانی که در این دنیا نیکی کرده‌اند پاداش نیکی است.....
۳۴۳.....	۱-۷-۵- اگر نیکی کنید و پرهیزکاری پیشه سازید.....
۳۴۵.....	۱-۷-۶- هرکس تقوا پیشه کند... خداوند پاداش نیکوکاران را ضایع نمی‌کند.....
۳۴۵.....	۱-۷-۷- همه‌ی تقوا در عدل و احسان است.....
۳۴۵.....	۱-۷-۸- تقوا همجنس احسان است.....
۳۴۵.....	۱-۸- رشد و هدایت.....
۳۴۵.....	۱-۸-۱- رشد و تقوا.....
۳۴۵.....	۱-۸-۲- امر مرا بر هدایت قرار داده و تقوا را توشه‌ام ساز.....

﴿الفهرس﴾

- ٣٤٤.....١-٦-٨-٣- عَصَمَكُمْ بِالْهُدَى وَتَبَنَّاكُمْ بِالتَّقَى
- ٣٤٤.....١-٦-٩- الطَّاعَةُ وَرَاجِعُ: التَّعَارِيفُ وَالتَّمَاثِيلُ
- ٣٤٤.....١-٦-٩-١- اتَّقُوا وَاطِيعُوا
- ٣٤٤.....١-٦-٩-٢- اتَّقُوا اللَّهَ وَاطِيعُونَ
- ٣٤٨.....١-٦-٩-٣- اتَّقُوهُ وَاطَاعُوهُ
- ٣٤٨.....١-٦-٩-٤- اتَّقَى وَاطَاعَ
- ٣٤٨.....١-٦-٩-٥- اتَّقَى وَاطَاعَ
- ٣٤٨.....١-٦-٩-٦- اطِيعُوا وَاحْذَرُوا
- ٣٤٨.....١-٦-٩-٧- اِعْصِمْنِي بِطَاعَتِكَ عَنْ مَعْصِيَتِكَ ... وَبِالتَّقْوَى عَنِ الْإِثْمِ
- ٣٤٨.....١-٦-٩-٨- التَّقْوَى هُوَ فِي الْحَقِيقَةِ طَاعَةٌ
- ٣٥٠.....١-٦-٩-٩- الْمُطِيعُونَ الَّذِينَ يَتَّقُونَ
- ٣٥٠.....١-٦-٩-١٠- زَمَّ نَفْسَهُ مِنَ التَّقْوَى بِزَمَامٍ وَفَقَادَهَا إِلَى الطَّاعَةِ
- ٣٥٠.....١-٦-٩-١١- قُلْتُمْ أَطَعْنَا ... اتَّقُوا اللَّهَ
- ٣٥٠.....١-٦-٩-١٢- مَا آتَاكُمْ الرَّسُولُ فَخُذُوهُ وَمَا نَهَاكُمْ عَنْهُ فَانْتَهُوا وَاتَّقُوا اللَّهَ
- ٣٥٠.....١-٦-٩-١٣- مَنْ يُطِيعِ اللَّهَ وَرَبَّهُ
- ٣٥٠.....١-٦-١٠- العِبَادَةُ وَالْعُبُودِيَّةُ
- ٣٥٠.....١-٦-١٠-١- اَعْبُدُوا اللَّهَ وَاتَّقُوهُ
- ٣٥٢.....١-٦-١٠-٢- اَعْبُدُوا اللَّهَ ... أَفَلَا تَتَّقُونَ
- ٣٥٢.....١-٦-١٠-٣- كُنْ وَرِعًا تَكُنْ أَعْبَدَ النَّاسِ
- ٣٥٢.....١-٦-١٠-٤- مَنْ تَوَرَّعَ حَسَنَتْ عِبَادَتُهُ
- ٣٥٢.....١-٦-١٠-٥- حَقِيقَةُ الْعُبُودِيَّةِ
- ٣٥٢.....١-٦-١١- الإِتْبَاعُ وَاجَابَةُ الْحَقِّ
- ٣٥٢.....١-٦-١١-١- فَاتَّبِعُوا الصِّرَاطَ لَعَلَّكُمْ تَتَّقُونَ
- ٣٥٢.....١-٦-١١-٢- مِنْ أَتْبَاعِ أَمْرِنَا الْوَرَعِ
- ٣٥٤.....١-٦-١١-٣- إِبْجَابَةُ الْحَقِّ وَرَاجِعُ: التَّعَارِيفُ وَالتَّمَاثِيلُ
- ٣٥٤.....١-٦-١٢- الْعَمَلُ وَالْإِجْتِهَادُ وَرَاجِعُ: التَّعَارِيفُ وَالتَّمَاثِيلُ
- ٣٥٤.....١-٦-١٢-١- اتَّقِ اللَّهَ وَاعْمَلْ بِطَاعَتِهِ
- ٣٥٤.....١-٦-١٢-٢- اتَّقُوا وَاعْمَلُوا
- ٣٥٤.....١-٦-١٢-٣- اتَّقُوا اللَّهَ وَسَارِعُوا إِلَى الْعَمَلِ بِطَاعَتِهِ
- ٣٥٤.....١-٦-١٢-٤- أَسْأَلُكَ أَعْمَالَ أَهْلِ التَّقْوَى
- ٣٥٤.....١-٦-١٢-٥- التَّقْوَى أَفْضَلُ الْأَعْمَالِ

﴿فهرست﴾

۳۴۵.....	۱-۸۳- با هدایت شما را پناه داده و با تقوا شما را ثابت قدم کرده است
۳۴۵.....	۱-۹- فرمان برداری و.ر.به: تعریف ها و تمثیل ها
۳۴۵.....	۱-۹-۱- تقوا پیشه کنید و اطاعت کنید
۳۴۷.....	۱-۹-۲- تقوا پیشه کنید و مرا اطاعت کنید
۳۴۹.....	۱-۹-۳- از او پروا کنید و او را فرمان برید
۳۴۹.....	۱-۹-۴- از خدا پروا می کنند و از او اطاعت می کنند
۳۴۹.....	۱-۹-۵- پرهیز کارتر و فرمان بردارتر
۳۴۹.....	۱-۹-۶- فرمان برید و پرهیز کنید
۳۴۹.....	۱-۹-۷- مرا با فرمان برداری از معصیت ... و با تقوا از گناه در امان دار
۳۴۹.....	۱-۹-۸- پرهیز کاری در واقع اطاعت است
۳۵۱.....	۱-۹-۹- فرمان برداران همان پرهیز کارانند
۳۵۱.....	۱-۹-۱۰- نفس خود را به مهار پرهیز کاری لگام زده و به سوی طاعت خدا کشانیده است
۳۵۱.....	۱-۹-۱۱- گفتید: «اطاعت کردیم!» ... پروا کنید
۳۵۱.....	۱-۹-۱۲- آنچه را رسول خدا برای شما آورده بگیرید و از آنچه نهی کرده خودداری نمایید، و تقوا پیشه کنید
۳۵۱.....	۱-۹-۱۳- آن که خدا را فرمان برد و پروا کند
۳۵۱.....	۱-۱۰- عبادت و بندگی
۳۵۱.....	۱-۱۰-۱- خدا را بپرستید و از او پروا کنید
۳۵۳.....	۱-۱۰-۲- خدا را بپرستید... آیا پروا نمی کنید؟
۳۵۳.....	۱-۱۰-۳- پرهیز کار باش تا عابدترین مردم باشی
۳۵۳.....	۱-۱۰-۴- هر کس ورع پیشه کند، عبادتش نیکو می گردد
۳۵۳.....	۱-۱۰-۵- حقیقت بندگی
۳۵۳.....	۱-۱۱- پیروی و پاسخ مثبت به پروردگار
۳۵۳.....	۱-۱۱-۱- از راه پیروی کنید، باشد که پرهیز کاری پیشه کنید
۳۵۳.....	۱-۱۱-۲- از راه های پیروی امر ما، پرهیز کاری است
۳۵۵.....	۱-۱۱-۳- پذیرش دعوت به حق و.ر.به: تعریف ها و تمثیل ها
۳۵۵.....	۱-۱۲- عمل و تلاش و.ر.به: تعریف ها و تمثیل ها
۳۵۵.....	۱-۱۲-۱- پروا کن و فرمان او را عمل کن
۳۵۵.....	۱-۱۲-۲- پروا کنید و عمل کنید
۳۵۵.....	۱-۱۲-۳- پروا کنید و در عمل به فرمان او، سرعت بگیرید
۳۵۵.....	۱-۱۲-۴- از تو اعمال اهل تقوا را می طلبم
۳۵۵.....	۱-۱۲-۵- پرهیز کاری بهترین اعمال است

﴿الفهرس﴾

٣٥٤..... ١٢-١٤-١-التَّقْوَى أَنْ لَا يَقْعِدَكَ اللَّهُ حَيْثُ أَمَرَكَ.....

٣٥٤..... ١٢-١٤-٧-التَّقْوَى عَمَلٌ بِالْجَوَارِحِ.....

٣٥٤..... ١٢-١٤-٨-الْمُتَّقُونَ عَمِلُوا بِمَا يُوجِبُ لَهُمْ رِضَا رَبِّهِمْ.....

٣٥٤..... ١٢-١٤-٩-أَوْزَعُكُمْ أَحْسَنُكُمْ عَمَلًا.....

٣٥٤..... ١٢-١٤-١٠-تَمَامُ التَّقْوَى أَنْ تَعْمَلَ بِمَا عَلِمْتَ.....

٣٥٤..... ١٢-١٤-١١-يَدْخُلُونَ الْجَنَّةَ بِالْعَمَلِ لِأَنَّ اللَّهَ لَا يَقْبَلُ إِلَّا مِنَ الْمُتَّقِينَ.....

٣٥٨..... ١٢-١٤-١٢-الْوَرَعُ وَالْإِجْتِهَادُ.....

٣٥٨..... ١٢-١٤-١٣-التَّحَرُّى فِي الْمَكَايِبِ.....

٣٥٨..... ١٣-١٤-١-الدِّينُ وَرِاجِعُ: التَّعَارِيفُ وَالتَّمَاثِيلُ.....

٣٥٨..... ١٣-١٤-١-التَّقَى وَالدِّينُ.....

٣٥٨..... ١٣-١٤-٢-إِنْ كَانَ لَكَ تَقَى فَلَكَ دِينٌ.....

٣٥٨..... ١٣-١٤-٣-دَلِيلُ دِينِ الْعَبْدِ وَرَعُهُ.....

٣٥٨..... ١٣-١٤-٤-سِيَاسَةُ الدِّينِ بِحُسْنِ الْوَرَعِ.....

٣٥٨..... ١٣-١٤-٥-يُسْتَدَلُّ عَلَى دِينِ الرَّجُلِ بِحُسْنِ تَقْوَاهُ وَصِدْقِ وَرَعِهِ.....

٣٥٨..... ١٤-١٤-١-الإِسْلَامُ وَاللِّسَانُ وَالتَّقْوَى بِالْجَوَارِحِ.....

٣٦٠..... ١٤-١٤-٢-الإِسْلَامُ لِبَاسُ الْمُتَّقِينَ.....

٣٦٠..... ١٤-١٤-٣-التَّقْوَى عُذَّةُ الْإِسْلَامِ.....

٣٦٠..... ١٤-١٤-٤-التَّقْوَى لِبَاسُ الْإِسْلَامِ.....

٣٦٠..... ١٤-١٤-٥-الْوَرَعُ عِمَادُ الْإِسْلَامِ.....

٣٦٢..... ١٤-١٤-٦-الْوَرَعُ مِلَاكُ الْإِسْلَامِ.....

٣٦٢..... ١٤-١٤-٧-الْوَرَعُ مُزِينُ الْإِسْلَامِ.....

٣٦٢..... ١٤-١٤-٨-لَا إِسْلَامَ لِمَنْ لَا وَرَعَ لَهُ.....

٣٦٢..... ١٥-١٤-١-الْعِلْمُ وَالْفِقْهُ وَ الْمَعْرِفَةُ وَرَاجِعُ: التَّعَارِيفُ وَ التَّمَاثِيلُ.....

٣٦٢..... ١٥-١٤-١-الْعِلْمُ اتَّقَى.....

٣٦٢..... ١٥-١٤-٢-التَّقْوَى عِلْمٌ بِلَا جَهْلٍ.....

٣٦٢..... ١٥-١٤-٣-تَمَامُ التَّقْوَى أَنْ تَتَعَلَّمَ مَا جَهِلْتَ.....

٣٦٢..... ١٥-١٤-٤-الْعِلْمُ بِمَا يَجِبُ عَلَيْهِمْ عِلْمُهُ.....

٣٦٢..... ١٥-١٤-٥-مَعْرِفَةُ الْحَقِّ مِنَ الْبَاطِلِ.....

٣٦٤..... ١٥-١٤-٦-الْفِقْهُ.....

٣٦٤..... ١٦-١٤-١-حُسْنُ الظَّنِّ.....

﴿فهرست﴾

۱۲-۶-۱	پرهیزکاری آن است که خداوند تو را در کنار دستورهای خود غایب نبیند.	۳۵۵
۱۲-۶-۷	پرهیزکاری، عمل با اعضا و جوارح است.	۳۵۷
۱۲-۶-۸	پرهیزکاران به آنچه رضایت پروردگارشان را فراهم می‌کند عمل می‌کنند.	۳۵۷
۱۲-۶-۹	پرهیزکارترین شما کسی است که بهتر عمل کند.	۳۵۷
۱۲-۶-۱۰	تمام تقوا آن است که به آنچه آموختی، عمل کنی.	۳۵۷
۱۲-۶-۱۱	به خاطر عمل داخل بهشت می‌شوند چراکه جز از پرهیزکاران عملی را نمی‌پذیرد.	۳۵۷
۱۲-۶-۱۲	پرهیزکاری و تلاش.	۳۵۹
۱۲-۶-۱۳	کوشش برای کسب حلال.	۳۵۹
۱۳-۶-۱	دین و ربه: تعریف‌ها و تمثیل‌ها.	۳۵۹
۱۳-۶-۱	پرهیزکاری و دین.	۳۵۹
۱۳-۶-۲	اگر در تو تقوا هست پس دین هم هست.	۳۵۹
۱۳-۶-۳	نشانه‌ی دین بنده، پرهیزکاری اوست.	۳۵۹
۱۳-۶-۴	مدیریت دینداری به پرهیزکاری نیکوست.	۳۵۹
۱۳-۶-۵	از دین مرد به پرهیزکاری نیکو و ورع صادقانه‌ی او استدلال می‌شود.	۳۵۹
۱۴-۶-۱	اسلام و ربه: فصل ۲؛ تقوا فراتر از اسلام.	۳۵۹
۱۴-۶-۱	اسلام به زبان است و تقوا به جوارح.	۳۶۱
۱۴-۶-۲	اسلام لباس پرهیزکاران است.	۳۶۱
۱۴-۶-۳	پرهیزکاری سرمایه‌ی اسلام است.	۳۶۱
۱۴-۶-۴	پرهیزکاری لباس اسلام است.	۳۶۱
۱۴-۶-۵	پرهیزکاری ستون اسلام است.	۳۶۱
۱۴-۶-۶	پرهیزکاری ملاک اسلام است.	۳۶۳
۱۴-۶-۷	پرهیزکاری زینت‌دهنده‌ی اسلام است.	۳۶۳
۱۴-۶-۸	کسی که ورع ندارد مسلمان نیست.	۳۶۳
۱۵-۶-۱	علم و فقه و شناخت و ربه: تعریف‌ها و تمثیل‌ها.	۳۶۳
۱۵-۶-۱	دانش [موجب] پرهیزکارتر [شدن] است.	۳۶۳
۱۵-۶-۲	پرهیزکاری دانش بدون نادانی است.	۳۶۳
۱۵-۶-۳	تمام تقوا آن است که آنچه نمی‌دانی بیاموزی.	۳۶۳
۱۵-۶-۴	دانستن آنچه دانستنش واجب است.	۳۶۳
۱۵-۶-۵	شناخت حق از باطل.	۳۶۳
۱۵-۶-۶	علم دقیق.	۳۶۵
۱۶-۶-۱	گمان نیک.	۳۶۵

﴿الفهرس﴾

٣٦٤	١٧-١-١٦- ذِكْرُ بِلَا نِسْيَانٍ.....
٣٦٤	١٨-١-١٦- الرِّضْوَانُ.....
٣٦٤	١٩-١-١٦- الْعَدْلُ.....
٣٦٤	١-١٩-١٦- إَعْدِلُوا هُوَ أَقْرَبُ لِلتَّقْوَى.....
٣٦٤	٢-١٩-١٦- جَمَاعُ التَّقْوَى الْعَدْلُ.....
٣٦٤	٣-١٩-١٦- لَنْ تَسْتَطِيعُوا أَنْ تَعْدِلُوا ... تَتَّقُوا.....
٣٦٤	٢٠-١٦-١- الْعَفْوُ.....
٣٦٤	٢١-١٦-١- النِّهْيُ.....
٣٦٤	٢٢-١٦-١- مَا لَيْسَ بِتَقْوَى اللَّهِ.....
٣٦٤	١-٢٢-١٦- الْبُكَاءُ لَيْسَ بِتَقْوَى اللَّهِ.....
٣٦٤	٢-٢٢-١٦- طَوْلُ عِبَادَةِ لَيْسَ بِتَقْوَى اللَّهِ.....
٣٦٤	١-٧-المُضَادَّاتُ وَرَاجِعُ: الْفَصْلُ الثَّامِنُ؛ مَا يُتَّقَى مِنْهُ.....
٣٦٤	١-٧-١- الإِثْمُ وَالذَّنْبُ وَالْمَعْصِيَةُ وَالْفِسْقُ وَالْفَسَادُ.....
٣٦٤	١-٧-١-١- الإِثْمُ.....
٣٦٨	١-٧-١-٢- الذَّنْبُ.....
٣٦٨	١-٧-١-٣- الْمَعْصِيَةُ.....
٣٦٨	١-٧-١-٤- التَّجَرُّيُّ عَلَى الْمَعْصِيَةِ.....
٣٧٠	١-٧-١-٥- النَّشَاطُ بِالْمَعْصِيَةِ.....
٣٧٠	١-٧-١-٦- الْفُجُورُ.....
٣٧٢	١-٧-١-٧- الْفِسْقُ.....
٣٧٢	١-٧-١-٨- الْإِجْتِرَاءُ.....
٣٧٢	١-٧-١-٩- السُّوءُ.....
٣٧٤	١-٧-١-١٠- الْفَسَادُ.....
٣٧٤	١-٧-١-١١- الْخَطَأُ.....
٣٧٤	١-٧-١-١٢- التَّلَوُّثُ.....
٣٧٤	٢-٧-١- الطَّلَبُ وَالرَّغْبَةُ وَالطَّمَعُ وَالْجَسَعُ وَالشَّيْعُ وَالشَّرُّ.....
٣٧٤	١-٧-٢-١- الرَّغْبَةُ.....
٣٧٤	١-٧-٢-٢- الطَّلَبُ.....
٣٧٤	١-٧-٢-٣- طَلَبُ الدُّنْيَا.....
٣٧٤	١-٧-٢-٤- التَّمَنُّعُ.....
٣٧٤	١-٧-٢-٥- الطَّمَعُ.....

﴿فهرست﴾

۱۷-۱-۱۶	یاد بدون فراموشی.....	۳۶۵
۱۸-۱-۱۶	خشنودی خداوند.....	۳۶۵
۱۹-۱-۱۶	عدل.....	۳۶۵
۱۹-۱-۱۶	عدالت بورزید که به پرهیزکاری نزدیک‌تر است.....	۳۶۵
۱۹-۱-۱۶	همه‌ی تقوا عدل است.....	۳۶۵
۱۹-۱-۱۶	نمی‌توانید عدالت برقرار کنید... تقوا پیشه کنید.....	۳۶۵
۲۰-۱-۱۶	عفو.....	۳۶۵
۲۱-۱-۱۶	خرد.....	۳۶۷
۲۲-۱-۱۶	آنچه تقوای خداوند نیست.....	۳۶۷
۲۲-۱-۱۶	گریه تقوا نیست.....	۳۶۷
۲۲-۱-۱۶	عبادت طولانی تقوا نیست.....	۳۶۷
۷-۱-۱۶	مفاهیم متضاد تقوا و ربه: فصل ۸؛ آنچه باید از آن پرهیز کرد.....	۳۶۷
۷-۱-۱۶	گناه و نافرمانی و فساد.....	۳۶۷
۷-۱-۱۶	گناه.....	۳۶۷
۷-۱-۱۶	گناه.....	۳۶۹
۷-۱-۱۶	نافرمانی.....	۳۶۹
۷-۱-۱۶	جسارت بر نافرمانی.....	۳۶۹
۷-۱-۱۶	نشاط در نافرمانی.....	۳۷۱
۷-۱-۱۶	گناه.....	۳۷۱
۷-۱-۱۶	گناه.....	۳۷۳
۷-۱-۱۶	جسارت.....	۳۷۳
۷-۱-۱۶	بدی.....	۳۷۳
۷-۱-۱۶	فساد.....	۳۷۵
۷-۱-۱۶	خطا.....	۳۷۵
۷-۱-۱۶	آلودگی.....	۳۷۵
۷-۲-۱۶	تمایل و طمع و زیاده‌خواهی و پرخوری و حرص و طمع.....	۳۷۵
۷-۲-۱۶	تمایل.....	۳۷۵
۷-۲-۱۶	خواستن.....	۳۷۵
۷-۲-۱۶	دنیاخواهی.....	۳۷۵
۷-۲-۱۶	بهره‌برداری.....	۳۷۷
۷-۲-۱۶	طمع.....	۳۷۷

﴿الفهرس﴾

٣٨٠	١-٧-٢-٦	الجشعُ
٣٨٠	١-٧-٢-٧	الشبعُ
٣٨٠	١-٧-٢-٨	الشرُّ
٣٨٠	١-٧-٣	طاعةُ الشَّيْطَانِ، الشَّهَوَاتُ، الْهَوَى
٣٨٠	١-٧-٣-١	طاعةُ الشَّيْطَانِ
٣٨٠	١-٧-٣-٢	الشَّهَوَاتُ
٣٨٠	١-٧-٣-٣	الْهَوَى
٣٨٢	١-٧-٤	الشُّرْكُ وَ الْكُفْرُ وَ التَّكْذِيبُ وَ التَّوَلَّى وَ إِشْتِرَاءُ الْآيَاتِ
٣٨٢	١-٧-٤-١	الشُّرْكُ
٣٨٢	١-٧-٤-٢	الْكُفْرُ
٣٨٤	١-٧-٤-٣	التَّكْذِيبُ
٣٨٤	١-٧-٤-٤	التَّوَلَّى
٣٨٤	١-٧-٤-٥	إِشْتِرَاءُ الْآيَاتِ
٣٨٦	١-٧-٥	حُبُّ الذَّكْرِ وَ الشَّرَفِ وَ الْعُلُوِّ
٣٨٦	١-٧-٥-١	حُبُّ الذَّكْرِ
٣٨٦	١-٧-٥-٢	حُبُّ الشَّرَفِ
٣٨٦	١-٧-٥-٣	إِرَادَةُ الْعُلُوِّ
٣٨٦	١-٧-٦	الظُّلْمُ وَ التَّعَدَّى وَ الْإِعْتِدَاءُ وَ الدُّوْدُ
٣٨٦	١-٧-٦-١	الظُّلْمُ
٣٨٨	١-٧-٦-٢	التَّعَدَّى
٣٨٨	١-٧-٦-٣	الْإِعْتِدَاءُ
٣٨٨	١-٧-٦-٤	الدُّوْدُ
٣٨٨	١-٧-٦-٥	المُخَاصَمَةُ
٣٨٨	١-٧-٦-٦	الْفِتْنَةُ وَ الْفُرْقَةُ
٣٨٨	١-٧-٧	الْخِيَانَةُ وَ النِّفَاقُ
٣٨٨	١-٧-٧-١	الْخِيَانَةُ
٣٨٨	١-٧-٧-٢	النِّفَاقُ
٣٩٠	١-٧-٧-٣	إِخْوَانُ الظَّاهِرِ وَ أَعْدَاءُ السَّرَائِرِ
٣٩٠	١-٧-٨	الشَّقَاوَةُ وَ الضَّلَالَةُ وَ الرَّدَى
٣٩٠	١-٧-٨-١	الشَّقَاوَةُ
٣٩٢	١-٧-٨-٢	الضَّلَالَةُ

﴿فهرست﴾

۳۸۱.....	۱-۷-۲-۶- زیاده‌خواهی
۳۸۱.....	۱-۷-۲-۷- پر خوری
۳۸۱.....	۱-۷-۲-۸- حرص و طمع
۳۸۱.....	۱-۷-۳- فرمانبری از شیطان، شهوات و هوای نفس
۳۸۱.....	۱-۷-۳-۱- فرمانبری از شیطان
۳۸۱.....	۱-۷-۳-۲- شهوات
۳۸۱.....	۱-۷-۳-۳- هوای نفس
۳۸۳.....	۱-۷-۴- شرک و کفر و دروغ‌دانستن دین و روی برگرداندن و فروختن آیات
۳۸۳.....	۱-۷-۴-۱- شرک
۳۸۳.....	۱-۷-۴-۲- کفر
۳۸۵.....	۱-۷-۴-۳- دروغ‌دانستن دین
۳۸۵.....	۱-۷-۴-۴- پشت‌کردن به دستورات دین
۳۸۵.....	۱-۷-۴-۵- فروختن آیات
۳۸۷.....	۱-۷-۵- نامجویی و جاه‌طلبی و برتری‌طلبی
۳۸۷.....	۱-۷-۵-۱- نامجویی
۳۸۷.....	۱-۷-۵-۲- جاه‌طلبی
۳۸۷.....	۱-۷-۵-۳- برتری‌طلبی
۳۸۷.....	۱-۷-۶- ظلم و تجاوز و دشمنی و خصومت
۳۸۷.....	۱-۷-۶-۱- ظلم
۳۸۹.....	۱-۷-۶-۲- تجاوز
۳۸۹.....	۱-۷-۶-۳- تجاوز
۳۸۹.....	۱-۷-۶-۴- دشمنی
۳۸۹.....	۱-۷-۶-۵- خصومت
۳۸۹.....	۱-۷-۶-۶- فتنه و تفرقه
۳۸۹.....	۱-۷-۷- خیانت و نفاق
۳۸۹.....	۱-۷-۷-۱- خیانت
۳۸۹.....	۱-۷-۷-۲- نفاق
۳۹۱.....	۱-۷-۷-۳- دوستان ظاهر و دشمنان باطن
۳۹۱.....	۱-۷-۸- بدبختی و گمراهی و هلاکت
۳۹۱.....	۱-۷-۸-۱- بدبختی
۳۹۳.....	۱-۷-۸-۲- گمراهی

﴿الفهرس﴾

٣٩٢.....	١-٧-٨٣- الردى
٣٩٢.....	١-٧-٨٤- الغى
٣٩٢.....	١-٧-٩- الحسد
٣٩٢.....	١-٧-١٠- الغفلة
٣٩٤.....	١-٧-١١- مَا يَقْطَعُكَ عَنِ اللَّهِ
٣٩٤.....	١-٨- مصدر التقوى
٣٩٤.....	١-٨-١- الباطن
٣٩٤.....	١-٨-٢- الجوارح
٣٩٤.....	١-٨-٣- الصدر
٣٩٤.....	١-٨-٤- القلب
٤٠٠.....	١-٨-٥- النفس
٤٠٠.....	١-٨-٦- اللسان وراجع: الفصل الحادي عشر؛ علامات المتقين؛ القول والكلام
٤٠٠.....	١-٨-٦-١- ورع المنافق لا يظهر إلا على لسانه
٤٠٢.....	الفصل الثاني: أهمية التقوى والإهتمام بها
٤٠٢.....	٢-١- الفرض
٤٠٢.....	٢-١-١- علم التقوى فريضة
٤٠٢.....	٢-١-٢- لعلكم تتقون؛ و «لعل» من الله واجب
٤٠٤.....	٢-١-٣- أن الله ألزم كلمة التقوى
٤٠٤.....	٢-١-٤- الصيانة بالورع من المفروض
٤٠٤.....	٢-١-٥- يلزمك الورع
٤٠٤.....	٢-٢- طلب توفيق التقوى وأن يكون من المتقين
٤٠٤.....	٢-٢-١- أت نفسي تقواها
٤٠٤.....	٢-٢-٢- اجعل التقوى زادنا
٤٠٤.....	٢-٢-٣- اجعل التقوى زادي
٤٠٤.....	٢-٢-٤- اجعل التقوى في قلوبنا وأسماعنا وأبصارنا وفي أحومنا وديمائنا
٤٠٤.....	٢-٢-٥- اجعل التقوى من الدنيا زادي
٤٠٤.....	٢-٢-٦- اجعل تقواك من الدنيا زادي
٤٠٤.....	٢-٢-٧- اجعل زادي من الدنيا تقواك
٤٠٤.....	٢-٢-٨- اجعل صاحبي التقوى
٤٠٤.....	٢-٢-٩- اجعل صيامنا بالتقوى موصولا
٤٠٤.....	٢-٢-١٠- اجعل لنا قدم صديق مع المتقين

﴿فهرست﴾

۳۹۳.....	۱-۷-۸۳- هلاکت
۳۹۳.....	۱-۷-۸۴- گمراهی
۳۹۳.....	۱-۷-۹- حسادت
۳۹۳.....	۱-۷-۱۰- غفلت
۳۹۵.....	۱-۷-۱۱- هرچه از خدا دورت کند
۳۹۵.....	۱-۸- جایگاه تقوا
۳۹۵.....	۱-۸-۱- درون
۳۹۵.....	۱-۸-۲- اعضا
۳۹۵.....	۱-۸-۳- سینه
۳۹۵.....	۱-۸-۴- قلب
۴۰۱.....	۱-۸-۵- نفس
۴۰۱.....	۱-۸-۶- زبان و ربه: فصل ۱۱؛ نشانه‌های پرهیزکاران؛ کلام و گفتار
۴۰۱.....	۱-۸-۶-۱- ورع منافق از زبانش فراتر نمی‌رود
۴۰۳.....	فصل ۲: اهمیت تقوا و توجه به آن
۴۰۳.....	۲-۱- وجوب تقوا
۴۰۳.....	۲-۱-۱- دانش پرهیزکاری واجب است
۴۰۳.....	۲-۱-۲- باشد که پرهیزکار شوید؛ «باشد» از طرف خدا نشانه‌ی وجوب است
۴۰۵.....	۲-۱-۳- خداوند کلمه‌ی تقوا را واجب کرد
۴۰۵.....	۲-۱-۴- نگهداری با کمک تقوا، از واجبات است
۴۰۵.....	۲-۱-۵- پرهیزکاری بر تو لازم است
۴۰۵.....	۲-۲- درخواست توفیق پرهیزکاری و قرارگرفتن در ردیف پرهیزکاران
۴۰۵.....	۲-۲-۱- تقوای نفسم را عطا کن
۴۰۵.....	۲-۲-۲- تقوا را توشه‌ی ما قرار ده
۴۰۵.....	۲-۲-۳- تقوا را توشه‌ام قرار ده
۴۰۵.....	۲-۲-۴- پرهیزکاری رادر قلب‌ها و گوش‌ها و چشم‌ها و در گوشت و خون ما قرار ده
۴۰۷.....	۲-۲-۵- پرهیزکاری را توشه‌ی من از دنیا قرار ده
۴۰۷.....	۲-۲-۶- پروایت را توشه‌ی من از دنیا قرار ده
۴۰۷.....	۲-۲-۷- پروایت را توشه‌ی من از دنیا قرار ده
۴۰۷.....	۲-۲-۸- پرهیزکاری را همدم من قرار ده
۴۰۷.....	۲-۲-۹- روزه‌ی ما را به تقوا برسان
۴۰۷.....	۲-۲-۱۰- برای ما گامی استوار همراه با پرهیزکاران قرار ده

﴿الفهرس﴾

- ٢-٢-١١- إَجْعَلْ نَفْسِي مُتَزَوِّدَةً التَّقْوَى لِيَوْمِ جَزَائِكَ ٤٠٦
- ٢-٢-١٢- إَجْعَلْ هَوَايَ فِي تَقْوَاكَ ٤٠٦
- ٢-٢-١٣- إَجْعَلْنَا مِنَ الْأَتْقِيَاءِ ٤٠٨
- ٢-٢-١٤- إَجْعَلْنَا مِنْ أَوْلِيَائِكَ الْمُتَّقِينَ ٤٠٨
- ٢-٢-١٥- إَجْعَلْنَا مِنْ عِبَادِكَ الْمُتَّقِينَ ٤٠٨
- ٢-٢-١٦- إَجْعَلْنِي مِمَّنْ اتَّقَى ٤٠٨
- ٢-٢-١٧- إَجْعَلْنِي مِنَ الْمُتَّقِينَ ٤٠٨
- ٢-٢-١٨- إَجْعَلْنِي مِنَ الَّذِينَ اتَّقَوْا ٤٠٨
- ٢-٢-١٩- إَجْعَلْنِي مِنْ أَوْلِيَائِكَ الْمُتَّقِينَ ٤٠٨
- ٢-٢-٢٠- إَجْعَلْهُ ثَوْبَ تَقَى ٤٠٨
- ٢-٢-٢١- إَجْعَلْهُ ثَوْبَ تَقْوَى ٤١٠
- ٢-٢-٢٢- إَجْعَلْهُ لِبَاسَ التَّقْوَى ٤١٠
- ٢-٢-٢٣- إَخْتِمْ لِي بِالتَّقْوَى عَمَلِي ٤١٠
- ٢-٢-٢٤- أَذْخِلْ رَمَضَانَ عَلَيْنَا بِالتَّقْوَى ٤١٠
- ٢-٢-٢٥- أَرْزُقْنِي التَّقْوَى مَا أَبْقَيْتَنِي ٤١٠
- ٢-٢-٢٦- أَرْزُقْنِي التَّقَى ٤١٠
- ٢-٢-٢٧- أَرْزُقْنِي الْوَرَعَ عَنْ مَحَارِمِكَ ٤١٠
- ٢-٢-٢٨- أَرْزُقْنِي تَقَى ٤١٠
- ٢-٢-٢٩- أَرْزُقْنِي فِي هَذَا الشَّهْرِ التَّقَى ٤١٠
- ٢-٢-٣٠- أَرْزُقْنِي مِنَ الْوَرَعِ مَا يَخْجِزُنِي عَنْ مَعَاصِيكَ ٤١٢
- ٢-٢-٣١- أَرْزُقْنِي وَرَعًا ٤١٢
- ٢-٢-٣٢- أَرْزُقْنِي وَرَعًا فِي إِجْمَالٍ ٤١٢
- ٢-٢-٣٣- أَرْزُقْنَا قَنَاعَةَ الْمُتَّقِينَ ٤١٢
- ٢-٢-٣٤- أَسْأَلُ اللَّهَ التَّقْوَى ٤١٢
- ٢-٢-٣٥- أَسْأَلُ اللَّهَ الْعَوْنَ عَلَى تَزَوُّدِ التَّقْوَى ٤١٢
- ٢-٢-٣٦- أَسْأَلُ اللَّهَ أَنْ يَجْعَلَنَا مِنَ الْمُتَّقِينَ ٤١٢
- ٢-٢-٣٧- أَسْأَلُكَ أَعْمَالَ أَهْلِ التَّقْوَى ٤١٤
- ٢-٢-٣٨- أَسْأَلُكَ التَّقْوَى ٤١٤
- ٢-٢-٣٩- أَسْأَلُكَ التَّقْوَى مَا أَبْقَيْتَنِي ٤١٤
- ٢-٢-٤٠- أَسْأَلُكَ التَّقَى ٤١٤
- ٢-٢-٤١- أَسْأَلُكَ الْوَرَعَ عَنْ مَحَارِمِكَ ٤١٤

﴿ فهرست ﴾

۴۰۷.....	۲-۲-۱۱- مرا ذخیره‌کننده‌ی تقوا برای روز پاداشت قرار ده
۴۰۷.....	۲-۲-۱۲- میل مرا در پرهیزکاری ات قرار ده
۴۰۹.....	۲-۲-۱۳- از پرهیزکاران قرارمان ده
۴۰۹.....	۲-۲-۱۴- از دوستان پرهیزکارت قرارمان ده
۴۰۹.....	۲-۲-۱۵- از بندگان پرهیزکارت قرارمان ده
۴۰۹.....	۲-۲-۱۶- از کسانی قرارم ده که از تو پروا می‌کنند
۴۰۹.....	۲-۲-۱۷- از پرهیزکاران قرارم ده
۴۰۹.....	۲-۲-۱۸- از کسانی که از تو پروا می‌کنند قرارم ده
۴۰۹.....	۲-۲-۱۹- از دوستان پرهیزکارت قرارم ده
۴۰۹.....	۲-۲-۲۰- لباس پرهیزکاری قرارش ده
۴۱۱.....	۲-۲-۲۱- لباس پرهیزکاری قرارش ده
۴۱۱.....	۲-۲-۲۲- لباس پرهیزکاری قرارش ده
۴۱۱.....	۲-۲-۲۳- عملم را به پرهیزکاری پایان بخش
۴۱۱.....	۲-۲-۲۴- رمضان را با پرهیزکاری بر ما وارد کن
۴۱۱.....	۲-۲-۲۵- تا زنده‌ام پرهیزکاری را روزی‌ام کن
۴۱۱.....	۲-۲-۲۶- پرهیزکاری روزی‌ام کن
۴۱۱.....	۲-۲-۲۷- پرهیز از حرام‌های روزی‌ام کن
۴۱۱.....	۲-۲-۲۸- پرهیزکاری روزی‌ام کن
۴۱۱.....	۲-۲-۲۹- در این ماه پرهیزکار روزی‌ام کن
۴۱۳.....	۲-۲-۳۰- از پرهیزکاری آنچه مرا از نافرمانی‌ات باز می‌دارد روزی‌ام کن
۴۱۳.....	۲-۲-۳۱- پرهیزکاری روزی‌ام کن
۴۱۳.....	۲-۲-۳۲- میانه‌روی در پرهیزکاری روزی‌ام کن
۴۱۳.....	۲-۲-۳۳- قناعت پرهیزکاران روزی‌مان کن
۴۱۳.....	۲-۲-۳۴- از خدا پرهیزکاری می‌خواهم
۴۱۳.....	۲-۲-۳۵- از خدا کمک برای ذخیره‌کردن پرهیزکاری می‌خواهم
۴۱۳.....	۲-۲-۳۶- از خدا می‌خواهم که ما را از پرهیزکاران قرار دهد
۴۱۵.....	۲-۲-۳۷- از تو اعمال پرهیزکاران را می‌خواهم
۴۱۵.....	۲-۲-۳۸- از تو پرهیزکاری می‌خواهم
۴۱۵.....	۲-۲-۳۹- تا زنده‌ام از تو پرهیزکاری می‌خواهم
۴۱۵.....	۲-۲-۴۰- از تو پرهیزکاری می‌خواهم
۴۱۵.....	۲-۲-۴۱- از تو پرهیزکاری از محرمات می‌خواهم

﴿الفهرس﴾

- ٢-٢-٤٢- أسألك أن تؤيدني بتقواك ٤١٦
- ٢-٢-٤٣- أسألك أن تجعل التقوى زادي ٤١٦
- ٢-٢-٤٤- أسألك أن تجعل على التقوى زادي ٤١٦
- ٢-٢-٤٥- أسألك أن تجعلني من الذين أدخلتهم بالتقوى في سعة رحمتك ٤١٦
- ٢-٢-٤٦- أسألك أن ترزقنا التقوى ٤١٦
- ٢-٢-٤٧- أسألك أن ترزقني ورعاً ٤١٦
- ٢-٢-٤٨- أسألك أن تشرح بالتقوى صدري ٤١٦
- ٢-٢-٤٩- أسألك أن تعصمني بالتقوى عن الإثم ٤١٨
- ٢-٢-٥٠- أسألك تقوى لا تنفذ ٤١٨
- ٢-٢-٥١- أسألك زينة أهل الورع ٤١٨
- ٢-٢-٥٢- أسألك صحة في تقوى ٤١٨
- ٢-٢-٥٣- أسألك عبادة المتقين ٤١٨
- ٢-٢-٥٤- أسألك عيش تقى ٤١٨
- ٢-٢-٥٥- أسألك فقه أهل الورع ٤١٨
- ٢-٢-٥٦- أسألك لباس التقوى ٤١٨
- ٢-٢-٥٧- أسألك الله على التقوى ٤١٨
- ٢-٢-٥٨- أسألك بتقواك ٤١٨
- ٢-٢-٥٩- أشعر قلبي تقواك ٤٢٠
- ٢-٢-٦٠- اصرف عني ما تصرفه عن القوم المتقين ٤٢٠
- ٢-٢-٦١- أعط نفسي تقواها ٤٢٠
- ٢-٢-٦٢- أعطني التقوى ٤٢٠
- ٢-٢-٦٣- أعطني ورعاً يحجزني عن معاصيك ٤٢٠
- ٢-٢-٦٤- أعني على آخرتي بالتقوى ٤٢٠
- ٢-٢-٦٥- أعني على نفسي بتقوى ٤٢٠
- ٢-٢-٦٦- أعني على آخرتي بتقواي ٤٢٠
- ٢-٢-٦٧- أغنني بالتقوى ٤٢٢
- ٢-٢-٦٨- أكنسني بالتوبة لباس التقوى ٤٢٢
- ٢-٢-٦٩- ألزمني كلمة التقوى ٤٢٢
- ٢-٢-٧٠- ألبسني التقوى ٤٢٢
- ٢-٢-٧١- ألبسني زينة المتقين ٤٢٢
- ٢-٢-٧٢- ألبسني لباس التقوى ٤٢٢

﴿فهرست﴾

۴۱۷.....	از تو می‌خواهم که مرا با پرهیزکاری تأیید کنی.....	۲-۲-۴۲
۴۱۷.....	از تو می‌خواهم که پرهیزکاری را توشه‌ام قرار دهی.....	۲-۲-۴۳
۴۱۷.....	از تو می‌خواهم که پرهیزکاری را توشه‌ام قرار دهی.....	۲-۲-۴۴
۴۱۷.....	از تو می‌خواهم که از کسانی قرارم دهی که با پرهیزکاری در رحمت گسترده‌ات واردشان می‌کنی.....	۲-۲-۴۵
۴۱۷.....	از تو می‌خواهم که پرهیزکاری را روزی‌مان کنی.....	۲-۲-۴۶
۴۱۷.....	از تو می‌خواهم که پرهیزکاری را روزی‌ام کنی.....	۲-۲-۴۷
۴۱۷.....	از تو می‌خواهم که سینه‌ام را به پرهیزکاری گسترش دهی.....	۲-۲-۴۸
۴۱۹.....	از تو می‌خواهم که با پرهیزکاری مرا از گناه باز داری.....	۲-۲-۴۹
۴۱۹.....	از تو پرهیزکاری تمام‌ناشدنی می‌خواهم.....	۲-۲-۵۰
۴۱۹.....	از تو زینت اهل پرهیزکاری می‌خواهم.....	۲-۲-۵۱
۴۱۹.....	از تو سلامتی در پرهیزکاری می‌خواهم.....	۲-۲-۵۲
۴۱۹.....	از تو عبادت پرهیزکاران را می‌خواهم.....	۲-۲-۵۳
۴۱۹.....	از تو زندگی همراه با پرهیزکاری می‌خواهم.....	۲-۲-۵۴
۴۱۹.....	از تو دانش اهل پرهیزکاری را می‌خواهم.....	۲-۲-۵۵
۴۱۹.....	از تو لباس پرهیزکاری می‌خواهم.....	۲-۲-۵۶
۴۱۹.....	از خدا در طلب پرهیزکاری یاری می‌خواهم.....	۲-۲-۵۷
۴۱۹.....	با توفیق پرهیزکاری‌ات یاری‌ام کن.....	۲-۲-۵۸
۴۲۱.....	پرهیزکاری‌ات را بر قلبم بیوشان.....	۲-۲-۵۹
۴۲۱.....	آنچه را از پرهیزکاران برگرداندی از من بگردان.....	۲-۲-۶۰
۴۲۱.....	تقوای نفسم را عطا کن.....	۲-۲-۶۱
۴۲۱.....	پرهیزکاری عطایم کن.....	۲-۲-۶۲
۴۲۱.....	پرهیزکاری‌ای عطایم کن که از گناه بازم دارد.....	۲-۲-۶۳
۴۲۱.....	با پرهیزکاری بر آخرتم یاری‌ام کن.....	۲-۲-۶۴
۴۲۱.....	در مقابل نفسم با پرهیزکاری یاری‌ام کن.....	۲-۲-۶۵
۴۲۱.....	برای آخرتم با پرهیزکاری یاری‌ام کن.....	۲-۲-۶۶
۴۲۳.....	با پرهیزکاری بی‌نیازم کن.....	۲-۲-۶۷
۴۲۳.....	با توبه بر من لباس پرهیزکاری بیوشان.....	۲-۲-۶۸
۴۲۳.....	مرا بر کلمه‌ی تقوا وادار.....	۲-۲-۶۹
۴۲۳.....	مرا لباس پرهیزکاری بیوشان.....	۲-۲-۷۰
۴۲۳.....	زیور پرهیزکاران بر من بیوشان.....	۲-۲-۷۱
۴۲۳.....	لباس پرهیزکاری بر من بیوشان.....	۲-۲-۷۲

﴿الفهرس﴾

- ٢-٢-٧٣-.....أَلْحِقْنِي بِالَّذِينَ جَعَلْتَهُمْ أَتْقِيَاءَ..... ٤٢٢
- ٢-٢-٧٤-.....أَلْحِقْنَا بِأَهْلِ بَيْتِ نَبِيِّكَ مُتَّقِينَ..... ٤٢٢
- ٢-٢-٧٥-.....أَلْهِم نَفْسِي تَقْوَاهَا..... ٤٢٤
- ٢-٢-٧٦-.....أَلْهِمْنَا اللَّهُ تَقْوَاهُ..... ٤٢٤
- ٢-٢-٧٧-.....أَلْهِمْنِي التَّقْوَى..... ٤٢٤
- ٢-٢-٧٨-.....إِمْتَحِنْ قَلْبِي لِتَقْوَى الْقُلُوبِ..... ٤٢٤
- ٢-٢-٧٩-.....إِنْ لَمْ تُعِنِّي عَلَى آخِرَتِي بِتَقْوَايَ هَلَكْتُ..... ٤٢٤
- ٢-٢-٨٠-.....أَهْلُهُ عَلَيْنَا وَعَلَى أَهْلِ يُبُوتِنَا وَأَشْيَاعِنَا بِتَقْوَى..... ٤٢٤
- ٢-٢-٨١-.....أَوْجِبْ لِي التَّقْوَى..... ٤٢٤
- ٢-٢-٨٢-.....ثَبِّتْنِي بِالتَّقْوَى..... ٤٢٤
- ٢-٢-٨٣-.....ثَبِّتْنَا عَلَى التَّقْوَى..... ٤٢٤
- ٢-٢-٨٤-.....جَعَلِ اللَّهُ خَلَّتْنَا وَإِيَّاكُمْ خَلَّةَ الْمُتَّقِينَ..... ٤٢٤
- ٢-٢-٨٥-.....جَعَلْنَا اللَّهُ مِنَ الْمُتَّقِينَ..... ٤٢٤
- ٢-٢-٨٦-.....جَعَلْنَا اللَّهُ وَإِيَّاكُمْ الْمُتَّقِينَ..... ٤٢٤
- ٢-٢-٨٧-.....حَلَّانَا وَإِيَّاكُمْ حَلِيَّةَ الْمُتَّقِينَ..... ٤٢٤
- ٢-٢-٨٨-.....حَلَّنِي حَلِيَّةَ الْمُتَّقِينَ..... ٤٢٤
- ٢-٢-٨٩-.....لَا أَرَى نِعْمَةً فِي تَقْوَى إِلَّا رَجَوْتُ لِنَفْسِي أَفْضَلَ ذَلِكَ..... ٤٢٤
- ٢-٢-٩٠-.....رَزَقْنِي اللَّهُ الْعُودَ بِتَقْوَى..... ٤٢٤
- ٢-٢-٩١-.....زَوَّدَنِي التَّقْوَى..... ٤٢٤
- ٢-٢-٩٢-.....زَوَّدَنِي مِنَ الدُّنْيَا التَّقْوَى..... ٤٢٤
- ٢-٢-٩٣-.....زَوَّدَنَا مِنَ التَّقْوَى..... ٤٢٨
- ٢-٢-٩٤-.....زَيْنِّي بِزِينَةِ أَهْلِ التَّقْوَى..... ٤٢٨
- ٢-٢-٩٥-.....زَيْنِّي بِزِينَةِ أَهْلِ التَّقْوَى..... ٤٢٨
- ٢-٢-٩٦-.....زَيْنِّي بِالتَّقْوَى..... ٤٢٨
- ٢-٢-٩٧-.....زَيْنِّي بِالتَّقْوَى..... ٤٢٨
- ٢-٢-٩٨-.....سُقْنِي فِي رُؤْمَةٍ أَوْلِيَاكَ الْمُتَّقِينَ..... ٤٢٨
- ٢-٢-٩٩-.....سَأَلْتُ رَبِّي أَنْ يُلْهِمَنِي التَّقْوَى..... ٤٢٨
- ٢-٢-١٠٠-.....عَزَمَ اللَّهُ لَنَا عَلَى تَقْوَاهُ..... ٤٢٨
- ٢-٢-١٠١-.....عُشْنَا بِهِ سَرَابِيلَ الْوَرَعِ..... ٤٢٨
- ٢-٢-١٠٢-.....عَصَمَنَا اللَّهُ بِالتَّقْوَى..... ٤٣٠
- ٢-٢-١٠٣-.....كَرَّمَنِي بِالتَّقْوَى..... ٤٣٠

﴿فهرست﴾

۴۲۳.....	۲-۲-۷۳- مرا به آنان که پرهیزکارشان قرار دادی برسان
۴۲۳.....	۲-۲-۷۴- ما را به خاندان پرهیزکار پیامبرت برسان
۴۲۵.....	۲-۲-۷۵- به جانم پرهیزکاری‌اش را الهام کن
۴۲۵.....	۲-۲-۷۶- خداوند تقوایش را به ما الهام کند
۴۲۵.....	۲-۲-۷۷- مرا پرهیزکاری الهام کن
۴۲۵.....	۲-۲-۷۸- قلبم را بر پرهیزکاری بیازما
۴۲۵.....	۲-۲-۷۹- اگر بر آخرتم با پرهیزکاری یاری‌ام نکنی هلاک می‌شوم
۴۲۵.....	۲-۲-۸۰- ماه را بر ما و خانواده‌ی مان و پیروانمان با پرهیزکاری نو کن
۴۲۵.....	۲-۲-۸۱- پرهیزکاری را بر من واجب کن
۴۲۵.....	۲-۲-۸۲- مرا بر پرهیزکاری ثابت کن
۴۲۵.....	۲-۲-۸۳- بر پرهیزکاری تثبیتان کن
۴۲۷.....	۲-۲-۸۴- خداوند دوستی ما و شما را دوستی پرهیزکاران قرار دهد
۴۲۷.....	۲-۲-۸۵- خداوند ما را از پرهیزکاران قرار دهد
۴۲۷.....	۲-۲-۸۶- خداوند ما و شما را از پرهیزکاران قرار دهد
۴۲۷.....	۲-۲-۸۷- خداوند ما و شما را به زیور پرهیزکاران بیاراید
۴۲۷.....	۲-۲-۸۸- مرا به زیور پرهیزکاران بیارای
۴۲۷.....	۲-۲-۸۹- نعمتی در پرهیزکاری ندیدم جز آنکه برای خود بهتر از آن را امید بستم
۴۲۷.....	۲-۲-۹۰- خداوند بازگشت به پرهیزکاری را روزی‌ام کند
۴۲۷.....	۲-۲-۹۱- برایم پرهیزکاری ذخیره کن
۴۲۷.....	۲-۲-۹۲- برایم از دنیا پرهیزکاری ذخیره کن
۴۲۹.....	۲-۲-۹۳- از پرهیزکاری برایمان ذخیره کن
۴۲۹.....	۲-۲-۹۴- مرا به زیور اهل پرهیزکاری بیارای
۴۲۹.....	۲-۲-۹۵- مرا به زیور اهل پرهیزکاری بیارای
۴۲۹.....	۲-۲-۹۶- مرا به زیور پرهیزکاری بیارای
۴۲۹.....	۲-۲-۹۷- مرا به زیور پرهیزکاری بیارای
۴۲۹.....	۲-۲-۹۸- مرا همراه دوستان پرهیزکارت روانه کن
۴۲۹.....	۲-۲-۹۹- از پروردگarm خواستم که پرهیزکاری را به من الهام کند
۴۲۹.....	۲-۲-۱۰۰- خداوند برای ما پرهیزکاری‌اش را اراده کند
۴۲۹.....	۲-۲-۱۰۱- ما را لباس پرهیزکاری بپوشان
۴۳۱.....	۲-۲-۱۰۲- خداوند ما را به پرهیزکاری محفوظ دارد
۴۳۱.....	۲-۲-۱۰۳- مرا به پرهیزکاری کرامت بخش

﴿الفهرس﴾

٤٣٠	٢-٢-١٠٤- نَسْأَلُ اللَّهَ الْعَوْنَ عَلَى الزَّادِ بِالتَّقْوَى
٤٣٠	٢-٢-١٠٥- نَسْأَلُكَ التَّقْوَى
٤٣٠	٢-٢-١٠٦- نَسْتَهْدِي اللَّهَ بِعَزَائِمِ التَّقْوَى
٤٣٠	٢-٢-١٠٧- هَبْ لِي التَّقْوَى
٤٣٠	٢-٢-١٠٨- وَرَغْنِي عَنِ الْمَحَارِمِ
٤٣٠	٢-٢-١٠٩- وَقَفْنِي عَلَى التَّقَى
٤٣٠	٢-٢-١١٠- تَتَمَنَّى النَّفْسُ أَنْ لَوْ رُدَّتْ لَتَعْمَلُ بِتَقْوَاهَا
٤٣٢	٢-٢-١١١- يَلْتَمِسُونَ التَّقْوَى
٤٣٢	٢-٣- الإِسْتِعَاذَةُ مِنْ فَقْدِ التَّقْوَى
٤٣٢	٢-٤- طَلَبُ إِمَامٍ مِنَ الْمُتَّقِينَ
٤٣٢	٢-٤-١- اجْعَلْ لِي مِنَ الْمُتَّقِينَ إِمَامًا
٤٣٢	٢-٤-٢- اجْعَلْ لَنَا مِنَ الْمُتَّقِينَ إِمَامًا
٤٣٢	٢-٤-٣- تَجْعَلْ لَنَا مَعَ الْمُتَّقِينَ إِمَامًا
٤٣٢	٢-٥- الأَمْرُ بِالتَّقْوَى وَالْوَرَعَ
٤٣٢	٢-٥-١- التَّقْوَى التَّقْوَى
٤٣٤	٢-٥-٢- الْوَرَعَ الْوَرَعَ
٤٣٤	٢-٥-٣- أَمْرُكَ بِتَقْوَى اللَّهِ
٤٣٤	٢-٥-٤- أَمْرُكُمْ بِالْوَرَعِ
٤٣٤	٢-٥-٥- أَمْرُهُمْ بِتَقْوَى اللَّهِ
٤٣٤	٢-٥-٦- نَأْمُرُكُمْ بِالْوَرَعِ
٤٣٤	٢-٥-٧- اتَّخِذْ تَقْوَى اللَّهِ تِجَارَةً
٤٣٤	٢-٥-٨- فَاتَّقَ
٤٣٤	٢-٥-٩- اتَّقِ اللَّهَ
٤٣٤	٢-٥-١٠- اتَّقِ اللَّهَ بَعْضُ التَّقَى وَإِنْ قَلَّ
٤٣٤	٢-٥-١١- فَاتَّقِ اللَّهَ
٤٣٨	٢-٥-١٢- إِتَّقِهِ
٤٣٨	٢-٥-١٣- إِتَّقُوا
٤٣٨	٢-٥-١٤- فَاتَّقُوا
٤٣٨	٢-٥-١٥- إِتَّقُوا اللَّهَ
٤٤٤	٢-٥-١٦- فَاتَّقُوا اللَّهَ
٤٥٤	٢-٥-١٧- اتَّقُوا اللَّهَ حَقَّ تَقَاتِهِ

﴿فهرست﴾

۴۳۱.....	۲-۲-۱۰۴- از خداوند بر دریافت توشه‌ی پرهیزکاری یاری می‌طلبیم.....
۴۳۱.....	۲-۲-۱۰۵- از تو پرهیزکاری درخواست می‌کنیم.....
۴۳۱.....	۲-۲-۱۰۶- از خدا راهنمایی به ستون‌های محکم پرهیزکاری می‌طلبیم.....
۴۳۱.....	۲-۲-۱۰۷- مرا پرهیزکاری ببخش.....
۴۳۱.....	۲-۲-۱۰۸- مرا از محرّمات پرهیز ده.....
۴۳۱.....	۲-۲-۱۰۹- مرا بر پرهیزکاری موفق بدار.....
۴۳۱.....	۲-۲-۱۱۰- نفس آرزو می‌کند که اگر به دنیا بازگردد، به تقوا عمل خواهد کرد.....
۴۳۳.....	۲-۲-۱۱۱- پرهیزکاری می‌طلبند.....
۴۳۳.....	۲-۳- پناه‌بردن به خدا از نداشتن پرهیزکاری.....
۴۳۳.....	۲-۴- درخواست پیشوایی که از پرهیزکاران باشد.....
۴۳۳.....	۲-۴-۱- برای من امامی از پرهیزکاران قرار ده.....
۴۳۳.....	۲-۴-۲- برای ما امامی از پرهیزکاران قرار ده.....
۴۳۳.....	۲-۴-۳- برای ما همراه با پرهیزکاران امامی قرار ده.....
۴۳۳.....	۲-۵- فرمان به پرهیزکاری و ورع.....
۴۳۳.....	۲-۵-۱- پروا! پروا!.....
۴۳۵.....	۲-۵-۲- پرهیزکاری! پرهیزکاری!.....
۴۳۵.....	۲-۵-۳- تو را به پرهیزکاری خدا امر می‌کنم.....
۴۳۵.....	۲-۵-۴- شما را به پرهیزکاری امر می‌کنم.....
۴۳۵.....	۲-۵-۵- آن‌ها را به پرهیزکاری خدا امر کرد.....
۴۳۵.....	۲-۵-۶- شما را به پرهیزکاری امر می‌کنیم.....
۴۳۵.....	۲-۵-۷- پرهیزکاری خدا را تجارت خود قرار ده.....
۴۳۵.....	۲-۵-۸- تقوا پیشه کن.....
۴۳۷.....	۲-۵-۹- پروای خدا پیشه کن.....
۴۳۷.....	۲-۵-۱۰- بخشی از پروای خدا را پیشه کن هرچند کم باشد.....
۴۳۷.....	۲-۵-۱۱- پروای خدا پیشه کن.....
۴۳۹.....	۲-۵-۱۲- پروای او را پیشه کن.....
۴۳۹.....	۲-۵-۱۳- پروا کنید.....
۴۳۹.....	۲-۵-۱۴- پس پروا کنید.....
۴۳۹.....	۲-۵-۱۵- پروای خدا پیشه کنید.....
۴۴۵.....	۲-۵-۱۶- پس پروای خدا پیشه کنید.....
۴۵۷.....	۲-۵-۱۷- پروای خدا را در حد کمال پیشه کنید.....

﴿الفهرس﴾

٢-٥-١٨- فَاتَّقُوا اللَّهَ حَقَّ تَقَاتِهِ.....	٤٥٦
٢-٥-١٩- إِتَّقُوا اللَّهَ عَلَيْكُمْ بِالْوَرَعِ.....	٤٥٦
٢-٥-٢٠- إِتَّقُوا اللَّهَ وَ اخْذَرُوا.....	٤٥٨
٢-٥-٢١- إِتَّقُوا رَبَّكُمْ.....	٤٥٨
٢-٥-٢٢- إِتَّقُون.....	٤٥٨
٢-٥-٢٣- فَاتَّقُون.....	٤٥٨
٢-٥-٢٤- إِتَّقُوهُ.....	٤٦٠
٢-٥-٢٥- اجْعَلْ تَزُودَكَ التَّقَى.....	٤٦٠
٢-٥-٢٦- اجْعَلُوا قُلُوبَكُمْ بَيِّنَاتٍ لِلتَّقْوَى.....	٤٦٠
٢-٥-٢٧- اخْذَرُوا.....	٤٦٠
٢-٥-٢٨- اخْذَرُوا مِنَ اللَّهِ.....	٤٦٠
٢-٥-٢٩- أَخَذَ عَلَى الْخَلْقِ الْمِيثَاقَ أَنْ يَتَّقُوا اللَّهَ.....	٤٦٠
٢-٥-٣٠- اخْشُوا اللَّهَ بِالتَّقْوَى.....	٤٦٠
٢-٥-٣١- اخْشَوْا مِنْ اللَّهِ بِالتَّقَى.....	٤٦٢
٢-٥-٣٢- أَرْهَمُ لِسَانِكَ بِالتَّقَى.....	٤٦٢
٢-٥-٣٣- اسْتَشْعِرُوا التَّقْوَى.....	٤٦٢
٢-٥-٣٤- أَشْعِرْ قَلْبَكَ التَّقْوَى.....	٤٦٢
٢-٥-٣٥- أَشْعِرْ قَلْبَكَ بِالتَّقْوَى.....	٤٦٢
٢-٥-٣٦- اسْتَظْهَرُوا بِرَادِ التَّقْوَى.....	٤٦٢
٢-٥-٣٧- اسْتَعِينُوا بِالْوَرَعِ.....	٤٦٢
٢-٥-٣٨- فَأَعِينُوا بِالْوَرَعِ.....	٤٦٢
٢-٥-٣٩- فَأَعِينُوا بِوَرَعِ.....	٤٦٤
٢-٥-٤٠- أَعِينُونَا بِالْوَرَعِ.....	٤٦٤
٢-٥-٤١- فَأَعِينُونَا بِالْوَرَعِ.....	٤٦٤
٢-٥-٤٢- فَأَعِينُونَا بِوَرَعِ.....	٤٦٤
٢-٥-٤٣- أَعِينُونِي بِوَرَعِ.....	٤٦٤
٢-٥-٤٤- اغْسِلْ قَلْبَكَ بِالتَّقْوَى.....	٤٦٤
٢-٥-٤٥- اكْمِدُوا عَدُوَّكُمْ بِالْوَرَعِ.....	٤٦٦
٢-٥-٤٦- اِلْحَنُوا إِلَى التَّقْوَى.....	٤٦٦
٢-٥-٤٧- أَلْزَمِ الْوَرَعَ.....	٤٦٦
٢-٥-٤٨- فَالْزِمْ مَا أَجْمَعَ عَلَيْهِ أَهْلُ التَّقَى.....	٤٦٦

﴿ فهرست ﴾

۴۵۷.....	۲-۵-۱۸- پس پروای خدا را در حد کمال پیشه کنید.....
۴۵۷.....	۲-۵-۱۹- پروای خدا پیشه کنید و بر شما باد به ورع ورزیدن.....
۴۵۹.....	۲-۵-۲۰- پروای خدا پیشه کنید و مراقب باشید.....
۴۵۹.....	۲-۵-۲۱- از پروردگارتان پروا کنید.....
۴۵۹.....	۲-۵-۲۲- از من پروا کنید.....
۴۵۹.....	۲-۵-۲۳- پس از من پروا کنید.....
۴۶۱.....	۲-۵-۲۴- از او پروا کنید.....
۴۶۱.....	۲-۵-۲۵- توشه‌ات را پرهیزکاری قرار ده.....
۴۶۱.....	۲-۵-۲۶- قلب‌هایتان را خانه‌ی پرهیزکاری قرار دهید.....
۴۶۱.....	۲-۵-۲۷- مراقب باشید.....
۴۶۱.....	۲-۵-۲۸- از مخالفت خدا بر حذر باشید.....
۴۶۱.....	۲-۵-۲۹- خداوند از آفریدگان پیمان گرفته است که پروا کنند.....
۴۶۱.....	۲-۵-۳۰- با پرهیزکاری از خدا بترسید.....
۴۶۳.....	۲-۵-۳۱- با پرهیزکاری از خدا بترسید.....
۴۶۳.....	۲-۵-۳۲- زبانت را با پرهیزکاری لگام بزن.....
۴۶۳.....	۲-۵-۳۳- تقوا را شعار باطنی خود قرار دهید.....
۴۶۳.....	۲-۵-۳۴- پرهیزکاری را با دلت آشنا کن.....
۴۶۳.....	۲-۵-۳۵- پرهیزکاری را با دلت آشنا کن.....
۴۶۳.....	۲-۵-۳۶- با توشه‌ی تقوا پشت خود را قوی گردانید.....
۴۶۳.....	۲-۵-۳۷- از پرهیزکاری یاری طلبید.....
۴۶۳.....	۲-۵-۳۸- پس با پرهیزکاری یاری کنید.....
۴۶۵.....	۲-۵-۳۹- پس با پرهیزکاری یاری کنید.....
۴۶۵.....	۲-۵-۴۰- با پرهیزکاری یاری‌مان کنید.....
۴۶۵.....	۲-۵-۴۱- پس با پرهیزکاری یاری‌مان کنید.....
۴۶۵.....	۲-۵-۴۲- پس با پرهیزکاری یاری‌مان کنید.....
۴۶۵.....	۲-۵-۴۳- پس با پرهیزکاری یاری‌ام کن.....
۴۶۵.....	۲-۵-۴۴- قلبت را با پرهیزکاری شستشو ده.....
۴۶۷.....	۲-۵-۴۵- دشمنان را با پرهیزکاری اندوهناک کنید.....
۴۶۷.....	۲-۵-۴۶- به تقوا پناه برید.....
۴۶۷.....	۲-۵-۴۷- همراه ورع باش.....
۴۶۷.....	۲-۵-۴۸- همراه چیزی باش که اهل تقوا بر آن توافق دارند.....

﴿الفهرس﴾

٢-٥-٤٩-أَمَرَ بِاتَّقَاءِ اللَّهِ.....	٤٦٦
٢-٥-٥٠-بَتَّقُوا اللَّهَ أَمِرْتُمْ.....	٤٦٦
٢-٥-٥١-إِنِّطَلِقْ عَلَى تَقْوَى اللَّهِ.....	٤٦٦
٢-٥-٥٢-أَهْطِعُوا بِأَسْمَاعِكُمْ إِلَى التَّقْوَى وَالْظُّلُوعِ بِجِدِّكُمْ عَلَيْهَا.....	٤٦٦
٢-٥-٥٣-أَوْصَى بِتَّقْوَى اللَّهِ.....	٤٦٨
٢-٥-٥٤-أَوْصَاكُمْ بِالتَّقْوَى.....	٤٦٨
٢-٥-٥٥-أَوْصَيْنَاكَ بِتَّقْوَى اللَّهِ.....	٤٦٨
٢-٥-٥٦-أَوْصِيكَ بِاتَّقَاءِ اللَّهِ.....	٤٦٨
٢-٥-٥٧-أَوْصِيكَ بِتَّقْوَى اللَّهِ.....	٤٧٠
٢-٥-٥٨-أَوْصِيكَ بِتَّقْوَى اللَّهِ وَالْوَرَعَ.....	٤٧٠
٢-٥-٥٩-أَوْصِيكَ بِالْوَرَعِ.....	٤٧٠
٢-٥-٦٠-أَوْصِيكُمَا بِتَّقْوَى اللَّهِ.....	٤٧٢
٢-٥-٦١-أَوْصِيكُم بِتَّقْوَى اللَّهِ.....	٤٧٢
٢-٥-٦٢-أَوْصِيكُم بِتَّقْوَى اللَّهِ وَالْوَرَعَ.....	٤٧٤
٢-٥-٦٣-أَوْصِيهِمْ بِتَّقْوَى اللَّهِ.....	٤٧٤
٢-٥-٦٤-أَوْصِيهِمْ بِتَّقْوَى اللَّهِ.....	٤٧٤
٢-٥-٦٥-تَجَهَّزُوا بِالتَّقْوَى.....	٤٧٤
٢-٥-٦٦-تَحَلَّ بِالْوَرَعِ.....	٤٧٤
٢-٥-٦٧-تَزَكُوا بِالْوَرَعِ.....	٤٧٤
٢-٥-٦٨-تَزَوَّدُوا مِنَ الدُّنْيَا التَّقْوَى.....	٤٧٤
٢-٥-٦٩-فَتَزَوَّدُوا بِالتَّقْوَى.....	٤٧٤
٢-٥-٧٠-تَزَوَّدُوا فَإِنَّ خَيْرَ الزَّادِ التَّقْوَى.....	٤٧٤
٢-٥-٧١-تَعَاوَنُوا عَلَى التَّقْوَى.....	٤٧٨
٢-٥-٧٢-سُوسُوا أَنْفُسَكُمْ بِالْوَرَعِ.....	٤٧٨
٢-٥-٧٣-صَبِرَ التَّقْوَى غَدَّةً وَفَاتَكَ.....	٤٧٨
٢-٥-٧٤-صَوَّنُوا التَّقْوَى وَتَصَوَّنُوا بِهَا.....	٤٧٨
٢-٥-٧٥-ضَادُّوا الطَّمَعَ بِالْوَرَعِ.....	٤٧٨
٢-٥-٧٦-طَهَّرَ قَلْبَكَ لِلتَّقْوَى.....	٤٧٨
٢-٥-٧٧-عَلَيْكَ بِالتَّقْوَى.....	٤٧٨
٢-٥-٧٨-فَعَلَيْكَ بِالتَّقْوَى.....	٤٨٠
٢-٥-٧٩-عَلَيْكَ بِتَّقْوَى اللَّهِ.....	٤٨٠

﴿ فهرست ﴾

۴۶۷.....	۲-۵-۴۹- به تقوای الهی امر کرد
۴۶۷.....	۲-۵-۵۰- به تقوای الهی فرمان داده شده‌اید.....
۴۶۷.....	۲-۵-۵۱- بر مبنای تقوای الهی حرکت کنید.....
۴۶۷.....	۲-۵-۵۲- گوش به تقوا بسپارید و به‌سوی آن رهسپار شوید.....
۴۶۹.....	۲-۵-۵۳- به پروای خدا سفارش کرد
۴۶۹.....	۲-۵-۵۴- به پرهیزکاری سفارستان کرد.....
۴۶۹.....	۲-۵-۵۵- به پروای خدا سفارشت می‌کنم
۴۶۹.....	۲-۵-۵۶- به پروای خدا سفارشت می‌کنم
۴۷۱.....	۲-۵-۵۷- به پروای خدا سفارشت می‌کنم
۴۷۱.....	۲-۵-۵۸- به پروای خدا و ورع سفارشت می‌کنم.....
۴۷۱.....	۲-۵-۵۹- به ورع سفارشت می‌کنم.....
۴۷۳.....	۲-۵-۶۰- به پروای خدا سفارستان می‌کنم.....
۴۷۳.....	۲-۵-۶۱- به پروای خدا سفارستان می‌کنم.....
۴۷۵.....	۲-۵-۶۲- به پروای خدا و ورع سفارستان می‌کنم
۴۷۵.....	۲-۵-۶۳- به پروای خدا سفارششان کن
۴۷۷.....	۲-۵-۶۴- به پروای خدا سفارششان می‌کنم.....
۴۷۷.....	۲-۵-۶۵- به پروای خدا مجهّز شوید
۴۷۷.....	۲-۵-۶۶- خود را به ورع بیارای
۴۷۷.....	۲-۵-۶۷- خود را با ورع پاک کنید.....
۴۷۷.....	۲-۵-۶۸- از دنیا پرهیزکاری توشه بردارید.....
۴۷۷.....	۲-۵-۶۹- پرهیزکاری توشه بردارید
۴۷۷.....	۲-۵-۷۰- توشه بردارید که بهترین توشه پرهیزکاری است.....
۴۷۹.....	۲-۵-۷۱- بر مبنای پرهیزکاری همکاری کنید
۴۷۹.....	۲-۵-۷۲- جان‌هایتان را با پرهیزکاری مدیریت کنید.....
۴۷۹.....	۲-۵-۷۳- پرهیزکاری را سرمایه‌ی مرگتان قرار دهید
۴۷۹.....	۲-۵-۷۴- پرهیزکاری را محافظت کنید و با پرهیزکاری خود را حفظ نمایید
۴۷۹.....	۲-۵-۷۵- طمع را با پرهیزکاری برانید.....
۴۷۹.....	۲-۵-۷۶- قلبت را برای پرهیزکاری پاک کن.....
۴۷۹.....	۲-۵-۷۷- بر تو باد پرهیزکاری
۴۸۱.....	۲-۵-۷۸- پس بر تو باد پرهیزکاری.....
۴۸۱.....	۲-۵-۷۹- بر تو باد پروای خدا.....

﴿الفهرس﴾

- ٢-٥-٨٠- فَعَلَيْكَ بِتَقْوَى اللَّهِ ٤٨٠
- ٢-٥-٨١- عَلَيْكَ بِتَقْوَى اللَّهِ وَالْوَرَعَ ٤٨٠
- ٢-٥-٨٢- عَلَيْكَ بِلُزُومِ الْوَرَعَ ٤٨٠
- ٢-٥-٨٣- عَلَيْكُمْ بِاتِّقَاءِ اللَّهِ وَالْوَرَعَ ٤٨٠
- ٢-٥-٨٤- عَلَيْكُمْ بِالتَّقْوَى ٤٨٠
- ٢-٥-٨٥- عَلَيْكُمْ بِتَقْوَى اللَّهِ ٤٨٢
- ٢-٥-٨٦- فَعَلَيْكُمْ بِتَقْوَى اللَّهِ ٤٨٢
- ٢-٥-٨٧- عَلَيْكُمْ بِلُزُومِ التَّقْوَى ٤٨٢
- ٢-٥-٨٨- فَعَلَيْهِ بِالتَّقْوَى ٤٨٢
- ٢-٥-٨٩- عَلَيْكَ بِالْوَرَعَ ٤٨٢
- ٢-٥-٩٠- عَلَيْكَ بَوَرَعَ ٤٨٢
- ٢-٥-٩١- عَلَيْكُمْ بِالْوَرَعَ ٤٨٤
- ٢-٥-٩٢- عَلَيْكُمْ بِوَرَعَ الصَّالِحِينَ ٤٨٤
- ٢-٥-٩٣- قُوا أَنْفُسَكُمْ ٤٨٤
- ٢-٥-٩٤- كُنْ بِالْعَمَلِ بِالتَّقْوَى أَشَدَّ اهْتِمَامًا ٤٨٤
- ٢-٥-٩٥- كُنْ تَقِيًّا ٤٨٤
- ٢-٥-٩٦- كُنْ عَنْ مَالٍ غَيْرِكَ مُتَوَرِّعًا ٤٨٤
- ٢-٥-٩٧- كُنْ وَرِعًا ٤٨٤
- ٢-٥-٩٨- كَيْ تَتَّقُوا ٤٨٤
- ٢-٥-٩٩- لِيَتَّقُوا ٤٨٤
- ٢-٥-١٠٠- لِيَرَوْا مِنْكُمْ الْوَرَعَ ٤٨٤
- ٢-٥-١٠١- وَلِتَكُنْ مَسْأَلَتُكُمْ مَسْأَلَةً تَوَرُّعًا ٤٨٤
- ٢-٥-١٠٢- وَلِيَتَجَلَّبَ الْوَرَعَ ٤٨٤
- ٢-٥-١٠٣- فَلْيَنْضَرْ إِلَى اللَّهِ وَلْيَسْأَلْهُ الْوَرَعَ ٤٨٨
- ٢-٥-١٠٤- وَلْيَتَّقِ اللَّهَ ٤٨٨
- ٢-٥-١٠٥- فَلْيَتَّقِ اللَّهَ ٤٨٨
- ٢-٥-١٠٦- فَلْيَتَّقُوا اللَّهَ ٤٨٨
- ٢-٥-١٠٧- وَطَنْ نَفْسِكَ عَلَى الْوَرَعَ ٤٨٨
- ٢-٥-١٠٨- يَنْبَغِي أَنْ يَلْتَحِفَ الْوَرَعَ ٤٩٠
- ٢-٦- الأمرُ بِتَرْغِيبِ الْآخِرِينَ بِالتَّقْوَى ٤٩٠
- ٢-٦-١- اتَّقُوا الذُّنُوبَ وَحَذَرُوهَا إِخْوَانَكُمْ ٤٩٠

﴿فهرست﴾

۴۸۱.....	۲-۵-۸۰- پس بر تو باد پروای خدا.....
۴۸۱.....	۲-۵-۸۱- پس بر تو باد پروای خدا و ورع.....
۴۸۱.....	۲-۵-۸۲- بر تو باد همراهی با ورع.....
۴۸۱.....	۲-۵-۸۳- بر شما باد پروای الهی و ورع.....
۴۸۱.....	۲-۵-۸۴- بر شما باد پروا.....
۴۸۳.....	۲-۵-۸۵- بر شما باد پروای الهی.....
۴۸۳.....	۲-۵-۸۶- پس بر شما باد پروای الهی.....
۴۸۳.....	۲-۵-۸۷- پس بر شما باد همراهی با پرهیزکاری.....
۴۸۳.....	۲-۵-۸۸- پس بر اوست پرهیزکاری.....
۴۸۳.....	۲-۵-۸۹- بر تو باد ورع.....
۴۸۳.....	۲-۵-۹۰- بر تو باد ورع.....
۴۸۵.....	۲-۵-۹۱- بر شما باد ورع.....
۴۸۵.....	۲-۵-۹۲- بر شما باد ورع صالحان.....
۴۸۵.....	۲-۵-۹۳- جان‌هایتان را نگاهدارید.....
۴۸۵.....	۲-۵-۹۴- در عمل به پرهیزکاری بیشترین اهتمام را داشته باش.....
۴۸۷.....	۲-۵-۹۵- پرهیزکار باش.....
۴۸۷.....	۲-۵-۹۶- از مال دیگران پرهیزکار باش.....
۴۸۷.....	۲-۵-۹۷- پرهیزکار باش.....
۴۸۷.....	۲-۵-۹۸- تا اینکه پرهیزکاری پیشه کنند.....
۴۸۷.....	۲-۵-۹۹- برای اینکه پرهیزکاری پیشه کند.....
۴۸۷.....	۲-۵-۱۰۰- برای اینکه در ما پرهیزکاری دیده شود.....
۴۸۷.....	۲-۵-۱۰۱- درخواست شما درخواست پرهیزکارانه باشد.....
۴۸۷.....	۲-۵-۱۰۲- باید که لباس پرهیزکاری بپوشد.....
۴۸۹.....	۲-۵-۱۰۳- باید که به پروردگار زاری کند و از او پرهیزکاری بطلبد.....
۴۸۹.....	۲-۵-۱۰۴- و باید از خدا پروا کند.....
۴۸۹.....	۲-۵-۱۰۵- پس باید از خدا پروا کند.....
۴۸۹.....	۲-۵-۱۰۶- باید از خدا پروا کنند.....
۴۸۹.....	۲-۵-۱۰۷- پرهیزکاری را در جانت سکونت ده.....
۴۹۱.....	۲-۵-۱۰۸- سزاوار است که جامه‌ی پرهیزکاری بپوشد.....
۴۹۱.....	۲-۶- امر به تشویق دیگران به پرهیزکاری.....
۴۹۱.....	۲-۶-۱- از گناهان بپرهیزید و برادرانتان را از آن باز دارید.....

«الفهرس»

- ٢-٦-٢-التَّقْوَى خَيْرُ مَا أَوْصَى بِهِ الْمُسْلِمُ الْمُسْلِمَ ٤٩٠
- ٢-٦-٣-أَمْرُهُ بِتَقْوَى اللَّهِ ٤٩٠
- ٢-٦-٤-إِنَّ ذَا الْقُرْبَيْنِ أَمْرَ قَوْمِهِ بِتَقْوَى اللَّهِ ٤٩٠
- ٢-٦-٥-أَنْذِرْ لَعَلَّهُمْ يَتَّقُونَ ٤٩٠
- ٢-٦-٦-أَنْذِرُوا أَنَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنَا فَاتَّقُونِ ٤٩٠
- ٢-٦-٧-تَدْعُوهُمْ إِلَى تَقْوَى رَبِّهِمْ ٤٩٢
- ٢-٦-٨-أَوْصَى مِنْ بَعَثَهُ عَلَى الصَّدَقَةِ بِتَقْوَى اللَّهِ ٤٩٢
- ٢-٦-٩-دَعَا إِلَى التَّقْوَى أَسْمَعَ دَاعٍ ٤٩٢
- ٢-٦-١٠-رَأَيْتُ عَلِيًّا عَلَيْهِ السَّلَامُ يَمْشِي بِهَا فِي الْأَسْوَاقِ بِأَمْرِهِمْ بِتَقْوَى اللَّهِ ٤٩٢
- ٢-٦-١١-فَلَوْ لَا نَفَرٌ مِنْ كُلِّ فِرْقَةٍ مِنْهُمْ طَائِفَةٌ ... لَيُنْذِرُوا قَوْمَهُمْ ٤٩٢
- ٢-٦-١٢-مُرُّهُمْ بِتَقْوَى اللَّهِ ٤٩٢
- ٢-٦-١٣-مَنْ مَشَى إِلَى سُلْطَانٍ جَائِرٍ فَأَمَرَهُ بِتَقْوَى اللَّهِ ٤٩٢
- ٢-٦-١٤-وَإِذْ قَالَتْ لِمَ تَعْطُونَ ... قَالُوا لَعَلَّهُمْ يَتَّقُونَ ٤٩٤
- ٢-٦-١٥-يَنْبَغِي لِلْإِمَامِ أَنْ يُوصِيَ بِتَقْوَى اللَّهِ ٤٩٤
- ٢-٧-الترغيبُ بمصاحبةِ أهلِ التقوى ٤٩٤
- ٢-٧-١-إِصْحَبْ أَخَا التَّقَى ٤٩٤
- ٢-٧-٢-أَطْلُبْ مُوَاحَاةَ الْأَتْقِيَاءِ ٤٩٤
- ٢-٧-٣-إِصْنَقْ بِأَهْلَ الْوَرَعِ ٤٩٤
- ٢-٧-٤-جَالِسْ أَهْلَ الْوَرَعِ ٤٩٤
- ٢-٧-٥-رَحِمَ اللَّهُ عَبْدًا يُذَكِّرُ أَهْلَ الْوَرَعِ ٤٩٤
- ٢-٧-٦-فَلْيَكُنْ إِخْوَانُكَ الْأَتْقِيَاءَ ٤٩٤
- ٢-٧-٧-قَرِّبِ الْمُتَّقِينَ ٤٩٤
- ٢-٧-٨-كَيْفَ لَا يَصْحَبُ الْأَتْقِيَاءَ ٤٩٤
- ٢-٨-طَلَبُ تَوْفِيقِ التَّقْوَى لِلْآخِرِينَ ٤٩٨
- ٢-٨-١-طَلَبُ تَوْفِيقِ التَّقْوَى لِلرَّسُولِ ﷺ وَ أَهْلِ بَيْتِهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ ٤٩٨
- ٢-٨-٢-طَلَبُ التَّقْوَى لِأَهْلِ الْإِسْلَامِ ٤٩٨
- ٢-٨-٣-طَلَبُ التَّقْوَى لِأَهْلِ مِصْرَ ٤٩٨
- ٢-٨-٤-طَلَبُ التَّقْوَى لِأَوْلِيَاءِ أَهْلِ الْبَيْتِ عَلَيْهِ السَّلَامُ ٤٩٨
- ٢-٨-٥-طَلَبُ التَّقْوَى لِلْأَوْلَادِ ٤٩٨
- ٢-٨-٦-طَلَبُ التَّقْوَى لِلزَّوْجَيْنِ ٤٩٨
- ٢-٨-٧-طَلَبُ التَّقْوَى لِلشَّيْعَةِ ٥٠٠

﴿فهرست﴾

- ۲-۲-۴۹۱..... پرهیزکاری بهترین سفارشی است که مسلمان به مسلمان دهد.....
- ۲-۳-۴۹۱..... او را به پروای خدا امر کرد.....
- ۲-۴-۴۹۱..... ذوالقرنین قومش را به پروای الی امر کرد.....
- ۲-۵-۴۹۱..... بیمشان ده باشد که پروا کنند.....
- ۲-۶-۴۹۱..... بیمشان ده که خدایی جز من نیست پس تقوای مرا پیشه کنید.....
- ۲-۷-۴۹۳..... آنان را به پروای از پروردگارشان بخوان.....
- ۲-۸-۴۹۳..... آن را که به گردآوری صدقات گسیل می‌داشت به پرهیزکاری سفارش می‌کرد.....
- ۲-۹-۴۹۳..... بهترین گوینده به پرهیزکاری دعوت کرد.....
- ۲-۱۰-۴۹۳..... علی علیه السلام را دیدم که در بازار راه می‌رفت و به پرهیزکاری خدا فرمانشان می‌داد.....
- ۲-۱۱-۴۹۳..... چرا از هر دسته گروهی کوچ نمی‌کنند ... تا قومشان را بیم دهند.....
- ۲-۱۲-۴۹۳..... به تقوای الهی فرمانشان ده.....
- ۲-۱۳-۴۹۳..... آن که نزد سلطان ظالمی برود و او را به تقوای الهی بخواند.....
- ۲-۱۴-۴۹۵..... آنگاه که گفته شد چرا موعظه می‌کنید... گفتند باشد که پروا کنند.....
- ۲-۱۵-۴۹۵..... سزاوار است که امام به پروای الهی سفارش کند.....
- ۲-۷-۴۹۵..... تشویق به همنشینی با پرهیزکاران.....
- ۲-۷-۱-۴۹۵..... با پرهیزکاران همنشین شو.....
- ۲-۷-۲-۴۹۵..... برادری پرهیزکاران را بطلب.....
- ۲-۷-۳-۴۹۵..... به اهل پرهیزکاری بیبوند.....
- ۲-۷-۴-۴۹۷..... با اهل پرهیزکاری بنشین.....
- ۲-۷-۵-۴۹۷..... خدا رحمت کند بنده‌ای را که با اهل پرهیزکاری هم‌صحبت شود.....
- ۲-۷-۶-۴۹۷..... باید که برادران تو از پرهیزکاران باشند.....
- ۲-۷-۷-۴۹۷..... به پرهیزکاران نزدیک شو.....
- ۲-۷-۸-۴۹۷..... چرا با پرهیزکاران همنشین نمی‌شود.....
- ۲-۸-۴۹۹..... درخواست توفیق پرهیزکاری برای دیگران.....
- ۲-۸-۱-۴۹۹..... درخواست توفیق پرهیزکاری برای پیامبر صلی الله علیه و آله.....
- ۲-۸-۲-۴۹۹..... درخواست تقوا برای اهل اسلام.....
- ۲-۸-۳-۴۹۹..... درخواست تقوا برای اهل مصر.....
- ۲-۸-۴-۴۹۹..... درخواست تقوا برای دوستان اهل بیت علیهم السلام.....
- ۲-۸-۵-۴۹۹..... درخواست توفیق پرهیزکاری برای فرزندان.....
- ۲-۸-۶-۴۹۹..... درخواست توفیق پرهیزکاری برای عروس و داماد.....
- ۲-۸-۷-۵۰۱..... درخواست توفیق پرهیزکاری برای شیعیان.....

﴿الفهرس﴾

- ٥٠٠..... ٢-٨-٨- طلبُ التقوى للمؤمنينَ والمؤمناتِ والمسلمينَ والمسلماتِ
- ٥٠٠..... ٢-٨-٩- طلبُ التقوى للزاهدينَ
- ٥٠٠..... ٢-٨-١٠- طلبُ التقوى للملكِ
- ٥٠٠..... ٢-٨-١١- طلبُ التقوى للوليِّ
- ٥٠٠..... ٢-٨-١٢- طلبُ التقوى لعمر وبن الحقيقِ
- ٥٠٠..... ٢-٨-١٣- طلبُ التقوى لمن ودَّعه
- ٥٠٢..... ٢-٩- التحذيرُ عن تركِ التقوى
- ٥٠٢..... ٢-٩-١- أَ لَا تَتَّقُونَ
- ٥٠٢..... ٢-٩-٢- أَ فَلَا تَتَّقُونَ
- ٥٠٤..... ٢-٩-٣- أَ فَغَيْرَ اللَّهِ تَتَّقُونَ
- ٥٠٤..... ٢-٩-٤- أَخَوْفُكُمْ مِنْ عِقَابِهِ
- ٥٠٤..... ٢-٩-٥- لَا تَخْرُجُوا مِنْ عِزِّ التَّقْوَى
- ٥٠٤..... ٢-٩-٦- فَلَا تُخْرِمَنَّ تَقْوَى
- ٥٠٤..... ٢-١٠- دُعَاؤُ الإمامِ عليه السلام لِأهلِ التقوى
- ٥٠٤..... ٢-١٠-١- رَحِمَ اللَّهُ عَبْدًا اتَّقَى رَبَّهُ
- ٥٠٤..... ٢-١٠-٢- رَحِمَ اللَّهُ امْرَأً تَوَرَّعَ عَنِ الْمَحَارِمِ
- ٥٠٤..... ٢-١١- دُعَاؤُ الْقُرْآنِ لِأهلِ التقوى
- ٥٠٤..... ٢-١٢- فِي مَدْمَةِ الَّذِينَ لَا يَتَّقُونَ
- ٥٠٤..... ٢-١٢-١- أَحْذَرُ مِنْهُمْ
- ٥٠٦..... ٢-١٢-٢- إِنْ لَمْ يَكُنْ لَكَ تَقْوَى لَسْتَ بِخَيْرٍ مِنْ أَحَدٍ
- ٥٠٦..... ٢-١٢-٣- عُدَّةٌ فِي الْبَهَائِمِ
- ٥٠٦..... ٢-١٢-٣- فَمَا آتَى عَلَى آخِرِ قَوْلِي حَتَّى أَرَاكُمْ مُتَفَرِّقِينَ ... غَفْلَةً مِنْ غَيْرِ وَرَعٍ
- ٥٠٦..... ٢-١٢-٥- مَا بَالُكُمْ أَ غَفْلَةً مِنْ غَيْرِ وَرَعٍ
- ٥٠٦..... ٢-١٢-٦- مَنْ لَمْ تَكُنْ فِيهِ لَا يُعْتَدَنَّ بِشَيْءٍ مِنْ عَمَلِهِ
- ٥٠٨..... ٢-١٢-٧- يَأْتِي عَلَى أُمَّتِي زَمَانٌ تَكُونُ عُلَمَاؤُهُمْ عَلَى قَلَّةٍ الْوَرَعِ
- ٥٠٨..... ٢-١٣- أَلِإِمَامِ عليه السلام يَسْأَلُ مَا لِلْمُتَّقِينَ
- ٥٠٨..... ٢-١٣-١- أَلِإِمَامِ عليه السلام يَسْأَلُ الْحَشَرَ فِي الْمُتَّقِينَ
- ٥٠٨..... ٢-١٣-٢- أَلِإِمَامِ عليه السلام يَسْأَلُ خَشْيَةَ الْمُتَّقِينَ
- ٥٠٨..... ٢-١٣-٣- أَلِإِمَامِ عليه السلام يَسْأَلُ خَلَّةَ الْمُتَّقِينَ
- ٥٠٨..... ٢-١٣-٤- أَلِإِمَامِ عليه السلام يَسْأَلُ سَعَادَةَ الْمُتَّقِينَ
- ٥٠٨..... ٢-١٣-٥- أَلِإِمَامِ عليه السلام يَسْأَلُ شَرَفَ الْمُتَّقِينَ

﴿فهرست﴾

۵۰۱.....	۲-۸۸- درخواست تقوا برای مردان و زنان مؤمن و مسلمان.....
۵۰۱.....	۲-۸۹- درخواست تقوا برای زاهدان.....
۵۰۱.....	۲-۸۱۰- درخواست تقوا برای پادشاه.....
۵۰۱.....	۲-۸۱۱- درخواست تقوا برای دوست.....
۵۰۱.....	۲-۸۱۲- درخواست تقوا برای عمروبن حمق.....
۵۰۱.....	۲-۸۱۳- درخواست تقوا برای آن که با او خداحافظی می کرد.....
۵۰۳.....	۲-۹- پرهیز از ترک تقوا.....
۵۰۳.....	۲-۹-۱- آیا پرهیزکاری پیشه نمی کنید.....
۵۰۳.....	۲-۹-۲- آیا تقوا پیشه نمی کنید.....
۵۰۵.....	۲-۹-۳- آیا از غیر خدا پروا می کنید.....
۵۰۵.....	۲-۹-۴- شما را از عقاب او بر حذر می داریم.....
۵۰۵.....	۲-۹-۵- از عزت پرهیزکاری خارج نشوید.....
۵۰۵.....	۲-۹-۶- خودت را از تقوا محروم نکن.....
۵۰۵.....	۲-۱۰- دعای امام علیه السلام برای پرهیزکاران.....
۵۰۵.....	۲-۱۰-۱- خداوند رحمت کند بنده ای را که پروای پروردگارش را پیشه کند.....
۵۰۵.....	۲-۱۰-۲- خداوند رحمت کند بنده ای را که از محرمات پرهیز کند.....
۵۰۵.....	۲-۱۱- دعای قرآن برای اهل پرهیزکاری.....
۵۰۵.....	۲-۱۲- در مذمت آنان که پروا نمی کنند.....
۵۰۵.....	۲-۱۲-۱- از آنان بر حذر باش.....
۵۰۷.....	۲-۱۲-۲- اگر پرهیزکاری نداشته باشی از کسی بهتر نیستی.....
۵۰۷.....	۲-۱۲-۳- او را از حیوانات بشمارید.....
۵۰۷.....	۲-۱۲-۴- هنوز سخنانم به آخر نرسیده که شما را پراکنده و متفرق می بینم ... و عامل آن غفلت ناشی از عدم پرهیزکاری است.....
۵۰۷.....	۲-۱۲-۵- شما را چه شده است که غافلید و پروا نمی کنید.....
۵۰۷.....	۲-۱۲-۶- هرکه پرهیزکاری نداشته باشد اعمالش ارزشی ندارد.....
۵۰۹.....	۲-۱۲-۷- بر امت من زمانی می آید که دانشمندانشان حداقل پرهیزکاری را دارند.....
۵۰۹.....	۲-۱۳- امام علیه السلام آنچه را پرهیزکاران بدان رسیده اند از خدا می طلبد.....
۵۰۹.....	۲-۱۳-۱- امام علیه السلام محشورشدن با پرهیزکاران را می جوید.....
۵۰۹.....	۲-۱۳-۲- امام علیه السلام خشیت پرهیزکاران را می طلبد.....
۵۰۹.....	۲-۱۳-۳- امام علیه السلام دوستی پرهیزکاران را می طلبد.....
۵۰۹.....	۲-۱۳-۴- امام علیه السلام سعادت پرهیزکاران را می طلبد.....
۵۰۹.....	۲-۱۳-۵- امام علیه السلام شرف پرهیزکاران را می طلبد.....

﴿الفهرس﴾

٥١٠.....	٢-١٣-٦- الإمام عليه السلام يسأل عبادة المتقين.....
٥١٠.....	٢-١٣-٧- الإمام عليه السلام يسأل عمل أهل التقوى.....
٥١٠.....	٢-١٣-٨- الإمام عليه السلام يسأل ما يستعاض منه المتقون.....
٥١٠.....	٢-١٣-٩- الإمام عليه السلام يسأل مرافقة المتقين.....
٥١٠.....	٢-١٣-١٠- الإمام عليه السلام يسأل هيئة المتقين.....
٥١٠.....	٢-١٣-١١- الإمام عليه السلام يسأل يقين المتقين.....
٥١٠.....	٢-١٤- الإمام عليه السلام يطلب المتقين.....
٥١٠.....	٢-١٤-١- أين الأبصار اللامحة إلى منازل التقوى.....
٥١٠.....	٢-١٤-٢- أين المتقون.....
٥١٢.....	٢-١٤-٣- أين المتورعون.....
٥١٢.....	٢-١٥- من علامات الأنبياء والأوصياء والأولياء عليهم السلام وراجع: الفصل التاسع؛ أهل التقوى.....
٥١٢.....	٢-١٥-١- من علامات الأنبياء وأتباعهم.....
٥١٢.....	٢-١٥-٢- من علامات الإمام عليه السلام
٥١٤.....	٢-١٥-٣- من شأن الأئمة عليهم السلام ودينهم.....
٥١٦.....	٢-١٥-٤- من علامات أصحاب القائم عليه السلام
٥١٦.....	٢-١٥-٥- من علامات الأمراء.....
٥١٦.....	٢-١٥-٦- من علامات أهل الدين.....
٥١٦.....	٢-١٥-٧- من علامات الأوصياء وأتباعهم.....
٥١٦.....	٢-١٥-٨- من علامات الأولياء.....
٥١٨.....	٢-١٥-٩- من علامات أولياء بيت الله.....
٥١٨.....	٢-١٥-١٠- من علامات المؤمنين.....
٥٢٠.....	٢-١٥-١١- من علامات كمال الإيمان.....
٥٢٠.....	٢-١٥-١٢- من علامات الحكيم.....
٥٢٠.....	٢-١٥-١٣- من علامات الخائف.....
٥٢٢.....	٢-١٥-١٤- من علامات من دين له.....
٥٢٢.....	٢-١٥-١٥- من علامات السعداء.....
٥٢٢.....	٢-١٥-١٦- من علامات الشيعة وأهل الولاية.....
٥٢٦.....	٢-١٥-١٧- من علامات الصابرين.....
٥٢٦.....	٢-١٥-١٨- من علامات العباد.....
٥٢٦.....	٢-١٥-١٩- من علامات العباد الصالحين.....
٥٢٨.....	٢-١٥-٢٠- من علامات العقلاء.....

﴿فهرست﴾

۵۱۱.....	۲-۱۳-۶ امام علیه السلام عبادت پرهیزکاران را می‌طلبد.....
۵۱۱.....	۲-۱۳-۷ امام علیه السلام عمل اهل تقوا را می‌طلبد.....
۵۱۱.....	۲-۱۳-۸ امام علیه السلام پناه‌بردن پرهیزکاران را می‌طلبد.....
۵۱۱.....	۲-۱۳-۹ امام علیه السلام همراهی پرهیزکاران را می‌طلبد.....
۵۱۱.....	۲-۱۳-۱۰ امام علیه السلام هیبت پرهیزکاران را می‌طلبد.....
۵۱۱.....	۲-۱۳-۱۱ امام علیه السلام یقین پرهیزکاران را می‌طلبد.....
۵۱۱.....	۲-۱۴ امام علیه السلام پرهیزکاران را می‌جوید.....
۵۱۱.....	۲-۱۴-۱ کج‌ایند چشم‌های دوخته شده بر جایگاه‌های پرهیزکاری؟.....
۵۱۱.....	۲-۱۴-۲ کج‌ایند پرهیزکاران؟.....
۵۱۳.....	۲-۱۴-۳ کج‌ایند پرهیزکاران؟.....
۵۱۳.....	۲-۱۵ از نشانه‌های پیامبران و جانشینان و اولیاء طینة و ربه: فصل ۹؛ پرهیزکاران.....
۵۱۳.....	۲-۱۵-۱ از نشانه‌های پیامبران طینة و پیروان ایشان.....
۵۱۳.....	۲-۱۵-۲ از نشانه‌های امام علیه السلام
۵۱۵.....	۲-۱۵-۳ از شؤون امامان طینة و از دین ایشان.....
۵۱۷.....	۲-۱۵-۴ از نشانه‌های باران حضرت قائم عجل الله تعالی فرجه
۵۱۷.....	۲-۱۵-۵ از نشانه‌های فرماندهان.....
۵۱۷.....	۲-۱۵-۶ از نشانه‌های اهل دین.....
۵۱۷.....	۲-۱۵-۷ از نشانه‌های جانشینان و پیروانشان.....
۵۱۷.....	۲-۱۵-۸ از نشانه‌های اولیا.....
۵۱۹.....	۲-۱۵-۹ از نشانه‌های سرپرست خانه‌ی خدا.....
۵۱۹.....	۲-۱۵-۱۰ از نشانه‌های مؤمن.....
۵۲۱.....	۲-۱۵-۱۱ از نشانه‌های کمال ایمان.....
۵۲۱.....	۲-۱۵-۱۲ از نشانه‌های حکیم.....
۵۲۱.....	۲-۱۵-۱۳ از نشانه‌های بیمناک.....
۵۲۳.....	۲-۱۵-۱۴ از نشانه‌های آن‌که دین دارد.....
۵۲۳.....	۲-۱۵-۱۵ از نشانه‌های سعادت‌مندان.....
۵۲۳.....	۲-۱۵-۱۶ از نشانه‌های شیعه و ولایت‌مداران.....
۵۲۷.....	۲-۱۵-۱۷ از نشانه‌های صابران.....
۵۲۷.....	۲-۱۵-۱۸ از نشانه‌های عابدان.....
۵۲۷.....	۲-۱۵-۱۹ از نشانه‌های بندگان صالح.....
۵۲۹.....	۲-۱۵-۲۰ از نشانه‌های خردمندان.....

«الفهرس»

- ٥٢٨..... ٢١-١٥-٢- من عَلامَاتِ الْعَامِلِينَ فِي الْإِمْرَةِ الْبَرَّةِ.....
- ٥٢٨..... ٢٢-١٥-٢- من عَلامَاتِ الْفَقِيهِ.....
- ٥٢٨..... ٢٣-١٥-٢- من عَلامَاتِ مَجْلِسِ رَسُولِ اللَّهِ ﷺ.....
- ٥٢٨..... ٢٤-١٥-٢- من عَلامَاتِ مُحِبِّ عَلِيِّ الْكَافِي.....
- ٥٢٨..... ٢٥-١٥-٢- من عَلامَاتِ مُحِبِّينِ الْأَئِمَّةِ الْكَافِي.....
- ٥٢٨..... ٢٦-١٥-٢- من عَلامَاتِ الْمُخْلِصِينَ.....
- ٥٣٠..... ٢٧-١٥-٢- من عَلامَاتِ مَنْ هُوَ أَهْلٌ أَنْ أَثَرْتَهُ.....
- ٥٣٠..... ٢٨-١٥-٢- من عَلامَاتِ مَنْ هُوَ أَهْلٌ أَنْ أَطْعَمَهُ.....
- ٥٣٠..... ١٦-٢- وَصِيَّةُ الْآخِرِينَ بِمَوَدَّةِ الْمُتَّقِينَ وَالدُّعَاءِ لَهُمْ.....
- ٥٣٠..... ١-١٦-٢- وَأَزَرِ الْمُتَّقِينَ.....
- ٥٣٠..... ٢-١٦-٢- وَأَدِّ الْمُتَّقِينَ.....
- ٥٣٠..... ٣-١٦-٢- إِنْ أَشْرَفَ أَعْمَالُ الْمُؤْمِنِينَ اسْتَدْعَا رَحْمَةَ اللَّهِ لِشِعَتِهِمُ الْمُتَّقِينَ.....
- ٥٣٠..... ١٧-٢- الْمُقَاسِمَةُ بَيْنَ التَّقْوَى وَ سَائِرِ الْفَضَائِلِ.....
- ٥٣٠..... ١-١٧-٢- الْأَوَّلُ.....
- ٥٣٠..... ١-١٧-٢- يُخْشَرُونَ فِي أَوَّلِ زُمْرَةِ السَّابِقِينَ.....
- ٥٣٠..... ٢-١٧-٢- الْأَتَمُّ.....
- ٥٣٠..... ١-١٧-٢- لَا يَتِمُّ أَمْرُنَا إِلَّا بِالْوَرَعِ.....
- ٥٣٢..... ٣-١٧-٢- الْأَحَبُّ.....
- ٥٣٢..... ١-١٧-٣- أَحَبُّ الْعِبَادِ.....
- ٥٣٢..... ٢-١٧-٣- أَحَبُّ النَّاسِ.....
- ٥٣٢..... ٣-١٧-٣- أَحَبُّ عِبْدِي.....
- ٥٣٢..... ٤-١٧-٣- أَحَبُّ أَصْحَابِي.....
- ٥٣٢..... ٥-١٧-٣- أَحَبُّ الْوَصِيَّةِ.....
- ٥٣٢..... ٦-١٧-٣- لَيْسَ شَيْءٌ أَحَبَّ إِلَيَّ مِنَ الْوَرَعِ.....
- ٥٣٢..... ٤-١٧-٢- أَخْرَزُ.....
- ٥٣٢..... ١-١٧-٤- أَخْرَزُ عِتَادِ.....
- ٥٣٤..... ٢-١٧-٤- أَخْرَزُ حِرْزِ.....
- ٥٣٤..... ٣-١٧-٤- لَا مَعْقِلَ أَخْرَزُ مِنَ الْوَرَعِ.....
- ٥٣٤..... ٥-١٧-٢- الْأَحْسَنُ.....
- ٥٣٤..... ١-١٧-٥- أَحْسَنُ الْجَزَاءِ.....
- ٥٣٤..... ٢-١٧-٥- أَحْسَنُ الْحَسَنَاتِ.....

﴿فهرست﴾

۵۳۹.....	۲-۱۵-۲۱- از نشانه‌های صاحبان مسؤولیت در حکومت نیکان.....
۵۳۹.....	۲-۱۵-۲۲- از نشانه‌های فقیه.....
۵۳۹.....	۲-۱۵-۲۳- از نشانه‌های مجلس پیامبر ﷺ.....
۵۳۹.....	۲-۱۵-۲۴- از نشانه‌های دوستدار علی علیه السلام.....
۵۳۹.....	۲-۱۵-۲۵- از نشانه‌های دوستداران ائمه اطهار.....
۵۳۹.....	۲-۱۵-۲۶- از نشانه‌های مخلصان.....
۵۳۱.....	۲-۱-۲۷- از نشانه‌های آن که سزاوار برگزیده شدن است.....
۵۳۱.....	۲-۱۵-۲۸- از نشانه‌های آن که سزاوار فرمان‌بری است.....
۵۳۱.....	۲-۱۶- سفارش دیگران به دوستی با پرهیزکاران و دعا برای ایشان.....
۵۳۱.....	۲-۱۶-۱- پرهیزکاران را پشتیبانی کن.....
۵۳۱.....	۲-۱۶-۲- دوستدار پرهیزکاران باش.....
۵۳۱.....	۲-۱۶-۳- شریف‌ترین عمل مؤمنین درخواست رحمت الهی برای شیعیان پرهیزکار است.....
۵۳۱.....	۲-۱۷- مقایسه بین پرهیزکاری و دیگر فضایل.....
۵۳۱.....	۲-۱۷-۱- اولین.....
۵۳۱.....	۲-۱۷-۱-۱- در میان اولین گروه سبقت‌گیرنده محشور می‌شوند.....
۵۳۱.....	۲-۱۷-۲- کامل‌ترین.....
۵۳۱.....	۲-۱۷-۲-۱- ولایت ما جز با ورع به کمال نمی‌رسد.....
۵۳۳.....	۲-۱۷-۳- دوست‌داشتنی‌ترین.....
۵۳۳.....	۲-۱۷-۳-۱- دوست‌داشتنی‌ترین بنده.....
۵۳۳.....	۲-۱۷-۳-۲- دوست‌داشتنی‌ترین مردم.....
۵۳۳.....	۲-۱۷-۳-۳- دوست‌داشتنی‌ترین بنده‌ی من.....
۵۳۳.....	۲-۱۷-۳-۴- دوست‌داشتنی‌ترین اصحاب من.....
۵۳۳.....	۲-۱۷-۳-۵- دوست‌داشتنی‌ترین سفارش.....
۵۳۳.....	۲-۱۷-۳-۶- نزد پروردگار هیچ چیز دوست‌داشتنی‌تر از ورع نیست.....
۵۳۳.....	۲-۱۷-۴- نگه‌دارنده‌ترین.....
۵۳۳.....	۲-۱۷-۴-۱- نگه‌دارنده‌ترین پناهگاه.....
۵۳۵.....	۲-۱۷-۴-۲- نگه‌دارنده‌ترین نگه‌دارنده.....
۵۳۵.....	۲-۱۷-۴-۳- هیچ دژی محکم‌تر از پرهیزکاری نیست.....
۵۳۵.....	۲-۱۷-۵- بهترین.....
۵۳۵.....	۲-۱۷-۵-۱- بهترین پاداش.....
۵۳۵.....	۲-۱۷-۵-۲- بهترین نیکی‌ها.....

﴿الفهرس﴾

٥٣٤.....	٢-١٧-٥-٣- أَحْسَنُ اللَّبَاسِ
٥٣٤.....	٢-١٧-٥-٤- أَحْسَنُ الْيَقِينِ
٥٣٤.....	٢-١٧-٥-٥- أَحْسَنُ شَيْءٍ
٥٣٤.....	٢-١٧-٥-٦- لَا مَعْقِلَ أَحْسَنُ مِنَ الْوَرَعِ
٥٣٤.....	٢-١٧-٥-٧- لَيْسَ شَيْءٌ أَحْسَنَ مِنْ رِفْقٍ زَانَهُ تَقْوَى
٥٣٦.....	٢-١٧-٦- الْأَحَقُّ
٥٣٦.....	٢-١٧-٦-١- أَحَقُّ مَنْ أَطْعَمَهُ
٥٣٦.....	٢-١٧-٦-٢- أَحَقُّ مَسْجِدٍ لِأَنْ تَقُومَ فِيهِ
٥٣٦.....	٢-١٧-٧- الْأَخْوَجُ
٥٣٦.....	٢-١٧-١-١- إِنَّكُمْ أَخْوَجُ إِلَى أَزْوَاجِ التَّقْوَى
٥٣٦.....	٢-١٧-٨- الْخَيْرُ
٥٣٦.....	٢-١٧-٨-١- خَيْرُ إِخْوَانِكَ مَنْ اكْتَسَبَكَ تَقَى
٥٣٦.....	٢-١٧-٨-٢- خَيْرُ الْأَخْلَاقِ أَغْوَاهَا عَلَى التَّقَى
٥٣٦.....	٢-١٧-٨-٣- خَيْرُ الدُّعَاءِ
٥٣٦.....	٢-١٧-٨-٤- خَيْرُ الذُّخْرِ
٥٣٦.....	٢-١٧-٨-٥- خَيْرُ الزَّادِ
٥٣٨.....	٢-١٧-٨-٦- خَيْرُ النَّاسِ أَعْمَلُهُمْ بِالتَّقْوَى
٥٣٨.....	٢-١٧-٨-٧- خَيْرُ النَّاسِ التَّقَى
٥٣٨.....	٢-١٧-٨-٨- خَيْرُ النَّاسِ أَوْرَعُهُمْ
٥٣٨.....	٢-١٧-٨-٩- خَيْرُ النَّاسِ مَنْ كَانَ أَتْقَى لِلَّهِ
٥٣٨.....	٢-١٧-٨-١٠- خَيْرُ الدِّينِ
٥٤٠.....	٢-١٧-٨-١١- خَيْرُ رَجَالِكُمُ التَّقَى
٥٤٠.....	٢-١٧-٨-١٢- خَيْرُ صَيَانَةٍ
٥٤٠.....	٢-١٧-٨-١٣- خَيْرُ عِبَادِ اللَّهِ التَّقَى
٥٤٠.....	٢-١٧-٨-١٤- خَيْرُ عِبَادِ اللَّهِ عِنْدَ اللَّهِ اتَّقَاهُمْ
٥٤٠.....	٢-١٧-٨-١٥- خَيْرُ عَوَاقِبِ الْأُمُورِ
٥٤٠.....	٢-١٧-٨-١٦- خَيْرُ قَرِينٍ
٥٤٠.....	٢-١٧-٨-١٧- خَيْرُكُمْ اتَّقَاكُمْ
٥٤٢.....	٢-١٧-٨-١٨- خَيْرُ مَا اكْتَسَبْتَ
٥٤٢.....	٢-١٧-٨-١٩- خَيْرُ مَا أَوْصَى بِهِ الْمُسْلِمُ الْمُسْلِمَ
٥٤٢.....	٢-١٧-٨-٢٠- خَيْرُ مَا تَزَوَّدْتَ مِنَ الدُّنْيَا

﴿فهرست﴾

۵۳۵.....	۲-۱۷-۵-۳- بهترین لباس.....
۵۳۵.....	۲-۱۷-۵-۴- بهترین یقین.....
۵۳۵.....	۲-۱۷-۵-۵- بهترین چیز.....
۵۳۵.....	۲-۱۷-۵-۶- هیچ دژی نیکوتر از پرهیزکاری نیست.....
۵۳۵.....	۲-۱۷-۵-۷- هیچ چیز بهتر از رفاقتی زینت یافته از پرهیزکاری نیست.....
۵۳۷.....	۲-۱۷-۶- سزاوارترین.....
۵۳۷.....	۲-۱۷-۶-۱- سزاوارترین کسی که او را فرمان بری.....
۵۳۷.....	۲-۱۷-۶-۲- سزاوارترین مسجد برای اقامه‌ی نماز.....
۵۳۷.....	۲-۱۷-۷- نیازمندترین.....
۵۳۷.....	۲-۱۷-۱-۱- شما به توشه‌ی تقوا بیشترین نیاز را دارید.....
۵۳۷.....	۲-۱۷-۸- بهترین.....
۵۳۷.....	۲-۱۷-۸-۱- بهترین برادرانت کسی است که در کسب تقوا به تو کمک کند.....
۵۳۷.....	۲-۱۷-۸-۲- بهترین اخلاق، یاری کننده‌ترین آن‌ها بر تقواست.....
۵۳۷.....	۲-۱۷-۸-۳- بهترین دعا.....
۵۳۷.....	۲-۱۷-۸-۴- بهترین ذخیره.....
۵۳۷.....	۲-۱۷-۸-۵- بهترین توشه.....
۵۳۹.....	۲-۱۷-۸-۶- بهترین مردم، عمل کننده‌ترین آن‌ها به تقواست.....
۵۳۹.....	۲-۱۷-۸-۷- بهترین مردم پرهیزکار است.....
۵۳۹.....	۲-۱۷-۸-۸- بهترین مردم پرهیزکارترین ایشان است.....
۵۳۹.....	۲-۱۷-۸-۹- بهترین مردم، باپرواترین از خداست.....
۵۳۹.....	۲-۱۷-۸-۱۰- بهترین دین.....
۵۴۱.....	۲-۱۷-۸-۱۱- بهترین مردان شما پرهیزکاران است.....
۵۴۱.....	۲-۱۷-۸-۱۲- بهترین نگهبانی.....
۵۴۱.....	۲-۱۷-۸-۱۳- بهترین بندگان خدا پرهیزکار است.....
۵۴۱.....	۲-۱۷-۸-۱۴- بهترین بنده‌ی خدا پرهیزکارترین ایشان است.....
۵۴۱.....	۲-۱۷-۸-۱۵- بهترین عاقبت کار.....
۵۴۱.....	۲-۱۷-۸-۱۶- بهترین همشین.....
۵۴۱.....	۲-۱۷-۸-۱۷- بهترین شما پرهیزکارترین شماست.....
۵۴۳.....	۲-۱۷-۸-۱۸- بهترین آنچه کسب کرده‌ای.....
۵۴۳.....	۲-۱۷-۸-۱۹- بهترین سفارشی که مسلمان به مسلمان می‌کند.....
۵۴۳.....	۲-۱۷-۸-۲۰- بهترین توشه‌ای که از دنیا برمی‌گیری.....

﴿الفهرس﴾

٥٤٢.....	٢-١٧-٨-٢١- خَيْرُ مَا تَزَوَّدْتُمُوهُ مِنَ الدُّنْيَا
٥٤٢.....	٢-١٧-٨-٢٢- خَيْرُ مَا تَوَاصَى بِهِ عِبَادُ اللَّهِ
٥٤٢.....	٢-١٧-٨-٢٣- خَيْرُكُمْ مَنْ أَحْرَزَ وَرَعَهُ
٥٤٢.....	٢-١٧-٨-٢٤- اتَّقَوْهُ ذَلِكَ خَيْرٌ لَكُمْ
٥٤٢.....	٢-١٧-٨-٢٥- التَّقْوَى جَمَاعٌ كُلُّ خَيْرٍ
٥٤٤.....	٢-١٧-٨-٢٦- مَا وَعَدَ الْمُتَّقُونَ خَيْرٌ
٥٤٤.....	٢-١٧-٨-٢٧- الْوَرَعُ خَيْرٌ مِنَ الطَّمَعِ
٥٤٤.....	٢-١٧-٨-٢٨- الْوَرَعُ خَيْرٌ مِنْ ذُلِّ الطَّمَعِ
٥٤٤.....	٢-١٧-٨-٢٩- شِرَارُ نِسَائِكُمُ الَّتِي لَا تَوَرَعُ مِنْ قَبِيحٍ
٥٤٤.....	٢-١٧-٨-٣٠- شَرُّ الدَّوَابِّ الَّذِينَ لَا يَتَّقُونَ
٥٤٤.....	٢-١٧-٨-٣١- فِي التَّقْوَى اجْتِمَاعٌ كُلُّ خَيْرٍ
٥٤٤.....	٢-١٧-٨-٣٢- قَلِيلُ الْعَمَلِ مَعَ التَّقْوَى خَيْرٌ مِنْ كَثِيرِ الْعَمَلِ بِلَا تَقْوَى
٥٤٤.....	٢-١٧-٨-٣٣- لِبَاسُ التَّقْوَى ذَلِكَ خَيْرٌ
٥٤٤.....	٢-١٧-٨-٣٤- لَا خَيْرَ فِي شَيْءٍ مِنْ أَرْوَادِهَا إِلَّا التَّقْوَى
٥٤٤.....	٢-١٧-٨-٣٥- لَا خَيْرَ فِي الْعِفَّةِ إِلَّا مَعَ الْوَرَعِ
٥٤٤.....	٢-١٧-٨-٣٦- لَا خَيْرَ فِي عَمَلٍ إِلَّا مَعَ الْوَرَعِ
٥٤٤.....	٢-١٧-٨-٣٧- لَا خَيْرَ فِي الْفَقْهِ إِلَّا مَعَ الْوَرَعِ
٥٤٤.....	٢-١٧-٨-٣٨- لَا خَيْرَ فِي نُسْكِ لَا وَرَعٍ فِيهِ
٥٤٨.....	٢-١٧-٨-٣٩- مَنْ أَسَسَ بُنْيَانَهُ عَلَى تَقْوَى مِنَ اللَّهِ خَيْرٌ
٥٤٨.....	٢-١٧-٨-٤٠- نِعَمَ الرَّفِيقُ
٥٤٨.....	٢-١٧-٩- الرَّأْسُ
٥٤٨.....	٢-١٧-٩-١- رَأْسُ الْأَمْرِ كُلُّهُ
٥٤٨.....	٢-١٧-٩-٢- رَأْسُ كُلِّ أَمْرٍ
٥٤٨.....	٢-١٧-٩-٣- رَأْسُ الْإِيمَانِ
٥٤٨.....	٢-١٧-٩-٤- رَأْسُ الْحَسَنَاتِ
٥٤٨.....	٢-١٧-٩-٥- رَأْسُ كُلِّ حِكْمَةٍ
٥٤٨.....	٢-١٧-٩-٦- رَأْسُ الدِّينِ
٥٤٨.....	٢-١٧-٩-٧- رَئِيسُ الْخَلْقِ
٥٥٠.....	٢-١٧-١٠- الْأَرْبَحُ
٥٥٠.....	٢-١٧-١٠-١- أَرْبَحُ التَّجَارَاتِ
٥٥٠.....	٢-١٧-١١- الرَّاجِحُ

﴿ فهرست ﴾

۵۴۳.....	۲-۱۷-۸۲۱- بهترین توشه‌ای که از دنیا برمی‌گیرید.....
۵۴۳.....	۲-۱۷-۸۲۲- بهترین چیزی که بندگان خدا به یکدیگر سفارش می‌کنند.....
۵۴۳.....	۲-۱۷-۸۲۳- بهترین شما کسی است که ورعش را حفظ کند.....
۵۴۳.....	۲-۱۷-۸۲۴- پروا کنید و این برای شما بهترین است.....
۵۴۳.....	۲-۱۷-۸۲۵- پرهیزکاری گردآورنده‌ی همه‌ی خیرهاست.....
۵۴۵.....	۲-۱۷-۸۲۶- آنچه به پرهیزکاران وعده داده شده، بهترین است.....
۵۴۵.....	۲-۱۷-۸۲۷- ورع بهتر از طمع است.....
۵۴۵.....	۲-۱۷-۸۲۸- ورع بهتر از خواری طمع است.....
۵۴۵.....	۲-۱۷-۸۲۹- بدترین زنانان کسی است که از زشتی پروا نکند.....
۵۴۵.....	۲-۱۷-۸۳۰- بدترین حیوانات آنند که پرهیز نمی‌کنند.....
۵۴۵.....	۲-۱۷-۸۳۱- در پرهیزکاری همه‌ی خیرها جمع می‌شود.....
۵۴۵.....	۲-۱۷-۸۳۲- عمل اندک همراه با تقوا، بهتر از اعمال زیادی است که بدون تقوا باشد.....
۵۴۷.....	۲-۱۷-۸۳۳- لباس پرهیزکاری بهترین است.....
۵۴۷.....	۲-۱۷-۸۳۴- در توشه‌های جز در پرهیزکاری خیری نیست.....
۵۴۷.....	۲-۱۷-۸۳۵- در عفت بدون پرهیزکاری خیری نیست.....
۵۴۷.....	۲-۱۷-۸۳۶- در عمل بدون پرهیزکاری خیری نیست.....
۵۴۷.....	۲-۱۷-۸۳۷- در فقه بدون همراهی با پرهیزکاری خیری نیست.....
۵۴۷.....	۲-۱۷-۸۳۸- در عبادت بدون همراهی با پرهیزکاری خیری نیست.....
۵۴۹.....	۲-۱۷-۸۳۹- آنچه بنایش بر پرهیزکاری باشد بهترین است.....
۵۴۹.....	۲-۱۷-۸۴۰- بهترین رفیق.....
۵۴۹.....	۲-۱۷-۹- سرمنشأ.....
۵۴۹.....	۲-۱۷-۹-۱- سرمنشأ همه امور.....
۵۴۹.....	۲-۱۷-۹-۲- سرمنشأ هر امری.....
۵۴۹.....	۲-۱۷-۹-۳- سرمنشأ ایمان.....
۵۴۹.....	۲-۱۷-۹-۴- سرمنشأ حسنات.....
۵۴۹.....	۲-۱۷-۹-۵- سرمنشأ همه‌ی حکمت.....
۵۴۹.....	۲-۱۷-۹-۶- سرمنشأ دین.....
۵۴۹.....	۲-۱۷-۹-۷- پیشوای خلق و خواها.....
۵۵۱.....	۲-۱۷-۱۰- سودمندترین.....
۵۵۱.....	۲-۱۷-۱۰-۱- سودمندترین تجارت.....
۵۵۱.....	۲-۱۷-۱۱- برترین.....

﴿الفهرس﴾

- ٥٥٠ ٢-١٧-١١-١ عَمَلُ رَاجِحٍ
- ٥٥٠ ٢-١٧-١٢-١ أَرْزَكِي
- ٥٥٠ ٢-١٧-١٢-١ أَرْزَكِي زِرَاعَةً
- ٥٥٠ ٢-١٧-١٢-٢ لَا يَزُكُو الْعِلْمُ بِغَيْرِ وَرَعٍ
- ٥٥٠ ٢-١٧-١٣-١ الْأَرْزِينُ
- ٥٥٠ ٢-١٧-١٣-١ أَرْزِينُ الْأَخْلَاقِ
- ٥٥٠ ٢-١٧-١٣-٢ أَرْزِينُ اللَّبَاسِ
- ٥٥٠ ٢-١٧-١٤-١ الْأَشَدُّ
- ٥٥٠ ٢-١٧-١٤-١ أَشَدُّ الْعِبَادَةِ
- ٥٥٠ ٢-١٧-١٥-١ الْأَشْرَفُ
- ٥٥٠ ٢-١٧-١٥-١ أَشْرَفُ الْخِلَالِ
- ٥٥٢ ٢-١٧-١٥-٢ أَشْرَفُ الْمَلَابِسِ
- ٥٥٢ ٢-١٧-١٥-٣ أَشْرَفُ نَسَبٍ
- ٥٥٢ ٢-١٧-١٥-٤ لَا شَرَفَ إِلَّا بِالتَّقْوَى
- ٥٥٢ ٢-١٧-١٥-٥ لَا شَرَفَ أَعْلَى مِنَ التَّقْوَى
- ٥٥٢ ٢-١٧-١٦-١ الْأَصْدَقُ
- ٥٥٢ ٢-١٧-١٦-١ أَصْدَقُ الْوَعْدِ مَا وَعَدَ اللَّهُ الْمُتَّقِينَ
- ٥٥٢ ٢-١٧-١٧-١ الْأَصْلَحُ
- ٥٥٢ ٢-١٧-١٧-١ الْأَصْلَحُ فِي الدِّينِ
- ٥٥٢ ٢-١٧-١٧-٢ لَا تَصْلُحُ الْإِمَامَةُ إِلَّا لِمَنْ تَوَرَّعَ عَنِ الْمَحَارِمِ
- ٥٥٢ ٢-١٧-١٧-٣ مَا أَصْلَحَ الدِّينَ كَالْتَّقْوَى
- ٥٥٢ ٢-١٧-١٧-٤ مَا أَصْلَحَ الدِّينَ كَالْوَرَعِ
- ٥٥٤ ٢-١٧-١٨-١ الْأَعْبُدُ
- ٥٥٤ ٢-١٧-١٨-١ أَعْبُدُ النَّاسَ
- ٥٥٤ ٢-١٧-١٨-٢ مَا تَعَبَّدُ لِي الْمُتَعَبِّدُونَ بِمِثْلِ الْوَرَعِ
- ٥٥٤ ٢-١٧-١٩-١ الْأَعَزُّ
- ٥٥٤ ٢-١٧-١٩-١ أَعَزُّ الْكَرَمِ
- ٥٥٤ ٢-١٧-١٩-٢ أَعَزُّ النَّاسِ
- ٥٥٤ ٢-١٧-١٩-٣ أَعَزُّ عَزٍّ
- ٥٥٤ ٢-١٧-١٩-٤ لَا عَزَّ أَعَزُّ مِنَ التَّقْوَى
- ٥٥٤ ٢-١٧-٢٠-١ الْأَعْظَمُ

﴿فهرست﴾

۵۵۱.....	۲-۱۷-۱۱-۱- برترین عمل
۵۵۱.....	۲-۱۷-۱۲- پاک‌ترین
۵۵۱.....	۲-۱۷-۱۲-۱- پاک‌ترین زراعت
۵۵۱.....	۲-۱۷-۱۲-۲- دانش بدون ورع پاک نمی‌شود
۵۵۱.....	۲-۱۷-۱۳- زیباترین
۵۵۱.....	۲-۱۷-۱۳-۱- زیباترین اخلاق
۵۵۱.....	۲-۱۷-۱۳-۲- زیباترین لباس
۵۵۱.....	۲-۱۷-۱۴- محکم‌ترین
۵۵۱.....	۲-۱۷-۱۴-۱- محکم‌ترین عبادت
۵۵۱.....	۲-۱۷-۱۵- شریف‌ترین
۵۵۱.....	۲-۱۷-۱۵-۱- شریف‌ترین خلق و خو
۵۵۳.....	۲-۱۷-۱۵-۲- شریف‌ترین لباس
۵۵۳.....	۲-۱۷-۱۵-۳- شریف‌ترین نسب
۵۵۳.....	۲-۱۷-۱۵-۴- هیچ شرافتی جز با پرهیزکاری شرافت نیست
۵۵۳.....	۲-۱۷-۱۵-۵- هیچ شرافتی برتر از پرهیزکاری نیست
۵۵۳.....	۲-۱۷-۱۶- صادقانه‌ترین
۵۵۳.....	۲-۱۷-۱۶-۱- صادقانه‌ترین وعده آن است که خدا به پرهیزکاران داده است
۵۵۳.....	۲-۱۷-۱۷- شایسته‌ترین و اصلاح‌کننده‌ترین
۵۵۳.....	۲-۱۷-۱۷-۱- شایسته‌ترین در دین
۵۵۳.....	۲-۱۷-۱۷-۲- امامت بر کسی شایسته نیست مگر آنکه از محرمات پروا کنند
۵۵۳.....	۲-۱۷-۱۷-۳- هیچ چیز همچون پرهیزکاری، دین را اصلاح نمی‌کند
۵۵۳.....	۲-۱۷-۱۷-۴- هیچ چیز همچون ورع، دین را اصلاح نمی‌کند
۵۵۵.....	۲-۱۷-۱۸- عابدترین
۵۵۵.....	۲-۱۷-۱۸-۱- عابدترین مردم
۵۵۵.....	۲-۱۷-۱۸-۲- عابدان با هیچ چیز همچون ورع مرا عبادت نکرده‌اند
۵۵۵.....	۲-۱۷-۱۹- عزیزترین
۵۵۵.....	۲-۱۷-۱۹-۱- عزیزترین کرامت
۵۵۵.....	۲-۱۷-۱۹-۲- عزیزترین مردم
۵۵۵.....	۲-۱۷-۱۹-۳- عزیزترین عزت
۵۵۵.....	۲-۱۷-۱۹-۴- هیچ عزتی عزیزتر از پرهیزکاری نیست
۵۵۷.....	۲-۱۷-۲۰- بزرگ‌ترین

«الفهرس»

- ٥٥٦..... ٢-١٧-٢٠-١ أَكْثَمُ الْأَعْمَالِ
- ٥٥٦..... ٢-١٧-٢٠-٢ النِّعْمَةُ الْعُظْمَى
- ٥٥٦..... ٢-١٧-٢٠-٣ لَمْ يُكَلِّوا بِشَيْءٍ أَكْثَمَ مِنَ التَّقْوَى
- ٥٥٦..... ٢-١٧-٢١-١ الْأَعْقَلُ
- ٥٥٦..... ٢-١٧-٢١-٢ أَكْثَلُ النَّاسِ
- ٥٥٦..... ٢-١٧-٢٢-١ الْأَعْلَى
- ٥٥٦..... ٢-١٧-٢٢-٢ أَكْثَلُ الْأَعْمَالِ
- ٥٥٦..... ٢-١٧-٢٢-٣ أَكْثَلُ مِنَ الزُّهْدِ
- ٥٥٦..... ٢-١٧-٢٣-١ الْأَعْنَى
- ٥٥٨..... ٢-١٧-٢٣-٢ لَا أُغْنِي عَنْهُمْ مِنَ اللَّهِ شَيْئاً إِلَّا بِالْوَرَعِ
- ٥٥٨..... ٢-١٧-٢٣-٣ لَا يُغْنِي عَنْكَ اجْتِهَادُ لَيْسَ مَعَهُ وَرَعٌ
- ٥٥٨..... ٢-١٧-٢٣-٤ لَا يُغْنِي عَنْهُمْ شَيْئاً إِلَّا بِالْوَرَعِ
- ٥٥٨..... ٢-١٧-٢٤-١ أَكْثَلُ الثَّوَابِ
- ٥٥٨..... ٢-١٧-٢٤-٢ أَكْثَلُ الدِّينِ
- ٥٦٠..... ٢-١٧-٢٤-٣ أَكْثَلُ الزَّادِ
- ٥٦٠..... ٢-١٧-٢٤-٤ أَكْثَلُ السَّخَاءِ
- ٥٦٠..... ٢-١٧-٢٤-٥ أَكْثَلُ الصَّبْرِ
- ٥٦٠..... ٢-١٧-٢٤-٦ أَكْثَلُ الْعِفَّةِ
- ٥٦٠..... ٢-١٧-٢٤-٧ أَكْثَلُ الْأَعْمَالِ
- ٥٦٢..... ٢-١٧-٢٤-٨ أَكْثَلُ الْفَقْهِ
- ٥٦٢..... ٢-١٧-٢٤-٩ أَكْثَلُ كُنْزٍ
- ٥٦٢..... ٢-١٧-٢٤-١٠ أَكْثَلُ لِبَاسٍ
- ٥٦٢..... ٢-١٧-٢٤-١١ أَكْثَلُ النُّجْوَى
- ٥٦٢..... ٢-١٧-٢٤-١٢ أَكْثَلُ النَّاسِ
- ٥٦٤..... ٢-١٧-٢٤-١٣ أَكْثَلُ النَّاسِ بَعْدَ الْأَنْبِيَاءِ وَالْأَوْلِيَاءِ الطَّاهِرِينَ
- ٥٦٤..... ٢-١٧-٢٤-١٤ أَكْثَلُ مَا يُسْتَعَانُ بِهِ
- ٥٦٤..... ٢-١٧-٢٤-١٥ أَكْثَلُ التَّقْوَى مِنَ الْإِيمَانِ
- ٥٦٤..... ٢-١٧-٢٤-١٦ الْحِكْمَةُ مَعَ التَّقْوَى أَكْثَلُ مِنَ الزُّهْدِ وَالْعِبَادَةِ بِلَا عِلْمٍ
- ٥٦٤..... ٢-١٧-٢٤-١٧ أَكْثَلُ مِنَ صِحَّةِ الْبَدَنِ
- ٥٦٦..... ٢-١٧-٢٤-١٨ لَا زَادَ أَكْثَلُ مِنَ التَّقْوَى

﴿فهرست﴾

۵۵۷.....	۲-۱۷-۲۰-۱- بزرگ‌ترین عمل‌ها
۵۵۷.....	۲-۱۷-۲۰-۲- نعمت بزرگ
۵۵۷.....	۲-۱۷-۲۰-۳- با چیزی بزرگ‌تر از پرهیزکاری به خدا توکل نکرده‌اند
۵۵۷.....	۲-۱۷-۲۱- عاقل‌ترین
۵۵۷.....	۲-۱۷-۲۱-۱- عاقل‌ترین مردم
۵۵۷.....	۲-۱۷-۲۲- بالاترین
۵۵۷.....	۲-۱۷-۲۲-۱- بالاترین عمل‌ها
۵۵۷.....	۲-۱۷-۲۲-۲- فراتر از زهد
۵۵۷.....	۲-۱۷-۲۳- بی‌نیاز‌کننده‌ترین
۵۵۹.....	۲-۱۷-۲۳-۱- با چیزی جز ورع نزد خداوند نمی‌توانم برایشان کاری کنم
۵۵۹.....	۲-۱۷-۲۳-۲- تلاش بدون ورع نمی‌تواند برای تو کاری کند
۵۵۹.....	۲-۱۷-۲۳-۳- با چیزی جز ورع نمی‌تواند برایشان کاری کند
۵۵۹.....	۲-۱۷-۲۴- برترین
۵۵۹.....	۲-۱۷-۲۴-۱- برترین پاداش
۵۵۹.....	۲-۱۷-۲۴-۲- برترین دین
۵۶۱.....	۲-۱۷-۲۴-۳- برترین توشه
۵۶۱.....	۲-۱۷-۲۴-۴- برترین بخشش
۵۶۱.....	۲-۱۷-۲۴-۵- برترین دو صبر
۵۶۱.....	۲-۱۷-۲۴-۶- برترین پارسایی
۵۶۱.....	۲-۱۷-۲۴-۷- برترین عمل‌ها
۵۶۳.....	۲-۱۷-۲۴-۸- برترین دانش عمیق
۵۶۳.....	۲-۱۷-۲۴-۹- برترین گنج
۵۶۳.....	۲-۱۷-۲۴-۱۰- برترین لباس
۵۶۳.....	۲-۱۷-۲۴-۱۱- برترین مناجات
۵۶۳.....	۲-۱۷-۲۴-۱۲- برترین مردم
۵۶۵.....	۲-۱۷-۲۴-۱۳- برترین مردم بعد از پیامبران و اولیا علیهم‌السلام
۵۶۵.....	۲-۱۷-۲۴-۱۴- برترین چیزی که بتوان از آن یاری طلبید
۵۶۵.....	۲-۱۷-۲۴-۱۵- پرهیزکاری برتر از ایمان است
۵۶۵.....	۲-۱۷-۲۴-۱۶- حکمت همراه با تقوا برتر از زهد و عبادت بدون دانش است
۵۶۵.....	۲-۱۷-۲۴-۱۷- برتر از سلامتی جسم
۵۶۷.....	۲-۱۷-۲۴-۱۸- هیچ توشه‌ای برتر از پرهیزکاری نیست

﴿الفهرس﴾

- ٥٦٦..... ١٩-٢٤-١٧-٢- لَا عَمَلَ أَفْضَلَ مِنَ الْوَرَعِ.....
- ٥٦٦..... ٢٠-٢٤-١٧-٢- لَا فَضْلَ إِلَّا بِالتَّقْوَى.....
- ٥٦٦..... ٢١-٢٤-١٧-٢- بِالتَّقْوَى يَتَفَاضَلُونَ.....
- ٥٦٦..... ٢٢-٢٤-١٧-٢- لَيْسَ لِأَحَدٍ فَضْلٌ عَلَى أَحَدٍ إِلَّا بِالتَّقْوَى.....
- ٥٦٦..... ٢٥-١٧-٢- فَوْقَ.....
- ٥٦٨..... ١-٢٥-١٧-٢- التَّقْوَى فَوْقَ الْإِخْلَاصِ.....
- ٥٦٨..... ٢-٢٥-١٧-٢- التَّقْوَى فَوْقَ الْإِسْلَامِ.....
- ٥٦٨..... ٣-٢٥-١٧-٢- التَّقْوَى فَوْقَ الْإِيمَانِ.....
- ٥٦٨..... ١-٣-٢٥-١٧-٢- يَا عِبَادَ الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا.....
- ٥٦٨..... ٢-٣-٢٥-١٧-٢- يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِن تَتَّقُوا اللَّهَ.....
- ٥٦٨..... ٣-٣-٢٥-١٧-٢- التَّقْوَى عَلَى الْإِيمَانِ دَرَجَةً.....
- ٥٧٠..... ٤-٣-٢٥-١٧-٢- الْمُؤْمِنُ حَقًّا مَنْ تَوَرَّعَ فِي الدِّينِ.....
- ٥٧٠..... ٤-٢٥-١٧-٢- التَّقْوَى فَوْقَ الْعِلْمِ وَالْعَقْلِ.....
- ٥٧٠..... ٥-٢٥-١٧-٢- التَّقْوَى فَوْقَ الْهِدَايَةِ.....
- ٥٧٠..... ٦-٢٥-١٧-٢- أَهْلُ الْوَرَعِ فَوْقَ مَا سِوَاهُمْ بِالْحُظْوَةِ وَرَفِيعِ الْمَنْزِلَةِ.....
- ٥٧٠..... ٧-٢٥-١٧-٢- كَالشَّنُوفِ بَيْنَ الْخَلَى وَالْخَبْرِ بَيْنَ الطَّعَامِ.....
- ٥٧٠..... ٨-٢٥-١٧-٢- مُنْتَهَى رِضَى اللَّهِ وَحَاجَتُهُ.....
- ٥٧٢..... ٩-٢٥-١٧-٢- لَا زَادَ كَالْتَّقْوَى.....
- ٥٧٢..... ١٠-٢٥-١٧-٢- لَمْ يُتَزَوَّدْ مِثْلَ التَّقْوَى زَادٌ.....
- ٥٧٢..... ١١-٢٥-١٧-٢- لَا يُشْرِكُ اللَّهُ مَعَهُمْ أَحَدًا فِي جَنَاتِ عَدْنٍ.....
- ٥٧٢..... ١٢-٢٥-١٧-٢- لَا يُشْرِكُ أَحَدًا فِي جَنَّتِهِمْ.....
- ٥٧٢..... ١٣-٢٥-١٧-٢- لَا عَوْضَ عَنْهُ.....
- ٥٧٢..... ١٤-٢٥-١٧-٢- لَمْ تَنَالُوا الْجَنَّةَ إِلَّا بِالتَّقْوَى.....
- ٥٧٢..... ١٥-٢٥-١٧-٢- لَا يُنَالُ مَا عِنْدَ اللَّهِ إِلَّا بِالْوَرَعِ.....
- ٥٧٢..... ١٦-٢٥-١٧-٢- لَنْ تَنَالُوا مَا عِنْدَ اللَّهِ إِلَّا بِالْوَرَعِ.....
- ٥٧٤..... ١٧-٢٥-١٧-٢- مَا نُنَالُ شَفَاعَتَنَا إِلَّا بِالتَّقْوَى وَالْوَرَعِ.....
- ٥٧٤..... ١٨-٢٥-١٧-٢- لَا يُنَالُ وَلَا يُتَنَالُ إِلَّا بِالْوَرَعِ.....
- ٥٧٤..... ١٩-٢٥-١٧-٢- لَا يُوَارِثُهُ.....
- ٥٧٤..... ٢٠-٢٥-١٧-٢- يَحْتَاجُ إِلَيْهِ كُلُّ فَنٍّ مِنَ الْعِلْمِ.....
- ٥٧٦..... ٢٦-١٧-٢- الْأَقْبَلُ.....
- ٥٧٦..... ١-٢٦-١٧-٢- لَا يَقْبَلُ اللَّهُ عَمَلًا إِلَّا بِهِ.....

﴿فهرست﴾

۵۶۷.....	۲-۱۷-۲۴-۱۹- هیچ عملی برتر از پرهیزکاری نیست
۵۶۷.....	۲-۱۷-۲۴-۲۰- هیچ فضیلتی برتر از پرهیزکاری نیست
۵۶۷.....	۲-۱۷-۲۴-۲۱- بر مبنای پرهیزکاری بر یکدیگر فضیلت پیدا می کنند
۵۶۷.....	۲-۱۷-۲۴-۲۲- کسی را بر دیگری فضیلتی نیست مگر به پرهیزکاری
۵۶۷.....	۲-۱۷-۲۵- فراتر
۵۶۹.....	۲-۱۷-۲۵-۱- پرهیزکاری فراتر از اخلاص
۵۶۹.....	۲-۱۷-۲۵-۲- پرهیزکاری فراتر از اسلام
۵۶۹.....	۲-۱۷-۲۵-۳- پرهیزکاری فراتر از ایمان
۵۶۹.....	۲-۱۷-۲۵-۳-۱- ای بندگان من که ایمان آورده اید پرهیزکاری کنید
۵۶۹.....	۲-۱۷-۲۵-۳-۲- ای کسانی که ایمان آورده اید؛ اگر تقوا کنید
۵۶۹.....	۲-۱۷-۲۵-۳-۳- پرهیزکاری فراتر از ایمان است
۵۷۱.....	۲-۱۷-۲۵-۳-۴- مؤمن واقعی کسی است که در دین پرهیزکار باشد
۵۷۱.....	۲-۱۷-۲۵-۴- پرهیزکاری فراتر از دانش و عقل
۵۷۱.....	۲-۱۷-۲۵-۵- پرهیزکاری فراتر از هدایت
۵۷۱.....	۲-۱۷-۲۵-۶- اهل ورع در بهره مندی و بلندی جایگاه فراتر از دیگران هستند
۵۷۱.....	۲-۱۷-۲۵-۷- مانند گوشواره در بین زیورآلات، و نان در بین خوراکی هاست
۵۷۱.....	۲-۱۷-۲۵-۸- آخرین مرتبه ی خشنودی و خواسته ی خداوند
۵۷۳.....	۲-۱۷-۲۵-۹- هیچ توشه ای همچون پرهیزکاری نیست
۵۷۳.....	۲-۱۷-۲۵-۱۰- با هیچ چیز همچون پرهیزکاری توشه برنگرفته است
۵۷۳.....	۲-۱۷-۲۵-۱۱- خداوند کسی را با آنان در بهشت های جاودان شریک نمی کند
۵۷۳.....	۲-۱۷-۲۵-۱۲- کسی با آنان در بهشت شان شریک نمی شود
۵۷۳.....	۲-۱۷-۲۵-۱۳- جایگزینی ندارد
۵۷۳.....	۲-۱۷-۲۵-۱۴- نمی توانید جز با پرهیزکاری به بهشت دست یابید
۵۷۳.....	۲-۱۷-۲۵-۱۵- به آنچه نزد خداست جز با ورع نتوان رسید
۵۷۳.....	۲-۱۷-۲۵-۱۶- به آنچه نزد خداست جز با ورع نمی توانید برسید
۵۷۵.....	۲-۱۷-۲۵-۱۷- به شفاعت ما جز با پرهیزکاری و ورع نتوان رسید
۵۷۵.....	۲-۱۷-۲۵-۱۸- جز با ورع به ولایت ما نتوان رسید
۵۷۵.....	۲-۱۷-۲۵-۱۹- هموزنی ندارد
۵۷۵.....	۲-۱۷-۱-۲۰- هر شاخه ای از دانش به آن محتاج است
۵۷۷.....	۲-۱۷-۲۶- پذیرفته ترین
۵۷۷.....	۲-۱۷-۲۶-۱- خداوند هیچ عملی را جز با آن نمی پذیرد

«الفهرس»

٥٧٦	٢-١٧-٢٦-٢	لَمْ يَقْبَلِ اللَّهُ مِنْكُمْ إِلَّا بَوْرَعٍ
٥٧٦	٢-١٧-٢٧	الْأَقْدَمُ
٥٧٦	٢-١٧-٢٧-١	لَا تَقْدُمُ إِلَّا عَلَى تَقْوَى اللَّهِ
٥٧٦	٢-١٧-٢٨	الْأَقْرَبُ
٥٧٦	٢-١٧-٢٨-١	أَقْرَبُ إِلَى رِضْوَانِ اللَّهِ
٥٧٦	٢-١٧-٢٨-٢	مَا تَقَرَّبَ إِلَى الْمُتَقَرِّبِينَ بِمِثْلِ الْوَرَعِ
٥٧٨	٢-١٧-٢٨-٣	لَمْ يَتَقَرَّبُوا إِلَى شَيْءٍ أَحَبَّ إِلَيَّ مِنَ الْوَرَعِ
٥٧٨	٢-١٧-٢٩	الْأَقْوَى
٥٧٨	٢-١٧-٢٩-١	أَقْوَى أَسَاسٍ
٥٧٨	٢-١٧-٣٠	الْأَكْبَرُ
٥٧٨	٢-١٧-٣٠-١	الْحِكْمَةُ الْكُبْرَى
٥٧٨	٢-١٧-٣١	الْأَكْثَرُ
٥٧٨	٢-١٧-٣١-١	أَكْثَرُ مَا تَلِجُ بِهِ أُمَّتِي فِي الْجَنَّةِ
٥٧٨	٢-١٧-٣٢	الْأَكْرَمُ
٥٧٨	٢-١٧-٣٢-١	أَكْرَمَكُمْ عِنْدَ اللَّهِ
٥٨٠	٢-١٧-٣٢-٢	أَكْرَمُ النَّاسِ
٥٨٠	٢-١٧-٣٢-٣	أَكْرَمُ النَّاسِ حَسَبًا
٥٨٢	٢-١٧-٣٢-٤	لَا كَرَمَ كَالْتَّقْوَى
٥٨٢	٢-١٧-٣٢-٥	لَا كَرَمَ إِلَّا بِالتَّقْوَى
٥٨٢	٢-١٧-٣٢-٦	لَا كِرَامَةً إِلَّا بِالتَّقْوَى
٥٨٢	٢-١٧-٣٢-٧	لَيْسَ أَحَدٌ أَكْرَمَ مِنْ أَحَدٍ إِلَّا بِالتَّقْوَى
٥٨٢	٢-١٧-٣٣	الْأَكْفَى
٥٨٢	٢-١٧-٣٣-١	كَفَى بِالتَّقْوَى زَادًا
٥٨٢	٢-١٧-٣٣-٢	يَكْفِيكُمْ مِنَ الْعِبَادَةِ الْوَرَعُ
٥٨٢	٢-١٧-٣٤	الْأَكْيَسُ
٥٨٢	٢-١٧-٣٤-١	أَكْيَسُ الْكَيْسِ
٥٨٢	٢-١٧-٣٥	الْأَمْلَكُ
٥٨٢	٢-١٧-٣٥-١	أَمْلَكُ شَيْءٍ
٥٨٤	٢-١٧-٣٦	الْأَمْنَعُ
٥٨٤	٢-١٧-٣٦-١	لَا حِصْنَ أَمْنَعُ مِنَ التَّقْوَى
٥٨٤	٢-١٧-٣٦-٢	أَمْنَعُ حُصُونِ الدِّينِ

﴿فهرست﴾

۵۷۷.....	۲-۱۷-۲۶-۲ خداوند هیچ عملی را جز با آن از شما نمی‌پذیرد
۵۷۷.....	۲-۱۷-۲۷ پیش‌روترین
۵۷۷.....	۲-۱۷-۲۷-۱ پیشروی جز با تقوا میسر نیست
۵۷۷.....	۲-۱۷-۲۸ نزدیک‌ترین
۵۷۷.....	۲-۱۷-۲۸-۱ نزدیک‌ترین به رضایت خدا
۵۷۷.....	۲-۱۷-۱-۲ کسی با هیچ چیز همچون پرهیزکاری به خدا نزدیک نشده است
۵۷۹.....	۲-۱۷-۲۸-۳ کسی با چیزی دوست‌داشتنی‌تر از پرهیزکاری به خدا نزدیک نشده است
۵۷۹.....	۲-۱۷-۲۹ قوی‌ترین
۵۷۹.....	۲-۱۷-۲۹-۱ قوی‌ترین پایه
۵۷۹.....	۲-۱۷-۳۰ بزرگ‌ترین
۵۷۹.....	۲-۱۷-۳۰-۱ حکمت بزرگ
۵۷۹.....	۲-۱۷-۳۱ بیشترین
۵۷۹.....	۲-۱۷-۳۱-۱ آنچه بیشترین اَمّت را به بهشت وارد می‌کند
۵۷۹.....	۲-۱۷-۳۲ گرمی‌ترین
۵۷۹.....	۲-۱۷-۳۲-۱ گرمی‌ترین شما نزد خدا
۵۸۱.....	۲-۱۷-۳۲-۲ گرمی‌ترین مردم
۵۸۱.....	۲-۱۷-۳۲-۳ گرمی‌ترین مردم از نظر اصالت خانوادگی
۵۸۳.....	۲-۱۷-۳۲-۴ هیچ کرامتی همچون پرهیزکاری نیست
۵۸۳.....	۲-۱۷-۳۲-۵ هیچ کرامتی جز با پرهیزکاری نیست
۵۸۳.....	۲-۱۷-۳۲-۶ هیچ کرامتی جز با پرهیزکاری میسر نیست
۵۸۳.....	۲-۱۷-۳۲-۷ هیچ کس جز با پرهیزکاری گرمی‌تر از دیگری نیست
۵۸۳.....	۲-۱۷-۳۳ بسنده‌ترین
۵۸۳.....	۲-۱۷-۳۳-۱ پرهیزکاری برای توشه‌برداشتن کافی است
۵۸۳.....	۲-۱۷-۳۳-۲ از عبادات، ورع برای شما کافی است
۵۸۳.....	۲-۱۷-۳۴ زیرک‌ترین
۵۸۳.....	۲-۱۷-۳۴-۱ زیرک‌ترین زیرکی
۵۸۳.....	۲-۱۷-۳۵ مسلط‌ترین
۵۸۳.....	۲-۱۷-۳۵-۱ مسلط‌ترین چیز
۵۸۵.....	۲-۱۷-۳۶ مستحکم‌ترین
۵۸۵.....	۲-۱۷-۳۶-۱ هیچ قلعه‌ای مستحکم‌تر پرهیزکاری نیست
۵۸۵.....	۲-۱۷-۳۶-۲ مستحکم‌ترین قلعه‌ی دین

﴿الفهرس﴾

٥٨٤	 ٢-١٧-٣٧-١-الأنجي
٥٨٤	 ٢-١٧-٣٧-١-لَا يَنْجُو الزَاهِدُونَ إِلَّا بِالْوَرَعِ
٥٨٤	 ٢-١٧-٣٨-١-الأنزه
٥٨٤	 ٢-١٧-٣٨-١-لَا نَزَاهَةَ كَالْتَوَرُعِ
٥٨٤	 ٢-١٧-٣٩-١-الأنفع
٥٨٤	 ٢-١٧-٣٩-١-مَا يَنْفَعُكُمْ الْعِبَادَةُ إِلَّا بِالْوَرَعِ
٥٨٤	 ٢-١٧-٤٠-١-الأوتق
٥٨٤	 ٢-١٧-٤٠-١-أَوْتَقُ حِصْنٌ
٥٨٤	 ٢-١٧-٤٠-٢-أَوْتَقُ الْعُرَى
٥٨٤	 ٢-١٧-٤٠-٣-أَوْتَقُ الْعِزَّ
٥٨٤	 ٢-١٧-٤١-١-الأوفى
٥٨٤	 ٢-١٧-٤١-١-أَوْفَى جَنَّةٌ
٥٨٤	 ٢-١٧-٤٢-١-الأولى
٥٨٤	 ٢-١٧-٤٢-١-أَوْلَى الْقَوْلِ
٥٨٤	 ٢-١٧-٤٣-١-الأكذ
٥٨٤	 ٢-١٧-٤٣-١-أَكْذُ سَبَبٍ بَيْنَكَ وَبَيْنَ اللَّهِ
٥٨٤	 ٢-١٨-١-مِنْ أَهَمِّ خَصَائِصِ التَّقْوَى وَالْوَرَعِ
٥٨٤	 ٢-١٨-١-إِنَّ اللَّهَ يُدْخِلُ مَنْ حَسَنَ وَرَعَهُ الْجَنَّةَ وَإِنْ كَانَ لَا يَعْرِفُ الْوَلَايَةَ
٥٨٤	 ٢-١٨-٢-أَتَقَى اللَّهَ وَكُنْ حَيْثُ شِئْتَ
٥٨٤	 ٢-١٨-٣-أَسَاسُ كُلِّ طَاعَةٍ مَقْبُولَةٌ
٥٨٨	 ٢-١٨-٤-أَصْلُ الدِّينِ
٥٨٨	 ٢-١٨-٥-أَصْلُ كُلِّ حَقٍّ
٥٨٨	 ٢-١٨-٦-جَمَاعُ كُلِّ عِبَادَةٍ صَالِحَةٍ
٥٨٨	 ٢-١٨-٧-الإمام عليه السلام بَلِّغْ مَا بَلِّغَ بِالتَّقْوَى
٥٨٨	 ٢-١٨-٨-مِنْ دِينِ الْأَئِمَّةِ عليهم السلام
٥٩٠	 ٢-١٨-٩-تَنَاقَلَ الْإِمَامُ عليه السلام عَنْ وَصْفِ التَّقْوَى
٥٩٠	 ٢-١٨-١٠-يَرْجُو الْإِمَامُ عليه السلام أَنْ يَكُونَ مِنْ أَهْلِ التَّقْوَى
٥٩٠	 ٢-١٨-١١-يَسْتَعِينُ الْإِمَامُ عليه السلام بِالْوَرَعِ
٥٩٠	 ٢-١٨-١٢-زَادَ الْإِمَامُ عليه السلام
٥٩٠	 ٢-١٨-١٣-أَهْلِيَّةُ أَخَذِ الدُّعَاءِ
٥٩٢	 ٢-١٨-١٤-الْأَبْرَارُ هُمُ الْمُتَّقُونَ

﴿فهرست﴾

۵۸۵.....	۲-۱۷-۳۷- نجات‌دهنده‌ترین
۵۸۵.....	۲-۱۷-۳۷-۱- زاهدان جز با ورع نجات نمی‌یابند
۵۸۵.....	۲-۱۷-۳۸- پاک‌ترین
۵۸۵.....	۲-۱۷-۳۸-۱- هیچ پاکی‌ای مانند پرهیزکاری نیست
۵۸۵.....	۲-۱۷-۳۹- سودمندترین
۵۸۵.....	۲-۱۷-۳۹-۱- هیچ عبادتی برای شما فایده ندارد جز با ورع
۵۸۵.....	۲-۱۷-۴۰- قابل اعتمادترین
۵۸۵.....	۲-۱۷-۴۰-۱- قابل اعتمادترین قلعه
۵۸۵.....	۲-۱۷-۴۰-۲- قابل اعتمادترین دستگیره
۵۸۷.....	۲-۱۷-۴۰-۳- قابل اعتمادترین عزّت
۵۸۷.....	۲-۱۷-۴۱- نگهدارنده‌ترین
۵۸۷.....	۲-۱۷-۴۱-۱- نگهدارنده‌ترین سپر
۵۸۷.....	۲-۱۷-۴۲- سزاوارترین
۵۸۷.....	۲-۱۷-۴۲-۱- سزاوارترین کلام
۵۸۷.....	۲-۱۷-۴۳- محکم‌ترین
۵۸۷.....	۲-۱۷-۴۳-۱- محکم‌ترین وسیله بین تو و خدای تو
۵۸۷.....	۲-۱۸- از ویژگی‌های مهم پرهیزکاری و ورع
۵۸۷.....	۲-۱۸-۱- خداوند کسی را که ورع نیکو داشته باشد وارد بهشت می‌کند حتی اگر ولایت را نشناخته باشد
۵۸۷.....	۲-۱۸-۲- تقوا داشته باش؛ هر چه می‌خواهی باش
۵۸۷.....	۲-۱۸-۳- پایه‌ی هر عمل پذیرفته‌شده
۵۸۹.....	۲-۱۸-۴- اصل دین
۵۸۹.....	۲-۱۸-۵- اصل هر حقیقت
۵۸۹.....	۲-۱۸-۶- دربرگیرنده‌ی هر عبادت شایسته است
۵۸۹.....	۲-۱۸-۷- امام علیه السلام به آنچه که رسیده است با تقوا رسیده است
۵۸۹.....	۲-۱۸-۸- از دین ائمه علیهم السلام
۵۹۱.....	۲-۱۸-۹- توصیف پرهیزکاری بر امام علیه السلام سنگین می‌آید
۵۹۱.....	۲-۱۸-۱۰- امام علیه السلام امیدوار است که از اهل پرهیزکاری باشد
۵۹۱.....	۲-۱۸-۱۱- امام علیه السلام از پرهیزکاری کمک می‌گیرد
۵۹۱.....	۲-۱۸-۱۲- توشه‌ی امام علیه السلام
۵۹۱.....	۲-۱۸-۱۳- شایستگی برای دریافت دعا
۵۹۳.....	۲-۱۸-۱۴- نیکان همان پرهیزکاران هستند

﴿الفهرس﴾

- ٥٩٢..... ٢-١٨-١٥- مَنْ أَمَرَ بِالتَّقْوَى فَقَدْ أَبْلَغَ الْمَوْعِظَةَ
- ٥٩٢..... ٢-١٨-١٦- إِنَّ اللَّهَ جَمَعَكُمْ عَلَى التَّقْوَى
- ٥٩٢..... ٢-١٨-١٧- مَحْبُوبٌ عِنْدَ كُلِّ فَرِيقٍ
- ٥٩٢..... ٢-١٨-١٨- الْحَسْبُ التَّقْوَى
- ٥٩٢..... ٢-١٨-١٩- الْوَرَعُ حَسَنٌ
- ٥٩٢..... ٢-١٨-٢٠- الْأَتْقِيَاءُ حُصُونٌ
- ٥٩٤..... ٢-١٨-٢١- مَنْ كَانَ فِيهِ الْوَرَعُ فَلْيَحْمَدِ اللَّهَ عَلَى ذَلِكَ
- ٥٩٤..... ٢-١٨-٢٢- حَاجَةُ اللَّهِ مِنْ خَلْقِهِ
- ٥٩٤..... ٢-١٨-٢٣- إِنَّكُمْ إِلَى أَزْوَاجِ التَّقْوَى آخُوجٌ
- ٥٩٤..... ٢-١٨-٢٤- يَخْتَنَجُ إِلَيْهَا الْمَاضِينَ مِنْكُمْ وَالْغَابِرِينَ
- ٥٩٤..... ٢-١٨-٢٥- يَخْتَنَجُ إِلَيْهَا الْأِمَامُ عليه السلام
- ٥٩٤..... ٢-١٨-٢٦- يَخْتَنَجُ إِلَيْهَا كُلُّ فَنٍّ مِنَ الْعِلْمِ
- ٥٩٤..... ٢-١٨-٢٧- خُلِقَ الْأَنْبِيَاءُ عليهم السلام
- ٥٩٤..... ٢-١٨-٢٨- الدِّينُ الَّذِي يُقْبَلُ فِيهِ الْعَمَلُ
- ٥٩٤..... ٢-١٨-٢٩- مَا يَدَانِ اللَّهُ بِهِ
- ٥٩٤..... ٢-١٨-٣٠- سَبَبُ نَيْتِكَ وَتَبَيَّنَ اللَّهُ
- ٥٩٨..... ٢-١٨-٣١- السِّيَادَةُ
- ٥٩٨..... ٢-١٨-٣١-١- السُّودُّدُ حَقُّ السُّودِّدِ
- ٥٩٨..... ٢-١٨-٣١-٢- سَادَةُ النَّاسِ فِي الْآخِرَةِ الْأَتْقِيَاءُ
- ٥٩٨..... ٢-١٨-٣١-٣- سَادَةُ أَهْلِ الْجَنَّةِ الْمُتَّقُونَ
- ٥٩٨..... ٢-١٨-٣٢- مَا أَنْفَعَ الْمَوْتَ لِمَنْ أَشْعَرَ التَّقْوَى!
- ٥٩٨..... ٢-١٨-٣٣- مَخُ الْإِيمَانِ التَّقْوَى وَالْوَرَعُ
- ٥٩٨..... ٢-١٨-٣٤- مُلُوكُ الْجَنَّةِ الْأَتْقِيَاءُ
- ٥٩٨..... ٢-١٨-٣٥- مِنْ شُرُوطِ الْمُؤَاكَلَةِ
- ٥٩٨..... ٢-١٨-٣٦- مِنْ شُرُوطِ التَّوْبَةِ
- ٦٠٠..... ٢-١٨-٣٧- مِنْ شُرُوطِ إِمَامَةِ الْجَمَاعَةِ
- ٦٠٠..... ٢-١٨-٣٨- مِنْ شُرُوطِ مَحَبَّةِ الْإِخْوَانِ
- ٦٠٠..... ٢-١٨-٣٩- مِنْ شُرُوطِ حَقِيقَةِ الْعِلْمِ
- ٦٠٠..... ٢-١٨-٤٠- مِنْ شُرُوطِ الْحُكْمِ
- ٦٠٠..... ٢-١٨-٤١- مِنْ شُرُوطِ الْخُلَافَةِ
- ٦٠٠..... ٢-١٨-٤٢- مِنْ شُرُوطِ رِضَى اللَّهِ

﴿فهرست﴾

۵۹۳.....	۲-۱۸-۱۵- هرکه به پرهیزکاری فرمان دهد حق پند و اندرز را ادا کرده است.....
۵۹۳.....	۲-۱۸-۱۶- خداوند شما مسلمانان را بر محور پرهیزکاری گرد آورد.....
۵۹۳.....	۲-۱۸-۱۷- نزد همه محبوب است.....
۵۹۳.....	۲-۱۸-۱۸- افتخار خانوادگی در پرهیزکاری است.....
۵۹۳.....	۲-۱۸-۱۹- ورع نیکوست.....
۵۹۳.....	۲-۱۸-۲۰- پرهیزکاران قلعه‌اند.....
۵۹۵.....	۲-۱۸-۲۱- هرکه صاحب پرهیزکاری است خدا را بر آن سپاس گوید.....
۵۹۵.....	۲-۱۸-۲۲- خواسته‌ی خدا از آفریده‌اش.....
۵۹۵.....	۲-۱۸-۲۳- شما به توشه‌ی تقوا نیازمندترید.....
۵۹۵.....	۲-۱۸-۲۴- گذشتگان و آیندگان به آن نیازمندند.....
۵۹۵.....	۲-۱۸-۲۵- امام علیه السلام هم به تقوا نیازمند است.....
۵۹۷.....	۲-۱۸-۲۶- هر دانشی به آن نیازمند است.....
۵۹۷.....	۲-۱۸-۲۷- خلق و خوی پیامبران.....
۵۹۷.....	۲-۱۸-۲۸- دینی است که جز به آن عمل پذیرفته نیست.....
۵۹۷.....	۲-۱۸-۲۹- آنچه خدا به آن عبادت می‌شود.....
۵۹۷.....	۲-۱۸-۳۰- وسیله‌ی بین تو و خدا.....
۵۹۹.....	۲-۱۸-۳۱- سروری.....
۵۹۹.....	۲-۱۸-۳۱-۱- حقیقت سروری.....
۵۹۹.....	۲-۱۸-۳۱-۲- سرور مردم در آخرت پرهیزکارانند.....
۵۹۹.....	۲-۱۸-۳۱-۳- سرور اهل بهشت پرهیزکارانند.....
۵۹۹.....	۲-۱۸-۳۲- چه سودمند است مرگ برای آنکه با پرهیزکاری همراه است!.....
۵۹۹.....	۲-۱۸-۳۳- مغز ایمان پرهیزکاری و ورع است.....
۵۹۹.....	۲-۱۸-۳۴- پادشاهان بهشت پرهیزکارانند.....
۵۹۹.....	۲-۱۸-۳۵- از شرط‌های هم‌غذاشدن.....
۵۹۹.....	۲-۱۸-۳۶- از شرط‌های توبه.....
۶۰۱.....	۲-۱۸-۳۷- از شرط‌های امامت جماعت.....
۶۰۱.....	۲-۱۸-۳۸- از شرط‌های دوست‌داشتن برادران.....
۶۰۱.....	۲-۱۸-۳۹- از شرط‌های حقیقت دانش.....
۶۰۱.....	۲-۱۸-۴۰- از شرط‌های قضاوت.....
۶۰۱.....	۲-۱۸-۴۱- از شرط‌های خلافت.....
۶۰۱.....	۲-۱۸-۴۲- از شرط‌های رضایت پروردگار.....

«الفهرس»

- ٢-١٨-٤٣- من شروط وصول الشيعة إلى درجتهم عليه السلام ٦٠٢
- ٢-١٨-٤٤- من شروط استحقاق أخذ الصدقة ٦٠٢
- ٢-١٨-٤٥- من شروط المشاور ٦٠٢
- ٢-١٨-٤٦- من شروط عمال الولاية ٦٠٢
- ٢-١٨-٤٧- من شروط غفران الشيعة ٦٠٢
- ٢-١٨-٤٨- من شروط المفتي ٦٠٤
- ٢-١٨-٤٩- من شروط قبول الدعاء ٦٠٤
- ٢-١٨-٥٠- من شروط قبول الصيام ٦٠٤
- ٢-١٨-٥١- من شروط القاضي وأعوانه ٦٠٤
- ٢-١٨-٥٢- من شروط نيل الشفاعة ٦٠٦
- ٢-١٨-٥٣- من شروط نيل الولاية ٦٠٦
- ٢-١٨-٥٤- من شروط الوثاقة ٦٠٦
- ٢-١٨-٥٥- طوبى للمتقين ٦٠٦
- ٢-١٨-٥٦- ما يعبا بمن يؤم هذا البيت إذا لم يكن فيه الورع ٦٠٨
- ٢-١٨-٥٧- إعجاب الإمام عليه السلام من رجل حسن الورع ٦٠٨
- ٢-١٨-٥٨- الأتقيا كالشجرة البيضاء في الثور الأسود في الليل الغابر ٦٠٨
- ٢-١٨-٥٩- العزيز من أعزته التقوى ٦٠٨
- ٢-١٨-٦٠- من عزم الأمور ٦٠٨
- ٢-١٨-٦١- من جنود العقل ٦٠٨
- ٢-١٨-٦٢- عماد الإسلام ٦٠٨
- ٢-١٨-٦٣- عماد الدين ٦١٠
- ٢-١٨-٦٤- عماد اليقين ٦١٠
- ٢-١٨-٦٥- عهد جعفر بن محمد عليه السلام ٦١٠
- ٢-١٨-٦٦- التقوى غاية ٦١٠
- ٢-١٨-٦٧- نية المار بالمشعر الحرام ٦١٠
- ٢-١٨-٦٨- قلة المتقين ٦١٢
- ٢-١٨-٦٩- آية لو أخذ بها الناس لكفنتهم ٦١٢
- ٢-١٨-٧٠- الكمال ٦١٢
- ٢-١٨-٧١- كمال الدين ٦١٢
- ٢-١٨-٧٢- لا يد منها ٦١٢
- ٢-١٨-٧٣- لا يستغنى أهل كل بلد عن أهل الورع ٦١٢

﴿فهرست﴾

۶۰۳.....	۲-۱۸۴۳- از شرط‌های رسیدن شیعه به درجه‌ی ائمه علیهم‌السلام
۶۰۳.....	۲-۱۸۴۴- از شرط‌های دریافت صدقه
۶۰۳.....	۲-۱۸۴۵- از شرط‌های مشاور
۶۰۳.....	۲-۱۸۴۶- از شرط‌های دادن مسؤولیت
۶۰۳.....	۲-۱۸۴۷- از شرط‌های آمرزش شیعه
۶۰۵.....	۲-۱۸۴۸- از شرط‌های فتوادهنده
۶۰۵.....	۲-۱۸۴۹- از شرط‌های قبول دعا
۶۰۵.....	۲-۱۸۵۰- از شرط‌های قبول روزه
۶۰۵.....	۲-۱۸۵۱- از شرط‌های قاضی و همکارانش
۶۰۷.....	۲-۱۸۵۲- از شرط‌های رسیدن به شفاعت
۶۰۷.....	۲-۱۸۵۳- از شرط‌های رسیدن به ولایت
۶۰۷.....	۲-۱۸۵۴- از شرط‌های اعتماد
۶۰۷.....	۲-۱۸۵۵- خوشا به حال پرهیزکاران
۶۰۹.....	۲-۱۸۵۶- به آن‌که قصد خانه‌ی خدا کند و ورع نداشته باشد توجه نمی‌شود
۶۰۹.....	۲-۱۸۵۸- شگفتی امام علیه‌السلام از دیدن شخصی که دارای ورع نیکوست
۶۰۹.....	۲-۱۸۵۸- پرهیزکاران مانند موی سپید در بدن یک گاو سیاه در شب تاریک می‌درخشند
۶۰۹.....	۲-۱۸۵۹- عزیز کسی است که تقوا او را عزیز کرده باشد
۶۰۹.....	۲-۱۸۶۰- از کارهای مهم
۶۰۹.....	۲-۱۸۶۱- از لشکریان عقل
۶۰۹.....	۲-۱۸۶۲- ستون اسلام
۶۱۱.....	۲-۱۸۶۳- ستون دین
۶۱۱.....	۲-۱۸۶۴- ستون یقین
۶۱۱.....	۲-۱۸۶۵- پیمان امام جعفر صادق علیه‌السلام
۶۱۱.....	۲-۱۸۶۶- تقوا هدف است
۶۱۱.....	۲-۱۸۶۷- نیت عبورکننده از مشعرالحرام
۶۱۳.....	۲-۱۸۶۸- اندک‌بودن پرهیزکاران
۶۱۳.....	۲-۱۸۶۹- آیه‌ای که اگر مردم فقط آن را دریابند کفایتشان می‌کند
۶۱۳.....	۲-۱۸۷۰- کمال
۶۱۳.....	۲-۱۸۷۱- کمال دین
۶۱۳.....	۲-۱۸۷۲- از آن‌گریزی نیست
۶۱۳.....	۲-۱۸۷۳- اهالی همه‌ی سرزمین‌ها از اهل ورع بی‌نیاز نیستند

﴿الفهرس﴾

٦١٤.....	٢-١٨-٧٤- لَا يَقِلُّ مَعَ التَّقْوَى عَمَلٌ.....
٦١٤.....	٢-١٨-٧٥- خُلِقْتُمْ لِتَقْوَى اللَّهِ.....
٦١٤.....	٢-١٨-٧٦- خُلِقْتُمْ لِيُبْلُوَكُمْ أَنْكُمْ أَوْرَعَكُمْ.....
٦١٤.....	٢-١٨-٧٧- مَلَائِكُ الْإِثَارِ.....
٦١٤.....	٢-١٨-٧٨- مَلَائِكُ الدِّينِ.....
٦١٤.....	٢-١٨-٧٩- مَلَائِكُ الْإِسْلَامِ.....
٦١٤.....	٢-١٨-٨٠- مَلَائِكُ التَّشْيِيعِ.....
٦١٤.....	٢-١٨-٨١- مَلَائِكُ الْعُبُودِيَّةِ.....
٦١٤.....	٢-١٨-٨٢- مَلَائِكُ الْفِتْوَةِ.....
٦١٤.....	٢-١٨-٨٣- مَلَائِكُ الْفَضْلِ.....
٦١٤.....	٢-١٨-٨٤- مَلَائِكُ قَبُولِ الْحُكْمِ.....
٦١٨.....	٢-١٨-٨٥- مَلَائِكُ قَبُولِ الْأَعْمَالِ.....
٦١٨.....	٢-١٨-٨٦- مَلَائِكُ الْكِيَاسَةِ.....
٦١٨.....	٢-١٨-٨٧- الْقُرْآنُ هُدًى لِّلْمُتَّقِينَ.....
٦١٨.....	٢-١٨-٨٨- نُزُولُ الْقُرْآنِ لِلتَّقْوَى.....
٦١٨.....	٢-١٨-٨٩- لَا يَقِلُّ عَمَلٌ مَعَ التَّقْوَى.....
٦١٨.....	٢-١٨-٩٠- لَيْسَ مِنَّا مَنْ لَمْ يَتَّقِ اللَّهَ وَ لَسْنَا مِنْهُ.....
٦٢٠.....	٢-١٨-٩١- مَا عَلَيْهِ تَزْوُجُ آدَمَ يَحَوَاءَ.....
٦٢٠.....	٢-١٨-٩٢- آسَاسُ مُشَاوَرَةِ الْإِمَامِ عليه السلام فِي أَمْرِ التَّزْوِيجِ.....
٦٢٠.....	٢-١٨-٩٣- مَوْتُ هَمَامٍ مِنْ وَصْفِ التَّقْوَى.....
٦٢٠.....	٢-١٨-٩٤- مِيزَانُ كُلِّ عِلْمٍ.....
٦٢٠.....	٢-١٨-٩٥- مِيثَاقُ اللَّهِ.....
٦٢٢.....	٢-١٨-٩٦- مُسْتَوْدَعُهَا اللَّهُ.....
٦٢٢.....	٢-١٨-٩٧- الْوَصِيَّةُ الْوَاحِدَةُ.....
٦٢٢.....	٢-١٨-٩٨- وَصِيَّةُ اللَّهِ فِي الْمَاضِينَ وَ الْغَابِرِينَ.....
٦٢٢.....	٢-١٨-٩٩- وَصِيَّتُنَا أَهْلَ الْبَيْتِ.....
٦٢٢.....	٢-١٨-١٠٠- وَصِيَّتُكُمْ التَّقْوَى.....
٦٢٢.....	٢-١٨-١٠١- وَصِيَّةُ الْخَضِرِ عليه السلام
٦٢٤.....	٢-١٨-١٠٢- وَصِيَّةُ الْأَمْوَاتِ.....
٦٢٤.....	٢-١٨-١٠٣- إِنَّ أَحَبَّ مِنْ وَصِيَّتِي تَقْوَى اللَّهِ.....
٦٢٤.....	٢-١٨-١٠٤- أَوْصِ بِتَقْوَى اللَّهِ.....

﴿فهرست﴾

۶۱۵.....	۲-۱۸۷۴- هیچ عملی با پرهیزکاری، اندک محسوب نمی‌شود.....
۶۱۵.....	۲-۱۸۷۵- برای پرهیزکاری آفریده شده‌اید.....
۶۱۵.....	۲-۱۸۷۶- آفریده شده‌اید تا معلوم شود کدامیک پرهیزکارترید.....
۶۱۵.....	۲-۱۸۷۷- ملاک برتری‌دادن.....
۶۱۵.....	۲-۱۸۷۸- ملاک دین.....
۶۱۵.....	۲-۱۸۷۹- ملاک اسلام.....
۶۱۷.....	۲-۱۸۸۰- ملاک تشیع.....
۶۱۷.....	۲-۱۸۸۱- ملاک بندگی.....
۶۱۷.....	۲-۱۸۸۲- ملاک جوانمردی.....
۶۱۷.....	۲-۱۸۸۳- ملاک برتری.....
۶۱۷.....	۲-۱۸۸۴- ملاک پذیرش داوری.....
۶۱۹.....	۲-۱۸۸۵- ملاک قبولی اعمال.....
۶۱۹.....	۲-۱۸۸۶- ملاک زیرکی.....
۶۱۹.....	۲-۱۸۸۷- قرآن، برای پرهیزکاران هدایت است.....
۶۱۹.....	۲-۱۸۸۸- نزول قرآن برای تقوا.....
۶۱۹.....	۲-۱۸۸۹- عمل آمیخته با تقوا، کم محسوب نمی‌شود.....
۶۱۹.....	۲-۱۸۹۰- کسی که تقوای خدا را پیشه نسازد از ما نیست و ما هم از او نیستیم.....
۶۲۱.....	۲-۱۸۹۱- مبنای ازدواج آدم و حوا.....
۶۲۱.....	۲-۱۸۹۲- مبنای مشورت‌دادن امام علیه السلام در امر ازدواج.....
۶۲۱.....	۲-۱۸۹۳- مرگ هم‌ام در پی شنیدن توصیف تقوا.....
۶۲۱.....	۲-۱۸۹۴- سنجهی هر دانش.....
۶۲۱.....	۲-۱۸۹۵- پیمان الهی.....
۶۲۳.....	۲-۱۸۹۶- ودیعه‌ی خداوند.....
۶۲۳.....	۲-۱۸۹۷- وصیت یگانه.....
۶۲۳.....	۲-۱۸۹۸- سفارش خدا درباره‌ی گذشتگان و آیندگان.....
۶۲۳.....	۲-۱۸۹۹- وصیت ما اهل بیت.....
۶۲۳.....	۲-۱۹۰۰- وصیت شما پرهیزکاری است.....
۶۲۳.....	۲-۱۹۰۱- وصیت خضر.....
۶۲۵.....	۲-۱۹۰۲- وصیت مردگان.....
۶۲۵.....	۲-۱۹۰۳- دوست‌داشتنی‌ترین بخش وصیت من پرهیزکاری است.....
۶۲۵.....	۲-۱۹۰۴- به پرهیزکاری سفارش کن.....

﴿الفهرس﴾

- ١٠٥-١٨-٢- وصية من يخطب الناس يوم الجمعة..... ٦٢٦
- ١٠٦-١٨-٢- الله ولي المتقين..... ٦٢٦
- ١٠٧-١٨-٢- التقوى ينال الله..... ٦٢٦
- ١٩-٢- ليس التقوى أعلى درجة..... ٦٢٦
- ١-١٩-٢- الرضا أعلى من الورع..... ٦٢٦
- ٢-١٩-٢- العدل فوق التقوى..... ٦٢٦
- ١-٢-١٩-٢- إعدلوا هو أقرب للتقوى..... ٦٢٦
- ٢-٢-١٩-٢- لن تستطيعوا أن تعدلوا ... تنقوا..... ٦٢٦
- ٣-١٩-٢- اليقين أعلى من الورع..... ٦٢٦
- ٤-١٩-٢- اليقين أفضل من التقوى..... ٦٢٨
- ٥-١٩-٢- الأتقياء دون الأنبياء..... ٦٢٨
- ٦-١٩-٢- ليس المتقى في أعلى درجة..... ٦٢٨
- ٧-١٩-٢- الشيطان يمس المتقين..... ٦٢٨
- ٨-١٩-٢- الشيطان يصيد الإنسان ولو كان من أروع الناس..... ٦٢٨
- ٩-١٩-٢- إبتلاء رجل ورع بحب الله..... ٦٣٠
- ١٠-١٩-٢- الأتقياء يقطع بعضهم بعضاً..... ٦٣٠
- ١١-١٩-٢- التقى كان مخطئاً إن لم يظهر نبى..... ٦٣٠
- ١٢-١٩-٢- المتقون في معرض الهلاكه..... ٦٣٠
- ١٣-١٩-٢- ليس لتقوى متق برائد الرزق..... ٦٣٠
- ١٤-١٩-٢- لا يستجاب دعاء أهل التقوى إن لم يقتصد..... ٦٣٢
- ١٥-١٩-٢- أعداء على الله هم الخالدون في النار وإن كانوا في آديانهم على غاية الورع..... ٦٣٢
- ١٦-١٩-٢- من حرم الحياء فهو شر كله وإن تورع..... ٦٣٢
- ١٧-١٩-٢- لا تشاور من لا يصدق عقلك وإن كان مشهوراً بالورع..... ٦٣٢
- ١٨-١٩-٢- ضرب كل عمل ليس لله وجه صاحبه وإن كان بورع..... ٦٣٢
- الفصل الثالث: موانع التقوى وعوامل فسادها..... ٦٣٦
- ١-٣- البهيمة..... ٦٣٦
- ٢-٣- اللسان..... ٦٣٦
- ٣-٣- مخالطة الناس وأبناء الدنيا..... ٦٣٦
- ١-٣-٣- مخالطة الناس..... ٦٣٦
- ٢-٣-٣- مخالطة أبناء الدنيا..... ٦٣٦

﴿فهرست﴾

۶۲۷.....	۲-۱۸-۱۰۵- سفارش امام جمعه در خطبه‌ی نماز.....
۶۲۷.....	۲-۱۸-۱۰۶- خدا سرپرست پرهیزکاران است.....
۶۲۷.....	۲-۱۸-۱۰۷- تقوا به خدا می‌رسد.....
۶۲۷.....	۲-۱۹- پرهیزکاری بالاترین درجه نیست.....
۶۲۷.....	۲-۱۹-۱- رضایت از تقوا بالاتر است.....
۶۲۷.....	۲-۱۹-۲- عدالت از تقوا بالاتر است.....
۶۲۷.....	۲-۱۹-۲-۱- عدالت بورزید که آن به تقوا نزدیک‌تر است.....
۶۲۷.....	۲-۱۹-۲-۲- نمی‌توانید عدالت بورزید... پرهیزکاری کنید.....
۶۲۷.....	۲-۱۹-۳- یقین بالاتر از ورع است.....
۶۲۹.....	۲-۱۹-۴- یقین برتر از پرهیزکاری است.....
۶۲۹.....	۲-۱۹-۵- پرهیزکاران پایین‌تر از پیامبرانند.....
۶۲۹.....	۲-۱۹-۶- پرهیزکار در بالاترین درجه نیست.....
۶۲۹.....	۲-۱۹-۷- شیطان پرهیزکاران را لمس می‌کند.....
۶۲۹.....	۲-۱۹-۸- شیطان انسان را هرچند پرهیزکارترین مردم باشد صید می‌کند.....
۶۳۱.....	۲-۱۹-۹- فردی پرهیزکار مبتلا به دوست‌داشتن لهو و لعب.....
۶۳۱.....	۲-۱۹-۱۰- پرهیزکاران بعضاً با یکدیگر قطع رابطه می‌کنند.....
۶۳۱.....	۲-۱۹-۱۱- پرهیزکار اگر پشتیبانی پیامبر نباشد خطاکار می‌شود.....
۶۳۱.....	۲-۱۹-۱۲- پرهیزکاران در معرض هلاکتند.....
۶۳۱.....	۲-۱۹-۱۳- پرهیزکاری به روزی شخص چیزی نمی‌افزاید.....
۶۳۳.....	۲-۱۹-۱۴- دعای پرهیزکاران اگر رعایت میانه‌روی نکنند مستجاب نمی‌شود.....
۶۳۳.....	۲-۱۹-۱۵- دشمنان علی علیه السلام در دوزخ جاوید هستند، هرچند در دین خود در نهایت پرهیزکاری باشند.....
۶۳۳.....	۲-۱۹-۱۶- بی‌حیا صاحب همه‌ی بدی‌هاست، هر چند پرهیزکار باشد.....
۶۳۳.....	۲-۱۹-۱۷- با کسی که عقلت او را تصدیق نمی‌کند مشورت نکن، هرچند مشهور به پرهیزکاری باشد.....
۶۳۳.....	۲-۱۹-۱۸- هر عملی که به خاطر خدا نباشد به صورت صاحبش می‌زنند؛ هرچند پرهیزکار باشد.....
۶۳۷.....	فصل ۳: موانع پرهیزکاری و عوامل از بین رفتن آن.....
۶۳۷.....	۳-۱- حیوانیت.....
۶۳۷.....	۳-۲- زبان.....
۶۳۷.....	۳-۳- حشر و نشر با مردم و نیازدگان.....
۶۳۷.....	۳-۳-۱- حشر و نشر با مردم.....
۶۳۷.....	۳-۳-۲- حشر و نشر با نیازدگان.....

«الفهرس»

٦٣٦	٣-٤- التذلل لِأَئْبَاءِ الدُّنْيَا وَإِثَارُ السُّلْطَانِ عَلَى اللَّهِ.....
٦٣٨	٣-٤-١- التذلل لِأَئْبَاءِ الدُّنْيَا.....
٦٣٨	٣-٤-٢- إِثَارُ السُّلْطَانِ عَلَى اللَّهِ.....
٦٣٨	٣-٥- قَلَّةُ الْحَيَاءِ وَ عَدَمُ الْإِتْقَاءِ مِنْ وَجْهِ النَّاسِ.....
٦٣٨	٣-٥-١- قَلَّةُ الْحَيَاءِ.....
٦٣٨	٣-٥-٢- عَدَمُ الْإِتْقَاءِ مِنْ وَجْهِ النَّاسِ.....
٦٣٨	٣-٦- الذَّنْبُ وَ قَلَّةُ الْمُحَافَظَةِ وَ تَرْكُ التَّهَافُوتِ بِشُكْرِ نِعْمَةِ اللَّهِ.....
٦٣٨	٣-٧- الْوَلَهُ بِالْدُّنْيَا وَ غَلَبَةُ الشَّهْوَةِ.....
٦٣٨	٣-٧-١- الْوَلَهُ بِالْدُّنْيَا.....
٦٤٠	٣-٧-٢- غَلَبَةُ الشَّهْوَةِ.....
٦٤٠	٣-٨- الشَّرُّ، الطَّمَعُ، الشَّيْءُ، قَلَّةُ الْقَنَاعَةِ.....
٦٤٠	٣-٨-١- قَلَّةُ الْقَنَاعَةِ.....
٦٤٠	٣-٨-٢- الشَّرُّ.....
٦٤٠	٣-٨-٣- الطَّمَعُ.....
٦٤٠	٣-٨-٤- الشَّيْءُ.....
٦٤٠	٣-٩- الظُّلْمُ وَ الْفَسَادُ وَ الْعِزَّةُ وَ الْخُصُومَةُ وَ اللَّدُودُ.....
٦٤٠	٣-٩-١- الظُّلْمُ.....
٦٤٢	٣-٩-٢- الْفَسَادُ.....
٦٤٢	٣-٩-٣- الْعِزَّةُ.....
٦٤٢	٣-٩-٤- الْخُصُومَةُ.....
٦٤٢	٣-٩-٥- اللَّدُودُ.....
	الفصل الرابع: طَرِيقُ إِكْتِسَابِ التَّقْوَى، حِفْظُهُ وَ إِزْدِيَادُهُ فِي النَّفْسِ وَ فِي الْآخَرِينَ وَ طَرِيقُ النَّيْلِ بِشَوَابِ
٦٤٤	أَعْمَالِ الْمُتَّقِينَ.....
٦٤٤	٤-١- طَرِيقُ إِكْتِسَابِ التَّقْوَى، حِفْظُهُ وَ إِزْدِيَادُهُ.....
٦٤٤	٤-١-١- مِنْ قِبَلِ اللَّهِ.....
٦٤٤	٤-١-١-١- التَّائِيْدُ.....
٦٤٤	٤-١-١-٢- التَّيْسِيْنُ.....
٦٤٦	٤-١-١-٣- الْإِتْيَانُ.....
٦٤٦	٤-١-١-٤- التَّحْذِيْرُ.....
٦٤٦	٤-١-١-٥- الرَّحْمَةُ.....
٦٤٦	٤-١-١-٦- الْعَزْمُ.....

﴿فهرست﴾

۶۳۷.....	۳-۴- اظهار ذلت نزد دنیازدگان و ترجیح دادن حاکم بر خدا
۶۳۹.....	۳-۴-۱- اظهار ذلت نزد دنیازدگان
۶۳۹.....	۳-۴-۲- ترجیح دادن حاکم بر خدا
۶۳۹.....	۳-۵- کم‌حیایی و بی‌پروایی از روی مردم
۶۳۹.....	۳-۵-۱- کم‌حیایی
۶۳۹.....	۳-۵-۲- بی‌پروایی از روی مردم
۶۳۹.....	۳-۶- گناه و عدم مراقبت و کم‌اهمیت دادن به شکر نعمت پروردگار
۶۳۹.....	۳-۷- شیفتگی به دنیا و غلبه‌ی شهوت
۶۳۹.....	۳-۷-۱- شیفتگی به دنیا
۶۴۱.....	۳-۷-۲- غلبه‌ی شهوت
۶۴۱.....	۳-۸- حرص و طمع و شکم‌بارگی، کمی قناعت
۶۴۱.....	۳-۸-۱- کمی قناعت
۶۴۱.....	۳-۸-۲- حرص و طمع
۶۴۱.....	۳-۸-۳- طمع
۶۴۱.....	۳-۸-۴- شکم‌بارگی
۶۴۱.....	۳-۹- ظلم، فساد، برتری طلبی، دشمنی
۶۴۱.....	۳-۹-۱- ظلم
۶۴۳.....	۳-۹-۲- فساد
۶۴۳.....	۳-۹-۳- گردنکشی
۶۴۳.....	۳-۹-۴- گردنکشی
۶۴۳.....	۳-۹-۵- دشمنی
	فصل ۴: راه کسب، نگهداری و افزایش پرهیزکاری در خود و دیگران و راه رسیدن به پاداش
۶۴۵.....	پرهیزکاران
۶۴۵.....	۴-۱- راه کسب، نگهداری و افزایش پرهیزکاری
۶۴۵.....	۴-۱-۱- از جانب خداوند
۶۴۵.....	۴-۱-۱-۱- تأیید
۶۴۵.....	۴-۱-۱-۲- روشنگری
۶۴۷.....	۴-۱-۱-۳- اعطا
۶۴۷.....	۴-۱-۱-۴- برحذر داشتن
۶۴۷.....	۴-۱-۱-۵- رحمت
۶۴۷.....	۴-۱-۱-۶- اراده

﴿الفهرس﴾

٦٤٦	٤-١-١-٧	العِصْمَةُ
٦٤٦	٤-١-١-٨	العَوْنُ
٦٤٨	٤-١-١-٩	الإلْبَاسُ
٦٤٨	٤-١-١-١٠	الإلْزَامُ
٦٤٨	٤-١-١-١١	الإلْهَامُ
٦٥٠	٤-١-١-١٢	الهِدَايَةُ
٦٥٠	٤-١-١-١٣	التَّوْفِيقُ
٦٥٠	٤-١-١-١٤	الْوَقَايَةُ
٦٥٠	٤-١-١-١٥	الْإِمْتِحَانُ
٦٥٠	٤-١-٢	الإِيمَانُ وَ الْيَقِينُ
٦٥٠	٤-١-٢-١	الإِيمَانُ
٦٥٢	٤-١-٢-٢	الْيَقِينُ
٦٥٢	٤-١-٣	الْإِتْبَاعُ وَ الْعُبُودِيَّةُ
٦٥٢	٤-١-٣-١	إِتْبَاعُ صِرَاطِ اللَّهِ
٦٥٢	٤-١-٣-٢	أَخْذُ مَا آتَاهُ اللَّهُ بِقُوَّةٍ
٦٥٢	٤-١-٣-٣	طَاعَةُ اللَّهِ وَ الرَّسُولِ
٦٥٢	٤-١-٣-٤	الْعِبَادَةُ
٦٥٤	٤-١-٣-٥	الدِّينُ
٦٥٤	٤-١-٣-٦	صِحَّةُ الدِّينِ
٦٥٤	٤-١-٤	التَّوْبَةُ، التَّجَنُّبُ وَ الرِّيَاضَةُ
٦٥٤	٤-١-٤-١	التَّوْبَةُ
٦٥٤	٤-١-٤-٢	تَجَنُّبُ الرَّيْبِ
٦٥٤	٤-١-٤-٣	الصَّيَامُ
٦٥٤	٤-١-٤-٤	التَّجَوُّعُ
٦٥٦	٤-١-٤-٥	تَرْكُ الطَّمَعِ
٦٥٦	٤-١-٤-٦	جِهَادُ النَّفْسِ
٦٥٦	٤-١-٤-٨	حُبُّ الْفَقْرِ
٦٥٦	٤-١-٤-٩	خَزْنُ اللِّسَانِ
٦٥٦	٤-١-٤-١٠	الزُّهْدُ
٦٥٦	٤-١-٤-١١	تَمَامُ الزُّهْدِ
٦٥٦	٤-١-٤-١٢	اسْتِوَاءُ الْمَذْحِ وَ الدَّمِّ

﴿معانی پرهیزکاری و ورع﴾

۶۴۷.....	۴-۱-۱-۷ حفظ
۶۴۷.....	۴-۱-۱-۸ یاری
۶۴۹.....	۴-۱-۱-۹ پوشاندن
۶۴۹.....	۴-۱-۱-۱۰ همراه کردن
۶۴۹.....	۴-۱-۱-۱۱ الھام
۶۵۱.....	۴-۱-۱-۱۲ راهنمایی
۶۵۱.....	۴-۱-۱-۱۳ توفیق
۶۵۱.....	۴-۱-۱-۱۴ حفظ
۶۵۱.....	۴-۱-۱-۱۵ آزمون
۶۵۱.....	۴-۱-۲ ایمان و یقین
۶۵۱.....	۴-۱-۲-۱ ایمان
۶۵۳.....	۴-۱-۲-۲ یقین
۶۵۳.....	۴-۱-۳ پیروی
۶۵۳.....	۴-۱-۳-۱ پیروی از راه خدا
۶۵۳.....	۴-۱-۳-۲ محکم گرفتن آنچه خدا عطا می کند
۶۵۳.....	۴-۱-۳-۳ پیروی از خدا و پیامبر
۶۵۳.....	۴-۱-۳-۴ عبادت
۶۵۵.....	۴-۱-۳-۵ دین
۶۵۵.....	۴-۱-۳-۶ سلامت و دین
۶۵۵.....	۴-۱-۴ توبه، پروا، پارسایی، ریاضت
۶۵۵.....	۴-۱-۴-۱ توبه
۶۵۵.....	۴-۱-۴-۲ دوری از شک
۶۵۵.....	۴-۱-۴-۳ روزه
۶۵۵.....	۴-۱-۴-۴ گرسنگی
۶۵۷.....	۴-۱-۴-۵ ترک طمع
۶۵۷.....	۴-۱-۴-۷ جهاد نفس
۶۵۷.....	۴-۱-۴-۸ دوست داشتن فقر
۶۵۷.....	۴-۱-۴-۹ نگهداشتن زبان
۶۵۷.....	۴-۱-۴-۱۰ زهد
۶۵۷.....	۴-۱-۴-۱۱ کمال زهد
۶۵۷.....	۴-۱-۴-۱۲ یکسان بودن مدح و ذم

﴿الفهرس﴾

٦٥٦	٤-١-٤-١٣- الصِّيَانَةُ.....
٦٥٨	٤-١-٤-١٤- الإِعْتِزَالُ.....
٦٥٨	٤-١-٤-١٥- العَفَافُ.....
٦٥٨	٤-١-٤-١٦- كِرَاهَةُ الشَّرِّ.....
٦٥٨	٤-١-٤-١٧- الإِتِّقَاءُ فِي الْقَوْلِ.....
٦٥٨	٤-١-٤-١٨- الْقَنَاعَةُ.....
٦٥٨	٤-١-٥- الحَيَاءُ وَالْإِتِّقَاءُ مِنْ وَجْهِ النَّاسِ.....
٦٥٨	٤-١-٥-١- الْحَيَاءُ مِنَ الَّذِي فِي الْأَرْضِ.....
٦٥٨	٤-١-٥-٢- الإِتِّقَاءُ مِنْ وَجْهِ النَّاسِ.....
٦٦٠	٤-١-٦- الإِخْلَاصُ وَطَهَارَةُ الْقَلْبِ.....
٦٦٠	٤-١-٦-١- الإِخْلَاصُ.....
٦٦٠	٤-١-٦-٢- طَهَارَةُ الْقَلْبِ.....
٦٦٠	٤-١-٧- الْخَوْفُ وَالْخَشْيَةُ وَالْإِتِّقَاءُ.....
٦٦٠	٤-١-٧-١- مِنَ اللَّهِ وَرَاجِعُ: الْفَصْلُ الثَّانِي؛ الْأَمْرُ بِالتَّقْوَى؛ إِتَّقُوا اللَّهَ.....
٦٦٠	٤-١-٧-١-١- مِنَ فِي السَّمَاءِ.....
٦٦٠	٤-١-٧-١-٢- أَنْتَ أَحَقُّ مَنْ اتَّقَاهُ.....
٦٦٢	٤-١-٧-١-٣- الَّذِي أَمَدَّكُمْ.....
٦٦٢	٤-١-٧-١-٤- الَّذِي إِنْ أَسْرَرْتُمْ عِلْمَهُ وَإِنْ أَغْلَنْتُمْ كِتَبَهُ.....
٦٦٢	٤-١-٧-١-٥- الَّذِي تَسْأَلُونَ بِهِ.....
٦٦٢	٤-١-٧-١-٦- الَّذِي خَلَقَكُمْ.....
٦٦٢	٤-١-٧-١-٧- الَّذِي أَنْتُمْ بَعِيْنُهُ وَنَوَاصِيْكُكُمْ بِيَدِهِ.....
٦٦٢	٤-١-٧-١-٨- الَّذِي خَلَقَكُمْ مِنْ نَفْسٍ وَاحِدَةٍ.....
٦٦٢	٤-١-٧-٢- مِنْ يَوْمِ الْقِيَامَةِ وَعَذَابُهَا.....
٦٦٢	٤-١-٧-٢-١- مِنْ يَوْمِ الْحَشْرِ.....
٦٦٢	٤-١-٧-٢-٢- مِنْ يَوْمِ الْقِيَامَةِ.....
٦٦٤	٤-١-٧-٢-٣- الْآخِرَةُ.....
٦٦٤	٤-١-٧-٢-٤- مِنَ الْعِقَابِ.....
٦٦٤	٤-١-٧-٢-٥- مِنَ الْعَذَابِ.....
٦٦٤	٤-١-٧-٢-٦- مَا بَيْنَ أَيْدِيكُمْ وَمَا خَلْفَكُمْ.....
٦٦٤	٤-١-٧-٢-٧- مِنَ النَّارِ.....
٦٦٦	٤-١-٧-٢-٨- الشَّفَقُ مِنَ النَّارِ.....

﴿فهرست﴾

۶۵۷.....	۴-۱-۴-۱۳- حفظ
۶۵۹.....	۴-۱-۴-۱۴- کناره گیری
۶۵۹.....	۴-۱-۴-۱۵- پارسایی
۶۵۹.....	۴-۱-۴-۱۶- کراهت شرّ
۶۵۹.....	۴-۱-۴-۱۷- پرواداشتن در کلام
۶۵۹.....	۴-۱-۴-۱۸- قناعت
۶۵۹.....	۴-۱-۵- شرم از روی مردم
۶۵۹.....	۴-۱-۵-۱- شرم از زمینیان
۶۵۹.....	۴-۱-۵-۲- پرهیز از روی مردم
۶۶۱.....	۴-۱-۶- اخلاص و پاکی دل
۶۶۱.....	۴-۱-۶-۱- اخلاص
۶۶۱.....	۴-۱-۶-۲- پاکی قلب
۶۶۱.....	۴-۱-۷- ترس و بیم
۶۶۱.....	۴-۱-۷-۱- از خدا و... به: فصل ۲، امر به تقوا
۶۶۱.....	۴-۱-۷-۱-۱- آن که در آسمان است
۶۶۱.....	۴-۱-۷-۱-۲- تو سزاوارترین کسی که از تو پروا کنند
۶۶۳.....	۴-۱-۷-۱-۳- آن که یاری تان کرده است
۶۶۳.....	۴-۱-۷-۱-۴- آن که اگر پنهان کنید می داند و اگر آشکار کنید می نویسد
۶۶۳.....	۴-۱-۷-۱-۵- آن که به نام او از یکدیگر درخواست می کنید
۶۶۳.....	۴-۱-۷-۱-۶- آن که شما را آفرید
۶۶۳.....	۴-۱-۷-۱-۷- آن که پیش چشمش هستید و موی پیشانی شما در دست اوست
۶۶۳.....	۴-۱-۷-۱-۸- آن که شما را از یک انسان آفرید
۶۶۳.....	۴-۱-۷-۲- روز قیامت و عذاب آن
۶۶۳.....	۴-۱-۷-۲-۱- از روز حشر
۶۶۳.....	۴-۱-۷-۲-۲- از روز قیامت
۶۶۵.....	۴-۱-۷-۲-۳- از آخرت
۶۶۵.....	۴-۱-۷-۲-۴- از عذاب
۶۶۵.....	۴-۱-۷-۲-۵- از عذاب
۶۶۵.....	۴-۱-۷-۲-۶- از آنچه پیش رو و پشت سر شماست
۶۶۵.....	۴-۱-۷-۲-۷- از آتش
۶۶۷.....	۴-۱-۷-۲-۸- از آتش

﴿الفهرس﴾

٦٦٦	٤-١-٧-٣- الخَشْيَةُ.....
٦٦٦	٤-١-٧-٤- الخُمُودُ تَحْتَ هَيْبَةِ اللَّهِ.....
٦٦٦	٤-١-٨- الذِّكْرُ وَالْإِعْتِبَارُ.....
٦٦٦	٤-١-٨-١- ذِكْرُ الْقِيَامَةِ.....
٦٦٦	٤-١-٨-٢- ذِكْرُ مَا فِي آتَاءِ اللَّهِ.....
٦٦٨	٤-١-٨-٣- النَّظَرُ إِلَى السَّمَاءِ وَالْأَرْضِ لِأَنَّهُ يَخَافُ أَوْ يَسْتَحْيِي مِمَّنْ فِيهِمَا.....
٦٦٨	٤-١-٨-٤- الْإِعْتِبَارُ.....
٦٦٨	٤-١-٩- الرَّجَاءُ.....
٦٦٨	٤-١-٩-١- الْأَمَلُ بِالتَّوَابِ.....
٦٦٨	٤-١-١٠- السُّؤَالُ وَالْإِسْتِعَانَةُ.....
٦٦٨	٤-١-١٠-١- السُّؤَالُ مِنَ اللَّهِ وَرَاجِعُ: الْفَصْلُ الثَّانِي؛ طَلَبُ التَّقْوَى.....
٦٦٨	٤-١-١٠-٢- الْإِسْتِعَانَةُ مِنَ اللَّهِ.....
٦٦٨	٤-١-١١- الطَّاعَةُ.....
٦٦٨	٤-١-١٢- الْعِبَادَاتُ.....
٦٧٠	٤-١-١٢-١- الْإِخْتِلَافُ إِلَى الْمَسَاجِدِ.....
٦٧٠	٤-١-١٢-٢- الْجَمَاعَةُ.....
٦٧٠	٤-١-١٢-٣- الْحَجُّ.....
٦٧٠	٤-١-١٢-٤- الْقُرْآنُ.....
٦٧٠	٤-١-١٢-٥- قِرَاءَةُ «حَمِّ الْمُؤْمِنِ».....
٦٧٠	٤-١-١٣- الْمَعْرِفَةُ.....
٦٧٠	٤-١-١٣-١- طَرِيقُ مَعْرِفَةِ التَّقْوَى مَعْرِفَةُ الْهُدَى.....
٦٧٢	٤-١-١٣-٢- طَرِيقُ مَعْرِفَةِ التَّقْوَى مَعْرِفَةُ الَّذِي تَعَدَّى.....
٦٧٢	٤-١-١٣-٣- الْمَعْرِفَةُ بِاللَّهِ.....
٦٧٢	٤-١-١٤- الْعَقْلُ وَاللُّبُّ وَالرُّشْدُ وَالْكِيَاسَةُ وَالْحَزْمُ.....
٦٧٢	٤-١-١٤-١- الْعَقْلُ.....
٦٧٢	٤-١-١٤-٢- اللَّبُّ.....
٦٧٤	٤-١-١٤-٣- الْكِيَاسَةُ.....
٦٧٤	٤-١-١٤-٤- الرُّشْدُ.....
٦٧٤	٤-١-١٤-٥- الْحَزْمُ.....
٦٧٤	٤-١-١٥- الْعِلْمُ.....
٦٧٤	٤-١-١٥-١- الْعِلْمُ.....

﴿فهرست﴾

۶۶۷.....	۴-۱-۷-۳- ترس
۶۶۷.....	۴-۱-۷-۴- فروتنی نزد پروردگار
۶۶۷.....	۴-۱-۸- یاد و عبرت
۶۶۷.....	۴-۱-۸-۱- یاد قیامت
۶۶۷.....	۴-۱-۸-۲- یاد آنچه خدا عطا کرده است
۶۶۹.....	۴-۱-۸-۳- نگاه به آسمان و زمین برای آن که از ساکنان آن بهراسد
۶۶۹.....	۴-۱-۸-۴- عبرت‌گیری
۶۶۹.....	۴-۱-۹- امید
۶۶۹.....	۴-۱-۹-۱- امید به پاداش
۶۶۹.....	۴-۱-۱۰- درخواست یاری
۶۶۹.....	۴-۱-۱۰-۱- درخواست از خدا و ر.به: فصل ۲؛ درخواست پرهیزکاری
۶۶۹.....	۴-۱-۱۰-۲- طلب یاری از خدا
۶۶۹.....	۴-۱-۱۱- فرمانبرداری
۶۶۹.....	۴-۱-۱۲- عبادات
۶۷۱.....	۴-۱-۱۲-۱- رفت و آمد به مساجد
۶۷۱.....	۴-۱-۱۲-۲- حضور در جماعت
۶۷۱.....	۴-۱-۱۲-۳- حج
۶۷۱.....	۴-۱-۱۲-۴- قرآن
۶۷۱.....	۴-۱-۱۲-۵- قرائت سوره‌ی مؤمن
۶۷۱.....	۴-۱-۱۳- شناخت
۶۷۱.....	۴-۱-۱۳-۱- راه شناخت پرهیزکاری شناخت هدایت است
۶۷۳.....	۴-۱-۱۳-۲- راه شناخت پرهیزکاری شناخت کسی است که از حدود تجاوز می‌کند
۶۷۳.....	۴-۱-۱۳-۳- شناخت خدا
۶۷۳.....	۴-۱-۱۴- عقل و خرد و رشد و زیرکی و دوراندیشی
۶۷۳.....	۴-۱-۱۴-۱- عقل
۶۷۳.....	۴-۱-۱۴-۲- خرد
۶۷۵.....	۴-۱-۱۴-۳- زیرکی
۶۷۵.....	۴-۱-۱۴-۴- رشد
۶۷۵.....	۴-۱-۱۴-۵- دوراندیشی
۶۷۵.....	۴-۱-۱۵- آگاهی
۶۷۵.....	۴-۱-۱۵-۱- آگاهی

«الفهرس»

- ٤-١٥-٢- العلمُ بأنَّ لا إلهَ إلاَّ اللهُ..... ٦٧٤
- ٤-١٥-٣- العلمُ بأنَّ ليسَ بينَ اللهِ وَ بَيْنَ أَحَدٍ قَرَابَةٌ..... ٦٧٤
- ٤-١٥-٤- العلمُ بأنَّ لَنْ تَبْلُغَ أَمْلَكَ وَ لَنْ تَعْدُوَ أَجَلَكَ..... ٦٧٤
- ٤-١٥-٥- العلمُ بأنَّ الصَّبْرَ عَلَى التَّقْوَى أَهْوَنُ مِنَ الصَّبْرِ عَلَى عَذَابِ اللهِ..... ٦٧٤
- ٤-١٥-٦- العلمُ بِاطِّلَاعِ اللهِ عَلَى سِرِّ الْعَبْدِ..... ٦٧٤
- ٤-١٦- المالُ وَ الغنى..... ٦٧٤
- ٤-١٦-١- المالُ..... ٦٧٤
- ٤-١٦-٢- الغنى..... ٦٧٤
- ٤-١٧- الولايَةُ..... ٦٧٤
- ٤-١٧-١- حُبُّ أَهْلِ النَّبِيِّ ﷺ..... ٦٧٤
- ٤-١٧-٢- الولايَةُ..... ٦٧٤
- ٤-١٨- تُجَاهُ الْآخِرِينَ..... ٦٧٨
- ٤-١٨-١- الصَّفْحُ عَنْ جَمِيعِ عَثَرَاتِ الْخَلْقِ وَ تَرْكُ ذِكْرِ خَطِيئَتِهِمْ..... ٦٧٨
- ٤-١٨-٢- تَعَزُّيَةُ الْحَزِينِ..... ٦٧٨
- ٤-١٨-٣- السَّمَّاحَةُ وَ الشَّجَاعَةُ..... ٦٧٨
- ٤-١٨-٤- قَوْلُ الْحَقِّ..... ٦٧٨
- ٤-٢- لَوَازِمُ إِيجَادِ التَّقْوَى لِلْآخِرِينَ..... ٦٧٨
- ٤-٢-١- التَّذَكُّرُ..... ٦٧٨
- ٤-٢-٢- الوَعْظُ..... ٦٧٨
- ٤-٢-٣- إِبْلَاقُ الْكِتَابِ..... ٦٨٠
- ٤-٢-٤- تَبْيِينُ الْآيَاتِ..... ٦٨٠
- ٤-٢-٥- التَّنَاصُحُ وَ التَّحَابُّ..... ٦٨٠
- ٤-٢-٦- الْإِنْدَارُ..... ٦٨٠
- ٤-٢-٧- الْوَعِيدُ..... ٦٨٠
- ٤-٢-٨- ذِكْرُ النَّارِ..... ٦٨٢
- ٤-٢-٩- النَّهْيُ..... ٦٨٢
- ٤-٣- طَرِيقُ النَّيْلِ بِثَوَابِ أَعْمَالِ الْمُتَّقِينَ..... ٦٨٢
- ٤-٣-١- مَنْ دَعَا نَفْسًا مُسْلِمَةً إِلَى طَاعَةِ اللهِ وَ نَهَاها عَنْ مَعْصِيَتِهِ..... ٦٨٢
- ٤-٣-٢- مَنْ صَامَ اثنَى عَشَرَ يَوْمًا..... ٦٨٢
- ٤-٣-٣- مَنْ صَلَّى لَيْلَةَ الْاَحَدِ سِتَّ رَكَعَاتٍ..... ٦٨٢
- ٤-٣-٤- مَنْ صَلَّى رَكْعَتَيْنِ بَيْنَ الْمَغْرَبِ وَ الْعِشَاءِ الْآخِرَةِ..... ٦٨٢

﴿فهرست﴾

۶۷۵.....	۴-۱۵-۲- اعتقاد به یگانگی خدا.....
۶۷۷.....	۴-۱۵-۳- آگاهی به این که بین خدا و هیچکس قرابتی نیست.....
۶۷۷.....	۴-۱۵-۴- آگاهی به اینکه به آرزوهایت نمی‌رسی و نمی‌توانی از اجل خود فرار کنی.....
۶۷۷.....	۴-۱۵-۵- آگاهی به اینکه شکیبایی بر پرهیزکاری آسان‌تر از شکیبایی بر عذاب الهی است.....
۶۷۷.....	۴-۱۵-۶- اعتقاد به آگاهی خدا از رازهای آدمی.....
۶۷۷.....	۴-۱۶- مال و توانگری.....
۶۷۷.....	۴-۱۶-۱- مال.....
۶۷۷.....	۴-۱۶-۲- توانگری.....
۶۷۷.....	۴-۱۷- ولایت.....
۶۷۷.....	۴-۱۷-۱- دوستی اهل بیت (علیهم‌السلام).....
۶۷۷.....	۴-۱۷-۲- ولایت.....
۶۷۹.....	۴-۱۸- در مقابل دیگران.....
۶۷۹.....	۴-۱۸-۱- گذشت از همه‌ی لغزش‌های آفریدگان و ترک یادآوری خطاهای‌شان.....
۶۷۹.....	۴-۱۸-۲- تسلیت به غمدیده.....
۶۷۹.....	۴-۱۸-۳- بخشندگی و شجاعت.....
۶۷۹.....	۴-۱۸-۴- حق‌گویی.....
۶۷۹.....	۴-۲- لوازم برانگیختن دیگران به پرهیزکاری.....
۶۷۹.....	۴-۲-۱- یادآوری.....
۶۷۹.....	۴-۲-۲- نصیحت.....
۶۸۱.....	۴-۲-۳- رساندن کتاب.....
۶۸۱.....	۴-۲-۴- روشن کردن آیات.....
۶۸۱.....	۴-۲-۵- خیرخواهی و دوستی.....
۶۸۱.....	۴-۲-۶- بیم‌دادن.....
۶۸۱.....	۴-۲-۷- ترساندن.....
۶۸۳.....	۴-۲-۸- آتش را به یادشان آوردن.....
۶۸۳.....	۴-۲-۹- بازداشتن.....
۶۸۳.....	۴-۳- راه رسیدن به پاداش اعمال پرهیزکاران.....
۶۸۳.....	۴-۳-۱- آن که مسلمانی را به طاعت پروردگار بخواند و او را از نافرمانی بازدارد.....
۶۸۳.....	۴-۳-۲- آن که دوازده روز روزه بگیرد.....
۶۸۳.....	۴-۳-۳- آن که شب شنبه شش رکعت نماز بخواند.....
۶۸۳.....	۴-۳-۴- آن که بین مغرب و عشا دو رکعت نماز بخواند.....

﴿الفهرس﴾

٤-٣-٥	مَنْ قَرَأَ سُورَةَ مَرْيَمَ.....	٦٨٤
٥-١	الْفَصْلُ الْخَامِسُ: عِلَامَاتُ الْمُتَّقِينَ وَ مَصَادِيقُ التَّقْوَى.....	٦٨٦
٥-١-١	إِنَّ لِأَهْلِ التَّقْوَى عِلَامَاتٍ يُعْرِفُونَ بِهَا وَ رَاجِعُ: الْفَصْلُ الْأَوَّلُ؛ مَا هِيَ التَّقْوَى؟.....	٦٨٦
٥-١-١	كَالشَّعْرَةِ الْبَيْضَاءِ فِي الثَّوْرِ الْأَسْوَدِ فِي اللَّيْلِ الْغَابِرِ.....	٦٨٦
٥-٢	تُجَاهُ اللَّهِ.....	٦٨٦
٥-٢-١	الْإِيمَانُ، الْيَقِينُ، التَّوَكُّلُ، التَّقْوِيضُ، الثَّقَّةُ.....	٦٨٦
٥-٢-١-١	الْإِيمَانُ وَ رَاجِعُ: الْفَصْلُ الْأَوَّلُ؛ الْمُرَادِفَاتُ.....	٦٨٦
٥-٢-١-١-١	الْإِيمَانُ بِالرَّسُولِ ﷺ.....	٦٨٦
٥-٢-١-١-٢	إِيمَانٌ فِي يَقِينٍ.....	٦٨٦
٥-٢-١-٢	الْيَقِينُ.....	٦٨٨
٥-٢-١-٢-١	عِمَادُ الْيَقِينِ.....	٦٨٨
٥-٢-١-٢-٢	حَقِيقَةُ الْيَقِينِ.....	٦٨٨
٥-٢-١-٢-٣	تَيَقَّنُوا أَنَّهُمْ جِيرَانُ اللَّهِ غَدًا فِي آخِرَتِهِمْ.....	٦٨٨
٥-٢-١-٢-٤	وَرَعٌ فِي الْيَقِينِ.....	٦٨٨
٥-٢-١-٢-٥	إِيمَانٌ فِي الْيَقِينِ.....	٦٨٨
٥-٢-١-٣	التَّوَكُّلُ.....	٦٨٨
٥-٢-١-٤	التَّقْوِيضُ.....	٦٨٨
٥-٢-١-٥	الثَّقَّةُ.....	٦٩٠
٥-٢-٢	الْإِجْلَالُ وَ التَّعْظِيمُ.....	٦٩٠
٥-٢-٢-١	الْإِجْلَالُ.....	٦٩٠
٥-٢-٢-٢	التَّعْظِيمُ.....	٦٩٠
٥-٢-٢-٢-١	تَعْظِيمُ الْخَالِقِ فِي أَنْفُسِهِمْ.....	٦٩٠
٥-٢-٢-٢-٢	تَعْظِيمُ شَعَائِرِ اللَّهِ.....	٦٩٠
٥-٢-٢-٣	الْحُبُّ وَ إِفَاضَةُ الْقُلُوبِ إِلَيْهِ.....	٦٩٠
٥-٢-٢-٣-١	الْحُبُّ.....	٦٩٠
٥-٢-٢-٣-٢	إِفَاضَةُ الْقُلُوبِ إِلَى اللَّهِ.....	٦٩٠
٥-٢-٢-٤	الذِّكْرُ.....	٦٩٠
٥-٢-٢-٤-١	التَّذَكُّرُ عِنْدَ الْهَمِّ بِالذَّنْبِ.....	٦٩٠
٥-٢-٢-٤-٢	يُصْبِحُ وَ هَمُّهُ الذِّكْرُ.....	٦٩٢
٥-٢-٢-٤-٣	إِنْ كَانَ فِي الْغَافِلِينَ كُتِبَ فِي الذَّاكِرِينَ.....	٦٩٢
٥-٢-٢-٤-٤	سَهْرُ اللَّيْلِ بِذِكْرِ اللَّهِ.....	٦٩٢

﴿فهرست﴾

۶۸۵.....	۴-۳-۵- آن که سوره‌ی مریم را تلاوت کند.....
۶۸۷.....	فصل ۵: نشانه‌های پرهیزکاران و مصادیق پرهیزکاری.....
۶۸۷.....	۵-۱- پرهیزکاران نشانه‌هایی دارند که به آن شناخته می‌شوند.....
۶۸۷.....	۵-۱-۱- مانند موی سفید در بدن گاو سیاه در شب تاریک مشخصند.....
۶۸۷.....	۵-۲- در مقابل خدا.....
۶۸۷.....	۵-۲-۱- ایمان، یقین، توکل، واگذاری، اعتماد.....
۶۸۷.....	۵-۲-۱-۱- ایمان و ربه: فصل اول؛ مترادفات.....
۶۸۷.....	۵-۲-۱-۱-۱- ایمان به پیامبر ﷺ.....
۶۸۷.....	۵-۲-۱-۱-۲- ایمانی همراه با یقین.....
۶۸۹.....	۵-۲-۱-۲- یقین.....
۶۸۹.....	۵-۲-۱-۲-۱- ستون یقین.....
۶۸۹.....	۵-۲-۱-۲-۲- حقیقت یقین.....
۶۸۹.....	۵-۲-۱-۲-۳- یقین می‌کنند که فردا همسایه‌ی خداوند در آخرت هستند.....
۶۸۹.....	۵-۲-۱-۲-۴- ورعی در یقین.....
۶۸۹.....	۵-۲-۱-۲-۵- ایمانی در یقین.....
۶۸۹.....	۵-۲-۱-۳- توکل.....
۶۸۹.....	۵-۲-۱-۴- واگذاری.....
۶۹۱.....	۵-۲-۱-۵- اعتماد.....
۶۹۱.....	۵-۲-۲- بزرگداشت.....
۶۹۱.....	۵-۲-۲-۱- بزرگداشت.....
۶۹۱.....	۵-۲-۲-۲- بزرگداشت.....
۶۹۱.....	۵-۲-۲-۲-۱- بزرگداشت آفریدگار نزد خویشان.....
۶۹۱.....	۵-۲-۲-۲-۲- بزرگداشت شعائر الهی.....
۶۹۱.....	۵-۲-۳- دوست داشتن خدا و پرکشیدن دل‌ها به سوی او.....
۶۹۱.....	۵-۲-۳-۱- دوست داشتن خدا.....
۶۹۱.....	۵-۲-۳-۲- پرکشیدن دل‌ها به سوی او.....
۶۹۱.....	۵-۲-۴- یاد.....
۶۹۱.....	۵-۲-۴-۱- یاد خدا هنگام اراده‌ی گناه.....
۶۹۳.....	۵-۲-۴-۲- صبح می‌کند و هم و غمش یاد خداست.....
۶۹۳.....	۵-۲-۴-۳- اگر در میان غافلان باشد از ذاکرانش به حساب می‌آورند.....
۶۹۳.....	۵-۲-۴-۴- شب‌زنده‌داری با یاد خداوند.....

«الفهرس»

٦٩٢	٥-٢-٤-٥- أَوْجَفُ الذِّكْرِ بِلِسَانِهِ.....
٦٩٢	٥-٢-٤-٦- ذِكْرُ اللَّهِ مَسْرَتُهُ.....
٦٩٤	٥-٢-٤-٧- لَا يَنْسَى مَا ذُكِّرَ.....
٦٩٤	٥-٢-٥- الرَّجَاءُ وَحُسْنُ الظَّنِّ.....
٦٩٤	٥-٢-٥-١- الرَّجَاءُ.....
٦٩٤	٥-٢-٥-٢- حُسْنُ الظَّنِّ.....
٦٩٤	٥-٢-٦- الخَوْفُ، الرَّهْبَةُ، الْخَشْيَةُ، الْخُشُوعُ، الشَّقُّ، الْوَجَلُ، الْحَيَاءُ.....
٦٩٤	٥-٢-٦-١- الخَوْفُ.....
٦٩٤	٥-٢-٦-١-١- أَلَزَمَتْ قُلُوبَهُمْ مَخَافَتَهُ.....
٦٩٤	٥-٢-٦-١-٢- أَنْصَبَ الْخَوْفُ بَدَنَهُ.....
٦٩٤	٥-٢-٦-١-٣- الْخَوْفُ مِنَ الدُّخُولِ فِي الشُّبْهَةِ.....
٦٩٤	٥-٢-٦-١-٤- خَوْفٌ مِنَ الْعِقَابِ.....
٦٩٤	٥-٢-٦-١-٥- مَنْ قَدَّمَ الْخَوْفَ لِأَمَانِهِ فِي الْقِيَامَةِ.....
٦٩٤	٥-٢-٦-٢- الرَّهْبَةُ.....
٦٩٤	٥-٢-٦-٣- الْخَشْيَةُ.....
٦٩٨	٥-٢-٦-٣-١- الْخَشْيَةُ مِنْ عَذَابِ اللَّهِ.....
٦٩٨	٥-٢-٦-٤- الْخُشُوعُ.....
٦٩٨	٥-٢-٦-٤-١- قَلْبُهُ خَاشِعٌ.....
٦٩٨	٥-٢-٦-٤-٢- الْخُشُوعُ فِي عِبَادَةِ.....
٦٩٨	٥-٢-٦-٥- الْإِشْفَاقُ.....
٦٩٨	٥-٢-٦-٦- الْوَجَلُ.....
٧٠٠	٥-٢-٦-٧- الْحَيَاءُ.....
٧٠٠	٥-٢-٧- التَّوْبَةُ وَالْإِنَابَةُ.....
٧٠٠	٥-٢-٧-١- الرَّجُوعُ عَنِ الذَّنْبِ.....
٧٠٠	٥-٢-٧-٢- تَدَارُكُ فَارِطِ الزَّلَلِ.....
٧٠٠	٥-٢-٧-٣- الْإِعْتِرَافُ.....
٧٠٢	٥-٢-٧-٤- الْإِعْتِرَافُ بِالْحَقِّ قَبْلَ الشَّهَادَةِ عَلَيْهِ.....
٧٠٢	٥-٢-٨- الطَّاعَةُ، إِثَارُ رِضَى اللَّهِ، التَّسْلِيمُ، الدِّينُ.....
٧٠٢	٥-٢-٨-١- الطَّاعَةُ.....
٧٠٢	٥-٢-٨-٢- إِثَارُ رِضَى اللَّهِ عَلَى مَا سِوَاهُ.....
٧٠٤	٥-٢-٨-٣- الْأَخْذُ بِأَمْرِ اللَّهِ.....

﴿ فهرست ﴾

۶۹۳.....	۵-۲-۴-۵- چرخاندن زبان به ذکر خداوند.....
۶۹۳.....	۵-۲-۴-۶- ذکر موجب شادمانی اوست.....
۶۹۵.....	۵-۲-۴-۷- آنچه را به یادش آرند به فراموشی نمی‌سپارد.....
۶۹۵.....	۵-۲-۵- امید و خوش‌گمانی.....
۶۹۵.....	۵-۲-۵-۱- امید.....
۶۹۵.....	۵-۲-۵-۲- خوش‌گمانی.....
۶۹۵.....	۵-۲-۶- بیم، ترس، خشیت، خشوع، هراس، لرزش دل، شرم.....
۶۹۵.....	۵-۲-۶-۱- بیم.....
۶۹۵.....	۵-۲-۶-۱-۱- قلب‌هایشان پر از ترس خداست.....
۶۹۵.....	۵-۲-۶-۱-۲- ترس بدنشان را خسته کرده است.....
۶۹۷.....	۵-۲-۶-۱-۳- ترس از داخل‌شدن در امور شبهه‌ناک.....
۶۹۷.....	۵-۲-۶-۱-۴- ترس از عقاب.....
۶۹۷.....	۵-۲-۶-۱-۵- آن‌که ترس را برای ایمنی در قیامت پیش فرستد.....
۶۹۷.....	۵-۲-۶-۲- ترس.....
۶۹۷.....	۵-۲-۶-۳- خشیت.....
۶۹۹.....	۵-۲-۶-۳-۱- ترس از عذاب خدا.....
۶۹۹.....	۵-۲-۶-۴- خشوع.....
۶۹۹.....	۵-۲-۶-۴-۱- خشوع قلب.....
۶۹۹.....	۵-۲-۶-۴-۲- خشوع در عبادت.....
۶۹۹.....	۵-۲-۶-۵- هراس.....
۶۹۹.....	۵-۲-۶-۶- لرزش دل.....
۷۰۱.....	۵-۲-۶-۷- شرم.....
۷۰۱.....	۵-۲-۷- توبه و بازگشت.....
۷۰۱.....	۵-۲-۷-۱- بازگشت از گناه.....
۷۰۱.....	۵-۲-۷-۲- جبران لغزش‌ها.....
۷۰۱.....	۵-۲-۷-۳- اعتراف.....
۷۰۳.....	۵-۲-۷-۴- اعتراف به حق قبل از گواهی بر او.....
۷۰۳.....	۵-۲-۸- فرمان‌بری، ترجیح‌دادن رضایت خدا، تسلیم، دین.....
۷۰۳.....	۵-۲-۸-۱- فرمانبرداری.....
۷۰۳.....	۵-۲-۸-۲- ترجیح‌دادن رضایت خدا بر غیر آن.....
۷۰۵.....	۵-۲-۸-۳- گرفتن امر خدا.....

﴿الفهرس﴾

- ٧٠٤.....٥-٢-٨-٤ العملُ جهةً ما خلقه الله
- ٧٠٤.....٥-٢-٨-٥ جملةُ اشتغاله فيما أمره تعالى به ونهاه عنه
- ٧٠٤.....٥-٢-٨-٦ القيامُ على أمر الله
- ٧٠٤.....٥-٢-٨-٧ أدأه حق الله
- ٧٠٤.....٥-٢-٨-٨ الإجابة
- ٧٠٦.....٥-٢-٨-٩ حسنُ التعبد
- ٧٠٦.....٥-٢-٨-١٠ إن الإمام عليه السلام يسأل عبادةً كعبادتهم
- ٧٠٦.....٥-٢-٨-١١ التسليم
- ٧٠٦.....٥-٢-٨-١١-١ الإسلام لبأسهم
- ٧٠٦.....٥-٢-٨-١٢ الدين
- ٧٠٦.....٥-٢-٨-١٢-١ إن كان لك تقى فلك دين
- ٧٠٦.....٥-٢-٨-١٢-٢ يستدل على دين الرجل بحسن تقواه
- ٧٠٦.....٥-٢-٨-١٢-٣ جماع الدين
- ٧٠٨.....٥-٢-٨-١٢-٤ أصول الدين
- ٧٠٨.....٥-٢-٨-١٢-٥ حرز الدين
- ٧٠٨.....٥-٢-٨-١٢-٦ رأس الدين ووسط الدين وآخر الدين
- ٧٠٨.....٥-٢-٨-١٢-٧ عماد الدين
- ٧٠٨.....٥-٢-٨-١٢-٨ عمارة الدين
- ٧٠٨.....٥-٢-٨-١٢-٩ قوة في الدين
- ٧٠٨.....٥-٢-٨-١٢-١٠ التمسك بالدين
- ٧٠٨.....٥-٢-٨-١٢-١١ عدم استهزاء الدين
- ٧١٠.....٥-٢-٩ العبادات
- ٧١٠.....٥-٢-٩-١ الصلاة
- ٧١٠.....٥-٢-٩-١-١ الصبر على الصلاة
- ٧١٠.....٥-٢-٩-١-٢ صلاة الليل
- ٧١٢.....٥-٢-٩-١-٣ صلاة بين المغرب والعشاء الآخرة
- ٧١٢.....٥-٢-٩-١-٤ صلاة الفجر في الجماعة
- ٧١٢.....٥-٢-٩-١-٥ صلاة الجمعة
- ٧١٢.....٥-٢-٩-١-٦ المساجد بيوت المتقين
- ٧١٢.....٥-٢-٩-٢ الصوم
- ٧١٤.....٥-٢-٩-٣ الزكاة وحقوق الأموال وراجع: تجاه الناس؛ الإنفاق

﴿فهرست﴾

۷۰۵.....	۵-۲۸۴ عمل در جهت هدف خلقت.....
۷۰۵.....	۵-۲۸۵ تمام مشغولیتش اجرای امر و نهی خداست.....
۷۰۵.....	۵-۲۸۶ برپاداشتن امر خدا.....
۷۰۵.....	۵-۲۸۷ ادای حق خداوند.....
۷۰۵.....	۵-۲۸۸ پاسخ مثبت به خدا.....
۷۰۷.....	۵-۲۸۹ بندگی نیکو.....
۷۰۷.....	۵-۲۸۱۰ امام علیه السلام عبادتی همچون عبادت ایشان می‌طلبد.....
۷۰۷.....	۵-۲۸۱۱ تسلیم.....
۷۰۷.....	۵-۲۸۱۱-۱ اسلام لباسشان است.....
۷۰۷.....	۵-۲۸۱۲ دین.....
۷۰۷.....	۵-۲۸۱۲-۱ اگر پرهیزکار هستی پس دینداری.....
۷۰۷.....	۵-۲۸۱۲-۲ از دین آدمی به تقوای نیکویش دلالت می‌شود.....
۷۰۷.....	۵-۲۸۱۲-۳ گردآورنده‌ی دین.....
۷۰۹.....	۵-۲۸۱۲-۴ اصول دین.....
۷۰۹.....	۵-۲۸۱۲-۵ حفظ دین.....
۷۰۹.....	۵-۲۸۱۲-۶ اول دین، وسط دین، آخر دین.....
۷۰۹.....	۵-۲۸۱۲-۷ ستون دین.....
۷۰۹.....	۵-۲۸۱۲-۸ آبادانی دین.....
۷۰۹.....	۵-۲۸۱۲-۹ توانمندی در دین.....
۷۰۹.....	۵-۲۸۱۲-۱۰ چنگ‌زدن به دین.....
۷۰۹.....	۵-۲۸۱۲-۱۱ به‌سخره‌نگرفتن دین.....
۷۱۱.....	۵-۲۹ عبادات.....
۷۱۱.....	۵-۲۹-۱ نماز.....
۷۱۱.....	۵-۲۹-۱-۱ پایبندی به نماز.....
۷۱۱.....	۵-۲۹-۱-۲ نماز شب.....
۷۱۳.....	۵-۲۹-۱-۳ نماز بین مغرب و عشا.....
۷۱۳.....	۵-۲۹-۱-۴ نماز صبح به جماعت.....
۷۱۳.....	۵-۲۹-۱-۵ نماز جمعه.....
۷۱۳.....	۵-۲۹-۱-۶ مسجدها، خانه‌های پرهیزکاران است.....
۷۱۳.....	۵-۲۹-۲ روزه.....
۷۱۵.....	۵-۲۹-۳ زکات و حقوق اموال و ربه: درمقابل مردم؛ انفاق.....

«الفهرس»

٧١٤	٥-٢-٩-٣-١- إيتاء الزكاة
٧١٤	٥-٢-٩-٣-٢- إخراج حق الله
٧١٤	٥-٢-٩-٤- الجهاد بالمال والنفس
٧١٦	٥-٢-٩-٤-١- القتال
٧١٦	٥-٢-٩-٥- إن الإمام يسأل عبادتهم
٧١٦	٥-٢-١٠- القرآن والدعاء والزيارة والإستعاذة
٧١٦	٥-٢-١٠-١- القرآن
٧١٦	٥-٢-١٠-١-١- تلاوة القرآن
٧١٨	٥-٢-١٠-١-٢- القرآن أنبلغ مواضعهم
٧١٨	٥-٢-١٠-٢- الطلب إلى الله
٧١٨	٥-٢-١٠-٣- زيارة الحسين بن علي عليه السلام
٧١٨	٥-٢-١٠-٤- الإستعاذة بالله
٧١٨	٥-٢-١٠-٥- سهر الليل
٧٢٠	٥-٢-١١- الشكر والرضا
٧٢٠	٥-٢-١١-١- الشكر
٧٢٠	٥-٢-١١-١-١- إصلاح فيما بينه وبين الله
٧٢٠	٥-٢-١١-٢- الرضا
٧٢٢	٥-٢-١١-٢-١- الرضا بالمكروه
٧٢٢	٥-٢-١١-٢-٢- الرضا بما يأتي به القدر
٧٢٢	٥-٣- تجاه النبي صلى الله عليه وآله والأئمة عليهم السلام
٧٢٢	٥-٣-١- الحب والولاية والطاعة والاتباع
٧٢٢	٥-٣-١-١- طاعة الرسول صلى الله عليه وآله
٧٢٢	٥-٣-١-٢- اتباع النور الذي أنزل مع رسول الله صلى الله عليه وآله
٧٢٢	٥-٣-١-٣- حفظ النبي صلى الله عليه وآله في أهل بيته
٧٢٤	٥-٣-١-٤- شيعه محمد صلى الله عليه وآله وعلي عليه السلام
٧٢٦	٥-٣-١-٥- عدم كتمان أمر محمد صلى الله عليه وآله وأمر وصيه
٧٢٦	٥-٣-١-٦- النصيحة لرسول الله
٧٢٦	٥-٣-١-٧- حب علي والأئمة ولايتهم عليهم السلام
٧٢٨	٥-٣-١-٨- الثبات على ولايتهم عليهم السلام
٧٢٨	٥-٣-١-٩- مودتهم عليهم السلام
٧٢٨	٥-٣-١-١٠- متابعتهم عليهم السلام

﴿فهرست﴾

۷۱۵.....	۵-۲-۹-۳-۱ پرداختن زکات.....
۷۱۵.....	۵-۲-۹-۳-۲ خارج کردن حق خدا.....
۷۱۵.....	۵-۲-۹-۴ جهاد با مال و جان.....
۷۱۷.....	۵-۲-۹-۴-۱ پیکار.....
۷۱۷.....	۵-۲-۹-۵ امام، عبادت پرهیزکاران را می‌طلبد.....
۷۱۷.....	۵-۲-۱۰-۵ قرآن، دعا، زیارت، پناه‌بردن به خدا.....
۷۱۷.....	۵-۲-۱۰-۱ قرآن.....
۷۱۷.....	۵-۲-۱۰-۱-۱ تلاوت قرآن.....
۷۱۹.....	۵-۲-۱۰-۱-۲ قرآن رساترین پندشان است.....
۷۱۹.....	۵-۲-۱۰-۲ از خدا طلبیدن.....
۷۱۹.....	۵-۲-۱۰-۳ زیارت امام حسین (علیه السلام).....
۷۱۹.....	۵-۲-۱۰-۴ پناه‌بردن به خدا.....
۷۱۹.....	۵-۲-۱۰-۵ شب‌زنده‌داری.....
۷۳۱.....	۵-۲-۱۱-۵ شکر و رضا.....
۷۳۱.....	۵-۲-۱۱-۱ شکر.....
۷۳۱.....	۵-۲-۱۱-۱-۱ اصلاح رابطه‌ی بین خود و خدا.....
۷۳۱.....	۵-۲-۱۱-۲ خشنودی و عدم اضطراب.....
۷۳۳.....	۵-۲-۱۱-۲-۱ خشنودی به نامایمات.....
۷۳۳.....	۵-۲-۱۱-۲-۲ رضایت به تقدیر.....
۷۳۳.....	۵-۳-۱۱-۲-۲ در مقابل پیامبر (صلی الله علیه و آله) و ائمه (علیهم السلام).....
۷۳۳.....	۵-۳-۱-۱ محبت، ولایت، هدایت، فرمان‌برداری، پیروی.....
۷۳۳.....	۵-۳-۱-۱-۱ اطاعت از پیامبر.....
۷۳۳.....	۵-۳-۱-۲ پیروی از نوری که همراه پیامبر (صلی الله علیه و آله) نازل شد.....
۷۳۳.....	۵-۳-۱-۳ انجام دستور پیامبر (صلی الله علیه و آله) در مورد خاندانش.....
۷۳۵.....	۵-۳-۱-۴ شیعه‌ی محمد (صلی الله علیه و آله) و علی (علیه السلام).....
۷۳۷.....	۵-۳-۱-۵ کتمان نکردن امر محمد (صلی الله علیه و آله) و جانشین او (علیه السلام).....
۷۳۷.....	۵-۳-۱-۶ پذیرش فرستادگان خدا.....
۷۳۷.....	۵-۳-۱-۷ محبت علی و ائمه و ولایت ایشان (علیهم السلام).....
۷۳۹.....	۵-۳-۱-۸ ثبات در ولایت ائمه (علیهم السلام).....
۷۳۹.....	۵-۳-۱-۹ دوستی ائمه (علیهم السلام).....
۷۳۹.....	۵-۳-۱-۱۰ پیروی از ائمه (علیهم السلام).....

«الفهرس»

٧٢٨.....	٥-٣-١-١١- التَّسْلِيمُ وَرُدُّ الْأَمْرِ إِلَيْهِمْ عَلَيْهِ السَّلَامُ
٧٢٨.....	٥-٣-١-١٢- طَاعَتُهُمْ عَلَيْهِ السَّلَامُ
٧٣٠.....	٥-٣-١-١٣- عَدَمُ قَبُولِ مَا خَالَفَ قَوْلَ اللَّهِ وَ سُنَّةَ النَّبِيِّ ﷺ فِيهِمْ
٧٣٠.....	٥-٣-١-١٤- عَدَمُ إِذَاعَةِ حَدِيثِهِمْ عَلَيْهِ السَّلَامُ
٧٣٠.....	٥-٣-١-١٥- وَلَايَةُ أَحِبَّاءِ اللَّهِ وَ الْإِتْبَاعُ مِنْهُمْ
٧٣٠.....	٥-٣-٢-١- مِنْ عِلَامَاتِ الَّذِينَ لَا يَسْتَطِيعُونَ أَنْ يَكُونُوا أئِمَّةَ الْمُتَّقِينَ
٧٣٠.....	٥-٣-٢-٢- لَا يَكُونُ مُجِبُّ الشَّهَوَاتِ إِمَامَ الْمُتَّقِينَ
٧٣٠.....	٥-٣-٢-٢- لَا يَكُونُ السَّفِيهُ إِمَامَ النَّفِيِّ
٧٣٠.....	٥-٤- تَجَاهُ النَّاسِ
٧٣٠.....	٥-٤-١- أَدَاءُ الْأَمَانَةِ وَ الْوَفَاءُ بِالْعَهْدِ
٧٣٠.....	٥-٤-١-١- أَدَاءُ الْأَمَانَةِ
٧٣٢.....	٥-٤-١-٢- الْوَفَاءُ بِالْعَهْدِ
٧٣٢.....	٥-٤-١-٣- الْإِسْقَامَةُ عَلَى الْعَهْدِ
٧٣٢.....	٥-٤-٢- إِيْتَاءُ الْأَمْنِ وَ الرَّاحَةِ
٧٣٢.....	٥-٤-٢-١- شُرُورُهُمْ مَا مَوْنَهُ
٧٣٤.....	٥-٤-٢-٢- النَّاسُ مِنْهُ فِي رَاحَةٍ
٧٣٤.....	٥-٤-٢-٣- أَرَاخَ النَّاسِ مِنْ نَفْسِهِ
٧٣٤.....	٥-٤-٣- الْبِرُّ، الْخَيْرُ، الْإِحْسَانُ، بَذْلُ الْمَعْرُوفِ، الْخَلَّةُ
٧٣٤.....	٥-٤-٣-١- الْبِرُّ
٧٣٤.....	٥-٤-٣-٢- الْخَيْرُ
٧٣٤.....	٥-٤-٣-٢-١- الْخَيْرُ مِنْهُ مَا مَوْلُ
٧٣٤.....	٥-٤-٣-٢-٢- كُفَّ لِسَانَكَ إِلَّا مِنْ خَيْرٍ
٧٣٤.....	٥-٤-٣-٢-٣- إِفْعَلِ الْخَيْرَ
٧٣٤.....	٥-٤-٣-٢-٤- سَابِقٌ إِلَى كُلِّ خَيْرٍ
٧٣٤.....	٥-٤-٣-٢-٥- الْإِعَانَةُ عَلَى الْخَيْرِ
٧٣٤.....	٥-٤-٣-٢-٦- حُبُّ الْخَيْرِ
٧٣٤.....	٥-٤-٣-٣- الْإِحْسَانُ
٧٣٤.....	٥-٤-٣-٤- الْمَعْرُوفُ
٧٣٤.....	٥-٤-٣-٤-١- بَذْلُ الْمَعْرُوفِ
٧٣٨.....	٥-٤-٣-٤-٢- مَعْرُوفُهُ حَاضِرٌ
٧٣٨.....	٥-٤-٣-٥- الْخَلَّةُ

﴿فهرست﴾

۷۲۹.....	۵-۳-۱-۱۱ تسلیم بودن و دادن امر امامت به ائمه علیهم السلام
۷۲۹.....	۵-۳-۱-۱۲ فرمان برداری از ائمه علیهم السلام
۷۳۱.....	۵-۳-۱-۱۳ عدم پذیرش آنچه مخالف با کلام خدا و سنت پیامبر صلی الله علیه و آله است
۷۳۱.....	۵-۳-۱-۱۴ افشان کردن حدیث اهل بیت علیهم السلام
۷۳۱.....	۵-۳-۱-۱۵ پذیرش ولایت دوستان خدا و پیروی از ایشان
۷۳۱.....	۵-۳-۲ از نشانه های افرادی که نمی توانند پیشوای پرهیزکاران باشند
۷۳۱.....	۵-۳-۲-۱ شیفته ی شهوات نمی تواند پیشوای پرهیزکاران باشد
۷۳۱.....	۵-۳-۲-۲ کم خرد نمی تواند امام پرهیزکاران شود
۷۳۱.....	۵-۴ در مقابل مردم
۷۳۱.....	۵-۴-۱ ادای امانت
۷۳۱.....	۵-۴-۱-۱ ادای امانت
۷۳۳.....	۵-۴-۱-۲ وفای به عهد
۷۳۳.....	۵-۴-۱-۳ پای بندی به تعهدات
۷۳۳.....	۵-۴-۲ اعطای امنیت و آرامش
۷۳۳.....	۵-۴-۲-۱ دیگران از آزارشان در امانند
۷۳۵.....	۵-۴-۲-۲ مردم از دستشان در امان اند
۷۳۵.....	۵-۴-۲-۳ مردم را از جانب خود قرین آسایش می کند
۷۳۵.....	۵-۴-۳ نیکی، خیر، احسان، دوستی
۷۳۵.....	۵-۴-۳-۱ نیکی
۷۳۵.....	۵-۴-۳-۲ خیر
۷۳۵.....	۵-۴-۳-۲-۱ خیر از او انتظار می رود
۷۳۷.....	۵-۴-۳-۲-۲ زبانت را جز بر خیر ببند
۷۳۷.....	۵-۴-۳-۲-۳ عمل خیر انجام بده
۷۳۷.....	۵-۴-۳-۲-۴ به سوی خیر بشتاب
۷۳۷.....	۵-۴-۳-۲-۵ یاری در انجام کار خیر
۷۳۷.....	۵-۴-۳-۲-۶ دوست داشتن نیکی
۷۳۷.....	۵-۴-۳-۳ نیکی
۷۳۷.....	۵-۴-۳-۴ نیکی
۷۳۷.....	۵-۴-۳-۴-۱ نیکوکاری
۷۳۹.....	۵-۴-۳-۴-۲ خوبی اش آماده است
۷۳۹.....	۵-۴-۳-۵ دوستی

﴿الفهرس﴾

٧٣٨.....	٥-٤-٤- حُسْنُ الْخُلُقِ، بَشَرُ الْوَجْهِ، شَرَفُ الْخِلَالِ، التَّجَمُّلُ
٧٣٨.....	٥-٤-٤-١- حُسْنُ الْخُلُقِ
٧٣٨.....	٥-٤-٤-٢- بَشَرُ الْوَجْهِ
٧٣٨.....	٥-٤-٤-٣- شَرَفُ الْخِلَالِ
٧٣٨.....	٥-٤-٤-٤- التَّجَمُّلُ فِي فَاقَةِ
٧٣٨.....	٥-٤-٥- حفظُ حُقُوقِ الْمُؤْمِنِينَ وَ قَضَاءُهُ
٧٣٨.....	٥-٤-٥-١- حفظُ حُقُوقِ إِخْوَانِكُمُ الْمُؤْمِنِينَ
٧٤٠.....	٥-٤-٥-٢- قَضَاءُ حُقُوقِ الْإِخْوَانِ
٧٤٠.....	٥-٤-٦- الْحِلْمُ وَ الصَّفْحُ وَ الْعَفْوُ
٧٤٠.....	٥-٤-٦-١- الْحِلْمُ
٧٤٠.....	٥-٤-٦-١-١- سَعَةُ الْحِلْمِ
٧٤٠.....	٥-٤-٦-١-٢- الْعِلْمُ فِي الْحِلْمِ
٧٤٠.....	٥-٤-٦-١-٣- يَمْرُجُ الْحِلْمُ بِالْعِلْمِ
٧٤٠.....	٥-٤-٦-٢- الصَّفْحُ عَنْ جَمِيعِ عَثَرَاتِ الْخُلُقِ وَ تَرْكُ ذِكْرِ خَطِيئَتِهِمْ
٧٤٠.....	٥-٤-٦-٣- الْعَفْوُ
٧٤٠.....	٥-٤-٦-٣-١- يَغْفُو عَمَّنْ ظَلَمَهُ
٧٤٢.....	٥-٤-٦-٣-٢- الْعَفْوُ عِنْدَ الْقُدْرَةِ
٧٤٢.....	٥-٤-٧- الْحَيَاءُ، الْإِتْقَانُ،
٧٤٢.....	٥-٤-٧-١- الْحَيَاءُ
٧٤٢.....	٥-٤-٧-٢- الْإِتْقَانُ مِنَ النَّاسِ
٧٤٢.....	٥-٤-٨- التَّذَكُّيرُ
٧٤٢.....	٥-٤-٩- الرَّحْمَةُ وَ اللَّيْنَةُ
٧٤٢.....	٥-٤-٩-١- دُبُوهُ مِمَّنْ دَنَا مِنْهُ لِينٌ وَ رَحْمَةٌ
٧٤٢.....	٥-٤-٩-٢- رَحْمَةُ الضَّعْفَاءِ
٧٤٢.....	٥-٤-٩-٣- اللَّيْنَةُ
٧٤٢.....	٥-٤-١٠- السَّخَاوَةُ
٧٤٤.....	٥-٤-١٠-١- الْإِعْطَاءُ لِمَنْ حَرَمَهُ
٧٤٤.....	٥-٤-١٠-٢- السَّمَاخَةُ
٧٤٤.....	٥-٤-١٠-٣- الْإِنْفَاقُ
٧٤٤.....	٥-٤-١٠-٣-١- هَانَ عَلَيْهِ الْإِنْفَاقُ فِيمَا أَمَرَهُ اللَّهُ تَعَالَى أَنْ يُنْفِقَ فِيهِ
٧٤٤.....	٥-٤-١١- الصَّدْقُ

﴿فهرست﴾

۷۳۹.....	۵-۴-۴ اخلاق خوش، روی خوش، صفات برجسته، زیبا جلوه دادن
۷۳۹.....	۵-۴-۴-۱ اخلاق خوش
۷۳۹.....	۵-۴-۴-۲ روی خوش
۷۳۹.....	۵-۴-۴-۳ خلق و خوی برجسته
۷۳۹.....	۵-۴-۴-۴ زیبا جلوه دادن در عین نداری
۷۳۹.....	۵-۴-۵ حفظ حقوق مؤمنین و ادای آن
۷۳۹.....	۵-۴-۵-۱ حفظ حقوق برادران مؤمن
۷۴۱.....	۵-۴-۵-۲ ادای حقوق برادران
۷۴۱.....	۵-۴-۶ بردباری، چشم پوشی، عفو، گذشت
۷۴۱.....	۵-۴-۶-۱ بردباری
۷۴۱.....	۵-۴-۶-۱-۱ گسترش بردباری
۷۴۱.....	۵-۴-۶-۱-۲ دانش در بردباری است
۷۴۱.....	۵-۴-۶-۱-۳ بردباری را با دانش می آمیزد
۷۴۱.....	۵-۴-۶-۲ چشم پوشی از لغزش های همه ی آفریدگان و ترک غیبت ایشان
۷۴۱.....	۵-۴-۶-۳ عفو
۷۴۱.....	۵-۴-۶-۳-۱ آن که را به او ظلم می کند می بخشد
۷۴۳.....	۵-۴-۶-۳-۲ عفو در عین قدرت
۷۴۳.....	۵-۴-۷ شرم
۷۴۳.....	۵-۴-۷-۱ شرم
۷۴۳.....	۵-۴-۷-۲ حیا کردن از مردم
۷۴۳.....	۵-۴-۸ یادآوری به دیگران
۷۴۳.....	۵-۴-۹ مهربانی و نرمی
۷۴۳.....	۵-۴-۹-۱ نزدیک شدنش با نرمی و مهربانی است
۷۴۳.....	۵-۴-۹-۲ مهربانی به ضعیفان
۷۴۳.....	۵-۴-۹-۳ نرمی
۷۴۳.....	۵-۴-۱۰ سخاوت
۷۴۵.....	۵-۴-۱۰-۱ بخشش به آن که او را محروم کرده
۷۴۵.....	۵-۴-۱۰-۲ سخاوت
۷۴۵.....	۵-۴-۱۰-۳ انفاق
۷۴۵.....	۵-۴-۱۰-۳-۱ انفاق در جایی که خداوند فرمان داده است بر او آسان می آید
۷۴۵.....	۵-۴-۱۱ راستی

﴿الفهرس﴾

٧٤٤	٥-٤-١١-١- الصدق حياءُ التقوى
٧٤٤	٥-٤-١١-٢- الذي جاء بالصدق وصدق به
٧٤٦	٥-٤-١١-٣- الذين صدقوا
٧٤٦	٥-٤-١١-٤- صدق الحديث
٧٤٦	٥-٤-١١-٥- صدق المقولة
٧٤٦	٥-٤-١٢- إصلاح ذات البين
٧٤٦	٥-٤-١٣- الإعانة
٧٤٦	٥-٤-١٣-١- معاونتهم كثيرة
٧٤٦	٥-٤-١٣-٢- الإعانة بالخير
٧٤٦	٥-٤-١٤- التوفير
٧٤٨	٥-٤-١٥- تجاه الوالدين، الزوجة، الأرحام، الضيف
٧٤٨	٥-٤-١٥-١- بر الوالدين
٧٤٨	٥-٤-١٥-٢- الوصية للوالدين والأقربين بالمعروف
٧٤٨	٥-٤-١٥-٣- تكريم الزوجة
٧٤٨	٥-٤-١٥-٤- للمطلقات متاع بالمعروف
٧٤٨	٥-٤-١٥-٥- صلة الأرحام
٧٥٠	٥-٤-١٥-٦- إفرأ الضيف
٧٥٠	٥-٤-١٦- تجاه الملوك والمخالفين والمنافقين وأهل الدنيا
٧٥٠	٥-٤-١٦-١- مضانعة الملوك باللسان والفرار منهم بالقلب
٧٥٠	٥-٤-١٦-٢- التقية والكتمان
٧٥٠	٥-٤-١٦-٣- يحسبهم المنافق خرساً غمياً بلهاً
٧٥٠	٥-٤-١٦-٤- يحسبهم مريضاً ويقول لقد خولطوا
٧٥٠	٥-٤-١٦-٥- شاركوا أهل الدنيا في دنياهم
٧٥٢	٥-٤-١٦-٦- الاستغناء، استواء المدح والذم، تصغير ما دون الخالق في أنفسهم
٧٥٢	٥-٤-١٦-٦-١- الاستغناء
٧٥٢	٥-٤-١٦-٦-٢- استواء المدح والذم
٧٥٢	٥-٤-١٦-٦-٣- استصغار دون الخالق
٧٥٢	٥-٥- من صفات المتقين
٧٥٢	٥-٥-١- كأنه يرى الله والجنة والنار، قلبه وعقله معانٍ الآخرة، لم تستقر أرواحهم في أجسادهم
٧٥٤	٥-٥-١-١- كأنه يرى الله

﴿فهرست﴾

۷۴۵.....	۵-۴-۱۱-۱ راستی مایه‌ی زندگی پرهیزکاری است
۷۴۵.....	۵-۴-۱۱-۲ آن که سخن راست بیاورد و کسی که آن را تصدیق کند
۷۴۷.....	۵-۴-۱۱-۳ آنان که راست گویند
۷۴۷.....	۵-۴-۱۱-۴ راستی در گفتار
۷۴۷.....	۵-۴-۱۱-۵ راستی در گفتار
۷۴۷.....	۵-۴-۱۲ آشتی برقرار کردن
۷۴۷.....	۵-۴-۱۳ یاری
۷۴۷.....	۵-۴-۱۳-۱ سودشان بسیار است
۷۴۷.....	۵-۴-۱۳-۲ یاری در انجام کار خیر
۷۴۹.....	۵-۴-۱۴ احترام گذاشتن
۷۴۹.....	۵-۴-۱۵ در مقابل پدر و مادر، همسر، خویشاوندان، میهمان
۷۴۹.....	۵-۴-۱۵-۱ نیکی به پدر و مادر
۷۴۹.....	۵-۴-۱۵-۲ وصیت کردن به نیکی برای پدر و مادر و نزدیکان
۷۴۹.....	۵-۴-۱۵-۳ احترام به همسر
۷۴۹.....	۵-۴-۱۵-۴ برای زنان مطلقه، هدیه‌ی مناسبی دارند
۷۴۹.....	۵-۴-۱۵-۵ صله‌ی رحم
۷۵۱.....	۵-۴-۱۵-۶ میهمان‌نوازی
۷۵۱.....	۵-۴-۱۶ در مقابل پادشاهان، مخالفان، منافقان و دنیازدگان
۷۵۱.....	۵-۴-۱۶-۱ با زبان با پادشاهان می‌سازد ولی قلباً از آن‌ها می‌گریزد
۷۵۱.....	۵-۴-۱۶-۲ تقیه و پنهان داشتن
۷۵۱.....	۵-۴-۱۶-۳ منافق، ایشان را لال و کور و ابله می‌پندارد
۷۵۱.....	۵-۴-۱۶-۴ اهل دنیا ایشان را بیمار می‌پندارند و درباره‌ی ایشان می‌گویند دیوانه‌اند
۷۵۱.....	۵-۴-۱۶-۵ با اهل دنیا در دنیایشان شرکت می‌کنند
۷۵۳.....	۵-۴-۱۶-۶ بی‌نیازی، برابر بودن مدح و ذمّ مردم، کوچک دانستن غیر خدا
۷۵۳.....	۵-۴-۱۶-۶-۱ بی‌نیازی
۷۵۳.....	۵-۴-۱۶-۶-۲ برابر بودن مدح و ذمّ مردم
۷۵۳.....	۵-۴-۱۶-۶-۳ کوچک دانستن غیر خدا
۷۵۳.....	۵-۵ از صفات پرهیزکاران
۷۵۱.....	۵-۵-۱ گویا خدا و بهشت و جهنّم را می‌بیند، قلب و عقلش آخرت را می‌بینند، روحشان در جسمشان آرام نمی‌گیرد
۷۵۳.....	۵-۵-۱-۱ گویا خدا را می‌بیند

﴿الفهرس﴾

- ٧٥٤.....٥-٥-١-٢- كَمَنْ رَأَى الْجَنَّةَ وَالنَّارَ.....
- ٧٥٤.....٥-٥-١-٣- قَلْبُهُ وَعَقْلُهُ مُعَايِنُ الْآخِرَةِ.....
- ٧٥٤.....٥-٥-١-٤- لَحَظُوا الْأَجَلَ.....
- ٧٥٤.....٥-٥-١-٥- اسْتَقْرَبُوا الْأَجَلَ.....
- ٧٥٤.....٥-٥-١-٦- قَصُرُ الْأَمَلِ.....
- ٧٥٤.....٥-٥-١-٧- قَرِيبُ الْأَمَلِ.....
- ٧٥٤.....٥-٥-١-٨- لَمْ تَسْتَقِرَّ أَرْوَاحُهُمْ فِي أَجْسَادِهِمْ.....
- ٧٥٤.....٥-٥-١-٩- خَالَطَهُمْ أَمْرٌ عَظِيمٌ.....
- ٧٥٤.....٥-٥-٢- طلبُ الجنةِ وِشوقُ الثَّوابِ وَهُمْ الْآخِرَةُ.....
- ٧٥٤.....٥-٥-٢-١- الشَّوْقُ إِلَى الثَّوابِ.....
- ٧٥٤.....٥-٥-٢-٢- طَمَعُ الْجَنَّةِ.....
- ٧٥٨.....٥-٥-٢-٣- التَّزَوُّدُ.....
- ٧٥٨.....٥-٥-٢-٤- الْآخِرَةُ هُمُ.....
- ٧٥٨.....٥-٥-٢-٥- قُرَّةُ عَيْنِهِ فِيمَا لَا يَزُولُ.....
- ٧٥٨.....٥-٥-٣- البَصِيرَةُ وَالنَّظَرُ وَالْعِبْرَةُ وَالْحَزْمُ.....
- ٧٥٨.....٥-٥-٣-١- البَصِيرَةُ.....
- ٧٥٨.....٥-٥-٣-٢- النَّظَرُ.....
- ٧٥٨.....٥-٥-٣-٢-١- وَانْظُرُوا لِأَنْفُسِكُمْ.....
- ٧٦٠.....٥-٥-٣-٢-٢- وَانْظُرُوا مَا أَنْتُمْ قَائِلُونَ غَدًا.....
- ٧٦٠.....٥-٥-٣-٢-٣- نَظَرَ فِي كَرَّةِ الْمَوْتِ وَالْعَاقِبَةِ الْمَصْدَرِ وَمَعَبَةِ الْمَرْجِعِ.....
- ٧٦٠.....٥-٥-٣-٢-٤- وَلَيَنْظُرُ مَا يَقُولُ.....
- ٧٦٠.....٥-٥-٣-٢-٥- وَلَيَنْظُرُ مَنْ يُخَالِلُ.....
- ٧٦٠.....٥-٥-٣-٣- الإِعْتِبَارُ.....
- ٧٦٠.....٥-٥-٣-٤- السَّمْعُ.....
- ٧٦٠.....٥-٥-٣-٤-١- السَّمْعُ عَلَى الْعِلْمِ النَّافِعِ.....
- ٧٦٢.....٥-٥-٣-٥- الْحَزْمُ.....
- ٧٦٢.....٥-٥-٤- الهدايةُ.....
- ٧٦٢.....٥-٥-٤-١- هُدًى فِي رِشَادٍ.....
- ٧٦٢.....٥-٥-٤-٢- نَشَاطٌ فِي هُدًى.....
- ٧٦٢.....٥-٥-٥- الثُّبَاتُ وَالطَّمَأْنِينَةُ.....
- ٧٦٢.....٥-٥-٥-١- الثُّبَاتُ.....

﴿ فهرست ﴾

۷۵۵.....	۵-۱-۲- گویا بهشت و جهنم را می بیند
۷۵۵.....	۵-۱-۳- قلب و عقلش آخرت را می بیند
۷۵۵.....	۵-۱-۴- مرگ را می بیند
۷۵۵.....	۵-۱-۵- مرگ را نزدیک می دانند
۷۵۷.....	۵-۱-۶- کوتاهی آرزو
۷۵۷.....	۵-۱-۷- کوتاهی آرزو
۷۵۷.....	۵-۱-۸- روحشان در جسمشان آرام نمی گیرد
۷۵۷.....	۵-۱-۹- با امر بزرگی دست به گریانند
۷۵۷.....	۵-۲- طلب بهشت، شوق پاداش، اهتمام به آخرت
۷۵۷.....	۵-۲-۱- شوق پاداش
۷۵۷.....	۵-۲-۲- طمع بهشت
۷۵۹.....	۵-۲-۳- توشه برداری
۷۵۹.....	۵-۲-۴- اهتمام به آخرت
۷۵۹.....	۵-۲-۵- چشم روشنی اش در آخرت است
۷۵۹.....	۵-۳- بصیرت، عبرت، دوراندیشی
۷۵۹.....	۵-۳-۱- بینایی دل
۷۵۹.....	۵-۳-۲- دقت و توجه
۷۵۹.....	۵-۳-۲-۱- مراقب خودتان باشید
۷۶۱.....	۵-۳-۲-۲- در آنچه فردا خواهید گفت بیاندهید
۷۶۱.....	۵-۳-۲-۳- اندیشه در بازگشت به عالم آخرت و سرانجام زندگی و عاقبت کار
۷۶۱.....	۵-۳-۲-۴- بنگرد که چه می گوید
۷۶۱.....	۵-۳-۲-۵- ببیند با چه کسی رفاقت می کند
۷۶۱.....	۵-۳-۳- عبرت
۷۶۱.....	۵-۳-۴- گوش فرادادن
۷۶۱.....	۵-۳-۴-۱- گوش فرادادن به دانش سودمند
۷۶۳.....	۵-۳-۵- دوراندیشی
۷۶۳.....	۵-۴- هدایت
۷۶۳.....	۵-۴-۱- هدایتی به سوی راه صلاح
۷۶۳.....	۵-۴-۲- نشاط در هدایت
۷۶۳.....	۵-۵- ثبات و آرامش
۷۶۳.....	۵-۵-۱- ثبات

﴿الفهرس﴾

٧٦٢	٥-٥-٥-٢- الحِصْنُ.....
٧٦٢	٥-٥-٥-٣- الطَّمَانِينَةُ.....
٧٦٢	٥-٥-٦- الطَّهَارَةُ وَ الْإِخْلَاصُ.....
٧٦٤	٥-٥-٦-١- إِخْلَاصُ الْعَمَلِ.....
٧٦٤	٥-٥-٦-٢- عِبَادَتُهُ أَخْلَصَ.....
٧٦٤	٥-٥-٦-٣- أَخْلَصُوا سَرَائِرَكُمْ.....
٧٦٤	٥-٥-٦-٤- حُسْنُ السَّرِيرَةِ.....
٧٦٤	٥-٥-٦-٥- تَطْهِيرُ الْقَلْبِ.....
٧٦٤	٥-٥-٦-٦- عِبَادَتُهُ أَطْهَرَ.....
٧٦٤	٥-٥-٦-٧- أَغْمَأْهُمْ زَاكِيَةً.....
٧٦٤	٥-٥-٦-٨- الْعِصْمَةُ.....
٧٦٦	٥-٥-٦-٩- الْأَخْفِيَاءُ.....
٧٦٦	٥-٥-٦-١٠- صَفَاءُ الْجَوْهَرِ.....
٧٦٦	٥-٥-٦-١١- صَفَاءُ الْمُعَامَلَةِ.....
٧٦٦	٥-٥-٧- الرَّغْبَةُ، الْحِرْصُ، الطَّلَبُ، التَّحَرُّى فِي الْمَكْسَبِ.....
٧٦٦	٥-٥-٧-١- الرَّغْبَةُ.....
٧٦٦	٥-٥-٧-١-١- مِنْ رَغَبٍ فِي طَلَبٍ.....
٧٦٨	٥-٥-٧-٢- الْحِرْصُ.....
٧٦٨	٥-٥-٧-٢-١- حِرْصٌ فِي إِصْلَاحِ مَعَادٍ.....
٧٦٨	٥-٥-٧-٢-٢- الْحِرْصُ فِي الْعِلْمِ.....
٧٦٨	٥-٥-٧-٣- التَّحَرُّى فِي الْمَكَايِبِ.....
٧٦٨	٥-٥-٧-٤- الطَّلَبُ فِي الْحَالَالِ.....
٧٦٨	٥-٥-٨- مُحَاسَبَةُ النَّفْسِ.....
٧٦٨	٥-٥-٨-١- دَوَامُ الْمُحَاسَبَةِ.....
٧٦٨	٥-٥-٩- الْعَمَلُ، الْجِدُّ، الْإِجْتِهَادُ، الْمُبَادَرَةُ، السَّبْقَةُ وَ الْمُسَارَعَةُ، اغْتِنَامُ الْمُهْلَةِ.....
٧٦٨	٥-٥-٩-١- الْعَمَلُ.....
٧٧٠	٥-٥-٩-١-١- وَرَعَ الْمُؤْمِنُ يَظْهَرُ فِي عَمَلِهِ.....
٧٧٠	٥-٥-٩-١-٢- يَمْرُجُ الْقَوْلُ بِالْعَمَلِ.....
٧٧٠	٥-٥-٩-١-٣- لَا يَفْقِدُكَ اللَّهُ حَيْثُ أَمَرَكَ وَلَا يَرَاكَ حَيْثُ نَهَاكَ.....
٧٧٠	٥-٥-٩-١-٤- الْعَمَلُ بِالطَّاعَةِ.....
٧٧٠	٥-٥-٩-١-٥- اْعْمَلْ بِفَرَائِضِ اللَّهِ.....

﴿فهرست﴾

۷۶۳.....	۵-۵-۲-۵- حفاظت
۷۶۳.....	۵-۵-۳-۵- آرامش
۷۶۳.....	۵-۵-۶-۵- پاکی و اخلاص
۷۶۵.....	۵-۵-۶-۱-۵- اخلاص عمل
۷۶۵.....	۵-۵-۶-۲-۵- اخلاص در عبادت
۷۶۵.....	۵-۵-۶-۳-۵- اخلاص باطن
۷۶۵.....	۵-۵-۶-۴-۵- باطن پاک
۷۶۵.....	۵-۵-۶-۵-۵- پاکی قلب
۷۶۵.....	۵-۵-۶-۶-۵- عبادتش پاک‌تر است
۷۶۵.....	۵-۵-۶-۷-۵- اعمالشان پاک است
۷۶۵.....	۵-۵-۶-۸-۵- عصمت
۷۶۷.....	۵-۵-۶-۹-۵- ناشناسان
۷۶۷.....	۵-۵-۶-۱۰-۵- صفای جوهر
۷۶۷.....	۵-۵-۶-۱۱-۵- باصفا بودن در معاملات
۷۶۷.....	۵-۵-۷-۵- رغبت، حرص، طلب، کوشش در کسب روزی
۷۶۷.....	۵-۵-۷-۱-۵- رغبت
۷۶۷.....	۵-۵-۷-۱-۱-۵- شوق در طلب خشنودی پروردگار
۷۶۹.....	۵-۵-۷-۲-۵- حرص
۷۶۹.....	۵-۵-۷-۲-۱-۵- حرص در اصلاح آخرت
۷۶۹.....	۵-۵-۷-۲-۲-۵- حرص در دانش
۷۶۹.....	۵-۵-۷-۳-۵- کوشش در کسب روزی
۷۶۹.....	۵-۵-۷-۴-۵- کوشش برای کسب حلال
۷۶۹.....	۵-۵-۸-۵- محاسبه‌ی نفس
۷۶۹.....	۵-۵-۸-۱-۵- تداوم محاسبه
۷۶۹.....	۵-۵-۹-۵- عمل، جدیت، تلاش، اقدام، سبقت، سرعت، غنیمت‌شمردن فرصت
۷۶۹.....	۵-۵-۹-۱-۵- عمل
۷۷۱.....	۵-۵-۹-۱-۱-۵- ورع مؤمن در عملش بروز می‌کند
۷۷۱.....	۵-۵-۹-۱-۲-۵- گفتار را با عمل می‌آمیزد
۷۷۱.....	۵-۵-۹-۱-۳-۵- خداوند تو را در کنار دستورها و اوامر خود حاضر و آماده ببیند و در موارد نهی و محرمات، تو را نبیند
۷۷۱.....	۵-۵-۹-۱-۴-۵- عمل به طاعات
۷۷۱.....	۵-۵-۹-۱-۵-۵- عمل به واجبات

«الفهرس»

٧٧٠	٥-٥-٩-١-٦-٦ بَادِرُوا الْعَمَلَ
٧٧٠	٥-٥-٩-١-٧-٦ أَنْ تَعْمَلَ بِمَا عَلِمْتَ
٧٧٢	٥-٥-٩-١-٨-٦ عَمِلَ لِمَا عِنْدَ اللَّهِ
٧٧٢	٥-٥-٩-١-٩-٦ عَمِلَ لِيَوْمِ الْحِسَابِ
٧٧٢	٥-٥-٩-١-١٠-٦ يَعْمَلُ الْأَعْمَالِ الصَّالِحَةِ
٧٧٢	٥-٥-٩-١-١١-٦ اسْتَكَثَرَ مِنْ صَالِحِ الْعَمَلِ
٧٧٢	٥-٥-٩-٢-٢ الْمُبَادَرَةُ
٧٧٤	٥-٥-٩-٢-١ بَادِرُوا الْعَمَلَ
٧٧٤	٥-٥-٩-٣ الْجِدُّ
٧٧٤	٥-٥-٩-٣-١ مَنْ شَمَرَ تَجَرِيداً وَجَدَ تَشْمِيراً
٧٧٤	٥-٥-٩-٤-٢ الْإِجْتِهَادُ
٧٧٤	٥-٥-٩-٥-٢ السَّيِّئَةُ وَالْمُسَارَعَةُ
٧٧٤	٥-٥-٩-٥-١ سَابِقُ إِلَى كُلِّ خَيْرٍ
٧٧٤	٥-٥-٩-٥-٢ الْمُسَارَعَةُ فِي مَرْضَاتِهِ
٧٧٤	٥-٥-٩-٥-٣ التَّكْمِيشُ
٧٧٤	٥-٥-٩-٦-٢ اغْتِنَامُ الْمُثَلَّةِ
٧٧٤	٥-٥-١٠-١ جِهَادُ النَّفْسِ، الرِّيَاضَةُ، إِصْلَاحُ النَّفْسِ، الْإِنْعَابُ
٧٧٤	٥-٥-١٠-١-٢ الرِّيَاضَةُ
٧٧٤	٥-٥-١٠-٢-٢ جِهَادُ النَّفْسِ
٧٧٤	٥-٥-١٠-٣-٢ مَنْ أَشْهَرَ التَّهَجُّدَ غَرَارَ نَوْمِهِ
٧٧٤	٥-٥-١٠-٤-٢ نَزَعُ الْقِيَادِ مِنْ يَدِ الشَّيْطَانِ
٧٧٨	٥-٥-١٠-٥-٢ إِصْلَاحُ النَّفْسِ
٧٧٨	٥-٥-١٠-٦-٢ الْإِنْعَابُ
٧٧٨	٥-٥-١٠-٦-١ أَتَعَبَ بَدَنُهُ حَتَّى بَدَتِ الْأَضْلَاعُ وَغَارَتِ الْعَيْنَانِ
٧٧٨	٥-٥-١٠-٦-٢ أَتَعَبَ نَفْسَهُ لِأَخِرَتِهِ
٧٧٨	٥-٥-١٠-٦-٣ أَنْصَبَ الْخَوْفُ بَدَنَهُ
٧٧٨	٥-٥-١٠-٦-٤ أَجْسَادُهُمْ نَحِيفَةٌ
٧٧٨	٥-٥-١٠-٦-٥ نَفْسُهُ مِنْهُ فِي عَنَاءٍ
٧٨٠	٥-٥-١٠-٦-٦ تَوْبُ يُوَارَى بِهِ عَوْرَتُهُ مِنْ أَعْلَظِ مَا يَجِدُ وَأَخْشَنِهِ
٧٨٠	٥-٥-١١-١ خِفَّةُ الْحَاجَاتِ وَسَهُولَةُ الْأَمْرِ
٧٨٠	٥-٥-١١-١ حَاجَاتُهُمْ خَفِيفَةٌ

﴿فهرست﴾

۷۷۱.....	۵-۹-۱-۶ اقدام به عمل کنید.....
۷۷۱.....	۵-۹-۱-۷ به آنچه می‌دانید عمل کنید.....
۷۷۳.....	۵-۹-۱-۸ برای آنچه نزد خداست، عمل کنید.....
۷۷۳.....	۵-۹-۱-۹ برای روز حساب عمل کند.....
۷۷۳.....	۵-۹-۱-۱۰ اعمال شایسته انجام می‌دهد.....
۷۷۳.....	۵-۹-۱-۱۱ عمل صالح بسیاری انجام دهد.....
۷۷۳.....	۵-۹-۲ اقدام.....
۷۷۵.....	۵-۹-۲-۱ اقدام کنید.....
۷۷۵.....	۵-۹-۳ جدّیت.....
۷۷۵.....	۵-۹-۳-۱ کسی که دامن خود را به کمر زده و سخت می‌کوشد.....
۷۷۵.....	۵-۹-۴ تلاش.....
۷۷۵.....	۵-۹-۵ سبقت، سرعت.....
۷۷۵.....	۵-۹-۵-۱ در هر کار نیک سبقت می‌گیرد.....
۷۷۵.....	۵-۹-۵-۲ سرعت در جلب رضایت خدا.....
۷۷۷.....	۵-۹-۵-۳ سرعت گرفتن.....
۷۷۷.....	۵-۹-۶ غنیمت شمردن فرصت.....
۷۷۷.....	۵-۱۰ جهاد نفس، ریاضت، اصلاح نفس، به رنج انداختن خود.....
۷۷۷.....	۵-۱۰-۱ ریاضت.....
۷۷۷.....	۵-۱۰-۲ جهاد نفس.....
۷۷۷.....	۵-۱۰-۳ کسی که شب‌زنده‌داری خواب را از چشمش ربوده است.....
۷۷۷.....	۵-۱۰-۴ گرفتن مهار از دست شیطان.....
۷۷۹.....	۵-۱۰-۵ اصلاح نفس.....
۷۷۹.....	۵-۱۰-۶ زحمت انداختن خود.....
۷۷۹.....	۵-۱۰-۶-۱ جسم خود را به حدّی به زحمت می‌اندازد که استخوان هایش آشکار می‌شوند و چشمانش گود می‌افتد.....
۷۷۹.....	۵-۱۰-۶-۲ در امر آخرت خود را به زحمت می‌اندازد.....
۷۷۹.....	۵-۱۰-۶-۳ ترس بدنش را خسته کرده است.....
۷۷۹.....	۵-۱۰-۶-۴ بدن‌هایشان لاغر است.....
۷۷۹.....	۵-۱۰-۶-۵ از خود در رنج است.....
۷۷۹.....	۵-۱۰-۶-۶ در مورد لباس از زمخت‌ترین‌ها فقط به نیت پوشاندن عورت استفاده می‌کند.....
۷۸۱.....	۵-۱۱ سبک‌بودن نیازها و آسان‌بودن زندگی.....
۷۸۱.....	۵-۱۱-۱ نیازهایشان سبک است.....

﴿الفهرس﴾

- ٧٨٠ ٥-٥-١١-٢-أَمْرُهُ سَهْلٌ
- ٧٨٠ ٥-٥-١١-٣-أَكْلُهُ مَنْزُورٌ
- ٧٨٠ ٥-٥-١١-٤-أَيَسَّرُ أَهْلُ الدُّنْيَا مَوْنَةً وَأَكْثَرَهُمْ مَعُونَةً
- ٥-٥-١٢-الزَّهَادَةُ، الْحِفْظُ وَالْعِفَّةُ وَالْحَذَرُ وَالْجُرْزُ وَالْغَضُّ وَالْكَفُّ وَالْإِجْتِنَابُ وَالْوُقُوفُ،
الْغَزَلَةُ، التَّنَزُّهُ، التَّنَكُّبُ، الْإِنْتِهَاءُ وَرَاجِعُ: الْفَصْلُ الْأَوَّلُ؛ مَعَانِي التَّقْوَى ٧٨٠
- ٥-٥-١٢-١-الزَّهَادَةُ ٧٨٠
- ٥-٥-١٢-١-١-غَايَةُ الزُّهْدِ ٧٨٢
- ٥-٥-١٢-١-٢-أَصَابُوا لَذَّةَ زُهْدِ الدُّنْيَا فِي دُنْيَاهُمْ ٧٨٢
- ٥-٥-١٢-١-٣-بُعْذُهُ عَمَّنْ تَبَاعَدَ عَنْهُ زُهْدٌ وَنَزَاهَةٌ ٧٨٢
- ٥-٥-١٢-٢-الْعِفَّةُ ٧٨٢
- ٥-٥-١٢-٢-١-أَنَفْسُهُمْ عَفِيفَةٌ ٧٨٢
- ٥-٥-١٢-٢-٢-التَّعَفُّفُ ٧٨٢
- ٥-٥-١٢-٢-٣-عِفَّةُ الْبَصَرِ ٧٨٤
- ٥-٥-١٢-٢-٤-عِفَّةُ الْبُطْنِ ٧٨٤
- ٥-٥-١٢-٣-الْحِفْظُ ٧٨٤
- ٥-٥-١٢-٣-١-حِفْظُ اللِّسَانِ ٧٨٤
- ٥-٥-١٢-٣-٢-حَافِظٌ لِجَوَارِحِهِ ٧٨٤
- ٥-٥-١٢-٤-الْحَذَرُ ٧٨٤
- ٥-٥-١٢-٤-١-يَحْذَرُ بَطْشَهُ ٧٨٤
- ٥-٥-١٢-٥-الْجُرْزُ ٧٨٤
- ٥-٥-١٢-٦-الْغَضُّ ٧٨٤
- ٥-٥-١٢-٦-١-غَضُّ الْبَصَرِ ٧٨٤
- ٥-٥-١٢-٦-٢-غَضُّ الطَّرْفِ ٧٨٤
- ٥-٥-١٢-٧-الْكَفُّ ٧٨٤
- ٥-٥-١٢-٧-١-الْكَفُّ عَنِ الْمَحَارِمِ ٧٨٤
- ٥-٥-١٢-٧-٢-الْكَفُّ عَنِ الرَّأْيِ ٧٨٨
- ٥-٥-١٢-٧-٣-الْكَفُّ عَنِ الْمَطَالِبِ ٧٨٨
- ٥-٥-١٢-٧-٤-كَفُّ اللِّسَانِ ٧٨٨
- ٥-٥-١٢-٨-الْإِجْتِنَابُ وَرَاجِعُ: الْفَصْلُ الْأَوَّلُ؛ مَعَانِي التَّقْوَى ٧٨٨
- ٥-٥-١٢-٩-الْوُقُوفُ عِنْدَ الشَّيْئَةِ ٧٨٨
- ٥-٥-١٢-١٠-غَزُوفُ النَّفْسِ عَنْ مَذَلَّةِ الطَّمَعِ ٧٨٨

﴿فهرست﴾

۷۸۱.....	۵۵-۱۱-۲ آسان بودن زندگی
۷۸۱.....	۵۵-۱۱-۳ خوراکش اندک است
۷۸۱.....	۵۵-۱۱-۴ دارای کمترین زحمتند و بیشترین کمک
۷۸۱.....	۵۵-۱۲ زهد، حفظ، پارسایی، حذرکردن، چشم فروانداختن، دست بازداشتن، باز ایستادن، کناره گیری، پاکی، و.ر.به: فصل ۱؛ معانی پرهیزکاری
۷۸۱.....	۵۵-۱۲-۱ زهد
۷۸۳.....	۵۵-۱۲-۱-۱ نهایت زهد
۷۸۳.....	۵۵-۱۲-۱-۲ لذت زهد را در همین دنیا می چشند
۷۸۳.....	۵۵-۱۲-۱-۳ دورشدنش از سر زهد و پاکی است
۷۸۳.....	۵۵-۱۲-۲ پارسایی
۷۸۳.....	۵۵-۱۲-۲-۱ جان هایشان پارسا است
۷۸۳.....	۵۵-۱۲-۲-۲ پارسایی
۷۸۵.....	۵۵-۱۲-۲-۳ پارسایی دیده
۷۸۵.....	۵۵-۱۲-۲-۴ پارسایی شکم
۷۸۵.....	۵۵-۱۲-۳ حفظ
۷۸۵.....	۵۵-۱۲-۳-۱ حفظ زبان
۷۸۵.....	۵۵-۱۲-۳-۲ حفظ جوارح
۷۸۵.....	۵۵-۱۲-۴ حذرکردن
۷۸۷.....	۵۵-۱۲-۴-۱ از مؤاخذهی خداوند حذر می کند
۷۸۷.....	۵۵-۱۲-۵ حفظ
۷۸۷.....	۵۵-۱۲-۶ چشم فروانداختن
۷۸۷.....	۵۵-۱۲-۶-۱ چشم بر حرام پوشیدن
۷۸۷.....	۵۵-۱۲-۶-۲ چشم بر حرام پوشیدن
۷۸۷.....	۵۵-۱۲-۷ دست کشیدن
۷۸۷.....	۵۵-۱۲-۷-۱ بازایستادن از محرمات
۷۸۹.....	۵۵-۱۲-۷-۲ بازایستادن از نظردادن
۷۸۹.....	۵۵-۱۲-۷-۳ دست کشیدن از درخواست از دیگران
۷۸۹.....	۵۵-۱۲-۷-۴ بازداشتن زبان
۷۸۹.....	۵۵-۱۲-۸ پرهیز و.ر.به: فصل ۱؛ معانی تقوا
۷۸۹.....	۵۵-۱۲-۹ بازایستادن در شبهات
۷۸۹.....	۵۵-۱۲-۱۰ برگرداندن نفس از خواری طمع

﴿الفهرس﴾

٧٨٨.....	٥-٥-١٢-١١- الإزْدِجَارُ.....
٧٩٠.....	٥-٥-١٢-١٢- العُرْلَةُ.....
٧٩٠.....	٥-٥-١٢-١٣- التَّنْزَهُ.....
٧٩٠.....	٥-٥-١٢-١٣-١- يُعْذُهُ عَمَّنْ تَبَاعَدَ عَنْهُ زُهْدٌ وَنَزَاهَةٌ.....
٧٩٠.....	٥-٥-١٢-١٤- التَّنَكُّبُ.....
٧٩٠.....	٥-٥-١٢-١٥- فَلَا يَتَنَاوَلُ حَتَّى يَتَيَقَّنَ أَنَّهُ حَلَالٌ.....
٧٩٠.....	٥-٥-١٢-١٦- الإِنْتِهَاءُ عَنِ الْمَنَاهِي.....
٧٩٢.....	٥-٥-١٣- الإِقْتِصَادُ وَالْقِنَاعَةُ.....
٧٩٢.....	٥-٥-١٣-١- مَلِيسُهُمُ الْإِقْتِصَادُ.....
٧٩٢.....	٥-٥-١٣-٢- سَلَكَ أَقْصَدَ الْمَسَالِكِ.....
٧٩٢.....	٥-٥-١٣-٣- قَصْدٌ فِي غِنَى.....
٧٩٢.....	٥-٥-١٣-٤- أَجْمَلُوا فِي طَلَبِ الرِّزْقِ.....
٧٩٢.....	٥-٥-١٣-٥- الْقِنَاعَةُ.....
٧٩٢.....	٥-٥-١٣-٦- قَانِعَةٌ نَفْسُهُ.....
٧٩٤.....	٥-٥-١٤- الصَّبْرُ وَكَظْمُ الْغَيْظِ.....
٧٩٤.....	٥-٥-١٤-١- الصَّبْرُ.....
٧٩٤.....	٥-٥-١٤-١-١- الصَّابِرِينَ فِي الْبَاسِ وَالضَّرَاءِ وَحِينَ الْبَاسِ.....
٧٩٤.....	٥-٥-١٤-١-٢- الصَّبْرُ عَلَى الصَّلَاةِ.....
٧٩٤.....	٥-٥-١٤-١-٣- صَبَرُوا أَيَّامًا قَصِيرَةً.....
٧٩٤.....	٥-٥-١٤-١-٤- الصَّبْرُ فِي شِدَّةِ.....
٧٩٤.....	٥-٥-١٤-١-٥- فِي الْمَكَارِهِ صَبُورٌ.....
٧٩٤.....	٥-٥-١٤-١-٦- إِنْ بُغِيَ عَلَيْهِ صَبْرٌ.....
٧٩٦.....	٥-٥-١٤-١-٧- الصَّبْرُ عَلَى طُولِ الْأَذَى.....
٧٩٦.....	٥-٥-١٤-١-٨- الصَّبْرُ عَلَى مُرِّ الْأَذَى.....
٧٩٦.....	٥-٥-١٤-٢- كَظْمُ الْغَيْظِ.....
٧٩٦.....	٥-٥-١٥- اللَّيْنَةُ وَالتَّوَاضُّعُ.....
٧٩٦.....	٥-٥-١٥-١- لِينُ الْقَلْبِ.....
٧٩٦.....	٥-٥-١٥-٢- قَوْلُهُ لَيْنٌ.....
٧٩٦.....	٥-٥-١٥-٣- دُنُوهُ مِمَّنْ دَنَا مِنْهُ لَيْنٌ.....
٧٩٦.....	٥-٥-١٥-٤- حَزْمٌ فِي لَيْنٍ.....
٧٩٦.....	٥-٥-١٥-٥- التَّوَاضُّعُ.....

﴿فهرست﴾

۷۸۹.....	۵-۱۲-۱۱ بازایستادن.....
۷۹۱.....	۵-۱۲-۱۲ کناره‌گیری.....
۷۹۱.....	۵-۱۲-۱۳ پاکی.....
۷۹۱.....	۵-۱۲-۱۳-۱ دوری‌اش از سر زهد و پاکی است.....
۷۹۱.....	۵-۱۲-۱۴ کناره‌گیری.....
۷۹۱.....	۵-۱۲-۱۵ نمی‌خورد مگر آن‌که یقین کند حلال است.....
۷۹۱.....	۵-۱۲-۱۶ بازایستادن از آنچه خدا نهی کرده است.....
۷۹۳.....	۵-۱۳ میانه‌روی و قناعت.....
۷۹۳.....	۵-۱۳-۱ لباسشان میانه است.....
۷۹۳.....	۵-۱۳-۲ میانه‌روی پیشه می‌گیرند.....
۷۹۳.....	۵-۱۳-۳ میانه‌روی در عین توانگری.....
۷۹۳.....	۵-۱۳-۴ در طلب روزی میانه‌رو باش.....
۷۹۳.....	۵-۱۳-۵ قناعت.....
۷۹۳.....	۵-۱۳-۶ قناعت نفس.....
۷۹۵.....	۵-۱۴ صبر و فروخوردن خشم.....
۷۹۵.....	۵-۱۴-۱ صبر.....
۷۹۵.....	۵-۱۴-۱-۱ در برابر محرومیت‌ها و بیماری‌ها و در میدان جنگ، استقامت به خرج می‌دهند.....
۷۹۵.....	۵-۱۴-۱-۲ پابندی به نماز.....
۷۹۵.....	۵-۱۴-۱-۳ چندروزی را صبر کردند.....
۷۹۵.....	۵-۱۴-۱-۴ صبر در سختی.....
۷۹۵.....	۵-۱۴-۱-۵ صبور در ناخوشی‌ها.....
۷۹۵.....	۵-۱۴-۱-۶ چون به او ستم روا دارند، صبر پیشه می‌سازد.....
۷۹۷.....	۵-۱۴-۱-۷ صبر بر طولانی‌شدن آزارها.....
۷۹۷.....	۵-۱۴-۱-۸ صبر بر تلخی اذیت‌ها.....
۷۹۷.....	۵-۱۴-۲ فروخوردن خشم.....
۷۹۷.....	۵-۱۵ نرمی و تواضع.....
۷۹۷.....	۵-۱۵-۱ نرمی قلب.....
۷۹۷.....	۵-۱۵-۲ گفتار نرم.....
۷۹۷.....	۵-۱۵-۳ نزدیکی‌اش از روی نرمی است.....
۷۹۷.....	۵-۱۵-۴ دوراندیشی در نرمی.....
۷۹۷.....	۵-۱۵-۵ فروتنی.....

﴿الفهرس﴾

٧٩٨.....	٥-٥-١٥-٦- قَصْرُ التَّوْبِ وَ رَفْعُ الْإِزَارِ
٧٩٨.....	٥-٥-١٦- الْإِتْعَاطُ وَالْإِدْكَارُ
٧٩٨.....	٥-٥-١٦-١- الْإِتْعَاطُ
٨٠٠.....	٥-٥-١٦-٢- الْإِدْكَارُ
٨٠٢.....	٥-٥-١٧- الْخُزْنُ وَالسُّرُورُ
٨٠٢.....	٥-٥-١٧-١- قُلُوبُهُمْ مَحْزُونَةٌ
٨٠٢.....	٥-٥-١٧-٢- طُولُ الْخُزْنِ
٨٠٢.....	٥-٥-١٧-٣- تَدَاوُمُ الْعَمَلِ
٨٠٢.....	٥-٥-١٧-٤- حُسْنُ الْعِزَاءِ
٨٠٢.....	٥-٥-١٧-٥- مَسْرُورٌ بِذِكْرِ اللَّهِ
٨٠٢.....	٥-٥-١٧-٦- إِنْ صَمَتَ لَمْ يَغْمَهُ صَمْتُهُ
٨٠٢.....	٥-٥-١٧-٧- الْفَرَحُ
٨٠٤.....	٥-٥-١٧-٨- نَشَاطٌ فِي هَدًى
٨٠٤.....	٥-٥-١٨- الْبُكَاءُ وَالضَّحْكَ
٨٠٤.....	٥-٥-١٨-١- أَغْنَيْهُمْ بِأَكِيَّةٍ
٨٠٤.....	٥-٥-١٨-٢- تَجَرَّى دُمُوعُهُمْ عَلَى خُدُودِهِمْ
٨٠٤.....	٥-٥-١٨-٣- لَمْ يَغْلُ صَوْتُهُ فِي الضَّحْكِ
٨٠٤.....	٥-٥-١٩- الْعَقْلُ، الْفِكْرُ، الْكِيَاسَةُ
٨٠٤.....	٥-٥-١٩-١- الْعَقْلُ
٨٠٤.....	٥-٥-١٩-٢- الْفِكْرُ
٨٠٦.....	٥-٥-١٩-٣- الْكِيَاسَةُ
٨٠٦.....	٥-٥-٢٠- الْمَعْرِفَةُ وَالْعِلْمُ وَالْحِكْمَةُ
٨٠٦.....	٥-٥-٢٠-١- الْمَعْرِفَةُ
٨٠٦.....	٥-٥-٢٠-٢- الْعِلْمُ
٨٠٦.....	٥-٥-٢٠-٢-١- يَمْرُجُ الْحِلْمُ بِالْعِلْمِ
٨٠٦.....	٥-٥-٢٠-٢-٢- الْحِرْصُ فِي الْعِلْمِ
٨٠٦.....	٥-٥-٢٠-٢-٣- الْعِلْمُ فِي الْحِلْمِ
٨٠٨.....	٥-٥-٢٠-٢-٤- أَنْ تَتَعَلَّمَ مَا جَهِلْتَ
٨٠٨.....	٥-٥-٢٠-٢-٥- التَّعَلُّمُ بَعْلَمِ النَّافِعِ
٨٠٨.....	٥-٥-٢٠-٢-٦- اتَّبَاعُ الْعِلْمِ فِيمَا يَقْرُبُ إِلَى اللَّهِ
٨٠٨.....	٥-٥-٢٠-٢-٧- الْعِلْمُ بِأَنَّ اللَّهَ هُوَ الْمَنْظُورُ إِلَيْهِ

﴿ فهرست ﴾

۷۹۹.....	۵۵-۱۵۶ کوتاه کردن لباس.....
۷۹۹.....	۵۵-۱۶ پذیرش اندرز.....
۷۹۹.....	۵۵-۱۶-۱ پذیرش اندرز.....
۸۰۱.....	۵۵-۱۶-۲ پندپذیری.....
۸۰۳.....	۵۵-۱۷ حزن و سرور.....
۸۰۳.....	۵۵-۱۷-۱ دل‌هایشان محزون است.....
۸۰۳.....	۵۵-۱۷-۲ طولانی بودن حزن.....
۸۰۳.....	۵۵-۱۷-۳ تداوم غم.....
۸۰۳.....	۵۵-۱۷-۴ حزن نیک.....
۸۰۳.....	۵۵-۱۷-۵ شادمانی از ذکر خدا.....
۸۰۳.....	۵۵-۱۷-۶ اگر سکوت کند سکوتش غمگینش نمی‌کند.....
۸۰۳.....	۵۵-۱۷-۷ شادمانی.....
۸۰۵.....	۵۵-۱۷-۸ نشاط در هدایت.....
۸۰۵.....	۵۵-۱۸ گریه و خنده.....
۸۰۵.....	۵۵-۱۸-۱ چشمانشان گریان است.....
۸۰۵.....	۵۵-۱۸-۲ اشک بر صورتشان جاری است.....
۸۰۵.....	۵۵-۱۸-۳ صدای خنده‌اش بالا نمی‌رود.....
۸۰۵.....	۵۵-۱۹ عقل، فکر، زیرکی.....
۸۰۵.....	۵۵-۱۹-۱ عقل.....
۸۰۵.....	۵۵-۱۹-۲ فکر.....
۸۰۷.....	۵۵-۱۹-۳ زیرکی.....
۸۰۷.....	۵۵-۲۰ شناخت، دانش، حکمت.....
۸۰۷.....	۵۵-۲۰-۱ شناخت.....
۸۰۷.....	۵۵-۲۰-۲ دانش.....
۸۰۷.....	۵۵-۲۰-۲-۱ بردباری را با دانش می‌آمیزد.....
۸۰۷.....	۵۵-۲۰-۲-۲ حرص در دانش.....
۸۰۷.....	۵۵-۲۰-۲-۳ علم با بردباری.....
۸۰۹.....	۵۵-۲۰-۲-۴ آنچه نمی‌دانی بیاموزی.....
۸۰۹.....	۵۵-۲۰-۲-۵ آموختن دانش سودمند.....
۸۰۹.....	۵۵-۲۰-۲-۶ پیروی از دانشی که انسان را به خدا نزدیک کند.....
۸۰۹.....	۵۵-۲۰-۲-۷ آگاهی به اینکه خداست که باید مورد توجه باشد.....

﴿الفهرس﴾

٨٠٨.....	٥-٥-٢٠-٢-٨- العلم بأن الله ليس يبتدئ العباد بالغضب قبل أن يغضبه.....
٨٠٨.....	٥-٥-٢٠-٢-٩- التعليم.....
٨٠٨.....	٥-٥-٢٠-٣- الحكمه.....
٨٠٨.....	٥-٥-٢٠-٤- الفقه.....
٨٠٨.....	٥-٥-٢١- تهوين الدنيا ومصائبه وإليس والخلق.....
٨١٠.....	٥-٥-٢٢- الهيبه والوقار.....
٨١٠.....	٥-٥-٢٢-١- الهيبه.....
٨١٠.....	٥-٥-٢٢-٢- الوقار.....
٨١٠.....	٥-٥-٢٣- إتهام النفس.....
٨١٠.....	٥-٥-٢٤- أهل التقوى والطعام والرزق والكلام.....
٨١٠.....	٥-٥-٢٤-١- أهل التقوى والطعام.....
٨١٠.....	٥-٥-٢٤-١-١- أكلهم عده.....
٨١٢.....	٥-٥-٢٤-١-٢- الأكل الحلال.....
٨١٢.....	٥-٥-٢٤-١-٣- أكله منزور.....
٨١٢.....	٥-٥-٢٤-١-٤- أضر بالحلال الصافي إلّا ما لا بدّ له.....
٨١٢.....	٥-٥-٢٤-١-٥- إذا أشكل عليه تناول عند الضرورة.....
٨١٢.....	٥-٥-٢٤-١-٦- الجوع والعطش.....
٨١٢.....	٥-٥-٢٤-١-٧- من أظمأ الرجاء هو أجز يومه.....
٨١٤.....	٥-٥-٢٤-١-٨- طعامهم الزيت.....
٨١٤.....	٥-٥-٢٤-١-٩- فلا يتناول حتى يتيقن أنه حلال.....
٨١٤.....	٥-٥-٢٤-٢- أهل التقوى والرزق.....
٨١٤.....	٥-٥-٢٤-٢-١- الإجمال في طلب الرزق.....
٨١٤.....	٥-٥-٢٤-٢-٢- طلب في حلال.....
٨١٤.....	٥-٥-٢٤-٣- أهل التقوى والحق.....
٨١٤.....	٥-٥-٢٤-٣-١- قول الحق.....
٨١٤.....	٥-٥-٢٤-٣-٢- الاعتراف بالحق قبل أن يشهد عليه.....
٨١٤.....	٥-٥-٢٤-٣-٣- أهل التقوى والقول والكلام.....
٨١٤.....	٥-٥-٢٤-٤-١- اللسان التقى.....
٨١٤.....	٥-٥-٢٤-٤-٢- الإتياء في القول والكلام.....
٨١٤.....	٥-٥-٢٤-٤-٣- القول بأمر الله.....
٨١٤.....	٥-٥-٢٤-٤-٤- قول الحق.....

﴿فهرست﴾

۵-۲۰-۲-۸	علم به اینکه خداوند پیش از آنکه او را به خشم آورند، با بندگان خود به
۸۰۹	خشم آغاز نمی‌کند.....
۵-۲۰-۲-۹	تعلیم.....
۸۰۹	
۵-۲۰-۳	حکمت.....
۸۰۹	
۵-۲۰-۴	درک عمیق.....
۸۰۹	
۵-۲۱	کم‌اهمیت دانستن دنیا و مصائبش و نیز ابلیس و آفریدگان.....
۵-۲۲	هیبت و وقار.....
۸۱۱	
۵-۲۲-۱	هیبت.....
۸۱۱	
۵-۲۲-۲	وقار.....
۸۱۱	
۵-۲۳	خود را متهم دانستن.....
۸۱۱	
۵-۶	اهل پرهیزکاری و طعام و روزی و کلام.....
۸۱۱	
۵-۶-۱	اهل تقوا و طعام و روزی.....
۸۱۱	
۵-۶-۱-۱	خوراکشان در حدّ توشه‌برداری است.....
۸۱۳	
۵-۶-۱-۲	خوراک حلال.....
۸۱۳	
۵-۶-۱-۳	خوراک اندک.....
۸۱۳	
۵-۶-۱-۴	خوراک در حدّ ضرورت.....
۸۱۳	
۵-۶-۱-۵	در موارد شبهه‌ناک فقط به مقدار ضرورت اکتفا می‌کنند.....
۸۱۳	
۵-۶-۱-۶	گرسنگی و تشنگی.....
۸۱۳	
۵-۶-۱-۷	آن‌که امید به رحمت حق او را به تشنگی واداشته است.....
۸۱۵	
۵-۶-۱-۸	خوراکشان زیتون است.....
۸۱۵	
۵-۶-۱-۹	چیزی را نمی‌خورند مگر آنکه یقین پیدا کنند حلال است.....
۸۱۵	
۵-۶-۲	اهل تقوا و روزی.....
۸۱۵	
۵-۶-۲-۱	میانه‌روی در طلب روزی.....
۸۱۵	
۵-۶-۲-۲	طلب حلال.....
۸۱۵	
۵-۶-۳	اهل تقوا و حق.....
۸۱۵	
۵-۶-۳-۱	گفتار حق.....
۸۱۵	
۵-۶-۳-۳	پیش از حاضرشدن شاهد، خود اقرار به حق می‌نماید.....
۸۱۵	
۵-۶-۴	اهل تقوا و کلام.....
۸۱۷	
۵-۶-۴-۱	زبان پرهیزکار.....
۸۱۷	
۵-۶-۴-۲	پرهیزکاری بر قول و کلام.....
۸۱۷	
۵-۶-۴-۳	کلام برای بازگویی امر خدا.....
۸۱۷	
۵-۶-۴-۴	گفتار حق.....

﴿الفهرس﴾

٨١٦	٥-٤-٤-٥- قولُ الصَّوَابِ.....
٨١٦	٥-٤-٤-٦- قولُ السَّيِّدِ.....
٨١٦	٥-٤-٤-٧- قولُ اللَّيْنِ.....
٨١٦	٥-٤-٤-٨- صِدْقُ الْمُقَاوَلَةِ.....
٨١٨	٥-٤-٤-٩- قولُ «الْقَوْلُ قولُ الْعُلَمَاءِ» فِي التَّنَادُرِ.....
٨١٨	٥-٤-٤-١٠- قولُ «اللَّهُ وَرَسُولُهُ أَعْلَمُ» فِي مَا لَا يَعْلَمُ.....
٨١٨	٥-٤-٤-١١- لَا يَقُولُ مَا لَا بَأْسَ بِهِ حَدَارَ مَا بِهِ الْبَأْسُ.....
٨١٨	٥-٤-٤-١٢- لَا يَقُولُ مَا لَا يَعْلَمُ.....
٨١٨	٥-٤-٤-١٣- وَلْيَعْلَمْ مَا يَقُولُ.....
٨١٨	٥-٤-٤-١٤- وَلْيَنْظُرْ مَا يَقُولُ.....
٨١٨	٥-٤-٤-١٥- إِنْ صَمَتَ لَمْ يَغْمُهُ صَمْتُهُ.....
٨٢٠	٥-٤-٤-١٦- أَوْكِيَّةٌ عَلَى الْأَفْوَاهِ.....
٨٢٠	٥-٤-٤-١٧- خَزَنُ اللِّسَانِ.....
٨٢٠	٥-٤-٤-١٨- كَفُّ اللِّسَانِ.....
٨٢٠	٥-٤-٤-١٩- كَفُّ اللِّسَانِ إِلَّا مِنْ خَيْرٍ.....
٨٢٠	٥-٧- مَا وَصِيَّةُ أَهْلِ التَّقْوَى؟.....
٨٢٢	الفصلُ السَّادِسُ: مَا يَتَّقُونَ مِنْهُ أَهْلُ التَّقْوَى.....
٨٢٢	١- الإِثْمُ وَالدُّنْبُ وَالمَعْصِيَةُ وَالحَرَامُ.....
٨٢٢	١-١- الإِثْمُ.....
٨٢٢	١-١-١- الآثَامُ.....
٨٢٢	١-١-٢- المَآثِمُ.....
٨٢٢	١-١-٣- مَا يُؤْتِمُهُ.....
٨٢٢	١-١-٤- لَا يَأْتِمُ فِيمَنْ يُحِبُّ.....
٨٢٢	١-٢- البَاطِلُ.....
٨٢٤	١-٢-١- لَا يَدْخُلُ فِي الْبَاطِلِ.....
٨٢٤	١-٣- التَّجَرُّيُ.....
٨٢٤	١-٤- المُخَالَفَةُ.....
٨٢٤	١-٤-١- المُخَالَفَةُ الْمُوجِبَةُ لِلْعَذَابِ.....
٨٢٤	١-٤-٢- مَا خَالَفَ قَوْلَ رَبَّنَا تَعَالَى وَ سُنَّةَ نَبِيِّنَا مُحَمَّدٍ ﷺ.....
٨٢٤	١-٥- الحَرَامُ.....
٨٢٦	١-٥-١- مَحَارِمُ اللَّهِ.....

﴿فهرست﴾

۸۱۷.....	۵-۴-۵ سخن درست
۸۱۷.....	۵-۴-۶ سخن حق
۸۱۷.....	۵-۴-۷ سخن نرم
۸۱۷.....	۵-۴-۸ صداقت در گفتار
۸۱۹.....	۵-۴-۹ گفتن «حرف حرف دانشمندان است» در مجادله
۸۱۹.....	۵-۴-۱۰ گفتن «خدا و رسولش بهتر می‌دانند» در جایی که نمی‌داند
۸۱۹.....	۵-۴-۱۱ آنچه را که در آن مشکلی نیست نگوید، از ترس اینکه در آن چیز مشکلی باشد
۸۱۹.....	۵-۴-۱۲ در مورد چیزی که به آن علم ندارد، چیزی نگوید
۸۱۹.....	۵-۴-۱۳ بدانند چه می‌گویند
۸۱۹.....	۵-۴-۱۴ بنگرد چه می‌گویند
۸۱۹.....	۵-۴-۱۵ اگر سکوت کند سکوت غمگینش نمی‌کند
۸۲۱.....	۵-۴-۱۶ لگام‌زدن بر دهان
۸۲۱.....	۵-۴-۱۷ نگاه‌داشتن زبان
۸۲۱.....	۵-۴-۱۸ نگاه‌داشتن زبان
۸۲۱.....	۵-۴-۱۹ نگاه‌داشتن زبان جز از خیر
۸۲۱.....	۵-۷ سفارش پرهیزکاران چیست؟
۸۲۳.....	فصل ۶: آنچه اهل پرهیزکاری از آن می‌پرهیزند
۸۲۳.....	۱- عر گناه، نافرمانی، حرام
۸۲۳.....	۱-۱ عر گناه
۸۲۳.....	۱-۱-۱ عر گناهان
۸۲۳.....	۱-۱-۲ عر گناهان
۸۲۳.....	۱-۱-۳ عر آنچه او را به گناه می‌اندازد
۸۲۳.....	۱-۱-۴ عر به خاطر محبوس مرتکب گناه نمی‌شود
۸۲۳.....	۱-۲ عر باطل
۸۲۵.....	۱-۲-۱ عر در باطل داخل نمی‌شود
۸۲۵.....	۱-۳ عر جسارت
۸۲۵.....	۱-۴ عر مخالفت
۸۲۵.....	۱-۴-۱ عر مخالفتی که موجب عذاب شود
۸۲۵.....	۱-۴-۲ عر آنچه مخالف قول پروردگار و سنت پیامبر ﷺ ما باشد
۸۲۵.....	۱-۵ عر حرام
۸۲۷.....	۱-۵-۱ عر محرّمات الهی

﴿الفهرس﴾

٨٣٢	١-٥-٢-٦-المُحَرَّمَاتُ.....
٨٣٢	١-٥-٣-٦-مَا حَرَّمَ اللَّهُ.....
٨٣٤	١-٥-٤-٦-الْبُيُوتُ فِي الْحَرَامِ.....
٨٣٤	١-٦-١-الدُّنْيَا.....
٨٣٤	١-٦-٧-الدُّنُوبُ.....
٨٣٦	١-٧-١-٦-أَنْوَاعُ الدُّنُوبِ الْمُؤَبَّاتِ.....
٨٣٦	١-٧-٢-٦-الدُّنُوبُ الَّتِي قَلَّ مَا أَصَرَ عَلَيْهَا صَاحِبُهَا إِلَّا آدَاهُ إِلَى الْخِذْلَانِ.....
٨٣٦	١-٧-٣-٦-الْمُحَرَّمَاتُ مِنَ الدُّنُوبِ.....
٨٣٦	١-٧-٤-٦-الْهَمُّ بِالذَّنْبِ.....
٨٣٦	١-٨-٦-الزَّلَّةُ.....
٨٣٦	١-٩-٦-مَا يُسْخِطُ اللَّهُ.....
٨٣٨	١-١٠-٦-السَّيِّئَاتُ.....
٨٣٨	١-١١-٦-الشر.....
٨٣٨	١-١١-١-٦-مُذْبِرُ شَرِّهِ.....
٨٣٨	١-١١-٢-٦-إِلَّا مِنْ خَيْرٍ.....
٨٣٨	١-١٢-٦-الشَّهَوَاتُ.....
٨٤٠	١-١٢-١-٦-مَيْتَةُ شَهْوَتِهِ.....
٨٤٠	١-١٢-٢-٦-تَأْخِيرُ الشَّهَوَاتِ.....
٨٤٠	١-١٢-٣-٦-الْإِبْرَادُ بِالشَّهَوَاتِ.....
٨٤٠	١-١٢-٤-٦-شَهْوَةُ اللِّسَانِ وَالْبَطْنِ وَالْفَرْجِ.....
٨٤٢	١-١٣-٦-مَدَارِجُ الشَّيْطَانِ.....
٨٤٢	١-١٤-٦-الْإِصْرَارُ عَلَى الذَّنْبِ.....
٨٤٢	١-١٥-٦-الطُّغْيَانُ.....
٨٤٢	١-١٦-٦-المَعَاصِي.....
٨٤٦	١-١٦-١-٦-إِيَّاكَ أَنْ يَرَاكَ اللَّهُ تَعَالَى عِنْدَ مَعْصِيَتِهِ.....
٨٤٦	١-١٧-٦-الْعَارُ.....
٨٤٦	١-١٨-٦-الْعِيْبَةُ.....
٨٤٦	١-١٩-٦-الفَوَاحِشُ.....
٨٤٦	١-٢٠-٦-الْفَسَادُ.....
٨٤٨	١-٢١-٦-الْقَيْحُ.....
٨٤٨	١-٢٢-٦-الْكِبَائِرُ.....

﴿فهرست﴾

۸۳۳.....	۱-۵-۲-ع-محرمات.....
۸۳۳.....	۱-۵-۳-ع-محرمات.....
۸۳۵.....	۱-۵-۴-ع-پایه‌گذاری در حرام.....
۸۳۵.....	۱-۶-ع-پستی‌ها.....
۸۳۵.....	۱-۷-ع-گناهان.....
۸۳۷.....	۱-۷-۱-ع-انواع گناه هلاک‌کننده.....
۸۳۷.....	۱-۷-۲-ع-گناهانی که اصرار بر اندک آن هم به خواری می‌کشاند.....
۸۳۷.....	۱-۷-۳-ع-گناهان کوچک.....
۸۳۷.....	۱-۷-۴-ع-اراده‌ی گناه.....
۸۳۷.....	۱-۸-ع-لغزش.....
۸۳۷.....	۱-۹-ع-آنچه خدا را به خشم می‌آورد.....
۸۳۹.....	۱-۱۰-ع-بدی‌ها.....
۸۳۹.....	۱-۱۱-ع-بدی.....
۸۳۹.....	۱-۱۱-۱-ع-بدی‌اش پشت کرده است.....
۸۳۹.....	۱-۱۱-۲-ع-جز خیر.....
۸۳۹.....	۱-۱۲-ع-شهوات.....
۸۴۱.....	۱-۱۲-۱-ع-شهوتش مرده است.....
۸۴۱.....	۱-۱۲-۲-ع-به تأخیرانداختن امیال و لذات.....
۸۴۱.....	۱-۱۲-۳-ع-واردشدن در شهوات.....
۸۴۱.....	۱-۱۲-۴-ع-شهوت زبان و شکم و شهوت جنسی.....
۸۴۳.....	۱-۱۳-ع-راه‌های شیطان.....
۸۴۳.....	۱-۱۴-ع-اصرار بر گناه.....
۸۴۳.....	۱-۱۵-ع-سرکشی.....
۸۴۳.....	۱-۱۶-ع-نافرمانی.....
۸۴۷.....	۱-۱۶-۱-ع-مبادا خدا تو را در حال انجام معصیتش ببیند.....
۸۴۷.....	۱-۱۷-ع-ننگ.....
۸۴۷.....	۱-۱۸-ع-عیب.....
۸۴۷.....	۱-۱۹-ع-زشتی.....
۸۴۷.....	۱-۲۰-ع-فساد.....
۸۴۹.....	۱-۲۱-ع-زشتی.....
۸۴۹.....	۱-۲۲-ع-گناهان بزرگ.....

﴿الفهرس﴾

٨٤٨.....	٢٣-١-٦- المنكرُ
٨٤٨.....	٢٤-١-٦- المناهى
٨٤٨.....	٢٥-١-٦- ما نهاكم عنه
٨٥٠.....	٢٦-١-٦- اللذاتُ
٨٥٠.....	٢٧-١-٦- الموبقاتُ
٨٥٠.....	٢٨-١-٦- ما تستحي من إظهاره فى علانيتك
٨٥٠.....	٢-٦- الشبهاتُ وما لا بأس به
٨٥٠.....	١-٢-٦- الشبهاتُ
٨٥٢.....	١-٢-٢-١- مشتبهاتُ الأمور
٨٥٢.....	٢-٢-١-٢- الدخولُ فى الشهة
٨٥٢.....	٣-٢-١-٢- تقحمُ الشبهاتُ
٨٥٢.....	٢-٢-٢- الريبُ
٨٥٢.....	١-٢-٢-٢- الريبةُ
٨٥٤.....	٢-٢-٢-٢- مواقفُ الريبِ
٨٥٤.....	٣-٢-٢-٢- ما لا بأس به
٨٥٤.....	١-٢-٣-٢- ما لا بأس به حذوا مما به البأس
٨٥٤.....	٢-٢-٣-٢- ما لا بأس به حذار ما به البأس
٨٥٤.....	٣-٢-٣-٢- ما لا يبقى منه
٨٥٤.....	٣-٦- الغفلةُ، سكرُ النعمة، النسيانُ، السفاهةُ
٨٥٤.....	١-٣-٦- الغفلةُ
٨٥٤.....	٢-٣-٦- سكراتُ النعمة
٨٥٦.....	٣-٦- النسيانُ
٨٥٦.....	٤-٣-٦- نسيانُ ما ذكر
٨٥٦.....	٥-٣-٦- تسلطُ السفه
٨٥٦.....	٤-٦- التفريطُ
٨٥٦.....	١-٤-٦- الفقدُ عند طاعته
٨٥٦.....	٢-٤-٦- لا يعنى
٨٥٨.....	٣-٤-٦- البطالةُ
٨٥٨.....	٤-٤-٦- إضاعةُ ما استُحفظ
٨٥٨.....	٥-٤-٦- العجز
٨٥٨.....	٥-٦- الدنيا، الحرصُ والشحُّ والطمعُ والتكاثرُ

﴿فهرست﴾

۸۴۹.....	۱-۲۳-۶-بدی
۸۴۹.....	۱-۲۴-۶-آنچه از آن‌ها نهی شده است
۸۴۹.....	۱-۲۵-۶-آنچه از آن نهی شده‌اید
۸۵۱.....	۱-۲۶-۶-لذات
۸۵۱.....	۱-۲۷-۶-هلاک‌کننده‌ها
۸۵۱.....	۱-۲۸-۶-آنچه از انجام آشکارش شرم می‌کنی
۸۵۱.....	۲-شبهات و حتی آنچه مشکل ندارد
۸۵۱.....	۲-۱-شبهات
۸۵۳.....	۲-۱-۱-امور شبهه‌ناک
۸۵۳.....	۲-۱-۲-داخل شدن در شبهات
۸۵۳.....	۲-۱-۳-دراقتادن در شبهات
۸۵۳.....	۲-۲-شک
۸۵۳.....	۲-۲-۱-شک
۸۵۵.....	۲-۲-۲-جایگاه‌های شک
۸۵۵.....	۲-۲-۳-بی‌اشکال
۸۵۵.....	۲-۳-۱-آنچه بی‌اشکال است از ترس آنچه اشکال دارد
۸۵۵.....	۲-۳-۲-آنچه بی‌اشکال است از ترس آنچه اشکال دارد
۸۵۵.....	۲-۳-۳-آنچه از آن پرهیز نمی‌شود
۸۵۵.....	۳-غفلت، مستی، نعمت، فراموشی، مسلط شدن نادانی
۸۵۵.....	۳-۱-غفلت
۸۵۵.....	۳-۲-مستی، نعمت
۸۵۷.....	۳-۳-فراموشی
۸۵۷.....	۳-۴-فراموش کردن آنچه به یادش آرند
۸۵۷.....	۳-۵-مسلط شدن نادانی
۸۵۷.....	۴-کم‌کاری
۸۵۷.....	۴-۱-یافت نشدن هنگام فرمانبرداری
۸۵۷.....	۴-۲-بی‌معنی
۸۵۹.....	۴-۳-بیهودگی
۸۵۹.....	۴-۴-ضایع کردن آنچه باید حفظ کند
۸۵۹.....	۴-۵-ناتوانی
۸۵۹.....	۵-دنیا، حرص، طمع، زیاده‌طلبی

﴿الفِہْرِسُ﴾

٥-١-٤ الدُّنْيَا.....

٥-١-١ أَهْلُ الدُّنْيَا.....

٥-١-٢ هَمُّ الدُّنْيَا.....

٥-١-٣ إِرَادَةُ الدُّنْيَا.....

٥-١-٤ الغَلْبَةُ عَلَى شَيْءٍ مِنَ الدُّنْيَا.....

٥-١-٥ حُبُّ الدُّنْيَا، حَرَامُهَا وَشَبْهَاتُهَا.....

٥-١-٦ غُرُورُ الدُّنْيَا.....

٥-١-٧ لَيْسَتْ الدُّنْيَا بِدَارِ الْمُتَّقِينَ.....

٥-١-٨ الْوَحْشَةُ مِنَ الدُّنْيَا.....

٥-١-٩ هَانَ عَلَيْهِ الدُّنْيَا وَإِبْلِيسُ وَالْخُلُقُ.....

٥-١-١٠ هَانَ عَلَيْهِ مَصَائِبُ الدُّنْيَا.....

٥-٢ الجَرْصُ.....

٥-٣ شَحُّ النَّفْسِ.....

٥-٤ الطَّمَعُ.....

٥-٤-١ كَثْرَةُ الطَّمَعِ.....

٥-٤-٢ مَذَلَّةُ الطَّمَعِ.....

٥-٥ التَّكَاثُرُ.....

٥-٦ الْغَىٰ وَ الْخُرُوجُ مِنْ الْحَقِّ.....

٥-٦-١ الْغَىٰ.....

٥-٦-٢ الْخُرُوجُ مِنْ الْحَقِّ.....

٥-٧ تَجَاهَ اللَّهُ وَالرَّسُولَ ﷺ.....

٥-٧-١ التَّمَثَّلُ بِالرَّبِّ.....

٥-٧-٢ إِثَارُ أَحَدٍ عَلَى رِضَى اللَّهِ وَهُوَ.....

٥-٧-٣ الْبِدْعُ.....

٥-٧-٤ مَحَبَّةٌ غَيْرَ اللَّهِ.....

٥-٧-٥ الرِّيَاءُ.....

٥-٧-٦ التَّكَلُّفُ.....

٥-٧-٧ الشَّرْكُ.....

٥-٧-٨ أَنْوَاعُ الْكُفْرِ.....

٥-٧-٩ كُفْرَانُ النِّعَمِ.....

٥-٧-١٠ مَنْ يَقْطَعُهُ عَنِ اللَّهِ.....

﴿فهرست﴾

۸۵۹.....	۵-۱-۶ دنیا.....
۸۵۹.....	۵-۱-۱-۱ عـ اهل دنیا.....
۸۶۱.....	۵-۱-۲-۱ عـ مهم شمردن دنیا.....
۸۶۱.....	۵-۱-۳-۱ عـ دنیاخواهی.....
۸۶۱.....	۵-۱-۴-۱ عـ غلبه بر چیزی از دنیا.....
۸۶۱.....	۵-۱-۵-۱ عـ دوستی دنیا، حرام آن و شبهات آن.....
۸۶۱.....	۵-۱-۶-۱ عـ فریب دنیا.....
۸۶۱.....	۵-۱-۷-۱ عـ دنیا خانه‌ی پرهیزکاران نیست.....
۸۶۱.....	۵-۱-۸-۱ عـ رمیدن از دنیا.....
۸۶۳.....	۵-۱-۹-۱ عـ دنیا و ابلیس و آفریدگان نزد او کم‌اهمیت‌اند.....
۸۶۳.....	۵-۱-۱۰-۱ عـ گرفتاری‌های دنیا نزد او کم‌اهمیت است.....
۸۶۳.....	۵-۲-۱ عـ حرص.....
۸۶۳.....	۵-۳-۱ عـ زیاده‌خواهی نفس.....
۸۶۳.....	۵-۴-۱ عـ طمع.....
۸۶۵.....	۵-۴-۱-۱ عـ فراوانی طمع.....
۸۶۵.....	۵-۴-۲-۱ عـ خواری طمع.....
۸۶۵.....	۵-۵-۱ عـ زیاده‌طلبی.....
۸۶۵.....	۵-۶-۱ عـ گمراهی و خارج شدن از جاده‌ی حق.....
۸۶۵.....	۵-۶-۱-۱ عـ گمراهی.....
۸۶۵.....	۵-۶-۲-۱ عـ خارج شدن از جاده‌ی حق.....
۸۶۵.....	۵-۷-۱ عـ در مقابل خدا و پیامبر ﷺ.....
۸۶۵.....	۵-۷-۱-۱ عـ تصوّر شکل برای خدا.....
۸۶۵.....	۵-۷-۲-۱ عـ ترجیح‌دادن کسی بر رضایت خدا و میل او.....
۸۶۷.....	۵-۷-۳-۱ عـ بدعت.....
۸۶۷.....	۵-۷-۴-۱ عـ دوست‌داشتن غیر خدا.....
۸۶۷.....	۵-۷-۵-۱ عـ ریا.....
۸۶۷.....	۵-۷-۶-۱ عـ تکلف.....
۸۶۷.....	۵-۷-۷-۱ عـ شرک.....
۸۶۹.....	۵-۷-۸-۱ عـ انواع کفر.....
۸۶۹.....	۵-۷-۹-۱ عـ کفران نعمت.....
۸۶۹.....	۵-۷-۱۰-۱ عـ آنچه او را از خدا باز دارد.....

﴿الفهرس﴾

- ٨٦٨-١١-٦- إستهزاء الدين والوهن بالأمر.....
- ٨٧٠-١٢-٦- التقدّم بين يدي الله ورسوله.....
- ٨٧٠-١٣-٦- كتمان أمر محمد ﷺ وأمر وصيه علي عليه السلام.....
- ٨٧٠-١٤-٦- أن يكون من الدين لا دين لهم.....
- ٨٧٠-١٥-٦- أن يكون من الدين لا يرجو لله وقاراً.....
- ٨٧٠-٨-٦- تجاه الناس.....
- ٨٧٠-٨-١- مفضية الوالدين.....
- ٨٧٠-٨-٢- الظلم بالزوجة.....
- ٨٧٠-٨-٣- قطيعة الرحم.....
- ٨٧٢-٨-٤- الإضرار بالجار.....
- ٨٧٢-٨-٥- التقصير في حقوق إخوانكم المؤمنين.....
- ٨٧٢-٨-٦- ستر العلوم عن أهلها المستحقين لها.....
- ٨٧٢-٨-٧- مجالسة من يشكك عليه الواضح.....
- ٨٧٢-٨-٨- مصاحبة مستحق الدين.....
- ٨٧٢-٨-٩- طاعة الكافرين والمنافقين.....
- ٨٧٢-٨-١٠- ولاية الطواغيت.....
- ٨٧٢-٨-١١- الأذى.....
- ٨٧٢-٨-١١-١- أذى المؤمنين.....
- ٨٧٤-٨-١١-٢- أذى الناس.....
- ٨٧٤-٨-١٢- البخس.....
- ٨٧٤-٨-١٣- الحسد.....
- ٨٧٤-٨-١٤- خفر العهد.....
- ٨٧٤-٨-١٥- المخاصمة.....
- ٨٧٤-٨-١٦- العداوة.....
- ٨٧٤-٨-١٦-١- مهابط العدو أن.....
- ٨٧٦-٨-١٧- الغضب.....
- ٨٧٦-٨-١٨- تشفى الغيظ.....
- ٨٧٦-٨-١٩- الظلم والبغى والجور والحمية.....
- ٨٧٦-٨-١٩-١- الظلم.....
- ٨٧٦-٨-١٩-٢- البغى.....
- ٨٧٦-٨-١٩-٣- الجور.....

﴿فهرست﴾

۸۶۹.....	۷-۱۱-ع به سخره گرفتن دین و سبک شمردن آن.....
۸۷۱.....	۷-۱۲-ع پیشی گرفتن از خدا و پیامبر ﷺ.....
۸۷۱.....	۱-۱۳-ع مخفی نگاه داشتن امر پیامبر ﷺ و جانشین او.....
۸۷۱.....	۱-۱۴-ع قراردادن در میان آنان که دین ندارند.....
۸۷۱.....	۱-۱۵-ع قراردادن در میان آنان که برای خدا عظمت قائل نیستند.....
۸۷۱.....	۸-ع در مقابل مردم.....
۸۷۱.....	۸-۱-ع نافرمانی پدر و مادر.....
۸۷۱.....	۸-۲-ع ظلم به همسر.....
۸۷۱.....	۸-۳-ع قطع رحم.....
۸۷۳.....	۸-۴-ع زیان زدن به همسایه.....
۸۷۳.....	۸-۵-ع کوتاهی در ادای حقوق برادران مؤمن.....
۸۷۳.....	۸-۶-ع مخفی کردن دانش از افراد سزاوار.....
۸۷۳.....	۸-۷-ع همنشینی با کسی که وضاحت را برای تو مشکل می کند.....
۸۷۳.....	۸-۸-ع دوستی با کسانی که دین را سبک می شمردند.....
۸۷۳.....	۸-۹-ع فرمان بری از کافران و منافقان.....
۸۷۳.....	۸-۱۰-ع ولایت پذیری طاغوت.....
۸۷۳.....	۸-۱۱-ع آزار.....
۸۷۳.....	۸-۱۱-۱-ع آزار مؤمنین.....
۸۷۵.....	۸-۱۱-۲-ع آزار مردم.....
۸۷۵.....	۸-۱۲-ع کوتاهی نگارنده در قراردادهای مالی.....
۸۷۵.....	۸-۱۳-ع حسادت.....
۸۷۵.....	۸-۱۴-ع عهد شکنی.....
۸۷۵.....	۸-۱۵-ع مجادله.....
۸۷۵.....	۸-۱۶-ع دشمنی.....
۸۷۵.....	۸-۱۶-۱-ع راه های دشمنی.....
۸۷۷.....	۸-۱۷-ع خشم.....
۸۷۷.....	۸-۱۸-ع بیرون ریختن خشم.....
۸۷۷.....	۸-۱۹-ع ظلم و سرکشی و جور و حمایت نابجا.....
۸۷۷.....	۸-۱۹-۱-ع ظلم.....
۸۷۷.....	۸-۱۹-۲-ع سرکشی.....
۸۷۷.....	۸-۱۹-۳-ع جور.....

﴿الفهرس﴾

٨٧٦	٤-١٩-٨-٦- الحَمِيَّةُ.....
٨٧٨	٥-١٩-٨-٦- الحيفُ عَلَى مَنْ يُبْعَضُ.....
٨٧٨	٢٠-٨-٦- الغشُ.....
٨٧٨	٢١-٨-٦- الكِبَرُ.....
٨٧٨	١-٢١-٨-٦- طَلَبُ الْعِزَّةِ وَالْعُلُوِّ عِنْدَ النَّاسِ.....
٨٧٨	٢-٢١-٨-٦- الْعِظَمَةُ.....
٨٧٨	٣-٢١-٨-٦- التَّفَاخُرُ.....
٨٧٨	٤-٢١-٨-٦- الْمُبَاهَاةُ مَعَ النَّاسِ.....
٨٨٠	٢٢-٨-٦- الْمَكْرُ.....
٨٨٠	١-٢٢-٨-٦- الْخَدِيعَةُ.....
٨٨٠	٢-٢٢-٨-٦- الْغُرُورُ.....
٨٨٠	١-٢-٢٢-٨-٦- غُرُورُ الدُّنْيَا.....
٨٨٠	٩-٦- تَجَاهُ النَّفْسِ.....
٨٨٠	١-٩-٦- الْأَمَلُ.....
٨٨٠	١-١-٩-٦- بَاطِلُ الْأَمَلِ.....
٨٨٠	٢-١-٩-٦- خِدَاعُ الْأَمَالِ.....
٨٨٢	٢-٩-٦- إعطاءُ سُؤْلِ النَّفْسِ، الرَّغْبَةِ وَالرَّهْبَةِ، تَذْيِيرُ الْعَبْدِ لِنَفْسِهِ.....
٨٨٢	١-٢-٩-٦- إعطاءُ سُؤْلِ النَّفْسِ.....
٨٨٢	٢-٢-٩-٦- الرَّغْبَةُ وَالرَّهْبَةُ.....
٨٨٢	٣-٢-٩-٦- تَذْيِيرُ الْعَبْدِ لِنَفْسِهِ.....
٨٨٢	٣-٩-٦- تَرْكِيَةُ النَّفْسِ، الرِّضَا مِنْ أَعْمَالِهِمُ الْقَلِيلِ، إِسْتِكْثَارُ الْكَثِيرِ، رُؤْيَةُ مَا خَوَّلَهُ اللَّهُ مُلْكاً.....
٨٨٢	١-٣-٩-٦- تَرْكِيَةُ النَّفْسِ.....
٨٨٢	٢-٣-٩-٦- الرِّضَا مِنْ أَعْمَالِهِمُ الْقَلِيلِ.....
٨٨٢	٣-٣-٩-٦- إِسْتِكْثَارُ الْكَثِيرِ.....
٨٨٢	٤-٣-٩-٦- رُؤْيَةُ مَا خَوَّلَهُ اللَّهُ مُلْكاً.....
٨٨٤	٤-٩-٦- مُعَارَضَةُ مِنَ الْعِلْمِ مَا لَا يَحْتَمِلُ قَلْبُهُ، الْقِيَاسُ.....
٨٨٤	١-٤-٩-٦- مُعَارَضَةُ مِنَ الْعِلْمِ مَا لَا يَحْتَمِلُ قَلْبُهُ وَلَا يَتَفَهَّمُهُ مِنْ قَائِلٍ.....
٨٨٤	٢-٤-٩-٦- الْقِيَاسُ.....
٨٨٤	١٠-٦- مَعَاصِي الْبَطْنِ وَالْفَرْجِ.....
٨٨٤	١-١٠-٦- مُوَآكَلَةُ التَّقْوَى.....

﴿فهرست﴾

۸۷۷.....	۸-۱۹-۴ عر تعصّب نابجا.....
۸۷۹.....	۸-۱۹-۵ عر ستم بر آن که مورد بغض است.....
۸۷۹.....	۸-۲۰ عر ناراستی.....
۸۷۹.....	۸-۲۱ عر کبر.....
۸۷۹.....	۸-۲۱-۱ عر عزّت طلبی از مردم.....
۸۷۹.....	۸-۲۱-۲ عر بزرگی.....
۸۷۹.....	۸-۲۱-۳ عر فخر فروشی.....
۸۷۹.....	۸-۲۱-۴ عر تفاخر نزد مردم.....
۸۸۱.....	۸-۲۲ عر مکر.....
۸۸۱.....	۸-۲۲-۱ عر نیرنگ.....
۸۸۱.....	۸-۲۲-۲ عر فریب.....
۸۸۱.....	۸-۲۲-۲-۱ عر فریب دنیا.....
۸۸۱.....	۹- عر در مقابل خود.....
۸۸۱.....	۹-۱ عر آرزو.....
۸۸۱.....	۹-۱-۱ عر آرزوی باطل.....
۸۸۱.....	۹-۱-۲ عر آرزوی فریبنده.....
۸۸۳.....	۹-۲ عر دادن خواسته‌ی نفس، میل و ترس، تدبیر بنده بر خود.....
۸۸۳.....	۹-۲-۱ عر دادن خواسته‌ی نفس.....
۸۸۳.....	۹-۲-۲ عر میل و ترس.....
۸۸۳.....	۹-۲-۳ عر تدبیر کردن.....
۸۸۳.....	۹-۳ عر پاک دانستن خود، رضایت از اعمال کم خود، زیاددانستن اعمال، عطایای دنیوی را ثروت دانستن.....
۸۸۳.....	۹-۳-۱ عر پاک دانستن خود.....
۸۸۳.....	۹-۳-۲ عر رضایت از اعمال کم خود.....
۸۸۳.....	۹-۳-۳ عر زیاددانستن اعمال.....
۸۸۳.....	۹-۳-۴ عر عطایای دنیوی را ثروت دانستن.....
۸۸۵.....	۹-۴ عر معارضه‌ی علمی فراتر از ظرفیت خود، قیاس.....
۸۸۵.....	۹-۴-۱ عر معارضه‌ی علمی فراتر از ظرفیت خود.....
۸۸۵.....	۹-۴-۲ عر قیاس.....
۸۸۵.....	۱۰- عر گناهان مربوط به شکم و شهوترانی.....
۸۸۵.....	۱۰-۱ عر از طریق تقوا نان خوردن.....

﴿الفهرس﴾

٨٨٤	١٠-٢-٦- الفَقَّاعُ
٨٨٤	١٠-٣-٦- الزَّنا
٨٨٤	١١-٦- معاصي اللسان
٨٨٤	١١-١-٦- جدال كل مفتون
٨٨٤	١١-٢-٦- حديث الغير
٨٨٤	١١-٣-٦- خضوع القول في النساء
٨٨٤	١١-٤-٦- الدعوى - إن كان مُطِلاً -
٨٨٤	١١-٥-٦- الإدعاء ما ليس له بحق
٨٨٤	١١-٦-٦- الشتمات بالمصائب
٨٨٤	١١-٧-٦- إظهار أسرار الله و إذاعة الحديث
٨٨٤	١١-٧-١-٦- إظهار أسرار الله
٨٨٨	١١-٧-٢-٦- إذاعة الحديث
٨٨٨	١١-٨-٦- الضحك مع أغلى الصوت
٨٨٨	١١-٩-٦- اغتيال المؤمنين
٨٨٨	١١-١٠-٦- الفحش
٨٨٨	١١-١١-٦- القذف
٨٨٨	١١-١٢-٦- القول بما لا يعلم
٨٨٨	١١-١٣-٦- الكذب
٨٩٠	١١-١٤-٦- تكذيب الله
٨٩٠	١١-١٥-٦- اللسان
٨٩٠	١١-١٦-٦- اللعن
٨٩٠	١١-١٧-٦- المرأ
٨٩٠	١١-١٨-٦- التنابز بالألقاب
٨٩٠	١١-١٩-٦- النميمة
٨٩٠	١١-٢٠-٦- اليمين الكاذبة
٨٩٢	١٢-٦- معاصي المال
٨٩٢	١٢-١-٦- البخل
٨٩٢	١٢-٢-٦- الربا
٨٩٢	١٢-٣-٦- طلب الرزق
٨٩٢	١٢-٤-٦- المطالب
٨٩٢	١٢-٥-٦- أن يرى العبد لنفسه فيما خوله الله ملكاً

﴿فهرست﴾

۸۸۵.....	۱۰-۲-عـ آجـو.....
۸۸۵.....	۱۰-۳-عـ زنا.....
۸۸۵.....	۱۱-عـ گناهان زبان.....
۸۸۵.....	۱۱-۱-عـ جدال با خودشیفته.....
۸۸۷.....	۱۱-۲-عـ سخن گفتن درباره‌ی دیگری.....
۸۸۷.....	۱۱-۳-عـ هوس‌انگیز سخن گفتن زنان.....
۸۸۷.....	۱۱-۴-عـ ادّعی باطل.....
۸۸۷.....	۱۱-۵-عـ ادّعی ناحق.....
۸۸۷.....	۱۱-عـ شماتت مصیبت‌دیده.....
۸۸۷.....	۱۱-۷-عـ آشکارکردن اسرار الهی، فاش کردن حدیث اهل بیت علیهم‌السلام
۸۸۷.....	۱۱-۷-۱-عـ آشکارکردن اسرار الهی.....
۸۸۹.....	۱۱-۷-۲-عـ فاش کردن حدیث اهل بیت علیهم‌السلام
۸۸۹.....	۱۱-۸-عـ خنده با صدای بلند.....
۸۸۹.....	۱۱-۹-عـ غیبت مؤمنین.....
۸۸۹.....	۱۱-۱۰-عـ فحش.....
۸۸۹.....	۱۱-۱۱-عـ اتهام به بی‌عفتی.....
۸۸۹.....	۱۱-۱۲-عـ سخن گفتن نسبت به آنچه نمی‌داند.....
۸۸۹.....	۱۱-۱۳-عـ دروغ.....
۸۹۱.....	۱۱-۱۴-عـ دروغ‌دانستن اوامر خدا.....
۸۹۱.....	۱۱-۱۵-عـ زبان.....
۸۹۱.....	۱۱-۱۶-عـ لعن.....
۸۹۱.....	۱۱-۱۷-عـ مجادله.....
۸۹۱.....	۱۱-۱۸-عـ نسبت بد دادن.....
۸۹۱.....	۱۱-۱۹-عـ سخن‌چینی.....
۸۹۱.....	۱۱-۲۰-عـ سوگند دروغ.....
۸۹۳.....	۱۲-عـ گناهان مالی.....
۸۹۳.....	۱۲-۱-عـ بخل.....
۸۹۳.....	۱۲-۲-عـ ربا.....
۸۹۳.....	۱۲-۳-عـ به دنبال روزی بودن.....
۸۹۳.....	۱۲-۴-عـ درخواست از دیگران.....
۸۹۳.....	۱۲-۵-عـ عطایای دنیوی را ثروت پنداشتن.....

﴿الفهرس﴾

٨٩٢.....	٦-١٢-٦- مَالُ الْغَيْرِ
٨٩٦.....	الفصل السابع: دَرَجَاتُ التَّقْوَى وَ الْمُتَّقِينَ
٨٩٦.....	٧-١- التَّقْوَى ذُو دَرَجَاتٍ
٨٩٦.....	٧-٢- أَحَبُّ الْإِخْوَانِ عَلَى قَدَرِ التَّقْوَى
٨٩٦.....	٧-٣- تَقْوَى الْعَامِّ، تَقْوَى الْخَاصِّ، تَقْوَى خَاصِّ الْخَاصِّ
٨٩٨.....	٧-٤- تَقْوَى خَاصٍّ وَ عَامٍّ
٨٩٨.....	٧-٥- تَقْوَى السِّرِّ وَ الْعَلَانِيَةِ
٨٩٨.....	٧-٦- تَقْوَى الْقَلْبِ
٨٩٨.....	٧-٧- تَقْوَى النَّفْسِ
٩٠٠.....	٧-٨- تَقْوَى تَنْفَعُهُ
٩٠٠.....	٧-٩- تَقْوَى لَا تَنْفَعُ
٩٠٠.....	٧-١٠- تَقْوَى مُؤَمِّلُ ثَوَابِهِ وَ خَافِ عِقَابِهِ
٩٠٠.....	٧-١١- تَقِيَّةُ ذِي لُبٍّ
٩٠٠.....	٧-١٢- اسْتِشْعَارُ التَّقْوَى
٩٠٠.....	٧-١٣- إِشْعَارُ التَّقْوَى
٩٠٠.....	٧-١٤- أَصْلُ الْوَرَعِ
٩٠٢.....	٧-١٥- أَوَّلُ دَرَجَةِ التَّقَى
٩٠٢.....	٧-١٦- بَعْضُ التَّقَى
٩٠٢.....	٧-١٧- تَثْبِيْتُ عَلَى التَّقْوَى
٩٠٢.....	٧-١٨- تَمَامُ التَّقْوَى
٩٠٢.....	٧-١٩- جُرُصٌ فِي تَقْوَى
٩٠٢.....	٧-٢٠- حُسْنُ التَّقْوَى
٩٠٤.....	٧-٢١- حُسْنُ الْوَرَعِ
٩٠٤.....	٧-٢٢- حَسَنُ الْوَرَعِ
٩٠٤.....	٧-٢٣- أَحْسَنُ الْوَرَعِ
٩٠٤.....	٧-٢٤- حَقُّ تَقَاتِهِ
٩٠٦.....	٧-٢٥- حَقِيقَةُ الْوَرَعِ
٩٠٦.....	٧-٢٦- دَائِمُ تَقْوَى
٩٠٦.....	٧-٢٧- دَقِيقُ الْوَرَعِ
٩٠٦.....	٧-٢٨- أَرْفَعُ دَرَجَاتِ الْمُتَّقِينَ
٩٠٨.....	٧-٢٩- مَزِيدُ التَّقْوَى

﴿فهرست﴾

۸۹۳.....	۱۲-۶- عر مال دیگران.....
۸۹۷.....	فصل ۷: درجات پرهیزکاری و طبقات پرهیزکاران.....
۸۹۷.....	۷-۱- پرهیزکاری دارای درجات است.....
۸۹۷.....	۷-۲- برادران را بر مبنای پرهیزکاری شان دوست بدار.....
۸۹۷.....	۷-۳- پرهیزکاری عام، پرهیزکاری خاص، پرهیزکاری خاص الخاص.....
۸۹۹.....	۷-۴- پرهیزکاری خاص و عام.....
۸۹۹.....	۷-۵- پرهیزکاری نهان و آشکار.....
۸۹۹.....	۷-۶- پرهیزکاری قلب.....
۸۹۹.....	۷-۷- پرهیزکاری نفس.....
۹۰۱.....	۷-۸- پرهیزکاری سودمند.....
۹۰۱.....	۷-۹- پرهیزکاری پایان ناپذیر.....
۹۰۱.....	۷-۱۰- پرهیزکاری ای که امید پاداشش می رود و بیم عذابش.....
۹۰۱.....	۷-۱۱- پرهیزکاری خردمندان.....
۹۰۱.....	۷-۱۲- همراه بودن با پرهیزکاری.....
۹۰۱.....	۷-۱۳- همراه بودن با پرهیزکاری.....
۹۰۱.....	۷-۱۴- ریشه ی پرهیزکاری.....
۹۰۳.....	۷-۱۵- اولین درجه ی پرهیزکاری.....
۹۰۳.....	۷-۱۶- بخشی از پرهیزکاری.....
۹۰۳.....	۷-۱۷- تثبیت بر پرهیزکاری.....
۹۰۳.....	۷-۱۸- تمامیت پرهیزکاری.....
۹۰۳.....	۷-۱۹- حرص بر پرهیزکاری.....
۹۰۳.....	۷-۲۰- حسن پرهیزکاری.....
۹۰۵.....	۷-۲۱- حسن ورع.....
۹۰۵.....	۷-۲۲- دارای ورع نیکو.....
۹۰۵.....	۷-۲۳- نیکوترین ورع.....
۹۰۵.....	۷-۲۴- حق پرهیزکاری.....
۹۰۷.....	۷-۲۵- حقیقت ورع.....
۹۰۷.....	۷-۲۶- دوام پرهیزکاری.....
۹۰۷.....	۷-۲۷- پرهیزکاری دقیق.....
۹۰۷.....	۷-۲۸- بالاترین درجات پرهیزکاری.....
۹۰۹.....	۷-۲۹- افزایش پرهیزکاری.....

﴿الفهرس﴾

٩٠٨.....	٧-٣٠- إزديادُ الورعِ
٩٠٨.....	٧-٣١- سلامةُ الورعِ
٩٠٨.....	٧-٣٢- شدةُ التقوى
٩٠٨.....	٧-٣٣- شدةُ الورعِ
٩٠٨.....	٧-٣٤- شُموسُ الأتقياءِ
٩٠٨.....	٧-٣٥- صحّةُ في التقوى
٩١٠.....	٧-٣٦- صحّةُ الورعِ
٩١٠.....	٧-٣٧- صدقُ التقى
٩١٠.....	٧-٣٨- صدقُ الورعِ
٩١٠.....	٧-٣٩- صلاحُ التقوى
٩١٠.....	٧-٤٠- ما استطعتم
٩١٢.....	٧-٤١- علمُ التقوى
٩١٢.....	٧-٤٢- عمادُ الأتقياءِ
٩١٢.....	٧-٤٣- أعملُ الناسَ بالتقوى
٩١٢.....	٧-٤٤- أفضلُ الأتقياءِ
٩١٢.....	٧-٤٥- أفضلُ الورعِ
٩١٤.....	٧-٤٦- قلةُ الورعِ
٩١٤.....	٧-٤٧- قادةُ الأتقياءِ
٩١٤.....	٧-٤٨- قوةُ التقى
٩١٤.....	٧-٤٩- كثرةُ التقى
٩١٤.....	٧-٥٠- كثرةُ الورعِ
٩١٤.....	٧-٥١- كمالُ التقى
٩١٤.....	٧-٥٢- إلزامُ كلمةِ التقوى
٩١٤.....	٧-٥٣- من امتحنَ اللهُ قلبهُ للتقوى
٩١٦.....	٧-٥٤- نعمُ الورعِ
٩١٦.....	٧-٥٥- أنفعُ الورعِ
٩١٦.....	٧-٥٦- الأورعُ من الناسِ
٩١٦.....	٧-٥٧- الورعُ من الناسِ
٩١٦.....	٧-٥٨- ورعُ المؤمنِ
٩١٦.....	٧-٥٩- ورعُ المنافقِ
٩١٦.....	٧-٦٠- ورعُ راجعٍ

﴿فهرست﴾

۹۰۹.....	۷-۳۰- افزایش پرهیزکاری.....
۹۰۹.....	۷-۳۱- سلامت ورع.....
۹۰۹.....	۷-۳۲- شدّت پرهیزکاری.....
۹۰۹.....	۷-۳۳- شدّت ورع.....
۹۰۹.....	۷-۳۴- خورشیدهای پرهیزکاران.....
۹۰۹.....	۷-۳۵- صحت در پرهیزکاری.....
۹۱۱.....	۷-۳۶- صحت پرهیزکاری.....
۹۱۱.....	۷-۳۷- درستی پرهیزکاری.....
۹۱۱.....	۷-۳۸- درستی پرهیزکاری.....
۹۱۱.....	۷-۳۹- صلاح پرهیزکاری.....
۹۱۱.....	۷-۴۰- آن قدر که می‌توانید.....
۹۱۳.....	۷-۴۱- دانش پرهیزکاری.....
۹۱۳.....	۷-۴۲- ستون پرهیزکاران.....
۹۱۳.....	۷-۴۳- عامل‌ترین مردم در پرهیزکاری.....
۹۱۳.....	۷-۴۴- برترین پرهیزکاران.....
۹۱۳.....	۷-۴۵- برترین پرهیزکاری.....
۹۱۵.....	۷-۴۶- کمی پرهیزکاری.....
۹۱۵.....	۷-۴۷- پیشوای پرهیزکاران.....
۹۱۵.....	۷-۴۸- قوّت پرهیزکاری.....
۹۱۵.....	۷-۴۹- فراوانی پرهیزکاری.....
۹۱۵.....	۷-۵۰- فراوانی پرهیزکاری.....
۹۱۵.....	۷-۵۱- کمال پرهیزکاری.....
۹۱۵.....	۷-۵۲- همراه‌شدن با کلمه‌ی پرهیزکاری.....
۹۱۵.....	۷-۵۳- آن که خدا قلبش را برای پرهیزکاری آزمود.....
۹۱۷.....	۷-۵۴- پرهیزکاری خوب.....
۹۱۷.....	۷-۵۵- سودمندترین پرهیزکاری.....
۹۱۷.....	۷-۵۶- پرهیزکارترین مردم.....
۹۱۷.....	۷-۵۷- فرد پرهیزکار.....
۹۱۷.....	۷-۵۸- پرهیزکاری مؤمن.....
۹۱۷.....	۷-۵۹- پرهیزکاری منافق.....
۹۱۷.....	۷-۶۰- پرهیزکاری برتر.....

﴿الفهرس﴾

٩١٦	٧-٤١- ورع في إجمال.....
٩١٨	٧-٤٢- ورع في يقين.....
٩٢٠	الفصل الثامن: المواضع التي يؤكد فيها التقوى الكثير و يوصى به.....
٩٢٠	٨-١- على أي حال كنت عليه.....
٩٢٠	٨-١-١- في الأخذ والإعطاء.....
٩٢٠	٨-١-٢- في سرائركم و علانياتكم.....
٩٢٢	٨-١-٣- في الغنى و الفقر.....
٩٢٢	٨-١-٤- في الغيب و الشهادة.....
٩٢٢	٨-١-٥- في مقامك و مقعدك.....
٩٢٢	٨-١-٦- في عاجل أمركم و آجله.....
٩٢٢	٨-١-٧- في الدين و الدنيا و الآخرة.....
٩٢٢	٨-١-٨- العيش.....
٩٢٢	٨-١-٩- على أي حال كنت عليه.....
٩٢٤	٨-٢- في أمر الله، في خاصة نفسك، في كل شيء، في حق الناس.....
٩٢٤	٨-٢-١- في أمر الله.....
٩٢٤	٨-٢-٢- جهة ما خلقتكم له.....
٩٢٤	٨-٢-٣- في ما أنتم عنه مسئولون.....
٩٢٤	٨-٢-٤- في ما أمركم به و نهاكم عنه.....
٩٢٤	٨-٢-٥- في ما فرض عليكم.....
٩٢٤	٨-٢-٦- في ما نهاكم عنه.....
٩٢٤	٨-٢-٧- في ما يخطط الله و ما يرضيه.....
٩٢٤	٨-٢-٨- في الدين.....
٩٢٤	٨-٢-٩- في خاصة نفسك.....
٩٢٨	٨-٢-١٠- في المشي.....
٩٢٨	٨-٢-١١- في المذهب.....
٩٢٨	٨-٢-١٢- في الخلوات.....
٩٢٨	٨-٢-١٣- في كل شيء حتى عن البقاع و البهائم.....
٩٢٨	٨-٢-١٤- في حق الناس.....
٩٢٨	٨-٢-١٤-١- حديث الغير.....
٩٣٠	٨-٢-١٤-٢- أمر إخوانكم.....
٩٣٠	٨-٢-١٤-٣- أمر الخليفة.....

﴿فهرست﴾

۹۱۷.....	۷-۶۱- پرهیزکاری در میانه‌روی
۹۱۹.....	۷-۶۲- پرهیزکاری همراه با یقین
۹۲۱.....	فصل ۸: مواضعی که در آن رعایت تقوا بیشتر تأکید و سفارش شده است
۹۲۱.....	۸-۱- در همه‌ی حالات
۹۲۱.....	۸-۱-۱- در گرفتن و دادن
۹۲۱.....	۸-۱-۲- در پنهان و آشکاران
۹۲۳.....	۸-۱-۳- در حال دارایی و فقر
۹۲۳.....	۸-۱-۴- در پنهان و آشکار
۹۲۳.....	۸-۱-۵- در قیام و نشست
۹۲۳.....	۸-۱-۶- در امور حال و آینده
۹۲۳.....	۸-۱-۷- در دین و دنیا و آخرت
۹۲۳.....	۸-۱-۸- زندگی
۹۲۳.....	۸-۱-۹- در هر شرایطی که هستی
۹۲۵.....	۸-۲- مسائل مربوط به خدا، خودت، همه چیز و مردم
۹۲۵.....	۸-۲-۱- در امر خدا
۹۲۵.....	۸-۲-۲- آنچه به خاطر آن آفریده شده‌اید
۹۲۵.....	۸-۲-۳- آنچه که درباره‌ی آن مورد سؤال واقع می‌شوید
۹۲۵.....	۸-۲-۴- آنچه بدان امر شده‌اید و از آن بازداشته شده‌اید
۹۲۵.....	۸-۲-۵- آنچه بر شما واجب شده است
۹۲۵.....	۸-۲-۶- آنچه از آن نهی شده‌اید
۹۲۷.....	۸-۲-۷- آنچه خدا را به خشم می‌آورد و آنچه او را راضی می‌کند
۹۲۷.....	۸-۲-۸- دین
۹۲۷.....	۸-۲-۹- درباره‌ی خودت
۹۲۹.....	۸-۲-۱۰- روش زندگی
۹۲۹.....	۸-۲-۱۱- روش زندگی
۹۲۹.....	۸-۲-۱۲- در خلوت
۹۲۹.....	۸-۲-۱۳- درباره‌ی همه چیز حتی سرزمین‌ها و خانه‌ها و حیوانات
۹۲۹.....	۸-۲-۱۴- حق‌الناس
۹۲۹.....	۸-۲-۱۴-۱- صحبت درباره‌ی دیگران
۹۳۱.....	۸-۲-۱۴-۲- امر برادران
۹۳۱.....	۸-۲-۱۴-۳- امر معاشران

﴿الفهرس﴾

٩٣٠	 ٨٢-١٤-٤ النساء
٩٣٠	 ٨٢-١٤-٥ التيمم
٩٣٠	 ٨٣- البيع، التجارة، المال، الطبابة، الحكومة، أخذ الصدقات للوالى، المكاسب
٩٣٠	 ٨٣-١ البيع
٩٣٠	 ٨٣-٢ التجارة
٩٣٢	 ٨٣-٣ المال
٩٣٢	 ٨٣-٤ الطبابة
٩٣٢	 ٨٣-٥ الحكومة
٩٣٢	 ٨٣-٦ أخذ الصدقات
٩٣٢	 ٨٣-٧ ولاية العمل
٩٣٢	 ٨٣-٨ المكاسب
٩٣٤	 ٨٣-٩ رعاية الحدود
٩٣٤	 ٨٣-٩-١ الأكل
٩٣٤	 ٨٣-٩-٢ محارم النساء
٩٣٤	 ٨٣-٩-٣ التدائن
٩٣٤	 ٨٣-٩-٤ الشهادة
٩٣٤	 ٨٣-٩-٥ الأشهر الحرم
٩٣٤	 ٨٣-٩-٦ الصيد والذبيحة
٩٣٤	 ٨٣-٩-٧ الطلاق
٩٣٨	 ٨٣-٩-٧-١ الطلاق والرضاعة
٩٣٨	 ٨٣-٩-٧-٢ الطلاق والمهر
٩٣٨	 ٨٣-٩-٨ القصاص
٩٣٨	 ٨٣-٩-٩ إنفاذ الوصية
٩٤٠	 ٨٤- العبادات
٩٤٠	 ٨٤-١ الجمعة
٩٤٠	 ٨٤-٢ الحج والعمرة
٩٤٠	 ٨٤-٣ الإحرام
٩٤٠	 ٨٤-٤ عند الذبح
٩٤٠	 ٨٤-٥ شعائر الله
٩٤٢	 ٨٤-٦ الصيام
٩٤٢	 ٨٤-٧ عند طهارة جوارحك بالماء

﴿فهرست﴾

۹۳۱.....	۸۲-۱۴-۴ زنان
۹۳۱.....	۸۲-۱۴-۵ یتیم
۹۳۱.....	۸۳- تجارت، خرید و فروش، مال، طبابت، حکومت، دریافت حقوق بیت‌المال، کسب و کار
۹۳۱.....	۸۳-۱ خرید و فروش
۹۳۱.....	۸۳-۲ تجارت
۹۳۳.....	۸۳-۳ مال
۹۳۳.....	۸۳-۴ طبابت
۹۳۳.....	۸۳-۵ حکومت
۹۳۳.....	۸۳-۶ دریافت حقوق بیت‌المال
۹۳۳.....	۸۳-۷ کارگزار حکومت
۹۳۳.....	۸۳-۸ کسب و کار
۹۳۵.....	۸۳-۹ رعایت حدود شرعی
۹۳۵.....	۸۳-۹-۱ خوردن
۹۳۵.....	۸۳-۹-۲ زنان محرم
۹۳۵.....	۸۳-۹-۳ قرض دادن
۹۳۷.....	۸۳-۹-۴ گواهی
۹۳۷.....	۸۳-۹-۵ ماه‌های حرام
۹۳۷.....	۸۳-۹-۶ شکار و ذبح
۹۳۷.....	۸۳-۹-۷ طلاق
۹۳۹.....	۸۳-۹-۷-۱ طلاق و شیردادن
۹۳۹.....	۸۳-۹-۷-۲ طلاق و مهریه
۹۳۹.....	۸۳-۹-۸ قصاص
۹۳۹.....	۸۳-۹-۹ انجام وصیت
۹۴۱.....	۸۴- عبادات
۹۴۱.....	۸۴-۱ نماز جمعه
۹۴۱.....	۸۴-۲ حج و عمره
۹۴۱.....	۸۴-۳ احرام
۹۴۱.....	۸۴-۴ هنگام ذبح قربانی
۹۴۱.....	۸۴-۵ شعائر الهی
۹۴۳.....	۸۴-۶ روزه
۹۴۳.....	۸۴-۷ هنگام شستن اعضا

﴿الفهرس﴾

٩٤٢.....	٨٤-٨ الأُضحِيَّةُ
٩٤٢.....	٨٤-٩ النُّسْكُ
٩٤٢.....	٨٤-١٠ المَسْأَلَةُ
٩٤٤.....	٨٤-١١ الإِسْتِغْفَارُ
٩٤٤.....	٨٥- عِنْدَ مَا حَرَّمَ اللَّهُ، عِنْدَ الشَّهَوَاتِ وَاللَّذَاتِ وَالنَّعَمَاتِ، عِنْدَ الشُّبُهَاتِ
٩٤٤.....	٨٥-١ عِنْدَ مَا حَرَّمَ اللَّهُ
٩٤٤.....	٨٥-٢ عِنْدَ حُضُورِ الشَّهَوَاتِ وَاللَّذَاتِ
٩٤٤.....	٨٥-٣ عِنْدَ غَلَبَةِ الشَّهْوَةِ
٩٤٤.....	٨٥-٤ فِي رَغْبَةٍ
٩٤٤.....	٨٥-٥ فِي نِعَمِ اللَّهِ
٩٤٤.....	٨٥-٦ مَنْ غَلَبَ عَلَى شَيْءٍ مِنَ الدُّنْيَا
٩٤٤.....	٨٥-٧ عِنْدَ مَا لَدَيْكَ
٩٤٤.....	٨٥-٨ عِنْدَ الشُّبُهَةِ
٩٤٤.....	٨٥- الفِتْنَةُ وَالْفَقْرُ وَالْأَذَى
٩٤٤.....	٨٥-١ الفِتْنَةُ
٩٤٤.....	٨٥-٢ الْفَقْرُ
٩٤٤.....	٨٥-٣ الْأَذَى
٩٤٤.....	٨٥- تَجَاهَ النَّاسِ
٩٤٤.....	٨٥-١ التَّعَاوُنُ
٩٤٨.....	٨٥-٢ السُّلُوكُ مَعَ أَهْلِ الْآخِرَةِ
٩٤٨.....	٨٥-٣ الْمَطَالِبُ
٩٤٨.....	٨٥- السَّفَرُ، الْعَمَلُ، الْكَلَامُ، اللَّبَاسُ
٩٤٨.....	٨٥-١ السَّفَرُ
٩٤٨.....	٨٥-٢ الْعَمَلُ
٩٤٨.....	٨٥-٣ مَا قَدَّمْتَ
٩٤٨.....	٨٥-٤ الْفَقْهُ
٩٥٠.....	٨٥-٥ الْكَلَامُ
٩٥٠.....	٨٥-٦ التَّنَاجِي
٩٥٠.....	٨٥-٧ اللَّبَاسُ
٩٥٠.....	٨٥-٩ أَحَقُّ النَّاسِ بِالْوَرَعِ وَالتَّقْوَى
٩٥٠.....	٨٥-١ الْأَوْصِيَاءُ وَاتَّبَاعُهُمْ

﴿فهرست﴾

۹۴۳.....	۸۴-۸ قربانی
۹۴۳.....	۸۴-۹ عبادات
۹۴۳.....	۸۴-۱۰ دعا و درخواست
۹۴۵.....	۸۴-۱۱ آمرزش طلبی
۹۴۵.....	۸۵- محرمات، شهوات، لذت‌ها، نعمت‌ها، شبهه‌ها
۹۴۵.....	۸۵-۱ محرمات الهی، شهوات و لذات و نعمات و موارد شبهه‌ناک
۹۴۵.....	۸۵-۲ هنگام حاضرشدن شهوات و لذات
۹۴۵.....	۸۵-۳ غلبه‌ی شهوت
۹۴۵.....	۸۵-۴ هنگام تمایل
۹۴۵.....	۸۵-۵ نعمت‌های الهی
۹۴۷.....	۸۵-۶ هنگامی که بر چیزی از دنیا دست یابد
۹۴۷.....	۸۵-۷ آنچه نزد توست
۹۴۷.....	۸۵-۸ موارد شبهه‌ناک
۹۴۷.....	۸۶- فتنه و فقر و آزار
۹۴۷.....	۸۶-۱ فتنه
۹۴۷.....	۸۶-۲ فقر
۹۴۷.....	۸۶-۳ آزادیدن
۹۴۷.....	۸۷- در مقابل دیگران
۹۴۷.....	۸۷-۱ همکاری
۹۴۹.....	۸۷-۲ همراهی با اهل آخرت
۹۴۹.....	۸۷-۳ درخواست
۹۴۹.....	۸۸- سفر، عمل، گفتار، لباس
۹۴۹.....	۸۸-۱ سفر
۹۴۹.....	۸۸-۲ عمل
۹۴۹.....	۸۸-۳ آن چه پیش می‌فرستد
۹۴۹.....	۸۸-۴ فقه
۹۵۱.....	۸۸-۵ کلام
۹۵۱.....	۸۸-۶ نجوا
۹۵۱.....	۸۸-۷ لباس
۹۵۱.....	۸۹- سزاوارترین مردم به رعایت ورع و پرهیزکاری
۹۵۱.....	۸۹-۱ جانشینان پیامبران و پیروانشان

«الفهرس»

٩٥٢	٨-٩-٢- جَعْفَرِيٌّ.....
٩٥٢	٨-٩-٣- الْعَلَمَاءُ.....
٩٥٢	٨-١٠- الأوقات.....
٩٥٢	٨-١٠-١- رَمَضانُ.....
٩٥٤	٨-١٠-٢- غَيْبَةُ الْإِمَامِ عَلَيْهِ السَّلَامُ
٩٥٦	الفصلُ التاسعُ: ثَمَرَاتُ التَّقْوَى.....
٩٥٦	٩-١- الصفاتُ التي تُولَدُ مِنْ رِعَايَةِ التَّقْوَى.....
٩٥٦	٩-١-١- الإِيْمَانُ وَالْيَقِيْنُ.....
٩٥٦	٩-١-١-١- الإِيْمَانُ.....
٩٥٦	٩-١-١-١-١- التَّقْوَى سَبَبُ الْإِيْمَانِ.....
٩٥٦	٩-١-١-١-٢- التَّقْوَى عُدَّةُ الْإِيْمَانِ.....
٩٥٦	٩-١-١-١-٣- لَقِيَ اللَّهُ مُؤْمِنًا بِمَا جَاءَ بِهِ مُحَمَّدٌ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ
٩٥٦	٩-١-١-١-٤- صَلَاحُ الْإِيْمَانِ.....
٩٥٦	٩-١-١-١-٥- ثَبَاتُ الْإِيْمَانِ.....
٩٥٨	٩-١-١-١-٦- كَمَالُ الْإِيْمَانِ.....
٩٥٨	٩-١-١-١-٧- وَجْدَانُ طَعْمِ الْإِيْمَانِ.....
٩٥٨	٩-١-١-٢- الْيَقِيْنُ.....
٩٥٨	٩-١-٢-١- تَيَقَّنُوا أَنَّهُمْ جِيرَانُ اللَّهِ غَدًا فِي آخِرَتِهِمْ.....
٩٥٨	٩-١-٢-٢- الْوَلَايَةُ.....
٩٥٨	٩-١-٣- مَلِكُ النَّفْسِ، الْعَقَافُ، التَّنَزُّهُ، الْإِجْتِنَابُ، التَّزَكِيَةُ، الْجِلَاءُ، الطَّهَارَةُ، الْعَصْمَةُ.....
٩٦٠	٩-١-٣-١- مَلِكُ النَّفْسِ.....
٩٦٠	٩-١-٣-٢- سِيَاسَةُ النَّفْسِ.....
٩٦٠	٩-١-٣-٣- الْعَقَافُ.....
٩٦٠	٩-١-٣-٤- التَّنَزُّهُ وَالنَّزَاهَةُ.....
٩٦٠	٩-١-٣-٤-١- جَمَاعُ التَّنَزُّهِ.....
٩٦٠	٩-١-٣-٤-٢- عَنْ دَنَسِ السَّيِّئَاتِ.....
٩٦٠	٩-١-٣-٤-٣- عَنْ الدَّنَابَا.....
٩٦٠	٩-١-٣-٥- الْإِجْتِنَابُ مِنَ الْمُحَرَّمَاتِ.....
٩٦٠	٩-١-٣-٦- الْإِنْتِهَاءُ عَنِ الْمَعْصِيَةِ.....
٩٦٠	٩-١-٣-٧- التَّزَكِيَةُ.....
٩٦٢	٩-١-٣-٧-١- تَزَكِيَةُ الْعِلْمِ.....

﴿فهرست﴾

۹۵۳.....	۸-۹۲- منسوب به امام جعفر صادق علیه السلام
۹۵۳.....	۸-۹۳- دانشمندان
۹۵۳.....	۸-۱۰- زمان‌های سفارش شده
۹۵۳.....	۸-۱۰-۱- رمضان
۹۵۵.....	۸-۱۰-۲- دوران غیبت امام علیه السلام
۹۵۷.....	فصل ۹: ثمرات و نتایج تقوا
۹۵۷.....	۹-۱- صفاتی که از رعایت پرهیزکاری نتیجه می‌شود
۹۵۷.....	۹-۱-۱- ایمان و یقین
۹۵۷.....	۹-۱-۱-۱- ایمان
۹۵۷.....	۹-۱-۱-۱-۱- پرهیزکاری موجب ایمان می‌شود
۹۵۷.....	۹-۱-۱-۱-۲- پرهیزکاری سرمایه‌ی ایمان است
۹۵۷.....	۹-۱-۱-۱-۳- پرهیزکار خدا را در حال ایمان ملاقات می‌کند
۹۵۷.....	۹-۱-۱-۱-۴- صلاح ایمان
۹۵۷.....	۹-۱-۱-۱-۵- ثبات ایمان
۹۵۹.....	۹-۱-۱-۱-۶- کمال ایمان
۹۵۹.....	۹-۱-۱-۱-۷- چشیدن طعم ایمان
۹۵۹.....	۹-۱-۱-۲- یقین
۹۵۹.....	۹-۱-۱-۲-۱- یقین می‌کنند که در آخرت همسایه‌ی خداوند
۹۵۹.....	۹-۱-۲- ولایت
۹۵۹.....	۹-۱-۳- تسلط بر نفس، دوری از پلیدی‌ها، پارسایی، پاکی، عصمت
۹۶۱.....	۹-۱-۳-۱- تسلط بر نفس
۹۶۱.....	۹-۱-۳-۲- مدیریت نفس
۹۶۱.....	۹-۱-۳-۳- پارسایی
۹۶۱.....	۹-۱-۳-۴- پاکی
۹۶۱.....	۹-۱-۳-۴-۱- گردآورنده‌ی پاکی
۹۶۱.....	۹-۱-۳-۴-۲- از آلودگی بدی‌ها
۹۶۱.....	۹-۱-۳-۴-۳- از پستی‌ها
۹۶۱.....	۹-۱-۳-۵- دوری از محرّمات
۹۶۱.....	۹-۱-۳-۶- باز ایستادن از نافرمانی
۹۶۱.....	۹-۱-۳-۷- پاکی
۹۶۳.....	۹-۱-۳-۷-۱- پاکی علم

﴿الفهرس﴾

٩٦٢	 تزكية الأعمال ٩-١-٣-٧-٢
٩٦٢	 الجلاء ٩-١-٣-٨
٩٦٢	 جلاء عشا أبصاركم و ضياء سواد ظلماتكم ٩-١-٣-٨-١
٩٦٢	 جلاء العميان و الجهل ٩-١-٣-٨-٢
٩٦٢	 الطهارة ٩-١-٣-٩
٩٦٢	 طهارة القلب ٩-١-٣-٩-١
٩٦٢	 طهور دنس أنفسكم ٩-١-٣-٩-٢
٩٦٢	 الطيب ٩-١-٣-١٠
٩٦٤	 العصمة ٩-١-٣-١١
٩٦٤	 العصمة من الذنوب ٩-١-٣-١١-١
٩٦٤	 العصمة عن الإثم ٩-١-٣-١١-٢
٩٦٤	 العصمة من محارم الله ٩-١-٣-١١-٣
٩٦٤	 العصمة في الحياة ٩-١-٣-١١-٤
٩٦٤	 الإمام عليه السلام عصمة المتقين ٩-١-٣-١١-٥
٩٦٤	 الخشية ٩-١-٤
٩٦٤	 الإسلام ٩-١-٥
٩٦٤	 حفظ الإسلام ٩-١-٥-١
٩٦٤	 تزيين الإسلام ٩-١-٥-٢
٩٦٤	 السماحة ٩-١-٥-٣
٩٦٤	 الدين ٩-١-٥-٤
٩٦٤	 جماع الدين ٩-١-٥-٥-١
٩٦٨	 جمال الدين ٩-١-٥-٥-٢
٩٦٨	 حصن الدين ٩-١-٥-٥-٣
٩٦٨	 سياسة الدين ٩-١-٥-٥-٤
٩٦٨	 إصلاح الدين ٩-١-٥-٥-٥
٩٦٨	 صلاح الدين ٩-١-٥-٥-٦
٩٦٨	 عمارة الدين ٩-١-٥-٥-٧
٩٦٨	 إعانة الدين ٩-١-٥-٥-٨
٩٦٨	 استبراء الدين ٩-١-٥-٥-٩
٩٦٨	 استقامة الدين ٩-١-٥-٥-١٠
٩٧٠	 الشجاعة، المروءة، الهيبة ٩-١-٥-٨

﴿فہرست﴾

۹۶۳.....پاکی اعمال.....۹۱-۳-۷-۲

۹۶۳.....جلال‌دادن.....۹۱-۳-۸

۹۶۳.....جلال‌دادن نابینایی دیدگان و روشن کردن تاریکی‌ها.....۹۱-۳-۸-۱

۹۶۳.....برطرف کردن نابینایی و نادانی.....۹۱-۳-۸-۲

۹۶۳.....پاکی.....۹۱-۳-۹

۹۶۳.....پاکی قلب.....۹۱-۳-۹-۱

۹۶۳.....پاک‌شدن آلودگی‌های جان‌هایتان.....۹۱-۳-۹-۲

۹۶۳.....پاکی.....۹۱-۳-۱۰

۹۶۵.....عصمت.....۹۱-۳-۱۱

۹۶۵.....درامان ماندن از گناه.....۹۱-۳-۱۱-۱

۹۶۵.....درامان ماندن از گناه.....۹۱-۳-۱۱-۲

۹۶۵.....درامان ماندن از محرمات.....۹۱-۳-۱۱-۳

۹۶۷.....درامان ماندن در دوره‌ی زندگی.....۹۱-۳-۱۱-۴

۹۶۷.....عصمت پرهیزکاران.....۹۱-۳-۱۱-۵

۹۶۷.....خشیت و ترس همراه با احترام.....۹۱-۴

۹۶۷.....اسلام.....۹۱-۵

۹۶۷.....حفظ اسلام.....۹۱-۵-۱

۹۶۷.....زینت‌کردن اسلام.....۹۱-۵-۲

۹۶۷.....بخشش.....۹۱-۶

۹۶۷.....دین.....۹۱-۷

۹۶۷.....گردآورنده‌ی دین.....۹۱-۷-۱

۹۶۹.....زیبایی دین.....۹۱-۷-۲

۹۶۹.....قلعه‌ی دین.....۹۱-۷-۳

۹۶۹.....مدیریت دین.....۹۱-۷-۴

۹۶۹.....اصلاح دین.....۹۱-۷-۵

۹۶۹.....صلاح دین.....۹۱-۷-۶

۹۶۹.....آبادانی دین.....۹۱-۷-۷

۹۶۹.....یاری دین.....۹۱-۷-۸

۹۶۹.....پاک‌کردن دین.....۹۱-۷-۹

۹۶۹.....ثبات‌بخشیدن به دین.....۹۱-۷-۱۰

۹۷۱.....شجاعت، جوانمردی، هیت.....۹۱-۸

﴿الفهرس﴾

٩٧٠	٩-١-٨-١- الشَّجَاعَةُ
٩٧٠	٩-١-٨-٢- المَرْوَةُ
٩٧٠	٩-١-٨-٣- الهَيْبَةُ
٩٧٠	٩-١-٩- شَرْحُ الصَّدْرِ
٩٧٠	٩-١-١٠- الشُّكْرُ
٩٧٠	٩-١-١١- الطَّاعَةُ وَالْعِبَادَةُ
٩٧٠	٩-١-١١-١- الطَّاعَةُ
٩٧٠	٩-١-١١-٢- العِبَادَةُ
٩٧٢	٩-١-١١-٢-١- حُسْنُ الْعِبَادَةِ
٩٧٢	٩-١-١١-٢-٢- يَفْتَحُ عَلَى الْعَبْدِ أَبْوَابَ الْعِبَادَةِ
٩٧٢	٩-١-١١-٢-٣- نِظَامُ الْعِبَادَةِ
٩٧٢	٩-١-١٢- العَدْلُ وَالْحَقُّ
٩٧٢	٩-١-١٢-١- العَدْلُ
٩٧٢	٩-١-١٢-٢- الْحَقُّ
٩٧٤	٩-١-١٣- الْعِلْمُ، الْحِكْمَةُ، الْفَهْمُ، الْعَقْلُ
٩٧٤	٩-١-١٣-١- الْعِلْمُ
٩٧٤	٩-١-١٣-١-١- الْعِلْمُ بِالْفَرَائِضِ
٩٧٤	٩-١-١٣-١-٢- إِنَّ اللَّهَ عَلَّمَهُمْ
٩٧٤	٩-١-١٣-١-٣- الْعَالَمُ الْحَقُّ
٩٧٤	٩-١-١٣-٢- الْحِكْمَةُ
٩٧٤	٩-١-١٣-٢-١- الْحِكْمَةُ مِيرَاثُ التَّقْوَى
٩٧٤	٩-١-١٣-٢-٢- أُوتِيَ لِقْمَانُ الْحِكْمَةَ لِأَنَّهُ كَانَ مُتَوَرِّعًا
٩٧٤	٩-١-١٣-٢-٣- رَأْسُ كُلِّ حِكْمَةٍ
٩٧٤	٩-١-١٣-٣- الْفَهْمُ
٩٧٤	٩-١-١٣-٤- الْعَقْلُ
٩٧٤	٩-١-١٣-٣-١- فَتْحُ أَبْوَابِ الْعَقْلِ
٩٧٤	٩-١-١٣-٣-٢- تَقْوِيَةُ الْعَقْلِ
٩٧٤	٩-١-١٣-٣-٣- شِدَّةُ الْعَقْلِ
٩٧٤	٩-١-١٤- التَّوْبَةُ، ذَنْبُ حَنْجَرَةِ الطَّمَعِ وَ عَدَمُ دُخُولِ الْحَسَدِ فِي الْقَلْبِ وَ رَاجِعُ: الْفَصْلُ الثَّامِنُ؛ مَا يَبْقَى مِنْهُ
٩٧٤	٩-١-١٤-١- التَّوْبَةُ

﴿فهرست﴾

۹۷۱.....	۹۱-۸۱- شجاعت.....
۹۷۱.....	۹۱-۸۲- جوانمردی.....
۹۷۱.....	۹۱-۸۳- هیبت.....
۹۷۱.....	۹۱-۹- گشایش سینه.....
۹۷۱.....	۹۱-۱۰- شکر.....
۹۷۱.....	۹۱-۱۱- طاعت و عبادت.....
۹۷۱.....	۹۱-۱۱-۱۲- طاعت.....
۹۷۱.....	۹۱-۱۱-۲- عبادت.....
۹۷۳.....	۹۱-۱۱-۲-۱- عبادت نیکو.....
۹۷۳.....	۹۱-۱۱-۲-۲- درهای عبادت به روی بنده گشوده می شود.....
۹۷۳.....	۹۱-۱۱-۲-۳- نظم دهنده به عبادت.....
۹۷۳.....	۹۱-۱۲- عدل و حق.....
۹۷۳.....	۹۱-۱۲-۱- عدل.....
۹۷۳.....	۹۱-۱۲-۲- حق.....
۹۷۵.....	۹۱-۱۳- علم، حکمت، فهم، عقل.....
۹۷۵.....	۹۱-۱۳-۱- علم.....
۹۷۵.....	۹۱-۱۳-۱-۱- آگاهی به واجبات.....
۹۷۵.....	۹۱-۱۳-۱-۲- خداوند پرهیزکاران را دانش عطا می کند.....
۹۷۵.....	۹۱-۱۳-۱-۳- دانشمند حقیقی.....
۹۷۵.....	۹۱-۱۳-۲- حکمت.....
۹۷۵.....	۹۱-۱۳-۲-۱- حکمت، میراث پرهیزکاری است.....
۹۷۵.....	۹۱-۱۳-۲-۲- به این دلیل به لقمان حکمت داده شد، چون پرهیزکار بود.....
۹۷۵.....	۹۱-۱۳-۲-۳- سرمنشأ هر حکمت.....
۹۷۷.....	۹۱-۱۳-۳- فهم.....
۹۷۷.....	۹۱-۱۳-۴- عقل.....
۹۷۷.....	۹۱-۱۳-۳-۱- گشاینده ی دروازه های عقل.....
۹۷۷.....	۹۱-۱۳-۳-۲- تقویت عقل.....
۹۷۷.....	۹۱-۱۳-۳-۳- استحکام عقل.....
۹۷۷.....	۹۱-۱۴- توبه، بریدن گلولی طمع، داخل نشدن حسادت در قلب؛ و.ر.به: فصل ۸: آنچه از آن باید پرهیز کرد.....
۹۷۷.....	۹۱-۱۴-۱- توبه.....

﴿الفهرس﴾

- ٩٧٦..... ٩-١٤-١-٢- ذُبِحْ حَنْجَرَةَ الطَّمَعِ
- ٩٧٨..... ٩-١٤-١-٣- عَدَمُ دُخُولِ الْحَسَدِ فِي قَلْبِهِ
- ٩٧٨..... ٩-٢- ثَمَرَاتُ التَّقْوَى فِي الدُّنْيَا
- ٩٧٨..... ٩-٢-١- عَطَايَا اللَّهِ
- ٩٧٨..... ٩-٢-١-١- تَوْبَةُ اللَّهِ
- ٩٧٨..... ٩-٢-١-٢- مَحَبَّةُ اللَّهِ
- ٩٧٨..... ٩-٢-١-٢-١- إِنْ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُتَّقِينَ
- ٩٧٨..... ٩-٢-١-٢-٢- إِنْ اللَّهَ يُحِبُّ الْأَتْقِيَاءَ
- ٩٧٨..... ٩-٢-١-٢-٣- إِنْ اللَّهَ يُحِبُّ التَّقَى
- ٩٨٠..... ٩-٢-١-٢-٤- إِذَا أَرَدْتَ أَنْ يُحِبَّكَ اللَّهُ اتَّقِهِ
- ٩٨٠..... ٩-٢-١-٢-٥- يَا حَبِيبَ الْأَتْقِيَاءِ
- ٩٨٠..... ٩-٢-١-٢-٦- أَحَبُّ الْعِبَادِ إِلَى اللَّهِ
- ٩٨٠..... ٩-٢-١-٢-٧- فَاحْبَبْهُمْ اللَّهُ وَ سَمَّاهُمْ الْمُتَّقِينَ
- ٩٨٠..... ٩-٢-١-٣- كَانَ فِي حِزْبِ اللَّهِ بِالتَّقْوَى
- ٩٨٠..... ٩-٢-١-٤- الإِخْتِصَاصُ
- ٩٨٠..... ٩-٢-١-٥- رَافَةُ اللَّهِ
- ٩٨٠..... ٩-٢-١-٦- رَحْمَةُ اللَّهِ
- ٩٨٤..... ٩-٢-١-٧- إِنْ اللَّهَ مُطَّلٌ عَلَيْهِمْ بِوَجْهِهِ
- ٩٨٤..... ٩-٢-١-٨- التَّأْيِيدُ بِرُوحِ مِنَ اللَّهِ
- ٩٨٤..... ٩-٢-١-٩- نُصْرَةُ اللَّهِ
- ٩٨٤..... ٩-٢-١-١٠- وَقَايَةُ اللَّهِ
- ٩٨٤..... ٩-٢-١-١١- أَنْ اللَّهَ مَعَهُ
- ٩٨٤..... ٩-٢-١-١٢- إِمْدَادُ الرَّبِّ
- ٩٨٤..... ٩-٢-١-١٣- التَّوْفِيقُ مِنَ اللَّهِ
- ٩٨٤..... ٩-٢-١-١٤- وَلَايَةُ اللَّهِ
- ٩٨٨..... ٩-٢-١-١٤-١- اللَّهُ وَلِيُّ الْمُتَّقِينَ
- ٩٨٨..... ٩-٢-١-١٤-٢- أَنْ اللَّهَ مُتَوَكِّلٌ أَهْلُ التَّقْوَى
- ٩٨٨..... ٩-٢-١-١٤-٣- اللَّهُ وَلِيُّ الْأَتْقِيَاءِ
- ٩٨٨..... ٩-٢-١-١٤-٤- هُمْ أَوْلِيَاءُ اللَّهِ حَقًّا
- ٩٨٨..... ٩-٢-١-١٥- الْمُوجِبَةُ عَلَى اللَّهِ حَقَّكُمْ
- ٩٨٨..... ٩-٢-٢- الْفَرْقَانُ، الْهَدَايَةُ، الدَّلَالَةُ، الرُّشْدُ، النَّهْجُ الْقَوِيمُ

﴿فهرست﴾

۹۷۷.....	۹-۱-۱۴-۲- بریدن گلوی طمع.....
۹۷۹.....	۹-۱-۱۴-۳- داخل نشدن حسادت در قلب.....
۹۷۹.....	۹-۲- نتایج پرهیزکاری در دنیا.....
۹۷۹.....	۹-۲-۱- عطایای خداوند.....
۹۷۹.....	۹-۲-۱-۱- روکردن خدا و پذیرش توبه.....
۹۷۹.....	۹-۲-۱-۲- محبت خداوند.....
۹۷۹.....	۹-۲-۱-۲-۱- خداوند پرهیزکاران را دوست دارد.....
۹۷۹.....	۹-۲-۱-۲-۲- خداوند پرهیزکاران را دوست دارد.....
۹۷۹.....	۹-۲-۱-۲-۳- خداوند پرهیزکار را دوست دارد.....
۹۸۱.....	۹-۲-۱-۲-۴- اگر می‌خواهی خدا تو را دوست بدارد پرهیزکار شو.....
۹۸۱.....	۹-۲-۱-۲-۵- ای دوستدار پرهیزکاران.....
۹۸۱.....	۹-۲-۱-۲-۶- دوست‌داشتنی‌ترین بنده نزد خدا.....
۹۸۱.....	۹-۲-۱-۲-۷- خدا دوستشان دارد و پرهیزکارشان می‌نامد.....
۹۸۱.....	۹-۲-۱-۳- با پرهیزکاری در حزب خدا هستند.....
۹۸۱.....	۹-۲-۱-۴- اختصاص دادن.....
۹۸۱.....	۹-۲-۱-۵- مهربانی.....
۹۸۱.....	۹-۲-۱-۶- رحمت.....
۹۸۵.....	۹-۲-۱-۷- خداوند با رویش به آنان توجه می‌کند.....
۹۸۵.....	۹-۲-۱-۸- تأیید با روحی از جانب خدا.....
۹۸۵.....	۹-۲-۱-۹- یاری خدا.....
۹۸۵.....	۹-۲-۱-۱۰- نگهداری خدا.....
۹۸۷.....	۹-۲-۱-۱۱- خدا با اوست.....
۹۸۷.....	۹-۲-۱-۱۲- کمک الهی.....
۹۸۷.....	۹-۲-۱-۱۳- توفیق الهی.....
۹۸۷.....	۹-۲-۱-۱۴- ولایت خدا.....
۹۸۹.....	۹-۲-۱-۱۴-۱- خداوند یاور پرهیزکاران است.....
۹۸۹.....	۹-۲-۱-۱۴-۲- خداوند سرپرست پرهیزکاران است.....
۹۸۹.....	۹-۲-۱-۱۴-۳- خداوند سرپرست پرهیزکاران است.....
۹۸۹.....	۹-۲-۱-۱۴-۴- پرهیزکاران دوستان حقیقی خدایند.....
۹۸۹.....	۹-۲-۱-۱۵- واجب‌کننده‌ی حق شما بر خداست.....
۹۸۹.....	۹-۲-۲- اسباب تشخیص حق از باطل، هدایت، راهنمایی، راه راست.....

«الفهرس»

٩٨٨.....	٩-٢-٢-١- الفرقانُ
٩٨٨.....	٩-٢-٢-٢- الهدايةُ
٩٨٨.....	٩-٢-٢-٢-١- هدايةُ القرآن
٩٨٨.....	٩-٢-٢-٢-٢- جَنَى ثَمَارِ الْهَدَى
٩٩٠.....	٩-٢-٢-٣- الدلالةُ
٩٩٠.....	٩-٢-٢-٤- الرشدُ
٩٩٠.....	٩-٢-٢-٥- النَّهْجُ الْقَوِيمُ
٩٩٠.....	٩-٢-٣- الولايةُ، المودةُ، سرورُ الإمام عليه السلام ، إعانةُ الإمام عليه السلام ، كانَ مِنْ أَصْحَابِ الْقَائِمِ عليه السلام
٩٩٠.....	٩-٢-٣-١- ولايةُ الرسول عليه السلام
٩٩٠.....	٩-٢-٣-٢- وكَايَةُ الْأَئِمَّةِ عليهم السلام
٩٩٢.....	٩-٢-٣-٣- إِتِمَامُ أَمْرِ الْوَلَايَةِ
٩٩٢.....	٩-٢-٣-٤- مَوَدَّةُ الْأَئِمَّةِ عليهم السلام
٩٩٢.....	٩-٢-٣-٥- سُرُورُ الْإِمَامِ عليه السلام
٩٩٢.....	٩-٢-٣-٦- إِعَانَةُ الْإِمَامِ عليه السلام
٩٩٤.....	٩-٢-٣-٧- كانَ مِنْ أَصْحَابِ الْقَائِمِ عليه السلام
٩٩٤.....	٩-٢-٤- الْأَمْنُ وَالْأَمَانُ، الْعَافِيَةُ، الدَّوَاءُ، الشِّفَاءُ، الْعِتْقُ، الرَّاحَةُ، التَّسْهِيلُ، التَّيْسِيرُ، الْمَخْرَجُ، عَزَبُ الشَّدَائِدِ
٩٩٤.....	٩-٢-٤-١- الْأَمْنُ وَالْأَمَانُ
٩٩٤.....	٩-٢-٤-١-١- الْأَمَانُ مِنَ الْفِتْنَةِ الْمُظْلِمَةِ وَمِحْنِهَا الْمُظْلِمَةِ الْمُضِلَّةِ
٩٩٤.....	٩-٢-٤-١-٢- سَارَ فِي بِلَادِ عَدُوِّهِ آمِنًا
٩٩٤.....	٩-٢-٤-٢- الْعَافِيَةُ
٩٩٤.....	٩-٢-٤-٢-١- طَوْلُ الْعَافِيَةِ
٩٩٤.....	٩-٢-٤-٣- الدَّوَاءُ
٩٩٤.....	٩-٢-٤-٣-١- دَوَاءٌ دَاءٍ قُلُوبِكُمْ
٩٩٤.....	٩-٢-٤-٣-٢- دَاوُوا بِهَا الْأَسْقَامَ
٩٩٤.....	٩-٢-٤-٤- الشِّفَاءُ
٩٩٤.....	٩-٢-٤-٤-١- شِفَاءُ مَرَضِ أَجْسَادِكُمْ
٩٩٤.....	٩-٢-٤-٥- عِتْقُ مَنْ كُلِّ مَلَكَةٍ
٩٩٤.....	٩-٢-٤-٦- الرَّاحَةُ عِنْدَ الْمَوْتِ
٩٩٨.....	٩-٢-٤-٧- التَّسْهِيلُ

﴿فهرست﴾

۹۸۹.....	۹۲-۲-۱- اسباب تشخیص حق از باطل.....
۹۸۹.....	۹۲-۲-۲- هدایت.....
۹۸۹.....	۹۲-۲-۲-۱- راهنمایی قرآن.....
۹۸۹.....	۹۲-۲-۲-۲- میوه دادن درخت هدایت.....
۹۹۱.....	۹۲-۲-۳- راهنمایی.....
۹۹۱.....	۹۲-۲-۴- رشد.....
۹۹۱.....	۹۲-۲-۵- راه درست.....
۹۹۱.....	۹۲-۳- ولایت، دوستی، شاد کردن امام علیه السلام ، یاری رساندن به امام علیه السلام ، قرار گرفتن در یاران حضرت قائم علیه السلام
۹۹۱.....	۹۲-۳-۱- ولایت پیامبر صلی الله علیه و آله
۹۹۱.....	۹۲-۳-۲- ولایت امامان علیهم السلام
۹۹۳.....	۹۲-۳-۳- به کمال رسیدن امر ولایت.....
۹۹۳.....	۹۲-۳-۴- دوستی ائمه علیهم السلام
۹۹۳.....	۹۲-۳-۵- خوشحال کردن امام علیه السلام
۹۹۳.....	۹۲-۳-۶- یاری رساندن به امام علیه السلام
۹۹۵.....	۹۲-۳-۷- قرار گرفتن در یاران حضرت قائم علیه السلام
۹۹۵.....	۹۲-۴- امنیّت، عافیت، دواء درمان، آزاد شدن، آسودگی، راحتی، آسانی، خروج، کنار زدن مشکلات.....
۹۹۵.....	۹۲-۴-۱- امنیّت.....
۹۹۵.....	۹۲-۴-۱-۱- در امان بودن از فتنه‌ی فراگیر و پی آمدهای گمراه کننده‌ی آن.....
۹۹۵.....	۹۲-۴-۱-۲- در سرزمین دشمن در امنیّت سیر می کند.....
۹۹۵.....	۹۲-۴-۲- عافیت.....
۹۹۵.....	۹۲-۴-۲-۱- تداوم عافیت.....
۹۹۵.....	۹۲-۴-۳- دوا.....
۹۹۵.....	۹۲-۴-۳-۱- دواى درد دل هایتان.....
۹۹۷.....	۹۲-۴-۳-۲- با آن دردهایتان را درمان کنید.....
۹۹۷.....	۹۲-۴-۴- درمان.....
۹۹۷.....	۹۲-۴-۴-۱- درمان بیماری بدن هایتان.....
۹۹۷.....	۹۲-۴-۵- آزاد شدن از سلطه.....
۹۹۷.....	۹۲-۴-۶- راحتی هنگام مرگ.....
۹۹۹.....	۹۲-۴-۷- آسانی.....

﴿الفهرس﴾

٩٩٨..... ٩-٢-٤-٧-١- أَسْهَلَتْ لَهُ الصَّعَابُ.....
٩٩٨..... ٩-٢-٤-٧-٢- سَهَّلَ اللَّهُ مَخْرَجَهُ.....
٩٩٨..... ٩-٢-٤-٨- التَّيْسِيرُ.....
٩٩٨..... ٩-٢-٤-٩- الْمَخْرَجُ.....
١٠٠٠..... ٩-٢-٤-٩-١- الْمَخْرَجُ مِنْ كُلِّ ضَيْقٍ.....
١٠٠٠..... ٩-٢-٤-٩-٢- الْمَخْرَجُ مِنَ الْفِتَنِ.....
١٠٠٠..... ٩-٢-٤-٩-٣- الْمَخْرَجُ مِمَّا يَكْرَهُونَ.....
١٠٠٠..... ٩-٢-٤-١٠- الْفَرَجُ.....
١٠٠٢..... ٩-٢-٤-١١- عَزَبَتْ عَنْهُ الشَّدَائِدُ.....
١٠٠٢..... ٩-٢-٥- الْأُنْسُ وَالِدَعَةُ.....
١٠٠٢..... ٩-٢-٥-١- أَنْسَهُ مِنْ غَيْرِ بَشَرٍ.....
١٠٠٢..... ٩-٢-٥-٢- أَعْطَاهُ اللَّهُ أَنْسًا بَلَا أَنْيسَ.....
١٠٠٢..... ٩-٢-٥-٣- الدَّعَةُ.....
١٠٠٢..... ٩-٢-٥-٤- اللَّذَّةُ وَالْحَلَاوَةُ.....
١٠٠٢..... ٩-٢-٥-٥- الْحَلَاوَةُ.....
١٠٠٤..... ٩-٢-٥-٦- أَصَابُوا لَذَّةَ زُهْدِ الدُّنْيَا فِي دُنْيَاهُمْ.....
١٠٠٤..... ٩-٢-٥-٧- الْخَيْرُ وَالْبَرَكَةُ، تَصَاعَفَ النِّفَقَاتِ، الرَّبْحُ، الرِّزْقُ، النِّعْمَةُ وَالتَّنْعُمُ، الْحَيَاةُ.....
١٠٠٤..... ٩-٢-٥-٨- الْخَيْرُ.....
١٠٠٤..... ٩-٢-٥-٩-١- كُلُّ الْخَيْرِ.....
١٠٠٤..... ٩-٢-٥-٩-٢- كُلُّ خَيْرٍ.....
١٠٠٤..... ٩-٢-٥-٩-٣- جَمَاعُ الْخَيْرِ.....
١٠٠٤..... ٩-٢-٥-٩-٤- تَجَمَّعَ مِنَ الْخَيْرِ مَا لَا يَجْمَعُ غَيْرُهَا.....
١٠٠٤..... ٩-٢-٥-٩-٥- خَيْرُ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ.....
١٠٠٤..... ٩-٢-٥-٩-٦- عَاجِلُ الْخَيْرِ وَآجِلُهُ.....
١٠٠٤..... ٩-٢-٥-٩-٧- فَتَحَ أَبْوَابَ الْخَيْرِ.....
١٠٠٤..... ٩-٢-٥-٩-٨- الدَّعْوَةُ إِلَى الْخَيْرِ.....
١٠٠٤..... ٩-٢-٥-٩-٩- بَرَزَ مَهْلُهُ.....
١٠٠٨..... ٩-٢-٥-٩-١٠- الْبَرَكَةُ.....
١٠٠٨..... ٩-٢-٥-٩-١١- فَتَحَ الْبَرَكَاتِ.....
١٠٠٨..... ٩-٢-٥-٩-١٢- وَبَلَتْ عَلَيْهِ الْبَرَكَةُ.....
١٠٠٨..... ٩-٢-٥-٩-١٣- بَارَكَ اللَّهُ لَهُمْ.....

﴿فهرست﴾

۹۹۹.....	مشکلات بر او آسان میشود.....۹۲-۴-۷-۱
۹۹۹.....	راه خروج از مشکلات بر او آسان می شود.....۹۲-۴-۷-۲
۹۹۹.....	آسانی.....۹۲-۴-۸
۹۹۹.....	خروج.....۹۲-۴-۹
۱۰۰۱.....	راه خروج از هر سختی.....۹۲-۴-۹-۱
۱۰۰۱.....	راه خروج از فتنه ها.....۹۲-۴-۹-۲
۱۰۰۱.....	راه خروج از آنچه نمی پسندید.....۹۲-۴-۹-۳
۱۰۰۱.....	گشایش.....۹۲-۴-۱۰
۱۰۰۳.....	سختی ها از او دور می شوند.....۹۲-۴-۱۱
۱۰۰۳.....	انس و راحتی.....۹۲-۵
۱۰۰۳.....	بدون هم نشینی با انسان دیگری به او انس اعطا می شود.....۹۲-۵-۱
۱۰۰۳.....	بدون هم نشینی با انسان دیگری خداوند به او انس اعطا می کند.....۹۲-۵-۲
۱۰۰۳.....	آرامش.....۹۲-۵-۳
۱۰۰۳.....	لذت و شیرینی.....۹۲-۶
۱۰۰۳.....	شیرینی.....۹۲-۶-۱
۱۰۰۵.....	لذت زهد را می چشند.....۹۲-۶-۲
۱۰۰۵.....	خیر و برکت، افزایش ثروت، سود، روزی، نعمت، زندگی.....۹۲-۷
۱۰۰۵.....	خیر.....۹۲-۷-۱
۱۰۰۵.....	همه ی خیر.....۹۲-۷-۱-۱
۱۰۰۵.....	همه ی خیر.....۹۲-۷-۱-۲
۱۰۰۵.....	گردآورنده ی خیر.....۹۲-۷-۱-۳
۱۰۰۷.....	از خیر آن را جمع می کند که چیز دیگری جمع نمی کند.....۹۲-۷-۱-۴
۱۰۰۷.....	خیر دنیا و آخرت.....۹۲-۷-۱-۵
۱۰۰۷.....	خیر دنیا و آخرت.....۹۲-۷-۱-۶
۱۰۰۷.....	گشایش درهای خیر.....۹۲-۷-۱-۷
۱۰۰۷.....	دعوت به خیر.....۹۲-۷-۱-۸
۱۰۰۷.....	پیشی گرفتن در خیر.....۹۲-۷-۱-۹
۱۰۰۹.....	برکت.....۹۲-۷-۲
۱۰۰۹.....	گشایش برکات.....۹۲-۷-۲-۱
۱۰۰۹.....	بارش برکات.....۹۲-۷-۲-۲
۱۰۰۹.....	برکت بر آنان باد.....۹۲-۷-۲-۳

﴿الفهرس﴾

- ١٠٠٨ ٩-٢-٧-٣- تضاعفُ النفقات
- ١٠٠٨ ٩-٢-٧-٤- الربحُ
- ١٠٠٨ ٩-٢-٧-٤-١- تجارةُ مَرْبِحَةٍ
- ١٠٠٨ ٩-٢-٧-٤-٢- سَالِكُهَا رَابِعٌ
- ١٠١٠ ٩-٢-٧-٤-٣- الأرباحُ مِنْ غَيْرِ بضاعةٍ
- ١٠١٠ ٩-٢-٧-٥- الرزقُ
- ١٠١٠ ٩-٢-٧-٥-١- الرزقُ الحلالُ
- ١٠١٠ ٩-٢-٧-٥-٢- رزقٌ لَا يَحْتَسَبُ
- ١٠١٠ ٩-٢-٧-٦- النعمةُ وَالتَّعَمُّ
- ١٠١٠ ٩-٢-٧-٦-١- التَّعَمُّ
- ١٠١٠ ٩-٢-٧-٦-٢- النِّعَمُ
- ١٠١٢ ٩-٢-٧-٦-٣- بَقَاءُ النِّعْمَةِ
- ١٠١٢ ٩-٢-٧-٦-٤- اِتِّمَامُ النِّعْمَةِ
- ١٠١٢ ٩-٢-٧-٦-٥- تَثْبِيْتُ النِّعَمِ
- ١٠١٢ ٩-٢-٧-٦-٦- تَفْجُرُ النِّعَمِ
- ١٠١٢ ٩-٢-٧-٧- اِثْمَارُ الْعَمَلِ
- ١٠١٢ ٩-٢-٧-٨- الْحَيَاةُ
- ١٠١٢ ٩-٢-٧-٨-١- شَجَرَةُ الْحَيَاةِ
- ١٠١٢ ٩-٢-٧-٨-٢- الْحَيَاةُ الطَّيِّبَةُ
- ١٠١٤ ٩-٢-٧-٩- رُدُّ الضَّرَرِ وَ الْخُسْرَانِ
- ١٠١٤ ٩-٢-٧-٩-١- لَا يَضُرُّكُمْ تَوَاضَعُ شَيْءٍ مِنْ دُنْيَاكُمْ
- ١٠١٤ ٩-٢-٧-٩-٢- لَا يَضُرُّهُمْ كَيْدُ الْأَعْدَاءِ شَيْئًا
- ١٠١٤ ٩-٢-٧-٩-٣- لَا يَظْلَمُ زَرْعُ قَوْمٍ وَلَا سِنْخُ أَصْلٍ
- ١٠١٤ ٩-٢-٧-٩-٤- لَا يَهْبِجُ عَلَى التَّقْوَى زَرْعُ قَوْمٍ
- ١٠١٤ ٩-٢-٨- الصَّلَاحُ وَ الْإِصْلَاحُ
- ١٠١٤ ٩-٢-٨-١- صَلَاحُ الْإِيمَانِ
- ١٠١٤ ٩-٢-٨-٢- صَلَاحُ النَّفْسِ وَ الدِّينِ
- ١٠١٦ ٩-٢-٨-٣- صَلَاحُ فَسَادِ صُدُورِكُمْ
- ١٠١٦ ٩-٢-٨-٤- إِصْلَاحُ الدِّينِ
- ١٠١٦ ٩-٢-٨-٤-١- مَا أَصْلَحَ الدِّينَ كَالْتَّقْوَى
- ١٠١٦ ٩-٢-٨-٤-٢- مَا أَصْلَحَ الدِّينَ كَالْوَرَعِ

﴿فهرست﴾

۱۰۰۹	 افزایش درآمد	۹۲-۷-۳
۱۰۰۹	 سود	۹۲-۷-۴
۱۰۰۹	 تجارت سودآور	۹۲-۷-۴-۱
۱۰۰۹	 پیمایندگی آن سودبرنده است	۹۲-۷-۴-۲
۱۰۱۱	 سود بدون سرمایه	۹۲-۷-۴-۳
۱۰۱۱	 روزی	۹۲-۷-۵
۱۰۱۱	 روزی حلال	۹۲-۷-۵-۱
۱۰۱۱	 روزی از آنجا که نمی‌پنداری	۹۲-۷-۵-۲
۱۰۱۱	 نعمت و بهره‌مندی از آن	۹۲-۷-۶
۱۰۱۱	 بهره‌مندی از نعمت	۹۲-۷-۶-۱
۱۰۱۱	 نعمت	۹۲-۷-۶-۲
۱۰۱۳	 پایداری نعمت	۹۲-۷-۶-۳
۱۰۱۳	 به کمال رسیدن نعمت	۹۲-۷-۶-۴
۱۰۱۳	 تثبیت نعمت	۹۲-۷-۶-۵
۱۰۱۳	 بارش نعمت	۹۲-۷-۶-۶
۱۰۱۳	 نتیجه‌دادن عمل	۹۲-۷-۷
۱۰۱۳	 زندگی	۹۲-۷-۸
۱۰۱۳	 درخت زندگی	۹۲-۷-۸-۱
۱۰۱۳	 زندگی پاک	۹۲-۷-۸-۲
۱۰۱۵	 برطرف شدن ضرر و زیان	۹۲-۷-۹
۱۰۱۵	 از دست رفتن چیزی از دنیا به شما زیانی نمی‌زند	۹۲-۷-۹-۱
۱۰۱۵	 نیرنگ دشمنان زیانی نمی‌زند	۹۲-۷-۹-۲
۱۰۱۵	 زراعت‌شان تشنه نمی‌شود و ریشه‌شان نابود نمی‌شود	۹۲-۷-۹-۳
۱۰۱۵	 با پرهیزکاری زراعت تشنه نمی‌شود	۹۲-۷-۹-۴
۱۰۱۵	 صلاح	۹۲-۸
۱۰۱۵	 صلاح ایمان	۹۲-۸-۱
۱۰۱۵	 صلاح نفس و دین	۹۲-۸-۲
۱۰۱۷	 اصلاح کردن فساد دل‌هایتان	۹۲-۸-۳
۱۰۱۷	 اصلاح کردن دین	۹۲-۸-۴
۱۰۱۷	 چیزی مانند تقوا نمی‌تواند دین را اصلاح کند	۹۲-۸-۴-۱
۱۰۱۷	 چیزی مانند ورع نمی‌تواند دین را اصلاح کند	۹۲-۸-۴-۲

﴿الفهرس﴾

١٠١٦	٩-٢-٨-٥ البلاء
١٠١٨	٩-٢-٩-٩ الدنيا، الغناء والسعة والكفاية
١٠١٨	٩-٢-٩-١ الغناء
١٠١٨	٩-٢-٩-٢ غناء بلا مال
١٠١٨	٩-٢-٩-٣ الإغناء
١٠١٨	٩-٢-٩-٤ الدنيا
١٠٢٠	٩-٢-٩-٤-١ أطاعته الدنيا
١٠٢٠	٩-٢-٩-٤-٢ هان عليه الدنيا وإليس والخلق
١٠٢٠	٩-٢-٩-٤-٣ ورثة الأرض
١٠٢٠	٩-٢-٩-٥ السعة
١٠٢٠	٩-٢-٩-٦ الكفاية
١٠٢٢	٩-٢-١٠-١ كثرة الأصدقاء وإكساد العدو
١٠٢٢	٩-٢-١٠-٢ كثرة الأصدقاء
١٠٢٢	٩-٢-١٠-٢ إكساد العدو
١٠٢٢	٩-٢-١١-١ فتح أبواب العبادة ونقص الإثم
١٠٢٢	٩-٢-١١-١ فتح أبواب العبادة
١٠٢٢	٩-٢-١١-٢ نقص إثم
١٠٢٢	٩-٢-١٢-١ محبة الناس ومودة الملائكة
١٠٢٢	٩-٢-١٢-١ محبة الناس
١٠٢٢	٩-٢-١٢-٢ مودة الملائكة
١٠٢٢	٩-٢-١٣-١ النبل إلى ما يحب
١٠٢٢	٩-٢-١٣-١ إجتنا ثمار المني
١٠٢٤	٩-٢-١٣-٢ الإجابة، لا ترد لهم دعوة
١٠٢٤	٩-٢-١٣-٣ يحول الله إلى ما يحب
١٠٢٤	٩-٢-١٣-٤ درك كل طالب
١٠٢٤	٩-٢-١٣-٥ الرغبة
١٠٢٤	٩-٢-١٣-٥-١ يعطيه رغبته
١٠٢٤	٩-٢-١٣-٥-٢ تنال الرغائب
١٠٢٤	٩-٢-١٣-٦ ما اشتتهت نفسه
١٠٢٤	٩-٢-١٣-٧ يعطيه الله رغبته
١٠٢٤	٩-٢-١٤-١ الإجلال والتناء والتحسين

﴿ فهرست ﴾

۱۰۱۷.....	۹۲-۸۵- بلا
۱۰۱۹.....	۹۲-۹- دنیا، توانگری، گشایش و بی‌نیازی از دیگران
۱۰۱۹.....	۹۲-۹۱- توانگری
۱۰۱۹.....	۹۲-۹۲- توانگری بدون مال
۱۰۱۹.....	۹۲-۹۳- بی‌نیازی
۱۰۱۹.....	۹۲-۹۴- دنیا
۱۰۲۱.....	۹۲-۹۴-۱- دنیا از او فرمان می‌برد
۱۰۲۱.....	۹۲-۹۴-۲- دنیا و ابلیس و آفریدگان در نظرش کم‌اهمیت جلوه می‌کنند
۱۰۲۱.....	۹۲-۹۴-۳- به ارث‌بردن زمین
۱۰۲۱.....	۹۲-۹۵- گشایش
۱۰۲۱.....	۹۲-۹۶- بی‌نیازی از دیگران
۱۰۲۳.....	۹۲-۱۰- افزایش دوستان و اندوهناک‌شدن دشمنان
۱۰۲۳.....	۹۲-۱۰-۱- افزایش دوستان
۱۰۲۳.....	۹۲-۱۰-۲- اندوهناک‌شدن دشمنان
۱۰۲۳.....	۹۲-۱۱- گشایش درهای عبادت و کاسته‌شدن از گناه
۱۰۲۳.....	۹۲-۱۱-۱- گشایش درهای عبادت
۱۰۲۳.....	۹۲-۱۱-۲- کاسته‌شدن از گناه
۱۰۲۳.....	۹۲-۱۲- محبت مردم و فرشتگان
۱۰۲۳.....	۹۲-۱۲-۱- محبت مردم
۱۰۲۳.....	۹۲-۱۲-۲- محبت فرشتگان
۱۰۲۳.....	۹۲-۱۳- دستیابی به آنچه دوست دارد
۱۰۲۳.....	۹۲-۱۳-۱- میوه‌چینی از درخت آرزوها
۱۰۲۵.....	۹۲-۱۳-۲- اجابت و رد نشدن دعا
۱۰۲۵.....	۹۲-۱۳-۳- خداوند شرایط را به آنچه مطلوب آن‌هاست تغییر می‌دهد
۱۰۲۵.....	۹۲-۱۳-۴- رسیدن به خواسته‌ها
۱۰۲۵.....	۹۲-۱۳-۵- تمایل
۱۰۲۵.....	۹۲-۱۳-۵-۱- اعطای آنچه تمایل دارد
۱۰۲۵.....	۹۲-۱۳-۵-۲- رسیدن به آرزوها
۱۰۲۵.....	۹۲-۱۳-۶- آنچه می‌خواهد
۱۰۲۷.....	۹۲-۱۳-۷- آنچه را می‌خواهد خدا به او عطا می‌کند
۱۰۲۷.....	۹۲-۱۴- بزرگداشت و تحسین

﴿الفهرس﴾

١٠٢٦	٩-٢-١٤-١- الإجلالُ
١٠٢٦	٩-٢-١٤-٢- الثناءُ
١٠٢٦	٩-٢-١٤-٢-١- حسن الثناءِ عَلَيْهِ
١٠٢٦	٩-٢-١٤-٢-٢- كَثُرَ الثناءُ عَلَيْهِ
١٠٢٦	٩-٢-١٤-٣- التحسينُ
١٠٢٦	٩-٢-١٤-٤- الحمدُ
١٠٢٦	٩-٢-١٤-٥- تُحْصَنُ بِالذِّكْرِ الْجَمِيلِ
١٠٢٨	٩-٢-١٤-٦- التزيينُ
١٠٢٨	٩-٢-١٤-٦-١- تزيينُ المُرُوءَةِ
١٠٢٨	٩-٢-١٤-٧- أَهْلِيَّةُ أَخَذِ الدُّعَاءِ
١٠٢٨	٩-٢-١٥- الحِفظُ، الحِجْزُ، الحِرْزُ، الحِصْنُ، الجَنَّةُ، العِقالُ وراجع: الفصلُ الأولُ: التَّقْوَى لباسُ، التَّقْوَى جُنَّةٌ، التَّقْوَى حِصْنٌ
١٠٢٨	٩-٢-١٥-١- الحِفظُ
١٠٢٨	٩-٢-١٥-١-١- الحِفظُ مِنَ السَّيِّئَاتِ
١٠٣٠	٩-٢-١٥-١-٢- حِفظُ الدِّينِ
١٠٣٠	٩-٢-١٥-٢- الحِجْزُ
١٠٣٠	٩-٢-١٥-٢-١- عَنْ مَعَاصِي اللَّهِ
١٠٣٠	٩-٢-١٥-٢-٢- عَنْ تَقَحُّمِ الشُّبُهَاتِ
١٠٣٠	٩-٢-١٥-٢-٣- عَنْ الْمَحَارِمِ
١٠٣٢	٩-٢-١٥-٣- الحِرْزُ
١٠٣٢	٩-٢-١٥-٣-١- التَّقْوَى حِرْزٌ لِمَنْ عَمَلَ بِهَا
١٠٣٢	٩-٢-١٥-٣-٢- التَّقْوَى فِي الْيَوْمِ الْحِرْزُ
١٠٣٢	٩-٢-١٥-٣-٣- التَّقْوَى حِرْزٌ مِنَ النَّارِ
١٠٣٢	٩-٢-١٥-٣-٤- التَّقْوَى تَوَلُّوْا بِكُمْ إِلَى مَعَاوِلِ الْحِرْزِ
١٠٣٢	٩-٢-١٥-٣-٥- لَا مَعْقِلَ أَخْرَزَ مِنَ الْوَرَعِ
١٠٣٢	٩-٢-١٥-٣-٦- أَخْرَزَ حِرْزُ
١٠٣٢	٩-٢-١٥-٤- الحِصْنُ
١٠٣٤	٩-٢-١٥-٤-١- التَّقْوَى دَارُ حِصْنٍ عَزِيزٍ
١٠٣٤	٩-٢-١٥-٤-٢- التَّقْوَى حِصْنٌ حَصِينٌ
١٠٣٤	٩-٢-١٥-٤-٣- أَمْنَعُ حِصْنٍ
١٠٣٤	٩-٢-١٥-٤-٤- حِصْنُ الدِّينِ

﴿ فهرست ﴾

۱۰۲۷	 بزرگداشت ۹-۲-۱۴-۱
۱۰۲۷	 ستایش ۹-۲-۱۴-۲
۱۰۲۷	 به نیکی ستوده می شود ۹-۲-۱۴-۲-۱
۱۰۲۷	 فراوان ستوده می شود ۹-۲-۱۴-۲-۲
۱۰۲۷	 تحسین ۹-۲-۱۴-۳
۱۰۲۷	 ستایش ۹-۲-۱۴-۴
۱۰۲۷	 به نیکی یاد می شود ۹-۲-۱۴-۵
۱۰۲۹	 تزیین ۹-۲-۱۴-۶
۱۰۲۹	 تزیین جوانمردی ۹-۲-۱۴-۶-۱
۱۰۲۹	 شایستگی دریافت دعا ۹-۲-۱۴-۷
۱۰۲۹	 حفظ، نگهداری، قلعه، سپر، بند و ر. به: فصل ۱؛ پرهیزکاری لباس و سپر و قلعه است ۹-۲-۱۵
۱۰۲۹	 حفظ ۹-۲-۱۵-۱
۱۰۲۹	 نگهداری از بدی ها ۹-۲-۱۵-۱-۱
۱۰۳۱	 حفظ دین ۹-۲-۱۵-۱-۲
۱۰۳۱	 نگهداری ۹-۲-۱۵-۲
۱۰۳۱	 از نافرمانی خدا ۹-۲-۱۵-۲-۱
۱۰۳۱	 از افتادن در شبهات ۹-۲-۱۵-۲-۲
۱۰۳۱	 از محرّمات ۹-۲-۱۵-۲-۳
۱۰۳۳	 نگهبانی ۹-۲-۱۵-۳
۱۰۳۳	 پرهیزکاری برای کسی که بدان عمل کند نگهبان است ۹-۲-۱۵-۳-۱
۱۰۳۳	 پرهیزکاری در دنیا نگهبان است ۹-۲-۱۵-۳-۲
۱۰۳۳	 پرهیزکاری از آتش نگهبان است ۹-۲-۱۵-۳-۳
۱۰۳۳	 پرهیزکاری شما را به قلعه های حفاظت شده می کشاند ۹-۲-۱۵-۳-۴
۱۰۳۳	 هیچ قلعه ای محکم تر از ورع نیست ۹-۲-۱۵-۳-۵
۱۰۳۳	 حفاظت کننده ترین حفاظ ۹-۲-۱۵-۳-۶
۱۰۳۳	 قلعه ای محافظ ۹-۲-۱۵-۴
۱۰۳۵	 پرهیزکاری خانه ی حفاظت شده ی نفوذناپذیر است ۹-۲-۱۵-۴-۱
۱۰۳۵	 پرهیزکاری قلعه ی حفاظت شده است ۹-۲-۱۵-۴-۲
۱۰۳۵	 دست نایافتنی ترین قلعه ۹-۲-۱۵-۴-۳
۱۰۳۵	 نگهبان دین ۹-۲-۱۵-۴-۴

﴿الفهرس﴾

١٠٣٤	 الجَنَّةُ ٩-٢-١٥-٥
١٠٣٤	 التَّقْوَى جَنَّةُ ٩-٢-١٥-٥-١
١٠٣٤	 التَّقْوَى جَنَّةُ مَنِيْعَةٍ ٩-٢-١٥-٥-٢
١٠٣٤	 الوَرَعُ جَنَّةُ ٩-٢-١٥-٥-٣
١٠٣٤	 المَعْقِلُ ٩-٢-١٥-٥-٤
١٠٣٤	 أَحْسَنُ المَعْقِلِ ٩-٢-١٥-٥-٤-١
١٠٣٤	 الصِّيَانَةُ ٩-٢-١٥-٥-٧
١٠٣٤	 خَيْرُ صِيَانَةٍ ٩-٢-١٥-٥-٧-١
١٠٣٤	 صِيَانَةُ النَّفْسِ ٩-٢-١٥-٥-٧-٢
١٠٣٤	 صِيَانَةُ الْجَانِبِ ٩-٢-١٥-٥-٧-٣
١٠٣٤	 صِيَانَةُ الدِّينِ ٩-٢-١٥-٥-٧-٤
١٠٣٤	 إِسْتِبْرَاءُ الدِّينِ وَالْعِرْضِ ٩-٢-١٥-٨
١٠٣٤	 إِمَاطَةُ الْأَذَى ٩-٢-١٥-٩
١٠٣٤	 صَرْفُ شَرِّ الْأَعْدَاءِ ٩-٢-١٥-١٠
١٠٣٨	 الْقَطْعُ ٩-٢-١٥-١١
١٠٣٨	 قَطْعُ الْخَطَايَا ٩-٢-١٥-١١-١
١٠٣٨	 قَطْعُ عِلَاقِ الدُّنْيَا ٩-٢-١٥-١١-٢
١٠٣٨	 الْوَقَايَةُ ٩-٢-١٥-١٢
١٠٣٨	 مَنْ اتَّقَى اللَّهَ يُتَّقَى ٩-٢-١٥-١٢-١
١٠٣٨	 تَوْقَى مَقْتِ اللَّهِ وَعُقُوبَتَهُ وَ سَخَطَهُ ٩-٢-١٥-١٢-٢
١٠٣٨	 أَوْقَى جَنَّةَ ٩-٢-١٥-١٢-٣
١٠٣٨	 الثَّبَاتُ وَ التَّثْبِيتُ، السَّدَادُ وَ التَّسْدِيدُ ٩-٢-١٦
١٠٣٨	 التَّثْبِيتُ ٩-٢-١٦-١
١٠٣٨	 تَثْبِيتُ الْأَقْدَامِ ٩-٢-١٦-٢
١٠٣٨	 السَّدَادُ ٩-٢-١٦-٣
١٠٤٠	 التَّسْدِيدُ فِي الْأَمْرِ ٩-٢-١٦-٤
١٠٤٠	 إِسْتِقَامَةُ الدِّينِ ٩-٢-١٦-٥
١٠٤٠	 الْقُوَّةُ وَالظَّفَرُ وَالْغَلْبَةُ ٩-٢-١٧
١٠٤٠	 الْقُوَّةُ ٩-٢-١٧-١
١٠٤٠	 قُوَّةُ بَدَنِهِ ٩-٢-١٥-١٧-١
١٠٤٠	 عَاشَ قَوِيًّا ٩-٢-١٥-١٧-٢

﴿ فهرست ﴾

۱۰۳۵	۹۲-۱۵-۵ سپر
۱۰۳۵	۹۲-۱۵-۵-۱ پرهیزکاری سپر است
۱۰۳۵	۹۲-۱۵-۵-۲ پرهیزکاری سپر نفوذناپذیر است
۱۰۳۵	۹۲-۱۵-۵-۳ ورع سپر است
۱۰۳۵	۹۲-۱۵-۶ قلعه
۱۰۳۵	۹۲-۱۵-۶-۱ بهترین قلعه
۱۰۳۷	۹۲-۱۵-۷ حفاظت
۱۰۳۷	۹۲-۱۵-۷-۱ بهترین حفاظت
۱۰۳۷	۹۲-۱۵-۷-۲ حفاظت نفس
۱۰۳۷	۹۲-۱۵-۷-۳ حفاظت اطراف
۱۰۳۷	۹۲-۱۵-۷-۴ حفاظت دین
۱۰۳۷	۹۲-۱۵-۸ پاک‌نگاه‌داشتن دین و آبرو
۱۰۳۷	۹۲-۱۵-۹ دور کردن آزار
۱۰۳۷	۹۲-۱۵-۱۰ برطرف کردن شر دشمنان
۱۰۳۹	۹۲-۱۵-۱۱ بریدن
۱۰۳۹	۹۲-۱۵-۱۱-۱ قطع کردن خطاها
۱۰۳۹	۹۲-۱۵-۱۱-۲ قطع کردن پیوندهای دنیوی
۱۰۳۹	۹۲-۱۵-۱۲ نگهداری
۱۰۳۹	۹۲-۱۵-۱۲-۱ هر که از خدا پروا کند حفاظت می‌شود
۱۰۳۹	۹۲-۱۵-۱۲-۲ تقوا از خشم و عقوبت خدا مصون می‌دارد
۱۰۳۹	۹۲-۱۵-۱۲-۳ حفاظت‌کننده‌ترین سپر
۱۰۳۹	۹۲-۱۶ تثبیت، محکم کردن
۱۰۳۹	۹۲-۱۶-۱ تثبیت
۱۰۳۹	۹۲-۱۶-۲ ثابت کردن گام‌ها
۱۰۳۹	۹۲-۱۶-۳ محکم کردن
۱۰۴۱	۹۲-۱۶-۴ محکم کردن کار
۱۰۴۱	۹۲-۱۶-۵ پایداری دین
۱۰۴۱	۹۲-۱۷ نیرو و پیروزی و غلبه
۱۰۴۱	۹۲-۱۷-۱ توان
۱۰۴۱	۹۲-۱۵-۱۷-۱ توان بدنی
۱۰۴۱	۹۲-۱۵-۱۷-۲ با قوت زندگی می‌کند

﴿الفهرس﴾

- ١٠٤٠ ٩-٢-١٧-٢ ظَفَرُ كُلِّ غَالِبٍ
- ١٠٤٠ ٩-٢-١٧-٣ الغَلَبَةُ
- ١٠٤٠ ٩-٢-١٧-٣-١ غَلَبَةُ الْأُمُورِ السَّيِّئَةِ وَالْأَهْوَاءِ الْمُرْدِيَةِ
- ١٠٤٢ ٩-٢-١٧-٣-٢ غَلَبَةُ الشَّيْطَانِ
- ١٠٤٢ ٩-٢-١٧-٣-٣ مَا تَسْتَظْهِرُ بِهِ عَلَى الْعَدُوِّ
- ١٠٤٢ ٩-٢-١٧-٤ الْعَوْنُ
- ١٠٤٢ ٩-٢-١٧-٤-١ عَوْنُ الدِّينِ وَالْوَلَايَةِ
- ١٠٤٢ ٩-٢-١٧-٤-٢ عَوْنُ صِدْقٍ
- ١٠٤٢ ٩-٢-١٨ العِزُّ، الْفَخْرُ، الْعُلُوُّ
- ١٠٤٢ ٩-٢-١٨-١ العِزُّ
- ١٠٤٤ ٩-٢-١٨-٤-١ أَعَزَّهُ مِنْ غَيْرِ عَشِيرَةٍ
- ١٠٤٤ ٩-٢-١٨-٤-٢ عِزُّ بِلَا سُلْطَانٍ
- ١٠٤٤ ٩-٢-١٨-٤-٣ أَعَزَّ النَّاسِ
- ١٠٤٤ ٩-٢-١٨-٢ الْفَخْرُ
- ١٠٤٤ ٩-٢-١٨-٣ الْعُلُوُّ
- ١٠٤٦ ٩-٢-١٩ الْفَضْلُ وَالْتِفَاضُلُ
- ١٠٤٦ ٩-٢-١٩-١ الْفَضْلُ
- ١٠٤٦ ٩-٢-١٩-٢ الْتِفَاضُلُ
- ١٠٤٦ ٩-٢-٢٠ الْكَمَالُ وَالْإِكْمَالُ
- ١٠٤٦ ٩-٢-٢٠-١ الْكَمَالُ
- ١٠٤٨ ٩-٢-٢٠-٢ كَمَالُ الدِّينِ
- ١٠٤٨ ٩-٢-٢٠-٣ إِكْمَالُ الْفَضَائِلِ فِي الدِّينِ
- ١٠٤٨ ٩-٢-٢٠-٤ مَا بَلَغَ الْأَئِمَّةُ عليهم السلام بِهَا مَا بَلَغَ
- ١٠٤٨ ٩-٣ ثَمَرَاتُ التَّقْوَى فِي الْآخِرَةِ
- ١٠٤٨ ٩-٣-١ الْآخِرَةُ، الْعَاقِبَةُ، الدَّارُ
- ١٠٤٨ ٩-٣-١-١ الْآخِرَةُ
- ١٠٤٨ ٩-٣-١-١-١ الْآخِرَةُ لِلْمُتَّقِينَ
- ١٠٤٨ ٩-٣-١-١-٢ الْآخِرَةُ خَيْرٌ لِمَنْ اتَّقَى
- ١٠٤٨ ٩-٣-١-١-٣ زَادَ الْآخِرَةُ الْوَرَعَ وَالتَّقَى
- ١٠٤٨ ٩-٣-١-١-٤ عَوْنُ الْآخِرَةِ
- ١٠٤٨ ٩-٣-١-١-٥ عَوْنُ صِدْقٍ عَلَى إِبْتِغَاءِ الْآخِرَةِ

﴿فهرست﴾

۱۰۴۱	 پیروزی هر پیروزمند	۹-۲-۱۷-۲
۱۰۴۱	 غلبه	۹-۲-۱۷-۳
۱۰۴۱	 غلبه بر امور ناشایست و تمایلات نابودکننده	۹-۲-۱۷-۳-۱
۱۰۴۳	 غلبه بر شیطان	۹-۲-۱۷-۳-۲
۱۰۴۳	 آنچه بدان در مقابل دشمنت پشتیبانی می‌شوی	۹-۲-۱۷-۳-۳
۱۰۴۳	 یاری	۹-۲-۱۷-۴
۱۰۴۳	 یاری بر دین و ولایت	۹-۲-۱۷-۴-۱
۱۰۴۳	 یاری صادق	۹-۲-۱۷-۴-۲
۱۰۴۳	 عزت، فخر، برتری	۹-۲-۱۸
۱۰۴۳	 عزت	۹-۲-۱۸-۱
۱۰۴۵	 بدون خاندان او را عزیز می‌کند	۹-۲-۱۸-۴-۱
۱۰۴۵	 عزت بدون پادشاهی	۹-۲-۱۸-۴-۲
۱۰۴۵	 عزیزترین مردم	۹-۲-۱۸-۴-۳
۱۰۴۵	 فخر	۹-۲-۱۸-۲
۱۰۴۵	 ارتقاء	۹-۲-۱۸-۳
۱۰۴۷	 برتری	۹-۲-۱۹
۱۰۴۷	 برتری	۹-۲-۱۹-۱
۱۰۴۷	 برتری	۹-۲-۱۹-۲
۱۰۴۷	 به کمال رساندن	۹-۲-۲۰
۱۰۴۷	 کمال	۹-۲-۲۰-۱
۱۰۴۹	 تمام و کمال دین	۹-۲-۲۰-۲
۱۰۴۹	 کمال فضیلت‌های دینی	۹-۲-۲۰-۳
۱۰۴۹	 آنچه امامان (علیهم‌السلام) با آن به مقاماتشان رسیده‌اند	۹-۲-۲۰-۴
۱۰۴۹	 نتایج پرهیزکاری در آخرت	۹-۳
۱۰۴۹	 آخرت، عاقبت، خانه‌ی آخرت	۹-۳-۱
۱۰۴۹	 آخرت	۹-۳-۱-۱
۱۰۴۹	 آخرت متعلق به پرهیزکاران است	۹-۳-۱-۱-۱
۱۰۴۹	 آخرت برای آن‌که پرهیزکاری ورزد بهتر است	۹-۳-۱-۱-۲
۱۰۴۹	 توشه‌ی آخرت ورع و پرهیزکاری است	۹-۳-۱-۱-۳
۱۰۴۹	 یاور آخرت	۹-۳-۱-۱-۴
۱۰۴۹	 یاور صادق بر به‌دست آوردن آخرت	۹-۳-۱-۱-۵

﴿الفهرس﴾

- ١٠٥٠ ٩-٣-١-١-٦ أَفْضَلُ مَا يُسْتَعَانُ بِهِ فِي أَمْرِ الْآخِرَةِ.....
- ١٠٥٠ ٩-٣-١-١-٧ تَنَالُ بِهَا الْآخِرَةَ.....
- ١٠٥٠ ٩-٣-١-١-٨ الْآخِرَةُ أَطَاعَتْ أَهْلَ التَّقْوَى.....
- ٩-٣-١-٢ دَارُ الْآخِرَةِ، دَارُ الْأَمَانِ، دَارُ اصْطِنَاعِهَا اللَّهُ لِنَفْسِهِ، الدَّارُ الَّتِي خَلَقَهَا اللَّهُ سُبْحَانَهُ مِنْ لَوْلَاةٍ بَيِّضَاءَ، نِعَمَ الدَّارِ..... ١٠٥٠
- ٩-٣-١-٢-١ دَارُ الْآخِرَةِ..... ١٠٥٠
- ٩-٣-١-٢-٢ دَارُ اصْطِنَاعِهَا اللَّهُ لِنَفْسِهِ..... ١٠٥٢
- ٩-٣-١-٢-٣ الدَّارُ الَّتِي خَلَقَهَا اللَّهُ سُبْحَانَهُ مِنْ لَوْلَاةٍ بَيِّضَاءَ..... ١٠٥٢
- ٩-٣-١-٢-٤ دَارُ الْأَمَانِ..... ١٠٥٢
- ٩-٣-١-٢-٥ نِعَمَ الدَّارِ..... ١٠٥٢
- ٩-٣-١-٣ الْعَاقِبَةُ..... ١٠٥٤
- ٩-٣-٢ لا يُحَاسِبُ، لَا يُفْتَشُ..... ١٠٥٤
- ٩-٣-٢-١ لَا يُحَاسِبُ..... ١٠٥٤
- ٩-٣-٢-٢ لَا يُفْتَشُ..... ١٠٥٤
- ٩-٣-٣ عَدَمُ الْهَلَاكَةِ وَالنَّدَامَةِ..... ١٠٥٦
- ٩-٣-٣-١ لَا يَهْلِكُ مَنْ تَبِعَهَا..... ١٠٥٦
- ٩-٣-٣-٢ لَمْ يَبَلِّ سِرْبَالُهُ..... ١٠٥٦
- ٩-٣-٣-٣ لَا يَنْدُمُ مَنْ يَعْمَلُ بِهَا..... ١٠٥٦
- ٩-٣-٤ النِّجَاةُ، الْأَمْنُ وَالْأَمَانُ، الْخَلَاصُ، تَجَنُّبُ النَّارِ، تَسَاقُطُ الذُّنُوبِ، السَّلَامَةُ، الْعَقْوُ، الْمَعَادُ، الْمَغْفِرَةُ، تَكْفِيرُ السَّيِّئَاتِ، لَا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ، لَا يَمَسُّهُمْ السُّوءُ..... ١٠٥٦
- ٩-٣-٤-١ النِّجَاةُ..... ١٠٥٦
- ٩-٣-٤-١-١ نَجَاةٌ مِنْ كُلِّ هَلَكَةٍ..... ١٠٥٨
- ٩-٣-٤-١-٢ النِّجَاةُ مِنَ الْمَهَالِكِ..... ١٠٦٠
- ٩-٣-٤-١-٣ النِّجَاةُ مِنْ نَارِ جَهَنَّمَ..... ١٠٦٠
- ٩-٣-٤-٢ الْأَمْنُ وَالْأَمَانُ..... ١٠٦٠
- ٩-٣-٤-٢-١ دَخَلَ الْجَنَّةَ آمِنًا..... ١٠٦٠
- ٩-٣-٤-٢-٢ أَمِنُ فَرَعَ جَاشِكُمْ..... ١٠٦٢
- ٩-٣-٤-٢-٣ أَمِنَةٌ يَوْمَ الْخَوْفِ الْأَكْبَرِ..... ١٠٦٢
- ٩-٣-٤-٢-٤ أَمَانٌ مِنَ النَّارِ..... ١٠٦٢
- ٩-٣-٤-٢-٥ دَارُ الْأَمَانِ..... ١٠٦٢
- ٩-٣-٤-٢-٦ مَقَامُ آمِينَ..... ١٠٦٢

﴿فهرست﴾

۱۰۵۱.....	۹۳-۱-۱۶- بهترین چیزی که با آن بر امر آخرت می‌توان یاری طلبید.....
۱۰۵۱.....	۹۳-۱-۱۷- با آن به آخرت می‌رسی.....
۱۰۵۱.....	۹۳-۱-۱۸- آخرت از اهل پرهیزکاری فرمان می‌برد.....
۱۰۵۱.....	۹۳-۱-۲- خانه‌ی آخرت، خانه‌ی امنیّت، خانه‌ای که خداوند برای خودش درست کرده است، خانه‌ای که خدا از درّ سفید درست کرده است، بهترین خانه.....
۱۰۵۱.....	۹۳-۱-۲-۱- خانه‌ی آخرت.....
۱۰۵۳.....	۹۳-۱-۲-۲- خانه‌ای که خدا برای خودش درست کرده است.....
۱۰۵۳.....	۹۳-۱-۲-۳- خانه‌ای که خدا از درّ سفید درست کرده است.....
۱۰۵۳.....	۹۳-۱-۲-۴- خانه‌ی امنیّت.....
۱۰۵۳.....	۹۳-۱-۲-۵- بهترین خانه.....
۱۰۵۵.....	۹۳-۱-۳- عاقبت.....
۱۰۵۵.....	۹۳-۲- مورد محاسبه قرار نمی‌گیرد، بازجویی نمی‌شود.....
۱۰۵۵.....	۹۳-۲-۱- مورد محاسبه قرار نمی‌گیرد.....
۱۰۵۵.....	۹۳-۲-۲- بازجویی نمی‌شود.....
۱۰۵۷.....	۹۳-۳- عدم نابودی و پشیمانی.....
۱۰۵۷.....	۹۳-۳-۱- هر که آن را پیروی کند هلاک نمی‌شود.....
۱۰۵۷.....	۹۳-۳-۲- پیراهنش کهنه نخواهد شد.....
۱۰۵۷.....	۹۳-۳-۳- هر کس به آن عمل کند، پشیمان نمی‌شود.....
۱۰۵۷.....	۹۳-۴- نجات، امنیّت، خلاص شدن، دور شدن از آتش، ریختن گناهان، امنیّت، بخشش، پناه، آمرزش، پوشیده شدن بدی‌ها، نه ترسی بر آنان است و نه نگرانی، بدی به آنان نمی‌رسد.....
۱۰۵۷.....	۹۳-۴-۱- نجات.....
۱۰۵۹.....	۹۳-۴-۱-۱- نجات از هر مهلکه.....
۱۰۶۱.....	۹۳-۴-۱-۲- نجات از هر مهلکه.....
۱۰۶۱.....	۹۳-۴-۱-۳- نجات از آتش جهنم.....
۱۰۶۱.....	۹۳-۴-۲- امنیّت.....
۱۰۶۱.....	۹۳-۴-۲-۱- در کمال امنیّت وارد بهشت می‌شود.....
۱۰۶۳.....	۹۳-۴-۲-۲- ایمنی ترس دل.....
۱۰۶۳.....	۹۳-۴-۲-۳- ایمنی در روز ترس بزرگ.....
۱۰۶۳.....	۹۳-۴-۲-۴- ایمنی از آتش.....
۱۰۶۳.....	۹۳-۴-۲-۵- خانه‌ی امن.....
۱۰۶۳.....	۹۳-۴-۲-۶- جایگاه امن.....

﴿الفهرس﴾

١٠٦٢	 الخَلاصُ ٩-٣-٤-٣
١٠٦٤	 تَجَنُّبُ النَّارِ ٩-٣-٤-٤
١٠٦٤	 إِسْقَاطُ ٩-٣-٤-٥
١٠٦٤	 ٩-٣-٤-٥-١ إِسْقَاطُ النَّسِيَانِ وَ السَّهْوِ وَ الْغَلَطِ مَا اتَّقَى فِيهِ
١٠٦٤	 ٩-٣-٤-٥-٢ تَسَاقُطُ الذُّنُوبِ
١٠٦٤	 ٩-٣-٤-٥-٣ لَيْسَ عَلَيْهِمْ جُنَاحٌ
١٠٦٤	 ٩-٣-٤-٥-٤ ارْحَضُوا بِهَا ذُنُوبَكُمْ
١٠٦٤	 ٩-٣-٤-٥-٥ السَّلَامَةُ وَ السَّلَامُ
١٠٦٤	 ٩-٣-٤-٥-٥-١ السَّلَامَةُ مِنْ أَهْوَالِ يَوْمِ الْقِيَامَةِ
١٠٦٤	 ٩-٣-٤-٥-٥-٢ السَّلَامَةُ مِنَ التَّلَفِ
١٠٦٤	 ٩-٣-٤-٥-٥-٣ الثَّبَاتُ عَلَى جَوَابِ الْمَزَلِقِ
١٠٦٤	 ٩-٣-٤-٥-٥-٤ ادْخُلُوهَا بِسَلَامٍ
١٠٦٤	 ٩-٣-٤-٥-٥-٥ سَلَامُ الْمَلَائِكَةِ
١٠٦٤	 ٩-٣-٤-٥-٥-١٠ الْمَعَادُ
١٠٦٨	 ٩-٣-٤-٥-٥-١١ الْعَقُوبُ
١٠٦٨	 ٩-٣-٤-٥-٥-١٢ الْمَغْفِرَةُ
١٠٧٠	 ٩-٣-٤-٥-٥-١٣ تَكْفِيرُ السَّيِّئَاتِ
١٠٧٠	 ٩-٣-٤-٥-٥-١٤ لَا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ
١٠٧٠	 ٩-٣-٤-٥-٥-١٥ لَا يَمَسُّهُمْ السُّوءُ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ
١٠٧٢	 ٩-٣-٤-٥-٥-١٦ مَا مِنْ حِسَابِ الظَّالِمِينَ عَلَيْهِمْ مِنْ شَيْءٍ
١٠٧٢	 ٩-٣-٥-٥-١ أَجْرُ الثَّوَابِ، الْجَزَاءُ، الشُّكْرُ مِنْ اللَّهِ، الْغَنِيمَةُ، الذُّخْرُ، الْكَتْنُ
١٠٧٢	 ٩-٣-٥-٥-١-١ أَجْرُ الْآخِرَةِ
١٠٧٢	 ٩-٣-٥-٥-١-٢ أَجْرٌ عَظِيمٌ
١٠٧٢	 ٩-٣-٥-٥-١-٣ أَجْرُهُ كَأَجْرِ عِيسَى ابْنِ مَرْيَمَ عليه السلام
١٠٧٢	 ٩-٣-٥-٥-١-٤ كَانَ لَهُ مِثْلُ أَجْرِ الثَّقَلَيْنِ الْجَنِّ وَالْإِنْسِ
١٠٧٤	 ٩-٣-٥-٥-١-٥ لَا يُضِيعُ أَجْرَهُمْ
١٠٧٤	 ٩-٣-٥-٥-٢ الثَّوَابُ وَ الْجَزَاءُ
١٠٧٤	 ٩-٣-٥-٥-٢-١ الثَّوَابُ
١٠٧٤	 ٩-٣-٥-٥-٢-٢ أَفْضَلُ الثَّوَابِ وَ أَحْسَنُ الْجَزَاءِ
١٠٧٤	 ٩-٣-٥-٥-٢-٣ جَزَاءٌ مِنْ رَبِّكَ

﴿فهرست﴾

۱۰۶۳	 خلاص شدن	۹۳-۴-۳
۱۰۶۵	 دور شدن از آتش	۹۳-۴-۴
۱۰۶۵	 ریختن	۹۳-۴-۵
۱۰۶۵	 ریختن خطاها	۹۳-۴-۵-۱
۱۰۶۵	 ریختن گناهان	۹۳-۴-۶
۱۰۶۵	 گناهی بر آنها نیست	۹۳-۴-۷
۱۰۶۵	 گناهانتان را با آن شستشو دهید	۹۳-۴-۸
۱۰۶۷	 امنیت و آرامش	۹۳-۴-۹
۱۰۶۷	 امنیت در مراحل هول‌انگیز قیامت	۹۳-۴-۹-۱
۱۰۶۷	 درمان بودن از نابودی	۹۳-۴-۹-۲
۱۰۶۷	 عدم لغزش در جایگاه‌های لغزنده	۹۳-۴-۹-۳
۱۰۶۷	 در کمال امنیت وارد بهشت شوید	۹۳-۴-۹-۴
۱۰۶۷	 پیام امن فرشتگان	۹۳-۴-۹-۵
۱۰۶۷	 پناه	۹۳-۴-۱۰
۱۰۶۹	 عفو	۹۳-۴-۱۱
۱۰۶۹	 آموزش	۹۳-۴-۱۲
۱۰۷۱	 پوشیده شدن بدی‌ها	۹۳-۴-۱۳
۱۰۷۱	 نه ترسی بر آنان است و نه نگرانی	۹۳-۴-۱۴
۱۰۷۱	 بدی به آنان نمی‌رسد و نگران نمی‌شوند	۹۳-۴-۱۵
۱۰۷۳	 از حساب ستمکاران بر آنان نیست	۹۳-۴-۱۶
۱۰۷۳	 پاداش، قدردانی خدا، غنیمت، ذخیره، گنج	۹۳-۵
۱۰۷۳	 پاداش	۹۳-۵-۱
۱۰۷۳	 پاداش آخرت	۹۳-۵-۱-۱
۱۰۷۳	 پاداشی بزرگ	۹۳-۵-۱-۲
۱۰۷۳	 پاداشی همانند پاداش عیسی بن مریم علیه السلام	۹۳-۵-۱-۳
۱۰۷۳	 پاداشی مانند پاداش جنّ و انس	۹۳-۵-۱-۴
۱۰۷۵	 پاداششان از بین نمی‌رود	۹۳-۵-۱-۵
۱۰۷۵	 ثواب و پاداش	۹۳-۵-۲
۱۰۷۵	 ثواب	۹۳-۵-۲-۱
۱۰۷۵	 برترین پاداش	۹۳-۵-۲-۲
۱۰۷۵	 پاداشی از جانب پروردگارت	۹۳-۵-۲-۳

﴿الفهرس﴾

١٠٧٤	٩-٣-٥-٣- الشُّكْرُ مِنَ اللَّهِ (لا يُكْفَرُ)
١٠٧٦	٩-٣-٥-٤- الْغَنِيمَةُ
١٠٧٦	٩-٣-٥-٥- الذُّخْرُ
١٠٧٦	٩-٣-٥-٥-١- ذَخِيرَةُ الْآخِرَةِ
١٠٧٦	٩-٣-٥-٥-٢- ذَخِيرَةُ مَعَادٍ
١٠٧٦	٩-٣-٥-٥-٣- خَيْرُ الذُّخْرِ
١٠٧٦	٩-٣-٥-٥-٤- الْكَنْزُ
١٠٧٦	٩-٣-٥-٦- الْأَنْسُ، الرَّاحَةُ
١٠٧٦	٩-٣-٥-٦-١- الْأَنْسُ الدَّائِمُ
١٠٧٨	٩-٣-٥-٦-٢- الرَّاحَةُ
١٠٧٨	٩-٣-٥-٦-٢-١- رَاحَةُ الدَّارَيْنِ
١٠٧٨	٩-٣-٥-٦-٢-٢- رَاحَةُ طَوِيلَةٍ
١٠٧٨	٩-٣-٥-٦-٣- مَا أَنْفَعَ الْمَوْتَ لَهُ
١٠٧٨	٩-٣-٥-٧- الْخَلَّةُ، التَّعَارُفُ
١٠٧٨	٩-٣-٥-٧-١- الْخَلَّةُ فِي الْقِيَامَةِ
١٠٨٠	٩-٣-٥-٧-٢- يَتَعَارَفُونَ فِي الْقِيَامَةِ فَيَكَلِّمُ بَعْضُهُمْ بَعْضًا
١٠٨٠	٩-٣-٨- الْجَنَّةُ، جَنَّةُ الْمَأْوَى، جَنَّةُ الْخُلْدِ، جَنَّاتُ عَدْنٍ، جَنَّاتُ النَّعِيمِ، جَنَّاتُ وَعْثُونَ، جَنَّاتُ وَنَعِيمٍ، جَنَّاتُ وَنَهْرٍ، أَرْضُ بَيْضَاءٍ، الْحَدَاتِقُ، رِيَاضُ الْخُلْدِ، الْفِرْدَوْسُ، طُوبَى
١٠٨٠	٩-٣-٨-١- الْجَنَّةُ
١٠٨٠	٩-٣-٨-١-١- الْجَنَّةُ ثَوَابُ الْمُتَّقِينَ
١٠٨٠	٩-٣-٨-١-٢- الْجَنَّةُ دَارُ الْأَتْقِيَاءِ
١٠٨٠	٩-٣-٨-١-٣- الْجَنَّةُ يُورَثُ لِلْمُتَّقِينَ
١٠٨٠	٩-٣-٨-١-٤- إِنَّ التَّقْوَى طَرِيقٌ إِلَى الْجَنَّةِ
١٠٨٠	٩-٣-٨-١-٥- أُرْزِلَتْ الْجَنَّةُ لِلْمُتَّقِينَ
١٠٨٠	٩-٣-٨-١-٦- تُرْزَلُ الْجَنَّةُ لِلْمُتَّقِينَ
١٠٨٠	٩-٣-٨-١-٧- يُرْزَلُ الْمُتَّقِينَ الْجَنَّةُ
١٠٨٢	٩-٣-٨-١-٨- أُعِدَّتْ الْجَنَّةُ لِلْمُتَّقِينَ
١٠٨٢	٩-٣-٨-١-٩- أَكْثَرُ مَا تَلَجُّ بِهِ أُمَّتِي فِي الْجَنَّةِ التَّقْوَى
١٠٨٢	٩-٣-٨-١-١٠- الْأَئِمَّةُ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَادَةُ الْأَتْقِيَاءِ إِلَى الْجَنَّةِ
١٠٨٢	٩-٣-٨-١-١١- التَّقْوَى أَوْرَدَتْ رَاكِبَهُ الْجَنَّةَ
١٠٨٢	٩-٣-٨-١-١٢- الَّذِينَ اتَّقَوْا رَبَّهُمْ لَهُمْ جَنَّاتٌ

﴿فهرست﴾

۱۰۷۵	۹۳-۵-۳- قدردانی خداوند.....
۱۰۷۷	۹۳-۵-۴- غنیمت.....
۱۰۷۷	۹۳-۵-۵- ذخیره.....
۱۰۷۷	۹۳-۵-۵-۱- ذخیره‌ی آخرت.....
۱۰۷۷	۹۳-۵-۵-۲- ذخیره‌ی آخرت.....
۱۰۷۷	۹۳-۵-۵-۳- بهترین ذخیره.....
۱۰۷۷	۹۳-۵-۶- گنج.....
۱۰۷۷	۹۳-۶- انس و آرامش.....
۱۰۷۷	۹۳-۶-۱- انس دائم.....
۱۰۷۹	۹۳-۶-۲- آرامش.....
۱۰۷۹	۹۳-۶-۲-۱- آرامش دو جهان.....
۱۰۷۹	۹۳-۶-۲-۲- آرامش طولانی.....
۱۰۷۹	۹۳-۶-۳- چقدر مرگ برای او مفید است!.....
۱۰۷۹	۹۳-۷- دوستی، آشنایی.....
۱۰۷۹	۹۳-۷-۱- دوستی در قیامت.....
۱۰۸۱	۹۳-۷-۲- در قیامت یکدیگر را می‌شناسند و با هم صحبت می‌کنند.....
۱۰۸۱	۹۳-۸- بهشت، بهشت آرامگاه، بهشت جاودان، بهشت‌های پرنعمت، باغ‌ها و چشمه‌ها، باغ‌ها و نعمت‌ها، باغ‌ها و رودها، سرزمین سبید، باغ‌ها، باغ‌های جاودان، فردوس، طوبی.....
۱۰۸۱	۹۳-۸-۱- بهشت.....
۱۰۸۱	۹۳-۸-۱-۱- بهشت پاداش پرهیزکاران است.....
۱۰۸۱	۹۳-۸-۱-۲- بهشت خانه‌ی باتقویان است.....
۱۰۸۱	۹۳-۸-۱-۳- بهشت برای باتقویان به ارث می‌رسد.....
۱۰۸۱	۹۳-۸-۱-۴- تقوا راهی به‌سوی بهشت است.....
۱۰۸۱	۹۳-۸-۱-۵- بهشت به پرهیزکاران نزدیک می‌شود.....
۱۰۸۱	۹۳-۸-۱-۶- بهشت به پرهیزکاران نزدیک می‌شود.....
۱۰۸۱	۹۳-۸-۱-۷- بهشت به پرهیزکاران نزدیک می‌شود.....
۱۰۸۳	۹۳-۸-۱-۸- بهشت برای پرهیزکاران آماده می‌شود.....
۱۰۸۳	۹۳-۸-۱-۹- بیشترین اَمّت من به خاطر پرهیزکاری به بهشت می‌روند.....
۱۰۸۳	۹۳-۸-۱-۱۰- اِمامان (علیهم‌السلام) پیشوای پرهیزکاران به‌سوی بهشت هستند.....
۱۰۸۳	۹۳-۸-۱-۱۱- پرهیزکاری سوار خود را به بهشت وارد می‌کند.....
۱۰۸۳	۹۳-۸-۱-۱۲- آنان که از پروردگارشان پروا می‌کنند، برایشان بهشت‌هایی آماده است.....

﴿الفهرس﴾

- ١٠٨٤ ٩-٣-٨-١-١٣- إنَّ اللَّهَ يُدْخِلُ مَنْ حَسُنَ وَرَعُهُ الْجَنَّةَ
- ١٠٨٤ ٩-٣-٨-١-١٤- مَنْ أَتَى اللَّهَ هُوَ مِنْ أَهْلِ الْجَنَّةِ
- ١٠٨٤ ٩-٣-٨-١-١٥- خَلَقَ الْجَنَّةَ لِكُلِّ تَقِيٍّ
- ١٠٨٤ ٩-٣-٨-١-١٦- دُخُولُ الْجَنَّةِ لِمَنْ كَانَ وَرِعاً
- ١٠٨٤ ٩-٣-٨-١-١٧- مَنْ أَتَى دَخَلَ الْجَنَّةَ
- ١٠٨٤ ٩-٣-٨-١-١٨- رَجَوْتُ لِلْمُؤْمِنِ الْوَرَعَ الْجَنَّةَ
- ١٠٨٤ ٩-٣-٨-١-١٩- سَادَةُ أَهْلِ الْجَنَّةِ الْمُتَّقُونَ
- ١٠٨٤ ٩-٣-٨-١-٢٠- مُلُوكُ الْجَنَّةِ الْأَتْقِيَاءُ
- ١٠٨٤ ٩-٣-٨-١-٢١- سَبَقَ الَّذِينَ اتَّقَوْا رَبَّهُمْ إِلَى الْجَنَّةِ زُمَرًا
- ١٠٨٤ ٩-٣-٨-١-٢٢- لِلَّذِينَ اتَّقَوْا عِنْدَ رَبِّهِمْ جَنَّاتٌ
- ١٠٨٤ ٩-٣-٨-١-٢٣- لَمْ يَدْخُلِ الْجَنَّةَ مَطْلَبًا
- ١٠٨٤ ٩-٣-٨-١-٢٤- مَنْ لَزِمَ التَّقْوَى رِيحَ الْفَوْزِ فِي الْجَنَّةِ
- ١٠٨٨ ٩-٣-٨-١-٢٥- نَالَ الْجَنَّةَ مَنْ أَتَى
- ١٠٨٨ ٩-٣-٨-١-٢٦- وَعَدَ اللَّهُ الْجَنَّةَ مَنْ يَتَّقِيهِ
- ١٠٨٨ ٩-٣-٨-١-٢٧- وَعَدَ اللَّهُ الْمُتَّقِينَ الْجَنَّةَ
- ١٠٨٨ ٩-٣-٨-١-٢٨- وَعِدَ الْمُتَّقُونَ الْجَنَّةَ
- ١٠٨٨ ٩-٣-٨-١-٢٩- وَصَفُ حَالِ الْمُتَّقِينَ بَعْدَ دُخُولِهِمُ الْجَنَّةَ
- ١٠٩٠ ٩-٣-٨-١-٣٠- يُوجِبُ اللَّهُ الْجَنَّةَ
- ١٠٩٠ ٩-٣-٨-٢- جَنَّاتِ عَدْنٍ
- ١٠٩٠ ٩-٣-٨-٢-١- الْمُتَّقُونَ يَدْخُلُونَ جَنَّاتِ عَدْنٍ
- ١٠٩٠ ٩-٣-٨-٢-٢- إِبَاحَةُ جَنَّاتِ عَدْنٍ لِأَهْلِ الْوَرَعِ
- ١٠٩٢ ٩-٣-٨-٢-٣- سَبَقُوا إِلَى جَنَّاتِ عَدْنٍ مِنْ صَحٍّ وَرَعُهُمْ
- ١٠٩٢ ٩-٣-٨-٣- جَنَّاتِ النَّعِيمِ
- ١٠٩٢ ٩-٣-٨-٣-١- أَذْخَلْنَا الْمُتَّقِينَ جَنَّاتِ النَّعِيمِ
- ١٠٩٢ ٩-٣-٨-٣-٢- إِنَّ الْمُتَّقِينَ عِنْدَ رَبِّهِمْ جَنَّاتِ النَّعِيمِ
- ١٠٩٢ ٩-٣-٨-٤- جَنَّاتُ وَعْظُونَ
- ١٠٩٢ ٩-٣-٨-٤-١- إِنَّ الْمُتَّقِينَ فِي جَنَّاتِ وَعْظُونَ
- ١٠٩٢ ٩-٣-٨-٥- جَنَّاتُ وَنَعِيمٍ
- ١٠٩٢ ٩-٣-٨-٥-١- إِنَّ الْمُتَّقِينَ فِي جَنَّاتِ وَنَعِيمٍ
- ١٠٩٤ ٩-٣-٨-٦- جَنَّاتُ وَنَهَرٍ
- ١٠٩٤ ٩-٣-٨-٦-١- إِنَّ الْمُتَّقِينَ فِي جَنَّاتِ وَنَهَرٍ

﴿فهرست﴾

- ۱۳-۹۳-۸۱-۱ خداوند آن را که دارای ورع نیکوست وارد بهشت می کند ۱۰۸۵
- ۱۴-۹۳-۸۱-۱ هر که از خدا پروا کند او اهل بهشت است ۱۰۸۵
- ۱۵-۹۳-۸۱-۱ آفرینش بهشت برای پرهیزکاران ۱۰۸۵
- ۱۶-۹۳-۸۱-۱ ورود به بهشت برای هر کس که پرهیزکار باشد ۱۰۸۵
- ۱۷-۹۳-۸۱-۱ هر که پروا کند وارد بهشت می شود ۱۰۸۵
- ۱۸-۹۳-۸۱-۱ برای مؤمن پرهیزکار امید بهشت دارم ۱۰۸۷
- ۱۹-۹۳-۸۱-۱ سرور اهل بهشت، پرهیزکارانند ۱۰۸۷
- ۲۰-۹۳-۸۱-۱ پادشاهان بهشت پرهیزکارانند ۱۰۸۷
- ۲۱-۹۳-۸۱-۱ آنان که پروای پروردگارشان را داشتند به سوی بهشت سوق داده می شوند ۱۰۸۷
- ۲۲-۹۳-۸۱-۱ برای آنان که پروای پروردگارشان کنند بهشت هایی است ۱۰۸۷
- ۲۳-۹۳-۸۱-۱ بهانه ای برای عدم ورود او به بهشت نیست ۱۰۸۷
- ۲۴-۹۳-۸۱-۱ هر که با پرهیزکار همراه باشد بر بهشت کامیاب می شود ۱۰۸۷
- ۲۵-۹۳-۸۱-۱ هر که پرهیزکار باشد به بهشت می رسد ۱۰۸۹
- ۲۶-۹۳-۸۱-۱ خداوند به آنان که پروا کنند وعده ی بهشت داده است ۱۰۸۹
- ۲۷-۹۳-۸۱-۱ خداوند به آنان که پروا کنند وعده ی بهشت داده است ۱۰۸۹
- ۲۸-۹۳-۸۱-۱ به پرهیزکاران وعده ی بهشت داده شده است ۱۰۸۹
- ۲۹-۹۳-۸۱-۱ وصف حال پرهیزکاران بعد از ورودشان به بهشت ۱۰۸۹
- ۳۰-۹۳-۸۱-۱ خداوند بهشت را بر آنان واجب کرده است ۱۰۹۱
- ۸۲-۹۳- بهشت جاویدان ۱۰۹۱
- ۱-۹۳-۸۲-۱ پرهیزکاران وارد بهشت جاویدان می شوند ۱۰۹۱
- ۲-۹۳-۸۲-۱ جایز شدن بهشت جاویدان برای پرهیزکاران ۱۰۹۱
- ۳-۹۳-۸۲-۱ آن که پرهیزکاری اش صحیح باشد در ورود به بهشت جاویدان سبقت می گیرد ۱۰۹۳
- ۳-۹۳- بهشت های نعمت ۱۰۹۳
- ۱-۹۳-۸۳-۱ پرهیزکاران را به بهشت های نعمت وارد می کنیم ۱۰۹۳
- ۲-۹۳-۸۳-۱ برای پرهیزکاران نزد پروردگارشان بهشت های نعمت است ۱۰۹۳
- ۴-۹۳-۸۳-۱ باغ ها و چشمه ها ۱۰۹۳
- ۱-۹۳-۸۴-۱ همانا پرهیزکاران در بهشت ها و چشمه ها هستند ۱۰۹۳
- ۵-۹۳-۸۴-۱ بهشت ها و نعمت ها ۱۰۹۳
- ۱-۹۳-۸۵-۱ پرهیزکاران در بهشت ها و نعمت ها هستند ۱۰۹۳
- ۶-۹۳-۸۵-۱ باغ ها و نهرها ۱۰۹۵
- ۱-۹۳-۸۶-۱ پرهیزکاران در بهشت ها و نهرها هستند ۱۰۹۵

«الفهرس»

- ١٠٩٤ ٩-٣-٨٧-١ جَنَانًا لَا يَشْرِكُهُمْ فِيهَا غَيْرُهُمْ
- ١٠٩٤ ٩-٣-٨٧-١ أَدْخِلَهُمْ جَنَانًا لَا يَشْرِكُهُمْ فِيهَا غَيْرُهُمْ
- ١٠٩٤ ٩-٣-٨٨-١ جَنَّةُ الْمَأْوَى
- ١٠٩٤ ٩-٣-٨٨-١ التَّقْوَى يُبَلِّغُكُمْ جَنَّةَ الْمَأْوَى
- ١٠٩٤ ٩-٣-٨٩-١ جَنَّةُ الْخُلْدِ
- ١٠٩٤ ٩-٣-٨٩-١ وَعِدَ الْمُتَّقُونَ جَنَّةَ الْخُلْدِ
- ١٠٩٤ ٩-٣-٨٩-١ أَرْضُ بَيْضَاءُ
- ١٠٩٤ ٩-٣-٨٩-١ الْحَدَاقِ
- ١٠٩٤ ٩-٣-٨٩-١-١ إِنَّ لِلْمُتَّقِينَ حَدَاقًا
- ١٠٩٤ ٩-٣-٨٩-١-٢ رِيَاضُ الْخُلْدِ
- ١٠٩٤ ٩-٣-٨٩-١-٢ الْمُتَّقُونَ يَسْكُنُونَ رِيَاضَ الْخُلْدِ
- ١٠٩٤ ٩-٣-٨٩-١-٣ الرِّىَّ وَالشَّيْعُ
- ١٠٩٤ ٩-٣-٨٩-١-٣ شَيْعٌ وَرَوَى
- ١٠٩٤ ٩-٣-٨٩-١-٤ اشْتِيَاقُ حُورِ الْعَيْنِ إِلَيْهِ
- ١٠٩٤ ٩-٣-٨٩-١-٥ طَوْبَى
- ١٠٩٨ ٩-٣-٨٩-١-٦ ظِلَالٌ وَغُيُونٌ
- ١٠٩٨ ٩-٣-٨٩-١-٦-١ إِنَّ الْمُتَّقِينَ فِي ظِلَالٍ وَغُيُونٍ
- ١٠٩٨ ٩-٣-٨٩-١-٦-٢ ظِلْ ظَلِيلٍ
- ١٠٩٨ ٩-٣-٨٩-١-٧ غُرْفٌ
- ١٠٩٨ ٩-٣-٨٩-١-٧-١ الَّذِينَ اتَّقَوْا رَبَّهُمْ لَهُمْ غُرَفٌ
- ١٠٩٨ ٩-٣-٨٩-١-٨ الْفِرْدَوْسُ
- ١٠٩٨ ٩-٣-٨٩-١-٨-١ الْأَتْقِيَاءُ أَصْحَابُ الْفِرْدَوْسِ
- ١٠٩٨ ٩-٣-٩-١ الدَّرَجَاتُ، الرَّفْعَةُ، الرَّفِيقُ الْأَعْلَى
- ١١٠٠ ٩-٣-٩-١-١ رَفِيعُ الدَّرَجَاتِ
- ١١٠٠ ٩-٣-٩-٢ الدَّرَجَاتُ الْعُلَى وَالرُّتْبَةُ الْقُصْوَى
- ١١٠٠ ٩-٣-٩-٣ الرَّفْعَةُ
- ١١٠٠ ٩-٣-٩-٣-١ رَفْعَةُ الدَّرَجَةِ
- ١١٠٠ ٩-٣-٩-٣-٢ رَفْعَةُ الْآخِرَةِ
- ١١٠٠ ٩-٣-٩-٣-٣ رَفْعَةُ الْمَنْزِلَةِ
- ١١٠٢ ٩-٣-٩-٤ الرَّفِيقُ الْأَعْلَى
- ١١٠٢ ٩-٣-١٠-١ السِّيَادَةُ وَالتَّفُوقُ

﴿فهرست﴾

- ۹۳-۸۷- بهشت‌هایی که دیگری شریکشان نیست ۱۰۹۵
- ۹۳-۸۷-۱ در بهشت‌هایی داخلشان می‌کنم که دیگری شریکشان نیست ۱۰۹۵
- ۹۳-۸۸- بهشت امن ۱۰۹۵
- ۹۳-۸۸-۱ پرهیزکاری شما را به بهشت امن می‌رساند ۱۰۹۵
- ۹۳-۸۹- بهشت جاوید ۱۰۹۵
- ۹۳-۸۹-۱ به پرهیزکاران بهشت جاوید داده شده است ۱۰۹۵
- ۹۳-۸۱۰- زمین سپید ۱۰۹۵
- ۹۳-۸۱۱- باغ‌ها ۱۰۹۵
- ۹۳-۸۱۱-۱ برای پرهیزکاران باغ‌هایی است ۱۰۹۵
- ۹۳-۸۱۲- باغ‌های جاوید ۱۰۹۷
- ۹۳-۸۱۲-۱ پرهیزکاران در باغ‌های جاوید ساکن می‌شوند ۱۰۹۷
- ۹۳-۸۱۳- سیراب‌شدن ۱۰۹۷
- ۹۳-۸۱۳-۱ سیر و سیراب می‌شود ۱۰۹۷
- ۹۳-۸۱۴- اشتیاق حورالعین به او ۱۰۹۷
- ۹۳-۸۱۵- درخت طوبی ۱۰۹۷
- ۹۳-۸۱۶- سایه‌سار و چشمه‌ها ۱۰۹۹
- ۹۳-۸۱۶-۱ پرهیزکاران در سایه‌سار و چشمه‌ها هستند ۱۰۹۹
- ۹۳-۸۱۶-۲ سایه‌ی آرامش ۱۰۹۹
- ۹۳-۸۱۷- غرفه‌ها ۱۰۹۹
- ۹۳-۸۱۷-۱ آنان که از پروردگارشان پروا کنند برایشان غرفه‌هایی است ۱۰۹۹
- ۹۳-۸۱۸- فردوس ۱۰۹۹
- ۹۳-۸۱۸-۱ پرهیزکاران اصحاب فردوس‌اند ۱۰۹۹
- ۹۳-۹- درجات، بلندی، مقام بالا ۱۰۹۹
- ۹۳-۹۱- درجات بالا ۱۱۰۱
- ۹۳-۹۲- درجات بالا و رتبه‌ی دور از دسترس ۱۱۰۱
- ۹۳-۹۳- بلندی ۱۱۰۱
- ۹۳-۹۳-۱ بلندی درجه ۱۱۰۱
- ۹۳-۹۳-۲ ارتقاء اخروی ۱۱۰۱
- ۹۳-۹۳-۳ بالا رفتن منزلت ۱۱۰۱
- ۹۳-۹۴- مقام بالا ۱۱۰۳
- ۹۳-۱۰- سروری و برتری ۱۱۰۳

﴿الفهرس﴾

- ١١٠٢..... ٩-٣-١٠-١ السَّيَادَةُ
- ١١٠٢..... ٩-٣-١٠-١-١ المَتَّقُونَ سَادَاتُ النَّاسِ
- ١١٠٢..... ٩-٣-١٠-١-٢ المَتَّقُونَ سَادَةُ أَهْلِ الْجَنَّةِ
- ١١٠٢..... ٩-٣-١٠-١-٣ المَتَّقُونَ سَادَةُ
- ١١٠٢..... ٩-٣-١٠-٢ التَّفَوُّقُ عَلَى الْآخَرِينَ
- ١١٠٢..... ٩-٣-١١-١ حُسْنُ مَأَبٍ، الدُّخُولُ مِنَ الْبَابِ الْأَعْظَمِ، تَبْيِضُ الْوَجْهِ، الْبَلَغُ
- ١١٠٢..... ٩-٣-١١-٢ حُسْنُ مَأَبٍ
- ١١٠٢..... ٩-٣-١١-٣ الدُّخُولُ مِنَ الْبَابِ الْأَعْظَمِ
- ١١٠٤..... ٩-٣-١١-٣ تَبْيِضُ الْوَجْهِ وَإِفْلَاحُ الْحُجَّةِ
- ١١٠٤..... ٩-٣-١١-٤ زَادُ مُنْبَغٍ
- ١١٠٤..... ٩-٣-١٢-١ الْحَشْرُ فِي السَّابِقِينَ، الْحَشْرُ بِالْحُسْنَى وَالسُّرُورِ
- ١١٠٤..... ٩-٣-١٢-١ الْحَشْرُ فِي أَوَّلِ زُمْرَةِ السَّابِقِينَ
- ١١٠٤..... ٩-٣-١٢-٢ الْحَشْرُ بِالْحُسْنَى وَالسُّرُورِ
- ١١٠٤..... ٩-٣-١٣-١ الْقُرْبُ وَالزُّلْفَى
- ١١٠٤..... ٩-٣-١٣-١ الْقُرْبُ
- ١١٠٦..... ٩-٣-١٣-١-١ مَا تَقَرَّبَ إِلَى الْمُتَقَرِّبِينَ بِمِثْلِ الْوَرَعِ
- ١١٠٦..... ٩-٣-١٣-١-٢ لَمْ يَتَقَرَّبُوا إِلَى شَيْءٍ أَحَبَّ إِلَيَّ مِنَ الْوَرَعِ
- ١١٠٦..... ٩-٣-١٣-١-٣ كَانَ مِنَ اللَّهِ أَقْرَبَ
- ١١٠٦..... ٩-٣-١٣-٢ الزُّلْفَى
- ١١٠٨..... ٩-٣-١٤-١ قَبُولُ الْقَبُولِ
- ١١٠٨..... ٩-٣-١٤-١ قَبُولُ الْأَعْمَالِ
- ١١١٢..... ٩-٣-١٤-٢ قَبُولُ الْقُرْبَانِ
- ١١١٢..... ٩-٣-١٤-٣ قَبُولُ الْوَلَايَةِ
- ١١١٤..... ٩-٣-١٥-١ النَّيْلُ بِمَا عِنْدَ اللَّهِ، الْوُفُودُ إِلَى اللَّهِ، الْوُصُولُ إِلَى اللَّهِ
- ١١١٤..... ٩-٣-١٥-١ النَّيْلُ بِمَا عِنْدَ اللَّهِ
- ١١١٤..... ٩-٣-١٥-٢ الْوُفُودُ إِلَى اللَّهِ
- ١١١٤..... ٩-٣-١٥-٣ الْوُصُولُ إِلَى اللَّهِ
- ١١١٤..... ٩-٣-١٥-٣-١ مَا بِهِ وَصَلَ الْإِنْسَانُ إِلَى الدَّرَجَاتِ الْعُلَى
- ١١١٦..... ٩-٣-١٦-١ السَّعَادَةُ، الْفَلَاحُ، الْفَوْزُ، النَّجَاحُ
- ١١١٦..... ٩-٣-١٦-١ السَّعَادَةُ
- ١١١٦..... ٩-٣-١٦-٢ الْفَلَاحُ

﴿ فهرست ﴾

۱۱۰۳.....	۹۳-۱۰-۱- سروری.....
۱۱۰۳.....	۹۳-۱۰-۱-۱- پرهیزکاران سرور مردم‌اند.....
۱۱۰۳.....	۹۳-۱۰-۱-۲- پرهیزکاران سرور اهل بهشت‌اند.....
۱۱۰۳.....	۹۳-۱۰-۱-۳- پرهیزکاران سروراند.....
۱۱۰۳.....	۹۳-۱۰-۲- برتری بر دیگران.....
۱۱۰۳.....	۹۳-۱۱- بازگشتی نیکو، داخل شدن از بزرگ‌ترین در، سپیدی روی، رسیدن به سرمنزل.....
۱۱۰۳.....	۹۳-۱۱-۱- بازگشتی نیکو.....
۱۱۰۳.....	۹۳-۱۱-۲- داخل شدن از بزرگ‌ترین در.....
۱۱۰۵.....	۹۳-۱۱-۳- سپیدی روی و دوست‌داشتن برهان.....
۱۱۰۵.....	۹۳-۱۱-۴- توشه‌ای رساننده به سرمنزل.....
۱۱۰۵.....	۹۳-۱۲- محشورشدن با پیشروان، محشورشدن به نیکی و شادمانی.....
۱۱۰۵.....	۹۳-۱۲-۱- محشورشدن با پیشروان.....
۱۱۰۵.....	۹۳-۱۲-۲- محشورشدن به نیکی و شادمانی.....
۱۱۰۵.....	۹۳-۱۳- نزدیک‌شدن به خدا.....
۱۱۰۵.....	۹۳-۱۳-۱- نزدیک‌شدن به خدا.....
۱۱۰۷.....	۹۳-۱۳-۱-۱- با هیچ چیز مثل ورع نمی‌توان به خدا نزدیک شد.....
۱۱۰۷.....	۹۳-۱۳-۱-۲- با چیزی دوست‌داشتنی‌تر از ورع به من نزدیک نمی‌شوند.....
۱۱۰۷.....	۹۳-۱۳-۱-۳- به خدا نزدیک‌تر است.....
۱۱۰۷.....	۹۳-۱۳-۲- نزدیک شدن به خدا.....
۱۱۰۹.....	۹۳-۱۴- پذیرش.....
۱۱۰۹.....	۹۳-۱۴-۱- پذیرش اعمال.....
۱۱۱۳.....	۹۳-۱۴-۲- پذیرش قربانی.....
۱۱۱۳.....	۹۳-۱۴-۳- پذیرش ولایت.....
۱۱۱۵.....	۹۳-۱۵- رسیدن به آنچه نزد خداست، واردشدن بر خدا، رسیدن به خدا.....
۱۱۱۵.....	۹۳-۱۵-۱- رسیدن به آنچه نزد خداست.....
۱۱۱۵.....	۹۳-۱۵-۲- واردشدن بر خدا.....
۱۱۱۵.....	۹۳-۱۵-۳- رسیدن به خدا.....
۱۱۱۵.....	۹۳-۱۵-۳-۱- آنچه انسان با آن به درجات بالا می‌تواند برسد.....
۱۱۱۷.....	۹۳-۱۶- سعادت، رستگاری، پیروزی، کامیابی.....
۱۱۱۷.....	۹۳-۱۶-۱- سعادت.....
۱۱۱۷.....	۹۳-۱۶-۲- رستگاری.....

﴿الفهرس﴾

١١١٨	 الفوزُ ٩-٣-١٦-٣
١١٢٠	 المَفَازُ ٩-٣-١٦-٣-١
١١٢٠	 المَفَازَةُ ٩-٣-١٦-٣-٢
١١٢٠	 الفوزُ العَظِيمُ ٩-٣-١٦-٣-٣
١١٢٠	 فازَ عَمَلُهُ ٩-٣-١٦-٣-٤
١١٢٠	 فوزَ الآخِرَةِ ٩-٣-١٦-٣-٥
١١٢٠	 الفوزُ بالمَغَانِمِ ٩-٣-١٦-٣-٦
١١٢٠	 النَّجَاحُ ٩-٣-١٦-٤
١١٢٢	 الظَّفَرُ بالنُّجْحِ ٩-٣-١٦-٤-١
١١٢٢	 مَعَاذُ مَنِّجٍ ٩-٣-١٦-٤-٢
١١٢٢	 مِصْبَاحُ نَجَاحٍ ٩-٣-١٦-٤-٣
١١٢٢	 الشَّانُ وَالْكَرَامَةُ وَالشَّرَافَةُ ٩-٣-١٧
١١٢٢	 الشَّانُ ٩-٣-١٧-١
١١٢٢	 الكَرَامَةُ وَالْإِكْرَامُ ٩-٣-١٧-٢
١١٢٢	 الكَرَامَةُ ٩-٣-١٧-٢-١
١١٢٢	 فَهُوَ الشَّرِيفُ الْمُكْرَمُ ٩-٣-١٧-٢-٢
١١٢٢	 الْكَرَامَاتُ ٩-٣-١٧-٢-٣
١١٢٢	 إِنْ يَكُنْ لَكَ تَقْوَى فَإِنَّ لَكَ كَرَمًا ٩-٣-١٧-٢-٤
١١٢٤	 يَنْزِلُهُ مَنْزِلَ الْكَرَامَةِ ٩-٣-١٧-٢-٥
١١٢٤	 هَطَلَتْ عَلَيْهِ الْكَرَامَةُ ٩-٣-١٧-٢-٦
١١٢٤	 مِفْتَاحُ الْكَرَمِ ٩-٣-١٧-٢-٧
١١٢٤	 إِنْ أَكْرَمَكُمُ عِنْدَ اللَّهِ اتَّقَاكُمْ ٩-٣-١٧-٢-٨
١١٢٦	 أَكْرَمُ النَّاسِ ٩-٣-١٧-٢-٩
١١٢٦	 لَيْسَ أَحَدٌ أَكْرَمَ مِنْ أَحَدٍ إِلَّا بِالتَّقْوَى ٩-٣-١٧-٢-١٠
١١٢٦	 أَعَزُّ الْكَرَمِ ٩-٣-١٧-٢-١١
١١٢٦	 كَرَمُ الرَّجُلِ تَقْوَاهُ ٩-٣-١٧-٢-١٢
١١٢٦	 أَكْرَمَهُ اللَّهُ ٩-٣-١٧-٢-١٣
١١٢٦	 تَكْرَمَ بِهِ عِنْدَ الْخَلْقِ ٩-٣-١٧-٢-١٤
١١٢٦	 الشَّرَفُ ٩-٣-١٧-٣
١١٢٨	 شَرَفُ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ ٩-٣-١٧-٣-١
١١٢٨	 شَرَفُ كُلِّ عَمَلٍ ٩-٣-١٧-٣-٢

﴿فهرست﴾

۱۱۱۹.....	۹۳-۱۶-۳ پیروزی.....
۱۱۲۱.....	۹۳-۱۶-۳-۱ کامیابی.....
۱۱۲۱.....	۹۳-۱۶-۳-۲ پیروزی.....
۱۱۲۱.....	۹۳-۱۶-۳-۳ پیروزی بزرگ.....
۱۱۲۱.....	۹۳-۱۶-۳-۴ عملش به هدف رسید.....
۱۱۲۱.....	۹۳-۱۶-۳-۵ پیروزی آخرت.....
۱۱۲۱.....	۹۳-۱۶-۳-۶ پیروزی در رسیدن به غنائم.....
۱۱۲۱.....	۹۳-۱۶-۴ کامیابی.....
۱۱۲۳.....	۹۳-۱۶-۴-۱ پیروزی‌ها.....
۱۱۲۳.....	۹۳-۱۶-۴-۲ بازگشت پیروزمندانه.....
۱۱۲۳.....	۹۳-۱۶-۴-۳ چراغ کامیابی.....
۱۱۲۳.....	۹۳-۱۷-۱ شأن، گرامی‌داشت، شرافت.....
۱۱۲۳.....	۹۳-۱۷-۱-۱ شأن.....
۱۱۲۳.....	۹۳-۱۷-۲ بزرگی و گرامی‌داشت.....
۱۱۲۳.....	۹۳-۱۷-۲-۱ بزرگی.....
۱۱۲۳.....	۹۳-۱۷-۲-۲ او صاحب شرافت و کرامت است.....
۱۱۲۳.....	۹۳-۱۷-۲-۳ کرامات.....
۱۱۲۳.....	۹۳-۱۷-۲-۴ اگر پرهیزکاری داری دارای کرامتی.....
۱۱۲۵.....	۹۳-۱۷-۲-۵ بر جایگاه کرامت وارد می‌شود.....
۱۱۲۵.....	۹۳-۱۷-۲-۶ کرامت بر او می‌بارد.....
۱۱۲۵.....	۹۳-۱۷-۲-۷ کلید کرامت.....
۱۱۲۵.....	۹۳-۱۷-۲-۸ ارجمندترین شما نزد خدا پرهیزکارترین شماست.....
۱۱۲۷.....	۹۳-۱۷-۲-۹ گرامی‌ترین مردم.....
۱۱۲۷.....	۹۳-۱۷-۲-۱۰ هیچ‌کسی از دیگری گرامی‌تر نیست مگر به خاطر تقوا.....
۱۱۲۷.....	۹۳-۱۷-۲-۱۱ عزیزترین کرامت.....
۱۱۲۷.....	۹۳-۱۷-۲-۱۲ کرامت آدمی پرهیزکاری اوست.....
۱۱۲۷.....	۹۳-۱۷-۲-۱۳ خداوند او را گرامی می‌دارد.....
۱۱۲۷.....	۹۳-۱۷-۲-۱۴ با پرهیزکاری نزد مردم گرامی می‌شود.....
۱۱۲۷.....	۹۳-۱۷-۳ شرافت.....
۱۱۲۹.....	۹۳-۱۷-۳-۱ شرافت دنیا و آخرت.....
۱۱۲۹.....	۹۳-۱۷-۳-۲ شرافت هر عملی.....

«الفهرس»

١١٢٨	٩-٣-١٨-النور
١١٢٨	٩-٣-١٨-١-نورٌ تَمْشُونَ بِهِ
١١٢٨	٩-٣-١٨-٢-نورٌ مِنَ الظلم
١١٢٨	٩-٣-١٨-٣-تَلْمَعُ وُجُوهُهُمْ نُورًا
١١٣٠	٩-٣-١٨-٤-أَنَارَ قُلُوبُ الْمُتَّقِينَ
١١٣٠	٩-٣-١٩-الرضوان
١١٣٢	٩-٣-١٩-١-رضوانٌ مِنَ اللَّهِ
١١٣٢	٩-٣-١٩-٢-رَضْوَانُ اللَّهِ
١١٣٢	٩-٣-١٩-٣-مُنْتَهَى رِضَاهُ
١١٣٢	٩-٣-١٩-٤-يُخْشِرُ إِلَى رَبِّهِمْ بِالسُّرُورِ
١١٣٢	٩-٣-١٩-٥-العُرسُ
١١٣٤	٩-٣-٢٠-مَعَ النَّبِيِّ ﷺ وَ الْأَئِمَّةِ الطَّيِّبَةِ
١١٣٤	٩-٣-٢٠-١-مَعَ النَّبِيِّ ﷺ
١١٣٤	٩-٣-٢٠-٢-مَعَ الْأَئِمَّةِ الطَّيِّبَةِ
١١٣٤	٩-٣-٢٠-٢-١-مَعَ الْأَئِمَّةِ الطَّيِّبَةِ فِي دَرَجَتِهِمْ
١١٣٤	٩-٣-٢٠-٢-٢-مَعَ الْأَئِمَّةِ الطَّيِّبَةِ فِي الرَّفِيقِ الْأَعْلَى
١١٣٤	٩-٣-٢٠-٢-٣-مِنَّا أَهْلُ الْبَيْتِ الطَّيِّبَةِ
١١٣٦	الفصلُ العاشرُ: عَوَاقِبُ فَقْدِ التَّقْوَى وَ مُفَارَقَتُهُ
١١٣٦	١٠-١-الصفاتُ الَّتِي تُولَدُ مِنْ عَدَمِ رِعَايَةِ التَّقْوَى
١١٣٦	١٠-١-١-الْخِيَانَةُ
١١٣٦	١٠-١-٢-الشَّرُّ
١١٣٦	١٠-١-٣-الشَّرْكُ
١١٣٦	١٠-١-٤-الطَّمَعُ
١١٣٦	١٠-١-٥-الْعَدَاوَةُ
١١٣٦	١٠-١-٦-الْفُجُورُ
١١٣٨	١٠-٢-عَوَاقِبُ فَقْدِ التَّقْوَى فِي الدُّنْيَا
١١٣٨	١٠-٢-١-سَخَطُ اللَّهِ وَ مَقْتُهُ
١١٣٨	١٠-٢-٢-لَا يَقْبَلُ اللَّهُ مِنْهُ
١١٤٢	١٠-٢-٣-لَا يَرْضَى اللَّهُ عَنْهُ
١١٤٢	١٠-٢-٤-غَيْبَةُ رُوحٍ مِنَ اللَّهِ
١١٤٢	١٠-٢-٥-الخُرُوجُ عَنِ الْوَلَايَةِ

﴿فهرست﴾

۱۱۲۹	۹-۳-۱۸ نور
۱۱۲۹	۹-۳-۱۸۱ نوری که به آن ره می‌پیمایید
۱۱۲۹	۹-۳-۱۸۲ نوری در تاریکی‌ها
۱۱۲۹	۹-۳-۱۸۳ روی‌هایشان از نور می‌درخشد
۱۱۳۱	۹-۳-۱۸۴ قلب‌های پرهیزکاران نور می‌پراکند
۱۱۳۱	۹-۳-۱۹ رضایت
۱۱۳۳	۹-۳-۱۹۱ رضایت خداوند
۱۱۳۳	۹-۳-۱۹۲ رضایت خداوند
۱۱۳۳	۹-۳-۱۹۳ نهایت رضایت خداوند
۱۱۳۳	۹-۳-۱۹۴ با شادمانی نزد پروردگارشان محشور می‌شود
۱۱۳۳	۹-۳-۱۹۵ جشن
۱۱۳۵	۹-۳-۲۰ همراهی با پیامبر ﷺ و ائمه اطهار
۱۱۳۵	۹-۳-۲۰-۱ همراهی با پیامبر ﷺ
۱۱۳۵	۹-۳-۲۰-۲ همراهی با ائمه اطهار
۱۱۳۵	۹-۳-۲۰-۲-۱ همراهی با ائمه اطهار در درجه‌ی ایشان
۱۱۳۵	۹-۳-۲۰-۲-۲ همراهی با ائمه اطهار در مقام بالا
۱۱۳۵	۹-۳-۲۰-۳ از ما اهل بیت اطهار است
۱۱۳۷	فصل ۱۰: پی‌آمدهای نداشتن تقوا و جدایی از آن
۱۱۳۷	۱۰-۱ صفاتی که از نداشتن تقوا نتیجه می‌شود
۱۱۳۷	۱۰-۱-۱ خیانت
۱۱۳۷	۱۰-۱-۲ بدی
۱۱۳۷	۱۰-۱-۳ شرک
۱۱۳۷	۱۰-۱-۴ طمع
۱۱۳۷	۱۰-۱-۵ دشمنی
۱۱۳۷	۱۰-۱-۶ گناه
۱۱۳۹	۱۰-۲ پیامد بی‌تقوایی در دنیا
۱۱۳۹	۱۰-۲-۱ خشم خدا
۱۱۳۹	۱۰-۲-۲ عدم پذیرش اعمال
۱۱۴۳	۱۰-۲-۳ عدم رضایت خدا
۱۱۴۳	۱۰-۲-۴ غایب شدن روحی که از جانب خداست
۱۱۴۳	۱۰-۲-۵ خارج شدن از ولایت

«الفهرس»

- ١١٤٢..... ١٠-٢-٥-١- براءة الله ورسوله ﷺ والأئمة الطيبين منه
- ١١٤٤..... ١٠-٢-٥-٢- لَا يُنَالُ وَلَا يُتَنَّا إِلَّا بِالْوَرَعِ
- ١١٤٤..... ١٠-٢-٥-٣- لَيْسَ مِنِّي وَلَا مِنْ اللَّهِ.....
- ١١٤٤..... ١٠-٢-٥-٤- لَيْسَ مِنَّا وَلَا لَسْنَا مِنْهُ.....
- ١١٤٦..... ١٠-٢-٥-٥- لَيْسَ مِنْ أَوْلِيَاءِ الرَّسُولِ ﷺ.....
- ١١٤٦..... ١٠-٢-٥-٦- لَيْسَ مِنْ شِيعَةِ عَلِيٍّ ﷺ.....
- ١١٤٦..... ١٠-٢-٥-٧- مَا تُنَالُ شَفَاعَتَنَا.....
- ١١٤٦..... ١٠-٢-٥-٨- لَا أُغْنِي عَنْهُمْ مِنَ اللَّهِ شَيْئًا إِلَّا بِالْوَرَعِ.....
- ١١٤٨..... ١٠-٢-٥-٩- لَا نُغْنِي عَنْكُمْ مِنَ اللَّهِ شَيْئًا إِلَّا بِالْوَرَعِ.....
- ١١٤٨..... ١٠-٢-٥-١٠- طَرَدُ الْإِمَامِ ﷺ.....
- ١١٤٨..... ١٠-٢-٥-١١- إِعْرَاضُ الرَّسُولِ ﷺ.....
- ١١٤٨..... ١٠-٢-٥-١٢- لَا يَتِمُّ أَمْرُ الْوَلَايَةِ.....
- ١١٥٠..... ١٠-٢-٥-١٣- إِنْ تَعَابَ الْإِمَامُ ﷺ.....
- ١١٥٠..... ١٠-٢-٥-١٤- الْخُرُوجُ عَنِ الْعِدَالَةِ.....
- ١١٥٠..... ١٠-٢-٥-١٥- لَا إِيْمَانُ لَهُ.....
- ١١٥٠..... ١٠-٢-٥-١٦- بَطْلَانُ نِظَامِ الْإِيْمَانِ.....
- ١١٥٠..... ١٠-٢-٥-١٧- لَا إِيْمَانُ لَهُ.....
- ١١٥٠..... ١٠-٢-٥-١٨- لَا يَنْفَعُ الْإِيْمَانُ لَهُ.....
- ١١٥٠..... ١٠-٢-٥-١٩- لَا يَكْمُلُ الْمُؤْمِنُ فِي إِيْمَانِهِ حَتَّى تَكُونَ فِيهِ وَرَعٌ يَخْجِزُهُ عَنِ الْمَعَاصِي..
- ١١٥٠..... ١٠-٢-٥-٢٠- فَسَادُ نِظَامِ الْإِيْمَانِ.....
- ١١٥٢..... ١٠-٢-٥-٢١- لَمْ يَجِدْ طَعْمَ الْإِيْمَانِ.....
- ١١٥٢..... ١٠-٢-٥-٢٢- لَا دِينَ لَهُ.....
- ١١٥٢..... ١٠-٢-٥-٢٣- ذَهَابُ الدِّيَانَةِ.....
- ١١٥٢..... ١٠-٢-٥-٢٤- فَسَادُ الدِّينِ.....
- ١١٥٢..... ١٠-٢-٥-٢٥- لَا دِينَ لَهُ.....
- ١١٥٢..... ١٠-٢-٥-٢٦- لَا إِسْلَامَ لَهُ.....
- ١١٥٢..... ١٠-٢-٥-٢٧- لَا ثَمَرَةَ لَهُ.....
- ١١٥٢..... ١٠-٢-٥-٢٨- لَا زَكَاةَ لَهُ.....
- ١١٥٢..... ١٠-٢-٥-٢٩- لَا يَزْكُو الْعِلْمُ.....
- ١١٥٢..... ١٠-٢-٥-٣٠- لَا صِيَانَةَ لَهُ.....
- ١١٥٤..... ١٠-٢-٥-٣١- لَا كَرَامَةَ لَهُ.....

﴿فهرست﴾

۱۱۴۳.....	۱۰-۲-۵-۱- تبرّی جستن خدا و پیامبر ﷺ و امامان علیهم السلام از او.....
۱۱۴۵.....	۱۰-۲-۵-۲- به ولایت ما جز با ورع نمی‌رسد.....
۱۱۴۵.....	۱۰-۲-۵-۳- نه از ماست و نه از خدا.....
۱۱۴۵.....	۱۰-۲-۵-۴- از ما نیست و ما هم از او نیستیم.....
۱۱۴۷.....	۱۰-۲-۵-۵- از اولیای پیامبر ﷺ نیست.....
۱۱۴۷.....	۱۰-۲-۵-۶- از شیعیان علی‌الکلیه نیست.....
۱۱۴۷.....	۱۰-۲-۵-۷- به شفاعت ما نمی‌رسد.....
۱۱۴۷.....	۱۰-۲-۵-۸- ما کاری برای کسی نمی‌کنیم مگر اینکه اهل ورع باشد.....
۱۱۴۹.....	۱۰-۲-۵-۹- ما کاری برای شما نمی‌کنیم مگر اینکه اهل ورع باشید.....
۱۱۴۹.....	۱۰-۲-۵-۱۰- طردشدن توسط امام علی‌الکلیه.....
۱۱۴۹.....	۱۰-۲-۵-۱۱- روی گرداندن پیامبر ﷺ.....
۱۱۴۹.....	۱۰-۲-۵-۱۲- به اتمام نرسیدن امر ولایت.....
۱۱۵۱.....	۱۰-۲-۵-۱۳- به زحمت انداختن امام علی‌الکلیه.....
۱۱۵۱.....	۱۰-۲-۶- از بین رفتن عدالت.....
۱۱۵۱.....	۱۰-۲-۷- ایمان ندارد.....
۱۱۵۱.....	۱۰-۲-۷-۱- باطل شدن سرشته‌ی ایمان.....
۱۱۵۱.....	۱۰-۲-۷-۲- ایمان ندارد.....
۱۱۵۱.....	۱۰-۲-۷-۳- ایمان برایش سودی به همراه ندارد.....
۱۱۵۱.....	۱۰-۲-۷-۴- ایمان مؤمن کامل نمی‌شود مگر آنکه ورعی داشته باشد که مانع او از نافرمانی شود.....
۱۱۵۱.....	۱۰-۲-۷-۵- فاسدشدن سرشته‌ی ایمان.....
۱۱۵۳.....	۱۰-۲-۷-۶- طعم ایمان را نمی‌چشد.....
۱۱۵۳.....	۱۰-۲-۸- دین ندارد.....
۱۱۵۳.....	۱۰-۲-۸-۱- از بین رفتن دین.....
۱۱۵۳.....	۱۰-۲-۸-۲- فاسدشدن دین.....
۱۱۵۳.....	۱۰-۲-۸-۳- دین ندارد.....
۱۱۵۳.....	۱۰-۲-۸-۴- اسلام ندارد.....
۱۱۵۳.....	۱۰-۲-۹- بهره ندارد.....
۱۱۵۳.....	۱۰-۲-۱۰- پاکی ندارد.....
۱۱۵۳.....	۱۰-۲-۱۰-۱- علمش پاک نیست.....
۱۱۵۳.....	۱۰-۲-۱۱- حفاظت ندارد.....
۱۱۵۵.....	۱۰-۲-۱۲- کرامت ندارد.....

﴿الفهرس﴾

- ١١٥٤ ١٠-٢-١٣- لا تَصْلُحُ الْإِمَامَةُ لَهُ
- ١١٥٤ ١٠-٢-١٤- لا يَنْفَعُ اجْتِهَادُ لَا وَرَعَ فِيهِ
- ١١٥٤ ١٠-٢-١٥- لا يَنْفَعُكُمْ شَيْءٌ مِنْ دُنْيَاكُمْ بَعْدَ تَضْيِيعِ التَّقْوَى
- ١١٥٤ ١٠-٢-١٦- لا يَنْفَعُ زُهْدٌ مَنْ لَمْ يَتَحَلَّ بِالْوَرَعِ
- ١١٥٤ ١٠-٢-١٧- لا يَنْفَعُ الْعِبَادَةُ بِلَا وَرَعٍ
- ١١٥٤ ١٠-٢-١٨- لَمْ يُسْتَرِ بِشَيْءٍ
- ١١٥٦ ١٠-٢-١٩- لَيْسَ بِالشَّانِ
- ١١٥٦ ١٠-٢-٢٠- لَيْسَ بِتَائِبٍ
- ١١٥٦ ١٠-٢-٢١- مَا يُعْبَأُ بِهِ
- ١١٥٦ ١٠-٢-٢٢- لَا يَكُونُ عَابِدًا
- ١١٥٦ ١٠-٢-٢٣- لَا يُعْتَدَنَّ بِشَيْءٍ مِنْ عَمَلِهِ
- ١١٥٨ ١٠-٢-٢٤- لَيْسَ أَعْمَالُهُ كَامِلًا
- ١١٥٨ ١٠-٢-٢٥- لَنْ تَنَالُوا مَا عِنْدَ اللَّهِ إِلَّا بِالْوَرَعِ
- ١١٥٨ ١٠-٢-٢٦- الوقوعُ فِي الْحَرَامِ، اللَّذَاتُ وَالشَّهَوَاتُ، السَّيِّئَاتُ وَالتَّبَعَاتُ
- ١١٥٨ ١٠-٢-٢٦-١- الوقوعُ فِي الْحَرَامِ وَهُوَ لَا يَعْرِفُهُ
- ١١٥٨ ١٠-٢-٢٦-٢- اللَّذَاتُ وَالشَّهَوَاتُ، السَّيِّئَاتُ وَالتَّبَعَاتُ
- ١١٥٨ ١٠-٢-٢٧- الضَّلَالَةُ، مَلَاءَةُ الْقَلْبِ مِنَ الْفِتَنِ وَمَوْتُ الْقَلْبِ
- ١١٥٨ ١٠-٢-٢٧-١- الضَّلَالَةُ
- ١١٥٨ ١٠-٢-٢٧-٢- فَقْدُ الْهِدَايَةِ
- ١١٥٨ ١٠-٢-٢٧-٣- مَلَاءَةُ الْقَلْبِ مِنْ فِتَنِ الدُّنْيَا
- ١١٦٠ ١٠-٢-٢٧-٤- مَوْتُ الْقَلْبِ
- ١١٦٠ ١٠-٢-٢٨- الْهَلَاكَةُ وَالْفُسَادُ
- ١١٦٠ ١٠-٢-٢٨-١- الْفُسَادُ
- ١١٦٠ ١٠-٢-٢٨-٢- الْإِفْتِلَاعُ
- ١١٦٠ ١٠-٢-٢٨-٣- التَّلَفُ
- ١١٦٠ ١٠-٢-٢٨-٤- مَاتَ شَابًا
- ١١٦٠ ١٠-٢-٢٩- تَغْيِيرُ النُّعْمَةِ وَغَلَبَةُ الْفِتَنِ
- ١١٦٢ ١٠-٢-٢٩-١- تَغْيِيرُ النُّعْمَةِ
- ١١٦٢ ١٠-٢-٢٩-٢- لَا بُرَى إِلَّا سُلْطَانُ جَائِرٍ أَوْ غَنِيٌّ بِخَيْلٍ أَوْ عَالِمٌ مُرَاغِبٌ فِي الْمَالِ أَوْ فَقِيرٌ كَذَّابٌ أَوْ شَيْخٌ فَاجِرٌ أَوْ صَبِيٌّ وَقِحٌ أَوْ امْرَأَةٌ رَغْنَاءٌ
- ١١٦٢ ١٠-٢-٢٩-٣- خِدْمَةُ السُّلْطَانِ أَوْ السُّكُونَةُ فِي الرِّسَالَتِ

﴿فهرست﴾

۱۱۵۵	 ۱۰-۲-۱۳ امامت جز با آن اصلاح نمی‌شود
۱۱۵۵	 ۱۰-۲-۱۴ تلاش کسی که ورع ندارد بی‌فایده است
۱۱۵۵	 ۱۰-۲-۱۵ بعد از ضایع کردن پرهیزکاری هیچ چیزی از دنیا برای شما فایده ندارد
۱۱۵۵	 ۱۰-۲-۱۶ آن‌که به پرهیزکاری آراسته نیست زهد برایش سودمند نیست
۱۱۵۵	 ۱۰-۲-۱۷ عبادت بدون پرهیزکاری بی‌فایده است
۱۱۵۵	 ۱۰-۲-۱۸ پوشیده نمی‌شود
۱۱۵۷	 ۱۰-۲-۱۹ شأن و منزلتی ندارد
۱۱۵۷	 ۱۰-۲-۲۰ توبه‌کننده محسوب نمی‌شود
۱۱۵۷	 ۱۰-۲-۲۱ به او توجه نمی‌شود
۱۱۵۷	 ۱۰-۲-۲۲ عبادت‌کننده نیست
۱۱۵۷	 ۱۰-۲-۲۳ چیزی از اعمالش به حساب نمی‌آید
۱۱۵۹	 ۱۰-۲-۲۴ اعمالش کامل نیست
۱۱۵۹	 ۱۰-۲-۲۵ به آنچه نزد خداست جز با پرهیزکاری نمی‌رسید
۱۱۵۹	 ۱۰-۲-۲۶ افتادن در حرام، لذت‌ها، شهوت‌ها، بدی‌ها و گناهان دارای پیامد
۱۱۵۹	 ۱۰-۲-۲۶-۱ افتادن در حرامی که از آن آگاه نیست
۱۱۵۹	 ۱۰-۲-۲۶-۲ شهوات، بدی‌ها و گناهان دارای پیامد
۱۱۵۹	 ۱۰-۲-۲۷ گمراهی، پرشدن قلب از فتنه‌ها و مرگ قلب
۱۱۵۹	 ۱۰-۲-۲۷-۱ گمراهی
۱۱۵۹	 ۱۰-۲-۲۷-۲ عدم رهیابی
۱۱۵۹	 ۱۰-۲-۲۷-۳ پرشدن قلب از فتنه‌ها
۱۱۶۱	 ۱۰-۲-۲۷-۴ مرگ قلب
۱۱۶۱	 ۱۰-۲-۲۸ هلاکت و فساد
۱۱۶۱	 ۱۰-۲-۲۸-۱ فساد
۱۱۶۱	 ۱۰-۲-۲۸-۲ برکنده‌شدن
۱۱۶۱	 ۱۰-۲-۲۸-۳ تلف‌شدن
۱۱۶۱	 ۱۰-۲-۲۸-۴ جوان‌مرگ شدن
۱۱۶۱	 ۱۰-۲-۲۹ از دست‌رفتن نعمت و غلبه‌ی فتنه‌ها
۱۱۶۳	 ۱۰-۲-۲۹-۱ از دست‌رفتن نعمت
۱۱۶۳	 ۱۰-۲-۲۹-۲ جز سلطان ظالم یا ثروتمند بخیل یا عالم دنیاپرست یا فقیر دروغگو یا پیرمردزناکار یا بچه‌ی بی‌آبرو و یا زن بی‌پروا دیده نمی‌شود
۱۱۶۳	 ۱۰-۲-۲۹-۳ خدمت سلطان یا حاشیه‌نشینی

﴿الفهرس﴾

١٠-٣-١٠- عَوَاقِبُ فَقْدِ التَّقْوَى فِي الْآخِرَةِ.....	١١٦٢
١٠-٣-١- نارُ جَهَنَّمَ.....	١١٦٢
١٠-٣-٢- الحَسْرَةُ.....	١١٦٤
١٠-٣-٣- الخِزْيُ.....	١١٦٤
١٠-٣-٤- الخُسْرَانُ.....	١١٦٤
١٠-٣-٥- الشَّقَاوَةُ.....	١١٦٤
١٠-٣-٦- العَارُ.....	١١٦٦
١٠-٣-٧- العقَابُ الشَّدِيدُ.....	١١٦٦
١٠-٣-٨- الهَلَاكَةُ.....	١١٦٦
١٠-٣-٨-١- العَطْبُ.....	١١٦٦
١٠-٣-٨-٢- دَقَّ اللَّهُ مِنْ هَذَا حَيْزُومَهُ وَ قَطَعَ مِنْهُ خَيْشُومَهُ.....	١١٦٨
١٠-٣-٨-٣- هَبَاءٌ مَنثورٌ.....	١١٦٨
الفصلُ الحادى عشر: أهلُ التَّقْوَى وَ الْمُتَّقُونَ وَ راجع: الفصلُ الثانى؛ مِنْ عَلَامَاتِ الْأَنْبِيَاءِ وَ الْأَنْمَةِ وَ الْأَوْلِيَاءِ	
.....	١١٧٠
١١-١- اللهُ.....	١١٧٠
١١-١-١- أهلُ التَّقْوَى.....	١١٧٠
١١-١-٢- ذُو التَّقْوَى.....	١١٧٢
١١-٢- رسولُ اللهِ ﷺ.....	١١٧٢
١١-٣- الْأئِمَّةُ الطَّيِّبَةُ وَ الزَّهْرَاءُ ع.....	١١٧٦
١١-٤- عَلَى الطَّيِّبِ.....	١١٨٨
١١-٥- الْحَسَنُ وَ الْحُسَيْنُ الطَّيِّبَانِ.....	١٢٠٠
١١-٦- الْحَسَنُ الزَّكِيُّ الطَّيِّبِ.....	١٢٠٠
١١-٧- الْحُسَيْنُ الطَّيِّبِ.....	١٢٠٠
١١-٨- السَّجَادُ الطَّيِّبِ.....	١٢٠٠
١١-٩- الْكَاطِمُ الطَّيِّبِ.....	١٢٠٠
١١-١٠- الرِّضَا الطَّيِّبِ.....	١٢٠٢
١١-١١- مُحَمَّدُ بْنُ عَلِيٍّ الثَّانِي التَّقَى الطَّيِّبِ.....	١٢٠٢
١١-١٢- الْحُجَّةُ الطَّيِّبِ.....	١٢٠٢
١١-١٣- الزَّهْرَاءُ ع.....	١٢٠٤
١١-١٤- الْأَنْبِيَاءُ الطَّيِّبِينَ وَ أَتْبَاعُهُمْ.....	١٢٠٦
١١-١٥- نُوحٌ الطَّيِّبِ.....	١٢٠٨
١١-١٦- الْمَسِيحُ الطَّيِّبِ.....	١٢٠٨

﴿فهرست﴾

۱۰-۳	پیامدهای فقدان تقوا در جهان دیگر.....	۱۱۶۳
۱۰-۳-۱	آتش جهنم.....	۱۱۶۳
۱۰-۳-۲	افسوس.....	۱۱۶۵
۱۰-۳-۳	رسوایی.....	۱۱۶۵
۱۰-۳-۴	زیان.....	۱۱۶۵
۱۰-۳-۵	بدبختی.....	۱۱۶۵
۱۰-۳-۶	ننگ.....	۱۱۶۷
۱۰-۳-۷	عقوبت شدید.....	۱۱۶۷
۱۰-۳-۸	هلاکت.....	۱۱۶۷
۱۰-۳-۸-۱	هلاکت.....	۱۱۶۷
۱۰-۳-۸-۲	خداوند بینی‌اش را به خاک می‌مالد و کمرش را می‌شکند.....	۱۱۶۹
۱۰-۳-۸-۳	همچون گردی پراکنده خواهد بود.....	۱۱۶۹
فصل ۱۱: اهل تقوا و پرهیزکاران.....		
۱۱-۱	خدا.....	۱۱۷۱
۱۱-۱-۱	اهل تقوا.....	۱۱۷۱
۱۱-۱-۲	صاحب تقوا.....	۱۱۷۳
۱۱-۲	پیامبر ﷺ.....	۱۱۷۳
۱۱-۳	ائمه اطهار و حضرت زهرا ع.....	۱۱۷۷
۱۱-۴	علی ع.....	۱۱۸۹
۱۱-۵	امام حسن و حسین ع.....	۱۲۰۱
۱۱-۶	امام حسن مجتبی ع.....	۱۲۰۱
۱۱-۷	امام حسین ع.....	۱۲۰۱
۱۱-۸	امام سجاد ع.....	۱۲۰۱
۱۱-۹	امام کاظم ع.....	۱۲۰۱
۱۱-۱۰	امام رضا ع.....	۱۲۰۳
۱۱-۱۱	امام جواد ع.....	۱۲۰۳
۱۱-۱۲	امام زمان ع.....	۱۲۰۳
۱۱-۱۳	حضرت زهرا ع.....	۱۲۰۵
۱۱-۱۴	پیامبران طهارت و پیروانشان.....	۱۲۰۷
۱۱-۱۵	نوح ع.....	۱۲۰۹
۱۱-۱۶	مسیح ع.....	۱۲۰۹

«الفهرس»

١٢٠٨	١١-١٧- يَحْيَى عَلَيْهِ السَّلَامُ
١٢٠٨	١١-١٨- الْأَوْصِيَاءُ وَاتَّبَاعُهُمْ وَرَاجِعُ: الْفَصْلُ الثَّانِي؛ مِنْ عِلَامَاتِ الْإِمَامِ عَلَيْهِ السَّلَامُ
١٢٠٨	١١-١٩- أَوْلِيَاءُ اللَّهِ
١٢١٠	١١-٢٠- شَيْعَةُ مُحَمَّدٍ ﷺ وَ عَلَى ﷺ
١٢١٦	١١-٢١- مُحِبُّ عَلَى ﷺ
١٢١٦	١١-٢٢- أُمَّةُ مُحَمَّدٍ ﷺ
١٢١٦	١١-٢٣- الْعِبَادُ الصَّالِحُونَ
١٢١٨	١١-٢٤- الْأَبْرَارُ
١٢١٨	١١-٢٥- عِبَادُ الرَّحْمَانِ
١٢١٨	١١-٢٦- أَبُو الدَّخْدَاحِ
١٢١٨	١١-٢٧- أَبُو ذَرٍّ
١٢١٨	١١-٢٨- إِخْوَةُ يُوسُفَ
١٢١٨	١١-٢٩- حَمْزَةُ وَ جَعْفَرُ وَ عُيَيْدَةُ
١٢٢٠	١١-٣٠- ذُو الْقَرْنَيْنِ
١٢٢٠	١١-٣١- رُوبِيلُ
١٢٢٠	١١-٣٢- زَيْدُ بْنُ عَلِيٍّ
١٢٢٠	١١-٣٣- فَضْلُ بْنُ سَهْلٍ
١٢٢٢	١١-٣٤- عَبْدُ اللَّهِ بْنُ سَلَامٍ
١٢٢٢	١١-٣٥- لُقْمَانُ
١٢٢٢	١١-٣٦- مُتَمِّمُ بْنُ فَيْرُوزٍ
١٢٢٢	١١-٣٧- أَهْلُ نَيْبَوَى
١٢٢٤	١١-٣٨- الْمَلَائِكَةُ
١٢٢٦	الْفَصْلُ الثَّانِي عَشَرَ: التَّعَامُلُ مَعَ الْمُتَّقِينَ وَ الَّذِينَ لَا يَتَّقُونَ؛ وَ ثَمَرَاتُ مُصَاحِبَتِهِمْ
١٢٢٦	١٢-١- التَّعَامُلُ مَعَ الْمُتَّقِينَ
١٢٢٦	١٢-١-١- الْإِمَامُ عَلَيْهِ السَّلَامُ يَسْأَلُ مُرَافِقَةَ الْمُتَّقِينَ
١٢٢٦	١٢-١-٢- الْإِمَامُ عَلَيْهِ السَّلَامُ يَسْأَلُ خَلَّةَ الْمُتَّقِينَ
١٢٢٦	١٢-١-٣- الْمَذَاكِرَةُ
١٢٢٦	١٢-١-٤- اخْتِرَازُ مِمَّا وَصَفَتْ لَكَ أَهْلُ الْوَرَعِ
١٢٢٦	١٢-١-٥- لَا تَضَعْ مِنْ رَفَعَتِهِ التَّقْوَى
١٢٢٨	١٢-٢- ثَمَرَاتُ مُصَاحَبَةِ الْأَتْقِيَاءِ
١٢٢٨	١٢-٢-١- إِنْ كُنْتَ جَاهِلًا عِلْمُكَ وَإِنْ كُنْتَ عَالِمًا ارْزُدْكَ عِلْمًا

﴿فهرست﴾

۱۲۰۹	 یحیی علیه السلام
۱۲۰۹	 ۱۱-۱۸- جانشینان پیامبران صلوات الله علیهم و پیروانشان و ربه: فصل ۲؛ از علامات امام علیه السلام
۱۲۰۹	 ۱۱-۱۹- اولیاء الله
۱۲۱۱	 ۱۱-۲۰- شیعه‌ی محمد صلوات الله علیه و علی علیه السلام
۱۲۱۷	 ۱۱-۲۱- دوستدار علی علیه السلام
۱۲۱۷	 ۱۱-۲۲- امت محمد صلوات الله علیه
۱۲۱۷	 ۱۱-۲۳- بندگان صالح
۱۲۱۹	 ۱۱-۲۴- نیکان
۱۲۱۹	 ۱۱-۲۵- عباد الرحمن
۱۲۱۹	 ۱۱-۲۶- ابودحداح
۱۲۱۹	 ۱۱-۲۷- ابوذر
۱۲۱۹	 ۱۱-۲۸- برادران یوسف
۱۲۱۹	 ۱۱-۲۹- حمزه و جعفر و عبیده
۱۲۲۱	 ۱۱-۳۰- ذوالقرنین
۱۲۲۱	 ۱۱-۳۱- روبیل
۱۲۲۱	 ۱۱-۳۲- زیدبن علی
۱۲۲۱	 ۱۱-۳۳- فضل بن سهل
۱۲۲۳	 ۱۱-۳۴- عبدالله بن سلام
۱۲۲۳	 ۱۱-۳۵- لقمان
۱۲۲۳	 ۱۱-۳۶- متمم بن فیروز
۱۲۲۳	 ۱۱-۳۷- اهالی نینوا
۱۲۲۵	 ۱۱-۳۸- فرشتگان
۱۲۲۷	 فصل ۱۲: تعامل با پرهیزکاران و ناپرهیزکاران و نتیجه‌ی آن
۱۲۲۷	 ۱۲-۱- تعامل با پرهیزکاران
۱۲۲۷	 ۱۲-۱-۱- امام علیه السلام همراهی پرهیزکاران را می‌طلبد
۱۲۲۷	 ۱۲-۱-۲- امام علیه السلام دوستی پرهیزکاران را می‌طلبد
۱۲۲۷	 ۱۲-۱-۳- مذاکره
۱۲۲۷	 ۱۲-۱-۴- پرهیز از آنچه اهل ورع بر حذر می‌دارند
۱۲۲۷	 ۱۲-۱-۵- کسی که تقوا او را بالا برده است، پست نشمار
۱۲۲۹	 ۱۲-۲- ثمرات همنشینی با پرهیزکاران
۱۲۲۹	 ۱۲-۲-۱- اگر نادان باشی به تو می‌آموزد، اگر عالم باشی، بر علمت می‌افزاید

﴿الفهرس﴾

١٢٢٨	١٢-٢-٢- يَغْنَمُ فُضَائِلَهُمْ وَ تَهْدِيهِ [تهذيبه] عُلُومُهُمْ وَ تَزِينُهُ صُحُبَتُهُمْ
١٢٢٨	١٢-٢-٣- تَسْلِمُ وَ تَعْنَمُ
١٢٢٨	١٢-٢-٤- الْخَيْرُ
١٢٢٨	١٢-٣- عَاقِبَةُ تَرْكِ مُصَاحِبَةِ الْأَتْقِيَاءِ
١٢٢٨	١٢-٣-١- مَفْسَدَةُ فِي الدِّينِ وَ الدُّنْيَا
١٢٢٨	١٢-٤- التَّعَامُلُ مَعَ الَّذِينَ لَا يَتَّقُونَ
١٢٢٨	١٢-٤-١- فَكُنْ كَابِنَ اللَّبُونِ لَا ظَهْرُ فَيْرُكَبَ وَ لَا وَبَرٌ فَيُسْلَبَ وَ لَا ضَرْعٌ فَيُخْلَبَ
١٢٣٠	١٢-٤-٢- عَدَمُ قَبُولِ إِسْتِشَارَتِهِ
١٢٣٠	١٢-٤-٣- لَا تَتَّقُ بِمَنْ لَا وَرَعَ لَهُ
١٢٣٣	فهرست منابع

﴿فهرست﴾

۱۲-۲-۲- فضائلشان بی‌نیازشان می‌کند، و علمشان آن‌ها را تهذیب کرده و هم صحبتی‌شان	
مایه‌ی جمال است.....	۱۲۲۹
۱۲-۲-۳- سالم می‌مانی و بهره‌مند می‌شوی.....	۱۲۲۹
۱۲-۲-۴- خیر.....	۱۲۲۹
۱۲-۳- عاقبت ترک همنشینی با پرهیزکاران.....	۱۲۲۹
۱۲-۳-۱- فاسدشدن دین و دنیا.....	۱۲۲۹
۱۲-۴- تعامل با ناپرهیزکاران.....	۱۲۲۹
۱۲-۴-۱- مانند بچه شتر باش؛ نه سواری بده، نه کرکی از تو بگیرند و نه شیری از تو بدوشند	
.....	۱۲۲۹
۱۲-۴-۲- عدم پذیرش مشورت.....	۱۲۳۱
۱۲-۴-۳- به آن که ورع ندارد اعتماد نکن.....	۱۲۳۱
فهرست منابع.....	۱۲۳۳

الفصلُ الأوَّلُ: ماهِيَةُ التَّقْوَى؟

١-١- معاني التقوى والورع

١-١-١- التَّركُ و.راجع: الفصل الثامن؛ ما يُتَّقَى عَنْهُ

﴿١﴾ الصادق عليه السلام: وَقَالَ فَأَلْهَمَهَا فُجُورَهَا وَتَقْوَاهَا قَالَتْ بَيْنَ لَهَا مَا تَأْتِي وَمَا تَتْرُكُ: الكافي، ج ١،

ص ١٦٣

١-١-١-١- تَرْكُ الْحَرَامِ

﴿٢﴾ الصادق عليه السلام: التَّقْوَى عَلَى ثَلَاثَةِ أَوْجُهٍ ... تَقْوَى مِنْ خَوْفِ النَّارِ وَالْعِقَابِ وَهُوَ تَرْكُ

الْحَرَامِ وَهُوَ تَقْوَى الْعَامِّ؛ بحار الأنوار، ج ٦٧، ص ٢٩٥

﴿٣﴾ أمير المؤمنين عليه السلام: لَا وَرَعَ أَنْفَعُ مِنْ تَرْكِ الْمَحَارِمِ وَتَجَنُّبِ الْمَآثِمِ؛ غرر الحكم، ص ٢٧٣

١-١-١-٢- تَرْكُ الشُّبُهَاتِ فَضْلاً عَنْ حَرَامٍ

﴿٤﴾ الصادق عليه السلام: التَّقْوَى عَلَى ثَلَاثَةِ أَوْجُهٍ ... تَقْوَى مِنَ اللَّهِ وَهُوَ تَرْكُ الشُّبُهَاتِ فَضْلاً عَنْ

حَرَامٍ وَهُوَ تَقْوَى الْخَاصِّ؛ بحار الأنوار، ج ٦٧، ص ٢٩٥

١-١-١-٣- تَرْكُ الشَّهْوَةِ

﴿٥﴾ أمير المؤمنين عليه السلام: رَأْسُ التَّقْوَى تَرْكُ الشَّهْوَةِ؛ مستدرک الوسائل، ج ١١، ص ٣٤٤

١-١-١-٤- تَرْكُ مَا لَا يَعْنِي

﴿٦﴾ الرسول الله ﷺ: تَرْكُ مَا لَا يَعْنِي زِينَةُ الْوَرَعِ؛ بحار الأنوار، ج ٧٤، ص ١٣٣

١-١-١-٥- تَرْكُ مَا تَسْتَحْيِي مِنْ إِظْهَارِهِ فِي عِلَانِيَتِكَ

﴿٧﴾ أمير المؤمنين عليه السلام: مِنْ أَفْضَلِ الْوَرَعِ أَنْ لَا تُبْدِيَ فِي خُلُوتِكَ مَا تَسْتَحْيِي مِنْ إِظْهَارِهِ فِي

عِلَانِيَتِكَ؛ غرر الحكم، ص ٢٧٤

فصل ۱: چیستی پرهیزکاری و مفهوم آن

۱-۱- معانی پرهیزکاری و ورع

۱-۱-۱ ترک و.ر.به: فصل ۸؛ آنچه از آن باید پرهیز کرد

﴿۱﴾ درباره‌ی این سخن خداوند: «سپس فجور و پرهیزکاری (شرّ و خیرش) را به او الهام کرده است»؛ فرمود: یعنی کارهایی که باید انجام دهد و کارهایی که باید ترک کند را برایش بیان کرد.

۱-۱-۱-۱ ترک حرام

﴿۲﴾ تقوا سه قسم است ... سوّم: تقوایی که ترس از آتش دوزخ و عذاب الهی انگیزه‌ی اوست که در این صورت فقط محرّمات را ترک می‌کند که این مرحله‌ی تقوای عوام است.

﴿۳﴾ هیچ ورعی پرمفعت‌تر از کنار گذاشتن محرّمات الهی و دوری از گناهان نیست.

۱-۱-۱-۲ ترک شبهات تا چه رسد به حرام

﴿۴﴾ تقوا سه قسم است: ... دوّم: تقوای از خدا که امور شبهه‌ناک را هم علاوه بر محرّمات کنار می‌گذارد که تقوای خاصّان است.

۱-۱-۱-۳ ترک شهوات

﴿۵﴾ اصل پرهیزکاری، ترک شهوات است.

۱-۱-۱-۴ ترک امور بی‌اهمیت

﴿۶﴾ ترک آنچه نامربوط است، زینت ورع است.

۱-۱-۱-۵ ترک آنچه از اظهارش در آشکار شرم می‌کنی

﴿۷﴾ از برترین نشانه‌های ورع این است که آنچه را از اظهارش در آشکار حیا می‌کنی، در خلوت آشکار نکنی.

﴿مَعَانِي التَّقْوَى وَالْوَرَعِ﴾

١-١-١-٤- تركُ فتح أبواب لا يدري كيف يغلقها

﴿٨﴾ الصادق عليه السلام: أصل الورع دوام المحاسبة وصدق المقابلة وصفاء المعاملة والخروج من كل شبهة ورفض كل عيبة وريبة ومفارقة جميع ما لا يعنيه وترك فتح أبواب لا يدري كيف يغلقها؛ بحار الأنوار، ج ٦٧، ص ٣٠٧

١-١-١-٧- ترك الحلال فضلاً عن الشبهة

﴿٩﴾ الصادق عليه السلام: التقوى على ثلاثة أوجه تقوى بالله في الله وهو ترك الحلال فضلاً عن الشبهة وهو تقوى خاص الخاص؛ بحار الأنوار، ج ٦٧، ص ٢٩٥

١-١-١-٨- ترك ما لا بأس به

﴿١٠﴾ الرسول صلى الله عليه وآله: إني لأعرف آية لو أخذ بها الناس لكفاهم ثم قرأ ومن يتق الله وقال إنما سمي الممتقون الممتقين لترمكهم عما لا بأس به حذوا مما به البأس؛ مستدرک الوسائل، ج ١١، ص ٢٦٧

١-١-٢- التوبة

﴿١١﴾ أمير المؤمنين عليه السلام: لم يشدد عليك في التوبة فجعل توبتك التورع عن الذنب؛

بحار الأنوار، ج ٧٤، ص ٢٠٥

١-١-٣- الاجتناب

﴿١٢﴾ أمير المؤمنين عليه السلام: التقوى اجتناب؛ غرر الحكم، ص ٢٦٨

﴿١٣﴾ أمير المؤمنين عليه السلام: الورع اجتناب؛ غرر الحكم، ص ٢٦٨

﴿١٤﴾ دعاء اليوم الخامس والعشرين: جنبي موبقات معصيتك إنك أهل التقوى وأهل

المغفرة؛ بحار الأنوار، ج ٩٤، ص ٢٨٥

﴿١٥﴾ الصادق عليه السلام: عن فضيل بن عياض قال: ... سأله عن الورع من الناس قال الذي يتورع عن محارم الله عز وجل ويجنب هؤلاء وإذا لم يتق الشبهات وقع في الحرام وهو لا يعرفه وإذا رأى المنكر فلم ينكره وهو يقدر عليه؛ الكافي، ج ٥، ص ١٠٨

﴿١٦﴾ الرسول صلى الله عليه وآله: فاتقوا الله فاجتنبوا الرياء فإنه شرك بالله؛ تفسير العياشي، ج ١، ص ٢٨٣

﴿١٧﴾ الرسول صلى الله عليه وآله: تجنبوا المعاصي فبتقوى الله يرجي الخلاص؛ بحار الأنوار، ج ٧، ص ٣١٥

«معانی پرهیزکاری و ورع»

ع-۱-۱-۱- ترک باز کردن دری که راه بستن آن را نمی‌دانی

«۸» اصل و پایه‌ی تقوا و شیوه پرهیزکاری این است که همیشه و در همه حال حساب اعمال خود را داشت؛ راستی در گفتار، در معاملات پاک و با صفا بودن، از هر کار و عمل شبهه‌ناک برکنار بودن، شک و تردید به خود راه ندادن، از هر چیزی که سودی ندارد دور شدن، دری را که راه بستن آن را نمی‌داند به روی خود نگشودن.

ع-۱-۱-۱-۷ ترک حلال تا چه رسد به موارد شبهه‌ناک

«۹» تقوا سه قسم است: اول: تقوای با استعانت از خدا در راه خدا. و آن ترک حلال تا چه رسد به موارد شبهه‌ناک. و این را تقوای خاصّ الخاص می‌گویند.

ع-۱-۱-۱-۸ ترک آنچه در آن مشکلی نیست

«۱۰» من آیه‌ای به قدر این آیه نمی‌شناسم که اگر مردم به همان اکتفا کنند، کفایتشان کند. سپس این آیه را تلاوت نمود: «و هر کس تقوای الهی پیشه کند»؛ و فرمود: «متّقیان به این دلیل متّقی نامیده شدند که آنچه را که در آن مشکلی نیست ترک می‌کند، از ترس اینکه در آن چیز مشکلی باشد».

ع-۱-۱-۲ توبه

«۱۱» بر تو در توبه سخت نمی‌گیرد و توبه‌ی تو را پرهیز از گناهان قرار می‌دهد.

ع-۱-۱-۳ پرهیز

«۱۲» پرهیزکاری یعنی اجتناب [و دوری کردن از گناه].

«۱۳» ورع یعنی اجتناب [از محرّمات].

«۱۴» [دعای روز بیست و پنجم:] مرا از نافرمانی‌های هلاکت‌بارت دور ساز، که تو به راستی اهل تقوا و آمرزشی.

«۱۵» فضیل بن عیاض گوید:... از امام علیه السلام در مورد پرهیزکارترین مردم سؤال کردم فرمود: «یعنی کسی که از محرّمات الهی پرهیز و از آنان دوری کند. اگر کسی از شبهات پرهیز نکند و وقتی امر منکری را می‌بیند با آنکه قدرتش را دارد [تا آن را منکر اعلام و با آن مقابله کند]، آن را منکر نشمارد، بدون آنکه متوجّه شود، حتماً به حرام خواهد افتاد.

«۱۶» تقوا پیشه کنید و از ریا دور شوید که شرک است.

«۱۷» با تقوای الهی از معاصی دور شوید که با تقوای الهی امید خلاصی می‌رود.

﴿مَعَانِي التَّقْوَى وَالْوَرَعِ﴾

﴿١٨﴾ أمير المؤمنين عليه السلام: رَأْسُ الْعِلْمِ التَّوَاضُّعُ ... وَ مِنْ ثَمَرَاتِهِ التَّقْوَى وَ اجْتِنَابُ الْهَوَى؛

بحار الأنوار، ج ٧٥، ص ٦

﴿١٩﴾ أمير المؤمنين عليه السلام: أَصْلُ الْوَرَعِ تَجَنُّبُ الْآثَامِ وَ التَّنَزُّهُ عَنِ الْحَرَامِ؛ غرر الحكم، ص ٢٧٣

﴿٢٠﴾ أمير المؤمنين عليه السلام: أَهْلَكَ شَيْءٌ الشُّكُّ وَ الْارْتِيَابُ، أَمْلَكَ شَيْءٌ الْوَرَعُ وَ الْاجْتِنَابُ؛

غرر الحكم، ص ٧١

﴿٢١﴾ أمير المؤمنين عليه السلام: مَنْ صَدَّقَ وَرَعَهُ اجْتَنَبَ الْمُحَرَّمَاتِ؛ غرر الحكم، ص ٢٧٣

١-١-٣-١- تَجَنُّبُ الْآثَامِ

﴿٢٢﴾ أمير المؤمنين عليه السلام: لَا وَرَعَ كَتَجَنَّبِ الْآثَامَ؛ غرر الحكم، ص ٢٧٣

١-١-٣-٢- تَجَنُّبُ الْمَآثِمِ

﴿٢٣﴾ أمير المؤمنين عليه السلام: لَا وَرَعَ أَنْفَعُ مِنْ تَرْكِ الْمَحَارِمِ وَ تَجَنُّبِ الْمَآثِمِ؛ غرر الحكم، ص ٢٧٣

١-١-٣-٣- اجْتِنَابُ الشَّهَوَاتِ

﴿٢٤﴾ أمير المؤمنين عليه السلام: أَفْضَلُ الْوَرَعِ تَجَنُّبُ الشَّهَوَاتِ؛ مستدرک الوسائل، ج ١١، ص ٣٤٣

١-١-٣-٤- اجْتِنَابُ الْمُحَرَّمَاتِ

﴿٢٥﴾ أمير المؤمنين عليه السلام: مِنْ أَفْضَلِ الْوَرَعِ اجْتِنَابُ الْمُحَرَّمَاتِ؛ غرر الحكم، ص ٢٧٣

﴿٢٦﴾ الصادق عليه السلام: عَنْ أَبِي حَمْزَةَ قَالَ سَمِعْتُهُ يَقُولُ: قَالَ الرَّبُّ تَبَارَكَ وَ تَعَالَى ... إِنْ اجْتَنَبْتَ

الْمَحَارِمَ فَانْتَ أَوْرَعُ النَّاسِ عِنْدِي؛ مستدرک الوسائل، ج ١١، ص ٢٧٧

﴿٢٧﴾ السَّجَّاد عليه السلام: مَنْ اجْتَنَبَ مَا حَرَّمَ اللَّهُ عَلَيْهِ فَهُوَ مِنْ أَعْبَدِ النَّاسِ وَ مِنْ أَوْرَعِ النَّاسِ؛

بحار الأنوار، ج ٧٥، ص ١٥٣

﴿٢٨﴾ السَّجَّاد عليه السلام: يَقُولُ اللَّهُ يَا ابْنَ آدَمَ ... اجْتَنِبْ مِمَّا حَرَّمْتُ عَلَيْكَ تَكُنْ مِنْ أَوْرَعِ النَّاسِ؛

بحار الأنوار، ج ٧٥، ص ١٣٩

﴿٢٩﴾ الباقر عليه السلام: قَالَ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ ابْنَ آدَمَ اجْتَنِبْ مَا حَرَّمْتُ عَلَيْكَ تَكُنْ مِنْ أَوْرَعِ النَّاسِ؛

الكافي، ج ٢، ص ٧٧

﴿٣٠﴾ أمير المؤمنين عليه السلام: لَا وَرَعَ أَنْفَعُ مِنْ تَجَنُّبِ الْمَحَارِمِ؛ غرر الحكم، ص ٢٧٣

﴿٣١﴾ الصادق عليه السلام: وَ اعْلَمْ أَنَّهُ لَا وَرَعَ أَنْفَعُ مِنْ تَجَنُّبِ مَحَارِمِ اللَّهِ وَ الْكَفِّ عَنْ أَدَى الْمُؤْمِنِينَ

وَ اغْتِيَابِهِمْ؛ الكافي، ج ٨، ص ٢٤٤

«معانی پرهیزکاری و ورع»

﴿۱۸﴾ [علم را به پیکری می‌توان تشبیه کرد] که سر آن تواضع است ... و از نتایج علم، تقوا و پرهیز از هوی است.

﴿۱۹﴾ اصل ورع، دوری از گناهان و پاکی از حرام است.

﴿۲۰﴾ تباہ‌کننده‌ترین چیز، شک و تردید است؛ نگه‌دارنده‌ترین چیز، پرهیزکاری و دوری کردن [از گناه] است.

﴿۲۱﴾ هر کس که ورعش راست باشد، از گناهان دوری می‌کند.

۱-۱-۳-۱- پرهیز از گناهان

﴿۲۲﴾ هیچ ورعی همچون دوری از گناهان [پرمفعت] نیست.

۱-۱-۳-۲- پرهیز از گناهان

﴿۲۳﴾ هیچ ورعی پرمفعت‌تر از کنار گذاشتن محرّمات الهی و دوری از گناهان نیست.

۱-۱-۳-۳- پرهیز از شهوات

﴿۲۴﴾ بالاترین ورع، دوری از شهوات است.

۱-۱-۳-۴- پرهیز از محرّمات

﴿۲۵﴾ بالاترین ورع، دوری از گناهان است.

﴿۲۶﴾ ابوحمزه گوید: شنیدم که امام صادق علیه السلام می‌فرمود: «خداوند متعال فرمود:... اگر از محرّمات الهی دوری کنی، نزد من از باورع‌ترین مردم هستی».

﴿۲۷﴾ هرکس از آنچه حق تعالی بر او حرام کرده اجتناب کند، پس او عابدترین و پارساترین مردم است.

﴿۲۸﴾ خداوند می‌فرماید: «ای آدمیزاد!... از آنچه تو را نهی کردم دست بکش تا از باورع‌ترین مردم باشی».

﴿۲۹﴾ خدای بلندمرتبه می‌فرماید: «از آنچه بر تو حرام شده اجتناب کن تا باورع‌ترین مردم باشی».

﴿۳۰﴾ هیچ ورعی پرمفعت‌تر از دوری از گناهان نیست.

﴿۳۱﴾ آگاه باش که هیچ پرهیزکاری پرسودتر از دوری از گناهان و بازداری [خویشتن] از آزارسانی به مؤمنین و غیبت‌نمودن از آنان نیست.

﴿مَعَانِي التَّقْوَى وَالْوَرَعِ﴾

٥-٣-١- اجْتَنَابُ مَا نَهَى عَنْهُ

﴿٣٢﴾ الصَّادِقُ عليه السلام: فَإِنَّ مِنَ التَّقْوَى الطَّاعَةَ وَالْوَرَعَ وَالتَّوَاضُّعَ لِلَّهِ وَالطَّمَأْنِينَةَ وَالِاجْتِهَادَ وَالْأَخْذَ بِأَمْرِهِ وَالنَّصِيحَةَ لِرُسُلِهِ وَالْمُسَارَعَةَ فِي مَرْضَاتِهِ وَاجْتِنَابُ مَا نَهَى عَنْهُ؛ بحار الأنوار، ج ٢٤، ص ٢٨٦

٦-٣-١- مُجَانِبَةُ الشُّبْهِ

﴿٣٣﴾ الباقر عليه السلام: لَيْسَ بِتَقْوَى اللَّهِ طَوْلُ عِبَادَةٍ وَلَكِنَّمَا التَّقْوَى مُجَانِبَةُ الشُّبْهِ؛ مجموعة ورام، ج ٢، ص ٣٠٥

٤-١-١- التَّجَوُّعُ

﴿٣٤﴾ أمير المؤمنين عليه السلام: نِعَمَ عَوْنُ الْوَرَعِ التَّجَوُّعُ [الْقُنُوعُ]؛ غرر الحكم، ص ٣٩١

٥-١-١- الْحَجْزُ وَرَاجِعُ: الْفَصْلُ الْخَامِسُ؛ ثَمَرَاتُ التَّقْوَى؛ الْحَجْزُ عَنِ الْمَعَاصِي

﴿٣٥﴾ الرَّسُولُ ﷺ: لَا يَكْمُلُ الْمُؤْمِنُ فِي إِيْمَانِهِ حَتَّى تَكُونَ فِيهِ ثَلَاثُ خِصَالٍ حِلْمٌ يَرُدُّعُهُ عَنِ الْجَهْلِ وَوَرَعٌ يَحْجِزُهُ عَنِ الْمَعَاصِي وَكَرَمٌ يَحْسُنُ بِهِ صُحْبَتَهُ؛ مستدرک الوسائل، ج ١١، ص ٢٨٨

٦-١-١- الْحَذَرُ

﴿٣٦﴾ وَمَا كَانَ الْمُؤْمِنُونَ لِيَنْفِرُوا كَافَّةً فَلَوْلَا نَفَرَ مِنْ كُلِّ فِرْقَةٍ مِنْهُمْ طَائِفَةٌ لِيَتَفَقَّهُوا فِي الدِّينِ وَ لِيُنْذِرُوا قَوْمَهُمْ إِذَا رَجَعُوا إِلَيْهِمْ لَعَلَّهُمْ يَحْذَرُونَ؛ التوبة ١٢٢

﴿٣٧﴾ أمير المؤمنين عليه السلام: فِي قَوْلِهِ تَعَالَى فَاتَّقُوا النَّارَ الَّتِي وَقُودُهَا النَّاسُ وَالْحِجَارَةُ يَا مَعْاشِرَ شَيْعَتِنَا اتَّقُوا اللَّهَ وَ احْذَرُوا أَنْ تَكُونُوا لِلنَّارِ حَطْبًا وَإِنْ لَمْ تَكُونُوا بِاللَّهِ كَافِرِينَ فَتَوَقَّوْهَا بَتَوْقَى ظَلَمَ إِخْوَانَكُمْ الْمُؤْمِنِينَ وَإِنَّهُ لَيْسَ مِنْ مُؤْمِنٍ ظَلَمَ أَخَاهُ الْمُؤْمِنَ الْمُشَارِكَ لَهُ فِي مَوَالَاتِنَا إِلَّا ثَقُلَ اللَّهُ تَعَالَى فِي تِلْكَ النَّارِ؛ مستدرک الوسائل، ج ١٢، ص ١٠١

﴿٣٨﴾ السَّجَادُ عليه السلام: فَنَحْنُ نَنْهَى عَنِ الْمُنْكَرِ... قَالُوا وَلَعَلَّهُمْ يَتَّقُونَ وَ نَعْظُهُمْ أَيْضًا لَعَلَّهُمْ تَنْجَعُ فِيهِمُ الْمَوَاعِظُ فَيَتَّقُوا هَذِهِ الْمَوْبِقَةَ وَ يَحْذَرُوا غُفُوبَتَهَا؛ بحار الأنوار، ج ١٤، ص ٥٦

﴿٣٩﴾ أمير المؤمنين عليه السلام: مُجَامَلَةُ أَعْدَاءِ اللَّهِ فِي دَوْلَتِهِمْ تَقِيَّةٌ [ثِقَاةٌ] مِنْ عَذَابِ اللَّهِ وَ حَذَرٌ مِنْ مَعَارِكِ الْبَلَاءِ فِي الدُّنْيَا؛ غرر الحكم، ص ٣٤٨

﴿٤٠﴾ الصَّادِقُ عليه السلام: فَلْيَتَّقِ اللَّهَ أَمْرُؤُ وَ لِيَحْذَرَ أَنْ يَكُونَ مِنْهُمْ؛ تهذيب الأحكام، ج ٦، ص ١٣٣

«معانی پرهیزکاری و ورع»

۵-۳-۱-۱- پرهیز از منهیات

﴿۳۲﴾ ورع و تواضع برای خدا و آرامش و کوشش و مطیع بودن و خیرخواهی برای فرستادگان خدا و سرعت در کارهای نیک و پرهیز از گناهان، از پرهیزکاری محسوب می‌شود.

۶-۳-۱-۱- پرهیز از شبیهات

﴿۳۳﴾ پرهیزکاری معادل عبادت طولانی نیست بلکه دوری از [مال و افکار] شبهه‌ناک است.

۴-۱-۱-۱- گرسنگی

﴿۳۴﴾ خالی بودن شکم [یا قناعت] بهترین کمک‌کننده ورع است.

۵-۱-۱-۱- پرهیز و.ر.به: فصل ۵؛ نتایج پرهیزکاری؛ پرهیز از نافرمانی

﴿۳۵﴾ ایمان مؤمن کامل نمی‌شود مگر آنکه سه خصلت در او باشد: بردباری‌ای که او را از جهل بازدارد، ورعی که مانع او از ارتکاب معصیت خدا شود و کرامتی که موجب هم‌صحبتی خوب او شود.

۶-۱-۱-۱- پرهیز

﴿۳۶﴾ شایسته نیست مؤمنان همگی (به‌سوی میدان جهاد) کوچ کنند چرا از هر گروهی از آنان، طایفه‌ای کوچ نمی‌کند (و طایفه‌ای در مدینه بماند)، تا در دین (و معارف و احکام اسلام) آگاهی یابند و به هنگام بازگشت به‌سوی قوم خود، آن‌ها را بیم دهند؟! باشد که (از مخالفت فرمان پروردگار) بترسند، و خودداری کنند!

﴿۳۷﴾ در تفسیر سخن خدای متعال: «از آتشی بترسید که هیزم آن، بدن‌های مردم [گنهکار] و سنگ‌ها (بت‌ها) است»؛ فرمود: «ای شیعیان ما! تقوای خدا را پیشه کنید و بترسید از اینکه هیزم آن آتش باشید، گرچه به خدا کافر نباشید. از آن مانند ستم به برادر مؤمنان دوری کنید و مؤمنی که به برادر هم عقیده‌ی خود که دوستدار ماست ستم کند، خدا غل و زنجیرهایش را در آن دوزخ گران می‌سازد».

﴿۳۸﴾ ما نهی از منکر می‌کنیم... «شاید آن‌ها [بپذیرند، و از گناه باز ایستند، و] تقوا پیشه کنند». و همچنین آنان را پند می‌دهیم شاید این پندها در آنان مفید واقع شود و از این گناه خطرناک دست بردارند و از عقوبت آن برحذر باشند.

﴿۳۹﴾ تقیه و سلوک نیکو با دشمنان خدا در زمان دولت ایشان موجب نگاه‌داشتن خود از عذاب خدا و اندیشه‌کردن از معرکه‌های بلا در دنیا است.

﴿۴۰﴾ فرد باید تقوا پیشه کند و از آنان [که دین ندارند]، نباشد.

﴿مَعَانِي التَّقْوَى وَالْوَرَعِ﴾

﴿٤١﴾ أمير المؤمنين عليه السلام: فَاتَّقُوا سَكَرَاتِ النِّعْمَةِ وَاحْذَرُوا بَوَائِقَ النِّقْمَةِ؛ نهج البلاغة، ص ٢١٠
 ﴿٤٢﴾ أمير المؤمنين عليه السلام: فَاتَّقُوا اللَّهَ عِبَادَ اللَّهِ جَهَةَ مَا خَلَقَكُمْ لَهُ وَاحْذَرُوا مِنْهُ كُنْهَ مَا حَذَرَكُمْ مِنْ نَفْسِهِ وَاسْتَحِقُّوا مِنْهُ مَا أَعَدَّ لَكُمْ بِالتَّجَرُّزِ لِصِدْقِ مِيعَادِهِ وَالْحَذَرِ مِنْ هَوْلِ مَعَادِهِ؛
 نهج البلاغة، ص ١١٠

﴿٤٣﴾ الصادق عليه السلام: اتَّقُوا الذُّنُوبَ وَحَذَرُوهَا إِخْوَانَكُمْ؛ بحار الأنوار، ج ٦، ص ٥٧
 ﴿٤٤﴾ أمير المؤمنين عليه السلام: إِنِّي أَمُرُّكَ بِتَقْوَى اللَّهِ وَطَاعَتِهِ فِي السِّرِّ وَالْعَلَانِيَةِ فَاحْذَرْ عِقَابَهُ فِي الْمَغِيبِ وَالْمَشْهَدِ؛ بحار الأنوار، ج ٢٨، ص ٨٦

﴿٤٥﴾ أمير المؤمنين عليه السلام: أَوْصِيَكُمْ عِبَادَ اللَّهِ بِتَقْوَى اللَّهِ وَاحْذَرُكُمْ الدُّنْيَا؛ نهج البلاغة، ص ٣١٠
 ﴿٤٦﴾ أمير المؤمنين عليه السلام: بِتَقْوَى اللَّهِ أَمْرُكُمْ وَلِلْإِحْسَانِ وَالطَّاعَةِ خُلِقْتُمْ فَاحْذَرُوا مِنَ اللَّهِ مَا حَذَرَكُمْ مِنْ نَفْسِهِ فَإِنَّهُ حَذَرٌ بَاسٌ شَدِيدٌ وَاحْشَوْا اللَّهَ خَشْيَةً لَيْسَتْ بِتَعْذِيرٍ؛ بحار الأنوار، ج ٣٢، ص ٣٥٦

١-١-٧- الحِرْزُ

﴿٤٧﴾ الصادق عليه السلام: أَيُّمَا عَبْدٍ أَقْبَلَ قَبْلَ مَا يُحِبُّ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ أَقْبَلَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ قَبْلَ كُلِّ مَا يُحِبُّ وَمَنْ اغْتَصَمَ بِاللَّهِ وَبِتَقْوَاهُ عَصَمَهُ اللَّهُ وَمَنْ أَقْبَلَ قَبْلَهُ وَعَصَمَهُ لَمْ يُبَالِ لَوْ سَقَطَتِ السَّمَاءُ عَلَى الْأَرْضِ [أَوْ كَانَتْ نَازِلَةً عَلَى أَهْلِ الْأَرْضِ] فَشَمِلَتْهُمْ بَلِيَّةٌ وَكَانَ فِي حِرْزِ اللَّهِ بِالتَّقْوَى مِنْ كُلِّ بَلِيَّةٍ أَيْسَرَ اللَّهِ تَبَارَكَ وَتَعَالَى يَقُولُ إِنَّ الْمُتَّقِينَ فِي مَقَامٍ أَمِينٍ؛ مستدرک الوسائل، ج ١١، ص ٢١٣
 ﴿٤٨﴾ الرسول ﷺ: مَنْ تَزَوَّجَ أَحْرَزَ نِصْفَ دِينِهِ وَفِي حَدِيثٍ آخَرَ فَلْيَتَّقِ اللَّهَ فِي النِّصْفِ الْآخَرِ أَوْ الْبَاقِي؛ الكافي، ج ٥، ص ٣٢٨

﴿٤٩﴾ أمير المؤمنين عليه السلام: فَإِنَّ التَّقْوَى فِي الْيَوْمِ الْحِرْزُ وَالْجَنَّةُ وَفِي غَدِ الطَّرِيقُ إِلَى الْجَنَّةِ؛
 نهج البلاغة، ص ٢٨٤

﴿٥٠﴾ الرسول ﷺ: فَوَطَّنْ نَفْسَكَ عَلَى الْوَرَعِ وَاحْزَرْ لِسَانَكَ؛ مستدرک الوسائل، ج ٩، ص ٣٦٣
 ١-١-٨- الْحِفْظُ

١-١-٨-١- حِفْظُ اللِّسَانِ

﴿٥١﴾ أمير المؤمنين عليه السلام: احْفَظْ رَأْسَكَ مِنْ [عَنْ] عَثْرَةِ لِسَانِكَ وَارْزُقْهُمُ بِالنَّهْيِ وَالْحَزْمِ وَالتَّقَى وَالْعَقْلَ؛ غرر الڪم، ص ٢١٤

«معانی پرهیزکاری و ورع»

﴿۴۱﴾ بنابراین از مستی‌های نعمت بپرهیزید، و از سختی‌های عقوبت حذر کنید.

﴿۴۲﴾ ای بندگان خدا! در جهت هدفی که شما را برای آن آفریده، تقوا پیشه کنید. و از او با نهایت حذری که شما را از جانب خود بر حذر داشته، حذر کنید. و برای تحقق وعده صادقانه‌ی حق جهت آنچه در قیامت برای شما مهیا کرده، و برای حذر از هول روز معاد کسب استحقاق کنید.

﴿۴۳﴾ از گناهان بپرهیزید و شیعیان ما را نیز از گناهان بر حذر دارید.

﴿۴۴﴾ همانا من تو را به تقوای خدا و پیروی از او در پیدا و پنهان و ترس از خدا در غیاب و حضور امر می‌کنم.

﴿۴۵﴾ بندگان خدا شما را به پرهیزکاری و اطاعت از خدا سفارش می‌کنم، و از دنیا بر حذر می‌نمایم.

﴿۴۶﴾ شما به تقوای الهی امر شده‌اید و برای نیکوکاری و فرمان‌برداری آفریده شده‌اید. بنابراین از [معصیت] الهی بپرهیزید چنان‌که او خود، شما را از پروای خود پرهیز داده، او به گونه‌ای سخت پرهیز داده است، و از خدا بترسید چنان ترسی که بهانه‌پذیر نیست.

۷-۱-۱- حفاظت

﴿۴۷﴾ هر بنده‌ای که به آنچه خدای بلندمرتبه دوست دارد روی کند، خداوند نیز به آنچه او دوست دارد رو می‌کند. هر کس به خدا و تقوای الهی پناهنده شود، خداوند به او پناه می‌دهد و برای کسی که به خدا رو کرده و خدا او را پذیرفته و پناه داده، دیگر مهم نیست که آسمان به زمین بیاید یا بلا و گرفتاری‌ای به اهل زمین نازل شود و آن‌ها را در برگیرد چون او در پناه امان تقوای الهی است و از همه‌ی بلاها در امان است؛ مگر خداوند متعال فرمود: «پرهیزکاران در جایگاه امنی قرار دارند»؟! ﴿۴۸﴾ هر کس که ازدواج کند، نصف دینش را حفظ کرده و در حدیثی دیگر فرمود: «در نیمه‌ی دیگر، تقوای الهی پیشه کند».

﴿۴۹﴾ به‌درستی که پرهیزکاری امروز حرز و سپر است و فردا راهی به‌سوی بهشت است.

﴿۵۰﴾ خویشتن را بر پرهیزکاری عادت ده و زبانت را حفظ کن.

۸-۱-۱- حفظ

۱-۸-۱- حفظ زبان

﴿۵۱﴾ سرت را از ثمرات لغزش‌های زبانت حفظ کن؛ و با خرد و دوراندیشی و پرهیزکاری و عقل آن را مهار بزن.

﴿مَعَانِي التَّقْوَى وَالْوَرَعِ﴾

﴿٥٢﴾ الصادق عليه السلام: عَنْ فَضِيلٍ قَالَ قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام: بَلَغَ مَنْ لَقِيَتْ عَنَّا السَّلَامَ وَقُلْ لَهُمْ إِنَّ أَحَدَنَا لَا يُغْنِي عَنْهُمْ وَاللَّهِ شَيْئًا إِلَّا بِوَرَعٍ فَاحْفَظُوا أَلْسِنَتَكُمْ وَكُفُّوا أَيْدِيَكُمْ؛ مستدرک الوسائل، ج ١١، ص ٢٤٨

﴿٥٣﴾ الباقر عليه السلام: إِنِّي لَا أُغْنِي عَنْهُمْ مِنَ اللَّهِ شَيْئًا إِلَّا بِوَرَعٍ فَاحْفَظُوا أَلْسِنَتَكُمْ وَكُفُّوا أَيْدِيَكُمْ؛

وسائل الشيعة، ج ١٢، ص ١٩٥

٢-١-٨-١- حِفْظُ الْجَوَارِحِ

﴿٥٤﴾ الصادق عليه السلام: فَمَنْ اتَّقَى اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ حَافِظًا لِمَا جَوَّاهُ مُوفِيًا كُلَّ جَارِحَةٍ مِنْ جَوَارِحِهِ بِمَا فَرَضَ اللَّهُ عَلَيْهِ لَقِيَ اللَّهَ تَعَالَى مُسْتَكْمِلًا لِإِيمَانِهِ وَهُوَ مِنْ أَهْلِ الْجَنَّةِ وَمَنْ خَانَ فِي شَيْءٍ مِنْهَا أَوْ تَعَدَّى مَا أَمَرَ اللَّهُ فِيهَا لَقِيَ اللَّهَ نَاقِصًا لِإِيمَانِهِ؛ تفسير العياشي، ج ١، ص ٦٣

٩-١-١- الرِّعَايَةُ لِحُدُودِ اللَّهِ

﴿٥٥﴾ أَجَلٌ لَكُمْ لَيْلَةُ الصِّيَامِ الرَّفَثُ إِلَى نِسَائِكُمْ هُنَّ لِبَاسٌ لَكُمْ وَأَنْتُمْ لِبَاسٌ لَهُنَّ عَلِمَ اللَّهُ أَنَّكُمْ كُنْتُمْ تَخْتَانُونَ أَنْفُسَكُمْ فَتَابَ عَلَيْكُمْ وَعَفَا عَنْكُمْ فَالآنَ بَاشِرُوهُنَّ وَابْتَغُوا مَا كَتَبَ اللَّهُ لَكُمْ وَكُلُوا وَاشْرَبُوا حَتَّى يَتَبَيَّنَ لَكُمُ الْخَيْطُ الْأَبْيَضُ مِنَ الْخَيْطِ الْأَسْوَدِ مِنَ الْفَجْرِ ثُمَّ أَتِمُوا الصِّيَامَ إِلَى اللَّيْلِ وَلَا تُبَاشِرُوهُنَّ وَأَنْتُمْ عَاكِفُونَ فِي الْمَسَاجِدِ تِلْكَ حُدُودُ اللَّهِ فَلَا تَقْرُبُوهَا كَذَلِكَ يُبَيِّنُ اللَّهُ آيَاتِهِ لِلنَّاسِ لَعَلَّهُمْ يَتَّقُونَ؛ البقرة ١٨٧

﴿٥٦﴾ وَأَتِمُوا الْحَجَّ وَالْعُمْرَةَ لِلَّهِ فَإِنْ أُحْصِرْتُمْ فَمَا اسْتَيْسَرَ مِنَ الْهَدْيِ وَلَا تَحْلِقُوا رُءُوسَكُمْ حَتَّى يَبْلُغَ الْهَدْيُ مَحَلَّهُ فَمَنْ كَانَ مِنْكُمْ مَرِيضًا أَوْ بِهِ أَذًى مِنْ رَأْسِهِ فَفِدْيَةٌ مِنْ صِيَامٍ أَوْ صَدَقَةٍ أَوْ نُسُكٍ فَإِذَا أَمِنتُمْ فَمَنْ تَمَتَّعَ بِالْعُمْرَةِ إِلَى الْحَجِّ فَمَا اسْتَيْسَرَ مِنَ الْهَدْيِ فَمَنْ لَمْ يَجِدْ فَصِيَامُ ثَلَاثَةِ أَيَّامٍ فِي الْحَجِّ وَسَبْعَةٍ إِذَا رَجَعْتُمْ تِلْكَ عَشْرَةٌ كَامِلَةٌ ذَلِكَ لِمَنْ لَمْ يَكُنْ أَهْلُهُ حَاضِرِي الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ وَاتَّقُوا اللَّهَ وَاعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ شَدِيدُ الْعِقَابِ؛ البقرة ١٩٦

«معانی پرهیزکاری و ورع»

﴿۵۲﴾ فضیل گوید: امام صادق علیه السلام فرمود: به هر کس از دوستان ما که رسیدی، سلام ما را برسان و به آنها بگو: «به خدا قسم! ما فقط افراد باورع را بی‌نیاز می‌کنیم؛ پس زبانتان را حفظ کنید و [از گناهان] دست بکشید».

﴿۵۳﴾ من از آنان (دوستانم) جز با ورع، بی‌نیاز [و قانع] نمی‌شوم پس زبانتان را حفظ کنید و [از گناهان] دست بکشید.

۲-۱-۸- حفظ اعضای بدن

﴿۵۴﴾ هر کس خداوند بلندمرتبه را در حالی ملاقات نماید که اعضای بدن خود را حفظ نموده و هر عضوی از اعضایش آنچه که خداوند بر آن واجب ساخته، انجام داده است، با ایمان کامل خداوند را ملاقات می‌نماید و از اهل بهشت است. و هر کس که در چیزی از آنها خیانت روا دارد و یا از امر خداوند پا فراتر بگذارد، در حالی خداوند را ملاقات می‌کند که ایمانش ناقص است.

۹-۱-۱- رعایت حدود الهی

﴿۵۵﴾ آمیزش جنسی با همسرانتان، در شب‌رویهایی که روزه می‌گیرید، حلال است. آنها لباس شما هستند و شما لباس آنها (هر دو زینت هم و سبب حفظ یکدیگرید). خداوند می‌داند که شما به خود خیانت می‌کردید (و این کار ممنوع را انجام می‌دادید) پس توبه شما را پذیرفت و شما را بخشید. اکنون با آنها آمیزش کنید، و آنچه را خدا برای شما مقرر داشته، طلب نمایید! و بخورید و بیاشامید، تا رشته‌ی سپید صبح، از رشته‌ی سیاه (شب) برای شما آشکار گردد! سپس روزه را تا شب، تکمیل کنید! و در حالی که در مساجد به اعتکاف پرداخته‌اید، با زنان آمیزش نکنید! این، مرزهای الهی است پس به آن نزدیک نشوید! خداوند، این چنین آیات خود را برای مردم، روشن می‌سازد، باشد که پرهیزکار گردند!

﴿۵۶﴾ و حج و عمره را برای خدا به اتمام برسانید! و اگر محصور شدید، (و مانعی مانند ترس از دشمن یا بیماری، اجازه نداد که پس از احرام‌بستن، وارد مکه شوید)، آنچه از قربانی فراهم شود (ذبح کنید، و از احرام خارج شوید!) و سرهای خود را نتراشید، تا قربانی به محلش برسد (و در قربانگاه ذبح شود!) و اگر کسی از شما بیمار بود، و یا ناراحتی در سر داشت، (و ناچار بود سر خود را بتراشد)، باید فدیّه و کفّاره‌ای از قبیل روزه یا صدقه یا گوسفندی بدهد! و هنگامی که (از بیماری و دشمن) در امان بودید، هر کس با ختم عمره، حج را آغاز کند، آنچه از قربانی برای او میسر است (ذبح کند!) و هر که نیافت، سه روز در ایام حج، و هفت روز هنگامی که باز می‌گردید، روزه بدارد! این، ده روز کامل است. (البته) این برای کسی است که خانواده او، نزد مسجد الحرام نباشد [اهل مکه و اطراف آن نباشد]. و از خدا بپرهیزید! و بدانید که او، سخت‌گیر است!

﴿مَعَانِي التَّقْوَى وَالْوَرَعِ﴾

١٠-١-١- المراقبةُ

﴿٥٧﴾ الرضا عليه السلام: فَمَنْ لَمْ يَتَّقِ اللَّهَ وَلَمْ يُرَاقِبْهُ فَلَيْسَ مِنَّا وَلَسْنَا مِنْهُ؛ بحار الأنوار، ج ٩٣،

ص ٢٢٤

﴿٥٨﴾ أمير المؤمنين عليه السلام: فَارْحَمِ اللَّهَ امْرَأً رَاقِبَ رَبِّهِ وَتَنَكَّبَ ذَنْبَهُ وَكَابَرَ هَوَاهُ وَكَذَّبَ مُنَاهُ امْرَأً زَمَّ نَفْسَهُ مِنَ التَّقْوَى بِزِمَامٍ وَالْجَمَهَا مِنْ خَشْيَةِ رَبِّهَا بِلِجَامٍ فَقَادَهَا إِلَى الطَّاعَةِ بِزِمَامِهَا وَ قَدَعَهَا عَنِ الْمَعْصِيَةِ بِلِجَامِهَا؛ بحار الأنوار، ج ٧٤؛ ص ٣٤٩ الكافي، ج ٨، ص ١٧٠

﴿٥٩﴾ الرسول صلى الله عليه وآله: فَاتَّقِ اللَّهَ فِي خَاصَّةِ نَفْسِكَ وَرَاقِبْهُ فِيمَا حَمَلَكَ؛ مستدرک الوسائل، ج ١٣،

ص ١٤٢

﴿٦٠﴾ الصادق عليه السلام: عَنْ أَبِي بصير عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام فِي حَدِيثٍ قَالَ قُلْتُ جُعِلْتُ فِدَاكَ أَ شَيِّعَتُكُمْ مَعَكُمْ قَالَ نَعَمْ إِذَا هُمْ خَافُوا اللَّهَ وَرَاقِبُوهُ وَاتَّقَوْهُ وَأَطَاعُوهُ وَاتَّقُوا الذُّنُوبَ فَإِذَا فَعَلُوا ذَلِكَ كَانُوا مَعَنَا فِي دَرَجَتِنَا؛ مستدرک الوسائل، ج ١١، ص ٢٣٥

﴿٦١﴾ الرضا عليه السلام: عَنْ الْحَسَنِ بْنِ الْجَهْمِ قَالَ: كُنْتُ عِنْدَ الرُّضَا عليه السلام وَعِنْدَهُ زَيْدُ بْنُ مُوسَى أَخُوهُ وَهُوَ يَقُولُ يَا زَيْدُ اتَّقِ اللَّهَ فَإِنَّا بَلَّغْنَا مَا بَلَّغْنَا بِالتَّقْوَى فَمَنْ لَمْ يَتَّقِ وَلَمْ يُرَاقِبْهُ فَلَيْسَ مِنَّا وَلَسْنَا مِنْهُ؛ بحار الأنوار، ج ٤٦، ص ١٧٦

١١-١-١- الرِّفْضُ

١-١١-١- رِفْضُ كُلِّ عَيْبَةٍ

﴿٦٢﴾ الصادق عليه السلام: أَصْلُ الْوَرَعِ دَوَامُ الْمُحَاسَبَةِ وَصِدْقُ الْمُقَاوَلَةِ وَصَفَاءُ الْمُعَامَلَةِ وَالْخُرُوجُ مِنْ كُلِّ شُبْهَةٍ وَرِفْضُ كُلِّ عَيْبَةٍ وَرِيْبَةٌ وَمُفَارَقَةُ جَمِيعِ مَا لَا يَغْنِيهِ وَتَرْكُ فَتْحِ أَبْوَابِ لَا يَدْرِي كَيْفَ يُغْلِقُهَا؛ بحار الأنوار، ج ٦٧، ص ٣٠٧

٢-١١-١- رِفْضُ الدُّنْيَا

﴿٦٣﴾ أمير المؤمنين عليه السلام: مِلَاكُ التَّقَى رِفْضُ الدُّنْيَا؛ غرر الحكم، ص ١٣٨

١٢-١-١- رِيَاضَةُ النَّفْسِ

«معانی پرهیزکاری و ورع»

۱-۱-۱۰- مراقبت

﴿۵۷﴾ پس هر کس تقوای الهی را نداشته باشد و مراقبش نباشد از ما نیست و ما نیز از او نمی‌باشیم.

﴿۵۸﴾ پس خدا رحمت کند آن بنده‌ای را که پروردگار خود را در نظر داشته باشد و از گناه شانه خالی کند، با هوای نفس ستیز کند و آرزوی خود را دروغ به حساب آورد. بنده‌ای که نفس خود را به مهار پرهیزکاری لگام زده و با لگام ترس از پروردگار خود، بر دهانش دهانه نهاده است، مهارش را به سوی طاعت خدا کشانیده و با دهانه‌ای که بر آن زده، از نافرمانی بازش داشته است. ﴿۵۹﴾ در مورد شخص خودت بیشتر پرهیزکاری داشته باش و در کاری که بر دوشست نهاده شده، بیشتر مراقب باش.

﴿۶۰﴾ ابوبصیر گوید: به امام صادق علیه السلام عرض کردم: «فدایت شوم! آیا شیعیان شما نیز همراه و هم‌درجه‌ی شما هستند؟» فرمود: «آری، وقتی که آنان از خدا بترسند و مراقبت کنند و تقوای الهی داشته و از خدا اطاعت کنند و از گناهان پرهیز کنند و همه‌ی این کارها را انجام دهند، در درجه‌ای که ما هستیم، همراه ما خواهند بود.»

﴿۶۱﴾ حسن بن جهم گوید: خدمت امام رضا علیه السلام بودم و زید برادرش نیز آنجا بود؛ به او می‌فرمود: «زید! از خدا بترس! ما با تقوا و پرهیزکاری به این مقام رسیده‌ایم. هرکس با تقوا و پرهیزکار نباشد از ما نیست و ما از او بیزاریم.»

۱-۱-۱۱- کنارزدن

۱-۱-۱۱-۱- کنارزدن هر عیب

﴿۶۲﴾ اصل و پایه‌ی تقوا و شیوه پرهیزکاری این است که همیشه و در همه حال حساب اعمال خود را داشت؛ راستی در گفتار، در معاملات پاک و با صفا بودن، از هر کار و عمل شبهه‌ناک برکنار بودن، شک و تردید به خود راه ندادن، از هر چیزی که سودی ندارد دور شدن، دری را که راه بستن آن را نمی‌داند به روی خود نگشودن.

۱-۱-۱۱-۲- کنارزدن دنیا

﴿۶۳﴾ ملاک و معیار تقوا، رها کردن دنیا است.

۱-۱-۱۲- ریاضت و تمرین خودسازی

﴿معاني التَّقْوَى وَالْوَرَع﴾

﴿٦٤﴾ أمير المؤمنين عليه السلام: إِنَّمَا هِيَ نَفْسِي أَرُوضُهَا بِالتَّقْوَى لِتَأْتِيَ آمِنَةً يَوْمَ الْخَوْفِ الْأَكْبَرِ وَ تَثْبُتَ عَلَى جَوَانِبِ الْمَزَلَقِ وَ لَوْ شِئْتُ لَاهْتَدَيْتُ الطَّرِيقَ إِلَى مُصَفَى هَذَا الْعَسَلِ وَ لُبَابِ هَذَا الْقَمْحِ وَ نَسَائِجِ هَذَا الْقَزِّ وَ لَكِنْ هِيَ هَاتِ أَنْ يَغْلِبَنِي هَوَايَ وَ يَقُودَنِي جَشَعِي إِلَى تَخْيِيرِ الْأَطْعِمَةِ وَ لَعَلَّ بِالْحِجَازِ أَوْ الْيَمَامَةِ مَنْ لَا طَمَعَ لَهُ فِي الْقُرْصِ وَ لَا عَهْدَ لَهُ بِالشَّيْعِ أَوْ آبَيْتَ مِبْطَانًا وَ حَوْلِي بَطُونٌ غَرْنِي وَ أَكْبَادُ حَرَى؛ نهج البلاغة، ص ٤١٦

١٣-١-التزكية

﴿٦٥﴾ أمير المؤمنين عليه السلام: فَبَيَّعْتُ جَيْشًا إِلَى الْمَدِينَةِ فَيَدْخُلُونَهَا فَيُسْرِفُونَ فِيهَا فِي الْقَتْلِ وَ الْفَوَاحِشِ وَ يَهْرُبُ مِنْهُمْ رَجُلٌ مِنْ وَلَدِي زَكِيٌّ تَقَى الَّذِي يَمْلَأُ الْأَرْضَ عَدْلًا وَ قِسْطًا كَمَا مَلَأَتْ ظُلْمًا وَ جَوْرًا وَ إِنِّي لَأَعْرِفُ اسْمَهُ وَ ابْنُ كَمْ هُوَ يَوْمَئِذٍ وَ عَلَامَتُهُ وَ هُوَ مِنْ وَلَدِ ابْنِي الْحُسَيْنِ عليه السلام؛ بحار الأنوار، ج ٣٣، ص ١٥٧

﴿٦٦﴾ أمير المؤمنين عليه السلام: كُنْ وَرِعًا تَكُنْ زَكِيًّا؛ غرر الحكم، ص ٢٧٤

١٤-١-الزَّامُ

﴿٦٧﴾ أمير المؤمنين عليه السلام: أَوْصِيَكُمْ عِبَادَ اللَّهِ بِتَقْوَى اللَّهِ فَإِنَّهَا الزَّامُ وَ الْقَوَامُ فَتَمَسَّكُوا بِوَتَائِقِهَا وَ اعْتَصِمُوا بِحَقَائِقِهَا تَوَلُّ بِكُمْ إِلَى أَكْثَانِ الدَّعَةِ وَ أَوْطَانِ السَّعَةِ وَ مَعَاوِلِ الْحَرْزِ وَ مَنَازِلِ الْعِزِّ فِي يَوْمٍ تَشْخَصُ فِيهِ الْأَبْصَارُ؛ نهج البلاغة، ص ٣٠٩

﴿٦٨﴾ الباقر عليه السلام: إِنْ طَبَّاعَ النَّاسِ كُلُّهَا مُرَكَّبَةٌ عَلَى الشَّهْوَةِ وَ الرَّغْبَةِ وَ الْحِرْصِ وَ الرَّهْبَةِ وَ الْغَضَبِ وَ اللَّذَّةِ إِلَّا أَنَّ فِي النَّاسِ مَنْ زَمَ هَذِهِ الْخِلَالَ بِالتَّقْوَى وَ الْحَيَاءِ وَ النَّائِفِ فَإِذَا دَعَتْكَ نَفْسُكَ إِلَى كَبِيرَةٍ مِنَ الْأَمْرِ فَارْمِ بِبَصَرِكَ إِلَى السَّمَاءِ فَإِنْ لَمْ تَخَفْ مِنْ فِيهَا فَانْظُرْ إِلَى مَنْ فِي الْأَرْضِ لَعَلَّكَ أَنْ تَسْتَحْيِيَ مِمَّنْ فِيهَا فَإِنْ كُنْتَ لَا مِمَّنْ فِي السَّمَاءِ تَخَافُ وَ لَا مِمَّنْ فِي الْأَرْضِ تَسْتَحْيِ فَعُدَّ نَفْسَكَ فِي الْبِهَائِمِ؛ مستدرک الوسائل، ج ١١، ص ٢١٢

١-١٤-١-زمام اللسان

﴿٦٩﴾ أمير المؤمنين عليه السلام: احْفَظْ رَأْسَكَ مِنْ [عَنْ] عَثْرَةِ لِسَانِكَ وَ ازْمُمْهُ بِالنَّهْيِ وَ الْحَزْمِ وَ التَّقَى وَ الْعَقْلُ؛ غرر الحكم، ص ٢١٤

«معانی پرهیزکاری و ورع»

﴿۶۴﴾ من نفس خود را با پرهیزکاری می‌پرورانم، تا در روز قیامت که هراسناک‌ترین روزهاست در امان، و در لغزشگاه‌های آن ثابت قدم باشد. من اگر می‌خواستم، می‌توانستم از غسل پاک، و از مغز گندم، و بافته‌های ابریشم، برای خود غذا و لباس فراهم آورم، اما هیئات که هوای نفس بر من چیره گردد، و حرص و طمع مرا وا دارد که طعام‌های لذیذ برگزینم، درحالی که در «حجاز» یا «یمامه» کسی باشد که به قرص نانی نرسد، و یا هرگز شکمی سیر نخورد، یا من سیر بخوابم و پیرامونم شکم‌هایی که از گرسنگی به پشت چسبیده، و جگرهای سوخته وجود داشته باشد.

۱۳-۱-۱- پاک

﴿۶۵﴾ ای معاویه!... مردی از فرزندان تو... سپاهی به‌سوی مدینه گسیل می‌دارد و آن‌ها در آن داخل می‌شوند و در قتل و فواحش در آن زیاده‌روی می‌کنند. مردی پاک و متقی از فرزندان من که با قسط و عدل زمین را آکنده می‌کند چنانکه از ظلم و ستم آکنده است از آنان می‌گریزد و من اسم او را و اینکه در آن روز چند سال دارد و علامتش چیست را می‌دانم. و او از فرزندان پسر حسین علیه السلام است که پسر ت یزید او را می‌کشد.

﴿۶۶﴾ اهل ورع باش تا پاک باشی.

۱۴-۱-۱- لگام‌زدن

﴿۶۷﴾ ای بندگان خدا! شما را به پرهیزکاری سفارش می‌کنم، که عامل کنترل و مایه‌ی استواری شماست، پس به رشته‌های تقوا چنگ زنید و به حقیقت‌های آن پناه آورید، تا شما را به سر منزل آرامش و جایگاه‌های وسیع و پناهگاه‌های محکم و منزلگاه‌های پر عزت برساند، در روزی که چشم‌ها خیره می‌شود.

﴿۶۸﴾ طبع مردم ترکیبی از شهوت و میل و حرص و ترس و غضب و لذت است مگر آنکه شخصی در این میان با تقوا و حیا و بزرگ‌منشی بر آن مهار بزند. هرگاه نفست تو را به گناهی کبیره دعوت کرد، به آسمان نگاه کن؛ اگر از آن که در آسمان است ترسیدی، به اهل زمین نظر کن تا شاید از آنان حیا کنی، اما اگر نه از آن که در آسمان‌هاست ترسیدی و نه از آنان که در زمین‌اند حیا کردی، نفس خودت را یکی از چهارپایان به شمار بیاور.

۱-۱۴-۱- مهارزدن به زبان

﴿۶۹﴾ سرت را از ثمرات لغزش‌های زبانت حفظ کن؛ و با خرد و دوراندیشی و پرهیزکاری و عقل آن را مهار بزن.

﴿مَعَانِي التَّقْوَى وَالْوَرَعِ﴾

٢-١٤-١- زِمَامُ النَّفْسِ وَ لِجَامُهَا

﴿٧٠﴾ أمير المؤمنين عليه السلام: فَرَحِمَ اللَّهُ امْرَأً رَاقِبَ رَبِّهِ وَ تَنَكَّبَ ذَنْبَهُ وَ كَابَرَ هَوَاهُ وَ كَذَّبَ مُنَاهُ امْرَأً زَمَّ نَفْسَهُ مِنَ التَّقْوَى بِزِمَامٍ وَ الْجَمْعُ مِنْ خَشْيَةِ رَبِّهَا يُلْجِمُ فَقَادَهَا إِلَى الطَّاعَةِ بِزِمَامِهَا وَ قَدَعَهَا عَنِ الْمَعْصِيَةِ يُلْجِمُهَا؛ بحار الأنوار؛ ج ٧٤؛ ص ٣٤٩ الكافي، ج ٨، ص ١٧٠
١٥-١-١- الزُّهْدُ

﴿٧١﴾ الحسن عليه السلام: أَجُوبَةُ الْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ عليه السلام عَنْ مَسَائِلَ سَأَلَهُ عَنْهَا أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عليه السلام أَوْ غَيْرُهُ فِي مَعَانٍ مُخْتَلِفَةٍ قِيلَ لَهُ عليه السلام مَا الزُّهْدُ قَالَ الرَّغْبَةُ فِي التَّقْوَى وَ الزَّهَادَةُ فِي الدُّنْيَا؛ بحار الأنوار، ج ٧٥، ص ١٠٢

﴿٧٢﴾ حديث قدسي: يَا أَحْمَدُ إِنْ أَحْبَبْتَ أَنْ تَكُونَ أَوْرَعَ النَّاسِ فَارْزُقْ فِي الدُّنْيَا وَ ارْغَبْ فِي الْآخِرَةِ؛ مستدرک الوسائل، ج ١٢، ص ٤٨

﴿٧٣﴾ أمير المؤمنين عليه السلام: أَيُّهَا النَّاسُ الزَّهَادَةُ قَصْرُ الْأَمَلِ وَ الشُّكْرُ عِنْدَ النِّعَمِ وَ الْوَرَعُ عِنْدَ الْمَحَارِمِ فَإِنْ عَزَبَ عَنْكُمْ ذَلِكَ فَلَا يَغْلِبِ الْحَرَامُ صَبْرَكُمْ وَ لَا تَنْسُوا عِنْدَ النِّعَمِ شُكْرَكُمْ؛ بحار الأنوار، ج ٦٧، ص ٣٢٠

﴿٧٤﴾ أمير المؤمنين عليه السلام: الزُّهْدُ فِي الدُّنْيَا قَصْرُ الْأَمَلِ وَ شُكْرُ كُلِّ نِعْمَةٍ وَ الْوَرَعُ عَمَّا حَرَّمَ اللَّهُ عَلَيْكَ؛ وسائل الشيعة، ج ١٦، ص ١٥

﴿٧٥﴾ الرسول صلى الله عليه وآله: لَا يَكُونُ الرَّجُلُ مُسْلِمًا حَتَّى يَسْلَمَ النَّاسُ مِنْ يَدِهِ وَ لِسَانِهِ وَ لَا يَكُونُ مُؤْمِنًا حَتَّى يَأْمَنَ أَخُوهُ بِوَأَثْقِهِ وَ جَارُهُ بِوَادِرِهِ وَ لَا يَكُونُ عَالِمًا حَتَّى يَكُونَ عَامِلًا بِمَا عَلِمَ وَ لَا يَكُونُ عَابِدًا حَتَّى يَكُونَ وَرِعًا وَ لَا يَكُونُ وَرِعًا حَتَّى يَكُونَ زَاهِدًا؛ إرشاد القلوب، ج ١، ص ١٦

﴿٧٦﴾ أمير المؤمنين عليه السلام: لَا يَكُونُ الْمُسْلِمُ مُسْلِمًا حَتَّى يَكُونَ وَرِعًا وَ لَنْ يَكُونَ وَرِعًا حَتَّى يَكُونَ زَاهِدًا وَ لَنْ يَكُونَ زَاهِدًا حَتَّى يَكُونَ حَازِمًا وَ لَنْ يَكُونَ حَازِمًا حَتَّى يَكُونَ عَاقِلًا وَ مَا الْعَاقِلُ إِلَّا مَنْ عَقَلَ عَنِ اللَّهِ وَ عَمِلَ لِلدَّارِ الْآخِرَةِ؛ بحار الأنوار، ج ٧٤، ص ٢٩٠

﴿٧٧﴾ السَّجَادُ عليه السلام: فَاسْأَلِ اللَّهَ الْعَوْنَ لَنَا وَ لَكُمْ عَلَى تَزَوُّدِ التَّقْوَى وَ الزُّهْدِ فِيهَا؛ الكافي، ج ٨، ص ٧٥

﴿٧٨﴾ أمير المؤمنين عليه السلام: أَيُّهَا النَّاسُ الزَّهَادَةُ قَصْرُ الْأَمَلِ وَ الشُّكْرُ عِنْدَ النِّعَمِ وَ التَّوَرُّعُ عِنْدَ الْمَحَارِمِ؛ نهج البلاغة، ص ١٠٦

«معانی پرهیزکاری و ورع»

۲-۱۴-۱-۱-مه‌ار و لگام‌زدن به نفس

﴿۷۰﴾ پس خدا رحمت کند آن بنده‌ای را که پروردگار خود را در نظر داشته باشد و از گناه شانه خالی کند، با هوای نفس ستیز کند و آرزوی خود را دروغ به حساب آورد. بنده‌ای که نفس خود را به مه‌ار پرهیزکاری لگام زده و با لگام ترس از پروردگار خود، بر دهانش دهانه نهاده است، مه‌ارش را به سوی طاعت خدا کشانیده و با دهانه‌ای که بر آن زده، از نافرمانی بازش داشته است.

۱۵-۱-۱-بی‌رغبتی

﴿۷۱﴾ از امام حسن علیه السلام مجموعه پرسش و پاسخی در زمینه‌های گوناگون روایت شده که پدر بزرگوار آن حضرت یا فرد دیگری از او به عمل آورده است. از آن حضرت سؤال شد: «زهد چیست؟» فرمود: «دل‌دادن به پرهیزکاری و دست‌کشیدن از دنیا».

﴿۷۲﴾ ای احمد! اگر دوست داری که پرهیزکارترین مردم باشی پس از دنیا کناره بگیر و به‌سوی آخرت مشتاق باش.

﴿۷۳﴾ ای مردم! زهد یعنی کوتاه‌کردن آمال و آرزو، شکر و سپاس بر نعمت و ورع و پرهیزنمودن از حرام. و اگر به این حالت و این صفات عالیه دست نیافتید و موفق نشدید، مراقب باشید که تمایل به حرام، صبر و خودداری شما را از بین نبرد و بر قدرت تحمل شما چیره نگردد. و به هنگام مشمول نعمت الهی شدن، سپاسگزاری را فراموش نکنید.

﴿۷۴﴾ زهد و پارسایی در دنیا، کوتاه‌کردن آمال و آرزوها و شکر و سپاس هر نعمتی، پرهیز از محرّمات خداوند است.

﴿۷۵﴾ تا زمانی که مردم از دست و زبان کسی در سلامت و امنیّت نباشند جزء مسلمانان محسوب نمی‌شود و تا وقتی که برادر مؤمنش از شرّ او و همسایه‌اش از آزارش در امان نباشد به درجه‌ی ایمان نمی‌رسد. و تا زمانی که به آنچه می‌داند عمل نکند جزء عالمان محسوب نمی‌شود و تا زمانی که ورع نداشته باشد جزء عابدان محسوب نمی‌شود و تا زمانی که زاهد نباشد جزء اهل ورع محسوب نمی‌شود.

﴿۷۶﴾ انسان تا پرهیزکار نباشد، مسلمان نیست، و تا پارسا نباشد پرهیزکار نیست، و تا دوراندیش نباشد پارسا نیست، و تا عاقل نباشد دوراندیش نخواهد بود. و عاقل نمی‌باشد مگر اینکه فرمان خدا را دریابد و برای سرای دیگر عمل کند.

﴿۷۷﴾ از خداوند می‌خواهم که به ما و شما در توشه‌برداری تقوا و رعایت زهد در دنیا کمک کند.

﴿۷۸﴾ ای مردم! زهد، کوتاه‌کردن آرزوها، سپاسگزاری در برابر نعمت‌ها و پرهیز از حرام‌هاست.

﴿مَعَانِي التَّقْوَى وَالْوَرَعِ﴾

﴿٧٩﴾ أمير المؤمنين عليه السلام: الزُّهْدُ فِي الدُّنْيَا قَصْرُ الْأَمَلِ وَشُكْرُ كُلِّ نِعْمَةٍ وَالْوَرَعُ عَنْ كُلِّ مَا حَرَّمَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ؛ الكافي، ج ٥، ص ٧١

﴿٨٠﴾ أمير المؤمنين عليه السلام: إِنَّ الزَّهَادَةَ قَصْرُ الْأَمَلِ وَالشُّكْرُ عَلَى النِّعَمِ وَالْوَرَعُ عَنِ الْمَحَارِمِ؛

غرر الحكم، ص ٢٧٦

١-١٥-١- تَمَامُ الزُّهْدِ

﴿٨١﴾ الرسول صلى الله عليه وآله: تَمَامُ الزُّهْدِ التَّقْوَى وَبَابُ التَّقْوَى الْخَشْيَةُ؛ بحار الأنوار، ج ٦٧، ص ٦٨

١-١٥-٢- غَايَةُ الزُّهْدِ

﴿٨٢﴾ أمير المؤمنين عليه السلام: غَايَةُ الزُّهْدِ الْوَرَعُ؛ بحار الأنوار، ج ٧٥، ص ٧٩

١-١٦-١- الصَّبْرُ

﴿٨٣﴾ إِنَّ تَمَسُّسَكُمْ حَسَنَةً تَسُوهُمْ وَإِنْ تُصِيبَكُمْ سَيِّئَةٌ يَفْرَحُوا بِهَا وَإِنْ تَصْبِرُوا وَتَتَّقُوا لَا يَضُرَّكُمْ

كَيْدُهُمْ شَيْئاً إِنَّ اللَّهَ بِمَا يَعْمَلُونَ مُحِيطٌ؛ آل عمران ١٢٠

﴿٨٤﴾ إِذْ تَقُولُ لِلْمُؤْمِنِينَ أَلَنْ يَكْفِيَكُمْ أَنْ يُمَدِّدَ رَبُّكُمْ بِثَلَاثَةِ آلَافٍ مِنَ الْمَلَائِكَةِ مُنَزَّلِينَ * بَلَى

إِنْ تَصْبِرُوا وَتَتَّقُوا وَيَأْتُوكُمْ مِنْ فُورِهِمْ هَذَا يُمَدِّدْكُمْ رَبُّكُمْ بِخَمْسَةِ آلَافٍ مِنَ الْمَلَائِكَةِ مُسَوِّمِينَ؛

آل عمران ١٢٤-١٢٥

﴿٨٥﴾ لَتُبْلَوُنَّ فِي أَمْوَالِكُمْ وَأَنْفُسِكُمْ وَلَتَسْمَعُنَّ مِنَ الَّذِينَ أُوتُوا الْكِتَابَ مِنْ قَبْلِكُمْ وَمِنَ الَّذِينَ

أَشْرَكُوا أَذْيَ كَثِيراً وَإِنْ تَصْبِرُوا وَتَتَّقُوا فَإِنَّ ذَلِكَ مِنْ عَزْمِ الْأُمُورِ؛ آل عمران ١٨٦

﴿٨٦﴾ قَالُوا أَإِنَّكَ لَأَنْتَ يُوسُفُ قَالَ أَنَا يُوسُفُ وَهَذَا أَخِي قَدْ مَنَّ اللَّهُ عَلَيْنَا إِنَّهُ مَنْ يَتَّقِ وَيَصْبِرْ

فَإِنَّ اللَّهَ لَا يُضِيعُ أَجْرَ الْمُحْسِنِينَ؛ يوسف ٩٠

﴿٨٧﴾ الباقر عليه السلام: الصَّبْرُ صَبْرَانِ صَبْرٌ عَلَى الْبَلَاءِ حَسَنٌ جَمِيلٌ وَأَفْضَلُ الصَّبْرَيْنِ الْوَرَعُ عَنِ

الْمَحَارِمِ؛ الكافي، ج ٢، ص ٩١

﴿٨٨﴾ الباقر عليه السلام: بِالتَّقْوَى فَازَ الصَّابِرُونَ وَنَجَتْ تِلْكَ الْعُصْبُ مِنَ الْمَهَالِكِ وَلَهُمْ إِخْوَانٌ

عَلَى تِلْكَ الطَّرِيقَةِ يَلْتَمِسُونَ تِلْكَ الْفَضِيلَةَ نَبَذُوا طُغْيَانَهُمْ مِنَ الْإِيرَادِ بِالشَّهَوَاتِ لِمَا بَلَغَهُمْ فِي

الْكِتَابِ مِنَ الْمَثَلَاتِ؛ الكافي، ج ٨، ص ٥٢

«معانی پرهیزکاری و ورع»

﴿۷۹﴾ پارسایی در دنیا عبارت است از: کوتاهی آرزو، سپاسگزاری نعمت، و پرهیزکاری از آنچه خداوند بر مردم حرام کرده است.

﴿۸۰﴾ زهد، کوتاهی آرزو، شکر بر نعمت و پرهیز از محرّمات الهی است و اگر همه‌ی این امور در شما نیست لااقل، حرام، بر صبر شما غلبه نمی‌کند.

۱-۱-۱۵-۱ کمال بی‌رغبتی

﴿۸۱﴾ نتیجه و کمال زهد، تقوا و پرهیزکاری است. راه تقوا هم خوف و خشیت است.

۱-۱-۱۵-۲ نهایت بی‌رغبتی

﴿۸۲﴾ نهایت زهد پرهیزکاری است.

۱-۱-۱۶ صبر

﴿۸۳﴾ اگر نیکی به شما برسد، آن‌ها را ناراحت می‌کند و اگر حادثه ناگواری برای شما رخ دهد، خوشحال می‌شوند. (اما) اگر (در برابرشان) استقامت و پرهیزکاری پیشه کنید، نقشه‌های خائنانه) آنان، به شما زبانی نمی‌رساند خداوند به آنچه انجام می‌دهند، احاطه دارد.

﴿۸۴﴾ در آن هنگام که تو به مؤمنان می‌گفتی: «آیا کافی نیست که پروردگارتان، شما را به سه هزار نفر از فرشتگان، که از آسمان فرود می‌آیند، یاری کند؟!» * آری، (امروز هم) اگر استقامت و تقوا پیشه کنید، و دشمن به همین زودی به سراغ شما بیاید، خداوند شما را به پنج هزار نفر از فرشتگان، که نشانه‌هایی با خود دارند، مدد خواهد داد!

﴿۸۵﴾ به یقین (همه شما) در اموال و جان‌های خود، آزمایش می‌شوید! و از کسانی که پیش از شما به آن‌ها کتاب (آسمانی) داده شده [یهود]، و (همچنین) از مشرکان، سخنان آزاردهنده فراوان خواهید شنید! و اگر استقامت کنید و تقوا پیشه سازید، (شایسته‌تر است زیرا) این از کارهای مهم و قابل اطمینان است.

﴿۸۶﴾ گفتند: «آیا تو همان یوسفی؟!» گفت: « (آری)، من یوسفم، و این برادر من است! خداوند بر ما منتّ گذارد هرکس تقوا پیشه کند، و شکیبایی و استقامت نماید، (سرانجام پیروز می‌شود) چرا که خداوند پاداش نیکوکاران را ضایع نمی‌کند!»

﴿۸۷﴾ صبر دو نوع است: صبر بر بلا که نیکو و زیبا است و بهترین صبر از میان این دو صبر، ورع از محرّمات است.

﴿۸۸﴾ در پرتو تقوا شکیبایان و گروه‌های شیعه از مهلکه‌ها نجات یافتند و آنان برادرانی با همین آیین دارند که این فضیلت را خواهانند، و از گشتن پیرامون شهوت خودداری می‌کردند، و این به سبب عقوبت و پندهایی بود که در قرآن می‌خواندند.

﴿مَعَانِي التَّقْوَى وَالْوَرَعِ﴾

﴿٨٩﴾ أمير المؤمنين عليه السلام: الْإِيمَانُ وَالْإِخْلَاصُ وَالْيَقِينُ وَالْوَرَعُ الصَّبْرُ وَالرِّضَا بِمَا يَأْتِي بِهِ الْقَدَرُ؛ غرر الحكم، ص ٨٧

١-١٦-١- الصَّبْرُ عَنِ الْمَعْصِيَةِ

﴿٩٠﴾ أمير المؤمنين عليه السلام: الصَّبْرُ عَنِ الشَّهْوَةِ عَفَّةٌ وَعَنِ الْغَضَبِ نَجْدَةٌ وَعَنِ الْمَعْصِيَةِ وَرَعٌ؛ مستدرک الوسائل، ج ١١، ص ٢٦٣

١-١٧-١- صِيَانَةُ النَّفْسِ

﴿٩١﴾ أمير المؤمنين عليه السلام: مَنْ تَوَرَّعَ عَنِ الشَّهَوَاتِ صَانَ نَفْسَهُ؛ مستدرک الوسائل، ج ١١، ص ٣٤٥

١-١٨-١- الصِّفَاءُ

﴿٩٢﴾ الصَّادِقُ عليه السلام: فَالزَّمْ مَا أَجْمَعَ عَلَيْهِ أَهْلُ الصِّفَاءِ وَالتَّقَى مِنْ أَصُولِ الدِّينِ وَحَقَائِقِ الْيَقِينِ وَالرِّضَا وَالتَّسْلِيمِ؛ مصباح الشريعة، ص ٦٠

١-١٩-١- الطَّهَارَةُ

١-١٩-١- طَهَارَةُ الْعِبَادَةِ

﴿٩٣﴾ الصَّادِقُ عليه السلام: فَالتَّقْوَى لِلطَّاعَاتِ كَالْمَاءِ لِلشَّجَارِ وَمَثَلُ طَبَائِعِ الْأَشْجَارِ وَالنَّمَارِ فِي لَوْنِهَا وَطَعْمِهَا مَثَلُ مَقَادِيرِ الْإِيمَانِ فَمَنْ كَانَ أَعْلَى دَرَجَةٍ فِي الْإِيمَانِ وَأَصْفَى جَوْهَرًا بِالرُّوحِ كَانَ أَتْقَى وَمَنْ كَانَ أَتْقَى كَانَتْ عِبَادَتُهُ أَخْلَصَ وَأَطْهَرَ وَمَنْ كَانَ كَذَلِكَ كَانَ مِنَ اللَّهِ أَقْرَبَ؛ بحار الأنوار، ج ٦٧، ص ٢٩٥

١-١٩-٢- التَّطَهِيرُ عَنِ الْمَعَاصِي

﴿٩٤﴾ أمير المؤمنين عليه السلام: إِنَّمَا الْوَرَعُ التَّطَهِيرُ عَنِ الْمَعَاصِي؛ مستدرک الوسائل، ج ١١، ص ٣٣٩

١-٢٠-١- الطَّيِّبُ

﴿٩٥﴾ الرَّسُولُ ﷺ: إِنْ أَحَدَكُمْ لِيَرْفَعُ يَدَيْهِ إِلَى السَّمَاءِ فَيَقُولُ يَا رَبِّ يَا رَبِّ وَمَطْعَمُهُ حَرَامٌ وَمَلْبَسُهُ حَرَامٌ فَأَيُّ دُعَاءٍ يُسْتَجَابُ لَهُذَا وَآيُ عَمَلٍ يُقْبَلُ مِنْهُ وَهُوَ يُنْفِقُ مِنْ غَيْرِ حِلٍّ إِنْ حَجَّ حَجًّا حَرَامًا وَإِنْ تَصَدَّقَ تَصَدَّقَ بِحَرَامٍ وَإِنْ تَزَوَّجَ تَزَوَّجَ بِحَرَامٍ وَإِنْ صَامَ أَفْطَرَ عَلَى حَرَامٍ فَيَا وَيْحَهُ مَا عِلْمُ أَنَّ اللَّهَ طَيِّبٌ لَا يَقْبَلُ إِلَّا الطَّيِّبَ وَقَدْ قَالَ فِي كِتَابِهِ إِنَّمَا يَتَقَبَّلُ اللَّهُ مِنَ الْمُتَّقِينَ؛ إرشاد القلوب، ج ١، ص ٦٩

«معانی پرهیزکاری و ورع»

﴿۸۹﴾ [حقیقت] ایمان و اخلاص و یقین و ورع، صبر و رضایت به تقدیر است.

۱-۱۶-۱- خویشتن‌داری از گناه

﴿۹۰﴾ صبر از خواهش عفت است، و از خشم بلندی مرتبه است، و از گناه ورع و پرهیزکاری است.

۱-۱۷- نگه‌داری نفس

﴿۹۱﴾ هرکس از شهوت‌ها پرهیز کند، خودش را حفظ کرده است.

۱-۱۸- پاکی

﴿۹۲﴾ ملازم و همراه چیزی باش که اهل صفا و تقوا بر آن اجتماع دارند. تقوا از اصول دین و حقیقت یقین و رضا و تسلیم است.

۱-۱۹- پاکی

۱-۱۹-۱- نیت پاک در عبادت

﴿۹۳﴾ نسبت تقوا با طاعات و عبادات، نسبت آب است به درختان؛ و ارزش‌های متفاوت انسان در درجات و مراتب ایمان، نظیر انواع مختلف و گوناگون درختان و میوه‌ها است که در رنگ و طعم و مزه و بو با هم متفاوت و مختلف هستند. هرکس در درجه بالاتری از ایمان قرار گرفته و روح باصفاتری داشته باشد، تقوا و پرهیزکاری بیشتری دارد و هر کس که با تقواتر باشد، عبادت او پاک‌تر و خالص‌تر است. و هر آن کس که چنین باشد، به خدا نزدیک‌تر و در درگاه الهی مقرب‌تر است.

۱-۱۹-۲- پاک‌بودن از گناهان

﴿۹۴﴾ ورع پاک‌ماندن از گناهان است.

۱-۲۰- پاکی

﴿۹۵﴾ یکی از میان شما دست به طرف آسمان بر می‌دارد و می‌گوید: «ای خدا! ای خدا! و حال آنکه طعام او و لباس او حرام است؛ برای چنین شخص چه دعایی مستجاب می‌شود و چه عملی از او قبول می‌گردد؛ حال آنکه از غیر حلال خرج می‌کند. اگر حج کند حج حرام کرده و اگر صدقه دهد صدقه‌ی حرام داده و اگر زن بگیرد به حرام گرفته و اگر روزه دارد بر حرام افطار کرده است. پس وای بر او! آیا نمی‌داند که خداوند پاک است و جز پاک را قبول نمی‌کند. و در قرآن کریم فرموده است: «خدا، تنها از پرهیزکاران می‌پذیرد!».

﴿مَعَانِي التَّقْوَى وَالْوَرَعِ﴾

١-٢١-١- عزوف النفس

﴿٩٦﴾ أمير المؤمنين عليه السلام: دَلَالَةُ حُسْنِ الْوَرَعِ عَزُوفُ النَّفْسِ عَنْ مَذَلَّةِ الطَّمَعِ؛ غررالحكم، ص ٢٤٠

١-٢٢-١- العزلة

﴿٩٧﴾ أمير المؤمنين عليه السلام: الْعَزَلَةُ حُسْنُ التَّقْوَى؛ غررالحكم، ص ٣١٨

١-٢٣-١- العصمة

﴿٩٨﴾ أمير المؤمنين عليه السلام: بِالتَّقْوَى قُرْنَتِ الْعِصْمَةُ؛ غررالحكم، ص ٢٦٩

﴿٩٩﴾ الرسول ﷺ: مَنْ أُعْطِيَ أَرْبَعَ خِصَالٍ أُعْطِيَ خَيْرَ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ وَفَازَ بِحَظِّهِ مِنْهُمَا وَرَعٌ يَعِصُمُهُ مِنْ مَحَارِمِ اللَّهِ وَحُسْنُ خُلُقٍ يَعْيشُ بِهِ فِي النَّاسِ وَحِلْمٌ يَدْفَعُ بِهِ جَهْلَ الْجَاهِلِ وَزَوْجَةٌ صَالِحَةٌ تَعِينُهُ عَلَى أَمْرِ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ؛ مستدرک الوسائل، ج ١٤، ص ١٧٠

١-٢٤-١- العفاف

﴿١٠٠﴾ أمير المؤمنين عليه السلام: التَّقْوَى جَمَاعُ النَّزْهِ وَالْعَفَافِ؛ غررالحكم، ص ٢٧٤

﴿١٠١﴾ الباقر عليه السلام: وَ أَمَّا لِبَاسُ التَّقْوَى فَالْعَفَافُ إِنَّ الْعَفِيفَ لَا تَبْدُو لَهُ عَوْرَةٌ وَإِنْ كَانَ عَارِيًّا

مِنَ الثِّيَابِ وَالْفَاجِرَ بَادِيَ الْعَوْرَةِ وَإِنْ كَانَ كَاسِيًّا مِنَ الثِّيَابِ؛ بحار الأنوار، ج ٨٠، ص ١٦٨

﴿١٠٢﴾ الباقر عليه السلام: يَقُولُ اللَّهُ وَلِبَاسُ التَّقْوَى ذَلِكَ خَيْرٌ يَقُولُ الْعَفَافُ خَيْرٌ؛ بحار الأنوار، ج ٦٨،

ص ٢٧١

﴿١٠٣﴾ أمير المؤمنين عليه السلام: حَسْبُكَ مِنْ كَمَالِ الْمَرْءِ تَرْكُهُ مَا لَا يَجْمَلُ بِهِ وَمِنْ حَيَاتِهِ أَنْ لَا

يَلْقَى أَحَدًا بِمَا يَكْرَهُ وَمِنْ عَقْلِهِ حُسْنُ رِفْقَةٍ وَمِنْ آدَبِهِ عِلْمُهُ بِمَا لَا بُدَّ [لَهُ] مِنْهُ وَمِنْ وَرَعِهِ عِفَّةٌ

بَصَرِهِ وَ عِفَّةٌ بَطْنُهُ؛ مستدرک الوسائل، ج ١٢، ص ١٧٠

﴿١٠٤﴾ أمير المؤمنين عليه السلام: أَنَّ أَفْضَلَ الْعِفَّةِ الْوَرَعَ فِي دِينِ اللَّهِ وَالْعَمَلِ بِطَاعَتِهِ؛ بحار الأنوار،

ج ٧٤، ص ٣٩٢

﴿١٠٥﴾ الكاظم عليه السلام: اللَّهُمَّ وَ أَسْأَلُكَ الْعَفَافَ وَ التَّقَى؛ بحار الأنوار، ج ٨٧، ص ١٦٥

﴿١٠٦﴾ الصادق عليه السلام: اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ أَنْ تُصَلِّيَ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ فِيهَا وَ أَنْ تَهْدِيَنَا

فِيهَا سَبِيلَ الْهُدَى وَ تَرْزُقَنَا فِيهَا التَّقْوَى وَ الْعَفَافَ؛ إقبال الأعمال، ص ٣٢٢

﴿١٠٧﴾ أمير المؤمنين عليه السلام: الْمُؤْمِنُ عَفِيفٌ مُقْتَنِعٌ [مُقْتَنِعٌ] مُتَنَزِّهٌ مُتَوَرِّعٌ؛ غررالحكم، ص ٨٩

﴿معانی پرهیزکاری و ورع﴾

۱-۱-۲۱- برکناربودن از همراهی نفس

﴿۹۶﴾ دلیل نیکویی ورع، برگشتن نفس از خواری طمع است.

۱-۱-۲۲- گوشه‌گیری

﴿۹۷﴾ عزلت و گوشه‌گیری زیبایی پرهیزکاری است.

۱-۱-۲۳- عصمت و پاکی

﴿۹۸﴾ ایمنی و عصمت، رفیق و قرین تقواست.

﴿۹۹﴾ چهار چیز است که اگر به کسی داده شود، خیر دنیا و آخرت به او داده شده و با امتیاز آن‌ها پیروز می‌شود که عبارتند از: ورعی که او را از گناهان حفظ کند، خلق نیکویی که با آن در میان مردم زندگی کند، بردباری‌ای که با آن چهل جاهلان را دفع کند و همسر نیکویی که او را در امور دنیا و آخرت یاری کند.

۱-۱-۲۴- پاکدامنی

﴿۱۰۰﴾ تقوا، گردآورنده‌ی پاکیزگی و خوشتن‌داری است.

﴿۱۰۱﴾ لباس تقوا یعنی عفاف، و شخص عقیف کسی است که هیچ‌گاه عورتش پیدا نمی‌شود حتی اگر لباس نداشته باشد. و فاجر کسی است که عورتش پیداست حتی اگر لباس پوشیده باشد. ﴿۱۰۲﴾ خداوند می‌فرماید: «اَمَّا لِبَاسِ پرهیزکاری بهتر است!» یعنی عفاف و دارای عفت‌بودن و پاکدامنی آن خیر و خوب است.

﴿۱۰۳﴾ در کمالات یک فرد برای تو همین بس که آنچه [دین] او را زیبا نمی‌کند ترک می‌کند و در حیا او همین بس که دیگران را به کاری که نمی‌پسندند، مجبور نمی‌کند و در عقل او همین بس که با دیگران به‌خوبی مدارا می‌کند و در ادبش همین بس که به آنچه از آن چاره‌ای ندارد، آگاه است و در ورعش همین بس که چشم و شکمش پاک است.

﴿۱۰۴﴾ همانا بافضیلت‌ترین عفت ورع در دین خدا و عمل به طاعت الهی است.

﴿۱۰۵﴾ خدایا! عفاف و تقوا را از تو می‌خواهم.

﴿۱۰۶﴾ خداوند! از تو می‌خواهم که در این روزها (دهه‌ی اول ذی‌الحجه) بر محمد ﷺ و خاندان او درود فرستی و در آن ما را به راه‌های هدایت رهنمون گردی و تقوا و عفاف را روزی ما گردانی.

﴿۱۰۷﴾ مؤمن، پاک‌دامن و قانع و پاک و اهل ورع است.

﴿مَعَانِي التَّقْوَى وَالْوَرَعِ﴾

﴿١٠٨﴾ أمير المؤمنين عليه السلام: الصَّبْرُ عَنِ الشَّهْوَةِ عِفَّةٌ وَعَنِ الْغَضَبِ نَجْدَةٌ وَعَنِ الْمَعْصِيَةِ وَرَعٌ؛
مستدرک الوسائل، ج ١١، ص ٢٦٣

﴿١٠٩﴾ الصادق عليه السلام: عَنِ الصَّادِقِ عليه السلام فِي خَبَرٍ طَوِيلٍ ذَكَرَ فِيهِ الْأَئِمَّةَ وَعَلَامَةَ الْإِمَامَةِ فَقَالَ وَ
دِينُهُمُ الْوَرَعُ وَالْعِفَّةُ؛ بحار الأنوار، ج ٨٤، ص ١٤٣

﴿١١٠﴾ الرسول عليه السلام: يَا عَلِيُّ لَا خَيْرَ فِي قَوْلٍ إِلَّا مَعَ الْفِعْلِ وَلَا فِي مَنْظَرٍ إِلَّا مَعَ الْمَخْبَرِ وَلَا فِي
أَمَالٍ إِلَّا مَعَ الْجُودِ وَلَا فِي الصَّدَقِ إِلَّا مَعَ الْوَفَاءِ وَلَا فِي الْعِفَّةِ إِلَّا مَعَ الْوَرَعِ؛ بحار الأنوار، ج ٧٤، ص ٥٨
﴿١١١﴾ الرضا عليه السلام: مَنْ مَاتَ وَلَمْ يَعْرِفْهُمْ مَاتَ مِيتَةً جَاهِلِيَّةً وَأَنْ مِنْ دِينِهِمُ الْوَرَعُ وَالْعِفَّةُ؛
بحار الأنوار، ج ١٠، ص ٣٥٢

﴿١١٢﴾ أمير المؤمنين عليه السلام: ذَرِ الطَّمَعَ وَالشَّرَّهَ وَعَلَيْكَ بِالزُّومِ الْعِفَّةِ وَالْوَرَعِ؛
مستدرک الوسائل، ج ١٢، ص ٧١
١-١-٢٥- الْعَمَلُ بِالتَّقِيَّةِ

﴿١١٣﴾ الصادق عليه السلام: اتَّقَاكُمْ أَعْمَلَكُمْ بِالتَّقِيَّةِ؛ بحار الأنوار، ج ٦٧، ص ٢٧٩
١-١-٢٦- غَضُّ الطَّرْفِ

﴿١١٤﴾ أمير المؤمنين عليه السلام: غَضُّ الطَّرْفِ مِنْ أَفْضَلِ الْوَرَعِ؛ غرر الحكم، ص ٢٦٠
١-١-٢٧- غَلَبَةُ الشَّهْوَةِ

﴿١١٥﴾ أمير المؤمنين عليه السلام: لَا وَرَعَ كَغَلَبَةِ الشَّهْوَةِ؛ غرر الحكم، ص ٢٧٤
١-١-٢٨- الْإِنْفِرَادُ

﴿١١٦﴾ الأئمة عليهم السلام: خَيْرُكُمْ مَنْ انْفَرَدَ عَنِ النَّاسِ وَأَحْرَزَ وَرَعَهُ وَدِينَهُ؛ مجموعة ورام، ج ٢،
ص ١٢١

١-١-٢٩- مُفَارَقَةُ جَمِيعِ مَا لَا يَعْنِيهِ

﴿١١٧﴾ الصادق عليه السلام: أَصْلُ الْوَرَعِ دَوَامُ الْمُحَاسَبَةِ وَصِدْقُ الْمُقَاوَلَةِ وَصَفَاءُ الْمُعَامَلَةِ وَ
الْخُرُوجُ مِنْ كُلِّ شُبْهَةٍ وَرَفْضُ كُلِّ عَيْبَةٍ وَرِيْبَةٍ وَمُفَارَقَةُ جَمِيعِ مَا لَا يَعْنِيهِ وَتَرْكُ فَتْحِ أَبْوَابِ لَا
يَذَرِي كَيْفَ يُغْلَقُهَا؛ بحار الأنوار، ج ٦٧، ص ٣٠٧
١-١-٣٠- الْقَدُّعُ عَنِ الْمَعْصِيَةِ

«معانی پرهیزکاری و ورع»

﴿۱۰۸﴾ صبر از خواهش عفت است، و از خشم بلندی مرتبه است، و از گناه ورع و پرهیزکاری است.

﴿۱۰۹﴾ امام صادق علیه السلام در حدیثی طولانی که نام امامان علیهم السلام و علامت امامت را برمی‌شمرد، فرمود: «از دین و مرام امامان عبارت است از: پرهیزکاری، پاکدامنی».

﴿۱۱۰﴾ یا علی! در سخن گفتن سودی نیست مگر با عمل و در نگاه کردن‌ها خیری نیست مگر آنکه عبرت و آگاهی بیاورد و در ثروت خیری نیست مگر با احسان بخشش و در سخن راست خیری نیست مگر با وفاکردن به آن و در عفت و خویشنداری خیری نیست مگر آنکه از روی پرهیزکاری باشد.

﴿۱۱۱﴾ هرکس بمیرد و آنان (امامان) را نشناسد، او به مرگ جاهلیت مرده است. و خداشناسی و پرهیزکاری از آیین ایشان است.

﴿۱۱۲﴾ طمع و حرص را رها کنید و همراه و ملازم عفت و ورع باشید.

۲۵-۱-۱- عمل به تقیه

﴿۱۱۳﴾ باتقواترین شما کسی است که به تقیه عمل نماید.

۲۶-۱-۱- فروانداختن چشم

﴿۱۱۴﴾ یکی از بالاترین ورع‌ها، چشم‌پاکی است.

۲۷-۱-۱- غلبه بر شهوت

﴿۱۱۵﴾ هیچ ورعی، مثل غلبه بر شهوت [پرازش] نیست.

۲۸-۱-۱- جدایی از جمع

﴿۱۱۶﴾ بهترین شما کسی است که از مردم جدا شده تا ورع و دینش را حفظ کند.

۲۹-۱-۱- دوری از هر چه بی‌اهمیت است

﴿۱۱۷﴾ اصل و پایه‌ی تقوا و شیوه پرهیزکاری این است که همیشه و در همه حال حساب اعمال خود را داشت؛ راستی در گفتار، در معاملات پاک و با صفا بودن، از هر کار و عمل شبهه‌ناک برکنار بودن، شک و تردید به خود راه ندادن، از هر چیزی که سودی ندارد دور شدن، دری را که راه بستن آن را نمی‌داند به روی خود نگشودن.

۳۰-۱-۱- بازداشتن از نافرمانی

﴿مَعَانِي التَّقْوَى وَالْوَرَعِ﴾

﴿١١٨﴾ أمير المؤمنين عليه السلام: فَرَحِمَ اللَّهُ امْرَأً رَاقِبَ رَبِّهِ وَتَنَكَّبَ ذَنْبَهُ وَكَابَرَ هَوَاهُ وَكَذَّبَ مَنَاهُ امْرَأً زَمَّ نَفْسَهُ مِنَ التَّقْوَى بِزِمَامٍ وَاجْتَمَعَهَا مِنْ خَشْيَةِ رَبِّهَا بِلِجَامٍ فَقَادَهَا إِلَى الطَّاعَةِ بِزِمَامِهَا وَقَدَعَهَا عَنِ الْمَعْصِيَةِ بِلِجَامِهَا؛ بحار الأنوار؛ ج ٧٤؛ ص ٣٤٩ الكافي، ج ٨، ص ١٧٠
١-١-٣١- القناعة

﴿١١٩﴾ أمير المؤمنين عليه السلام: يَنْبَغِي لِلْمُؤْمِنِ أَنْ يُلْزَمَ الطَّاعَةَ وَيَلْتَحِفَ الْوَرَعَ وَالْقَنَاعَةَ؛ غرر الحكم، ص ٩١

﴿١٢٠﴾ أمير المؤمنين عليه السلام: نِعَمَ عَوْنُ الْوَرَعِ التَّجَوُّعُ [الْقُنُوعُ]؛ غرر الحكم، ص ٣٩١
﴿١٢١﴾ أمير المؤمنين عليه السلام: إِنْ أَكْرَمَ [أَكْبَسَ] النَّاسَ مَنْ أَفْتَنَى الْيَأْسَ وَلَزِمَ الْقُنُوعَ وَالْوَرَعَ؛ غرر الحكم، ص ٣٩٢
١-١-٣٢- الكَفُّ

١-١-٣٢-١- كَفُّ الْأَيْدِي

﴿١٢٢﴾ الصَّادِقُ عليه السلام: عَنْ فَضِيلَ قَالَ قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام بَلَغَ مَنْ لَقِيَتْ عَنَّا السَّلَامَ وَقُلْ لَهُمْ إِنْ أَحَدَنَا لَا يُغْنِي عَنْهُمْ وَاللَّهِ شَيْئاً إِلَّا بِوَرَعٍ فَاحْفَظُوا أَلْسِنَتَكُمْ وَكُفُّوا أَيْدِيَكُمْ؛ مستدرک الوسائل، ج ١١، ص ٢٤٨

﴿١٢٣﴾ الباقر عليه السلام: إِنِّي لَا أَغْنِي عَنْهُمْ مِنَ اللَّهِ شَيْئاً إِلَّا بِوَرَعٍ فَاحْفَظُوا أَلْسِنَتَكُمْ وَكُفُّوا أَيْدِيَكُمْ؛ وسائل الشيعة، ج ١٢، ص ١٩٥

﴿١٢٤﴾ أمير المؤمنين عليه السلام: لَا وَرَعَ كَالْكَفِّ؛ بحار الأنوار، ج ٧٤، ص ٢٨٢
١-١-٣٢-٢- الْكَفُّ عَنْ أَدَى الْمُؤْمِنِينَ وَاعْتِيَابِهِمْ

﴿١٢٥﴾ الصَّادِقُ عليه السلام: وَاعْلَمْ أَنَّهُ لَا وَرَعَ أَنْفَعُ مِنْ تَجَنُّبِ مَحَارِمِ اللَّهِ وَالْكَفِّ عَنْ أَدَى الْمُؤْمِنِينَ وَاعْتِيَابِهِمْ؛ الكافي، ج ٨، ص ٢٤٤
١-١-٣٢-٣- الْكَفُّ عَنِ الْمَحَارِمِ

﴿١٢٦﴾ أمير المؤمنين عليه السلام: لَا تَقْوَى كَالْكَفِّ عَنِ الْمَحَارِمِ؛ غرر الحكم، ص ٢٧٣
﴿١٢٧﴾ أمير المؤمنين عليه السلام: مِلَاكُ الْوَرَعِ الْكَفُّ عَنِ الْمَحَارِمِ؛ غرر الحكم، ص ٢٧٣
﴿١٢٨﴾ الرَّسُولُ ﷺ: كَفَّ عَنْ مَحَارِمِ اللَّهِ تَكُنْ أَوْرَعَ النَّاسِ؛ بحار الأنوار، ج ٦٦، ص ٣٤٨

﴿معانی پرهیزکاری و ورع﴾

﴿۱۱۸﴾ پس خدا رحمت کند آن بنده‌ای را که پروردگار خود را در نظر داشته باشد و از گناه شانه خالی کند، با هوای نفس ستیز کند و آرزوی خود را دروغ به حساب آورد. بنده‌ای که نفس خود را به مهار پرهیزکاری لگام زده و با لگام ترس از پروردگار خود، بر دهانش دهانه نهاده است، مهارش را به سوی طاعت خدا کشانیده و با دهانه‌ای که بر آن زده، از نافرمانی بازش داشته است.

۱-۱-۳۱- قناعت

﴿۱۱۹﴾ سزاوار است که مؤمن ملازم و همراه طاعت خدا باشد و جامه‌ی تقوا و قناعت بپوشد.

﴿۱۲۰﴾ خالی‌بودن شکم [یا قناعت] بهترین کمک‌کننده ورع است.

﴿۱۲۱﴾ گرامی‌ترین مردم کسی است که نومی‌دی از مردم را سرمایه و نصب‌العین خویش کند و همراه و ملازم قناعت و ورع باشد.

۱-۱-۳۲- خویشتن‌داری

۱-۱-۳۲-۱- دست‌بازداشتن

﴿۱۲۲﴾ فضیل گوید: امام صادق علیه السلام فرمود: به هر کس از دوستان ما که رسیدی، سلام ما را برسان و به آن‌ها بگو: «به خدا قسم! ما فقط افراد باورع را بی‌نیاز می‌کنیم؛ پس زبانتان را حفظ کنید و [از گناهان] دست بکشید».

﴿۱۲۳﴾ من از آنان (دوستانم) جز با ورع، بی‌نیاز [و قانع] نمی‌شوم پس زبانتان را حفظ کنید و [از گناهان] دست بکشید.

﴿۱۲۴﴾ ورعی همچون خود نگهداری از ناپسندی‌ها نیست.

۱-۱-۳۲-۲- خویشتن‌داری از آزار به مؤمنین و غیبت آنان

﴿۱۲۵﴾ آگاه باش که هیچ پرهیزکاری پرسودتر از دوری از گناهان و بازداری [خویشتن] از آزارسانی به مؤمنین و غیبت‌نمودن از آنان نیست.

۱-۱-۳۲-۳- دست‌کشیدن از محرّمات

﴿۱۲۶﴾ هیچ تقوایی چون دست‌کشیدن از محرّمات نیست.

﴿۱۲۷﴾ ملاک ورع، دست‌کشیدن از گناهان است.

﴿۱۲۸﴾ خود را از حرام‌های الهی نگه دار تا پارساترین مردم باشی.

﴿مَعَانِي التَّقْوَى وَ الْوَرَعِ﴾

﴿١٢٩﴾ الرَّسُولُ ﷺ: كُفَّ عَنْ مَحَارِمِ اللَّهِ تَكُنْ مِنْ أَوْرَعِ النَّاسِ؛ وسائل الشيعة، ج ١٥، ص ٢٦٠

﴿١٣٠﴾ الصَّادِقُ ﷺ: لَا وَرَعَ كَالْكَفِّ عَنِ الْمَحَارِمِ؛ الكافي، ج ٨، ص ٢٠

١-١-٣٢-٤- الكفُّ عَنِ الْمَطَالِبِ

﴿١٣١﴾ أمير المؤمنين ﷺ: إِنَّمَا الْوَرَعُ التَّحَرُّى فِي الْمَكَاسِبِ وَ الْكَفُّ عَنِ الْمَطَالِبِ؛ غررالحكم،

ص ٢٦٨

١-١-٣٣- نَزْعُ الْقِيَادِ مِنْ يَدِ الشَّيْطَانِ

﴿١٣٢﴾ أمير المؤمنين ﷺ: فَاتَّقِ اللَّهَ فِي نَفْسِكَ وَ نَازِعِ الشَّيْطَانَ قِيَادَكَ؛ بحار الأنوار، ج ٣٣، ص ١١٦

١-١-٣٤- النَّزَاهَةُ

١-١-٣٤-١- التَّقْوَى جَمَاعُ التَّنْزِهِ

﴿١٣٣﴾ أمير المؤمنين ﷺ: التَّقْوَى جَمَاعُ التَّنْزِهِ وَ الْعَفَافِ؛ غررالحكم، ص ٢٧٤

١-١-٣٤-٢- التَّقْوَى مِنَ الذُّنُوبِ وَ التَّنْزَهُ عَنِ الْغُيُوبِ

﴿١٣٤﴾ أمير المؤمنين ﷺ: الْمُتَّقَى مِنَ اتَّقَى الذُّنُوبَ وَ الْمُتَنَزَّهُ مِنَ تَنَزَّهُ عَنِ الْغُيُوبِ؛ غررالحكم،

ص ٢٦٨

١-١-٣٤-٣- التَّنْزَهُ أَصْلُ الْوَرَعِ

﴿١٣٥﴾ أمير المؤمنين ﷺ: أَصْلُ الْوَرَعِ تَجَنُّبُ الْآثَامِ وَ التَّنْزَهُ عَنِ الْحَرَامِ؛ غررالحكم، ص ٢٧٣

١-١-٣٤-٤- التَّنْزَهُ مِنْ لَوَازِمِ الْوَرَعِ

﴿١٣٦﴾ أمير المؤمنين ﷺ: مِنْ لَوَازِمِ الْوَرَعِ التَّنْزَهُ عَنِ الْآثَامِ؛ غررالحكم، ص ٢٧٣

١-١-٣٤-٥- التَّوَرُّعُ عَنِ الذُّنُوبِ وَ التَّنْزَهُ عَنِ الْغُيُوبِ

﴿١٣٧﴾ أمير المؤمنين ﷺ: الْعَاقِلُ مَنْ تَوَرَّعَ عَنِ الذُّنُوبِ وَ تَنَزَّاهُ عَنِ الْغُيُوبِ؛ غررالحكم، ص ٥٤

١-١-٣٤-٦- الرَّجُلُ حَسَنُ الْوَرَعِ مُتَنَزَّهُ عَنِ الطَّمَعِ

﴿١٣٨﴾ أمير المؤمنين ﷺ: يُعْجِبُنِي أَنْ يَكُونَ الرَّجُلُ حَسَنَ الْوَرَعِ مُتَنَزِّهًا عَنِ الطَّمَعِ كَثِيرَ

الْإِحْسَانِ قَلِيلَ الْإِثْمَانِ؛ غررالحكم، ص ٢٧٢

١-١-٣٤-٧- الْمُتَوَرَّعُونَ فِي مَكَاسِبِهِمْ وَ الْمُتَنَزِّهُونَ فِي مَذَاهِبِهِمْ

﴿معانی پرهیزکاری و ورع﴾

﴿۱۲۹﴾ از محرّمات الهی دست بکش تا از با ورع‌ترین مردم باشی.

﴿۱۳۰﴾ ورعی همچون خودداری از حرام‌ها نیست.

۱-۱-۳۲-۴ خویشتن‌داری از درخواست از دیگران

﴿۱۳۱﴾ رتبه‌ی عالی پرهیزکاری، کوشش برای کسب حلال و اجتناب از دست‌درازی جلوی دیگران است.

۱-۱-۳۳ بیرون‌کردن مهار از دست شیطان

﴿۱۳۲﴾ پس درباره‌ی خود از خدا بترس، و با شیطان ایستادگی کرده مهارت را از چنگش بیرون کن.

۱-۱-۳۴ پاکی

۱-۱-۳۴-۱ تقوا، گردآورنده‌ی پاکی است

﴿۱۳۳﴾ تقوا، گردآورنده‌ی پاکیزگی و خویشتن‌داری است.

۱-۱-۳۴-۲ تقوا از گناهان و پاکی از معایب

﴿۱۳۴﴾ متّقی کسی است که از گناهان پرهیز کند و انسان پاک کسی است که خود را از عیوب پاک کند.

۱-۱-۳۴-۳ پاکی ریشه‌ی ورع است

﴿۱۳۵﴾ اصل ورع، دوری از گناهان و پاکی از حرام است.

۱-۱-۳۴-۴ پاکی از لوازم ورع است

﴿۱۳۶﴾ پاکی از گناهان، از لوازم ورع است.

۱-۱-۳۴-۵ ورع از گناهان و پاکی از معایب

﴿۱۳۷﴾ عاقل کسی است که از گناهان پرهیز کند و خود را از عیوب پاک کند.

۱-۱-۳۴-۶ دارنده‌ی ورع نیکو، از طمع پاک است

﴿۱۳۸﴾ از فردی که خوب ورع دارد و از طمع پاک است و بسیار نیکی می‌کند و کم منت می‌گذارد، خوشم می‌آید.

۱-۱-۳۴-۷ در کسب اهل ورع و در روش زندگی پاک هستند

﴿مَعَانِي التَّقْوَى وَالْوَرَعِ﴾

﴿١٣٩﴾ أمير المؤمنين عليه السلام: أَيْنَ الْمُتَوَرَّعُونَ فِي مَكَاسِبِهِمْ وَالْمُتَنَزِّهُونَ فِي مَذَاهِبِهِمْ؛ نهج البلاغة، ص ١٨٧
٨-٣٤-١- النزاهة ثمرة التورع

﴿١٤٠﴾ أمير المؤمنين عليه السلام: ثَمَرَةُ التَّوَرُّعِ النَّزَاهَةُ؛ غرر الحكم، ص ٢٧٤
٩-٣٤-١- النزاهة دليل الورع

﴿١٤١﴾ أمير المؤمنين عليه السلام: دَلِيلُ وَرَعِ الرَّجُلِ نَزَاهَتُهُ؛ غرر الحكم، ص ٣١٨
١٠-٣٤-١- أَوْرَعُ النَّاسِ أَنْزَهُهُمْ

﴿١٤٢﴾ أمير المؤمنين عليه السلام: أَوْرَعُ النَّاسِ أَنْزَهُهُمْ عَنِ الْمَطَالِبِ؛ غرر الحكم، ص ٢٧٣
٥-٣٤-١- بِالْوَرَعِ يَكُونُ التَّنْزَهُ

﴿١٤٣﴾ أمير المؤمنين عليه السلام: بِالْوَرَعِ يَكُونُ التَّنْزَهُ مِنَ الدُّنْيَا [عَنِ الدُّنْيَا]؛ غرر الحكم، ص ٢٧٤
٦-٣٤-١- لَا نَزَاهَةَ كَالْتَّوَرُّعِ

﴿١٤٤﴾ أمير المؤمنين عليه السلام: لَا نَزَاهَةَ كَالْتَّوَرُّعِ؛ غرر الحكم، ص ٢٧٠
٧-٣٤-١- مُتَنَزِّهُ مُتَوَرِّعٌ

﴿١٤٥﴾ أمير المؤمنين عليه السلام: الْمُؤْمِنُ عَفِيفٌ مُقْتَنِعٌ [مُقْتَنِعٌ] مُتَنَزِّهُ مُتَوَرِّعٌ؛ غرر الحكم، ص ٨٩
٨-٣٤-١- الْوَرَعُ مَنْ نَزِهَتْ نَفْسُهُ

﴿١٤٦﴾ أمير المؤمنين عليه السلام: الْوَرَعُ مَنْ نَزِهَتْ نَفْسُهُ وَشَرَفَتْ خِلَالُهُ؛ غرر الحكم، ص ٢٧٣
٩-٣٤-١- النَّقَاوَةُ

﴿١٤٧﴾ الرَّسُولُ ﷺ: فَمَا أَحَدٌ مِنْ شِيعَةِ عَلِيِّ عليه السلام إِلَّا وَهُوَ طَاهِرُ الْوَالِدَيْنِ تَقَى نَفْسِي؛
بحار الأنوار، ج ٢٤، ص ٨٨

﴿١٤٨﴾ أمير المؤمنين عليه السلام: الدُّعَاءُ مَفَاتِيحُ النَّجَاحِ وَمَقَالِيدُ الْفَلَاحِ وَخَيْرُ الدُّعَاءِ مَا صَدَرَ عَنْ
صَدْرِ تَقَى وَ قَلْبِ نَقَى؛ بحار الأنوار، ج ٩٠، ص ٣٤١

﴿١٤٩﴾ أمير المؤمنين عليه السلام: الدُّعَاءُ مَفَاتِيحُ النَّجَاحِ وَمَقَالِيدُ الْفَلَاحِ وَخَيْرُ الدُّعَاءِ مَا صَدَرَ عَنْ
صَدْرِ تَقَى وَ قَلْبِ نَقَى؛ الكافي، ج ٢، ص ٤٦٨
٤٠-٣٤-١- الْإِتْتِهَاءُ

﴿١٥٠﴾ حديث قدسي: وَأَنْتَ عَمَّا نَهَيْتُكَ تَكُنْ مِنْ أَوْرَعِ النَّاسِ؛ مستدرک الوسائل، ج ١١، ص ٢٨٢

﴿معانی پرهیزکاری و ورع﴾

﴿۱۳۹﴾ پرهیزکاران در کسب، و پاکیزگان در راه و روش چه شدند؟

۸-۳۴-۱-۱- پاک‌ی نتیجه‌ی ورع

﴿۱۴۰﴾ ثمره‌ی ورع و ورزیدن، پاک‌ی است.

۹-۳۴-۱-۱- پاک‌ی نشانه‌ی ورع

﴿۱۴۱﴾ پاک‌ی شخص نشانه‌ی [میزان] ورع اوست.

۱۰-۳۴-۱-۱- پرهیزکارترین مردم، پاک‌ترین آن‌هاست

﴿۱۴۲﴾ باورع‌ترین مردم کسی است که در خواسته‌هایش پاک‌تر باشد.

۳۵-۱-۱- پاک‌ی با ورع حاصل می‌شود

﴿۱۴۳﴾ با ورع از پستی‌ها پاک شود.

۳۶-۱-۱- هیچ پاک‌ی مثل ورع نیست

﴿۱۴۴﴾ هیچ پاک‌ی‌ای مانند پرهیزکاری نیست.

۳۷-۱-۱- پاک پرهیزکار

﴿۱۴۵﴾ مؤمن، پاک‌دامن و قانع و پاک و اهل ورع است.

۳۸-۱-۱- پرهیزکار آن است که نفسش را پاک کند

﴿۱۴۶﴾ ورع یعنی اینکه شخص، نفسش پاک و خلق و خویش بلند و عالی باشد.

۳۹-۱-۱- پاک‌ی

﴿۱۴۷﴾ شیعیان علی علیه السلام همه دارای طهارت و ولادت و پدر و مادری پاک هستند.

﴿۱۴۸﴾ دعا کلیدهای پیروزی و قلاده‌های رستگاری است و بهترین دعا، آن است که از سینه

متقی و قلب پاکیزه صادر شود.

﴿۱۴۹﴾ دعا کلیدهای پیروزی و قلاده‌های رستگاری است و بهترین دعا آن است که از

سینه‌ی پاکیزه و قلب متقی صادر شود.

۴۰-۱-۱- بازایستادن

﴿۱۵۰﴾ خداوند می‌فرماید: «ای فرزند آدم! از آنچه بر تو حرام کردم دوری‌گزین تا از

پارساترین مردم باشی».

﴿مَعَانِي التَّقْوَى وَ الْوَرَعِ﴾

١-٤١-١- الوداعُ

﴿١٥١﴾ أمير المؤمنين عليه السلام: مَا شَيْءٌ أَهْوَنُ مِنْ وَرَعٍ وَإِذَا رَأَيْتَ رَأْبَكَ أَمْرٌ فَدَعُهُ؛ شرح نهج البلاغة.

ج ٢٠، ص ٢٨٨

١-٤٢-١- التَّوَرُّعُ وراجع: الفصل الثامن؛ ما يَتَّقَى وَيُتَوَرَّعُ منه؛ وراجع: هذا الفصل؛ العلاقة

بين التقوى والورع

﴿١٥٢﴾ الصادق عليه السلام: عَنْ فَضِيلِ بْنِ عِيَّاضٍ قَالَ: ... سَأَلْتُهُ عَنِ الْوَرَعِ مِنَ النَّاسِ قَالَ الَّذِي يَتَوَرَّعُ عَنْ مَحَارِمِ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ وَيَجْتَنِبُ هَوْلَاءَ وَإِذَا لَمْ يَتَّقِ الشُّبُهَاتِ وَقَعَ فِي الْحَرَامِ وَهُوَ لَا يَعْرِفُهُ وَإِذَا رَأَى الْمُتَكَبِّرَ فَلَمْ يُنْكِرْهُ وَهُوَ يَقْدِرُ عَلَيْهِ؛ الكافي، ج ٥، ص ١٠٨

١-٤٣-١- الوقوفُ، عَدَمُ الدَّخُولِ، الْخُرُوجُ

١-٤٣-١- الوقوفُ عِنْدَ الشُّبْهَةِ

﴿١٥٣﴾ الصادق عليه السلام: أَوْرَعَ النَّاسِ مَنْ وَقَفَ عِنْدَ الشُّبْهَةِ؛ وسائل الشيعة، ج ٢٧، ص ١٦٢

﴿١٥٤﴾ أمير المؤمنين عليه السلام: الْوَرَعُ الْوُقُوفُ عِنْدَ الشُّبْهَةِ؛ مستدرک الوسائل، ج ١٧، ص ٣٢٤

﴿١٥٥﴾ أمير المؤمنين عليه السلام: لَا وَرَعَ كَالْوُقُوفِ عِنْدَ الشُّبْهَةِ؛ مستدرک الوسائل، ج ١٢، ص ٤٦

١-٤٣-٢- إِذَا ارْتَفَعَ لَهُ الْبَابُ مِنَ الْحَرَامِ لَمْ يَدْخُلْ فِيهِ

﴿١٥٦﴾ الصادق عليه السلام: مُفَضَّلُ بْنُ عُمَرَ قَالَ كُنْتُ عِنْدَ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام فَذَكَرْنَا الْأَعْمَالَ فَقُلْتُ

أَنَا مَا أَضْعَفَ عَمَلِي فَقَالَ مَهْ اسْتَغْفِرِ اللَّهَ ثُمَّ قَالَ لِي إِنَّ قَلِيلَ الْعَمَلِ مَعَ التَّقْوَى خَيْرٌ مِنْ كَثِيرِ الْعَمَلِ بَلَا تَقْوَى قُلْتُ كَيْفَ يَكُونُ كَثِيرٌ بَلَا تَقْوَى قَالَ نَعَمْ مِثْلُ الرَّجُلِ يُطْعَمُ طَعَامَهُ وَيَرْفُقُ جِيرَانَهُ وَ يُوْطَى رَحْلُهُ فَإِذَا ارْتَفَعَ لَهُ الْبَابُ مِنَ الْحَرَامِ دَخَلَ فِيهِ فَهَذَا الْعَمَلُ بَلَا تَقْوَى وَيَكُونُ الْآخِرُ لَيْسَ

عِنْدَهُ فَإِذَا ارْتَفَعَ لَهُ الْبَابُ مِنَ الْحَرَامِ لَمْ يَدْخُلْ فِيهِ؛ الكافي، ج ٢، ص ٧٦

١-٤٣-٣- الْخُرُوجُ مِنْ كُلِّ شُبْهَةٍ

﴿١٥٧﴾ الصادق عليه السلام: أَصْلُ الْوَرَعِ دَوَامُ الْمُحَاسَبَةِ وَصِدْقُ الْمُقَاوَلَةِ وَصَفَاءُ الْمُعَامَلَةِ وَ

الْخُرُوجُ مِنْ كُلِّ شُبْهَةٍ؛ بحار الأنوار، ج ٦٧، ص ٣٠٧

«معانی پرهیزکاری و ورع»

۴۱-۱-۱- بدرود گفتن

«۱۵۱» چیزی ساده‌تر از ورع نیست، هرگاه کاری تو را به شک انداخت، آن کار را رها کن.
۴۲-۱-۱- پرهیزکاری و ر.به: فصل ۸؛ آنچه از آن باید پرهیز کرد؛ و ر.به: همین فصل، رابطه‌ی
بین تقوا و ورع

«۱۵۲» فضیل بن عیاض گوید:... از امام علیه السلام در مورد پرهیزکارترین مردم سؤال کردم فرمود:
«یعنی کسی که از محرمات الهی پرهیز و از آنان دوری کند. اگر کسی از شبهات پرهیز نکند و
وقتی امر منکری را می‌بیند با آنکه قدرتش را دارد [تا آن را منکر اعلام و با آن مقابله کند]، آن را
منکر نشمارد، بدون آنکه متوجه شود، حتماً به حرام خواهد افتاد.
۴۳-۱-۱- توقف، داخل نشدن، خارج شدن

۴۳-۱-۱- توقف نزد شبهات

«۱۵۳» پارساترین مردم کسی است که در مورد شبهه توقف کند.

«۱۵۴» ورع یعنی توقف [و احتیاط] در هنگام روبه‌رویی با شبهات.

«۱۵۵» هیچ ورعی همچون باز ایستادن در شبهه نیست.

۴۳-۱-۱- اگر در حرام برایش باز شود داخل نمی‌شود

«۱۵۶» مفضل بن عمر گوید: خدمت امام صادق علیه السلام بودم که موضوع اعمال مطرح شد، من
عرض کردم: «چقدر اعمالم کم و بی‌ارزش است!» فرمود: «خاموش باش، از خدا آمرزش بخواه!»
آنگاه فرمود: «عمل اندکی که توأم با تقوا و پرهیز باشد، بهتر از اعمال زیادی است که همراه با
تقوا نباشد». عرض کردم: «چطور ممکن است عمل انسان زیاد باشد، ولی بدون تقوا؟» فرمود:
«بلی مانند شخصی که اطعام کرده و از مستمندان دستگیری می‌کند، با همسایگان مهربانی
می‌ورزد و حاجتمندان به خانه‌اش رفت و آمد دارند، ولی در عین حال اگر با عمل حرام و
نامشروعی مواجه شود، اقدام نموده و آن کار را هم انجام می‌دهد. این گونه اعمال خیر، عمل
بدون تقواست. و ممکن است شخص دیگری باشد که توفیق اینگونه کارها را نداشته باشد، ولی
به طوری در دینش محکم است که اگر طرق و راه‌های نامشروع در پیش پا و دسترسش باشد،
کاملاً امتناع ورزیده و خودداری می‌کند».

۴۳-۱-۱- خارج شدن از هر شبهه

«۱۵۷» اصل و پایه‌ی تقوا و شیوه پرهیزکاری این است که همیشه و در همه حال حساب
اعمال خود را داشت؛ راستی در گفتار، در معاملات پاک و با صفا بودن، از هر کار و عمل
شبهه‌ناک برکنار بودن.

﴿مَعَانِي التَّقْوَى وَ الْوَرَعِ﴾

١-١-٤٤- الإِتْقَانُ وَ رَاجِع: الفصل الثامن؛ ما يَتَّقِي مِنْهُ

﴿١٥٨﴾ الصَّادِقُ عَلَيْهِ السَّلَامُ: فِي قَوْلِهِ جَلَّ تَنَاوُهُ هُوَ أَهْلُ التَّقْوَى وَأَهْلُ الْمَغْفِرَةِ قَالَ أَنَا أَهْلُ أَنْ يَتَّقِيَنِي عَبْدِي فَإِنْ لَمْ يَفْعَلْ فَأَنَا أَهْلُ أَنْ أَغْفِرَ لَهُ؛ بحار الأنوار، ج ٦٧، ص ٢٨٦

﴿١٥٩﴾ ابن عباس رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ: إِنَّ الْمُتَّقِينَ [قَالَ: يَعْنِي] الَّذِينَ اتَّقَوْا الشُّرُكَ وَ الذُّنُوبَ [وَ] الْكِبَائِرَ؛

شواهد التنزيل، ج ٢، ص ٤١٦

١-١-٤٥- الْيَأْسُ

﴿١٦٠﴾ أمير المؤمنين عَلَيْهِ السَّلَامُ: إِنَّ أَكْرَمَ [أَكْبَسَ] النَّاسِ مَنْ أَقْتَنَى الْيَأْسَ وَ لَزِمَ الْقُنُوعَ وَ الْوَرَعَ؛

غرر الحكم، ص ٣٩٢

١-١-٤٦- الْخَوْفُ، الْخَشْيَةُ، الرَّهْبَةُ، النَّدْرُ

١-١-٤٦- الْخَشْيَةُ

﴿١٦١﴾ يَا أَيُّهَا النَّاسُ اتَّقُوا رَبَّكُمْ وَ اخْشَوْا يَوْمًا لَا يَجْزِي وَالِدٌ عَنْ وَلَدِهِ وَ لَا مَوْلُودٌ هُوَ جَارٍ عَنْ وَالِدِهِ

شَيْئًا إِنَّ وَعْدَ اللَّهِ حَقٌّ فَلَا تَغُرَّنَّكُمُ الْحَيَاةُ الدُّنْيَا وَ لَا يَغُرَّنَّكُم بِاللَّهِ الْغُرُورُ؛ لقمان ٣٣

﴿١٦٢﴾ وَ مَنْ يُطِيعِ اللَّهَ وَ رَسُولَهُ وَ يَخْشِ اللَّهَ وَ يَتَّقِهِ فَأُولَئِكَ هُمُ الْفَائِزُونَ؛ النور ٥٢

﴿١٦٣﴾ وَ لِيَخْشَ الَّذِينَ لَوْ تَرَكُوا مِنْ خَلْفِهِمْ ذُرِّيَّةً ضِعَافًا خَافُوا عَلَيْهِمْ فَلْيَتَّقُوا اللَّهَ وَ لْيَقُولُوا قَوْلًا

سَدِيدًا؛ النساء ٩

﴿١٦٤﴾ الْكَاضِمُ عَلَيْهِ السَّلَامُ: قَوْلُهُ عَزَّ وَ جَلَّ وَ لِيَخْشَ الَّذِينَ لَوْ تَرَكُوا مِنْ خَلْفِهِمْ ذُرِّيَّةً ضِعَافًا خَافُوا

عَلَيْهِمْ فَلْيَتَّقُوا اللَّهَ وَ لْيَقُولُوا قَوْلًا سَدِيدًا يَعْنِي بِذَلِكَ لِيَخْشَ أَنْ أَخْلِفَهُ فِي ذُرِّيَّتِهِ كَمَا صَنَعَ بِهِوَلَاءِ

الْيَتَامَى؛ من لا يحضره الفقيه، ج ٣، ص ٥٦٩

﴿١٦٥﴾ أمير المؤمنين عَلَيْهِ السَّلَامُ: فَرَحِمَ اللَّهُ امْرَأَ رَاقِبَ رَبِّهِ وَ تَنَكَّبَ ذَنْبَهُ وَ كَابَرَ هَوَاهُ وَ كَذَّبَ

مُنَاهُ امْرَأَ زَمَ نَفْسَهُ مِنَ التَّقْوَى بِزِمَامٍ وَ أَلْجَمَهَا مِنْ خَشْيَةِ رَبِّهَا بِلِجَامٍ فَقَادَهَا إِلَى الطَّاعَةِ بِزِمَامِهَا وَ

قَدَعَهَا عَنِ الْمَعْصِيَةِ بِلِجَامِهَا؛ بحار الأنوار، ج ٧٤، ص ٣٤٩ الكافي، ج ٨، ص ١٧٠

﴿١٦٦﴾ الرَّسُولُ ﷺ: إِنِّي أَخْشَاكُمْ لِلَّهِ وَ اتَّقَاكُمْ لَهُ؛ بحار الأنوار، ج ٦٧، ص ٣٤٤

«معانی پرهیزکاری و ورع»

۴۴-۱-۱- پرهیزکاری و ورع: به: فصل ۸؛ آنچه از آن باید پرهیز کرد

﴿۱۵۸﴾ امام صادق علیه السلام در تفسیر آیه‌ی شریفه: «هُوَ أَهْلُ التَّقْوَى وَ أَهْلُ الْمَعْرِفَةِ»؛ فرموده است: «یعنی من اهل و شایسته‌ی این هستم که بنده‌ام از من بترسد و تقوا داشته باشد و اگر چنین نشد، من اهلیت و شایستگی دارم که او را ببخشم».

﴿۱۵۹﴾ در آیه‌ی: «إِنَّ الْمُتَّقِينَ»؛ منظور از متّقین، کسانی هستند که از شرک و خطاها و گناهان کبیره پرهیز کردند.

۴۵-۱-۱- ناامیدی (از غیر خدا)

﴿۱۶۰﴾ گرامی‌ترین مردم کسی است که نومیدی از مردم را سرمایه و نصب‌العین خویش کند و همراه و ملازم قناعت و ورع باشد.

۴۶-۱-۱- ترس و هراس و بیم و واهمه

۴۶-۱-۱- ترس

﴿۱۶۱﴾ ای مردم! تقوای الهی پیشه کنید و بترسید از روزی که نه پدر کیفر اعمال فرزندش را تحمّل می‌کند، و نه فرزند چیزی از کیفر (اعمال) پدرش را به یقین وعده الهی حقّ است پس مبدا زندگانی دنیا شما را بفریید، و مبدا (شیطان) فریبکار شما را (به کرم) خدا مغرور سازد!

﴿۱۶۲﴾ و هر کس خدا و پیامبرش را اطاعت کند، و از خدا بترسد و از مخالفت فرمانش بپرهیزد، چنین کسانی همان پیرومندان واقعی هستند!

﴿۱۶۳﴾ کسانی که اگر فرزندان ناتوانی از خود بیادگار بگذارند از آینده آنان می‌ترسند، باید (از ستم درباره‌ی یتیمان مردم) بترسند! از (مخالفت) خدا بپرهیزند، و سخنی استوار بگویند.

﴿۱۶۴﴾ خداوند متعال فرموده است: «کسانی که اگر فرزندان ناتوانی از خود بیادگار بگذارند از آینده آنان می‌ترسند، باید [از ستم درباره یتیمان مردم] بترسند! از [مخالفت] خدا بپرهیزند، و سخنی استوار بگویند.»؛ مقصود این است که باید بترسد از اینکه با بازمانده‌اش همان رفتار را کنند که با این یتیمان می‌کند.

﴿۱۶۵﴾ پس خدا رحمت کند آن بنده‌ای را که پروردگار خود را در نظر داشته باشد و از گناه شانه خالی کند، با هوای نفس ستیز کند و آرزوی خود را دروغ به حساب آورد. بنده‌ای که نفس خود را به مهار پرهیزکاری لگام زده و با لگام ترس از پروردگار خود، بر دهانش دهانه نهاده است، مهارش را به سوی طاعت خدا کشانیده و با دهانه‌ای که بر آن زده، از نافرمانی بازش داشته است.

﴿۱۶۶﴾ همانا من خاشع‌ترین شما در نزد خدا و باتقواترین شما برای او هستم.

﴿مَعَانِي التَّقْوَى وَالْوَرَعِ﴾

﴿١٦٧﴾ السَّجَادُ عليه السلام: يَا مَنْ هُوَ غَايَةُ خَشْيَةِ الْمُتَّقِينَ؛ الصَّحِيفَةُ السَّجَادِيَّةُ عليه السلام، الدَّعَاءُ ٣١
 ﴿١٦٨﴾ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عليه السلام: فَاحْتَرِسُوا مِنَ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ بِكَثْرَةِ الذِّكْرِ وَاحْشَوْا مِنْهُ بِالتَّقَى؛
 الكافي، ج ٨، ص ٣٨٩

﴿١٦٩﴾ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عليه السلام: بِتَقْوَى اللَّهِ أَمِرْتُمْ وَلِلْإِحْسَانِ وَالطَّاعَةِ خُلِقْتُمْ فَاحْذَرُوا مِنَ اللَّهِ مَا
 حَذَّرَكُمْ مِنْ نَفْسِهِ فَإِنَّهُ حَذَّرَ بَأْسًا شَدِيدًا وَاحْشَوْا اللَّهَ خَشْيَةً لَيْسَتْ بِتَعْذِيرٍ؛ بحار الأنوار، ج ٣٢،
 ص ٣٥٦

﴿١٧٠﴾ الْحَسَنُ عليه السلام: فَاحْتَرِسُوا مِنَ اللَّهِ بِكَثْرَةِ الذِّكْرِ وَاحْشَوْا اللَّهَ بِالتَّقْوَى؛ بحار الأنوار، ج ٧٥،
 ص ١٠٤

﴿١٧١﴾ الرَّسُولُ صلى الله عليه وآله: تَمَامُ الزُّهْدِ التَّقْوَى وَبَابُ التَّقْوَى الْخَشْيَةُ؛ بحار الأنوار، ج ٦٧، ص ٦٨
 ﴿١٧٢﴾ زِيَارَةُ إِبْرَاهِيمَ بْنِ رَسُولِ اللَّهِ صلى الله عليه وآله: أَسْأَلُكَ أَنْ تُصَلِّيَ عَلَى مُحَمَّدٍ عَبْدِكَ الْمُصْطَفَى وَ
 حَبِيبِكَ الْمُجْتَنَبِيِّ نَبِيِّ الرَّحْمَةِ وَالْهُدَى وَيَنْبُوعِ الْحِكْمَةِ وَالنَّدَى وَمَعْدِنِ الْخَشْيَةِ وَالتَّقَى؛
 بحار الأنوار، ج ٩٧، ص ٢٢٣
 ٢-٤٦-١- الخَوْفُ

﴿١٧٣﴾ فَأَعْبُدُوا مَا شِئْتُمْ مِنْ دُونِهِ قُلْ إِنَّ الْخَاسِرِينَ الَّذِينَ خَسِرُوا أَنْفُسَهُمْ وَأَهْلِيهِمْ يَوْمَ الْقِيَامَةِ
 أَلَا ذَلِكَ هُوَ الْخُسْرَانُ الْمُبِينُ * لَهُمْ مِنْ فَوْقِهِمْ ظُلَلٌ مِنَ النَّارِ وَمِنْ تَحْتِهِمْ ظُلَلٌ ذَلِكَ يُخَوِّفُ اللَّهَ بِهِ
 عِبَادُهُ يَا عِبَادِ فَاتَّقُونِ؛ الزمر ١٥

﴿١٧٤﴾ السَّجَادُ عليه السلام: لَمَّا رَجَعَ مَوْلَانَا زَيْنُ الْعَابِدِينَ عليه السلام مِنَ الْحَجِّ اسْتَقْبَلَهُ الشَّيْلِيُّ فَقَالَ عليه السلام
 لَهُ... قَالَ فَعِنْدَ مَا مَرَرْتُ بِالْمَشْعَرِ الْحَرَامِ نَوَيْتُ أَنَّكَ أَشْعَرْتَ قَلْبَكَ إِشْعَارَ أَهْلِ التَّقْوَى وَ
 الْخَوْفِ لِلَّهِ عَزَّ وَجَلَّ قَالَ لَا قَالَ فَمَا مَرَرْتُ بِالْعَلَمَيْنِ وَلَا صَلَّيْتُ رُكْعَتَيْنِ وَلَا مَشَيْتُ بِالْمُزْدَلِفَةِ وَلَا
 لَارَفَعْتُ مِنْهَا الْحَصَى وَلَا مَرَرْتُ بِالْمَشْعَرِ الْحَرَامِ؛ مستدرك الوسائل، ج ١٠، ص ١٧٠

﴿١٧٥﴾ السَّجَادُ عليه السلام: فَخَافُوا اللَّهَ أَيُّهَا الْمُؤْمِنُونَ مِنَ الْبَيَاتِ خَوْفَ (أَهْلِ الْيَقِينِ وَ) أَهْلِ التَّقْوَى
 فَإِنَّ اللَّهَ يَقُولُ ذَلِكَ لِمَنْ خَافَ مَقَامِي وَخَافَ وَعِيدَ؛ مستدرك الوسائل، ج ١١، ص ٢٣٠

﴿١٧٦﴾ الْهَادِي عليه السلام: اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ لَهُمْ (شِيعَتِي) ... تَقِيَّةَ أَهْلِ الْوَرَعِ وَكِتْمَانَ الصَّدِيقِينَ
 حَتَّى يَخَافُوكَ؛ بحار الأنوار، ج ٨٢، ص ٢٢٦

«معانی پرهیزکاری و ورع»

﴿۱۶۷﴾ ای کسی که منتهای بیم پرهیزکاران است.
﴿۱۶۸﴾ با ذکر زیاد، از [خوف عذاب] خداوند متعال خود را حفظ کنید و با تقوا از [مقام] خدا،
بترسید.
﴿۱۶۹﴾ شما به تقوای الهی امر شده‌اید و برای نیکوکاری و فرمان‌برداری آفریده شده‌اید.
بنابراین از [معصیت] الهی بپرهیزید چنان‌که او خود، شما را از پروای خود پرهیز داده، او به
گونه‌ای سخت پرهیز داده است، و از خدا بترسید چنان ترسی که بهانه‌پذیر نیست.
﴿۱۷۰﴾ پس با زیادی ذکر، به خداوند پناه جویید و با پرهیزکاری از خدا پروا کنید.
﴿۱۷۱﴾ نتیجه و کمال زهد، تقوا و پرهیزکاری است. راه تقوا هم خوف و خشیت است.
﴿۱۷۲﴾ از تو می‌خواهم که بر محمد، بنده برگزیده‌ات و حبیب منتخب، نبی رحمت و هدایت،
چشمه‌ی حکمت و بخشش، معدن خشیت و تقوا درود فرستی.

۲-۴۶-۱-۱-بیم

﴿۱۷۳﴾ شما هر چه را جز او می‌خواهید بپرستید! بگو: «زبانکاران واقعی آناند که سرمایه
وجود خویش و بستگانشان را در روز قیامت از دست داده‌اند! آگاه باشید زبان آشکار همین است!»
* برای آنان از بالای سرشان سایبان‌هایی از آتش، و در زیر پایشان نیز سایبان‌هایی از آتش
است این چیزی است که خداوند با آن بندگان را می‌ترساند! ای بندگان من! از نافرمانی من
بپرهیزید!

﴿۱۷۴﴾ هنگامی که مولایمان امام سجاد علیه السلام از حج بازگشت، شبلی به استقبال ایشان رفت.
امام علیه السلام به او فرمود: «... وقتی که بر مشعرالحرام گذر کردی، آیا نیت کردی که دلت را به بینش
اهل تقوا و خوف از خدا بیارایی؟» گفت: «نه». امام علیه السلام فرمود: «پس نه از دو کوه عبور کرده‌ای،
نه دو رکعت نماز خوانده‌ای، نه به مزدلفه رفته‌ای، نه از آنجا سنگریزه برداشته‌ای و نه از
مشعرالحرام عبور کرده‌ای!»

﴿۱۷۵﴾ پس ای مؤمنان، همچون هراس پرهیزکاران از بازخواست الهی بترسید، که به‌راستی
خداوند می‌فرماید: «این [موفقیت] برای کسی است که از مقام [عدالت] من بترسد و از عذاب
[من] بیمناک باشد».

﴿۱۷۶﴾ خدایا! از تو برای شیعیانم ... تقیه اهل ورع و پرهیزکاری و پنهان‌کاری صدیقین را
خواهانم تا از تو بترسند.

﴿مَعَانِي التَّقْوَى وَالْوَرَعِ﴾

﴿١٧٧﴾ الصَّادِقُ عليه السلام: قَالَ تَبَارَكَ وَتَعَالَى وَمَنْ يَتَّقِ اللَّهَ يَجْعَلْ لَهُ مَخْرَجاً قَالَ وَقَالَ أَبُو عَبْدِ

اللَّهِ عليه السلام: إِنَّ حُبَّ الشَّرَفِ وَالذِّكْرِ لَا يَكُونَانِ فِي قَلْبِ الْخَائِفِ الرَّاهِبِ؛ الكافي، ج ٢، ص ٦٩

﴿١٧٨﴾ أمير المؤمنين عليه السلام: فَاتَّقُوا اللَّهَ تَقِيَّةً [تَقَاةً] مَنْ أَتَقَنَ فَأَحْسَنَ وَغَيْرَ فَاعْتَبِرْ [وَحْذِرْ

فَحْذِرْ] وَحْذِرْ فَارْزُدْجَرَ [وَرُجِرْ فَارْزُدْجَرَ] وَبُصِّرْ فَاسْتَبْصِرْ وَخَافَ الْعِقَابَ وَعَمِلَ لِيَوْمِ

الْحِسَابِ؛ غرر الحكم، ص ١٩١

﴿١٧٩﴾ أمير المؤمنين عليه السلام: فَاتَّقُوا اللَّهَ أَيُّهَا النَّاسُ حَقَّ تَقَاتِهِ وَاسْتَشْعِرُوا خَوْفَ اللَّهِ جَلَّ ذِكْرُهُ؛

الكافي، ج ٨، ص ٢٥٦

﴿١٨٠﴾ الصَّادِقُ عليه السلام: عَنِ الصَّادِقِ عليه السلام أَنَّهُ قَالَ فِي حَدِيثٍ فَازَ وَاللَّهِ الْأَبْرَارُ وَخَسِرَ الْأَشْرَارُ أَ

تَدْرِي مَنْ الْأَبْرَارُ هُمُ الَّذِينَ خَافُوهُ وَاتَّقَوْهُ؛ مستدرک الوسائل، ج ١١، ص ٢٣٣

﴿١٨١﴾ الصَّادِقُ عليه السلام: عَنْ أَبِي بَصِيرٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام فِي حَدِيثٍ قَالَ قُلْتُ جُعِلْتُ فِدَاكَ

أَشِيعَتُكُمْ مَعَكُمْ قَالَ نَعَمْ إِذَا هُمْ خَافُوا اللَّهَ وَرَاقَبُوهُ وَاتَّقَوْهُ وَأَطَاعُوهُ وَاتَّقُوا الذُّنُوبَ فَإِذَا فَعَلُوا

ذَلِكَ كَانُوا مَعَنَا فِي دَرَجَتِنَا؛ مستدرک الوسائل، ج ١١، ص ٢٣٥

﴿١٨٢﴾ العسكري عليه السلام: اتَّقُوا اللَّهَ خَافُوا اللَّهَ؛ الكافي، ج ١، ص ٥١١

﴿١٨٣﴾ الرَّسُولُ ﷺ: إِذَا أَرَدْتَ أَنْ يُحِبَّكَ اللَّهُ فَخَفَّهُ وَاتَّقَهُ؛ مستدرک الوسائل، ج ٤، ص ٤٧٢

﴿١٨٤﴾ ابن عباس رضي الله عنهما: [فِي قَوْلِهِ تَعَالَى: إِنَّ لِلْمُتَّقِينَ مَفَازًا قَالَ: هُوَ عَلَى بَنِي أَبِي طَالِبٍ، هُوَ وَ

اللَّهُ سَيِّدٌ مَنِ اتَّقَى اللَّهَ وَخَافَهُ، اتَّقَاهُ عَنْ ارْتِكَابِ الْفَوَاحِشِ، وَخَافَهُ عَنْ اقْتِرَافِ الْكِبَايِرِ مَفَازًا

نَجَاةً مِنَ النَّارِ وَالْعَذَابِ وَقُرْبًا مِنَ اللَّهِ فِي مَنَازِلِ الْجَنَّةِ؛ شواهد التنزيل، ج ٢، ص ٤١٩

﴿١٨٥﴾ الرَّسُولُ ﷺ: يَا أَبَا ذَرٍّ إِنَّ الْمُتَّقِينَ الَّذِينَ يَتَّقُونَ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ مِنَ الشَّيْءِ الَّذِي لَا يَنْقُصِي

مِنْهُ خَوْفًا مِنَ الدُّخُولِ فِي الشُّبْهَةِ؛ بحار الأنوار، ج ٧٤، ص ٨٨

﴿١٨٦﴾ أمير المؤمنين عليه السلام: اجْعَلْ تَزُودَكَ الْمَخَافَةَ وَالتَّقَى؛ ديوان الإمام علي عليه السلام، ص ٢٦٩

﴿١٨٧﴾ الباقر عليه السلام: أُوصِيَكُمْ عِبَادَ اللَّهِ بِتَقْوَى اللَّهِ وَأَخَوْفُكُمْ مِنْ عِقَابِهِ؛ الكافي، ج ٣، ص ٤٢٢

٣-٤٦-١-١-الرَّهْبَةُ

﴿١٨٨﴾ الصَّادِقُ عليه السلام: قَالَ تَبَارَكَ وَتَعَالَى وَمَنْ يَتَّقِ اللَّهَ يَجْعَلْ لَهُ مَخْرَجاً قَالَ وَقَالَ أَبُو عَبْدِ

اللَّهِ عليه السلام: إِنَّ حُبَّ الشَّرَفِ وَالذِّكْرِ لَا يَكُونَانِ فِي قَلْبِ الْخَائِفِ الرَّاهِبِ؛ الكافي، ج ٢، ص ٦٩

﴿معانی پرهیزکاری و ورع﴾

﴿۱۷۷﴾ و خداوند فرموده است: «و هر کس تقوای الهی پیشه کند، خداوند راه نجاتی برای او فراهم می‌کند» و امام صادق علیه السلام فرمود: «جاه‌طلبی و بزرگی‌خواهی و نامجویی، در دل شخص ترسان راه نمی‌یابد».

﴿۱۷۸﴾ تقوای الهی داشته باشید همچون تقوای کسی که چون [به مرگ و دیدار پروردگار خود] یقین کند، نیکی نماید. و هرگاه درس عبرتی به او بدهند، عبرت گیرد. و چون او را بر حذر دارند، بپذیرد. و اگر منعمش کنند، بازایستد. و چون بینایش کنند، بینایی گیرد و از کیفر و عقاب بترسد. و برای روز حساب کار کند.

﴿۱۷۹﴾ ای مردم! تقوای الهی داشته باشید، به قدری که حقّ تقوا را رعایت کرده باشید و ترس از خداوند جلیل را شعار خود قرار دهید.

﴿۱۸۰﴾ امام صادق علیه السلام در حدیثی فرمود: «به خدا قسم! نیکان رستگار هستند و بدان ضرر می‌کنند. می‌دانی نیکان چه کسانی هستند؟ همان کسانی که از خدا می‌ترسند و تقوا دارند.

﴿۱۸۱﴾ ابوبصیر گوید: به امام صادق علیه السلام عرض کردم: «فدایت شوم! آیا شیعیان شما نیز همراه و هم‌درجه‌ای شما هستند؟» فرمود: «آری، وقتی که آنان از خدا بترسند و مراقبت کنند و تقوای الهی داشته و از خدا اطاعت کنند و از گناهان پرهیز کنند و همه‌ی این کارها را انجام دهند، در درجه‌ای که ما هستیم، همراه ما خواهند بود».

﴿۱۸۲﴾ تقوای الهی داشته باشید و از [عقاب] خدا بترسید.

﴿۱۸۳﴾ اگر می‌خواهی خدا تو را دوست بدارد از او بترس و تقوای او پیشه کن.

﴿۱۸۴﴾ در توضیح و تفسیر «إِنَّ لِلْمُتَّقِينَ مَفَازًا» بیان کرد که منظور از «مُتَّقِينَ» در آیه، علی‌بن‌ابی‌طالب علیه السلام سید و سرور پرهیزکاران است، از ارتکاب به فواحش دوری کرده و از نزدیکی به کبائر برحذر بوده است. پاداش او رستگاری و نجات از آتش جهنم است. اوست که در منازل قرب الهی جای می‌گیرد و به نعمت‌های بهشتی متنعم می‌شود.

﴿۱۸۵﴾ ای ابوذر! متّقیان کسانی هستند که از ترس واردشدن در موارد شبهه‌ناک، از چیزهایی که پرهیز از آنها لازم نیست هم پرهیز می‌کنند.

﴿۱۸۶﴾ توشه‌ات را ترس از خداوند و پرهیزکاری قرار بده.

﴿۱۸۷﴾ ای بندگان خدا! شما را به تقوا و پرهیز از خشم خدا توصیه می‌کنم و از کیفر او بر حذر می‌دارم.

۳-۴۶-۱-۱-بییم

﴿۱۸۸﴾ و خداوند فرموده است: «و هر کس تقوای الهی پیشه کند، خداوند راه نجاتی برای او فراهم می‌کند»؛ و امام صادق علیه السلام فرمود: «جاه‌طلبی و بزرگی‌خواهی و نامجویی، در دل شخص ترسان راه نمی‌یابد».

﴿العلاقة بين التقوى والورع﴾

٤-١٠٤-١-النذر

﴿١٨٩﴾ إِنَّا أَرْسَلْنَا نُوحًا إِلَىٰ قَوْمِهِ أَنْ أَنْذِرْ قَوْمَكَ مِنْ قَبْلِ أَنْ يَأْتِيَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ * قَالَ يَا قَوْمِ إِنِّي لَكُمْ نَذِيرٌ مُّبِينٌ * أَنْ اعْبُدُوا اللَّهَ وَاتَّقُوهُ وَأَطِيعُوا نُوْحَ ۖ نُوْحٌ ۢ بَشَرٌ مِّمَّنْ بَنَىٰ الْفُلَ ۚ فَلَمَّا كَمَتْ بِهِ السَّفِينَةُ مَعَ الْمُؤْمِنِينَ وَكَانَ الْمُؤْمِنُونَ لِيَنْفِرُوا كَافَّةً فَلَمَّا نَفَرَ مِنْ كُلِّ فِرْقَةٍ مِنْهُمْ طَائِفَةٌ لِيَتَفَقَّهُوا فِي الدِّينِ وَ لِيُنْذِرُوا قَوْمَهُمْ إِذَا رَجَعُوا إِلَيْهِمْ لَعَلَّهُمْ يَحْذَرُونَ؛ التوبة ١٢٢

﴿١٩١﴾ يَنْزِلُ الْمَلَائِكَةُ بِالرُّوحِ مِنْ أَمْرِ عَلَىٰ مَنْ يَشَاءُ مِنْ عِبَادِهِ أَنْ أَنْذِرُوا أَنَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنَا فَاتَّقُونِ؛

النحل ٢

٢-١-العلاقة بين التقوى والورع

١-٢-١- قرن الورع بالتقوى

﴿١٩٢﴾ أمير المؤمنين عليه السلام: قرن الورع بالتقوى؛ غرر الحكم، ص ٢٦٨

١-٢-٢- نعم رفيق التقوى الورع

﴿١٩٣﴾ أمير المؤمنين عليه السلام: نعم رفيق التقوى الورع [الورع التقوى]؛ غرر الحكم، ص ٢٦٨

١-٢-٣- الورع أساس التقوى

﴿١٩٤﴾ أمير المؤمنين عليه السلام: الورع أساس التقوى؛ غرر الحكم، ص ٢٦٨

١-٢-٤- الورع شعار الأنبياء

﴿١٩٥﴾ أمير المؤمنين عليه السلام: الورع شعار الأنبياء؛ غرر الحكم، ص ٢٦٨

١-٢-٥- الورع من التقوى

﴿١٩٦﴾ الصادق عليه السلام: فإن من التقوى الطاعة والورع والتواضع لله والطمانينة والاجتهاد وال أخذ بأمره والنصيحة لرسله والمصارعة في مرضاته واجتناب ما نهى عنه؛ بحار الأنوار، ج ٢٤، ص ٢٨٦

١-٢-٦- الورع من علامات المتقين

﴿١٩٧﴾ أمير المؤمنين عليه السلام: من علامة أحدهم أنك ترى له قوة في دين و ورعاً في يقين؛

بحار الأنوار، ج ٧٥، ص ٧٣

«رابطه‌ی تقوا و ورع»

۴-۴۶-۱-۱- بیم

﴿۱۸۹﴾ ما نوح را به سوی قومش فرستادیم و گفتیم: «قوم خود را انذار کن پیش از آنکه عذاب دردناک به سراغشان آید!» * گفت: «ای قوم! من برای شما بیم‌دهنده آشکاری هستم، که خدا را پرستش کنید و از مخالفت او بپرهیزید و مرا اطاعت نمایید!

﴿۱۹۰﴾ شایسته نیست مؤمنان همگی (به‌سوی میدان جهاد) کوچ کنند چرا از هر گروهی از آنان، طایفه‌ای کوچ نمی‌کند (و طایفه‌ای در مدینه بماند)، تا در دین (و معارف و احکام اسلام) آگاهی یابند و به هنگام بازگشت به‌سوی قوم خود، آن‌ها را بیم دهند؟! باشد که (از مخالفت فرمان پروردگار) بترسند، و خودداری کنند!

﴿۱۹۱﴾ فرشتگان را با روح (الهی) بفرمائش بر هرکس از بندگان بخواند نازل می‌کند (و به آن‌ها دستور می‌دهد) که مردم را انذار کنید (و بگویید: معبودی جز من نیست از (مخالفت دستور) من، بپرهیزید!

۲-۱-۲- رابطه‌ی تقوا و ورع

۱-۲-۱- ورع، هم‌نشین تقواست

﴿۱۹۲﴾ ورع، هم‌نشین تقواست.

۲-۲-۲- ورع همراه خوبی برای تقواست

﴿۱۹۳﴾ ورع و پرهیزکاری، رفیق و همراه خوبی برای تقواست.

۳-۲-۱- ورع اساس تقواست

﴿۱۹۴﴾ ورع و پارسایی اساس تقواست.

۴-۲-۱- ورع شعار اهل تقواست

﴿۱۹۵﴾ ورع شعار اهل تقواست.

۵-۲-۱- ورع از تقواست

﴿۱۹۶﴾ ورع و تواضع برای خدا و آرامش و کوشش و مطیع‌بودن و خیرخواهی برای فرستادگان خدا و سرعت در کارهای نیک و پرهیز از گناهان، از تقوا محسوب می‌شود.

۶-۲-۱- ورع از نشانه‌های اهل تقواست

﴿۱۹۷﴾ از نشانه‌های [مُتَّقین] یکی از ایشان این است که در او قدرتی در دین و پرهیزکاری در یقین می‌بینی.

«الْعَلَاقَةُ بَيْنَ التَّقْوَى وَالْوَرَعِ»

٧-٢-١- كُنْ تَقِيًّا تَكُنْ أَوْرَعًا النَّاسِ

﴿١٩٨﴾ الرَّسُولُ ﷺ: كُنْ تَقِيًّا تَكُنْ أَوْرَعًا النَّاسِ؛ مستدرک الوسائل، ج ١١، ص ١٧٥

٨-٢-١- كَثْرَةُ التَّقَى عُنْوَانُ وَفُورِ الْوَرَعِ

﴿١٩٩﴾ أمير المؤمنين عليه السلام: كَثْرَةُ التَّقَى عُنْوَانُ وَفُورِ الْوَرَعِ؛ غرر الحكم، ص ٢٦٨

٩-٢-١- الْوَرَعُ التَّقِيُّ

﴿٢٠٠﴾ الحسين عليه السلام: يَا مُعَاوِيَةَ سَمِعْتَ مَقَالََةَ السَّقِيهِ الْجَاهِلِ وَأَخَفْتَ الْوَرَعَ التَّقِيَّ لِأَجْلِهِمْ؛

بحار الأنوار، ج ٤٤، ص ٢١٤

١٠-٢-١- وَرَعٌ تَقِيٌّ

﴿٢٠١﴾ الْأَئِمَّةُ عَلَيْهِمُ السَّلَامَةُ: أَنَّ رَجُلًا مِنْ بَنِي إِسْرَائِيلَ قَالَ لَأَعْبُدَنَّ اللَّهَ عِبَادَةً أَذْكُرُ بِهَا فَمَكَثَ مُدَّةً

مُبَالِغًا فِي الطَّاعَاتِ وَجَعَلَ لَا يَمُرُّ بِمَلَأٍ مِنَ النَّاسِ إِلَّا قَالُوا مَتَّصِعُ مُرَاءٍ فَأَقْبَلَ عَلَى نَفْسِهِ وَقَالَ قَدْ أَتَعَبْتُ نَفْسَكَ وَضَيَعْتَ عُمْرَكَ فِي لَا شَيْءٍ فَيَنْبَغِي أَنْ تَعْمَلَ لِلَّهِ سُبْحَانَهُ فَعَيَّرَ نِيَّتَهُ وَأَخْلَصَ

عَمَلَهُ لِلَّهِ فَجَعَلَ لَا يَمُرُّ بِمَلَأٍ مِنَ النَّاسِ إِلَّا قَالُوا وَرَعٌ تَقِيٌّ؛ بحار الأنوار، ج ٤٩، ص ٣٠٤

١١-٢-١- الْوَرَعُ وَالتَّقَى؛ التَّقَى وَالْوَرَعُ

﴿٢٠٢﴾ أمير المؤمنين عليه السلام: زَادَ الْمَرْءُ [الْمُؤْمِنَ] إِلَى الْآخِرَةِ الْوَرَعَ وَالتَّقَى؛ غرر الحكم، ص ١٥٠

﴿٢٠٣﴾ أمير المؤمنين عليه السلام: إِنَّمَا الْعَالَمُ مَنْ دَعَاهُ عِلْمُهُ إِلَى الْوَرَعِ وَالتَّقَى وَ الزُّهْدِ فِي عَالَمِ الْفَنَاءِ

وَالْتَوَكَّلَ بِجَنَّةِ الْمَأْوَى؛ غرر الحكم، ص ٤٨

﴿٢٠٤﴾ الصَّادِقُ عَلَيْهِ السَّلَامَةُ: لَا تُطْلِعُوا هَذَا الدُّعَاءَ وَالتَّسْبِيحَ إِلَّا مَنْ اجْتَمَعَتْ فِيهِ خَمْسَةُ خِصَالٍ

الْهُدَى وَالتَّقَى وَالْوَرَعَ وَالصِّيَانَةَ وَ الزُّهْدَ وَ لَا تُعَلِّمُوهَا سَفَهَاءَ كُمْ؛ بحار الأنوار، ج ٩٢، ص ٢٤١

﴿٢٠٥﴾ أمير المؤمنين عليه السلام: خَيْرُ الْأَخْلَاقِ أَعُوذُهَا عَلَى التَّقَى وَالْوَرَعِ؛ شرح نهج البلاغة، ج ٢٠، ص ٢٧٦

﴿٢٠٦﴾ الصَّادِقُ عَلَيْهِ السَّلَامَةُ: ارْزُقْنِي عِلْمًا نَافِعًا وَ يَقِينًا صَادِقًا وَ تَقَى وَ بَرًّا وَ وَرَعًا وَ خَوْفًا مِنْكَ؛

الكافي، ج ٢، ص ٥٨٣

﴿٢٠٧﴾ الصَّادِقُ عَلَيْهِ السَّلَامَةُ: عَنْ أَبِي أُسَامَةَ قَالَ سَمِعْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ ﷺ يَقُولُ عَلَيْكَ بِتَقْوَى اللَّهِ وَ

الْوَرَعِ؛ الكافي، ج ٢، ص ٧٧

﴿٢٠٨﴾ الصَّادِقُ عَلَيْهِ السَّلَامَةُ: أُوصِيكَ بِتَقْوَى اللَّهِ وَ الْوَرَعِ وَ الْاجْتِهَادِ؛ الكافي، ج ٢، ص ٧٦

«رابطه‌ی تقوا و ورع»

۷-۲-۱- با تقوا باشی تا باورع‌ترین مردم باشی

﴿۱۹۸﴾ با تقوا باش تا از باورع‌ترین مردم باشی.

۸-۲-۱- فراوانی تقوا نشانه‌ی فراوانی ورع است

﴿۱۹۹﴾ کثرت تقوا نماد و نشانه‌ی فراوانی ورع است.

۹-۲-۱- اهل ورع پرهیزکار

﴿۲۰۰﴾ ای معاویه! گوش به سخن شخص سفیه و نادان می‌دهی و افراد پرهیزکار را به خاطر

این گونه تبه‌کاران دچار ترس می‌کنی.

۱۰-۲-۱- اهل ورع پرهیزکار

﴿۲۰۱﴾ مردی در بنی اسرائیل گفت: «من خداوند را چنان عبادت می‌کنم که همواره نام من

باقی بماند». او مدّتی به جدّیت مشغول عبادت شد، از هر اجتماعی که می‌گذشت مردم به او

می‌گفتند این شخص ظاهر‌ساز و ریاکار می‌باشد. روزی به خود آمد و گفت: «تو خود را خسته

کردی و عمرت را ضایع ساختی، اینک باید کاری کنی که بعد از این برای خداوند عمل نمایی».

نیت او تغییر کرد و عملش خالص شد و برای خدا کار کرد، او بعد از این از کنار هر گروهی از

مردم که عبور می‌کرد، می‌گفتند: «او متقی و پرهیزکار می‌باشد».

۱۱-۲-۱- ورع و تقوا؛ تقوا و ورع

﴿۲۰۲﴾ توشه‌ی فرد (مؤمن) برای آخرت، ورع و تقوا است.

﴿۲۰۳﴾ عالم به کسی می‌گویند که علمش او را به سمت ورع و تقوا و زهد در دنیای فانی و

سرگشتگی به بهشت سوق دهد.

﴿۲۰۴﴾ کسی را بر این دعا و تسبیح آگاه نکنید مگر این که پنج خصلت را داشته باشد

هدایت، تقوا، ورع، امانت‌داری و زهد و آن را به کم خردان نیاموزید.

﴿۲۰۵﴾ بهترین اخلاق آن است که بیشترین کمک را برای تقوا و ورع داشته باشد.

﴿۲۰۶﴾ به من علم نافع و یقینی درست و تقوا و نیکی و ورع و ترس از خودت عطا کن.

﴿۲۰۷﴾ ابواسامه گوید: شنیدم که امام صادق علیه السلام می‌فرمود: بر تو باد تو که تقوا و زهد الهی

داشته باشی.

﴿۲۰۸﴾ تو را به ترس از خدا و پارسایی و کوشایی سفارش می‌کنم.

«العلاقة بين التقوى والورع»

﴿٢٠٩﴾ الصادق عليه السلام: عن ابن أسامة عن أبي عبد الله عليه السلام قال أقرئ من ترى أنه يطيعني و يأخذ بقولي منهم السلام و أوصيهم بتقوى الله و الورع في دينهم و الاجتهاد لله؛ بحار الأنوار، ج ٨٢، ص ١٦٦

﴿٢١٠﴾ الصادق عليه السلام: عليكم بتقوى الله و الورع و الاجتهاد؛ وسائل الشيعة، ج ١٢، ص ٨

﴿٢١١﴾ الصادق عليه السلام: عليك بتقوى الله و الورع و الاجتهاد؛ الكافي، ج ٢، ص ٧٧

﴿٢١٢﴾ الصادق عليه السلام: أوصيهم بتقوى الله و الورع في دينهم؛ مشكاة الأنوار، ص ٦٤

﴿٢١٣﴾ الصادق عليه السلام: أوصيكم بتقوى الله عز و جل و الورع في دينكم؛ الكافي، ج ٢، ص ٦٣٦

﴿٢١٤﴾ الباقر عليه السلام: و الله ما نال شفاعتنا إلا بالتقوى و الورع و العمل الصالح و الجد و

الاجتهاد؛ أعلام الدين، ص ١٤٣

﴿٢١٥﴾ أمير المؤمنين عليه السلام: منح الإيمان التقوى و الورع و هما من أفعال القلوب و أحسن

أفعال الجوارح ألا تزال مألنا فاك بذكر الله سبحانه؛ شرح نهج البلاغة، ج ٢٠، ص ٣٤٧

﴿٢١٦﴾ الصادق عليه السلام: أوصيك بتقوى الله و الورع؛ بشارة المصطفى، ص ٢٢٢

١-٢-١٢- اتقوا الله؛ عليكم بالورع

﴿٢١٧﴾ الصادق عليه السلام: قال اتقوا الله اتقوا الله اتقوا الله عليكم بالورع؛ بحار الأنوار، ج ٦٦، ص ٣

١-٢-١٣- فاتقوا الله و أعينوا على ذلك بورع

﴿٢١٨﴾ الباقر عليه السلام: ما بين أحدكم و بين أن يرى ما تقر به عينه إلا أن تبلغ نفسه هاهنا و

أوماً بيده إلى حنجرته و قال فاتقوا الله و أعينوا على ذلك بورع؛ بحار الأنوار، ج ٦٦، ص ١٨٩

﴿٢١٩﴾ الصادق عليه السلام: فاتقوا الله و أعينونا بالورع؛ مستدرک الوسائل، ج ١، ص ١٧٣

١-٢-١٤- اتقى الله و اعتصم بحبال الورع

﴿٢٢٠﴾ الصادق عليه السلام: ليس الشأن في الأخذ و الإعطاء و لكن الناجي من اتقى الله في الأخذ

و الإعطاء و اعتصم بحبال الورع؛ مستدرک الوسائل، ج ١٣، ص ٢٩٣

١-٢-١٥- اتقيت المحرمات و تورعت عن الشبهات

﴿٢٢١﴾ أمير المؤمنين عليه السلام: إذا اتقيت المحرمات و تورعت عن الشبهات و أدت المفروضات

و تنفلت بالنوافل فقد أكملت في الدين الفضائل؛ مستدرک الوسائل، ج ١٧، ص ٣٢٤

«رابطه‌ی تقوا و ورع»

﴿۲۰۹﴾ ابو أسامه گوید: امام صادق علیه السلام فرمود: «به کسانی که می‌بینی از من پیروی می‌کنند و به گفتار من عمل می‌کنند، سلام مرا برسان و سفارش کن که نسبت به خدای متعال تقوا داشته باشند و در این راه پارسا باشند و در راه خدا کوشش کنند».

﴿۲۱۰﴾ شما را به تقوا و ورع و تلاش توصیه می‌کنم.

﴿۲۱۱﴾ بر شما باد به رعایت تقوای الهی و ورع و جدّ و جهد.

﴿۲۱۲﴾ آن‌ها (دوست‌دارانم) را به تقوای الهی و مراعات ورع در دینشان توصیه کن.

﴿۲۱۳﴾ شما را به تقوای خداوند متعال و ورع در دینتان توصیه می‌کنم.

﴿۲۱۴﴾ به خداوند قسم! تنها با تقوا و ورع و عمل صالح و تلاش و کوشش می‌توان به شفاعت ما رسید.

﴿۲۱۵﴾ مغز ایمان، تقوا و ورع است و این دو از کارهای قلب است. بهترین کار در کارهای اندام تنّت، این است که پیوسته دهانت به یاد خداوند سبحان مشغول باشد.

﴿۲۱۶﴾ شما را به تقوای الهی و ورع سفارش می‌کنم.

۱۲-۲-۱- از خدا پروا کنید؛ بر شما باد به ورع

﴿۲۱۷﴾ از خدا پروا کنید، از خدا پروا کنید، از خدا پروا کنید. بر شما باد به ورع و دوری از گناه.

۱۳-۲-۱- تقوا پیشه کنید و ما را با ورع‌داشتن کمک کنید

﴿۲۱۸﴾ فاصله بین شما و بین اینکه از آینده خود شاد و خرم شوید، به همین است که جانتان به اینجا برسد، [و با دست اشاره به حلق خود کرد،] و فرمود: تقوا پیشه کنید و ما را با ورع‌داشتن کمک کنید..

﴿۲۱۹﴾ تقوا پیشه کنید و ما را با ورع‌داشتن کمک کنید.

۱۴-۲-۱- تقوا پیشه کند و به ریسمان ورع چنگ بزند

﴿۲۲۰﴾ پس تنها بخشیدن و گرفتن ارزشی ندارد و کسی نجات می‌یابد که در بخشیدن و گرفتن، خدا را در نظر بگیرد و تقوا پیشه کند و به ریسمان ورع چنگ بزند.

۱۵-۲-۱- در محرّمات تقوا پیشه کن و در شبهات ورع داشته باشی

﴿۲۲۱﴾ وقتی در محرّمات تقوا پیشه کنی و در شبهات ورع داشته باشی و واجبات را ادا کرده و مستحبّات را انجام دهی، فضائل دینت را کامل کرده‌ای.

﴿تفسير التقوى والورع﴾

١٦-٢-١- الورع أحسن اللباس والتقوى خير الذخر

﴿٢٢٢﴾ أمير المؤمنين عليه السلام: أحسن اللباس الورع وخير الذخر التقوى؛ غررالحكم، ص ٢٧٠

١٧-٢-١- صيانة الدين بالورع وقوة التقى

﴿٢٢٣﴾ الصادق عليه السلام: صونوا دينكم بالورع وقوة التقى؛ ثواب الأعمال، ص ٢٤٦

١٨-٢-١- حسن التقوى وصدق الورع

﴿٢٢٤﴾ أمير المؤمنين عليه السلام: يستدل على دين الرجل بحسن تقواه وصدق ورعه؛ غررالحكم، ص ٢٧١

١٩-٢-١- ورع الأتقياء

﴿٢٢٥﴾ أمير المؤمنين عليه السلام: عند حضور الشهورات واللذات يتبين ورع الأتقياء؛

مستدرک الوسائل، ج ١١، ص ٣٤٦

٢٠-٢-١- يتورع عن محارم الله ويتقى الشبهات

﴿٢٢٦﴾ الصادق عليه السلام: عن فضيل بن عياض قال: ... سأله عن الورع من الناس قال الذي يتورع

عن محارم الله عز وجل ويجنب هؤلاء وإذا لم يتق الشبهات وقع في الحرام وهو لا يعرفه وإذا رأى المنكر فلم ينكره وهو يقدر عليه؛ الكافي، ج ٥، ص ١٠٨

٢١-٢-١- يفسد الطمع الورع والفجور التقوى

﴿٢٢٧﴾ أمير المؤمنين عليه السلام: يفسد الطمع الورع والفجور التقوى؛ غررالحكم، ص ٢٧٢

٣-١- تفسير التقوى والورع

١-٣-١- أن لا يفقدك الله حيث أمرك ولا يراك حيث نهاك

﴿٢٢٨﴾ الصادق عليه السلام: سئل الصادق عليه السلام عن تفسير التقوى فقال أن لا يفقدك الله حيث

أمرك ولا يراك حيث نهاك؛ بحار الأنوار، ج ٦٧، ص ٢٨٥

٢-٣-١- إياك أن يراك الله تعالى عند معصيته أو يفقدك عند طاعته

﴿٢٢٩﴾ أمير المؤمنين عليه السلام: فهذا ما فرض الله تبارك وتعالى على جوارحك فاتق الله يا بني

واستعملها بطاعته ورضوانه وإياك أن يراك الله تعالى عند معصيته أو يفقدك عند طاعته؛

من لا يحضره الفقيه، ج ٢، ص ٦٢٨

٣-٣-١- ترك ما ليس بأخذه بأس حذراً عما به بأس

﴿٢٥٦﴾

«تفسیر تقوا و ورع»

۱۶-۲-۱- ورع بهترین لباس، و تقوا بهترین توشه

«۲۲۲» بهترین لباس، ورع [و پارسایی] و بهترین توشه تقواست.

۱۷-۲-۱- حفاظت از دین با ورع و نیروی تقوا

«۲۲۳» به کمک ورع و نیروی تقوا از دینتان حفاظت کنید.

۱۸-۲-۱- تقوای خوب، ورع صادقانه

«۲۲۴» با تقوای خوب و راستی و ورع فرد، به دین‌داری او می‌توان استدلال کرد.

۱۹-۲-۱- ورع متقین

«۲۲۵» میزان ورع افراد هنگام حضور شهوت‌ها و لذت‌ها، آشکار می‌گردد.

۲۰-۲-۱- ورع از محرّمات و تقوا از شبهات

«۲۲۶» فضیل بن عیاض گوید:... از امام علیه السلام در مورد پرهیزکارترین مردم سؤال کردم فرمود: «یعنی کسی که از محرّمات الهی پرهیز و از آنان دوری کند. اگر کسی از شبهات پرهیز نکند و وقتی امر منکری را می‌بیند با آنکه قدرتش را دارد [تا آن را منکر اعلام و با آن مقابله کند]، آن را منکر نشمارد، بدون آنکه متوجّه شود، حتماً به حرام خواهد افتاد.

۲۱-۲-۱- طمع، ورع را فاسد می‌کند و گناه، تقوا را

«۲۲۷» طمع، ورع را فاسد می‌کند و گناه، تقوا را نابود می‌کند.

۳-۱- تفسیر تقوا و ورع

۱-۳-۱- اینکه خداوند تو را در کنار دستورها حاضر ببیند و در موارد نهی، تو را نبیند

«۲۲۸» درباره‌ی معنای تقوا از امام صادق علیه السلام سؤال شد. فرمود: «تقوا یعنی اینکه خداوند تو را در کنار دستورها و اوامر خود حاضر و آماده ببیند و در موارد نهی و محرّمات، تو را نبیند».

۲-۳-۱- مبدا خدا تو را در حال نافرمانی ببیند یا در جایی که باید اطاعتش کنی، تو را نیابد

«۲۲۹» این مطالب، چیزهایی است که خداوند تبارک و تعالی بر اعضا و جوارح تو واجب کرده؛ پس ای فرزند عزیزم! برای اطاعت و کسب رضایت خدا، این دستورات را به کار گیر؛ مبدا خدا تو را در حال انجام معصیتش ببیند یا در جایی که باید اطاعتش کنی، تو را نیابد.

۳-۳-۱- ترک آنچه بی‌اشکال است که مبدا به حرام منجر شود

﴿وُضُوحُ التَّقْوَى وَ سُهُولَتُهُ﴾

﴿٢٣٠﴾ الصادق عليه السلام: تَفْسِيرُ التَّقْوَى تَرَكُ مَا لَيْسَ بِأَخْذِهِ بِأَسْ حَذَرًا عَمَّا بِهِ بَأْسٌ وَهُوَ فِي الْحَقِيقَةِ طَاعَةٌ وَ ذِكْرُ بَلَا نِسْيَانٍ وَ عِلْمٌ بَلَا جَهْلٍ مَقْبُولٌ غَيْرُ مَرْدُودٍ؛ بحار الأنوار، ج ٦٧، ص ٢٩٥
١-٣-٤- أَفْضَلُ الْوَرَعِ أَنْ لَا تُبْدِيَ فِي خُلُوتِكَ مَا تَسْتَحْيِي مِنْ إِظْهَارِهِ فِي عِلَانِيَتِكَ

﴿٢٣١﴾ أمير المؤمنين عليه السلام: مِنْ أَفْضَلِ الْوَرَعِ أَنْ لَا تُبْدِيَ فِي خُلُوتِكَ مَا تَسْتَحْيِي مِنْ إِظْهَارِهِ فِي عِلَانِيَتِكَ؛ غرر الحكم، ص ٢٧٤

١-٣-٥- تَمَامُ التَّقْوَى أَنْ تَتَعَلَّمَ مَا جَهِلْتَ وَ تَعْمَلَ بِمَا عَلِمْتَ

﴿٢٣٢﴾ الرسول صلى الله عليه وآله: تَمَامُ التَّقْوَى أَنْ تَتَعَلَّمَ مَا جَهِلْتَ وَ تَعْمَلَ بِمَا عَلِمْتَ؛ مجموعة ورام، ج ٢، ص ١١٩
١-٣-٤- جَمَاعُ التَّقْوَى الْعَدْلُ وَالْإِحْسَانُ

﴿٢٣٣﴾ الرسول صلى الله عليه وآله: جَمَاعُ التَّقْوَى فِي قَوْلِهِ تَعَالَى إِنَّ اللَّهَ يَأْمُرُ بِالْعَدْلِ وَالْإِحْسَانِ؛ مستدرک الوسائل، ج ١١، ص ٢٦٦

١-٤- وضوح التقوى و سهولته

١-٤-١- مَسْلُكُهَا وَاضِحٌ

﴿٢٣٤﴾ أمير المؤمنين عليه السلام: فَإِنَّ التَّقْوَى ... مَسْلُكُهَا وَاضِحٌ وَ سَالِكُهَا رَاجِعٌ وَ مُسْتَوْدَعُهَا حَافِظٌ؛

نهج البلاغة، ص ٢٨٤

١-٤-٢- أَهْوَنُ

﴿٢٣٥﴾ أمير المؤمنين عليه السلام: أَيُّهَا النَّاسُ اتَّقُوا اللَّهَ فَإِنَّ الصَّبْرَ عَلَى التَّقْوَى أَهْوَنُ مِنَ الصَّبْرِ عَلَى

عَذَابِ اللَّهِ؛ بحار الأنوار، ج ٧٥، ص ٥٩

١-٤-٣- مَا شَيْءٌ أَهْوَنُ مِنْ وَرَعٍ

﴿٢٣٦﴾ أمير المؤمنين عليه السلام: مَا شَيْءٌ أَهْوَنُ مِنْ وَرَعٍ وَإِذَا رَأَيْتَكَ أَمْرٌ فَدَعَهُ؛ شرح نهج البلاغة،

ج ٢٠، ص ٢٨٨

١-٤-٤- مَطَايَا ذُلُّ

﴿٢٣٧﴾ أمير المؤمنين عليه السلام: أَلَا وَ إِنَّ التَّقْوَى مَطَايَا ذُلُّ حُمِلَ عَلَيْهَا أَهْلُهَا وَ أُعْطُوا أَزْمَتُهَا

فَأُورِدَتْهُمْ الْجَنَّةُ وَ فُتِحَتْ لَهُمْ أَبْوَابُهَا وَ جَدُّوا رِيحَهَا وَ طَيِّبَهَا وَ قِيلَ لَهُمْ ادْخُلُوهَا بِسَلَامٍ آمِينَ؛

الكافي، ج ٨، ص ٦٧

«روشنی و آسانی تقوا»

﴿۲۳۰﴾ تفسیر تقوا چنین است که انسان آن چه را بی‌اشکال است نیز ترک کند که مبدا به حرام منجر شود که این در واقع اطاعت است و یاد دائم و بدون فراموشی حق و نیز آگاهی بدون جهالت که عمل بر مبنای آن مقبول است و مردود نیست.

۱-۳-۴- بهترین ورع این است که آنچه را از اظهارش در آشکار حیا می‌کنی، در خلوت آشکار نکنی

﴿۲۳۱﴾ از برترین نشانه‌های ورع این است که آنچه را از اظهارش در آشکار حیا می‌کنی، در خلوت آشکار نکنی.

۱-۳-۵- تمام تقوا همین است که آنچه نمی‌دانی بیاموزی و آنچه آموختی عمل کنی

﴿۲۳۲﴾ تمام تقوا همین است که آنچه نمی‌دانی بیاموزی و آنچه آموختی عمل کنی.

۱-۳-۶- همه‌ی تقوا عدل و احسان است

﴿۲۳۳﴾ همه‌ی تقوا در این فرموده‌ی خداوند آمده است: «خداوند به عدل و احسان فرمان می‌دهد».

۱-۴-۱- روشنی و آسانی تقوا

۱-۴-۱- راهش روشن است

﴿۲۳۴﴾ راه تقوا روشن، و رونده‌ی آن بهرمند، و امانت‌دارش خدا، که حافظ آن خواهد بود.

۱-۴-۲- آسان‌ترین

﴿۲۳۵﴾ ای مردم! رعایت تقوای الهی را نمایند، زیرا صبر و پایداری در امر پرهیزکاری، آسان‌تر از تحمل عذاب الهی است.

۱-۴-۳- هیچ چیز آسان‌تر از ورع نیست

﴿۲۳۶﴾ چیزی ساده‌تر از ورع نیست، هرگاه کاری تو را به شک انداخت، آن کار را رها کن.

۱-۴-۴- مرکب رهوار

﴿۲۳۷﴾ آگاه باش که تقوا مانند مرکب‌های رامی است که سوارکاران مخصوص دارد و لجام در اختیار آن‌ها است و به بهشت رهسپار می‌شوند. تا جایی که درب‌های بهشت برای آنان باز شده و رایحه و بوی بهشت را استشمام می‌کنند و به آنان گفته می‌شود: «داخل این باغ‌ها شوید با سلامت و امنیّت!».

﴿تَعْرِيفُ التَّقْوَى وَ تَمْثِيلُهُ﴾

﴿٢٣٨﴾ أمير المؤمنين عليه السلام: أَلَا وَإِنَّ التَّقْوَى مَطَابَا ذُلُّ حُمِلَ عَلَيْهَا أَهْلُهَا فَسَارَتْ بِهِمْ تَأْوُدًا حَتَّى إِذَا جَاءُوا ظِلًّا ظَلِيلًا؛ بحار الأنوار، ج ٣٢، ص ١٤
١-٤-٥- لم يُشَدِّدْ عَلَيْكَ

﴿٢٣٩﴾ أمير المؤمنين عليه السلام: لَمْ يُشَدِّدْ عَلَيْكَ فِي التَّوْبَةِ فَجَعَلَ تَوْبَتَكَ التَّوَرُّعَ عَنِ الذَّنْبِ؛ بحار الأنوار، ج ٧٤، ص ٢٠٥
١-٥- تَعْرِيفُ التَّقْوَى وَ تَمْثِيلُهُ
١-٥-١- التَّجَارَةُ، الزَّرَاعَةُ
١-٥-١-١- التَّجَارَةُ

﴿٢٤٠﴾ لقمان عليه السلام: عَلَيْكَ بِالتَّقْوَى فَإِنَّهُ أَرْبَحُ التَّجَارَاتِ؛ إرشاد القلوب، ج ١، ص ٧٢
﴿٢٤١﴾ لقمان عليه السلام: يَا بُنَيَّ اتَّخِذْ تَقْوَى اللَّهِ تِجَارَةً تَأْتِيكَ الْأَرْبَاحُ مِنْ غَيْرِ بَضَاعَةٍ؛ مجموعة ورام، ج ٢، ص ٢٣١
١-٥-١-٢- الزَّرَاعَةُ

﴿٢٤٢﴾ أمير المؤمنين عليه السلام: التَّقْوَى أَرْكَى زِرَاعَةٍ؛ غرر الحكم، ص ٢٤٨
١-٥-٢- الْجَنَّةُ، الْحَرَزُ، الْحِصْنُ، الْعِصْمَةُ، السَّفِينَةُ
١-٥-٢-١- الْجَنَّةُ
﴿٢٤٣﴾ أمير المؤمنين عليه السلام: فَإِنَّ التَّقْوَى فِي الْيَوْمِ الْحَرَزُ وَالْجَنَّةُ وَ فِي غَدِ الطَّرِيقُ إِلَى الْجَنَّةِ؛ نهج البلاغة، ص ٢٨٤

﴿٢٤٤﴾ أمير المؤمنين عليه السلام: أَوْفَى جُنَّةِ التَّقْوَى؛ غرر الحكم، ص ٢٧٢
﴿٢٤٥﴾ أمير المؤمنين عليه السلام: التَّقْوَى أَكْدُ سَبَبٍ بَيْنَكَ وَ بَيْنَ اللَّهِ إِنْ أَخَذْتَ بِهِ وَ جُنَّةٌ مِنْ عَذَابِ آلِيمٍ؛ غرر الحكم، ص ٢٧٠
﴿٢٤٦﴾ أمير المؤمنين عليه السلام: وَ الْجَنُّوا إِلَى التَّقْوَى فَإِنَّهُ [فَإِنَّهَا] جُنَّةٌ مَنِعَةٌ مَنْ لَجَأَ إِلَيْهَا حَسَنَتُهُ وَ مَنْ اعْتَصَمَ بِهَا عَصَمَتْهُ؛ غرر الحكم، ص ٢٧٠
﴿٢٤٧﴾ أمير المؤمنين عليه السلام: الْوَرَعُ جُنَّةٌ مِنَ السَّيِّئَاتِ؛ غرر الحكم، ص ٢٧٠
﴿٢٤٨﴾ أمير المؤمنين عليه السلام: الْوَرَعُ جُنَّةٌ؛ نهج البلاغة، ص ٤٦٩
١-٥-٢-٢- الْحَرَزُ
﴿٢٤٩﴾ أمير المؤمنين عليه السلام: فَإِنَّ التَّقْوَى فِي الْيَوْمِ الْحَرَزُ وَالْجَنَّةُ وَ فِي غَدِ الطَّرِيقُ إِلَى الْجَنَّةِ؛ نهج البلاغة، ص ٢٨٤

«تعریف تقوا و تمثیل آن»

﴿۲۳۸﴾ آگاه باش که تقوا همانند مرکب رام است که اهل تقوا بر آن سوار شده و به وادی آسایش و هدایت رهنمون می‌شوند.

۵-۴-۱- بر تو سخت نمی‌گیرد

﴿۲۳۹﴾ بر تو در توبه سخت نمی‌گیرد و توبه‌ی تو را پرهیز از گناهان قرار می‌دهد.

۵-۱- تعریف تقوا و تمثیل آن

۱-۵-۱- تجارت، زراعت

۱-۵-۱-۱- تجارت

﴿۲۴۰﴾ اهل تقوا باش که تقوا پرسودترین تجارت است.

﴿۲۴۱﴾ ای پسر! تقوای خدا را تجارت خود قرار بده درحالی‌که هیچ کالایی نداشته‌ی، سود و

منفعت می‌بری.

۲-۱-۵-۱- زراعت

﴿۲۴۲﴾ تقوا پاکیزه‌ترین کشت و زراعت است [و بهترین ثمره را دارد].

۲-۵-۱- سپر، محافظ، قلعه، کشتی، پناهگاه

۱-۵-۲-۱- سپر

﴿۲۴۳﴾ به‌درستی‌که پرهیزکاری امروز حرز و سپر است و فردا راهی به‌سوی بهشت است.

﴿۲۴۴﴾ تقوا کاراترین سپر است.

﴿۲۴۵﴾ اگر از تقوا بهره‌گیری، میان تو و خدا را محکم می‌کند و سپر تو از عذاب دردناک

می‌گردد.

﴿۲۴۶﴾ به تقوا پناه ببرد که سپری مستحکم است و هر که به آن رو کرد نیکویش گرداند و

هر که به آن پناه برد، پناهِش داد.

﴿۲۴۷﴾ ورع، سپری در برابر گناهان است.

﴿۲۴۸﴾ پاکدامنی سپر است.

۲-۵-۲-۲- محافظ

﴿۲۴۹﴾ به‌درستی‌که پرهیزکاری امروز حرز و سپر است و فردا راهی به‌سوی بهشت است.

﴿تَعْرِيفُ التَّقْوَى وَ تَمْثِيلُهُ﴾

﴿٢٥٠﴾ أمير المؤمنين عليه السلام: التَّقْوَى أَوْفَقُ [أَوْثَقُ] حِصْنٍ وَأَوْفَى [أَوْفَى] حِرْزٍ؛ غررالحكم، ص ٢٧٠

٣-٢-٥-١- الحِصْنُ

﴿٢٥١﴾ أمير المؤمنين عليه السلام: أَمْنَعُ حُصُونِ الدِّينِ التَّقْوَى؛ غررالحكم، ص ٢٧٠

﴿٢٥٢﴾ أمير المؤمنين عليه السلام: اَعْلَمُوا عِبَادَ اللَّهِ أَنَّ التَّقْوَى دَارُ حِصْنٍ عَزِيزٍ وَالْفُجُورَ دَارُ حِصْنٍ

ذَلِيلٍ؛ نهج البلاغة، ص ٢٢١

﴿٢٥٣﴾ أمير المؤمنين عليه السلام: التَّقْوَى حِصْنٌ حَصِينٌ لِمَنْ لَجَأَ إِلَيْهِ؛ غررالحكم، ص ٢٧٠

﴿٢٥٤﴾ أمير المؤمنين عليه السلام: اَعْلَمُوا عِبَادَ اللَّهِ أَنَّ التَّقْوَى حِصْنٌ حَصِينٌ وَالْفُجُورَ حِصْنٌ ذَلِيلٌ لَا

يَمْنَعُ أَهْلَهُ وَلَا يُخْرِزُ مَنْ لَجَأَ إِلَيْهِ؛ بحار الأنوار، ج ٧٥، ص ٦٢

﴿٢٥٥﴾ أمير المؤمنين عليه السلام: التَّقْوَى أَوْفَقُ [أَوْثَقُ] حِصْنٍ وَأَوْفَى [أَوْفَى] حِرْزٍ؛ غررالحكم، ص ٢٧٠

﴿٢٥٦﴾ أمير المؤمنين عليه السلام: لَا حِصْنَ أَمْنَعُ مِنَ التَّقْوَى؛ غررالحكم، ص ٢٧٠

٤-٢-٥-١- الْعِتَادُ

﴿٢٥٧﴾ أمير المؤمنين عليه السلام: عَلَيْكُمْ بِالتَّقْوَى فَإِنَّهُ خَيْرُ زَادٍ وَأَحْزَرُ عِتَادٍ؛ غررالحكم، ص ٢٧٢

٥-٢-٥-١- الْعِصْمَةُ

﴿٢٥٨﴾ أمير المؤمنين عليه السلام: اَعْلَمُوا أَنَّ مَلَكَ أَمْرِكُمُ الدِّينُ وَعِصْمَتُكُمُ التَّقْوَى؛ بحار الأنوار،

ج ٣٤، ص ٣٤٦

٦-٢-٥-١- الْمَعْقِلُ

﴿٢٥٩﴾ أمير المؤمنين عليه السلام: لَا مَعْقِلَ أَحْسَنُ مِنَ الْوَرَعِ؛ نهج البلاغة، ص ٥٤٠

﴿٢٦٠﴾ أمير المؤمنين عليه السلام: لَا مَعْقِلَ أَحْزَرُ مِنَ الْوَرَعِ؛ بحار الأنوار، ج ٧٤، ص ٢٣٨

٧-٢-٥-١- السَّفِينَةُ

﴿٢٦١﴾ حديث قدسي: إِنَّ الْوَرَعَ مِثْلُهُ كَمِثْلِ السَّفِينَةِ كَمَا أَنَّ فِي الْبَحْرِ لَا يَنْجُو إِلَّا مَنْ كَانَ فِيهَا

كَذَلِكَ لَا يَنْجُو الزَّاهِدُونَ إِلَّا بِالْوَرَعِ؛ بحار الأنوار، ج ٧٤، ص ٢٦

﴿٢٦٢﴾ لقمان عليه السلام: يَا بُنَيَّ إِنَّ الدُّنْيَا بَحْرٌ عَمِيقٌ قَدْ غَرِقَ فِيهَا عَالَمٌ كَثِيرٌ فَلْتَكُنْ سَفِينَتَكَ فِيهَا

تَقْوَى اللَّهِ؛ الكافي، ج ١، ص ١٥

٨-٢-٥-١- الْمَعَادُ

﴿٢٦٣﴾ أمير المؤمنين عليه السلام: أَوْصِيَكُمْ عِبَادَ اللَّهِ بِتَقْوَى اللَّهِ الَّتِي هِيَ الزَّادُ وَبِهَا الْمَعَادُ زَادٌ مُبْلَغٌ وَ

مَعَادٌ مُنْجٍ؛ نهج البلاغة، ص ١٦٩

«تعریف تقوا و تمثیل آن»

﴿۲۵۰﴾ تقوا، قابل اعتمادترین قلعه و وفادارترین پناهگاه است.

۳-۲-۵-۱- قلعه

﴿۲۵۱﴾ مستحکم‌ترین قلعه در دین، تقواست.

﴿۲۵۲﴾ ای بندگان خدا! بدانید که تقوا، دژی محکم و شکست‌ناپذیر است، اما هرزگی و گناه، خانه‌ای در حال فروریختن و خوارکننده است.

﴿۲۵۳﴾ تقوا برای کسی که به آن پناه برد، قلعه‌ای مستحکم است.

﴿۲۵۴﴾ بندگان خدا! بدانید که پرهیزکاری قلعه‌ی محکم و استواری است و تبهکاری قلعه‌ای سست و بی‌بنیاد، که نه ساکنان خود را [از آسیب] جلوگیری می‌کند، و نه پناهنده به آن را در امان می‌دارد.

﴿۲۵۵﴾ تقوا، قابل اعتمادترین قلعه و وفادارترین پناهگاه است.

﴿۲۵۶﴾ تقوا تنها قلعه‌ی مستحکم است.

۴-۲-۵-۱- پناهگاه

﴿۲۵۷﴾ بر شما باد به تقوا که بهترین توشه و آماده‌ترین پناهگاه است.

۵-۲-۵-۱- عصمت

﴿۲۵۸﴾ بدانید که معیار کار شما، دین و عصمت شما، تقوا و پرهیزکاری است.

۶-۲-۵-۱- دژ

﴿۲۵۹﴾ دژی نیکوتر از پرهیزکاری نیست.

﴿۲۶۰﴾ دژی محکم‌تر از پرهیزکاری نیست.

۷-۲-۵-۱- کشتی

﴿۲۶۱﴾ ورع مانند کشتی در دریاست که هرکس بر آن سوار شود، نجات می‌یابد و زاهدان جز با داشتن ورع نجات نمی‌یابند.

﴿۲۶۲﴾ پسر عزیزم! بدان که دنیا دریایی عمیق است و عده‌ی بسیاری در آن غرق شده‌اند. پس تقوای خدا را کشتی نجات خود قرار ده.

۸-۲-۵-۱- پناهگاه

﴿۲۶۳﴾ ای بندگان خدا! شما را به تقوای الهی سفارش می‌کنم، که زاد و توشه‌ی سفر قیامت است. تقوا توشه‌ای است که به منزل رساند، پناهگاهی است که ایمن می‌گرداند.

﴿تَعْرِيفُ التَّقْوَى وَ تَمْثِيلُهُ﴾

٩-٥-١-ثِقَةُ الْهَارِبِ

﴿٢٦٤﴾ أمير المؤمنين عليه السلام: أَوْصِيَكُمْ بِتَقْوَى اللَّهِ فَإِنَّهَا غِبْطَةُ الطَّالِبِ الرَّاجِي وَ ثِقَةُ الْهَارِبِ

اللَّاجِي؛ الكافي، ج ٨، ص ١٧

٣-٥-١- حُبُّ عَلَى عليه السلام وَ وَلايَتُهُ

﴿٢٦٥﴾ أمير المؤمنين عليه السلام: وَ لَقَدْ كَانَ حَبِيبِي رَسُولُ اللَّهِ ﷺ كَثِيرًا مَا يَقُولُ يَا عَلِيُّ حُبِّكَ

تَقْوَى وَ إِيْمَانٌ وَ بُغْضُكَ كُفْرٌ وَ نِفَاقٌ؛ بحار الأنوار، ج ٣٩، ص ٣٤١

﴿٢٦٦﴾ الرسول ﷺ: أَتَانِي جَبْرِئِيلُ قَالَ فَقَالَ لِي يَقُولُ اللَّهُ لَكَ يَا مُحَمَّدٌ وَ أَلَزَمَهُمْ كَلِمَةً

التَّقْوَى وَ كَانُوا أَحَقَّ بِهَا وَ أَهْلُهَا وَ لَآيَةً عَلَى بَنِي أَبِي طَالِبٍ عليه السلام؛ بحار الأنوار، ج ١٨، ص ٣٩٢

﴿٢٦٧﴾ الرضا عليه السلام: عَنْ مَالِكِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ قَالَ: قُلْتُ لِمَوْلَايَ الرِّضَا عليه السلام قَوْلُهُ لَقَدْ رَضِيَ اللَّهُ وَ

أَلَزَمَهُمْ كَلِمَةً التَّقْوَى قَالَ هِيَ وَ لَآيَةُ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ عليه السلام فَالْمَعْنَى أَنَّ الْمُلْزَمِينَ بِهَا شِيعَتُهُ كَانُوا أَحَقَّ

بِهَا وَ أَهْلُهَا؛ بحار الأنوار، ج ٣٦، ص ٥٥

٤-٥-١- الْحَبْلُ، الْعُرْوَةُ

١-٥-٤-١- الْحَبْلُ

﴿٢٦٨﴾ الصّادق عليه السلام: وَ اعْتَصِمَ بِحَبَالِ الْوَرَعِ؛ مستدرک الوسائل، ج ١٣، ص ٢٩٣

٢-٥-٤-١- لَهَا حَبْلٌ وَثِيقٌ عُرْوَتُهُ وَ مَعْقِلٌ مَنِيعٌ ذُرْوَتُهُ

﴿٢٦٩﴾ أمير المؤمنين عليه السلام: إِنْ لَتَقْوَى اللَّهِ حَبْلًا وَثِيقًا عُرْوَتُهُ وَ مَعْقِلًا مَنِيعًا ذُرْوَتُهُ؛ غرر الحكم، ص ٢٦٩

﴿٢٧٠﴾ أمير المؤمنين عليه السلام: فَاعْتَصِمُوا بِتَقْوَى اللَّهِ فَإِنَّ لَهَا حَبْلًا وَثِيقًا عُرْوَتُهُ وَ مَعْقِلًا مَنِيعًا

ذُرْوَتُهُ؛ نهج البلاغة، ص ٢٨١

٣-٥-٤-١- سَبَبُ بَيْنِكَ وَ بَيْنَ اللَّهِ

﴿٢٧١﴾ أمير المؤمنين عليه السلام: التَّقْوَى أَكْدُ سَبَبٍ بَيْنَكَ وَ بَيْنَ اللَّهِ إِنْ أَخَذْتَ بِهِ وَ جَنَّةٌ مِنْ

عَذَابِ أَلِيمٍ؛ غرر الحكم، ص ٢٧٠

٤-٥-٤-١- الْوَسِيلَةُ إِلَى اللَّهِ

﴿٢٧٢﴾ أمير المؤمنين عليه السلام: إِنْ التَّقْوَى حَقُّ اللَّهِ سُبْحَانَهُ عَلَيْكُمْ، وَ الْمُوجِبَةُ عَلَى اللَّهِ حَقَّكُمْ،

فَاسْتَعِينُوا بِاللَّهِ عَلَيْهَا وَ تَوَسَّلُوا إِلَى اللَّهِ بِهَا؛ غرر الحكم، ص ٢٦٩

﴿٢٦٤﴾

«تعریف تقوا و تمثیل آن»

۹-۲-۵-۱- پناهگاه فراریان

﴿۲۶۴﴾ شما را به تقوای الهی توصیه می‌کنم که غبطه‌ی هر طلب‌کننده‌ای است که امید به کسب آن دارد و پناهگاه امن فرد گریزانی است که پناهگاه می‌طلبد.

۳-۵-۱- محبت علی (علیه السلام) و ولایت او

﴿۲۶۵﴾ و حبیبم رسول خدا (صلی الله علیه و آله) چه بسیار می‌فرمود: «یا علی! دوست داشتن تو تقوا و دشمنی با تو کفر و نفاق است».

﴿۲۶۶﴾ جبرئیل به نزد آمد و گفت: «خداوند به تو می‌گوید: ای محمد! منظور از آیه‌ی: «و آن‌ها را به حقیقت تقوا ملزم ساخت، و آنان از هر کس شایسته‌تر و اهل آن بودند؛ ولایت علی بن ابی‌طالب (علیه السلام) است».

﴿۲۶۷﴾ مالک بن عبدالله می‌گوید: به مولایم امام رضا (علیه السلام) عرض کردم: «آیه‌ی: «خداوند از مؤمنان - هنگامی که در زیر آن درخت با تو بیعت کردند - راضی و خشنود شد...» و نیز آیه‌ی: «و آن‌ها را به حقیقت تقوا ملزم ساخت» به چه معناست؟ فرمود: «ولایت امیرمؤمنان (علیه السلام) است و مفهوم آن این است که ملتزمان به آن، شیعیان وی هستند زیرا آنان از هر کس شایسته‌تر و اهل آن بودند».

۴-۵-۱- ریسمان، دستگیره

۱-۴-۵-۱- ریسمان

﴿۲۶۸﴾ به ریسمان‌های ورع چنگ می‌زند.

۲-۴-۵-۱- تقوا ریسمانی با دستگیره‌ی محکم و قلعه‌ای با قلعه‌ی بلند دارد

﴿۲۶۹﴾ تقوای الهی ریسمانی دارد که دستگیره‌اش محکم است و پناهگاهی دارد که قلعه‌اش بلند و مرتفع است.

﴿۲۷۰﴾ پس به تقوا و ترس از خدا روی آورید، که رشته‌ی آن استوار و دستگیره‌ی آن محکم و قلعه‌ی بلند آن پناهگاهی مطمئن می‌باشد.

۳-۴-۵-۱- واسطه‌ی بین تو و خدا

﴿۲۷۱﴾ اگر از تقوا بهره‌گیری، میان تو و خدا را محکم می‌کند و سپر تو از عذاب دردناک می‌گردد.

۴-۴-۵-۱- وسیله‌ی رسیدن به خدا

﴿۲۷۲﴾ تقوا، حقی از جانب خداوند بر گردن شماست و حقّ شما بر خدا واجب است. پس از خداوند برای تمسّک به آن یاری بجوئید و آن را وسیله‌ی رسیدن به خداوند قرار دهید.

﴿۲۶۵﴾

﴿تَعْرِيفُ التَّقْوَى وَ تَمْثِيلُهُ﴾

١-٥-٤-٥- العُرْوَةُ

﴿٢٧٣﴾ أمير المؤمنين عليه السلام: أَوْثَقُ الْعُرَى التَّقْوَى؛ بحار الأنوار، ج ٧٤، ص ٢١٢
 ﴿٢٧٤﴾ الرسول ﷺ: أَيُّهَا النَّاسُ إِنَّ أَصْدَقَ الْحَدِيثِ كِتَابُ اللَّهِ وَ أَوْثَقُ الْعُرَى كَلِمَةُ التَّقْوَى؛

بحار الأنوار، ج ٧٤، ص ١٣٥

١-٥-٥- الحَسَبُ وَ النَّسَبُ

١-٥-٥-١- الحَسَبُ

﴿٢٧٥﴾ الرسول ﷺ: الْحَسَبُ التَّقْوَى؛ بحار الأنوار، ج ٧٤، ص ١٥١
 ﴿٢٧٦﴾ زُبَيْرُ دَاوُدَ عليه السلام: غَرَّتْكُمْ أَحْسَابُكُمْ فَمَا حَسَبُ امْرِئٍ خَلِقَ مِنَ الطِّينِ إِنَّمَا الْحَسَبُ عِنْدِي هُوَ التَّقْوَى؛ قصص الأنبياء للجزائري، ص ٣٥٤

١-٥-٥-٢- النَّسَبُ

﴿٢٧٧﴾ أمير المؤمنين عليه السلام: عَلَيْكَ بِالتَّقْوَى فَإِنَّهُ أَشْرَفُ نَسَبٍ؛ غرر الحكم، ص ٢٧٠

١-٥-٦- الْحَقُّ وَ رَاجِعُ: الْمُرَادِفَاتِ

﴿٢٧٨﴾ الصادق عليه السلام: فَأَلْهَمَهَا فُجُورَهَا وَتَقْوَاهَا قَالَتْ مَعْرِفَةُ الْحَقِّ مِنَ الْبَاطِلِ؛ بحار الأنوار، ج ٢٤، ص ٧٢

١-٥-٦-١- أَصْلُ كُلِّ حَقٍّ

﴿٢٧٩﴾ الصادق عليه السلام: مَزِيدُ التَّقْوَى يَكُونُ مِنْ أَصْلِ اطَّلَاعِ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ عَلَى سِرِّ الْعَبْدِ بِطُفْفِهِ
 فَهَذَا أَصْلُ كُلِّ حَقٍّ وَ أَمَّا الْبَاطِلُ فَهُوَ مَا يَقْطَعُكَ عَنِ اللَّهِ تَعَالَى؛ مصباح الشريعة، ص ٥٩

١-٥-٦-٢- حَقُّ اللَّهِ عَلَيْكُمْ

﴿٢٨٠﴾ أمير المؤمنين عليه السلام: عِبَادَ اللَّهِ أَوْصِيكُمْ بِتَقْوَى اللَّهِ فَإِنَّهَا حَقُّ اللَّهِ عَلَيْكُمْ وَ الْمُوجِبَةُ عَلَى اللَّهِ حَقِّكُمْ وَ أَنْ تَسْتَعِينُوا عَلَيْهَا بِاللَّهِ وَ تَسْتَعِينُوا بِهَا عَلَى اللَّهِ؛ نهج البلاغة، ص ٢٨٤

١-٥-٧- الْحِكْمَةُ، الْعِلْمُ وَ رَاجِعُ: الْمُرَادِفَاتِ

١-٥-٧-١- حِكْمَةُ الْعِلْمِ

﴿٢٨١﴾ أمير المؤمنين عليه السلام: يَا طَالِبَ الْعِلْمِ إِنَّ الْعِلْمَ دُو فَضَائِلَ كَثِيرَةٍ فَرَأْسُهُ التَّوَاضُّعُ وَ عَيْنُهُ الْبَرَاءَةُ مِنَ الْحَسَدِ وَ أُذُنُهُ الْفَهْمُ وَ لِسَانُهُ الصِّدْقُ وَ حِفْظُهُ الْفَحْصُ وَ قَلْبُهُ حُسْنُ النِّيَّةِ وَ عَقْلُهُ مَعْرِفَةُ الْأَشْيَاءِ وَ الْأُمُورِ وَ يَدُهُ الرَّحْمَةُ وَ رِجْلُهُ زِيَارَةُ الْعُلَمَاءِ وَ هِمَّتُهُ السَّلَامَةُ وَ حِكْمَتُهُ الْوَرَعُ؛

الكافي، ج ١، ص ٤٨

«تعریف تقوا و تمثیل آن»

۵-۴-۱- دستگیره

﴿۲۷۳﴾ محکم‌ترین دستگیره [در لغزشگاه‌ها] تقواست.

﴿۲۷۴﴾ ای مردم! بهترین سخن، کتاب خداست و مطمئن‌ترین دستگیره‌ها، پرهیزکاری است.

۵-۵-۱- ریشه‌ی خانوادگی

۱-۵-۵-۱- ریشه‌ی خانوادگی

﴿۲۷۵﴾ افتخار خانوادگی در پرهیزکاری می‌باشد.

﴿۲۷۶﴾ شرافت اصل و تبار شما را مغرور گردانده است پس اصل و تبار مخلوقاتی که از گِل

آفریده شده چه می‌تواند باشد؟ به‌راستی که نزد من اصل و تبار فقط تقواست.

۲-۵-۵-۱- ریشه‌ی خانوادگی

﴿۲۷۷﴾ بر شما باد به تقوا که شریف‌ترین نسب است.

۶-۵-۱- حق و حقیقت و.ر.به: مترادفات

﴿۲۷۸﴾ در مورد آیه‌ی «سپس فجور و تقوا (شرّ و خیرش) را به او الهام کرده است»؛ فرمود:

شناخت حقیقت از باطل.

۱-۵-۶-۱- اصل همه‌ی حقیقت

﴿۲۷۹﴾ یگانه عامل ازدیاد و تقویت تقوا، اطلاع کامل و ایمان انسان است به اینکه خدا به

تمامی اسرار و نیات و خاطرات بنده‌اش آگاهی دارد. این چنین تقوایی ریشه و اساس حق و حقیقت است. و اما باطل، به طور کلی هر چه که انسان را از خدا دور کرده و ارتباطش را از او قطع نماید.

۲-۵-۶-۱- حقّ خدا بر شما

﴿۲۸۰﴾ ای بندگان خدا! شما را به پرهیزکاری سفارش می‌کنم، که حقّ خداوند بر شماست، و

نیز موجب حقّ شما بر پروردگار است. از خدا برای پرهیزکاری یاری بخواهید، و برای انجام دستورات خدا از تقوا یاری جویید.

۷-۵-۱- حکمت، دانش؛ و.ر.به: مترادفات

۱-۵-۷-۱- حکمت و دانش

﴿۲۸۱﴾ ای کسی که به دنبال علمی! علم فضیلت‌های بسیاری دارد که سر آن تواضع،

چشم‌اندش دوری از حسد، گوشش فهم و دانش، زبانش صداقت، حافظه‌اش جستجو کردن، قلبش حسن نیت، عقلش شناختن چیزها و کارها، دستش رحمت و پایش ملاقات علما و همّتش سلامت و حکمتش ورع است.

﴿تعريفُ التقوى وَ تمثيلةُ﴾

٢-٧-٥-١- الحِكْمَةُ الْكُبْرَى

﴿٢٨٢﴾ سنن ادریس عليه السلام: وَ اعْلَمُوا وَ اسْتَقِينُوا اَنْ تَقْوَى اللّٰهَ هِيَ الْحِكْمَةُ الْكُبْرَى وَ النِّعْمَةُ الْعُظْمَى وَ السَّبَبُ الدَّاعِي اِلَى الْخَيْرِ وَ الْفَاتِحُ لِبُؤَابِ الْخَيْرِ وَ الْفَهْمُ وَ الْعَقْلُ؛ بحار الأنوار، ج ١١، ص ٢٨٣

٣-٧-٥-١- الحِكْمَةُ

﴿٢٨٣﴾ عيسى عليه السلام: اِنَّ الْحِكْمَةَ نُورٌ كُلُّ قَلْبٍ وَ التَّقْوَى رَأْسُ كُلِّ حِكْمَةٍ؛ بحار الأنوار، ج ١٤، ص ٣١٥

٤-٧-٥-١- مِيزَانُ كُلِّ عِلْمٍ وَ حِكْمَةٍ

﴿٢٨٤﴾ الصّادق عليه السلام: اتَّقِ اللّٰهَ وَ كُنْ حَيْثُ شِئْتَ وَ مِنْ اَيِّ قَوْمٍ شِئْتَ فَاِنَّهُ لَا خِلَافَ لِاَحَدٍ فِى التَّقْوَى وَ التَّقْوَى مَحْبُوبٌ عِنْدَ كُلِّ فَرِيقٍ وَ فِىهِ اجْتِمَاعُ كُلِّ خَيْرٍ وَ رُشْدٌ وَ هُوَ مِيزَانُ كُلِّ عِلْمٍ وَ حِكْمَةٍ وَ اَسَاسُ كُلِّ طَاعَةٍ مَقْبُولَةٍ؛ مصباح الشريعة، ص ٥٩

٥-٧-٥-١- الفقه

﴿٢٨٥﴾ أمير المؤمنين عليه السلام: اَنَّ اَفْضَلَ الْفَقْهِ الْوَرَعُ فِى اللّٰهِ وَ الْعَمَلُ بِطَاعَةِ اللّٰهِ؛ بحار الأنوار، ج ٣٣، ص ٥٨٨

٨-٥-١- التَّقْوَى حَاجَةٌ الْخَالِقِ مِنْ خَلْقِهِ

﴿٢٨٦﴾ أمير المؤمنين عليه السلام: وَ اَوْصَاكُمْ بِالتَّقْوَى وَ جَعَلَهَا مُنْتَهَى رِضَاهُ وَ حَاجَتَهُ مِنْ خَلْقِهِ؛ نهج البلاغة، ص ٢٦٦

﴿٢٨٧﴾ أمير المؤمنين عليه السلام: اِنَّ التَّقْوَى مُنْتَهَى رِضَى اللّٰهِ مِنْ عِبَادِهِ وَ حَاجَتِهِ مِنْ خَلْقِهِ؛ غرر الحكم، ص ٢٦٩

٩-٥-١- الْخُبْرُ بَيْنَ الطَّعَامِ

﴿٢٨٨﴾ حديث قدسى: يَا اَحْمَدُ اِنَّ الْوَرَعَ كَالشُّنُوفِ بَيْنَ الْحَلِيِّ وَ الْخُبْرِ بَيْنَ الطَّعَامِ؛ بحار الأنوار، ج ٧٤، ص ٢٦

١٠-٥-١- الْخُلُقُ، الْخَلَّةُ، السَّجِيَّةُ، الشَّيْمَةُ

١-٥-١٠-١- الْخُلُقُ

١-٥-١٠-١-١- خُلُقُ الْأَنْبِيَاءِ

﴿٢٨٩﴾ أمير المؤمنين عليه السلام: عَلَيْكَ بِالتَّقَى فَاِنَّهُ خُلُقُ الْأَنْبِيَاءِ؛ غرر الحكم، ص ٢٧٠

«تعریف تقوا و تمثیل آن»

۲-۷-۱-۵- بزرگ‌ترین حکمت

﴿۲۸۲﴾ بدانید و مطمئن باشید که تقوای الهی حکمت بزرگ و نعمت عظیم و سببی است که به سوی خیر می‌کشانند و گشاینده‌ی درهای خیر و فهم و عقل است.

۳-۷-۱-۵- حکمت

﴿۲۸۳﴾ حکمت؛ نور هر دل، و پرهیزکاری در رأس هر حکمت است.

۴-۷-۱-۵- ابزار سنجش هر دانش و حکمت

﴿۲۸۴﴾ تقوا داشته باش؛ دیگر مهم نیست در چه جایگاهی یا از کدام قبیله باشی. که هیچ کس در ارزش و فضیلت تقوا حرفی ندارد. پرهیزکار در نظر همه محبوب و محترم است، هرگونه خیر و خوبی و رشد و سعادت در تقواست و ارزش و ارزیابی هرگونه دانش و علمی، با تقواست و قبولی اطاعت و عبادت به تقوا بسته است.

۵-۷-۱-۵- دانش دقیق

﴿۲۸۵﴾ برترین فقه و دانایی، پرهیزکاری در دین خدا و عمل به طاعت اوست.

۸-۷-۱-۵- تقوا خواسته‌ی پروردگار از مخلوقاتش است

﴿۲۸۶﴾ و شما را به تقوا و پرهیزکاری سفارش نموده و آن را آخرین مرتبه‌ی رضا و خشنودی خود قرار داده و از بندگان خواسته است که از معاصی پرهیز نموده از او بترسند، و به طاعت بکوشند.

﴿۲۸۷﴾ تقوا، نهایت رضای خداوند از بندگان و تمام خواسته‌ی او از مخلوقاتش است.

۹-۷-۱-۵- نان در بین خوراکی‌ها

﴿۲۸۸﴾ ای احمد! ورع مانند گوشواره در بین زیورات و مثل نان بین غذاهاست.

۱۰-۷-۱-۵- خُلق و خو

۱-۱۰-۷-۱-۵- خُلق

۱-۱۰-۷-۱-۵- خُلق پیامبران

﴿۲۸۹﴾ بر تو باد به تقوا که از اخلاق پیامبران است.

﴿تَعْرِيفُ التَّقْوَى وَ تَمَثُّلُهُ﴾

١-٥-١٠-١-٢- رَئِيسُ الْأَخْلَاقِ

﴿٢٩٠﴾ أمير المؤمنين عليه السلام: التَّقَى رَئِيسُ الْأَخْلَاقِ؛ نهج البلاغة، ص ٥٤٨

﴿٢٩١﴾ أمير المؤمنين عليه السلام: التَّقْوَى رَئِيسُ الْأَخْلَاقِ؛ غرر الحكم، ص ٢٧١

١-٥-١٠-١-٣- أَرْزِينُ الْأَخْلَاقِ

﴿٢٩٢﴾ أمير المؤمنين عليه السلام: إِنَّ أَرْزِينَ الْأَخْلَاقِ الْوَرَعَ وَالْعَفَافَ؛ غرر الحكم، ص ٢٦٩

١-٥-١٠-١-٤- مَكَارِمُ الْأَخْلَاقِ

﴿٢٩٣﴾ الصَّادِقُ عليه السلام: عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ بُكَيْرٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ: ... إِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ خَصَّ الْأَنْبِيَاءَ بِمَكَارِمِ الْأَخْلَاقِ فَمَنْ كَانَتْ فِيهِ فَلْيَحْمَدِ اللَّهَ عَلَى ذَلِكَ وَمَنْ لَمْ تَكُنْ فِيهِ فَلْيَتَضَرَّعْ إِلَى اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ وَلْيَسْأَلْهُ إِيَّاهَا قَالَ قُلْتُ جُعِلْتُ فِدَاكَ وَمَا هُنَّ إِلَّا الْوَرَعُ وَالْقَنَاعَةُ وَالصَّبْرُ وَالشُّكْرُ وَالْحِلْمُ وَالْحَيَاءُ وَالسَّخَاءُ وَالشَّجَاعَةُ وَالْغَيْرَةُ وَالْبِرُّ وَصِدْقُ الْحَدِيثِ وَأَدَاءُ الْأَمَانَةِ؛ الكافي، ج ٢، ص ٥٦

١-٥-١٠-١-٥- خَيْرُ الْأَخْلَاقِ

﴿٢٩٤﴾ أمير المؤمنين عليه السلام: خَيْرُ الْأَخْلَاقِ أَعْوَنُهَا عَلَى التَّقَى وَالْوَرَعَ؛ شرح نهج البلاغة، ج ٢٠، ص ٢٧٦

١-٥-١٠-٢- الْخَلَّةُ

﴿٢٩٥﴾ أمير المؤمنين عليه السلام: تَحَلَّ بِالسَّخَاءِ وَالْوَرَعَ فَهُمَا حَلِيَّةُ الْإِيمَانِ وَأَشْرَفُ خِلَالِكَ؛

غرر الحكم، ص ٣٧٦

١-٥-١٠-٣- السَّجِيَّةُ

﴿٢٩٦﴾ العسكري عليه السلام: مَنْ كَانَ الْوَرَعَ سَجِيَّتَهُ وَالْكَرَمَ طَبِيعَتَهُ وَالْحِلْمَ خَلَّتَهُ كَثُرَ صَدِيقُهُ وَالتَّنَاءُ عَلَيْهِ وَانْتَصَرَ مِنْ أَعْدَائِهِ بِحُسْنِ الثَّنَاءِ عَلَيْهِ؛ بحار الأنوار، ج ٧٥، ص ٣٧٩

١-٥-١٠-٤- الشِّيمَةُ

١-٥-١٠-٤-١- شِيْمَةُ الْفَقِيهِ

﴿٢٩٧﴾ أمير المؤمنين عليه السلام: الْوَرَعَ شِيْمَةُ الْفَقِيهِ؛ غرر الحكم، ص ٢٦٨

١-٥-١٠-٤-٢- شِيْمَةُ الْمُخْلِصِينَ

﴿٢٩٨﴾ أمير المؤمنين عليه السلام: عَلَيْكَ بِالْوَرَعَ فَإِنَّهُ عَوْنُ الدِّينِ وَ شِيْمَةُ الْمُخْلِصِينَ؛ غرر الحكم، ص ٢٧١

«تعریف تقوا و تمثیل آن»

۲-۱-۱۰-۵-۱- پیشوای خُلق و خواها

«۲۹۰» پرهیزکاری پیشوای خواها است (هر خوی نیکی به آن بسته است و همه را در بر دارد).

«۲۹۱» رئیس اخلاق، تقواست.

۳-۱-۱۰-۵-۱- زیباترین اخلاق

«۲۹۲» زیباترین اخلاق، ورع و پاکدامنی است.

۴-۱-۱۰-۵-۱- اخلاق پسندیده

«۲۹۳» عبدالله بن بکیر گوید: امام صادق علیه السلام فرمود: «خدای بلندمرتبه پیامبران را به مکارم اخلاق اختصاص داد [یعنی خصال نکوهیده را از آن‌ها دور ساخت] پس هرکس این مکارم را داشته باشد، باید خدا را شکر کند و هرکس آن‌ها را نداشته باشد، باید به سوی خدای متعال تضرع کند و آن‌ها را از او بخواهد». عرض کردم: «فدایت شوم آن‌ها چه صفاتی هستند؟» فرمود: «پرهیزکاری و قناعت و صبر و شکر و خوشتن‌داری و حیا و سخاوت و شجاعت و غیرت و خوش‌رفتاری و راستی گفتار و امانتداری».

۵-۱-۱۰-۵-۱- بهترین اخلاق

«۲۹۴» بهترین اخلاق، اخلاقی است که بیشتر به کسب تقوا و ورع کمک کند.

۲-۱-۱۰-۵-۱- خلق و خو

«۲۹۵» با سخاوت و ورع، [ایمانت را] زینت کن که این دو، زینت ایمان و بهترین صفات تو هستند.

۳-۱-۱۰-۵-۱- خلق و خو

«۲۹۶» آن که پرهیزکاری خوی او و احسان زیورش باشد، ستایش نیکو را از دشمنانش به یاری می‌گیرد و با ستایش‌هایی که از او می‌شود، بر دشمنانش پیروز می‌گردد.

۴-۱-۱۰-۵-۱- خلق و خو

۱-۴-۱۰-۵-۱- خلق و خوی فقیه

«۲۹۷» ورع خلق و خوی شخص فقیه (و عالم) است.

۲-۴-۱۰-۵-۱- خلق و خوی مخلصان

«۲۹۸» بر تو باد به مراعات ورع که کمک‌کننده‌ی دین و اخلاق خالصان است.

﴿تعريفُ التقوى وَ تمثيلة﴾

١١-٥-١- دَوَاءُ دَاءِ قُلُوبِكُمْ

﴿٢٩٩﴾ أمير المؤمنين عليه السلام: فَإِنَّ تَقْوَى اللَّهِ دَوَاءُ دَاءِ قُلُوبِكُمْ وَ بَصَرُ عَمَى أَفْئِدَتِكُمْ وَ شِفَاءُ مَرَضِ أَجْسَادِكُمْ وَ صَلَاحُ فَسَادِ صُدُورِكُمْ وَ طَهُورُ دَنَسِ أَنْفُسِكُمْ وَ جِلَاءُ عَشَا أَبْصَارِكُمْ وَ أَمْنُ فَرْعِ جَائِشِكُمْ وَ ضِيَاءُ سَوَادِ ظُلُمَتِكُمْ؛ نهج البلاغة، ص ٣١٢

١٢-٥-١- الدِّينُ وَ السُّنَّةُ وَ رَاجِعُ الْمَرَادِفَاتِ

١-١٢-٥-١- مَا يَدَانُ اللَّهِ بِهِ

﴿٣٠٠﴾ الباقر عليه السلام: عَنْ أَبِي الْجَارُودِ قَالَ قُلْتُ لِأَبِي جَعْفَرٍ عليه السلام: إِنِّي أَمْرُؤُ ضَرِيرُ الْبَصَرِ كَبِيرُ السِّنِّ وَ الشَّقَّةِ فِيمَا بَيْنِي وَ بَيْنَكُمْ بَعِيدُهُ وَ أَنَا أُرِيدُ أَمْرًا أَدِينُ اللَّهَ بِهِ وَ أَخْتِجُ بِهِ وَ أَتَمَسَّكُ بِهِ وَ أَبْلُغُهُ مَنْ خَلَفْتُ إِلَيْهِ أَنْ قَالَ فَقَالَ عليه السلام: نَعَمْ يَا أَبَا الْجَارُودِ شَهَادَةُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ وَ أَنَّ مُحَمَّدًا عَبْدُهُ وَ رَسُولُهُ وَ إِقَامُ الصَّلَاةِ وَ إِيْتَاءُ الزَّكَاةِ وَ صَوْمُ شَهْرِ رَمَضَانَ وَ حِجُّ الْبَيْتِ وَ وِلَايَةُ وَلِيِّنَا وَ عِدَاوَةُ عَدُوِّنَا وَ التَّسْلِيمُ لِأَمْرِنَا وَ انْتِظَارُ قَائِمِنَا وَ الْاجْتِهَادُ وَ الْوَرَعُ؛

مستدرک الوسائل، ج ١، ص ٧٢

٢-١٢-٥-١- الدِّيَانَةُ بِتَقْوَى اللَّهِ

﴿٣٠١﴾ أمير المؤمنين عليه السلام: الْكَيْسُ مَنْ دَانَ بِتَقْوَى اللَّهِ سُبْحَانَهُ وَ تَجَنَّبَ الْمَحَارِمَ وَ إِصْلَاحِ

الْمَعَادِ؛ غرر الحكم، ص ٣٢٢

٣-١٢-٥-١- الدِّينُ الَّذِي يُقْبَلُ فِيهِ الْعَمَلُ

﴿٣٠٢﴾ الباقر عليه السلام: عَنْ إِسْمَاعِيلَ الْجُعْفِيِّ، قَالَ: دَخَلَ رَجُلٌ عَلَى أَبِي جَعْفَرٍ عليه السلام وَ مَعَهُ صَحِيفَةٌ فَقَالَ لَهُ أَبُو جَعْفَرٍ عليه السلام: هَذِهِ صَحِيفَةٌ مُخَاصِمٌ يَسْأَلُ عَنْ الدِّينِ الَّذِي يُقْبَلُ فِيهِ الْعَمَلُ فَقَالَ رَحِمَكَ اللَّهُ هَذَا الَّذِي أُرِيدُ فَقَالَ أَبُو جَعْفَرٍ عليه السلام: شَهَادَةُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ وَ أَنَّ مُحَمَّدًا صلى الله عليه وآله عَبْدُهُ وَ رَسُولُهُ وَ تَقَرُّبًا جَاءَ مِنْ عِنْدِ اللَّهِ وَ الْوِلَايَةُ لَنَا أَهْلِ الْبَيْتِ وَ الْبَرَاءَةُ مِنْ عَدُوِّنَا وَ التَّسْلِيمُ لِأَمْرِنَا وَ الْوَرَعُ وَ التَّوَاضُّعُ وَ انْتِظَارُ قَائِمِنَا فَإِنَّ لَنَا دَوْلَةً إِذَا شَاءَ اللَّهُ جَاءَ بِهَا؛

الكافي، ج ٢، ص ٢٢

«تعریف تقوا و تمثیل آن»

۱-۵-۱۱- دوی درد دل هایتان

﴿۲۹۹﴾ زیرا تقوا و ترس از خدا داروی درد قلبها و بینایی کوری دلها و بهمودی بیماری تنها و اصلاح فساد سینهها و پاکیزگی چرک نفسها و روشنی پوشش دیدهها و ایمنی ترس دل و نور سیاهی تاریکی [نادانی] شما است.

۱-۵-۱۲- دین و سنت؛ و.ر.به: مترادفات

۱-۵-۱۲-۱- آنچه بدان فرمان خدا اجرا می شود

﴿۳۰۰﴾ ابوجارود گوید: به امام باقر علیه السلام گفتم: «من مردی نابینا و مسن هستم و فاصله‌ی بین من و شما دور است، من چیزی می‌خواهم که خداوند را با آن بپرستم و برایم حجت باشد و به آن جنگ بزنم و آن را برای آیندگان خود به جای گذارم». سخن من برای حضرت پسندیده آمد و راست نشست و سپس فرمود: «ای ابوجارود! کلامت را تکرار کن»، پس تکرار کردم. فرمود: «بله ای ابوجارود! آنچه طلب کردی، گواهی به یگانگی خداوند که معبودی جز او نیست، و اینکه محمد صلی الله علیه و آله بنده و فرستاده اوست، و برپاداشتن نماز و دادن زکات و روزه ماه رمضان و حج خانه خدا و دوستی با دوستان ما و دشمنی با دشمنان ما و تسلیم بودن برای دستور ما و انتظار کشیدن برای قائم ما و ورع و کوشش می‌باشد».

۱-۵-۱۲-۲- دینداری با رعایت تقوا

﴿۳۰۱﴾ زیرک کسی است که با تقوای الهی خدا را فرمان برد و از محرمات دوری کند و معاد خود را اصلاح کند.

۱-۵-۱۲-۳- دینی که خدا با آن عمل را می پذیرد

﴿۳۰۲﴾ اسماعیل جعفی گوید: مردی خدمت امام باقر علیه السلام رسید و نوشته‌ای همراه داشت، حضرت فرمود: «این نوشته مخاصم است که از دینی که عمل در آن پذیرفته می‌شود پرسش می‌کند». عرض کرد: «خدا تو را رحمت کند! همین را می‌خواستم». امام علیه السلام فرمود: «گواهی دادن به اینکه شایسته پرستشی جز خدای یکتای بی‌شریک نیست و اینکه محمد صلی الله علیه و آله بنده و فرستاده اوست، و اقرار نمودن به آنچه از جانب خدا آمده و ولایت ما خانواده و بیزاری از دشمن ما و گردن نهادن به امر ما و پرهیزکاری و فروتنی و انتظار قائم ما، زیرا برای او دولتی است که هر زمان خدا بخواهد با آن دولت می‌آید».

﴿تعريفُ التقوى وَ تمثيلة﴾

١٢-٥-١-٤- دينُ الأئمةِ الطاهرين

- ﴿٣٠٣﴾ الرضا الطاهر: عَنِ الرضا الطاهر: فِيمَا كَتَبَهُ لِلْمَأْمُونِ قَالَ: وَمِنْ دِينِ الْأَئِمَّةِ الطاهرينِ الْوَرَعُ وَالْعِفَّةُ وَالصَّدْقُ وَالصَّلَاحُ وَ طُولُ السُّجُودِ؛ مستدرک الوسائل، ج ٤، ص ٤٧٤
- ﴿٣٠٤﴾ الصادق الطاهر: عَنِ الصَّادِقِ الطاهر: فِي خَبَرٍ طَوِيلٍ ذَكَرَ فِيهِ الْأَئِمَّةَ وَ عِلَامَةَ الْإِمَامَةِ فَقَالَ وَ دِينُهُمُ الْوَرَعُ وَالْعِفَّةُ؛ بحار الأنوار، ج ٨٤، ص ١٤٣
- ﴿٣٠٥﴾ الصادق الطاهر: عَلَيْكُمْ بِالْوَرَعِ فَإِنَّهُ الدِّينُ الَّذِي نُلَازِمُهُ وَ نَدِينُ اللَّهَ تَعَالَى بِهِ وَ نُرِيدُهُ مِنْ يَوْمَ الْيَوْمِ لَا تَتَعَبُونَا بِالشَّفَاعَةِ؛ وسائل الشيعة، ج ١٥، ص ٢٤٨
- ﴿٣٠٦﴾ الرضا الطاهر: مَنْ مَاتَ وَ لَمْ يَعْرِفْهُمْ مَاتَ مِيتَةَ جَاهِلِيَّةٍ وَ أَنْ مِنْ دِينِهِمُ الْوَرَعُ وَالْعِفَّةُ؛ بحار الأنوار، ج ١٠، ص ٣٥٢

- ﴿٣٠٧﴾ الباقر الطاهر: عَنِ أَبِي الْجَارُودِ قَالَ: قُلْتُ لِأَبِي جَعْفَرٍ الطاهر: ... أَخْبِرْنِي بِدِينِكَ الَّذِي تَدِينُ اللَّهَ عَزَّ وَ جَلَّ بِهِ أَنْتَ وَ أَهْلُ بَيْتِكَ لِأَدِينُ اللَّهَ عَزَّ وَ جَلَّ بِهِ قَالَ إِنْ كُنْتُ أَقْصَرْتُ الْخُطْبَةَ فَقَدْ أَعْظَمْتُ الْمَسْأَلَةَ وَ اللَّهَ لَا أُعْطِيكَ دِينِي وَ دِينَ آبَائِي الَّذِي نَدِينُ اللَّهَ عَزَّ وَ جَلَّ بِهِ شَهَادَةً أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَ أَنَّ مُحَمَّدًا رَسُولُ اللَّهِ ﷺ وَ الْإِفْرَارَ بِمَا جَاءَ بِهِ مِنْ عِنْدِ اللَّهِ وَ الْوَلَايَةَ لَوْلِيِّنَا وَ الْبِرَاءَةَ مِنْ عَدُوِّنَا وَ التَّسْلِيمَ لِأَمْرِنَا وَ انْتِظَارَ فَائِمِنَا وَ الْجَهْدَ بِالْوَرَعِ؛ الكافي، ج ٢، ص ٢١
- ١٢-٥-١-٥- أصلُ الدين

- ﴿٣٠٨﴾ الرسول ﷺ: أَصْلُ الدِّينِ الْوَرَعُ كُنْ وَرِعًا تَكُنْ أَعْبَدَ النَّاسِ؛ بحار الأنوار، ج ٦٧، ص ٢٨٦
- ﴿٣٠٩﴾ الرسول ﷺ: يَا أَبَا ذَرٍّ أَصْلُ الدِّينِ الْوَرَعُ؛ بحار الأنوار، ج ٧٤، ص ٨٨
- ١٢-٥-١-٦- ثَمَرَةُ الدِّينِ

- ﴿٣١٠﴾ أمير المؤمنين الطاهر: التَّقْوَى ثَمَرَةُ الدِّينِ وَ أَمَارَةُ الْيَقِينِ؛ غرر الحكم، ص ٢٧١

١٢-٥-١-٧- جَمَاعُ الدِّينِ

- ﴿٣١١﴾ أمير المؤمنين الطاهر: عَلَيْكَ بِالتَّقْوَى وَ الصَّدْقِ فَهُمَا جَمَاعُ الدِّينِ؛ غرر الحكم، ص ١٣٨
- ﴿٣١٢﴾ أمير المؤمنين الطاهر: ثَلَاثُ هُنَّ جَمَاعُ الدِّينِ الْعِفَّةُ وَ الْوَرَعُ وَ الْحَيَاءُ؛ غرر الحكم، ص ٨٥
- ١٢-٥-١-٨- خَيْرُ دِينٍ

- ﴿٣١٣﴾ الرسول ﷺ: خَيْرُ دِينِكُمُ الْوَرَعُ؛ بحار الأنوار، ج ٧٤، ص ٨٨

«تعریف تقوا و تمثیل آن»

۴-۱۲-۵-۱- دین امامان علیهم السلام

«۳۰۳» در نامه‌ای که امام رضا علیه السلام به مأمون نوشت چنین آمده است: «ورع و پاک دامن‌ی و راستگویی و صلاح و سجده‌ی طولانی، دین امامان علیهم السلام است».

«۳۰۴» امام صادق علیه السلام در حدیثی طولانی که نام امامان علیهم السلام و علامت امامت را برمی‌شمرد، فرمود: «از دین و مرام امامان عبارت است از: پرهیزکاری، پاکدامنی».

«۳۰۵» بر شما باد به پرهیزکاری زیرا پرهیزکاری همان دینی است که ما به آن وابسته‌ایم و خداوند را به وسیله‌ی آن دینداری می‌کنیم و آن را از کسانی که ما را دوست می‌دارند می‌خواهیم تا ما را با شفاعت به زحمت نیافکنند.

«۳۰۶» هر کس بمیرد و آنان (امامان) را نشناسد، او به مرگ جاهلیت مرده است. و خداشناسی و پرهیزکاری از آیین ایشان است.

«۳۰۷» ابو جارود گوید: به امام باقر علیه السلام گفتم: «درباره‌ی دین خود که با آن خود و خاندانت بندگی خداوند را به جای می‌آورید، برایم بگوئید تا من با همان دین خداوند را بندگی کنم». فرمود: «گرچه سخن کوتاه کردی، اما مطلب مهمی پرسیدی. به خدا قسم که دین خود و دین پدرانم را که با آن خداوند را بندگی می‌کنیم، برایت می‌گویم [که آن عبارت است از]: گواهی دادن به اینکه خدایی جز خداوند یگانه نیست و محمد صلی الله علیه و آله فرستاده خداوند است و اقرار به آنچه که از نزد خداوند آورده است. و [نیز] پذیرفتن ولایت از ولی ما و بیزاری از دشمنان ما و تسلیم به امر ما و انتظار قائم ما و کوشش و پارسایی».

۵-۱۲-۵-۱- ریشه‌ی دین

«۳۰۸» اصل و اساس دین ورع و تقواست، اگر پرهیزکار باشی، عبادت تو از همه با ارزش‌تر است.

«۳۰۹» ای ابوذر! اصل و پایه‌ی دین ورع است.

۶-۱۲-۵-۱- نتیجه‌ی دین

«۳۱۰» تقوا میوه و ثمره‌ی دین و نشانه‌ی یقین است.

۷-۱۲-۵-۱- همه‌ی دین

«۳۱۱» بر تو باد به مراعات تقوا و راستی که این دو فراهم‌آورنده‌ی دین‌اند.

«۳۱۲» سه چیز است که تمام دین در آن است: پاکدامنی، ورع و حیا.

۸-۱۲-۵-۱- بهترین دین

«۳۱۳» بهترین چیز در دین شما ورع است.

﴿تَعْرِيفُ التَّقْوَى وَ تَمَثُّلُهُ﴾

٩-١٢-٥-١- دَلِيلُ دِينِ الْعَبْدِ

﴿٣١٤﴾ أمير المؤمنين عليه السلام: دَلِيلُ دِينِ الْعَبْدِ وَرَعُهُ؛ غررالحكم، ص ٢٧١

١٠-١٢-٥-١- رَأْسُ الدِّينِ وَ وَسْطُ الدِّينِ وَ آخِرُ الدِّينِ

﴿٣١٥﴾ حديث قدسي: يَا أَحْمَدُ عَلَيْكَ بِالْوَرَعِ فَإِنَّ الْوَرَعَ رَأْسُ الدِّينِ وَ وَسْطُ الدِّينِ وَ آخِرُ

الدِّينِ؛ بحار الأنوار، ج ٧٤، ص ٢٦

١١-١٢-٥-١- صَلَاحُ الدِّينِ

﴿٣١٦﴾ أمير المؤمنين عليه السلام: نَكَدَ الدِّينِ الطَّمَعُ وَ صَلَاحُهُ الْوَرَعُ؛ غررالحكم، ص ٢٧٢

١٢-١٢-٥-١- عِمَادُ الدِّينِ

﴿٣١٧﴾ حديث قدسي: إِنَّ الْوَرَعَ رَأْسُ الْإِيمَانِ وَ عِمَادُ الدِّينِ؛ بحار الأنوار، ج ٧٤، ص ٢٦

﴿٣١٨﴾ أمير المؤمنين عليه السلام: عِمَادُ الدِّينِ الْوَرَعُ وَ فَسَادُهُ الطَّمَعُ؛ بحار الأنوار، ج ٧٥، ص ٨٩

١٣-١٢-٥-١- أَفْضَلُ الدِّينِ

﴿٣١٩﴾ الرِّسُولُ ﷺ: أَفْضَلُ الْعِبَادَةِ الْفَقْهُ وَ أَفْضَلُ الدِّينِ الْوَرَعُ؛ وسائل الشيعة، ج ٢٠، ص ٣٥٨

﴿٣٢٠﴾ الرِّسُولُ ﷺ: فَضْلُ الْعِلْمِ أَحَبُّ إِلَى اللَّهِ مِنْ فَضْلِ الْعِبَادَةِ وَ أَفْضَلُ دِينِكُمُ الْوَرَعُ؛

وسائل الشيعة، ج ٢٠، ص ٣٥٧

١٤-١٢-٥-١- عَوْنُ الدِّينِ

﴿٣٢١﴾ أمير المؤمنين عليه السلام: خَيْرُ أُمُورٍ [أَعْوَانُ] الدِّينِ الْوَرَعُ؛ غررالحكم، ص ٨٦

﴿٣٢٢﴾ أمير المؤمنين عليه السلام: عَلَيْكَ بِالْوَرَعِ فَإِنَّهُ عَوْنُ الدِّينِ وَ شِيْمَةُ الْمُخْلِصِينَ؛ غررالحكم، ص ٢٧١

١٥-١٢-٥-١- كَمَالُ الدِّينِ

﴿٣٢٣﴾ الرِّسُولُ ﷺ: كَمَالُ الدِّينِ الْوَرَعُ؛ مستدرک الوسائل، ج ١١، ص ٢٦٨

١٦-١٢-٥-١- مِلَاكُ الدِّينِ

﴿٣٢٤﴾ الرِّسُولُ ﷺ: مِلَاكُ الدِّينِ الْوَرَعُ؛ بحار الأنوار، ج ٧٣، ص ٣٧٣

١٧-١٢-٥-١- لَا دِينَ لِمَنْ لَا وَرَعَ لَهُ

﴿٣٢٥﴾ الرِّضَا عليه السلام: لَا دِينَ لِمَنْ لَا وَرَعَ لَهُ؛ وسائل الشيعة، ج ١٦، ص ٢١١

١٨-١٢-٥-١- مِنْ سُنَنِ الْمُرْسَلِينَ

﴿٣٢٦﴾ الأئمة عليهم السلام: ثَلَاثَةٌ مِنْ سُنَنِ الْمُرْسَلِينَ الطَّهْوَرُ وَ النَّكَاحُ وَ الْوَرَعُ؛ مجموعة ورام، ج ٢، ص ١٢١

﴿٢٧٦﴾

﴿تعریف تقوا و تمثیل آن﴾

۹-۱۲-۱-۵- نشانه‌ی دین بنده

﴿۳۱۴﴾ ورع بنده نشانه‌ی دینداری اوست.

۱۰-۱۲-۱-۵- اوّل دین، وسط دین، آخر دین

﴿۳۱۵﴾ ای احمد! ورع و پرهیزکاری را شیوه و شعار خود بساز، زیرا ورع اوّل و وسط و آخر دین است.

۱۱-۱۲-۱-۵- صلاح دین

﴿۳۱۶﴾ تیرگی دین طمع است و صلاح آن پرهیزکاری است.

۱۲-۱۲-۱-۵- ستون دین

﴿۳۱۷﴾ همانا ورع سرایمان و ستون دین است.

﴿۳۱۸﴾ ستون دین ورع و اسباب نابودی آن طمع‌ورزیدن است.

۱۳-۱۲-۱-۵- بهترین دین

﴿۳۱۹﴾ بهترین عبادت فراگرفتن احکام الهی و بهترین آیین تقوا و پاکدامنی است.

﴿۳۲۰﴾ نزد خدا فضیلت دانش از فضیلت عبادت بیشتر است، و بافضیلت‌ترین دین شما، ورع است.

۱۴-۱۲-۱-۵- یاور دین

﴿۳۲۱﴾ بهترین کار [و کمک‌کننده‌ی] دین، ورع است.

﴿۳۲۲﴾ بر تو باد به مراعات ورع که کمک‌کننده‌ی دین و اخلاق خالصان است.

۱۵-۱۲-۱-۵- کمال دین

﴿۳۲۳﴾ کمال دین در پرهیزکاری است.

۱۶-۱۲-۱-۵- ملاک دین

﴿۳۲۴﴾ ملاک دین در ورع است.

۱۷-۱۲-۱-۵- کسی که ورع ندارد دین ندارد

﴿۳۲۵﴾ کسی که ورع ندارد، دین ندارد.

۱۸-۱۲-۱-۵- از سنت‌های پیامبران

﴿۳۲۶﴾ این سه چیز از سنت پیامبران است: طهارت، ازدواج و ورع.

﴿تَعْرِيفُ التَّقْوَى وَ تَمْثِيلُهُ﴾

١٣-٥-١- الذِّكْرُ، الْقَوْلُ، الشَّهَادَتَيْنِ

١٣-٥-١-١- قَوْلُ شَهَادَةِ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَأَنَّ مُحَمَّدًا رَسُولُ اللَّهِ

﴿٣٢٧﴾ ابن عباس رضي الله عنه: قَالَ خَرَجَ أَعْرَابِيٌّ مِنْ بَنِي سُلَيْمٍ وَ ذَكَرَ خَبْرًا طَوِيلًا وَ أَنَّهُ صَادَقَ ضَبًّا وَ أَتَى بِهِ إِلَى النَّبِيِّ ﷺ وَ أَسْلَمَ بِشَهَادَةِ الضَّبِّ إِلَى أَنْ قَالَ ثُمَّ أَلْفَتَ النَّبِيَّ ﷺ فَقَالَ مَنْ يَزُودُ الْأَعْرَابِيَّ وَ أَضْمَنَ لَهُ عَلَى اللَّهِ عِزًّا وَ جَلًّا زَادَ التَّقْوَى قَالَ فَوَثَبَ إِلَيْهِ سَلْمَانُ الْفَارِسِيُّ رَحِمَهُ اللَّهُ فَقَالَ فِدَاكَ أَبِي وَ أُمِّي مَا زَادَ التَّقْوَى قَالَ يَا سَلْمَانُ إِذَا كَانَ آخِرُ يَوْمٍ مِنْ أَيَّامِ الدُّنْيَا لَقَنَكَ اللَّهُ عِزًّا وَ جَلًّا قَوْلَ شَهَادَةِ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَ أَنَّ مُحَمَّدًا رَسُولُ اللَّهِ فَإِنْ أَنْتَ قُلْتَهَا لِقَيْتَنِي وَ لِقَيْتَكَ وَ إِنْ لَمْ تَقُلْهَا لَمْ تَلْقُنِي وَ لَمْ أَلْقَكَ أَبَدًا؛ مستدرک الوسائل، ج ٢، ص ١٢٣

١٣-٥-٢- كَلِمَةُ التَّقْوَى لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَ اللَّهُ أَكْبَرُ

﴿٣٢٨﴾ أمير المؤمنين عليه السلام: فِي قَوْلِهِ وَ أَلَزَمَهُمْ كَلِمَةَ التَّقْوَى قَالَ هِيَ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَ اللَّهُ أَكْبَرُ

آيَةُ النَّصْرِ؛ مستدرک الوسائل، ج ١١، ص ١٠٦

١٣-٥-٣- قَوْلُ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ

﴿٣٢٩﴾ أمير المؤمنين عليه السلام: لَيْسَ شَيْءٌ أَقْطَعُ لِظَهْرِ إِبْلِيسَ مِنْ قَوْلِ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ كَلِمَةُ التَّقْوَى؛

شرح نهج البلاغة، ج ٢٠، ص ٣١٦

﴿٣٣٠﴾ الرَّسُولُ ﷺ: فَقَوْلُهُ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ يَعْنِي وَحْدَانِيَّتَهُ لَا يَقْبَلُ اللَّهُ الْأَعْمَالَ إِلَّا بِهَا وَ هِيَ

كَلِمَةُ التَّقْوَى يُثْقِلُ اللَّهُ بِهَا الْمَوَازِينَ يَوْمَ الْقِيَامَةِ؛ بحار الأنوار، ج ٩، ص ٢٩٤

﴿٣٣١﴾ أمير المؤمنين عليه السلام: ثُمَّ نَادَى لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَ اللَّهُ أَكْبَرُ كَلِمَةُ التَّقْوَى؛ مستدرک الوسائل،

ج ١١، ص ١٠٧

١٤-٥-١- الزَّادُ

﴿٣٣٢﴾ وَ تَزَوَّدُوا فَإِنَّ خَيْرَ الزَّادِ التَّقْوَى؛ البقرة ١٩٧

﴿٣٣٣﴾ دَعَاءُ لَيْلَةِ الْخَمِيسِ: وَ اجْعَلِ الْإِسْلَامَ مُنْتَهَى رِضَايَ وَ اجْعَلِ الْبِرَّ أَكْبَرَ أَخْلَاقِي وَ التَّقْوَى

زَادِي؛ بحار الأنوار، ج ٨٧، ص ٢٠٥

﴿٣٣٤﴾ الرَّسُولُ ﷺ: اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ أَنْ تَجْعَلَ عَلَيَّ الْهُدَى أَمْرِي وَ التَّقْوَى زَادِي؛

بحار الأنوار، ج ٩٠، ص ٢٦٩

«تعریف تقوا و تمثیل آن»

۱۳-۵-۱- ذکر، کلام، شهادتین

۱-۱۳-۵-۱- شهادت به توحید و نبوت

«۳۲۷» از ابن عباس رضی الله عنه روایتی در مورد یک عرب بیابانگرد از قبیله‌ی بنی سلیم شده که ماجرای طولانی از او نقل می‌کند که او سوسماری شکار کرده بود و نزد رسول خدا صلی الله علیه و آله آورد و ماجرای رخ داد [که سوسمار به سخن آمد و شهادت به نبوت محمد صلی الله علیه و آله داد] و آن مرد به واسطه‌ی شهادت آن سوسمار، مسلمان شد... سپس پیامبر صلی الله علیه و آله رو به اصحاب کرد و فرمود: «کیست که توشه‌ای به این مرد بدهد تا من برای او توشه‌ی تقوا را ضمانت کنم؟» سلمان فارسی رضی الله عنه بلند شد و عرض کرد: «پدر و مادرم به فدایت! زاد تقوا چیست؟» رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: «ای سلمان! روزی که دیگر آخرین روز عمر توست خدای تعالی به تو تلقین می‌کند که بگو خدایی جز الله نیست و محمد رسول خدا است اگر این شهادت را گفتی، مرا ملاقات خواهی کرد و من نیز تو را ملاقات می‌کنم و اگر نگفتی دیگر نه تو مرا ملاقات می‌کنی و نه من تو را ملاقات می‌کنم».

۲-۱۳-۵-۱- کلمه‌ی تقوا «لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ» و «اللَّهُ أَكْبَرُ» است

«۳۲۸» در تفسیر آیه‌ی: «وَالَّذِينَ هُمْ كَلِمَةُ التَّقْوَى» فرمود: منظور «لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ و اللَّهُ أَكْبَرُ» می‌باشد و این آیه، آیه‌ی پیروزی است.

۳-۱۳-۵-۱- لفظ «لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ»

«۳۲۹» هیچ چیزی مانند کلام «لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ» که کلمه‌ی تقواست، کمر شیطان را نمی‌شکند. «۳۳۰» منظور از سخن: لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ، یگانه‌پرستی است و خداوند اعمال انسان را جز به واسطه‌ی آن کلمه نمی‌پذیرد که آن کلمه‌ی تقواست. و خداوند روز قیامت میزان‌ها را به سبب آن سنگین می‌کند.

«۳۳۱» سپس علی رضی الله عنه بانگ برآورد که کلمه‌ی تقوا، لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ و اللَّهُ أَكْبَرُ است.

۴-۱۳-۵-۱- توشه

«۳۳۲» و زاد و توشه تهیه کنید، که بهترین زاد و توشه، پرهیزکاری است!

«۳۳۳» [دعای شب پنجشنبه: اسلام را انتهای خشنودی‌ام قرار ده و نیکی را بهترین رفتارهایم و تقوا را توشه‌ام قرار ده.

«۳۳۴» خدایا! از تو می‌خواهم امر مرا بر هدایت قرار داده و تقوا را زاد و توشه‌ام سازی.

﴿تعريفُ التقوى وَ تمثيلة﴾

﴿٣٣٥﴾ الرسول ﷺ: اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ أَنْ تَجْعَلَ التَّقْوَى زَادِي إِلَى يَوْمِ مَعَادِي؛ بحار الأنوار،

ج ٩٠، ص ٢٦٩

﴿٣٣٦﴾ الصادق عليه السلام: اللَّهُمَّ... اجْعَلِ التَّقْوَى مِنَ الدُّنْيَا زَادِي؛ الكافي، ج ٤، ص ٤٦٩

﴿٣٣٧﴾ السَّجَّاد عليه السلام: اجْعَلْ تَقْوَاكَ مِنَ الدُّنْيَا زَادِي؛ الصحيفة السجادية عليه السلام، الدعاء ٢١

﴿٣٣٨﴾ أمير المؤمنين عليه السلام: اللَّهُمَّ اغْفِرْ لِلْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ وَالْمُسْلِمِينَ وَالْمُسْلِمَاتِ اللَّهُمَّ

اجْعَلِ التَّقْوَى زَادَهُمْ؛ من لا يحضره الفقيه، ج ١، ص ٤٣٢

﴿٣٣٩﴾ الرسول ﷺ: اللَّهُمَّ اجْمَعْ أَمْرَنَا عَلَى الْهُدَى وَ اجْعَلِ التَّقْوَى زَادَنَا؛ بحار الأنوار، ج ٦٧،

ص ٣٧٨

﴿٣٤٠﴾ زيارة من ناب عن غيره: اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَ اجْعَلْ جَائِزَتَهُ فِي مَوْفِي هَذَا غُفْرَانِكَ وَ تُخَفِّتَهُ فِي مَقَامِي هَذَا عِنْدَ إِمَامِي صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ أَنْ تُقِيلَ عُثْرَتَهُ وَ تُقَبِّلَ مَعْدِرَتَهُ وَ تَتَجَاوَزَ عَنْ خَطِيئَتِهِ وَ تَجْعَلَ التَّقْوَى زَادَهُ؛ تهذيب الأحكام، ج ٦، ص ١١٦

﴿٣٤١﴾ أمير المؤمنين عليه السلام: شِيْمَةُ الْأَتْقِيَاءِ اغْتِنَامُ الْمُهْلَةِ، وَ التَّزَوُّدُ لِلرَّحْلَةِ؛ غرر الحكم، ص ٤٧٣

﴿٣٤٢﴾ الصادق عليه السلام: وَ الْمَحْمُودُ مِنَ الْمَأْكُولَاتِ أَرْبَعَةٌ ضَرُورَةٌ وَ غَدَةٌ وَ فَتُوحٌ وَ قُوَّةٌ فَالْأَكْلُ الضَّرُورِيُّ لِلْأَصْفِيَاءِ وَ الْغَدَةُ لِلْقُورَاءِ الْأَتْقِيَاءِ وَ الْفَتْوحُ لِلْمُتَوَكِّلِينَ وَ الْقُوَّةُ لِلْمُؤْمِنِينَ؛

مستدرک الوسائل، ج ١٦، ص ٢١١

﴿٣٤٣﴾ أمير المؤمنين عليه السلام: اجْعَلْ تَزَوُّدَكَ الْمَخَافَةَ وَ التَّقَى؛ ديوان الإمام علي عليه السلام، ص ٢٦٩

﴿٣٤٤﴾ السَّجَّاد عليه السلام: إِبْرَاهِيمُ بْنُ آدَمَ وَ فَتَحَ الْمَوْصِلِيُّ قَالَ كُلُّ وَاحِدٍ مِنْهُمَا كُنْتُ أَسِيحُ فِي الْبَادِيَةِ مَعَ الْقَافِلَةِ فَعَرَضْتُ لِي حَاجَةٌ فَتَنَحَّيْتُ عَنِ الْقَافِلَةِ فَإِذَا أَنَا بِصَبِيٍّ يَمْشِي... فَقُلْتُ أَتَيْنَ الزَّادُ وَ الرَّاحِلَةُ فَقَالَ زَادِي تَقْوَايَ وَ رَاحِلَتِي رَجُلَايَ وَ قَصْدِي مَوْلَايَ إِلَى أَنْ ذَكَرَ أَنَّهُ كَانَ عَلَى بَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ عَلِيٍّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ عليه السلام [قَالَ فَبَيْنَا نَحْنُ كَذَلِكَ إِذْ أَقْبَلَ شَابٌّ حَسَنُ الْوَجْهِ عَلَيْهِ ثِيَابٌ بَيْضٌ حَسَنَةٌ فَعَانَقَ الصَّبِيَّ وَ سَلَّمَ عَلَيْهِ فَأَقْبَلْتُ عَلَى الشَّابِّ وَ قُلْتُ لَهُ أَسْأَلُكَ بِالَّذِي حَسَنَ خَلْقِكَ مَنْ هَذَا الصَّبِيُّ فَقَالَ مَا تَعْرِفُهُ هَذَا عَلِيُّ بْنُ الْحُسَيْنِ بْنِ عَلِيٍّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ]؛ مستدرک الوسائل،

ج ٨، ص ٣١

﴿٣٤٥﴾ الكاظم عليه السلام: اجْعَلْ زَادِي مِنَ الدُّنْيَا تَقْوَاكَ؛ مهج الدعوات، ص ٢٤

«تعریف تقوا و تمثیل آن»

- ﴿۳۳۵﴾ خدایا! از تو می‌خواهم تقوا را در روز بازگشت زاد و توشه‌ام قرار دهی.
- ﴿۳۳۶﴾ خدایا! تقوا را توشه‌ی من از دنیا قرار بده.
- ﴿۳۳۷﴾ تقوا و ترس از کیفر خود را از دنیا [برای سفر آخرت] توشه‌ام قرار ده.
- ﴿۳۳۸﴾ خدایا! همه‌ی مردان و زنان مؤمن و مسلمان را ببخش و بیمارز و تقوا را توشه‌ی آنان قرار بده.
- ﴿۳۳۹﴾ خدایا! همه‌ی ما را از هدایت خود برخوردار بفرما و تقوا و پرهیزکاری را زاد و توشه‌ی ما قرار بده.
- ﴿۳۴۰﴾ [زیارت نیابتی:] خداوند! بر محمد ﷺ و خاندانش علیهم‌السلام درود فرست. بخشش و مغفرت خود را جایزه‌ی [کسی که به نیابت از] او در این جایگاه به زیارت آمده‌ام قرار بده. به حرمت این مکانی که در آن در محضر (مزار) امام خود هستم، هدیه‌ی او را این قرار بده که از لغزشش درگذری و عذرش را بپذیری و از گناهش درگذری و تقوا را توشه‌اش قرار دهی.
- ﴿۳۴۱﴾ غنیمت‌شمردن فرصت‌ها و توشه‌برداشتن برای سفر آخرت، از اخلاق اهل تقواست.
- ﴿۳۴۲﴾ آنچه از انواع خوردنی‌ها مطلوب و پسندیده است، چهار چیز است؛ اوّل: خوردن «ضروری» است که برای انبیاء و افراد برگزیده می‌باشد. دوّم: خوردن «عُدّه» که به معنای توشه برای امری دیگر است و این برای پرهیزکاران است که خوراک را مقدّمه‌ی انجام وظایف قرار می‌دهند. سوّم: خوردن «فُتُوح» است که وسیله‌ی گشایش امر متوکّلین است. چهارم: خوردن «قوت» است که برای توانایی و نیروگرفتن مؤمنین است.
- ﴿۳۴۳﴾ توشه‌ات را ترس از خداوند و پرهیزکاری قرار بده.
- ﴿۳۴۴﴾ ابراهیم ادهم و فتح موصلی هر کدام گفتند: با قافله در بیابان می‌رفتم، احتیاجی پیدا کردم. از قافله دور شدم، ناگهان دیدم پسرکی راه می‌رود،... گفتم: «پس خوراکی و مرکب سواری‌ات کو؟» گفت: «زاد من پرهیزکاری من است و مرکب سواری‌ام دو پای من و هدفم مولایم است»... در همین میان جوانی خوش صورت با لباسی سفید پیش آمد و کودک را در آغوش گرفته بر او سلام کرد. من به جوان گفتم: «تو را به آن خدایی که این ظاهر آراسته و زیبا را به تو داده، این پسرک کیست؟» گفت: «او را نمی‌شناسی؟ او علی بن الحسین بن علی بن ابی طالب علیه‌السلام است».
- ﴿۳۴۵﴾ توشه‌ی مرا از دنیا پرهیزکاری از عقابت بگردان.

﴿تَعْرِيفُ التَّقْوَى وَ تَمْثِيلُهُ﴾

﴿٣٤٦﴾ أمير المؤمنين عليه السلام: أَوْصِيَكُمْ عِبَادَ اللَّهِ بِتَقْوَى اللَّهِ الَّتِي هِيَ الزَّادُ وَبِهَا الْمَعَادُ زَادٌ مُبْلَغٌ وَ مَعَادٌ مُنْجَحٌ؛ نهج البلاغة، ص ١٦٩

﴿٣٤٧﴾ أمير المؤمنين عليه السلام: مَا أَصْلَحَ الدِّينَ كَالْتَّقْوَى؛ غرر الحكم، ص ٢٧١

﴿٣٤٨﴾ أمير المؤمنين عليه السلام: عَلَيْكُمْ بِالتَّقْوَى فَإِنَّهُ خَيْرُ زَادٍ وَ أَحْرَزُ عَتَادٍ؛ غرر الحكم، ص ٢٧٢

﴿٣٤٩﴾ الرسول ﷺ: فَتَسْأَلُ اللَّهُ لَنَا وَ لَكُمْ أَعُونَ عَلَى الزَّادِ بِالتَّقْوَى؛ أعلام الدين، ص ٢٢٥

﴿٣٥٠﴾ الرسول ﷺ: كَفَى بِالْمَوْتِ وَاعْظَاءً وَ بِالْعَقْلِ دَلِيلًا وَ بِالتَّقْوَى زَادًا؛ مستدرک الوسائل،

ج ١١، ص ١٨٤

﴿٣٥١﴾ لقمان عليه السلام: يَا بُنَيَّ إِنَّ الدُّنْيَا بَحْرٌ عَمِيقٌ وَ قَدْ هَلَكَ فِيهَا عَالَمٌ كَثِيرٌ فَاجْعَلْ سَفِينَتَكَ فِيهَا أَلِيْمَانًا بِاللَّهِ وَ اجْعَلْ شِرَاعَهَا التَّوَكُّلَ عَلَى اللَّهِ وَ اجْعَلْ زَادَكَ فِيهَا تَقْوَى اللَّهِ؛ من لا يحضره الفقيه، ج ٢، ص ٢٨٢

﴿٣٥٢﴾ أمير المؤمنين عليه السلام: إِنَّكُمْ إِلَى أَزْوَادِ التَّقْوَى أَحْوَجُ مِنْكُمْ إِلَى أَزْوَادِ الدُّنْيَا؛ غرر الحكم،

ص ٢٦٩

﴿٣٥٣﴾ أمير المؤمنين عليه السلام: تَجَهَّزُوا رَحِمَكُمُ اللَّهُ وَ انْتَقِلُوا بِأَفْضَلِ مَا بِحَضْرَتِكُمْ مِنَ الزَّادِ وَ هُوَ

التَّقْوَى؛ بحار الأنوار، ج ٦٨، ص ١٧٢

﴿٣٥٤﴾ الرسول ﷺ: كَانَ إِذَا وَدَّعَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ رَجُلًا قَالَ أَسْتَوْدِعُ اللَّهَ دِينَكَ وَ أَمَانَتَكَ وَ خَوَاتِيمَ عَمَلِكَ وَ وَجْهَكَ لِلْخَيْرِ حَيْثُ مَا تَوَجَّهْتَ وَ زَوَدَكَ التَّقْوَى وَ غَفَرَ لَكَ الذُّنُوبَ؛

بحار الأنوار، ج ٧٣، ص ٢٨١

﴿٣٥٥﴾ الصادق عليه السلام: اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَ أَعِنِّي عَلَى صَلَاةِ اللَّيْلِ وَ صِيَامِ النَّهَارِ وَ ارْزُقْنِي مِنَ الْوَرَعِ مَا يَحْجُزُنِي عَنْ مَعَاصِيكَ وَ اجْعَلْ عِبَادَتِي لَكَ أَيَّامَ حَيَاتِي وَ اسْتَعْمِلْنِي أَيَّامَ عُمْرِي بِعَمَلٍ تَرْضَى بِهِ عَنِّي وَ زَوِّدْنِي مِنَ الدُّنْيَا التَّقْوَى؛ بحار الأنوار، ج ٩٤، ص ٣٣٦

﴿٣٥٦﴾ الحسن عليه السلام: وَ الْغَنِيمَةُ فِي التَّقْوَى وَ الزَّهَادَةُ فِي الدُّنْيَا هِيَ الْغَنِيمَةُ الْبَارِدَةُ؛ بحار الأنوار،

ج ٧٥، ص ١١٤

﴿٣٥٧﴾ لقمان عليه السلام: وَ اعْلَمْ يَا بُنَيَّ أَنَّ الدُّنْيَا بَحْرٌ عَمِيقٌ وَ قَدْ هَلَكَ فِيهِ خَلْقٌ كَثِيرٌ فَاجْعَلْ

سَفِينَتَكَ فِيهِ أَلِيْمَانًا بِاللَّهِ وَ زَادَكَ التَّقْوَى؛ أعلام الدين، ص ٩٣

﴿٣٥٨﴾ الباقر عليه السلام: فَمَا زَادَكَ؟ قَالَ: التَّقْوَى؛ بحار الأنوار، ج ٤٦، ص ٢٧٠

«تعریف تقوا و تمثیل آن»

﴿۳۴۶﴾ ای بندگان خدا! شما را به تقوای الهی سفارش می‌کنم، که زاد و توشه‌ی سفر قیامت است. تقوا توشه‌ای است که به منزل رساند، پناهگاهی است که ایمن می‌گرداند.

﴿۳۴۷﴾ چیزی مانند تقوا نمی‌تواند دین را اصلاح کند.

﴿۳۴۸﴾ بر شما باد به تقوا که بهترین توشه و آماده‌ترین پناهگاه است.

﴿۳۴۹﴾ از خداوند می‌خواهیم که ما و شما را در کسب توشه‌ی تقوا یاری کند.

﴿۳۵۰﴾ برای وعظ و اندرز مرگ بس است. برای دلالت و راهنمایی عقل و فکر بس است و برای زاد و توشه تقوا و پرهیزکاری.

﴿۳۵۱﴾ فرزند عزیزم! دنیا دریایی ژرف است و جهانی بسیار در آن هلاک شده‌اند، پس کشتی خود را در آن دریا، ایمان به خدا و بادبانش را توکل بر خدا و توشه‌ی خود را در آن، تقوای خدای بلندمرتبه قرار ده.

﴿۳۵۲﴾ شما به توشه‌های تقوا نیازمندتر هستید تا توشه‌های دنیا.

﴿۳۵۳﴾ آماده شوید! خدا شما را رحمت کند و بهترین چیزی که الان در اختیار شما است، آن تقوا و پرهیزکاری است [که به عنوان ذخیره برای خود آماده کنید تا به همراه خود ببرید.

﴿۳۵۴﴾ رسول خدا ﷺ هنگامی که با مردی وداع می‌کرد، می‌فرمود: «تو را و دینت و امانت و عاقبت عملت را به خدا می‌سپارم، هر جا رو کنی خدا خیرت دهد و تقوا را توشه‌ی تو کند و گناهانت را بیامرزد».

﴿۳۵۵﴾ خدایا! بر محمد و خاندان او درود بفرست و مرا بر نماز شب و روزه‌داری روز یاری فرما و از پارسایی آنقدر روزی‌ام فرما که مرا از نافرمانی‌ات بازدارد و عبادتم را در طول زندگی‌ام مخصوص خویش گردان و مرا در طول عمرم برای عملی به کار گیر که با انجام آن از من راضی باشی و از دنیا پرهیزکاری را توشه‌ام گردان.

﴿۳۵۶﴾ غنیمت، رغبت در تقوی و زهدات در دنیا است که آن غنیمتی بدون زحمت است.

﴿۳۵۷﴾ پسر عزیزم! بدان که دنیا دریایی عمیق است و عده‌ی بسیاری در آن غرق شده‌اند، ایمان به خدا را کشتی نجات خود و تقوا را توشه‌ی خود قرار ده.

﴿۳۵۸﴾ شخصی گفت: «زاد و توشه‌ی تو چیست؟» فرمود: «تقوی».

﴿تعريفُ التقوى وَ تمثيلة﴾

﴿٣٥٩﴾ السَّجَّادُ عليه السلام: فَأَسْأَلُ اللَّهَ الْعَوْنَ لَنَا وَ لَكُمْ عَلَى تَزَوُّدِ التَّقْوَى وَ الزُّهْدِ فِيهَا؛ الكافي، ج ٨،

ص ٧٥

﴿٣٦٠﴾ أمير المؤمنين عليه السلام: فَقَطَّعُوا عَلَائِقَ الدُّنْيَا وَ اسْتَظْهِرُوا بِرَادَ التَّقْوَى؛ نهج البلاغة، ص ٣٢١

﴿٣٦١﴾ الصادق عليه السلام: لَا زَادَ أَفْضَلُ مِنَ التَّقْوَى؛ العدد القوية، ص ١٥٢

﴿٣٦٢﴾ أمير المؤمنين عليه السلام: فَازَ مَنْ اسْتَصْبَحَ بَنُورَ الْهُدَى وَ خَالَفَ دَوَاعِيَ الْهَوَى وَ جَعَلَ الْإِيمَانَ

عُدَّةَ مَعَادِهِ وَ التَّقْوَى ذُخْرَهُ وَ زَادَهُ؛ غرر الحكم، ص ٩٤

﴿٣٦٣﴾ أمير المؤمنين عليه السلام: الْمُؤْمِنُ يَكُونُ صَادِقًا فِي الدُّنْيَا... وَ الصَّدْقُ عَادَتُهُ وَ الشُّكْرُ مَرْكَبُهُ وَ

الْعَقْلُ قَائِدُهُ وَ التَّقْوَى زَادَهُ؛ مستدرک الوسائل، ج ١١، ص ١٧٤

١-١٤-٥-١ زَادَ التَّقْوَى

﴿٣٦٤﴾ ابن عباس رضي الله عنهما: قَالَ خَرَجَ أَعْرَابِيٌّ مِنْ بَنِي سُلَيْمٍ وَ ذَكَرَ خَبْرًا طَوِيلًا وَ أَنَّهُ صَادَ ضَبًّا وَ آتَى

بِهِ إِلَى النَّبِيِّ صلى الله عليه وآله وَ أَسْلَمَ بِشَهَادَةِ الضَّبِّ إِلَى أَنْ قَالَ ثُمَّ أَلْفَتَ النَّبِيَّ صلى الله عليه وآله فَقَالَ مَنْ يُزَوِّدُ الْأَعْرَابِيَّ وَ

أَضْمَنَ لَهُ عَلَى اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ زَادَ التَّقْوَى قَالَ فَوَثَبَ إِلَيْهِ سَلْمَانُ الْفَارِسِيُّ رَحِمَهُ اللَّهُ فَقَالَ فِدَاكَ

أَبِي وَ أُمِّي مَا زَادَ التَّقْوَى قَالَ يَا سَلْمَانُ إِذَا كَانَ آخِرُ يَوْمٍ مِنْ أَيَّامِ الدُّنْيَا لَقِنَكَ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ قَوْلَ

شَهَادَةٍ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَ أَنْ مُحَمَّدًا رَسُولُ اللَّهِ فَإِنْ أَنْتَ قُلْتَهَا لَقِيتَنِي وَ لَقِيتَكَ وَ إِنْ لَمْ تَقُلْهَا لَمْ

تَلْقَنِي وَ لَمْ أَلْقَكَ أَبَدًا؛ مستدرک الوسائل، ج ٢، ص ١٢٣

٢-١٤-٥-١ خَيْرُ زَادٍ

﴿٣٦٥﴾ أمير المؤمنين عليه السلام: التَّقْوَى خَيْرُ زَادٍ؛ غرر الحكم، ص ٢٧٢

﴿٣٦٦﴾ الرسول صلى الله عليه وآله: خَيْرُ الزَّادِ مَا صَحِبَهُ التَّقْوَى؛ إرشاد القلوب، ج ١، ص ١٩٤

﴿٣٦٧﴾ الرسول صلى الله عليه وآله: أَلَا إِنَّ خَيْرَ زَادِكُمْ التَّقْوَى؛ اليقين، ص ٣٥٨

﴿٣٦٨﴾ الرسول صلى الله عليه وآله: لَا بُدَّ لِلْمُسَافِرِ مِنْ زَادٍ فَمَنْ لَمْ يَتَزَوَّدْ وَ سَافَرَ عَطَبَ وَ هَلَكَ وَ خَيْرُ الزَّادِ

التَّقْوَى؛ بحار الأنوار، ج ٣٨، ص ٩٩

﴿٣٦٩﴾ أمير المؤمنين عليه السلام: وَقَدْ رَجَعَ مِنْ صِفِّينَ فَأَشْرَفَ عَلَى الْقُبُورِ بِظَاهِرِ الْكُوفَةِ يَا أَهْلَ

الدِّيَارِ الْمُوَحِّشَةِ وَ الْمَحَالِّ الْمُقْفِرَةِ وَ الْقُبُورِ الْمُظْلِمَةِ يَا أَهْلَ التُّرْبَةِ يَا أَهْلَ الْعُرْبَةِ يَا أَهْلَ الْوَحْدَةِ

يَا أَهْلَ الْوَحْشَةِ أَنْتُمْ لَنَا فَرَطٌ سَابِقٌ وَ نَحْنُ لَكُمْ تَبَعٌ لَاحِقٌ أَمَّا الدُّورُ فَقَدْ سَكَنْتَ وَ أَمَّا الْأَزْوَاجُ

﴿٢٨٤﴾

«تعریف تقوا و تمثیل آن»

﴿۳۵۹﴾ از خداوند می‌خواهم که به ما و شما در توشه‌برداری تقوا و رعایت زهد در دنیا کمک کند.

﴿۳۶۰﴾ پس پیوندهای دنیا را از خود قطع کنید، و به توشه تقوا پشت خود را قوی گردانید.

﴿۳۶۱﴾ توشه‌ای بهتر از تقوا نیست.

﴿۳۶۲﴾ کسی که روز خود را با طلب نور هدایت و مخالفت با خواسته‌های نفس خود آغاز کند و ایمان را سرمایه‌ای برای معاد خود و تقوا را ذخیره و توشه آن قرار دهد؛ رستگار است.

﴿۳۶۳﴾ مؤمن در دنیا راستگوست... و راستگویی عادت اوست. مرکب و وسیله‌ی حرکتش، شکر خدا، و راهبر او عقل و توشه‌اش تقواست.

۱-۱۴-۵-۱- توشه‌ی تقوا

﴿۳۶۴﴾ از ابن عباس رضی الله عنه روایتی در مورد یک عرب بیابانگرد از قبیله‌ی بنی‌سلیم شده که ماجرای طولانی از او نقل می‌کند که او سوسماری شکار کرده بود و نزد رسول خدا صلی الله علیه و آله آورد و ماجرای رخ داد [که سوسمار به سخن آمد و شهادت به نبوت محمد صلی الله علیه و آله داد] و آن مرد به واسطه‌ی شهادت آن سوسمار، مسلمان شد... سپس پیامبر صلی الله علیه و آله رو به اصحاب کرد و فرمود: «کیست که توشه‌ای به این مرد بدهد تا من برای او توشه‌ی تقوا را ضمانت کنم؟» سلمان فارسی رضی الله عنه بلند شد و عرض کرد: «پدر و مادرم به فدایت! زاد تقوا چیست؟» رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: «ای سلمان! روزی که دیگر آخرین روز عمر توست خدای تعالی به تو تلقین می‌کند که بگو خدایی جز الله نیست و محمد رسول خدا است اگر این شهادت را گفتی، مرا ملاقات خواهی کرد و من نیز تو را ملاقات می‌کنم و اگر نگفتی دیگر نه تو مرا ملاقات می‌کنی و نه من تو را ملاقات می‌کنم».

۲-۱۴-۵-۱- بهترین توشه

﴿۳۶۵﴾ تقوا بهترین توشه است.

﴿۳۶۶﴾ بهترین زاد و توشه آن است که همراه با پرهیزکاری باشد.

﴿۳۶۷﴾ بدانید که بهترین توشه‌ی شما تقواست.

﴿۳۶۸﴾ مسافر توشه‌ای لازم دارد، پس هرکس توشه بر نگرفته و به سفر برود؛ از پای در آید و هلاک گردد و بهترین توشه پرهیزکاری است.

﴿۳۶۹﴾ هنگامی که از [جنگ] صفین بازگشت و به گورستان بیرون کوفه رسید [در باره‌ی پرهیزکاری] فرمود: «ای ساکنین سراهای ترسناک و جاهای بی‌کس و بی‌آب و گیاه، و گورهای تاریک! ای ساکنین خاک، ای دور ماندگان از وطن، ای بی‌کسان، ای ترسناکان! شما پیشرو

﴿تعريفُ التقوى وَ تمثيلة﴾

فَقَدْ نُكِحَتْ وَ أَمَّا الْأَمْوَالُ فَقَدْ قُسِمَتْ هَذَا خَيْرٌ مَا عِنْدَنَا فَمَا خَيْرٌ مَا عِنْدَكُمْ ثُمَّ انْفَتَحَ إِلَى أَصْحَابِهِ فَقَالَ أَمَّا لَوْ أَذِنَ لَهُمْ فِي الْكَلَامِ لَأَخْبَرُوكُمْ أَنَّ خَيْرَ الزَّادِ التَّقْوَى؛ نهج البلاغة، ص ٤٩٢-١٤-٥-١-٣ خَيْرٌ مَا تَزَوَّدَتْ

﴿٣٧٠﴾ أمير المؤمنين عليه السلام: تَزَوَّدْ مِنَ الدُّنْيَا فَإِنَّ خَيْرَ مَا تَزَوَّدَتْ مِنْهَا التَّقْوَى؛ بحار الأنوار، ج ١٠،

ص ١٠٨

١٤-٥-١-٣-٤ خَيْرٌ مَا تَزَوَّدْتُمُوهُ

﴿٣٧١﴾ أمير المؤمنين عليه السلام: تَزَوَّدُوا مِنَ الدُّنْيَا التَّقْوَى فَإِنَّهَا خَيْرٌ مَا تَزَوَّدْتُمُوهُ مِنْهَا؛ تحف العقول،

ص ١٢٠

١٤-٥-١-٣-٥ لَمْ يُتَزَوَّدْ مِثْلَ التَّقْوَى زَادٌ

﴿٣٧٢﴾ الصادق عليه السلام: أَمَّا وَاللَّهِ لَوْ يُؤْذَنُ لَهُمْ فِي الْكَلَامِ لَقَالُوا لَمْ يُتَزَوَّدْ مِثْلَ التَّقْوَى زَادٌ؛

بحار الأنوار، ج ٩٩، ص ٢٩٦

١٤-٥-١-٣-٦ لَا خَيْرَ فِي أَرْوَادِهَا إِلَّا التَّقْوَى

﴿٣٧٣﴾ أمير المؤمنين عليه السلام: أَمَّا بَعْدُ فَإِنِّي أَحْذَرُكُمْ الدُّنْيَا فَإِنَّهَا... لَا خَيْرَ فِي شَيْءٍ مِنْ أَرْوَادِهَا

إِلَّا التَّقْوَى؛ نهج البلاغة، ص ١٦٤

١٤-٥-١-٣-٧ مَا ادَّخَرَ لَهُ فِي الْآخِرَةِ

﴿٣٧٤﴾ أمير المؤمنين عليه السلام: فَإِنَّ مَنْ اتَّقَى اللَّهَ... فَجَدَّ وَاجْتَهَدَ وَاتَّعَبَ بَدَنَهُ حَتَّى بَدَتْ

الْأَضْلَاحُ وَ غَارَتِ الْعَيْنَانِ فَأَبْدَلَهُ اللَّهُ مِنْ ذَلِكَ قُوَّةً فِي بَدَنِهِ وَ شِدَّةً فِي عَقْلِهِ وَ مَا ادَّخَرَ لَهُ فِي

الْآخِرَةِ أَكْثَرَ؛ مشكاة الأنوار، ص ٢٦٧

١٤-٥-١-٣-٨ ذَخِيرَةٌ مَعَاد

﴿٣٧٥﴾ أمير المؤمنين عليه السلام: التَّقْوَى ذَخِيرَةٌ مَعَادٍ؛ غرر الحكم، ص ٢٧٢

١٤-٥-١-٣-٩ عُدَّةُ الْإِسْلَامِ

﴿٣٧٦﴾ أمير المؤمنين عليه السلام: الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي شَرَعَ الْإِسْلَامَ فَسَهَّلَ شَرَائِعَهُ لِمَنْ وَرَدَهُ... وَ التَّقْوَى

عُدَّتْهُ؛ الأمالي للطوسي، ص ٣٧

«تعریف تقوا و تمثیل آن»

مایید که جلو رفته‌اید و ما پیرو شماییم که به شما می‌رسیم، اما خانه‌ها [یتان] را ساکن شدند، و اما زنان [تان] را گرفتند، و اما دارائی‌ها [یتان] را پخش کردند، این آگهی از چیزی است که نزد ماست پس خبر آنچه نزد شماست چیست؟ پس از آن به سوی یارانش نظر افکنده فرمود: بدانید اگر ایشان را در سخن اجازه و فرمان بود به شما خبر می‌دادند که بهترین توشه [در این راه] تقوی و پرهیزکاری است.

۳-۱۴-۱-۵- بهترین توشه‌ای که برداشته‌ای

﴿۳۷۰﴾ از دنیا توشه بگیر که بهترین توشه‌ای که از آن برمی‌گیری، پارسایی است.

۴-۱۴-۱-۵- بهترین توشه‌ای که برداشته‌اید

﴿۳۷۱﴾ از دنیا توشه‌ی تقوا برچینید که بهترین توشه‌ای که از آن برمی‌گیرید، تقواست.

۵-۱۴-۱-۵- توشه‌ای مثل تقوا برداشته نشده است

﴿۳۷۲﴾ به خدا سوگند اگر اذن به ایشان (مردگان) داده شود که سخن بگویند خواهند گفت:

«هیچ توشه‌ای برای اینجا مثل تقوا و پرهیزکاری نیست».

۶-۱۴-۱-۵- در توشه‌های دنیوی خیری نیست مگر تقوا

﴿۳۷۳﴾ شما را از [دل‌بستن به] دنیا بر حذر می‌دارم، زیرا دنیا [به گونه‌ای است که]... خیر و

نیکویی در هیچ‌یک از توشه‌های آن نیست مگر در تقوا و پرهیزکاری.

۷-۱۴-۱-۵- آنچه برای آخرت ذخیره می‌شود

﴿۳۷۴﴾ پس آن که از خدا پروا کند ... با جدّیت تلاش می‌کند و جسم خود را به حدّی به

زحمت می‌اندازد که استخوان‌هایش از شدّت لاغری آشکار می‌شوند و چشمانش گودافتاده. پس

خداوند در مقابل ریاضت‌های شخص پرهیزکار به جسم او توان و به خرد او صلابت عطا می‌کند.

و البته آنچه برای آخرتش ذخیره می‌کند بیشتر است.

۸-۱۴-۱-۵- ذخیره‌ی روز بازگشت

﴿۳۷۵﴾ تقوا ذخیره‌ای برای معاد است.

۹-۱۴-۱-۵- سرمایه‌ی اسلام

﴿۳۷۶﴾ حمد و سپاس خدایی را که شریعت اسلام را وضع کرد و احکام آن را برای کسانی

که وارد آن شده‌اند، آسان نمود ... و تقوا را سرمایه‌ی آن قرار داد.

﴿تعريفُ التَّقْوَى وَ تَمْثِيلُهُ﴾

١٠-١٤-٥-١- عُدَّةُ الْإِيمَانِ

﴿٣٧٧﴾ أمير المؤمنين عليه السلام: فَالْإِيمَانُ أَصْلُ الْحَقِّ وَ أَصْلُ الْحَقِّ سَبِيلُهُ الْهُدَى ... وَ التَّقْوَى عُدَّتُهُ؛

بحار الأنوار، ج ٦٥، ص ٣٨٢

﴿٣٧٨﴾ أمير المؤمنين عليه السلام: زَادُ الْمَرْءِ [الْمُؤْمِنِ] إِلَى الْآخِرَةِ الْوَرَعُ وَ التَّقَى؛ غرر الحكم، ص ١٥٠

١١-١٤-٥-١- عُدَّةُ الْوَفَاةِ

﴿٣٧٩﴾ أمير المؤمنين عليه السلام: صَبِرَ الدِّينَ جُنَّةَ حَيَاتِكَ وَ التَّقْوَى عُدَّةَ وَفَاتِكَ؛ غرر الحكم، ص ٨٥

﴿٣٨٠﴾ أمير المؤمنين عليه السلام: رَحِمَ اللَّهُ امْرَأً ... جَعَلَ الصَّبْرَ رَغْبَةً حَيَاتِهِ وَ التَّقَى عُدَّةَ وَفَاتِهِ؛

بحار الأنوار، ج ٦٦، ص ٤٠٨

﴿٣٨١﴾ أمير المؤمنين عليه السلام: فَارْحَمَ اللَّهُ امْرَأً ... جَعَلَ الصَّبْرَ مَطِيَّةَ نَجَاتِهِ وَ التَّقْوَى عُدَّةَ وَفَاتِهِ وَ

دَوَاءَ أَجَوَانِهِ؛ الكافي، ج ٨، ص ١٧٠

﴿٣٨٢﴾ الباقر عليه السلام: اللَّهُمَّ ... اجْعَلِ الْبِرَّ أَكْبَرَ أَخْلَاقِي وَ التَّقْوَى زَادِي؛ المصباح للكفعمي، ص ١٢٦

١٢-١٤-٥-١- الذَّخِرُ

﴿٣٨٣﴾ أمير المؤمنين عليه السلام: أَحْسَنُ اللَّبَاسِ الْوَرَعُ وَ خَيْرُ الذَّخْرِ التَّقْوَى؛ غرر الحكم، ص ٢٧٠

﴿٣٨٤﴾ أمير المؤمنين عليه السلام: فَازَ مَنْ اسْتَصْبَحَ بَنُورَ الْهُدَى وَ خَالَفَ دَوَاعِيَ الْهَوَى وَ جَعَلَ الْإِيمَانَ

عُدَّةَ مَعَادِهِ وَ التَّقْوَى ذُخْرَهُ وَ زَادَهُ؛ غرر الحكم، ص ٩٤

١٥-٥-١- الزَّيْنَةُ

﴿٣٨٥﴾ فقه الرضا عليه السلام: اللَّهُمَّ زَيِّنِي بِزِينَةِ أَهْلِ التَّقْوَى؛ بحار الأنوار، ج ٧٣، ص ١١٨

﴿٣٨٦﴾ الكاظم عليه السلام: اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ ... زِينَةَ أَهْلِ الْوَرَعِ؛ بحار الأنوار، ج ٩١، ص ١٩١

﴿٣٨٧﴾ السَّجَاد عليه السلام: حَلَّنِي بِحِلْيَةِ الصَّالِحِينَ، وَ أَلْبَسْنِي زِينَةَ الْمُتَّقِينَ؛ الصحيفة السجادية عليه السلام، الدعاء ٢٠

﴿٣٨٨﴾ فقه الرضا عليه السلام: اللَّهُمَّ زَيِّنِي بِالتَّقَى وَ جَنِّبْنِي الرَّدَى؛ مستدرک الوسائل، ج ١، ص ٤٤١

﴿٣٨٩﴾ السَّجَاد عليه السلام: أَسْتَوْدِعُكَ يَا إِلَهِي غُدُوِّي وَ رَوَاحِي وَ مَقِيلِي وَ أَهْلَ وَلَايَتِي مَنْ كَانَ

مِنْهُمْ هُوَ أَوْ كَانَتْ زَيْنِي وَ إِيَّاهُمْ بِالتَّقْوَى؛ بحار الأنوار، ج ٨٧، ص ٦٨

﴿٣٩٠﴾ الصادق عليه السلام: إِنَّا لَا نَعُدُّ الرَّجُلَ مُؤْمِنًا حَتَّى يَكُونَ لِجَمِيعِ أَمْرِنَا مُتَّبِعًا مُرِيدًا أَلَا وَ إِنَّ

مِنْ اتِّبَاعِ أَمْرِنَا وَ إِرَادَتِهِ الْوَرَعَ فَتَزَيَّنُوا بِهِ يَرْحَمَكُمُ اللَّهُ وَ كَبِدُوا أَغْدَاءَنَا بِهِ يَنْعَشَكُمُ اللَّهُ؛

الكافي، ج ٢، ص ٧٨

«تعریف تقوا و تمثیل آن»

۱۰-۱۴-۱-۵- سرمایه‌ی ایمان

﴿۳۷۷﴾ پس ایمان ریشه‌ی حق است. و ریشه‌ی حق راهش هدایت... و پرهیزکاری ساز و برگش است.

﴿۳۷۸﴾ توشه‌ی فرد (مؤمن) برای آخرت، ورع و تقوا است.

۱۱-۱۴-۱-۵- سرمایه‌ی هنگام مرگ

﴿۳۷۹﴾ دین را سپر محافظی برای زندگی خود و تقوا را سرمایه‌ای برای مرگ خود کن.

﴿۳۸۰﴾ خدا رحمت کند کسی را که ... پایداری را مرکب نجات خود قرار دهد و تقوا را توشه روز مرگ خود سازد.

﴿۳۸۱﴾ خدا رحمت کند آن کس را که... پایداری را مرکب رهایی خود و پرهیزکاری را ذخیره‌ی آخرتش و درمان دردهای سوزان درونی‌اش قرار دهد.

﴿۳۸۲﴾ خداوند! بزرگ‌ترین صفت اخلاقی مرا نیکی و توشه‌ی مرا تقوا... قرار بده.

۱۲-۱۴-۱-۵- ذخیره

﴿۳۸۳﴾ بهترین لباس، ورع [و پارسایی] و بهترین توشه تقواست.

﴿۳۸۴﴾ کسی که روز خود را با طلب نور هدایت و مخالفت با خواسته‌های نفس خود آغاز کند و ایمان را سرمایه‌ای برای معاد خود و تقوا را ذخیره و توشه آن قرار دهد؛ رستگار است.

۱۵-۱-۵- زینت

﴿۳۸۵﴾ خدایا! مرا به زینت اهل تقوا مزین ساز.

﴿۳۸۶﴾ خداوند! زینت پرهیزکاران را از تو خواستارم.

﴿۳۸۷﴾ و مرا به زینت صالحان و شایستگان آراسته فرما، و زیور پرهیزکاران را به من ببوشان.

﴿۳۸۸﴾ خدایا! مرا به تقوا مزین کن و از هلاکت دورم کن.

﴿۳۸۹﴾ خدایا! صبحگاهم، شامگاهم، بستم و افراد تحت سرپرستی‌ام، کسی که از آنان بوده

یا هست را به تو می‌سپارم، من و آنان را به تقوا مزین کن.

﴿۳۹۰﴾ ما کسی را مؤمن نمی‌دانیم مگر اینکه همه دستورات ما را به کار ببندد. و یکی از

اوامر ما ورع و پرهیزکاری می‌باشد. خداوند شما را رحمت کند! خود را به ورع زینت دهید و دشمنان ما را با زینت خود فریفته کنید تا خداوند شما را شاداب گرداند.

﴿تعريفُ التقوى وَ تمثيلة﴾

١-٥-١٥-١- زينةُ الرفق

﴿٣٩١﴾ أمير المؤمنين عليه السلام: لَيْسَ شَيْءٌ أَحْسَنَ مِنْ عَقْلِ زَانَهُ عِلْمٌ وَمِنْ عِلْمِ زَانَهُ حِلْمٌ وَمِنْ حِلْمِ زَانَهُ صِدْقٌ وَمِنْ صِدْقِ زَانَهُ رِفْقٌ وَمِنْ رِفْقِ زَانَهُ تَقْوَى؛ شرح نهج البلاغة، ج ٢٠، ص ٢٦٧

١-٥-١٥-٢- زينةُ الإسلام

﴿٣٩٢﴾ العسكري عليه السلام: فَقَالَ يَا مُحَمَّدُ وَمَنْ النَّاسُ مَنْ يُعْجِبُكَ قَوْلُهُ فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَيَظْهَرُهُ تِلْكَ [لَكَ] الدِّينَ وَالْإِسْلَامَ وَتَزِينُهُ فِي حَضْرَتِكَ بِالْوَرَعِ وَالْإِحْسَانِ؛ بحار الأنوار، ج ٩، ص ١٨٨

١-٥-١٥-٣- زَيْنُ الْمُسْلِمِينَ

﴿٣٩٣﴾ الصادق عليه السلام: اللَّهُمَّ ... أَعِزَّ الْإِسْلَامَ وَأَهْلَهُ وَزَيْنَهُمُ بِالتَّقْوَى وَجَنِّبُهُمُ الرَّدَى؛ مستدرک الوسائل، ج ١٥، ص ٤٤٥

١-٥-١٥-٤- زَيْنُ الْإِيمَانِ

﴿٣٩٤﴾ أمير المؤمنين عليه السلام: ثَلَاثُ هُنَّ زَيْنُ الْمُؤْمِنِ تَقْوَى اللَّهِ وَصِدْقُ الْحَدِيثِ وَأَدَاءُ الْأَمَانَةِ؛ غرر الحكم، ص ٩١

﴿٣٩٥﴾ أمير المؤمنين عليه السلام: زَيْنُ الْإِيمَانِ الْوَرَعُ؛ غرر الحكم، ص ٢٦٩

١-٥-١٥-٥- زَيْنُ الْمُؤْمِنِ

﴿٣٩٦﴾ حديث قدسی: يَا أَحْمَدُ إِنَّ الْوَرَعَ زَيْنُ الْمُؤْمِنِ؛ إرشاد القلوب، ج ١، ص ٢٠٣

١-٥-١٥-٦- زَيْنُ الْكَلَامِ

﴿٣٩٧﴾ الكاظم عليه السلام: أَوْصِيكَ وَنَفْسِي بِتَقْوَى اللَّهِ فَإِنَّهَا زَيْنُ الْكَلَامِ وَتَثْبِيتُ النِّعَمِ؛ الكافي، ج ١، ص ٣٦٦

١-٥-١٥-٧- الْحِلْيَةُ

﴿٣٩٨﴾ أمير المؤمنين عليه السلام: حَلَانَا وَإِيَّاكُمْ حِلْيَةُ الْمُتَّقِينَ؛ الأمالي للمفيد، ص ٢٦٨

﴿٣٩٩﴾ السَّجَاد عليه السلام: حَلَنِي حِلْيَةُ الْمُتَّقِينَ؛ الصحيفة السجادية عليه السلام، الدعاء ٤٧

﴿٤٠٠﴾ أمير المؤمنين عليه السلام: حِلْيَةُ الْمُؤْمِنِ الْوَرَعُ؛ مستدرک الوسائل، ج ١١، ص ١٧٥

﴿٤٠١﴾ الرسول صلى الله عليه وآله: مَنْ لَمْ يَتَحَلَّ بِالْوَرَعِ اسْتَفَادَهُ الشَّرُّ وَمَلَكَتْهُ الْأَطْمَاعُ؛ مجموعة ورام، ج ٢، ص ١١٥

«تعریف تقوا و تمثیل آن»

۱-۵-۱۵-۱- زینت رفاقت

﴿۳۹۱﴾ بهترین چیز، عقلی است که با علم مزین شده و علمی که با بردباری تزین شده و بردباری‌ای که با راستی آراسته‌شده و راستی‌ای که با مدارا زینت‌شده و مدارایی که با تقوا آراسته شده باشد.

۱-۵-۱۵-۲- زینت اسلام

﴿۳۹۲﴾ ای محمد! «از مردم، کسانی هستند که گفتار آنان، در زندگی دنیا مایه اعجاب تو می‌شود»؛ به اظهار دین و مسلمانی آن را با ورع و احسان به حضور تو زینت می‌نماید.

۱-۵-۱۵-۳- زینت مسلمین

﴿۳۹۳﴾ بارخدا! ... اسلام و اهلش را عزیزدار و آن‌ها را با تقوا زینت بخش و از نابودی برکنار دار.

۱-۵-۱۵-۴- زینت ایمان

﴿۳۹۴﴾ سه چیز است که موجب زینت مؤمن است: تقوای الهی، راستگویی و ادای امانت.

﴿۳۹۵﴾ زینت ایمان ورع است.

۱-۵-۱۵-۵- زینت مؤمن

﴿۳۹۶﴾ ای احمد! ورع زینت مؤمن است.

۱-۵-۱۵-۶- زینت کلام

﴿۳۹۷﴾ تو و خود را به تقوا سفارش می‌کنم که تقوا موجب زینت کلام و پایدارشدن نعمت‌ها می‌شود.

۱-۵-۱۵-۷- زیور

﴿۳۹۸﴾ [خداوند] ما و شما را به زیور پرهیزکاران بیاراید.

﴿۳۹۹﴾ مرا به زیور پرهیزکاران بیارای.

﴿۴۰۰﴾ زینت مؤمن، ورع است.

﴿۴۰۱﴾ کسی که مزین به ورع نباشد، شرّ، پیشوای او شده و طمع‌ها بر او مسلط

می‌شوند.

﴿تعريفُ التَّقْوَى وَ تَمَثُّلُهُ﴾

﴿٤٠٢﴾ أمير المؤمنين عليه السلام: لَا يَنْفَعُ زُهْدُ مَنْ لَمْ يَتَخَلَّ عَنِ الطَّمَعِ وَ يَتَحَلَّ بِالْوَرَعِ؛ غررالحكم، ص ٢٧٦

﴿٤٠٣﴾ أمير المؤمنين عليه السلام: تَحَلَّ بِالسَّخَاءِ وَ الْوَرَعِ فَهَمَّا حَلِيَّةُ الْإِيمَانِ وَ أَشْرَفُ خِلَالِكِ؛

غررالحكم، ص ٣٧٦

١٥-١-٨- الشُّنُوفِ بَيْنَ الْحُلِيِّ

﴿٤٠٤﴾ حديث قدسي: يَا أَحْمَدُ إِنَّ الْوَرَعَ كَالشُّنُوفِ بَيْنَ الْحُلِيِّ وَ الْخُبْزِ بَيْنَ الطَّعَامِ؛

بحار الأنوار، ج ٧٤، ص ٢٦

١٥-١-٩- الْجَمَالُ

﴿٤٠٥﴾ أمير المؤمنين عليه السلام: جَمَالُ الْمُؤْمِنِ وَرَعُهُ؛ غررالحكم، ص ٢٦٩

١٥-١-١٠- جَمَالُ الدِّينِ

﴿٤٠٦﴾ أمير المؤمنين عليه السلام: جَمَالُ الدِّينِ الْوَرَعُ؛ غررالحكم، ص ٢٧١

١٥-١-١٦- السَّخَاءُ وَ الْكِرَمُ

١٥-١-١٦- السَّخَاءُ

﴿٤٠٧﴾ أمير المؤمنين عليه السلام: السَّخَاءُ أَنْ تَكُونَ بِمَالِكَ مُتَبَرِّعاً وَ عَنْ مَالٍ غَيْرِكَ مُتَوَرِّعاً؛

غررالحكم، ص ٣٧٥

١٥-١-١٦-٢- الْكِرَمُ

﴿٤٠٨﴾ أمير المؤمنين عليه السلام: لَا كِرَمَ أَعَزُّ مِنَ التَّقَى؛ التوحيد، ص ٧٢

﴿٤٠٩﴾ الصادق عليه السلام: أَصْلُ الرَّجُلِ عَقْلُهُ وَ حَسَبُهُ دِينُهُ وَ كَرَمُهُ تَقْوَاهُ؛ بحار الأنوار، ج ٧٥، ص ٢٠٢

﴿٤١٠﴾ الباقر عليه السلام: أَصْلُ الْمَرْءِ دِينُهُ وَ حَسَبُهُ خُلُقُهُ وَ كَرَمُهُ تَقْوَاهُ؛ مستدرک الوسائل، ج ١٢، ص ٨٩

﴿٤١١﴾ الرسول ﷺ: حَسَبُ الْمَرْءِ دِينُهُ وَ مَرْوُءُهُ وَ عَقْلُهُ وَ شَرَفُهُ وَ جَمَالُهُ وَ كَرَمُهُ تَقْوَاهُ؛

الكافي، ج ٨، ص ٧٩

﴿٤١٢﴾ أمير المؤمنين عليه السلام: لَا كِرَمَ كَالْتَّقْوَى؛ نهج البلاغه، ص ٤٨٨ مستدرک الوسائل، ج ١٢، ص ٤٦

﴿٤١٣﴾ الصادق عليه السلام: قَالَ الْمُفَضَّلُ بْنُ عُمَرَ سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام عَنْ الْحَسَبِ فَقَالَ عليه السلام الْمَالُ

قُلْتُ فَالْكَرَمُ قَالَ عليه السلام التَّقْوَى؛ بحار الأنوار، ج ٧٥، ص ٢٥٨

﴿٤١٤﴾ الرسول ﷺ: لَا حَسَبَ إِلَّا التَّوَّاضُعُ وَ لَا كِرَمَ إِلَّا التَّقْوَى؛ مستدرک الوسائل، ج ١، ص ٨٨

﴿٤١٥﴾ الرسول ﷺ: التَّقْوَى كِرَمٌ؛ مستدرک الوسائل، ج ١١، ص ٢٦٣

﴿٢٩٢﴾

«تعریف تقوا و تمثیل آن»

﴿۴۰۲﴾ کسی که طمع را از وجودش خالی نکرده و خود را با ورع زینت نکرده، از زهدش نفعی نمی‌برد.

﴿۴۰۳﴾ با سخاوت و ورع، [ایمانت را] زینت کن که این دو، زینت ایمان و بهترین صفات تو هستند.

۱-۵-۱۵-۸- گوشواره در بین زیورآلات

﴿۴۰۴﴾ ای احمد! ورع مانند گوشواره در بین زیورآلات و مثل نان بین غذاهاست.

۱-۵-۱۵-۹- زیبایی

﴿۴۰۵﴾ زیبایی مؤمن به ورع اوست.

۱-۵-۱۵-۱۰- زیبایی دین

﴿۴۰۶﴾ جمال دین به ورع است.

۱-۵-۱۶- سخاوت و بخشندگی

۱-۵-۱۶-۱- سخاوت

﴿۴۰۷﴾ سخاوت این است که از مال خودت انفاق و از مال مردم اجتناب کنی.

۱-۵-۱۶-۲- بخشندگی

﴿۴۰۸﴾ کرامتی باعزت‌تر از تقوا نیست.

﴿۴۰۹﴾ اصل مرد عقل اوست و شرافتش دین او و بزرگواری‌اش تقوای اوست.

﴿۴۱۰﴾ اصالت فرد به دین او، حسب و نسبش به اخلاقش و کرامت او به تقوایش است.

﴿۴۱۱﴾ حسب و نسب فرد، به دین و مروّت و عقل و شرف و جمال و کرامت و تقوایش

است.

﴿۴۱۲﴾ هیچ کرامتی مانند تقوا نیست.

﴿۴۱۳﴾ مفصل بن عمر گوید: از امام صادق علیه السلام در مورد حسب پرسیدم. فرمود: «دارایی».

عرض کردم: «کرم چیست؟» فرمود: «پارسایی».

﴿۴۱۴﴾ تواضع تنها حسب و تقوا تنها دلیل بزرگی است.

﴿۴۱۵﴾ تقوا، کرامت است.

﴿تَعْرِيفُ التَّقْوَى وَ تَمَثُّلُهُ﴾

﴿٤١٦﴾ الصادق عليه السلام: الْحَسَبُ الْفِعَالُ وَ الشَّرَفُ الْمَالُ وَ الْكَرَمُ التَّقْوَى؛ وسائل الشيعة، ج ١٥، ص ٢٢٢
 ﴿٤١٧﴾ الصادق عليه السلام: قَالَ جَمِيلُ بْنُ دَرَّاجٍ قَدْ سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام ... قُلْتُ فَمَا الْكَرَمُ قَالَ
 التَّقْوَى؛ الكافي، ج ٨، ص ٢١٩

﴿٤١٨﴾ أمير المؤمنين عليه السلام: الْحَيَاءُ زِينَةُ وَ التَّقْوَى كَرَمٌ؛ شرح نهج البلاغة، ج ١، ص ٣١٩
 ﴿٤١٩﴾ العسكري عليه السلام: قَالَ فَمَا الْكَرَمُ قَالَ [بلوهر] التَّقْوَى؛ بحار الأنوار، ج ٧٥، ص ٢٢١
 ١٧-٥-١- الشُّكْرُ

﴿٤٢٠﴾ وَلَقَدْ نَصَرَكُمُ اللَّهُ بِبَدْرٍ وَأَنْتُمْ أَذِلَّةٌ فَاتَّقُوا اللَّهَ لَعَلَّكُمْ تَشْكُرُونَ؛ آل عمران ١٢٣
 ﴿٤٢١﴾ أمير المؤمنين عليه السلام: فَإِنَّ التَّقْوَى ... فَمَا أَقَلَّ مَنْ قَبْلَهَا وَ حَمَلَهَا حَقَّ حَمْلِهَا أَوْلَيْكَ
 الْأَقْلُونَ عَدَدًا وَ هُمْ أَهْلُ صِفَةِ اللَّهِ سُبْحَانَهُ إِذْ يَقُولُ وَ قَلِيلٌ مِنْ عِبَادِي الشَّاكِرُونَ؛ نهج البلاغة، ص ٢٨٤
 ﴿٤٢٢﴾ أمير المؤمنين عليه السلام: شَكَرْتُ كُلَّ نِعْمَةِ الْوَرَعِ عَمَّا حَرَّمَ اللَّهُ عَلَيْكَ؛ بحار الأنوار، ج ٦٧، ص ٣١٠
 ﴿٤٢٣﴾ أمير المؤمنين عليه السلام: شَكَرْتُ كُلَّ نِعْمَةِ الْوَرَعِ عَنْ مَحَارِمِ اللَّهِ؛ بحار الأنوار، ج ٦٨، ص ٥٦
 ١٨-٥-١- الضِّيَاءُ وَ النُّورُ

١٨-٥-١-١- ضِيَاءُ سَوَادٍ ظَلَمْتِكُمْ

﴿٤٢٤﴾ أمير المؤمنين عليه السلام: فَإِنَّ تَقْوَى اللَّهِ دَوَاءٌ دَاءٍ قُلُوبِكُمْ وَ بَصَرٌ عَمَى أَفْئِدَتِكُمْ وَ شِفَاءٌ
 مَرَضِ أَجْسَادِكُمْ وَ صَلَاحٌ فَسَادِ صُدُورِكُمْ وَ طُهُورٌ دَسَسِ أَنْفُسِكُمْ وَ جِلَاءٌ عَشَا أَبْصَارِكُمْ وَ أَمْنٌ
 فَرَعَ جَأَشِكُمْ وَ ضِيَاءٌ سَوَادٍ ظَلَمْتِكُمْ؛ نهج البلاغة، ص ٣١٢
 ١٨-٥-١-٢- النُّورُ

﴿٤٢٥﴾ أمير المؤمنين عليه السلام: مَنْ يُطِيعِ اللَّهَ وَ رَسُولَهُ يَكُنْ سَبِيلُ الرَّشَادِ سَبِيلَهُ وَ نُورُ التَّقْوَى دَلِيلَهُ؛

الكافي، ج ٥، ص ٣٧١

١٩-٥-١- الطَّاعَةُ، الْعِبَادَةُ، إِجْلَالُ اللَّهِ وَ رَاجِعُ: الْمُرَادِفَاتُ

١٩-٥-١-١- أَسَاسُ كُلِّ طَاعَةٍ مَقْبُولَةٍ

﴿٤٢٦﴾ الصادق عليه السلام: اتَّقِ اللَّهَ وَ كُنْ حَيْثُ شِئْتَ وَ مِنْ أَيِّ قَوْمٍ شِئْتَ فَإِنَّهُ لَا خِلَافَ لِأَحَدٍ فِي
 التَّقْوَى وَ التَّقْوَى مَحْبُوبٌ عِنْدَ كُلِّ فَرِيقٍ وَ فِيهِ اجْتِمَاعُ كُلِّ خَيْرٍ وَ رُشْدٌ وَ هُوَ مِيزَانُ كُلِّ عِلْمٍ وَ
 حِكْمَةٍ وَ أَسَاسُ كُلِّ طَاعَةٍ مَقْبُولَةٍ؛ مصباح الشريعة، ص ٥٩
 ﴿٢٩٤﴾

«تعریف تقوا و تمثیل آن»

﴿۴۱۶﴾ حسب و برازندگی و افتخار به کردار است و شرافت به مال، و کرامت به تقواست.

﴿۴۱۷﴾ جمیل بن درّاج گوید: از امام صادق علیه السلام پرسیدم: «کرامت چیست؟» فرمود: «تقوا».

﴿۴۱۸﴾ حیا زینت انسان و تقوا کرامت اوست.

﴿۴۱۹﴾ [شاهزاده] گفت: «کرم کدام است؟» بلوهر گفت: «تقوی پیشه کردن».

۱۷-۵-۱- شکر

﴿۴۲۰﴾ خداوند شما را در «بدر» یاری کرد (و بر دشمنان خطرناک، پیروز ساخت) در حالی که شما (نسبت به آنها)، ناتوان بودید. پس، از خدا بپرهیزید (و در برابر دشمن، مخالفتِ فرمانِ پیامبر نکنید)، تا شکر نعمت او را بجا آورده باشید!

﴿۴۲۱﴾ پس چه اندکند آنان که تقوا را برگزیدند و بار آن را به درستی بر دوش کشیدند؛ آری پرهیزکاران تعدادشان اندک است و شایسته‌ی ستایش خداوند سبحان هستند که فرمود: «بندگان سپاسگزار من اندکند».

﴿۴۲۲﴾ شکر همه‌ی نعمت‌ها ورع است از هر آنچه خدای تعالی بر تو حرام کرده است.

﴿۴۲۳﴾ شکر هر نعمتی پرهیزکاری از حرام‌های الهی است.

۱۸-۵-۱- نور

۱-۱۸-۵-۱- روشنائی تاریکی‌هایتان

﴿۴۲۴﴾ زیرا تقوا و ترس از خدا داروی درد قلب‌ها و بینایی کوری دل‌ها و بهبودی بیماری تن‌ها و اصلاح فساد سینه‌ها و پاکیزگی چرک نفس‌ها و روشنی پوشش دیده‌ها و ایمنی ترس دل و نور سیاهی تاریکی [نادانی] شما است.

۲-۱۸-۵-۱- نور

﴿۴۲۵﴾ کسی که از خداوند و رسولش صلی الله علیه و آله اطاعت می‌کند؛ مسیرش، راه هدایت و نور تقوا، راهنمایش می‌گردد.

۱۹-۵-۱- فرمانبرداری، عبادت، بزرگداشت خدا و... به: مترادفات

۱-۱۹-۵-۱- پایه‌ی هر عمل پذیرفته‌شده

﴿۴۲۶﴾ تقوا داشته باش؛ دیگر مهم نیست در چه جایگاهی یا از کدام قبیله باشی. که هیچ کس در ارزش و فضیلت تقوا حرفی ندارد. پرهیزکار در نظر همه محبوب و محترم است، هرگونه خیر و خوبی و رشد و سعادت در تقواست و ارزش و ارزیابی هرگونه دانش و علمی، با تقواست و قبولی اطاعت و عبادت به تقوا بسته است.

﴿تعريف التقوى و تمثيلة﴾

٢-١٩-٥-١- العبادَةُ

﴿٤٢٧﴾ الرسول ﷺ: يَكْفِيكُمْ مِنَ الْعِظَةِ ذِكْرُ الْمَوْتِ وَيَكْفِيكُمْ مِنَ التَّفَكُّرِ ذِكْرُ الْآخِرَةِ وَ يَكْفِيكُمْ مِنَ الْعِبَادَةِ الْوَرَعُ؛ جامع الأخبار، ص ١٣٠

﴿٤٢٨﴾ الباقر ﷺ: إِنَّ أَشَدَّ الْعِبَادَةِ الْوَرَعُ؛ الكافي، ج ٢، ص ٧٧

﴿٤٢٩﴾ حديث قدسي: يَا مُوسَى أَتُبَلِّغُ قَوْمَكَ أَنَّهُ مَا تَعَبَدَ لِيَ الْمُتَعَبِّدُونَ بِمِثْلِ الْوَرَعِ عَنْ مَحَارِمِي قَالَ مُوسَى فَمَاذَا أَثَبَّتَهُمْ عَلَى ذَلِكَ قَالَ إِنِّي أَفْتَشُ النَّاسَ عَنْ أَعْمَالِهِمْ وَلَا أَفْتَشُهُمْ حَيَاءً مِنْهُمْ؛ بحار الأنوار، ج ٦٧، ص ٣٠٧

﴿٤٣٠﴾ الرسول ﷺ: لَا يَكُونُ الرَّجُلُ مُسْلِمًا حَتَّى يَسْلَمَ النَّاسُ مِنْ يَدِهِ وَلِسَانِهِ وَلَا يَكُونُ مُؤْمِنًا حَتَّى يَأْمَنَ أَخُوهُ بِوَأَقَّةِهِ وَ جَارُهُ بِوَادِرِهِ وَلَا يَكُونُ عَالِمًا حَتَّى يَكُونَ عَامِلًا بِمَا عَلِمَ وَلَا يَكُونُ عَابِدًا حَتَّى يَكُونَ وَرِعًا وَلَا يَكُونُ وَرِعًا حَتَّى يَكُونَ زَاهِدًا؛ إرشاد القلوب، ج ١، ص ١٦

﴿٤٣١﴾ حديث قدسي: وَأَمَّا الْمُتَعَبِّدُونَ لِيَ بِالْوَرَعِ عَنْ مَحَارِمِي فَإِنِّي أَفْتَشُ النَّاسَ عَنْ أَعْمَالِهِمْ وَلَا أَفْتَشُهُمْ حَيَاءً مِنْهُمْ؛ وسائل الشيعة، ج ١٥، ص ٢٢٦

٣-١٩-٥-١- نِظَامُ الْعِبَادَةِ

﴿٤٣٢﴾ السَّجَادُ ﷺ: الْوَرَعُ نِظَامُ الْعِبَادَةِ فَإِذَا انْقَطَعَ ذَهَبَتِ الدِّيَانَةُ كَمَا إِذَا انْقَطَعَ السُّلُوكُ اتَّبَعَهُ النَّظَامُ؛ مجموعة ورام، ج ٢، ص ٨٨

٤-١٩-٥-١- إِجْلَالُ اللَّهِ

﴿٤٣٣﴾ الرسول ﷺ: التَّقْوَى إِجْلَالُ اللَّهِ وَ تَوْقِيرُ الْمُؤْمِنِينَ؛ مستدرک الوسائل، ج ١١، ص ٢٦٧

٥-١٩-٥-١- مَا تَسْتَظْهَرُ بِهِ

﴿٤٣٤﴾ أمير المؤمنين ﷺ: فَاقْطَعُوا عِلَاقَ الدُّنْيَا وَ اسْتَظْهَرُوا بِزَادِ التَّقْوَى؛ نهج البلاغة، ص ٣٢١

٦-١٩-٥-١- مَا تَسْتَظْهَرُ بِهِ عَلَى عَدْوِكَ

﴿٤٣٥﴾ لقمان ﷺ: يَا بُنَيَّ لِيَكُنْ مِمَّا تَسْتَظْهَرُ بِهِ عَلَى عَدْوِكَ الْوَرَعُ عَنِ الْمَحَارِمِ وَالْفَضْلُ فِي دِينِكَ وَالصِّيَانَةُ لِمُرُوتِكَ وَالْإِكْرَامُ لِنَفْسِكَ أَنْ تُدَسِّسَهَا بِمَعَاصِي الرِّحْمَنِ وَ مَسَاوِي الْأَخْلَاقِ وَ قَبِيحِ الْأَفْعَالِ؛ بحار الأنوار، ج ١٣، ص ٤١٨

«تعریف تقوا و تمثیل آن»

۲-۱۹-۱-۵-عبادت

﴿۴۲۷﴾ یاد مرگ برای موعظه‌ی شما کافی است و یاد آخرت برای فکر کردن شما کافی است و ورع برای [حقیقی بودن] عبادت شما کافی است.

﴿۴۲۸﴾ همانا بهترین عبادت ورع است.

﴿۴۲۹﴾ [خدا به موسی علیه السلام وحی کرد:] ای موسی! به امت خود بگو که برای تقرّب به من، هیچ وسیله‌ای مانند پارسایی از محرّمات من نیست. موسی علیه السلام عرض کرد: «خدایا! چه پاداشی به آنان عنایت می‌فرمایی؟» خطاب رسید: «روز آخرت از اعمال تمام مردم بازرسی خواهیم کرد، ولی از اهل تقوا شرم نموده و آن‌ها را بازرسی نمی‌کنم».

﴿۴۳۰﴾ تا زمانی که مردم از دست و زبان کسی در سلامت و امنیت نباشند جزء مسلمانان محسوب نمی‌شود و تا وقتی که برادر مؤمنش از شرّ او و همسایه‌اش از آزارش در امان نباشد به درجه‌ی ایمان نمی‌رسد. و تا زمانی که به آنچه می‌داند عمل نکند جزء عالمان محسوب نمی‌شود و تا زمانی که ورع نداشته باشد جزء عابدان محسوب نمی‌شود و تا زمانی که زاهد نباشد جزء اهل ورع محسوب نمی‌شود.

﴿۴۳۱﴾ [مناجات خداوند با حضرت موسی علیه السلام]: اما آنان که با ورع و پرهیزکاری از محرّمات، حق عبادت مرا انجام می‌دهند، این پاداش را دارند که من اعمال تمام بندگان را بررسی می‌نمایم، ولی اعمال آن‌ها را به خاطر شرم و حیایی که از آن‌ها دارم، حسابرسی نمی‌کنم.

۳-۱۹-۱-۵-نظم‌دهنده‌ی عبادات

﴿۴۳۲﴾ ورع، نظام عبادت است. پس وقتی ورع از بین رفت، دیانت از بین رفته است، همچنان که وقتی رشته و نخ گسیخته شد، دانه‌ها و مهره‌ها نیز به دنبال آن متفرّق گشته و از هم می‌پاشند.

۴-۱۹-۱-۵-بزرگداشت خدا

﴿۴۳۳﴾ تقوا موجب گرامی‌داشتن خدا [و بزرگ‌دانستن او] و احترام گذاشتن به مؤمنان است.

۵-۱۹-۱-۵-مایه‌ی پشت‌گرمی

﴿۴۳۴﴾ پس پیوندهای دنیا را از خود قطع کنید، و به توشه تقوا پشت خود را قوی گردانید.

۶-۱۹-۱-۵-مایه‌ی پشت‌گرمی در مقابل دشمن

﴿۴۳۵﴾ پسر! آنچه که باید با آن خودت را در برابر دشمنت حمایت کنی؛ دوری از گناهان، بزرگی دینت، حفظ مردانگی، بزرگ‌داشتن نفس خود از آنچه که آن را به عصیان خداوند و اخلاق بد و کارهای زشت آلوده کنی، می‌باشد.

﴿تَعْرِيفُ التَّقْوَى وَ تَمْثِيلُهُ﴾

٧-١٩-٥-١- المُسْتَعَانُ عَلَى اللَّهِ

﴿٤٣٦﴾ أمير المؤمنين عليه السلام: عِبَادَ اللَّهِ أَوْصِيكُمْ بِتَقْوَى اللَّهِ فَإِنَّهَا حَقُّ اللَّهِ عَلَيْكُمْ وَالْمُوجِبَةُ عَلَى اللَّهِ حَقِّكُمْ وَأَنْ تَسْتَعِينُوا عَلَيْهِ بِاللَّهِ وَتَسْتَعِينُوا بِهَا عَلَى اللَّهِ؛ نهج البلاغة، ص ٢٨٤

٢٠-٥-١- العِزُّ وَ الشَّرَفُ

١-٥-٢٠-١- الشَّرَفُ

﴿٤٣٧﴾ الحسين عليه السلام: الشَّرَفُ التَّقْوَى؛ بحار الأنوار، ج ٧٥، ص ١٢٨

﴿٤٣٨﴾ أمير المؤمنين عليه السلام: الْوَرَعُ مَنْ نَزَهَتْ نَفْسُهُ وَ شَرَفَتْ خِلَالُهُ؛ غرر الحكم، ص ٢٧٣

٢-٥-٢٠-١- أَعْلَى الشَّرَفِ

﴿٤٣٩﴾ أمير المؤمنين عليه السلام: لَا شَرَفَ أَعْلَى مِنَ التَّقْوَى؛ غرر الحكم، ص ٢٧٠

٣-٥-٢٠-١- العِزُّ

﴿٤٤٠﴾ أمير المؤمنين عليه السلام: لَا عِزَّ أَعَزُّ مِنَ التَّقْوَى؛ نهج البلاغة، ص ٥٤٠

﴿٤٤١﴾ الأئمة عليهم السلام: قَالَ بَعْضُ آلِ مُحَمَّدٍ عليه السلام أَيُّهَا النَّاسُ لَا تَخْرُجُوا مِنْ عِزِّ التَّقْوَى إِلَى ذُلِّ

الْمَعْصِيَةِ؛ أعلام الدين، ص ٣٢٤

٤-٥-٢٠-١- أَعَزُّ عِزِّ

﴿٤٤٢﴾ أمير المؤمنين عليه السلام: فَإِنَّ التَّقْوَى أَفْضَلُ كَنْزٍ وَ آخِرُ حِرْزٍ وَ أَعَزُّ عِزٍّ فِيهِ نَجَاةٌ كُلِّ

هَارِبٍ وَ دَرَكٌ كُلِّ طَالِبٍ وَ ظَفَرٌ كُلِّ غَالِبٍ؛ مجموعة ورام، ج ٢، ص ٨٨

٥-٥-٢٠-١- أَوْثَقُ الْعِزِّ

﴿٤٤٣﴾ الرسول صلى الله عليه وآله: أَوْثَقُ الْعِزِّ التَّقْوَى؛ إرشاد القلوب، ج ١، ص ٧٣

١-٥-٢١- العِمَادُ وَ الْأَسَاسُ

١-٥-٢١-١- عِمَادُ الْإِسْلَامِ

﴿٤٤٤﴾ الرسول صلى الله عليه وآله: يَا عَلِيُّ الْإِسْلَامُ غُرْيَانُ وَ لِبَاسُهُ الْحَيَاءُ وَ زِينَتُهُ الْعِفَافُ وَ مَرْوَتُهُ الْعَمَلُ

الصَّالِحُ وَ عِمَادُهُ الْوَرَعُ؛ وسائل الشيعة، ج ١٥، ص ٢٤٦

٢-٥-٢١-١- عِمَادُ الدِّينِ

﴿٤٤٥﴾ حديث قدسي: إِنَّ الْوَرَعَ رَأْسُ الْإِيمَانِ وَ عِمَادُ الدِّينِ؛ بحار الأنوار، ج ٧٤، ص ٢٦

﴿٤٤٦﴾ أمير المؤمنين عليه السلام: عِمَادُ الدِّينِ الْوَرَعُ وَ فَسَادُهُ الطَّمَعُ؛ بحار الأنوار، ج ٧٥، ص ٨٩

﴿٢٩٨﴾

«تعریف تقوا و تمثیل آن»

۷-۱۹-۱-۵- ابزار کمک بر انجام دستورات خدا

﴿۴۳۶﴾ ای بندگان خدا! شما را به پرهیزکاری سفارش می‌کنم، که حق خداوند بر شماست، و نیز موجب حق شما بر پروردگار است. از خدا برای پرهیزکاری یاری بخواهید، و برای انجام دستورات خدا از تقوا یاری جویید.

۲۰-۱-۵- عزّت و شرافت

۱-۲۰-۱-۵- شرافت

﴿۴۳۷﴾ شرافت و بزرگواری تقواست.

﴿۴۳۸﴾ ورع یعنی اینکه شخص، نفسش پاک و خلق و خویش بلند و عالی باشد.

۲-۲۰-۱-۵- عالی‌ترین شرافت

﴿۴۳۹﴾ شرافتی بالاتر از تقوا نیست.

۳-۲۰-۱-۵- عزّت

﴿۴۴۰﴾ عزّتی عزیزتر از تقوا نیست.

﴿۴۴۱﴾ یکی از معصومین علیهم‌السلام فرمود: «ای مردم! از عزّتی که تقوا برای شما به ارمغان آورده به‌سوی ذلّتی که ناشی از معصیت و گناه است، نروید».

۴-۲۰-۱-۵- بانفوذترین عزّت

﴿۴۴۲﴾ تقوا پرفضیلت‌ترین گنج و محکم‌ترین سپر و بانفوذترین عزّت است. نجات هر گریزان و رسیدن هر درخواست‌کننده به طلبش و پیروزی هر شخص پیروز در تقواست.

۵-۲۰-۱-۵- قابل اعتمادترین عزّت

﴿۴۴۳﴾ تقوا، عزّتی است که می‌توان به آن بیشترین اعتماد را داشت.

۲۱-۱-۵- پایه و اساس

۱-۲۱-۱-۵- ستون اسلام

﴿۴۴۴﴾ یا علی! اسلام عریان است. حیا به منزله‌ی لباس او، وقار زینت او و عمل صالح مردانگی او و پرهیزکاری اساس زندگی اوست.

۲-۲۱-۱-۵- ستون دین

﴿۴۴۵﴾ همانا ورع سرایمان و ستون دین است.

﴿۴۴۶﴾ ستون دین ورع و اسباب نابودی آن طمع‌ورزیدن است.

﴿تعريفُ التقوى وَ تمثيلة﴾

٣-٢١-٥-١- أساسُ كُلِّ طَاعَةٍ مَقْبُولَةٍ

﴿٤٤٧﴾ الصادق عليه السلام: اتَّقِ اللَّهَ وَ كُنْ حَيْثُ شِئْتَ وَ مِنْ أَيِّ قَوْمٍ شِئْتَ فَإِنَّهُ لَا خِلَافَ لِأَحَدٍ فِي التَّقْوَى وَ التَّقْوَى مَحْبُوبٌ عِنْدَ كُلِّ فَرِيقٍ وَ فِيهِ اجْتِمَاعُ كُلِّ خَيْرٍ وَ رُشْدٌ وَ هُوَ مِيزَانُ كُلِّ عِلْمٍ وَ حِكْمَةٍ وَ أَساسُ كُلِّ طَاعَةٍ مَقْبُولَةٍ؛ مصباح الشريعة، ص ٥٩

٤-٢١-٥-١- نِظَامُ الْعِبَادَةِ

﴿٤٤٨﴾ السَّجَّاد عليه السلام: الْوَرَعُ نِظَامُ الْعِبَادَةِ فَإِذَا انْقَطَعَ ذَهَبَتِ الدِّيَانَةُ كَمَا إِذَا انْقَطَعَ السَّلَكُ اتَّبَعَهُ النِّظَامُ؛ مجموعة ورام، ج ٢، ص ٨٨

٢٢-٥-١- الْعَمَلُ وَ رَاجِعُ الْمَرَادِفَاتِ

﴿٤٤٩﴾ الرَّسُول ﷺ: قَالَ لَهُ زَيْدُ بْنُ صُوحَانَ الْعَبْدِيُّ يَا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ... فَأَيُّ عَمَلٍ أَفْضَلُ؟ قَالَ: التَّقْوَى؛ من لايحضره الفقيه، ج ٤، ص ٣٨١

﴿٤٥٠﴾ الصادق عليه السلام: فَإِذَا ... رَأَيْتَ الْمَنَابِرَ يُؤَمَّرُ عَلَيْهَا بِالتَّقْوَى وَ لَا يَعْمَلُ الْقَائِلُ بِمَا يَأْمُرُ... فَكُنْ عَلَى حَدَرٍ وَ اطْلُبْ إِلَى اللَّهِ النِّجَاةَ وَ اعْلَمْ أَنَّ النَّاسَ فِي سَخَطِ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ؛ وسائل الشيعة، ج ١٦، ص ٢٧٩

﴿٤٥١﴾ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عليه السلام: التَّقْوَى حِرْزٌ لِمَنْ عَمِلَ بِهَا؛ غررالحكم، ص ٢٧٠

﴿٤٥٢﴾ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عليه السلام: الْعَمَلُ وَرَعٌ رَاجِعٌ؛ غررالحكم، ص ٢٧٤

٢٣-٥-١- الْمَعَادُ

﴿٤٥٣﴾ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عليه السلام: إِنَّ تَقْوَى اللَّهِ هِيَ الزَّادُ وَ الْمَعَادُ، زَادٌ مُبْلَغٌ وَ مَعَادٌ مُنْجٍ؛

غررالحكم، ص ٢٧٢

٢٤-٥-١- غِبْطَةُ الطَّالِبِ

﴿٤٥٤﴾ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عليه السلام: أَوْصِيَكُمْ بِتَقْوَى اللَّهِ فَإِنَّهَا غِبْطَةُ الطَّالِبِ الرَّاجِي وَ ثِقَةُ الْهَارِبِ

اللَّاجِي؛ الكافي، ج ٨، ص ١٧

٢٥-٥-١- مَطَايَا ذُلٍّ

﴿٤٥٥﴾ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عليه السلام: أَلَا وَ إِنَّ التَّقْوَى مَطَايَا ذُلٍّ حُمِلَ عَلَيْهَا أَهْلُهَا فَسَارَتْ بِهِمْ تَأَوُّدًا

حَتَّى إِذَا جَاءُوا ظِلًّا ظَلِيلًا؛ بحار الأنوار، ج ٣٢، ص ١٤

«تعریف تقوا و تمثیل آن»

۳-۲۱-۱-۵- پایه‌ی هر عملی مقبول و پذیرفته

«۴۴۷» تقوا داشته باش؛ دیگر مهم نیست در چه جایگاهی یا از کدام قبیله باشی. که هیچ کس در ارزش و فضیلت تقوا حرفی ندارد. پرهیزکار در نظر همه محبوب و محترم است، هرگونه خیر و خوبی و رشد و سعادت در تقواست و ارزش و ارزیابی هرگونه دانش و علمی، با تقواست و قبولی اطاعت و عبادت به تقوا بسته است.

۴-۲۱-۱-۵- نظم‌دهنده‌ی عبادات

«۴۴۸» ورع، نظام عبادت است. پس وقتی ورع از بین رفت، دیانت از بین رفته است، همچنان که وقتی رشته و نخ گسیخته شد، دانه‌ها و مهره‌ها نیز به دنبال آن متفرق گشته و از هم می‌پاشند.

۲-۲۲-۱-۵- عمل و ر. به: مترادفات

«۴۴۹» زیدبن‌صوحان عرض کرد: «ای امیرمؤمنان! کدام عمل افضل است؟» فرمود: «پرهیزکاری».

«۴۵۰» هرگاه دیدی که روی منبرها به مردم دستور تقوا و پارسایی می‌دهند، ولی خود گوینده به گفته‌ی خود عمل نمی‌کند ... پس در این شرایط خود را نگهدار و نجات از این مهالک را از خداوند بخواه و بدان که مردم با این نافرمانی‌ها مستحق عذابند. اگر عذاب بر آن‌ها فرود آمد و تو در میان آن‌ها بودی، باید به‌سوی رحمت حق بشتابی تا از کیفری که آن‌ها به‌واسطه‌ی سرپیچی از فرمان خدا می‌بینند، بیرون بیایی.

«۴۵۱» تقوا برای کسی که به آن عمل کند، حرز و امان است.

«۴۵۲» کار، ورعی است که برتری دارد.

۳-۲۳-۱-۵- محلّ بازگشت

«۴۵۳» تقوای الهی توشه و معاد انسان است، توشه‌ای که به آخرت می‌رسد و موجب رستگاری و نجات در معاد است.

۴-۲۴-۱-۵- مقصد طالبان

«۴۵۴» شما را به تقوای الهی توصیه می‌کنم که غبطه‌ی هر طلب‌کننده‌ای است که امید به کسب آن دارد و پناهگاه امن فرد گریزانی است که پناهگاه می‌طلبد.

۲-۲۵-۱-۵- مرکب رهوار

«۴۵۵» آگاه باش که تقوا همانند مرکب رام است که اهل تقوا بر آن سوار شده و به وادی آسایش و هدایت رهنمون می‌شوند.

﴿تعريفُ التقوى وَ تمثيلُهُ﴾

٢٦-٥-١- اللباسُ

﴿٤٥٦﴾ يَا بَنِي آدَمَ قَدْ أَنْزَلْنَا عَلَيْكُمْ لِبَاسًا يُؤَارِي سَوَاتِكُمْ وَرِيشًا وَلِبَاسُ التَّقْوَى ذَلِكَ خَيْرٌ ذَلِكَ مِنْ آيَاتِ اللَّهِ لَعَلَّهُمْ يَذَكَّرُونَ؛ الأعراف ٢٦

﴿٤٥٧﴾ دعاء اليوم الثلاثين: اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ وَاشْرَحْ صَدْرِي لِلْإِسْلَامِ وَزَيِّنِي وَرَضِّنِي بِالْإِيمَانِ وَالْبِسْنِي التَّقْوَى؛ بحار الأنوار، ج ٩٤، ص ٣١٩

﴿٤٥٨﴾ الأئمة (عليهم السلام): الْأَئِمَّةُ الْمَعْصُومُونَ ... اللَّابِسُونَ رِدَاءَ التَّقْوَى؛ بحار الأنوار، ج ٩٧، ص ٢٠٧

﴿٤٥٩﴾ أمير المؤمنين (عليه السلام): مَنْ تَعَرَّى مِنْ لِبَاسِ التَّقْوَى لَمْ يُسْتَرِ بِشَيْءٍ مِنَ اللَّبَاسِ؛ بحار الأنوار،

ج ٧٤، ص ٢٣٨

﴿٤٦٠﴾ السجادة (عليها السلام): ارْحَمْ مَنْ أَلْقَى عَنْ رَأْسِهِ قِنَاعَ الْحَيَاءِ وَحَسَرَ عَنْ ذِرَاعَيْهِ جِلْبَابَ

الْأَتْقِيَاءِ؛ بحار الأنوار، ج ٩١، ص ١٥٧

﴿٤٦١﴾ أمير المؤمنين (عليه السلام): أَحْسَنُ اللَّبَاسِ الْوَرَعُ وَخَيْرُ الذُّخْرِ التَّقْوَى؛ غرر الحكم، ص ٢٧٠

﴿٤٦٢﴾ الصادق (عليه السلام): فَإِذَا لَبِسْتَ ثِيَابَكَ فَقُلِ اللَّهُمَّ الْبِسْنِي التَّقْوَى وَجَنِّبْنِي الرَّدَى فَإِذَا فَعَلْتَ

ذَلِكَ أَمِنْتَ مِنْ كُلِّ دَاءٍ؛ من لا يحضره الفقيه، ج ١، ص ١١٢

﴿٤٦٣﴾ أمير المؤمنين (عليه السلام): مَنْ تَعَرَّى عَنْ لِبَاسِ التَّقْوَى لَمْ يَسْتَرِ بِشَيْءٍ مِنْ أَسْبَابِ الدُّنْيَا؛

غرر الحكم، ص ٢٧٠

﴿٤٦٤﴾ أدعية المناجاة: وَاجْلُ اللَّهُمَّ رَبِّ عَنِّي بِالتَّوْبَةِ ظُلْمَةَ الْإِصْرَارِ وَامْحُ بِهَا مَا قَدَّمْتُهُ مِنْ

الْأَوْزَارِ وَ اكْسِنِي بِهَا لِبَاسَ التَّقْوَى؛ بحار الأنوار، ج ٩١، ص ١١٧

﴿٤٦٥﴾ دعاء ليلة الإثنين: وَ اكْسِنِي حُلَّ الْإِيمَانِ وَ الْبِسْنِي لِبَاسَ التَّقْوَى؛ البلد الأمين، ص ١١٢

﴿٤٦٦﴾ الرسول (صلى الله عليه وآله): اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ تَقْوَى لَا تَنْفَدُ وَفَرَجًا لَا يَنْقُطُ وَتَوْفِيقَ الْحَمْدِ وَ لِبَاسَ

التَّقْوَى؛ بحار الأنوار، ج ٨٣، ص ٣٢٥

﴿٤٦٧﴾ الباقر (عليه السلام): وَ أَمَّا لِبَاسُ التَّقْوَى فَالْعِفَافُ إِنَّ الْعَفِيفَ لَا تَبْدُو لَهُ عَوْرَةٌ وَ إِنْ كَانَ عَارِيًا

مِنَ الثِّيَابِ وَ الْفَاجِرَ بَادِي الْعَوْرَةِ وَ إِنْ كَانَ كَاسِيًا مِنَ الثِّيَابِ؛ بحار الأنوار، ج ٨٠، ص ١٦٨

﴿٤٦٨﴾ فقه الرضا (عليه السلام): وَ إِذَا لَبِسْتَ ثَوْبَكَ الْجَدِيدَ فَقُلِ الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي كَسَانِي مِنَ الرِّيشِ مَا

أُوَارِي بِهِ عَوْرَتِي وَ أَتَجَمَّلُ بِهِ عِنْدَ النَّاسِ اللَّهُمَّ اجْعَلْهُ لِبَاسَ التَّقْوَى؛ مستدرک الوسائل، ج ٣،

ص ٢٦٩

«تعریف تقوا و تمثیل آن»

۲۶-۵-۱- لباس

﴿۴۵۶﴾ ای فرزندان آدم! لباسی برای شما فرستادیم که اندام شما را می‌پوشاند و مایه زینت شماست اما لباس پرهیزکاری بهتر است! این‌ها (همه) از آیات خداست، تا متذکر (نعمت‌های او) شوند!

﴿۴۵۷﴾ [دعای روز سی‌ام:] خدایا بر محمد و خاندان او درود فرست و سینه‌ی مرا نسبت به دین اسلام گشاده گردان و مرا به نور ایمان زینت ببخش و خشنود گردان و لباس پرهیزکاری بر من بپوشان.

﴿۴۵۸﴾ [شما] ائمه‌ی معصومین دربرکننده‌ی ردای تقوا هستید.

﴿۴۵۹﴾ هرکس لباس پرهیزکاری را از خود برکند، دیگر با هیچ لباسی عیوب خود را نخواهد پوشاند.

﴿۴۶۰﴾ بر کسی که نقاب حیا را از چهره کنار زده و لباس تقواکاران را در آورده، رحم کن.

﴿۴۶۱﴾ بهترین لباس، ورع [و پارسایی] و بهترین توشه تقواست.

﴿۴۶۲﴾ هنگامی که لباس خود را پوشیدی بگو: «خدایا! به من جامه‌ی تقوا بپوشان و از هلاکت برهان». پس اگر این کار را انجام دهی، از هر دردی در امانی.

﴿۴۶۳﴾ کسی که لباس تقوا به تن ندارد، عیوبش با هیچ‌یک از اسباب دنیایی پوشیده نمی‌شود.

﴿۴۶۴﴾ بارالها! با این توبه تاریکی‌های مداومت بر گناه را از من پاک کن و گناهانی را که پیش از این انجام داده‌ام ناپدید کن و مرا با پوشش پرهیزکاری و هدایت بپوشان.

﴿۴۶۵﴾ [دعای شب دوشنبه:] خداوندا! زیورهای ایمان را به من بپوشان و لباس تقوا را بر تن من کن.

﴿۴۶۶﴾ خدایا! از تو پرهیزکاری‌ای که پایان نمی‌پذیرد، و گشایشی که بریده نمی‌گردد و توفیق ستایش و لباس تقوا درخواست می‌نمایم.

﴿۴۶۷﴾ لباس تقوا یعنی عفاف، و شخص عقیف کسی است که هیچ‌گاه عورتش پیدا نمی‌شود حتی اگر لباس نداشته باشد. و فاجر کسی است که عورتش پیدا است حتی اگر لباس پوشیده باشد.

﴿۴۶۸﴾ وقتی لباس نو می‌پوشی بگو: «حمد و سپاس از آن خدایی است که مرا با لباسی زیبا پوشاند تا بدنم را با آن بپوشانم و نزد مردم زیبا باشم. خدایا این لباس را لباس تقوای من قرار بده».

﴿تَعْرِيفُ التَّقْوَى وَ تَمَثُّلُهُ﴾

﴿٤٦٩﴾ الرَّسُولُ ﷺ: مَنْ عَزَى حَزِينًا أَلْبَسَهُ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ مِنْ لِبَاسِ التَّقْوَى؛ مستدرک الوسائل،

ج ٢، ص ٣٤٨

﴿٤٧٠﴾ أمير المؤمنين عليه السلام: فَإِنَّ الْجِهَادَ بَابٌ مِنْ أَبْوَابِ الْجَنَّةِ فَتَحَهُ اللَّهُ لِخَاصَّةِ أَوْلِيَائِهِ وَ هُوَ

لِبَاسُ التَّقْوَى؛ نهج البلاغة، ص ٦٩

﴿٤٧١﴾ الباقر عليه السلام: يَقُولُ اللَّهُ وَلِبَاسُ التَّقْوَى ذَلِكَ خَيْرٌ يَقُولُ الْعَفَافُ خَيْرٌ؛ بحار الأنوار، ج ٦٨،

ص ٢٧١

﴿٤٧٢﴾ الصادق عليه السلام: أَرَزَيْنُ اللَّبَاسَ لِلْمُؤْمِنِ لِبَاسُ التَّقْوَى وَ أَنْعَمَهُ الْإِيمَانُ قَالَ اللَّهُ تَعَالَى وَلِبَاسُ

التَّقْوَى ذَلِكَ خَيْرٌ؛ مستدرک الوسائل، ج ٣، ص ٣٢٤

﴿٤٧٣﴾ أمير المؤمنين عليه السلام: أَحْسَنُ اللَّبَاسِ الْوَرَعُ؛ غرر الحكم، ص ٢٧٠

﴿٤٧٤﴾ أمير المؤمنين عليه السلام: الْوَرَعُ أَفْضَلُ لِبَاسٍ؛ غرر الحكم، ص ٢٧٠

١-٥-٢٦-١- لباس الإسلام

﴿٤٧٥﴾ الرَّسُولُ ﷺ: قَالَ ﷺ لَا يَدْخُلُ الْجَنَّةَ إِلَّا مَنْ كَانَ مُسْلِمًا فَقَالَ أَبُو ذَرٍّ يَا رَسُولَ اللَّهِ وَ

مَا الْإِسْلَامُ فَقَالَ الْإِسْلَامُ غُرْبَانُ وَ لِبَاسُهُ التَّقْوَى وَ شِعَارُهُ الْهُدَى وَ دَنَارُهُ الْحَيَاءُ؛ بحار الأنوار، ج ٧٤،

ص ١٥٨

١-٥-٢٦-٢- لباس الإيمان

﴿٤٧٦﴾ الرَّسُولُ ﷺ: الْإِيمَانُ غُرْبَانُ وَ لِبَاسُهُ التَّقْوَى وَ زِينَتُهُ الْحَيَاءُ؛ شرح نهج البلاغة، ج ١٩، ص ٤٧

١-٥-٢٦-٣- التَّقْوَى ثَوْبٌ

﴿٤٧٧﴾ أمير المؤمنين عليه السلام: ثَوْبُ التَّقَى أَشْرَفُ الْمَلَابِسِ؛ غرر الحكم، ص ٢٧٠

﴿٤٧٨﴾ أمير المؤمنين عليه السلام: مَنْ تَسَرَّبَ أَثْوَابَ التَّقَى لَمْ يَبْلُ سِرْبَالَهُ؛ غرر الحكم، ص ٢٧٠

١-٥-٢٦-٤- جلباب

﴿٤٧٩﴾ أمير المؤمنين عليه السلام: مَنْ أَحَبَّنَا فَلْيَعْمَلْ بِعَمَلِنَا وَ لِيَتَجَلَّبَبِ الْوَرَعُ؛ غرر الحكم، ص ١١٧

١-٥-٢٦-٥- سِرْبَالٌ

﴿٤٨٠﴾ الرَّسُولُ ﷺ: اللَّهُمَّ اشْغَلْ بِالْقُرْآنِ قُلُوبَنَا عَمَّنْ سِوَاكَ وَ ذَلِّلْهَا بِهِ وَ اصْرِفْهَا عَمَّا سِوَاكَ

وَ آمِنَّا بِهِ مِنَ الْجَزَعِ وَ عَشْنًا بِهِ سَرَائِلَ الْوَرَعِ؛ مجموعة ورام، ج ٢، ص ٢٧٤

﴿٣٠٤﴾

«تعریف تقوا و تمثیل آن»

﴿۴۶۹﴾ هرکس بر مصیبتی که او را محزون می کند صبر کند، خداوند متعال لباس تقوا بر تن او می پوشاند.

﴿۴۷۰﴾ همانا جهاد در راه خدا، دری از درهای بهشت است که خدا آن را به روی دوستان مخصوص خویش گشوده است. جهاد، لباس تقوا است.

﴿۴۷۱﴾ خداوند می فرماید: «اما لباس پرهیزکاری بهتر است!» یعنی عفاف و دارای عفت بودن و پاکدامنی آن خیر و خوب است.

﴿۴۷۲﴾ زیباترین لباس برای مؤمن، لباس تقوا است و لطیف ترین آن ایمان است که خداوند فرموده: «اما لباس پرهیزکاری بهتر است!»

﴿۴۷۳﴾ ورع بهترین لباس است.

﴿۴۷۴﴾ ورع برترین لباس است.

۱-۵-۲۶-۱- لباس اسلام

﴿۴۷۵﴾ فرمود: «جز مسلمان کسی وارد بهشت نمی شود». آنگاه ابوذر رضی الله عنه عرض کرد: «ای رسول خدا! اسلام چیست؟» فرمود: «اسلام برهنه است و لباسش پرهیزکاری، و زیر پوشش هدایت، و روپوشش حیاست».

۱-۵-۲۶-۲- لباس ایمان

﴿۴۷۶﴾ ایمان، همچون جسمی برهنه است که تقوا لباس آن و حیا زینت آن است.

۱-۵-۲۶-۳- تقوا لباس است

﴿۴۷۷﴾ لباس تقوا با شرافت ترین لباس هاست.

﴿۴۷۸﴾ هرکس جامه های پرهیزکاری را بر تن کند پیراهنش کهنه نخواهد شد.

۱-۵-۲۶-۴- جامه

﴿۴۷۹﴾ هر کس ما را دوست دارد باید مثل ما عمل کند و لباس پرهیزکاری را جامه و پوشش خود قرار دهد.

۱-۵-۲۶-۵- لباس

﴿۴۸۰﴾ خدایا! دل هایمان را از دیگران به قرآن مشغول کن و نسبت به آن خاکسار نما و رویش را از دیگران به سمت قرآن بگردان و به واسطه ی آن ما را از ترس امان بده و لباس پرهیزکاری ببوشان.

﴿تَعْرِيفُ التَّقْوَى وَ تَمَثُّلُهُ﴾

٤-٢٦-٥-١- ملحقة

﴿٤٨١﴾ أمير المؤمنين عليه السلام: يَنْبَغِي لِلْمُؤْمِنِ أَنْ يُلْزَمَ الطَّاعَةَ وَيَلْتَحِفَ الْوَرَعَ وَالْقَنَاعَةَ؛

غرر الحكم، ص ٩١

٢٧-٥-١- المَلَاكُ وَ الْمِيزَانُ

١-٥-٢٧-١- مَلَاكُ الْوَلَايَةِ

﴿٤٨٢﴾ أمير المؤمنين عليه السلام: قَالَ سَلِيمٌ فَحَدَّثْتُ أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ عليه السلام بِالْكُوفَةِ... وَاعْلَمْ أَنَّ اللَّهَ تَعَالَى يُعْطِي الدُّنْيَا الْبَرَّ وَ الْفَاجِرَ وَ إِنَّ هَذَا الْأَمْرَ الَّذِي أَنْتَ فِيهِ إِنَّمَا يُعْطِيهِ اللَّهُ صَفْوَتَهُ مِنْ خَلْقِهِ إِنْ أَمَرْنَا لَا يَعْرِفُهُ إِلَّا ثَلَاثَةٌ مِنَ الْخَلْقِ مَلِكٌ مُقَرَّبٌ أَوْ نَبِيٌّ مُرْسَلٌ أَوْ عَبْدٌ ائْتَمَحَنَ اللَّهُ قَلْبَهُ لِلْإِيمَانِ يَا سَلِيمُ إِنَّ مَلَاكَ هَذَا الْأَمْرِ الْوَرَعَ لِأَنَّهُ لَا يُنَالُ وَلَا يُتَنَا إِلَّا بِالْوَرَعِ؛ كتاب سليم بن قيس، ص ٨٢٦

﴿٤٨٣﴾ الباقر عليه السلام: مَا تَنَالُ وَلَا يُتَنَا إِلَّا بِالْعَمَلِ وَالْوَرَعِ؛ الكافي، ج ٢، ص ٧٤

٢-٥-٢٧-١- مَلَاكُ الدِّينِ

﴿٤٨٤﴾ الرَّسُولُ ﷺ: مَلَاكُ الدِّينِ الْوَرَعَ؛ بحار الأنوار، ج ٧٣، ص ٣٧٣

٣-٥-٢٧-١- مَلَاكُ الْإِسْلَامِ

﴿٤٨٥﴾ الرَّسُولُ ﷺ: الْإِسْلَامُ ... مَلَاكُهُ الْوَرَعَ؛ بحار الأنوار، ج ٢٧، ص ٨٢

٤-٥-٢٧-١- مِيزَانُ كُلِّ عِلْمٍ وَ حِكْمَةٍ

﴿٤٨٦﴾ الصَّادِقُ عليه السلام: اتَّقِ اللَّهَ وَ كُنْ حَيْثُ شِئْتَ وَ مِنْ أَيِّ قَوْمٍ شِئْتَ فَإِنَّهُ لَا خِلَافَ لِأَحَدٍ فِي التَّقْوَى وَ التَّقْوَى مَحْبُوبٌ عِنْدَ كُلِّ فَرِيقٍ وَ فِيهِ اجْتِمَاعُ كُلِّ خَيْرٍ وَ رُشْدٌ وَ هُوَ مِيزَانُ كُلِّ عِلْمٍ وَ حِكْمَةٍ وَ آسَاسُ كُلِّ طَاعَةٍ مَقْبُولَةٍ؛ مصباح الشريعة، ص ٥٩

٢٨-٥-١- الْمَاءُ

١-٥-٢٨-١- مَا يُغْسَلُ الْقَلْبُ

﴿٤٨٧﴾ ادریس عليه السلام: وَ اغْسِلْ قَلْبَكَ بِالتَّقْوَى كَمَا تَغْسِلُ ثِيَابَكَ بِالْمَاءِ؛ بحار الأنوار، ج ٩٢، ص ٤٧١

٢-٥-٢٨-١- التَّقْوَى مَاءٌ وَ الطَّاعَاتُ أَشْجَارُ

﴿٤٨٨﴾ الصَّادِقُ عليه السلام: التَّقْوَى عَلَى ثَلَاثَةِ أَوْجُهٍ تَقْوَى بِاللَّهِ فِي اللَّهِ وَ هُوَ تَرْكُ الْحَلَالِ فَضْلًا عَنِ الشُّبْهَةِ وَ هُوَ تَقْوَى خَاصِّ الْخَاصِّ وَ تَقْوَى مِنَ اللَّهِ وَ هُوَ تَرْكُ الشُّبْهَاتِ فَضْلًا عَنِ حَرَامٍ وَ هُوَ

«تعریف تقوا و تمثیل آن»

۶-۲۶-۱-جامه

﴿۴۸۱﴾ سزاوار است که مؤمن ملازم و همراه طاعت خدا باشد و جامه‌ی تقوا و قناعت بپوشد.

۲۷-۱-۵-ملاک و سنجه

۱-۲۷-۱-۵-ملاک ولایت

﴿۴۸۲﴾ سلیم گوید: با امام علی علیه السلام در کوفه سخن می‌گفتم:... فرمود: بدان که خداوند تعالی دنیا را به انسان خوب و بد می‌دهد اما این امری را که تو بر آن هستی (ولایت)، خداوند فقط به برگزیدگانی از مخلوقاتش می‌دهد. امر ما را فقط سه گروه می‌شناسند: فرشته‌ای مقرب، رسولی فرستاده شده و بنده‌ای که خداوند قلبش را برای ایمان سنجیده. ای سلیم! ملاک این قضیه ورع است، فقط با ورع می‌توان به ولایت ما رسید.

﴿۴۸۳﴾ فقط با عمل و ورع، می‌توان به ولایت ما رسید.

۲-۲۷-۱-۵-ملاک دین

﴿۴۸۴﴾ ملاک دین در ورع است.

۳-۲۷-۱-۵-ملاک اسلام

﴿۴۸۵﴾ ملاک و قوام اسلام ورع است.

۴-۲۷-۱-۵-ابزار سنجش هر علم و حکمت

﴿۴۸۶﴾ تقوا داشته باش؛ دیگر مهم نیست در چه جایگاهی یا از کدام قبیله باشی. که هیچ کس در ارزش و فضیلت تقوا حرفی ندارد. پرهیزکار در نظر همه محبوب و محترم است، هرگونه خیر و خوبی و رشد و سعادت در تقواست و ارزش و ارزیابی هرگونه دانش و علمی، با تقواست و قبولی اطاعت و عبادت به تقوا بسته است.

۲۸-۱-۵-آب

۱-۲۸-۱-۵-آبی برای شستشوی دل

﴿۴۸۷﴾ [صحف حضرت ادریس علیه السلام]: قلبت را با تقوا شستشو ده همان طوری که لباس‌هایت

را با آب می‌شویی.

۲-۲۸-۱-۵-تقوا آب است و اعمال عبادی درخت

﴿۴۸۸﴾ تقوا سه قسم است: اوّل: تقوای با استعانت از خدا در راه خدا. و آن ترک حلال تا چه رسد به موارد شبهه‌ناک. و این را تقوای خاصّ الخاص می‌گویند. دوّم: تقوای از خدا که امور

﴿تعريفُ التقوى وَ تمثيلة﴾

تَقْوَى الْخَاصِّ وَ تَقْوَى مِنْ خَوْفِ النَّارِ وَالْعِقَابِ وَ هُوَ تَرْكُ الْحَرَامِ وَ هُوَ تَقْوَى الْعَامِّ وَ مَثَلُ
التَّقْوَى كَمَا يَجْرَى فِي نَهْرٍ وَ مَثَلُ هَذِهِ الطَّبَقَاتِ الثَّلَاثِ فِي مَعْنَى التَّقْوَى كَأَشْجَارٍ مَغْرُوسَةٍ عَلَى
حَافَةِ ذَلِكَ النَّهْرِ مِنْ كُلِّ لَوْنٍ وَ جَنْسٍ وَ كُلُّ شَجَرَةٍ مِنْهَا يَسْتَمِصُّ الْمَاءَ مِنْ ذَلِكَ النَّهْرِ عَلَى قَدْرِ
جَوْهَرِهِ وَ طَعْمِهِ وَ لَطَافَتِهِ وَ كَثَافَتِهِ ثُمَّ مَنَافِعُ الْخَلْقِ مِنْ ذَلِكَ الْأَشْجَارِ وَ الثَّمَارِ عَلَى قَدْرِهَا وَ
قِيَمَتِهَا قَالَ اللَّهُ تَعَالَى صِنُونَا وَ غَيْرِ صِنُونَا يُشْقَى بِمَاءٍ وَاحِدٍ وَ يُفْضَلُ بَعْضُهَا عَلَى بَعْضٍ فِي الْأَكْلِ
الْآيَةُ فَالتَّقْوَى لِلطَّاعَاتِ كَالْمَاءِ لِلْأَشْجَارِ وَ مَثَلُ طَبَائِعِ الْأَشْجَارِ وَ الثَّمَارِ فِي لَوْنِهَا وَ طَعْمِهَا مَثَلُ
مَقَادِيرِ الْإِيمَانِ فَمَنْ كَانَ أَعْلَى دَرَجَةٍ فِي الْإِيمَانِ وَ أَصْفَى جَوْهَرًا بِالرُّوحِ كَانَ أَتْقَى وَ مَنْ كَانَ
أَتْقَى كَانَتْ عِبَادَتُهُ أَخْلَصَ وَ أَطْهَرَ وَ مَنْ كَانَ كَذَلِكَ كَانَ مِنَ اللَّهِ أَقْرَبَ؛ بحار الأنوار، ج ٤٧،

ص ٢٩٥

٣-٢٨-١-٥-١- مَا يُنْفَجِرُ مِنْ عَيْنِ الْمَعْرِفَةِ بِاللَّهِ

﴿٤٨٩﴾ الصَّادِقُ عَلَيْهِ السَّلَامُ: وَ التَّقْوَى مَا يُنْفَجِرُ مِنْ عَيْنِ الْمَعْرِفَةِ بِاللَّهِ تَعَالَى؛ مصباح الشريعة، ص ٥٩

٢٩-٥-١- النِّعْمَةُ وَ الْفَضْلُ وَ الْحَسَنَةُ

١-٥-٢٩-١- النِّعْمَةُ

﴿٤٩٠﴾ السَّجَّادُ عَلَيْهِ السَّلَامُ: وَ ارْزُقْنِي سَلَامَةَ الصَّدْرِ مِنَ الْحَسَدِ حَتَّى لَا أَحْسُدَ أَحَدًا مِنْ خَلْقِكَ عَلَى
شَيْءٍ مِنْ فَضْلِكَ، وَ حَتَّى لَا أَرَى نِعْمَةً مِنْ نِعَمِكَ عَلَى أَحَدٍ مِنْ خَلْقِكَ فِي دِينٍ أَوْ دُنْيَا أَوْ عَافِيَةٍ
أَوْ تَقْوَى أَوْ سَعَةٍ أَوْ رَخَاءٍ إِلَّا رَجَوْتُ لِنَفْسِي أَفْضَلَ ذَلِكَ بِكَ وَ مِنْكَ وَ خُذْكَ لَا شَرِيكَ

لَكَ؛ الصحيفة السجادية عليه السلام، الدعاء ٢٢

٢-٢٩-٥-١- النِّعْمَةُ الْعُظْمَى

﴿٤٩١﴾ سَنَنْ اِدْرِيسَ عَلَيْهِ السَّلَامُ: وَ اعْلَمُوا وَ اسْتَيْقِنُوا أَنَّ تَقْوَى اللَّهِ هِيَ الْحِكْمَةُ الْكُبْرَى وَ النِّعْمَةُ
الْعُظْمَى وَ السَّبَبُ الدَّاعِي إِلَى الْخَيْرِ وَ الْفَاتِحُ لِأَبْوَابِ الْخَيْرِ وَ الْفَهْمُ وَ الْعَقْلُ؛ بحار الأنوار، ج ١١،

ص ٢٨٣

٣-٢٩-٥-١- الْفَضْلُ

﴿٤٩٢﴾ الرَّسُولُ ﷺ: لَيْسَ لِعَرَبِيٍّ عَلَى عَجَمِيٍّ فَضْلٌ إِلَّا بِالتَّقْوَى؛ بحار الأنوار، ج ٧٣، ص ٣٤٨

«تعریف تقوا و تمثیل آن»

شبهه‌ناک را هم علاوه بر محرّمات کنار می‌گذارد که تقوای خاصّان است. سوّم: تقوایی که ترس از آتش دوزخ و عذاب الهی انگیزه‌ی اوست که در این صورت فقط محرّمات را ترک می‌کند که این مرحله‌ی تقوای عوام است. تقوا مانند آبی است که در نهری جریان دارد و این سه مرتبه از تقوی، مانند درختانی هستند که بر لب آن نهر کاشته شده‌اند. درختان گوناگون از هر رقم رنگ و جنس که هر درختی بر طبق جوهر و ماهیّت خود و ظرافت و تنومندی خود، از آب نهر استفاده می‌کند. میزان استفاده‌ی مردم از این درختان و میوه‌های آن‌ها نیز به کیفیّت و چگونگی آن‌ها بستگی دارد. خداوند می‌فرماید: «و درختان میوه گوناگون» که گاه بر یک پایه می‌رویند و گاه بر دو پایه. همه‌ی آن‌ها از یک آب سیراب می‌شوند! و با این حال، بعضی از آن‌ها را بر دیگری برتری می‌دهیم». نسبت تقوا با طاعات و عبادات، نسبت آب است به درختان؛ و ارزش‌های متفاوت انسان در درجات و مراتب ایمان، نظیر انواع مختلف و گوناگون درختان و میوه‌ها است که در رنگ و طعم و مزه و بو با هم متفاوت و مختلف هستند. هرکس در درجه بالاتری از ایمان قرار گرفته و روح باصفاتری داشته باشد، تقوا و پرهیزکاری بیشتری دارد و هر کس که با تقواتر باشد، عبادت او پاک‌تر و خالص‌تر است. و هر آن کس که چنین باشد، به خدا نزدیک‌تر و در درگاه الهی مقرب‌تر است.

۳-۲۸-۱-۵-۱ آبی که از چشمه‌ی شناخت خدا می‌جوشد

﴿۴۸۹﴾ تقوا از سرچشمه‌ی بینش و معرفت به خدا منشعب می‌شود.

۲۹-۱-۵-۱ نعمت و فضیلت و حسنه

۱-۲۹-۱-۵-۱ نعمت

﴿۴۹۰﴾ و سینه‌ام را از حسد تهی گردان تا به هیچ‌یک از آفریدگانت بر چیزی از احسانت [که به او عطا فرموده‌ای] رشک نبرم و به جایی برسم که وقتی ببینم به یکی از بندگان در دین و دنیا و تندرستی و پرهیزکاری و توانگری و آسودگی نعمتی داده‌ای، من نیز برای خود از تو آرزوی برتر از آن کنم، ای خدای یکتای بی‌همتا.

۲-۲۹-۱-۵-۱ نعمت بزرگ

﴿۴۹۱﴾ بدانید و مطمئن باشید که تقوای الهی حکمت بزرگ و نعمت عظیم و سببی است که به سوی خیر می‌کشاند و گشاینده‌ی درهای خیر و فهم و عقل است.

۳-۲۹-۱-۵-۱ فضیلت

﴿۴۹۲﴾ و عربی را بر عجمی جز به تقوا برتری نمی‌باشد.

﴿المُرَادِفَاتُ وَ الْمُقَارِبَاتُ﴾

﴿٤٩٣﴾ الباقر عليه السلام: عُقْبَةُ بْنُ بَشِيرٍ الْأَسَدِيُّ قَالَ قُلْتُ لِأَبِي جَعْفَرٍ عليه السلام أَنَا عُقْبَةُ بْنُ بَشِيرٍ الْأَسَدِيُّ وَ أَنَا فِي الْحَسَبِ الضَّخْمِ مِنْ قَوْمِي قَالَ فَقَالَ مَا تَمُنُّ عَلَيْنَا بِحَسَبِكَ إِنَّ اللَّهَ رَفَعَ بِالْإِيمَانِ مَنْ كَانَ النَّاسُ يُسْمُونَهُ وَضِيعًا إِذَا كَانَ مُؤْمِنًا وَ وَضَعَ بِالْكَفْرِ مَنْ كَانَ النَّاسُ يُسْمُونَهُ شَرِيفًا إِذَا كَانَ كَافِرًا فَلَيْسَ لِأَحَدٍ فَضْلٌ عَلَى أَحَدٍ إِلَّا بِالتَّقْوَى؛ الكافي، ج ٢، ص ٣٢٨

٤-٢٩-١-٥- الحسنة

﴿٤٩٤﴾ أمير المؤمنين عليه السلام: التَّقْوَى رَأْسُ الْحَسَنَاتِ؛ غررالحكم، ص ٢٧١

٣-٥-١- درجة فوق الإسلام والإيمان ودون اليقين

﴿٤٩٥﴾ الرضا عليه السلام: الْإِيمَانُ أَفْضَلُ مِنَ الْإِسْلَامِ بِدَرَجَةٍ وَ التَّقْوَى أَفْضَلُ مِنَ الْإِيمَانِ بِدَرَجَةٍ وَ الْيَقِينُ أَفْضَلُ مِنَ التَّقْوَى بِدَرَجَةٍ وَ لَمْ يَقْسَمْ بَيْنَ بَنِي آدَمَ شَيْئًا أَقْلٌ مِنَ الْيَقِينِ؛ بحار الأنوار، ج ٤٧، ص ١٧١

﴿٤٩٦﴾ الصادق عليه السلام: عَنْ أَبِي بَصِيرٍ قَالَ قَالَ لِي أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام يَا أَبَا مُحَمَّدٍ الْإِسْلَامُ دَرَجَةٌ قَالَ قُلْتُ نَعَمْ قَالَ وَ الْإِيمَانُ عَلَى الْإِسْلَامِ دَرَجَةٌ قَالَ قُلْتُ نَعَمْ قَالَ وَ التَّقْوَى عَلَى الْإِيمَانِ دَرَجَةٌ قَالَ قُلْتُ نَعَمْ قَالَ وَ الْيَقِينُ عَلَى التَّقْوَى دَرَجَةٌ قُلْتُ نَعَمْ قَالَ فَمَا أُوتِيَ النَّاسُ أَقْلٌ مِنَ الْيَقِينِ وَ إِنَّمَا تَمَسَّكْتُمْ بِأَدْنَى الْإِسْلَامِ فَإِيَّاكُمْ أَنْ يَنْفَلِتَ مِنْ أَيْدِيكُمْ؛ الكافي، ج ٢، ص ٥٢

٦-١- المُرَادِفَاتُ وَ الْمُقَارِبَاتُ وَ راجع: علاماتُ التقوى

﴿٤٩٧﴾ أمير المؤمنين عليه السلام: ثَلَاثُ هُنَّ زِينَةُ الْمُؤْمِنِ تَقْوَى اللَّهِ وَ صِدْقُ الْحَدِيثِ وَ آدَاءُ الْأَمَانَةِ؛

غررالحكم، ص ٩١

١-٦-١- الإيمان و راجع: الفصل الثاني؛ التقوى فوق الإيمان

١-١-٦- آمَنَ وَ اتَّقَى

﴿٤٩٨﴾ الرضا عليه السلام: جَفَّ الْقَلَمُ بِحَقِيقَةِ الْكِتَابِ مِنَ اللَّهِ بِالسَّعَادَةِ لِمَنْ آمَنَ وَ اتَّقَى وَ الشَّقَاوَةِ

مِنَ اللَّهِ تَبَارَكَ وَ تَعَالَى لِمَنْ كَذَبَ وَ عَصَى؛ بحار الأنوار، ج ٥، ص ١٥٤

﴿٤٩٩﴾ الرسول ﷺ: وَ اجْعَلْنِي إِلَهِي مِمَّنْ آمَنَ وَ اتَّقَى فِي الدُّنْيَا وَ الْآخِرَةِ؛

مستدرک الوسائل، ج ٧، ص ٤٤٣

«کلمات مترادف و نزدیک به تقوا»

«۴۹۳» عقبه بن بشیر اسدی گوید: به امام باقر علیه السلام عرض کردم: «من عقبه بن بشیر اسدی هستم و در قوم خود دارای خاندان بزرگی هستم». فرمود: «تو با حَسَب خود بر سر ما مَنّت می گذاری؟ اگر کسی که مردم او را پست می شمردند، مؤمن باشد، خداوند متعال او را بالا می برد و کسی را که مردم شریف می دارند، اگر کافر باشد به سبب کفرش پست می شمرد. پس برای شخصی برتری بر دیگری نیست مگر به واسطه ای تقوا».

۴-۲۹-۵-۱- حسنه

«۴۹۴» سرمنشأ تمام نیکی ها، تقوا است.

۳۰-۵-۱- رتبه ای بالاتر از اسلام و ایمان و پایین تر از یقین

«۴۹۵» ایمان یک درجه از اسلام بالاتر و تقوا یک درجه برتر از ایمان و یقین درجه اش برتر از ایمان است و در میان مردم چیزی کمتر از یقین تقسیم نشده است.

«۴۹۶» ابو بصیر گوید: امام صادق علیه السلام به من فرمود: «ای ابا محمد! اسلام جایگاهی دارد». عرض کردم: «آری، چنین است». فرمود: «ایمان یک درجه از اسلام بالاتر است». عرض کردم: «آری». فرمود: «تقوی یک درجه از ایمان برتر است». عرض کردم: «آری». فرمود: «یقین یک درجه از تقوا بالاتر است». عرض کردم: «آری». فرمود: «به این مردم هیچ چیز کمتر از یقین داده نشده و شما آن درجه پایین و نازل از اسلام را در دست دارید. مواظب باشید که همین مقدار کم از دست شما نرود».

۶-۱- کلمات مترادف و نزدیک به تقوا و.ر.به: نشانه های تقوا

«۴۹۷» سه چیز است که موجب زینت مؤمن است: تقوای الهی، راستگویی و ادای امانت.

۱-۶-۱- ایمان و.ر.به: فصل ۲؛ تقوا فوق ایمان

۱-۶-۱-۱- ایمان آورد و پرهیزکاری ورزید

«۴۹۸» قلم به حقیقت کتاب از جانب خداوند خشکید که کسی که ایمان بیاورد و تقوا بورزد، به سعادت می رسد و کسی که تکذیب کند و عصیان نماید، از جانب خداوند تبارک و تعالی به شقاوت می رسد.

«۴۹۹» خدایا! مرا از کسانی قرار ده که ایمان آورده و در دین و دنیا و آخرت تقوا پیشه

می کنند.

﴿المُرَادِفَاتُ وَ الْمُقَارِبَاتُ﴾

١-٢-١-٤- آمَنْتَ وَ اتَّقَيْتَ

﴿٥٠٠﴾ أمير المؤمنين عليه السلام: إِذَا آمَنْتَ بِاللَّهِ وَ اتَّقَيْتَ مَحَارِمَهُ أَحَلَّكَ دَارَ الْأَمَانِ وَإِذَا أَرْضَيْتَهُ

تَعَمَّدَكَ بِالرَّضْوَانِ؛ غرر الحكم، ص ٨٨

١-٢-١-٤- آمَنُوا وَ اتَّقُوا

﴿٥٠١﴾ وَلَوْ أَنَّهُمْ آمَنُوا وَ اتَّقَوْا لَمَثُوبَةٌ مِنْ عِنْدِ اللَّهِ خَيْرٌ لَوْ كَانُوا يَعْلَمُونَ؛ البقرة ١٠٣

﴿٥٠٢﴾ وَلَوْ أَنَّ أَهْلَ الْكِتَابِ آمَنُوا وَ اتَّقَوْا لَكَفَّرْنَا عَنْهُمْ سَيِّئَاتِهِمْ وَلَآدْخَلْنَاهُمْ جَنَّاتِ النَّعِيمِ؛

المائدة ٦٥

﴿٥٠٣﴾ وَلَوْ أَنَّ أَهْلَ الْقُرَى آمَنُوا وَ اتَّقَوْا لَفَتَحْنَا عَلَيْهِمْ بَرَكَاتٍ مِنَ السَّمَاءِ وَ الْأَرْضِ وَلَكِنْ كَذَّبُوا

فَأَخَذْنَاهُمْ بِمَا كَانُوا يَكْسِبُونَ؛ الأعراف ٩٦

١-٢-١-٤- آمَنُوا وَ إِيَّايَ فَاتَّقُونِ

﴿٥٠٤﴾ وَآمَنُوا بِمَا نُزِّلَتْ مُصَدِّقًا لِمَا مَعَكُمْ وَلَا تَكُونُوا أَوَّلَ كَافِرٍ بِهِ وَلَا تَشْتَرُوا بِآيَاتِي ثَمَنًا قَلِيلًا وَ

إِيَّايَ فَاتَّقُونِ؛ البقرة ٤١

١-٢-١-٤- آمَنُوا وَ كَانُوا يَتَّقُونَ

﴿٥٠٥﴾ وَانْجَيْنَا الَّذِينَ آمَنُوا وَ كَانُوا يَتَّقُونَ؛ النمل ٥٣

١-٢-١-٤- اتَّقُوا اللَّهَ الَّذِي أَنْتُمْ بِهِ مُؤْمِنُونَ

﴿٥٠٦﴾ وَاتَّقُوا اللَّهَ الَّذِي أَنْتُمْ بِهِ مُؤْمِنُونَ؛ الممتحنة ١١

١-٢-١-٤- اتَّقُوا اللَّهَ وَ ... بِشَرِّ الْمُؤْمِنِينَ

﴿٥٠٧﴾ نِسَاءُكُمْ حَرْثٌ لَكُمْ فَأَتُوا حَرْثَكُمْ أَنَّى شِئْتُمْ وَقَدِّمُوا لِأَنفُسِكُمْ وَاتَّقُوا اللَّهَ وَاعْلَمُوا أَنَّكُمْ

مُلاقُوهُ وَبَشِّرِ الْمُؤْمِنِينَ؛ البقرة ٢٢٣

١-٢-١-٤- اتَّقُوا وَ آمَنُوا

﴿٥٠٨﴾ لَيْسَ عَلَى الَّذِينَ آمَنُوا وَ عَمِلُوا الصَّالِحَاتِ جُنَاحٌ فِيمَا طَعِمُوا إِذَا مَا اتَّقَوْا وَآمَنُوا وَ عَمِلُوا

الصَّالِحَاتِ ثُمَّ اتَّقَوْا وَآمَنُوا ثُمَّ اتَّقَوْا وَ أَحْسَنُوا وَ اللَّهُ يُحِبُّ الْمُحْسِنِينَ؛ المائدة ٩٣

«کلمات مترادف و نزدیک به تقوا»

۲-۱-۶-۱- ایمان آوردی و پرهیز کردی

﴿۵۰۰﴾ وقتی به خدا ایمان آوردی و از محرّمات پرهیز کردی، وارد خانه‌ی امن شده‌ای و وقتی خدا را راضی کردی خداوند تو را در رضوان خود داخل می‌کند.

۳-۱-۶-۱- ایمان آوردند و پرهیز کردند

﴿۵۰۱﴾ و اگر آن‌ها ایمان می‌آوردند و پرهیزکاری پیشه می‌کردند، پاداشی که نزد خداست، برای آنان بهتر بود، اگر آگاهی داشتند!

﴿۵۰۲﴾ و اگر اهل کتاب ایمان بیاورند و تقوا پیشه کنند، گناهان آن‌ها را می‌بخشیم و آن‌ها را در باغ‌های پر نعمت بهشت، وارد می‌سازیم.

﴿۵۰۳﴾ و اگر اهل شهرها و آبادی‌ها، ایمان می‌آوردند و تقوا پیشه می‌کردند، برکات آسمان و زمین را بر آن‌ها می‌گشودیم ولی (آن‌ها حق را) تکذیب کردند ما هم آنان را به کیفر اعمالشان مجازات کردیم.

۴-۱-۶-۱- ایمان بیاورید و پروای مرا پیشه کنید

﴿۵۰۴﴾ و به آنچه نازل کرده‌ام [قرآن] ایمان بیاورید! که نشانه‌های آن، با آنچه در کتاب‌های شماست، مطابقت دارد؛ و نخستین کافر به آن نباشید! و آیات مرا به بهای ناچیزی نفروشید! (و به خاطر درآمد مختصری، نشانه‌های قرآن و پیامبر اسلام را، که در کتب شما موجود است، پنهان نکنید!) و تنها از من (و مخالفت دستورهایم) بترسید (نه از مردم)!

۵-۱-۶-۱- ایمان آوردند و تقوا پیشه کردند

﴿۵۰۵﴾ و کسانی را که ایمان آورده و تقوا پیشه کرده بودند نجات دادیم!

۶-۱-۶-۱- از خداوندی که همه به او ایمان دارید پروا کنید

﴿۵۰۶﴾ و از (مخالفت) خداوندی که همه به او ایمان دارید بپرهیزید!

۷-۱-۶-۱- از خدا بترسید و ... به مؤمنان بشارت دهید

﴿۵۰۷﴾ زنان شما، محل بذرافشانی شما هستند پس هر زمان که بخواهید، می‌توانید با آن‌ها آمیزش کنید. و (سعی نمایید از این فرصت بهره گرفته، با پرورش فرزندان صالح) اثر نیکی برای خود، از پیش بفرستید! و از خدا بپرهیزید و بدانید او را ملاقات خواهید کرد و به مؤمنان بشارت ده!

۸-۱-۶-۱- پروا کردند و ایمان آوردند

﴿۵۰۸﴾ بر کسانی که ایمان آورده و اعمال صالح انجام داده‌اند، گناهی در آنچه خورده‌اند نیست (و نسبت به نوشیدن شراب، قبل از نزول حکم تحریم، مجازات نمی‌شوند) اگر تقوا پیشه کنند، و ایمان بیاورند، و اعمال صالح انجام دهند سپس تقوا پیشه کنند و ایمان آورند سپس تقوا پیشه کنند و نیکی نمایند. و خداوند، نیکوکاران را دوست می‌دارد.

﴿المُرَادِفَاتُ وَ الْمُقَارِبَاتُ﴾

٩-١-١٠-١- أَرَيْنُ اللَّبَاسَ لِلْمُؤْمِنِ لِبَاسُ التَّقْوَى

﴿٥٠٩﴾ الصَّادِقُ عليه السلام: أَرَيْنُ اللَّبَاسَ لِلْمُؤْمِنِ لِبَاسُ التَّقْوَى وَ أَنْعَمَهُ الْإِيمَانُ قَالَ اللَّهُ تَعَالَى وَلِبَاسُ

التَّقْوَى ذَلِكَ خَيْرٌ؛ مستدرك الوسائل، ج ٣، ص ٣٢٤

١٠-١-١٠-١- الْأَتْقِيَاءُ وَ الْمُؤْمِنُونَ

﴿٥١٠﴾ الرَّسُولُ عليه السلام: أَطْعِمُوا طَعَامَكُمْ الْأَتْقِيَاءَ وَ أَوَلُّوا مَعْرُوفَكُمْ الْمُؤْمِنِينَ؛ مستدرك الوسائل،

ج ١٦، ص ٢٥٣

١١-١-١٠-١- الْإِيمَانُ أَنْ تَتَّقِيَ اللَّهَ

﴿٥١١﴾ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عليه السلام: الْإِيمَانُ أَنْ تُؤْثِرَ الصَّدَقَ حَيْثُ يَضُرُّكَ عَلَى الْكَذِبِ حَيْثُ يَنْفَعُكَ

وَ أَلَّا يَكُونَ فِي حَدِيثِكَ فَضْلٌ عَنْ عَمَلِكَ وَ أَنْ تَتَّقِيَ اللَّهَ فِي حَدِيثٍ غَيْرِكَ؛ نهج البلاغة، ص ٥٥٦

١٢-١-١٠-١- الْإِيمَانُ بِالْقَلْبِ وَ التَّقْوَى بِالْجَوَارِحِ

﴿٥١٢﴾ الرَّسُولُ عليه السلام: الْإِسْلَامُ عِلَانِيَةٌ بِاللِّسَانِ وَ الْإِيمَانُ سِرٌّ بِالْقَلْبِ وَ التَّقْوَى عَمَلٌ بِالْجَوَارِحِ

كَيْفَ تَكُونُ مُسْلِمًا وَ لَا يَسْلَمُ النَّاسُ مِنْكَ وَ كَيْفَ تَكُونُ مُؤْمِنًا وَ لَا تَأْمَنُكَ النَّاسُ وَ كَيْفَ

تَكُونُ تَقِيًّا وَ النَّاسُ يَتَّقُونَ مِنْ شَرِّكَ وَ أَذَاكَ؛ إرشاد القلوب، ج ١، ص ٧٠

﴿٥١٣﴾ الرَّسُولُ عليه السلام: [قَالَ ابْنُ سَلَامٍ] فَأَخْبَرَنِي عَنْ أَهْلِ الْجَنَّةِ يَدْخُلُونَ فِيهَا بِالْإِسْلَامِ أَوْ

بِالْإِيمَانِ أَوْ بِالْعَمَلِ قَالَ مِنْهُمْ مَنْ يَدْخُلُ بِالثَّلَاثَةِ يَكُونُ مُسْلِمًا مُؤْمِنًا عَامِلًا فَيَدْخُلُ الْجَنَّةَ بِثَلَاثَةِ

أَعْمَالٍ أَوْ يَكُونُ نَصْرَانِيًّا أَوْ يَهُودِيًّا أَوْ مَجُوسِيًّا فَيُسَلِّمُ بَيْنَ الصَّلَاتَيْنِ وَ يُؤْمِنُ بِاللَّهِ وَ يَخْلَعُ الْكُفْرَ مِنْ

قَلْبِهِ فَيَمُوتُ عَلَى مَكَانِهِ وَ لَمْ يُخْلَفْ مِنَ الْأَعْمَالِ شَيْئًا فَيَكُونُ مِنْ أَهْلِ الْجَنَّةِ فَذَلِكَ إِيمَانُ بِلَا

عَمَلٍ وَ يَكُونُ يَهُودِيًّا أَوْ نَصْرَانِيًّا يَتَصَدَّقُ وَ يُنْفِقُ فِي غَيْرِ ذَاتِ اللَّهِ فَهُوَ عَلَى الْكُفْرِ وَ الضَّلَالَةِ يَعْبُدُ

الْمَخْلُوقَ دُونَ الْخَالِقِ فَإِذَا مَاتَ عَلَى دِينِهِ كَانَ فَوْقَ عَمَلِهِ فِي النَّارِ يَوْمَ الْقِيَامَةِ لِأَنَّ اللَّهَ لَا يَقْبَلُ إِلَّا

مِنَ الْمُتَّقِينَ قَالَ صَدَقْتَ يَا مُحَمَّدُ؛ بحار الأنوار، ج ٩، ص ٣٣٧

١٣-١-١٠-١- الْإِيمَانُ فِي الْوَرَعِ

﴿٥١٤﴾ الرَّسُولُ عليه السلام: الْإِيمَانُ فِي عَشْرَةِ أَشْيَاءَ الْمَعْرِفَةِ وَ الطَّاعَةِ وَ الْعِلْمِ وَ الْعَمَلِ وَ الْوَرَعِ وَ

الاجتهادِ وَ الصَّبْرِ وَ الْيَقِينِ وَ الرِّضَا وَ التَّسْلِيمِ فَأَيُّهَا فَقَدْ صَاحِبُهُ فَسَدَ نِظَامُهُ؛ معدن الجواهر، ص ٧٠

«کلمات مترادف و نزدیک به تقوا»

۹-۱-۶- زیباترین لباس مؤمن، لباس تقواست

«۵۰۹» زیباترین لباس برای مؤمن، لباس تقوا است و لطیف‌ترین آن ایمان است که خداوند فرموده: «اما لباس پرهیزکاری بهتر است»!

۱۰-۱-۶- پرهیزکاران و مؤمنان

«۵۱۰» غذای خود را به پرهیزکاران بخورانید و با مؤمنان آشنا به نیکی رفتار کنید.

۱۱-۱-۶- ایمان آن است که از خدا پروا کنی

«۵۱۱» نشانه‌ی ایمان این است که راستی را در جایی که به زیان توست بر دروغی که به سود توست مقدم بداری، و اینکه گفتارت از کردارت بیشتر نباشد، و در سخن گفتن درباره‌ی دیگری از خدا پروا کن.

۱۲-۱-۶- ایمان در قلب است و تقوا در جوارح

«۵۱۲» اسلام، با به زبان آوردن آشکار می‌شود اما ایمان سرّی در قلب است. تقوا در عمل و رفتار آشکار می‌شود. چگونه ممکن است فردی مسلمان باشی درحالی‌که مردم در کنارت در سلامت نباشند؟! چگونه فردی مؤمن باشی ولی مردم از (شرّ) تو در امان نباشند؟ چگونه فردی با تقوا باشی درحالی‌که مردم از شرّ و اذیت تو در پناه نباشند؟

«۵۱۳» ابن‌سلام گفت: «بگو ببینم بهشتیان به واسطه‌ی اسلام داخل بهشت می‌شوند یا به واسطه‌ی ایمان یا عمل؟» فرمود: «بعضی با هر سه داخل بهشت می‌شوند. آنان که مسلمان مؤمن عامل هستند با سه عمل داخل بهشت می‌شوند. یا کسی مسیحی و یا یهودی و یا مجوس است ولی بین دو نماز مسلمان می‌شود و کفر را از دل می‌زداید و پس از مسلمان شدن از دنیا می‌رود، او با اینکه عملی انجام نداده، از اهل بهشت خواهد بود، این ایمان بدون عمل است. و یا یهودی و یا مسیحی است که صدقه می‌دهد و انفاق می‌کند ولی نه در راه خدا. او در کفر و گمراهی خویش است، مردم‌پرست است نه خداپرست، اگر بمیرد در جهنّم خواهد بود، چون خداوند جز از متّقین و پرهیزکاران عملی را نمی‌پذیرد». گفت: «درست است یا محمّد!».

۱۳-۱-۶- ایمان در ورع است

«۵۱۴» ایمان در ده چیز است: شناخت، اطاعت، علم، عمل، ورع، تلاش، صبر، یقین، رضا و تسلیم. هر کدام از این موارد که از دست برود، صاحب آن صفات را فاسد می‌کند.

المُرَادِفَاتُ وَالمُقَارِبَاتُ

﴿٥١٥﴾ الرَّسُولُ ﷺ: الْإِيمَانُ فِي عَشْرَةِ الْمَعْرِفَةِ وَالطَّاعَةِ وَالْعِلْمِ وَالْعَمَلِ وَالْوَرَعِ وَالْاجْتِهَادِ وَالصَّبْرِ وَالْيَقِينِ وَالرِّضَا وَالتَّسْلِيمَ فَإِنَّهَا فَقَدْ صَاحِبُهُ بَطَلَ نِظَامُهُ؛ بحار الأنوار، ج ٦٤، ص ١٧٥

١-١٤-١٠-١-الإيمان كلمة التقوى

[illegible]

﴿٥١٧﴾ الصَّادِقُ عَلَيْهِ السَّلَامُ: عَنْ أَبِي الصَّبَّاحِ الْكِنَانِيِّ قَالَ قُلْتُ لِلصَّادِقِ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ أَخْبِرْنِي عَنْ هَذَا الْقَوْلِ قَوْلٌ مِنْهُ هُوَ أَسْأَلُ اللَّهَ الْإِيمَانَ وَالتَّقْوَى وَأَعُوذُ بِاللَّهِ مِنْ شَرِّ عَاقِبَةِ الْأُمُورِ... فَقَالَ الصَّادِقُ جَعْفَرُ بْنُ مُحَمَّدٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ هَذَا قَوْلُ رَسُولِ اللَّهِ ﷺ؛ من لا يحضره الفقيه، ج ٤، ص ٢٠٢

١-١٦-١-١٦- التَّقْوَى زَادَ الْإِيمَانَ

﴿٥١٨﴾ لقمان عليه السلام: وَاعْلَمْ يَا بُنَيَّ أَنَّ الدُّنْيَا بَحْرٌ عَمِيقٌ وَقَدْ هَلَكَ فِيهِ خَلْقٌ كَثِيرٌ فَاجْعَلْ سَفِينَتَكَ فِيهِ الْإِيمَانَ بِاللَّهِ وَزَادَكَ التَّقْوَى؛ أعلام الدين، ص ٩٣
١-١٧-٦-١-التقوى زاد المؤمن

﴿٥١٩﴾ الْحَسَنُ عليه السلام: فَإِنَّ الْمُؤْمِنَ يَتَزَوَّدُ وَالْكَافِرَ يَتَمَنَّعُ وَكَانَ عليه السلام يَتْلُو بَعْدَ هَذِهِ الْمَوْعِظَةِ وَتَزَوَّدُوا فَإِنَّ خَيْرَ الزَّادِ التَّقْوَى؛ بحار الأنوار، ج ٧٥، ص ١١٢

﴿٥٢٠﴾ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عليه السلام: الْمُؤْمِنُ يَكُونُ صَادِقًا فِي الدُّنْيَا... وَالصَّدْقُ عَادَتُهُ وَالشُّكْرُ مَرْكَبُهُ وَالْعَقْلُ قَائِدُهُ وَالتَّقْوَى زَادُهُ؛ مستدرک الوسائل، ج ١١، ص ١٧٤

١-١٨-١-٦-١-١-التَّقْوَى سَبَبُ الْإِيمَانِ

﴿٥٢١﴾ أمير المؤمنين عليه السلام: سَبَبُ الْإِيْمَانِ التَّقْوَى؛ غرر الحكم، ص ٢٧١

١٩-١-١٤- التَّقْوَى سِنْخُ الْإِيْمَانِ

﴿٥٢٢﴾ أمير المؤمنين عليه السلام: التَّقْوَى سِنْخُ الْإِيْمَانِ؛ مستدرک الوسائل، ج ١١، ص ٢٤٥

٢٠-١-١٤- التَّقْوَى صِلَاحُ الْإِيْمَانِ

﴿٥٢٣﴾ أمير المؤمنين عليه السلام: صَلَاحُ الْإِيمَانِ التَّقْوَى؛ غرر الحكم، ص ٢٧١

«کلمات مترادف و نزدیک به تقوا»

﴿۵۱۵﴾ ایمان در ده چیز است: شناخت و فرمان برداری و علم و عمل و ورع و اجتهاد و صبر و یقین و رضا و تسلیم. پس اگر صاحب آن یکی از آن‌ها را از دست دهد، نظام ایمان او از بین می‌رود.

۱۴-۱-۶-۱ ایمان کلمه‌ی تقواست

﴿۵۱۶﴾ جمیل می‌گوید: از امام صادق علیه السلام پرسیدم: «منظور از آیه‌ی: «او کسی است که آرامش را در دل‌های مؤمنان نازل کرد»؛ چیست؟» فرمود: «همان ایمان است». پرسیدم: «منظور از آیه‌ی: «و با روحی از ناحیه خودش آن‌ها را تقویت فرموده»؛ چیست؟» فرمود: «ایمان». پرسیدم: «منظور از آیه‌ی: «و آن‌ها را به حقیقت تقوا ملزم ساخت»؛ چیست؟» فرمود: «ایمان».

۱۵-۱-۶-۱ ایمان و تقوا

﴿۵۱۷﴾ ابوالصباح کنانی می‌گوید: از امام صادق علیه السلام پرسیدم: این گفتار از کیست: «از خدا ایمان و تقوا می‌خواهم و از بدعابتی به او پناه می‌برم...» فرمود: «این گفتار رسول خدا صلی الله علیه و آله است».

۱۶-۱-۶-۱ تقوا توشه‌ی ایمان است

﴿۵۱۸﴾ پسر عزیزم! بدان که دنیا دریایی عمیق است و عده‌ی بسیاری در آن غرق شده‌اند، ایمان به خدا را کشتی نجات خود و تقوا را توشه‌ی خود قرار ده.

۱۷-۱-۶-۱ تقوا توشه‌ی مؤمن است

﴿۵۱۹﴾ مؤمن توشه بر می‌دارد و کافر در دنیا برخوردار است؛ سپس این موعظه را می‌خواند: «و زاد و توشه تهیه کنید، که بهترین زاد و توشه، پرهیزکاری است!».

﴿۵۲۰﴾ مؤمن در دنیا راستگوست... و راستگویی عادت اوست. مرکب و وسیله‌ی حرکتش، شکر خدا، و راهبر او عقل و توشه‌اش تقواست.

۱۸-۱-۶-۱ تقوا موجب ایمان می‌شود

﴿۵۲۱﴾ دلیل ایمان، تقوا است.

۱۹-۱-۶-۱ تقوا هم‌جنس ایمان است

﴿۵۲۲﴾ پرهیزکاری از سنخ ایمان می‌باشد.

۲۰-۱-۶-۱ تقوا صلاح ایمان است

﴿۵۲۳﴾ اصلاح‌کننده‌ی ایمان، تقوا است.

المُرَادِفَاتُ وَالمُقَارِبَاتُ

﴿٥٢٤﴾ أمير المؤمنين (عليه السلام): صَلَّحُ الْإِيمَانَ الْوَرَعَ وَ فَسَادُهُ الطَّمَعُ؛ مستدرک الوسائل، ج ١٢، ص ٧١

﴿٥٢٥﴾ أمير المؤمنين عليه السلام: فَالْإِيْمَانُ أَصْلُ الْحَقِّ وَ أَصْلُ الْحَقِّ سَبِيلُهُ الْهُدَى ... وَ التَّقْوَى عُذَّتُهُ؛
بحار الأنوار، ج ٤٥، ص ٣٨٢
١-٢٢-١-٦-١-التَّقْوَى علامةُ الإيْمَانِ

﴿٥٢٦﴾ السَّجَّادُ (عليه السلام): عَنِ الطَّائِفِ بْنِ الْيَمَانِ قَالَ سَمِعْتُ عَلِيَّ بْنَ الْحُسَيْنِ (عليهما السلام) يَقُولُ عَلَمَاتُ الْمُؤْمِنِ خَمْسٌ قُلْتُ وَمَا هُنَّ يَا ابْنَ رَسُولِ اللَّهِ قَالَ الْوَرَعُ فِي الْخُلُوعِ وَالصَّدَقَةُ فِي الْقِلَّةِ وَالصَّبْرُ عِنْدَ الْمُصِيبَةِ وَالْحِلْمُ عِنْدَ الْغَضَبِ وَالصَّدْقُ عِنْدَ الْخَوْفِ؛ بحار الأنوار، ج ٦٤، ص ٢٩٣

٢٣-١-٦-١- التقوى فرع شجرة الإيمان

﴿٥٢٧﴾ أمير المؤمنين (عليه السلام): الْإِيمَانُ شَجَرَةٌ أَصْلُهَا الْيَقِينُ وَفَرْعُهَا التَّقْوَى؛ غرر الحكم، ص ٨٧

﴿٥٢٨﴾ الرَّسُولُ ﷺ: أَيُّهَا النَّاسُ إِنَّ الْعَبْدَ لَا يَكُتَبُ فِي الْمُسْلِمِينَ حَتَّى يَسْلَمَ النَّاسُ مِنْ يَدِهِ وَ لِسَانِهِ وَ لَا يَنَالُ دَرَجَةَ الْمُؤْمِنِينَ حَتَّى يَسْلَمَ أَخُوهُ مِنْ بَوَاقِيهِ وَ جَارُهُ مِنْ بَوَادِرِهِ وَ لَا يُعَدُّ فِي الْمُتَّقِينَ حَتَّى لَا يَقُولَ مَا لَا بَأْسَ بِهِ حِذَارَ مَا بِهِ الْبَأْسُ؛ أعلام الدين، ص ١٤٤

١-٢٥-١-٦-١-التَّقْوَى لِبَاسُ الْإِيمَانِ

﴿٥٢٩﴾ الرَّسُولُ ﷺ: الْإِيمَانُ عُرْيَانٌ وَلِبَاسُهُ التَّقْوَى وَزِينَتُهُ الْحَيَاءُ؛ شرح نهج البلاغة، ج ١٩، ص ٤٧

﴿٥٣٠﴾ الصَّادِقُ ^{الْعَلِيُّ}: الْمُؤْمِنُونَ عَلَى سَبْعِ دَرَجَاتٍ صَاحِبُ دَرَجَةٍ مِنْهُمْ فِي مَزِيدٍ مِنَ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ لَا يُخْرِجُهُ ذَلِكَ الْمَزِيدُ مِنْ دَرَجَتِهِ إِلَى دَرَجَةٍ غَيْرِهِ وَمِنْهُمْ شُهَدَاءُ اللَّهِ عَلَى خَلْقِهِ وَمِنْهُمْ النَّجَبَاءُ وَمِنْهُمْ الْمُتَمَحِّنَةُ وَمِنْهُمْ النُّجَدَاءُ وَمِنْهُمْ أَهْلُ الصَّبْرِ وَمِنْهُمْ أَهْلُ التَّقْوَى وَمِنْهُمْ أَهْلُ الْمَغْفِرَةِ؛ بحار الأنوار، ج ٦٦، ص ١٦٩

٢٧-١-٦-١- التَّقْوَى مِنْ صِفَاتِ الْمُؤْمِنِ

﴿٥٣١﴾ الرَّسُولُ ﷺ: أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ ﷺ قَالَ لَا يَكْمُلُ الْمُؤْمِنُ إِيْمَانَهُ حَتَّى يَحْتَوِيَ عَلَى مِائَةِ وَثَلَاثِ خِصَالٍ فِعْلٌ وَعَمَلٌ وَنِيَّةٌ وَظَاهِرٌ وَبَاطِنٌ فَقَالَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عليه السلام يَا رَسُولَ اللَّهِ مَا يَكُونُ الْمِائَةُ وَثَلَاثُ خِصَالٍ فَقَالَ يَا عَلِيُّ مِنْ صِفَاتِ الْمُؤْمِنِ أَنْ يَكُونَ... قَلْبُهُ تَقِيٌّ؛ مستدرک الوسائل، ج ١١، ص ١٧٨

﴿٣١٨﴾

«کلمات مترادف و نزدیک به تقوا»

﴿۵۲۴﴾ اصلاح و رشد ایمان به پرهیزکاری و نابودی اش به طمع ورزیدن است.

۱-۶-۱-۲۱- تقوا سرمایه‌ی ایمان است

﴿۵۲۵﴾ پس ایمان ریشه‌ی حق است. و ریشه‌ی حق راهش هدایت... و پرهیزکاری ساز و برگش است.

۱-۶-۱-۲۲- تقوا نشانه‌ی ایمان است

﴿۵۲۶﴾ طاووس بن یمان گوید: شنیدم که امام سجاد (علیه السلام) می‌فرمود: «نشانه‌های مؤمن پنج چیز هستند». گفتم: «ای پسر پیامبر خدا! کدامند؟» فرمود: «پارسایی در خلوت، صدقه در نداری، شکیبایی در آسیب‌زدگی، بردباری در هنگام خشم، و راستی با ترس».

۱-۶-۱-۲۳- تقوا شاخه‌ی درخت ایمان است

﴿۵۲۷﴾ ایمان درختی است که ریشه‌ی آن یقین و شاخه‌های آن تقوا است.

۱-۶-۱-۲۴- تقوا فراتر از ایمان است

﴿۵۲۸﴾ ای مردم! بنده، تا زمانی که مردم از دست و زبان او در سلامت و امنیت نباشند، مسلمان محسوب نمی‌شود و تا وقتی که برادر مؤمنش از شر او و همسایه‌اش از آزار او در امان نباشد به درجه‌ی ایمان نمی‌رسد؛ و بنده متقی نمی‌شود مگر آنچه را که در آن مشکلی نیست نگوید، از ترس اینکه در آن چیز مشکلی باشد.

۱-۶-۱-۲۵- تقوا لباس ایمان است

﴿۵۲۹﴾ ایمان، همچون جسمی برهنه است که تقوا لباس آن و حیا زینت آن است.

۱-۶-۱-۲۶- تقوا از درجات ایمان است

﴿۵۳۰﴾ مؤمنان هفت درجه هستند. کسی که یک درجه از آن را دارد از سوی خداوند متعال مورد عنایت بیشتری است ولی این عنایت او را از درجه‌اش به درجه‌ی دیگری نمی‌رساند. در میان آن‌ها گواهان خداوند بر بندگان هستند، و برخی از آنان پاک‌سرشتان و برخی آزموده‌ها و برخی دیگر شجاعان و برخی اهل صبر و برخی از آنان اهل تقوا و کسانی نیز اهل آمرزش هستند.

۱-۶-۱-۲۷- تقوا از صفات اهل ایمان است

﴿۵۳۱﴾ «ایمان مؤمن کامل نمی‌شود مگر آنکه شامل صد و سه خصلت فعلی و عملی و نیتی و ظاهری و باطنی شود». امیرمؤمنان (علیه السلام) فرمود: «ای رسول خدا! آن صد و سه خصلت چیست؟» فرمود: «ای علی! از صفات مؤمن آن است که... قلبش با تقوا باشد».

﴿المُرَادِفَاتُ وَ الْمُقَارِبَاتُ﴾

٢٨-١-١٠-١- التَّقْوَى مِنْ عِلَامَاتِ الْمُؤْمِنِ

﴿٥٣٢﴾ أمير المؤمنين عليه السلام: وَمِنْ عِلَامَاتِ أَحَدِهِمْ (المؤمنون) أَنْ يَكُونَ لَهُ حَزْمٌ فِي لِينٍ وَ

إِيمَانٌ فِي يَقِينٍ وَ حِرْصٌ فِي تَقْوَى؛ بحار الأنوار، ج ٧٥، ص ٢٣

٢٩-١-١٠-١- التَّقْوَى وَالْوَرَعَ مَخُ الْإِيمَانِ

﴿٥٣٣﴾ أمير المؤمنين عليه السلام: مَخُ الْإِيمَانِ التَّقْوَى وَالْوَرَعَ وَهُمَا مِنْ أَعْمَالِ الْقُلُوبِ وَ أَحْسَنُ

أَعْمَالِ الْجَوَارِحِ أَلَّا تَزَالَ مَالِنَا فَآكَ بِذِكْرِ اللَّهِ سُبْحَانَهُ؛ شرح نهج البلاغة، ج ٢٠، ص ٣٤٧

٣٠-١-١٠-١- الَّذِينَ آمَنُوا وَالَّذِينَ اتَّقَوْا

﴿٥٣٤﴾ زَيْنٌ لِلَّذِينَ كَفَرُوا الْحَيَاةُ الدُّنْيَا وَيَسْخَرُونَ مِنَ الَّذِينَ آمَنُوا وَالَّذِينَ اتَّقَوْا فَوْقَهُمْ يَوْمَ

الْقِيَامَةِ وَاللَّهُ يَرْزُقُ مَنْ يَشَاءُ بِغَيْرِ حِسَابٍ؛ البقرة ٢١٢

٣١-١-١٠-١- الَّذِينَ آمَنُوا وَالْمُتَّقِينَ

﴿٥٣٥﴾ ابن عباس رضي الله عنهما: فِي قَوْلِهِ تَعَالَى أَمْ نَجْعَلُ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ كَالْمُفْسِدِينَ فِي

الْأَرْضِ أَمْ نَجْعَلُ الْمُتَّقِينَ كَالْفُجَّارِ قَالَ نَزَلَتْ الْآيَةُ فِي ثَلَاثَةِ مِنَ الْمُسْلِمِينَ فَهُمْ الْمُتَّقُونَ الَّذِينَ آمَنُوا

وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ وَ فِي ثَلَاثَةِ مِنَ الْمُشْرِكِينَ هُمُ الْمُفْسِدُونَ فِي الْأَرْضِ فَأَمَّا الثَّلَاثَةُ مِنَ الْمُسْلِمِينَ

فَعَلَى بَنِي أَبِي طَالِبٍ وَ حَمْزَةَ وَ عُبَيْدَةَ وَ أَمَّا الثَّلَاثَةُ مِنَ الْمُشْرِكِينَ فَعُتْبَةُ بْنُ رَبِيعَةَ وَ شَيْبَةَ وَ الْوَلِيدُ

بَنِي عُتْبَةَ وَ هُمُ الَّذِينَ يُبَارِزُونَ يَوْمَ بَدْرٍ فَقَتَلَ عَلَى الْوَلِيدِ وَ قَتَلَ حَمْزَةَ عُتْبَةُ بْنُ رَبِيعَةَ وَ قَتَلَ عُبَيْدَةَ

شَيْبَةَ؛ بحار الأنوار، ج ١٩، ص ٢٩٨

٣٢-١-١٠-١- الَّذِينَ آمَنُوا وَ كَانُوا يَتَّقُونَ

﴿٥٣٦﴾ إِلَّا أَنْ أَوْلِيَاءَ اللَّهِ لَا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ * الَّذِينَ آمَنُوا وَ كَانُوا يَتَّقُونَ؛ يونس ٦٣ -

٦٢

﴿٥٣٧﴾ وَ لَا جُزْءَ الْآخِرَةِ خَيْرٌ لِلَّذِينَ آمَنُوا وَ كَانُوا يَتَّقُونَ؛ يوسف ٥٧

﴿٥٣٨﴾ وَ أَمَّا ثَمُودُ فَهَدَيْنَاهُمْ فَاسْتَحَبُّوا الْعَمَى عَلَى الْهُدَى فَأَخَذَتْهُمْ صَاعِقَةُ الْعَذَابِ الْهُونِ

بِمَا كَانُوا يَكْسِبُونَ * وَ نَجَّيْنَا الَّذِينَ آمَنُوا وَ كَانُوا يَتَّقُونَ؛ فصلت ١٨-١٧

﴿٣٢٠﴾

«کلمات مترادف و نزدیک به تقوا»

۱-۶-۱-۲۸- تقوا از نشانه‌های مؤمن است

«۵۳۲» از نشانه‌های آن‌ها (مؤمنان) این است که به همراه ملایمت، و ایمان با یقین، و حرص در تقوا استوارند.

۱-۶-۱-۲۹- تقوا و ورع مغز ایمان هستند

«۵۳۳» مغز ایمان، تقوا و ورع است و این دو از کارهای قلب است. بهترین کار در کارهای اندام تن، این است که پیوسته دهانت به یاد خداوند سبحان مشغول باشد.

۱-۶-۱-۳۰- آنان که ایمان آوردند و پروا نمودند

«۵۳۴» زندگی دنیا برای کافران زینت داده شده است، از این رو افراد باایمان را (که گاهی دستشان تهی است)، مسخره می‌کنند در حالی که پرهیزکاران در قیامت، بالاتر از آنان هستند (چرا که ارزش‌های حقیقی در آنجا آشکار می‌گردد، و صورت عینی به خود می‌گیرد) و خداوند، هر کس را بخواهد بدون حساب روزی می‌دهد.

۱-۶-۱-۳۱- آنان که ایمان آوردند و پرهیزکاران

«۵۳۵» در مورد آیه‌ی: «آیا کسانی را که ایمان آورده و کارهای شایسته انجام داده‌اند همچون مفسدان در زمین قرار می‌دهیم، یا پرهیزکاران را همچون فاجران؟» گفته است: «درباره‌ی سه نفر از مسلمانان که همان پرهیزکارانی بودند که کارهای شایسته انجام می‌دادند و سه نفر از مشرکان که همان مفسدان فاجر بودند، نازل شده است. آن سه نفر از مسلمانان عبارت بودند از: علی بن ابی طالب علیه السلام و حمزه بن عبدالمطلب و عبیده بن حارث بن عبدالمطلب که در روز بدر مبارزه کردند، علی علیه السلام ولید را و حمزه عتبه را و عبیده شبیه را کشت.

۱-۶-۱-۳۲- آنان که ایمان آوردند و پرهیز می‌کردند

«۵۳۶» همان‌ها که ایمان آوردند، و (از مخالفت فرمان خدا) پرهیز می‌کردند.

«۵۳۷» (اما) پاداش آخرت، برای کسانی که ایمان آورده و پرهیزکاری داشتند، بهتر است!

«۵۳۸» اما ثمود را هدایت کردیم، ولی آن‌ها نابینایی را بر هدایت ترجیح دادند به همین جهت صاعقه - آن عذاب خوارکننده - به خاطر اعمالی که انجام می‌دادند آن‌ها را فروگرفت! * و کسانی را که ایمان آوردند و پرهیزکار بودند نجات بخشیدیم!

﴿المُرَادِفَاتُ وَ الْمُقَارِبَاتُ﴾

١-٣٣-١-٤- الَّذِينَ لَا يُؤْمِنُونَ وَ هُمْ لَا يَتَّقُونَ

﴿٥٣٩﴾ إِنَّ شَرَّ الدَّوَابِّ عِنْدَ اللَّهِ الَّذِينَ كَفَرُوا فَهُمْ لَا يُؤْمِنُونَ * الَّذِينَ عَاهَدَتْ مِنْهُمْ ثُمَّ يَنْقُضُونَ عَهْدَهُمْ فِي كُلِّ مَرَّةٍ وَ هُمْ لَا يَتَّقُونَ؛ الأنفال ٥٥-٥٦
١-٣٤-١-٤- الَّذِينَ يَتَّقُونَ ... وَ الَّذِينَ هُمْ بِآيَاتِنَا يُؤْمِنُونَ

﴿٥٤٠﴾ وَ اكْتُبْ لَنَا فِي هَذِهِ الدُّنْيَا حَسَنَةً وَ فِي الْآخِرَةِ إِنَّا هُنَا إِلَيْكَ قَالٌ عَذَابِي أُصِيبُ بِهِ مَنْ أَشَاءُ وَ رَحْمَتِي وَسِعَتْ كُلَّ شَيْءٍ فَسَأَكْتُبُهَا لِلَّذِينَ يَتَّقُونَ وَ يُؤْتُونَ الزَّكَاةَ وَ الَّذِينَ هُمْ بِآيَاتِنَا يُؤْمِنُونَ؛ الأعراف ١٥٦

١-٣٥-١-٤- الَّذِينَ يُؤْمِنُونَ ... وَ اللَّهُ عَلِيمٌ بِالْمُتَّقِينَ

﴿٥٤١﴾ لَا يَسْتَأْذِنُكَ الَّذِينَ يُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَ الْيَوْمِ الْآخِرِ أَنْ يُجَاهِدُوا بِأَمْوَالِهِمْ وَأَنْفُسِهِمْ وَ اللَّهِ عَلِيمٌ بِالْمُتَّقِينَ؛ التوبة ٤٤
١-٣٦-١-٤- الْمُؤْمِنُ التَّقِيُّ

﴿٥٤٢﴾ الرَّسُولُ ﷺ: عَنْ خُذِيفَةَ قَالَ سَمِعْتُ رَسُولَ اللَّهِ ﷺ يَقُولُ وَيَحَ هَذِهِ الْأُمَّةُ مِنْ مُلُوكٍ جَبَابِرَةٍ كَيْفَ يَقْتُلُونَ وَ يَخِيفُونَ الْمُطِيعِينَ إِلَّا مَنْ أَظْهَرَ طَاعَتَهُمْ فَالْمُؤْمِنُ التَّقِيُّ يُصَانِعُهُمْ بِلِسَانِهِ وَ يَفْرِ مِنْهُمْ بِقَلْبِهِ؛ بحار الأنوار، ج ٥١، ص ٨٣
١-٣٧-١-٤- الْمُؤْمِنُ أَوْ رَعُ أَهْلِ الْآخِرَةِ

﴿٥٤٣﴾ الرَّسُولُ ﷺ: يَا عَلِيُّ مِنْ صِفَاتِ الْمُؤْمِنِ أَنْ يَكُونَ جَوَّالَ الْفِكْرِ... إِنْ سَلَكَ مَعَ أَهْلِ الدُّنْيَا كَانَ أَكْبَسَهُمْ وَ إِنْ سَلَكَ مَعَ أَهْلِ الْآخِرَةِ كَانَ أَوْرَعَهُمْ؛ مستدرک الوسائل، ج ١١، ص ١٧٨
١-٣٨-١-٤- الْمُؤْمِنُ تَقِيٌّ

﴿٥٤٤﴾ الصَّادِقُ ﷺ: قَامَ رَجُلٌ يُقَالُ لَهُ هَمَامٌ وَ كَانَ عَابِدًا نَاسِكًا مُجْتَهِدًا إِلَى أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ ﷺ وَ هُوَ يَخْطُبُ فَقَالَ يَا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ صِفْ لَنَا صِفَةَ الْمُؤْمِنِ كَأَنَّا نَنْظُرُ إِلَيْهِ فَقَالَ يَا هَمَامُ الْمُؤْمِنُ هُوَ... أَمِينٌ رَصِينٌ تَقِيٌّ نَقِيٌّ زَكِيٌّ؛ الكافي، ج ٢، ص ٢٢٦
١-٣٩-١-٤- الْمُؤْمِنُ لَمْ يَمُتْ حَتَّى وَرَعَ عَنْ مَحَارِمِ اللَّهِ

﴿٥٤٥﴾ الصَّادِقُ ﷺ: إِنْ الْعَبْدُ إِذَا كَانَ خَلَقَهُ اللَّهُ فِي الْأَصْلِ أَصْلَ الْخَلْقِ مُؤْمِنًا لَمْ يَمُتْ حَتَّى يُكْرَهُ اللَّهُ إِلَيْهِ الشَّرَّ وَ يُبَاعِدَهُ عَنْهُ وَ مَنْ كَرَهُ اللَّهُ إِلَيْهِ الشَّرَّ وَ بَاعَدَهُ عَنْهُ عَافَاهُ اللَّهُ مِنَ الْكِبَرِ أَنْ

﴿المُرَادِفَاتُ وَ الْمُقَارِبَاتُ﴾

يَدْخُلُهُ وَالْجَبَرِيَّةُ فَلَانَتْ عَرِيكَتُهُ وَ حَسَنَ خُلُقُهُ وَ طَلَّقَ وَجْهَهُ وَ صَارَ عَلَيْهِ وَقَارُ الْإِسْلَامِ وَ سَكِينَتُهُ وَ تَخَشُّعُهُ وَ وَرَعَ عَنِ مَحَارِمِ اللَّهِ وَ اجْتَنَبَ مَسَاخِطَهُ؛ الكافي، ج ٨، ص ١٣
١-٤٠-١-٤٠-المؤمن له ورع

﴿٥٤٦﴾ الصادق عليه السلام: الْمُؤْمِنُ لَهُ قُوَّةٌ فِي دِينٍ وَ حَزْمٌ فِي لَبِّينٍ وَ إِيْمَانٌ فِي يَقِينٍ وَ حِرْصٌ فِي فِقْهِ وَ نَشَاطٌ فِي هُدًى وَ بَرٌّ فِي اسْتِقَامَةٍ وَ عِلْمٌ فِي حِلْمٍ وَ كَيْسٌ فِي رَفْقٍ وَ سَخَاءٌ فِي حَقٍّ وَ قَصْدٌ فِي غِنًى وَ تَجَمُّلٌ فِي فَاقَةٍ وَ عَفْوٌ فِي قُدْرَةٍ وَ طَاعَةٌ لِلَّهِ فِي نَصِيحَةٍ وَ انْتِهَاءٌ فِي شَهْوَةٍ وَ وَرَعٌ فِي رَغْبَةٍ؛ الكافي، ج ٢، ص ٢٣١
١-٤١-١-٤١-المؤمن متورع

﴿٥٤٧﴾ أمير المؤمنين عليه السلام: الْمُؤْمِنُ عَفِيفٌ مُقْتَنِعٌ [مُقْنَعٌ] مُتَنَزِّهٌ مُتَوَرِّعٌ؛ غررالحكم، ص ٨٩
١-٤٢-١-٤٢-المؤمن من كان متورعاً

﴿٥٤٨﴾ الصادق عليه السلام: الْمُؤْمِنُ مَنْ كَانَ بِمَالِهِ مُتَبَرِّعاً وَ عَنْ مَالٍ غَيْرِهِ مُتَوَرِّعاً؛ إرشادالقلوب، ج ١، ص ١٣٩
١-٤٣-١-٤٣-المؤمن يتقي

﴿٥٤٩﴾ الكاظم عليه السلام: إِنَّ اللَّهَ تَبَارَكَ وَ تَعَالَى أَيْدِ الْمُؤْمِنِ بَرُوحٌ مِنْهُ تَخْضَرُهُ فِي كُلِّ وَقْتٍ يُحْسِنُ فِيهِ وَ يَتَّقِي وَ تَغِيبُ عَنْهُ فِي كُلِّ وَقْتٍ يُذْنِبُ فِيهِ وَ يَعْتَدِي؛ الكافي، ج ٢، ص ٢٦٨
١-٤٤-١-٤٤-المؤمن يتمسك بالتقوى

﴿٥٥٠﴾ الصادق عليه السلام: الْمُؤْمِنُ ... يَعْلَمُ أَنَّ التَّمَسُّكَ بِالْقَنَاعَةِ وَ التَّقْوَى يُورِثُ لَهُ رَاحَةَ الدَّارَيْنِ؛ مستدرک الوسائل، ج ١، ص ٢٦٦
١-٤٥-١-٤٥-الورع ثبات الإيمان

﴿٥٥١﴾ أمير المؤمنين عليه السلام: ثَبَاتُ الْإِيْمَانِ الْوَرَعُ وَ زَوَالُهُ الطَّمَعُ؛ مستدرک الوسائل، ج ١١، ص ٢٦٩

﴿٥٥٢﴾ الصادق عليه السلام: عَنْ أَبَانَ بْنِ سُوَيْدٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ قُلْتُ لَهُ مَا الَّذِي يُثْبِتُ الْإِيْمَانَ فِي الْعَبْدِ قَالَ الَّذِي يُثْبِتُهُ فِيهِ الْوَرَعُ وَ الَّذِي يُخْرِجُهُ مِنْهُ الطَّمَعُ؛ وسائل الشيعة، ج ٢٠، ص ٣٥٨

«کلمات مترادف و نزدیک به تقوا»

و وی را از آن دور کرد، او را از تکبر عافیت بخشیده و راه نرمش در پیش می گیرد و خوش رفتار می گردد و چهره‌ی گشاده و وقار و آرامش و پاکدامنی در او پدیدار می شود، و از آنچه موجب خشم الهی است، کناره می گیرد.

۱-۶-۱-۴۰- مؤمن صاحب پرهیز است

«۵۴۶» مؤمن در امر دین نیرومند است و با وجود نرمی دور اندیشی دارد و ایمانش بایقین است و برای تحصیل فقه حریص، در هدایت جویی بانشاط و با وجود ثبات و پایداری نیکوکار است. خویشتن داری اش با علم است و با ملایمت زیرکی دارد، سخاوتش در راه حق است و در زمان توانگری اقتصاد را از دست نمی دهد، و در زمان ناداری خوش ظاهر و با آرایش می باشد و در زمان قدرت گذشت دارد و با وجود خیرخواهی مردم اطاعت خدا می کند، و در حال شهوت باز می ایستد و در زمان رغبت پرهیزکاری می کند.

۱-۶-۱-۴۱- مؤمن پرهیزکار است

«۵۴۷» مؤمن، پاکدامن و قانع و پاک و اهل ورع است.

۱-۶-۱-۴۲- مؤمن کسی است که پرهیزکار باشد

«۵۴۸» مؤمن کسی است که از مال خود انفاق و از مال مردم اجتناب نماید.

۱-۶-۱-۴۳- مؤمن پرهیز می کند

«۵۴۹» خداوند تبارک و تعالی مؤمن را با روحی از جانب خود تأیید نموده است که هر زمان بنده نیکی و پرهیزکاری کند، آن روح حاضر می گردد و هر زمان که گناه و نافرمانی کند از او نهان می گردد.

۱-۶-۱-۴۴- مؤمن به تقوا چنگ می زند

«۵۵۰» مؤمن ... درمی یابد که پای بندی به قناعت و تقوا، موجب راحتی و آسایش دو سرای اوست.

۱-۶-۱-۴۵- ورع ثبات ایمان است

«۵۵۱» ثبات ایمان به ورع و نابودی آن به طمع است.

«۵۵۲» ابان بن سوید گوید: از امام صادق علیه السلام پرسیدم: «چه چیز است که ایمان را پایدار و محکم می نماید؟» فرمود: «آنچه که ایمان بنده را ثابت و محکم می کند، پرهیزکاری و ورع است و آنچه که بنده را از ایمان بیرون می برد؛ حرص و طمع است.»

﴿المُرَادِفَاتُ وَ الْمُقَارِبَاتُ﴾

﴿٥٥٣﴾ الصادق عليه السلام: عَنْ سَعْدَانَ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ قُلْتُ لَهُ مَا الَّذِي يُثَبِّتُ الْإِيمَانَ فِي الْعَبْدِ قَالَ الْوَرَعُ وَ الَّذِي يُخْرِجُهُ مِنْهُ قَالَ الطَّمَعُ؛ الكافي، ج ٢، ص ٣٢٠

﴿٥٥٤﴾ السَّجَّاد عليه السلام: عَنْ الطَّائِبِ بْنِ الْيَمَانِ قَالَ سَمِعْتُ عَلِيَّ بْنَ الْحُسَيْنِ عليه السلام يَقُولُ عَلَامَاتُ الْمُؤْمِنِ خَمْسٌ قُلْتُ وَ مَا هُنَّ يَا ابْنَ رَسُولِ اللَّهِ قَالَ الْوَرَعُ فِي الْخُلُوعِ وَ الصَّدَقَةُ فِي الْقَلَّةِ وَ الصَّبْرُ عِنْدَ الْمُصِيبَةِ وَ الْحِلْمُ عِنْدَ الْغَضَبِ وَ الصَّدْقُ عِنْدَ الْخَوْفِ؛ بحار الأنوار، ج ٤٤، ص ٢٩٣

١-٤٦-١-٤٦-الْوَرَعُ جَمَالُ الْمُؤْمِنِ

﴿٥٥٥﴾ أمير المؤمنين عليه السلام: جَمَالُ الْمُؤْمِنِ وَرَعُهُ؛ غرر الحكم، ص ٢٦٩

١-٤٧-١-٤٧-الْوَرَعُ حِلْيَةُ الْإِيمَانِ

﴿٥٥٦﴾ أمير المؤمنين عليه السلام: تَحَلَّى بِالسَّخَاءِ وَ الْوَرَعِ فَهُمَا حِلْيَةُ الْإِيمَانِ وَ أَشْرَفُ خِلَالِكِ؛ غرر الحكم، ص ٣٧٤

١-٤٨-١-٤٨-الْوَرَعُ حِلْيَةُ الْمُؤْمِنِ

﴿٥٥٧﴾ أمير المؤمنين عليه السلام: حِلْيَةُ الْمُؤْمِنِ الْوَرَعُ؛ مستدرک الوسائل، ج ١١، ص ١٧٥

١-٤٩-١-٤٩-الْوَرَعُ زِينَةُ الْإِيمَانِ

﴿٥٥٨﴾ أمير المؤمنين عليه السلام: زَيْنُ الْإِيمَانِ الْوَرَعُ؛ غرر الحكم، ص ٢٦٩

١-٥٠-١-٥٠-الْوَرَعُ زَيْنُ الْمُؤْمِنِ

﴿٥٥٩﴾ حديث قدسی: يَا أَحْمَدُ إِنَّ الْوَرَعَ زَيْنُ الْمُؤْمِنِ؛ إرشاد القلوب، ج ١، ص ٢٠٣

١-٥١-١-٥١-إِنَّ اللَّهَ أَلْزَمَ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ كَلِمَةَ التَّقْوَى

﴿٥٦٠﴾ إِذْ جَعَلَ الَّذِينَ كَفَرُوا فِي قُلُوبِهِمُ الْحَمِيَّةَ الْحَمِيَّةَ الْجَاهِلِيَّةَ فَأَنْزَلَ اللَّهُ سَكِينَتَهُ عَلَى رَسُولِهِ وَعَلَى الْمُؤْمِنِينَ وَأَلْزَمَهُمْ كَلِمَةَ التَّقْوَى وَكَانُوا أَحَقَّ بِهَا وَأَهْلَهَا وَكَانَ اللَّهُ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمًا؛ الفتح ٢٦

١-٥٢-١-٥٢-إِنَّ الْمُؤْمِنِينَ ... اتَّقِيَاءَ

﴿٥٦١﴾ الصادق عليه السلام: إِنَّ فِي الْأَرْضِ فِي أَطْرَافِهَا مُؤْمِنِينَ... أَكْيَاسُ يَحْسِبُهُمُ الْمُنَافِقُ خُرْسًا عُمِيًّا بُلْهًا وَ مَا بِالْقَوْمِ مِنْ خُرْسٍ وَ لَا عَمَى وَ لَا بَلَهٍ إِنَّهُمْ لَأَكْيَاسُ فُصَحَاءُ حُلَمَاءُ حُكَمَاءُ اتَّقِيَاءَ؛ مستدرک الوسائل، ج ٩، ص ٢٦

﴿٥٦٢﴾ السَّجَّاد عليه السلام: وَ اعْلَمْ أَنَّ الْعِلْمَ اتَّقَى؛ كفاية الأثر، ص ٢٣٩

«کلمات مترادف و نزدیک به تقوا»

﴿۵۵۳﴾ سعدان گوید: از امام صادق علیه السلام پرسیدم: «ایمان بنده را چه چیزی تثبیت می کند؟» فرمود: «ورع». پرسیدم: «چه چیزی او را [از ایمان] خارج می کند؟» فرمود: «طمع».

﴿۵۵۴﴾ طاووس بن یمان گوید: شنیدم که امام سجاد علیه السلام می فرمود: «نشانه های مؤمن پنج چیز هستند». گفتم: «ای پسر پیامبر خدا! کدامند؟» فرمود: «پارسایی در خلوت، صدقه در نداری، شکیبایی در آسیب زدگی، بردباری در هنگام خشم، و راستی با ترس».

۱-۴۶-۱-۶-۱ ورع زیبایی ایمان است

﴿۵۵۵﴾ زیبایی مؤمن به ورع اوست.

۱-۴۷-۱-۶-۱ ورع زیور ایمان است

﴿۵۵۶﴾ با سخاوت و ورع، [ایمانت را] زینت کن که این دو، زینت ایمان و بهترین صفات تو هستند.

۱-۴۸-۱-۶-۱ ورع زیور مؤمن است

﴿۵۵۷﴾ زینت مؤمن، ورع است.

۱-۴۹-۱-۶-۱ ورع زینت ایمان است

﴿۵۵۸﴾ زینت ایمان ورع است.

۱-۵۰-۱-۶-۱ ورع زینت مؤمن است

﴿۵۵۹﴾ ای احمد! ورع زینت مؤمن است.

۱-۵۱-۱-۶-۱ خداوند کلمه ی تقوا را بر مؤمنین واجب کرده است

﴿۵۶۰﴾ (به خاطر بیاورید) هنگامی را که کافران در دل های خود خشم و نخوت جاهلیت داشتند و (در مقابل)، خداوند آرامش و سکینه خود را بر فرستاده خویش و مؤمنان نازل فرمود و آن ها را به حقیقت تقوا ملزم ساخت، و آنان از هرکس شایسته تر و اهل آن بودند و خداوند به همه چیز دانا است.

۱-۵۲-۱-۶-۱ همانا مؤمنین پرهیزکارانند

﴿۵۶۱﴾ در اطراف زمین مؤمنانی وجود دارند... زیرکانی که منافق آنان را گنگ و کور و ابله می پندارد و در میان آن مردم، نه گنگی و نه کوری و نه ابله ی می باشد. به راستی که آنان زیرکانی شیوا، دانشمندانی بردبار، و فرزانه گانی پرهیزکارند.

﴿۵۶۲﴾ بدان که علم پرهیزکارتر است (علم بیشتر انسان را به تقوا می کشد).

﴿المُرَادِفَاتُ وَالمُقَارِبَاتُ﴾

۵۳-۱-۶-۱- اِنْ كُنْتُمْ مُّؤْمِنِيْنَ اَتَّقُوا اللّٰهَ

﴿٥٦٣﴾ يَسْأَلُونَكَ عَنِ الْأَنْفَالِ قُلِ الْأَنْفَالُ لِلَّهِ وَالرَّسُولِ فَأَتَقُوا اللَّهَ وَأَصْلِحُوا ذَاتَ بَيْنِكُمْ وَأَطِيعُوا

اللَّهُ وَرَسُولُهُ إِنَّ كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ؛ الأنفال ١

﴿٥٦٤﴾ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَتَّخِذُوا الَّذِينَ اتَّخَذُوا دِينَكُمْ هُزُوءًا وَلَعِبًا مِّنَ الَّذِينَ أُوتُوا الْكِتَابَ

مِنْ قَبْلِكُمْ وَالْكَفَّارَ أَوْلِيَاءَ وَاتَّقُوا اللَّهَ إِنْ كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ؛ المائدة ٥٧

﴿٥٦٥﴾ إِذْ قَالَ الْحَوَارِيُّونَ يَا عِيسَى ابْنَ مَرْيَمَ هَلْ يَسْتَطِيعُ رَبُّكَ أَنْ يُنْزِلَ عَلَيْنَا مَائِدَةً مِنَ السَّمَاءِ

قَالَ اتَّقُوا اللَّهَ إِنْ كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ؛ المائدة ١١٢

٥٤-١-٦-١-أَهْلُ الْإِيمَانِ وَ الْمُتَّقِينَ

﴿٥٦٦﴾ أمير المؤمنين عليه السلام: المؤمن... لَيْسَ بَعْدَهُ كَبِيرٌ وَلَا قُرْبُهُ خَدِيعَةٌ مُقْتَدِرٌ بِمَنْ كَانَ قَبْلَهُ مِنْ

أَهْلُ الْإِيمَانِ إِمَامٌ لِمَنْ بَعْدَهُ مِنَ الْبَرَّةِ الْمُتَّقِينَ؛ بحار الأنوار، ج ٧٥، ص ٢٦

۵۵-۱-۶-۱۔ بِالْوَرَعِ يَتَزَكَّى الْمُؤْمِنُ

﴿٥٦﴾ أمير المؤمنين (عليه السلام): بِالْوَرَعِ يَنْزَغِي الْمُؤْمِنُ غُرُوحًا، ص ٢٧٤

٥٦-١-٦-١- تَوَمِّنُوا وَتَتَّقُوا

﴿٥٦٨﴾ مَا كَانَ اللَّهُ لِيَذَرَ الْمُؤْمِنِينَ عَلَىٰ مَا أَنْتُمْ عَلَيْهِ حَتَّىٰ يَمِيزَ الْخَبِيثَ مِنَ الطَّيِّبِ وَمَا كَانَ

اللَّهُ لِيُظْلِعَكُمْ عَلَى الْغَيْبِ وَلَكِنَّ اللَّهَ يَجْتَبِي مِنْ رُسُلِهِ مَنْ يَشَاءُ فَأَمِنُوا بِاللَّهِ وَرُسُلِهِ وَإِنْ تُؤْمِنُوا وَتَتَّقُوا

فَلَكُمْ أَجْرٌ عَظِيمٌ؛ آل عمران ١٧٩

﴿٥٦٩﴾ إِنَّمَا الْحَيَاةُ الدُّنْيَا لَعِبٌ وَلَهُوَ إِنْ تُوْمِنُوا وَتَتَّقُوا يُؤْتِكُمْ أَجْرَكُمْ وَلَا يَسْأَلْكُمْ أَمْوَالَكُمْ؛

۳۶ داتا

٥٧-١-٦-١- حُلِّلَ الْإِيمَانُ وَ لِبَاسَ التَّقْوَى

﴿٥٧٠﴾ دَعَاءُ لَيْلَةِ الْإِثْنَيْنِ: وَ اكْسُنِي حُلَّ الْإِيْمَانِ وَ اَلْبَسْنِي لِبَاسَ التَّقْوَى؛ الْبَلَدُ الْأَمِينُ، ص ١١٢

٥٨-١-٦-١- خَافُوا اللَّهَ أَيُّهَا الْمُؤْمِنُونَ خَوْفَ أَهْلِ التَّقْوَى

﴿٥٧١﴾ السَّجَادِ التَّائِبِينَ: فَخَافُوا اللَّهَ أَيُّهَا الْمُؤْمِنُونَ مِنَ الْبَيَّاتِ خَوْفَ (أَهْلِ الْيَقِينِ وَ) أَهْلِ التَّقْوَى

فَإِنَّ اللَّهَ يَقُولُ ذَلِكَ لِمَنْ خَافَ مَقَامِي وَخَافَ وَعِيدَ؛ مستدرک الوسائل، ج ۱۱، ص ۲۳۰

«کلمات مترادف و نزدیک به تقوا»

۵۳-۱-۶-۱- اگر مؤمنید پرهیزکار باشید

﴿۵۶۳﴾ از تو درباره‌ی انفال [غنائیم، و هر گونه مال بدون مالک مشخص] سؤال می‌کنند بگو: «انفال مخصوص خدا و پیامبر است پس، از (مخالفت فرمان) خدا بپرهیزید! و خصومت‌هایی را که در میان شماست، آشتی دهید! و خدا و پیامبرش را اطاعت کنید اگر ایمان دارید! ﴿۵۶۴﴾ ای کسانی که ایمان آورده‌اید! افرادی که آیین شما را به باد استهزاء و بازی می‌گیرند - از اهل کتاب و مشرکان - ولی خود انتخاب نکنید و از خدا بپرهیزید اگر ایمان دارید! ﴿۵۶۵﴾ در آن هنگام که حواریون گفتند: «ای عیسی بن مریم! آیا پروردگارت می‌تواند مائده‌ای از آسمان بر ما نازل کند؟» او (در پاسخ) گفت: «از خدا بپرهیزید اگر با ایمان هستید!»

۵۴-۱-۶-۱- اهل ایمان و پرهیزکاران

﴿۵۶۶﴾ مؤمن فاصله‌اش با دیگران از روی کبر و خودپسندی و نزدیکی‌اش از روی نیرنگ نیست؛ و پیرو مؤمنان پیشین و پیشوای پرهیزکاران آینده است.

۵۵-۱-۶-۱- مؤمن با ورع پاک می‌شود

﴿۵۶۷﴾ مؤمن با ورع، پاک می‌شود.

۵۶-۱-۶-۱- ایمان آوردید و تقوا پیشه کردید

﴿۵۶۸﴾ چنین نبود که خداوند، مؤمنان را به همان گونه که شما هستید واگذارد مگر آنکه ناپاک را از پاک جدا سازد. و نیز چنین نبود که خداوند شما را از اسرار غیب، آگاه کند (تا مؤمنان و منافقان را از این راه بشناسید این بر خلاف سنت الهی است) ولی خداوند از میان رسولان خود، هرکس را بخواهد برمی‌گزیند (و قسمتی از اسرار نهان را که برای مقام رهبری او لازم است، در اختیار او می‌گذارد). پس (اکنون که این جهان، بوته آزمایش پاک و ناپاک است) به خدا و رسولان او ایمان بیاورید! و اگر ایمان بیاورید و تقوا پیشه کنید، پاداش بزرگی برای شماست. ﴿۵۶۹﴾ زندگی دنیا تنها بازی و سرگرمی است و اگر ایمان آورید و تقوا پیشه کنید، پاداش‌های شما را می‌دهد و اموال شما را نمی‌طلبد.

۵۷-۱-۶-۱- زیورهای ایمان و لباس تقوا

﴿۵۷۰﴾ [دعای شب دوشنبه:] خداوند! زیورهای ایمان را به من بپوشان و لباس تقوا را بر تنم کن.

۵۸-۱-۶-۱- ای مؤمنان، همچون هراس پرهیزکاران از خدا بهراسید

﴿۵۷۱﴾ پس ای مؤمنان، همچون هراس پرهیزکاران از بازخواست الهی بترسید، که به‌راستی خداوند می‌فرماید: «این [موفقیت] برای کسی است که از مقام [عدالت] من بترسد و از عذاب [من] بیمناک باشد».

المُرَادِفَاتُ وَالمُقَارِبَاتُ

٥٩-١-٦-١- زينةُ الإيمانِ ولباسُ التقوى

﴿٥٧٢﴾ دعاء اليوم الثلاثين: اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ وَاشْرَحْ صَدْرِي لِلْإِسْلَامِ وَزَيِّنِي وَ

رَضِّنِي بِالْإِيمَانِ وَالْأَسْنَى التَّقْوَى؛ بحار الأنوار، ج ٩٤، ص ٣١٩

١٠٠-١٠٦- طُوبَى لِلْمُتَّقِينَ وَ شَجَرَةٌ فِي الْجَنَّةِ لَا يَسَمُ مِنْ مُؤْمِنٍ إِلَّا وَ فِي دَارِهِ غُصْنٌ مِنْ أَعْصَانِهَا

﴿٥٧٣﴾ أمير المؤمنين (عليه السلام): إِنَّ لَأَهْلَ التَّقْوَى عِلَامَاتٍ يُعْرَفُونَ بِهَا ... طُوبَى لَهُمْ وَحَسَنُ مَا بَ وَ

طُوبَى شَجَرَةٍ فِي الْجَنَّةِ أَصْلُهَا فِي دَارِ رَسُولِ اللَّهِ فَلَيْسَ مِنْ مُؤْمِنٍ إِلَّا وَفِي دَارِهِ غُصْنٌ مِنْ أَغْصَانِهَا لَا يَبْنُو فِي قَلْبِهِ شَيْئًا إِلَّا آتَاهُ [آتَاهُ] ذَلِكَ الْغُصْنُ وَلَوْ أَنَّ رَاكِبًا مُجَدَّ سَارَ فِي ظِلِّهَا مِائَةَ عَامٍ مَا خَرَجَ مِنْهَا وَلَوْ أَنَّ غُرَابًا طَارَ مِنْ أَصْلِهَا مَا بَلَغَ أَغْلَاهَا حَتَّى يَبْيَاضَ هَرَمًا أَلَّا قَفِي هَذَا فَارْغُبُوا؛

بحار الأنوار، ج ٦٧، ص ٢٨٢

١-٦-١-٦- فَمَنْ اتَّقَى اللَّهَ لَقِيَ اللَّهَ مُؤْمِنًا

﴿٥٧٤﴾ الصادق عليه السلام: فَمَنْ اتَّقَى اللَّهَ عَزَّ وَ جَلَّ فِيمَا أَمَرَهُ لَقِيَ اللَّهَ عَزَّ وَ جَلَّ مُؤْمِنًا بِمَا جَاءَ بِهِ

مُحَمَّدٌ ﷺ؛ الكافي، ج ٢، ص ٤٧

١-٦-١-٦٢- فَمَنْ أَتَقَى اللَّهَ لَقِيَ اللَّهَ مُسْتَكْمِلًا لِّإِيمَانِهِ

﴿٥٧٥﴾ الصَّادِقُ عَلَيْهِ السَّلَامُ: فَمَنْ اتَّقَى اللَّهَ عَزَّ وَ جَلَّ حَافِظًا لِحَوَارِهِ مُوفِيًا كُلَّ جَارِحَةٍ مِنْ

جَوَارِحِهِ بِمَا فَرَضَ اللَّهُ عَلَيْهِ لَقِيَ اللَّهَ تَعَالَى مُسْتَكْمِلًا لِيِيمَانِهِ وَهُوَ مِنْ أَهْلِ الْجَنَّةِ وَمَنْ خَانَ فِي

شَيْءٍ مِنْهَا أَوْ تَعَدَّى مَا أَمَرَ اللَّهُ فِيهَا لَقِيَ اللَّهَ نَاقِصَ الْإِيمَانِ؛ تفسير العياشي، ج ١، ص ٦٣

١-٦-١-٦٣- فَمَنْ كَانَ أَعْلَىٰ دَرَجَةٍ فِي الْإِيمَانِ كَانَ أَتْقَىٰ

﴿٥٧٦﴾ الصَّادِقُ عليه السلام: فَاتَّقَوِیْ لِلطَّاعَاتِ كَالْمَاءِ لِلْأَشْجَارِ وَمِثْلُ طَبَائِعِ الْأَشْجَارِ وَالثَّمَارِ فِی

لَوْنُهَا وَطَعْمُهَا مِثْلُ مَقَادِيرِ الْإِيمَانِ فَمَنْ كَانَ أَعْلَى دَرَجَةٍ فِي الْإِيمَانِ وَاصْفَى جَوْهَرًا بِالرُّوحِ كَانَ

أَتَقَىٰ وَمَنْ كَانَ أَتَقَىٰ كَانَتْ عِبَادَتُهُ أَخْلَصَ وَأَطْهَرَ وَمَنْ كَانَ كَذَلِكَ كَانَ مِنَ اللَّهِ أَقْرَبَ؛

بحار الأنوار، ج ٦٧، ص ٢٩٥

«کلمات مترادف و نزدیک به تقوا»

۵۹-۱-۶-۱- زینت ایمان و لباس تقوا

﴿۵۷۲﴾ [دعای روز سی‌ام:] خدایا بر محمد و خاندان او درود فرست و سینه‌ی مرا نسبت به دین اسلام گشاده و مرا به نور ایمان زینت ببخش و خشنود گردان و لباس پرهیزکاری بر من بپوشان.

۶۰-۱-۶-۱- طوبی که متعلق به پرهیزکاران است و درختی است در بهشت که در خانه‌ی هر یک از مؤمنین شاخه‌ای از آن وجود دارد

﴿۵۷۳﴾ اهل تقوا علائم و نشانه‌هایی دارند که به آن شناخته می‌شوند... خوشا به حالشان و بازگشتشان نیکو خواهد بود. و درخت طوبی درختی است در بهشت که ریشه‌اش در خانه رسول خدا ﷺ است و در خانه‌ی هر یک از مؤمنین و اهل بهشت شاخه‌ای از آن وجود دارد که هر چه را که مؤمن نیت کند و هر رقم خواسته‌ای که داشته باشد، خداوند از همان شاخه به او می‌دهد. و این درخت به قدری بزرگ است که اگر اسب سواری با سرعت هر چه بیشتر اسبش را براند و تا مدت یک صد سال برود، از سایه این درخت بیرون نمی‌رود. و اگر پرنده‌ای از پایین این درخت شروع به پرواز نماید، به نقطه‌ی بالای آن نمی‌رسد، گرچه به پیری برسد. شما را هشدار می‌دهم که برای رسیدن به چنین جایی همت گمارید.

۶۱-۱-۶-۱- هرکس پروا کند، خداوند را با ایمان ملاقات می‌کند

﴿۵۷۴﴾ پس هرکس در آنچه خداوند به آن دستور داده از خداوند پروا نماید، خداوند بلندمرتبه را در حالی ملاقات می‌کند که به آنچه که محمد ﷺ آورده، ایمان دارد.

۶۲-۱-۶-۱- هرکس پروا کند، خداوند را با ایمان کامل ملاقات می‌کند

﴿۵۷۵﴾ هرکس خداوند بلندمرتبه را در حالی ملاقات نماید که اعضای بدن خود را حفظ نموده و هر عضوی از اعضایش آنچه که خداوند بر آن واجب ساخته، انجام داده است، با ایمان کامل خداوند را ملاقات می‌نماید و از اهل بهشت است. و هرکس که در چیزی از آن‌ها خیانت روا دارد و یا از امر خداوند پا فراتر بگذارد، در حالی خداوند را ملاقات می‌کند که ایمانش ناقص است.

۶۳-۱-۶-۱- هرکس به درجات عالی ایمان برسد با تقواتر است

﴿۵۷۶﴾ نسبت تقوا با طاعات و عبادات، نسبت آب است به درختان؛ و ارزش‌های متفاوت انسان در درجات و مراتب ایمان، نظیر انواع مختلف و گوناگون درختان و میوه‌ها است که در رنگ و طعم و مزه و بو با هم متفاوت و مختلف هستند. هرکس در درجه بالاتری از ایمان قرار گرفته و روح باصفاتری داشته باشد، تقوا و پرهیزکاری بیشتری دارد و هر کس که با تقواتر باشد، عبادت او پاک‌تر و خالص‌تر است. و هر آن کس که چنین باشد، به خدا نزدیک‌تر و در درگاه الهی مقرب‌تر است.

﴿المُرَادِفَاتُ وَ الْمُقَارِبَاتُ﴾

١-٦-١-٦٤- لَا إِيمَانَ لِمَنْ لَا وَرَعَ لَهُ

﴿٥٧٧﴾ الصادق عليه السلام: لَا إِيمَانَ لِمَنْ لَا وَرَعَ لَهُ؛ وسائل الشيعة، ج ١٦، ص ٢١٠

١-٦-١-٦٥- لَا نَعُدُّ الرَّجُلَ مُؤْمِنًا حَتَّى يَكُونَ وَرِعًا

﴿٥٧٨﴾ الصادق عليه السلام: إِنَّا لَا نَعُدُّ الرَّجُلَ مُؤْمِنًا حَتَّى يَكُونَ لِجَمِيعِ أَمْرِنَا مُتَّبِعًا مُرِيدًا أَلَا وَإِنْ مَنِ اتَّبَعَ أَمْرِنَا وَإِرَادَتِهِ الْوَرَعَ فَتَزَيَّنُوا بِهِ يَرْحَمَكُمُ اللَّهُ وَكَبِدُوا أَعْدَاءَنَا بِهِ يَنْعَشَكُمُ اللَّهُ؛

الكافي، ج ٢، ص ٧٨

١-٦-١-٦٦- لَا يَكْمُلُ الْمُؤْمِنُ فِي إِيمَانِهِ حَتَّى تَكُونَ فِيهِ وَرَعٌ يَخْجِزُهُ عَنِ الْمَعَاصِي

﴿٥٧٩﴾ الرسول صلى الله عليه وآله: لَا يَكْمُلُ الْمُؤْمِنُ فِي إِيمَانِهِ حَتَّى تَكُونَ فِيهِ ثَلَاثُ خِصَالٍ حِلْمٌ يَرُدُّهُ عَنِ

الْجَهْلِ وَ وَرَعٌ يَخْجِزُهُ عَنِ الْمَعَاصِي وَ كَرَمٌ يَحْسُنُ بِهِ صُحْبَتُهُ؛ مستدرک الوسائل، ج ١١، ص ٢٨٨

١-٦-١-٦٧- لَا يَنْفَعُ الْإِيمَانُ بَغَيْرِ تَقْوَى

﴿٥٨٠﴾ أمير المؤمنين عليه السلام: لَا يَنْفَعُ الْإِيمَانُ بَغَيْرِ تَقْوَى؛ غرر الحكم، ص ٨٩

﴿٥٨١﴾ الصادق عليه السلام: مَنْ لَمْ تَكُنْ فِيهِ ثَلَاثُ خِصَالٍ لَمْ يَنْفَعْهُ الْإِيمَانُ حِلْمٌ يَرُدُّ بِهِ جَهْلَ الْجَاهِلِ

وَ وَرَعٌ يَخْجِزُهُ عَنِ الْمَحَارِمِ وَ خُلُقٌ يُدَارِي بِهِ النَّاسَ؛ بحار الأنوار، ج ٧٥، ص ٢٣٧

١-٦-١-٦٨- مَنْ لَمْ يَكُنْ فِيهِ وَرَعٌ لَمْ يَجِدْ طَعْمَ الْإِيمَانِ

﴿٥٨٢﴾ الرسول صلى الله عليه وآله: مَنْ لَمْ يَكُنْ فِيهِ ثَلَاثُ لَمْ يَجِدْ طَعْمَ الْإِيمَانِ حِلْمٌ يَرُدُّ بِهِ جَهْلَ الْجَاهِلِ وَ

وَ وَرَعٌ يَخْجِزُهُ عَنِ الْمَحَارِمِ وَ خُلُقٌ يُدَارِي بِهِ النَّاسَ؛ مستدرک الوسائل، ج ١١، ص ٢٩١

١-٦-١-٦٩- مُؤْمِنٌ تَقِيٌّ

﴿٥٨٣﴾ الرسول صلى الله عليه وآله: أَنْ اللَّهَ قَدْ أَذْهَبَ عَنْكُمْ حَمِيَّةَ الْجَاهِلِيَّةِ وَ فَخَرَهَا بِالْأَبَاءِ النَّاسُ بَنُو آدَمَ

وَ آدَمُ مِنْ تُرَابٍ مُؤْمِنٌ تَقِيٌّ وَ فَاجِرٌ شَقِيٌّ؛ شرح نهج البلاغة، ج ٩، ص ١٠٧

﴿٥٨٤﴾ الرسول صلى الله عليه وآله: يَا عَلِيُّ لَا يُحِبُّكَ إِلَّا مُؤْمِنٌ تَقِيٌّ؛ بحار الأنوار، ج ٣٩، ص ٢٨٧

﴿٥٨٥﴾ الرسول صلى الله عليه وآله: لَا يَتِمُّ الْإِيمَانُ إِلَّا بِمَحَبَّتِنَا أَهْلَ الْبَيْتِ وَ إِنَّ اللَّهَ تَبَارَكَ وَ تَعَالَى عَهْدٌ إِلَيْنَا

أَنَّهُ لَا يُحِبُّنَا أَهْلَ الْبَيْتِ إِلَّا مُؤْمِنٌ تَقِيٌّ وَ لَا يُبْغِضُنَا إِلَّا مُنَافِقٌ شَقِيٌّ؛ بحار الأنوار، ج ٣٦، ص ٣٢٢

﴿کلمات مترادف و نزدیک به تقوا﴾

۱-۶-۱۶۴- کسی که ورع ندارد، ایمان ندارد

﴿۵۷۷﴾ کسی که ورع ندارد، ایمان ندارد.

۱-۶-۱۶۵- ما کسی را مؤمن نمی‌دانیم مگر اینکه ورع داشته باشد

﴿۵۷۸﴾ ما کسی را مؤمن نمی‌دانیم مگر اینکه همه دستورات ما را به کار ببندد. و یکی از اوامر ما ورع و پرهیزکاری می‌باشد. خداوند شما را رحمت کند! خود را به ورع زینت دهید و دشمنان ما را با زینت خود فریفته کنید تا خداوند شما را شاداب گرداند.

۱-۶-۱۶۶- ایمان مؤمن کامل نمی‌شود مگر آنکه ورعی داشته باشد که مانع او از ارتکاب معصیت خدا شود

﴿۵۷۹﴾ ایمان مؤمن کامل نمی‌شود مگر آنکه سه خصلت در او باشد: بردباری‌ای که او را از جهل بازدارد، ورعی که مانع او از ارتکاب معصیت خدا شود و کرامتی که موجب هم‌صحبتی خوب او شود.

۱-۶-۱۶۷- ایمان بدون تقوا بی‌فایده است

﴿۵۸۰﴾ ایمان بدون تقوا بی‌فایده است.

﴿۵۸۱﴾ هرکس سه خصلت را ندارد ایمانش به او سودی نمی‌بخشد: حلمی که نادانی جاهلان را از او بگرداند، پرهیزکاری‌ای که او را از حرام باز دارد، و اخلاقی که بتواند با مردم بسازد.

۱-۶-۱۶۸- کسی که ورع ندارد، طعم ایمان را نمی‌چشد

﴿۵۸۲﴾ کسی که سه خصلت ندارد، طعم ایمان را نمی‌چشد: بردباری‌ای که به کمک آن از پس جهل جاهلان برآید، ورعی که مانع او از ارتکاب معصیت خدا شود و اخلاق [خوبی] که بتواند با مردم مدارا کند.

۱-۶-۱۶۹- مؤمنی پرهیزکار

﴿۵۸۳﴾ خداوند از شما تعصّب کور جاهلی و تفاخر بیجا به پدران را برداشت. ای مردم! آدم علیه السلام و فرزندان او از خاک مؤمنی با تقوا یا گناهکاری اهل شقاوت آفریده شده‌اند.

﴿۵۸۴﴾ ای علی! فقط مؤمن پارسا تو را دوست می‌دارد.

﴿۵۸۵﴾ ایمان جز با محبت ما اهل بیت کامل نگردد و خدای تبارک و تعالی با من عهد بسته است که جز مؤمن پارسا ما را دوست ندارد و جز منافق شقی با ما دشمنی نورزد.

﴿المُرَادِفَاتُ وَ الْمُقَارِبَاتُ﴾

١-٧٠-١-٦- يا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا ... أَنَّ اللَّهَ مَعَ الْمُتَّقِينَ

﴿٥٨٦﴾ يا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا قَاتِلُوا الَّذِينَ يَلُونَكُمْ مِنَ الْكُفَّارِ وَلْيَجِدُوا فِيكُمْ غِلْظَةً وَاعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ

مَعَ الْمُتَّقِينَ؛ التوبة ١٢٣

١-٧١-١-٦- يا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ

﴿٥٨٧﴾ يا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ وَذَرُوا مَا بَقِيَ مِنَ الرِّبَا إِن كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ؛ البقرة ٢٧٨

﴿٥٨٨﴾ يا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ وَآمِنُوا بِرُسُولِهِ يُؤْتِكُمْ كَفْلَيْنِ مِنْ رَحْمَتِهِ وَيَجْعَلْ لَكُمْ نُورًا

تَمْشُونَ بِهِ وَيَغْفِرْ لَكُمْ وَاللَّهُ غَفُورٌ رَحِيمٌ؛ الحديد ٢٨

١-٧٢-١-٦- يُسْتَدَلُّ عَلَى الْإِيمَانِ بِكَثْرَةِ التَّقَى

﴿٥٨٩﴾ أمير المؤمنين عليه السلام: يُسْتَدَلُّ عَلَى الْإِيمَانِ بِكَثْرَةِ التَّقَى وَ مُلْكِ الشَّهْوَةِ وَ غَلَبَةِ الْهَوَى؛

مستدرک الوسائل، ج ١١، ص ٣٤٥

١-٧٣-١-٦- يَنْبَغِي لِلْمُؤْمِنِ أَنْ يَلْتَحِفَ الْوَرَعَ

﴿٥٩٠﴾ أمير المؤمنين عليه السلام: يَنْبَغِي لِلْمُؤْمِنِ أَنْ يَلْزَمَ الطَّاعَةَ وَ يَلْتَحِفَ الْوَرَعَ وَ الْقَنَاعَةَ؛

غرر الحكم، ص ٩١

١-٦-٢- اليقين

١-٦-٢-١- أَحْسَنُ الْيَقِينِ التَّقَى

﴿٥٩١﴾ أمير المؤمنين عليه السلام: أَحْسَنُ الْيَقِينِ التَّقَى؛ بحار الأنوار، ج ٧٤، ص ٢٩١

١-٦-٢-٢- عِلْمُ الْيَقِينِ وَ عِلْمُ التَّقْوَى

﴿٥٩٢﴾ الجواد عليه السلام: كَتَبَ عَلَى نَفْسِهِ الرَّحْمَةَ فَسَبَقَتْ قَبْلَ الْغَضَبِ فَتَمَّتْ صِدْقًا وَ عَدْلًا فَلَيْسَ

يَبْدَأُ الْعِبَادَ بِالْغَضَبِ قَبْلَ أَنْ يُغْضِبُوهُ وَ ذَلِكَ مِنْ عِلْمِ الْيَقِينِ وَ عِلْمِ التَّقْوَى؛ الكافي، ج ٨، ص ٥٢

١-٦-٢-٣- الْيَقِينُ أَصْلُ الْإِيمَانِ وَ التَّقَى فَرْعُهُ

﴿٥٩٣﴾ أمير المؤمنين عليه السلام: الْإِيمَانُ شَجَرَةٌ أَصْلُهَا الْيَقِينُ وَ فَرْعُهَا التَّقَى؛ غرر الحكم، ص ٨٧

١-٦-٢-٤- يَقِينُ أَهْلِ التَّقَى

﴿٥٩٤﴾ الدَّعَاءُ عِنْدَ رُؤْيَا الْهَلَالِ: وَ هَبْ لِي يَقِينَ أَهْلِ التَّقَى وَ أَعْمَالَ أَهْلِ النُّهَى؛

مستدرک الوسائل، ج ٧، ص ٤٤٣

«کلمات مترادف و نزدیک به تقوا»

۷۰-۱-۶-۱ ای ایمان آورندگان... خداوند با پرهیزکاران است

﴿۵۸۶﴾ ای کسانی که ایمان آورده‌اید! با کافرانی که به شما نزدیک‌ترند، پیکار کنید! (و دشمن دورتر، شما را از دشمنان نزدیک غافل نکند!) آن‌ها باید در شما شدت و خشونت (و قدرت) احساس کنند و بدانید خداوند با پرهیزکاران است!

۷۱-۱-۶-۱ ای کسانی که ایمان آورده‌اید! از خدا بپرهیزید

﴿۵۸۷﴾ ای کسانی که ایمان آورده‌اید! از (مخالفت فرمان) خدا بپرهیزید، و آنچه از (مطالبات) ربا باقی مانده، رها کنید اگر ایمان دارید!

﴿۵۸۸﴾ ای کسانی که ایمان آورده‌اید! تقوای الهی پیشه کنید و به رسولش ایمان بیاورید تا دو سهم از رحمتش به شما ببخشد و برای شما نوری قرار دهد که با آن (در میان مردم و در مسیر زندگی خود) راه بروید و گناهان شما را ببخشد و خداوند غفور و رحیم است.

۷۲-۱-۶-۱ فراوانی تقوا به ایمان فرد دلالت می‌کند

﴿۵۸۹﴾ با کثرت تقوا و حاکم‌بودن بر شهوت و غلبه بر هوای نفس می‌توان به ایمان فرد استدلال کرد.

۷۳-۱-۶-۱ سزاوار است که مؤمن جامه‌ی تقوا بپوشد

﴿۵۹۰﴾ سزاوار است که مؤمن ملازم و همراه طاعت خدا باشد و جامه‌ی تقوا و قناعت بپوشد.

۲-۱-۶-۱ یقین

۱-۲-۶-۱ بهترین یقین تقواست

﴿۵۹۱﴾ و بهترین (مظهر) یقین پرهیزکاری است.

۲-۲-۶-۱ علم یقین و علم تقوا

﴿۵۹۲﴾ خداوند «رحمت (و بخشش) را بر خود، حتم کرده» و رحمتش بر خشمش پیشی گرفته، و به درستی و عدالت تمام می‌شود. خداوند پیش از آنکه او را به خشم آورند، با بندگان خود به خشم آغاز نمی‌کند. و این حقیقت از علم الیقین و علم پرهیزکاری است.

۳-۲-۶-۱ یقین، ریشه‌ی ایمان و تقوا شاخه‌ی آن است

﴿۵۹۳﴾ ایمان درختی است که ریشه‌ی آن یقین و شاخه‌های آن تقوا است.

۴-۲-۶-۱ یقین تقوایبندگان

﴿۵۹۴﴾ [دعای ماه رمضان:] یقین تقوایبندگان و اعمال خردمندان را به من ارزانی دار.

﴿المُرَادِفَاتُ وَ الْمُقَارِبَاتُ﴾

٣-٦-١- الصدِّقُ وَالْإِخْلَاصُ

١-٣-٦- اتَّقُوا اللَّهَ وَ كُونُوا مَعَ الصَّادِقِينَ

﴿٥٩٥﴾ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ وَكُونُوا مَعَ الصَّادِقِينَ؛ التوبة ١١٩

٢-٣-٦- الصَّادِقُونَ هُمُ الْمُتَّقُونَ

﴿٥٩٦﴾ لَيْسَ الْبِرَّ أَنْ تُولُوا وَجُوهَكُمْ قِبَلَ الْمَشْرِقِ وَالْمَغْرِبِ وَلَكِنَّ الْبِرَّ مَنْ آمَنَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ وَالْمَلَائِكَةِ وَالْكِتَابِ وَالنَّبِيِّينَ وَآتَى الْمَالَ عَلَى حُبِّهِ ذَوِي الْقُرْبَى وَالْيَتَامَى وَالْمَسَاكِينَ وَابْنَ السَّبِيلِ وَالسَّائِلِينَ وَفِي الرِّقَابِ وَأَقَامَ الصَّلَاةَ وَآتَى الزَّكَاةَ وَالْمُوفُونَ بِعَهْدِهِمْ إِذَا عَاهَدُوا وَالصَّابِرِينَ فِي الْبَأْسَاءِ وَالضَّرَاءِ وَحِينَ الْبَأْسِ أُولَئِكَ الَّذِينَ صَدَقُوا وَأُولَئِكَ هُمُ الْمُتَّقُونَ؛ البقرة ١٧٧

٣-٣-٦- لَا يَصِلُ إِلَى اللَّهِ إِلَّا مَا خَلَصَ مِنْهَا وَلَا يَتَقَبَّلُ اللَّهُ إِلَّا مِنَ الْمُتَّقِينَ

﴿٥٩٧﴾ الباقِر الطَّلحة: فَلَا تَغْرِبْكُمْ الدُّنْيَا وَلَا تَرْمِكُوا إِلَيْهَا فَإِنَّهَا دَارُ غُرُورٍ كَتَبَ اللَّهُ عَلَيْهَا وَعَلَى أَهْلِهَا الْفَنَاءَ فَتَزَوَّدُوا مِنْهَا الَّذِي أَكْرَمَكُمْ اللَّهُ بِهِ مِنَ التَّقْوَى وَالْعَمَلِ الصَّالِحِ فَإِنَّهُ لَا يَصِلُ إِلَى اللَّهِ مِنْ أَعْمَالِ الْعِبَادِ إِلَّا مَا خَلَصَ مِنْهَا وَلَا يَتَقَبَّلُ اللَّهُ إِلَّا مِنَ الْمُتَّقِينَ؛ الكافي، ج ٣، ص ٤٢٢

٤-٣-٦- مَنْ كَانَ اتَّقَى كَانَتْ عِبَادَتُهُ أَخْلَصَ

﴿٥٩٨﴾ الصادق الطَّلحة: فَالتَّقْوَى لِلطَّاعَاتِ كَالْمَاءِ لِلشَّجَارِ وَمِثْلُ طَبَائِعِ الشَّجَارِ وَالثَّمَارِ فِي لَوْنِهَا وَطَعْمِهَا مِثْلُ مَقَادِيرِ الْإِيمَانِ فَمَنْ كَانَ أَعْلَى دَرَجَةٍ فِي الْإِيمَانِ وَأَصْفَى جَوْهَرًا بِالرُّوحِ كَانَ اتَّقَى وَمَنْ كَانَ اتَّقَى كَانَتْ عِبَادَتُهُ أَخْلَصَ وَأَطْهَرَ وَمَنْ كَانَ كَذَلِكَ كَانَ مِنَ اللَّهِ أَقْرَبَ؛

بحار الأنوار، ج ٦٧، ص ٢٩٥

٥-٣-٦- أَخْلَصَ عَمَلُهُ لِلَّهِ وَ قَالُوا فِي شَأْنِهِ: وَرِعٌ تَقِيٌّ

﴿٥٩٩﴾ الأئمة الطَّلحة: أَنَّ رَجُلًا مِنْ بَنِي إِسْرَائِيلَ قَالَ لَا عَبْدَنَ لِلَّهِ عِبَادَةٌ أَذْكَرُ بِهَا فَمَكَثَ مُدَّةً مُبَالِغًا فِي الطَّاعَاتِ وَجَعَلَ لَا يَمُرُّ بِمَلَأٍ مِنَ النَّاسِ إِلَّا قَالُوا مُتَّصِعٌ مُرَاءٍ فَأَقْبَلَ عَلَى نَفْسِهِ وَقَالَ قَدْ اتَّعَبْتُ نَفْسَكَ وَضَيَّعْتَ عُمْرَكَ فِي لَا شَيْءٍ فَيَنْبَغِي أَنْ تَعْمَلَ لِلَّهِ سُبْحَانَهُ فَغَيَّرَ نِيَّتَهُ وَأَخْلَصَ عَمَلَهُ لِلَّهِ فَجَعَلَ لَا يَمُرُّ بِمَلَأٍ مِنَ النَّاسِ إِلَّا قَالُوا وَرِعٌ تَقِيٌّ؛ بحار الأنوار، ج ٦٩، ص ٣٠٤

«کلمات مترادف و نزدیک به تقوا»

۳-۱-۶- صدقت و اخلاص

۱-۳-۱-۶- از خدا بهره‌بیزید، و با صادقان باشید

«۵۹۵» ای کسانی که ایمان آورده‌اید! از (مخالفت فرمان) خدا بهره‌بیزید، و با صادقان باشید!

۲-۳-۱-۶- صادقان همان بهره‌بیزکارانند

«۵۹۶» نیکی، (تنها) این نیست که (به هنگام نماز،) روی خود را به سوی مشرق و (یا) مغرب کنید (و تمام گفتگوی شما، در باره قبله و تغییر آن باشد و همه وقت خود را مصروف آن سازید) بلکه نیکی (و نیکوکار) کسی است که به خدا، و روز رستاخیز، و فرشتگان، و کتاب (آسمانی)، و پیامبران، ایمان آورده و مال (خود) را، با همه علاقه‌ای که به آن دارد، به خویشاوندان و یتیمان و مسکینان و واماندگان در راه و سائلان و بردگان، انفاق می‌کند نماز را برپا می‌دارد و زکات را می‌پردازد و (همچنین) کسانی که به عهد خود - به هنگامی که عهد بستند - وفا می‌کنند و در برابر محرومیت‌ها و بیماری‌ها و در میدان جنگ، استقامت به خرج می‌دهند این‌ها کسانی هستند که راست می‌گویند و (گفتارشان با اعتقادشان هماهنگ است) و این‌ها هستند بهره‌بیزکاران!

۳-۳-۱-۶- تنها اعمال خالصانه مقبول خداوند است و او فقط اعمال اهل تقوا را می‌پذیرد

«۵۹۷» دنیا شما را فریب ندهد، به آن اعتماد نکنید و تکیه‌گاه خود قرار ندهید که دنیا خانه‌ای پر مکر و فریب است و خداوند عاقبت دنیا و اهلش را نابودی و فنا تقدیر کرده است. پس تلاش کنید تا توشه‌ای از دنیا برچینید که نزد خداوند گرامی باشد [و خداوند به واسطه‌ی آنان شما را بزرگ دارد] که همان تقوا و عمل صالح است؛ زیرا تنها اعمالی که از سر اخلاص انجام شده‌اند مقبول خداوند است و خداوند تنها اعمال اهل تقوا را می‌پذیرد.

۴-۳-۱-۶- هر که با تقواتر باشد، عبادت او خالص‌تر است

«۵۹۸» نسبت تقوا با طاعات و عبادات، نسبت آب است به درختان؛ و ارزش‌های متفاوت انسان در درجات و مراتب ایمان، نظیر انواع مختلف و گوناگون درختان و میوه‌ها است که در رنگ و طعم و مزه و بو با هم متفاوت و مختلف هستند. هر کس در درجه بالاتری از ایمان قرار گرفته و روح باصفاتری داشته باشد، تقوا و بهره‌بیزکاری بیشتری دارد و هر کس که با تقواتر باشد، عبادت او پاک‌تر و خالص‌تر است. و هر آن کس که چنین باشد، به خدا نزدیک‌تر و در درگاه الهی مقرب‌تر است.

۵-۳-۱-۶- عملش خالص شد و در شأن او می‌گفتند: «او متقی و بهره‌بیزکار است»

«۵۹۹» مردی در بنی اسرائیل گفت: «من خداوند را چنان عبادت می‌کنم که همواره نام من باقی بماند». او مدتی به جدیت مشغول عبادت شد، از هر اجتماعی که می‌گذشت مردم به او می‌گفتند این شخص ظاهر ساز و ریاکار می‌باشد. روزی به خود آمد و گفت: «تو خود را خسته کردی و عمرت را ضایع ساختی، اینک باید کاری کنی که بعد از این برای خداوند عمل نمایی». نیت او تغییر کرد و عملش خالص شد و برای خدا کار کرد، او بعد از این از کنار هر گروهی از مردم که عبور می‌کرد، می‌گفتند: «او متقی و بهره‌بیزکار می‌باشد».

«المُرَادِفَاتُ وَ الْمُقَارِبَاتُ»

١-٤-٤-١- الخَيْرُ

١-٤-٤-١- الْمُتَّقُونَ الْأَخْيَارُ

﴿٤٠٠﴾ المهدي عليه السلام: يَغْلِبُ مِنْ بَعْدُ عَلَى الْعِرَاقِ طَوَائِفُ عَنِ الْإِسْلَامِ مُرَاقٍ يَضِيقُ بِسُوءِ فِعَالِهِمْ عَلَى أَهْلِهِ الْأَرْزَاقُ ثُمَّ تَتَفَرَّجُ الْغَمَّةُ مِنْ بَعْدِهِ بِبَوَارِ طَاغُوتٍ مِنَ الْأَشْرَارِ يُسَرُّ [يَسْتَرُ] بِهَلَاكِهِ الْمُتَّقُونَ الْأَخْيَارُ؛ بحار الأنوار، ج ٥٣، ص ١٧٤

١-٤-٤-٢- مُتَّقَى الشَّرِّ كَفَاعِلِ الْخَيْرِ

﴿٤٠١﴾ أمير المؤمنين عليه السلام: مُتَّقَى الشَّرِّ كَفَاعِلِ الْخَيْرِ؛ غرر الحكم، ص ١٠٦

١-٤-٥-١- الصَّلَاحُ وَ الْإِصْلَاحُ

١-٤-٥-١- حِلْيَةُ الصَّالِحِينَ وَ زِينَةُ الْمُتَّقِينَ

﴿٤٠٢﴾ السَّجَادُ عليه السلام: حَلَنِي بِحِلْيَةِ الصَّالِحِينَ، وَ الْبَسَنِي زِينَةَ الْمُتَّقِينَ؛ الصحيفة السجادية عليه السلام.

الدعاء ٢٠

١-٤-٥-٢- تَتَّقُوا وَ تُصْلِحُوا

﴿٤٠٣﴾ وَلَا تَجْعَلُوا اللَّهَ عُرْضَةً لِأَيْمَانِكُمْ أَنْ تَبَرُّوا وَتَتَّقُوا وَتُصْلِحُوا بَيْنَ النَّاسِ وَاللَّهُ سَمِيعٌ عَلِيمٌ؛

البقرة ٢٢٤

١-٤-٥-٣- تُصْلِحُوا وَ تَتَّقُوا

﴿٤٠٤﴾ وَلَنْ تَسْتَطِيعُوا أَنْ تَعْدِلُوا بَيْنَ النِّسَاءِ وَلَوْ حَرَضْتُمْ فَلَا تَمِيلُوا كُلَّ الْمِيلِ فَتَدْرُوهَا

كَالْمُعَلَّقَةِ وَإِنْ تُصْلِحُوا وَتَتَّقُوا فَإِنَّ اللَّهَ كَانَ غَفُوراً رَحِيماً؛ النساء ١٢٩

١-٤-٥-٤- اتَّقَى وَ أَصْلَحَ

﴿٤٠٥﴾ يَا بَنِي آدَمَ إِذَا يَأْتَيْتَكُمْ رُسُلٌ مِنْكُمْ يَقُصُّونَ عَلَيْكُمْ آيَاتِي فَمَنْ اتَّقَى وَ أَصْلَحَ فَلَا خَوْفٍ

عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ؛ الأعراف ٣٥

﴿٤٠٦﴾ الصَّادِقُ عليه السلام: مَنْ اتَّقَى مِنْكُمْ وَ أَصْلَحَ فَهُوَ مِنَّا أَهْلَ الْبَيْتِ؛ دعائم الإسلام، ج ١، ص ٦٢

١-٤-٦- البرُّ

«کلمات مترادف و نزدیک به تقوا»

۴-۶-۱- خیر

۱-۴-۶-۱- پرهیزکاران خیراندیش

«۶۰۰» آن گاه مردمی که از اسلام خارج شده‌اند، بر عراق مسلط می‌گردند و به واسطه‌ی سوء اعمال آن‌ها، اهل عراق دچار تنگی معیشت می‌شوند. سپس این محنت با مرگ یکی از اشرار از میان می‌رود و از مردن او پرهیزکاران خیراندیش خشنود می‌گردند، و مردمی که از اطراف عالم آرزوی حج خانه‌ی خدا را دارند، به آرزوی خود می‌رسند و به حج می‌روند.

۲-۴-۶-۱- پرهیزکننده از شر مانند انجام‌دهنده‌ی خیر است

«۶۰۱» کسی که از انجام شرّ پرهیز کند مانند کسی است که کار خیری انجام داده.

۵-۶-۱- صلاح و اصلاح

۱-۵-۶-۱- زیور صالحان و زینت پرهیزکاران

«۶۰۲» و مرا به زینت صالحان و شایستگان آراسته فرما، و زیور پرهیزکاران را به من بپوشان.

۲-۵-۶-۱- تقوا پیشه کنید، و در میان مردم اصلاح کنید

«۶۰۳» خدا را در معرض سوگندهای خود قرار ندهید! و برای اینکه نیکی کنید، و تقوا پیشه سازید، و در میان مردم اصلاح کنید (سوگند یاد ننمایید)! و خداوند شنوا و داناست.

۳-۵-۶-۱- راه صلاح و پرهیزکاری پیش گیرید

«۶۰۴» شما هرگز نمی‌توانید (از نظر محبت قلبی) در میان زنان، عدالت برقرار کنید، هر چند کوشش نمایید! ولی تمایل خود را به کلی متوجّه یک طرف نسازید که دیگری را به‌صورت زنی که شوهرش را از دست داده درآورید! و اگر راه صلاح و پرهیزکاری پیش گیرید، خداوند آمرزنده و مهربان است.

۴-۵-۶-۱- پرهیزکاری پیشه کند و عمل صالح انجام دهد

«۶۰۵» ای فرزندان آدم! اگر رسولانی از خود شما به سراغتان بیایند که آیات مرا برای شما بازگو کنند، (از آن‌ها پیروی کنید) کسانی که پرهیزکاری پیشه کنند و عمل صالح انجام دهند (و در اصلاح خویش و دیگران بکوشند)، نه ترسی بر آن‌هاست و نه غمناک می‌شوند.

«۶۰۶» هرکدام شما که تقوا پیشه کند و [امر خویش را] اصلاح کند، از ما اهل بیت محسوب

می‌شود.

۶-۶-۱- نیکی

«الْمُرَادِفَاتُ وَ الْمُقَارِبَاتُ»

١-٦-١- البرُّ وَ التَّقْوَى

﴿٦٠٧﴾ وَلَا يَجْرِمَنَّكُمْ شَنَاٰنُ قَوْمٍ أَن صَدُّوكُمْ عَنِ الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ أَن تَعْتَدُوا وَتَعَاوَنُوا عَلَى الْبِرِّ وَ التَّقْوَىٰ وَلَا تَعَاوَنُوا عَلَى الْإِثْمِ وَالْعُدْوَانِ وَاتَّقُوا اللَّهَ إِنَّ اللَّهَ شَدِيدُ الْعِقَابِ؛ المائدة ٢

﴿٦٠٨﴾ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِذَا تَنَاجَيْتُمْ فَلَا تَتَنَاجَوْا بِالْإِثْمِ وَالْعُدْوَانِ وَمَعْصِيَةِ الرَّسُولِ وَتَنَاجَوْا بِالْبِرِّ وَالتَّقْوَىٰ وَاتَّقُوا اللَّهَ الَّذِي إِلَيْهِ تُحْشَرُونَ؛ المجادلة ٩

٢-٦-١- الَّذِينَ اتَّقَوْا رَبَّهُمْ لَهُمْ جَنَّاتٌ ... وَ مَا عِنْدَ اللَّهِ خَيْرٌ لِلْأَبْرَارِ

﴿٦٠٩﴾ لَا يَغُرُّكَ تَقَلُّبُ الَّذِينَ كَفَرُوا فِي الْبِلَادِ * مَتَاعٌ قَلِيلٌ ثُمَّ مَا أُوتِهُمُ جَهَنَّمُ وَيُنْسُ الْمُهَادُّ *
لَكِنَّ الَّذِينَ اتَّقَوْا رَبَّهُمْ لَهُمْ جَنَّاتٌ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ خَالِدِينَ فِيهَا نُزُلًا مِنْ عِنْدِ اللَّهِ وَمَا عِنْدَ اللَّهِ خَيْرٌ لِلْأَبْرَارِ؛ آل عمران ١٩٨-١٩٦

٣-٦-١- تَبَرُّوا وَتَتَّقُوا

﴿٦١٠﴾ وَلَا تَجْعَلُوا اللَّهَ عُرْضَةً لِأَيْمَانِكُمْ أَن تَبَرُّوا وَتَتَّقُوا وَتُصْلِحُوا بَيْنَ النَّاسِ وَاللَّهُ سَمِيعٌ عَلِيمٌ؛

البقرة ٢٢٤

٤-٦-١- الْأَتْقِيَاءُ الْأَبْرَارُ

﴿٦١١﴾ الرَّسُولُ ﷺ: وَاجْعَلْنَا مِنَ الْأَتْقِيَاءِ الْأَبْرَارِ؛ مستدرک الوسائل، ج ٢، ص ٢٣٥

٥-٦-١- اتَّقِيَاءُ أَبْرَارُ

﴿٦١٢﴾ الرَّسُولُ ﷺ: سَأَلْتُ الْفِرْدَوْسَ رَبِّهَا فَقَالَ أَيُّ رَبِّ زَيْنَىٰ فَإِنَّ أَصْحَابِي وَأَهْلِي اتَّقِيَاءُ

أَبْرَارُ؛ بحار الأنوار، ج ٤٣، ص ٣٠٦

٦-٦-١- بَرَّةٌ اتَّقِيَاءُ

﴿٦١٣﴾ الصَّادِقُ ﷺ: عَنْ نَشِيطِ بْنِ صَالِحِ الْبَجَلِيِّ قَالَ: قُلْتُ لِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ ﷺ: أَا كَانَ إِخْوَةُ يُوسُفَ أَنْبِيَاءَ قَالَ لَا وَ لَا بَرَّةٌ اتَّقِيَاءَ وَ كَيْفَ وَ هُمْ يَقُولُونَ لِأَبِيهِمْ يَعْقُوبَ تَاللهِ إِنَّكَ لَفِي ضَلَالِكَ

الْقَدِيمِ؛ بحار الأنوار، ج ١٢، ص ٣١٦

٧-٦-١- الْأَبْرَارُ هُمُ الَّذِينَ اتَّقَوْهُ

﴿٦١٤﴾ الصَّادِقُ ﷺ: عَنْ الصَّادِقِ ﷺ أَنَّهُ قَالَ فِي حَدِيثٍ فَازَ وَ اللَّهُ الْأَبْرَارُ وَ خَسِرَ الْأَشْرَارُ أَ

تَدْرِي مَنْ الْأَبْرَارُ هُمُ الَّذِينَ خَافُوهُ وَ اتَّقَوْهُ؛ مستدرک الوسائل، ج ١١، ص ٢٣٣

«کلمات مترادف و نزدیک به تقوا»

۱-۶-۶-۱- نیکوکاری و پرهیزکاری

«۶۰۷» و خصوصیت با جمعیتی که شما را از آمدن به مسجد الحرام (در سال حدیبه) بازداشتند، نباید شما را وادار به تعدی و تجاوز کند! و (همواره) در راه نیکی و پرهیزکاری با هم تعاون کنید! و (هرگز) در راه گناه و تعدی همکاری ننمایید! و از (مخالفت فرمان) خدا بپرهیزید که مجازات خدا شدید است!

«۶۰۸» ای کسانی که ایمان آورده‌اید! هنگامی که نجوا می‌کنید، و به گناه و تعدی و نافرمانی رسول (خدا) نجوا نکنید، و به کار نیک و تقوا نجوا کنید، و از خدایی که همگی نزد او جمع می‌شوید بپرهیزید!

۱-۶-۶-۲- کسانی که تقوای پروردگارشان را پیشه می‌کنند، برای آن‌ها بهشت‌هایی است... و آنچه نزد خداست، برای نیکان بهتر است

«۶۰۹» رفت و آمد (پیروزمندانه) کافران در شهرها، تو را نفریید! * این متاع ناچیزی است و سپس جایگاهشان دوزخ، و چه بد جایگاهی است! * ولی کسانی (که ایمان دارند، و) از پروردگارشان می‌پرهیزند، برای آن‌ها باغ‌هایی از بهشت است، که از زیر درختانش نهرها جاری است همیشه در آن خواهند بود. این، نخستین پذیرایی است که از سوی خداوند به آن‌ها می‌رسد و آنچه نزد خداست، برای نیکان بهتر است!

۱-۶-۶-۳- نیکی کنید، و تقوا پیشه کنید

«۶۱۰» خدا را در معرض سوگندهای خود قرار ندهید! و برای اینکه نیکی کنید، و تقوا پیشه سازید، و در میان مردم اصلاح کنید (سوگند یاد ننمایید)! و خداوند شنوا و داناست.

۱-۶-۶-۴- متقیان نیکوکار

«۶۱۱» خدایا! ما را از متقیان و نیکوکاران قرار ده.

۱-۶-۶-۵- متقیانی نیکوکار

«۶۱۲» فردوس از خدا تقاضا کرد و گفت: «پروردگارا! مرا زینت کن، زیرا ساکنین من پرهیزکاران و نیکوکارانند».

۱-۶-۶-۶- نیکوکارانی پرهیزکار

«۶۱۳» نشیط گوید: از امام صادق علیه السلام پرسیدم: «آیا برادران یوسف علیه السلام پیامبر بودند؟ فرمود: «آنان نه پیامبر بودند و نه نیکوکار و نه پرهیزکار. چگونه می‌توانستند پیامبر باشند وقتی به پدرشان یعقوب علیه السلام می‌گفتند: «به خدا تو در همان گمراهی سابق هستی».

۱-۶-۶-۷- نیکوکاران همان کسانی هستند که از او پروا می‌کنند

«۶۱۴» امام صادق علیه السلام در حدیثی فرمود: «به خدا قسم! نیکان رستگار هستند و بدان ضرر می‌کنند. می‌دانی نیکان چه کسانی هستند؟ همان کسانی که از خدا می‌ترسند و تقوا دارند.

«المرادفات والمقاربات»

٨-٦-١- أَبْرُكُمُ اتَّقَاكُمْ

﴿٦١٥﴾ أمير المؤمنين عليه السلام: أَبْرُكُمُ اتَّقَاكُمْ؛ غرر الحكم، ص ٢٦٩

٩-٦-١- مُتَّقَى الْمَعْصِيَةِ كَفَاعِلُ الْبِرِّ

﴿٦١٦﴾ أمير المؤمنين عليه السلام: مُتَّقَى الْمَعْصِيَةِ كَفَاعِلُ الْبِرِّ؛ غرر الحكم، ص ٢٧٠

١٠-٦-١- بَرُّ تَقَى

﴿٦١٧﴾ أمير المؤمنين عليه السلام: فَإِنَّ النَّاسَ اثْنَانِ بَرُّ تَقَى وَ آخَرُ شَقَى؛ بحار الأنوار، ج ٧٥، ص ٢٢

٧-٦-١- الإحسانُ

١-٦-٧-١- الَّذِينَ اتَّقَوْا وَ الَّذِينَ هُمْ مُحْسِنُونَ

﴿٦١٨﴾ إِنَّ اللَّهَ مَعَ الَّذِينَ اتَّقَوْا وَ الَّذِينَ هُمْ مُحْسِنُونَ؛ النحل ١٢٨

٢-٦-٧-١- أَحْسَنُوا وَ اتَّقُوا

﴿٦١٩﴾ الَّذِينَ اسْتَجَابُوا لِلَّهِ وَ الرَّسُولِ مِنْ بَعْدِ مَا أَصَابَهُمُ الْقَرْحُ لِلَّذِينَ أَحْسَنُوا مِنْهُمْ وَ اتَّقُوا أَجْرٌ

عَظِيمٌ؛ آل عمران ١٧٢

٣-٦-٧-١- اتَّقُوا وَ أَحْسَنُوا

﴿٦٢٠﴾ لَيْسَ عَلَى الَّذِينَ آمَنُوا وَ عَمِلُوا الصَّالِحَاتِ جُنَاحٌ فِيمَا طَعِمُوا إِذَا مَا اتَّقَوْا وَ آمَنُوا وَ عَمِلُوا

الصَّالِحَاتِ ثُمَّ اتَّقَوْا وَ آمَنُوا ثُمَّ اتَّقَوْا وَ أَحْسَنُوا وَ اللَّهُ يُحِبُّ الْمُحْسِنِينَ؛ المائدة ٩٣

٤-٦-٧-١- اتَّقُوا رَبَّكُمْ لِلَّذِينَ أَحْسَنُوا فِي هَذِهِ الدُّنْيَا حَسَنَةٌ

﴿٦٢١﴾ قُلْ يَا عِبَادِ الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا رَبَّكُمْ لِلَّذِينَ أَحْسَنُوا فِي هَذِهِ الدُّنْيَا حَسَنَةٌ؛ الزمر ١٠

٥-٦-٧-١- إِنْ تُحْسِنُوا وَ تَتَّقُوا

﴿٦٢٢﴾ وَإِنْ امْرَأَةٌ خَافَتْ مِنْ بَعْلِهَا نُشُوزًا أَوْ إِعْرَاضًا فَلَا جُنَاحَ عَلَيْهِمَا أَنْ يُصْلِحَا بَيْنَهُمَا صُلْحًا

وَ الصُّلْحُ خَيْرٌ وَأُحْضِرَتِ الْأَنْفُسُ الشُّحَّ وَإِنْ تُحْسِنُوا وَ تَتَّقُوا فَإِنَّ اللَّهَ كَانَ بِمَا تَعْمَلُونَ خَبِيرًا؛ النساء

١٢٨

«کلمات مترادف و نزدیک به تقوا»

۸-۶-۱- نیکوکارترین شما، باتقواترین شماست

﴿۶۱۵﴾ نیکوکارترین شما، باتقواترین شماست.

۹-۶-۱- پرواکننده از نافرمانی، مانند انجام‌دهنده کار نیک است

﴿۶۱۶﴾ کسی که از انجام گناه پرهیز کند مانند کسی است که کار نیک انجام دهد.

۱۰-۶-۱- نیکوکاری پرهیزکار

﴿۶۱۷﴾ مردم دو دسته هستند: نیکوکار پرهیزکار و بدکار شقی.

۷-۶-۱- نیکی

۱-۶-۷-۱- کسانی که تقوا پیشه کرده‌اند و نیکوکارند

﴿۶۱۸﴾ خداوند با کسانی است که تقوا پیشه کرده‌اند، و کسانی که نیکوکارند.

۲-۶-۷-۱- نیکی کردند و تقوا پیش گرفتند

﴿۶۱۹﴾ آن‌ها که دعوت خدا و پیامبر ﷺ را، پس از آن همه جراحاتی که به ایشان رسید، اجابت کردند (و هنوز زخم‌های میدان احد التیام نیافته بود، به‌سوی میدان «حمراء الاسد» حرکت نمودند) برای کسانی از آن‌ها، که نیکی کردند و تقوا پیش گرفتند، پاداش بزرگی است.

۳-۶-۷-۱- تقوا پیشه کنند و نیکی نمایند

﴿۶۲۰﴾ بر کسانی که ایمان آورده و اعمال صالح انجام داده‌اند، گناهی در آنچه خورده‌اند نیست (و نسبت به نوشیدن شراب، قبل از نزول حکم تحریم، مجازات نمی‌شوند) اگر تقوا پیشه کنند، و ایمان بیاورند، و اعمال صالح انجام دهند سپس تقوا پیشه کنند و ایمان آورند سپس تقوا پیشه کنند و نیکی نمایند. و خداوند، نیکوکاران را دوست می‌دارد.

۴-۶-۷-۱- از پروردگارتان پروا کنید! برای کسانی که در این دنیا نیکی کرده‌اند پاداش نیکی است

﴿۶۲۱﴾ بگو: «ای بندگان من که ایمان آورده‌اید! از (مخالفت) پروردگارتان بپرهیزید! برای

کسانی که در این دنیا نیکی کرده‌اند پاداش نیکی است!

۵-۶-۷-۱- اگر نیکی کنید و پرهیزکاری پیشه سازید

﴿۶۲۲﴾ و اگر زنی، از طغیان و سرکشی یا اعراض شوهرش، بیم داشته باشد، مانعی ندارد با هم صلح کنند (و زن یا مرد، از پاره‌ای از حقوق خود، به خاطر صلح، صرف نظر نماید.) و صلح، بهتر است اگر چه مردم (طبق غریزه حبّ ذات، در این گونه موارد) بخل می‌ورزند. و اگر نیکی کنید و پرهیزکاری پیشه سازید (و به خاطر صلح، گذشت نمایید)، خداوند به آنچه انجام می‌دهید، آگاه است (و پاداش شایسته به شما خواهد داد).

المُرَادِفَاتُ وَالمُقَارِبَاتُ

٦-٧-١-٦- من يَقِّ ... إِنَّ اللَّهَ لَا يُضِيعُ أَجْرَ الْمُحْسِنِينَ

﴿٦٣﴾ قَالُوا إِنَّكَ لَأَنْتَ يُوسُفُ قَالَ أَنَا يُوسُفُ وَهَذَا أَخِي قَدْ مَنَّ اللَّهُ عَلَيْنَا إِنَّهُ مِنْ يَتِّقُ وَيُصِيرُ

فَإِنَّ اللَّهَ لَا يُضِيعُ أَجْرَ الْمُحْسِنِينَ؛ يوسف ٩٠

٧-٦-١- جماعُ التَّقْوَى فِي ... الْعَدْلِ وَالْإِحْسَانِ

﴿٦٢٤﴾ الرَّسُولُ ﷺ: جَمَاعُ التَّقْوَى فِي قَوْلِهِ تَعَالَى إِنَّ اللَّهَ يَأْمُرُ بِالْعَدْلِ وَالْإِحْسَانِ؛

مستدرک الوسائل، ج ۱۱، ص ۲۶۶

٨-٧-٦-١- التَّقْوَى سِنْخُ الْإِحْسَانِ

﴿٦٢٥﴾ أمير المؤمنين (عليه السلام): التَّقْوَى سِنُّ الْحُسَّانِ؛ بحار الأنوار، ج ٦٥، ص ٣٨٢

٨-٦-١- الرُّشْدُ وَ الْهُدَايَةُ

١-٨-٦-١- الرُّشْدُ وَالتَّقْوَى

﴿٦٢٦﴾ دعاء الإخلاص: أَعُوذُ بِكَ مِنْ هَمَزَاتِ الشَّيَاطِينِ وَ لَمَزَاتِهِمُ الَّتِي تَقْضِلُ بَعْدَ الْهُدَى وَ

تَبَدَّلَ بَعْدَ النُّهْيِ وَتَحَجُّبٍ عَنْ سَبِيلِ الرُّشْدِ وَالتَّقْوَى؛ بحار الأنوار، ج ٩٢، ص ٤٣٧

۲-۸-۶-۱- إَجْعَلْ عَلَيَّ الْهُدَىٰ أَمْرِي وَالتَّقْوَىٰ زَادِي

﴿٦٢٧﴾ الرَّسُولُ ﷺ: اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ أَنْ تَجْعَلَ عَلَيَّ الْهُدَى أَمْرِي وَالتَّقْوَى زَادِي؛

بحار الأنوار، ج ٩٠، ص ٢٦٩

٣-٨-٦-١- عَصَمَكُم بِالْهُدَى وَثَبَّتَكُم بِالتَّقَى

﴿٦٢٨﴾ أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ: عَصَمَكُمْ اللَّهُ بِالْهُدَى وَثَبَّتْكُمْ بِالتَّقَى؛ الْغَارَاتِ، ج ١، ص ١٦٦

٩-٦-١ الطَّاعَةُ وَرَاجِعُ: التَّعَارِيفُ وَالتَّمَاثِيلُ

١-٩-٦-١- إِتَّقُوا وَ أَطِيعُوا

﴿٦٢٩﴾ الزَّهْرَاءُ عليها السلام فَاتَّقُوا اللَّهَ حَقَّ تَقَاتِهِ وَاطِيعُوهُ فِيمَا أَمَرَكُمْ بِهِ؛ شرح نهج البلاغة، ج ١٦، ص ٢١١

﴿٦٣٠﴾ الْبَاقِرُ الرَّحْمٰنُ: فَاتَّقُوا اللَّهَ عِبَادَ اللَّهِ بِمَا اسْتَطَعْتُمْ وَاطِيعُوا وَسَلِّمُوا الْأَمْرَ لَاهِلِهِ تَفْلَحُوا؛

بحار الأنوار، ج ٦٦، ص ٣٩٩

﴿٦٣١﴾ الصَّادِقُ عَلَيْهِ السَّلَامُ: فَاتَّقُوا اللَّهَ وَأَطِيعُوهُ؛ إرشاد القلوب، ج ١، ص ١٠١

ጥጥር

«کلمات مترادف و نزدیک به تقوا»

۶-۷-۱-۶ هر کس تقوا پیشه کند... خداوند پاداش نیکوکاران را ضایع نمی‌کند

﴿۶۲۳﴾ گفتند: «آیا تو همان یوسفی؟!» گفت: « (آری،) من یوسفم، و این برادر من است! خداوند بر ما مَنّت گذارد هر کس تقوا پیشه کند، و شکیبایی و استقامت نماید، (سرانجام پیروز می‌شود) چرا که خداوند پاداش نیکوکاران را ضایع نمی‌کند!»

۶-۷-۱-۷ همه‌ی تقوا در عدل و احسان است

﴿۶۲۴﴾ همه‌ی تقوا در این فرموده‌ی خداوند آمده است: «خداوند به عدل و احسان فرمان می‌دهد».

۶-۷-۱-۸ تقوا همجنس احسان است

﴿۶۲۵﴾ تقوا اصل احسان و نیکی کردن است.

۶-۸-۱-۶ رشد و هدایت

۶-۸-۱-۷ رشد و تقوا

﴿۶۲۶﴾ از عیب‌جویی شیاطین و بدگویی آن‌ها به تو پناه می‌برم که بعد از هدایت گمراه می‌کند و بعد از نهی، تبدیل می‌سازد و مانع راه هدایت و تقوا می‌شود.

۶-۸-۲-۱ امر مرا بر هدایت قرار داده و تقوا را توشه‌ام ساز

﴿۶۲۷﴾ خدایا! از تو می‌خواهم امر مرا بر هدایت قرار داده و تقوا را زاد و توشه‌ام سازی.

۶-۸-۳-۱ با هدایت شما را پناه داده و با تقوا شما را ثابت‌قدم کرده است

﴿۶۲۸﴾ خداوند با هدایت شما را پناه داده و با تقوا شما را ثابت‌قدم کرده است.

۶-۹-۱-۶ فرمان‌برداری و ر.به: تعریف‌ها و تمثیل‌ها

۶-۹-۱-۷ تقوا پیشه کنید و اطاعت کنید

﴿۶۲۹﴾ آن‌طور که شایسته است، تقوا پیشه کنید و از خدا در اموری که شما را به آن امر کرده، اطاعت کنید.

﴿۶۳۰﴾ پس ای بندگان خدا! تا جایی که می‌توانید از او پروا کنید و از او اطاعت کنید و امر ولایت را به اهلش تسلیم کنید تا رستگار شوید.

﴿۶۳۱﴾ تقوای الهی پیشه کنید و خدا را اطاعت کنید.

﴿المُرَادِفَاتُ وَ الْمُقَارِبَاتُ﴾

﴿٦٣٢﴾ يَسْأَلُونَكَ عَنِ الْأَنْفَالِ قُلِ الْأَنْفَالُ لِلَّهِ وَالرَّسُولِ فَأَتَقُوا اللَّهَ وَأَصْلِحُوا ذَاتَ بَيْنِكُمْ وَأَطِيعُوا اللَّهَ وَرَسُولَهُ إِنْ كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ؛ الأنفال ١

﴿٦٣٣﴾ فَأَتَقُوا اللَّهَ مَا اسْتَطَعْتُمْ وَاسْمَعُوا وَأَطِيعُوا وَأَنْفِقُوا خَيْرًا لِأَنْفُسِكُمْ وَمَنْ يُوقِ شُحَّ نَفْسِهِ فَأُولَئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ؛ التغابن ١٦

﴿٦٣٤﴾ الصَّادِقُ عليه السلام: إِنْ كُنْتُمْ تُرِيدُونَ أَنْ تَكُونُوا مَعَنَا يَوْمَ الْقِيَامَةِ لَا يَلْعَنُ بَعْضُكُمْ بَعْضًا فَأَتَقُوا اللَّهَ وَأَطِيعُوا؛ بحار الأنوار، ج ٨، ص ١٤

٢-٩-١- اتَّقُوا اللَّهَ وَأَطِيعُونِ

﴿٦٣٥﴾ اذْ قَالَتِ الْمَلَكَةُ يَا مَرْيَمُ إِنَّ اللَّهَ يُبَشِّرُكِ بِكَلِمَةٍ مِنْهُ اسْمُهُ الْمَسِيحُ عِيسَى ابْنُ مَرْيَمَ... جِئْتُكُمْ بِآيَةٍ مِنْ رَبِّكُمْ فَأَتَقُوا اللَّهَ وَأَطِيعُونِ؛ آل عمران ٤٥-٥٠

﴿٦٣٦﴾ كَذَّبَتْ قَوْمُ نُوحٍ الْمُرْسَلِينَ* إِذْ قَالَ لَهُمْ أَخُوهُمْ نُوحٌ أَلَا تَتَّقُونَ* إِنِّي لَكُمْ رَسُولٌ أَمِينٌ* فَأَتَقُوا اللَّهَ وَأَطِيعُوا* وَمَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ مِنْ أَجْرٍ إِنْ أَجَرْتُ إِلَّا عَلَى رَبِّ الْعَالَمِينَ* فَأَتَقُوا اللَّهَ وَأَطِيعُوا؛ الشعراء ١١٠-١٠٥

﴿٦٣٧﴾ كَذَّبَتْ عَادُ الْمُرْسَلِينَ* إِذْ قَالَ لَهُمْ أَخُوهُمْ هُودُ أَلَا تَتَّقُونَ* إِنِّي لَكُمْ رَسُولٌ أَمِينٌ* فَأَتَقُوا اللَّهَ وَأَطِيعُوا* وَمَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ مِنْ أَجْرٍ إِنْ أَجَرْتُ إِلَّا عَلَى رَبِّ الْعَالَمِينَ* أَتَبْنُونَ بِكُلِّ رِيعٍ آيَةً تَعْبَثُونَ* وَتَتَّخِذُونَ مَصَانِعَ لَعَلَّكُمْ تَخْلُدُونَ* فَأَتَقُوا اللَّهَ وَأَطِيعُوا* وَأَتَقُوا الَّذِي أَمَدَّكُمْ بِمَا تَعْلَمُونَ؛ الشعراء ١٣٢-١٢٣

﴿٦٣٨﴾ كَذَّبَتْ ثَمُودُ الْمُرْسَلِينَ* إِذْ قَالَ لَهُمْ أَخُوهُمْ صَالِحٌ أَلَا تَتَّقُونَ* إِنِّي لَكُمْ رَسُولٌ أَمِينٌ* فَأَتَقُوا اللَّهَ وَأَطِيعُوا* وَمَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ مِنْ أَجْرٍ إِنْ أَجَرْتُ إِلَّا عَلَى رَبِّ الْعَالَمِينَ* أَتُنَزِّلُونَ فِي مَاءِ هَاهُنَا آمِنِينَ* فِي جَنَاتٍ وَعُيُونٍ* وَزُرُوعٍ وَنَخْلٍ طَلْعُهَا هَضِيمٌ* وَتَنْجَثُونَ مِنَ الْجِبَالِ يَوْتًا فَارِهِينَ* فَأَتَقُوا اللَّهَ وَأَطِيعُوا؛ الشعراء ١٥٠-١٤١

«کلمات مترادف و نزدیک به تقوا»

﴿۶۳۲﴾ از تو درباره‌ی انفال [غنائیم، و هر گونه مال بدون مالک مشخص] سؤال می‌کنند بگو: «انفال مخصوص خدا و پیامبر است پس، از (مخالفت فرمان) خدا بپرهیزید! و خصومت‌هایی را که در میان شماست، آشتی دهید! و خدا و پیامبرش را اطاعت کنید اگر ایمان دارید!

﴿۶۳۳﴾ پس تا می‌توانید تقوای الهی پیشه کنید و گوش دهید و اطاعت نمایید و انفاق کنید که برای شما بهتر است و کسانی که از بخل و حرص خویشتن مصون بمانند رستگارند!

﴿۶۳۴﴾ اگر می‌خواهید روز قیامت با ما باشید یکدیگر را لعن نکنید؛ از خدا بترسید و اطاعت کنید.

۲-۹-۱- تقوا پیشه کنید و مرا اطاعت کنید

﴿۶۳۵﴾ هنگامی را که فرشتگان گفتند: «ای مریم! خداوند تو را به کلمه‌ای [وجود با عظمتی] از طرف خودش بشارت می‌دهد که نامش «مسیح، عیسی پسر مریم» است ... [که ایچنین خواهد گفت:] نشانه‌ای از طرف پروردگار شما، برایتان آورده‌ام پس از خدا بترسید، و مرا اطاعت کنید!

﴿۶۳۶﴾ قوم نوح رسولان را تکذیب کردند، * هنگامی که برادرشان نوح به آنان گفت: «آیا تقوا پیشه نمی‌کنید؟! * مسلماً من برای شما پیامبری امین هستم! * تقوای الهی پیشه کنید و مرا اطاعت نمایید! * من برای این دعوت، هیچ مزدی از شما نمی‌طلبم اجر من تنها بر پروردگار عالمیان است! * پس، تقوای الهی پیشه کنید و مرا اطاعت نمایید!»

﴿۶۳۷﴾ قوم عاد (نیز) رسولان (خدا) را تکذیب کردند، * هنگامی که برادرشان هود گفت: «آیا تقوا پیشه نمی‌کنید؟! * مسلماً من برای شما پیامبری امین هستم. * پس تقوای الهی پیشه کنید و مرا اطاعت نمایید! * من در برابر این دعوت، هیچ اجر و پاداشی از شما نمی‌طلبم اجر و پاداش من تنها بر پروردگار عالمیان است. * آیا شما بر هر مکان مرتفعی نشانه‌ای از روی هوا و هوس می‌سازید؟! * و قصرها و قلعه‌های زیبا و محکم بنا می‌کنید شاید در دنیا جاودانه بمانید؟! * و هنگامی که کسی را مجازات می‌کنید همچون جباران کیفر می‌دهید! * پس تقوای الهی پیشه کنید و مرا اطاعت نمایید! * و از (نافرمانی) خدایی بپرهیزید که شما را به نعمت‌هایی که می‌داند امداد کرده.

﴿۶۳۸﴾ قوم ثمود رسولان (خدا) را تکذیب کردند، * هنگامی که صالح به آنان گفت: «آیا تقوا پیشه نمی‌کنید؟! * من برای شما پیامبری امین هستم! * پس تقوای الهی پیشه کنید و مرا اطاعت نمایید! * من در برابر این دعوت، اجر و پاداشی از شما نمی‌طلبم اجر من تنها بر پروردگار عالمیان است! * آیا شما تصوّر می‌کنید همیشه در نهایت امنیّت در نعمت‌هایی که اینجاست می‌مانید، * در این باغ‌ها و چشمه‌ها، * در این زراعت‌ها و نخل‌هایی که میوه‌هایش شیرین و رسیده است؟! * و از کوه‌ها خانه‌هایی می‌تراشید، و در آن به عیش و نوش می‌پردازید! * پس از خدا بترسید و مرا اطاعت کنید!

﴿الْمُرَادِفَاتُ وَالْمُقَارِبَاتُ﴾

﴿٦٣٩﴾ كَذَبَتْ قَوْمٌ لوطِ الْمُرْسَلِينَ* إِذْ قَالَ لَهُمْ أَخُوهُمْ لُوطُ أَلَا تَتَّقُونَ* إِنِّي لَكُمْ رَسُولٌ أَمِينٌ* فَاتَّقُوا اللَّهَ وَأَطِيعُوا؛ الشعراء ١٦٣-١٦٠

﴿٦٤٠﴾ كَذَبَ أَصْحَابُ الْأَيْكَةِ الْمُرْسَلِينَ* إِذْ قَالَ لَهُمُ شُعَيْبٌ أَلَا تَتَّقُونَ* إِنِّي لَكُمْ رَسُولٌ أَمِينٌ* فَاتَّقُوا اللَّهَ وَأَطِيعُوا؛ الشعراء ١٧٩-١٧٦

﴿٦٤١﴾ وَلَمَّا جَاءَ عِيسَى بِالْبَيِّنَاتِ قَالَ قَدْ جِئْتُكُمْ بِالْحِكْمَةِ وَلِأُبَيِّنَ لَكُمْ بَعْضَ الَّذِي تَخْتَلَفُونَ فِيهِ فَاتَّقُوا اللَّهَ وَأَطِيعُوا؛ الزخرف ٦٣
١-٦-٩-٣- اتَّقَوْهُ وَأَطَاعُوهُ

﴿٦٤٢﴾ الصَّادِقُ عليه السلام: عَنْ أَبِي بَصِيرٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام: فِي حَدِيثٍ قَالَ قُلْتُ جُعِلْتُ فِدَاكَ أَ شِيعَتُكُمْ مَعَكُمْ قَالَ نَعَمْ إِذَا هُمْ خَافُوا اللَّهَ وَرَاقِبُوهُ وَاتَّقَوْهُ وَأَطَاعُوهُ وَاتَّقُوا الذُّنُوبَ فَإِذَا فَعَلُوا ذَلِكَ كَانُوا مَعَنَا فِي دَرَجَتِنَا؛ مستدرک الوسائل، ج ١١، ص ٢٣٥
١-٦-٩-٤- اتَّقَى وَأَطَاعَ

﴿٦٤٣﴾ الْبَاقِرُ عليه السلام: فَوَ اللَّهُ مَا شِيعَتُنَا إِلَّا مَنْ اتَّقَى اللَّهَ وَأَطَاعَهُ؛ الكافي، ج ٢، ص ٧٤
١-٦-٩-٥- اتَّقَى وَأَطَوَعَ

﴿٦٤٤﴾ الرِّضَا عليه السلام: فَقَالَ لَهُ آخِرُ أَنتَ وَاللَّهِ خَيْرُ النَّاسِ فَقَالَ لَهُ لَا تَخْلِفْ يَا هَذَا خَيْرُ مَنْنِي مَنْ كَانَ اتَّقَى لِلَّهِ عَزَّ وَجَلَّ وَأَطَوَعَ لَهُ؛ بحار الأنوار، ج ٤٦، ص ١٧٧
١-٦-٩-٦- أَطِيعُوا وَاحْذَرُوا

﴿٦٤٥﴾ وَأَطِيعُوا اللَّهَ وَأَطِيعُوا الرَّسُولَ وَاحْذَرُوا فَإِنْ تَوَلَّيْتُمْ فَأَعْلَمُوا أَنَّمَا عَلَى رَسُولِنَا الْبَلَاغُ الْمُبِينُ؛ المائدة ٩٢

١-٦-٩-٧- إِعْصِمْنِي بِطَاعَتِكَ عَنْ مَعْصِيَتِكَ ... وَبِالتَّقْوَى عَنِ الْإِثْمِ

﴿٦٤٦﴾ الْأَنْثَمَةُ عليه السلام: فَاسْأَلْكَ أَنْ تُصَلِّيَ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَأَنْ تَعْصِمَنِي بِطَاعَتِكَ عَنْ مَعْصِيَتِكَ ... وَبِالتَّقْوَى عَنِ الْإِثْمِ؛ تهذيب الأحكام، ج ٣، ص ٩٦
١-٦-٩-٨- التَّقْوَى هُوَ فِي الْحَقِيقَةِ طَاعَةٌ

﴿٦٤٧﴾ الصَّادِقُ عليه السلام: تَفْسِيرُ التَّقْوَى تَرْكُ مَا لَيْسَ بِأَخْذِهِ بِأَسْ حَذَرًا عَمَّا بِهِ بَأْسٌ وَهُوَ فِي الْحَقِيقَةِ طَاعَةٌ وَذِكْرُ بَلَا نِسْيَانٍ وَعِلْمُ بَلَا جَهْلٍ مَقْبُولٌ غَيْرُ مَرْدُودٍ؛ بحار الأنوار، ج ٦٧، ص ٢٩٥

«کلمات مترادف و نزدیک به تقوا»

﴿۶۳۹﴾ قوم لوط فرستادگان (خدا) را تکذیب کردند، *هنگامی که برادرشان لوط به آنان گفت: «آیا تقوا پیشه نمی‌کنید؟!» من برای شما پیامبری امین هستم! * پس تقوای الهی پیشه کنید و مرا اطاعت نمایید!

﴿۶۴۰﴾ اصحاب ایکه [شهری نزدیک مدین] رسولان (خدا) را تکذیب کردند، * هنگامی که شعیب به آن‌ها گفت: «آیا تقوا پیشه نمی‌کنید؟!» مسلماً من برای شما پیامبری امین هستم! * پس تقوای الهی پیشه کنید و مرا اطاعت نمایید!

﴿۶۴۱﴾ و هنگامی که عیسی دلایل روشن (برای آن‌ها) آورد گفت: «من برای شما حکمت آورده‌ام، و آمده‌ام تا برخی از آنچه را که در آن اختلاف دارید روشن کنم پس تقوای الهی پیشه کنید و از من اطاعت نمایید!

۳-۹-۱-۶- از او پروا کنید و او را فرمان برید

﴿۶۴۲﴾ ابوبصیر گوید: به امام صادق (علیه السلام) عرض کردم: «فدایت شوم! آیا شیعیان شما نیز همراه و هم‌درجه‌ای شما هستند؟» فرمود: «آری، وقتی که آنان از خدا بترسند و مراقبت کنند و تقوای الهی داشته و از خدا اطاعت کنند و از گناهان پرهیز کنند و همه‌ی این کارها را انجام دهند، در درجه‌ای که ما هستیم، همراه ما خواهند بود.»

۴-۹-۱-۶- از خدا پروا می‌کنند و از او اطاعت می‌کنند

﴿۶۴۳﴾ به خدا قسم! فقط کسانی که از خدا پروا می‌کنند و از او اطاعت می‌کنند، شیعیان ما هستند.

۵-۹-۱-۶- پرهیزکارتر و فرمان‌بردارتر

﴿۶۴۴﴾ مردی [به امام رضا (علیه السلام)] عرض کرد: «به خدا تو از تمام مردم بهتری.» فرمود: «این قسم را نخور. بهتر از من کسی است که پرهیزکارتر از من باشد و بیشتر از خدا اطاعت کند.»

۶-۹-۱-۶- فرمان برید و پرهیز کنید

﴿۶۴۵﴾ اطاعت خدا و اطاعت پیامبر کنید! و (از مخالفت فرمان او) بترسید! و اگر روی برگردانید، (مستحق مجازات خواهید بود و) بدانید بر پیامبر ما، جز ابلاغ آشکار، چیز دیگری نیست (و این وظیفه را در برابر شما، انجام داده است).

۷-۹-۱-۶- مرا با فرمانبرداری از معصیتت ... و با تقوا از گناه در امان دار

﴿۶۴۶﴾ خداوند! از تو می‌خواهم که بر محمد و خاندان او درود بفرستی و مرا با توفیق اطاعتت از معصیتت ... با تقوا از گناه، در امان داری.

۸-۹-۱-۶- پرهیزکاری در واقع اطاعت است

﴿۶۴۷﴾ تفسیر تقوا چنین است که انسان آن چه را بی‌اشکال است نیز ترک کند که مبادا به حرام منجر شود که این در واقع اطاعت است و یاد دائم و بدون فراموشی حق و نیز آگاهی بدون جهالت که عمل بر مبنای آن مقبول است و مردود نیست.

﴿المُرَادِفَاتُ وَ الْمُقَارِبَاتُ﴾

٩-٩-١- الْمُطِيعُونَ الَّذِينَ يَتَّقُونَ

﴿٤٨﴾ العسكرى عليه السلام: قَالُوا يَا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ وَمَا الْمُطِيعُونَ لَكُمْ قَالَ الَّذِينَ يُوحِّدُونَ رَبَّهُمْ وَ يَصِفُونَهُ بِمَا يَلِيقُ بِهِ مِنَ الصِّفَاتِ وَ يُؤْمِنُونَ بِمُحَمَّدٍ عليه السلام وَ يُطِيعُونَ اللَّهَ فِي إِتْيَانِ فَرَائِضِهِ وَ تَرْكِ مَحَارِمِهِ وَ يُحْيُونَ أَوْقَاتَهُمْ بِذِكْرِهِ وَ بِالصَّلَاةِ عَلَى نَبِيِّهِ مُحَمَّدٍ عليه السلام وَ يَتَّقُونَ عَلَى أَنْفُسِهِمُ الشُّحَّ وَ الْبُخْلَ وَ يُؤَدُّونَ كُلَّ مَا فَرَضَ عَلَيْهِمْ مِنَ الزَّكَّاتِ وَ لَا يَمْنَعُونَهَا؛ مستدرک الوسائل، ج ١١، ص ٢٥٧

١٠-٩-١- زَمَّ نَفْسَهُ مِنَ التَّقْوَى بِزِمَامٍ وَ فَقَادَهَا إِلَى الطَّاعَةِ

﴿٤٩﴾ أمير المؤمنين عليه السلام: فَرَحِمَ اللَّهُ امْرَأً رَاقِبَ رَبِّهِ وَ تَنَكَّبَ ذَنْبَهُ وَ كَابَرَ هَوَاهُ وَ كَذَّبَ مُنَاهُ امْرَأً زَمَّ نَفْسَهُ مِنَ التَّقْوَى بِزِمَامٍ وَ أَلْجَمَهَا مِنْ خَشْيَةِ رَبِّهَا بِلِجَامٍ فَقَادَهَا إِلَى الطَّاعَةِ بِزِمَامِهَا وَ قَدَعَهَا عَنِ الْمَعْصِيَةِ بِلِجَامِهَا؛ بحار الأنوار؛ ج ٧٤؛ ص ٣٤٩ الكافي، ج ٨، ص ١٧٠

١١-٩-١- قُلْتُمْ أَطَعْنَا ... اتَّقُوا اللَّهَ

﴿٥٠﴾ وَ اذْكُرُوا نِعْمَةَ اللَّهِ عَلَيْكُمْ وَ مِيثَاقَهُ الَّذِي وَ اتَّقَكُمُ بِهِ إِذْ قُلْتُمْ سَمِعْنَا وَ أَطَعْنَا وَ اتَّقُوا اللَّهَ إِنَّ

اللَّهُ عَلِيمٌ بِذَاتِ الصُّدُورِ؛ المائدة ٧

١٢-٩-١- مَا آتَاكُمْ الرَّسُولُ فَخُذُوهُ وَ مَا نَهَاكُمْ عَنْهُ فَانْتَهُوا وَ اتَّقُوا اللَّهَ

﴿٥١﴾ وَ مَا آتَاكُمْ الرَّسُولُ فَخُذُوهُ وَ مَا نَهَاكُمْ عَنْهُ فَانْتَهُوا وَ اتَّقُوا اللَّهَ إِنَّ اللَّهَ شَدِيدُ الْعِقَابِ؛

الحشر ٧

١٣-٩-١- مَنْ يُطِعِ اللَّهَ وَ يَتَّقِهِ

﴿٥٢﴾ وَ مَنْ يُطِعِ اللَّهَ وَ رَسُولَهُ وَ يَحْشِشْ اللَّهُ وَ يَتَّقِهِ فَأُولَئِكَ هُمُ الْفَائِزُونَ؛ النور ٥٢

١٠-٩-١- الْعِبَادَةُ وَ الْعُبُودِيَّةُ

١-١٠-١- اعْبُدُوا اللَّهَ وَ اتَّقُوهُ

﴿٥٣﴾ وَ إِبْرَاهِيمَ إِذْ قَالَ لِقَوْمِهِ اعْبُدُوا اللَّهَ وَ اتَّقُوهُ ذَلِكُمْ خَيْرٌ لَكُمْ إِنْ كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ؛ العنكبوت

١٦

«کلمات مترادف و نزدیک به تقوا»

۹-۹-۱- فرمان برداران همان پرهیزکارانند

﴿۶۴۸﴾ به امام علی علیه السلام عرض کردند: «یا امیرالمؤمنین! اطاعت کنندگان از شما چه کسانی هستند؟» فرمود: «کسانی که پروردگارشان را یکی بدانند و بدانچه شایسته خدایی اوست، او را ستایش کنند؛ محمد صلی الله علیه و آله پیامبرش را باور دارند؛ خدا را در انجام واجبات و ترک محرمات اطاعت کنند؛ اوقات خود را به یاد او و به درود بر پیامبر او محمد صلی الله علیه و آله و خاندان پاکش زنده دارند؛ بر خویشان از تنگ نظری و بخل پرهیزند؛ و زکات [و سایر وجوه و مالیات دینی] خود را بپردازند و از پرداخت آن خودداری نکنند».

۱۰-۹-۱- نفس خود را به مهار پرهیزکاری لگام زده و به سوی طاعت خدا کشانیده است

﴿۶۴۹﴾ پس خدا رحمت کند آن بنده‌ای را که پروردگار خود را در نظر داشته باشد و از گناه شانه خالی کند، با هوای نفس ستیز کند و آرزوی خود را دروغ به حساب آورد. بنده‌ای که نفس خود را به مهار پرهیزکاری لگام زده و با لگام ترس از پروردگار خود، بر دهانش دهانه نهاده است، مهارش را به سوی طاعت خدا کشانیده و با دهانه‌ای که بر آن زده، از نافرمانی بازش داشته است.

۱۱-۹-۱- گفتید: «اطاعت کردیم»! ... پروا کنید

﴿۶۵۰﴾ و به یاد آورید نعمت خدا را بر شما، و پیمانی را که با تأکید از شما گرفت، آن زمان که گفتید: «شنیدیم و اطاعت کردیم»! و از (مخالفت فرمان) خدا بپرهیزید که خدا، از آنچه درون سینه‌هاست، آگاه است!

۱۲-۹-۱- آنچه را رسول خدا برای شما آورده بگیرید و از آنچه نهی کرده خودداری نمایید، و تقوا پیشه کنید

﴿۶۵۱﴾ آنچه را رسول خدا برای شما آورده بگیرید (و اجرا کنید)، و از آنچه نهی کرده خودداری نمایید و از (مخالفت) خدا بپرهیزید که خداوند کیفرش شدید است!

۱۳-۹-۱- آن که خدا را فرمان برد و پروا کند

﴿۶۵۲﴾ و هر کس خدا و پیامبرش را اطاعت کند، و از خدا بترسد و از مخالفت فرمانش بپرهیزد، چنین کسانی همان پیرومندان واقعی هستند!

۱۰-۹-۱- عبادت و بندگی

۱-۱۰-۱- خدا را بپرستید و از او پروا کنید

﴿۶۵۳﴾ ما ابراهیم را (نیز) فرستادیم، هنگامی که به قومش گفت: «خدا را بپرستید و از (عذاب) او بپرهیزید که این برای شما بهتر است اگر بدانید!

«کلمات مترادف و نزدیک به تقوا»

۲-۱۰-۱-۶- خدا را بپرستید... آیا پروا نمی‌کنید؟

﴿۶۵۴﴾ و ما نوح را به‌سوی قومش فرستادیم او به آن‌ها گفت: «ای قوم من! خداوند یکتا را بپرستید، که جز او معبودی برای شما نیست! آیا (از پرستش بت‌ها) پرهیز نمی‌کنید؟»
﴿۶۵۵﴾ و در میان آنان رسولی از خودشان فرستادیم که: «خدا را بپرستید جز او معبودی برای شما نیست آیا (با این همه، از شرک و بت پرستی) پرهیز نمی‌کنید؟!»
﴿۶۵۶﴾ و به سوی قوم عاد، برادرشان «هود» را (فرستادیم) گفت: «ای قوم من! (تنها) خدا را پرستش کنید، که جز او معبودی برای شما نیست! آیا پرهیزکاری پیشه نمی‌کنید؟!»

۳-۱۰-۱-۶- پرهیزکار باش تا عابدترین مردم باشی

﴿۶۵۷﴾ اصل و اساس دین ورع و تقواست، پرهیزکار باش تا بنده‌ترین مردم باشی.

۴-۱۰-۱-۶- هرکس ورع پیشه کند، عبادتش نیکو می‌گردد

﴿۶۵۸﴾ هرکس ورع پیشه کند، عبادتش نیکو می‌گردد.

۵-۱۰-۱-۶- حقیقت بندگی

﴿۶۵۹﴾ [عنوان بصری گوید:] عرض کردم: «حقیقت عبودیت و بندگی چیست؟» فرمود: «سه چیز است. اول اینکه ملک و مال را که خدا به او داده از خود نداند، چون بنده مالک چیزی نیست، مال را مال خدا دانسته و به دستور او مصرف می‌کند. دوم اینکه تدبیر و اداره‌کردن را از خود نداند، (گرداننده اصلی امور خداوند است). سوم اینکه اشتغالاتش مطابق امر و نهی خداوند باشد... و این اولین درجه‌ی تقوا است.»

۱۱-۱-۶- پیروی و پاسخ مثبت به پروردگار

۱-۱۱-۱-۶- از راه پیروی کنید، باشد که پرهیزکاری پیشه کنید

﴿۶۶۰﴾ این راه مستقیم من است، از آن پیروی کنید! و از راه‌های پراکنده (و انحرافی) پیروی نکنید، که شما را از طریق حق، دور می‌سازد! این چیزی است که خداوند شما را به آن سفارش می‌کند، باشد که پرهیزکاری پیشه کنید!»

۲-۱۱-۱-۶- از راه‌های پیروی امر ما، پرهیزکاری است

﴿۶۶۱﴾ ما کسی را مؤمن نمی‌دانیم مگر اینکه همه دستورات ما را به کار ببندد. و یکی از اوامر ما ورع و پرهیزکاری می‌باشد. خداوند شما را رحمت کند! خود را به ورع زینت دهید و دشمنان ما را با زینت خود فریفته کنید تا خداوند شما را شاداب گرداند.

المُرَادِفَاتُ وَالمُقَارِبَاتُ

٣-١١-٦-١- إجابةُ الحقِّ و.راجع: التعاريفُ و التَّماثيلُ

﴿٦٦﴾ الرَّسُولُ ﷺ: فَاتَّقُوا اللَّهَ عِبَادَ اللَّهِ وَأَجِيبُوا إِلَى الْحَقِّ وَكُونُوا أَغْوَانًا لِمَنْ دَعَاكُمْ إِلَيْهِمْ؛

بحار الأنوار، ج ٤٦، ص ٢٠٦

١٢-٦-١- العملُ وَالْإِجْتِهَادُ وَرَاجِعُ: التَّعَارِيفُ وَالتَّمَاثِيلُ

١-١٢-٦-١- إِتَّقِ اللَّهَ وَاعْمَلْ بِطَاعَتِهِ

﴿٦٦٣﴾ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ (عليه السلام): فَهَذَا مَا فَرَضَ اللَّهُ تَبَارَكَ وَتَعَالَى عَلَى جَوَارِحِكَ فَاتَّقِ اللَّهَ يَا بُنَيَّ وَاسْتَعْمِلْهَا بِطَاعَتِهِ وَرُضْوَانِهِ وَإِيَّاكَ أَنْ يَرَاكَ اللَّهُ تَعَالَى عِنْدَ مَعْصِيَتِهِ أَوْ يَفْقِدَكَ عِنْدَ طَاعَتِهِ؛

من لا يحضره الفقيه، ج ٢، ص ٦٢٨

۲-۱۲-۶-۱- اتَّقُوا وَاَعْمَلُوا

﴿٦٤﴾ الباقِرُ عَلَيْهِ السَّلَامُ: فَاتَّقُوا وَاعْمَلُوا لِمَا عِنْدَ اللَّهِ لَسَنَ بَيْنَ اللَّهِ وَبَيْنَ أَحَدٍ قَرَابَةٌ؛ بحار الأنوار.

ج ۶۷، ص ۹۷

٣-١٢-١٦- اتَّقُوا اللَّهَ وَسَارِعُوا إِلَى الْعَمَلِ بِطَاعَتِهِ

﴿٦٦٥﴾ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عليه السلام: فَاتَّقُوا اللَّهَ عَزَّ ذِكْرُهُ وَاسَارِعُوا إِلَى رِضْوَانِ اللَّهِ وَالْعَمَلِ بِطَاعَتِهِ وَ

التَّقَرُّبُ إِلَيْهِ بِكُلِّ مَا فِيهِ الرِّضَا؛ الكافي، ج ٨، ص ١٧٣

٤-١٢-٦-١. أَسْأَلُكَ أَعْمَالَ أَهْلِ التَّقْوَى

﴿٦٦﴾ الْكَافِرُ: اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ تَوْفِيقَ أَهْلِ الْهُدَى وَأَعْمَالَ أَهْلِ التَّقْوَى؛ بحار الأنوار.

ج ۹۱، ص ۱۹۸

٥-١٢-١-٦-التَّقْوَى أَفْضَلُ الْأَعْمَالِ

﴿٦٦٧﴾ أمير المؤمنين (عليه السلام): سئلَ النبيُّ (صلى الله عليه وآله) أَيُّ عَمَلٍ أَفْضَلُ قَالَ التَّقْوَى؛ بحار الأنوار، ج ٦٧، ص ٢٨٨

﴿٦٦٨﴾ الرَّسُولُ ﷺ قَالَ لَهُ زَيْدُ بْنُ صُوحَانَ الْعَبْدِيُّ يَا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ... فَأَيُّ عَمَلٍ أَفْضَلُ قَالَ

التَّقْوَى؛ من لا يحضره الفقيه، ج ٤، ص ٣٨١

۶-۱۲-۱-۶۔ التَّقْوَىٰ أَنْ لَا يَفْقِدَكَ اللَّهُ حَيْثُ أَمَرَكَ

﴿٦٦٩﴾ الصَّادِقُ عَلَيْهِ السَّلَامُ: سِئِلَ الصَّادِقُ عَلَيْهِ السَّلَامُ عَنْ تَفْسِيرِ التَّقْوَى فَقَالَ أَنْ لَا يَفْقِدَكَ اللَّهُ حَيْثُ

أَمَرَكَ وَلَا يَرَاكَ حَيْثُ نَهَاكَ؛ بحار الأنوار، ج ٦٧، ص ٢٨٥

﴿ ۳۵۴ ﴾

«کلمات مترادف و نزدیک به تقوا»

۳-۱۱-۱-۶- پذیرش دعوت به حق و ربه: تعریف‌ها و تمثیل‌ها

«۶۶۲» مردم! از خدا پرهیزید و پیروی کنید از کسی که شما را به حق دعوت می‌کند و به او کمک نمایید.

۲-۱۲-۱-۶- عمل و تلاش و ربه: تعریف‌ها و تمثیل‌ها

۱-۱۲-۱-۶- پروا کن و فرمان او را عمل کن

«۶۶۳» این مطالب، چیزهایی است که خداوند تبارک و تعالی بر اعضا و جوارح تو واجب کرده؛ پس ای فرزند عزیزم! برای اطاعت و کسب رضایت خدا، این دستورات را به کار گیر؛ مبدا خدا تو را در حال انجام معصیتش ببیند یا در جایی که باید اطاعتش کنی، تو را نیابد.

۲-۱۲-۱-۶- پروا کنید و عمل کنید

«۶۶۴» از خدا بترسید و برای به دست آوردن آنچه نزد اوست عمل کنید؛ بین خدا و هیچ کس قرابتی نیست.

۳-۱۲-۱-۶- پروا کنید و در عمل به فرمان او، سرعت بگیرید

«۶۶۵» از خدای والامقام بترسید و به سوی رضوان خدا و انجام طاعت و تقرب به او و هرچه خشنودی او در آن است، بشتابید.

۴-۱۲-۱-۶- از تو اعمال اهل تقوا را می‌طلبم

«۶۶۶» خداوند! از تو می‌خواهم که به من همان توفیقی را عطا کنی که به هدایت‌شدگان عطا نموده‌ای و همچنین اعمال پرهیزکاران را از تو می‌خواهم.

۵-۱۲-۱-۶- پرهیزکاری بهترین اعمال است

«۶۶۷» سؤال شد: «کدام عمل از همه برتر است؟» فرمود: «تقوا».

«۶۶۸» زید بن صوحان عرض کرد: «ای امیرمؤمنان! کدام عمل افضل است؟» فرمود: «پرهیزکاری».

۶-۱۲-۱-۶- پرهیزکاری آن است که خداوند تو را در کنار دستورهای خود غایب نبیند

«۶۶۹» درباره‌ی معنای تقوا از امام صادق (علیه السلام) سؤال شد. فرمود: «تقوا یعنی اینکه خداوند تو را در کنار دستورها و اوامر خود حاضر و آماده ببیند و در موارد نهی و حرّمات، تو را نبیند».

«کلمات مترادف و نزدیک به تقوا»

۱۲-۶-۱- پرهیزکاری، عمل با اعضا و جوارح است

﴿۶۷۰﴾ اسلام، با به زبان آوردن آشکار می‌شود اما ایمان سرّی در قلب است. تقوا در عمل و رفتار آشکار می‌شود. چگونه ممکن است فردی مسلمان باشی درحالی که مردم در کنارت در سلامت نباشند؟! چگونه فردی مؤمن باشی ولی مردم از (شرّ) تو در امان نباشند؟ چگونه فردی با تقوا باشی درحالی که مردم از شرّ و اذیت تو در پناه نباشند؟

۱۲-۶-۸- پرهیزکاران به آنچه رضایت پروردگارشان را فراهم می‌کند عمل می‌کنند

﴿۶۷۱﴾ «مایه هدایت پرهیزکاران است»؛ آنانی که از ارتکاب گناهان کبیره پرهیز می‌کنند و از مسلّط‌ساختن نادانی بر خودشان دوری می‌نمایند تا واجباتشان را بدانند و به آنچه مورد رضای خداست، عمل کنند.

۱۲-۶-۹- پرهیزکارترین شما کسی است که بهتر عمل کند

﴿۶۷۲﴾ پیامبر ﷺ این آیه را تلاوت فرمود: «پربرکت و زوال‌ناپذیر است کسی که حکومت جهان هستی به دست اوست، و او بر هر چیز تواناست. آن کس که مرگ و حیات را آفرید تا شما را بیازماید که کدام یک از شما بهتر عمل می‌کنید»؛ سپس فرمود: «منظور این است که کدام یک عاقل‌تر و در برابر حرام‌های الهی پرهیزکارتر و در طاعت خداوند سریع‌تر هستید».

۱۲-۶-۱۰- تمام تقوا آن است که به آنچه آموختی، عمل کنی

﴿۶۷۳﴾ تمام تقوا همین است که آنچه نمی‌دانی بیاموزی و آنچه آموختی عمل کنی.

۱۲-۶-۱۱- به خاطر عمل داخل بهشت می‌شوند چراکه جز از پرهیزکاران عملی را نمی‌پذیرد

﴿۶۷۴﴾ ابن‌سلام گفت: «بگو ببینم بهشتیان به واسطه‌ی اسلام داخل بهشت می‌شوند یا به واسطه‌ی ایمان یا عمل؟» فرمود: «بعضی با هر سه داخل بهشت می‌شوند. آنان که مسلمان مؤمن عامل هستند با سه عمل داخل بهشت می‌شوند. یا کسی مسیحی و یا یهودی و یا مجوس است ولی بین دو نماز مسلمان می‌شود و کفر را از دل می‌زداید و پس از مسلمان شدن از دنیا می‌رود، او با اینکه عملی انجام نداده، از اهل بهشت خواهد بود، این ایمان بدون عمل است. و یا یهودی و یا مسیحی است که صدقه می‌دهد و انفاق می‌کند ولی نه در راه خدا. او در کفر و گمراهی خویش است، مردم‌پرست است نه خداپرست، اگر بمیرد در جهنّم خواهد بود، چون خداوند جز از متّقین و پرهیزکاران عملی را نمی‌پذیرد». گفت: «درست است یا محمّد!».

«کلمات مترادف و نزدیک به تقوا»

۱۲-۱۲-۱-۶-۱- پرهیزکاری و تلاش

«۶۷۵» با غیر زبان خویش مردم را [به کیش و مذهب خود] دعوت کنید، مردم باید ورع و کوشش و نماز و خیر شما را ببینند، که این‌ها خود دعوت‌کننده می‌باشند.

«۶۷۶» مردم را به غیر زبان [بلکه با کردار] خود به خیر و نیکوکاری دعوت کنید، مردم باید کوشش در عبادت و راستگویی و پرهیزکاری شما را ببینند.

۱۳-۱۲-۱-۶-۱- کوشش برای کسب حلال

«۶۷۷» رتبه‌ی عالی پرهیزکاری، کوشش برای کسب حلال و اجتناب از دست‌درازی جلوی دیگران است.

۱۳-۱۲-۱-۶-۱- دین و ر.به: تعریف‌ها و تمثیل‌ها

۱-۱۳-۱-۶-۱- پرهیزکاری و دین

«۶۷۸» با برادر پرهیزکار مصاحبت کن تا سالم بمانی و از او راهنمایی به راه راست را بجوی تا غنیمت یابی.

۲-۱۳-۱-۶-۱- اگر در تو تقوا هست پس دین هم هست

«۶۷۹» مردی نزد رسول خدا ﷺ رفت و عرض کرد: «ای رسول خدا! مگر من برترین فرد قومم نیستم؟! فرمود: «اگر عقل داری، فضیلت داری و اگر اخلاق نیکی داری، مروّت داری و اگر مال و دارایی داری حسب و نسب داری و اگر تقوا داری، دین داری».

۳-۱۳-۱-۶-۱- نشانه‌ی دین بنده، پرهیزکاری اوست

«۶۸۰» ورع بنده نشانه‌ی دینداری اوست.

۴-۱۳-۱-۶-۱- مدیریت دینداری به پرهیزکاری نیکوست

«۶۸۱» سیاست دین و کامل گردانیدن آن، به نیکویی پرهیزکاری و یقین است.

۵-۱۳-۱-۶-۱- از دین مرد به پرهیزکاری نیکو و ورع صادقانه‌ی او استدلال می‌شود

«۶۸۲» با تقوای خوب و راستی و ورع فرد، به دین‌داری او می‌توان استدلال کرد.

۱۴-۱۲-۱-۶-۱- اسلام و ر.به: فصل ۲؛ تقوا فراتر از اسلام

«المُرَادِفَاتُ وَ الْمُقَارِبَاتُ»

١-١٤-١- الإسلامُ بِاللِّسَانِ وَ التَّقْوَى بِالْجَوَارِحِ

﴿٦٨٣﴾ الرَّسُولُ ﷺ: الْإِسْلَامُ عَلَانِيَةٌ بِاللِّسَانِ وَالْإِيمَانُ سِرٌّ بِالْقَلْبِ وَ التَّقْوَى عَمَلٌ بِالْجَوَارِحِ كَيْفَ تَكُونُ مُسْلِمًا وَ لَا يَسْلَمُ النَّاسُ مِنْكَ وَ كَيْفَ تَكُونُ مُؤْمِنًا وَ لَا تَأْمَنُكَ النَّاسُ وَ كَيْفَ تَكُونُ تَقِيًّا وَ النَّاسُ يَتَّقُونَ مِنْ شَرِّكَ وَ أَذَاكَ؛ إرشاد القلوب، ج ١، ص ٧٠

﴿٦٨٤﴾ الرَّسُولُ ﷺ: [قَالَ ابْنُ سَلَامٍ] فَأَخْبَرَنِي عَنْ أَهْلِ الْجَنَّةِ يَدْخُلُونَ فِيهَا بِالْإِسْلَامِ أَوْ بِالْإِيمَانِ أَوْ بِالْعَمَلِ قَالَ مِنْهُمْ مَنْ يَدْخُلُ بِالثَّلَاثَةِ يَكُونُ مُسْلِمًا مُؤْمِنًا عَامِلًا فَيَدْخُلُ الْجَنَّةَ بِثَلَاثَةِ أَعْمَالٍ أَوْ يَكُونُ نَصْرَانِيًّا أَوْ يَهُودِيًّا أَوْ مَجُوسِيًّا فَيُسْلَمُ بَيْنَ الصَّلَاتَيْنِ وَ يُؤْمِنُ بِاللَّهِ وَ يَخْلَعُ الْكُفْرَ مِنْ قَلْبِهِ فَيَمُوتُ عَلَى مَكَانِهِ وَ لَمْ يُخْلَفْ مِنْ الْأَعْمَالِ شَيْئًا فَيَكُونُ مِنْ أَهْلِ الْجَنَّةِ فَذَلِكَ إِيْمَانٌ بِمَا عَمِلَ وَ يَكُونُ يَهُودِيًّا أَوْ نَصْرَانِيًّا يَتَصَدَّقُ وَ يُنْفِقُ فِي غَيْرِ ذَاتِ اللَّهِ فَهُوَ عَلَى الْكُفْرِ وَ الضَّلَالَةِ يَعْبُدُ الْمَخْلُوقَ دُونَ الْخَالِقِ فَإِذَا مَاتَ عَلَى دِينِهِ كَانَ فَوْقَ عَمَلِهِ فِي النَّارِ يَوْمَ الْقِيَامَةِ لِأَنَّ اللَّهَ لَا يَقْبَلُ إِلَّا مِنَ الْمُتَّقِينَ قَالَ صَدَقْتَ يَا مُحَمَّدُ؛ بحار الأنوار، ج ٩، ص ٣٣٧

١-١٤-٢- الإسلامُ لِبَاسُ الْمُتَّقِينَ

﴿٦٨٥﴾ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ (عليه السلام): فَإِنَّ اللَّهَ تَبَارَكَ وَ تَعَالَى شَرَعَ الْإِسْلَامَ وَ سَهَّلَ شَرَائِعَهُ لِمَنْ وَرَدَهُ وَ أَعَزَّ أَرْكَانَهُ لِمَنْ حَارَبَهُ وَ جَعَلَهُ... جُنَّةً لِمَنْ صَبَرَ وَ لِبَاسًا لِمَنْ اتَّقَى؛ الكافي، ج ٢، ص ٤٩

١-١٤-٣- التَّقْوَى عُدَّةُ الْإِسْلَامِ

﴿٦٨٦﴾ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ (عليه السلام): الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي شَرَعَ الْإِسْلَامَ فَسَهَّلَ شَرَائِعَهُ لِمَنْ وَرَدَهُ ... وَ التَّقْوَى عُدَّتُهُ؛ الأمالي للطوسي، ص ٣٧

١-١٤-٤- التَّقْوَى لِبَاسُ الْإِسْلَامِ

﴿٦٨٧﴾ الرَّسُولُ ﷺ: قَالَ ﷺ: لَا يَدْخُلُ الْجَنَّةَ إِلَّا مَنْ كَانَ مُسْلِمًا فَقَالَ أَبُو ذَرٍّ يَا رَسُولَ اللَّهِ وَ مَا الْإِسْلَامُ فَقَالَ الْإِسْلَامُ غُرْبَانُ وَ لِبَاسُهُ التَّقْوَى وَ شِعَارُهُ الْهُدَى وَ دَنَارُهُ الْحَيَاءُ؛ بحار الأنوار، ج ٧٤، ص ١٥٨

١-١٤-٥- الْوَرَعُ عِمَادُ الْإِسْلَامِ

﴿٦٨٨﴾ الرَّسُولُ ﷺ: يَا عَلِيُّ الْإِسْلَامُ غُرْبَانُ وَ لِبَاسُهُ الْحَيَاءُ وَ زِينَتُهُ الْعِفَافُ وَ مَرْوَتُهُ الْعَمَلُ الصَّالِحُ وَ عِمَادُهُ الْوَرَعُ؛ وسائل الشيعة، ج ١٥، ص ٢٤٦

«کلمات مترادف و نزدیک به تقوا»

۱-۱۴-۶-۱- اسلام به زبان است و تقوا به جوارح

﴿۶۸۳﴾ اسلام، با به زبان آوردن آشکار می‌شود اما ایمان سَرّی در قلب است. تقوا در عمل و رفتار آشکار می‌شود. چگونه ممکن است فردی مسلمان باشی درحالی‌که مردم در کنارت در سلامت نباشند؟! چگونه فردی مؤمن باشی ولی مردم از (شرّ) تو در امان نباشند؟ چگونه فردی با تقوا باشی درحالی‌که مردم از شرّ و اذیت تو در پناه نباشند؟

﴿۶۸۴﴾ ابن‌سلام گفت: «بگو بینم بهشتیان به واسطه‌ی اسلام داخل بهشت می‌شوند یا به واسطه‌ی ایمان یا عمل؟» فرمود: «بعضی با هر سه داخل بهشت می‌شوند. آنان که مسلمان مؤمن عامل هستند با سه عمل داخل بهشت می‌شوند. یا کسی مسیحی و یا یهودی و یا مجوس است ولی بین دو نماز مسلمان می‌شود و کفر را از دل می‌زداید و پس از مسلمان شدن از دنیا می‌رود، او با اینکه عملی انجام نداده، از اهل بهشت خواهد بود، این ایمان بدون عمل است. و یا یهودی و یا مسیحی است که صدقه می‌دهد و انفاق می‌کند ولی نه در راه خدا. او در کفر و گمراهی خویش است، مردم‌پرست است نه خداپرست، اگر بمیرد در جهنّم خواهد بود، چون خداوند جز از متّقین و پرهیزکاران عملی را نمی‌پذیرد». گفت: «درست است یا محمّد!».

۲-۱۴-۶-۱- اسلام لباس پرهیزکاران است

﴿۶۸۵﴾ به راستی که خدای تبارک و تعالی اسلام را تشریع کرد و دستورهای آن را برای هرکس که مسلمان شود، آسان کرد. و ارکانش را در برابر هرکس که با آن نبرد کند، شکست‌ناپذیر ساخت، و آن را ... برای هرکس که شکیباً باشد، سپر و برای هرکه تقوا ورزد، لباس قرار داد.

۳-۱۴-۶-۱- پرهیزکاری سرمایه‌ی اسلام است

﴿۶۸۶﴾ حمد و سپاس خدایی را که شریعت اسلام را وضع کرد و احکام آن را برای کسانی که وارد آن شده‌اند، آسان نمود ... و تقوا را سرمایه‌ی آن قرار داد.

۴-۱۴-۶-۱- پرهیزکاری لباس اسلام است

﴿۶۸۷﴾ فرمود: «جز مسلمان کسی وارد بهشت نمی‌شود». آنگاه ابوذر رضی الله عنه عرض کرد: «ای رسول خدا! اسلام چیست؟» فرمود: «اسلام برهنه است و لباسش پرهیزکاری، و زیر پوشش هدایت، و روپوشش حیاست».

۵-۱۴-۶-۱- پرهیزکاری ستون اسلام است

﴿۶۸۸﴾ یا علی! اسلام عریان است. حیا به منزله‌ی لباس او، وقار زینت او و عمل صالح مردانگی او و پرهیزکاری اساس زندگی اوست.

المُرَادِفَاتُ وَالمُقَارِبَاتُ

١٤-٦-١- الورعُ ملاكُ الإسلام

﴿٦٨٩﴾ الرَّسُولُ ﷺ: الْإِسْلَامُ ... مِلَاكُهُ الْوَرَعُ؛ بحار الأنوار، ج ٢٧، ص ٨٢

١٤-٧-١٦-١-الورعُ مُزَيَّنُ الإسلام

﴿٦٩٠﴾ الْعَسْكَرِيُّ عليه السلام فَقَالَ يَا مُحَمَّدٌ وَمِنْ النَّاسِ مَنْ يُعْجِبُكَ قَوْلُهُ فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَبِأَظْهَارِهِ

تِلْكَ [لَكَ] الدِّينَ وَالْإِسْلَامَ وَتَزَيَّنَّ فِي حَضْرَتِكَ بِالْوَرَعِ وَالْإِحْسَانِ؛ بحار الأنوار، ج ٩، ص ١٨٨

٨-١٤-١- لَا إِسْلَامَ لِمَنْ لَا وَرَعَ لَهُ

﴿٦٩١﴾ الرضا عليه السلام: لَا إِسْلَامَ لِمَنْ لَا وَرَعَ لَهُ؛ بحار الأنوار، ج ٧٢، ص ٤١٢

١٥-٦-١- الْعِلْمُ وَالْفِقْهُ وَالْمَعْرِفَةُ وَرَاجِعُ: التَّعَارِيفُ وَالتَّمَاثِيلُ

١-١٥-١- العلمُ اتقى

﴿٦٩٢﴾ السَّجَادُ الْعَلِيِّ: وَاعْلَمْ أَنَّ الْعِلْمَ اتَّقَى؛ كَفَايَةُ الْأَثَرِ، ص ٢٣٩

٢-١٥-١-٦-التَّقْوَى عِلْمٌ بِلَا جَهْلٍ

﴿٦٩٣﴾ الصَّادِقُ (عليه السلام): نَفْسِيرُ التَّقْوَى تَرَكُ مَا لَيْسَ بِأَخْذِهِ بِأَسْ حَذَرًا عَمَّا بِهِ بِأَسْ وَهُوَ فِي

الْحَقِيقَةُ طَاعَةٌ وَ ذِكْرُ بَلَا نِسْيَانٍ وَ عِلْمٌ بَلَا جَهْلٍ مَقْبُولٌ غَيْرُ مَرْدُودٍ؛ بحار الأنوار، ج ٦٧، ص ٢٩٥

۳-۱۵-۶-۱. تَمَامُ التَّقْوَىٰ أَنْ تَتَعَلَّمَ مَا جَهِلْتَ

﴿٦٩٤﴾ الرَّسُولُ ﷺ: تَمَامُ التَّقْوَى أَنْ تَعْلَمَ مَا جَهِلْتَ وَتَعْمَلَ بِمَا عَلِمْتَ؛ مجموعة ورام، ج ٢،

ص ۱۱۹

٤-١٥-١-٦- العلم بما يجب عليهم علمه

﴿٦٩٥﴾ الْعَسْكَرُ ^{الْعَلِيَّةُ} هُدًى لِّلْمُتَّقِينَ الَّذِينَ يَتَّقُونَ الْمَوْبَقَاتِ وَيَتَّقُونَ تَسْلِطَ السَّعَةِ عَلَى أَنْفُسِهِمْ

حَتَّىٰ إِذَا عَلِمُوا مَا يَجِبُ عَلَيْهِمْ عِلْمُهُ عَمِلُوا بِمَا يُوجِبُ لَهُمْ رِضَا رَبِّهِمْ؛ بحار الأنوار، ج ٢، ص ٣٤

٥-١٥-٦-١ - مَعْرِفَةُ الْحَقِّ مِنَ الْبَاطِلِ

﴿٦٩٦﴾ الصَّادِقُ عَلَيْهِ السَّلَامُ: فَأَلْهَمَهَا فُجُورَهَا وَتَقْوَاهَا قَالَتْ مَعْرِفَةُ الْحَقِّ مِنَ الْبَاطِلِ؛ بحار الأنوار، ج ٢٤، ص ٧٢

﴿٦٩٧﴾ الصَّادِقُ (عليه السلام): وَقَالَ فَالْتَهُمَهَا فُجُورَهَا وَتَقْوَاهَا قَالِ بَيْنَ لَهَا مَا تَأْتِي وَمَا تَنْتَرِكُ؛ الْكَافِي،

ج ۱، ص ۱۶۳

«کلمات مترادف و نزدیک به تقوا»

۱۴-۱-۶- پرهیزکاری ملاک اسلام است

﴿۶۸۹﴾ ملاک و قوام اسلام ورع است.

۱۴-۱-۶- پرهیزکاری زینت‌دهنده‌ی اسلام است

﴿۶۹۰﴾ ای محمد! «از مردم، کسانی هستند که گفتار آنان، در زندگی دنیا مایه اعجاب تو می‌شود»؛ به اظهار دین و مسلمانی آن را با ورع و احسان به حضور تو زینت می‌نماید.

۱۴-۱-۶- کسی که ورع ندارد مسلمان نیست

﴿۶۹۱﴾ کسی که ورع ندارد، اسلام ندارد.

۱۵-۱-۶- علم و فقه و شناخت و ر.به: تعریف‌ها و تمثیل‌ها

۱۵-۱-۶- دانش [موجب] پرهیزکارتر [شدن] است

﴿۶۹۲﴾ بدان که دانش پرهیزکارتر است (دانش انسان را به پرهیزکاری سوق می‌دهد).

۱۵-۱-۶- پرهیزکاری دانش بدون نادانی است

﴿۶۹۳﴾ تفسیر تقوا چنین است که انسان آن چه را بی‌اشکال است نیز ترک کند که مبدا به حرام منجر شود که این در واقع اطاعت است و یاد دائم و بدون فراموشی حق و نیز آگاهی بدون جهالت که عمل بر مبنای آن مقبول است و مردود نیست.

۱۵-۱-۶- تمام تقوا آن است که آنچه نمی‌دانی بیاموزی

﴿۶۹۴﴾ تمام تقوا همین است که آنچه نمی‌دانی بیاموزی و آنچه آموختی عمل کنی.

۱۵-۱-۶- دانستن آنچه دانستش واجب است

﴿۶۹۵﴾ «مایه‌ی هدایت پرهیزکاران است»؛ آنانی که از ارتکاب گناهان کبیره پرهیز می‌کنند و از مسلط‌ساختن نادانی بر خودشان دوری می‌نمایند تا واجباتشان را بدانند و به آنچه مورد رضای خداست، عمل کنند.

۱۵-۱-۶- شناخت حق از باطل

﴿۶۹۶﴾ در مورد آیه‌ی «سپس فجور و تقوا (شرّ و خیرش) را به او الهام کرده است»؛ فرمود: شناخت حقیقت از باطل.

﴿۶۹۷﴾ درباره‌ی این سخن خداوند: «فَاللَّهُمَّهَا فُجُورَهَا وَتَقْوَاهَا»؛ فرمود: یعنی کارهایی که باید انجام دهد و کارهایی که باید ترک کند را برایش بیان کرد.

«کلمات مترادف و نزدیک به تقوا»

۱۵۶-۱-۶- علم دقیق

﴿۶۹۸﴾ همانا بافضیلت‌ترین فقه ورع در دین خدا و عمل به طاعت الهی است.

۱۶-۱-۶- گمان نیک

﴿۶۹۹﴾ بالاترین ورع، حسن ظنّ [به خدا] است.

۱۷-۱-۶- یاد بدون فراموشی

﴿۷۰۰﴾ تفسیر تقوا چنین است که انسان آن چه را بی‌اشکال است نیز ترک کند که مبدا به حرام منجر شود که این در واقع اطاعت است و یاد دائم و بدون فراموشی حق و نیز آگاهی بدون جهالت که عمل بر مبنای آن مقبول است و مردود نیست.

۱۸-۱-۶- خشنودی خداوند

﴿۷۰۱﴾ آیا کسی که شالوده آن را بر تقوای الهی و خشنودی او بنا کرده بهتر است، یا کسی که اساس آن را بر کنار پرتگاه سستی بنا نموده که ناگهان در آتش دوزخ فرومی‌ریزد؟ و خداوند گروه ستمگران را هدایت نمی‌کند!

۱۹-۱-۶- عدل

۱۹-۱-۶- عدالت بورزید که به پرهیزکاری نزدیک‌تر است

﴿۷۰۲﴾ ای کسانی که ایمان آورده‌اید! همواره برای خدا قیام کنید، و از روی عدالت، گواهی دهید! دشمنی با جمعیتی، شما را به گناه و ترک عدالت نکشاند! عدالت کنید، که به پرهیزکاری نزدیک‌تر است! و از (معصیت) خدا بپرهیزید، که از آنچه انجام می‌دهید، با خبر است!

۲-۱۹-۱-۶- همه‌ی تقوا عدل است

﴿۷۰۳﴾ همه‌ی تقوا در این فرموده‌ی خداوند آمده است: «خداوند به عدل و احسان فرمان می‌دهد».

۳-۱۹-۱-۶- نمی‌توانید عدالت برقرار کنید... تقوا پیشه کنید

﴿۷۰۴﴾ شما هرگز نمی‌توانید (از نظر محبت قلبی) در میان زنان، عدالت برقرار کنید، هر چند کوشش نمایید! ولی تمایل خود را به کلی متوجه یک طرف نسازید که دیگری را به‌صورت زنی که شوهرش را از دست داده درآورید! و اگر راه صلاح و پرهیزکاری پیش گیرید، خداوند آمرزنده و مهربان است.

۲۰-۱-۶- عفو

﴿المُضَادَاتُ﴾

﴿٧٠٥﴾ وَإِنْ طَلَّقْتُمُوهُنَّ مِنْ قَبْلِ أَنْ تَمْسُوهُنَّ وَقَدْ فَرَضْتُمْ لَهُنَّ فَرِيضَةً فَنِصْفُ مَا فَرَضْتُمْ إِلَّا أَنْ يَعْفُونَ أَوْ يَعْفُوا الَّذِي بِيَدِهِ عُقْدَةُ النِّكَاحِ وَأَنْ تَعْفُوا أَقْرَبُ لِلتَّقْوَى وَلَا تَنْسُوا الْفَضْلَ بَيْنَكُمْ إِنَّ اللَّهَ بِمَا تَعْمَلُونَ بَصِيرٌ البقرة ٢٣٧
١-٦-٢١- النهي

﴿٧٠٦﴾ أمير المؤمنين عليه السلام: التَّقْوَى غَايَةُ لَا يَهْلِكُ مَنْ تَبِعَهَا وَلَا يَنْدَمُ مَنْ يَعْمَلُ بِهَا لِأَنَّ التَّقْوَى فَازَ الْفَائِزُونَ وَبِالْمَعْصِيَةِ خَسِرَ الْخَاسِرُونَ فَلْيَزِدْجِرْ أَوَّلُو النَّهْيِ وَلْيَتَذَكَّرْ أَهْلُ التَّقْوَى؛ بحار الأنوار، ج ٤٥، ص ٣٨٢
١-٦-٢٢- ما لَيْسَ بِتَقْوَى اللَّهِ
١-٦-٢٢-١- الْبُكَاءُ لَيْسَ بِتَقْوَى اللَّهِ

﴿٧٠٧﴾ الصادق عليه السلام: يَا عَلِيُّ بْنُ عَبْدِ الْعَزِيزِ لَا يَغْرَنَّكَ بُكَاءُهُمْ فَإِنَّ التَّقْوَى فِي الْقَلْبِ؛ بحار الأنوار، ج ٤٧، ص ٢٨٣
١-٦-٢٢-٢- طُولُ عِبَادَةِ لَيْسَ بِتَقْوَى اللَّهِ
﴿٧٠٨﴾ الباقر عليه السلام: لَيْسَ بِتَقْوَى اللَّهِ طُولُ عِبَادَةٍ وَلَكِنَّمَا التَّقْوَى مُجَانِبَةُ الشُّبْهِ؛ مجموعة ورام، ج ٢، ص ٣٠٥

١-٧- المُضَادَاتُ وَرَاجِعُ: الْفَصْلُ الثَّامِنُ؛ مَا يُتَّقَى مِنْهُ

١-٧-١- الْإِثْمُ وَالدَّنْبُ وَالمَعْصِيَةُ وَالفِسْقُ وَالفَسَادُ
١-٧-١-١- الْإِثْمُ

﴿٧٠٩﴾ وَلَا يَجْرِمَنَّكُمْ شَنَاَنُ قَوْمٍ أَنْ صَدُّوكُمْ عَنِ الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ أَنْ تَعْتَدُوا وَتَعَاوَنُوا عَلَى الْبِرِّ وَالتَّقْوَى وَلَا تَعَاوَنُوا عَلَى الْإِثْمِ وَالْعُدْوَانِ وَاتَّقُوا اللَّهَ إِنَّ اللَّهَ شَدِيدُ الْعِقَابِ؛ المائدة ٢
﴿٧١٠﴾ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِذَا تَنَاجَيْتُمْ فَلَا تَتَنَاجَوْا بِالْإِثْمِ وَالْعُدْوَانِ وَمَعْصِيَةِ الرَّسُولِ وَتَنَاجَوْا بِالْبِرِّ وَالتَّقْوَى وَاتَّقُوا اللَّهَ الَّذِي إِلَيْهِ تُحْشَرُونَ؛ المجادلة ٩
﴿٧١١﴾ الْأَئِمَّةُ عليهم السلام: فَاسْأَلْكَ أَنْ تُصَلِّيَ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَأَنْ تَعْصِمَنِي بِطَاعَتِكَ عَنْ مَعْصِيَتِكَ ... وَبِالتَّقْوَى عَنِ الْإِثْمِ؛ تهذيب الأحكام، ج ٣، ص ٩٦

﴿ مفاهیم متضاد تقوا ﴾

﴿ ۷۰۵ ﴾ و اگر آنان را، پیش از آن که با آنها تماس بگیرید و (آمیزش جنسی کنید) طلاق دهید، در حالی که مهری برای آنها تعیین کرده‌اید، (لازم است) نصف آنچه را تعیین کرده‌اید (به آنها بدهید) مگر اینکه آنها (حق خود را) ببخشند یا (در صورتی که صغیر و سفیه باشند، ولی آنها، یعنی) آن کس که گره ازدواج به دست اوست، آن را ببخشد. و گذشت کردن شما (و بخشیدن تمام مهر به آنها) به پرهیزکاری نزدیک‌تر است، و گذشت و نیکوکاری را در میان خود فراموش نکنید، که خداوند به آنچه انجام می‌دهید، بیناست!

۲۱-۶-۱- خرد

﴿ ۷۰۶ ﴾ پرهیزکاری هدفی است که پیرو آن نابود نمی‌شود و هرکس به آن عمل کند، پشیمان نمی‌شود. زیرا پیرومندان با تقوا کامیاب شدند و زیانکاران با نافرمانی زیان بردند. و باید خردمندان باز ایستند و پرهیزکاران پند گیرند.

۲۲-۶-۱- آنچه تقوای خداوند نیست

۱-۶-۲۲-۱- گریه تقوا نیست

﴿ ۷۰۷ ﴾ ای علی بن عبدالعزیز! فریب گریه‌ی آنها را نخوری که تقوا حالتی در دل است.

۲-۶-۲۲-۱- عبادت طولانی تقوا نیست

﴿ ۷۰۸ ﴾ تقوا معادل عبادت طولانی نیست بلکه تقوا دوری از [مال و افکار] شبهه‌ناک است.

۷-۱- مفاهیم متضاد تقوا و ربه: فصل ۸؛ آنچه باید از آن پرهیز کرد

۱-۷-۱- گناه و نافرمانی و فساد

۱-۷-۱-۱- گناه

﴿ ۷۰۹ ﴾ و خصومت با جمعیتی که شما را از آمدن به مسجد الحرام (در سال حدیبه) بازداشتند، نباید شما را وادار به تعدی و تجاوز کند! و (همواره) در راه نیکی و پرهیزکاری با هم تعاون کنید! و (هرگز) در راه گناه و تعدی همکاری ننمایید! و از (مخالفت فرمان) خدا بپرهیزید که مجازات خدا شدید است!

﴿ ۷۱۰ ﴾ ای کسانی که ایمان آورده‌اید! هنگامی که نجوا می‌کنید، و به گناه و تعدی و نافرمانی رسول (خدا) نجوا نکنید، و به کار نیک و تقوا نجوا کنید، و از خدایی که همگی نزد او جمع می‌شوید بپرهیزید!

﴿ ۷۱۱ ﴾ خداوند! از تو می‌خواهم که بر محمد و خاندان او درود بفرستی و مرا با توفیق اطاعتت از معصیتت ... با تقوا از گناه، در امان داری.

﴿المُضَادَاتُ﴾

١-٧-١-٢- الذَّنْبُ

﴿٧١٢﴾ دعاء العشرات: فَإِنَّكَ أَهْلُ التَّقْوَى وَأَهْلُ الْمَغْفِرَةِ وَأَنَا أَهْلُ الذُّنُوبِ وَالْخَطَايَا؛

بحار الأنوار، ج ٨٣، ص ٢٧٣

﴿٧١٣﴾ الكاظم عليه السلام: إِنَّ اللَّهَ تَبَارَكَ وَتَعَالَى أَيْدِ الْمُؤْمِنِ بَرُوحٍ مِنْهُ تَخْضَرُهُ فِي كُلِّ وَقْتٍ يُحْسِنُ فِيهِ وَيَتَّقِي وَتَغِيبُ عَنْهُ فِي كُلِّ وَقْتٍ يُذْنِبُ فِيهِ وَيَعْتَدِي؛ الكافي، ج ٢، ص ٢٦٨

١-٧-١-٣- الْمَعْصِيَةُ

﴿٧١٤﴾ أمير المؤمنين عليه السلام: التَّقْوَى غَايَةُ لَا يَهْلِكُ مَنْ تَبِعَهَا وَلَا يَنْدَمُ مَنْ يَعْمَلُ بِهَا لِأَنَّ بِالتَّقْوَى فَازَ الْفَائِزُونَ وَبِالْمَعْصِيَةِ خَسِرَ الْخَاسِرُونَ فَلْيَزِدْجِرْ أَوَّلُو النَّهْيِ وَلْيَتَذَكَّرْ أَهْلُ التَّقْوَى؛ بحار الأنوار،

ج ٦٥، ص ٣٨٢

﴿٧١٥﴾ الرسول صلى الله عليه وآله: الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي قَرَّبَ مِنْ حَامِدِيهِ وَدَنَا مِنْ سَائِلِيهِ وَوَعَدَ الْجَنَّةَ مَنْ يَتَّقِيهِ وَانْذَرِ النَّاسَ مَنْ يَعْصِيهِ؛ مستدرک الوسائل، ج ١٤، ص ٢٠٧

﴿٧١٦﴾ أمير المؤمنين عليه السلام: فَاتَّقُوا اللَّهَ عِبَادَ اللَّهِ فِيمَا أَمَرَكُمْ بِهِ وَأَطِيعُوهُ وَانْتَهُوا عَمَّا نَهَاكُمْ عَنْهُ فَلَا تَعْصُوهُ؛ المصباح للكفعمي، ص ٧١٤

﴿٧١٧﴾ أمير المؤمنين عليه السلام: فَاتَّقُوا اللَّهَ عِبَادَ اللَّهِ وَجَاهِدُوا فِي سَبِيلِهِ قَبْلَ أَنْ يَنَالَكُمْ سَخَطُهُ بَعْضِيَانَكُمْ لَهُ؛ بحار الأنوار، ج ٣٤، ص ١٣٤

﴿٧١٨﴾ الرضا عليه السلام: جَفَّ الْقَلَمُ بِحَقِيقَةِ الْكِتَابِ مِنَ اللَّهِ بِالسَّعَادَةِ لِمَنْ آمَنَ وَاتَّقَى وَالشَّقَاوَةِ مِنَ اللَّهِ تَبَارَكَ وَتَعَالَى لِمَنْ كَذَّبَ وَعَصَى؛ بحار الأنوار، ج ٥، ص ١٥٤

﴿٧١٩﴾ أمير المؤمنين عليه السلام: عَلِمْتُ (مَرِيْمَ) أَنَّ التَّقَى يَنْهَاهُ عَنِ الْمَعْصِيَةِ؛ بحار الأنوار، ج ١٤، ص ٢٢٤

﴿٧٢٠﴾ الأئمة عليهم السلام: قَالَ بَعْضُ آلِ مُحَمَّدٍ عليه السلام أَيُّهَا النَّاسُ لَا تَخْرُجُوا مِنْ عِزِّ التَّقْوَى إِلَى ذُلِّ الْمَعْصِيَةِ؛ أعلام الدين، ص ٣٢٤

١-٧-١-٤- التَّجَرُّى عَلَى الْمَعْصِيَةِ

﴿٧٢١﴾ السجّاد عليه السلام: اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ، وَخَلِّصْنِي مِنَ الْحَسَدِ، وَاحْضُرْنِي عَنِ الذُّنُوبِ، وَوَرِّعْنِي عَنِ الْمَحَارِمِ، وَلَا تُجَرِّئْنِي عَلَى الْمَعَاصِي؛ الصحيفة السجّادية عليه السلام، الدعاء ٢٢

«مفاهیم متضاد تقوا»

۱-۷-۱-۲- گناه

﴿۷۱۲﴾ [دعای عشرات:] تو اهل تقوا و زبینه‌ی آمرزش می‌باشی، و من گناهکار و خطاکار هستم.

﴿۷۱۳﴾ خداوند تبارک و تعالی مؤمن را با روحی از جانب خود تأیید نموده است که هر زمان بنده نیک و پرهیزکاری کند، آن روح حاضر می‌گردد و هر زمان که گناه و نافرمانی کند از او نهان می‌گردد.

۱-۷-۱-۳- نافرمانی

﴿۷۱۴﴾ پرهیزکاری هدفی است که پیرو آن نابود نمی‌شود و هرکس به آن عمل کند، پشیمان نمی‌شود. زیرا پیروزمندان با تقوا کامیاب شدند و زیانکاران با نافرمانی زیان بردند. و باید خردمندان باز ایستند و پرهیزکاران پند گیرند.

﴿۷۱۵﴾ ستایش ویژه خداوندی است که به کسانی که او را حمد می‌گویند، و به کسانی که از او چیزی می‌طلبند، نزدیک است. و بهشت را به کسانی که تقوا دارند، وعده داده است.

﴿۷۱۶﴾ بندگان خدا! از خدا در اموری که شما را به آن امر کرده، تقوا پیشه کنید و از او اطاعت کرده و از آنچه که از انجام آن نهی کرده، دست بردارید و معصیت خدا را نکنید.

﴿۷۱۷﴾ ای بندگان خدا! از خدا بترسید و در راهش جهاد کنید؛ پیش از آنکه در اثر گناهانتان غضبش به سوی شما آید و شما را در بر گیرد.

﴿۷۱۸﴾ قلم به حقیقت کتاب از جانب خداوند خشکید که کسی که ایمان بیاورد و تقوا بورزد، به سعادت می‌رسد و کسی که تکذیب کند و عصیان نماید، از جانب خداوند تبارک و تعالی به شقاوت می‌رسد.

﴿۷۱۹﴾ مریم می‌دانست که تقوا، انسان پرهیزکار را از معصیت باز می‌دارد.

﴿۷۲۰﴾ یکی از معصومین علیه السلام فرمود: «ای مردم! از عزّتی که تقوا برای شما به ارمغان آورده به‌سوی ذلّتی که ناشی از معصیت و گناه است، نروید».

۱-۷-۱-۴- جسارت بر نافرمانی

﴿۷۲۱﴾ بار خدایا! بر محمد و خاندانش درود بفرست و مرا از حسد برهان و از گناهان در امان دار و از حرام‌ها پرهیز ده و مرا بر ارتکاب معاصی گستاخ نفرما و میل و خواهش مرا به ساحت خود معطوف دار و چنان کن که به هر چه از تو می‌رسد، خرسند باشم.

﴿المُضَادَاتُ﴾

٥-١-٧-١- النشاطُ بِالْمَعْصِيَةِ

﴿٧٢٢﴾ الصَّادِقُ عليه السلام: قُلِ اللَّهُمَّ اجْعَلْنِي أَخْشَاكَ كَأَنِّي أَرَاكَ وَأَسْعِدْنِي بِتَقْوَاكَ وَلَا تُشْقِنِي بِشَطَطِي لِمَعَاصِيكَ؛ الكافي، ج ٢، ص ٥٧٧

٦-١-٧-١- الفُجُورُ

﴿٧٢٣﴾ وَنَفْسٍ وَمَا سَوَّاهَا * فَأَلْهَمَهَا فُجُورَهَا وَتَقْوَاهَا؛ الشمس ٨-٧

﴿٧٢٤﴾ ابن عباس رضي الله عنهما في قوله تعالى أَمْ نَجْعَلُ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ كَالْمُفْسِدِينَ فِي الْأَرْضِ أَمْ نَجْعَلُ الْمُتَّقِينَ كَالْفُجَّارِ قَالَ نَزَلَتْ الْآيَةُ فِي ثَلَاثَةِ مِنَ الْمُسْلِمِينَ فَهُمْ الْمُتَّقُونَ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ وَفِي ثَلَاثَةِ مِنَ الْمُشْرِكِينَ هُمْ الْمُفْسِدُونَ فِي الْأَرْضِ فَأَمَّا الثَّلَاثَةُ مِنَ الْمُسْلِمِينَ فَعَلِيُّ بْنُ أَبِي طَالِبٍ وَحَمْزَةُ وَغَيْبَةُ وَأَمَّا الثَّلَاثَةُ مِنَ الْمُشْرِكِينَ فَعُتْبَةُ بْنُ رَبِيعَةَ وَشَيْبَةُ وَالْوَلِيدُ بْنُ عُتْبَةَ وَهُمْ الَّذِينَ يَبَارِزُونَ يَوْمَ بَدْرٍ فَقَتَلَ عَلَى الْوَلِيدِ وَقَتَلَ حَمْزَةُ عُتْبَةَ بْنَ رَبِيعَةَ وَقَتَلَ غَيْبَةُ شَيْبَةَ؛ بحار الأنوار، ج ١٩، ص ٢٩٨

﴿٧٢٥﴾ أمير المؤمنين عليه السلام: الْأَمْرَةُ الْبَرَّةُ فَيَعْمَلُ فِيهَا التَّقَى وَأَمَّا الْإِمْرَةُ الْفَاجِرَةُ فَيَتَمَتَّعُ فِيهَا الشَّقَى إِلَى أَنْ تَنْقَطِعَ مَدَّتُهُ وَتُدْرَكَهُ مَنِيَّتُهُ؛ نهج البلاغة، ص ٨٢

﴿٧٢٦﴾ الرسول ﷺ: أَكْبَسُ الْكِيسِ التَّقَى وَأَحْمَقُ الْحُمَقِ الْفُجُورُ؛ الكافي، ج ٨، ص ٨١

﴿٧٢٧﴾ أمير المؤمنين عليه السلام: خَيْرُ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ فِي خِصْلَتَيْنِ الْغِنَى وَالتَّقَى وَشَرُّ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ فِي خِصْلَتَيْنِ الْفَقْرُ وَالْفُجُورُ؛ شرح نهج البلاغة، ج ٢٠، ص ٣٠١

﴿٧٢٨﴾ الرسول ﷺ: يَا فَاطِرَ تِلْكَ النُّفُوسِ وَمُلْهَمَهَا فُجُورَهَا وَتَقْوَاهَا؛ بحار الأنوار، ج ٩٢، ص ٣٠٨

﴿٧٢٩﴾ الرسول ﷺ: فَإِنَّ اللَّهَ يَرْزُقُ كُلَّ غَدٍ الرِّزْقَ مَقْسُومٌ يَأْتِي ابْنَ آدَمَ عَلَى أَيِّ سِيرَةٍ شَاءَ لَيْسَ لِنَفْسٍ مَتَّقٍ بَزَائِدٍ وَلَا لِفُجُورٍ فَاجِرٍ بِنَاقِصٍ وَإِنْ شَرِهَتْ نَفْسُهُ وَهَتَكَ السُّتْرَ لَمْ يَرْفُوقَ رِزْقُهُ؛ مستدرک الوسائل، ج ١٣، ص ٣١

﴿٧٣٠﴾ العسكري عليه السلام: فَالرِّزْقُ مَقْسُومٌ وَهُوَ يَأْتِي ابْنَ آدَمَ عَلَى أَيِّ سِيرَةٍ سَارَهَا مِنَ الدُّنْيَا لَيْسَ تَقْوَى مُتَّقٍ بَزَائِدِهِ وَلَا فُجُورُ فَاجِرٍ بِنَاقِصِهِ؛ بحار الأنوار، ج ٢٦، ص ٢٧٤

﴿٧٣١﴾ أمير المؤمنين عليه السلام: التَّقْوَى تُعِزُّ الْفُجُورُ يُذِلُّ؛ غرر الحكم، ص ٤٦٢

﴿٧٣٢﴾ أمير المؤمنين عليه السلام: يُفْسِدُ الطَّمَعُ الْوَرَعَ وَالْفُجُورُ التَّقْوَى؛ غرر الحكم، ص ٢٧٢

﴿ مفاهیم متضاد تقوا ﴾

۵-۱-۷-۱- نشاط در نافرمانی

﴿ ۷۲۲ ﴾ بگو: خدایا! مرا ترسی عطا کن که گویا تو را می بینم و با توفیق تقوایت مرا خوشبخت کن و مرا با سرور انجام معصیت، به شقاوت میافکن.

۶-۱-۷-۱- گناه

﴿ ۷۲۳ ﴾ و قسم به جان آدمی و آن کس که آن را (آفریده و) منظم ساخته،* سپس فجور و تقوا (شرّ و خیرش) را به او الهام کرده است.

﴿ ۷۲۴ ﴾ در مورد آیه‌ی: «آیا کسانی را که ایمان آورده و کارهای شایسته انجام داده‌اند همچون مفسدان در زمین قرار می‌دهیم، یا پرهیزکاران را همچون فاجران؟» گفته است: «درباره‌ی سه نفر از مسلمانان که همان پرهیزکارانی بودند که کارهای شایسته انجام می‌دادند و سه نفر از مشرکان که همان مفسدان فاجر بودند، نازل شده است. آن سه نفر از مسلمانان عبارت بودند از: علی بن ابی طالب علیه السلام و حمزه بن عبدالمطلب و عبیده بن حارث بن عبدالمطلب که در روز بدر مبارزه کردند، علی علیه السلام ولید را و حمزه عتبه را و عبیده شیبیه را کشت.

﴿ ۷۲۵ ﴾ در حکومت پاکان، پرهیزکار به خوبی انجام وظیفه می‌کند ولی در حکومت بدکاران، ناپاک از آن بهرمند می‌شود تا مدّتش سر آید و مرگ فرا رسد.

﴿ ۷۲۶ ﴾ زیرک‌ترین مردم، انسان باتقوا است و احمق‌ترین احمقان، هرزه‌گان.

﴿ ۷۲۷ ﴾ خیر دنیا و آخرت در دو خصلت بی‌نیازی و تقوا است و شرّ دنیا و آخرت در دو خصلت فقر و گناه است.

﴿ ۷۲۸ ﴾ ای آفریننده‌ی این جان‌ها! ای الهام‌کننده بدی‌ها و تقوا به آن‌ها.

﴿ ۷۲۹ ﴾ خداوند هرروز، روزی آن روز را می‌دهد که در بین فرزندان آدم، در هر شأن و مقامی که باشند تقسیم می‌شود، نه تقوای شخص متقی موجب افزایش رزق مقدّرش می‌شود و نه فجور شخص فاجر موجب کاهش رزق مقدّرش می‌گردد، حتی اگر اشتهايش (به کسب رزق بیشتر) بیشتر شود و پرده‌های حرمت را بدر، بیشتر از رزق مقدّرش را نخواهد دید.

﴿ ۷۳۰ ﴾ روزی قسمت شده و به هر نحوی از امور دنیا به فرزند آدم داده می‌شود، نه تقوای

پرهیزکار سبب افزایش روزی می‌شود و نه عصیان و فجور گناهکار موجب نقصان آن می‌گردد.

﴿ ۷۳۱ ﴾ تقوا به انسان عزّت می‌دهد و گناهان انسان را ذلیل می‌کند.

﴿ ۷۳۲ ﴾ طمع، ورع را فاسد می‌کند و گناه، تقوا را نابود می‌کند.

﴿المُضَادَاتُ﴾

﴿٧٣٣﴾ أمير المؤمنين عليه السلام: اَعْلَمُوا عِبَادَ اللَّهِ أَنَّ التَّقْوَى حِصْنُ حَصِينٌ وَ الْفُجُورَ حِصْنٌ ذَلِيلٌ لَا يَمْنَعُ أَهْلَهُ وَلَا يُخْرِزُ مَنْ لَجَأَ إِلَيْهِ؛ بحار الأنوار، ج ٧٥، ص ٦٢

﴿٧٣٤﴾ أمير المؤمنين عليه السلام: اَعْلَمُوا عِبَادَ اللَّهِ أَنَّ التَّقْوَى دَارُ حِصْنٍ عَزِيزٍ وَ الْفُجُورَ دَارُ حِصْنٍ ذَلِيلٍ؛ نهج البلاغة، ص ٢٢١

﴿٧٣٥﴾ الدعاء عند استهلال شهر صفر: يَا فَاطِرَ تِلْكَ الْأَنْفُسِ أَنْفُسًا وَ مَلْهَمَهَا فُجُورَهَا وَ التَّقْوَى؛ بحار الأنوار، ج ٩٥، ص ٣٤٦

﴿٧٣٦﴾ الباقر عليه السلام: وَ أَمَّا لِبَاسُ التَّقْوَى فَالْعِفَافُ إِنْ الْعَافِ لَا تَبْدُو لَهُ عَوْرَةٌ وَ إِنْ كَانَ عَارِيًا مِنَ التِّيَابِ وَ الْفَاجِرَ بَادِي الْعَوْرَةِ وَ إِنْ كَانَ كَاسِيًا مِنَ التِّيَابِ؛ بحار الأنوار، ج ٨٠، ص ١٦٨

﴿٧٣٧﴾ أمير المؤمنين عليه السلام: خَيْرُ النَّاسِ أَوْرَعُهُمْ وَ شَرُّهُمْ أَفْجَرُهُمْ؛ غرر الحكم، ص ٢٦٩
١-٧-١-٧- الفسق

﴿٧٣٨﴾ وَ اتَّقُوا اللَّهَ وَ اسْمَعُوا وَ اللَّهُ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الْفَاسِقِينَ؛ المائدة ١٠٨

﴿٧٣٩﴾ الأئمة عليهم السلام: يَشْفِي أَثْنَاءَ الْعَوَاهِرِ غَلِيلَ الْفِسْقِ مِنْ وَرَعِكُمْ وَ غَيْظَ الْكُفْرِ مِنْ إِيْمَانِكُمْ؛ بحار الأنوار، ج ٩٩، ص ١٦٥

١-٧-١-٨- الإجتراءُ

﴿٧٤٠﴾ الصادق عليه السلام: فَاتَّقُوا اللَّهَ وَ لَا تَجْتَرُّوا؛ بحار الأنوار، ج ٧٦، ص ١٥

﴿٧٤١﴾ الصادق عليه السلام: فَاتَّقُوا اللَّهَ وَ لَا تَجْتَرُّوا؛ مستدرک الوسائل، ج ١١، ص ٣٥٧

﴿٧٤٢﴾ السجادة عليها السلام: اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ، وَ خَلِّصْنِي مِنَ الْحَسَدِ، وَ اخْصُرْنِي عَنِ الذُّنُوبِ، وَ وَرِّعْنِي عَنِ الْمَحَارِمِ، وَ لَا تُجَرِّئْنِي عَلَى الْمَعَاصِي؛ الصحيفة السجادية عليها السلام، الدعاء ٢٢

﴿٧٤٣﴾ الرسول ﷺ: يَا عَلِيُّ أَوْصِيكَ فِي نَفْسِكَ بِخِصَالٍ فَاحْفَظْهَا عَنِّي ثُمَّ قَالَ اللَّهُمَّ أَعْنِهِ أَمَّا الْأَوَّلَى فَالْصَّدْقُ وَ لَا تَخْرُجَنَّ مِنْ فِيكَ كَذِبَةٌ أَبَدًا وَ الثَّانِيَةُ الْوَرَعُ وَ لَا تَجْتَرِي عَلَى خِيَانَةٍ أَبَدًا؛

الكافي، ج ٨، ص ٧٩

١-٧-١-٩- السُّوءُ

﴿٧٤٤﴾ عيسى عليه السلام: إِلَى كَمْ يَسِيلُ الْمَاءُ عَلَى الْجَبَلِ لَا يَلِينُ إِلَى كَمْ تَدْرُسُونَ الْحِكْمَةَ لَا يَلِينُ عَلَيْهَا قُلُوبُكُمْ عِبِيدُ السُّوءِ فَلَا عَبِيدَ اتَّقِيَاءَ وَ لَا أَحْرَارَ كِرَامٍ إِنَّمَا مِثْلُكُمْ كَمِثْلِ الدَّفْلَى يُعْجَبُ

بَزْهَرِهَا مَنْ يَرَاهَا وَ يُقْتَلُ مَنْ طَعَمَهَا؛ بحار الأنوار، ج ١٤، ص ٣٢٤

﴿٣٧٢﴾

« مفاهیم متضاد تقوا »

﴿ ۷۳۳ ﴾ بندگان خدا! بدانید که پرهیزکاری قلعه‌ای محکم و استواری است و تبهکاری قلعه‌ای سست و بی‌بنیاد، که نه ساکنان خود را [از آسیب] جلوگیری می‌کند، و نه پناهنده به آن را در امان می‌دارد.

﴿ ۷۳۴ ﴾ ای بندگان خدا! بدانید که تقوا، دژی محکم و شکست‌ناپذیر است، اما هرزگی و گناه، خانه‌ای در حال فرو ریختن و خوارکننده است.

﴿ ۷۳۵ ﴾ [دعای استهلال ماه صفر:] ای آفریننده‌ی جان‌ها به صورت جان و الهام‌کننده‌ی بدی و تقوا به آن

﴿ ۷۳۶ ﴾ لباس تقوا یعنی عفاف، و شخص عقیف کسی است که هیچ‌گاه عورتش پیدا نمی‌شود حتی اگر لباس نداشته باشد. و فاجر کسی است که عورتش پیدا است حتی اگر لباس پوشیده باشد.

﴿ ۷۳۷ ﴾ بهترین مردم، باورع‌ترین آن‌ها و بدترین مردم، گناهکارترین آن‌هاست.

۷-۱-۷-۱- گناه

﴿ ۷۳۸ ﴾ از (مخالفت) خدا بیرهیزید، و گوش فرا دهید! و خداوند، جمعیت فاسقان را هدایت نمی‌کند.

﴿ ۷۳۹ ﴾ زنازاده‌ها گناه جوشان خود را با پرهیزکاری شما، و کفر خشم‌آلودشان را با ایمان شما شفا می‌دهند.

۸-۱-۷-۱- جسارت

﴿ ۷۴۰ ﴾ پس تقوای خداوند را پیشه کنید و جرأت بر ارتکاب کبائر را پیدا نکنید.

﴿ ۷۴۱ ﴾ تقوای الهی پیشه کرده و [در انجام گناهان جسور و] جری نشوید.

﴿ ۷۴۲ ﴾ بار خدایا! بر محمد و خاندانش درود بفرست و مرا از حسد برهان و از گناهان در امان دار و از حرام‌ها پرهیز ده و مرا بر ارتکاب معاصی گستاخ نفرما و میل و خواهش مرا به ساحت خود معطوف دار و چنان کن که به هر چه از تو می‌رسد، خرسند باشم.

﴿ ۷۴۳ ﴾ یا علی! من تو را درباره‌ی خویش به چند چیز سفارش می‌کنم آن‌ها را از من یادداشت کن. خدایا! [در حفظ آن] یاریش کن: اول: راستگویی؛ مبادا هرگز دروغی از دهانت بیرون آید. دوم: ورع و پرهیزکاری؛ مبادا بر خیانتی دلیر گردی [و خیانتی از تو سر زند]...

۹-۱-۷-۱- بدی

﴿ ۷۴۴ ﴾ تا به کی آب بر کوه به جریان در می‌آید درحالی که کوه نرم و روان نمی‌گردد؟! تا به کی به آموختن حکمت می‌پردازید درحالی که قلب‌هایتان بر اثر آن نرم نمی‌گردد؟! ای بندگان ناباب و نااهل، پس نه بندگان پرهیزکار هستید و نه آزادگانی گرامی؛ به‌راستی که مثل شما مثل گیاه [دُفلی: خر زهره] است که بیننده‌اش را با شکوفه‌هایش شگفت زده می‌کند درحالی که چشنده‌ی آن را به قتل می‌رساند.

﴿المُضَادَاتُ﴾

١٠-١-٧-١- الفسادُ

﴿٧٤٥﴾ تِلْكَ الدَّارُ الْآخِرَةُ نَجْعَلُهَا لِلَّذِينَ لَا يُرِيدُونَ عُلُوًّا فِي الْأَرْضِ وَلَا فُسَادًا وَالْعَاقِبَةُ

لِلْمُتَّقِينَ؛ القصص ٨٣

١١-١-٧-١- الخطأُ

﴿٧٤٦﴾ الرَّسُولُ ﷺ: خَيْرْتُ بَيْنَ أَنْ أَدْخُلَ شَطْرًا مِنَ الْجَنَّةِ وَبَيْنَ الشَّفَاعَةِ فَاخْتَرْتُ الشَّفَاعَةَ

لِأَنَّهَا أَعَمُّ وَأَكْفَى أَ تَرَوْنَهَا لِلْمُؤْمِنِينَ الْمُتَّقِينَ لَا وَكَتَبَهَا لِلْمُؤْمِنِينَ الْمُتَلَوِّثِينَ الْخَطَّاءِينَ؛

روضهاواعظين، ج ٢، ص ٥٠١

١٢-١-٧-١- التَّلَوُّثُ

﴿٧٤٧﴾ الرَّسُولُ ﷺ: خَيْرْتُ بَيْنَ أَنْ أَدْخُلَ شَطْرًا مِنَ الْجَنَّةِ وَبَيْنَ الشَّفَاعَةِ فَاخْتَرْتُ الشَّفَاعَةَ

لِأَنَّهَا أَعَمُّ وَأَكْفَى أَ تَرَوْنَهَا لِلْمُؤْمِنِينَ الْمُتَّقِينَ لَا وَكَتَبَهَا لِلْمُؤْمِنِينَ الْمُتَلَوِّثِينَ الْخَطَّاءِينَ؛

روضهاواعظين، ج ٢، ص ٥٠١

٢-١-٧-١- الطَّلَبُ وَ الرِّغْبَةُ وَ الطَّمَعُ وَ الْجَشَعُ وَ الشَّيْعُ وَ الشَّرُّ

١-٢-٧-١- الرِّغْبَةُ

﴿٧٤٨﴾ الرَّسُولُ ﷺ: اللَّهُمَّ ارْزُقْهُمْ إِيْمَانَ الْمُؤْمِنِينَ الَّذِي لَيْسَ بَعْدَهُ شَكٌّ وَ زَيْعٌ وَ وَرَعًا لَيْسَ

بَعْدَهُ رَغْبَةٌ؛ بحار الأنوار، ج ٧٤، ص ٢٦

٢-٢-٧-١- الطَّلَبُ

﴿٧٤٩﴾ الرَّسُولُ ﷺ: فَذَلِكَ النَّعِيمُ فَاطْلُبُوهُ وَ ذَلِكَ الْعَذَابُ فَانْقُوهُ؛ بحار الأنوار، ج ٦٤، ص ٢٣٤

٣-٢-٧-١- طَلَبُ الدُّنْيَا

﴿٧٥٠﴾ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ (عليه السلام): مَلَكَ اتَّقَى رَفُضُ الدُّنْيَا؛ غرر الحكم، ص ١٣٨

﴿٧٥١﴾ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ (عليه السلام): لَا تَضَعُوا مِنْ رَفَعْتِهِ التَّقْوَى وَ لَا تَرْفَعُوا مِنْ رَفَعْتِهِ الدُّنْيَا؛ نهج البلاغة،

ص ٢٨٤

﴿٧٥٢﴾ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ (عليه السلام): فَقَطِّعُوا عِلَاقَ الدُّنْيَا وَ اسْتَظْهَرُوا بَرَادَ التَّقْوَى؛ نهج البلاغة، ص ٣٢١

﴿٣٧٣﴾

«مفاهیم متضاد تقوا»

۱-۷-۱-۱۰- فساد

﴿۷۴۵﴾ (آری،) این سرای آخر تو را (تنها) برای کسانی قرار می‌دهیم که اراده برتری‌جویی در زمین و فساد را ندارند و عاقبت نیک برای پرهیزکاران است!

۱-۷-۱-۱۱- خطا

﴿۷۴۶﴾ من بین اینکه وارد گوشه‌ای از بهشت شوم یا مقام شفاعت را داشته باشم، مخیر شدم و شفاعت را انتخاب کردم؛ زیرا شفاعت عمومی‌تر است و همه را کفایت می‌کند. [سؤال شد:] «آیا آن را برای مؤمنین باتقوا در نظر دارید؟» فرمود: «نه! آن برای مؤمنانی است که اعمالشان با خطا همراه و آلوده شده است».

۱-۷-۱-۱۲- آلودگی

﴿۷۴۷﴾ من بین اینکه وارد گوشه‌ای از بهشت شوم یا مقام شفاعت را داشته باشم، مخیر شدم و شفاعت را انتخاب کردم؛ زیرا شفاعت عمومی‌تر است و همه را کفایت می‌کند. [سؤال شد:] «آیا آن را برای مؤمنین باتقوا در نظر دارید؟» فرمود: «نه! آن برای مؤمنانی است که اعمالشان با خطا همراه و آلوده شده است».

۱-۷-۲- تمایل و طمع و زیاده‌خواهی و پرخوری و حرص و طمع

۱-۷-۲-۱- تمایل

﴿۷۴۸﴾ بار خدایا! ایمان مؤمنان روزی‌شان کن که نه تردیدی بعد از آن باشد و نه انحرافی. و ورعی که رغبتی با آن نباشد.

۱-۷-۲-۲- خواستن

﴿۷۴۹﴾ [پس از بیان نعمت و محنت شیعیان و مخالفان در دنیا و آخرت... فرمود:] این است نعمت، آن را بجوید، و این است عذاب، از آن پرهیزید.

۱-۷-۲-۳- دنیاخواهی

﴿۷۵۰﴾ ملاک و معیار تقوا، رها کردن دنیا است.

﴿۷۵۱﴾ آن کس را که تقوا منزلت داد، خوار نشمارید، و آن را که دنیا عزیزش کرد، گرامی ندارید.

﴿۷۵۲﴾ پس پیوندهای دنیا را از خود قطع کنید، و به توشه تقوا پشت خود را قوی گردانید.

﴿المُضَادَاتُ﴾

١-٧-٢-٤- التَّمَتُّعُ

﴿٧٥٣﴾ الحسن عليه السلام: فَإِنَّ الْمُؤْمِنَ يَتَزَوَّدُ وَالْكَافِرَ يَتَمَتَّعُ وَكَانَ عليه السلام يَتْلُو بَعْدَ هَذِهِ الْمَوْعِظَةِ وَتَزَوَّدُوا فَإِنَّ خَيْرَ الزَّادِ التَّقْوَى؛ بحار الأنوار، ج ٧٥، ص ١١٢

١-٧-٢-٥- الطَّمَعُ

﴿٧٥٤﴾ أمير المؤمنين عليه السلام: ضَادُّوا الطَّمَعَ بِالْوَرَعِ؛ غرر الحكم، ص ٢٧٢

﴿٧٥٥﴾ أمير المؤمنين عليه السلام: لَا يَجْتَمِعُ الْوَرَعُ وَالطَّمَعُ؛ غرر الحكم، ص ٢٩٧

﴿٧٥٦﴾ أمير المؤمنين عليه السلام: مَنْ لَمْ يَصْلَحْهُ الْوَرَعُ أَفْسَدَهُ الطَّمَعُ؛ غرر الحكم، ص ٢٩٧

﴿٧٥٧﴾ أمير المؤمنين عليه السلام: عِمَادُ الدِّينِ الْوَرَعُ وَفَسَادُهُ الطَّمَعُ؛ بحار الأنوار، ج ٧٥، ص ٨٩

﴿٧٥٨﴾ أمير المؤمنين عليه السلام: يُفْسِدُ الطَّمَعُ الْوَرَعَ وَالْفُجُورُ التَّقْوَى؛ غرر الحكم، ص ٢٧٢

﴿٧٥٩﴾ أمير المؤمنين عليه السلام: وَرَعٌ يَعِزُّ خَيْرٌ مِنْ طَمَعٍ يُذِلُّ؛ غرر الحكم، ص ٢٧٢

﴿٧٦٠﴾ أمير المؤمنين عليه السلام: وَرَعٌ يَنْجِي خَيْرٌ مِنْ طَمَعٍ يُرْدِي؛ غرر الحكم، ص ٢٧٢

﴿٧٦١﴾ أمير المؤمنين عليه السلام: كَثْرَةُ الطَّمَعِ غُنَوَانُ قِلَّةِ الْوَرَعِ؛ غرر الحكم، ص ٢٩٧

﴿٧٦٢﴾ أمير المؤمنين عليه السلام: نَكَدُ الدِّينِ الطَّمَعُ وَصَلَاحُهُ الْوَرَعُ؛ غرر الحكم، ص ٢٧٢

﴿٧٦٣﴾ الرسول ﷺ: يَأْتِي عَلَى أُمَّتِي زَمَانٌ تَكُونُ أَمْرَاؤُهُمْ عَلَى الْجَوْرِ وَعِلْمَاؤُهُمْ عَلَى الطَّمَعِ وَ قِلَّةُ الْوَرَعِ؛ بحار الأنوار، ج ١٠٠، ص ٨٢

﴿٧٦٤﴾ أمير المؤمنين عليه السلام: اسْتَعِنْ عَلَى الْعَدْلِ بِحُسْنِ النِّيَّةِ فِي الرِّعْيَةِ وَقِلَّةِ الطَّمَعِ وَكَثْرَةِ الْوَرَعِ؛ مستدرک الوسائل، ج ١١، ص ٣١٩

﴿٧٦٥﴾ السَّجَاد عليه السلام: [قَالَ زَيْنُ الْعَابِدِينَ عليه السلام لِلشَّيْلِ] فَعِنْدَ مَا ذَبَحْتَ هَدْيَكَ نَوَيْتَ أَنَّكَ ذَبَحْتَ حَنْجَرَةَ الطَّمَعِ بِمَا تَمَسَّكَتَ بِهِ مِنْ حَقِيقَةِ الْوَرَعِ وَأَنَّكَ اتَّبَعْتَ سُنَّةَ إِبْرَاهِيمَ عليه السلام بِذَنْجٍ وَلَدِهِ وَتَمَرَةٍ فُوَادِهِ وَرِيحَانِ قَلْبِهِ وَحَاجَةٍ سُنَّتُهُ لِمَنْ بَعْدَهُ وَقَرَّبَهُ إِلَى اللَّهِ تَعَالَى لِمَنْ خَلَفَهُ قَالَ لَأُ؛ مستدرک الوسائل، ج ١٠، ص ١٧٠

﴿٧٦٦﴾ أمير المؤمنين عليه السلام: الْوَرَعُ خَيْرٌ مِنْ ذُلِّ الطَّمَعِ؛ غرر الحكم، ص ٢٧٢

﴿٧٦٧﴾ أمير المؤمنين عليه السلام: دَلَالَةُ حُسْنِ الْوَرَعِ غُرُوفُ النَّفْسِ عَنْ مَذَلَّةِ الطَّمَعِ؛ غرر الحكم، ص ٢٤٠

﴿٧٦٨﴾ أمير المؤمنين عليه السلام: كَيْفَ يَمْلِكُ الْوَرَعُ مَنْ يَمْلِكُهُ الطَّمَعُ؛ مستدرک الوسائل، ج ١٢، ص ٧١

﴿ مفاهیم متضاد تقوا ﴾

۱-۷-۲-۴- بهره‌برداری

﴿ ۷۵۳ ﴾ مؤمن توشه بر می‌دارد و کافر در دنیا برخوردار است؛ سپس این موعظه را می‌خواند:
«و زاد و توشه تهیه کنید، که بهترین زاد و توشه، پرهیزکاری است!».

۱-۷-۲-۵- طمع

﴿ ۷۵۴ ﴾ به کمک مراعات ورع با طمع مخالفت کنید.
﴿ ۷۵۵ ﴾ ورع و طمع باهم جمع نمی‌شوند.
﴿ ۷۵۶ ﴾ کسی را که ورع اصلاح نکرده، طمع فاسد می‌کند.
﴿ ۷۵۷ ﴾ ستون دین ورع و اسباب نابودی آن طمع‌ورزیدن است.
﴿ ۷۵۸ ﴾ طمع، ورع را فاسد می‌کند و گناه، تقوا را نابود می‌کند.
﴿ ۷۵۹ ﴾ ورعی که عزّت می‌بخشد بهتر از طمعی است که ذلّت می‌دهد.
﴿ ۷۶۰ ﴾ ورعی که نجات می‌دهد بهتر از طمعی است که هلاک می‌کند.
﴿ ۷۶۱ ﴾ اندکی طمع [در وجود شخص] گواه کم‌بودن ورع است.
﴿ ۷۶۲ ﴾ تیرگی دین طمع است و صلاح آن پرهیزکاری است.
﴿ ۷۶۳ ﴾ زمانی بر ائمتّم فرا می‌رسد که حاکمانشان ظالم، علمایشان طمعکار و کم تقوا هستند.

﴿ ۷۶۴ ﴾ با حسن نیت در مورد مردم و کم کردن طمع و زیاد کردن ورعت، بر عمل بر مبنای عدل یاری بخواه.

﴿ ۷۶۵ ﴾ [امام علیؑ] به شبلی که تازه از سفر حج برگشته بود فرمود: [آنگاه که قربانی‌ات را سر بریدی، نیت کردی که گلوی طمع را با حقیقت ورع و پرهیزکاری ببری؟ آیا از سنت ابراهیمؑ تبعیت کردی که خواست فرزندش و ثمره‌ی زندگی‌اش و گل خوشبوی قلبش را قربانی کند و او را وسیله‌ای برای تقرّب به خداوند برای نسل‌های بعد قرار داد؟] عرض کرد: «نه [چنین نیتی نکردم]».

﴿ ۷۶۶ ﴾ ورع بهتر از ذلّت طمع است.

﴿ ۷۶۷ ﴾ دلیل نیکویی ورع، برگشتن نفس از خواری طمع است.

﴿ ۷۶۸ ﴾ کسی که طمع بر او حاکم است، چگونه می‌تواند صاحب ورع باشد.

﴿المُضَادَاتُ﴾

- ﴿٧٦٩﴾ الصادق عليه السلام: سئل كعبُ الأَحْبَارِ مَا أَصْلَحَ فِي الدِّينِ وَ مَا أَفْسَدُ فَقَالَ الْأَصْلَحُ الْوَرَعُ وَ الْأَفْسَدُ الطَّمَعُ؛ مستدرک الوسائل، ج ١٢، ص ٦٩
- ﴿٧٧٠﴾ الصادق عليه السلام: عَنْ أَبَانَ بْنِ سُوَيْدٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ قُلْتُ لَهُ مَا الَّذِي يُثَبِّتُ الْإِيمَانَ فِي الْعَبْدِ قَالَ الَّذِي يُثَبِّتُهُ فِيهِ الْوَرَعُ وَ الَّذِي يُخْرِجُهُ مِنْهُ الطَّمَعُ؛ وسائل الشيعة، ج ٢٠، ص ٣٥٨
- ﴿٧٧١﴾ أمير المؤمنين عليه السلام: ثَبَاتُ الْإِيمَانِ الْوَرَعُ وَ زَوَالُهُ الطَّمَعُ؛ مستدرک الوسائل، ج ١١، ص ٢٦٩
- ﴿٧٧٢﴾ أمير المؤمنين عليه السلام: صَلَاحُ الْإِيمَانِ الْوَرَعُ وَ فَسَادُهُ الطَّمَعُ؛ مستدرک الوسائل، ج ١٢، ص ٧١
- ﴿٧٧٣﴾ أمير المؤمنين عليه السلام: سئل أمير المؤمنين عليه السلام مَا ثَبَاتُ الْإِيمَانِ قَالَ الْوَرَعُ فَقِيلَ مَا زَوَالُهُ قَالَ الطَّمَعُ؛ وسائل الشيعة، ج ١٦، ص ٢٥
- ﴿٧٧٤﴾ الصادق عليه السلام: عَنْ سَعْدَانَ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ قُلْتُ لَهُ مَا الَّذِي يُثَبِّتُ الْإِيمَانَ فِي الْعَبْدِ قَالَ الْوَرَعُ وَ الَّذِي يُخْرِجُهُ مِنْهُ قَالَ الطَّمَعُ؛ الكافي، ج ٢، ص ٣٢٠
- ﴿٧٧٥﴾ الرسول صلى الله عليه وآله: مَنْ لَمْ يَتَحَلَّ بِالْوَرَعِ اسْتَفَادَهُ الشَّرُّ وَ مَلَكَتْهُ الْأَطْمَاعُ؛ مجموعة ورام، ج ٢، ص ١١٥
- ﴿٧٧٦﴾ أمير المؤمنين عليه السلام: لَا يَنْفَعُ زُهْدٌ مَنْ لَمْ يَتَحَلَّ عَنِ الطَّمَعِ وَ يَتَحَلَّ بِالْوَرَعِ؛ غرر الحكم، ص ٢٧٦
- ﴿٧٧٧﴾ أمير المؤمنين عليه السلام: عَلَيْكَ بِالْوَرَعِ وَ إِيَّاكَ وَ غُرُورِ الطَّمَعِ فَإِنَّهُ وَخِيمُ الْمَرْتَعِ؛ غرر الحكم، ص ٢٧٢
- ﴿٧٧٨﴾ أمير المؤمنين عليه السلام: ذَرِ الطَّمَعِ وَ الشَّرَّهَ وَ عَلَيْكَ بِلُزُومِ الْعِفَّةِ وَ الْوَرَعِ؛ مستدرک الوسائل، ج ١٢، ص ٧١
- ﴿٧٧٩﴾ الرسول صلى الله عليه وآله: رَوَى جَابِرُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ الْأَنْصَارِيُّ قَالَ حَجَّجْتُ مَعَ رَسُولِ اللَّهِ صلى الله عليه وآله حَجَّةَ الْوُدَّاعِ فَلَمَّا قَضَى النَّبِيُّ صلى الله عليه وآله مَا افْتَرَضَ عَلَيْهِ مِنَ الْحَجِّ أَتَى مُودَّعَ الْكَعْبَةِ فَلَزِمَ حَلْقَةَ الْبَابِ وَ نَادَى بَرَفَعَ صَوْتِهِ أَتَيْهَا النَّاسُ فَاجْتَمَعَ أَهْلُ الْمَسْجِدِ وَ أَهْلُ السُّوقِ فَقَالَ اسْمَعُوا إِنِّي قَائِلٌ مَا هُوَ بَعْدِي كَائِنٌ فَلْيُبَلِّغْ شَاهِدَكُمْ غَائِبَكُمْ ثُمَّ بَكَى رَسُولُ اللَّهِ صلى الله عليه وآله حَتَّى بَكَى لِبُكَائِهِ النَّاسُ أَجْمَعِينَ فَلَمَّا سَكَتَ مِنْ بُكَائِهِ قَالَ ااعْلَمُوا رَحِمَكُمُ اللَّهُ أَنَّ مَتَلَكُمُ فِي هَذَا الْيَوْمِ كَمَثَلِ وَرَقٍ لَا شَوْكَ فِيهِ إِلَى أَرْبَعِينَ وَ مِائَةِ سَنَةٍ ثُمَّ يَأْتِي مِنْ بَعْدِ ذَلِكَ شَوْكٌ وَ وَرَقٌ إِلَى مِائَتَيْ سَنَةٍ ثُمَّ يَأْتِي مِنْ بَعْدِ ذَلِكَ شَوْكٌ لَا وَرَقَ فِيهِ حَتَّى لَا يَرَى فِيهِ إِلَّا سُلْطَانُ جَائِرٍ أَوْ غَنِيٌّ بِخَيْلٍ أَوْ عَالِمٌ مُرَاغِبٌ فِي الْمَالِ أَوْ فَقِيرٌ كَذَّابٌ أَوْ شَيْخٌ فَاجِرٌ أَوْ صَبِيٌّ وَفَّحٌ أَوْ امْرَأَةٌ رَعْنَاءٌ ثُمَّ بَكَى رَسُولُ اللَّهِ صلى الله عليه وآله فَقَامَ إِلَيْهِ سَلَمَانُ الْفَارِسِيُّ وَ قَالَ يَا رَسُولَ اللَّهِ أَخْبِرْنَا مَتَى يَكُونُ ذَلِكَ فَقَالَ صلى الله عليه وآله يَا سَلَمَانُ إِذَا... قَلَّ الْوَرَعُ وَ كَثُرَ الطَّمَعُ؛ بحار الأنوار، ج ٥٢، ص ٢٦٢

«مفاهیم متضاد تقوا»

﴿۷۶۹﴾ از کعب الاحبار پرسیدند: «صلاح و فساد دین کدام است؟» جواب داد: «ورع دین را صالح می‌کند ولی طمع آن را فاسد می‌کند».

﴿۷۷۰﴾ ابان بن سوید گوید: از امام صادق علیه السلام پرسیدم: «چه چیز است که ایمان را پایدار و محکم می‌نماید؟» فرمود: «آنچه که ایمان بنده را ثابت و محکم می‌کند، پرهیزکاری و ورع است و آنچه که بنده را از ایمان بیرون می‌برد؛ حرص و طمع است».

﴿۷۷۱﴾ ثبات ایمان به ورع و نابودی آن به طمع است.

﴿۷۷۲﴾ اصلاح و رشد ایمان به پرهیزکاری و نابودی‌اش به طمع‌ورزیدن است.

﴿۷۷۳﴾ از امیرمؤمنان علیه السلام سؤال شد: «ایمان بنده را چه چیزی تثبیت می‌کند؟» فرمود: «ورع». پرسید: «چه چیزی آن را زایل می‌کند؟» فرمود: «طمع».

﴿۷۷۴﴾ سعدان گوید: از امام صادق علیه السلام پرسیدم: «ایمان بنده را چه چیزی تثبیت می‌کند؟» فرمود: «ورع». پرسیدم: «چه چیزی او را [از ایمان] خارج می‌کند؟» فرمود: «طمع».

﴿۷۷۵﴾ کسی که مزین به ورع نباشد، شرّ، پیشوای او شده و طمع‌ها بر او مسلط می‌شوند.

﴿۷۷۶﴾ کسی که طمع را از وجودش خالی نکرده و خود را با ورع زینت نکرده، از زهدش نفعی نمی‌برد.

﴿۷۷۷﴾ بر تو باد به مراعات ورع و دوری از فریبکاری طمع که بد چراگاهی است.

﴿۷۷۸﴾ طمع و حرص را رها کنید و همراه و ملازم عفت و ورع باشید.

﴿۷۷۹﴾ جابر بن عبدالله انصاری می‌گوید: «در سال حجّة الوداع با پیامبر صلی الله علیه و آله به حج رفتیم. پیامبر صلی الله علیه و آله بعد از انجام اعمال حج آمد تا با خانه‌ی خدا وداع کند. آنگاه حلقه‌ی در را گرفت و با صدای رسا فرمود: «ای مردم!» با این صدا تمام مردمی که در مسجدالحرام و بازار بودند، جمع شدند. آنگاه پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: «ای مردم! آنچه را که بعد از من روی می‌دهد و هم اکنون به شما می‌گویم، از من بشنوید و حاضران شما به غایبین خود برسانند». سپس گریست، به طوری که از گریه ایشان همه مردم گریستند. چون حضرت از گریستن آرام گرفت، فرمود: «ای مردم! خدا شما را بیامرزد! بدانید که شما از این روز تا صد و چهل سال بعد، مانند برگی هستید که خار نداشته باشد. آنگاه تا دویست سال برگ و خار خواهد داشت و بعد از آن خار بدون برگ است، به طوری که در آن زمان جز سلطان ظالم یا ثروتمند بخیل یا عالم دنیاپرست یا فقیر دروغگو یا پیرمردزناکار یا بچه‌ی بی‌آبرو و یا زن بی پروا دیده نمی‌شود». آنگاه باز گریست. سلمان رضی الله عنه برخاست و عرض کرد: «یا رسول الله! آنچه فرمودید چه زمانی واقع می‌شود؟» فرمود: «ای سلمان! در زمانی که... تقوا کم و طمع زیاد شود...».

﴿المُضَادَاتُ﴾

٦-٢-٧-١- الجَشَعُ

﴿٧٨٠﴾ أمير المؤمنين عليه السلام: إِنَّمَا هِيَ نَفْسِي أَرُوضُهَا بِالتَّقْوَى لِتَأْتِيَ آمِنَةً يَوْمَ الْخَوْفِ الْأَكْبَرِ وَ تَثْبُتَ عَلَى جَوَانِبِ الْمَزَلَقِ وَ لَوْ شِئْتُ لَاهْتَدَيْتُ الطَّرِيقَ إِلَى مُصَفَى هَذَا الْعَسَلِ وَ لُبَابِ هَذَا الْقَمَحِ وَ نَسَائِجِ هَذَا الْقَزِّ وَ لَكِنْ هِيَ هَاتِ أَنْ يَغْلِبَنِي هَوَايَ وَ يَقُودَنِي جَشَعِي إِلَى تَخْيِيرِ الْأَطْعِمَةِ وَ لَعَلَّ بِالْحِجَازِ أَوْ الْيَمَامَةِ مَنْ لَا طَمَعَ لَهُ فِي الْقُرْصِ وَ لَا عَهْدَ لَهُ بِالشَّيْعِ أَوْ آبِيتَ مِبْطَانًا وَ حَوْلَى بَطُونُ غَرْنِي وَ أَكْبَادُ حَرَى؛ نهج البلاغة، ص ٤١٦

٧-٢-٧-١- الشَّيْعُ

﴿٧٨١﴾ أمير المؤمنين عليه السلام: بَنَسَ قَرَيْنُ الْوَرَعِ الشَّيْعُ؛ مستدرک الوسائل، ج ١٦، ص ٢٢١

﴿٧٨٢﴾ أمير المؤمنين عليه السلام: الشَّيْعُ يُفْسِدُ الْوَرَعَ؛ غررالحكم، ص ٣٦٠

٨-٢-٧-١- الشَّرَّهُ

﴿٧٨٣﴾ أمير المؤمنين عليه السلام: ذَرِ الطَّمَعَ وَ الشَّرَّهَ وَ عَلَيكَ بِلُزُومِ الْعَفَّةِ وَ الْوَرَعِ؛ مستدرک الوسائل، ج ١٢، ص ٧١

٣-٧-١- طَاعَةُ الشَّيْطَانِ، الشَّهَوَاتُ، الْهَوَى

١-٣-٧-١- طَاعَةُ الشَّيْطَانِ

﴿٧٨٤﴾ أمير المؤمنين عليه السلام: فَاتَّقِ اللَّهَ فِي نَفْسِكَ وَ نَارِجِ الشَّيْطَانِ قِيَادَكَ؛ بحار الأنوار، ج ٣٣، ص ١١٦

٢-٣-٧-١- الشَّهَوَاتُ

﴿٧٨٥﴾ الرَّسُولُ ﷺ: أَنْ اللَّهَ قَدْ أَذْهَبَ عَنْكُمْ حَمِيَّةَ الْجَاهِلِيَّةِ وَ فَخَرَهَا بِالْآبَاءِ النَّاسُ بَنُو آدَمَ وَ آدَمُ مِنْ تُرَابٍ مُؤْمِنٍ تَقَى وَ فَاجِرٌ شَقِيٌّ؛ شرح نهج البلاغة، ج ٩، ص ١٠٧

﴿٧٨٦﴾ الكَاطِمُ عليه السلام: يَا عِبِيدَ السَّوِّ اتَّخِذُوا مَسَاجِدَ رَبِّكُمْ سُجُونًا لِأَجْسَادِكُمْ وَ جَبَاهِكُمْ وَ اجْعَلُوا قُلُوبَكُمْ بَيُوتًا لِلتَّقْوَى وَ لَا تَجْعَلُوا قُلُوبَكُمْ مَأْوَى لِلشَّهَوَاتِ؛ بحار الأنوار، ج ٧٥، ص ٣٠٦

﴿٧٨٧﴾ أمير المؤمنين عليه السلام: لَا وَرَعَ كَغَلَبَةِ الشَّهْوَةِ؛ غررالحكم، ص ٢٧٤

٣-٣-٧-١- الْهَوَى

﴿٧٨٨﴾ أمير المؤمنين عليه السلام: أَحَقُّ مَنْ أَطْعَمَهُ مَنْ أَمَرَكَ بِالتَّقَى وَ نَهَاكَ عَنِ الْهَوَى؛ غررالحكم،

ص ٤٣٠

«مفاهیم متضاد تقوا»

۶-۲-۷-۱- زیاده‌خواهی

﴿۷۸۰﴾ من نفس خود را با پرهیزکاری می‌پرورانم، تا در روز قیامت که هراسناک‌ترین روزهاست در امان، و در لغزشگاه‌های آن ثابت قدم باشد. من اگر می‌خواستم، می‌توانستم از عسل پاک، و از مغز گندم، و بافته‌های ابریشم، برای خود غذا و لباس فراهم آورم، اما هیئات که هوای نفس بر من چیره گردد، و حرص و طمع مرا وا دارد که طعام‌های لذیذ برگزینم، درحالی‌که در «حجاز» یا «یمامه» کسی باشد که به قرص نانی نرسد، و یا هرگز شکمی سیر نخورد، یا من سیر بخوابم و پیرامونم شکم‌هایی که از گرسنگی به پشت چسبیده، و جگرهای سوخته وجود داشته باشد.

۷-۲-۷-۱- پرخوری

﴿۷۸۱﴾ شکم پر، بد رفیقی برای ورع است.

﴿۷۸۲﴾ شکم پر، ورع را فاسد می‌کند.

۸-۲-۷-۱- حرص و طمع

﴿۷۸۳﴾ طمع و حرص را رها کنید و همراه و ملازم عفت و ورع باشید.

۳-۷-۱- فرمانبری از شیطان، شهوات و هوای نفس

۱-۷-۳-۱- فرمانبری از شیطان

﴿۷۸۴﴾ پس درباره‌ی خود از خدا بترس، و با شیطان ایستادگی کرده مهارت را از چنگش بیرون کن.

۲-۷-۳-۱- شهوات

﴿۷۸۵﴾ خداوند از شما تعصّب کور جاهلی و تفاخر بیجا به پدران را برداشت. ای مردم! آدم علیه السلام و فرزندان او از خاک مؤمنی با تقوا یا گناهکاری اهل شقاوت آفریده شده‌اند.

﴿۷۸۶﴾ ای بندگان بدی! مسجدهای پروردگارتان را زندانی برای جسم‌ها و پیشانی‌های خود سازید و دل‌هایتان را خانه‌ای برای پرهیزکاری قرار دهید و دل‌های خویش را جایگاه شهوت‌ها نکنید.

﴿۷۸۷﴾ هیچ ورعی، مثل غلبه بر شهوت [پرازش] نیست.

۳-۷-۳-۱- هوای نفس

﴿۷۸۸﴾ کسی که تو را امر به تقوا و نهی از هوای نفس می‌کند، سزاوارتر است که اطاعتش کنی.

﴿المُضَادَاتُ﴾

﴿٧٨٩﴾ العسكري عليه السلام: كَمْ مِنْ أَمْرٍ صَدَّكَ عَنْ إِمْضَاءِ عَزْمِكَ فِيهِ التَّقَى وَاتَّبَعَ غَيْرُكَ فِي مِثْلِهِ الْهَوَى؛ بحار الأنوار، ج ٩٧، ص ٣٦٤

﴿٧٩٠﴾ أمير المؤمنين عليه السلام: طُوبَى لِمَنْ أَطَاعَ مُحَمَّدًا تَقْوَاهُ وَ عَصَى مَذْمُومَ هَوَاهُ؛ غرر الحكم، ص ٢٦٩

﴿٧٩١﴾ أمير المؤمنين عليه السلام: رَأْسُ الْعِلْمِ التَّوَاضُّعُ ... وَمِنْ ثَمَرَاتِهِ التَّقْوَى وَاجْتِنَابُ الْهَوَى؛ بحار الأنوار، ج ٧٥، ص ٦

﴿٧٩٢﴾ أمير المؤمنين عليه السلام: إِنَّمَا هِيَ نَفْسِي أَرُوضُهَا بِالتَّقْوَى لِتَأْتِيَ آمِنَةً يَوْمَ الْخَوْفِ الْأَكْبَرِ وَ تَثْبُتَ عَلَى جَوَانِبِ الْمَزَلِّ وَ لَوْ شِئْتُ لَاهْتَدَيْتُ الطَّرِيقَ إِلَى مُصَفَى هَذَا الْعَسَلِ وَ لُبَابِ هَذَا الْقَمَحِ وَ نَسَائِجِ هَذَا الْقَزِّ وَ لَكِنْ هَيْهَاتَ أَنْ يَغْلِبَنِي هَوَايَ وَ يَقُودَنِي جَشَعِي إِلَى تَخْيِيرِ الْأَطْعَمَةِ وَ لَعَلَّ بِالْحِجَازِ أَوْ الْيَمَامَةِ مَنْ لَا طَمَعَ لَهُ فِي الْقُرْصِ وَ لَا عَهْدَ لَهُ بِالشَّيْعِ أَوْ أَبَيْتَ مِبْطَانًا وَ حَوْلِي بَطُونٌ غَرْنِي وَ أَكْبَادُ حَرَى؛ نهج البلاغة، ص ٤١٦

﴿٧٩٣﴾ أمير المؤمنين عليه السلام: أَشْعِرُ قَلْبَكَ التَّقْوَى وَ خَالَفَ الْهَوَى تَغْلِبَ الشَّيْطَانُ؛ غرر الحكم، ص ٢٧٤

١-٧-٤- الشُّرْكُ وَ الْكُفْرُ وَ التَّكْذِيبُ وَ التَّوَلَّى وَ إِشْتِرَاءُ الْآيَاتِ

١-٧-٤-١- الشُّرْكُ

﴿٧٩٤﴾ وَ اتَّقُوهُ وَ أَقِيمُوا الصَّلَاةَ وَ لَا تَكُونُوا مِنَ الْمُشْرِكِينَ؛ الروم ٣١

﴿٧٩٥﴾ الصادق عليه السلام: فِي قَوْلِ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ هُوَ أَهْلُ التَّقْوَى وَ أَهْلُ الْمَغْفِرَةِ قَالَ قَالَ اللَّهُ تَبَارَكَ وَ تَعَالَى أَنَا أَهْلُ أَنْ أَتَقَى وَ لَا يُشْرِكْ بِي عَبْدِي شَيْئًا؛ بحار الأنوار، ج ٣، ص ٤

١-٧-٤-٢- الْكُفْرُ

﴿٧٩٦﴾ وَ لِلَّهِ مَا فِي السَّمَاوَاتِ وَ مَا فِي الْأَرْضِ وَ لَقَدْ وَصَّيْنَا الَّذِينَ أُوتُوا الْكِتَابَ مِنْ قَبْلِكُمْ وَ إِيَّاكُمْ أَنْ اتَّقُوا اللَّهَ وَ إِنْ تَكْفُرُوا فَإِنَّ اللَّهَ مَا فِي السَّمَاوَاتِ وَ مَا فِي الْأَرْضِ وَ كَانَ اللَّهُ غَنِيًّا حَمِيدًا؛ النساء

١٣١

﴿٧٩٧﴾ وَ آمِنُوا بِمَا أَنْزَلْتُ مُصَدِّقًا لِمَا مَعَكُمْ وَ لَا تَكُونُوا أَوَّلَ كَافِرٍ بِهِ وَ لَا تَشْتَرُوا بِآيَاتِي ثَمَنًا قَلِيلًا وَ

إِيَّايَ فَاتَّقُونِ؛ البقرة ٤١

﴿ مفاهیم متضاد تقوا ﴾

﴿ ۷۸۹ ﴾ [در زیارت امام علی (علیه السلام):] و چه بسا اموری که تقوا تو را از اجرای اراده‌ات باز داشت و غیر تو در امثال آن از امیال پیروی کردند.

﴿ ۷۹۰ ﴾ خوشا به حال کسی که از تقوای پسندیده فرمانبرداری کند و هوی و هوس نکوهیده را نافرمانی نماید.

﴿ ۷۹۱ ﴾ [علم را به پیکری می‌توان تشبیه کرد] که سر آن تواضع است ... و از نتایج علم، تقوا و پرهیز از هوی است.

﴿ ۷۹۲ ﴾ من نفس خود را با پرهیزکاری می‌پرورانم، تا در روز قیامت که هراسناک‌ترین روزهاست در امان، و در لغزشگاه‌های آن ثابت قدم باشد. من اگر می‌خواستم، می‌توانستم از غسل پاک، و از مغز گندم، و بافته‌های ابریشم، برای خود غذا و لباس فراهم آورم، اما هیئات که هوای نفس بر من چیره گردد، و حرص و طمع مرا وا دارد که طعام‌های لذیذ برگزینم، درحالی که در «حجاز» یا «یمامه» کسی باشد که به قرص نانی نرسد، و یا هرگز شکمی سیر نخورد، یا من سیر بخوابم و پیرامونم شکم‌هایی که از گرسنگی به پشت چسبیده، و جگرهای سوخته وجود داشته باشد.

﴿ ۷۹۳ ﴾ شعار قلبت را تقوا قرار بده و با هوای نفست مخالفت کن تا بر شیطان غلبه کنی.

۴-۷-۱- شرک و کفر و دروغ‌دانستن دین و روی برگرداندن و فروختن آیات

۱-۷-۴-۱- شرک

﴿ ۷۹۴ ﴾ و از (مخالفت فرمان) او بپرهیزید، نماز را برپا دارید و از مشرکان نباشید.

﴿ ۷۹۵ ﴾ منظور از این آیه: «او اهل تقوا و اهل امرزش است»؛ این است که خداوند بلند مرتبه می‌فرماید: «من شایسته‌ی آن هستم که تقوای من به جای آورده شود و بنده‌ی من، هیچ چیز را شریک من قرار ندهد.

۲-۷-۴-۱- کفر

﴿ ۷۹۶ ﴾ آنچه در آسمان‌ها و آنچه در زمین است، از آن خداست. و ما به کسانی که پیش از شما، کتاب آسمانی به آن‌ها داده شده بود، سفارش کردیم، (همچنین) به شما (نیز) سفارش می‌کنیم که از (نافرمانی) خدا بپرهیزید! و اگر کافر شوید، (به خدا زیانی نمی‌رسد زیرا) برای خداست آنچه در آسمان‌ها و آنچه در زمین است، و خداوند، بی‌نیاز و ستوده است.

﴿ ۷۹۷ ﴾ و به آنچه نازل کرده‌ام [قرآن] ایمان بیاورید! که نشانه‌های آن، با آنچه در کتاب‌های شماست، مطابقت دارد؛ و نخستین کافر به آن نباشید! و آیات مرا به بهای ناچیزی نفروشید! (و به خاطر درآمد مختصری، نشانه‌های قرآن و پیامبر اسلام را، که در کتب شما موجود است، پنهان نکنید!) و تنها از من (و مخالفت دستورهایم) بترسید (نه از مردم)!

﴿المُضَادَاتُ﴾

﴿٧٩٨﴾ مَثَلُ الْجَنَّةِ الَّتِي وُعدَ الْمُتَّقُونَ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ أُكُلُهَا دَائِمٌ وَظِلُّهَا تِلْكَ عُقْبَى الَّذِينَ اتَّقَوْا وَعُقْبَى الْكَافِرِينَ النَّارُ؛ الرعد ٣٥

﴿٧٩٩﴾ لَا يَغْرَتُكَ تَقَلُّبُ الَّذِينَ كَفَرُوا فِي الْبِلَادِ * مَتَاعٌ قَلِيلٌ ثُمَّ مَا لَهُمْ جَهَنَّمَ وَبِئْسَ الْمِهَادُ * لَكِنَّ الَّذِينَ اتَّقَوْا رَبَّهُمْ لَهُمْ جَنَّاتٌ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ خَالِدِينَ فِيهَا نُزُلًا مِنْ عِنْدِ اللَّهِ وَمَا عِنْدَ اللَّهِ خَيْرٌ لِلْأَبْرَارِ؛ آل عمران ١٩٨-١٩٦

﴿٨٠٠﴾ الْبَاقِرُ عليه السلام: فَإِنَّ التَّقْوَى وَصِيَّةُ اللَّهِ فِيكُمْ وَفِي الَّذِينَ مِنْ قَبْلِكُمْ قَالَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ وَ لَقَدْ وَصَّيْنَا الَّذِينَ أُوتُوا الْكِتَابَ مِنْ قَبْلِكُمْ وَإِيَّاكُمْ أَنْ اتَّقُوا اللَّهَ وَإِنْ تَكْفُرُوا فَإِنَّ اللَّهَ مَا فِي السَّمَاوَاتِ وَ مَا فِي الْأَرْضِ وَكَانَ اللَّهُ غَنِيًّا حَمِيدًا؛ الكافي، ج ٣، ص ٤٢٢

٣-٤-٧-١- التَّكْذِيبُ

﴿٨٠١﴾ وَلَوْ أَنَّ أَهْلَ الْقُرَى آمَنُوا وَاتَّقَوْا لَفَتَحْنَا عَلَيْهِم بَرَكَاتٍ مِنَ السَّمَاءِ وَالْأَرْضِ وَلَكِنْ كَذَّبُوا فَأَخَذْنَاهُمْ بِمَا كَانُوا يَكْسِبُونَ؛ الأعراف ٩٦

﴿٨٠٢﴾ فَأَنْذَرْتُكُمْ نَارًا تَلَظَّى * لَا يَصْلَاهَا إِلَّا الْأَشْقَى * الَّذِي كَذَّبَ وَتَوَلَّى * وَسَيُجَنَّبُهَا الْأَتْقَى * الَّذِي يُؤْتِي مَالَهُ يَتَزَكَّى؛ الليل ١٨-١٤

٤-٤-٧-١- التَّوَلَّى

﴿٨٠٣﴾ فَأَنْذَرْتُكُمْ نَارًا تَلَظَّى * لَا يَصْلَاهَا إِلَّا الْأَشْقَى * الَّذِي كَذَّبَ وَتَوَلَّى * وَسَيُجَنَّبُهَا الْأَتْقَى * الَّذِي يُؤْتِي مَالَهُ يَتَزَكَّى؛ الليل ١٨-١٤

﴿٨٠٤﴾ وَأَطِيعُوا اللَّهَ وَأَطِيعُوا الرَّسُولَ وَاحْذَرُوا فَإِنْ تَوَلَّيْتُمْ فَأَعْلَمُوا أَنَّمَا عَلَى رَسُولِنَا الْبَلَاغُ الْمُبِينُ؛ المائدة ٩٢

٥-٤-٧-١- إِشْتِرَاءُ الْآيَاتِ

﴿٨٠٥﴾ وَآمَنُوا بِمَا أَنْزَلْتُ مُصَدِّقًا لِمَا مَعَكُمْ وَلَا تَكُونُوا أَوَّلَ كَافِرٍ بِهِ وَلَا تَشْتَرُوا بِآيَاتِي ثَمَنًا قَلِيلًا وَ إِيَّايَ فَاتَّقُوا؛ البقرة ٤١

﴿ مفاهیم متضاد تقوا ﴾

﴿ ۷۹۸ ﴾ توصیف بهشتی که به پرهیزکاران وعده داده شده، (این است که) نه‌های آب از زیر درختانش جاری است، میوه آن همیشگی، و سایه‌اش دائمی است این سرانجام کسانی است که پرهیزکاری پیشه کردند و سرانجام کافران، آتش است!

﴿ ۷۹۹ ﴾ رفت و آمد (پیروزمندانه) کافران در شهرها، تو را نفریبا! * این متاع ناچیزی است و سپس جایگاهشان دوزخ، و چه بد جایگاهی است! * ولی کسانی (که ایمان دارند، و) از پروردگارشان می‌پرهیزند، برای آن‌ها باغ‌هایی از بهشت است، که از زیر درختانش نه‌ها جاری است همیشه در آن خواهند بود. این، نخستین پذیرایی است که از سوی خداوند به آن‌ها می‌رسد و آنچه در نزد خداست، برای نیکان بهتر است!

﴿ ۸۰۰ ﴾ توصیه و سفارش خداوند به شما و تمام پیشینیان شما، تقواست. خداوند فرمود: «آنچه در آسمان‌ها و آنچه در زمین است، از آن خداست. و ما به کسانی که پیش از شما، کتاب آسمانی به آن‌ها داده شده بود، سفارش کردیم، [همچنین] به شما [نیز] سفارش می‌کنیم که از [نافرمانی] خدا بپرهیزید! و اگر کافر شوید، [به خدا زبانی نمی‌رسد؛ زیرا] آنچه در آسمان‌ها و آنچه در زمین است، برای خداست و خداوند، بی‌نیاز و ستوده است.

۳-۴-۷-۱- دروغ‌دانستن دین

﴿ ۸۰۱ ﴾ و اگر اهل شهرها و آبادی‌ها، ایمان می‌آوردند و تقوا پیشه می‌کردند، برکات آسمان و زمین را بر آن‌ها می‌گشودیم ولی (آن‌ها حق را) تکذیب کردند ما هم آنان را به کیفر اعمالشان مجازات کردیم. ﴿ ۸۰۲ ﴾ و من شما را از آتشی که زبانه می‌کشد بیم می‌دهم * کسی جز بدبخت‌ترین مردم وارد آن نمی‌شود * همان کس که (آیات خدا را) تکذیب کرد و به آن پشت نمود! * و به‌زودی با تقواترین مردم از آن دور داشته می‌شود * همان کس که مال خود را (در راه خدا) می‌بخشد تا پاک شود.

۴-۴-۷-۱- پشت‌کردن به دستورات دین

﴿ ۸۰۳ ﴾ و من شما را از آتشی که زبانه می‌کشد بیم می‌دهم * کسی جز بدبخت‌ترین مردم وارد آن نمی‌شود * همان کس که (آیات خدا را) تکذیب کرد و به آن پشت نمود! * و به‌زودی با تقواترین مردم از آن دور داشته می‌شود * همان کس که مال خود را (در راه خدا) می‌بخشد تا پاک شود. ﴿ ۸۰۴ ﴾ اطاعت خدا و اطاعت پیامبر کنید! و (از مخالفت فرمان او) بترسید! و اگر روی برگردانید، (مستحق مجازات خواهید بود و) بدانید بر پیامبر ما، جز ابلاغ آشکار، چیز دیگری نیست (و این وظیفه را در برابر شما، انجام داده است).

۵-۴-۷-۱- فروختن آیات

﴿ ۸۰۵ ﴾ و به آنچه نازل کرده‌ام [قرآن] ایمان بیاورید! که نشانه‌های آن، با آنچه در کتاب‌های شماست، مطابقت دارد؛ و نخستین کافر به آن نباشید! و آیات مرا به بهای ناچیزی نفروشید! و تنها از من (و مخالفت دستورهایم) بترسید (نه از مردم)!

﴿المُضَادَاتُ﴾

٥-٧-١- حُبُّ الذِّكْرِ وَالشَّرَفِ وَالْعُلُوِّ

١-٧-٥-١- حُبُّ الذِّكْرِ

﴿٨٠٦﴾ الصَّادِقُ عليه السلام: قَالَ تَبَارَكَ وَتَعَالَى وَمَنْ يَتَّقِ اللَّهَ يَجْعَلْ لَهُ مَخْرَجًا قَالَ وَقَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام إِنَّ حُبَّ الشَّرَفِ وَالذِّكْرِ لَا يَكُونَانِ فِي قَلْبِ الْخَائِفِ الرَّاهِبِ؛ الكافي، ج ٢، ص ٦٩

١-٧-٥-٢- حُبُّ الشَّرَفِ

﴿٨٠٧﴾ الصَّادِقُ عليه السلام: قَالَ تَبَارَكَ وَتَعَالَى وَمَنْ يَتَّقِ اللَّهَ يَجْعَلْ لَهُ مَخْرَجًا قَالَ وَقَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام إِنَّ حُبَّ الشَّرَفِ وَالذِّكْرِ لَا يَكُونَانِ فِي قَلْبِ الْخَائِفِ الرَّاهِبِ؛ الكافي، ج ٢، ص ٦٩

١-٧-٥-٣- إِرَادَةُ الْعُلُوِّ

﴿٨٠٨﴾ تِلْكَ الدَّارُ الْآخِرَةُ نَجْعَلُهَا لِلَّذِينَ لَا يُرِيدُونَ عُلُوًّا فِي الْأَرْضِ وَلَا فَسَادًا وَالْعَاقِبَةُ لِلْمُتَّقِينَ؛ القصص ٨٣

١-٧-٤- الظُّلْمُ وَالتَّعَدَّى وَالْإِغْتِدَاءُ وَاللَّدُودُ

١-٧-٤-١- الظُّلْمُ

﴿٨٠٩﴾ وَالْآخِرَةُ خَيْرٌ لِمَنِ اتَّقَى وَلَا تُظْلَمُونَ فَتِيلًا النساء ٧٧

﴿٨١٠﴾ وَإِنْ مِنْكُمْ إِلَّا وَارِدُهَا كَانَ عَلَى رَبِّكَ حَتْمًا مَقْضِيًّا * ثُمَّ نُتْجِي الَّذِينَ اتَّقَوْا وَنَذَرُ الظَّالِمِينَ فِيهَا جِثِيًّا؛ مريم ٧٢-٧١

﴿٨١١﴾ وَإِذْ نَادَى رَبُّكَ مُوسَى أَنْ أَنْتَ الْقَوْمَ الظَّالِمِينَ * قَوْمَ فِرْعَوْنَ أَلَا يَتَّقُونَ؛ الشعراء ١١-١٠

﴿٨١٢﴾ وَإِنَّ الظَّالِمِينَ بَعْضُهُمْ أَوْلِيَاءُ بَعْضٍ وَاللَّهُ وَلِيُّ الْمُتَّقِينَ؛ الجاثية ١٩

﴿٨١٣﴾ أمير المؤمنين عليه السلام: فِي قَوْلِهِ تَعَالَى فَاتَّقُوا النَّارَ الَّتِي وَقُودُهَا النَّاسُ وَالْحِجَارَةُ يَا مَعْشَرَ شَيْعَتِنَا اتَّقُوا اللَّهَ وَاحْذَرُوا أَنْ تَكُونُوا لِنَارِ حَطَبًا وَإِنْ لَمْ تَكُونُوا بِاللَّهِ كَافِرِينَ فَتَوَقَّوْهَا بَتَوْقَى ظَلَمَ إِخْوَانَكُمْ الْمُؤْمِنِينَ وَإِنَّهُ لَيْسَ مِنْ مُؤْمِنٍ ظَلَمَ أَخَاهُ الْمُؤْمِنَ الْمُشَارِكَ لَهُ فِي مَوَالَتِنَا إِلَّا ثَقَلَ اللَّهُ تَعَالَى فِي تِلْكَ النَّارِ؛ مستدرک الوسائل، ج ١٢، ص ١٠١

﴿٨١٤﴾ الرَّسُولُ ﷺ: جَعَلَ الْجَنَّةَ ثَوَابَ الْمُتَّقِينَ وَالنَّارَ عِقَابَ الظَّالِمِينَ؛ مستدرک الوسائل، ج ١٤، ص ٢٠٤

«مفاهیم متضاد تقوا»

۵-۷-۱- نامجویی و جاه‌طلبی و برتری‌طلبی

۱-۷-۵-۱ نامجویی

﴿۸۰۶﴾ و خداوند فرموده است: «و هر کس تقوای الهی پیشه کند، خداوند راه نجاتی برای او فراهم می‌کند» و امام صادق علیه السلام فرمود: «جاه‌طلبی و بزرگی‌خواهی و نامجویی، در دل شخص ترسان راه نمی‌یابد».

۲-۷-۵-۱ جاه‌طلبی

﴿۸۰۷﴾ و خداوند فرموده است: «و هر کس تقوای الهی پیشه کند، خداوند راه نجاتی برای او فراهم می‌کند» و امام صادق علیه السلام فرمود: «جاه‌طلبی و بزرگی‌خواهی و نامجویی، در دل شخص ترسان راه نمی‌یابد».

۳-۷-۵-۱ برتری‌طلبی

﴿۸۰۸﴾ (آری،) این سرای آخر تو را (تنها) برای کسانی قرار می‌دهیم که اراده برتری‌جویی در زمین و فساد را ندارند و عاقبت نیک برای پرهیزکاران است!

۶-۷-۱- ظلم و تجاوز و دشمنی و خصومت

۱-۷-۶-۱ ظلم

﴿۸۰۹﴾ و سرای آخرت، برای کسی که پرهیزکار باشد، بهتر است! و به اندازه رشته شکافِ هسته خرمایی، به شما ستم نخواهد شد!

﴿۸۱۰﴾ و همه شما (بدون استثنا) وارد جهنم می‌شوید این امری است حتمی و قطعی بر پروردگارت! * سپس آن‌ها را که تقوا پیشه کردند از آن رهایی می‌بخشیم و ظالمان را - در حالی که (از ضعف و ذلت) به زانو درآمده‌اند - در آن رها می‌سازیم.

﴿۸۱۱﴾ (به خاطر بیاور) هنگامی را که پروردگارت موسی را ندا داد که به سراغ قوم ستمگر برو... * قوم فرعون، آیا آنان (از مخالفت فرمان پروردگار) پرهیز نمی‌کنند؟!

﴿۸۱۲﴾ و ظالمان یار و یاور یکدیگرند، اما خداوند یار و یاور پرهیزکاران است!

﴿۸۱۳﴾ در تفسیر سخن خدای متعال: «از آتشی بترسید که هیزم آن، بدن‌های مردم [گنهکار] و سنگ‌ها (بت‌ها) است»؛ فرمود: «ای شیعیان ما! تقوای خدا را پیشه کنید و بترسید از اینکه هیزم آن آتش باشید، گرچه به خدا کافر نباشید. از آن مانند ستم به برادر مؤمنان دوری کنید و مؤمنی که به برادر هم عقیده‌ی خود که دوستدار ماست ستم کند، خدا غل و زنجیرهایش را در آن دوزخ گران می‌سازد».

﴿۸۱۴﴾ خداوند بهشت را ثواب پرهیزکاران و آتش را جزای ظالمان قرار داد.

«المُضَادَاتُ»

٢-٦-١-٧-١- التَّعَدَّى

«٨١٥» أمير المؤمنين عليه السلام: لَنْ تَعْرِفُوا التَّقْوَى حَتَّى تَعْرِفُوا الَّذِي تَعَدَّى فَإِذَا عَرَفْتُمْ ذَلِكَ عَرَفْتُمْ
الْبَدْعَ وَالتَّكْلُفَ وَرَأَيْتُمْ الْفُرْيَةَ عَلَى اللَّهِ وَعَلَى رَسُولِهِ وَالتَّحْرِيفَ لِكِتَابِهِ وَرَأَيْتُمْ كَيْفَ هَدَى
اللَّهُ مَنْ هَدَى فَلَا يُجْهَلَنَّكُمْ الَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ؛ الكافي، ج ٨، ص ٣٨٩

٣-٦-١-٧-١- الإِغْتِدَاءُ

«٨١٦» الكاظم عليه السلام: إِنَّ اللَّهَ تَبَارَكَ وَتَعَالَى أَيْدِ الْمُؤْمِنِ بِرُوحٍ مِنْهُ تَخْضَرُهُ فِي كُلِّ وَقْتٍ
يُحْسِنُ فِيهِ وَيَتَّقِي وَتَغِيبُ عَنْهُ فِي كُلِّ وَقْتٍ يُذْنِبُ فِيهِ وَيَعْتَدِي؛ الكافي، ج ٢، ص ٢٦٨

٤-٦-١-٧-١- اللَّدُودُ

«٨١٧» فَإِنَّمَا يَسْرِنَاهُ بِلِسَانِكَ لِتُبَشِّرَ بِهِ الْمُتَّقِينَ وَتُنْذِرَ بِهِ قَوْمًا لُدًّا؛ مريم ٩٧

٥-٦-١-٧-١- الْمُخَاصِمَةُ

«٨١٨» الصَّادِق عليه السلام: لَا يُخَاصِمُ إِلَّا رَجُلٌ لَيْسَ لَهُ وَرَعٌ أَوْ رَجُلٌ شَاكٍ؛ وسائل الشيعة، ج ١٦،

ص ٢٠٠

٦-٦-١-٧-١- الْفِتْنَةُ وَ الْفُرْقَةُ

«٨١٩» أمير المؤمنين عليه السلام: فَاتَّقُوا اللَّهَ عِبَادَ اللَّهِ وَلَا تُسَارِعُوا إِلَى الْفِتْنَةِ وَالْفُرْقَةِ؛ بحار الأنوار،

ج ٤٤، ص ٣٣٥

٧-٧-١-٧-١- الْخِيَانَةُ وَ النِّفَاقُ

١-٧-٧-١- الْخِيَانَةُ

«٨٢٠» الرَّسُولُ ﷺ: يَا عَلِيُّ أَوْصِيكَ فِي نَفْسِكَ بِخَصَالٍ فَاحْفَظْهَا عَنِّي ثُمَّ قَالَ اللَّهُمَّ أَعْنِهِ أَمَّا
الْأَوَّلَى فَالْصِّدْقُ وَلَا تَخْرُجَنَّ مِنْ فَيْكِ كَذِبُهُ أَبَدًا وَالثَّانِيَةُ الْوَرَعُ وَلَا تَجْتَرِيْ عَلَى خِيَانَةٍ أَبَدًا؛

الكافي، ج ٨، ص ٧٩

٢-٧-٧-١- النِّفَاقُ

«٨٢١» الرَّسُولُ ﷺ: فَسَأَلْتُ جَبْرَائِيلَ أَنْ يَسْتَعْفِيَ لِي مِنْ تَبْلِيغِ ذَلِكَ إِلَيْكُمْ أَيُّهَا النَّاسُ لِعِلْمِي

بِقَلَّةِ الْمُتَّقِينَ وَ كَثْرَةِ الْمُنَافِقِينَ؛ الاحتجاج، ج ١، ص ٥٩

«٣٨٨»

﴿مفاهیم متضاد تقوا﴾

۲-۶-۷-۱- تجاوز

﴿۸۱۵﴾ تقوا را نخواهید شناخت مگر هنگامی که مرز گذر از آن را بشناسید. هنگامی که این‌ها را شناختید، بدعت‌ها و زورگویی‌ها را خواهید شناخت و افترا بر خدا، رسول و تحریف قرآن را درخواهید یافت و خواهید دید که چگونه خداوند، هدایت‌یافتگان را ره نموده است. مبدا کسانى که [معارف قرآن] را نمى‌دانند، شما را به گمراهی و جهل کشانند!

۳-۶-۷-۱- تجاوز

﴿۸۱۶﴾ خداوند تبارک و تعالی مؤمن را با روحی از جانب خود تأیید نموده است که هر زمان بنده نیکی و پرهیزکاری کند، آن روح حاضر می‌گردد و هر زمان که گناه و نافرمانی کند از او نهان می‌گردد.

۴-۶-۷-۱- دشمنی

﴿۸۱۷﴾ و ما فقط آن [قرآن] را بر زبان تو آسان ساختیم تا پرهیزکاران را به‌وسیله‌ی آن بشارت دهی، و دشمنان سرسخت را با آنان انذار کنی.

۵-۶-۷-۱- خصومت

﴿۸۱۸﴾ جز فردی که ورع ندارد یا شخصی که در وجود خدا شک دارد، کسی در موضوع وجود خدا بحث و مجادله نمی‌کند.

۶-۶-۷-۱- فتنه و تفرقه

﴿۸۱۹﴾ ای بندگان خدا! از خدا بترسید و به سوی فتنه و تفرقه سرعت نگیرید.

۷-۶-۷-۱- خیانت و نفاق

۱-۶-۷-۷-۱- خیانت

﴿۸۲۰﴾ یا علی! من تو را درباره‌ی خویش به چند چیز سفارش می‌کنم آن‌ها را از من یادداشت کن. خدایا! [در حفظ آن] یاریش کن: اول: راستگویی؛ مبدا هرگز دروغی از دهانت بیرون آید. دوم: ورع و پرهیزکاری؛ مبدا بر خیانتی دلیر گردی [و خیانتی از تو سر زند]... .

۲-۶-۷-۷-۱- نفاق

﴿۸۲۱﴾ من از جبرئیل خواستم تا از خداوند بخواهد که مرا از ابلاغ این امر (ولایت علی علیه السلام) به شما عفو کند؛ چون می‌دانستم که اهل تقوا در میان شما اندک و اهل نفاق بسیارند.

﴿المُضَادَاتُ﴾

﴿٨٢٢﴾ الرَّسُولُ ﷺ: أَنَّ جَبْرَيْلَ نَزَلَ عَلَيْهِ بِهَذَا الدُّعَاءِ مِنَ السَّمَاءِ وَنَزَلَ عَلَيْهِ ضَاحِكًا مُسْتَبْشِرًا فَقَالَ السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا مُحَمَّدُ قَالَ وَعَلَيْكَ السَّلَامُ يَا جَبْرَيْلُ فَقَالَ إِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ بَعَثَ إِلَيْكَ بِهِدْيَةً قَالَ وَمَا تِلْكَ الْهَدْيَةُ يَا جَبْرَيْلُ قَالَ كَلِمَاتٌ مِنْ كُنُوزِ الْعَرْشِ أَكْرَمَكَ اللَّهُ بِهَا... فَعَلَّمَهُنَّ يَا مُحَمَّدُ الْمُتَّقِينَ وَلَا تَعْلَمُهُنَّ الْمُنَافِقِينَ فَإِنَّهَا دَعْوَةٌ مُسْتَجَابَةٌ لِقَائِلِهِنَّ إِنْ شَاءَ اللَّهُ وَهُوَ دُعَاءُ أَهْلِ الْبَيْتِ الْمَعْمُورِ حَوْلَهُ إِذَا كَانُوا يَطُوفُونَ بِهِ؛ بحار الأنوار، ج ٩٢، ص ١٩٨

١-٧-٧-٣- إِيْخْوَانُ الظَّاهِرِ وَأَعْدَاءُ السَّرَائِرِ

﴿٨٢٣﴾ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ ﷺ: مِنْ وَصِيَّةِ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ ﷺ لَوْلَدِهِ الْحَسَنِ ﷺ كَيْفَ وَأَنِّي بَكَ يَا بُنَيَّ إِذَا صِرْتَ فِي قَوْمٍ... إِيْخْوَانُ الظَّاهِرِ وَأَعْدَاءُ السَّرَائِرِ يَتَصَاحَبُونَ عَلَى غَيْرِ تَقْوَى فَإِذَا افْتَرَقُوا ذَمَّ بَعْضُهُمْ بَعْضًا... فَكُنْ عِنْدَ ذَلِكَ يَا بُنَيَّ كَابِنِ اللَّبُونِ لَا ظَهْرُ فَيْرُكَبٍ وَلَا وَبَرٌ فَيُسْلَبُ وَلَا ضَرْعٌ فَيُحْلَبُ؛ بحار الأنوار، ج ٧٤، ص ٢٣٦

١-٧-٨- الشَّقَاوَةُ وَالضَّلَالَةُ وَالرَّدَى

١-٧-٨-١- الشَّقَاوَةُ

﴿٨٢٤﴾ فَأَنْذَرْتُكُمْ نَارًا تَلْتَظِي * لَا يُصْلِيهَا إِلَّا الْأَشْقَى * الَّذِي كَذَّبَ وَتَوَلَّى * وَسَيُجَنَّبُهَا الْأَتْقَى * الَّذِي يُؤْتِي مَالَهُ يَتَزَكَّى؛ الليل ١٨- ١٤

﴿٨٢٥﴾ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ ﷺ: فَإِنَّ النَّاسَ اثْنَانِ بَرٌّ تَقَى وَ آخَرُ شَقَى؛ بحار الأنوار، ج ٧٥، ص ٢٢

﴿٨٢٦﴾ الرَّسُولُ ﷺ: لَا يَتِمُّ الْإِيمَانُ إِلَّا بِمَحَبَّتِنَا أَهْلِ الْبَيْتِ وَإِنَّ اللَّهَ تَبَارَكَ وَتَعَالَى عَهْدَ إِلَيْنَا أَنَّهُ لَا يُحِبُّنَا أَهْلَ الْبَيْتِ إِلَّا مُؤْمِنٌ تَقَى وَلَا يُبْغِضُنَا إِلَّا مُنَافِقٌ شَقَى؛ بحار الأنوار، ج ٣٦، ص ٣٢٢

﴿٨٢٧﴾ الرَّسُولُ ﷺ: أَلَا إِنَّهُ لَا يُبْغِضُ عَلِيًّا إِلَّا شَقَى وَلَا يَتَوَالَى عَلِيًّا إِلَّا تَقَى؛ بحار الأنوار، ج ٣٧، ص ٢١٠

﴿٨٢٨﴾ الرَّسُولُ ﷺ: أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ ﷺ قَالَ لَا يَكْمُلُ الْمُؤْمِنُ إِيْمَانَهُ حَتَّى يَحْتَوِيَ عَلَى مِائَةِ وَ ثَلَاثِ خِصَالٍ فِعْلٌ وَعَمَلٌ وَنِيَّةٌ وَظَاهِرٌ وَبَاطِنٌ فَقَالَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ ﷺ يَا رَسُولَ اللَّهِ مَا يَكُونُ الْمِائَةُ وَ ثَلَاثُ خِصَالٍ فَقَالَ يَا عَلِيُّ مِنْ صِفَاتِ الْمُؤْمِنِ أَنْ يَكُونَ... إِيْفَهُ التَّقَى وَ حِلْفُهُ الْحَيَاءُ؛ مستدرک الوسائل، ج ١١، ص ١٧٨

«مفاهیم متضاد تقوا»

﴿۸۲۲﴾ جبرئیل این دعا را از آسمان بر ایشان فرود آورد و با خنده و بشارت بر ایشان نازل شد و فرمود: «سلام بر تو ای محمد». فرمود: «و سلام بر تو ای جبرئیل»، عرض کرد: «خداوند بلندمرتبه این هدیه را به سویی تو فرستاد»، فرمود: «ای جبرئیل! آن چه هدیه‌ای است؟» جواب داد: «کلماتی از گنج‌های عرش که خداوند تو را به وسیله‌ی آن گرامی داشت» ... ای محمد! این کلمات را به تقواییشان بیاموز و به منافقان نیاموز، به راستی که آن‌ها دعای مستجابی برای گوینده‌شان هستند این شاء الله، و آن دعای اهل بیت المعمور است آنگاه که به دور آن طواف کنند».

۳-۷-۱- دوستان ظاهر و دشمنان باطن

﴿۸۲۳﴾ امیرالمؤمنین (علیه السلام) به پسرش امام حسن (علیه السلام) وصیت فرمود: «پسرم! هرگاه میان گروهی رفتی که... در ظاهر برادر، ولی در باطن دشمنان نهانی هستند. و بدون پرهیزکاری همراهی می‌کنند. و هرگاه پراکنده شوند، یکدیگر را نکوهش می‌کنند... پسرم! در این هنگام مانند بچه شتر باش؛ نه سواری بده، نه کرکی از تو بگیرند و نه شیری بدوشند».

۸-۷-۱- بدبختی و گمراهی و هلاکت

۱-۷-۸-۱- بدبختی

﴿۸۲۴﴾ و من شما را از آتشی که زبانه می‌کشد بیم می‌دهم* کسی جز بدبخت‌ترین مردم وارد آن نمی‌شود* همان کس که (آیات خدا را) تکذیب کرد و به آن پشت نمود!* و به زودی با تقواترین مردم از آن دور داشته می‌شود* همان کس که مال خود را (در راه خدا) می‌بخشد تا پاک شود.

﴿۸۲۵﴾ مردم دو دسته هستند: نیکوکار تقی و بدکار شقی.

﴿۸۲۶﴾ ایمان جز با محبت ما اهل بیت کامل نگردد و خدای تبارک و تعالی با من عهد بسته

است که جز مؤمن پارسا ما را دوست ندارد و جز منافق شقی با ما دشمنی نورزد.

﴿۸۲۷﴾ ای مردم! آگاه باشید که جز بدبخت کسی کینه‌ی علی را به دل نمی‌گیرد و جز پارسا

ولایت او را نمی‌پذیرد.

﴿۸۲۸﴾ پیامبر (صلی الله علیه و آله) فرمود: «ایمان مؤمن کامل نمی‌شود مگر آنکه شامل صد و سه خصلت

فعلی و عملی و نیتی و ظاهری و باطنی شود». امیرالمؤمنین (علیه السلام) عرض کرد: «ای رسول خدا! آن

صد و سه خصلت چیست؟» فرمود: «ای علی! از صفات مؤمن آن است که... همدم او تقوا و

هم‌پیمان او شرم و حیا باشد».

﴿المُضَادَاتُ﴾

﴿٨٢٩﴾ الرسول ﷺ: يَا عَلِيُّ لَوْ نَثَرْتَ الدَّرَّ عَلَى الْمُنَافِقِ مَا أَحْبَبَكَ وَلَوْ ضَرَبْتَ خَيْشُومَ الْمُؤْمِنِ مَا أَبْغَضَكَ لِأَنَّ حُبَّكَ إِيْمَانٌ وَبُغْضُكَ نِفَاقٌ لَا يُحِبُّكَ إِلَّا مُؤْمِنٌ تَقِيٌّ وَلَا يُبْغِضُكَ إِلَّا مُنَافِقٌ شَقِيٌّ؛ بحار الأنوار، ج ٣٩، ص ٢٨٠

﴿٨٣٠﴾ الرسول ﷺ: أَنَّ اللَّهَ قَدْ أَذْهَبَ عَنْكُمْ حَمِيَّةَ الْجَاهِلِيَّةِ وَفَخَرَهَا بِالْأَبَاءِ النَّاسُ بَنُو آدَمَ وَآدَمٌ مِنْ تُرَابٍ مُؤْمِنٌ تَقِيٌّ وَفَاجِرٌ شَقِيٌّ؛ شرح نهج البلاغة، ج ٩، ص ١٠٧
١-٧-٨-٢ الضَّلَالَةُ

﴿٨٣١﴾ الباقر ﷺ: فَاتَّقُوا اللَّهَ عِبَادَ اللَّهِ وَلَا تَلْجُوا فِي الضَّلَالَةِ مِنْ بَعْدِ الْمَعْرِفَةِ؛ بحار الأنوار،

ج ٢٥، ص ١٦١

١-٧-٨-٣ الرَّدَى

﴿٨٣٢﴾ الصادق ﷺ: اللَّهُمَّ ... أَعِزَّ الْإِسْلَامَ وَ أَهْلَهُ وَ زَيْنَهُمُ بِالتَّقْوَى وَ جَنِّبُهُمُ الرَّدَى؛

مستدرک الوسائل، ج ١٥، ص ٤٤٥

﴿٨٣٣﴾ فقه الرضا ﷺ: اللَّهُمَّ زَيِّنِي بِالتَّقَى وَ جَنِّبِي الرَّدَى؛ مستدرک الوسائل، ج ١، ص ٤٤١

﴿٨٣٤﴾ الصادق ﷺ: فَإِذَا لَبَسْتَ ثِيَابَكَ فَقُلْ اللَّهُمَّ الْبَسْنِي التَّقْوَى وَ جَنِّبْنِي الرَّدَى فَإِذَا فَعَلْتَ

ذَلِكَ أَمِنْتَ مِنْ كُلِّ دَاءٍ؛ من لا يحضره الفقيه، ج ١، ص ١١٢

﴿٨٣٥﴾ السجّاد ﷺ: اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ، وَ أَمْنِعْنَا مِنَ الْهَدْيِ بِمِثْلِ ضَلَالَتِهِ، وَ زَوِّدْنَا مِنَ

التَّقْوَى ضِدَّ غَوَايَتِهِ، وَ اسْلُكْ بِنَا مِنَ التَّقَى خِلَافَ سَبِيلِهِ مِنَ الرَّدَى؛ الصحيفة السجّادية ﷺ، الدعاء ١٧

١-٧-٨-٤ الْغَى

﴿٨٣٦﴾ أمير المؤمنين ﷺ: لَا وَرَعَ مَعَ غَى؛ غرر الحكم، ص ٢٧٥

١-٧-٩ الْحَسَدُ

﴿٨٣٧﴾ الكاظم ﷺ: يَا هِشَامُ اعْرِفِ الْعَقْلَ وَ جُنْدَهُ وَ الْجَهْلَ وَ جُنْدَهُ تَكُنْ مِنَ الْمُهْتَدِينَ...

الإنصاف الظلم التقى الحسد؛ بحار الأنوار، ج ٧٥، ص ٣١٨

١-٧-١٠ الْعَقْلَةُ

﴿٨٣٨﴾ أمير المؤمنين ﷺ: أَصْبَحْتُ وَ اللَّهُ لَا أَصْدَقُ قَوْلَكُمْ وَ لَا أَطْمَعُ فِي نَصْرِكُمْ وَ لَا أُوْعِدُ

الْعَدُوَّ بِكُمْ مَا بَالَكُمْ مَا دَوَاؤُكُمْ مَا طِبُّكُمْ الْقَوْمُ رِجَالُ أَمْثَالِكُمْ أَ قَوْلًا بِغَيْرِ عِلْمٍ وَ غَفْلَةٍ مِنْ غَيْرِ وَرَعَ وَ طَمَعًا فِي غَيْرِ حَقٍّ؛ نهج البلاغة، ص ٧٢

﴿٣٩٢﴾

﴿ مفاهیم متضاد تقوا ﴾

﴿ ۸۲۹ ﴾ ای علی! اگر دُرّ و گوهر را نثار منافق کنی تو را دوست نخواهد داشت و اگر بر بینی مؤمن بزنی با تو دشمنی نخواهد ورزید، زیرا حُبّ تو ایمان است و دشمنی با تو نفاق، جز مؤمن پارسا تو را دوست نمی‌دارد و جز منافق شقیّ با تو دشمنی نمی‌کند.

﴿ ۸۳۰ ﴾ خداوند از شما تعصّب کور جاهلی و تفاخر بیجا به پدران را برداشت. ای مردم! آدم ﷺ و فرزندان او از خاک مؤمنی با تقوا یا گناهکاری اهل شقاوت آفریده شده‌اند.

۲-۷-۱- گمراهی

﴿ ۸۳۱ ﴾ ای بندگان خدا! از خدا پروا کنید و بعد از معرفت به گمراهی روی نیاورید.

۳-۷-۱- هلاکت

﴿ ۸۳۲ ﴾ بارخدا! ... اسلام و اهلش را عزیزدار و آن‌ها را با تقوا زینت بخش و از نابودی برکنار دار.

﴿ ۸۳۳ ﴾ خدایا! مرا به تقوا مزین کن و از هلاکت دورم کن.

﴿ ۸۳۴ ﴾ هنگامی که لباس خود را پوشیدی بگو: «خدایا! به من جامه‌ی تقوا ببوشان و از هلاکت برهان». پس اگر این کار را انجام دهی، از هر دردی در امانی.

﴿ ۸۳۵ ﴾ بار خدایا! بر محمد و آل او درود فرست و ما را از رستگاری در برابر گمراهی او بهره‌مند گردان. و ما را خلاف گمراهی او از تقوا و پرهیزکاری توشه ده، و خلاف راه او که راه تباهی است ما را به راه پرهیزکاری ببر.

۴-۷-۱- گمراهی

﴿ ۸۳۶ ﴾ تقوا با گمراهی و خیانت جمع نمی‌شود.

۹-۷-۱- حسادت

﴿ ۸۳۷ ﴾ ای هشام! عقل و سپاهش را بشناس، و نیز جهل و سپاهش را؛ تا از راه یافتگان گردی... [سپاهیان عقل و جهل عبارتند از:] داورزی و ستمگری، خویش‌داری و حسد... .

۱۰-۷-۱- غفلت

﴿ ۸۳۸ ﴾ [ای مردم کوفه!...] به خدا سوگند نه گفته شما را باور می‌کنم، و نه طمع به یاری شما دارم، و نه دشمن را از شما می‌ترسانم. شما را چه شده؟ دواي دردتان چیست؟ و راه علاجتان کدام است؟ دشمن هم مانند شماست. چرا سخن بدون عمل؟! و غفلت بدون ورع؟! و طمع در غیر حق؟

﴿مَصْدَرُ التَّقْوَى﴾

﴿٨٣٩﴾ أمير المؤمنين عليه السلام: أَحْتَكُمُ عَلَى جِهَادِ أَهْلِ الْجَوْرِ فَمَا آتَى عَلَى آخِرِ قَوْلِي حَتَّى أَرَاكُمْ مُتَفَرِّقِينَ أَيَادِي سَبَا تَرْجِعُونَ إِلَى مَجَالِسِكُمْ تَتَرَبَّعُونَ حَلَقًا، تَضْرِبُونَ الْأُمْتَالَ، وَتَنْشِدُونَ الْأَشْعَارَ، وَتَجَسَّسُونَ الْأَخْبَارَ، حَتَّى إِذَا تَفَرَّقْتُمْ، تَسْأَلُونَ عَنِ الْأَشْعَارِ جَهْلَةً مِنْ غَيْرِ عِلْمٍ، وَغَفْلَةً مِنْ غَيْرِ وَرَعٍ؛ بحار الأنوار، ج ٣٤، ص ١٣٥

١١-٧-١- مَا يَقْطَعُكَ عَنِ اللَّهِ

﴿٨٤٠﴾ الصادق عليه السلام: مَزِيدُ التَّقْوَى يَكُونُ مِنْ أَصْلٍ أَطْلَاعِ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ عَلَى سِرِّ الْعَبْدِ بِطُفْهِهِ فَهَذَا أَصْلُ كُلِّ حَقٍّ وَأَمَّا الْبَاطِلُ فَهُوَ مَا يَقْطَعُكَ عَنِ اللَّهِ تَعَالَى؛ مصباح الشريعة، ص ٥٩

١-٨- مَصْدَرُ التَّقْوَى

١-٨-١- الْبَاطِلُ

﴿٨٤١﴾ أمير المؤمنين عليه السلام: اسْتَشْعِرُوا التَّقْوَى شِعَارًا بَاطِنًا؛ الكافي، ج ٨، ص ١٧

١-٨-٢- الْجَوَارِحُ

﴿٨٤٢﴾ أمير المؤمنين عليه السلام: مُنَحُّ الْإِيمَانِ التَّقْوَى وَالْوَرَعُ وَهُمَا مِنْ أَفْعَالِ الْقُلُوبِ وَأَحْسَنُ أَفْعَالِ الْجَوَارِحِ أَلَّا تَزَالَ مَالِنَا فَاكْ بِذِكْرِ اللَّهِ سُبْحَانَهُ؛ شرح نهج البلاغة، ج ٢٠، ص ٣٤٧

١-٨-٣- الصَّدْرُ

﴿٨٤٣﴾ أمير المؤمنين عليه السلام: الدُّعَاءُ مَفَاتِيحُ النَّجَاحِ وَمَقَالِيدُ الْفَلَاحِ وَخَيْرُ الدُّعَاءِ مَا صَدَرَ عَنْ صَدْرٍ تَقَى وَقَلْبٍ نَقَى؛ بحار الأنوار، ج ٩٠، ص ٣٤١

﴿٨٤٤﴾ دُعَاءُ سَاعَةِ الْإِثْنَيْنِ: فَاسْأَلْكَ أَنْ تَزِيدَنِي مِنْ لَدُنْكَ عِلْمًا وَتَهَبَ لِي حُكْمًا وَتَجْبِرَ كَسْرِي وَتَشْرَحَ بِالتَّقْوَى صَدْرِي؛ بحار الأنوار، ج ٨٣، ص ٣٤١

﴿٨٤٥﴾ الرَّسُولُ ﷺ: يَا أَبَا ذَرٍّ إِنَّ اللَّهَ لَا يَنْظُرُ إِلَى صُورِكُمْ وَلَا إِلَى أَمْوَالِكُمْ وَلَكِنْ يَنْظُرُ إِلَى قُلُوبِكُمْ وَأَعْمَالِكُمْ يَا أَبَا ذَرٍّ إِنَّ التَّقْوَى هَاهُنَا وَأَشَارَ بِيَدِهِ إِلَى صَدْرِهِ؛ مستدرک الوسائل، ج ١١، ص ٢٦٤

﴿٨٤٦﴾ الرَّسُولُ ﷺ: يَا أَبَا ذَرٍّ، التَّقْوَى التَّقْوَى هَاهُنَا، وَأَشَارَ إِلَى صَدْرِهِ؛ الأمالي للطوسي، ص ٥٣٥

١-٨-٤- الْقَلْبُ

﴿٨٤٧﴾ الصادق عليه السلام: يَا عَلِيُّ بْنُ عَبْدِ الْعَزِيزِ لَا يَغُرَّنَكَ بَكَائُهُمْ فَإِنَّ التَّقْوَى فِي الْقَلْبِ؛

بحار الأنوار، ج ٦٧، ص ٢٨٣

﴿جایگاه تقوا﴾

﴿۸۳۹﴾ شما را به مبارزه با سرکشان ترغیب می‌کنم، هنوز سخنانم به آخر نرسیده، چون مردم سبأ، متفرّق شده، به جلسات خود باز می‌گردید و چهار زانو حلقه‌وار می‌نشینید و مثال‌ها می‌آوردید و اشعار می‌خوانید و از اخبار روز گفتگو می‌کنید و چون می‌خواهید متفرّق شوید از اشعاری که اطلاعی از حقیقت آن‌ها ندارید و غافل از نظریّه سرایندگان آن‌ها هستید، می‌پرسید.

۱-۷-۱۱- هرچه از خدا دورت کند

﴿۸۴۰﴾ یگانه عامل ازدیاد و تقویت تقوا، اطلاع کامل و ایمان انسان است به اینکه خدا به تمامی اسرار و نیّات و خاطرات بنده‌اش آگاهی دارد. این چنین تقوایی ریشه و اساس حق و حقیقت است. و اما باطل، به طور کلی هر چه که انسان را از خدا دور کرده و ارتباطش را از او قطع نماید.

۱-۸- جایگاه تقوا

۱-۸-۱- درون

﴿۸۴۱﴾ تقوا را شعار باطنی خود قرار دهید.

۱-۸-۲- اعضا

﴿۸۴۲﴾ مغز ایمان، تقوا و ورع است و این دو از کارهای قلب است. بهترین کار در کارهای اندام تنّت، این است که پیوسته دهانت به یاد خداوند سبحان مشغول باشد.

۱-۸-۳- سینه

﴿۸۴۳﴾ دعا کلیدهای پیروزی و قلاده‌های رستگاری است و بهترین دعا، آن است که از سینه متّقی و قلب پاکیزه صادر شود.

﴿۸۴۴﴾ [دعای ساعت دوم از طلوع خورشید:] از تو می‌خواهم که بر دانش من بیفزایی، و به من حکمت ببخشی و کاستی‌هایم را جبران کنی و سینه‌ام را به تقوا گشاده گردانی.

﴿۸۴۵﴾ ای ابوذر! خداوند به چهره‌ها و اموال شما نگاه نمی‌کند، بلکه به دل‌ها و اعمال شما می‌نگرد. ای ابوذر! تقوا در اینجاست و پیامبر ﷺ به سینه‌ی خود اشاره فرمود.

﴿۸۴۶﴾ پیامبر ﷺ به سینه خود اشاره کرد و فرمود: «ای اباذر! تقوا باید تقوای در اینجا باشد».

۱-۸-۴- قلب

﴿۸۴۷﴾ ای علی بن عبدالعزیز! فریب گریه‌ی آن‌ها را نخوری که تقوا حالتی در دل است.

﴿مَصْدَرُ التَّقْوَى﴾

﴿٨٤٨﴾ الرَّسُولُ ﷺ: لِكُلِّ شَيْءٍ مَعْدِنٌ وَمَعْدِنُ التَّقْوَى قُلُوبُ الْعَارِفِينَ؛ إرشاد القلوب، ج ١،

ص ١٥

﴿٨٤٩﴾ السَّجَادُ ﷺ: لَمَّا رَجَعَ مَوْلَانَا زَيْنُ الْعَابِدِينَ ﷺ مِنَ الْحَجِّ اسْتَقْبَلَهُ الشَّيْلِيُّ فَقَالَ ﷺ لَهُ... قَالَ فَعِنْدَ مَا مَرَرْتُ بِالْمَشْعَرِ الْحَرَامِ نَوَيْتُ أَنَّكَ أَشْعَرْتَ قَلْبَكَ إِشْعَارَ أَهْلِ التَّقْوَى وَالْخَوْفِ لِلَّهِ عَزَّ وَجَلَّ قَالَ لَا قَالَ فَمَا مَرَرْتُ بِالْعَلَمِينَ وَلَا صَلَّيْتَ رُكْعَتَيْنِ وَلَا مَشَيْتَ بِالْمُزْدَلِفَةِ وَلَا رَفَعْتَ مِنْهَا الْحَصَى وَلَا مَرَرْتُ بِالْمَشْعَرِ الْحَرَامِ؛ مستدرک الوسائل، ج ١٠، ص ١٧٠

﴿٨٥٠﴾ حديث قدسي: يَا مُوسَى ادْعُنِي بِالْقَلْبِ التَّقِي النَّقِيِّ وَاللِّسَانِ الصَّادِقِ؛ عدة الداعي، ص ١٧٧

﴿٨٥١﴾ الرَّسُولُ ﷺ: فَقَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ لِمَنْ حَوَّلَهُ هَذَا عَلَى قَدْ آتَاكُمْ تَقَى الْقَلْبِ نَقَى

الْكَفَيْنِ؛ بحار الأنوار، ج ٤٠، ص ٢٠٣

﴿٨٥٢﴾ أمير المؤمنين ﷺ: الْمُؤْمِنُ حَبِيٌّ غَنِيٌّ مُوقِنٌ تَقَى؛ غرر الحكم، ص ٩٠

﴿٨٥٣﴾ الصَّادِقُ ﷺ: إِنَّ رَجُلًا كَانَ فِي بَنِي إِسْرَائِيلَ قَدْ دَعَا اللَّهَ أَنْ يَرْزُقَهُ غُلَامًا يَدْعُو ثَلَاثًا وَثَلَاثِينَ سَنَةً فَلَمَّا رَأَى أَنَّ اللَّهَ تَعَالَى لَا يُجِيبُهُ قَالَ يَا رَبِّ أَبْعِدْهُ مِنِّي فَلَا تَسْمَعْ مِنِّي أَمْ قَرِيبٌ أَنْتَ فَلَا تُجِيبُنِي فَأَتَاهُ آتٍ فِي مَنَامِهِ فَقَالَ لَهُ إِنَّكَ تَدْعُو اللَّهَ بِلِسَانٍ بَدِيٍّ وَقَلْبٍ غَلِقَ غَيْرَ نَقِيٍّ وَنِيَّةٍ غَيْرَ صَادِقَةٍ فَأَقْلَعُ مِنْ بَدَائِكَ فَلْيَتَّقِ اللَّهَ قَلْبُكَ وَلْتَحْسُنْ نِيَّتَكَ قَالَ فَفَعَلَ الرَّجُلُ ذَلِكَ فَدَعَا اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ فَوُلِدَ لَهُ غُلَامٌ؛ مستدرک الوسائل، ج ٥، ص ١٨٨

﴿٨٥٤﴾ أمير المؤمنين ﷺ: الدُّعَاءُ مَفَاتِيحُ النَّجَاحِ وَمَقَالِيدُ الْفَلَاحِ وَخَيْرُ الدُّعَاءِ مَا صَدَرَ عَنْ

صَدْرِ نَقِيٍّ وَقَلْبِ تَقِيٍّ؛ الكافي، ج ٢، ص ٤٦٨

﴿٨٥٥﴾ الرَّسُولُ ﷺ: أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ ﷺ قَالَ لَا يَكْمُلُ الْمُؤْمِنُ إِيمَانُهُ حَتَّى يَخْتَوِيَ عَلَى مِائَةِ وَثَلَاثِ خِصَالٍ فِعْلٌ وَعَمَلٌ وَنِيَّةٌ وَظَاهِرٌ وَبَاطِنٌ فَقَالَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ ﷺ يَا رَسُولَ اللَّهِ مَا يَكُونُ الْمِائَةُ وَثَلَاثُ خِصَالٍ فَقَالَ يَا عَلِيُّ مِنْ صِفَاتِ الْمُؤْمِنِ أَنْ يَكُونَ... قَلْبُهُ تَقَى؛ مستدرک الوسائل،

ج ١١، ص ١٧٨

﴿٨٥٦﴾ السَّجَادُ ﷺ: أَشْعَرُ قَلْبِي تَقَوَّاءُ؛ الصحيفة السجادية ﷺ، الدعاء ٢١

﴿٨٥٧﴾ دعاء اليوم الثالث والعشرين من شهر رمضان: اللَّهُمَّ اغْسِلْنِي فِيهِ مِنَ الذُّنُوبِ وَطَهِّرْنِي

فِيهِ مِنَ الْعُيُوبِ وَامْتَحِنْ فِيهِ قَلْبِي لِتَقْوَى الْقُلُوبِ؛ إقبال الأعمال، ص ٢١٦

﴿جایگاه تقوا﴾

﴿۸۴۸﴾ هر چیزی معدنی دارد و معدن تقوا، قلب عارفان است.

﴿۸۴۹﴾ هنگامی که مولایمان امام سجاد علیه السلام از حج بازگشت، شبلی به استقبال ایشان رفت. امام علیه السلام به او فرمود: «... وقتی که بر مشعرالحرام گذر کردی، آیا نیت کردی که دلت را به بینش اهل تقوا و خوف از خدا بیارایی؟» گفت: «نه». امام علیه السلام فرمود: «پس نه از دو کوه عبور کرده‌ای، نه دو رکعت نماز خوانده‌ای، نه به مزدلفه رفته‌ای، نه از آنجا سنگریزه برداشته‌ای و نه از مشعرالحرام عبور کرده‌ای!»

﴿۸۵۰﴾ ای موسی! مرا با قلب باتقوا و پاک و زبانی راست‌گو بخوان.

﴿۸۵۱﴾ رسول خدا صلی الله علیه و آله به کسانی که در اطرافش بودند فرمود: این علی است؛ کسی که قلبی تقوایی و دستانی پاک دارد.

﴿۸۵۲﴾ مؤمن، زنده و بی‌نیاز از غیر و اهل یقین و اهل تقوا است.

﴿۸۵۳﴾ در میان بنی‌اسرائیل مردی بود که به درگاه خداوند دعا خوانده بود که به او پسر بچه‌ای ببخشد، آن مرد سی و سه سال خداوند را فرا می‌خواند، و هنگامی که مشاهده کرد خداوند متعال دعای او را اجابت نمی‌فرماید گفت: «پروردگارا، آیا من از تو دورم که صدایم را نمی‌شنوی، یا اینکه نزدیک هستی و دعای مرا اجابت نمی‌فرمایی؟» آن‌گاه شخصی به خواب آن مرد آمد و به او گفت: «همانا تو خداوند را با زبانی دشنام‌گو، قلبی وابسته به دنیا و ناپاک و نیتی ناراست فرا می‌خوانی، بنابراین از دشنام و ناسزاگویی دست بردار و باید قلبت تقوای خدا داشته باشد و نیت نیکو گردد»؛ مرد چنان کرد و سپس خداوند بلندمرتبه را فرا خواند و پسر بچه‌ای برای او به دنیا آمد.

﴿۸۵۴﴾ دعا کلیدهای پیروزی و قلاده‌های رستگاری است و بهترین دعا آن است که از سینه‌ی پاکیزه و قلب متقی صادر شود.

﴿۸۵۵﴾ «ایمان مؤمن کامل نمی‌شود مگر آنکه شامل صد و سه خصلت فعلی و عملی و نیتی و ظاهری و باطنی شود». امیرمؤمنان علیه السلام فرمود: «ای رسول خدا! آن صد و سه خصلت چیست؟» فرمود: «ای علی! از صفات مؤمن آن است که... قلبش با تقوا باشد».

﴿۸۵۶﴾ تقوی و ترس از خود را روش من گردان.

﴿۸۵۷﴾ [دعای روز بیست و سوم ماه رمضان:] خدایا! گناهان مرا در این روز بشوی و مرا از عیب‌ها پاک بگردان و قلبم را برای تقوای قلب‌ها امتحان کن.

﴿مَصَدَرُ التَّقْوَى﴾

﴿٨٥٨﴾ أمير المؤمنين عليه السلام: التَّقْوَى... أَشْعِرُوهَا قُلُوبَكُمْ وَارْحَضُوا بِهَا ذُنُوبَكُمْ وَدَاوُوا بِهَا الْأَسْقَامَ وَبَادِرُوا بِهَا الْحِمَامَ وَاعْتَبِرُوا بِمَنْ أَضَاعَهَا وَلَا يَخْتَبِرَنَّ بِكُمْ مَنْ أَطَاعَهَا؛ نهج البلاغة، ص ٢٨٤

﴿٨٥٩﴾ أمير المؤمنين عليه السلام: لَيْسَ عَبْدٌ مِمَّنْ امْتَحَنَ اللَّهُ قَلْبَهُ لِلتَّقْوَى إِلَّا وَقَدْ أَصْبَحَ وَهُوَ يَوَدُّنَا مَوَدَّةً يَجِدُهَا عَلَى قَلْبِهِ وَ لَيْسَ عَبْدٌ مِمَّنْ سَخِطَ اللَّهُ عَلَيْهِ إِلَّا أَصْبَحَ يُبْغِضُنَا بِغَضَةٍ يَجِدُهَا عَلَى قَلْبِهِ؛ دعائم الإسلام، ج ١، ص ٦٣

﴿٨٦٠﴾ الصادق عليه السلام: طَهَّرَ قَلْبَكَ لِلتَّقْوَى وَالْيَقِينِ عِنْدَ طَهَارَةِ جَوَارِحِكَ بِالْمَاءِ؛ بحار الأنوار، ج ٧٧، ص ٣٣٩

﴿٨٦١﴾ الكاظم عليه السلام: يَا عَبِيدَ السَّوْءِ اتَّخَذُوا مَسَاجِدَ رَبِّكُمْ سُجُونًا لِأَجْسَادِكُمْ وَجَبَاهِكُمْ وَاجْعَلُوا قُلُوبَكُمْ بَيُوتًا لِلتَّقْوَى وَلَا تَجْعَلُوا قُلُوبَكُمْ مَأْوَى لِلشَّهَوَاتِ؛ بحار الأنوار، ج ٧٥، ص ٣٠٦

﴿٨٦٢﴾ ادریس عليه السلام: وَاغْسِلْ قَلْبَكَ بِالتَّقْوَى كَمَا تَغْسِلُ ثِيَابَكَ بِالْمَاءِ؛ بحار الأنوار، ج ٩٢، ص ٤٧١

﴿٨٦٣﴾ الرسول ﷺ: أَشْعِرْ قَلْبَكَ بِالتَّقْوَى تَنَلِ الْعِلْمَ؛ بحار الأنوار، ج ١، ص ٢٢٦

﴿٨٦٤﴾ أمير المؤمنين عليه السلام: أَشْعِرْ قَلْبَكَ التَّقْوَى وَخَالَفِ الْهَوَى تَغْلِبِ الشَّيْطَانَ؛ غرر الحكم، ص ٢٧٤

﴿٨٦٥﴾ أمير المؤمنين عليه السلام: مَنْ أَشْعَرَ قَلْبَهُ التَّقْوَى فَازَ عَمَلُهُ؛ غرر الحكم، ص ٢٧١

﴿٨٦٦﴾ أمير المؤمنين عليه السلام: حَرَامٌ عَلَى [كُلِّ] قَلْبٍ مُتَوَلِّهِ بِالدُّنْيَا أَنْ يَسْكُنَهُ التَّقْوَى؛ غرر الحكم، ص ١٤٢

﴿٨٦٧﴾ الأئمة عليهم السلام: حَرَامٌ عَلَى كُلِّ قَلْبٍ مُتَوَلِّهِ بِالشَّهَوَاتِ أَنْ يَسْكُنَهُ الْوَرَعُ؛ مجموعة ورام، ج ٢، ص ١٢١

﴿٨٦٨﴾ أمير المؤمنين عليه السلام: مُخُ الْإِيمَانِ التَّقْوَى وَالْوَرَعُ وَهُمَا مِنْ أَفْعَالِ الْقُلُوبِ وَأَحْسَنُ أَفْعَالِ الْجَوَارِحِ أَلَّا تَزَالَ مَالِيًا فَاكْ بِذِكْرِ اللَّهِ سُبْحَانَهُ؛ شرح نهج البلاغة، ج ٢٠، ص ٣٤٧

﴿٨٦٩﴾ الرسول ﷺ: أَنَّ مُوسَى عليه السلام لَقِيَ الْخَضِرَ عليه السلام فَقَالَ أَوْصِنِي فَقَالَ الْخَضِرُ... يَا مُوسَى وَطَّنْ نَفْسَكَ عَلَى الصَّبْرِ تَلَقَّ الْحُلُمَ وَأَشْعِرْ قَلْبَكَ التَّقْوَى تَنَلِ الْعِلْمَ؛ منية المريد، ص ١٤٠

﴿٨٧٠﴾ أمير المؤمنين عليه السلام: طُوبَى لِمَنْ أَشْعَرَ التَّقْوَى قَلْبَهُ؛ غرر الحكم، ص ٢٦٩

﴿٨٧١﴾ أمير المؤمنين عليه السلام: فَمَنْ أَشْعَرَ التَّقْوَى قَلْبَهُ بَرَزَ مَهْلُهُ وَفَازَ عَمَلُهُ؛ نهج البلاغة، ص ١٩٠

﴿جایگاه تقوا﴾

﴿۸۵۸﴾ دل‌های خود را با تقوا زنده کنید، و گناهان خود را با آن شستشو دهید. بیماری‌های روان و جان خود را با تقوا درمان کنید و خود را آماده‌ی سفر آخرت گردانید، از تباه‌کنندگان تقوا عبرت بگیرید و خود عبرت‌پرهیزکاران نشوید.

﴿۸۵۹﴾ هر بنده‌ای که خداوند قلبش را در مورد تقوا آزموده است، هر روزش را با مودّت و دوستی‌ما شروع می‌کند، محبتی که آن را در دلش حس می‌کند و هر بنده‌ای که خدا بر او خشم گرفته هر روزش را با بغض و کینه نسبت به ما شروع می‌کند، کینه‌ای که در دلش حس می‌کند.

﴿۸۶۰﴾ هنگامی که اعضای بدن را با آب تطهیر می‌کنی، قلبت را با یقین و تقوا پاک کن.
﴿۸۶۱﴾ ای بندگان بدی! مسجدهای پروردگارتان را زندانی برای جسم‌ها و پیشانی‌های خود سازید و دل‌هایتان را خانه‌ای برای پرهیزکاری قرار دهید و دل‌های خویش را جایگاه شهوت‌ها نکنید.

﴿۸۶۲﴾ [صحف حضرت ادریس علیه السلام]: قلبت را با تقوا شستشو ده همان طوری که لباس‌هایت را با آب می‌شویی.

﴿۸۶۳﴾ دلت را به پرهیزکاری بیدار کن تا به علم دست یابی.
﴿۸۶۴﴾ شعار قلبت را تقوا قرار بده و با هوای نفست مخالفت کن تا بر شیطان غلبه کنی.
﴿۸۶۵﴾ کسی که در قلبش، تقوا را حس کند، در اعمالش پیروز است.
﴿۸۶۶﴾ حرام است تقوا ساکن قلبی شود که مشغول دنیا است.
﴿۸۶۷﴾ بر قلبی که مشغول به شهوت‌هاست، حرام است که ورع ساکن آن شود.
﴿۸۶۸﴾ مغز ایمان، تقوا و ورع است و این دو از کارهای قلب است. بهترین کار در کارهای اندام تن، این است که پیوسته دهانت به یاد خداوند سبحان مشغول باشد.
﴿۸۶۹﴾ حضرت موسی علیه السلام حضرت خضر علیه السلام را ملاقات کرد و گفت: «مرا موعظه کن». خضر علیه السلام فرمود: «... ای موسی! خودت را به شکیبایی وادار تا به بردباری برسی و پرهیزکاری را با دلت آشنا ساز تا به دانش و معرفت دست یابی».

﴿۸۷۰﴾ خوشا به حال آنکه در قلبش تقوا را حس می‌کند.
﴿۸۷۱﴾ پس کسی که تقوا و پرهیزکاری را شعار قلبش قرار داد در خیر و نیکویی از دیگری پیشی گرفت و کردارش رستگار گردید.

﴿مَصْدَرُ التَّقْوَى﴾

﴿٨٧٢﴾ الرَّسُولُ ﷺ: يَا أَبَا ذَرٍّ إِنَّ اللَّهَ لَا يَنْظُرُ إِلَى صُورِكُمْ وَلَا إِلَى أَمْوَالِكُمْ وَلَكِنْ يَنْظُرُ إِلَى قُلُوبِكُمْ وَأَعْمَالِكُمْ يَا أَبَا ذَرٍّ إِنَّ التَّقْوَى هَاهُنَا وَأَشَارَ بِيَدِهِ إِلَى صَدْرِهِ؛ مستدرك الوسائل، ج ١١، ص ٢٦٤

﴿٨٧٣﴾ أمير المؤمنين عليه السلام: مَا أَنْفَعَ الْمَوْتَ لِمَنْ أَشْعَرَ الْإِيمَانَ وَالتَّقْوَى قَلْبَهُ؛ غرر الحكم، ص ٢٧١
٥-٨-١- النَّفْسُ

﴿٨٧٤﴾ الرَّسُولُ ﷺ: يَا فَاطِمَةُ تِلْكَ النَّفُوسُ وَمُلْهَمَهَا فُجُورَهَا وَتَقْوَاهَا؛ بحار الأنوار، ج ٩٢، ص ٣٠٨

﴿٨٧٥﴾ الحسين عليه السلام: اللَّهُمَّ آتِ نَفْسِي تَقْوَاهَا فَأَنْتَ وَلِيَّهَا وَمَوْلَاهَا؛ بحار الأنوار، ج ٨٨، ص ١٨٧
﴿٨٧٦﴾ أمير المؤمنين عليه السلام: مِنْ تَقْوَى النَّفْسِ الْعَمَلُ بِالطَّاعَةِ؛ غرر الحكم، ص ١٨٤
٦-٨-١- اللِّسَانُ وَرَاجِعُ: الْفَصْلُ الْحَادِي عَشَرَ؛ عِلَامَاتُ الْمُتَّقِينَ؛ الْقَوْلُ وَالْكَلَامُ

﴿٨٧٧﴾ الرَّسُولُ ﷺ: قَالَ فَمَا أَتَقَى؟ فَأَوْمَأَ بِيَدِهِ إِلَى لِسَانِهِ؛ شرح نهج البلاغة، ج ١٠، ص ١٣٦
﴿٨٧٨﴾ موسى عليه السلام: فَادْعُنِي بِالْقَلْبِ النَّقِيِّ وَاللِّسَانِ الصَّادِقِ النَّقِيِّ؛ أعلام الدين، ص ٢٢٠
١-٦-٨-١- وَرَعُ الْمُنَافِقِ لَا يَظْهَرُ إِلَّا عَلَى لِسَانِهِ

﴿٨٧٩﴾ أمير المؤمنين عليه السلام: وَرَعُ الْمُنَافِقِ لَا يَظْهَرُ إِلَّا عَلَى لِسَانِهِ؛ غرر الحكم، ص ٤٥٩

﴿جایگاه تقوا﴾

﴿۸۷۲﴾ ای ابوذر! خداوند به چهره‌ها و اموال شما نگاه نمی‌کند، بلکه به دل‌ها و اعمال شما می‌نگرد. ای ابوذر! تقوا در اینجاست و پیامبر ﷺ به سینه‌ی خود اشاره فرمود.
﴿۸۷۳﴾ چقدر مرگ برای کسی که قلبش احساس ایمان و تقوا می‌کند مفید است.

۵-۱-۸-۱- نفس

﴿۸۷۴﴾ ای آفریننده‌ی این جان‌ها! ای الهام‌کننده بدی‌ها و تقوا به آن‌ها.
﴿۸۷۵﴾ پروردگارا! پرهیزکاری را به نفس من بده چرا که تو سرپرست و مولای نفس من هستی.

﴿۸۷۶﴾ انجام طاعات و عبادات از نشانه‌های تقوای نفس است.

۶-۱-۸-۱- زبان و ر.به: فصل ۱۱؛ نشانه‌های پرهیزکاران؛ کلام و گفتار

﴿۸۷۷﴾ یکی از اصحاب عرض کرد: «از چه چیزی باید پرهیز کنم [که ایمانم در امان باشد]؟». حضرت با دست مبارکش به زبانش اشاره کرد [که از گناهان زبان پرهیز کنید].
﴿۸۷۸﴾ مناجات حضرت موسی ﷺ: [خداوند فرمود]: مرا با قلب پاک و زبانی راست‌گو و باتقوا بخوان.

۱-۶-۱-۸- ورع منافق از زبانش فراتر نمی‌رود

﴿۸۷۹﴾ پرهیزکاری منافق جز در زبانش ظاهر نمی‌شود [و در دلش تقوا ندارد].

الفصلُ الثاني: أَهْمِيَّةُ التَّقْوَى وَ الْإِهْتِمَامُ بِهَا

٢-١- الفرَضُ

٢-١-١- عِلْمُ التَّقْوَى فَرِيضَةٌ

﴿٨٨٠﴾ الرَّسُولُ ﷺ: طَلَبُ الْعِلْمِ فَرِيضَةٌ عَلَى كُلِّ مُسْلِمٍ وَ مُسْلِمَةٍ أَيْ عِلْمُ التَّقْوَى وَ الْيَقِينِ؛

مصباح الشريعة، ص ١٣

٢-١-٢- لَعَلَّكُمْ تَتَّقُونَ؛ وَ «لَعَلَّ» مِنْ اللَّهِ وَاجِبُ

﴿٨٨١﴾ الْعَسْكَرِيُّ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ: لَعَلَّكُمْ تَتَّقُونَ قَالَ لَهَا وَجْهَانِ أَحَدُهُمَا خَلَقَكُمْ وَ خَلَقَ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِكُمْ لَعَلَّكُمْ تَتَّقُونَ أَيْ لِيَتَّقُوا كَمَا قَالَ اللَّهُ وَ مَا خَلَقْتُ الْجِنَّ وَالْإِنْسَ إِلَّا لِيَعْبُدُونِ وَ الْوَجْهُ الْآخَرُ اعْبُدُوا رَبَّكُمُ الَّذِي خَلَقَكُمْ وَالَّذِينَ مِنْ قَبْلِكُمْ أَيْ اعْبُدُوهُ لَعَلَّكُمْ تَتَّقُونَ النَّارَ وَ لَعَلَّ مِنْ اللَّهِ

وَاجِبُ؛ بَحَارُ الْأَنْوَارِ، ج ٦٥، ص ٢٨٦

﴿٨٨٢﴾ وَإِذْ أَخَذْنَا مِيثَاقَكُمْ وَرَفَعْنَا فَوْقَكُمُ الطُّورَ خُذُوا مَا آتَيْنَاكُمْ بِقُوَّةٍ وَادْكُرُوا مَا فِيهِ لَعَلَّكُمْ

تَتَّقُونَ؛ الْبَقَرَةُ ٦٣

﴿٨٨٣﴾ وَلَكُمْ فِي الْقِصَاصِ حَيَاةٌ يَا أُولِي الْأَلْبَابِ لَعَلَّكُمْ تَتَّقُونَ؛ الْبَقَرَةُ ١٧٩

﴿٨٨٤﴾ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا كُتِبَ عَلَيْكُمُ الصِّيَامُ كَمَا كُتِبَ عَلَى الَّذِينَ مِنْ قَبْلِكُمْ لَعَلَّكُمْ تَتَّقُونَ؛

الْبَقَرَةُ ١٨٣

﴿٨٨٥﴾ وَأَنَّ هَذَا صِرَاطِي مُسْتَقِيمًا فَاتَّبِعُوهُ وَلَا تَتَّبِعُوا السُّبُلَ فَتَفَرَّقَ بِكُمْ عَنْ سَبِيلِهِ ذَلِكَكُمْ

وَصَاكُمُ بِهِ لَعَلَّكُمْ تَتَّقُونَ؛ الْأَنْعَامُ ١٥٣

﴿٨٨٦﴾ وَإِذْ نَتَقْنَا الْجَبَلَ فَوْقَهُمْ كَأَنَّهُ ظُلَّةٌ وَظَنُّوا أَنَّهُ وَاقِعٌ بِهِمْ خُذُوا مَا آتَيْنَاكُمْ بِقُوَّةٍ وَادْكُرُوا مَا فِيهِ

لَعَلَّكُمْ تَتَّقُونَ؛ الْأَعْرَافُ ١٧١

فصل ۲: اهمیت تقوا و توجه به آن

۲-۱- وجوب تقوا

۲-۱-۱- دانش پرهیزکاری واجب است

﴿۸۸۰﴾ کسب علم بر هر مرد و زن مسلمان واجب است و منظور از علم، تقوا و یقین است.

۲-۱-۲- باشد که پرهیزکار شوید؛ «باشد» از طرف خدا نشانه‌ی وجوب است

﴿۸۸۱﴾ «شاید پرهیزکاری پیشه کنید»؛ فرمود: این جمله دو معنی دارد: اینکه شما و پیشینیان شما را آفرید تا پرهیزکار شوید، چنانچه می‌فرماید: «من جنّ و انس را نیافریدم جز برای اینکه عبادتم کنند». معنای دوّم اینکه: «پروردگار خود را پرستش کنید آن کس که شما، و کسانی را که پیش از شما بودند آفرید، تا پرهیزکار شوید»؛ یعنی او را عبادت کنید تا از دوزخ برکنار شوید. و کلمه «لَعَلَّ» از خداوند واجب و به معنی باید است.

﴿۸۸۲﴾ و (به یاد آورید) زمانی را که از شما پیمان گرفتیم؛ و کوه طور را بالای سر شما قرار دادیم؛ (و به شما گفتیم): «آنچه را (از آیات و دستورهای خداوند) به شما داده‌ایم، با قدرت بگیرید؛ و آنچه را در آن است به یاد داشته باشید (و به آن عمل کنید)؛ باشد که پرهیزکار شوید!»

﴿۸۸۳﴾ و برای شما در قصاص، حیات و زندگی است، ای صاحبان خرد! باشد که شما تقوا پیشه کنید.

﴿۸۸۴﴾ ای افرادی که ایمان آورده‌اید! روزه بر شما نوشته شده، همان گونه که بر کسانی که قبل از شما بودند نوشته شد تا پرهیزکار شوید.

﴿۸۸۵﴾ این راه مستقیم من است، از آن پیروی کنید! و از راه‌های پراکنده (و انحرافی) پیروی نکنید، که شما را از طریق حق، دور می‌سازد! این چیزی است که خداوند شما را به آن سفارش می‌کند، باشد که پرهیزکاری پیشه کنید!»

﴿۸۸۶﴾ و (نیز به خاطر بیاور) هنگامی که کوه را همچون سایبانی بر فراز آن‌ها بلند کردیم، آن چنان که گمان کردند بر آنان فرود می‌آمد (و در همین حال، از آن‌ها پیمان گرفتیم و گفتیم): آنچه را (از احکام و دستورها) به شما داده‌ایم، با قوّت (و جدیت) بگیرید! و آنچه در آن است، به یاد داشته باشید، (و عمل کنید)، تا پرهیزکار شوید!

﴿أهمية التقوى / طلب توفيق التقوى﴾

٣-١-٢- أن الله ألزم كلمة التقوى

﴿٨٨٧﴾ أمير المؤمنين عليه السلام: أن الله عز وجل ألزم أمة محمد صلى الله عليه وآله كلمة التقوى؛ بحار الأنوار،

ج ١٦، ص ٣٤٩

٣-١-٤- الصيانة بالورع من المفروض

﴿٨٨٨﴾ أمير المؤمنين عليه السلام: من المفروض على كل عالم أن يصون بالورع جانبه وأن يبذل

علمه لطلبه؛ غرر الحكم، ص ٢٤

٣-١-٥- يلزمك الورع

﴿٨٨٩﴾ الصادق عليه السلام: ويلزمك التقيّة التي هي قوام دينك بها والورع عما نهيت عنه و

الخصومة وكثرة الأيمان والجِدال الذي فيه الأيمان فإذا فعلت ذلك تم حجك وعمرتك؛

وسائل الشيعة، ج ١٤، ص ٥٢٧

٢-٢- طلب توفيق التقوى وأن يكون من المتقين

٢-٢-١- أت نفسي تقواها

﴿٨٩٠﴾ الحسين عليه السلام: اللهم أت نفسي تقواها فأت وليها ومولاها؛ بحار الأنوار، ج ٨٨، ص ١٨٧

٢-٢-٢- اجعل التقوى زادنا

﴿٨٩١﴾ الرسول صلى الله عليه وآله: اللهم اجمع أمرنا على الهدى واجعل التقوى زادنا؛ بحار الأنوار، ج ٦٧، ص ٣٧٨

٢-٢-٣- اجعل التقوى زادي

﴿٨٩٢﴾ دعاء ليلة الخميس: واجعل الإسلام منتهى رضى واجعل البر أكبر أخلاقى والتقوى

زادى؛ بحار الأنوار، ج ٨٧، ص ٢٠٥

٢-٢-٤- اجعل التقوى فى قلوبنا وأسماعنا وأبصارنا وفى لحومنا ودمائنا

﴿٨٩٣﴾ الدعاء ليوم الثلاثاء: أسألك بكل اسم هو لك وبكل دعوة دعوتك بها أو لم

أدعك بها أن تصلى على محمد وآل محمد وأن تجعل الإسلام والصيام والقيام والصبر و

الصلاة والهدى والتقوى والحلم والعلم والحكم والتوفيق والتصديق والسكينة والوقار و

الرفقة والرقّة فى قلوبنا وأسماعنا وأبصارنا وفى لحومنا ودمائنا واجعله همنا وهوانا فى

محيانا ومماتنا؛ البلد الأمين، ص ١٢٣

«اهمیت تقوا / درخواست توفیق پرهیزکاری»

۳-۱-۲- خداوند کلمه‌ی تقوا را واجب کرد

«۸۸۷» خداوند متعال اَمّت محمد ﷺ را به کلمه‌ی پرهیزکاری ملزم ساخت.

۴-۱-۲- نگهداری با کمک تقوا، از واجبات است

«۸۸۸» بر هر عالمی واجب است که با ورع، خودش را حفظ کند و علمش را به درخواست‌کنندگان علمش عطا کند.

۵-۱-۲- پرهیزکاری بر تو لازم است

«۸۸۹» در این سفر (حج) تقیّه را همراه خود کن که قوام دینت به آن است، از آنچه که نهی شده‌ای و خصومت و قسم‌خوردن زیاد و جدالی که در آن قسم می‌خوری، پرهیز کن که اگر چنین کردی، حج و عمرهات را کامل کرده‌ای.

۲-۲- درخواست توفیق پرهیزکاری و قرارگرفتن در ردیف پرهیزکاران

۱-۲-۲- تقوای نفسم را عطا کن

«۸۹۰» پروردگارا! پرهیزکاری را به نفس من بده چرا که تو سرپرست و مولای نفس من هستی.

۲-۲-۲- تقوا را توشه‌ی ما قرار ده

«۸۹۱» خدایا! همه‌ی ما را از هدایت خود برخوردار بفرما و تقوا و پرهیزکاری را زاد و توشه‌ی ما قرار بده.

۳-۲-۲- تقوا را توشه‌ام قرار ده

«۸۹۲» [دعای شب پنجشنبه:] اسلام را انتهای خشنودی‌ام قرار ده و نیکی را بهترین رفتارهایم و تقوا را توشه‌ام قرار ده.

۴-۲-۲- پرهیزکاری را در قلب‌ها و گوش‌ها و چشم‌ها و در گوشت و خون ما قرار ده

«۸۹۳» [دعای روز سه‌شنبه:] خداوندا! به واسطه تمام نام‌هایت و به واسطه‌ی تمام دعا‌هایی که تو را خوانده‌ام یا نخوانده‌ام از تو می‌خواهم که بر محمد ﷺ و خاندان او درود بفرستی و اسلام و روزه و شب‌زنده‌داری و صبر و نماز و هدایت و تقوا و بردباری و علم و حکمت و توفیق و تصدیق و سکینه و وقار و مهربانی و نرمی و لطافت را در قلب‌ها و گوش‌ها و چشم‌های ما و در گوشت و خون ما قرار دهی و تمام هم و غم و خواسته‌ی ما را در زندگی و مرگ قرار بدهی.

﴿أهمية التقوى / طلب توفيق التقوى﴾

٥-٢-٢- إجعل التقوى من الدنيا زادي

﴿٨٩٤﴾ الصادق عليه السلام: اللهم... اجعل التقوى من الدنيا زادي؛ الكافي، ج ٤، ص ٤٦٩

٦-٢-٢- إجعل تقواك من الدنيا زادي

﴿٨٩٥﴾ السجاد عليه السلام: اجعل تقواك من الدنيا زادي؛ الصحيفة السجادية عليه السلام، الدعاء ٢١

٧-٢-٢- إجعل زادي من الدنيا تقواك

﴿٨٩٦﴾ الكاظم عليه السلام: اجعل زادي من الدنيا تقواك؛ مهج الدعوات، ص ٢٤

٨-٢-٢- إجعل صاحبى التقوى

﴿٨٩٧﴾ فى أول يوم من رجب: اللهم اجعل لعقلي على هواى سلطاناً ميبناً وأقرن اختيارى

بالتوفيق واجعل صاحبى التقوى؛ بحار الأنوار، ج ٩٥، ص ٣٨٣

٩-٢-٢- إجعل صيامنا بالتقوى موصولاً

﴿٨٩٨﴾ الجواد عليه السلام: واجعل صيامنا مقبولاً وبالبر والتقوى موصولاً؛ مستدرک الوسائل، ج ٧، ص ٤٤٤

١٠-٢-٢- إجعل لنا قدم صدق مع المتقين

﴿٨٩٩﴾ الصادق عليه السلام: فاسألك يا رب تمام ما أنعمت علينا ولا تجعلنا من المعاندين ولا

تلحقنا بالمكذبين بيوم الدين واجعل لنا قدم صدق مع المتقين واجعل لنا من لدنك رحمةً و

اجعل لنا من المتقين إماماً إلى يوم الدين يوم يدعى كل أناس بإمامهم واجعلنا فى ظل القوم

المتقين الهداة بعد النذير المنذر والبشير الأئمة الدعاة إلى الهدى؛ بحار الأنوار، ج ٩٥، ص ٣٠٦

١١-٢-٢- إجعل نفسى متزودة التقوى ليوم جزائك

﴿٩٠٠﴾ السجاد عليه السلام: اللهم فاجعل نفسى مطمئنة بقدر راضية بقضائك مولة بذكرك و

دعائك محبة لصفوة أوليائك محبوبة فى أرضك وسمائك صابرة على نزول بلائك مشاققة

إلى فرحة لقاءك متزودة التقوى ليوم جزائك؛ وسائل الشيعة، ج ١٤، ص ٣٩٥

١٢-٢-٢- إجعل هواى فى تقواك

﴿٩٠١﴾ دعاء ليلة الأربعاء: اجعل هواى فى تقواك؛ بحار الأنوار، ج ٨٧، ص ١٩١

«اهمیت تقوا / درخواست توفیق پرهیزکاری»

۵-۲-۲- پرهیزکاری را توشه‌ی من از دنیا قرار ده

﴿۸۹۴﴾ خدایا! تقوا را توشه‌ی من از دنیا قرار بده.

۶-۲-۲- پروایت را توشه‌ی من از دنیا قرار ده

﴿۸۹۵﴾ تقوا و ترس از کیفر خود را از دنیا [برای سفر آخرت] توشه‌ام قرار ده.

۷-۲-۲- پروایت را توشه‌ی من از دنیا قرار ده

﴿۸۹۶﴾ توشه‌ی مرا از دنیا پرهیزکاری از عقابت بگردان.

۸-۲-۲- پرهیزکاری را همدم من قرار ده

﴿۸۹۷﴾ [دعای اوّل ماه رجب:] خدایا! برای عقل من تسلّطی آشکار بر هوی و هوسم قرار ده

و انتخابم را با توفیق قرین ساز و تقوا را همدم من قرار ده.

۹-۲-۲- روزه‌ی ما را به تقوا برسان

﴿۸۹۸﴾ خدایا! روزه‌ی ما را قبول کن و به درجه‌ی نیکی و تقوا برسان.

۱۰-۲-۲- برای ما گامی استوار همراه با پرهیزکاران قرار ده

﴿۸۹۹﴾ پروردگارا! من از تو اکمال نعمت‌هایت را خواستارم و اینکه ما را از ستیزه جویان قرار

ندهی و به کسانی که روز جزا را تکذیب می‌کنند، ملحق مکن و گام صادقانه همراه با

تقواییشان به ما عطا فرما و رحمتی از جانب خود برای ما قرار ده و نیز پیشوایی از تقواییشان

برای ما تا روز قیامت قرار ده، آن روز که همه مردم با پیشوای خود خوانده می‌شوند و ما را در

سایه آن تقواییشان، هدایتگران بعد از پیامبر بیم‌دهنده و اعلام خطر کننده و بشارت‌دهنده‌ات و

امامانی که به سوی هدایت فرا می‌خوانند، قرار ده.

۱۱-۲-۲- مرا ذخیره‌کننده‌ی تقوا برای روز پاداشت قرار ده

﴿۹۰۰﴾ خدایا! نفس مرا به تقدیر خود مطمئن، به قضایت راضی و به یاد و دعای خودت

حریص گردان. چنان مقدر دار که اولیای برگزیده‌ات را دوست بدارد، در آسمان و زمین تو

محبوب باشد. به هنگام نزول بلای تو صابر و در برابر نعمت‌های فراوانت شکرگزار باشد.

نعمت‌های فراوانت را یادآوری کند و مشتاق به شادی حاصل از دیدار تو باشد. برای روز قیامت

تقوای فراوان ذخیره کند.

۱۲-۲-۲- میل مرا در پرهیزکاری‌ات قرار ده

﴿۹۰۱﴾ [دعای شب چهارشنبه:] رغبت و علاقه‌ی مرا به تقوایت قرار ده.

﴿أَهْمِيَةُ التَّقْوَى / طَلَبُ تَوْفِيقِ التَّقْوَى﴾

١٣-٢-٢- إَجْعَلْنَا مِنَ الْأَتْقِيَاءِ

﴿٩٠٢﴾ الرَّسُولُ ﷺ: وَاجْعَلْنَا مِنَ الْأَتْقِيَاءِ الْأَبْرَارِ؛ مستدرک الوسائل، ج ٢، ص ٢٣٥

١٤-٢-٢- إَجْعَلْنَا مِنْ أَوْلِيَائِكَ الْمُتَّقِينَ

﴿٩٠٣﴾ دعاء اليوم الثلاثون: وَاجْعَلْنَا مِنْ أَوْلِيَائِكَ الْمُهْتَدِينَ وَ مِنْ أَوْلِيَائِكَ الْمُتَّقِينَ؛

بحار الأنوار، ج ٩٥، ص ٨١

١٥-٢-٢- إَجْعَلْنَا مِنْ عِبَادِكَ الْمُتَّقِينَ

﴿٩٠٤﴾ الرَّسُولُ ﷺ: وَاجْعَلْنَا اللَّهُمَّ وَ جَمِيعَ الْمُؤْمِنِينَ مِنْ عِبَادِكَ الْعَالَمِينَ الْعَامِلِينَ الْخَاشِعِينَ

الْمُتَّقِينَ الْمُخْلِصِينَ الَّذِينَ لَا خَوْفَ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ؛ مستدرک الوسائل، ج ٢، ص ٢٣٥

١٦-٢-٢- إَجْعَلْنِي مِمَّنْ اتَّقَى

﴿٩٠٥﴾ الرَّسُولُ ﷺ: وَاجْعَلْنِي إِلَهِي مِمَّنْ آمَنَ وَ اتَّقَى فِي الدِّينِ وَ الدُّنْيَا وَ الْآخِرَةِ؛

مستدرک الوسائل، ج ٧، ص ٤٤٣

١٧-٢-٢- إَجْعَلْنِي مِنَ الْمُتَّقِينَ

﴿٩٠٦﴾ اللَّهُمَّ اجْعَلْنِي مِنَ الصَّادِقِينَ الْأَبْرَارِ الْأَخْيَارِ الْمُتَّقِينَ؛ بحار الأنوار، ج ٩٤، ص ٣١٦

﴿٩٠٧﴾ السَّجَادِ ﷺ: وَاجْعَلْنِي مِنَ الْعَامِلِينَ بِطَاعَتِكَ حَتَّى أَتَقَاكَ سَيِّدِي وَ أَنَا مِنَ الْمُتَّقِينَ؛

بحار الأنوار، ج ٩٢، ص ٢٩٨

١٨-٢-٢- إَجْعَلْنِي مِنَ الَّذِينَ اتَّقَوْا

﴿٩٠٨﴾ دعاء اليوم الحادى والعشرين: وَاجْعَلْنِي مِنَ الَّذِينَ اتَّقَوْا وَ الَّذِينَ هُمْ مُحْسِنُونَ؛

بحار الأنوار، ج ٩٤، ص ١٦٦

١٩-٢-٢- إَجْعَلْنِي مِنْ أَوْلِيَائِكَ الْمُتَّقِينَ

﴿٩٠٩﴾ اللَّهُمَّ اجْعَلْنِي فِيهِ مِنَ الْمُسْتَغْفِرِينَ وَ اجْعَلْنِي فِيهِ مِنْ عِبَادِكَ الصَّالِحِينَ الْقَانِتِينَ وَ

اجْعَلْنِي فِيهِ مِنْ أَوْلِيَائِكَ الْمُتَّقِينَ بِرَأْفَتِكَ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ؛ بحار الأنوار، ج ٩٥، ص ٢٣

٢٠-٢-٢- إَجْعَلْهُ ثَوْبَ تَقَى

﴿٩١٠﴾ الْبَاقِرُ ﷺ: عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ مُسْلِمٍ قَالَ: سَأَلْتُ أَبَا جَعْفَرٍ ﷺ عَنْ الرَّجُلِ يَلْبَسُ الثَّوْبَ

الْجَدِيدَ قَالَ يَقُولُ اللَّهُمَّ اجْعَلْهُ ثَوْبَ يُمْنٍ وَ تَقَى؛ الكافي، ج ٦، ص ٤٥٨

﴿٤٠٨﴾

«اهمیت تقوا / درخواست توفیق پرهیزکاری»

۱۳-۲-۲- از پرهیزکاران قرارمان ده

﴿۹۰۲﴾ خدایا! ما را از متّقیان و نیکوکاران قرار ده.

۱۴-۲-۲- از دوستان پرهیزکارت قرارمان ده

﴿۹۰۳﴾ [دعای شب سی‌ام:] پروردگارا! ما را از دوستان هدایت‌یافته و پرهیزکار خویش قرار

ده.

۱۵-۲-۲- از بندگان پرهیزکارت قرارمان ده

﴿۹۰۴﴾ خداوندا! من و تمام مؤمنان بندگان را در دو دنیا از جمله‌ی اهل عمل و اهل خشوع و تقوا و افرادی خالص که هیچ‌گونه ترس و اندوهی ندارند، قرار بده.

۱۶-۲-۲- از کسانی قرارم ده که از تو پروا می‌کنند

﴿۹۰۵﴾ خدایا! مرا از کسانی قرار ده که ایمان آورده و در دین و دنیا و آخرت تقوا پیشه می‌کنند.

۱۷-۲-۲- از پرهیزکاران قرارم ده

﴿۹۰۶﴾ [دعای روز سی‌ام:] خدایا مرا از راست‌گفتاران، نیکان، برگزیدگان و پرهیزکاران قرار

ده.

﴿۹۰۷﴾ مرا از اطاعت‌کنندگان خویش قرار ده؛ تا ای سرور من! تو را در حالی ملاقات کنم که

از پرهیزکاران باشم.

۱۸-۲-۲- از کسانی که از تو پروا می‌کنند قرارم ده

﴿۹۰۸﴾ [دعای روز بیست و یکم:] و مرا از کسانی قرار ده که پروا کرده و نیکوکارند.

۱۹-۲-۲- از دوستان پرهیزکارت قرارم ده

﴿۹۰۹﴾ [دعای روز پنج‌شنبه:] خداوندا! در این روز مرا از آمرزش‌خواهان و بندگان شایسته و

فرمانبردار و دوستان با تقوای مقرب خود قرار ده، به مهربانی‌ات، ای مهربان‌ترین مهربانان.

۲۰-۲-۲- لباس پرهیزکاری قرارش ده

﴿۹۱۰﴾ محمّدبن مسلم گوید: از امام باقر علیه السلام پرسیدم: «فردی که لباس جدیدی می‌پوشد [چه

کند]؟ فرمود: «چنین بگوید: خداوندا! این پیراهن را لباس پر یمَن و برکت من و لباس تقوای من قرار ده».

﴿أهمية التقوى / طلبُ توفيقِ التقوى﴾

٢-٢-٢١- إَجْعَلْهُ ثَوْبَ تَقْوَى

﴿٩١١﴾ الباقِرُ عليه السلام: عَنْ الْبَاقِرِ عليه السلام أَنَّهُ يُقَالُ عِنْدَ لُبْسِ الثَّوْبِ الْجَدِيدِ اللَّهُمَّ اجْعَلْهُ ثَوْبَ يُؤْمِنُ وَ

تَقْوَى وَ بَرَكَةٍ؛ مفتاح الفلاح، ص ١٦٧

٢-٢-٢٢- إَجْعَلْهُ لِبَاسَ التَّقْوَى

﴿٩١٢﴾ فقه الرضا عليه السلام: وَإِذَا لَبَسْتَ ثَوْبَكَ الْجَدِيدَ فَقُلِ الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي كَسَانِي مِنَ الرِّيشِ مَا

أُوَارِي بِهِ عَوْرَتِي وَ أَتَجَمَّلُ بِهِ عِنْدَ النَّاسِ اللَّهُمَّ اجْعَلْهُ لِبَاسَ التَّقْوَى؛ مستدرک الوسائل، ج ٣، ص ٢٦٩

٢-٢-٢٣- إَخْتِمْ لِي بِالتَّقْوَى عَمَلِي

﴿٩١٣﴾ السَّجَادُ عليه السلام: وَ اخْتِمْ لِي بِالْبِرِّ وَ التَّقْوَى عَمَلِي؛ بحار الأنوار، ج ٩١، ص ١٦١

٢-٢-٢٤- أَذْخِلْ رَمْضَانَ عَلَيْنَا بِالتَّقْوَى

﴿٩١٤﴾ السَّجَادُ عليه السلام: اللَّهُمَّ أَذْخِلْهُ عَلَيْنَا بِالْأَمْنِ وَ الْإِيمَانِ وَ السَّلَامَةِ وَ الْإِسْلَامِ وَ الْبَرَكَةِ وَ

التَّقْوَى وَ التَّوْفِيقَ لِمَا تُحِبُّ وَ تَرْضَى؛ الصحيفة السجادية عليه السلام، ص ٢٧٧

٢-٢-٢٥- ارْزُقْنِي التَّقْوَى مَا أَبْقَيْتَنِي

﴿٩١٥﴾ دعاء ليلة الأربعاء: اللَّهُمَّ ارْزُقْنِي التَّقْوَى مَا أَبْقَيْتَنِي؛ بحار الأنوار، ج ٨٧، ص ٣٠٤

٢-٢-٢٦- ارْزُقْنِي التَّقَى

﴿٩١٦﴾ أدعية أول ليلة من ذي الحجة: وَ ارْزُقْنِي التَّقَى وَ الْهُدَى؛ بحار الأنوار، ج ٩٥، ص ٣٧٠

٢-٢-٢٧- ارْزُقْنِي الْوَرَعَ عَنْ مَحَارِمِكَ

﴿٩١٧﴾ السَّجَادُ عليه السلام: اللَّهُمَّ ارْزُقْنِي فِيهِ الْجِدَّ وَ الْجَهْدَ وَ الْقُوَّةَ وَ النَّشَاطَ وَ الْإِنَابَةَ وَ التَّوْبَةَ وَ

الرَّغْبَةَ وَ الرَّهْبَةَ وَ الْجَزَعَ وَ الرِّقَّةَ وَ صِدْقَ اللِّسَانِ وَ الْوَجَلَ مِنْكَ وَ الرَّجَاءَ لَكَ وَ التَّوَكُّلَ

عَلَيْكَ وَ الثَّقَةَ بِكَ وَ الْوَرَعَ عَنْ مَحَارِمِكَ؛ الكافي، ج ٤، ص ٧٥

٢-٢-٢٨- ارْزُقْنِي تَقَى

﴿٩١٨﴾ الصادق عليه السلام: ارْزُقْنِي عِلْماً نَافِعاً وَ يَقِيناً صَادِقاً وَ تَقَى؛ الكافي، ج ٢، ص ٥٨٣

٢-٢-٢٩- ارْزُقْنِي فِي هَذَا الشَّهْرِ التَّقَى

﴿٩١٩﴾ الأئمة عليهم السلام: وَ ارْزُقْنِي فِي هَذَا الشَّهْرِ التَّقَى وَ النُّهَى؛ مستدرک الوسائل، ج ٧، ص ٤٤٣

«اهمیت تقوا / درخواست توفیق پرهیزکاری»

۲-۲-۲۱- لباس پرهیزکاری قرارش ده

﴿۹۱۱﴾ امام باقر علیه السلام هنگام پوشیدن لباس جدید می فرمود: «خدایا! این لباس را برای من لباس میمنت و تقوا و برکت قرار بده».

۲-۲-۲۲- لباس پرهیزکاری قرارش ده

﴿۹۱۲﴾ وقتی لباس نو می پوشی بگو: «حمد و سپاس از آن خدایی است که مرا با لباسی زیبا پوشاند تا بدنم را با آن ببوشانم و نزد مردم زیبا باشم. خدایا این لباس را لباس تقوای من قرار بده».

۲-۲-۲۳- عملم را به پرهیزکاری پایان بخش

﴿۹۱۳﴾ عاقبت مرا را به تقوا و احسان ختم کن.

۲-۲-۲۴- رمضان را با پرهیزکاری بر ما وارد کن

﴿۹۱۴﴾ [دعای هنگام رؤیت هلال ماه رمضان:] بار خدایا! آن (ماه رمضان) را با ایمنی و ایمان و تندرستی و اسلام و برکت و تقوا و توفیق کار برای آنچه تو دوست می داری و خشنود می شوی بر ما وارد ساز.

۲-۲-۲۵- تا زنده ام پرهیزکاری را روزی ام کن

﴿۹۱۵﴾ [دعای شب چهارشنبه:] بارالها! تا زمانی که مرا باقی گذاشته ای تقوا به من ارزانی دار.

۲-۲-۲۶- پرهیزکاری روزی ام کن

﴿۹۱۶﴾ [دعای شب اول ذی الحجه:] پرهیزکاری و هدایت را روزی ما بگردان.

۲-۲-۲۷- پرهیز از حرام های روزی ام کن

﴿۹۱۷﴾ خدایا! در ماه رمضان به من جدّیت، کوشش، قوّت، نشاط، انابه و توبه، رغبت، ترس، نرم خوئی، راستگویی، ترس از تو، امید به تو، توکل بر تو، اعتماد به تو و ورع از محرّمات روزی کن.

۲-۲-۲۸- پرهیزکاری روزی ام کن

﴿۹۱۸﴾ به من علم نافع و یقینی درست و تقوا عطا کن.

۲-۲-۲۹- در این ماه پرهیزکار روزی ام کن

﴿۹۱۹﴾ خداوندا! در این ماه به من تقوا و عقل روزی کن.

﴿أَهْمِيَةُ التَّقْوَى / طَلَبُ تَوْفِيقِ التَّقْوَى﴾

٣٠-٢-٢- أرزقني من الورع ما يخرجني عن معاصيك

﴿٩٢٠﴾ الصادق عليه السلام: اللهم صل على محمد وآل محمد وأعني على صلاة الليل وصيام النهار وأرزقني من الورع ما يخرجني عن معاصيك واجعل عبادتي لك أياماً حياتي واستعملني أيام عمري بعمل ترضى به عني وزودني من الدنيا التقوى؛ بحار الأنوار، ج ٩٤، ص ٣٣٦

٣١-٢-٢- أرزقني ورعاً

﴿٩٢١﴾ الصادق عليه السلام: وأرزقني ... ورعاً وخوفاً منك وفرقاً يُلغيني منك زلفى ولا يُباعِدني عنك؛ الكافي، ج ٢، ص ٥٨٣

٣٢-٢-٢- أرزقني ورعاً في إجمال

﴿٩٢٢﴾ السجاد عليه السلام: اللهم صل على محمد وآله، وأرزقني صحةً في عبادة، وفراغاً في زهادة، وعلماً في استعمال، ورعاً في إجمال؛ الصحيفة السجادية عليه السلام، الدعاء ٢٠

٣٣-٢-٢- أرزقنا قناعة المتقين

﴿٩٢٣﴾ السجاد عليه السلام: وأرزقنا قلوب الخائفين وصبر الزاهدين وقناعة المتقين؛ بحار الأنوار، ج ٩١، ص ١٢٦

٣٤-٢-٢- أسأل الله التقوى

﴿٩٢٤﴾ الصادق عليه السلام: عن أبي الصباح الكناني قال قلت للصادق جعفر بن محمد عليه السلام أخبرني عن هذا القول قول من هو أسأل الله الإيمان والتقوى وأعوذ بالله من شر عاقبة الأمور... فقال الصادق جعفر بن محمد عليه السلام: هذا قول رسول الله ﷺ؛ من لا يحضره الفقيه، ج ٤، ص ٤٠٢

٣٥-٢-٢- أسأل الله العون على تزود التقوى

﴿٩٢٥﴾ السجاد عليه السلام: فأسأل الله العون لنا ولكم على تزود التقوى والزهد فيها؛ الكافي، ج ٨، ص ٧٥

٣٦-٢-٢- أسأل الله أن يجعلنا من المتقين

﴿٩٢٦﴾ أمير المؤمنين عليه السلام: أسأل الله الذي يرى ولا يرى وهو بالمنظر الأعلى أن يجعلنا وإياك من المتقين الذين لا خوف عليهم ولا هم يخزنون؛ شرح نهج البلاغة، ج ٦، ص ٧١

﴿٩٢٧﴾ أمير المؤمنين عليه السلام: أسأل الله... أن يجعلنا من المتقين الذين لا خوف عليهم ولا هم يخزنون؛ بحار الأنوار، ج ٣٣، ص ٥٤٩

«اهمیت تقوا / درخواست توفیق پرهیزکاری»

۳۰-۲-۲- از پرهیزکاری آنچه مرا از نافرمانیات باز می‌دارد روزی‌ام کن

﴿۹۲۰﴾ خدایا! بر محمد و خاندان او درود بفرست و مرا بر نماز شب و روزه‌داری روز یاری فرما و از پارسایی آنقدر روزی‌ام فرما که مرا از نافرمانیات بازدارد و عبادتم را در طول زندگی‌ام مخصوص خویش گردان و مرا در طول عمرم برای عملی به کار گیر که با انجام آن از من راضی باشی و از دنیا پرهیزکاری را توشه‌ام گردان.

۳۱-۲-۲- پرهیزکاری روزی‌ام کن

﴿۹۲۱﴾ خدایا! به من ... ورع و ترس و هراسی از خودت عطا کن که مرا به تو نزدیک کند و از تو دور نکند.

۳۲-۲-۲- میانه‌روی در پرهیزکاری روزی‌ام کن

﴿۹۲۲﴾ بار خدایا! بر محمد و آل او درود فرست، و تندرستی در عبادت و آسایش در زهد و دوری از دنیا و علم با عمل و پرهیزکاری از روی میانه‌روی را روزی من کن.

۳۳-۲-۲- قناعت پرهیزکاران روزی‌مان کن

﴿۹۲۳﴾ و قلب انسان‌های خائف و صبر انسان‌های زاهد و قناعت پرهیزکاران را روزی ما ساز.

۳۴-۲-۲- از خدا پرهیزکاری می‌خواهم

﴿۹۲۴﴾ ابوالصباح کنانی می‌گوید: از امام صادق علیه السلام پرسیدم: این گفتار از کیست: «از خدا ایمان و تقوا می‌خواهم و از بدعاقبتی به او پناه می‌برم...» فرمود: «این گفتار رسول خدا صلی الله علیه و آله است.»

۳۵-۲-۲- از خدا کمک برای ذخیره‌کردن پرهیزکاری می‌خواهم

﴿۹۲۵﴾ از خداوند می‌خواهم که به ما و شما در توشه‌برداری تقوا و رعایت زهد در دنیا کمک کند.

۳۶-۲-۲- از خدا می‌خواهم که ما را از پرهیزکاران قرار دهد

﴿۹۲۶﴾ از خدایی که می‌بیند و دیده نمی‌شود و در دیدگاه اعلی قرار دارد؛ می‌خواهم که ما و تو را از جمله‌ی پرهیزکارانی قرار دهد که هیچ ترسی ندارند و نیز غمگین نمی‌شوند.
﴿۹۲۷﴾ از خدا می‌خواهم... ما را از متقیانی که ترس و اندوهی بر آنان نیست قرار دهد.

﴿أهمية التقوى / طلب توفيق التقوى﴾

٣٧-٢-٢- أسألك أعمال أهل التقوى

﴿٩٢٨﴾ الكاظم عليه السلام: اللهم إني أسألك توفيق أهل الهدى وأعمال أهل التقوى؛ بحار الأنوار،

ج ٩١، ص ١٩٨

٣٨-٢-٢- أسألك التقوى

﴿٩٢٩﴾ دعاء في اليوم الرابع والعشرين: اللهم إني أسألك الهدى والتقوى؛ إقبال الأعمال، ص ٢١٩

﴿٩٣٠﴾ الرسول عليه السلام: اللهم وأسألك السعة والدعة والأمن والكفاية والسلامة والصحة و

القنوع والعصمة والهدى والرحمة والعافية واليقين والمغفرة والشكر والرضا والصبر و

العلم والصدق والبر والتقوى؛ بحار الأنوار، ج ٨٤، ص ٦٤

﴿٩٣١﴾ دعاء آخر ليوم الأربعاء: أسألك الهدى والتقوى؛ بحار الأنوار، ج ٨٧، ص ١٩٩

﴿٩٣٢﴾ دعاء آخر ليوم الأربعاء: أسألك من صالح ما في أيدي العباد من الأمانة والإيمان و

التقوى؛ بحار الأنوار، ج ٨٧، ص ١٩٩

٣٩-٢-٢- أسألك التقوى ما أبقيتني

﴿٩٣٣﴾ الصادق عليه السلام: أسألك التقوى ما أبقيتني؛ بحار الأنوار، ج ٨٣، ص ٢٤٩

٤٠-٢-٢- أسألك التقى

﴿٩٣٤﴾ الصادق عليه السلام: اللهم إني أسألك الهدى والتقوى؛ البلد الأمين، ص ٣٧٢

﴿٩٣٥﴾ الكاظم عليه السلام: اللهم وأسألك العفاف والتقوى؛ بحار الأنوار، ج ٨٧، ص ١٦٥

٤١-٢-٢- أسألك الورع عن محارمك

﴿٩٣٦﴾ عوذة يوم الجمعة: اللهم صل على محمد وآله وأسألك المحبة لمحباك والعصمة

لمحارمك والوجل من خشيتك والخشية من عذابك والنجاة من عقابك والرغبة في

حسن ثوابك والفقه في دينك والفهم في كتابك والقنوع برزقك والورع عن محارمك؛

بحار الأنوار، ج ٨٧، ص ١٨٣

﴿٩٣٧﴾ أدعية عيد الأضحى: يا من يدرك الأبصار ولا تدركه الأبصار وهو اللطيف الخبير

أسألك الأمن والإيمان والسلامة والإسلام واليقين والشكر والصبر والصدق والعافية و

المعافاة والورع عن محارمك؛ بحار الأنوار، ج ٨٨، ص ٨٢

«اهمیت تقوا / درخواست توفیق پرهیزکاری»

۳۷-۲-۲- از تو اعمال پرهیزکاران را می‌خواهم

﴿۹۲۸﴾ خداوندا! از تو می‌خواهم که به من همان توفیقی را عطا کنی که به هدایت‌شدگان عطا نموده‌ای و همچنین اعمال پرهیزکاران را از تو می‌خواهم.

۳۸-۲-۲- از تو پرهیزکاری می‌خواهم

﴿۹۲۹﴾ خداوندا! از تو هدایت و تقوا می‌خواهم.

﴿۹۳۰﴾ بارالها! من از تو سعه و گشایش، آزادمنشی، امنیّت، کفایت، سلامت، صحت، قناعت، عصمت و محافظت از همه‌ی بدی‌ها، هدایت، رحمت، عفو، عافیت، یقین و آمرزش، شکر، رضا، صبر، علم، صداقت، نیکوکاری و تقوا را خواستارم.

﴿۹۳۱﴾ [دعای روز چهارشنبه:] از تو هدایت و تقوا می‌خواهم.

﴿۹۳۲﴾ [دعای روز چهارشنبه:] از تو می‌خواهم امانت‌داری و ایمان و تقوا که از شایستگی‌های بندگان است، به من عطا کنی.

۳۹-۲-۲- تا زنده‌ام از تو پرهیزکاری می‌خواهم

﴿۹۳۳﴾ از تو تا آن زمانی که زنده‌ام بداری، تقوا می‌خواهم.

۴۰-۲-۲- از تو پرهیزکاری می‌خواهم

﴿۹۳۴﴾ پروردگارا! هدایت و تقوا را از تو تقاضا می‌کنم.

﴿۹۳۵﴾ خدایا! عفاف و تقوا را از تو می‌خواهم.

۴۱-۲-۲- از تو پرهیزکاری از محرّمات می‌خواهم

﴿۹۳۶﴾ خدایا! بر محمّد و آلش درود فرست و محبّت آنچه دوست می‌داری، و پاکی از آنچه حرام می‌دانی، و بیم از ترست، و ترس از عذابت، و نجات از مجازاتت، و رغبت به پاداش نیکت، و دانش در دینت، و فهم کتابت، و قناعت به روزی‌ات، و دوری از حرام‌هایت را از تو می‌خواهم.

﴿۹۳۷﴾ [دعای روز عید قربان:] ای کسی که دیدگان را درمی‌یابد ولی چشم‌ها او را در نمی‌یابد و او لطیف آگاه است. از تو امنیّت و ایمان و سلامتی و اسلام و یقین و سپاس و شکیبایی و راستی و عافیت و بخشایش و ترس از حرام‌هایت را خواستارم.

«أَهْمِيَّةُ التَّقْوَى / طَلَبُ تَوْفِيقِ التَّقْوَى»

٢-٢-٤٢- أَسْأَلُكَ أَنْ تُؤَيِّدَنِي بِتَقْوَاكَ

﴿٩٣٨﴾ المهدى عليه السلام: أَسْأَلُكَ بِاسْمِكَ الَّذِي دَعَاكَ بِهِ عَبْدُكَ وَنَبِيُّكَ صَلَاحُ عليه السلام فَجَنَّبَتْهُ مِنَ الْخَسْفِ وَأَغْلَيْتَهُ عَلَى عَدُوِّهِ وَاسْتَجَبْتَ دُعَاءَهُ وَكُنْتَ مِنْهُ قَرِيبًا يَا قَرِيبُ أَنْ تُصَلِّيَ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَأَنْ تُخَلِّصَنِي مِنْ شَرِّ مَا يُرِيدُ بِي أَعْدَائِي بِهِ وَيَنْبَغِي لِي حُسَادِي وَتَكْفِينِيهِمْ بِكَفَايَتِكَ وَتَتَوَلَّانِي بِوَلَايَتِكَ وَتَهْدِيَ قَلْبِي بِهَدَاكَ وَتُؤَيِّدَنِي بِتَقْوَاكَ؛ بحار الأنوار، ج ٩٢، ص ٢٦٨

٢-٢-٤٣- أَسْأَلُكَ أَنْ تَجْعَلَ التَّقْوَى زَادِي

﴿٩٣٩﴾ الرسول عليه السلام: اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ أَنْ تَجْعَلَ التَّقْوَى زَادِي إِلَى يَوْمِ مَعَادِي؛ بحار الأنوار،

ج ٩٠، ص ٢٦٩

٢-٢-٤٤- أَسْأَلُكَ أَنْ تَجْعَلَ عَلَى التَّقْوَى زَادِي

﴿٩٤٠﴾ الرسول عليه السلام: اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ أَنْ تَجْعَلَ عَلَى الْهُدَى أَمْرِي وَالتَّقْوَى زَادِي؛

بحار الأنوار، ج ٩٠، ص ٢٦٩

٢-٢-٤٥- أَسْأَلُكَ أَنْ تَجْعَلَنِي مِنَ الَّذِينَ أَدْخَلْتَهُمْ بِالتَّقْوَى فِي سَعَةِ رَحْمَتِكَ

﴿٩٤١﴾ السَّجَّاد عليه السلام: أَسْأَلُكَ بِأَنَّ لَكَ الطُّوْلَ وَالْقُدْرَةَ وَالْحَوْلَ وَأَنْ تَحُطَّ عَنِّي وَزْرِي وَتَعْصِمَنِي وَتَجْعَلَنِي مِنَ الَّذِينَ أَنْتَجَبْتَهُمْ لِمَطَاعَتِكَ وَأَدْخَلْتَهُمْ بِالتَّقْوَى فِي سَعَةِ رَحْمَتِكَ وَرِضْوَانِكَ؛ إقبال الأعمال، ص ١٤٩

٢-٢-٤٦- أَسْأَلُكَ أَنْ تَرْزُقَنَا التَّقْوَى

﴿٩٤٢﴾ الصادق عليه السلام: اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ أَنْ تُصَلِّيَ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ فِيهَا وَأَنْ تَهْدِيَنَا فِيهَا سَبِيلَ الْهُدَى وَتَرْزُقَنَا فِيهَا التَّقْوَى وَالْعَفَافَ؛ إقبال الأعمال، ص ٣٢٢

٢-٢-٤٧- أَسْأَلُكَ أَنْ تَرْزُقَنِي وَرَعًا

﴿٩٤٣﴾ أمير المؤمنين عليه السلام: أَسْأَلُكَ أَنْ تَرْزُقَنِي شُكْرَ نِعْمَتِكَ وَصَبْرًا عَلَى بِلَيَّتِكَ وَرِضًا بِقَدْرِكَ وَتَصَدِيقًا بِوَعْدِكَ وَحِفْظًا لِمَوْصِيَّتِكَ وَوَرَعًا وَتَوَكُّلاً عَلَيْكَ؛ بحار الأنوار، ج ٩١، ص ٢٣٩

٢-٢-٤٨- أَسْأَلُكَ أَنْ تَشْرَحَ بِالتَّقْوَى صَدْرِي

﴿٩٤٤﴾ دعاء الساعة الثانية: فَاسْأَلُكَ أَنْ تَزِيدَنِي مِنْ لَدُنْكَ عِلْمًا وَتَهَبَ لِي حُكْمًا وَتَجْبِرَ

كَسْرِي وَتَشْرَحَ بِالتَّقْوَى صَدْرِي؛ بحار الأنوار، ج ٨٣، ص ٣٤١

«اهمیت تقوا / درخواست توفیق پرهیزکاری»

۲-۲-۴۲- از تو می‌خواهم که مرا با پرهیزکاری تأیید کنی

«۹۳۸» از تو می‌خواهم به نام تو که بنده تو و پیغمبر تو صالح علیه السلام تو را به آن خواند پس او را از فرو رفتن نجات دادی و او را بر دشمنش غالب گردانیدی و حاجت او را برآوردی و تو به او نزدیک بودی ای نزدیک که رحمت فرستی بر محمد و آل محمد و مرا رها نمایی از شر آنچه دشمنان من آن را قصد می‌کنند و آنچه رشک برندگان من برای من می‌خواهند و اینکه مرا نگاه داری از شر ایشان به نگاهداشتن خود و مرا به دوست‌داشتن خود دوست داری و دل مرا به راه نمودن خود راهنمایی کنی و مرا به پرهیزکاری از جانب خود توفیق دهی.

۲-۲-۴۳- از تو می‌خواهم که پرهیزکاری را توشه‌ام قرار دهی

«۹۳۹» خدایا! از تو می‌خواهم تقوا را در روز بازگشت زاد و توشه‌ام قرار دهی.

۲-۲-۴۴- از تو می‌خواهم که پرهیزکاری را توشه‌ام قرار دهی

«۹۴۰» خدایا! از تو می‌خواهم امر مرا بر هدایت قرار داده و تقوا را زاد و توشه‌ام سازی.

۲-۲-۴۵- از تو می‌خواهم که از کسانی قرارم دهی که با پرهیزکاری در رحمت گسترده‌ات واردشان می‌کنی

«۹۴۱» به این سبب که بخشش و قدرت و بازدارندگی از آن توست، از تو می‌خواهم که بار گناه مرا از دوشم برداری و مرا نگاه داری و از کسانی بگردانی که برای طاعتت برگزیده‌ای و به واسطه‌ی پرهیزکاری در رحمت گسترده و خشنودیت وارد کنی.

۲-۲-۴۶- از تو می‌خواهم که پرهیزکاری را روزی‌ام کنی

«۹۴۲» خداوند! از تو می‌خواهم که در این روزها (دهه‌ی اول ذی‌الحجه) بر محمد صلی الله علیه و آله و خاندان او درود فرستی و در آن ما را به راه‌های هدایت رهنمون گردی و تقوا و عفاف را روزی ما گردانی.

۲-۲-۴۷- از تو می‌خواهم که پرهیزکاری را روزی‌ام کنی

«۹۴۳» از تو می‌خواهم که شکر بر نعمتهایت و صبر بر بلاهات و رضایت و خشنودی به تقدیرت و تصدیق وعده‌هایت و محافظت از سفارشات و رعایت ورع و توکل کردن بر تو را روزی من قرار دهی.

۲-۲-۴۸- از تو می‌خواهم که سینه‌ام را به پرهیزکاری گسترش دهی

«۹۴۴» [دعای ساعت دوم از طلوع خورشید:] از تو می‌خواهم که بر دانش من بیفزایی، و به من حکمت ببخشی و کاستی‌هایم را جبران کنی و سینه‌ام را به تقوا گشاده گردانی.

﴿أهمية التقوى / طلب توفيق التقوى﴾

٢-٢-٤٩- أسألك أن تعصمني بالتقوى عن الإثم

﴿٩٤٥﴾ الأئمة عليهم السلام: فأسألك أن تصلي على محمد وآل محمد وأن تعصمني بطاعتك عن

معصيتك... و بالتقوى عن الإثم؛ تهذيب الأحكام، ج ٣، ص ٩٦

٢-٢-٥٠- أسألك تقوى لا تنفد

﴿٩٤٦﴾ أمير المؤمنين عليه السلام: اللهم إني أسألك تقوى لا تنفد؛ بحار الأنوار، ج ٨٣، ص ٣٢٥

٢-٢-٥١- أسألك زينة أهل الورع

﴿٩٤٧﴾ الكاظم عليه السلام: اللهم إني أسألك... زينة أهل الورع؛ بحار الأنوار، ج ٩١، ص ١٩١

٢-٢-٥٢- أسألك صحة في تقوى

﴿٩٤٨﴾ الصادق عليه السلام: اللهم إني أسألك صحة في تقوى؛ المجتبى، ص ١١

٢-٢-٥٣- أسألك عبادة المتقين

﴿٩٤٩﴾ الكاظم عليه السلام: اللهم إني أسألك عمل الخائفين وخوف العاملين وخشوع العابدين و

عبادة المتقين؛ بحار الأنوار، ج ٨٧، ص ٢١٢

٢-٢-٥٤- أسألك عيش تقى

﴿٩٥٠﴾ دعاء اليوم السادس والعشرين: اللهم إني أسألك عيش تقى؛ العدد القوية، ص ٣٢٢

٢-٢-٥٥- أسألك فقه أهل الورع

﴿٩٥١﴾ الكاظم عليه السلام: اللهم إني أسألك... فقه أهل الورع؛ بحار الأنوار، ج ٨٨، ص ١٩٨

٢-٢-٥٦- أسألك لباس التقوى

﴿٩٥٢﴾ الرسول ﷺ: اللهم إني أسألك... لباس التقوى؛ بحار الأنوار، ج ٨٣، ص ٣٢٥

٢-٢-٥٧- أستعين الله على التقوى

﴿٩٥٣﴾ أمير المؤمنين عليه السلام: ثم جاءوني كتائب الخيل فبايعوني فأننا أستهدي الله بهداه و

أستعينه على التقوى؛ بحار الأنوار، ج ٢٨، ص ٨٩

٢-٢-٥٨- أسعدني بتقواك

﴿٩٥٤﴾ الصادق عليه السلام: قل اللهم اجعلني أخشاك كأنني أراك وأسعدني بتقواك ولا تشقني

بنشطى لمعاصيك؛ الكافي، ج ٢، ص ٥٧٧

«اهمیت تقوا / درخواست توفیق پرهیزکاری»

- ۴۹-۲-۲- از تو می‌خواهم که با پرهیزکاری مرا از گناه باز داری
- «۹۴۵» خداوندا! از تو می‌خواهم که بر محمد و خاندان او درود بفرستی و مرا با توفیق اطاعتت از معصیتت ... با تقوا از گناه، در امان داری.
- ۵۰-۲-۲- از تو پرهیزکاری تمام‌ناشدنی می‌خواهم
- «۹۴۶» خداوندا! از تو تقوایی می‌خواهم که تمام نشود.
- ۵۱-۲-۲- از تو زینت اهل پرهیزکاری می‌خواهم
- «۹۴۷» خداوندا! زینت پرهیزکاران را از تو خواستارم.
- ۵۲-۲-۲- از تو سلامتی در پرهیزکاری می‌خواهم
- «۹۴۸» خدایا! از تو صحت و سلامت تقوایم را می‌طلبم.
- ۵۳-۲-۲- از تو عبادت پرهیزکاران را می‌خواهم
- «۹۴۹» خدایا! از تو عمل بیمناکان و ترس عمل‌کنندگان و خشوع عابدان و عبادت تقوا پیشگان را می‌خواهم.
- ۵۴-۲-۲- از تو زندگی همراه با پرهیزکاری می‌خواهم
- «۹۵۰» [دعای روز بیست و ششم:] خدایا! من یک زندگی پرهیزکارانه از تو می‌خواهم.
- ۵۵-۲-۲- از تو دانش اهل پرهیزکاری را می‌خواهم
- «۹۵۱» پروردگارا! ... درک پرهیزکاران را از تو خواستارم.
- ۵۶-۲-۲- از تو لباس پرهیزکاری می‌خواهم
- «۹۵۲» خدایا! از تو پرهیزکاری‌ای که پایان نمی‌پذیرد، و گشایشی که بریده نمی‌گردد و توفیق ستایش و لباس تقوا درخواست می‌نمایم.
- ۵۷-۲-۲- از خدا در طلب پرهیزکاری یاری می‌خواهم
- «۹۵۳» آن‌گاه [مردم] چون دسته‌ی اسب‌ها پیش من آمدند و با من بیعت نمودند، من از هدایت خداوند، هدایت می‌طلبم و از او برای تقوا پیشه‌کردن یاری می‌خواهم.
- ۵۸-۲-۲- با توفیق پرهیزکاری‌ات یاری‌ام کن
- «۹۵۴» بگو: خدایا! مرا ترسی عطا کن که گویا تو را می‌بینم و با توفیق تقوایت مرا خوشبخت کن و مرا با سرور انجام معصیتت، به شقاوت میافکن.

﴿أَهْمِيَةُ التَّقْوَى / طَلَبُ تَوْفِيقِ التَّقْوَى﴾

٥٩-٢-٢- أَشْعِرْ قَلْبِي تَقْوَاكَ

﴿٩٥٥﴾ السَّجَادُ عليه السلام: أَشْعِرْ قَلْبِي تَقْوَاكَ؛ الصحيفة السجادية عليه السلام، الدعاء ٢١

٦٠-٢-٢- إِصْرِفْ عَنِّي مَا تَصْرِفُهُ عَنِ الْقَوْمِ الْمُتَّقِينَ

﴿٩٥٦﴾ المهدي عليه السلام: وَاصْرِفِ اللَّهُمَّ عَنِّي مِنْ شَرِّهِ وَمَكْرِهِ وَفَسَادِهِ وَضَرِّهِ مَا تَصْرِفُهُ عَنِ

الْقَوْمِ الْمُتَّقِينَ؛ البلد الأمين، ص ٣٣٥

٦١-٢-٢- أَعْطِ نَفْسِي تَقْوَاهَا

﴿٩٥٧﴾ دعاء في اليوم الخامس عشر: أَعْطِ نَفْسِي تَقْوَاهَا فِي كُلِّ يَوْمٍ مَا يُرْضِيكَ عَنِّي؛

إقبال الأعمال، ص ١٥٣

٦٢-٢-٢- أَعْطِنِي التَّقْوَى

﴿٩٥٨﴾ الكاظم عليه السلام: أَعْطِنِي السَّعَةَ وَالِدَّةَ وَالْأَمْنَ وَالصَّحَّةَ وَالْبُخُوعَ وَالشُّكْرَ وَالْمُعَافَاةَ وَ

التَّقْوَى؛ بحار الأنوار، ج ٩٥، ص ٣٨١

﴿٩٥٩﴾ كيفية صلاة الليل: اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ وَأَعْطِنِي السَّعَةَ وَالِدَّةَ وَالْأَمْنَ وَ

الصَّحَّةَ وَالْفُنُوعَ وَالْعِصْمَةَ وَالْيَقِينَ وَالْعَفْوَ وَالْعَافِيَةَ وَالْمُعَافَاةَ وَالْمَغْفِرَةَ وَالشُّكْرَ وَالرِّضَا وَ

التَّقْوَى؛ بحار الأنوار، ج ٨٤، ص ٢٩٧

٦٣-٢-٢- أَعْطِنِي وَرَعًا يَخْجُزُنِي عَنْ مَعَاصِيكَ

﴿٩٦٠﴾ السَّجَادُ عليه السلام: اللَّهُمَّ أَعْطِنِي بَصِيرَةً فِي دِينِكَ وَفَهْمًا فِي حُكْمِكَ وَفَقْهًا فِي عِلْمِكَ وَ

كِفْلَيْنِ مِنْ رَحْمَتِكَ وَوَرَعًا يَخْجُزُنِي عَنْ مَعَاصِيكَ؛ بحار الأنوار، ج ٩٥، ص ٩٢

٦٤-٢-٢- أَعِنِّي عَلَى آخِرَتِي بِالتَّقْوَى

﴿٩٦١﴾ الصادق عليه السلام: اللَّهُمَّ أَعِنِّي عَلَى دِينِي بِالدُّنْيَا وَعَلَى آخِرَتِي بِالتَّقْوَى؛ بحار الأنوار، ج ٩١، ص ٣١٥

٦٥-٢-٢- أَعِنِّي عَلَى نَفْسِي بِتَقْوَى

﴿٩٦٢﴾ دعاء ليلة الإثنين: أَعِنِّي عَلَى نَفْسِي بِبِرٍّ وَتَقْوَى؛ بحار الأنوار، ج ٨٧، ص ٢٩٢

٦٦-٢-٢- أَعِنِّي عَلَى آخِرَتِي بِتَقْوَايَ

﴿٩٦٣﴾ الكاظم عليه السلام: اللَّهُمَّ أَعِنِّي عَلَى دِينِي بِدُنْيَايَ وَعَلَى آخِرَتِي بِتَقْوَايَ؛ مستدرک الوسائل،

ج ٥، ص ١٤٣

«اهمیت تقوا / درخواست توفیق پرهیزکاری»

۵۹-۲-۲- پرهیزکاری‌ات را بر قلبم بیوشان

﴿۹۵۵﴾ تقوی و ترس از خود را روش من گردان.

۶۰-۲-۲- آنچه را از پرهیزکاران برگرداندی از من بگردان

﴿۹۵۶﴾ خداوندا! از من شرّ و مکر و فساد و ضرر را همان‌گونه که از گروه اهل تقوا دور

کردی، دور کن.

۶۱-۲-۲- تقوای نفسم را عطا کن

﴿۹۵۷﴾ [دعای روز پانزدهم:] در همه‌ی روزها به من تقوای نفسی عطا کن که تو را از من

راضی کند.

۶۲-۲-۲- پرهیزکاری عطایم کن

﴿۹۵۸﴾ روزی گسترده، راحتی، ایمنی، تندرستی، فروتنی، سپاسگزاری، عافیت، تقوا را به من

عطا کن.

﴿۹۵۹﴾ [کیفیت نماز وتر:] خدایا! بر محمد و آل او درود فرست و به من گشایش، راحتی،

امنیت، سلامت، قناعت، یقین، گذشت، عافیت، تندرستی کامل، مغفرت، سپاسگزاری، خشنودی،

پرواپیشگی را به من عطا کن.

۶۳-۲-۲- پرهیزکاری‌ای عطایم کن که از گناه بازم دارد

﴿۹۶۰﴾ خدایا! بصیرت در دین و فهم احکام و ژرفاندیشی در دانش خود و دو بهره کامل از

رحمت و پرهیزی که مرا از نافرمانی تو باز دارد، عطایم کن.

۶۴-۲-۲- با پرهیزکاری بر آخرتم یاری‌ام کن

﴿۹۶۱﴾ خدایا! با امکانات دنیا مرا بر دینم و با تقوا بر آخرتم یاری کن.

۶۵-۲-۲- در مقابل نفسم با پرهیزکاری یاری‌ام کن

﴿۹۶۲﴾ [دعای شب دوشنبه:] خدایا! در ستیز با نفسم به من با نیکی و تقوا کمک کن.

۶۶-۲-۲- برای آخرتم با پرهیزکاری یاری‌ام کن

﴿۹۶۳﴾ خدایا! با دنیایم بر نیکو ساختن دینم، و با پرهیزکاری‌ام بر نیکو ساختن آخرتم، مرا

یاری رسان.

﴿أهمية التقوى / طلب توفيق التقوى﴾

٢-٢-٦٧- أَعْنِي بِالتَّقْوَى

﴿٩٤٤﴾ الباقر عليه السلام: اللَّهُمَّ أَعْنِي بِالتَّقْوَى؛ بحار الأنوار، ج ٨٧، ص ١٦

٢-٢-٦٨- أَكْسُنِي بِالتَّوْبَةِ لِبَاسَ التَّقْوَى

﴿٩٤٥﴾ أدعية المناجاة: وَاجْلُ اللَّهُمَّ رَبِّ عَنِّي بِالتَّوْبَةِ ظِلْمَةَ الْإِصْرَارِ وَامْحُ بِهَا مَا قَدَّمْتُهُ مِنْ

الْأَوْزَارِ وَأَكْسُنِي بِهَا لِبَاسَ التَّقْوَى؛ بحار الأنوار، ج ٩١، ص ١١٧

٢-٢-٦٩- الزِّمْنِي كَلِمَةَ التَّقْوَى

﴿٩٤٦﴾ عند استهلال شهر رمضان: الزِّمْنِي كَلِمَةَ التَّقْوَى الَّتِي الزَّمَنْتَهَا الْمُتَّقِينَ؛ بحار الأنوار، ج ٩٥،

ص ٣٣٠

٢-٢-٧٠- اَلْبِسْنِي التَّقْوَى

﴿٩٤٧﴾ دعاء اليوم الثلاثين: اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ وَاشْرَحْ صَدْرِي لِلْإِسْلَامِ وَزَيِّنِي وَ

رَضِّنِي بِالْإِيمَانِ وَالْبِسْنِي التَّقْوَى؛ بحار الأنوار، ج ٩٤، ص ٣١٩

﴿٩٤٨﴾ الصادق عليه السلام: فَإِذَا لَبَسْتَ ثِيَابَكَ فَقُلِ اللَّهُمَّ اَلْبِسْنِي التَّقْوَى وَجَنِّبْنِي الرَّدَى فَإِذَا فَعَلْتَ

ذَلِكَ أَمَنْتَ مِنْ كُلِّ دَاءٍ؛ من لا يحضره الفقيه، ج ١، ص ١١٢

٢-٢-٧١- اَلْبِسْنِي زِينَةَ الْمُتَّقِينَ

﴿٩٤٩﴾ السَّجَاد عليه السلام: اَلْبِسْنِي حِلِيَةَ [زِينَةِ] الْمُتَّقِينَ؛ إقبال الأعمال، ص ٣٥٧

٢-٢-٧٢- اَلْبِسْنِي لِبَاسَ التَّقْوَى

﴿٩٧٠﴾ دعاء ليلة الإثنين: وَأَكْسُنِي حُلَّ الْإِيمَانِ وَالْبِسْنِي لِبَاسَ التَّقْوَى؛ البلد الأمين، ص ١١٢

٢-٢-٧٣- اَلْحَقْنِي بِالَّذِينَ جَعَلْتَهُمْ أَتْقِيَاءَ

﴿٩٧١﴾ أمير المؤمنين عليه السلام: وَالْحَقْنِي بِالَّذِينَ غَمَرْتَهُمْ بِسَعَةِ تَطَوُّلِكَ وَكَرَامَتِكَ وَجَعَلْتَهُمْ

أَطْيَابَ أَثَرَارِ أَتْقِيَاءَ أَحْيَارًا؛ بحار الأنوار، ج ٨٧، ص ١٤٦

٢-٢-٧٤- اَلْحَقْنَا بِأَهْلِ بَيْتِ نَبِيِّكَ مُتَّقِينَ

﴿٩٧٢﴾ السَّجَاد عليه السلام: اللَّهُمَّ اَلْحَقْ أَهْلَ بَيْتِ نَبِيِّكَ وَذُرِّيَّتَهُمْ وَشِعَتَهُمْ بِنَبِيِّكَ سَيِّدِ الْمُرْسَلِينَ

وَالْحَقْنَا بِهِمْ مُؤْمِنِينَ مُحِبِّينَ فَائِزِينَ مُتَّقِينَ؛ بحار الأنوار، ج ٩٢، ص ٢٣٢

«اهمیت تقوا / درخواست توفیق پرهیزکاری»

۶۷-۲-۲- با پرهیزکاری بی‌نیازم کن

﴿۹۶۴﴾ پروردگارا مرا به وسیله‌ی تقوا بی‌نیاز فرما.

۶۸-۲-۲- با توبه بر من لباس پرهیزکاری بپوشان

﴿۹۶۵﴾ بارالها! با این توبه تاریکی‌های مداومت بر گناه را از من پاک کن و گناهانی را که پیش از این انجام داده‌ام ناپدید کن و مرا با آن پوشش پرهیزکاری و هدایت بپوشان.

۶۹-۲-۲- مرا بر کلمه‌ی تقوا وادار

﴿۹۶۶﴾ [دعای استهلال ماه مبارک رمضان:] مرا بر کلمه‌ی تقوا ملزم ساز آن‌چنان که پرهیزکاران را به آن ملزم ساختی.

۷۰-۲-۲- مرا لباس پرهیزکاری بپوشان

﴿۹۶۷﴾ [دعای روز سی‌ام:] خدایا بر محمد و خاندان او درود فرست و سینه‌ی مرا نسبت به دین اسلام گشاده گردان و مرا به نور ایمان زینت ببخش و خشنود گردان و لباس پرهیزکاری بر من بپوشان.

﴿۹۶۸﴾ هنگامی که لباس خود را پوشیدی بگو: «خدایا! به من جامه‌ی تقوا بپوشان و از هلاکت برهان». پس اگر این کار را انجام دهی، از هر دردی در امانی.

۷۱-۲-۲- زیور پرهیزکاران بر من بپوشان

﴿۹۶۹﴾ زینت اهل تقوا را بر من بپوشان!

۷۲-۲-۲- لباس پرهیزکاری بر من بپوشان

﴿۹۷۰﴾ [دعای شب دوشنبه:] خداوندا! زیورهای ایمان را به من بپوشان و لباس تقوا را بر تن من کن.

۷۳-۲-۲- مرا به آنان که پرهیزکارشان قرار دادی برسان

﴿۹۷۱﴾ و مرا به کسانی که با وسعت لطف و کرمتم در بر گرفتی و آنان را در میان، نیکان، نیکوکاران، پارسایان و برگزیدگان و در خانه‌ات، همسایگان نبی‌ات قرار دادی ملحق کن.

۷۴-۲-۲- ما را به خاندان پرهیزکار پیامبرت برسان

﴿۹۷۲﴾ خداوندا اهل بیت پیامبر خود و اولاد و پیروان ایشان را به پیامبر خود که برگزیده‌ی پیامبران است، برسان. و ما را درحالی که مؤمنان و تواضع‌کنندگان و بهره‌یافتگان و پرهیزکاران باشیم به آنان برسان.

﴿أهمية التقوى / طلب توفيق التقوى﴾

٧٥-٢-٢- ألهم نفسي تقواها

﴿٩٧٣﴾ الحسين عليه السلام: اللهم بين لها هداها وألهمها تقواها؛ بحار الأنوار، ج ٨٨، ص ١٨٧

٧٦-٢-٢- ألهمنا الله تقواه

﴿٩٧٤﴾ الحسن عليه السلام: عصمنا الله وإياكم بما عصم به أوليائه وأهل طاعته وألهمنا وإياكم

تقواه؛ بحار الأنوار، ج ٣٢، ص ٨٨

٧٧-٢-٢- ألهمني التقوى

﴿٩٧٥﴾ السجاد عليه السلام: اللهم وأنطقني بالهدى، وألهمني التقوى؛ الصحيفة السجادية عليه السلام، الدعاء ٢٠

٧٨-٢-٢- إمتحن قلبي لتقوى القلوب

﴿٩٧٦﴾ دعاء اليوم الثالث والعشرين من شهر رمضان: اللهم اغسلني فيه من الذنوب وطهرني

فيه من العيوب وامتحنني فيه قلبي لتقوى القلوب؛ إقبال الأعمال، ص ٢١٦

٧٩-٢-٢- إن لم تعني على آخرتي بتقوى هلكت

﴿٩٧٧﴾ أمير المؤمنين عليه السلام: رب ما أحرصني على ما زهدتني فيه وحششتني عليه إن لم تعني

على دنياي بزهد وعلى آخرتي بتقوى [بتقوى] هلكت؛ بحار الأنوار، ج ٩١، ص ٢٣٤

٨٠-٢-٢- أهله علينا وعلى أهل بيوتنا وأشيائنا بتقوى

﴿٩٧٨﴾ الكاظم عليه السلام: اللهم صل على محمد وآل محمد وأهله علينا وعلى أهل بيوتنا وأشيائنا

بإيمان وسلامة وإسلام وبر وتقوى؛ مستدرک الوسائل، ج ٧، ص ٤٤٢

٨١-٢-٢- أوجب لي التقوى

﴿٩٧٩﴾ الهادي عليه السلام: اللهم... أوجب لي المغفرة والرحمة والخير والبركة والتقوى؛

بحار الأنوار، ج ٩٩، ص ١٣٣

٨٢-٢-٢- ثبتني بالتقوى

﴿٩٨٠﴾ الرسول ﷺ: اللهم ثبتني بالتقوى؛ بحار الأنوار، ج ٩٧، ص ١٧٩

٨٣-٢-٢- ثبتنا على التقوى

﴿٩٨١﴾ أمير المؤمنين عليه السلام: عصمنا الله وإياكم بالهدى وثبتنا وإياكم على التقوى؛ الكافي،

ج ١، ص ١٤١

﴿اهمیت تقوا / درخواست توفیق پرهیزکاری﴾

۲-۲-۷۵- به جانم پرهیزکاری‌اش را الهام کن

﴿۹۷۳﴾ پروردگارا! هدایت نفسم را برایش آشکار نما و پرهیزکاری‌اش را به آن الهام کن.

۲-۲-۷۶- خداوند تقوایش را به ما الهام کند

﴿۹۷۴﴾ خداوند ما و شما را از لغزش‌ها به دور دارد همان‌گونه که اولیاء و اهل طاعتش را دور

داشته است. خداوند به ما و شما تقوا الهام کند.

۲-۲-۷۷- مرا پرهیزکاری الهام کن

﴿۹۷۵﴾ بار خدایا! مرا به هدایت و راهنمایی [به دین حق] گویا فرما، و پرهیزکاری را به من

الهام نما.

۲-۲-۷۸- قلبم را بر پرهیزکاری بیازما

﴿۹۷۶﴾ [دعای روز بیست و سوم ماه رمضان:] خدایا! گناهان مرا در این روز بشوی و مرا از

عیب‌ها پاک بگردان و قلبم را برای تقوای قلب‌ها امتحان کن.

۲-۲-۷۹- اگر بر آخرتم با پرهیزکاری یاری‌ام نکنی هلاک می‌شوم

﴿۹۷۷﴾ پروردگارا! چه اندازه حریصم بر آنچه مرا از آن بر کنار کرده و به دوری آن وادارم

کردی، و اگر تو به پارسایی در دنیا و پرهیزکاری در امور آخرت کمکم ندهی هلاک

می‌شوم.

۲-۲-۸۰- ماه را بر ما و خانواده‌ی‌مان و پیروانمان با پرهیزکاری نو کن

﴿۹۷۸﴾ خدایا! بر محمد و خاندان او درود فرست و هلال این ماه را برای ما و خانواده‌ی ما و

پیروانمان موجب امن و ایمان و سلامت و اسلام و نیکی و تقوا قرار ده.

۲-۲-۸۱- پرهیزکاری را بر من واجب کن

﴿۹۷۹﴾ خداوندا! آمرزش و رحمت و خیر و برکت و پرهیزکاری را بر من واجب گردان.

۲-۲-۸۲- مرا بر پرهیزکاری ثابت کن

﴿۹۸۰﴾ [زیارت پیامبر ﷺ:] بار خدایا! مرا با تقوا ثابت بدار.

۲-۲-۸۳- بر پرهیزکاری تشییمان کن

﴿۹۸۱﴾ خدا ما و شما را به سبب هدایت از بدی‌ها نگاه دارد و ما و شما را بر پرهیزکاری ثابت

بدارد.

﴿أَهْمِيَةُ التَّقْوَى / طَلَبُ تَوْفِيقِ التَّقْوَى﴾

٨٤-٢-٢- جَعَلَ اللَّهُ خُلَّتَنَا وَإِيَّاكُمْ خَلَّةَ الْمُتَّقِينَ

﴿٩٨٢﴾ أمير المؤمنين عليه السلام: جَعَلَ اللَّهُ مَوَدَّتَنَا فِي الدِّينِ، وَخُلَّتَنَا وَإِيَّاكُمْ خَلَّةَ الْمُتَّقِينَ؛ الْأُمَالِي لِلطُّوسِي، ص ٣١

٨٥-٢-٢- جَعَلَنَا اللَّهُ مِنَ الْمُتَّقِينَ

﴿٩٨٣﴾ الصَّادِق عليه السلام: جَعَلَنَا اللَّهُ مِنَ الْمُتَّقِينَ بِرَحْمَتِهِ؛ بحار الأنوار، ج ٢٤، ص ٢٨٦

﴿٩٨٤﴾ أمير المؤمنين عليه السلام: جَعَلَنَا اللَّهُ وَإِيَّاكَ مِنَ الْمُتَّقِينَ؛ بحار الأنوار، ج ٣٣، ص ٥٤٩

٨٦-٢-٢- جَعَلَنَا اللَّهُ وَإِيَّاكُمْ الْمُتَّقِينَ

﴿٩٨٥﴾ أمير المؤمنين عليه السلام: جَعَلَنَا اللَّهُ وَإِيَّاكُمْ الْمُتَّقِينَ؛ كنز الفوائد، ج ١، ص ٨٦

٨٧-٢-٢- حَلَّانَا وَإِيَّاكُمْ حَلِيَّةَ الْمُتَّقِينَ

﴿٩٨٦﴾ أمير المؤمنين عليه السلام: حَلَّانَا وَإِيَّاكُمْ حَلِيَّةَ الْمُتَّقِينَ؛ الْأُمَالِي لِلْمُفِيدِ، ص ٢٦٨

٨٨-٢-٢- حَلَّنِي حَلِيَّةَ الْمُتَّقِينَ

﴿٩٨٧﴾ السَّجَّاد عليه السلام: حَلَّنِي حَلِيَّةَ الْمُتَّقِينَ؛ الصحيفة السجادية عليه السلام، الدعاء ٤٧

٨٩-٢-٢- لَا أَرَى نِعْمَةً فِي تَقْوَى إِلَّا رَجَوْتُ لِنَفْسِي أَفْضَلَ ذَلِكَ

﴿٩٨٨﴾ السَّجَّاد عليه السلام: وَارْزُقْنِي سَلَامَةَ الصَّدْرِ مِنَ الْحَسَدِ حَتَّى لَا أَحْسُدَ أَحَدًا مِنْ خَلْقِكَ عَلَى شَيْءٍ مِنْ فَضْلِكَ، وَحَتَّى لَا أَرَى نِعْمَةً مِنْ نِعَمِكَ عَلَى أَحَدٍ مِنْ خَلْقِكَ فِي دِينٍ أَوْ دُنْيَا أَوْ عَافِيَةٍ أَوْ تَقْوَى أَوْ سَعَةٍ أَوْ رَخَاءٍ إِلَّا رَجَوْتُ لِنَفْسِي أَفْضَلَ ذَلِكَ بِكَ وَ مِنْكَ وَخَدَّكَ لَا شَرِيكَ

لَكَ؛ الصحيفة السجادية عليه السلام، الدعاء ٢٢

٩٠-٢-٢- رَزَقَنِي اللَّهُ الْعُودَ بِتَقْوَى

﴿٩٨٩﴾ الهادي عليه السلام: رَزَقَنِي اللَّهُ الْعُودَ ثُمَّ الْعُودَ أَبَدًا مَا أَبْقَانِي رَبِّي بِنِيَّةٍ صَادِقَةٍ وَإِيمَانٍ وَ

تَقْوَى؛ تهذيب الأحكام، ج ٦، ص ١٠١

٩١-٢-٢- زَوَّدَنِي التَّقْوَى

﴿٩٩٠﴾ الرَّسُول ﷺ: اللَّهُمَّ زَوَّدْنِي التَّقْوَى؛ مستدرک الوسائل، ج ٣، ص ٢٧٠

٩٢-٢-٢- زَوَّدَنِي مِنَ الدُّنْيَا التَّقْوَى

﴿٩٩١﴾ الصَّادِق عليه السلام: اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَأَعِنِّي عَلَى صَلَاةِ اللَّيْلِ وَصِيَامِ النَّهَارِ وَارْزُقْنِي مِنَ الْوَرَعِ مَا يَحْجُزُنِي عَنْ مَعَاصِيكَ وَاجْعَلْ عِبَادَتِي لَكَ أَيَّامَ حَيَاتِي وَاسْتَعْمِلْنِي أَيَّامَ

عُمْرِي بِعَمَلٍ تَرْضَى بِهِ عَنِّي وَزَوَّدْنِي مِنَ الدُّنْيَا التَّقْوَى؛ بحار الأنوار، ج ٩٤، ص ٣٣٦

«اهمیت تقوا / درخواست توفیق پرهیزکاری»

۲-۲-۸۴- خداوند دوستی ما و شما را دوستی پرهیزکاران قرار دهد

﴿۹۸۲﴾ خداوند محبت و مودت ما را بر مبنای دین قرار دهد و دوستی ما و شما را دوستی اهل تقوا قرار دهد.

۲-۲-۸۵- خداوند ما را از پرهیزکاران قرار دهد

﴿۹۸۳﴾ خدای تعالی ما را به لطف و رحمت خود از زمره‌ی پرهیزکاران قرار دهد.

﴿۹۸۴﴾ خداوند ما و تو را از متقیان قرار دهد.

۲-۲-۸۶- خداوند ما و شما را از پرهیزکاران قرار دهد

﴿۹۸۵﴾ خداوند ما و شما را از متقین قرار دهد.

۲-۲-۸۷- خداوند ما و شما را به زیور پرهیزکاران بیاراید

﴿۹۸۶﴾ [خداوند] ما و شما را به زیور پرهیزکاران بیاراید.

۲-۲-۸۸- مرا به زیور پرهیزکاران بیارای

﴿۹۸۷﴾ مرا به زیور پرهیزکاران بیارای.

۲-۲-۸۹- نعمتی در پرهیزکاری ندیدم جز آنکه برای خود بهتر از آن را امید بستم

﴿۹۸۸﴾ و سینه‌ام را از حسد تهی گردان تا به هیچ‌یک از آفریدگانت بر چیزی از احسانت [که به او عطا فرموده‌ای] رشک نبرم و به جایی برسم که وقتی ببینم به یکی از بندگان در دین و دنیا و تندرستی و پرهیزکاری و توانگری و آسودگی نعمتی داده‌ای، من نیز برای خود از تو آرزوی برتر از آن کنم، ای خدای یکتای بی‌همتا.

۲-۲-۹۰- خداوند بازگشت به پرهیزکاری را روزی‌ام کند

﴿۹۸۹﴾ خداوند همواره بازگشت دوباره و چندین باره نزد شما را تا زمانی که زنده هستم، با نیت صادق و ایمان و پرهیزکاری روزی‌ام گرداند.

۲-۲-۹۱- برایم پرهیزکاری ذخیره کن

﴿۹۹۰﴾ خداوند! تو بر تقوایم بیفزای.

۲-۲-۹۲- برایم از دنیا پرهیزکاری ذخیره کن

﴿۹۹۱﴾ خدایا! بر محمد و خاندان او درود بفرست و مرا بر نماز شب و روزه‌داری روز یاری فرما و از پارسایی آنقدر روزی‌ام فرما که مرا از نافرمانی‌ات بازدارد و عبادتم را در طول زندگی‌ام مخصوص خویش گردان و مرا در طول عمرم برای عملی به کار گیر که با انجام آن از من راضی باشی و از دنیا پرهیزکاری را توشه‌ام گردان.

﴿أهمية التقوى / طلب توفيق التقوى﴾

٩٣-٢-٢- زَوَّدْنَا مِنَ التَّقْوَى

﴿٩٩٢﴾ السَّجَادُ عليه السلام: اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ، وَامْتِنْنَا مِنَ الْهَدْيِ بِمِثْلِ صَلَاتِكَ، وَزَوَّدْنَا مِنَ التَّقْوَى ضِدَّ غَوَايَتِهِ، وَاسْلُكْ بِنَا مِنَ التَّقَى خِلَافَ سَبِيلِهِ مِنَ الرَّدَى؛ الصحيفة السجادية عليه السلام، الدعاء ١٧

٩٤-٢-٢- زَيَّنِي بِزِينَةِ أَهْلِ التَّقْوَى

﴿٩٩٣﴾ فقه الرضا عليه السلام: اللَّهُمَّ زَيَّنِي بِزِينَةِ أَهْلِ التَّقْوَى؛ بحار الأنوار، ج ٧٣، ص ١١٨

٩٥-٢-٢- زَيَّنِي بِزِينَةِ أَهْلِ التَّقَى

﴿٩٩٤﴾ فقه الرضا عليه السلام: اللَّهُمَّ زَيَّنِي بِزِينَةِ أَهْلِ التَّقَى؛ مستدرک الوسائل، ج ١، ص ٤٤٢

٩٦-٢-٢- زَيَّنِي بِالتَّقَى

﴿٩٩٥﴾ فقه الرضا عليه السلام: اللَّهُمَّ زَيَّنِي بِالتَّقَى وَجَنَّبْنِي الرَّدَى؛ مستدرک الوسائل، ج ١، ص ٤٤١

٩٧-٢-٢- زَيَّنِي بِالتَّقْوَى

﴿٩٩٦﴾ السَّجَادُ عليه السلام: أَسْتَوْدِعُكَ يَا إِلَهِي غُدُوِّي وَرَوَاحِي وَمَقِيلِي وَأَهْلَ وَلَيَاتِي مَنْ كَانَ مِنْهُمْ هُوَ أَوْ كَائِنُ زَيْنِي وَإِيَّاهُمْ بِالتَّقْوَى؛ بحار الأنوار، ج ٨٧، ص ٦٨

﴿٩٩٧﴾ الكاظم عليه السلام: اللَّهُمَّ زَيَّنِي بِالتَّقْوَى؛ مستدرک الوسائل، ج ١، ص ٤١١

٩٨-٢-٢- سَفَّنِي فِي زُمْرَةِ أَوْلِيَايَاكَ الْمُتَّقِينَ

﴿٩٩٨﴾ زيارة الرسول صلى الله عليه وآله من البعيد: فَسَفَّنِي بِرَحْمَتِكَ فِي عِبَادِكَ الصَّالِحِينَ وَفِي زُمْرَةِ أَوْلِيَايَاكَ الْمُتَّقِينَ إِلَى جَنَانِكَ يَا رَبَّ الْعَالَمِينَ؛ بحار الأنوار، ج ٩٧، ص ١٨٦

٩٩-٢-٢- سَأَلْتُ رَبِّي أَنْ يُلْهِمَنِي التَّقْوَى

﴿٩٩٩﴾ السَّجَادُ عليه السلام: سَأَلْتُ رَبِّي ثَلَاثًا فَأَعْطَانِي، سَأَلْتُهُ أَنْ يَجِلَّ فِي مَا حَلَّ فِي سَمِيِّي مِنْ قَبْلُ فَعَلَّ، وَأَنْ يَرَزُقَنِي الْعِبَادَةَ فَعَلَّ، وَأَنْ يُلْهِمَنِي التَّقْوَى فَعَلَّ؛ دلائل الإمامة، ص ٨٥

١٠٠-٢- عَزَمَ اللَّهُ لَنَا عَلَى تَقْوَاهُ

﴿١٠٠٠﴾ أمير المؤمنين عليه السلام: عَزَمَ اللَّهُ لَنَا وَلَكَ عَلَى تَقْوَاهُ؛ بحار الأنوار، ج ٣٣، ص ٥٦٥

١٠١-٢- عُشِّنَا بِهِ سَرَائِيلَ الْوَرَعِ

﴿١٠٠١﴾ الرسول صلى الله عليه وآله: اللَّهُمَّ اشْغَلْ بِالْقُرْآنِ قُلُوبَنَا عَمَّنْ سِوَاكَ وَذَلِّلْهَا بِهِ وَاصْرِفْهَا عَمَّا سِوَاكَ وَآمِنَّا بِهِ مِنَ الْجَزَعِ وَعُشِّنَا بِهِ سَرَائِيلَ الْوَرَعِ؛ مجموعة ورام، ج ٢، ص ٢٧٤

﴿٤٢٨﴾

«اهمیت تقوا / درخواست توفیق پرهیزکاری»

۹۳-۲-۲- از پرهیزکاری برایمان ذخیره کن

﴿۹۹۲﴾ بار خدایا! بر محمد و آل او درود فرست و ما را از رستگاری در برابر گمراهی او بهره‌مند گردان. و ما را خلاف گمراهی او از تقوا و پرهیزکاری توشه ده، و خلاف راه او که راه تباهی است ما را به راه پرهیزکاری ببر.

۹۴-۲-۲- مرا به زیور اهل پرهیزکاری بیارای

﴿۹۹۳﴾ خدایا! مرا به زینت اهل تقوا مزین ساز.

۹۵-۲-۲- مرا به زیور اهل پرهیزکاری بیارای

﴿۹۹۴﴾ خداوندا! مرا با زینت اهل تقوا زینت کن.

۹۶-۲-۲- مرا به زیور پرهیزکاری بیارای

﴿۹۹۵﴾ خدایا! مرا به تقوا مزین کن و از هلاکت دورم کن.

۹۷-۲-۲- مرا به زیور پرهیزکاری بیارای

﴿۹۹۶﴾ خدایا! صبحگاهم، شامگاهم، بستم و افراد تحت سرپرستی‌ام، کسی که از آنان بوده

یا هست را به تو می‌سپارم، من و آنان را به تقوا مزین کن.

﴿۹۹۷﴾ خداوندا! مرا با تقوا زینت بده.

۹۸-۲-۲- مرا همراه دوستان پرهیزکارت روانه کن

﴿۹۹۸﴾ [زیارت پیامبر ﷺ از راه دور:] مرا با رحمت خود در میان بندگان صالح و در زمره‌ی

دوستان پرهیزکارت به سوی بهشت پیش ببر؛ ای پروردگار جهانیان.

۹۹-۲-۲- از پروردگارم خواستم که پرهیزکاری را به من الهام کند

﴿۹۹۹﴾ از خداوند سه چیز خواستم که به من عطا فرمود؛ خواستم تا همان‌گونه که گره از کار

بزرگواران قبل از من (پدرم و امامان پیش از او) برداشت، گره از کار من بگشاید که کرد و خواستم که عبادت را روزی من کند که کرد و خواستم که تقوا را به من الهام کند که کرد.

۱۰۰-۲-۲- خداوند برای ما پرهیزکاری‌اش را اراده کند

﴿۱۰۰﴾ خداوند برای ما و شما تقوا و هدایتش را عزم کند.

۱۰۱-۲-۲- ما را لباس پرهیزکاری ببوشان

﴿۱۰۰۱﴾ خدایا! دل‌هایمان را از دیگران به قرآن مشغول کن و نسبت به آن خاکسار نما و

رویش را از دیگران به سمت قرآن بگردان و به‌واسطه‌ی آن ما را از ترس امان بده و لباس پرهیزکاری ببوشان.

﴿أهمية التقوى / طلب توفيق التقوى﴾

١٠٢-٢-٢- عَصَمَنَا اللَّهُ بِالتَّقْوَى

﴿١٠٢﴾ أمير المؤمنين عليه السلام: عَصَمَنَا اللَّهُ وَإِيَّاكُمْ بِالتَّقْوَى؛ من لا يحضره الفقيه، ج ١، ص ٥١٧

١٠٣-٢-٢- كَرَّمَنِي بِالتَّقْوَى

﴿١٠٣﴾ الرسول ﷺ: اللَّهُمَّ كَرِّمْنِي بِالتَّقْوَى؛ الكافي، ج ٤، ص ٥٥١

١٠٤-٢-٢- نَسْأَلُ اللَّهَ الْعَوْنَ عَلَى الزَّادِ بِالتَّقْوَى

﴿١٠٤﴾ الرسول ﷺ: فَنَسْأَلُ اللَّهَ لَنَا وَلكُمْ الْعَوْنَ عَلَى الزَّادِ بِالتَّقْوَى؛ أعلام الدين، ص ٢٢٥

١٠٥-٢-٢- نَسْأَلُكَ التَّقْوَى

﴿١٠٥﴾ الرسول ﷺ: اللَّهُمَّ إِنَّا نَسْأَلُكَ فِي سَفَرِنَا هَذَا الْبِرَّ وَالتَّقْوَى؛ مستدرک الوسائل، ج ٨، ص ١٣٧

١٠٦-٢-٢- نَسْتَهْدِي اللَّهَ بِعَزَائِمِ التَّقْوَى

﴿١٠٦﴾ الصادق عليه السلام: نَسْتَهْدِي اللَّهَ بِعِصَمِ الْهُدَى وَتَأْتِي الْعُرَى وَعَزَائِمِ التَّقْوَى؛ الكافي، ج ٥، ص ٣٧٢

١٠٧-٢-٢- هَبْ لِي التَّقْوَى

﴿١٠٧﴾ الرسول ﷺ: هَبْ لِي الْيَقِينَ وَالْهُدَى وَالْعَفَافَ وَالْغِنَى وَالْكَفَافَ وَالتَّقْوَى؛

البلد الأمين، ص ٤٢٤

١٠٨-٢-٢- وَرَغْنِي عَنِ الْمَحَارِمِ

﴿١٠٨﴾ السجاد عليه السلام: اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ، وَخَلِّصْنِي مِنَ الْحَسَدِ، وَاحْصُرْنِي عَنِ

الذُّنُوبِ، وَرَغْنِي عَنِ الْمَحَارِمِ، وَلَا تُجَرِّئْنِي عَلَى الْمَعَاصِي؛ الصحيفة السجادية عليه السلام، الدعاء ٢٢

١٠٩-٢-٢- وَفَّقْنِي عَلَى التَّقَى

﴿١٠٩﴾ دعاء اليوم الثالث عشر: اللَّهُمَّ طَهِّرْنِي فِيهِ مِنَ الدَّنَسِ وَالْأَقْدَارِ وَصَبِّرْنِي فِيهِ عَلَى

كَائِنَاتِ الْأَقْدَارِ وَفَّقْنِي فِيهِ عَلَى التَّقَى؛ بحار الأنوار، ج ٩٥، ص ٣٧

١١٠-٢-٢- تَتَمَنَّى النَّفْسُ أَنْ لَوْ رُدَّتْ لَتَعْمَلَ بِتَقْوَاهَا

﴿١١٠﴾ أمير المؤمنين عليه السلام: فَيُكْشَفُ لَهُ عَنْ بَصَرِهِ وَتُهْتَكُ لَهُ حُجُبُهُ لِقَوْلِ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ

فَكَشَفْنَا عَنْكَ غِطَاءَكَ فَبَصَرُكَ الْيَوْمَ حَدِيدٌ أَنِّي لَهُ بِالْبَصَرِ إِلَّا أَبْصَرَ قَبْلَ هَذَا الْوَقْتِ الضَّرَرَ قَبْلَ أَنْ

تُحْجَبَ التَّوْبَةُ بِنُزُولِ الْكُرْبَةِ فَتَتَمَنَّى النَّفْسُ أَنْ لَوْ رُدَّتْ لَتَعْمَلَ بِتَقْوَاهَا فَلَا يَنْفَعُهَا الْمُنَى؛

مستدرک الوسائل، ج ١، ص ١٤٧

«اهمیت تقوا / درخواست توفیق پرهیزکاری»

- ۲-۲-۱۰۲- خداوند ما را به پرهیزکاری محفوظ دارد
- ﴿۱۰۰۲﴾ خدا ما و شما را به وسیله‌ی تقوا محفوظ بدارد.
- ۲-۲-۱۰۳- مرا به پرهیزکاری کرامت بخش
- ﴿۱۰۰۳﴾ خداوند! مرا با [توفیق کسب] تقوا، کرامت ببخش.
- ۲-۲-۱۰۴- از خداوند بر دریافت توشه‌ی پرهیزکاری یاری می‌طلبیم
- ﴿۱۰۰۴﴾ از خداوند می‌خواهیم که ما و شما را در کسب توشه‌ی تقوا یاری کند.
- ۲-۲-۱۰۵- از تو پرهیزکاری درخواست می‌کنیم
- ﴿۱۰۰۵﴾ بار خدایا! ما در این سفر از تو نیکی و تقوا را خواهیم.
- ۲-۲-۱۰۶- از خدا راهنمایی به ستون‌های محکم پرهیزکاری می‌طلبیم
- ﴿۱۰۰۶﴾ از خداوند درخواست می‌کنیم که ما را به پناهگاه ایمان و مأمنی از هول و هراس و ستون‌های محکم تقوا هدایت کند.
- ۲-۲-۱۰۷- مرا پرهیزکاری ببخش
- ﴿۱۰۰۷﴾ خدایا! به من یقین و هدایت و عفت و بی‌نیازی و استطاعت و تقوا عطا بفرما.
- ۲-۲-۱۰۸- مرا از محرّمات پرهیز ده
- ﴿۱۰۰۸﴾ بار خدایا! بر محمد و خاندانش درود بفرست و مرا از حسد برهان و از گناهان در امان دار و از حرام‌ها پرهیز ده و مرا بر ارتکاب معاصی گستاخ نفرما و میل و خواهش را به ساحت خود معطوف دار و چنان کن که به هر چه از تو می‌رسد، خرسند باشم.
- ۲-۲-۱۰۹- مرا بر پرهیزکاری موفق بدار
- ﴿۱۰۰۹﴾ [دعای روز سیزدهم]: خداوند! در این روز مرا از ناپاکی‌ها و پلیدی‌ها، پاکیزه ساز و در برابر رخدادهای مقدّر شده، شکیبنا بدار و به تقوا و همنشینی با نیکان موفق گردان.
- ۲-۲-۱۱۰- نفس آرزو می‌کند که اگر به دنیا بازگردد، به تقوا عمل خواهد کرد
- ﴿۱۰۱۰﴾ [توصیه به غنیمت دانستن فرصت‌ها قبل از تمام شدن مهلت]: چشم او گشوده و پرده‌های حجاب از جلوی چشمانش کنار می‌رود چنان که خداوند فرمود: «ما پرده را از چشم تو کنار زدیم، و امروز چشمت کاملاً تیزبین است»؛ چطور ممکن است بینا شود؟! مگر قبل از این و در وقتی که ضرر می‌کرد بینا و بصیر بود؟! قبل از آنکه باب توبه با شروع نزول سختی‌ها [و مرگ] بسته شود؛ که حالا آرزو می‌کند کاش به دنیا بازگردد و بر مبنای تقوا عمل کنم! این آرزو برایش هیچ نفعی نخواهد داشت.

﴿أَهْمِيَةُ التَّقْوَى / الإِسْتِعَاذَةُ مِنْ فَقْدِ التَّقْوَى﴾

١١١-٢-٢- يَلْتَمِسُونَ التَّقْوَى

﴿١٠١١﴾ الباقر عليه السلام: بِالتَّقْوَى فَازَ الصَّابِرُونَ وَ نَجَتْ تِلْكَ الْعُصْبُ مِنَ الْمَهَالِكِ وَ لَهُمْ إِخْوَانٌ عَلَى تِلْكَ الطَّرِيقَةِ يَلْتَمِسُونَ تِلْكَ الْفَضِيلَةَ نَبَذُوا طُغْيَانَهُمْ مِنَ الْإِيرَادِ بِالشَّهَوَاتِ لِمَا بَلَغَهُمْ فِي الْكِتَابِ مِنَ الْمَثَلَاتِ؛ الكافي، ج ٨، ص ٥٢

٣-٢- الإِسْتِعَاذَةُ مِنْ فَقْدِ التَّقْوَى

﴿١٠١٢﴾ دعاء الإخلاص: أَعُوذُ بِكَ مِنْ هَمَزَاتِ الشَّيَاطِينِ وَ لَمَزَاتِهِمُ الَّتِي تَضِلُّ بَعْدَ الْهُدَى وَ تَبْدَلُ بَعْدَ النُّهْيِ وَ تَحْجُبُ عَنْ سَبِيلِ الرُّشْدِ وَ التَّقْوَى؛ بحار الأنوار، ج ٩٢، ص ٤٣٧

٤-٢- طَلَبُ إِمَامٍ مِنَ الْمُتَّقِينَ

١-٤-٢- اجْعَلْ لِي مِنَ الْمُتَّقِينَ إِمَامًا

﴿١٠١٣﴾ صلاة الحسين عليه السلام: وَ اجْعَلْ لِي مِنَ الْمُتَّقِينَ فِي آخِرِ الزَّمَانِ إِمَامًا كَمَا جَعَلْتَ إِبْرَاهِيمَ الْخَلِيلَ إِمَامًا؛ بحار الأنوار، ج ٨٨، ص ١٨٧

٢-٤-٢- اجْعَلْ لَنَا مِنَ الْمُتَّقِينَ إِمَامًا

﴿١٠١٤﴾ الصادق عليه السلام: فَاسْأَلْكَ يَا رَبِّ تَمَامَ مَا أَنْعَمْتَ عَلَيْنَا وَ لَا تَجْعَلْنَا مِنَ الْمُعَانِدِينَ وَ لَا تُلْحِقْنَا بِالْمُكَذِّبِينَ بِيَوْمِ الدِّينِ وَ اجْعَلْ لَنَا قَدَمَ صِدْقٍ مَعَ الْمُتَّقِينَ وَ اجْعَلْ لَنَا مِنْ لَدُنْكَ رَحْمَةً وَ اجْعَلْ لَنَا مِنَ الْمُتَّقِينَ إِمَامًا إِلَى يَوْمِ الدِّينِ يَوْمَ يُدْعَى كُلُّ أَنْاسٍ بِإِمَامِهِمْ وَ اجْعَلْنَا فِي ظِلِّ الْقَوْمِ الْمُتَّقِينَ الْهُدَاةَ بَعْدَ النَّذِيرِ الْمُنْذِرِ وَ الْبَشِيرِ الْأَيْمَّةِ الدُّعَاةِ إِلَى الْهُدَى؛ بحار الأنوار، ج ٩٥، ص ٣٠٦

٣-٤-٢- تَجْعَلْ لَنَا مَعَ الْمُتَّقِينَ إِمَامًا

﴿١٠١٥﴾ الصادق عليه السلام: وَ اجْعَلْ لَنَا قَدَمَ صِدْقٍ مَعَ النَّبِيِّينَ وَ تَجْعَلْ لَنَا مَعَ الْمُتَّقِينَ إِمَامًا إِلَى يَوْمِ الدِّينِ يَوْمَ يُدْعَى كُلُّ أَنْاسٍ بِإِمَامِهِمْ؛ تهذيب الأحكام، ج ٣، ص ١٤٧

٥-٢- الْأَمْرُ بِالتَّقْوَى وَ الْوَرَعِ

١-٥-٢- التَّقْوَى التَّقْوَى

﴿١٠١٦﴾ الرسول عليه السلام: مَعَاشِرَ النَّاسِ التَّقْوَى التَّقْوَى وَ اخْذَرُوا السَّاعَةَ كَمَا قَالَ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ إِنَّ زَلْزَلَةَ السَّاعَةِ شَيْءٌ عَظِيمٌ اذْكُرُوا الْمَمَاتَ وَ الْحِسَابَ وَ الْمَوَازِينَ وَ الْمُحَاسَبَةَ بَيْنَ يَدَيِ رَبِّ الْعَالَمِينَ وَ النَّوَابِ وَ الْعِقَابِ؛ بحار الأنوار، ج ٣٧، ص ٢١٥

«اهمیت تقوا / پناه بردن به خدا از نداشتن پرهیزکاری»

۱۱۱-۲-۲- پرهیزکاری می طلبند

﴿۱۰۱﴾ در پرتو تقوا شکیبایان و گروه‌های شیعه از مهلکه‌ها نجات یافتند و آنان برادرانی با همین آیین دارند که این فضیلت را خواهند، و از گشتن پیرامون شهوت خودداری می‌کردند، و این به سبب عقوبت و پندهایی بود که در قرآن می‌خواندند.

۳-۲- پناه بردن به خدا از نداشتن پرهیزکاری

﴿۱۰۲﴾ از عیب‌جویی شیاطین و بدگویی آن‌ها به تو پناه می‌برم که بعد از هدایت گمراه می‌کند و بعد از نهی، تبدیل می‌سازد و مانع راه هدایت و تقوا می‌شود.

۴-۲- درخواست پیشوایی که از پرهیزکاران باشد

۱-۴-۲- برای من امامی از پرهیزکاران قرار ده

﴿۱۰۳﴾ [نماز امام حسین (علیه السلام):] مرا در آخرالزمان پیشوا و امام پرهیزکاران قرار ده، همان‌طوری که ابراهیم خلیل را امام و پیشوا قرار دادی.

۲-۴-۲- برای ما امامی از پرهیزکاران قرار ده

﴿۱۰۴﴾ پروردگارا! من از تو اکمال نعمت‌هایت را خواستارم و اینکه ما را از ستیزه جویان قرار دهی و به کسانی که روز جزا را تکذیب می‌کنند، ملحق مکن و گام صادقانه همراه با تقواییشان به ما عطا فرما و رحمتی از جانب خود برای ما قرار ده و نیز پیشوایی از تقواییشان برای ما تا روز قیامت قرار ده، آن روز که همه مردم با پیشوای خود خوانده می‌شوند و ما را در سایه آن تقواییشان، هدایتگران بعد از پیامبر بیم‌دهنده و اعلام خطر کننده و بشارت‌دهنده‌ات و امامانی که به سوی هدایت فرا می‌خوانند، قرار ده.

۳-۴-۲- برای ما همراه با پرهیزکاران امامی قرار ده

﴿۱۰۵﴾ به ما همراه پیامبران، گام‌هایی استوار و راستین عطا کن و برای ما همراه متقین تا روز قیامت که همه‌ی مردم با پیشوای خود خوانده می‌شوند، پیشوا قرار ده.

۵-۲- فرمان به پرهیزکاری و ورع

۱-۵-۲- پروا! پروا!

﴿۱۰۶﴾ ای مردم! پرهیزکاری، پرهیزکاری! بترسید از روز رستاخیز، زیرا خدای بلندمرتبه می‌فرماید: «زلزله‌ی رستاخیز امر عظیمی است». از مرگ و حساب و میزان و بازخواست در محضر پروردگار جهانیان و ثواب و عقاب یاد کنید.

«أهمية التقوى / الأمر بالتقوى والورع»

﴿١٠١٧﴾ الرسول ﷺ: يَا أَبَا ذَرٍّ، التَّقْوَى التَّقْوَى هَاهُنَا، وَأَشَارَ إِلَى صَدْرِهِ: الْأَمَالِي لِلطُّوسَى، ص ٥٣٥

٢-٥-٢- الورع الورع

﴿١٠١٨﴾ أمير المؤمنين عليه السلام: الْعَمَلُ الْعَمَلُ ثُمَّ النَّهَايَةُ النَّهَايَةُ وَالِاسْتِقَامَةُ الْإِسْتِقَامَةُ ثُمَّ الصَّبْرُ

الصَّبْرُ وَالْوَرَعُ الْوَرَعُ؛ نهج البلاغة، ص ٢٥٢

﴿١٠١٩﴾ الصادق عليه السلام: إِنَّا لَا نَأْمُرُ بِظُلْمٍ وَ لَكِنَّا نَأْمُرُكُمْ بِالْوَرَعِ الْوَرَعِ؛ مستدرک الوسائل،

ج ١١، ص ٢٦٩

٢-٥-٣- أَمْرُكَ بِتَقْوَى اللَّهِ

﴿١٠٢٠﴾ أمير المؤمنين عليه السلام: إِنِّي أَمْرُكَ بِتَقْوَى اللَّهِ وَ طَاعَتِهِ فِي السِّرِّ وَالْعَلَانِيَةِ فَاحْذَرُ عِقَابَهُ

فِي الْمَغِيبِ وَ الْمَشْهُدِ؛ بحار الأنوار، ج ٢٨، ص ٨٦

﴿١٠٢١﴾ الكاظم عليه السلام: عَنْ عَلِيِّ بْنِ سُوَيْدٍ السَّائِي عَنْ أَبِي الْحَسَنِ عليه السلام قَالَ قُلْتُ لَهُ أَوْصِنِي فَقَالَ

أَمْرُكَ بِتَقْوَى اللَّهِ؛ الكافي، ج ٤، ص ١٨

٢-٥-٤- أَمْرُكُمْ بِالْوَرَعِ

﴿١٠٢٢﴾ الرسول ﷺ: أَمْرُكُمْ بِالْوَرَعِ وَالِاجْتِهَادِ؛ مستدرک الوسائل، ج ٤، ص ٢٢٦

٢-٥-٥- أَمْرُهُمْ بِتَقْوَى اللَّهِ

﴿١٠٢٣﴾ الرسول ﷺ: إِنَّ ذَا الْقَرْنَيْنِ كَانَ عَبْدًا صَالِحًا جَعَلَهُ اللَّهُ حُجَّةً عَلَى عِبَادِهِ فَدَعَا قَوْمَهُ

إِلَى اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ وَ أَمْرُهُمْ بِتَقْوَاهُ؛ إعلام الوری، ص ٤٤٠

٢-٥-٦- نَأْمُرُكُمْ بِالْوَرَعِ

﴿١٠٢٤﴾ الصادق عليه السلام: إِنَّا لَا نَأْمُرُ بِظُلْمٍ وَ لَكِنَّا نَأْمُرُكُمْ بِالْوَرَعِ الْوَرَعِ؛ مستدرک الوسائل،

ج ١١، ص ٢٦٩

٢-٥-٧- اتَّخِذْ تَقْوَى اللَّهِ تِجَارَةً

﴿١٠٢٥﴾ لقمان عليه السلام: يَا بُنَيَّ اتَّخِذْ تَقْوَى اللَّهِ تِجَارَةً تَأْتِيكَ الْأَرْبَاحُ مِنْ غَيْرِ بَضَاعَةٍ؛

مجموعة ورام، ج ٢، ص ٢٣١

٢-٥-٨- فَاتَّقِ

﴿١٠٢٦﴾ أمير المؤمنين عليه السلام: إِذَا اتَّقَيْتَ فَاتَّقِ مَحَارِمَ اللَّهِ؛ غرر الحكم، ص ٢٧٣

﴿٤٣٤﴾

«اهمیت تقوا / فرمان به پرهیزکاری و ورع»

﴿۱۰۱۷﴾ پیامبر ﷺ فرمود: «ای اباذر! تقوا تقوا! باید اینجا باشد!»؛ و به سینه‌ی خود اشاره کرد.

۲-۵-۲- پرهیزکاری! پرهیزکاری!

﴿۱۰۱۸﴾ عمل صالح! عمل صالح! سپس آینده‌نگری! آینده‌نگری! و استقامت! استقامت! آنگاه، بردباری! بردباری! و پرهیزکاری! پرهیزکاری!

﴿۱۰۱۹﴾ ما شما را به ستمگری فرمان نمی‌دهیم، ولی شما را به پارسایی فرمان می‌دهیم، پارسایی، پارسایی، پارسایی.

۳-۵-۲- تو را به پرهیزکاری خدا امر می‌کنم

﴿۱۰۲۰﴾ همانا من تو را به تقوای خدا و پیروی از او در پیدا و پنهان و ترس از خدا در غیاب و حضور امر می‌کنم.

﴿۱۰۲۱﴾ علی‌بن‌سوید گوید: به امام کاظم علیه‌السلام عرض کردم: «سفارشی به من بفرماید». فرمود: «تو را به تقوای الهی امر می‌کنم».

۴-۵-۲- شما را به پرهیزکاری امر می‌کنم

﴿۱۰۲۲﴾ شما را به ورع و تلاش امر می‌کنم.

۵-۵-۲- آنها را به پرهیزکاری خدا امر کرد

﴿۱۰۲۳﴾ ذوالقرنین بنده‌ی صالحی بود که خدا او را حجت بر بندگان خود قرار داد و او قومش را به سوی خدای متعال دعوت نمود و آنان را امر به تقوای خدا کرد.

۶-۵-۲- شما را به پرهیزکاری امر می‌کنیم

﴿۱۰۲۴﴾ ما شما را به ستمگری فرمان نمی‌دهیم، ولی شما را به پارسایی فرمان می‌دهیم، پارسایی، پارسایی، پارسایی.

۷-۵-۲- پرهیزکاری خدا را تجارت خود قرار ده

﴿۱۰۲۵﴾ ای پسر! تقوای خدا را تجارت خود قرار بده درحالی‌که هیچ کالایی نداشته‌ی، سود و منفعت می‌بری.

۸-۵-۲- تقوا پیشه کن

﴿۱۰۲۶﴾ اگر می‌خواهی از چیزی پرهیز کنی، از محرّمات الهی پرهیز کن.

﴿أَهْمِيَةُ التَّقْوَى / الْأَمْرُ بِالتَّقْوَى وَالْوَرَع﴾

٩-٥-٢- اتَّقِ اللَّهَ

﴿١٠٢٧﴾ أمير المؤمنين عليه السلام: اتَّقِ اللَّهَ بِطَاعَتِهِ وَأَطِعِ اللَّهَ بِتَقْوَاهُ؛ غرر الحكم، ص ٢٦٩
 ﴿١٠٢٨﴾ الرضا عليه السلام: عَنْ الْحَسَنِ بْنِ الْجَهْمِ قَالَ: كُنْتُ عِنْدَ الرِّضَا عليه السلام وَعِنْدَهُ زَيْدُ بْنُ مُوسَى أَخُوهُ وَهُوَ يَقُولُ يَا زَيْدُ اتَّقِ اللَّهَ فَإِنَّا بَلَّغْنَا مَا بَلَّغْنَا بِالتَّقْوَى فَمَنْ لَمْ يَتَّقِ وَلَمْ يُرَاقِبْهُ فَلَيْسَ مِنَّا وَلَسْنَا مِنْهُ؛ بحار الأنوار، ج ٤٦، ص ١٧٦

﴿١٠٢٩﴾ يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ اتَّقِ اللَّهَ وَلَا تُطِعِ الْكَافِرِينَ وَالْمُنَافِقِينَ إِنَّ اللَّهَ كَانَ عَلِيمًا حَكِيمًا؛

الأحزاب ١

﴿١٠٣٠﴾ وَإِذْ تَقُولُ لِلَّذِي أَنْعَمَ اللَّهُ عَلَيْهِ وَأَنْعَمْتَ عَلَيْهِ أَمْسِكْ عَلَيْكَ زَوْجَكَ وَاتَّقِ اللَّهَ؛

الأحزاب ٣٧

﴿١٠٣١﴾ الصَّادِق عليه السلام: اتَّقِ اللَّهَ وَكُنْ حَيْثُ شِئْتَ وَ مِنْ أَيِّ قَوْمٍ شِئْتَ؛ مصباح الشريعة، ص ٥٩
 ١٠-٥-٢- اتَّقِ اللَّهَ بَعْضَ التَّقَى وَإِنْ قَلَّ

﴿١٠٣٢﴾ الصَّادِق عليه السلام: اتَّقِ اللَّهَ بَعْضَ التَّقَى وَإِنْ قَلَّ وَدَعْ بَيْنَكَ وَبَيْنَهُ سِتْرًا وَإِنْ رَقَّ؛

بحار الأنوار، ج ٧٥، ص ٢٤٣

١١-٥-٢- فَاتَّقِ اللَّهَ

﴿١٠٣٣﴾ أمير المؤمنين عليه السلام: فَاتَّقِ اللَّهَ وَلَا تَكُنْ مِمَّنْ لَا يَرْجُو اللَّهَ وَقَارًا؛ بحار الأنوار، ج ٣٣، ص ٨٤

﴿١٠٣٤﴾ الصَّادِق عليه السلام: فَاتَّقِ اللَّهَ وَكُفَّ لِسَانَكَ إِلَّا مِنْ خَيْرٍ؛ الكافي، ج ٢، ص ٢٣

﴿١٠٣٥﴾ الصَّادِق عليه السلام: فَاتَّقِ اللَّهَ وَلَا تَقَسَّ؛ وسائل الشيعة، ج ٢، ص ٣٥٠

﴿١٠٣٦﴾ الصَّادِق عليه السلام: فَاتَّقِ اللَّهَ وَلَا تُؤْثِرْ أَحَدًا عَلَى رِضَاهُ وَهَوَاهُ؛ وسائل الشيعة، ج ١٧، ص ٢١١

﴿١٠٣٧﴾ أمير المؤمنين عليه السلام: إِنَّكَ لَنْ تَبْلُغَ أَمْلَكَ وَلَنْ تَعْدُوَ أَجَلَكَ فَاتَّقِ اللَّهَ وَاجْمُلْ فِي

الطَّلَب؛ غرر الحكم، ص ٢٧٢

﴿١٠٣٨﴾ أمير المؤمنين عليه السلام: فَهَذَا مَا فَرَضَ اللَّهُ تَبَارَكَ وَتَعَالَى عَلَى جَوَارِحِكَ فَاتَّقِ اللَّهَ يَا بَنِيَّ وَاسْتَعْمِلْهَا بِطَاعَتِهِ وَرِضْوَانِهِ وَإِيَّاكَ أَنْ يَرَاكَ اللَّهُ تَعَالَى عِنْدَ مَعْصِيَتِهِ أَوْ يَفْقِدَكَ عِنْدَ طَاعَتِهِ؛ من لا يحضره الفقيه، ج ٢، ص ٦٢٨

﴿١٠٣٩﴾ أمير المؤمنين عليه السلام: فَاتَّقِ اللَّهَ يَا ابْنَ حَنِيفٍ وَلْتَكُفِكَ أَقْرَاصُكَ لِيَكُونَ مِنَ النَّارِ

خَلَاصُكَ؛ بحار الأنوار، ج ٤٠، ص ٣٤١

«اهمیت تقوا / فرمان به پرهیزکاری و ورع»

۹-۵-۲- پروای خدا پیشه کن

﴿۱۰۲۷﴾ باتقوای الهی اطاعت خدا کنید و با اطاعت خدا، تقوا کسب کنید.

﴿۱۰۲۸﴾ حسن بن جهم گوید: خدمت امام رضا علیه السلام بودم و زید برادرش نیز آنجا بود؛ به او می‌فرمود: «زید! از خدا بترس! ما با تقوا و پرهیزکاری به این مقام رسیده‌ایم. هرکس با تقوا و پرهیزکار نباشد از ما نیست و ما از او بیزاریم.

﴿۱۰۲۹﴾ ای پیامبر! تقوای الهی پیشه کن و از کافران و منافقان اطاعت مکن که خداوند عالم و حکیم است.

﴿۱۰۳۰﴾ (به خاطر بیاور) زمانی را که به آن کس که خداوند به او نعمت داده بود و تو نیز به او نعمت داده بودی [به فرزند خوانده‌ات «زید»] می‌گفتی: «همسرت را نگاه‌دار و از خدا بپرهیز!»

﴿۱۰۳۱﴾ تقوا داشته باش؛ دیگر مهم نیست در چه جایگاهی یا از کدام قبیله باشی.

۱۰-۵-۲- بخشی از پروای خدا را پیشه کن هرچند کم باشد

﴿۱۰۳۲﴾ از خدا اندکی هم که باشد، پروا کنید، میان خود و خدا پرده‌ای، هر چند نازک، بگذارید (پرده دری نکنید).

۱۱-۵-۲- پروای خدا پیشه کن

﴿۱۰۳۳﴾ پس از خدا بترس و از جمله کسانی نباش که برای خدا عظمت قائل نیستند.

﴿۱۰۳۴﴾ تقوای الهی پیشه کن و زبانت را فقط به حرف خیر بگشا.

﴿۱۰۳۵﴾ تقوای خدا پیشه ساز و قیاس نکن.

﴿۱۰۳۶﴾ از خدا بترس و کسی را به رضای خدا و خواستش مقدم مدار.

﴿۱۰۳۷﴾ تو به [تمام] آرزوهایت نمی‌رسی و نمی‌توانی از اجلت فرار کنی، پس تقوای الهی پیشه کن و [از خدا] درخواست‌های زیبا کن.

﴿۱۰۳۸﴾ این مطالب، چیزهایی است که خداوند تبارک و تعالی بر اعضا و جوارح تو واجب کرده؛ پس ای فرزند عزیزم! برای اطاعت و کسب رضایت خدا، این دستورات را به کار گیر؛ مبادا خدا تو را در حال انجام معصیتش ببیند یا در جایی که باید اطاعتش کنی، تو را نیابد.

﴿۱۰۳۹﴾ ای پسر حنیف! از خدا بترس و به قرص‌های نان خودت قناعت کن، تا تو را از آتش دوزخ رهایی بخشد.

﴿أَهْمِيَةُ التَّقْوَى / الْأَمْرُ بِالتَّقْوَى وَ الْوَرَعِ﴾

﴿١٠٤٠﴾ الرَّسُولُ ﷺ: فَاتَّقِ اللَّهَ فِي خَاصَّةِ نَفْسِكَ وَ رَاقِبْهُ فِيمَا حَمَلَكَ؛ مستدرک الوسائل،

ج ١٣، ص ١٤٢

﴿١٠٤١﴾ أمير المؤمنين ﷺ: فَاتَّقِ اللَّهَ فِي نَفْسِكَ وَ نَازِعِ الشَّيْطَانَ قِيَادَكَ؛ بحار الأنوار، ج ٣٣،

ص ١١٦

﴿١٠٤٢﴾ أمير المؤمنين ﷺ: فَاتَّقِ اللَّهَ فِيمَا لَدَيْكَ؛ بحار الأنوار، ج ٣٣، ص ٨٢

١٢-٥-٢- إِتَّقِهِ

﴿١٠٤٣﴾ الرَّسُولُ ﷺ: إِذَا أَرَدْتَ أَنْ يُحِبَّكَ اللَّهُ فَخَفِّهِ وَ اتَّقِهِ؛ مستدرک الوسائل، ج ٤، ص ٤٧٢

١٣-٥-٢- إِتَّقُوا

﴿١٠٤٤﴾ الرَّسُولُ ﷺ: اتَّقُوا الْمُحَرَّمَاتِ كُلَّهَا؛ بحار الأنوار، ج ٢٦، ص ٢٣٢

١٤-٥-٢- فَاتَّقُوا

﴿١٠٤٥﴾ الصَّادِقُ ﷺ: فَاتَّقُوا مَا اسْتَطَعْتُمْ؛ مستدرک الوسائل، ج ٨، ص ١٦٣

﴿١٠٤٦﴾ أمير المؤمنين ﷺ: فَاتَّقُوا سَكَرَاتِ النُّعْمَةِ وَ اخْذَرُوا بِوَائِقِ النُّقْمَةِ؛ نهج البلاغة، ص ٢١٠

١٥-٥-٢- إِتَّقُوا اللَّهَ

﴿١٠٤٧﴾ وَ اتَّقُوا اللَّهَ وَ اعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ شَدِيدُ الْعِقَابِ؛ البقرة ١٩٦

﴿١٠٤٨﴾ وَ اتَّقُوا الَّذِي خَلَقَكُمْ وَ الْجِبِلَّةَ الْأُولِينَ؛ الشعراء ١٨٤

﴿١٠٤٩﴾ وَ اتَّقُوا اللَّهَ وَ اعْلَمُوا أَنَّكُمْ مُلَاقُوهُ وَ بَشِّرِ الْمُؤْمِنِينَ؛ البقرة ٢٢٣

﴿١٠٥٠﴾ وَ اتَّقُوا اللَّهَ وَ اعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمٌ؛ البقرة ٢٣١

﴿١٠٥١﴾ وَ اتَّقُوا اللَّهَ وَ اعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ بِمَا تَعْمَلُونَ بَصِيرٌ؛ البقرة ٢٣٣

﴿١٠٥٢﴾ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ وَ ذَرُوا مَا بَقِيَ مِنَ الرِّبَا إِن كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ؛ البقرة ٢٧٨

﴿١٠٥٣﴾ وَ اتَّقُوا اللَّهَ وَ يَعْلَمِكُمُ اللَّهُ وَ اللَّهُ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمٌ؛ البقرة ٢٨٢

﴿١٠٥٤﴾ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اصْبِرُوا وَ صَابِرُوا وَ رَابِطُوا وَ اتَّقُوا اللَّهَ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ؛ آل عمران ٢٠٠

﴿١٠٥٥﴾ يَا أَيُّهَا النَّاسُ اتَّقُوا رَبَّكُمُ الَّذِي خَلَقَكُمْ مِنْ نَفْسٍ وَاحِدَةٍ وَ خَلَقَ مِنْهَا زَوْجَهَا وَ بَثَّ

مِنْهُمَا رِجَالًا كَثِيرًا وَ نِسَاءً وَ اتَّقُوا اللَّهَ الَّذِي تَسَاءَلُونَ بِهِ وَ الْأَرْحَامَ إِنَّ اللَّهَ كَانَ عَلَيْكُمْ رَقِيبًا؛ النساء ١

«اهمیت تقوا / فرمان به پرهیزکاری و ورع»

﴿۱۰۴۰﴾ در مورد شخص خودت بیشتر تقوا داشته باش و در کاری که بر دوش نهاده شده، بیشتر مراقب باش.

﴿۱۰۴۱﴾ پس درباره‌ی خود از خدا بترس، و با شیطان ایستادگی کرده مهارت را از چنگش بیرون کن.

﴿۱۰۴۲﴾ [در توصیه به معاویه فرمود:] «نسبت به آنچه در اختیار داری، از خدا بترس».

۱۲-۵-۲- پروای او را پیشه کن

﴿۱۰۴۳﴾ اگر می‌خواهی خدا تو را دوست بدارد از او بترس و تقوای او پیشه کن.

۱۳-۵-۲- پروا کن

﴿۱۰۴۴﴾ از همه‌ی محرّمات پرهیز کنید.

۱۴-۵-۲- پس پروا کنید

﴿۱۰۴۵﴾ به قدر توانتان از خدا پروا کنید.

﴿۱۰۴۶﴾ بنابراین از مستی‌های نعمت بپرهیزید، و از سختی‌های عقوبت حذر کنید.

۱۵-۵-۲- پروای خدا پیشه کنید

﴿۱۰۴۷﴾ و از خدا بپرهیزید! و بدانید که او، سخت کیفر است!

﴿۱۰۴۸﴾ و از (نافرمانی) کسی که شما و اقوام پیشین را آفرید بپرهیزید!

﴿۱۰۴۹﴾ و از خدا بپرهیزید و بدانید او را ملاقات خواهید کرد و به مؤمنان، بشارت ده!

﴿۱۰۵۰﴾ و از خدا بپرهیزید! و بدانید خداوند از هر چیزی آگاه است (و از نیات کسانی که از

قوانین او، سوء استفاده می‌کنند، با خبر است)!

﴿۱۰۵۱﴾ و از (مخالفت فرمان) خدا بپرهیزید! و بدانید خدا، به آنچه انجام می‌دهید، بیناست!

﴿۱۰۵۲﴾ ای کسانی که ایمان آورده‌اید! از (مخالفت فرمان) خدا بپرهیزید، و آنچه از

(مطالبات) ربا باقی مانده، رها کنید اگر ایمان دارید!

﴿۱۰۵۳﴾ و از خدا بپرهیزید! و خداوند به شما تعلیم می‌دهد خداوند به همه چیز داناست.

﴿۱۰۵۴﴾ ای کسانی که ایمان آورده‌اید! (در برابر مشکلات و هوس‌ها) استقامت کنید! و در برابر

دشمنان (نیز)، پایدار باشید و از مرزهای خود، مراقبت کنید و از خدا بپرهیزید، شاید رستگار شوید!

﴿۱۰۵۵﴾ ای مردم! از (مخالفت) پروردگارتان بپرهیزید! همان کسی که همه شما را از یک

انسان آفرید و همسر او را (نیز) از جنس او خلق کرد و از آن دو، مردان و زنان فراوانی (در روی

زمین) منتشر ساخت. و از خدایی بپرهیزید که (همگی به عظمت او معترفید و) هنگامی که چیزی

از یکدیگر می‌خواهید، نام او را می‌برید! (و نیز) (از قطع رابطه با) خویشاوندان خود، پرهیز کنید!

زیرا خداوند، مراقب شماست.

﴿أَهْمِيَةُ التَّقْوَى / الْأَمْرُ بِالتَّقْوَى وَالْوَرَعِ﴾

﴿١٠٥٦﴾ وَلَقَدْ وَصَّيْنَا الَّذِينَ أُوتُوا الْكِتَابَ مِنْ قَبْلِكُمْ وَإِيَّاكُمْ أَنْ اتَّقُوا اللَّهَ؛ النساء ١٣١
﴿١٠٥٧﴾ تَعَاوَنُوا عَلَى الْبِرِّ وَالتَّقْوَى وَلَا تَعَاوَنُوا عَلَى الْإِثْمِ وَالْعُدْوَانِ وَاتَّقُوا اللَّهَ إِنَّ اللَّهَ شَدِيدُ

الْعِقَابِ؛ المائدة ٢

﴿١٠٥٨﴾ وَاتَّقُوا اللَّهَ إِنَّ اللَّهَ سَرِيعُ الْحِسَابِ؛ المائدة ٤
﴿١٠٥٩﴾ وَاتَّقُوا اللَّهَ إِنَّ اللَّهَ عَلِيمٌ بِذَاتِ الصُّدُورِ؛ المائدة ٧
﴿١٠٦٠﴾ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا كُونُوا قَوَّامِينَ لِلَّهِ شُهَدَاءَ بِالْقِسْطِ وَلَا يَجْرِمَنَّكُمْ شَنَاَنُ قَوْمٍ عَلَى أَلَّا تَعْدِلُوا اعْدِلُوا هُوَ أَقْرَبُ لِلتَّقْوَى وَاتَّقُوا اللَّهَ إِنَّ اللَّهَ خَبِيرٌ بِمَا تَعْمَلُونَ؛ المائدة ٨
﴿١٠٦١﴾ وَاتَّقُوا اللَّهَ وَعَلَى اللَّهِ فَلْيَتَوَكَّلِ الْمُؤْمِنُونَ؛ المائدة ١١
﴿١٠٦٢﴾ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ؛ المائدة ٣٥
﴿١٠٦٣﴾ وَاتَّقُوا اللَّهَ إِنَّ كُنتُمْ مُؤْمِنِينَ؛ المائدة ٥٧
﴿١٠٦٤﴾ وَاتَّقُوا اللَّهَ الَّذِي أَنْتُمْ بِهِ مُؤْمِنُونَ؛ المائدة ٨٨
﴿١٠٦٥﴾ وَاتَّقُوا اللَّهَ الَّذِي إِلَيْهِ تُحْشَرُونَ؛ المائدة ٩٦
﴿١٠٦٦﴾ وَاتَّقُوا اللَّهَ وَاسْمَعُوا وَاللَّهُ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الْفَاسِقِينَ؛ المائدة ١٠٨
﴿١٠٦٧﴾ اتَّقُوا اللَّهَ إِنَّ كُنتُمْ مُؤْمِنِينَ؛ المائدة ١١٢
﴿١٠٦٨﴾ وَاتَّقُوا اللَّهَ إِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَحِيمٌ؛ الأنفال ٦٩
﴿١٠٦٩﴾ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ وَكُونُوا مَعَ الصَّادِقِينَ؛ التوبة ١١٩
﴿١٠٧٠﴾ وَاتَّقُوا اللَّهَ وَلَا تُخْزُونِ؛ الحجر ٦٩
﴿١٠٧١﴾ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ وَقُولُوا قَوْلًا سَدِيدًا؛ الأحزاب ٧٠
﴿١٠٧٢﴾ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَقْدِمُوا بَيْنَ يَدَيِ اللَّهِ وَرَسُولِهِ وَاتَّقُوا اللَّهَ إِنَّ اللَّهَ سَمِيعٌ عَلِيمٌ؛

الحجرات ١

﴿١٠٧٣﴾ وَاتَّقُوا اللَّهَ إِنَّ اللَّهَ تَوَّابٌ رَحِيمٌ؛ الحجرات ١٢
﴿١٠٧٤﴾ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ وَآمِنُوا بِرَسُولِهِ يُؤْتِكُمْ كِفْلَيْنِ مِنْ رَحْمَتِهِ وَيَجْعَلْ لَكُمْ نُورًا تَمْشُونَ بِهِ وَيَغْفِرْ لَكُمْ وَاللَّهُ غَفُورٌ رَحِيمٌ؛ الحديد ٢٨
﴿١٠٧٥﴾ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِذَا تَنَاجَيْتُمْ فَلَا تَنَاجُوا بِالْإِثْمِ وَالْعُدْوَانِ وَمَعْصِيَةِ الرَّسُولِ وَتَنَاجُوا بِالْبِرِّ وَالتَّقْوَى وَاتَّقُوا اللَّهَ الَّذِي إِلَيْهِ تُحْشَرُونَ؛ المجادلة ٩

﴿٤٤٠﴾

«اهمیت تقوا / فرمان به پرهیزکاری و ورع»

﴿۱۰۵۶﴾ و ما به کسانی که پیش از شما، کتاب آسمانی به آن‌ها داده شده بود، سفارش کردیم، (همچنین) به شما (نیز) سفارش می‌کنیم که از (نافرمانی) خدا بپرهیزید!

﴿۱۰۵۷﴾ و (همواره) در راه نیکی و پرهیزکاری با هم تعاون کنید! و (هرگز) در راه گناه و تعدی همکاری ننمایید! و از (مخالفت فرمان) خدا بپرهیزید که مجازات خدا شدید است!

﴿۱۰۵۸﴾ و از (معصیت) خدا بپرهیزید که خداوند سریع الحساب است!

﴿۱۰۵۹﴾ و از (مخالفت فرمان) خدا بپرهیزید که خدا، از آنچه درون سینه‌هاست، آگاه است!

﴿۱۰۶۰﴾ ای کسانی که ایمان آورده‌اید! همواره برای خدا قیام کنید، و از روی عدالت، گواهی دهید! دشمنی با جمعیتی، شما را به گناه و ترک عدالت نکشاند! عدالت کنید، که به پرهیزکاری نزدیک‌تر است! و از (معصیت) خدا بپرهیزید، که از آنچه انجام می‌دهید، با خبر است!

﴿۱۰۶۱﴾ از خدا بپرهیزید! و مؤمنان باید تنها بر خدا توکل کنند!

﴿۱۰۶۲﴾ ای کسانی که ایمان آورده‌اید! از (مخالفت فرمان) خدا بپرهیزید!

﴿۱۰۶۳﴾ و از خدا بپرهیزید اگر ایمان دارید!

﴿۱۰۶۴﴾ و از (مخالفت) خداوندی که به او ایمان دارید، بپرهیزید!

﴿۱۰۶۵﴾ و از (نافرمانی) خدایی که به سوی او محشور می‌شوید، بترسید!

﴿۱۰۶۶﴾ از (مخالفت) خدا بپرهیزید، و گوش فرا دهید! و خداوند، جمعیت فاسقان را هدایت نمی‌کند.

﴿۱۰۶۷﴾ از خدا بپرهیزید اگر با ایمان هستید!

﴿۱۰۶۸﴾ و از خدا بپرهیزید خداوند آمرزنده و مهربان است!

﴿۱۰۶۹﴾ ای کسانی که ایمان آورده‌اید! از (مخالفت فرمان) خدا بپرهیزید، و با صادقان باشید!

﴿۱۰۷۰﴾ و از خدا بترسید، و مرا شرمند نسازید!

﴿۱۰۷۱﴾ ای کسانی که ایمان آورده‌اید! تقوای الهی پیشه کنید و سخن حق بگویید.

﴿۱۰۷۲﴾ ای کسانی که ایمان آورده‌اید! چیزی را بر خدا و رسولش مقدم نشمرید (و پیشی مگیرید)، و تقوای الهی پیشه کنید که خداوند شنوا و داناست!

﴿۱۰۷۳﴾ تقوای الهی پیشه کنید که همانا خداوند توبه‌پذیر و مهربان است.

﴿۱۰۷۴﴾ ای کسانی که ایمان آورده‌اید! تقوای الهی پیشه کنید و به رسولش ایمان بیاورید تا دو سهم از رحمتش به شما ببخشد و برای شما نوری قرار دهد که با آن (در میان مردم و در مسیر زندگی خود) راه بروید و گناهان شما را ببخشد و خداوند غفور و رحیم است.

﴿۱۰۷۵﴾ ای کسانی که ایمان آورده‌اید! هنگامی که نجوا می‌کنید، و به گناه و تعدی و نافرمانی رسول (خدا) نجوا نکنید، و به کار نیک و تقوا نجوا کنید، و از خدایی که همگی نزد او جمع می‌شوید بپرهیزید!

﴿أَهْمِيَةُ التَّقْوَى / الْأَمْرُ بِالتَّقْوَى وَ الْوَرَع﴾

﴿١٠٧٦﴾ مَا أَفَاءَ اللَّهُ عَلَى رَسُولِهِ مِنْ أَهْلِ الْقُرَى فَلِلَّهِ وَلِلرَّسُولِ وَلِذِي الْقُرْبَى وَالْيَتَامَى وَالْمَسَاكِينِ وَابْنِ السَّبِيلِ كَيْ لَا يَكُونَ دُولَةً بَيْنَ الْأَغْنِيَاءِ مِنْكُمْ وَمَا آتَاكُمُ الرَّسُولُ فَخُذُوهُ وَمَا نَهَاكُمْ عَنْهُ فَانْتَهُوا وَاتَّقُوا اللَّهَ إِنَّ اللَّهَ شَدِيدُ الْعِقَابِ؛ الحشر ٧

﴿١٠٧٧﴾ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ وَلْتَنْظُرْ نَفْسٌ مَا قَدَّمَتْ لِغَدٍ وَاتَّقُوا اللَّهَ إِنَّ اللَّهَ خَبِيرٌ بِمَا

تَعْمَلُونَ؛ الحشر ١٨

﴿١٠٧٨﴾ وَاتَّقُوا اللَّهَ الَّذِي أَنْتُمْ بِهِ مُؤْمِنُونَ؛ الممتحنة ١١

﴿١٠٧٩﴾ يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ إِذَا طَلَّقْتُمُ النِّسَاءَ فَطَلِّقُوهُنَّ لِعَدَّتِهِنَّ وَأَحْصُوا الْعِدَّةَ وَاتَّقُوا اللَّهَ رَبَّكُمْ لَا تُخْرِجُوهُنَّ مِنْ بُيُوتِهِنَّ وَلَا يَخْرُجْنَ إِلَّا أَنْ يَأْتِيَنَّ بِفَاحِشَةٍ مُبَيَّنَةٍ وَبِذَلِكَ حُدُودُ اللَّهِ وَمَنْ يَتَعَدَّ حُدُودَ اللَّهِ فَقَدْ ظَلَمَ نَفْسَهُ لَا تَذَرِي لَعَلَّ اللَّهَ يُحْدِثَ بَعْدَ ذَلِكَ أَمْرًا؛ الطلاق ١

﴿١٠٨٠﴾ الْعَسْكَرِيُّ عليه السلام: اتَّقُوا اللَّهَ خَافُوا اللَّهَ؛ الكافي، ج ١، ص ٥١١

﴿١٠٨١﴾ الصَّادِقُ عليه السلام: يَا شَيْعَةَ آلِ مُحَمَّدٍ اتَّقُوا اللَّهَ مَا اسْتَطَعْتُمْ؛ الكافي، ج ٢، ص ٦٣٧

﴿١٠٨٢﴾ الصَّادِقُ عليه السلام: اتَّقُوا اللَّهَ فِي الضَّعِيفِينَ يَعْنِي بِذَلِكَ الْيَتِيمَ وَالنِّسَاءَ وَإِنَّمَا هُنَّ عَوْرَةٌ؛

الكافي، ج ٥، ص ٥١١

﴿١٠٨٣﴾ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عليه السلام: اتَّقُوا اللَّهَ فِي عِبَادِهِ وَبِلَادِهِ فَإِنَّكُمْ مَسْئُولُونَ حَتَّى عَنِ الْبَقَاعِ وَ

الْبَهَائِمِ؛ بحار الأنوار، ج ٣٢، ص ٤٠

﴿١٠٨٤﴾ الرَّسُولُ عليه السلام: اتَّقُوا اللَّهَ فِي النِّسَاءِ؛ مستدرک الوسائل، ج ١٤، ص ١٨٢

﴿١٠٨٥﴾ الرِّضَا عليه السلام: أَيُّهَا النَّاسُ اتَّقُوا اللَّهَ فِي نِعَمِ اللَّهِ عَلَيْكُمْ فَلَا تُنْفَرُوهَا عَنْكُمْ بِمَعَاصِيهِ بَلِ

اسْتَدِيمُوهَا بِطَاعَتِهِ وَشُكْرِهِ عَلَى نِعَمِهِ وَآيَادِيهِ؛ بحار الأنوار، ج ٤٩، ص ١٨٢

﴿١٠٨٦﴾ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عليه السلام: وَاتَّقُوا اللَّهَ فِيمَا نَهَاكُمْ عَنْهُ؛ مستدرک الوسائل، ج ٦، ص ١٥٧

﴿١٠٨٧﴾ الصَّادِقُ عليه السلام: وَاتَّقُوا اللَّهَ فِيمَا يَأْمُرُكُمْ وَفَرَضَ عَلَيْكُمْ؛ بحار الأنوار، ج ٢٣، ص ٥١

﴿١٠٨٨﴾ الرَّسُولُ عليه السلام: اتَّقُوا اللَّهَ عِبَادَ اللَّهِ تَقِيَّةً مَنْ اغْتَبَرَ تَمْهِيداً وَاتَّقَى فِي وَجَلٍ وَكَمَشٍ فِي

مَهَلٍ وَرَغَبٍ فِي طَلَبٍ وَرَهَبٍ فِي هَرَبٍ؛ بحار الأنوار، ج ٣٦، ص ٢٨٧

﴿١٠٨٩﴾ الصَّادِقُ عليه السلام: اتَّقُوا اللَّهَ لَا تُغَيِّرُوا مَا بَكُمْ مِنْ نِعْمَةٍ؛ بحار الأنوار، ج ١٤، ص ١٤٤

«اهمیت تقوا / فرمان به پرهیزکاری و ورع»

﴿۱۰۷۶﴾ آنچه را خداوند از اهل این آبادی‌ها به رسولش بازگرداند، از آن خدا و رسول و خویشاوندان او، و یتیمان و مستمندان و در راه ماندگان است، تا (این اموال عظیم) در میان ثروتمندان شما دست به دست نگردد! آنچه را رسول خدا برای شما آورده بگیرید (و اجرا کنید)، و از آنچه نهی کرده خودداری نمایید و از (مخالفت) خدا پرهیزید که خداوند کیفرش شدید است!

﴿۱۰۷۷﴾ ای کسانی که ایمان آورده‌اید از (مخالفت) خدا پرهیزید و هرکس باید بنگرد تا برای فردایش چه چیز از پیش فرستاده و از خدا پرهیزید که خداوند از آنچه انجام می‌دهید آگاه است!

﴿۱۰۷۸﴾ و از (مخالفت) خداوندی که همه به او ایمان دارید پرهیزید!

﴿۱۰۷۹﴾ ای پیامبر! هر زمان خواستید زنان را طلاق دهید، در زمان عدّه، آن‌ها را طلاق گوئید [زمانی که از عادت ماهانه پاک شده و با همسرشان نزدیکی نکرده باشند]، و حساب عدّه را نگه دارید و از خدایی که پروردگار شماست پرهیزید نه شما آن‌ها را از خانه‌هایشان بیرون کنید و نه آن‌ها (در دوران عدّه) بیرون روند، مگر آنکه کار زشت آشکاری انجام دهند این حدود خداست، و هرکس از حدود الهی تجاوز کند به خویشتن ستم کرده تو نمی‌دانی شاید خداوند بعد از این، وضع تازه (و وسیله اصلاحی) فراهم کند!

﴿۱۰۸۰﴾ تقوای الهی داشته باشید و از [عقاب] خدا بترسید.

﴿۱۰۸۱﴾ ای شیعه خاندان محمد علیهم السلام از خداوند تا آنجا که می‌توانید پروا دارید.

﴿۱۰۸۲﴾ در مورد برخورد با دو گروه ضعیف یعنی یتیم‌ها و زنان که بدون وسیله و قدرت دفاعی هستند، تقوا داشته باشید.

﴿۱۰۸۳﴾ تقوا پیشه کنید زیرا شما در پیشگاه خداوند، حتّی از شهرها و خانه‌ها و حیوانات بازخواست می‌شوید.

﴿۱۰۸۴﴾ در برخورد با زنان، تقوای خدا را رعایت کنید.

﴿۱۰۸۵﴾ ای مردم! از خدا پروا کنید و قدر نعمت او را بدانید. مبادا با معصیت، نعمت را از خود سلب کنید! به وسیله‌ی اطاعت و بندگی و شکر و سپاسگزاری، دوام و بقای آن نعمت‌ها را بخواهید.

﴿۱۰۸۶﴾ درباره‌ی آنچه که از آن نهی شده‌اید، تقوا پیشه کنید.

﴿۱۰۸۷﴾ در مورد واجبات و دستوراتی که داده است، از خدا پروا کنید.

﴿۱۰۸۸﴾ ای بندگان خدا! از خدا بترسید، مانند کسی که برای مهیّا بودن پند گرفته است؛ و در ترس [از خدا] پرهیز کرده و در دنیا که مهلتش دادند [برای عبادت] سرعت کرد، و در طلب خشنودی پروردگار شوق داشت و در گریختن [از عذاب الهی به راه حق] گریخت.

﴿۱۰۸۹﴾ تقوای خدا داشته باشید و از او بترسید، و نعمت‌هایی را که بر شما ارزانی داشته شده، تغییر ندهید.

﴿أَهْمِيَّةُ التَّقْوَى / الْأَمْرُ بِالتَّقْوَى وَ الْوَرَعِ﴾

﴿١٠٩٠﴾ الصَّادِقُ عليه السلام: اتَّقُوا اللَّهَ لَا يُغَيِّرُ مَا بِكُمْ مِنْ نِعْمَةٍ؛ بحار الأنوار، ج ٣، ص ٢٦٨

﴿١٠٩١﴾ الرِّسُولُ عليه السلام: اتَّقُوا اللَّهَ أَنْ تُخَالِفُوهُ؛ بحار الأنوار، ج ٣٧، ص ٢٠٨

﴿١٠٩٢﴾ أمير المؤمنين عليه السلام: اتَّقُوا اللَّهَ تَقِيَّةً مِنْ شَرِّ تَجْرِيدٍ وَ جَدِّ تَشْمِيرٍ وَ كَمَشٍ فِي مَهْلٍ وَ

بَادِرٍ عَنْ وَجَلٍ وَ نَظَرٍ فِي كَرَّةِ الْمَوْتِ وَ عَاقِبَةِ الْمَصْدَرِ وَ مَغَبَّةِ الْمَرْجِعِ؛ نهج البلاغة، ص ٥٠٦

﴿١٠٩٣﴾ الصَّادِقُ عليه السلام: اتَّقُوا اللَّهَ عَلَى دِينِكُمْ وَ احْجُبُوا بِالتَّقِيَّةِ فَإِنَّهُ لَا إِيْمَانَ لِمَنْ لَا تَقِيَّةَ لَهُ؛

المحاسن، ج ١، ص ٢٥٧

﴿١٠٩٤﴾ الرِّسُولُ عليه السلام: اتَّقُوا اللَّهَ فَإِنَّهُ جَمَاعُ الْخَيْرِ وَ قَالَ مَنْ أَحَبَّ أَنْ يَكُونَ أَكْرَمَ النَّاسِ

فَلْيَتَّقِ اللَّهَ؛ مشكاة الأنوار، ص ٤٥

﴿١٠٩٥﴾ أمير المؤمنين عليه السلام: أَيُّهَا النَّاسُ اتَّقُوا اللَّهَ فَإِنَّ الصَّبْرَ عَلَى التَّقْوَى أَهْوَنُ مِنَ الصَّبْرِ عَلَى

عَذَابِ اللَّهِ؛ بحار الأنوار، ج ٧٥، ص ٥٩

١٦-٥-٢- فَاتَّقُوا اللَّهَ

﴿١٠٩٦﴾ وَلَقَدْ نَصَرَكُمُ اللَّهُ بِبَدْرٍ وَأَنْتُمْ أَذِلَّةٌ فَاتَّقُوا اللَّهَ لَعَلَّكُمْ تَشْكُرُونَ؛ آل عمران ١٢٣

﴿١٠٩٧﴾ قُلْ لَا يَسْتَوِي الْخَبِيثُ وَالطَّيِّبُ وَلَوْ أَعْجَبَكَ كَثْرَةُ الْخَبِيثِ فَاتَّقُوا اللَّهَ يَا أُولِي الْأَلْبَابِ

لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ؛ المائدة ١٠٠

﴿١٠٩٨﴾ فَاتَّقُوا اللَّهَ يَا أُولِي الْأَلْبَابِ الَّذِينَ آمَنُوا قَدْ أَنْزَلَ اللَّهُ إِلَيْكُمْ ذِكْرًا؛ الطلاق ١٠

﴿١٠٩٩﴾ فَاتَّقُوا اللَّهَ مَا اسْتَطَعْتُمْ وَاسْمَعُوا وَأَطِيعُوا وَأَنْفِقُوا خَيْرًا لِأَنْفُسِكُمْ وَمَنْ يُوقِ شُحَّ نَفْسِهِ

فَأُولَئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ؛ التغابن ١٦

﴿١١٠٠﴾ وَلَمَّا جَاءَ عِيسَى بِالْبَيِّنَاتِ قَالَ قَدْ جِئْتُكُمْ بِالْحِكْمَةِ وَلِأُبَيِّنَ لَكُمْ بَعْضَ الَّذِي

تَخْتَلِفُونَ فِيهِ فَاتَّقُوا اللَّهَ وَأَطِيعُوا؛ الزخرف ٦٣

﴿١١٠١﴾ يَسْأَلُونَكَ عَنِ الْأَنْفَالِ قُلِ الْأَنْفَالُ لِلَّهِ وَالرَّسُولِ فَاتَّقُوا اللَّهَ وَأَصْلِحُوا ذَاتَ بَيْنِكُمْ وَأَطِيعُوا

اللَّهِ وَرَسُولَهُ إِنْ كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ؛ الأنفال ١

«اهمیت تقوا / فرمان به پرهیزکاری و ورع»

﴿۱۰۹۰﴾ تقوای خدا را داشته باشید و از او بترسید، تا نعمتهایی که بر شما ارزانی داشته شده را تغییر ندهد.

﴿۱۰۹۱﴾ از اینکه مخالفت امر خدا را کنید، بترسید.

﴿۱۰۹۲﴾ رعایت تقوای الهی را بکنید، همچون وارسته‌ای که دامن به کمر زده، و به تنهایی [خود را] آماده ساخته، و در فرصتی که داشته، شتافته، و ترسان و لرزان مراقب بوده، و در فراوانی ثروت و سرانجام صبر و عاقبت کار می‌اندیشد که: خدا انتقام کشنده و یآوری است بسنده.

﴿۱۰۹۳﴾ در دینتان اهل تقوا باشید و آن را با تقیه حفاظت کنید؛ همانا کسی که تقیه ندارد، ایمان ندارد.

﴿۱۰۹۴﴾ تقوای الهی داشته باشید که جمع همه‌ی خیرهاست، هر کس می‌خواهد گرمی‌ترین مردم باشد، تقوای الهی داشته باشد.

﴿۱۰۹۵﴾ ای مردم! رعایت تقوای الهی را نمایند، زیرا صبر و پایداری در امر پرهیزکاری، آسان‌تر از تحمل عذاب الهی است.

۱۶-۵-۲- پس پروای خدا پیشه کنید

﴿۱۰۹۶﴾ خداوند شما را در «بدر» یاری کرد (و بر دشمنان خطرناک، پیروز ساخت) در حالی که شما (نسبت به آن‌ها)، ناتوان بودید. پس، از خدا بپرهیزید (و در برابر دشمن، مخالفت فرمان پیامبر نکنید)، تا شکر نعمت او را بجا آورده باشید!

﴿۱۰۹۷﴾ بگو: «هیچ گاه» ناپاک و پاک مساوی نیستند هر چند فزونی ناپاک‌ها، تو را به شگفتی اندازد! از (مخالفت) خدا بپرهیزید ای صاحبان خرد، شاید رستگار شوید!

﴿۱۰۹۸﴾ پس از (مخالفت فرمان) خدا بپرهیزید ای خردمندانی که ایمان آورده‌اید! (زیرا) خداوند چیزی که مایه‌ی تذکر است بر شما نازل کرده است.

﴿۱۰۹۹﴾ پس تا می‌توانید تقوای الهی پیشه کنید و گوش دهید و اطاعت نمایید و انفاق کنید که برای شما بهتر است و کسانی که از بخل و حرص خویشتن مصون بمانند رستگارند!

﴿۱۱۰۰﴾ و هنگامی که عیسی دلایل روشن (برای آن‌ها) آورد گفت: «من برای شما حکمت آورده‌ام، و آمده‌ام تا برخی از آنچه را که در آن اختلاف دارید روشن کنم پس تقوای الهی پیشه کنید و از من اطاعت نمایید!

﴿۱۱۰۱﴾ از تو درباره‌ی انفال [غنائیم، و هر گونه مال بدون مالک مشخص] سؤال می‌کنند بگو: «انفال مخصوص خدا و پیامبر است پس، از (مخالفت فرمان) خدا بپرهیزید! و خصومت‌هایی را که در میان شماست، آشتی دهید! و خدا و پیامبرش را اطاعت کنید اگر ایمان دارید!

﴿أَهْمِيَةُ التَّقْوَى / الْأَمْرُ بِالتَّقْوَى وَالْوَرَع﴾

﴿١١٠٢﴾ اذْ قَالَتِ الْمَلَكَةُ يَا مَرْيَمُ إِنَّ اللَّهَ يُبَشِّرُكِ بِكَلِمَةٍ مِنْهُ اسْمُهُ الْمَسِيحُ عِيسَى ابْنُ مَرْيَمَ ...

جِئْتُكُمْ بِآيَةٍ مِنْ رَبِّكُمْ فَاتَّقُوا اللَّهَ وَأَطِيعُوا؛ آل عمران ٤٥-٥٠

﴿١١٠٣﴾ كَذَّبَتْ قَوْمُ نُوحٍ الْمُرْسَلِينَ * إِذْ قَالَ لَهُمْ أَخُوهُمْ نُوحٌ أَلَا تَتَّقُونَ * إِنِّي لَكُمْ رَسُولٌ أَمِينٌ * فَاتَّقُوا اللَّهَ وَأَطِيعُوا * وَمَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ مِنْ أَجْرٍ إِنْ أَجَرْتُ إِلَّا عَلَى رَبِّ الْعَالَمِينَ * فَاتَّقُوا اللَّهَ وَ أَطِيعُوا؛ الشعراء ١١٠-١٠٥

﴿١١٠٤﴾ كَذَّبَتْ عَادَ الْمُرْسَلِينَ * إِذْ قَالَ لَهُمْ أَخُوهُمْ هُودٌ أَلَا تَتَّقُونَ * إِنِّي لَكُمْ رَسُولٌ أَمِينٌ * فَاتَّقُوا اللَّهَ وَأَطِيعُوا * وَمَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ مِنْ أَجْرٍ إِنْ أَجَرْتُ إِلَّا عَلَى رَبِّ الْعَالَمِينَ * أَتَبْنُونَ بِكُلِّ رِيعٍ ءَايَةً تَعْبَثُونَ * وَتَتَّخِذُونَ مَصَانِعَ لَعَلَّكُمْ تَخْلُدُونَ * فَاتَّقُوا اللَّهَ وَأَطِيعُوا * وَاتَّقُوا الَّذِي أَمَدَّكُمْ بِمَا تَعْلَمُونَ؛ الشعراء ١٣٢-١٢٣

﴿١١٠٥﴾ كَذَّبَتْ ثَمُودُ الْمُرْسَلِينَ * إِذْ قَالَ لَهُمْ أَخُوهُمْ صَالِحٌ أَلَا تَتَّقُونَ * إِنِّي لَكُمْ رَسُولٌ أَمِينٌ * فَاتَّقُوا اللَّهَ وَأَطِيعُوا * وَمَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ مِنْ أَجْرٍ إِنْ أَجَرْتُ إِلَّا عَلَى رَبِّ الْعَالَمِينَ * أَتُتْرَكُونَ فِي مَا هَاهُنَا ءَامِنِينَ * فِي جَنَّاتٍ وَعُيُونٍ * وَزُرُوعٍ وَنَخْلٍ طَلْعُهَا هَضِيمٌ * وَتَنجُسُونَ مِنَ الْجِبَالِ يَئُوتًا فَارِهِينَ * فَاتَّقُوا اللَّهَ وَأَطِيعُوا؛ الشعراء ١٥٠-١٤١

﴿١١٠٦﴾ كَذَّبَتْ قَوْمُ لُوطٍ الْمُرْسَلِينَ * إِذْ قَالَ لَهُمْ أَخُوهُمْ لُوطٌ أَلَا تَتَّقُونَ * إِنِّي لَكُمْ رَسُولٌ أَمِينٌ * فَاتَّقُوا اللَّهَ وَأَطِيعُوا؛ الشعراء ١٦٣-١٦٠

﴿١١٠٧﴾ كَذَّبَ أَصْحَابُ لَيْكَةِ الْمُرْسَلِينَ * إِذْ قَالَ لَهُمْ شُعَيْبٌ أَلَا تَتَّقُونَ * إِنِّي لَكُمْ رَسُولٌ أَمِينٌ * فَاتَّقُوا اللَّهَ وَأَطِيعُوا؛ الشعراء ١٧٩-١٧٦

﴿١١٠٨﴾ فَاتَّقُوا اللَّهَ مَا اسْتَطَعْتُمْ وَاسْمَعُوا وَأَطِيعُوا وَأَنْفِقُوا خَيْرًا لِنَفْسِكُمْ وَمَنْ يُوقِ شُحَّ نَفْسِهِ فَأُولَئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ؛ التغابن ١٦

﴿١١٠٩﴾ السَّجَادَاتُ لِلَّهِ: فَاتَّقُوا اللَّهَ وَ اتَّعَظُوا بِمَوَاعِظِ اللَّهِ؛ بحار الأنوار، ج ٧٥، ص ١٢٨

﴿١١١٠﴾ الصَّادِقُ عَلَيْهِ السَّلَامُ: فَاتَّقُوا اللَّهَ وَ ادُّوْا الْأَمَانَاتِ إِلَى الْأَسْوَدِ وَالْأَبْيَضِ وَإِنْ كَانَ حَرُورِيًّا؛

الكافي، ج ٨، ص ٢٣٦

«اهمیت تقوا / فرمان به پرهیزکاری و ورع»

﴿۱۱۰۲﴾ (به یاد آورید) هنگامی را که فرشتگان گفتند: «ای مریم! خداوند تو را به کلمه‌ای [وجود با عظمتی] از طرف خودش بشارت می‌دهد که نامش «مسیح، عیسی پسر مریم» است ... [که ایچنین خواهد گفت:] نشانه‌ای از طرف پروردگار شما، برایتان آورده‌ام پس از خدا بترسید، و مرا اطاعت کنید!

﴿۱۱۰۳﴾ قوم نوح رسولان را تکذیب کردند، * هنگامی که برادرشان نوح به آنان گفت: «آیا تقوا پیشه نمی‌کنید؟! * مسلماً من برای شما پیامبری امین هستم! * تقوای الهی پیشه کنید و مرا اطاعت نمایید! * من برای این دعوت، هیچ مزدی از شما نمی‌طلبم اجر من تنها بر پروردگار عالمیان است! * پس، تقوای الهی پیشه کنید و مرا اطاعت نمایید!»

﴿۱۱۰۴﴾ قوم عاد (نیز) رسولان (خدا) را تکذیب کردند، * هنگامی که برادرشان هود گفت: «آیا تقوا پیشه نمی‌کنید؟! * مسلماً من برای شما پیامبری امین هستم. * پس تقوای الهی پیشه کنید و مرا اطاعت نمایید! * من در برابر این دعوت، هیچ اجر و پاداشی از شما نمی‌طلبم اجر و پاداش من تنها بر پروردگار عالمیان است. * آیا شما بر هر مکان مرتفعی نشانه‌ای از روی هوا و هوس می‌سازید؟! * و قصرها و قلعه‌های زیبا و محکم بنا می‌کنید شاید در دنیا جاودانه بمانید؟! * و هنگامی که کسی را مجازات می‌کنید همچون جباران کیفر می‌دهید! * پس تقوای الهی پیشه کنید و مرا اطاعت نمایید! * و از (نافرمانی) خدایی بپرهیزید که شما را به نعمت‌هایی که می‌دانید امداد کرده.

﴿۱۱۰۵﴾ قوم ثمود رسولان (خدا) را تکذیب کردند، * هنگامی که صالح به آنان گفت: «آیا تقوا پیشه نمی‌کنید؟! * من برای شما پیامبری امین هستم! * پس تقوای الهی پیشه کنید و مرا اطاعت نمایید! * من در برابر این دعوت، اجر و پاداشی از شما نمی‌طلبم اجر من تنها بر پروردگار عالمیان است! * آیا شما تصوّر می‌کنید همیشه در نهایت امنیّت در نعمت‌هایی که اینجاست می‌مانید، * در این باغ‌ها و چشمه‌ها، * در این زراعت‌ها و نخل‌هایی که میوه‌هایش شیرین و رسیده است؟! * و از کوه‌ها خانه‌هایی می‌تراشید، و در آن به عیش و نوش می‌پردازید! * پس از خدا بترسید و مرا اطاعت کنید!

﴿۱۱۰۶﴾ قوم لوط فرستادگان (خدا) را تکذیب کردند، * هنگامی که برادرشان لوط به آنان گفت: «آیا تقوا پیشه نمی‌کنید؟! * من برای شما پیامبری امین هستم! * پس تقوای الهی پیشه کنید و مرا اطاعت نمایید!

﴿۱۱۰۷﴾ اصحاب ایکه [شهری نزدیک مدین] رسولان (خدا) را تکذیب کردند، * هنگامی که شعیب به آن‌ها گفت: «آیا تقوا پیشه نمی‌کنید؟! * مسلماً من برای شما پیامبری امین هستم! * پس تقوای الهی پیشه کنید و مرا اطاعت نمایید!

﴿۱۱۰۸﴾ پس تا می‌توانید تقوای الهی پیشه کنید و گوش دهید و اطاعت نمایید و انفاق کنید که برای شما بهتر است و کسانی که از بخل و حرص خوشتن مصون بمانند رستگارند!

﴿۱۱۰۹﴾ تقوای الهی را رعایت کنید و از مواعظ الهی پند گیرید.

﴿۱۱۱۰﴾ از خدا بترسید و امانت‌ها را به سیاه و سفید برسانید، اگر چه از خوارج باشد.

﴿أَهْمِيَةُ التَّقْوَى / الْأَمْرُ بِالتَّقْوَى وَالْوَرَعِ﴾

﴿١١١١﴾ الصَّادِقُ عليه السلام: فَاتَّقُوا اللَّهَ وَكُفُّوا أَلْسِنَتَكُمْ إِلَّا مِنْ خَيْرٍ وَإِيَّاكُمْ أَنْ تُزْلَقُوا أَلْسِنَتَكُمْ بِقَوْلِ الزُّورِ وَالْبُهْتَانِ وَالْإِنَّمِ وَالْعُدْوَانِ؛ الكافي، ج ٨، ص ٢

﴿١١١٢﴾ أمير المؤمنين عليه السلام: فَاتَّقُوا اللَّهَ عِبَادَ اللَّهِ وَجَاهِدُوا فِي سَبِيلِهِ قَبْلَ أَنْ يَنَالَكُمْ سَخَطُهُ بَعْضِيَانَكُمْ لَهُ؛ بحار الأنوار، ج ٣٤، ص ١٣٤

﴿١١١٣﴾ الباقر عليه السلام: فَاتَّقُوا اللَّهَ وَاعْمَلُوا لِمَا عِنْدَ اللَّهِ؛ أعلام الدين، ص ١٤٣

﴿١١١٤﴾ أمير المؤمنين عليه السلام: فَاتَّقُوا اللَّهَ عِبَادَ اللَّهِ جِهَةً مَا خَلَقَكُمْ لَهُ وَاحْذَرُوا مِنْهُ كُنْهَ مَا حَذَرَكُمْ مِنْ نَفْسِهِ؛ نهج البلاغة، ص ١٠٩

﴿١١١٥﴾ السَّجَّادُ عليه السلام: فَاتَّقُوا اللَّهَ عِبَادَ اللَّهِ الْمُتَحَلِّينَ لِمَحَبَّتِنَا وَإِيَّاكُمْ وَالذُّنُوبَ الَّتِي قَلَّ مَا أَصَرَ عَلَيْهَا صَاحِبُهَا إِلَّا آدَاهُ إِلَى الْخِذْلَانِ الْمُؤَدَّى إِلَى الْخُرُوجِ عَنْ وَلَايَةِ مُحَمَّدٍ وَعَلِيِّ وَطَائِفَتَيْهِ مِنَ الْإِهْمَا وَالدُّخُولِ فِي مَوَالَاةِ أَعْدَائِنَا؛ مستدرک الوسائل، ج ١٢، ص ١٠١

﴿١١١٦﴾ أمير المؤمنين عليه السلام: فَاتَّقُوا اللَّهَ وَلَا تَغْضُوا أَلْوَالِدَيْنِ؛ الكافي، ج ١، ص ٤٢٨

﴿١١١٧﴾ الباقر عليه السلام: فَاتَّقُوا اللَّهَ وَاجْمَلُوا فِي الطَّلَبِ؛ الكافي، ج ٢، ص ٧٤

﴿١١١٨﴾ الرضا عليه السلام: فَاتَّقُوا اللَّهَ وَلَا تُذِيعُوا حَدِيثَنَا؛ الكافي، ج ٢، ص ٢٢٤

﴿١١١٩﴾ الصَّادِقُ عليه السلام: فَاتَّقُوا اللَّهَ وَلَا يَحْسُدَنَّ بَعْضُكُمْ بَعْضًا؛ بحار الأنوار، ج ١٤، ص ٢٥٥

﴿١١٢٠﴾ الرضا عليه السلام: فَاتَّقُوا اللَّهَ وَانْظُرُوا لِنَفْسِكُمْ؛ بحار الأنوار، ج ١١، ص ٦٢

﴿١١٢١﴾ الصَّادِقُ عليه السلام: فَاتَّقُوا اللَّهَ وَكُفُّوا أَلْسِنَتَكُمْ إِلَّا مِنْ خَيْرٍ؛ وسائل الشيعة، ج ١٢، ص ١٩٦

﴿١١٢٢﴾ العسكري عليه السلام: فَاتَّقُوا اللَّهَ وَلَا تَتَعَرَّضُوا لِمَقْتِ اللَّهِ بِتَرْكِ التَّقِيَّةِ وَالتَّقْصِيرِ فِي

حُقُوقِ إِخْوَانِكُمُ الْمُؤْمِنِينَ؛ بحار الأنوار، ج ٧١، ص ٢٢٩

﴿١١٢٣﴾ الرَّسُولُ صلى الله عليه وآله: فَاتَّقُوا اللَّهَ وَاجْتَنِبُوا الرِّيَاءَ؛ بحار الأنوار، ج ٦٩، ص ٢٩٥

﴿١١٢٤﴾ الصَّادِقُ عليه السلام: فَاتَّقُوا اللَّهَ وَاعِينُونَا بِالْوَرَعِ؛ مستدرک الوسائل، ج ١، ص ١٧٣

﴿١١٢٥﴾ أمير المؤمنين عليه السلام: فَاتَّقُوا اللَّهَ وَاصْلِحُوا أَعْمَالَكُمْ وَأَخْلِصُوا سَرَائِرَكُمْ؛ بحار الأنوار، ج ٩١، ص ٣٧٧

﴿١١٢٦﴾ فقه الرضا عليه السلام: فَاتَّقُوا اللَّهَ وَآخِرُ جُودِ اللَّهِ مِمَّا فِي أَيْدِيكُمْ؛ بحار الأنوار، ج ٩٣، ص ١٩١

﴿١١٢٧﴾ الصَّادِقُ عليه السلام: فَاتَّقُوا اللَّهَ وَكُفُّوا أَلْسِنَتَكُمْ؛ مستدرک الوسائل، ج ٨، ص ٣١١

﴿١١٢٨﴾ الصَّادِقُ عليه السلام: فَاتَّقُوا اللَّهَ وَلَا تَجْتَرُوا؛ مستدرک الوسائل، ج ١١، ص ٣٥٧

«اهمیت تقوا / فرمان به پرهیزکاری و ورع»

- ﴿۱۱۱﴾ تقوای خدا را در پیش گیرید و زبانتان را جز به خیر مگشایید. و از اینکه زبان به گفتار دروغ و بهتان و گناه و دشمنی بیالایید، پرهیزید.
- ﴿۱۱۲﴾ ای بندگان خدا! از خدا بترسید و در راهش جهاد کنید؛ پیش از آنکه در اثر گناهانتان غضبش به سوی شما آید و شما را در بر گیرد.
- ﴿۱۱۳﴾ از خدا پروا کنید و برای آنچه نزد خداست، عمل کنید.
- ﴿۱۱۴﴾ پس ای بندگان خدا! در جهت هدفی که شما را برای آن آفریده تقوا پیشه کنید، و از او نهایت حذری که شما را از جانب خود بر حذر داشته، حذر کنید.
- ﴿۱۱۵﴾ بندگان خدا! ای کسانی که ادعای محبت ما را دارید! بترسید از گناهی که کم هستند اما صاحبش بر آن گناه اصرار دارد، چون اصرار بر گناهان کوچک انسان را به پستی‌ای می‌کشاند که موجب خروج از ولایت محمد ﷺ و علی علیه السلام و اهل بیت پاکشان می‌شود و وارد پذیرش ولایت دشمنان اهل بیت علیهم السلام می‌کند.
- ﴿۱۱۶﴾ از خدا پروا کنید و نافرمانی پدر و مادر را نکنید.
- ﴿۱۱۷﴾ پس تقوا پیشه کنید و در روزی‌تان زیاده‌طلبی نکنید.
- ﴿۱۱۸﴾ از خدا بترسید و حدیث ما را فاش نکنید.
- ﴿۱۱۹﴾ از خدا پروا کنید و به یکدیگر حسادت نکنید.
- ﴿۱۲۰﴾ از خدا بترسید و خود را بیایید.
- ﴿۱۲۱﴾ از خدا بترسید و زبانتان را جز از خیر باز دارید.
- ﴿۱۲۲﴾ از خدا بترسید و خود را به سبب ترک تقیه و تقصیر در ادای حقوق برادران خود، دچار دشمنی با خدا نکنید.
- ﴿۱۲۳﴾ از خدا پروا کنید و از ریا اجتناب نمایید.
- ﴿۱۲۴﴾ تقوا پیشه کنید و ما را با ورع‌داشتن کمک کنید.
- ﴿۱۲۵﴾ از خدا بترسید و عمل‌هایتان را اصلاح نمایید و باطن خود را خالص نمایید.
- ﴿۱۲۶﴾ از خدا بترسید و آنچه از حق خدا در نزد شماست و در اختیار شماست خارج نمایید.
- ﴿۱۲۷﴾ از خدا بترسید و زبان‌هایتان را نگه دارید.
- ﴿۱۲۸﴾ تقوای الهی پیشه کرده و [در انجام گناهان جسور و] جری نشوید.

﴿أَهْمِيَةُ التَّقْوَى / الْأَمْرُ بِالتَّقْوَى وَالْوَرَعِ﴾

- ﴿١١٢٩﴾ الباقِر الطَّلِيحُ: فَاتَّقُوا اللَّهَ وَحَاسِبُوا أَنْفُسَكُمْ؛ مستدرِك الوسائل، ج ١٧، ص ٦٤
- ﴿١١٣٠﴾ الصَّادِق الطَّلِيحُ: فَاتَّقُوا اللَّهَ وَلَا تَقْبَلُوا عَلَيْنَا مَا خَالَفَ قَوْلَ رَبِّنَا تَعَالَى وَسُنَّةَ نَبِيِّنَا مُحَمَّدٍ ﷺ فَإِنَّا إِذَا حَدَّثْنَا قُلْنَا قَالَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ وَقَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ؛ بحار الأنوار، ج ٢، ص ٢٤٩
- ﴿١١٣١﴾ الباقِر الطَّلِيحُ: مَا بَيْنَ أَحَدِكُمْ وَبَيْنَ أَنْ يَرَى مَا تَقَرُّ بِهِ عَيْنُهُ إِلَّا أَنْ تَبْلُغَ نَفْسُهُ هَاهُنَا وَ أَوْمًا بِيَدِهِ إِلَى حَنْجَرَتِهِ وَقَالَ فَاتَّقُوا اللَّهَ وَأَعِينُوا عَلَى ذَلِكَ بَوْرَعٍ؛ بحار الأنوار، ج ٦، ص ١٨٩
- ﴿١١٣٢﴾ الصَّادِق الطَّلِيحُ: إِنْ كُنْتُمْ تُرِيدُونَ أَنْ تَكُونُوا مَعَنَا يَوْمَ الْقِيَامَةِ لَا يَلْعَنُ بَعْضُكُمْ بَعْضًا فَاتَّقُوا اللَّهَ وَأَطِيعُوا؛ بحار الأنوار، ج ٨، ص ١٤
- ﴿١١٣٣﴾ أمير المؤمنين الطَّلِيحُ: فَاتَّقُوا اللَّهَ وَلَا تَكُونُوا لِنِعْمِهِ عَلَيْكُمْ أُضْدَادًا وَلَا لِفَضْلِهِ عِنْدَكُمْ حُسَادًا؛ بحار الأنوار، ج ١٤، ص ٤٦٧
- ﴿١١٣٤﴾ الرسول ﷺ: فَاتَّقُوا اللَّهَ وَارْجِعُوا عَمَّا أَنْتُمْ عَلَيْهِ مِنَ الظُّلْمِ وَالْجَوْرِ وَقَطِيعَةِ الرَّحِمِ؛ بحار الأنوار، ج ١٩، ص ٣
- ﴿١١٣٥﴾ الرسول ﷺ: فَاتَّقُوا اللَّهَ وَانْظُرُوا مَا أَنْتُمْ قَائِلُونَ غَدًا فَإِنِّي خَصَمْتُ لِمَنْ كَانَ خَصَمَهُمْ وَمَنْ كُنْتُ خَصَمَهُ فَأَلُوئِلُ لَهُ؛ بحار الأنوار، ج ٢٣، ص ١٥٣
- ﴿١١٣٦﴾ الرسول ﷺ: فَاتَّقُوا اللَّهَ وَكُونُوا مِنَ الصَّابِرِينَ؛ بحار الأنوار، ج ٣٠، ص ٣٦٢
- ﴿١١٣٧﴾ الرسول ﷺ: [عِنْدَ مَا رَفَعَ أَهْلُ الشَّامِ الْمَصَاحِفَ... قَالَ] فَاتَّقُوا اللَّهَ وَامْضُوا عَلَى بَصَائِرِكُمْ فِي قِتَالِهِمْ؛ بحار الأنوار، ج ٣٣، ص ٣١١
- ﴿١١٣٨﴾ الحسين الطَّلِيحُ: فَاتَّقُوا اللَّهَ وَاصْبِرُوا؛ بحار الأنوار، ج ٤٥، ص ٨٦
- ﴿١١٣٩﴾ المهدي ﷺ: فَاتَّقُوا اللَّهَ وَسَلِّمُوا لَنَا وَرُدُّوا الْأَمْرَ إِلَيْنَا؛ بحار الأنوار، ج ٥٣، ص ١٧٨
- ﴿١١٤٠﴾ أمير المؤمنين الطَّلِيحُ: فَاتَّقُوا اللَّهَ وَاسْتَقْبِلُوا مِنْ إِصْلَاحِ أَنْفُسِكُمْ وَطَاعَةِ اللَّهِ وَطَاعَةِ مَنْ تَوَلَّوْنَهُ فِيهَا؛ بحار الأنوار، ج ٧٥، ص ١٤٨
- ﴿١١٤١﴾ الصَّادِق الطَّلِيحُ: فَاتَّقُوا اللَّهَ وَلَا تَجْتَرِئُوا؛ بحار الأنوار، ج ٧٦، ص ١٥
- ﴿١١٤٢﴾ الصَّادِق الطَّلِيحُ: فَاتَّقُوا اللَّهَ وَأَطِيعُوهُ؛ إرشاد القلوب، ج ١، ص ١٠١
- ﴿١١٤٣﴾ الرسول ﷺ: فَاتَّقُوا اللَّهَ وَتَابِعُوا عَلَيَّا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ وَالْحَسَنَ وَالْحُسَيْنَ وَالْأَئِمَّةَ؛ روضها لواعظين، ج ١، ص ٩٩
- ﴿١١٤٤﴾ أمير المؤمنين الطَّلِيحُ: فَاتَّقُوا اللَّهَ وَارْغُوا حَقَّهُمْ فَوَ اللَّهِ لَوْ زَالُوا لَزِلْتُ مَعَهُمْ لِأَنَّ رَسُولَ اللَّهِ قَالَ لَهُمْ أَرْوُلُ مَعَكُمْ حَيْثُمَا زِلْتُمْ؛ شرح نهج البلاغة، ج ٦، ص ٣٥

«اهمیت تقوا / فرمان به پرهیزکاری و ورع»

- ﴿۱۱۲۹﴾ از خدا بترسید و نفس‌هایتان را به محاسبه بکشید.
- ﴿۱۱۳۰﴾ از خدا بترسید و از ما حدیثی که مخالف قول پروردگار و سنت پیامبر ما باشد، قبول نکنید؛ زیرا ما وقتی حدیث می‌کنیم، می‌گوییم خدا و رسول خدا ﷺ فرموده است.
- ﴿۱۱۳۱﴾ فاصله بین شما و بین اینکه از آینده خود شاد و خرم شوید، به همین است که जानتان به اینجا برسد، [و با دست اشاره به حلق خود کرد،] و به آن با تقوای زیاد کمک کنید.
- ﴿۱۱۳۲﴾ اگر می‌خواهید روز قیامت با ما باشید یکدیگر را لعن نکنید؛ پس از خدا بترسید و اطاعت کنید.
- ﴿۱۱۳۳﴾ از خدا پروا کنید، و با نعمت‌هایش به ستیزه برنخیزید، و به احسان او بر خودتان حسادت نورزید.
- ﴿۱۱۳۴﴾ از ظلم و عناد و لجاجت و قطع رحم دست بردارید و از خداوند بترسید.
- ﴿۱۱۳۵﴾ از خدا بترسید و متوجه باشید که فردا چه خواهید گفت. من دشمن کسی هستم که دشمن آن‌ها (اهل بیت علیهم‌السلام) باشد و وای بر آن که من دشمن او باشم.
- ﴿۱۱۳۶﴾ از خدا بترسید و از صبرپیشگان باشید.
- ﴿۱۱۳۷﴾ [زمانی که شامیان قرآن‌ها را بالا بردند... فرمود:] از خدا بترسید و با بصیرت خود به جنگ اقدام کنید.
- ﴿۱۱۳۸﴾ از خدا بترسید و صبر کنید.
- ﴿۱۱۳۹﴾ از خدا بترسید و تسلیم ما شوید و کارها را به ما واگذارید.
- ﴿۱۱۴۰﴾ از خدا پروا کنید، و به اصلاح خود، اطاعت خدا و اطاعت آن‌ها که ولایتشان را پذیرفته‌اید، بپردازید.
- ﴿۱۱۴۱﴾ پس تقوای خداوند را پیشه کنید و جرأت بر ارتکاب کبائر را پیدا نکنید.
- ﴿۱۱۴۲﴾ تقوای الهی پیشه کنید و خدا را اطاعت کنید.
- ﴿۱۱۴۳﴾ تقوای الهی پیشه کنید و از علی علیه‌السلام، امیر مؤمنان و حسن و حسین و امامان علیهم‌السلام پیروی کنید.
- ﴿۱۱۴۴﴾ تقوا پیشه کنید و حق آن‌ها (انصار) را رعایت کنید. به خدا قسم اگر آن‌ها بروند، من نیز همراه آنان می‌روم؛ چون پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وآلهم‌وسلم در مورد آنان فرمود: «شما هرکجا بروید من نیز با شما می‌روم».

﴿أَهْمِيَةُ التَّقْوَى / الْأَمْرُ بِالتَّقْوَى وَ الْوَرَعِ﴾

- ﴿١١٤٥﴾ الرَّسُولُ ﷺ: فَاتَّقُوا اللَّهَ رَبَّكُمْ وَاجْمَلُوا فِي طَلَبِ الرِّزْقِ؛ بحار الأنوار، ج ٢٠، ص ١٢٥
- ﴿١١٤٦﴾ أمير المؤمنين عليه السلام: فَاتَّقُوا اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ وَانْظُرُوا لِنَفْسِكُمْ؛ الكافي، ج ٢، ص ٦٣٩
- ﴿١١٤٧﴾ أمير المؤمنين عليه السلام: فَاتَّقُوا اللَّهَ يَا أَيُّهَا النَّاسُ وَاصْلِحُوا ذَاتَ بَيْنِكُمْ وَاحْفَظُونِي فِي أَهْلِي؛ صحيفة الرضا عليه السلام، ص ٨٣
- ﴿١١٤٨﴾ الباقر عليه السلام: فَاتَّقُوا اللَّهَ فَإِنَّ اللَّهَ قَدْ أَوْضَحَ لَكُمْ أَعْلَامَ دِينِكُمْ وَمَنَارَ هُدَاكُمْ فَلَا تَأْخُذُوا أَمْرَكُمْ بِالْوَهْنِ وَلَا أَدْيَانَكُمْ هُزُوءًا؛ بحار الأنوار، ج ٢، ص ٩٨
- ﴿١١٤٩﴾ الصادق عليه السلام: فَاتَّقُوا اللَّهَ فِي إِخْوَانِكُمُ الْمُسْلِمِينَ الْمَسَاكِينَ فَإِنَّ لَهُمْ عَلَيْكُمْ حَقًّا أَنْ تُحِبُّوهُمْ؛ الكافي، ج ٨، ص ٧
- ﴿١١٥٠﴾ الرَّسُولُ ﷺ: فَاتَّقُوا اللَّهَ فِي الرِّيَاءِ؛ وسائل الشيعة، ج ١، ص ٦٩
- ﴿١١٥١﴾ الرَّسُولُ ﷺ: فَاتَّقُوا اللَّهَ فِي عَاجِلِ أَمْرِكُمْ وَآجِلِهِ فِي السِّرِّ وَالْعَلَانِيَةِ؛ مستدرک الوسائل، ج ٦، ص ٣٣
- ﴿١١٥٢﴾ الكاظم عليه السلام: فَاتَّقُوا اللَّهَ فِي أَنْفُسِكُمْ؛ بحار الأنوار، ج ٤٨، ص ٧٣
- ﴿١١٥٣﴾ الرَّسُولُ ﷺ: فَاتَّقُوا اللَّهَ فِي سَرَائِرِكُمْ وَعَلَانِيَتِكُمْ؛ بحار الأنوار، ج ٩٣، ص ٣٠٣
- ﴿١١٥٤﴾ الباقر عليه السلام: فَاتَّقُوا اللَّهَ عِبَادَ اللَّهِ وَلَا تَلْجُوا فِي الضَّلَالَةِ مِنْ بَعْدِ الْمَعْرِفَةِ؛ بحار الأنوار، ج ٢٥، ص ١٦١
- ﴿١١٥٥﴾ أمير المؤمنين عليه السلام: فَاتَّقُوا اللَّهَ عِبَادَ اللَّهِ وَلَا تُسَارِعُوا إِلَى الْفِتْنَةِ وَالْفِرْقَةِ؛ بحار الأنوار، ج ٤٤، ص ٣٣٥
- ﴿١١٥٦﴾ الرَّسُولُ ﷺ: فَاتَّقُوا اللَّهَ عِبَادَ اللَّهِ وَاجِيبُوا إِلَى الْحَقِّ وَكُونُوا أَعْوَانًا لِمَنْ دَعَاكُمْ إِلَيْهِمْ؛ بحار الأنوار، ج ٤٦، ص ٢٠٦
- ﴿١١٥٧﴾ الباقر عليه السلام: فَاتَّقُوا اللَّهَ عِبَادَ اللَّهِ بِمَا اسْتَطَعْتُمْ وَأَطِيعُوا وَسَلِّمُوا الْأَمْرَ لَأَهْلِهِ تَقْلِحُوا؛ بحار الأنوار، ج ٦٦، ص ٣٩٩
- ﴿١١٥٨﴾ أمير المؤمنين عليه السلام: فَاتَّقُوا اللَّهَ عِبَادَ اللَّهِ وَفِرُوا إِلَى اللَّهِ مِنَ اللَّهِ؛ نهج البلاغة، ص ٦٦
- ﴿١١٥٩﴾ أمير المؤمنين عليه السلام: فَاتَّقُوا اللَّهَ عِبَادَ اللَّهِ وَبَادِرُوا آجَالَكُمْ بِأَعْمَالِكُمْ وَابْتَاعُوا مَا يَبْقَى لَكُمْ بِمَا يَزُولُ عَنْكُمْ وَتَرَحَّلُوا؛ نهج البلاغة، ص ٩٥
- ﴿١١٦٠﴾ أمير المؤمنين عليه السلام: فَاتَّقُوا اللَّهَ عِبَادَ اللَّهِ تَقِيَّةَ ذِي لُبٍّ شَغَلَ التَّفَكُّرُ قَلْبَهُ وَأَنْصَبَ الْخَوْفُ بَدَنَهُ وَأَسْهَرَ التَّهَجُّدُ غِرَارَ نَوْمِهِ وَأَظْمَأَ الرَّجَاءُ هَوَاجِرَ يَوْمِهِ وَظَلَفَ الزُّهْدُ شَهَوَاتِهِ وَ

«اهمیت تقوا / فرمان به پرهیزکاری و ورع»

- ﴿۱۱۴۵﴾ پس از خدا بترسید و به درستی طلب روزی کنید.
- ﴿۱۱۴۶﴾ تقوای خداوند بلندمرتبه را پیشه کنید و مراقب خودتان باشید.
- ﴿۱۱۴۷﴾ ای مردم! تقوا پیشه کنید و به اصلاح امور بین خودتان بپردازید و حرمت مرا در خانواده‌ام حفظ کنید.
- ﴿۱۱۴۸﴾ پرهیزکار باشید، خدا نشانه دین شما و چراغ‌های هدایتان را برایتان واضح ساخته است. پس کارتان را سست نگیرید و دینتان را بازیچه قرار ندهید.
- ﴿۱۱۴۹﴾ در مورد برادران مسلمان و مسکین خود تقوای الهی را مدّ نظر داشته باشید چون آن‌ها بر شما حقّ دارند و حقّ آن‌ها این است که دوستشان بدارید.
- ﴿۱۱۵۰﴾ درباره‌ی ریا از خدا بترسید.
- ﴿۱۱۵۱﴾ در امور حال و آینده‌تان آشکارا و پنهان تقوای خدا را پیشه کنید.
- ﴿۱۱۵۲﴾ درباره‌ی خودتان از خدا بترسید.
- ﴿۱۱۵۳﴾ در پنهان و آشکارتان از خدا پروا کنید.
- ﴿۱۱۵۴﴾ ای بندگان خدا! از خدا پروا کنید و بعد از معرفت به گمراهی روی نیاورید.
- ﴿۱۱۵۵﴾ ای بندگان خدا! از خدا بترسید و به سوی فتنه و تفرقه سرعت نگیرید.
- ﴿۱۱۵۶﴾ مردم! از خدا بپرهیزید و پیروی کنید از کسی که شما را به حق دعوت می‌کند و به او کمک نمایید.
- ﴿۱۱۵۷﴾ پس ای بندگان خدا! تا جایی که می‌توانید از او پروا کنید و از او اطاعت کنید و امر ولایت را به اهلش تسلیم کنید تا رستگار شوید.
- ﴿۱۱۵۸﴾ ای بندگان خدا! از خدا پروا کنید و از خدا به سوی خدا بگریزید.
- ﴿۱۱۵۹﴾ ای بندگان خدا! از معصیت خدا بپرهیزید و به سبب کردار خود بر مرگ‌هایتان پیش‌دستی کنید و از شهوات دنیا چشم پوشید که به زودی فانی می‌گردد.
- ﴿۱۱۶۰﴾ پس ای بندگان خدا! تقوای الهی پیشه کنید، تقوای خردمندی که اندیشه و تفکر دلش را مشغول کرده، و ترس از عذاب بدنش را به رنج افکنده، و عبادت شب، کمترین خواب را هم از دیده‌اش گرفته، و امید به رحمت حقّ او را در گرمای وسط روز تشنه نگاه داشته، و بی‌رغبتی به دنیا وی را از شهواتش منع کرده، و ذکر الهی زبانش را به حرکت و شتاب واداشته، و

﴿أَهْمِيَةُ التَّقْوَى / الْأَمْرُ بِالتَّقْوَى وَالْوَرَعِ﴾

أَوْجَفَ الذِّكْرُ بِلِسَانِهِ وَقَدَّمَ الْخَوْفَ لِأَمَانِهِ وَتَنَكَّبَ الْمَخَالَجَ عَنْ وَصَحِ السَّيْلِ وَسَلَكَ أَقْصَدَ الْمَسَالِكِ إِلَى النَّهْجِ الْمَطْلُوبِ وَلَمْ تَفْتِلْهُ فَاتِلَاتُ الْغُرُورِ وَلَمْ تَغْمَ عَلَيْهِ مُشْتَبِهَاتُ الْأُمُورِ؛
نهج البلاغة، ص ١١١

﴿١١٦١﴾ أمير المؤمنين عليه السلام: فَاتَّقُوا اللَّهَ عِبَادَ اللَّهِ تَقِيَّةً مَنْ شَغَلَ بِالْفِكْرِ قَلْبُهُ وَأَوْجَفَ الذِّكْرَ بِلِسَانِهِ وَقَدَّمَ الْخَوْفَ لِأَمَانِهِ؛ غرر الحكم، ص ١٩١

﴿١١٦٢﴾ أمير المؤمنين عليه السلام: فَاتَّقُوا اللَّهَ عِبَادَ اللَّهِ فِيمَا أَمَرَكُمْ بِهِ وَأَطِيعُوهُ وَانْتَهُوا عَمَّا نَهَاكُمْ عَنْهُ فَلَا تَعْصُوهُ؛ المصباح للكفعمي، ص ٧١٤

﴿١١٦٣﴾ أمير المؤمنين عليه السلام: فَاتَّقُوا اللَّهَ عَزَّ ذِكْرُهُ وَسَارِعُوا إِلَى رِضْوَانِ اللَّهِ وَالْعَمَلِ بِطَاعَتِهِ وَالتَّقَرُّبِ إِلَيْهِ بِكُلِّ مَا فِيهِ الرِّضَا؛ الكافي، ج ٨، ص ١٧٣

﴿١١٦٤﴾ أمير المؤمنين عليه السلام: فَاتَّقُوا اللَّهَ أَيُّهَا النَّاسُ حَقَّ تَقَاتِهِ وَاسْتَشْعِرُوا خَوْفَ اللَّهِ جَلَّ ذِكْرُهُ؛ الكافي، ج ٨، ص ٢٥٦

﴿١١٦٥﴾ أمير المؤمنين عليه السلام: فَاتَّقُوا اللَّهَ يُثَبِّتْ أَقْدَامَكُمْ وَيُتِمَّ نِعْمَتَهُ عَلَيْكُمْ؛ بحار الأنوار، ج ٢٨، ص ٢٤٧

﴿١١٦٦﴾ المهدي عليه السلام: فَاتَّقُوا اللَّهَ جَلَّ جَلَالُهُ وَظَاهِرُونَا عَلَى انْتِشَاشِكُمْ مِنْ فِتْنَةٍ قَدْ أَنْفَتَ عَلَيْكُمْ؛ بحار الأنوار، ج ٥٣، ص ١٧٤

﴿١١٦٧﴾ الرسول صلى الله عليه وآله: فَاتَّقُوا اللَّهَ فَاجْتَنِبُوا الرِّيَاءَ فَإِنَّهُ شِرْكٌ بِاللَّهِ؛ تفسير العياشي، ج ١، ص ٢٨٣

﴿١١٦٨﴾ أمير المؤمنين عليه السلام: فَاتَّقُوا اللَّهَ تَقِيَّةً مَنْ سَمِعَ فَخْشَعَ وَأَقْتَرَفَ فَاعْتَرَفَ وَجَلَّ فَعَمِلَ

وَحَازَرَ فَبَادَرَ؛ غرر الحكم، ص ١٩٠

﴿١١٦٩﴾ أمير المؤمنين عليه السلام: فَاتَّقُوا اللَّهَ تَقِيَّةً مَنْ أَنْصَبَ الْخَوْفُ بَدَنَهُ وَأَسْهَرَ التَّهَجُّدُ غِرَارَ نَوْمِهِ وَأَظْلَمَ الرَّجَاءُ هَوَاجِرَ يَوْمِهِ؛ غرر الحكم، ص ١٩١

﴿١١٧٠﴾ أمير المؤمنين عليه السلام: فَاتَّقُوا اللَّهَ تَقِيَّةً [تَقَاةً] مَنْ أَتَقَنَ فَأَحْسَنَ وَعَبَّرَ فَاعْتَبَرَ [وَحُذِّرَ فَحَذَّرَ] وَحُذِّرَ فَازْدَجَرَ [وَزُجِرَ فَازْدَجَرَ] وَبُصِّرَ فَاسْتَبْصَرَ وَخَافَ الْعِقَابَ وَعَمِلَ لِيَوْمِ الْحِسَابِ؛ غرر الحكم، ص ١٩١

﴿اهمیت تقوا / فرمان به پرهیزکاری و ورع﴾

وحشت را برای امن در قیامت مقدّم داشته، و از اندیشه‌هایی که او را از راه روشن حقّ باز دارد کناره گرفته، و برای رسیدن به راه مطلوب در میانه‌ترین راه [که راه خداست] حرکت کرده و عوامل کبر و غرور او را از راه حقّ باز نگردانده، و امور اشتباه انگیز بر او پوشیده نمانده است.

﴿۱۱۶۱﴾ ای بندگان خدا! تقوای الهی داشته باشید همچون تقوای کسی که فکر و اندیشه، دلش را مشغول کرده، زبانش با سرعت به ذکر خدا می‌گردد و برای ایمنی در قیامت ترس از مسئولیت را پیش فرستاده است.

﴿۱۱۶۲﴾ بندگان خدا! از خدا در اموری که شما را به آن امر کرده، تقوا پیشه کنید و از او اطاعت کرده و از آنچه که از انجام آن نهی کرده، دست بردارید و معصیت خدا را نکنید.

﴿۱۱۶۳﴾ از خدای والامقام بترسید و به‌سوی رضوان خدا و انجام طاعت و تقرّب به او و هرچه خشنودی او در آن است، بشتابید.

﴿۱۱۶۴﴾ ای مردم! تقوای الهی داشته باشید، به قدری که حقّ تقوا را رعایت کرده باشید و ترس از خداوند جلیل را شعار خود قرار دهید.

﴿۱۱۶۵﴾ از خدا بترسید تا شما را ثابت قدم بدارد و نعمتش را بر شما تمام نماید.

﴿۱۱۶۶﴾ تقوا پیشه سازید و به ما اعتماد کنید و چاره این فتنه و امتحان را که به شما رو آورده است، از ما بخواهید.

﴿۱۱۶۷﴾ تقوا پیشه کنید و از ریا دور شوید که شرک است.

﴿۱۱۶۸﴾ از خدا بترسید همانند کسی که شنیده و خاشع گشته و گناه کرده و اعتراف به آن نموده و به خاطر آن ترسیده است. و پرهیز کرده و آن را نیکو انجام داده است.

﴿۱۱۶۹﴾ تقوای الهی داشته باشید همچون تقوای کسی که ترس بدنش را کوفته و خسته کرده و شب‌زنده‌داری خواب را از چشمش ربوده و امید به رحمت حق او را به تشنگی روزه‌های گرم واداشته است.

﴿۱۱۷۰﴾ تقوای الهی داشته باشید همچون تقوای کسی که چون [به مرگ و دیدار پروردگار خود] یقین کند، نیکی نماید. و هرگاه درس عبرتی به او بدهند، عبرت گیرد. و چون او را بر حذر دارند، بپذیرد. و اگر منعمش کنند، بازایستد. و چون بینایش کنند، بینایی گیرد و از کیفر و عقاب بترسد. و برای روز حساب کار کند.

﴿أَهْمِيَّةُ التَّقْوَى / الْأَمْرُ بِالتَّقْوَى وَالْوَرَعِ﴾

﴿١١٧١﴾ أمير المؤمنين عليه السلام: فَاتَّقُوا اللَّهَ عِبَادَ اللَّهِ جِهَةً مَا خَلَقَكُمْ لَهُ وَاحْذَرُوا مِنْهُ كُنْهَ مَا حَذَرَكُمْ مِنْ نَفْسِهِ وَاسْتَحِقُّوا مِنْهُ مَا أَعَدَّ لَكُمْ بِالتَّجَزُّ لَصِدْقِ مِيعَادِهِ وَالْحَذَرِ مِنْ هَوْلِ مَعَادِهِ؛ نهج البلاغة، ص ١١٠ غرر الحكم، ص ١٩١

﴿١١٧٢﴾ أمير المؤمنين عليه السلام: فَاتَّقُوا اللَّهَ تَقِيَّةً مَنْ نَظَرَ فِي كَرَّةِ الْمَوْتِ وَعَاقِبَةِ الْمَصْدَرِ وَمَعَبَّةِ الْمَرْجِعِ فَتَدَارَكَ فَارِطَ الزَّلَلِ وَاسْتَكْتَرَ مِنْ صَالِحِ الْعَمَلِ؛ غرر الحكم، ص ٢٧٠

﴿١١٧٣﴾ الصادق عليه السلام: مَنْ اتَّقَى اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ نَجَا فَاتَّقُوا اللَّهَ عِبَادَ اللَّهِ بِمَا اسْتَطَعْتُمْ؛ بحار الأنوار، ج ٦٦، ص ٣٩٩

١٧-٥-٢- اتَّقُوا اللَّهَ حَقَّ تَقَاتِهِ

﴿١١٧٤﴾ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ حَقَّ تَقَاتِهِ وَلَا تَمُوتُنَّ إِلَّا وَأَنْتُمْ مُسْلِمُونَ؛ آل عمران ١٠٢

﴿١١٧٥﴾ الصادق عليه السلام: عَنْ أَبِي بصير قَالَ سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام عَنْ قَوْلِ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ اتَّقُوا اللَّهَ حَقَّ تَقَاتِهِ قَالَ يُطَاعُ فَلَا يُعْصَى وَيُذَكَّرُ فَلَا يُنْسَى وَيُشْكَرُ فَلَا يُكْفَرُ؛ وسائل الشيعة، ج ١٥، ص ٢٣٥

١٨-٥-٢- فَاتَّقُوا اللَّهَ حَقَّ تَقَاتِهِ

﴿١١٧٦﴾ الزهراء عليها السلام: فَاتَّقُوا اللَّهَ حَقَّ تَقَاتِهِ وَاطِيعُوهُ فِيمَا أَمَرَكُمْ بِهِ؛ شرح نهج البلاغة، ج ١٦، ص ٢١١

﴿١١٧٧﴾ الزهراء عليها السلام: فَاتَّقُوا اللَّهَ حَقَّ تَقَاتِهِ فِيمَا أَمَرَكُمْ بِهِ وَانْتَهُوا عَمَّا نَهَاكُمْ عَنْهُ؛ بحار الأنوار، ج ٦٦، ص ١٠٧

﴿١١٧٨﴾ الزهراء عليها السلام: فَاتَّقُوا اللَّهَ حَقَّ تَقَاتِهِ وَلَا تَمُوتُنَّ إِلَّا وَأَنْتُمْ مُسْلِمُونَ وَاطِيعُوا اللَّهَ فِيمَا أَمَرَكُمْ بِهِ وَنَهَاكُمْ عَنْهُ؛ بحار الأنوار، ج ٢٩، ص ٢٢٣

١٩-٥-٢- اتَّقُوا اللَّهَ عَلَيْكُمْ بِالْوَرَعِ

﴿١١٧٩﴾ الصادق عليه السلام: قَالَ اتَّقُوا اللَّهَ اتَّقُوا اللَّهَ اتَّقُوا اللَّهَ اتَّقُوا اللَّهَ عَلَيْكُمْ بِالْوَرَعِ؛ بحار الأنوار، ج ٦٦، ص ٣

﴿اهمیت تقوا / فرمان به پرهیزکاری و ورع﴾

﴿۱۱۷۱﴾ ای بندگان خدا! در جهت هدفی که شما را برای آن آفریده، تقوا پیشه کنید. و از او با نهایت حذری که شما را از جانب خود بر حذر داشته، حذر کنید. و برای تحقق وعده صادقانه‌ی حق جهت آنچه در قیامت برای شما مهیا کرده، و برای حذر از هول روز معاد کسب استحقاق کنید.

﴿۱۱۷۲﴾ تقوای الهی داشته باشید همچون کسی که در بازگشت به عالم آخرت و سرانجام زندگی و عاقبت کار می‌اندیشد و در نتیجه‌ی لغزش گذشته را تدارک کند و عمل صالح بسیاری انجام دهد.

﴿۱۱۷۳﴾ هر کس تقوای الهی پیشه کند، نجات می‌یابد. پس ای بندگان خدا! تا جایی که می‌توانید، از او پروا کنید.

۱۷-۵-۲- پروای خدا را در حد کمال پیشه کنید

﴿۱۱۷۴﴾ ای کسانی که ایمان آورده‌اید! آن گونه که حق تقوا و پرهیزکاری است، از خدا بپرهیزید! و از دنیا نروید، مگر اینکه مسلمان باشید! (باید گوهر ایمان را تا پایان عمر، حفظ کنید!) ﴿۱۱۷۵﴾ ابو بصیر گوید: از امام صادق (علیه السلام) در مورد این آیه: «آن گونه که حق تقوا و پرهیزکاری است، از خدا بپرهیزید» سؤال کردم. فرمود: «این پرهیز عبارت از این است که خدا را بدون عصیان اطاعت و بدون فراموشی او را یاد کرد و بدون ناسپاسی شکرش را به جای آورد».

۱۸-۵-۲- پس پروای خدا را در حد کمال پیشه کنید

﴿۱۱۷۶﴾ آن طور که شایسته است، تقوا پیشه کنید و از خدا در اموری که شما را به آن امر کرده، اطاعت کنید.

﴿۱۱۷۷﴾ در آنچه خدا شما را به آن امر فرموده به مقداری که می‌توانید تقوا و پرهیزکاری داشته و از آنچه شما را از آن نهی کرده، دست بردارید.

﴿۱۱۷۸﴾ آنگونه که حق تقوا و پرهیزکاری است، از خدا پروا کنید! و از دنیا نروید، مگر اینکه مسلمان باشید! پس خدا را در اوامر و نواهی‌اش اطاعت نمایید.

۱۹-۵-۲- پروای خدا پیشه کنید و بر شما باد به ورع‌ورزیدن

﴿۱۱۷۹﴾ از خدا پروا کنید، از خدا پروا کنید، از خدا پروا کنید. بر شما باد به ورع و دوری از گناه.

﴿أَهْمِيَةُ التَّقْوَى / الْأَمْرُ بِالتَّقْوَى وَالْوَرَعِ﴾

٢٠-٥-٢- إِتَّقُوا اللَّهَ وَاحْذَرُوا

﴿١١٨٠﴾ أمير المؤمنين عليه السلام: فِي قَوْلِهِ تَعَالَى فَاتَّقُوا النَّارَ الَّتِي وَقُودُهَا النَّاسُ وَالْحِجَارَةُ يَا مَعْشَرَ شِيعَتِنَا اتَّقُوا اللَّهَ وَاحْذَرُوا أَنْ تَكُونُوا لِلنَّارِ حَطَبًا وَإِنْ لَمْ تَكُونُوا بِاللَّهِ كَافِرِينَ فَتَوَقَّوْهَا بَتَوَقَّى ظَلَمَ إِخْوَانَكُمْ الْمُؤْمِنِينَ وَإِنَّهُ لَيْسَ مِنْ مُؤْمِنٍ ظَلَمَ أَخَاهُ الْمُؤْمِنَ الْمُشَارِكَ لَهُ فِي مُوَالَاتِنَا إِلَّا ثَقَلَ اللَّهُ تَعَالَى فِي تِلْكَ النَّارِ؛ مستدرک الوسائل، ج ١٢، ص ١٠١

٢١-٥-٢- إِتَّقُوا رَبَّكُمْ

﴿١١٨١﴾ يَا أَيُّهَا النَّاسُ اتَّقُوا رَبَّكُمُ إِنَّ زَلْزَلَةَ السَّاعَةِ شَيْءٌ عَظِيمٌ؛ الحج ١
 ﴿١١٨٢﴾ يَا أَيُّهَا النَّاسُ اتَّقُوا رَبَّكُمُ وَاحْشَوْا يَوْمًا لَا يَجْزِي وَالِدٌ عَنْ وَلَدِهِ وَلَا مَوْلُودٌ هَوْجًا عَنْ وَالِدِهِ شَيْئًا إِنَّ وَعْدَ اللَّهِ حَقٌّ فَلَا تَغُرَّنَّكُمُ الْحَيَاةُ الدُّنْيَا وَلَا يَغُرَّنَّكُم بِاللَّهِ الْغُرُورُ؛ لقمان ٣٣
 ﴿١١٨٣﴾ يَا أَيُّهَا النَّاسُ اتَّقُوا رَبَّكُمُ الَّذِي خَلَقَكُمْ مِنْ نَفْسٍ وَاحِدَةٍ وَخَلَقَ مِنْهَا زَوْجَهَا وَبَثَّ مِنْهُمَا رِجَالًا كَثِيرًا وَنِسَاءً وَاتَّقُوا اللَّهَ الَّذِي تَسَاءَلُونَ بِهِ وَالْأَرْحَامَ إِنَّ اللَّهَ كَانَ عَلَيْكُمْ رَقِيبًا؛ النساء ١
 ﴿١١٨٤﴾ قُلْ يَا عِبَادِ الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا رَبَّكُمُ؛ الزمر ١٠

٢٢-٥-٢- إِتَّقُونِ

﴿١١٨٥﴾ وَاتَّقُونِ يَا أُولِيَ الْأَلْبَابِ؛ البقرة ١٩٧

٢٣-٥-٢- فَاتَّقُونِ

﴿١١٨٦﴾ وَإِنَّ هَذِهِ أُمَّتُكُمْ أُمَّةً وَاحِدَةً وَأَنَا رَبُّكُمْ فَاتَّقُونِ؛ المؤمنون ٥٢
 ﴿١١٨٧﴾ فَاعْبُدُوا مَا شِئْتُمْ مِنْ دُونِهِ قُلْ إِنَّ الْخَاسِرِينَ الَّذِينَ خَسِرُوا أَنْفُسَهُمْ وَأَهْلِيهِمْ يَوْمَ الْقِيَامَةِ أَلَا ذَٰلِكَ هُوَ الْخُسْرَانُ الْمُبِينُ * لَهُمْ مِنْ فَوْقِهِمْ ظُلَلٌ مِنَ النَّارِ وَمِنْ تَحْتِهِمْ ظُلَلٌ ذَٰلِكَ يُخَوِّفُ اللَّهَ بِهِ عِبَادَهُ يَا عِبَادِ فَاتَّقُونِ؛ الزمر ١٥
 ﴿١١٨٨﴾ وَآمِنُوا بِمَا أُنْزِلَتْ مُصَدِّقًا لِمَا مَعَكُمْ وَلَا تَكُونُوا أَوَّلَ كَافِرٍ بِهِ وَلَا تَشْتَرُوا بِآيَاتِي ثَمَنًا قَلِيلًا وَإِنِّي فَاتَّقُونِ؛ البقرة ٤١

«اهمیت تقوا / فرمان به پرهیزکاری و ورع»

۲۰-۵-۲- پروای خدا پیشه کنید و مراقب باشید

﴿۱۱۸۰﴾ در تفسیر سخن خدای متعال: «از آتشی بترسید که هیزم آن، بدن‌های مردم [گنهکار] و سنگ‌ها (بت‌ها) است»؛ فرمود: «ای شیعیان ما! تقوای خدا را پیشه کنید و بترسید از اینکه هیزم آن آتش باشید، گرچه به خدا کافر نباشید. از آن مانند ستم به برادر مؤمنان دوری کنید و مؤمنی که به برادر هم عقیده‌ی خود که دوستدار ماست ستم کند، خدا غل و زنجیرهایش را در آن دوزخ گران می‌سازد».

۲۱-۵-۲- از پروردگارتان پروا کنید

﴿۱۱۸۱﴾ ای مردم! از (عذاب) پروردگارتان بترسید، که زلزله‌ی رستاخیز امر عظیمی است!

﴿۱۱۸۲﴾ ای مردم! تقوای الهی پیشه کنید و بترسید از روزی که نه پدر کیفر اعمال فرزندش را تحمّل می‌کند، و نه فرزند چیزی از کیفر (اعمال) پدرش را به یقین وعده الهی حق است پس مبادا زندگانی دنیا شما را بفریید، و مبادا (شیطان) فریبکار شما را (به کرم) خدا مغرور سازد!

﴿۱۱۸۳﴾ ای مردم! از (مخالفت) پروردگارتان بپرهیزید! همان کسی که همه شما را از یک انسان آفرید و همسر او را (نیز) از جنس او خلق کرد و از آن دو، مردان و زنان فراوانی (در روی زمین) منتشر ساخت، و از خدایی بپرهیزید که (همگی به عظمت او معترفید و) هنگامی که چیزی از یکدیگر می‌خواهید، نام او را می‌برید! (و نیز) (از قطع رابطه با) خویشاوندان خود، پرهیز کنید! زیرا خداوند، مراقب شماست.

﴿۱۱۸۴﴾ بگو: «ای بندگان من که ایمان آورده‌اید! از (مخالفت) پروردگارتان بپرهیزید!

۲۲-۵-۲- از من پروا کنید

﴿۱۱۸۵﴾ و از من بپرهیزید ای خردمندان!

۲۳-۵-۲- پس از من پروا کنید

﴿۱۱۸۶﴾ و این امت شما امت واحدی است و من پروردگار شما هستم پس، از مخالفت فرمان من بپرهیزید!

﴿۱۱۸۷﴾ شما هر چه را جز او می‌خواهید بپرستید! بگو: «زیانکاران واقعی آنانند که سرمایه وجود خویش و بستگانشان را در روز قیامت از دست داده‌اند! آگاه باشید زیان آشکار همین است!» *

برای آنان از بالای سرشان سایبان‌هایی از آتش، و در زیر پایشان نیز سایبان‌هایی از آتش است این چیزی است که خداوند با آن بندگان را می‌ترساند! ای بندگان من! از نافرمانی من بپرهیزید!

﴿۱۱۸۸﴾ و به آنچه نازل کرده‌ام [قرآن] ایمان بیاورید! که نشانه‌های آن، با آنچه در کتاب‌های شماست، مطابقت دارد؛ و نخستین کافر به آن نباشید! و آیات مرا به بهای ناچیزی نفروشید! (و به خاطر درآمد مختصری، نشانه‌های قرآن و پیامبر اسلام را، که در کتب شما موجود است، پنهان نکنید!) و تنها از من (و مخالفت دستورهایم) بترسید (نه از مردم)!

﴿أَهْمِيَةُ التَّقْوَى / الْأَمْرُ بِالتَّقْوَى وَالْوَرَعِ﴾

﴿١١٨٩﴾ العسكري عليه السلام: قَالَ عَزَّ وَجَلَّ وَإِيَّايَ فَاتَّقُونِ فِي كِتْمَانِ أَمْرِ مُحَمَّدٍ عليه السلام وَأَمْرِ وَصِيِّهِ؛

بحار الأنوار، ج ٩، ص ١٧٨

٢٤-٥-٢- إِتَّقُوهُ

﴿١١٩٠﴾ وَاتَّقُوهُ وَأَقِيمُوا الصَّلَاةَ وَلَا تَكُونُوا مِنَ الْمُشْرِكِينَ؛ الروم ٣١

﴿١١٩١﴾ وَأَنْ أَقِيمُوا الصَّلَاةَ وَاتَّقُوهُ وَهُوَ الَّذِي إِلَيْهِ تُحْشَرُونَ؛ الأنعام ٧٢

﴿١١٩٢﴾ وَإِبْرَاهِيمَ إِذْ قَالَ لِقَوْمِهِ اعْبُدُوا اللَّهَ وَاتَّقُوهُ ذَلِكَمْ خَيْرٌ لَّكُمْ إِنْ كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ؛ العنكبوت

١٦

٢٥-٥-٢- اجْعَلْ تَزُودَكَ التَّقَى

﴿١١٩٣﴾ أمير المؤمنين عليه السلام: اجْعَلْ تَزُودَكَ الْمَخَافَةَ وَالتَّقَى؛ ديوان الإمام علي عليه السلام، ص ٢٦٩

٢٦-٥-٢- اجْعَلُوا قُلُوبَكُمْ بَيُوتًا لِلتَّقْوَى

﴿١١٩٤﴾ الكاظم عليه السلام: يَا عِبِيدَ السَّوءِ اتَّخِذُوا مَسَاجِدَ رَبِّكُمْ سُجُونًا لِأَجْسَادِكُمْ وَجَبَاهِكُمْ وَ

اجْعَلُوا قُلُوبَكُمْ بَيُوتًا لِلتَّقْوَى وَلَا تَجْعَلُوا قُلُوبَكُمْ مَأْوَى لِلشَّهَوَاتِ؛ بحار الأنوار، ج ٧٥، ص ٣٠٦

٢٧-٥-٢- احْذَرُوا

﴿١١٩٥﴾ وَأَطِيعُوا اللَّهَ وَأَطِيعُوا الرَّسُولَ وَاحْذَرُوا فَإِنْ تَوَلَّيْتُمْ فَأَعْلَمُوا أَنَّما عَلَي رَسُولِنَا الْبَلَاغُ

الْمُبِينُ؛ المائدة ٩٢

٢٨-٥-٢- احْذَرُوا مِنَ اللَّهِ

﴿١١٩٦﴾ أمير المؤمنين عليه السلام: فَاحْذَرُوا مِنَ اللَّهِ مَا حَذَرَكَمُ مِنْ نَفْسِهِ فَإِنَّهُ حَذَرَ بَأْسًا شَدِيدًا؛

بحار الأنوار، ج ٣٢، ص ٣٥٦

٢٩-٥-٢- أَخَذَ عَلَى الْخَلْقِ الْمِيثَاقَ أَنْ يَتَّقُوا اللَّهَ

﴿١١٩٧﴾ الصَّادِق عليه السلام: إِنَّ اللَّهَ تَبَارَكَ وَتَعَالَى لَمَّا خَلَقَ نَبِيَّهُ وَوَصِيَّهُ وَابْنَتَهُ وَابْنَتِيهِ وَجَمِيعَ

الْأَيِّمَةِ عليه السلام وَخَلَقَ شَيْعَتَهُمْ أَخَذَ عَلَيْهِمُ الْمِيثَاقَ أَنْ يَصْبِرُوا وَيُصَابِرُوا وَيُرَاطِبُوا وَأَنْ يَتَّقُوا اللَّهَ؛

بحار الأنوار، ج ٢٤، ص ٢٢٠

٣٠-٥-٢- احْشُوا اللَّهَ بِالتَّقْوَى

«اهمیت تقوا / فرمان به پرهیزکاری و ورع»

﴿۱۱۸۹﴾ خداوند فرموده است: «و تنها از من [و مخالفت دستورهایم] بترسید [نه از مردم]!»: در مورد کتمان امر محمد ﷺ و امر وصی او از من بترسید.

۲۴-۵-۲- از او پروا کنید

﴿۱۱۹۰﴾ و از (مخالفت فرمان) او بپرهیزید، نماز را برپا دارید و از مشرکان نباشید. ﴿۱۱۹۱﴾ و (نیز به ما فرمان داده شده به) اینکه: نماز را برپا دارید! و از او بپرهیزید! و تنها اوست که به سویش محشور خواهید شد.»

﴿۱۱۹۲﴾ ما ابراهیم را (نیز) فرستادیم، هنگامی که به قومش گفت: «خدا را پرستش کنید و از (عذاب) او بپرهیزید که این برای شما بهتر است اگر بدانید!

۲۵-۵-۲- توشه‌ات را پرهیزکاری قرار ده

﴿۱۱۹۳﴾ توشه‌ات را ترس از خداوند و پرهیزکاری قرار بده.

۲۶-۵-۲- قلب‌هایتان را خانه‌ی پرهیزکاری قرار دهید

﴿۱۱۹۴﴾ ای بندگان بدی! مسجدهای پروردگارتان را زندانی برای جسم‌ها و پیشانی‌های خود سازید و دل‌هایتان را خانه‌ای برای پرهیزکاری قرار دهید و دل‌های خویش را جایگاه شهوت‌ها نکنید.

۲۷-۵-۲- مراقب باشید

﴿۱۱۹۵﴾ اطاعت خدا و اطاعت پیامبر کنید! و (از مخالفت فرمان او) بترسید! و اگر روی برگردانید، (مستحق مجازات خواهید بود و) بدانید بر پیامبر ما، جز ابلاغ آشکار، چیز دیگری نیست (و این وظیفه را در برابر شما، انجام داده است).

۲۸-۵-۲- از مخالفت خدا بر حذر باشید

﴿۱۱۹۶﴾ از [معصیت] الهی بپرهیزید چنان‌که او خود، شما را از پروای خود پرهیز داده، او به گونه‌ای سخت پرهیز داده است.

۲۹-۵-۲- خداوند از آفریدگان پیمان گرفته است که پروا کنند

﴿۱۱۹۷﴾ وقتی خداوند پیامبر و وصی و دختر و دو فرزندش و جمیع ائمه و شیعیان آن‌ها را آفرید از ایشان پیمان گرفت که شکیباً باشند و مدارا کنند و ارتباط خود را با ائمه قطع نکنند و از خدا بترسند.

۳۰-۵-۲- با پرهیزکاری از خدا بترسید

﴿أَهْمِيَةُ التَّقْوَى / الْأَمْرُ بِالتَّقْوَى وَالْوَرَع﴾

﴿١١٩٨﴾ الحسن عليه السلام: فَاحْتَرِسُوا مِنَ اللَّهِ بِكَثْرَةِ الذِّكْرِ وَاخْشَوْا اللَّهَ بِالتَّقْوَى؛ بحار الأنوار،

ج ٧٥، ص ١٠٤

﴿١١٩٩﴾ أمير المؤمنين عليه السلام: وَاخْشَوْا اللَّهَ خَشْيَةً لَيْسَتْ بِتَعْدِيرٍ؛ بحار الأنوار، ج ٣٢، ص ٣٥٦

٣١-٥-٢- إَخْشَوْا مِنَ اللَّهِ بِالتَّقَى

﴿١٢٠٠﴾ أمير المؤمنين عليه السلام: فَاحْتَرِسُوا مِنَ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ بِكَثْرَةِ الذِّكْرِ وَاخْشَوْا مِنْهُ بِالتَّقَى؛

الكافي، ج ٨، ص ٣٨٩

٣٢-٥-٢- أَزْمُمْ لِسَانَكَ بِالتَّقَى

﴿١٢٠١﴾ أمير المؤمنين عليه السلام: اخْفِظْ رَأْسَكَ مِنْ [عَنْ] عَثْرَةِ لِسَانِكَ وَازْمُمْهُ بِالنَّهْيِ وَالْحَزْمِ

وَالْتَقَى وَالْعَقْلَ؛ غرر الحكم، ص ٢١٤

٣٣-٥-٢- اسْتَشْعِرُوا التَّقْوَى

﴿١٢٠٢﴾ أمير المؤمنين عليه السلام: اسْتَشْعِرُوا التَّقْوَى شِعَارًا بَاطِنًا؛ الكافي، ج ٨، ص ١٧

٣٤-٥-٢- اشْعِرْ قَلْبَكَ التَّقْوَى

﴿١٢٠٣﴾ الرسول ﷺ: أَنْ مُوسَى عليه السلام لَقِيَ الْخَضِرَ عليه السلام فَقَالَ أَوْصِنِي فَقَالَ الْخَضِرُ... يَا مُوسَى

وَطَنَّ نَفْسَكَ عَلَى الصَّبْرِ تَلَقَّ الْحُلْمَ وَاشْعِرْ قَلْبَكَ التَّقْوَى تَنَلِ الْعِلْمَ؛ منية المريد، ص ١٤٠

٣٥-٥-٢- اشْعِرْ قَلْبَكَ بِالتَّقْوَى

﴿١٢٠٤﴾ الرسول ﷺ: اشْعِرْ قَلْبَكَ بِالتَّقْوَى تَنَلِ الْعِلْمَ؛ بحار الأنوار، ج ١، ص ٢٢٦

﴿١٢٠٥﴾ أمير المؤمنين عليه السلام: اشْعِرْ قَلْبَكَ التَّقْوَى وَخَالَفِ الْهَوَى تَغْلِبِ الشَّيْطَانَ؛ غرر الحكم،

ص ٢٧٤

٣٦-٥-٢- اسْتَظْهِرُوا بَزَادِ التَّقْوَى

﴿١٢٠٦﴾ أمير المؤمنين عليه السلام: فَقَطِّعُوا عِلَاقَتَ الدُّنْيَا وَاسْتَظْهِرُوا بَزَادِ التَّقْوَى؛ نهج البلاغة، ص ٣٢١

٣٧-٥-٢- اسْتَعِينُوا بِالْوَرَعِ

﴿١٢٠٧﴾ الباقر عليه السلام: اتَّقُوا اللَّهَ وَاسْتَعِينُوا عَلَى مَا أَنْتُمْ عَلَيْهِ بِالْوَرَعِ وَالْاجْتِهَادِ فِي طَاعَةِ اللَّهِ؛

بحار الأنوار، ج ٦، ص ١٨٧

٣٨-٥-٢- فَأَعِينُوا بِالْوَرَعِ

﴿اهمیت تقوا / فرمان به پرهیزکاری و ورع﴾

﴿۱۱۹۸﴾ پس با زیادی ذکر، به خداوند پناه جوئید و با پرهیزکاری از خدا پروا کنید.

﴿۱۱۹۹﴾ از خدا بترسید چنان ترسی که جای بهانه باقی نگذارد.

۳۱-۵-۲- با پرهیزکاری از خدا بترسید

﴿۱۲۰۰﴾ با ذکر زیاد، از [خوف عذاب] خداوند متعال خود را حفظ کنید و با تقوا از [مقام] خدا،

بترسید.

۳۲-۵-۲- زبانت را با پرهیزکاری لگام بزن

﴿۱۲۰۱﴾ سرت را از ثمرات لغزش‌های زبانت حفظ کن؛ و با خرد و دوراندیشی و پرهیزکاری

و عقل آن را مهار بزن.

۳۳-۵-۲- تقوا را شعار باطنی خود قرار دهید

﴿۱۲۰۲﴾ تقوا را شعار باطنی خود قرار دهید.

۳۴-۵-۲- پرهیزکاری را با دلت آشنا کن

﴿۱۲۰۳﴾ حضرت موسی علیه السلام حضرت خضر علیه السلام را ملاقات کرد و گفت: «مرا موعظه کن».

خضر علیه السلام فرمود: «... ای موسی! خودت را به شکیبایی وادار تا به بردباری برسی و پرهیزکاری را با دلت آشنا ساز تا به دانش و معرفت دست یابی».

۳۵-۵-۲- پرهیزکاری را با دلت آشنا کن

﴿۱۲۰۴﴾ دلت را به پرهیزکاری بیدار کن تا به علم دست یابی.

﴿۱۲۰۵﴾ شعار قلبت را تقوا قرار بده و با هوای نفست مخالفت کن تا بر شیطان غلبه کنی.

۳۶-۵-۲- با توشه‌ی تقوا پشت خود را قوی گردانید

﴿۱۲۰۶﴾ پس پیوندهای دنیا را از خود قطع کنید، و به توشه‌ی تقوا پشت خود را قوی

گردانید.

۳۷-۵-۲- از پرهیزکاری یاری طلبید

﴿۱۲۰۷﴾ تقوای خدا پیشه کنید و ما را به واسطه‌ی آنچه به آن اعتقاد دارید با ورع و اجتهاد در

راه طاعت الهی یاری کنید.

۳۸-۵-۲- پس با پرهیزکاری یاری کنید

﴿أَهْمِيَّةُ التَّقْوَى / الْأَمْرُ بِالتَّقْوَى وَ الْوَرَعِ﴾

﴿١٢٠٨﴾ الصّادق عليه السلام: إِنَّ شَيْعَةَ عَلِيٍّ كَانُوا خُمُصَ الْبُطُونِ ذُبُلَ الشَّفَاهِ أَهْلَ رَأْفَةٍ وَعِلْمٍ وَحِلْمٍ يُعْرِفُونَ بِالرَّهْبَانِيَّةِ فَأَعِينُوا عَلَى مَا أَنْتُمْ عَلَيْهِ بِالْوَرَعِ وَالْاجْتِهَادِ؛ الكافي، ج ٢، ص ٢٣٣
٣٩-٥-٢- فَأَعِينُوا بِوَرَعٍ

﴿١٢٠٩﴾ الباقر عليه السلام: أَمَّا وَاللَّهِ إِنِّي لَأَحِبُّ رِيحَكُمْ وَارْوَا حَكْمَكُمْ وَإِنِّكُمْ عَلَى دِينِ اللَّهِ وَدِينِ مَلَائِكَتِهِ فَأَعِينُوا بِوَرَعٍ وَاجْتِهَادٍ؛ الكافي، ج ٢، ص ١٨٧
﴿١٢١٠﴾ الصّادق عليه السلام: قَالَ لِمَجْمَاعَةٍ مِنَ الشَّيْعَةِ وَاللَّهِ إِنِّي لَأَحِبُّ رِيحَكُمْ وَارْوَا حَكْمَكُمْ فَأَعِينُوا عَلَى ذَلِكَ بِوَرَعٍ وَاجْتِهَادٍ؛ وسائل الشيعة، ج ١، ص ٨٨
٤٠-٥-٢- أَعِينُونَا بِالْوَرَعِ

﴿١٢١١﴾ الباقر عليه السلام: أَعِينُونَا بِالْوَرَعِ فَإِنَّهُ مَنْ لَقِيَ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ مِنْكُمْ بِالْوَرَعِ كَانَ لَهُ عِنْدَ اللَّهِ فَرَجًا؛ الكافي، ج ٢، ص ٧٨
٤١-٥-٢- فَأَعِينُونَا بِالْوَرَعِ

﴿١٢١٢﴾ الصّادق عليه السلام: وَاللَّهِ لِلَّهِ أَشَدُّ حُبًّا لَكُمْ مِنِّي فَأَعِينُونَا عَلَى ذَلِكَ بِالْوَرَعِ وَالْاجْتِهَادِ وَالْعَمَلِ بِطَاعَتِهِ؛ بحار الأنوار، ج ٧، ص ٢٠٥
﴿١٢١٣﴾ الصّادق عليه السلام: أَمَّا وَاللَّهِ إِنِّكُمْ عَلَى دِينِ اللَّهِ وَدِينِ مَلَائِكَتِهِ فَأَعِينُونَا عَلَى ذَلِكَ بِالْوَرَعِ وَالْاجْتِهَادِ وَكَثْرَةِ الْعِبَادَةِ؛ إرشاد القلوب، ج ١، ص ١٠١
٤٢-٥-٢- فَأَعِينُونَا بِوَرَعٍ

﴿١٢١٤﴾ الباقر عليه السلام: إِنِّكُمْ لَعَلَى دِينِ اللَّهِ فَأَعِينُونَا بِوَرَعٍ وَاجْتِهَادٍ؛ وسائل الشيعة، ج ٧، ص ٣٢
﴿١٢١٥﴾ الصّادق عليه السلام: عَنْ كُتَيْبِ بْنِ مُعَاوِيَةَ الْأَسَدِيِّ قَالَ سَمِعْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام يَقُولُ أَمَّا وَاللَّهِ إِنِّكُمْ لَعَلَى دِينِ اللَّهِ وَمَلَائِكَتِهِ فَأَعِينُونَا عَلَى ذَلِكَ بِوَرَعٍ وَاجْتِهَادٍ؛ وسائل الشيعة، ج ١٥، ص ٢٤٧
﴿١٢١٦﴾ الصّادق عليه السلام: فَأَعِينُونَا عَلَى ذَلِكَ بِوَرَعٍ وَاجْتِهَادٍ فَإِنَّكُمْ لَنْ تَنَالُوا وَلَا تَنَالُوا إِلَّا بِالْوَرَعِ وَالْاجْتِهَادِ؛ إرشاد القلوب، ج ١، ص ١٠١

٤٣-٥-٢- أَعِينُونِي بِوَرَعٍ
﴿١٢١٧﴾ أمير المؤمنين عليه السلام: أَعِينُونِي بِوَرَعٍ وَاجْتِهَادٍ وَعِفَّةٍ وَسَدَادٍ؛ مستدرک الوسائل، ج ١٢، ص ٥٤
٤٤-٥-٢- اغْسِلْ قَلْبَكَ بِالتَّقْوَى

«اهمیت تقوا / فرمان به پرهیزکاری و ورع»

﴿۱۲۰۸﴾ شیعه ی علی علیه السلام، دارای شکم‌هایی خالی، و لب‌هایی خشک هستند و اهل رأفت و علم و بردباری هستند و به ترک دنیا معروفند. در اعتقادی که بر آن هستید ما را با ورع و تلاش یاری کنید.

۳۹-۵-۲- پس با پرهیزکاری یاری کنید

﴿۱۲۰۹﴾ به خدا سوگند که دوست دارم بوی شما را استشمام کنم. شما بر دین خدا و فرشتگان هستید. با پرهیزکاری و ورع به ما یاری دهید.

﴿۱۲۱۰﴾ به گروهی از شیعیانش فرمود: «به خدا قسم من بوی شما و روح شما را دوست دارم با این حال مرا با رعایت ورع و تلاش، یاری کنید».

۴۰-۵-۲- با پرهیزکاری یاری‌مان کنید

﴿۱۲۱۱﴾ ما را با مراعات ورع یاری کنید که هر کدام از شما خداوند را درحالی‌که ورع دارد ملاقات کند، نزد خداوند گشایش [و آسودگی] دارد.

۴۱-۵-۲- پس با پرهیزکاری یاری‌مان کنید

﴿۱۲۱۲﴾ به خدا قسم هر آینه خدا شما را از من بیشتر دوست می‌دارد؛ پس ما را بر این امر با تقوای زیاد و تلاش فراوان و عمل به طاعت خدا یاری کنید.

﴿۱۲۱۳﴾ به خدا قسم! شما بر دین خدا و ملائکه هستید، پس در این امر ما را به کمک ورع و تلاش و عبادت زیاد کمک کنید.

۴۲-۵-۲- پس با پرهیزکاری یاری‌مان کنید

﴿۱۲۱۴﴾ شما بر دین خدا هستید پس ما را با مراعات ورع و تلاش، کمک کنید.

﴿۱۲۱۵﴾ کُلیب بن معاویه گوید: شنیدم که امام صادق علیه السلام می‌فرمود: «بدانید به خدا که شما بر دین خدا و فرشتگان او هستید! پس به پارسایی و کوشش ما را بر این دین یاری کنید».

﴿۱۲۱۶﴾ مرا با ورع و اجتهاد یاری کنید زیرا که شما به دوستی ما نمی‌رسید مگر به واسطه‌ی ورع و دوری از گناه.

۴۳-۵-۲- پس با پرهیزکاری یاری‌ام کن

﴿۱۲۱۷﴾ مرا با ورع و کوشش در عبادت، و پاکدامنی و درستی یاری کنید.

۴۴-۵-۲- قلبت را با پرهیزکاری شستشو ده

﴿أَهْمِيَةُ التَّقْوَى / الْأَمْرُ بِالتَّقْوَى وَ الْوَرَعِ﴾

﴿١٢١٨﴾ ادریس عليه السلام: وَ اغْسِلْ قَلْبَكَ بِالتَّقْوَى كَمَا تَغْسِلُ ثِيَابَكَ بِالْمَاءِ؛ بحار الأنوار، ج ٩٢،

ص ٤٧١

٤٥-٢-٥- أَكْمِدُوا عَدُوَّكُمْ بِالْوَرَعِ

﴿١٢١٩﴾ الصادق عليه السلام: أَكْمِدُوا عَدُوَّكُمْ بِالْوَرَعِ؛ وسائل الشيعة، ج ١٥، ص ٢٤٨

٤٦-٢-٥- اِلْجُئُوا إِلَى التَّقْوَى

﴿١٢٢٠﴾ أمير المؤمنين عليه السلام: وَ اِلْجُئُوا إِلَى التَّقْوَى فَإِنَّهُ [فَإِنَّهَا] جُنَّةٌ مَنِعَةٌ مَنْ لَجَأَ إِلَيْهَا

حَسَنَتُهُ وَ مَنْ اعْتَصَمَ بِهَا عَصَمَتْهُ؛ غرر الحكم، ص ٢٧٠

٤٧-٢-٥- اَلْزَمِ الْوَرَعَ

﴿١٢٢١﴾ أمير المؤمنين عليه السلام: أَطِعِ اللَّهَ فِي جَمَلِ أُمُورِكَ فَإِنَّ طَاعَةَ اللَّهِ [سُبْحَانَهُ] فَاضِلَةٌ عَلَى

كُلِّ شَيْءٍ وَ اَلْزَمِ الْوَرَعَ؛ غرر الحكم، ص ١٨١

٤٨-٢-٥- فَالْزَمَ مَا أَجْمَعَ عَلَيْهِ أَهْلُ التَّقَى

﴿١٢٢٢﴾ الصادق عليه السلام: فَالْزَمَ مَا أَجْمَعَ عَلَيْهِ أَهْلُ الصِّفَاءِ وَ التَّقَى مِنْ أَصُولِ الدِّينِ وَ حَقَائِقِ

الْيَقِينِ وَ الرِّضَا وَ التَّسْلِيمِ؛ مصباح الشريعة، ص ٦٠

٤٩-٢-٥- أَمَرَ بِاتِّقَاءِ اللَّهِ

﴿١٢٢٣﴾ الرضا عليه السلام: إِنَّ اللَّهَ أَمَرَ بِثَلَاثَةِ مَقْرُونٍ بِهَا ثَلَاثَةُ أُخْرَى أَمَرَ بِالصَّلَاةِ وَ الزَّكَاةِ فَمَنْ

صَلَّى وَ لَمْ يُزَكَّ لَمْ تُقَبَّلْ مِنْهُ صَلَاتُهُ وَ أَمَرَ بِالشُّكْرِ لَهُ وَ لِلْوَالِدَيْنِ فَمَنْ لَمْ يَشْكُرْ وَ الْوَالِدِيَّ لَمْ يَشْكُرْ

اللَّهُ وَ أَمَرَ بِاتِّقَاءِ اللَّهِ وَ صَلَاةِ الرَّحِمِ فَمَنْ لَمْ يَصِلْ رَحِمَهُ لَمْ يَتَّقِ اللَّهَ؛ وسائل الشيعة، ج ٩، ص ٢٥

٥٠-٢-٥- بَتَّقُوا اللَّهَ أَمَرْتُمْ

﴿١٢٢٤﴾ أمير المؤمنين عليه السلام: فَبَتَّقُوا اللَّهَ أَمَرْتُمْ وَ لَهَا خُلُقْتُمْ؛ بحار الأنوار، ج ٧٥، ص ١

٥١-٢-٥- اِنْطَلِقْ عَلَى تَقْوَى اللَّهِ

﴿١٢٢٥﴾ أمير المؤمنين عليه السلام: مِنْ وَصِيَّةٍ لَهُ كَانَ يَكْتُبُهَا لِمَنْ يَسْتَعْمِلُهُ عَلَى الصَّدَقَاتِ: اِنْطَلِقْ عَلَى

تَقْوَى اللَّهِ وَ حَذِّهِ لَا شَرِيكَ لَهُ؛ نهج البلاغة، ص ٣٨٠

٥٢-٢-٥- أَهْطِعُوا بِأَسْمَاعِكُمْ إِلَى التَّقْوَى وَ اَلْظُّوا بِجِدِّكُمْ عَلَيْهَا

«اهمیت تقوا / فرمان به پرهیزکاری و ورع»

﴿۱۲۱۸﴾ [صحف حضرت ادریس علیه السلام]: «قلبت را با تقوا شستشو ده همان طوری که لباس هایت را با آب می شویی.»

۴۵-۲-۵- دشمنتان را با پرهیزکاری اندوهناک کنید

﴿۱۲۱۹﴾ دشمنتان را با ورع اندوهناک کنید.

۴۶-۲-۵- به تقوا پناه برید

﴿۱۲۲۰﴾ به تقوا پناه برید که سپری مستحکم است و هر که به آن رو کرد نیکویش گرداند و هر که به آن پناه برد، پناهِش داد.

۴۷-۲-۵- همراه ورع باش

﴿۱۲۲۱﴾ در تمام امورت از خداوند اطاعت کن که اطاعت از خدا بر همه چیز برتر است و همواره ملازم و همراه ورع باش.

۴۸-۲-۵- همراه چیزی باش که اهل تقوا بر آن توافق دارند

﴿۱۲۲۲﴾ ملازم و همراه چیزی باش که اهل صفا و تقوا بر آن توافق دارند. تقوا از اصول دین و حقیقت یقین و رضا و تسلیم است.

۴۹-۲-۵- به تقوای الهی امر کرد

﴿۱۲۲۳﴾ همانا خدای بلندمرتبه به سه چیز فرمان داده که سه چیز دیگر مقرون و همراه آن است: به نماز و زکات امر کرده؛ پس هرکس که نماز بخواند و زکات ندهد، نمازش پذیرفته نمی شود؛ و به شکر خودش به همراه شکر والدین امر کرده؛ پس هرکس که شکر والدین نکند، شکر خدا را نکرده است؛ و به تقوای خدا و صله‌ی رحم امر کرده؛ پس هرکس صله‌ی رحم نکند، تقوای خدای متعال را ندارد.

۵۰-۲-۵- به تقوای الهی فرمان داده شده‌اید

﴿۱۲۲۴﴾ شما را دستور به تقوا داده‌اند و برای همین آفریده شده‌اید.

۵۱-۲-۵- بر مبنای تقوای الهی حرکت کنید

﴿۱۲۲۵﴾ دستور العمل امام علیه السلام به مأموران جمع آوری مالیات: با ترس از خدایی که یکتاست و همتایی ندارد حرکت کن.

۵۲-۲-۵- گوش به تقوا بسپارید و به سوی آن رهسپار شوید

﴿أَهْمِيَةُ التَّقْوَى / الْأَمْرُ بِالتَّقْوَى وَالْوَرَعِ﴾

﴿١٢٢٦﴾ أمير المؤمنين عليه السلام: التَّقْوَى... فَأَهْطِعُوا بِأَسْمَاعِكُمْ إِلَيْهَا وَالْظُّلُوعَ بِجِدِّكُمْ عَلَيْهَا وَاعْتَنَاضُوهَا مِنْ كُلِّ سَلَفٍ خَلَفًا وَمِنْ كُلِّ مُخَالِفٍ مُوَافِقًا يَقْظُوا بِهَا نَوْمَكُمْ وَأَقْطَعُوا بِهَا يَوْمَكُمْ وَأَشْعِرُوهَا قُلُوبَكُمْ وَارْحَضُوا بِهَا ذُنُوبَكُمْ وَدَاوُوا بِهَا الْأَسْقَامَ وَبَادِرُوا بِهَا الْحِمَامَ وَاعْتَبِرُوا بِمَنْ أَضَاعَهَا وَلَا يَعْتَبِرَنَّ بِكُمْ مَنْ أَطَاعَهَا؛ نهج البلاغة، ص ٢٨٤
٢-٥-٥٣- أَوْصَى بِتَقْوَى اللَّهِ

﴿١٢٢٧﴾ الرسول ﷺ: أَنْ رَسُولَ اللَّهِ ﷺ كَانَ إِذَا بَعَثَ جَيْشًا أَوْ سَرِيَّةً أَوْصَى صَاحِبَهَا بِتَقْوَى اللَّهِ فِي خَاصَّةِ نَفْسِهِ وَمَنْ مَعَهُ مِنَ الْمُسْلِمِينَ خَيْرًا؛ مستدرک الوسائل، ج ١١، ص ٣١
﴿١٢٢٨﴾ أمير المؤمنين عليه السلام: أَنَّهُ أَوْصَى فَقَالَ فِي وَصِيَّتِهِ أَوْصَى وَلَدِي وَأَهْلِي وَجَمِيعَ الْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ بِتَقْوَى اللَّهِ؛ مستدرک الوسائل، ج ٧، ص ٨
﴿١٢٢٩﴾ الباقر عليه السلام: فَإِنِّي أَوْصِيكَ بِتَقْوَى اللَّهِ فَإِنَّ فِيهَا السَّلَامَةَ مِنَ التَّلَفِ وَالْغَنِيمَةَ فِي الْمُنْقَلَبِ؛ الكافي، ج ٨، ص ٥٢
٢-٥-٥٤- أَوْصَاكُمْ بِالتَّقْوَى

﴿١٢٣٠﴾ أمير المؤمنين عليه السلام: إِنَّ اللَّهَ تَعَالَى أَوْصَاكُمْ بِالتَّقْوَى وَجَعَلَهَا رِضَاهُ مِنْ خَلْقِهِ؛ غرر الحكم، ص ٢٦٩
﴿١٢٣١﴾ الحسن عليه السلام: أَوْصَاكُمْ بِالتَّقْوَى وَجَعَلَ التَّقْوَى مُنْتَهَى رِضَاهُ؛ بحار الأنوار، ج ٧٥، ص ١١٠
﴿١٢٣٢﴾ أمير المؤمنين عليه السلام: وَأَوْصَاكُمْ بِالتَّقْوَى وَجَعَلَهَا مُنْتَهَى رِضَاهُ وَحَاجَتَهُ مِنْ خَلْقِهِ؛ نهج البلاغة، ص ٢٦٦

﴿١٢٣٣﴾ أمير المؤمنين عليه السلام: قَدْ كَفَاكُمْ مَوْنَةَ دُنْيَاكُمْ وَحَثَّكُمْ عَلَى الشُّكْرِ وَافْتَرَضَ مِنْ أَلْسِنَتِكُمُ الذِّكْرَ وَأَوْصَاكُمْ بِالتَّقْوَى؛ شرح نهج البلاغة، ج ١٠، ص ١١٥
٢-٥-٥٥- أَوْصَيْتُكَ بِتَقْوَى اللَّهِ

﴿١٢٣٤﴾ أمير المؤمنين عليه السلام: وَقَدْ أَوْصَيْتُكَ بِتَقْوَى اللَّهِ، وَتَقْوَى رَبَّنَا جَمَاعُ كُلِّ خَيْرٍ، وَرَأْسُ كُلِّ أَمْرٍ؛ بحار الأنوار، ج ٣٤، ص ١٥
٢-٥-٥٦- أَوْصِيكَ بِاتِّقَاءِ اللَّهِ

«اهمیت تقوا / فرمان به پرهیزکاری و ورع»

﴿۱۲۲۶﴾ پس گوش جان را به ندای تقوا بسپارید، و برای به دست آوردن آن تلاش کنید. تقوا را به جای آنچه از دست رفته به دست آورید و عوض هر کار مخالفی که مرتکب شده‌اید، انتخاب کنید، با تقوا خواب خود را به بیداری تبدیل و روزتان را با آن سپری کنید، دل‌های خود را با تقوا زنده کنید، و گناهان خود را با آن شستشو دهید. بیماری‌های روان و جان خود را با تقوا درمان کنید و خود را آماده‌ی سفر آخرت گردانید، از تباه‌کنندگان تقوا عبرت بگیرید و خود عبرت پرهیزکاران نشوید.

۵۳-۵-۲- به پروای خدا سفارش کرد

﴿۱۲۲۷﴾ رسول خدا ﷺ هرگاه سربازان یا لشکریان را می‌فرستاد به فرماندهی آن‌ها توصیه می‌کرد که مسلمانان همراهشان و به‌خصوص خودش به‌خوبی تقوای الهی را مراعات کنند.

﴿۱۲۲۸﴾ علی‌السلام در وصیت خود فرموده است: و فرزندانم و خانواده‌ام و همه مردان و زنان مؤمن را به تقوای خداوند وصیت می‌کنم.

﴿۱۲۲۹﴾ تو را به تقوا توصیه می‌کنم، زیرا در تقوا سلامت و رهایی از تلف شدن [و هلاکت] و سودبردن در بازگشت گاه [آخرت] است.

۵۴-۵-۲- به پرهیزکاری سفارستان کرد

﴿۱۲۳۰﴾ خداوند متعال شما را به تقوا توصیه کرده و آن را شرط رضایتش از مخلوقاتش قرار داده است.

﴿۱۲۳۱﴾ [خداوند] شما را به پرهیزکاری که نهایت خشنودی اوست سفارش کرده است.

﴿۱۲۳۲﴾ و شما را به تقوا و پرهیزکاری سفارش نموده و آن را آخرین مرتبه‌ی رضا و خشنودی خود قرار داده و از بندگان خواسته است که از معاصی پرهیز نموده از او بترسند، و به طاعت بکوشند.

﴿۱۲۳۳﴾ خداوند هزینه‌ی دنیای شما را بر عهده گرفته است و به سپاسگزاری واداشته و ذکر خود را فریضه‌ی زبان‌ها کرده و شما را به پرهیزکاری سفارش کرده است.

۵۵-۵-۲- به پروای خدا سفارشت می‌کنم

﴿۱۲۳۴﴾ تو را به ترس از خدا وصیت می‌کنم و ترس از پروردگارمان که مجموعه‌ی همه‌ی خیرات و رأس هر کاری است.

۵۶-۵-۲- به پروای خدا سفارشت می‌کنم

﴿أَهْمِيَةُ التَّقْوَى / الْأَمْرُ بِالتَّقْوَى وَ الْوَرَعِ﴾

﴿١٢٣٥﴾ الرَّسُولُ ﷺ: أَوْصَى رَسُولُ اللَّهِ ﷺ مُعَاذَ بْنِ جَبَلٍ فَقَالَ لَهُ أُوصِيكَ بِاتَّقَاءِ اللَّهِ؛

إرشاد القلوب، ج ١، ص ٧٣

٥٧-٥-٢- أُوصِيكَ بِتَقْوَى اللَّهِ

﴿١٢٣٦﴾ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ ﷺ: أُوصِيكَ يَا حَسَنُ وَ جَمِيعَ مَنْ حَضَرَنِي مِنْ أَهْلِ بَيْتِي وَ وَلَدِي وَ

شِيعَتِي بِتَقْوَى اللَّهِ؛ مستدرک الوسائل، ج ١٣، ص ٤٤١

﴿١٢٣٧﴾ الرَّسُولُ ﷺ: عَنْ أَبِي ذَرٍّ عَنْ رَسُولِ اللَّهِ ﷺ فِي حَدِيثٍ قَالَ قُلْتُ يَا رَسُولَ اللَّهِ

أَوْصِنِي قَالَ أُوصِيكَ بِتَقْوَى اللَّهِ فَإِنَّهُ رَأْسُ الْأَمْرِ كُلِّهِ؛ وسائل الشيعة، ج ١٥، ص ٢٨٩

﴿١٢٣٨﴾ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ ﷺ: إِنْ أَنَا بَقِيتُ لَكَ أَوْ فَنِيتُ فَأَوْصِيكَ بِتَقْوَى اللَّهِ يَا بُنَيَّ؛

بحار الأنوار، ج ٧٤، ص ٢٠٠

﴿١٢٣٩﴾ الرَّسُولُ ﷺ: أُوصِيكَ بِتَقْوَى اللَّهِ فِي سَرِيرَتِكَ وَ عَلَانِيَتِكَ؛ شرح نهج البلاغة، ج ١٧،

ص ٦٧

﴿١٢٤٠﴾ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ ﷺ: إِنِّي أُوصِيكَ بِتَقْوَى اللَّهِ فِي أَمْرِ سِرِّكَ وَ عَلَانِيَتِكَ وَ عَلَى أَى

حَالٍ كُنْتَ عَلَيْهِ؛ بحار الأنوار، ج ٧٤، ص ٣٩٢

﴿١٢٤١﴾ الصَّادِقُ ﷺ: أُوصِيكَ بِتَقْوَى اللَّهِ وَ الْوَرَعِ وَ الْجِتْهَادِ؛ الكافي، ج ٢، ص ٧٦

﴿١٢٤٢﴾ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ ﷺ: يَا بُنَيَّ أُوصِيكَ بِتَقْوَى اللَّهِ فِي الْغِنَى وَ الْفَقْرِ؛ بحار الأنوار، ج ٧٤،

ص ٢٣٨

﴿١٢٤٣﴾ الصَّادِقُ ﷺ: عَنْ الْمُفَضَّلِ أَنَّهُ كَتَبَ إِلَى أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ﷺ فَبَجَاءَهُ هَذَا الْجَوَابُ مِنْ

أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ﷺ: أَمَّا بَعْدُ فَإِنِّي أُوصِيكَ وَ نَفْسِي بِتَقْوَى اللَّهِ وَ طَاعَتِهِ؛ بحار الأنوار، ج ٢٤، ص ٢٨٦

﴿١٢٤٤﴾ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ ﷺ: قَالَ لِلْحَسَنِ ﷺ: أُوصِيكَ يَا بُنَيَّ بِتَقْوَى اللَّهِ؛ كشف الغمة، ج ١، ص ٤٣١

٥٨-٥-٢- أُوصِيكَ بِتَقْوَى اللَّهِ وَ الْوَرَعِ

﴿١٢٤٥﴾ الصَّادِقُ ﷺ: أُوصِيكَ بِتَقْوَى اللَّهِ وَ الْوَرَعِ؛ بشارة المصطفى، ص ٢٢٢

٥٩-٥-٢- أُوصِيكَ بِالْوَرَعِ

﴿١٢٤٦﴾ الرَّسُولُ ﷺ: يَا عَلِيُّ أُوصِيكَ فِي نَفْسِكَ بِخِصَالٍ فَاحْفَظْهَا عَنِّي ثُمَّ قَالَ اللَّهُمَّ أَعْنِهِ

أَمَّا الْأَوَّلَى فَالصَّدْقُ وَ لَا تَخْرُجَنَّ مِنْ فَيْكِ كَذِبُهُ أَبَدًا وَ الثَّانِيَةُ الْوَرَعُ وَ لَا تَجْتَرِيْ عَلَى خِيَانَةِ أَبَدًا؛

الكافي، ج ٨، ص ٧٩

«اهمیت تقوا / فرمان به پرهیزکاری و ورع»

﴿۱۲۳۵﴾ پیامبر ﷺ به معاذبن جبل توصیه می کرد و می فرمود: «تو را به تقوای الهی توصیه می کنم».

۲-۵-۵۷- به پروای خدا سفارشت می کنم

﴿۱۲۳۶﴾ ای حسن! تو و تمام اهل بیت و فرزندانم و پیروانم را که در محضر حاضرند را به تقوای الهی توصیه می کنم.

﴿۱۲۳۷﴾ ابوذر گوید: به رسول خدا ﷺ عرض کردم: «ای رسول خدا! مرا سفارشی فرما». فرمود: «تو را به رعایت تقوای الهی سفارش می کنم زیرا تقوا اصل همه ی کارها [ی شایسته] است».

﴿۱۲۳۸﴾ خواه من برای تو زنده مانم یا از این جهان درگذرم ای فرزند گرامی! به تو اندرز می دهم که از خدا بترس.

﴿۱۲۳۹﴾ تو را در پنهان و آشکار به تقوای الهی توصیه می کنم.

﴿۱۲۴۰﴾ من تو را به پروای الهی در پنهان و آشکار کارهایت و در هر شرایطی که هستی سفارش می کنم.

﴿۱۲۴۱﴾ تو را به ترس از خدا و پارسایی و کوشایی سفارش می کنم.

﴿۱۲۴۲﴾ ای فرزندم! تو را سفارش می کنم به ترس از خدا، در حال دارایی و فقر.

﴿۱۲۴۳﴾ مفضل نامه ای برای امام صادق علیه السلام نوشت. این جواب از طرف امام صادق علیه السلام آمد: من تو و خود را به تقوا و فرمانبرداری خدا سفارش می کنم.

﴿۱۲۴۴﴾ پسرم! تو را به پرهیزکاری و ترس از خدای متعال سفارش می کنم.

۲-۵-۵۸- به پروای خدا و ورع سفارشت می کنم

﴿۱۲۴۵﴾ شما را به تقوای الهی و ورع سفارش می کنم.

۲-۵-۵۹- به ورع سفارشت می کنم

﴿۱۲۴۶﴾ یا علی! من تو را درباره ی خویش به چند چیز سفارش می کنم آن ها را از من یادداشت کن. خدایا! [در حفظ آن] یاریش کن: اول: راستگویی؛ مبادا هرگز دروغی از دهانت بیرون آید. دوم: ورع و پرهیزکاری؛ مبادا بر خیانتی دلیر گردی [و خیانتی از تو سر زند]... .

﴿أَهْمِيَةُ التَّقْوَى / الْأَمْرُ بِالتَّقْوَى وَالْوَرَعِ﴾

٥٠-٢- أوصيكم بتقوى الله

﴿١٢٤٧﴾ أمير المؤمنين عليه السلام: قَالَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عليه السلام فِي وَصِيَّتِهِ عِنْدَ وَفَاتِهِ لِلْحَسَنِ وَ الْحُسَيْنِ عليهما السلام أَوْصِيَكُمْ وَ جَمِيعَ وَلَدِي وَ أَهْلِي وَ مَنْ بَلَغَهُ كِتَابِي بِتَقْوَى اللَّهِ وَ نَظْمِ أَمْرِكُمْ؛ مستدرک الوسائل، ج ١٣، ص ٤٤١

﴿١٢٤٨﴾ أمير المؤمنين عليه السلام: أَوْصِيَكُمْ وَ جَمِيعَ وَلَدِي وَ أَهْلِي وَ مَنْ بَلَغَهُ كِتَابِي بِتَقْوَى اللَّهِ؛ بحار الأنوار، ج ٤٢، ص ٢٥٦

﴿١٢٤٩﴾ أمير المؤمنين عليه السلام: [مناقب خوارزمي]: دَعَا عَلِيُّ عليه السلام حَسَنًا وَ حُسَيْنًا عليهما السلام فَقَالَ أَوْصِيَكُمْ بِتَقْوَى اللَّهِ؛ كشف الغمة، ج ١، ص ٤٣١

٥١-٢- أوصيكم بتقوى الله

﴿١٢٥٠﴾ أمير المؤمنين عليه السلام: أَوْصِيَكُمْ عِبَادَ اللَّهِ بِتَقْوَى اللَّهِ؛ مجموعة ورام، ج ٢، ص ٨٨
﴿١٢٥١﴾ أمير المؤمنين عليه السلام: أَوْصِيَكُمْ عِبَادَ اللَّهِ بِتَقْوَى اللَّهِ وَ أَحْذَرُكُمْ الدُّنْيَا؛ نهج البلاغة،

ص ٣١٠

﴿١٢٥٢﴾ أمير المؤمنين عليه السلام: أَوْصِيَكُمْ عِبَادَ اللَّهِ بِتَقْوَى اللَّهِ فَإِنَّهَا الزِّمَامُ وَ الْقِوَامُ فَتَمَسَّكُوا بِوَتَائِقِهَا وَ اعْتَصِمُوا بِحَقَائِقِهَا تَوَلَّ بِكُمْ إِلَى أَكْنَانِ الدَّعَةِ وَ أَوْطَانِ السَّعَةِ وَ مَعَالِلِ الْحِرْزِ وَ مَنَازِلِ الْعِزِّ فِي يَوْمٍ تَشْخَصُ فِيهِ الْأَبْصَارُ؛ نهج البلاغة، ص ٣٠٩

﴿١٢٥٣﴾ أمير المؤمنين عليه السلام: أَوْصِيَكُمْ عِبَادَ اللَّهِ بِتَقْوَى اللَّهِ فَإِنَّهَا خَيْرُ مَا تَوَاصَى الْعِبَادُ بِهِ وَ خَيْرُ عَوَاقِبِ الْأُمُورِ عِنْدَ اللَّهِ؛ نهج البلاغة، ص ٢٤٧

﴿١٢٥٤﴾ أمير المؤمنين عليه السلام: أَوْصِيَكُمْ بِتَقْوَى اللَّهِ فَإِنَّ تَقْوَى اللَّهِ خَيْرُ مَا تَوَاصَى بِهِ عِبَادُ اللَّهِ وَ أَقْرَبُهُ إِلَى رِضْوَانِ اللَّهِ وَ خَيْرُهُ فِي عَوَاقِبِ الْأُمُورِ عِنْدَ اللَّهِ؛ بحار الأنوار، ج ٣٢، ص ٣٥٦

﴿١٢٥٥﴾ الرسول ﷺ: أَوْصِيَكُمْ بِتَقْوَى اللَّهِ فَإِنَّهُ خَيْرُ مَا أَوْصَى بِهِ الْمُسْلِمُ الْمُسْلِمُ أَنْ يَحْضَهُ عَلَى الْآخِرَةِ وَ أَنْ يَأْمُرَهُ بِتَقْوَى اللَّهِ؛ مستدرک الوسائل، ج ٦، ص ٣٣

﴿١٢٥٦﴾ أمير المؤمنين عليه السلام: أَوْصِيَكُمْ عِبَادَ اللَّهِ بِتَقْوَى اللَّهِ وَ طَاعَتِهِ فَإِنَّهَا النَّجَاةُ غَدًا وَ الْمُنْجَاةُ أَبَدًا؛ نهج البلاغة، ص ٢٣٠

﴿١٢٥٧﴾ أمير المؤمنين عليه السلام: أَوْصِيَكُمْ عِبَادَ اللَّهِ بِتَقْوَى اللَّهِ الَّتِي هِيَ الزَّادُ وَ بِهَا الْمَعَادُ زَادٌ مُبْلَغٌ وَ مَعَادٌ مُنْجَجٌ؛ نهج البلاغة، ص ١٦٩

«اهمیت تقوا / فرمان به پرهیزکاری و ورع»

۶۰-۵-۲- به پروای خدا سفارستان می‌کنم

﴿۱۲۴۷﴾ در وصیتی که هنگام شهادت به امام حسن و امام حسین علیهما السلام می‌کرد، فرمود: شما و همه فرزندان و اهل بیت و هرکس را که نامه‌ام به او می‌رسد سفارش می‌کنم به تقوا و ترس از خدا و مرتب کردن و به هم پیوستن کارتان.

﴿۱۲۴۸﴾ شما و تمام فرزندان و خاندانم و کسانی که این وصیت به آن‌ها می‌رسد را به تقوای خدا سفارش می‌کنم.

﴿۱۲۴۹﴾ امام علی علیه السلام امام حسن و امام حسین علیهما السلام را فراخواند و فرمود: «من شما را به تقوای خدای متعال توصیه می‌کنم».

۶۱-۵-۲- به پروای خدا سفارستان می‌کنم

﴿۱۲۵۰﴾ بندگان خدا! شما را به پروای از خدا توصیه می‌کنم.

﴿۱۲۵۱﴾ بندگان خدا شما را به تقوا و اطاعت از خدا سفارش می‌کنم، و از دنیا بر حذر می‌نمایم.

﴿۱۲۵۲﴾ ای بندگان خدا! شما را به پرهیزکاری سفارش می‌کنم، که عامل کنترل و مایه‌ی استواری شماست، پس به رشته‌های تقوا چنگ زنید و به حقیقت‌های آن پناه آورید، تا شما را به سر منزل آرامش و جایگاه‌های وسیع و پناهگاه‌های محکم و منزلگاه‌های پر عزت برساند، در روزی که چشم‌ها خیره می‌شود.

﴿۱۲۵۳﴾ ای بندگان خدا! شما را به تقوا و ترس از عذاب خدا سفارش می‌کنم، زیرا تقوای الهی بهترین سفارش مؤمنان و بهترین عاقبت‌ها در پیشگاه خداست.

﴿۱۲۵۴﴾ من شما را به تقوای الهی سفارش می‌کنم زیرا تقوا بهترین چیزی است که بندگان خدا به آن سفارش می‌شوند، و نزدیک‌ترین وسیله برای جلب رضایت خداست و نزد خداوند خوش عاقبت‌ترین کارهاست.

﴿۱۲۵۵﴾ شما را به پرهیزکاری خدا سفارش می‌کنم که نیکوترین اندرزی که مسلمان به مسلمان دهد این است که وی را به کار آخرت ترغیب کند و به پرهیزکاری خدا فرمان دهد.

﴿۱۲۵۶﴾ بندگان خدا! شما را به ترس از خدا و فرمانبرداری او سفارش می‌کنم، زیرا پیروی از فرمان او سبب رستگاری فردا [ی قیامت] و رهایی [از عذاب] همیشگی است.

﴿۱۲۵۷﴾ ای بندگان خدا! شما را به تقوای الهی سفارش می‌کنم، که زاد و توشه‌ی سفر قیامت است. تقوا توشه‌ای است که به منزل رساند، پناهگاهی است که ایمن می‌گرداند.

﴿أَهْمِيَةُ التَّقْوَى / الْأَمْرُ بِالتَّقْوَى وَالْوَرَعِ﴾

﴿١٢٥٨﴾ أمير المؤمنين عليه السلام: أَوْصِيَكُمْ وَنَفْسِي بِتَقْوَى اللَّهِ الْعَظِيمِ فَإِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ قَدْ جَعَلَ لِلْمُتَّقِينَ الْمَخْرَجَ مِمَّا يَكْرَهُونَ وَالرِّزْقَ مِنْ حَيْثُ لَا يَحْتَسِبُونَ؛ الكافي، ج ٥، ص ٣٦٩
 ﴿١٢٥٩﴾ الرسول صلى الله عليه وآله: أَوْصِيَكُمْ عِبَادَ اللَّهِ بِتَقْوَى اللَّهِ الَّذِي لَا يَسْتَغْنِي عَنْهُ الْعِبَادُ؛ بحار الأنوار، ج ٣٦، ص ٣٢٠

﴿١٢٦٠﴾ أمير المؤمنين عليه السلام: أَوْصِيَكُمْ بِتَقْوَى اللَّهِ وَ أَوْصَى اللَّهُ بِكُمْ؛ بحار الأنوار، ج ٢٢، ص ٤٥٥
 ﴿١٢٦١﴾ أمير المؤمنين عليه السلام: فَإِنِّي أَوْصِيَكُمْ بِتَقْوَى اللَّهِ فِي سِرِّ أَمْرِكُمْ وَعَلَانِيَتِهِ وَعَلَى أَيِّ حَالٍ كُنْتُمْ عَلَيْهَا؛ بحار الأنوار، ج ٣٣، ص ٥٤٢
 ﴿١٢٦٢﴾ السجاد عليه السلام: أَوْصِيَكُمْ بِتَقْوَى اللَّهِ فَإِنَّهَا وَصِيَّةُ اللَّهِ فِي الْمَاضِينَ وَالْعَابِرِينَ؛ الكافي، ج ٥، ص ٣٧٠

﴿١٢٦٣﴾ الباقر عليه السلام: أَوْصِيَكُمْ عِبَادَ اللَّهِ بِتَقْوَى اللَّهِ وَأَخَوْفُكُمْ مِنْ عِقَابِهِ؛ الكافي، ج ٣، ص ٤٢٢
 ﴿١٢٦٤﴾ أمير المؤمنين عليه السلام: إِنِّي أَوْصِيَكُمْ بِتَقْوَى اللَّهِ فِيمَا أَنْتُمْ عَنْهُ مَسْئُولُونَ وَعَمَّا أَنْتُمْ إِلَيْهِ صَائِرُونَ؛ بحار الأنوار، ج ٣٣، ص ٥٨٥
 ﴿١٢٦٥﴾ أمير المؤمنين عليه السلام: فَإِنِّي أَوْصِيَكُمْ بِتَقْوَى اللَّهِ الَّذِي ابْتَدَأَ خَلْقَكُمْ وَإِلَيْهِ يَكُونُ مَعَادُكُمْ وَبِهِ نَجَاحُ طَلِبَتِكُمْ وَإِلَيْهِ مُنْتَهَى رَغْبَتِكُمْ وَنَحْوَهُ قَصْدُ سَبِيلِكُمْ وَإِلَيْهِ مَرَامِي مَقْزَعِكُمْ؛ نهج البلاغة، ص ٣١٢

﴿١٢٦٦﴾ أمير المؤمنين عليه السلام: أَوْصِيَكُمْ عِبَادَ اللَّهِ بِتَقْوَى اللَّهِ... الَّذِي رَغِبَ فِي التَّقْوَى وَزَهَدَ فِي الدُّنْيَا وَحَذَرَ الْمَعَاصِي وَتَعَزَّزَ بِالْبَقَاءِ وَذَلَّلَ خَلْقَهُ بِالْمَوْتِ وَالْفَنَاءِ؛ من لا يحضره الفقيه، ج ١، ص ٥١٤

٢-٥-٦٢- أَوْصِيَكُمْ بِتَقْوَى اللَّهِ وَالْوَرَعِ

﴿١٢٦٧﴾ الصادق عليه السلام: أَوْصِيَكُمْ بِتَقْوَى اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ وَالْوَرَعِ فِي دِينِكُمْ؛ الكافي، ج ٢، ص ٦٣٦

٢-٥-٦٣- أَوْصِهِمْ بِتَقْوَى اللَّهِ

﴿١٢٦٨﴾ الباقر عليه السلام: عَنْ خَيْثَمَةَ قَالَ دَخَلْتُ عَلَى أَبِي جَعْفَرٍ عليه السلام أَوْدَعَهُ فَقَالَ يَا خَيْثَمَةُ أُنَبِّئُكَ مَنْ تَرَى مِنْ مَوَالِينَا السَّلَامَ وَأَوْصِهِمْ بِتَقْوَى اللَّهِ الْعَظِيمِ؛ الكافي، ج ٢، ص ١٧٥

«اهمیت تقوا / فرمان به پرهیزکاری و ورع»

﴿۱۲۵۸﴾ شما و خود را به تقوای خدای بزرگ توصیه می‌کنم. خداوند بلندمرتبه راه خروج از گرفتاری‌ها و ناراحتی‌ها را برای اهل تقوا قرار می‌دهد و رزقشان را از راهی که گمان نمی‌کنند می‌دهند.

﴿۱۲۵۹﴾ بندگان خدا! شما را به ترس از خدایی که نمی‌توان از وی بی‌نیاز بود سفارش می‌کنم.

﴿۱۲۶۰﴾ شما را به تقوا و پرهیزکاری سفارش می‌کنم و شما را به توجّه کردن به خدا توصیه می‌کنم.

﴿۱۲۶۱﴾ من شما را به تقوای خدا در امور پیدا و پنهانان و در هر حالی که بودید، توصیه می‌کنم.

﴿۱۲۶۲﴾ شما را به تقوای الهی توصیه می‌کنم که این امر، توصیه‌ی خدا به گذشتگان و پیشینیان است.

﴿۱۲۶۳﴾ ای بندگان خدا! شما را به تقوا و پرهیز از خشم خدا توصیه می‌کنم و از کيفر او بر حذر می‌دارم.

﴿۱۲۶۴﴾ من شما را به تقوای خدا در آنچه که درباره‌ی آن مورد سؤال واقع می‌شود و آنچه که به‌سوی آن در حرکت هستید، توصیه می‌کنم.

﴿۱۲۶۵﴾ شما را سفارش می‌کنم به پرهیزکاری و ترس از خداوندی که آغاز آفرینش شما از او و بازگشت شما به‌سوی اوست و برآوردن حاجت و درخواستان با او و نهایت آرزو و خواهستان به اوست. و راه راستان به طرف اوست. و پناه و گریزگاهتان اوست.

﴿۱۲۶۶﴾ ای بندگان خدا! شما را به تقوای خدا دعوت می‌کنم... همان کسی که به تقوا تشویق نموده، به زهد در دنیا سفارش نموده و از گناهان بر حذر داشته است و افراد را با بقا در آخرت عزیز کرده و مخلوقاتش را با مرگ و فنا [در دنیا] ذلیل کرده است.

۲-۵-۶۲- به پروای خدا و ورع سفارستان می‌کنم

﴿۱۲۶۷﴾ شما را به تقوای خداوند متعال و ورع در دینتان توصیه می‌کنم.

۲-۵-۶۳- به پروای خدا سفارششان کن

﴿۱۲۶۸﴾ خیمه گوید: خدمت امام باقر علیه السلام رسیدم تا با ایشان خداحافظی کنم. فرمود: «درود ما را به دوستان مکتبی ما برسان و سفارش کن که از خدای بزرگ بپرهیزند».

﴿أَهْمِيَّةُ التَّقْوَى / الْأَمْرُ بِالتَّقْوَى وَالْوَرَعِ﴾

﴿١٢٦٩﴾ الصَّادِقُ عليه السلام: عَنْ ابْنِ أُسَامَةَ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ أَقْرَى مَنْ تَرَى أَنَّهُ يُطِيعُنِي وَيَأْخُذُ بِقَوْلِي مِنْهُمْ السَّلَامَ وَأَوْصِيَهُمْ بِتَقْوَى اللَّهِ وَالْوَرَعِ فِي دِينِهِمْ وَالْاجْتِهَادِ لِلَّهِ؛ بحار الأنوار، ج ٨٢، ص ١٦٦

﴿١٢٧٠﴾ الصَّادِقُ عليه السلام: أَنَّهُ قَالَ لِخَيْثَمَةَ أَيْلَغَ مَوَالِينَا السَّلَامَ وَأَوْصِيَهُمْ بِتَقْوَى اللَّهِ؛

مستدرک الوسائل، ج ٢، ص ٧٧

﴿١٢٧١﴾ الصَّادِقُ عليه السلام: أَوْصِيَهُمْ بِتَقْوَى اللَّهِ وَالْوَرَعِ فِي دِينِهِمْ؛ مشكاة الأنوار، ص ٦٤

﴿٢-٥-٦٥﴾ تَجَهَّزُوا بِالتَّقْوَى

﴿١٢٧٢﴾ أمير المؤمنين عليه السلام: تَجَهَّزُوا رَحِمَكُمُ اللَّهُ وَانْتَقِلُوا بِأَفْضَلِ مَا بَحَضَرَتْكُمْ مِنَ الزَّادِ وَ

هُوَ التَّقْوَى؛ بحار الأنوار، ج ٦٨، ص ١٧٢

﴿٢-٥-٦٦﴾ تَحَلَّ بِالْوَرَعِ

﴿١٢٧٣﴾ أمير المؤمنين عليه السلام: تَحَلَّ بِالسَّخَاءِ وَالْوَرَعِ فَهُمَا حَلِيَّةُ الْإِيمَانِ وَأَشْرَفُ خِلَالِكِ؛

غرر الحكم، ص ٣٧٦

﴿٢-٥-٦٧﴾ تَزَكُّوا بِالْوَرَعِ

﴿١٢٧٤﴾ أمير المؤمنين عليه السلام: وَاصْدُقُوا فِي أَقْوَالِكُمْ وَاخْلُصُوا فِي أَعْمَالِكُمْ وَتَزَكُّوا بِالْوَرَعِ؛

غرر الحكم، ص ٢١٧

﴿٢-٥-٦٨﴾ تَزَوَّدُوا مِنَ الدُّنْيَا التَّقْوَى

﴿١٢٧٥﴾ أمير المؤمنين عليه السلام: تَزَوَّدُوا مِنَ الدُّنْيَا فَإِنَّ خَيْرَ مَا تَزَوَّدَتْ مِنْهَا التَّقْوَى؛ بحار الأنوار،

ج ١٠، ص ١٠٨

﴿٢-٥-٦٩﴾ فَتَزَوَّدُوا بِالتَّقْوَى

﴿١٢٧٦﴾ الباقر عليه السلام: فَلَا تَغْرَنَكُمُ الدُّنْيَا وَلَا تَرْكُنُوا إِلَيْهَا فَإِنَّهَا دَارُ غُرُورٍ كَتَبَ اللَّهُ عَلَيْهَا وَ

عَلَى أَهْلِهَا الْفَنَاءَ فَتَزَوَّدُوا مِنْهَا الَّذِي أَكْرَمَكُمُ اللَّهُ بِهِ مِنَ التَّقْوَى وَالْعَمَلِ الصَّالِحِ فَإِنَّهُ لَا يَصِلُ إِلَى

اللَّهِ مِنْ أَعْمَالِ الْعِبَادِ إِلَّا مَا خَلَصَ مِنْهَا وَلَا يَتَقَبَّلُ اللَّهُ إِلَّا مِنَ الْمُتَّقِينَ؛ الكافي، ج ٣، ص ٤٢٢

﴿٢-٥-٧٠﴾ تَزَوَّدُوا فَإِنَّ خَيْرَ الزَّادِ التَّقْوَى

﴿١٢٧٧﴾ وَتَزَوَّدُوا فَإِنَّ خَيْرَ الزَّادِ التَّقْوَى؛ البقرة ١٩٧

﴿اهمیت تقوا / فرمان به پرهیزکاری و ورع﴾

﴿۱۲۶۹﴾ ابو أسامه گوید: امام صادق علیه السلام فرمود: «به کسانی که می‌بینی از من پیروی می‌کنند و به گفتار من عمل می‌کنند، سلام مرا برسان و سفارش کن که نسبت به خدای متعال تقوا داشته باشند و در این راه پارسا باشند و در راه خدا کوشش کنند».

۲-۵-۶۴ به پروای خدا سفارششان می‌کنم

﴿۱۲۷۰﴾ به خیشمه فرمود: به دوستان ما سلام برسان و آن‌ها را به تقوای الهی توصیه کن.

﴿۱۲۷۱﴾ آن‌ها (دوستانم) را به تقوای الهی و مراعات ورع در دینشان توصیه کن.

۲-۵-۶۵ به پروای خدا مجهز شوید

﴿۱۲۷۲﴾ آماده شوید! خدا شما را رحمت کند و بهترین چیزی که الان در اختیار شما است، آن تقوا و پرهیزکاری است [که به عنوان ذخیره برای خود آماده کنید تا به همراه خود ببرید.

۲-۵-۶۶ خود را به ورع بیارای

﴿۱۲۷۳﴾ با سخاوت و ورع، [ایمانت را] زینت کن که این دو، زینت ایمان و بهترین صفات تو هستند.

۲-۵-۶۷ خود را با ورع پاک کن

﴿۱۲۷۴﴾ در سخن‌هایتان راستگو و در کارهایتان با اخلاص باشید و با ورع خود را تزکیه کنید.

۲-۵-۶۸ از دنیا پرهیزکاری توشه بردارید

﴿۱۲۷۵﴾ از دنیا توشه بگیر که بهترین توشه‌ای که از آن برمی‌گیری، پارسایی است.

۲-۵-۶۹ پرهیزکاری توشه بردارید

﴿۱۲۷۶﴾ دنیا شما را فریب ندهد، به آن اعتماد نکنید و تکیه‌گاه خود قرار ندهید که دنیا خانه‌ای پر مکر و فریب است و خداوند عاقبت دنیا و اهلش را نابودی و فنا تقدیر کرده است. پس تلاش کنید تا توشه‌ای از دنیا برچینید که نزد خداوند گرامی باشد [و خداوند به واسطه‌ی آنان شما را بزرگ دارد] که همان تقوا و عمل صالح است؛ زیرا تنها اعمالی که از سر اخلاص انجام شده‌اند مقبول خداوند است و خداوند تنها اعمال اهل تقوا را می‌پذیرد.

۲-۵-۷۰ توشه بردارید که بهترین توشه پرهیزکاری است

﴿۱۲۷۷﴾ و زاد و توشه تهیه کنید، که بهترین زاد و توشه، پرهیزکاری است!

﴿أَهْمِيَّةُ التَّقْوَى / الْأَمْرُ بِالتَّقْوَى وَ الْوَرَعِ﴾

﴿١٢٧٨﴾ أمير المؤمنين عليه السلام: تَزَوَّدُوا مِنْ الدُّنْيَا التَّقْوَى فَإِنَّهَا خَيْرُ مَا تَزَوَّدْتُمُوهُ مِنْهَا؛

تحف العقول، ص ١٢٠

﴿١٢٧٩﴾ الحسن عليه السلام: فَإِنَّ الْمُؤْمِنَ يَتَزَوَّدُ وَ الْكَافِرَ يَتَمَتَّعُ وَ كَانَ عليه السلام يَتْلُو بَعْدَ هَذِهِ الْمَوْعِظَةِ وَ

تَزَوَّدُوا فَإِنَّ خَيْرَ الزَّادِ التَّقْوَى؛ بحار الأنوار، ج ٧٥، ص ١١٢

٢-٥-٧١- تَعَاوَنُوا عَلَى التَّقْوَى

﴿١٢٨٠﴾ تَعَاوَنُوا عَلَى الْبِرِّ وَ التَّقْوَى وَلَا تَعَاوَنُوا عَلَى الْإِثْمِ وَ الْعُدْوَانِ وَ اتَّقُوا اللَّهَ إِنَّ اللَّهَ شَدِيدُ

الْعِقَابِ؛ المائدة ٢

﴿١٢٨١﴾ أمير المؤمنين عليه السلام: عِبَادَ اللَّهِ تَعَاوَنُوا عَلَى الْبِرِّ وَ التَّقْوَى وَ تَرَاحَمُوا وَ تَعَاطَفُوا؛

مستدرک الوسائل، ج ٦، ص ١٥٧

٢-٥-٧٢- سُوِسُوا أَنْفُسَكُمْ بِالْوَرَعِ

﴿١٢٨٢﴾ أمير المؤمنين عليه السلام: سُوِسُوا أَنْفُسَكُمْ بِالْوَرَعِ وَ دَاوُوا مَرْضَاكُمْ بِالصَّدَقَةِ؛ غرر الحكم، ص ٣٩٥

٢-٥-٧٣- صَبِرِ التَّقْوَى عُدَّةً وَفَاتِكَ

﴿١٢٨٣﴾ أمير المؤمنين عليه السلام: صَبِرِ الدِّينَ جُنَّةً حَيَاتِكَ وَ التَّقْوَى عُدَّةً وَفَاتِكَ؛ غرر الحكم، ص ٨٥

٢-٥-٧٤- صُونُوا التَّقْوَى وَ تَصُونُوا بِهَا

﴿١٢٨٤﴾ أمير المؤمنين عليه السلام: التَّقْوَى... أَلَا فَصُونُوهَا وَ تَصُونُوا بِهَا؛ نهج البلاغة، ص ٢٨٤

٢-٥-٧٥- ضَادُّوا الطَّمَعَ بِالْوَرَعِ

﴿١٢٨٥﴾ أمير المؤمنين عليه السلام: ضَادُّوا الطَّمَعَ بِالْوَرَعِ؛ غرر الحكم، ص ٢٧٢

٢-٥-٧٦- طَهَّرْ قَلْبَكَ لِلتَّقْوَى

﴿١٢٨٦﴾ الصادق عليه السلام: طَهَّرْ قَلْبَكَ لِلتَّقْوَى وَ الْيَقِينَ عِنْدَ طَهَارَةِ جَوَارِحِكَ بِالْمَاءِ؛ بحار الأنوار، ج ٧٧، ص ٣٣٩

﴿١٢٨٧﴾ الصادق عليه السلام: طَهَّرْ قَلْبَكَ بِالتَّقْوَى وَ الْيَقِينَ عِنْدَ طَهَارَةِ جَوَارِحِكَ بِالْمَاءِ؛

مستدرک الوسائل، ج ١، ص ٣٥٣

٢-٥-٧٧- عَلَيْكَ بِالتَّقْوَى

﴿١٢٨٨﴾ أمير المؤمنين عليه السلام: عَلَيْكَ بِالتَّقْوَى فَإِنَّهُ أَشْرَفُ نَسَبٍ؛ غرر الحكم، ص ٢٧٠

﴿١٢٨٩﴾ لقمان عليه السلام: عَلَيْكَ بِالتَّقْوَى فَإِنَّهُ أَرْبَحُ التَّجَارَاتِ؛ إرشاد القلوب، ج ١، ص ٧٢

«اهمیت تقوا / فرمان به پرهیزکاری و ورع»

﴿۱۲۷۸﴾ از دنیا توشه‌ی تقوا برچینید که بهترین توشه‌ای که از آن برمی‌گیرید، تقواست.
﴿۱۲۷۹﴾ مؤمن توشه بر می‌دارد و کافر در دنیا برخوردار است؛ سپس این موعظه را می‌خواند:
«و زاد و توشه تهیه کنید، که بهترین زاد و توشه، پرهیزکاری است!».

۲-۵-۷۱- بر مبنای پرهیزکاری همکاری کنید

﴿۱۲۸۰﴾ و (همواره) در راه نیکی و پرهیزکاری با هم تعاون کنید! و (هرگز) در راه گناه و تعدی همکاری ننمایید! و از (مخالفت فرمان) خدا بپرهیزید که مجازات خدا شدید است!
﴿۱۲۸۱﴾ بندگان خدا! [همواره] در راه نیکی و پرهیزکاری با هم تعاون کنید. به یکدیگر رحم کنید و با هم مهربان باشید.

۲-۵-۷۲- جان‌هایتان را با پرهیزکاری مدیریت کنید

﴿۱۲۸۲﴾ خودتان را بر پرهیزکاری سیاست [و تربیت] کنید و بیمارانتان را با صدقه درمان نمایید.

۲-۵-۷۳- پرهیزکاری را سرمایه‌ی مرگتان قرار دهید

﴿۱۲۸۳﴾ دین را سپر محافظی برای زندگی خود و تقوا را سرمایه‌ای برای مرگ خود کن.

۲-۵-۷۴- پرهیزکاری را محافظت کنید و با پرهیزکاری خود را حفظ نمایید

﴿۱۲۸۴﴾ آگاه باشید! تقوا را حفظ کنید و خویشتان را با تقوا حفظ نمایید.

۲-۵-۷۵- طمع را با پرهیزکاری برانید

﴿۱۲۸۵﴾ به کمک مراعات ورع با طمع مخالفت کنید.

۲-۵-۷۶- قلبت را برای پرهیزکاری پاک کن

﴿۱۲۸۶﴾ هنگامی که اعضای بدن را با آب تطهیر می‌کنی، قلبت را با یقین و تقوا پاک کن.

﴿۱۲۸۷﴾ هنگامی که اعضایت را با آب پاک می‌گردانی، قلبت را نیز با تقوا و یقین پاک بگردان.

۲-۵-۷۷- بر تو باد پرهیزکاری

﴿۱۲۸۸﴾ بر شما باد به تقوا که شریف‌ترین نسب است.

﴿۱۲۸۹﴾ اهل تقوا باش که تقوا پرسودترین تجارت است.

﴿أَهْمِيَةُ التَّقْوَى / الْأَمْرُ بِالتَّقْوَى وَ الْوَرَعِ﴾

﴿١٢٩٠﴾ أمير المؤمنين عليه السلام: عَلَيْكَ بِالتَّقْوَى وَ الصَّدْقِ فَهُمَا جَمَاعُ الدِّينِ؛ غررالحكم، ص ١٣٨
٢-٥-٧٨- فَعَلَيْكَ بِالتَّقْوَى

﴿١٢٩١﴾ أمير المؤمنين عليه السلام: فَعَلَيْكَ بِالتَّقْوَى فِي سِرِّ أَمْرِكَ وَ عَلَانِيَتِهِ؛ شرح نهج البلاغة، ج ٦، ص ٧١
٢-٥-٧٩- عَلَيْكَ بِتَقْوَى اللَّهِ

﴿١٢٩٢﴾ الرسول الله عليه السلام: أَنْ رَجُلًا جَاءَ إِلَى رَسُولِ اللَّهِ الله عليه السلام فَقَالَ يَا رَسُولَ اللَّهِ أَوْصِنِي فَقَالَ
عَلَيْكَ بِتَقْوَى اللَّهِ فَإِنَّهُ جَمَاعُ كُلِّ خَيْرٍ؛ شرح نهج البلاغة، ج ١١، ص ١٨٥

﴿١٢٩٣﴾ أمير المؤمنين عليه السلام: عَلَيْكَ بِتَقْوَى اللَّهِ فِي الْغَيْبِ وَ الشَّهَادَةِ؛ غررالحكم، ص ٢٧٠

﴿١٢٩٤﴾ الصادق عليه السلام: عَلَيْكَ بِتَقْوَى اللَّهِ وَ الْوَرَعِ وَ الْجَهْدِ؛ الكافي، ج ٢، ص ٧٧
٢-٥-٨٠- فَعَلَيْكَ بِتَقْوَى اللَّهِ

﴿١٢٩٥﴾ أمير المؤمنين عليه السلام: فَعَلَيْكَ بِتَقْوَى اللَّهِ فِي مَقَامِكَ وَ مَقْعَدِكَ وَ سِرِّكَ وَ عَلَانِيَتِكَ؛
بحار الأنوار، ج ٣٣، ص ٥٨٥

﴿١٢٩٦﴾ الصادق عليه السلام: إِذَا أَحْرَمْتَ فَعَلَيْكَ بِتَقْوَى اللَّهِ؛ الكافي، ج ٤، ص ٣٣٧
٢-٥-٨١- عَلَيْكَ بِتَقْوَى اللَّهِ وَ الْوَرَعِ

﴿١٢٩٧﴾ الصادق عليه السلام: عَنْ أَبِي أُسَامَةَ قَالَ سَمِعْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام يَقُولُ عَلَيْكَ بِتَقْوَى اللَّهِ وَ
الْوَرَعِ؛ الكافي، ج ٢، ص ٧٧

﴿١٢٩٨﴾ الباقر عليه السلام: عَلَيْكَ بِتَقْوَى اللَّهِ وَ الْجَهْدِ فِي دِينِكَ وَ اعْلَمْ أَنَّهُ لَا يُغْنِي عَنْكَ
الْجَهْدُ لَيْسَ مَعَهُ وَرَعٌ؛ بحار الأنوار، ج ٦٧، ص ٣٠٨
٢-٥-٨٢- عَلَيْكَ بِلُزُومِ الْوَرَعِ

﴿١٢٩٩﴾ أمير المؤمنين عليه السلام: ذَرِ الطَّمَعَ وَ الشَّرَّهَ وَ عَلَيْكَ بِلُزُومِ الْعِفَّةِ وَ الْوَرَعِ؛
مستدرک الوسائل، ج ١٢، ص ٧١

٢-٥-٨٣- عَلَيْكُمْ بِاتِّقَاءِ اللَّهِ وَ الْوَرَعِ

﴿١٣٠٠﴾ الصادق عليه السلام: عَلَيْكُمْ بِاتِّقَاءِ اللَّهِ وَ صِدْقِ الْحَدِيثِ وَ الْوَرَعِ وَ الْجَهْدِ؛ مشكاة الأنوار، ص ١٩٣
٢-٥-٨٤- عَلَيْكُمْ بِالتَّقْوَى

﴿١٣٠١﴾ أمير المؤمنين عليه السلام: عَلَيْكُمْ بِالتَّقْوَى فَإِنَّهُ خَيْرُ زَادٍ وَ أَحْزَرُ عَتَادٍ؛ غررالحكم، ص ٢٧٢

«اهمیت تقوا / فرمان به پرهیزکاری و ورع»

﴿۱۲۹۰﴾ بر تو باد به مراعات تقوا و راستی که این دو فراهم‌آورنده‌ی دین‌اند.

۲-۵-۷۸- پس بر تو باد پرهیزکاری

﴿۱۲۹۱﴾ من تو را به پروای الهی در پنهان و آشکار کارهایت سفارش می‌کنم.

۲-۵-۷۹- بر تو باد پروای خدا

﴿۱۲۹۲﴾ فردی نزد رسول خدا ﷺ آمد و گفت: «ای رسول خدا! مرا توصیه‌ای بنما». فرمود:

«بر تو باد به مراعات تقوای الهی که جمع تمام خیرها است».

﴿۱۲۹۳﴾ بر تو باد به مراعات تقوای الهی در پنهان و آشکار.

﴿۱۲۹۴﴾ بر شما باد به رعایت تقوای الهی و ورع و جدّ و جهد.

۲-۵-۸۰- پس بر تو باد پروای خدا

﴿۱۲۹۵﴾ تمسّک به تقوای خدا در قیام و نشست، و در پیدا و پنهان بر تو لازم است.

﴿۱۲۹۶﴾ بعد از پوشیدن لباس احرام، مراقب باش که تقوا را از دست ندهی.

۲-۵-۸۱- پس بر تو باد پروای خدا و ورع

﴿۱۲۹۷﴾ ابواسامه گوید: شنیدم که امام صادق (علیه السلام) می‌فرمود: بر تو باد تو که تقوا و زهد الهی

داشته باشی.

﴿۱۲۹۸﴾ همیشه متّقی باشید و در دین خود جهد و کوشش کنید و بدانید عبادتی که در آن

ورع نباشد و کوششی که در آن تقوا نباشد، فایده‌ای ندارد.

۲-۵-۸۲- بر تو باد همراهی با ورع

﴿۱۲۹۹﴾ طمع و حرص را رها کنید و همراه و ملازم عفت و ورع باشید.

۲-۵-۸۳- بر شما باد پروای الهی و ورع

﴿۱۳۰۰﴾ بر شما باد به مراعات تقوای الهی و راستگویی و ورع و تلاش.

۲-۵-۸۴- بر شما باد پروا

﴿۱۳۰۱﴾ بر شما باد به تقوا که بهترین توشه و آماده‌ترین پناهگاه است.

«أَهْمِيَةُ التَّقْوَى / الْأَمْرُ بِالتَّقْوَى وَ الْوَرَعِ»

٢-٥-٨٥- عَلَيْكُمْ بِتَقْوَى اللَّهِ

- ﴿١٣٠٢﴾ أمير المؤمنين عليه السلام: عَلَيْكُمْ بِتَقْوَى اللَّهِ فَإِنَّهَا تَجْمَعُ الْخَيْرَ وَ لَا خَيْرَ غَيْرُهَا وَ يُدْرِكُ بِهَا مِنَ الْخَيْرِ مَا لَا يُدْرِكُ بِغَيْرِهَا مِنْ خَيْرِ الدُّنْيَا وَ الْآخِرَةِ؛ مستدرک الوسائل، ج ١١، ص ٢٦٦
- ﴿١٣٠٣﴾ الصادق عليه السلام: عَلَيْكُمْ بِتَقْوَى اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ وَ مَا يُنَالُ بِهِ مَا عِنْدَ اللَّهِ؛ الكافي، ج ٥، ص ٧٨
- ﴿١٣٠٤﴾ الصادق عليه السلام: عَلَيْكُمْ بِتَقْوَى اللَّهِ وَ الْوَرَعِ وَ الْجَهْدِ؛ وسائل الشيعة، ج ١٢، ص ٨

٢-٥-٨٦- فَعَلَيْكُمْ بِتَقْوَى اللَّهِ

- ﴿١٣٠٥﴾ أمير المؤمنين عليه السلام: فَعَلَيْكُمْ بِتَقْوَى اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ فَإِنَّهَا تَجْمَعُ مِنَ الْخَيْرِ مَا لَا يَجْمَعُ غَيْرُهَا وَ يُدْرِكُ بِهَا مِنَ الْخَيْرِ مَا لَا يُدْرِكُ بِغَيْرِهَا خَيْرُ الدُّنْيَا وَ خَيْرُ الْآخِرَةِ؛ بحار الأنوار، ج ٣٣، ص ٥٤٣
- ﴿١٣٠٦﴾ الرضا عليه السلام: فَعَلَيْكُمْ بِتَقْوَى اللَّهِ؛ الكافي، ج ٢، ص ٢٢٤

٢-٥-٨٧- عَلَيْكُمْ بِلُزُومِ التَّقْوَى

- ﴿١٣٠٧﴾ أمير المؤمنين عليه السلام: عَلَيْكُمْ بِلُزُومِ الدِّينِ وَ التَّقْوَى وَ الْيَقِينِ فَهِنَّ أَحْسَنُ الْحَسَنَاتِ وَ بِهِنَّ يُنَالُ [تُنَالُ] رَفِيعُ الدَّرَجَاتِ؛ غرر الحكم، ص ٨٥
- ﴿١٣٠٨﴾ أمير المؤمنين عليه السلام: عَلَيْكُمْ بِلُزُومِ الْيَقِينِ وَ التَّقْوَى فَإِنَّهُمَا يُبَلِّغَانِكُمُ جَنَّةَ الْمَأْوَى؛

مستدرک الوسائل، ج ١١، ص ٢٠٠

٢-٥-٨٨- فَعَلَيْهِ بِالتَّقْوَى

- ﴿١٣٠٩﴾ أمير المؤمنين عليه السلام: مَنْ أَحَبَّ فَوْزَ الْآخِرَةِ فَعَلَيْهِ بِالتَّقْوَى؛ غرر الحكم، ص ٢٧١

٢-٥-٨٩- عَلَيْكَ بِالْوَرَعِ

- ﴿١٣١٠﴾ أمير المؤمنين عليه السلام: عَلَيْكَ بِالْوَرَعِ فَإِنَّهُ عَوْنُ الدِّينِ وَ شِيْمَةُ الْمُخْلِصِينَ؛ غرر الحكم، ص ٢٧١
- ﴿١٣١١﴾ أمير المؤمنين عليه السلام: عَلَيْكَ بِالْوَرَعِ وَ إِيَّاكَ وَ غُرُورَ الطَّمَعِ فَإِنَّهُ وَ خِيَمُ الْمُرْتَعِ؛

غرر الحكم، ص ٢٧٢

- ﴿١٣١٢﴾ الرسول ﷺ: عَلَيْكَ بِالصَّبْرِ وَ الْوَرَعِ؛ الصراط المستقيم، ج ٢، ص ٩٢

- ﴿١٣١٣﴾ الصادق عليه السلام: عَلَيْكَ بِالصَّدْقِ وَ الْوَرَعِ وَ آدَاءِ الْأَمَانَةِ؛ مستدرک الوسائل، ج ١١، ص ١٧٧

٢-٥-٩٠- عَلَيْكَ بِوَرَعِ

- ﴿١٣١٤﴾ الصادق عليه السلام: عَلَيْكَ بِوَرَعٍ يَحْجُزُكَ عَنْ مَعَاصِي اللَّهِ؛ الكافي، ج ٤، ص ٣٣٧

«اهمیت تقوا / فرمان به پرهیزکاری و ورع»

۸۵-۲-۵- بر شما باد پروای الهی

﴿۱۳۰۲﴾ بر شما باد به تقوای الهی که جمع تمام خیرها در اوست و خیری در غیر آن نیست، با تقوا خیرهایی از دنیا و آخرت قابل درک و کسب است که با هیچ چیز دیگری قابل کسب نیست.

﴿۱۳۰۳﴾ بر شما باد رعایت تقوای الهی و انجام دادن هر کاری که می‌توان با آن به پادشاهای خداوند رسید.

﴿۱۳۰۴﴾ شما را به تقوا و ورع و تلاش توصیه می‌کنم.

۸۶-۲-۵- پس بر شما باد پروای الهی

﴿۱۳۰۵﴾ بر شما باد به تقوا که آن جامع خیراتی است که غیر آن چنین نیکی‌هایی را در بر ندارد، و خیراتی از خیرات دنیا و آخرت با آن به‌دست می‌آید که با غیر آن به‌دست نخواهد آمد.

﴿۱۳۰۶﴾ بر شما باد به تقوای الهی.

۸۷-۲-۵- پس بر شما باد همراهی با پرهیزکاری

﴿۱۳۰۷﴾ بر شما باد به همراهی و ملازمه با دین و تقوا و یقین که این‌ها، بهترین نیکی‌هاست و به‌واسطه‌ی آن‌ها می‌توان به درجه‌های عالی رسید.

﴿۱۳۰۸﴾ بر شماست که همیشه همراه یقین و تقوا باشید که این دو شما را به بهشت امن خواهد رساند.

۸۸-۲-۵- پس بر اوست پرهیزکاری

﴿۱۳۰۹﴾ هر کس می‌خواهد که در آخرت رستگار شود، به دنبال تقوا باشد.

۸۹-۲-۵- بر تو باد ورع

﴿۱۳۱۰﴾ بر تو باد به مراعات ورع که کمک‌کننده‌ی دین و اخلاق خالصان است.

﴿۱۳۱۱﴾ بر تو باد به مراعات ورع و دوری از فریبکاری طمع که بد چراگاهی است.

﴿۱۳۱۲﴾ بر تو باد به مراعات صبر و ورع.

﴿۱۳۱۳﴾ بر شما باد به صداقت و پارسایی و ردّ امانت.

۹۰-۲-۵- بر تو باد ورع

﴿۱۳۱۴﴾ تا آن حدّ پرهیزکار باش که از نافرمانی خدا مانع گردد.

﴿اهمیت تقوا / فرمان به پرهیزکاری و ورع﴾

۹۱-۵-۲- بر شما باد ورع

﴿۱۳۱۵﴾ بر شما باد مراعات ورع.
﴿۱۳۱۶﴾ بر شما باد به پرهیزکاری زیرا پرهیزکاری همان دینی است که ما به آن وابسته‌ایم و خداوند را به وسیله‌ی آن دینداری می‌کنیم و آن را از کسانی که ما را دوست می‌دارند می‌خواهیم تا ما را با شفاعت به زحمت نیافکنند.
﴿۱۳۱۷﴾ بر شما باد به ورع و راستگویی در کلام.
﴿۱۳۱۸﴾ بر شما باد به تضرع، توبه و پرهیزکاری.
﴿۱۳۱۹﴾ بر شما باد به مراعات ورع و تلاش.
﴿۱۳۲۰﴾ بر شما باد به مراعات ورع که در نزد خداوند چیزی محبوب‌تر از ورع و پاک نگه‌داشتن شکم [از حرام] و فرج [از شهوت‌رانی] نیست.
﴿۱۳۲۱﴾ بر شما باد به ورع‌ورزیدن که فقط با ورع به آنچه نزد بارگاه الهی است دست می‌یابید.

﴿۱۳۲۲﴾ از خدا پروا کنید، از خدا پروا کنید، از خدا پروا کنید. بر شما باد به تقوا، راستگویی، امانتداری، حفظ عفت و پاکدامنی، تا در اعلیٰ علّیین با ما باشید.

۹۲-۵-۲- بر شما باد ورع صالحان

﴿۱۳۲۳﴾ بر شما باد هدایت صالحان، وقار و آرامش و حلم و خشوع و ورع آن‌ها از محرمات خدا.

۹۳-۵-۲- جان‌هایتان را نگاهدارید

﴿۱۳۲۴﴾ ای کسانی که ایمان آورده‌اید خود و خانواده خویش را از آتشی که هیزم آن انسان‌ها و سنگ‌هاست نگه دارید آتشی که فرشتگانی بر آن گمارده شده که خشن و سخت‌گیرند و هرگز فرمان خدا را مخالفت نمی‌کنند و آنچه را فرمان داده شده‌اند (به طور کامل) اجرا می‌نمایند!

۹۴-۵-۲- در عمل به پرهیزکاری بیشترین اهتمام را داشته باش

﴿۱۳۲۵﴾ ای ابوذر! به عمل با تقوا بیشتر همّت داشته باش تا به عمل [تنها]، که عمل با تقوا کم نمی‌شود. و چگونه عمل مقبول کم می‌گردد، حال آنکه خداوند متعال می‌فرماید: «خدا، تنها از پرهیزکاران می‌پذیرد».

﴿أَهْمِيَةُ التَّقْوَى / الْأَمْرُ بِالتَّقْوَى وَ الْوَرَعِ﴾

٩٥-٥-٢- كُنْ تَقِيًّا

﴿١٣٢٦﴾ الرَّسُولُ ﷺ: كُنْ تَقِيًّا تَكُنْ أَوْرَعَ النَّاسِ؛ مستدرک الوسائل، ج ١١، ص ١٧٥

٩٦-٥-٢- كُنْ عَنْ مَالٍ غَيْرِكَ مُتَوَرِّعًا

﴿١٣٢٧﴾ أمير المؤمنين عليه السلام: كُنْ بِمَالِكَ مُتَبَرِّعًا وَعَنْ مَالٍ غَيْرِكَ مُتَوَرِّعًا؛ غرر الحكم، ص ٣٧٦

٩٧-٥-٢- كُنْ وَرِعًا

﴿١٣٢٨﴾ الرَّسُولُ ﷺ: يَا أَبَا ذَرٍّ كُنْ وَرِعًا تَكُنْ أَغْبَدَ النَّاسِ؛ بحار الأنوار، ج ٧٤، ص ٨٨

﴿١٣٢٩﴾ أمير المؤمنين عليه السلام: كُنْ وَرِعًا تَكُنْ زَكِيًّا؛ غرر الحكم، ص ٢٧٤

﴿١٣٣٠﴾ الرَّسُولُ ﷺ: يَا ابْنَ مَسْعُودٍ عَلَيْكَ بِالسَّكِينَةِ وَالْوَقَارِ وَ كُنْ سَهْلًا لَيْنًا عَفِيفًا مُسْلِمًا تَقِيًّا نَقِيًّا بَارًّا طَاهِرًا مُطَهَّرًا صَادِقًا خَالِصًا سَلِيمًا صَحِيحًا لَيِّبًا صَالِحًا صَبُورًا شُكُورًا مُؤْمِنًا وَرِعًا؛

مستدرک الوسائل، ج ١٢، ص ١٧١

٩٨-٥-٢- كَيْ تَتَّقُوا

﴿١٣٣١﴾ الْبَاقِرُ عليه السلام: لَعَلَّكُمْ تَتَّقُونَ يَعْنِي كَيْ تَتَّقُوا؛ بحار الأنوار، ج ٢٤، ص ١٣

٩٩-٥-٢- لَتَتَّقُوا

﴿١٣٣٢﴾ الرَّسُولُ ﷺ: لَعَلَّكُمْ تَتَّقُونَ لَتَتَّقُوا الْمُخَالَفَةَ الْمُوجِبَةَ لِلْعَذَابِ؛ بحار الأنوار، ج ٢٦، ص ٢٨٩

١٠٠-٥-٢- لِيَرَوْا مِنْكُمْ الْوَرَعَ

﴿١٣٣٣﴾ الصَّادِقُ عليه السلام: كُونُوا دُعَاةَ لِلنَّاسِ بِغَيْرِ أَلْسِنَتِكُمْ لِيَرَوْا مِنْكُمْ الْوَرَعَ وَالِاجْتِهَادَ وَالصَّلَاةَ وَالْخَيْرَ فَإِنَّ ذَلِكَ دَاعِيَةٌ؛ الكافي، ج ٢، ص ٧٨

﴿١٣٣٤﴾ الصَّادِقُ عليه السلام: كُونُوا دُعَاةَ لِلنَّاسِ بِالْخَيْرِ بِغَيْرِ أَلْسِنَتِكُمْ لِيَرَوْا مِنْكُمْ الْاجْتِهَادَ وَالصَّدَقَ

وَالْوَرَعَ؛ الكافي، ج ٢، ص ١٠٥

١٠١-٥-٢- وَلَتَكُنْ مَسْأَلَتُكُمْ مَسْأَلَةً تَوَرُّعٍ

﴿١٣٣٥﴾ أمير المؤمنين عليه السلام: وَلَتَكُنْ مَسْأَلَتُكُمْ وَتَمَلُّقُكُمْ مَسْأَلَةً ذُلٍّ وَخُضُوعٍ وَشُكْرِ وَ

خُشُوعٍ بِتَوْبَةٍ وَ تَوَرُّعٍ؛ شرح نهج البلاغة، ج ١٩، ص ١٤٠

١٠٢-٥-٢- وَلَيَتَجَلَّبَبِ الْوَرَعَ

﴿١٣٣٦﴾ أمير المؤمنين عليه السلام: مَنْ أَحَبَّنَا فَلْيَعْمَلْ بِعَمَلِنَا وَلَيَتَجَلَّبَبِ الْوَرَعَ؛ غرر الحكم، ص ١١٧

﴿اهمیت تقوا / فرمان به پرهیزکاری و ورع﴾

۹۵-۲-۵- پرهیزکار باش

﴿۱۳۲۶﴾ با تقوا باش تا از باورع‌ترین مردم باشی.

۹۶-۲-۵- از مال دیگران پرهیزکار باش

﴿۱۳۲۷﴾ از مال خودت انفاق و از مال مردم اجتناب کن.

۹۷-۲-۵- پرهیزکار باش

﴿۱۳۲۸﴾ ای ابوذر! با ورع باش تا بنده‌ترین مردم باشی.

﴿۱۳۲۹﴾ اهل ورع باش تا پاک باشی.

﴿۱۳۳۰﴾ پسر مسعود! آرامش دل و وقار داشته باش؛ سهل‌گیر و نرم‌خو، عقیف و پرهیزکار، نیکوکار و راستگو، خالص و سالم، عاقل و شکیبا، شاکر و مؤمن و پاکدامن باش.

۹۸-۲-۵- تا اینکه پرهیزکاری پیشه کنند

﴿۱۳۳۱﴾ لَعَلَّكُمْ تَتَّقُونَ؛ یعنی تا تقوا پیشه کنید.

۹۹-۲-۵- برای اینکه پرهیزکاری پیشه کند

﴿۱۳۳۲﴾ لَعَلَّكُمْ تَتَّقُونَ؛ باشد که از مخالفتی که موجب عذاب می‌شود، بپرهیزید.

۱۰۰-۲-۵- برای اینکه در ما پرهیزکاری دیده شود

﴿۱۳۳۳﴾ با غیر زبان خویش مردم را [به کیش و مذهب خود] دعوت کنید، مردم باید ورع و کوشش و نماز و خیر شما را ببینند، که این‌ها خود دعوت‌کننده می‌باشند.

﴿۱۳۳۴﴾ مردم را به غیر زبان [بلکه با کردار] خود به خیر و نیکوکاری دعوت کنید، مردم باید کوشش در عبادت و راستگویی و پرهیزکاری شما را ببینند.

۱۰۱-۲-۵- درخواست شما درخواست پرهیزکارانه باشد

﴿۱۳۳۵﴾ درخواستتان [به درگاه خدا] خواسته‌ای از سر ذلت و خضوع و شکر و خشوع و با توبه و ورع باشد.

۱۰۲-۲-۵- باید که لباس پرهیزکاری بپوشد

﴿۱۳۳۶﴾ هر کس ما را دوست دارد باید مثل ما عمل کند و لباس پرهیزکاری را جامه و پوشش خود قرار دهد.

﴿أَهْمِيَةُ التَّقْوَى / الْأَمْرُ بِالتَّقْوَى وَالْوَرَعِ﴾

١٠٣-٥-٢- فَلْيَتَضَرَّعْ إِلَى اللَّهِ وَلْيَسْأَلْهُ الْوَرَعَ

﴿١٣٣٧﴾ الصَّادِقُ عليه السلام: عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ بُكَيْرٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ: ... إِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ خَصَّ الْأَنْبِيَاءَ بِمَكَارِمِ الْأَخْلَاقِ فَمَنْ كَانَتْ فِيهِ فَلْيَحْمَدِ اللَّهَ عَلَى ذَلِكَ وَمَنْ لَمْ تَكُنْ فِيهِ فَلْيَتَضَرَّعْ إِلَى اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ وَلْيَسْأَلْهُ إِيَّاهَا قَالَ قُلْتُ جُعِلْتُ فِدَاكَ وَمَا هُنَّ الْوَرَعُ وَالْقَنَاعَةُ وَالصَّبْرُ وَالشُّكْرُ وَالْحِلْمُ وَالْحَيَاءُ وَالسَّخَاءُ وَالشَّجَاعَةُ وَالْغَيْرَةُ وَالْبِرُّ وَصِدْقُ الْحَدِيثِ وَأَدَاءُ الْأَمَانَةِ؛ الكافي، ج ٢، ص ٥٦

١٠٤-٥-٢- وَلْيَتَّقِ اللَّهَ

﴿١٣٣٨﴾ وَإِنْ كُنْتُمْ عَلَى سَفَرٍ وَلَمْ تَجِدُوا كَاتِبًا فَرِهَانٌ مَقْبُوضَةٌ فَإِنْ أَمِنَ بَعْضُكُم بَعْضًا فَلْيُؤَدِّ الَّذِي أُؤْتِمِنَ أَمَانَتَهُ وَلْيَتَّقِ اللَّهَ رَبَّهُ وَلَا تَكْتُمُوا الشَّهَادَةَ وَمَنْ يَكْتُمْهَا فَإِنَّهُ آثِمٌ قَلْبُهُ وَاللَّهُ بِمَا تَعْمَلُونَ عَلِيمٌ؛ البقرة ٢٨٣

١٠٥-٥-٢- فَلْيَتَّقِ اللَّهَ

﴿١٣٣٩﴾ الرَّسُولُ عليه السلام: مَنْ تَزَوَّجَ أَحْرَزَ نِصْفَ دِينِهِ وَفِي حَدِيثٍ آخَرَ فَلْيَتَّقِ اللَّهَ فِي النِّصْفِ الْآخَرِ أَوْ الْبَاقِي؛ الكافي، ج ٥، ص ٣٢٨

﴿١٣٤٠﴾ الصَّادِقُ عليه السلام: إِنَّ رَجُلًا كَانَ فِي بَنِي إِسْرَائِيلَ قَدْ دَعَا اللَّهَ أَنْ يَرْزُقَهُ غُلَامًا يَدْعُو ثَلَاثًا وَثَلَاثِينَ سَنَةً فَلَمَّا رَأَى أَنَّ اللَّهَ تَعَالَى لَا يُجِيبُهُ قَالَ يَا رَبِّ أْبَعِيدُ أَنَا مِنْكَ فَلَا تَسْمَعْ مِنِّي أَمْ قَرِيبُ أَنْتَ فَلَا تُجِيبُنِي فَاتَاهُ آتٌ فِي مَنَامِهِ فَقَالَ لَهُ إِنَّكَ تَدْعُو اللَّهَ بِلِسَانٍ بَدِيٍّ وَقَلْبٌ غَلِقَ عَنَاتٍ غَيْرِ نَقِيٍّ وَبَنِيَّةٍ غَيْرِ صَادِقَةٍ فَاقْلَعْ مِنْ بَدَائِكَ فَلْيَتَّقِ اللَّهَ قَلْبُكَ وَلْتَحْسَنْ نِيَّتَكَ قَالَ فَفَعَلَ الرَّجُلُ ذَلِكَ فَدَعَا اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ فَوُلِدَ لَهُ غُلَامٌ؛ مستدرک الوسائل، ج ٥، ص ١٨٨

١٠٦-٥-٢- فَلْيَتَّقُوا اللَّهَ

﴿١٣٤١﴾ وَلْيَخْشَ الَّذِينَ لَوْ تَرَكَوْا مِنْ خَلْفِهِمْ ذُرِّيَّةً ضِعَافًا خَافُوا عَلَيْهِمْ فَلْيَتَّقُوا اللَّهَ وَلْيَقُولُوا قَوْلًا سَدِيدًا؛ النساء ٩

١٠٧-٥-٢- وَطَنُ نَفْسِكَ عَلَى الْوَرَعِ

﴿١٣٤٢﴾ الرَّسُولُ عليه السلام: فَوَطَّنْ نَفْسَكَ عَلَى الْوَرَعِ وَاحْرُزْ لِسَانَكَ؛ مستدرک الوسائل، ج ٩، ص ٣٦٣

«اهمیت تقوا / فرمان به پرهیزکاری و ورع»

۱۰۳-۵-۲- باید که به پروردگار زاری کند و از او پرهیزکاری بطلبد

«۱۳۳۷» عبدالله بن بکیر گوید: امام صادق علیه السلام فرمود: «خدای بلندمرتبه پیامبران را به مکارم اخلاق اختصاص داد [یعنی خصال نکوهیده را از آنها دور ساخت] پس هرکس این مکارم را داشته باشد، باید خدا را شکر کند و هرکس آنها را نداشته باشد، باید به سوی خدای متعال تضرع کند و آنها را از او بخواهد». عرض کردم: «فدایت شوم آنها چه صفاتی هستند؟» فرمود: «پرهیزکاری و قناعت و صبر و شکر و خوشتن داری و حیا و سخاوت و شجاعت و غیرت و خوش رفتاری و راستی گفتار و امانتداری».

۱۰۴-۵-۲- و باید از خدا پروا کند

«۱۳۳۸» و اگر در سفر بودید، و نویسنده‌ای نیافتید، گروگان بگیرید! (گروگانی که در اختیار طلبکار قرار گیرد.) و اگر به یکدیگر اطمینان (کامل) داشته باشید، (گروگان لازم نیست، و) باید کسی که امین شمرده شده (و بدون گروگان، چیزی از دیگری گرفته)، امانت (و بدهی خود را بموقع) بپردازد و از خدایی که پروردگار اوست، بپرهیزد! و شهادت را کتمان نکنید! و هرکس آن را کتمان کند، قلبش گناهکار است. و خداوند، به آنچه انجام می‌دهید، داناست.

۱۰۵-۵-۲- پس باید از خدا پروا کند

«۱۳۳۹» هر کس که ازدواج کند، نصف دینش را حفظ کرده و در حدیثی دیگر فرمود: «در نیمه‌ی دیگر، تقوای الهی پیشه کند».

«۱۳۴۰» در میان بنی اسرائیل مردی بود که به درگاه خداوند دعا خوانده بود که به او پسر بچه‌ای ببخشد، آن مرد سی و سه سال خداوند را فرا می‌خواند، و هنگامی که مشاهده کرد خداوند متعال دعای او را اجابت نمی‌فرماید گفت: «پروردگارا، آیا من از تو دورم که صدایم را نمی‌شنوی، یا اینکه نزدیک هستی و دعای مرا اجابت نمی‌فرمایی؟» آن‌گاه شخصی به خواب آن مرد آمد و به او گفت: «همانا تو خداوند را با زبانی دشنام‌گو، قلبی وابسته به دنیا و ناپاک و نیت‌ی ناراست فرا می‌خوانی، بنابراین از دشنام و ناسزاگویی دست بردار و باید قلبت تقوای خدا داشته باشد و نیت نیکو گردد»؛ مرد چنان کرد و سپس خداوند بلندمرتبه را فرا خواند و پسر بچه‌ای برای او به دنیا آمد.

۱۰۶-۵-۲- باید از خدا پروا کنند

«۱۳۴۱» کسانی که اگر فرزندان ناتوانی از خود بیادگار بگذارند از آینده آنان می‌ترسند، باید (از ستم درباره‌ی یتیمان مردم) بترسند! از (مخالفت) خدا بپرهیزند، و سخنی استوار بگویند.

۱۰۷-۵-۲- پرهیزکاری را در جانت سکونت ده

«۱۳۴۲» خوشتن را بر پرهیزکاری عادت ده و زبانت را حفظ کن.

﴿أَهْمِيَّةُ التَّقْوَى / الأَمْرُ بِتَرْغِيبِ الْآخِرِينَ بِالتَّقْوَى﴾

١٠٨-٥-٢- يَنْبَغِي أَنْ يُلْتَحِفَ الْوَرَعَ

﴿١٣٤٣﴾ أمير المؤمنين عليه السلام: يَنْبَغِي لِلْمُؤْمِنِ أَنْ يَلْزِمَ الطَّاعَةَ وَيُلْتَحِفَ الْوَرَعَ وَالْقَنَاعَةَ؛

غرر الحكم، ص ٩١

٢-٦- الأَمْرُ بِتَرْغِيبِ الْآخِرِينَ بِالتَّقْوَى

١-٢-٦- اتَّقُوا الذُّنُوبَ وَحَذِّرُوا إِخْوَانَكُمْ

﴿١٣٤٤﴾ الصادق عليه السلام: اتَّقُوا الذُّنُوبَ وَحَذِّرُوا إِخْوَانَكُمْ؛ بحار الأنوار، ج ٦، ص ٥٧

٢-٦-٢- التَّقْوَى خَيْرٌ مَا أَوْصَى بِهِ الْمُسْلِمُ الْمُسْلِمَ

﴿١٣٤٥﴾ الرسول صلى الله عليه وآله: أَوْصِيَكُمْ بِتَقْوَى اللَّهِ فَإِنَّهُ خَيْرٌ مَا أَوْصَى بِهِ الْمُسْلِمُ الْمُسْلِمَ أَنْ يَحْضَهُ

عَلَى الْآخِرَةِ وَأَنْ يَأْمُرَهُ بِتَقْوَى اللَّهِ؛ مستدرک الوسائل، ج ٦، ص ٣٣

٣-٢-٦- أَمْرُهُ بِتَقْوَى اللَّهِ

﴿١٣٤٦﴾ أمير المؤمنين عليه السلام: أَمْرُهُ بِتَقْوَى اللَّهِ فِي سَرَائِرِ أَمْرِهِ وَخَفِيَّاتِ عَمَلِهِ حَيْثُ لَا شَهِيدَ

غَيْرُهُ وَلَا وَكِيلَ دُونِهِ؛ نهج البلاغة، ص ٣٨٢

﴿١٣٤٧﴾ أمير المؤمنين عليه السلام: كَانَ عَهْدُ عَلِيِّ عليه السلام إِلَى مُحَمَّدِ بْنِ أَبِي بَكْرٍ هَذَا مَا عَهْدَ عَبْدُ اللَّهِ

عَلَى أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ إِلَى مُحَمَّدِ بْنِ أَبِي بَكْرٍ حِينَ وَلَّاهُ مِصْرَ أَمْرَهُ بِتَقْوَى اللَّهِ فِي السِّرِّ وَالْعَلَانِيَةِ وَ

خَوْفِ اللَّهِ تَعَالَى فِي الْمَغِيبِ وَالْمَشْهَدِ؛ بحار الأنوار، ج ٣٣، ص ٥٤٠

٤-٢-٦- إِنْ ذَا الْقَرْنَيْنِ أَمَرَ قَوْمَهُ بِتَقْوَى اللَّهِ

﴿١٣٤٨﴾ الباقر عليه السلام: إِنْ ذَا الْقَرْنَيْنِ لَمْ يَكُنْ نَبِيًّا لَكِنَّهُ كَانَ عَبْدًا صَالِحًا أَحَبَّ اللَّهُ فَاحَبَّهُ اللَّهُ

وَنَاصَحَ اللَّهُ فَنَاصَحَهُ اللَّهُ أَمَرَ قَوْمَهُ بِتَقْوَى اللَّهِ؛ بحار الأنوار، ج ١٢، ص ١٩٤

٥-٢-٦- أَنْذِرْ لَعَلَّهُمْ يَتَّقُونَ

﴿١٣٤٩﴾ وَأَنْذِرْهُ الَّذِينَ يَخَافُونَ أَنْ يُحْشَرُوا إِلَى رَبِّهِمْ لَيْسَ لَهُمْ مِنْ دُونِهِ وَلِيٌّ وَلَا شَفِيعٌ لَعَلَّهُمْ

يَتَّقُونَ؛ الأنعام ٥١

٦-٢-٦- أَنْذِرُوا أَنَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنَا فَاتَّقُونَ

﴿١٣٥٠﴾ يُنْزِلُ الْمَلَائِكَةُ بِالرُّوحِ مِنْ أَمْرِهِ عَلَى مَنْ يَشَاءُ مِنْ عِبَادِهِ أَنْ أَنْذِرُوا أَنَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنَا

فَاتَّقُونَ؛ النحل ٢

«اهمیت تقوا / امر به تشویق دیگران به پرهیزکاری»

۱۰۸-۵-۲- سزاوار است که جامه‌ی پرهیزکاری بپوشد

«۱۳۴۳» سزاوار است که مؤمن ملازم و همراه طاعت خدا باشد و جامه‌ی تقوا و قناعت بپوشد.

۲-۶- امر به تشویق دیگران به پرهیزکاری

۱-۲-۶- از گناهان بپرهیزید و برادرانتان را از آن باز دارید

«۱۳۴۴» از گناهان بپرهیزید و شیعیان ما را نیز از گناهان بر حذر دارید.

۲-۶-۲- پرهیزکاری بهترین سفارشی است که مسلمان به مسلمان دهد

«۱۳۴۵» شما را به پرهیزکاری خدا سفارش می‌کنم که نیکوترین اندرزی که مسلمان به مسلمان دهد این است که وی را به کار آخرت ترغیب کند و به پرهیزکاری خدا فرمان دهد.

۳-۲-۶- او را به پروای خدا امر کرد

«۱۳۴۶» او را به ترس از خدا در اسرار پنهانی و اعمال مخفی سفارش می‌کنم، آنجا که هیچ گواهی غیر از او، و نماینده‌ای جز خدا نیست.

«۱۳۴۷» عهدنامه علی به محمد بن ابوبکر این بود: این چیزی است که بنده خدا علی، امیرمؤمنان به محمد بن ابوبکر عهد کرد، زمانی که او را بر مصر ولایت داد و به تقوای خدا در پیدا و پنهان و ترس از خدا در غیاب و حضور امر کرد.

۴-۲-۶- ذوالقرنین قومش را به پروای الی امر کرد

«۱۳۴۸» ذوالقرنین، پیامبر نبود، بلکه بنده‌ی درستکاری بود که دوستدار خداوند شد و خداوند نیز او را دوست داشت و برای خداوند خیرخواه بود و خداوند نیز برای او خیرخواه شد. او به قومش دستور داد تا تقوای الهی پیشه کنند.

۵-۲-۶- بیمشان ده باشد که پروا کنند

«۱۳۴۹» و به وسیله‌ی آن (قرآن)، کسانی را که از روز حشر و رستاخیز می‌ترسند، بیم ده! (روزی که در آن،) یاور و سرپرست و شفاعت‌کننده‌ای جز او [خدا] ندارند باشد که پرهیزکاری پیشه کنند!

۶-۲-۶- بیمشان ده که خدایی جز من نیست پس تقوای مرا پیشه کنید

«۱۳۵۰» فرشتگان را با روح (الهی) بفروانش بر هر کس از بندگان نازل می‌کند (و) به آن‌ها دستور می‌دهد که مردم را انذار کنید (و بگویند: معبودی جز من نیست از مخالفت دستور) من، بپرهیزید!

﴿أَهْمِيَةُ التَّقْوَى / الأَمْرُ بِتَرْغِيبِ الْآخَرِينَ بِالتَّقْوَى﴾

٧-٦-٢- تدعواهم إلى تقوى ربهم

﴿١٣٥١﴾ أمير المؤمنين عليه السلام: تدعواهم إلى حظهم وتقوى ربهم، فإن أجابوا حمدا لله وقبلاهم، وإن حاربوا استعنا بالله عليهم ونابذناهم على سوا، إن الله لا يحب الخائنين؛ بحار الأنوار، ج ٣٤، ص ٧

٨-٦-٢- أوصى من بعثه على الصدقة بتقوى الله

﴿١٣٥٢﴾ أمير المؤمنين عليه السلام: أنه أوصى مخنف بن سليم الأزدي وقد بعثه على الصدقة بوصية طويلة أمره فيها بتقوى الله ربه في سرائر أموره وخفيات أعماله؛ بحار الأنوار، ج ٩٣، ص ٨٥

٩-٦-٢- دعا إلى التقوى أسمع داع

﴿١٣٥٣﴾ أمير المؤمنين عليه السلام: أوصيكم عباد الله بتقوى الله التي ... دعا إليها أسمع داع وعاها خير واع فآسمع داعيها وفاز وأعيها؛ نهج البلاغة، ص ١٦٩

١٠-٦-٢- رأيت عليا عليه السلام يمشي بها في الأسواق يأمرهم بتقوى الله

﴿١٣٥٤﴾ أمير المؤمنين عليه السلام: الحر بن جرموز عن أبيه قال: رأيت عليا عليه السلام وهو يخرج من القصر وعليه قطريتان إزار إلى نصف الساق ورداؤه مشمر قريب منه ومعه درة له يمشي بها في الأسواق يأمرهم بتقوى الله وحسن البيع؛ مستدرک الوسائل، ج ٣، ص ٣٢٠

١١-٦-٢- فلو لا نفر من كل فرقة منهم طائفة ... لينذروا قومهم

﴿١٣٥٥﴾ وما كان المؤمنون لينفروا كافة فلولا نفر من كل فرقة منهم طائفة ليتفقهوا في الدين ولينذروا قومهم إذا رجعوا إليهم لعلهم يحذرون؛ التوبة ١٢٢

١٢-٦-٢- مرهم بتقوى الله

﴿١٣٥٦﴾ العسكري عليه السلام: قال أبو القاسم الهروي خرج توقيع من أبي محمد عليه السلام إلى بعض بني أسباط قال كتبت إلى أبي محمد أخبره من اختلاف الموالى وأسأله بإظهار دليل فكتب... فأقرى من تيق به من موالى السلام ومرهم بتقوى الله العظيم؛ بحار الأنوار، ج ٢، ص ١٨١

١٣-٦-٢- من مشى إلى سلطان جائر فأمره بتقوى الله ...

﴿١٣٥٧﴾ الباقر عليه السلام: من مشى إلى سلطان جائر فأمره بتقوى الله وعظه وخوفه كان له مثل أجر الثقلين الجن والإنس ومثل أعمالهم؛ وسائل الشيعه، ج ١٦، ص ١٣٤

«اهمیت تقوا / امر به تشویق دیگران به پرهیزکاری»

۷-۶-۲- آنان را به پروای از پروردگارشان بخوان

«۱۳۵۱» [امام علی علیه السلام نامه‌ای به کارگزاران خود در صنعا و جند فرستاد و نوشت:...] و آنان را به چیزی که خیر آن‌هاست و به ترس از پروردگارشان دعوت کنید. پس اگر اجابت کردند خدا را سپاس می‌گوییم و از آن‌ها می‌پذیریم و اگر سر پیکار داشتند، از خدا یاری می‌جوییم و عادلانه پیکار می‌کنیم، که خداوند خائن را دوست ندارد.

۸-۶-۲- آن را که به گردآوری صدقات گسیل می‌داشت به پرهیزکاری سفارش می‌کرد

«۱۳۵۲» هنگامی که مخنف بن سلیم ازدی را برای تحصیل داری زکات روانه کرد، سفارش طولانی‌ای به او کرد و فرمود که در کارهای پنهانی خود از پروردگار خویش پروا کن.

۹-۶-۲- بهترین گوینده به پرهیزکاری دعوت کرد

«۱۳۵۳» ای بندگان خدا! شما را به تقوای الهی سفارش می‌کنم، که ... بهترین گوینده آن را به گوش مردم خوانده و بهترین شنونده آن را فرا گرفت، پیامبری که بهتر از هر کس سخن را به گوش مردم رساند. پس خواننده، دعوت خود را به خوبی شنوند، و شنونده خود را رستگار گرداند.

۱۰-۶-۲- علی علیه السلام را دیدم که در بازار راه می‌رفت و به پرهیزکاری خدا فرمانشان می‌داد

«۱۳۵۴» حرّین جرموز از پدرش نقل می‌کند: دیدم که علی علیه السلام از دارالحکومه بیرون آمد درحالی که دو پارچه همراه او بود و لباسی پوشیده بود که تا نصف ساق پایش بود و ردایی روی آن پوشیده بود که آن هم تقریباً تا نزدیک همان لباسش تا نصف ساق پایش بود و ترکه‌ای در دستش بود و در بازار راه می‌رفت و تجّار را به مراعات تقوا و خوب معامله کردن امر می‌کرد.

۱۱-۶-۲- چرا از هر دسته گروهی کوچ نمی‌کنند ... تا قومشان را بیم دهند

«۱۳۵۵» شایسته نیست مؤمنان همگی (به‌سوی میدان جهاد) کوچ کنند چرا از هر گروهی از آنان، طایفه‌ای کوچ نمی‌کند (و طایفه‌ای در مدینه بماند)، تا در دین (و معارف و احکام اسلام) آگاهی یابند و به هنگام بازگشت به‌سوی قوم خود، آن‌ها را بیم دهند؟! باشد که (از مخالفت فرمان پروردگار) بترسند، و خودداری کنند!

۱۲-۶-۲- به تقوای الهی فرمانشان ده

«۱۳۵۶» ابوالقاسم هروی می‌گوید: نامه‌ای به امام عسکری علیه السلام نوشتم و خبر دادم که دوستان شما اختلاف دارند، و از ایشان خواستم تا دلیلی را ارائه دهد. حضرت در پاسخ چنین مرقوم فرمود: «... به دوستان ما سلام برسان و آن‌ها را به تقوای الهی و ادای امانت دعوت کن».

۱۳-۶-۲- آن که نزد سلطان ظالمی برود و او را به تقوای الهی بخواند

«۱۳۵۷» هر کس نزد سلطان جائری برود و او را به تقوای از خدا وادارد و او را بیم دهد و پند دهد، ثواب ثقلین از جنّ و آدمی را دارد، و مانند اعمالشان را دارد.

﴿أهمية التقوى / الترغيب بمصاحبة أهل التقوى﴾

١٤-٦-٢- وَإِذْ قَالَتْ لِمَ تَعْظُونَ ... قَالُوا لَعَلَّهُمْ يَتَّقُونَ

﴿١٣٥٨﴾ سَلَّمُ عَنْ الْقَرْيَةِ الَّتِي كَانَتْ حَاضِرَةَ الْبَحْرِ إِذْ يَعْدُونَ فِي السَّبْتِ إِذْ تَأْتِيهِمْ حِثَائُهُمْ يَوْمَ سَبْتِهِمْ شُرْعًا وَيَوْمَ لَا يَسْبِتُونَ لَا تَأْتِيهِمْ كَذَلِكَ نَبْلُوهُمْ بِمَا كَانُوا يَفْسُقُونَ * وَإِذْ قَالَتْ أُمَّةٌ مِنْهُمْ لِمَ تَعْظُونَ قَوْمًا اللَّهُ مُهْلِكُهُمْ أَوْ مُعَذِّبُهُمْ عَذَابًا شَدِيدًا قَالُوا مَعذِرَةٌ إِلَىٰ رَبِّكُمْ وَلَعَلَّهُمْ يَتَّقُونَ؛

الاعراف ١٦٤-١٦٣

١٥-٦-٢- يَنْبَغِي لِلْإِمَامِ أَنْ يُوصِيَ بِتَقْوَى اللَّهِ

﴿١٣٥٩﴾ الصَّادِقُ عليه السلام: يَنْبَغِي لِلْإِمَامِ الَّذِي يَخْطُبُ النَّاسَ يَوْمَ الْجُمُعَةِ أَنْ يَلْبَسَ عِمَامَةً فِي الشِّتَاءِ وَالصَّيْفِ وَ يَتَرَدَّى بِبُرْدٍ يَمْنَىٰ أَوْ عَدَنِيٍّ وَيَخْطُبُ وَهُوَ قَائِمٌ يَحْمَدُ اللَّهَ وَيُثْنِي عَلَيْهِ ثُمَّ يُوصِي بِتَقْوَى اللَّهِ؛ الكافي، ج ٣، ص ٤٢١

٧-٢- الترغيب بمصاحبة أهل التقوى

١-٧-٢- إِيصَحَبْ أَخَا التَّقَى

﴿١٣٦٠﴾ أمير المؤمنين عليه السلام: إِيصَحَبْ أَخَا التَّقَى وَ الدِّينَ تَسْلَمَ وَ اسْتَرْشِدْهُ تَغْنَمَ؛ غررالحكم،

ص ٤١٦

٢-٧-٢- اُطْلُبْ مُوَاخَاةَ الْأَتْقِيَاءِ

﴿١٣٦١﴾ العسكري عليه السلام: وَ اُطْلُبْ مُوَاخَاةَ الْأَتْقِيَاءِ وَ لَوْ فِي ظُلُمَاتِ الْأَرْضِ وَ إِنْ أَفْنَيْتَ عُمْرَكَ فِي طَلَبِهِمْ فَإِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَ جَلَّ لَمْ يَخْلُقْ عَلَىٰ وَجْهِ الْأَرْضِ أَفْضَلَ مِنْهُمْ بَعْدَ الْأَنْبِيَاءِ وَ الْأَوَّلِيَاءِ وَ مَا أَنْعَمَ اللَّهُ عَلَى الْعَبْدِ بِمِثْلِ مَا أَنْعَمَ بِهِ مِنَ التَّوْفِيقِ بِصُحَّتِهِمْ قَالَ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ الْأَخِلَاءُ يَوْمَئِذٍ بَعْضُهُمْ لِبَعْضٍ عَدُوٌّ إِلَّا الْمُتَّقِينَ؛ بحار الأنوار، ج ٧١، ص ٢٨٢

٣-٧-٢- اِلْصَقْ بِأَهْلِ الْوَرَعِ

﴿١٣٦٢﴾ أمير المؤمنين عليه السلام: وَ اِلْصَقْ بِأَهْلِ الْوَرَعِ وَ الصَّدِّقِ ثُمَّ رُضُّهُمْ عَلَىٰ آلَا يُطْرُوكَ وَ لَا يَبْجَحُوكَ بِبَاطِلٍ لَمْ تَفْعَلْهُ فَإِنَّ كَثْرَةَ الْإِطْرَاءِ تُحْدِثُ الزَّهْوَ وَ تُذْنِبِي مِنَ الْعِزَّةِ؛ نهج البلاغة،

ص ٤٣٠

«اهمیت تقوا / تشویق به همنشینی با پرهیزکاران»

۱۴-۲-۶- آنگاه که گفته شد چرا موعظه می کنید... گفتند باشد که پروا کنند

﴿۱۳۵۸﴾ و از آن‌ها درباره‌ی (سرگذشت) شهری که در ساحل دریا بود پرس! زمانی که آن‌ها در روزهای شنبه، تجاوز (و نافرمانی) خدا می کردند همان هنگام که ماهیان‌شان، روز شنبه (که روز تعطیل و استراحت و عبادت بود، بر سطح آب، آشکار می شدند اما در غیر روز شنبه، به سراغ آن‌ها نمی آمدند این چنین آن‌ها را به چیزی آزمایش کردیم که نافرمانی می کردند! * و (به یاد آر) هنگامی را که گروهی از آن‌ها (به گروه دیگر) گفتند: «چرا جمعی (گنهکار) را اندرز می دهید که سرانجام خداوند آن‌ها را هلاک خواهد کرد، یا به عذاب شدیدی گرفتار خواهد ساخت؟! (آن‌ها را به حال خود واگذارید تا نابود شوند!)» گفتند: «(این اندرزها، برای اعتذار (و رفع مسئولیت) در پیشگاه پروردگار شماست به علاوه باشد که آن‌ها (بپذیرند، و از گناه باز ایستند، و) تقوا پیشه کنند!»

۱۵-۲-۶- سزاوار است که امام به پروای الهی سفارش کند

﴿۱۳۵۹﴾ شایسته است که امام جمعه، در حالی برای مردم خطبه بخواند که عمامه‌ای در تابستان و زمستان بپوشد و عبایی از پارچه یمنی یا عدنی بپوشد و در حال ایستاده برای مردم خطبه بخواند و در خطبه خود حمد و ثنای خدا را بگوید و سپس توصیه به تقوای الهی کند.

۷-۲- تشویق به همنشینی با پرهیزکاران

۱-۲-۷- با پرهیزکاران همنشین شو

﴿۱۳۶۰﴾ با برادر پرهیزکار مصاحبت کن تا سالم بمانی و از او راهنمایی به راه راست را بجوی تا غنیمت یابی.

۲-۲-۷- برادری پرهیزکاران را بطلب

﴿۱۳۶۱﴾ به دنبال برادری با پرهیزکاران باش، اگرچه در ظلمات باشد و عمرت را در آن به آخر رسان که خداوند در روی زمین، پس از پیامبران و اولیاء بهتر از آنان نیافریده و به بنده‌ی خود مانند توفیق هم‌صحبتی آنان نعمتی نداده است. و خداوند بلند مرتبه فرموده است: «دوستان در آن روز دشمن یکدیگرند، مگر پرهیزکاران!».

۳-۲-۷- به اهل پرهیزکاری بپیوند

﴿۱۳۶۲﴾ به اهل پاکدامنی و صدق بپیوند، و آنان را آن چنان تعلیم ده که تو را زیاد تعریف نکنند، و بیهوده به کاری که انجام نداده‌ای تو را شاد نمایند، که تمجید فراوان ایجاد کبر و نخوت می کند، و به گردنکشی نزدیک می نماید.

﴿أَهْمِيَةُ التَّقْوَى / التَّرْغِيبُ بِمُصَاحَبَةِ أَهْلِ التَّقْوَى﴾

﴿١٣٦٣﴾ أمير المؤمنين عليه السلام: فَاصْطَفِ لَوْلَايَةَ أَعْمَالِكَ أَهْلَ الْوَرَعِ وَالْعِفَّةِ وَالْعِلْمِ بِالسِّيَاسَةِ وَالصَّقِّ بِذَوَى التَّجَرُّبَةِ وَالْعُقُولِ وَالْحَيَاءِ مِنْ أَهْلِ الْبُيُوتَاتِ الصَّالِحَةِ أَهْلَ الدِّينِ وَالْوَرَعِ فَإِنَّهُمْ أَكْرَمُ النَّاسِ أَخْلَاقًا وَأَشَدُّ لِنَفْسِهِمْ صَوْنًا وَإِصْلَاحًا وَأَقْلُ مِنَ الْمَطَامِعِ إِشْرَافًا وَأَحْسَنُ فِي عَوَاقِبِ الْأُمُورِ نَظْرًا مِنْ غَيْرِهِمْ فَلْيَكُونَنَّ عَمَّا لَكَ وَأَعْوَانُكَ؛ مستدرک الوسائل، ج ١٣، ص ١٥٢

٢-٧-٤- جَالِسُ أَهْلِ الْوَرَعِ

﴿١٣٦٤﴾ أمير المؤمنين عليه السلام: جَالِسُ أَهْلِ الْوَرَعِ وَالْحِكْمَةِ وَ أَكْثَرُ مُنَاقَشَتِهِمْ فَإِنَّكَ إِنْ كُنْتَ جَاهِلًا عُلُومُكَ وَإِنْ كُنْتَ غَالِمًا ازْدَدْتَ عِلْمًا؛ غررالحكم، ص ٢٢٩

٢-٧-٥- رَحِمَ اللَّهُ عَبْدًا يُذَاكِرُ أَهْلَ الْوَرَعِ

﴿١٣٦٥﴾ الباقر عليه السلام: عَنْ أَبِي الْجَارُودِ قَالَ سَمِعْتُ أَبَا جَعْفَرٍ عليه السلام يَقُولُ رَحِمَ اللَّهُ عَبْدًا أَحْيَا الْعِلْمَ قَالَ قُلْتُ وَمَا إِحْيَاؤُهُ قَالَ أَنْ يُذَاكِرَ بِهِ أَهْلَ الدِّينِ وَأَهْلَ الْوَرَعِ؛ الكافي، ج ١، ص ٤١

﴿١٣٦٦﴾ الباقر عليه السلام: عَنْ الْبَاقِرِ عليه السلام رَحِمَ اللَّهُ عَبْدًا أَحْيَا الْعِلْمَ فَقِيلَ وَمَا إِحْيَاؤُهُ قَالَ أَنْ يُذَاكِرَهُ بِهِ أَهْلَ الدِّينِ وَالْوَرَعِ؛ بحار الأنوار، ج ١، ص ٢٠٦

٢-٧-٦- فَلْيَكُنْ إِخْوَانُكَ الْأَتْقِيَاءَ

﴿١٣٦٧﴾ الرسول ﷺ: يَا ابْنَ مَسْعُودٍ فَلْيَكُنْ جُلَسَاؤُكَ الْأَبْرَارَ وَإِخْوَانُكَ الْأَتْقِيَاءَ وَالزُّهَّادَ لِأَنَّ اللَّهَ تَعَالَى قَالَ فِي كِتَابِهِ الْأَخْلَاءُ يُؤْمِنُونَ بَعْضُهُمْ لِبَعْضٍ عَدُوًّا إِلَّا الْمُتَّقِينَ؛ بحار الأنوار، ج ٧٤، ص ١٠١

٢-٧-٧- قَرَّبِ الْمُتَّقِينَ

﴿١٣٦٨﴾ أمير المؤمنين عليه السلام: قُلِ الْحَقَّ وَقَرَّبِ الْمُتَّقِينَ؛ بحار الأنوار، ج ٧٥، ص ٨

٢-٧-٨- كَيْفَ لَا يَصْحَبُ الْأَتْقِيَاءَ

﴿١٣٦٩﴾ أمير المؤمنين عليه السلام: عَجِبْتُ لِمَنْ يَرْعَبُ فِي التَّكْثُرِ مِنَ الْأَصْحَابِ كَيْفَ لَا يَصْحَبُ الْعُلَمَاءَ الْأَلْبَاءَ الْأَتْقِيَاءَ الَّذِينَ يَغْنَمُ فَضَائِلَهُمْ وَتَهْدِيهِ [تهذيبه] عُلُومُهُمْ وَتَزِينُهُ صُحُبَتُهُمْ؛ غررالحكم، ص ٢٣٠

﴿١٣٧٠﴾ الرسول ﷺ: أَطْعَمُوا طَعَامَكُمْ الْأَتْقِيَاءَ وَأَوْلُوا مَعْرُوفَكُمْ الْمُؤْمِنِينَ؛ مستدرک الوسائل، ج ١٦، ص ٢٥٣

«اهمیت تقوا / تشویق به همنشینی با پرهیزکاران»

«۱۳۶۳» برای سرپرستی امورت افرادی را برگزین که اهل ورع و پاکدامنی و آشنا به سیاست باشند و بیشتر با اهل تجربه و عقل و حیا همراه باشند و از اهل خانه‌های صالحی باشند که اهل دین و ورع اند. چنین افرادی اخلاق کریمانه‌تری دارند و بیشتر مراقب نفسشان و به فکر اصلاح آن هستند و به خاطر شرافتشان کمتر طمع می‌کنند و بهتر از بقیه به عاقبت کارها می‌نگرند. پس چنین افرادی را کارگزار و یاور خود کن.

۴-۷-۲- با اهل پرهیزکاری بنشین

«۱۳۶۴» با اهل ورع و حکمت همنشینی کن و با آنان بسیار گفتگو کن که اگر جاهل باشی به تو می‌آموزند و اگر عالم باشی، علمت را می‌افزایند.

۵-۷-۲- خدا رحمت کند بنده‌ای را که با اهل پرهیزکاری هم صحبت شود

«۱۳۶۵» ابوجارود گوید: از امام باقر علیه السلام شنیدم که فرمود: «رحمت خدا بر بنده‌ای که علم را زنده کند». پرسیدم: «زنده کردن علم به چیست؟» فرمود: «به اینکه علم را نزد اهل دین و اهل ورع بیاموزد [و با آنان مذاکره کند]».

«۱۳۶۶» امام باقر علیه السلام فرمود: «خدا رحمت کند بنده‌ای را که علم را زنده کند». عرض شد: «احیای علم چگونه است؟» فرمود: «با دینداران و پرهیزکاران مذاکره علمی نماید».

۶-۷-۲- باید که برادران تو از پرهیزکاران باشند

«۱۳۶۷» پسر مسعود! باید خوبان همنشینان تو و پاکان و زاهدان، برادران تو باشند؛ چراکه خداوند می‌فرماید: «دوستان در آن روز دشمن یکدیگرند، مگر پرهیزکاران!».

۷-۷-۲- به پرهیزکاران نزدیک شو

«۱۳۶۸» حق را بگو و به پرهیزکاران نزدیک شو.

۸-۷-۲- چرا با پرهیزکاران همنشین نمی‌شود

«۱۳۶۹» در عجبم از کسی که میل دارد دوستان زیادی داشته باشد ولی با دانشمندان و خردمندان و اهل تقوا مصاحبت نمی‌کند؟! افرادی که فضائلشان می‌تواند آن فرد را بی‌نیاز کند و علمشان آن‌ها را تهذیب کرده و هم‌صحبتی‌شان مایه‌ی جمال آنان است.

«۱۳۷۰» غذای خود را به پرهیزکاران بخورانید و با مؤمنان آشنا به نیکی رفتار کنید.

﴿أَهْمِيَةُ التَّقْوَى / طَلَبُ تَوْفِيقِ التَّقْوَى لِلْآخِرِينَ﴾

٢-٨- طَلَبُ تَوْفِيقِ التَّقْوَى لِلْآخِرِينَ

٢-٨-١- طَلَبُ تَوْفِيقِ التَّقْوَى لِلرَّسُولِ ﷺ وَ أَهْلِ بَيْتِهِ ﺍﻟﻤُﻨِﻴﻨَﺎ

﴿١٣٧١﴾ زياره ناب عن غيره: اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَ اجْعَلْ جَائِزَتَهُ فِي مَوْقِفِي هَذَا غُفْرَانِكَ وَ تُخَفِّتَهُ فِي مَقَامِي هَذَا عِنْدَ إِمَامِي صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ أَنْ تُقِيلَ عَثْرَتَهُ وَ تَقْبَلَ مَعْذِرَتَهُ وَ تَتَجَاوَزَ عَنْ خَطِيئَتِهِ وَ تَجْعَلَ التَّقْوَى زَادَهُ؛ تهذيب الأحكام، ج ٦، ص ١١٦

٢-٨-٢- طَلَبُ التَّقْوَى لِأَهْلِ الْإِسْلَامِ

﴿١٣٧٢﴾ الصَّادِقُ ﺍﻟﻤُﻨِﻴﻦَ: اللَّهُمَّ ... أَعِزَّ الْإِسْلَامَ وَ أَهْلَهُ وَ زَيْنَهُمُ بِالتَّقْوَى وَ جَنِّبُهُمُ الرَّدَى؛

مستدرک الوسائل، ج ١٥، ص ٤٤٥

٢-٨-٣- طَلَبُ التَّقْوَى لِأَهْلِ مِصْرَ

﴿١٣٧٣﴾ أمير المؤمنين ﺍﻟﻤُﻨِﻴﻦَ: [كُتِبَ إِلَى مَالِكِ بْنِ الْحَارِثِ الْأَشْترِ:] عَصَمَكُمُ اللَّهُ بِالْهُدَى وَ

تَبَتَّكُمُ بِالتَّقْوَى؛ بحار الأنوار، ج ٣٣، ص ٥٥٢

﴿١٣٧٤﴾ أمير المؤمنين ﺍﻟﻤُﻨِﻴﻦَ: عَصَمَكُمُ اللَّهُ بِالتَّقْوَى وَ زَيْنَكُمُ بِالْمَغْفِرَةِ؛ بحار الأنوار، ج ٣٣،

ص ٦٣٩

٢-٨-٤- طَلَبُ التَّقْوَى لِأَوْلِيَاءِ أَهْلِ الْبَيْتِ ﺍﻟﻤُﻨِﻴﻨَﺎ

﴿١٣٧٥﴾ السَّجَادُ ﺍﻟﻤُﻨِﻴﻦَ: اللَّهُمَّ وَ صَلِّ عَلَى أَوْلِيَائِهِمُ الْمُعْتَرِفِينَ بِمَقَامِهِمْ ... وَ اجْمَعْ عَلَى التَّقْوَى

أَمْرَهُمْ؛ الصحيفة السجادية ﺍﻟﻤُﻨِﻴﻦَ، الدعاء ٤٧

٢-٨-٥- طَلَبُ التَّقْوَى لِلْأَوْلَادِ

﴿١٣٧٦﴾ السَّجَادُ ﺍﻟﻤُﻨِﻴﻦَ: اللَّهُمَّ وَ مَنْ عَلَى بَقَاءِ وَلَدِي وَ يَصْلَحَهُمْ لِي وَ يَأْمَنَاعِي بِهِمْ. إِلَهِي امْدُدْ

لِي فِي أَعْمَارِهِمْ، وَ زِدْ لِي فِي أَجَالِهِمْ، وَ رَبِّ لِي صَغِيرَهُمْ، وَ قَوِّ لِي ضَعِيفَهُمْ، وَ أَصِحِّ لِي أَبْدَانَهُمْ وَ

أَذْيَانَهُمْ وَ أَخْلَاقَهُمْ، وَ عَافِهِمْ فِي أَنْفُسِهِمْ وَ فِي جَوَارِحِهِمْ وَ فِي كُلِّ مَا غَنِيْتُ بِهِ مِنْ أَمْرِهِمْ، وَ

أَذْرِ لِي وَ عَلَى يَدِي أَرْزَاقَهُمْ. وَ اجْعَلْهُمْ أَثَرًا أَتَقِيَاءَ؛ الصحيفة السجادية ﺍﻟﻤُﻨِﻴﻦَ، الدعاء ٢٥

٢-٨-٦- طَلَبُ التَّقْوَى لِلزَّوْجَيْنِ

﴿١٣٧٧﴾ الرضا ﺍﻟﻤُﻨِﻴﻦَ: نَسْأَلُ اللَّهَ أَنْ يُلْحِمَ مَا بَيْنَكُمُ بِالْبِرِّ وَ التَّقْوَى؛ كافي، ج ٥، ص ٣٧٣

﴿٤٩٨﴾

«اهمیت تقوا / درخواست توفیق پرهیزکاری برای دیگران»

۲-۸- درخواست توفیق پرهیزکاری برای دیگران

۲-۸-۱ درخواست توفیق پرهیزکاری برای پیامبر ﷺ

«۱۳۷۱» [زیارت نیابتی:] خداوندا! بر محمد ﷺ و خاندانش علیهم السلام درود فرست. بخشش و مغفرت خودت را جایزه‌ی [کسی که به نیابت از] او در این جایگاه به زیارت آمده‌ام قرار بده. به حرمت این مکانی که در آن در محضر (مزار) امام خود هستم، هدیه‌ی او را این قرار بده که از لغزشش درگذری و عذرش را بپذیری و از گناهش درگذری و تقوا را توشه‌اش قرار دهی.

۲-۸-۲ درخواست تقوا برای اهل اسلام

«۱۳۷۲» بارخدا! ... اسلام و اهلش را عزیزدار و آن‌ها را با تقوا زینت بخش و از نابودی برکنار دار.

۲-۸-۳ درخواست تقوا برای اهل مصر

«۱۳۷۳» [خطاب به مالک بن حارث اشتر:] خداوند شما را با هدایت حفظ کند و با تقوا ثابت قدم سازد.

«۱۳۷۴» [خطاب به اهل مصر بعد از منصوب کردن مالک اشتر:] خداوند شما را با تقوا حفظ کند و با مغفرت بیاراید.

۲-۸-۴ درخواست تقوا برای دوستان اهل بیت علیهم السلام

«۱۳۷۵» بار خدا! به دوستان ایشان (پیامبر ﷺ و اهل بیت علیهم السلام)؛ آن اعتراف‌کنندگان به مقام و منزلت ایشان تحیت و درود بفرست،... و کارشان را بر تقوا و پرهیزکاری فراهم نما.

۲-۸-۵ درخواست توفیق پرهیزکاری برای فرزندان

«۱۳۷۶» بار خدا! به من نعمت عطا فرما و فرزندانم را برایم باقی گذار، و به آن‌ها شایستگی ببخش و مرا از ایشان بهره‌مند گردان. بار خدا! عمرشان را برای من دراز نما، و بر مدت زندگانی‌شان بیفز، و خردسالشان را پرورش ده، و ناتوانشان را نیرومند ساز. تن‌ها و دین‌ها و اخلاقشان را برای من سالم بدار، و در جان‌ها و جسمشان و در هر کار از کارهایشان به آن می‌کوشم تندرستی ده و روزی‌هایشان را برای من و به دست من فراوان گردان. و ایشان را نیکوکاران و پرهیزکاران قرار ده.

۲-۸-۶ درخواست توفیق پرهیزکاری برای عروس و داماد

«۱۳۷۷» [در خطبه عقد نکاح این گونه می‌فرمود:] از خداوند می‌خواهیم که به واسطه‌ی نیکی‌ها و تقوا رابطه‌ی میان شما را محکم کند.

﴿أَهْمِيَةُ التَّقْوَى / طَلَبُ تَوْفِيقِ التَّقْوَى لِلْآخِرِينَ﴾

٢-٨-٧- طَلَبُ التَّقْوَى لِلشَّيْعَةِ

﴿١٣٧٨﴾ الهادي عليه السلام: اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ لَهُمْ (شِيعَتِي) ... تَقِيَّةَ أَهْلِ الْوَرَعِ وَكِتْمَانَ الصَّدِيقِينَ

حَتَّى يَخَافُوكَ؛ بحار الأنوار، ج ٨٢، ص ٢٢٦

٢-٨-٨- طَلَبُ التَّقْوَى لِلْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ وَالْمُسْلِمِينَ وَالْمُسْلِمَاتِ

﴿١٣٧٩﴾ أمير المؤمنين عليه السلام: اللَّهُمَّ اغْفِرْ لِلْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ وَالْمُسْلِمِينَ وَالْمُسْلِمَاتِ اللَّهُمَّ

اجْعَلِ التَّقْوَى زَادَهُمْ؛ من لا يحضره الفقيه، ج ١، ص ٤٣٢

٢-٨-٩- طَلَبُ التَّقْوَى لِلزَّاهِدِينَ

﴿١٣٨٠﴾ الرسول صلى الله عليه وآله: فَحَمِدْتُ اللَّهَ لِلزَّاهِدِينَ كَثِيرًا وَشَكَرْتُهُ وَدَعَوْتُ لَهُمْ فَقُلْتُ... اللَّهُمَّ

ارْزُقْهُمْ إِيْمَانَ الْمُؤْمِنِينَ الَّذِي لَيْسَ بَعْدَهُ شَكٌّ وَزَيْغٌ وَرِعًا لَيْسَ بَعْدَهُ رَغْبَةٌ؛ بحار الأنوار، ج ٧٤،

ص ٢٦

٢-٨-١٠- طَلَبُ التَّقْوَى لِلْمَلِكِ

﴿١٣٨١﴾ العسكري عليه السلام: أَسْأَلُ اللَّهَ الْأَوَّلَ الَّذِي لَمْ يَكُنْ قَبْلَهُ شَيْءٌ وَالْآخِرَ الَّذِي لَا يَبْقَى مَعَهُ

شَيْءٌ وَالْبَاقِيَ الَّذِي لَا فَنَاءَ لَهُ وَالْعَظِيمَ الَّذِي لَا مُنْتَهَى لَهُ وَالْوَّاحِدَ الْفَرْدَ الصَّمَدَ الَّذِي لَيْسَ مَعَهُ غَيْرُهُ وَالْقَاهِرَ الَّذِي لَا شَرِيكَ لَهُ الْبَدِيعَ الَّذِي لَا خَالِقَ مَعَهُ الْقَادِرَ الَّذِي لَيْسَ لَهُ ضِدُّ الصَّمَدَ الَّذِي لَيْسَ لَهُ نِدُّ الْمَلِكَ الَّذِي لَيْسَ مَعَهُ أَحَدٌ أَنْ يَجْعَلَكَ مَلِكًا عَدَلًا إِمَامًا فِي الْهُدَى قَائِدًا إِلَى التَّقْوَى؛

بحار الأنوار، ج ٧٥، ص ٤١٣

٢-٨-١١- طَلَبُ التَّقْوَى لِلْوَلِيِّ

﴿١٣٨٢﴾ الرضا عليه السلام: حَقٌّ عَلَى اللَّهِ أَنْ يَجْعَلَ وَلِيَّنَا مَعَ الْمُتَّقِينَ النَّبِيِّينَ وَالصَّدِيقِينَ وَالشُّهَدَاءِ وَ

الصَّالِحِينَ؛ بحار الأنوار، ج ٢٦، ص ٢٤١

٢-٨-١٢- طَلَبُ التَّقْوَى لِعَمْرِو بْنِ الْحَقِيقِ

﴿١٣٨٣﴾ أمير المؤمنين عليه السلام: [قَالَ فِي عَمْرُو بْنِ الْحَقِيقِ:] اللَّهُمَّ نَوِّرْ قَلْبَهُ بِالتَّقَى وَاهْدِهِ إِلَى

صِرَاطِكَ الْمُسْتَقِيمِ لَيْتَ أَنْ فِي جُنْدِي مِائَةً مِثْلَكَ فَقَالَ حُجْرٌ إِذَا وَاللَّهِ يَا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ صَحَّ

جُنْدُكَ وَقَلَّ فِيهِمْ مَنْ يَعْشُكَ؛ بحار الأنوار، ج ٣٢، ص ٣٩٩

٢-٨-١٣- طَلَبُ التَّقْوَى لِمَنْ وَدَّعَهُ

«اهمیت تقوا / درخواست توفیق پرهیزکاری برای دیگران»

۷-۲-۸- درخواست توفیق پرهیزکاری برای شیعیان

«۱۳۷۸» خدایا! از تو برای شیعیانم ... تقیه اهل ورع و پرهیزکاری و پنهان کاری صدیقین را خواهانم تا از تو بترسند.

۸-۲-۸- درخواست تقوا برای مردان و زنان مؤمن و مسلمان

«۱۳۷۹» خدایا! همه‌ی مردان و زنان مؤمن و مسلمان را ببخش و بیامرز و تقوا را توشه‌ی آنان قرار بده.

۹-۲-۸- درخواست تقوا برای زاهدان

«۱۳۸۰» خدا را سپاس گفتم، برای زاهدان امت خود دعا کردم. گفتم: ... بار خدایا! ایمان مؤمنان روزی‌شان کن که نه تردیدی بعد از آن باشد و نه انحرافی. و ورعی که رغبتی با آن نباشد.

۱۰-۲-۸- درخواست تقوا برای پادشاه

«۱۳۸۱» از آن خدایی خواستارم که آغاز هستی است و پیش از او چیزی نبوده و پایان هستی است و با او چیزی نیاید همیشه هست و فنا ندارد، بزرگ است و بی‌نهایت یکتا و یگانه و صمدی که با او دیگری نیست، قاهری که شریک ندارد، بدیعی که آفریننده‌ای با او نیست، قادری که ضد ندارد صمدی که هم‌تا ندارد، پادشاهی که با او احدی نیست تا تو را پادشاهی عادل و پیشوای هدایت و رهبر پرهیزکاران قرار دهد.

۱۱-۲-۸- درخواست تقوا برای دوست

«۱۳۸۲» بر خدا لازم است که دوست ما را با پرهیزکاران و انبیاء (علیهم‌السلام) و صدیقان و شهدا و صالحان قرار دهد که آن‌ها خوب رفیق‌هایی هستند.

۱۲-۲-۸- درخواست تقوا برای عمروبن حمق

«۱۳۸۳» [در دعا برای عمروبن حمق فرمود: بار الها! دل او را به نور تقوا روشن دار و وی را به راه راست هدایت فرما. (خطاب به او فرمود): ای کاش در سپاه من صد نفر همانند تو می‌بودند. حجر گفت: «ای امیر مؤمنان! بنابراین تو را به خدا سوگند، سپاه خود را پاکسازی کن و شماری از آنان که به تو نیرنگ می‌زنند، طرد نما».

۱۳-۲-۸- درخواست تقوا برای آن که با او خداحافظی می‌کرد

﴿أَهْمِيَةُ التَّقْوَى / التَّحْذِيرُ عَنْ تَرْكِ التَّقْوَى﴾

﴿١٣٨٤﴾ الرَّسُولُ ﷺ: كَانَ إِذَا وَدَّعَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ رَجُلًا قَالَ أَسْتَوْدِعُ اللَّهَ دِينَكَ وَأَمَانَتَكَ وَخَوَاتِيمَ عَمَلِكَ وَوَجْهَكَ لِلْخَيْرِ حَيْثُ مَا تَوَجَّهْتَ وَزَوَّدَكَ التَّقْوَى وَغَفَرَ لَكَ الذُّنُوبَ؛
بحار الأنوار، ج ٧٣، ص ٢٨١

﴿١٣٨٥﴾ الرَّسُولُ ﷺ: كَانَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ إِذَا وَدَّعَ الْمُؤْمِنَ قَالَ رَحِمَكُمُ اللَّهُ وَزَوَّدَكُمُ
التَّقْوَى؛ بحار الأنوار، ج ٧٣، ص ٢٨٠

٢-٩- التَّحْذِيرُ عَنْ تَرْكِ التَّقْوَى

٢-٩-١- أَلَا تَتَّقُونَ

﴿١٣٨٦﴾ وَإِنَّ إِلْيَاسَ لَمِنَ الْمُرْسَلِينَ* إِذْ قَالَ لِقَوْمِهِ أَلَا تَتَّقُونَ؛ الصافات ١٢٤-١٢٣
﴿١٣٨٧﴾ كَذَبَتْ قَوْمٌ نُوحَ الْمُرْسَلِينَ* إِذْ قَالَ لَهُمْ أَخُوهُمْ نُوحٌ أَلَا تَتَّقُونَ* إِنِّي لَكُمْ رَسُولٌ أَمِينٌ*
فَاتَّقُوا اللَّهَ وَأَطِيعُوا أَوْصِيَاءَ اللَّهِ* وَمَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ مِنْ أَجْرٍ إِنْ أَجَرِيَ إِلَّا عَلَى رِبِّ الْعَالَمِينَ* فَاتَّقُوا اللَّهَ وَ
أَطِيعُوا؛ الشعراء ١١٠-١٠٥

﴿١٣٨٨﴾ وَإِذْ نَادَى رَبُّكَ مُوسَى أَنْ أَنْتَ الْقَوْمَ الظَّالِمِينَ* قَوْمَ فِرْعَوْنَ أَلَا يَتَّقُونَ؛ الشعراء ١١-١٠
٢-٩-٢- أَلَا تَتَّقُونَ

﴿١٣٨٩﴾ وَإِلَى عَادٍ أَخَاهُمْ هُودًا قَالَ يَا قَوْمِ اعْبُدُوا اللَّهَ مَا لَكُم مِّنْ إِلَهِ غَيْرُهُ أَفَلَا تَتَّقُونَ؛ الأعراف
٦٥

﴿١٣٩٠﴾ قُلْ مَنْ يَرْزُقُكُمْ مِنَ السَّمَاءِ وَالْأَرْضِ أَمَّنْ يَمْلِكُ السَّمْعَ وَالْأَبْصَارَ وَمَنْ يُخْرِجُ الْحَيَّ مِنَ الْمَمِيتِ وَيُخْرِجُ الْمَمِيتَ مِنَ الْحَيِّ وَمَنْ يُدَبِّرُ الْأُمُورَ سَيَقُولُونَ اللَّهُ فَقُلْ أَفَلَا تَتَّقُونَ؛ يونس ٣١
﴿١٣٩١﴾ وَلَقَدْ أَرْسَلْنَا نُوحًا إِلَى قَوْمِهِ فَقَالَ يَا قَوْمِ اعْبُدُوا اللَّهَ مَا لَكُم مِّنْ إِلَهِ غَيْرُهُ أَفَلَا تَتَّقُونَ؛

المؤمنون ٢٣

﴿١٣٩٢﴾ فَأَرْسَلْنَا فِيهِمْ رَسُولًا مِنْهُمْ أَنْ اعْبُدُوا اللَّهَ مَا لَكُم مِّنْ إِلَهِ غَيْرُهُ أَفَلَا تَتَّقُونَ؛ المؤمنون ٣٢
﴿١٣٩٣﴾ قُلْ مَنْ رَبُّ السَّمَاوَاتِ السَّبْعِ وَرَبُّ الْعَرْشِ الْعَظِيمِ* سَيَقُولُونَ اللَّهُ قُلْ أَفَلَا تَتَّقُونَ؛

المؤمنون ٨٧-٨٦

«اهمیت تقوا / پرهیز از ترک تقوا»

﴿۱۳۸۴﴾ رسول خدا ﷺ هنگامی که با مردی وداع می کرد، می فرمود: «تو را و دینت و امانت و عاقبت عملت را به خدا می سپارم، هر جا رو کنی خدا خیرت دهد و تقوا را توشه ی تو کند و گناهانت را بیامزد».

﴿۱۳۸۵﴾ چون رسول خدا ﷺ با مؤمنی وداع می کرد، می فرمود: «خدا شما را رحمت کند و تقوا را توشه ی شما قرار دهد».

۹-۲- پرهیز از ترک تقوا

۹-۲-۱- آیا پرهیزکاری پیشه نمی کنید

﴿۱۳۸۶﴾ و الیاس از رسولان (ما) بود! * به خاطر بیاور هنگامی را که به قومش گفت: «آیا تقوا پیشه نمی کنید؟!»

﴿۱۳۸۷﴾ قوم نوح رسولان را تکذیب کردند، * هنگامی که برادرشان نوح به آنان گفت: «آیا تقوا پیشه نمی کنید؟! * مسلماً من برای شما پیامبری امین هستم! * تقوای الهی پیشه کنید و مرا اطاعت نمایید! * من برای این دعوت، هیچ مزدی از شما نمی طلبم اجر من تنها بر پروردگار عالمیان است! * پس، تقوای الهی پیشه کنید و مرا اطاعت نمایید!»

﴿۱۳۸۸﴾ (به خاطر بیاور) هنگامی را که پروردگارت موسی را ندا داد که به سراغ قوم ستمگر برو... * قوم فرعون، آیا آنان (از مخالفت فرمان پروردگار) پرهیز نمی کنند؟!

۹-۲-۲- آیا تقوا پیشه نمی کنید

﴿۱۳۸۹﴾ و به سوی قوم عاد، برادرشان «هود» را (فرستادیم) گفت: «ای قوم من! (تنها) خدا را پرستش کنید، که جز او معبودی برای شما نیست! آیا پرهیزکاری پیشه نمی کنید؟!»

﴿۱۳۹۰﴾ بگو: «چه کسی شما را از آسمان و زمین روزی می دهد؟ یا چه کسی مالک (و خالق) گوش و چشم هاست؟ و چه کسی زنده را از مرده، و مرده را از زنده بیرون می آورد؟ و چه کسی امور (جهان) را تدبیر می کند؟» به زودی (در پاسخ) می گویند: «خدا»، بگو: «پس چرا تقوا پیشه نمی کنید (و از خدا نمی ترسید)؟!»

﴿۱۳۹۱﴾ و ما نوح را به سوی قومش فرستادیم او به آنها گفت: «ای قوم من! خداوند یکتا را بپرستید، که جز او معبودی برای شما نیست! آیا (از پرستش بتها) پرهیز نمی کنید؟!»

﴿۱۳۹۲﴾ و در میان آنان رسولی از خودشان فرستادیم که: «خدا را بپرستید جز او معبودی برای شما نیست آیا (با این همه، از شرک و بت پرستی) پرهیز نمی کنید؟!»

﴿۱۳۹۳﴾ بگو: «چه کسی پروردگار آسمانهای هفتگانه، و پروردگار عرش عظیم است؟» * به زودی خواهند گفت: «همه ی اینها از آن خداست!» بگو: «آیا تقوا پیشه نمی کنید (و از خدا نمی ترسید و دست از شرک بر نمی دارید)؟!»

﴿أَهْمِيَةُ التَّقْوَى / دُعَاءُ الْإِمَامِ (ع) لِأَهْلِ التَّقْوَى﴾

٣-٩-٢- أ فَغَيْرَ اللَّهِ تَتَّقُونَ

﴿١٣٩٤﴾ وَلَهُ مَا فِي السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَلَهُ الدِّينُ وَاصِباً أَفَغَيْرَ اللَّهِ تَتَّقُونَ؛ النحل ٥٢

٤-٩-٢- أَخَوْفُكُمْ مِنْ عِقَابِهِ

﴿١٣٩٥﴾ الْبَاقِرُ (عَلَيْهِ السَّلَامُ): أَوْصِيَكُمْ عِبَادَ اللَّهِ بِتَقْوَى اللَّهِ وَأَخَوْفُكُمْ مِنْ عِقَابِهِ؛ الكافي، ج ٣، ص ٤٢٢

٥-٩-٢- لَا تَخْرُجُوا مِنْ عِزِّ التَّقْوَى

﴿١٣٩٦﴾ الْأُئِمَّةُ (عَلَيْهِمُ السَّلَامُ): قَالَ بَعْضُ آلِ مُحَمَّدٍ (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ) أَيُّهَا النَّاسُ لَا تَخْرُجُوا مِنْ عِزِّ التَّقْوَى إِلَى ذُلِّ

الْمَعْصِيَةِ؛ أعلام الدين، ص ٣٢٤

٦-٩-٢- فَلَا تُحْرِمَنَّ تَقْوَى

﴿١٣٩٧﴾ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ (عَلَيْهِ السَّلَامُ): إِذَا لَمْ تُرْزَقْ غِنًى فَلَا تُحْرِمَنَّ تَقْوَى؛ شرح نهج البلاغة، ج ٢٠، ص ٢٧١

١٠-٢- دُعَاءُ الْإِمَامِ (عَلَيْهِ السَّلَامُ) لِأَهْلِ التَّقْوَى

١-١٠-٢- رَحِمَ اللَّهُ عَبْدًا اتَّقَى رَبَّهُ

﴿١٣٩٨﴾ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ (عَلَيْهِ السَّلَامُ): رَحِمَ اللَّهُ عَبْدًا اتَّقَى رَبَّهُ وَنَاصَحَ نَفْسَهُ وَقَدَّمَ تَوْبَتَهُ وَغَلَبَ

شَهْوَتَهُ؛ شرح نهج البلاغة، ج ٢٠، ص ٢٥٦

٢-١٠-٢- رَحِمَ اللَّهُ أَمْرًا تَوَرَّعَ عَنِ الْمَحَارِمِ

﴿١٣٩٩﴾ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ (عَلَيْهِ السَّلَامُ): رَحِمَ اللَّهُ أَمْرًا تَوَرَّعَ عَنِ الْمَحَارِمِ وَتَحَمَّلَ الْمَغَارِمَ وَنَافَسَ فِي

مُبَادَرَةِ جَزِيلِ الْمَغَانِمِ؛ غرر الحكم، ص ٢٧٣

١١-٢- دُعَاءُ الْقُرْآنِ لِأَهْلِ التَّقْوَى

﴿١٤٠٠﴾ الرَّسُولُ (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ): فَيَقُولُ [القرآن] أَيُّ رَبٍّ حَمَلْتَ إِيَّايَ خَيْرَ حَامِلٍ اتَّقَى حُدُودِي وَعَمِلَ

بِفَرَائِضِي وَاتَّبَعَ طَاعَتِي وَتَرَكَ مَعْصِيَتِي فَمَا زَالَ يَقْدِفُ لَهُ بِالْحُجَجِ حَتَّى يُقَالَ فَشَأْنُكَ وَإِيَّاهُ

فَيَأْخُذُ بِيَدِهِ فَمَا يُرْسِلُهُ حَتَّى يَكْسُوهُ حُلَّةَ الْإِسْتَبْرَقِ وَيَعْقِدَ عَلَى رَأْسِهِ تَاجَ الْمُلْكِ وَيَسْقِيهِ بِكَأْسِ

الْخُلْدِ؛ مستدرک الوسائل، ج ٤، ص ٢٥٣

١٢-٢- فِي مَدْمَةِ الَّذِينَ لَا يَتَّقُونَ

١-١٢-٢- إِحْذَرِ مِنْهُمْ

«اهمیت تقوا / دعای امام(ع) برای پرهیزکاران»

۳-۹-۲- آیا از غیر خدا پروا می‌کنید

«۱۳۹۴» آنچه در آسمان‌ها و زمین است، از آن اوست و دین خالص (نیز) همواره از آن او می‌باشد آیا از غیر او می‌ترسید؟!

۴-۹-۲- شما را از عقاب او بر حذر می‌داریم

«۱۳۹۵» ای بندگان خدا! شما را به تقوا و پرهیز از خشم خدا توصیه می‌کنم و از کیفر او بر حذر می‌دارم.

۵-۹-۲- از عزت پرهیزکاری خارج نشوید

«۱۳۹۶» یکی از معصومین علیه السلام فرمود: «ای مردم! از عزتی که تقوا برای شما به ارمغان آورده به‌سوی ذلتی که ناشی از معصیت و گناه است، نروید».

۶-۹-۲- خودت را از تقوا محروم نکن

«۱۳۹۷» اگر آن‌قدر روزی نداری که بی‌نیاز گردی، خودت را از تقوا محروم مکن.

۱۰-۲- دعای امام علیه السلام برای پرهیزکاران

۱-۱۰-۲- خداوند رحمت کند بنده‌ای را که پروای پروردگارش را پیشه کند

«۱۳۹۸» خدا پیامرزد بنده‌ای را که تقوای خدا را پیشه کرده و نفسش را نصیحت کرده و توبه را پیش انداخته و بر شهوتش غلبه کرده است.

۲-۱۰-۲- خداوند رحمت کند بنده‌ای را که از محرمات پرهیز کند

«۱۳۹۹» خدا پیامرزد مردی را که از حرام‌ها پرهیز کند، قرض و دین‌های [دیگران] را متحمل شود و در کسب غنیمت‌های بزرگ سبقت گیرد.

۱۱-۲- دعای قرآن برای اهل پرهیزکاری

«۱۴۰۰» [قرآن، در مورد کسی که قرآن را خوانده و به آن عمل کرده، به خداوند] می‌گوید: «خدا! این بنده به خوبی مرا حمل کرده، از حدود من پرهیز کرده و به واجبات من عمل کرده و از اطاعت من پیروی کرده و مخالفت با من را ترک کرده است». و همین‌طور مدام از خوبی‌های او می‌گوید تا اینکه خداوند می‌فرماید: «این تو و این فرد، دستش را بگیر و او را بر تازیانه‌هایی از دیبا بر او بیوشانی و تاج شاهی بر سرش نهی و از کاسه‌ی شراب خلد به او بنوشانی».

۱۲-۲- در مذمت آنان که پروا نمی‌کنند

۱-۱۲-۲- از آنان بر حذر باش

﴿أَهْمِيَةُ التَّقْوَى / فِي مَذْمَةِ الَّذِينَ لَا يَتَّقُونَ﴾

﴿١٤٠١﴾ أمير المؤمنين عليه السلام: مِنْ وَصِيَّةِ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ عليه السلام لَوْلَدِهِ الْحَسَنِ عليه السلام كَيْفَ وَآتَى بَكَ يَا بُنَيَّ إِذَا صِرْتَ فِي قَوْمٍ... إِخْوَانُ الظَّاهِرِ وَاعْدَاءُ السَّرَائِرِ يَتَصَاحَبُونَ عَلَى غَيْرِ تَقْوَى فَإِذَا افْتَرَقُوا ذَمَّ بَعْضُهُمْ بَعْضًا... فَكُنْ عِنْدَ ذَلِكَ يَا بُنَيَّ كَابِنِ اللَّبُونِ لَا ظَهْرُ فَيْرُكَبٍ وَلَا وَبَرٌ فَيُسَلَبَ وَلَا ضَرْعٌ فَيَحْلَبَ؛ بحار الأنوار، ج ٧٤، ص ٢٣٦

٢-١٢-٢- إن لم يكن لك تقوى لست بخير من أحدٍ

﴿١٤٠٢﴾ أمير المؤمنين عليه السلام: افْتَخَرَ رَجُلَانِ عِنْدَ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ عليه السلام فَقَالَ أَوْفَتْخِرَانِ بِأَجْسَادِ بَالِيَةٍ وَأَرْوَاحِ فِي النَّارِ إِنْ يَكُنْ لَكَ عَقْلٌ فَإِنَّ لَكَ خُلُقًا وَإِنْ يَكُنْ لَكَ تَقْوَى فَإِنَّ لَكَ كَرَمًا وَإِلَّا فَأَلْجِمَارٌ خَيْرٌ مِنْكَ وَلَسْتَ بِخَيْرٍ مِنْ أَحَدٍ؛ وسائل الشيعة، ج ١٦، ص ٤٣

٢-١٢-٣- عُدَّةٌ فِي الْبَهَائِمِ

﴿١٤٠٣﴾ الباقر عليه السلام: إِنْ طَبَّاعَ النَّاسِ كُلَّهُمَا مُرَكَّبَةٌ عَلَى الشَّهْوَةِ وَالرَّغْبَةِ وَالْحِرْصِ وَالرَّهْبَةِ وَالْغَضَبِ وَاللَّذَّةِ إِلَّا أَنْ فِي النَّاسِ مَنْ زَمَّ هَذِهِ الْخِلَالَ بِالتَّقْوَى وَالْحَيَاءِ وَالْأَنَفِ فَلِذَا دَعَتْكَ نَفْسُكَ إِلَى كِبِيرَةٍ مِنَ الْأُمْرِ فَارْمِ بِبَصْرِكَ إِلَى السَّمَاءِ فَإِنْ لَمْ تَخَفْ مِنْ فِيهَا فَانْظُرْ إِلَى مَنْ فِي الْأَرْضِ لَعَلَّكَ أَنْ تَسْتَحْيِيَ مِمَّنْ فِيهَا فَإِنْ كُنْتَ لَا مِمَّنْ فِي السَّمَاءِ تَخَافُ وَلَا مِمَّنْ فِي الْأَرْضِ تَسْتَحْيِ فَعُدَّ نَفْسُكَ فِي الْبَهَائِمِ؛ مستدرک الوسائل، ج ١١، ص ٢١٢

٢-١٢-٣- فَمَا آتَى عَلَى آخِرِ قَوْلِي حَتَّى أَرَاكُمْ مُتَفَرِّقِينَ ... غَفْلَةً مِنْ غَيْرِ وَرَعٍ

﴿١٤٠٤﴾ أمير المؤمنين عليه السلام: أَحْثُكُمْ عَلَى جِهَادِ أَهْلِ الْجَوْرِ فَمَا آتَى عَلَى آخِرِ قَوْلِي حَتَّى أَرَاكُمْ مُتَفَرِّقِينَ أَيَادِي سَبَا تَرْجِعُونَ إِلَى مَجَالِسِكُمْ تَتَرَبَّعُونَ حَلَقًا، تَضْرِبُونَ الْأَمْثَالَ، وَتَنْشِدُونَ الْأَشْعَارَ، وَتَجَسَّسُونَ الْأَخْبَارَ، حَتَّى إِذَا تَفَرَّقْتُمْ، تَسْأَلُونَ عَنِ الْأَشْعَارِ جَهْلَةً مِنْ غَيْرِ عِلْمٍ، وَغَفْلَةً مِنْ غَيْرِ وَرَعٍ؛ بحار الأنوار، ج ٣٤، ص ١٣٥

٢-١٢-٥- مَا بِالْكُفِّ أَوْ غَفْلَةً مِنْ غَيْرِ وَرَعٍ

﴿١٤٠٥﴾ أمير المؤمنين عليه السلام: أَصْبَحْتُ وَاللَّهِ لَا أَصَدِّقُ قَوْلَكُمْ وَلَا أَطْمَعُ فِي نَصْرِكُمْ وَلَا أُوْعِدُ الْعَدُوَّ بِكُمْ مَا بِالْكُفِّ مَا دَوَاؤُكُمْ مَا طِبُّكُمْ الْقَوْمُ رِجَالُ أَمْثَالِكُمْ أَوْ قَوْلًا بِغَيْرِ عِلْمٍ وَغَفْلَةً مِنْ غَيْرِ وَرَعٍ وَطَمَعًا فِي غَيْرِ حَقٍّ؛ نهج البلاغة، ص ٧٢

٢-١٢-٦- مَنْ لَمْ تَكُنْ فِيهِ لَا يُعْتَدَنَّ بِشَيْءٍ مِنْ عَمَلِهِ

﴿٥٠٦﴾

«اهمیت تقوا / در مذمت آنان که پروا نمی‌کنند»

﴿۱۴۰۱﴾ امیرالمؤمنین علیه السلام به پسرش امام حسن علیه السلام وصیت فرمود: «پسرم! هرگاه میان گروهی رفتی که... در ظاهر برادر، ولی در باطن دشمنان نهانی هستند. و بدون پرهیزکاری همراهی می‌کنند. و هرگاه پراکنده شوند، یکدیگر را نکوهش می‌کنند... پسرم! در این هنگام مانند بچه شتر باش؛ نه سواری بده، نه کرکی از تو بگیرند و نه شیری بدوشند».

۲-۱۲-۲- اگر پرهیزکاری نداشته باشی از کسی بهتر نیستی

﴿۱۴۰۲﴾ دو نفر در خدمت امیر المؤمنین علیه السلام نسبت به گذشتگانیشان به هم افتخار می‌کردند، حضرت فرمود: «آیا به بدن‌های پوسیده و ارواح به آتش کشیده شده افتخار می‌کنید؟ اگر عقل داشته باشید دارای خلق (اخلاق یا خلقت محترم و انسانی) هم هستید، اگر تقوا داشته باشید دارای کرامت هم هستید، و گر نه الاغ بهتر از شماس است و از کسی بهتر نیستید».

۳-۱۲-۲- او را از حیوانات بشمارید

﴿۱۴۰۳﴾ طبع مردم ترکیبی از شهوت و میل و حرص و ترس و غضب و لذت است مگر آنکه شخصی در این میان با تقوا و حیا و بزرگ‌منشی بر آن مهار بزند. هرگاه نفست تو را به گناهی کبیره دعوت کرد، به آسمان نگاه کن؛ اگر از آن که در آسمان است ترسیدی، به اهل زمین نظر کن تا شاید از آنان حیا کنی، اما اگر نه از آن که در آسمان هست ترسیدی و نه از آنان که در زمین اند حیا کردی، نفس خودت را یکی از چهارپایان به شمار بیاور.

۴-۱۲-۲- هنوز سخنانم به آخر نرسیده که شما را پراکنده و متفرق می‌بینم ... و عامل آن غفلت ناشی از عدم پرهیزکاری است

﴿۱۴۰۴﴾ شما را به مبارزه با سرکشان ترغیب می‌کنم، هنوز سخنانم به آخر نرسیده، چون مردم سبا، متفرق شده، به جلسات خود باز می‌گردید و چهار زانو حلقه‌وار می‌نشینید و مثال‌ها می‌آوردید و اشعار می‌خوانید و از اخبار روز گفتگو می‌کنید و چون می‌خواهید متفرق شوید از اشعاری که اطلاعی از حقیقت آن‌ها ندارید و غافل از نظریه سرایندگان آن‌ها هستید، می‌پرسید.

۵-۱۲-۲- شما را چه شده است که غافلید و پروا نمی‌کنید

﴿۱۴۰۵﴾ [ای مردم کوفه!...] به خدا سوگند نه گفته شما را باور می‌کنم، و نه طمعی به یاری شما دارم، و نه دشمن را از شما می‌ترسانم. شما را چه شده؟ دواي دردتان چیست؟ و راه علاجتان کدام است؟ دشمن هم مانند شماست. چرا سخن بدون عمل؟! و غفلت بدون ورع؟! و طمع در غیر حق؟

۶-۱۲-۲- هر که پرهیزکاری نداشته باشد اعمالش ارزشی ندارد

﴿أَهْمِيَةُ التَّقْوَى / الْإِمَامُ (ع) يَسْأَلُ مَا لِلْمُتَّقِينَ﴾

﴿١٤٠٦﴾ الرَّسُولُ ﷺ: ثَلَاثٌ مَنْ لَمْ تَكُنْ فِيهِ أَوْ وَاحِدَةٌ مِنْهُنَّ فَلَا يُعْتَدَنَّ بِشَيْءٍ مِنْ عَمَلِهِ تَقْوَى يَخْجُزُهُ عَنْ مَعَاصِي اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ أَوْ حِلْمٌ يَكْفُ بِهِ السَّفِيهَ أَوْ خُلُقٌ يَعِيشُ بِهِ فِي النَّاسِ؛
بحار الأنوار، ج ٦٨، ص ٣٩٤

١٢-٧-٢. يَأْتِي عَلَى أُمَّتِي زَمَانٌ تَكُونُ عُلَمَاؤُهُمْ عَلَى قِلَّةِ الْوَرَعِ

﴿١٤٠٧﴾ الرَّسُولُ ﷺ: يَأْتِي عَلَى أُمَّتِي زَمَانٌ تَكُونُ أُمَرَاؤُهُمْ عَلَى الْجَوْرِ وَعُلَمَاؤُهُمْ عَلَى الطَّمَعِ وَقِلَّةِ الْوَرَعِ؛ بحار الأنوار، ج ١٠٠، ص ٨٢
١٣-٢-٢. الْإِمَامُ ﷺ: يَسْأَلُ مَا لِلْمُتَّقِينَ

١٣-١-٢. الْإِمَامُ ﷺ: يَسْأَلُ الْحَشَرَ فِي الْمُتَّقِينَ

﴿١٤٠٨﴾ الرَّسُولُ ﷺ: اللَّهُمَّ أَصْفِنِي بِأَكْرَمِ كَرَامَتِكَ وَأَجْزَلِ مِنْ عَطِيَّتِكَ وَالْفَضِيلَةَ لَدَيْكَ وَالرَّاحَةَ مِنْكَ وَالْوَسِيلَةَ إِلَيْكَ وَالْمَنْزِلَةَ عِنْدَكَ مَا تَكْفِينِي بِهِ كُلَّ هَوٍّ دُونَ الْجَنَّةِ وَتُظْلِنِي فِي ظِلِّ عَرْشِكَ يَوْمَ لَا ظِلَّ إِلَّا ظِلُّكَ وَتَعْظُمُ نُورِي وَتُعْطِينِي كِتَابِي يَمِينِي وَتُخَفِّفُ حِسَابِي وَتَحْشُرُنِي فِي أَفْضَلِ الْوَافِدِينَ إِلَيْكَ مِنَ الْمُتَّقِينَ؛ بحار الأنوار، ج ٨٤، ص ٦٤
١٣-٢-٢. الْإِمَامُ ﷺ: يَسْأَلُ خَشْيَةَ الْمُتَّقِينَ

﴿١٤٠٩﴾ الصَّادِقُ ﷺ: قُلِ اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ... خَشْيَةَ الْمُتَّقِينَ وَرَغْبَتَهُمُ؛ الكافي، ج ٢، ص ٥٩٣
١٣-٢-٣. الْإِمَامُ ﷺ: يَسْأَلُ خَلَّةَ الْمُتَّقِينَ

﴿١٤١٠﴾ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ ﷺ: جَعَلَ اللَّهُ خَلَّتَنَا وَوَدَّنا خَلَّةَ الْمُتَّقِينَ وَوَدَّ الْمُخْلِصِينَ؛ بحار الأنوار،

ج ٣٣، ص ٥٤٩

١٣-٢-٤. الْإِمَامُ ﷺ: يَسْأَلُ سَعَادَةَ الْمُتَّقِينَ

﴿١٤١١﴾ الْكَاسِمُ ﷺ: وَارْزُقْنِي خُشُوعَ الْخَاشِعِينَ وَعَمَلَ الصَّالِحِينَ وَصَبْرَ الصَّابِرِينَ وَأَجْرَ الْمُحْسِنِينَ وَسَعَادَةَ الْمُتَّقِينَ؛ بحار الأنوار، ج ٩٢، ص ٤٤٨
١٣-٢-٥. الْإِمَامُ ﷺ: يَسْأَلُ شَرَفَ الْمُتَّقِينَ

﴿١٤١٢﴾ زِيَارَةُ الرَّسُولِ ﷺ: اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ عَبْدِكَ وَرَسُولِكَ صَلَاةً تُشَاكِلُ جَلَالَتَهُ فِي النَّبِيِّينَ وَتُضَارِعُ فَضْلَهُ فِي الصَّالِحِينَ وَتَوَازِي شَرَفَهُ فِي الْمُتَّقِينَ وَتُعْلِي عُلوَّهُ فِي الصَّالِحِينَ وَنُموَّهُ فِي الْمُهْتَدِينَ وَارْتِفَاعَهُ فِي النَّبِيِّينَ؛ بحار الأنوار، ج ٩٧، ص ١٧٧

«اهمیت تقوا / امام(ع) مقام پرهیزکاران را می‌طلبد»

«۱۴۰۶» سه چیز است که اگر این‌ها یا لااقل یکی از این‌ها در کسی نباشد، به اعمال و عبادتش اعتنایی مکن: «تقوا و پرهیزی که او را از معصیت الهی باز دارد؛ یا حلم و بردباری که نادان و احمق را از خود دور کند؛ یا اخلاق خوشی که در جامعه زندگی کند».

۷-۱۲-۲- بر امت من زمانی می‌آید که دانشمندانِشان حداقل پرهیزکاری را دارند

«۱۴۰۷» زمانی بر امتم فرا می‌رسد که حاکمانشان ظالم، علمایشان طمعکار و کم تقوا

هستند.

۱۳-۲- امام(علیه السلام) آنچه را پرهیزکاران بدان رسیده‌اند از خدا می‌طلبد

۱۳-۲-۱- امام(علیه السلام) محسورشدن با پرهیزکاران را می‌جوید

«۱۴۰۸» بارالها! ای کریم، بر من کرامت را مضاعف، و عطا و فضیلتی که نزد توست را وافر گردان، و از هر راحتی و آسایش و وسیله و منزلتی که نزد توست به من عنایت فرما که مرا از هر هول و ترسی کفایت کند و در بهشت جای دهد، مرا به سایه‌ی عرش خود سایه ده در آن روزی که سایه‌ای جز سایه‌ی تو نیست. نور و روشنایی مرا بزرگ گردان، نامه‌ی عمل مرا به دست راست من بده، حسنات مرا مضاعف کن. مرا از برترین وارد شدگان از گروه اهل تقوا بر خودت قرار ده.

۱۳-۲-۲- امام(علیه السلام) خشیت پرهیزکاران را می‌طلبد

«۱۴۰۹» [امام صادق(علیه السلام) این دعا را به ابو بصیر آموخت:] «بار خدایا از تو... ترس پرهیزکاران و رغبتشان را درخواست کنم».

۱۳-۲-۳- امام(علیه السلام) دوستی پرهیزکاران را می‌طلبد

«۱۴۱۰» خداوند دوستی و علاقه به ما را، دوستی متّقیان و علاقه مخلصان قرار می‌دهد.

۱۳-۲-۴- امام(علیه السلام) سعادت پرهیزکاران را می‌طلبد

«۱۴۱۱» فروتنی خاشعان و کردار صالحان و صبر صابران و ثواب نیکوکاران و نیکبختی پرهیزکاران را روزی من گردان.

۱۳-۲-۵- امام(علیه السلام) شرف پرهیزکاران را می‌طلبد

«۱۴۱۲» [زیارت حضرت رسول(صلی الله علیه و آله):] بار خدایا! بر محمد بنده و رسولت درود بفرست؛ درودی که باشکوهش در میان انبیاء(علیهم السلام) شبیه، با فضیلتش در میان صالحان همانند و با شرفش در میان متّقیان موازی باشد و برتری‌اش در میان صالحان، رشدش در میان هدایت‌یافتگان، بلندی‌اش در میان انبیاء باز برتری یابد.

﴿أَهْمِيَّةُ التَّقْوَى / الإمام (ع) يَطْلُبُ الْمُتَّقِينَ﴾

١٣-٢-٦- الإمام (عليه السلام): يَسْأَلُ عِبَادَةَ الْمُتَّقِينَ

﴿١٤١٣﴾ الكاظم (عليه السلام): اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ عَمَلَ الْخَائِفِينَ وَخَوْفَ الْعَامِلِينَ وَخُشُوعَ الْعَابِدِينَ

وَعِبَادَةَ الْمُتَّقِينَ؛ بحار الأنوار، ج ٨٧، ص ٢١٢

١٣-٢-٧- الإمام (عليه السلام): يَسْأَلُ عَمَلَ أَهْلِ التَّقْوَى

﴿١٤١٤﴾ الكاظم (عليه السلام): اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ تَوْفِيقَ أَهْلِ الْهُدَى وَأَعْمَالَ أَهْلِ التَّقْوَى؛ بحار الأنوار،

ج ٩١، ص ١٩٨

١٣-٢-٨- الإمام (عليه السلام): يَسْأَلُ مَا يَسْتَعَاذُ مِنْهُ الْمُتَّقُونَ

﴿١٤١٥﴾ دعاء الحريق: أَعُوذُ بِكَ اللَّهُمَّ... مِمَّا اسْتَعَاذَ مِنْهُ مَلَائِكَتُكَ الْمُقَرَّبُونَ وَالْأَنْبِيَاءُ

الْمُرْسَلُونَ وَالْأَنْبِيَاءُ الْمُطَهَّرُونَ وَالشُّهَدَاءُ وَالصَّالِحُونَ وَعِبَادُكَ الْمُتَّقُونَ؛ بحار الأنوار، ج ٨٣، ص ١٦٩

١٣-٢-٩- الإمام (عليه السلام): يَسْأَلُ مُرَافَقَةَ الْمُتَّقِينَ

﴿١٤١٦﴾ دعاء يوم السبت: وَإِذْ لَمْ يُوجِبْ لِي عَمَلِي مُرَافَقَةَ الْمُتَّقِينَ فَلَا تَرُدَّ سَيِّدِي تَوَجُّهِي بَيْنَ

تَوَجَّهْتُ بِهِ إِلَيْكَ؛ بحار الأنوار، ج ٨٧، ص ١٤٦

١٣-٢-١٠- الإمام (عليه السلام): يَسْأَلُ هَيْبَةَ الْمُتَّقِينَ

﴿١٤١٧﴾ تعقيب الصلاة: وَارْزُقْنِي هَيْبَةَ الْمُتَّقِينَ؛ البلد الأمين، ص ١٠

١٣-٢-١١- الإمام (عليه السلام): يَسْأَلُ يَقِينَ الْمُتَّقِينَ

﴿١٤١٨﴾ وَهَبْ لِي يَقِينَ أَهْلِ التَّقَى وَأَعْمَالَ أَهْلِ النُّهَى؛ مستدرک الوسائل، ج ٧، ص ٤٤٣

١٣-٢-١٢- الإمام (عليه السلام): يَطْلُبُ الْمُتَّقِينَ

١٣-٢-١- آيِنَ الْأَبْصَارُ اللَّامِحَةُ إِلَى مَنَازِلِ التَّقْوَى

﴿١٤١٩﴾ أمير المؤمنين (عليه السلام): آيِنَ الْعُقُولُ الْمُسْتَضِيحَةُ بِمَصَابِيحِ الْهُدَى وَالْأَبْصَارُ اللَّامِحَةُ إِلَى

مَنَازِلِ التَّقْوَى؛ شرح نهج البلاغة، ج ٩، ص ٨٨

١٣-٢-٢- آيِنَ الْمُتَّقُونَ

﴿١٤٢٠﴾ الرسول (صلى الله عليه وآله): يَقُولُ اللَّهُ تَعَالَى يَوْمَ الْقِيَامَةِ أَمَرْتُكُمْ فَضَيَّعْتُمْ مَا عَاهَدْتُ إِلَيْكُمْ فِيهِ وَ

رَفَعْتُمْ أَنْسَابَكُمْ فَأَلْيَوْمَ أَرْفَعُ نَسَبِي وَأَضَعُ أَنْسَابَكُمْ آيِنَ الْمُتَّقُونَ إِنَّ أَكْرَمَكُمْ عِنْدَ اللَّهِ أَتْقَاكُمْ؛

بحار الأنوار، ج ٦٧، ص ٢٧٨

«اهمیت تقوا / امام(ع) پرهیزکاران را می جوید»

۶-۱۳-۲- امام علیه السلام عبادت پرهیزکاران را می طلبد

«۱۴۱۳» خدایا! از تو عمل بیمناکان و ترس عمل کنندگان و خشوع عابدان و عبادت تقوا پیشگان را می خواهم.

۷-۱۳-۲- امام علیه السلام عمل اهل تقوا را می طلبد

«۱۴۱۴» خداوند! از تو می خواهم که به من همان توفیقی را عطا کنی که به هدایت شدگان عطا نموده‌ای و همچنین اعمال پرهیزکاران را از تو می خواهم.

۸-۱۳-۲- امام علیه السلام پناه بردن پرهیزکاران را می طلبد

«۱۴۱۵» ای خدا... از آنچه که فرشتگان مقرب، و پیامبران فرستاده شده، و امامان پاکیزه گشته، و شهدا و نیکان و بندگان پرهیزکار تو پناه می جویند، به تو پناه می آورم.

۹-۱۳-۲- امام علیه السلام همراهی پرهیزکاران را می طلبد

«۱۴۱۶» [دعای روز شنبه:] و عمل من موجب همراهی من با پارسایان نشده است. پس ای مولای من! اقبالم را با کسی که با او به سوی تو روی آورده‌ام، رد نکن.

۱۰-۱۳-۲- امام علیه السلام هیبت پرهیزکاران را می طلبد

«۱۴۱۷» [تعقیب نماز:] و هیبت باتقوایان را روزی من گردان.

۱۱-۱۳-۲- امام علیه السلام یقین پرهیزکاران را می طلبد

«۱۴۱۸» [دعای ماه رمضان:] یقین تقواییشگان و اعمال خردمندان را به من ارزانی دار.

۱۴-۲- امام علیه السلام پرهیزکاران را می جوید

۱-۱۴-۲- کجایند چشم‌های دوخته شده بر جایگاه‌های پرهیزکاری؟

«۱۴۱۹» کجا هستند عقل‌های روشنی‌خواه از چراغ هدایت و کجا هستند چشم‌های دوخته شده بر جایگاه‌های پرهیزکاری.

۲-۱۴-۲- کجایند پرهیزکاران؟

«۱۴۲۰» خداوند متعال روز قیامت به مردم خطاب نموده و می فرماید: «اوامر و دستورهایی به شما دادم و شما عهد و پیمان بستید که آن‌ها را انجام دهید، ولی شما آن عهد و پیمان را نادیده گرفته و به نسبت و قومیت خود بالیدید. من هم امروز افرادی را که به من انتساب و ارتباط دارند، درجاتشان را رفعت داده و مقام آن‌ها را بالا می برم و نسب‌های بی‌ارزش شما را پست و ناچیز می دانم. اهل تقوا کجا هستند؟ بیایند! که باتقواترین شما نزد خداوند گرامی هستند».

﴿أهمية التقوى / مِنْ عِلَامَاتِ الْأَنْبِيَاءِ وَالْأَوْصِيَاءِ وَالْأَوْلِيَاءِ (ع)﴾

٣-١٤-٢- آيِنَ الْمُتَوَرَّعُونَ

﴿١٤٢١﴾ أمير المؤمنين عليه السلام: آيِنَ الْمُتَوَرَّعُونَ فِي مَكَاسِبِهِمْ وَالْمُنْتَزَّهُونَ فِي مَذَاهِبِهِمْ؛

نهج البلاغة، ص ١٨٧

١٥-٢- مِنْ عِلَامَاتِ الْأَنْبِيَاءِ وَالْأَوْصِيَاءِ وَالْأَوْلِيَاءِ عليه السلام و. راجع: الفصل التاسع؛ أَهْلُ التَّقْوَى

١-١٥-٢- مِنْ عِلَامَاتِ الْأَنْبِيَاءِ وَاتِّبَاعِهِمْ عليه السلام

﴿١٤٢٢﴾ السَّجَادُ عليه السلام: فِي كُلِّ دَهْرٍ وَزَمَانٍ أَرْسَلْتُ فِيهِ رَسُولًا وَأَقَمْتُ لِأَهْلِهِ دَلِيلًا مِنْ لَدُنْ آدَمَ إِلَى مُحَمَّدٍ عليه السلام مِنْ أُمَّةٍ الْهُدَى، وَقَادَةَ أَهْلِ التَّقَى عَلَى جَمِيعِهِمُ السَّلَامُ؛
الصحيفة السجادية عليه السلام، الدعاء ٤

﴿١٤٢٣﴾ أمير المؤمنين عليه السلام: عَلَيْكَ بِالتَّقَى فَإِنَّهُ خُلِقَ الْأَنْبِيَاءُ؛ غرر الحكم، ص ٢٧٠

﴿١٤٢٤﴾ الباقر عليه السلام: كَانَ مَا بَيْنَ نُوحٍ مِنَ الْأَتَقِيَاءِ مُسْتَحْفِينَ وَلِذَلِكَ خَفِيَ ذِكْرُهُمْ فِي الْقُرْآنِ فَلَمْ يُسَمَّوْا كَمَا سُمِّيَ مَنْ اسْتَعْلَنَ مِنَ الْأَنْبِيَاءِ وَهُوَ قَوْلُ اللَّهِ وَرُسُلًا لَمْ نَقْضُصْهُمْ عَلَيْكَ وَكَلَّمَ اللَّهُ مُوسَى تَكْلِيمًا يَعْنِي لَمْ أَسْمِ الْمُسْتَحْفِينَ كَمَا سَمَّيْتُ الْمُسْتَعْلِنِينَ مِنَ الْأَنْبِيَاءِ؛ بحار الأنوار، ج ١١، ص ٣٨
﴿١٤٢٥﴾ السَّجَادُ عليه السلام: إِنْ أَحَقَّ النَّاسُ بِالْإِجْتِهَادِ وَالْوَرَعِ وَالْعَمَلِ بِمَا عِنْدَ اللَّهِ وَبِرِضَاهُ الْأَنْبِيَاءِ وَاتِّبَاعِهِمْ؛ مستدرک الوسائل، ج ١، ص ١٢٥

﴿١٤٢٦﴾ الأئمة عليهم السلام: ثَلَاثَةٌ مِنْ سُنَنِ الْمُرْسَلِينَ الطَّهْرُ وَالنَّكَاحُ وَالْوَرَعُ؛ مجموعة ورام، ج ٢، ص ١٢١

٢-١٥-٢- مِنْ عِلَامَاتِ الْإِمَامِ عليه السلام

﴿١٤٢٧﴾ الرضا عليه السلام: لِلْإِمَامِ عِلَامَاتٌ يَكُونُ أَعْلَمَ النَّاسِ وَأَحْكَمَ النَّاسِ وَأَتَقَى النَّاسِ؛

من لا يحضره الفقيه، ج ٤، ص ٤١٨

﴿١٤٢٨﴾ الصادق عليه السلام: عَشْرُ خِصَالٍ مِنْ صِفَاتِ الْإِمَامِ الْعِصْمَةِ وَالنُّصُوصِ وَأَنْ يَكُونَ أَعْلَمَ النَّاسِ وَأَتَقَاهُمْ لِلَّهِ وَأَعْلَمَهُمْ بَكِتَابِ اللَّهِ وَأَنْ يَكُونَ صَاحِبَ الْوَصِيَّةِ الظَّاهِرَةِ وَيَكُونَ لَهُ الْمُعْجَزُ وَالْدَّلِيلُ وَتَنَامُ عَيْنُهُ وَلَا يَنَامُ قَلْبُهُ وَلَا يَكُونُ لَهُ فِئٌ وَيَرَى مِنْ خَلْفِهِ كَمَا يَرَى مِنْ بَيْنِ يَدَيْهِ؛ بحار الأنوار، ج ٢٥، ص ١٤٠

﴿١٤٢٩﴾ الصادق عليه السلام: عَنِ الصَّادِقِ عليه السلام فِي خَبَرٍ طَوِيلٍ ذَكَرَ فِيهِ الْأَئِمَّةُ وَعِلَامَةُ الْإِمَامَةِ فَقَالَ

وَدِينُهُمُ الْوَرَعُ وَالْعِفَّةُ؛ بحار الأنوار، ج ٨٤، ص ١٤٣

«اهمیت تقوا / از نشانه‌های پیامبران و جانشینان و اولیاء(ع)»

۳-۱۴-۲- کجایند پرهیزکاران؟

﴿۱۴۲۱﴾ پرهیزکاران در کسب، و پاکیزگان در راه و روش چه شدند؟

۱۵-۲- از نشانه‌های پیامبران و جانشینان و اولیاء(علیهم‌السلام) و.ر.به: فصل ۹؛ پرهیزکاران

۱-۱۵-۲- از نشانه‌های پیامبران(علیهم‌السلام) و پیروان ایشان

﴿۱۴۲۲﴾ در هر روزگار و زمانی که در آن پیغمبری فرستادی و برای اهل آن دلیل و راهنمایی گماشتی از زمان آدم(علیه‌السلام) تا محمد(صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وآلهم‌وسلم) از پیشوایان هدایت و رستگاری و جلوداران اهل تقوا و پرهیزکاری که بر همه آن‌ها سلام و درود باد.

﴿۱۴۲۳﴾ بر تو باد به تقوا که از اخلاق پیامبران است.

﴿۱۴۲۴﴾ در زمان نوح(علیه‌السلام) برخی از پیامبران بودند که به طور پنهانی به رسالت مشغول بودند لذا نام آنان در قرآن نیامده و مانند دیگر پیامبرانی که به طور علنی به رسالت مشغول بوده‌اند برای آنان نامی ذکر نشده است. این مطلب در آیه‌ی: «و پیامبرانی که سرگذشت آنها را بیان نکرده‌ایم و خداوند با موسی سخن گفت.»، است؛ یعنی خداوند برای پیامبران در خفا نامی مانند دیگر پیامبران در نظر نگرفت.

﴿۱۴۲۵﴾ پیامبران(علیهم‌السلام) و پیروانشان، شایسته‌ترین افراد در مراعات تلاش و ورع و عمل به آنچه دستور خدا و مورد رضایت خداست، هستند.

﴿۱۴۲۶﴾ این سه چیز از سنت پیامبران است: طهارت، ازدواج و ورع.

۲-۱۵-۲- از نشانه‌های امام(علیه‌السلام)

﴿۱۴۲۷﴾ امام دارای علامت‌هایی است؛ او اعلم مردم و واردترین آن‌ها به مسائل قضایی و باتقواترین مردم است.

﴿۱۴۲۸﴾ ده خصلت است که امام(علیه‌السلام) داراست؛ از خطا و گناه معصوم است، تصریح به نام او از سوی پیامبر(صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وآلهم‌وسلم) شده است، باید از همه‌ی مردم دانشمندتر و از همه پرهیزکارتر باشد، باید به تفسیر قرآن از همه داناتر باشد، امام پیشین آشکارا او را وصی خود قرار داده باشد، معجزه و دلیل داشته باشد، چشمش می‌خوابد ولی دلش بیدار است، سایه ندارد و همان‌طور که مقابلش را می‌بیند، از پشت سرش نیز می‌بیند.

﴿۱۴۲۹﴾ امام صادق(علیه‌السلام) در حدیثی طولانی که نام امامان(علیهم‌السلام) و علامت امامت را برمی‌شمرد، فرمود: «از دین و مرام امامان عبارت است از: پرهیزکاری، پاکدامنی».

﴿أهمية التقوى / من علامات الأنبياء والأوصياء والأولياء (ع)﴾

﴿١٤٣٠﴾ الصادق عليه السلام: فَاسْأَلْكَ يَا رَبَّ تَمَامَ مَا أَنْعَمْتَ عَلَيْنَا وَ لَا تَجْعَلْنَا مِنَ الْمُعَانِدِينَ وَ لَا تَلْحِقْنَا بِالْمُكَذِّبِينَ يَوْمَ الدِّينِ وَ اجْعَلْ لَنَا قَدَمَ صِدْقٍ مَعَ الْمُتَّقِينَ وَ اجْعَلْ لَنَا مِنْ لَدُنْكَ رَحْمَةً وَ اجْعَلْ لَنَا مِنَ الْمُتَّقِينَ إِمَامًا إِلَى يَوْمِ الدِّينِ يَوْمَ يُدْعَى كُلُّ نَاسٍ بِإِمَامِهِمْ وَ اجْعَلْنَا فِي ظِلِّ الْقَوْمِ الْمُتَّقِينَ الْهُدَاةَ بَعْدَ النَّذِيرِ الْمُنْذِرِ وَ الْبَشِيرِ الْأَثَمَةِ الدُّعَاةَ إِلَى الْهُدَى؛ بحار الأنوار، ج ٩٥، ص ٣٠٦

﴿١٤٣١﴾ أمير المؤمنين عليه السلام: الْوَاجِبُ فِي حُكْمِ اللَّهِ وَ حُكْمِ الْإِسْلَامِ عَلَى الْمُسْلِمِينَ بَعْدَ مَا يَمُوتُ إِمَامُهُمْ أَوْ يُقْتَلُ ضَالًّا كَانَ أَوْ مُهْتَدِيًّا أَنْ لَا يَعْمَلُوا عَمَلًا وَ لَا يَقْدُمُوا يَدًا وَ لَا رَجُلًا قَبْلَ أَنْ يَخْتَارُوا لِأَنْفُسِهِمْ إِمَامًا عَفِيفًا عَالِمًا وَرِعًا؛ مستدرک الوسائل، ج ٦، ص ١٤

﴿١٤٣٢﴾ الصادق عليه السلام: أَتَاكَ اللَّهُ لِأَمَّةٍ مُحَمَّدٍ بِرَجُلٍ مِنْ أَهْلِ الْبَيْتِ يُشِيرُ بِالتَّقَى وَ يَعْمَلُ بِالْهُدَى وَ لَا يَأْخُذُ فِي حُكْمِهِ الرِّشَا وَ اللَّهُ إِنِّي لَأَعْرِفُهُ بِاسْمِهِ وَ اسْمِ أَبِيهِ ثُمَّ يَأْتِينَا الْغُلِيطُ الْقَصْرَةَ ذُو الْخَالِ وَ الشَّامَتَيْنِ الْقَائِدَ الْعَادِلَ الْحَافِظَ لِمَا اسْتَوْدَعَ يَمْلَأُهَا عَدْلًا وَ قِسْطًا كَمَا مَلَأَهَا الْفُجَّارُ جَوْرًا وَ ظُلْمًا؛ بحار الأنوار، ج ٥٢، ص ٢٦٩

﴿١٤٣٣﴾ الرضا عليه السلام: عَنْ الْحَسَنِ بْنِ الْجَهْمِ قَالَ: كُنْتُ عِنْدَ الرِّضَا عَلَيْهِ السَّلَامُ وَ عِنْدَهُ زَيْدُ بْنُ مُوسَى أَخُوهُ وَ هُوَ يَقُولُ يَا زَيْدُ اتَّقِ اللَّهَ فَإِنَّا بَلَّغْنَا مَا بَلَّغْنَا بِالتَّقْوَى فَمَنْ لَمْ يَتَّقِ وَ لَمْ يُرَاقِبْهُ فَلَيْسَ مِنَّا وَ لَسْنَا مِنْهُ؛ بحار الأنوار، ج ٤٦، ص ١٧٦

﴿١٤٣٤﴾ الكاظم عليه السلام: إِنَّ الْإِمَامَةَ لَا تَصْلُحُ إِلَّا لِرَجُلٍ فِيهِ ثَلَاثُ خِصَالٍ وَرَعٌ يَحْجُزُهُ عَنِ الْمَحَارِمِ وَ حِلْمٌ يَمْلِكُ بِهِ غَضَبَهُ وَ حُسْنُ الْخُلَافَةِ عَلَى مَنْ وَلِيَ [وَلِيَ] عَلَيْهِ حَتَّى يَكُونَ لَهُ كَالْوَالِدِ الرَّحِيمِ؛ بحار الأنوار، ج ٢٥، ص ١٣٧

﴿١٤٣٥﴾ الصادق عليه السلام: إِنَّ أَحَقَّ النَّاسِ بِالْوَرَعِ آلُ مُحَمَّدٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ وَ شِيعَتُهُمْ لَكِي يُقْتَدَى النَّاسُ بِهِمْ فَإِنَّهُمْ الْقُدُورَةُ لِمَنْ افْتَدَى؛ إرشاد القلوب، ج ١، ص ١٠١
١٥-٣- من شأن الأئمة عليهم السلام و دينهم

﴿١٤٣٦﴾ الصادق عليه السلام: إِنَّ اللَّهَ تَبَارَكَ وَ تَعَالَى أَوْجَبَ عَلَيْكُمْ حُبَّنَا وَ مَوَالَاتَنَا وَ فَرَضَ عَلَيْكُمْ طَاعَتَنَا أَلَا فَمَنْ كَانَ مِنَّا فَلْيَقْتَدِ بِنَا فَإِنَّ مِنْ شَأْنِنَا الْوَرَعَ وَ الْجَهْدَ وَ آدَاءَ الْأَمَانَةِ إِلَى الْبَرِّ وَ الْفَاجِرِ؛ مستدرک الوسائل، ج ١٤، ص ١٠

«اهمیت تقوا / از نشانه‌های پیامبران و جانشینان و اولیاء(ع)»

﴿۱۴۳۰﴾ پروردگارا! من از تو اکمال نعمت‌هایت را خواستارم و اینکه ما را از ستیزه جویان قرار دهی و به کسانی که روز جزا را تکذیب می‌کنند، ملحق مکن و گام صادقانه همراه با تقواییشان به ما عطا فرما و رحمتی از جانب خود برای ما قرار ده و نیز پیشوایی از تقواییشان برای ما تا روز قیامت قرار ده، آن روز که همه مردم با پیشوای خود خوانده می‌شوند و ما را در سایه آن تقواییشان، هدایتگران بعد از پیامبر بیم‌دهنده و اعلام خطر کننده و بشارت‌دهنده‌ات و امامانی که به سوی هدایت فرا می‌خوانند، قرار ده.

﴿۱۴۳۱﴾ واجب در حکم خدا، و حکم اسلام بر مسلمانان بعد از مرگ امامشان یا قتل او چه در ضلالت چه در هدایت، مظلومانه باشد یا ظالمانه، خونش حلال باشد یا حرام، این است که عملی انجام ندهند، صحبتی نکنند، دست و پای مقدّم ندارند و کاری را شروع نکنند قبل از اینکه امامی برای خود انتخاب کنند که پاکدامن، عالم و پرهیزکار باشد.

﴿۱۴۳۲﴾ خداوند مردی را که از دودمان ماست و برای امت محمد ﷺ نگهداشته، ظاهر می‌گرداند تا دستور تقوا دهد و به هدایت رفتار کند و در صدور حکم رشوه نگیرد. به خدا قسم من او را به اسم خود و پدرش می‌شناسم. آنگاه مردی که گردنی قوی دارد و دارای دو خال سیاه است به سوی ما خواهد آمد. او قائم عادل و حافظ امانت الهی است، او زمین را پر از عدل و داد می‌کند، چنان که فاجران آن را پر از ظلم و ستم کرده باشند.

﴿۱۴۳۳﴾ حسن بن جهّم گوید: خدمت امام رضا علیه السلام بودم و زید برادرش نیز آتجا بود؛ به او می‌فرمود: «زید! از خدا بترس! ما با تقوا و پرهیزکاری به این مقام رسیده‌ایم. هرکس با تقوا و پرهیزکار نباشد از ما نیست و ما از او بیزاریم.

﴿۱۴۳۴﴾ صلاحیت امامت را ندارد مگر شخصی که در او سه امتیاز باشد: چنان پرهیزکار باشد که از او عمل حرام سر نزنند، و چنان بردبار باشد که خشم خویش را در اختیار گیرد، و چنان حسن رفتار و رهبری بر مردم را داشته باشد که برای آن‌ها همچون پدری مهربان باشد.

﴿۱۴۳۵﴾ سزاوارترین افراد به ورع، خاندان محمد ﷺ و شیعیانشان هستند تا مردم به آن‌ها اقتدا کنند که آن‌ها رهبرانی برای اقتدای دیگران هستند.

۳-۱۵-۲- از شؤون امامان علیهم السلام و از دین ایشان

﴿۱۴۳۶﴾ خدای تبارک و تعالی محبت ما و پیروی از ما را بر شما واجب کرده و بر شماها فرمانبری از ما را لازم کرده است. آگاه باشید که هرکس از ماست، باید به دنبال ما باشد؛ و پرهیزکاری و کوشش و ادای امانت به خوب و بد از شأن ماست.

﴿أَهْمِيَةُ التَّقْوَى / مِنْ عَلَامَاتِ الْأَنْبِيَاءِ وَالْأَوْصِيَاءِ وَالْأَوْلِيَاءِ (ع)﴾

﴿١٤٣٧﴾ الرضا عليه السلام: عَنْ الرضا عليه السلام: فِيمَا كَتَبَهُ لِلْمَأْمُونِ قَالَ: وَمِنْ دِينِ الْأَئِمَّةِ عَلَيْهِ السَّلَامُ الْوَرَعُ وَالْعِفَّةُ وَالصَّدْقُ وَالصَّلَاحُ وَطُولُ السُّجُودِ؛ مستدرک الوسائل، ج ٤، ص ٤٧٤

﴿١٤٣٨﴾ الصادق عليه السلام: عَنِ الصَّادِقِ عَلَيْهِ السَّلَامُ فِي خَبَرٍ طَوِيلٍ ذَكَرَ فِيهِ الْأَئِمَّةَ وَعَلَامَةَ الْإِمَامَةِ فَقَالَ وَدِينُهُمُ الْوَرَعُ وَالْعِفَّةُ؛ بحار الأنوار، ج ٨٤، ص ١٤٣

﴿١٤٣٩﴾ الصادق عليه السلام: عَلَيْكُمْ بِالْوَرَعِ فَإِنَّهُ الدِّينُ الَّذِي نُلَازِمُهُ وَنَدِينُ اللَّهِ تَعَالَى بِهِ وَنُرِيدُهُ مِمَّنْ يُؤَالِينَا لَا تَتَعَبُونَا بِالشَّفَاعَةِ؛ وسائل الشيعة، ج ١٥، ص ٢٤٨

﴿١٤٤٠﴾ الرضا عليه السلام: مَنْ مَاتَ وَلَمْ يَعْرِفْهُمْ مَاتَ مِيتَةً جَاهِلِيَّةً وَأَنْ مِنْ دِينِهِمُ الْوَرَعُ وَالْعِفَّةُ؛ بحار الأنوار، ج ١٠، ص ٣٥٢

﴿١٤٤١﴾ الصادق عليه السلام: عَنْ عَمَّارِ بْنِ أَبِي الْأَخْوَصِ قَالَ: قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام: أَمَا عَلِمْتَ أَنَّ إِمَارَةَ بَنِي أُمَيَّةٍ كَانَتْ بِالسَّيْفِ وَالْعَسْفِ وَالْجَوْرِ وَأَنَّ إِمَامَتَنَا بِالرَّفْقِ وَالتَّأَلُّفِ وَالْوَقَارِ وَالتَّقِيَّةِ وَحُسْنِ الْخُلُقَةِ وَالْوَرَعِ وَالِاجْتِهَادِ؛ وسائل الشيعة، ج ١٦، ص ١٦٤

٢-١٥-٤ مِنْ عَلَامَاتِ أَصْحَابِ الْقَائِمِ عَلَيْهِ السَّلَامُ

﴿١٤٤٢﴾ الصادق عليه السلام: مَنْ سُرَّ أَنْ يَكُونَ مِنْ أَصْحَابِ الْقَائِمِ فَلْيَنْتَظِرْ وَلْيَعْمَلْ بِالْوَرَعِ وَمَحَاسِنِ الْأَخْلَاقِ وَهُوَ مُنْتَظَرٌ؛ بحار الأنوار، ج ٥٢، ص ١٤٠

٢-١٥-٥ مِنْ عَلَامَاتِ الْأَمْرَاءِ

﴿١٤٤٣﴾ الباقر عليه السلام: رَضِيتُ بِكَ رَبًّا وَ... بِالْمُتَّقِينَ أَمْرَاءَ؛ بحار الأنوار، ج ٩٢، ص ٣٣٧

٢-١٥-٦ مِنْ عَلَامَاتِ أَهْلِ الدِّينِ

﴿١٤٤٤﴾ أمير المؤمنين عليه السلام: دَلِيلُ دِينِ الْعَبْدِ وَرَعُهُ؛ غرر الحكم، ص ٢٧١

٢-١٥-٧ مِنْ عَلَامَاتِ الْأَوْصِيَاءِ وَاتِّبَاعِهِمْ

﴿١٤٤٥﴾ السَّجَادُ عَلَيْهِ السَّلَامُ: إِنْ أَحَقَّ النَّاسُ بِالْوَرَعِ وَالِاجْتِهَادِ فِيمَا يُحِبُّ اللَّهُ وَيَرْضَى الْأَوْصِيَاءُ وَاتِّبَاعُهُمْ؛ بحار الأنوار، ج ٦٥، ص ٣٠

٢-١٥-٨ مِنْ عَلَامَاتِ الْأَوْلِيَاءِ

﴿١٤٤٦﴾ الرسول صلى الله عليه وآله: يَا أَبَا ذَرٍّ إِنَّ أَهْلَ الْوَرَعِ وَالزُّهْدِ فِي الدُّنْيَا هُمْ أَوْلِيَاءُ اللَّهِ حَقًّا؛ بحار الأنوار، ج ٧٤، ص ٨٨

«اهمیت تقوا / از نشانه‌های پیامبران و جانشینان و اولیاء(ع)»

«۱۴۳۷» در نامه‌ای که امام رضا علیه السلام به مأمون نوشت چنین آمده است: «ورع و پاک‌دامنی و راستگویی و صلاح و سجده‌ی طولانی، دین امامان علیهم السلام است».

«۱۴۳۸» امام صادق علیه السلام در حدیثی طولانی که نام امامان علیهم السلام و علامت امامت را برمی‌شمرد، فرمود: «از دین و مرام امامان عبارت است از: پرهیزکاری، پاکدامنی».

«۱۴۳۹» بر شما باد به پرهیزکاری زیرا پرهیزکاری همان دینی است که ما به آن وابسته‌ایم و خداوند را به‌وسیله‌ی آن دینداری می‌کنیم و آن را از کسانی که ما را دوست می‌دارند می‌خواهیم تا ما را با شفاعت به زحمت نیافکنند.

«۱۴۴۰» هرکس بمیرد و آنان (امامان) را نشناسد، او به مرگ جاهلیت مرده است. و خداشناسی و پرهیزکاری از آیین ایشان است.

«۱۴۴۱» عماربن‌ابو‌أحوص گوید: امام علیه السلام فرمود: آیا نمی‌دانی که حکومت بنی‌امیه با شمشیر و زور و ستم بود و امامت ما همراه با نرمی و مهربانی وقار و تقیه و معاشرت نیکو و ورع و کوشش است. پس مردم را به آیین خود و آنچه در آن هستی، تشویق کنید.

۴-۱۵-۲- از نشانه‌های یاران حضرت قائم علیه السلام

«۱۴۴۲» هرکس مشتاق است که از یاران قائم ما باشد، باید منتظر ظهور او باشد و پرهیزکاری پیشه سازد و دارای اخلاق نیکو باشد و این‌گونه انتظار آن روز را بکشد.

۵-۱۵-۲- از نشانه‌های فرماندهان

«۱۴۴۳» از تو به عنوان پروردگار خویش و ... تقواییشگان به عنوان امیر خویش خشنودم.

۶-۱۵-۲- از نشانه‌های اهل دین

«۱۴۴۴» ورع بنده نشانه‌ی دینداری اوست.

۷-۱۵-۲- از نشانه‌های جانشینان و پیروانشان

«۱۴۴۵» سزاوارترین مردم به پرهیزکاری و کوشش کردن در آنچه که مایه‌ی دوستی و خشنودی خداوند است، اوصیا و پیروان آن‌ها هستند.

۸-۱۵-۲- از نشانه‌های اولیا

«۱۴۴۶» ای ابوذر! مردم پارسا و زاهد در دنیا حقیقتاً از اولیاء الله هستند.

﴿أَهْمِيَةُ التَّقْوَى / مِنْ عَلَامَاتِ الْأَنْبِيَاءِ وَالْأَوْصِيَاءِ وَالْأَوْلِيَاءِ (ع)﴾

﴿١٤٤٧﴾ زيارة الرسول ﷺ من البعيد: فَسُقْنِي بِرَحْمَتِكَ فِي عِبَادِكَ الصَّالِحِينَ وَفِي زُمْرَةِ
أَوْلِيَائِكَ الْمُتَّقِينَ إِلَى جَنَانِكَ يَا رَبَّ الْعَالَمِينَ؛ بحار الأنوار، ج ٩٧، ص ١٨٦

﴿١٤٤٨﴾ الكاظم ﷺ: يَا نَاصِرَ الْأَوْلِيَاءِ الْمُتَّقِينَ؛ بحار الأنوار، ج ٩٢، ص ٤٤٨

﴿١٤٤٩﴾ الصادق ﷺ: فَأَظْهَرَ الدِّينَ لِأَوْلِيَائِكَ الْمُتَّقِينَ فَادَى حَقِّكَ وَفَعَلَ مَا أَمَرْتَ بِهِ فِي
كِتَابِكَ بِقَوْلِكَ يَا أَيُّهَا الرَّسُولُ بَلِّغْ مَا أُنْزِلَ إِلَيْكَ مِنْ رَبِّكَ وَإِنْ لَمْ تَفْعَلْ فَمَا بَلَّغْتَ رِسَالَتَهُ وَاللَّهُ
يَعْصِمُكَ مِنَ النَّاسِ؛ مصباح المتعبد، ص ٣٢٤

﴿١٤٥٠﴾ صفاء ادریس ﷺ: قَالَ رَبِّ فَأَنْظِرْنِي إِلَى يَوْمٍ يُبْعَثُونَ قَالَ لَا وَلَكِنَّكَ مِنَ الْمُنْظَرِينَ
إِلَى يَوْمِ الْوَقْتِ الْمَعْلُومِ فَإِنَّهُ يَوْمٌ فَضِيتُ وَحَمَتُ أَنْ أَطْهَرَ الْأَرْضَ ذَلِكَ الْيَوْمَ مِنَ الْكُفْرِ وَ
الشَّرِكِ وَالْمَعَاصِي وَانْتَخَبْتُ لِذَلِكَ الْوَقْتِ عِبَادًا لِي امْتَحَنْتُ قُلُوبَهُمْ لِلْإِيمَانِ وَحَشَوْتُهَا بِالْوَرَعِ
وَالْإِخْلَاصِ وَالْيَقِينِ وَالتَّقْوَى وَالْخُشُوعِ وَالصِّدْقِ وَالْحِلْمِ وَالصَّبْرِ وَالْوَقَارِ وَالتَّقَى؛ بحار الأنوار،
ج ٥٢، ص ٣٨٤

٩-١٥-٢- مِنْ عَلَامَاتِ أَوْلِيَاءِ بَيْتِ اللَّهِ

﴿١٤٥١﴾ وَمَا لَهُمْ إِلَّا يَعَذِّبُهُمُ اللَّهُ وَهُمْ يَصُدُّونَ عَنِ الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ وَمَا كَانُوا أَوْلِيَاءَهُ إِنْ أَوْلِيَائُهُ
إِلَّا الْمُتَّقُونَ وَلَكِنْ أَكْثَرَهُمْ لَا يَعْلَمُونَ؛ الأنفال ٣٤

﴿١٤٥٢﴾ الصادق ﷺ: فِي قَوْلِ اللَّهِ وَهُمْ يَصُدُّونَ عَنِ الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ وَمَا كَانُوا أَوْلِيَاءَهُ يَعْنِي
أَوْلِيَاءَ الْبَيْتِ يَعْنِي الْمُشْرِكُونَ [الْمُشْرِكِينَ] إِنْ أَوْلِيَائُهُ إِلَّا الْمُتَّقُونَ حَيْثُ مَا كَانُوا هُمْ أَوْلَى بِهِ مِنَ
الْمُشْرِكِينَ؛ بحار الأنوار، ج ١٠١، ص ٣٣٩

﴿١٤٥٣﴾ عَلَى بْنِ إِبْرَاهِيمَ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ: قَالَ اللَّهُ وَمَا لَهُمْ إِلَّا يَعَذِّبُهُمُ اللَّهُ وَهُمْ يَصُدُّونَ عَنِ الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ
وَمَا كَانُوا أَوْلِيَاءَهُ يَعْنِي قُرَيْشًا مَا كَانُوا أَوْلِيَاءَ مَكَّةَ... إِنْ أَوْلِيَائُهُ إِلَّا الْمُتَّقُونَ أَنْتَ وَأَصْحَابُكَ يَا

مُحَمَّدَ؛ بحار الأنوار، ج ٩، ص ٢١٠

١٠-١٥-٢- مِنْ عَلَامَاتِ الْمُؤْمِنِ

﴿١٤٥٤﴾ السَّجَّادُ ﷺ: عَنِ الطَّائِفِ بْنِ الْيَمَانِ قَالَ سَمِعْتُ عَلِيَّ بْنَ الْحُسَيْنِ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ يَقُولُ عَلَامَاتُ
الْمُؤْمِنِ خَمْسٌ قُلْتُ وَمَا هُنَّ يَا ابْنَ رَسُولِ اللَّهِ قَالَ الْوَرَعُ فِي الْخُلُوعِ وَالصَّدَقَةُ فِي الْقِلَّةِ وَالصَّبْرُ
عِنْدَ الْمُصِيبَةِ وَالْحِلْمُ عِنْدَ الْغَضَبِ وَالصِّدْقُ عِنْدَ الْخَوْفِ؛ بحار الأنوار، ج ٦٤، ص ٢٩٣

«اهمیت تقوا / از نشانه‌های پیامبران و جانشینان و اولیاء(ع)»

﴿۱۴۴۷﴾ [زیارت پیامبر ﷺ از راه دور:] مرا با رحمت خود در میان بندگان صالح و در زمره‌ی دوستان پرهیزگارت به سوی بهشت پیش ببر؛ ای پروردگار جهانیان.

﴿۱۴۴۸﴾ ای یاری‌دهنده‌ی دوستان خود که پرهیزکاران هستند.

﴿۱۴۴۹﴾ او دین را برای اولیای متقی تو آشکار کرد و حق تو را ادا نمود و آنچه را که در کتابت با این کلامت: «ای پیامبر! آنچه از طرف پروردگارت بر تو نازل شده است، کاملاً [به مردم] برسان! و اگر نکنی، رسالت او را انجام نداده‌ای! خداوند تو را از [خطرات احتمالی] مردم، نگاه می‌دارد» به او امر کردی انجام داد، و رسالت را ابلاغ کرد و حجتت را روشن نمود.

﴿۱۴۵۰﴾ شیطان گفت: «پروردگارا مرا تا روزی که خلائق برانگیخته شوند مهلت بده». فرمود: «البته تا روز معلوم مهلت خواهی داشت. چرا که آن روزی است که در آن روز زمین را از کفر و شرک و گناهان پاک می‌کنم و در این وقت، بندگان را برای خودم انتخاب می‌کنم که ایمان قلب‌هایشان را آزموده‌ام و از ورع و اخلاص، یقین، تقوا، خشوع، صدق، بردباری، صبر و وقار، زهد در دنیا پر کرده‌ام».

۹-۱۵-۲- از نشانه‌های سرپرست خانه‌ی خدا

﴿۱۴۵۱﴾ چرا خدا آن‌ها را مجازات نکند، با اینکه از (عبادت موخدان در کنار) مسجد الحرام جلوگیری می‌کنند در حالی که سرپرست آن نیستند؟! سرپرست آن، فقط پرهیزکارانند ولی بیشتر آن‌ها نمی‌دانند.

﴿۱۴۵۲﴾ «از [عبادت موخدان در کنار] مسجد الحرام جلوگیری می‌کنند درحالی که سرپرست آن نیستند؟» هر کجا که باشند، چرا که آنان از مشرکان به مسجد الحرام شایسته‌تر بودند.

﴿۱۴۵۳﴾ خداوند فرمود: «وَمَا لَهُمْ آلَا يُعَذِّبُهُمُ اللَّهُ وَهُمْ يَصُدُّونَ عَنِ الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ وَمَا كَانُوا أَوْلِيَاءَهُ؛ یعنی قریش صاحب اختیار مکه نبودند. «إِنْ أَوْلِيَاؤُهُ إِلَّا الْمُتَّقُونَ»، ای محمد! صاحب اختیار مکه تو و اصحابت هستید.

۱۰-۱۵-۲- از نشانه‌های مؤمن

﴿۱۴۵۴﴾ طاووس بن یمان گوید: شنیدم که امام سجاد علی‌ه‌السلام می‌فرمود: «نشانه‌های مؤمن پنج چیز هستند». گفتیم: «ای پسر پیامبر خدا! کدامند؟» فرمود: «پارسایی در خلوت، صدقه در نداری، شکیبایی در آسیب‌زدگی، بردباری در هنگام خشم، و راستی با ترس».

﴿أَهْمِيَةُ التَّقْوَى / مِنْ عَلَامَاتِ الْأَنْبِيَاءِ وَالْأَوْصِيَاءِ وَالْأَوْلِيَاءِ (ع)﴾

﴿١٤٥٥﴾ الصَّادِقُ (عليه السلام): الْمُؤْمِنُ لَهُ قُوَّةٌ فِي دِينٍ وَحَزْمٌ فِي لَيْنٍ وَإِيمَانٌ فِي يَقِينٍ وَحِرْصٌ فِي فِقْهِ وَنَشَاطٌ فِي هُدًى وَبِرٌّ فِي اسْتِقَامَةٍ وَعِلْمٌ فِي حِلْمٍ وَكَيْسٌ فِي رَفَقٍ وَسَخَاءٌ فِي حَقٍّ وَقَصْدٌ فِي غِنًى وَتَجَمُّلٌ فِي فَاقَةٍ وَعَفْوٌ فِي قُدْرَةٍ وَطَاعَةٌ لِلَّهِ فِي نَصِيحَةٍ وَانْتِهَاءٌ فِي شَهْوَةٍ وَوَرَعٌ فِي رَغْبَةٍ؛ الكافي، ج ٢، ص ٢٣١

﴿١٤٥٦﴾ الرَّسُولُ (عليه السلام): يَا عَلِيُّ مِنْ صِفَاتِ الْمُؤْمِنِ أَنْ يَكُونَ جَوَّالَ الْفِكْرِ... إِنْ سَلَكَ مَعَ أَهْلِ الدُّنْيَا كَانَ أَكْبَسَهُمْ وَإِنْ سَلَكَ مَعَ أَهْلِ الْآخِرَةِ كَانَ أَوْرَعَهُمْ؛ مستدرک الوسائل، ج ١١، ص ١٧٨

﴿١٤٥٧﴾ الصَّادِقُ (عليه السلام): إِنَّا لَا نَعُدُّ الرَّجُلَ مُؤْمِنًا حَتَّى يَكُونَ لِجَمِيعِ أَمْرِنَا مُتَّبِعًا مُرِيدًا أَلَا وَإِنْ مِنْ اتِّبَاعِ أَمْرِنَا وَإِرَادَتِهِ الْوَرَعَ فَتَزَيَّنُوا بِهِ يَرْحَمَكُمُ اللَّهُ وَكَبِدُوا أَغْدَاءَنَا بِهِ يَنْعَشَكُمُ اللَّهُ؛ الكافي، ج ٢، ص ٧٨

﴿١٤٥٨﴾ الرَّسُولُ (عليه السلام): الْإِيمَانُ فِي عَشْرَةِ أَشْيَاءَ الْمَعْرِفَةُ وَالطَّاعَةُ وَالْعِلْمُ وَالْعَمَلُ وَالْوَرَعُ وَالْاجْتِهَادُ وَالصَّبْرُ وَالْيَقِينُ وَالرِّضَا وَالتَّسْلِيمُ فَأَيُّهَا فَقَدْ صَاحِبُهُ فَسَدَ نِظَامُهُ؛ معدن الجواهر، ص ٧٠

﴿١٤٥٩﴾ الرَّسُولُ (عليه السلام): الْإِيمَانُ فِي عَشْرَةِ الْمَعْرِفَةِ وَالطَّاعَةِ وَالْعِلْمِ وَالْعَمَلِ وَالْوَرَعِ وَالْاجْتِهَادِ وَالصَّبْرِ وَالْيَقِينِ وَالرِّضَا وَالتَّسْلِيمِ فَأَيُّهَا فَقَدْ صَاحِبُهُ بَطَلَ نِظَامُهُ؛ بحار الأنوار، ج ٦٦، ص ١٧٥

﴿١٤٦٠﴾ الرَّسُولُ (عليه السلام): مَنْ لَمْ يَكُنْ فِيهِ ثَلَاثٌ لَمْ يَجِدْ طَعْمَ الْإِيمَانِ حِلْمٌ يَرُدُّ بِهِ جَهْلَ الْجَاهِلِ وَوَرَعٌ يَخْجِزُهُ عَنِ الْمَحَارِمِ وَخُلُقٌ يُدَارِي بِهِ النَّاسَ؛ مستدرک الوسائل، ج ١١، ص ٢٩١

١١-١٥-٢- مِنْ عَلَامَاتِ كَمَالِ الْإِيمَانِ

﴿١٤٦١﴾ الرَّسُولُ (عليه السلام): لَا يَكْمُلُ الْمُؤْمِنُ فِي إِيْمَانِهِ حَتَّى تَكُونَ فِيهِ ثَلَاثُ خِصَالٍ حِلْمٌ يَرُدُّعُهُ عَنِ الْجَهْلِ وَوَرَعٌ يَخْجِزُهُ عَنِ الْمَعَاصِي وَكَرَمٌ يَحْسُنُ بِهِ صُحْبَتُهُ؛ مستدرک الوسائل، ج ١١، ص ٢٨٨

١٢-١٥-٢- مِنْ عَلَامَاتِ الْحَكِيمِ

﴿١٤٦٢﴾ لِقْمَانُ (عليه السلام): إِنْ أَخْلَقَ الْحَكِيمُ عَشْرَةَ خِصَالِ الْوَرَعِ وَالْعَدْلِ وَالْفِقْهِ وَالْعَفْوِ وَالْإِحْسَانِ وَالتَّيَقُّظِ وَالتَّحَفُّظِ وَالتَّذَكُّرِ وَالْحَذَرِ وَحُسْنُ الْخُلُقِ وَالْقَصْدِ؛ معدن الجواهر، ص ٧٢

١٣-١٥-٢- مِنْ عَلَامَاتِ الْخَائِفِ

﴿١٤٦٣﴾ السَّجَّادُ (عليه السلام): لَيْسَ الْخَوْفُ خَوْفَ مَنْ بَكَى وَجَرَتْ دُمُوعُهُ مَا لَمْ يَكُنْ لَهُ وَرَعٌ يَخْجِزُهُ عَنِ مَعَاصِي اللَّهِ وَإِنَّمَا ذَلِكَ خَوْفٌ كَاذِبٌ؛ بحار الأنوار، ج ٩٠، ص ٣٣٥

﴿٥٢٠﴾

«اهمیت تقوا / از نشانه‌های پیامبران و جانشینان و اولیاء(ع)»

﴿۱۴۵۵﴾ مؤمن در امر دین نیرومند است و با وجود نرمی دور اندیشی دارد و ایمانش بایقین است و برای تحصیل فقه حریص، در هدایت‌جویی بانشاط و با وجود ثبات و پایداری نیکوکار است. خویشتن‌داری‌اش با علم است و با ملایمت زیرکی دارد، سخاوتش در راه حق است و در زمان توانگری اقتصاد را از دست نمی‌دهد، و در زمان ناداری خوش‌ظاهر و با آرایش می‌باشد و در زمان قدرت گذشت دارد و با وجود خیرخواهی مردم اطاعت خدا می‌کند، و در حال شهوت باز می‌ایستد و در زمان رغبت پرهیزکاری می‌کند.

﴿۱۴۵۶﴾ ای علی! از اوصاف مؤمن است که دارای فکر و اندیشه متحرک باشد... اگر با دنیاداران راه برود از همه زیرک‌تر است و اگر با آخرت‌طلبان، از همه پرهیزکارتر است.

﴿۱۴۵۷﴾ ما کسی را مؤمن نمی‌دانیم مگر اینکه همه دستورات ما را به کار ببرد. و یکی از اوامر ما ورع و پرهیزکاری می‌باشد. خداوند شما را رحمت کند! خود را به ورع زینت دهید و دشمنان ما را با زینت خود فریفته کنید تا خداوند شما را شاداب گرداند.

﴿۱۴۵۸﴾ ایمان در ده چیز است: شناخت، اطاعت، علم، عمل، ورع، تلاش، صبر، یقین، رضا و تسلیم. هر کدام از این موارد که از دست برود، صاحب آن صفات را فاسد می‌کند.

﴿۱۴۵۹﴾ ایمان در ده چیز است: شناخت و فرمان‌برداری و علم و عمل و ورع و اجتهاد و صبر و یقین و رضا و تسلیم. پس اگر صاحب آن یکی از آن‌ها را از دست دهد، نظام ایمان او از بین می‌رود.

﴿۱۴۶۰﴾ کسی که سه خصلت ندارد، طعم ایمان را نمی‌چشد: بردباری‌ای که به کمک آن از پس جهل جاهلان برآید، ورعی که مانع او از ارتکاب معصیت خدا شود و اخلاق [خوبی] که بتواند با مردم مدارا کند.

۱۱-۱۵-۲- از نشانه‌های کمال ایمان

﴿۱۴۶۱﴾ ایمان مؤمن کامل نمی‌شود مگر آنکه سه خصلت در او باشد: بردباری‌ای که او را از جهل بازدارد، ورعی که مانع او از ارتکاب معصیت خدا شود و کرامتی که موجب هم‌صحبتی خوب او شود.

۱۲-۱۵-۲- از نشانه‌های حکیم

﴿۱۴۶۲﴾ اخلاق حکیم دارای ده خصلت است: ورع، عدل، علم دین، گذشت، نیکی، هشیاری، مراقبت، تذکر، احتیاط و حذر، اخلاق نیک و میانه‌روی.

۱۳-۱۵-۲- از نشانه‌های بیمناک

﴿۱۴۶۳﴾ ترس، آن نیست که کسی بگیرد و اشک‌هایش جاری شود؛ مادامی که تقوایی نداشته باشد که او را از نافرمانی‌های خدا باز دارد؛ چنین خوفی، خوف کاذب است.

﴿أهمية التقوى / مِنْ عَلَامَاتِ الْأَنْبِيَاءِ وَالْأَوْصِيَاءِ وَالْأَوْلِيَاءِ (ع)﴾

١٤-١٥-٢- مِنْ عَلَامَاتِ مَنْ دِينُ لَهُ

﴿١٤٦٤﴾ أمير المؤمنين عليه السلام: دَلِيلُ دِينِ الْعَبْدِ وَرَعُهُ؛ غررالحكم، ص ٢٧١

١٥-١٥-٢- مِنْ عَلَامَاتِ السُّعَدَاءِ

﴿١٤٦٥﴾ الصادق عليه السلام: السَّعِيدُ يَتَعَبَّ بِمَوْعِظَةِ النَّقْوَى وَإِنْ كَانَ يُرَادُ بِالْمَوْعِظَةِ غَيْرُهُ؛ الكافي،

ج ٨، ص ١٥٠

١٦-١٥-٢- مِنْ عَلَامَاتِ الشَّيْعَةِ وَأَهْلِ الْوَلَايَةِ

﴿١٤٦٦﴾ أمير المؤمنين عليه السلام: قَوْلُهُ عليه السلام لِنُوفٍ الْبِكَالِيَّ أ تَذَرِي يَا نُوفُ مَنْ شِيعَتِي قَالَ لَا وَاللَّهِ

قَالَ شِيعَتِي ... فَحَلَمَاءُ عُلَمَاءُ كِرَامُ نُجَبَاءُ أَبْرَارُ أَتَقِيَاءُ؛ بحار الأنوار، ج ٧٥، ص ٢٨

﴿١٤٦٧﴾ الباقر عليه السلام: فَوَاللَّهِ مَا شِيعَتُنَا إِلَّا مَنْ اتَّقَى اللَّهَ وَاطَّاعَهُ؛ الكافي، ج ٢، ص ٧٤

﴿١٤٦٨﴾ الرسول عليه السلام: فَمَا أَحَدٌ مِنْ شِيعَةِ عَلِيِّ عليه السلام إِلَّا وَهُوَ طَاهِرُ الْوَالِدَيْنِ تَقَى نَقْيُ؛

بحار الأنوار، ج ٢٤، ص ٨٨

﴿١٤٦٩﴾ أمير المؤمنين عليه السلام: أَوْصِيكَ يَا حَسَنُ وَجَمِيعَ مَنْ حَضَرَنِي مِنْ أَهْلِ بَيْتِي وَوُلْدِي وَ

شِيعَتِي بِتَقْوَى اللَّهِ؛ مستدرک الوسائل، ج ١٣، ص ٤٤١

﴿١٤٧٠﴾ أمير المؤمنين عليه السلام: أُولَئِكَ أَصْحَابِي وَشِيعَتِي حَقًّا الَّذِينَ امْتَحَنَ اللَّهُ قُلُوبَهُمْ لِلتَّقْوَى

لَهُمْ مَغْفِرَةٌ وَأَجْرٌ عَظِيمٌ؛ أعلام الدين، ص ١٣٥

﴿١٤٧١﴾ الكاظم عليه السلام: شِيعَتُنَا الَّذِينَ يَقِيمُونَ الصَّلَاةَ وَيُؤْتُونَ الزَّكَاةَ وَيَحْجُونَ الْبَيْتَ الْحَرَامَ وَ

يَصُومُونَ شَهْرَ رَمَضَانَ وَيُؤَلُّونَ أَهْلَ الْبَيْتِ وَيَتَبَرَّؤْنَ مِنْ أَعْدَائِهِمْ أُولَئِكَ أَهْلُ الْإِيمَانِ وَالتَّقَى

وَأَهْلُ الْوَرَعِ وَالتَّقْوَى؛ بحار الأنوار، ج ٦٥، ص ١٦٧

﴿١٤٧٢﴾ الصادق عليه السلام: شِيعَتُنَا أَهْلُ الْوَرَعِ وَالْإِجْتِهَادِ؛ وسائل الشيعة، ج ٤، ص ٥٧

﴿١٤٧٣﴾ الرضا عليه السلام: فَمَنْ كَانَ مِنْ شِيعَتِنَا فَلْيَتَوَرَّعْ عَنْ شُرْبِ الْفَقَّاعِ فَإِنَّهُ شَرَابُ أَعْدَائِنَا فَإِنْ لَمْ

يَفْعَلْ فَلَيْسَ مِنَّا؛ وسائل الشيعة، ج ٢٥، ص ٣٦٣

﴿١٤٧٤﴾ الصادق عليه السلام: أَنْتُمْ أَحَقُّ النَّاسِ بِالْوَرَعِ؛ تفسير العياشي، ج ١، ص ٣٧٦

﴿١٤٧٥﴾ الصادق عليه السلام: إِنَّ أَحَقَّ النَّاسِ بِالْوَرَعِ آلُ مُحَمَّدٍ وَشِيعَتُهُمْ كَيْ تَقْدِيَ الرَّعِيَّةَ بِهِمْ؛

مستدرک الوسائل، ج ١، ص ١١٥

«اهمیت تقوا / از نشانه‌های پیامبران و جانشینان و اولیاء(ع)»

۱۴-۱۵-۲- از نشانه‌های آن که دین دارد

﴿۱۴۶۴﴾ ورع بنده نشانه‌ی دینداری اوست.

۱۵-۱۵-۲- از نشانه‌های سعادت‌مندان

﴿۱۴۶۵﴾ انسان خوشبخت کسی است که از موعظه‌ی به تقوا پند بگیرد حتی اگر خطاب موعظه شخص دیگری باشد.

۱۶-۱۵-۲- از نشانه‌های شیعه و ولایتمداران

﴿۱۴۶۶﴾ امام علی علیه السلام به نوف بکالی فرمود: «می‌دانی نوف، شیعه‌ی من کیست؟» گفت: «نه به خدا». فرمود: «شیعه‌ی من کسی است که ... حلیم و دانا، بزرگوار، نجیب، نیکوکار و پرهیزکار است».

﴿۱۴۶۷﴾ به خدا قسم! فقط کسانی که از خدا پروا می‌کنند و از او اطاعت می‌کنند، شیعیان ما هستند.

﴿۱۴۶۸﴾ شیعیان علی علیه السلام همه دارای طهارت ولادت و پدر و مادری پاک هستند.

﴿۱۴۶۹﴾ ای حسن! تو و تمام اهل بیت و فرزندانم و پیروانم را که در محضر حاضرند را به تقوای الهی توصیه می‌کنم.

﴿۱۴۷۰﴾ آنان یاران و پیروان واقعی من هستند که «خداوند دل‌هایشان را برای تقوا خالص نموده، و برای آنان آمرزش و پاداش عظیمی است».

﴿۱۴۷۱﴾ شیعیان ما کسانی هستند که نماز را به پا می‌دارند، زکات می‌دهند، به زیارت خانه‌ی خدا می‌روند و مناسک حج را انجام می‌دهند، ماه رمضان را روزه می‌گیرند، اهل بیت پیغمبر صلی الله علیه و آله را دوست دارند و از دشمنان آن‌ها بیزارند. این‌ها اهل ایمان و تقوا و پرهیزکاری‌اند.

﴿۱۴۷۲﴾ پیروان ما اهل ورع و کوشش هستند.

﴿۱۴۷۳﴾ هر کس که از شیعیان ماست باید از نوشیدن آبجو پرهیز کند که نوشیدنی دشمنان ماست. هر کس چنین نکند از ما نیست.

﴿۱۴۷۴﴾ شما سزاوارترین مردم به پرهیزکاری هستید.

﴿۱۴۷۵﴾ سزاوارترین مردم به پرهیزکاری، آل محمد صلی الله علیه و آله و شیعیان آن‌ها هستند تا سایر افراد به آن‌ها اقتدا کنند.

﴿أَهْمِيَةُ التَّقْوَى / مِنْ عَلَامَاتِ الْأَنْبِيَاءِ وَالْأَوْصِيَاءِ وَالْأَوْلِيَاءِ (ع)﴾

﴿١٤٧٦﴾ الصَّادِقُ عليه السلام: عَلَيْكُمْ بِالْوَرَعِ فَإِنَّهُ الدِّينُ الَّذِي نُلَازِمُهُ وَنَدِينُ اللَّهَ تَعَالَى بِهِ وَنُرِيدُهُ مِمَّنْ يُؤَالِنَا لَا تَتَّبِعُونَا بِالشَّفَاعَةِ؛ وسائل الشيعة، ج ١٥، ص ٢٤٨

﴿١٤٧٧﴾ الباقر عليه السلام: فَإِنَّمَا كَانَ شِيعَةً عَلَى عليه السلام يُعْرِفُونَ بِالْوَرَعِ وَالْإِجْتِهَادِ؛ مستدرک الوسائل، ج ١٧، ص ٦٤

﴿١٤٧٨﴾ الصَّادِقُ عليه السلام: إِنْ شِيعَةً عَلَى كَانُوا خُمُصَ الْبُطُونِ ذُبِلَ الشَّفَاهُ أَهْلَ رَأْفَةٍ وَعِلْمٍ وَحِلْمٍ يُعْرِفُونَ بِالرَّهْبَانِيَّةِ فَأَعِينُوا عَلَى مَا أَنْتُمْ عَلَيْهِ بِالْوَرَعِ وَالْإِجْتِهَادِ؛ الكافي، ج ٢، ص ٢٣٣

﴿١٤٧٩﴾ الباقر عليه السلام: وَاللَّهِ إِنْ أَحَبَّ أَصْحَابِي إِلَى أَوْرَعِهِمْ وَأَقْفَهُهُمْ وَأَكْتَمَهُمْ لِحَدِيثِنَا؛ الكافي، ج ٢، ص ٢٢٣

﴿١٤٨٠﴾ الصَّادِقُ عليه السلام: إِنْ اللَّهَ تَبَارَكَ وَتَعَالَى أَوْجَبَ عَلَيْكُمْ حُبَّنَا وَمَوَالَتَنَا وَفَرَضَ عَلَيْكُمْ طَاعَتَنَا أَلَا فَمَنْ كَانَ مِنَّا فَلْيَقْتَدِ بِنَا فَإِنَّ مِنْ شَأْنِنَا الْوَرَعَ وَالْإِجْتِهَادَ وَأَدَاءَ الْأَمَانَةِ إِلَى الْبَرِّ وَالْفَاجِرِ؛ مستدرک الوسائل، ج ١٤، ص ١٠

﴿١٤٨١﴾ الصَّادِقُ عليه السلام: إِنَّا لَا نَعُدُّ الرَّجُلَ مُؤْمِنًا حَتَّى يَكُونَ لِجَمِيعِ أَمْرِنَا مُتَّبِعًا مُرِيدًا أَلَا وَإِنْ مِنْ اتِّبَاعِ أَمْرِنَا وَإِرَادَتِهِ الْوَرَعَ فَتَزَيَّنُوا بِهِ يَرْحَمَكُمُ اللَّهُ وَكَبِدُوا أَعْدَاءَنَا بِهِ يَنْعَشَكُمُ اللَّهُ؛ الكافي، ج ٢، ص ٧٨

﴿١٤٨٢﴾ الصَّادِقُ عليه السلام: لَيْسَ مِنْ شِيعَتِنَا مَنْ يَكُونُ فِي مِصْرٍ يَكُونُ فِيهِ مِائَةُ أَلْفٍ وَيَكُونُ فِي الْمِصْرِ أَوْرَعُ مِنْهُ؛ وسائل الشيعة، ج ١٥، ص ٢٤٧

﴿١٤٨٣﴾ الصَّادِقُ عليه السلام: إِنَّمَا أَصْحَابُ جَعْفَرٍ مَنِ اشْتَدَّ وَرَعُهُ وَعَمِلَ لِخَالِقِهِ؛ مستدرک الوسائل، ج ١١، ص ٢٧٠

﴿١٤٨٤﴾ الصَّادِقُ عليه السلام: إِذَا أَرَدْتَ أَنْ تَعْرِفَ أَصْحَابِي فَانْظُرْ إِلَى مَنْ اشْتَدَّ وَرَعُهُ وَخَافَ خَالِقَهُ وَرَجَا ثَوَابَهُ وَإِذَا رَأَيْتَ هَؤُلَاءِ فَهَؤُلَاءِ أَصْحَابِي؛ الكافي، ج ٢، ص ٢٣٦

﴿١٤٨٥﴾ الصَّادِقُ عليه السلام: إِنَّمَا أَصْحَابِي مَنْ اشْتَدَّ وَرَعُهُ وَعَمِلَ لِخَالِقِهِ وَرَجَا ثَوَابَهُ فَهَؤُلَاءِ أَصْحَابِي؛ الكافي، ج ٢، ص ٧٧

﴿١٤٨٦﴾ الرَّسُولُ ﷺ: ثَلَاثٌ مَنْ لَمْ تَكُنْ فِيهِ فَلَيْسَ مِنِّي وَلَا مِنَ اللَّهِ قِيلَ يَا رَسُولَ اللَّهِ ﷺ وَمَا هُنَّ قَالَ حِلْمٌ يَرُدُّ بِهِ جَهْلُ الْجَاهِلِ وَحُسْنُ خُلُقٍ يَعْيشُ بِهِ وَوَرَعٌ يَخْجُزُهُ عَنْ مَعَاصِي اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ؛ وسائل الشيعة، ج ٢٠، ص ٣٥٩

«اهمیت تقوا / از نشانه‌های پیامبران و جانشینان و اولیاء(ع)»

﴿۱۴۷۶﴾ بر شما باد به پرهیزکاری زیرا پرهیزکاری همان دینی است که ما به آن وابسته‌ایم و خداوند را به وسیله‌ی آن دینداری می‌کنیم و آن را از کسانی که ما را دوست می‌دارند می‌خواهیم تا ما را با شفاعت به زحمت نیافکنند.

﴿۱۴۷۷﴾ همانا شیعه علی علیه السلام به ورع و کوشش شناخته می‌شده‌اند.

﴿۱۴۷۸﴾ شیعه ی علی علیه السلام، دارای شکم‌هایی خالی، و لب‌هایی خشک هستند و اهل رأفت و علم و بردباری هستند و به ترک دنیا معروفند. در اعتقادی که بر آن هستید ما را با ورع و تلاش یاری کنید.

﴿۱۴۷۹﴾ به خدا که محبوب‌ترین اصحابم نزد من پرهیزکارترین و فقیه‌ترین ایشان هستند و نسبت به احادیث ما پنهان‌دارترین آن‌ها هستند.

﴿۱۴۸۰﴾ خدای تبارک و تعالی محبت ما و پیروی از ما را بر شما واجب کرده و بر شماها فرمانبری از ما را لازم کرده است. آگاه باشید که هر کس از ماست، باید به دنبال ما باشد؛ و پرهیزکاری و کوشش و ادای امانت به خوب و بد از شأن ماست.

﴿۱۴۸۱﴾ ما کسی را مؤمن نمی‌دانیم مگر اینکه همه دستورات ما را به کار ببرد. و یکی از اوامر ما ورع و پرهیزکاری می‌باشد. خداوند شما را رحمت کند! خود را به ورع زینت دهید و دشمنان ما را با زینت خود فریفته کنید تا خداوند شما را شاداب گرداند.

﴿۱۴۸۲﴾ از شیعیان ما نیست کسی که در شهری باشد که صد هزار نفر و بیشتر در آن باشند، و در آن شهر شخصی پرهیزکارتر از او بوده باشد.

﴿۱۴۸۳﴾ یاران جعفر کسانی هستند که در نهایت پارسایی هستند و فقط برای خدا کار می‌کنند.

﴿۱۴۸۴﴾ اگر می‌خواهی اصحاب مرا بشناسی، به کسی بنگر که پرهیزکاری‌اش بسیار باشد و از خالق خود بترسد و به ثواب او امیدوار باشد، هرگاه این مردم را دیدی، این‌ها اصحاب من هستند.

﴿۱۴۸۵﴾ اصحاب من کسانی هستند که ورعشان شدید باشد و برای خالقشان عمل کنند و ثواب او را امیدوار باشند. این‌ها اصحاب من هستند.

﴿۱۴۸۶﴾ سه چیز است که در هر کس نباشد، او از من و از خدای بلندمرتبه نیست. گفته شد: «ای رسول خدا! آن‌ها چیست؟» فرمود: «بردباری‌ای که جهل نادان را به خودش بازگرداند و اخلاق نیکویی که با آن در بین مردم زندگی کند و تقوایی که او را از گناه در پیشگاه خدای متعال باز دارد».

﴿أهمية التقوى / من علامات الأنبياء والأوصياء والأولياء(ع)﴾

﴿١٤٨٧﴾ الكاظم (عليه السلام): كثيراً ما كنت أسمع أبي يقول... ليس من أوليائنا من هو في قرية فيها عشرة آلاف رجل فيهم من خلق الله أوزع منه؛ الكافي، ج ٢، ص ٧٩

﴿١٤٨٨﴾ الكاظم (عليه السلام): كثيراً ما كنت أسمع أبي يقول ليس من شيعتنا من لا تتحدث المخدرات بورعه في خدورهن؛ الكافي، ج ٢، ص ٧٩

﴿١٤٨٩﴾ الباقر (عليه السلام): إن شيعتنا أهل التواضع والتخضع والتعبد والورع والاجتهاد؛

أعلام الدين، ص ١٤٣

﴿١٤٩٠﴾ الصادق (عليه السلام): إن أحق الناس بالورع آل محمد (عليهم السلام) وشيعتهم لكي يقتدي الناس بهم فإنهم القدوة لمن اقتدى؛ إرشاد القلوب، ج ١، ص ١٠١

١٧-١٥-٢- من علامات الصابرين

﴿١٤٩١﴾ الرسول (صلى الله عليه وآله): عن عبد الله بن مسعود قال: دخلت أنا وخمسة رهط من أصحابنا يوماً على رسول الله (صلى الله عليه وآله) ... قلنا يا رسول الله فمن الصابرون قال (صلى الله عليه وآله) الذين يصبرون على طاعة الله وعن معصيته الذين كسبوا طيباً وأنفقوا قصداً وقدموا فضلاً فأفلحوا وأنجحوا يا ابن مسعود عليهم الخشوع والوقار والسكينة والتفكير واللين والعدل والتعليم والاعتبار والتدبير والتقوى؛ بحار الأنوار، ج ٧٤، ص ٩٤

١٨-١٥-٢- من علامات العباد

﴿١٤٩٢﴾ حديث قدسي: يا أحمد هل تدري متى يكون [لي] العبد عابداً قال لا يا رب قال إذا اجتمع فيه سبع خصال ورع يحجزه عن المحارم وصمت يكفه عما لا يعنيه وخوف يزداد في كل يوم من بكاؤه وحياء يستحي مني في الخلأ وأكل ما لا بد منه ويُبغض الدنيا لبغضي لها ويحب الأختيار لحبي لهم؛ مستدرک الوسائل، ج ٩، ص ١٩

﴿١٤٩٣﴾ السجاد (عليه السلام): الورع نظام العبادة فإذا انقطع ذهبت الديانة كما إذا انقطع السلوك اتبعه النظام؛ مجموعة ورام، ج ٢، ص ٨٨

١٩-١٥-٢- من علامات العباد الصالحين

﴿١٤٩٤﴾ الرسول (صلى الله عليه وآله): أمّا الباب الأعظم فيدخل منه العباد الصالحون وهم أهل الزهد والورع والراغبون إلى الله عز وجل المستأنسون به؛ من لا يحضره الفقيه، ج ١، ص ٢٩٥

«اهمیت تقوا / از نشانه‌های پیامبران و جانشینان و اولیاء(ع)»

﴿۱۴۸۷﴾ بسیار از پدرم شنیدم که می‌فرمود: «... از دوستان ما نیست که در شهری باشد که در آن ده هزار نفر از مردم از او با تقواتر باشند».

﴿۱۴۸۸﴾ بسیار از پدرم شنیدم که می‌فرمود: «شیعه‌ی ما نیست کسی که زنان پشت پرده [و باحیا] از ورعش سخن نگویند».

﴿۱۴۸۹﴾ شیعیان ما اهل تواضع و خضوع و تعبد و ورع و تلاش هستند.

﴿۱۴۹۰﴾ سزاوارترین افراد به ورع، خاندان محمد ﷺ و شیعیانشان هستند تا مردم به آنها اقتدا کنند که آنها رهبرانی برای اقتدای دیگران هستند.

۱۷-۱۵-۲- از نشانه‌های صابران

﴿۱۴۹۱﴾ عبدالله بن مسعود گوید: من و پنج گروه از اصحاب خدمت پیامبر ﷺ رسیدیم... گفتیم: «یا رسول الله! صابران چه کسانی هستند؟» فرمود: «کسانی که بر اطاعت حق شکیبایی می‌کنند و از گناه او پرهیز می‌کنند؛ آنها که مال حلال کسب می‌کنند، به اقتصاد و میانه‌روی خرج می‌کنند و زیادی از مخارج خود را انفاق می‌کنند و رستگار و صالح می‌شوند. پسر مسعود! بر آنها خشوع و وقار، آرامش و تفکر، نرمی و عدل، عبرت‌گیری و تدبیر و تقوا لازم است».

۱۸-۱۵-۲- از نشانه‌های عابدان

﴿۱۴۹۲﴾ ای احمد! آیا می‌دانی بنده چه وقت عابد به حساب می‌آید؟ عرض کرد: «نه»، فرمود: «وقتی که هفت خصلت در او جمع شود، که عبارتند از: ورعی که او را از حرام‌ها باز دارد. خاموشی‌ای که او را از سخنان بیهوده نگاه دارد. ترسی که هر روز بر گریه‌اش بیفزاید. حیا و شرمی که او را در نهان از من شرمند سازد. به اندازه‌ی رفع گرسنگی غذا بخورد. چون من دنیا را دشمن می‌دارم، او نیز دنیا را دشمن بدارد. چون من خوبان را دوست می‌دارم، او نیز آنها را دوست بدارد».

﴿۱۴۹۳﴾ ورع، نظام عبادت است. پس وقتی ورع از بین رفت، دیانت از بین رفته است، همچنان که وقتی رشته و نخ گسیخته شد، دانه‌ها و مهره‌ها نیز به دنبال آن متفرق گشته و از هم می‌پاشند.

۱۹-۱۵-۲- از نشانه‌های بندگان صالح

﴿۱۴۹۴﴾ اما دری که بزرگتر از همه‌ی درهاست، از آن در بندگان شایسته داخل می‌شوند و آنان اهل زهد و پارسایی هستند و به خداوند متعال مشتاق و با او مأنوس هستند.

﴿أَهْمِيَةُ التَّقْوَى / مِنْ عَلَامَاتِ الْأَنْبِيَاءِ وَالْأَوْصِيَاءِ وَالْأَوْلِيَاءِ (ع)﴾

﴿١٤٩٥﴾ الرَّسُولُ ﷺ: إِنَّ ذَا الْقَرْنَيْنِ كَانَ عَبْدًا صَالِحًا جَعَلَهُ اللَّهُ حُجَّةً عَلَى عِبَادِهِ فَدَعَا قَوْمَهُ إِلَى اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ وَأَمَرَهُمْ بِتَقْوَاهُ؛ إِيْلَامُ الْوَرَى، ص ٤٤٠
٢٠-١٥-٢- مِنْ عَلَامَاتِ الْعُقَلَاءِ

﴿١٤٩٦﴾ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ ﷺ: الْعَاقِلُ مَنْ تَوَرَّعَ عَنِ الذُّنُوبِ وَتَنَزَّهَ عَنِ الْغُيُوبِ؛ غَرَرُ الْحَكَمِ، ص ٥٤
٢١-١٥-٢- مِنْ عَلَامَاتِ الْعَامِلِينَ فِي الْأَمْرِ الْبَرِّ

﴿١٤٩٧﴾ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ ﷺ: الْأَمْرَةُ الْبَرَّةُ فَيَعْمَلُ فِيهَا تَقًى وَأَمَّا الْأَمْرَةُ الْفَاجِرَةُ فَيَتَمَتَّعُ فِيهَا الشَّقَى إِلَى أَنْ تَنْقَطِعَ مَدَّتُهُ وَتَذَرِكَهُ مَيِّتَتُهُ؛ نَهْجُ الْبَلَاغَةِ، ص ٨٢
٢٢-١٥-٢- مِنْ عَلَامَاتِ الْفَقِيهِ

﴿١٤٩٨﴾ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ ﷺ: الْوَرَعُ شِيْمَةُ الْفَقِيهِ؛ غَرَرُ الْحَكَمِ، ص ٢٦٨
٢٣-١٥-٢- مِنْ عَلَامَاتِ مَجْلِسِ رَسُولِ اللَّهِ ﷺ

﴿١٤٩٩﴾ الرَّسُولُ ﷺ: مَجْلِسُهُ مَجْلِسُ حِلْمٍ وَحَيَاءٍ وَصِدْقٍ وَأَمَانَةٍ لَا تُرْفَعُ فِيهِ الْأَصْوَاتُ وَلَا تُؤْنَسُ فِيهِ الْحُرْمُ وَلَا تُنْشَى فَلَئِنَّهُ مُتَعَادِلِينَ مُتَوَاصِلِينَ فِيهِ بِالتَّقْوَى؛ بَحَارُ الْأَنْوَارِ، ج ١٦، ص ١٥٢
٢٤-١٥-٢- مِنْ عَلَامَاتِ مُحِبِّ عَلَى ﷺ

﴿١٥٠٠﴾ الرَّسُولُ ﷺ: يَا عَلِيُّ طُوبَى لِمَنْ أَحَبَّكَ وَصَدَّقَ بِكَ وَوَيْلٌ لِمَنْ أَبْغَضَكَ وَكَذَّبَ بِكَ مُحْبُوكٍ مَعْرُوفُونَ فِي السَّمَاءِ السَّابِعَةِ وَالْأَرْضِ السَّابِعَةِ السُّفْلَى وَمَا بَيْنَ ذَلِكَ هُمْ أَهْلُ الدِّينِ وَالْوَرَعِ؛ بَحَارُ الْأَنْوَارِ، ج ٦٥، ص ١٥٠
٢٥-١٥-٢- مِنْ عَلَامَاتِ مُحِبِّينِ الْأَئِمَّةِ ﷺ

﴿١٥٠١﴾ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ ﷺ: مَنْ أَحَبَّنَا فَلْيَعْمَلْ بِعَمَلِنَا وَلْيَتَجَلَّبَبِ الْوَرَعِ؛ غَرَرُ الْحَكَمِ، ص ١١٧
﴿١٥٠٢﴾ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ ﷺ: مَنْ أَحَبَّنَا فَلْيَعْمَلْ بِعَمَلِنَا وَلْيَسْتَعِنْ بِالْوَرَعِ فَإِنَّهُ أَفْضَلُ مَا يُسْتَعَانُ بِهِ فِي أَمْرِ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ؛ بَحَارُ الْأَنْوَارِ، ج ١٠، ص ٩٢

﴿١٥٠٣﴾ الرَّسُولُ ﷺ: فَإِنَّ فِي حُبِّ أَهْلِ بَيْتِي عِشْرِينَ خَصْلَةً عَشْرُ مِنْهَا فِي الدُّنْيَا وَعَشْرُ فِي الْآخِرَةِ أَمَّا فِي الدُّنْيَا فَالزُّهْدُ وَالْحِرْصُ عَلَى الْعَمَلِ وَالْوَرَعُ فِي الدِّينِ و...؛ بَحَارُ الْأَنْوَارِ، ج ٢٧، ص ٧٨
٢٦-١٥-٢- مِنْ عَلَامَاتِ الْمُخْلِصِينَ

﴿١٥٠٤﴾ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ ﷺ: عَلَيْكَ بِالْوَرَعِ فَإِنَّهُ عَوْنُ الدِّينِ وَشِيْمَةُ الْمُخْلِصِينَ؛ غَرَرُ الْحَكَمِ، ص ٢٧١

«اهمیت تقوا / از نشانه‌های پیامبران و جانشینان و اولیاء(ع)»

﴿۱۴۹۵﴾ ذوالقرنین بنده‌ی صالحی بود که خدا او را حجت بر بندگان خود قرار داد و او قومش را به سوی خدای متعال دعوت نمود و آنان را امر به تقوای خدا کرد.

۲۰-۱۵-۲- از نشانه‌های خردمندان

﴿۱۴۹۶﴾ عاقل کسی است که از گناهان پرهیز کند و خود را از عیوب پاک کند.

۲۱-۱۵-۲- از نشانه‌های صاحبان مسؤولیت در حکومت نیکان

﴿۱۴۹۷﴾ در حکومت پاکان، پرهیزکار به خوبی انجام وظیفه می‌کند ولی در حکومت بدکاران، ناپاک از آن بهرمند می‌شود تا مدتش سر آید و مرگ فرا رسد.

۲۲-۱۵-۲- از نشانه‌های فقیه

﴿۱۴۹۸﴾ ورع خلق و خوی شخص فقیه (و عالم) است.

۲۳-۱۵-۲- از نشانه‌های مجلس پیامبر ﷺ

﴿۱۴۹۹﴾ مجلس ایشان (پیامبر ﷺ)، مجلس حلم، حیاء، صداقت و امانت بود، صدا در آنجا بلند نمی‌شد و کسی هتک حرمت نمی‌شد و لغزش کسی بازگو نمی‌شد، همه از روی تقوا با هم برابر و به هم پیوسته و متواضع بودند.

۲۴-۱۵-۲- از نشانه‌های دوستدار علی علیه السلام

﴿۱۵۰۰﴾ ای علی! خوشا به حال کسی که تو را دوست دارد و تصدیق می‌کند. و وای بر کسی که تو را دشمن دارد و تکذیب می‌کند. دوستان تو در آسمان هفتم و طبقه‌ی هفتم زمین و میان آسمان هفتم و زمین هفتم معروف و مشهور به دین و ورع هستند.

۲۵-۱۵-۲- از نشانه‌های دوستداران ائمه ائمه علیهم السلام

﴿۱۵۰۱﴾ هر کس ما را دوست دارد باید مثل ما عمل کند و لباس پرهیزکاری را جامه و پوشش خود قرار دهد.

﴿۱۵۰۲﴾ کسی که ما اهل بیت را دوست می‌دارد، باید عمل و روشش مانند عمل ما باشد و از ورع و تقوا استعانت جوید که بهترین معین و یاور انسان در امور دنیوی و اخروی تقواست.

﴿۱۵۰۳﴾ همانا در محبت اهل بیت من بیست خصلت است، ده مورد در دنیا است و ده مورد در آخرت. آنچه در دنیا است، زهد و اشتیاق به عمل، ورع در دین و... است.

۲۶-۱۵-۲- از نشانه‌های مخلصان

﴿۱۵۰۴﴾ بر تو باد به مراعات ورع که کمک‌کننده‌ی دین و اخلاق خالصان است.

﴿أَهْمِيَةُ التَّقْوَى / وَصِيَّةُ الْآخَرِينَ بِمَوَدَّةِ الْمُتَّقِينَ وَالدُّعَاءِ لَهُمْ﴾

٢٧-١٥-٢- مِنْ عَلَامَاتِ مَنْ هُوَ أَهْلٌ أَنْ آثَرَتْهُ

﴿١٥٠٥﴾ ابوذَرِ اللَّهِ: وَاللَّهُ إِنِّي لَأَرَى حَقًّا يُطْفَأُ، وَبَاطِلًا يُحْيَى، وَصَادِقًا مُكَذَّبًا، وَآثَرَةً بَغَيْرِ

تُقَى؛ بحار الأنوار، ج ٣١، ص ١٧٤

٢٨-١٥-٢- مِنْ عَلَامَاتِ مَنْ هُوَ أَهْلٌ أَنْ أَطْعَتْهُ

﴿١٥٠٦﴾ أمير المؤمنين (عليه السلام): أَحَقُّ مَنْ أَطْعَمَهُ مَنْ أَمَرَكَ بِالتَّقَى وَنَهَاكَ عَنِ الْهَوَى؛ غرر الحكم، ص ٤٣٠

١٦-٢- وَصِيَّةُ الْآخَرِينَ بِمَوَدَّةِ الْمُتَّقِينَ وَالدُّعَاءِ لَهُمْ

١-١٦-٢- وَازِرِ الْمُتَّقِينَ

﴿١٥٠٧﴾ أمير المؤمنين (عليه السلام): يَا كُمَيْلُ قُلِ الْحَقُّ عَلَى كُلِّ حَالٍ وَوَازِرِ الْمُتَّقِينَ؛ بحار الأنوار، ج ٧٤، ص ٢٧١

٢-١٦-٢- وَادِّ الْمُتَّقِينَ

﴿١٥٠٨﴾ أمير المؤمنين (عليه السلام): فِي وَصِيَّةِ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ (عليه السلام) لِكُمَيْلٍ يَا كُمَيْلُ قُلِ الْحَقُّ عَلَى كُلِّ

حَالٍ وَوَادِّ الْمُتَّقِينَ؛ مستدرک الوسائل، ج ١٢، ص ١٩٧

٣-١٦-٢- إِنْ أَشْرَفَ أَعْمَالِ الْمُؤْمِنِينَ اسْتَدْعَاءُ رَحْمَةِ اللَّهِ لِشَيْعَتِهِمُ الْمُتَّقِينَ

﴿١٥٠٩﴾ العسكري (عليه السلام): إِنْ أَشْرَفَ أَعْمَالِ الْمُؤْمِنِينَ... الصَّلَاةُ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ الطَّيِّبِينَ صَلَّى

اللَّهُ عَلَيْهِمْ وَاسْتَدْعَاءُ رَحْمَةِ اللَّهِ وَرِضْوَانِهِ لِشَيْعَتِهِمُ الْمُتَّقِينَ؛ مستدرک الوسائل، ج ٥، ص ٣٤٠

١٧-٢- الْمُقَايَسَةُ بَيْنَ التَّقْوَى وَسَائِرِ الْفَضَائِلِ

١-١٧-٢- الأوَّلُ

١-١٧-٢- يُحْشَرُونَ فِي أَوَّلِ زُمْرَةِ السَّابِقِينَ

﴿١٥١٠﴾ الرَّسُولُ (صلى الله عليه وآله): مَنْ قَرَأَ هَذِهِ السُّورَةَ أَيْ سُورَةَ مَرْيَمَ... حُشِرَ يَوْمَ الْقِيَامَةِ مَعَ الْمُتَّقِينَ فِي

أَوَّلِ زُمْرَةِ السَّابِقِينَ؛ مستدرک الوسائل، ج ٤، ص ٣٤٤

٢-١٧-٢- الْأَتَمُّ

١-١٧-٢- لَا يَتِمُّ أَمْرُنَا إِلَّا بِالْوَرَعِ

﴿١٥١١﴾ الصَّادِقُ (عليه السلام): عَنْ مِهْزَمِ الْأَسَدِيِّ قَالَ... دَخَلْتُ عَلَى أَبِي عَبْدِ اللَّهِ (عليه السلام) قَالَ... أَمَا تَعْلَمُ

أَنَّ أَمْرَنَا (هَذَا لَا يَتِمُّ) إِلَّا بِالْوَرَعِ؛ وسائل الشيعة، ج ٢٠، ص ١٩٦

«اهمیت تقوا / سفارش دیگران به دوستی با پرهیزکاران»

۲۷-۲-۱- از نشانه‌های آن که سزاوار برگزیده شدن است

«۱۵۰۵» به خدا که حقّی را می‌بینم که خاموشش می‌کنند و باطلی را که زنده‌اش می‌دارند و راستگویی را که دروغگویش می‌خوانند و برتری‌دادن را بدون هیچگونه تقوایی و درستکاری که دیگری را به جای او برگزیده‌اند.

۲۸-۲-۱۵- از نشانه‌های آن که سزاوار فرمان‌بری است

«۱۵۰۶» کسی که تو را امر به تقوا و نهی از هوای نفس می‌کند، سزاوارتر است که اطاعتش کنی.

۱۶-۲- سفارش دیگران به دوستی با پرهیزکاران و دعا برای ایشان

۱-۱۶-۲- پرهیزکاران را پشتیبانی کن

«۱۵۰۷» ای کمیل! در هر حال سخن حق را بگو و پرهیزکاران را پشتیبانی کن.

۲-۱۶-۲- دوستدار پرهیزکاران باش

«۱۵۰۸» در سفارش امیر المؤمنین علیه السلام به کمیل است که فرمود: «ای کمیل! در هر شرایطی حق را بگو [اگر چه به ضرر تو باشد] و دوستدار پرهیزکاران باش».

۳-۱۶-۲- شریف‌ترین عمل مؤمنین درخواست رحمت الهی برای شیعیان پرهیزکار است

«۱۵۰۹» شریف‌ترین عمل مؤمنین این است که... صلوات بر محمد و آل پاکش بفرستند و تقاضای رحمت و مغفرت و رضوان الهی برای شیعیان پرهیزکار آن‌ها نمایند.

۱۷-۲- مقایسه بین پرهیزکاری و دیگر فضایل

۱-۱۷-۲- اولین

۱-۱-۱۷-۲- در میان اولین گروه سبقت‌گیرنده محشور می‌شوند

«۱۵۱۰» هر کس سوره‌ی مریم را تلاوت کند، ... در روز قیامت همراه اهل تقوا محشور می‌کند و در اولین گروه سابقین قرارشان می‌دهد.

۲-۱۷-۲- کامل‌ترین

۱-۲-۱۷-۲- ولایت ما جز با ورع به کمال نمی‌رسد

«۱۵۱۱» مهزم اسدی گوید: خدمت امام صادق علیه السلام رسیدم. فرمود: «... مگر نمی‌دانی کسی که پرهیزکاری نداشته باشد به دوستی و ولایت ما اهل بیت نمی‌رسد».

﴿أَهْمِيَةُ التَّقْوَى / الْمُقَايَسَةُ بَيْنَ التَّقْوَى وَ سَائِرِ الْفَضَائِلِ﴾

٣-١٧-٢-الأحَبُّ

١-٣-١٧-٢-أَحَبُّ الْعِبَادِ

﴿١٥١٢﴾ الرَّسُولُ ﷺ: إِنَّ أَحَبَّ الْعِبَادِ إِلَى اللَّهِ الْأَتْقِيَاءُ الْأَخْفِيَاءُ الَّذِينَ إِذَا حَضَرُوا لَمْ يُعْرَفُوا وَإِذَا غَابُوا لَمْ يُفْتَقَدُوا؛ التحصين لابن فهد الحلبي، ص ١٩

﴿١٥١٣﴾ الكاظم ﷺ: أَحَبُّ عِبَادِ اللَّهِ إِلَى اللَّهِ الْمُتَّقِيُّ النَّائِبُ؛ بحار الأنوار، ج ٦، ص ٢٠

٢-٣-١٧-٢-أَحَبُّ النَّاسِ

﴿١٥١٤﴾ الباقر ﷺ: أَحَبُّ النَّاسِ إِلَى اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ يَوْمَ الْقِيَامَةِ أَطْوَعُهُمْ لَهُ وَاتَّقَاهُمْ؛

الكافي، ج ٥، ص ٣٣٩

٣-٣-١٧-٢-أَحَبُّ عِبِيدِي

﴿١٥١٥﴾ السَّجَّاد ﷺ: إِنَّ اللَّهَ تَبَارَكَ وَتَعَالَى أَوْحَى إِلَى دَانِيَالٍ... أَنَّ أَحَبَّ عِبِيدِي إِلَى اللَّهِ النَّقِيُّ

الطَّالِبُ لِلثَّوَابِ الْجَزِيلِ لِلْعُلَمَاءِ النَّائِبِ لِلْحُلَمَاءِ الْقَابِلِ عَنِ الْحُكَمَاءِ؛ الكافي، ج ١، ص ٣٥

٤-٣-١٧-٢-أَحَبُّ أَصْحَابِي

﴿١٥١٦﴾ الباقر ﷺ: وَاللَّهِ إِنْ أَحَبَّ أَصْحَابِي إِلَى أَوْرَعُهُمْ وَأَفْقَهُهُمْ وَآكْتَمَهُمْ لِحَدِيثِنَا؛

الكافي، ج ٢، ص ٢٢٣

٥-٣-١٧-٢-أَحَبُّ الْوَصِيَّةِ

﴿١٥١٧﴾ أمير المؤمنين ﷺ: فِي وَصِيَّةِ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ لَوْلَدِهِ الْحَسَنِ ﷺ مِنْ الْوَالِدِ الْفَانِ الْمُقَرَّرِ

لِلزَّمَانِ إِلَى أَنْ قَالَ وَاعْلَمْ يَا بُنَيَّ إِنَّ أَحَبَّ مَا أَنْتَ آخِذٌ بِهِ مِنْ وَصِيَّتِي إِلَيْكَ تَقْوَى اللَّهِ وَ

الِافْتِصَارُ عَلَى مَا افْتَرَضَ عَلَيْكَ؛ وسائل الشيعة، ج ٢٧، ص ١٧٠

٦-٣-١٧-٢-لَيْسَ شَيْءٌ أَحَبَّ إِلَى اللَّهِ مِنَ الْوَرَعِ

﴿١٥١٨﴾ الباقر ﷺ: عَلَيْكُمْ بِالْوَرَعِ فَإِنَّهُ لَيْسَ شَيْءٌ أَحَبَّ إِلَى اللَّهِ مِنَ الْوَرَعِ وَ عِفَّةٍ بَطْنٍ وَ

فَرْجٍ؛ مستدرک الوسائل، ج ١١، ص ٢٧٥

٤-٣-١٧-٢-أَحْرَزُ

١-٤-١٧-٢-أَحْرَزُ عِتَادٍ

﴿١٥١٩﴾ أمير المؤمنين ﷺ: عَلَيْكُمْ بِالتَّقْوَى فَإِنَّهُ خَيْرُ زَادٍ وَأَحْرَزُ عِتَادٍ؛ غرر الحكم، ص ٢٧٢

«اهمیت تقوا / مقایسه بین پرهیزکاری و دیگر فضایل»

۳-۱۷-۲- دوست‌داشتنی‌ترین

۱-۳-۱۷-۲- دوست‌داشتنی‌ترین بنده

«۱۵۱۲» محبوب‌ترین بندگان نزد خدا، متّقی‌نی هستند که مخفیانه عمل می‌کنند چنانکه وقتی حاضرند، کسی آنان را نمی‌شناسد و وقتی نیستند، کسی سراغ آنان را نمی‌گیرد. «۱۵۱۳» محبوب‌ترین بنده‌ی خدا، پرهیزکار توبه‌کننده است.

۲-۳-۱۷-۲- دوست‌داشتنی‌ترین مردم

«۱۵۱۴» محبوب‌ترین مردم در پیشگاه خدای متعال در روز قیامت پیروترین ایشان برای او و باتقواترین ایشان است.

۳-۳-۱۷-۲- دوست‌داشتنی‌ترین بنده‌ی من

«۱۵۱۵» خداوند متعال به حضرت دانیال علیه السلام وحی فرمود:... دوست‌داشتنی‌ترین بندگانم نسبت به من، پرهیزکاری است که خواهان ثواب بسیار است. با دانشمندان همراهی و از خردمندان پیروی می‌کند و از حکیمان پند می‌پذیرد.

۴-۳-۱۷-۲- دوست‌داشتنی‌ترین اصحاب من

«۱۵۱۶» به خدا که محبوب‌ترین اصحابم نزد من پرهیزکارترین و فقیه‌ترین ایشان هستند و نسبت به احادیث ما پنهان‌دارترین آن‌ها هستند.

۵-۳-۱۷-۲- دوست‌داشتنی‌ترین سفارش

«۱۵۱۷» در وصیّت به فرزندش امام حسن علیه السلام: از پدری فانی، معترف به گذشت زمان... پسرم! بدان آنچه بیشتر از به کارگیری وصیّتم دوست دارم ترس از خدا، و انجام واجبات است.

۶-۳-۱۷-۲- نزد پروردگار هیچ چیز دوست‌داشتنی‌تر از ورع نیست

«۱۵۱۸» بر شما باد به مراعات ورع که در نزد خداوند چیزی محبوب‌تر از ورع و پاک نگه‌داشتن شکم [از حرام] و فرج [از شهوت‌رانی] نیست.

۴-۱۷-۲- نگه‌دارنده‌ترین

۱-۴-۱۷-۲- نگه‌دارنده‌ترین پناهگاه

«۱۵۱۹» بر شما باد به تقوا که بهترین توشه و آماده‌ترین پناهگاه است.

﴿أَهْمِيَةُ التَّقْوَى / الْمَقَايِسَةُ بَيْنَ التَّقْوَى وَ سَائِرِ الْفَضَائِلِ﴾

٢-١٧-٤-٢- أَحْرَزُ حِرْزٍ

﴿١٥٢٠﴾ أمير المؤمنين عليه السلام: فَإِنَّ التَّقْوَى أَفْضَلُ كَنْزٍ وَأَحْرَزُ حِرْزٍ وَأَعَزُّ عِزٍّ فِيهِ نَجَاةٌ كُلُّ هَارِبٍ وَدَرَكٌ كُلُّ طَالِبٍ وَظَفَرٌ كُلِّ غَالِبٍ؛ مجموعة ورام، ج ٢، ص ٨٨
٢-١٧-٤-٣- لَا مَعْقِلَ أَحْرَزُ مِنَ الْوَرَعِ

﴿١٥٢١﴾ أمير المؤمنين عليه السلام: لَا مَعْقِلَ أَحْرَزُ مِنَ الْوَرَعِ؛ بحار الأنوار، ج ٧٤، ص ٢٣٨

٢-١٧-٥- أَحْسَنُ

١-١٧-٥-٢- أَحْسَنُ الْجَزَاءِ

﴿١٥٢٢﴾ أمير المؤمنين عليه السلام: لِلْمُتَّقِينَ عِنْدَ اللَّهِ غَدَاً أَحْسَنُ الْجَزَاءِ وَأَفْضَلُ الثَّوَابِ لَمْ يَجْعَلِ اللَّهُ الدُّنْيَا لِلْمُتَّقِينَ أَجْراً [جَزَاءً] وَلَا ثَوَاباً؛ بحار الأنوار، ج ٣٢، ص ١٨
٢-١٧-٥-٢- أَحْسَنُ الْحَسَنَاتِ

﴿١٥٢٣﴾ أمير المؤمنين عليه السلام: عَلَيْكُمْ بِلُزُومِ الدِّينِ وَالتَّقْوَى وَالْيَقِينِ فَهِنَّ أَحْسَنُ الْحَسَنَاتِ وَبِهِنَّ يُنَالُ [تُنَالُ] رَفِيعُ الدَّرَجَاتِ؛ غرر الحكم، ص ٨٥
٢-١٧-٥-٣- أَحْسَنُ اللَّبَاسِ

﴿١٥٢٤﴾ أمير المؤمنين عليه السلام: أَحْسَنُ اللَّبَاسِ الْوَرَعُ وَخَيْرُ الذُّخْرِ التَّقْوَى؛ غرر الحكم، ص ٢٧٠

﴿١٥٢٥﴾ أمير المؤمنين عليه السلام: أَحْسَنُ اللَّبَاسِ الْوَرَعُ؛ غرر الحكم، ص ٢٧٠

٢-١٧-٥-٤- أَحْسَنُ الْيَقِينِ

﴿١٥٢٦﴾ أمير المؤمنين عليه السلام: أَحْسَنُ الْيَقِينِ التَّقَى؛ بحار الأنوار، ج ٧٤، ص ٢٩١

٢-١٧-٥-٥- أَحْسَنُ شَيْءٍ

﴿١٥٢٧﴾ أمير المؤمنين عليه السلام: أَحْسَنُ شَيْءٍ الْوَرَعُ؛ غرر الحكم، ص ٢٦٩

٢-١٧-٥-٦- لَا مَعْقِلَ أَحْسَنُ مِنَ الْوَرَعِ

﴿١٥٢٨﴾ أمير المؤمنين عليه السلام: لَا مَعْقِلَ أَحْسَنُ مِنَ الْوَرَعِ؛ نهج البلاغة، ص ٥٤٠

٢-١٧-٥-٧- لَيْسَ شَيْءٌ أَحْسَنَ مِنْ رَفْقٍ زَانَهُ تَقْوَى

﴿١٥٢٩﴾ أمير المؤمنين عليه السلام: لَيْسَ شَيْءٌ أَحْسَنَ مِنْ عَقْلٍ زَانَهُ عِلْمٌ وَمِنْ عِلْمٍ زَانَهُ حِلْمٌ وَمِنْ حِلْمٍ زَانَهُ صِدْقٌ وَمِنْ صِدْقٍ زَانَهُ رِفْقٌ وَمِنْ رِفْقٍ زَانَهُ تَقْوَى؛ شرح نهج البلاغة، ج ٢٠، ص ٢٦٧
﴿٥٣٤﴾

«اهمیت تقوا / مقایسه بین پرهیزکاری و دیگر فضایل»

۲-۱۷-۴-۲- نگه‌دارنده‌ترین نگه‌دارنده

«۱۵۲۰» تقوا پرفضیلت‌ترین گنج و محکم‌ترین سپر و پرنفوذترین عزّت است. نجات هر گریزان و رسیدن هر درخواست‌کننده به طلبش و پیروزی هر شخص پیروز در تقواست.

۲-۱۷-۴-۳- هیچ دژی محکم‌تر از پرهیزکاری نیست

«۱۵۲۱» دژی محکم‌تر از پرهیزکاری نیست.

۲-۱۷-۵- بهترین

۲-۱۷-۵-۱- بهترین پاداش

«۱۵۲۲» فردای قیامت اهل تقوا نزد خداوند از فضیلت بیشتری برخوردارند. خداوند در دنیا برای اهل تقوا پاداش و ثواب قرار نداده است.

۲-۱۷-۵-۲- بهترین نیکی‌ها

«۱۵۲۳» بر شما باد به همراهی و ملازمه با دین و تقوا و یقین که این‌ها، بهترین نیکی‌هاست و به واسطه‌ی آن‌ها می‌توان به درجه‌های عالی رسید.

۲-۱۷-۵-۳- بهترین لباس

«۱۵۲۴» بهترین لباس، ورع [و پارسایی] و بهترین توشه تقواست.

«۱۵۲۵» ورع بهترین لباس است.

۲-۱۷-۵-۴- بهترین یقین

«۱۵۲۶» و بهترین (مظهر) یقین پرهیزکاری است.

۲-۱۷-۵-۵- بهترین چیز

«۱۵۲۷» ورع، بهترین چیز است.

۲-۱۷-۵-۶- هیچ دژی نیکوتر از پرهیزکاری نیست

«۱۵۲۸» دژی نیکوتر از پرهیزکاری نیست.

۲-۱۷-۵-۷- هیچ چیز بهتر از رفاقتی زینت‌یافته از پرهیزکاری نیست

«۱۵۲۹» بهترین چیز، عقلی است که با علم مزین شده و علمی که با بردباری تزئین شده و بردباری‌ای که با راستی آراسته‌شده و راستی‌ای که با مدارا زینت‌شده و مدارایی که با تقوا آراسته شده باشد.

﴿أَهْمِيَّةُ التَّقْوَى / الْمُقَايَسَةُ بَيْنَ التَّقْوَى وَ سَائِرِ الْفَضَائِلِ﴾

٦-١٧-٢-الأحق

١-٦-١٧-٢- أَحَقُّ مَنْ أَطَعْتَهُ

﴿١٥٣٠﴾ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عليه السلام: أَحَقُّ مَنْ أَعْطَهُ مَنْ أَمَرَكَ بِالْثَّقَى وَنَهَاكَ عَنِ الْهَوَى؛ غرر الحكم.

ص ۴۳۰

۲-۶-۱۷-۲- أَحَقُّ مَسْجِدٍ لَّأَن تَقُومَ فِيهِ

﴿١٥٣١﴾ لَمَسْجِدًا أُسِّسَ عَلَى التَّقْوَىٰ مِنْ أَوَّلِ يَوْمٍ أَحَقُّ أَنْ تَقُومَ فِيهِ؛ التوبه ١٠٩-١٠٧

٧-١٧-٢- الأَخْوَاجُ

۱-۱-۱۷-۲- إِنْكُمْ أَخَوْجُ إِلَىٰ أَزْوَاجِ التَّقْوَىٰ

﴿١٥٣٢﴾ أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ عليه السلام: إِنَّكُمْ إِلَى أَزْوَاجِ النَّفَقَى أَحْوَجُ مِنْكُمْ إِلَى أَزْوَاجِ الدُّنْيَا؛ غرر الحكم، ص ٢٦٩

٨-١٧-٢- الخیر

۱-۸-۱۷-۲- خَيْرُ إِخْوَانِكَ مَنْ أَكْسَبَكَ تَقَى

﴿١٥٣٣﴾ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عليه السلام: خَيْرُ إِخْوَانِكَ مَنْ دَلَّكَ عَلَى هُدًى وَاسْتَبَكَ ثَقًى؛ غرر الحكم.

ص ۴۱۵

٢-٨-١٧-٢- خَيْرُ الْأَخْلَاقِ أَعُونَهَا عَلَى التَّقَى

﴿١٥٣٤﴾ أمير المؤمنين عليه السلام: خَيْرُ الْأَخْلَاقِ أَعْوَنُهَا عَلَى التَّقَى وَالْوَرَعِ؛ شرح نهج البلاغة، ج ٢٠، ص ٢٧٦

٣-٨-١٧-٢- خَيْرُ الدُّعَاءِ

﴿١٥٣٥﴾ أمير المؤمنين عليه السلام: الدُّعَاءُ مَفَاتِيحُ النَّجَاحِ وَ مَقَالِيدُ الْفَلَاحِ وَ خَيْرُ الدُّعَاءِ مَا صَدَرَ عَنْ

صَدْرٌ تَقِيٌّ وَ قَلْبٌ نَقِيٌّ؛ بحار الأنوار، ج ٩٠، ص ٣٤١

٤-٨-١٧-٢- خَيْرُ الذَّخْرِ

﴿١٥٣٦﴾ أمير المؤمنين (عليه السلام): أَحْسَنُ اللَّبَاسِ الْوَرَعُ وَ خَيْرُ الذُّخْرِ التَّقْوَى؛ غرر الحكم، ص ٢٧٠

٥-٨-١٧-٢- خَيْرُ الزَّادِ

﴿١٥٣٧﴾ وَتَزَوَّدُوا فَإِنَّ خَيْرَ الزَّادِ التَّقْوَى؛ البقرة ١٩٧

(١٥٣٨) أمير المؤمنين عليه السلام: عَلَيْكُمْ بِالتَّقْوَى فَإِنَّهُ خَيْرُ زَادٍ وَأَخْرَزَ عَنَادٍ؛ غرر الحكم، ص ٢٧٢

﴿اهمیت تقوا / مقایسه بین پرهیزکاری و دیگر فضایل﴾

۶-۱۷-۲- سزاوارترین

۱-۶-۱۷-۲- سزاوارترین کسی که او را فرمان بری

﴿۱۵۳۰﴾ کسی که تو را امر به تقوا و نهی از هوای نفس می‌کند، سزاوارتر است که اطاعتش کنی.

۲-۶-۱۷-۲- سزاوارترین مسجد برای اقامه‌ی نماز

﴿۱۵۳۱﴾ آن مسجدی که از روز نخست بر پایه تقوا بنا شده، شایسته‌تر است که در آن (به عبادت) بایستی.

۷-۱۷-۲- نیازمندترین

۱-۱-۱۷-۲- شما به توشه‌ی تقوا بیشترین نیاز را دارید

﴿۱۵۳۲﴾ شما به توشه‌های تقوا نیازمندتر هستید تا توشه‌های دنیا.

۸-۱۷-۲- بهترین

۱-۸-۱۷-۲- بهترین برادرانت کسی است که در کسب تقوا به تو کمک کند

﴿۱۵۳۳﴾ بهترین برادران تو کسانی هستند که تو را به هدایت راهنمایی کنند و در کسب تقوا به تو کمک کنند.

۲-۸-۱۷-۲- بهترین اخلاق، یاری‌کننده‌ترین آن‌ها بر تقواست

﴿۱۵۳۴﴾ بهترین اخلاق آن است که بیشترین کمک را برای تقوا و ورع داشته باشد.

۳-۸-۱۷-۲- بهترین دعا

﴿۱۵۳۵﴾ دعا کلیدهای پیروزی و قلاده‌های رستگاری است و بهترین دعا، آن است که از سینه متقی و قلب پاکیزه صادر شود.

۴-۸-۱۷-۲- بهترین ذخیره

﴿۱۵۳۶﴾ بهترین لباس، ورع [و پارسایی] و بهترین توشه تقواست.

۵-۸-۱۷-۲- بهترین توشه

﴿۱۵۳۷﴾ و زاد و توشه تهیه کنید، که بهترین زاد و توشه، پرهیزکاری است!

﴿۱۵۳۸﴾ بر شما باد به تقوا که بهترین توشه و آماده‌ترین پناهگاه است.

﴿أَهْمِيَةُ التَّقْوَى / الْمَقَايِسَةُ بَيْنَ التَّقْوَى وَ سَائِرِ الْفَضَائِلِ﴾

- ﴿١٥٣٩﴾ أمير المؤمنين عليه السلام: التَّقْوَى خَيْرُ زَادٍ؛ غررالحكم، ص ٢٧٢
- ﴿١٥٤٠﴾ الرسول ﷺ: خَيْرَ الزَّادِ مَا صَحَبَهُ التَّقْوَى؛ إرشاد القلوب، ج ١، ص ١٩٤
- ﴿١٥٤١﴾ الرسول ﷺ: أَلَا إِنَّ خَيْرَ زَادِكُمُ التَّقْوَى؛ اليقين، ص ٣٥٨
- ﴿١٥٤٢﴾ أمير المؤمنين عليه السلام: وَقَدْ رَجَعَ مِنْ صِفِّينَ فَاشْرَفَ عَلَى الْقُبُورِ بظَاهِرِ الْكُوفَةِ يَا أَهْلَ الدِّيَارِ الْمُوَحِّشَةِ وَالْمَحَالِّ الْمُقْفِرَةِ وَالْقُبُورِ الْمُظْلِمَةِ يَا أَهْلَ التُّرْبَةِ يَا أَهْلَ الْغُرْبَةِ يَا أَهْلَ الْوَحْدَةِ يَا أَهْلَ الْوَحْشَةِ أَنْتُمْ لَنَا فَرَطٌ سَابِقٌ وَنَحْنُ لَكُمْ تَبَعٌ لَاحِقٌ أَمَّا الدُّورُ فَقَدْ سَكَنْتَ وَأَمَّا الْأَزْوَاجُ فَقَدْ نَكَحْتَ وَأَمَّا الْأَمْوَالُ فَقَدْ فُسِمَتْ هَذَا خَبَرٌ مَا عِنْدَنَا فَمَا خَبَرُ مَا عِنْدَكُمْ ثُمَّ انْتَفَتِ إِلَى أَصْحَابِهِ فَقَالَ أَمَا لَوْ أَذِنَ لَهُمْ فِي الْكَلَامِ لَأَخْبَرُوكُمْ أَنَّ خَيْرَ الزَّادِ التَّقْوَى؛ نهج البلاغة، ص ٤٩٢
- ﴿١٥٤٣﴾ أمير المؤمنين عليه السلام: أَمَّا بَعْدُ فَإِنِّي أَحَذِّرُكُمْ الدُّنْيَا فَإِنَّهَا... لَا خَيْرَ فِي شَيْءٍ مِنْ أَزْوَادِهَا إِلَّا التَّقْوَى؛ نهج البلاغة، ص ١٦٤
- ٢-١٧-٨-٦- خَيْرُ النَّاسِ أَعْمَلُهُمْ بِالتَّقْوَى
- ﴿١٥٤٤﴾ الرسول ﷺ: قَالَ فَأَيُّ النَّاسِ خَيْرٌ عِنْدَ اللَّهِ قَالَ أَخَوْفُهُمْ لِلَّهِ وَأَعْمَلُهُمْ بِالتَّقْوَى وَ أَزْهَدُهُمْ فِي الدُّنْيَا؛ من لا يحضره الفقيه، ج ٤، ص ٣٨١
- ٢-١٧-٨-٧- خَيْرُ النَّاسِ التَّقِيُّ
- ﴿١٥٤٥﴾ الرسول ﷺ: عُمَرُ بْنُ سَعْدٍ فَقَالَ... سَمِعْتُ رَسُولَ اللَّهِ ﷺ يَقُولُ: «يَكُونُ مِنْ بَعْدِي فِتْنَةٌ خَيْرُ النَّاسِ فِيهَا الْخَفِيُّ التَّقِيُّ»؛ وقعة صفين، ص ٥٣٨
- ٢-١٧-٨-٨- خَيْرُ النَّاسِ أَوْرَعُهُمْ
- ﴿١٥٤٦﴾ أمير المؤمنين عليه السلام: خَيْرُ النَّاسِ أَوْرَعُهُمْ وَ شَرُّهُمْ أَفْجَرُهُمْ؛ غررالحكم، ص ٢٦٩
- ٢-١٧-٨-٩- خَيْرُ النَّاسِ مَنْ كَانَ اتَّقَى لِلَّهِ
- ﴿١٥٤٧﴾ الرضا عليه السلام: فَقَالَ لَهُ آخِرُ أَنْتَ وَاللَّهِ خَيْرُ النَّاسِ فَقَالَ لَهُ لَا تَخْلِفْ يَا هَذَا خَيْرُ مَنْنِي مَنْ كَانَ اتَّقَى لِلَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ وَ أَطَوَعَ لَهُ؛ بحار الأنوار، ج ٤٦، ص ١٧٧
- ٢-١٧-٨-١٠- خَيْرُ الدِّينِ
- ﴿١٥٤٨﴾ الرسول ﷺ: خَيْرُ دِينِكُمُ الْوَرَعُ؛ بحار الأنوار، ج ٧٤، ص ٨٨

«اهمیت تقوا / مقایسه بین پرهیزکاری و دیگر فضایل»

﴿۱۵۳۹﴾ تقوا بهترین توشه است.

﴿۱۵۴۰﴾ بهترین زاد و توشه آن است که همراه با پرهیزکاری باشد.

﴿۱۵۴۱﴾ بدانید که بهترین توشه‌ی شما تقواست.

﴿۱۵۴۲﴾ هنگامی که از [جنگ] صفین بازگشت و به گورستان بیرون کوفه رسید [در باره‌ی پرهیزکاری] فرمود: «ای ساکنین سراهای ترسناک و جاهای بی‌کس و بی‌آب و گیاه، و گورهای تاریک! ای ساکنین خاک، ای دور ماندگان از وطن، ای بی‌کسان، ای ترسناکان! شما پیشرو مایید که جلو رفته‌اید و ما پیرو شما هستیم که به شما می‌رسیم، اما خانه‌ها [یتان] را ساکن شدند، و اما زنان [تان] را گرفتند، و اما دارائی‌ها [یتان] را پخش کردند، این آگهی از چیزی است که نزد ماست پس خبر آنچه نزد شماست چیست؟ پس از آن به سوی یارانش نظر افکنده فرمود: بدانید اگر ایشان را در سخن اجازه و فرمان بود به شما خبر می‌دادند که بهترین توشه [در این راه] تقوی و پرهیزکاری است.

﴿۱۵۴۳﴾ شما را از [دلپستن به] دنیا بر حذر می‌دارم، زیرا دنیا [به گونه‌ای است که]... خیر و نیکویی در هیچ‌یک از توشه‌های آن نیست مگر در تقوا و پرهیزکاری.

۸-۱۷-۲- بهترین مردم، عمل‌کننده‌ترین آن‌ها به تقواست

﴿۱۵۴۴﴾ پرسیدند: «بهترین مردم چه کسانی هستند؟» فرمود: «آن که از خدا بیشتر می‌ترسد و تقوا را بیشتر می‌شناسد در دنیا زاهدتر است».

۷-۱۷-۲- بهترین مردم پرهیزکار است

﴿۱۵۴۵﴾ عمر بن سعد گفت: از رسول خدا ﷺ شنیدم که فرمود: «بعد از من فتنه‌ای رخ خواهد داد که بهترین مردم در آن زمان افرادی هستند که مخفیانه [اعمال خیر انجام می‌دهند] و باتقوایند».

۸-۱۷-۲- بهترین مردم پرهیزکارترین ایشان است

﴿۱۵۴۶﴾ بهترین مردم، باورع‌ترین آن‌ها و بدترین مردم، گناهکارترین آن‌هاست.

۹-۱۷-۲- بهترین مردم، باپروا‌ترین از خداست

﴿۱۵۴۷﴾ مردی [به امام رضا علیه السلام] عرض کرد: «به خدا تو از تمام مردم بهتری». فرمود: «این قسم را نخور. بهتر از من کسی است که پرهیزکارتر از من باشد و بیشتر از خدا اطاعت کند».

۱۰-۱۷-۲- بهترین دین

﴿۱۵۴۸﴾ بهترین چیز در دین شما ورع است.

﴿أَهْمِيَةُ التَّقْوَى / الْمَقَايِسَةُ بَيْنَ التَّقْوَى وَ سَائِرِ الْفَضَائِلِ﴾

١١-٨-١٧-٢- خَيْرُ رِجَالِكُمُ التَّقِيُّ

﴿١٥٤٩﴾ الرَّسُولُ ﷺ: إِنَّ مِنْ خَيْرِ رِجَالِكُمُ التَّقِيَّ النَّقِيَّ السَّمْحَ الْكَفِيَّ النَّقِيَّ الطَّرْفَيْنِ الْبَرَّ
بِوَالِدَيْهِ وَلَا يُلْجِئُ عِيَالَهُ إِلَى غَيْرِهِ؛ الكافي، ج ٢، ص ٥٧
١٢-٨-١٧-٢- خَيْرُ صَيَانَةٍ

﴿١٥٥٠﴾ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ ﷺ: عَلَيْكَ بِالْوَرَعِ فَإِنَّهُ خَيْرُ صَيَانَةٍ؛ غررالحكم، ص ٢٧٠
١٣-٨-١٧-٢- خَيْرُ عِبَادِ اللَّهِ التَّقِيُّ

﴿١٥٥١﴾ الرَّضَا ﷺ: أَلَا إِنَّ خَيْرَ عِبَادِ اللَّهِ التَّقِيَّ الْخَفِيَّ؛ بحار الأنوار، ج ٩٢، ص ١٧٣
﴿١٥٥٢﴾ الرَّضَا ﷺ: إِنَّ خَيْرَ عِبَادِ اللَّهِ التَّقِيَّ النَّقِيَّ؛ مستدرک الوسائل، ج ٥، ص ٣٧٦
١٤-٨-١٧-٢- خَيْرُ عِبَادِ اللَّهِ عِنْدَ اللَّهِ اتَّقَاهُمْ

﴿١٥٥٣﴾ الرَّسُولُ ﷺ: أَلَا إِنَّ خَيْرَ عِبَادِ اللَّهِ عِنْدَ اللَّهِ اتَّقَاهُمْ؛ مستدرک الوسائل، ج ١٤، ص ١٨٣
﴿١٥٥٤﴾ الْبَاقِرُ ﷺ: أَلَا إِنَّكُمْ مِنْ وَلَدِ آدَمَ وَ آدَمُ مِنْ طِينٍ أَلَا إِنَّ خَيْرَ عِبَادِ اللَّهِ عِنْدَ اللَّهِ
اتَّقَاهُمْ؛ دعائم الإسلام، ج ٢، ص ١٩٨

﴿١٥٥٥﴾ الرَّسُولُ ﷺ: أَلَا إِنَّ خَيْرَ عِبَادِ اللَّهِ عَبْدُ اتَّقَاهُ؛ الكافي، ج ٨، ص ٢٤٦
١٥-٨-١٧-٢- خَيْرُ عَوَاقِبِ الْأُمُورِ

﴿١٥٥٦﴾ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ ﷺ: أُوصِيَكُمْ عِبَادَ اللَّهِ بِتَقْوَى اللَّهِ فَإِنَّهَا خَيْرُ مَا تَوَاصَى الْعِبَادُ بِهِ وَ
خَيْرُ عَوَاقِبِ الْأُمُورِ عِنْدَ اللَّهِ؛ نهج البلاغة، ص ٢٤٧
﴿١٥٥٧﴾ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ ﷺ: أُوصِيَكُمْ بِتَقْوَى اللَّهِ فَإِنَّ تَقْوَى اللَّهِ خَيْرُ مَا تَوَاصَى بِهِ عِبَادُ اللَّهِ وَ
أَقْرَبُهُ إِلَى رِضْوَانِ اللَّهِ وَ خَيْرُهُ فِي عَوَاقِبِ الْأُمُورِ عِنْدَ اللَّهِ؛ بحار الأنوار، ج ٣٢، ص ٣٥٦
١٦-٨-١٧-٢- خَيْرُ قَرَيْنٍ

﴿١٥٥٨﴾ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ ﷺ: الْوَرَعُ خَيْرُ قَرَيْنٍ؛ غررالحكم، ص ٢٦٨
١٧-٨-١٧-٢- خَيْرُكُمْ اتَّقَاكُمْ

﴿١٥٥٩﴾ الصَّادِقُ ﷺ: فَإِنَّ خَيْرَكُمْ اتَّقَاكُمْ؛ بحار الأنوار، ج ٣٣، ص ٤٦٥
﴿١٥٦٠﴾ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ ﷺ: إِنَّ خَيْرَكُمْ عِنْدَ اللَّهِ اتَّقَاكُمْ؛ بحار الأنوار، ج ٣٢، ص ٤٠٩
﴿٥٤٠﴾

«اهمیت تقوا / مقایسه بین پرهیزکاری و دیگر فضایل»

۱۱-۱۷-۲- بهترین مردان شما پرهیزکاران است

﴿۱۵۴۹﴾ از جمله بهترین مردان شما؛ پرهیزکار، پاکیزه، دست باز، چشم پاک، نیکوکار به پدر و مادر خود و دلسوز به خانواده است که اهل و عیال خود را در پناه دیگران قرار ندهد.

۱۲-۱۷-۲- بهترین نگهبانی

﴿۱۵۵۰﴾ بر تو باد به مراعات ورع که بهترین محافظ است.

۱۳-۱۷-۲- بهترین بندگان خدا پرهیزکار است

﴿۱۵۵۱﴾ آگاه و مطلع باشید که به‌درستی که بهترین بندگان خدا کسی است که پرهیزکار بوده و از نظر خلاق پنهان باشد.

﴿۱۵۵۲﴾ قطعاً بهترین بندگان خدا انسان پرهیزکار پاک است.

۱۴-۱۷-۲- بهترین بنده‌ی خدا پرهیزکارترین ایشان است

﴿۱۵۵۳﴾ بهترین بندگان نزد خداوند، باتقواترین آنان است.

﴿۱۵۵۴﴾ شما فرزندان آدم عليه السلام هستید و آدم عليه السلام از گل آفریده شده است (پس برتری‌ای بر هم ندارید)، بهترین بندگان خدا در نزد خداوند، باتقواترین شماست.

﴿۱۵۵۵﴾ آگاه باشید که بهترین بنده‌ی خدا، بنده‌ای است که از او پروا کند.

۱۵-۱۷-۲- بهترین عاقبت‌کار

﴿۱۵۵۶﴾ ای بندگان خدا! شما را به تقوا و ترس از عذاب خدا سفارش می‌کنم، زیرا تقوای الهی بهترین سفارش مؤمنان و بهترین عاقبت‌ها در پیشگاه خداست.

﴿۱۵۵۷﴾ من شما را به تقوای الهی سفارش می‌کنم زیرا تقوا بهترین چیزی است که بندگان خدا به آن سفارش می‌شوند، و نزدیک‌ترین وسیله برای جلب رضایت خداست و نزد خداوند خوش عاقبت‌ترین کارهاست.

۱۶-۱۷-۲- بهترین همنشین

﴿۱۵۵۸﴾ ورع بهترین دوست است.

۱۷-۱۷-۲- بهترین شما پرهیزکارترین شماست

﴿۱۵۵۹﴾ پس همانا بهترین شما باتقواترین شماست.

﴿۱۵۶۰﴾ همانا بهترین شما نزد خداوند باتقواترین شماست.

﴿أَهْمِيَةُ التَّقْوَى / الْمَقَايِسَةُ بَيْنَ التَّقْوَى وَ سَائِرِ الْفَضَائِلِ﴾

١٨-٨-١٧-٢- خَيْرُ مَا اكْتَسَبْتَ

﴿١٥٦١﴾ أمير المؤمنين عليه السلام: خَيْرُ مَا اكْتَسَبْتَ مِمَّا بَقِيَ مِنَ الدُّنْيَا مَا أَصَابَ الْعِبَادُ الصَّالِحُونَ

فِيمَا مَضَى مِنْهَا مِنَ التَّقْوَى؛ بحار الأنوار، ج ٣٣، ص ٩٩

١٩-٨-١٧-٢- خَيْرُ مَا أَوْصَى بِهِ الْمُسْلِمُ الْمُسْلِمَ

﴿١٥٦٢﴾ الرسول ﷺ: أَوْصِيَكُمْ بِتَقْوَى اللَّهِ فَإِنَّهُ خَيْرُ مَا أَوْصَى بِهِ الْمُسْلِمُ الْمُسْلِمَ أَنْ يَحْضَهُ

عَلَى الْآخِرَةِ وَأَنْ يَأْمُرَهُ بِتَقْوَى اللَّهِ؛ مستدرک الوسائل، ج ٦، ص ٣٣

٢٠-٨-١٧-٢- خَيْرُ مَا تَزَوَّدْتَ مِنَ الدُّنْيَا

﴿١٥٦٣﴾ أمير المؤمنين عليه السلام: تَزَوَّدْ مِنَ الدُّنْيَا فَإِنَّ خَيْرَ مَا تَزَوَّدْتَ مِنْهَا التَّقْوَى؛ بحار الأنوار،

ج ١٠، ص ١٠٨

٢١-٨-١٧-٢- خَيْرُ مَا تَزَوَّدْتُمُوهُ مِنَ الدُّنْيَا

﴿١٥٦٤﴾ أمير المؤمنين عليه السلام: تَزَوَّدُوا مِنَ الدُّنْيَا التَّقْوَى فَإِنَّهَا خَيْرُ مَا تَزَوَّدْتُمُوهُ مِنْهَا؛

تحف العقول، ص ١٢٠

٢٢-٨-١٧-٢- خَيْرُ مَا تَوَاصَى بِهِ عِبَادُ اللَّهِ

﴿١٥٦٥﴾ أمير المؤمنين عليه السلام: أَوْصِيَكُمْ بِتَقْوَى اللَّهِ فَإِنَّ تَقْوَى اللَّهِ خَيْرُ مَا تَوَاصَى بِهِ عِبَادُ اللَّهِ وَ

أَقْرَبُهُ إِلَى رِضْوَانِ اللَّهِ وَ خَيْرُهُ فِي عَوَاقِبِ الْأُمُورِ عِنْدَ اللَّهِ؛ بحار الأنوار، ج ٣٢، ص ٣٥٦

﴿١٥٦٦﴾ أمير المؤمنين عليه السلام: أَوْصِيَكُمْ عِبَادَ اللَّهِ بِتَقْوَى اللَّهِ فَإِنَّهَا خَيْرُ مَا تَوَاصَى الْعِبَادُ بِهِ وَ

خَيْرُ عَوَاقِبِ الْأُمُورِ عِنْدَ اللَّهِ؛ نهج البلاغة، ص ٢٤٧

٢٣-٨-١٧-٢- خَيْرُكُمْ مَنْ أَحْرَزَ وَرَعَهُ

﴿١٥٦٧﴾ الأئمة عليهم السلام: خَيْرُكُمْ مَنْ أَنْفَرَدَ عَنِ النَّاسِ وَأَحْرَزَ وَرَعَهُ وَ دِينَهُ؛ مجموعة ورام، ج ٢، ص ١٢١

٢٤-٨-١٧-٢- اتَّقَوْهُ ذَلِكُمْ خَيْرُكُمْ

﴿١٥٦٨﴾ وإبراهيم عليه السلام إِذْ قَالَ لِقَوْمِهِ اعْبُدُوا اللَّهَ وَاتَّقَوْهُ ذَلِكُمْ خَيْرُكُمْ إِنْ كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ؛ العنكبوت ١٦

٢٥-٨-١٧-٢- التَّقْوَى جَمَاعُ كُلِّ خَيْرٍ

﴿١٥٦٩﴾ أمير المؤمنين عليه السلام: تَقْوَى رَبَّنَا جَمَاعُ كُلِّ خَيْرٍ، وَرَأْسُ كُلِّ أَمْرٍ؛ الغارات، ج ٢،

ص ٤٣١

«اهمیت تقوا / مقایسه بین پرهیزکاری و دیگر فضایل»

۱۸-۸-۱۷-۲- بهترین آنچه کسب کرده‌ای

﴿۱۵۶۱﴾ بهترین چیزی که در باقی‌مانده‌ی دنیا کسب می‌کنی چیزی است که بندگان صالح در روزگار گذشته‌ی دنیا از تقوا به‌دست آورده‌اند.

۱۹-۸-۱۷-۲- بهترین سفارشی که مسلمان به مسلمان می‌کند

﴿۱۵۶۲﴾ شما را به پرهیزکاری خدا سفارش می‌کنم که نیکوترین اندرزی که مسلمان به مسلمان دهد این است که وی را به کار آخرت ترغیب کند و به پرهیزکاری خدا فرمان دهد.

۲۰-۸-۱۷-۲- بهترین توشه‌ای که از دنیا برمی‌گیری

﴿۱۵۶۳﴾ از دنیا توشه بگیر که بهترین توشه‌ای که از آن برمی‌گیری، پارسایی است.

۲۱-۸-۱۷-۲- بهترین توشه‌ای که از دنیا برمی‌گیری

﴿۱۵۶۴﴾ از دنیا توشه‌ی تقوا برچینید که بهترین توشه‌ای که از آن برمی‌گیرید، تقواست.

۲۲-۸-۱۷-۲- بهترین چیزی که بندگان خدا به یکدیگر سفارش می‌کنند

﴿۱۵۶۵﴾ من شما را به تقوای الهی سفارش می‌کنم زیرا تقوا بهترین چیزی است که بندگان خدا به آن سفارش می‌شوند، و نزدیک‌ترین وسیله برای جلب رضایت خداست و نزد خداوند خوش عاقبت‌ترین کارهاست.

﴿۱۵۶۶﴾ ای بندگان خدا! شما را به تقوا و ترس از عذاب خدا سفارش می‌کنم، زیرا تقوای الهی بهترین سفارش مؤمنان و بهترین عاقبت‌ها در پیشگاه خداست.

۲۳-۸-۱۷-۲- بهترین شما کسی است که ورعش را حفظ کند

﴿۱۵۶۷﴾ بهترین شما کسی است که از مردم جدا شده تا ورع و دینش را حفظ کند.

۲۴-۸-۱۷-۲- پروا کنید و این برای شما بهترین است

﴿۱۵۶۸﴾ ما ابراهیم را (نیز) فرستادیم، هنگامی که به قومش گفت: «خدا را پرستش کنید و از عذاب او بپرهیزید که این برای شما بهتر است اگر بدانید!

۲۵-۸-۱۷-۲- پرهیزکاری گردآورنده‌ی همه‌ی خیرهاست

﴿۱۵۶۹﴾ تقوای پروردگار ما، اجتماع تمام خیرها و سرمنشأ تمام امور است.

﴿أهمية التقوى / المقايسة بين التقوى و سائر الفضائل﴾

﴿١٥٧٠﴾ الرسول ﷺ: أَنْ رَجُلًا جَاءَ إِلَى رَسُولِ اللَّهِ ﷺ فَقَالَ يَا رَسُولَ اللَّهِ أَوْصِنِي فَقَالَ عَلَيْكَ بِتَقْوَى اللَّهِ فَإِنَّهُ جَمَاعٌ كُلُّ خَيْرٍ؛ شرح نهج البلاغة، ج ١١، ص ١٨٥
٢٦-١٧-٨-٢- مَا وَعَدَ الْمُتَّقُونَ خَيْرٌ

﴿١٥٧١﴾ قُلْ أَذَلِكَ خَيْرٌ أَمْ جَنَّةُ الْخُلْدِ الَّتِي وَعَدَ الْمُتَّقُونَ كَانَتْ لَهُمْ جَزَاءً وَمَصِيرًا؛ الفرقان ١٥
٢٧-١٧-٨-٢- الْوَرَعُ خَيْرٌ مِنَ الطَّمَعِ

﴿١٥٧٢﴾ أمير المؤمنين عليه السلام: وَرَعٌ يُعِزُّ خَيْرٌ مِنْ طَمَعٍ يُذِلُّ؛ غرر الحكم، ص ٢٧٢
﴿١٥٧٣﴾ أمير المؤمنين عليه السلام: وَرَعٌ يُنَجِّي خَيْرٌ مِنْ طَمَعٍ يُرْدِي؛ غرر الحكم، ص ٢٧٢
٢٨-١٧-٨-٢- الْوَرَعُ خَيْرٌ مِنْ ذُلِّ الطَّمَعِ

﴿١٥٧٤﴾ أمير المؤمنين عليه السلام: الْوَرَعُ خَيْرٌ مِنْ ذُلِّ الطَّمَعِ؛ غرر الحكم، ص ٢٧٢
٢٩-١٧-٨-٢- شِرَارُ نِسَائِكُمْ الَّتِي لَا تَوَرَّعُ مِنْ قَبِيحٍ

﴿١٥٧٥﴾ الرسول ﷺ: أَلَا أَخْبِرُكُمْ بِشِرَارِ نِسَائِكُمْ الذَّلِيلَةِ فِي أَهْلِهَا الْعَزِيزَةِ مَعَ بَعْلِهَا الْعَقِيمِ
الْحَقُودُ الَّتِي لَا تَوَرَّعُ مِنْ قَبِيحٍ؛ الكافي، ج ٥، ص ٣٢٥
٣٠-١٧-٨-٢- شَرُّ الدَّوَابِّ الَّذِينَ لَا يَتَّقُونَ

﴿١٥٧٦﴾ إِنَّ شَرَّ الدَّوَابِّ عِنْدَ اللَّهِ الَّذِينَ كَفَرُوا فَهُمْ لَا يُؤْمِنُونَ * الَّذِينَ عَاهَدَتْ مِنْهُمْ ثُمَّ يَنْقُضُونَ
عَهْدَهُمْ فِي كُلِّ مَرَّةٍ وَهُمْ لَا يَتَّقُونَ؛ الأنفال ٥٦-٥٥
٣١-١٧-٨-٢- فِي التَّقْوَى اجْتِمَاعُ كُلِّ خَيْرٍ

﴿١٥٧٧﴾ الصادق عليه السلام: اتَّقِ اللَّهَ وَكُنْ حَيْثُ شِئْتَ وَ مِنْ أَيِّ قَوْمٍ شِئْتَ فَإِنَّهُ لَا خِلَافَ لِأَحَدٍ فِي
التَّقْوَى وَ التَّقْوَى مَحْبُوبٌ عِنْدَ كُلِّ فَرِيقٍ وَ فِيهِ اجْتِمَاعُ كُلِّ خَيْرٍ وَ رُشْدٌ وَ هُوَ مِيزَانُ كُلِّ عِلْمٍ وَ
حِكْمَةٍ وَ آسَاسُ كُلِّ طَاعَةٍ مَقْبُولَةٍ؛ مصباح الشريعة، ص ٥٩
٣٢-١٧-٨-٢- قَلِيلُ الْعَمَلِ مَعَ التَّقْوَى خَيْرٌ مِنْ كَثِيرِ الْعَمَلِ بِلَا تَقْوَى

﴿١٥٧٨﴾ الصادق عليه السلام: مُفَضَّلُ بْنُ عُمَرَ قَالَ كُنْتُ عِنْدَ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام فَذَكَرْنَا الْأَعْمَالَ فَقُلْتُ
أَنَا مَا أَضْعَفُ عَمَلِي فَقَالَ مَهْ اسْتَغْفِرُ اللَّهَ ثُمَّ قَالَ لِي إِنَّ قَلِيلَ الْعَمَلِ مَعَ التَّقْوَى خَيْرٌ مِنْ كَثِيرِ الْعَمَلِ
بِلَا تَقْوَى قُلْتُ كَيْفَ يَكُونُ كَثِيرٌ بِلَا تَقْوَى قَالَ نَعَمْ مِثْلُ الرَّجُلِ يُطْعِمُ طَعَامَهُ وَ يَرْفُقُ جِيرَانَهُ وَ
﴿٥٤٤﴾

«اهمیت تقوا / مقایسه بین پرهیزکاری و دیگر فضایل»

﴿۱۵۷۰﴾ فردی نزد رسول خدا ﷺ آمد و گفت: «ای رسول خدا! مرا توصیه‌ای بنما». فرمود: «بر تو باد به مراعات تقوای الهی که جمع تمام خیرها است».

۲۶-۱۷-۲- آنچه به پرهیزکاران وعده داده شده، بهترین است

﴿۱۵۷۱﴾ (ای پیامبر!) بگو: «آیا این بهتر است یا بهشت جاویدانی که به پرهیزکاران وعده داده شده؟! بهشتی که پاداش اعمال آنها، و قرارگاهشان است.»

۲۷-۱۷-۲- ورع بهتر از طمع است

﴿۱۵۷۲﴾ ورعی که عزّت می‌بخشد بهتر از طمعی است که ذلّت می‌دهد.

﴿۱۵۷۳﴾ ورعی که نجات می‌دهد بهتر از طمعی است که هلاک می‌کند.

۲۸-۱۷-۲- ورع بهتر از خواری طمع است

﴿۱۵۷۴﴾ ورع بهتر از ذلّت طمع است.

۲۹-۱۷-۲- بدترین زنانان کسی است که از زشتی پروا نکند

﴿۱۵۷۵﴾ آیا شما را به بدترین زنانان آگاه کنم؟ زنانی که در خاندانشان ذلیل و نزد شوهر سخت و مغرورند، نازا هستند، کینه‌ای دارند که نمی‌گذارد از هیچ عمل قبیحی پرهیز کنند.

۳۰-۱۷-۲- بدترین حیوانات آنند که پرهیز نمی‌کنند

﴿۱۵۷۶﴾ به یقین، بدترین جنبندگان نزد خدا، کسانی هستند که کافر شدند و ایمان نمی‌آورند. * همان کسانی که با آنها پیمان بستی سپس هر بار عهد و پیمان خود را می‌شکنند و (از پیمان شکنی و خیانت،) پرهیز ندارند.

۳۱-۱۷-۲- در پرهیزکاری همه‌ی خیرها جمع می‌شود

﴿۱۵۷۷﴾ تقوا داشته باش؛ دیگر مهم نیست در چه جایگاهی یا از کدام قبیله باشی. که هیچ کس در ارزش و فضیلت تقوا حرفی ندارد. پرهیزکار در نظر همه محبوب و محترم است، هرگونه خیر و خوبی و رشد و سعادت در تقواست و ارزش و ارزیابی هرگونه دانش و علمی، با تقواست و قبولی اطاعت و عبادت به تقوا بسته است.

۳۲-۱۷-۲- عمل اندک همراه با تقوا، بهتر از اعمال زیادی است که بدون تقوا باشد

﴿۱۵۷۸﴾ مفضل بن عمر گوید: خدمت امام صادق (علیه السلام) بودم که موضوع اعمال مطرح شد، من عرض کردم: «چقدر اعمال کم و بی‌ارزش است!» فرمود: «خاموش باش، از خدا آمرزش بخواه!» آنگاه فرمود: «عمل اندکی که توأم با تقوا و پرهیز باشد، بهتر از اعمال زیادی است که همراه با تقوا نباشد». عرض کردم: «چطور ممکن است عمل انسان زیاد باشد، ولی بدون تقوا؟» فرمود: «بلی مانند شخصی که اطعام کرده و از مستمندان دستگیری می‌کند، با همسایگان مهربانی

﴿أَهْمِيَةُ التَّقْوَى / الْمُقَايَسَةُ بَيْنَ التَّقْوَى وَ سَائِرِ الْفَضَائِلِ﴾

يُوطِئُ رَحْلَهُ فَإِذَا ارْتَفَعَ لَهُ الْبَابُ مِنَ الْحَرَامِ دَخَلَ فِيهِ فَهَذَا الْعَمَلُ بِلَا تَقْوَى وَ يَكُونُ الْآخِرُ لَيْسَ عِنْدَهُ فَإِذَا ارْتَفَعَ لَهُ الْبَابُ مِنَ الْحَرَامِ لَمْ يَدْخُلْ فِيهِ؛ الكافي، ج ٢، ص ٧٦
٣٣-١٧-٢- لباسُ التَّقْوَى ذَلِكَ خَيْرٌ

﴿١٥٧٩﴾ يَا بَنِي آدَمَ قَدْ أَنْزَلْنَا عَلَيْكُمْ لِبَاسًا يُؤَارِي سَوَاتِكُمْ وَرِيشًا وَلِبَاسُ التَّقْوَى ذَلِكَ خَيْرٌ ذَلِكَ مِنْ آيَاتِ اللَّهِ لَعَلَّهُمْ يَذَكَّرُونَ؛ الأعراف ٢٦
﴿١٥٨٠﴾ الباقِرُ عليه السلام: يَقُولُ اللَّهُ وَلِبَاسُ التَّقْوَى ذَلِكَ خَيْرٌ يَقُولُ الْعَفَافُ خَيْرٌ؛ بحار الأنوار، ج ٦٨، ص ٢٧١

٣٤-١٧-٢- لَا خَيْرَ فِي شَيْءٍ مِنْ أَزْوَاجِهَا إِلَّا التَّقْوَى

﴿١٥٨١﴾ أمير المؤمنين عليه السلام: أَمَّا بَعْدُ فَإِنِّي أَحْذَرُكُمْ الدُّنْيَا فَإِنَّهَا... لَا خَيْرَ فِي شَيْءٍ مِنْ أَزْوَاجِهَا إِلَّا التَّقْوَى؛ نهج البلاغة، ص ١٦٤

٣٥-١٧-٢- لَا خَيْرَ فِي الْعِقَّةِ إِلَّا مَعَ الْوَرَعِ

﴿١٥٨٢﴾ الرسول ﷺ: يَا عَلِيُّ لَا خَيْرَ فِي قَوْلٍ إِلَّا مَعَ الْفِعْلِ وَلَا فِي مَنْظَرٍ إِلَّا مَعَ الْمَخْبَرِ وَلَا فِي أَمَالٍ إِلَّا مَعَ الْجُودِ وَلَا فِي الصَّدَقِ إِلَّا مَعَ الْوَفَاءِ وَلَا فِي الْعِفَّةِ إِلَّا مَعَ الْوَرَعِ؛ بحار الأنوار، ج ٧٤، ص ٥٨

٣٦-١٧-٢- لَا خَيْرَ فِي عَمَلٍ إِلَّا مَعَ الْوَرَعِ

﴿١٥٨٣﴾ أمير المؤمنين عليه السلام: لَا خَيْرَ فِي عَمَلٍ إِلَّا مَعَ الْيَقِينِ وَالْوَرَعِ؛ غرر الحكم، ص ١٥٦

٣٧-١٧-٢- لَا خَيْرَ فِي الْفِقْهِ إِلَّا مَعَ الْوَرَعِ

﴿١٥٨٤﴾ أمير المؤمنين عليه السلام: لَا خَيْرَ فِي الْقَوْلِ إِلَّا مَعَ الْعَمَلِ إِلَى أَنْ قَالَ وَ لَا فِي الْفِقْهِ إِلَّا مَعَ الْوَرَعِ؛ مستدرك الوسائل، ج ٧، ص ١٣٤

﴿١٥٨٥﴾ الرسول ﷺ: يَا عَلِيُّ لَا خَيْرَ فِي قَوْلٍ إِلَّا مَعَ الْفِعْلِ وَلَا فِي الْمَنْظَرِ إِلَّا مَعَ الْمَخْبَرِ وَلَا فِي أَمَالٍ إِلَّا مَعَ الْجُودِ وَلَا فِي الصَّدَقِ إِلَّا مَعَ الْوَفَاءِ وَلَا فِي الْفِقْهِ إِلَّا مَعَ الْوَرَعِ؛ مستطرفات السرائر، ص ٦٢٠

٣٨-١٧-٢- لَا خَيْرَ فِي نُسْكِ لَا وَرَعٍ فِيهِ

﴿١٥٨٦﴾ الصادق عليه السلام: أَلَا لَا خَيْرَ فِي نُسْكِ لَا وَرَعٍ فِيهِ؛ الكافي، ج ١، ص ٣٦

«اهمیت تقوا / مقایسه بین پرهیزکاری و دیگر فضایل»

می‌ورزد و حاجتمندان به خانه‌اش رفت و آمد دارند، ولی در عین حال اگر با عمل حرام و نامشروعی مواجه شود، اقدام نموده و آن کار را هم انجام می‌دهد. این گونه اعمال خیر، عمل بدون تقواست. و ممکن است شخص دیگری باشد که توفیق اینگونه کارها را نداشته باشد، ولی به طوری در دینش محکم است که اگر طرق و راه‌های نامشروع در پیش پا و دسترسش باشد، کاملاً امتناع ورزیده و خودداری می‌کند».

۳۳-۱۷-۲- لباس پرهیزکاری بهترین است

﴿۱۵۷۹﴾ ای فرزندان آدم! لباسی برای شما فرستادیم که اندام شما را می‌پوشاند و مایه زینت شماست اما لباس پرهیزکاری بهتر است! این‌ها (همه) از آیات خداست، تا متذکر (نعمت‌های او) شوند! ﴿۱۵۸۰﴾ خداوند می‌فرماید: «اما لباس پرهیزکاری بهتر است!» یعنی عفاف و دارای عفت‌بودن و پاکدامنی آن خیر و خوب است.

۳۴-۱۷-۲- در توشه‌هایت جز در پرهیزکاری خیری نیست

﴿۱۵۸۱﴾ شما را از [دلبستن به] دنیا بر حذر می‌دارم، زیرا دنیا [به گونه‌ای است که]... خیر و نیکویی در هیچ‌یک از توشه‌های آن نیست مگر در تقوا و پرهیزکاری.

۳۵-۱۷-۲- در عفت بدون پرهیزکاری خیری نیست

﴿۱۵۸۲﴾ یا علی! در سخن گفتن سودی نیست مگر با عمل و در نگاه‌کردن‌ها خیری نیست مگر آنکه عبرت و آگاهی بیاورد و در ثروت خیری نیست مگر با احسان بخشش و در سخن راست خیری نیست مگر با وفاکردن به آن و در عفت و خویشنداری خیری نیست مگر آنکه از روی پرهیزکاری باشد.

۳۶-۱۷-۲- در عمل بدون پرهیزکاری خیری نیست

﴿۱۵۸۳﴾ در عملی که همراه یقین و ورع نباشد، هیچ خیری نیست.

۳۷-۱۷-۲- در فقه بدون همراهی با پرهیزکاری خیری نیست

﴿۱۵۸۴﴾ خیری در گفتار نخواهد بود مگر اینکه عمل هم باشد... و فقه بدون ورع و پرهیزکاری سودی ندارد.

﴿۱۵۸۵﴾ ای علی! در حرفی که همراه با عمل نیست، در دیدنی که عبرتی در آن نیست، مال و دارایی بدون بخشش، دوستی‌کردن بدون وفاداری و در تفقه بدون مراعات ورع، خیری نیست.

۳۸-۱۷-۲- در عبادت بدون همراهی با پرهیزکاری خیری نیست

﴿۱۵۸۶﴾ در عمل و مناسکی که همراه با ورع نباشد، هیچ خیری نیست.

﴿أَهْمِيَةُ التَّقْوَى / الْمُقَايَسَةُ بَيْنَ التَّقْوَى وَ سَائِرِ الْفَضَائِلِ﴾

٣٩-١٧-٢- من أسس بُنيانه على تقوى من الله خيرُ

﴿١٥٨٧﴾ أَقَمَنْ أَشَسَّ بُنْيَانَهُ عَلَى تَقْوَى مِنْ اللَّهِ وَرِضْوَانِ خَيْرٌ أَمْ مَنْ أَشَسَّ بُنْيَانَهُ عَلَى شَفَا جُرْفٍ هَارِفَانْهَارِيهِ فِي نَارِ جَهَنَّمَ وَاللَّهُ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الظَّالِمِينَ؛ التوبة ١٠٩-١٠٧

٤٠-١٧-٢- نِعَمَ الرَّفِيقِ

﴿١٥٨٨﴾ أمير المؤمنين عليه السلام: نِعَمَ الرَّفِيقُ الْوَرَعَ؛ غررالحكم، ص ٢٧٠

٩-١٧-٢- الرَّأْسُ

١-٩-١٧-٢- رَأْسُ الْأَمْرِ كُلُّهُ

﴿١٥٨٩﴾ الرَّسُولُ ﷺ: عَنْ أَبِي ذَرٍّ عَنْ رَسُولِ اللَّهِ ﷺ فِي حَدِيثٍ قَالَ قُلْتُ يَا رَسُولَ اللَّهِ

أَوْصِنِي قَالَ أَوْصِيكَ بِتَقْوَى اللَّهِ فَإِنَّهُ رَأْسُ الْأَمْرِ كُلِّهِ؛ وسائل الشريعة، ج ١٥، ص ٢٨٩

٢-٩-١٧-٢- رَأْسُ كُلِّ أَمْرٍ

﴿١٥٩٠﴾ أمير المؤمنين عليه السلام: تَقْوَى رَبَّنَا جَمَاعُ كُلِّ خَيْرٍ، وَ رَأْسُ كُلِّ أَمْرٍ؛ الغارات، ج ٢، ص ٤٣١

٣-٩-١٧-٢- رَأْسُ الْإِيمَانِ

﴿١٥٩١﴾ حديث قدسي: إِنَّ الْوَرَعَ رَأْسُ الْإِيمَانِ وَ عِمَادُ الدِّينِ؛ بحار الأنوار، ج ٧٤، ص ٢٦

٤-٩-١٧-٢- رَأْسُ الْحَسَنَاتِ

﴿١٥٩٢﴾ أمير المؤمنين عليه السلام: التَّقْوَى رَأْسُ الْحَسَنَاتِ؛ غررالحكم، ص ٢٧١

٥-٩-١٧-٢- رَأْسُ كُلِّ حِكْمَةٍ

﴿١٥٩٣﴾ عيسى عليه السلام: إِنَّ الْحِكْمَةَ نُورٌ كُلُّ قَلْبٍ وَ التَّقْوَى رَأْسُ كُلِّ حِكْمَةٍ؛ بحار الأنوار، ج ١٤، ص ٣١٥

٦-٩-١٧-٢- رَأْسُ الدِّينِ

﴿١٥٩٤﴾ حديث قدسي: يَا أَحْمَدُ عَلَيْكَ بِالْوَرَعِ فَإِنَّ الْوَرَعَ رَأْسُ الدِّينِ وَ وَسَطُ الدِّينِ وَ آخِرُ

الدِّينِ؛ بحار الأنوار، ج ٧٤، ص ٢٦

٧-٩-١٧-٢- رِئِيسُ الْأَخْلَاقِ

﴿١٥٩٥﴾ أمير المؤمنين عليه السلام: التَّقَى رِئِيسُ الْأَخْلَاقِ؛ نهج البلاغة، ص ٥٤٨

﴿١٥٩٦﴾ أمير المؤمنين عليه السلام: التَّقْوَى رِئِيسُ الْأَخْلَاقِ؛ غررالحكم، ص ٢٧١

«اهمیت تقوا / مقایسه بین پرهیزکاری و دیگر فضایل»

۳۹-۱۷-۲- آنچه بنایش بر پرهیزکاری باشد بهترین است

﴿۱۵۸۷﴾ آیا کسی که شالوده آن را بر تقوای الهی و خشنودی او بنا کرده بهتر است، یا کسی که اساس آن را بر کنار پرتگاه سستی بنا نموده که ناگهان در آتش دوزخ فرومی‌ریزد؟ و خداوند گروه ستمگران را هدایت نمی‌کند!

۴۰-۱۷-۲- بهترین رفیق

﴿۱۵۸۸﴾ ورع، رفیق خوبی است.

۹-۱۷-۲- سرمنشأ

۱-۹-۱۷-۲- سرمنشأ همه امور

﴿۱۵۸۹﴾ ابوذر گوید: به رسول خدا ﷺ عرض کردم: «ای رسول خدا! مرا سفارشی فرما». فرمود: «تو را به رعایت تقوای الهی سفارش می‌کنم زیرا تقوا اصل همه‌ی کارها [ی شایسته] است».

۲-۹-۱۷-۲- سرمنشأ هر امری

﴿۱۵۹۰﴾ تقوای پروردگار ما، اجتماع تمام خیرها و سرمنشأ تمام امور است.

۳-۹-۱۷-۲- سرمنشأ ایمان

﴿۱۵۹۱﴾ همانا ورع سر ایمان و ستون دین است.

۴-۹-۱۷-۲- سرمنشأ حسنات

﴿۱۵۹۲﴾ سرمنشأ تمام نیکی‌ها، تقوا است.

۵-۹-۱۷-۲- سرمنشأ همه‌ی حکمت

﴿۱۵۹۳﴾ حکمت؛ نور هر دل، و پرهیزکاری در رأس هر حکمت است.

۶-۹-۱۷-۲- سرمنشأ دین

﴿۱۵۹۴﴾ ای احمد! ورع و پرهیزکاری را شیوه و شعار خود بساز، زیرا ورع اوّل و وسط و آخر دین است.

۷-۹-۱۷-۲- پیشوای خلق و خواها

﴿۱۵۹۵﴾ پرهیزکاری پیشوای خواها است (هر خوی نیکی به آن بسته است و همه را در بر دارد).

﴿۱۵۹۶﴾ رئیس اخلاق، تقواست.

﴿أَهْمِيَةُ التَّقْوَى / الْمُقَايَسَةُ بَيْنَ التَّقْوَى وَ سَائِرِ الْفَضَائِلِ﴾

١٠-١٧-٢-الأَرْبَعُ

١-١٧-٢-أَرْبَعُ التَّجَارَاتِ

﴿١٥٩٧﴾ لقمان عليه السلام: عَلَيْكَ بِالتَّقْوَى فَإِنَّهُ أَرْبَعُ التَّجَارَاتِ؛ إرشاد القلوب، ج ١، ص ٧٢

١١-١٧-٢-الرَّاجِحُ

١-١٧-٢-عَمَلُ رَاجِحٍ

﴿١٥٩٨﴾ أمير المؤمنين عليه السلام: الْوَرَعُ عَمَلُ رَاجِحٍ؛ غرر الحكم، ص ٢٧٤

١٢-١٧-٢-الْأَزْكَى

١-١٢-٢-أَزْكَى زِرَاعَةٍ

﴿١٥٩٩﴾ أمير المؤمنين عليه السلام: التَّقْوَى أَزْكَى زِرَاعَةٍ؛ غرر الحكم، ص ٢٦٨

٢-١٢-٢-لَا يَزْكُو الْعِلْمُ بِغَيْرِ وَرَعٍ

﴿١٦٠٠﴾ أمير المؤمنين عليه السلام: لَا يَزْكُو الْعِلْمُ بِغَيْرِ وَرَعٍ؛ غرر الحكم، ص ٤٨

١٣-١٧-٢-الْأَزِينُ

١-١٣-٢-أَزِينُ الْأَخْلَاقِ

﴿١٦٠١﴾ أمير المؤمنين عليه السلام: إِنَّ أَزِينَ الْأَخْلَاقِ الْوَرَعُ وَالْعِفَافُ؛ غرر الحكم، ص ٢٦٩

٢-١٣-٢-أَزِينُ اللَّبَاسِ

﴿١٦٠٢﴾ الصادق عليه السلام: أَزِينُ اللَّبَاسِ لِلْمُؤْمِنِ لِبَاسُ التَّقْوَى وَ أَنْعَمُهُ الْإِيمَانُ قَالَ اللَّهُ تَعَالَى وَ

لِبَاسُ التَّقْوَى ذَلِكَ خَيْرٌ؛ مستدرک الوسائل، ج ٣، ص ٣٢٤

١٤-١٧-٢-الْأَشَدُّ

١-١٤-٢-أَشَدُّ الْعِبَادَةِ

﴿١٦٠٣﴾ الباقر عليه السلام: إِنَّ أَشَدَّ الْعِبَادَةِ الْوَرَعُ؛ الكافي، ج ٢، ص ٧٧

١٥-١٧-٢-الْأَشْرَفُ

١-١٥-٢-أَشْرَفُ الْخِلَالِ

﴿١٦٠٤﴾ أمير المؤمنين عليه السلام: تَحَلَّى بِالسَّخَاءِ وَ الْوَرَعِ فَهُمَا حِلْيَةُ الْإِيمَانِ وَ أَشْرَفُ خِلَالِكِ؛

غرر الحكم، ص ٣٧٦

﴿اهمیت تقوا / مقایسه بین پرهیزکاری و دیگر فضایل﴾

۱۰-۱۷-۲- سودمندترین

۱-۱۰-۱۷-۲- سودمندترین تجارت

﴿۱۵۹۷﴾ اهل تقوا باش که تقوا پرسودترین تجارت است.

۱۱-۱۷-۲- برترین

۱-۱۱-۱۷-۲- برترین عمل

﴿۱۵۹۸﴾ ورع، کاری است که برتری دارد.

۱۲-۱۷-۲- پاک‌ترین

۱-۱۲-۱۷-۲- پاک‌ترین زراعت

﴿۱۵۹۹﴾ تقوا پاکیزه‌ترین کشت و زراعت است [و بهترین ثمره را دارد].

۲-۱۲-۱۷-۲- دانش بدون ورع پاک نمی‌شود

﴿۱۶۰۰﴾ علم فقط با ورع پاک می‌گردد.

۱۳-۱۷-۲- زیباترین

۱-۱۳-۱۷-۲- زیباترین اخلاق

﴿۱۶۰۱﴾ زیباترین اخلاق، ورع و پاک‌دامنی است.

۲-۱۳-۱۷-۲- زیباترین لباس

﴿۱۶۰۲﴾ زیباترین لباس برای مؤمن، لباس تقوا است و لطیف‌ترین آن ایمان است که خداوند

فرموده: «اَمَّا لِبَاسُ پرهیزکاری بهتر است»!

۱۴-۱۷-۲- محکم‌ترین

۱-۱۴-۱۷-۲- محکم‌ترین عبادت

﴿۱۶۰۳﴾ همانا بهترین عبادت ورع است.

۱۵-۱۷-۲- شریف‌ترین

۱-۱۵-۱۷-۲- شریف‌ترین خلق و خو

﴿۱۶۰۴﴾ با سخاوت و ورع، [ایمانت را] زینت کن که این دو، زینت ایمان و بهترین صفات تو

هستند.

﴿أَهْمِيَةُ التَّقْوَى / الْمَقَايِسَةُ بَيْنَ التَّقْوَى وَ سَائِرِ الْفَضَائِلِ﴾

٢-١٧-١٥-٢- أَشْرَفُ الْمَلَابِسِ

﴿١٦٠٥﴾ أمير المؤمنين عليه السلام: ثَوْبُ التَّقَى أَشْرَفُ الْمَلَابِسِ؛ غررالحكم، ص ٢٧٠

٢-١٧-١٥-٣- أَشْرَفُ نَسَبٍ

﴿١٦٠٦﴾ أمير المؤمنين عليه السلام: عَلَيْكَ بِالتَّقْوَى فَإِنَّهُ أَشْرَفُ نَسَبٍ؛ غررالحكم، ص ٢٧٠

٢-١٧-١٥-٤- لَا شَرَفَ إِلَّا بِالتَّقْوَى

﴿١٦٠٧﴾ أمير المؤمنين عليه السلام: لَا شَرَفَ إِلَّا بِالتَّقْوَى؛ مستدرک الوسائل، ج ١٣، ص ١٥٢

٢-١٧-١٥-٥- لَا شَرَفَ أَعْلَى مِنَ التَّقْوَى

﴿١٦٠٨﴾ أمير المؤمنين عليه السلام: لَا شَرَفَ أَعْلَى مِنَ التَّقْوَى؛ غررالحكم، ص ٢٧٠

٢-١٧-١٦- الْأَصْدَقُ

٢-١٧-١٦-١- أَصْدَقُ الْوَعْدِ مَا وَعَدَ اللَّهُ الْمُتَّقِينَ

﴿١٦٠٩﴾ أمير المؤمنين عليه السلام: إِرْغَبُوا فِيَمَا وَعَدَ اللَّهُ الْمُتَّقِينَ فَإِنَّ أَصْدَقَ الْوَعْدِ مِيعَادُهُ؛

غررالحكم، ص ٢٧٤

٢-١٧-١٧- الْأَصْلَحُ

٢-١٧-١٧-١- الْأَصْلَحُ فِي الدِّينِ

﴿١٦١٠﴾ الصادق عليه السلام: سُئِلَ كَعْبُ الْأَخْبَارِ مَا الْأَصْلَحُ فِي الدِّينِ وَمَا الْأَفْسَدُ فَقَالَ الْأَصْلَحُ

الْوَرَعُ وَالْأَفْسَدُ الطَّمَعُ؛ مستدرک الوسائل، ج ١٢، ص ٦٩

٢-١٧-١٧-٢- لَا تَصْلُحُ الْإِمَامَةُ إِلَّا لِمَنْ تَوَرَّعَ عَنِ الْمَحَارِمِ

﴿١٦١١﴾ الرسول ﷺ: لَا تَصْلُحُ الْإِمَامَةُ إِلَّا لِرَجُلٍ فِيهِ ثَلَاثُ خِصَالٍ وَرَعٌ يَحْجُزُهُ عَنْ مَعَاصِي

اللَّهِ وَحِلْمٌ يَمْلِكُ بِهِ غَضَبَهُ وَحُسْنُ الْوَلَايَةِ عَلَى مَنْ يَلِي حَتَّى يَكُونَ لَهُمْ كَالْوَالِدِ الرَّحِيمِ؛ الكافي،

ج ١، ص ٤٠٧

٢-١٧-١٧-٣- مَا أَصْلَحَ الدِّينَ كَالْتَّقْوَى

﴿١٦١٢﴾ أمير المؤمنين عليه السلام: مَا أَصْلَحَ الدِّينَ كَالْتَّقْوَى؛ غررالحكم، ص ٢٧١

٢-١٧-١٧-٤- مَا أَصْلَحَ الدِّينَ كَالْوَرَعِ

﴿١٦١٣﴾ أمير المؤمنين عليه السلام: مَا أَصْلَحَ الدِّينَ كَالْوَرَعِ؛ غررالحكم، ص ٢٧١

«اهمیت تقوا / مقایسه بین پرهیزکاری و دیگر فضایل»

۲-۱۷-۱۵-۲- شریف‌ترین لباس

﴿۱۶۰۵﴾ لباس تقوا با شرافت‌ترین لباس‌هاست.

۳-۱۷-۱۵-۲- شریف‌ترین نسب

﴿۱۶۰۶﴾ بر شما باد به تقوا که شریف‌ترین نسب است.

۴-۱۷-۱۵-۲- هیچ شرافتی جز با پرهیزکاری شرافت نیست

﴿۱۶۰۷﴾ شرافت فقط با تقوا کسب می‌شود.

۵-۱۷-۱۵-۲- هیچ شرافتی برتر از پرهیزکاری نیست

﴿۱۶۰۸﴾ شرافتی بالاتر از تقوا نیست.

۱۶-۱۷-۲- صادقانه‌ترین

۱-۱۶-۱۷-۲- صادقانه‌ترین وعده آن است که خدا به پرهیزکاران داده است

﴿۱۶۰۹﴾ به وعده‌هایی که خدا به پرهیزکاران داده میل و رغبت نشان دهید که این وعده از

صادق‌ترین وعده‌هاست.

۱۷-۱۷-۲- شایسته‌ترین و اصلاح‌کننده‌ترین

۱-۱۷-۱۷-۲- شایسته‌ترین در دین

﴿۱۶۱۰﴾ از کعب الاحبار پرسیدند: «صلاح و فساد دین کدام است؟» جواب داد: «ورع دین را

صالح می‌کند ولی طمع آن را فاسد می‌کند».

۲-۱۷-۱۷-۲- امامت بر کسی شایسته نیست مگر آنکه از محرّمات پروا کنند

﴿۱۶۱۱﴾ امامت فقط شایسته‌ی کسی است که در او سه خصلت باشد: ورعی که او را از هر

نافرمانی نسبت به خدا باز دارد، بردباری؛ تا آنجا که بر خشم خود مسلط باشد. سرپرستی خوب

نسبت به هرکس که بر او سرپرست است؛ تا آنجا که برای آن‌ها پدری مهربان باشد.

۳-۱۷-۱۷-۲- هیچ چیز همچون پرهیزکاری، دین را اصلاح نمی‌کند

﴿۱۶۱۲﴾ چیزی مانند تقوا نمی‌تواند دین را اصلاح کند.

۴-۱۷-۱۷-۲- هیچ چیز همچون ورع، دین را اصلاح نمی‌کند

﴿۱۶۱۳﴾ هیچ چیزی مانند پرهیزکاری، دین را اصلاح نمی‌کند.

﴿أَهْمِيَةُ التَّقْوَى / الْمُقَايَسَةُ بَيْنَ التَّقْوَى وَ سَائِرِ الْفَضَائِلِ﴾

١٨-١٧-٢- الأَعْبُدُ

١٨-١٧-٢- أَعْبُدِ النَّاسَ

﴿١٦١٤﴾ الرَّسُولُ ﷺ: أَصْلُ الدِّينِ الْوَرَعُ كُنْ وَرِعًا تَكُنْ أَعْبَدَ النَّاسِ؛ بحار الأنوار، ج ٦٧، ص ٢٨٦

﴿١٦١٥﴾ الرَّسُولُ ﷺ: يَا أَبَا ذَرٍّ كُنْ وَرِعًا تَكُنْ أَعْبَدَ النَّاسِ؛ بحار الأنوار، ج ٧٤، ص ٨٨

٢-١٧-١٨-٢- مَا تَعَبَّدَ لِي الْمُتَعَبِّدُونَ بِمِثْلِ الْوَرَعِ

﴿١٦١٦﴾ حديث قدسي: يَا مُوسَى أَتُبْلَغُ قَوْمَكَ أَنَّهُ مَا تَعَبَّدَ لِي الْمُتَعَبِّدُونَ بِمِثْلِ الْوَرَعِ عَنْ مَحَارِمِي قَالَ مُوسَى فَمَاذَا أَتُبْنَهُمْ عَلَى ذَلِكَ قَالَ إِنِّي أَفْتَشُ النَّاسَ عَنْ أَعْمَالِهِمْ وَلَا أَفْتَشُهُمْ حَيَاءً مِنْهُمْ؛ بحار الأنوار، ج ٦٧، ص ٣٠٧

١٩-١٧-٢- الأَعَزُّ

١-١٩-١٧-٢- أَعَزُّ الْكَرَمِ

﴿١٦١٧﴾ أمير المؤمنين عليه السلام: لَا كَرَمَ أَعَزُّ مِنَ التَّقْوَى؛ بحار الأنوار، ج ٦٧، ص ٢٨٨

﴿١٦١٨﴾ أمير المؤمنين عليه السلام: لَا كَرَمَ أَعَزُّ مِنَ التَّقْوَى؛ التوحيد، ص ٧٢

٢-١٧-١٩-٢- أَعَزُّ النَّاسِ

﴿١٦١٩﴾ فقه الرضا عليه السلام: أَرَوِي مَنْ أَرَادَ أَنْ يَكُونَ أَعَزَّ النَّاسِ فَلْيَتَّقِ اللَّهَ سِرَّهُ وَعَلَانِيَتَهُ؛

بحار الأنوار، ج ٦٧، ص ٢٩٤

﴿١٦٢٠﴾ الرَّسُولُ ﷺ: مَنْ أَحَبَّ أَنْ يَكُونَ أَعَزَّ النَّاسِ فَلْيَتَّقِ اللَّهَ؛ بحار الأنوار، ج ٧٤، ص ١٣٠

﴿١٦٢١﴾ الرَّسُولُ ﷺ: مَنْ أَرَادَ أَنْ يَكُونَ أَعَزَّ النَّاسِ فَلْيَتَّقِ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ؛ مستدرک الوسائل،

ج ١١، ص ٢٦٧

٣-١٧-١٩-٢- أَعَزُّ عِزِّ

﴿١٦٢٢﴾ أمير المؤمنين عليه السلام: فَإِنَّ التَّقْوَى أَفْضَلُ كَنْزٍ وَأَحْزَرُ حِرْزٍ وَأَعَزُّ عِزٍّ فِيهِ نَجَاةٌ كُلُّ

هَارِبٍ وَدَرَكٌ كُلُّ طَالِبٍ وَظَفَرٌ كُلُّ غَالِبٍ؛ مجموعة ورام، ج ٢، ص ٨٨

٤-١٩-١٧-٢- لَا عِزَّ أَعَزُّ مِنَ التَّقْوَى

﴿١٦٢٣﴾ أمير المؤمنين عليه السلام: لَا عِزَّ أَعَزُّ مِنَ التَّقْوَى؛ نهج البلاغة، ص ٥٤٠

«اهمیت تقوا / مقایسه بین پرهیزکاری و دیگر فضایل»

۱۸-۱۷-۲- عابدترین

۱-۱۸-۱۷-۲- عابدترین مردم

﴿۱۶۱۴﴾ اصل و اساس دین ورع و تقواست، اگر پرهیزکار باشی، عبادت تو از همه با ارزش‌تر است.

﴿۱۶۱۵﴾ ای ابوذر! با ورع باش تا بنده‌ترین مردم باشی.

۲-۱۸-۱۷-۲- عابدان با هیچ چیز همچون ورع مرا عبادت نکرده‌اند

﴿۱۶۱۶﴾ [خدا به موسی علیه السلام وحی کرد:] ای موسی! به امت خود بگو که برای تقرب به من، هیچ وسیله‌ای مانند پارسایی از محرمات من نیست. موسی علیه السلام عرض کرد: «خدایا! چه پاداشی به آنان عنایت می‌فرمایی؟» خطاب رسید: «روز آخرت از اعمال تمام مردم بازرسی خواهیم کرد، ولی از اهل تقوا شرم نموده و آن‌ها را بازرسی نمی‌کنم».

۱۹-۱۷-۲- عزیزترین

۱-۱۹-۱۷-۲- عزیزترین کرامت

﴿۱۶۱۷﴾ کرامت و احترامی با ارزش‌تر از تقوا نیست.

﴿۱۶۱۸﴾ کرامتی با عزت‌تر از تقوا نیست.

۲-۱۹-۱۷-۲- عزیزترین مردم

﴿۱۶۱۹﴾ روایت می‌کنم که هرکس می‌خواهد عزیزترین مردم باشد، باید در نهان و آشکار از خدا بترسد و تقوا داشته باشد.

﴿۱۶۲۰﴾ هر کس که دوست دارد در میان عزیزترین مردم باشد، تقوا پیشه کند.

﴿۱۶۲۱﴾ هر که می‌خواهد از همه عزیزتر باشد، راهش این است که از خدا بترسد.

۳-۱۹-۱۷-۲- عزیزترین عزت

﴿۱۶۲۲﴾ تقوا پرفضیلت‌ترین گنج و محکم‌ترین سپر و پرنفوذترین عزت است. نجات هر گریزان و رسیدن هر درخواست‌کننده به طلبش و پیروزی هر شخص پیروز در تقواست.

۴-۱۹-۱۷-۲- هیچ عزتی عزیزتر از پرهیزکاری نیست

﴿۱۶۲۳﴾ عزتی عزیزتر از تقوا نیست.

﴿أَهْمِيَةُ التَّقْوَى / الْمُقَايَسَةُ بَيْنَ التَّقْوَى وَ سَائِرِ الْفَضَائِلِ﴾

٢٠-١٧-٢-الأعظم

١-٢٠-١٧-٢-أعظم الأعمال

﴿١٦٢٤﴾ أمير المؤمنين عليه السلام: قَالَ فَأَيُّ الْأَعْمَالِ أَكْبَرُ عِنْدَ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ قَالَ التَّسْلِيمُ وَالْوَرَعُ؛

من لا يحضره الفقيه، ج ٤، ص ٣٨١

٢-٢٠-١٧-٢-النَّعْمَةُ الْعُظْمَى

﴿١٦٢٥﴾ سنن ادریس عليه السلام: وَ اعْلَمُوا وَ اسْتَيْقِنُوا أَنَّ تَقْوَى اللَّهِ هِيَ الْحِكْمَةُ الْكُبْرَى وَ النَّعْمَةُ

الْعُظْمَى وَ السَّبَبُ الدَّاعِي إِلَى الْخَيْرِ وَ الْفَاتِحُ لِأَبْوَابِ الْخَيْرِ وَ الْفَهْمُ وَ الْعَقْلُ؛ بحار الأنوار، ج ١١، ص ٢٨٣

٣-٢٠-١٧-٢-لَمْ يُوكَّلُوا بِشَيْءٍ أَكْبَرُ مِنَ التَّقْوَى

﴿١٦٢٦﴾ الصَّادِق عليه السلام: وَ اعْلَمُ أَنَّ الْخَلَائِقَ لَمْ يُوكَّلُوا بِشَيْءٍ أَكْبَرُ مِنَ التَّقْوَى فَإِنَّهُ وَصَّيْنَا أَهْلَ

الْبَيْتِ؛ وسائل الشيعة، ج ١٧، ص ٢١١

٢١-١٧-٢-الأعقل

١-٢١-١٧-٢-أعقل الناس

﴿١٦٢٧﴾ الرسول عليه السلام: آلاَ وَ إِنَّ أَكْبَلَ النَّاسِ عَبْدٌ عَرَفَ رَبَّهُ فَطَاعَهُ وَ عَرَفَ عَدُوَّهُ فَعَصَاهُ وَ

عَرَفَ دَارَ إِقَامَتِهِ فَاصْلَحَهَا وَ عَرَفَ سُرْعَةَ رَحِيلِهِ فَتَزَوَّدَ لَهَا آلاَ وَ إِنَّ خَيْرَ الزَّادِ مَا صَحِبَهُ التَّقْوَى؛

بحار الأنوار، ج ٧٤، ص ١٨١

٢٢-١٧-٢-الأعلى

١-٢٢-١٧-٢-أعلى الأعمال

﴿١٦٢٨﴾ أمير المؤمنين عليه السلام: أَعْلَى الْأَعْمَالِ إِخْلَاصُ الْإِيمَانِ وَ صِدْقُ الْوَرَعِ وَ الْإِيْقَانُ؛

غرر الحكم، ص ١٥٥

٢-٢٢-١٧-٢-أعلى من الزُّهْدِ

﴿١٦٢٩﴾ السَّجَّاد عليه السلام: الزُّهْدُ عَشْرَةُ أَجْزَاءٍ أَعْلَى دَرَجَةِ الزُّهْدِ أَذْنَى دَرَجَةِ الْوَرَعِ وَ أَعْلَى

دَرَجَةِ الْوَرَعِ أَذْنَى دَرَجَةِ الْيَقِينِ وَ أَعْلَى دَرَجَةِ الْيَقِينِ أَذْنَى دَرَجَةِ الرِّضَا؛ الكافي، ج ٢، ص ٦٢

٢٣-١٧-٢-الأغنى

«اهمیت تقوا / مقایسه بین پرهیزکاری و دیگر فضایل»

۲۰-۱۷-۲- بزرگ‌ترین

۱-۲۰-۱۷-۲- بزرگ‌ترین عمل‌ها

«۱۶۲۴» پیرمردی عرض کرد: «کدام‌یک از کارها در نزد خداوند بزرگ‌تر است؟» فرمود: «تسلیم در برابر خداوند و ترس از معاصی و پرهیزکاری».

۲-۲۰-۱۷-۲- نعمت بزرگ

«۱۶۲۵» بدانید و مطمئن باشید که تقوای الهی حکمت بزرگ و نعمت عظیم و سببی است که به سوی خیر می‌کشانند و گشاینده‌ی درهای خیر و فهم و عقل است.

۳-۲۰-۱۷-۲- با چیزی بزرگ‌تر از پرهیزکاری به خدا توکل نکرده‌اند

«۱۶۲۶» و بدان که مردمان به چیزی بزرگ‌تر از تقوا گمارده نشده‌اند، و همانا که آن سفارش ما اهل بیت است.

۲۱-۱۷-۲- عاقل‌ترین

۱-۲۱-۱۷-۲- عاقل‌ترین مردم

«۱۶۲۷» آگاه باش همانا که خردمندترین مردم، بنده‌ای است که پروردگارش را بشناسد، از او فرمانبرداری کند. دشمنش را بشناسد و نافرمانی کند و خانه‌ی زندگی‌اش را بشناسد و اصلاح کند. و تندی حرکتش را بشناسد و برای رفتن توشه بگیرد. آگاه باش همانا که بهترین توشه‌ای که او به همراه دارد، پرهیزکاری است.

۲۲-۱۷-۲- بالاترین

۱-۲۲-۱۷-۲- بالاترین عمل‌ها

«۱۶۲۸» برترین عمل خالص بودن ایمان و راست بودن ورع و یقین است.

۲-۲۲-۱۷-۲- فراتر از زهد

«۱۶۲۹» زهد ده جزء دارد: بالاترین درجه‌ی زهد پست‌ترین درجه‌ی ورع است. و بالاترین درجه‌ی ورع پست‌ترین درجه‌ی یقین است. و بالاترین درجه‌ی یقین پست‌ترین درجه‌ی رضاست.

۲۳-۱۷-۲- بی‌نیاز‌کننده‌ترین

﴿أَهْمِيَةُ التَّقْوَى / الْمَقَايِسَةُ بَيْنَ التَّقْوَى وَ سَائِرِ الْفَضَائِلِ﴾

١-٢٣-١٧-٢- لَا أُغْنِي عَنْهُمْ مِنَ اللَّهِ شَيْئًا إِلَّا بِالْوَرَعِ

﴿١٦٣٠﴾ الباقر عليه السلام: يَا فَضِيلُ أُنَبِّئُكَ مَنْ لَقِيَتْ مِنْ مَوَالِينَا عَنَّا السَّلَامَ وَقُلْ لَهُمْ إِنِّي لَا أُغْنِي عَنْهُمْ

مِنَ اللَّهِ شَيْئًا إِلَّا بِالْوَرَعِ؛ بحار الأنوار، ج ٦٧، ص ٣٠٨

٢-٢٣-١٧-٢- لَا يُغْنِي عَنْكَ اجْتِهَادُ لَيْسَ مَعَهُ وَرَعٌ

﴿١٦٣١﴾ الباقر عليه السلام: عَلَيْكَ بِتَقْوَى اللَّهِ وَاجْتِهَادٍ فِي دِينِكَ وَاعْلَمْ أَنَّهُ لَا يُغْنِي عَنْكَ

اجْتِهَادُ لَيْسَ مَعَهُ وَرَعٌ؛ بحار الأنوار، ج ٦٧، ص ٣٠٨

٣-٢٣-١٧-٢- لَا يُغْنِي عَنْهُمْ شَيْئًا إِلَّا بِوَرَعٍ

﴿١٦٣٢﴾ الصادق عليه السلام: عَنْ فَضِيلٍ قَالَ قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام بَلَغَ مَنْ لَقِيَتْ عَنَّا السَّلَامَ وَقُلْ لَهُمْ

إِنَّ أَحَدَنَا لَا يُغْنِي عَنْهُمْ وَاللَّهُ شَيْئًا إِلَّا بِوَرَعٍ فَاحْفَظُوا أَلْسِنَتَكُمْ وَكُفُّوا أَيْدِيَكُمْ؛ مستدرک الوسائل،

ج ١١، ص ٢٤٨

﴿١٦٣٣﴾ الباقر عليه السلام: إِنِّي لَا أُغْنِي عَنْهُمْ مِنَ اللَّهِ شَيْئًا إِلَّا بِوَرَعٍ فَاحْفَظُوا أَلْسِنَتَكُمْ وَكُفُّوا

أَيْدِيَكُمْ؛ وسائل الشيعة، ج ١٢، ص ١٩٥

﴿١٦٣٤﴾ الباقر عليه السلام: قَالَ لِبَعْضِ شِيعَتِهِ بَلَغَ مَنْ لَقِيَتْ مِنْ مَوَالِينَا عَنَّا السَّلَامَ وَقُلْ لَهُمْ إِنِّي لَا

أُغْنِي عَنْكُمْ مِنَ اللَّهِ شَيْئًا إِلَّا بِوَرَعٍ وَاجْتِهَادٍ؛ مستدرک الوسائل، ج ٣، ص ٧٦

﴿١٦٣٥﴾ الباقر عليه السلام: قَالَ لِبَعْضِ شِيعَتِهِ إِنَّا لَا نُغْنِي عَنْكُمْ مِنَ اللَّهِ شَيْئًا إِلَّا بِالْوَرَعِ؛ بحار الأنوار،

ج ٧٥، ص ١٨٨

٢٤-١٧-٢- الْأَفْضَلُ

١-٢٤-١٧-٢- أَفْضَلُ الثَّوَابِ

﴿١٦٣٦﴾ أمير المؤمنين عليه السلام: لِلْمُتَّقِينَ عِنْدَ اللَّهِ غَدَاً أَحْسَنُ الْجَزَاءِ وَأَفْضَلُ الثَّوَابِ لَمْ يَجْعَلِ اللَّهُ

الدُّنْيَا لِلْمُتَّقِينَ أَجْرًا [جَزَاءً] وَلَا ثَوَابًا؛ بحار الأنوار، ج ٣٢، ص ١٨

٢-٢٤-١٧-٢- أَفْضَلُ الدِّينِ

﴿١٦٣٧﴾ الرسول ﷺ: أَفْضَلُ الْعِبَادَةِ الْفِقْهُ وَأَفْضَلُ الدِّينِ الْوَرَعُ؛ وسائل الشيعة، ج ٢٠، ص ٣٥٨

﴿١٦٣٨﴾ الرسول ﷺ: فَضْلُ الْعِلْمِ أَحَبُّ إِلَى اللَّهِ مِنْ فَضْلِ الْعِبَادَةِ وَأَفْضَلُ دِينِكُمُ الْوَرَعُ؛

وسائل الشيعة، ج ٢٠، ص ٣٥٧

«اهمیت تقوا / مقایسه بین پرهیزکاری و دیگر فضایل»

۱-۲۳-۱۷-۲- با چیزی جز ورع نزد خداوند نمی‌توانم برایشان کاری کنم

«۱۶۳۰» ای فضیل! سلام مرا به هر یک از دوستان که دیدی برسان و به آنان بگو که من برای شما در نزد خدا کاری نمی‌توانم بکنم، مگر آنکه دارای تقوا باشید.

۲-۲۳-۱۷-۲- تلاش بدون ورع نمی‌تواند برای تو کاری کند

«۱۶۳۱» همیشه متقی باشید و در دین خود جهد و کوشش کنید و بدانید عبادتی که در آن ورع نباشد و کوششی که در آن تقوا نباشد، فایده‌ای ندارد.

۳-۲۳-۱۷-۲- با چیزی جز ورع نمی‌تواند برایشان کاری کند

«۱۶۳۲» فضیل گوید: امام صادق علیه السلام فرمود: به هر کس از دوستان ما که رسیدی، سلام ما را برسان و به آن‌ها بگو: «به خدا قسم! ما فقط افراد باورع را بی‌نیاز می‌کنیم؛ پس زبانتان را حفظ کنید و [از گناهان] دست بکشید».

«۱۶۳۳» من از آنان (دوستانم) جز با ورع، بی‌نیاز [و قانع] نمی‌شوم پس زبانتان را حفظ کنید و [از گناهان] دست بکشید.

«۱۶۳۴» به یکی از شیعیانشان فرمود: «به هر کس از دوستان ما که رسیدی، سلام ما را برسان و به آن‌ها بگو ما فقط با ورع و تلاش شما، از شما بی‌نیاز [و قانع] می‌شویم».

«۱۶۳۵» به برخی از شیعیانش فرمود: «ما به جز از راه ورع نمی‌توانیم تأثیری در درگاه الهی داشته باشیم».

۲۴-۱۷-۲- برترین

۱-۲۴-۱۷-۲- برترین پاداش

«۱۶۳۶» فردای قیامت اهل تقوا نزد خداوند از فضیلت بیشتری برخوردارند. خداوند در دنیا برای اهل تقوا پاداش و ثواب قرار نداده است.

۲-۲۴-۱۷-۲- برترین دین

«۱۶۳۷» بهترین عبادت فراگرفتن احکام الهی و بهترین آیین تقوا و پاکدامنی است.

«۱۶۳۸» نزد خدا فضیلت دانش از فضیلت عبادت بیشتر است، و بافضیلت‌ترین دین شما، ورع است.

﴿أَهْمِيَةُ التَّقْوَى / الْمَقَايِسَةُ بَيْنَ التَّقْوَى وَ سَائِرِ الْفَضَائِلِ﴾

٣-٢٤-١٧-٢-أَفْضَلُ الزَّادِ

﴿١٦٣٩﴾ أمير المؤمنين عليه السلام: تَجَهَّزُوا رَحِمَكُمُ اللَّهُ وَ انْتَقِلُوا بِأَفْضَلِ مَا بِحَضْرَتِكُمْ مِنَ الزَّادِ وَ هُوَ التَّقْوَى؛ بحار الأنوار، ج ٤٨، ص ١٧٢

٤-٢٤-١٧-٢-أَفْضَلُ السَّخَاءِ

﴿١٦٤٠﴾ أمير المؤمنين عليه السلام: أَفْضَلُ السَّخَاءِ أَنْ تَكُونَ بِمَالِكَ مُتَبَرِّعاً وَ عَنْ مَالٍ غَيْرِكَ مُتَوَرِّعاً؛ غرر الحكم، ص ٣٧٦

٥-٢٤-١٧-٢-أَفْضَلُ الصَّبْرِ

﴿١٦٤١﴾ الباقر عليه السلام: الصَّبْرُ صَبْرَانِ صَبْرٌ عَلَى الْبَلَاءِ حَسَنٌ جَمِيلٌ وَ أَفْضَلُ الصَّبْرِ الْوَرَعُ عَنِ الْمَحَارِمِ؛ الكافي، ج ٢، ص ٩١

٦-٢٤-١٧-٢-أَفْضَلُ الْعِفَّةِ

﴿١٦٤٢﴾ أمير المؤمنين عليه السلام: أَنْ أَفْضَلَ الْعِفَّةِ الْوَرَعُ فِي دِينِ اللَّهِ وَ الْعَمَلِ بِطَاعَتِهِ؛ بحار الأنوار، ج ٧٤، ص ٣٩٢

٧-٢٤-١٧-٢-أَفْضَلُ الْأَعْمَالِ

﴿١٦٤٣﴾ أمير المؤمنين عليه السلام: سئِلَ عليه السلام أَيُّ عَمَلٍ أَفْضَلُ قَالَ التَّقْوَى؛ بحار الأنوار، ج ٤٧، ص ٢٨٨

﴿١٦٤٤﴾ أمير المؤمنين عليه السلام: فِيمَا كَتَبَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عليه السلام مَعَ مُحَمَّدِ بْنِ أَبِي بَكْرٍ إِلَى أَهْلِ مِصْرَ يَا عِبَادَ اللَّهِ إِنْ اتَّقَيْتُمُ اللَّهَ وَ حَفِظْتُمْ نَبِيَّكُمْ فِي أَهْلِ بَيْتِهِ فَقَدْ عَبْدْتُمُوهُ بِأَفْضَلِ مَا عَبْدَ وَ ذَكَرْتُمُوهُ بِأَفْضَلِ مَا ذَكَرَ وَ شَكَرْتُمُوهُ بِأَفْضَلِ مَا شَكَرَ وَ أَخَذْتُمْ بِأَفْضَلِ الصَّبْرِ وَ الشُّكْرِ وَ اجْتَهَدْتُمْ أَفْضَلَ الْجَاهِدِ؛ بحار الأنوار، ج ٢٧، ص ١٦٩

﴿١٦٤٥﴾ أمير المؤمنين عليه السلام: أَوْصِيَكُمْ بِتَقْوَى اللَّهِ فَإِنَّ تَقْوَى اللَّهِ خَيْرٌ مَا تَوَاصَى بِهِ عِبَادُ اللَّهِ وَ أَقْرَبُهُ إِلَى رِضْوَانِ اللَّهِ وَ خَيْرُهُ فِي عَوَاقِبِ الْأُمُورِ عِنْدَ اللَّهِ؛ بحار الأنوار، ج ٣٢، ص ٣٥٦

﴿١٦٤٦﴾ الرسول ﷺ: قَالَ لَهُ زَيْدُ بْنُ صُوحَانَ الْعَبْدِيُّ يَا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ... فَأَيُّ عَمَلٍ أَفْضَلُ قَالَ التَّقْوَى؛ من لا يحضره الفقيه، ج ٤، ص ٣٨١

﴿١٦٤٧﴾ أمير المؤمنين عليه السلام: قَالَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عليه السلام فَقُمْتُ فَقُلْتُ يَا رَسُولَ اللَّهِ مَا أَفْضَلُ الْأَعْمَالِ فِي هَذَا الشَّهْرِ فَقَالَ يَا أَبَا الْحَسَنِ أَفْضَلُ الْأَعْمَالِ فِي هَذَا الشَّهْرِ الْوَرَعُ عَنْ مَحَارِمِ اللَّهِ؛ وسائل الشيعة، ج ١٠، ص ٣١٣

«اهمیت تقوا / مقایسه بین پرهیزکاری و دیگر فضایل»

۳-۲۴-۱۷-۲- برترین توشه

﴿۱۶۳۹﴾ آماده شوید! خدا شما را رحمت کند و بهترین چیزی که الان در اختیار شما است، آن تقوا و پرهیزکاری است [که به عنوان ذخیره برای خود آماده کنید تا به همراه خود ببرید.

۴-۲۴-۱۷-۲- برترین بخشش

﴿۱۶۴۰﴾ بیشترین سخاوت این است که از مال خودت انفاق و از مال مردم اجتناب کنی.

۵-۲۴-۱۷-۲- برترین دو صبر

﴿۱۶۴۱﴾ صبر دو نوع است: صبر بر بلا که نیکو و زیبا است و بهترین صبر از میان این دو صبر، ورع از محرّمات است.

۶-۲۴-۱۷-۲- برترین پارسایی

﴿۱۶۴۲﴾ همانا بافضیلت‌ترین عفت ورع در دین خدا و عمل به طاعت الهی است.

۷-۲۴-۱۷-۲- برترین عمل‌ها

﴿۱۶۴۳﴾ سؤال شد: «کدام عمل از همه برتر است؟» فرمود: «تقوا».

﴿۱۶۴۴﴾ در ضمن نامه‌ای که امیرالمؤمنین علیه السلام به وسیله‌ی محمد بن ابی‌بکر برای مردم مصر فرستاد، نوشت: «ای بندگان خدا! اگر از خدا بترسید و مراعات پیامبران را در اهل بیتش بنمایید، با بهترین وجه خدا را پرستیده‌اید و با بهترین صورت او را یاد کرده‌اید و بهترین سپاسگزاری را کرده‌اید و بهترین صبر و شکر را نموده‌اید و عالی‌ترین کوشش را کرده‌اید».

﴿۱۶۴۵﴾ من شما را به تقوای الهی سفارش می‌کنم زیرا تقوا بهترین چیزی است که بندگان خدا به آن سفارش می‌شوند، و نزدیک‌ترین وسیله برای جلب رضایت خداست و نزد خداوند خوش عاقبت‌ترین کارهاست.

﴿۱۶۴۶﴾ زید بن صوحان عرض کرد: «ای امیرمؤمنان! کدام عمل افضل است؟» فرمود:

«پرهیزکاری».

﴿۱۶۴۷﴾ امیرالمؤمنین علیه السلام فرمود: من برخاستم و عرض کردم: «ای پیامبر خدا! کدام عمل

در این ماه بهتر است؟» فرمود: «ای ابو الحسن! بهترین عمل در این ماه ترس از محرّمات خدای بلندمرتبه است».

﴿أَهْمِيَةُ التَّقْوَى / الْمُقَايَسَةُ بَيْنَ التَّقْوَى وَ سَائِرِ الْفَضَائِلِ﴾

٨-٢٤-١٧-٢- أَفْضَلُ الْفَقْهِ

﴿١٦٤٨﴾ أمير المؤمنين عليه السلام: أَنَّ أَفْضَلَ الْفَقْهِ الْوَرَعُ فِي دِينِ اللَّهِ وَالْعَمَلُ بِطَاعَتِهِ؛ بحار الأنوار،

ج ٣٣، ص ٥٤٩

﴿١٦٤٩﴾ أمير المؤمنين عليه السلام: أَنَّ أَفْضَلَ الْفَقْهِ الْوَرَعُ فِي اللَّهِ وَالْعَمَلُ بِطَاعَةِ اللَّهِ؛ بحار الأنوار،

ج ٣٣، ص ٥٨٨

٩-٢٤-١٧-٢- أَفْضَلُ كَنْزٍ

﴿١٦٥٠﴾ أمير المؤمنين عليه السلام: فَإِنَّ التَّقْوَى أَفْضَلُ كَنْزٍ وَأَخْرَزُ حِرْزٍ وَأَعَزُّ عِزٍّ فِيهِ نَجَاةُ كُلِّ

هَارِبٍ وَدَرَكٌ كُلِّ طَالِبٍ وَظَفَرٌ كُلِّ غَالِبٍ؛ مجموعة ورام، ج ٢، ص ٨٨

١٠-٢٤-١٧-٢- أَفْضَلُ لِبَاسٍ

﴿١٦٥١﴾ أمير المؤمنين عليه السلام: الْوَرَعُ أَفْضَلُ لِبَاسٍ؛ غرر الحكم، ص ٢٧٠

١١-٢٤-١٧-٢- أَفْضَلُ النَّجْوَى

﴿١٦٥٢﴾ أمير المؤمنين عليه السلام: أَفْضَلُ النَّجْوَى مَا كَانَ عَلَى الدِّينِ وَالتَّقَى وَاسْتَفْرَعَ عَنْ اتِّبَاعِ الْهَدْيِ

وَمُخَالَفَةِ الْهَوَى؛ غرر الحكم، ص ٣٢٤

١٢-٢٤-١٧-٢- أَفْضَلُ النَّاسِ

﴿١٦٥٣﴾ العسكري عليه السلام: قَالَ أَيُّ الرِّجَالِ أَفْضَلُ رَضِيَ قَالَ أَحْسَنُهُمْ ظَنًّا بِاللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ وَ

اتَّقَاهُمْ وَأَقْلَهُمْ غَفْلَةً عَنْ ذِكْرِ اللَّهِ وَذِكْرِ الْمَوْتِ وَانْقِطَاعِ الْمُدَّةِ؛ بحار الأنوار، ج ٧٥، ص ٢٢٣

﴿١٦٥٤﴾ العسكري عليه السلام: فَلَمَّا عَرَفَ اللَّهُ مَلَائِكَتَهُ فَضَّلَ خِيَارَ أُمَّةٍ مُحَمَّدٍ عليه السلام وَشِيعَةَ عَلَيْهِ وَ

خُلَفَائِهِ عليهم السلام عَلَيْهِمْ وَاحْتَمَاهُمْ فِي جَنْبِ مَحَبَّةِ رَبِّهِمْ مَا لَا يَحْتَمِلُهُ الْمَلَائِكَةُ أَبَانَ بَنَى آدَمَ الْخِيَارَ

الْمُتَّقِينَ بِالْفَضْلِ عَلَيْهِمْ ثُمَّ قَالَ فَلِذَلِكَ فَاسْجُدُوا لِآدَمَ لِمَا كَانَ مُشْتَمِلًا عَلَى أَنْوَارِ هَذِهِ الْخَلَائِقِ

الْأَفْضَلِينَ؛ بحار الأنوار، ج ١١، ص ١٣٦

﴿١٦٥٥﴾ الرسول عليه السلام: قَالَ النَّبِيُّ عليه السلام لِسُلَيْمَانَ لَيْسَ لِأَحَدٍ مِنْ هَؤُلَاءِ عَلَيْكَ فَضْلٌ إِلَّا بِتَقْوَى اللَّهِ

عَزَّ وَجَلَّ وَإِنْ كَانَ التَّقْوَى لَكَ عَلَيْهِمْ فَأَنْتَ أَفْضَلُ؛ الكافي، ج ٨، ص ١٨١

﴿١٦٥٦﴾ الرسول عليه السلام: يَا عَلِيُّ ثَلَاثَةٌ مَنْ لَقِيَ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ بِهِنَ فَهُوَ مِنْ أَفْضَلِ النَّاسِ مَنْ أَتَى

اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ بِمَا افْتَرَضَ عَلَيْهِ فَهُوَ مِنْ أَعْبَدِ النَّاسِ وَمَنْ وَرَعَ عَنْ مَحَارِمِ اللَّهِ فَهُوَ مِنْ أَوْرَعَ

النَّاسِ وَمَنْ قَنَعَ بِمَا رَزَقَهُ اللَّهُ فَهُوَ مِنْ أَغْنَى النَّاسِ؛ وسائل الشيعة، ج ١٥، ص ٢٤٦

«اهمیت تقوا / مقایسه بین پرهیزکاری و دیگر فضایل»

۸-۲۴-۱۷-۲- برترین دانش عمیق

﴿۱۶۴۸﴾ همانا بافضیلت‌ترین فقه ورع در دین خدا و عمل به طاعت الهی است.

﴿۱۶۴۹﴾ برترین فقه و دانایی، پرهیزکاری در دین خدا و عمل به طاعت اوست.

۹-۲۴-۱۷-۲- برترین گنج

﴿۱۶۵۰﴾ تقوا پرفضیلت‌ترین گنج و محکم‌ترین سپر و پرنفوذترین عزّت است. نجات هر

گریزان و رسیدن هر درخواست‌کننده به طلبش و پیروزی هر شخص پیروز در تقواست.

۱۰-۲۴-۱۷-۲- برترین لباس

﴿۱۶۵۱﴾ ورع برترین لباس است.

۱۱-۲۴-۱۷-۲- برترین مناجات

﴿۱۶۵۲﴾ پرفضیلت‌ترین صحبت و نجوی، آن است که در مورد دین و تقوا باشد و از تبعیّت

هوای نفس دور باشد و برمبنای مخالفت با هوای نفس باشد.

۱۲-۲۴-۱۷-۲- برترین مردم

﴿۱۶۵۳﴾ [در پرسش بلوهر و یوزاسف] پرسید: «راضی‌ترین مردم چه کسی است؟» گفت:

«آن که به خدای تعالی خوشبین‌تر و باتقواتر باشد و از ذکر خدا و مرگ و انقطاع مدّت غفلت

نورزد». پرسید: «در دنیا چه چیزی موجب سرور بیشتر است؟» گفت: «فرزند بادب و زن سازگار که

در تحصیل آخرت یاور وی باشد».

﴿۱۶۵۴﴾ وقتی خداوند فرشتگان را با فضیلت و برتری برگزیدگان امّت محمد ﷺ و پیروان

علی ﷺ و جانشینان وی بر آنان آشنا کرد و اینکه آنان در ظرفیّت پذیرش محبّت پروردگارشان

چنان هستند که ملائکه قادر به آن نیستند، برگزیدگان باتقوا را با تفضّل بر ایشان به فرزندان

آدم ﷺ نشان داد. سپس فرمود: «پس به این دلیل بر آدم سجده کنید چون او دربرگیرنده‌ی

نورهای این خلاق برتر است».

﴿۱۶۵۵﴾ پیامبر ﷺ به سلمان فرمود: هیچ‌یک از این گروه بر تو برتری ندارد مگر به

پرهیزکاری و اگر تو پرهیزکارتر از آن‌ها باشی از آن‌ها برتری.

﴿۱۶۵۶﴾ ای علی! سه خصلت است که هرکس خدا را با داشتن آن‌ها ملاقات کند، از بهترین

مردم است: هر کس آنچه را که خدا بر او واجب کرده به جای آورد، از عابدترین مردمان است.

هر کس که خود را از محرّمات الهی باز دارد، از پرهیزکارترین مردمان است. و هر کس که به

آنچه خدا به او روزی داده قانع شود، از بی‌نیازترین مردمان است.

﴿أَهْمِيَةُ التَّقْوَى / الْمَقَايِسَةُ بَيْنَ التَّقْوَى وَ سَائِرِ الْفَضَائِلِ﴾

١٣-٢٤-١٧-٢- أَفْضَلُ النَّاسِ بَعْدَ الْأَنْبِيَاءِ وَالْأَوَّلِيَاءِ الطَّيِّبِينَ

﴿١٦٥٧﴾ العسكري عليه السلام: وَاطْلُبْ مُوَخَاةَ الْأَنْبِيَاءِ وَلَوْ فِي ظُلُمَاتِ الْأَرْضِ وَإِنْ أَفْنِيَتْ غَمْرَكَ فِي طَلَبِهِمْ فَإِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ لَمْ يَخْلُقْ عَلَى وَجْهِ الْأَرْضِ أَفْضَلَ مِنْهُمْ بَعْدَ الْأَنْبِيَاءِ وَالْأَوَّلِيَاءِ وَمَا أَنْعَمَ اللَّهُ عَلَى الْعَبْدِ بِمِثْلِ مَا أَنْعَمَ بِهِ مِنَ التَّوْفِيقِ بِصُحَّتِهِمْ قَالَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ الْأَخْلَاءُ يَوْمَئِذٍ بَعْضُهُمْ لِبَعْضٍ عَدُوٌّ إِلَّا الْمُتَّقِينَ؛ بحار الأنوار، ج ٧١، ص ٢٨٢

﴿١٦٥٨﴾ الباقر عليه السلام: وَمَا أَعْلَمُ يَا جُوَيْرُ لِأَحَدٍ مِنَ الْمُسْلِمِينَ عَلَيْكَ الْيَوْمَ فَضْلًا إِلَّا لِمَنْ كَانَ اتَّقَى لِلَّهِ مِنْكَ وَأَطُوعَ؛ الكافي، ج ٥، ص ٣٣٩

١٤-٢٤-١٧-٢- أَفْضَلُ مَا يُسْتَعَانُ بِهِ

﴿١٦٥٩﴾ أمير المؤمنين عليه السلام: مَنْ أَحَبَّنَا فَلْيَعْمَلْ بِعَمَلِنَا وَلْيَسْتَعِنْ بِالْوَرَعِ فَإِنَّهُ أَفْضَلُ مَا يُسْتَعَانُ بِهِ فِي أَمْرِ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ؛ بحار الأنوار، ج ١٠، ص ٩٢

١٥-٢٤-١٧-٢- التَّقْوَى أَفْضَلُ مِنَ الْإِيمَانِ

﴿١٦٦٠﴾ الرضا عليه السلام: الْإِيمَانُ أَفْضَلُ مِنَ الْإِسْلَامِ بِدَرَجَةٍ وَالتَّقْوَى أَفْضَلُ مِنَ الْإِيمَانِ بِدَرَجَةٍ وَالْيَقِينُ أَفْضَلُ مِنَ التَّقْوَى بِدَرَجَةٍ وَلَمْ يَقْسِمْ بَيْنَ بَنِي آدَمَ شَيْئًا أَقْلَ مِنَ الْيَقِينِ؛ بحار الأنوار، ج ٦٧، ص ١٧١

١٦-٢٤-١٧-٢- الْحِكْمَةُ مَعَ التَّقْوَى أَفْضَلُ مِنَ الزُّهْدِ وَالْعِبَادَةِ بِلَا عِلْمٍ

﴿١٦٦١﴾ الرسول عليه السلام: رَجَعَ تَنَوُّخًا إِلَى الْقَرْيَةِ فَلَقِيَ رُوْبَيْلَ فَقَالَ لَهُ يَا تَنَوُّخَا أَيُّ الرَّائِيْنِ كَانَ أَصَوْبَ وَأَحَقَّ أَنْ يُتَّبَعَ رَأْيِي أَوْ رَأْيُكَ فَقَالَ لَهُ تَنَوُّخَا بَلْ رَأْيُكَ كَانَ أَصَوْبَ وَلَقَدْ كُنْتُ أَشْرْتُ بِرَأْيِ الْحُكَمَاءِ الْعُلَمَاءِ فَقَالَ لَهُ تَنَوُّخَا أَمَا إِنِّي لَمْ أَزَلْ أَرَى أَنِّي أَفْضَلُ مِنْكَ لِزُهْدِي وَفَضْلِ عِبَادَتِي حَتَّى اسْتَبَانَ فَضْلُكَ لِفَضْلِ عِلْمِكَ وَمَا أَعْطَاكَ اللَّهُ رُبُّكَ مِنَ الْحِكْمَةِ مَعَ التَّقْوَى أَفْضَلُ مِنَ الزُّهْدِ وَالْعِبَادَةِ بِلَا عِلْمٍ؛ بحار الأنوار، ج ١٤، ص ٣٩٧

١٧-٢٤-١٧-٢- أَفْضَلُ مِنْ صِحَّةِ الْبَدَنِ

﴿١٦٦٢﴾ أمير المؤمنين عليه السلام: أَفْضَلُ مِنْ صِحَّةِ الْبَدَنِ تَقْوَى الْقَلْبِ؛ نهج البلاغة، ص ٥٤٤

﴿١٦٦٣﴾ أمير المؤمنين عليه السلام: إِنَّ مِنَ النِّعَمِ سَعَةَ الْمَالِ وَأَفْضَلُ مِنْ ذَلِكَ صِحَّةُ الْبَدَنِ وَأَفْضَلُ مِنْ ذَلِكَ تَقْوَى الْقُلُوبِ؛ بحار الأنوار، ج ١، ص ٨٨

«اهمیت تقوا / مقایسه بین پرهیزکاری و دیگر فضایل»

۱۳-۲۴-۱۷-۲- برترین مردم بعد از پیامبران و اولیا علیهم السلام

«۱۶۵۷» به دنبال برادری با پرهیزکاران باش، اگرچه در ظلمات باشد و عمرت را در آن به آخر رسان که خداوند در روی زمین، پس از پیامبران و اولیاء بهتر از آنان نیافریده و به بنده‌ی خود مانند توفیق هم‌صحبتی آنان نعمتی نداده است. و خداوند بلند مرتبه فرموده است: «دوستان در آن روز دشمن یکدیگرند، مگر پرهیزکاران!».

«۱۶۵۸» ای جویر! من تصوّر نمی‌کنم کسی از مسلمانان از تو برتری داشته باشد مگر کسی که از تو پرهیزکارتر بوده و فرمانبری او از خدا بیشتر باشد.

۱۴-۲۴-۱۷-۲- برترین چیزی که بتوان از آن یاری طلبید

«۱۶۵۹» کسی که ما اهل بیت را دوست می‌دارد، باید عمل و روشش مانند عمل ما باشد و از ورع و تقوا استعانت جوید که بهترین معین و یاور انسان در امور دنیوی و اخروی تقواست.

۱۵-۲۴-۱۷-۲- پرهیزکاری برتر از ایمان است

«۱۶۶۰» ایمان یک درجه از اسلام بالاتر و تقوا یک درجه برتر از ایمان و یقین درجه‌اش برتر از ایمان است و در میان مردم چیزی کمتر از یقین تقسیم نشده است.

۱۶-۲۴-۱۷-۲- حکمت همراه با تقوا برتر از زهد و عبادت بدون دانش است

«۱۶۶۱» تنوخوا به شهر بازگشت؛ و روبیل را ملاقات کرد، روبیل به او گفت: «ای تنوخوا! کدام رأی و نظر صحیح بوده و شایسته است که از آن پیروی شود؟ رأی و نظر من یا تو؟» تنوخوا به او گفت: «من پیوسته خود را به خاطر پرهیزکاری و زهد خویش و فضل عبادتم از تو برتر می‌پنداشتم تا اینکه فضل و برتری تو به خاطر فضل علمت آشکار گشت و حکمتی که پروردگارت همراه با تقوا به تو بخشیده است از پرهیزکاری و عبادتی که بدون علم و دانش باشد برتر است».

۱۷-۲۴-۱۷-۲- برتر از سلامتی جسم

«۱۶۶۲» مهم‌تر از تندرستی، تقوای دل است.

«۱۶۶۳» قطعاً ثروتمندی یکی از نعمت‌هاست و بهتر از آن، سلامتی بدن است و خوب‌تر از همه آن‌ها تقوا است.

﴿أهمية التقوى / المقايسة بين التقوى و سائر الفضائل﴾

١٨-٢٤-١٧-٢- لا زاد أفضل من التقوى

﴿١٦٦٤﴾ الصادق عليه السلام: لا زاد أفضل من التقوى؛ العدد القوية، ص ١٥٢

١٩-٢٤-١٧-٢- لا عمل أفضل من الورع

﴿١٦٦٥﴾ أمير المؤمنين عليه السلام: لا عمل أفضل من الورع؛ غرر الحكم، ص ٢٧٠

٢٠-٢٤-١٧-٢- لا فضل إلا بالتقوى

﴿١٦٦٦﴾ الرسول صلى الله عليه وآله: لا فضل للعربي على العجمي ولا للأحمر على الأسود إلا بالتقوى؛

مستدرک الوسائل، ج ١٢، ص ٨٩

﴿١٦٦٧﴾ الرسول صلى الله عليه وآله: ليس لعربي على عجمي فضل إلا بالتقوى؛ بحار الأنوار، ج ٧٣، ص ٣٤٨

﴿١٦٦٨﴾ الصادق عليه السلام: من سأل الزنديق الذي سأل أبا عبد الله عليه السلام عن مسائل كثيرة أن

قال... فما بال ولد آدم فيهم شريف و وضيع قال الشريف المطيع و الوضيع العاصي قال ليس فيهم فاضل و مفضول قال إنما يتفاضلون بالتقوى قال فتقول إن ولد آدم كلهم سواء في الأصل لا

يتفاضلون إلا بالتقوى؛ بحار الأنوار، ج ١٠، ص ١٧٠

٢١-٢٤-١٧-٢- بالتقوى يتفاضلون

﴿١٦٦٩﴾ الرسول صلى الله عليه وآله: بالتقوى يتفاضلون لا بالآباء؛ مجموعة ورام، ج ٢، ص ١١٩

٢٢-٢٤-١٧-٢- ليس لأحد فضل على أحد إلا بالتقوى

﴿١٦٧٠﴾ الباقر عليه السلام: عتبة بن بشير الأسدي قال قلت لأبي جعفر عليه السلام أنا عتبة بن بشير

الأسدي و أنا في الحسب الضخم من قومي قال فقال ما تمن علينا بحسبك إن الله رفع بالإيمان من كان الناس يسمونه وضيعاً إذا كان مؤمناً و وضع بالكفر من كان الناس يسمونه شريفاً إذا

كان كافراً فليس لأحد فضل على أحد إلا بالتقوى؛ الكافي، ج ٢، ص ٣٢٨

﴿١٦٧١﴾ الرسول صلى الله عليه وآله: قال النبي صلى الله عليه وآله وسلم ليس لأحد من هؤلاء عليك فضل إلا بتقوى الله

عز وجل و إن كان التقوى لك عليهم فأنت أفضل؛ الكافي، ج ٨، ص ١٨١

٢٥-١٧-٢- فوق

«اهمیت تقوا / مقایسه بین پرهیزکاری و دیگر فضایل»

۱۸-۲۴-۱۷-۲- هیچ توشه‌ای برتر از پرهیزکاری نیست

﴿۱۶۶۴﴾ توشه‌ای بهتر از تقوا نیست.

۱۹-۲۴-۱۷-۲- هیچ عملی برتر از پرهیزکاری نیست

﴿۱۶۶۵﴾ هیچ عملی پرفضیلت‌تر از ورع نیست.

۲۰-۲۴-۱۷-۲- هیچ فضیلتی برتر از پرهیزکاری نیست

﴿۱۶۶۶﴾ هیچ عربی بر عجمی یا سرخ‌پوستی بر سیاه‌پوستی برتری ندارد جز به تقوا.

﴿۱۶۶۷﴾ و عربی را بر عجمی جز به تقوا برتری نمی‌باشد.

﴿۱۶۶۸﴾ از جمله پرسش‌های شخص زندیق این بود که از امام صادق علیه السلام پرسید: «چرا میان فرزندان آدم بعضی با شخصیت هستند و برخی زبون و خوار؟» فرمود: «شریف فرد پرهیزکار است و پست کسی است که گناه کند». پرسید: «مگر در میان آن‌ها بهتر و بدتر وجود ندارد؟» فرمود: «ملاک برتری فقط تقوا و پرهیزکاری است». پرسید: «شما می‌گویید که تمام فرزندان آدم در ریشه برابرند و فقط به‌وسیله‌ی تقوا بر هم برتری دارند؟» فرمود: «آری... بدان که هرکس رعایت تقوا را کند، خدا او را گرامی می‌دارد».

۲۱-۲۴-۱۷-۲- بر مبنای پرهیزکاری بر یکدیگر فضیلت پیدا می‌کنند

﴿۱۶۶۹﴾ بر مبنای پرهیزکاری بر یکدیگر فضیلت پیدا می‌کنند نه بر اساس پدران و

خاندانتان.

۲۲-۲۴-۱۷-۲- کسی را بر دیگری فضیلتی نیست مگر به پرهیزکاری

﴿۱۶۷۰﴾ عقبه بن بشیر اسدی گوید: به امام باقر علیه السلام عرض کردم: «من عقبه بن بشیر اسدی

هستم و در قوم خود دارای خاندان بزرگی هستم». فرمود: «تو با حَسَب خود بر سر ما مَنّت می‌گذاری؟ اگر کسی که مردم او را پست می‌شمردند، مؤمن باشد، خداوند متعال او را بالا می‌برد و کسی را که مردم شریف می‌دارند، اگر کافر باشد به سبب کفرش پست می‌شمرد. پس برای شخصی برتری بر دیگری نیست مگر به واسطه‌ی تقوا».

﴿۱۶۷۱﴾ پیامبر صلی الله علیه و آله به سلمان فرمود: هیچ‌یک از این گروه بر تو برتری ندارد مگر به

پرهیزکاری و اگر تو پرهیزکارتر از آن‌ها باشی از آن‌ها برتری.

۲۵-۱۷-۲- فراتر

﴿أَهْمِيَةُ التَّقْوَى / الْمَقَايِسَةُ بَيْنَ التَّقْوَى وَ سَائِرِ الْفَضَائِلِ﴾

١-٢٥-١٧-٢- التَّقْوَى فَوْقَ الْإِخْلَاصِ

﴿١٦٧٢﴾ الصَّادِقُ عليه السلام: هَلَكَ الْمُخْلِصُونَ إِلَّا الْمُتَّقُونَ وَ هَلَكَ الْمُتَّقُونَ إِلَّا الْمُؤَقِّنُونَ وَإِنَّ

الْمُؤَقِّنِينَ لَعَلَى خَطَرٍ عَظِيمٍ؛ مستدرك الوسائل، ج ١، ص ٩٩

٢-٢٥-١٧-٢- التَّقْوَى فَوْقَ الْإِسْلَامِ

﴿١٦٧٣﴾ الرِّضَا عليه السلام: الْإِيمَانُ أَفْضَلُ مِنَ الْإِسْلَامِ بِدَرَجَةٍ وَ التَّقْوَى أَفْضَلُ مِنَ الْإِيمَانِ بِدَرَجَةٍ وَ

الْيَقِينُ أَفْضَلُ مِنَ التَّقْوَى بِدَرَجَةٍ وَلَمْ يَنْفَسْ بَيْنَ بَنِي آدَمَ شَيْئاً أَقَلَّ مِنَ الْيَقِينِ؛ بحار الأنوار، ج ٦٧،

ص ١٧١

﴿١٦٧٤﴾ الصَّادِقُ عليه السلام: عَنْ أَبِي بَصِيرٍ قَالَ قَالَ لِي أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام: يَا أَبَا مُحَمَّدٍ الْإِسْلَامُ دَرَجَةٌ

قَالَ قُلْتُ نَعَمْ قَالَ وَ الْإِيمَانُ عَلَى الْإِسْلَامِ دَرَجَةٌ قَالَ قُلْتُ نَعَمْ قَالَ وَ التَّقْوَى عَلَى الْإِيمَانِ دَرَجَةٌ قَالَ

قُلْتُ نَعَمْ قَالَ وَ الْيَقِينُ عَلَى التَّقْوَى دَرَجَةٌ قُلْتُ نَعَمْ قَالَ فَمَا أُوتِيَ النَّاسُ أَقَلَّ مِنَ الْيَقِينِ وَإِنَّمَا

تَمَسَّكْتُمْ بِأَدْنَى الْإِسْلَامِ فَإَيَّاكُمْ أَنْ يَنْفَلِتَ مِنْ أَيْدِيكُمْ؛ الكافي، ج ٢، ص ٥٢

٣-٢٥-١٧-٢- التَّقْوَى فَوْقَ الْإِيمَانِ

١-٢٥-١٧-٢- يَا عِبَادِ الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا

﴿١٦٧٥﴾ قُلْ يَا عِبَادِ الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا رَبَّكُمْ لِلَّذِينَ أَحْسَنُوا فِي هَذِهِ الدُّنْيَا حَسَنَةٌ وَأَرْضُ اللَّهِ

وَاسِعَةٌ إِنَّمَا يُوَفَّى الصَّابِرُونَ أَجْرُهُمْ بِغَيْرِ حِسَابٍ؛ الزمر ١٠

٢-٢٥-١٧-٢- يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِنِ تَتَّقُوا اللَّهَ

﴿١٦٧٦﴾ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِنِ تَتَّقُوا اللَّهَ يَجْعَلْ لَكُمْ فُرْقَاناً وَيُكَفِّرْ عَنْكُمْ سَيِّئَاتِكُمْ وَيَغْفِرْ لَكُمْ وَ

اللَّهُ ذُو الْفَضْلِ الْعَظِيمِ؛ الأنفال ٢٩

٣-٢٥-١٧-٢- التَّقْوَى عَلَى الْإِيمَانِ دَرَجَةٌ

﴿١٦٧٧﴾ الصَّادِقُ عليه السلام: عَنْ أَبِي بَصِيرٍ قَالَ قَالَ لِي أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام: يَا أَبَا مُحَمَّدٍ الْإِسْلَامُ دَرَجَةٌ

قَالَ قُلْتُ نَعَمْ قَالَ وَ الْإِيمَانُ عَلَى الْإِسْلَامِ دَرَجَةٌ قَالَ قُلْتُ نَعَمْ قَالَ وَ التَّقْوَى عَلَى الْإِيمَانِ دَرَجَةٌ قَالَ

قُلْتُ نَعَمْ قَالَ وَ الْيَقِينُ عَلَى التَّقْوَى دَرَجَةٌ قُلْتُ نَعَمْ قَالَ فَمَا أُوتِيَ النَّاسُ أَقَلَّ مِنَ الْيَقِينِ وَإِنَّمَا

تَمَسَّكْتُمْ بِأَدْنَى الْإِسْلَامِ فَإَيَّاكُمْ أَنْ يَنْفَلِتَ مِنْ أَيْدِيكُمْ؛ الكافي، ج ٢، ص ٥٢

«اهمیت تقوا / مقایسه بین پرهیزکاری و دیگر فضایل»

۱-۲۵-۱۷-۲- پرهیزکاری فراتر از اخلاص

﴿۱۶۷۲﴾ مخلصین در خطر هستند، مگر آنان که اهل تقوا و پرهیزکاری باشند. اهل تقوا هم در معرض هلاکت هستند، مگر آنان که دارای حالت یقین باشند. اهل یقین هم به نوبه‌ی خود در خطر بزرگی هستند.

۲-۲۵-۱۷-۲- پرهیزکاری فراتر از اسلام

﴿۱۶۷۳﴾ ایمان یک درجه از اسلام بالاتر و تقوا یک درجه برتر از ایمان و یقین درجه‌اش برتر از ایمان است و در میان مردم چیزی کمتر از یقین تقسیم نشده است.

﴿۱۶۷۴﴾ ابو بصیر گوید: امام صادق علیه السلام به من فرمود: «ای ابا محمد! اسلام جایگاهی دارد». عرض کردم: «آری، چنین است». فرمود: «ایمان یک درجه از اسلام بالاتر است». عرض کردم: «آری». فرمود: «تقوی یک درجه از ایمان برتر است». عرض کردم: «آری». فرمود: «یقین یک درجه از تقوا بالاتر است». عرض کردم: «آری». فرمود: «به این مردم هیچ چیز کمتر از یقین داده نشده و شما آن درجه پایین و نازل از اسلام را در دست دارید. مواظب باشید که همین مقدار کم از دست شما نرود».

۳-۲۵-۱۷-۲- پرهیزکاری فراتر از ایمان

۱-۲۵-۱۷-۳-۲- ای بندگان من که ایمان آورده‌اید پرهیزکاری کنید

﴿۱۶۷۵﴾ بگو: «ای بندگان من که ایمان آورده‌اید! از (مخالفت) پروردگارتان بپرهیزید! برای کسانی که در این دنیا نیکی کرده‌اند پاداش نیکی است! و زمین خدا وسیع است، (اگر تحت فشار سران کفر بودید مهاجرت کنید) که صابران اجر و پاداش خود را بی حساب دریافت می‌دارند!

۲-۲۵-۱۷-۳-۲- ای کسانی که ایمان آورده‌اید! اگر تقوا کنید...

﴿۱۶۷۶﴾ ای کسانی که ایمان آورده‌اید! اگر از (مخالفت فرمان) خدا بپرهیزید، برای شما وسیله‌ای جهت جداساختن حق از باطل قرار می‌دهد (روشن‌بینی خاصی که در پرتو آن، حق را از باطل خواهید شناخت) و گناهانتان را می‌پوشاند و شما را می‌آمرزد و خداوند صاحب فضل و بخشش عظیم است!

۳-۲۵-۱۷-۳-۲- پرهیزکاری فراتر از ایمان است

﴿۱۶۷۷﴾ ابو بصیر گوید: امام صادق علیه السلام به من فرمود: «ای ابا محمد! اسلام جایگاهی دارد». عرض کردم: «آری، چنین است». فرمود: «ایمان یک درجه از اسلام بالاتر است». عرض کردم: «آری». فرمود: «تقوی یک درجه از ایمان برتر است». عرض کردم: «آری». فرمود: «یقین یک درجه از تقوا بالاتر است». عرض کردم: «آری». فرمود: «به این مردم هیچ چیز کمتر از یقین داده نشده و شما آن درجه پایین و نازل از اسلام را در دست دارید. مواظب باشید که همین مقدار کم از دست شما نرود».

﴿أهمية التقوى / المقايسة بين التقوى و سائر الفضائل﴾

﴿١٦٧٨﴾ الرضا عليه السلام: الإيمان أفضل من الإسلام بدرجة و التقوى أفضل من الإيمان بدرجة و اليقين أفضل من التقوى بدرجة و لم يقسم بين بنى آدم شيئاً أقل من اليقين؛ بحار الأنوار، ج ٦، ص ١٧١

٢-١٧-٢٥-٣-٤- المؤمن حقاً من تورّع في الدين

﴿١٦٧٩﴾ الرسول الله ﷺ: خمس لا يجتمعن إلّا في مؤمن حقاً يوجب الله له بهن الجنة النور في القلب و الفقه في الإسلام و الورع في الدين و المودة في الناس و حسن السمّة في الوجه؛ بحار الأنوار، ج ١، ص ٢١٩

٢-١٧-٢٥-٤- التقوى فوق العلم و العقل

﴿١٦٨٠﴾ زبور داود عليه السلام: في الزبور قل لأخبار بنى إسرائيل و رهبانهم حادّثوا من الناس الأتقياء فإن لم تجدوا فيهم تقياً فحادّثوا العلماء و إن لم تجدوا عالماً فحادّثوا العقلاء فإن التقى و العلم و العقل ثلاث مراتب ما جعلت واحدة منهن في خلقي و أنا أريد هلاكه؛ بحار الأنوار، ج ١، ص ٢٠٦

٢-١٧-٢٥-٥- التقوى فوق الهداية

﴿١٦٨١﴾ والذين اهتدوا زادهم هدى و آتاهم تقواهم؛ محمد ١٧

٢-١٧-٢٥-٦- أهل الورع فوق ما سواهم بالخطوة و رفيع المنزلة

﴿١٦٨٢﴾ أمير المؤمنين عليه السلام: لقد سبق إلى جنات عدن أقوام ما كانوا أكثر الناس صلاة و لا صياماً و لا حجاً و لا اعتماراً و لكن عفلوا عن الله أمره فحسنت طاعتهم و صح و رعهم و كمل يقينهم ففاقوا غيرهم بالخطوة و رفيع المنزلة؛ شرح نهج البلاغة، ج ٢٠، ص ٢٧٠

٢-١٧-٢٥-٧- كالشنوف بين الحلى و الخبز بين الطعام

﴿١٦٨٣﴾ حديث قدسي: يا أحمد إن الورع كالشنوف بين الحلى و الخبز بين الطعام؛

بحار الأنوار، ج ٧٤، ص ٢٦

٢-١٧-٢٥-٨- منتهى رضى الله و حاجته

﴿١٦٨٤﴾ أمير المؤمنين عليه السلام: و أوصاكم بالتقوى و جعلها منتهى رضاه و حاجته من خلقه؛

نهج البلاغة، ص ٢٦٦

«اهمیت تقوا / مقایسه بین پرهیزکاری و دیگر فضایل»

﴿۱۶۷۸﴾ ایمان یک درجه از اسلام بالاتر و تقوا یک درجه برتر از ایمان و یقین درجه‌اش برتر از ایمان است و در میان مردم چیزی کمتر از یقین تقسیم نشده است.

۴-۳-۲۵-۱۷-۲- مؤمن واقعی کسی است که در دین پرهیزکار باشد

﴿۱۶۷۹﴾ پنج چیز است که فقط در مؤمن جمع می‌شود که خدا به واسطه‌ی آن بهشت را بر او واجب می‌کند: روشنی در دل، فهم اسلام، ورع در دین، مردم دوستی و خوشرویی.

۴-۳-۲۵-۱۷-۲- پرهیزکاری فراتر از دانش و عقل

﴿۱۶۸۰﴾ در کتاب زبور آمده است: به دانشمندان و زاهدان بنی اسرائیل بگو: با مردم پرهیزکار گفتگو کنید. اگر در میان مردم پرهیزکار نیافتید، با دانشمندان مذاکره کنید. اگر عالمی نیافتید، با عاقلان مذاکره کنید، زیرا تقوا و علم و عقل سه درجه است که هیچ یک از آن‌ها را در بنده‌ای از بندگانم که قصد هلاک او را داشته باشم، قرار ندادم.

۵-۳-۲۵-۱۷-۲- پرهیزکاری فراتر از هدایت

﴿۱۶۸۱﴾ کسانی که هدایت یافته‌اند، خداوند بر هدایتشان می‌افزاید و روح تقوا به آنان می‌بخشد!

۶-۳-۲۵-۱۷-۲- اهل ورع در بهره‌مندی و بلندی جایگاه فراتر از دیگران هستند

﴿۱۶۸۲﴾ گروه‌هایی به سوی بهشت برین [از دیگران] پیشی گرفتند که بیش از دیگران اهل روزه، نماز، حج و عمره نبودند، بلکه آنان در موعظه‌های الهی تعقل کردند. در نتیجه طاعتشان نیک و ورعشان صحیح و یقینشان کامل شد و بر امتیازی بالاتر از دیگران و منزلتی بزرگ دست یافتند.

۷-۳-۲۵-۱۷-۲- مانند گوشواره در بین زیورآلات، و نان در بین خوراکی‌هاست

﴿۱۶۸۳﴾ ای احمد! ورع مانند گوشواره در بین زیورآلات و مثل نان بین غذاهاست.

۸-۳-۲۵-۱۷-۲- آخرین مرتبه‌ی خشنودی و خواسته‌ی خداوند

﴿۱۶۸۴﴾ و شما را به تقوا و پرهیزکاری سفارش نموده و آن را آخرین مرتبه‌ی رضا و خشنودی خود قرار داده و از بندگان‌ش خواسته است که از معاصی پرهیز نموده از او بترسند، و به طاعت بکوشند[.

﴿أَهْمِيَةُ التَّقْوَى / الْمُقَايَسَةُ بَيْنَ التَّقْوَى وَ سَائِرِ الْفَضَائِلِ﴾

﴿١٦٨٥﴾ أمير المؤمنين عليه السلام: إِنَّ التَّقْوَى مُنْتَهَى رِضَى اللَّهِ مِنْ عِبَادِهِ وَ حَاجَتِهِ مِنْ خَلْقِهِ؛

غررالحكم، ص ٢٦٩

٩-٢٥-١٧-٢- لَا زَادَ كَالْتَّقْوَى

﴿١٦٨٦﴾ أمير المؤمنين عليه السلام: لَا زَادَ كَالْتَّقْوَى؛ غررالحكم، ص ٢٧٢

١٠-٢٥-١٧-٢- لَمْ يُتَزَوَّدْ مِثْلَ التَّقْوَى زَادٌ

﴿١٦٨٧﴾ الصادق عليه السلام: أَمَّا وَ اللَّهِ لَوْ يُؤْذَنُ لَهُمْ فِي الْكَلَامِ لَقَالُوا لَمْ يُتَزَوَّدْ مِثْلَ التَّقْوَى زَادٌ؛

بحار الأنوار، ج ٩٩، ص ٢٩٦

١١-٢٥-١٧-٢- لَا يُشْرِكُ اللَّهُ مَعَهُمْ أَحَدًا فِي جَنَّاتٍ عَدْنٍ

﴿١٦٨٨﴾ حديث قدسي: يَا مُوسَى مَا تَقَرَّبَ إِلَيَّ الْمُتَقَرَّبُونَ بِمِثْلِ الْوَرَعِ عَنْ مَحَارِمِي فَإِنِّي

أُبِيحُهُمْ جَنَّاتٍ عَدْنٍ لَا أُشْرِكُ مَعَهُمْ أَحَدًا؛ بحار الأنوار، ج ٦٧، ص ٣٠٩

١٢-٢٥-١٧-٢- لَا يُشْرِكُ أَحَدًا فِي جَنَّتِهِمْ

﴿١٦٨٩﴾ حديث قدسي: وَ أَمَّا الْمُتَقَرَّبُونَ بِالْوَرَعِ عَنْ مَحَارِمِي فَإِنِّي أُدْخِلُهُمْ جَنَّاتًا لَا يُشْرِكُهُمْ

فِيهَا غَيْرُهُمْ؛ إرشاد القلوب، ج ١، ص ٩٦

١٣-٢٥-١٧-٢- لَا عَوْضَ عَنْهُ

﴿١٦٩٠﴾ أمير المؤمنين عليه السلام: التَّقْوَى لَا عَوْضَ عَنْهُ [عَنْهَا] وَ لَا خَلْفَ فِيهِ؛ غررالحكم، ص ٢٦٨

١٤-٢٥-١٧-٢- لَمْ تَنَالُوا الْجَنَّةَ إِلَّا بِالتَّقْوَى

﴿١٦٩١﴾ أمير المؤمنين عليه السلام: سَابِقُوا إِلَى مَغْفِرَةٍ مِنْ رَبِّكُمْ وَ رَحْمَةٍ وَ جَنَّةٍ عَرْضُهَا السَّمَاوَاتُ وَ

الْأَرْضُ أُعِدَّتْ لِلْمُتَّقِينَ وَ اعْلَمُوا أَنَّكُمْ لَنْ [لَمْ] تَنَالُوهَا إِلَّا بِالتَّقْوَى؛ تفسير فرات الكوفي، ص ٣٦٦

١٥-٢٥-١٧-٢- لَا يُنَالُ مَا عِنْدَ اللَّهِ إِلَّا بِالْوَرَعِ

﴿١٦٩٢﴾ الباقر عليه السلام: إِنَّهُ لَا يُنَالُ مَا عِنْدَ اللَّهِ إِلَّا بِالْوَرَعِ وَ اجْتِنَاهُ؛ الكافي، ج ٨، ص ٢٤٠

﴿١٦٩٣﴾ الصادق عليه السلام: عَلَيْكُمْ بِالْوَرَعِ فَإِنَّهُ لَا يُنَالُ مَا عِنْدَ اللَّهِ إِلَّا بِالْوَرَعِ؛ الكافي، ج ٢، ص ٧٦

١٦-٢٥-١٧-٢- لَنْ تَنَالُوا مَا عِنْدَ اللَّهِ إِلَّا بِالْوَرَعِ

﴿١٦٩٤﴾ الصادق عليه السلام: لَنْ تَنَالُوا مَا عِنْدَ اللَّهِ إِلَّا بِالْوَرَعِ؛ مستدرک الوسائل، ج ١١، ص ٢٦٨

﴿٥٧٢﴾

«اهمیت تقوا / مقایسه بین پرهیزکاری و دیگر فضایل»

﴿۱۶۸۵﴾ تقوا، نهایت رضای خداوند از بندگانش و تمام خواسته‌ی او از مخلوقاتش است.

۹-۲۵-۱۷-۲- هیچ توشه‌ای همچون پرهیزکاری نیست

﴿۱۶۸۶﴾ هیچ توشه‌ای مانند تقوا نیست.

۱۰-۲۵-۱۷-۲- با هیچ چیز همچون پرهیزکاری توشه برنگرفته است

﴿۱۶۸۷﴾ به خدا سوگند اگر اذن به ایشان (مردگان) داده شود که سخن بگویند خواهند گفت:

«هیچ توشه‌ای برای اینجا مثل تقوا و پرهیزکاری نیست».

۱۱-۲۵-۱۷-۲- خداوند کسی را با آنان در بهشت‌های جاودان شریک نمی‌کند

﴿۱۶۸۸﴾ [خدا به موسی علیه السلام وحی کرد:] ای موسی! برای تقرّب به من، هیچ وسیله‌ای مانند

پرهیز از محرّماتم نیست. همانا من اقامت در بهشت‌های جاودان را به آن‌ها اجازه می‌دهم و دیگری را با آن‌ها شریک نمی‌سازم.

۱۲-۲۵-۱۷-۲- کسی با آنان در بهشت‌شان شریک نمی‌شود

﴿۱۶۸۹﴾ [وحی خداوند به حضرت موسی علیه السلام]: و اما آنان که به واسطه‌ی پرهیز از گناه و ورع

به من نزدیک می‌شوند، بهشتی عطا خواهیم کرد که شریکی نداشته باشند.

۱۳-۲۵-۱۷-۲- جایگزینی ندارد

﴿۱۶۹۰﴾ تقوا نه عوضی دارد و نه جایگزینی دارد.

۱۴-۲۵-۱۷-۲- نمی‌توانید جز با پرهیزکاری به بهشت دست یابید

﴿۱۶۹۱﴾ به پیش تازید برای رسیدن به مغفرت و رحمت پروردگارتان و بهشتی که وسعت

آن، آسمان‌ها و زمین است و برای پرهیزکاران آماده شده است. بدانید که شما فقط به واسطه‌ی تقوا به آن‌ها دست می‌یابید.

۱۵-۲۵-۱۷-۲- به آنچه نزد خداست جز با ورع نتوان رسید

﴿۱۶۹۲﴾ چیزی که نزد خداست فقط با ورع و تلاش قابل دسترسی است.

﴿۱۶۹۳﴾ بر شما باد به ورع‌ورزیدن که فقط با ورع به آنچه نزد بارگاه الهی است دست

می‌یابید.

۱۶-۲۵-۱۷-۲- به آنچه نزد خداست جز با ورع نمی‌توانید برسید

﴿۱۶۹۴﴾ کسی به آنچه که نزد خداست نمی‌رسد، مگر با رعایت ورع.

﴿أَهْمِيَةُ التَّقْوَى / الْمَقَاسِيَةُ بَيْنَ التَّقْوَى وَ سَائِرِ الْفَضَائِلِ﴾

١٧-٢٥-١٧-٢- ما تُنالُ شَفَاعَتُنَا إِلَّا بِالتَّقْوَى وَالْوَرَعِ

﴿١٦٩٥﴾ الباقر عليه السلام: وَاللَّهِ مَا تُنالُ شَفَاعَتُنَا إِلَّا بِالتَّقْوَى وَالْوَرَعِ وَالْعَمَلِ الصَّالِحِ وَالْجِدِّ وَ

الاجتهاد؛ أعلام الدين، ص ١٤٣

١٨-٢٥-١٧-٢- لَا يُنالُ وَلَا يُتَنَّا إِلَّا بِالْوَرَعِ

﴿١٦٩٦﴾ أمير المؤمنين عليه السلام: إِنَّ مِلَّاکَ هَذَا الْأَمْرِ الْوَرَعُ لِأَنَّهُ لَا يُنالُ وَلَا يُتَنَّا إِلَّا بِالْوَرَعِ؛

كتاب سليم بن قيس، ص ٨٢٦

﴿١٦٩٧﴾ الصادق عليه السلام: فَأَعِينُونَا عَلَى ذَلِكَ بَوَرَعٍ وَاجْتِهَادٍ فَإِنَّكُمْ لَنْ تَنَالُوا وَلَا تُتَنَّا إِلَّا بِالْوَرَعِ وَ

الاجتهاد؛ إرشاد القلوب، ج ١، ص ١٠١

﴿١٦٩٨﴾ الصادق عليه السلام: عَنْ خَيْثَمَةَ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عليه السلام قَالَ: دَخَلْتُ عَلَيْهِ لِأُودِّعَهُ فَقَالَ... وَ

أَعْلِمُهُمْ يَا خَيْثَمَةُ أَنَّا لَا نُغْنِي عَنْهُمْ مِنَ اللَّهِ شَيْئاً إِلَّا بِالْعَمَلِ الصَّالِحِ فَإِنْ وَلَا يُتَنَّا وَلَا تُنالُ إِلَّا بِالْوَرَعِ؛

وسائل الشيعة، ج ١٢، ص ٧

﴿١٦٩٩﴾ الباقر عليه السلام: لَا يُنالُ وَلَا يُتَنَّا إِلَّا بِالْوَرَعِ وَالْعَمَلِ؛ روضها الواعظين، ج ٢، ص ٢٩٤

﴿١٧٠٠﴾ الصادق عليه السلام: يَا ابْنَ جُنْدَبٍ بَلِّغْ مَعَاشِرَ شِيعَتِنَا وَقُلْ لَهُمْ لَا تَذْهَبَنَّ بِكُمْ الْمَذَاهِبُ فَوَاللَّهِ

لَا تُنالُ وَلَا يُتَنَّا إِلَّا بِالْوَرَعِ وَالْاجْتِهَادِ فِي الدُّنْيَا وَمَوَاسَاةِ الْإِخْوَانِ فِي اللَّهِ؛ مستدرک الوسائل، ج ١١، ص ٢٧٢

﴿١٧٠١﴾ الباقر عليه السلام: رَحِمَ اللَّهُ أَمِراً أَحْيَا أَمْرَنَا وَعَمِلَ بِأَحْسَنِهِ قُلْ لَهُمْ إِنَّا لَا نُغْنِي عَنْكُمْ مِنَ

اللَّهِ شَيْئاً إِلَّا بِعَمَلٍ صَالِحٍ وَلَنْ تَنَالُوا وَلَا يُتَنَّا إِلَّا بِالْوَرَعِ؛ مستدرک الوسائل، ج ٨، ص ٣١١

﴿١٧٠٢﴾ الباقر عليه السلام: مَا تُنالُ وَلَا يُتَنَّا إِلَّا بِالْعَمَلِ وَالْوَرَعِ؛ الكافي، ج ٢، ص ٧٤

﴿١٧٠٣﴾ الصادق عليه السلام: وَاعْلَمُوا أَنَّ وَلَا يُتَنَّا وَلَا تُنالُ إِلَّا بِالْوَرَعِ وَالْاجْتِهَادِ؛ الكافي، ج ٨، ص ٢١٢

١٩-٢٥-١٧-٢- لَا يُوازَنُهُ

﴿١٧٠٤﴾ أمير المؤمنين عليه السلام: شَيْئَانِ لَا يُوازَنُهُمَا عَمَلٌ: حُسْنُ الْوَرَعِ وَالْإِحْسَانُ إِلَى الْمُؤْمِنِينَ؛

غرر الحكم، ص ٣٨٣

٢٠-٢٥-١٧-٢- يَحْتَاجُ إِلَيْهِ كُلُّ فَنٍّ مِنَ الْعِلْمِ

﴿١٧٠٥﴾ الصادق عليه السلام: وَالتَّقْوَى مَا يُنْفَجِرُ مِنْ عَيْنِ الْمَعْرِفَةِ بِاللَّهِ تَعَالَى يَحْتَاجُ إِلَيْهِ كُلُّ فَنٍّ

مِنَ الْعِلْمِ وَهُوَ لَا يَحْتَاجُ إِلَّا تَصْحِيحَ الْمَعْرِفَةِ بِالْخُمُودِ تَحْتَ هَيْبَةِ اللَّهِ تَعَالَى وَسُلْطَانِهِ؛

مصباح الشريعة، ص ٥٩

«اهمیت تقوا / مقایسه بین پرهیزکاری و دیگر فضایل»

۱۷-۲۵-۱۷-۲- به شفاعت ما جز با پرهیزکاری و ورع نتوان رسید

«۱۶۹۵» به خداوند قسم! تنها با تقوا و ورع و عمل صالح و تلاش و کوشش می‌توان به شفاعت ما رسید.

۱۸-۲۵-۱۷-۲- جز با ورع به ولایت ما نتوان رسید

«۱۶۹۶» ملاک این مذهب ورع است، فقط با ورع می‌توان به ولایت ما رسید.
«۱۶۹۷» مرا با ورع و اجتهاد یاری کنید زیرا که شما به دوستی ما نمی‌رسید مگر به واسطه‌ی ورع و دوری از گناه.

«۱۶۹۸» خیمه گوید: برای وداع و خداحافظی خدمت امام باقر علیه السلام شرفیاب شدم. فرمود: «...» به آنان (دوستان من) اعلام کن و بگو که ما برای شما در نزد خدا نمی‌توانیم کاری بکنیم، مگر اینکه دارای عمل باشید، و به ولایت و دوستی ما به جز از راه تقوا و پرهیزکاری نمی‌رسید».

«۱۶۹۹» فقط با ورع و عمل می‌توان به ولایت ما رسید.

«۱۷۰۰» پسر جندب! به شیعیان ما ابلاغ نما و بگو: «مبادا تحت تأثیر عقاید گوناگون قرار گیرد! که به خدا سوگند، [اسباب] رسیدن به دوستی و ولایت ما جز در پرتو پرهیزکاری و تلاش در دنیا و مساوات با برادران در راه خدا میسر نخواهد بود و به آن نمی‌توان رسید».

«۱۷۰۱» رحمت خدا بر فردی که امر ما را زنده کند و عمل نیکو انجام دهد؛ به آنان بگو ما فقط با عمل صالح شما از شما بی‌نیاز می‌شویم. و فقط با ورع می‌توان به ولایت ما رسید.

«۱۷۰۲» فقط با عمل و ورع، می‌توان به ولایت ما رسید.

«۱۷۰۳» آگاه باشید که فقط با ورع و کوشش به ولایت ما می‌رسید.

۱۹-۲۵-۱۷-۲- هم‌وزنی ندارد

«۱۷۰۴» دو چیز است که با هیچ عملی برابری نمی‌کند: ورع نیکو و نیکی به مؤمنان.

۲۰-۱۷-۲- هر شاخه‌ای از دانش به آن محتاج است

«۱۷۰۵» تقوا از سرچشمه‌ی بینش و معرفت به خدا منشعب می‌شود. هر علم و دانش و صنعتی نیازمند به تقواست و در مفیدبودن، باید از پشتیبانی تقوا برخوردار باشد. تقوا جز به معرفت صحیح و شناسایی کامل خدا و تسلیم‌شدن و کوچک‌دیدن خود در برابر هیبت و عظمت و سلطنت الهی، به هیچ چیز نیازی ندارد.

﴿أَهْمِيَةُ التَّقْوَى / الْمَقَايِسَةُ بَيْنَ التَّقْوَى وَ سَائِرِ الْفَضَائِلِ﴾

٢٦-١٧-٢-الأَقْبَلُ

١-٢٦-١٧-٢-لَا يَقْبَلُ اللَّهُ عَمَلًا إِلَّا بِهِ

﴿١٧٠٦﴾ أمير المؤمنين عليه السلام: صِفَتَانِ لَا يَقْبَلُ اللَّهُ سُبْحَانَهُ الْأَعْمَالُ إِلَّا بِهِمَا التَّقَى وَالْإِخْلَاصُ؛

غررالحكم، ص ١٥٥

﴿١٧٠٧﴾ الصادق عليه السلام: عَنْ أَبِي بَصِيرٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام أَنَّهُ قَالَ ذَاتَ يَوْمٍ أَلَا أُخْبِرُكُمْ بِمَا لَا يَقْبَلُ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ مِنَ الْعِبَادِ عَمَلًا إِلَّا بِهِ فَقُلْتُ بَلَى فَقَالَ شَهَادَةُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَأَنْ مُحَمَّدًا عَبْدُهُ وَرَسُولُهُ وَالْإِفْرَارُ بِمَا أَمَرَ اللَّهُ وَالْوَلَايَةُ لَنَا وَالْبِرَاءَةُ مِنْ أَعْدَائِنَا يَعْنِي أئِمَّةَ [الْأَئِمَّةَ] خَاصَّةً وَالتَّسْلِيمُ لَهُمْ وَالْوَرَعُ وَالْاجْتِهَادُ وَالطَّمَأْنِينَةُ وَالْإِنْتِظَارُ لِلْقَائِمِ؛ بحار الأنوار، ج ٥٢، ص ١٤٠

٢-٢٦-١٧-٢-لَمْ يَقْبَلِ اللَّهُ مِنْكُمْ إِلَّا بَوْرَعٍ

﴿١٧٠٨﴾ الرسول ﷺ: لَوْ صَلَّيْتُمْ حَتَّى تَكُونُوا كَالْأَوْتَارِ وَصُمْتُمْ حَتَّى تَكُونُوا كَالْحَنَائِيَا لَمْ يَقْبَلِ

اللَّهُ مِنْكُمْ إِلَّا بَوْرَعٍ؛ بحار الأنوار، ج ٨١، ص ٢٥٨

٢٧-١٧-٢-الأَقْدَمُ

١-٢٧-٢٧-٢-لَا تَقْدَمُ إِلَّا عَلَى تَقْوَى اللَّهِ

﴿١٧٠٩﴾ أمير المؤمنين عليه السلام: لَا تَقْدَمُ وَلَا تُجْهِمُ إِلَّا عَلَى تَقْوَى اللَّهِ وَطَاعَتِهِ تَطْفَرُ بِالنَّجْحِ وَ

النَّهْجِ الْقَوِيمِ؛ غررالحكم، ص ١٨٣

٢٨-١٧-٢-الأَقْرَبُ

١-٢٨-١٧-٢-أَقْرَبُ إِلَى رِضْوَانِ اللَّهِ

﴿١٧١٠﴾ أمير المؤمنين عليه السلام: أَوْصِيَكُمْ بِتَقْوَى اللَّهِ فَإِنَّ تَقْوَى اللَّهِ خَيْرُ مَا تَوَاصَى بِهِ عِبَادُ اللَّهِ وَ

أَقْرَبُهُ إِلَى رِضْوَانِ اللَّهِ وَخَيْرُهُ فِي عَوَاقِبِ الْأُمُورِ عِنْدَ اللَّهِ؛ بحار الأنوار، ج ٣٢، ص ٣٥٦

٢-٢٨-١٧-٢-مَا تَقَرَّبَ إِلَى الْمُتَقَرَّبُونَ بِمِثْلِ الْوَرَعِ

﴿١٧١١﴾ حديث قدسي: يَا مُوسَى مَا تَقَرَّبَ إِلَى الْمُتَقَرَّبُونَ بِمِثْلِ الْوَرَعِ عَنْ مَحَارِمِي فَلَانِي

أُبَيِّحُهُمْ جَنَّاتِ عَدْنٍ لَا أَشْرِكُ مَعَهُمْ أَحَدًا؛ بحار الأنوار، ج ٦٧، ص ٣٠٩

﴿١٧١٢﴾ حديث قدسي: مَا تَقَرَّبَ إِلَى الْمُتَقَرَّبُونَ بِمِثْلِ الْوَرَعِ مِنْ خَشْيَتِي؛ إرشاد القلوب، ج ١،

ص ٩٦

«اهمیت تقوا / مقایسه بین پرهیزکاری و دیگر فضایل»

۲۶-۱۷-۲- پذیرفته‌ترین

۱-۲۶-۱۷-۲- خداوند هیچ عملی را جز با آن نمی‌پذیرد

«۱۷۰۶» دو صفت است که خداوند فقط اعمالی که همراه این دو صفت باشد می‌پذیرد، تقوا و اخلاص.

«۱۷۰۷» ابوبصیر گوید: روزی امام صادق علیه السلام فرمود: «آیا شما را از چیزی که خداوند هیچ عملی را بدون آن از بندگان نمی‌پذیرد، آگاه نکنم؟» عرض کردم: «بفرمایید». فرمود: «گواهی دادن بر اینکه معبودی جز الله نیست، و اینکه محمد صلی الله علیه و آله بنده و فرستاده‌ی اوست، و اقرار به هر آنچه خداوند به آن امر فرموده است، و دوستی به خاطر ما، و بیزاری از دشمنان ما، به خصوص دشمنان امامان علیهم السلام، و تسلیم شدن در برابر امامان و پرهیز و کوشش و اطمینان داشتن، و چشم به راه قائم علیه السلام بودن».

۲-۲۶-۱۷-۲- خداوند هیچ عملی را جز با آن از شما نمی‌پذیرد

«۱۷۰۸» اگر آنقدر نماز بگذارید تا مانند زه کمان گردید و آنقدر روزه بگیرید تا چون کمان شوید، خداوند قبول نمی‌کند مگر آنکه از محرّمات دوری کنید.

۲۷-۱۷-۲- پیش‌روترین

۱-۲۷-۱۷-۲- پیشروی جز با تقوا میسر نیست

«۱۷۰۹» جز بر پایه تقوای الهی و فرمانبرداری او پیش مرو و باز نایست، تا به هدف خود و راه راست دست‌یابی.

۲۸-۱۷-۲- نزدیک‌ترین

۱-۲۸-۱۷-۲- نزدیک‌ترین به رضایت خدا

«۱۷۱۰» من شما را به تقوای الهی سفارش می‌کنم زیرا تقوا بهترین چیزی است که بندگان خدا به آن سفارش می‌شوند، و نزدیک‌ترین وسیله برای جلب رضایت خداست و نزد خداوند خوش عاقبت‌ترین کارهاست.

۲-۱۷-۱-۲- کسی با هیچ چیز همچون پرهیزکاری به خدا نزدیک نشده است

«۱۷۱۱» [خدا به موسی علیه السلام وحی کرد:] ای موسی! برای تقرّب به من، هیچ وسیله‌ای مانند پرهیز از محرّماتم نیست. همانا من اقامت در بهشت‌های جاودان را به آن‌ها اجازه می‌دهم و دیگری را با آن‌ها شریک نمی‌سازم.

«۱۷۱۲» [وحی خداوند به حضرت موسی علیه السلام:] برای تقرّب به من، هیچ وسیله‌ای مانند پارسایی از ترس من نیست.

﴿أَهْمِيَةُ التَّقْوَى / الْمَقَايِسَةُ بَيْنَ التَّقْوَى وَ سَائِرِ الْفَضَائِلِ﴾

٣-٢٨-١٧-٢- لَمْ يَتَقَرَّبُوا إِلَى بَشِيٍّ أَحَبَّ إِلَيَّ مِنَ الْوَرَعِ

﴿١٧١٣﴾ الصَّادِقُ عَلَيْهِ السَّلَامُ: قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ: أَوْحَى اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ إِلَى مُوسَى عَلَيْهِ السَّلَامُ: أَنَّ عِبَادِي لَمْ يَتَقَرَّبُوا إِلَى بَشِيٍّ أَحَبَّ إِلَيَّ مِنْ ثَلَاثِ خِصَالٍ قَالَ مُوسَى يَا رَبِّ وَمَا هُنَّ قَالَ يَا مُوسَى الزُّهْدُ فِي الدُّنْيَا وَالْوَرَعُ عَنِ الْمَعَاصِي وَالْبُكَاءُ مِنْ خَشْيَتِي قَالَ مُوسَى يَا رَبِّ فَمَا لِمَنْ صَنَعَ ذَا فَأَوْحَى اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ إِلَيْهِ يَا مُوسَى أَمَّا الزَّاهِدُونَ فِي الدُّنْيَا فَفِي الْجَنَّةِ وَأَمَّا الْبُكَاءُ وَنَ مِنْ خَشْيَتِي فَفِي الرَّفِيعِ الْأَعْلَى لَا يُشَارِكُهُمْ أَحَدٌ وَأَمَّا الْوَرِعُونَ عَنْ مَعَاصِي فَإِنِّي أَفْتَشُ النَّاسَ وَلَا أَفْتَشُهُمْ؛ الْكَافِي.

ج ٢، ص ٤٨٢

٢٩-١٧-٢- الْأَقْوَى

١-٢٩-١٧-٢- أَقْوَى أَسَاسٍ

﴿١٧١٤﴾ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ: التَّقْوَى أَقْوَى أَسَاسٍ؛ غُرَرُ الْحِكْمِ، ص ٢٧١

٣٠-١٧-٢- الْأَكْبَرُ

١-٣٠-١٧-٢- الْحِكْمَةُ الْكُبْرَى

﴿١٧١٥﴾ سَنَنُ أَدْرِيسَ عَلَيْهِ السَّلَامُ: وَ اعْلَمُوا وَ اسْتَيْقِنُوا أَنَّ تَقْوَى اللَّهِ هِيَ الْحِكْمَةُ الْكُبْرَى وَ النُّعْمَةُ

الْعُظْمَى وَ السَّبَبُ الدَّاعِي إِلَى الْخَيْرِ وَ الْفَاتِحُ لِبُأْوَابِ الْخَيْرِ وَ الْفَهْمُ وَ الْعَقْلُ؛ بحار الأنوار، ج ١١، ص ٢٨٣

٣١-١٧-٢- الْأَكْثَرُ

١-٣١-١٧-٢- أَكْثَرُ مَا تَلِجُ بِهِ أُمَّتِي فِي الْجَنَّةِ

﴿١٧١٦﴾ الرَّسُولُ ﷺ: أَكْثَرُ مَا تَلِجُ بِهِ أُمَّتِي فِي النَّارِ الْأَجُوفَانِ الْبُطْنُ وَ الْفَرْجُ وَ أَكْثَرُ مَا تَلِجُ

بِهِ أُمَّتِي فِي الْجَنَّةِ التَّقْوَى وَ حُسْنُ الْخُلُقِ؛ مستدرک الوسائل، ج ٨، ص ٢٤١

٣٢-١٧-٢- الْأَكْرَمُ

١-٣٢-١٧-٢- أَكْرَمَكُمْ عِنْدَ اللَّهِ

﴿١٧١٧﴾ يَا أَيُّهَا النَّاسُ إِنَّا خَلَقْنَاكُمْ مِنْ ذَكَرٍ وَأُنْثَى وَ جَعَلْنَاكُمْ شُعُوبًا وَقَبَائِلَ لِتَعَارَفُوا إِنَّ

أَكْرَمَكُمْ عِنْدَ اللَّهِ اتِّقَاكُمْ إِنَّ اللَّهَ عَلِيمٌ خَبِيرٌ؛ الحجرات ١٣

﴿١٧١٨﴾ الرَّسُولُ ﷺ: أَكْرَمَكُمْ عَلَيْهِ الْيَوْمَ اتِّقَاكُمْ؛ بحار الأنوار، ج ٢١، ص ١٣٨

﴿٥٧٨﴾

«اهمیت تقوا / مقایسه بین پرهیزکاری و دیگر فضایل»

۳-۲۸-۱۷-۲- کسی با چیزی دوست‌داشتنی‌تر از پرهیزکاری به خدا نزدیک نشده است

«۱۷۱۳» امام صادق علیه السلام فرمود: خدای بلندمرتبه به موسی علیه السلام وحی فرمود: «همانا بندگان من به چیزی محبوب‌تر از سه خصلت به من تقرّب نجستند»، موسی علیه السلام عرض کرد: «پروردگارا! آن‌ها کدام است؟» فرمود: «زهد در دنیا [و بی‌اعتنائی به آن] و ورع [و پارسایی] از نافرمانی‌ها و معاصی، و گریه از ترس من». موسی علیه السلام عرض کرد: «پروردگارا! هرکس این‌ها را به جا آورد، چه پاداشی دارد؟» خداوند به موسی علیه السلام وحی کرد: «ای موسی! آنان که در دنیا زهد ورزند در بهشت می‌باشند، و آنان که از ترس من گریه کنند در بلندترین منازل هستند، و احدی در آن منازل با آن‌ها شریک نمی‌باشد، و آن‌ها که از نافرمانی‌های من پرهیزند، پس آن زمان که همه‌ی مردم را [در روز قیامت] بازرسی می‌کنم آن‌ها را بازرسی نخواهم کرد».

۲۹-۱۷-۲- قوی‌ترین

۱-۲۹-۱۷-۲- قوی‌ترین پایه

«۱۷۱۴» قوی‌ترین اساس و ریشه، تقواست.

۳۰-۱۷-۲- بزرگ‌ترین

۱-۳۰-۱۷-۲- حکمت بزرگ

«۱۷۱۵» بدانید و مطمئن باشید که تقوای الهی حکمت بزرگ و نعمت عظیم و سببی است که به سوی خیر می‌کشانند و گشاینده‌ی درهای خیر و فهم و عقل است.

۳۱-۱۷-۲- بیشترین

۱-۳۱-۱۷-۲- آنچه بیشترین اَمّت را به بهشت وارد می‌کند

«۱۷۱۶» بیشتر چیزی که اَمّت را به دوزخ می‌برد، دو میان خالی است؛ یعنی شکم و فرج. بیشتر چیزی که اَمّت را به بهشت می‌برد، تقوای خدا و حسن خلق است.

۳۲-۱۷-۲- گرامی‌ترین

۱-۳۲-۱۷-۲- گرامی‌ترین شما نزد خدا

«۱۷۱۷» ای مردم، ما شما را از مرد و زنی آفریدیم، و شما را ملّت ملّت و قبیله قبیله گردانیدیم تا با یکدیگر شناسایی متقابل حاصل کنید. در حقیقت ارجمندترین شما نزد خدا پرهیزکارترین شماست. بی‌تردید، خداوند دانای آگاه است.

«۱۷۱۸» امروز بهترین و گرامی‌ترین شما نزد خداوند، باتقواترین شماست.

﴿أهمية التقوى / المقايسة بين التقوى و سائر الفضائل﴾

﴿١٧١٩﴾ السجاد عليه السلام: أَحَبُّكُمْ إِلَى اللَّهِ أَكْثَرُكُمْ لَهُ ذِكْرًا وَ أَكْرَمَكُمْ عِنْدَ اللَّهِ اتِّقَاكُمْ؛

مستدرک الوسائل، ج ١١، ص ١٧٥

﴿١٧٢٠﴾ السجاد عليه السلام: إِنْ أَكْرَمَكُمْ عَلَى اللَّهِ اتِّقَاكُمْ لِلَّهِ؛ الكافي، ج ٨، ص ٦٨

﴿١٧٢١﴾ الرسول ﷺ: أَلَا إِنَّكُمْ وُلْدُ آدَمَ وَ آدَمُ مِنْ تُرَابٍ وَ اللَّهُ لَعَبْدٌ حَبَشِيٌّ أَطَاعَ اللَّهَ خَيْرٌ مِنْ سَيِّدٍ قُرَشِيٍّ عَاصٍ لِلَّهِ وَ إِنْ أَكْرَمَكُمْ عِنْدَ اللَّهِ اتِّقَاكُمْ وَ الدَّلِيلُ عَلَى ذَلِكَ قَوْلُ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ فَإِذَا تُفْعَ فِي الصُّورِ فَلَا أَنْسَابَ بَيْنَهُمْ يَوْمَئِذٍ وَ لَا يَتَسَاءَلُونَ فَمَنْ ثَقُلَتْ مَوَازِينُهُ قَالَ بِأَلْأَعْمَالِ الْحَسَنَةِ فَأُولَئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ وَ مَنْ خَفَّتْ مَوَازِينُهُ قَالَ مِنَ الْأَعْمَالِ السَّيِّئَةِ فَأُولَئِكَ الَّذِينَ خَسِرُوا أَنْفُسَهُمْ فِي جَهَنَّمَ خَالِدُونَ؛ بحار الأنوار، ج ٧، ص ٢٣٩

﴿١٧٢٢﴾ الرسول ﷺ: يَقُولُ اللَّهُ تَعَالَى يَوْمَ الْقِيَامَةِ أَمَرْتُكُمْ فَصَيَعْتُمْ مَا عَهَدْتُ إِلَيْكُمْ فِيهِ وَ رَفَعْتُمْ أَنْسَابَكُمْ فَالْيَوْمَ أَرْفَعُ نَسَبِي وَ أَصْعُ أَنْسَابَكُمْ أَيْنَ الْمُتَّقُونَ إِنْ أَكْرَمَكُمْ عِنْدَ اللَّهِ اتِّقَاكُمْ؛

بحار الأنوار، ج ٦٧، ص ٢٧٨

﴿١٧٢٣﴾ الرسول ﷺ: كُلُّكُمْ بَنُو آدَمَ طِفُّ الصَّاعِ إِلَّا مَنْ أَكْرَمَهُ اللَّهُ بِالتَّقْوَى إِنْ أَكْرَمَكُمْ عِنْدَ

اللَّهِ اتِّقَاكُمْ؛ مستدرک الوسائل، ج ١١، ص ٢٦٧

٢-٣٢-١٧-٢- أَكْرَمَ النَّاسِ

﴿١٧٢٤﴾ الرسول ﷺ: يَا أَبَا ذَرٍّ مَنْ سَرَّهُ أَنْ يَكُونَ أَكْرَمَ النَّاسِ فَلْيَتَّقِ اللَّهَ عَزَّ وَ جَلَّ؛

مكارم الأخلاق، ص ٤٦٧

﴿١٧٢٥﴾ الرسول ﷺ: اتَّقُوا اللَّهَ فَإِنَّهُ جَمَاعُ الْخَيْرِ وَ قَالَ مَنْ أَحَبَّ أَنْ يَكُونَ أَكْرَمَ النَّاسِ

فَلْيَتَّقِ اللَّهَ؛ مشكاة الأنوار، ص ٤٥

﴿١٧٢٦﴾ الرسول ﷺ: أَكْرَمُ النَّاسِ اتِّقَاهُمْ؛ من لا يحضره الفقيه، ج ٤، ص ٣٩٤

﴿١٧٢٧﴾ الرسول ﷺ: مَنْ أَحَبَّ أَنْ يَكُونَ أَكْرَمَ النَّاسِ فَلْيَتَّقِ اللَّهَ؛ مشكاة الأنوار، ص ٤٥

﴿١٧٢٨﴾ أمير المؤمنين عليه السلام: إِنْ أَكْرَمَ [أَكْسَى] النَّاسِ مَنْ افْتَنَى الْيَأْسَ وَ لَزِمَ الْقُنُوعَ وَ الْوَرَعَ؛

غرر الحكم، ص ٣٩٢

٢-٣٢-١٧-٢- أَكْرَمَ النَّاسِ حَسَبًا

﴿١٧٢٩﴾ الرسول ﷺ: جَاءَ رَجُلٌ إِلَى النَّبِيِّ ﷺ فَقَالَ مَنْ أَكْرَمُ النَّاسِ حَسَبًا قَالَ اتِّقَاهُمْ مِنَ

اللَّهِ؛ مستدرک الوسائل، ج ١١، ص ٢٦٧

«اهمیت تقوا / مقایسه بین پرهیزکاری و دیگر فضایل»

﴿۱۷۱۹﴾ محبوب‌ترین شما نزد خدا کسی است که بیشتر به یاد خدا باشد؛ گرامی‌ترین شما نزد خدا باتقواترین شماست.

﴿۱۷۲۰﴾ بزرگوارترین شما در نزد خداوند، باتقواترین شما نسبت به خداست.

﴿۱۷۲۱﴾ آگاه باشید که شما فرزندان آدمید و آدم از خاک است؛ به خدا قسم برده‌ی حبشی که اطاعت خدا کند، بهتر از سید قرشی است که معصیت خدا کند. و «گرامی‌ترین شما نزد خداوند با تقواترین شماست» و دلیل بر این مطلب سخن خدای بلندمرتبه است که فرمود: «هنگامی که در «صور» دمیده شود، هیچ یک از پیوندهای خویشاوندی میان آن‌ها در آن روز نخواهد بود و از یکدیگر تقاضای کمک نمی‌کنند (چون کاری از کسی ساخته نیست)؛ و کسانی که وزنه اعمالشان سنگین است؛ یعنی با اعمال صالحه سنگین باشد؛ همان رستگارانند! و آنان که وزنه اعمالشان سبک باشد؛ یعنی با اعمال سیئه خفیف و سبک باشد؛ کسانی هستند که سرمایه وجود خود را از دست داده، در جهنم جاودانه خواهند ماند».

﴿۱۷۲۲﴾ خداوند متعال روز قیامت به مردم خطاب نموده و می‌فرماید: «اوامر و دستورهایی به شما دادم و شما عهد و پیمان بستید که آن‌ها را انجام دهید، ولی شما آن عهد و پیمان را نادیده گرفته و به نسبت و قومیت خود بالیدید. من هم امروز افرادی را که به من انتساب و ارتباط دارند، درجانشان را رفعت داده و مقام آن‌ها را بالا می‌برم و نسب‌های بی‌ارزش شما را پست و ناچیز می‌دانم. اهل تقوا کجا هستند؟ بیایند! که باتقواترین شما نزد خداوند گرامی هستند».

﴿۱۷۲۳﴾ ای فرزندان آدم! همه‌ی شما دارای نقص و کمبود هستید مگر آنان که خداوند آنان را با بخشش تقوا، گرامی داشته است؛ «گرامی‌ترین شما نزد خداوند با تقواترین شماست».

۲-۳۲-۱۷-۲- گرامی‌ترین مردم

﴿۱۷۲۴﴾ ای ابوذر! اگر کسی خوشحال می‌شود که از افراد باکرامت باشد، تقوای الهی پیشه کند. ﴿۱۷۲۵﴾ تقوای الهی داشته باشید که جمع همه‌ی خیرهاست، هرکس می‌خواهد گرامی‌ترین مردم باشد، تقوای الهی داشته باشد.

﴿۱۷۲۶﴾ باکرامت‌ترین مردم باتقواترین ایشان است.

﴿۱۷۲۷﴾ هرکس دوست دارد گرامی‌ترین مردم باشد، باید تقوای خدا را پیشه کند.

﴿۱۷۲۸﴾ گرامی‌ترین مردم کسی است که نومی‌دی از مردم را سرمایه و نصب‌العین خویش کند و همراه و ملازم قناعت و ورع باشد.

۳-۳۲-۱۷-۲- گرامی‌ترین مردم از نظر اصالت خانوادگی

﴿۱۷۲۹﴾ فردی نزد رسول خدا ﷺ آمد و پرسید: «گرامی‌ترین فرد از نظر حسب و نسب کیست؟» فرمود: «آن که از خدا بیشتر تقوا می‌کند».

﴿أَهْمِيَةُ التَّقْوَى / الْمُقَايَسَةُ بَيْنَ التَّقْوَى وَ سَائِرِ الْفَضَائِلِ﴾

٤-٣٢-١٧-٢- لَا كَرَمَ كَالْتَّقْوَى

﴿١٧٣٠﴾ أمير المؤمنين عليه السلام: لَا كَرَمَ كَالْتَّقْوَى؛ نهج البلاغه، ص ٤٨٨ مستدرک الوسائل، ج ١٢، ص ٤٦

٥-٣٢-١٧-٢- لَا كَرَمَ إِلَّا التَّقْوَى

﴿١٧٣١﴾ الرسول ﷺ: لَا حَسَبَ إِلَّا التَّوَّاضُعُ وَ لَا كَرَمَ إِلَّا التَّقْوَى؛ مستدرک الوسائل، ج ١، ص ٨٨

٦-٣٢-١٧-٢- لَا كِرَامَةَ إِلَّا بِالتَّقْوَى

﴿١٧٣٢﴾ أمير المؤمنين عليه السلام: طَلَبْتُ الْكِرَامَةَ فَمَا وَجَدْتُ إِلَّا بِالتَّقْوَى اتَّقُوا لِتَكْرُمُوا؛

مستدرک الوسائل، ج ١١، ص ١٩٢

٧-٣٢-١٧-٢- لَيْسَ أَحَدٌ أَكْرَمَ مِنْ أَحَدٍ إِلَّا بِالتَّقْوَى

﴿١٧٣٣﴾ الرسول ﷺ: لَيْسَ أَحَدٌ أَكْرَمَ مِنْ أَحَدٍ إِلَّا بِالتَّقْوَى؛ بحار الأنوار، ج ٣٧، ص ١١٣

٣-١٧-٢- الْأَكْفَى

١-٣٣-١٧-٢- كَفَى بِالتَّقْوَى زَادًا

﴿١٧٣٤﴾ الرسول ﷺ: كَفَى بِالْمَوْتِ وَاعْظًا وَ بِالْعَقْلِ دَلِيلًا وَ بِالتَّقْوَى زَادًا؛ مستدرک الوسائل،

ج ١١، ص ١٨٤

٢-٣٣-١٧-٢- يَكْفِيكُمْ مِنَ الْعِبَادَةِ الْوَرَعَ

﴿١٧٣٥﴾ الرسول ﷺ: يَكْفِيكُمْ مِنَ الْعِظَةِ ذِكْرُ الْمَوْتِ وَ يَكْفِيكُمْ مِنَ التَّفَكُّرِ ذِكْرُ الْآخِرَةِ وَ

يَكْفِيكُمْ مِنَ الْعِبَادَةِ الْوَرَعَ؛ جامع الأخبار، ص ١٣٠

٣-١٧-٢- الْأَكْيَسُ

١-٣٤-١٧-٢- أَكْيَسُ الْكَيْسِ

﴿١٧٣٦﴾ الرسول ﷺ: أَكْيَسُ الْكَيْسِ التَّقَى وَ أَحَقُّ الْحَقِّ الْفَجْرُ؛ الكافي، ج ٨، ص ٨١

﴿١٧٣٧﴾ أمير المؤمنين عليه السلام: أَكْيَسُ الْكَيْسِ التَّقْوَى؛ غرر الحكم، ص ٢٦٩

٣-١٧-٢- الْأَمْلَكُ

١-٣٥-١٧-٢- أَمْلَكُ شَيْءٍ

﴿١٧٣٨﴾ أمير المؤمنين عليه السلام: أَمْلَكُ شَيْءٍ الْوَرَعَ؛ غرر الحكم، ص ٢٦٩

«اهمیت تقوا / مقایسه بین پرهیزکاری و دیگر فضایل»

۴-۳۲-۱۷-۲- هیچ کرامتی همچون پرهیزکاری نیست

«۱۷۳۰» هیچ کرامتی مانند تقوا نیست.

۵-۳۲-۱۷-۲- هیچ کرامتی جز با پرهیزکاری نیست

«۱۷۳۱» تواضع تنها حسب و تقوا تنها دلیل بزرگی است.

۶-۳۲-۱۷-۲- هیچ کرامتی جز با پرهیزکاری میسر نیست

«۱۷۳۲» جویای کرامت بودم و آن را تنها در تقوا یافتیم، تقوا پیشه کنید تا کرامت یابید.

۷-۳۲-۱۷-۲- هیچ کس جز با پرهیزکاری گرامی‌تر از دیگری نیست

«۱۷۳۳» هیچ‌کسی از دیگری گرامی‌تر نیست مگر به خاطر تقوا.

۳۳-۱۷-۲- بسنده‌ترین

۱-۳۳-۱۷-۲- پرهیزکاری برای توشه‌برداشتن کافی است

«۱۷۳۴» برای وعظ و اندرز مرگ بس است. برای دلالت و راهنمایی عقل و فکر بس است و

برای زاد و توشه تقوا و پرهیزکاری.

۲-۳۳-۱۷-۲- از عبادات، ورع برای شما کافی است

«۱۷۳۵» یاد مرگ برای موعظه‌ی شما کافی است و یاد آخرت برای فکر کردن شما کافی

است و ورع برای [حقیقی‌بودن] عبادت شما کافی است.

۳۴-۱۷-۲- زیرک‌ترین

۱-۳۴-۱۷-۲- زیرک‌ترین زیرکی

«۱۷۳۶» زیرک‌ترین مردم، انسان باتقوا است و احمق‌ترین احمقان، هرزه‌گان.

«۱۷۳۷» زیرک‌ترین زرنگ‌ها، تقواست.

۳۵-۱۷-۲- مسلط‌ترین

۱-۳۵-۱۷-۲- مسلط‌ترین چیز

«۱۷۳۸» آنچه بیش از هر چیز تو را مالک نفست می‌کند ورع و پرهیزکاری است.

﴿أَهْمِيَةُ التَّقْوَى / الْمُقَابِلَةِ بَيْنَ التَّقْوَى وَ سَائِرِ الْفَضَائِلِ﴾

﴿١٧٣٩﴾ أمير المؤمنين عليه السلام: أَهْلَكَ شَيْءٌ الشُّكُّ وَالْارْتِيَابُ، أَمْلَكَ شَيْءٌ الْوَرَعَ وَالْاجْتِنَابُ؛

غررالحكم، ص ٧١

١٧-٣٦-٢-الأمنع

١-١٧-٣٦-٢-لَا حِصْنَ أَمْنَعُ مِنَ التَّقْوَى

﴿١٧٤٠﴾ أمير المؤمنين عليه السلام: لَا حِصْنَ أَمْنَعُ مِنَ التَّقْوَى؛ غررالحكم، ص ٢٧٠

١٧-٣٦-٢-أَمْنَعُ حُصُونِ الدِّينِ

﴿١٧٤١﴾ أمير المؤمنين عليه السلام: أَمْنَعُ حُصُونِ الدِّينِ التَّقْوَى؛ غررالحكم، ص ٢٧٠

١٧-٣٧-٢-الأنجي

١-١٧-٣٧-٢-لَا يَنْجُو الزَّاهِدُونَ إِلَّا بِالْوَرَعِ

﴿١٧٤٢﴾ حديث قدسي: إِنَّ الْوَرَعَ مِثْلُهُ كَمِثْلِ السَّفِينَةِ كَمَا أَنَّ فِي الْبَحْرِ لَا يَنْجُو إِلَّا مَنْ كَانَ

فِيهَا كَذَلِكَ لَا يَنْجُو الزَّاهِدُونَ إِلَّا بِالْوَرَعِ؛ بحار الأنوار، ج ٧٤، ص ٢٦

١٧-٣٨-٢-الأنزه

١-١٧-٣٨-٢-لَا نَزَاهَةَ كَالْتَوَرُّعِ

﴿١٧٤٣﴾ أمير المؤمنين عليه السلام: لَا نَزَاهَةَ كَالْتَوَرُّعِ؛ غررالحكم، ص ٢٧٠

١٧-٣٩-٢-الأنفع

١-١٧-٣٩-٢-مَا يَنْفَعُكُمْ الْعِبَادَةُ إِلَّا بِوَرَعٍ

﴿١٧٤٤﴾ الرسول ﷺ: وَاعْلَمُوا أَنَّكُمْ لَوْ صَلَّيْتُمْ حَتَّى تَكُونُوا كَالْحَنَائِيَا وَصُمْتُمْ حَتَّى تَكُونُوا

كَأَلَاوْتَارٍ مَا يَنْفَعُكُمْ ذَلِكَ إِلَّا بِوَرَعٍ؛ بحار الأنوار، ج ٧٤، ص ٨٨

١٧-٤٠-٢-الأوثق

١-١٧-٤٠-٢-أَوْثَقُ حِصْنٍ

﴿١٧٤٥﴾ أمير المؤمنين عليه السلام: التَّقْوَى أَوْثَقُ [أَوْثَقُ] حِصْنٍ وَأَوْفَى [أَوْفَى] حِرْزٍ؛ غررالحكم، ص ٢٧٠

١٧-٤٠-٢-أَوْثَقُ الْعُرَى

﴿١٧٤٦﴾ أمير المؤمنين عليه السلام: أَوْثَقُ الْعُرَى التَّقْوَى؛ بحار الأنوار، ج ٧٤، ص ٢١٢

«اهمیت تقوا / مقایسه بین پرهیزکاری و دیگر فضایل»

﴿۱۷۳۹﴾ تباه‌کننده‌ترین چیز، شک و تردید است؛ آنچه بیش از هر چیز تو را مالک نفست می‌کند ورع و پرهیزکاری است.

۲-۱۷-۳۶- مستحکم‌ترین

۱-۲-۱۷-۳۶- هیچ قلعه‌ای مستحکم‌تر پرهیزکاری نیست

﴿۱۷۴۰﴾ هیچ قلعه‌ای مستحکم‌تر پرهیزکاری نیست.

۲-۱۷-۳۶-۲- مستحکم‌ترین قلعه‌ی دین

﴿۱۷۴۱﴾ مستحکم‌ترین قلعه در دین، تقواست.

۲-۱۷-۳۷- نجات‌دهنده‌ترین

۱-۲-۱۷-۳۷- زاهدان جز با ورع نجات نمی‌یابند

﴿۱۷۴۲﴾ ورع مانند کشتی در دریاست که هرکس بر آن سوار شود، نجات می‌یابد و زاهدان جز با داشتن ورع نجات نمی‌یابند.

۲-۱۷-۳۸- پاک‌ترین

۱-۲-۱۷-۳۸- هیچ پاکی‌ای مانند پرهیزکاری نیست

﴿۱۷۴۳﴾ هیچ پاکی‌ای مانند پرهیزکاری نیست.

۲-۱۷-۳۹- سودمندترین

۱-۲-۱۷-۳۹- هیچ عبادتی برای شما فایده ندارد جز با ورع

﴿۱۷۴۴﴾ بدان که اگر آنقدر نماز بگزارید تا خمیده شوید، و آنقدر روزه بگیرید که چون نی لاغر شوید، این اعمال سودی نمی‌بخشد مگر اینکه با ورع و پارسایی همراه باشد.

۲-۱۷-۴۰- قابل اعتمادترین

۱-۲-۱۷-۴۰- قابل اعتمادترین قلعه

﴿۱۷۴۵﴾ تقوا، قابل اعتمادترین قلعه و وفادارترین پناهگاه است.

۲-۱۷-۴۰-۲- قابل اعتمادترین دستگیره

﴿۱۷۴۶﴾ محکم‌ترین دستگیره [در لغزشگاه‌ها] تقواست.

﴿أَهْمِيَةُ التَّقْوَى / مِنْ أَهَمِّ خَصَائِصِ التَّقْوَى وَ الْوَرَعِ﴾

﴿١٧٤٧﴾ الرَّسُولُ ﷺ: أَيُّهَا النَّاسُ! إِنَّ أَصْدَقَ الْحَدِيثِ كِتَابُ اللَّهِ وَ أَوْثَقُ الْعُرَى كَلِمَةُ التَّقْوَى؛

بحار الأنوار، ج ٧٤، ص ١٣٥

٢-١٧-٤٠-٣- أَوْثَقُ الْعِزِّ

﴿١٧٤٨﴾ الرَّسُولُ ﷺ: أَوْثَقُ الْعِزِّ التَّقْوَى؛ إرشاد القلوب، ج ١، ص ٧٣

٢-١٧-٤١- الأَوْفَى

٢-١٧-٤١-١- أَوْفَى جَنَّةٍ

﴿١٧٤٩﴾ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ (عليه السلام): أَوْفَى جَنَّةٍ التَّقْوَى؛ غرر الحكم، ص ٢٧٢

٢-١٧-٤٢- الأَوْلى

٢-١٧-٤٢-١- أَوْلى الْقَوْلِ

﴿١٧٥٠﴾ الرَّسُولُ ﷺ: أَصْدَقُ الْحَدِيثِ كِتَابُ اللَّهِ وَ أَوْلى الْقَوْلِ كَلِمَةُ التَّقْوَى؛ بحار الأنوار،

ج ٢١، ص ٢١٠

٢-١٧-٤٣- الآكِدُ

٢-١٧-٤٣-١- آكِدُ سَبَبٍ بَيْنَكَ وَ بَيْنَ اللَّهِ

﴿١٧٥١﴾ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ (عليه السلام): التَّقْوَى آكِدُ سَبَبٍ بَيْنَكَ وَ بَيْنَ اللَّهِ إِنْ أَخَذْتَ بِهِ وَ جَنَّةٌ مِنْ

عَذَابٍ أَلِيمٍ؛ غرر الحكم، ص ٢٧٠

٢-١٨- مِنْ أَهَمِّ خَصَائِصِ التَّقْوَى وَ الْوَرَعِ

٢-١٨-١- إِنْ اللَّهُ يُدْخِلُ مَنْ حَسَنَ وَرَعُهُ الْجَنَّةَ وَ إِنْ كَانَ لَا يَعْرِفُ الْوَلَايَةَ

﴿١٧٥٢﴾ الصَّادِقُ (عليه السلام): عَنْ زُرَّارَةَ قَالَ:.... قُلْتُ لَهُ أَصْلَحَكَ اللَّهُ أَمْ رَأَيْتَ مَنْ صَامَ وَ صَلَّى وَ

اجْتَنَبَ الْمَحَارِمَ وَ حَسَنَ وَرَعُهُ مِمَّنْ لَا يَعْرِفُ وَ لَا يَنْصِبُ فَقَالَ إِنْ اللَّهُ يُدْخِلُ أَوْلَيْكَ الْجَنَّةَ

بِرَحْمَتِهِ؛ بحار الأنوار، ج ٢٧، ص ١٨٣

٢-١٨-٢- اتَّقِ اللَّهَ وَ كُنْ حَيْثُ شِئْتَ

﴿١٧٥٣﴾ الصَّادِقُ (عليه السلام): اتَّقِ اللَّهَ وَ كُنْ حَيْثُ شِئْتَ وَ مِنْ أَيِّ قَوْمٍ شِئْتَ؛ مصباح الشريعة، ص ٥٩

٢-١٨-٣- أَسَاسُ كُلِّ طَاعَةٍ مَقْبُولَةٌ

«اهمیت تقوا / از ویژگی‌های مهم پرهیزکاری و ورع»

«۱۷۴۷» ای مردم! بهترین سخن، کتاب خداست و مطمئن‌ترین دستگیره‌ها، پرهیزکاری است.

۳-۴۰-۱۷-۲ قابل اعتمادترین عزّت

«۱۷۴۸» تقوا، عزّتی است که می‌توان به آن بیشترین اعتماد را داشت.

۱-۴۱-۱۷-۲ نگهدارنده‌ترین

۱-۴۱-۱۷-۲ نگهدارنده‌ترین سپر

«۱۷۴۹» تقوا کاراترین سپر است.

۲-۴۲-۱۷-۲ سزاوارترین

۱-۴۲-۱۷-۲ سزاوارترین کلام

«۱۷۵۰» راست‌ترین گفتار، کتاب خداوند و سزاوارترین سخن، کلمه‌ی تقواست.

۳-۴۳-۱۷-۲ محکم‌ترین

۱-۴۳-۱۷-۲ محکم‌ترین وسیله بین تو و خدای تو

«۱۷۵۱» اگر از تقوا بهره بگیری، میان تو و خدا را محکم می‌کند و سپر تو از عذاب دردناک می‌گردد.

۱۸-۲ از ویژگی‌های مهم پرهیزکاری و ورع

۱-۱۸-۲ خداوند کسی را که ورع نیکو داشته باشد وارد بهشت می‌کند حتی اگر ولایت را نشناخته باشد

«۱۷۵۲» زراره گوید: به امام صادق علیه السلام عرض کردم: «در مورد کسی که روزه بدارد و نماز بخواند و از کارهای حرام پرهیز کند و پرهیزکار باشد، اما اعتقاد به امامت نداشته باشد، ولی ناصبی و دشمن هم نباشد [چه می‌فرمایی]؟» فرمود: «خداوند آن‌ها را به رحمت خود وارد بهشت می‌کند».

۲-۱۸-۲ تقوا داشته باش؛ هر چه می‌خواهی باش

«۱۷۵۳» تقوا داشته باش؛ دیگر مهم نیست در چه جایگاهی یا از کدام قبیله باشی.

۳-۱۸-۲ پایه‌ی هر عمل پذیرفته‌شده

﴿أَهْمِيَةُ التَّقْوَى / مِنْ أَهَمِّ خَصَائِصِ التَّقْوَى وَ الْوَرَعِ﴾

﴿١٧٥٤﴾ الصادق عليه السلام: اتَّقِ اللَّهَ وَ كُنْ حَيْثُ شِئْتَ وَ مِنْ أَيِّ قَوْمٍ شِئْتَ فَإِنَّهُ لَا خِلَافَ لِأَحَدٍ فِي التَّقْوَى وَ التَّقْوَى مَحْبُوبٌ عِنْدَ كُلِّ فَرِيقٍ وَ فِيهِ اجْتِمَاعُ كُلِّ خَيْرٍ وَ رُشْدٌ وَ هُوَ مِيزَانُ كُلِّ عِلْمٍ وَ حِكْمَةٍ وَ آسَاسُ كُلِّ طَاعَةٍ مَقْبُولَةٍ؛ مصباح الشريعة، ص ٥٩

﴿١٧٥٥﴾ أمير المؤمنين عليه السلام: التَّقْوَى أَقْوَى آسَاسٍ؛ غرر الحكم، ص ٢٧١

٢-١٨-٤- أَصْلُ الدِّينِ

﴿١٧٥٦﴾ الرسول صلى الله عليه وآله: يَا أَبَا ذَرٍّ أَصْلُ الدِّينِ الْوَرَعُ؛ بحار الأنوار، ج ٧٤، ص ٨٨

٢-١٨-٥- أَصْلُ كُلِّ حَقٍّ

﴿١٧٥٧﴾ الصادق عليه السلام: مَزِيدُ التَّقْوَى يَكُونُ مِنْ أَصْلِ اطِّلَاعِ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ عَلَى سِرِّ الْعَبْدِ بُلْطِفِهِ

فَهَذَا أَصْلُ كُلِّ حَقٍّ وَ أَمَّا الْبَاطِلُ فَهُوَ مَا يَقْطَعُكَ عَنِ اللَّهِ تَعَالَى؛ مصباح الشريعة، ص ٥٩

٢-١٨-٦- جَمَاعُ كُلِّ عِبَادَةٍ صَالِحَةٍ

﴿١٧٥٨﴾ الصادق عليه السلام: قَدْ أَجْمَعَ اللَّهُ تَعَالَى مَا يَتَوَصَّى بِهِ الْمُتَوَاصُونَ مِنَ الْأَوَّلِينَ وَ الْآخِرِينَ

فِي خَصَلَةٍ وَاحِدَةٍ وَ هِيَ التَّقْوَى قَالَ اللَّهُ جَلَّ وَ عَزَّ وَلَقَدْ وَصَّيْنَا الَّذِينَ أُوتُوا الْكِتَابَ مِنْ قَبْلِكُمْ وَ إِيَّاكُمْ أَنْ اتَّقُوا اللَّهَ وَ فِيهِ جَمَاعُ كُلِّ عِبَادَةٍ صَالِحَةٍ وَ صَلَ مِنْ وَصَلٍ إِلَى الدَّرَجَاتِ الْعُلَى وَ الرُّتَبَةِ الْقُصْوَى وَ بِهِ عَاشَ مَنْ عَاشَ مَعَ اللَّهِ بِالْحَيَاةِ الطَّيِّبَةِ وَ النَّاسِ الدَّائِمِ قَالَ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ إِنَّ الْمُتَّقِينَ

فِي جَنَّاتٍ وَ نَهْرٍ فِي مَقْعَدٍ صَدِيقٍ عِنْدَ مَلِكٍ مُقْتَدِرٍ؛ بحار الأنوار، ج ٧٥، ص ٢٠٠

٢-١٨-٧- الْإِمَامُ عليه السلام بَلَغَ مَا بَلَغَ بِالتَّقْوَى

﴿١٧٥٩﴾ الرضا عليه السلام: عَنِ الْحَسَنِ بْنِ الْجَهْمِ قَالَ: كُنْتُ عِنْدَ الرُّضَا عليه السلام وَ عِنْدَهُ زَيْدُ بْنُ مُوسَى

أَخُوهُ وَ هُوَ يَقُولُ يَا زَيْدُ اتَّقِ اللَّهَ فَإِنَّا بَلَّغْنَا مَا بَلَّغْنَا بِالتَّقْوَى فَمَنْ لَمْ يَتَّقِ وَ لَمْ يُرَاقِبْهُ فَلَيْسَ مِنَّا وَ

لَسْنَا مِنْهُ؛ بحار الأنوار، ج ٤٦، ص ١٧٦

٢-١٨-٨- مِنْ دِينِ الْأَئِمَّةِ عليهم السلام

﴿١٧٦٠﴾ الرضا عليه السلام: عَنِ الرُّضَا عليه السلام فِيمَا كَتَبَهُ لِلْمَأْمُونِ قَالَ: وَ مِنْ دِينِ الْأَئِمَّةِ عليه السلام الْوَرَعُ وَ

الْعِفَّةُ وَ الصَّدَقُ وَ الصَّلَاحُ وَ طَوْلُ السُّجُودِ؛ مستدرک الوسائل، ج ٤، ص ٤٧٤

«اهمیت تقوا / از ویژگی‌های مهم پرهیزکاری و ورع»

﴿۱۷۵۴﴾ تقوا داشته باش؛ دیگر مهم نیست در چه جایگاهی یا از کدام قبیله باشی. که هیچ کس در ارزش و فضیلت تقوا حرفی ندارد. پرهیزکار در نظر همه محبوب و محترم است، هرگونه خیر و خوبی و رشد و سعادت در تقواست و ارزش و ارزیابی هرگونه دانش و علمی، با تقواست و قبولی اطاعت و عبادت به تقوا بسته است.

﴿۱۷۵۵﴾ قوی‌ترین اساس و ریشه، تقواست.

۴-۱۸-۲- اصل دین

﴿۱۷۵۶﴾ ای ابوذر! اصل و پایه‌ی دین ورع است.

۵-۱۸-۲- اصل هر حقیقت

﴿۱۷۵۷﴾ یگانه عامل ازدیاد و تقویت تقوا، اطلاع کامل و ایمان انسان است به اینکه خدا به تمامی اسرار و نیات و خاطرات بنده‌اش آگاهی دارد. این چنین تقوایی ریشه و اساس حق و حقیقت است. و اما باطل، به طور کلی هر چه که انسان را از خدا دور کرده و ارتباطش را از او قطع نماید.

۶-۱۸-۲- دربرگیرنده‌ی هر عبادت شایسته است

﴿۱۷۵۸﴾ خداوند آنچه گذشتگان و آیندگان، مردم را نصیحت و سفارش کنند، در یک خصلت و صفت تکمیل نموده و آن تقواست. فرموده است: «و ما به کسانی که پیش از شما، کتاب آسمانی به آن‌ها داده شده بود، سفارش کردیم، [همچنین] به شما سفارش می‌کنیم که از [نافرمانی] خدا بپرهیزید». در تقوا مجموعه‌ی عبادات صالح است و به وسیله‌ی همان تقوا به درجات عالی و نهایی‌ترین مراتب می‌رسید. و زندگی عالی در پناه خدا و انس دائم [با او] به وسیله‌ی همین تقوا بوده است. خداوند می‌فرماید «یقیناً پرهیزکاران در باغ‌ها و نه‌رهای بهشتی جای دارند» در جایگاه صدق نزد خداوند مالک مقتدر».

۷-۱۸-۲- امام علیه السلام به آنچه که رسیده است با تقوا رسیده است

﴿۱۷۵۹﴾ حسن بن جهم گوید: خدمت امام رضا علیه السلام بودم و زید برادرش نیز آنجا بود؛ به او می‌فرمود: «زید! از خدا بترس! ما با تقوا و پرهیزکاری به این مقام رسیده‌ایم. هرکس با تقوا و پرهیزکار نباشد از ما نیست و ما از او بیزاریم.

۸-۱۸-۲- از دین ائمه علیهم السلام

﴿۱۷۶۰﴾ در نامه‌ای که امام رضا علیه السلام به مأمون نوشت چنین آمده است: «ورع و پاک‌دامنی و راستگویی و صلاح و سجده‌ی طولانی، دین امامان علیهم السلام است».

﴿أهمية التقوى / من أهم خصائص التقوى والورع﴾

﴿١٧٤١﴾ الباقر عليه السلام: عَنْ أَبِي الْجَارُودِ قَالَ: قُلْتُ لِأَبِي جَعْفَرٍ عليه السلام... أَخْبَرَنِي بِدِينِكَ الَّذِي تَدِينُ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ بِهِ أَنْتَ وَاهْلُ بَيْتِكَ لِأَدِينَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ بِهِ قَالَ إِنْ كُنْتُ أَقْصَرْتُ الْخُطْبَةَ فَقَدْ أَعْظَمْتَ الْمَسْأَلَةَ وَاللَّهُ لَا يُعْطِيكَ دِينِي وَدِينَ آبَائِي الَّذِي نَدِينُ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ بِهِ شَهَادَةً أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَأَنَّ مُحَمَّدًا رَسُولُ اللَّهِ ﷺ وَالْإِفْرَارَ بِمَا جَاءَ بِهِ مِنْ عِنْدِ اللَّهِ وَالْوَلَايَةَ لَوْلِيِّنَا وَالْبِرَاءَةَ مِنْ عَدُوِّنَا وَالتَّسْلِيمَ لِأَمْرِنَا وَانْتِظَارَ فَاتِمِنَا وَالْاجْتِهَادَ وَالْوَرَعَ؛ الكافي، ج ٢، ص ٢١

٩-١٨-٢- تشاقل الإمام عليه السلام عَنْ وَصْفِ التَّقْوَى

﴿١٧٤٢﴾ أمير المؤمنين عليه السلام: رَوَى أَنَّ صَاحِبًا لِأَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ عليه السلام يُقَالُ لَهُ هَمَامٌ كَانَ رَجُلًا عَابِدًا فَقَالَ لَهُ يَا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ صِفْ لِي الْمُتَّقِينَ حَتَّى كَأَنِّي أَنْظُرُ إِلَيْهِمْ فَتَنَاقَلَ عليه السلام عَنْ جَوَابِهِ ثُمَّ قَالَ يَا هَمَامُ اتَّقِ اللَّهَ وَأَحْسِنْ فَإِنَّ اللَّهَ مَعَ الَّذِينَ اتَّقَوْا وَالَّذِينَ هُمْ مُحْسِنُونَ؛ نهج البلاغة، ص ٣٠٣

١٠-١٨-٢- يَرْجُو الْإِمَامُ عليه السلام أَنْ يَكُونَ مِنْ أَهْلِ التَّقْوَى

﴿١٧٤٣﴾ أمير المؤمنين عليه السلام: فَأَمَّا أَمْرُكَ لِي بِالتَّقْوَى فَأَرْجُو أَنْ أَكُونَ مِنْ أَهْلِهَا وَأَسْتَعِيدُ بِاللَّهِ مِنْ أَنْ أَكُونَ مِنَ الَّذِينَ إِذَا أَمُرُوا بِهَا أَخَذَتْهُمْ الْعِزَّةُ بِالْإِثْمِ؛ بحار الأنوار، ج ٣٣، ص ٨٠

١١-١٨-٢- يَسْتَعِينُ الْإِمَامُ عليه السلام بِالْوَرَعِ

﴿١٧٤٤﴾ الصادق عليه السلام: فَاتَّقُوا اللَّهَ وَأَعِينُونَا بِالْوَرَعِ؛ مستدرک الوسائل، ج ١، ص ١٧٣

﴿١٧٤٥﴾ الصادق عليه السلام: إِنْ شِيعَةٌ عَلَى كَانُوا خُمْصَ الْبُطُونِ ذُبِلَ الشَّفَاهُ أَهْلُ رَافَةِ وَعِلْمٍ وَحِلْمٍ يُعْرِفُونَ بِالرَّهْبَانِيَّةِ فَأَعِينُوا عَلَى مَا أَنْتُمْ عَلَيْهِ بِالْوَرَعِ وَالْاجْتِهَادِ؛ الكافي، ج ٢، ص ٢٣٣

١٢-١٨-٢- زَادَ الْإِمَامُ عليه السلام

﴿١٧٤٦﴾ الباقر عليه السلام: فَمَا زَادُكَ؟ قَالَ: التَّقْوَى؛ بحار الأنوار، ج ٤٦، ص ٢٧٠

١٣-١٨-٢- أَهْلِيَّةُ اخْذِ الدُّعَاءِ

﴿١٧٤٧﴾ الرسول ﷺ: أَنَّ جِبْرِئِيلَ نَزَلَ عَلَيْهِ بِهَذَا الدُّعَاءِ مِنَ السَّمَاءِ وَنَزَلَ عَلَيْهِ صَاحِبًا مُسْتَبْشِرًا فَقَالَ السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا مُحَمَّدُ قَالَ وَعَلَيْكَ السَّلَامُ يَا جِبْرِئِيلُ فَقَالَ إِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ بَعَثَ إِلَيْكَ بَهْدِيَّةً قَالَ وَمَا تِلْكَ الْبَهْدِيَّةُ يَا جِبْرِئِيلُ قَالَ كَلِمَاتٌ مِنْ كُنُوزِ الْعَرْشِ أَكْرَمَكَ اللَّهُ بِهَا... فَعَلَّمَهُنَّ يَا مُحَمَّدُ الْمُتَّقِينَ وَلَا تَعْلَمُهُنَّ الْمُنَافِقِينَ فَإِنَّهَا دَعْوَةٌ مُسْتَجَابَةٌ لِقَائِلِهِنَّ إِنْ شَاءَ اللَّهُ وَهُوَ دُعَاءُ أَهْلِ الْبَيْتِ الْمَعْمُورِ حَوْلَهُ إِذَا كَانُوا يَطُوفُونَ بِهِ؛ بحار الأنوار، ج ٩٢، ص ١٩٨

«اهمیت تقوا / از ویژگی‌های مهم پرهیزکاری و ورع»

﴿۱۷۶۱﴾ ابو جارود گوید: به امام باقر علیه السلام گفتم: «درباره‌ی دین خود که با آن خود و خاندانت بندگی خداوند را به جای می‌آورید، برایم بگویید تا من با همان دین خداوند را بندگی کنم». فرمود: «گرچه سخن کوتاه کردی، اما مطلب مهمی پرسیدی. به خدا قسم که دین خود و دین پدرانم را که با آن خداوند را بندگی می‌کنیم، برایت می‌گویم [که آن عبارت است از]: گواهی دادن به اینکه خدایی جز خداوند یگانه نیست و محمد صلی الله علیه و آله فرستاده خداوند است و اقرار به آنچه که از نزد خداوند آورده است. و [نیز] پذیرفتن ولایت از ولی ما و بیزاری از دشمنان ما و تسلیم به امر ما و انتظار قائم ما و کوشش و پارسایی».

۹-۱۸-۲- توصیف پرهیزکاری بر امام علیه السلام سنگین می‌آید

﴿۱۷۶۲﴾ روایت شده یکی از یاران امیر المؤمنین علیه السلام که به او همّام می‌گفتند و مردی عابد بود به حضرت عرض کرد: «چنان اهل تقوا را برایم وصف کن که گویی آنان را می‌بینم». امام علیه السلام در پاسخ او درنگ کرد، سپس فرمود: «ای همّام! تقوای الهی پیشه کن و کار نیک انجام ده، زیرا خداوند با تقوای پیشگان و نیکوکاران است».

۱۰-۱۸-۲- امام علیه السلام امیدوار است که از اهل پرهیزکاری باشد

﴿۱۷۶۳﴾ [در جواب نامه‌ی معاویه:] اما در خصوص اینکه مرا به تقوا امر کردی، امید دارم که از اهل آن باشم و از اینکه از جمله کسانی باشم که هرگاه به آن امر می‌شود عزت آنان را به گناه می‌کشاند، به خدا پناه می‌برم.

۱۱-۱۸-۲- امام علیه السلام از پرهیزکاری کمک می‌گیرد

﴿۱۷۶۴﴾ تقوا پیشه کنید و ما را با ورع داشتن کمک کنید.
﴿۱۷۶۵﴾ شیعه‌ی علی علیه السلام، دارای شکم‌هایی خالی، و لب‌هایی خشک هستند و اهل رأفت و علم و بردباری هستند و به ترک دنیا معروفند. در اعتقادی که بر آن هستید ما را با ورع و تلاش یاری کنید.

۱۲-۱۸-۲- توشه‌ی امام علیه السلام

﴿۱۷۶۶﴾ شخصی گفت: «زاد و توشه‌ی تو چیست؟» فرمود: «تقوی».

۱۳-۱۸-۲- شایستگی برای دریافت دعا

﴿۱۷۶۷﴾ جبرئیل این دعا را از آسمان بر ایشان فرود آورد و با خنده و بشارت بر ایشان نازل شد و فرمود: «سلام بر تو ای محمد». فرمود: «و سلام بر تو ای جبرئیل»، عرض کرد: «خداوند بلندمرتبه این هدیه را به‌سوی تو فرستاد»، فرمود: «ای جبرئیل! آن چه هدیه‌ای است؟» جواب داد: «کلماتی از گنج‌های عرش که خداوند تو را به‌وسیله‌ی آن گرامی داشت» ... ای محمد! این کلمات را به تقوای پیشگان بیاموز و به منافقان نیاموز، به‌راستی که آن‌ها دعای مستجابی برای گوینده‌شان هستند. این شاء الله، و آن دعای اهل بیت المعمور است آنگاه که به دور آن طواف کنند».

﴿أَهْمِيَةُ التَّقْوَى / مِنْ أَهَمِّ خَصَائِصِ التَّقْوَى وَ الْوَرَعِ﴾

﴿١٧٦٨﴾ الرَّسُولُ ﷺ: يَا مُحَمَّدُ وَمَنْ دَعَا بِهِ فِي شَهْرِ رَمَضَانَ ثَلَاثَ مَرَّاتٍ أَوْ مَرَّةً وَاحِدَةً حَرَّمَ اللَّهُ جَسَدَهُ عَلَى النَّارِ وَ وَجَبَتْ لَهُ الْجَنَّةُ وَ وَكَّلَ اللَّهُ بِهِ مَلَكَ يَحْفَظَانِهِ مِنَ الْمَعَاصِي وَ كَانَ فِي أَمَانِ اللَّهِ تَعَالَى طُولَ حَيَاتِهِ وَ عِنْدَ مَمَاتِهِ يَا مُحَمَّدُ وَ لَا تُعَلِّمُهُ إِلَّا لِمُؤْمِنٍ تَقِيٍّ؛ بحار الأنوار، ج ٩١، ص ٣٨٤
١٤-١٨-٢- الأبرارُ همُ الْمُتَّقُونَ

﴿١٧٦٩﴾ الصَّادِقُ ﷺ: عَنِ الصَّادِقِ ﷺ أَنَّهُ قَالَ فِي حَدِيثٍ فَازَ وَاللَّهِ الْأَبْرَارُ وَ خَسِرَ الْأَشْرَارُ
أَتَدْرِي مَنْ الْأَبْرَارُ هُمُ الَّذِينَ خَافُوهُ وَ اتَّقَوْهُ؛ مستدرک الوسائل، ج ١١، ص ٢٣٣
١٥-١٨-٢- مَنْ أَمَرَ بِالتَّقْوَى فَقَدْ أَبْلَغَ الْمَوْعِظَةَ

﴿١٧٧٠﴾ الصَّادِقُ ﷺ: مَنْ أَمَرَ بِالتَّقْوَى فَقَدْ أَبْلَغَ الْمَوْعِظَةَ جَعَلَنَا اللَّهُ مِنَ الْمُتَّقِينَ بِرَحْمَتِهِ؛
بحار الأنوار، ج ٢٤، ص ٢٨٦
١٦-١٨-٢- إِنْ اللَّهُ جَمَعَكُمْ عَلَى التَّقْوَى

﴿١٧٧١﴾ ابْنُ عَبَّاسٍ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ: أَلَيْسَ اللَّهُ بِأَحْكَمِ الْحَاكِمِينَ بَعَثَكَ فِيهِمْ نَبِيًّا [وَجَمَعَكُمْ عَلَى التَّقْوَى
يَا مُحَمَّدُ]؛ شواهد التنزيل، ج ٢، ص ٤٥٣
١٧-١٨-٢- مَحْبُوبٌ عِنْدَ كُلِّ فَرِيقٍ

﴿١٧٧٢﴾ الصَّادِقُ ﷺ: اتَّقِ اللَّهَ وَ كُنْ حَيْثُ شِئْتَ وَ مِنْ أَيِّ قَوْمٍ شِئْتَ فَإِنَّهُ لَا خِلَافَ لِأَحَدٍ فِي التَّقْوَى وَ التَّقْوَى مَحْبُوبٌ عِنْدَ كُلِّ فَرِيقٍ وَ فِيهِ اجْتِمَاعُ كُلِّ خَيْرٍ وَ رُشْدٌ وَ هُوَ مِيزَانُ كُلِّ عِلْمٍ وَ حِكْمَةٍ وَ آسَاسُ كُلِّ طَاعَةٍ مَقْبُولَةٍ؛ مصباح الشريعة، ص ٥٩
١٨-١٨-٢- الْحَسَبُ التَّقْوَى

﴿١٧٧٣﴾ الرَّسُولُ ﷺ: الْحَسَبُ التَّقْوَى؛ بحار الأنوار، ج ٧٤، ص ١٥١
﴿١٧٧٤﴾ زُبَيْرُ دَاوُدَ ﷺ: غَرَّتْكُمْ أَحْسَابُكُمْ فَمَا حَسَبُ أَمْرِي خُلِقَ مِنَ الطِّينِ إِنَّمَا الْحَسَبُ عِنْدِي هُوَ التَّقْوَى؛ قصص الأنبياء للجزائري، ص ٣٥٤
١٩-١٨-٢- الْوَرَعُ حَسَنٌ

﴿١٧٧٥﴾ الْأَئِمَّةُ ﷺ: وَ الْوَرَعُ حَسَنٌ وَ هُوَ مِنَ الْعُلَمَاءِ أَحْسَنُ؛ إرشاد القلوب، ج ١، ص ١٩٣
٢٠-١٨-٢- الْأَتْقِيَاءُ حُصُونٌ

﴿١٧٧٦﴾ الصَّادِقُ ﷺ: الْأَتْقِيَاءُ حُصُونٌ؛ بحار الأنوار، ج ٦٧، ص ٢٨٧

«اهمیت تقوا / از ویژگی‌های مهم پرهیزکاری و ورع»

﴿۱۷۶۸﴾ جبرئیل گفت: ای محمد! و هر کس در ماه رمضان سه بار یا یک بار آن را بخواند خداوند بدنش را بر آتش حرام می‌کند و بهشت را بر او واجب می‌گرداند. و خداوند دو فرشته را مأمور می‌کند تا او را از گناهان بازدارند و در تمام مدت زندگی و پس از مرگ در امان خداوند خواهد بود. ای محمد، آن را جز به مؤمنان پرهیزکار یاد نده.

۱۴-۱۸-۲- نیکان همان پرهیزکاران هستند

﴿۱۷۶۹﴾ امام صادق علیه السلام در حدیثی فرمود: «به خدا قسم! نیکان رستگار هستند و بدان ضرر می‌کنند. می‌دانی نیکان چه کسانی هستند؟ همان کسانی که از خدا می‌ترسند و تقوا دارند.

۱۵-۱۸-۲- هر که به پرهیزکاری فرمان دهد حق پند و اندرز را ادا کرده است

﴿۱۷۷۰﴾ هر کس امر به تقوا کند، پند و اندرز را ابلاغ نموده است؛ خداوند به رحمت خود ما را از متقین قرار دهد.

۱۶-۱۸-۲- خداوند شما مسلمانان را بر محور پرهیزکاری گرد آورد

﴿۱۷۷۱﴾ أَلَيْسَ اللَّهُ بِأَحْكَمِ الْحَاكِمِينَ؛ یعنی ای محمد! خداوند تو را در میان آن‌ها به نبوت برانگیخت و حول محور تقوا گرد آورد.

۱۷-۱۸-۲- نزد همه محبوب است

﴿۱۷۷۲﴾ تقوا داشته باش؛ دیگر مهم نیست در چه جایگاهی یا از کدام قبیله باشی. که هیچ کس در ارزش و فضیلت تقوا حرفی ندارد. پرهیزکار در نظر همه محبوب و محترم است، هرگونه خیر و خوبی و رشد و سعادت در تقواست و ارزش و ارزیابی هرگونه دانش و علمی، با تقواست و قبولی اطاعت و عبادت به تقوا بسته است.

۱۸-۱۸-۲- افتخار خانوادگی در پرهیزکاری است

﴿۱۷۷۳﴾ افتخار خانوادگی در پرهیزکاری می‌باشد.

﴿۱۷۷۴﴾ شرافت اصل و تبار شما را مغرور گردانده است پس اصل و تبار مخلوقاتی که از گِل

آفریده شده چه می‌تواند باشد؟ به‌راستی که نزد من اصل و تبار فقط تقواست.

۱۹-۱۸-۲- ورع نیکوست

﴿۱۷۷۵﴾ ورع خوب است و [مراعات] این خوبی از علما بهتر است.

۲۰-۱۸-۲- پرهیزکاران قلعه‌اند

﴿۱۷۷۶﴾ پرهیزکاران قلعه‌های محکم هستند.

﴿أَهْمِيَةُ التَّقْوَى / مِنْ أَهَمِّ خَصَائِصِ التَّقْوَى وَ الْوَرَعِ﴾

٢١-١٨-٢- مَنْ كَانَ فِيهِ الْوَرَعُ فَلْيَحْمَدِ اللَّهَ عَلَى ذَلِكَ

﴿١٧٧٧﴾ الصَّادِقُ عليه السلام: عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ بُكَيْرٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ: ... إِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ خَصَّ الْأَنْبِيَاءَ بِمَكَارِمِ الْأَخْلَاقِ فَمَنْ كَانَتْ فِيهِ فَلْيَحْمَدِ اللَّهَ عَلَى ذَلِكَ وَمَنْ لَمْ تَكُنْ فِيهِ فَلْيَتَضَرَّعْ إِلَى اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ وَلْيَسْأَلْهُ إِيَّاهَا قَالَ قُلْتُ جُعِلْتُ فِدَاكَ وَمَا هُنَّ الْوَرَعُ وَالْقَنَاعَةُ وَالصَّبْرُ وَالشُّكْرُ وَالْحِلْمُ وَالْحَيَاءُ وَالسَّخَاءُ وَالشَّجَاعَةُ وَالْغَيْرَةُ وَالْبِرُّ وَصِدْقُ الْحَدِيثِ وَأَدَاءُ الْأَمَانَةِ: الكافي، ج ٢، ص ٥٦

﴿١٧٧٨﴾ الرسول عليه السلام: الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي آرَانَا وَلَايَتَكَ وَأَخَذَ مِيثَاقَنَا بِذَلِكَ وَزَادَنَا إِيمَانًا وَتَنْبِيئًا عَلَى التَّقْوَى؛ بحار الأنوار، ج ٥٧، ص ١٢٥

٢٢-١٨-٢- حَاجَةُ اللَّهِ مِنْ خَلْقِهِ

﴿١٧٧٩﴾ أمير المؤمنين عليه السلام: وَأَوْصَاكُمْ بِالتَّقْوَى وَجَعَلَهَا مُنْتَهَى رِضَاهُ وَحَاجَتَهُ مِنْ خَلْقِهِ؛ نهج البلاغة، ص ٢٦٦

﴿١٧٨٠﴾ أمير المؤمنين عليه السلام: إِنَّ التَّقْوَى مُنْتَهَى رِضَى اللَّهِ مِنْ عِبَادِهِ وَحَاجَتِهِ مِنْ خَلْقِهِ؛ غرر الحكم، ص ٢٦٩

٢٣-١٨-٢- إِنَّكُمْ إِلَى أَزْوَادِ التَّقْوَى أَحْوَجُ

﴿١٧٨١﴾ أمير المؤمنين عليه السلام: إِنَّكُمْ إِلَى أَزْوَادِ التَّقْوَى أَحْوَجُ مِنْكُمْ إِلَى أَزْوَادِ الدُّنْيَا؛ غرر الحكم، ص ٢٦٩

٢٤-١٨-٢- يَحْتَاجُ إِلَيْهَا الْمَاضِينَ مِنْكُمْ وَالْغَابِرِينَ

﴿١٧٨٢﴾ أمير المؤمنين عليه السلام: فَإِنَّ التَّقْوَى... لَمْ تَبْرَحْ عَارِضَةً نَفْسَهَا عَلَى الْأَمَمِ الْمَاضِينَ مِنْكُمْ وَالْغَابِرِينَ لِحَاجَتِهِمْ إِلَيْهَا غَدًا إِذَا أَعَادَ اللَّهُ مَا أَبَدَى وَأَخَذَ مَا أَعْطَى وَسَالَ عَمَّا أَسْدَى؛ نهج البلاغة، ص ٢٨٤

٢٥-١٨-٢- يَحْتَاجُ إِلَيْهَا الْإِمَامُ عليه السلام

﴿١٧٨٣﴾ السَّجَادُ عليه السلام: اللَّهُمَّ وَصَلْ عَلَى أَوْلِيَائِهِمُ الْمُعْتَرِفِينَ بِمَقَامِهِمْ... وَاجْمَعْ عَلَى التَّقْوَى أَمْرَهُمْ؛ الصحيفة السجادية عليه السلام، الدعاء ٤٧

﴿١٧٨٤﴾ السَّجَادُ عليه السلام: سَأَلْتُ رَبِّي ثَلَاثًا فَأَعْطَانِي، سَأَلْتُهُ أَنْ يَحِلَّ فِي مَا حَلَّ فِي سَمِيِّي مِنْ قَبْلُ فَفَعَلَ، وَأَنْ يَرْزُقَنِي الْعِبَادَةَ فَفَعَلَ، وَأَنْ يُلْهِمَنِي التَّقْوَى فَفَعَلَ؛ دلائل الإمامة، ص ٨٥

«اهمیت تقوا / از ویژگی‌های مهم پرهیزکاری و ورع»

۲۱-۱۸-۲- هر که صاحب پرهیزکاری است خدا را بر آن سپاس گوید

﴿۱۷۷۷﴾ عبدالله بن بکیر گوید: امام صادق علیه السلام فرمود: «خدای بلندمرتبه پیامبران را به مکارم اخلاق اختصاص داد [یعنی خصال نکوهیده را از آن‌ها دور ساخت] پس هر کس این مکارم را داشته باشد، باید خدا را شکر کند و هر کس آن‌ها را نداشته باشد، باید به سوی خدای متعال تضرع کند و آن‌ها را از او بخواهد». عرض کردم: «فدایت شوم آن‌ها چه صفاتی هستند؟» فرمود: «پرهیزکاری و قناعت و صبر و شکر و خویشستن‌داری و حیا و سخاوت و شجاعت و غیرت و خوش‌رفتاری و راستی گفتار و امانتداری».

﴿۱۷۷۸﴾ سپاس خدا را که ولایت تو را به ما نشان داد و از ما برای آن پیمان گرفت و ایمان و عقیده‌ی ما را با آن زیاد کرد و بر تقوا پایدارمان ساخت.

۲۲-۱۸-۲- خواسته‌ی خدا از آفریده‌اش

﴿۱۷۷۹﴾ و شما را به تقوا و پرهیزکاری سفارش نموده و آن را آخرین مرتبه‌ی رضا و خشنودی خود قرار داده و از بندگانش خواسته است که از معاصی پرهیز نموده از او بترسند، و به طاعت بکوشند.

﴿۱۷۸۰﴾ تقوا، نهایت رضای خداوند از بندگان و تمام خواسته‌ی او از مخلوقاتش است.

۲۳-۱۸-۲- شما به توشه‌ی تقوا نیازمندترید

﴿۱۷۸۱﴾ شما به توشه‌های تقوا نیازمندتر هستید تا توشه‌های دنیا.

۲۴-۱۸-۲- گذشتگان و آیندگان به آن نیازمندند

﴿۱۷۸۲﴾ تقوا همواره خود را بر امت‌های گذشته [و حال] عرضه کرده و بر آینده نیز عرضه می‌کند، زیرا فردای قیامت، همه به آن نیازمندند. آنگاه که در قیامت آفریده‌ها را گرد می‌آورد و آنچه داده است باز پس می‌گیرد و درباره‌ی همه‌ی نعمت‌ها می‌پرسد.

۲۵-۱۸-۲- امام علیه السلام هم به تقوا نیازمند است

﴿۱۷۸۳﴾ بار خدایا! به دوستان ایشان (پیامبر صلی الله علیه و آله و اهل بیت علیهم السلام)؛ آن اعتراف‌کنندگان به مقام و منزلت ایشان تحیت و درود بفرست،... و کارشان را بر تقوا و پرهیزکاری فراهم نما.

﴿۱۷۸۴﴾ از خداوند سه چیز خواستم که به من عطا فرمود؛ خواستم تا همان‌گونه که گره از کار بزرگواران قبل از من (پدرم و امامان پیش از او) برداشت، گره از کار من بگشاید که کرد و خواستم که عبادت را روزی من کند که کرد و خواستم که تقوا را به من الهام کند که کرد.

﴿أَهْمِيَةُ التَّقْوَى / مِنْ أَهَمِّ خَصَائِصِ التَّقْوَى وَ الْوَرَعِ﴾

٢٦-١٨-٢- يَحْتَاجُ إِلَيْهَا كُلُّ فَنٍّ مِنَ الْعِلْمِ

﴿١٧٨٥﴾ الصَّادِقُ (عليه السلام): وَ التَّقْوَى مَا يُنْفَجِرُ مِنْ عَيْنِ الْمَعْرِفَةِ بِاللَّهِ تَعَالَى يَحْتَاجُ إِلَيْهِ كُلُّ فَنٍّ مِنَ الْعِلْمِ وَ هُوَ لَا يَحْتَاجُ إِلَّا تَصْحِيحَ الْمَعْرِفَةِ بِالْخُمُودِ تَحْتَ هَيْبَةِ اللَّهِ تَعَالَى وَ سُلْطَانِهِ؛

مصباح الشريعة، ص ٥٩

٢٧-١٨-٢- خُلِقَ الْأَنْبِيَاءُ (عليهم السلام)

﴿١٧٨٦﴾ أمير المؤمنين (عليه السلام): عَلَيْكَ بِالتَّقَى فَإِنَّهُ خُلِقَ الْأَنْبِيَاءُ؛ غرر الحكم، ص ٢٧٠

٢٨-١٨-٢- الدِّينُ الَّذِي يُقْبَلُ فِيهِ الْعَمَلُ

﴿١٧٨٧﴾ الباقر (عليه السلام): عَنْ إِسْمَاعِيلَ الْجُعْفِيِّ، قَالَ: دَخَلَ رَجُلٌ عَلَى أَبِي جَعْفَرٍ (عليه السلام) وَ مَعَهُ صَحِيفَةٌ فَقَالَ لَهُ أَبُو جَعْفَرٍ (عليه السلام) هَذِهِ صَحِيفَةُ مُخَاصِمٍ يَسْأَلُ عَنْ الدِّينِ الَّذِي يُقْبَلُ فِيهِ الْعَمَلُ فَقَالَ رَحِمَكَ اللَّهُ هَذَا الَّذِي أُرِيدُ فَقَالَ أَبُو جَعْفَرٍ (عليه السلام) شَهَادَةُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ وَ أَنَّ مُحَمَّدًا (صلى الله عليه وآله) عَبْدُهُ وَ رَسُولُهُ وَ تَقَرَّبَ بِمَا جَاءَ مِنْ عِنْدِ اللَّهِ وَ الْوَلَايَةُ لَنَا أَهْلَ الْبَيْتِ وَ الْبَرَاءَةُ مِنْ عَدُوِّنَا وَ التَّسْلِيمُ لِأَمْرِنَا وَ الْوَرَعُ وَ التَّوَاضُّعُ وَ انْتِظَارُ قَائِمِنَا فَإِنْ لَنَا دَوْلَةٌ إِذَا شَاءَ اللَّهُ جَاءَ بِهَا؛

الكافي، ج ٢، ص ٢٢

٢٩-١٨-٢- مَا يَدَّانُ اللَّهُ بِهِ

﴿١٧٨٨﴾ الباقر (عليه السلام): عَنْ أَبِي الْجَارُودِ قَالَ قُلْتُ لِأَبِي جَعْفَرٍ (عليه السلام) إِنِّي أَمْرُؤُ ضَرِيرُ الْبَصَرِ كَبِيرُ السِّنِّ وَ الشَّقَّةُ فِيمَا بَيْنِي وَ بَيْنَكُمْ بَعِيدَةٌ وَ أَنَا أُرِيدُ أَمْرًا آدِينُ اللَّهُ بِهِ وَ أَحْتِجُّ بِهِ وَ أَتَمَسَّكُ بِهِ وَ أَبْلُغُهُ مَنْ خَلَقْتُ إِلَيَّ أَنْ قَالَ فَقَالَ (عليه السلام) نَعَمْ يَا أَبَا الْجَارُودِ شَهَادَةُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ وَ أَنَّ مُحَمَّدًا (صلى الله عليه وآله) عَبْدُهُ وَ رَسُولُهُ وَ إِقَامُ الصَّلَاةِ وَ آيَتَاءُ الزَّكَاةِ وَ صَوْمُ شَهْرِ رَمَضَانَ وَ حِجُّ الْبَيْتِ وَ وَلَايَةُ وَلِيِّنَا وَ عِدَاوَةُ عَدُوِّنَا وَ التَّسْلِيمُ لِأَمْرِنَا وَ انْتِظَارُ قَائِمِنَا وَ الْاجْتِهَادُ وَ الْوَرَعُ؛

مستدرک الوسائل، ج ١، ص ٧٢

٣٠-١٨-٢- سَبَبُ بَيْنِكَ وَ بَيْنَ اللَّهِ

﴿١٧٨٩﴾ أمير المؤمنين (عليه السلام): التَّقْوَى أَكْثَرُ سَبَبٍ بَيْنِكَ وَ بَيْنَ اللَّهِ إِنْ أَخَذْتَ بِهِ وَ جُنَّةٌ مِنْ

عَذَابِ آلِيمٍ؛ غرر الحكم، ص ٢٧٠

«اهمیت تقوا / از ویژگی‌های مهم پرهیزکاری و ورع»

۲۶-۱۸-۲- هر دانشی به آن نیازمند است

«۱۷۸۵» تقوا از سرچشمه‌ی بینش و معرفت به خدا منشعب می‌شود. هر علم و دانش و صنعتی نیازمند به تقواست و در مفیدبودن، باید از پشتیبانی تقوا برخوردار باشد. تقوا جز به معرفت صحیح و شناسایی کامل خدا و تسلیم‌شدن و کوچک‌دیدن خود در برابر هیبت و عظمت و سلطنت الهی، به هیچ چیز نیازی ندارد.

۲۷-۱۸-۲- خلق و خوی پیامبران

«۱۷۸۶» بر تو باد به تقوا که از اخلاق پیامبران است.

۲۸-۱۸-۲- دینی است که جز به آن عمل پذیرفته نیست

«۱۷۸۷» اسماعیل جعفی گوید: مردی خدمت امام باقر علیه السلام رسید و نوشته‌ای همراه داشت، حضرت فرمود: «این نوشته مخاصم است که از دینی که عمل در آن پذیرفته می‌شود پرسش می‌کند». عرض کرد: «خدا تو را رحمت کند! همین را می‌خواستم». امام علیه السلام فرمود: «گواهی دادن به اینکه شایسته پرستشی جز خدای یکتای بی‌شریک نیست و اینکه محمد صلی الله علیه و آله بنده و فرستاده اوست، و اقرار نمودن به آنچه از جانب خدا آمده و ولایت ما خانواده و بیزاری از دشمن ما و گردن نهادن به امر ما و پرهیزکاری و فروتنی و انتظار قائم ما، زیرا برای او دولتی است که هر زمان خدا بخواهد با آن دولت می‌آید».

۲۹-۱۸-۲- آنچه خدا به آن عبادت می‌شود

«۱۷۸۸» ابوجارود گوید: به امام باقر علیه السلام گفتم: «من مردی نابینا و مسن هستم و فاصله‌ی بین من و شما دور است، من چیزی می‌خواهم که خداوند را با آن بپرستم و برایم حجت باشد و به آن چنگ بزنم و آن را برای آیندگان خود به جای گذارم». سخن من برای حضرت پسندیده آمد و راست نشست و سپس فرمود: «ای ابوجارود! کلامت را تکرار کن»، پس تکرار کردم. فرمود: «بله ای ابوجارود! آنچه طلب کردی، گواهی به یگانگی خداوند که معبودی جز او نیست، و اینکه محمد صلی الله علیه و آله بنده و فرستاده اوست، و برپاداشتن نماز و دادن زکات و روزه ماه رمضان و حج خانه خدا و دوستی با دوستان ما و دشمنی با دشمنان ما و تسلیم بودن برای دستور ما و انتظارکشیدن برای قائم ما و ورع و کوشش می‌باشد».

۳۰-۱۸-۲- وسیله‌ی بین تو و خدا

«۱۷۸۹» اگر از تقوا بهره بگیری، میان تو و خدا را محکم می‌کند و سپر تو از عذاب دردناک

می‌گردد.

﴿أَهْمِيَّةُ التَّقْوَى / مِنْ أَهَمِّ خَصَائِصِ التَّقْوَى وَ الْوَرَعِ﴾

٣١-١٨-٢- السِّيَادَةُ

﴿١٧٩٠﴾ الرَّسُولُ ﷺ: أَشْرَافُ النَّاسِ الْعُلَمَاءُ وَ سَادَاتُهُمُ الْمُتَّقُونَ وَ مُلُوكُهُمُ الزُّهَادُ؛

إرشاد القلوب، ج ١، ص ١٩٨

﴿١٧٩١﴾ الرَّسُولُ ﷺ: الْمُتَّقُونَ سَادَةُ: بحار الأنوار، ج ١، ص ٢٠١

٣١-١٨-٢- السُّودُّ حَقُّ السُّودِّ

﴿١٧٩٢﴾ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ ﷺ: وَ السُّودُّ حَقُّ السُّودِّ لِمَنْ اتَّقَى اللَّهَ رَبَّهُ؛ بحار الأنوار، ج ٧٥، ص ٨٢

٣١-١٨-٢- سَادَةُ النَّاسِ فِي الْآخِرَةِ الْأَتْقِيَاءُ

﴿١٧٩٣﴾ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ ﷺ: سَادَةُ النَّاسِ فِي الدُّنْيَا الْأَسْخِيَاءُ وَ فِي الْآخِرَةِ الْأَتْقِيَاءُ؛ بحار الأنوار،

ج ٦٨، ص ٣٥٠

٣١-١٨-٢- سَادَةُ أَهْلِ الْجَنَّةِ الْمُتَّقُونَ

﴿١٧٩٤﴾ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ ﷺ: سَادَةُ أَهْلِ الْجَنَّةِ الْأَسْخِيَاءُ وَ الْمُتَّقُونَ؛ غرر الحكم، ص ٣٧٨

٣٢-١٨-٢- مَا أَنْفَعَ الْمَوْتَ لِمَنْ أَشْعَرَ التَّقْوَى!

﴿١٧٩٥﴾ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ ﷺ: مَا أَنْفَعَ الْمَوْتَ لِمَنْ أَشْعَرَ الْإِيمَانَ وَ التَّقْوَى قَلْبُهُ؛ غرر الحكم، ص ٢٧١

٣٣-١٨-٢- مَخُ الْإِيمَانِ التَّقْوَى وَ الْوَرَعُ

﴿١٧٩٦﴾ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ ﷺ: مَخُ الْإِيمَانِ التَّقْوَى وَ الْوَرَعُ وَ هُمَا مِنْ أَفْعَالِ الْقُلُوبِ وَ أَحْسَنُ

أَفْعَالِ الْجَوَارِحِ أَلَّا تَزَالَ مَا لَنَا فَاكْ بِذِكْرِ اللَّهِ سُبْحَانَهُ؛ شرح نهج البلاغة، ج ٢٠، ص ٣٤٧

٣٤-١٨-٢- مُلُوكُ الْجَنَّةِ الْأَتْقِيَاءُ

﴿١٧٩٧﴾ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ ﷺ: مُلُوكُ الْجَنَّةِ الْأَتْقِيَاءُ وَ الْمُخْلِصُونَ؛ غرر الحكم، ص ١٩٨

٣٥-١٨-٢- مِنْ شُرُوطِ الْمُوَكَالَةِ

﴿١٧٩٨﴾ الرَّسُولُ ﷺ: يَا أَبَا ذَرٍّ لَا تُصَاحِبْ إِلَّا مُؤْمِنًا وَ لَا يَأْكُلْ مَعَكَ إِلَّا تَقِيًّا؛ أعلام الدين، ص ١٩٨

﴿١٧٩٩﴾ الرَّسُولُ ﷺ: يَا أَبَا ذَرٍّ لَا تُصَاحِبْ إِلَّا مُؤْمِنًا وَ لَا يَأْكُلْ طَعَامَكَ إِلَّا تَقِيًّا؛ بحار الأنوار،

ج ٧٤، ص ٨٦

٣٦-١٨-٢- مِنْ شُرُوطِ التَّوْبَةِ

﴿١٨٠٠﴾ الرَّسُولُ ﷺ: النَّائِبُ إِذَا لَمْ يَسْتَنْبِثْ أَثَرَ التَّوْبَةِ فَلَيْسَ بِنَائِبٍ يُرْضَى الْخُصَمَاءُ وَ يُعِيدُ

«اهمیت تقوا / از ویژگی‌های مهم پرهیزکاری و ورع»

۳۱-۱۸-۲- سروری

«۱۷۹۰» شریف‌ترین مردم، عالمان و سرور مردم، باتقویان و پادشاهان مردم، زاهدان هستند.

«۱۷۹۱» پرهیزکاران و اهل تقوا، بزرگان و آقایان هستند.

۱-۳۱-۱۸-۲- حقیقت سروری

«۱۷۹۲» کریم واقعی کسی است که چهره‌ی خویش را از دچارشدن به کیفر آتش نگهدارد.

۲-۳۱-۱۸-۲- سرور مردم در آخرت پرهیزکارانند

«۱۷۹۳» سید و آقای مردم در دنیا سخاوتمندان و در آخرت پرهیزکاران هستند.

۳-۳۱-۱۸-۲- سرور اهل بهشت پرهیزکارانند

«۱۷۹۴» بزرگ و سرور اهل بهشت، اهل سخاوت و تقوا [در دنیا] هستند.

۲-۳۲-۱۸-۲- چه سودمند است مرگ برای آنکه با پرهیزکاری همراه است!

«۱۷۹۵» چقدر مرگ برای کسی که قلبش احساس ایمان و تقوا می‌کند مفید است.

۳-۳۳-۱۸-۲- مغز ایمان پرهیزکاری و ورع است

«۱۷۹۶» مغز ایمان، تقوا و ورع است و این دو از کارهای قلب است. بهترین کار در کارهای اندام تن، این است که پیوسته دهانت به یاد خداوند سبحان مشغول باشد.

۴-۳۴-۱۸-۲- پادشاهان بهشت پرهیزکارانند

«۱۷۹۷» پادشاهان بهشت، اهل تقوا و اخلاص هستند.

۵-۳۵-۱۸-۲- از شرط‌های هم‌غذاشدن

«۱۷۹۸» ای ابوذر! جز با مؤمن مصاحبت مکن و با تو جز پرهیزکار غذا نخورد.

«۱۷۹۹» ای ابوذر! جز با مؤمن منشین، و جز آدم متقی غذای تو را نخورد.

۶-۳۶-۱۸-۲- از شرط‌های توبه

«۱۸۰۰» اگر نشان توبه در توبه‌کننده آشکار نشود توبه نکرده است؛ طلبکاران را خشنود سازد، نمازها را اعاده کند، میان مردم فروتنی کند، خود را از شهوات و خواهش‌های نفسانی

﴿أَهْمِيَةُ التَّقْوَى / مِنْ أَهَمِّ خَصَائِصِ التَّقْوَى وَ الْوَرَعِ﴾

الصَّلَوَاتِ وَ يَتَوَاضَعُ بَيْنَ الْخَلْقِ وَ يَتَّقِي نَفْسَهُ عَنِ الشَّهَوَاتِ ... إِذَا رَأَيْتُمُ الْعَبْدَ عَلَى هَذِهِ الصُّورَةِ فَهُوَ تَائِبٌ نَاصِحٌ لِنَفْسِهِ؛ بحار الأنوار، ج ٦، ص ٣٥
٣٧-١٨-٢- مِنْ شُرُوطِ إِمَامَةِ الْجَمَاعَةِ

﴿١٨٠١﴾ فقه الرضا عليه السلام: وَ صَاحِبُ الْمَسْجِدِ أَوْ لِي بِمَسْجِدِهِ وَ لِيَكُنْ مَنْ يَلِي الْإِمَامَ مِنْكُمْ أَوْ لَوْ الْأَحْلَامَ وَ التَّقَى فَإِنَّ نَسِيَ الْإِمَامُ أَوْ تَعَايَا يَقُومُهُ؛ مستدرک الوسائل، ج ٦، ص ٤٥٩
﴿١٨٠٢﴾ عيسى عليه السلام: لَا يَكُونُ عَمَلٌ فِي مَرْضَاةِ الرَّبِّ إِلَّا بِقَلْبٍ تَقِيٍّ؛ بحار الأنوار، ج ١٤، ص ٣١٥
﴿١٨٠٣﴾ الصادق عليه السلام: لَا جُمُعَةَ إِلَّا مَعَ إِمَامٍ عَدْلٍ تَقِيٍّ؛ مستدرک الوسائل، ج ٦، ص ١٣
٣٨-١٨-٢- مِنْ شُرُوطِ مَحَبَّةِ الْإِخْوَانِ

﴿١٨٠٤﴾ أمير المؤمنين عليه السلام: عَلَيْكَ بِإِخْوَانِ الصِّدِّيقِ فَكَثِيرٌ مِنْ أَكْسَابِهِمْ فَإِنَّهُمْ عُدَّةٌ عِنْدَ الرَّخَاءِ وَ جُنَّةٌ عِنْدَ الْبَلَاءِ وَ شَاوِرٌ فِي حَدِيثِكَ الَّذِينَ يَخَافُونَ اللَّهَ وَ أَحَبُّ الْإِخْوَانِ عَلَى قَدْرِ التَّقْوَى؛ بحار الأنوار، ج ٧١، ص ١٨٦
٣٩-١٨-٢- مِنْ شُرُوطِ حَقِيقَةِ الْعِلْمِ

﴿١٨٠٥﴾ حديث قدسي: أَوْحَى اللَّهُ تَبَارَكَ وَ تَعَالَى إِلَى دَاوُدَ عليه السلام: الْعَالَمُ حَقًّا هُوَ الَّذِي يَنْطِقُ عَنْهُ أَعْمَالُهُ الصَّالِحَةُ وَ أَوْزَادُهُ الزَّكَايَةُ وَ صِدْقُهُ وَ تَقْوَاهُ لَا لِسَانُهُ وَ تَصَاوُلُهُ وَ دَعْوَاهُ؛ بحار الأنوار، ج ٢، ص ٣٢
٤٠-١٨-٢- مِنْ شُرُوطِ الْحُكْمِ

﴿١٨٠٦﴾ أمير المؤمنين عليه السلام: فَاخْتَرِ لِلْحُكْمِ بَيْنَ النَّاسِ أَفْضَلَ رَعِيَّتِكَ فِي نَفْسِكَ وَ أَنْفُسِهِمْ لِلْعِلْمِ وَ الْحِلْمِ وَ الْوَرَعِ وَ السَّخَاءِ؛ بحار الأنوار، ج ٧٤، ص ٢٥٠
٤١-١٨-٢- مِنْ شُرُوطِ الْخُلَافَةِ

﴿١٨٠٧﴾ أمير المؤمنين عليه السلام: يَا مَعَاشِرَ النَّاسِ قَدْ اسْتَخَلَفْتُ عَلَيْكُمْ عَبْدَ اللَّهِ بْنِ الْعَبَّاسِ فَاسْمَعُوا لَهُ وَ أَطِيعُوا أَمْرَهُ مَا أَطَاعَ اللَّهَ وَ رَسُولَهُ فَإِنْ أَحْدَثَ فِيكُمْ أَوْ زَاغَ عَنِ الْحَقِّ فَأَعْلَمُونِي أَعْزَلُهُ عَنْكُمْ فَإِنِّي أَرْجُو أَنَّ أَحَدَهُ عَفِيفًا تَقِيًّا وَرِعًا وَ إِنِّي لَمْ أُولِهِ عَلَيْكُمْ إِلَّا وَ أَنَا أَظُنُّ ذَلِكَ بِهِ؛ الجمل، ص ٤٢٠
٤٢-١٨-٢- مِنْ شُرُوطِ رِضَى اللَّهِ

«اهمیت تقوا / از ویژگی‌های مهم پرهیزکاری و ورع»

به دور دارد ... هرگاه بنده‌ای را با این اوصاف دیدید، او توبه‌کننده‌ی حقیقی و خیرخواه خویش است.

۳۷-۱۸-۲- از شرط‌های امامت جماعت

﴿۱۸۰۱﴾ [در اقامه نماز جماعت:] [در اقامه‌ی نماز جماعت] صاحب مسجد بر مسجدش اولی است. اما از میان شما، کسی که پشت سر امام می‌ایستد، صاحبان خرد و تقوا باشند؛ پس اگر امام فراموش کرد یا عاجز شد، آنان را مقدم نمایید.

﴿۱۸۰۲﴾ هیچ عملی بدون وجود قلبی پارسا و پرهیزکار مورد رضایت خداوند متعال قرار نخواهد گرفت.

﴿۱۸۰۳﴾ جمعه‌ای نیست مگر به همراه امام عادل باتقوا.

۳۸-۱۸-۲- از شرط‌های دوست‌داشتن برادران

﴿۱۸۰۴﴾ بر تو است که با برادران راستین باشی؛ بیشتر آنان را به دست بیاور، زیرا که در خوشی پشتیبان توأند و در برابر بلا سپر هستند. هنگام پیشامدها، با کسانی مشورت کن که خداترسند و برادران را به خاطر تقوا دوست داشته باش.

۳۹-۱۸-۲- از شرط‌های حقیقت‌دانشی

﴿۱۸۰۵﴾ عالم حقیقی که سزاوار است از او استفاده شود کسی است که اعمال صالح و پاک و درستی و پرهیزکاری او از درون و مقام او گواهی بدهد، نه زبان و بحث و جدل کردن.

۴۰-۱۸-۲- از شرط‌های قضاوت

﴿۱۸۰۶﴾ برای قضاوت میان مردم برترین رعیت خود را در نظر خویش و زبده‌ترین آنان را در دانش و بردباری و پرهیزکاری و سخاوت برگزین.

۴۱-۱۸-۲- از شرط‌های خلافت

﴿۱۸۰۷﴾ ای مردم! من عبد الله بن عباس را جانشین خودم در میان شما کردم. به حرفش گوش دهید و دستوراتش را که امر به دستورات خدا و رسولش می‌کند، اطاعت کنید؛ اما اگر بدعتی نهاد یا از حق منحرف شد، مرا مطلع کنید تا عزلش کنم. امید دارم که او فردی پاک دامن و با تقوا و ورع باشد و من او را فقط به این دلیل سرپرست شما کردم که گمان می‌کنم چنین است.

۴۲-۱۸-۲- از شرط‌های رضایت پروردگار

﴿أَهْمِيَةُ التَّقْوَى / مِنْ أَهَمِّ خَصَائِصِ التَّقْوَى وَ الْوَرَعِ﴾

﴿١٨٠٨﴾ أمير المؤمنين عليه السلام: إِنَّ اللَّهَ تَعَالَى أَوْصَاكُمْ بِالتَّقْوَى وَ جَعَلَهَا رِضَاً مِنْ خَلْقِهِ؛

غرر الحكم، ص ٢٦٩

٢-١٨-٤٣- مِنْ شُرُوطِ وَصُولِ الشَّيْعَةِ إِلَى دَرَجَتِهِمْ عليهم السلام

﴿١٨٠٩﴾ الصَّادِق عليه السلام: عَنْ أَبِي بَصِيرٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام فِي حَدِيثٍ قَالَ قُلْتُ جُعِلْتُ فِدَاكَ

أَشْيَعْتُكُمْ مَعَكُمْ قَالَ نَعَمْ إِذَا هُمْ خَافُوا اللَّهَ وَ رَاقَبُوهُ وَ اتَّقَوْهُ وَ أَطَاعُوهُ وَ اتَّقَوْا الذُّنُوبَ فَإِذَا فَعَلُوا

ذَلِكَ كَانُوا مَعَنَا فِي دَرَجَتِنَا؛ مستدرک الوسائل، ج ١١، ص ٢٣٥

٢-١٨-٤٤- مِنْ شُرُوطِ إِسْتِحْقَاقِ اخْذِ الصَّدَقَةِ

﴿١٨١٠﴾ أمير المؤمنين عليه السلام: رَجُلٌ مِنْ أَشْرَافِ الْعَرَبِ... قَالَ يَا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ إِنِّي أُرِيدُ أَنْ

أَتَصَدَّقَ بِعَشْرَةِ آلَافٍ فَمَنْ الْمُسْتَحِقُّ لَذَلِكَ يَا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ فَقَالَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عليه السلام فَرَّقُ ذَلِكَ

فِي أَهْلِ الْوَرَعِ مِنْ حَمَلَةِ الْقُرْآنِ فَمَا تَزُكُّو الصَّنِيعَةَ إِلَّا عِنْدَ امْتِثَالِهِمْ فَيَتَقَوْنَ بِهَا عَلَى عِبَادَةِ رَبِّهِمْ وَ

تِلَاوَةِ كِتَابِهِ؛ مستدرک الوسائل، ج ٧، ص ١١٤

٢-١٨-٤٥- مِنْ شُرُوطِ الْمُشَاوَرِ

﴿١٨١١﴾ الصَّادِق عليه السلام: شَاوَرٌ فِي أُمُورِكَ مَا يَقْتَضِي الدِّينُ مِنْ فِيهِ خَمْسُ خِصَالٍ عَقْلٌ وَ عِلْمٌ وَ

تَجَرُّبَةٌ وَ نُصْحٌ وَ تَقْوَى؛ مستدرک الوسائل، ج ٨، ص ٣٤٤

﴿١٨١٢﴾ الصَّادِق عليه السلام: عَنْ سُلَيْمَانَ بْنِ خَالِدٍ قَالَ سَمِعْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام يَقُولُ اسْتَشِيرِ الْعَاقِلَ

مِنْ الرِّجَالِ الْوَرَعَ فَإِنَّهُ لَا يَأْمُرُ إِلَّا بِخَيْرٍ وَ إِيَّاكَ وَ الْخِلَافَ فَإِنَّ مُخَالَفَةَ الْوَرَعَ الْعَاقِلَ مَفْسَدَةٌ فِي

الدِّينِ وَ الدُّنْيَا؛ وسائل الشيعة، ج ١٢، ص ٤٢

٢-١٨-٤٦- مِنْ شُرُوطِ عُمَالِ الْوَلَايَةِ

﴿١٨١٣﴾ أمير المؤمنين عليه السلام: فَاصْطَفِ لَوَلَايَةِ أَعْمَالِكَ أَهْلَ الْوَرَعِ وَ الْعِلْمِ وَ السِّيَاسَةِ؛

بحار الأنوار، ج ٧٤، ص ٢٥٣

٢-١٨-٤٧- مِنْ شُرُوطِ غُفْرَانِ الشَّيْعَةِ

﴿١٨١٤﴾ الرَّسُولُ ﷺ: يَا عَلِيُّ إِنَّ رَبِّي وَعَدَنِي فِي شَيْعَتِكَ خَصْلَةً قُلْتُ وَ مَا هِيَ يَا رَسُولَ اللَّهِ

قَالَ الْمَغْفِرَةُ لِمَنْ آمَنَ مِنْهُمْ وَ اتَّقَى لَا يُعَادِرُ مِنْهُمْ صَغِيرَةً وَ لَا كَبِيرَةً وَ لَهُمْ تَبْدُلُ سَيِّئَاتِهِمْ حَسَنَاتٍ؛

بحار الأنوار، ج ١٧، ص ١٥٣

«اهمیت تقوا / از ویژگی‌های مهم پرهیزکاری و ورع»

﴿۱۸۰۸﴾ خداوند متعال شما را به تقوا توصیه کرده و آن را شرط رضایتش از مخلوقاتش قرار داده است.

۴۳-۱۸-۲- از شرط‌های رسیدن شیعه به درجه‌ی ائمه‌الطه

﴿۱۸۰۹﴾ ابوبصیر گوید: به امام صادق (علیه السلام) عرض کردم: «فدایت شوم! آیا شیعیان شما نیز همراه و هم‌درجه‌ی شما هستند؟» فرمود: «آری، وقتی که آنان از خدا بترسند و مراقبت کنند و تقوای الهی داشته و از خدا اطاعت کنند و از گناهان پرهیز کنند و همه‌ی این کارها را انجام دهند، در درجه‌ای که ما هستیم، همراه ما خواهند بود».

۴۴-۱۸-۲- از شرط‌های دریافت صدقه

﴿۱۸۱۰﴾ [مردی از اشراف عرب] گفت: «ای امیر مؤمنان! می‌خواهم ده هزار [دینار] صدقه بدهم، ای امیر مؤمنان! چه کسی مستحق آن است؟» فرمود: «آن را در بین حافظان قرآنی که اهل ورع هستند، تقسیم کن که هر کاری برای این گروه، نیکوست. آن‌ها با این مال، برای عبادت پروردگارشان و تلاوت کتاب او، نیرو می‌گیرند».

۴۵-۱۸-۲- از شرط‌های مشاور

﴿۱۸۱۱﴾ در امورت با کسی مشورت کن که پنج خصلت داشته باشد: عقل، علم، تجربه، خیرخواهی و تقوا.

﴿۱۸۱۲﴾ سلیمان بن خالد گوید: شنیدم امام صادق (علیه السلام) می‌فرمود: «با مرد خردمند پارسا مشورت کن، زیرا او جز به خیر نظر نمی‌دهد، و مبدا خلاف آن کنی، زیرا مخالفت با پارسای خردمند تباهی در دین و دنیا را در پی دارد».

۴۶-۱۸-۲- از شرط‌های دادن مسئولیت

﴿۱۸۱۳﴾ کارمندان را از میان اهل پرهیزکاری و دانش و سیاست برگزین.

۴۷-۱۸-۲- از شرط‌های آمرزش شیعه

﴿۱۸۱۴﴾ ای علی! پروردگارم یک ویژگی برای شیعیان تو به من وعده داده است. عرض کردم: «ای رسول خدا! آن چیست؟» فرمود: «آمرزش برای هر که ایمان بیاورد و تقوا پیشه کند، هیچ گناه کوچک و بزرگی بر عهده‌ی آنان واگذاشته نمی‌شود و بدی‌هایشان به نیکی تبدیل می‌شود».

﴿أَهْمِيَةُ التَّقْوَى / مِنْ أَهَمِّ خَصَائِصِ التَّقْوَى وَالْوَرَعِ﴾

٤٨-١٨-٢- مِنْ شُرُوطِ الْمُفْتَى

﴿١٨١٥﴾ أمير المؤمنين عليه السلام: وَالْمُفْتَى يَحْتَاجُ إِلَى مَعْرِفَةِ مَعَانِي الْقُرْآنِ وَحَقَائِقِ السُّنَنِ وَبَوَاطِنِ الْإِشَارَاتِ وَالْأَدَابِ وَالْإِجْمَاعِ وَالْإِخْتِلَافِ وَالْإِطْلَاعِ عَلَى أَصُولِ مَا اجْتَمَعُوا عَلَيْهِ وَمَا اخْتَلَفُوا فِيهِ ثُمَّ إِلَى حُسْنِ الْإِخْتِيَارِ ثُمَّ إِلَى الْعَمَلِ الصَّالِحِ ثُمَّ الْحِكْمَةِ ثُمَّ التَّقْوَى؛ مصباح الشريعة ص ١٧: مستدرک الوسائل، ج ١٧، ص ٣٤٣

٤٩-١٨-٢- مِنْ شُرُوطِ قَبُولِ الدَّعَاءِ

﴿١٨١٦﴾ حديث قدسي: يَا مُوسَى اذْغَبِي بِالْقَلْبِ النَّقَى النَّقَى وَاللِّسَانِ الصَّادِقَ؛ عدة الداعي،

ص ١٧٧

﴿١٨١٧﴾ موسى عليه السلام: فَادْغَبِي بِالْقَلْبِ النَّقَى وَاللِّسَانِ الصَّادِقِ النَّقَى؛ أعلام الدين، ص ٢٢٠

﴿١٨١٨﴾ الصادق عليه السلام: إِنْ رَجُلًا كَانَ فِي بَنِي إِسْرَائِيلَ قَدْ دَعَا اللَّهَ أَنْ يَرْزُقَهُ غُلَامًا يَدْعُو ثَلَاثًا وَثَلَاثِينَ سَنَةً فَلَمَّا رَأَى أَنَّ اللَّهَ تَعَالَى لَا يُجِيبُهُ قَالَ يَا رَبُّ أَبْعِدْ أَنَا مِنْكَ فَلَا تَسْمَعْ مِنِّي أَمْ قَرِيبٌ أَنْتَ فَلَا تُجِيبُنِي فَاتَاهُ آتٍ فِي مَنَامِهِ فَقَالَ لَهُ إِنَّكَ تَدْعُو اللَّهَ بِلِسَانٍ بَدِيٍّ وَقَلْبٍ غَلِقَ عَاتٍ غَيْرِ نَقِيٍّ وَنِيَّةٍ غَيْرِ صَادِقَةٍ فَاقْلَعْ مِنْ بَدَائِكَ فَلْيَتَّقِ اللَّهَ قَلْبُكَ وَلْتَحْسُنْ نِيَّتَكَ قَالَ فَفَعَلَ الرَّجُلُ ذَلِكَ فَدَعَا اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ فَوُلِدَ لَهُ غُلَامٌ؛ مستدرک الوسائل، ج ٥، ص ١٨٨

٥٠-١٨-٢- مِنْ شُرُوطِ قَبُولِ الصِّيَامِ

﴿١٨١٩﴾ الرسول عليه السلام: رَجَبٌ مِنْ أَشْهُرِ الْحُرْمِ وَأَيَّامُهُ مَكْتُوبَةٌ عَلَى أَبْوَابِ السَّمَاءِ السَّادِسَةِ فَإِذَا صَامَ الرَّجُلُ مِنْهُ يَوْمًا وَجَوَّدَ صَوْمَهُ بِتَقْوَى اللَّهِ نَطَقَ الْبَابُ وَنَطَقَ الْيَوْمُ فَقَالَ: يَا رَبُّ اغْفِرْ لَهُ، وَإِنْ لَمْ يَتِمَّ صَوْمُهُ بِتَقْوَى اللَّهِ وَلَمْ يَسْتَغْفِرْ قَالَ: خُدِعْتَ مِنْ نَفْسِكَ؛ فضائل شهر رجب، ص ٤٩٦

٥١-١٨-٢- مِنْ شُرُوطِ الْقَاضِي وَأَعْوَانِهِ

﴿١٨٢٠﴾ أمير المؤمنين عليه السلام: فَاخْتَرِ لِلْقَضَاءِ بَيْنَ النَّاسِ أَفْضَلَ رَعِيَّتِكَ فِي نَفْسِكَ وَاجْمَعْهُمْ لِلْعِلْمِ وَالْحِلْمِ وَالْوَرَعِ... وَاجْعَلْ لَهُ أَعْوَانًا يَخْتَارُهُمْ لِنَفْسِهِ مِنْ أَهْلِ الْعِلْمِ وَالْوَرَعِ؛ مستدرک الوسائل، ج ١٣، ص ١٥١

«اهمیت تقوا / از ویژگی‌های مهم پرهیزکاری و ورع»

۴۸-۱۸-۲- از شرط‌های فتوادهنده

﴿۱۸۱۵﴾ مفتی به شناخت چند چیز احتیاج دارد تا بتواند فتوی دهد که عبارت هستند از: شناختن معانی قرآن، حقایق سنن و راه‌بردن به ظواهر و بواطن اشارات و تأویلات آداب آن و اطلاع یافتن بر اصول اجماعیات و اختلافیات، حسن اختیار و عمل صالح و حکمت و تقوا و پرهیزکاری.

۴۹-۱۸-۲- از شرط‌های قبول دعا

﴿۱۸۱۶﴾ ای موسی! مرا با قلب باتقوا و پاک و زبانی راست‌گو بخوان.
﴿۱۸۱۷﴾ مناجات حضرت موسی علیه السلام: [خداوند فرمود]: مرا با قلب پاک و زبانی راست‌گو و باتقوا بخوان.

﴿۱۸۱۸﴾ در میان بنی اسرائیل مردی بود که به درگاه خداوند دعا خوانده بود که به او پسر بچه‌ای بیخشد، آن مرد سی و سه سال خداوند را فرا می‌خواند، و هنگامی که مشاهده کرد خداوند متعال دعای او را اجابت نمی‌فرماید گفت: «پروردگارا، آیا من از تو دورم که صدایم را نمی‌شنوی، یا اینکه نزدیک هستی و دعای مرا اجابت نمی‌فرمایی؟» آن‌گاه شخصی به خواب آن مرد آمد و به او گفت: «همانا تو خداوند را با زبانی دشنام‌گو، قلبی وابسته به دنیا و ناپاک و نیت‌ی ناراست فرا می‌خوانی، بنابراین از دشنام و ناسزاگویی دست بردار و باید قلبت تقوای خدا داشته باشد و نیت نیکو گردد؛» مرد چنان کرد و سپس خداوند بلندمرتبه را فرا خواند و پسر بچه‌ای برای او به دنیا آمد.

۵۰-۱۸-۲- از شرط‌های قبول روزه

﴿۱۸۱۹﴾ ماه رجب از ماه‌های حرام است و روزهای آن بر سر در آسمان ششم نوشته شده، پس اگر فردی یک روز از آن را روزه بگیرد و روزه‌اش را با تقوا زیبا کند، آن روز و آن سر در به سخن می‌آیند و می‌گویند: «پروردگارا! او را بیامرزد». اما اگر روزه‌اش را باتقوا تمام نکند و از این اتفاق استغفار نکند، آن دو می‌گویند: «خودت را فریب داده‌ای».

۵۱-۱۸-۲- از شرط‌های قاضی و همکارانش

﴿۱۸۲۰﴾ برای امر قضاوت در بین مردم، فردی از رعیت را برگزین که در نزد تو برترین باشد، کسی باشد که بیشتر از بقیه علم و بردباری و ورع را در نفس خودش جمع کرده... و برای او همکارانی قرار بده که اهل علم و ورع باشند.

﴿أَهْمِيَةُ التَّقْوَى / مِنْ أَهَمِّ خَصَائِصِ التَّقْوَى وَ الْوَرَعِ﴾

٥٢-١٨-٢- مِنْ شُرُوطِ نَيْلِ الشَّفَاعَةِ

﴿١٨٢١﴾ الباقر عليه السلام: وَاللَّهِ مَا تُنَالُ شَفَاعَتُنَا إِلَّا بِالتَّقْوَى وَالْوَرَعِ وَالْعَمَلِ الصَّالِحِ وَالْجِدِّ وَ

الاجْتِهَادِ؛ أَعْلَامُ الدِّينِ، ص ١٤٣

٥٣-١٨-٢- مِنْ شُرُوطِ نَيْلِ الْوَلَايَةِ

﴿١٨٢٢﴾ الباقر عليه السلام: وَلَا يُنَالُ غَدَاً وَلَا يُتَنَا إِلَّا بِالْفَضْلِ وَالْوَرَعِ؛ مَشْكَاةُ الْأَنْوَارِ، ص ٥٩

﴿١٨٢٣﴾ الباقر عليه السلام: مَا تُنَالُ وَلَا يُتَنَا إِلَّا بِالْعَمَلِ وَالْوَرَعِ؛ الْكَافِي، ج ٢، ص ٧٤

٥٤-١٨-٢- مِنْ شُرُوطِ الْوَثَاقَةِ

﴿١٨٢٤﴾ أمير المؤمنين عليه السلام: وَإِيَّاكَ أَنْ تَتَّقَ لِتَحْمِيلِ زَادِكَ بِمَنْ لَا وَرَعَ لَهُ وَلَا أَمَانَةَ فَيَكُونَ مِثْلَكَ مِثْلَ ظَمَانٍ رَأَى سَرَابًا حَتَّى إِذَا جَاءَهُ لَمْ يَجِدْهُ شَيْئًا فَتَبَقَى فِي الْقِيَامَةِ مُنْقَطِعًا بِكَ؛

مَنْ لَا يَحْضُرُهُ الْفَقِيه، ج ٤، ص ٣٨٨

٥٥-١٨-٢- طُوبَى لِلْمُتَّقِينَ

﴿١٨٢٥﴾ أمير المؤمنين عليه السلام: إِنَّ لِهَاجِلِ التَّقْوَى عِلَامَاتٍ يُعْرِفُونَ بِهَا ... طُوبَى لَهُمْ وَحَسَنُ مَا بَ طُوبَى شَجَرَةٍ فِي الْجَنَّةِ أَصْلُهَا فِي دَارِ رَسُولِ اللَّهِ فَلَيْسَ مِنْ مُؤْمِنٍ إِلَّا وَفِي دَارِهِ غُصْنٌ مِنْ أَغْصَانِهَا لَا يَبْنُو فِي قَلْبِهِ شَيْئًا إِلَّا أَنَاهُ [أَنَاهُ] ذَلِكَ الْغُصْنُ وَلَوْ أَنَّ رَاكِبًا مُجِدًّا سَارَ فِي ظِلِّهَا مِائَةَ عَامٍ مَا خَرَجَ مِنْهَا وَلَوْ أَنَّ غُرَابًا طَارَ مِنْ أَصْلِهَا مَا بَلَغَ أَغْلَاهَا حَتَّى يَبْيَاضَ هَرَمًا أَلَا فَفِي هَذَا فَارُغْبُوا؛ بَحَارُ الْأَنْوَارِ، ج ٦٧، ص ٢٨٢

﴿١٨٢٦﴾ الرَّسُولُ ﷺ: الدُّنْيَا دَارُ بَلَاءٍ ... طُوبَى لِعَبْدٍ اتَّقَى مِنْهَا رَبَّهُ؛ بَحَارُ الْأَنْوَارِ، ج ٧٤، ص ١٨٧

﴿١٨٢٧﴾ الرَّسُولُ ﷺ: طُوبَى لِلصَّابِرِينَ فِي غَيْبَتِهِ طُوبَى لِلْمُتَّقِينَ عَلَى مَحَجَّتِهِمْ؛ كِفَايَةُ الْأَثَرِ،

ص ٥٦

﴿١٨٢٨﴾ الْكَاسِمُ عليه السلام: طُوبَى لِلْمُطَهَّرَةِ قُلُوبِهِمْ أُولَئِكَ هُمُ الْمُتَّقُونَ يَوْمَ الْقِيَامَةِ؛ بَحَارُ الْأَنْوَارِ، ج ١،

ص ١٤٧

﴿١٨٢٩﴾ أمير المؤمنين عليه السلام: فَطُوبَى لِي أَنَا السَّعِيدُ طُوبَى لِي أَنَا التَّقِيُّ؛ مُصْبِحُ الْمُتَهَجِّدِ، ص ٤٢٠

﴿١٨٣٠﴾ أمير المؤمنين عليه السلام: طُوبَى لِمَنْ أَطَاعَ مَحْمُودَ تَقْوَاهُ وَعَصَى مَذْمُومَ هَوَاهُ؛ غُرَرُ الْحُكْمِ،

ص ٢٦٩

«اهمیت تقوا / از ویژگی‌های مهم پرهیزکاری و ورع»

۵۲-۱۸-۲- از شرط‌های رسیدن به شفاعت

﴿۱۸۲۱﴾ به خداوند قسم! تنها با تقوا و ورع و عمل صالح و تلاش و کوشش می‌توان به شفاعت ما رسید.

۵۳-۱۸-۲- از شرط‌های رسیدن به ولایت

﴿۱۸۲۲﴾ در روز قیامت، فقط با فضایل و ورع می‌توان به ولایت ما دست یافت.

﴿۱۸۲۳﴾ فقط با عمل و ورع، می‌توان به ولایت ما رسید.

۵۴-۱۸-۲- از شرط‌های اعتماد

﴿۱۸۲۴﴾ مبدا توشه‌ی راحت را بر دوش فردی که نه ورع دارد و نه امانتدار است، بگذاری که در این صورت مانند آن تشنه‌ای هستی که سرابی می‌بیند و در پی‌اش می‌رود اما وقتی می‌رسد، آبی نمی‌یابد پس چنین نباش که توشه‌ات در قیامت به تو نخواهد رسید.

۵۵-۱۸-۲- خوشا به حال پرهیزکاران

﴿۱۸۲۵﴾ اهل تقوا علائم و نشانه‌هایی دارند که به آن شناخته می‌شوند... خوشا به حالشان و بازگشتشان نیکو خواهد بود. و درخت طوبی درختی است در بهشت که ریشه‌اش در خانه رسول خدا ﷺ است و در خانه‌ی هر یک از مؤمنین و اهل بهشت شاخه‌ای از آن وجود دارد که هر چه را که مؤمن نیت کند و هر رقم خواسته‌ای که داشته باشد، خداوند از همان شاخه به او می‌دهد. و این درخت به قدری بزرگ است که اگر اسب سواری با سرعت هر چه بیشتر اسبش را براند و تا مدت یک صد سال برود، از سایه این درخت بیرون نمی‌رود. و اگر پرنده‌ای از پایین این درخت شروع به پرواز نماید، به نقطه‌ی بالای آن نمی‌رسد، گرچه به پیری برسد. شما را هشدار می‌دهم که برای رسیدن به چنین جایی همت گمارید.

﴿۱۸۲۶﴾ دنیا سرای بلاست ... خوشا به حال بنده‌ای که در جهت تقوای خدایش از دنیا پرهیز کرده است.

﴿۱۸۲۷﴾ خوشا به حال افرادی که در غیبت او (مهدی عجله تعالی فرجه) صبر پیشه می‌کنند. خوشا به حال کسانی که در محبت‌ورزیدن در راه اهل بیت علیهم السلام استوار ماندند.

﴿۱۸۲۸﴾ خوشا به حال پاک‌دلان، آنان پرهیزکاران روز واپسین هستند.

﴿۱۸۲۹﴾ خوشا به حال من که خوشبختم، خوشا به حال من که باتقوایم.

﴿۱۸۳۰﴾ خوشا به حال کسی که از تقوای پسندیده فرمانبرداری کند و هوی و هوس

نکوهیده را نافرمانی نماید.

﴿أَهْمِيَةُ التَّقْوَى / مِنْ أَهَمِّ خَصَائِصِ التَّقْوَى وَ الْوَرَعِ﴾

﴿١٨٣١﴾ أمير المؤمنين عليه السلام: طُوبَى لِمَنْ أَشْعَرَ التَّقْوَى قَلْبَهُ؛ غرر الحكم، ص ٢٦٩

١٨-٥٦-٢- مَا يُعْبَأُ بِمَنْ يَوْمٌ هَذَا الْبَيْتَ إِذَا لَمْ يَكُنْ فِيهِ الْوَرَعُ

﴿١٨٣٢﴾ الصادق عليه السلام: عَنْ صَفْوَانَ الْجَمَالِ قَالَ سَمِعْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام يَقُولُ مَا يُعْبَأُ بِمَنْ يَوْمٌ هَذَا الْبَيْتَ إِذَا لَمْ يَكُنْ فِيهِ خِصَالُ ثَلَاثٍ حِلْمٌ يَمْلِكُ بِهِ غَضَبَهُ وَ خُلُقٌ يُخَالِقُ بِهِ مَنْ صَحِبَهُ وَ وَرَعٌ يَحْجُزُهُ عَنْ مَعَاصِي اللَّهِ؛ تهذيب الأحكام، ج ٥، ص ٤٤٥

﴿١٨٣٣﴾ الباقر عليه السلام: مَا يُعْبَأُ مَنْ يَسْلُكُ هَذَا الطَّرِيقَ إِذَا لَمْ يَكُنْ فِيهِ ثَلَاثُ خِصَالٍ وَرَعٌ يَحْجُزُهُ عَنْ مَعَاصِي اللَّهِ وَ حِلْمٌ يَمْلِكُ بِهِ غَضَبَهُ وَ حُسْنُ الصُّحْبَةِ لِمَنْ صَحِبَهُ؛ الكافي، ج ٤، ص ٢٨٦

١٨-٥٧-٢- إِعْجَابُ الْإِمَامِ عليه السلام مِنْ رَجُلٍ حَسَنِ الْوَرَعِ

﴿١٨٣٤﴾ أمير المؤمنين عليه السلام: يُعْجِبُنِي أَنْ يَكُونَ الرَّجُلُ حَسَنَ الْوَرَعِ مُتَنَزِّهًا عَنِ الطَّمَعِ كَثِيرٍ الْإِحْسَانِ قَلِيلِ الْإِمْتِنَانِ؛ غرر الحكم، ص ٢٧٢

١٨-٥٨-٢- الْأَتْقِيَاءُ كَالشَّعْرَةِ الْبَيْضَاءِ فِي التَّوْرِ الْأَسْوَدِ فِي اللَّيْلِ الْغَابِرِ

﴿١٨٣٥﴾ الرسول ﷺ: يَا عَلِيُّ لَا يَحْفَظُنِي فِيكَ إِلَّا الْأَتْقِيَاءُ الْأَبْرَارُ الْأَصْفِيَاءُ وَمَا هُمْ فِي أُمَّتِي إِلَّا كَالشَّعْرَةِ الْبَيْضَاءِ فِي التَّوْرِ الْأَسْوَدِ فِي اللَّيْلِ الْغَابِرِ؛ بحار الأنوار، ج ٢٨، ص ٥١

١٨-٥٩-٢- الْعَزِيزُ مَنْ أَعَزَّتْهُ التَّقْوَى

﴿١٨٣٦﴾ أمير المؤمنين عليه السلام: الْعَزِيزُ مَنْ أَعَزَّتْهُ التَّقْوَى؛ أعلام الدين، ص ٨٤

١٨-٦٠-٢- مِنْ عَزَمِ الْأُمُورِ

﴿١٨٣٧﴾ لَتُبْلَوْنَ فِي أَمْوَالِكُمْ وَأَنْفُسِكُمْ وَلَتَسْمَعَنَّ مِنَ الَّذِينَ أُوتُوا الْكِتَابَ مِنْ قَبْلِكُمْ وَمِنْ الَّذِينَ أَشْرَكُوا أَذًى كَثِيرًا وَإِنْ تَصَبَّرُوا وَتَتَّقُوا فَإِنَّ ذَلِكَ مِنْ عَزَمِ الْأُمُورِ؛ آل عمران ١٨٦

١٨-٦١-٢- مِنْ جُنُودِ الْعَقْلِ

﴿١٨٣٨﴾ الكاظم عليه السلام: يَا هِشَامُ اعْرِفِ الْعَقْلَ وَجُنْدَهُ وَالْجَهْلَ وَجُنْدَهُ تَكُنْ مِنَ الْمُهْتَدِينَ...

الْإِنْصَافُ الظُّلْمُ التَّقَى الْحَسَدُ؛ بحار الأنوار، ج ٧٥، ص ٣١٨

١٨-٦٢-٢- عِمَادُ الْإِسْلَامِ

«اهمیت تقوا / از ویژگی‌های مهم پرهیزکاری و ورع»

﴿۱۸۳۱﴾ خوشا به حال آنکه در قلبش تقوا را حس می‌کند.

۵۶-۱۸-۲- به آن که قصد خانه‌ی خدا کند و ورع نداشته باشد توجه نمی‌شود

﴿۱۸۳۲﴾ صفوان گوید: شنیدم امام صادق علیه السلام می‌فرمود: «به کسی که قصد حج دارد اما [این] سه خصلت در او نیست، اعتنایی نمی‌شود؛ بردباری‌ای که کنترل غضبش را داشته باشد، اخلاق خوب با همراه و هم‌صحبت، ورعی که مانع او از ارتکاب معصیت خدا شود».

﴿۱۸۳۳﴾ به کسی که این راه (حج) را می‌پیماید اما [این] سه خصلت در او نیست، اعتنایی نمی‌شود؛ ورعی که مانع او از ارتکاب معصیت خدا شود، بردباری‌ای که کنترل غضبش را داشته باشد، هم‌صحبتی و معاشرت خوب با همراه و هم‌صحبت.

۵۸-۱۸-۲- شگفتی امام علیه السلام از دیدن شخصی که دارای ورع نیکوست

﴿۱۸۳۴﴾ از فردی که خوب ورع دارد و از طمع پاک است و بسیار نیکی می‌کند و کم منت می‌گذارد، خوشم می‌آید.

۵۸-۱۸-۲- پرهیزکاران مانند موی سپید در بدن یک گاو سیاه در شب تاریک می‌درخشند

﴿۱۸۳۵﴾ ای علی! کسی وصیت من در مورد تو را حفظ نمی‌کند مگر متّقیان و افراد نیکو‌صفت و برگزیده؛ که آن‌ها در امت من مانند موی سفید در بدن گاو سیاه در شب تاریک هویدا‌یند.

۵۹-۱۸-۲- عزیز کسی است که تقوا او را عزیز کرده باشد

﴿۱۸۳۶﴾ عزیز کسی است که تقوا او را عزیز کرده باشد.

۶۰-۱۸-۲- از کارهای مهم

﴿۱۸۳۷﴾ به یقین (همه شما) در اموال و جان‌های خود، آزمایش می‌شوید! و از کسانی که پیش از شما به آن‌ها کتاب (آسمانی) داده شده [یهود]، و (همچنین) از مشرکان، سخنان آزاردهنده فراوان خواهید شنید! و اگر استقامت کنید و تقوا پیشه سازید، (شایسته‌تر است زیرا) این از کارهای مهم و قابل اطمینان است.

۶۱-۱۸-۲- از لشکریان عقل

﴿۱۸۳۸﴾ ای هشام! عقل و سپاهش را بشناس، و نیز جهل و سپاهش را، تا از راه یافتگان گردی... [سپاهیان عقل و جهل عبارتند از:] داورزی و ستمگری، خودداری و حسد... .

۶۲-۱۸-۲- ستون اسلام

﴿أَهْمِيَةُ التَّقْوَى / مِنْ أَهَمِّ خَصَائِصِ التَّقْوَى وَ الْوَرَعِ﴾

﴿١٨٣٩﴾ الرسول ﷺ: يَا عَلِيُّ الْإِسْلَامُ غُرْيَانُ وَ لِبَاسُهُ الْحَيَاءُ وَ زِينَتُهُ الْعِفَافُ وَ مَرْوَةٌ لَهُ الْعَمَلُ الصَّالِحُ وَ عِمَادُهُ الْوَرَعُ؛ وسائل الشيعة، ج ١٥، ص ٢٤٦
٢-١٨-٦٣- عِمَادُ الدِّينِ

﴿١٨٤٠﴾ حديث قدسي: إِنَّ الْوَرَعَ رَأْسُ الْإِيمَانِ وَ عِمَادُ الدِّينِ؛ بحار الأنوار، ج ٧٤، ص ٢٦
﴿١٨٤١﴾ أمير المؤمنين عليه السلام: عِمَادُ الدِّينِ الْوَرَعُ وَ فَسَادُهُ الطَّمَعُ؛ بحار الأنوار، ج ٧٥، ص ٨٩
٢-١٨-٦٤- عِمَادُ الْيَقِينِ

﴿١٨٤٢﴾ أمير المؤمنين عليه السلام: إِنَّ تَقْوَى اللَّهِ عِمَارَةُ الدِّينِ وَ عِمَادُ الْيَقِينِ وَ إِنَّهَا لِمِفْتَاحُ صَلَاحٍ وَ مِصْبَاحُ نَجَاحٍ؛ غرر الحكم، ص ٢٧٤
٢-١٨-٦٥- عَهْدُ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ عليه السلام

﴿١٨٤٣﴾ الكاظم عليه السلام: هَذَا مَا عَهَدَ جَعْفَرُ بْنُ مُحَمَّدٍ وَ هُوَ يَشْهَدُ أَنَّ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَ حُدَّهُ لَا شَرِيكَ لَهُ لَهُ الْمُلْكُ وَ لَهُ الْحَمْدُ يُحْيِي وَ يُمِيتُ بِيَدِهِ الْخَيْرُ وَ هُوَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ وَ أَنَّ مُحَمَّدًا عَبْدُهُ وَ رَسُولُهُ وَ أَنَّ السَّاعَةَ آتِيَةٌ لَا رَيْبَ فِيهَا وَ أَنَّ اللَّهَ يَبْعَثُ مَنْ فِي الْقُبُورِ عَلَى ذَلِكَ نَحْبًا وَ عَلَيْهِ نُمُوتُ وَ عَلَيْهِ نُبْعَثُ حَيًّا إِنْ شَاءَ اللَّهُ وَ عَهْدَ إِلَى وَلَدِهِ آتَا يَمُوتُوا إِلَّا وَ هُمْ مُسْلِمُونَ وَ أَنْ يَتَّقُوا اللَّهَ وَ يَصْلِحُوا ذَاتَ بَيْنِهِمْ مَا اسْتَطَاعُوا فَإِنْهُمْ لَنْ يَزَالُوا بِخَيْرٍ مَا فَعَلُوا ذَلِكَ؛ الكافي، ج ٧، ص ٥٣

٢-١٨-٦٦- التَّقْوَى غَايَةٌ

﴿١٨٤٤﴾ أمير المؤمنين عليه السلام: التَّقْوَى غَايَةٌ لَا يَهْلِكُ مَنْ تَبِعَهَا وَ لَا يَنْدَمُ مَنْ يَعْمَلُ بِهَا لِأَنَّ بِالْتَّقْوَى فَازَ الْفَائِزُونَ وَ بِالْمَعْصِيَةِ خَسِرَ الْخَاسِرُونَ فَلْيَزِدْ جِرْ أُولُو النُّهَى وَ لِيَتَذَكَّرْ أَهْلُ التَّقْوَى؛ بحار الأنوار، ج ٦٥، ص ٣٨٢

٢-١٨-٦٧- نِيَّةُ الْمَارِّ بِالْمَشْعَرِ الْحَرَامِ

﴿١٨٤٥﴾ السجاد عليه السلام: لَمَّا رَجَعَ مَوْلَانَا زَيْنُ الْعَابِدِينَ عليه السلام مِنْ الْحَجِّ اسْتَقْبَلَهُ الشَّيْلِيُّ فَقَالَ عليه السلام لَهُ... قَالَ فَعِنْدَ مَا مَرَرْتُ بِالْمَشْعَرِ الْحَرَامِ نَوَيْتُ أَنَّكَ أَشْعَرْتَ قَلْبَكَ إِشْعَارَ أَهْلِ التَّقْوَى وَ الْخَوْفِ لِلَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ قَالَ لَا قَالَ فَمَا مَرَرْتُ بِالْعَلَمَيْنِ وَ لَا صَلَّيْتُ رُكْعَتَيْنِ وَ لَا مَشَيْتُ بِالْمُزْدَلِفَةِ وَ لَا رَفَعْتُ مِنْهَا الْحَصَى وَ لَا مَرَرْتُ بِالْمَشْعَرِ الْحَرَامِ؛ مستدرک الوسائل، ج ١٠، ص ١٧٠

«اهمیت تقوا / از ویژگی‌های مهم پرهیزکاری و ورع»

﴿۱۸۳۹﴾ یا علی! اسلام عریان است. حیا به منزله‌ی لباس او، وقار زینت او و عمل صالح مردانگی او و پرهیزکاری اساس زندگی اوست.

۱۸۶۳-۲- ستون دین

﴿۱۸۴۰﴾ همانا ورع سر ایمان و ستون دین است.

﴿۱۸۴۱﴾ ستون دین ورع و اسباب نابودی آن طمع‌ورزیدن است.

۱۸۶۴-۲- ستون یقین

﴿۱۸۴۲﴾ تقوای الهی، آبادی دین و ستون یقین و کلید صلاح و چراغ نجات است.

۱۸۶۵-۲- پیمان امام جعفر صادق (علیه السلام)

﴿۱۸۴۳﴾ این عهدی است که جعفر بن محمد می‌دهد و شهادت می‌دهد که خدایی جز الله نیست، یکتاست و شریکی ندارد، پادشاهی و ملک از آن اوست و فقط او، سزاوار حمد و ستایش است. اوست که زنده می‌کند و می‌میراند و خیر به دست اوست و او بر هر چیزی تواناست و شهادت می‌دهد که محمد (صلی الله علیه و آله) بنده و رسول اوست، شهادت می‌دهد که قیامت خواهد آمد و در این امر شکی نیست و شهادت می‌دهد که خداوند مردگان را از گورهایشان برمی‌انگیزد. بر این عقیده زنده‌ایم و بر همین عقیده خواهیم مرد و بر همین عقیده به خواست خدا، محشور خواهیم شد. او از فرزندانش عهد می‌گیرد که تا زمان مرگ بر عقیده‌ی مسلمانی خود باشند و تقوای الهی پیشه کرده و امور بین خود را تا جایی که می‌توانند اصلاح کنند که تا زمانی که چنین می‌کنند، بر خیر خواهند بود.

۱۸۶۶-۲- تقوا هدف است

﴿۱۸۴۴﴾ پرهیزکاری هدفی است که پیرو آن نابود نمی‌شود و هرکس به آن عمل کند، پشیمان نمی‌شود. زیرا پیروزمندان با تقوا کامیاب شدند و زیانکاران با نافرمانی زیان بردند. و باید خردمندان باز ایستند و پرهیزکاران پند گیرند.

۱۸۶۷-۲- نیت عبورکننده از مشعرالحرام

﴿۱۸۴۵﴾ هنگامی که مولایمان امام سجاد (علیه السلام) از حج بازگشت، شبلی به استقبال ایشان رفت. امام (علیه السلام) به او فرمود: «... وقتی که بر مشعرالحرام گذر کردی، آیا نیت کردی که دلت را به بینش اهل تقوا و خوف از خدا بیارایی؟» گفت: «نه». امام (علیه السلام) فرمود: «پس نه از دو کوه عبور کرده‌ای، نه دو رکعت نماز خوانده‌ای، نه به مزدلفه رفته‌ای، نه از آنجا سنگریزه برداشته‌ای و نه از مشعرالحرام عبور کرده‌ای!»

﴿أَهْمِيَةُ التَّقْوَى / مِنْ أَهَمِّ خَصَائِصِ التَّقْوَى وَ الْوَرَعِ﴾

١٨-٦٨-٢- قِلَّةُ الْمُتَّقِينَ

﴿١٨٤٦﴾ الصَّادِقُ (عليه السلام): أَمَّا وَاللَّهِ لَوْ كَانَتْ عَلَى أَقْوَاهِكُمْ أَوْكِيَّةٌ لَحَدَّثْتُ كُلَّ امْرِئٍ مِنْكُمْ بِمَا لَهُ وَاللَّهِ لَوْ وَجَدْتُ اتَّقِيَاءَ لَتَكَلَّمْتُ وَاللَّهِ الْمُسْتَعَانَ؛ مستدرک الوسائل، ج ١٢، ص ٢٩٤

﴿١٨٤٧﴾ الرَّسُولُ (عليه السلام): فَسَأَلْتُ جَبْرِئِيلَ أَنْ يَسْتَعْفِيَ لِي مِنْ تَبْلِيغِ ذَلِكَ إِلَيْكُمْ أَيُّهَا النَّاسُ لِعِلْمِي بِقِلَّةِ الْمُتَّقِينَ وَكَثْرَةِ الْمُنَافِقِينَ؛ الاحتجاج، ج ١، ص ٥٩

﴿١٨٤٨﴾ أمير المؤمنين (عليه السلام): فَإِنَّ التَّقْوَى... فَمَا أَقَلَّ مَنْ قَبْلَهَا وَحَمَلَهَا حَقَّ حَمْلِهَا أَوْلَيْكَ الْأَقْلُونَ عَدَدًا وَهُمْ أَهْلُ صِفَةِ اللَّهِ سُبْحَانَهُ إِذْ يَقُولُ وَقَلِيلٌ مِنْ عِبَادِي الشُّكُورُ؛ نهج البلاغة، ص ٢٨٤

١٨-٦٩-٢- آيَةُ لَوْ أَخَذَ بِهَا النَّاسُ لَكَفَّتْهُمْ

﴿١٨٤٩﴾ الرَّسُولُ (عليه السلام): إِنِّي لَا أَعْلَمُ آيَةَ لَوْ أَخَذَ بِهَا النَّاسُ لَكَفَّتْهُمْ وَمَنْ يَتَّقِ اللَّهَ الْآيَةَ فَمَا زَالَ يَقُولُهَا وَيُعِيدُهَا؛ بحار الأنوار، ج ٦٧، ص ٢٨١

١٨-٧٠-٢- الْكَمَالُ

﴿١٨٥٠﴾ الرَّسُولُ (عليه السلام): عَنْ جَابِرِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ الْأَنْصَارِيِّ قَالَ: أَقْبَلَ الْعَبَّاسُ ذَاتَ يَوْمٍ إِلَى رَسُولِ اللَّهِ (عليه السلام) ... قَالَ فَمَا الْكَمَالُ قَالَ تَقْوَى اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ وَحُسْنُ الْخُلُقِ؛ بحار الأنوار، ج ٢٢، ص ٢٨٥

﴿١٨٥١﴾ أمير المؤمنين (عليه السلام): الْكَمَالُ فِي ثَلَاثٍ: الصَّبْرُ عَلَى النَّوَائِبِ وَالتَّوَرُّعُ فِي الْمَطَالِبِ وَاسْتِعَافِ الطَّالِبِ؛ غرر الحكم، ص ٢٨٢

١٨-٧١-٢- كَمَالُ الدِّينِ

﴿١٨٥٢﴾ الرَّسُولُ (عليه السلام): كَمَالُ الدِّينِ الْوَرَعُ؛ مستدرک الوسائل، ج ١١، ص ٢٦٨

١٨-٧٢-٢- لَا بُدَّ مِنْهَا

﴿١٨٥٣﴾ الرَّسُولُ (عليه السلام): لَا بُدَّ لِلْمُسَافِرِ مِنْ زَادٍ فَمَنْ لَمْ يَتَزَوَّدْ وَسَافَرَ عَطَبَ وَهَلَكَ وَخَيْرُ الزَّادِ التَّقْوَى؛ بحار الأنوار، ج ٣٨، ص ٩٩

١٨-٧٣-٢- لَا يَسْتَعْنِي أَهْلُ كُلِّ بَلَدٍ عَنْ أَهْلِ الْوَرَعِ

﴿١٨٥٤﴾ الصَّادِقُ (عليه السلام): لَا يَسْتَعْنِي أَهْلُ كُلِّ بَلَدٍ عَنْ ثَلَاثَةِ يَفْرَعٍ إِلَيْهِمْ فِي أَمْرِ دُنْيَاهُمْ وَآخِرَتِهِمْ فَإِنْ عَدِمُوا ذَلِكَ كَانُوا هَمَجًا فَقِيهِ عَالِمٍ وَرَعٍ وَآمِيرٍ خَيْرٍ مُطَاعٍ وَطَيِّبٍ بَصِيرٍ ثِقَةٍ؛ تحف العقول، ص ٣١٩

«اهمیت تقوا / از ویژگی‌های مهم پرهیزکاری و ورع»

۸۶۸-۲- اندک بودن پرهیزکاران

﴿۱۸۴۶﴾ آگاه باشید، به خدا قسم! اگر دهان‌های شما لجام می‌داشت من به هر یک از شما چیزی که به سود اوست، می‌گفتم. به خدا سوگند! اگر افرادی متقی می‌یافتم، حتماً سخنانی می‌گفتم و از خدا باید کمک خواست.

﴿۱۸۴۷﴾ من از جبرئیل خواستم تا از خداوند بخواهد که مرا از ابلاغ این امر (ولایت علی (علیه السلام)) به شما عفو کند؛ چون می‌دانستم که اهل تقوا در میان شما اندک و اهل نفاق بسیارند. ﴿۱۸۴۸﴾ پس چه اندکند آنان که تقوا را برگزیدند و بار آن را به درستی بر دوش کشیدند؛ آری پرهیزکاران تعدادشان اندک است و شایسته‌ی ستایش خداوند سبحان هستند که فرمود: «بندگان سپاسگزار من اندکند».

۸۶۹-۲- آیه‌ای که اگر مردم فقط آن را دریابند کفایتشان می‌کند

﴿۱۸۴۹﴾ من آیه‌ای را می‌دانم که اگر مردم آن را بگیرند و عمل کنند، برای آن‌ها کافی است. و همین آیه‌ی: «هر کس تقوای الهی پیشه کند، خداوند راه نجاتی برای او فراهم می‌کند»؛ را می‌خواند و مکرراً تکرار می‌فرمود.

۸۷۰-۲- کمال

﴿۱۸۵۰﴾ جابر بن عبدالله انصاری گوید: روزی عباس نزد پیامبر (صلی الله علیه و آله) آمد... عرضه داشت: «کمال چیست؟» فرمود: «تقوای الهی و حسن خلق».

﴿۱۸۵۱﴾ کمال در سه چیز است: صبر در سختی‌ها، ورع در خواسته‌ها و کمک به کسی که درخواستی دارد.

۸۷۱-۲- کمال دین

﴿۱۸۵۲﴾ کمال دین در پرهیزکاری است.

۸۷۲-۲- از آن گریزی نیست

﴿۱۸۵۳﴾ مسافر توشه‌ای لازم دارد، پس هر کس توشه بر نگرفته و به سفر برود؛ از پای در آید و هلاک گردد و بهترین توشه پرهیزکاری است.

۸۷۳-۲- اهالی همه‌ی سرزمین‌ها از اهل ورع بی‌نیاز نیستند

﴿۱۸۵۴﴾ اهل هر شهری به سه گروه نیازمندند تا در امور دنیا و آخرت به آن‌ها پناه ببرند؛ فقیهی که عالم و اهل ورع است، امیر و حاکمی که خیرخواه باشد و مردم از او فرمان می‌پذیرند و اطاعت می‌کنند، طبیبی که بینا باشد (علم طبابت را خوب بداند) و مورد اعتماد مردم باشد.

﴿أَهْمِيَةُ التَّقْوَى / مِنْ أَهَمِّ خَصَائِصِ التَّقْوَى وَ الْوَرَعِ﴾

٧٤-١٨-٢- لَا يَقِلُّ مَعَ التَّقْوَى عَمَلٌ

﴿١٨٥٥﴾ أمير المؤمنين عليه السلام: لَا يَقِلُّ مَعَ التَّقْوَى عَمَلٌ وَ كَيْفَ يَقِلُّ مَا يُتَقَبَّلُ؛ مستدرک الوسائل،

ج ١١، ص ٢٦٦

﴿١٨٥٦﴾ الصادق عليه السلام: مُفَضَّلُ بْنُ عُمَرَ قَالَ كُنْتُ عِنْدَ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام فَذَكَرْنَا الْأَعْمَالَ فَقُلْتُ أَنَا مَا أَضْعَفَ عَمَلِي فَقَالَ مَهْ اسْتَغْفِرَ اللَّهُ ثُمَّ قَالَ لِي إِنَّ قَلِيلَ الْعَمَلِ مَعَ التَّقْوَى خَيْرٌ مِنْ كَثِيرِ الْعَمَلِ بِلَا تَقْوَى قُلْتُ كَيْفَ يَكُونُ كَثِيرٌ بِلَا تَقْوَى قَالَ نَعَمْ مِثْلُ الرَّجُلِ يُطْعَمُ طَعَامَهُ وَ يَرْفُقُ جِيرَانَهُ وَ يُوْطِئُ رَحْلَهُ فَإِذَا ارْتَفَعَ لَهُ الْبَابُ مِنَ الْحَرَامِ دَخَلَ فِيهِ فَهَذَا الْعَمَلُ بِلَا تَقْوَى وَ يَكُونُ الْآخِرُ لَيْسَ عِنْدَهُ فَإِذَا ارْتَفَعَ لَهُ الْبَابُ مِنَ الْحَرَامِ لَمْ يَدْخُلْ فِيهِ؛ الكافي، ج ٢، ص ٧٦

٧٥-١٨-٢- خُلِقْتُمْ لِتَقْوَى اللَّهِ

﴿١٨٥٧﴾ أمير المؤمنين عليه السلام: فَبِتَقْوَى اللَّهِ أُمِرْتُمْ وَ لَهَا خُلِقْتُمْ؛ بحار الأنوار، ج ٧٥، ص ١

٧٦-١٨-٢- خُلِقْتُمْ لِيَبْلُوَكُمْ أَتَيْكُمْ أَوْرَعُكُمْ

﴿١٨٥٨﴾ الرسول ﷺ: أَنَّهُ تَلَا قَوْلَهُ تَبَارَكَ الَّذِي بِيَدِهِ الْمُلْكُ إِلَى قَوْلِهِ أَتَيْكُمْ أَحْسَنُ عَمَلًا ثُمَّ قَالَ أَتَيْكُمْ أَحْسَنُ عَقْلًا وَ أَوْرَعُ عَنْ مَحَارِمِ اللَّهِ وَ أَسْرَعُ فِي طَاعَةِ اللَّهِ؛ بحار الأنوار، ج ٦٧، ص ٢٣٣

٧٧-١٨-٢- مَلَائِكُ الْإِثَارِ

﴿١٨٥٩﴾ أمير المؤمنين عليه السلام: آثَرُ الْفَقَهَاءِ وَ أَهْلُ الصَّدَقِ وَ الْوَفَاءِ وَ الْحَيَاءِ وَ الْوَرَعِ عَلَى أَهْلِ الْفُجُورِ وَ الْكَذِبِ وَ الْغَدْرِ لَيْكُنِ الصَّالِحُونَ الْأَبْرَارُ إِخْوَانَكَ وَ الْفَاجِرُونَ الْغَادِرُونَ أَعْدَاءَكَ؛

بحار الأنوار، ج ٣٣، ص ٥٨٥

٧٨-١٨-٢- مَلَائِكُ الدِّينِ

﴿١٨٦٠﴾ الرسول ﷺ: مَلَائِكُ الدِّينِ الْوَرَعُ؛ بحار الأنوار، ج ٧٣، ص ٣٧٣

٧٩-١٨-٢- مَلَائِكُ الْإِسْلَامِ

﴿١٨٦١﴾ الرسول ﷺ: الْإِسْلَامُ ... مَلَائِكُهُ الْوَرَعُ؛ بحار الأنوار، ج ٢٧، ص ٨٢

﴿١٨٦٢﴾ أمير المؤمنين عليه السلام: لَا يَكُونُ الْمُسْلِمُ مُسْلِمًا حَتَّى يَكُونَ وَرِعًا وَ لَنْ يَكُونَ وَرِعًا حَتَّى يَكُونَ زَاهِدًا وَ لَنْ يَكُونَ زَاهِدًا حَتَّى يَكُونَ حَازِمًا وَ لَنْ يَكُونَ حَازِمًا حَتَّى يَكُونَ عَاقِلًا وَ مَا

الْعَاقِلُ إِلَّا مَنْ عَقَلَ عَنِ اللَّهِ وَ عَمِلَ لِلدَّارِ الْآخِرَةِ؛ بحار الأنوار، ج ٧٤، ص ٢٩٠

«اهمیت تقوا / از ویژگی‌های مهم پرهیزکاری و ورع»

۷۴-۱۸-۲- هیچ عملی با پرهیزکاری، اندک محسوب نمی‌شود

﴿۱۸۵۵﴾ عملی که توأم با تقوا باشد، کم و اندک شمرده نمی‌شود. چگونه می‌شود عملی را که مورد قبول و پذیرش خدا شده، کم و اندک شمرد؟!

﴿۱۸۵۶﴾ مفضل بن عمر گوید: خدمت امام صادق (علیه السلام) بودم که موضوع اعمال مطرح شد، من عرض کردم: «چقدر اعمالم کم و بی‌ارزش است!» فرمود: «خاموش باش، از خدا آمرزش بخواه!» آنگاه فرمود: «عمل اندکی که توأم با تقوا و پرهیز باشد، بهتر از اعمال زیادی است که همراه با تقوا نباشد». عرض کردم: «چطور ممکن است عمل انسان زیاد باشد، ولی بدون تقوا؟» فرمود: «بلی مانند شخصی که اطعام کرده و از مستمندان دستگیری می‌کند، با همسایگان مهربانی می‌ورزد و حاجتمندان به خانه‌اش رفت و آمد دارند، ولی در عین حال اگر با عمل حرام و نامشروعی مواجه شود، اقدام نموده و آن کار را هم انجام می‌دهد. این گونه اعمال خیر، عمل بدون تقواست. و ممکن است شخص دیگری باشد که توفیق اینگونه کارها را نداشته باشد، ولی به طوری در دینش محکم است که اگر طرق و راه‌های نامشروع در پیش پا و دسترسش باشد، کاملاً امتناع ورزیده و خودداری می‌کند».

۷۵-۱۸-۲- برای پرهیزکاری آفریده شده‌اید

﴿۱۸۵۷﴾ شما را دستور به تقوا داده‌اند و برای همین آفریده شده‌اید.

۷۶-۱۸-۲- آفریده شده‌اید تا معلوم شود کدامیک پرهیزکارترید

﴿۱۸۵۸﴾ پیامبر (صلی الله علیه و آله) این آیه را تلاوت فرمود: «پربرکت و زوال‌ناپذیر است کسی که حکومت جهان هستی به دست اوست، و او بر هر چیز تواناست. آن کس که مرگ و حیات را آفرید تا شما را بیازماید که کدام یک از شما بهتر عمل می‌کنید؟» سپس فرمود: «منظور این است که کدام یک عاقل‌تر و در برابر حرام‌های الهی پرهیزکارتر و در طاعت خداوند سریع‌تر هستید».

۷۷-۱۸-۲- ملاک برتری دادن

﴿۱۸۵۹﴾ فقیهان و راستگویان و وفاداران و حیاپیشگان و پارسایان را بر فاجران و دروغ‌زنان و خیانتکاران برگزین. و باید صالحان نیکوکار برادران تو و فاجران خیانتکار دشمنانت باشند».

۷۸-۱۸-۲- ملاک دین

﴿۱۸۶۰﴾ ملاک دین در ورع است.

۷۹-۱۸-۲- ملاک اسلام

﴿۱۸۶۱﴾ ملاک و قوام اسلام ورع است.

﴿۱۸۶۲﴾ انسان تا پرهیزکار نباشد، مسلمان نیست، و تا پارسا نباشد پرهیزکار نیست، و تا دوراندیش نباشد پارسا نیست، و تا عاقل نباشد دوراندیش نخواهد بود. و عاقل نمی‌باشد مگر اینکه فرمان خدا را دریابد و برای سرای دیگر عمل کند.

﴿۶۱۵﴾

﴿أَهْمِيَةُ التَّقْوَى / مِنْ أَهَمِّ خَصَائِصِ التَّقْوَى وَ الْوَرَعِ﴾

٨٠-١٨-٢- مِلَاكُ التَّشْيِيعِ

﴿١٨٤٣﴾ أمير المؤمنين عليه السلام: قَالَ سَلِمٌ فَحَدَّثْتُ أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ عليه السلام: بِالْكَوْفَةِ... وَاعْلَمْ أَنَّ اللَّهَ تَعَالَى يُعْطِي الدُّنْيَا الْبَرَّ وَالْفَاجِرَ وَإِنَّ هَذَا الْأَمْرَ الَّذِي أَنْتَ فِيهِ إِنَّمَا يُعْطِيهِ اللَّهُ صِفَتَهُ مِنْ خَلْقِهِ إِنْ أَمَرْنَا لَا يَعْرِفُهُ إِلَّا ثَلَاثَةٌ مِنَ الْخَلْقِ مَلِكٌ مُقَرَّبٌ أَوْ نَبِيٌّ مُرْسَلٌ أَوْ عَبْدٌ امْتَحَنَ اللَّهُ قَلْبَهُ لِلْإِيمَانِ يَا سَلِمُ إِنَّ مِلَاكَ هَذَا الْأَمْرِ الْوَرَعِ لَأَنَّهُ لَا يُنَالُ وَلَا يُتَنَالُ إِلَّا بِالْوَرَعِ؛ كتاب سليم بن قيس، ص ٨٢٦

٨١-١٨-٢- مِلَاكُ الْعُبُودِيَّةِ

﴿١٨٤٤﴾ الرسول ﷺ: لَا يَكُونُ الرَّجُلُ مُسْلِمًا حَتَّى يَسْلَمَ النَّاسُ مِنْ يَدِهِ وَلِسَانِهِ وَلَا يَكُونُ مُؤْمِنًا حَتَّى يَأْمَنَ أَخُوهُ بِوَأَقَّةِهِ وَجَارُهُ بِوَادِرِهِ وَلَا يَكُونُ عَالِمًا حَتَّى يَكُونَ عَامِلًا بِمَا عَلِمَ وَلَا يَكُونُ عَابِدًا حَتَّى يَكُونَ وَرِعًا وَلَا يَكُونُ وَرِعًا حَتَّى يَكُونَ زَاهِدًا؛ إرشاد القلوب، ج ١، ص ١٦

٨٢-١٨-٢- مِلَاكُ الْفُتُوَّةِ

﴿١٨٤٥﴾ الصادق عليه السلام: عَنْ سُلَيْمَانَ بْنِ جَعْفَرٍ الْهَذَلِيِّ قَالَ قَالَ لِي جَعْفَرُ بْنُ مُحَمَّدٍ عليه السلام يَا سُلَيْمَانُ مِنَ الْفَتَى قَالَ قُلْتُ جُعِلْتُ فِدَاكَ الْفَتَى عِنْدَنَا الشَّابُّ قَالَ لِي أَمَا عَلِمْتَ أَنَّ أَصْحَابَ الْكَهْفِ كَانُوا كُلُّهُمْ كَهُولًا فَسَمَاهُمُ اللَّهُ فِتْنَةً بِإِيمَانِهِمْ يَا سُلَيْمَانُ مَنْ آمَنَ بِاللَّهِ وَاتَّقَى فَهُوَ الْفَتَى؛

بحار الأنوار، ج ١٤، ص ٤٢٨

٨٣-١٨-٢- مِلَاكُ الْفَضْلِ

﴿١٨٤٦﴾ الرسول ﷺ: يَا سُلَيْمَانُ إِنَّهُ لَيْسَ لِأَحَدٍ مِنْ هَؤُلَاءِ عَلَيْكَ فَضْلٌ إِلَّا بِتَقْوَى اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ فَمَنْ كُنْتَ أَتَقَى مِنْهُ فَانْتَ أَفْضَلُ مِنْهُ؛ بحار الأنوار، ج ٦٧، ص ٢٨٩

﴿١٨٤٧﴾ الباقر عليه السلام: لَيْسَ لِأَحَدٍ عَلَى أَحَدٍ تَفَضُّلٌ إِلَّا بِتَقْوَى اللَّهِ؛ مستدرک الوسائل، ج ١٣،

ص ١١٢

٨٤-١٨-٢- مِلَاكُ قَبُولِ الْحُكْمِ

﴿١٨٤٨﴾ الصادق عليه السلام: عَنْ عُمَرَ بْنِ حَنْظَلَةَ قَالَ: سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام:... قُلْتُ فَإِنْ كَانَ كُلُّ رَجُلٍ اخْتَارَ رَجُلًا مِنْ أَصْحَابِنَا فَرَضِيًّا أَنْ يَكُونَا النَّاطِرَيْنِ فِي حَقِّهِمَا وَاخْتَلَفَا فِيمَا حَكَمَا وَكِلَاهُمَا اخْتَلَفَا فِي حَدِيثِكُمْ قَالَ الْحُكْمُ مَا حَكَمَ بِهِ أَغْدُلُهُمَا وَأَقْفَهُهُمَا وَأَصْدَقُهُمَا فِي الْحَدِيثِ وَآوَرَعُهُمَا وَلَا يَلْتَفِتْ إِلَى مَا يَحْكُمُ بِهِ إِلَّا خَرَّ؛ الكافي، ج ١، ص ٦٧

﴿٤١٦﴾

«اهمیت تقوا / از ویژگی‌های مهم پرهیزکاری و ورع»

۸۰-۱۸-۲- ملاک تشیع

«۱۸۶۳» سلیم گوید: با امام علی علیه السلام در کوفه سخن می‌گفتم:... فرمود: بدان که خداوند تعالی دنیا را به انسان خوب و بد می‌دهد اما این امری را که تو بر آن هستی (ولایت)، خداوند فقط به برگزیدگانی از مخلوقاتش می‌دهد. امر ما را فقط سه گروه می‌شناسند: فرشته‌ای مقرب، رسولی فرستاده شده و بنده‌ای که خداوند قلبش را برای ایمان سنجیده. ای سلیم! ملاک این قضیه ورع است، فقط با ورع می‌توان به ولایت ما رسید.

۸۱-۱۸-۲- ملاک بندگی

«۱۸۶۴» تا زمانی که مردم از دست و زبان کسی در سلامت و امنیت نباشند جزء مسلمانان محسوب نمی‌شود و تا وقتی که برادر مؤمنش از شر او و همسایه‌اش از آزارش در امان نباشد به درجه‌ی ایمان نمی‌رسد. و تا زمانی که به آنچه می‌داند عمل نکند جزء عالمان محسوب نمی‌شود و تا زمانی که ورع نداشته باشد جزء عابدان محسوب نمی‌شود و تا زمانی که زاهد نباشد جزء اهل ورع محسوب نمی‌شود.

۸۲-۱۸-۲- ملاک جوانمردی

«۱۸۶۵» سلیمان بن جعفر هذلی گوید: «امام صادق علیه السلام به من فرمود: «ای سلیمان «فتی» کیست؟» گفتم: «فدایت شوم! نزد ما منظور از «فتی»؛ شخص جوان است»، فرمود: «آیا ندانسته‌ای که اصحاب کهف همگی پیرمرد بودند و خداوند ایشان را به خاطر ایمانشان «فَتِیَّةً» نامید؟! ای سلیمان! هر کس که به خدا ایمان بیاورد و تقوا پیشه سازد، هم او «فتی» (جوانمرد) است».

۸۳-۱۸-۲- ملاک برتری

«۱۸۶۶» ای سلمان! کسی از این جماعت جز به خاطر تقوا و ترس از خدای متعال بر تو فضیلتی ندارد. پس هرگاه از کسی باتقواتر باشی از او برتر خواهی بود.
«۱۸۶۷» هیچ کس بر فرد دیگر برتری‌ای ندارد مگر به تقوای الهی.

۸۴-۱۸-۲- ملاک پذیرش داوری

«۱۸۶۸» عمر بن حنظله گوید: به امام صادق علیه السلام گفتم: «اگر هر کس یکی از اصحاب ما را [برای منصب قضاوت] انتخاب کند [و عده‌ای دنبال شخصی و عده‌ای دنبال شخص دیگری بروند] و هر دو گروه راضی باشند که آن دو را ناظر بر حقوقشان کنند اما آن دو در حکمشان اختلافی داشته باشند و هر دو در احادیث شما اختلاف کنند، چه کنیم؟» فرمود: «از آن دو، حکم آن کسی صحیح است که عادل‌تر و فقیه‌تر و راستگوتر و باورتر است و به حکم دیگری توجه نشود».

﴿أَهْمِيَةُ التَّقْوَى / مِنْ أَهَمِّ خَصَائِصِ التَّقْوَى وَ الْوَرَعِ﴾

١٨٨٥-٢- مِلَاكُ قُبُولِ الْأَعْمَالِ

﴿١٨٦٩﴾ الرَّسُولُ ﷺ: [قَالَ ابْنُ سَلَامٍ] فَأَخْبَرَنِي عَنْ أَهْلِ الْجَنَّةِ يَدْخُلُونَ فِيهَا بِالْإِسْلَامِ أَوْ بِالْإِيمَانِ أَوْ بِالْعَمَلِ قَالَ مِنْهُمْ مَنْ يَدْخُلُ بِالثَّلَاثَةِ يَكُونُ مُسْلِمًا مُؤْمِنًا عَامِلًا فَيَدْخُلُ الْجَنَّةَ بِثَلَاثَةِ أَعْمَالٍ أَوْ يَكُونُ نَصْرَانِيًّا أَوْ يَهُودِيًّا أَوْ مَجُوسِيًّا فَيُسَلِّمُ بَيْنَ الصَّلَاتَيْنِ وَيُؤْمِنُ بِاللَّهِ وَيَخْلَعُ الْكُفْرَ مِنْ قَلْبِهِ فَيَمُوتُ عَلَى مَكَانِهِ وَلَمْ يُخَلِّفْ مِنَ الْأَعْمَالِ شَيْئًا فَيَكُونُ مِنْ أَهْلِ الْجَنَّةِ فَذَلِكَ إِيْمَانٌ بِلَا عَمَلٍ وَيَكُونُ يَهُودِيًّا أَوْ نَصْرَانِيًّا يَتَصَدَّقُ وَيُنْفِقُ فِي غَيْرِ ذَاتِ اللَّهِ فَهُوَ عَلَى الْكُفْرِ وَالضَّلَالَةِ يَعْبُدُ الْمَخْلُوقَ دُونَ الْخَالِقِ فَإِذَا مَاتَ عَلَى دِينِهِ كَانَ فَوْقَ عَمَلِهِ فِي النَّارِ يَوْمَ الْقِيَامَةِ لِأَنَّ اللَّهَ لَا يَقْبَلُ إِلَّا مِنَ الْمُتَّقِينَ قَالَ صَدَقْتَ يَا مُحَمَّدُ؛ بحار الأنوار، ج ٩، ص ٣٣٧

١٨٨٦-٢- مِلَاكُ الْكِيَاسَةِ

﴿١٨٧٠﴾ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عَلِيُّ بْنُ أَبِي تَالِبٍ: الْكَيْسُ مَنْ دَانَ بِتَقْوَى اللَّهِ سُبْحَانَهُ وَ تَجَنَّبَ الْمَحَارِمَ وَ إِصْلَاحِ

الْمَعَادِ؛ غرر الحكم، ص ٣٢٢

١٨٨٧-٢- الْقُرْآنُ هُدًى لِلْمُتَّقِينَ

﴿١٨٧١﴾ ذَلِكَ الْكِتَابُ لَا رَيْبَ فِيهِ هُدًى لِلْمُتَّقِينَ؛ البقرة ٢

١٨٨٨-٢- نُزُولُ الْقُرْآنِ لِلتَّقْوَى

﴿١٨٧٢﴾ وَكَذَلِكَ أَنْزَلْنَاهُ قُرْآنًا عَرَبِيًّا وَصَرَّفْنَا فِيهِ مِنَ الْوَعِيدِ لَعَلَّهُمْ يَتَّقُونَ أَوْ يُحْدِثُ لَهُمْ ذِكْرًا؛

طه ١١٣

﴿١٨٧٣﴾ وَلَقَدْ صَرَّفْنَا لِلنَّاسِ فِي هَذَا الْقُرْآنِ مِنْ كُلِّ مَثَلٍ لَعَلَّهُمْ يَتَذَكَّرُونَ * قُرْآنًا عَرَبِيًّا غَيْرَ ذِي

عِوَجٍ لَعَلَّهُمْ يَتَّقُونَ؛ الزمر ٢٨- ٢٧

١٨٨٩-٢- لَا يَقِلُّ عَمَلُ مَعَ التَّقْوَى

﴿١٨٧٤﴾ الرَّسُولُ ﷺ: يَا أَبَا ذَرٍّ كُنْ بِالْعَمَلِ بِالتَّقْوَى أَشَدَّ اهْتِمَامًا مِنْكَ بِالْعَمَلِ فَإِنَّهُ لَا يَقِلُّ

عَمَلُ بِالتَّقْوَى وَ كَيْفَ يَقِلُّ عَمَلٌ يَقْبَلُ يَقُولُ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ إِنَّمَا يَقْبَلُ اللَّهُ مِنَ الْمُتَّقِينَ؛ بحار الأنوار،

ج ٧٤، ص ٨٨

١٨٩٠-٢- لَيْسَ مِنَّا مَنْ لَمْ يَتَّقِ اللَّهَ وَ لَسْنَا مِنْهُ

﴿٦١٨﴾

«اهمیت تقوا / از ویژگی‌های مهم پرهیزکاری و ورع»

۸۵-۱۸-۲- ملاک قبولی اعمال

«۱۸۶۹» ابن‌سلام گفت: «بگو ببینم بهشتیان به واسطه‌ی اسلام داخل بهشت می‌شوند یا به واسطه‌ی ایمان یا عمل؟» فرمود: «بعضی با هر سه داخل بهشت می‌شوند. آنان که مسلمان مؤمن عامل هستند با سه عمل داخل بهشت می‌شوند. یا کسی مسیحی و یا یهودی و یا مجوس است ولی بین دو نماز مسلمان می‌شود و کفر را از دل می‌زداید و پس از مسلمان شدن از دنیا می‌رود، او با اینکه عملی انجام نداده، از اهل بهشت خواهد بود، این ایمان بدون عمل است. و یا یهودی و یا مسیحی است که صدقه می‌دهد و انفاق می‌کند ولی نه در راه خدا. او در کفر و گمراهی خویش است، مردم‌پرست است نه خداپرست، اگر بمیرد در جهنم خواهد بود، چون خداوند جز از متقین و پرهیزکاران عملی را نمی‌پذیرد». گفت: «درست است یا محمد!».

۸۶-۱۸-۲- ملاک زیرکی

«۱۸۷۰» زیرک کسی است که با تقوای الهی خدا را فرمان برد و از محرمات دوری کند و معاد خود را اصلاح کند.

۸۷-۱۸-۲- قرآن، برای پرهیزکاران هدایت است

«۱۸۷۱» آن کتاب با عظمتی است که شک در آن راه ندارد؛ و مایه‌ی هدایت پرهیزکاران است.

۸۸-۱۸-۲- نزول قرآن برای تقوا

«۱۸۷۲» و این گونه آن را قرآنی عربی [فصیح و گویا] نازل کردیم، و انواع وعیدها (و انذارها) را در آن بازگو نمودیم، باشد که تقوا پیشه کنند یا برای آنان تذکری پدید آورد! «۱۸۷۳» ما برای مردم در این قرآن از هر نوع مثلی زدیم، باشد که متذکر شوند. * قرآنی است فصیح و خالی از هر گونه کجی و نادرستی، باشد که آنان پرهیزکاری پیشه کنند!

۸۹-۱۸-۲- عمل آمیخته با تقوا، کم محسوب نمی‌شود

«۱۸۷۴» ای ابوذر! به عمل با تقوا بیشتر همت داشته باش تا به عمل [تنها]، که عمل با تقوا کم نمی‌شود. و چگونه عمل مقبول کم می‌گردد، حال آنکه خداوند متعال می‌فرماید: «خدا، تنها از پرهیزکاران می‌پذیرد».

۹۰-۱۸-۲- کسی که تقوای خدا را پیشه نسازد از ما نیست و ما هم از او نیستیم

﴿أهمية التقوى / من أهم خصائص التقوى والورع﴾

﴿١٨٧٥﴾ الرضا عليه السلام: فَمَنْ لَمْ يَتَّقِ اللَّهَ وَلَمْ يُرَاقِبْهُ فَلَيْسَ مِنَّا وَلَسْنَا مِنْهُ؛ بحار الأنوار، ج ٩٣،

ص ٢٢٤

﴿١٨٧٦﴾ الصادق عليه السلام: يَا عِيسَى بْنُ عَبْدِ اللَّهِ لَيْسَ مِنَّا وَلَا كَرَامَةً مَنْ كَانَ فِي مِصْرٍ فِيهِ مِائَةُ أَلْفٍ أَوْ يَزِيدُونَ وَكَانَ فِي ذَلِكَ الْمِصْرِ أَحَدُ أَوْرَعٍ مِنْهُ؛ الكافي، ج ٢، ص ٧٨

١٨-٩١-٢- مَا عَلَيْهِ تَزْوُجُ آدَمَ بِحَوَاءَ

﴿١٨٧٧﴾ الصادق عليه السلام: فَتَزَوَّجُ آدَمَ بِحَوَاءَ عَلَى الطَّاعَةِ وَالتَّقَى وَالْعَمَلِ الصَّالِحِ؛

مستدرک الوسائل، ج ١٤، ص ٣٢٤

١٨-٩٢-٢- آسَاسُ مُشَاوَرَةِ الْإِمَامِ عَلَيْهِ السَّلَامُ فِي أَمْرِ التَّزْوِيجِ

﴿١٨٧٨﴾ الحسن عليه السلام: جَاءَ رَجُلٌ إِلَى الْحَسَنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ يَسْتَشِيرُهُ فِي تَزْوِيجِ ابْنَتِهِ فَقَالَ زَوْجَهَا مِنْ

رَجُلٍ تَقَى فَإِنَّهُ إِنْ أَحَبَّهَا أَكْرَمَهَا وَإِنْ أَبْغَضَهَا لَمْ يَظْلِمَهَا؛ مكارم الأخلاق، ص ٢٠٤

١٨-٩٣-٢- مَوْتُ هَمَامٍ مِنْ وَصْفِ التَّقْوَى

﴿١٨٧٩﴾ أمير المؤمنين عليه السلام: رَوَى أَنَّ صَاحِبًا لِأَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ يُقَالُ لَهُ هَمَامٌ كَانَ رَجُلًا

عَابِدًا فَقَالَ لَهُ يَا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ صِفْ لِي الْمُتَّقِينَ حَتَّى كَأَنِّي أَنْظُرُ إِلَيْهِمْ فَتَنَاقَلَ عَلَيْهِ السَّلَامُ عَنْ جَوَابِهِ ثُمَّ قَالَ يَا هَمَامُ اتَّقِ اللَّهَ وَاحْسِنْ فَإِنَّ اللَّهَ مَعَ الَّذِينَ اتَّقَوْا وَالَّذِينَ هُمْ مُحْسِنُونَ فَلَمْ يَقْنَعْ هَمَامٌ بِهَذَا الْقَوْلِ ... فَصَعِقَ هَمَامٌ صَعْقَةً كَانَتْ نَفْسُهُ فِيهَا فَقَالَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ: أَمَا وَاللَّهِ لَقَدْ كُنْتُ

أَخَافُهَا عَلَيْهِ؛ نهج البلاغة، ص ٣٠٣

١٨-٩٤-٢- مِيزَانُ كُلِّ عِلْمٍ

﴿١٨٨٠﴾ الصادق عليه السلام: اتَّقِ اللَّهَ وَكُنْ حَيْثُ شِئْتَ وَمِنْ أَى قَوْمٍ شِئْتَ فَإِنَّهُ لَا خِلَافَ لِأَحَدٍ فِي

التَّقْوَى وَالتَّقْوَى مَحْبُوبٌ عِنْدَ كُلِّ فَرِيقٍ وَفِيهِ اجْتِمَاعُ كُلِّ خَيْرٍ وَرُشْدٍ وَهُوَ مِيزَانُ كُلِّ عِلْمٍ وَ

حِكْمَةٍ وَآسَاسُ كُلِّ طَاعَةٍ مَقْبُولَةٍ؛ مصباح الشريعة، ص ٥٩

١٨-٩٥-٢- مِثَاقُ اللَّهِ

﴿١٨٨١﴾ الصادق عليه السلام: إِنَّ اللَّهَ تَبَارَكَ وَتَعَالَى لَمَّا خَلَقَ نَبِيَّهُ وَوَصِيَّهُ وَابْنَتَهُ وَابْنَتَهُ وَجَمِيعَ

الْأَئِمَّةِ عَلَيْهِ السَّلَامُ وَخَلَقَ شِعْتَهُمْ أَخَذَ عَلَيْهِمُ الْمِثَاقَ أَنْ يَصْبِرُوا وَيُصَابِرُوا وَيُرَابِطُوا وَأَنْ يَتَّقُوا اللَّهَ؛

بحار الأنوار، ج ٢٤، ص ٢٢٠

«اهمیت تقوا / از ویژگی‌های مهم پرهیزکاری و ورع»

«۱۸۷۵» پس هر کس تقوای الهی را نداشته باشد و مراقبش نباشد از ما نیست و ما نیز از او نمی‌باشیم.

«۱۸۷۶» ای عیسی بن عبد الله! از ما نیست و شرافتی ندارد کسی که در شهری باشد که صد هزار نفر و بیشتر در آن باشند، و در آن شهر شخصی پرهیزکارتر از او بوده باشد.

۹۱-۱۸-۲- مبنای ازدواج آدم و حوا

«۱۸۷۷» آدم علیه السلام با حوا علیها السلام بر مبنای اطاعت خدا و تقوا و انجام اعمال صالح ازدواج کرد.

۹۲-۱۸-۲- مبنای مشورت دادن امام علیه السلام در امر ازدواج

«۱۸۷۸» مردی نزد امام حسن علیه السلام آمد و در مورد ازدواج دخترش از ایشان مشورت خواست. فرمود: «او را به ازدواج مردی با تقوا دریاور که چنین فردی اگر دخترت را دوست داشته باشد، گرامی‌اش می‌دارد اما اگر از او بدش بیاید، به خاطر صفت تقوایش به دخترت ظلم نمی‌کند».

۹۳-۱۸-۲- مرگ هم‌ام در پی شنیدن توصیف تقوا

«۱۸۷۹» روایت شده یکی از یاران امیر المؤمنین علیه السلام که به او هم‌ام می‌گفتند و مردی عابد بود به حضرت عرض کرد: «چنان اهل تقوا را برایم وصف کن که گویی آنان را می‌بینم». امام علیه السلام در پاسخ او درنگ کرد، سپس فرمود: «ای هم‌ام! تقوای الهی پیشه کن و کار نیک انجام ده، زیرا خداوند با تقوای پیشگان و نیکوکاران است». هم‌ام به این مقدار سخن قناعت نکرد ... هم‌ام فریادی کشید و جان داد. حضرت فرمود: «به خدا قسم از چنین پیشامدی بر او می‌ترسیدم».

۹۴-۱۸-۲- سنجه‌ی هر دانش

«۱۸۸۰» تقوا داشته باش؛ دیگر مهم نیست در چه جایگاهی یا از کدام قبیله باشی. که هیچ کس در ارزش و فضیلت تقوا حرفی ندارد. پرهیزکار در نظر همه محبوب و محترم است، هرگونه خیر و خوبی و رشد و سعادت در تقواست و ارزش و ارزیابی هرگونه دانش و علمی، با تقواست و قبولی اطاعت و عبادت به تقوا بسته است.

۹۵-۱۸-۲- پیمان الهی

«۱۸۸۱» وقتی خداوند پیامبر و وصی و دختر و دو فرزندش و جمیع ائمه و شیعیان آن‌ها را آفرید از ایشان پیمان گرفت که شکایا باشند و مدارا کنند و ارتباط خود را با ائمه قطع نکنند و از خدا بترسند.

﴿أَهْمِيَةُ التَّقْوَى / مِنْ أَهَمِّ خَصَائِصِ التَّقْوَى وَ الْوَرَعِ﴾

١٨٩٦-٢- مُسْتَوْدَعُهَا اللَّهُ

﴿١٨٨٢﴾ أمير المؤمنين عليه السلام: فَإِنَّ التَّقْوَى ... مَسْلُكُهَا وَاضِحٌ وَ سَالِكُهَا رَاجِحٌ وَ مُسْتَوْدَعُهَا حَافِظٌ؛

نهج البلاغة، ص ٢٨٤

١٨٩٧-٢- الْوَصِيَّةُ الْوَاحِدَةُ

﴿١٨٨٣﴾ الصّادق عليه السلام: قَدْ أَجْمَعَ اللَّهُ تَعَالَى مَا يَتَوَصَّى بِهِ الْمُتَوَاصُونَ مِنَ الْأَوَّلِينَ وَالْآخِرِينَ فِي خُصْلَةٍ وَاحِدَةٍ وَ هِيَ التَّقْوَى قَالَ اللَّهُ جَلَّ وَ عَزَّ وَلَقَدْ وَصَّيْنَا الَّذِينَ أُوتُوا الْكِتَابَ مِنْ قَبْلِكُمْ وَإِيَّاكُمْ أَنْ اتَّقُوا اللَّهَ وَ فِيهِ جَمَاعٌ كُلُّ عِبَادَةٍ صَالِحَةٍ وَصَلَ مَنْ وَصَلَ إِلَى الدَّرَجَاتِ الْعُلَى وَ الرُّتَبَةِ الْقُصْوَى وَ بِهِ عَاشَ مَنْ عَاشَ مَعَ اللَّهِ بِالْحَيَاةِ الطَّيِّبَةِ وَ النَّاسِ الدَّائِمِ قَالَ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ إِنَّ الْمُتَّقِينَ فِي جَنَّاتٍ وَ نَهَرٍ فِي مَقْعَدٍ صَدَقٍ عِنْدَ مَلِكٍ مُقْتَدِرٍ؛ بحار الأنوار، ج ٧٥، ص ٢٠٠

﴿١٨٨٤﴾ الباقر عليه السلام: فَإِنَّ التَّقْوَى وَصِيَّةُ اللَّهِ فِيكُمْ وَ فِي الَّذِينَ مِنْ قَبْلِكُمْ قَالَ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ وَ لَقَدْ وَصَّيْنَا الَّذِينَ أُوتُوا الْكِتَابَ مِنْ قَبْلِكُمْ وَإِيَّاكُمْ أَنْ اتَّقُوا اللَّهَ وَإِنْ تَكْفُرُوا فَإِنَّ لِلَّهِ مَا فِي السَّمَاوَاتِ وَ مَا فِي الْأَرْضِ وَكَانَ اللَّهُ غَنِيًّا حَمِيدًا؛ الكافي، ج ٣، ص ٤٢٢

١٨٩٨-٢- وَصِيَّةُ اللَّهِ فِي الْمَاضِينَ وَ الْغَابِرِينَ

﴿١٨٨٥﴾ السّجّاد عليه السلام: أَوْصِيَكُمْ بِتَقْوَى اللَّهِ فَإِنَّهَا وَصِيَّةُ اللَّهِ فِي الْمَاضِينَ وَ الْغَابِرِينَ؛ الكافي،

ج ٥، ص ٣٧٠

١٨٩٩-٢- وَصَّيْنَا أَهْلَ الْبَيْتِ

﴿١٨٨٦﴾ الصّادق عليه السلام: وَ اعْلَمْ أَنَّ الْخَلَائِقَ لَمْ يُوكَلُوا بِشَيْءٍ أَكْثَمَ مِنَ التَّقْوَى فَإِنَّهُ وَصَّيْنَا أَهْلَ

الْبَيْتِ؛ وسائل الشيعة، ج ١٧، ص ٢١١

١٩٠٠-٢- وَصَّيْتُكُمْ التَّقْوَى

﴿١٨٨٧﴾ الهادي عليه السلام: وَصَّيْتُكُمْ التَّقْوَى؛ من لا يحضره الفقيه، ج ٢، ص ٦١٥

١٩٠١-٢- وَصِيَّةُ الْخَضِرِ عليه السلام

﴿١٨٨٨﴾ الرّسول الله ﷺ: أَنَّ مُوسَى عليه السلام لَقِيَ الْخَضِرَ عليه السلام فَقَالَ أَوْصِنِي فَقَالَ الْخَضِرُ... يَا مُوسَى

وَطُنْ نَفْسَكَ عَلَى الصَّبْرِ تَلْقَ الْحُلْمَ وَ أَشْعِرْ قَلْبَكَ التَّقْوَى تَنْلِ الْعِلْمَ؛ منية المريد، ص ١٤٠

«اهمیت تقوا / از ویژگی‌های مهم پرهیزکاری و ورع»

۹۶-۱۸-۲- ودیعہی خداوند

﴿۱۸۸۲﴾ راه تقوا روشن، و روندهی آن بهرمند، و امانتدارش خدا، که حافظ آن خواهد بود.

۹۷-۱۸-۲- وصیت یگانه

﴿۱۸۸۳﴾ خداوند آنچه گذشتگان و آیندگان، مردم را نصیحت و سفارش کنند، در یک خصلت و صفت تکمیل نموده و آن تقواست. فرموده است: «و ما به کسانی که پیش از شما، کتاب آسمانی به آن‌ها داده شده بود، سفارش کردیم، [همچنین] به شما سفارش می‌کنیم که از [نافرمانی] خدا بپرهیزید». در تقوا مجموعه‌ی عبادات صالح است و به وسیله‌ی همان تقوا به درجات عالی و نهایی‌ترین مراتب می‌رسید. و زندگی عالی در پناه خدا و انس دائم [با او] به وسیله‌ی همین تقوا بوده است. خداوند می‌فرماید «یقیناً پرهیزکاران در باغ‌ها و نهرهای بهشتی جای دارند» در جایگاه صدق نزد خداوند مالک مقتدر».

﴿۱۸۸۴﴾ توصیه و سفارش خداوند به شما و تمام پیشینیان شما، تقواست. خداوند فرمود: «آنچه در آسمان‌ها و آنچه در زمین است، از آن خداست. و ما به کسانی که پیش از شما، کتاب آسمانی به آن‌ها داده شده بود، سفارش کردیم، [همچنین] به شما [نیز] سفارش می‌کنیم که از [نافرمانی] خدا بپرهیزید! و اگر کافر شوید، [به خدا زیانی نمی‌رسد؛ زیرا] آنچه در آسمان‌ها و آنچه در زمین است، برای خداست و خداوند، بی‌نیاز و ستوده است.

۹۸-۱۸-۲- سفارشی خدا درباره‌ی گذشتگان و آیندگان

﴿۱۸۸۵﴾ شما را به تقوای الهی توصیه می‌کنم که این امر، توصیه‌ی خدا به گذشتگان و پیشینیان است.

۹۹-۱۸-۲- وصیت ما اهل بیت

﴿۱۸۸۶﴾ و بدان که مردمان به چیزی بزرگ‌تر از تقوا گمارده نشده‌اند، و همانا که آن سفارش ما اهل بیت است.

۱۰۰-۱۸-۲- وصیت شما پرهیزکاری است

﴿۱۸۸۷﴾ سفارش شما (ائمّه) توصیه به تقواست.

۱۰۱-۱۸-۲- وصیت خضر

﴿۱۸۸۸﴾ حضرت موسی علیه السلام حضرت خضر علیه السلام را ملاقات کرد و گفت: «مرا موعظه کن». خضر علیه السلام فرمود: «... ای موسی! خودت را به شکیبایی وادار تا به بردباری برسی و پرهیزکاری را با دلت آشنا ساز تا به دانش و معرفت دست یابی».

﴿أَهْمِيَةُ التَّقْوَى / مِنْ أَهَمِّ خَصَائِصِ التَّقْوَى وَ الْوَرَعِ﴾

١٠٢-١٨-٢- وصِيَّةُ الْأُمُوتِ

﴿١٨٨٩﴾ الصَّادِقُ عليه السلام: أَمَّا وَاللَّهِ لَوْ يُؤْذَنُ لَهُمْ فِي الْكَلَامِ لَقَالُوا لَمْ يُتَزَوَّدْ مِثْلَ التَّقْوَى زَادَ؛

بحار الأنوار، ج ٩٩، ص ٢٩٦

﴿١٨٩٠﴾ أمير المؤمنين عليه السلام: وَقَدْ رَجَعَ مِنْ صِفِّينَ فَأَشْرَفَ عَلَى الْقُبُورِ بظَاهِرِ الْكُوفَةِ يَا أَهْلَ الدِّيَارِ الْمُوَحِّشَةِ وَالْمَحَالِّ الْمُفْقِرَةِ وَالْقُبُورِ الْمُظْلِمَةِ يَا أَهْلَ التُّرْبَةِ يَا أَهْلَ الْعُرْبَةِ يَا أَهْلَ الْوَحْدَةِ يَا أَهْلَ الْوَحْشَةِ أَنْتُمْ لَنَا فَرَطٌ سَابِقٌ وَنَحْنُ لَكُمْ تَبَعٌ لَاحِقٌ أَمَّا الدُّورُ فَقَدْ سَكِنَتْ وَأَمَّا الْأَزْوَاجُ فَقَدْ نَكِحَتْ وَأَمَّا الْأَمْوَالُ فَقَدْ قُسِمَتْ هَذَا خَبَرٌ مَا عِنْدَنَا فَمَا خَبَرٌ مَا عِنْدَكُمْ ثُمَّ انْتَفَتِ إِلَى أَصْحَابِهِ فَقَالَ أَمَّا لَوْ أُذِنَ لَهُمْ فِي الْكَلَامِ لَأَخْبَرُوكُمْ أَنَّ خَيْرَ الزَّادِ التَّقْوَى؛ نهج البلاغة، ص ٤٩٢

﴿١٨٩١﴾ الرَّسُولُ عليه السلام: وَقَفَ رَسُولُ اللَّهِ عليه السلام عَلَى الْقَتْلِ بِيَدٍ وَقَدْ جَمَعَهُمْ فِي قَلِيبٍ فَقَالَ يَا أَهْلَ الْقَلِيبِ إِنَّا قَدْ وَجَدْنَا مَا وَعَدْنَا رَبَّنَا حَقًّا فَهَلْ وَجَدْتُمْ مَا وَعَدَ رَبُّكُمْ حَقًّا فَقَالَ الْمُتَأَفِّقُونَ إِنَّ رَسُولَ اللَّهِ يُكَلِّمُ الْمَوْتَى فَنَظَرَ إِلَيْهِمْ فَقَالَ لَوْ أُذِنَ لَهُمْ فِي الْكَلَامِ لَقَالُوا نَعَمْ وَإِنَّ خَيْرَ الزَّادِ التَّقْوَى؛

من لا يحضره الفقيه، ج ١، ص ١٨٠

﴿١٨٩٢﴾ الرَّسُولُ عليه السلام: وَقَفَ رَسُولُ اللَّهِ عليه السلام عَلَى الْقَتْلِ بِيَدٍ وَقَدْ جَمَعَهُمْ فِي قَلِيبٍ فَقَالَ يَا أَهْلَ الْقَلِيبِ إِنَّا قَدْ وَجَدْنَا مَا وَعَدْنَا رَبَّنَا حَقًّا فَهَلْ وَجَدْتُمْ مَا وَعَدَ رَبُّكُمْ حَقًّا فَقَالَ الْمُتَأَفِّقُونَ إِنَّ رَسُولَ اللَّهِ يُكَلِّمُ الْمَوْتَى فَنَظَرَ إِلَيْهِمْ فَقَالَ لَوْ أُذِنَ لَهُمْ فِي الْكَلَامِ لَقَالُوا نَعَمْ وَإِنَّ خَيْرَ الزَّادِ التَّقْوَى؛

من لا يحضره الفقيه، ج ١، ص ١٨٠

١٠٣-١٨-٢- إِنْ أَحَبَّ مِنْ وَصِيَّتِي تَقْوَى اللَّهِ

﴿١٨٩٣﴾ أمير المؤمنين عليه السلام: فِي وَصِيَّةِ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ لَوْلَدِهِ الْحَسَنِ عليه السلام مِنَ الْوَالِدِ الْفَانِ الْمُقَرَّرِ لِلزَّمَانِ إِلَى أَنْ قَالَ وَاعْلَمْ يَا بُنَيَّ إِنْ أَحَبَّ مَا أَنْتَ آخِذٌ بِهِ مِنْ وَصِيَّتِي إِلَيْكَ تَقْوَى اللَّهِ وَ الْاِقْتِصَارُ عَلَى مَا افْتَرَضَ عَلَيْكَ؛ وسائل الشيعة، ج ٢٧، ص ١٧٠

١٠٤-١٨-٢- أَوْصِ بِتَقْوَى اللَّهِ

﴿١٨٩٤﴾ أمير المؤمنين عليه السلام: عَنْ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ عليه السلام أَنَّهُ حَضَرَهُ رَجُلٌ مُقِلٌّ فَقَالَ لَا أَوْصِي يَا

أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ فَقَالَ أَوْصِ بِتَقْوَى اللَّهِ؛ مستدرک الوسائل، ج ١٤، ص ١٤١

«اهمیت تقوا / از ویژگی‌های مهم پرهیزکاری و ورع»

۲-۱۸-۱۰۲- وصیت مردگان

«۱۸۸۹» به خدا سوگند اگر اذن به ایشان (مردگان) داده شود که سخن بگویند خواهند گفت: «هیچ توشه‌ای برای اینجا مثل تقوا و پرهیزکاری نیست».

«۱۸۹۰» هنگامی که از [جنگ] صفین بازگشت و به گورستان بیرون کوفه رسید [در باره‌ی پرهیزکاری] فرمود: «ای ساکنین سراهای ترسناک و جاهای بی‌کس و بی‌آب و گیاه، و گورهای تاریک! ای ساکنین خاک، ای دور ماندگان از وطن، ای بی‌کسان، ای ترسناکان! شما پیشرو مایید که جلو رفته‌اید و ما پیرو شمایم که به شما می‌رسیم، اما خانه‌ها [یتان] را ساکن شدند، و اما زنان [تان] را گرفتند، و اما دارائی‌ها [یتان] را پخش کردند، این آگهی از چیزی است که نزد ماست پس خبر آنچه نزد شماست چیست؟ پس از آن به سوی یارانش نظر افکنده فرمود: بدانید اگر ایشان را در سخن اجازه و فرمان بود به شما خبر می‌دادند که بهترین توشه [در این راه] تقوی و پرهیزکاری است.

«۱۸۹۱» پس از جنگ بدر پیامبر ﷺ بر سر جنازه‌ی مردگان که در چاهی جمعشان کرده بودند، ایستاد و فرمود: «ای اهل این چاه! ما آنچه را که پروردگارمان به ما وعده فرموده بود درست یافتیم و تحقق پیدا کرد، آیا شما نیز آنچه پروردگارتان وعده فرموده بود راست یافتید؟ منافقان گفتند: «رسول خدا با مردگان سخن می‌گوید؟» پیامبر ﷺ به آنان نگاه کرد و فرمود: «اگر به آنان اجازه داده می‌شد که سخن بگویند، حتماً می‌گفتند: آری، بهترین توشه تقواست».

«۱۸۹۲» پس از جنگ بدر پیامبر ﷺ بر سر جنازه‌ی مردگان که در چاهی جمعشان کرده بودند، ایستاد و فرمود: «ای اهل این چاه! ما آنچه را که پروردگارمان به ما وعده فرموده بود درست یافتیم و تحقق پیدا کرد، آیا شما نیز آنچه پروردگارتان وعده فرموده بود راست یافتید؟ منافقان گفتند: «رسول خدا با مردگان سخن می‌گوید؟» پیامبر ﷺ به آنان نگاه کرد و فرمود: «اگر به آنان اجازه داده می‌شد که سخن بگویند، حتماً می‌گفتند: آری، بهترین توشه تقواست».

۲-۱۸-۱۰۳- دوست‌داشتنی‌ترین بخش وصیت من پرهیزکاری است

«۱۸۹۳» در وصیت به فرزندش امام حسن علیّه السلام: از پدری فانی، معترف به گذشت زمان... پسرم! بدان آنچه بیشتر از به کارگیری وصیتم دوست دارم ترس از خدا، و انجام واجبات است.

۲-۱۸-۱۰۴- به پرهیزکاری سفارش کن

«۱۸۹۴» فردی نزد امیر مؤمنان علیّه السلام آمد و گفت: «ای امیر مؤمنان! آیا من وصیت‌نامه ننویسم؟» فرمود: «بر مبنای تقوای الهی وصیت کن.

﴿أَهْمِيَةُ التَّقْوَى وَ الْإِهْتِمَامُ بِهَا / لَيْسَ التَّقْوَى أَعْلَى دَرَجَةٍ﴾

١٠٥-١٨-٢- وَصِيَّةٌ مَنْ يَخْطُبُ النَّاسَ يَوْمَ الْجُمُعَةِ

﴿١٨٩٥﴾ الصَّادِقُ عَلَيْهِ السَّلَامُ: يَنْبَغِي لِلْإِمَامِ الَّذِي يَخْطُبُ النَّاسَ يَوْمَ الْجُمُعَةِ أَنْ يَلْبَسَ عِمَامَةً فِي الشِّتَاءِ وَالصَّيْفِ وَ يَتَرَدَّى بِبُرْدٍ يَمْنَى أَوْ عَدَنِيَّ وَيَخْطُبُ وَ هُوَ قَائِمٌ يَحْمَدُ اللَّهَ وَ يُثْنِي عَلَيْهِ ثُمَّ

يُوصِي بِتَقْوَى اللَّهِ؛ الكافي، ج ٣، ص ٤٢١

١٠٦-١٨-٢- اللَّهُ وَلِيُّ الْمُتَّقِينَ

﴿١٨٩٦﴾ وَإِنَّ الظَّالِمِينَ بَعْضُهُمْ أَوْلِيَاءُ بَعْضٍ وَاللَّهُ وَلِيُّ الْمُتَّقِينَ؛ الجاثية ١٩

١٠٧-١٨-٢- التَّقْوَى يَنَالُ اللَّهَ

﴿١٨٩٧﴾ لَنْ يَنَالَ اللَّهَ لُحُومُهَا وَلَا دِمَاؤُهَا وَلَكِنْ يَنَالُهُ التَّقْوَى مِنْكُمْ كَذَلِكَ سَخَّرَهَا لَكُمْ لِتُكَبِّرُوا

اللَّهُ عَلَى مَا هَدَاكُمْ وَبَشِّرِ الْمُحْسِنِينَ؛ الحج ٣٧

١٩-٢- لَيْسَ التَّقْوَى أَعْلَى دَرَجَةٍ

١-١٩-٢- الرِّضَا أَعْلَى مِنَ الْوَرَعِ

﴿١٨٩٨﴾ السَّجَادُ عَلَيْهِ السَّلَامُ: الزُّهْدُ عَشْرَةُ أَجْزَاءٍ أَعْلَى دَرَجَةِ الزُّهْدِ أَدْنَى دَرَجَةِ الْوَرَعِ وَأَعْلَى

دَرَجَةِ الْوَرَعِ أَدْنَى دَرَجَةِ الْيَقِينِ وَأَعْلَى دَرَجَةِ الْيَقِينِ أَدْنَى دَرَجَةِ الرِّضَا؛ الكافي، ج ٢، ص ٦٢

٢-١٩-٢- الْعَدْلُ فَوْقَ التَّقْوَى

١-١٩-٢-٢- إِعْدِلُوا هُوَ أَقْرَبُ لِلتَّقْوَى

﴿١٨٩٩﴾ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا كُونُوا قَوَّامِينَ لِلَّهِ شُهَدَاءَ بِالْقِسْطِ وَلَا يَجْرِمَنَّكُمْ شَنَا نُ قَوْمٍ عَلَى آلَا

تَعْدِلُوا إِعْدِلُوا هُوَ أَقْرَبُ لِلتَّقْوَى وَاتَّقُوا اللَّهَ إِنَّ اللَّهَ خَبِيرٌ بِمَا تَعْمَلُونَ؛ المائدة ٨

٢-١٩-٢-٢- لَنْ تَسْتَطِيعُوا أَنْ تَعْدِلُوا ... تَتَّقُوا

﴿١٩٠٠﴾ وَلَنْ تَسْتَطِيعُوا أَنْ تَعْدِلُوا بَيْنَ النِّسَاءِ وَلَوْ حَرَصْتُمْ فَلَا تَمِيلُوا كُلَّ الْمِيلِ فَتَدْرُوا

كَالْمُعَلَّقَةِ وَإِنْ تُضْلِحُوا وَتَتَّقُوا فَإِنَّ اللَّهَ كَانَ غَفُوراً رَحِيماً؛ النساء ١٢٩

٣-١٩-٢- الْيَقِينُ أَعْلَى مِنَ الْوَرَعِ

﴿١٩٠١﴾ السَّجَادُ عَلَيْهِ السَّلَامُ: الزُّهْدُ عَشْرَةُ أَجْزَاءٍ أَعْلَى دَرَجَةِ الزُّهْدِ أَدْنَى دَرَجَةِ الْوَرَعِ وَأَعْلَى

دَرَجَةِ الْوَرَعِ أَدْنَى دَرَجَةِ الْيَقِينِ وَأَعْلَى دَرَجَةِ الْيَقِينِ أَدْنَى دَرَجَةِ الرِّضَا؛ الكافي، ج ٢، ص ٦٢

﴿٦٢٦﴾

«اهمیت تقوا / پرهیزکاری بالاترین درجه نیست»

۱۰۵-۱۸-۲- سفارش امام جمعه در خطبه‌ی نماز

«۱۸۹۵» شایسته است که امام جمعه، در حالی برای مردم خطبه بخواند که عمامه‌ای در تابستان و زمستان بپوشد و عبایی از پارچه یمنی یا عدنی بپوشد و در حال ایستاده برای مردم خطبه بخواند و در خطبه خود حمد و ثنای خدا را بگوید و سپس توصیه به تقوای الهی کند.

۱۰۶-۱۸-۲- خدا سرپرست پرهیزکاران است

«۱۸۹۶» و ظالمان یار و یاور یکدیگرند، اما خداوند یار و یاور پرهیزکاران است!

۱۰۷-۱۸-۲- تقوا به خدا می‌رسد

«۱۸۹۷» نه گوشت‌ها و نه خون‌های آن‌ها، هرگز به خدا نمی‌رسد. آنچه به او می‌رسد، تقوا و پرهیزکاری شماس است. این گونه خداوند آن‌ها را مسخر شما ساخته، تا او را به خاطر آنکه شما را هدایت کرده است بزرگ بشمرید و بشارت ده نیکوکاران را!

۱۹-۲- پرهیزکاری بالاترین درجه نیست

۱-۱۹-۲- رضایت از تقوا بالاتر است

«۱۸۹۸» زهد ده جزء دارد: بالاترین درجه‌ی زهد پست‌ترین درجه‌ی ورع است. و بالاترین درجه‌ی ورع کم‌ترین درجه‌ی یقین است. و بالاترین درجه‌ی یقین کم‌ترین درجه‌ی رضاست.

۲-۱۹-۲- عدالت از تقوا بالاتر است

۱-۲-۱۹-۲- عدالت بورزید که آن به تقوا نزدیک‌تر است

«۱۸۹۹» ای کسانی که ایمان آورده‌اید! همواره برای خدا قیام کنید، و از روی عدالت، گواهی دهید! دشمنی با جمعیتی، شما را به گناه و ترک عدالت نکشاند! عدالت کنید، که به پرهیزکاری نزدیک‌تر است! و از (معصیت) خدا پرهیزید، که از آنچه انجام می‌دهید، با خبر است!

۲-۲-۱۹-۲- نمی‌توانید عدالت بورزید... پرهیزکاری کنید

«۱۹۰۰» شما هرگز نمی‌توانید (از نظر محبت قلبی) در میان زنان، عدالت برقرار کنید، هر چند کوشش نمایید! ولی تمایل خود را به کلی متوجه یک طرف نسازید که دیگری را به‌صورت زنی که شوهرش را از دست داده درآورید! و اگر راه صلاح و پرهیزکاری پیش گیرید، خداوند آمرزنده و مهربان است.

۳-۱۹-۲- یقین بالاتر از ورع است

«۱۹۰۱» زهد ده جزء دارد: بالاترین درجه‌ی زهد پست‌ترین درجه‌ی ورع است. و بالاترین درجه‌ی ورع پست‌ترین درجه‌ی یقین است. و بالاترین درجه‌ی یقین پست‌ترین درجه‌ی رضاست.

﴿أَهْمِيَةُ التَّقْوَى وَالْإِهْتِمَامُ بِهَا / لَيْسَ التَّقْوَى أَعْلَى دَرَجَةٍ﴾

٢-١٩-٤- اليقينُ أَفْضَلُ مِنَ التَّقْوَى

﴿١٩٠٢﴾ الرضا عليه السلام: الْإِيمَانُ أَفْضَلُ مِنَ الْإِسْلَامِ بِدَرَجَةٍ وَ التَّقْوَى أَفْضَلُ مِنَ الْإِيمَانِ بِدَرَجَةٍ وَ الْيَقِينُ أَفْضَلُ مِنَ التَّقْوَى بِدَرَجَةٍ وَلَمْ يَقْسِمْ بَيْنَ بَنِي آدَمَ شَيْئاً أَقْلَ مِنَ الْيَقِينِ؛ بحار الأنوار، ج ٤٧، ص ١٧١

﴿١٩٠٣﴾ الصادق عليه السلام: هَلَكَ الْمُخْلِصُونَ إِلَّا الْمُتَّقُونَ وَ هَلَكَ الْمُتَّقُونَ إِلَّا الْمُؤَقِّنُونَ وَإِنَّ الْمُؤَقِّنِينَ لَعَلَى خَطَرٍ عَظِيمٍ؛ مستدرک الوسائل، ج ١، ص ٩٩
٢-١٩-٥- الْأَتْقِيَاءُ دُونَ الْأَنْبِيَاءِ

﴿١٩٠٤﴾ الصادق عليه السلام: عَنْ نَشِيطِ بْنِ صَالِحٍ الْجَلِّيِّ قَالَ: قُلْتُ لِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام أَا كَانَ إِخْوَةُ يُوسُفَ أَنْبِيَاءَ قَالَ لَا وَ لَا بَرَّةَ أَتْقِيَاءَ وَ كَيْفَ وَ هُمْ يَقُولُونَ لِأَبِيهِمْ يَعْقُوبَ تَاللهِ إِنَّكَ لَفِي ضَلَالِكَ الْقَدِيمِ؛ بحار الأنوار، ج ١٢، ص ٣١٦
٢-١٩-٦- لَيْسَ الْمُتَّقَى فِي أَعْلَى دَرَجَةٍ

﴿١٩٠٥﴾ الصادق عليه السلام: وَ الْمَحْمُودُ مِنَ الْمَأْكُولَاتِ أَرْبَعَةٌ ضَرُورَةٌ وَ عِدَّةٌ وَ فَتُوحٌ وَ قُوتٌ فَأَلَا كُلُّ الضَّرُورِيِّ لِلْأَصْفِيَاءِ وَ الْعِدَّةُ لِلْقَوَامِ الْأَتْقِيَاءِ وَ الْفَتْوحُ لِلْمُتَوَكِّلِينَ وَ الْقُوتُ لِلْمُؤْمِنِينَ؛ مستدرک الوسائل، ج ١٦، ص ٢١١
٢-١٩-٧- الشَّيْطَانُ يَمَسُّ الْمُتَّقِينَ

﴿١٩٠٦﴾ إِنَّ الَّذِينَ اتَّقَوْا إِذَا مَسَّهُمْ طَائِفٌ مِنَ الشَّيْطَانِ تَذَكَّرُوا فَإِذَا هُمْ مُبْصِرُونَ؛ الأعراف ٢٠١
٢-١٩-٨- الشَّيْطَانُ يَصِيدُ الْإِنْسَانَ وَ لَوْ كَانَ مِنْ أَوْرَعِ النَّاسِ

﴿١٩٠٧﴾ الرسول ﷺ: قَالَ لَهُ (إِبْلِيسُ) يَحْيَى أَخْبِرْنِي يَا بَا مَرَّةً... فَأَخْبَرَنِي مَا هَذِهِ الْأَكْوَازُ الصَّغَارُ الَّتِي هِيَ مُعَلَّقَةٌ مِنْ مَنْطِقَتِكَ مُقَدَّمَةٌ قَالَ يَا نَبِيَّ اللَّهِ فِيهَا شَهَوَاتِي وَ خِيَايِلُ مَصَائِدِي فَأَوَّلُ مَا أَصِيدُ بِهِ الْمُؤْمِنَ مِنْ قَبْلِ النِّسَاءِ فَإِنْ هُوَ اعْتَصَمَ بِطَاعَةِ اللَّهِ أَقْبَلْتُ عَلَيْهِ مِنْ قَبْلِ جَمْعِ الْمَالِ مِنَ الْحَرَامِ طَمَعاً فِيهِ حِرْصاً عَلَيْهِ فَإِنْ هُوَ اعْتَصَمَ بِطَاعَةِ اللَّهِ وَ اجْتَنَبَنِي بِالزَّهَادَةِ أَقْبَلْتُ عَلَيْهِ مِنْ قَبْلِ الشَّرَابِ هَذَا الْمُسْكِرِ حَتَّى أَكْرَرَ عَلَيْهِ هَذِهِ الشَّهَوَاتِ كُلَّهَا وَ لَا بُدَّ أَنْ يُوَاقِعَ بَعْضَهَا وَ لَوْ كَانَ مِنْ أَوْرَعِ النَّاسِ؛ بحار الأنوار، ج ٦٠، ص ٢٢٨

«اهمیت تقوا / پرهیزکاری بالاترین درجه نیست»

۴-۱۹-۲- یقین برتر از پرهیزکاری است

«۱۹۰۲» ایمان یک درجه از اسلام بالاتر و تقوا یک درجه برتر از ایمان و یقین درجه‌اش برتر از ایمان است و در میان مردم چیزی کمتر از یقین تقسیم نشده است.

«۱۹۰۳» مخلصین در خطر هستند، مگر آنان که اهل تقوا و پرهیزکاری باشند. اهل تقوا هم در معرض هلاکت هستند، مگر آنان که دارای حالت یقین باشند. اهل یقین هم به نوبه‌ی خود در خطر بزرگی هستند.

۵-۱۹-۲- پرهیزکاران پایین‌تر از پیامبرانند

«۱۹۰۴» نشیط گوید: از امام صادق علیه السلام پرسیدم: «آیا برادران یوسف علیه السلام پیامبر بودند؟» فرمود: «آنان نه پیامبر بودند و نه نیکوکار و نه پرهیزکار. چگونه می‌توانستند پیامبر باشند وقتی به پدرشان یعقوب علیه السلام می‌گفتند: «به خدا تو در همان گمراهی سابق هستی».

۶-۱۹-۲- پرهیزکار در بالاترین درجه نیست

«۱۹۰۵» آنچه از انواع خوردنی‌ها مطلوب و پسندیده است، چهار چیز است؛ اول: خوردن «ضروری» است که برای انبیاء و افراد برگزیده می‌باشد. دوم: خوردن «عده» که به معنای توشه برای امری دیگر است و این برای پرهیزکاران است که خوراک را مقدمه‌ی انجام وظایف قرار می‌دهند. سوم: خوردن «فتوح» است که وسیله‌ی گشایش امر متوکلین است. چهارم: خوردن «قوت» است که برای توانایی و نیروگرفتن مؤمنین است.

۷-۱۹-۲- شیطان پرهیزکاران را لمس می‌کند

«۱۹۰۶» پرهیزکاران هنگامی که گرفتار وسوسه‌های شیطان شوند، به یاد (خدا و پاداش و کیفر او) می‌افتند و (در پرتو یاد او، راه حق را می‌بینند و) ناگهان بینا می‌گردند.

۸-۱۹-۲- شیطان انسان را هرچند پرهیزکارترین مردم باشد صید می‌کند

«۱۹۰۷» حضرت یحیی علیه السلام به ابلیس فرمود: «ای ابومره!... بگو بدانم این کوزه‌های خرد که از کمر بندت آویزانند، چیست؟» گفت: «ای پیغمبر خدا! این‌ها شهوت‌ها و نمایشات دام‌های من هستند، نخستین چیزی که مؤمن را با آن شکار می‌کنم، زن است و اگر او به فرمان خدا در این باره تمسک کند از راه جمع مال حرام به او رو می‌کنم و او را با حرص و طمع در آن می‌اندازم و اگر به فرمان خدا پناه برد و به وسیله‌ی زهد و ترک مال از من کناره‌گیری کند از راه می‌خواری و مستی به او رو می‌کنم تا همه‌ی این خواهش‌ها را در او مکرر سازم و به ناچار اگر پارسا‌ترین مردم باشد به یکی از آن‌ها گرفتار می‌شود.

﴿أَهْمِيَةُ التَّقْوَى وَ الْإِهْتِمَامُ بِهَا / لَيْسَ التَّقْوَى أَعْلَى دَرَجَةٍ﴾

٩-١٩-٢- اِئْتَلَأْ رَجُلٌ وَرَعَ بِحُبِّ اللَّهِ

﴿١٩٠٨﴾ الصَّادِقُ عليه السلام: عَنْ أَبِي وَلَّادٍ قَالَ قُلْتُ لِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام جُعِلْتُ فِدَاكَ إِنْ رَجُلًا مِنْ أَصْحَابِنَا وَرِعًا سَلِمًا كَثِيرَ الصَّلَاةِ قَدْ اِئْتَلَى بِحُبِّ اللَّهِ وَهُوَ يَسْمَعُ الْغِنَاءَ فَقَالَ أَيْمَنُغُهُ ذَلِكَ مِنَ الصَّلَاةِ لَوْفَتِهَا أَوْ مِنْ صَوْمٍ أَوْ مِنْ عِيَادَةِ مَرِيضٍ أَوْ حُضُورِ جَنَازَةٍ أَوْ زِيَارَةِ أَخٍ قَالَ قُلْتُ لَا لَيْسَ يَمْنَعُهُ ذَلِكَ مِنْ شَيْءٍ مِنَ الْخَيْرِ وَالْبِرِّ قَالَ فَقَالَ هَذَا مِنْ خُطُوءَاتِ الشَّيْطَانِ مَغْفُورٌ لَهُ ذَلِكَ إِنْ شَاءَ اللَّهُ؛ بحار الأنوار، ج ٨، ص ١٤١

١٠-١٩-٢- الْأَتْقِيَاءُ يَقْطَعُ بَعْضُهُمْ بَعْضًا

﴿١٩٠٩﴾ أمير المؤمنين عليه السلام: فَقَالَ [ابْنُ الْكَوَّاءِ] أَيْ يَكُونُ ذَنْبُ بُعْجَلِ الْفَنَاءِ فَقَالَ نَعَمْ قَطِيعَةً الرَّحِمِ إِنْ أَهْلَ بَيْتٍ يَكُونُونَ أَتْقِيَاءَ فَيَقْطَعُ بَعْضُهُمْ بَعْضًا فَيَحْرِمُهُمُ اللَّهُ وَإِنْ أَهْلَ بَيْتٍ يَكُونُونَ فَجْرَةً فَيَتَوَاسَوْنَ فَيَرْزُقُهُمُ اللَّهُ؛ بحار الأنوار، ج ٧٠، ص ٣٧٦

﴿١٩١٠﴾ أمير المؤمنين عليه السلام: إِنْ أَهْلَ الْبَيْتِ لَيَجْتَمِعُونَ وَيَتَوَاسَوْنَ وَهُمْ فَجْرَةٌ فَيَرْزُقُهُمُ اللَّهُ وَ إِنْ أَهْلَ الْبَيْتِ لَيَتَفَرَّقُونَ وَيَقْطَعُ بَعْضُهُمْ بَعْضًا فَيَحْرِمُهُمُ اللَّهُ وَهُمْ أَتْقِيَاءُ؛ الكافي، ج ٢، ص ٣٤٧

١١-١٩-٢- التَّقِيُّ كَانَ مُخْطِئًا إِنْ لَمْ يَظْهَرْ نَبِيُّ

﴿١٩١١﴾ أمير المؤمنين عليه السلام: يَا كُمَيْلُ أَرَأَيْتَ إِنْ لَمْ يَظْهَرْ نَبِيُّ وَكَانَ فِي الْأَرْضِ مُؤْمِنٌ تَقِيٌّ مَا كَانَ فِي دُعَائِهِ إِلَى اللَّهِ مُخْطِئًا أَوْ مُصِيبًا بَلَى وَاللَّهِ مُخْطِئًا حَتَّى يَنْصِبَهُ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ لِذَلِكَ وَ يُؤْهَلَهُ؛ مستدرک الوسائل، ج ١١، ص ٣٣

١٢-١٩-٢- الْمُتَّقُونَ فِي مَعْرَضِ الْهَلَاكَةِ

﴿١٩١٢﴾ الصَّادِقُ عليه السلام: هَلَكَ الْمُخْلِصُونَ إِلَّا الْمُتَّقُونَ وَ هَلَكَ الْمُتَّقُونَ إِلَّا الْمُؤَقِّنُونَ وَإِنْ الْمُؤَقِّنِينَ لَعَلَى خَطَرٍ عَظِيمٍ؛ مستدرک الوسائل، ج ١، ص ٩٩

١٣-١٩-٢- لَيْسَ لِتَقْوَى مُتَّقٍ بَزَائِدِ الرِّزْقِ

﴿١٩١٣﴾ الرَّسُولُ عليه السلام: فَإِنَّ اللَّهَ يَرْزُقُ كُلَّ غَدٍ الرِّزْقُ مَقْسُومٌ يَأْتِي ابْنَ آدَمَ عَلَى أَيِّ سِيرَةٍ شَاءَ لَيْسَ لِتَقْوَى مُتَّقٍ بَزَائِدٍ وَلَا لِفُجُورٍ فَاجِرٍ بِنَاقِصٍ وَإِنْ شَرِهَتْ نَفْسُهُ وَهَتَكَ السَّيْرَ لَمْ يَرْفُوقَ رِزْقَهُ؛ مستدرک الوسائل، ج ١٣، ص ٣١

«اهمیت تقوا / پرهیزکاری بالاترین درجه نیست»

۹-۱۹-۲- فردی پرهیزکار مبتلا به دوست داشتن لهو و لعب

«۱۹۰۸» ابو وُلّاد، گوید: خدمت امام صادق علیه السلام عرض کردم: «فدایت شوم! یکی از شیعیان که پرهیزکار و مؤمن و بسیار نمازخوان است، دوستدار لهو و لعب گشته و به غنا گوش می سپارد». امام علیه السلام پرسید: «آیا این کار او، وی را از اقامه نماز به هنگام و یا روزه داری و ملاقات بیمار و تشییع جنازه و دیدار با دوستان باز نمی دارد؟» عرض کردم: «خیر، این موضوع مانع از این نمی شود که او در انجام امور خیر و نیک کوتاهی کند». فرمود: «این از گام های شیطان است. ان شاء الله این کار او بخشوده است».

۱۰-۱۹-۲- پرهیزکاران بعضاً با یکدیگر قطع رابطه می کنند

«۱۹۰۹» ابن کواء گفت: «آیا گناهی هست که مرگ را جلو بیندازد؟» فرمود: «بله، قطع رحم. گاهی خانواده ای از متّقین هستند پس با یکدیگر قطع رحم می کنند، خداوند آن ها را محروم می کند و خانواده ای از گناهکاران هستند پس با یکدیگر مهربانی می کنند، پس خداوند آن ها را روزی می دهد».

«۱۹۱۰» اگر اعضای یک خانواده، فاجر باشند اما باهم بوده و به یکدیگر کمک کنند، خدا روزی شان را می دهد، ولی اگر خانواده ای اهل تقوا باشند، اما متفرّق بوده و از یکدیگر قطع رحم کرده باشند، خداوند آن ها را [از رزق] محروم خواهد کرد.

۱۱-۱۹-۲- پرهیزکار اگر پشتیبانی پیامبر نباشد خطاکار می شود

«۱۹۱۱» ای کمیل! گمان می کنی که اگر خداوند، پیامبری را نمی فرستاد و در زمین مؤمن متّقی ای بود، در دعای خود دچار اشتباه می شد یا درست دعا می کرد؟ به خدا قسم قطعاً اشتباه می کرد مگر آنکه خداوند متعال او را بر این امر بدارد و اهل آن بکند.

۱۲-۱۹-۲- پرهیزکاران در معرض هلاکتند

«۱۹۱۲» مخلصین در خطر هستند، مگر آنان که اهل تقوا و پرهیزکاری باشند. اهل تقوا هم در معرض هلاکت هستند، مگر آنان که دارای حالت یقین باشند. اهل یقین هم به نوبه ی خود در خطر بزرگی هستند.

۱۳-۱۹-۲- پرهیزکاری به روزی شخص چیزی نمی افزاید

«۱۹۱۳» خداوند هرروز، روزی آن روز را می دهد که در بین فرزندان آدم، در هر شأن و مقامی که باشند تقسیم می شود، نه تقوای شخص متّقی موجب افزایش رزق مقدّرش می شود و نه فجور شخص فاجر موجب کاهش رزق مقدّرش می گردد، حتی اگر اشتهايش (به کسب رزق بیشتر) بیشتر شود و پرده های حرمت را بدر، بیشتر از رزق مقدّرش را نخواهد دید.

﴿أَهْمِيَةُ التَّقْوَى وَالْإِهْتِمَامُ بِهَا / لَيْسَ التَّقْوَى أَعْلَى دَرَجَةٍ﴾

﴿١٩١٤﴾ العسكري عليه السلام: فَالرُّزْقُ مَقْسُومٌ وَهُوَ يَأْتِي ابْنَ آدَمَ عَلَى أَى سِيرَةٍ سَارَهَا مِنَ الدُّنْيَا لَيْسَ تَقْوَى مُتَّقٍ بِزَائِدِهِ وَلَا فُجُورٌ فَاجِرٌ بِنَاقِصِهِ؛ بحار الأنوار، ج ٢٦، ص ٢٧٤
١٤-١٩-٢- لَا يَسْتَجَابُ دُعَاؤُ أَهْلِ التَّقْوَى إِنْ لَمْ يَقْتَصِدْ

﴿١٩١٥﴾ الرسول الله عليه السلام: أَصْنَافٌ لَا يُسْتَجَابُ لَهُمْ مِنْهُمْ... رَجُلٌ رَزَقَهُ اللَّهُ تَعَالَى مَالًا ثُمَّ أَنْفَقَهُ فِي الْبَرِّ وَالتَّقْوَى فَلَمْ يَبْقَ لَهُ مِنْهُ شَيْءٌ وَهُوَ فِي ذَلِكَ يَدْعُو اللَّهَ أَنْ يَرْزُقَهُ فَهَذَا يَقُولُ لَهُ الرَّبُّ أَلَمْ أَرْزُقْكَ فَأَغْنِيكَ أَ فَلَا اقْتَصَدْتَ وَلَمْ تُسْرِفْ إِنِّي لَا أَحِبُّ الْمُسْرِفِينَ؛ وسائل الشيعة، ج ٧، ص ١٢٦
١٥-١٩-٢- أَعْدَاءُ عَلَى عليه السلام هُمُ الْخَالِدُونَ فِي النَّارِ وَإِنْ كَانُوا فِي أَدْيَانِهِمْ عَلَى غَايَةِ الْوَرَعِ

﴿١٩١٦﴾ الصادق عليه السلام: فَأَعْدَاءُ عَلَى هُمُ الْخَالِدُونَ فِي النَّارِ وَإِنْ كَانُوا فِي أَدْيَانِهِمْ عَلَى غَايَةِ الْوَرَعِ وَالزُّهْدِ وَالْعِبَادَةِ؛ بحار الأنوار، ج ٤٤، ص ٢٣
١٦-١٩-٢- مَنْ حُرِمَ الْحَيَاءَ فَهُوَ شَرُّ كُلِّهِ وَإِنْ تَوَرَّعَ

﴿١٩١٧﴾ الصادق عليه السلام: مَنْ حُرِمَ الْحَيَاءَ فَهُوَ شَرُّ كُلِّهِ وَإِنْ تَعَبَّدَ وَتَوَرَّعَ؛ مستدرک الوسائل، ج ٨، ص ٤٦٣

١٧-١٩-٢- لَا تَشَاوِرْ مَنْ لَا يُصَدِّقُكَ عَقْلُكَ وَإِنْ كَانَ مَشْهُورًا بِالْوَرَعِ

﴿١٩١٨﴾ الصادق عليه السلام: مَا يَمْنَعُ أَحَدَكُمْ إِذَا وَرَدَ عَلَيْهِ مَا لَا قِبَلَ لَهُ بِهِ أَنْ يَسْتَشِيرَ رَجُلًا عَاقِلًا لَهُ دِينَ وَوَرَعَ؛ وسائل الشيعة، ج ١٢، ص ٤٢

﴿١٩١٩﴾ الصادق عليه السلام: لَا تَشَاوِرْ مَنْ لَا يُصَدِّقُكَ عَقْلُكَ وَإِنْ كَانَ مَشْهُورًا بِالْعَمَلِ وَالْوَرَعِ؛ مستدرک الوسائل، ج ٨، ص ٣٤٤

١٨-١٩-٢- ضَرْبُ كُلِّ عَمَلٍ لَيْسَ لِلَّهِ وَجْهَ صَاحِبِهِ وَإِنْ كَانَ بِوَرَعٍ

﴿١٩٢٠﴾ الرسول الله عليه السلام: تَصْعَدُ الْحَقِظَةُ بِعَمَلِ الْعَبْدِ أَعْمَالًا بِفَقْهِهِ وَاجْتِهَادِهِ وَوَرَعٍ لَهُ صَوْتُ كَصَوْتِ الرَّعْدِ وَضَوْءُ كَضَوْءِ الْبَرْقِ وَلَهُ ثَلَاثَةُ آلَافٍ مَلَكٍ فَيَمُرُّ بِهِمْ عَلَى مَلَكِ السَّمَاءِ السَّابِعَةِ فَيَقُولُ الْمَلِكُ قِفْ وَاضْرِبْ بِهَذَا الْعَمَلِ وَجْهَ صَاحِبِهِ أَنَا مَلِكُ الْحِجَابِ أَحْجُبُ كُلَّ عَمَلٍ لَيْسَ لِلَّهِ إِنَّهُ أَرَادَ رِفْعَةً عِنْدَ الْقَوَادِ وَذِكْرًا فِي الْمَجَالِسِ وَصَوْتًا فِي الْمَدَائِنِ أَمَرَنِي رَبِّي أَنْ لَا أَدَعَ عَمَلَهُ

«اهمیت تقوا / پرهیزکاری بالاترین درجه نیست»

﴿۱۹۱۴﴾ روزی قسمت شده و به هر نحوی از امور دنیا به فرزند آدم داده می‌شود، نه تقوای پرهیزکار سبب افزایش روزی می‌شود و نه عصیان و فجور گناهکار موجب نقصان آن می‌گردد.

۱۴-۱۹-۲- دعای پرهیزکاران اگر رعایت میانه‌روی نکنند مستجاب نمی‌شود

﴿۱۹۱۵﴾ گروهی از مردم هستند که درخواستشان [از طرف خداوند] اجابت نمی‌شود... از آن جمله فردی است که خداوند به او رزق داده و او تمام آن مال را برای کسب نیکی و تقوا انفاق کرده و از آن مال چیزی برای خودش نمانده و در این حال خدا را می‌خواند و درخواست می‌کند که به او روزی دهد. خداوند در جواب او می‌فرماید: «مگر من به قدری که تو را بی‌نیاز کند به تو رزق نداده‌ام؟! چرا میانه‌روی نکردی؟ چرا اسراف کردی؟ من اسراف‌کاران را دوست نمی‌دارم».

۱۵-۱۹-۲- دشمنان علی (علیه السلام) در دوزخ جاوید هستند، هرچند در دین خود در نهایت پرهیزکاری باشند

﴿۱۹۱۶﴾ دشمنان امیرمؤمنان (علیه السلام) در آتش دوزخ جاوید هستند، اگرچه در دین خود در نهایت پرهیزکاری و زهد و عبادت باشند.

۱۶-۱۹-۲- بی‌حیا صاحب همه‌ی بدی‌هاست، هر چند پرهیزکار باشد

﴿۱۹۱۷﴾ هرکس از حیا محروم است، صاحب همه‌ی بدی‌هاست، هر چند که به عبادت و پرهیزکاری باشد.

۱۷-۱۹-۲- با کسی که عقلت او را تصدیق نمی‌کند مشورت نکن، هرچند مشهور به پرهیزکاری باشد

﴿۱۹۱۸﴾ چرا وقتی کار مهمی برای شما پیش می‌آید و خود قادر به حل آن نیستید با افراد خردمند متدین و پرهیزکار مشورت نمی‌کنید.

﴿۱۹۱۹﴾ با کسی که عقل تو او را تصدیق نمی‌کند مشورت مکن، هر چند که او در تمیز و عقل، مشهور و معروف باشد.

۱۸-۱۹-۲- هر عملی که به خاطر خدا نباشد به صورت صاحبش می‌زنند؛ هرچند پرهیزکار باشد

﴿۱۹۲۰﴾ ملائکه اعمال بنده را که توأم با فقه و فقاہت و کوشش کامل و توأم با ورع و تقواست بالا می‌برند و این عمل، صدایی رعدآسا و نوری همچو برق درخشان دارد. و سه هزار فرشته همراه اوست و تمام آسمان‌های ششگانه و درجات و مراتب را پیموده تا به آسمان هفتم می‌رسد. ناگهان فرشته آسمان هفتم اخطار توقف داده و دستور می‌دهد: «این عمل را به صورت
﴿۶۳۳﴾

﴿أَهْمِيَةُ التَّقْوَى وَ الْإِهْتِمَامُ بِهَا / لَيْسَ التَّقْوَى أَعْلَى دَرَجَةٍ﴾

يُجَاوِزُنِي إِلَى غَيْرِي مَا لَمْ يَكُنْ خَالِصًا قَالَ وَ تَصَعَّدُ الْحَفَظَةُ بِعَمَلِ الْعَبْدِ مُبْتَهَجًا بِهِ مِنْ صَلَاةٍ وَ زَكَاةٍ وَ صِيَامٍ وَ حَجٍّ وَ عُمْرَةٍ وَ خُلِقَ حَسَنٌ وَ صَمِتَ وَ ذَكَرَ كَثِيرٌ تُشَيِّعُهُ مَلَائِكَةُ السَّمَوَاتِ وَ مَلَائِكَةُ السَّمَوَاتِ السَّبْعَةِ بِجَمَاعَتِهِمْ فَيَطْنُونُ الْحُجُبَ كُلَّهَا حَتَّى يَقُومُوا بَيْنَ يَدَيِ اللَّهِ سُبْحَانَهُ فَيَشْهَدُوا لَهُ بِعَمَلِ صَالِحٍ وَ دُعَاءٍ فَيَقُولُ اللَّهُ تَعَالَى أَنْتُمْ حَفَظَةُ عَمَلِ عَبْدِي وَ أَنَا رَقِيبٌ عَلَى مَا فِي نَفْسِهِ إِنَّهُ لَمْ يُرِدْنِي بِهَذَا الْعَمَلِ عَلَيْهِ لَعْنَتِي فَتَقُولُ الْمَلَائِكَةُ عَلَيْهِ لَعْنَتُكَ وَ لَعْنَتُنَا؛
مستدرک الوسائل، ج ۱، ص ۱۱۱

«اهمیت تقوا / پرهیزکاری بالاترین درجه نیست»

صاحبش زن! من مأمور بازرسی حجاب اعمال هستم. هر عملی که بین آن و خدا حجابی باشد و در آن انگیزه غیر خدا باشد، برمی گردانم. صاحب این عمل منظورش از این عمل، این بود که با این عمل ارتقای مقامی در نظر فرماندهان به دست آورد و نام بلندی در مجالس و محافل کسب کند و شهره‌ی آفاق گردد. پروردگار بزرگ به من دستور داده هر عملی که خالص برای او نباشد، بازگردانم و مانع از عبور آن شوم». آنگاه ملائکه، عمل بنده را از قبیل اخلاق نیک و سکوت و ذکر فراوان با کمال خوشحالی بالا می‌برند و تمام ملائکه هفت آسمان در مشایعت آن عمل هستند و مراحل هفتگانه را می‌پیمایند تا به حریم خداوندی رسیده و همگی آن‌ها به اعمال صالحه و دعا و مناجات این شخص گواهی می‌دهند، ولی خداوند متعال می‌فرماید: «ملائکه من! شما فقط حافظ و نگهبان عمل هستید، ولی من به اعماق دل او و خاطرات و نیات پنهان او آگاه و مراقبم. در این عمل، هدف حقیقی او من نبوده‌ام. لعنت من بر این شخص باد!» ملائکه هم می‌گویند: «خدایا! لعنت تو و لعنت ما بر او باد».

الفصل الثالث: موانع التقوى و عوامل فسادها

٣-١- البهيمة

﴿١٩٢١﴾ الباقر عليه السلام: إِنَّ طَبَائِعَ النَّاسِ كُلَّهَا مُرَكَّبَةٌ عَلَى الشَّهْوَةِ وَالرَّغْبَةِ وَالْحِرْصِ وَالرَّهْبَةِ وَالْغَضَبِ وَاللَّذَّةِ إِلَّا أَنَّ فِي النَّاسِ مَنْ زَمَّ هَذِهِ الْخِلَالَ بِالتَّقْوَى وَالْحَيَاءِ وَالْأَنْفِ فَإِذَا دَعَتْكَ نَفْسُكَ إِلَى كَبِيرَةٍ مِنَ الْأَمْرِ فَارْمِ بِبَصَرِكَ إِلَى السَّمَاءِ فَإِنْ لَمْ تَخَفْ مِنْ فِيهَا فَانْظُرْ إِلَى مَنْ فِي الْأَرْضِ لَعَلَّكَ أَنْ تَسْتَحْيِيَ مِمَّنْ فِيهَا فَإِنْ كُنْتَ لَا مِمَّنْ فِي السَّمَاءِ تَخَافُ وَلَا مِمَّنْ فِي الْأَرْضِ تَسْتَحْيِ فَعُدَّ نَفْسُكَ فِي الْبَهَائِمِ؛ مستدرک الوسائل، ج ١١، ص ٢١٢

٣-٢- اللسان

﴿١٩٢٢﴾ الرسول عليه السلام: لَا يَتَّقِي الْعَبْدُ حَتَّى يَخْزَنَ مِنْ لِسَانِهِ؛ مجموعة ورام، ج ١، ص ٥
﴿١٩٢٣﴾ الرسول عليه السلام: إِنَّ عَلَى لِسَانِ كُلِّ قَائِلٍ رَقِيبًا فَلْيَتَّقِ اللَّهَ الْعَبْدُ وَلْيَنْظُرْ مَا يَقُولُ؛ وسائل الشريعة، ج ١٢، ص ١٩٥

﴿١٩٢٤﴾ الرسول عليه السلام: قَالَ فَمَا أَتَقَى؟ فَأَوْمَأَ بِيَدِهِ إِلَى لِسَانِهِ؛ شرح نهج البلاغة، ج ١٠، ص ١٣٦

٣-٣- مخالطة الناس و أبناء الدنيا

٣-٣-١- مخالطة الناس

﴿١٩٢٥﴾ أمير المؤمنين عليه السلام: مَنْ خَالَطَ النَّاسَ قَلَّ وَرَعُهُ؛ غرر الحكم، ص ٤٣٣

٣-٣-٢- مخالطة أبناء الدنيا

﴿١٩٢٦﴾ أمير المؤمنين عليه السلام: خُلُطَةُ أَبْنَاءِ الدُّنْيَا رَأْسُ الْبُلُوَى وَفَسَادُ التَّقْوَى؛ غرر الحكم، ص ١٣٧

٣-٤- التذلل لأبناء الدنيا و إيثار السلطان على الله

فصل ۳: موانع پرهیزکاری و عوامل از بین رفتن آن

۳-۱- حیوانیت

﴿۱۹۲۱﴾ طبع مردم ترکیبی از شهوت و میل و حرص و ترس و غضب و لذت است مگر آنکه شخصی در این میان با تقوا و حیا و بزرگ منشی بر آن مهار بزند. هرگاه نفست تو را به گناهی کبیره دعوت کرد، به آسمان نگاه کن؛ اگر از آن که در آسمان است ترسیدی، به اهل زمین نظر کن تا شاید از آنان حیا کنی، اما اگر نه از آن که در آسمان هاست ترسیدی و نه از آنان که در زمین اند حیا کردی، نفس خودت را یکی از چهارپایان به شمار بیاور.

۳-۲- زبان

﴿۱۹۲۲﴾ بنده تا زمانی که زبانش را نگه ندارد، به تقوا دست نمی یابد.
﴿۱۹۲۳﴾ خداوند مراقب زبان هر گوینده ای است. بنده باید از خدا بترسد و بنگرد که چه می گوید.
﴿۱۹۲۴﴾ یکی از اصحاب عرض کرد: «از چه چیزی باید پرهیز کنم [که ایمانم در امان باشد]؟». حضرت با دست مبارکش به زبانش اشاره کرد [که از گناهان زبان پرهیز کنید].

۳-۳- حشر و نشر با مردم و نیازدگان

۳-۳-۱- حشر و نشر با مردم

﴿۱۹۲۵﴾ کسی که بسیار در میان مردم باشد، ورعش کم می شود.

۳-۳-۲- حشر و نشر با نیازدگان

﴿۱۹۲۶﴾ معاشرت با نیازدوستان، سرمنشأ هر بلا و موجب فساد تقواست.

۳-۴- اظهار ذلت نزد نیازدگان و ترجیح دادن حاکم بر خدا

﴿مَوَانِعُ التَّقْوَى وَ عَوَامِلُ فَسَادِهَا / قِلَّةُ الْحَيَاءِ ...﴾

١-٣-٤- التَّذَلُّلُ لِأَبْنَاءِ الدُّنْيَا

﴿١٩٢٧﴾ أمير المؤمنين عليه السلام: مَنْ تَذَلَّلَ لِأَبْنَاءِ الدُّنْيَا تَعَرَّى مِنْ لِبَاسِ التَّقْوَى؛ غرر الحكم، ص ٢٦٣

٢-٣-٤- إِثَارُ السُّلْطَانِ عَلَى اللَّهِ

﴿١٩٢٨﴾ الرسول صلى الله عليه وآله: إِيَّاكُمْ وَأَبْوَابَ السُّلْطَانِ وَ حَوَاشِيَهَا وَ أَبْعَدَكُمْ مِنَ اللَّهِ تَعَالَى مَنْ آثَرَ سُلْطَانًا عَلَى اللَّهِ تَعَالَى وَ مَنْ آثَرَ سُلْطَانًا عَلَى اللَّهِ تَعَالَى جَعَلَ اللَّهُ فِي قَلْبِهِ الْإِثْمَ ظَاهِرَةً وَ بَاطِنَةً وَ أَذْهَبَ عَنْهُ الْوَرَعَ وَ جَعَلَهُ حَيْرَانًا؛ بحار الأنوار، ج ٧٢، ص ٣٨٠

٥-٣- قِلَّةُ الْحَيَاءِ وَ عَدَمُ الْإِتِّقَاءِ مِنْ وَجْهِ النَّاسِ

١-٣-٥- قِلَّةُ الْحَيَاءِ

﴿١٩٢٩﴾ أمير المؤمنين عليه السلام: مَنْ قَلَّ حَيَاؤُهُ قَلَّ وَرَعُهُ وَ مَنْ قَلَّ وَرَعُهُ مَاتَ قَلْبُهُ وَ مَنْ مَاتَ قَلْبُهُ دَخَلَ النَّارَ؛ نهج البلاغة، ص ٥٣٦

٢-٣-٥- عَدَمُ الْإِتِّقَاءِ مِنْ وَجْهِ النَّاسِ

﴿١٩٣٠﴾ العسكري عليه السلام: مَنْ لَمْ يَتَّقِ وَجْهَ النَّاسِ لَمْ يَتَّقِ اللَّهَ؛ بحار الأنوار، ج ٦٨، ص ٣٣٦

٦-٣- الذَّنْبُ وَ قِلَّةُ الْمُحَافَظَةِ وَ تَرْكُ التَّهَافُوتِ بِشُكْرِ نِعْمَةِ اللَّهِ

﴿١٩٣١﴾ الباقر عليه السلام: مَا عَاشَ قَوْمٌ قَطُّ فِي غَضَارَةٍ مِنْ كَرَامَةِ نِعَمِ اللَّهِ فِي مَعَاشِ دُنْيَا وَ لَا دَائِمِ تَقْوَى فِي طَاعَةِ اللَّهِ وَ الشُّكْرِ لِنِعْمِهِ فَآزَالَ ذَلِكَ عَنْهُمْ إِلَّا مِنْ بَعْدِ تَغْيِيرٍ مِنْ أَنْفُسِهِمْ وَ تَحْوِيلٍ عَنْ طَاعَةِ اللَّهِ وَ الْحَادِثِ مِنْ ذُنُوبِهِمْ وَ قِلَّةِ مُحَافَظَةِ وَ تَرْكِ مُرَاقَبَةِ اللَّهِ جَلَّ وَ عَزَّ وَ تَهَافُوتِ بِشُكْرِ نِعْمَةِ اللَّهِ لِأَنَّ اللَّهَ عَزَّ وَ جَلَّ يَقُولُ فِي مُحْكَمِ كِتَابِهِ إِنَّ اللَّهَ لَا يُغَيِّرُ مَا بِقَوْمٍ حَتَّى يُغَيِّرُوا مَا بِأَنْفُسِهِمْ؛ الكافي، ج ٨، ص ٢٥٦

٧-٣- الْوَلَكُ بِالْدُّنْيَا وَ غَلَبَةُ الشَّهْوَةِ

١-٣-٧- الْوَلَكُ بِالْدُّنْيَا

﴿١٩٣٢﴾ أمير المؤمنين عليه السلام: حَرَامٌ عَلَى [كُلِّ] قَلْبٍ مُتَوَكِّلٍ بِالدُّنْيَا أَنْ يَسْكُنَهُ التَّقْوَى؛ غرر الحكم، ص ١٢٢

﴿١٩٣٣﴾ الأئمة عليهم السلام: حَرَامٌ عَلَى كُلِّ قَلْبٍ مُتَوَكِّلٍ بِالشَّهَوَاتِ أَنْ يَسْكُنَهُ الْوَرَعَ؛ مجموعة ورام، ج ٢، ص ١٢١

﴿موانع پرهیزکاری و عوامل از بین رفتن آن / کم حیایی...﴾

۱-۴-۳- اظهار ذلت نزد دنیا زدگان

﴿۱۹۲۷﴾ هرکس در برابر دنیا پرستان، ذلیل و خاشع باشد؛ لباس تقوا از تنش بیرون خواهد شد.

۲-۴-۳- ترجیح دادن حاکم بر خدا

﴿۱۹۲۸﴾ بهره‌یزید از در خانه‌های سلطان و اطرافیان؛ دورترین شما از خدا، آن کسی است که سلطانی را بر خدای تعالی برمی‌گزیند، که خدا در برون و درون دلش گناهی می‌گذارد و ورع را از آن می‌برد و او را سرگردان می‌کند.

۵-۳- کم حیایی و بی‌پروایی از روی مردم

۱-۵-۳- کم حیایی

﴿۱۹۲۹﴾ هرکس حیایش اندک است پرهیزکاری‌اش اندک است، هرکس پرهیزکاری‌اش کم باشد دلش می‌میرد، و هرکس دلش بمیرد به دوزخ می‌رود.

۲-۵-۳- بی‌پروایی از روی مردم

﴿۱۹۳۰﴾ کسی که از مردم نپرهیزد و حیا نکند، تقوای خداوند را ندارد.

۶-۳- گناه و عدم مراقبت و کم‌اهمیت دادن به شکر نعمت پروردگار

﴿۱۹۳۱﴾ به خدا سوگند هیچ‌گاه مردمی در خرمی نعمت‌های خداوندی و نه در پرهیزکاری دایمی که در انجام طاعت خدا و شکر نعمت‌های او زندگی خویش را سپری کرده باشند، از نعمت‌های خداوند بی‌بهره نمی‌شوند؛ مگر پس از آنکه خودشان آن را دگرگون ساخته و از فرمانبری حق روی بر تافته‌اند و در به جا آوردن شکر نعمت خدا سستی ورزیده‌اند، چراکه خداوند عزّ و جلّ در کتاب استوار خود فرموده است: «خداوند سرنوشت هیچ قوم [و ملّتی] را تغییر نمی‌دهد مگر آنکه آنان آنچه را در خودشان است تغییر دهند!».

۷-۳- شیفتگی به دنیا و غلبه‌ی شهوت

۱-۷-۳- شیفتگی به دنیا

﴿۱۹۳۲﴾ حرام است تقوا ساکن قلبی شود که مشغول دنیا است.

﴿۱۹۳۳﴾ بر قلبی که مشغول به شهوت‌هاست، حرام است که ورع ساکن آن شود.

﴿مَوَانِعُ التَّقْوَى وَ عَوَامِلُ فُسَادِهَا / الشَّرَّةُ، الطَّمَعُ وَ...﴾

٢-٧-٣- غَلَبَةُ الشَّهْوَةِ

﴿١٩٣٤﴾ أمير المؤمنين عليه السلام: لَا تُفْسِدُ التَّقْوَى إِلَّا غَلَبَةُ الشَّهْوَةِ؛ مستدرک الوسائل، ج ١١، ص ٣٤٥

٨-٣- الشَّرَّةُ، الطَّمَعُ، الشَّيْعُ، قِلَّةُ الْقَنَاعَةِ

١-٨-٣- قِلَّةُ الْقَنَاعَةِ

﴿١٩٣٥﴾ أمير المؤمنين عليه السلام: آفَةُ الْوَرَعِ قِلَّةُ الْقَنَاعَةِ؛ غرر الحكم، ص ٢٧٤

٢-٨-٣- الشَّرَّةُ

﴿١٩٣٦﴾ أمير المؤمنين عليه السلام: إِيَّاكَ وَ الشَّرَّةَ فَإِنَّهُ يُفْسِدُ الْوَرَعَ وَيُدْخِلُ النَّارَ؛ غرر الحكم، ص ٢٩٦

٣-٨-٣- الطَّمَعُ

﴿١٩٣٧﴾ أمير المؤمنين عليه السلام: عِمَادُ الدِّينِ الْوَرَعُ وَ فَسَادُهُ الطَّمَعُ؛ بحار الأنوار، ج ٧٥، ص ٨٩

﴿١٩٣٨﴾ أمير المؤمنين عليه السلام: يَسِيرُ الطَّمَعُ يُفْسِدُ كَثِيرَ الْوَرَعِ؛ غرر الحكم، ص ٢٩٩

﴿١٩٣٩﴾ أمير المؤمنين عليه السلام: مَنْ لَزِمَ الطَّمَعَ عَدِمَ الْوَرَعَ؛ غرر الحكم، ص ٢٩٧

﴿١٩٤٠﴾ أمير المؤمنين عليه السلام: كَثَرَةُ الطَّمَعِ غُنَوَانُ قِلَّةِ الْوَرَعِ؛ غرر الحكم، ص ٢٩٧

﴿١٩٤١﴾ أمير المؤمنين عليه السلام: قَلِيلُ الطَّمَعِ يُفْسِدُ كَثِيرَ الْوَرَعِ؛ مستدرک الوسائل، ج ١٢، ص ٧١

﴿١٩٤٢﴾ أمير المؤمنين عليه السلام: كَيْفَ يَمْلِكُ الْوَرَعَ مَنْ يَمْلِكُهُ الطَّمَعُ؛ مستدرک الوسائل، ج ١٢، ص ٧١

﴿١٩٤٣﴾ أمير المؤمنين عليه السلام: سَبَبُ فُسَادِ الْوَرَعِ الطَّمَعُ؛ مستدرک الوسائل، ج ١٢، ص ٧١

٤-٨-٣- الشَّيْعُ

﴿١٩٤٤﴾ أمير المؤمنين عليه السلام: الشَّيْعُ يُفْسِدُ الْوَرَعَ؛ غرر الحكم، ص ٣٦٠

﴿١٩٤٥﴾ أمير المؤمنين عليه السلام: بُسْ قَرِينُ الْوَرَعِ الشَّيْعُ؛ مستدرک الوسائل، ج ١٦، ص ٢٢١

﴿١٩٤٦﴾ أمير المؤمنين عليه السلام: الشَّيْعُ يُورِثُ الْأَشْرَ وَ يُفْسِدُ الْوَرَعَ؛ مستدرک الوسائل، ج ١٦، ص ٢٢١

٩-٣- الظُّلْمُ وَ الْفَسَادُ وَ الْعِزَّةُ وَ الْخُصُومَةُ وَ اللَّدُّودُ

١-٩-٣- الظُّلْمُ

﴿١٩٤٧﴾ الرضا عليه السلام: اللَّهُمَّ إِنَّ ظُلْمَ عِبَادِكَ قَدْ تَمَكَّنَ فِي بِلَادِكَ حَتَّى أَمَاتَ الْعَدْلَ وَقَطَعَ

السُّبُلَ وَ مَحَقَّ الْحَقَّ وَ أَبْطَلَ الصِّدْقَ وَ أَخْفَى الْبِرَّ وَ أَظْهَرَ الشَّرَّ وَ أَهْمَلَ التَّقْوَى وَ أَزَالَ الْهُدَى وَ

أَزَاحَ الْخَيْرَ؛ بحار الأنوار، ج ٩١، ص ١١٨

﴿موانع پرهیزکاری و عوامل از بین رفتن آن / حرص و طمع و...﴾

۲-۷-۳- غلبه‌ی شهوت

﴿۱۹۳۴﴾ تنها چیزی که تقوا را فاسد می‌کند، برتری دادن به شهوت‌ها است.

۸-۳- حرص و طمع و شکم‌بارگی، کمی قناعت

۱-۸-۳- کمی قناعت

﴿۱۹۳۵﴾ کمبود قناعت، آفت ورع است.

۲-۸-۳- حرص و طمع

﴿۱۹۳۶﴾ مبدا گرفتار حرص شوی که موجب فساد ورع و موجب ورود به جهنم است.

۳-۸-۳- طمع

﴿۱۹۳۷﴾ ستون دین ورع و اسباب نابودی آن طمع‌ورزیدن است.

﴿۱۹۳۸﴾ مقدار کمی از طمع می‌تواند ورع بسیار را نابود و فاسد کند.

﴿۱۹۳۹﴾ کسی که طمع کار است، ورع ندارد.

﴿۱۹۴۰﴾ اندکی طمع [در وجود شخص] گواه کم‌بودن ورع است.

﴿۱۹۴۱﴾ مقدار کمی از طمع می‌تواند ورع بسیار را نابود و فاسد کند.

﴿۱۹۴۲﴾ کسی که طمع بر او حاکم است، چگونه می‌تواند صاحب ورع باشد.

﴿۱۹۴۳﴾ طمع سبب فساد ورع است.

۴-۸-۳- شکم‌بارگی

﴿۱۹۴۴﴾ شکم پر، ورع را فاسد می‌کند.

﴿۱۹۴۵﴾ شکم پر، بد رفیقی برای ورع است.

﴿۱۹۴۶﴾ شکم پر شرّ به ارث می‌گذارد و ورع را فاسد می‌کند.

۹-۳- ظلم، فساد، برتری طلبی، دشمنی

۱-۹-۳- ظلم

﴿۱۹۴۷﴾ خداوند! همانا ظلم بندگان در سرزمین‌های تو پابرجا شد تا آنکه عدالت مرده و

راه‌ها بریده شده و حق نابود شده و راستی از بین رفته و نیک‌رفتاری پنهان شده و بدی آشکار

گشته و پرهیزکاری مورد غفلت واقع شده و هدایت نابود گشته و خیر از میان رفته است.

﴿مَوَانِعُ التَّقْوَى وَ عَوَامِلُ فَسَادِهَا / الْفُسَادُ وَالْعِزَّةُ وَالْخُصُومَةُ﴾

٢-٩-٣- الفسادُ

﴿١٩٤٨﴾ وَمِنَ النَّاسِ مَن يُعْجِبُكَ قَوْلُهُ فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَيُشْهَدُ اللَّهُ عَلَى مَا فِي قَلْبِهِ وَهُوَ أَلَدُّ الْخِصَامِ* وَإِذَا تَوَلَّى سَعَى فِي الْأَرْضِ لِيُفْسِدَ فِيهَا وَيُهْلِكَ الْحَرْثَ وَالنَّسْلَ وَاللَّهُ لَا يُحِبُّ الْفُسَادَ* وَإِذَا قِيلَ لَهُ اتَّقِ اللَّهَ أَخَذَتْهُ الْعِزَّةُ بِالْإِثْمِ فَحَسْبُهُ جَهَنَّمُ وَلَبِئْسَ الْمِهَادُ؛ البقره ٢٠٤-٢٠٦

٣-٩-٣- العِزَّةُ

﴿١٩٤٩﴾ وَمِنَ النَّاسِ مَن يُعْجِبُكَ قَوْلُهُ فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَيُشْهَدُ اللَّهُ عَلَى مَا فِي قَلْبِهِ وَهُوَ أَلَدُّ الْخِصَامِ* وَإِذَا تَوَلَّى سَعَى فِي الْأَرْضِ لِيُفْسِدَ فِيهَا وَيُهْلِكَ الْحَرْثَ وَالنَّسْلَ وَاللَّهُ لَا يُحِبُّ الْفُسَادَ* وَإِذَا قِيلَ لَهُ اتَّقِ اللَّهَ أَخَذَتْهُ الْعِزَّةُ بِالْإِثْمِ فَحَسْبُهُ جَهَنَّمُ وَلَبِئْسَ الْمِهَادُ؛ البقره ٢٠٤-٢٠٦

﴿١٩٥٠﴾ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عليه السلام: فَأَمَّا أَمْرُكَ لِي بِالتَّقْوَى فَأَرْجُو أَنْ أَكُونَ مِنْ أَهْلِهَا وَاسْتَعِذْ بِاللَّهِ مِنْ أَنْ أَكُونَ مِنَ الَّذِينَ إِذَا أُمِرُوا بِهَا أَخَذْتَهُمْ الْعِزَّةُ بِالْإِثْمِ؛ بحار الأنوار، ج ٣٣، ص ٨٠

٣-٩-٤- الخصومةُ

﴿١٩٥١﴾ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عليه السلام: مَنْ بَالَعَ فِي الْخُصُومَةِ آثِمَ وَمَنْ قَصَرَ فِيهَا ظَلِمَ وَلَا يَسْتَطِيعُ أَنْ يَتَّقِيَ اللَّهَ مَنْ خَاصَمَ؛ مستدرک الوسائل، ج ٩، ص ٧٦

٥-٩-٣- اللدودُ

﴿١٩٥٢﴾ وَمِنَ النَّاسِ مَن يُعْجِبُكَ قَوْلُهُ فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَيُشْهَدُ اللَّهُ عَلَى مَا فِي قَلْبِهِ وَهُوَ أَلَدُّ الْخِصَامِ* وَإِذَا تَوَلَّى سَعَى فِي الْأَرْضِ لِيُفْسِدَ فِيهَا وَيُهْلِكَ الْحَرْثَ وَالنَّسْلَ وَاللَّهُ لَا يُحِبُّ الْفُسَادَ* وَإِذَا قِيلَ لَهُ اتَّقِ اللَّهَ أَخَذَتْهُ الْعِزَّةُ بِالْإِثْمِ فَحَسْبُهُ جَهَنَّمُ وَلَبِئْسَ الْمِهَادُ؛ البقره ٢٠٤-٢٠٦

﴿موانع پرهیزکاری و عوامل ازبین رفتن آن / فساد، برتری طلبی، دشمنی﴾

۲-۹-۳- فساد

﴿۱۹۴۸﴾ و از مردم، کسانی هستند که گفتار آنان، در زندگی دنیا مایه‌ی اعجاب تو می‌شود (در ظاهر، اظهار محبت شدید می‌کنند) و خدا را بر آنچه در دل دارند گواه می‌گیرند. (این در حالی است که) آنان، سرسخت‌ترین دشمنانند. هنگامی که روی برمی‌گردانند، در راه فساد در زمین، کوشش می‌کنند، و زراعت‌ها و چهارپایان را نابود می‌سازند (با اینکه می‌دانند) خدا فساد را دوست نمی‌دارد. و هنگامی که به آن‌ها گفته شود: «از خدا بترسید!» (لجاجت آنان بیشتر می‌شود)، و لجاجت و تعصب، آن‌ها را به گناه می‌کشاند. آتش دوزخ برای آنان کافی است و چه بد جایگاهی است!

۳-۹-۳- گردنکشی

﴿۱۹۴۹﴾ و از مردم، کسانی هستند که گفتار آنان، در زندگی دنیا مایه‌ی اعجاب تو می‌شود (در ظاهر، اظهار محبت شدید می‌کنند) و خدا را بر آنچه در دل دارند گواه می‌گیرند. (این در حالی است که) آنان، سرسخت‌ترین دشمنانند. (نشانه‌ی آن، این است که) هنگامی که روی برمی‌گردانند (و از نزد تو خارج می‌شوند)، در راه فساد در زمین، کوشش می‌کنند، و زراعت‌ها و چهارپایان را نابود می‌سازند (با اینکه می‌دانند) خدا فساد را دوست نمی‌دارد. و هنگامی که به آن‌ها گفته شود: «از خدا بترسید!» (لجاجت آنان بیشتر می‌شود)، و لجاجت و تعصب، آن‌ها را به گناه می‌کشاند. آتش دوزخ برای آنان کافی است و چه بد جایگاهی است!

﴿۱۹۵۰﴾ [در جواب نامه‌ی معاویه:] اما در خصوص اینکه مرا به تقوا امر کردی، امید دارم که از اهل آن باشم و از اینکه از جمله کسانی باشم که هرگاه به آن امر می‌شود عزت آنان را به گناه می‌کشاند، به خدا پناه می‌برم.

۴-۹-۳- گردنکشی

﴿۱۹۵۱﴾ کسی که در دشمنی زیاده‌روی کند گناهکار، و آن که در آن کوتاهی کند ستمکار است، و هر کس که دشمنی می‌کند نمی‌تواند با تقوا باشد.

۵-۹-۳- دشمنی

﴿۱۹۵۲﴾ و از مردم، کسانی هستند که گفتار آنان، در زندگی دنیا مایه‌ی اعجاب تو می‌شود (در ظاهر، اظهار محبت شدید می‌کنند) و خدا را بر آنچه در دل دارند گواه می‌گیرند. (این در حالی است که) آنان، سرسخت‌ترین دشمنانند. (نشانه‌ی آن، این است که) هنگامی که روی برمی‌گردانند (و از نزد تو خارج می‌شوند)، در راه فساد در زمین، کوشش می‌کنند، و زراعت‌ها و چهارپایان را نابود می‌سازند (با اینکه می‌دانند) خدا فساد را دوست نمی‌دارد. و هنگامی که به آن‌ها گفته شود: «از خدا بترسید!» (لجاجت آنان بیشتر می‌شود)، و لجاجت و تعصب، آن‌ها را به گناه می‌کشاند. آتش دوزخ برای آنان کافی است و چه بد جایگاهی است!

الفصل الرابع: طريق إكتساب التقوى، حفظه و إزدياده في النفس و في الآخرين و طريق النيل بثواب أعمال المتقين

٤-١- طريق إكتساب التقوى، حفظه و إزدياده

٤-١-١- من قبل الله

٤-١-١-١- التأييد

﴿١٩٥٣﴾ الصادق عليه السلام: وَأَمَّا مَنْ عَصَمَهُ اللَّهُ بِنُورِ التَّائِيدِ وَ حُسْنِ التَّوْفِيقِ فَطَهَّرَ قَلْبَهُ مِنْ الدَّنَسِ فَلَا يُفَارِقُ الْمَعْرِفَةَ وَ التَّقَى؛ مستدرک الوسائل، ج ١٢، ص ٢٠٣

﴿١٩٥٤﴾ المهدي عليه السلام: أَسْأَلُكَ بِاسْمِكَ الَّذِي دَعَاكَ بِهِ عَبْدُكَ وَ نَبِيُّكَ صَلَاحُ عَلَيْهِ السَّلَامُ فَنَجَّيْتَهُ مِنَ الْخَسَفِ وَ أَغْلَيْتَهُ عَلَى عَدُوِّهِ وَ اسْتَجَبْتَ دُعَاءَهُ وَ كُنْتَ مِنْهُ قَرِيبًا يَا قَرِيبُ أَنْ تُصَلِّيَ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَ أَنْ تُخَلِّصَنِي مِنْ شَرِّ مَا يُرِيدُ بِي أَعْدَائِي بِهِ وَ يَبْعِي لِي حُسَادِي وَ تَكْفِينِيهِمْ بِكَفَايَتِكَ وَ تَتَوَلَّانِي بِوَلَايَتِكَ وَ تَهْدِي قَلْبِي بِهَدَاكَ وَ تُؤَيِّدُنِي بِتَقْوَاكَ؛ بحار الأنوار، ج ٩٢، ص ٢٦٨

﴿١٩٥٥﴾ السجاد عليه السلام: أَنْتَ سَهَّلْتَ لَهُمُ السَّبِيلَ حَتَّى وَصَلُوا وَ أَنْتَ أَيْدَيْتَهُمْ بِالتَّقْوَى حَتَّى

عَمِلُوا؛ بحار الأنوار، ج ٩١، ص ١٦٩

٤-١-١-٢- التبيين

﴿١٩٥٦﴾ وَ مَا كَانَ اللَّهُ لِيُضِلَّ قَوْمًا بَعْدَ إِذْ هَدَاهُمْ حَتَّى يُبَيِّنَ لَهُمْ مَا يَتَّقُونَ إِنَّ اللَّهَ بِكُلِّ شَيْءٍ

عَلِيمٌ؛ التوبة ١١٥

﴿١٩٥٧﴾ الصادق عليه السلام: فِي قَوْلِ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ وَ مَا كَانَ اللَّهُ لِيُضِلَّ قَوْمًا بَعْدَ إِذْ هَدَاهُمْ حَتَّى

يُبَيِّنَ لَهُمْ مَا يَتَّقُونَ قَالَ حَتَّى يُعَرِّفَهُمْ مَا يُرْضِيهِ وَ مَا يُسْخِطُهُ؛ الكافي، ج ١، ص ١٦٣

فصل ۴: راه کسب، نگهداری و افزایش پرهیزکاری در خود و دیگران و راه رسیدن به پاداش پرهیزکاران

۴-۱- راه‌های کسب، نگهداری و افزایش پرهیزکاری

۴-۱-۱- از جانب خداوند

۴-۱-۱-۱- تأیید

﴿۱۹۵۳﴾ کسی که خداوند او را با نور تائید خود در پناه گیرد و حسن توفیق عطا کند، قلبش را از آلودگی‌ها پاک خواهد کرد و هیچ‌گاه از شناخت و تقوا دور نمی‌شود.
﴿۱۹۵۴﴾ از تو می‌خواهم به نام تو که بنده تو و پیغمبر تو صالح عليه السلام تو را به آن خواند پس او را از فرو رفتن نجات دادی و او را بر دشمنش غالب گردانیدی و حاجت او را برآوردی و تو به او نزدیک بودی ای نزدیک که رحمت فرستی بر محمد و آل محمد و مرا رها نمایی از شر آنچه دشمنان من آن را قصد می‌کنند و آنچه رشک برندگان من برای من می‌خواهند و اینکه مرا نگاه داری از شر ایشان به نگاهداشتن خود و مرا به دوست‌داشتن خود دوست داری و دل مرا به راه نمودن خود راهنمایی کنی و مرا به پرهیزکاری از جانب خود توفیق دهی.
﴿۱۹۵۵﴾ تو راه را برای آن‌ها آسان نمودی تا جایی که به تو رسیدند و چنان با تقوا آنان را ثابت‌قدم نمودی که عمل کردند.

۴-۱-۱-۲- روشنگری

﴿۱۹۵۶﴾ چنان نبود که خداوند قومی را، پس از آن که آن‌ها را هدایت کرد (و ایمان آوردند) گمراه (و مجازات) کند مگر آنکه اموری را که باید از آن بپرهیزند، برای آنان بیان نماید (و آن‌ها مخالفت کنند) زیرا خداوند به هر چیزی داناست!
﴿۱۹۵۷﴾ در مورد سخن خدای بلندمرتبه: «چنان نبود که خداوند قومی را، پس از آن که آن‌ها را هدایت کرد [و ایمان آوردند] گمراه [و مجازات] کند مگر آنکه اموری را که باید از آن بپرهیزند، برای آنان بیان نماید»؛ فرمود: «اینکه به ایشان آنچه او را خشنود گرداند و آنچه او را به خشم آورد، بشناساند».

﴿طَرِيقُ اكْتِسَابِ التَّقْوَى، حِفْظُهُ وَازْدِيادُهُ﴾

٣-١-١-٤- الإتيانُ

﴿١٩٥٨﴾ وَالَّذِينَ اهْتَدَوْا زَادَهُمْ هُدًى وَآتَاهُمْ تَقْوَاهُمْ؛ محمد ١٧

٤-١-١-٤- التحذيرُ

﴿١٩٥٩﴾ لَا يَتَّخِذِ الْمُؤْمِنُونَ الْكَافِرِينَ أَوْلِيَاءَ مِنْ دُونِ الْمُؤْمِنِينَ وَمَنْ يَفْعَلْ ذَلِكَ فَلَيْسَ مِنَ اللَّهِ

فِي شَيْءٍ إِلَّا أَنْ تَتَّقُوا مِنْهُمْ تُقَاةً وَيُحَذِّرُكُمُ اللَّهُ نَفْسَهُ وَإِلَى اللَّهِ الْمَصِيرُ؛ آل عمران ٢٨

٥-١-١-٤- الرَّحْمَةُ

﴿١٩٦٠﴾ الصَّادِقُ عليه السلام: جَعَلَنَا اللَّهُ مِنَ الْمُتَّقِينَ بِرَحْمَتِهِ؛ بحار الأنوار، ج ٢٤، ص ٢٨٦

٦-١-١-٤- العزمُ

﴿١٩٦١﴾ أمير المؤمنين عليه السلام: عَزَمَ اللَّهُ لَنَا وَ لَكَ عَلَى تَقْوَاهُ؛ بحار الأنوار، ج ٣٣، ص ٥٦٥

٧-١-١-٤- العِصْمَةُ

﴿١٩٦٢﴾ الصَّادِقُ عليه السلام: وَ أَمَّا مَنْ عَصَمَهُ اللَّهُ بِنُورِ التَّائِيدِ وَ حُسْنِ التَّوْفِيقِ فَطَهَّرَ قَلْبَهُ مِنْ

الدَّنَسِ فَلَا يُفَارِقُ الْمَعْرِفَةَ وَ التَّقَى؛ مستدرک الوسائل، ج ١٢، ص ٢٠٣

٨-١-١-٤- الْعَوْنُ

﴿١٩٦٣﴾ أمير المؤمنين عليه السلام: رَبِّ... إِنْ لَمْ نُعْنِ عَلَى دُنْيَايَ بِزُهْدٍ وَ عَلَى آخِرَتِي بِتَقْوَى هَلَكْتُ؛

مستدرک الوسائل، ج ١١، ص ١١٠

﴿١٩٦٤﴾ أمير المؤمنين عليه السلام: عِبَادَ اللَّهِ أَوْصِيكُمْ بِتَقْوَى اللَّهِ فَإِنَّهَا حَقُّ اللَّهِ عَلَيْكُمْ وَ الْمُوجِبَةُ

عَلَى اللَّهِ حَقَّكُمْ وَ أَنْ تَسْتَعِينُوا عَلَيْهِ بِاللَّهِ وَ تَسْتَعِينُوا بِهَا عَلَى اللَّهِ؛ نهج البلاغة، ص ٢٨٤

﴿١٩٦٥﴾ الرَّسُولُ ﷺ: فَسَأَلُ اللَّهُ لَنَا وَ لَكُمْ الْعَوْنَ عَلَى الزَّادِ بِالتَّقْوَى؛ أعلام الدين، ص ٢٢٥

﴿١٩٦٦﴾ الصَّادِقُ عليه السلام: اللَّهُمَّ أَعِنِّي عَلَى دِينِي بِالدُّنْيَا وَ عَلَى آخِرَتِي بِالتَّقْوَى؛ بحار الأنوار، ج ٩١،

ص ٣١٥

﴿١٩٦٧﴾ دعاء ليلة الإثنين: أَعِنِّي عَلَى نَفْسِي بَبَرٍّ وَ تَقْوَى؛ بحار الأنوار، ج ٨٧، ص ٢٩٢

﴿١٩٦٨﴾ السَّجَّادُ عليه السلام: فَاسْأَلُ اللَّهَ الْعَوْنَ لَنَا وَ لَكُمْ عَلَى تَزَوُّدِ التَّقْوَى وَ الزُّهْدِ فِيهَا؛ الكافي،

ج ٨، ص ٧٥

«راه‌های کسب، نگهداری و افزایش پرهیزکاری»

۳-۱-۱-۴-۱ اعطا

﴿۱۹۵۸﴾ کسانی که هدایت یافته‌اند، خداوند بر هدایتشان می‌افزاید و روح تقوا به آنان می‌بخشد!

۴-۱-۱-۴-۲ بر حذر داشتن

﴿۱۹۵۹﴾ افراد بالیمان نباید به جای مؤمنان، کافران را دوست و سرپرست خود انتخاب کنند و هرکس چنین کند، هیچ رابطه‌ای با خدا ندارد (و پیوند او به کلی از خدا گسسته می‌شود) مگر اینکه از آن‌ها پرهیزید (و به خاطر هدف‌های مهم‌تری تقیّه کنید). خداوند شما را از (نافرمانی) خود، بر حذر می‌دارد و بازگشت (شما) به سوی خداست.

۵-۱-۱-۴-۳ رحمت

﴿۱۹۶۰﴾ خدای تعالی ما را به لطف و رحمت خود از زمره‌ی پرهیزکاران قرار دهد.

۶-۱-۱-۴-۴ اراده

﴿۱۹۶۱﴾ خداوند برای ما و شما تقوا و هدایتش را عزم کند.

۷-۱-۱-۴-۵ حفظ

﴿۱۹۶۲﴾ کسی که خداوند او را با نور تائید خود در پناه گیرد و حسن توفیق عطا کند، قلبش را از آلودگی‌ها پاک خواهد کرد و هیچ‌گاه از شناخت و تقوا دور نمی‌شود.

۸-۱-۱-۴-۶ یاری

﴿۱۹۶۳﴾ پروردگارا! اگر تو به پارسایی در دنیا و پرهیزکاری در امور آخرت کمک ندهی، هلاک خواهیم شد.

﴿۱۹۶۴﴾ ای بندگان خدا! شما را به پرهیزکاری سفارش می‌کنم، که حقّ خداوند بر شماست، و نیز موجب حقّ شما بر پروردگار است. از خدا برای پرهیزکاری یاری بخواهید، و برای انجام دستورات خدا از تقوا یاری جویید.

﴿۱۹۶۵﴾ از خداوند می‌خواهیم که ما و شما را در کسب توشه‌ی تقوا یاری کند.

﴿۱۹۶۶﴾ خدایا! با امکانات دنیا مرا بر دینم و با تقوا بر آخرتم یاری کن.

﴿۱۹۶۷﴾ [دعای شب دوشنبه:] خدایا! در ستیز با نفسم به من با نیکی و تقوا کمک کن.

﴿۱۹۶۸﴾ از خداوند می‌خواهم که به ما و شما در توشه‌برداری تقوا و رعایت زهد در دنیا کمک

کند.

﴿طَرِيقُ اكْتِسَابِ التَّقْوَى، حِفْظُهُ وَازْدِيادُهُ﴾

٩-١-١-٤-الإلباسُ

﴿١٩٦٩﴾ الرَّسُولُ ﷺ: مَنْ عَزَى حَزِينًا أَلْبَسَهُ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ مِنْ لِبَاسِ التَّقْوَى؛

مستدرک الوسائل، ج ٢، ص ٣٤٨

١٠-١-١-٤-الإلزامُ

﴿١٩٧٠﴾ إِذْ جَعَلَ الَّذِينَ كَفَرُوا فِي قُلُوبِهِمُ الْحَمِيَّةَ الْحَمِيَّةَ الْجَاهِلِيَّةَ فَأَنْزَلَ اللَّهُ سَكِينَتَهُ عَلَى رَسُولِهِ وَعَلَى الْمُؤْمِنِينَ وَأَلْزَمَهُمْ كَلِمَةَ التَّقْوَى وَكَانُوا أَحَقَّ بِهَا وَأَهْلَهَا وَكَانَ اللَّهُ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمًا؛

الفتح ٢٦

١١-١-١-٤-الإلهامُ

﴿١٩٧١﴾ وَنَفْسٍ وَمَا سَوَّاهَا * فَأَلْهَمَهَا فُجُورَهَا وَتَقْوَاهَا؛ الشمس ٨-٧

﴿١٩٧٢﴾ الرَّسُولُ ﷺ: يَا فَاطِرَ تِلْكَ النُّفُوسِ وَمُلْهِمَهَا فُجُورَهَا وَتَقْوَاهَا؛ بحار الأنوار، ج ٩٢،

ص ٣٠٨

﴿١٩٧٣﴾ الْحَسَنِ ﷺ: اللَّهُمَّ بَيْنَ لَهَا هُدَاهَا وَآلْهَمَهَا تَقْوَاهَا؛ بحار الأنوار، ج ٨٨، ص ١٨٧

﴿١٩٧٤﴾ الصَّادِقَ ﷺ: فَأَلْهَمَهَا فُجُورَهَا وَتَقْوَاهَا قَالَ مَعْرِفَةُ الْحَقِّ مِنَ الْبَاطِلِ؛ بحار الأنوار، ج ٢٤،

ص ٧٢

﴿١٩٧٥﴾ الصَّادِقَ ﷺ: وَقَالَ فَأَلْهَمَهَا فُجُورَهَا وَتَقْوَاهَا قَالَ بَيْنَ لَهَا مَا تَأْتِي وَمَا تَنْتَرِكُ؛

الكافي، ج ١، ص ١٦٣

﴿١٩٧٦﴾ الْحَسَنَ ﷺ: عَصَمَنَا اللَّهُ وَإِيَّاكُمْ بِمَا عَصَمَ بِهِ أَوْلِيَاءَهُ وَأَهْلَ طَاعَتِهِ وَآلْهَمَنَا وَ

إِيَّاكُمْ تَقْوَاهُ؛ بحار الأنوار، ج ٣٢، ص ٨٨

﴿١٩٧٧﴾ السَّجَّادَ ﷺ: سَأَلْتُ رَبِّي ثَلَاثًا فَأَعْطَانِي، سَأَلْتُهُ أَنْ يَحِلَّ فِيَّ مَا حَلَّ فِي سَمِيِّ مِنْ قَبْلُ

فَفَعَلَ، وَأَنْ يَرِزَنِي الْعِبَادَةَ فَفَعَلَ، وَأَنْ يُلْهِمَنِي التَّقْوَى فَفَعَلَ؛ دلائل الإمامة، ص ٨٥

﴿١٩٧٨﴾ السَّجَّادَ ﷺ: اللَّهُمَّ وَأَنْطِقْنِي بِالْهُدَى، وَآلْهِمْنِي التَّقْوَى؛ الصحيفة السجادية ﷺ، الدعاء

٢٠

﴿١٩٧٩﴾ الدعاء عند استهلال شهر صفر: يَا فَاطِرَ تِلْكَ الْأَنْفُسِ أَنْفُسًا وَمُلْهِمَهَا فُجُورَهَا وَ

التَّقْوَى؛ بحار الأنوار، ج ٩٥، ص ٣٤٦

«راه‌های کسب، نگهداری و افزایش پرهیزکاری»

۹-۱-۱-۴- پوشاندن

﴿۱۹۶۹﴾ هرکس بر مصیبتی که او را محزون می‌کند صبر کند، خداوند متعال لباس تقوا بر تن او می‌پوشاند.

۱۰-۱-۱-۴- همراه کردن

﴿۱۹۷۰﴾ (به خاطر بیاورید) هنگامی را که کافران در دل‌های خود خشم و نخوت جاهلیت داشتند و (در مقابل)، خداوند آرامش و سکینه خود را بر فرستاده خویش و مؤمنان نازل فرمود و آن‌ها را به حقیقت تقوا ملزم ساخت، و آنان از هرکس شایسته‌تر و اهل آن بودند و خداوند به همه چیز دانا است.

۱۱-۱-۱-۴- الهام

﴿۱۹۷۱﴾ و قسم به جان آدمی و آن کس که آن را (آفریده و) منظم ساخته،* سپس فجور و تقوا (شرّ و خیرش) را به او الهام کرده است.

﴿۱۹۷۲﴾ ای آفریننده‌ی این جان‌ها! ای الهام‌کننده بدی‌ها و تقوا به آن‌ها.

﴿۱۹۷۳﴾ پروردگارا! هدایت نفسم را برایش آشکار نما و پرهیزکاری‌اش را به آن الهام کن.

﴿۱۹۷۴﴾ در مورد آیه‌ی «سپس فجور و تقوا (شرّ و خیرش) را به او الهام کرده است»؛ فرمود: شناخت حقیقت از باطل.

﴿۱۹۷۵﴾ درباره‌ی این سخن خداوند: «فَاللّٰهُمَّهَا فُجُورَهَا وَتَقْوَاهَا»؛ فرمود: یعنی کارهایی که باید انجام دهد و کارهایی که باید ترک کند را برایش بیان کرد.

﴿۱۹۷۶﴾ خداوند ما و شما را از لغزش‌ها به دور دارد همان‌گونه که اولیاء و اهل طاعتش را دور داشته است. خداوند به ما و شما تقوا الهام کند.

﴿۱۹۷۷﴾ از خداوند سه چیز خواستم که به من عطا فرمود؛ خواستم تا همان‌گونه که گره از کار بزرگواران قبل از من (پدرم و امامان پیش از او) برداشت، گره از کار من بگشاید که کرد و خواستم که عبادت را روزی من کند که کرد و خواستم که تقوا را به من الهام کند که کرد.

﴿۱۹۷۸﴾ بار خدایا! مرا به هدایت و راهنمایی [به دین حق] گویا فرما، و پرهیزکاری را به من الهام نما.

﴿۱۹۷۹﴾ [دعای استهلال ماه صفر:] ای آفریننده‌ی جان‌ها به صورت جان و الهام‌کننده‌ی بدی و تقوا به آن... .

﴿طَرِيقُ اكْتِسَابِ التَّقْوَى، حِفْظُهُ وَازْدِيادِهِ﴾

١٢-١-٤- الهداية

﴿١٩٨٠﴾ وَاتَّبِعُوا أَحْسَنَ مَا أُنْزِلَ إِلَيْكُمْ مِنْ رَبِّكُمْ مَنْ قَبْلَ أَنْ يَأْتِيَكُمُ الْعَذَابُ بَعَثْنَا أَنْتُمْ لَا تَشْعُرُونَ* أَنْ تَقُولَ نَفْسٌ يَا حَسْرَتَى عَلَى مَا فَرَّطْتُ فِي جَنْبِ اللَّهِ وَإِنْ كُنْتُ لَمِنَ السَّاجِرِينَ* أَوْ تَقُولَ لَوْ أَنَّ اللَّهَ هَدَانِي لَكُنْتُ مِنَ الْمُتَّقِينَ؛ الزمر ٥٧-٥٥

١٣-١-٤- التوفيق

﴿١٩٨١﴾ زياره الإمام الحسين عليه السلام: فَإِنَّ بِتَوْفِيقِكَ يَفُوزُ الْمُتَّقُونَ وَ يَتُوبُ التَّائِبُونَ وَ يَعْبُدُكَ

الْعَابِدُونَ؛ بحار الأنوار، ج ٩٨، ص ٣٤٢

١٤-١-٤- الوقاية

﴿١٩٨٢﴾ أمير المؤمنين عليه السلام: أَصْبَحْتُ عَبْدًا مَمْلُوكًا ظَالِمًا لِنَفْسِي لَكَ الْحُجَّةُ عَلَى وَ لَا حُجَّةَ

لِي لَا أَسْتَطِيعُ أَنْ آخِذًا إِلَّا مَا أُعْطِيتَنِي وَ لَا أَتَقَى إِلَّا مَا وَقَّيْتَنِي؛ بحار الأنوار، ج ٩١، ص ٢٢٦

١٥-١-٤- الإمتحان

﴿١٩٨٣﴾ دعاء اليوم الثالث والعشرين من شهر رمضان: اللَّهُمَّ اغْسِلْنِي فِيهِ مِنَ الذُّنُوبِ وَ طَهِّرْ نَفْسِي

فِيهِ مِنَ الْعُيُوبِ وَ اِمْتَحِنْ فِيهِ قَلْبِي لِتَقْوَى الْقُلُوبِ؛ إقبال الأعمال، ص ٢١٦

٢-١-٤- الإيمان واليقين

١-٢-٤- الإيمان

﴿١٩٨٤﴾ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ وَ قُولُوا قَوْلًا سَدِيدًا؛ الأحزاب ٧٠

﴿١٩٨٥﴾ وَكُلُوا مِمَّا رَزَقَكُمُ اللَّهُ حَلَالًا طَيِّبًا وَ اتَّقُوا اللَّهَ الَّذِي أَنْتُمْ بِهِ مُؤْمِنُونَ؛ المائدة ٨٨

﴿١٩٨٦﴾ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ وَ ذَرُوا مَا بَقِيَ مِنَ الرِّبَا إِن كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ؛ البقرة ٢٧٨

﴿١٩٨٧﴾ يَسْأَلُونَكَ عَنِ الْأَنْفَالِ قُلِ الْأَنْفَالُ لِلَّهِ وَ الرَّسُولِ فَاتَّقُوا اللَّهَ وَأَصْلِحُوا ذَاتَ بَيْنِكُمْ وَأَطِيعُوا

اللَّهَ وَرَسُولَهُ إِن كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ؛ الأنفال ١

﴿١٩٨٨﴾ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَتَّخِذُوا الَّذِينَ اتَّخَذُوا دِينَكُمْ هُزُوءًا وَلَعِبًا مِنَ الَّذِينَ أُوتُوا الْكِتَابَ

مِنْ قَبْلِكُمْ وَ الْكَفَّارَ أَوْلِيَاءَ وَ اتَّقُوا اللَّهَ إِن كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ؛ المائدة ٥٧

«راه‌های کسب، نگهداری و افزایش پرهیزکاری»

۱۲-۱-۱-۴- راه‌نمایی

﴿۱۹۸۰﴾ و از بهترین دستورهایی که از سوی پروردگارتان بر شما نازل شده پیروی کنید پیش از آنکه عذاب (الهی) ناگهان به سراغ شما آید در حالی که از آن خبر ندارید!﴾ (این دستورها برای آن است که) مبدا کسی روز قیامت بگوید: «افسوس بر من از کوتاهی‌هایی که در اطاعت فرمان خدا کردم و از مسخره‌کنندگان (آیات او) بودم!»* یا بگوید: «اگر خداوند مرا هدایت می‌کرد، از پرهیزکاران بودم!»

۱۳-۱-۱-۴- توفیق

﴿۱۹۸۱﴾ [زیارت امام حسین (علیه السلام):] فقط با توفیق تو پرهیزکاران کامیاب می‌شوند و توبه‌کنندگان توبه و عبادت‌کنندگان عبادت می‌کنند.

۱۴-۱-۱-۴- حفظ

﴿۱۹۸۲﴾ در حالی صبح کردم که بنده‌ای بی‌اختیار و بر نفس خود ستمکارم. خدایا! بر توست که مرا محکوم فرمایی. مرا عذر و بهانه‌ای نیست، و توانایی به‌دست‌آوردن سودی ندارم مگر آنچه تو به من ببخشی، و از بدی نمی‌توانم بپرهیزم مگر آنکه که تو مرا نگاه داری.

۱۵-۱-۱-۴- آزمون

﴿۱۹۸۳﴾ [دعای روز بیست و سوم ماه رمضان:] خدایا! گناهان مرا در این روز بشوی و مرا از عیب‌ها پاک بگردان و قلبم را برای تقوای قلب‌ها امتحان کن.

۲-۱-۱-۴- ایمان و یقین

۱-۲-۱-۴- ایمان

﴿۱۹۸۴﴾ ای کسانی که ایمان آورده‌اید! تقوای الهی پیشه کنید و سخن حق بگویید.
﴿۱۹۸۵﴾ و از نعمت‌های حلال و پاکیزه‌ای که خداوند به شما روزی داده است، بخورید! و از (مخالفت) خداوندی که به او ایمان دارید، بپرهیزید!
﴿۱۹۸۶﴾ ای کسانی که ایمان آورده‌اید! از (مخالفت فرمان) خدا بپرهیزید، و آنچه از (مطالبات) ربا باقی مانده، رها کنید اگر ایمان دارید!
﴿۱۹۸۷﴾ از تو درباره‌ی انفال [غنائم، و هر گونه مال بدون مالک مشخص] سؤال می‌کنند بگو: «انفال مخصوص خدا و پیامبر است پس، از (مخالفت فرمان) خدا بپرهیزید! و خصومت‌هایی را که در میان شماست، آشتی دهید! و خدا و پیامبرش را اطاعت کنید اگر ایمان دارید!
﴿۱۹۸۸﴾ ای کسانی که ایمان آورده‌اید! افرادی که آیین شما را به باد استهزاء و بازی می‌گیرند - از اهل کتاب و مشرکان - ولی خود انتخاب نکنید و از خدا بپرهیزید اگر ایمان دارید!

﴿طَرِيقُ اكْتِسَابِ التَّقْوَى، حِفْظُهُ وَازْدِيَادِهِ﴾

﴿١٩٨٩﴾ إِذْ قَالَ الْحَوَارِيُّونَ يَا عِيسَى ابْنَ مَرْيَمَ هَلْ يَسْتَطِيعُ رَبُّكَ أَنْ يُنْزِلَ عَلَيْنَا مَائِدَةً مِنَ السَّمَاءِ قَالَ اتَّقُوا اللَّهَ إِنَّ كُنُتُمْ مُؤْمِنِينَ؛ المائدة ١١٢

﴿١٩٩٠﴾ فَاتَّقُوا اللَّهَ يَا أُولِي الْأَلْبَابِ الَّذِينَ آمَنُوا قَدْ أَنْزَلَ اللَّهُ إِلَيْكُمْ ذِكْرًا؛ الطلاق ١٠

﴿١٩٩١﴾ الرَّسُولُ ﷺ: خَمْسٌ لَا يَجْتَمِعْنَ إِلَّا فِي مُؤْمِنٍ حَقًّا يُوجِبُ اللَّهُ لَهُ بِهِنَّ الْجَنَّةَ النُّورُ فِي الْقَلْبِ وَ الْفِقْهُ فِي الْإِسْلَامِ وَ الْوَرَعُ فِي الدِّينِ وَ الْمَوَدَّةُ فِي النَّاسِ وَ حُسْنُ السَّمْتِ فِي الْوَجْهِ؛
بحار الأنوار، ج ١، ص ٢١٩
٢-١-٢-٤- اليقين

﴿١٩٩٢﴾ أمير المؤمنين عليه السلام: التَّقْوَى ثَمَرَةُ الدِّينِ وَ أَمَارَةُ الْيَقِينِ؛ غرر الحكم، ص ٢٧١
٢-١-٣- الإِتِّبَاعُ وَ الْعُبُودِيَّةُ
١-٣-٤- إِتِّبَاعُ صِرَاطِ اللَّهِ

﴿١٩٩٣﴾ وَأَنَّ هَذَا صِرَاطِي مُسْتَقِيمًا فَاتَّبِعُوهُ وَلَا تَتَّبِعُوا السُّبُلَ فَتَفَرَّقَ بِكُمْ عَنْ سَبِيلِهِ ذَلِكُمْ وَصَّاكُمْ بِهِ لَعَلَّكُمْ تَتَّقُونَ؛ الأنعام ١٥٣
٢-٣-٤- أَخْذُ مَا آتَاهُ اللَّهُ بِقُوَّةٍ
﴿١٩٩٤﴾ وَإِذْ أَخَذْنَا مِيثَاقَكُمْ وَرَفَعْنَا فَوْقَكُمُ الطُّورَ خُذُوا مَا آتَيْنَاكُمْ بِقُوَّةٍ وَادْكُرُوا مَا فِيهِ لَعَلَّكُمْ تَتَّقُونَ؛ البقرة ٦٣

﴿١٩٩٥﴾ وَإِذْ نَتَقْنَا الْجَبَلَ فَوْقَهُمْ كَأَنَّهُ ظُلَّةٌ وَظَلُّوا أَنَّهُ وَاقِعٌ بِهِمْ خُذُوا مَا آتَيْنَاكُمْ بِقُوَّةٍ وَادْكُرُوا مَا فِيهِ لَعَلَّكُمْ تَتَّقُونَ؛ الأعراف ١٧١
٢-٣-٤- طَاعَةُ اللَّهِ وَ الرَّسُولِ

﴿١٩٩٦﴾ أمير المؤمنين عليه السلام: مَنْ يُطِيعِ اللَّهَ وَ رَسُولَهُ يَكُنْ سَبِيلُ الرَّشَادِ سَبِيلَهُ وَ نُورُ التَّقْوَى دَلِيلَهُ؛ الكافي، ج ٥، ص ٣٧١
٢-٣-٤- الْعِبَادَةُ

﴿١٩٩٧﴾ يَا أَيُّهَا النَّاسُ اعْبُدُوا رَبَّكُمُ الَّذِي خَلَقَكُمْ وَالَّذِينَ مِنْ قَبْلِكُمْ لَعَلَّكُمْ تَتَّقُونَ؛ البقرة

﴿طَرِيقُ اكْتِسَابِ التَّقْوَى، حِفْظُهُ وَازْدِيادِهِ﴾

﴿١٩٩٨﴾ العسكرى عليه السلام: لَعَلَّكُمْ تَتَّقُونَ قَالَ لَهَا وَجْهَانِ أَحَدُهُمَا خَلَقَكُمْ وَخَلَقَ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِكُمْ لَعَلَّكُمْ تَتَّقُونَ أَيْ لِتَتَّقُوا كَمَا قَالَ اللَّهُ وَمَا خَلَقْتُ الْجِنَّ وَالْإِنْسَ إِلَّا لِيَعْبُدُونِ وَالْوَجْهُ الْآخَرُ اعْبُدُوا رَبَّكُمُ الَّذِي خَلَقَكُمْ وَالَّذِينَ مِنْ قَبْلِكُمْ أَيْ اعْبُدُوهُ لَعَلَّكُمْ تَتَّقُونَ النَّارَ وَلَعَلَّ مِنَ اللَّهِ وَاجِبٌ؛ بحار الأنوار، ج ٤٥، ص ٢٨٦

٥-٣-١-٤- الدِّينُ

﴿١٩٩٩﴾ أمير المؤمنين عليه السلام: التَّقْوَى ثَمَرَةُ الدِّينِ وَ أَمَارَةُ الْيَقِينِ؛ غرر الحكم، ص ٢٧١
﴿٢٠٠٠﴾ أمير المؤمنين عليه السلام: سِتَّةٌ يُخْتَبَرُ بِهَا دِينُ الرَّجُلِ قُوَّةُ الدِّينِ وَ صِدْقُ الْيَقِينِ وَ شِدَّةُ التَّقْوَى وَ مُعَالَبَةُ الْهَوَى وَ قِلَّةُ الرِّغْبِ وَ الْإِجْمَالُ فِي الطَّلَبِ؛ غرر الحكم، ص ٨٥
﴿٢٠٠١﴾ أمير المؤمنين عليه السلام: وَرَعَ الرَّجُلُ عَلَى قَدْرِ دِينِهِ؛ غرر الحكم، ص ٨٦
﴿٢٠٠٢﴾ أمير المؤمنين عليه السلام: دَلِيلُ دِينِ الْعَبْدِ وَرَعُهُ؛ غرر الحكم، ص ٢٧١
٦-٣-١-٤- صِحَّةُ الدِّينِ

﴿٢٠٠٣﴾ أمير المؤمنين عليه السلام: سَبَبُ الْوَرَعِ صِحَّةُ الدِّينِ؛ غرر الحكم، ص ٨٦
٤-١-٤- التَّوْبَةُ، التَّجَنُّبُ وَ الرِّيَاضَةُ
١-٤-١-٤- التَّوْبَةُ

﴿٢٠٠٤﴾ أدعية المناجاة: وَاجِلُ اللَّهِ رَبِّ عَنِّي بِالتَّوْبَةِ ظُلْمَةٌ الْإِصْرَارِ وَ امْنَحْ بِهَا مَا قَدَّمْتُهُ مِنْ الْأَوْزَارِ وَ اكْسِنِي بِهَا لِبَاسَ التَّقْوَى؛ بحار الأنوار، ج ٩١، ص ١١٧
٢-٤-١-٤- تَجَنُّبُ الرِّيبِ

﴿٢٠٠٥﴾ أمير المؤمنين عليه السلام: صَلَاحُ التَّقْوَى تَجَنُّبُ الرِّيبِ؛ غرر الحكم، ص ٢٦٨
٣-٤-١-٤- الصِّيَامُ

﴿٢٠٠٦﴾ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا كُتِبَ عَلَيْكُمُ الصِّيَامُ كَمَا كُتِبَ عَلَى الَّذِينَ مِنْ قَبْلِكُمْ لَعَلَّكُمْ تَتَّقُونَ؛ البقرة ١٨٣
٤-١-٤-٤- التَّجَوُّعُ

﴿٢٠٠٧﴾ أمير المؤمنين عليه السلام: نَعَمْ عَوْنُ الْوَرَعِ التَّجَوُّعُ [الْقُنُوعُ]؛ غرر الحكم، ص ٣٩١
﴿٤٥٤﴾

«راه‌های کسب، نگهداری و افزایش پرهیزکاری»

﴿۱۹۹۸﴾ «شاید پرهیزکاری پیشه کنید؛» فرمود: این جمله دو معنی دارد: اینکه شما و پیشینیان شما را آفرید تا پرهیزکار شوید، چنانچه می‌فرماید: «من جنّ و انس را نیافریدم جز برای اینکه عبادتم کنند». معنای دوم اینکه: «پروردگار خود را پرستش کنید آن کس که شما، و کسانی را که پیش از شما بودند آفرید، تا پرهیزکار شوید؛» یعنی او را عبادت کنید تا از دوزخ برکنار شوید. و کلمه «لَعَلَّ» از خداوند واجب و به معنی باید است.

۵-۳-۱-۴-دین

﴿۱۹۹۹﴾ تقوا میوه و ثمره‌ی دین و نشانه‌ی یقین است.
﴿۲۰۰۰﴾ با شش چیز است که صحت دین فرد آزموده می‌شود: قوت دین [و میزان پایداری بر دینداری]، راستی یقین، شدت تقوا، چیره‌شدن بر هوای نفس، کم میلی به دنیا و درخواست مختصر داشتن.

﴿۲۰۰۱﴾ میزان ورع یک فرد به میزان دینش است.

﴿۲۰۰۲﴾ ورع بنده نشانه‌ی دینداری اوست.

۶-۳-۱-۴-سلامت و دین

﴿۲۰۰۳﴾ درستی دین باعث پرهیزکاری است.

۴-۱-۴-توبه، پروا، پارسایی، ریاضت

۱-۴-۱-۴-توبه

﴿۲۰۰۴﴾ بارالها! با این توبه تاریکی‌های مداومت بر گناه را از من پاک کن و گناهی را که پیش از این انجام داده‌ام ناپدید کن و مرا با پوشش پرهیزکاری و هدایت ببوشان.

۲-۴-۱-۴-دوری از شک

﴿۲۰۰۵﴾ دوری از شبهات، موجب اصلاح تقوا است.

۳-۴-۱-۴-روزه

﴿۲۰۰۶﴾ ای افرادی که ایمان آورده‌اید! روزه بر شما نوشته شده، همان‌گونه که بر کسانی که قبل از شما بودند نوشته شد تا پرهیزکار شوید.

۴-۴-۱-۴-گرسنگی

﴿۲۰۰۷﴾ خالی‌بودن شکم [یا قناعت] بهترین کمک‌کننده ورع است.

﴿طَرِيقُ اكْتِسَابِ التَّقْوَى، حِفْظُهُ وَازْدِيادِهِ﴾

٥-٤-١-٤- ترْكُ الطَّمَعِ

﴿٢٠٨﴾ أمير المؤمنين عليه السلام: كَيْفَ يَمْلِكُ الْوَرَعَ مَنْ يَمْلِكُهُ الطَّمَعُ؛ مستدرک الوسائل، ج ١٢، ص ٧١

٦-٤-١-٤- جِهَادُ النَّفْسِ

﴿٢٠٩﴾ أمير المؤمنين عليه السلام: مَنْ جَاهَدَ نَفْسَهُ أَكْمَلَ التَّقَى؛ غرر الحكم، ص ٢٤٣

٨-٤-١-٤- حُبُّ الْفَقْرِ

﴿٢١٠﴾ أمير المؤمنين عليه السلام: حُبُّ الْفَقْرِ يَكْسِبُ الْوَرَعَ؛ غرر الحكم، ص ٣٦٥

٩-٤-١-٤- خَزَنُ اللِّسَانِ

﴿٢١١﴾ الرسول ﷺ: لَا يَتَّقِي الْعَبْدُ حَتَّى يَخْزَنَ مِنْ لِسَانِهِ؛ مجموعة ورام، ج ١، ص ٥

﴿٢١٢﴾ أمير المؤمنين عليه السلام: لَا يَتَّقِي الشَّرَّ فِي فِعْلِهِ إِلَّا مَنْ يَتَّقِيهِ فِي قَوْلِهِ؛ غرر الحكم، ص ٢١٤

١٠-٤-١-٤- الزُّهْدُ

﴿٢١٣﴾ حديث قدسی: يَا أَحْمَدُ إِنْ أَحْبَبْتَ أَنْ تَكُونَ أَوْرَعَ النَّاسِ فَازْهَدْ فِي الدُّنْيَا وَارْغَبْ

فِي الْآخِرَةِ؛ مستدرک الوسائل، ج ١٢، ص ٤٨

﴿٢١٤﴾ الرسول ﷺ: لَا يَكُونُ الرَّجُلُ مُسْلِمًا حَتَّى يَسْلَمَ النَّاسُ مِنْ يَدِهِ وَلِسَانِهِ وَلَا يَكُونَ

مُؤْمِنًا حَتَّى يَأْمَنَ أَخُوهُ بِوَأْتِقِهِ وَجَارُهُ بِوَادِرِهِ وَلَا يَكُونَ عَالِمًا حَتَّى يَكُونَ عَامِلًا بِمَا عَلِمَ وَلَا

يَكُونَ عَابِدًا حَتَّى يَكُونَ وَرِعًا وَلَا يَكُونَ وَرِعًا حَتَّى يَكُونَ زَاهِدًا؛ إرشاد القلوب، ج ١، ص ١٦

١١-٤-١-٤- تَمَامُ الزُّهْدِ

﴿٢١٥﴾ الرسول ﷺ: تَمَامُ الزُّهْدِ التَّقْوَى وَبَابُ التَّقْوَى الْخَشْيَةُ؛ بحار الأنوار، ج ٦٧، ص ٦٨

١٢-٤-١-٤- اسْتِوَاءُ الْمَدْحِ وَالذَّمِّ

﴿٢١٦﴾ الصادق عليه السلام: وَالْمُتَوَرِّعُ يَحْتَاجُ إِلَى ثَلَاثَةِ أَصُولٍ الصَّفْحُ عَنْ عَثَرَاتِ الْخُلُقِ أَجْمَعَ وَ

تَرْكُ خَطِيئَتِهِ فِيهِمْ وَاسْتِوَاءُ الْمَدْحِ وَالذَّمِّ؛ مستدرک الوسائل، ج ١١، ص ٢٧١

١٣-٤-١-٤- الصِّيَانَةُ

﴿٢١٧﴾ الرسول ﷺ: وَآمَّا الصِّيَانَةُ فَيَتَشَعَّبُ مِنْهَا الصَّلَاحُ وَالتَّوَاضُّعُ وَالْوَرَعُ وَالْإِنَابَةُ وَ

الْفَهْمُ وَالْأَدَبُ وَالْإِحْسَانُ وَالتَّحَبُّبُ وَالْخَيْرُ وَاجْتِنَابُ الشَّرِّ فَهَذَا مَا أَصَابَ الْعَاقِلُ بِالصِّيَانَةِ؛

بحار الأنوار، ج ١، ص ١١٧

«راه‌های کسب، نگهداری و افزایش پرهیزکاری»

۴-۱-۴-۵ ترک طمع

﴿۲۰۰۸﴾ کسی که طمع بر او حاکم است، چگونه می‌تواند صاحب ورع باشد.

۴-۱-۴-۷ جهاد نفس

﴿۲۰۰۹﴾ کسی که با نفسش مبارزه نماید، تقوا را به کمال رسانده است.

۴-۱-۴-۸ دوست داشتن فقر

﴿۲۰۱۰﴾ دوست داشتن فقر [و درویشی در پیشگاه خدا]، موجب کسب ورع می‌شود.

۴-۱-۴-۹ نگهداشتن زبان

﴿۲۰۱۱﴾ بنده تا زمانی که زبانش را نگه ندارد، به تقوا دست نمی‌یابد.

﴿۲۰۱۲﴾ کسی در اعمالش از بدی پرهیز نخواهد کرد مگر اینکه در کلامش از بدی پرهیز کند.

۴-۱-۴-۱۰ زهد

﴿۲۰۱۳﴾ ای احمد! اگر دوست داری که پرهیزکارترین مردم باشی پس از دنیا کناره بگیر و به‌سوی آخرت مشتاق باش.

﴿۲۰۱۴﴾ تا زمانی که مردم از دست و زبان کسی در سلامت و امنیت نباشند جزء مسلمانان محسوب نمی‌شود و تا وقتی که برادر مؤمنش از شر او و همسایه‌اش از آزارش در امان نباشد به درجه‌ی ایمان نمی‌رسد. و تا زمانی که به آنچه می‌داند عمل نکند جزء عالمان محسوب نمی‌شود و تا زمانی که ورع نداشته باشد جزء عابدان محسوب نمی‌شود و تا زمانی که زاهد نباشد جزء اهل ورع محسوب نمی‌شود.

۴-۱-۴-۱۱ کمال زهد

﴿۲۰۱۵﴾ نتیجه و کمال زهد، تقوا و پرهیزکاری است. راه تقوا هم خوف و خشیت است.

۴-۱-۴-۱۲ یکسان بودن مدح و ذم

﴿۲۰۱۶﴾ صاحب ورع، به سه اصل محتاج است: اوّل آنکه از آزارهای مردم اعراض کند و متعرّض ایشان نشود. دوّم آنکه در افشای حال مردم نباشد و غیبت ایشان نکند. سوّم آنکه مدح و ذمّ مردم نسبت به او مساوی باشد، نه از مدح کسی خرسند شود و نه از ذمّ کسی دلگیر.

۴-۱-۴-۱۳ حفظ

﴿۲۰۱۷﴾ اما از خویشتن‌داری این چیزها منشعب می‌شود: درستی و فروتنی و پرهیزکاری و پوزش‌خواهی و فهم و تربیت و احسان و دوستیابی و نیکی و خوش برخوردی. این‌ها چیزهایی است که به خاطر خویشتن‌داری نصیب انسان عاقل می‌شود.

﴿طَرِيقُ اكْتِسَابِ التَّقْوَى، حِفْظُهُ وَازْدِيادِهِ﴾

١٤-١-٤- الإِعْتِزَالُ

﴿٢٠١٨﴾ أمير المؤمنين عليه السلام: مَنْ اعْتَزَلَ سَلَمَ وَرَعَهُ؛ غرر الحكم، ص ٣١٩

١٥-١-٤- العَفَافُ

﴿٢٠١٩﴾ أمير المؤمنين عليه السلام: الْوَرَعُ ثَمَرَةُ الْعَفَافِ؛ غرر الحكم، ص ٢٦٨

١٦-١-٤- كِرَاهَةُ الشَّرِّ

﴿٢٠٢٠﴾ الصَّادِقُ عليه السلام: إِنَّ الْعَبْدَ إِذَا كَانَ خَلَقَهُ اللَّهُ فِي الْأَصْلِ أَصْلَ الْخَلْقِ مُؤْمِنًا لَمْ يَمُتْ حَتَّى يُكْرَهُ اللَّهُ إِلَيْهِ الشَّرَّ وَيُبَاعِدَهُ عَنْهُ وَمَنْ كَرِهَ اللَّهُ إِلَيْهِ الشَّرَّ وَبَاعَدَهُ عَنْهُ عَافَاهُ اللَّهُ مِنَ الْكِبَرِ أَنْ يَدْخُلَهُ وَالْجَبَرِيَّةُ فَلَانَتْ عَرِيكَتُهُ وَحَسَنَ خُلُقُهُ وَطَلَّقَ وَجْهَهُ وَصَارَ عَلَيْهِ وَقَارُ الْإِسْلَامِ وَسَكِينَتُهُ وَتَخَشَعُهُ وَوَرَعَ عَنْ مَحَارِمِ اللَّهِ وَاجْتَنَبَ مَسَاطِطَهُ؛ الكافي، ج ٨، ص ١٣

١٧-١-٤- الْإِتْقَاءُ فِي الْقَوْلِ

﴿٢٠٢١﴾ أمير المؤمنين عليه السلام: لَا يَتَّقِيَ الشَّرَّ فِي فِعْلِهِ إِلَّا مَنْ يَتَّقِيهِ فِي قَوْلِهِ؛ غرر الحكم، ص ٢١٤

١٨-١-٤- الْقَنَاعَةُ

﴿٢٠٢٢﴾ أمير المؤمنين عليه السلام: آفَةُ الْوَرَعِ قِلَّةُ الْقَنَاعَةِ؛ غرر الحكم، ص ٢٧٤

﴿٢٠٢٣﴾ أمير المؤمنين عليه السلام: نَعَمْ عَوْنُ الْوَرَعِ التَّجَوُّعُ [الْقَنُوعُ]؛ غرر الحكم، ص ٣٩١

١-١-٥- الْحَيَاءُ وَالْإِتْقَاءُ مِنْ وَجْهِ النَّاسِ

١-١-٥-١- الْحَيَاءُ مِنَ الَّذِي فِي الْأَرْضِ

﴿٢٠٢٤﴾ الباقر عليه السلام: إِنَّ طَبَائِعَ النَّاسِ كُلَّهَا مُرَكَّبَةٌ عَلَى الشَّهْوَةِ وَالرَّغْبَةِ وَالْحِرْصِ وَالرَّهْبَةِ وَالْغَضَبِ وَاللَّذَّةِ إِلَّا أَنَّ فِي النَّاسِ مَنْ زَمَّ هَذِهِ الْخِلَالَ بِالتَّقْوَى وَالْحَيَاءِ وَالْأَنَفِ فَلِذَا دَعَتْكَ نَفْسُكَ إِلَى كَبِيرَةٍ مِنَ الْأَمْرِ فَارْمَ بِبَصْرِكَ إِلَى السَّمَاءِ فَإِنْ لَمْ تَخَفْ مِنْ فِيهَا فَانْظُرْ إِلَى مَنْ فِي الْأَرْضِ لَعَلَّكَ أَنْ تَسْتَحْيِيَ مِمَّنْ فِيهَا فَإِنْ كُنْتَ لَا مِمَّنْ فِي السَّمَاءِ تَخَافُ وَلَا مِمَّنْ فِي الْأَرْضِ تَسْتَحْيِ فَعُدَّ نَفْسُكَ فِي الْبَهَائِمِ؛ مستدرک الوسائل، ج ١١، ص ٢١٢

١-١-٥-٢- الْإِتْقَاءُ مِنْ وَجْهِ النَّاسِ

﴿٢٠٢٥﴾ العسكري عليه السلام: مَنْ لَمْ يَتَّقِ وَجْهَ النَّاسِ لَمْ يَتَّقِ اللَّهَ؛ بحار الأنوار، ج ٦٨، ص ٣٣٦

«راه‌های کسب، نگهداری و افزایش پرهیزکاری»

۴-۱-۴-۱۴- کناره‌گیری

﴿۲۰۱۸﴾ کسی که گوشه‌نشینی کند، ورعش سالم می‌ماند.

۴-۱-۴-۱۵- پارسایی

﴿۲۰۱۹﴾ ورع، ثمره‌ی پاک‌دامنی است.

۴-۱-۴-۱۶- کراهت شرّ

﴿۲۰۲۰﴾ همانا اگر بنده‌ای در اصل آفرینش، مؤمن خلق شده باشد، نمی‌میرد تا آنکه خداوند شرّ را در نظر او بد نماید و او را از آن دور سازد، و هرکس خداوند بدی را برای او ناخوش ساخت و وی را از آن دور کرد، او را از تکبر عافیت بخشیده و راه نرمش در پیش می‌گیرد و خوش رفتار می‌گردد و چهره‌ی گشاده و وقار و آرامش و پاکدامنی در او پدیدار می‌شود، و از آنچه موجب خشم الهی است، کناره می‌گیرد.

۴-۱-۴-۱۷- پروا داشتن در کلام

﴿۲۰۲۱﴾ کسی در اعمالش از بدی پرهیز نخواهد کرد مگر اینکه در کلامش از بدی پرهیز کند.

۴-۱-۴-۱۸- قناعت

﴿۲۰۲۲﴾ کمبود قناعت، آفت ورع است.

﴿۲۰۲۳﴾ خالی‌بودن شکم [یا قناعت] بهترین کمک‌کننده ورع است.

۴-۱-۵- شرم از روی مردم

۴-۱-۵-۱- شرم از زمینیان

﴿۲۰۲۴﴾ طبع مردم ترکیبی از شهوت و میل و حرص و ترس و غضب و لذّت است مگر آنکه شخصی در این میان با تقوا و حیا و بزرگ‌منشی بر آن مهار بزند. هرگاه نفست تو را به گناهی کبیره دعوت کرد، به آسمان نگاه کن؛ اگر از آن که در آسمان است ترسیدی، به اهل زمین نظر کن تا شاید از آنان حیا کنی، اما اگر نه از آن که در آسمان‌هاست ترسیدی و نه از آنان که در زمین‌اند حیا کردی، نفس خودت را یکی از چهارپایان به شمار بیاور.

۴-۱-۵-۲- پرهیز از روی مردم

﴿۲۰۲۵﴾ کسی که از مردم نپرهیزد و حیا نکند، تقوای خداوند را ندارد.

﴿طَرِيقُ اكْتِسَابِ التَّقْوَى، حِفْظِهِ وَازْدِيَادِهِ﴾

٤-١-٦- الإخلاصُ وَطَهَارَةُ الْقَلْبِ

٤-١-٦-١- الإخلاصُ

﴿٢٠٢٦﴾ الأئمة عليهم السلام: أَنَّ رَجُلًا مِنْ بَنِي إِسْرَائِيلَ قَالَ لَأَعْبُدَنَّ اللَّهَ عِبَادَةً أَذْكُرُ بِهَا فَمَكَثَ مُدَّةً مُبَالِغًا فِي الطَّاعَاتِ وَجَعَلَ لَا يَمُرُّ بِمَلَأٍ مِنَ النَّاسِ إِلَّا قَالُوا مُتَّصِعٌ مُرَاءٍ فَأَقْبَلَ عَلَى نَفْسِهِ وَقَالَ قَدْ أَتَعَبْتُ نَفْسَكَ وَضَيَعْتَ عُمْرَكَ فِي لَأِ شَيْءٍ فَيَنْبَغِي أَنْ تَعْمَلَ لِلَّهِ سُبْحَانَهُ فَيَغَيِّرَ نَيْتَهُ وَأَخْلَصَ عَمَلَهُ لِلَّهِ فَجَعَلَ لَا يَمُرُّ بِمَلَأٍ مِنَ النَّاسِ إِلَّا قَالُوا وَرِعٌ تَقَى بِحَارِ الْأَنْوَارِ، ج ٦٩، ص ٣٠٤

٤-١-٦-٢- طَهَارَةُ الْقَلْبِ

﴿٢٠٢٧﴾ الصادق عليه السلام: وَ أَمَّا مَنْ عَصَمَهُ اللَّهُ بِنُورِ التَّائِيدِ وَ حُسْنِ التَّوْفِيقِ فَطَهَّرَ قَلْبَهُ مِنْ الدَّنَسِ فَلَا يَفَارِقُ الْمَعْرِفَةَ وَ التَّقَى؛ مستدرک الوسائل، ج ١٢، ص ٢٠٣

٤-١-٧- الخَوْفُ وَ الْخَشْيَةُ وَ الْإِتْقَانُ

٤-١-٧-١- مِنَ اللَّهِ وَ رَاجِعُ: الْفَصْلُ الثَّانِي؛ الْأَمْرُ بِالتَّقْوَى؛ اتَّقُوا اللَّهَ

٤-١-٧-١-١- مِنَ فِي السَّمَاءِ

﴿٢٠٢٨﴾ الباقر عليه السلام: إِنْ طَبَّاعَ النَّاسِ كُلُّهَا مُرَكَّبَةٌ عَلَى الشَّهْوَةِ وَ الرَّغْبَةِ وَ الْحِرْصِ وَ الرَّهْبَةِ وَ الْغَضَبِ وَ اللَّذَّةِ إِلَّا أَنْ فِي النَّاسِ مَنْ زَمَّ هَذِهِ الْخِلَالَ بِالتَّقْوَى وَ الْحَيَاءِ وَ الْإِنْفِ فَإِذَا دَعَتْكَ نَفْسُكَ إِلَى كَبِيرَةٍ مِنَ الْأُمُورِ فَارْمِ بِبَصْرِكَ إِلَى السَّمَاءِ فَإِنْ لَمْ تَخَفْ مَنْ فِيهَا فَانْظُرْ إِلَى مَنْ فِي الْأَرْضِ لَعَلَّكَ أَنْ تَسْتَحْيِيَ مِمَّنْ فِيهَا فَإِنْ كُنْتَ لَا مِمَّنْ فِي السَّمَاءِ تَخَافُ وَ لَا مِمَّنْ فِي الْأَرْضِ تَسْتَحْيِ فَعَدَّ نَفْسَكَ فِي الْبَهَائِمِ؛ مستدرک الوسائل، ج ١١، ص ٢١٢

﴿٢٠٢٩﴾ السَّجَادُ عليه السلام: يَا مَنْ هُوَ غَايَةُ خَشْيَةِ الْمُتَّقِينَ؛ الصَّحِيفَةُ السَّجَادِيَّةُ عليه السلام، الدَّعَاءُ ٣١

﴿٢٠٣٠﴾ الرَّسُولُ عليه السلام: سَأَلَ عَلِيُّ عليه السلام رَسُولَ اللَّهِ عليه السلام عَنْ تَفْسِيرِ قَوْلِهِ يَوْمَ نَحْشُرُ الْمُتَّقِينَ الْآيَةَ قَالَ يَا عَلِيُّ إِنَّ الْوَفْدَ لَا يَكُونُونَ إِلَّا رُكْبَانًا أَوْ لَيْتَكَ رَجَالَ اتَّقُوا اللَّهَ فَأَحَبَّهُمُ اللَّهُ وَ اخْتَصَّهُمُ وَ رَضِيَ أَعْمَالَهُمْ فَسَمَّاهُمُ اللَّهُ الْمُتَّقِينَ؛ بحار الأنوار، ج ٧، ص ١٧٢

٤-١-٧-١-٢- أَنْتَ أَحَقُّ مَنْ اتَّقَاهُ

﴿٢٠٣١﴾ السَّجَادُ عليه السلام: هَذَا مَقَامٌ مِنْ... أَنْتَ أَوْلَى مَنْ رَجَاهُ، وَ أَحَقُّ مَنْ خَشِيَهُ وَ اتَّقَاهُ؛

الصَّحِيفَةُ السَّجَادِيَّةُ عليه السلام، الدَّعَاءُ ٣٢

راه‌های کسب، نگهداری و افزایش پرهیزکاری

۶-۱-۴۔ اخلاص و یاکي دل

١-٦-١-٤-١ خلاص

﴿۲۰۶﴾ مردی در بنی اسرائیل گفت: «من خداوند را چنان عبادت می‌کنم که همواره نام من باقی بماند». او مدتی به جدیت مشغول عبادت شد، از هر اجتماعی که می‌گذشت مردم به او می‌گفتند این شخص ظاهر ساز و ریاکار می‌باشد. روزی به خود آمد و گفت: «تو خود را خسته کردی و عمرت را ضایع ساختی، اینک باید کاری کنی که بعد از این برای خداوند عمل نمایی». نیت او تغییر کرد و عملش خالص شد و برای خدا کار کرد، او بعد از این از کنار هر گروهی از مردم که عبور می‌کرد، می‌گفتند: «او متقی و پرهیزکار می‌باشد».

۲-۶-۱-۴- یاکی قلب

﴿۲۰۲۷﴾ کسی که خداوند او را با نور تائید خود در پناه گیرد و حسن توفیق عطا کند، قلبش را از آلودگی‌ها پاک خواهد کرد و هیچ‌گاه از شناخت و تقوا دور نمی‌شود.

۷-۱-۴- ترس و بیم

۱-۷-۱-۴- از خدا و.ر.به: فصل ۲، امر به تقوا

۱-۱-۷-۱-۴- آن که در آسمان است

﴿۲۰۲۸﴾ طبع مردم ترکیبی از شهوت و میل و حرص و ترس و غضب و لذت است مگر آنکه شخصی در این میان با تقوا و حیا و بزرگمنشی بر آن مہار بزند. ہر گاہ نفست تو را بہ گناہی کبیرہ دعوت کرد، بہ آسمان نگاہ کن؛ اگر از آن کہ در آسمان است نترسیدی، بہ اہل زمین نظر کن تا شاید از آنان حیا کنی، اما اگر نہ از آن کہ در آسمان ہاست ترسیدی و نہ از آنان کہ در زمین اند حیا کردی، نفس خودت را یکی از چہار پایان بہ شمار بیاور.

﴿۲۰۲۹﴾ ای کسی کہ منتہای بیم پرهیزکاران است.

﴿۲۰۳۰﴾ عَلَى الصَّلَاةِ از رسول خدا ﷺ درباره‌ی آییه: «يَوْمَ نَخْشِرُ الْمُتَّقِينَ إِلَى الرَّحْمَنِ وَفْدًا» پرسید؛ فرمود: «وفد جز سواره نیست؛ آنان مردانی هستند که تقوای الهی پیشه کردند و خدا آنان را دوست می‌دارد و آنان را جدا کرده و از اعمالشان راضی گشته و آنان را متّقین نامیده‌اند».

۲-۱-۷-۴- تو سزاوارترین کسی که از تو پروا کنند

﴿۲۰۳﴾ بار خدایا! در اینجا کسی ایستاده است که... سزاوارتر از تو کسی را نیافته که دل به او بندد، یا از او بترسد، یا تقوای او را پیشه کند.

﴿طَرِيقُ إِكْتِسَابِ التَّقْوَى، حِفْظُهُ وَإِزْدِيادُهُ﴾

٣-١-٧-٤- الذي أَمَدَّكُمْ

﴿٢٠٣٢﴾ وَاتَّقُوا الَّذِي أَمَدَّكُمْ بِمَا تَعْلَمُونَ؛ الشعراء ١٣٢

٤-١-٧-٤- الذي إِنْ أَسْرَرْتُمْ عِلْمَهُ وَإِنْ أَغْلَنْتُمْ كِتَابَهُ

﴿٢٠٣٣﴾ أمير المؤمنين عليه السلام: فَاتَّقُوا اللَّهَ الَّذِي إِنْ أَسْرَرْتُمْ عِلْمَهُ وَإِنْ أَغْلَنْتُمْ كِتَابَهُ؛ غرر الحكم،

ص ٢٦٩

٥-١-٧-٤- الذي تَسْأَلُونَ بِهِ

﴿٢٠٣٤﴾ وَاتَّقُوا اللَّهَ الَّذِي تَسْأَلُونَ بِهِ؛ النساء ١

٦-١-٧-٤- الذي خَلَقَكُمْ

﴿٢٠٣٥﴾ وَاتَّقُوا الَّذِي خَلَقَكُمْ وَالْجِيلَةَ الْأُولَى؛ الشعراء ١٨٤

٧-١-٧-٤- الذي أَنْتُمْ بَعَيْنُهُ وَنَوَاصِيكُمْ بِيَدِهِ

﴿٢٠٣٦﴾ أمير المؤمنين عليه السلام: فَاتَّقُوا اللَّهَ الَّذِي أَنْتُمْ بَعَيْنُهُ وَنَوَاصِيكُمْ بِيَدِهِ؛ غرر الحكم، ص ٢٦٩

٨-١-٧-٤- الذي خَلَقَكُمْ مِنْ نَفْسٍ وَاحِدَةٍ

﴿٢٠٣٧﴾ يَا أَيُّهَا النَّاسُ اتَّقُوا رَبَّكُمُ الَّذِي خَلَقَكُمْ مِنْ نَفْسٍ وَاحِدَةٍ وَخَلَقَ مِنْهَا زَوْجَهَا وَبَثَّ

مِنْهُمَا رِجَالًا كَثِيرًا وَنِسَاءً وَاتَّقُوا اللَّهَ الَّذِي تَسْأَلُونَ بِهِ وَالْأَرْحَامَ إِنَّ اللَّهَ كَانَ عَلَيْكُمْ رَقِيبًا؛ النساء ١

٢-١-٧-٤- مِنْ يَوْمِ الْقِيَامَةِ وَعَذَابُهَا

١-٢-٧-٤- مِنْ يَوْمِ الْحَشْرِ

﴿٢٠٣٨﴾ وَأَنْذِرْهُ الَّذِينَ يَخَافُونَ أَنْ يُحْشَرُوا إِلَى رَبِّهِمْ لَيْسَ لَهُمْ مِنْ دُونِهِ وَلِيٌّ وَلَا شَفِيعٌ لَعَلَّهُمْ

يَتَّقُونَ؛ الأنعام ٥١

٢-١-٧-٤- مِنْ يَوْمِ الْقِيَامَةِ

﴿٢٠٣٩﴾ وَاتَّقُوا يَوْمًا لَا تَجْزِي نَفْسٌ عَنْ نَفْسٍ شَيْئًا وَلَا يُقْبَلُ مِنْهَا شَفَاعَةٌ وَلَا يُؤْخَذُ مِنْهَا عَدْلٌ وَ

لَهُمْ يُنْصَرُونَ؛ البقرة ٤٨

﴿٢٠٤٠﴾ وَاتَّقُوا يَوْمًا لَا تَجْزِي نَفْسٌ عَنْ نَفْسٍ شَيْئًا وَلَا يُقْبَلُ مِنْهَا عَدْلٌ وَلَا تَنْفَعُهَا شَفَاعَةٌ وَلَا

هُمْ يُنْصَرُونَ؛ البقرة ١٢٣

«راه‌های کسب، نگهداری و افزایش پرهیزکاری»

۳-۱-۷-۴- آن که یاری‌تان کرده است

﴿۲۰۳۲﴾ و از (نافرمانی) خدایی بپرهیزید که شما را به نعمت‌هایی که می‌دانید امداد کرده است.

۴-۱-۷-۴- آن که اگر پنهان کنید می‌داند و اگر آشکار کنید می‌نویسد

﴿۲۰۳۳﴾ تقوای خدایی را داشته باشید که اگر چیزی را از او مخفی کنید باز هم می‌داند و اگر برای او آشکار کنید آن را ثبت می‌کند.

۵-۱-۷-۴- آن که به نام او از یکدیگر درخواست می‌کنید

﴿۲۰۳۴﴾ از خدایی بپرهیزید که (همگی به عظمت او معترفید و) هنگامی که چیزی از یکدیگر می‌خواهید، نام او را می‌برید.

۶-۱-۷-۴- آن که شما را آفرید

﴿۲۰۳۵﴾ و از (نافرمانی) کسی که شما و اقوام پیشین را آفرید بپرهیزید!

۷-۱-۷-۴- آن که پیش چشمش هستید و موی پیشانی شما در دست اوست

﴿۲۰۳۶﴾ پس تقوای خدایی را داشته باشید که در پیشگاه او هستید و اختیار شما به دست اوست.

۸-۱-۷-۴- آن که شما را از یک انسان آفرید

﴿۲۰۳۷﴾ ای مردم! از (مخالفت) پروردگارتان بپرهیزید! همان کسی که همه شما را از یک انسان آفرید و همسر او را (نیز) از جنس او خلق کرد و از آن دو، مردان و زنان فراوانی (در روی زمین) منتشر ساخت. و از خدایی بپرهیزید که (همگی به عظمت او معترفید و) هنگامی که چیزی از یکدیگر می‌خواهید، نام او را می‌برید! (و نیز) (از قطع رابطه با) خویشاوندان خود، پرهیز کنید! زیرا خداوند، مراقب شماست.

۲-۱-۷-۴- روز قیامت و عذاب آن

۱-۲-۷-۴- از روز حشر

﴿۲۰۳۸﴾ و به وسیله‌ی آن (قرآن)، کسانی را که از روز حشر و رستاخیز می‌ترسند، بیم ده! (روزی که در آن،) یاور و سرپرست و شفاعت‌کننده‌ای جز او [خدا] ندارند باشد که پرهیزکاری پیشه کنند!

۲-۲-۷-۴- از روز قیامت

﴿۲۰۳۹﴾ و از آن روز بترسید که کسی مجازات دیگری را نمی‌پذیرد و نه از او شفاعت پذیرفته می‌شود؛ و نه غرامت از او قبول خواهد شد؛ و نه یاری می‌شوند.

﴿۲۰۴۰﴾ از روزی بترسید که هیچ کس از دیگری دفاع نمی‌کند؛ و هیچ گونه عوضی از او قبول نمی‌شود؛ و شفاعت، او را سود نمی‌دهد؛ و (از هیچ سویی) یاری نمی‌شوند!

﴿طَرِيقُ اكْتِسَابِ التَّقْوَى، حِفْظِهِ وَإِزْدِيَادِهِ﴾

﴿٢٠٤١﴾ وَاتَّقُوا يَوْمًا تُرْجَعُونَ فِيهِ إِلَى اللَّهِ ثُمَّ تُوَفَّى كُلُّ نَفْسٍ مَا كَسَبَتْ وَهُمْ لَا يُظْلَمُونَ؛ البقرة

٢٨١

٣-٧-١-٤- الآخرة

﴿٢٠٤٢﴾ أَمَّنْ هُوَ قَانِثٌ آنَاءَ اللَّيْلِ سَاجِدًا وَقَائِمًا يَحْذَرُ الْآخِرَةَ وَيَرْجُوا رَحْمَةَ رَبِّهِ قُلْ هَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ إِنَّمَا يَتَذَكَّرُ أُولُوا الْأَلْبَابِ؛ الزمر ٩

٣-٧-١-٤- مِنَ الْعِقَابِ

﴿٢٠٤٣﴾ السَّجَادَ ﷻ: فَاتَّقُوا اللَّهَ عِبَادَ اللَّهِ تَقْوَى مُؤَمِّلِ ثَوَابِهِ وَخَافِ عِقَابِهِ؛ بحار الأنوار، ج ٧٥.

ص ١٢٨

٣-٧-١-٤- مِنَ الْعَذَابِ

﴿٢٠٤٤﴾ إِنَّ عَذَابَ رَبِّكَ كَانَ مَحْذُورًا؛ الإسراء ٥٧

﴿٢٠٤٥﴾ الرَّسُولَ ﷺ: فَذَلِكَ النَّعِيمُ فَاطْلُبُوهُ وَذَلِكَ الْعَذَابُ فَاتَّقُوهُ؛ بحار الأنوار، ج ٤٤.

ص ٢٣٤

﴿٢٠٤٦﴾ السَّجَادَ ﷻ: أُولَئِكَ هُمُ الْمُتَّقُونَ لِمَا أُمِرُوا بِاتَّقَائِهِ مِنْ عَذَابِ النَّارِ وَلِمَا أُمِرُوا

بِاتَّقَائِهِ مِنْ شُرُورِ النَّوَاصِبِ الْكُفَّارِ؛ بحار الأنوار، ج ٢٤، ص ٣٨٤

٣-٧-١-٤- مَا بَيْنَ أَيْدِيكُمْ وَمَا خَلْفَكُمْ

﴿٢٠٤٧﴾ وَإِذَا قِيلَ لَهُمُ اتَّقُوا مَا بَيْنَ أَيْدِيكُمْ وَمَا خَلْفَكُمْ لَعَلَّكُمْ تُرْحَمُونَ؛ يس ٤٥

٣-٧-١-٤- مِنَ النَّارِ

﴿٢٠٤٨﴾ وَإِنْ كُنْتُمْ فِي رَيْبٍ مِمَّا نَزَّلْنَا عَلَى عَبْدِنَا فَأْتُوا بِسُورَةٍ مِثْلِهِ وَادْعُوا شُهَدَاءَكُمْ مِنْ

دُونِ اللَّهِ إِنْ كُنْتُمْ صَادِقِينَ؛ فَإِنْ لَمْ تَفْعَلُوا وَلَنْ تَفْعَلُوا فَأْتُوا النَّارَ الَّتِي وَقُودُهَا النَّاسُ وَالْحِجَارَةُ

أُعِدَّتْ لِلْكَافِرِينَ؛ البقرة ٢٣-٢٤

﴿٢٠٤٩﴾ وَاتَّقُوا النَّارَ الَّتِي أُعِدَّتْ لِلْكَافِرِينَ؛ آل عمران ١٣١

﴿٢٠٥٠﴾ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا قُوا أَنْفُسَكُمْ وَأَهْلِيكُمْ نَارًا وَقُودُهَا النَّاسُ وَالْحِجَارَةُ عَلَيْهَا مَلَائِكَةٌ

غِلَظُ شِدَادٍ لَا يَعْصُونَ اللَّهَ مَا أَمَرَهُمْ وَيَفْعَلُونَ مَا يُؤْمَرُونَ؛ التحريم ٦

﴿٤٦٤﴾

«راه‌های کسب، نگهداری و افزایش پرهیزکاری»

﴿۲۰۴۱﴾ و از روزی بپرهیزید (و بترسید) که در آن روز، شما را به سوی خدا بازمی‌گردانند سپس به هرکس، آنچه انجام داده، به طور کامل باز پس داده می‌شود، و به آن‌ها ستم نخواهد شد. (چون هر چه می‌بینند، نتایج اعمال خودشان است).

۳-۲-۷-۱-۴- از آخرت

﴿۲۰۴۲﴾ (آیا چنین کسی با ارزش است) یا کسی که در ساعات شب به عبادت مشغول است و در حال سجده و قیام، از عذاب آخرت می‌ترسد و به رحمت پروردگارش امیدوار است؟! بگو: «آیا کسانی که می‌دانند با کسانی که نمی‌دانند یکسانند؟! تنها خردمندان متذکر می‌شوند!»

۴-۲-۷-۱-۴- از عذاب

﴿۲۰۴۳﴾ ای بندگان خدا! تقوای خداوند را همچون کسی که آرزومند پاداش او و ترسان از مجازاتش می‌باشد، رعایت کنید.

۵-۲-۷-۱-۴- از عذاب

﴿۲۰۴۴﴾ عذاب پروردگارت، همواره در خور پرهیز و وحشت است!

﴿۲۰۴۵﴾ [پس از بیان نعمت و محنت شیعیان و مخالفان در دنیا و آخرت... فرمود:] این است نعمت، آن را بجوید، و این است عذاب، از آن پرهیزید.

﴿۲۰۴۶﴾ «وَأُولَٰئِكَ هُمُ الْمُتَّقُونَ»؛ این‌ها هستند که از آتش جهنم و از شر دشمنان آل محمد و کفار پرهیز می‌کنند.

۶-۲-۷-۱-۴- از آنچه پیش رو و پشت سر شماست

﴿۲۰۴۷﴾ و هرگاه به آن‌ها گفته شود: «از آنچه پیش رو و پشت سر شماست [از عذاب‌های الهی] بترسید تا مشمول رحمت الهی شوید!» (اعتنا نمی‌کنند).

۷-۲-۷-۱-۴- از آتش

﴿۲۰۴۸﴾ و اگر در باره‌ی آنچه بر بنده‌ی خود [پیامبر] نازل کرده‌ایم شک و تردید دارید، (دست کم) یک سوره همانند آن بیاورید؛ و گواهان خود را - غیر خدا - برای این کار، فراخوانید اگر راست می‌گویید! پس اگر چنین نکنید - که هرگز نخواهید کرد - از آتشی بترسید که هیزم آن، بدن‌های مردم (گنجه‌کار) و سنگ‌ها [بت‌ها] است، و برای کافران، آماده شده است!

﴿۲۰۴۹﴾ و از آتشی بپرهیزید که برای کافران آماده شده است!

﴿۲۰۵۰﴾ ای کسانی که ایمان آورده‌اید خود و خانواده خویش را از آتشی که هیزم آن انسان‌ها و سنگ‌هاست نگه دارید آتشی که فرشتگانی بر آن گمارده شده که خشن و سخت‌گیرند و هرگز فرمان خدا را مخالفت نمی‌کنند و آنچه را فرمان داده شده‌اند (به طور کامل) اجرا می‌نمایند!

﴿طَرِيقُ اكْتِسَابِ التَّقْوَى، حِفْظِهِ وَازْدِيَادِهِ﴾

﴿٢٠٥١﴾ الرَّسُولُ ﷺ: فَاتَّقُوا النَّارَ وَلَوْ بِشِقِّ تَمْرَةٍ فَإِنْ لَمْ يَجِدْ أَحَدُكُمْ فَبِكَلِمَةٍ لَّيْنَةٍ؛

مستدرک الوسائل، ج ٧، ص ١٥٤

﴿٢٠٥٢﴾ السَّجَادُ ﷺ: لَيْسَ الْخَوْفُ خَوْفَ مَنْ بَكَى وَجَرَتْ دُمُوعُهُ مَا لَمْ يَكُنْ لَهُ وَرَعٌ

يَخْجُزُهُ عَنْ مَعَاصِي اللَّهِ وَإِنَّمَا ذَلِكَ خَوْفٌ كَاذِبٌ؛ بحار الأنوار، ج ٩٠، ص ٣٣٥

٢-٧-١-٤- الشَّقُّ مِنَ النَّارِ

﴿٢٠٥٣﴾ أمير المؤمنين ﷺ: مَنْ أَشْفَقَ مِنَ النَّارِ اتَّقَى الْمُحَرَّمَاتِ؛ كتاب سليم بن قيس، ص ٦١٣

٢-٧-١-٤- الْحَشْيَةُ

﴿٢٠٥٤﴾ الرَّسُولُ ﷺ: تَمَامُ الزُّهْدِ التَّقْوَى وَبَابُ التَّقْوَى الْحَشْيَةُ؛ بحار الأنوار، ج ٦٧، ص ٦٨

﴿٢٠٥٥﴾ حديث قدسي: مَا تَقَرَّبَ إِلَى الْمُتَقَرَّبُونَ بِمِثْلِ الْوَرَعِ مِنْ خَشْيَتِي؛ إرشاد القلوب، ج ١،

ص ٩٦

٢-٧-١-٤- الْخُمُودُ تَحْتَ هَيْبَةِ اللَّهِ

﴿٢٠٥٦﴾ الصَّادِقُ ﷺ: وَالتَّقْوَى مَاءٌ يَنْفَجِرُ مِنْ عَيْنِ الْمَعْرِفَةِ بِاللَّهِ تَعَالَى يَحْتَاجُ إِلَيْهِ كُلُّ فَنٍّ

مِنَ الْعِلْمِ وَهُوَ لَا يَحْتَاجُ إِلَّا تَصْحِيحَ الْمَعْرِفَةِ بِالْخُمُودِ تَحْتَ هَيْبَةِ اللَّهِ تَعَالَى وَسُلْطَانِهِ؛

مصباح الشريعة، ص ٥٩

٢-٧-١-٤- الذِّكْرُ وَالْإِعْتِبَارُ

١-٨-١-٤- ذِكْرُ الْقِيَامَةِ

﴿٢٠٥٧﴾ يَا أَيُّهَا النَّاسُ اتَّقُوا رَبَّكُمُ إِنَّ زَلْزَلَةَ السَّاعَةِ شَيْءٌ عَظِيمٌ؛ الحج ١

﴿٢٠٥٨﴾ يَا أَيُّهَا النَّاسُ اتَّقُوا رَبَّكُمُ وَاحْشَوْا يَوْمًا لَا يَجْزِي وَالِدٌ عَنْ وَلَدِهِ وَلَا مَوْلُودٌ هُوَ جَارٍ عَنْ

وَالِدِهِ شَيْئًا إِنَّ وَعْدَ اللَّهِ حَقٌّ فَلَا تَغُرَّنَّكُمُ الْحَيَاةُ الدُّنْيَا وَلَا يَغُرَّنَّكُمُ بِاللَّهِ الْغُرُورُ؛ لقمان ٣٣

٢-٧-١-٤- ذِكْرُ مَا فِي آتَاءِ اللَّهِ

﴿٢٠٥٩﴾ وَإِذْ أَخَذْنَا مِيثَاقَكُمْ وَرَفَعْنَا فَوْقَكُمُ الطُّورَ خُذُوا مَا آتَيْنَاكُمْ بِقُوَّةٍ وَادْكُرُوا مَا فِيهِ لَعَلَّكُمْ

تَتَّقُونَ؛ البقرة ٦٣

﴿٢٠٦٠﴾ وَإِذْ نَتَقْنَا الْجَبَلَ فَوْقَهُمْ كَأَنَّهُ ظُلَّةٌ وَظَنُّوا أَنَّهُ وَاقِعٌ بِهِمْ خُذُوا مَا آتَيْنَاكُمْ بِقُوَّةٍ وَادْكُرُوا مَا

فِيهِ لَعَلَّكُمْ تَتَّقُونَ؛ الأعراف ١٧١

«راه‌های کسب، نگهداری و افزایش پرهیزکاری»

﴿۲۰۵۱﴾ از آتش جهنّم ولو با یک تصدّق خرما بپرهیزید و اگر کسی از شما خرما نیافت با کلمه پاکیزه‌ای بپرهیزد.

﴿۲۰۵۲﴾ ترس، آن نیست که کسی بگیرد و اشک‌هایش جاری شود؛ مادامی که تقوایی نداشته باشد که او را از نافرمانی‌های خدا باز دارد؛ چنین خوفی، خوف کاذب است.

۸-۲-۷-۱-۴- از آتش

﴿۲۰۵۳﴾ کسی که از آتش جهنّم می‌ترسد، از محرّمات دوری می‌کند.

۳-۷-۱-۴- ترس

﴿۲۰۵۴﴾ نتیجه و کمال زهد، تقوا و پرهیزکاری است. راه تقوا هم خوف و خشیت است.

﴿۲۰۵۵﴾ [وحي خداوند به حضرت موسی ﷺ]: برای تقرّب به من، هیچ وسیله‌ای مانند پارسایی از ترس من نیست.

۴-۷-۱-۴- فروتنی نزد پروردگار

﴿۲۰۵۶﴾ تقوا از سرچشمه‌ی بینش و معرفت به خدا منشعب می‌شود. هر علم و دانش و صنعتی نیازمند به تقواست و در مفیدبودن، باید از پشتیبانی تقوا برخوردار باشد. تقوا جز به معرفت صحیح و شناسایی کامل خدا و تسلیم‌شدن و کوچک‌دیدن خود در برابر هیبت و عظمت و سلطنت الهی، به هیچ چیز نیازی ندارد.

۸-۱-۴- یاد و عبرت

۱-۸-۱-۴- یاد قیامت

﴿۲۰۵۷﴾ ای مردم! از (عذاب) پروردگارتان بترسید، که زلزله‌ی رستاخیز امر عظیمی است!

﴿۲۰۵۸﴾ ای مردم! تقوای الهی پیشه کنید و بترسید از روزی که نه پدر کیفر اعمال فرزندش را تحمّل می‌کند، و نه فرزند چیزی از کیفر (اعمال) پدرش را به یقین وعده الهی حقّ است پس مبادا زندگانی دنیا شما را بفریبد، و مبادا (شیطان) فریبکار شما را (به کرم) خدا مغرور سازد!

۲-۸-۱-۴- یاد آنچه خدا عطا کرده است

﴿۲۰۵۹﴾ و (به یاد آورید) زمانی را که از شما پیمان گرفتیم؛ و کوه طور را بالای سر شما قرار دادیم؛ (و به شما گفتیم): «آنچه را (از آیات و دستورهای خداوند) به شما داده‌ایم، با قدرت بگیرید؛ و آنچه را در آن است به یاد داشته باشید (و به آن عمل کنید)؛ باشد که پرهیزکار شوید!»

﴿۲۰۶۰﴾ و هنگامی که کوه را همچون سایبانی بر فراز آن‌ها بلند کردیم، آن چنان که گمان کردند بر آنان فرود می‌آید (و از آن‌ها پیمان گرفتیم و گفتیم): آنچه را (از احکام و دستورها) به شما داده‌ایم، با قوّت (و جدیت) بگیرید! و آنچه در آن است، به یاد داشته باشید، (و عمل کنید) تا پرهیزکار شوید!

﴿طَرِيقُ اكْتِسَابِ التَّقْوَى، حِفْظُهُ وَازْدِيادُهُ﴾

٣-١-٤- النظرُ إلى السَّماءِ وَالأَرْضِ لَأَنْ يَخَافَ أَوْ يَسْتَحْيِيَ مِمَّنْ فِيهِمَا

﴿٢٠٦١﴾ الباقِرُ عليه السلام: إِنَّ طَبَائِعَ النَّاسِ كُلَّهَا مُرَكَّبَةٌ عَلَى الشَّهْوَةِ وَالرَّغْبَةِ وَالْحِرْصِ وَالرَّهْبَةِ وَالْغَضَبِ وَاللَّذَّةِ إِلَّا أَنْ فِي النَّاسِ مَنْ زَمَّ هَذِهِ الْخِلَالَ بِالتَّقْوَى وَالْحَيَاءِ وَالْإِنْفِ فَإِذَا دَعَتْكَ نَفْسُكَ إِلَى كَبِيرَةٍ مِنَ الْأَمْرِ فَارْمِ بِبَصْرِكَ إِلَى السَّمَاءِ فَإِنْ لَمْ تَخَفْ مِنْ فِيهَا فَانْظُرْ إِلَى مَنْ فِي الْأَرْضِ لَعَلَّكَ أَنْ تَسْتَحْيِيَ مِمَّنْ فِيهَا فَإِنْ كُنْتَ لَا مِمَّنْ فِي السَّمَاءِ تَخَافُ وَلَا مِمَّنْ فِي الْأَرْضِ تَسْتَحْيِ فَعُدَّ نَفْسُكَ فِي الْبَهَائِمِ؛ مستدرک الوسائل، ج ١١، ص ٢١٢

٤-١-٨- الإِغْتِبَارُ

﴿٢٠٦٢﴾ أمير المؤمنين عليه السلام: ذِمَّتِي بِمَا أَقُولُ رَهِينَةٌ وَأَنَا بِهِ زَعِيمٌ إِنْ مَنْ صَرَّحَتْ لَهُ الْعِبَرُ عَمَّا بَيْنَ يَدَيْهِ مِنَ الْمَثَلَاتِ حَجَزَتْهُ التَّقْوَى عَنْ تَقَحُّمِ الشُّبُهَاتِ؛ نهج البلاغة، ص ٥٧

٩-١-٤- الرَّجَاءُ

٩-١-٩- الأَمَلُ بِالثَّوَابِ

﴿٢٠٦٣﴾ السَّجَادُ عليه السلام: فَاتَّقُوا اللَّهَ عِبَادَ اللَّهِ تَقْوَى مُؤَمِّلٍ تَوَابُهُ وَخَافٍ عِقَابِهِ؛ بحار الأنوار، ج ٧٥،

ص ١٢٨

١٠-١-٤- السُّؤَالُ وَالْإِسْتِعَانَةُ

١٠-١-٤- السُّؤَالُ مِنَ اللَّهِ وَرَاجِعُ: الْفَصْلُ الثَّانِي؛ طَلَبُ التَّقْوَى

﴿٢٠٦٤﴾ السَّجَادُ عليه السلام: سَأَلْتُ رَبِّي ثَلَاثًا فَأَعْطَانِي، سَأَلْتُهُ أَنْ يَحِلَّ فِي مَا حَلَّ فِي سَمِيِّ مِنْ قَبْلُ فَفَعَلَ، وَأَنْ يَرْزُقَنِي الْعِبَادَةَ فَفَعَلَ، وَأَنْ يُلْهِمَنِي التَّقْوَى فَفَعَلَ؛ دلائل الإمامة، ص ٨٥

٢-١-١٠- الإِسْتِعَانَةُ مِنَ اللَّهِ

﴿٢٠٦٥﴾ أمير المؤمنين عليه السلام: عِبَادَ اللَّهِ أَوْصِيكُمْ بِتَقْوَى اللَّهِ فَإِنَّهَا حَقُّ اللَّهِ عَلَيْكُمْ وَالْمُوجِبَةُ عَلَى اللَّهِ حَقِّكُمْ وَأَنْ تَسْتَعِينُوا عَلَيْهِ بِاللَّهِ وَتَسْتَعِينُوا بِهَا عَلَى اللَّهِ؛ نهج البلاغة، ص ٢٨٤

١١-١-٤- الطَّاعَةُ

﴿٢٠٦٦﴾ أمير المؤمنين عليه السلام: اتَّقِ اللَّهَ بِطَاعَتِهِ وَأَطِعِ اللَّهَ بِتَقْوَاهُ؛ غرر الحكم، ص ٢٦٩

١٢-١-٤- الْعِبَادَاتُ

«راه‌های کسب، نگهداری و افزایش پرهیزکاری»

۳-۱-۴- نگاه به آسمان و زمین برای آن که از ساکنان آن بهراسد

﴿۲۰۶۱﴾ طبع مردم ترکیبی از شهوت و میل و حرص و ترس و غضب و لذت است مگر آنکه شخصی در این میان با تقوا و حیا و بزرگ‌منشی بر آن مهار بزند. هرگاه نفست تو را به گناهی کبیره دعوت کرد، به آسمان نگاه کن؛ اگر از آن که در آسمان است ترسیدی، به اهل زمین نظر کن تا شاید از آنان حیا کنی، اما اگر نه از آن که در آسمان‌هاست ترسیدی و نه از آنان که در زمین‌اند حیا کردی، نفس خودت را یکی از چهارپایان به شمار بیاور.

۴-۱-۸- عبرت‌گیری

﴿۲۰۶۲﴾ نسبت به آنچه می‌گویم مسئولیت دارم، و نسبت به آن ضامن و پای‌بندم. کسی که عبرت‌های روزگار کیفرهای پیش رویش را بر او آشکار کند، تقوا او را از در افتادن در اشتباهات مانع می‌گردد.

۹-۱-۴- امید

۱-۹-۱- امید به پاداش

﴿۲۰۶۳﴾ ای بندگان خدا! تقوای خداوند را همچون کسی که آرزومند پاداش او و ترسان از مجازاتش می‌باشد، رعایت کنید.

۱۰-۱-۴- درخواست یاری

۱-۱۰-۴- درخواست از خدا و.ر.به: فصل ۲؛ درخواست پرهیزکاری

﴿۲۰۶۴﴾ از خداوند سه چیز خواستم که به من عطا فرمود؛ خواستم تا همان‌گونه که گره از کار بزرگواران قبل از من (پدرم و امامان پیش از او) برداشت، گره از کار من بگشاید که کرد و خواستم که عبادت را روزی من کند که کرد و خواستم که تقوا را به من الهام کند که کرد.

۲-۱۰-۴- طلب یاری از خدا

﴿۲۰۶۵﴾ ای بندگان خدا! شما را به پرهیزکاری سفارش می‌کنم، که حق خداوند بر شماست، و نیز موجب حق شما بر پروردگار است. از خدا برای پرهیزکاری یاری بخواهید، و برای انجام دستورات خدا از تقوا یاری جوئید.

۱۱-۱-۴- فرمانبرداری

﴿۲۰۶۶﴾ باتقوای الهی اطاعت خدا کنید و با اطاعت خدا، تقوا کسب کنید.

۱۲-۱-۴- عبادات

﴿طَرِيقُ إِكْتِسَابِ التَّقْوَى، حِفْظُهُ وَإِزْدِيادِهِ﴾

١-١٢-٤- الإِخْتِلَافُ إِلَى الْمَسَاجِدِ

﴿٢٠٦٧﴾ الحسن عليه السلام: عَنْ مَسْعُودَةَ بِنِ صَدَقَةَ عَنْ الصَّادِقِ عليه السلام عَنْ أَبِيهِ عليه السلام قَالَ قَالَ الْحَسَنُ بْنُ عَلِيٍّ عليه السلام مَنْ أَدْمَنَ الْإِخْتِلَافَ إِلَى الْمَسَاجِدِ لَمْ يَعْدَمْ وَاحِدَةً مِنْ سَبْعِ أَخَا يَسْتَفِيدُهُ فِي اللَّهِ أَوْ عِلْماً مُسْتَطَرَفاً أَوْ رَحْمَةً مُنْتَظَرَةً أَوْ آيَةً مُحْكَمَةً تَدُلُّ عَلَى هُدًى أَوْ إِنَّهُ أَظْنَهُ قَالَ سُدَّةٌ أَوْ رِشْدَةً تَصُدُّهُ عَنْ رَدًى أَوْ يَتْرُكُ ذَنْباً حَيَاءً أَوْ تَقْوًى؛ بحار الأنوار، ج ٨٠، ص ٣٨٦

١-١٢-٤- الْجَمَاعَةُ

﴿٢٠٦٨﴾ الرضا عليه السلام: إِنَّمَا جُعِلَتِ الْجَمَاعَةُ لِئَلَّا يَكُونَ الْإِخْلَاصُ وَالتَّوْحِيدُ وَالْإِسْلَامُ وَالْعِبَادَةُ لِلَّهِ إِلَّا ظَاهِراً مَكْشُوفاً مَشْهُوراً ... مَعَ مَا فِيهِ مِنَ الْمُسَاعَدَةِ عَلَى الْبِرِّ وَالتَّقْوَى؛ وسائل الشيعة، ج ٨، ص ٢٨٧

١-١٢-٤- الْحُجُّ

﴿٢٠٦٩﴾ السجاد عليه السلام: لَمَّا رَجَعَ مَوْلَانَا زَيْنُ الْعَابِدِينَ عليه السلام مِنَ الْحُجِّ اسْتَقْبَلَهُ الشَّيْلِيُّ فَقَالَ عليه السلام لَهُ... قَالَ فَعِنْدَ مَا مَرَرْتُ بِالْمَشْعَرِ الْحَرَامِ نَوَيْتُ أَنَّكَ أَشْعَرْتَ قَلْبَكَ إِشْعَارَ أَهْلِ التَّقْوَى وَالْخَوْفِ لِلَّهِ عَزَّ وَجَلَّ قَالَ لَا قَالَ فَمَا مَرَرْتُ بِالْعَلَمَيْنِ وَلَا صَلَّيْتُ رُكْعَتَيْنِ وَلَا مَشَيْتُ بِالْمُرْدَلِفَةِ وَلَا رَفَعْتُ مِنْهَا الْحَصَى وَلَا مَرَرْتُ بِالْمَشْعَرِ الْحَرَامِ؛ مستدرک الوسائل، ج ١٠، ص ١٧٠

١-١٢-٤- الْقُرْآنُ

﴿٢٠٧٠﴾ الرسول ﷺ: اللَّهُمَّ اشْغَلْ بِالْقُرْآنِ قُلُوبَنَا عَمَّنْ سِوَاكَ وَذَلِّلْهَا بِهِ وَاصْرِفْهَا عَمَّا سِوَاكَ وَآمِنَّا بِهِ مِنَ الْجَزَعِ وَغُشْنًا بِهِ سَرَائِيلَ الْوَرَعِ؛ مجموعة ورام، ج ٢، ص ٢٧٤

١-١٢-٤- قِرَاءَةُ «حَمِ الْمُؤْمِنِ»

﴿٢٠٧١﴾ الباقر عليه السلام: مَنْ قَرَأَ حَمِ الْمُؤْمِنِ فِي كُلِّ لَيْلَةٍ غَفَرَ اللَّهُ لَهُ مَا تَقَدَّمَ مِنْ ذَنْبِهِ وَمَا تَأَخَّرَ وَالْزَمَهُ كَلِمَةُ التَّقْوَى وَجَعَلَ الْآخِرَةَ خَيْرًا لَهُ مِنَ الدُّنْيَا؛ وسائل الشيعة، ج ٦، ص ٢٥٤

١-١٢-٤- الْمَعْرِفَةُ

١-١٣-٤- طَرِيقُ مَعْرِفَةِ التَّقْوَى مَعْرِفَةُ الْهُدَى

﴿٢٠٧٢﴾ الحسن عليه السلام: وَاعْلَمُوا عِلْماً يَقِيناً أَنَّكُمْ لَنْ تَعْرِفُوا التَّقَى حَتَّى تَعْرِفُوا صِفَةَ الْهُدَى؛ بحار الأنوار، ج ٧٥، ص ١٠٤

«راه‌های کسب، نگهداری و افزایش پرهیزکاری»

۱-۱۲-۴- رفت و آمد به مساجد

﴿۲۰۶۷﴾ از امام باقر علیه السلام نقل شده که امام حسن علیه السلام فرموده است: «هرکس بر رفت و آمد به مساجد مداومت داشته باشد، حداقل به یکی از هفت چیز می‌رسد: برادری که در راه خدا از او استفاده برد، یا دانشی جدید، یا رحمتی که در انتظار آن است، یا آیه‌ای محکم از قرآن که او را به راه هدایت رهنمون دارد». یا به گمانم فرمود: «سخن صحیح یا هدایتی که او را از هلاکت باز دارد، و یا اینکه از روی حیا یا تقوا گناهی را ترک نماید».

۲-۱۲-۴- حضور در جماعت

﴿۲۰۶۸﴾ نماز جماعت به آن جهت مقرر شده است تا اخلاص و توحید و اسلام و مراسم پرستش خدا همه و همه ظاهر و آشکار و مشهود باشد. ... گذشته از اینکه حضور در جماعت به انجام اعمال خیر و تقوی یاری می‌رساند.

۳-۱۲-۴- حج

﴿۲۰۶۹﴾ هنگامی که مولایمان امام سجاد علیه السلام از حج بازگشت، شبلی به استقبال ایشان رفت. امام علیه السلام به او فرمود: «... وقتی که بر مشعرالحرام گذر کردی، آیا نیت کردی که دلت را به بینش اهل تقوا و خوف از خدا بیارایی؟» گفت: «نه». امام علیه السلام فرمود: «پس نه از دو کوه عبور کرده‌ای، نه دو رکعت نماز خوانده‌ای، نه به مزدلفه رفته‌ای، نه از آنجا سنگریزه برداشته‌ای و نه از مشعرالحرام عبور کرده‌ای!»

۴-۱۲-۴- قرآن

﴿۲۰۷۰﴾ خدایا! دل‌هایمان را از دیگران به قرآن مشغول کن و نسبت به آن خاکسار نما و رویش را از دیگران به سمت قرآن بگردان و به واسطه‌ی آن ما را از ترس امان بده و لباس پرهیزکاری بپوشان.

۵-۱۲-۴- قرائت سوره‌ی مؤمن

﴿۲۰۷۱﴾ هرکس هر شب سوره «حم مؤمن» را تلاوت کند، خداوند گناهان پیشین و پسین او را می‌بخشاید و پرهیزکاری را همدم او می‌گرداند و سرای واپسین را برای او نیکوتر از دنیایش قرار می‌دهد.

۱۳-۴- شناخت

۱-۱۳-۴- راه شناخت پرهیزکاری شناخت هدایت است

﴿۲۰۷۲﴾ و به علم یقین بدانید که شما پرهیزکاری را نخواهید فهمید مگر آنکه وصف هدایت را دریابید.

﴿طَرِيقُ اكْتِسَابِ التَّقْوَى، حِفْظِهِ وَازْدِيَادِهِ﴾

٢-١٣-١-٤- طريقُ معرفةِ التقوى معرفةُ الذي تعدَّى

﴿٢٠٧٣﴾ أمير المؤمنين عليه السلام: لَنْ تَعْرِفُوا التَّقْوَى حَتَّى تَعْرِفُوا الَّذِي تَعْدَى فَإِذَا عَرَفْتُمْ ذَلِكَ عَرَفْتُمْ الْبَدَعَ وَالتَّكْلُفَ وَرَأَيْتُمْ الْفَرِيَةَ عَلَى اللَّهِ وَعَلَى رَسُولِهِ وَالتَّحْرِيفَ لِكِتَابِهِ وَرَأَيْتُمْ كَيْفَ هَدَى اللَّهُ مَنْ هَدَى فَلَا يُجْهَلَنَّكُمْ الَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ؛ الكافي، ج ٨، ص ٣٨٩

٣-١٣-١-٤- المعرفةُ باللهِ

﴿٢٠٧٤﴾ الصادق عليه السلام: وَ التَّقْوَى مَا يُنْفَجِرُ مِنْ عَيْنِ الْمَعْرِفَةِ بِاللَّهِ تَعَالَى يَخْتِاجُ إِلَيْهِ كُلُّ فَنٍّ مِنَ الْعِلْمِ وَهُوَ لَا يَخْتِاجُ إِلَّا تَصْحِيحَ الْمَعْرِفَةِ بِالْخُمُودِ تَحْتَ هَيْبَةِ اللَّهِ تَعَالَى وَ سُلْطَانِهِ؛ مصباح الشريعة، ص ٥٩

﴿٢٠٧٥﴾ الرسول صلى الله عليه وآله: لِكُلِّ شَيْءٍ مَعْدِنٌ وَمَعْدِنُ التَّقْوَى قُلُوبُ الْعَارِفِينَ؛ إرشاد القلوب، ج ١، ص ١٥

١٤-١-٤- العقلُ وَ اللَّبُّ وَ الرُّشْدُ وَ الْكِيَاَسَةُ وَ الْحَزْمُ

١-١٤-٤- العقلُ

﴿٢٠٧٦﴾ أمير المؤمنين عليه السلام: سِتَّةٌ تُخْتَبَرُ بِهَا عُقُولُ النَّاسِ الْحِلْمُ عِنْدَ الْغَضَبِ وَ الصَّبْرُ عِنْدَ الرَّهْبِ وَ الْقَصْدُ عِنْدَ الرَّغْبِ وَ تَقْوَى اللَّهِ فِي [عَلَى] كُلِّ حَالٍ وَ حُسْنُ الْمُدَارَاةِ وَ قَلَّةُ الْمُمَارَاةِ؛ غرر الحكم، ص ٥٥

﴿٢٠٧٧﴾ الرسول صلى الله عليه وآله: أَلَا وَ إِنَّ أَعْقَلَ النَّاسِ عَبْدٌ عَرَفَ رَبَّهُ فَاطَاعَهُ وَ عَرَفَ عَدُوَّهُ فَعَصَاهُ وَ عَرَفَ دَارَ إِقَامَتِهِ فَاصْلَحَهَا وَ عَرَفَ سُرْعَةَ رَحِيلِهِ فَتَزَوَّدَ لَهَا أَلَا وَ إِنَّ خَيْرَ الزَّادِ مَا صَحِبَهُ التَّقْوَى؛ بحار الأنوار، ج ٧٤، ص ١٨١

٢-١٤-٤- اللَّبُّ

﴿٢٠٧٨﴾ قُلْ لَا يَسْتَوِي الْخَبِيثُ وَالطَّيِّبُ وَلَوْ أَعْجَبَكَ كَثْرَةُ الْخَبِيثِ فَاتَّقُوا اللَّهَ يَا أُولِي الْأَلْبَابِ

لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ؛ المائدة ١٠٠

﴿٢٠٧٩﴾ وَلَكُمْ فِي الْقِصَاصِ حَيَاةٌ يَا أُولِي الْأَلْبَابِ لَعَلَّكُمْ تَتَّقُونَ؛ البقرة ١٧٩

﴿٢٠٨٠﴾ فَاتَّقُوا اللَّهَ يَا أُولِي الْأَلْبَابِ الَّذِينَ آمَنُوا قَدْ أَنْزَلَ اللَّهُ إِلَيْكُمْ ذِكْرًا؛ الطلاق ١٠

﴿٢٠٨١﴾ وَاتَّقُونَ يَا أُولِي الْأَلْبَابِ؛ البقرة ١٩٧

«راه‌های کسب، نگهداری و افزایش پرهیزکاری»

۲-۱۳-۴- راه شناخت پرهیزکاری شناخت کسی است که از حدود تجاوز می‌کند

﴿۲۰۷۳﴾ تقوا را نخواهید شناخت مگر هنگامی که مرز گذر از آن را بشناسید. هنگامی که این‌ها را شناختید، بدعت‌ها و زورگویی‌ها را خواهید شناخت و افترا بر خدا، رسول و تحریف قرآن را درخواهید یافت و خواهید دید که چگونه خداوند، هدایت‌یافتگان را ره نموده است. مبدا کسانی که [معارف قرآن] را نمی‌دانند، شما را به گمراهی و جهل کشانند!

۳-۱۳-۴- شناخت خدا

﴿۲۰۷۴﴾ تقوا از سرچشمه‌ی بینش و معرفت به خدا منشعب می‌شود. هر علم و دانش و صنعتی نیازمند به تقواست و در مفیدبودن، باید از پشتیبانی تقوا برخوردار باشد. تقوا جز به معرفت صحیح و شناسایی کامل خدا و تسلیم‌شدن و کوچک‌دیدن خود در برابر هیبت و عظمت و سلطنت الهی، به هیچ چیز نیازی ندارد.

﴿۲۰۷۵﴾ هر چیزی معدنی دارد و معدن تقوا، قلب عارفان است.

۴-۱۴-۱- عقل و خرد و رشد و زیرکی و دوراندیشی

۱-۱۴-۴- عقل

﴿۲۰۷۶﴾ با شش چیز است که عقل مردم سنجیده می‌شود: بردباری در هنگام غضب، صبر در هنگام ترس، میانه‌روی در خواسته‌ها، تقوای الهی در همه حال، مدارای نیک با دیگران و کم بودن جدال و ستیزه.

﴿۲۰۷۷﴾ آگاه باش همانا که خردمندترین مردم، بنده‌ای است که پروردگارش را بشناسد، از او فرمانبرداری کند. دشمنش را بشناسد و نافرمانی کند و خانه‌ی زندگی‌اش را بشناسد و اصلاح کند. و تندی حرکتش را بشناسد و برای رفتن توشه بگیرد. آگاه باش همانا که بهترین توشه‌ای که او به همراه دارد، پرهیزکاری است.

۲-۱۴-۴- خرد

﴿۲۰۷۸﴾ بگو: «هیچ گاه) ناپاک و پاک مساوی نیستند هر چند فزونی ناپاک‌ها، تو را به شگفتی اندازد! از (مخالفت) خدا بپرهیزید ای صاحبان خرد، شاید رستگار شوید! ﴿۲۰۷۹﴾ و برای شما در قصاص، حیات و زندگی است، ای صاحبان خرد! باشد که شما تقوا پیشه کنید.

﴿۲۰۸۰﴾ پس از (مخالفت فرمان) خدا بپرهیزید ای خردمندانی که ایمان آورده‌اید! (زیرا) خداوند چیزی که مایه‌ی تذکر است بر شما نازل کرده است.

﴿۲۰۸۱﴾ و از من بپرهیزید ای خردمندان!

﴿طَرِيقُ اكْتِسَابِ التَّقْوَى، حِفْظِهِ وَازْدِيَادِهِ﴾

٣-١٤-١-٤- الكِيَاسَةُ

﴿٢٠٨٢﴾ أمير المؤمنين عليه السلام: الْكَيْسُ مَنْ دَانَ بِتَقْوَى اللَّهِ سُبْحَانَهُ وَتَجَنَّبَ الْمَحَارِمَ وَإِصْلَاحَ

الْمَعَادِ؛ غرر الحكم، ص ٣٢٢

﴿٢٠٨٣﴾ أمير المؤمنين عليه السلام: اكْبِسْكُمْ أَوْرَعَكُمْ؛ غرر الحكم، ص ٢٦٩

٤-١٤-١-٤- الرُّشْدُ

﴿٢٠٨٤﴾ وَجَاءَهُ قَوْمُهُ يُهْرَعُونَ إِلَيْهِ وَمَنْ قَبْلُ كَانُوا يَعْمَلُونَ السَّيِّئَاتِ قَالَ يَا قَوْمِ هَؤُلَاءِ بَنَاتِي هُنَّ

أَظْهَرُ لَكُمْ فَاتَّقُوا اللَّهَ وَلَا تُخْزُونِ فِي صَنِيفِي أَلَيْسَ مِنْكُمْ رَجُلٌ رَشِيدٌ؛ هود ٧٨

﴿٢٠٨٥﴾ الرسول ﷺ: وَأَمَّا الرُّشْدُ فَيَتَشَعَّبُ مِنْهُ السَّدَادُ وَالْهُدَى وَالْبِرُّ وَالتَّقْوَى؛ بحار الأنوار،

ج ١، ص ١١٧

٥-١٤-١-٤- الْحَزْمُ

﴿٢٠٨٦﴾ أمير المؤمنين عليه السلام: عِبَادَ اللَّهِ إِنَّ مِنَ الْحَزْمِ أَنْ تَتَّقُوا اللَّهَ؛ بحار الأنوار، ج ٧٤، ص ٢٩١

٥-١-١٥- الْعِلْمُ

١-١٥-٤- الْعِلْمُ

﴿٢٠٨٧﴾ وَإِبْرَاهِيمَ إِذْ قَالَ لِقَوْمِهِ اعْبُدُوا اللَّهَ وَاتَّقُوهُ ذَلِكَ خَيْرٌ لَكُمْ إِنْ كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ؛ العنكبوت

١٦

﴿٢٠٨٨﴾ السَّجَادِ عليه السلام: وَاعْلَمْ أَنَّ الْعِلْمَ اتَّقَى؛ كفاية الأثر، ص ٢٣٩

﴿٢٠٨٩﴾ أمير المؤمنين عليه السلام: إِنَّمَا الْعَالِمُ مَنْ دَعَاهُ عِلْمُهُ إِلَى الْوَرَعِ وَالتَّقَى وَالزُّهْدِ فِي عَالَمِ

الْفَنَاءِ وَالتَّوَلَّاهُ بَجَنَّةِ الْمَأْوَى؛ غرر الحكم، ص ٤٨

﴿٢٠٩٠﴾ أمير المؤمنين عليه السلام: رَأْسُ الْعِلْمِ التَّوَاضُّعُ ... وَمِنْ ثَمَرَاتِهِ التَّقْوَى وَاجْتِنَابُ الْهَوَى؛

بحار الأنوار، ج ٧٥، ص ٦

٢-١٥-٤- الْعِلْمُ بِأَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ

﴿٢٠٩١﴾ وَإِلَى عَادٍ أَخَاهُمْ هُودًا قَالَ يَا قَوْمِ اعْبُدُوا اللَّهَ مَا لَكُمْ مِنْ إِلَهٍ غَيْرُهُ أَفَلَا تَتَّقُونَ؛ الأعراف ٦٥

﴿٢٠٩٢﴾ وَلَقَدْ أَرْسَلْنَا نُوحًا إِلَى قَوْمِهِ فَقَالَ يَا قَوْمِ اعْبُدُوا اللَّهَ مَا لَكُمْ مِنْ إِلَهٍ غَيْرُهُ أَفَلَا تَتَّقُونَ؛

المؤمنون ٢٣

«راه‌های کسب، نگهداری و افزایش پرهیزکاری»

۳-۱۴-۱-۴- زیرکی

﴿۲۰۸۲﴾ زیرک کسی است که با تقوای الهی خدا را فرمان برد و از محرّمات دوری کند و معاد خود را اصلاح کند.

﴿۲۰۸۳﴾ زیرک‌ترین شما، با ورع‌ترین شماست.

۴-۱۴-۱-۴- رشد

﴿۲۰۸۴﴾ قوم او (به قصد مزاحمت میهمانان) به سرعت به سراغ او آمدند - و قبلاً کارهای بد انجام می‌دادند - گفت: «ای قوم من! این‌ها دختران منند برای شما پاکیزه‌ترند! (با آن‌ها ازدواج کنید و از زشتکاری چشم‌پوشید!) از خدا بترسید و مرا در مورد میهمانانم رسوا نسازید! آیا در میان شما یک مرد فهمیده و آگاه وجود ندارد؟!»

﴿۲۰۸۵﴾ و اما آنچه که از «رشد» منشعب می‌شود: متانت، هدایت، نیکوکاری و پرهیزکاری می‌باشد.

۵-۱۴-۱-۴- دوراندیشی

﴿۲۰۸۶﴾ بندگان خدا! پرهیزکاری و خداترسی، عاقبت‌اندیشی است.

۱۵-۱-۴- آگاهی

۱-۱۵-۱-۴- آگاهی

﴿۲۰۸۷﴾ ما ابراهیم را (نیز) فرستادیم، هنگامی که به قومش گفت: «خدا را پرستش کنید و از (عذاب) او بپرهیزید که این برای شما بهتر است اگر بدانید!

﴿۲۰۸۸﴾ بدان که علم پرهیزکارتر است (علم بیشتر انسان را به تقوا می‌کشد).

﴿۲۰۸۹﴾ عالم به کسی می‌گویند که علمش او را به سمت ورع و تقوا و زهد در دنیای فانی و

سرگشتگی به بهشت سوق دهد.

﴿۲۰۹۰﴾ [علم را به پیکری می‌توان تشبیه کرد] که سر آن تواضع است ... و از نتایج علم،

تقوا و پرهیز از هوی است.

۲-۱۵-۱-۴- اعتقاد به یگانگی خدا

﴿۲۰۹۱﴾ و به سوی قوم عاد، برادرشان «هود» را (فرستادیم) گفت: «ای قوم من! (تنها) خدا را

پرستش کنید، که جز او معبودی برای شما نیست! آیا پرهیزکاری پیشه نمی‌کنید؟!»

﴿۲۰۹۲﴾ و ما نوح را به سوی قومش فرستادیم او به آن‌ها گفت: «ای قوم من! خداوند یکتا را

بپرستید، که جز او معبودی برای شما نیست! آیا (از پرستش بت‌ها) پرهیز نمی‌کنید؟!

﴿طَرِيقُ اكْتِسَابِ التَّقْوَى، حِفْظُهُ وَازْدِيَادِهِ﴾

﴿٢٠٩٣﴾ فَأَرْسَلْنَا فِيهِمْ رَسُولًا مِنْهُمْ أَنْ اعْبُدُوا اللَّهَ مَا لَكُمْ مِنْ إِلَهٍ غَيْرُهُ أَفَلَا تَتَّقُونَ؛ المؤمنون ٣٢
٤-١-١٥-٣- العِلْمُ بِأَنْ لَيْسَ بَيْنَ اللَّهِ وَبَيْنَ أَحَدٍ قَرَابَةٌ

﴿٢٠٩٤﴾ الْبَاقِرُ عليه السلام: فَاتَّقُوا وَاعْمَلُوا لِمَا عِنْدَ اللَّهِ لَيْسَ بَيْنَ اللَّهِ وَبَيْنَ أَحَدٍ قَرَابَةٌ؛ بحار الأنوار، ج ٦٧، ص ٩٧
٤-١-١٥-٤- العِلْمُ بِأَنْ لَنْ تَبْلُغَ أَمْلَكَ وَلَنْ تَعْدُوَ أَجَلَكَ

﴿٢٠٩٥﴾ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عليه السلام: إِنَّكَ لَنْ تَبْلُغَ أَمْلَكَ وَلَنْ تَعْدُوَ أَجَلَكَ فَاتَّقِ اللَّهَ وَاجْمِلْ فِي
الطَّلَبِ؛ غرر الحكم، ص ٢٧٢

٤-١-١٥-٥- العِلْمُ بِأَنْ الصَّبْرَ عَلَى التَّقْوَى أَهْوَنُ مِنَ الصَّبْرِ عَلَى عَذَابِ اللَّهِ

﴿٢٠٩٦﴾ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عليه السلام: أَيُّهَا النَّاسُ اتَّقُوا اللَّهَ فَإِنَّ الصَّبْرَ عَلَى التَّقْوَى أَهْوَنُ مِنَ الصَّبْرِ عَلَى
عَذَابِ اللَّهِ؛ بحار الأنوار، ج ٧٥، ص ٥٩

٤-١-١٥-٦- العِلْمُ بِاطِّلَاعِ اللَّهِ عَلَى سِرِّ الْعَبْدِ

﴿٢٠٩٧﴾ الصَّادِقُ عليه السلام: مَزِيدُ التَّقْوَى يَكُونُ مِنْ أَصْلِ اطِّلَاعِ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ عَلَى سِرِّ الْعَبْدِ
بِلُطْفِهِ؛ مصباح الشريعة، ص ٥٩

٤-١-١٦- المَالُ وَالْغِنَى

٤-١-١٦-١- المَالُ

﴿٢٠٩٨﴾ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عليه السلام: نِعَمَ الْعَوْنُ عَلَى تَقْوَى اللَّهِ الْمَالُ؛ شرح نهج البلاغة، ج ١٩، ص ٢٢٧
٤-١-١٦-٢- الغِنَى

﴿٢٠٩٩﴾ الرَّسُولُ ﷺ: نِعَمَ الْعَوْنُ عَلَى تَقْوَى اللَّهِ الْغِنَى؛ الكافي، ج ٥، ص ٧١
٤-١-١٧- الوَلَايَةُ

٤-١-١٧-١- حُبُّ أَهْلِ الْبَيْتِ عليهم السلام

﴿٢١٠٠﴾ الرَّسُولُ ﷺ: فَإِنَّ فِي حُبِّ أَهْلِ بَيْتِي عِشْرِينَ خَصْلَةً عَشْرُ مِنْهَا فِي الدُّنْيَا وَعَشْرُ فِي
الْآخِرَةِ أَمَّا فِي الدُّنْيَا فَالزُّهْدُ وَالْحِرْصُ عَلَى الْعَمَلِ وَالْوَرَعُ فِي الدِّينِ و...؛ بحار الأنوار، ج ٢٧، ص ٧٨
٤-١-١٧-٢- الوَلَايَةُ

﴿٢١٠١﴾ الرَّسُولُ ﷺ: الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي آرَانَا وَلَايَتَكَ وَأَخَذَ مِيثَاقَنَا بِذَلِكَ وَزَادَنَا إِيمَانًا وَ
تَشْيِيتًا عَلَى التَّقْوَى؛ بحار الأنوار، ج ٥٧، ص ١٢٥

«راه‌های کسب، نگهداری و افزایش پرهیزکاری»

﴿۲۰۹۳﴾ و در میان آنان رسولی از خودشان فرستادیم که: «خدا را بپرستید جز او معبودی برای شما نیست آیا (با این همه، از شرک و بت پرستی) پرهیز نمی‌کنید؟!»

۴-۱-۱۵-۳- آگاهی به این که بین خدا و هیچکس قرابتی نیست

﴿۲۰۹۴﴾ از خدا بترسید و برای به‌دست‌آوردن آنچه نزد اوست عمل کنید؛ بین خدا و هیچ کس قرابتی نیست.

۴-۱-۱۵-۴- آگاهی به اینکه به آرزوهایت نمی‌رسی و نمی‌توانی از اجل خود فرار کنی

﴿۲۰۹۵﴾ تو به [تمام] آرزوهایت نمی‌رسی و نمی‌توانی از اجلت فرار کنی، پس تقوای الهی پیشه کن و [از خدا] درخواست‌های زیبا کن.

۴-۱-۱۵-۵- آگاهی به اینکه شکیبایی بر پرهیزکاری آسان‌تر از شکیبایی بر عذاب الهی است

﴿۲۰۹۶﴾ ای مردم! رعایت تقوای الهی را نمایند، زیرا صبر و پایداری در امر پرهیزکاری، آسان‌تر از تحمل عذاب الهی است.

۴-۱-۱۵-۶- اعتقاد به آگاهی خدا از رازهای آدمی

﴿۲۰۹۷﴾ یگانه عامل ازدیاد و تقویت تقوا، اطلاع کامل و ایمان انسان است به اینکه خدا به تمامی اسرار و نیات و خاطرات بنده‌اش آگاهی دارد.

۴-۱-۱۶- مال و توانگری

۴-۱-۱۶-۱- مال

﴿۲۰۹۸﴾ اموال و دارایی کمک‌کار خوبی برای تقواست.

۴-۱-۱۶-۲- توانگری

﴿۲۰۹۹﴾ بی‌نیازی چه یار خوبی برای پرهیزکاری است!

۴-۱-۱۷- ولایت

۴-۱-۱۷-۱- دوستی اهل بیت (علیهم‌السلام)

﴿۲۱۰۰﴾ همانا در محبت اهل بیت من بیست خصلت است، ده مورد در دنیا است و ده مورد در

آخرت. آنچه در دنیا است، زهد و اشتیاق به عمل، ورع در دین و... است.

۴-۱-۱۷-۲- ولایت

﴿۲۱۰۱﴾ سپاس خدا را که ولایت تو را به ما نشان داد و از ما برای آن پیمان گرفت و ایمان

و عقیده‌ی ما را با آن زیاد کرد و بر تقوا پایدارمان ساخت.

﴿۶۷۷﴾

﴿لَوَازِمُ إِيجَادِ التَّقْوَى لِلْآخِرِينَ﴾

١٨-١-٤- تَجَاهَ الْآخِرِينَ

١٨-١-٤- الصَّفْحُ عَنْ جَمِيعِ عَثَرَاتِ الْخَلْقِ وَ تَرْكُ ذِكْرِ خَطِيئَتِهِمْ

﴿٢١٠٢﴾ الصَّادِقُ عليه السلام: وَ الْمُتَوَرَّعُ يَحْتَاجُ إِلَى ثَلَاثَةِ أَصُولٍ الصَّفْحُ عَنْ عَثَرَاتِ الْخَلْقِ أَجْمَعَ وَ تَرْكُ خَطِيئَتِهِ فِيهِمْ وَ اسْتِوَاءُ الْمَدْحِ وَ الذَّمِّ؛ مستدرک الوسائل، ج ١١، ص ٢٧١

١٨-١-٤- تَعَزِيَةُ الْحَزِينِ

﴿٢١٠٣﴾ الرَّسُولُ ﷺ: مَنْ عَزَى حَزِينًا أَلْبَسَهُ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ مِنْ لِبَاسِ التَّقْوَى؛

مستدرک الوسائل، ج ٢، ص ٣٤٨

١٨-١-٤- السَّمَاحَةُ وَ الشَّجَاعَةُ

﴿٢١٠٤﴾ الصَّادِقُ عليه السلام: مَنْ كَانَتْ فِيهِ خَلَّةٌ مِنْ ثَلَاثَةِ انْتِظَمَتْ فِيهِ ثَلَاثَتُهَا فِي تَفْخِيمِهِ وَ هَيْئَتِهِ وَ

جَمَالِهِ مَنْ كَانَ لَهُ وَرَعٌ أَوْ سَمَاحَةٌ أَوْ شَجَاعَةٌ؛ بحار الأنوار، ج ٧٥، ص ٢٣٢

١٨-١-٤- قَوْلُ الْحَقِّ

﴿٢١٠٥﴾ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عليه السلام: قُلِ الْحَقُّ وَ قَرَّبِ الْمُتَّقِينَ؛ بحار الأنوار، ج ٧٥، ص ٨

٢-٤- لَوَازِمُ إِيجَادِ التَّقْوَى لِلْآخِرِينَ

١-٢-٤- التَّنْذِيرُ

﴿٢١٠٦﴾ وَلَقَدْ ضَرَبْنَا لِلنَّاسِ فِي هَذَا الْقُرْآنِ مِنْ كُلِّ مَثَلٍ لَعَلَّهُمْ يَتَذَكَّرُونَ * قُرْآنًا عَرَبِيًّا غَيْرَ ذِي

عُوجٍ لَعَلَّهُمْ يَتَّقُونَ؛ الزمر ٢٨- ٢٧

﴿٢١٠٧﴾ إِذَا رَأَيْتَ الَّذِينَ يَخُوضُونَ فِي آيَاتِنَا فَأَعْرِضْ عَنْهُمْ حَتَّى يَخُوضُوا فِي حَدِيثٍ غَيْرِهِ وَ

إِنَّمَا يُنْسِيَنَّكَ الشَّيْطَانُ فَلَا تَقْعُدْ بَعْدَ الذِّكْرِ مَعَ الْقَوْمِ الظَّالِمِينَ * وَمَا عَلَى الَّذِينَ يَتَّقُونَ مِنْ

حِسَابِهِمْ مِنْ شَيْءٍ وَلَكِنْ ذَكَرُوا لَعَلَّهُمْ يَتَّقُونَ؛ الانعام ٦٩- ٦٨

٢-٢-٤- الوَعْظُ

﴿٢١٠٨﴾ سَلِّمُوا عَلَى الْقَرْيَةِ الَّتِي كَانَتْ حَاضِرَةً الْبَحْرِ إِذْ يَعْدُونَ فِي السَّبْتِ إِذْ تَأْتِيهِمْ حِثَّائُهُمْ

يَوْمَ سَبْتِهِمْ شُرْعًا وَ يَوْمَ لَا يُسَبِّتُونَ لِاتِّبَاعِهِمْ كَذَلِكَ نَبْلُوهُمْ بِمَا كَانُوا يَفْسُقُونَ * وَإِذْ قَالَتْ أُمَّةٌ مِنْهُمْ

لِمَ تَعْظُلُونَ قَوْمًا اللَّهُ مُهْلِكُهُمْ أَوْ مُعَذِّبُهُمْ عَذَابًا شَدِيدًا قَالُوا مَعذِرَةٌ إِلَى رَبِّكُمْ وَلَعَلَّهُمْ يَتَّقُونَ؛

الاعراف ١٦٤- ١٦٣

«لوازم برانگیختن دیگران به پرهیزکاری»

۴-۱-۱۸- در مقابل دیگران

۴-۱-۱۸-۱- گذشت از همه‌ی لغزش‌های آفریدگان و ترک یادآوری خطاهای شان

«۲۱۰۲» صاحب ورع، به سه اصل محتاج است: اول آنکه از آزارهای مردم اعراض کند و متعرض ایشان نشود. دوم آنکه در افشای حال مردم نباشد و غیبت ایشان نکند. سوم آنکه مدح و ذم مردم نسبت به او مساوی باشد، نه از مدح کسی خرسند شود و نه از ذم کسی دلگیر.

۴-۱-۱۸-۲- تسلیت به غمدیده

«۲۱۰۳» هرکس بر مصیبتی که او را محزون می‌کند تسلیت گوید، خداوند لباس تقوا بر تن او می‌پوشاند.

۴-۱-۱۸-۳- بخشندگی و شجاعت

«۲۱۰۴» هرکس یکی از این سه صفت را داشته باشد دو صفت دیگر نیز در بزرگی و هیبت و جمال وی تنظیم می‌شود: پارسایی، بخشندگی و شجاعت.

۴-۱-۱۸-۴- حق‌گویی

«۲۱۰۵» حق را بگو و به پرهیزکاران نزدیک شو.

۴-۲- لوازم برانگیختن دیگران به پرهیزکاری

۴-۲-۱- یادآوری

«۲۱۰۶» ما برای مردم در این قرآن از هر نوع مثلی زدیم، باشد که متذکر شوند. * قرآنی است فصیح و خالی از هر گونه کجی و نادرستی، باشد که آنان پرهیزکاری پیشه کنند!

«۲۱۰۷» هرگاه کسانی را دیدی که آیات ما را استهزا می‌کنند، از آن‌ها روی بگردان تا به سخن دیگری بپردازند! و اگر شیطان از یاد تو ببرد، هرگز پس از یاد آمدن با این جمعیت ستمگر منشین! * و (اگر) افراد با تقوا (برای ارشاد و اندرز با آن‌ها بنشینند)، چیزی از حساب (و گناه) آن‌ها بر ایشان نیست ولی (این کار، باید تنها) برای یادآوری آن‌ها باشد، باشد که (بشنوند و) تقوی پیشه کنند!

۴-۲-۲- نصیحت

«۲۱۰۸» و از آن‌ها درباره‌ی (سرگذشت) شهری که در ساحل دریا بود پپرس! زمانی که آن‌ها در روزهای شنبه، تجاوز (و نافرمانی) خدا می‌کردند همان هنگام که ماهیان‌شان، روز شنبه (که روز تعطیل و استراحت و عبادت بود، بر سطح آب)، آشکار می‌شدند اما در غیر روز شنبه، به سراغ آن‌ها نمی‌آمدند این چنین آن‌ها را به چیزی آزمایش کردیم که نافرمانی می‌کردند! * و (به یاد آر) هنگامی را که گروهی از آن‌ها (به گروه دیگر) گفتند: «چرا جمعی (گنهکار) را اندرز می‌دهید که سرانجام خداوند آن‌ها را هلاک خواهد کرد، یا به عذاب شدیدی گرفتار خواهد ساخت؟! (آن‌ها را به حال خود واگذارید تا نابود شوند!)» گفتند: «(این اندرزها،) برای اعتذار (و رفع مسئولیت) در پیشگاه پروردگار شماسست به علاوه باشد که آن‌ها (بپذیرند، و از گناه باز ایستند، و) تقوا پیشه کنند!»

﴿لَوَازِمُ إِيجَادِ التَّقْوَى لِلْآخِرِينَ﴾

﴿٢١٠٩﴾ السَّجَادَةُ: فَخَنُ نَهَى عَنِ الْمُنْكَرِ... قَالُوا وَلَعَلَّهُمْ يَتَّقُونَ وَنَعِظُهُمْ أَيْضًا لَعَلَّهُمْ تَتَجَعُّ فِيهِمْ الْمَوَاعِظُ فَيَتَّقُوا هَذِهِ الْمُؤَبَّةَ وَيَحْذَرُوا عُقُوبَتَهَا؛ بحار الأنوار، ج ١٤، ص ٥٦
٣-٢-٤- إبلاغ الكتاب

﴿٢١١٠﴾ الباقِرَةُ: بِالتَّقْوَى فَازَ الصَّابِرُونَ وَنَجَتْ تِلْكَ الْعُصْبُ مِنَ الْمَهَالِكِ وَلَهُمْ إِخْوَانٌ عَلَى تِلْكَ الطَّرِيقَةِ يَلْتَمِسُونَ تِلْكَ الْفَضِيلَةَ نَبَذُوا طُغْيَانَهُمْ مِنَ الْإِيرَادِ بِالشَّهَوَاتِ لِمَا بَلَغَهُمْ فِي الْكِتَابِ مِنَ الْمَثَلَاتِ؛ الكافي، ج ٨، ص ٥٢
٤-٢-٤- تبيين الآيات

﴿٢١١١﴾ أُحِلَّ لَكُمْ لَيْلَةَ الصَّيَامِ الرَّفَثُ إِلَى نِسَائِكُمْ هُنَّ لِبَاسٌ لَكُمْ وَأَنْتُمْ لِبَاسٌ لَهُنَّ عَلِمَ اللَّهُ أَنَّكُمْ كُنْتُمْ تَخْتَانُونَ أَنْفُسَكُمْ فَتَابَ عَلَيْكُمْ وَعَفَا عَنْكُمْ فَالآنَ بَاشِرُوهُنَّ وَابْتَغُوا مَا كَتَبَ اللَّهُ لَكُمْ وَكُلُوا وَاشْرَبُوا حَتَّى يَتَبَيَّنَ لَكُمُ الْخَيْطُ الْأَبْيَضُ مِنَ الْخَيْطِ الْأَسْوَدِ مِنَ الْفَجْرِ ثُمَّ أَتِمُّوا الصِّيَامَ إِلَى اللَّيْلِ وَلَا تُبَاشِرُوهُنَّ وَأَنْتُمْ عَاكِفُونَ فِي الْمَسَاجِدِ تِلْكَ حُدُودُ اللَّهِ فَلَا تَقْرُبُوهَا كَذَلِكَ يُبَيِّنُ اللَّهُ آيَاتِهِ لِلنَّاسِ لَعَلَّهُمْ يَتَّقُونَ؛ البقرة ١٨٧
٤-٢-٥- التناصح والتحابب

﴿٢١١٢﴾ أمير المؤمنين عليه السلام: فَإِنَّمَا أَنْتُمْ إِخْوَانٌ عَلَى دِينِ اللَّهِ وَاللَّهُ مَا يُفَرِّقُ بَيْنَ أَهْوَائِكُمْ إِلَّا خُبْتُ سَرَائِرَكُمْ وَلَوْ تَحَابَبْتُمْ وَتَنَاصَحْتُمْ لَتَعَاوَنْتُمْ عَلَى الْبِرِّ وَالتَّقْوَى؛ مجموعة ورام، ج ٢، ص ٢٤٨
٤-٢-٦- الإنذار

﴿٢١١٣﴾ وَأَنْذَرِيهِ الَّذِينَ يَخَافُونَ أَنْ يُحْشَرُوا إِلَى رَبِّهِمْ لَيْسَ لَهُمْ مِنْ دُونِهِ وَلِيٌّ وَلَا شَفِيعٌ لَعَلَّهُمْ يَتَّقُونَ؛ الأنعام ٥١

﴿٢١١٤﴾ أَوْعَجِبْتُمْ أَنْ جَاءَكُمْ ذِكْرٌ مِنْ رَبِّكُمْ عَلَى رَجُلٍ مِنْكُمْ لِيُنْذِرَكُمْ وَلِتَتَّقُوا وَلَعَلَّكُمْ تُرْحَمُونَ؛ الأعراف ٦٣
٤-٢-٧- الوعيد

﴿٢١١٥﴾ وَكَذَلِكَ أَنْزَلْنَاهُ قُرْآنًا عَرَبِيًّا وَصَرَّفْنَا فِيهِ مِنَ الْوَعِيدِ لَعَلَّهُمْ يَتَّقُونَ أَوْ يُحْدِثُ لَهُمْ ذِكْرًا؛

طه ١١٣

«لوازم برانگیختن دیگران به پرهیزکاری»

﴿۲۱۰۹﴾ ما نهی از منکر می‌کنیم... شاید آن‌ها [بپذیرند، و از گناه باز ایستند، و] تقوا پیشه کنند. و همچنین آنان را پند می‌دهیم شاید این پندها در آنان مفید واقع شود و از این گناه خطرناک دست بردارند و از عقوبت آن برحذر باشند.

۴-۲-۳- رساندن کتاب

﴿۲۱۱۰﴾ در پرتو تقوا شکیبایان و گروه‌های شیعه از مهلکه‌ها نجات یافتند و آنان برادرانی با همین آیین دارند که این فضیلت را خواهانند، و از گشتن پیرامون شهوت خودداری می‌کردند، و این به سبب عقوبت و پندهایی بود که در قرآن می‌خواندند.

۴-۲-۴- روشن کردن آیات

﴿۲۱۱۱﴾ آمیزش جنسی با همسران، در شب‌رویهایی که روزه می‌گیرید، حلال است. آن‌ها لباس شما هستند و شما لباس آن‌ها (هر دو زینت هم و سبب حفظ یکدیگرید). خداوند می‌داند که شما به خود خیانت می‌کردید (و این کار ممنوع را انجام می‌دادید) پس توبه شما را پذیرفت و شما را بخشید. اکنون با آن‌ها آمیزش کنید، و آنچه را خدا برای شما مقرر داشته، طلب نمایید! و بخورید و بیاشامید، تا رشته‌ی سپید صبح، از رشته‌ی سیاه (شب) برای شما آشکار گردد! سپس روزه را تا شب، تکمیل کنید! و در حالی که در مساجد به اعتکاف پرداخته‌اید، با زنان آمیزش نکنید! این، مرزهای الهی است پس به آن نزدیک نشوید! خداوند، این چنین آیات خود را برای مردم، روشن می‌سازد، باشد که پرهیزکار گردند!

۴-۲-۵- خیرخواهی و دوستی

﴿۲۱۱۲﴾ مردم! شما در دین خدا، برادران یکدیگرید. به خدا قسم بدطینتی شماست که هدف و خواسته‌هایتان را مختلف و متفاوت کرده است. اگر یکدیگر را دوست بدارید و خیرخواه هم باشید، حتماً بر انجام امور نیک و در کسب تقوا، یکدیگر را یاری خواهید کرد.

۴-۲-۶- بیم‌دادن

﴿۲۱۱۳﴾ و به‌وسیله‌ی آن (قرآن)، کسانی را که از روز حشر و رستاخیز می‌ترسند، بیم ده! (روزی که در آن،) یاور و سرپرست و شفاعت‌کننده‌ای جز او [خدا] ندارند باشد که پرهیزکاری پیشه کنند! ﴿۲۱۱۴﴾ آیا تعجب کرده‌اید که دستور آگاه‌کننده پروردگارتان به‌وسیله‌ی مردی از میان شما به شما برسد، تا (از عواقب اعمال خلاف) بیمتان دهد، و (در پرتو این دستور،) پرهیزکاری پیشه کنید و شاید مشمول رحمت (الهی) گردید؟!

۴-۲-۷- ترساندن

﴿۲۱۱۵﴾ و این گونه آن را قرآنی عربی [فصیح و گویا] نازل کردیم، و انواع وعیدها (و انذارها) را در آن بازگو نمودیم، باشد که تقوا پیشه کنند یا برای آنان تذکری پدید آورد!

﴿طَرِيقُ النَّبِيلِ بِثَوَابِ أَعْمَالِ الْمُتَّقِينَ﴾

٨-٢-٤- ذِكْرُ النَّارِ

﴿٢١١٦﴾ أمير المؤمنين عليه السلام: الْجَنَّةُ حَسْرَةُ أَهْلِ النَّارِ وَ النَّارُ مَوْعِظَةُ التَّقْوَى؛ بحار الأنوار، ج ٤٥،

ص ٣٨٢

٩-٢-٤- النَّهْيُ

﴿٢١١٧﴾ السَّجَاد عليه السلام: فَنَحْنُ نَنْهَى عَنِ الْمُنْكَرِ... قَالُوا وَ لَعَلَّهُمْ يَتَّقُونَ وَ نَعِظُهُمْ أَيْضاً لَعَلَّهُمْ تَنْجَعُ فِيهِمْ أَلْمَوَاعِظُ فَيَتَّقُوا هَذِهِ الْمَوْبِقَةَ وَ يَحْذَرُوا عُقُوبَتَهَا؛ بحار الأنوار، ج ١٤، ص ٥٦

٣-٤- طَرِيقُ النَّبِيلِ بِثَوَابِ أَعْمَالِ الْمُتَّقِينَ

١-٣-٤- مَنْ دَعَا نَفْساً مُسْلِمَةً إِلَى طَاعَةِ اللَّهِ وَ نَهَاَهَا عَنْ مَعْصِيَتِهِ

﴿٢١١٨﴾ الْبَاقِر عليه السلام: قَالَ إِلَهِي فَمَا جَزَاءُ مَنْ دَعَا نَفْساً مُسْلِمَةً إِلَى طَاعَتِكَ وَ نَهَاَهَا عَنْ

مَعْصِيَتِكَ قَالَ يَا مُوسَى أَحْشُرُهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ فِي زُمْرَةِ الْمُتَّقِينَ؛ بحار الأنوار، ج ٦٦، ص ٤١١

٢-٣-٤- مَنْ صَامَ اثْنَيْ عَشَرَ يَوْماً

﴿٢١١٩﴾ الرَّسُولُ ﷺ: مَنْ صَامَ اثْنَيْ عَشَرَ يَوْماً كَانَ يَوْمَ الْقِيَامَةِ مِنَ الْآمِنِينَ وَ يُخْشَرُ مَعَ

الْمُتَّقِينَ وَ قَدْ الرَّحْمَنُ جَلَّ جَلَّالُهُ؛ مستدرک الوسائل، ج ٧، ص ٥٣٥

٣-٣-٤- مَنْ صَلَّى لَيْلَةَ الْاَحَدِ سِتَّ رَكَعَاتٍ

﴿٢١٢٠﴾ الرَّسُولُ ﷺ: مَنْ صَلَّى لَيْلَةَ الْاَحَدِ سِتَّ رَكَعَاتٍ يقرأ فِي كُلِّ رَكَعَةٍ بِفَاتِحَةِ الْكِتَابِ

مَرَّةً وَ قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ سَبْعَ مَرَّاتٍ أَعْطَاهُ اللَّهُ تَعَالَى ثَوَابَ الشَّاكِرِينَ وَ ثَوَابَ الصَّابِرِينَ وَ أَعْمَالَ

الْمُتَّقِينَ؛ مستدرک الوسائل، ج ٦، ص ٣٥٨

﴿٢١٢١﴾ أمير المؤمنين عليه السلام: أَيْتَهَا النَّفْسُ أَخْلَصِي لِيَلِكِ وَ نَهَارِكِ بِالذَّاكِرِينَ لَعَلَّكَ أَنْ

تَسْكُنِي رِيَاضَ الْخُلْدِ مَعَ الْمُتَّقِينَ؛ بحار الأنوار، ج ٩١، ص ١٠٩

٤-٣-٤- مَنْ صَلَّى رَكَعَتَيْنِ بَيْنَ الْمَغْرَبِ وَ الْعِشَاءِ الْآخِرَةِ

﴿٢١٢٢﴾ أمير المؤمنين عليه السلام: عَنْ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ عليه السلام قَالَ قُلْنَا لِرَسُولِ اللَّهِ ﷺ عِنْدَ وَقَاتِهِ يَا

رَسُولَ اللَّهِ أَوْصِنَا فَقَالَ أَوْصِيكُمْ بِرَكَعَتَيْنِ بَيْنَ الْمَغْرَبِ وَ الْعِشَاءِ الْآخِرَةِ تَقْرَأُ فِي الْأُولَى الْحَمْدَ وَ

إِذَا زُلْزِلَتِ الْأَرْضُ زَلْزَالَهَا ثَلَاثَ عَشْرَةَ مَرَّةً وَ فِي الثَّانِيَةِ الْحَمْدَ وَ قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ خَمْسَ عَشْرَةَ

مَرَّةً فَإِنَّهُ مَنْ فَعَلَ ذَلِكَ فِي كُلِّ شَهْرٍ كَانَ مِنَ الْمُتَّقِينَ؛ مستدرک الوسائل، ج ٦، ص ٣٠٠

«راه‌های رسیدن به پاداش اعمال پرهیزکاران»

۸-۲-۴- آتش را به یادشان آوردن

﴿۲۱۱۶﴾ بهشت مورد افسوس دوزخیان و دوزخ پند پرهیزکاران است.

۹-۲-۴- بازداشتن

﴿۲۱۱۷﴾ ما نهی از منکر می‌کنیم... شاید آن‌ها [بپذیرند، و از گناه باز ایستند، و] تقوا پیشه کنند. و همچنین آنان را پند می‌دهیم شاید این پندها در آنان مفید واقع شود و از این گناه خطرناک دست بردارند و از عقوبت آن برحذر باشند.

۳-۴- راه رسیدن به پاداش اعمال پرهیزکاران

۱-۳-۴- آن که مسلمانی را به طاعت پروردگار بخواند و او را از نافرمانی بازدارد

﴿۲۱۱۸﴾ موسی علیه السلام گفت: «پروردگارا! جزای کسی که مسلمانی را به اطاعت تو دعوت کند و از معصیت تو باز دارد چیست؟» فرمود: «ای موسی! روز قیامت او را در بین پرهیزکاران محشور می‌کنم».

۲-۳-۴- آن که دوازده روز روزه بگیرد

﴿۲۱۱۹﴾ کسی که دوازده روز روزه بدارد، در روز قیامت از امان‌یافتگان است و با پرهیزکارانی که به پیشگاه خداوند بلندمرتبه وارد می‌شوند، محشور می‌شود.

۳-۳-۴- آن که شب شنبه شش رکعت نماز بخواند

﴿۲۱۲۰﴾ هر کس شب یکشنبه شش رکعت نماز و در هر رکعت یک مرتبه «حمد» و هفت مرتبه «توحید» بخواند، خداوند متعال ثواب شکرگزاران و صبرکنندگان و اعمال تقواییشان را به او عطا می‌کند.

﴿۲۱۲۱﴾ ای نفس! روز و شبت را با ذکر خالص کن، باشد که همراه با پرهیزکاران در باغ‌های بهشت ساکن شوی.

۴-۳-۴- آن که بین مغرب و عشا دو رکعت نماز بخواند

﴿۲۱۲۲﴾ امیر المؤمنین علیه السلام فرمود: هنگام وفات رسول خدا صلی الله علیه و آله به او عرض کردیم: «ای رسول خدا! به ما سفارشی کن». فرمود: «شما را به خواندن دو رکعت نماز بین مغرب و عشا سفارش می‌کنم که در رکعت اول سوره «حمد» و ده بار سوره «زلزال»، و در رکعت دوم سوره «حمد» و پانزده بار سوره «توحید» را قرائت کنید، زیرا هرکس این کار را در هر ماه انجام دهد، در زمره‌ی باتقویان خواهد بود.

﴿طَرِيقُ النَّيْلِ بِثَوَابِ أَعْمَالِ الْمُتَّقِينَ﴾

٥-٣-٤- مَنْ قَرَأَ سُورَةَ مَرْيَمَ

﴿٢١٣﴾ الرَّسُولُ ﷺ: مَنْ قَرَأَ هَذِهِ السُّورَةَ أَىْ سُورَةَ مَرْيَمَ أُعْطِيَ بِعَدَدٍ مِنْ صَدَقَ كُلَّ نَبِيٍّ وَ رَسُولٍ ذَكَرَ فِي هَذِهِ السُّورَةِ وَ بِعَدَدٍ مَنْ كَذَبَهُمْ مِنْهَا حَسَنَاتٍ وَ دَرَجَاتٍ كُلُّ دَرَجَةٍ كَمَا بَيَّنَّ السَّمَاءِ وَ الْأَرْضِ أَلْفَ مَرَّةٍ وَ يُزَوَّجُ بِعَدِيدِهَا فِي الْفِرْدَوْسِ وَ حُسْبَى يَوْمَ الْقِيَامَةِ مَعَ الْمُتَّقِينَ فِي أَوَّلِ زُمْرَةِ السَّابِقِينَ؛ مستدرک الوسائل، ج ٤، ص ٣٤٤

«راه‌های رسیدن به پاداش اعمال پرهیزکاران»

۵-۳-۴- آن که سوره‌ی مریم را تلاوت کند

«۲۱۲۳» هر کس سوره‌ی مریم را [با فهم و تدبّر در معانی آن] تلاوت کند، خداوند به تعداد تمام افرادی که پیامبران و رسولان ذکر شده در این سوره را تصدیق و تکذیب کرده‌اند، به او حسنه و درجه عطا می‌کند که هر درجه‌ی آن به اندازه‌ی فاصله‌ی بین آسمان و زمین و هزاران هزار بار بیشتر است و او را به همین میزان در بهشت به تزویج درمی‌آورد و در روز قیامت همراه اهل تقوا محشور می‌کند و در اولین گروه سابقین قرارشان می‌دهد.

الفصل الخامس: علامات المتقين و مصاديق التقوى

٥-١- إن لاهل التقوى علامات يعرفون بها. وراجع: الفصل الأول؛ ماهية التقوى؛

﴿٢١٢٤﴾ أمير المؤمنين عليه السلام: إن لاهل التقوى علامات يعرفون بها؛ بحار الأنوار، ج ٦٧، ص ٢٨٢

٥-١-١- كالشجرة البيضاء في الثور الأسود في الليل الغابر

﴿٢١٢٥﴾ الرسول ﷺ: يا علي لا يحفظني فيك إلا الأتقياء الأبرار الأصفياء وما هم في أمتي

إلا كالشجرة البيضاء في الثور الأسود في الليل الغابر؛ بحار الأنوار، ج ٢٨، ص ٥١

٥-٢- تجاه الله

٥-٢-١- الإيمان، اليقين، التوكل، التفويض، الثقة

٥-٢-١-١- الإيمان. وراجع: الفصل الأول؛ المرادفات

﴿٢١٢٦﴾ الصادق عليه السلام: فمن كان أعلى درجة في الإيمان وأصفى جوهره بالروح كان أتقى؛

مصباح الشريعة، ص ٣٨

٥-٢-١-١-١- الإيمان بالرسول ﷺ

﴿٢١٢٧﴾ أعمال يوم الجمعة: أشهد أن الذين كذبوه [الرسول ﷺ] ذائقو العذاب الأليم وأن

الذين آمنوا به وأتبعوا النور الذي أنزل معه أولئك هم المتقون؛ بحار الأنوار، ج ٨٦، ص ٣٣٦

٥-٢-١-١-٢- إيمان في يقين

﴿٢١٢٨﴾ أمير المؤمنين عليه السلام: فالمتقون ... فمن علامة أحدهم أنك ترى له ... حزمًا في لين و

إيمانًا في يقين و حرصًا في علم و علمًا في حلم؛ نهج البلاغة، ص ٣٠٣

فصل ۵: نشانه‌های پرهیزکاران و مصادیق پرهیزکاری

۵-۱- پرهیزکاران نشانه‌هایی دارند که به آن شناخته می‌شوند

﴿۲۱۲۴﴾ اهل تقوا علائم و نشانه‌هایی دارند که به آن شناخته می‌شوند.

۵-۱-۱- مانند موی سفید در بدن گاو سیاه در شب تاریک مشخصند

﴿۲۱۲۵﴾ ای علی! کسی وصیت من در مورد تو را حفظ نمی‌کند مگر متقیان و افراد نیکو صفت و برگزیده؛ که آن‌ها در امت من مانند موی سفید در بدن گاو سیاه در شب تاریک هویدایند.

۵-۲- در مقابل خدا

۵-۲-۱- ایمان، یقین، توکل، واگذاری، اعتماد

۵-۲-۱-۱- ایمان و ربه: فصل اول؛ مترادفات

﴿۲۱۲۶﴾ کسی که درجه‌ی ایمان بالاتری دارد و جوهر وجودش صاف‌تر است، حتماً باتقواتر است.

۵-۲-۱-۱-۱- ایمان به پیامبر ﷺ

﴿۲۱۲۷﴾ [اعمال روز جمعه:] و گواهی می‌دهم کسانی که پیامبر ﷺ را تکذیب کردند، چشندگان عذاب دردناک هستند و کسانی که به او ایمان آوردند و از نوری که همراه او نازل شد پیروی کردند، همان متقیان هستند.

۵-۲-۱-۱-۲- ایمانی همراه با یقین

﴿۲۱۲۸﴾ پرهیزکاران ... از نشانه‌های دیگرشان آن است که هر کدام را دارای ... دوراندیشی در نرمی، ایمان همراه با یقین، حرص در دانش، علم با بردباری مشاهده می‌کنی.

﴿عَلَامَاتُ الْمُتَّقِينَ وَ مَصَادِيقُ التَّقْوَى / تَجَاهُ اللَّهِ﴾

٥-٢-١-٢-٢- البَيِّنُ

﴿٢١٢٩﴾ أمير المؤمنين عليه السلام: فَاتَّقُوا اللَّهَ تَقِيَّةَ [تُقَاةَ] مَنْ أَتَقَنَ فَأَحْسَنَ وَ عِبْرَ فَاعْتَبِرَ [وَحْذَرَ فَحَذَرَ] وَ حُذَرَ فَازْدَجَرَ وَ بُصِّرَ فَاسْتَبْصَرَ وَ خَافَ الْعِقَابَ وَ عَمِلَ لِيَوْمِ الْحِسَابِ؛ غررالحكم، ص ١٩١

٥-٢-١-٢-٢-١- عِمَادُ الْيَقِينِ

﴿٢١٣٠﴾ أمير المؤمنين عليه السلام: إِنْ تَقَوَّى اللَّهُ عِمَارَةَ الدِّينِ وَ عِمَادُ الْيَقِينِ وَ إِنَّهَا لِمِفْتَاحُ صَلَاحٍ وَ مَصْبَاحُ نَجَاحٍ؛ غررالحكم، ص ٢٧٤

٥-٢-١-٢-٢-٢- حَقِيقَةُ الْيَقِينِ

﴿٢١٣١﴾ الصَّادِقُ عليه السلام: فَالْزَمْ مَا أَجْمَعَ عَلَيْهِ أَهْلُ الصَّفَاءِ وَ التَّقَى مِنْ أَصُولِ الدِّينِ وَ حَقَائِقِ الْيَقِينِ وَ الرِّضَا وَ التَّسْلِيمِ؛ مصباح الشريعة، ص ٦٠

٥-٢-١-٢-٢-٣- تَيَقَّنُوا أَنَّهُمْ جِيرَانُ اللَّهِ غَدًا فِي آخِرَتِهِمْ

﴿٢١٣٢﴾ أمير المؤمنين عليه السلام: وَ اعْلَمُوا عِبَادَ اللَّهِ أَنَّ الْمُتَّقِينَ ... تَيَقَّنُوا أَنَّهُمْ جِيرَانُ اللَّهِ غَدًا فِي آخِرَتِهِمْ لَا تُرَدُّ لَهُمْ دَعْوَةٌ وَ لَا يُنْقَصُ لَهُمْ نَصِيبٌ مِنْ لَذَّةِ بَحَارِ الْأَنْوَارِ، ج ٣٣، ص ٥٨١

٥-٢-١-٢-٢-٤- وَرَعَ فِي الْيَقِينِ

﴿٢١٣٣﴾ أمير المؤمنين عليه السلام: مِنْ عَلَامَةِ أَحَدِهِمْ أَنَّكَ تَرَى لَهُ قُوَّةً فِي دِينٍ وَ وَرَعًا فِي يَقِينٍ؛ بحار الأنوار، ج ٧٥، ص ٧٣

٥-٢-١-٢-٢-٥- إِيْمَانُ فِي الْيَقِينِ

﴿٢١٣٤﴾ أمير المؤمنين عليه السلام: فَالْمُتَّقُونَ ... فَمِنْ عَلَامَةِ أَحَدِهِمْ أَنَّكَ تَرَى لَهُ ... حَزْمًا فِي لِسَانٍ وَ إِيْمَانًا فِي يَقِينٍ وَ حِرْصًا فِي عِلْمٍ وَ عِلْمًا فِي حِلْمٍ؛ نهج البلاغة، ص ٣٠٣

٥-٢-١-٢-٣- التَّوَكُّلُ

﴿٢١٣٥﴾ الرَّسُولُ ﷺ: مَنْ أَحَبَّ أَنْ يَكُونَ أَتَقَى النَّاسِ فَلْيَتَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ تَعَالَى؛ من لا يحضره الفقيه، ج ٤، ص ٤٠٠

٥-٢-١-٢-٤- التَّفْوِيضُ

﴿٢١٣٦﴾ الصَّادِقُ عليه السلام: [قَالَ غُنَوَانُ الْبَصْرِيِّ] قُلْتُ يَا أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام مَا حَقِيقَةُ الْعُبُودِيَّةِ قَالَ ثَلَاثَةٌ أَشْيَاءٌ ... لَا يُدَبِّرُ الْعَبْدُ لِنَفْسِهِ تَدْبِيرًا ... وَ إِذَا فَوَّضَ الْعَبْدُ تَدْبِيرَ نَفْسِهِ عَلَى مُدَبِّرِهِ هَانَ عَلَيْهِ مَصَائِبُ الدُّنْيَا ... فَهَذَا أَوَّلُ دَرَجَةِ التَّقَى؛ بحار الأنوار، ج ١، ص ٢٢٦

﴿٦٨٨﴾

﴿نشانه‌های پرهیزکاران / در مقابل خدا﴾

٢-١-٢-٥- يقين

﴿۲۱۲۹﴾ تقوای الهی داشته باشید همچون تقوای کسی که چون [به مرگ و دیدار پروردگار خود] یقین کند، نیکی نماید. و هرگاه درس عبرتی به او بدهند، عبرت گیرد. و چون او را بر حذر دارند، بپذیرد. و اگر منعمش کنند، بازایستد. و چون بینایش کنند، بینایی گیرد و از کيفر و عقاب بترسد. و برای روز حساب کار کند.

۱-۲-۱-۲-۵- ستون یقین

﴿۲۱۳۰﴾ تقوی الهی، آبادی دین و ستون یقین و کلید صلاح و چراغ نجات است.

۲-۲-۱-۲-۵- حقیقت یقین

﴿۲۱۳۱﴾ ملازم و همراه چیزی باش که اهل صفا و تقوا بر آن اجتماع دارند. تقوا از اصول دین و حقیقت یقین و رضا و تسلیم است.

۳-۲-۱-۲-۵- یقین می‌کنند که فردا همسایه‌ی خداوند در آخرت هستند.

﴿۲۱۳۲﴾ ای بندگان خدا، آگاه باشید! پرهیزکاران ... یقین داشتند در روز قیامت از همسایگان خدا هستند، جایگاهی که هر چه درخواست کنند، به آنان داده می‌شود، و هرگونه لذتی در اختیارشان قرار دارد.

۴-۲-۱-۵- ورعی در یقین

﴿۲۱۳﴾ از نشانه‌های [مُتَّقِينَ] یکی از ایشان این است که در او قدرتی در دین و پرهیزکاری در یقین می‌بیند.

۵-۲-۱-۲-۵- ایمانی در یقین

﴿۲۱۳۴﴾ پرهیزکاران ... از نشانه‌های دیگرشان آن است که هر کدام را دارای ... دوراندیشی در نرمی، ایمان همراه با یقین، حرص در دانش، علم با بردباری مشاهده می‌کنی.

٣-١-٢-٥- توکل

﴿۲۱۳۵﴾ هر کس دوست دارد پرهیزگارترین مردم باشد، باید بر خدا توکل کند.

۴-۱-۲-۵- واگذاری

﴿۲۱۳۶﴾ [عنوان بصری گوید:] عرض کردم: «حقیقت عبودیت و بندگی چیست؟» فرمود: «سه چیز است ... دَوَم اینکه تدبیر و اداره کردن را از خود نداشتند ... و با داشتن شرط دَوَم، مصیبت‌های دنیا بر او آسان می‌شود ... و این اولین درجه‌ی تقوا است».

﴿عَلَامَاتُ الْمُتَّقِينَ وَ مَصَادِيقُ التَّقْوَى / تَجَاهُ اللَّهِ﴾

٥-٢-١-٥- الثَّقَّةُ

﴿٢١٣٧﴾ أمير المؤمنين عليه السلام: فَإِنَّ مَنْ اتَّقَى اللَّهَ ... لَمْ يَكُنْ لَهُ فِيمَا لَا بُدَّ مِنْهُ ثِقَةٌ وَلَا رَجَاءٌ فَوَقَعَتْ ثِقَتُهُ وَ رَجَاؤُهُ عَلَى خَالِقِ الْأَشْيَاءِ؛ مشكاة الأنوار، ص ٢٦٧

٥-٢-٢- الإِجْلَالُ وَ التَّعْظِيمُ

٥-٢-٢-١- الإِجْلَالُ

﴿٢١٣٨﴾ الرسول صلى الله عليه وآله: التَّقْوَى إِجْلَالُ اللَّهِ وَ تَوْقِيرُ الْمُؤْمِنِينَ؛ مستدرک الوسائل، ج ١١، ص ٢٦٧

٥-٢-٢-٢- التَّعْظِيمُ

٥-٢-٢-٢-١- تَعْظِيمُ الْخَالِقِ فِي أَنْفُسِهِمْ

﴿٢١٣٩﴾ أمير المؤمنين عليه السلام: فَالْمُتَّقُونَ ... عَظُمَ الْخَالِقُ فِي أَنْفُسِهِمْ فَصَغُرَ مَا دُونَهُ فِي أَعْيُنِهِمْ؛ نهج البلاغة، ص ٣٠٣

٥-٢-٢-٢-٢- تَعْظِيمُ شَعَائِرِ اللَّهِ

﴿٢١٤٠﴾ ذَلِكَ وَمَنْ يُعَظِّمُ شَعَائِرَ اللَّهِ فَإِنَّهَا مِنْ تَقْوَى الْقُلُوبِ؛ الحج ٣٢

٥-٢-٣- الْحُبُّ وَ إِفَاضَةُ الْقُلُوبِ إِلَيْهِ

٥-٢-٣-١- الْحُبُّ

﴿٢١٤١﴾ الباقر عليه السلام: أَنَّ أَهْلَ التَّقْوَى ... قَطَعُوا مَحَبَّتَهُمْ بِمَحَبَّةِ رَبِّهِمْ وَ وَحَّشُوا الدُّنْيَا لِطَاعَةِ مَلِكِهِمْ وَ نَظَرُوا إِلَى اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ وَ إِلَى مَحَبَّتِهِ بِقُلُوبِهِمْ؛ الكافي، ج ٢، ص ١٣٢

٥-٢-٣-٢- إِفَاضَةُ الْقُلُوبِ إِلَى اللَّهِ

﴿٢١٤٢﴾ السَّجَاد عليه السلام: اللَّهُمَّ إِلَيْكَ رُفِعَتْ أَيْدِي السَّائِلِينَ وَ مَدَّتْ أَعْنَاقُ الْمُجْتَهِدِينَ وَ نُقِلَتْ أَقْدَامُ الْخَائِفِينَ وَ شَخَصَتْ أَبْصَارُ الْعَابِدِينَ وَ أَفْضَتْ قُلُوبُ الْمُتَّقِينَ؛ بحار الأنوار، ج ٨٤، ص ٢٣٩

٥-٢-٤- الذِّكْرُ

﴿٢١٤٣﴾ إِنَّ الَّذِينَ اتَّقَوْا إِذَا مَسَّهُمْ طَائِفٌ مِنَ الشَّيْطَانِ تَذَكَّرُوا فَإِذَا هُمْ مُبْصِرُونَ؛ الأعراف ٢٠١

٥-٢-٤-١- التَّذَكُّرُ عِنْدَ الْهَمِّ بِالذَّنْبِ

﴿٢١٤٤﴾ الصَّادِق عليه السلام: عَنْ زَيْدِ بْنِ أَبِي أَسَامَةَ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ: سَأَلْتُهُ عَنْ قَوْلِ اللَّهِ

«نشانه‌های پرهیزکاران / در مقابل خدا»

۵-۲-۱-۵- اعتماد

﴿۲۱۳۷﴾ پس آن که از خدا پروا کند به اندک بهره‌مندی از دنیا نیز اعتماد نمی‌کند و دل نمی‌بندد؛ بلکه امید و اعتمادش به آفریننده‌ی آنهاست.

۵-۲-۲- بزرگداشت

۵-۲-۲-۱- بزرگداشت

﴿۲۱۳۸﴾ تقوا موجب گرامی‌داشتن خدا [و بزرگ‌دانستن او] و احترام گذاشتن به مؤمنان است.

۵-۲-۲-۲- بزرگداشت

۵-۲-۲-۲-۱- بزرگداشت آفریدگار نزد خویشتن

﴿۲۱۳۹﴾ پرهیزکاران ... خداوند نزدشان بزرگ و غیر او در دیدگانشان کوچک است.

۵-۲-۲-۲-۲- بزرگداشت شعائر الهی

﴿۲۱۴۰﴾ این است (مناسک حج)! و هرکس شعائر الهی را بزرگ دارد، این کار نشانه‌ی تقوای دلهاست.

۵-۲-۳- دوست‌داشتن خدا و پرکشیدن دل‌ها به سوی او

۵-۲-۳-۱- دوست‌داشتن خدا

﴿۲۱۴۱﴾ پرهیزکاران ... به واسطه‌ی محبت خداوند دل از دیگران بریدند و برای اطاعت پروردگار از دنیا هراس دارند. و با دل‌های خود به سوی خداوند و محبتش رو آوردند.

۵-۲-۳-۲- پرکشیدن دل‌ها به سوی او

﴿۲۱۴۲﴾ خدایا! دست‌های درخواست‌کنندگان به سوی تو بالا رفته و گردن‌های تلاش‌گران به سوی تو دراز شده است و قدم‌ها به سوی تو در حرکت و دیدگان عبادت‌کنندگان به سوی تو نگران و قلب‌های متقین به سوی تو روان گشته‌اند.

۵-۲-۴- یاد

﴿۲۱۴۳﴾ پرهیزکاران هنگامی که گرفتار وسوسه‌های شیطان شوند، به یاد (خدا و پاداش و کیفر او) می‌افتند و (در پرتو یاد او، راه حق را می‌بینند و) ناگهان بینا می‌گردند.

۵-۲-۴-۱- یاد خدا هنگام اراده‌ی گناه

﴿۲۱۴۴﴾ زید بن ابی‌اسامه گوید: از امام صادق علیه السلام درباره‌ی تفسیر این آیه: «پرهیزکاران هنگامی که گرفتار وسوسه‌های شیطان شوند، به یاد [خدا و پاداش و کیفر او] می‌افتند و [در پرتو

﴿عَلَامَاتُ الْمُتَّقِينَ وَ مَصَادِيقُ التَّقْوَى / تَجَاهُ اللَّهِ﴾

إِنَّ الَّذِينَ اتَّقَوْا إِذَا مَسَّهُمْ طَائِفٌ مِّنَ الشَّيْطَانِ تَذَكَّرُوا فَإِذَا هُمْ مُبْصِرُونَ قَالَ هُوَ الذَّنْبُ يَهْمُ بِهِ الْعَبْدُ فَيَتَذَكَّرُ فَيَدْعُوهُ؛ بحار الأنوار، ج ٦٧، ص ٢٨٧

﴿٢١٤٥﴾ الصادق عليه السلام: عَنْ أَبِي بصير قَالَ سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام عَنْ قَوْلِ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ اتَّقُوا اللَّهَ حَقَّ تَقَاتِهِ قَالَ يُطَاعُ فَلَا يُعْصَى وَ يُذَكَّرُ فَلَا يُنْسَى وَ يُشْكَرُ فَلَا يُكْفَرُ؛ وسائل الشريعة، ج ١٥، ص ٢٣٥

﴿٢١٤٦﴾ أمير المؤمنين عليه السلام: ذَكَرَ اللَّهُ شَيْمَةَ الْمُتَّقِينَ؛ غرر الحكم، ص ١٨٨
 ﴿٢١٤٧﴾ حديث قدسي: يَا دَاوُدُ إِنَّ الْمُتَّقِينَ لَا يَنَامُونَ لَيْلَهُمْ إِلَّا بِصَلَوَاتِهِمْ إِلَيَّ وَلَا يَقْطَعُونَ نَهَارَهُمْ إِلَّا بِذِكْرِي؛ إرشاد القلوب، ج ١، ص ٨٦
 ﴿٢١٤٨﴾ أمير المؤمنين عليه السلام: مَخُ الْإِيمَانِ التَّقْوَى وَالْوَرَعُ وَهُمَا مِنْ أَعْمَالِ الْقُلُوبِ وَأَحْسَنُ أَعْمَالِ الْجَوَارِحِ أَلَّا تَزَالَ مَالْنَا فَآكَ بِذِكْرِ اللَّهِ سُبْحَانَهُ؛ شرح نهج البلاغة، ج ٢٠، ص ٣٤٧
 ٢-٤-٥- يَصْبِحُ وَ هَمُّهُ الذِّكْرُ

﴿٢١٤٩﴾ أمير المؤمنين عليه السلام: فَالْمُتَّقُونَ ... يُمْسَى وَ هَمُّهُ الشُّكْرُ وَ يُصْبِحُ وَ هَمُّهُ الذِّكْرُ يَبِيتُ حَذَرًا وَ يُصْبِحُ فَرَحًا حَذَرًا لِمَا حَذَّرَ مِنَ الْغَفْلَةِ وَ فَرَحًا بِمَا أَصَابَ مِنَ الْفَضْلِ وَ الرَّحْمَةِ؛ نهج البلاغة، ص ٣٠٣

٣-٤-٥- إِنْ كَانَ فِي الْغَافِلِينَ كُتِبَ فِي الذَّاكِرِينَ
 ﴿٢١٥٠﴾ أمير المؤمنين عليه السلام: فَالْمُتَّقُونَ ... إِنْ كَانَ فِي الْغَافِلِينَ كُتِبَ فِي الذَّاكِرِينَ وَ إِنْ كَانَ فِي الذَّاكِرِينَ لَمْ يُكْتَبْ مِنَ الْغَافِلِينَ؛ نهج البلاغة، ص ٣٠٣
 ٤-٤-٥- سَهْرُ اللَّيْلِ بِذِكْرِ اللَّهِ

﴿٢١٥١﴾ أمير المؤمنين عليه السلام: سَهْرُ اللَّيْلِ بِذِكْرِ اللَّهِ غَنِيمَةُ الْأَوْلِيَاءِ وَ سَجِيَّةُ الْأَتْقِيَاءِ؛ غرر الحكم، ص ٣١٩
 ٥-٤-٥- أَوْجَفَ الذِّكْرُ بِلِسَانِهِ

﴿٢١٥٢﴾ أمير المؤمنين عليه السلام: فَاتَّقُوا اللَّهَ عِبَادَ اللَّهِ تَقِيَّةً مِّنْ شَغَلِ بِالْفِكْرِ قَلْبَهُ وَ أَوْجَفَ الذِّكْرَ بِلِسَانِهِ وَ قَدَّمَ الْخَوْفَ لِأَمَانِهِ؛ غرر الحكم، ص ١٩١
 ٦-٤-٥- ذِكْرُ اللَّهِ مَسْرَتُهُ

﴿٢١٥٣﴾ أمير المؤمنين عليه السلام: ذَكَرَ اللَّهُ مَسْرَةً كُلُّ مُتَّقٍ وَ لَذَّةً كُلُّ مُوقِنٍ؛ غرر الحكم، ص ١٨٩

«نشانه‌های پرهیزکاران / در مقابل خدا»

یاد او، راه حق را می‌بینند و [ناگهان بینا می‌گردند]. پرسیدم. فرمود: «به این مناسبت که بنده گرایشی به گناه پیدا می‌کند، ولی فوراً متوجه خدا شده و آن گناه را رها می‌کند».

﴿۲۱۴۵﴾ ابو بصیر گوید: از امام صادق علیه السلام در مورد این آیه: «آن گونه که حقّ تقوا و پرهیزکاری است، از خدا بپرهیزید!» سؤال کردم. فرمود: «این پرهیز عبارت از این است که خدا را بدون عصیان اطاعت و بدون فراموشی او را یاد کرد و بدون ناسپاسی شکرش را به جای آورد».

﴿۲۱۴۶﴾ یاد خدا، خلق و خوی اهل تقواست.

﴿۲۱۴۷﴾ ای داوود! متّقین شب‌ها نمی‌خوانند مگر آنکه برای من نماز بخوانند و روزشان را فقط با ذکر و یاد من سپری می‌کنند.

﴿۲۱۴۸﴾ مغز ایمان، تقوا و ورع است و این دو از کارهای قلب است. بهترین کار در کارهای اندام تنّت، این است که پیوسته دهانت به یاد خداوند سبحان مشغول باشد.

۲-۴-۵-صبح می‌کند و هم و غمش یاد خداست

﴿۲۱۴۹﴾ پرهیزکاران ... شب را در اندیشه‌ی شکر به سر می‌برد، و روز را در اندیشه ذکر. شب را با خوف و روز را دل‌شاد به سر می‌برد؛ و از غفلتی که او را از آن بر حذر داشته‌اند، و دلشاد از فضل و رحمت حق که به دست آورده است.

۳-۴-۵-اگر در میان غافلان باشد از ذاکرانش به حساب می‌آورند

﴿۲۱۵۰﴾ پرهیزکاران ... اگر در میان غافلان باشد از ذاکرانش به حساب می‌آورند، و اگر در میان ذاکران باشد در شمار غافلان نمی‌آورند.

۴-۴-۵-شب‌زنده‌داری با یاد خداوند

﴿۲۱۵۱﴾ شب‌زنده‌داری و ذکر خداوند گفتن، غنیمتی برای دوستان خدا و اخلاق اهل تقواست.

۵-۴-۵-چرخاندن زبان به ذکر خداوند

﴿۲۱۵۲﴾ ای بندگان خدا! تقوای الهی داشته باشید همچون تقوای کسی که فکر و اندیشه، دلش را مشغول کرده، زبانش با سرعت به ذکر خدا می‌گردد و برای ایمنی در قیامت ترس از مسئولیت را پیش فرستاده است.

۶-۴-۵-ذکر موجب شادمانی اوست

﴿۲۱۵۳﴾ یاد خدا، موجب سرور و شادی هر اهل تقوا و موجب لذّت هر اهل یقینی است.

﴿عَلَامَاتُ الْمُتَّقِينَ وَ مَصَادِيقُ التَّقْوَى / تَجَاهُ اللَّهِ﴾

٧-٤-٢-٥- لَا يَنْسَى مَا ذُكِّرَ

﴿٢١٥٤﴾ أمير المؤمنين عليه السلام: فَالْمُتَّقُونَ ... يَعْتَرِفُ بِالْحَقِّ قَبْلَ أَنْ يُشْهَدَ عَلَيْهِ لَا يُضِيعُ مَا اسْتُخْفِظَ

و لَا يَنْسَى مَا ذُكِّرَ؛ نهج البلاغة، ص ٣٠٣

٥-٢-٥- الرَّجَاءُ وَ حُسْنُ الظَّنِّ

١-٥-٢-٥- الرَّجَاءُ

﴿٢١٥٥﴾ أمير المؤمنين عليه السلام: فَإِنَّ مَنْ اتَّقَى اللَّهَ ... لَمْ يَكُنْ لَهُ فِيمَا لَا بُدَّ مِنْهُ نِقَعةٌ وَ لَا رَجَاءٌ

فَوَقَعَتْ ثِقَتُهُ وَ رَجَاؤُهُ عَلَى خَالِقِ الْأَشْيَاءِ؛ مشكاة الأنوار، ص ٢٦٧

٢-٥-٢-٥- حُسْنُ الظَّنِّ

﴿٢١٥٦﴾ أمير المؤمنين عليه السلام: أَفْضَلُ الْوَرَعِ حُسْنُ الظَّنِّ؛ غرر الحكم، ص ٢٥٣

٦-٢-٥- الخَوْفُ، الرَّهْبَةُ، الْخَشْيَةُ، الْخُشُوعُ، الشَّفَقُ، الْوَجَلُ، الْحَيَاءُ

١-٥-٢-٥- الخَوْفُ

﴿٢١٥٧﴾ أمير المؤمنين عليه السلام: اتَّقُوا اللَّهَ تَقِيَّةً [تَقَاةً] مَنْ دَعَى فَأَجَابَ وَ تَابَ فَأَنَابَ [وَ أَنَابَ] وَ

حَذَرَ فَحَذَرَ وَ عَبَرَ فَاعْتَبَرَ وَ خَافَ فَأَمِنَ؛ غرر الحكم، ص ٢٧٣

﴿٢١٥٨﴾ الرسول ﷺ: وَ أَمَّا عَلَامَةُ التَّقِيَّةِ فَسِتَّةٌ يَخَافُ اللَّهُ وَ يَحْذَرُ بَطْشَهُ وَ يُمَسِّي وَ يُضْبِحُ

كَأَنَّهُ يَرَاهُ لَا نَهْمَهُ الدُّنْيَا وَ لَا يَعْظُمُ عَلَيْهِ مِنْهَا شَيْءٌ لِحُسْنِ خُلُقِهِ؛ بحار الأنوار، ج ١، ص ١٢١

﴿٢١٥٩﴾ الرسول ﷺ: إِنَّ تَقْوَى اللَّهِ لِمَنْ عَمِلَ بِهِ عَلَى وَجَلٍ وَ مَخَافَةٍ مِنْ رَبِّهِ عَوْنٌ صِدْقٌ عَلَى

مَا تَبَغُّونَ مِنْ أَمْرِ الْآخِرَةِ؛ مستدرک الوسائل، ج ٦، ص ٣٣

١-٥-٢-٥- الزَّمَتْ قُلُوبُهُمْ مَخَافَتَهُ

﴿٢١٦٠﴾ أمير المؤمنين عليه السلام: عِبَادَ اللَّهِ إِنَّ تَقْوَى اللَّهِ حَمَتْ أَوْلِيَاءَ اللَّهِ مَحَارِمَهُ وَ الزَّمَتْ

قُلُوبَهُمْ مَخَافَتَهُ حَتَّى اسْهَرَتْ لَيَالِيَهُمْ وَ أَظْمَأَتْ هَوَاجِرَهُمْ فَأَخَذُوا الرَّاحَةَ بِالنَّصَبِ وَ الرِّىَّ بِالْظَّمِّ

وَ اسْتَقْرَبُوا الْأَجَلَ فَبَادَرُوا الْعَمَلَ وَ كَذَّبُوا الْأَمَلَ فَلَا حَظَّوْا إِلَّا جَلَّ؛ نهج البلاغة، ص ١٦٩

٢-٥-٢-٥- أَنْصَبَ الْخَوْفُ بَدَنَهُ

﴿٢١٦١﴾ أمير المؤمنين عليه السلام: فَاتَّقُوا اللَّهَ تَقِيَّةً مَنْ أَنْصَبَ الْخَوْفُ بَدَنَهُ وَ اسْهَرَ التَّهْجُدُ غِرَارَ

نَوْمِهِ وَ أَظْمَأَ الرَّجَاءُ هَوَاجِرَ يَوْمِهِ؛ غرر الحكم، ص ١٩١

﴿٦٩٣﴾

«نشانه‌های پرهیزکاران / در مقابل خدا»

۷-۴-۵- آنچه را به یادش آرند به فراموشی نمی‌سپارد

«۲۱۵۴» پرهیزکاران ... پیش از حاضر کردن شاهد، خود اقرار به حق می‌نماید. امانت را تباه نمی‌کند، و آنچه را به یادش آرند به فراموشی نمی‌سپارد.

۵-۲-۵- امید و خوش‌گمانی

۱-۵-۲-۵- امید

«۲۱۵۵» پس آن که از خدا پروا کند به اندک بهره‌مندی از دنیا نیز اعتماد نمی‌کند و دل نمی‌بندد؛ بلکه امید و اعتمادش به آفریننده‌ی آن‌هاست.

۲-۵-۲-۵- خوش‌گمانی

«۲۱۵۶» بالاترین ورع، حسن ظنّ [به خدا] است.

۶-۲-۵- بیم، ترس، خشیت، خشوع، هراس، لرزش دل، شرم

۱-۶-۲-۵- بیم

«۲۱۵۷» تقوای الهی را پیشه کنید، همچون کسانی که خوانده‌شده و اجابت کرده‌اند، توبه کرده و بازگشته‌اند، بر حذر شده و حذر کرده‌اند، عبرت داده‌شده و عبرت پذیرفته‌اند و ترسیده‌اند و امنیّت به آنان داده شده است.

«۲۱۵۸» نشان پرهیزکار شش چیز است: از خدا پروا دارد، از مؤاخذه‌اش حذر کند، به گونه‌ای صبح و شام می‌کند که گویا او را می‌بیند. دنیا را مهمّ نمی‌شمارد، و بر اثر خوش‌خویی چیزی از دنیا را بزرگ نمی‌شمارد.

«۲۱۵۹» پرهیزکاری برای کسی که با بیم و ترس به آن عمل کند برای آن چیزهایی که از آخرت می‌خواهید یاوری نیکوست.

۱-۱-۶-۲-۵- قلب‌هایشان پر از ترس خداست

«۲۱۶۰» ای بندگان خدا! همانا تقوای الهی دوستان خدا را از انجام محرّمات باز می‌دارد و قلب‌هایشان را پر از ترس خدا می‌سازد، تا آنکه شب‌های آنان با بی‌خوابی و روزهایشان با تحمل تشنگی و روزه‌داری، سپری می‌گردد، که آسایش آخرت را با رنج دنیا و سیراب‌شدن آنجا را با تحمل تشنگی دنیا به دست آورند. اجل و مرگ را نزدیک دیده و در اعمال نیکو شتاب کرده‌اند، آرزوهای دنیایی را دروغ خواندند و مرگ به درستی نگریستند.

۲-۱-۶-۲-۵- ترس بدنشان را خسته کرده است

«۲۱۶۱» تقوای الهی داشته باشید همچون تقوای کسی که ترس بدنش را کوفته و خسته کرده و شب‌زنده‌داری خواب را از چشمش ربوده و امید به رحمت حق او را به تشنگی روزه‌های گرم واداشته است.

﴿عَلَامَاتُ الْمُتَّقِينَ وَ مَصَادِيقُ التَّقْوَى / تَجَاهُ اللَّهِ﴾

١-٣-٥-٢-٥- الخَوْفُ مِنَ الدُّخُولِ فِي الشُّبْهَةِ

﴿٢١٦٢﴾ الرَّسُولُ ﷺ: يَا أَبَا ذَرٍّ إِنَّ الْمُتَّقِينَ الَّذِينَ يَتَّقُونَ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ مِنَ الشَّيْءِ الَّذِي لَا يُتَّقَى مِنْهُ خَوْفًا مِنَ الدُّخُولِ فِي الشُّبْهَةِ؛ بحار الأنوار، ج ٧٤، ص ٨٨

١-٤-٥-٢-٥- خَوْفٌ مِنَ الْعِقَابِ

﴿٢١٦٣﴾ أمير المؤمنين عليه السلام: فَالْمُتَّقُونَ ... لَوْ لَا الْأَجَلُ الَّذِي كَتَبَ اللَّهُ عَلَيْهِمْ لَمْ تَسْتَقِرَّ أَرْوَاحُهُمْ فِي أَجْسَادِهِمْ طَرْفَةَ عَيْنٍ شَوْقًا إِلَى الثَّوَابِ وَ خَوْفًا مِنَ الْعِقَابِ؛ نهج البلاغة، ص ٣٠٣

﴿٢١٦٤﴾ أمير المؤمنين عليه السلام: فَالْمُتَّقُونَ ... أَمَّا اللَّيْلُ فَصَافُونَ أَقْدَامَهُمْ تَالِينَ لِأَجْزَاءِ الْقُرْآنِ يُرْتَلُونَهَا تَرْتِيلًا يُحْزِنُونَ بِهِ أَنْفُسَهُمْ وَيَسْتَشِيرُونَ بِهِ دَوَاءَ دَائِهِمْ فَإِذَا مَرُّوا بِآيَةٍ فِيهَا تَشْوِيقٌ رَكَنُوا إِلَيْهَا طِمَعًا وَ تَطَلَّعَتْ نَفُوسُهُمْ إِلَيْهَا شَوْقًا وَ ظَنُّوا أَنَّهَا نَصَبٌ أَغْنِيَهُمْ وَإِذَا مَرُّوا بِآيَةٍ فِيهَا تَخْوِيفٌ أَصْغَوْا إِلَيْهَا مَسَامِعَ قُلُوبِهِمْ وَ ظَنُّوا أَنَّ زَفِيرَ جَهَنَّمَ وَ شَهيقَهَا فِي أَصُولِ آذَانِهِمْ؛ نهج البلاغة، ص ٣٠٣

﴿٢١٦٥﴾ أمير المؤمنين عليه السلام: فَاتَّقُوا اللَّهَ تَقِيَّةً [تَقَاةً] مَنْ أَتَقَنَ فَاحْسَنَ وَ عَبَّرَ فَاعْتَبَرَ [وَ حُذِرَ فَحَذِرَ] وَ حُذِرَ فَازْدَجَرَ [وَ زُجِرَ فَازْدَجَرَ] وَ بُصِّرَ فَاسْتَبْصَرَ وَ خَافَ الْعِقَابَ وَ عَمِلَ لِيَوْمِ الْحِسَابِ؛ غرر الحكم، ص ١٩١

١-٥-٥-٢-٥- مَنْ قَدَّمَ الْخَوْفَ لِأَمَانِهِ فِي الْقِيَامَةِ

﴿٢١٦٦﴾ أمير المؤمنين عليه السلام: فَاتَّقُوا اللَّهَ عِبَادَ اللَّهِ تَقِيَّةً مَنْ شَغَلَ بِالْفِكْرِ قَلْبُهُ وَ أَوْجَفَ الذِّكْرَ بِلِسَانِهِ وَ قَدَّمَ الْخَوْفَ لِأَمَانِهِ؛ غرر الحكم، ص ١٩١

١-٢-٥-٢-٥- الرُّهْبَةُ

﴿٢١٦٧﴾ الرَّسُولُ ﷺ: اتَّقُوا اللَّهَ عِبَادَ اللَّهِ تَقِيَّةً مَنْ اعْتَبَرَ تَمْهِيدًا وَ اتَّقَى فِي وَجَلٍ وَ كَمَشٍ فِي مَهَلٍ وَ رَغَبٍ فِي طَلَبٍ وَ رَهَبٍ فِي هَرَبٍ؛ بحار الأنوار، ج ٣٦، ص ٢٨٧

١-٣-٥-٢-٥- الْخَشْيَةُ

﴿٢١٦٨﴾ السَّجَادُ عليه السلام: يَا مَنْ هُوَ غَايَةُ خَشْيَةِ الْمُتَّقِينَ؛ الصحيفة السجادية عليه السلام، الدعاء ٣١

﴿٢١٦٩﴾ الرِّضَا عليه السلام: فَجَعَلَ الْجُمُعَةَ مَجْمَعًا نَدَبَ إِلَيْهِ لِتَطْهِيرِ مَا كَانَ قَبْلَهُ وَ غَسَلَ مَا أَوْقَعَتْهُ مَكَاسِبُ السَّوِّ مِنْ مِثْلِهِ إِلَى مِثْلِهِ وَ ذَكَرَى لِلْمُؤْمِنِينَ وَ نَبَّيَانِ خَشْيَةِ الْمُتَّقِينَ؛ بحار الأنوار، ج ٩٤، ص ١١٤

«نشانه‌های پرهیزکاران / در مقابل خدا»

۳-۱-۶-۵- ترس از داخل شدن در امور شبهه‌ناک

﴿۲۱۶۲﴾ ای ابوذر! متّقیان کسانی هستند که از ترس وارد شدن در موارد شبهه‌ناک، از چیزهایی که پرهیز از آن‌ها لازم نیست هم پرهیز می‌کنند.

۴-۱-۶-۵- ترس از عقاب

﴿۲۱۶۳﴾ پرهیزکاران ... اگر خداوند برای اقامتشان در دنیا زمان معینی را مقرر نکرده بود از شوق به ثواب و بیم از عذاب به اندازه‌ی چشم به هم زدن روحشان در بدنشان قرار نمی‌گرفت.

﴿۲۱۶۴﴾ پرهیزکاران ... به هنگام شب برای عبادت برپا هستند، درحالی‌که اجزای قرآن را شمرده و سنجیده تلاوت می‌کنند، خود را به آیات قرآن اندوهگین ساخته، و داروی دردشان را از آن می‌گیرند. و چون به آیه‌ای بشارت‌دهنده می‌رسند به مورد بشارت طمع می‌کنند، و روحشان از روی شوق به آن خیره می‌گردد و گمان می‌برند که مورد بشارت در برابر آن‌هاست. و چون به آیه‌ای می‌رسند که در آن بیم داده شده‌اند گوش دل به آن می‌دهند و گمان می‌برند شیون و فریاد عذاب بیخ گوش آنان است.

﴿۲۱۶۵﴾ تقوای الهی داشته باشید همچون تقوای کسی که چون [به مرگ و دیدار پروردگار خود] یقین کند، نیکی نماید. و هرگاه درس عبرتی به او بدهند، عبرت گیرد. و چون او را بر حذر دارند، بپذیرد. و اگر منعمش کنند، بازایستد. و چون بینایش کنند، بینایی گیرد و از کیفر و عقاب بترسد. و برای روز حساب کار کند.

۵-۱-۶-۵- آن‌که ترس را برای ایمنی در قیامت پیش فرستد

﴿۲۱۶۶﴾ ای بندگان خدا! تقوای الهی داشته باشید همچون تقوای کسی که فکر و اندیشه، دلش را مشغول کرده، زبانش با سرعت به ذکر خدا می‌گردد و برای ایمنی در قیامت ترس از مسئولیت را پیش فرستاده است.

۲-۲-۶-۵- ترس

﴿۲۱۶۷﴾ ای بندگان خدا! از خدا بترسید، مانند کسی که برای مہیابودن پند گرفته است؛ و در ترس [از خدا] پرهیز کرده و در دنیا که مهلتش دادند [برای عبادت] سرعت کرد، و در طلب خشنودی پروردگار شوق داشت و در گریختن [از عذاب الهی به راه حق] گریخت.

۳-۲-۶-۵- خشیت

﴿۲۱۶۸﴾ ای کسی که منت‌های بیم پرهیزکاران است.

﴿۲۱۶۹﴾ جمعه را روز گردآمدن قرار داد که مقصود آن محو گناهان گذشته و شستن تأثیرات کردارهای بد از این جمعه تا آن جمعه است، تا تذکر مؤمنان و موقعیتی برای روشن شدن خشیت و خدا ترسی پرهیزکاران باشد.

﴿عَلَامَاتُ الْمُتَّقِينَ وَ مَصَادِيقُ التَّقْوَى / تَجَاهُ اللَّهِ﴾

﴿٢١٧٠﴾ الصادق عليه السلام: قُلِ اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ... خَشْيَةَ الْمُتَّقِينَ وَ رَغْبَتَهُمْ؛ الكافي، ج ٢، ص ٥٩٣
٥-٢-٤-٣-١- الحَشْيَةُ مِنْ عَذَابِ اللَّهِ

﴿٢١٧١﴾ أمير المؤمنين عليه السلام: الْحَشْيَةُ مِنْ عَذَابِ اللَّهِ شِيْمَةُ الْمُتَّقِينَ؛ غررالحكم، ص ١٩٠
٥-٢-٤-٣-٤- الحُشُوعُ

﴿٢١٧٢﴾ أمير المؤمنين عليه السلام: فَاتَّقُوا اللَّهَ تَقِيَّةً مَنْ سَمِعَ فَخْشَعَ وَ اقْتَرَفَ فَأَعْتَرَفَ وَ وَجَلَ فَعَمِلَ وَ حَازَرَ فَبَادَرَ؛ غررالحكم، ص ١٩٠
٥-٢-٤-٣-٤-١- قَلْبُهُ خَاشِعٌ

﴿٢١٧٣﴾ أمير المؤمنين عليه السلام: فَالْمُتَّقُونَ ... تَرَاهُ قَرِيباً أَمَلُهُ قَلِيلاً زَلَّهْ خَاشِعاً قَلْبُهُ؛ نهج البلاغة، ص ٣٠٣

٥-٢-٤-٣-٢- الحُشُوعُ فِي عِبَادَةِ

﴿٢١٧٤﴾ أمير المؤمنين عليه السلام: فَالْمُتَّقُونَ ... فَمِنْ عَلَامَةِ أَحَدِهِمْ أَنَّكَ تَرَى لَهُ ... قَصْداً فِي غِنَى وَ خُشوعاً فِي عِبَادَةِ وَ تَجَمُّلاً فِي فَاقَةِ وَ صَبْراً فِي شِدَّةٍ؛ نهج البلاغة، ص ٣٠٣
٥-٢-٤-٣-٥- الإِشْفَاقُ

﴿٢١٧٥﴾ أمير المؤمنين عليه السلام: فَالْمُتَّقُونَ ... فَهُمْ لَأَنْفُسِهِمْ مُتَّهِمُونَ وَ مِنْ أَعْمَالِهِمْ مُشْفِقُونَ إِذَا زَكَّى أَحَدٌ مِنْهُمْ خَافَ مِمَّا يُقَالُ لَهُ فَيَقُولُ أَنَا أَعْلَمُ بِنَفْسِي مِنْ غَيْرِي وَ رَبِّي أَعْلَمُ بِي مِنْ بِنَفْسِي اللَّهُمَّ لَا تَوَاخِذْنِي بِمَا يَقُولُونَ وَ اجْعَلْنِي أَفْضَلَ مِمَّا يَظُنُّونَ وَ اغْفِرْ لِي مَا لَا يَعْلَمُونَ؛ نهج البلاغة، ص ٣٠٣
٥-٢-٤-٣-٦- الوَجَلُ

﴿٢١٧٦﴾ أمير المؤمنين عليه السلام: فَالْمُتَّقُونَ ... فَمِنْ عَلَامَةِ أَحَدِهِمْ ... يَعْمَلُ الْأَعْمَالَ الصَّالِحَةَ وَ هُوَ عَلَى وَجَلَ؛ نهج البلاغة، ص ٣٠٣

﴿٢١٧٧﴾ أمير المؤمنين عليه السلام: فَاتَّقُوا اللَّهَ تَقِيَّةً مَنْ سَمِعَ فَخْشَعَ وَ اقْتَرَفَ فَأَعْتَرَفَ وَ وَجَلَ فَعَمِلَ وَ حَازَرَ فَبَادَرَ؛ غررالحكم، ص ١٩٠

﴿٢١٧٨﴾ أمير المؤمنين عليه السلام: فَاتَّقُوا اللَّهَ عِبَادَ اللَّهِ تَقِيَّةً مَنْ شَمَرَ تَجْرِيداً وَ جَدَّ تَشْمِيرًا وَ أَكْمَشَ فِي مَهْلٍ وَ بَادَرَ عَنْ وَجَلَ؛ غررالحكم، ص ٤٨١
﴿٤٩٨﴾

«نشانه‌های پرهیزکاران / در مقابل خدا»

﴿۲۱۷۰﴾ [امام صادق علیه السلام] این دعا را به ابو بصیر آموخت: «بار خدایا از تو... ترس پرهیزکاران و رغبتشان را درخواست کنم».

۱-۳-۲-۵- ترس از عذاب خدا

﴿۲۱۷۱﴾ ترس از عذاب خدا، خلق و خوی متّین است.

۴-۲-۵- خشوع

﴿۲۱۷۲﴾ از خدا بترسید همانند کسی که شنیده و خاشع گشته و گناه کرده و اعتراف به آن نموده و به خاطر آن ترسیده است. و پرهیز کرده و آن را نیکو انجام داده است.

۱-۴-۲-۵- خشوع قلب

﴿۲۱۷۳﴾ پرهیزکاران ... آرزویش کم و کوتاه، لغزشش اندک، دلش فروتن است.

۲-۴-۲-۵- خشوع در عبادت

﴿۲۱۷۴﴾ پرهیزکاران ... از نشانه‌های دیگرشان آن است که هر کدام را دارای ... میانه‌روی در توانگری، فروتنی در عبادت، آراستگی در تهیدستی، بردباری در سختی مشاهده می‌کنی.

۵-۲-۶- هراس

﴿۲۱۷۵﴾ پرهیزکاران ... خود را به کوتاهی در بندگی متّهم می‌کنند، و از عبادت خود در بیم هستند. هرگاه یکی از آنان را تمجید کنند از آن تمجید می‌ترسد و می‌گوید: «من از دیگران به خود آگاه‌ترم، و پروردگارم از خودم به من داناتر است؛ خداوند، مرا به آنچه درباره‌ام می‌گویند، مؤاخذه نکن، و از آنچه می‌پندارند بهتر گردان، و زشتی‌هایی را که از من خبر ندارند بر من بیخش.

۶-۲-۵- لرزش دل

﴿۲۱۷۶﴾ پرهیزکاران ... از نشانه‌های دیگرشان آن است که در عین به جا آوردن اعمال شایسته، ترسان است.

﴿۲۱۷۷﴾ از خدا بترسید همانند کسی که شنیده و خاشع گشته و گناه کرده و اعتراف به آن نموده و به خاطر آن ترسیده است. و پرهیز کرده و آن را نیکو انجام داده است.

﴿۲۱۷۸﴾ تقوای الهی داشته باشید! همچون تقوای کسی که دامن خود را [برای اطاعت حق] به کمر زده و سخت می‌کوشد و در این فاصله به سرعت در راه خدا گام برمی‌دارد و از ترس کارهای بد خود به‌سوی آمرزش خدا رو می‌آورد.

﴿عَلَامَاتُ الْمُتَّقِينَ وَ مَصَادِيقُ التَّقْوَى / تَجَاهُ اللَّهِ﴾

﴿٢١٧٩﴾ أمير المؤمنين عليه السلام: اتَّقُوا اللَّهَ تَقِيَّةً [تَقَاةً] مَنْ سَمِعَ فَخْشَعَ وَ اقْتَرَفَ فَاعْتَرَفَ [وَ اعْتَرَفَ] وَ عَلِمَ فَوَجَلَ وَ حَاذَرَ فَبَادَرَ وَ عَمِلَ فَأَحْسَنَ؛ غررالحكم، ص ٢٧٣

﴿٢١٨٠﴾ الرسول ﷺ: اتَّقُوا اللَّهَ عِبَادَ اللَّهِ تَقِيَّةً مَنْ اعْتَبَرَ تَمْهِيداً وَ اتَّقَى فِي وَجَلٍ وَ كَمَشٍ فِي مَهَلٍ وَ رَغَبٍ فِي طَلَبٍ وَ رَهَبٍ فِي هَرَبٍ؛ بحار الأنوار، ج ٣٦، ص ٢٨٧

﴿٢١٨١﴾ أمير المؤمنين عليه السلام: الْمُتَّقُونَ أَعْمَالُهُمْ زَاكِيَةٌ وَ أَغْنِيَهُمْ بَاكِيَةٌ وَ قُلُوبُهُمْ وَجِلَةٌ؛ غررالحكم، ص ٢٧٣

﴿٢١٨٢﴾ الرسول ﷺ: إِنْ تَقَوَّى اللَّهُ لِمَنْ عَمِلَ بِهِ عَلَى وَجَلٍ وَ مَخَافَةٍ مِنْ رَبِّهِ عَوْنٌ صِدْقٌ عَلَى مَا تَبْعُونَ مِنْ أَمْرِ الْآخِرَةِ؛ مستدرک الوسائل، ج ٦، ص ٣٣

٥-٢-٦-٧- الحَيَاةُ

﴿٢١٨٣﴾ أمير المؤمنين عليه السلام: مَنْ قَلَّ حَيَاؤُهُ قَلَّ وَرَعُهُ؛ بحار الأنوار، ج ٤٨، ص ٢٩١

٥-٢-٧- التَّوْبَةُ وَ الْإِنَابَةُ

﴿٢١٨٤﴾ السَّجَادُ عليه السلام: وَ أَمَّا حَقُّ خَصْمِكَ الَّذِي تَدْعِي عَلَيْهِ فَإِنْ كُنْتَ مُحِقّاً فِي دَعْوَاكَ أَجْمَلْتَ مُقَاوَلَتَهُ وَ لَمْ تَجْحَدْ حَقَّهُ وَ إِنْ كُنْتَ مُبْطِلاً فِي دَعْوَاكَ انْقَضَتْ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ وَ ثُبُتَ إِلَيْهِ وَ تَرَكْتَ الدَّعْوَى؛ من لا يحضره الفقيه، ج ٢، ص ٦٢٣

﴿٢١٨٥﴾ أمير المؤمنين عليه السلام: اتَّقُوا اللَّهَ تَقِيَّةً [تَقَاةً] مَنْ دُعِيَ فَأَجَابَ وَ تَابَ فَأَنَابَ [وَ أَنَابَ] وَ حُذِرَ فَحَذَرَ وَ عَبَّرَ فَاعْتَبَرَ وَ خَافَ فَأَمِنَ؛ غررالحكم، ص ٢٧٣

٥-٢-٧-١- الرَّجُوعُ عَنِ الذَّنْبِ

﴿٢١٨٦﴾ الرسول ﷺ: فَاتَّقُوا اللَّهَ وَ ارْجِعُوا عَمَّا أَنْتُمْ عَلَيْهِ مِنَ الظُّلْمِ وَ الْجَوْرِ وَ قَطِيعَةِ الرَّحِمِ؛ بحار الأنوار، ج ١٩، ص ٣

٥-٢-٧-٢- تَدَارُكُ فَارِطِ الزَّلَلِ

﴿٢١٨٧﴾ أمير المؤمنين عليه السلام: فَاتَّقُوا اللَّهَ تَقِيَّةً مَنْ نَظَرَ فِي كَرَّةِ الْمُؤْمِلِ وَ عَاقِبَةِ الْمُصْدِرِ وَ مَعْبَةِ الْمَرْجِعِ فَتَدَارَكَ فَارِطَ الزَّلَلِ وَ اسْتَكْتَرَ مِنْ صَالِحِ الْعَمَلِ؛ غررالحكم، ص ٢٧٠

٥-٢-٧-٣- الْإِعْتِرَافُ

﴿٢١٨٨﴾ أمير المؤمنين عليه السلام: فَاتَّقُوا اللَّهَ تَقِيَّةً مَنْ سَمِعَ فَخْشَعَ وَ اقْتَرَفَ فَاعْتَرَفَ وَ وَجَلَ فَعَمِلَ وَ حَاذَرَ فَبَادَرَ؛ غررالحكم، ص ١٩٠

«نشانه‌های پرهیزکاران / در مقابل خدا»

﴿۲۱۷۹﴾ تقوای الهی را پیشه کنید، مانند کسی که با دریافت حقایق به خشوع گراید و چون به گناه آلوده شود، اعتراف کند، آخرت را شناخت و از آخرت ترسید و عمل شایسته نمود و از عقوبت حذر نمود و به‌سوی طاعت خدا شتافت و عمل نیکو انجام داد.

﴿۲۱۸۰﴾ ای بندگان خدا! از خدا بترسید، مانند کسی که برای مهیا بودن پند گرفته است؛ و در ترس [از خدا] پرهیز کرده و در دنیا که مهلتش دادند [برای عبادت] سرعت کرد، و در طلب خشنودی پروردگار شوق داشت و در گریختن [از عذاب الهی به راه حق] گریخت.

﴿۲۱۸۱﴾ باتقوایان، اعمالشان پاک، چشمانشان گریان و قلب‌هایشان بیمناک است.

﴿۲۱۸۲﴾ پرهیزکاری برای کسی که با بیم و ترس به آن عمل کند برای آن چیزهایی که از آخرت می‌خواهید یاوری نیکوست.

۷-۶-۵- شرم

﴿۲۱۸۳﴾ کسی که حیایش کم باشد پرهیزکاری‌اش کم است.

۷-۲-۵- توبه و بازگشت

﴿۲۱۸۴﴾ حقّی که طرف دعوای تو در دادگاه بر تو دارد این است که اگر تو در ادّعای خود بر حق هستی، خوب حرف بزنی و حقّ او را انکار نکنی؛ اما اگر تو بر حق نیستی [و خودت این را می‌دانی] تقوا پیشه کن و توبه کن و از ادّعایت دست بردار.

﴿۲۱۸۵﴾ تقوای الهی را پیشه کنید، همچون کسانی که خوانده‌شده و اجابت کرده‌اند، توبه کرده و بازگشته‌اند، بر حذر شده و حذر کرده‌اند، عبرت داده‌شده و عبرت پذیرفته‌اند و ترسیده‌اند و امنیّت به آنان داده شده است.

۱-۷-۲-۵- بازگشت از گناه

﴿۲۱۸۶﴾ از ظلم و عناد و لجاجت و قطع رحم دست بردارید و از خداوند بترسید.

۲-۷-۲-۵- جبران لغزش‌ها

﴿۲۱۸۷﴾ تقوای الهی داشته باشید همچون کسی که در بازگشت به عالم آخرت و سرانجام زندگی و عاقبت کار می‌اندیشد و در نتیجه‌ی لغزش گذشته را تدارک کند و عمل صالح بسیاری انجام دهد.

۳-۷-۲-۵- اعتراف

﴿۲۱۸۸﴾ از خدا بترسید همانند کسی که شنیده و خاشع گشته و گناه کرده و اعتراف به آن نموده و به خاطر آن ترسیده است. و پرهیز کرده و آن را نیکو انجام داده است.

﴿عَلَامَاتُ الْمُتَّقِينَ وَ مَصَادِيقُ التَّقْوَى / تَجَاهُ اللَّهِ﴾

٤-٧-٥- الإِغْتِرَافُ بِالْحَقِّ قَبْلَ الشَّهَادَةِ عَلَيْهِ

﴿٢١٨٩﴾ أمير المؤمنين عليه السلام: فَالْمُتَّقُونَ ... يَعْتَرِفُ بِالْحَقِّ قَبْلَ أَنْ يُشْهَدَ عَلَيْهِ لَا يُضِيعُ مَا اسْتُحْفِظَ

وَلَا يَنْسَى مَا ذُكِّرَ؛ نهج البلاغة، ص ٣٠٣

٨-٢-٥- الطَّاعَةُ، إِثَارُ رِضَى اللَّهِ، التَّسْلِيمُ، الدِّينُ

١-٨-٥- الطَّاعَةُ

﴿٢١٩٠﴾ الصَّادِقُ عليه السلام: إِنْ كُنْتُمْ تُرِيدُونَ أَنْ تَكُونُوا مَعَنَا يَوْمَ الْقِيَامَةِ لَا يَلْعَنُ بَعْضُكُمْ بَعْضًا

فَاتَّقُوا اللَّهَ وَأَطِيعُوا؛ بحار الأنوار، ج ٨، ص ١٤

﴿٢١٩١﴾ أمير المؤمنين عليه السلام: أَحْكُمُوا عَلَى طَاعَةِ اللَّهِ فَإِنَّهَا كَهْفُ الْعَابِدِينَ وَ فَوْزُ الْفَائِزِينَ وَ

أَمَانُ الْمُتَّقِينَ؛ مجموعة ورام، ج ٢، ص ٨٨

﴿٢١٩٢﴾ أمير المؤمنين عليه السلام: فَإِنَّ التَّقْوَى ... أَحْكُمُوا عَلَى طَاعَةِ اللَّهِ فَإِنَّهَا كَهْفُ الْعَابِدِينَ وَ فَوْزُ

الْفَائِزِينَ وَ أَمَانُ الْمُتَّقِينَ؛ بحار الأنوار، ج ٧٤، ص ٣٧٥

﴿٢١٩٣﴾ أمير المؤمنين عليه السلام: إِتَّقِ اللَّهَ بَطَاعَتِهِ وَأَطِعِ اللَّهَ بَتَقْوَاهُ؛ غرر الحكم، ص ٢٦٩

﴿٢١٩٤﴾ أمير المؤمنين عليه السلام: مِنْ تَقْوَى النَّفْسِ الْعَمَلُ بِالطَّاعَةِ؛ غرر الحكم، ص ١٨٤

﴿٢١٩٥﴾ الصَّادِقُ عليه السلام: فَإِنَّ مِنَ التَّقْوَى الطَّاعَةَ وَالْوَرَعَ وَ التَّوَّاضَعَ لِلَّهِ وَ الطَّمَأْنِينَةَ وَ الْجَهْدَ وَ

الْأَخْذَ بِأَمْرِهِ وَ النَّصِيحَةَ لِرُسُلِهِ وَ الْمُسَارَعَةَ فِي مَرْضَاتِهِ وَ اجْتِنَابَ مَا نَهَى عَنْهُ؛ بحار الأنوار، ج ٢٤، ص ٢٨٦

﴿٢١٩٦﴾ الباقر عليه السلام: أَنَّ أَهْلَ التَّقْوَى ... آخَرُوا شَهَوَاتِهِمْ وَ لَذَائِهِمْ خَلْفَهُمْ وَ قَدَّمُوا طَاعَةَ رَبِّهِمْ

أَمَامَهُمْ؛ بحار الأنوار، ج ٧٥، ص ١٦٥

﴿٢١٩٧﴾ أمير المؤمنين عليه السلام: فَاتَّقُوا اللَّهَ عِبَادَ اللَّهِ فِيمَا أَمَرَكُمْ بِهِ وَ أَطِيعُوهُ وَ انْتَهُوا عَمَّا نَهَاكُمْ

عَنْهُ فَلَا تَعْصُوهُ؛ المصباح للكفعمي، ص ٧١٤

﴿٢١٩٨﴾ الصَّادِقُ عليه السلام: فَاتَّقُوا اللَّهَ وَ أَطِيعُوهُ؛ إرشاد القلوب، ج ١، ص ١٠١

﴿٢١٩٩﴾ أمير المؤمنين عليه السلام: فَاتَّقُوا اللَّهَ وَ اسْتَقْبِلُوا مِنْ إِصْلَاحِ أَنْفُسِكُمْ وَ طَاعَةِ اللَّهِ وَ طَاعَةَ مَنْ

تَوَلَّوْنَهُ فِيهَا؛ بحار الأنوار، ج ٧٥، ص ١٤٨

٢-٨-٥- إِثَارُ رِضَى اللَّهِ عَلَى مَا سِوَاهُ

﴿٢٢٠٠﴾ الصَّادِقُ عليه السلام: فَاتَّقِ اللَّهَ وَ لَا تُؤْثِرْ أَحَدًا عَلَى رِضَاهُ وَ هَوَاهُ؛ وسائل الشيعة، ج ١٧، ص ٢١١

﴿نشانه‌های پرهیزکاران / در مقابل خدا﴾

۴-۷-۲-۵- اعتراف به حق قبل از گواهی بر او

﴿۲۱۸۹﴾ پرهیزکاران ... پیش از حاضر کردن شاهد، خود اقرار به حق می‌نماید. امانت را تباہ نمی‌کند، و آنچه را به یادش آرند به فراموشی نمی‌سپارد.

۸-۲-۵- فرمان بری، ترجیح دادن رضایت خدا، تسلیم، دین

۱-۸-۲-۵- فرمانبرداری

﴿۲۱۹۰﴾ اگر می‌خواهید روز قیامت با ما باشید یکدیگر را لعن نکنید؛ پس از خدا بترسید و اطاعت کنید.

﴿۲۱۹﴾ شما را بر اطاعت خدا تشویق می‌کنم که این عمل، پناهگاه عبادت‌کنندگان و پیروزی‌ستگاران و مأمین‌اهل تقواست.

﴿۲۱۹۲﴾ تقوا... شما را به اطاعت خدا وادار می‌کند، زیرا پرهیزکاری پناه عابدان، رستگاری رستگاران و ایمنی پرهیزکاران است.

﴿۲۱۹۳﴾ **یا تقوی الهم، اطاعت خدا کنید و با اطاعت خدا، تقوا کسب کنید.**

﴿۲۱۹۴﴾ انجام طاعات و عبادات از نشانه‌های تقوای نفس است.

﴿۲۱۹۵﴾ ورع و تواضع برای خدا و آرامش و کوشش و مطیع بودن و خیرخواهی برای
فستادگان خدا و سرعت در کارهای نیک و پرهیز از گناهان، از تقوا محسوب می‌شود.

﴿۲۱۹۶﴾ پرهیزکاران همان توانگراند... خواست دل و لذتشان را پشت سر انداختند، و طاعت پروردگارشان را پیش رویشان مقدم داشتند.

﴿۲۱۹۷﴾ بندگان خدا! از خدا در اموری که شما را به آن امر کرده، تقوا پیشه کنید و از او اطاعت کرده و از آنچه که از انجام آن نهی کرده، دست بردارید و معصیت خدا را نکنید.

﴿۲۱۹۸﴾ تقوی الهم، یشه کنبد و خدا را اطاعت کنبد.

﴿۲۱۹﴾ از خدا پروا کنید، و به اصلاح خود، اطاعت خدا و اطاعت آن‌ها که ولایتشان را می‌پذیرفته‌اند، بپردازید.

۲-۸-۵- ترجیح دادن رضایت خدا بر غیر آن

﴿۲۲۰﴾ از خدا بترس و کسی را به رضای خدا و خواستش مقدم مدار.

﴿عَلَامَاتُ الْمُتَّقِينَ وَ مَصَادِيقُ التَّقْوَى / تَجَاهُ اللَّهِ﴾

٣-٨-٥- الأُخْذُ بِأَمْرِ اللَّهِ

﴿٢٢٠١﴾ الصَّادِقُ عليه السلام: فَإِنَّ مِنَ التَّقْوَى الطَّاعَةَ وَالْوَرَعَ وَالتَّوَضُّعَ لِلَّهِ وَالطَّمَأْنِينَةَ وَالْاجْتِهَادَ وَالْأُخْذَ بِأَمْرِهِ وَالنَّصِيحَةَ لِرُسُلِهِ وَالْمُسَارَعَةَ فِي مَرْضَاتِهِ وَاجْتِنَابَ مَا نَهَى عَنْهُ؛ بحار الأنوار، ج ٢٤، ص ٢٨٦

٤-٨-٥- الْعَمَلُ جِهَةً مَا خَلَقَهُ اللَّهُ

﴿٢٢٠٢﴾ أمير المؤمنين عليه السلام: فَاتَّقُوا اللَّهَ عِبَادَ اللَّهِ جِهَةً مَا خَلَقَكُمْ لَهُ وَاحْذَرُوا مِنْهُ كُنْهَ مَا حَذَرَكُمْ مِنْ نَفْسِهِ وَاسْتَحِقُّوا مِنْهُ مَا أَعَدَّ لَكُمْ بِالتَّجَرُّ لَصِدْقٍ مِيعَادِهِ وَالْحَذَرِ مِنْ هَوْلٍ مَعَادِهِ؛ نهج البلاغة، ص ١١٠ غرر الحكم، ص ١٩١

﴿٢٢٠٣﴾ أمير المؤمنين عليه السلام: اتَّقُوا اللَّهَ جِهَةً مَا خَلَقَكُمْ لَهُ؛ غرر الحكم، ص ٢٧٢

٥-٨-٥- جُمْلَةُ اشْتَغَالِهِ فِيمَا أَمَرَهُ تَعَالَى بِهِ وَنَهَاهُ عَنْهُ

﴿٢٢٠٤﴾ الصَّادِقُ عليه السلام: [قَالَ غُنَوَانُ الْبَصْرِيِّ] قُلْتُ يَا أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام مَا حَقِيقَةُ الْعُبُودِيَّةِ قَالَ ثَلَاثَةُ أَشْيَاءٍ أَنْ لَا يَرَى الْعَبْدُ لِنَفْسِهِ فِيمَا حَوَّلَهُ اللَّهُ مِلْكَاً لِأَنَّ الْعَبِيدَ لَا يَكُونُ لَهُمْ مِلْكٌ يَرَوْنَ أَمْوَالَ مَالِ اللَّهِ يَصْعُونَهُ حَيْثُ أَمَرَهُمُ اللَّهُ بِهِ وَلَا يُدَبِّرُ الْعَبْدُ لِنَفْسِهِ تَذْيِيراً وَجُمْلَةُ اشْتَغَالِهِ فِيمَا أَمَرَهُ تَعَالَى بِهِ وَنَهَاهُ عَنْهُ ... وَإِذَا اشْتَغَلَ الْعَبْدُ بِمَا أَمَرَهُ اللَّهُ تَعَالَى وَنَهَاهُ لَا يَتَفَرَّغُ مِنْهُمَا إِلَى الْمِرَاءِ وَالْمُبَاهَاةِ مَعَ النَّاسِ ... هَذَا أَوَّلُ دَرَجَةِ التَّقَى؛ بحار الأنوار، ج ١، ص ٢٢٦

٦-٨-٥- الْقِيَامُ عَلَى أَمْرِ اللَّهِ

﴿٢٢٠٥﴾ الباقر عليه السلام: أَنْ أَهْلَ التَّقْوَى ... قَوَّامُونَ عَلَى أَمْرِ اللَّهِ؛ الكافي، ج ٢، ص ١٣٢

٧-٨-٥- أَدَاءُ حَقِّ اللَّهِ

﴿٢٢٠٦﴾ الأئمة عليهم السلام: الدُّنْيَا وَمَا فِيهَا لِلَّهِ تَبَارَكَ وَتَعَالَى وَلِرَسُولِهِ وَلَنَا فَمَنْ غَلَبَ عَلَى شَيْءٍ مِنْهَا فَلْيَتَّقِ اللَّهَ وَلْيُؤَدِّ حَقَّ اللَّهِ تَبَارَكَ وَتَعَالَى وَلْيَبْرِ إِخْوَانَهُ فَإِنْ لَمْ يَفْعَلْ ذَلِكَ فَاللَّهُ وَرَسُولُهُ وَنَحْنُ بُرَاءٌ مِنْهُ؛ الكافي، ج ١، ص ٤٠٨

٨-٨-٥- الإِجَابَةُ

﴿٢٢٠٧﴾ أمير المؤمنين عليه السلام: اتَّقُوا اللَّهَ تَقِيَّةً [تُقَاةً] مَنْ دُعِيَ فَأَجَابَ وَتَابَ فَأَنَابَ [وَأَنَابَ] وَ

حَذَرَ فَحَذَرَ وَعَبَّرَ فَأَعْتَبَرَ وَخَافَ فَأَمِنَ؛ غرر الحكم، ص ٢٧٣

﴿٧٠٤﴾

«نشانه‌های پرهیزکاران / در مقابل خدا»

۵-۲-۸-۳- گرفتن امر خدا

﴿۲۲۰۱﴾ ورع و تواضع برای خدا و آرامش و کوشش و مطیع‌بودن و خیرخواهی برای فرستادگان خدا و سرعت در کارهای نیک و پرهیز از گناهان، از تقوا محسوب می‌شود.

۵-۲-۸-۴- عمل در جهت هدف خلقت

﴿۲۲۰۲﴾ ای بندگان خدا! در جهت هدفی که شما را برای آن آفریده، تقوا پیشه کنید. و از او با نهایت حذری که شما را از جانب خود بر حذر داشته، حذر کنید. و برای تحقق وعده صادقانه‌ی حق جهت آنچه در قیامت برای شما مهیا کرده، و برای حذر از هول روز معاد کسب استحقاق کنید.

﴿۲۲۰۳﴾ تقوای الهی را در همان جهتی که خدا شما را برای آفریده است، رعایت کنید.

۵-۲-۸-۵- تمام مشغولیتش اجرای امر و نهی خداست

﴿۲۲۰۴﴾ [عنوان بصری گوید:] عرض کردم: «حقیقت عبودیت و بندگی چیست؟» فرمود: «سه چیز است. اول اینکه ملک و مال را که خدا به او داده از خود نداند، چون بنده مالک چیزی نیست، مال را مال خدا دانسته و به دستور او مصرف می‌کند. دوم اینکه تدبیر و اداره‌کردن را از خود نداند، (گرداننده اصلی امور خداوند است). سوم اینکه اشتغالاتش مطابق امر و نهی خداوند باشد... و با فراهم‌شدن شرط سوم عبودیت، دیگر فخر و مباهات و مجادله با مردم نمی‌کند... و این اولین درجه‌ی تقوا است.»

۵-۲-۸-۶- برپاداشتن امر خدا

﴿۲۲۰۵﴾ پرهیزکاران ... بر دستورات خداوند متعال پایدارند.

۵-۲-۸-۷- ادای حق خداوند

﴿۲۲۰۶﴾ دنیا و هر چه در آن است برای خداوند متعال و رسولش و برای ماست. پس هرگاه کسی بر چیزی از امور دنیا دست‌یافت، تقوای الهی پیشه کند و حق خداوند را ادا کند و به برادران دینی‌اش نیکی کند؛ که اگر چنین نکند خدا و رسولش و ما از او تبری می‌جوییم.

۵-۲-۸-۸- پاسخ مثبت به خدا

﴿۲۲۰۷﴾ تقوای الهی را پیشه کنید، همچون کسانی که خوانده‌شده و اجابت کرده‌اند، توبه کرده و بازگشته‌اند، بر حذر شده و حذر کرده‌اند، عبرت داده‌شده و عبرت پذیرفته‌اند و ترسیده‌اند و امنیّت به آنان داده شده است.

﴿عَلَامَاتُ الْمُتَّقِينَ وَ مَصَادِيقُ التَّقْوَى / تَجَاهُ اللَّهِ﴾

٩-٨-٥-٢- حُسْنُ التَّعَبُّدِ

﴿٢٢٠٨﴾ الرَّسُولُ ﷺ: يَا حَاشِيَ الْعِزِّ قُلُوبَ أَهْلِ التَّقْوَى يَا مُتَوَكِّلِيهِمْ بِحُسْنِ سَرَائِرِهِمْ وَيَا مُؤْمِنِيهِمْ بِحُسْنِ تَعَبُّدِهِمْ؛ بحار الأنوار، ج ٩٢، ص ٣٢٠

١٠-٨-٥-٢- إِنَّ الْإِمَامَ الطَّاهِرَ ﷺ يَسْأَلُ عِبَادَةَ كَعِبَادَتِهِمْ

﴿٢٢٠٩﴾ الْكَاظمُ الطَّاهِرُ ﷺ: اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ عَمَلَ الْخَائِفِينَ وَ خَوْفَ الْعَامِلِينَ وَ خُشُوعَ الْعَابِدِينَ وَ عِبَادَةَ الْمُتَّقِينَ؛ بحار الأنوار، ج ٨٧، ص ٢١٢

١١-٨-٥-٢- التَّسْلِيمُ

﴿٢٢١٠﴾ الصَّادِقُ الطَّاهِرُ ﷺ: فَأَلْزَمَ مَا أَجْمَعَ عَلَيْهِ أَهْلُ الصَّفَاءِ وَ التَّقَى مِنْ أُصُولِ الدِّينِ وَ حَقَائِقِ الْيَقِينِ وَ الرِّضَا وَ التَّسْلِيمِ؛ مصباح الشريعة، ص ٦٠

﴿٢٢١١﴾ الْحَسَنِ الطَّاهِرَ ﷺ: إِنَّ نَزَلَ الْقَضَاءُ بِمَا نُحِبُّ فَنَحْمَدُ اللَّهَ عَلَى نِعْمَائِهِ وَ هُوَ الْمُسْتَعَانُ عَلَى آدَاءِ الشُّكْرِ وَ إِنَّ حَالَ الْقَضَاءِ دُونَ الرَّجَاءِ فَلَمْ يَبْعُدْ مَنْ كَانَ الْحَقَّ نَيْتَهُ وَ التَّقْوَى سِيرَتَهُ؛ بحار الأنوار، ج ٤٤، ص ٣٦٥

١-١١-٨-٥-٢- الْإِسْلَامُ لِبَاسُهُمْ

﴿٢٢١٢﴾ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ الطَّاهِرَ ﷺ: فَإِنَّ اللَّهَ تَبَارَكَ وَ تَعَالَى شَرَعَ الْإِسْلَامَ وَ سَهَّلَ شَرَائِعَهُ لِمَنْ وَرَدَهُ وَ أَعَزَّ أَرْكَانَهُ لِمَنْ حَارَبَهُ وَ جَعَلَهُ... جُنَّةً لِمَنْ صَبَرَ وَ لِبَاساً لِمَنْ اتَّقَى؛ الكافي، ج ٢، ص ٤٩

١٢-٨-٥-٢- الدِّينُ

١-١٢-٨-٥-٢- إِنْ كَانَ لَكَ تَقَى فَلَكَ دِينٌ

﴿٢٢١٣﴾ الرَّسُولُ ﷺ: أَنْ رَجُلًا قَامَ إِلَى رَسُولِ اللَّهِ ﷺ فَقَالَ يَا رَسُولَ اللَّهِ أَ لَسْتُ أَفْضَلَ قَوْمِي فَقَالَ إِنْ كَانَ لَكَ عَقْلٌ فَلَكَ فَضْلٌ وَ إِنْ كَانَ لَكَ خَلْقٌ فَلَكَ مُرُوءَةٌ وَ إِنْ كَانَ لَكَ مَالٌ فَلَكَ حَسَبٌ وَ إِنْ كَانَ لَكَ تَقَى فَلَكَ دِينٌ؛ شرح نهج البلاغة، ج ١٨، ص ١٢٨

٢-١٢-٨-٥-٢- يُسْتَدَلُّ عَلَى دِينِ الرَّجُلِ بِحُسْنِ تَقْوَاهُ

﴿٢٢١٤﴾ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ الطَّاهِرَ ﷺ: يُسْتَدَلُّ عَلَى دِينِ الرَّجُلِ بِحُسْنِ تَقْوَاهُ وَ صِدْقِ وَرَعِهِ؛ غرر الحكم، ص ٢٧١

٣-١٢-٨-٥-٢- جَمَاعُ الدِّينِ

﴿٢٢١٥﴾ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ الطَّاهِرَ ﷺ: عَلَيْكَ بِالتَّقْوَى وَ الصَّدْقِ فَهُمَا جَمَاعُ الدِّينِ؛ غرر الحكم، ص ١٣٨

«نشانه‌های پرهیزکاران / در مقابل خدا»

۵-۲-۸-۹- بندگی نیکو

﴿۲۲۰۸﴾ ای فزاینده‌ی عزّت در دل‌های تقواییان، ای سرپرست آن‌ها به سبب نیکی باطنشان، ای ایمن‌گرداننده‌ی آنان به سبب بندگی نیکشان.

۵-۲-۸-۱۰- امام علی(علیه السلام) عبادتی همچون عبادت ایشان می‌طلبد

﴿۲۲۰۹﴾ خدایا! از تو عمل بیمناکان و ترس عمل‌کنندگان و خشوع عابدان و عبادت تقوا پیشگان را می‌خواهم.

۵-۲-۸-۱۱- تسلیم

﴿۲۲۱۰﴾ ملازم و همراه چیزی باش که اهل صفا و تقوا بر آن اجتماع دارند. تقوا از اصول دین و حقیقت یقین و رضا و تسلیم است.

﴿۲۲۱۱﴾ اگر قضا و قدر خدا آن‌طور که ما دوست داریم نازل شود، در مقابل نعمت‌هایش سپاسگزاریم و خدا بر ادای شکر یاور ماست. و اگر قضا و قدر بین ما و آرزوها فاصله شود، کسی که نیت او خیر و روش او تقوا باشد، دور نمی‌شود و پایداری‌اش را از دست نمی‌دهد.

۵-۲-۸-۱۱-۱- اسلام لباسشان است

﴿۲۲۱۲﴾ به‌راستی که خدای تبارک و تعالی اسلام را تشریع کرد و دستورهای آن را برای هرکس که مسلمان شود، آسان کرد. و ارکانش را در برابر هرکس که با آن نبرد کند، شکست‌ناپذیر ساخت، و آن را ... برای هرکس که شکینا باشد، سپر و برای هرکس که تقوا ورزد، لباس قرار داد.

۵-۲-۸-۱۲- دین

۵-۲-۸-۱۲-۱- اگر پرهیزکار هستی پس دینداری

﴿۲۲۱۳﴾ مردی نزد رسول خدا ﷺ رفت و عرض کرد: «ای رسول خدا! مگر من برترین فرد قومم نیستم؟! فرمود: «اگر عقل داری، فضیلت داری و اگر اخلاق نیکی داری، مروّت داری و اگر مال و دارایی داری حسب و نسب داری و اگر تقوا داری، دین داری».

۵-۲-۸-۱۲-۲- از دین آدمی به تقوای نیکویش دلالت می‌شود

﴿۲۲۱۴﴾ با تقوای خوب و راستی و ورع فرد، به دین‌داری او می‌توان استدلال کرد.

۵-۲-۸-۱۲-۳- گردآورنده‌ی دین

﴿۲۲۱۵﴾ بر تو باد به مراعات تقوا و راستی که این دو فراهم‌آورنده‌ی دین‌اند.

﴿عَلَامَاتُ الْمُتَّقِينَ وَ مَصَادِيقُ التَّقْوَى / تَجَاهُ اللَّهِ﴾

﴿٢٢١٦﴾ أمير المؤمنين عليه السلام: ثَلَاثُ هُنَّ جَمَاعُ الدِّينِ الْعِفَّةُ وَالْوَرَعُ وَالْحَيَاءُ؛ غرر الحكم، ص ٨٥
٥-١٢-٨-٢-٥-أصول الدين

﴿٢٢١٧﴾ الصادق عليه السلام: فَالزَّمْ مَا أَجْمَعَ عَلَيْهِ أَهْلُ الصَّفَاءِ وَالتَّقَى مِنْ أَصُولِ الدِّينِ وَحَقَائِقِ
الْيَقِينِ وَالرِّضَا وَالتَّسْلِيمِ؛ مصباح الشريعة، ص ٦٠
٥-١٢-٨-٢-٥-حرز الدين

﴿٢٢١٨﴾ أمير المؤمنين عليه السلام: فَالْمُتَّقُونَ ... حَرِيزاً دِينُهُ مِيتَةٌ شَهْوَتُهُ مَكْظُومَةٌ غَيْظُهُ نَهْجُ الْبَلَاغَةِ، ص ٣٠٣
٥-١٢-٨-٢-٥-رأس الدين وَ وَسَطُ الدِّينِ وَ آخِرُ الدِّينِ

﴿٢٢١٩﴾ حديث قدسي: يَا أَحْمَدُ عَلَيْكَ بِالْوَرَعِ فَإِنَّ الْوَرَعَ رَأْسُ الدِّينِ وَ وَسَطُ الدِّينِ وَ آخِرُ
الدِّينِ؛ بحار الأنوار، ج ٧٤، ص ٢٦

﴿٢٢٢٠﴾ حديث قدسي: إِنَّ الْوَرَعَ رَأْسُ الْإِيمَانِ وَ عِمَادُ الدِّينِ؛ بحار الأنوار، ج ٧٤، ص ٢٦
٥-١٢-٨-٢-٥-عِمَادُ الدِّينِ

﴿٢٢٢١﴾ أمير المؤمنين عليه السلام: عِمَادُ الدِّينِ الْوَرَعُ وَ فَسَادُهُ الطَّمَعُ؛ بحار الأنوار، ج ٧٥، ص ٨٩
٥-١٢-٨-٢-٥-عِمَارَةُ الدِّينِ

﴿٢٢٢٢﴾ أمير المؤمنين عليه السلام: إِنَّ تَقْوَى اللَّهِ عِمَارَةُ الدِّينِ وَ عِمَادُ الْيَقِينِ وَ إِنَّهَا لِمِفْتَاحُ صَلَاحٍ وَ
مِصْبَاحُ نَجَاحٍ؛ غرر الحكم، ص ٢٧٤
٥-١٢-٨-٢-٥-قُوَّةُ فِي الدِّينِ

﴿٢٢٢٣﴾ أمير المؤمنين عليه السلام: فَالْمُتَّقُونَ ... فَمِنْ عَلَامَةِ أَحَدِهِمْ أَنَّكَ تَرَى لَهُ قُوَّةً فِي دِينٍ؛
نهج البلاغة، ص ٣٠٣
٥-١٢-٨-٢-٥-الْتِمَسُّكَ بِالدِّينِ

﴿٢٢٢٤﴾ الصادق عليه السلام: إِنَّ لِصَاحِبِ هَذَا الْأَمْرِ غَيْبَةً فَلْيَتَّقِ اللَّهَ عَبْدٌ وَ لِيَتَمَسَّكَ بِدِينِهِ؛ الكافي،
ج ١، ص ٣٣٥
٥-١٢-٨-٢-٥-عَدَمُ اسْتِهْزَاءِ الدِّينِ

﴿٢٢٢٥﴾ الباقر عليه السلام: فَاتَّقُوا اللَّهَ فَإِنَّ اللَّهَ قَدْ أَوْضَحَ لَكُمْ أَعْلَامَ دِينِكُمْ وَ مَنَارَ هُدَاكُمْ فَلَا
تَأْخُذُوا أَمْرَكُمْ بِالْوَهْنِ وَ لَا أَذْيَانَكُمْ هَزُوا؛ بحار الأنوار، ج ٢، ص ٩٨
﴿٧٠٨﴾

«نشانه‌های پرهیزکاران / در مقابل خدا»

﴿۲۲۱۶﴾ سه چیز است که تمام دین در آن است: پاکدامنی، ورع و حیا.

۴-۱۲-۸-۵- اصول دین

﴿۲۲۱۷﴾ ملازم و همراه چیزی باش که اهل صفا و تقوا بر آن اجتماع دارند. تقوا از اصول دین و حقیقت یقین و رضا و تسلیم است.

۵-۱۲-۸-۵- حفظ دین

﴿۲۲۱۸﴾ پرهیزکاران ... دینش محفوظ، شهوتش مرده، و خشمش فرو خورده است.

۶-۱۲-۸-۵- اول دین، وسط دین، آخر دین

﴿۲۲۱۹﴾ ای احمد! ورع و پرهیزکاری را شیوه و شعار خود بساز، زیرا ورع اول و وسط و آخر دین است.

﴿۲۲۲۰﴾ همانا ورع سر ایمان و ستون دین است.

۷-۱۲-۸-۵- ستون دین

﴿۲۲۲۱﴾ ستون دین ورع و اسباب نابودی آن طمع‌ورزیدن است.

۸-۱۲-۸-۵- آبادانی دین

﴿۲۲۲۲﴾ تقوای الهی، آبادی دین و ستون یقین و کلید صلاح و چراغ نجات است.

۹-۱۲-۸-۵- توانمندی در دین

﴿۲۲۲۳﴾ پرهیزکاران ... از نشانه‌های دیگرشان آن است که هر کدام را دارای نیرومندی در دین مشاهده می‌کنی.

۱۰-۱۲-۸-۵- چنگ‌زدن به دین

﴿۲۲۲۴﴾ صاحب الأمر علیه السلام غیبتی دارد که بندگان باید به خدا پناه ببرند و به دین خدا چنگ زنند.

۱۱-۱۲-۸-۵- به‌سخره‌نگرفتن دین

﴿۲۲۲۵﴾ پرهیزکار باشید، خدا نشانه دین شما و چراغ‌های هدایتان را برایتان واضح ساخته است. پس کارتان را سست نگیرید و دینتان را بازیچه قرار ندهید.

﴿عَلَامَاتُ الْمُتَّقِينَ وَ مَصَادِيقُ التَّقْوَى / تَجَاهُ اللَّهِ﴾

٩-٢-٥- العباداتُ

١-٩-٢-٥- الصَّلَاةُ

﴿٢٢٢٦﴾ لَيْسَ الْبِرَّ أَنْ تُوَلُّوا وُجُوهَكُمْ قِبَلَ الْمَشْرِقِ وَالْمَغْرِبِ وَلَكِنَّ الْبِرَّ مَنْ آمَنَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ
الْآخِرِ وَالْمَلَائِكَةِ وَالْكِتَابِ وَالنَّبِيِّينَ وَآتَى الْمَالَ عَلَى حُبِّهِ ذَوِي الْقُرْبَى وَالْيَتَامَى وَالْمَسَاكِينَ وَ
ابْنَ السَّبِيلِ وَالسَّائِلِينَ وَفِي الرِّقَابِ وَأَقَامَ الصَّلَاةَ وَآتَى الزَّكَاةَ وَالْمُوفُونَ بِعَهْدِهِمْ إِذَا عَاهَدُوا وَ
الصَّابِرِينَ فِي الْبَأْسَاءِ وَالصَّرَاءِ وَحِينَ الْبَأْسِ أُولَئِكَ الَّذِينَ صَدَقُوا وَأُولَئِكَ هُمُ الْمُتَّقُونَ؛ البقرة

١٧٧

﴿٢٢٢٧﴾ وَأَنْ أَقِيمُوا الصَّلَاةَ وَاتَّقُواهُ وَهُوَ الَّذِي إِلَيْهِ تُحْشَرُونَ؛ الأنعام ٧٢

﴿٢٢٢٨﴾ وَاتَّقُواهُ وَأَقِيمُوا الصَّلَاةَ وَلَا تَكُونُوا مِنَ الْمُشْرِكِينَ؛ الروم ٣١

﴿٢٢٢٩﴾ أمير المؤمنين عليه السلام: فَالْمُتَّقُونَ ... فَهُمْ حَانُونَ عَلَى أَوْسَاطِهِمْ مُفْتَرِشُونَ لِحَبَاهِهِمْ وَ
أَكْفَهُمْ وَرَكَبَهُمْ وَأَطْرَافِ أَقْدَامِهِمْ يَطْلُبُونَ إِلَى اللَّهِ تَعَالَى فِي فَكَاكِ رِقَابِهِمْ؛ نهج البلاغة،

ص ٣٠٣

١-١-٩-٢-٥- الصَّبْرُ عَلَى الصَّلَاةِ

﴿٢٢٣٠﴾ وَأَمْرُ أَهْلِكَ بِالصَّلَاةِ وَاضْطِرُّ عَلَيْهَا لَا تَسْأَلُكَ رِزْقًا نَحْنُ نَرْزُقُكَ وَالْعَاقِبَةُ لِلتَّقْوَى؛ طه

١٣٢

٢-١-٩-٢-٥- صَلَاةُ اللَّيْلِ

﴿٢٢٣١﴾ حديث قدسي: يَا دَاوُدُ إِنَّ الْمُتَّقِينَ لَا يَنَامُونَ لَيْلَهُمْ إِلَّا بِصَلَوَاتِهِمْ إِلَيَّ وَلَا يَقْطَعُونَ

نَهَارَهُمْ إِلَّا بِذِكْرِي؛ إرشاد القلوب، ج ١، ص ٨٦

﴿٢٢٣٢﴾ أمير المؤمنين عليه السلام: فَالْمُتَّقُونَ ... أَمَّا اللَّيْلُ فَصَافُونَ أَقْدَامَهُمْ تَالِينَ لِأَجْزَاءِ الْقُرْآنِ

يُرْتَلُونَهَا تَرْتِيلًا يُحْزِنُونَ بِهِ أَنْفُسَهُمْ وَيَسْتَشِيرُونَ بِهِ دَوَاءَ دَائِهِمْ فَإِذَا مَرُّوا بِآيَةٍ فِيهَا تَشْوِيقٌ رَكَنُوا
إِلَيْهَا طَمَعًا وَتَطَلَّعَتْ نَفُوسُهُمْ إِلَيْهَا شَوْقًا وَظَنُّوا أَنَّهَا نُصِبَ أَغْنِيهِمْ وَإِذَا مَرُّوا بِآيَةٍ فِيهَا تَخْوِيفٌ
أَصْغَوْا إِلَيْهَا مَسَامِعَ قُلُوبِهِمْ وَظَنُّوا أَنَّ زَفِيرَ جَهَنَّمَ وَشَهيقَهَا فِي أُصُولِ آذَانِهِمْ؛ نهج البلاغة،

ص ٣٠٣

«نشانه‌های پرهیزکاران / در مقابل خدا»

۵-۲-۹- عبادات

۵-۲-۹-۱- نماز

«۲۲۲۶» نیکی، (تنها) این نیست که (به هنگام نماز) روی خود را به سوی مشرق و (یا) مغرب کنید (و تمام گفتگوی شما، در باره قبله و تغییر آن باشد و همه وقت خود را مصروف آن سازید) بلکه نیکی (و نیکوکار) کسی است که به خدا، و روز رستاخیز، و فرشتگان، و کتاب (آسمانی)، و پیامبران، ایمان آورده و مال (خود) را، با همه‌ی علاقه‌ای که به آن دارد، به خویشاوندان و یتیمان و مسکینان و واماندگان در راه و سائلان و بردگان، انفاق می‌کند نماز را برپا می‌دارد و زکات را می‌پردازد و (همچنین) کسانی که به عهد خود - به هنگامی که عهد بستند - وفا می‌کنند و در برابر محرومیت‌ها و بیماری‌ها و در میدان جنگ، استقامت به خرج می‌دهند این‌ها کسانی هستند که راست می‌گویند و (گفتارشان با اعتقادشان هماهنگ است) و این‌ها هستند پرهیزکاران!

«۲۲۲۷» و (نیز به ما فرمان داده شده به) اینکه: نماز را برپا دارید! و از او بپرهیزید! و تنها اوست که به سویش محشور خواهید شد.»

«۲۲۲۸» و از (مخالفت فرمان) او بپرهیزید، نماز را برپا دارید و از مشرکان نباشید.

«۲۲۲۹» پرهیزکاران ... قامت به رکوع خم کرده‌اند، به وقت سجده پیشانی و دست و زانو و انگشتان پا بر زمین می‌گذارند و از خداوند آزادی خود را از عذاب می‌طلبند.

۵-۲-۹-۱-۱- پایبندی به نماز

«۲۲۳۰» خانواده خود را به نماز فرمان ده و بر انجام آن پایبند باش! از تو روزی نمی‌خواهیم (بلکه) ما به تو روزی می‌دهیم و عاقبت نیک برای تقواست!

۵-۲-۹-۱-۲- نماز شب

«۲۲۳۱» ای داوود! متّین شب‌ها نمی‌خواند مگر آنکه برای من نماز بخواند و روزشان را فقط با ذکر و یاد من سپری می‌کنند.

«۲۲۳۲» پرهیزکاران ... به هنگام شب برای عبادت برپا هستند، درحالی‌که اجزای قرآن را شمرده و سنجیده تلاوت می‌کنند، خود را به آیات قرآن اندوهگین ساخته، و داروی دردشان را از آن می‌گیرند. و چون به آیه‌ای بشارت‌دهنده می‌رسند به مورد بشارت طمع می‌کنند، و روحشان از روی شوق به آن خیره می‌گردد و گمان می‌برند که مورد بشارت در برابر آن‌هاست. و چون به آیه‌ای می‌رسند که در آن بیم داده شده‌اند گوش دل به آن می‌دهند و گمان می‌برند شیون و فریاد عذاب بیخ گوش آنان است.

﴿عَلَامَاتُ الْمُتَّقِينَ وَ مَصَادِيقُ التَّقْوَى / تَجَاهُ اللَّهِ﴾

١-٣-٩-٥- صلاة بَيْنَ الْمَغْرِبِ وَالْعِشَاءِ الْآخِرَةِ

﴿٢٢٣٣﴾ أمير المؤمنين عليه السلام: عَنْ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ عليه السلام قَالَ قُلْنَا لِرَسُولِ اللَّهِ ﷺ عِنْدَ وَفَاتِهِ يَا رَسُولَ اللَّهِ أَوْصِنَا فَقَالَ أَوْصِيكُمْ بِرُكْعَتَيْنِ بَيْنَ الْمَغْرِبِ وَالْعِشَاءِ الْآخِرَةِ تَقْرَأُ فِي الْأُولَى الْحَمْدَ وَإِذَا زُلْزِلَتِ الْأَرْضُ زَلَزَلَتْهَا ثَلَاثَ عَشْرَةَ مَرَّةً وَفِي الثَّانِيَةِ الْحَمْدُ وَقُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ خَمْسَ عَشْرَةَ مَرَّةً فَإِنَّهُ مَنْ فَعَلَ ذَلِكَ فِي كُلِّ شَهْرٍ كَانَ مِنَ الْمُتَّقِينَ؛ مستدرک الوسائل، ج ٦، ص ٣٠٠

١-٤-٩-٥- صلاة الْفَجْرِ فِي الْجَمَاعَةِ

﴿٢٢٣٤﴾ أمير المؤمنين عليه السلام: مَنْ صَلَّى الْفَجْرَ فِي جَمَاعَةٍ رُفِعَتْ صَلَاتُهُ فِي صَلَاةِ الْأَبْرَارِ وَكُتِبَ يَوْمُهُ فِي وَقْدِ الْمُتَّقِينَ؛ مستدرک الوسائل، ج ٦، ص ٤٥٢

﴿٢٢٣٥﴾ الرسول ﷺ: مَنْ صَلَّى رُكْعَتَيْنِ قَبْلَ صَلَاةِ الْغَدَاةِ وَرُكْعَتَيْ الْغَدَاةِ فِي جَمَاعَةٍ وَقَتْ صَلَاتُهُ يَوْمَهُ مَعَ الْأَبْرَارِ وَكُتِبَ يَوْمُهُ فِي وَقْدِ الْمُتَّقِينَ؛ مستدرک الوسائل، ج ٣، ص ٧٤

١-٥-٩-٥- صلاة الْجُمُعَةِ

﴿٢٢٣٦﴾ الرضا عليه السلام: فَجَعَلَ الْجُمُعَةَ مَجْمَعًا نَدَبَ إِلَيْهِ لِتَطْهِيرِ مَا كَانَ قَبْلَهُ وَغَسَلَ مَا أَوْقَعْتُهُ مَكَاسِبُ السُّوءِ مِنْ مِثْلِهِ إِلَى مِثْلِهِ وَذَكَرَى لِلْمُؤْمِنِينَ وَبَيَّنَّ خَشْيَةَ الْمُتَّقِينَ؛ بحار الأنوار، ج ٩٤، ص ١١٤

١-٦-٩-٥- المساجدُ بُيُوتُ الْمُتَّقِينَ

﴿٢٢٣٧﴾ الرسول ﷺ: الْمَسَاجِدُ بُيُوتُ الْمُتَّقِينَ؛ مستدرک الوسائل، ج ٣، ص ٣٦٢

١-٢-٩-٥- الصَّوْمُ

﴿٢٢٣٨﴾ السجاد عليه السلام: إِنْ بَيَّنَّ اللَّيْلَ وَالنَّهَارَ رَوْضَةً يَرْتَعُ فِي نَوْرِهَا الْأَبْرَارُ وَيَتَنَعَّمُ فِي حَدَائِقِهَا الْمُتَّقُونَ فَذَابُوا سَهْرًا فِي اللَّيْلِ وَصِيَامًا فِي النَّهَارِ؛ إرشاد القلوب، ج ١، ص ٨٣

﴿٢٢٣٩﴾ أمير المؤمنين عليه السلام: عِبَادَ اللَّهِ إِنْ تَقَوَّى اللَّهُ حَمَتِ أَوْلِيَاءُ اللَّهِ مَحَارِمَهُ وَالْزَمَتْ قُلُوبُهُمْ مَخَافَتَهُ حَتَّى أَسْهَرَتْ لَيَالِيَهُمْ وَأَظْلَمَتْ هَوَاجِرَهُمْ فَأَخَذُوا الرَّاحَةَ بِالنَّصَبِ وَالرِّىِّ بِالْظُّمَاءِ وَاسْتَقْرَبُوا الْأَجَلَ فَبَادَرُوا الْعَمَلَ وَكَذَّبُوا الْأَمَلَ فَلَا حَظَّوْا إِلَّا بِالْأَجْلِ؛ نهج البلاغة، ص ١٦٩

«نشانه‌های پرهیزکاران / در مقابل خدا»

۳-۱-۹-۲-۵- نماز بین مغرب و عشا

﴿۲۲۳۳﴾ امیر المؤمنین علیه السلام فرمود: هنگام وفات رسول خدا صلی الله علیه و آله به او عرض کردیم: «ای رسول خدا! به ما سفارشی کن». فرمود: «شما را به خواندن دو رکعت نماز بین مغرب و عشا سفارش می‌کنم که در رکعت اول سوره «حمد» و ده بار سوره «زلزال»، و در رکعت دوم سوره «حمد» و پانزده بار سوره «توحید» را قرائت کنید، زیرا هر کس این کار را در هر ماه انجام دهد، در زمره‌ی باتقویان خواهد بود.

۴-۱-۹-۲-۵- نماز صبح به جماعت

﴿۲۲۳۴﴾ هر کس نماز صبح را به جماعت اقامه نماید؛ نمازش با نماز ابرار و نیکان بالا می‌رود و در آن هنگام در گروه متقیان ثبت می‌شود.

﴿۲۲۳۵﴾ هر کس دو رکعت نماز قبل از نماز صبح بخواند و دو رکعت نماز صبح خود را به جماعت بخواند، نمازش در آن روز او را جزء نیکان قرار می‌دهد و در آن روز جزء گروه متقیان نوشته می‌شود.

۵-۱-۹-۲-۵- نماز جمعه

﴿۲۲۳۶﴾ جمعه را روز گردآمدن قرار داد که مقصود آن محو گناهان گذشته و شستن تأثیرات کردارهای بد از این جمعه تا آن جمعه است، تا تذکر مؤمنان و موقعیتی برای روشن شدن خشیت و خدا ترسی پرهیزکاران باشد.

۶-۱-۹-۲-۵- مسجدها، خانه‌های پرهیزکاران است

﴿۲۲۳۷﴾ مسجدها، خانه‌های پرهیزکاران است.

۲-۹-۲-۵- روزه

﴿۲۲۳۸﴾ زمان بین شب و روز، چون باغی است که نیکان در نور آن بهره‌مند شده و از باغ‌های آن متنعم می‌شوند؛ و باتقویان شبانگاهان در عبادت و سحرخیزی ذوب می‌شوند و در روز، روزه می‌گیرند.

﴿۲۲۳۹﴾ ای بندگان خدا! همانا تقوای الهی دوستان خدا را از انجام محرّمات باز می‌دارد و قلب‌هایشان را پر از ترس خدا می‌سازد، تا آنکه شب‌های آنان با بی‌خوابی و روزهایشان با تحمل تشنگی و روزه‌داری، سپری می‌گردد، که آسایش آخرت را با رنج دنیا و سیراب شدن آنجا را با تحمل تشنگی دنیا به دست آوردند. اجل و مرگ را نزدیک دیده و در اعمال نیکو شتاب کرده‌اند، آرزوهای دنیایی را دروغ خواندند و مرگ به درستی نگریستند.

﴿عَلَامَاتُ الْمُتَّقِينَ وَ مَصَادِيقُ التَّقْوَى / تَجَاهُ اللَّهِ﴾

٥-٢-٩-٣- الزَّكَاةُ وَ حَقُّقُ الْأَمْوَالِ وَ رَاجِعُ: تَجَاهُ النَّاسِ؛ الْإِنْفَاقُ

٥-٢-٩-٣-١- إِيْتَاءُ الزَّكَاةِ

﴿٢٢٤٠﴾ فَفَهَ الرِّضَا عليه السلام: فَاتَّقُوا اللَّهَ وَ أَخْرِجُوا حَقَّ اللَّهِ مِمَّا فِي أَيْدِيكُمْ؛ بحار الأنوار، ج ٩٣،

ص ١٩١

﴿٢٢٤١﴾ لَيْسَ الْبِرَّ أَنْ تُولُوا وَجُوهَكُمْ قِبَلَ الْمَشْرِقِ وَالْمَغْرِبِ وَلَكِنَّ الْبِرَّ مَنْ آمَنَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ
الْآخِرِ وَالْمَلَائِكَةِ وَالْكِتَابِ وَالنَّبِيِّينَ وَآتَى الْمَالَ عَلَى حُبِّهِ ذَوِي الْقُرْبَى وَالْيَتَامَى وَالْمَسَاكِينَ وَ
ابْنَ السَّبِيلِ وَالسَّائِلِينَ وَفِي الرِّقَابِ وَأَقَامَ الصَّلَاةَ وَآتَى الزَّكَاةَ وَالْمُوفُونَ بِعَهْدِهِمْ إِذَا عَاهَدُوا وَ
الصَّابِرِينَ فِي الْبَأْسَاءِ وَالصَّرَاءِ وَحِينَ الْبَأْسِ أُولَئِكَ الَّذِينَ صَدَقُوا وَأُولَئِكَ هُمُ الْمُتَّقُونَ؛ البقرة

١٧٧

﴿٢٢٤٢﴾ وَ اكْتُبْ لَنَا فِي هَذِهِ الدُّنْيَا حَسَنَةً وَفِي الْآخِرَةِ إِنَّا هُنَا إِلَيْكَ قَالِ عَذَابِي أُصِيبُ بِهِ
مَنْ أَشَاءُ وَرَحْمَتِي وَسِعَتْ كُلَّ شَيْءٍ فَسَأَكْتُبُهَا لِلَّذِينَ يَتَّقُونَ وَيُؤْتُونَ الزَّكَاةَ وَالَّذِينَ هُمْ بِآيَاتِنَا
يُؤْمِنُونَ؛ الأعراف ١٥٦

﴿٢٢٤٣﴾ فَأَنْذَرْتُكُمْ نَارًا تَلَظَّى * لَا يَصْلِيهَا إِلَّا الْأَشْقَى * الَّذِي كَذَّبَ وَتَوَلَّى * وَسَيُجَنَّبُهَا

الْأَنْفَى * الَّذِي يُؤْتِي مَالَهُ يَتَزَكَّى؛ الليل ١٨- ١٤

٥-٢-٩-٣-٢- إِخْرَاجُ حَقِّ اللَّهِ

﴿٢٢٤٤﴾ فَفَهَ الرِّضَا عليه السلام: فَاتَّقُوا اللَّهَ وَ أَخْرِجُوا حَقَّ اللَّهِ مِمَّا فِي أَيْدِيكُمْ؛ بحار الأنوار، ج ٩٣،

ص ١٩١

﴿٢٢٤٥﴾ الْمَهْدِيُّ عليه السلام: أَنَّهُ مَنْ اتَّقَى رَبَّهُ مِنْ إِخْوَانِكَ فِي الدِّينِ وَ خَرَجَ عَلَيْهِ بِمَا هُوَ
مُسْتَحِقُّهُ كَانَ آمِنًا مِنَ الْفِتْنَةِ الْمُظْلَمَةِ وَ مِحْنَةِ الْمُظْلِمَةِ الْمُضِلَّةِ وَ مَنْ بَخِلَ مِنْهُمْ بِمَا آعَارَهُ اللَّهُ مِنْ
نِعْمَتِهِ عَلَى مَنْ أَمَرَهُ بِصَلَاتِهِ فَإِنَّهُ يَكُونُ خَاسِرًا بِذَلِكَ لِأَوَّلَاهُ وَ آخِرَتِهِ؛ بحار الأنوار، ج ٥٣، ص ١٧٦

٥-٢-٩-٤- الْجِهَادُ بِالْمَالِ وَ النَّفْسِ

﴿٢٢٤٦﴾ لَا يَسْتَأْذِنُكَ الَّذِينَ يُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ أَنْ يُجَاهِدُوا بِأَمْوَالِهِمْ وَأَنْفُسِهِمْ وَاللَّهُ

عَلِيمٌ بِالْمُتَّقِينَ؛ التوبة ٤٤

«نشانه‌های پرهیزکاران / در مقابل خدا»

۵-۲-۹-۰۳- زکات و حقوق اموال و... به: درمقابل مردم؛ انفاق

۵-۲-۹-۳-۱- پرداختن زکات

﴿۲۲۴۰﴾ از خدا بترسید و آنچه از حق خدا در نزد شماست و در اختیار شماست خارج نمایید.
﴿۲۲۴۱﴾ نیکی، (تنها) این نیست که (به هنگام نماز، روی خود را به سوی مشرق و (یا) مغرب کنید (و تمام گفتگوی شما، در باره قبله و تغییر آن باشد و همه وقت خود را مصروف آن سازید) بلکه نیکی (و نیکوکار) کسی است که به خدا، و روز رستاخیز، و فرشتگان، و کتاب (آسمانی)، و پیامبران، ایمان آورده و مال (خود) را، با همه علاقه‌ای که به آن دارد، به خویشاوندان و یتیمان و مسکینان و واماندگان در راه و سائلان و بردگان، انفاق می‌کند نماز را برپا می‌دارد و زکات را می‌پردازد و (همچنین) کسانی که به عهد خود - به هنگامی که عهد بستند - وفا می‌کنند و در برابر محرومیت‌ها و بیماری‌ها و در میدان جنگ، استقامت به خرج می‌دهند این‌ها کسانی هستند که راست می‌گویند و (گفتارشان با اعتقادشان هماهنگ است) و این‌ها هستند پرهیزکاران!

﴿۲۲۴۲﴾ و برای ما، در این دنیا و سرای دیگر، نیکی مقرر فرما چه اینکه ما به سوی تو بازگشت کرده‌ایم! « (خداوند در برابر این تقاضا، به موسی) گفت: » مجازاتم را به هرکس بخواهم می‌رسانم و رحمتم همه چیز را فراگرفته و آن را برای آن‌ها که تقوا پیشه کنند، و زکات را بپردازند، و آن‌ها که به آیات ما ایمان می‌آورند، مقرر خواهم داشت!

﴿۲۲۴۳﴾ و من شما را از آتشی که زبانه می‌کشد بیم می‌دهم* کسی جز بدبخت‌ترین مردم وارد آن نمی‌شود* همان کس که (آیات خدا را) تکذیب کرد و به آن پشت نمود!* و به‌زودی با تقواترین مردم از آن دور داشته می‌شود* همان کس که مال خود را (در راه خدا) می‌بخشد تا پاک شود.

۵-۲-۹-۳-۲- خارج کردن حق خدا

﴿۲۲۴۴﴾ از خدا بترسید و آنچه از حق خدا در نزد شماست و در اختیار شماست خارج نمایید.
﴿۲۲۴۵﴾ کسی از برادران دینی‌ات که از پروردگارش بترسد و واجبات مالی خود را ادا کند؛ از فتنه‌ای فراگیر و رنج‌های تاریک و گمراه‌کننده‌ی آن ایمن می‌شود. و هر کس نسبت به نعمت‌هایی که خدا به امانت به او سپرده، بخل ورزد و آن را از کسانی که خدا امر به صله‌ی آنان نموده دریغ دارد، با این عمل خسران دنیوی و اخروی عایدش می‌شود.

۵-۲-۹-۴- جهاد با مال و جان

﴿۲۲۴۶﴾ آن‌ها که به خدا و روز جزا ایمان دارند، هیچ گاه برای ترک جهاد (در راه خدا) با اموال و جان‌هایشان، از تو اجازه نمی‌گیرند و خداوند پرهیزکاران را می‌شناسد.

﴿عَلَامَاتُ الْمُتَّقِينَ وَ مَصَادِيقُ التَّقْوَى / تَجَاهُ اللَّهِ﴾

﴿٢٢٤٧﴾ أمير المؤمنين عليه السلام: فَاتَّقُوا اللَّهَ عِبَادَ اللَّهِ وَ جَاهِدُوا فِي سَبِيلِهِ قَبْلَ أَنْ يَبَالَغَ سَخَطُهُ بِعَصْيَانِكُمْ لَهُ؛ بحار الأنوار، ج ٣٤، ص ١٣٤

﴿٢٢٤٨﴾ أمير المؤمنين عليه السلام: فَإِنَّ الْجِهَادَ بَابٌ مِنْ أَبْوَابِ الْجَنَّةِ فَتَحَهُ اللَّهُ لِخَاصَّةِ أَوْلِيَائِهِ وَ هُوَ لِبَاسُ التَّقْوَى؛ نهج البلاغة، ص ٦٩

١-٤-٩-٥- القتال

﴿٢٢٤٩﴾ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا قَاتِلُوا الَّذِينَ يَلُونَكُمْ مِنَ الْكُفَّارِ وَلْيَجِدُوا فِيكُمْ غِلْظَةً وَاعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ مَعَ الْمُتَّقِينَ؛ التوبة ١٢٣

﴿٢٢٥٠﴾ إِنَّ عِدَّةَ الشُّهُورِ عِنْدَ اللَّهِ اثْنَا عَشَرَ شَهْرًا فِي كِتَابِ اللَّهِ يَوْمَ خَلَقَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ مِنْهَا أَرْبَعَةٌ حُرُمٌ ذَلِكَ الدِّينُ الْقَيِّمُ فَلَا تَظْلِمُوا فِيهِنَّ أَنْفُسَكُمْ وَقَاتِلُوا الْمُشْرِكِينَ كَافَّةً كَمَا يُقَاتِلُونَكُمْ كَافَّةً وَاعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ مَعَ الْمُتَّقِينَ؛ التوبة ٣٦

﴿٢٢٥١﴾ الشَّهْرُ الْحَرَامُ بِالشَّهْرِ الْحَرَامِ وَالْحُرُمَاتُ قِصَاصٌ فَمَنْ اعْتَدَى عَلَيْكُمْ فَاعْتَدُوا عَلَيْهِ بِمِثْلِ مَا اعْتَدَى عَلَيْكُمْ وَاتَّقُوا اللَّهَ وَاعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ مَعَ الْمُتَّقِينَ؛ البقرة ١٩٤

﴿٢٢٥٢﴾ الرسول ﷺ: [عِنْدَ مَا رَفَعَ أَهْلُ الشَّامِ الْمَصَاحِفَ... قَالَ] فَاتَّقُوا اللَّهَ وَامْضُوا عَلَى بَصَائِرِكُمْ فِي قِتَالِهِمْ؛ بحار الأنوار، ج ٣٣، ص ٣١١

٥-٩-٢-٥- إِنَّ الْإِمَامَ يَسْأَلُ عِبَادَتَهُمْ

﴿٢٢٥٣﴾ الكاظم عليه السلام: اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ عَمَلَ الْخَائِفِينَ وَ خَوْفَ الْعَامِلِينَ وَ خُشُوعَ الْعَابِدِينَ وَ عِبَادَةَ الْمُتَّقِينَ؛ بحار الأنوار، ج ٨٧، ص ٢١٢

١٠-٢-٥- القرآنُ وَ الدُّعَاءُ وَ الزِّيَارَةُ وَ الإِسْتِعَاذَةُ

١-١٠-٢-٥- القرآنُ

١-١٠-٢-٥- تلاوةُ القرآنِ

﴿٢٢٥٤﴾ أمير المؤمنين عليه السلام: فَأَلْمَتُونِ ... أَمَّا اللَّيْلُ فَصَافُونَ أَقْدَامَهُمْ تَالِينَ لِأَجْزَاءِ الْقُرْآنِ يُرْتَلُونَهَا تَرْتِيلًا يُحْزَنُونَ بِهِ أَنْفُسُهُمْ وَ يَسْتَشِيرُونَ بِهِ دَوَاءً دَائِهِمْ فَإِذَا مَرُّوا بِآيَةٍ فِيهَا تَشْوِيقٌ رَكُّوا

«نشانه‌های پرهیزکاران / در مقابل خدا»

﴿۲۲۴۷﴾ ای بندگان خدا! از خدا بترسید و در راهش جهاد کنید؛ پیش از آنکه در اثر گناهانتان غضبش به سوی شما آید و شما را در بر گیرد.

﴿۲۲۴۸﴾ همانا جهاد در راه خدا، دری از درهای بهشت است که خدا آن را به روی دوستان مخصوص خویش گشوده است. جهاد، لباس تقوا است.

۱-۴-۹-۲-۵- پیکار

﴿۲۲۴۹﴾ ای کسانی که ایمان آورده‌اید! با کافرانی که به شما نزدیک‌ترند، پیکار کنید! (و دشمن دورتر، شما را از دشمنان نزدیک غافل نکند!) آن‌ها باید در شما شدت و خشونت (و قدرت) احساس کنند و بدانید خداوند با پرهیزکاران است!

﴿۲۲۵۰﴾ تعداد ماه‌ها نزد خداوند در کتاب الهی، از آن روز که آسمان‌ها و زمین را آفریده، دوازده ماه است که چهار ماه از آن، ماه حرام است (و جنگ در آن ممنوع می‌باشد). این، آیین ثابت و پابرجا (ی الهی) است! بنا بر این، در این ماه‌ها به خود ستم نکنید (و از هر گونه خونریزی پرهیزید!) و (به هنگام نبرد) با مشرکان، دسته جمعی پیکار کنید، همان گونه که آن‌ها دسته جمعی با شما پیکار می‌کنند و بدانید خداوند با پرهیزکاران است!

﴿۲۲۵۱﴾ ماه حرام، در برابر ماه حرام! (اگر دشمنان، احترام آن را شکستند، و در آن با شما جنگیدند، شما نیز حق دارید مقابله به مثل کنید.) و تمام حرام‌ها، (قابل) قصاص است. و (به طور کلی) هرکس به شما تجاوز کرد، همانند آن بر او تعدی کنید! و از خدا بپرهیزید (و زیاده روی ننمایید!) و بدانید خدا با پرهیزکاران است!

﴿۲۲۵۲﴾ [زمانی که شامیان قرآن‌ها را بالا بردند... فرمود:] از خدا بترسید و با بصیرت خود به جنگ اقدام کنید.

۵-۲-۹-۵- امام، عبادت پرهیزکاران را می‌طلبد

﴿۲۲۵۳﴾ خدایا! از تو عمل بیمناکان و ترس عمل‌کنندگان و خشوع عابدان و عبادت تقوا پیشگان را می‌خواهم.

۱۰-۲-۵- قرآن، دعا، زیارت، پناه‌بردن به خدا

۱-۱۰-۲-۵- قرآن

۱-۱۰-۲-۵- تلاوت قرآن

﴿۲۲۵۴﴾ پرهیزکاران ... به هنگام شب برای عبادت برپا هستند، درحالی‌که اجزای قرآن را شمرده و سنجیده تلاوت می‌کنند، خود را به آیات قرآن اندوهگین ساخته، و داروی دردشان را از آن می‌گیرند. و چون به آیه‌ای بشارت‌دهنده می‌رسند به مورد بشارت طمع می‌کنند، و روحشان از

﴿عَلَامَاتُ الْمُتَّقِينَ وَ مَصَادِيقُ التَّقْوَى / تَجَاهُ اللَّهِ﴾

إِلَيْهَا طَمَعًا وَ تَطَلَّعَتْ نُفُوسُهُمْ إِلَيْهَا شَوْقًا وَ ظَنُّوا أَنَّهَا نُصَبَ أَعْيُنُهُمْ وَإِذَا مَرُّوا بِآيَةٍ فِيهَا تَخْوِيفٌ أَصْغَوْا إِلَيْهَا مَسَامِعَ قُلُوبِهِمْ وَ ظَنُّوا أَنَّ زَفِيرَ جَهَنَّمَ وَ شَهيقَهَا فِي أُصُولِ آذَانِهِمْ؛ نهج البلاغة، ص ٣٠٣
١-٢-١٠-٥- القرآن أَبْلَغُ مَوَاعِظِهِمْ

﴿٢٢٥٥﴾ أمير المؤمنين عليه السلام: أَبْلَغُ مَوَاعِظِ الْمُتَّقِينَ كَلَامُ رَبِّ الْعَالَمِينَ؛ المصباح للكفعمي، ص ٧١٤

﴿٢٢٥٦﴾ أمير المؤمنين عليه السلام: إِنَّ أَحْسَنَ الْحَدِيثِ وَ أَبْلَغَ مَوْعِظَةِ الْمُتَّقِينَ كِتَابُ اللَّهِ الْعَزِيزِ

الْحَكِيمِ؛ من لا يحضره الفقيه، ج ١، ص ٥١٧

١-٢-١٠-٥- الطَّلَبُ إِلَى اللَّهِ

﴿٢٢٥٧﴾ أمير المؤمنين عليه السلام: فَالْمُتَّقُونَ ... فَهُمْ حَانُونٌ عَلَى أَوْسَاطِهِمْ مُفْتَرِشُونَ لِجَبَاهِهِمْ وَ

أَكْثُهُمْ وَ رَكِبَهُمْ وَ أَطْرَافِ أَقْدَامِهِمْ يَطْلُبُونَ إِلَى اللَّهِ تَعَالَى فِي فَكَاكِ رِقَابِهِمْ؛ نهج البلاغة، ص ٣٠٣
١-٢-١٠-٥- زِيَارَةُ الْحُسَيْنِ بْنِ عَلِيٍّ عليه السلام

﴿٢٢٥٨﴾ الرضا عليه السلام: عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ أَبِي جَرِيرٍ الْقُمِّيِّ قَالَ سَمِعْتُ أَبَا الْحَسَنِ الرُّضَا عليه السلام يَقُولُ

لَأَبِي مَنْ زَارَ الْحُسَيْنَ بْنَ عَلِيٍّ عليه السلام عَارِفًا بِحَقِّهِ كَانَ مِنْ مُحَدَّثِي اللَّهِ تَعَالَى فَوْقَ عَرْشِهِ ثُمَّ قَرَأَ إِنَّ الْمُتَّقِينَ فِي جَنَّاتٍ وَ نَهْرٍ فِي مَقْعَدٍ صِدْقٍ عِنْدَ مَلِيكَ مُقْتَدِرٍ؛ مستدرک الوسائل، ج ١٠، ص ٢٥١

١-٢-١٠-٤- الإِسْتِعَاذَةُ بِاللَّهِ

﴿٢٢٥٩﴾ دعاء الحريق: أَعُوذُ بِكَ اللَّهُمَّ... مِمَّا اسْتَعَاذَ مِنْهُ مَلَائِكُكَ الْمُقَرَّبُونَ وَ الْأَنْبِيَاءُ

الْمُرْسَلُونَ وَ الْأَئِمَّةُ الْمُطَهَّرُونَ وَ الشُّهَدَاءُ وَ الصَّالِحُونَ وَ عِبَادُكَ الْمُتَّقُونَ؛ بحار الأنوار، ج ٨٣،

ص ١٦٩

١-٢-١٠-٥- سَهْرُ اللَّيْلِ

﴿٢٢٦٠﴾ أمير المؤمنين عليه السلام: سَهْرُ اللَّيْلِ بِذِكْرِ اللَّهِ غَنِيمَةُ الْأَوَّلِيَاءِ وَ سَجِيَّةُ الْآتِقِيَاءِ؛ غرر الحكم،

ص ٣١٩

﴿٢٢٦١﴾ أمير المؤمنين عليه السلام: فَاتَّقُوا اللَّهَ تَقِيَّةً مَنْ أَنْصَبَ الْخَوْفَ بَدَنَهُ وَ أَسْهَرَ التَّهَجُّدُ غِرَارَ

نَوْمِهِ وَ أَظْمَأَ الرَّجَاءُ هَوَاجِرَ يَوْمِهِ؛ غرر الحكم، ص ١٩١

﴿٢٢٦٢﴾ أمير المؤمنين عليه السلام: سَهْرُ اللَّيْلِ شِعَارُ الْمُتَّقِينَ وَ شِيْمَةُ الْمُشْتَاقِينَ؛ غرر الحكم، ص ٣١٩

«نشانه‌های پرهیزکاران / در مقابل خدا»

روی شوق به آن خیره می‌گردد و گمان می‌برند که مورد بشارت در برابر آن‌هاست. و چون به آیه‌ای می‌رسند که در آن بیم داده شده‌اند گوش دل به آن می‌دهند و گمان می‌برند شیون و فریاد عذاب بیخ گوش آنان است.

۲-۱-۱۰-۵- قرآن رساترین پندشان است

﴿۲۲۵۵﴾ بلیغ‌ترین موعظه‌ی اهل تقوا، کلام پروردگار جهانیان است.

﴿۲۲۵۶﴾ بهترین کلام و بلیغ‌ترین موعظه برای پرهیزکاران، کتاب خداوند عزیز حکیم است.

۲-۱-۱۰-۵- از خدا طلبیدن

﴿۲۲۵۷﴾ پرهیزکاران ... قامت به رکوع خم کرده‌اند، به وقت سجده پیشانی و دست و زانو و

انگشتان پا بر زمین می‌گذارند و از خداوند آزادی خود را از عذاب می‌طلبند.

۳-۱-۱۰-۵- زیارت امام حسین (علیه السلام)

﴿۲۲۵۸﴾ محمدبن ابی جریر گوید: از امام رضا (علیه السلام) شنیدم که به پدرم می‌فرمود: «کسی که حضرت حسین بن علی (علیه السلام) را درحالی زیارت کند که به حق آن حضرت عارف و آگاه باشد، در بالای عرش الهی هم کلام خداوند می‌شود». سپس این آیه را تلاوت فرمود: «إِنَّ الْمُتَّقِينَ فِي جَنَّاتٍ وَ نَهَرٍ فِي مَقْعَدٍ صِدْقٍ عِنْدَ مَلِكٍ مُّقْتَدِرٍ».

۴-۱-۱۰-۵- پناه‌بردن به خدا

﴿۲۲۵۹﴾ ای خدا... از آنچه که فرشتگان مقرب، و پیامبران فرستاده‌شده، و امامان پاکیزه‌گشته، و شهدا و نیکان و بندگان پرهیزکار تو پناه می‌جویند، به تو پناه می‌آورم.

۵-۱-۱۰-۵- شب‌زنده‌داری

﴿۲۲۶۰﴾ شب تا سحر بیدار ماندن و ذکر خداوند گفتن، غنیمی برای دوستان خدا و اخلاق

اهل تقواست.

﴿۲۲۶۱﴾ تقوای الهی داشته باشید همچون تقوای کسی که ترس بدنش را کوفته و خسته

کرده و شب‌زنده‌داری خواب را از چشمش ربوده و امید به رحمت حق او را به تشنگی روزه‌های گرم واداشته است.

﴿۲۲۶۲﴾ شب‌زنده‌داری شعار پرهیزکاران و خلق و خوی مشتاقان است.

﴿عَلَامَاتُ الْمُتَّقِينَ وَ مَصَادِيقُ التَّقْوَى / تَجَاهُ اللَّهِ﴾

﴿٢٢٦٣﴾ السَّجَادُ عليه السلام: إِنَّ بَيْنَ اللَّيْلِ وَالنَّهَارِ رَوْضَةً يَرْتَعُ فِي نَوْرِهَا الْأَبْرَارُ وَيَتَنَعَّمُ فِي حَدَائِقِهَا الْمُتَّقُونَ فَذَابُوا سَهْرًا فِي اللَّيْلِ وَ صَيَّامًا فِي النَّهَارِ؛ إرشاد القلوب، ج ١، ص ٨٣

﴿٢٢٦٤﴾ أمير المؤمنين عليه السلام: عِبَادَ اللَّهِ إِنَّ تَقْوَى اللَّهِ حَمَتُ أَوْلِيَاءَ اللَّهِ مَحَارِمَهُ وَالْزَمَتُ قُلُوبَهُمْ مَخَافَتَهُ حَتَّى أَسْهَرَتْ لَيَالِيَهُمْ وَأَظْلَمَتِ هَوَاجِرَهُمْ فَأَخَذُوا الرَّاحَةَ بِالنَّصَبِ وَالرِّىَّ بِالظُّلْمِ وَ اسْتَقْرَبُوا الْأَجَلَ فَبَادَرُوا الْعَمَلَ وَ كَذَّبُوا الْأَمَلَ فَلَا حَظَّوَا الْأَجَلَ؛ نهج البلاغة، ص ١٦٩

١١-٢-٥- الشُّكْرُ وَ الرِّضَا

١١-٢-٥- الشُّكْرُ

﴿٢٢٦٥﴾ أمير المؤمنين عليه السلام: فَالْمُتَّقُونَ ... يُمْسِي وَ هَمُّهُ الشُّكْرُ وَ يُصْبِحُ وَ هَمُّهُ الذِّكْرُ يَبِيتُ حَذَرًا وَ يُصْبِحُ فَرِحًا حَذَرًا لِمَا حُذِرَ مِنَ الْغَفْلَةِ وَ فَرِحًا بِمَا أَصَابَ مِنَ الْفَضْلِ وَ الرَّحْمَةِ؛ نهج البلاغة، ص ٣٠٣

﴿٢٢٦٦﴾ الصَّادِقُ عليه السلام: عَنْ أَبِي بَصِيرٍ قَالَ سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام عَنْ قَوْلِ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ اتَّقُوا اللَّهَ حَقَّ تَقَاتِهِ قَالَ يُطَاعُ فَلَا يُعْصَى وَ يُذَكَّرُ فَلَا يُنْسَى وَ يُشْكَرُ فَلَا يُكْفَرُ؛ وسائل الشيعة، ج ١٥، ص ٢٣٥

﴿٢٢٦٧﴾ أمير المؤمنين عليه السلام: فَالْمُتَّقُونَ ... فِي الزَّلَازِلِ وَفُورٍ وَ فِي الْمَكَارِهِ صَبُورٍ وَ فِي الرِّخَاءِ شُكُورٍ؛ نهج البلاغة، ص ٣٠٣

١١-٢-٥- إِصْلَاحُ فِيمَا بَيْنَهُ وَ بَيْنَ اللَّهِ

﴿٢٢٦٨﴾ أمير المؤمنين عليه السلام: إِنَّمَا كَانَتِ الْحُكْمَاءُ وَ الْعُلَمَاءُ وَ الْأَتْقِيَاءُ وَ الْأَبْرَارُ يَكْتُبُونَ بَثْلَانَةَ لَيْسَ مَعَهُنَّ رَابِعٌ مَنْ أَحْسَنَ لِلَّهِ سَرِيرَتَهُ أَحْسَنَ اللَّهُ عِلَانِيَتَهُ وَ مَنْ أَصْلَحَ فِيمَا بَيْنَهُ وَ بَيْنَ اللَّهِ أَصْلَحَ اللَّهُ تَعَالَى فِيمَا بَيْنَهُ وَ بَيْنَ النَّاسِ وَ مَنْ كَانَتِ الْآخِرَةُ هَمَّهُ كَفَاهُ اللَّهُ هَمَّهُ مِنَ الدُّنْيَا؛ مستدرک الوسائل، ج ١١، ص ٣٢٢

١١-٢-٥- الرِّضَا

﴿٢٢٦٩﴾ أمير المؤمنين عليه السلام: فَالْمُتَّقُونَ ... نُزِّلَتْ أَنْفُسُهُمْ مِنْهُمْ فِي الْبَلَاءِ كَالَّتِي نُزِّلَتْ فِي الرِّخَاءِ؛ نهج البلاغة، ص ٣٠٣

﴿٢٢٧٠﴾ الصَّادِقُ عليه السلام: فَالزَّمْ مَا أَجْمَعَ عَلَيْهِ أَهْلُ الصَّفَاءِ وَ التَّقَى مِنْ أَصُولِ الدِّينِ وَ حَقَائِقِ الْيَقِينِ وَ الرِّضَا وَ التَّسْلِيمِ؛ مصباح الشريعة، ص ٦٠

﴿٧٢٠﴾

«نشانه‌های پرهیزکاران / در مقابل خدا»

﴿۲۲۶۳﴾ زمان بین شب و روز، چون باغی است که نیکان در نور آن بهره‌مند شده و از باغ‌های آن منتعم می‌شوند؛ و باتقوایان شبانگاهان در عبادت و سحرخیزی ذوب می‌شوند و در روز، روزه می‌گیرند.

﴿۲۲۶۴﴾ ای بندگان خدا! همانا تقوای الهی دوستان خدا را از انجام محرّمات باز می‌دارد و قلب‌هایشان را پر از ترس خدا می‌سازد، تا آنکه شب‌های آنان با بی‌خوابی و روزهایشان با تحمل تشنگی و روزه‌داری، سپری می‌گردد، که آسایش آخرت را با رنج دنیا و سیراب‌شدن آنجا را با تحمل تشنگی دنیا به دست آورند. اجل و مرگ را نزدیک دیده و در اعمال نیکو شتاب کرده‌اند، آرزوهای دنیایی را دروغ خواندند و مرگ به درستی نگریستند.

۱۱-۲-۵- شکر و رضا

۱-۱۱-۲-۵- شکر

﴿۲۲۶۵﴾ پرهیزکاران ... شب را در اندیشه‌ی شکر به سر می‌برد، و روز را در اندیشه ذکر. شب را با خوف و روز را دل‌شاد به سر می‌برد؛ و از غفلتی که او را از آن بر حذر داشته‌اند، و دلشاد از فضل و رحمت حق که به دست آورده است.

﴿۲۲۶۶﴾ ابو بصیر گوید: از امام صادق علیه السلام در مورد این آیه: «اتَّقُوا اللَّهَ حَقَّ تَقَاتِهِ» سؤال کردم. فرمود: «این پرهیز عبارت از این است که خدا را بدون عصیان اطاعت و بدون فراموشی او را یاد کرد و بدون ناسپاسی شکرش را به جای آورد».

﴿۲۲۶۷﴾ پرهیزکاران ... در حوادث آرام، در ناخوشی‌ها شکیبا، و در خوشی‌ها شاکر است.

۱-۱۱-۲-۵- اصلاح رابطه‌ی بین خود و خدا

﴿۲۲۶۸﴾ حکیمان و علما و متّقین و نیکان، سه کلام [و نصیحت و وصیّت] دارند که چهارمی ندارد: هرکس پنهان خود را نیک کند، خداوند آشکارش را نیک می‌کند. هرکس میان خود و خدا را اصلاح کند، خداوند میان او و مردم را اصلاح می‌کند و هر کس که تمام همّتش آخرت باشد، خداوند هم‌وغمّ دنیایش را برطرف می‌کند.

۲-۱۱-۲-۵- خشنودی و عدم اضطراب

﴿۲۲۶۹﴾ پرهیزکاران ... در بلا و سختی و آسایش و راحت حالتی یکسان دارند.

﴿۲۲۷۰﴾ ملازم و همراه چیزی باش که اهل صفا و تقوا بر آن اجتماع دارند. تقوا از اصول دین و حقیقت یقین و رضا و تسلیم است.

﴿عَلَامَاتُ الْمُتَّقِينَ وَ مَصَادِيقُ التَّقْوَى / تَجَاهُ النَّبِيِّ (ص) وَ الْأُئِمَّةِ (ع)﴾

١-٢-١١-٥-٢- الرِّضَا بِالْمَكْرُوهِ

﴿٢٢٧١﴾ السَّجَادُ الطَّيِّبُ: الرِّضَا بِالْمَكْرُوهِ أَرْفَعُ دَرَجَاتِ الْمُتَّقِينَ؛ بحار الأنوار، ج ٧٩، ص ١٣٤

١-٢-١١-٥-٢- الرِّضَا بِمَا يَأْتِي بِهِ الْقَدَرُ

﴿٢٢٧٢﴾ أمير المؤمنين الطَّيِّبُ: الْإِيمَانُ وَالْإِحْلَاصُ وَالْيَقِينُ وَالْوَرَعُ الصَّبْرُ وَالرِّضَا بِمَا يَأْتِي بِهِ

الْقَدَرُ؛ غرر الحكم، ص ٨٧

٥-٣- تَجَاهُ النَّبِيِّ ﷺ وَ الْأُئِمَّةِ الطَّيِّبَةِ

١-٣-٥- الْحُبُّ وَالْوَلَايَةُ وَالطَّاعَةُ وَالِاتِّبَاعُ

١-١-٥-٣- طَاعَةُ الرَّسُولِ ﷺ

﴿٢٢٧٣﴾ وَلَمَّا جَاءَ عِيسَى بِالْبَيِّنَاتِ قَالَ قَدْ جِئْتُكُمْ بِالْحِكْمَةِ وَلِأُبَيِّنَ لَكُمْ بَعْضَ الَّذِي

تَخْتَلِفُونَ فِيهِ فَاتَّقُوا اللَّهَ وَأَطِيعُوا؛ الزخرف ٦٣

﴿٢٢٧٤﴾ يَسْتَلُونَكَ عَنِ الْأَنْفَالِ قُلِ الْأَنْفَالُ لِلَّهِ وَالرَّسُولِ فَاتَّقُوا اللَّهَ وَأَصْلِحُوا ذَاتَ بَيْنِكُمْ وَأَطِيعُوا

اللَّهَ وَرَسُولَهُ إِن كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ؛ الأنفال ١

﴿٢٢٧٥﴾ إِنَّا أَرْسَلْنَا نُوحًا إِلَى قَوْمِهِ أَنْ أَنْذِرْ قَوْمَكَ مِنْ قَبْلِ أَنْ يَأْتِيَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ* قَالَ يَأْقُومُ إِنِّي

لَكُمْ نَذِيرٌ مُبِينٌ* أَنْ اعْبُدُوا اللَّهَ وَاتَّقُوهُ وَأَطِيعُوا؛ نوح ١-٣

١-٢-٥-٣- إِتِّبَاعُ النُّورِ الَّذِي أُنْزِلَ مَعَ رَسُولِ اللَّهِ ﷺ

﴿٢٢٧٦﴾ أَعْمَالُ يَوْمِ الْجُمُعَةِ: أَشْهَدُ أَنَّ الَّذِينَ كَذَّبُوا [الرَّسُولَ ﷺ] ذَاتَقُورِ الْعَذَابِ الْأَلِيمِ وَأَنَّ

الَّذِينَ آمَنُوا بِهِ وَاتَّبَعُوا النُّورَ الَّذِي أُنْزِلَ مَعَهُ أُولَئِكَ هُمُ الْمُتَّقُونَ؛ بحار الأنوار، ج ٨٦، ص ٣٣٦

١-٣-٥-٣- حَفِظُ النَّبِيِّ ﷺ فِي أَهْلِ بَيْتِهِ

﴿٢٢٧٧﴾ أمير المؤمنين الطَّيِّبُ: فِيمَا كَتَبَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ الطَّيِّبُ مَعَ مُحَمَّدِ بْنِ أَبِي بَكْرٍ إِلَى أَهْلِ

مِصْرَ يَا عِبَادَ اللَّهِ إِنْ اتَّقَيْتُمُ اللَّهَ وَحَفِظْتُمْ نَبِيَّكُمْ فِي أَهْلِ بَيْتِهِ فَقَدْ عَبَدْتُمُوهُ بِأَفْضَلِ مَا عُبِدَ وَ

ذَكَرْتُمُوهُ بِأَفْضَلِ مَا ذُكِرَ وَشَكَرْتُمُوهُ بِأَفْضَلِ مَا شُكِرَ وَأَخَذْتُمْ بِأَفْضَلِ الصَّبْرِ وَالشُّكْرِ وَ

اجْتَهَدْتُمْ أَفْضَلَ الْجَاهِدِ؛ بحار الأنوار، ج ٢٧، ص ١٦٩

﴿٢٢٧٨﴾ أمير المؤمنين الطَّيِّبُ: فَاتَّقُوا اللَّهَ يَا أَيُّهَا النَّاسُ وَأَصْلِحُوا ذَاتَ بَيْنِكُمْ وَأَحْفَظُونِي فِي

أَهْلِي؛ صحيفة الرضا الطَّيِّبِ، ص ٨٣

نشانه‌های پرهیزکاران / در مقابل پیامبر (ص) و ائمه (ع)

۱-۲-۱۱-۲-۵- خشنودی به نامالایمات

﴿۲۲۷۱﴾ خشنودی به ناملایمات، والاترین درجه‌ی پرهیزکاران است.

۲-۲-۱۱-۲-۵- رضایت به تقدیر

﴿۲۲۷۲﴾ [حقیقت] ایمان و اخلاص و یقین و ورع، صبر و رضایت به تقدیر است.

۳-۵- در مقابل پیامبر ﷺ و ائمه علیهم السلام

۱-۳-۵۔ محبت، ولایت، ہدایت، فرمان برداری، پیروی

۱-۱-۳-۵- اطاعت از پیامبر

«۲۲۷۳» و هنگامی که عیسی دلایل روشن (برای آنها) آورد گفت: «من برای شما حکمت آورده‌ام، و آمده‌ام تا برخی از آنچه را که در آن اختلاف دارید روشن کنم پس تقوای الهی پیشه کنید و از من اطاعت نمایید!

﴿۲۲۷۴﴾ از تو درباره‌ی انفال [غنائیم، و هر گونه مال بدون مالک مشخص] سؤال می‌کنند بگو: «انفال مخصوص خدا و پیامبر است پس، از (مخالفت فرمان) خدا بپرهیزید! و خصوصت‌هایی را که در میان شماست، آشتی دهید! و خدا و پیامبرش را اطاعت کنید اگر ایمان دارید!

﴿۲۲۷۵﴾ ما نوح را به سوی قومش فرستادیم و گفتیم: «قوم خود را انذار کن پیش از آنکه عذاب دردناک به سراغشان آید!» * گفت: «ای قوم! من برای شما بیم‌دهنده آشکاری هستم، که خدا را پرستش کنید و از مخالفت او بپرهیزید و مرا اطاعت نمایید!

۲-۱-۳-۵- پیروی از نوری که همراه پیامبر ﷺ نازل شد

﴿۲۷۶﴾ [اعمال روز جمعه]: و گواهی می‌دهم کسانی که پیامبر ﷺ را تکذیب کردند، چشندگان عذاب دردناک هستند و کسانی که به او ایمان آوردند و از نوری که همراه او نازل شد بی‌روی کردند، همان متّقیان هستند.

۳-۱-۵- انجام دستور پیامبر ﷺ در مورد خاندانش

﴿۲۲۷۷﴾ در ضمن نامه‌ای که امیرالمؤمنین (علیه السلام) به وسیله‌ی محمد بن ابی بکر برای مردم مصر فرستاد، نوشت: «ای بندگان خدا! اگر از خدا بترسید و مراعات پیامبران را در اهل بیتش بنمایید، با بهترین وجه خدا را پرستیده‌اید و با بهترین صورت او را یاد کرده‌اید و بهترین سپاسگزاری را کرده‌اید و بهترین صبر و شکر را نموده‌اید و عالی‌ترین کوشش را کرده‌اید».

﴿۲۲۷۸﴾ ای مردم! تقوا پیشه کنید و به اصلاح امور بین خودتان بپردازید و حرمت مرا در خانواده‌ام حفظ کنید.

﴿عَلَامَاتُ الْمُتَّقِينَ وَ مَصَادِيقُ التَّقْوَى / تَجَاهُ النَّبِيِّ (ص) وَ الْأُئِمَّةِ (ع)﴾

٤-٣-٥- شِيعَةُ مُحَمَّدٍ ﷺ وَ عَلِيِّ ﷺ

﴿٢٢٧٩﴾ العسكري ﷺ: فِي قَوْلِهِ تَعَالَى هُدًى لِلْمُتَّقِينَ قَالَ بَيَانُ وَ شِفَاءُ لِلْمُتَّقِينَ مِنْ شِيعَةِ مُحَمَّدٍ ﷺ وَ عَلِيِّ ﷺ إِنَّهُمْ اتَّقَوْا أَنْوَاعَ الْكُفْرِ فَتَرَكَوْهَا وَ اتَّقَوْا أَنْوَاعَ الذُّنُوبِ الْمُؤَبَّاتِ فَرَضَوْهَا وَ اتَّقَوْا إِظْهَارَ أَسْرَارِ اللَّهِ تَعَالَى وَ أَسْرَارِ أَرْكَيَاءِ عِبَادِهِ الْأَوْصِيَاءِ بَعْدَ مُحَمَّدٍ ﷺ فَكَتَمُوهَا وَ اتَّقَوْا سِرَّ الْعُلُومِ عَنْ أَهْلِهَا الْمُسْتَحَقِّينَ لَهَا وَ فِيهِمْ نَشَرُوهَا؛ مستدرک الوسائل، ج ١٢، ص ٢٩٦

﴿٢٢٨٠﴾ الصادق ﷺ: يَحْيَى بْنُ أَبِي الْقَاسِمِ قَالَ سَأَلْتُ الصَّادِقَ ﷺ عَنْ أَوَّلِ سُورَةِ الْبَقَرَةِ الْمِ ذَلِكَ الْكِتَابُ لَا رَيْبَ فِيهِ هُدًى لِلْمُتَّقِينَ الَّذِينَ يُؤْمِنُونَ بِالْغَيْبِ وَيُقِيمُونَ الصَّلَاةَ وَمِمَّا رَزَقْنَاهُمْ يُنفِقُونَ وَالَّذِينَ يُؤْمِنُونَ بِمَا أُنْزِلَ إِلَيْكَ وَمَا أُنْزِلَ مِنْ قَبْلِكَ وَبِالْآخِرَةِ هُمْ يُوقِنُونَ مَنْ هُمُ الْمُتَّقُونَ وَ مَا الْمُرَادُ بِالْغَيْبِ قَالَ الْمُتَّقُونَ شِيعَةَ عَلِيٍّ وَ الْغَيْبُ هُوَ الْحُجَّةُ الْغَائِبُ ﷺ؛ منتخب الأنوار المضئية، ص ٧٦

﴿٢٢٨١﴾ الباقر ﷺ: عَنْ جَابِرٍ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ ﷺ قَالَ... قَوْلُهُ ذَلِكَ الْكِتَابُ لَا رَيْبَ فِيهِ قَالَ الْكِتَابُ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ لَا شَكَّ فِيهِ أَنَّهُ إِمَامُ هُدًى لِلْمُتَّقِينَ فَالْآيَتَانِ لِشِيعَتِنَا هُمُ الْمُتَّقُونَ؛ بحار الأنوار، ج ٢٤، ص ٣٥١

﴿٢٢٨٢﴾ الصادق ﷺ: فِي قَوْلِهِ تَعَالَى الْم ذَلِكَ الْكِتَابُ لَا رَيْبَ فِيهِ قَالَ كِتَابُ عَلِيٍّ لَا رَيْبَ فِيهِ هُدًى لِلْمُتَّقِينَ قَالَ الْمُتَّقُونَ شِيعَتُنَا؛ بحار الأنوار، ج ٢، ص ٢١

﴿٢٢٨٣﴾ الصادق ﷺ: الْم ذَلِكَ الْكِتَابُ لَا رَيْبَ فِيهِ هُدًى لِلْمُتَّقِينَ الَّذِينَ يُؤْمِنُونَ بِالْغَيْبِ فَقَالَ الْمُتَّقُونَ شِيعَةَ عَلِيِّ ﷺ وَ أَمَّا الْغَيْبُ فَهُوَ الْحُجَّةُ الْغَائِبُ؛ بحار الأنوار، ج ٥١، ص ٥٢

﴿٢٢٨٤﴾ عسكري ﷺ: فَنَزَلَ الْم ذَلِكَ الْكِتَابُ لَا رَيْبَ فِيهِ هُدًى لِلْمُتَّقِينَ الْكِتَابُ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ وَ الْمُتَّقِينَ شِيعَتُهُ؛ بحار الأنوار، ج ٤١، ص ٢٤٤

﴿٢٢٨٥﴾ الصادق ﷺ: ذَلِكَ الْكِتَابُ لَا رَيْبَ فِيهِ هُدًى لِلْمُتَّقِينَ قَالَ بَيَانُ لِشِيعَتِنَا؛ بحار الأنوار، ج ٢، ص ١٦

﴿٢٢٨٦﴾ أمير المؤمنين ﷺ: أَنَا سَيِّدُ الْوَصِيِّينَ وَ وَصِيُّ سَيِّدِ النَّبِيِّينَ أَنَا إِمَامُ الْمُسْلِمِينَ وَ قَائِدُ

الْمُتَّقِينَ؛ بحار الأنوار، ج ٣٩، ص ٣٤١

«نشانه‌های پرهیزکاران / در مقابل پیامبر(ص) و ائمه(ع)»

۴-۱-۳-۵- شیعه‌ی محمد ﷺ و علی ﷺ

﴿۲۲۷۹﴾ در تفسیر آیه‌ی: «هُدًى لِّلْمُتَّقِينَ» فرمود: «قرآن، بیان و شفایی برای شیعیان باتقوای محمد ﷺ و علی ﷺ است. آنان از انواع کفر پرهیز کرده و آن را ترک کردند؛ از انواع گناهان مهلک پرهیز کرده و به گوشه‌ای افکنده‌اند، از افشای اسرار الهی و اسرار بندگان پاکیزه‌ی خدا که اوصیای بعد از محمد ﷺ هستند، پرهیز کرده و آن را پنهان داشته‌اند و از پوشاندن علم [اهل بیت] بر افرادی که اهل آن هستند و استحقاق درک آن را دارند، پرهیز کرده و آن را در بین آنان نشر داده‌اند.

﴿۲۲۸۰﴾ یحیی بن ابی القاسم گوید: از امام صادق ﷺ در مورد ابتدای سوره بقره که می‌فرماید: «الم آن کتاب با عظمتی است که شک در آن راه ندارد و مایه هدایت پرهیزکاران است. (پرهیزکاران) کسانی هستند که به غیب [آنچه از حس پوشیده و پنهان است] ایمان می‌آورند و نماز را برپا می‌دارند و از تمام نعمت‌ها و مواهبی که به آنان روزی داده‌ایم، انفاق می‌کنند. و آنان که به آنچه بر تو نازل شده، و آنچه پیش از تو (بر پیامبران پیشین) نازل گردیده، ایمان می‌آورند و به رستاخیز یقین دارند.» سؤال کردم: «مراد از متّقیان کیست و منظور از غیب چیست؟» فرمود: «متّقیان، شیعیان علی ﷺ هستند. و «غیب»، حجتّ غائب خداست.

﴿۲۲۸۱﴾ جابر از امام باقر ﷺ پرسید: «آن کتاب با عظمتی است که شک در آن راه ندارد» چیست؟ فرمود: «کتاب امیرمؤمنان است و شکی در امامت او نیست، هُدًى لِّلْمُتَّقِينَ؛ این دو آیه مربوط به شیعیان ماست که متّقین، آن‌ها هستند.

﴿۲۲۸۲﴾ امام صادق ﷺ درباره‌ی آیه: «الم. آن کتاب با عظمتی است که شک در آن راه ندارد»؛ فرمود: «کتاب علی ﷺ است که شکی در آن نیست.» و «مایه هدایت پرهیزکاران است»؛ منظور، شیعیان ما هستند.

﴿۲۲۸۳﴾ «الم آن کتاب با عظمتی است که شک در آن راه ندارد و مایه هدایت پرهیزکاران است. (پرهیزکاران) کسانی هستند که به غیب [آنچه از حس پوشیده و پنهان است] ایمان می‌آورند»؛ «الْمُتَّقُونَ»؛ شیعیان علی ﷺ هستند. و «الْغَيْبُ»؛ حجتّ غایب است.

﴿۲۲۸۴﴾ آیه‌ی: «الم آن کتاب با عظمتی است که شک در آن راه ندارد و مایه هدایت پرهیزکاران است» نازل شد و «الْكِتَابُ»، در این آیه امیرمؤمنان ﷺ و «الْمُتَّقِينَ»، شیعیان او هستند.

﴿۲۲۸۵﴾ «آن کتاب با عظمتی است که شک در آن راه ندارد و مایه هدایت پرهیزکاران است»؛ این بیانی برای شیعیان ماست.

﴿۲۲۸۶﴾ من سرور اوصیا و وصی سرور پیامبرانم، من امام مسلمانان و پیشوای پرهیزکارانم.

﴿عَلَامَاتُ الْمُتَّقِينَ وَ مَصَادِيقُ التَّقْوَى / تَجَاهُ النَّبِيِّ (ص) وَ الْأُئِمَّةِ (ع)﴾

٥-٣-١-٥- عدمُ كِتْمَانِ أَمْرِ مُحَمَّدٍ ﷺ وَ أَمْرِ وَصِيِّهِ

﴿٢٢٨٧﴾ العسكرى عليه السلام: قَالَ عَزَّ وَ جَلَّ وَإِيَّايَ فَاتَّقُونِ فِي كِتْمَانِ أَمْرِ مُحَمَّدٍ ص وَ أَمْرِ وَصِيِّهِ؛

بحار الأنوار، ج ٩، ص ١٧٨

٥-٣-١-٦- النَّصِيحَةُ لِرُسُلِ اللَّهِ

﴿٢٢٨٨﴾ الصادق عليه السلام: فَإِنَّ مِنَ التَّقْوَى الطَّاعَةَ وَ الْوَرَعَ وَ التَّوَّاضُعَ لِلَّهِ وَ الطَّمَأْنِينَةَ وَ الْاجْتِنَاءَ وَ الْإِخْلَاصَ وَ النَّصِيحَةَ لِرُسُلِهِ وَ الْمُسَارَعَةَ فِي مَرْضَاتِهِ وَ اجْتِنَابَ مَا نَهَى عَنْهُ؛ بحار الأنوار،

ج ٢٤، ص ٢٨٦

٥-٣-١-٧- حُبُّ عَلِيٍّ وَ الْأُئِمَّةِ وَ لَا يُتَهُمُ عَلَيْهِ

﴿٢٢٨٩﴾ الرسول ﷺ: يَا عَلِيُّ مَنْ أَحَبَّكَ وَ تَوَلَّاكَ أَسْكَنَهُ اللَّهُ مَعَنَا فِي الْجَنَّةِ ثُمَّ تَلَا رَسُولُ

اللَّهِ ﷺ إِنَّ الْمُتَّقِينَ فِي جَنَّاتٍ وَ نَهَرٍ فِي مَقْعَدٍ صَدِيقٍ عِنْدَ مَلِكٍ مُقْتَدِرٍ؛ بحار الأنوار، ج ٣٦، ص ٦٥

﴿٢٢٩٠﴾ الكاظم عليه السلام: إِنَّ وَلَايَةَ عَلِيٍّ لَتَذْكُرُهُ لِلْمُتَّقِينَ لِلْعَالَمِينَ؛ بحار الأنوار، ج ٣٦، ص ١٠٣

﴿٢٢٩١﴾ الرسول ﷺ: عَنْ جَابِرٍ عَنِ النَّبِيِّ ﷺ أَنَّهُ قَالَ أَبَشِّرْ يَا عَلِيُّ مَا مِنْ عَبْدٍ يُحِبُّكَ وَ يَتَّخِذُ مَوَدَّتَكَ إِلَّا بَعَثَهُ اللَّهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ مَعَنَا ثُمَّ قَرَأَ النَّبِيُّ ﷺ هَذِهِ آيَةَ إِنَّ الْمُتَّقِينَ فِي جَنَّاتٍ وَ

نَهَرٍ فِي مَقْعَدٍ صَدِيقٍ عِنْدَ مَلِكٍ مُقْتَدِرٍ؛ بحار الأنوار، ج ٧، ص ٢٠٩

﴿٢٢٩٢﴾ الرسول ﷺ: يَا عَلِيُّ لَا يُحِبُّكَ إِلَّا مُؤْمِنٌ تَقَى؛ بحار الأنوار، ج ٣٩، ص ٢٨٧

﴿٢٢٩٣﴾ الرسول ﷺ: لَا يَتِمُّ الْإِيمَانُ إِلَّا بِمَحَبَّتِنَا أَهْلِ الْبَيْتِ وَ إِنَّ اللَّهَ تَبَارَكَ وَ تَعَالَى عَهْدَ

إِلَى أَنَّهُ لَا يُحِبُّنَا أَهْلَ الْبَيْتِ إِلَّا مُؤْمِنٌ تَقَى وَ لَا يُبْغِضُنَا إِلَّا مُنَافِقٌ شَقِيٌّ؛ بحار الأنوار، ج ٣٦، ص ٣٢٢

﴿٢٢٩٤﴾ أمير المؤمنين عليه السلام: فَإِنَّ رَسُولَ اللَّهِ ﷺ قَالَ إِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَ جَلَّ رَسَخَ حُبِّي فِي قُلُوبِ

الْمُؤْمِنِينَ وَ كَذَلِكَ رَسَخَ حُبُّكَ يَا عَلِيُّ فِي قُلُوبِ الْمُؤْمِنِينَ، وَ رَسَخَ بُغْضِي وَ بُغْضُكَ فِي قُلُوبِ

الْمُنَافِقِينَ، فَلَا يُحِبُّكَ إِلَّا مُؤْمِنٌ تَقَى وَ لَا يُبْغِضُكَ إِلَّا مُنَافِقٌ كَافِرٌ؛ بحار الأنوار، ج ٣١، ص ٤٤١

﴿٢٢٩٥﴾ أمير المؤمنين عليه السلام: وَ لَقَدْ كَانَ حَبِيبِي رَسُولُ اللَّهِ ﷺ كَثِيرًا مَا يَقُولُ يَا عَلِيُّ حُبُّكَ

تَقْوَى وَ إِيْمَانٌ وَ بُغْضُكَ كُفْرٌ وَ نِفَاقٌ؛ بحار الأنوار، ج ٣٩، ص ٣٤١

﴿٢٢٩٦﴾ الباقر عليه السلام: فِي قَوْلِهِ تَعَالَى لَوْ أَنَّ اللَّهَ هَدَانِي لَكُنْتُ مِنَ الْمُتَّقِينَ قَالَ لَوْ لَايَةَ عَلِيٍّ عليه السلام؛

بحار الأنوار، ج ٣٥، ص ٤٠٣

«نشانه‌های پرهیزکاران / در مقابل پیامبر(ص) و ائمه(ع)»

۵-۳-۱-۵- کتمان نکردن امر محمد ﷺ و جانشین او ﷺ

﴿۲۲۸۷﴾ خداوند فرموده است: «تنها از من [و مخالفت دستورهایم] بترسید»؛ در مورد کتمان امر محمد ﷺ و امر وصی او از من بترسید.

۵-۳-۱-۶- پذیرش فرستادگان خدا

﴿۲۲۸۸﴾ ورع و تواضع برای خدا و آرامش و کوشش و مطیع بودن و پذیرش فرستادگان خدا و سرعت در کارهای نیک و پرهیز از گناهان، از تقوا محسوب می‌شود.

۵-۳-۱-۷- محبت علی و ائمه و ولایت ایشان ﷺ

﴿۲۲۸۹﴾ ای علی! هرکس تو را دوست بدارد و ولایت را بپذیرد، خداوند او را در بهشت با ما جای می‌دهد، و سپس این آیه را تلاوت فرمود: «یقیناً پرهیزکاران در باغ‌ها و نه‌رهای بهشتی جای دارند، در جایگاه صدق نزد خداوند مالک مقتدر!».

﴿۲۲۹۰﴾ ولایت علی ﷺ بی‌شک برای پرهیزکاران عالم تذکری است.

﴿۲۲۹۱﴾ ای علی، بر تو بشارت باد! هیچ بنده‌ای تو را دوست نمی‌دارد و مودت تو را دین خود قرار نمی‌دهد، مگر آنکه خدا در قیامت او را با ما مبعوث می‌کند؛ سپس این آیه را تلاوت فرمود: «یقیناً پرهیزکاران در باغ‌ها و نه‌رهای بهشتی جای دارند، در جایگاه صدق نزد خداوند مالک مقتدر!».

﴿۲۲۹۲﴾ ای علی! فقط مؤمن پارسا تو را دوست می‌دارد.

﴿۲۲۹۳﴾ ایمان جز با محبت ما اهل بیت کامل نگردد و خدای تبارک و تعالی با من عهد بسته است که جز مؤمن پارسا ما را دوست ندارد و جز منافق شقی با ما دشمنی نورزد.

﴿۲۲۹۴﴾ رسول خدا ﷺ فرمود: خداوند بلندمرتبه محبت مرا در دل مؤمنان نشاند و محبت تو را نیز ای علی در دل مؤمنان نهاد و بغض و کینه نسبت به من و تو را در دل منافقان نهاد و کسی جز مؤمنان پرهیزکار تو را دوست نخواهد داشت و کسی جز منافقان کافر کینه تو را به دل نخواهند گرفت.

﴿۲۲۹۵﴾ و حبیبم رسول خدا ﷺ چه بسیار می‌فرمود: «یا علی! دوست داشتن تو تقوا و دشمنی با تو کفر و نفاق است».

﴿۲۲۹۶﴾ در آیه‌ی: «اگر خداوند مرا هدایت می‌کرد، از پرهیزکاران بودم»؛ منظور هدایت به‌سوی ولایت علی ﷺ است.

﴿عَلَامَاتُ الْمُتَّقِينَ وَ مَصَادِيقُ التَّقْوَى / تَجَاهُ النَّبِيِّ (ص) وَ الْأُئِمَّةِ (ع)﴾

﴿٢٢٩٧﴾ الرَّسُولُ ﷺ: إِنَّ عَلَيَّ رَايَةَ الْهُدَى وَإِمَامَ أَوْلِيَائِي وَ نُورٌ مِّنْ أَطَاعَنِي وَ هُوَ الْكَلِمَةُ الَّتِي
الْتَزَمَ بِهَا الْمُتَّقُونَ؛ بحار الأنوار، ج ٣٨، ص ١٣٥

﴿٢٢٩٨﴾ أَعْمَالُ يَوْمِ الْجُمُعَةِ: أَشْهَدُ أَنَّ الَّذِينَ كَذَّبُوا [الرَّسُولَ ﷺ] ذَاقُوا الْعَذَابَ الْأَلِيمَ وَأَنَّ
الَّذِينَ آمَنُوا بِهِ وَ اتَّبَعُوا النُّورَ الَّذِي أَنْزَلَ مَعَهُ أُولَئِكَ هُمُ الْمُتَّقُونَ؛ بحار الأنوار، ج ٨٦، ص ٣٣٦

﴿٢٢٩٩﴾ الرَّسُولُ ﷺ: لَا يَثْبُتُ عَلَى وَلَايَةِ عَلِيٍّ إِلَّا الْمُتَّقُونَ؛ بحار الأنوار، ج ٩٦، ص ٣١٦

﴿٢٣٠٠﴾ الرَّسُولُ ﷺ: أَلَا إِنَّهُ لَا يُغْنِزُ عَلِيًّا إِلَّا شَقِيٌّ وَلَا يَتَوَالَى عَلِيًّا إِلَّا تَقِيٌّ؛ بحار الأنوار، ج ٣٧،

ص ٢١٠

٨-٣-٥- الثُّبَاتُ عَلَى وَلَايَتِهِمُ ﷺ

﴿٢٣٠١﴾ الرَّسُولُ ﷺ: لَا يَثْبُتُ عَلَى وَلَايَةِ عَلِيٍّ إِلَّا الْمُتَّقُونَ؛ بحار الأنوار، ج ٩٦، ص ٣١٦

٩-٣-٥- مَوَدَّتُهُمْ ﷺ

﴿٢٣٠٢﴾ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ ﷺ: لَيْسَ عَبْدٌ مِّمَّنْ امْتَحَنَ اللَّهَ قَلْبُهُ لِلتَّقْوَى إِلَّا وَ قَدْ أَصْبَحَ وَ هُوَ يَوْدُنَا
مَوَدَّةً يَجِدُهَا عَلَى قَلْبِهِ وَ لَيْسَ عَبْدٌ مِّمَّنْ سَخِطَ اللَّهُ عَلَيْهِ إِلَّا أَصْبَحَ يُغْضِئُ بَغْضَةً يَجِدُهَا عَلَى قَلْبِهِ؛
دعائم الإسلام، ج ١، ص ٦٣

١٠-٣-٥- مُتَابِعَتُهُمْ ﷺ

﴿٢٣٠٣﴾ الرَّسُولُ ﷺ: فَاتَّقُوا اللَّهَ وَ تَابِعُوا عَلِيًّا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ وَ الْحَسَنَ وَ الْحُسَيْنَ وَ الْأُئِمَّةَ؛
روضهاواعظين، ج ١، ص ٩٩

﴿٢٣٠٤﴾ الصَّادِقُ ﷺ: إِنَّا لَا نَعُدُّ الرَّجُلَ مُؤْمِنًا حَتَّى يَكُونَ لِجَمِيعِ أَمْرِنَا مُتَّبِعًا مُرِيدًا أَلَا وَ إِنَّ
مِنْ اتِّبَاعِ أَمْرِنَا وَ إِرَادَتِهِ الْوَرَعَ فَتَزَيَّنُوا بِهِ يَرْحَمَكُمُ اللَّهُ وَ كَبِدُوا أَعْدَاءَنَا بِهِ يَنْعَشَكُمُ اللَّهُ؛
الكافي، ج ٢، ص ٧٨

١١-٣-٥- التَّسْلِيمُ وَ رُدُّ الْأَمْرِ إِلَيْهِمْ ﷺ

﴿٢٣٠٥﴾ الْمَهْدِيُّ ﷺ: فَاتَّقُوا اللَّهَ وَ سَلِّمُوا لَنَا وَ رُدُّوا الْأَمْرَ إِلَيْنَا؛ بحار الأنوار، ج ٥٣، ص ١٧٨

١٢-٣-٥- طَاعَتُهُمْ ﷺ

﴿٢٣٠٦﴾ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ ﷺ: فَاتَّقُوا اللَّهَ وَ اسْتَقْبِلُوا مِنْ إِصْلَاحِ أَنْفُسِكُمْ وَ طَاعَةِ اللَّهِ وَ طَاعَةِ مَنْ
تَوَكَّلْتُمْ فِيهَا؛ بحار الأنوار، ج ٧٥، ص ١٤٨

«نشانه‌های پرهیزکاران / در مقابل پیامبر(ص) و ائمه(ع)»

﴿۲۲۹۷﴾ همانا علی علیه السلام پرچم هدایت و پیشوای اولیای من و نور هر که مرا اطاعت می‌کند، می‌باشد. و او آن کلمه‌ای است که پرهیزکاران خود را ملزم به قبول آن کرده‌اند.

﴿۲۲۹۸﴾ [اعمال روز جمعه:] و گواهی می‌دهم کسانی که پیامبر صلی الله علیه و آله را تکذیب کردند، چشندگان عذاب دردناک هستند و کسانی که به او ایمان آوردند و از نوری که همراه او نازل شد پیروی کردند، همان متقیان هستند.

﴿۲۲۹۹﴾ جز انسان‌های پرهیزکار بر ولایت علی علیه السلام ثابت نمی‌مانند.

﴿۲۳۰۰﴾ ای مردم! آگاه باشید که جز بدبخت کسی کینه‌ی علی را به دل نمی‌گیرد و جز پارسا ولایت او را نمی‌پذیرد.

۸-۳-۵- ثبات در ولایت ائمه علیهم السلام

﴿۲۳۰۱﴾ جز انسان‌های پرهیزکار بر ولایت علی علیه السلام ثابت نمی‌مانند.

۹-۳-۵- دوستی ائمه علیهم السلام

﴿۲۳۰۲﴾ هر بنده‌ای که خداوند قلبش را در مورد تقوا آزموده است، هر روزش را با مودّت و دوستی ما شروع می‌کند، محبتی که آن را در دلش حسّ می‌کند و هر بنده‌ای که خدا بر او خشم گرفته هر روزش را با بغض و کینه نسبت به ما شروع می‌کند، کینه‌ای که در دلش حسّ می‌کند.

۱۰-۳-۵- پیروی از ائمه علیهم السلام

﴿۲۳۰۳﴾ تقوای الهی پیشه کنید و از علی علیه السلام، امیر مؤمنان و حسن و حسین و امامان علیهم السلام پیروی کنید.

﴿۲۳۰۴﴾ ما کسی را مؤمن نمی‌دانیم مگر اینکه همه دستورات ما را به کار ببندد. و یکی از اوامر ما ورع و پرهیزکاری می‌باشد. خداوند شما را رحمت کند! خود را به ورع زینت دهید و دشمنان ما را با زینت خود فریفته کنید تا خداوند شما را شاداب گرداند.

۱۱-۳-۵- تسلیم‌بودن و دادن امر امامت به ائمه علیهم السلام

﴿۲۳۰۵﴾ از خدا بترسید و تسلیم ما شوید و کارها را به ما واگذارید.

۱۲-۳-۵- فرمان‌برداری از ائمه علیهم السلام

﴿۲۳۰۶﴾ از خدا پروا کنید، و به اصلاح خود، اطاعت خدا و اطاعت آن‌ها که ولایتشان را پذیرفته‌اید، بپردازید.

﴿عَلَامَاتُ الْمُتَّقِينَ وَ مَصَادِيقُ التَّقْوَى / تَجَاهُ النَّاسِ﴾

١٣-١-٥-٣- عَدَمُ قَبُولِ مَا خَالَفَ قَوْلَ اللَّهِ وَ سُنَّةَ النَّبِيِّ ﷺ فِيهِمْ

﴿٢٣٠٧﴾ الصَّادِقُ ﷺ: فَاتَّقُوا اللَّهَ وَ لَا تَقْبَلُوا عَلَيْنَا مَا خَالَفَ قَوْلَ رَبِّنَا تَعَالَى وَ سُنَّةَ نَبِيِّنَا مُحَمَّدٍ ﷺ فَإِنَّا إِذَا حَدَّثْنَا فَلْنَا قَالَ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ وَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ: بحار الأنوار، ج ٢، ص ٢٤٩

١٤-١-٥-٣- عَدَمُ إِذَاعَةِ حَدِيثِهِمْ ﷺ

﴿٢٣٠٨﴾ الرضا ﷺ: فَاتَّقُوا اللَّهَ وَ لَا تُذِيعُوا حَدِيثَنَا: الكافي، ج ٢، ص ٢٢٤

١٥-١-٥-٣- وَلَايَةُ أَحِبَّاءِ اللَّهِ وَ الْإِتِّبَاعُ مِنْهُمْ

﴿٢٣٠٩﴾ الباقر ﷺ: أَنَّ أَهْلَ التَّقْوَى ... نَظَرُوا إِلَى سَبِيلِ الْخَيْرِ وَ إِلَى وَلَايَةِ أَحِبَّاءِ اللَّهِ فَاحْبُوهُمْ وَ تَوَلَّوْهُمْ وَ اتَّبَعُوهُمْ: بحار الأنوار، ج ٧٥، ص ١٦٥

٢-١-٥-٣- مِنْ عَلَامَاتِ الَّذِينَ لَا يَسْتَطِيعُونَ أَنْ يَكُونُوا أئِمَّةَ الْمُتَّقِينَ

١-٢-٥-٣- لَا يَكُونُ مُحِبُّ الشَّهَوَاتِ إِمَامَ الْمُتَّقِينَ

﴿٢٣١٠﴾ حديث قدسي: قَالَ اللَّهُ تَعَالَى لِذَاوُدَ ﷺ حَرَامٌ عَلَى كُلِّ قَلْبٍ عَالِمٍ مُحِبٌّ لِلشَّهَوَاتِ

أَنْ أَجْعَلَهُ إِمَامًا لِلْمُتَّقِينَ: روضها لواعظين، ج ٢، ص ٤٢١

٢-٢-٥-٣- لَا يَكُونُ السَّفِيهَ إِمَامَ التَّقِيَّ

﴿٢٣١١﴾ الصَّادِقُ ﷺ: قَالَ وَمِنْ ذُرِّيَّتِي قَالَ لَا يَنَالُ عَهْدِي الطَّالِمِينَ قَالَ لَا يَكُونُ السَّفِيهَ إِمَامَ

التَّقِيَّ: بحار الأنوار، ج ٢٥، ص ٢٠٥

٤-٥- تَجَاهُ النَّاسِ

١-٤-٥- أَدَاءُ الْأَمَانَةِ وَ الْوَفَاءُ بِالْعَهْدِ

١-١-٤-٥- أَدَاءُ الْأَمَانَةِ

﴿٢٣١٢﴾ وَإِنْ كُنْتُمْ عَلَى سَفَرٍ وَلَمْ تَجِدُوا كَاتِبًا فَرِهَانٌ مَقْبُوضَةٌ فَإِنْ أَمِنَ بَعْضُكُم بَعْضًا فَلْيُؤَدِّ الَّذِي أُؤْتِمِنَ أَمَانَتَهُ وَلْيَتَّقِ اللَّهَ رَبَّهُ وَلَا تَكْتُمُوا الشَّهَادَةَ وَمَنْ يَكْتُمْهَا فَإِنَّهُ آثِمٌ قَلْبُهُ وَاللَّهُ بِمَا تَعْمَلُونَ عَلِيمٌ: البقرة ٢٨٣

﴿٢٣١٣﴾ أمير المؤمنين ﷺ: إِنْ لَأَهْلُ التَّقْوَى عَلَامَاتٍ يُعْرِفُونَ بِهَا ... أَدَاءُ الْأَمَانَةِ: بحار الأنوار،

ج ٦٧، ص ٢٨٢

«نشانه‌های پرهیزکاران / در مقابل مردم»

۱۳-۱-۵- عدم پذیرش آنچه مخالف با کلام خدا و سنت پیامبر ﷺ است

«۲۳۰۷» از خدا بترسید و از ما حدیثی که مخالف قول پروردگار و سنت پیامبر ما باشد، قبول نکنید؛ زیرا ما وقتی حدیث می‌کنیم، می‌گوییم خدا و رسول خدا ﷺ فرموده است.

۱۴-۱-۵- افشانکردن حدیث اهل بیت علیهم السلام

«۲۳۰۸» از خدا بترسید و حدیث ما را فاش نکنید.

۱۵-۱-۵- پذیرش ولایت دوستان خدا و پیروی از ایشان

«۲۳۰۹» پرهیزکاران ... به راه خیر و ولایت دوستان خدا نگرستند، پس در نتیجه به آنان دل بستند و به آنان گرویدند و از آنان پیروی کردند.

۲-۳-۵- از نشانه‌های افرادی که نمی‌توانند پیشوای پرهیزکاران باشند

۱-۲-۳-۵- شیفته‌ی شهوات نمی‌تواند پیشوای پرهیزکاران باشد

«۲۳۱۰» خداوند متعال به داود علیهم السلام فرمود: «بر قلب هر عالمی که شهوت‌های دنیا را دوست

دارد، حرام است که او را پیشوای پرهیزکاران گردانم».

۲-۲-۳-۵- کم‌خرد نمی‌تواند امام پرهیزکاران شود

«۲۳۱۱» ابراهیم عرض کرد: «از دودمان من [نیز امامانی قرار بده]». خداوند فرمود: «پیمان

من، به ستمکاران نمی‌رسد». امام علیهم السلام فرمود: کم‌خرد نمی‌تواند امام بر پرهیزکار شود.

۴-۵- در مقابل مردم

۱-۴-۵- ادای امانت

۱-۱-۴-۵- ادای امانت

«۲۳۱۲» و اگر در سفر بودید، و نویسنده‌ای نیافتید، گروگان بگیرید! (گروگانی که در اختیار طلبکار قرار گیرد). و اگر به یکدیگر اطمینان (کامل) داشته باشید، (گروگان لازم نیست، و) باید کسی که امین شمرده شده (و بدون گروگان، چیزی از دیگری گرفته)، امانت (و بدهی خود را به موقع) بپردازد و از خدایی که پروردگار اوست. بپرهیزد! و شهادت را کتمان نکنید! و هر کس آن را کتمان کند، قلبش گناهکار است. و خداوند، به آنچه انجام می‌دهید، داناست.

«۲۳۱۳» اهل تقوا علائم و نشانه‌هایی دارند که به آن شناخته می‌شوند؛ از جمله: مراعات

امانت.

﴿عَلَامَاتُ الْمُتَّقِينَ وَ مَصَادِيقُ التَّقْوَى / تَجَاهُ النَّاسِ﴾

﴿٢٣١٤﴾ أمير المؤمنين عليه السلام: فَالْمُتَّقُونَ ... يَعْتَرِفُ بِالْحَقِّ قَبْلَ أَنْ يُشْهَدَ عَلَيْهِ لَا يُضِيعُ مَا اسْتُخْفِظَ
وَلَا يَنْسَى مَا ذُكِّرَ؛ نهج البلاغة، ص ٣٠٣

﴿٢٣١٥﴾ الصادق عليه السلام: فَاتَّقُوا اللَّهَ وَادُّوا الْأَمَانَاتِ إِلَى الْأَسْوَدِ وَالْأَبْيَضِ وَإِنْ كَانَ حَرُورِيًّا؛

الكافي، ج ٨، ص ٢٣٦

١-٢-٥- الوفاء بالعهد

﴿٢٣١٦﴾ بَلَى مَنْ أَوْفَى بِعَهْدِهِ وَاتَّقَى فَإِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُتَّقِينَ؛ آل عمران ٧٦

﴿٢٣١٧﴾ كَيْفَ يَكُونُ لِلْمُشْرِكِينَ عَهْدٌ عِنْدَ اللَّهِ وَعِنْدَ رَسُولِهِ إِلَّا الَّذِينَ عَاهَدْتُمْ عِنْدَ الْمَسْجِدِ

الْحَرَامِ فَمَا اسْتَقَامُوا لَكُمْ فَاسْتَقِيمُوا لَهُمْ إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُتَّقِينَ؛ التوبة ٧

﴿٢٣١٨﴾ الْمُؤَفَّقُونَ بِعَهْدِهِمْ إِذَا عَاهَدُوا وَالصَّابِرِينَ فِي الْبَأْسَاءِ وَالضَّرَّاءِ وَحِينَ الْبَأْسِ أُولَئِكَ

الَّذِينَ صَدَقُوا وَأُولَئِكَ هُمُ الْمُتَّقُونَ؛ البقرة ١٧٧

﴿٢٣١٩﴾ إِنَّ شَرَّ الدَّوَابِّ عِنْدَ اللَّهِ الَّذِينَ كَفَرُوا فَهُمْ لَا يُؤْمِنُونَ * الَّذِينَ عَاهَدْتُمْ مِنْهُمْ ثُمَّ يَنْقُضُونَ

عَهْدَهُمْ فِي كُلِّ مَرَّةٍ وَهُمْ لَا يَتَّقُونَ؛ الأنفال ٥٦-٥٥

﴿٢٣٢٠﴾ أمير المؤمنين عليه السلام: إِنَّ لِأَهْلِ التَّقْوَى عَلَامَاتٍ يُعْرِفُونَ بِهَا ... وَفَاءٌ بِالْعَهْدِ؛ بحار الأنوار،

ج ٦٧، ص ٢٨٢

١-٣-٥- الإِسْتِقَامَةُ عَلَى الْعَهْدِ

﴿٢٣٢١﴾ كَيْفَ يَكُونُ لِلْمُشْرِكِينَ عَهْدٌ عِنْدَ اللَّهِ وَعِنْدَ رَسُولِهِ إِلَّا الَّذِينَ عَاهَدْتُمْ عِنْدَ الْمَسْجِدِ

الْحَرَامِ فَمَا اسْتَقَامُوا لَكُمْ فَاسْتَقِيمُوا لَهُمْ إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُتَّقِينَ؛ التوبة ٧

١-٢-٥- إِيْتَاءُ الْأَمْنِ وَالرَّاحَةِ

١-٢-٥- شُرُورُهُمْ مَأْمُونَةٌ

﴿٢٣٢٢﴾ أمير المؤمنين عليه السلام: فَالْمُتَّقُونَ ... شُرُورُهُمْ مَأْمُونَةٌ؛ نهج البلاغة، ص ٣٠٣

﴿٢٣٢٣﴾ أمير المؤمنين عليه السلام: فَالْمُتَّقُونَ ... الْخَيْرُ مِنْهُ مَأْمُولٌ وَالشَّرُّ مِنْهُ مَأْمُونٌ؛ نهج البلاغة،

ص ٣٠٣

«نشانه‌های پرهیزکاران / در مقابل مردم»

﴿۲۳۱۴﴾ پرهیزکاران ... پیش از حاضر کردن شاهد، خود اقرار به حق می‌نماید. امانت را تباه نمی‌کند، و آنچه را به یادش آرند به فراموشی نمی‌سپارد.
﴿۲۳۱۵﴾ از خدا بترسید و امانت‌ها را به سیاه و سفید برسانید، اگر چه از خوارج باشد.

۲-۱-۴-۵- وفای به عهد

﴿۲۳۱۶﴾ آری، کسی که به پیمان خود وفا کند و پرهیزکاری پیشه نماید، (خدا او را دوست می‌دارد زیرا) خداوند پرهیزکاران را دوست دارد.
﴿۲۳۱۷﴾ چگونه برای مشرکان پیمانی نزد خدا و رسول او خواهد بود (در حالی که آن‌ها همواره آماده شکستن پیمان‌شان هستند)؟! مگر کسانی که نزد مسجد الحرام با آنان پیمان بستید (و پیمان خود را محترم شمردند) تا زمانی که در برابر شما وفادار باشند، شما نیز وفاداری کنید، که خداوند پرهیزکاران را دوست دارد!

﴿۲۳۱۸﴾ کسانی که به عهد خود - به هنگامی که عهد بستند - وفا می‌کنند و در برابر محرومیت‌ها و بیماری‌ها و در میدان جنگ، استقامت به خرج می‌دهند این‌ها کسانی هستند که راست می‌گویند و (گفتارشان با اعتقادشان هماهنگ است) و این‌ها هستند پرهیزکاران!
﴿۲۳۱۹﴾ به یقین، بدترین جنبندها نزد خدا، کسانی هستند که کافر شدند و ایمان نمی‌آورند. * همان کسانی که با آن‌ها پیمان بستی سپس هر بار عهد و پیمان خود را می‌شکنند و (از پیمان شکنی و خیانت) پرهیز ندارند.

﴿۲۳۲۰﴾ اهل تقوا علائم و نشانه‌هایی دارند که به آن شناخته می‌شوند؛ از جمله: ... پایبندی به عهد و پیمان.

۳-۱-۴-۵- پایبندی به تعهدات

﴿۲۳۲۱﴾ چگونه برای مشرکان پیمانی نزد خدا و رسول او خواهد بود (در حالی که آن‌ها همواره آماده شکستن پیمان‌شان هستند)؟! مگر کسانی که نزد مسجد الحرام با آنان پیمان بستید (و پیمان خود را محترم شمردند) تا زمانی که در برابر شما وفادار باشند، شما نیز وفاداری کنید، که خداوند پرهیزکاران را دوست دارد!

۲-۴-۵- اعطای امنیت و آرامش

۱-۲-۴-۵- دیگران از آزارشان در امانند

﴿۲۳۲۲﴾ پرهیزکاران ... همگان از آزارشان در امانند.
﴿۲۳۲۳﴾ پرهیزکاران ... خیرش را متوقع، و از شرش در امانند.

﴿عَلَامَاتُ الْمُتَّقِينَ وَ مَصَادِيقُ التَّقْوَى / تَجَاهُ النَّاسِ﴾

٢-٢-٤-٥- النَّاسُ مِنْهُ فِي رَاحَةٍ

﴿٢٣٢٤﴾ أمير المؤمنين عليه السلام: فَالْمُتَّقُونَ ... نَفْسُهُ مِنْهُ فِي عَنَاءٍ وَ النَّاسُ مِنْهُ فِي رَاحَةٍ أَتَعَبَ نَفْسَهُ لِأَخِرَتِهِ وَ أَرَاخَ النَّاسَ مِنْ نَفْسِهِ؛ نهج البلاغة، ص ٣٠٣

٣-٢-٤-٥- أَرَاخَ النَّاسَ مِنْ نَفْسِهِ

﴿٢٣٢٥﴾ أمير المؤمنين عليه السلام: فَالْمُتَّقُونَ ... نَفْسُهُ مِنْهُ فِي عَنَاءٍ وَ النَّاسُ مِنْهُ فِي رَاحَةٍ أَتَعَبَ نَفْسَهُ لِأَخِرَتِهِ وَ أَرَاخَ النَّاسَ مِنْ نَفْسِهِ؛ نهج البلاغة، ص ٣٠٣

٣-٤-٥- البرُّ، الْخَيْرُ، الْإِحْسَانُ، بَذْلُ الْمَعْرُوفِ، الْخُلَّةُ،

١-٣-٤-٥- البرُّ

﴿٢٣٢٦﴾ لَيْسَ الْبِرُّ أَنْ تُولُوا وَجُوهَكُمْ قِبَلَ الْمَشْرِقِ وَالْمَغْرِبِ وَلَكِنَّ الْبِرَّ مَنْ آمَنَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ وَالْمَلَائِكَةِ وَالْكِتَابِ وَالنَّبِيِّينَ وَآتَى الْمَالَ عَلَى حُبِّهِ ذَوِي الْقُرْبَى وَالْيَتَامَى وَالْمَسَاكِينَ وَابْنَ السَّبِيلِ وَالسَّائِلِينَ وَفِي الرِّقَابِ وَأَقَامَ الصَّلَاةَ وَآتَى الزَّكَاةَ وَالْمُوفُونَ بِعَهْدِهِمْ إِذَا عَاهَدُوا وَ الصَّابِرِينَ فِي الْبَأْسَاءِ وَالضَّرَاءِ وَحِينَ الْبَأْسِ أُولَئِكَ الَّذِينَ صَدَقُوا وَأُولَئِكَ هُمُ الْمُتَّقُونَ؛ البقرة

١٧٧

﴿٢٣٢٧﴾ يَسْتَأْذِنُكَ عَنِ الْأَهْلِ قُلْ هِيَ مَوَاقِيتُ لِلنَّاسِ وَالْحَجِّ وَلَيْسَ الْبِرُّ بِأَنْ تَأْتُوا الْبُيُوتَ مِنْ ظُهُورِهَا وَلَكِنَّ الْبِرَّ مَنِ اتَّقَى وَأَتُوا الْبُيُوتَ مِنْ أَبْوَابِهَا وَاتَّقُوا اللَّهَ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ؛ البقرة ١٨٩

﴿٢٣٢٨﴾ أمير المؤمنين عليه السلام: فَالْمُتَّقُونَ ... وَ أَمَّا النَّهَارُ فَحُلَمَاءُ عُلَمَاءُ أَبْرَارُ أَتَقِيَاءُ؛ نهج البلاغة،

ص ٣٠٣

٢-٣-٤-٥- الْخَيْرُ

١-٢-٣-٤-٥- الْخَيْرُ مِنْهُ مَأْمُولٌ

﴿٢٣٢٩﴾ أمير المؤمنين عليه السلام: فَالْمُتَّقُونَ ... الْخَيْرُ مِنْهُ مَأْمُولٌ وَ الشَّرُّ مِنْهُ مَأْمُونٌ؛ نهج البلاغة،

ص ٣٠٣

﴿٢٣٣٠﴾ أمير المؤمنين عليه السلام: الْمُتَّقُونَ [الْمُؤْمِنُونَ] أَنْفُسُهُمْ عَفِيفَةٌ وَ حَاجَاتُهُمْ خَفِيفَةٌ وَ

خَيْرَاتُهُمْ مَأْمُولَةٌ وَ شُرُورُهُمْ مَأْمُونَةٌ؛ غرر الحكم، ص ٢٧٣

﴿٧٣٤﴾

«نشانه‌های پرهیزکاران / در مقابل مردم»

۵-۴-۲-۲-۲ مردم از دستشان در امان اند

﴿۲۳۲۴﴾ پرهیزکاران ... از خود در رنج است، و مردم از او در راحتند. در آخرت خود را به زحمت اندازد، و مردم را از جانب خود قرین آسایش کند.

۵-۴-۲-۳ مردم را از جانب خود قرین آسایش می‌کند

﴿۲۳۲۵﴾ پرهیزکاران ... از خود در رنج است، و مردم از او در راحتند. در آخرت خود را به زحمت اندازد، و مردم را از جانب خود قرین آسایش کند.

۵-۴-۳ نیکی، خیر، احسان، دوستی

۵-۴-۳-۱ نیکی

﴿۲۳۲۶﴾ نیکی، (تنها) این نیست که (به هنگام نماز، روی خود را به سوی مشرق و (یا) مغرب کنید (و تمام گفتگوی شما، در باره قبله و تغییر آن باشد و همه وقت خود را مصروف آن سازید) بلکه نیکی (و نیکوکار) کسی است که به خدا، و روز رستاخیز، و فرشتگان، و کتاب (آسمانی)، و پیامبران، ایمان آورده و مال (خود) را، با همه علاقه‌ای که به آن دارد، به خویشاوندان و یتیمان و مسکینان و واماندگان در راه و سائلان و بردگان، انفاق می‌کند نماز را برپا می‌دارد و زکات را می‌پردازد و (همچنین) کسانی که به عهد خود - به هنگامی که عهد بستند - وفا می‌کنند و در برابر محرومیت‌ها و بیماری‌ها و در میدان جنگ، استقامت به خرج می‌دهند این‌ها کسانی هستند که راست می‌گویند و (گفتارشان با اعتقادشان هماهنگ است) و این‌ها هستند پرهیزکاران!

﴿۲۳۲۷﴾ در باره «هلال‌های ماه» از تو سؤال می‌کنند بگو: «آن‌ها، بیان اوقات (و تقویم طبیعی) برای (نظام زندگی) مردم و (تعیین وقت) حج است». و (آن چنان که در جاهلیت مرسوم بود که به هنگام حج، که جامه احرام می‌پوشیدند، از در خانه وارد نمی‌شدند، و از نقب پشت خانه وارد می‌شدند، نکنید!) کار نیک، آن نیست که از پشت خانه‌ها وارد شوید بلکه نیکی این است که پرهیزکار باشید! و از در خانه‌ها وارد شوید و تقوا پیشه کنید، تا رستگار گردید!

﴿۲۳۲۸﴾ پرهیزکاران ... به هنگام روز، بردباران و دانشمندان و نیکوکاران و پرهیزکاران هستند.

۵-۴-۳-۲ خیر

۵-۴-۳-۲-۱ خیر از او انتظار می‌رود

﴿۲۳۲۹﴾ پرهیزکاران ... خیرش را متوقع، و از شرش در امانند.

﴿۲۳۳۰﴾ باتقوایان عقیف و پاک بوده و خواسته‌هایشان اندک است. و دیگران امید کسب خوبی از

آنان دارند و از شرشان در امان هستند (خیرشان به دیگران می‌رسد و به کسی شر نمی‌رسانند).

﴿عَلَامَاتُ الْمُتَّقِينَ وَ مَصَادِيقُ التَّقْوَى / تَجَاهُ النَّاسِ﴾

٥-٤-٣-٢-٢- كُفَّ لِسَانَكَ إِلَّا مِنْ خَيْرٍ

﴿٢٣٣١﴾ الصادق عليه السلام: فَاتَّقِ اللَّهَ وَ كُفَّ لِسَانَكَ إِلَّا مِنْ خَيْرٍ؛ الكافي، ج ٢، ص ٢٣

٥-٤-٣-٢-٣- إِفْعَلِ الْخَيْرَ

﴿٢٣٣٢﴾ وَمَا يَفْعَلُوا مِنْ خَيْرٍ فَلَنْ يُكْفَرُوهُ وَاللَّهُ عَلِيمٌ بِالْمُتَّقِينَ؛ آل عمران ١١٥

٥-٤-٣-٢-٤- سَابِقُ إِلَى كُلِّ خَيْرٍ

﴿٢٣٣٣﴾ الرَّسُولُ ﷺ: التَّقَى سَابِقُ إِلَى كُلِّ خَيْرٍ؛ بحار الأنوار، ج ٧٥، ص ٩٠

٥-٤-٣-٢-٥- الإِعَانَةُ عَلَى الْخَيْرِ

﴿٢٣٣٤﴾ الباقر عليه السلام: أَنَّ أَهْلَ التَّقْوَى إِنْ نَسِيتَ الْخَيْرَ ذَكَرُوكَ وَإِنْ عَمِلْتَ بِهِ أَعَانُوكَ؛

بحار الأنوار، ج ٧٥، ص ١٦٥

٥-٤-٣-٢-٦- حُبُّ الْخَيْرِ

﴿٢٣٣٥﴾ الباقر عليه السلام: أَنَّ أَهْلَ التَّقْوَى ... نَظَرُوا إِلَى سَبِيلِ الْخَيْرِ وَإِلَى وَلَايَةِ أَحِبَّاءِ اللَّهِ

فَأَحَبُّهُمْ وَ تَوَلَّوْهُمْ وَ اتَّبَعُوهُمْ؛ بحار الأنوار، ج ٧٥، ص ١٦٥

٥-٤-٣-٣- الإِحْسَانُ

﴿٢٣٣٦﴾ أمير المؤمنين عليه السلام: إِنْ أَلَّا تَقِيَاءَ كُلُّ سَخِيٍّ مُتَعَفِّفٍ مُحْسِنٍ؛ غرر الحكم، ص ٢٧٣

﴿٢٣٣٧﴾ أمير المؤمنين عليه السلام: فَاتَّقُوا اللَّهَ تَقِيَّةً [تُقَاةً] مَنْ أَتَقَنَ فَأَحْسَنَ وَ عَبَّرَ فَأَعْتَبَرَ [وَ حَذَرَ

فَحَذَرَ] وَ حَذَرَ فَارْذَجَرَ [وَ رُجِرَ فَارْذَجَرَ] وَ بَصَّرَ فَاسْتَبَصَّرَ وَ خَافَ الْعِقَابَ وَ عَمِلَ لِيَوْمِ

الْحِسَابِ؛ غرر الحكم، ص ١٩١

﴿٢٣٣٨﴾ الرَّسُولُ ﷺ: فَقَالَ لَهَا رَسُولُ اللَّهِ ﷺ إِذَا بَعْتَ فَأَحْسِنِي وَ لَا تَغْشَى فَإِنَّهُ أَتَقَى لِلَّهِ وَ

أَتَقَى لِلْمَالِ؛ الكافي، ج ٥، ص ١٥١

٥-٤-٣-٤- الْمَعْرُوفُ

٥-٤-٣-٤-١- بَذْلُ الْمَعْرُوفِ

﴿٢٣٣٩﴾ أمير المؤمنين عليه السلام: إِنْ لَأَهْلِ التَّقْوَى عَلَامَاتٌ يُعْرِفُونَ بِهَا ... بَذْلُ الْمَعْرُوفِ؛

بحار الأنوار، ج ٦٧، ص ٢٨٢

«نشانه‌های پرهیزکاران / در مقابل مردم»

۲-۲-۳-۵- زبانت را جز بر خیر ببند

﴿۲۳۳۱﴾ تقوای الهی پیشه کن و زبانت را جز بر خیر ببند.

۳-۲-۳-۵- عمل خیر انجام بده

﴿۲۳۳۲﴾ و آنچه از اعمال نیک انجام دهند، هرگز کفران نخواهد شد! (و پاداش شایسته آن را می‌بینند) و خدا از پرهیزکاران، آگاه است.

۴-۲-۳-۵- به‌سوی خیر بشتاب

﴿۲۳۳۳﴾ پرهیزکار در هر کار نیک سبقت می‌گیرد.

۵-۲-۳-۵- یاری در انجام کار خیر

﴿۲۳۳۴﴾ پرهیزکاران ... اگر کار خیری را فراموش کنی به یادت می‌آورند، و چون آن را انجام دهی یاری‌ات می‌کنند.

۶-۲-۳-۵- دوست‌داشتن نیکی

﴿۲۳۳۵﴾ پرهیزکاران ... به راه خیر و ولایت دوستان خدا نگریستند، پس در نتیجه به آنان دل بستند و به آنان گرویدند و از آنان پیروی کردند.

۳-۳-۴-۵- نیکی

﴿۲۳۳۶﴾ هر بخشنده‌ی پاک‌دامن و نیکوکاری از اهل تقواست.

﴿۲۳۳۷﴾ تقوای الهی داشته باشید همچون تقوای کسی که چون [به مرگ و دیدار پروردگار خود] یقین کند، نیکی نماید. و هرگاه درس عبرتی به او بدهند، عبرت گیرد. و چون او را بر حذر دارند، بپذیرد. و اگر منعمش کنند، بازایستد. و چون بینایش کنند، بینایی گیرد و از کيفر و عقاب بترسد. و برای روز حساب کار کند.

﴿۲۳۳۸﴾ پیامبر ﷺ به او (زینب کَلَّاج عطر فروش) فرمود: «هرگاه جنسی می‌فروشی جنس خوبی بفروش، و در معامله غش نکن، که این روش به تقوا نزدیک‌تر و برای ماندن مال [و برکت داشتن آن] بهتر است»

۴-۳-۴-۵- نیکی

۱-۴-۳-۴-۵- نیکوکاری

﴿۲۳۳۹﴾ اهل تقوا علائم و نشانه‌هایی دارند که به آن شناخته می‌شوند؛ از جمله: ... نیکوکاری.

﴿عَلَامَاتُ الْمُتَّقِينَ وَ مَصَادِيقُ التَّقْوَى / تَجَاهُ النَّاسِ﴾

٢-٤-٣-٥- معرُوفُهُ حَاضِرُ

﴿٢٣٤٠﴾ أمير المؤمنين عليه السلام: فَالْمُتَّقُونَ ... غَائِبًا مُنْكَرُهُ حَاضِرًا مَعْرُوفُهُ مُقْبَلًا خَيْرُهُ مُدْبِرًا شَرُّهُ؛

نهج البلاغة، ص ٣٠٣

٥-٣-٤-٥- الخَلَّةُ

﴿٢٣٤١﴾ أمير المؤمنين عليه السلام: جَعَلَ اللَّهُ مَوَدَّتَنَا فِي الدِّينِ، وَ خُلَّتْنَا وَإِيَّاكُمْ خَلَّةَ الْمُتَّقِينَ؛

الأمالي للطوسي، ص ٣١

﴿٢٣٤٢﴾ أمير المؤمنين عليه السلام: جَعَلَ اللَّهُ خُلَّتْنَا وَ وَدَّنَا خَلَّةَ الْمُتَّقِينَ وَ وَدَّ الْمُخْلِصِينَ؛ بحار الأنوار،

ج ٣٣، ص ٥٤٩

٤-٤-٥- حُسْنُ الْخُلُقِ، بِشَرِّ الْوَجْهِ، شَرَفُ الْخِلَالِ، التَّجَمُّلُ

١-٤-٤-٥- حُسْنُ الْخُلُقِ

﴿٢٣٤٣﴾ أمير المؤمنين عليه السلام: إِنْ لِّأَهْلِ التَّقْوَى عَلَامَاتٍ يُعْرِفُونَ بِهَا ... حُسْنُ الْخُلُقِ؛ بحار الأنوار،

ج ٦٧، ص ٢٨٢

﴿٢٣٤٤﴾ الرسول صلى الله عليه وآله: وَ أَمَّا عَلَامَةُ التَّقَى فَسِتَّةٌ يَخَافُ اللَّهُ وَ يَخْذَرُ بَطْشَهُ وَ يُمْسِي وَ يَصْبِحُ

كَأَنَّهُ يَرَاهُ لَا تُهْمُهُ الدُّنْيَا وَ لَا يَعْظُمُ عَلَيْهِ مِنْهَا شَيْءٌ لِحُسْنِ خُلُقِهِ؛ بحار الأنوار، ج ١، ص ١٢١

٢-٤-٤-٥- بِشَرِّ الْوَجْهِ

﴿٢٣٤٥﴾ أمير المؤمنين عليه السلام: الْمُتَّقُونَ أَنْفُسُهُمْ فَانِعَةٌ وَ شَهَوَاتُهُمْ مِيتَةٌ وَ وُجُوهُهُمْ مُسْتَبْشِرَةٌ وَ

قُلُوبُهُمْ مَحْزُونَةٌ؛ غرر الحكم، ص ٢٧٣

٣-٤-٤-٥- شَرَفُ الْخِلَالِ

﴿٢٣٤٦﴾ أمير المؤمنين عليه السلام: الْوَرَعُ مَنْ نَزَهَتْ نَفْسُهُ وَ شَرِفَتْ خِلَالُهُ؛ غرر الحكم، ص ٢٧٣

٤-٤-٤-٥- التَّجَمُّلُ فِي فَاقَةٍ

﴿٢٣٤٧﴾ أمير المؤمنين عليه السلام: فَالْمُتَّقُونَ ... فَمِنْ عَلَامَةِ أَحَدِهِمْ أَنَّكَ تَرَى لَهُ ... قَصْدًا فِي غِنَى وَ

خُشُوعًا فِي عِبَادَةٍ وَ تَجَمُّلًا فِي فَاقَةٍ وَ صَبْرًا فِي شِدَّةٍ؛ نهج البلاغة، ص ٣٠٣

٥-٤-٤-٥- حَفْظُ حُقُوقِ الْمُؤْمِنِينَ وَ قَضَاءُهُ

١-٥-٤-٥- حَفْظُ حُقُوقِ إِخْوَانِكُمُ الْمُؤْمِنِينَ

«نشانه‌های پرهیزکاران / در مقابل مردم»

۲-۴-۳-۵- خوبی‌اش آماده است

«۲۳۴۰» پرهیزکاران ... زشتی‌اش پنهان، و خوبی‌اش آماده است، نیکی‌اش روی آورده، و شرش روی گردانده است.

۵-۴-۳-۵- دوستی

«۲۳۴۱» خداوند محبت و مودت ما را بر مبنای دین قرار دهد و دوستی ما و شما را دوستی اهل تقوا قرار دهد.

«۲۳۴۲» خداوند دوستی و علاقه به ما را، دوستی متقیان و علاقه مخلصان قرار می‌دهد.

۴-۴-۵- اخلاق خوش، روی خوش، صفات برجسته، زیبا جلوه‌دادن

۱-۴-۴-۵- اخلاق خوش

«۲۳۴۳» اهل تقوا علائم و نشانه‌هایی دارند که به آن شناخته می‌شوند؛ از جمله: خوش خلقی.

«۲۳۴۴» نشان پرهیزکار شش چیز است: از خدا پروا دارد، از مؤاخذه‌اش حذر کند، به گونه‌ای صبح و شام می‌کند که گویا او را می‌بیند. دنیا را مهم نمی‌شمارد، و بر اثر خوشخویی چیزی از دنیا را بزرگ نمی‌شمارد.

۲-۴-۴-۵- روی خوش

«۲۳۴۵» باتقوایان، نفسشان قانع، شهوتشان مرده، چهره‌شان شاداب و قلب‌هایشان محزون است.

۳-۴-۴-۵- خلق و خوی برجسته

«۲۳۴۶» ورع یعنی اینکه شخص، نفسش پاک و خلق و خویش بلند و عالی باشد.

۴-۴-۴-۵- زیبا جلوه‌دادن در عین نداری

«۲۳۴۷» پرهیزکاران ... از نشانه‌های دیگرشان آن است که هر کدام را دارای ... میانه‌روی در توانگری، فروتنی در عبادت، آراستگی در تهیدستی، بردباری در سختی مشاهده می‌کنی.

۵-۴-۵- حفظ حقوق مؤمنین و ادای آن

۱-۵-۴-۵- حفظ حقوق برادران مؤمن

﴿عَلَامَاتُ الْمُتَّقِينَ وَ مَصَادِيقُ التَّقْوَى / تَجَاهُ النَّاسِ﴾

﴿٢٣٤٨﴾ العسكرى عليه السلام: فَاتَّقُوا اللَّهَ وَلَا تَتَعَرَّضُوا لِمَقْتِ اللَّهِ بِتَرْكِ التَّقِيَّةِ وَ النَّقْصِيرِ فِي حُقُوقِ إِخْوَانِكُمُ الْمُؤْمِنِينَ؛ بحار الأنوار، ج ٧١، ص ٢٢٩
٥-٤-٥-٢- قَضَاءُ حُقُوقِ الْإِخْوَانِ

﴿٢٣٤٩﴾ أمير المؤمنين عليه السلام: قَضَاءُ حُقُوقِ الْإِخْوَانِ أَشْرَفُ أَعْمَالِ الْمُتَّقِينَ يَسْتَجْلِبُ مَوَدَّةَ الْمَلَائِكَةِ الْمُقَرَّبِينَ وَ شَوْقَ الْخُورِ الْعَيْنِ؛ وسائل الشيعة، ج ١٦، ص ٢٢٢
٥-٤-٥-٦- الْحِلْمُ وَ الصَّفْحُ وَ الْعَفْوُ
٥-٤-٥-٦-١- الْحِلْمُ

﴿٢٣٥٠﴾ أمير المؤمنين عليه السلام: فَالْمُتَّقُونَ ... وَ أَمَّا النَّهَارُ فَحُلَمَاءُ عُلَمَاءُ أَزْوَاجٍ أَتَقِيَاءُ؛ نهج البلاغة، ص ٣٠٣
٥-٤-٥-٦-١-١- سَعَةُ الْحِلْمِ

﴿٢٣٥١﴾ أمير المؤمنين عليه السلام: إِنَّ لِأَهْلِ التَّقْوَى عَلَامَاتٍ يُعْرَفُونَ بِهَا ... سَعَةُ الْحِلْمِ؛ بحار الأنوار، ج ٦٧، ص ٢٨٢
٥-٤-٥-٦-١-٢- الْعِلْمُ فِي الْحِلْمِ

﴿٢٣٥٢﴾ أمير المؤمنين عليه السلام: فَالْمُتَّقُونَ ... فَمِنْ عَلَامَةِ أَحَدِهِمْ أَنَّكَ تَرَى لَهُ ... حَزْمًا فِي لِسَانِهِ وَ إِيمَانًا فِي يَدَيْهِ وَ حِرْصًا فِي عِلْمِهِ وَ عِلْمًا فِي حِلْمِهِ؛ نهج البلاغة، ص ٣٠٣
٥-٤-٥-٦-١-٣- يَمْزُجُ الْحِلْمَ بِالْعِلْمِ

﴿٢٣٥٣﴾ أمير المؤمنين عليه السلام: فَالْمُتَّقُونَ ... يَمْزُجُ الْحِلْمَ بِالْعِلْمِ وَ الْقَوْلَ بِالْعَمَلِ؛ نهج البلاغة، ص ٣٠٣
٥-٤-٥-٦-٢- الصَّفْحُ عَنْ جَمِيعِ عَثَرَاتِ الْخُلُقِ وَ تَرْكُ ذِكْرِ خَطِيئَتِهِمْ

﴿٢٣٥٤﴾ الصادق عليه السلام: وَ الْمُتَوَرَّعُ يَحْتَاجُ إِلَى ثَلَاثَةِ أَصُولٍ الصَّفْحُ عَنْ عَثَرَاتِ الْخُلُقِ أَجْمَعِ وَ تَرْكُ خَطِيئَتِهِ فِيهِمْ وَ اسْتِوَاءُ الْمَدْحِ وَ الذَّمِّ؛ مستدرك الوسائل، ج ١١، ص ٢٧١
٥-٤-٥-٦-٣- الْعَفْوُ

٥-٤-٥-٦-٣-١- يَعْفُو عَنْ ظُلْمِهِ

﴿٢٣٥٥﴾ أمير المؤمنين عليه السلام: فَالْمُتَّقُونَ ... يَعْفُو عَنْ ظُلْمِهِ وَ يُعْطِي مَنْ حَرَمَهُ وَ يَصِلُ مَنْ قَطَعَهُ؛ نهج البلاغة، ص ٣٠٣

«نشانه‌های پرهیزکاران / در مقابل مردم»

﴿۲۳۴۸﴾ از خدا بترسید و خود را به سبب ترک تقیه و تقصیر در ادای حقوق برادران خود، دچار دشمنی با خدا نکنید.

۵-۴-۵-۲ ادای حقوق برادران

﴿۲۳۴۹﴾ رسیدگی به حقوق برادران مؤمن از باسرف‌ترین کارهای متّقین است که موجب جلب محبّت ملائکه‌ی مقرب و اشتیاق حورالعین به صاحب آن عمل می‌شود.

۵-۴-۶-۶ بردباری، چشم‌پوشی، عفو، گذشت

۵-۴-۶-۱ بردباری

﴿۲۳۵۰﴾ پرهیزکاران ... به هنگام روز، بردباران و دانشمندان و نیکوکاران و پرهیزکاران هستند.

۵-۴-۶-۱-۱ گسترش بردباری

﴿۲۳۵۱﴾ اهل تقوا علائم و نشانه‌هایی دارند که به آن شناخته می‌شوند؛ از جمله: ... حلم و بردباری فراوان.

۵-۴-۶-۱-۲ دانش در بردباری است

﴿۲۳۵۲﴾ پرهیزکاران ... از نشانه‌های دیگرشان آن است که هر کدام را دارای ... دوراندیشی در نرمی، ایمان همراه با یقین، حرص در دانش، علم با بردباری مشاهده می‌کنی.

۵-۴-۶-۱-۳ بردباری را با دانش می‌آمیزد

﴿۲۳۵۳﴾ پرهیزکاران ... بردباری را با دانش، و گفتار را با عمل می‌آمیزد.

۵-۴-۶-۲ چشم‌پوشی از لغزش‌های همه‌ی آفریدگان و ترک غیبت ایشان

﴿۲۳۵۴﴾ صاحب ورع، به سه اصل محتاج است: اوّل آنکه از آزارهای مردم اعراض کند و متعرّض ایشان نشود. دوّم آنکه در افشای حال مردم نباشد و غیبت ایشان نکند. سوّم آنکه مدح و ذمّ مردم نسبت به او مساوی باشد، نه از مدح کسی خرسند شود و نه از ذمّ کسی دلگیر.

۵-۴-۶-۳ عفو

۵-۴-۶-۳-۱ آن که را به او ظلم می‌بخشد

﴿۲۳۵۵﴾ پرهیزکاران ... از کسی که بر او ستم کرده می‌گذرد، به آن که او را محروم نموده، عطا کند، و با کسی که با او قطع رحم نموده صله‌ی رحم می‌نماید.

﴿عَلَامَاتُ الْمُتَّقِينَ وَ مَصَادِيقُ التَّقْوَى / تَجَاهُ النَّاسِ﴾

٢-٣-٤-٥- العَفْوُ عِنْدَ الْقُدْرَةِ

﴿٢٣٥٦﴾ الصَّادِقُ عليه السلام: العَفْوُ عِنْدَ الْقُدْرَةِ مِنْ سُنَنِ الْمُرْسَلِينَ وَالْمُتَّقِينَ؛ بحار الأنوار، ج ٤٨، ص ٤٢٣

﴿٢٣٥٧﴾ الصَّادِقُ عليه السلام: العَفْوُ عِنْدَ الْقُدْرَةِ مِنْ سُنَنِ الْمُرْسَلِينَ وَ أَسْرَارِ الْمُتَّقِينَ؛

مستدرک الوسائل، ج ٩، ص ٥

٧-٤-٥- الْحَيَاءُ، الْإِتْقَانُ،

١-٧-٤-٥- الْحَيَاءُ

﴿٢٣٥٨﴾ أمير المؤمنين عليه السلام: مَنْ قَلَّ حَيَاؤُهُ قَلَّ وَرَعُهُ؛ بحار الأنوار، ج ٤٨، ص ٢٩١

٢-٧-٤-٥- الْإِتْقَانُ مِنَ النَّاسِ

﴿٢٣٥٩﴾ العسكري عليه السلام: مَنْ لَمْ يَتَّقِ وَجْهَ النَّاسِ لَمْ يَتَّقِ اللَّهَ؛ بحار الأنوار، ج ٤٨، ص ٣٣٦

٨-٤-٥- التَّذَكُّيرُ

﴿٢٣٦٠﴾ الباقر عليه السلام: وَاعْلَمْ يَا جَابِرُ أَنَّ أَهْلَ التَّقْوَى ... إِنْ نَسِيتَ ذِكْرُوكَ؛ الكافي، ج ٢، ص ١٣٢

﴿٢٣٦١﴾ الباقر عليه السلام: أَنَّ أَهْلَ التَّقْوَى ... إِنْ نَسِيتَ الْخَيْرَ ذَكَّرُوكَ؛ بحار الأنوار، ج ٧٥، ص ١٦٥

٩-٤-٥- الرَّحْمَةُ وَاللِّينَةُ

١-٩-٤-٥- دُنُوهُ مِمَّنْ دَنَا مِنْهُ لَيْنٌ وَرَحْمَةٌ

﴿٢٣٦٢﴾ أمير المؤمنين عليه السلام: فَالْمُتَّقُونَ ... بَعْدَهُ عَمَّنْ تَبَاعَدَ عَنْهُ زُهْدٌ وَنَزَاهَةٌ وَدُنُوهُ مِمَّنْ دَنَا

مِنْهُ لَيْنٌ وَرَحْمَةٌ لَيْسَ تَبَاعَدُهُ بِكَبِيرٍ وَعَظَمَةٌ وَلَا دُنُوهُ بِمَكْرٍ وَخَدِيعَةٍ؛ نهج البلاغة، ص ٣٠٣

٢-٩-٤-٥- رَحْمَةُ الضُّعَفَاءِ

﴿٢٣٦٣﴾ أمير المؤمنين عليه السلام: إِنْ لَأَهْلُ التَّقْوَى عَلَامَاتٌ يُعْرِفُونَ بِهَا ... رَحْمَةُ الضُّعَفَاءِ؛

بحار الأنوار، ج ٤٧، ص ٢٨٢

٣-٩-٤-٥- اللِّينَةُ

﴿٢٣٦٤﴾ أمير المؤمنين عليه السلام: فَالْمُتَّقُونَ ... بَعْدَهُ عَمَّنْ تَبَاعَدَ عَنْهُ زُهْدٌ وَنَزَاهَةٌ وَدُنُوهُ مِمَّنْ دَنَا

مِنْهُ لَيْنٌ وَرَحْمَةٌ لَيْسَ تَبَاعَدُهُ بِكَبِيرٍ وَعَظَمَةٌ وَلَا دُنُوهُ بِمَكْرٍ وَخَدِيعَةٍ؛ نهج البلاغة، ص ٣٠٣

١٠-٤-٥- السَّخَاوَةُ

﴿٢٣٦٥﴾ أمير المؤمنين عليه السلام: إِنْ أَلْأَقْبِيَاءَ كُلُّ سَخِيٍّ مُتَعَفِّفٍ مُحْسِنٍ؛ غرر الحكم، ص ٢٧٣

﴿٧٤٢﴾

«نشانه‌های پرهیزکاران / در مقابل مردم»

۲-۳-۴-۵- عفو در عین قدرت

«۲۳۵۶» عفو و گذشت در حال قدرت و توانایی، از روش و سیره‌ی پیامبران و اهل تقواست.

«۲۳۵۷» بخشیدن در هنگام قدرت، از سنت‌های پیامبران و از اسرار متقیان است.

۷-۴-۵- شرم

۱-۷-۴-۵- شرم

«۲۳۵۸» کسی که حیایش کم باشد پرهیزکاری‌اش کم است.

۲-۷-۴-۵- حیا کردن از مردم

«۲۳۵۹» کسی که از مردم نپرهیزد و حیا نکند، تقوای خداوند را ندارد.

۸-۴-۵- یادآوری به دیگران

«۲۳۶۰» آگاه باش ای جابر! اگر فراموش کنی پرهیزکاران یادآور می‌شوند.

«۲۳۶۱» پرهیزکاران ... اگر کار خیری را فراموش کنی به یاد می‌آورند.

۹-۴-۵- مهربانی و نرمی

۱-۹-۴-۵- نزدیک شدنش با نرمی و مهربانی است

«۲۳۶۲» پرهیزکاران ... دوری‌اش از آن که دوری می‌کند محض زهد و پاک‌ماندن، و نزدیکی‌اش به آن که نزدیک می‌شود به خاطر نرمی و رحمت است، دوری‌اش از راه تکبر و خودخواهی، و نزدیکی‌اش از باب مکر و فریب نیست.

۲-۹-۴-۵- مهربانی به ضعیفان

«۲۳۶۳» اهل تقوا علائمی و نشانه‌هایی دارند که به آن شناخته می‌شوند؛ از جمله: مهربانی و محبت به ضعیفان.

۳-۹-۴-۵- نرمی

«۲۳۶۴» پرهیزکاران ... دوری‌اش از آن که دوری می‌کند محض زهد و پاک‌ماندن، و نزدیکی‌اش به آن که نزدیک می‌شود به خاطر نرمی و رحمت است، دوری‌اش از راه تکبر و خودخواهی، و نزدیکی‌اش از باب مکر و فریب نیست.

۱۰-۴-۵- سخاوت

«۲۳۶۵» هر بخشنده‌ی پاک‌دامن و نیکوکاری از اهل تقواست.

﴿عَلَامَاتُ الْمُتَّقِينَ وَ مَصَادِيقُ التَّقْوَى / تَجَاهُ النَّاسِ﴾

١-١٠-٤-٥- الإِعْطَاءُ لِمَنْ حَرَمَهُ

﴿٢٣٦٦﴾ أمير المؤمنين عليه السلام: فَأَلْمُتَّقُونَ ... يَغْفُو عَنْ ظَلَمِهِ وَيُعْطِي مَنْ حَرَمَهُ وَيَصِلُ مَنْ

قَطَعَهُ؛ نهج البلاغة، ص ٣٠٣

٢-١٠-٤-٥- السَّمَا حَةُ

﴿٢٣٦٧﴾ أمير المؤمنين عليه السلام: أَوْرَعَكُمْ أَسْمَحُكُمْ؛ غرر الحكم، ص ٢٦٩

٣-١٠-٤-٥- الإِنْفَاقُ

﴿٢٣٦٨﴾ لَيْسَ الْبِرَّ أَنْ تُولُوا وَجُوهَكُمْ قِبَلَ الْمَشْرِقِ وَالْمَغْرِبِ وَلَكِنَّ الْبِرَّ مَنْ آمَنَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ
الْآخِرِ وَالْمَلَائِكَةِ وَالْكِتَابِ وَالنَّبِيِّينَ وَآتَى الْمَالَ عَلَى حُبِّهِ ذَوِي الْقُرْبَى وَالْيَتَامَى وَالْمَسَاكِينَ وَ
ابْنَ السَّبِيلِ وَالسَّائِلِينَ وَفِي الرِّقَابِ وَأَقَامَ الصَّلَاةَ وَآتَى الزَّكَاةَ وَالْمُوفُونَ بِعَهْدِهِمْ إِذَا عَاهَدُوا وَ
الصَّابِرِينَ فِي الْبَأْسَاءِ وَالضَّرَاءِ وَحِينَ الْبَأْسِ أُولَئِكَ الَّذِينَ صَدَقُوا وَأُولَئِكَ هُمُ الْمُتَّقُونَ؛ البقرة

١٧٧

٣-١٠-٤-٥- هَانَ عَلَيْهِ الْإِنْفَاقُ فِيمَا أَمَرَهُ اللَّهُ تَعَالَى أَنْ يُنْفِقَ فِيهِ

﴿٢٣٦٩﴾ الصَّادِق عليه السلام: [قَالَ غُنَوَانُ الْبَصْرِيُّ] قُلْتُ يَا أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام مَا حَقِيقَةُ الْعُبُودِيَّةِ قَالَ
ثَلَاثَةُ أَشْيَاءَ أَنْ لَا يَرَى الْعَبْدُ لِنَفْسِهِ فِيمَا خَوَّلَهُ اللَّهُ مِلْكَاً لِأَنَّ الْعَبِيدَ لَا يَكُونُ لَهُمْ مَلِكٌ يَرُونَ
أَلْمَالَ مَالِ اللَّهِ يَضَعُونَهُ حَيْثُ أَمَرَهُمُ اللَّهُ بِهِ ... فَإِذَا لَمْ يَرَ الْعَبْدُ لِنَفْسِهِ فِيمَا خَوَّلَهُ اللَّهُ تَعَالَى مِلْكَاً
هَانَ عَلَيْهِ الْإِنْفَاقُ فِيمَا أَمَرَهُ اللَّهُ تَعَالَى أَنْ يُنْفِقَ فِيهِ ... فَهَذَا أَوَّلُ دَرَجَةِ التَّقَى؛ بحار الأنوار، ج ١،

ص ٢٢٦

١١-٤-٥- الصَّدَقُ

١-١١-٤-٥- الصَّدَقُ حَيَاةُ التَّقْوَى

﴿٢٣٧٠﴾ أمير المؤمنين عليه السلام: الصَّدَقُ حَيَاةُ التَّقْوَى؛ غرر الحكم، ص ٢١٨

٢-١١-٤-٥- الَّذِي جَاءَ بِالصَّدَقِ وَصَدَّقَ بِهِ

﴿٢٣٧١﴾ وَالَّذِي جَاءَ بِالصَّدَقِ وَصَدَّقَ بِهِ أُولَئِكَ هُمُ الْمُتَّقُونَ؛ الزمر ٣٣

﴿٢٣٧٢﴾ الباقر عليه السلام: فِي قَوْلِهِ تَعَالَى وَالَّذِي جَاءَ بِالصَّدَقِ وَصَدَّقَ بِهِ أُولَئِكَ هُمُ الْمُتَّقُونَ قَالُوا

هُوَ عَلَى عليه السلام؛ بحار الأنوار، ج ٣٥، ص ٤٠٧

«نشانه‌های پرهیزکاران / در مقابل مردم»

۱-۱۰-۴-۵- بخشش به آن که او را محروم کرده

﴿۲۳۶۶﴾ پرهیزکاران ... از کسی که بر او ستم کرده می‌گذرد، به آن که او را محروم نموده، عطا کند، و با کسی که با او قطع رحم نموده صله‌ی رحم می‌نماید.

۲-۱۰-۴-۵- سخاوت

﴿۲۳۶۷﴾ با ورع‌ترین شما، بخشنده‌ترین شماست.

۳-۱۰-۴-۵- انفاق

﴿۲۳۶۸﴾ نیکی، (تنها) این نیست که (به هنگام نماز، روی خود را به سوی مشرق و (یا) مغرب کنید (و تمام گفتگوی شما، در باره قبله و تغییر آن باشد و همه وقت خود را مصروف آن سازید) بلکه نیکی (و نیکوکار) کسی است که به خدا، و روز رستاخیز، و فرشتگان، و کتاب (آسمانی)، و پیامبران، ایمان آورده و مال (خود) را، با همه علاقه‌ای که به آن دارد، به خویشاوندان و یتیمان و مسکینان و واماندگان در راه و سائلان و بردگان، انفاق می‌کند نماز را برپا می‌دارد و زکات را می‌پردازد و (همچنین) کسانی که به عهد خود - به هنگامی که عهد بستند - وفا می‌کنند و در برابر محرومیت‌ها و بیماری‌ها و در میدان جنگ، استقامت به خرج می‌دهند این‌ها کسانی هستند که راست می‌گویند و (گفتارشان با اعتقادشان هماهنگ است) و این‌ها هستند پرهیزکاران!

۱-۱۰-۴-۵- انفاق در جایی که خداوند فرمان داده است بر او آسان می‌آید

﴿۲۳۶۹﴾ [عنوان بصری گوید:] عرض کردم: «حقیقت عبودیت و بندگی چیست؟» فرمود: «سه چیز است. اوّل اینکه ملک و مال را که خدا به او داده از خود نداند، چون بنده مالک چیزی نیست، مال را مال خدا دانسته و به دستور او مصرف می‌کنند ... با داشتن شرط اوّل، انفاق در آنچه خدا فرموده است بر او آسان می‌گردد. و این اوّلین درجه‌ی تقوا است.

۱۱-۴-۵- راستی

۱-۱۱-۴-۵- راستی مایه‌ی زندگی پرهیزکاری است

﴿۲۳۷۰﴾ حیات و زندگی تقوا به راستی و صدق است.

۲-۱۱-۴-۵- آن که سخن راست بیاورد و کسی که آن را تصدیق کند

﴿۲۳۷۱﴾ اما کسی که سخن راست بیاورد و کسی که آن را تصدیق کند، آنان پرهیزکارانند!

﴿۲۳۷۲﴾ در باب مصداق آیه‌ی: «اما کسی که سخن راست بیاورد و کسی که آن را تصدیق

کند، آنان پرهیزکارانند!»؛ فرمود: «علی عليه السلام است».

﴿عَلَامَاتُ الْمُتَّقِينَ وَ مَصَادِيقُ التَّقْوَى / تَجَاهُ النَّاسِ﴾

٣-١١-٥- الَّذِينَ صَدَقُوا

﴿٢٣٧٣﴾ لَيْسَ الْبِرَّ أَنْ تُوَلُّوا وُجُوهَكُمْ قِبَلَ الْمَشْرِقِ وَالْمَغْرِبِ وَلَكِنَّ الْبِرَّ مَنْ آمَنَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ
الْآخِرِ وَالْمَلَائِكَةِ وَالْكِتَابِ وَالنَّبِيِّينَ وَآتَى الْمَالَ عَلَى حُبِّهِ ذَوِي الْقُرْبَى وَالْيَتَامَى وَالْمَسَاكِينَ وَ
ابْنَ السَّبِيلِ وَالسَّائِلِينَ وَفِي الرِّقَابِ وَأَقَامَ الصَّلَاةَ وَآتَى الزَّكَاةَ وَالْمُوفُونَ بِعَهْدِهِمْ إِذَا عَاهَدُوا وَ
الصَّابِرِينَ فِي الْبَأْسَاءِ وَالضَّرَاءِ وَحِينَ الْبَأْسِ أُولَئِكَ الَّذِينَ صَدَقُوا وَأُولَئِكَ هُمُ الْمُتَّقُونَ؛ البقرة
١٧٧

٤-١١-٥- صِدْقُ الْحَدِيثِ

﴿٢٣٧٤﴾ أمير المؤمنين عليه السلام: إِنَّ لَأَهْلِ التَّقْوَى عَلَامَاتٍ يُعْرِفُونَ بِهَا صِدْقَ الْحَدِيثِ وَ..؛

بحار الأنوار، ج ٦٧، ص ٢٨٢

٥-١١-٥- صِدْقُ الْمُقَاوَلَةِ

﴿٢٣٧٥﴾ الصَّادِق عليه السلام: أَصْلُ الْوَرَعِ دَوَامُ الْمَحَاسَبَةِ وَ صِدْقُ الْمُقَاوَلَةِ؛ بحار الأنوار، ج ٦٧، ص ٣٠٧

١٢-٤-٥- إِصْلَاحُ ذَاتِ الْبَيْنِ

﴿٢٣٧٦﴾ يَسْأَلُونَكَ عَنِ الْأَنْفَالِ قُلِ الْأَنْفَالُ لِلَّهِ وَالرَّسُولِ فَاتَّقُوا اللَّهَ وَأَصْلِحُوا ذَاتَ بَيْنِكُمْ وَأَطِيعُوا
اللَّهَ وَرَسُولَهُ إِنْ كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ؛ الأنفال ١

﴿٢٣٧٧﴾ أمير المؤمنين عليه السلام: فَاتَّقُوا اللَّهَ يَا أَيُّهَا النَّاسُ وَأَصْلِحُوا ذَاتَ بَيْنِكُمْ وَ احْفَظُونِي فِي

أَهْلِي؛ صحيفة الرضا عليه السلام، ص ٨٣

١٣-٤-٥- الْإِعَانَةُ

١-١٣-٥- مَعُونَتُهُمْ كَثِيرَةٌ

﴿٢٣٧٨﴾ الصَّادِق عليه السلام: إِنَّ أَهْلَ التَّقْوَى أَخَفُّ أَهْلَ الدُّنْيَا مَعُونَةً وَ أَكْثَرُهُمْ مَعُونَةً إِنْ نَسِيتَ

ذَكَرُوكَ وَ إِنْ ذَكَرُوكَ أَعْلَمُوكَ؛ بحار الأنوار، ج ٧٥، ص ٢٦٢

٢-١٣-٥- الْإِعَانَةُ بِالْخَيْرِ

﴿٢٣٧٩﴾ الباقر عليه السلام: أَنَّ أَهْلَ التَّقْوَى إِنْ نَسِيتَ الْخَيْرَ ذَكَرُوكَ وَ إِنْ عَمِلْتَ بِهِ أَعَانُوكَ؛

بحار الأنوار، ج ٧٥، ص ١٦٥

١٤-٤-٥- التَّوْقِيرُ

«نشانه‌های پرهیزکاران / در مقابل مردم»

۳-۱۱-۴-۵- آنان که راست گویند

﴿۲۳۷۳﴾ نیکی، (تنها) این نیست که (به هنگام نماز،) رویِ خود را به سوی مشرق و (یا) مغرب کنید (و تمام گفتگوی شما، در باره قیله و تغییر آن باشد و همه‌ی وقت خود را مصروف آن سازید) بلکه نیکی (و نیکوکار) کسی است که به خدا، و روز رستاخیز، و فرشتگان، و کتاب (آسمانی)، و پیامبران، ایمان آورده و مال (خود) را، با همه‌ی علاقه‌ای که به آن دارد، به خویشاوندان و یتیمان و مسکینان و واماندگان در راه و سائلان و بردگان، انفاق می‌کند نماز را برپا می‌دارد و زکات را می‌پردازد و (همچنین) کسانی که به عهد خود - به هنگامی که عهد بستند - وفا می‌کنند و در برابر محرومیت‌ها و بیماری‌ها و در میدان جنگ، استقامت به خرج می‌دهند این‌ها کسانی هستند که راست می‌گویند و (گفتارشان با اعتقادشان هماهنگ است) و این‌ها هستند پرهیزکاران!

۴-۱۱-۴-۵- راستی در گفتار

﴿۲۳۷۴﴾ اهل تقوا علائم و نشانه‌هایی دارند که به آن شناخته می‌شوند از جمله: راستی در گفتار.

۵-۱۱-۴-۵- راستی در گفتار

﴿۲۳۷۵﴾ اصل و پایه‌ی تقوا و شیوه پرهیزکاری مداومت بر محاسبه‌ی نفس و راستی در گفتار است.

۱۲-۴-۵- آشتی برقرار کردن

﴿۲۳۷۶﴾ از تو درباره‌ی انفال [غنائیم، و هر گونه مال بدون مالک مشخص] سؤال می‌کنند بگو: «انفال مخصوص خدا و پیامبر است پس، از (مخالفت فرمان) خدا بپرهیزید! و خصومت‌هایی را که در میان شماست، آشتی دهید! و خدا و پیامبرش را اطاعت کنید اگر ایمان دارید!» ﴿۲۳۷۷﴾ ای مردم! تقوا پیشه کنید و به اصلاح امور بین خودتان بپردازید و حرمت مرا در خانواده‌ام حفظ کنید.

۱۳-۴-۵- یاری

۱-۱۳-۴-۵- سودشان بسیار است

﴿۲۳۷۸﴾ تقوای پیشگان و خداترسان کم‌خرج‌ترین اهل دنیا و پرسودترین ایشانند، اگر از یاد بری به یادت می‌آورند و از آن پس تو را آگاه می‌سازند.

۲-۱۳-۴-۵- یاری در انجام کار خیر

﴿۲۳۷۹﴾ پرهیزکاران ... اگر کار خیری را فراموش کنی به یادت می‌آورند، و چون آن را انجام دهی یاری‌ات می‌کنند.

﴿عَلَامَاتُ الْمُتَّقِينَ وَ مَصَادِيقُ التَّقْوَى / تَجَاهُ النَّاسِ﴾

﴿٢٣٨٠﴾ الرَّسُولُ ﷺ: التَّقْوَى إِجْلَالُ اللَّهِ وَ تَوْقِيرُ الْمُؤْمِنِينَ؛ مستدرک الوسائل، ج ١١، ص ٢٦٧
 ١٥-٤-٥- تَجَاهُ الْوَالِدَيْنِ، الزَّوْجَةِ، الْأَرْحَامِ، الضَّيْفِ
 ١-١٥-٤-٥- بَرُّ الْوَالِدَيْنِ

﴿٢٣٨١﴾ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ ﷺ: فَاتَّقُوا اللَّهَ وَ لَا تَعْصُوا الْوَالِدَيْنِ؛ الكافي، ج ١، ص ٤٢٨
 ٢-١٥-٤-٥- الْوَصِيَّةُ لِلْوَالِدَيْنِ وَ الْأَقْرَبِينَ بِالْمَعْرُوفِ

﴿٢٣٨٢﴾ كُتِبَ عَلَيْكُمْ إِذَا حَضَرَ أَحَدَكُمُ الْمَوْتُ إِنْ تَرَكَ خَيْرًا الْوَصِيَّةُ لِلْوَالِدَيْنِ وَ الْأَقْرَبِينَ بِالْمَعْرُوفِ حَقًّا عَلَى الْمُتَّقِينَ؛ البقرة ١٨٠
 ٣-١٥-٤-٥- تَكْرِيمُ الزَّوْجَةِ

﴿٢٣٨٣﴾ الْحَسَنُ ﷺ: جَاءَ رَجُلٌ إِلَى الْحَسَنِ ﷺ يَسْتَشِيرُهُ فِي تَزْوِيجِ ابْنَتِهِ فَقَالَ زَوْجُهَا مِنْ رَجُلٍ تَقَى فَإِنَّهُ إِنْ أَحَبَّهَا أَكْرَمَهَا وَ إِنْ أَبْغَضَهَا لَمْ يَظْلِمَهَا؛ مكارم الأخلاق، ص ٢٠٤
 ٤-١٥-٤-٥- لِلْمُطَلَّقاتِ مَتَاعٌ بِالْمَعْرُوفِ

﴿٢٣٨٤﴾ وَ لِلْمُطَلَّقاتِ مَتَاعٌ بِالْمَعْرُوفِ حَقًّا عَلَى الْمُتَّقِينَ؛ البقرة ٢٤١
 ٥-١٥-٤-٥- صِلَةُ الْأَرْحَامِ

﴿٢٣٨٥﴾ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ ﷺ: إِنْ لَأَهْلُ التَّقْوَى عَلَامَاتٌ يُعْرَفُونَ بِهَا ... صِلَةُ الْأَرْحَامِ؛ بحار الأنوار، ج ٦٧، ص ٢٨٢

﴿٢٣٨٦﴾ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ ﷺ: فَالْمُتَّقُونَ ... يَعْفُو عَمَّنْ ظَلَمَهُ وَ يُعْطِي مَن حَرَمَهُ وَ يَصِلُ مَن قَطَعَهُ؛ نهج البلاغة، ص ٣٠٣

﴿٢٣٨٧﴾ الرضا ﷺ: فَمَنْ لَمْ يَصِلْ رَحِمَهُ لَمْ يَتَّقِ اللَّهَ؛ وسائل الشيعة، ج ٩، ص ٢٥

﴿٢٣٨٨﴾ الرَّسُولُ ﷺ: فَلْيَتَّقِ اللَّهَ وَ لْيَصِلْ رَحِمَهُ؛ الكافي، ج ٢، ص ١٥٢

﴿٢٣٨٩﴾ الرَّسُولُ ﷺ: فَاتَّقُوا اللَّهَ وَ ارْجِعُوا عَمَّا أَنْتُمْ عَلَيْهِ مِنَ الظُّلْمِ وَ الْجَوْرِ وَ قَطِيعَةِ الرَّحِمِ؛

بحار الأنوار، ج ١٩، ص ٣

﴿٢٣٩٠﴾ الرضا ﷺ: إِنْ اللَّهَ أَمَرَ بِثَلَاثَةِ مَقْرُونٍ بِهَا ثَلَاثَةُ أُخْرَى أَمَرَ بِالصَّلَاةِ وَ الزَّكَاةِ فَمَنْ صَلَّى وَ لَمْ يَزَكْ لَمْ تُقْبَلْ مِنْهُ صَلَاتُهُ وَ أَمَرَ بِالشُّكْرِ لَهُ وَ لِلْوَالِدَيْنِ فَمَنْ لَمْ يَشْكُرْ وَ الْدِيَّةَ لَمْ يَشْكُرِ اللَّهَ وَ أَمَرَ بِاتِّقَاءِ اللَّهِ وَ صِلَةِ الرَّحِمِ فَمَنْ لَمْ يَصِلْ رَحِمَهُ لَمْ يَتَّقِ اللَّهَ؛ وسائل الشيعة، ج ٩، ص ٢٥
 ﴿٧٤٨﴾

«نشانه‌های پرهیزکاران / در مقابل مردم»

۱۴-۵-۴-۱ احترام گذاشتن

﴿۲۳۸۰﴾ تقوا موجب گرامی‌داشتن خدا [و بزرگ‌دانستن او] و احترام گذاشتن به مؤمنان است.

۱۵-۵-۴-۲ در مقابل پدر و مادر، همسر، خویشاوندان، میهمان

۱-۱۵-۵-۴-۱ نیکی به پدر و مادر

﴿۲۳۸۱﴾ از خدا پروا کنید و نافرمانی پدر و مادر را نکنید.

۲-۱۵-۵-۴-۲ وصیت کردن به نیکی برای پدر و مادر و نزدیکان

﴿۲۳۸۲﴾ بر شما نوشته شده: «هنگامی که یکی از شما را مرگ فرا رسد، اگر چیز خوبی [مالی] از خود به جای گذارده، برای پدر و مادر و نزدیکان، به طور شایسته وصیت کند! این حقی است بر پرهیزکاران!»

۳-۱۵-۵-۴ احترام به همسر

﴿۲۳۸۳﴾ مردی نزد امام حسن علیه السلام آمد و در مورد ازدواج دخترش از ایشان مشورت خواست. فرمود: «او را به ازدواج مردی با تقوا دریاور که چنین فردی اگر دختری را دوست داشته باشد، گرامی‌اش می‌دارد اما اگر از او بدش بیاید، به خاطر صفت تقوایش به دختری ظلم نمی‌کند».

۴-۱۵-۵-۴ برای زنان مطلقه، هدیه‌ی مناسبی دارند

﴿۲۳۸۴﴾ و برای زنان مطلقه، هدیه‌ی مناسبی لازم است (که از طرف شوهر، پرداخت گردد). این، حقی است بر مردان پرهیزکار.

۵-۱۵-۵-۴ صله‌ی رحم

﴿۲۳۸۵﴾ اهل تقوا علائم و نشانه‌هایی دارند که به آن شناخته می‌شوند؛ از جمله: رسیدگی به حال خویشاوندان.

﴿۲۳۸۶﴾ پرهیزکاران ... از کسی که بر او ستم کرده می‌گذرد، به آن‌که او را محروم نموده، عطا کند، و با کسی که با او قطع رحم نموده صله‌ی رحم می‌نماید.

﴿۲۳۸۷﴾ پس هرکس صله‌ی رحم نکند، تقوای خدای متعال را ندارد.

﴿۲۳۸۸﴾ باید از خدا بترسند و صله‌ی رحم کنند.

﴿۲۳۸۹﴾ از ظلم و عناد و لجاجت و قطع رحم دست بردارید و از خداوند بترسید.

﴿۲۳۹۰﴾ همانا خدای بلندمرتبه به سه چیز فرمان داده که سه چیز دیگر مقرون و همراه آن است:

به نماز و زکات امر کرده؛ پس هرکه نماز بخواند و زکات ندهد، نمازش پذیرفته نمی‌شود؛ و به شکر خودش به همراه شکر والدین امر کرده؛ پس هرکس که شکر والدین نکند، شکر خدا را نکرده است؛ و به تقوای خدا و صله‌ی رحم امر کرده؛ پس هرکس صله‌ی رحم نکند، تقوای خدای متعال را ندارد.

«نشانه‌های پرهیزکاران / در مقابل مردم»

۵-۴-۱۵-۶- میهمان‌نوازی

﴿۲۳۹۱﴾ فقط مؤمن پرهیزکار از مهمان‌پذیری می‌کند.

۵-۴-۱۶- در مقابل پادشاهان، مخالفان، منافقان و دنیازدگان

۵-۴-۱۶-۱- با زبان با پادشاهان می‌سازد ولی قلباً از آن‌ها می‌گریزد

﴿۲۳۹۲﴾ حذیفه گوید: از پیغمبر ﷺ شنیدم که می‌فرمود: «وای بر این امت از سلطه‌ای که پادشاهان ستمگر بر آن‌ها پیدا می‌کنند و آن‌ها را کشته و مؤمنین را به وحشت می‌اندازند. مگر کسی که فرمان آن‌ها را گردن نهد. شخص باایمان باتقوا به زبان با آن‌ها می‌سازد ولی قلباً از آنان می‌گریزد».

۵-۴-۱۶-۲- تقیه و پنهان‌داشتن

﴿۲۳۹۳﴾ خدایا! از تو برای شیعیانم ... تقیه اهل ورع و پرهیزکاری و پنهان‌کاری صدیقین را خواهیم تا از تو بترسند.
﴿۲۳۹۴﴾ از خدا بترسید و خود را به سبب ترک تقیه و تقصیر در ادای حقوق برادران خود، دچار دشمنی با خدا نکنید.

﴿۲۳۹۵﴾ باتقواترین شما کسی است که به تقیه عمل نماید.

۵-۴-۱۶-۳- منافق، ایشان را لال و کور و ابله می‌پندارد

﴿۲۳۹۶﴾ در اطراف زمین مؤمنانی وجود دارند... زیرکانی که منافق آنان را گنگ و کور و ابله می‌پندارد و در میان آن مردم، نه گنگی و نه کوری و نه ابله‌ی می‌باشد. به‌راستی که آنان زیرکانی شیوا، دانشمندانی بردبار، و فرزنانگانی پرهیزکارند.

۵-۴-۱۶-۴- اهل دنیا ایشان را بیمار می‌پندارند و درباره‌ی ایشان می‌گویند دیوانه‌اند

﴿۲۳۹۷﴾ پرهیزکاران ... بیم از حق جسمشان را چون تیر تراشیده لاغر کرده است. مردم آنان را می‌بینند به تصور اینکه بیمارند، ولی بیمار نیستند، و می‌گویند، دیوانه‌اند؛ درحالی‌که امری عظیم آنان را به این حال در آورده است.

۵-۴-۱۶-۵- با اهل دنیا در دنیایشان شرکت می‌کنند

﴿۲۳۹۸﴾ ای بندگان خدا، آگاه باشید! پرهیزکاران از دنیای زودگذر به سلامت گذشتند و آخرت جاودانه را گرفتند. با مردم دنیا در دنیایشان شریک گشتند، اما مردم دنیا در آخرت آن‌ها شرکت نکردند. پرهیزکاران در بهترین خانه‌های دنیا سکونت کردند و بهترین خوراک‌های دنیا را خوردند، و همان لذت‌هایی را چشیدند که دنیاداران چشیده بودند و از دنیا بهره گرفتند آن‌گونه که

﴿عَلَامَاتُ الْمُتَّقِينَ وَ مَصَادِيقُ التَّقْوَى / مِنْ صِفَاتِ الْمُتَّقِينَ﴾

أَخَذَتِ الْجَبَابِرَةُ الْمُتَكَبِّرُونَ ثُمَّ انْقَلَبُوا عَنْهَا بِالزَّادِ الْمُبَلَّغِ وَ الْمُتَجَرِّ الرَّابِعِ؛ بحار الأنوار، ج ٣٣.

ص ۵۸۱

﴿٢٣٩٩﴾ أمير المؤمنين عليه السلام: أَنَّ الْمُتَّقِينَ ... أَبَاحَهُمُ اللَّهُ فِي الدُّنْيَا مَا كَفَاهُمْ بِهِ وَقَالَ عَزَّ أَسْمُهُ قُلْ مَنْ حَرَّمَ زِينَةَ اللَّهِ الَّتِي أَخْرَجَ لِعِبَادِهِ وَ الطَّيِّبَاتِ مِنَ الرِّزْقِ قُلْ هِيَ لِلَّذِينَ آمَنُوا فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا خَالِصَةً يَوْمَ الْقِيَامَةِ كَذَلِكَ فَفَصَّلَ الْآيَاتِ لِقَوْمٍ يَعْلَمُونَ سَكَنُوا الدُّنْيَا بِأَفْضَلِ مَا سَكِنَتْ وَ أَكَلُوا بِأَفْضَلِ مَا أَكَلَتْ شَارَكُوا أَهْلَ الدُّنْيَا فِي دُنْيَاهُمْ فَأَكَلُوا مَعَهُمْ مِنْ طَيِّبَاتِ مَا يَأْكُلُونَ وَ شَرَبُوا مِنْ طَيِّبَاتِ مَا يَشْرَبُونَ وَ لَبَسُوا مِنْ أَفْضَلِ مَا يَلْبَسُونَ وَ سَكَنُوا مِنْ أَفْضَلِ مَا يَسْكُنُونَ وَ تَزَوَّجُوا مِنْ أَفْضَلِ مَا يَتَزَوَّجُونَ وَ رَكَبُوا مِنْ أَفْضَلِ مَا يَرْكَبُونَ أَصَابُوا لَذَّةَ الدُّنْيَا مَعَ أَهْلِ الدُّنْيَا وَ هُمْ غَدًا جِيرَانُ اللَّهِ؛ بحار الأنوار، ج ٤٧، ص ٤٤

٥-٤-١٦-٦- الإِسْتِغْنَاءُ، اسْتَوَاءُ الْمَدْحِ وَالذَّمِّ، تَصْغِيرُ مَا دُونَ الْخَالِقِ فِي أَنْفُسِهِمْ

١-٦-١٦-٤-٥-الإستغناء

﴿٢٤٠﴾ الْبَاقِرُ الْبَاقِرُ : وَاعْلَمَ يَا جَابِرُ أَنَّ أَهْلَ التَّقْوَى هُمُ الْغَنِيَاءُ أَغْنَاهُمْ الْقَلِيلُ مِنَ الدُّنْيَا

فَمَوْنَتُهُمْ يَسِيرَةٌ؛ بحار الأنوار، ج ٧٥، ص ١٦٥

٢-٦-١٦-٤-٥- استواءُ المَدَحِ وَالذَّمِّ

﴿٢٤٠١﴾ الصَّادِقُ (عليه السلام): وَ الْمُتَوَرَّعُ يَحْتَاجُ إِلَى ثَلَاثَةِ أَصُولٍ الصَّفَحَ عَنْ عَشْرَاتِ الْخَلْقِ أَجْمَعَ وَ

تَرْكِ خَطِيئَتِهِ فِيهِمْ وَاسْتِوَاءِ الْمَدْحِ وَالذَّمِّ؛ مستدرک الوسائل، ج ۱۱، ص ۲۷۱

٣-٦-١٦-٤-٥- استِصْغَارُ دُونِ الْخَالِقِ

﴿٢٤٠٢﴾ أمير المؤمنين (عليه السلام): فَأَلْثَمْتُهُمْ ... عَظَّمَ الْخَالِقُ فِي أَنْفُسِهِمْ فَصَغُرَ مَا دُونَهُ فِي أَعْيُنِهِمْ؛

نهج البلاغة، ص ٣٠٣

٥-٥- من صفات المتقين

١-٥-٥- كَأَنَّهُ يَرَى اللَّهَ وَالْجَنَّةَ وَالنَّارَ، قَلْبُهُ وَعَقْلُهُ مُعَايِنُ الْآخِرَةِ، لَمْ تَسْتَقِرَّ أَرْوَاحُهُمْ فِي

أَجْسَادِهِمْ

«نشانه‌های پرهیزکاران / از صفات پرهیزکاران»

سرکشان و متکبران دنیا بهره‌مند بودند. سپس از این جهان با زاد و توشه‌ی فراوان، و تجارتی پر سود، به‌سوی آخرت شتافتند. لذت پرهیزکاری در ترک حرام دنیا را چشیدند.

﴿۲۳۹۹﴾ خداوند برای افراد با تقوا ... مقداری که کفایت زندگی آنان را بنماید مباح و مجاز دانسته و فرموده است: «بگو: چه کسی زینت‌های الهی را که برای بندگان خود آفریده، و روزی‌های پاکیزه را حرام کرده است؟ این‌ها در زندگی دنیا، برای کسانی است که ایمان آورده‌اند [اگر چه دیگران نیز با آن‌ها مشارکت دارند ولی] در قیامت، خالص [برای مؤمنان] خواهد بود. این گونه آیات [خود] را برای کسانی که آگاهند، شرح می‌دهیم». آنان (اهل تقوا) از منازل و خانه‌های خوب و همچنین از خوردنی‌های خوب بهره‌مند هستند و با اهل دنیا در دنیای آن‌ها شریک و برابرند، از پاک‌ترین غذاهایی که آن‌ها می‌خورند اینان هم می‌خورند و آشامیدنی‌های پاک را می‌آشامند. بهترین لباس‌ها را می‌پوشند، در بهترین خانه‌ها سکونت می‌نمایند، با بهترین همسرها ازدواج می‌کنند و از بهترین وسیله سواری استفاده می‌نمایند. خلاصه در استفاده از لذایذ دنیوی با اهل دنیا همراه و همگام هستند و در عین حال در فردای قیامت آنان در جوار رحمت و همسایه خدا هستند.

۱۶-۴-۵- بی‌نیازی، برابری مدح و ذمّ مردم، کوچک‌دانستن غیر خدا

۱-۱۶-۴-۵- بی‌نیازی

﴿۲۴۰۰﴾ ای جابر! بدان که بدون هیچ شکی پرهیزکاران همان توانگرانند، که اندک از دنیا بی‌نیازشان ساخته، و هزینه و خرجشان ناچیز است.

۲-۱۶-۴-۵- برابری مدح و ذمّ مردم

﴿۲۴۰۱﴾ صاحب ورع، به سه اصل محتاج است: اوّل آنکه از آزارهای مردم اعراض کند و متعرّض ایشان نشود. دوّم آنکه در افشای حال مردم نباشد و غیبت ایشان نکند. سوّم آنکه مدح و ذمّ مردم نسبت به او مساوی باشد، نه از مدح کسی خرسند شود و نه از ذمّ کسی دلگیر.

۳-۱۶-۴-۵- کوچک‌دانستن غیر خدا

﴿۲۴۰۲﴾ پرهیزکاران ... خداوند نزدشان بزرگ و غیر او در دیدگان‌شان کوچک است.

۵-۵- از صفات پرهیزکاران

۱-۵-۵- گویا خدا و بهشت و جهنّم را می‌بیند، قلب و عقلش آخرت را می‌بیند، روحشان در جسمشان آرام نمی‌گیرد

﴿عَلَامَاتُ الْمُتَّقِينَ وَ مَصَادِيقُ التَّقْوَى / مِنْ صِفَاتِ الْمُتَّقِينَ﴾

١-٥-٥-١- كَانَهُ يَرَى اللَّهَ

﴿٢٤٠٣﴾ الرَّسُولُ ﷺ: وَأَمَّا عَلَامَةُ التَّقِيِّ فَسِتَّةٌ يَخَافُ اللَّهَ وَيَحْذَرُ بَطْشَهُ وَيُمْسِي وَيُصْبِحُ كَأَنَّهُ يَرَاهُ لَا نَهْمُهُ الدُّنْيَا وَلَا يَعْظُمُ عَلَيْهِ مِنْهَا شَيْءٌ لِحُسْنِ خُلُقِهِ؛ بحار الأنوار، ج ١، ص ١٢١
١-٥-٥-٢- كَمَنْ رَأَى الْجَنَّةَ وَالنَّارَ

﴿٢٤٠٤﴾ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ ﷺ: فَالْمُتَّقُونَ ... فَهُمْ وَالْجَنَّةُ كَمَنْ قَدْ رَأَاهَا فَهُمْ فِيهَا مُنْعَمُونَ وَهُمْ وَالنَّارُ كَمَنْ قَدْ رَأَاهَا فَهُمْ فِيهَا مُعَذَّبُونَ؛ نهج البلاغة، ص ٣٠٣

﴿٢٤٠٥﴾ السَّجَادُ ﷺ: أَلَا إِنَّ لِلَّهِ عِبَادًا كَمَنْ رَأَى أَهْلَ الْجَنَّةِ فِي الْجَنَّةِ مُخْلِدينَ وَكَمَنْ رَأَى أَهْلَ النَّارِ فِي النَّارِ مُعَذِّبينَ ... وَأَمَّا النَّهَارَ فَحُلَمَاءُ عُلَمَاءُ بَرَّةٌ أَتَقِيَاءُ؛ الكافي، ج ٢، ص ١٣١
﴿٢٤٠٦﴾ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ ﷺ: فَالْمُتَّقُونَ ... أَمَّا اللَّيْلُ فَصَافُونَ أَقْدَامَهُمْ تَالِينَ لِأَجْزَاءِ الْقُرْآنِ يُرْتَلُونَهَا تَرْتِيلًا يُحْزِنُونَ بِهِ أَنْفُسَهُمْ وَيَسْتَشِيرُونَ بِهِ دَوَاءَ دَائِهِمْ فَإِذَا مَرُّوا بِآيَةٍ فِيهَا تَشْوِيقٌ رَكَنُوا إِلَيْهَا طَمَعًا وَتَطَلَّعَتْ نَفُوسُهُمْ إِلَيْهَا شَوْقًا وَظَنُّوا أَنَّهَا نُصَبٌ أَغْنِيهِمْ وَإِذَا مَرُّوا بِآيَةٍ فِيهَا تَخْوِيفٌ أَصْغَوْا إِلَيْهَا مَسَامِعَ قُلُوبِهِمْ وَظَنُّوا أَنَّ زَفِيرَ جَهَنَّمَ وَشَهيقَهَا فِي أَصُولِ أَذَانِهِمْ؛ نهج البلاغة، ص ٣٠٣
١-٥-٥-٣- قَلْبُهُ وَ عَقْلُهُ مُعَايِنُ الْآخِرَةِ

﴿٢٤٠٧﴾ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ ﷺ: فَإِنَّ مَنْ اتَّقَى اللَّهَ ... رَفَعَ عَقْلُهُ عَنْ أَهْلِ الدُّنْيَا فَبَدَنَهُ مَعَ أَهْلِ الدُّنْيَا وَ قَلْبُهُ وَ عَقْلُهُ مُعَايِنُ الْآخِرَةِ فَاطْفًا بَصُوءِ قَلْبِهِ مَا أَبْصَرَتْ عَيْنَاهُ مِنْ حُبِّ الدُّنْيَا فَقَدَّرَ حَرَامَهَا وَ جَانِبَ شُبُهَاتِهَا؛ مشكاة الأنوار، ص ٢٦٧

١-٥-٥-٤- لَاحِظُوا الْأَجَلَ

﴿٢٤٠٨﴾ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ ﷺ: عِبَادَ اللَّهِ إِنَّ تَقْوَى اللَّهَ حَمَتُ أَوْلِيَاءَ اللَّهِ مَحَارِمَهُ وَالزَّمَتُ قُلُوبَهُمْ مَخَافَتَهُ حَتَّى أَسْهَرَتْ لَيَالِيَهُمْ وَأَظْمَاتُ هَوَاجِرِهِمْ فَأَخَذُوا الرَّاحَةَ بِالنَّصَبِ وَالرِّىِّ بِالْظُّمَاءِ وَ اسْتَقْرَبُوا الْأَجَلَ فَبَادَرُوا الْعَمَلَ وَ كَذَّبُوا الْأَمَلَ فَلَا حِظُّوا الْأَجَلَ؛ نهج البلاغة، ص ١٦٩
١-٥-٥-٥- اسْتَقْرَبُوا الْأَجَلَ

﴿٢٤٠٩﴾ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ ﷺ: عِبَادَ اللَّهِ إِنَّ تَقْوَى اللَّهَ حَمَتُ أَوْلِيَاءَ اللَّهِ مَحَارِمَهُ وَالزَّمَتُ قُلُوبَهُمْ مَخَافَتَهُ حَتَّى أَسْهَرَتْ لَيَالِيَهُمْ وَأَظْمَاتُ هَوَاجِرِهِمْ فَأَخَذُوا الرَّاحَةَ بِالنَّصَبِ وَالرِّىِّ بِالْظُّمَاءِ وَ اسْتَقْرَبُوا الْأَجَلَ فَبَادَرُوا الْعَمَلَ وَ كَذَّبُوا الْأَمَلَ فَلَا حِظُّوا الْأَجَلَ؛ نهج البلاغة، ص ١٦٩

«نشانه‌های پرهیزکاران / از صفات پرهیزکاران»

۱-۱-۵- گویا خدا را می‌بیند

«۲۴۰۳» نشان پرهیزکار شش چیز است: از خدا پروا دارد، از مؤاخذه‌اش حذر کند، به گونه‌ای صبح و شام می‌کند که گویا او را می‌بیند. دنیا را مهم نمی‌شمارد، و بر اثر خوش‌خویی چیزی از دنیا را بزرگ نمی‌شمارد.

۱-۲-۵- گویا بهشت و جهنم را می‌بیند

«۲۴۰۴» پرهیزکاران ... آنان با بهشت چنانند که گویی آن را دیده و در فضایش غرق نعمت هستند. و با عذاب جهنم چنانند که گویی آن را مشاهده نموده و در آن دچار عذابند.

«۲۴۰۵» آگاه باشید خداوند بندگان دارد که گویی اهل بهشت را در بهشت جاودان و اهل آتش را در آتش گرفتار دیده است ... در روز شکیبا، دانشمندان، نیکان و پرهیزکاران هستند.

«۲۴۰۶» پرهیزکاران ... به هنگام شب برای عبادت برپا هستند، درحالی‌که اجزای قرآن را شمرده و سنجیده تلاوت می‌کنند، خود را به آیات قرآن اندوهگین ساخته، و داروی دردشان را از آن می‌گیرند. و چون به آیه‌ای بشارت‌دهنده می‌رسند به مورد بشارت طمع می‌کنند، و روحشان از روی شوق به آن خیره می‌گردد و گمان می‌برند که مورد بشارت در برابر آن‌هاست. و چون به آیه‌ای می‌رسند که در آن بیم داده شده‌اند گوش دل به آن می‌دهند و گمان می‌برند شیون و فریاد عذاب بیخ گوش آنان است.

۱-۳-۵- قلب و عقلش آخرت را می‌بیند

«۲۴۰۷» پس کسی که تقوای خدا را پیشه کند ... عقل خود را از اهل دنیا برمی‌دارد. جسمش همراه اهل دنیا اما دل و عقلش نگران آخرت است. پس به‌وسیله‌ی نور دلش آنچه چشمانش از دوستی دنیا می‌بیند، را خاموش می‌کند. حرام دنیا را ناپاک می‌داند و از شبهه‌ناک آن دوری می‌نماید.

۱-۴-۵- مرگ را می‌بیند

«۲۴۰۸» ای بندگان خدا! همانا تقوای الهی دوستان خدا را از انجام محرمات باز می‌دارد و قلب‌هایشان را پر از ترس خدا می‌سازد، تا آنکه شب‌های آنان با بی‌خوابی و روزهایشان با تحمل تشنگی و روزه‌داری، سپری می‌گردد، که آسایش آخرت را با رنج دنیا و سیراب‌شدن آنجا را با تحمل تشنگی دنیا به دست آوردند. اجل و مرگ را نزدیک دیده و در اعمال نیکو شتاب کرده‌اند، آرزوهای دنیایی را دروغ خواندند و مرگ به درستی نگریستند.

۱-۵-۵- مرگ را نزدیک می‌دانند

«۲۴۰۹» ای بندگان خدا! همانا تقوای الهی دوستان خدا را از انجام محرمات باز می‌دارد و قلب‌هایشان را پر از ترس خدا می‌سازد، تا آنکه شب‌های آنان با بی‌خوابی و روزهایشان با تحمل تشنگی و روزه‌داری، سپری می‌گردد، که آسایش آخرت را با رنج دنیا و سیراب‌شدن آنجا را با تحمل تشنگی دنیا به دست آوردند. اجل و مرگ را نزدیک دیده و در اعمال نیکو شتاب کرده‌اند، آرزوهای دنیایی را دروغ خواندند و مرگ به درستی نگریستند.

﴿عَلَامَاتُ الْمُتَّقِينَ وَ مَصَادِيقُ التَّقْوَى / مِنْ صِفَاتِ الْمُتَّقِينَ﴾

٥-٥-١-٦- قصْرُ الْأَمَلِ

﴿٢٤١٠﴾ أمير المؤمنين عليه السلام: لِمُتَّقِي ثَلَاثُ عَلَامَاتٍ إِخْلَاصُ الْعَمَلِ وَقَصْرُ الْأَمَلِ وَاعْتِنَاءُ الْمَهْلِ؛

غرر الحكم، ص ٢٧٤

٥-٥-١-٧- قَرِيبُ الْأَمَلِ

﴿٢٤١١﴾ أمير المؤمنين عليه السلام: فَالْمُتَّقُونَ ... تَرَاهُ قَرِيبًا أَمَلُهُ قَلِيلًا زَلُّهُ خَاشِعًا قَلْبُهُ؛ نهج البلاغة،

ص ٣٠٣

٥-٥-١-٨- لَمْ تَسْتَقِرَّ أَرْوَاحُهُمْ فِي أَجْسَادِهِمْ

﴿٢٤١٢﴾ أمير المؤمنين عليه السلام: فَالْمُتَّقُونَ ... لَوْ لَا الْأَجَلُ الَّذِي كَتَبَ اللَّهُ عَلَيْهِمْ لَمْ تَسْتَقِرَّ أَرْوَاحُهُمْ

فِي أَجْسَادِهِمْ طَرَفَةً عَيْنٍ شَوْقًا إِلَى الثَّوَابِ وَخَوْفًا مِنَ الْعِقَابِ؛ نهج البلاغة، ص ٣٠٣

٥-٥-١-٩- خَالَطَهُمْ أَمْرٌ عَظِيمٌ

﴿٢٤١٣﴾ أمير المؤمنين عليه السلام: فَالْمُتَّقُونَ ... قَدْ بَرَّاهُمُ الْخَوْفُ بَرَى الْقِدَاحَ يَنْظُرُ إِلَيْهِمُ النَّاطِرُ

فِيحَسِبُهُمْ مَرْضَى وَمَا بِالْقَوْمِ مِنْ مَرَضٍ وَيَقُولُ لَقَدْ خُولِطُوا وَلَقَدْ خَالَطَهُمْ أَمْرٌ عَظِيمٌ؛ نهج البلاغة،

ص ٣٠٣

٥-٥-٢- طَلَبُ الْجَنَّةِ وَ شَوْقُ الثَّوَابِ وَ هُمُ الْآخِرَةُ

٥-٥-٢-١- الشَّوْقُ إِلَى الثَّوَابِ

﴿٢٤١٤﴾ أمير المؤمنين عليه السلام: فَالْمُتَّقُونَ ... لَوْ لَا الْأَجَلُ الَّذِي كَتَبَ اللَّهُ عَلَيْهِمْ لَمْ تَسْتَقِرَّ أَرْوَاحُهُمْ

فِي أَجْسَادِهِمْ طَرَفَةً عَيْنٍ شَوْقًا إِلَى الثَّوَابِ وَخَوْفًا مِنَ الْعِقَابِ؛ نهج البلاغة، ص ٣٠٣

﴿٢٤١٥﴾ أمير المؤمنين عليه السلام: فَالْمُتَّقُونَ ... أَمَّا اللَّيْلُ فَصَافُونَ أَقْدَامَهُمْ تَالِينَ لِأَجْزَاءِ الْقُرْآنِ

يُرْتَلُونَهَا تَرْتِيلًا يُحْزِنُونَ بِهِ أَنْفُسَهُمْ وَيَسْتَتِيرُونَ بِهِ دَوَاءَ دَائِهِمْ فَإِذَا مَرُّوا بِآيَةٍ فِيهَا تَشْوِيقٌ رَكَنُوا

إِلَيْهَا طَمَعًا وَتَطَلَّعَتْ نَفُوسُهُمْ إِلَيْهَا شَوْقًا وَظَنُّوا أَنَّهَا نَصَبٌ أَعْيَنَهُمْ وَإِذَا مَرُّوا بِآيَةٍ فِيهَا تَخْوِيفٌ

أَصْغَوْا إِلَيْهَا مَسَامِعَ قُلُوبِهِمْ وَظَنُّوا أَنَّ زَفِيرَ جَهَنَّمَ وَشَهِيقَهَا فِي أَصُولِ آذَانِهِمْ؛ نهج البلاغة، ص ٣٠٣

٥-٥-٢-٢- طَمَعُ الْجَنَّةِ

﴿٢٤١٦﴾ أمير المؤمنين عليه السلام: فَالْمُتَّقُونَ ... أَمَّا اللَّيْلُ فَصَافُونَ أَقْدَامَهُمْ تَالِينَ لِأَجْزَاءِ الْقُرْآنِ

يُرْتَلُونَهَا تَرْتِيلًا يُحْزِنُونَ بِهِ أَنْفُسَهُمْ وَيَسْتَتِيرُونَ بِهِ دَوَاءَ دَائِهِمْ فَإِذَا مَرُّوا بِآيَةٍ فِيهَا تَشْوِيقٌ رَكَنُوا

«نشانه‌های پرهیزکاران / از صفات پرهیزکاران»

۶-۱-۵- کوتاهی آرزو

﴿۲۴۱۰﴾ فرد با تقوا سه نشانه دارد: اخلاص در عمل، کوتاهی آرزو، استفاده از فرصت‌ها.

۷-۱-۵- کوتاهی آرزو

﴿۲۴۱۱﴾ پرهیزکاران ... آرزویش کم و کوتاه، لغزشش اندک، دلش فروتن است.

۸-۱-۵- روحشان در جسمشان آرام نمی‌گیرد

﴿۲۴۱۲﴾ پرهیزکاران ... اگر خداوند برای اقامتشان در دنیا زمان معینی را مقرر نکرده بود از شوق به ثواب و بیم از عذاب به اندازه‌ی چشم به هم زدن روحشان در بدنشان قرار نمی‌گرفت.

۹-۱-۵- با امر بزرگی دست به گریبانند

﴿۲۴۱۳﴾ پرهیزکاران ... بیم از حق جسمشان را چون تیر تراشیده لاغر کرده است. مردم آنان را می‌بینند به تصور اینکه بیمارند، ولی بیمار نیستند، و می‌گویند، دیوانه‌اند؛ درحالی‌که امری عظیم آنان را به این حال در آورده است.

۲-۵-۵- طلب بهشت، شوق پاداش، اهتمام به آخرت

۱-۲-۵- شوق پاداش

﴿۲۴۱۴﴾ پرهیزکاران ... اگر خداوند برای اقامتشان در دنیا زمان معینی را مقرر نکرده بود از شوق به ثواب و بیم از عذاب به اندازه‌ی چشم به هم زدن روحشان در بدنشان قرار نمی‌گرفت.

﴿۲۴۱۵﴾ پرهیزکاران ... به هنگام شب برای عبادت برپا هستند، درحالی‌که اجزای قرآن را شمرده و سنجیده تلاوت می‌کنند، خود را به آیات قرآن اندوهگین ساخته، و داروی دردشان را از آن می‌گیرند. و چون به آیه‌ای بشارت‌دهنده می‌رسند به مورد بشارت طمع می‌کنند، و روحشان از روی شوق به آن خیره می‌گردد و گمان می‌برند که مورد بشارت در برابر آن‌هاست. و چون به آیه‌ای می‌رسند که در آن بیم داده شده‌اند گوش دل به آن می‌دهند و گمان می‌برند شیون و فریاد عذاب بیخ گوش آنان است.

۲-۲-۵- طمع بهشت

﴿۲۴۱۶﴾ پرهیزکاران ... به هنگام شب برای عبادت برپا هستند، درحالی‌که اجزای قرآن را شمرده و سنجیده تلاوت می‌کنند، خود را به آیات قرآن اندوهگین ساخته، و داروی دردشان را از آن می‌گیرند. و چون به آیه‌ای بشارت‌دهنده می‌رسند به مورد بشارت طمع می‌کنند، و روحشان از روی شوق به آن خیره می‌گردد و گمان می‌برند که مورد بشارت در برابر آن‌هاست. و چون به

﴿عَلَامَاتُ الْمُتَّقِينَ وَ مَصَادِيقُ التَّقْوَى / مِنْ صِفَاتِ الْمُتَّقِينَ﴾

إِلَيْهَا طَمَعًا وَ تَطَلَّعَتْ نَفُوسُهُمْ إِلَيْهَا شَوْقًا وَ ظَنُّوا أَنَّهَا نُصِبَ أَعْيُنُهُمْ وَ إِذَا مَرُّوا بِآيَةٍ فِيهَا تَخْوِيفٌ أَصْغَوْا إِلَيْهَا مَسَامِعَ قُلُوبِهِمْ وَ ظَنُّوا أَنَّ زَقِيرَ جَهَنَّمَ وَ شَهيقَهَا فِي أَصُولِ آذَانِهِمْ: نَهج البلاغة، ص ٣٠٣

٣-٥٥-٥-التَّزَوُّدُ

﴿٢٤١٧﴾ أمير المؤمنين عليه السلام: شِيمَةُ الْأَتْقِيَاءِ اغْتِنَامُ الْمُهَلَّةِ، وَالتَّزَوُّدُ لِلرَّحْلَةِ؛ غرر الحكم، ص ٤٧٣

﴿٢٤١٨﴾ أمير المؤمنين (عليه السلام): إِنَّمَا كَانَتْ الْحُكْمَاءُ وَالْعُلَمَاءُ وَالْأَنْفِيَاءُ وَالْأَبْرَارُ يَكْتُمُونَ بَشَاتِيهِ لَيْسَ مَعَهُنَّ رَابِعٌ مَنْ أَحْسَنَ لِلَّهِ سَرِيرَتَهُ أَحْسَنَ اللَّهُ عِلَانِيَتَهُ وَمَنْ أَصْلَحَ فِيمَا بَيْنَهُ وَبَيْنَ اللَّهِ أَصْلَحَ اللَّهُ تَعَالَى فِيمَا بَيْنَهُ وَبَيْنَ النَّاسِ وَمَنْ كَانَتْ الْآخِرَةُ هَمَّهُ كَفَاهُ اللَّهُ هَمَّهُ مِنَ الدُّنْيَا؛ مستدرک الوسائل، ج ١١، ص ٣٢٢

مستدرک الوسائل، ج ۱۱، ص ۳۲۲
 ۵-۲-۵- قرّة عينه فيما لا يزول

﴿٢٤١٩﴾ أمير المؤمنين عليه السلام: فَالْمُتَّقُونَ ... إِنْ اسْتَصْعَبَتْ عَلَيْهِ نَفْسُهُ فِيمَا تَكَرَّرَ لَمْ يُعْطَهَا سُؤْلَهَا فِيمَا تُحِبُّ قِرَّةً عَلَيْهِ فِيمَا لَا يَزُولُ وَ زَهَادَةً فِيمَا لَا يَبْقَى؛ نهج البلاغة، ص ٣٠٣

٥-٥-٣- البصيرةُ وَالنَّظَرُ وَالْعِبْرَةُ وَالْحَزْمُ

٥-٥-٣-١- البصيرةُ

﴿٢٤٢٠﴾ إِنَّ الَّذِينَ اتَّقَوْا إِذَا مَسَّهُمْ طَائِفٌ مِّنَ الشَّيْطَانِ تَذَكَّرُوا فَإِذَا هُمْ مُبْصِرُونَ؛ الأعراف ٢٠١
﴿٢٤٢١﴾ إِنَّ فِي اخْتِلَافِ اللَّيْلِ وَالنَّهَارِ وَمَا خَلَقَ اللَّهُ فِي السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ لَآيَاتٍ لِّقَوْمٍ يَتَّقُونَ؛

یونس ۶

﴿٢٤٢﴾ أمير المؤمنين (عليه السلام): فَأَتَقُوا اللَّهَ تَقِيَّةً [تُقَاةً] مَنْ أَتَقَنَ فَأَحْسَنَ وَ عُبِّرَ فَأَعْتَبَرَ [وَحُذِرَ] فَحَذِرَ [وَحُذِرَ] فَازْدَجَرَ [وَزَجِرَ] فَازْدَجَرَ [وَبُصِرَ] فَاسْتَبْصَرَ وَ خَافَ الْعِقَابَ وَ عَمِلَ لِيَوْمِ الْحِسَابِ؛ غرر الحكم، ص ١٩١

﴿٢٤٢٣﴾ الرَّسُولُ ﷺ [عِنْدَ مَا رَفَعَ أَهْلُ الشَّامِ الْمَصَاحِفَ... قَالَ] فَاتَّقُوا اللَّهَ وَامْضُوا عَلَى بَصَائِرِكُمْ فِي قِتَالِهِمْ؛ بحار الأنوار، ج ٣٣، ص ٣١١
٢-٥-٣-٥-التنظر

١-٢-٣-٥-٥- وَاَنْظُرُوا لِاَنْفُسِكُمْ

«نشانه‌های پرهیزکاران / از صفات پرهیزکاران»

آیه‌ای می‌رسند که در آن بیم داده شده‌اند گوش دل به آن می‌دهند و گمان می‌برند شیون و فریاد عذاب بیخ گوش آنان است.

۳-۲-۵- توشه‌برداری

«۲۴۱۷» غنیمت‌شمردن فرصت‌ها و توشه‌برداشتن برای سفر آخرت، از اخلاق اهل تقواست.

۴-۲-۵- اهتمام به آخرت

«۲۴۱۸» حکیمان و علما و متقین و نیکان، سه کلام [و نصیحت و وصیت] دارند که چهارمی ندارد: هرکس پنهان خود را نیک کند، خداوند آشکارش را نیک می‌کند. هرکس میان خود و خدا را اصلاح کند، خداوند میان او و مردم را اصلاح می‌کند و هر کس که تمام همّتش آخرت باشد، خداوند هم‌وغمّ دنیایش را برطرف می‌کند.

۵-۲-۵- چشم‌روشنی‌اش در آخرت است

«۲۴۱۹» پرهیزکاران ... اگر نفسش وی را در آنچه بر او سنگین است پیروی نکند او نیز آنچه را که نفس به آن رغبت دارد به او نمی‌دهد. روشنی چشمش در آن چیزی است که جاوید است، و بی‌رغبتی‌اش در آن است که فانی‌شدنی است.

۳-۵-۵- بصیرت، عبرت، دوراندیشی

۱-۳-۵- بینایی دل

«۲۴۲۰» پرهیزکاران هنگامی که گرفتار وسوسه‌های شیطان شوند، به یاد (خدا و پاداش و کیفر او) می‌افتند و (در پرتو یاد او، راه حق را می‌بینند و) ناگهان بینا می‌گردند.

«۲۴۲۱» مسلماً در آمد و شد شب و روز، و آنچه خداوند در آسمان‌ها و زمین آفریده، آیات (و نشانه‌هایی) است برای گروهی که پرهیزکارند (و حقایق را می‌بینند).

«۲۴۲۲» تقوای الهی داشته باشید همچون تقوای کسی که چون [به مرگ و دیدار پروردگار خود] یقین کند، نیکی نماید. و هرگاه درس عبرتی به او بدهند، عبرت گیرد. و چون او را بر حذر دارند، ببذیرد. و اگر منعمش کنند، بازایستد. و چون بینایش کنند، بینایی گیرد و از کیفر و عقاب بترسد. و برای روز حساب کار کند.

«۲۴۲۳» [زمانی که شامیان قرآن‌ها را بالا بردند... فرمود:] از خدا بترسید و با بصیرت خود به جنگ اقدام کنید.

۲-۳-۵- دقت و توجه

۱-۲-۳-۵- مراقب خودتان باشید

﴿عَلَامَاتُ الْمُتَّقِينَ وَ مَصَادِيقُ التَّقْوَى / مِنْ صِفَاتِ الْمُتَّقِينَ﴾

﴿٢٤٢٤﴾ أمير المؤمنين عليه السلام: فَاتَّقُوا اللَّهَ عَزَّ وَ جَلَّ وَ أَنْظِرُوا لِأَنْفُسِكُمْ؛ الكافي، ج ٢، ص ٦٣٩
٥-٥-٣-٢-٢- وَ أَنْظِرُوا مَا أَنْتُمْ قَائِلُونَ غَدًا

﴿٢٤٢٥﴾ الرسول ﷺ: فَاتَّقُوا اللَّهَ وَ أَنْظِرُوا مَا أَنْتُمْ قَائِلُونَ غَدًا فَإِنِّي خَصَمٌ لِمَنْ كَانَ خَصْمَهُمْ وَ مَنْ كُنْتُ خَصْمَهُ فَأَلْوَيْلُ لَهُ؛ بحار الأنوار، ج ٢٣، ص ١٥٣
٥-٥-٣-٢-٣- نَظَرَ فِي كَرَّةِ الْمُؤْتِلِ وَ عَاقِبَةِ الْمَصْدَرِ وَ مَعْبَةِ الْمَرْجِعِ

﴿٢٤٢٦﴾ أمير المؤمنين عليه السلام: فَاتَّقُوا اللَّهَ تَقِيَّةً مَنْ نَظَرَ فِي كَرَّةِ الْمُؤْتِلِ وَ عَاقِبَةِ الْمَصْدَرِ وَ مَعْبَةِ الْمَرْجِعِ فَتَدَارَكَ فَارِطَ الزَّلَلِ وَ اسْتَكْتَرَ مِنْ صَالِحِ الْعَمَلِ؛ غرر الحكم، ص ٢٧٠
٥-٥-٣-٢-٤- وَ لِيَنْظُرُ مَا يَقُولُ

﴿٢٤٢٧﴾ الرسول ﷺ: إِنَّ عَلَى لِسَانِ كُلِّ قَائِلٍ رَقِيبًا فَلْيَتَّقِ اللَّهَ الْعَبْدُ وَ لِيَنْظُرْ مَا يَقُولُ؛ وسائل الشيعة، ج ١٢، ص ١٩٥
٥-٥-٣-٢-٥- وَ لِيَنْظُرُ مَنْ يُخَالِلُ

﴿٢٤٢٨﴾ الرسول ﷺ: الْمَرْءُ عَلَى دِينِ مَنْ يُخَالِلُ فَلْيَتَّقِ اللَّهَ الْمَرْءُ وَ لِيَنْظُرْ مَنْ يُخَالِلُ؛ مستدرک الوسائل، ج ٨، ص ٣٢٦
٥-٥-٣-٣- الإِغْتِبَارُ

﴿٢٤٢٩﴾ أمير المؤمنين عليه السلام: فَاتَّقُوا اللَّهَ تَقِيَّةً [تَقَاةً] مَنْ أَتَقَنَ فَأَحْسَنَ وَ عَبَّرَ فَأَعْتَبَرَ [وَ حُذِرَ فَحَذِرًا] وَ حُذِرَ فَازْدَجَرَ [وَ زُجِرَ فَازْدَجَرَ] وَ بُصِّرَ فَاسْتَبْصَرَ وَ خَافَ الْعِقَابَ وَ عَمِلَ لِيَوْمِ الْحِسَابِ؛ غرر الحكم، ص ١٩١

﴿٢٤٣٠﴾ الرسول ﷺ: اتَّقُوا اللَّهَ عِبَادَ اللَّهِ تَقِيَّةً مَنْ اعْتَبَرَ تَمْهِيدًا وَ اتَّقَى فِي وَجَلٍ وَ كَمَشٍ فِي مَهَلٍ وَ رَغَبٍ فِي طَلَبٍ وَ رَهَبٍ فِي هَرَبٍ؛ بحار الأنوار، ج ٣٦، ص ٢٨٧
٥-٥-٣-٤- السَّمْعُ

﴿٢٤٣١﴾ أمير المؤمنين عليه السلام: فَاتَّقُوا اللَّهَ تَقِيَّةً مَنْ سَمِعَ فَخْشَعَ وَ اقْتَرَفَ فَاعْتَرَفَ وَ وَجَلَ فَعَمِلَ وَ حَازَرَ فَبَادَرَ؛ غرر الحكم، ص ١٩٠
٥-٥-٣-٤-١- السَّمْعُ عَلَى الْعِلْمِ النَّافِعِ

«نشانه‌های پرهیزکاران / از صفات پرهیزکاران»

﴿۲۴۲۴﴾ تقوای خداوند بلندمرتبه را پیشه کنید و مراقب خودتان باشید.

۵-۵-۳-۲-۲ در آنچه فردا خواهید گفت بیان‌دیشید

﴿۲۴۲۵﴾ از خدا بترسید و متوجه باشید که فردا چه خواهید گفت. من دشمن کسی هستم که دشمن آن‌ها (اهل بیت علیهم‌السلام) باشد و وای بر آن که من دشمن او باشم.

۵-۵-۳-۲-۳ اندیشه در بازگشت به عالم آخرت و سرانجام زندگی و عاقبت کار

﴿۲۴۲۶﴾ تقوای الهی داشته باشید همچون کسی که در بازگشت به عالم آخرت و سرانجام زندگی و عاقبت کار می‌اندیشد و در نتیجه‌ی لغزش گذشته را تدارک کند و عمل صالح بسیاری انجام دهد.

۵-۵-۳-۲-۴ بنگرد که چه می‌گوید

﴿۲۴۲۷﴾ خداوند مراقب زبان هر گوینده‌ای است. بنده باید از خدا بترسد و بنگرد که چه می‌گوید.

۵-۵-۳-۲-۵ ببیند با چه کسی رفاقت می‌کند

﴿۲۴۲۸﴾ انسان بر دین کسی است که با او دوستی می‌کند، پس باید تقوا پیشه کند و ببیند با چه کسی رفاقت می‌کند.

۵-۵-۳-۳ عبرت

﴿۲۴۲۹﴾ تقوای الهی داشته باشید همچون تقوای کسی که چون [به مرگ و دیدار پروردگار خود] یقین کند، نیکی نماید. و هرگاه درس عبرتی به او بدهند، عبرت گیرد. و چون او را بر حذر دارند، بپذیرد. و اگر منعمش کنند، بازایستد. و چون بینایش کنند، بینایی گیرد و از کیفر و عقاب بترسد. و برای روز حساب کار کند.

﴿۲۴۳۰﴾ ای بندگان خدا! از خدا بترسید، مانند کسی که برای مهیا بودن پند گرفته است؛ و در ترس [از خدا] پرهیز کرده و در دنیا که مهلتش دادند [برای عبادت] سرعت کرد، و در طلب خشنودی پروردگار شوق داشت و در گریختن [از عذاب الهی به راه حق] گریخت.

۵-۵-۳-۴ گوش فرادادن

﴿۲۴۳۱﴾ از خدا بترسید همانند کسی که شنیده و خاشع گشته و گناه کرده و اعتراف به آن نموده و به خاطر آن ترسیده است. و پرهیز کرده و آن را نیکو انجام داده است.

۵-۵-۳-۴-۱ گوش فرادادن به دانش سودمند

﴿عَلَامَاتُ الْمُتَّقِينَ وَ مَصَادِيقُ التَّقْوَى / مِنْ صِفَاتِ الْمُتَّقِينَ﴾

﴿٢٤٣٢﴾ أمير المؤمنين عليه السلام: فَالْمُتَّقُونَ ... وَقَفُوا أَسْمَاعَهُمْ عَلَى الْعِلْمِ النَّافِعِ لَهُمْ؛ نهج البلاغة، ص ٣٠٣
٥-٥-٣-٥- الحَزْمُ

﴿٢٤٣٣﴾ أمير المؤمنين عليه السلام: فَالْمُتَّقُونَ ... فَمِنْ عَلَامَةِ أَحَدِهِمْ أَنَّكَ تَرَى لَهُ ... حَزْمًا فِي لِسَانِهِ وَ
إِيمَانًا فِي يَدَيْهِ وَ حِرْصًا فِي عِلْمِهِ وَ عِلْمًا فِي حِلْمِهِ؛ نهج البلاغة، ص ٣٠٣
٥-٥-٤- الهدَايَةُ

١-٥-٤-٥- هُدًى فِي رَشَادٍ

﴿٢٤٣٤﴾ أمير المؤمنين عليه السلام: لِلْمُتَّقِي هُدًى فِي رَشَادٍ وَ تَحَرُّجٌ عَنْ فَسَادٍ وَ حِرْصٌ فِي إِصْلَاحٍ
مَعَادٍ؛ غرر الحكم، ص ٢٧٤
٢-٥-٤-٥- نَشَاطٌ فِي هُدًى

﴿٢٤٣٥﴾ أمير المؤمنين عليه السلام: فَالْمُتَّقُونَ ... فَمِنْ عَلَامَةِ أَحَدِهِمْ أَنَّكَ تَرَى لَهُ ... طَلَبًا فِي حَالٍ وَ
نَشَاطًا فِي هُدًى وَ تَحَرُّجًا عَنْ طَمَعٍ؛ نهج البلاغة، ص ٣٠٣
٥-٥-٥- الثُّبَاتُ وَ الطُّمَأْنِينَةُ
١-٥-٥-٥- الثُّبَاتُ

﴿٢٤٣٦﴾ الحسين عليه السلام: إِنْ نَزَلَ الْقَضَاءُ بِمَا نُحِبُّ فَنَحْمَدُ اللَّهَ عَلَى نِعَمَائِهِ وَ هُوَ الْمُسْتَعَانُ عَلَى
أَدَاءِ الشُّكْرِ وَ إِنْ حَالَ الْقَضَاءُ دُونَ الرَّجَاءِ فَلَمْ يَبْعُدْ مَنْ كَانَ الْحَقَّ نَيْتُهُ وَ التَّقْوَى سِيرَتُهُ؛
بحار الأنوار، ج ٤٤، ص ٣٦٥
٢-٥-٥-٥- الحِصْنُ

﴿٢٤٣٧﴾ الصادق عليه السلام: أَلَا تَقِيَاءُ حُصُونُ؛ بحار الأنوار، ج ٦٧، ص ٢٨٧
٣-٥-٥-٥- الطُّمَأْنِينَةُ

﴿٢٤٣٨﴾ الصادق عليه السلام: فَإِنَّ مِنَ التَّقْوَى الطَّاعَةَ وَ الْوَرَعَ وَ التَّوَاضُّعَ لِلَّهِ وَ الطُّمَأْنِينَةَ وَ الْجَهْدَ وَ
الْأَخْذَ بِأَمْرِهِ وَ النَّصِيحَةَ لِرُسُلِهِ وَ الْمُسَارَعَةَ فِي مَرْضَاتِهِ وَ اجْتِنَابَ مَا نَهَى عَنْهُ؛ بحار الأنوار، ج ٢٤، ص ٢٨٦
٦-٥-٥- الطَّهَارَةُ وَ الْإِخْلَاصُ

﴿٢٤٣٩﴾ أمير المؤمنين عليه السلام: أَيَّتُهَا النَّفْسُ أَخْلِصِي لِيَلِكِ وَ نَهَارِكِ بِالذَّاكِرِينَ لَعَلَّكَ أَنْ
تَسْكُنِي رِيَاضَ الْخُلْدِ مَعَ الْمُتَّقِينَ؛ بحار الأنوار، ج ٩١، ص ١٠٩
﴿٧٦٢﴾

«نشانه‌های پرهیزکاران / از صفات پرهیزکاران»

﴿۲۴۳۲﴾ پرهیزکاران ... گوش‌های خود را وقف دانش سودمند نموده‌اند.

۵-۵-۳-۵- دوراندیشی

﴿۲۴۳۳﴾ پرهیزکاران ... از نشانه‌های دیگرشان آن است که هر کدام را دارای ... دوراندیشی در نرمی، ایمان همراه با یقین، حرص در دانش، علم با بردباری مشاهده می‌کنی.

۵-۵-۴- هدایت

۵-۵-۴-۱- هدایتی به سوی راه صلاح

﴿۲۴۳۴﴾ شخص باتقوا هدایتی به سوی راه صلاح و دوری از فساد و حرص‌زدن برای اصلاح امر معاد دارد.

۵-۵-۴-۲- نشاط در هدایت

﴿۲۴۳۵﴾ پرهیزکاران ... از نشانه‌های دیگرشان آن است که هر کدام را دارای ... جویای حلال، نشاط در هدایت، و دوری‌گزین از طمع مشاهده می‌کنی.

۵-۵-۵- ثبات و آرامش

۵-۵-۵-۱- ثبات

﴿۲۴۳۶﴾ اگر قضا و قدر خدا آن‌طور که ما دوست داریم نازل شود، در مقابل نعمت‌هایش سپاسگزاریم و خدا بر ادای شکر یاور ماست. و اگر قضا و قدر بین ما و آرزوها فاصله شود، کسی که نیت او خیر و روش او تقوا باشد، دور نمی‌شود و پایداری‌اش را از دست نمی‌دهد.

۵-۵-۵-۲- حفاظت

﴿۲۴۳۷﴾ پرهیزکاران قلعه‌های محکم هستند.

۵-۵-۵-۳- آرامش

﴿۲۴۳۸﴾ ورع و تواضع برای خدا و آرامش و کوشش و مطیع‌بودن و خیرخواهی برای فرستادگان خدا و سرعت در کارهای نیک و پرهیز از گناهان، از تقوا محسوب می‌شود.

۵-۵-۶- پاکی و اخلاص

﴿۲۴۳۹﴾ ای نفس! روز و شب را با ذکر خالص کن، باشد که همراه با پرهیزکاران در باغ‌های بهشت ساکن شوی.

﴿عَلَامَاتُ الْمُتَّقِينَ وَ مَصَادِيقُ التَّقْوَى / مِنْ صِفَاتِ الْمُتَّقِينَ﴾

١-٥-٥-٥- إِيْلَاصُ الْعَمَلِ

﴿٢٤٤٠﴾ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ (عَلَيْهِ السَّلَامُ): لِلْمُتَّقِي ثَلَاثُ عَلَامَاتٍ إِيْلَاصُ الْعَمَلِ وَ قَصْرُ الْأَمَلِ وَ اغْتِنَامُ الْمَهْلِ؛

غرر الحكم، ص ٢٧٤

٢-٥-٥-٥- عِبَادَتُهُ أَخْلَصَ

﴿٢٤٤١﴾ الصَّادِقُ (عَلَيْهِ السَّلَامُ): مَنْ كَانَ اتَّقَى كَانَتْ عِبَادَتُهُ أَخْلَصَ وَ أَطْهَرَ؛ بحار الأنوار، ج ٦٧، ص ٢٩٥

﴿٢٤٤٢﴾ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ (عَلَيْهِ السَّلَامُ): الْإِيْلَاصُ عِبَادَةُ الْمُقَرَّبِينَ [الْمُتَّقِينَ]؛ غرر الحكم، ص ١٩٧

٣-٥-٥-٥- أَخْلَصُوا سَرَائِرَكُمْ

﴿٢٤٤٣﴾ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ (عَلَيْهِ السَّلَامُ): فَاتَّقُوا اللَّهَ وَ أَصْلِحُوا أَعْمَالَكُمْ وَ أَخْلَصُوا سَرَائِرَكُمْ؛ بحار الأنوار،

ج ٩١، ص ٣٧٧

٤-٥-٥-٥- حُسْنُ السَّرِيرَةِ

﴿٢٤٤٤﴾ الرَّسُولُ (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ وَ أَهْلُ الْبَيْتِ): يَا حَاشَى الْعِزِّ قُلُوبَ أَهْلِ التَّقْوَى وَ يَا مُتَوَلِّئِهِمْ بِحُسْنِ سَرَائِرِهِمْ وَ يَا

مُؤْمِنَهُمْ بِحُسْنِ تَعَبُدِهِمْ؛ بحار الأنوار، ج ٩٢، ص ٣٢٠

﴿٢٤٤٥﴾ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ (عَلَيْهِ السَّلَامُ): إِنَّمَا كَانَتْ الْحُكْمَاءُ وَ الْعُلَمَاءُ وَ الْأَتْقِيَاءُ وَ الْأَبْرَارُ يَكْتُبُونَ بَثْلَانَةَ

لَيْسَ مَعَهُنَّ رَابِعٌ مَنْ أَحْسَنَ لِلَّهِ سَرِيرَتَهُ أَحْسَنَ اللَّهُ عِلَانِيَتَهُ وَ مَنْ أَصْلَحَ فِيهَا بَيْنَهُ وَ بَيْنَ اللَّهِ أَصْلَحَ اللَّهُ تَعَالَى فِيهَا بَيْنَهُ وَ بَيْنَ النَّاسِ وَ مَنْ كَانَتْ الْآخِرَةُ هَمَّهُ كَفَاهُ اللَّهُ هَمَّهُ مِنَ الدُّنْيَا؛

مستدرک الوسائل، ج ١١، ص ٣٢٢

٥-٥-٥-٥- تَطْهِيرُ الْقَلْبِ

﴿٢٤٤٦﴾ الْكَاطِمُ (عَلَيْهِ السَّلَامُ): طُوبَى لِلْمُطَهَّرَةِ قُلُوبِهِمْ أُولَئِكَ هُمُ الْمُتَّقُونَ يَوْمَ الْقِيَامَةِ؛ بحار الأنوار، ج ١، ص ١٤٧

٦-٥-٥-٥- عِبَادَتُهُ أَطْهَرَ

﴿٢٤٤٧﴾ الصَّادِقُ (عَلَيْهِ السَّلَامُ): مَنْ كَانَ اتَّقَى كَانَتْ عِبَادَتُهُ أَخْلَصَ وَ أَطْهَرَ؛ بحار الأنوار، ج ٦٧، ص ٢٩٥

٧-٥-٥-٥- أَعْمَالُهُمْ زَاكِيَةٌ

﴿٢٤٤٨﴾ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ (عَلَيْهِ السَّلَامُ): الْمُتَّقُونَ أَعْمَالُهُمْ زَاكِيَةٌ وَ أَغْنِيَهُمْ بِاِكِيَّةٍ وَ قُلُوبُهُمْ وَجِلَةٌ؛

غرر الحكم، ص ٢٧٣

٨-٥-٥-٥- الْعِصْمَةُ

﴿٢٤٤٩﴾ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ (عَلَيْهِ السَّلَامُ): بِالتَّقْوَى قُرِنَتِ الْعِصْمَةُ؛ غرر الحكم، ص ٢٤٩

﴿٧٤٤﴾

«نشانه‌های پرهیزکاران / از صفات پرهیزکاران»

۱-۵-۶-۵-اخلاص عمل

﴿۲۴۴۰﴾ فرد با تقوا سه نشانه دارد: اخلاص در عمل، کوتاهی آرزو، استفاده از فرصت‌ها.

۲-۵-۶-۵-اخلاص در عبادت

﴿۲۴۴۱﴾ کسی که باتقواتر باشد، عبادتش خالص‌تر و پاک‌تر است.

﴿۲۴۴۲﴾ اخلاص، عبادت مقربین (متقین) است.

۳-۵-۶-۵-اخلاص باطن

﴿۲۴۴۳﴾ از خدا بترسید و عمل‌هایتان را اصلاح نمایید و باطن خود را خالص نمایید.

۴-۵-۶-۵-باطن پاک

﴿۲۴۴۴﴾ ای فزاینده‌ی عزّت در دل‌های تقواییان، ای سرپرست آن‌ها به سبب نیکی باطنشان، ای ایمن‌گرداننده‌ی آنان به سبب بندگی نیکشان.

﴿۲۴۴۵﴾ حکیمان و علما و متقین و نیکان، سه کلام [و نصیحت و وصیّت] دارند که چهارمی ندارد: هرکس پنهان خود را نیک کند، خداوند آشکارش را نیک می‌کند. هرکس میان خود و خدا را اصلاح کند، خداوند میان او و مردم را اصلاح می‌کند و هر کس که تمام همّتش آخرت باشد، خداوند هم‌وغمّ دنیایش را برطرف می‌کند.

۵-۵-۶-۵-پاکی قلب

﴿۲۴۴۶﴾ خوشا به حال پاک‌دلان، آنان پرهیزکاران روز واپسین هستند.

۶-۵-۶-۵-عبادتش پاک‌تر است

﴿۲۴۴۷﴾ کسی که باتقواتر باشد، عبادتش خالص‌تر و پاک‌تر است.

۷-۵-۶-۵-اعمالشان پاک است

﴿۲۴۴۸﴾ باتقوایان، اعمالشان پاک، چشمانشان گریان و قلب‌هایشان بیمناک است.

۸-۵-۶-۵-عصمت

﴿۲۴۴۹﴾ ایمنی و عصمت، رفیق و قرین تقواست.

﴿عَلَامَاتُ الْمُتَّقِينَ وَ مَصَادِيقُ التَّقْوَى / مِنْ صِفَاتِ الْمُتَّقِينَ﴾

٩-٥-٥-٥-الأخفياؤ

﴿٢٤٥٠﴾ الرَّسُولُ ﷺ: إِنْ أَحَبَّ الْعِبَادُ إِلَى اللَّهِ الْأَتَقِيَاءُ الْأَخْفِيَاءُ الَّذِينَ إِذَا حَضَرُوا لَمْ يُعْرِفُوا وَإِذَا غَابُوا لَمْ يُفْتَقَدُوا؛ التحصين لابن فهد الحلبي، ص ١٩

﴿٢٤٥١﴾ الْبَاقِرُ ﷺ: كَانَ مَا بَيْنَ نُوحٍ مِنَ الْأَتَقِيَاءِ مُسْتَخْفِينَ وَلِذَلِكَ خَفِيَ ذِكْرُهُمْ فِي الْقُرْآنِ فَلَمْ يُسَمَّوْا كَمَا سُمِّيَ مَنْ اسْتَعْلَنَ مِنَ الْأَنْبِيَاءِ وَهُوَ قَوْلُ اللَّهِ وَرُسُلًا لَمْ نُقْصِصْهُمْ عَلَيْكَ وَكَلَّمَ اللَّهُ مُوسَى تَكْلِيمًا يَعْنِي لَمْ أَسْمِ الْمُسْتَخْفِينَ كَمَا سَمَّيْتُ الْمُسْتَعْلِنِينَ مِنَ الْأَنْبِيَاءِ؛ بحار الأنوار، ج ١١، ص ٣٨

﴿٢٤٥٢﴾ الرَّسُولُ ﷺ: عُمَرُ بْنُ سَعْدٍ فَقَالَ... سَمِعْتُ رَسُولَ اللَّهِ ﷺ يَقُولُ: «يَكُونُ مِنْ بَعْدِي فِتْنَةٌ خَيْرُ النَّاسِ فِيهَا الْخَفِيُّ التَّقِيُّ»؛ وقعة صفين، ص ٥٣٨

﴿٢٤٥٣﴾ الرَّضَا ﷺ: أَلَا إِنَّ خَيْرَ عِبَادِ اللَّهِ التَّقِيَّ الْخَفِيَّ؛ بحار الأنوار، ج ٩٢، ص ١٧٣

١٠-٥-٥-٥-صَفَاءُ الْجَوْهَرِ

﴿٢٤٥٤﴾ الصَّادِقُ ﷺ: فَمَنْ كَانَ أَعْلَى دَرَجَةٍ فِي الْإِيمَانِ وَأَصْفَى جَوْهَرَةٍ بِالرُّوحِ كَانَ أَتَقَى؛ مصباح الشريعة، ص ٣٨

١١-٥-٥-٥-صَفَاءُ الْمُعَامَلَةِ

﴿٢٤٥٥﴾ الصَّادِقُ ﷺ: أَصْلُ الْوَرَعِ دَوَامُ الْمُحَاسَبَةِ وَصِدْقُ الْمُقَاوَلَةِ وَصَفَاءُ الْمُعَامَلَةِ؛ بحار الأنوار، ج ٦٧، ص ٣٠٧

٧-٥-٥-الرَّغْبَةُ، الْحِرْصُ، الطَّلَبُ، التَّحَرُّى فِي الْمَكْسَبِ

١-٥-٥-٧-الرَّغْبَةُ

﴿٢٤٥٦﴾ الصَّادِقُ ﷺ: قُلِ اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ... خَشْيَةَ الْمُتَّقِينَ وَرَغْبَتَهُمْ؛ الكافي، ج ٢، ص ٥٩٣

١-٥-٥-٧-١-١-من رَغِبَ فِي طَلَبٍ

﴿٢٤٥٧﴾ الرَّسُولُ ﷺ: اتَّقُوا اللَّهَ عِبَادَ اللَّهِ تَقِيَّةً مَنْ اغْتَبَرَ تَمْهِيدًا وَاتَّقَى فِي وَجَلٍ وَكَمَشٍ فِي مَهَلٍ وَرَغِبَ فِي طَلَبٍ وَرَهَبَ فِي هَرَبٍ؛ بحار الأنوار، ج ٣٦، ص ٢٨٧

﴿٧٦٦﴾

«نشانه‌های پرهیزکاران / از صفات پرهیزکاران»

۹-۶-۵-۵- ناشناسان

﴿۲۴۵۰﴾ محبوب‌ترین بندگان نزد خدا، متقینی هستند که مخفیانه عمل می‌کنند چنانکه وقتی حاضرند، کسی آنان را نمی‌شناسد و وقتی نیستند، کسی سراغ آنان را نمی‌گیرد.

﴿۲۴۵۱﴾ در زمان نوح علیه السلام برخی از پیامبران بودند که به طور پنهانی به رسالت مشغول بودند لذا نام آنان در قرآن نیامده و مانند دیگر پیامبرانی که به طور علنی به رسالت مشغول بوده‌اند برای آنان نامی ذکر نشده است. این مطلب در آیه‌ی: «پیامبرانی که سرگذشت آن‌ها را بیان نکرده‌ایم و خداوند با موسی سخن گفت»، است؛ یعنی خداوند برای پیامبران در خفا نامی مانند دیگر پیامبران در نظر نگرفت.

﴿۲۴۵۲﴾ عمر بن سعد گفت: از رسول خدا صلی الله علیه و آله شنیدم که فرمود: «بعد از من فتنه‌ای رخ خواهد داد که بهترین مردم در آن زمان افرادی هستند که مخفیانه [اعمال خیر انجام می‌دهند] و باتقوایند».

﴿۲۴۵۳﴾ آگاه و مطلع باشید که به‌درستی که بهترین بندگان خدا کسی است که پرهیزکار بوده و از نظر خلاق پنهان باشد.

۱۰-۶-۵-۵- صفای جوهر

﴿۲۴۵۴﴾ کسی که درجه‌ی ایمان بالاتری دارد و جوهر وجودش صاف‌تر است، حتماً باتقواتر است.

۱۱-۶-۵-۵- باصفابودن در معاملات

﴿۲۴۵۵﴾ اصل و پایه‌ی تقوا و شیوه‌ی پرهیزکاری مداومت بر محاسبه‌ی نفس، راستی در گفتار، و پاک و باصفابودن در معاملات است.

۷-۵-۵- رغبت، حرص، طلب، کوشش در کسب روزی

۱-۷-۵-۵- رغبت

﴿۲۴۵۶﴾ [امام صادق علیه السلام] این دعا را به ابو بصیر آموخت: «بار خدایا از تو... ترس پرهیزکاران و رغبتشان را درخواست کنم».

۱-۱-۷-۵-۵- شوق در طلب خشنودی پروردگار

﴿۲۴۵۷﴾ ای بندگان خدا! از خدا بترسید، مانند کسی که برای مهیابودن پند گرفته است؛ و در ترس [از خدا] پرهیز کرده و در دنیا که مهلتش دادند [برای عبادت] سرعت کرد، و در طلب خشنودی پروردگار شوق داشت و در گریختن [از عذاب الهی به راه حق] گریخت.

﴿عَلَامَاتُ الْمُتَّقِينَ وَ مَصَادِيقُ التَّقْوَى / مِنْ صِفَاتِ الْمُتَّقِينَ﴾

٢-٧-٥- الحِرْصُ

١-٢-٧-٥- حِرْصٌ فِي إِصْلَاحِ مَعَادٍ

﴿٢٤٥٨﴾ أمير المؤمنين عليه السلام: لِمُتَّقِي هُدًى فِي رَشَادٍ وَ تَخَرُّجٍ عَنْ فَسَادٍ وَ حِرْصٍ فِي إِصْلَاحِ مَعَادٍ؛ غرر الحكم، ص ٢٧٤

٢-٢-٧-٥- الحِرْصُ فِي الْعِلْمِ

﴿٢٤٥٩﴾ أمير المؤمنين عليه السلام: فَالْمُتَّقُونَ ... فَمِنْ عَلَامَةِ أَحَدِهِمْ أَنَّكَ تَرَى لَهُ ... حَزْماً فِي لِسَانِهِ وَ إِيْمَاناً فِي يَدَيْهِ وَ حِرْصاً فِي عِلْمٍ وَ عِلْماً فِي حِلْمٍ؛ نهج البلاغة، ص ٣٠٣

٣-٧-٥- التَّحَرُّى فِي الْمَكَاسِبِ

﴿٢٤٦٠﴾ أمير المؤمنين عليه السلام: إِنَّمَا الْوَرَعُ التَّحَرُّى فِي الْمَكَاسِبِ وَ الْكَفُّ عَنِ الْمَطَالِبِ؛ غرر الحكم، ص ٢٤٨

٤-٧-٥- الطَّلَبُ فِي الْحَالِ

﴿٢٤٦١﴾ أمير المؤمنين عليه السلام: فَالْمُتَّقُونَ ... فَمِنْ عَلَامَةِ أَحَدِهِمْ أَنَّكَ تَرَى لَهُ ... طَلَباً فِي حَالٍ وَ نَشَاطاً فِي هُدًى وَ تَخَرُّجاً عَنْ طَمَعٍ؛ نهج البلاغة، ص ٣٠٣

٨-٥-٥- مُحَاسَبَةُ النَّفْسِ

﴿٢٤٦٢﴾ الباقر عليه السلام: فَاتَّقُوا اللَّهَ وَ حَاسِبُوا أَنْفُسَكُمْ؛ مستدرک الوسائل، ج ١٧، ص ٦٤

﴿٢٤٦٣﴾ الرسول عليه السلام: يَا أَبَا ذَرٍّ لَا يَكُونُ الرَّجُلُ مِنَ الْمُتَّقِينَ حَتَّى يُحَاسِبَ نَفْسَهُ أَشَدَّ مِنْ مُحَاسَبَةِ الشَّرِيكِ شَرِيكُهُ فَيَعْلَمَ مِنْ أَيْنَ مَطْعَمُهُ وَ مِنْ أَيْنَ مَشْرَبُهُ وَ مِنْ أَيْنَ مَلْبَسُهُ أَمْ مِنْ حَلَالٍ أَوْ مِنْ حَرَامٍ يَا أَبَا ذَرٍّ مَنْ لَمْ يُبَالِ مِنْ أَيْنَ اكْتَسَبَ الْمَالَ لَمْ يُبَالِ اللَّهُ مِنْ أَيْنَ أَدْخَلَهُ النَّارَ؛ وسائل الشيعة، ج ١٦، ص ٩٨

١-٨-٥- دَوَامُ الْمُحَاسَبَةِ

﴿٢٤٦٤﴾ الصادق عليه السلام: أَصْلُ الْوَرَعِ دَوَامُ الْمُحَاسَبَةِ؛ بحار الأنوار، ج ٦٧، ص ٣٠٧

٩-٥-٥- الْعَمَلُ، الْجِدُّ، الْإِجْتِهَادُ، الْمُبَادَرَةُ، السَّبْقَةُ وَ الْمُسَارَعَةُ، اغْتِنَامُ الْمُهِلَةِ

١-٩-٥- الْعَمَلُ

﴿٢٤٦٥﴾ أمير المؤمنين عليه السلام: فَاتَّقُوا اللَّهَ تَقِيَّةً مَنْ سَمِعَ فَخْشَعَ وَ اقْتَرَفَ فَاعْتَرَفَ وَ وَجَلَ فَعَمِلَ وَ حَازَرَ فَبَادَرَ؛ غرر الحكم، ص ١٩٠

«نشانه‌های پرهیزکاران / از صفات پرهیزکاران»

۲-۷-۵-۵- حرص

۱-۲-۷-۵-۵- حرص در اصلاح آخرت

«۲۴۵۸» شخص باتقوا هدایتی به سوی راه صلاح و دوری از فساد و حرص زدن برای اصلاح امر معاد دارد.

۲-۲-۷-۵-۵- حرص در دانش

«۲۴۵۹» پرهیزکاران ... از نشانه‌های دیگرشان آن است که هر کدام را دارای ... دوراندیشی در نرمی، ایمان همراه با یقین، حرص در دانش، علم با بردباری مشاهده می‌کنی.

۳-۷-۵-۵- کوشش در کسب روزی

«۲۴۶۰» رتبه‌ی عالی پرهیزکاری، کوشش برای کسب حلال و اجتناب از دست‌درازی جلوی دیگران است.

۴-۷-۵-۵- کوشش برای کسب حلال

«۲۴۶۱» پرهیزکاران ... از نشانه‌های دیگرشان آن است که هر کدام را دارای ... جویای حلال، نشاط در هدایت، و دوری‌گزین از طمع مشاهده می‌کنی.

۸-۵-۵- محاسبه‌ی نفس

«۲۴۶۲» از خدا بترسید و نفس‌هایتان را به محاسبه بکشید.

«۲۴۶۳» ای ابوذر! کسی از پرهیزکاران نخواهد بود مگر آنگاه که سخت‌تر از شریکی که به حساب شریک خود می‌رسد به حساب خود برسد. و بداند که خوردنی و نوشیدنی و پوشیدنی او از کجا فراهم می‌آید، از حلال است یا از حرام؟! ای ابوذر! کسی که در بند دانستن آن نباشد که مال را از کجا به دست آورد، خدا در بند آن نخواهد بود که او را از کجا وارد دوزخ کند.

۱-۸-۵-۵- تداوم محاسبه

«۲۴۶۴» اصل و پایه‌ی تقوا و شیوه پرهیزکاری مداومت بر محاسبه‌ی نفس است.

۹-۵-۵- عمل، جدیت، تلاش، اقدام، سبقت، سرعت، غنیمت‌شمردن فرصت

۱-۹-۵-۵- عمل

«۲۴۶۵» از خدا بترسید همانند کسی که شنیده و خاشع گشته و گناه کرده و اعتراف به آن نموده و به خاطر آن ترسیده است. و پرهیز کرده و آن را نیکو انجام داده است.

«۷۶۹»

﴿عَلَامَاتُ الْمُتَّقِينَ وَ مَصَادِيقُ التَّقْوَى / مِنْ صِفَاتِ الْمُتَّقِينَ﴾

﴿٢٤٦﴾ أمير المؤمنين (عليه السلام): فَهَذَا مَا فَرَضَ اللَّهُ تَبَارَكَ وَتَعَالَى عَلَى جَوَارِحِكَ فَاتَّقِ اللَّهَ يَا بَنِيَّ وَاسْتَعْمِلْهَا بِطَاعَتِهِ وَرِضْوَانِهِ وَإِيَّاكَ أَنْ يَرَاكَ اللَّهُ تَعَالَى عِنْدَ مَعْصِيَتِهِ أَوْ يَفْقِدَكَ عِنْدَ طَاعَتِهِ؛ من لا يحضره الفقيه، ج ٢، ص ٦٢٨

﴿٢٤٦﴾ السَّجَّادُ (عليه السلام): أَنْتَ سَهَّلْتَ لَهُمُ السَّيْلَ حَتَّى وَصَلُوا وَأَنْتَ أَيْدَيْتَهُمُ بِالتَّقْوَى حَتَّى عَمَلُوا؛ بحار الأنوار، ج ٩١، ص ١٦٩

﴿٢٤٦٨﴾ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ (عليه السلام): التَّقْوَى حِرْزٌ لِمَنْ عَمِلَ بِهَا؛ غُرُورُ الْحَكَم، ص ٢٧٠

﴿٢٤٦﴾ أمير المؤمنين (عليه السلام): وَرَعَ الْمُؤْمِنُ يَظْهَرُ فِي عَمَلِهِ؛ غرر الحكم، ص ٢٧٤

﴿٢٤٧﴾ أمير المؤمنين عليه السلام: فَالْمُتَّقُونَ ... يَمْزُجُ الْحِلْمَ بِالْعِلْمِ وَالْقَوْلَ بِالْعَمَلِ؛ نهج البلاغة، ص ٣٠٣

۳-۱-۹-۵۔ لَا يَفْقَدُكَ اللَّهُ حَيْثُ أَمَرَكَ وَلَا يَرَاكَ حَيْثُ نَهَاكَ

﴿٢٤٧١﴾ الصَّادِقُ (عليه السلام): سِئْلُ الصَّادِقِ (عليه السلام) عَنْ تَفْسِيرِ التَّقْوَى فَقَالَ أَنْ لَا يَقْعِدَكَ اللَّهُ حَيْثُ أَمَرَكَ وَلَا يَرَاكَ حَيْثُ نَهَاكَ؛ بحار الأنوار، ج ٦٧، ص ٢٨٥

٤-١-٩-٥-٥- العمل بالطاعة

﴿٢٤٧٢﴾ أمير المؤمنين عليه السلام: مَنْ تَقَوَّى النَّفْسَ الْعَمَلُ بِالطَّاعَةِ؛ غرر الحكم، ص ١٨٤

٥-٩-٥-٥-أعمل بفرائض الله

﴿٢٤٧٣﴾ الرَّسُولُ ﷺ: اَعْمَلْ بِفَرَائِضِ اللَّهِ تَكُنْ مِنَ اتَّقَى النَّاسَ؛ وسائل الشيعة، ج ١٥، ص ٢٦٠

١-٩-٥-٥-بَادِرُوا الْعَمَلَ

﴿٢٤٧٤﴾ أمير المؤمنين عليه السلام: عِبَادَ اللَّهِ إِنَّ تَقْوَى اللَّهَ حَمَتْ أَوْلِيَاءَ اللَّهِ مَحَارِمَهُ وَ أَلَزَمَتْ قُلُوبَهُمْ مَخَافَتَهُ حَتَّى أَشْهَرْتَ لِيَائِهِمْ وَأَظْمَأْتَ هَوَا جِرَهُمْ فَأَخَذُوا الرَّاحَةَ بِالنَّصَبِ وَالرِّى بِالظُّلْمِ وَ اسْتَفْرَبُوا الْأَجَلَ فَبَادَرُوا الْعَمَلَ وَ كَذَّبُوا الْأَمْلَ فَلَا حَظَّوَالأَجَلَ؛ نهج البلاغة، ص ١٦٩

٥-٨-٩-١٧- أن تعمل بما علمت

﴿٢٤٧٥﴾ الرَّسُولُ ﷺ: تَمَامُ النَّفْوِ أَنْ تَعْلَمَ مَا جَهِلْتَ وَ تَعْمَلَ بِمَا عَلِمْتَ؛ مجموعة ورام، ج ٢، ص ١١٩

﴿عَلَامَاتُ الْمُتَّقِينَ وَ مَصَادِيقُ التَّقْوَى / مِنْ صِفَاتِ الْمُتَّقِينَ﴾

٨-١-٩-٥-٥- عمل لما عند الله

﴿٢٤٧٦﴾ الباقِرُ عَلَيْهِ السَّلَامُ: فَاتَّقُوا اللَّهَ وَاعْمَلُوا لِمَا عِنْدَ اللَّهِ؛ أعلام الدين، ص ١٤٣

٩-١-٩-٥-٥- عمل لِيَوْمِ الْحِسَابِ

﴿٢٤٧٧﴾ أمير المؤمنين (عليه السلام): فَاتَّقُوا اللَّهَ تَقِيَّةً [تُقَاةً] مِنْ أَقْنٍ فَأَحْسَنَ وَ عِبْرَ فَاغْتَبِرَ [وَحُذِرَ]

فَحَذِرْ] وَحَذَّرَ فَازْدَجَرَ وَبَصَّرَ فَاسْتَبَصَّرَ وَخَافَ الْعِقَابَ وَعَمِلَ لِيَوْمِ الْحِسَابِ؛ غررالحكم، ص ١٩١

١٠-١-٩-٥-٥- يَعمَلُ الأَعْمَالِ الصَّالِحَةِ

﴿٢٤٧٨﴾ أمير المؤمنين عليه السلام: فَأَلْتَمَقُونَ ... فَمِنْ عِلَامَةِ أَحَدِهِمْ ... يَعْمَلُ الْأَعْمَالَ الصَّالِحَةَ وَهُوَ

عَلَى وَجَلَ؛ نهج البلاغة، ص ٣٠٣

﴿٢٤٧٩﴾ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عليه السلام: فَاتَّقُوا اللَّهَ وَاصْلِحُوا أَعْمَالَكُمْ وَأَخْلَصُوا سَرَائِرَكُمْ؛ بحار الأنوار.

ج ۹۱، ص ۳۷۷

﴿٢٤٨٠﴾ ابن عباس رضي الله عنه في قوله تعالى أَمْ نَجْعَلُ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ كَالْمُفْسِدِينَ

فِي الْأَرْضِ أَمْ نَجْعَلُ الْمُتَّقِينَ كَالْفُجَّارِ قَالَ نَزَلَتِ الْآيَةُ فِي ثَلَاثَةِ مِائَةِ مُسْلِمٍ فَفَهُمُ الْمُتَّقُونَ الَّذِينَ

آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ وَفِي ثَلَاثَةِ مِائَةِ مَشْرِكِينَ هُمُ الْمُفْسِدُونَ فِي الْأَرْضِ فَأَمَّا الثَّلَاثَةُ مِنْ

الْمُسْلِمِينَ فَعَلِيَ بْنُ أَبِي طَالِبٍ وَحَمْرَةٌ وَعَبِيدَةٌ وَأَمَّا الثَّلَاثَةُ مِنَ الْمُشْرِكِينَ فَعَنْبَةُ بْنُ رَبِيعَةَ وَشَيْبَةُ

وَالْوَلِيدُ بْنُ عُتْبَةَ وَهُمْ الَّذِينَ يُبَارِزُونَ يَوْمَ بَدْرٍ فَقَتَلَ عَلَى الْوَلِيدِ وَقَتَلَ حَمْرَةَ عُتْبَةَ بْنِ رَبِيعَةَ وَ

قَتَلَ عُبَيْدَةَ شَيْبَةَ؛ بحار الأنوار، ج ١٩، ص ٢٩٨

١١-١-٩-٥-٥- استكثر من صالح العمل

﴿٢٤٨١﴾ أمير المؤمنين عليه السلام: فَاتَّقُوا اللَّهَ تَقِيَّةً مَنْ نَظَرَ فِي كَرَّةِ الْمَوْتِ وَ عَاقِبَةِ الْمَصْدَرِ وَ مَغْبَةِ

الْمَرْجِعَ فَنَدَارَكَ فَارْطَ الزَّلَّلَ وَاسْتَكْتَرَمَ مِنْ صَالِحِ الْعَمَلِ؛ غررالحكم، ص ٢٧٠

٢-٩-٥-٥- المبادرة

﴿٢٤٨٢﴾ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عليه السلام: فَاتَّقُوا اللَّهَ تَقِيَّةً مَنْ سَمِعَ فَخْشَعَ وَافْتَرَفَ فَاغْتَرَفَ وَوَجَلَ فَعَمِلَ

وَحَازَرَ فَبَادَرَ؛ غررالحكم، ص ١٩٠

﴿٢٤٨٣﴾ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عليه السلام: فَاتَّقُوا اللَّهَ عِبَادَ اللَّهِ تَقِيَّةً مِّنْ شَمَرِ تَجْرِيدٍ وَجَدَّ تَشْمِيرٍ وَ

أَكْمَشَ فِي مَهْلٍ وَبَادَرَ عَنْ وَجَلٍ؛ غررالحكم، ص ٤٨١

«نشانه‌های پرهیزکاران / از صفات پرهیزکاران»

۸-۱-۹-۵-۵- برای آنچه نزد خداست، عمل کنید

﴿۲۴۷۶﴾ از خدا پروا کنید و برای آنچه نزد خداست، عمل کنید.

۹-۱-۹-۵-۵- برای روز حساب عمل کند

﴿۲۴۷۷﴾ تقوای الهی داشته باشید همچون تقوای کسی که چون [به مرگ و دیدار پروردگار خود] یقین کند، نیکی نماید. و هرگاه درس عبرتی به او بدهند، عبرت گیرد. و چون او را بر حذر دارند، بپذیرد. و اگر منعمش کنند، بازایستد. و چون بینایش کنند، بینایی گیرد و از کیفر و عقاب بترسد. و برای روز حساب کار کند.

۱۰-۱-۹-۵-۵- اعمال شایسته انجام می‌دهد

﴿۲۴۷۸﴾ پرهیزکاران ... از نشانه‌های دیگرشان آن است که در عین به جا آوردن اعمال شایسته، ترسان است.

﴿۲۴۷۹﴾ از خدا بترسید و عمل‌هایتان را اصلاح نمایید و باطن خود را خالص نمایید.

﴿۲۴۸۰﴾ در مورد آیه‌ی: «آیا کسانی را که ایمان آورده و کارهای شایسته انجام داده‌اند همچون مفسدان در زمین قرار می‌دهیم، یا پرهیزکاران را همچون فاجران؟» گفته است: «درباره‌ی سه نفر از مسلمانان که همان پرهیزکارانی بودند که کارهای شایسته انجام می‌دادند و سه نفر از مشرکان که همان مفسدان فاجر بودند، نازل شده است. آن سه نفر از مسلمانان عبارت بودند از: علی بن ابی طالب (علیه السلام) و حمزه بن عبدالمطلب و عبیده بن حارث بن عبدالمطلب که در روز بدر مبارزه کردند، علی (علیه السلام) ولید را و حمزه عتبه را و عبیده شیبه را کشت.

۱۱-۱-۹-۵-۵- عمل صالح بسیاری انجام دهد

﴿۲۴۸۱﴾ تقوای الهی داشته باشید همچون کسی که در بازگشت به عالم آخرت و سرانجام زندگی و عاقبت کار می‌اندیشد و در نتیجه‌ی لغزش گذشته را تدارک کند و عمل صالح بسیاری انجام دهد.

۲-۵-۹-۵- اقدام

﴿۲۴۸۲﴾ از خدا بترسید همانند کسی که شنیده و خاشع گشته و گناه کرده و اعتراف به آن

نموده و به خاطر آن ترسیده است. و پرهیز کرده و آن را نیکو انجام داده است.

﴿۲۴۸۳﴾ تقوای الهی داشته باشید! همچون تقوای کسی که دامن خود را [برای اطاعت حق]

به کمر زده و سخت می‌کوشد و در این فاصله به سرعت در راه خدا گام برمی‌دارد و از ترس کارهای بد خود به‌سوی آمرزش خدا رو می‌آورد.

﴿عَلَامَاتُ الْمُتَّقِينَ وَ مَصَادِيقُ التَّقْوَى / مِنْ صِفَاتِ الْمُتَّقِينَ﴾

١-٢-٩-٥-٥-بَادِرُوا الْعَمَلَ

﴿٢٤٨٤﴾ أمير المؤمنين عليه السلام: عِبَادَ اللَّهِ إِنَّ تَقْوَى اللَّهِ حَمَتُ أَوْلِيَاءَ اللَّهِ مَحَارِمَهُ وَ الزَّمْتُ قُلُوبَهُمْ مَخَافَتَهُ حَتَّى اسْهَرَتْ لَيَالِيَهُمْ وَ اَظْمَأَتْ هَوَاجِرَهُمْ فَأَخَذُوا الرَّاحَةَ بِالنَّصَبِ وَ الرِّىَّ بِالظَّمِّ وَ اسْتَقْرَبُوا الْأَجَلَ فَيَادِرُوا الْعَمَلَ وَ كَذَّبُوا الْأَمَلَ فَلَا حَظَّوْا إِلَّا بِالْجَلِّ، نهج البلاغة، ص ١٦٩

٣-٩-٥-٥- الجُدُّ

﴿٢٤٨٥﴾ أمير المؤمنين عليه السلام: فَإِنَّ مِنْ اتَّقَى اللَّهَ ... فَجَدَّ وَاجْتَهَدَ وَاتَّعَبَ بَدَنَهُ حَتَّى بَدَتْ الْأَضْلَاعُ وَغَارَتِ الْعَيْنَانِ؛ مشكاة الأنوار، ص ٢٦٧

﴿٢٤٨٦﴾ أمير المؤمنين عليه السلام: فَانْقُوا اللَّهَ عِبَادَ اللَّهِ تَقِيَّةً مِّنْ شَمَرٍ تَجْرِيداً وَجَدَّ تَشْمِيراً وَ
أَكْمَشَ فِي مَهَلٍ وَبَادَرَ عَنْ وَجَلٍ؛ غرر الحكم، ص ٤٨١

٤-٩-٥- الإجتهاؤ

﴿٢٤٨٧﴾ أمير المؤمنين عليه السلام: فَإِنَّ مِنْ اتَّقَى اللَّهَ ... فَجَدَّ وَاجْتَهَدَ وَاتَّعَبَ بَدَنَهُ حَتَّى بَدَتْ الْأَصْلَاعُ وَغَارَتِ الْعَيْنَانِ؛ مشكاة الأنوار، ص ٢٦٧

﴿٢٤٨٨﴾ الصادق عليه السلام: فَإِنَّ مِنْ اتَّقَى اللَّهَ وَالتَّوَضَّعَ لِلَّهِ وَالتَّوَكَّلَ عَلَيْهِ وَاجْتَهَدَ فِي الْأَعْمَالِ وَاتَّقَى لِرُسُلِهِ وَالتَّوَكَّلَ عَلَى مَرْضَاتِهِ وَاجْتَنَبَ مَا نَهَى عَنْهُ؛ بحار الأنوار، ج ٢٤، ص ٢٨٦

٥-٩-٥- السَّيِّئَةُ وَالْمُسَارَعَةُ

۱-۵-۹-۵-۵- سَابِقُ إِلَى كُلِّ خَيْرٍ

﴿٢٤٨٩﴾ الرَّسُولُ ﷺ: التَّقَى سَابِقٌ إِلَى كُلِّ خَيْرٍ؛ بحار الأنوار، ج ٧٥، ص ٩٠

﴿٢٤٩﴾ الصَّادِقُ (عليه السلام): فَإِنَّ مِنَ التَّقْوَى الطَّاعَةَ وَالْوَرَعَ وَالتَّوَاضُّعَ لِلَّهِ وَالطَّمَأْنِينَةَ وَالْإِجْتِهَادَ
وَالْأَخْذَ بِأَمْرِهِ وَالنَّصِيحَةَ لِرُسُلِهِ وَالْمُسَارَعَةَ فِي مَرْضَاتِهِ وَاجْتِنَابَ مَا نَهَى عَنْهُ؛ بحار الأنوار،
ج ٢٤، ص ٢٨٦

«نشانه‌های پرهیزکاران / از صفات پرهیزکاران»

۱-۲-۹-۵-۵- اقدام کنید

﴿۲۴۸۴﴾ ای بندگان خدا! همانا تقوای الهی دوستان خدا را از انجام محرمات باز می‌دارد و قلب‌هایشان را پر از ترس خدا می‌سازد، تا آنکه شب‌های آنان با بی‌خوابی و روزهایشان با تحمل تشنگی و روزه‌داری، سپری می‌گردد، که آسایش آخرت را با رنج دنیا و سیراب‌شدن آنجا را با تحمل تشنگی دنیا به دست آوردند. اجل و مرگ را نزدیک دیده و در اعمال نیکو شتاب کرده‌اند، آرزوهای دنیایی را دروغ خواندند و مرگ به درستی نگریستند.

۳-۵-۹-۵- جذیت

﴿۲۴۸۵﴾ به خدا قسم؛ آن‌که از خدا پروا کند ... باجذیت تلاش می‌کند و جسم خود را به حدی به زحمت می‌اندازد که استخوان‌هایش از شدت لاغری آشکار می‌شوند و چشمانش گودافتاده.

۱-۳-۹-۵-۵- کسی که دامن خود را به کمر زده و سخت می‌کوشد

﴿۲۴۸۶﴾ تقوای الهی داشته باشید! همچون تقوای کسی که دامن خود را [برای اطاعت حق] به کمر زده و سخت می‌کوشد و در این فاصله به سرعت در راه خدا گام برمی‌دارد و از ترس کارهای بد خود به‌سوی آمرزش خدا رو می‌آورد.

۴-۵-۹-۵- تلاش

﴿۲۴۸۷﴾ به خدا قسم؛ آن‌که از خدا پروا کند ... باجذیت تلاش می‌کند و جسم خود را به حدی به زحمت می‌اندازد که استخوان‌هایش از شدت لاغری آشکار می‌شوند و چشمانش گود افتاده.

﴿۲۴۸۸﴾ ورع و تواضع برای خدا و آرامش و کوشش و مطیع‌بودن و خیرخواهی برای فرستادگان خدا و سرعت در کارهای نیک و پرهیز از گناهان، از تقوا محسوب می‌شود.

۵-۵-۹-۵- سبقت، سرعت

۱-۵-۹-۵-۵- در هر کار نیک سبقت می‌گیرد

﴿۲۴۸۹﴾ پرهیزکار در هر کار نیک سبقت می‌گیرد.

۲-۵-۹-۵-۵- سرعت در جلب رضایت خدا

﴿۲۴۹۰﴾ ورع و تواضع برای خدا و آرامش و کوشش و مطیع‌بودن و خیرخواهی برای فرستادگان خدا و سرعت در کارهای نیک و پرهیز از گناهان، از تقوا محسوب می‌شود.

﴿عَلَامَاتُ الْمُتَّقِينَ وَ مَصَادِيقُ التَّقْوَى / مِنْ صِفَاتِ الْمُتَّقِينَ﴾

٥-٥-٩-٥-٣- التَّكْمِيشُ

﴿٢٤٩١﴾ الرَّسُولُ ﷺ: اتَّقُوا اللَّهَ عِبَادَ اللَّهِ تَقِيَّةً مَنِ اعْتَبَرَ تَمْهِيداً وَ اتَّقَى فِي وَجَلٍ وَ كَمَشٍ فِي مَهَلٍ وَ رَغَبٍ فِي طَلَبٍ وَ رَهَبٍ فِي هَرَبٍ؛ بحار الأنوار، ج ٣٦، ص ٢٨٧

٥-٥-٩-٥-٤- اغْتِنَامُ الْمُهَلَّةِ

﴿٢٤٩٢﴾ أمير المؤمنين عليه السلام: شِيْمَةُ الْأَتَقِيَاءِ اغْتِنَامُ الْمُهَلَّةِ، وَ التَّزَوُّدُ لِلرَّحَلَةِ؛ غرر الحكم،

ص ٤٧٣

﴿٢٤٩٣﴾ أمير المؤمنين عليه السلام: لِلْمُتَّقِي ثَلَاثُ عَلَامَاتٍ إِخْلَاصُ الْعَمَلِ وَ قَصْرُ الْأَمَلِ وَ اغْتِنَامُ الْمُهَلِّ؛

غرر الحكم، ص ٢٧٤

٥-٥-١٠- جِهَادُ النَّفْسِ، الرِّيَاضَةُ، إِصْلَاحُ النَّفْسِ، الْإِتْعَابُ

٥-٥-١٠-١- الرِّيَاضَةُ

﴿٢٤٩٤﴾ أمير المؤمنين عليه السلام: إِنَّمَا هِيَ نَفْسِي أَرُوضُهَا بِالتَّقْوَى لِتَأْتِيَ آمِنَةً يَوْمَ الْخَوْفِ الْأَكْبَرِ وَ تَثْبُتَ عَلَى جَوَانِبِ الْمَزَلِقِ وَ لَوْ شِئْتُ لَاهْتَدَيْتُ الطَّرِيقَ إِلَى مُصَفَى هَذَا الْعَسَلِ وَ لُبَابِ هَذَا الْقَمَحِ وَ نَسَائِجِ هَذَا الْقَزِّ وَ لَكِنْ هَيْهَاتَ أَنْ يَغْلِبَنِي هَوَايَ وَ يَقُودَنِي جَشْعِي إِلَى تَخِيرِ الْأَطْعِمَةِ وَ لَعَلَّ بِالْحِجَازِ أَوْ الْإِمَامَةِ مَنْ لَا طَمَعَ لَهُ فِي الْقُرْصِ وَ لَا عَهْدَ لَهُ بِالشَّيْعِ أَوْ أَيْتٍ مَبْطُنًا وَ حَوْلِي بَطُونٌ غَرَنِي وَ أَكْبَادُ حَرَى؛ نهج البلاغة، ص ٤١٦

٥-٥-١٠-٢- جِهَادُ النَّفْسِ

﴿٢٤٩٥﴾ أمير المؤمنين عليه السلام: مَنْ جَاهَدَ نَفْسَهُ أَكْمَلَ اتَّقَى؛ غرر الحكم، ص ٢٤٣

٥-٥-١٠-٣- مَنْ أَسْهَرَ التَّهْجُدُ غِرَارَ نَوْمِهِ

﴿٢٤٩٦﴾ أمير المؤمنين عليه السلام: فَاتَّقُوا اللَّهَ تَقِيَّةً مَنْ أَنْصَبَ الْخَوْفُ بَدَنَهُ وَ أَسْهَرَ التَّهْجُدُ غِرَارَ

نَوْمِهِ وَ أَظْمَأَ الرَّجَاءُ هَوَاجِرَ يَوْمِهِ؛ غرر الحكم، ص ١٩١

٥-٥-١٠-٤- نَزْعُ الْقِيَادِ مِنْ يَدِ الشَّيْطَانِ

﴿٢٤٩٧﴾ أمير المؤمنين عليه السلام: فَاتَّقِ اللَّهَ فِي نَفْسِكَ وَ نَازِعِ الشَّيْطَانَ قِيَادَكَ؛ بحار الأنوار، ج ٣٣،

ص ١١٦

«نشانه‌های پرهیزکاران / از صفات پرهیزکاران»

۳-۵-۹-۵- سرعت گرفتن

«۲۴۹۱» ای بندگان خدا! از خدا بترسید، مانند کسی که برای مهیا بودن پند گرفته است؛ و در ترس [از خدا] پرهیز کرده و در دنیا که مهلتش دادند [برای عبادت] سرعت کرد، و در طلب خشنودی پروردگار شوق داشت و در گریختن [از عذاب الهی به راه حق] گریخت.

۶-۵-۹-۵- غنیمت شمردن فرصت

«۲۴۹۲» غنیمت شمردن فرصت‌ها و توشه برداشتن برای سفر آخرت، از اخلاق اهل تقواست.

«۲۴۹۳» فرد با تقوا سه نشانه دارد: اخلاص در عمل، کوتاهی آرزو، استفاده از فرصت‌ها.

۱۰-۵-۵- جهاد نفس، ریاضت، اصلاح نفس، به رنج انداختن خود

۱-۱۰-۵- ریاضت

«۲۴۹۴» من نفس خود را با پرهیزکاری می‌پرورانم، تا در روز قیامت که هراسناک‌ترین روزهاست در امان، و در لغزشگاه‌های آن ثابت قدم باشد. من اگر می‌خواستم، می‌توانستم از عسل پاک، و از مغز گندم، و بافته‌های ابریشم، برای خود غذا و لباس فراهم آورم، اما هیئات که هوای نفس بر من چیره گردد، و حرص و طمع مرا وا دارد که طعام‌های لذیذ برگزینم، درحالی که در «حجاز» یا «یمامه» کسی باشد که به قرص نانی نرسد، و یا هرگز شکمی سیر نخورد، یا من سیر بخوابم و پیرامونم شکم‌هایی که از گرسنگی به پشت چسبیده، و جگرهای سوخته وجود داشته باشد.

۲-۱۰-۵- جهاد نفس

«۲۴۹۵» کسی که با نفسش مبارزه نماید، تقوا را به کمال رسانده است.

۳-۵-۱۰- کسی که شب‌زنده‌داری خواب را از چشمش ربوده است

«۲۴۹۶» تقوای الهی داشته باشید همچون تقوای کسی که ترس بدنش را کوفته و خسته کرده و شب‌زنده‌داری خواب را از چشمش ربوده و امید به رحمت حق او را به تشنگی روزه‌های گرم واداشته است.

۴-۵-۱۰- گرفتن مهار از دست شیطان

«۲۴۹۷» پس درباره‌ی خود از خدا بترس، و با شیطان ایستادگی کرده مهارت را از چنگش بیرون کن.

﴿عَلَامَاتُ الْمُتَّقِينَ وَ مَصَادِيقُ التَّقْوَى / مِنْ صِفَاتِ الْمُتَّقِينَ﴾

٥-١٠-٥- إصلاح النفس

﴿٢٤٩٨﴾ أمير المؤمنين عليه السلام: فَاتَّقُوا اللَّهَ وَاسْتَقْبِلُوا مِنْ إِصْلَاحِ أَنْفُسِكُمْ وَطَاعَةِ اللَّهِ وَطَاعَةِ مَنْ تَوَلَّوْهُ فِيهَا؛ بحار الأنوار، ج ٧٥، ص ١٤٨
٥-١٠-٥- الإتعاب

٥-١٠-٥-١- أتعَبَ بَدَنَهُ حَتَّى بَدَتِ الْأَضْلَاعُ وَغَارَتِ الْعَيْنَانِ

﴿٢٤٩٩﴾ أمير المؤمنين عليه السلام: فَإِنْ مَنْ اتَّقَى اللَّهَ ... فَجَدَّ وَاجْتَهَدَ وَاتَّعَبَ بَدَنَهُ حَتَّى بَدَتِ الْأَضْلَاعُ وَغَارَتِ الْعَيْنَانِ؛ مشكاة الأنوار، ص ٢٦٧
٥-١٠-٥-٢- أتعَبَ نَفْسَهُ لِأَخْرَجِهِ

﴿٢٥٠٠﴾ أمير المؤمنين عليه السلام: فَالْمُتَّقُونَ ... نَفْسُهُ مِنْهُ فِي عَنَاءٍ وَالنَّاسُ مِنْهُ فِي رَاحَةٍ اتَّعَبَ نَفْسَهُ لِأَخْرَجِهِ وَآرَاحَ النَّاسَ مِنْ نَفْسِهِ؛ نهج البلاغة، ص ٣٠٣
٥-١٠-٥-٣- أَنْصَبَ الْخَوْفُ بَدَنَهُ

﴿٢٥٠١﴾ أمير المؤمنين عليه السلام: فَاتَّقُوا اللَّهَ تَقِيَّةً مَنْ أَنْصَبَ الْخَوْفُ بَدَنَهُ وَاسْهَرَ التَّهَجُّدُ غِرَارَ نَوْمِهِ وَأَظْلَمَ الرَّجَاءُ هَوَاجِرَ يَوْمِهِ؛ غرر الحكم، ص ١٩١
٥-١٠-٥-٤- أَجْسَادُهُمْ نَحِيفَةٌ

﴿٢٥٠٢﴾ أمير المؤمنين عليه السلام: فَالْمُتَّقُونَ ... أَجْسَادُهُمْ نَحِيفَةٌ وَحَاجَاتُهُمْ خَفِيفَةٌ وَأَنْفُسُهُمْ عَفِيفَةٌ؛ نهج البلاغة، ص ٣٠٣

﴿٢٥٠٣﴾ أمير المؤمنين عليه السلام: فَالْمُتَّقُونَ ... قَدْ بَرَّاهُمْ الْخَوْفُ بَرَى الْقِدَاحِ يَنْظُرُ إِلَيْهِمُ النََّاظِرُ فَيَحْسِبُهُمْ مَرْضَى وَمَا بِالْقَوْمِ مِنْ مَرَضٍ وَيَقُولُ لَقَدْ خُولِطُوا وَلَقَدْ خَالَطَهُمْ أَمْرٌ عَظِيمٌ؛ نهج البلاغة، ص ٣٠٣

﴿٢٥٠٤﴾ أمير المؤمنين عليه السلام: فَإِنْ مَنْ اتَّقَى اللَّهَ ... فَجَدَّ وَاجْتَهَدَ وَاتَّعَبَ بَدَنَهُ حَتَّى بَدَتِ الْأَضْلَاعُ وَغَارَتِ الْعَيْنَانِ؛ مشكاة الأنوار، ص ٢٦٧
٥-١٠-٥-٥- نَفْسُهُ مِنْهُ فِي عَنَاءٍ

﴿٢٥٠٥﴾ أمير المؤمنين عليه السلام: فَالْمُتَّقُونَ ... نَفْسُهُ مِنْهُ فِي عَنَاءٍ وَالنَّاسُ مِنْهُ فِي رَاحَةٍ اتَّعَبَ نَفْسَهُ لِأَخْرَجِهِ وَآرَاحَ النَّاسَ مِنْ نَفْسِهِ؛ نهج البلاغة، ص ٣٠٣

«نشانه‌های پرهیزکاران / از صفات پرهیزکاران»

۵-۱۰-۵-اصلاح نفس

﴿۲۴۹۸﴾ از خدا پروا کنید، و به اصلاح خود، اطاعت خدا و اطاعت آن‌ها که ولایتشان را پذیرفته‌اید، بپردازید.

۵-۱۰-۶-زحمت انداختن خود

۱-۵-۱۰-۶-جسم خود را به حدّی به زحمت می‌اندازد که استخوان‌هایش آشکار می‌شوند و چشمانش گود می‌افتد

﴿۲۴۹۹﴾ به خدا قسم؛ آن‌که از خدا پروا کند ... باجذّیت تلاش می‌کند و جسم خود را به حدّی به زحمت می‌اندازد که استخوان‌هایش از شدّت لاغری آشکار می‌شوند و چشمانش گود می‌افتد.

۲-۵-۱۰-۶-در امر آخرت خود را به زحمت می‌اندازد

﴿۲۵۰۰﴾ پرهیزکاران ... از خود در رنج است، و مردم از او در راحتند. در امر آخرت خود را به زحمت اندازد، و مردم را از جانب خود قرین آسایش کند.

۳-۵-۱۰-۶-ترس بدنش را خسته کرده است

﴿۲۵۰۱﴾ تقوای الهی داشته باشید همچون تقوای کسی که ترس بدنش را کوفته و خسته کرده و شب‌زنده‌داری خواب را از چشمش ربوده و امید به رحمت حق او را به تشنگی روزه‌های گرم واداشته است.

۴-۵-۱۰-۶-بدن‌هایشان لاغر است

﴿۲۵۰۲﴾ پرهیزکاران ... بدن‌هایشان لاغر، نیازهایشان سبک، و نفوسشان باعفت است.
﴿۲۵۰۳﴾ پرهیزکاران ... بیم از حق جسمشان را چون تیر تراشیده لاغر کرده است. مردم آنان را می‌بینند به تصور اینکه بیمارند، ولی بیمار نیستند، و می‌گویند، دیوانه‌اند؛ درحالی‌که امری عظیم آنان را به این حال در آورده است.

﴿۲۵۰۴﴾ به خدا قسم؛ آن‌که از خدا پروا کند ... باجذّیت تلاش می‌کند و جسم خود را به حدّی به زحمت می‌اندازد که استخوان‌هایش از شدّت لاغری آشکار می‌شوند و چشمانش گودافتاده.

۵-۵-۱۰-۶-از خود در رنج است

﴿۲۵۰۵﴾ پرهیزکاران ... از خود در رنج است، و مردم از او در راحتند. در امر آخرت خود را به زحمت اندازد، و مردم را از جانب خود قرین آسایش کند.

﴿عَلَامَاتُ الْمُتَّقِينَ وَ مَصَادِيقُ التَّقْوَى / مِنْ صِفَاتِ الْمُتَّقِينَ﴾

٥-٥-١٠-٤-٦- ثَوْبُ يُوَارَى بِهِ عَوْرَتُهُ مِنْ أَعْلَى مَا يَجِدُ وَ أَحْسَنِهِ

﴿٢٥٠٦﴾ أمير المؤمنين عليه السلام: فَإِنَّ مَنْ اتَّقَى اللَّهَ ... أَضَرَّ وَ اللَّهُ بِالْحَلَالِ الصَّافِي إِلَّا مَا لَا بُدَّ لَهُ مِنْ كِسْرَةٍ يَشُدُّ بِهَا صُلْبَهُ وَ ثَوْبُ يُوَارَى بِهِ عَوْرَتُهُ مِنْ أَعْلَى مَا يَجِدُ وَ أَحْسَنِهِ؛ مشكاة الأنوار، ص ٢٦٧

٥-٥-١١- خِفَةُ الْحَاجَاتِ وَ سَهُولَةُ الْأَمْرِ

٥-٥-١١-١- حَاجَاتُهُمْ خَفِيفَةٌ

﴿٢٥٠٧﴾ أمير المؤمنين عليه السلام: فَالْمُتَّقُونَ ... أَجْسَادُهُمْ نَحِيفَةٌ وَ حَاجَاتُهُمْ خَفِيفَةٌ وَ أَنْفُسُهُمْ عَفِيفَةٌ؛ نهج البلاغة، ص ٣٠٣

٥-٥-١١-٢- أَمْرُهُ سَهْلٌ

﴿٢٥٠٨﴾ أمير المؤمنين عليه السلام: فَالْمُتَّقُونَ ... قَانِعَةٌ نَفْسُهُ مَنْزُورًا أَكَلَهُ سَهْلًا أَمْرُهُ؛ نهج البلاغة، ص ٣٠٣

٥-٥-١١-٣- أَكَلَهُ مَنْزُورٌ

﴿٢٥٠٩﴾ أمير المؤمنين عليه السلام: فَالْمُتَّقُونَ ... قَانِعَةٌ نَفْسُهُ مَنْزُورًا أَكَلَهُ سَهْلًا أَمْرُهُ؛ نهج البلاغة، ص ٣٠٣

٥-٥-١١-٤- أَيْسَرُ أَهْلِ الدُّنْيَا مَثُونَةٌ وَ أَكْثَرُهُمْ مَعُونَةٌ

﴿٢٥١٠﴾ الباقر عليه السلام: وَ اعْلَمْ يَا جَابِرُ أَنَّ أَهْلَ التَّقْوَى أَيْسَرُ أَهْلِ الدُّنْيَا مَثُونَةٌ وَ أَكْثَرُهُمْ لَكَ

مَعُونَةٌ تَذَكُرُ فَيُعِينُونَكَ؛ الكافي، ج ٢، ص ١٣٢

﴿٢٥١١﴾ الباقر عليه السلام: أَنَّ أَهْلَ التَّقْوَى هُمْ الْأَغْنِيَاءُ أَغْنَاهُمْ الْقَلِيلُ مِنَ الدُّنْيَا فَمَثُونَتُهُمْ يَسِيرَةٌ؛

بحار الأنوار، ج ٧٥، ص ١٦٥

﴿٢٥١٢﴾ الصادق عليه السلام: إِنَّ أَهْلَ التَّقْوَى أَخَفُّ أَهْلِ الدُّنْيَا مَثُونَةٌ وَ أَكْثَرُهُمْ مَعُونَةٌ إِنْ نَسِيتَ

ذِكْرُوكَ وَ إِنْ ذَكَّرُوكَ أَعْلَمُوكَ؛ بحار الأنوار، ج ٧٥، ص ٢٦٢

٥-٥-١٢- الزَّهَادَةُ، الْحِفْظُ وَ الْعِفَّةُ وَ الْحَذَرُ وَ الْحِرْزُ وَ الْغَضُّ وَ الْكَفُّ وَ الْاجْتِنَابُ وَ الْوُقُوفُ،

الْعَزْلَةُ، التَّنَزُّهُ، التَّنَكُّبُ، الْإِنْتِهَاءُ وَ رَاجِعُ: الْفَصْلُ الْأَوَّلُ، مَعَانِي التَّقْوَى

٥-٥-١٢-١- الزَّهَادَةُ

﴿٢٥١٣﴾ أمير المؤمنين عليه السلام: فَالْمُتَّقُونَ ... إِنْ اسْتَصْعَبَتْ عَلَيْهِ نَفْسُهُ فِيمَا تَكْرَهُ لَمْ يُعْطِهَا سُؤْلَهَا

فِيمَا تُحِبُّ قُرَّةَ عَيْنِهِ فِيمَا لَا يَزُولُ وَ زَهَادَتُهُ فِيمَا لَا يَبْقَى؛ نهج البلاغة، ص ٣٠٣

«نشانه‌های پرهیزکاران / از صفات پرهیزکاران»

۶-۵-۱۰-۵ در مورد لباس از زمخت‌ترین‌ها فقط به نیت پوشاندن عورت استفاده می‌کند ﴿۲۵۰۶﴾ به خدا قسم؛ آن‌که از خدا پروا کند حتی از مال حلال جز به قدر ضرورت نمی‌خورد؛ فقط به اندازه‌ای که بتواند سرپا بایستد؛ و در مورد لباس نیز از زبرترین و زمخت‌ترین‌ها فقط به نیت پوشاندن عورت استفاده می‌کند.

۱۱-۵-۵ سبک‌بودن نیازها و آسان‌بودن زندگی

۱-۱۱-۵ نیازهایشان سبک است

﴿۲۵۰۷﴾ پرهیزکاران ... بدن‌هایشان لاغر، نیازهایشان سبک، و نفوسشان باعفت است.

۲-۱۱-۵ آسان‌بودن زندگی

﴿۲۵۰۸﴾ پرهیزکاران ... نفسش قانع، خوراکش اندک، زندگی‌اش آسان است.

۳-۱۱-۵ خوراکش اندک است

﴿۲۵۰۹﴾ پرهیزکاران ... نفسش قانع، خوراکش اندک، زندگی‌اش آسان است.

۴-۱۱-۵ دارای کمترین زحمتند و بیشترین کمک

﴿۲۵۱۰﴾ آگاه باش ای جابر! پرهیزکاران کم‌هزینه‌ترین مردم دنیا بوده و بیشترین کمک را

آنان به تو می‌رسانند. تا یادآوری‌شان کنی به تو کمک می‌کنند.

﴿۲۵۱۱﴾ پرهیزکاران همان توانگرانند، که اندک از دنیا بی‌نیازشان ساخته، و هزینه و

خرجشان ناچیز است.

﴿۲۵۱۲﴾ تقوایندگان و خداترسان کم‌خرج‌ترین اهل دنیا و پرسودترین ایشانند، اگر از یاد بری

به یادت می‌آورند و از آن پس تو را آگاه می‌سازند.

۱۲-۵-۵ زهد، حفظ، پارسایی، حذر کردن، چشم‌فروانداختن، دست‌بازداشتن، باز ایستادن،

کناره‌گیری، پاکی، و.ر.به: فصل ۱؛ معانی پرهیزکاری

۱-۱۲-۵ زهد

﴿۲۵۱۳﴾ پرهیزکاران ... اگر نفسش وی را در آنچه بر او سنگین است پیروی نکند او نیز آنچه

را که نفس به آن رغبت دارد به او نمی‌دهد. روشنی چشمش در آن چیزی است که جاوید است،

و بی‌رغبتی‌اش در آن است که فانی‌شدنی است.

﴿۲۵۱۴﴾ پس ای بندگان خدا! تقوای الهی پیشه کنید، تقوای خردمندی که ... بی‌رغبتی به

دنیا وی را از شهواتش منع کرده است.

﴿عَلَامَاتُ الْمُتَّقِينَ وَ مَصَادِيقُ التَّقْوَى / مِنْ صِفَاتِ الْمُتَّقِينَ﴾

﴿٢٥١٤﴾ أمير المؤمنين عليه السلام: فَاتَّقُوا اللَّهَ عِبَادَ اللَّهِ تَقِيَّةَ ذِي لُبٍّ ... ظَلَفَ الزُّهْدُ شَهَوَاتِهِ؛

نهج البلاغة، ص ١١١

﴿٢٥١٥﴾ أمير المؤمنين عليه السلام: الزُّهْدُ شِمَّةُ الْمُتَّقِينَ وَ سَجِيَّةُ الْأَوَّابِينَ؛ غرر الحكم، ص ٢٧٥

﴿٢٥١٦﴾ الرسول ﷺ: فَإِنَّ مَنْ رَغِبَ بِالتَّقْوَى زَهْدًا فِي الدُّنْيَا؛ بحار الأنوار، ج ٣٦، ص ٣٢٠

﴿٢٥١٧﴾ الحسن عليه السلام: أَجْوَبَةُ الْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ عليه السلام عَنْ مَسَائِلَ سَأَلَهُ عَنْهَا أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عليه السلام

أَوْ غَيْرُهُ فِي مَعَانٍ مُخْتَلَفَةٍ قِيلَ لَهُ عليه السلام مَا الزُّهْدُ قَالَ الرِّغْبَةُ فِي التَّقْوَى وَ الزَّهَادَةُ فِي الدُّنْيَا؛

بحار الأنوار، ج ٧٥، ص ١٠٢

﴿٢٥١٨﴾ حديث قدسي: يَا أَحْمَدُ إِنْ أَحْبَبْتَ أَنْ تَكُونَ أَوْرَعَ النَّاسِ فَازْهَدْ فِي الدُّنْيَا وَ ارْغَبْ

فِي الْآخِرَةِ؛ مستدرک الوسائل، ج ١٢، ص ٤٨

١-١٢-٥-٥- غَايَةُ الزُّهْدِ

﴿٢٥١٩﴾ أمير المؤمنين عليه السلام: غَايَةُ الزُّهْدِ الْوَرَعُ؛ بحار الأنوار، ج ٧٥، ص ٧٩

١-١٢-٥-٥- أَصَابُوا لَذَّةَ زُهْدِ الدُّنْيَا فِي دُنْيَاهُمْ

﴿٢٥٢٠﴾ أمير المؤمنين عليه السلام: وَ اعْلَمُوا عِبَادَ اللَّهِ أَنَّ الْمُتَّقِينَ ... أَصَابُوا لَذَّةَ زُهْدِ الدُّنْيَا فِي

دُنْيَاهُمْ؛ بحار الأنوار، ج ٣٣، ص ٥٨١

١-١٢-٥-٥- بُعْدُهُ عَمَّنْ تَبَاعَدَ عَنْهُ زُهْدٌ وَ نَزَاهَةٌ

﴿٢٥٢١﴾ أمير المؤمنين عليه السلام: فَالْمُتَّقُونَ ... بُعْدُهُ عَمَّنْ تَبَاعَدَ عَنْهُ زُهْدٌ وَ نَزَاهَةٌ وَ دُنُوهُ مِمَّنْ دَنَا

مِنْهُ لَيْنٌ وَ رَحْمَةٌ لَيْسَ تَبَاعْدُهُ بِكَبِيرٍ وَ عَظَمَةٌ وَ لَا دُنُوهُ بِمَكْرٍ وَ خَدِيعَةٍ؛ نهج البلاغة، ص ٣٠٣

١-١٢-٥-٥- الْعِفَّةُ

١-١٢-٥-٥- أَنْفُسُهُمْ عَفِيفَةٌ

﴿٢٥٢٢﴾ أمير المؤمنين عليه السلام: فَالْمُتَّقُونَ ... أَجْسَادُهُمْ نَحِيفَةٌ وَ حَاجَاتُهُمْ خَفِيفَةٌ وَ أَنْفُسُهُمْ

عَفِيفَةٌ؛ نهج البلاغة، ص ٣٠٣

١-١٢-٥-٥- التَّعَقُّفُ

﴿٢٥٢٣﴾ أمير المؤمنين عليه السلام: إِنَّ الْأَتْقِيَاءَ كُلُّ سَخِيٍّ مُتَعَقِّفٍ مُحْسِنٍ؛ غرر الحكم، ص ٢٧٣

﴿٢٥٢٤﴾ أمير المؤمنين عليه السلام: الْمُتَّقِيُّ قَانِعٌ مُنْزَعٌ مُتَعَقِّفٌ؛ غرر الحكم، ص ٣٩١

«نشانه‌های پرهیزکاران / از صفات پرهیزکاران»

﴿۲۵۱۵﴾ زهد، خلق و خوی اهل تقوا و خلق و خوی توبه‌کنندگان است.

﴿۲۵۱۶﴾ پس هرکس خواستار تقوا باشد، از دنیا روی گردان می‌شود.

﴿۲۵۱۷﴾ از امام حسن علیه السلام مجموعه پرسش و پاسخی در زمینه‌های گوناگون روایت شده که پدر بزرگوار آن حضرت یا فرد دیگری از او به عمل آورده است. از آن حضرت سؤال شد: «زهد چیست؟» فرمود: «دل دادن به پرهیزکاری و دست کشیدن از دنیا».

﴿۲۵۱۸﴾ ای احمد! اگر دوست داری که پرهیزکارترین مردم باشی پس از دنیا کناره بگیر و به سوی آخرت مشتاق باش.

۱-۱-۱۲-۵-۵- نهایت زهد

﴿۲۵۱۹﴾ نهایت زهد پرهیزکاری است.

۲-۱-۱۲-۵-۵- لذت زهد را در همین دنیا می‌چشند

﴿۲۵۲۰﴾ ای بندگان خدا، آگاه باشید! پرهیزکاران ... لذت پرهیزکاری در ترک حرام دنیا را چشیدند.

۳-۱-۱۲-۵-۵- دورشدنش از سر زهد و پاکی است

﴿۲۵۲۱﴾ پرهیزکاران ... دوری‌اش از آن که دوری می‌کند محض زهد و پاک‌ماندن، و نزدیکی‌اش به آن که نزدیک می‌شود به خاطر نرمی و رحمت است، دوری‌اش از راه تکبر و خودخواهی، و نزدیکی‌اش از باب مکر و فریب نیست.

۲-۱۲-۵-۵- پارسایی

۱-۲-۱۲-۵-۵- جان‌هایشان پارسا است

﴿۲۵۲۲﴾ پرهیزکاران ... بدن‌هایشان لاغر، نیازهایشان سبک، و نفوسشان باعفت است.

۲-۲-۱۲-۵-۵- پارسایی

﴿۲۵۲۳﴾ هر بخشنده‌ی پاک‌دامن و نیکوکاری از اهل تقواست.

﴿۲۵۲۴﴾ انسان باتقوا، قانع و پاک و پاک‌دامن است.

﴿عَلَامَاتُ الْمُتَّقِينَ وَ مَصَادِيقُ التَّقْوَى / مِنْ صِفَاتِ الْمُتَّقِينَ﴾

٣-٢-١٢-٥-٥- عَفَّةُ الْبَصَرِ

﴿٢٥٢٥﴾ أمير المؤمنين عليه السلام: قَالَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عليه السلام حَسْبُكَ مِنْ كَمَالِ الْمَرْءِ تَرْكُهُ مَا لَا يَجْمَلُ بِهِ وَمِنْ حَيَاتِهِ أَنْ لَا يَلْقَى أَحَدًا بِمَا يَكْرَهُ وَمِنْ عَقْلِهِ حُسْنُ رِفْقَةٍ وَمِنْ آدَبِهِ عِلْمُهُ بِمَا لَا بُدَّ [لَهُ] مِنْهُ وَمِنْ وَرَعِهِ عَفَّةُ بَصَرِهِ وَعَفَّةُ بَطْنِهِ؛ مستدرک الوسائل، ج ١٢، ص ١٧٠

٣-٢-١٢-٥-٥- عَفَّةُ الْبَطْنِ

﴿٢٥٢٦﴾ أمير المؤمنين عليه السلام: حَسْبُ الْمَرْءِ ... مِنْ وَرَعِهِ غَضُّ بَصَرِهِ وَعَفَّةُ بَطْنِهِ؛ بحار الأنوار،

ج ٧٥، ص ٨٠

﴿٢٥٢٧﴾ أمير المؤمنين عليه السلام: قَالَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عليه السلام حَسْبُكَ مِنْ كَمَالِ الْمَرْءِ تَرْكُهُ مَا لَا يَجْمَلُ بِهِ وَمِنْ حَيَاتِهِ أَنْ لَا يَلْقَى أَحَدًا بِمَا يَكْرَهُ وَمِنْ عَقْلِهِ حُسْنُ رِفْقَةٍ وَمِنْ آدَبِهِ عِلْمُهُ بِمَا لَا بُدَّ [لَهُ] مِنْهُ وَمِنْ وَرَعِهِ عَفَّةُ بَصَرِهِ وَعَفَّةُ بَطْنِهِ؛ مستدرک الوسائل، ج ١٢، ص ١٧٠

٣-٢-١٢-٥-٥- الْحِفْظُ

﴿٢٥٢٨﴾ أمير المؤمنين عليه السلام: فَالْمُتَّقُونَ ... يَعْتَرِفُ بِالْحَقِّ قَبْلَ أَنْ يُشْهَدَ عَلَيْهِ لَا يُضِيعُ مَا اسْتُحْفِظَ

وَلَا يَنْسَى مَا ذُكِّرَ؛ نهج البلاغة، ص ٣٠٣

١-٣-١٢-٥-٥- حِفْظُ اللِّسَانِ

﴿٢٥٢٩﴾ الصَّادِقُ عليه السلام: عَنْ فَضِيلٍ قَالَ قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام بَلَغَ مَنْ لَقِيَتْ عَنَّا السَّلَامَ وَقُلْ لَهُمْ إِنْ أَحَدَنَا لَا يُغْنِي عَنْهُمْ وَاللَّهِ شَيْئًا إِلَّا بَوْرَعٍ فَاحْفَظُوا أَلْسِنَتَكُمْ وَكُفُّوا أَيْدِيَكُمْ؛ مستدرک الوسائل،

ج ١١، ص ٢٦٨

٢-٣-١٢-٥-٥- حَافِظُ لِحْوَارِهِ

﴿٢٥٣٠﴾ الصَّادِقُ عليه السلام: فَمَنْ اتَّقَى اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ حَافِظًا لِحَوَارِهِ مُوفِيًا كُلَّ جَارِحَةٍ مِنْ جَوَارِحِهِ بِمَا فَرَضَ اللَّهُ عَلَيْهِ لَقِيَ اللَّهَ تَعَالَى مُسْتَكْمِلًا لِإِيمَانِهِ وَهُوَ مِنْ أَهْلِ الْجَنَّةِ وَمَنْ خَانَ فِي شَيْءٍ مِنْهَا أَوْ تَعَدَّى مَا أَمَرَ اللَّهُ فِيهَا لَقِيَ اللَّهَ نَاقِصًا لِإِيمَانِهِ؛ تفسير العياشي، ج ١، ص ٦٣

٤-١٢-٥-٥- الْحَذَرُ

﴿٢٥٣١﴾ أمير المؤمنين عليه السلام: فَالْمُتَّقُونَ ... يُمَسِي وَهُمْ الشُّكْرُ وَيُصْبِحُ وَهُمْ الذِّكْرُ يَبِيتُ

حَذِرًا وَيُصْبِحُ فَرِحًا حَذِرًا لِمَا حَذَرَ مِنَ الْغَفْلَةِ وَفَرِحًا بِمَا أَصَابَ مِنَ الْفَضْلِ وَالرَّحْمَةِ؛

نهج البلاغة، ص ٣٠٣

«نشانه‌های پرهیزکاران / از صفات پرهیزکاران»

۳-۲-۱۲-۵-۵- پارسایی دیده

﴿۲۵۲۵﴾ در کمالات یک فرد برای تو همین بس که آنچه [دین] او را زیبا نمی‌کند ترک می‌کند و در حیا او همین بس که دیگران را به کاری که نمی‌پسندند، مجبور نمی‌کند و در عقل او همین بس که با دیگران به‌خوبی مدارا می‌کند و در ادبش همین بس که به آنچه از آن چاره‌ای ندارد، آگاه است و در ورعش همین بس که چشم و شکمش پاک است.

۴-۲-۱۲-۵-۵- پارسایی شکم

﴿۲۵۲۶﴾ برای ورع آدمی چشم‌پوشیدن و پاکدامنی در خورد و خوراک کافی است.
﴿۲۵۲۷﴾ در کمالات یک فرد برای تو همین بس که آنچه [دین] او را زیبا نمی‌کند ترک می‌کند و در حیا او همین بس که دیگران را به کاری که نمی‌پسندند، مجبور نمی‌کند و در عقل او همین بس که با دیگران به‌خوبی مدارا می‌کند و در ادبش همین بس که به آنچه از آن چاره‌ای ندارد، آگاه است و در ورعش همین بس که چشم و شکمش پاک است.

۳-۱۲-۵-۵- حفظ

﴿۲۵۲۸﴾ پرهیزکاران ... پیش از حاضر کردن شاهد، خود اقرار به حق می‌نماید. امانت را تباه نمی‌کند، و آنچه را به یادش آرند به فراموشی نمی‌سپارد.

۱-۳-۱۲-۵-۵- حفظ زبان

﴿۲۵۲۹﴾ فضیل گوید: امام صادق علیه السلام فرمود: به هر کس از دوستان ما که رسیدی، سلام ما را برسان و به آن‌ها بگو: «به خدا قسم! ما فقط افراد باورع را بی‌نیاز می‌کنیم؛ پس زبانان را حفظ کنید و [از گناهان] دست بکشید».

۲-۳-۱۲-۵-۵- حفظ جوارح

﴿۲۵۳۰﴾ هر کس خداوند بلندمرتبه را در حالی ملاقات نماید که اعضای بدن خود را حفظ نموده و هر عضوی از اعضایش آنچه که خداوند بر آن واجب ساخته، انجام داده است، با ایمان کامل خداوند را ملاقات می‌نماید و از اهل بهشت است. و هر کس که در چیزی از آن‌ها خیانت روا دارد و یا از امر خداوند پافرازر بگذارد، در حالی خداوند را ملاقات می‌کند که ایمانش ناقص است.

۴-۱۲-۵-۵- حذر کردن

﴿۲۵۳۱﴾ پرهیزکاران ... شب را در اندیشه‌ی شکر به سر می‌برد، و روز را در اندیشه ذکر. شب را با خوف و روز را دل‌شاد به سر می‌برد؛ و از غفلتی که او را از آن بر حذر داشته‌اند، و دلشاد از فضل و رحمت حق که به دست آورده است.

عَلَامَاتُ الْمُتَّقِينَ وَ مَصَادِيقُ التَّقْوَى / مِنْ صِفَاتِ الْمُتَّقِينَ ﴿

﴿٢٥٣٢﴾ أمير المؤمنين عليه السلام: فَاتَّقُوا اللَّهَ تَقِيَّةَ [تُقَاةَ] مَنْ آيَنَ فَأَحْسَنَ وَعَبَّرَ فَأَعْتَبَرَ [وَحَذَرَ فَحَذَرَ] وَحَذَرَ فَازْدَجَرَ [وَزُجِرَ فَازْدَجَرَ] وَبُصِّرَ فَاسْتَبْصَرَ وَخَافَ الْعِقَابَ وَعَمِلَ لِيَوْمِ الْحِسَابِ؛ غرر الحكم، ص ١٩١

﴿٢٥٣٣﴾ أمير المؤمنين عليه السلام: فَاتَّقُوا اللَّهَ تَقِيَّةً مَنْ سَمِعَ فَخْشَعَ وَاقْتَرَفَ فَأَعْتَرَفَ وَجَلَّ فَعَمِلَ وَحَازَرَ فَبَادَرَ؛ غررالحكم، ص ١٩٠
١-٤-١٢-٥-٥-٥. يَحْذَرُ بَطْشُهُ

﴿٢٥٣٤﴾ الرَّسُولُ ﷺ: وَأَمَّا عَلَامَةُ التَّقَىٰ فَسِتَّةٌ يَخَافُ اللَّهَ وَيَحْذَرُ بَطْشَهُ وَيَمْسَى وَيُصْبِحُ
كَأَنَّهُ يَرَاهُ لَا تَهْمُهُ الدُّنْيَا وَلَا يَعْظُمُ عَلَيْهِ مِنْهَا شَيْءٌ لِحُسْنِ خُلُقِهِ؛ بحار الأنوار، ج ١، ص ١٢١

﴿٢٥٣٥﴾ أمير المؤمنين عليه السلام: فَالْمُتَّقُونَ ... حَرِيزًا دِينُهُ مِيتَةٌ شَهْوَتُهُ مَكْظُومًا غَيْظُهُ: نهج البلاغة، ص ٣٠٣

٥-٥-١٢-٦- الغَضُّ

٥-٥-١٢-٦-١- غَضُّ الْبَصَرِ

﴿٢٥٣٦﴾ أمير المؤمنين عليه السلام: فَالْمُتَّقُونَ ... غَضُوا أَبْصَارَهُمْ عَمَّا حَرَّمَ اللَّهُ عَلَيْهِمْ؛ نهج البلاغة، ص ٣٠٣.

﴿٢٥٣٧﴾ أمير المؤمنين عليه السلام: حَسْبُ الْمَرْءِ ... مِنْ وَرَعِهِ غَضُ بَصَرِهِ وَ عَفَّةُ بَطْنِهِ؛ بحار الأنوار، ج ٧٥، ص ٨٠.

٢-٦-١٢-٥-٥- غَضُّ الطَّرْفِ

﴿٢٥٣٨﴾ أمير المؤمنين عليه السلام: رَأْسُ الْوَرَعِ غَضُّ الطَّرْفِ؛ غرر الحكم، ص ٢٥٩

﴿٢٥٣٩﴾ أمير المؤمنين عليه السلام: نِعَمَ الْوَرَعِ غَضُّ الطَّرْفِ؛ غرر الحكم، ص ٢٦٠

﴿٢٥٤٠﴾ أمير المؤمنين عليه السلام: غَضُّ الطَّرْفِ مِنْ أَفْضَلِ الْوَرَعِ؛ غرر الحكم، ص ٢٦٠

١٢-٥-٥-٥-الكفّ

﴿٢٥٤١﴾ أمير المؤمنين عليه السلام: لَا وَرَعَ كَأَلْفٍ؛ بحار الأنوار، ج ٧٤، ص ٢٨٢

﴿٢٥٤٢﴾ أمير المؤمنين (عليه السلام): لَا تَقْوَى كَالْكَفِّ عَنِ الْمَحَارِمِ؛ غرر الحكم، ص ٢٧٣
 ﴿٢٥٤٣﴾ الصادق (عليه السلام): لَا وَرَعَ كَالْكَفِّ عَنِ الْمَحَارِمِ؛ الكافي، ج ٨، ص ٢٠

«نشانه‌های پرهیزکاران / از صفات پرهیزکاران»

﴿۲۵۳۲﴾ تقوای الهی داشته باشید همچون تقوای کسی که چون [به مرگ و دیدار پروردگار خود] یقین کند، نیکی نماید. و هرگاه درس عبرتی به او بدهند، عبرت گیرد. و چون او را بر حذر دارند، بپذیرد. و اگر منعش کنند، بازایستد. و چون بینایش کنند، بینایی گیرد و از کیفر و عقاب بترسد. و برای روز حساب کار کند.

﴿۲۵۳۳﴾ از خدا بترسید همانند کسی که شنیده و خاشع گشته و گناه کرده و اعتراف به آن نموده و به خاطر آن ترسیده است. و پرهیز کرده و آن را نیکو انجام داده است.

۱-۴-۱۲-۵-۵- از مؤاخذه‌ی خداوند حذر می‌کند

﴿۲۵۳۴﴾ نشان پرهیزکار شش چیز است: از خدا پروا دارد، از مؤاخذه‌اش حذر کند، به گونه‌ای صبح و شام می‌کند که گویا او را می‌بیند. دنیا را مهمّ نمی‌شمارد، و بر اثر خوشخویی چیزی از دنیا را بزرگ نمی‌شمارد.

۵-۵-۱۲-۵- حفظ

﴿۲۵۳۵﴾ پرهیزکاران ... دینش محفوظ، شهوتش مرده، و خشمش فرو خورده است.

۶-۵-۱۲-۵- چشم فروانداختن

۱-۶-۱۲-۵-۵- چشم بر حرام پوشیدن

﴿۲۵۳۶﴾ پرهیزکاران ... از آنچه خدا بر آنان حرام کرده چشم پوشیده‌اند.

﴿۲۵۳۷﴾ برای ورع آدمی چشم‌پوشیدن و پاکدامنی در خورد و خوراک کافی است.

۲-۶-۱۲-۵-۵- چشم بر حرام پوشیدن

﴿۲۵۳۸﴾ اصل ورع در پاکی چشم [و چشم‌پوشی بر گناهان] است.

﴿۲۵۳۹﴾ پاکی چشم [و چشم‌پوشی بر گناهان]، ورع خوبی است.

﴿۲۵۴۰﴾ یکی از بالاترین ورع‌ها، چشم‌پاکی است.

۷-۵-۱۲-۵- دست کشیدن

﴿۲۵۴۱﴾ ورعی همچون خود نگهداری از ناپسندی‌ها نیست.

۱-۷-۱۲-۵-۵- بازایستادن از محرّمات

﴿۲۵۴۲﴾ هیچ تقوایی چون دست کشیدن از محرّمات نیست.

﴿۲۵۴۳﴾ ورعی همچون خودداری از حرام‌ها نیست.

﴿عَلَامَاتُ الْمُتَّقِينَ وَ مَصَادِيقُ التَّقْوَى / مِنْ صِفَاتِ الْمُتَّقِينَ﴾

٢-٧-١٢-٥-٥- الكَفُّ عَنِ الرَّأْيِ

﴿٢٥٤٤﴾ الصَّادِقُ عليه السلام: أَنَّهُ سَأَلَ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام رَجُلَانِ تَدَارَا فِي شَيْءٍ فَقَالَ أَحَدُهُمَا أَشْهَدُ أَنَّ هَذَا كَذَّابٌ وَكَذَا بَرَأِيهِ فَوَافَقَ الْحَقُّ وَكَفَّ الْأَخَرُ فَقَالَ الْقَوْلُ قَوْلُ الْعُلَمَاءِ فَقَالَ هَذَا أَفْضَلُ الرَّجُلَيْنِ أَوْ قَالَ أَوْرَعُهُمَا؛ بحار الأنوار، ج ٢، ص ١٢٠

٣-٧-١٢-٥-٥- الكَفُّ عَنِ الْمَطَالِبِ

﴿٢٥٤٥﴾ أمير المؤمنين عليه السلام: إِنَّمَا الْوَرَعُ التَّحَرُّى فِي الْمَكَاسِبِ وَالْكَفُّ عَنِ الْمَطَالِبِ؛

غرر الحكم، ص ٢٦٨

٤-٧-١٢-٥-٥- كَفُّ اللِّسَانِ

﴿٢٥٤٦﴾ الصَّادِقُ عليه السلام: فَاتَّقُوا اللَّهَ وَكُفُّوا أَلْسِنَتَكُمْ إِلَّا مِنْ خَيْرٍ؛ وسائل الشيعة، ج ١٢، ص ١٩٦

﴿٢٥٤٧﴾ الصَّادِقُ عليه السلام: فَاتَّقُوا اللَّهَ وَكُفُّوا أَلْسِنَتَكُمْ؛ مستدرک الوسائل، ج ٨، ص ٣١١

﴿٢٥٤٨﴾ الصَّادِقُ عليه السلام: فَاتَّقِ اللَّهَ وَكُفَّ لِسَانَكَ إِلَّا مِنْ خَيْرٍ؛ الكافي، ج ٢، ص ٢٣

٨-١٢-٥-٥- الإِجْتِنَابُ وَ رَاجِعُ: الْفَصْلُ الْأَوَّلُ؛ مَعَانِي التَّقْوَى

﴿٢٥٤٩﴾ أمير المؤمنين عليه السلام: التَّقْوَى اجْتِنَابٌ؛ غرر الحكم، ص ٢٦٨

﴿٢٥٥٠﴾ أمير المؤمنين عليه السلام: الْوَرَعُ اجْتِنَابٌ؛ غرر الحكم، ص ٢٦٨

٩-١٢-٥-٥- الْوُقُوفُ عِنْدَ الشُّبْهَةِ

﴿٢٥٥١﴾ الصَّادِقُ عليه السلام: أَوْرَعَ النَّاسِ مَنْ وَقَفَ عِنْدَ الشُّبْهَةِ؛ وسائل الشيعة، ج ٢٧، ص ١٦٢

﴿٢٥٥٢﴾ أمير المؤمنين عليه السلام: الْوَرَعُ الْوُقُوفُ عِنْدَ الشُّبْهَةِ؛ مستدرک الوسائل، ج ١٧، ص ٣٢٤

﴿٢٥٥٣﴾ أمير المؤمنين عليه السلام: لَا وَرَعَ كَالْوُقُوفِ عِنْدَ الشُّبْهَةِ؛ مستدرک الوسائل، ج ١٢، ص ٤٦

١٠-١٢-٥-٥- غُرُوفُ النَّفْسِ عَنِ مَذَلَّةِ الطَّمَعِ

﴿٢٥٥٤﴾ أمير المؤمنين عليه السلام: دَلَالَةُ حُسْنِ الْوَرَعِ غُرُوفُ النَّفْسِ عَنِ مَذَلَّةِ الطَّمَعِ؛ غرر الحكم، ص ٢٤٠

١١-١٢-٥-٥- الإِزْدِجَارُ

﴿٢٥٥٥﴾ أمير المؤمنين عليه السلام: فَاتَّقُوا اللَّهَ تَقِيَّةً [تَقَاةً] مَنْ أَتَقَنَ فَأَحْسَنَ وَ عَبَّرَ فَأَعْتَبَرَ [وَحْذَرَ فَحَذَرَ] وَ حَذَرَ فَازْدَجَرَ [وَزَجَرَ فَازْدَجَرَ] وَ بَصُرَ فَاسْتَبَصَرَ وَ خَافَ الْعِقَابَ وَ عَمِلَ لِيَوْمِ

الْحِسَابِ؛ غرر الحكم، ص ١٩١

«نشانه‌های پرهیزکاران / از صفات پرهیزکاران»

۲-۷-۱۲-۵-۵- بازایستادن از نظردادن

﴿۲۵۴۴﴾ شخصی نقل می‌کند که امام صادق (علیه السلام) در مورد دو نفری که درباره‌ی چیزی بحث می‌کنند و هرکس از دیدگاه خود دفاع می‌کند، یکی بر اساس رأی خود می‌گوید: گواهی می‌دهم که مطلب همین است و رأیش هم مطابق حق در آید و دیگری از نظر دادن خودداری کند و بگوید گفتار علما صحیح است، فرمود: «این شخص دومی بهتر از شخص اول است»؛ و یا چنین فرمود: «که باتقواترین آن‌هاست».

۳-۷-۱۲-۵-۵- دست‌کشیدن از درخواست از دیگران

﴿۲۵۴۵﴾ رتبه‌ی عالی پرهیزکاری، کوشش برای کسب حلال و اجتناب از دست‌درازی جلوی دیگران است.

۴-۷-۱۲-۵-۵- بازداشتن زبان

﴿۲۵۴۶﴾ از خدا بترسید و زبانتان را جز از خیر باز دارید.
﴿۲۵۴۷﴾ از خدا بترسید و زبان‌هایتان را نگه دارید.
﴿۲۵۴۸﴾ تقوای الهی پیشه کن و زبانت را فقط به حرف خیر بگشا.

۸-۱۲-۵-۵- پرهیز و ربه: فصل ۱؛ معانی تقوا

﴿۲۵۴۹﴾ تقوا یعنی اجتناب [و دوری کردن از گناه].
﴿۲۵۵۰﴾ ورع یعنی اجتناب [از محرّمات].

۹-۱۲-۵-۵- بازایستادن در شبهات

﴿۲۵۵۱﴾ پارساترین مردم کسی است که در مورد شبهه توقف کند.
﴿۲۵۵۲﴾ ورع یعنی توقف [و احتیاط] در هنگام روبه‌رویی با شبهات.
﴿۲۵۵۳﴾ هیچ ورعی همچون باز ایستادن در شبهه نیست.

۱۰-۱۲-۵-۵- برگرداندن نفس از خواری طمع

﴿۲۵۵۴﴾ دلیل نیکویی ورع، برگشتن نفس از خواری طمع است.

۱۱-۱۲-۵-۵- بازایستادن

﴿۲۵۵۵﴾ تقوای الهی داشته باشید همچون تقوای کسی که چون [به مرگ و دیدار پروردگار خود] یقین کند، نیکی نماید. و هرگاه درس عبرتی به او بدهند، عبرت گیرد. و چون او را بر حذر دارند، بپذیرد. و اگر منعمش کنند، بازایستد. و چون بینایش کنند، بینایی گیرد و از کيفر و عقاب بترسد. و برای روز حساب کار کند.

﴿عَلَامَاتُ الْمُتَّقِينَ وَ مَصَادِيقُ التَّقْوَى / مِنْ صِفَاتِ الْمُتَّقِينَ﴾

١٢-١٢-٥-٥- العزلة

﴿٢٥٥٦﴾ أمير المؤمنين عليه السلام: العزلة حُسْنُ التَّقْوَى؛ غررالحكم، ص ٣١٨

﴿٢٥٥٧﴾ أمير المؤمنين عليه السلام: العزلة حِصْنُ التَّقْوَى؛ مستدرک الوسائل، ج ١١، ص ٣٩٣

١٣-١٢-٥-٥- التنزه

﴿٢٥٥٨﴾ أمير المؤمنين عليه السلام: الْمُتَّقَى قَانِعٌ مُتَنَزِّهٌ مُتَعَقِّفٌ؛ غررالحكم، ص ٣٩١

﴿٢٥٥٩﴾ أمير المؤمنين عليه السلام: دَلِيلُ وَرَعِ الرَّجُلِ نَزَاهَتُهُ؛ غررالحكم، ص ٣١٨

﴿٢٥٦٠﴾ أمير المؤمنين عليه السلام: وَرَعُ الْمَرْءِ يُنْزَهُهُ عَنْ كُلِّ دَنِيَّةٍ؛ غررالحكم، ص ٢٧٥

﴿٢٥٦١﴾ أمير المؤمنين عليه السلام: أَوْرَعُ النَّاسِ أَنْزَهُهُمْ عَنِ الْمَطَالِبِ؛ غررالحكم، ص ٢٧٣

١-١٣-١٢-٥-٥- بُعْدُهُ عَمَّنْ تَبَاعَدَ عَنْهُ زُهْدٌ وَ نَزَاهَةٌ

﴿٢٥٦٢﴾ أمير المؤمنين عليه السلام: فَالْمُتَّقُونَ ... بُعْدُهُ عَمَّنْ تَبَاعَدَ عَنْهُ زُهْدٌ وَ نَزَاهَةٌ وَ دُؤُوهٌ مِمَّنْ دَنَا

مِنْهُ لَيْنٌ وَ رَحْمَةٌ لَيْسَ تَبَاعُدُهُ بِكَبِيرٍ وَ عَظَمَةٌ وَ لَا دُؤُوهٌ بِمَكْرٍ وَ خَدِيعَةٍ؛ نهج البلاغة، ص ٣٠٣

١٤-١٢-٥-٥- التَّنَكُّبُ

﴿٢٥٦٣﴾ أمير المؤمنين عليه السلام: فَاتَّقُوا اللَّهَ عِبَادَ اللَّهِ تَقِيَّةَ ذِي لُبٍّ ... وَ تَنَكَّبَ الْمَخَالِجَ عَنْ وَصَحِ

السَّبِيلِ وَ سَلَكَ أَقْصَدَ الْمَسَالِكِ إِلَى النِّهْجِ الْمَطْلُوبِ وَ لَمْ تَفْتَلُهُ فَاتَّلَاتُ الْغُرُورِ وَ لَمْ تَعَمْ عَلَيْهِ

مُشْتَبِهَاتُ الْأُمُورِ؛ نهج البلاغة، ص ١١١

١٥-١٢-٥-٥- فَلَا يَتَنَاوَلُ حَتَّى يَتَيَقَّنَ أَنَّهُ حَلَالٌ

﴿٢٥٦٤﴾ الصَّادِقُ عليه السلام: لَيْسَ الشَّانُ فِي الْأَخْذِ وَ الْإِعْطَاءِ وَ لَكِنَّ النَّاجِيَ مِنَ اتَّقَى اللَّهَ فِي الْأَخْذِ

وَ الْإِعْطَاءِ وَ اعْتَصَمَ بِجِبَالِ الْوَرَعِ وَ النَّاسُ فِي هَاتَيْنِ الْخَصَلَتَيْنِ خَاصٌّ وَ عَامٌّ فَالْخَاصُّ يُنْظَرُ فِي

دَقِيقِ الْوَرَعِ فَلَا يَتَنَاوَلُ حَتَّى يَتَيَقَّنَ أَنَّهُ حَلَالٌ وَ إِذَا أَشْكَلَ عَلَيْهِ تَنَاوَلَ عِنْدَ الضَّرُورَةِ؛

مستدرک الوسائل، ج ١٣، ص ٢٩٣

١٦-١٢-٥-٥- الْإِنْتِهَاءُ عَنِ الْمَنَاهِي

﴿٢٥٦٥﴾ حَدِيثٌ قَدْسِي: وَ أَنْتَ عَمَّا نَهَيْتُكَ تَكُنْ مِنْ أَوْرَعِ النَّاسِ؛ مستدرک الوسائل، ج ١١،

ص ٢٨٢

«نشانه‌های پرهیزکاران / از صفات پرهیزکاران»

۱۲-۱۲-۵-۵-کناره‌گیری

﴿۲۵۵۶﴾ عزلت و گوشه‌گیری زیبایی پرهیزکاری است.

﴿۲۵۵۷﴾ گوشه‌گیری، قلعه‌ی تقواست.

۱۳-۱۲-۵-۵-پاکی

﴿۲۵۵۸﴾ انسان باتقوا، قانع و پاک و پاک‌دامن است.

﴿۲۵۵۹﴾ پاکی شخص نشانه‌ی [میزان] ورع اوست.

﴿۲۵۶۰﴾ پرهیزکاری فرد، او را از هر پستی‌ای پاک می‌کند.

﴿۲۵۶۱﴾ باورع‌ترین مردم کسی است که در خواسته‌هایش پاک‌تر باشد.

۱-۱۳-۱۲-۵-۵-دوری‌اش از سر زهد و پاکی است

﴿۲۵۶۲﴾ پرهیزکاران ... دوری‌اش از آن که دوری می‌کند محض زهد و پاک‌ماندن، و نزدیکی‌اش به آن که نزدیک می‌شود به خاطر نرمی و رحمت است، دوری‌اش از راه تکبر و خودخواهی، و نزدیکی‌اش از باب مکر و فریب نیست.

۱۴-۱۲-۵-۵-کناره‌گیری

﴿۲۵۶۳﴾ پس ای بندگان خدا! تقوای الهی پیشه کنید، تقوای خردمندی که ... از اندیشه‌هایی که او را از راه روشن حق باز دارد کناره گرفته، و برای رسیدن به راه مطلوب در میانه‌ترین راه [که راه خداست] حرکت کرده و عوامل کبر و غرور او را از راه حق باز نگردانده، و امور اشتباه انگیز بر او پوشیده نمانده است.

۱۵-۱۲-۵-۵-نمی‌خورد مگر آن که یقین کند حلال است

﴿۲۵۶۴﴾ پس تنها بخشیدن و گرفتن ارزشی ندارد و کسی نجات می‌یابد که در بخشیدن و گرفتن، خدا را در نظر بگیرد و تقوا پیشه کند. و مردم در این دو خصلت - بخشیدن و گرفتن - دو گونه‌اند؛ خاصّ و عامّ. و اما گروه خاص؛ آنان با تقوایی دقیق در امور می‌نگرند، و چیزی را نمی‌خورند مگر آنکه یقین پیدا کنند حلال است، و در موارد شبهه‌ناک نیز فقط به مقدار ضرورت اکتفا می‌کنند.

۱۶-۱۲-۵-۵-بازایستادن از آنچه خدا نهی کرده است

﴿۲۵۶۵﴾ خداوند می‌فرماید: «ای فرزند آدم! از آنچه بر تو حرام کردم دوری گزین تا از پارساترین مردم باشی».

﴿عَلَامَاتُ الْمُتَّقِينَ وَ مَصَادِيقُ التَّقْوَى / مِنْ صِفَاتِ الْمُتَّقِينَ﴾

١٣-٥-٥- الإِقْتِصَادُ وَالْقِنَاعَةُ

١-١٣-٥- مَلْبَسُهُمُ الْإِقْتِصَادُ

﴿٢٥٦٦﴾ أمير المؤمنين عليه السلام: فَالْمُتَّقُونَ ... مَلْبَسُهُمُ الْإِقْتِصَادُ؛ نهج البلاغة، ص ٣٠٣

٢-١٣-٥- سَلَكَ أَقْصَدَ الْمَسَالِكِ

﴿٢٥٦٧﴾ أمير المؤمنين عليه السلام: فَاتَّقُوا اللَّهَ عِبَادَ اللَّهِ تَقِيَّةَ ذِي لُبٍّ ... وَ تَنَكَّبَ الْمَخَالَجَ عَنْ وَضَحِ السَّبِيلِ وَ سَلَكَ أَقْصَدَ الْمَسَالِكِ إِلَى النَّهْجِ الْمَطْلُوبِ؛ نهج البلاغة، ص ١١١
٣-١٣-٥- قَصْدٌ فِي غِنَى

﴿٢٥٦٨﴾ أمير المؤمنين عليه السلام: فَالْمُتَّقُونَ ... فَمِنْ عَلَامَةِ أَحَدِهِمْ أَنَّكَ تَرَى لَهُ ... قَصْدًا فِي غِنَى وَ خُشُوعًا فِي عِبَادَةِ وَ تَجَمُّلاً فِي فَاقَةِ وَ صَبْرًا فِي شِدَّةٍ؛ نهج البلاغة، ص ٣٠٣
٤-١٣-٥- أَجْمِلُوا فِي طَلَبِ الرِّزْقِ

﴿٢٥٦٩﴾ الرسول ﷺ: فَاتَّقُوا اللَّهَ رَبَّكُمْ وَ أَجْمِلُوا فِي طَلَبِ الرِّزْقِ؛ بحار الأنوار، ج ٢٠، ص ١٢٥

﴿٢٥٧٠﴾ الباقر عليه السلام: فَاتَّقُوا اللَّهَ وَ أَجْمِلُوا فِي الطَّلَبِ؛ الكافي، ج ٢، ص ٧٤

٥-١٣-٥- الْقِنَاعَةُ

﴿٢٥٧١﴾ أمير المؤمنين عليه السلام: فَاتَّقِ اللَّهَ يَا ابْنَ حَنِيفٍ وَ لَتَكْفِكَ أَقْرَاصُكَ لِيَكُونَ مِنَ النَّارِ خَاصُكَ؛ بحار الأنوار، ج ٤٠، ص ٣٤١

﴿٢٥٧٢﴾ أمير المؤمنين عليه السلام: الْمُتَّقَى قَانِعٌ مُنْتَزِعٌ مُتَعَفِّفٌ؛ غرر الحكم، ص ٣٩١

﴿٢٥٧٣﴾ السَّجَّاد عليه السلام: وَ ارْزُقْنَا قُلُوبَ الْخَائِفِينَ وَ صَبْرَ الزَّاهِدِينَ وَ قِنَاعَةَ الْمُتَّقِينَ؛ بحار الأنوار،

ج ٩١، ص ١٢٦

﴿٢٥٧٤﴾ أمير المؤمنين عليه السلام: آفَةُ الْوَرَعِ قِلَّةُ الْقِنَاعَةِ؛ غرر الحكم، ص ٢٧٤

﴿٢٥٧٥﴾ أمير المؤمنين عليه السلام: نِعَمَ عَوْنُ الْوَرَعِ التَّجَوُّعُ [الْقُنُوعُ]؛ غرر الحكم، ص ٣٩١

٦-١٣-٥- قَانِعَةٌ نَفْسُهُ

﴿٢٥٧٦﴾ أمير المؤمنين عليه السلام: فَالْمُتَّقُونَ ... قَانِعَةٌ نَفْسُهُ مُنْزُورًا أَكْلُهُ سَهْلًا أَمْرُهُ؛ نهج البلاغة، ص ٣٠٣

﴿٢٥٧٧﴾ أمير المؤمنين عليه السلام: الْقِنَاعَةُ عَلَامَةُ الْإِنْفِيَاءِ؛ غرر الحكم، ص ٣٩١

﴿٢٥٧٨﴾ أمير المؤمنين عليه السلام: الْمُتَّقُونَ أَنْفُسَهُمْ قَانِعَةٌ وَ شَهَوَاتَهُمْ مَيِّتَةٌ وَ وُجُوهُهُمْ مُسْتَبْشِرَةٌ وَ

قُلُوبُهُمْ مَحْزُونَةٌ؛ غرر الحكم، ص ٢٧٣

«نشانه‌های پرهیزکاران / از صفات پرهیزکاران»

۱۳-۵-۵- میان‌روی و قناعت

۱-۱۳-۵- لباسشان میانه است

«۲۵۶۶» پرهیزکاران ... پوشاکشان میانه است.

۲-۱۳-۵- میان‌روی پیشه می‌گیرند

«۲۵۶۷» پس ای بندگان خدا! تقوای الهی پیشه کنید، تقوای خردمندی که ... از اندیشه‌هایی که او را از راه روشن حق باز دارد کناره گرفته، و برای رسیدن به راه مطلوب در میانه‌ترین راه [که راه خداست] حرکت کرده است.

۳-۱۳-۵- میان‌روی در عین توانگری

«۲۵۶۸» پرهیزکاران ... از نشانه‌های دیگرشان آن است که هر کدام را دارای ... میان‌روی در توانگری، فروتنی در عبادت، آراستگی در تهیدستی، بردباری در سختی مشاهده می‌کنی.

۴-۱۳-۵- در طلب روزی میان‌رو باش

«۲۵۶۹» پس از خدا بترسید و به‌درستی طلب روزی کنید.

«۲۵۷۰» پس تقوا پیشه کنید و در روزی‌تان زیاده‌طلبی نکنید.

۵-۱۳-۵- قناعت

«۲۵۷۱» ای پسر حنیف! از خدا بترس و به قرص‌های نان خودت قناعت کن، تا تو را از آتش دوزخ رهایی بخشد.

«۲۵۷۲» انسان باتقوا، قانع و پاک و پاک‌دامن است.

«۲۵۷۳» و قلب انسان‌های خائف و صبر انسان‌های زاهد و قناعت پرهیزکاران را روزی ما ساز.

«۲۵۷۴» کمبود قناعت، آفت ورع است.

«۲۵۷۵» خالی‌بودن شکم [یا قناعت] بهترین کمک‌کننده ورع است.

۶-۱۳-۵- قناعت نفس

«۲۵۷۶» پرهیزکاران ... نفسش قانع، خوراکش اندک، زندگی‌اش آسان است.

«۲۵۷۷» قناعت، علامت اهل تقواست.

«۲۵۷۸» باتقوایان، نفسشان قانع، شهوتشان مرده، چهره‌شان شاداب و قلب‌هایشان محزون

است.

﴿عَلَامَاتُ الْمُتَّقِينَ وَ مَصَادِيقُ التَّقْوَى / مِنْ صِفَاتِ الْمُتَّقِينَ﴾

١٤-٥-٥- الصَّبْرُ وَ كَظْمُ الْغَيْظِ

١-١٤-٥- الصَّبْرُ

﴿٢٥٧٩﴾ الْحَسَنِ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ: فَاتَّقُوا اللَّهَ وَ اصْبِرُوا؛ بحار الأنوار، ج ٤٥، ص ٨٦

﴿٢٥٨٠﴾ الرَّسُولُ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: فَاتَّقُوا اللَّهَ وَ كُونُوا مِنَ الصَّابِرِينَ؛ بحار الأنوار، ج ٣٠، ص ٣٦٢

﴿٢٥٨١﴾ الصَّادِقُ عَلَيْهِ السَّلَام: رَجَعْتُ إِلَى مَا أَمَرَ اللَّهُ جَلَّ جَلَّالُهُ بِهِ الْمُتَّقِينَ مِنَ الصَّبْرِ وَ حُسْنِ

الْعَزَاءِ؛ مستدرک الوسائل، ج ٢، ص ٤١٥

١-١٤-٥- الصَّابِرِينَ فِي الْبَأْسِ وَالضَّرَاءِ وَ حِينَ الْبَأْسِ

﴿٢٥٨٢﴾ الصَّابِرِينَ فِي الْبَأْسِ وَالضَّرَاءِ وَ حِينَ الْبَأْسِ أُولَئِكَ الَّذِينَ صَدَقُوا وَأُولَئِكَ هُمُ

الْمُتَّقُونَ؛ البقرة ١٧٧

٢-١٤-٥- الصَّبْرُ عَلَى الصَّلَاةِ

﴿٢٥٨٣﴾ وَأَمُرَ أَهْلَكَ بِالصَّلَاةِ وَاصْطَبِرْ عَلَيْهَا لَا نَسْأَلُكَ رِزْقًا نَحْنُ نَرْزُقُكَ وَالْعَاقِبَةُ لِلتَّقْوَى؛ طه

١٣٢

٣-١٤-٥- صَبَرُوا أَيَّامًا قَصِيرَةً

﴿٢٥٨٤﴾ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ السَّلَام: فَالْمُتَّقُونَ ... صَبَرُوا أَيَّامًا قَصِيرَةً أَغْبَتَتْهُمْ رَاحَةً طَوِيلَةً تِجَارَةً

مُرَبِّحَةً يَسَّرَهَا لَهُمْ رَبُّهُمْ؛ نهج البلاغة، ص ٣٠٣

٤-١٤-٥- الصَّبْرُ فِي شِدَّةٍ

﴿٢٥٨٥﴾ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ السَّلَام: فَالْمُتَّقُونَ ... فَمِنْ عَلَامَةِ أَحَدِهِمْ أَنَّكَ تَرَى لَهُ ... قَصْدًا فِي غِنَى وَ

خُشُوعًا فِي عِبَادَةٍ وَ تَجَمُّلاً فِي فَاقَةٍ وَ صَبْرًا فِي شِدَّةٍ؛ نهج البلاغة، ص ٣٠٣

٥-١٤-٥- فِي الْمَكَارِهِ صَبُورٌ

﴿٢٥٨٦﴾ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ السَّلَام: فَالْمُتَّقُونَ ... فِي الزَّلَازِلِ وَفُورٍ وَ فِي الْمَكَارِهِ صَبُورٌ وَ فِي الرِّخَاءِ

شُكُورٌ؛ نهج البلاغة، ص ٣٠٣

٦-١٤-٥- إِنْ بُغِيَ عَلَيْهِ صَبْرٌ

﴿٢٥٨٧﴾ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ السَّلَام: فَالْمُتَّقُونَ ... إِنْ بُغِيَ عَلَيْهِ صَبْرٌ حَتَّى يَكُونَ اللَّهُ هُوَ الَّذِي يَنْتَقِمُ لَهُ؛

نهج البلاغة، ص ٣٠٣

«نشانه‌های پرهیزکاران / از صفات پرهیزکاران»

۵-۵-۱۴- صبر و فروخوردن خشم

۵-۵-۱۴-۱- صبر

﴿۲۵۷۹﴾ از خدا بترسید و صبر کنید.

﴿۲۵۸۰﴾ از خدا بترسید و از صبرپیشگان باشید.

﴿۲۵۸۱﴾ به همان راهی رفتیم که خداوند جلیل، متقیان را به آن امر کرده، یعنی صبر و حزن نیک.

۵-۵-۱۴-۱-۱- در برابر محرومیت‌ها و بیماری‌ها و در میدان جنگ، استقامت به خرج می‌دهند

﴿۲۵۸۲﴾ در برابر محرومیت‌ها و بیماری‌ها و در میدان جنگ، استقامت به خرج می‌دهند

این‌ها کسانی هستند که راست می‌گویند و (گفتارشان با اعتقادشان هماهنگ است) و این‌ها هستند پرهیزکاران!

۵-۵-۱۴-۱-۲- پایبندی به نماز

﴿۲۵۸۳﴾ خانواده خود را به نماز فرمان ده و بر انجام آن پایدار باش! از تو روزی نمی‌خواهیم

(بلکه) ما به تو روزی می‌دهیم و عاقبت نیک برای تقواست!

۵-۵-۱۴-۱-۳- چندروزی را صبر کردند

﴿۲۵۸۴﴾ پرهیزکاران ... روزی چند را در راه حق صبر کردند که برای آنان راحتی جاوید به

دنبال آورد، این است تجارتی سودآور که خداوند برای آنان مهیا نمود.

۵-۵-۱۴-۱-۴- صبر در سختی

﴿۲۵۸۵﴾ پرهیزکاران ... از نشانه‌های دیگرشان آن است که هر کدام را دارای ... میانه‌روی در

توانگری، فروتنی در عبادت، آراستگی در تهیدستی، بردباری در سختی مشاهده می‌کنی.

۵-۵-۱۴-۱-۵- صبور در ناخوشی‌ها

﴿۲۵۸۶﴾ پرهیزکاران ... در حوادث آرام، در ناخوشی‌ها شکیبا، و در خوشی‌ها شاکر است.

۵-۵-۱۴-۱-۶- چون به او ستم روا دارند، صبر پیشه می‌سازد

﴿۲۵۸۷﴾ پرهیزکاران ... چون به او ستم روا دارند، صبر پیشه می‌سازد تا خدا انتقامش را

بگیرد.

﴿عَلَامَاتُ الْمُتَّقِينَ وَ مَصَادِيقُ التَّقْوَى / مِنْ صِفَاتِ الْمُتَّقِينَ﴾

١-٧-١٤-٥-٥- الصَّبْرُ عَلَى طُولِ الْأَذَى

﴿٢٥٨٨﴾ أمير المؤمنين عليه السلام: مَنْ صَبَرَ عَلَى طُولِ الْأَذَى أَبَانَ عَنْ صِدْقِ التَّقَى؛ غرر الحكم، ص ٢٨٥

١-٨-١٤-٥-٥- الصَّبْرُ عَلَى مُرِّ الْأَذَى

﴿٢٥٨٩﴾ أمير المؤمنين عليه السلام: مَنْ صَبَرَ عَلَى مُرِّ الْأَذَى أَبَانَ عَنْ صِدْقِ التَّقْوَى؛ غرر الحكم، ص ٢٨٥

٢-١٤-٥-٥- كَظُمُ الْغَيْظِ

﴿٢٥٩٠﴾ أمير المؤمنين عليه السلام: فَالْمُتَّقُونَ ... حَرِيزًا دِينَهُ مَيْتَةً شَهْوَتُهُ مَكْظُومًا غَيْظُهُ؛ نهج البلاغة، ص ٣٠٣

١٥-٥-٥- اللَّيْنَةُ وَ التَّوَاضُّعُ

١-١٥-٥- لِينُ الْقَلْبِ

﴿٢٥٩١﴾ عيسى عليه السلام: إِلَى كَمْ يَسِيلُ الْمَاءُ عَلَى الْجَبَلِ لَا يَلِينُ إِلَى كَمْ تَدْرُسُونَ الْحِكْمَةَ لَا يَلِينُ

عَلَيْهَا قُلُوبُكُمْ عِبِيدُ السَّوِّ فَلَا عِبِيدَ اتِّقِيَاءَ وَلَا أحرارَ كِرَامٍ إِنَّمَا مَثَلُكُمْ كَمَثَلِ الدَّفْلَى يُعْجَبُ

بِزَهْرِهَا مَنْ يَرَاهَا وَ يُقْتَلُ مَنْ طَعِمَهَا؛ بحار الأنوار، ج ١٤، ص ٣٢٤

٢-١٥-٥- قَوْلُهُ لَيْنٌ

﴿٢٥٩٢﴾ أمير المؤمنين عليه السلام: فَالْمُتَّقُونَ ... بَعِيدًا فُحْشُهُ لَيْنًا قَوْلُهُ؛ نهج البلاغة، ص ٣٠٣

٣-١٥-٥- دُنُوهُ مِمَّنْ دَنَا مِنْهُ لَيْنٌ

﴿٢٥٩٣﴾ أمير المؤمنين عليه السلام: فَالْمُتَّقُونَ ... بُعْدُهُ عَمَّنْ تَبَاعَدَ عَنْهُ زُهْدٌ وَ نَزَاهَةٌ وَ دُنُوهُ مِمَّنْ دَنَا

مِنْهُ لَيْنٌ وَ رَحْمَةٌ لَيْسَ تَبَاعُدُهُ بِكَبِيرٍ وَ عَظَمَةٌ وَ لَا دُنُوهُ بِمَكْرٍ وَ خَدِيعَةٍ؛ نهج البلاغة، ص ٣٠٣

٤-١٥-٥- حَزْمٌ فِي لَيْنٍ

﴿٢٥٩٤﴾ أمير المؤمنين عليه السلام: فَالْمُتَّقُونَ ... فَمِنْ عَلَامَةِ أَحَدِهِمْ أَنَّكَ تَرَى لَهُ ... حَزْمًا فِي لَيْنٍ وَ

إِيمَانًا فِي يَقِينٍ وَ حِرْصًا فِي عِلْمٍ وَ عِلْمًا فِي حِلْمٍ؛ نهج البلاغة، ص ٣٠٣

٥-١٥-٥- التَّوَاضُّعُ

﴿٢٥٩٥﴾ أمير المؤمنين عليه السلام: فَالْمُتَّقُونَ ... مَشِيئُهُمُ التَّوَاضُّعُ؛ نهج البلاغة، ص ٣٠٣

﴿٢٥٩٦﴾ الكاظم عليه السلام: [وَعِبَادُ الرَّحْمَنِ الَّذِينَ يَمْشُونَ عَلَى الْأَرْضِ هَوْنًا وَإِذَا خَاطَبَهُمُ

الْجَاهِلُونَ قَالُوا سَلَامًا] أَنَّهُ سُئِلَ عَنْ هَذِهِ الْآيَةِ فَقَالَ هُمْ الْأَائِمَّةُ يَتَّقُونَ فِي مَشِيئِهِمْ؛ بحار الأنوار، ج ٦٦،

ص ٢٦٠

«نشانه‌های پرهیزکاران / از صفات پرهیزکاران»

۷-۱-۱۴-۵-۵- صبر بر طولانی‌شدن آزارها

«۲۵۸۸» هرکس بر طولانی‌شدن آزارها صبر کند، راستی تقوایش آشکار می‌شود.

۸-۱-۱۴-۵-۵- صبر بر تلخی اذیت‌ها

«۲۵۸۹» هر کس بر تلخی اذیت‌ها صبر کند، درستی تقوایش آشکار می‌شود.

۲-۱۴-۵-۵- فروخوردن خشم

«۲۵۹۰» پرهیزکاران ... دینش محفوظ، شهوتش مرده، و خشمش فرو خورده است.

۱۵-۵-۵- نرمی و تواضع

۱-۱۵-۵-۵- نرمی قلب

«۲۵۹۱» تا به کی آب بر کوه به جریان در می‌آید درحالی‌که کوه نرم و روان نمی‌گردد؟! تا به کی به آموختن حکمت می‌پردازید درحالی‌که قلب‌هایتان بر اثر آن نرم نمی‌گردد؟! ای بندگان ناباب و نااهل، پس نه بندگانی پرهیزکار هستید و نه آزادگانی گرمی؛ به‌راستی که مَثَل شما مَثَل گیاه [دَفلی: خر زهره] است که بیننده‌اش را با شکوفه‌هایش شگفت زده می‌کند درحالی‌که چشنده‌ی آن را به قتل می‌رساند.

۲-۱۵-۵-۵- گفتار نرم

«۲۵۹۲» پرهیزکاران ... زبان دشنام ندارد، گفتارش نرم است.

۳-۱۵-۵-۵- نزدیکی‌اش از روی نرمی است

«۲۵۹۳» پرهیزکاران ... دوری‌اش از آن‌که دوری می‌کند محض زهد و پاک‌ماندن، و نزدیکی‌اش به آن‌که نزدیک می‌شود به خاطر نرمی و رحمت است، دوری‌اش از راه تکبر و خودخواهی، و نزدیکی‌اش از باب مکر و فریب نیست.

۴-۱۵-۵-۵- دوراندیشی در نرمی

«۲۵۹۴» پرهیزکاران ... از نشانه‌های دیگرشان آن است که هر کدام را دارای ... دوراندیشی در نرمی، ایمان همراه با یقین، حرص در دانش، علم با بردباری مشاهده می‌کنی.

۵-۱۵-۵-۵- فروتنی

«۲۵۹۵» پرهیزکاران ... رفتارشان فروتنی است.

«۲۵۹۶» از امام کاظم علیه السلام درباره‌ی این آیه: «بندگان [خاص خداوند] رحمان، کسانی هستند که با آرامش و بی‌تکبر بر زمین راه می‌روند»؛ سؤال شد. فرمود: «ایشان ائمه هستند که در راه رفتنشان بر روی زمین تقوا پیشه می‌کنند.

﴿عَلَامَاتُ الْمُتَّقِينَ وَ مَصَادِيقُ التَّقْوَى / مِنْ صِفَاتِ الْمُتَّقِينَ﴾

﴿٢٥٩٧﴾ الصَّادِقُ عليه السلام: فَإِنَّ مِنَ التَّقْوَى الطَّاعَةَ وَالْوَرَعَ وَالتَّوَّاضِعَ لِلَّهِ وَ الطَّمَأْنِينَةَ وَالْاجْتِهَادَ
وَالْأَخْذَ بِأَمْرِهِ وَ النَّصِيحَةَ لِرُسُلِهِ وَ الْمُسَارَعَةَ فِي مَرْضَاتِهِ وَ اجْتِنَابَ مَا نَهَى عَنْهُ؛ بحار الأنوار،
ج ٢٤، ص ٢٨٦

٥-٥-١٥-٥- قَصْرُ الثَّوْبِ وَ رَفْعُ الْإِزَارِ

﴿٢٥٩٨﴾ أمير المؤمنين عليه السلام: أَنَّهُ رَأَى رَجُلًا يَجُرُّ ثَوْبَهُ فَقَالَ يَا هَذَا قَصَّرَ مِنْهُ فَإِنَّهُ أَتَقَى وَ أَتَقَى
وَ أَتَقَى؛ مستدرک الوسائل، ج ٣، ص ٢٦١

﴿٢٥٩٩﴾ أمير المؤمنين عليه السلام: اِرْفَعْ إِزَارَكَ فَإِنَّهُ أَتَقَى لِثَوْبِكَ وَ أَتَقَى لَكَ؛ مستدرک الوسائل،

ج ١٣، ص ٢٧٢

٥-٥-١٦-٥- الْإِتِّعَاطُ وَ الْإِدِّكَارُ

٥-٥-١٦-١- الْإِتِّعَاطُ

﴿٢٦٠٠﴾ وَلَقَدْ عَلِمْتُمُ الَّذِينَ اعْتَدَوْا مِنْكُمْ فِي السَّبْتِ فَقُلْنَا لَهُمْ كُونُوا قِرَدَةً خَاسِرِينَ؛
فَجَعَلْنَاهَا نَكَالًا لِمَا بَيْنَ يَدَيْهَا وَمَا خَلْفَهَا وَمَوْعِظَةً لِّلْمُتَّقِينَ؛ البقرة ٦٥-٦٦

﴿٢٦٠١﴾ هَذَا بَيَانٌ لِلنَّاسِ وَهُدًى وَمَوْعِظَةٌ لِّلْمُتَّقِينَ؛ آل عمران ١٣٨

﴿٢٦٠٢﴾ وَقَفَّيْنَا عَلَى آثَارِهِم بِعِيسَى ابْنِ مَرْيَمَ مُصَدِّقًا لِّمَا بَيْنَ يَدَيْهِ مِنَ التَّوْرَةِ وَآتَيْنَاهُ الْإِنجِيلَ

فِيهِ هُدًى وَنُورٌ وَمُصَدِّقًا لِّمَا بَيْنَ يَدَيْهِ مِنَ التَّوْرَةِ وَهُدًى وَمَوْعِظَةٌ لِّلْمُتَّقِينَ؛ المائدة ٤٦

﴿٢٦٠٣﴾ وَلَقَدْ أَنْزَلْنَا إِلَيْكُمْ آيَاتٍ مُّبِينَاتٍ وَمَثَلًا مِّنَ الَّذِينَ خَلَوْا مِن قَبْلِكُمْ وَمَوْعِظَةً لِّلْمُتَّقِينَ؛

النور ٣٤

﴿٢٦٠٤﴾ أمير المؤمنين عليه السلام: إِنَّ اللَّهَ تَبَارَكَ وَ تَعَالَى شَرَعَ الْإِسْلَامَ وَ سَهَّلَ شَرَائِعَهُ لِمَنْ وَرَدَهُ وَ

أَعَزَّ أَرْكَانَهُ لِمَنْ حَارَبَهُ وَ جَعَلَهُ عِزًّا لِمَنْ تَوَلَّاهُ... وَ مَوْعِظَةً لِّلْمُتَّقِينَ؛ كتاب سليم بن قيس، ص ٦١٨

﴿٢٦٠٥﴾ السَّجَادُ عليه السلام: فَتَحْنُ نَنْهَى عَنِ الْمُنْكَرِ... قَالُوا وَ لَعَلَّهُمْ يَتَّقُونَ وَ نَعِظُهُمْ أَيْضًا لَعَلَّهُمْ تَنْجَعُ

فِيهِمُ الْمَوَاعِظُ فَيَتَّقُوا هَذِهِ الْمَوْعِظَةُ وَ يَحْذَرُوا عُقُوبَتَهَا؛ بحار الأنوار، ج ١٤، ص ٥٦

﴿٢٦٠٦﴾ أمير المؤمنين عليه السلام: الْجَنَّةُ حَسْرَةُ أَهْلِ النَّارِ وَ النَّارُ مَوْعِظَةُ التَّقْوَى؛ بحار الأنوار، ج ٤٥،

ص ٣٨٢

«نشانه‌های پرهیزکاران / از صفات پرهیزکاران»

﴿۲۵۹۷﴾ ورع و تواضع برای خدا و آرامش و کوشش و مطیع‌بودن و خیرخواهی برای فرستادگان خدا و سرعت در کارهای نیک و پرهیز از گناهان، از تقوا محسوب می‌شود.

۵-۵-۱۵-۶ کوتاه کردن لباس

﴿۲۵۹۸﴾ امیر مؤمنان علیه السلام مردی را دید که لباسش را [به خاطر بلندبودن] بر زمین می‌کشد، فرمود: «ای فلانی! کوتاهش کن که اینگونه به تقوا نزدیک‌تر است و بیشتر عمر می‌کند و پاک می‌ماند».

﴿۲۵۹۹﴾ پاچه‌ی شلوارت را بالاتر بگیر که موجب می‌شود، لباست ماندگارتر شود و از جنبه تقوای خدا بهتر است.

۵-۵-۱۶ پذیرش اندرز

۵-۵-۱۶-۱ پذیرش اندرز

﴿۲۶۰۰﴾ به طور قطع از حال کسانی از شما، که در روز شنبه نافرمانی و گناه کردند، آگاه شده‌اید! ما به آن‌ها گفتیم: «به صورت بوزینه‌هایی طردشده درآید!»؛ ما این کیفر را درس عبرتی برای مردم آن زمان و نسل‌های بعد از آنان، و پند و اندرز برای پرهیزکاران قرار دادیم.

﴿۲۶۰۱﴾ این، بیانی است برای عموم مردم و هدایت و اندرز است برای پرهیزکاران!

﴿۲۶۰۲﴾ و بدنبال آن‌ها [پیامبران پیشین]، عیسی بن مریم را فرستادیم در حالی که کتاب تورات را که پیش از او فرستاده شده بود تصدیق داشت و انجیل را به او دادیم که در آن، هدایت و نور بود و (این کتاب آسمانی نیز) تورات را، که قبل از آن بود، تصدیق می‌کرد و هدایت و موعظه‌ای برای پرهیزکاران بود.

﴿۲۶۰۳﴾ ما بر شما آیاتی فرستادیم که حقایق بسیاری را تبیین می‌کند، و اخباری از کسانی که پیش از شما بودند، و موعظه و اندرز برای پرهیزکاران!

﴿۲۶۰۴﴾ خداوند تبارک و تعالی اسلام را تشریع و قانون‌گذاری کرد، و قوانین آن را برای کسی که به آن داخل شود آسان قرار داد، و پایه‌های آن را برای کسی که به جنگ آن برخیزد مستحکم نمود. خداوند اسلام را برای کسی که دوستدارش باشد مایه‌ی عزّت ... و برای پرهیزکاران مایه‌ی پند و اندرز قرار داد».

﴿۲۶۰۵﴾ ما نهی از منکر می‌کنیم... شاید آن‌ها [بپذیرند، و از گناه باز ایستند، و] تقوا پیشه کنند. و همچنین آنان را پند می‌دهیم شاید این پندها در آنان مفید واقع شود و از این گناه خطرناک دست بردارند و از عقوبت آن برحذر باشند.

﴿۲۶۰۶﴾ بهشت مورد افسوس دوزخیان و دوزخ پند پرهیزکاران است.

﴿عَلَامَاتُ الْمُتَّقِينَ وَ مَصَادِيقُ التَّقْوَى / مِنْ صِفَاتِ الْمُتَّقِينَ﴾

﴿٢٦٠٧﴾ السَّجَادُ عليه السلام: فَاتَّقُوا اللَّهَ وَ اتَّعِظُوا بِمَوَاعِظِ اللَّهِ؛ بحار الأنوار، ج ٧٥، ص ١٢٨

﴿٢٦٠٨﴾ أمير المؤمنين عليه السلام: النَّارُ مَوْعِظَةٌ لِلْمُتَّقِينَ؛ بحار الأنوار، ج ٦٥، ص ٣٤٩

﴿٢٦٠٩﴾ أمير المؤمنين عليه السلام: النَّارُ مَوْعِظَةٌ لِلْمُتَّقِينَ؛ الكافي، ج ٢، ص ٤٩

﴿٢٦١٠﴾ العسكري عليه السلام: مَوْعِظَةٌ لِلْمُتَّقِينَ الَّذِينَ يَتَّعِظُونَ بِهَا فَيُفَارِقُونَ الْمُخْزِيَّاتِ وَيَعْطُونَ بِهَا

النَّاسَ وَ يُحَذِّرُونَهُمُ الْمُرْدِيَّاتِ؛ بحار الأنوار، ج ١٤، ص ٥٦

﴿٢٦١١﴾ أمير المؤمنين عليه السلام: أَبْلَغَ مَوَاعِظِ الْمُتَّقِينَ كَلَامُ رَبِّ الْعَالَمِينَ؛ المصباح للكفعمي، ص ٧١٤

﴿٢٦١٢﴾ أمير المؤمنين عليه السلام: إِنْ أَحْسَنَ الْحَدِيثَ ذِكْرُ اللَّهِ وَ أَبْلَغَ مَوْعِظَةَ الْمُتَّقِينَ كِتَابُ اللَّهِ؛

من لا يحضره الفقيه، ج ١، ص ٥١٨

﴿٢٦١٣﴾ أمير المؤمنين عليه السلام: إِنْ أَحْسَنَ الْحَدِيثَ وَ أَبْلَغَ مَوْعِظَةَ الْمُتَّقِينَ كِتَابُ اللَّهِ الْعَزِيزِ

الْحَكِيمِ؛ من لا يحضره الفقيه، ج ١، ص ٥١٧

﴿٢٦١٤﴾ فَإِنَّمَا يَسْتَرْزَاهُ بِلِسَانِكَ لِتُبَشِّرَ بِهِ الْمُتَّقِينَ وَ تُنذِرَ بِهِ قَوْمًا لُدًّا؛ مريم ٩٧

٢-١٦-٥-الإدكار

﴿٢٦١٥﴾ إِذَا رَأَيْتَ الَّذِينَ يَخُوضُونَ فِي آيَاتِنَا فَأَعْرِضْ عَنْهُمْ حَتَّى يَخُوضُوا فِي حَدِيثٍ غَيْرِهِ وَ

إِنَّمَا يَنْسِيَنَّكَ الشَّيْطَانُ فَلَا تَقْعُدْ بَعْدَ الذِّكْرِ مَعَ الْقَوْمِ الظَّالِمِينَ * وَمَا عَلَى الَّذِينَ يَتَّقُونَ مِنْ

حِسَابِهِمْ مِنْ شَيْءٍ وَلَكِنْ ذِكْرِي لَعَلَّهُمْ يَتَّقُونَ؛ الانعام ٦٨-٦٩

﴿٢٦١٦﴾ وَلَقَدْ آتَيْنَا مُوسَى وَ هَارُونَ الْفُرْقَانَ وَ ضِيَاءً وَ ذِكْرًا لِلْمُتَّقِينَ؛ الأنبياء ٤٨

﴿٢٦١٧﴾ فَاتَّقُوا اللَّهَ يَا أُولِي الْأَلْبَابِ الَّذِينَ آمَنُوا قَدْ أَنْزَلَ اللَّهُ إِلَيْكُمْ ذِكْرًا؛ الطلاق ١٠

﴿٢٦١٨﴾ وَإِنَّهُ لَتَذِكْرَةٌ لِلْمُتَّقِينَ؛ الحاقة ٤٨

﴿٢٦١٩﴾ كَلَّا إِنَّهُ تَذَكُّرَةٌ * فَمَنْ شَاءَ ذَكَّرْهُ * وَمَا يَذْكُرُونَ إِلَّا أَنْ يَشَاءَ اللَّهُ هُوَ أَهْلُ التَّقْوَى وَ أَهْلُ

الْمَغْفِرَةِ؛ المدثر ٥٤-٥٦

﴿٢٦٢٠﴾ أمير المؤمنين عليه السلام: التَّقْوَى غَايَةُ لَا يَهْلِكُ مَنْ تَبِعَهَا وَ لَا يَنْدَمُ مَنْ يَعْمَلُ بِهَا لِأَنَّ

بِالتَّقْوَى فَازَ الْفَائِزُونَ وَ بِالْمَعْصِيَةِ خَسِرَ الْخَاسِرُونَ فَلْيَزِدْكُمْ أَوْلُو النَّهْيِ وَ لِيَذْكُرْ أَهْلُ التَّقْوَى؛

بحار الأنوار، ج ٦٥، ص ٣٨٢

«نشانه‌های پرهیزکاران / از صفات پرهیزکاران»

﴿۲۶۰۷﴾ تقوای الهی را رعایت کنید و از مواظظ الهی پند گیرید.
﴿۲۶۰۸﴾ آتش جهنم پندی برای پرهیزکاران است.
﴿۲۶۰۹﴾ آتش جهنم، موعظه‌ای برای پرهیزکاران است.
﴿۲۶۱۰﴾ «مَوْعِظَةٌ لِّلْمُتَّقِينَ»؛ یعنی کسانی که از آن حادثه‌ی (مسخ شدن اصحاب سبت) پند می‌گیرند، پس اعمال زشت را ترک می‌کنند و با آن به مردم پند می‌دهند و آن‌ها را از زشتی‌ها باز می‌دارند.
﴿۲۶۱۱﴾ بلیغ‌ترین موعظه‌ی اهل تقوا، کلام پروردگار جهانیان است.
﴿۲۶۱۲﴾ بی شک بهترین حدیث یاد خدا و رساترین موعظه‌ی پرهیزکاران کتاب خداست.
﴿۲۶۱۳﴾ بهترین کلام و بلیغ‌ترین موعظه برای پرهیزکاران، کتاب خداوند عزیز حکیم است.
﴿۲۶۱۴﴾ و ما فقط آن [قرآن] را بر زبان تو آسان ساختیم تا پرهیزکاران را به وسیله‌ی آن بشارت دهی، و دشمنان سرسخت را با آنان انذار کنی.

۲-۱۶-۵- پندپذیری

﴿۲۶۱۵﴾ هرگاه کسانی را دیدی که آیات ما را استهزا می‌کنند، از آن‌ها روی بگردان تا به سخن دیگری بپردازند! و اگر شیطان از یاد تو ببرد، هرگز پس از یاد آمدن با این جمعیت ستمگر منشین! * و (اگر) افراد با تقوا (برای ارشاد و اندرز با آن‌ها بنشینند)، چیزی از حساب (و گناه) آن‌ها بر ایشان نیست ولی (این کار، باید تنها) برای یادآوری آن‌ها باشد، باشد که (بشنوند و) تقوی پیشه کنند!
﴿۲۶۱۶﴾ ما به موسی و هارون، «فرقان» [وسیله‌ی جدا کردن حق از باطل] و نور، و آنچه مایه یادآوری برای پرهیزکاران است، دادیم.
﴿۲۶۱۷﴾ پس از (مخالفت فرمان) خدا بپرهیزید ای خردمندانی که ایمان آورده‌اید! (زیرا) خداوند چیزی که مایه‌ی تذکر است بر شما نازل کرده است.
﴿۲۶۱۸﴾ و آن مسلماً تذکری برای پرهیزکاران است!
﴿۲۶۱۹﴾ چنین نیست که آن‌ها می‌گویند، آن (قرآن) یک تذکر و یادآوری است! * هرکس بخواهد از آن پند می‌گیرد * و هیچ کس پند نمی‌گیرد مگر اینکه خدا بخواهد او اهل تقوا و اهل آمرزش است!
﴿۲۶۲۰﴾ پرهیزکاری هدفی است که پیرو آن نابود نمی‌شود و هرکس به آن عمل کند، پشیمان نمی‌شود. زیرا پیرومندان با تقوا کامیاب شدند و زیانکاران با نافرمانی زیان بردند. و باید خردمندان باز ایستند و پرهیزکاران پند گیرند.

﴿عَلَامَاتُ الْمُتَّقِينَ وَ مَصَادِيقُ التَّقْوَى / مِنْ صِفَاتِ الْمُتَّقِينَ﴾

﴿٢٦٢١﴾ الصَّادِقُ (عليه السلام): عَنْ زَيْدِ بْنِ أَبِي أَسَامَةَ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ (عليه السلام) قَالَ: سَأَلْتُهُ عَنْ قَوْلِ اللَّهِ إِنَّ الَّذِينَ اتَّقَوْا إِذَا مَسَّهُمْ طَائِفٌ مِنَ الشَّيْطَانِ تَذَكَّرُوا فَإِذَا هُمْ مُبْصِرُونَ قَالَ هُوَ الذَّنْبُ يَهْمُ بِهِ الْعَبْدُ فَيَتَذَكَّرُ فَيَدْعُهُ؛ بحار الأنوار، ج ٦٧، ص ٢٨٧

﴿٢٦٢٢﴾ الرَّسُولُ (عليه السلام): يَا مَنْ كِتَابُهُ تَذَكُّرٌ لِلْمُتَّقِينَ؛ المصباح للكفعمي، ص ٢٥٧
١٧-٥-٥- الحُزْنُ وَ السُّرُورُ

١٧-٥-١- قُلُوبُهُمْ مَحْزُونَةٌ

﴿٢٦٢٣﴾ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ (عليه السلام): فَالْمُتَّقُونَ ... قُلُوبُهُمْ مَحْزُونَةٌ؛ نهج البلاغة، ص ٣٠٣
١٧-٥-٥- طُولُ الْحُزْنِ

﴿٢٦٢٤﴾ الرَّسُولُ (عليه السلام): مَنْ طَالَ فِي الدُّنْيَا حُزْنُهُ وَ دَامَ فِيهَا غَمُّهُ وَ كَثُرَ فِيهَا جُوعُهُ وَ عَطَشُهُ أُولَئِكَ الْأَبْرَارُ الْأَتْقِيَاءُ الْأَخْيَارُ؛ مستدرک الوسائل، ج ١٦، ص ٢١٨
١٧-٥-٥- تَدَاوُمُ الْغَمِّ

﴿٢٦٢٥﴾ الرَّسُولُ (عليه السلام): مَنْ طَالَ فِي الدُّنْيَا حُزْنُهُ وَ دَامَ فِيهَا غَمُّهُ وَ كَثُرَ فِيهَا جُوعُهُ وَ عَطَشُهُ أُولَئِكَ الْأَبْرَارُ الْأَتْقِيَاءُ الْأَخْيَارُ؛ مستدرک الوسائل، ج ١٦، ص ٢١٨
١٧-٥-٥- حُسْنُ الْعَزَاءِ

﴿٢٦٢٦﴾ الصَّادِقُ (عليه السلام): رَجَعْتُ إِلَى مَا أَمَرَ اللَّهُ جَلَّ جَلَالُهُ بِهِ الْمُتَّقِينَ مِنَ الصَّبْرِ وَ حُسْنِ الْعَزَاءِ؛ مستدرک الوسائل، ج ٢، ص ٤١٥
١٧-٥-٥- مَسْرُورٌ بِذِكْرِ اللَّهِ

﴿٢٦٢٧﴾ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ (عليه السلام): ذَكَرُ اللَّهُ مَسْرَةً كُلِّ مُتَّقٍ وَ لَذَةً كُلِّ مُوقِنٍ؛ غرر الحكم، ص ١٨٩
١٧-٥-٥- إِنْ صَمَتَ لَمْ يَغْمَهُ صَمْتُهُ

﴿٢٦٢٨﴾ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ (عليه السلام): فَالْمُتَّقُونَ ... إِنْ صَمَتَ لَمْ يَغْمَهُ صَمْتُهُ وَ إِنْ ضَحِكَ لَمْ يَغْلُ صَوْتُهُ؛ نهج البلاغة، ص ٣٠٣
١٧-٥-٥- الْفَرَحُ

﴿٢٦٢٩﴾ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ (عليه السلام): فَالْمُتَّقُونَ ... يُمْسِي وَ هَمُّهُ الشُّكْرُ وَ يُصْبِحُ وَ هَمُّهُ الذِّكْرُ يَبِيتُ حَذِيراً وَ يُصْبِحُ فَرِحاً حَذِيراً لِمَا حُذِرَ مِنَ الْغَفْلَةِ وَ فَرِحاً بِمَا أَصَابَ مِنَ الْفَضْلِ وَ الرَّحْمَةِ؛ نهج البلاغة، ص ٣٠٣

﴿عَلَامَاتُ الْمُتَّقِينَ وَ مَصَادِيقُ التَّقْوَى / مِنْ صِفَاتِ الْمُتَّقِينَ﴾

٨-١٧-٥-٥- نشأط في هدى

﴿٢٦٣٠﴾ أمير المؤمنين عليه السلام: فَأَلْمُتَّقُونَ ... فَمِنْ عَلَامَةِ أَحَدِهِمْ أَنَّكَ تَرَى لَهُ ... طَلَبًا فِي حَالٍ وَ
نَشَاطًا فِي هُدًى وَ تَحَرُّجًا عَنْ طَمَعٍ؛ نهج البلاغة، ص ٣٠٣

١٨-٥-٥- البكاءُ وَ الضَّحْكُ

١-١٨-٥-٥- أَغْنِيَهُمْ بِأَكِيَّةٍ

﴿٢٦٣١﴾ أمير المؤمنين عليه السلام: أَلْمُتَّقُونَ أَعْمَالُهُمْ زَاكِيَّةٌ وَ أَغْنِيَهُمْ بِأَكِيَّةٍ وَ قُلُوبُهُمْ وَجِلَّةٌ؛

غررالحكم، ص ٢٧٣

٢-١٨-٥-٥- تَجْرَى دُمُوعُهُمْ عَلَى خُدُودِهِمْ

﴿٢٦٣٢﴾ السَّجَادُ عليه السلام: أَلَا إِنَّ لِلَّهِ عِبَادًا ... أَمَّا اللَّيْلَ فَصَافُونَ أَقْدَامَهُمْ تَجْرَى دُمُوعُهُمْ عَلَى
خُدُودِهِمْ وَ هُمْ يَجَارُونَ إِلَى رَبِّهِمْ يَسْعَوْنَ فِي فَكَاكٍ رِقَابِهِمْ وَ أَمَّا النَّهَارَ فَحُلَمَاءُ عُلَمَاءُ بَرَرَةٍ
أَتْقِيَاءُ؛ الكافي، ج ٢، ص ١٣١

٣-١٨-٥-٥- لَمْ يَغْلُ صَوْتُهُ فِي الضَّحْكِ

﴿٢٦٣٣﴾ أمير المؤمنين عليه السلام: فَأَلْمُتَّقُونَ ... إِنْ صَمَتَ لَمْ يَغْمُهُ صَمْتُهُ وَ إِنْ ضَحِكَ لَمْ يَغْلُ

صَوْتُهُ؛ نهج البلاغة، ص ٣٠٣

١٩-٥-٥- الْعَقْلُ، الْفِكْرُ، الْكِيَّاسَةُ

١-١٩-٥-٥- الْعَقْلُ

﴿٢٦٣٤﴾ أمير المؤمنين عليه السلام: فَمَنْ اتَّقَى اللَّهَ عَقَلَ؛ الكافي، ج ٨، ص ٢٤١

٢-١٩-٥-٥- الْفِكْرُ

﴿٢٦٣٥﴾ أمير المؤمنين عليه السلام: الْفِكْرُ نَزْهَةُ الْمُتَّقِينَ؛ غررالحكم، ص ٥٦

﴿٢٦٣٦﴾ أمير المؤمنين عليه السلام: فَاتَّقُوا اللَّهَ عِبَادَ اللَّهِ تَقِيَّةً مَنْ شَغَلَ بِالْفِكْرِ قَلْبُهُ وَ أَوْجَفَ الذِّكْرَ

بِلِسَانِهِ وَ قَدَّمَ الْخَوْفَ لِأَمَانِهِ؛ غررالحكم، ص ١٩١

﴿٢٦٣٧﴾ أمير المؤمنين عليه السلام: فَاتَّقُوا اللَّهَ عِبَادَ اللَّهِ تَقِيَّةً ذِي لُبٍّ شَغَلَ التَّفَكُّرُ قَلْبَهُ؛ نهج البلاغة،

ص ١١١

«نشانه‌های پرهیزکاران / از صفات پرهیزکاران»

۸-۱۷-۵-۵- نشاط در هدایت

﴿۲۶۳۰﴾ پرهیزکاران ... از نشانه‌های دیگرشان آن است که هر کدام را دارای ... جویای حلال، نشاط در هدایت، و دوری‌گزین از طمع مشاهده می‌کنی.

۱۸-۵-۵- گریه و خنده

۱-۱۸-۵-۵- چشمانشان گریان است

﴿۲۶۳۱﴾ باتقویان، اعمالشان پاک، چشمانشان گریان و قلب‌هایشان بیمناک است.

۲-۱۸-۵-۵- اشک بر صورتشان جاری است

﴿۲۶۳۲﴾ آگاه باشید خداوند بندگانی دارد که ... هنگام شب برای عبادت در صف ایستاده و اشک بر صورتشان جاری است. به پروردگارشان پناه برده و در آزادی خود می‌کوشند. و در روز شکیبا، دانشمندان، نیکان و پرهیزکاران هستند.

۳-۱۸-۵-۵- صدای خنده‌اش بالا نمی‌رود

﴿۲۶۳۳﴾ پرهیزکاران ... اگر سکوت کند سکوتش غمگینش نمی‌کند، و اگر بخندد قهقهه نمی‌زند.

۱۹-۵-۵- عقل، فکر، زیرکی

۱-۱۹-۵-۵- عقل

﴿۲۶۳۴﴾ هرکس از خدا ترسید، عاقل و خردمند است.

۲-۱۹-۵-۵- فکر

﴿۲۶۳۵﴾ تفکر، گردشگاه اهل تقواست.

﴿۲۶۳۶﴾ ای بندگان خدا! تقوای الهی داشته باشید همچون تقوای کسی که فکر و اندیشه، دلش را مشغول کرده، زبانش با سرعت به ذکر خدا می‌گردد و برای ایمنی در قیامت ترس از مسئولیت را پیش فرستاده است.

﴿۲۶۳۷﴾ پس ای بندگان خدا! تقوای الهی پیشه کنید، تقوای خردمندی که اندیشه و تفکر دلش را مشغول کرده است.

﴿عَلَامَاتُ الْمُتَّقِينَ وَ مَصَادِيقُ التَّقْوَى / مِنْ صِفَاتِ الْمُتَّقِينَ﴾

٣-١٩-٥-٥- الكياسة

﴿٢٦٣٨﴾ الصَّادِقُ عليه السلام: إِنَّ فِي الْأَرْضِ فِي أَطْرَافِهَا مُؤْمِنِينَ... أَكْيَاسُ يَحْسَبُهُمُ الْمُنَافِقُ خُرْسًا عُمِيًّا بُلْهًا وَمَا بِالْقَوْمِ مِنْ خَرَسٍ وَلَا عَمَى وَلَا بَلَهٍ إِنَّهُمْ لَا كِيَاسَ فُصَحَاءُ حُلَمَاءُ حُكَمَاءُ أَتْقِيَاءُ؛ مستدرک الوسائل، ج ٩، ص ٢٦

﴿٢٦٣٩﴾ الرَّسُولُ عليه السلام: أَكْيَاسُ الْكَيْسِ التَّقَى وَ أَحَقُّ الْحَقِّ الْفَجْرُ؛ الكافي، ج ٨، ص ٨١

﴿٢٦٤٠﴾ أمير المؤمنين عليه السلام: أَكْيَاسُ الْكَيْسِ التَّقْوَى؛ غرر الحكم، ص ٢٦٩

﴿٢٦٤١﴾ أمير المؤمنين عليه السلام: أَكْيَاسُكُمْ أَوْرَعَكُمْ؛ غرر الحكم، ص ٢٦٩

٢٠-٥-٥- المعرفة والعلم والحكمة

١-٢٠-٥- المعرفة

﴿٢٦٤٢﴾ الرَّسُولُ عليه السلام: لِكُلِّ شَيْءٍ مَعْدِنٌ وَمَعْدِنُ التَّقْوَى قُلُوبُ الْعَارِفِينَ؛ إرشاد القلوب، ج ١، ص ١٥

٢-٢٠-٥- العلم

﴿٢٦٤٣﴾ أمير المؤمنين عليه السلام: اتَّقُوا اللَّهَ تَقِيَّةً [تَقَاةً] مَنْ سَمِعَ فَخْشَعَ وَ اقْتَرَفَ فَاغْتَرَفَ [وَ اغْتَرَفَ] وَ عِلْمٌ فَوَجَلْ وَ حَازِرٌ فَبَادَرَ وَ عَمِلَ فَأَحْسَنَ؛ غرر الحكم، ص ٢٧٣

١-٢٠-٥-٢- يَمُزُجُ الْحِلْمَ بِالْعِلْمِ

﴿٢٦٤٤﴾ أمير المؤمنين عليه السلام: فَالْمُتَّقُونَ ... يَمُزُجُ الْحِلْمَ بِالْعِلْمِ وَالْقَوْلَ بِالْعَمَلِ؛ نهج البلاغة، ص ٣٠٣

﴿٢٦٤٥﴾ أمير المؤمنين عليه السلام: فَالْمُتَّقُونَ ... وَأَمَّا النَّهَارُ فَحُلَمَاءُ عُلَمَاءُ أَبْرَارُ أَتْقِيَاءُ؛ نهج البلاغة، ص ٣٠٣

٢-٢٠-٥-٢- الحرص في العلم

﴿٢٦٤٦﴾ أمير المؤمنين عليه السلام: فَالْمُتَّقُونَ ... فَمِنْ عَلَامَةِ أَحَدِهِمْ أَنَّكَ تَرَى لَهُ ... حَزْمًا فِي لِسَانِهِ وَ

إِيمَانًا فِي يَدَيْهِ وَ حِرْصًا فِي عِلْمٍ وَ عِلْمًا فِي حِلْمٍ؛ نهج البلاغة، ص ٣٠٣

٣-٢٠-٥-٢- العلم في الحلم

﴿٢٦٤٧﴾ أمير المؤمنين عليه السلام: فَالْمُتَّقُونَ ... فَمِنْ عَلَامَةِ أَحَدِهِمْ أَنَّكَ تَرَى لَهُ ... حَزْمًا فِي لِسَانِهِ وَ

إِيمَانًا فِي يَدَيْهِ وَ حِرْصًا فِي عِلْمٍ وَ عِلْمًا فِي حِلْمٍ؛ نهج البلاغة، ص ٣٠٣

«نشانه‌های پرهیزکاران / از صفات پرهیزکاران»

۳-۱۹-۵-۵- زیرکی

«۲۶۳۸» در اطراف زمین مؤمنانی وجود دارند... زیرکانی که منافق آنان را گنگ و کور و ابله می‌پندارد و در میان آن مردم، نه گنگی و نه کوری و نه ابله‌ی می‌باشد. به راستی که آنان زیرکانی شیوا، دانشمندانی بردبار، و فرزنانگانی پرهیزکارند.

«۲۶۳۹» زیرک‌ترین مردم، انسان باتقوا است و احمق‌ترین احمقان، هرزه‌گان.

«۲۶۴۰» زیرک‌ترین زرنگ‌ها، تقواست.

«۲۶۴۱» زیرک‌ترین شما، با ورع‌ترین شماست.

۲۰-۵-۵- شناخت، دانش، حکمت

۱-۲۰-۵-۵- شناخت

«۲۶۴۲» هر چیزی معدنی دارد و معدن تقوا، قلب عارفان است.

۲-۲۰-۵-۵- دانش

«۲۶۴۳» تقوای الهی را پیشه کنید، مانند کسی که با دریافت حقایق به خشوع گراید و چون به گناه آلوده شود، اعتراف کند، آخرت را شناخت و از آخرت ترسید و عمل شایسته نمود و از عقوبت حذر نمود و به‌سوی طاعت خدا شتافت و عمل نیکو انجام داد.

۱-۲۰-۵-۵- بردباری را با دانش می‌آمیزد

«۲۶۴۴» پرهیزکاران ... بردباری را با دانش، و گفتار را با عمل می‌آمیزد.

«۲۶۴۵» پرهیزکاران ... به هنگام روز، بردباران و دانشمندان و نیکوکاران و پرهیزکاران

هستند.

۲-۲۰-۵-۵- حرص در دانش

«۲۶۴۶» پرهیزکاران ... از نشانه‌های دیگرشان آن است که هر کدام را دارای ... دوراندیشی

در نرمی، ایمان همراه با یقین، حرص در دانش، علم با بردباری مشاهده می‌کنی.

۳-۲۰-۵-۵- علم با بردباری

«۲۶۴۷» پرهیزکاران ... از نشانه‌های دیگرشان آن است که هر کدام را دارای ... دوراندیشی

در نرمی، ایمان همراه با یقین، حرص در دانش، علم با بردباری مشاهده می‌کنی.

﴿عَلَامَاتُ الْمُتَّقِينَ وَ مَصَادِيقُ التَّقْوَى / مِنْ صِفَاتِ الْمُتَّقِينَ﴾

٤-٢-٢٠-٥-٥- أن تتعلم ما جهلت

﴿٢٦٤٨﴾ الرِّسُولُ ﷺ: تَمَامُ التَّقْوَىٰ أَنْ تَعْلَمَ مَا جَهِلْتَ وَتَعْمَلَ بِمَا عَلِمْتَ؛ مجموعة ورام، ج ٢، ص ١١٩

٥-٢-٢٠-٥-٥-التَّعَلُّمُ بِعِلْمِ النَّافِعِ

﴿٢٤٩﴾ أمير المؤمنين عليه السلام: فَالْمُتَّقُونَ ... وَقَفُوا أَسْمَاعَهُمْ عَلَى الْعِلْمِ النَّافِعِ لَهُمْ؛ نهج البلاغة، ص ٣٠٣

٥-٥-٢٠-٢-٦- اتَّبَاعُ الْعِلْمِ فِيمَا يُقَرِّبُ إِلَى اللَّهِ

﴿٢٦٥٠﴾ أمير المؤمنين (عليه السلام): إِنَّ لَاهِلَ التَّقْوَى عِلَامَاتٍ يُعْرِفُونَ بِهَا ... اتَّبَاعُ الْعِلْمِ فِيمَا يُقَرَّبُ إِلَى

اللَّهُ؛ بحار الأنوار، ج ٦٧، ص ٢٨٢

٧-٢-٢٠-٥-٥- العلمُ بأنَّ اللهَ هُوَ الْمَنْظُورُ إِلَيْهِ

﴿٢٦٥١﴾ الباقِرُ الرَّحْمَنُ: أَنَّ أَهْلَ التَّقْوَى ... عَلِمُوا أَنَّ ذَلِكَ هُوَ الْمَنْظُورُ إِلَيْهِ لِعَظِيمِ شَأْنِهِ؛ الْكَافِي،

ج ۲، ص ۱۳۲

٨-٢-٢٠-٥-٥-العِلْمُ بَأَنَّ اللَّهَ لَيْسَ يَبْتَدِئُ الْعِبَادَ بِالْغَضَبِ قَبْلَ أَنْ يُغْضِبُوهُ

﴿٢٦٥٢﴾ الجواد (عليه السلام): كَتَبَ عَلَى نَفْسِهِ الرَّحْمَةَ فَسَبَقَتْ قَبْلَ الْغَضَبِ قَتَمَتْ صَدَقًا وَ عَدْلًا فَلَيْسَ

يَتَّبِدِيُ الْعِبَادَ بِالْغَضَبِ قَبْلَ أَنْ يُغْضِبُوهُ وَ ذَلِكَ مِنْ عِلْمِ الْيَقِينِ وَ عِلْمِ التَّقْوَى؛ الكافي، ج ٨، ص ٥٢

٩-٢-٢٠-٥-٥-التَّعْلِيمُ

﴿٢٦٥٣﴾ الصَّادِقُ (عليه السلام): إِنَّ أَهْلَ التَّقْوَى أَخَفُّ أَهْلَ الدُّنْيَا مُتُونَةً وَأَكْثَرُهُمْ مَعُونَةً إِنْ نَسِيتَ

ذَكَرُوكَ وَإِنْ ذَكَرُوكَ أَغْلَمُوكَ؛ بحار الأنوار، ج ٧٥، ص ٢٦٢

٣-٢٠-٥-٥-الحكمة

﴿٢٦٥٤﴾ الصَّادِقُ النَّبِيُّ: الْحِكْمَةُ ضِيَاءُ الْمَعْرِفَةِ وَ مِيزَانُ التَّقْوَى؛ مصباح الشريعة، ص ١٩٨

٤-٢٠-٥-٥-الفقه

﴿٢٦٥٥﴾ الكاظم (عليه السلام): اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ ... فِقْهَ أَهْلِ الْوَرَعِ؛ بحار الأنوار، ج ٨٨، ص ١٩٨

٢١-٥-٥- تهوين الدنيا ومصائبه وإبليس والخلق

﴿٢٦٥٦﴾ الصَّادِقُ (عليه السلام): [قَالَ غُنَوَانُ الْبَصْرِيُّ] قُلْتُ يَا أَبَا عَبْدِ اللَّهِ (عليه السلام) مَا حَقِيقَةُ الْعُبُودِيَّةِ قَالَ

ثَلَاثَةُ أَشْيَاءَ أَنْ لَا يَرَى الْعَبْدُ لِنَفْسِهِ فِيمَا خَوَّلَهُ اللَّهُ مِلْكَاً لَأَنَّ الْعَبِيدَ لَا يَكُونُ لَهُمْ مَلِكٌ يَرُونَ

«نشانه‌های پرهیزکاران / از صفات پرهیزکاران»

۴-۲۰-۵-۵ آنچه نمی‌دانی بیاموزی

﴿۲۶۴۸﴾ تمام تقوا همین است که آنچه نمی‌دانی بیاموزی و آنچه آموختی عمل کنی.

۵-۲۰-۵-۵ آموختن دانش سودمند

﴿۲۶۴۹﴾ پرهیزکاران ... گوش‌های خود را وقف دانش سودمند نموده‌اند.

۶-۲۰-۵-۵ پیروی از دانشی که انسان را به خدا نزدیک کند

﴿۲۶۵۰﴾ اهل تقوا علائق و نشانه‌هایی دارند که به آن شناخته می‌شوند؛ از جمله: ... پیروی از دانشی که انسان را به خدا نزدیک کند.

۷-۲۰-۵-۵ آگاهی به اینکه خداست که باید مورد توجه باشد

﴿۲۶۵۱﴾ پرهیزکاران ... دانستند که خداست که باید به سبب بزرگی مقامش به او متوجه بود.

۸-۲۰-۵-۵ علم به اینکه خداوند پیش از آنکه او را به خشم آورند، با بندگان خود به خشم آغاز نمی‌کند

﴿۲۶۵۲﴾ خداوند «رحمت و بخشش را بر خود حتم کرده» و رحمتش بر خشمش پیشی گرفته، و به درستی و عدالت تمام می‌شود. خداوند پیش از آنکه او را به خشم آورند، با بندگان خود به خشم آغاز نمی‌کند. و این حقیقت از علم الیقین و علم پرهیزکاری است.

۹-۲۰-۵-۵ تعلیم

﴿۲۶۵۳﴾ تقوایندگان و خداترسان کم‌خرج‌ترین اهل دنیا و پرسودترین ایشانند، اگر از یاد بری به یاد می‌آورند و از آن پس تو را آگاه می‌سازند.

۳-۲۰-۵-۵ حکمت

﴿۲۶۵۴﴾ حکمت روشنایی و جلوه‌ی معرفت، و میزان تقوا می‌باشد.

۴-۲۰-۵-۵ درک عمیق

﴿۲۶۵۵﴾ پروردگارا! ... درک پرهیزکاران را از تو خواستارم.

۲۱-۵-۵ کم‌اهمیت‌دانستن دنیا و مصائبش و نیز ابلیس و آفریدگان

﴿۲۶۵۶﴾ [عنوان بصری گوید:] عرض کردم: «حقیقت عبودیت و بندگی چیست؟» فرمود: «سه چیز است. اول اینکه ملک و مال را که خدا به او داده از خود نداند، چون بنده مالک چیزی نیست، مال را مال خدا دانسته و به دستور او مصرف می‌کنند. دوم اینکه تدبیر و اداره کردن را از

﴿عَلَامَاتُ الْمُتَّقِينَ وَ مَصَادِيقُ التَّقْوَى / أَهْلُ التَّقْوَى وَ الطَّعَامُ وَ ...﴾

أَمَّا مَالُ اللَّهِ يَصَوْنَهُ حَيْثُ أَمَرَهُمُ اللَّهُ بِهِ وَ لَا يُدَبِّرُ الْعَبْدُ لِنَفْسِهِ تَدْبِيرًا وَ جُمْلَةُ اشْتِغَالِهِ فِيمَا أَمَرَهُ تَعَالَى بِهِ وَ نَهَاهُ عَنْهُ فَإِذَا لَمْ يَرَ الْعَبْدُ لِنَفْسِهِ فِيمَا حَوَّلَهُ اللَّهُ تَعَالَى مَلَكًا هَانَ عَلَيْهِ الْإِنْفَاقُ فِيمَا أَمَرَهُ اللَّهُ تَعَالَى أَنْ يُنْفِقَ فِيهِ وَ إِذَا فَوَّضَ الْعَبْدُ تَدْبِيرَ نَفْسِهِ عَلَى مُدَبِّرِهِ هَانَ عَلَيْهِ مَصَائِبُ الدُّنْيَا وَ إِذَا اشْتَغَلَ الْعَبْدُ بِمَا أَمَرَهُ اللَّهُ تَعَالَى وَ نَهَاهُ لَا يَتَفَرَّغُ مِنْهُمَا إِلَى الْمِرَاءِ وَ الْمُبَاهَاةِ مَعَ النَّاسِ فَإِذَا أَكْرَمَ اللَّهُ الْعَبْدَ بِهَذِهِ الثَّلَاثَةِ هَانَ عَلَيْهِ الدُّنْيَا وَ الْإِلَيسُ وَ الْخَلْقُ وَ لَا يَطْلُبُ الدُّنْيَا تَكَاثُرًا وَ تَفَاخُرًا وَ لَا يَطْلُبُ مَا عِنْدَ النَّاسِ عِزًّا وَ عُلوًّا وَ لَا يَدْعُ أَيَّامَهُ بَاطِلًا فَهَذَا أَوَّلُ دَرَجَةِ التَّقَى؛

بحار الأنوار، ج ١، ص ٢٢٦

٢٢-٥-٥- الهَيْبَةُ وَ الْوَقَارُ

١-٢٢-٥- الهَيْبَةُ

﴿٢٦٥٧﴾ تعقيب الصلاة: وَ ارْزُقْنِي هَيْبَةَ الْمُتَّقِينَ؛ البلد الأمين، ص ١٠

٢-٢٢-٥- الْوَقَارُ

﴿٢٦٥٨﴾ أمير المؤمنين عليه السلام: فَالْمُتَّقُونَ ... فِي الزَّلَازِلِ وَ قُورٍ وَ فِي الْمَكَارِهِ صَبُورٌ وَ فِي الرِّخَاءِ

شُكُورٌ؛ نهج البلاغة، ص ٣٠٣

٢٣-٥-٥- إِتْهَامُ النَّفْسِ

﴿٢٦٥٩﴾ أمير المؤمنين عليه السلام: فَالْمُتَّقُونَ ... فَهُمْ لِنَفْسِهِمْ مُتَّهَمُونَ وَ مِنْ أَعْمَالِهِمْ مُشْفِقُونَ إِذَا زَكَّى أَحَدٌ مِنْهُمْ خَافَ مِمَّا يُقَالُ لَهُ فَيَقُولُ أَنَا أَعْلَمُ بِنَفْسِي مِنْ غَيْرِي وَ رَبِّي أَعْلَمُ بِي مِنْ نَفْسِي اللَّهُمَّ لَا تُؤَاخِذْنِي بِمَا يَقُولُونَ وَ اجْعَلْنِي أَفْضَلَ مِمَّا يَظُنُّونَ وَ اغْفِرْ لِي مَا لَا يَعْلَمُونَ؛ نهج البلاغة،

ص ٣٠٣

٥-٦- أَهْلُ التَّقْوَى وَ الطَّعَامُ وَ الرِّزْقُ وَ الْكَلَامُ

١-٥-٦- أَهْلُ التَّقْوَى وَ الطَّعَامُ

١-١-٥- أَكْلُهُمْ عُدَّةٌ

﴿٢٦٦٠﴾ الصَّادِقُ عليه السلام: وَ الْمَحْمُودُ مِنَ الْمَأْكُولَاتِ أَرْبَعَةٌ ضَرُورَةٌ وَ عُدَّةٌ وَ فَتُوحٌ وَ قُوَّةٌ فَالْأَكْلُ الضَّرُورِيُّ لِلْأَصْفِيَاءِ وَ الْعُدَّةُ لِلْقَوَّامِ الْأَتْقِيَاءِ وَ الْفَتْوحُ لِلْمُتَوَكِّلِينَ وَ الْقُوَّةُ لِلْمُؤْمِنِينَ؛

مستدرک الوسائل، ج ١٦، ص ٢١١

«نشانه‌های پرهیزکاران / اهل پرهیزکاری و طعام و ...»

خود نداند، (گرداننده اصلی امور خداوند است). سوّم اینکه اشتغالاتش مطابق امر و نهی خداوند باشد، زیرا با داشتن شرط اوّل، اتفاق بر او آسان می‌گردد و با داشتن شرط دوّم، مصیبت‌های دنیا بر او آسان می‌شود و با فراهم شدن شرط سوّم عبودیت، دیگر فخر و مباهات و مجادله با مردم نمی‌کند. هرگاه خداوند با این سه ویژگی بنده را گرامی دارد دنیا، ابلیس و مردم در نظر او اهمّیتی ندارد و آسان جلوه می‌کند. او دنیا را به عنوان زیاده‌خواهی و فخرفروشی نمی‌خواهد، عزّت و سربلندی از مردم نمی‌جوید و عمرش را به بیهودگی نمی‌گذراند و این اوّلین درجه‌ی تقوا است.»

۲۲-۵-۵- هیبت و وقار

۱-۲۲-۵-۵- هیبت

﴿۲۶۵۷﴾ [تعقیب نماز:] و هیبت باتقوایان را روزی من گردان.

۲-۲۲-۵-۵- وقار

﴿۲۶۵۸﴾ پرهیزکاران ... در حوادث آرام، در ناخوشی‌ها شکیبا، و در خوشی‌ها شاکر است.

۲۳-۵-۵- خود را متّهم دانستن

﴿۲۶۵۹﴾ پرهیزکاران ... خود را به کوتاهی در بندگی متّهم می‌کنند، و از عبادت خود در بیم هستند. هرگاه یکی از آنان را تمجید کنند از آن تمجید می‌ترسد و می‌گوید: «من از دیگران به خود آگاه‌ترم، و پروردگارم از خودم به من داناتر است؛ خداوند، مرا به آنچه دربارهام می‌گویند، مؤاخذه نکند، و از آنچه می‌پندارند بهتر گردان، و زشتی‌هایی را که از من خبر ندارند بر من ببخش.

۶-۵- اهل پرهیزکاری و طعام و روزی و کلام

۱-۶-۵- اهل تقوا و طعام و روزی

۱-۱-۶-۵- خوراکشان در حدّ توشه‌برداری است

﴿۲۶۶۰﴾ آنچه از انواع خوردنی‌ها مطلوب و پسندیده است، چهار چیز است؛ اوّل: خوردن «ضروری» است که برای انبیاء و افراد برگزیده می‌باشد. دوّم: خوردن «عُدّه» که به معنای توشه برای امری دیگر است و این برای پرهیزکاران است که خوراک را مقدّمه‌ی انجام وظایف قرار می‌دهند. سوّم: خوردن «فَتْوح» است که وسیله‌ی گشایش امر متوکّلین است. چهارم: خوردن «قوت» است که برای توانایی و نیروگرفتن مؤمنین است.

﴿عَلَامَاتُ الْمُتَّقِينَ وَ مَصَادِيقُ التَّقْوَى / أَهْلُ التَّقْوَى وَ الطَّعَامِ وَ ...﴾

١-٢-٥-٦-الأكلُ الحلالُ

﴿٢٦٦١﴾ وَكُلُوا مِمَّا رَزَقَكُمُ اللَّهُ حَلَالًا طَيِّبًا وَاتَّقُوا اللَّهَ الَّذِي أَنْتُمْ بِهِ مُؤْمِنُونَ؛ المائدة ٨٨

﴿٢٦٦٢﴾ فَكُلُوا مِمَّا غَنِمْتُمْ حَلَالًا طَيِّبًا وَاتَّقُوا اللَّهَ إِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَحِيمٌ؛ الأنفال ٦٩

١-٣-٥-٦-أَكْلُهُ مَنْزُورٌ

﴿٢٦٦٣﴾ أمير المؤمنين عليه السلام: فَالْمُتَّقُونَ ... قَانِعَةٌ نَفْسُهُ مَنْزُورًا أَكْلُهُ سَهْلًا أَمْرُهُ؛ نهج البلاغة،

ص ٣٠٣

١-٤-٥-٦-أَضُرُّ بِالْحَلَالِ الصَّافِي إِلَّا مَا لَا بُدَّ لَهُ

﴿٢٦٦٤﴾ أمير المؤمنين عليه السلام: فَإِنَّ مَنْ اتَّقَى اللَّهَ ... أَضُرَّ وَاللَّهُ بِالْحَلَالِ الصَّافِي إِلَّا مَا لَا بُدَّ لَهُ مِنْ

كِسْرَةٍ يَشُدُّ بِهَا صُلْبَهُ وَ ثَوْبٍ يُوَارِي بِهِ عَوْرَتَهُ مِنْ أَعْلَى مَا يَجِدُ وَ أَحْسَنِهِ؛ مشكاة الأنوار،

ص ٢٦٧

١-٥-٥-٦-إِذَا أَشْكَلَ عَلَيْهِ تَنَاوَلَ عِنْدَ الضَّرُورَةِ

﴿٢٦٦٥﴾ الصَّادِق عليه السلام: لَيْسَ الشَّانُ فِي الْأَخْذِ وَالْإِعْطَاءِ وَ لَكِنَّ النَّاجِيَ مَنْ اتَّقَى اللَّهَ فِي الْأَخْذِ

وَالْإِعْطَاءِ وَ اعْتَصَمَ بِحَبَالِ الْوَرَعِ وَ النَّاسُ فِي هَاتَيْنِ الْخَصْلَتَيْنِ خَاصُّ وَ عَامُّ فَالْخَاصُّ يُنْظَرُ فِي دَقِيقِ الْوَرَعِ فَلَا يَتَنَاوَلُ حَتَّى يَتَيَقَّنَ أَنَّهُ حَلَالٌ وَ إِذَا أَشْكَلَ عَلَيْهِ تَنَاوَلَ عِنْدَ الضَّرُورَةِ؛

مستدرک الوسائل، ج ١٣، ص ٢٩٣

١-٦-٥-٦-الجُوعُ وَ الْعَطْشُ

﴿٢٦٦٦﴾ الرِّسُولُ ﷺ: مَنْ طَالَ فِي الدُّنْيَا حُزْنُهُ وَ دَامَ فِيهَا غَمُّهُ وَ كَثُرَ فِيهَا جُوعُهُ وَ عَطَشُهُ

أَوْ لَيْكَ الْأَبْرَارُ الْأَتْقِيَاءُ الْأَخْيَارُ؛ مستدرک الوسائل، ج ١٦، ص ٢١٨

﴿٢٦٦٧﴾ أمير المؤمنين عليه السلام: فَإِنَّ الْجُوعَ مِنْ عَمَلِ التَّقَى؛ ديوان الإمام علي عليه السلام، ص ٢٦٢

﴿٢٦٦٨﴾ أمير المؤمنين عليه السلام: نَعَمْ عَوْنُ الْوَرَعِ التَّجَوُّعُ [الْقُنُوعُ]؛ غرر الحكم، ص ٣٩١

١-٧-٥-٦-مَنْ أَظْلَمَ الرَّجَاءُ هَوَاجِرَ يَوْمِهِ

﴿٢٦٦٩﴾ أمير المؤمنين عليه السلام: فَاتَّقُوا اللَّهَ تَقِيَّةً مَنْ أَنْصَبَ الْخَوْفُ بَدَنَهُ وَ أَسْهَرَ التَّهَجُّدُ غِرَارَ

نَوْمِهِ وَ أَظْلَمَ الرَّجَاءُ هَوَاجِرَ يَوْمِهِ؛ غرر الحكم، ص ١٩١

﴿٨١٢﴾

«نشانه‌های پرهیزکاران / اهل پرهیزکاری و طعام و روزی و کلام»

۲-۱-۵- خوراک حلال

﴿۲۶۶۱﴾ و از نعمت‌های حلال و پاکیزه‌ای که خداوند به شما روزی داده است، بخورید! و از (مخالفت) خداوندی که به او ایمان دارید، پرهیزید!

﴿۲۶۶۲﴾ از آنچه به غنیمت گرفته‌اید، حلال و پاکیزه بخورید و از خدا پرهیزید خداوند آمرزنده و مهربان است!

۳-۱-۵- خوراک اندک

﴿۲۶۶۳﴾ پرهیزکاران ... نفسش قانع، خوراکش اندک، زندگی‌اش آسان است.

۴-۱-۵- خوراک در حدّ ضرورت

﴿۲۶۶۴﴾ به خدا قسم؛ آن که از خدا پروا کند حتّی از مال حلال جز به قدر ضرورت نمی‌خورد؛ فقط به اندازه‌ای که بتواند سرپا بایستد؛ و در مورد لباس نیز از زیرترین و زمخت‌ترین‌ها فقط به نیت پوشاندن عورت استفاده می‌کند.

۵-۱-۵- در موارد شبهه‌ناک فقط به مقدار ضرورت اکتفا می‌کنند

﴿۲۶۶۵﴾ پس تنها بخشیدن و گرفتن ارزشی ندارد و کسی نجات می‌یابد که در بخشیدن و گرفتن، خدا را در نظر بگیرد و تقوا پیشه کند. و مردم در این دو خصلت - بخشیدن و گرفتن - دو گونه‌اند؛ خاصّ و عامّ. و امّا گروه خاص؛ آنان با تقوایی دقیق در امور می‌نگرند، و چیزی را نمی‌خورند مگر آنکه یقین پیدا کنند حلال است، و در موارد شبهه‌ناک نیز فقط به مقدار ضرورت اکتفا می‌کنند.

۶-۱-۵- گرسنگی و تشنگی

﴿۲۶۶۶﴾ کسانی که حزنشان در دنیا طولانی و غمشان دائمی و گرسنگی و تشنگی‌شان بسیار است؛ آن‌ها نیکان باتقوا و برگزیده هستند.

﴿۲۶۶۷﴾ گرسنه‌بودن از اعمال پرهیزکاران است.

﴿۲۶۶۸﴾ خالی‌بودن شکم [یا قناعت] بهترین کمک‌کننده ورع است.

۷-۱-۵- آن که امید به رحمت حق او را به تشنگی واداشته است

﴿۲۶۶۹﴾ تقوای الهی داشته باشید همچون تقوای کسی که ترس بدنش را کوفته و خسته کرده و شب‌زنده‌داری خواب را از چشمش ربوده و امید به رحمت حق او را به تشنگی روزه‌های گرم واداشته است.

﴿عَلَامَاتُ الْمُتَّقِينَ وَ مَصَادِيقُ التَّقْوَى / أَهْلُ التَّقْوَى وَ الطَّعَامُ وَ ...﴾

﴿٢٦٧٠﴾ أمير المؤمنين عليه السلام: عِبَادَ اللَّهِ إِنَّ تَقْوَى اللَّهِ حِمَتْ أَوْلِيَاءَ اللَّهِ مَحَارِمَهُ وَ الزَّمَتْ قُلُوبَهُمْ مَخَافَتَهُ حَتَّى أَشْهَرَتْ لِبَالِيَهُمْ وَأَظْمَأَتْ هَوَاجِرَهُمْ فَأَخَذُوا الرَّاحَةَ بِالنَّصَبِ وَالرِّىَّ بِالظَّمِّ وَ اسْتَقْرَبُوا الْأَجَلَ فَبَادَرُوا الْعَمَلَ وَ كَذَّبُوا الْأَمَلَ فَلَا حَظَّوَا إِلَّا جَلْ؛ نهج البلاغة، ص ١٦٩

١-٥-١٨- طَعَامُهُمُ الزَّيْتُ

﴿٢٦٧﴾ الصَّادِقُ (عليه السلام): الزَّيْتُ طَعَامُ الْأَتْقِيَاءِ؛ وسائل الشيعة، ج ٢٥، ص ٩٦
 ١-٩-٥٠-٥١-٥٢-٥٣-٥٤-٥٥-٥٦-٥٧-٥٨-٥٩-٦٠-٦١-٦٢-٦٣-٦٤-٦٥-٦٦-٦٧-٦٨-٦٩-٧٠-٧١-٧٢-٧٣-٧٤-٧٥-٧٦-٧٧-٧٨-٧٩-٨٠-٨١-٨٢-٨٣-٨٤-٨٥-٨٦-٨٧-٨٨-٨٩-٩٠-٩١-٩٢-٩٣-٩٤-٩٥-٩٦-٩٧-٩٨-٩٩-١٠٠-١٠١-١٠٢-١٠٣-١٠٤-١٠٥-١٠٦-١٠٧-١٠٨-١٠٩-١١٠-١١١-١١٢-١١٣-١١٤-١١٥-١١٦-١١٧-١١٨-١١٩-١٢٠-١٢١-١٢٢-١٢٣-١٢٤-١٢٥-١٢٦-١٢٧-١٢٨-١٢٩-١٣٠-١٣١-١٣٢-١٣٣-١٣٤-١٣٥-١٣٦-١٣٧-١٣٨-١٣٩-١٤٠-١٤١-١٤٢-١٤٣-١٤٤-١٤٥-١٤٦-١٤٧-١٤٨-١٤٩-١٥٠-١٥١-١٥٢-١٥٣-١٥٤-١٥٥-١٥٦-١٥٧-١٥٨-١٥٩-١٦٠-١٦١-١٦٢-١٦٣-١٦٤-١٦٥-١٦٦-١٦٧-١٦٨-١٦٩-١٧٠-١٧١-١٧٢-١٧٣-١٧٤-١٧٥-١٧٦-١٧٧-١٧٨-١٧٩-١٨٠-١٨١-١٨٢-١٨٣-١٨٤-١٨٥-١٨٦-١٨٧-١٨٨-١٨٩-١٩٠-١٩١-١٩٢-١٩٣-١٩٤-١٩٥-١٩٦-١٩٧-١٩٨-١٩٩-٢٠٠-٢٠١-٢٠٢-٢٠٣-٢٠٤-٢٠٥-٢٠٦-٢٠٧-٢٠٨-٢٠٩-٢١٠-٢١١-٢١٢-٢١٣-٢١٤-٢١٥-٢١٦-٢١٧-٢١٨-٢١٩-٢٢٠-٢٢١-٢٢٢-٢٢٣-٢٢٤-٢٢٥-٢٢٦-٢٢٧-٢٢٨-٢٢٩-٢٣٠-٢٣١-٢٣٢-٢٣٣-٢٣٤-٢٣٥-٢٣٦-٢٣٧-٢٣٨-٢٣٩-٢٤٠-٢٤١-٢٤٢-٢٤٣-٢٤٤-٢٤٥-٢٤٦-٢٤٧-٢٤٨-٢٤٩-٢٥٠-٢٥١-٢٥٢-٢٥٣-٢٥٤-٢٥٥-٢٥٦-٢٥٧-٢٥٨-٢٥٩-٢٦٠-٢٦١-٢٦٢-٢٦٣-٢٦٤-٢٦٥-٢٦٦-٢٦٧-٢٦٨-٢٦٩-٢٧٠-٢٧١-٢٧٢-٢٧٣-٢٧٤-٢٧٥-٢٧٦-٢٧٧-٢٧٨-٢٧٩-٢٨٠-٢٨١-٢٨٢-٢٨٣-٢٨٤-٢٨٥-٢٨٦-٢٨٧-٢٨٨-٢٨٩-٢٩٠-٢٩١-٢٩٢-٢٩٣-٢٩٤-٢٩٥-٢٩٦-٢٩٧-٢٩٨-٢٩٩-٣٠٠-٣٠١-٣٠٢-٣٠٣-٣٠٤-٣٠٥-٣٠٦-٣٠٧-٣٠٨-٣٠٩-٣١٠-٣١١-٣١٢-٣١٣-٣١٤-٣١٥-٣١٦-٣١٧-٣١٨-٣١٩-٣٢٠-٣٢١-٣٢٢-٣٢٣-٣٢٤-٣٢٥-٣٢٦-٣٢٧-٣٢٨-٣٢٩-٣٣٠-٣٣١-٣٣٢-٣٣٣-٣٣٤-٣٣٥-٣٣٦-٣٣٧-٣٣٨-٣٣٩-٣٤٠-٣٤١-٣٤٢-٣٤٣-٣٤٤-٣٤٥-٣٤٦-٣٤٧-٣٤٨-٣٤٩-٣٥٠-٣٥١-٣٥٢-٣٥٣-٣٥٤-٣٥٥-٣٥٦-٣٥٧-٣٥٨-٣٥٩-٣٦٠-٣٦١-٣٦٢-٣٦٣-٣٦٤-٣٦٥-٣٦٦-٣٦٧-٣٦٨-٣٦٩-٣٧٠-٣٧١-٣٧٢-٣٧٣-٣٧٤-٣٧٥-٣٧٦-٣٧٧-٣٧٨-٣٧٩-٣٨٠-٣٨١-٣٨٢-٣٨٣-٣٨٤-٣٨٥-٣٨٦-٣٨٧-٣٨٨-٣٨٩-٣٩٠-٣٩١-٣٩٢-٣٩٣-٣٩٤-٣٩٥-٣٩٦-٣٩٧-٣٩٨-٣٩٩-٤٠٠-٤٠١-٤٠٢-٤٠٣-٤٠٤-٤٠٥-٤٠٦-٤٠٧-٤٠٨-٤٠٩-٤١٠-٤١١-٤١٢-٤١٣-٤١٤-٤١٥-٤١٦-٤١٧-٤١٨-٤١٩-٤٢٠-٤٢١-٤٢٢-٤٢٣-٤٢٤-٤٢٥-٤٢٦-٤٢٧-٤٢٨-٤٢٩-٤٣٠-٤٣١-٤٣٢-٤٣٣-٤٣٤-٤٣٥-٤٣٦-٤٣٧-٤٣٨-٤٣٩-٤٤٠-٤٤١-٤٤٢-٤٤٣-٤٤٤-٤٤٥-٤٤٦-٤٤٧-٤٤٨-٤٤٩-٤٥٠-٤٥١-٤٥٢-٤٥٣-٤٥٤-٤٥٥-٤٥٦-٤٥٧-٤٥٨-٤٥٩-٤٦٠-٤٦١-٤٦٢-٤٦٣-٤٦٤-٤٦٥-٤٦٦-٤٦٧-٤٦٨-٤٦٩-٤٧٠-٤٧١-٤٧٢-٤٧٣-٤٧٤-٤٧٥-٤٧٦-٤٧٧-٤٧٨-٤٧٩-٤٨٠-٤٨١-٤٨٢-٤٨٣-٤٨٤-٤٨٥-٤٨٦-٤٨٧-٤٨٨-٤٨٩-٤٩٠-٤٩١-٤٩٢-٤٩٣-٤٩٤-٤٩٥-٤٩٦-٤٩٧-٤٩٨-٤٩٩-٥٠٠-٥٠١-٥٠٢-٥٠٣-٥٠٤-٥٠٥-٥٠٦-٥٠٧-٥٠٨-٥٠٩-٥١٠-٥١١-٥١٢-٥١٣-٥١٤-٥١٥-٥١٦-٥١٧-٥١٨-٥١٩-٥٢٠-٥٢١-٥٢٢-٥٢٣-٥٢٤-٥٢٥-٥٢٦-٥٢٧-٥٢٨-٥٢٩-٥٣٠-٥٣١-٥٣٢-٥٣٣-٥٣٤-٥٣٥-٥٣٦-٥٣٧-٥٣٨-٥٣٩-٥٤٠-٥٤١-٥٤٢-٥٤٣-٥٤٤-٥٤٥-٥٤٦-٥٤٧-٥٤٨-٥٤٩-٥٥٠-٥٥١-٥٥٢-٥٥٣-٥٥٤-٥٥٥-٥٥٦-٥٥٧-٥٥٨-٥٥٩-٥٦٠-٥٦١-٥٦٢-٥٦٣-٥٦٤-٥٦٥-٥٦٦-٥٦٧-٥٦٨-٥٦٩-٥٧٠-٥٧١-٥٧٢-٥٧٣-٥٧٤-٥٧٥-٥٧٦-٥٧٧-٥٧٨-٥٧٩-٥٨٠-٥٨١-٥٨٢-٥٨٣-٥٨٤-٥٨٥-٥٨٦-٥٨٧-٥٨٨-٥٨٩-٥٩٠-٥٩١-٥٩٢-٥٩٣-٥٩٤-٥٩٥-٥٩٦-٥٩٧-٥٩٨-٥٩٩-٦٠٠-٦٠١-٦٠٢-٦٠٣-٦٠٤-٦٠٥-٦٠٦-٦٠٧-٦٠٨-٦٠٩-٦١٠-٦١١-٦١٢-٦١٣-٦١٤-٦١٥-٦١٦-٦١٧-٦١٨-٦١٩-٦٢٠-٦٢١-٦٢٢-٦٢٣-٦٢٤-٦٢٥-٦٢٦-٦٢٧-٦٢٨-٦٢٩-٦٣٠-٦٣١-٦٣٢-٦٣٣-٦٣٤-٦٣٥-٦٣٦-٦٣٧-٦٣٨-٦٣٩-٦

﴿٢٦٧٢﴾ الصَّادِقُ (عليه السلام): لَيْسَ الشَّانُ فِي الْأَخْذِ وَالْإِعْطَاءِ وَلَكِنَّ النَّاجِيَ مَنْ اتَّقَى اللَّهَ فِي الْأَخْذِ وَالْإِعْطَاءِ وَاعْتَصَمَ بِجِبَالِ الْوَرَعِ وَالنَّاسُ فِي هَاتَيْنِ الْخَصْلَتَيْنِ خَاصٌّ وَعَامٌّ فَالْخَاصُّ يَنْظُرُ فِي دَقِيقِ الْوَرَعِ فَلَا يَتَنَاوَلُ حَتَّى يَتَيَقَّنَ أَنَّهُ حَلَالٌ وَإِذَا أَشْكَلَ عَلَيْهِ تَنَاوَلَ عِنْدَ الضَّرُورَةِ؛

مستدرک الوسائل، ج ١٣، ص ٢٩٣

مستدرک الوسائل، ج ۱۳، ص ۲۹۳

۲-۶-۵۔ اَہْلُ التَّقْوٰی وَ الرِّزْقِ

١-٢-٥- الإجمالُ في طلب الرزق

﴿٢٦٧٣﴾ الرَّسُولُ ﷺ: فَاتَّقُوا اللَّهَ رَبَّكُمْ وَاجْمِلُوا فِي طَلَبِ الرِّزْقِ؛ بحار الأنوار، ج ٢٠، ص ١٢٥

٢-٢-٥- طلب في حلال

﴿٢٦٧٤﴾ أمير المؤمنين عليه السلام: فَأَلْمُتُّونَ ... فَمِنْ عُلَمَاءِهِمْ أَنْكَ تَرَى لَهُ ... طَلَبًا فِي حَلَالٍ وَ نَشَاطًا فِي هُدًى وَ تَحَرُّجًا عَنْ طَمَعٍ؛ نهج البلاغة، ص ٣٠٣

نَشَاطًا فِي هُدًى وَ تَحَرُّجًا عَنْ طَمَعٍ؛ نهج البلاغة، ص ٣٠٣

٣-٥-٦-أَهْلُ التَّقْوَى وَالْحَقِّ

١-٣-٥- قَوْلُ الْحَقِّ

﴿٢٦٧٥﴾ أمير المؤمنين عليه السلام: قُلِ الْحَقَّ وَ قَرَّبَ الْمُتَّقِينَ؛ بحار الأنوار، ج ٧٥، ص ٨

٣-٥-٦-٣- الإِعْتِرَافُ بِالْحَقِّ قَبْلَ أَنْ يُشْهَدَ عَلَيْهِ

﴿٢٤٧٦﴾ أمير المؤمنين عليه السلام: ... فَاَلْتَمَقُونَ ... يَعْتَرِفُ بِالْحَقِّ قَبْلَ أَنْ يُشْهَدَ عَلَيْهِ لَا يُضِيعُ مَا اسْتُحْفَظَ

وَلَا يَنْسَى مَا ذُكِّرَ؛ نهج البلاغة، ص ٣٠٣

٤-٥-٦-أَهْلُ التَّقْوَى وَالْقَوْلِ وَالْكَلَامِ

«نشانه‌های پرهیزکاران / اهل پرهیزکاری و طعام و روزی و کلام»

﴿۲۶۷۰﴾ ای بندگان خدا! همانا تقوای الهی دوستان خدا را از انجام محرمات باز می‌دارد و قلب‌هایشان را پر از ترس خدا می‌سازد، تا آنکه شب‌های آنان با بی‌خوابی و روزهایشان با تحمل تشنگی و روزه‌داری، سپری می‌گردد، که آسایش آخرت را با رنج دنیا و سیراب‌شدن آنجا را با تحمل تشنگی دنیا به دست آوردند. اجل و مرگ را نزدیک دیده و در اعمال نیکو شتاب کرده‌اند، آرزوهای دنیایی را دروغ خواندند و مرگ به درستی نگریستند.

۸-۱-۵- خوراکشان زیتون است

﴿۲۶۷۱﴾ زیتون غذای متّین است.

۹-۱-۵- چیزی را نمی‌خورند مگر آنکه یقین پیدا کنند حلال است

﴿۲۶۷۲﴾ پس تنها بخشیدن و گرفتن ارزشی ندارد و کسی نجات می‌یابد که در بخشیدن و گرفتن، خدا را در نظر بگیرد و تقوا پیشه کند. و مردم در این دو خصلت - بخشیدن و گرفتن - دو گونه‌اند؛ خاصّ و عامّ. و اما گروه خاص؛ آنان با تقوایی دقیق در امور می‌نگرند، و چیزی را نمی‌خورند مگر آنکه یقین پیدا کنند حلال است، و در موارد شبهه‌ناک نیز فقط به مقدار ضرورت اکتفا می‌کنند.

۲-۶-۵- اهل تقوا و روزی

۱-۲-۵- میانه‌روی در طلب روزی

﴿۲۶۷۳﴾ پس از خدا بترسید و به درستی طلب روزی کنید.

۲-۲-۵- طلب حلال

﴿۲۶۷۴﴾ پرهیزکاران ... از نشانه‌های دیگرشان آن است که هر کدام را دارای ... جویای حلال، نشاط در هدایت، و دوری‌گزین از طمع مشاهده می‌کنی.

۳-۶-۵- اهل تقوا و حقّ

۱-۳-۵- گفتار حق

﴿۲۶۷۵﴾ حق را بگو و به پرهیزکاران نزدیک شو.

۳-۳-۵- پیش از حاضرشدن شاهد، خود اقرار به حق می‌نماید

﴿۲۶۷۶﴾ پرهیزکاران ... پیش از حاضرکردن شاهد، خود اقرار به حق می‌نماید. امانت را تباه نمی‌کند، و آنچه را به یادش آرند به فراموشی نمی‌سپارد.

۴-۶-۵- اهل تقوا و کلام

﴿عَلَامَاتُ الْمُتَّقِينَ وَمَصَادِيقُ التَّقْوَى / أَهْلُ التَّقْوَى وَالطَّعَامُ وَ...﴾

١-٤-٥- اللّٰسَانُ التّٰقِي

﴿٢٦٧٧﴾ موسى عَلَيْهِ السَّلَامُ: فَادْعُنِي بِالْقَلْبِ النَّقِيِّ وَاللِّسَانِ الصَّادِقِ النَّقِيِّ؛ أَعْلَامُ الدِّينِ، ص ٢٢٠

٢-٤-٥- الإِتْقَاءُ فِي الْقَوْلِ وَالْكَلَامِ

﴿٢٦٧٨﴾ الصَّادِقُ (عليه السلام): اتَّقُوا الْكَلَامَ فَإِنَّا نُؤْتِي بِهِ؛ بحار الأنوار، ج ٢٦، ص ١٥١

﴿٢٦٧٩﴾ أمير المؤمنين (عليه السلام): لَا يَتَقَى الشَّرَّ فِي فِعْلِهِ إِلَّا مَنْ يَتَّقِيهِ فِي قَوْلِهِ؛ غرر الحكم، ص ٢١٤

﴿٢٦٨٠﴾ الرَّسُولُ ﷺ: قَالَ فَمَا أَتَيْتَنِي؟ فَأَوْمَأَ بِيَدِهِ إِلَى لِسَانِهِ؛ شَرَحَ نَهْجَ الْبَلَاغَةِ، ج ١٠، ص ١٣٦

٣-٤-٥- القول بأمر الله

﴿٢٦٨١﴾ الباقِرُ (عليه السلام): أَنَّ أَهْلَ التَّقْوَى ... قَوَّالُونَ بِأَمْرِ اللَّهِ؛ الكافي، ج ٢، ص ١٣٢

٤-٤-٥- قَوْلُ الْحَقِّ

﴿٢٦٨٢﴾ الرّسول ﷺ: أَتَقَى النَّاسَ مَنْ قَالَ الْحَقَّ فِيمَا لَهُ وَعَلَيْهِ؛ من لا يحضره الفقيه، ج ٤،

ص ۳۹۴

﴿٢٦٨٣﴾ أمير المؤمنين عليه السلام: قُلْ الْحَقَّ وَاقْرَبِ الْمُتَّقِينَ؛ بحار الأنوار، ج ٧٥، ص ٨

٥-٤-٥- قَوْلُ الصَّوَابِ

﴿٢٦٨٤﴾ أمير المؤمنين (عليه السلام): فَالْمُتَّقُونَ ... مَنْطِقُهُمُ الصَّوَابُ؛ نهج البلاغة، ص ٣٠٣

٤-٤-٥- قَوْلُ السَّيِّدِ

﴿٢٤٨٥﴾ وَلِيَخْشَ الَّذِينَ لَوْ تَرَكُوا مِنْ خَلْفِهِمْ ذُرِّيَّةً ضِعَافًا خَافُوا عَلَيْهِمْ فَلْيَتَّقُوا اللَّهَ وَلْيَقُولُوا قَوْلًا

سَدِيداً؛ النساء ٩

﴿٢٦٨٦﴾ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ وَقُولُوا قَوْلًا سَدِيدًا؛ الْأَحْزَابُ ٧٠

٧-٤-٥- قَوْلُ اللَّيْنِ

﴿٢٦٨٧﴾ أمير المؤمنين (عليه السلام): فَالْمُتَّقُونَ ... بَعِيداً فُحْشُهُ لَيْنًا قَوْلُهُ؛ نهج البلاغة، ص ٣٠٣

٨-٤-٥- صِدْقُ الْمُقَاوَلَةِ

﴿٢٦٨٨﴾ الصَّادِقُ ^{عليه السلام}: أَصْلُ الْوَرَعِ دَوَامُ الْمَحَاسَبَةِ وَصِدْقُ الْمُقَاوَلَةِ؛ بحار الأنوار، ج ٦٧،

ص ۳۰۷

«نشانه‌های پرهیزکاران / اهل پرهیزکاری و طعام و روزی و کلام»

۱-۴-۵- پرهیزکار زبان پرهیزکار

﴿۲۶۷۷﴾ مناجات حضرت موسی علیه السلام: [خداوند فرمود]: مرا با قلب پاک و زبانی راست‌گو و باتقوا بخوان.

۲-۴-۵- پرهیزکاری بر قول و کلام

﴿۲۶۷۸﴾ از صحبت کردن درباره‌ی ما بپرهیزید که سخن شما را به ما می‌رسانند.
﴿۲۶۷۹﴾ کسی در اعمالش از بدی پرهیز نخواهد کرد مگر اینکه در کلامش از بدی پرهیز کند.

﴿۲۶۸۰﴾ یکی از اصحاب عرض کرد: «از چه چیزی باید پرهیز کنم [که ایمانم در امان باشد]؟». حضرت با دست مبارکش به زبانش اشاره کرد [که از گناهان زبان پرهیز کنید].

۳-۴-۵- کلام برای بازگویی امر خدا

﴿۲۶۸۱﴾ پرهیزکاران ... برای بازگویی امر خدا لب به سخن می‌گشایند.

۴-۴-۵- گفتار حق

﴿۲۶۸۲﴾ پرهیزکارترین مردم کسی است که با صراحت حق را بگوید، چه به سود او باشد یا بر زیان او.

﴿۲۶۸۳﴾ حق را بگو و به پرهیزکاران نزدیک شو.

۵-۴-۵- سخن درست

﴿۲۶۸۴﴾ پرهیزکاران ... گفتارشان صواب است.

۶-۴-۵- سخن حق

﴿۲۶۸۵﴾ کسانی که اگر فرزندان ناتوانی از خود بیادگار بگذارند از آینده آنان می‌ترسند، باید (از ستم درباره‌ی یتیمان مردم) بترسند! از (مخالفت) خدا بپرهیزند، و سخنی استوار بگویند.
﴿۲۶۸۶﴾ ای کسانی که ایمان آورده‌اید! تقوای الهی پیشه کنید و سخن حق بگویید.

۷-۴-۵- سخن نرم

﴿۲۶۸۷﴾ پرهیزکاران ... زبان دشنام ندارد، گفتارش نرم است.

۸-۴-۵- صداقت در گفتار

﴿۲۶۸۸﴾ اصل و پایه‌ی تقوا و شیوه‌ی پرهیزکاری مداومت بر محاسبه‌ی نفس و راستی در گفتار است.

﴿عَلَامَاتُ الْمُتَّقِينَ وَ مَصَادِيقُ التَّقْوَى / أَهْلُ التَّقْوَى وَ الطَّعَامِ وَ ...﴾

٩-٤-٥- قول « الْقَوْلُ قَوْلُ الْعُلَمَاءِ » فِي التَّدَارُؤِ

﴿٢٦٨٩﴾ الصَّادِقُ عَلَيْهِ السَّلَامُ: أَنَّهُ سَأَلَ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ رَجُلَانِ تَدَارَءَا فِي شَيْءٍ فَقَالَ أَحَدُهُمَا أَشْهَدُ أَنَّ هَذَا كَذِبٌ وَ كَذَا بَرَأِيهِ فَوَافَقَ الْحَقَّ وَ كَفَّ الْآخَرُ فَقَالَ الْقَوْلُ قَوْلُ الْعُلَمَاءِ فَقَالَ هَذَا أَفْضَلُ الرَّجُلَيْنِ أَوْ قَالَ أَوْرَعُهُمَا؛ بِحَارِ الْأَنْوَارِ، ج ٢، ص ١٢٠

١٠-٤-٥- قول «اللَّهُ وَ رَسُولُهُ أَعْلَمُ» فِي مَا لَا يَعْلَمُ

﴿٢٦٩٠﴾ أمير المؤمنين عَلَيْهِ السَّلَامُ: مَنْ كَانَ يَقُولُ فِي مَا لَا يَعْلَمُ «اللَّهُ وَ رَسُولُهُ أَعْلَمُ» فَهَذَا وَرَعٍ عَالِمٍ؛

مشكاة الأنوار، ص ١٣٩

١١-٤-٥- لَا يَقُولُ مَا لَا بَأْسَ بِهِ حِذَارَ مَا بِهِ الْبَأْسُ

﴿٢٦٩١﴾ الرَّسُولُ ﷺ: أَيُّهَا النَّاسُ إِنَّ الْعَبْدَ لَا يُكْتَبُ فِي الْمُسْلِمِينَ حَتَّى يَسْلَمَ النَّاسُ مِنْ يَدِهِ وَ لِسَانِهِ وَ لَا يَنَالَ دَرَجَةَ الْمُؤْمِنِينَ حَتَّى يَسْلَمَ أَخُوهُ مِنْ بَوَائِقِهِ وَ جَارُهُ مِنْ بَوَادِرِهِ وَ لَا يُعَدُّ فِي الْمُتَّقِينَ حَتَّى لَا يَقُولَ مَا لَا بَأْسَ بِهِ حِذَارَ مَا بِهِ الْبَأْسُ؛ أَعْلَامُ الدِّينِ، ص ١٤٤

١٢-٤-٥- لَا يَقُولُ مَا لَا يَعْلَمُ

﴿٢٦٩٢﴾ الصَّادِقُ عَلَيْهِ السَّلَامُ: مِنَ الْوَرَعِ أَنْ لَا يَقُولَ مَا لَا يَعْلَمُ؛ مُسْتَدْرَكُ الْوَسَائِلِ، ج ١٧، ص ٢٥٠

١٣-٤-٥- وَ لِيَعْلَمَ مَا يَقُولُ

﴿٢٦٩٣﴾ الرَّسُولُ ﷺ: يَا أَبَا ذَرٍّ إِنْ اللَّهَ عَزَّ وَ جَلَّ عِنْدَ لِسَانِ كُلِّ قَائِلٍ فَلْيَتَّقِ اللَّهَ أَمْرُؤُ وَ لِيَعْلَمَ

مَا يَقُولُ؛ مَكَارِمُ الْأَخْلَاقِ، ص ٤٦٧

١٤-٤-٥- وَ لِيَنْظُرَ مَا يَقُولُ

﴿٢٦٩٤﴾ الرَّسُولُ ﷺ: إِنْ عَلَى لِسَانِ كُلِّ قَائِلٍ رَقِيباً فَلْيَتَّقِ اللَّهَ الْعَبْدُ وَ لِيَنْظُرَ مَا يَقُولُ؛

وسائل الشيعة، ج ١٢، ص ١٩٥

١٥-٤-٥- إِنْ صَمَتَ لَمْ يَعْمَهُ صَمْتُهُ

﴿٢٦٩٥﴾ أمير المؤمنين عَلَيْهِ السَّلَامُ: فَالْمُتَّقُونَ ... إِنْ صَمَتَ لَمْ يَعْمَهُ صَمْتُهُ وَ إِنْ ضَحِكَ لَمْ يَعْلُ

صَوْتُهُ؛ نَهْجُ الْبَلَاغَةِ، ص ٣٠٣

«نشانه‌های پرهیزکاران / اهل پرهیزکاری و طعام و روزی و کلام»

۹-۴-۵- گفتن «حرف حرف دانشمندان است» در مجادله

«۲۶۸۹» شخصی نقل می‌کند که امام صادق (علیه السلام) در مورد دو نفری که درباره‌ی چیزی بحث می‌کنند و هرکس از دیدگاه خود دفاع می‌کند، یکی بر اساس رأی خود می‌گوید: گواهی می‌دهم که مطلب همین است و رأیش هم مطابق حق در آید و دیگری از نظر دادن خودداری کند و بگوید گفتار علما صحیح است، فرمود: «این شخص دومی بهتر از شخص اول است»؛ و یا چنین فرمود: «که باتقواترین آن‌هاست».

۱۰-۴-۵- گفتن «خدا و رسولش بهتر می‌دانند» در جایی که نمی‌داند

«۲۶۹۰» ورع عالم این است که در جایی که نمی‌داند، بگوید: «خدا و رسولش بهتر می‌دانند».

۱۱-۴-۵- آنچه را که در آن مشکلی نیست نگوید، از ترس اینکه در آن چیز مشکلی باشد

«۲۶۹۱» ای مردم! بنده، تا زمانی که مردم از دست و زبان او در سلامت و امنیت نباشند، مسلمان محسوب نمی‌شود و تا وقتی که برادر مؤمنش از شر او و همسایه‌اش از آزار او در امان نباشد به درجه‌ی ایمان نمی‌رسد؛ و بنده متقی نمی‌شود مگر آنچه را که در آن مشکلی نیست نگوید، از ترس اینکه در آن چیز مشکلی باشد.

۱۲-۴-۵- در مورد چیزی که به آن علم ندارد، چیزی نگوید

«۲۶۹۲» از نشانه‌های ورع این است که فرد، در مورد چیزی که به آن علم ندارد، چیزی نگوید.

۱۳-۴-۵- بدانند چه می‌گویند

«۲۶۹۳» یا ابوذر! خداوند نزد هر سخنگویی حاضر است، و انسان باید از خدا بترسد و او را در نظر گیرد و بداند که چه می‌گوید.

۱۴-۴-۵- بنگرد چه می‌گوید

«۲۶۹۴» خداوند مراقب زبان هر گوینده‌ای است. بنده باید از خدا بترسد و بنگرد که چه می‌گوید.

۱۵-۴-۵- اگر سکوت کند سکوت غمگینش نمی‌کند

«۲۶۹۵» پرهیزکاران ... اگر سکوت کند سکوتش غمگینش نمی‌کند، و اگر بخندد قهقهه نمی‌زند.

﴿عَلَامَاتُ الْمُتَّقِينَ وَ مَصَادِيقُ التَّقْوَى / مَا وَصِيَّةُ أَهْلِ التَّقْوَى؟﴾

١٦-٤-٥- أَوْكِيَّةٌ عَلَى الْأَفْوَاهِ

﴿٢٦٩٦﴾ الصَّادِقُ (عليه السلام): أَمَّا وَاللَّهِ لَوْ كَانَتْ عَلَى أَفْوَاهِكُمْ أَوْكِيَّةٌ لَحَدَّثْتُ كُلَّ امْرِئٍ مِنْكُمْ بِمَا لَهُ وَاللَّهِ لَوْ وَجَدْتُ اتَّقِيَاءَ لَتَكَلَّمْتُ وَاللَّهُ الْمُسْتَعَانُ؛ مستدرک الوسائل، ج ١٢، ص ٢٩٤

١٧-٤-٥- خَزْنُ اللِّسَانِ

﴿٢٦٩٧﴾ الرَّسُولُ (صلى الله عليه وآله): لَا يَتَّقِي الْعَبْدُ حَتَّى يَخْزَنَ مِنْ لِسَانِهِ؛ مجموعة ورام، ج ١، ص ٥
﴿٢٦٩٨﴾ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ (عليه السلام): وَاللَّهِ مَا أَرَى عَبْدًا يَتَّقِي تَقْوَى تَنْفَعُهُ حَتَّى يَخْزَنَ لِسَانَهُ؛

بحار الأنوار، ج ٤٨، ص ٢٩١

﴿٢٦٩٩﴾ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ (عليه السلام): وَاللَّهِ مَا أَرَى عَبْدًا يَتَّقِي تَقْوَى تَنْفَعُهُ حَتَّى يَخْزَنَ لِسَانَهُ؛

نهج البلاغة، ص ٢٥٣

١٨-٤-٥- كَفُّ اللِّسَانِ

﴿٢٧٠٠﴾ الصَّادِقُ (عليه السلام): فَاتَّقُوا اللَّهَ وَكُفُّوا أَلْسِنَتَكُمْ؛ مستدرک الوسائل، ج ٨، ص ٣١١

١٩-٤-٥- كَفُّ اللِّسَانِ إِلَّا مِنْ خَيْرٍ

﴿٢٧٠١﴾ الصَّادِقُ (عليه السلام): فَاتَّقِ اللَّهَ وَكُفِّ لِسَانَكَ إِلَّا مِنْ خَيْرٍ؛ الكافي، ج ٢، ص ٢٣
﴿٢٧٠٢﴾ الصَّادِقُ (عليه السلام): فَاتَّقُوا اللَّهَ وَكُفُّوا أَلْسِنَتَكُمْ إِلَّا مِنْ خَيْرٍ؛ وسائل الشيعة، ج ١٢، ص ١٩٦

٧-٥- مَا وَصِيَّةُ أَهْلِ التَّقْوَى؟

﴿٢٧٠٣﴾ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ (عليه السلام): إِنَّمَا كَانَتْ الْحُكْمَاءُ وَالْعُلَمَاءُ وَالْأَتَقِيَاءُ وَالْأَبْرَارُ يَكْتُبُونَ بِثَلَاثَةِ لَيْسَ مَعَهُنَّ رَابِعٌ مَنْ أَحْسَنَ لِلَّهِ سَرِيرَتَهُ أَحْسَنَ اللَّهُ عَلَانِيَتَهُ وَمَنْ أَصْلَحَ فِيمَا بَيْنَهُ وَبَيْنَ اللَّهِ أَصْلَحَ اللَّهُ تَعَالَى فِيمَا بَيْنَهُ وَبَيْنَ النَّاسِ وَمَنْ كَانَتْ الْآخِرَةُ هَمَّهُ كَفَاهُ اللَّهُ هَمَّهُ مِنَ الدُّنْيَا؛

مستدرک الوسائل، ج ١١، ص ٣٢٢

«نشانه‌های پرهیزکاران / سفارش پرهیزکاران چیست؟»

۱۶-۴-۵- لگام زدن بر دهان

﴿۲۶۹۶﴾ آگاه باشید، به خدا قسم! اگر دهان‌های شما لجام می‌داشت من به هر یک از شما چیزی که به سود اوست، می‌گفتم. به خدا سوگند! اگر افرادی متقی می‌یافتم، حتماً سخنانی می‌گفتم و از خدا باید کمک خواست.

۱۷-۴-۵- نگه‌داشتن زبان

﴿۲۶۹۷﴾ بنده تا زمانی که زبانش را نگه ندارد، به تقوا دست نمی‌یابد.
﴿۲۶۹۸﴾ به خدا سوگند! هیچ بنده‌ای دارای تقوای مفید نخواهد شد، مگر اینکه زبانش را حفظ کند.

﴿۲۶۹۹﴾ به خدا سوگند! پرهیزکاری را ندیده‌ام که تقوا برای او سودمند باشد مگر آن که زبان خویش را حفظ کرده بود.

۱۸-۴-۵- نگه‌داشتن زبان

﴿۲۷۰۰﴾ از خدا بترسید و زبان‌هایتان را نگه دارید.

۱۹-۴-۵- نگه‌داشتن زبان جز از خیر

﴿۲۷۰۱﴾ تقوای الهی پیشه کن و زبانت را فقط به حرف خیر بگشا.

﴿۲۷۰۲﴾ از خدا بترسید و زبانتان را جز از خیر باز دارید.

۷-۵- سفارش پرهیزکاران چیست؟

﴿۲۷۰۳﴾ حکیمان و علما و متقین و نیکان، سه کلام [و نصیحت و وصیت] دارند که چهارمی ندارد: هرکس پنهان خود را نیک کند، خداوند آشکارش را نیک می‌کند. هرکس میان خود و خدا را اصلاح کند، خداوند میان او و مردم را اصلاح می‌کند و هر کس که تمام همّتش آخرت باشد، خداوند هم‌وغمّ دنیایش را برطرف می‌کند.

الفصل السادس: مَا يَتَّقُونَ مِنْهُ أَهْلُ التَّقْوَى

١-٦- الإِثْمُ وَ الذَّنْبُ وَ الْمَعْصِيَةُ وَ الْحَرَامُ

١-١-٦- الإِثْمُ

١-١-١-٦- الآثَامُ

﴿٢٧٠٤﴾ أمير المؤمنين عليه السلام: مِنْ لَوَازِمِ الْوَرَعِ التَّنَزُّهُ عَنْ الْآثَامِ؛ غررالحكم، ص ٢٧٣

﴿٢٧٠٥﴾ أمير المؤمنين عليه السلام: أَصْلُ الْوَرَعِ تَجَنُّبُ الْآثَامِ وَ التَّنَزُّهُ عَنِ الْحَرَامِ؛ غررالحكم، ص ٢٧٣

﴿٢٧٠٦﴾ أمير المؤمنين عليه السلام: لَا وَرَعَ كَتَجَنَّبِ الْآثَامِ؛ غررالحكم، ص ٢٧٣

١-١-٢-٦- الْمَآثِمُ

﴿٢٧٠٧﴾ أمير المؤمنين عليه السلام: لَا وَرَعَ أَنْفَعُ مِنْ تَرْكِ الْمَحَارِمِ وَ تَجَنُّبِ الْمَآثِمِ؛ غررالحكم، ص ٢٧٣

١-١-٣-٦- مَا يُؤْثِمُهُ

﴿٢٧٠٨﴾ أمير المؤمنين عليه السلام: التَّقْوَى أَنْ يَتَّقِيَ الْمَرْءُ كُلَّمَا يُؤْثِمُهُ؛ غررالحكم، ص ٢٦٨

١-١-٤-٦- لَا يَأْثِمُ فِيمَنْ يُحِبُّ

﴿٢٧٠٩﴾ أمير المؤمنين عليه السلام: فَالْمُتَّقُونَ ... لَا يَحِيفُ عَلَى مَنْ يُبْغِضُ وَ لَا يَأْثِمُ فِيمَنْ يُحِبُّ؛

نهج البلاغة، ص ٣٠٣

١-١-٢-٦- الْبَاطِلُ

﴿٢٧١٠﴾ أمير المؤمنين عليه السلام: مَنْ جَمَعَ سِتَّ خِصَالٍ لَمْ يَدْعُ لِلْجَنَّةِ مَطْلَبًا وَ لَا عَنِ النَّارِ مَهْرَبًا

عَرَفَ اللَّهَ فَأَطَاعَهُ وَ عَرَفَ الشَّيْطَانَ فَعَصَاهُ وَ عَرَفَ الدُّنْيَا فَرَفَضَهَا وَ عَرَفَ الْآخِرَةَ فَطَلَبَهَا وَ عَرَفَ

الْبَاطِلَ فَاتَّقَاهُ وَ عَرَفَ الْحَقَّ فَاتَّبَعَهُ؛ جامع الأخبار، ص ١٠٨

فصل ۶: آنچه اهل پرهیزکاری از آن می پرهیزند

۱-۶- گناه، نافرمانی، حرام

۱-۱-۶- گناه

۱-۱-۱-۶- گناهان

﴿۲۷۰۴﴾ پاکی از گناهان از لوازم ورع است.

﴿۲۷۰۵﴾ اصل ورع، دوری از گناهان و پاکی از حرام است.

﴿۲۷۰۶﴾ هیچ ورعی همچون دوری از گناهان [پرمفعت] نیست.

۲-۱-۱-۶- گناهان

﴿۲۷۰۷﴾ هیچ ورعی پر منفعت‌تر از کنار گذاشتن محرّمات الهی و دوری از گناهان

نیست.

۳-۱-۱-۶- آنچه او را به گناه می‌اندازد

﴿۲۷۰۸﴾ پرهیزکاری آن است که آدمی از هر آنچه او را به گناه می‌اندازد، پرهیز کند.

۴-۱-۱-۶- به خاطر محبوبش مرتکب گناه نمی‌شود

﴿۲۷۰۹﴾ پرهیزکاران ... بر دشمن ستم نمی‌کند، و به خاطر محبوبش مرتکب گناه نمی‌شود.

۲-۱-۶- باطل

﴿۲۷۱۰﴾ کسی که شش خصلت در وجودش جمع شده، بهانه‌ای دیگر برای ورود به بهشت و

دلیلی دیگر برای دوری از آتش نمی‌خواهد. خدا را بشناسد و اطاعتش کند، شیطان را بشناسد و

اطاعتش نکند، دنیا را بشناسد و آن را ترک کند، آخرت را بشناسد و طلب کند، باطل را شناخته و

از آن پرهیز کند، حق را شناخته و از آن پیروی کند.

﴿ مَا يَتَّقُونَ مِنْهُ أَهْلُ التَّقْوَى / الْإِثْمُ وَالدُّنْبُ وَ الْمَعْصِيَةُ وَ الْحَرَامُ ﴾

﴿ ٢٧١١ ﴾ الصَّادِقُ (عليه السلام): قَوْلُهُ فَأَمَّا مَنْ أَعْطَى وَاتَّقَى أَعْطَى نَفْسَهُ الْحَقَّ وَاتَّقَى الْبَاطِلَ؛

بحار الأنوار، ج ٢٤، ص ٣٩٨

﴿ ٢٧١٢ ﴾ أمير المؤمنين (عليه السلام): أَنَّهُ لَا يَحْمِلُ النَّاسَ عَلَى الْحَقِّ إِلَّا مَنْ وَرَعَهُمْ عَنِ الْبَاطِلِ؛ الْكَافِي.

ج ٧، ص ٤١٢

١-٢-٤- لَا يَدْخُلُ فِي الْبَاطِلِ

﴿ ٢٧١٣ ﴾ أمير المؤمنين (عليه السلام): فَأَلْمَتَقُونَ ... لَا يَدْخُلُ فِي الْبَاطِلِ وَلَا يَخْرُجُ مِنَ الْحَقِّ؛ نَهج البلاغة،

ص ٣٠٣

٣-١-٤- التَّجَرَّى

﴿ ٢٧١٤ ﴾ الصَّادِقُ (عليه السلام): فَاتَّقُوا اللَّهَ وَلَا تَجْتَرُوا؛ مستدرک الوسائل، ج ١١، ص ٣٥٧

﴿ ٢٧١٥ ﴾ السَّجَّادُ (عليه السلام): اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ، وَخَلِّصْنِي مِنَ الْحَسَدِ، وَاحْصُرْنِي عَنِ

الدُّنُوبِ، وَوَرِّعْنِي عَنِ الْمَحَارِمِ، وَلَا تُجَرِّئْنِي عَلَى الْمَعَاصِي؛ الصحيفة السجادية (عليه السلام)، الدعاء ٢٢

١-٤-٤- الْمُخَالَفَةُ

﴿ ٢٧١٦ ﴾ الرَّسُولُ (صلى الله عليه وآله): اتَّقُوا اللَّهَ أَنْ تُخَالِفُوهُ؛ بحار الأنوار، ج ٣٧، ص ٢٠٨

١-٤-٤-١- الْمُخَالَفَةُ الْمُوجِبَةُ لِلْعَذَابِ

﴿ ٢٧١٧ ﴾ الرَّسُولُ (صلى الله عليه وآله): لَعَلَّكُمْ تَتَّقُونَ لِتَتَّقُوا الْمُخَالَفَةَ الْمُوجِبَةَ لِلْعَذَابِ؛ بحار الأنوار، ج ٢٦،

ص ٢٨٩

١-٤-٤-٢- مَا خَالَفَ قَوْلَ رَبَّنَا تَعَالَى وَ سُنَّةَ نَبِيِّنَا مُحَمَّدٍ (صلى الله عليه وآله)

﴿ ٢٧١٨ ﴾ الصَّادِقُ (عليه السلام): فَاتَّقُوا اللَّهَ وَلَا تَقْبَلُوا عَلَيْنَا مَا خَالَفَ قَوْلَ رَبَّنَا تَعَالَى وَ سُنَّةَ نَبِيِّنَا

مُحَمَّدٍ (صلى الله عليه وآله) فَإِنَّا إِذَا حَدَّثْنَا قُلْنَا قَالَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ وَقَالَ رَسُولُ اللَّهِ (صلى الله عليه وآله): بحار الأنوار، ج ٢، ص ٢٤٩

١-٤-٥- الْحَرَامُ

﴿ ٢٧١٩ ﴾ أمير المؤمنين (عليه السلام): فَإِنْ مَنْ اتَّقَى اللَّهَ ... رَفَعَ عَقْلُهُ عَنْ أَهْلِ الدُّنْيَا فَبَدَنُهُ مَعَ أَهْلِ الدُّنْيَا

وَقَلْبُهُ وَعَقْلُهُ مُعَايِنُ الْآخِرَةِ فَأَطْفَأَ بَصُوءَ قَلْبِهِ مَا أَبْصَرَتْ عَيْنَاهُ مِنْ حُبِّ الدُّنْيَا فَقَدَّرَ حَرَامَهَا وَ

جَانِبَ شُبُهَاتِهَا؛ مشكاة الأنوار، ص ٢٦٧

﴿ ٢٧٢٠ ﴾ أمير المؤمنين (عليه السلام): أَصْلُ الْوَرَعِ تَجَنُّبُ الْآثَامِ وَ التَّنَزُّهُ عَنِ الْحَرَامِ؛ غرر الحكم، ص ٢٧٣

﴿آنچه اهل پرهیزکاری از آن می پرهیزند / گناه، نافرمانی، حرام﴾

﴿۲۷۱۱﴾ «فَأَمَّا مَنْ أُعْطِيَ وَاتَّقَى»؛ هرکس در مورد خود حق را رعایت کند و از باطل

بپرهیزد.

﴿۲۷۱۲﴾ فقط آن که مردم را از باطل پرهیز می دهد، می تواند آن ها را به عمل بر طبق حق

وادارد.

۱-۲-۱-۶- در باطل داخل نمی شود

﴿۲۷۱۳﴾ پرهیزکاران ... در باطل وارد نمی شود، و از حق خارج نمی گردد.

۳-۱-۶- جسارت

﴿۲۷۱۴﴾ تقوای الهی پیشه کرده و [در انجام گناهان جسور و] جری نشوید.

﴿۲۷۱۵﴾ بار خدایا! بر محمد و خاندانش درود بفرست و مرا از حسد برهان و از گناهان در

امان دار و از حرام ها پرهیز ده و مرا بر ارتکاب معاصی گستاخ نفرما و میل و خواهمش را به
ساحت خود معطوف دار و چنان کن که به هر چه از تو می رسد، خرسند باشم.

۴-۱-۶- مخالفت

﴿۲۷۱۶﴾ از اینکه مخالفت امر خدا را کنید، بترسید.

۱-۴-۱-۶- مخالفتی که موجب عذاب شود

﴿۲۷۱۷﴾ لَعَلَّكُمْ تَتَّقُونَ؛ باشد که از مخالفتی که موجب عذاب می شود، بپرهیزی.

۲-۴-۱-۶- آنچه مخالف قول پروردگار و سنت پیامبر ﷺ ما باشد

﴿۲۷۱۸﴾ از خدا بترسید و از ما حدیثی که مخالف قول پروردگار و سنت پیامبر ما باشد، قبول

نکنید؛ زیرا ما وقتی حدیث می کنیم، می گوئیم خدا و رسول خدا ﷺ فرموده است.

۵-۱-۶- حرام

﴿۲۷۱۹﴾ پس کسی که تقوای خدا را پیشه کند ... عقل خود را از اهل دنیا برمی دارد. جسمش

همراه اهل دنیا اما دل و عقلش نگران آخرت است. پس به وسیله ی نور دلش آنچه چشمانش از
دوستی دنیا می بیند، را خاموش می کند. حرام دنیا را ناپاک می داند و از شبهه ناک آن دوری
می نماید.

﴿۲۷۲۰﴾ اصل ورع، دوری از گناهان و پاکی از حرام است.

﴿ مَا يَتَّقُونَ مِنْهُ أَهْلُ التَّقْوَى / الْإِثْمُ وَ الذَّنْبُ وَ الْمَعْصِيَةُ وَ الْحَرَامُ ﴾

١-٥-١-٦- مَحَارِمُ اللَّهِ

﴿ ٢٧٢١ ﴾ الصَّادِقُ عليه السلام: عَنْ حَفْصِ بْنِ غِيَاثٍ قَالَ سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام عَنِ الْوَرَعِ مِنَ النَّاسِ فَقَالَ الَّذِي يَتَوَرَّعُ عَنْ مَحَارِمِ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ؛ الْكَافِي، ج ٢، ص ٧٧

﴿ ٢٧٢٢ ﴾ الصَّادِقُ عليه السلام: عَنْ فَضِيلِ بْنِ عِيَّاضٍ قَالَ... سَأَلْتُهُ عَنِ الْوَرَعِ مِنَ النَّاسِ قَالَ الَّذِي يَتَوَرَّعُ عَنْ مَحَارِمِ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ وَ يَجْتَنِبُ هَؤُلَاءِ وَ إِذَا لَمْ يَتَّقِ الشُّبُهَاتِ وَقَعَ فِي الْحَرَامِ وَ هُوَ لَا يَعْرِفُهُ وَ إِذَا رَأَى الْمُنْكَرَ فَلَمْ يُنْكِرْهُ وَ هُوَ يَقْدِرُ عَلَيْهِ؛ الْكَافِي، ج ٥، ص ١٠٨

﴿ ٢٧٢٣ ﴾ الصَّادِقُ عليه السلام: سُئِلَ الصَّادِقُ عليه السلام مِنَ الْوَرَعِ مِنَ النَّاسِ قَالَ الَّذِي يَتَوَرَّعُ عَنْ مَحَارِمِ اللَّهِ؛ بحار الأنوار، ج ٦٧، ص ٣٠٨

﴿ ٢٧٢٤ ﴾ الرُّسُولُ عليه السلام: يَا عَلِيُّ ثَلَاثَةٌ مَنْ لَقِيَ اللَّهَ عَزَّ وَ جَلَّ بِهِنَّ فَهُوَ مِنْ أَفْضَلِ النَّاسِ مَنْ أَتَى اللَّهَ عَزَّ وَ جَلَّ بِمَا افْتَرَضَ عَلَيْهِ فَهُوَ مِنْ أَعْبَدِ النَّاسِ وَ مَنْ وَرَعَ عَنْ مَحَارِمِ اللَّهِ فَهُوَ مِنْ أَوْرَعِ النَّاسِ وَ مَنْ قَنَعَ بِمَا رَزَقَهُ اللَّهُ فَهُوَ مِنْ أَغْنَى النَّاسِ؛ وسائل الشيعة، ج ١٥، ص ٢٤٦

﴿ ٢٧٢٥ ﴾ أمير المؤمنين عليه السلام: إِذَا آمَنْتَ بِاللَّهِ وَ اتَّقَيْتَ مَحَارِمَهُ أَحَلَّكَ دَارَ الْأَمَانِ وَ إِذَا أَرْضَيْتَهُ تَعَمَّدَكَ بِالرِّضْوَانِ؛ غرر الحكم، ص ٨٨

﴿ ٢٧٢٦ ﴾ أمير المؤمنين عليه السلام: إِذَا اتَّقَيْتَ فَاتَّقِ مَحَارِمَ اللَّهِ؛ غرر الحكم، ص ٢٧٣

﴿ ٢٧٢٧ ﴾ أمير المؤمنين عليه السلام: نَالَ الْجَنَّةَ مَنْ اتَّقَى عَنِ الْمَحَارِمِ؛ غرر الحكم، ص ٢٧٢

﴿ ٢٧٢٨ ﴾ أمير المؤمنين عليه السلام: لَا تَقْوَى كَالْتَقْوَى عَنِ الْمَحَارِمِ؛ غرر الحكم، ص ٢٧٣

﴿ ٢٧٢٩ ﴾ أمير المؤمنين عليه السلام: عِبَادَ اللَّهِ إِنْ تَقْوَى اللَّهَ حَمَتِ أَوْلِيَاءَ اللَّهِ مَحَارِمَهُ وَ الزَّهْمُ قُلُوبُهُمْ مَخَافَتُهُ حَتَّى أَشْهَرَتْ لِيَالِيَهُمْ وَ أَظْمَأَتْ هَوَاجِرَهُمْ فَأَخَذُوا الرَّاحَةَ بِالنَّصَبِ وَ الرِّىَ بِالظُّمَاءِ وَ اسْتَقْرَبُوا الْأَجَلَ فَبَادَرُوا الْعَمَلَ وَ كَذَّبُوا الْأَمَلَ فَلَا حَظَّوْا إِلَّا بِالْجَلِّ؛ نهج البلاغة، ص ١٦٩

﴿ ٢٧٣٠ ﴾ السَّجَّادُ عليه السلام: اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ، وَ خَلِّصْنِي مِنَ الْحَسَدِ، وَ اخْصُرْنِي عَنِ الذُّنُوبِ، وَ وَرِّعْنِي عَنِ الْمَحَارِمِ، وَ لَا تُجَرِّئْنِي عَلَى الْمَعَاصِي؛ الصحيفة السجادية عليه السلام، الدعاء ٢٢

﴿ ٢٧٣١ ﴾ الباقر عليه السلام: وَجَدْنَا فِي كِتَابِ عَلِيِّ بْنِ الْحُسَيْنِ عليه السلام أَلَا إِنَّ أَوْلِيَاءَ اللَّهِ لَا خَوْفَ عَلَيْهِمْ وَ لَا هُمْ يَخْزَنُونَ إِذَا أَدَّوْا فَرَائِضَ اللَّهِ وَ أَخَذُوا سُنْنَ رَسُولِ اللَّهِ وَ تَوَرَّعُوا عَنْ مَحَارِمِ اللَّهِ وَ زَهَدُوا فِي عَاجِلِ زَهْرَةِ الدُّنْيَا وَ رَغِبُوا فِيْمَا عِنْدَ اللَّهِ وَ اكْتَسَبُوا الطَّيِّبَ مِنْ رِزْقِ اللَّهِ لَوْجِهَ اللَّهِ لَا

«آنچه اهل پرهیزکاری از آن می‌پرهیزند / گناه، نافرمانی، حرام»

۱-۵-۶- محرمات الهی

﴿۲۷۲۱﴾ از حفص بن غیاث روایت است که گوید، از امام صادق علیه السلام پرسیدم: «پرهیزکار و اهل ورع کیست؟» فرمود: «آن که از محرمات الهی و کارهای حرام بپرهیزد».

﴿۲۷۲۲﴾ فضیل بن عیاض گوید:... از امام علیه السلام در مورد پرهیزکارترین مردم سؤال کردم فرمود: «یعنی کسی که از محرمات الهی پرهیز و از آنان دوری کند. اگر کسی از شبهات پرهیز نکند و وقتی امر منکری را می‌بیند با آنکه قدرتش را دارد [تا آن را منکر اعلام و با آن مقابله کند]، آن را منکر نشمارد، بدون آنکه متوجه شود، حتماً به حرام خواهد افتاد. ﴿۲۷۲۳﴾ از امام صادق علیه السلام درباره‌ی با ورع‌ترین مردم سؤال شد. فرمود: «کسی است که از محارم الهی پرهیز کند».

﴿۲۷۲۴﴾ ای علی! سه خصلت است که هر کس خدا را با داشتن آن‌ها ملاقات کند، از بهترین مردم است: هر کس آنچه را که خدا بر او واجب کرده به جای آورد، از عابدترین مردمان است. هر کس که خود را از محرمات الهی باز دارد، از پرهیزکارترین مردمان است. و هر کس که به آنچه خدا به او روزی داده قانع شود، از بی‌نیازترین مردمان است.

﴿۲۷۲۵﴾ وقتی به خدا ایمان آوردی و از محرمات پرهیز کردی، وارد خانه‌ی امن شده‌ای و وقتی خدا را راضی کردی خداوند تو را در رضوان خود داخل می‌کند.

﴿۲۷۲۶﴾ اگر می‌خواهی از چیزی پرهیز کنی، از محرمات الهی پرهیز کن.

﴿۲۷۲۷﴾ کسی که از گناهان پرهیز می‌کند، به بهشت خواهد رسید.

﴿۲۷۲۸﴾ هیچ تقوایی چون دست کشیدن از محرمات نیست.

﴿۲۷۲۹﴾ ای بندگان خدا! همانا تقوای الهی دوستان خدا را از انجام محرمات باز می‌دارد و قلب‌هایشان را پر از ترس خدا می‌سازد، تا آنکه شب‌های آنان با بی‌خوابی و روزهایشان با تحمل تشنگی و روزه‌داری، سپری می‌گردد، که آسایش آخرت را با رنج دنیا و سیراب‌شدن آنجا را با تحمل تشنگی دنیا به دست آوردند. اجل و مرگ را نزدیک دیده و در اعمال نیکو شتاب کرده‌اند، آرزوهای دنیایی را دروغ خواندند و مرگ به درستی نگریستند.

﴿۲۷۳۰﴾ بار خدایا! بر محمد و خاندانش درود بفرست و مرا از حسد برهان و از گناهان در امان دار و از حرام‌ها پرهیز ده و مرا بر ارتکاب معاصی گستاخ نفرما و میل و خواهش را به ساحت خود معطوف دار و چنان کن که به هر چه از تو می‌رسد، خرسند باشم.

﴿۲۷۳۱﴾ در نامه علی بن حسین علیه السلام آمده است که دوستان خداوند نه ترسی دارند و نه اندوهگین می‌شوند. وقتی به واجبات عمل کنند و به سنت‌های پیامبر صلی الله علیه و آله پایبند بوده و از حرام

﴿ مَا يَتَّقُونَ مِنْهُ أَهْلُ التَّقْوَى / الْإِثْمُ وَالدَّنْبُ وَ الْمَعْصِيَةُ وَ الْحَرَامُ ﴾

يُرِيدُونَ بِهِ التَّفَاخُرَ وَ التَّكَاثُرَ ثُمَّ أَنْفَقُوا فِيمَا يُلْزَمُهُمْ مِنْ حُقُوقٍ وَاجِبَةٍ فَأُولَئِكَ الَّذِينَ بَارَكَ اللَّهُ لَهُمْ فِيمَا اكْتَسَبُوا وَ يَتَابُونَ عَلَى مَا قَدَّمُوا لِآخِرَتِهِمْ؛ بحار الأنوار، ج ٤٦، ص ٢٧٧

﴿ ٢٧٣٢ ﴾ أمير المؤمنين عليه السلام: أَيُّهَا النَّاسُ الزَّهَادَةُ قِصَرُ الْأَمَلِ وَ الشُّكْرُ عِنْدَ النِّعَمِ وَ التَّوَرُّعُ عِنْدَ

الْمَحَارِمِ؛ نهج البلاغة، ص ١٠٦

﴿ ٢٧٣٣ ﴾ أمير المؤمنين عليه السلام: إِنَّ الزَّهَادَةَ قِصَرُ الْأَمَلِ وَ الشُّكْرُ عَلَى النِّعَمِ وَ الْوَرَعُ عَنِ الْمَحَارِمِ؛

غرر الحكم، ص ٢٧٦

﴿ ٢٧٣٤ ﴾ أمير المؤمنين عليه السلام: رَحِمَ اللَّهُ امْرَأً تَوَرَّعَ عَنِ الْمَحَارِمِ وَ تَحَمَّلَ الْمَغَارِمَ وَ نَافَسَ فِي

مُبَادَرَةِ جَزِيلِ الْمَغَانِمِ؛ غرر الحكم، ص ٢٧٣

﴿ ٢٧٣٥ ﴾ الرسول صلى الله عليه وآله: أَنَّهُ تَلَا قَوْلَهُ تَبَارَكَ الَّذِي بِيَدِهِ الْمُلْكُ إِلَى قَوْلِهِ أَيُّكُمْ أَحْسَنُ عَمَلًا ثُمَّ

قَالَ أَيُّكُمْ أَحْسَنُ عَقْلاً وَ أَوْرَعُ عَنْ مَحَارِمِ اللَّهِ وَ أَسْرَعُ فِي طَاعَةِ اللَّهِ؛ بحار الأنوار، ج ٤٧، ص ٢٣٣

﴿ ٢٧٣٦ ﴾ الصادق عليه السلام: عَنْ أَبِي حَمْزَةَ قَالَ سَمِعْتُهُ يَقُولُ: قَالَ الرَّبُّ تَبَارَكَ وَ تَعَالَى... إِنَّ

اجْتَنَبْتَ الْمَحَارِمَ فَأَنْتَ أَوْرَعُ النَّاسِ عِنْدِي؛ مستدرک الوسائل، ج ١١، ص ٢٧٧

﴿ ٢٧٣٧ ﴾ الرسول صلى الله عليه وآله: كُفَّ عَنْ مَحَارِمِ اللَّهِ تَكُنْ أَوْرَعَ النَّاسِ؛ بحار الأنوار، ج ٤٦، ص ٣٦٨

﴿ ٢٧٣٨ ﴾ الرسول صلى الله عليه وآله: كُفَّ عَنْ مَحَارِمِ اللَّهِ تَكُنْ مِنْ أَوْرَعِ النَّاسِ؛ وسائل الشيعة، ج ١٥، ص ٢٦٠

﴿ ٢٧٣٩ ﴾ أمير المؤمنين عليه السلام: قَالَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ فَقُمْتُ فَقُلْتُ يَا رَسُولَ اللَّهِ مَا أَفْضَلُ

الْأَعْمَالِ فِي هَذَا الشَّهْرِ فَقَالَ يَا أَبَا الْحَسَنِ أَفْضَلُ الْأَعْمَالِ فِي هَذَا الشَّهْرِ الْوَرَعُ عَنْ مَحَارِمِ اللَّهِ؛

وسائل الشيعة، ج ١٠، ص ٣١٣

﴿ ٢٧٤٠ ﴾ لقمان عليه السلام: يَا بُنَيَّ لَيْكُنْ مِمَّا تَسْتَظْهَرُ بِهِ عَلَى عَدُوِّكَ الْوَرَعُ عَنِ الْمَحَارِمِ وَ الْفَضْلُ

فِي دِينِكَ وَ الصِّيَانَةُ لِمُرُوتِكَ وَ الْإِكْرَامُ لِنَفْسِكَ أَنْ تُدَنِّسَهَا بِمَعَاصِي الرَّحْمَنِ وَ مَسَاوِي الْأَخْلَاقِ

وَ قَبِيحِ الْأَفْعَالِ؛ بحار الأنوار، ج ١٣، ص ٤١٨

﴿ ٢٧٤١ ﴾ الباقر عليه السلام: الصَّبْرُ صَبْرَانِ صَبْرٌ عَلَى الْبَلَاءِ حَسَنٌ جَمِيلٌ وَ أَفْضَلُ الصَّبْرَيْنِ الْوَرَعُ عَنِ

الْمَحَارِمِ؛ الكافي، ج ٢، ص ٩١

﴿ ٢٧٤٢ ﴾ حديث قدسي: يَا مُوسَى أَلْبِغْ قَوْمَكَ أَنَّهُ مَا تَعَبَدَ لِي الْمُتَعَبِّدُونَ بِمِثْلِ الْوَرَعِ عَنْ

مَحَارِمِي قَالَ مُوسَى فَمَاذَا أَثْبَتَهُمْ عَلَى ذَلِكَ قَالَ إِنِّي أَفْتَشُ النَّاسَ عَنْ أَعْمَالِهِمْ وَ لَا أَفْتَشُهُمْ حَيَاءً

مِنْهُمْ؛ بحار الأنوار، ج ٤٧، ص ٣٠٧

﴿آنچه اهل پرهیزکاری از آن می‌پرهیزند / گناه، نافرمانی، حرام﴾

پروا کنند و در دنیا زهد بورزند و به آنچه که نزد خداست رغبت نشان دهند و روزی حلال خدا را برای خدا و بدون قصد فخرفروشی و مال اندوزی کسب کنند، سپس حقوق واجبی را که بر گردن دارند، از راه انفاق بپردازند؛ آن‌ها همان کسانی هستند که خداوند به کسب و کار آن‌ها برکت می‌دهد و برای آنچه که برای آخرت خود پیش فرستاده‌اند، پاداش داده می‌شوند. ﴿۲۷۳۲﴾ ای مردم! زهد، کوتاه‌کردن آرزوها، سپاسگزاری در برابر نعمت‌ها و پرهیز از حرام‌هاست.

﴿۲۷۳۳﴾ زهد، کوتاهی آرزو، شکر بر نعمت و پرهیز از محرّمات الهی است و اگر همه‌ی این امور در شما نیست لااقل، حرام، بر صبر شما غلبه نمی‌کند.

﴿۲۷۳۴﴾ خدا بیامرزد مردی را که از حرام‌ها پرهیز کند، قرض و دین‌های [دیگران] را متحمّل شود و در کسب غنیمت‌های بزرگ سبقت گیرد.

﴿۲۷۳۵﴾ پیامبر ﷺ این آیه را تلاوت فرمود: «پربرکت و زوال‌ناپذیر است کسی که حکومت جهان هستی به دست اوست، و او بر هر چیز تواناست. آن کس که مرگ و حیات را آفرید تا شما را بیازماید که کدام یک از شما بهتر عمل می‌کنید»؛ سپس فرمود: «منظور این است که کدام یک عاقل‌تر و در برابر حرام‌های الهی پرهیزکارتر و در طاعت خداوند سریع‌تر هستید».

﴿۲۷۳۶﴾ ابوحمزه گوید: شنیدم که امام صادق علیه السلام می‌فرمود: «خداوند متعال فرمود:... اگر از محرّمات الهی دوری کنی، نزد من از باورترین مردم هستی».

﴿۲۷۳۷﴾ خود را از حرام‌های الهی نگه دار تا پارساترین مردم باشی.

﴿۲۷۳۸﴾ از محرّمات الهی دست بکش تا از باورترین مردم باشی.

﴿۲۷۳۹﴾ امیر المؤمنین علیه السلام فرمود: من برخاستم و عرض کردم: «ای پیامبر خدا! کدام عمل در این ماه بهتر است؟» فرمود: «ای ابو الحسن! بهترین عمل در این ماه ترس از محرّمات خدای بلندمرتبه است».

﴿۲۷۴۰﴾ پسر من! آنچه که باید با آن خودت را در برابر دشمنت حمایت کنی؛ دوری از گناهان، بزرگی دینت، حفظ مردانگی، بزرگ‌داشتن نفس خود از آنچه که آن را به عصیان خداوند و اخلاق بد و کارهای زشت آلوده کنی، می‌باشد.

﴿۲۷۴۱﴾ صبر دو نوع است: صبر بر بلا که نیکو و زیبا است و بهترین صبر از میان این دو صبر، ورع از محرّمات است.

﴿۲۷۴۲﴾ [خدا به موسی علیه السلام وحی کرد:] ای موسی! به امت خود بگو که برای تقرب به من، هیچ وسیله‌ای مانند پارسایی از محرّمات من نیست. موسی علیه السلام عرض کرد: «خدایا! چه پاداشی به آنان عنایت می‌فرمایی؟» خطاب رسید: «روز آخرت از اعمال تمام مردم بازرسی خواهیم کرد، ولی از اهل تقوا شرم نموده و آن‌ها را بازرسی نمی‌کنم».

﴿ مَا يَتَّقُونَ مِنْهُ أَهْلُ التَّقْوَى / الْإِثْمُ وَالدَّنْبُ وَ الْمَعْصِيَةُ وَ الْحَرَامُ ﴾

﴿ ٢٧٤٣ ﴾ عودَة يوم الجمعة: اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ وَ اسْأَلْكَ الْمَحَبَّةَ لِمَحَابِّكَ وَ الْعِصْمَةَ لِمَحَارِمِكَ وَ الْوَجَلَ مِنَ خَشْيَتِكَ وَ الْخَشْيَةَ مِنْ عَذَابِكَ وَ النَّجَاةَ مِنْ عِقَابِكَ وَ الرَّغْبَةَ فِي حُسْنِ ثَوَابِكَ وَ الْفَهْمَ فِي دِينِكَ وَ الْفَهْمَ فِي كِتَابِكَ وَ الْقُنُوعَ بِرِزْقِكَ وَ الْوَرَعَ عَنْ مَحَارِمِكَ؛ بحار الأنوار، ج ٨٧، ص ١٨٣

﴿ ٢٧٤٤ ﴾ السَّجَادُ (عليه السلام): اللَّهُمَّ ارْزُقْنِي فِيهِ الْجِدَّ وَ الْاجْتِهَادَ وَ الْقُوَّةَ وَ النَّشَاطَ وَ الْإِنَابَةَ وَ التَّوْبَةَ وَ الرَّغْبَةَ وَ الرَّهْبَةَ وَ الْجَزَعَ وَ الرِّقَّةَ وَ صِدْقَ اللِّسَانِ وَ الْوَجَلَ مِنْكَ وَ الرَّجَاءَ لَكَ وَ التَّوَكُّلَ عَلَيْكَ وَ الثِّقَةَ بِكَ وَ الْوَرَعَ عَنْ مَحَارِمِكَ؛ الكافي، ج ٤، ص ٧٥

﴿ ٢٧٤٥ ﴾ الصَّادِقُ (عليه السلام): مَنْ لَمْ تَكُنْ فِيهِ ثَلَاثُ خِصَالٍ لَمْ يَنْفَعْهُ الْإِيمَانُ حِلْمٌ يَرُدُّ بِهِ جَهْلُ الْبَاجِلِ وَ وَرَعٌ يَحْجُزُهُ عَنْ طَلَبِ الْمَحَارِمِ وَ خُلُقٌ يُدَارِي بِهِ النَّاسَ؛ بحار الأنوار، ج ٧٥، ص ٢٣٧

﴿ ٢٧٤٦ ﴾ أمير المؤمنين (عليه السلام): لَا وَرَعَ أَنْفَعُ مِنْ تَرْكِ الْمَحَارِمِ وَ تَجَنُّبِ الْمَآثِمِ؛ غرر الحكم، ص ٢٧٣

﴿ ٢٧٤٧ ﴾ أمير المؤمنين (عليه السلام): لَا وَرَعَ أَنْفَعُ مِنْ تَجَنُّبِ الْمَحَارِمِ؛ غرر الحكم، ص ٢٧٣

﴿ ٢٧٤٨ ﴾ الصَّادِقُ (عليه السلام): وَ اعْلَمْ أَنَّهُ لَا وَرَعَ أَنْفَعُ مِنْ تَجَنُّبِ مَحَارِمِ اللَّهِ وَ الْكَفِّ عَنْ أَدَى الْمُؤْمِنِينَ وَ اغْتِيَابِهِمْ؛ الكافي، ج ٨، ص ٢٤٤

﴿ ٢٧٤٩ ﴾ الصَّادِقُ (عليه السلام): لَا وَرَعَ كَأَلْكَفٍ عَنِ الْمَحَارِمِ؛ الكافي، ج ٨، ص ٢٠

﴿ ٢٧٥٠ ﴾ الرضا (عليه السلام): بِالْوَرَعِ عَنِ الْمَحَارِمِ أَرْجُو الْقُورَ بِالْمَعَانِمِ؛ وسائل الشيعة، ج ١٧، ص ٢٠٣

﴿ ٢٧٥١ ﴾ حديث قدسي: مَا تَعَبَدَ إِلَى الْمُتَعَبِّدُونَ بِمِثْلِ الْوَرَعِ عَنْ مَحَارِمِي؛ وسائل الشيعة، ج ١٥، ص ٢٢٦

﴿ ٢٧٥٢ ﴾ الصَّادِقُ (عليه السلام): إِنَّ الْعَبْدَ إِذَا كَانَ خَلَقَهُ اللَّهُ فِي الْأَصْلِ أَصْلَ الْخَلْقِ مُؤْمِنًا لَمْ يَمُتْ حَتَّى يُكْرَهُ اللَّهُ إِلَيْهِ الشَّرَّ وَ يُبَاعِدَهُ عَنْهُ وَ مَنْ كَرِهَ اللَّهُ إِلَيْهِ الشَّرَّ وَ بَاعِدَهُ عَنْهُ عَاقَاهُ اللَّهُ مِنَ الْكِبَرِ أَنْ يَدْخُلَهُ وَ الْجَبَرِيَّةُ فَلَانَتْ عَرِيكَتُهُ وَ حَسَنَ خُلُقُهُ وَ طَلَّقَ وَجْهَهُ وَ صَارَ عَلَيْهِ وَقَارُ الْإِسْلَامِ وَ سَكِينَتُهُ وَ تَخَشُّعُهُ وَ وَرَعَ عَنِ مَحَارِمِ اللَّهِ وَ اجْتَنَبَ مَسَاحِطَهُ؛ الكافي، ج ٨، ص ١٣

﴿ ٢٧٥٣ ﴾ حديث قدسي: وَ أَمَّا الْمُتَقَرَّبُونَ بِالْوَرَعِ عَنْ مَحَارِمِي فَإِنِّي أُدْخِلُهُمْ جَنَّاتٍ لَا يَشْرَكُهُمْ فِيهَا غَيْرُهُمْ؛ إرشاد القلوب، ج ١، ص ٩٦

﴿ ٢٧٥٤ ﴾ حديث قدسي: وَ أَمَّا الْمُتَعَبِّدُونَ لِي بِالْوَرَعِ عَنْ مَحَارِمِي فَإِنِّي أُفْتَشُّ النَّاسَ عَنْ أَعْمَالِهِمْ وَ لَا أُفْتَشُّهُمْ حَيَاءً مِنْهُمْ؛ وسائل الشيعة، ج ١٥، ص ٢٢٦

«آنچه اهل پرهیزکاری از آن می‌پرهیزند / گناه، نافرمانی، حرام»

﴿۲۷۴۳﴾ خدایا! بر محمد و آلش درود فرست و محبت آنچه دوست می‌داری، و پاکی از آنچه حرام می‌دانی، و بیم از ترست، و ترس از عذابت، و نجات از مجازات، و رغبت به پاداش نیک، و دانش در دینت، و فهم کتابت، و قناعت به روزی‌ات، و دوری از حرام‌های را از تو می‌خواهم.

﴿۲۷۴۴﴾ خدایا! در ماه رمضان به من جدیت، کوشش، قوت، نشاط، انابه و توبه، رغبت، ترس، نرم‌خویی، راست‌گویی، ترس از تو، امید به تو، توکل بر تو، اعتماد به تو و ورع از محرّمات روزی کن.

﴿۲۷۴۵﴾ هر کس سه خصلت را ندارد ایمانش به او سودی نمی‌بخشد: حلمی که نادانی جاهلان را از او بگرداند، پرهیزکاری‌ای که او را از حرام باز دارد، و اخلاقی که بتواند با مردم بسازد.

﴿۲۷۴۶﴾ هیچ ورعی پرمفعت‌تر از کنار گذاشتن محرّمات الهی و دوری از گناهان نیست.

﴿۲۷۴۷﴾ هیچ ورعی پرمفعت‌تر از دوری از گناهان نیست.

﴿۲۷۴۸﴾ آگاه باش که هیچ پرهیزکاری پرسودتر از دوری از گناهان و بازداری [خوشتن] از آزارسانی به مؤمنین و غیبت‌نمودن از آنان نیست.

﴿۲۷۴۹﴾ ورعی همچون خودداری از حرام‌ها نیست.

﴿۲۷۵۰﴾ با تقوا و اجتناب از محارم امید رسیدن به غنیمت را دارم.

﴿۲۷۵۱﴾ [مناجات خداوند با حضرت موسی علیه السلام]: هیچ عبادت‌کننده‌ای مرا به عبادتی که ورع و پرهیز از محرّمات من باشد، عبادت نکرده است.

﴿۲۷۵۲﴾ همانا اگر بنده‌ای در اصل آفرینش، مؤمن خلق شده باشد، نمی‌میرد تا آنکه خداوند شرّ را در نظر او بد نماید و او را از آن دور سازد، و هر کس خداوند بدی را برای او ناخوش ساخت و وی را از آن دور کرد، او را از تکبر عافیت بخشیده و راه نرمش در پیش می‌گیرد و خوش رفتار می‌گردد و چهره‌ی گشاده و وقار و آرامش و پاکدامنی در او پدیدار می‌شود، و از آنچه موجب خشم الهی است، کناره می‌گیرد.

﴿۲۷۵۳﴾ [وحی خداوند به حضرت موسی علیه السلام]: و اما آنان که به واسطه‌ی پرهیز از گناه و ورع به من نزدیک می‌شوند، بهشتی عطا خواهم کرد که شریکی نداشته باشند.

﴿۲۷۵۴﴾ [مناجات خداوند با حضرت موسی علیه السلام]: اما آنان که با ورع و پرهیزکاری از محرّمات، حق عبادت مرا انجام می‌دهند، این پاداش را دارند که من اعمال تمام بندگان را بررسی می‌نمایم، ولی اعمال آن‌ها را به خاطر شرم و حیایی که از آن‌ها دارم، حسابرسی نمی‌کنم.

﴿ مَا يَتَّقُونَ مِنْهُ أَهْلُ التَّقْوَى / الْإِثْمُ وَالدَّنْبُ وَ الْمَعْصِيَةُ وَ الْحَرَامُ ﴾

﴿ ٢٧٥٥ ﴾ الرسول ﷺ: مَنْ وَرَعَ عَنِ مَحَارِمِ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ فَهُوَ مِنْ أَوْرَعِ النَّاسِ؛

من لا يحضره الفقيه، ج ٤، ص ٣٥٨

﴿ ٢٧٥٦ ﴾ حديث قدسي: يَا أَحْمَدُ هَلْ تَدْرِي مَتَى يَكُونُ [لِي] الْعَبْدُ عَابِدًا قَالَ لَا يَا رَبِّ قَالَ إِذَا اجْتَمَعَ فِيهِ سَبْعُ خِصَالٍ وَرَعَ يَحْجُزُهُ عَنِ الْمَحَارِمِ وَصَمَتُ يَكْفُهُ عَمَّا لَا يَعْنِيهِ وَخَوْفٌ يَزِدُّهُ فِي كُلِّ يَوْمٍ مِنْ بُكَائِهِ وَحَيَاءٌ يَسْتَحْيِي مِنِّي فِي الْخَلَاءِ وَ أَكَلُ مَا لَا بُدَّ مِنْهُ وَ يَبْغِضُ الدُّنْيَا لِبُغْضِي لَهَا وَ يُحِبُّ الْأَخْيَارَ لِحُبِّي لَهُمْ؛ مستدرک الوسائل، ج ٩، ص ١٩

٢-٥-١-٦- الْمُحَرَّمَاتُ

﴿ ٢٧٥٧ ﴾ أمير المؤمنين عليه السلام: إِذَا اتَّقَيْتَ الْمُحَرَّمَاتِ وَتَوَرَّعْتَ عَنِ الشُّبُهَاتِ وَادَّيْتِ الْمَفْرُوضَاتِ وَتَنَفَّلْتَ بِالنَّوَافِلِ فَقَدْ أَكْمَلْتَ فِي الدِّينِ الْفَضَائِلَ؛ مستدرک الوسائل، ج ١٧، ص ٣٢٤

﴿ ٢٧٥٨ ﴾ أمير المؤمنين عليه السلام: مَنْ صَدَقَ وَرَعَهُ اجْتَنَبَ الْمُحَرَّمَاتِ؛ غرر الحكم، ص ٢٧٣

﴿ ٢٧٥٩ ﴾ أمير المؤمنين عليه السلام: مِنْ أَفْضَلِ الْوَرَعِ اجْتِنَابُ الْمُحَرَّمَاتِ؛ غرر الحكم، ص ٢٧٣

﴿ ٢٧٦٠ ﴾ الرسول ﷺ: اتَّقُوا الْمُحَرَّمَاتِ كُلَّهَا؛ بحار الأنوار، ج ٢٦، ص ٢٣٢

﴿ ٢٧٦١ ﴾ أمير المؤمنين عليه السلام: مَنْ أَشْفَقَ مِنَ النَّارِ اتَّقَى الْمُحَرَّمَاتِ؛ كتاب سليم بن قيس، ص ٦١٣

٣-٥-١-٦- مَا حَرَّمَ اللَّهُ

﴿ ٢٧٦٢ ﴾ ابن عباس رضي الله عنهما: إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُتَّقِينَ قَالَ الَّذِينَ يَتَّقُونَ اللَّهَ فِيمَا حَرَّمَ عَلَيْهِمْ وَيُوفُونَ

بِالْعَهْدِ؛ بحار الأنوار، ج ٣٥، ص ٣٠٢

﴿ ٢٧٦٣ ﴾ أمير المؤمنين عليه السلام: الزُّهْدُ فِي الدُّنْيَا قَصْرُ الْأَمَلِ وَشُكْرُ كُلِّ نِعْمَةٍ وَالْوَرَعُ عَنْ كُلِّ مَا حَرَّمَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ؛ الكافي، ج ٥، ص ٧١

﴿ ٢٧٦٤ ﴾ أمير المؤمنين عليه السلام: شُكْرُ كُلِّ نِعْمَةٍ الْوَرَعُ عَمَّا حَرَّمَ اللَّهُ عَلَيْكَ؛ بحار الأنوار، ج ٦٧، ص ٣١٠

﴿ ٢٧٦٥ ﴾ السَّجَادُ عليه السلام: مَنْ اجْتَنَبَ مَا حَرَّمَ اللَّهُ عَلَيْهِ فَهُوَ مِنْ أَغْبَدِ النَّاسِ وَمِنْ أَوْرَعِ النَّاسِ؛

بحار الأنوار، ج ٧٥، ص ١٥٣

﴿ ٢٧٦٦ ﴾ السَّجَادُ عليه السلام: يَقُولُ اللَّهُ يَا ابْنَ آدَمَ... اجْتَنِبْ مِمَّا حَرَّمْتُ عَلَيْكَ تَكُنْ مِنْ أَوْرَعِ

النَّاسِ؛ بحار الأنوار، ج ٧٥، ص ١٣٩

﴿ ٢٧٦٧ ﴾ الباقر عليه السلام: قَالَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ ابْنَ آدَمَ اجْتَنِبْ مَا حَرَّمْتُ عَلَيْكَ تَكُنْ مِنْ أَوْرَعِ

النَّاسِ؛ الكافي، ج ٢، ص ٧٧

«آنچه اهل پرهیزکاری از آن می‌پرهیزند / گناه، نافرمانی، حرام»

﴿۲۷۵۵﴾ هر کس از حرام‌های احکام خدای متعال پرهیز نماید، او باورع‌ترین مردم است.
﴿۲۷۵۶﴾ ای احمد! آیا می‌دانی بنده چه وقت عابد به حساب می‌آید؟ عرض کرد: «نه»، فرمود: «وقتی که هفت خصلت در او جمع شود، که عبارتند از: ورعی که او را از حرام‌ها باز دارد. خاموشی‌ای که او را از سخنان بی‌هوده نگاه دارد. ترسی که هر روز بر گریه‌اش بیفزاید. حیا و شرمی که او را در نهان از من شرم‌نده سازد. به اندازه‌ی رفع گرسنگی غذا بخورد. چون من دنیا را دشمن می‌دارم، او نیز دنیا را دشمن بدارد. چون من خوبان را دوست می‌دارم، او نیز آن‌ها را دوست بدارد.»

۲-۵-۱-۶- محرمات

﴿۲۷۵۷﴾ وقتی در محرمات تقوا پیشه کنی و در شبهات ورع داشته باشی و واجبات را ادا کرده و مستحبات را انجام دهی، فضائل دینت را کامل کرده‌ای.
﴿۲۷۵۸﴾ هر کس که ورعش راست باشد، از گناهان دوری می‌کند.
﴿۲۷۵۹﴾ بالاترین ورع، دوری از گناهان است.
﴿۲۷۶۰﴾ از همه‌ی محرمات پرهیز کنید.
﴿۲۷۶۱﴾ کسی که از آتش جهنم می‌ترسد، از محرمات دوری می‌کند.

۳-۵-۱-۶- محرمات

﴿۲۷۶۲﴾ «إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُتَّقِينَ»؛ یعنی کسانی که از خدا به خاطر آنچه بر آن‌ها حرام کرده، می‌ترسند، و به عهد خود وفا می‌کنند.
﴿۲۷۶۳﴾ پارسایی در دنیا عبارت است از: کوتاهی آرزو، سپاسگزاری نعمت، و پرهیزکاری از آنچه خداوند بر مردم حرام کرده است.
﴿۲۷۶۴﴾ شکر همه‌ی نعمت‌ها ورع است از هر آنچه خدای تعالی بر تو حرام کرده است.
﴿۲۷۶۵﴾ هر کس از آنچه حق تعالی بر او حرام کرده اجتناب کند، پس او عابدترین و پارساترین مردم است.
﴿۲۷۶۶﴾ خداوند می‌فرماید: «ای آدمیزاد!... از آنچه تو را نهی کردم دست بکش تا از باورع‌ترین مردم باشی.»
﴿۲۷۶۷﴾ خدای بلندمرتبه می‌فرماید: «ای فرزند آدم! از آنچه بر تو حرام شده اجتناب کن تا باورع‌ترین مردم باشی.»

﴿ مَا يَتَّقُونَ مِنْهُ أَهْلُ التَّقْوَى / الْإِثْمُ وَالدُّنْبُ وَ الْمَعْصِيَةُ وَ الْحَرَامُ ﴾

﴿ ٢٧٦٨ ﴾ أمير المؤمنين عليه السلام: الزُّهْدُ فِي الدُّنْيَا قَصْرُ الْأَمَلِ وَ شُكْرُ كُلِّ نِعْمَةٍ وَ الْوَرَعُ عَمَّا حَرَّمَ اللَّهُ عَلَيْكَ؛ وسائل الشيعة، ج ١٦، ص ١٥

﴿ ٢٧٦٩ ﴾ الباقر عليه السلام: أَنَّهُ قَالَ لِمَنْ اتَّقَى الرَّفَثَ وَ الْفُسُوقَ وَ الْجِدَالَ وَ مَا حَرَّمَ اللَّهُ عَلَيْهِ فِي إِحْرَامِهِ؛ من لا يحضره الفقيه، ج ٢، ص ٤٨٠
٤-١-٥-٦- البُنيَانُ فِي الْحَرَامِ

﴿ ٢٧٧٠ ﴾ الرسول ﷺ: اتَّقُوا الْبُنيَانَ فِي الْحَرَامِ فَإِنَّهُ آسَاسُ الْخَرَابِ؛ مستدرک الوسائل، ج ٣، ص ٤٧٢
٤-١-٦- الدَّنَايَا

﴿ ٢٧٧١ ﴾ أمير المؤمنين عليه السلام: وَرَعَ الْمَرْءُ يُنْزَهُ عَنْ كُلِّ ذَنْبٍ؛ غرر الحكم، ص ٢٧٥
﴿ ٢٧٧٢ ﴾ أمير المؤمنين عليه السلام: بِالْوَرَعِ يَكُونُ التَّنْزَهُ مِنَ الدَّنَايَا [عَنِ الدَّنَايَا]؛ غرر الحكم، ص ٢٧٤
٧-١-٦- الذُّنُوبُ

﴿ ٢٧٧٣ ﴾ أمير المؤمنين عليه السلام: الْمُتَّقِي مَنْ اتَّقَى الذُّنُوبَ وَ الْمُتَنَزَّهُ مَنْ تَنَزَّاهُ عَنِ الْغُيُوبِ؛ غرر الحكم، ص ٢٦٨

﴿ ٢٧٧٤ ﴾ ابن عباس رضي الله عنهما: إِنَّ الْمُتَّقِينَ فِي ظِلَالٍ وَعُيُونٍ مَنْ اتَّقَى الذُّنُوبَ عَلَى بَنٍ أَبِي طَالِبٍ وَ الْحَسَنِ وَ الْحُسَيْنِ عليهما السلام؛ بحار الأنوار، ج ٤٠، ص ٣٢٠
﴿ ٢٧٧٥ ﴾ ابن عباس رضي الله عنهما: إِنَّ الْمُتَّقِينَ [قَالَ: يَعْنِي] الَّذِينَ اتَّقَوْا الشَّرْكَ وَ الذُّنُوبَ [و] الْكِبَائِرَ؛ شواهد التنزيل، ج ٢، ص ٤١٦

﴿ ٢٧٧٦ ﴾ الرسول ﷺ: اتَّقُوا الذُّنُوبَ فَإِنَّهَا مَمْحَقَةٌ لِلْخَيْرَاتِ؛ بحار الأنوار، ج ٧٠، ص ٣٧٧
﴿ ٢٧٧٧ ﴾ الصادق عليه السلام: اتَّقُوا الذُّنُوبَ وَ حَذَرُوهَا إِخْوَانَكُمْ؛ بحار الأنوار، ج ٦، ص ٥٧
﴿ ٢٧٧٨ ﴾ الصادق عليه السلام: عَنْ أَبِي بصير عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام فِي حَدِيثٍ قَالَ قُلْتُ جُعِلَتْ فِدَاكَ أَ شَبَّعْتَكُمْ مَعَكُمْ قَالَ نَعَمْ إِذَا هُمْ خَافُوا اللَّهَ وَ رَاقَبُوهُ وَ اتَّقَوْهُ وَ أَطَاعُوهُ وَ اتَّقُوا الذُّنُوبَ فَإِذَا فَعَلُوا ذَلِكَ كَانُوا مَعَنَا فِي دَرَجَتِنَا؛ مستدرک الوسائل، ج ١١، ص ٢٣٥

﴿ ٢٧٧٩ ﴾ أمير المؤمنين عليه السلام: لَمْ يُشَدَّدْ عَلَيْكَ فِي التَّوْبَةِ فَجَعَلَ تَوْبَتَكَ التَّوْرِعَ عَنِ الذَّنْبِ؛ بحار الأنوار، ج ٧٤، ص ٢٠٥

﴿ ٢٧٨٠ ﴾ أمير المؤمنين عليه السلام: الْعَاقِلُ مَنْ تَوَرَّعَ عَنِ الذُّنُوبِ وَ تَنَزَّاهُ عَنِ الْغُيُوبِ؛ غرر الحكم، ص ٥٤
﴿ ٨٣٤ ﴾

«آنچه اهل پرهیزکاری از آن می‌پرهیزند / گناه، نافرمانی، حرام»

﴿۲۷۶۸﴾ زهد و پارسایی در دنیا، کوتاه‌کردن آمال و آرزوها و شکر و سپاس هر نعمتی، پرهیز از محرّمات خداوند است.

﴿۲۷۶۹﴾ امام باقر (علیه السلام) در تفسیر «لِمَنِ اتَّقَى» فرمود: در شهوت‌رانی و گناه و جدل و هرچه که خدا در حالت احرام حرام کرده است، تقوا بورزد.

۴-۵-۱-۶- پایه‌گذاری در حرام

﴿۲۷۷۰﴾ از استعمال سنگ حرام در بنای ساختمان بپرهیزید که مایه‌ی ویرانی است.

۶-۱-۶- پستی‌ها

﴿۲۷۷۱﴾ پرهیزکاری فرد، او را از هر پستی‌ای پاک می‌کند.

﴿۲۷۷۲﴾ با ورع از پستی‌ها پاک شوید.

۷-۱-۶- گناهان

﴿۲۷۷۳﴾ متّقی کسی است که از گناهان پرهیز کند و انسان پاک کسی است که خود را از عیوب پاک کند.

﴿۲۷۷۴﴾ درباره‌ی آیه‌ی: «[در آن روز] پرهیزکاران در سایه‌های [درختان بهشتی] و در میان چشمه‌ها قرار دارند»؛ گفت: «کسی که از گناهان دوری کند؛ یعنی: علی‌بن‌ابی‌طالب و حسن و حسین (علیهم السلام)».

﴿۲۷۷۵﴾ در آیه‌ی: «إِنَّ الْمُتَّقِينَ» منظور از متّقین، کسانی هستند که از شرک و خطاها و گناهان کبیره پرهیز کردند.

﴿۲۷۷۶﴾ از گناهان پرهیز کنید، چون موجب نابودی خیرات می‌شوند.

﴿۲۷۷۷﴾ از گناهان بپرهیزید و شیعیان ما را نیز از گناهان بر حذر دارید.

﴿۲۷۷۸﴾ ابوبصیر گوید: به امام صادق (علیه السلام) عرض کردم: «فدایت شوم! آیا شیعیان شما نیز همراه و هم‌درجه‌ی شما هستند؟» فرمود: «آری، وقتی که آنان از خدا بترسند و مراقبت کنند و تقوای الهی داشته و از خدا اطاعت کنند و از گناهان پرهیز کنند و همه‌ی این کارها را انجام دهند، در درجه‌ای که ما هستیم، همراه ما خواهند بود».

﴿۲۷۷۹﴾ بر تو در توبه سخت نمی‌گیرد و توبه‌ی تو را پرهیز از گناهان قرار می‌دهد.

﴿۲۷۸۰﴾ عاقل کسی است که از گناهان پرهیز کند و خود را از عیوب پاک کند.

﴿ مَا يَتَّقُونَ مِنْهُ أَهْلُ التَّقْوَى / الْإِثْمُ وَالدُّنْبُ وَ الْمَعْصِيَةُ وَ الْحَرَامُ ﴾

١-٧-١-٦- أنواع الذُّنُوبِ الْمُؤَبَّاتِ

﴿ ٢٧٨١ ﴾ العسكري عليه السلام: فِي قَوْلِهِ تَعَالَى هُدًى لِّلْمُتَّقِينَ قَالَ بَيَّانٌ وَ شِفَاءٌ لِّلْمُتَّقِينَ مِنْ شَيْعَةِ مُحَمَّدٍ عليه السلام وَ عَلَى عليه السلام إِنَّهُمْ اتَّقَوْا ... أَنْوَاعَ الذُّنُوبِ الْمُؤَبَّاتِ فَرَفَضُوهَا؛ مستدرک الوسائل، ج ١٢، ص ٢٩٦

١-٧-٢-٦- الذُّنُوبُ الَّتِي قَلَّ مَا أَصَرَ عَلَيْهَا صَاحِبُهَا إِلَّا أَدَاهُ إِلَى الْخِذْلَانِ

﴿ ٢٧٨٢ ﴾ السَّجَّاد عليه السلام: فَاتَّقُوا اللَّهَ عِبَادَ اللَّهِ الْمُتَحِلِّينَ لِمَحَبَّتِنَا وَ إِيَّاكُمْ وَ الذُّنُوبَ الَّتِي قَلَّ مَا أَصَرَ عَلَيْهَا صَاحِبُهَا إِلَّا أَدَاهُ إِلَى الْخِذْلَانِ الْمُؤَدَّى إِلَى الْخُرُوجِ عَنْ وَلَايَةِ مُحَمَّدٍ وَ عَلِيٍّ وَ الطَّيِّبِينَ مِنْ آلِهِمَا وَ الدُّخُولِ فِي مَوَالَةِ أَعْدَائِنَا؛ مستدرک الوسائل، ج ١٢، ص ١٠١

١-٧-٣-٦- الْمُحَقَّرَاتُ مِنَ الذُّنُوبِ

﴿ ٢٧٨٣ ﴾ الصَّادِق عليه السلام: وَ اتَّقُوا الْمُحَقَّرَاتِ مِنَ الذُّنُوبِ فَإِنَّ لَهَا طَالِبًا؛ الكافي، ج ٢، ص ٢٧٠

١-٧-٤-٦- الهمُّ بالذَّنْبِ

﴿ ٢٧٨٤ ﴾ الصَّادِق عليه السلام: عَنْ زَيْدِ بْنِ أَبِي أَسَامَةَ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ: سَأَلْتُهُ عَنْ قَوْلِ اللَّهِ إِنَّ الَّذِينَ اتَّقَوْا إِذَا مَسَّهُمْ طَائِفٌ مِنَ الشَّيْطَانِ تَذَكَّرُوا فَإِذَا هُمْ مُبْصِرُونَ قَالَ هُوَ الذَّنْبُ يَهْمُ بِهِ الْعَبْدُ فَيَتَذَكَّرُ فَيَدْعُوهُ؛ بحار الأنوار، ج ٦٧، ص ٢٨٧

١-٨-٦- الزَّلَّةُ

﴿ ٢٧٨٥ ﴾ الصَّادِق عليه السلام: فَاتَّقِ الزَّلَّةَ؛ الكافي، ج ١، ص ١٧٣

﴿ ٢٧٨٦ ﴾ أمير المؤمنين عليه السلام: فَالْمُتَّقُونَ ... تَرَاهُ قَرِيبًا أَمَلُهُ قَلِيلًا زَلُّهُ خَاشِعًا قَلْبُهُ؛ نهج البلاغة،

ص ٣٠٣

١-٩-٦- مَا يُسْخِطُ اللَّهَ

﴿ ٢٧٨٧ ﴾ الرضا عليه السلام: أَلْهَمْنِي خَوْفَ عِقَابِكَ وَ ارْجُرْنِي عَنِ الْمُنَى لِمَنَازِلِ الْمُتَّقِينَ بِمَا

يُسْخِطُكَ مِنَ الْعَمَلِ؛ بحار الأنوار، ج ٨٧، ص ٥

﴿ ٢٧٨٨ ﴾ الصَّادِق عليه السلام: فِي قَوْلِ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ وَمَا كَانَ اللَّهُ لِيُضِلَّ قَوْمًا بَعْدَ إِذْ هَدَاهُمْ حَتَّى

يُبَيِّنَ لَهُمْ مَا يَتَّقُونَ قَالَ حَتَّى يَعْرِفَهُمْ مَا يُرْضِيهِ وَ مَا يُسْخِطُهُ؛ الكافي، ج ١، ص ١٦٣

«آنچه اهل پرهیزکاری از آن می‌پرهیزند / گناه، نافرمانی، حرام»

۱-۷-۱-۶- انواع گناه هلاک‌کننده

﴿۲۷۸۱﴾ در تفسیر آیه‌ی: «هُدًى لِّلْمُتَّقِينَ» فرمود: «قرآن، بیان و شفایی برای شیعیان باتقوای محمد ﷺ و علی علیه السلام است. آنان ... از انواع گناهان مهلک پرهیز کرده و آن را به گوشه‌ای افکنده‌اند.

۲-۷-۱-۶- گناهانی که اصرار بر اندک آن هم به خواری می‌کشاند

﴿۲۷۸۲﴾ بندگان خدا! ای کسانی که ادعای محبت ما را دارید! بترسید از گناهانی که کم هستند اما صاحبش بر آن گناه اصرار دارد، چون اصرار بر گناهان کوچک انسان را به پستی‌ای می‌کشاند که موجب خروج از ولایت محمد ﷺ و علی علیه السلام و اهل‌بیت پاکشان می‌شود و وارد پذیرش ولایت دشمنان اهل‌بیت علیهم السلام می‌کند.

۳-۷-۱-۶- گناهان کوچک

﴿۲۷۸۳﴾ از گناهان صغیره بپرهیزید، زیرا آن‌ها هم بازخواست‌کننده‌ای دارند.

۴-۷-۱-۶- اراده‌ی گناه

﴿۲۷۸۴﴾ زیدبن‌ابی‌اسامه گوید: از امام صادق علیه السلام درباره‌ی تفسیر این آیه: «[در آن روز] پرهیزکاران در سایه‌های [درختان بهشتی] و در میان چشمه‌ها قرار دارند»؛ پرسیدم. فرمود: «به این معناست که بنده گرایشی به گناه پیدا می‌کند، ولی فوراً متوجه خدا شده و آن گناه را رها می‌کند».

۸-۱-۶- لغزش

﴿۲۷۸۵﴾ از خطا بپرهیز.

﴿۲۷۸۶﴾ پرهیزکاران ... آرزویش کم و کوتاه، لغزشش اندک، دلش فروتن است.

۹-۱-۶- آنچه خدا را به خشم می‌آورد

﴿۲۷۸۷﴾ ترس از عقوبت را بر من الهام کن و مرا از آرزوی منازل متقیان؛ به وسیله‌ی عملی که تو را به خشم می‌آورد، باز دار.

﴿۲۷۸۸﴾ در مورد سخن خدای بلندمرتبه: «چنان نبود که خداوند قومی را، پس از آن که آن‌ها را هدایت کرد [و ایمان آوردند] گمراه [و مجازات] کند مگر آنکه اموری را که باید از آن بپرهیزند، برای آنان بیان نماید»؛ فرمود: «اینکه به ایشان آنچه او را خشنود گرداند و آنچه او را به خشم آورد، بشناساند».

﴿ مَا يَتَّقُونَ مِنْهُ أَهْلُ التَّقْوَى / الْإِثْمُ وَالدَّنْبُ وَ الْمَعْصِيَةُ وَ الْحَرَامُ ﴾

﴿ ٢٧٨٩ ﴾ الصّادق عليه السلام: إِنَّ الْعَبْدَ إِذَا كَانَ خَلَقَهُ اللَّهُ فِي الْأَصْلِ أَصْلَ الْخَلْقِ مُؤْمِنًا لَمْ يَمُتْ حَتَّى يُكْرَهُ اللَّهُ إِلَيْهِ الشَّرَّ وَيُبَاعِدَهُ عَنْهُ وَمَنْ كَرَهُ اللَّهُ إِلَيْهِ الشَّرَّ وَبَاعَدَهُ عَنْهُ عَاقَاهُ اللَّهُ مِنَ الْكِبَرِ أَنْ يَدْخُلَهُ وَالْجَبَرِيَّةُ فَلَانَتْ عَرِيكَتُهُ وَحَسَنَ خُلُقُهُ وَطَلَّقَ وَجْهَهُ وَصَارَ عَلَيْهِ وَقَارُ الْإِسْلَامِ وَ سَكِينَتُهُ وَتَخَشُّعُهُ وَوَرَعَ عَنْ مَحَارِمِ اللَّهِ وَاجْتَنَبَ مَسَاطِطَهُ؛ الكافي، ج ٨، ص ١٣

١٠-١-٦- السّيئات

﴿ ٢٧٩٠ ﴾ الَّذِينَ يَحْمِلُونَ الْعَرْشَ وَمَنْ حَوْلَهُ يُسَبِّحُونَ بِحَمْدِ رَبِّهِمْ وَيُؤْمِنُونَ بِهِ وَيَسْتَغْفِرُونَ لِلَّذِينَ ءَامَنُوا رَبَّنَا وَسِعْتَ كُلَّ شَيْءٍ رَحْمَةً وَعِلْمًا فَاغْفِرْ لِلَّذِينَ تَابُوا وَاتَّبَعُوا سَبِيلَكَ وَقِهِمْ عَذَابَ الْجَحِيمِ * رَبَّنَا وَأَدْخِلْهُمْ جَنَّاتِ عَدْنٍ الَّتِي وَعَدْتَهُمْ وَمَنْ صَلَحَ مِنْ ءَابَائِهِمْ وَأَزْوَاجِهِمْ وَذُرِّيَّاتِهِمْ إِنَّكَ أَنْتَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ * وَقِهِمُ السَّيِّئَاتِ وَمَنْ تَقِ السَّيِّئَاتِ يَوْمَئِذٍ فَقَدْ رَحِمْتَهُ وَذَلِكَ هُوَ الْفَوْزُ الْعَظِيمُ؛ غافر ٩-٧

١١-١-٦- الشر

﴿ ٢٧٩١ ﴾ العسكري عليه السلام: وَكَانَ تَقِيًّا يَتَّقِي الشُّرُورَ وَالْمَعَاصِي؛ بحار الأنوار، ج ١٤، ص ١٨٥

﴿ ٢٧٩٢ ﴾ أمير المؤمنين عليه السلام: مَتَّقِ الشَّرَّ كَفَاعِلِ الْخَيْرِ؛ غرر الحكم، ص ١٠٦

﴿ ٢٧٩٣ ﴾ أمير المؤمنين عليه السلام: لَا يَتَّقِي الشَّرَّ فِي فِعْلِهِ إِلَّا مَنْ يَتَّقِيهِ فِي قَوْلِهِ؛ غرر الحكم، ص ٢١٤

١١-١-٦- مُدْبِرُ شَرِّهِ

﴿ ٢٧٩٤ ﴾ أمير المؤمنين عليه السلام: فَالْمُتَّقُونَ ... غَائِبًا مُنْكَرُهُ حَاضِرًا مَعْرُوفُهُ مُقْبَلًا خَيْرُهُ مُدْبِرًا شَرُّهُ؛ نهج البلاغة، ص ٣٠٣

١١-١-٦- إِلَّا مِنْ خَيْرٍ

﴿ ٢٧٩٥ ﴾ الصّادق عليه السلام: فَاتَّقُوا اللَّهَ وَكُفُّوا أَلْسِنَتَكُمْ إِلَّا مِنْ خَيْرٍ؛ وسائل الشيعة، ج ١٢، ص ١٩٦

﴿ ٢٧٩٦ ﴾ الصّادق عليه السلام: فَاتَّقِ اللَّهَ وَكُفِّ لِسَانَكَ إِلَّا مِنْ خَيْرٍ؛ الكافي، ج ٢، ص ٢٣

١٢-١-٦- الشّهوات

﴿ ٢٧٩٧ ﴾ أمير المؤمنين عليه السلام: رَأْسُ التَّقْوَى تَرْكُ الشَّهْوَةِ؛ مستدرک الوسائل، ج ١١، ص ٣٤٤

﴿ ٢٧٩٨ ﴾ أمير المؤمنين عليه السلام: أَفْضَلُ الْوَرَعِ تَجَنُّبُ الشَّهَوَاتِ؛ مستدرک الوسائل، ج ١١، ص ٣٤٣

﴿آنچه اهل پرهیزکاری از آن می‌پرهیزند / گناه، نافرمانی، حرام﴾

﴿۲۷۸۹﴾ همانا اگر بنده‌ای در اصل آفرینش، مؤمن خلق شده باشد، نمی‌میرد تا آنکه خداوند شرّ را در نظر او بد نماید و او را از آن دور سازد، و هرکس خداوند بدی را برای او ناخوش ساخت و وی را از آن دور کرد، او را از تکبر عافیت بخشیده و راه نرمش در پیش می‌گیرد و خوش رفتار می‌گردد و چهره‌ی گشاده و وقار و آرامش و پاکدامنی در او پدیدار می‌شود، و از آنچه موجب خشم الهی است، کناره می‌گیرد.

۱۰-۱-۶- بدی‌ها

﴿۲۷۹۰﴾ فرشتگانی که حاملان عرشند و آن‌ها که گرداگرد آن (طواف می‌کنند) تسبیح و حمد پروردگارشان را می‌گویند و به او ایمان دارند و برای مؤمنان استغفار می‌کنند (و می‌گویند): پروردگارا! رحمت و علم تو همه چیز را فراگرفته است پس کسانی را که توبه کرده و راه تو را پیروی می‌کنند بیامرز، و آنان را از عذاب دوزخ نگاه دار! * پروردگارا! آن‌ها را در باغ‌های جاویدان بهشت که به آن‌ها وعده فرموده‌ای وارد کن، همچنین از پدران و همسران و فرزندان‌شان هر کدام که صالح بودند، که تو توانا و حکیمی! * و آنان را از بدی‌ها نگاه دار، و هرکس را که در آن روز از بدی‌ها نگاه داری، مشمول رحمت ساخته‌ای و این است همان رستگاری عظیم!

۱۱-۱-۶- بدی

﴿۲۷۹۱﴾ تقوای پیشه بود یعنی از شرّ و گناهان پرهیز می‌کرد.
﴿۲۷۹۲﴾ کسی که از انجام شرّ پرهیز کند مانند کسی است که کار خیری انجام داده.
﴿۲۷۹۳﴾ کسی در اعمالش از بدی پرهیز نخواهد کرد مگر اینکه در کلامش از بدی پرهیز کند.
۱-۱۱-۱-۶- بدی‌اش پشت کرده است

﴿۲۷۹۴﴾ پرهیزکاران ... زشتی‌اش پنهان، و خوبی‌اش آشکار است، نیکی‌اش روی آورده، و شرّش روی گردانده است.

۲-۱۱-۱-۶- جز خیر

﴿۲۷۹۵﴾ از خدا بترسید و زبانتان را جز از خیر باز دارید.
﴿۲۷۹۶﴾ تقوای الهی پیشه کن و زبانت را فقط به حرف خیر بگشا.

۱۲-۱-۶- شهوات

﴿۲۷۹۷﴾ اصل تقوا، ترک شهوات است.
﴿۲۷۹۸﴾ بالاترین ورع، دوری از گناهان است.

﴿ مَا يَتَّقُونَ مِنْهُ أَهْلُ التَّقْوَى / الْإِثْمُ وَالذَّنْبُ وَالْمَعْصِيَةُ وَالْحَرَامُ ﴾

﴿ ٢٧٩٩ ﴾ الرسول ﷺ: التَّائِبُ إِذَا لَمْ يَسْتَبِنْ أَثَرَ التَّوْبَةِ فَلَيْسَ بِتَائِبٍ يُرْضَى الْخُصَمَاءُ وَيُعِيدُ الصَّلَوَاتِ وَيَتَوَاضَعُ بَيْنَ الْخَلْقِ وَيَتَّقِي نَفْسَهُ عَنِ الشَّهَوَاتِ ... إِذَا رَأَيْتُمُ الْعَبْدَ عَلَى هَذِهِ الصُّورَةِ فَهُوَ تَائِبٌ نَاصِحٌ لِنَفْسِهِ؛ بحار الأنوار، ج ٦، ص ٣٥

﴿ ٢٨٠٠ ﴾ أمير المؤمنين ﷺ: عِنْدَ خُضُورِ الشَّهَوَاتِ وَاللَّذَاتِ يَتَبَيَّنُ وَرَعُ الْأَتْقِيَاءِ؛

مستدرک الوسائل، ج ١١، ص ٣٤٦

﴿ ٢٨٠١ ﴾ الباقر ﷺ: إِنَّ طَبَائِعَ النَّاسِ كُلَّهَا مُرَكَّبَةٌ عَلَى الشَّهْوَةِ وَالرَّغْبَةِ وَالْحِرْصِ وَالرَّهْبَةِ وَالْغَضَبِ وَاللَّذَّةِ إِلَّا أَنَّ فِي النَّاسِ مَنْ زَمَّ هَذِهِ الْخِلَالَ بِالتَّقْوَى وَالْحَيَاءِ وَالْأَنَفِ؛ مستدرک الوسائل، ج ١١، ص ٢١٢

﴿ ٢٨٠٢ ﴾ أمير المؤمنين ﷺ: مَنْ تَوَرَّعَ عَنِ الشَّهَوَاتِ صَانَ نَفْسَهُ؛ مستدرک الوسائل، ج ١١، ص ٣٤٥

١-١٢-٦- مَيْتَةُ شَهْوَتِهِ

﴿ ٢٨٠٣ ﴾ أمير المؤمنين ﷺ: فَالْمُتَّقُونَ ... حَرِيزًا دِينَهُ مَيْتَةَ شَهْوَتِهِ مَكْطُومًا غِيْظُهُ؛ نهج البلاغة، ص ٣٠٣

﴿ ٢٨٠٤ ﴾ أمير المؤمنين ﷺ: الْمُتَّقُونَ أَنْفُسَهُمْ قَانِعَةً وَشَهَوَاتَهُمْ مَيْتَةً وَوُجُوهُهُمْ مُسْتَبْشِرَةٌ وَ

قُلُوبُهُمْ مَحْزُونَةٌ؛ غرر الحكم، ص ٢٧٣

٢-١٢-٦- تَأْخِيرُ الشَّهَوَاتِ

﴿ ٢٨٠٥ ﴾ الباقر ﷺ: أَنَّ أَهْلَ التَّقْوَى ... أَخْرَوْا شَهَوَاتِهِمْ وَلَذَائِهِمْ خَلْفَهُمْ وَقَدَّمُوا طَاعَةَ رَبِّهِمْ

أَمَامَهُمْ؛ بحار الأنوار، ج ٧٥، ص ١٦٥

٣-١٢-٦- الْإِيرَادُ بِالشَّهَوَاتِ

﴿ ٢٨٠٦ ﴾ الباقر ﷺ: بِالتَّقْوَى فَازَ الصَّابِرُونَ وَنَجَتْ تِلْكَ الْغَضَبُ مِنَ الْمَهَالِكِ وَلَهُمْ إِخْوَانٌ

عَلَى تِلْكَ الطَّرِيقَةِ يَلْتَمِسُونَ تِلْكَ الْفَضِيلَةَ نَبَذُوا طُغْيَانَهُمْ مِنَ الْإِيرَادِ بِالشَّهَوَاتِ لِمَا بَلَغَهُمْ فِي

الْكِتَابِ مِنَ الْأَمْثَلَاتِ؛ الكافي، ج ٨، ص ٥٢

٤-١٢-٦- شَهْوَةُ اللِّسَانِ وَالْبُطْنِ وَالْفَرْجِ

﴿ ٢٨٠٧ ﴾ الصادق ﷺ: مَنْ اتَّقَى مِنْ مَثُونَةٍ لَقَلْبِهِ وَقَبْضِهِ وَذُبْذِبِهِ دَخَلَ الْجَنَّةَ؛ جامع الأخبار، ص ٩٤

﴿ ٢٨٠٨ ﴾ أمير المؤمنين ﷺ: إِنَّمَا هِيَ نَفْسِي أَرُوضُهَا بِالتَّقْوَى لِتَأْتِيَ أَمِنَةً يَوْمَ الْخَوْفِ الْأَكْبَرِ وَ

تَثَبَّتْ عَلَى جَوَانِبِ الْمَزَلِقِ وَلَوْ شِئْتُ لَاهْتَدَيْتُ الطَّرِيقَ إِلَى مُصَفًى هَذَا الْعَسَلِ وَلِبَابِ هَذَا الْقَمَحِ

«آنچه اهل پرهیزکاری از آن می‌پرهیزند / گناه، نافرمانی، حرام»

﴿۲۷۹۹﴾ اگر نشان توبه در توبه‌کننده آشکار نشود توبه نکرده است؛ طلبکاران را خشنود سازد، نمازها را اعاده کند، میان مردم فروتنی کند، خود را از شهوات و خواهش‌های نفسانی به دور دارد ... هرگاه بنده‌ای را با این اوصاف دیدید، او توبه‌کننده‌ی حقیقی و خیرخواه خویش است.

﴿۲۸۰۰﴾ میزان ورع افراد هنگام حضور شهوت‌ها و لذت‌ها، آشکار می‌گردد.

﴿۲۸۰۱﴾ طبع مردم ترکیبی از شهوت و میل و حرص و ترس و غضب و لذت است مگر آنکه شخصی در این میان با تقوا و حیا و بزرگ‌منشی بر آن مهار بزند.

﴿۲۸۰۲﴾ هرکس از شهوت‌ها پرهیز کند، خودش را حفظ کرده است.

۱-۱۲-۶- شهوتش مرده است

﴿۲۸۰۳﴾ پرهیزکاران ... دینش محفوظ، شهوتش مرده، و خشمش فرو خورده است.

﴿۲۸۰۴﴾ باتقوایان، نفسشان قانع، شهوتشان مرده، چهره‌شان شاداب و قلب‌هایشان محزون است.

۲-۱۲-۶- به تأخیر انداختن امیال و لذات

﴿۲۸۰۵﴾ پرهیزکاران همان توانگرانند... خواست دل و لذتشان را پشت سر انداختند، و طاعت پروردگارشان را پیش رویشان مقدم داشتند.

۳-۱۲-۶- وارد شدن در شهوات

﴿۲۸۰۶﴾ در پرتو تقوا شکیبایان و گروه‌های شیعه از مهلکه‌ها نجات یافتند و آنان برادرانی با همین آیین دارند که این فضیلت را خواهانند، و از گشتن پیرامون شهوت خودداری می‌کردند، و این به سبب عقوبت و پندهایی بود که در قرآن می‌خواندند.

۴-۱۲-۶- شهوت زبان و شکم و شهوت جنسی

﴿۲۸۰۷﴾ هر کس لقلقه‌ی زبانش و قار و قور شکمش و هوسرانی شهوتش را کنترل کند، وارد بهشت می‌شود.

﴿۲۸۰۸﴾ من نفس خود را با پرهیزکاری می‌پرورانم، تا در روز قیامت که هراسناک‌ترین روزهاست در امان، و در لغزشگاه‌های آن ثابت قدم باشد. من اگر می‌خواستم، می‌توانستم از غسل پاک، و از مغز گندم، و بافته‌های ابریشم، برای خود غذا و لباس فراهم آورم، اما هیئات که هوای نفس بر من چیره گردد، و حرص و طمع مرا وا دارد که طعام‌های لذیذ برگزینم، درحالی که

﴿مَا يَتَّقُونَ مِنْهُ أَهْلُ التَّقْوَى / الإِثْمُ وَ الذَّنْبُ وَ الْمَعْصِيَةُ وَ الْحَرَامُ﴾

وَنَسَائِجَ هَذَا الْقَرْزِ وَلَكِنْ هِيَ هَاتِ أَنْ يَغْلِبَنِي هَوَايَ وَيَقْدُونِي جَشَعِي إِلَى تَخْيِيرِ الْأَطْعِمَةِ وَلَعَلَّ بِالْحِجَازِ أَوْ الْيَمَامَةِ مَنْ لَا طَمَعَ لَهُ فِي الْقَرْصِ وَلَا عَهْدَ لَهُ بِالشَّيْعِ أَوْ أَبَيْتَ مِيطَانًا وَ حَوَّلِي بَطُونُ غَرْنِي وَ أَكْبَادُ حَرَى؛ نهج البلاغة، ص ٤١٦

﴿٢٨٠٩﴾ أمير المؤمنين (عليه السلام): إِنَّ لِأَهْلِ التَّقْوَى عِلَامَاتٍ يُعْرِفُونَ بِهَا ... قِلَّةُ الْمُؤَاتَاةِ لِلنِّسَاءِ؛

بحار الأنوار، ج ٦٧، ص ٢٨٢

١٣-١-٦- مدارجُ الشَّيْطَانِ

﴿٢٨١٠﴾ أمير المؤمنين (عليه السلام): اتَّقُوا مَدَارِجَ الشَّيْطَانِ وَ مَهَابِطَ الْعُدُوِّ؛ نهج البلاغة، ص ٢١١

١٤-١-٦- الإِصْرَارُ عَلَى الذَّنْبِ

﴿٢٨١١﴾ السَّجَادُ (عليه السلام): فَاتَّقُوا اللَّهَ عِبَادَ اللَّهِ الْمُتَحَلِّينَ لِمَحَبَّتِنَا وَ إِيَّاكُمْ وَ الذُّنُوبَ الَّتِي قَلَّ مَا أَصَرَ عَلَيْهَا صَاحِبُهَا إِلَّا أَدَاهُ إِلَى الْخِذْلَانِ الْمُؤَدَّى إِلَى الْخُرُوجِ عَنْ وَلَايَةِ مُحَمَّدٍ وَ عَلِيٍّ وَ الطَّبَّيْنِ مِنْ آلِهِمَا وَ الدُّخُولِ فِي مَوَالَةِ أَعْدَائِنَا؛ مستدرک الوسائل، ج ١٢، ص ١٠١

١٥-١-٦- الطُّغْيَانُ

﴿٢٨١٢﴾ الباقر (عليه السلام): بِالتَّقْوَى فَازَ الصَّابِرُونَ وَ نَجَتْ تِلْكَ الْعُصْبُ مِنَ الْمَهَالِكِ وَ لَهُمْ إِخْوَانٌ عَلَى تِلْكَ الطَّرِيقَةِ يَلْتَمِسُونَ تِلْكَ الْفَضِيلَةَ نَبْذُوا طُغْيَانَهُمْ مِنْ الْإِيرَادِ بِالشَّهَوَاتِ لِمَا بَلَغَهُمْ فِي الْكِتَابِ مِنَ الْأَمْثَلَاتِ؛ الكافي، ج ٨، ص ٥٢

١٦-١-٦- الْمَعَاصِي

﴿٢٨١٣﴾ العسكري (عليه السلام): وَ كَانَ تَقِيًّا يَتَّقِي الشُّرُورَ وَ الْمَعَاصِي؛ بحار الأنوار، ج ١٤، ص ١٨٥

﴿٢٨١٤﴾ أمير المؤمنين (عليه السلام): اتَّقُوا مَعَاصِيَ اللَّهِ فِي الْخَلَوَاتِ فَإِنَّ الشَّاهِدَ هُوَ الْحَاكِمُ؛

نهج البلاغة، ص ٥٣٢

﴿٢٨١٥﴾ الصادق (عليه السلام): عَنْ أَبِي بَصِيرٍ قَالَ سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ (عليه السلام) عَنْ قَوْلِ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ اتَّقُوا اللَّهَ حَقَّ تَقَاتِهِ قَالَ يُطَاعُ فَلَا يُعْصَى وَ يُذَكَّرُ فَلَا يُنْسَى وَ يُشْكَرُ فَلَا يُكْفَرُ؛ وسائل الشيعة، ج ١٥، ص ٢٣٥

﴿٢٨١٦﴾ أمير المؤمنين (عليه السلام): مَتَّقِي الْمَعْصِيَةَ كَفَاعِلِ الْبِرِّ؛ غرر الحكم، ص ٢٧٠

﴿٢٨١٧﴾ الرسول (صلى الله عليه وآله): ثَلَاثٌ مَنْ لَمْ تَكُنْ فِيهِ أَوْ وَاحِدَةٌ مِنْهُنَّ فَلَا يُعْتَدَنَّ بِشَيْءٍ مِنْ عَمَلِهِ تَقْوَى يَحْجُزُهُ عَنْ مَعَاصِي اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ أَوْ حِلْمٌ يَكْفُ بِهِ السَّفِيهَ أَوْ خُلُقٌ يَعْيشُ بِهِ فِي النَّاسِ؛

بحار الأنوار، ج ٦٨، ص ٣٩٤

«آنچه اهل پرهیزکاری از آن می‌پرهیزند / گناه، نافرمانی، حرام»

در «حجاز» یا «یمامه» کسی باشد که به قرص نانی نرسد، و یا هرگز شکمی سیر نخورد، یا من سیر بخوابم و پیرامونم شکم‌هایی که از گرسنگی به پشت چسبیده، و جگرهای سوخته وجود داشته باشد.

﴿۲۸۰۹﴾ اهل تقوا علائم و نشانه‌هایی دارند که به آن شناخته می‌شوند؛ از جمله: ... آمیزش کم با زنان.

۱۳-۱-۶- راه‌های شیطان

﴿۲۸۱۰﴾ از راه‌های شیطان و موارد کینه و دشمنی پرهیز کنید.

۱۴-۱-۶- اصرار بر گناه

﴿۲۸۱۱﴾ بندگان خدا! ای کسانی که ادعای محبت ما را دارید! بترسید از گناهایی که کم هستند اما صاحبش بر آن گناه اصرار دارد، چون اصرار بر گناهان کوچک انسان را به پستی‌ای می‌کشاند که موجب خروج از ولایت محمد ﷺ و علی علیه السلام و اهل بیت پاکشان می‌شود و وارد پذیرش ولایت دشمنان اهل بیت علیهم السلام می‌کند.

۱۵-۱-۶- سرکشی

﴿۲۸۱۲﴾ در پرتو تقوا شکیبایان و گروه‌های شیعه از مهلکه‌ها نجات یافتند و آنان برادرانی با همین آیین دارند که این فضیلت را خواهانند، و از گشتن پیرامون شهوت خودداری می‌کردند، و این به سبب عقوبت و پندهایی بود که در قرآن می‌خواندند.

۱۶-۱-۶- نافرمانی

﴿۲۸۱۳﴾ تقوای پیشه بود یعنی از شرّ و گناهان پرهیز می‌کرد.

﴿۲۸۱۴﴾ از نافرمانی خدا در خلوت‌ها پروا کنید، که بیننده همان حکم‌کننده است.

﴿۲۸۱۵﴾ ابو بصیر گوید: از امام صادق علیه السلام در مورد این آیه: «آن گونه که حقّ تقوا و پرهیزکاری است، از خدا بپرهیزید»؛ سؤال کردم. فرمود: «این پرهیز عبارت از این است که خدا را بدون عصیان اطاعت و بدون فراموشی او را یاد کرد و بدون ناسپاسی شکرش را به جای آورد».

﴿۲۸۱۶﴾ کسی که از انجام گناه پرهیز کند مانند کسی است که کار نیکی انجام دهد.

﴿۲۸۱۷﴾ سه چیز است که اگر این‌ها یا لا اقل یکی از این‌ها در کسی نباشد، به اعمال و عبادتش اعتنایی مکن: «تقوا و پرهیزی که او را از معصیت الهی باز دارد؛ یا حلم و بردباری که نادان و احمق را از خود دور کند؛ یا اخلاق خوشی که در جامعه زندگی کند».

﴿ مَا يَتَّقُونَ مِنْهُ أَهْلُ التَّقْوَى / الْإِثْمُ وَالدُّنْبُ وَ الْمَعْصِيَةُ وَ الْحَرَامُ ﴾

- ﴿ ٢٨١٨ ﴾ السَّجَّادُ عليه السلام: اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ، وَخَلِّصْنِي مِنَ الْحَسَدِ، وَاحْضُرْنِي عَنِ الذُّنُوبِ، وَوَرِّعْنِي عَنِ الْمَحَارِمِ، وَ لَا تُجَرِّئْنِي عَلَى الْمَعَاصِي؛ الصحيفة السجادية عليه السلام، الدعاء ٢٢
- ﴿ ٢٨١٩ ﴾ أمير المؤمنين عليه السلام: إِنَّمَا الْوَرَعَ التَّطَهِيرُ عَنِ الْمَعَاصِي؛ مستدرک الوسائل، ج ١١، ص ٣٣٩
- ﴿ ٢٨٢٠ ﴾ الصَّادِقُ عليه السلام: عَلَيْكَ بَوَرَعٌ يَحْجُزُكَ عَنِ مَعَاصِي اللَّهِ؛ الكافي، ج ٤، ص ٣٣٧
- ﴿ ٢٨٢١ ﴾ الصَّادِقُ عليه السلام: وَارْزُقْنِي مِنَ الْوَرَعِ مَا يَحْجُزُنِي عَنِ مَعَاصِيكَ؛ بحار الأنوار، ج ٩٤، ص ٣٣٦

- ﴿ ٢٨٢٢ ﴾ الصَّادِقُ عليه السلام: مَنْ لَمْ تَكُنْ فِيهِ ثَلَاثُ خِصَالٍ لَمْ يَنْفَعْهُ الْإِيمَانُ حِلْمٌ يَرُدُّ بِهِ جَهْلُ الْجَاهِلِ وَوَرَعٌ يَحْجُزُهُ عَنِ طَلَبِ الْمَحَارِمِ وَخُلُقٌ يُدَارِي بِهِ النَّاسَ؛ بحار الأنوار، ج ٧٥، ص ٢٣٧
- ﴿ ٢٨٢٣ ﴾ الرَّسُولُ عليه السلام: لَا يَكْمُلُ الْمُؤْمِنُ فِي إِيْمَانِهِ حَتَّى تَكُونَ فِيهِ ثَلَاثُ خِصَالٍ حِلْمٌ يَرُدُّهُ عَنِ الْجَهْلِ وَوَرَعٌ يَحْجُزُهُ عَنِ الْمَعَاصِي وَكَرَمٌ يَحْسُنُ بِهِ صُحْبَتَهُ؛ مستدرک الوسائل، ج ١١، ص ٢٨٨
- ﴿ ٢٨٢٤ ﴾ السَّجَّادُ عليه السلام: لَيْسَ الْخَوْفُ خَوْفٌ مِنْ بَكْيٍ وَجَرَتْ دُمُوعُهُ مَا لَمْ يَكُنْ لَهُ وَرَعٌ يَحْجُزُهُ عَنِ مَعَاصِي اللَّهِ وَ إِنَّمَا ذَلِكَ خَوْفٌ كَاذِبٌ؛ بحار الأنوار، ج ٩٠، ص ٣٣٥
- ﴿ ٢٨٢٥ ﴾ الرَّسُولُ عليه السلام: ثَلَاثٌ مَنْ لَمْ تَكُنْ فِيهِ فَلَيْسَ مِنِّي وَ لَا مِنَ اللَّهِ قِيلَ يَا رَسُولَ اللَّهِ عليه السلام وَ مَا هُنَّ قَالَ حِلْمٌ يَرُدُّ بِهِ جَهْلُ الْجَاهِلِ وَحُسْنُ خُلُقٍ يَعْيشُ بِهِ وَوَرَعٌ يَحْجُزُهُ عَنِ مَعَاصِي اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ؛ وسائل الشيعة، ج ٢٠، ص ٣٥٩

- ﴿ ٢٨٢٦ ﴾ الصَّادِقُ عليه السلام: وَ أَمَّا الْمُتَوَرِّعُونَ عَنِ الْمَعَاصِي فَمَا أَحَاسِبُهُمْ؛ بحار الأنوار، ج ٩٠، ص ٣٣٣
- ﴿ ٢٨٢٧ ﴾ الصَّادِقُ عليه السلام: أَوْحَى اللَّهُ إِلَى مُوسَى عليه السلام إِنَّ عِبَادِي لَمْ يَتَقَرَّبُوا إِلَيَّ بِشَيْءٍ أَحَبَّ إِلَيَّ مِنْ ثَلَاثِ خِصَالٍ الزُّهْدُ فِي الدُّنْيَا وَ الْوَرَعُ عَنِ الْمَعَاصِي وَ الْبُكَاءُ مِنْ خَشْيَتِي قَالَ مُوسَى يَا رَبِّ فَمَا لِمَنْ صَنَعَ ذَا فَأَوْحَى اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ إِلَيْهِ يَا مُوسَى أَمَّا الزَّاهِدُونَ فِي الدُّنْيَا فَفِي الْجَنَّةِ وَ أَمَّا الْبُكَاءُ وَ مِنْ خَشْيَتِي فَفِي الرَّفِيعِ الْأَعْلَى لَا يُشَارِكُهُمْ أَحَدٌ وَ أَمَّا الْوَرَعُونَ عَنِ مَعَاصِي فَإِنِّي أَفْتَشُ النَّاسَ وَ لَا أَفْتَشُهُمْ؛ الكافي، ج ٢، ص ٤٨٢

﴿آنچه اهل پرهیزکاری از آن می‌پرهیزند / گناه، نافرمانی، حرام﴾

﴿۲۸۱۸﴾ بار خدایا! بر محمد و خاندانش درود بفرست و مرا از حسد برهان و از گناهان در امان دار و از حرام‌ها پرهیز ده و مرا بر ارتکاب معاصی گستاخ نفرما و میل و خواهم را به ساحت خود معطوف دار و چنان کن که به هر چه از تو می‌رسد، خرسند باشم.

﴿۲۸۱۹﴾ ورع پاک‌شدن از گناهان است.

﴿۲۸۲۰﴾ تا آن حد پرهیزکار باش که از نافرمانی خدا مانع گردد.

﴿۲۸۲۱﴾ از پارسایی آنقدر روزی‌ام فرما که مرا از نافرمانی‌ات بازدارد.

﴿۲۸۲۲﴾ هرکس سه خصلت را ندارد ایمانش به او سودی نمی‌بخشد: حلمی که نادانی جاهلان را از او بگرداند، پرهیزکاری‌ای که او را از حرام باز دارد، و اخلاقی که بتواند با مردم بسازد. ﴿۲۸۲۳﴾ ایمان مؤمن کامل نمی‌شود مگر آنکه سه خصلت در او باشد: بردباری‌ای که او را از جهل بازدارد، ورعی که مانع او از ارتکاب معصیت خدا شود و کرامتی که موجب هم‌صحبتی خوب او شود.

﴿۲۸۲۴﴾ ترس، آن نیست که کسی بگیرد و اشک‌هایش جاری شود؛ مادامی که تقوایی نداشته باشد که او را از نافرمانی‌های خدا باز دارد؛ چنین خوفی، خوف کاذب است.

﴿۲۸۲۵﴾ سه چیز است که در هر کس نباشد، او از من و از خدای بلندمرتبه نیست. گفته شد: «ای رسول خدا! آن‌ها چیست؟» فرمود: «بردباری‌ای که جهل نادان را به خودش بازگرداند و اخلاق نیکویی که با آن در بین مردم زندگی کند و تقوایی که او را از گناه در پیشگاه خدای متعال باز دارد».

﴿۲۸۲۶﴾ و اما کسانی که از معاصی و گناهان اجتناب می‌ورزند، پس ایشان را به حساب نمی‌کشم.

﴿۲۸۲۷﴾ خدای بلندمرتبه به موسی علیه السلام وحی فرمود: «همانا بندگان من به چیزی محبوب‌تر از سه خصلت به من تقرّب نجستند؛ زهد نسبت به دنیا [و بی‌اعتنایی به آن] و ورع [و پارسایی] از نافرمانی‌ها و معاصی، و گریه از ترس من».

﴿۲۸۲۸﴾ خدای بلندمرتبه به موسی علیه السلام وحی فرمود: «همانا بندگان من به چیزی محبوب‌تر از سه خصلت به من تقرّب نجستند»، موسی علیه السلام عرض کرد: «پروردگارا! آن‌ها کدام است؟» فرمود: «زهد در دنیا [و بی‌اعتنایی به آن] و ورع [و پارسایی] از نافرمانی‌ها و معاصی، و گریه از ترس من». موسی علیه السلام عرض کرد: «پروردگارا! هرکس این‌ها را به جا آورد، چه پاداشی دارد؟» خداوند به موسی علیه السلام وحی کرد: «ای موسی! آنان که در دنیا زهد ورزند در بهشت می‌باشند، و آنان که از ترس من گریه کنند در بلندترین منازل هستند، و احدی در آن منازل با آن‌ها شریک نمی‌باشد، و آن‌ها که از نافرمانی‌های من پرهیزند، پس آن زمان که همه‌ی مردم را [در روز قیامت] بازرسی می‌کنم آن‌ها را بازرسی نخواهم کرد».

﴿ مَا يَتَّقُونَ مِنْهُ أَهْلُ التَّقْوَى / الْإِثْمُ وَالدُّنْبُ وَ الْمَعْصِيَةُ وَ الْحَرَامُ ﴾

١-١٦-٤- إِيَّاكَ أَنْ يَرَاكَ اللَّهُ تَعَالَى عِنْدَ مَعْصِيَتِهِ

﴿ ٢٨٢٩ ﴾ أمير المؤمنين عليه السلام: فَهَذَا مَا فَرَضَ اللَّهُ تَبَارَكَ وَ تَعَالَى عَلَى جَوَارِحِكَ فَاتَّقِ اللَّهَ يَا بَنِيَّ وَ اسْتَعْمِلْهَا بِطَاعَتِهِ وَ رِضْوَانِهِ وَ إِيَّاكَ أَنْ يَرَاكَ اللَّهُ تَعَالَى عِنْدَ مَعْصِيَتِهِ أَوْ يَفْقِدَكَ عِنْدَ طَاعَتِهِ؛ مِنْ لَا يَحْضُرُهُ الْفَقِيه، ج ٢، ص ٦٢٨

﴿ ٢٨٣٠ ﴾ الصَّادِق عليه السلام: سِئِلَ الصَّادِق عليه السلام عَنْ تَفْسِيرِ التَّقْوَى فَقَالَ أَنْ لَا يَفْقِدَكَ اللَّهُ حَيْثُ أَمَرَكَ وَ لَا يَرَاكَ حَيْثُ نَهَاكَ؛ بِحَارِ الْأَنْوَار، ج ٦٧، ص ٢٨٥

١٧-١-٤- الْعَارُ

﴿ ٢٨٣١ ﴾ أمير المؤمنين عليه السلام: إِذَا أَخْطَأَتْكَ الصَّنِيعَةُ إِلَى مَنْ يَتَّقِي اللَّهَ فَاصْنَعْهَا إِلَى مَنْ يَتَّقِي الْعَارَ؛ شَرْحُ نَهْجِ الْبَلَاغَةِ، ج ٢٠، ص ٣١٣

١٨-١-٤- الْعِيْبَةُ

﴿ ٢٨٣٢ ﴾ الصَّادِق عليه السلام: أَصْلُ الْوَرَعِ دَوَامُ الْمُحَاسَبَةِ وَ صِدْقُ الْمُقَاوَلَةِ وَ صَفَاءُ الْمُعَامَلَةِ وَ الْخُرُوجُ مِنْ كُلِّ شُبْهَةٍ وَ رَفْضُ كُلِّ عَيْبَةٍ وَ رِيْبَةٍ؛ بِحَارِ الْأَنْوَار، ج ٦٧، ص ٣٠٧

١٩-١-٤- الْفَوَاحِشُ

﴿ ٢٨٣٣ ﴾ ابْنُ عَبَّاسٍ رضي الله عنه: فِي قَوْلِهِ إِنَّ لِلْمُتَّقِينَ مَفَازًا هُوَ عَلَى بْنِ أَبِي طَالِبٍ عليه السلام سَيِّدٌ مَنْ اتَّقَى عَنْ ارْتِكَابِ الْفَوَاحِشِ؛ بِحَارِ الْأَنْوَار، ج ٤٠، ص ٣٢٠

﴿ ٢٨٣٤ ﴾ ابْنُ عَبَّاسٍ رضي الله عنه: [فِي قَوْلِهِ تَعَالَى]: إِنَّ لِلْمُتَّقِينَ مَفَازًا قَالَ: هُوَ عَلَى بْنُ أَبِي طَالِبٍ، هُوَ وَ اللَّهُ سَيِّدٌ مَنْ اتَّقَى اللَّهَ وَ خَافَهُ، اتَّقَاهُ عَنْ ارْتِكَابِ الْفَوَاحِشِ، وَ خَافَهُ عَنْ اقْتِرَافِ الْكِبَائِرِ مَفَازًا نَجَاةً مِنَ النَّارِ وَ الْعَذَابِ وَ قُرْبًا مِنَ اللَّهِ فِي مَنَازِلِ الْجَنَّةِ؛ شَوَاهِدُ التَّنْزِيلِ، ج ٢، ص ٤١٩

﴿ ٢٨٣٥ ﴾ ابْنُ عَبَّاسٍ رضي الله عنه: فِي قَوْلِهِ تَعَالَى إِنَّ الْمُتَّقِينَ قَالَ: نَزَلَتْ خَاصَّةً فِي عَلِيٍّ وَ حَمْزَةٍ وَ جَعْفَرٍ وَ فَاطِمَةَ عليها السلام يَقُولُ: إِنَّ الْمُتَّقِينَ فِي الدُّنْيَا [مِنْ] الشُّرُكِ وَ الْفَوَاحِشِ وَ الْكِبَائِرِ؛ شَوَاهِدُ التَّنْزِيلِ، ج ٢، ص ٢٦٩

٢٠-١-٤- الْفَسَادُ

﴿ ٢٨٣٦ ﴾ أمير المؤمنين عليه السلام: لِلْمُتَّقِي هُدًى فِي رِشَادٍ وَ تَخَرُّجٍ عَنْ فَسَادٍ وَ حِرْصٍ فِي إِصْلَاحٍ مَعَادٍ؛ غُرَرُ الْحُكْمِ، ص ٢٧٤

«آنچه اهل پرهیزکاری از آن می‌پرهیزند / گناه، نافرمانی، حرام»

۱-۱۶-۶- مبادا خدا تو را در حال انجام معصیتش ببیند

﴿۲۸۲۹﴾ این مطالب، چیزهایی است که خداوند تبارک و تعالی بر اعضا و جوارح تو واجب کرده؛ پس ای فرزند عزیزم! برای اطاعت و کسب رضایت خدا، این دستورات را به کار گیر؛ مبادا خدا تو را در حال انجام معصیتش ببیند یا در جایی که باید اطاعتش کنی، تو را نیابد.

﴿۲۸۳۰﴾ درباره‌ی معنای تقوا از امام صادق علیه السلام سؤال شد. فرمود: «تقوا یعنی اینکه خداوند تو را در کنار دستورها و اوامر خود حاضر و آماده ببیند و در موارد نهی و محرّمات، تو را نبیند».

۱۷-۱-۶- ننگ

﴿۲۸۳۱﴾ اگر در انجام کاری برای خدا ترسی دچار خطا شدی آن را به سوی کسی ببر که از زشتی‌ها می‌پرهیزد.

۱۸-۱-۶- عیب

﴿۲۸۳۲﴾ اصل و پایه‌ی تقوا و شیوه پرهیزکاری این است که همیشه و در همه حال حساب اعمال خود را داشت؛ راستی در گفتار، در معاملات پاک و با صفا بودن، از هر کار و عمل عیب و شبهه‌ناک برکنار بودن است.

۱۹-۱-۶- زشتی

﴿۲۸۳۳﴾ درباره‌ی این آیه: «مسلماً برای پرهیزکاران نجات و پیروزی بزرگی است» گفت: «منظور علی بن ابی طالب علیه السلام است که سرور پرهیزکاران از فواحش و پلیدی‌هاست».

﴿۲۸۳۴﴾ در توضیح و تفسیر «مسلماً برای پرهیزکاران نجات و پیروزی بزرگی است» بیان کرد که منظور از «متّقین» در آیه، علی بن ابی طالب علیه السلام سیّد و سرور پرهیزکاران است، از ارتکاب به فواحش دوری کرده و از نزدیکی به کبائر برحذر بوده است. پاداش او رستگاری و نجات از آتش جهنّم است. اوست که در منازل قرب الهی جای می‌گیرد و به نعمت‌های بهشتی متنعم می‌شود.

﴿۲۸۳۵﴾ آیه‌ی: «إِنَّ الْمُتَّقِينَ»، مخصوص علی علیه السلام و حمزه و جعفر و فاطمه علیهم السلام نازل شده است که می‌گویند: در دنیا از شرک و گناهان کوچک و بزرگ تقوا دارند.

۲۰-۱-۶- فساد

﴿۲۸۳۶﴾ شخص باتقوا هدایتی به سوی راه صلاح و دوری از فساد و حرص زدن برای اصلاح امر معاد دارد.

﴿مَا يَتَّقُونَ مِنْهُ أَهْلُ التَّقْوَى / الْإِثْمُ وَالذَّنْبُ وَالْمَعْصِيَةُ وَالْحَرَامُ﴾

٢١-١-٤- القبيح

﴿٢٨٣٧﴾ الرسول ﷺ: أَلَا أَخْبَرُكُمْ بِشِرَارِ نِسَائِكُمُ الذَّلِيلَةَ فِي أَهْلِهَا الْعَزِيزَةَ مَعَ بَعْلِهَا الْعَقِيمِ الْحَقُودُ الَّتِي لَا تَوَرَّعُ مِنْ قَبِيحٍ؛ الكافي، ج ٥، ص ٣٢٥

﴿٢٨٣٨﴾ الرسول ﷺ: مَنْ شَرَّ نِسَائِكُمُ الذَّلِيلَةَ فِي أَهْلِهَا الْعَزِيزَةَ مَعَ بَعْلِهَا الْعَقِيمِ الْحَقُودُ الَّتِي لَا تَوَرَّعُ عَنْ قَبِيحٍ؛ من لا يحضره الفقيه، ج ٣، ص ٣٩١

٢٢-١-٤- الكبائر

﴿٢٨٣٩﴾ الصادق عليه السلام: فِي قَوْلِ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ فَمَنْ تَعَجَّلَ فِي يَوْمَيْنِ فَلَا إِثْمَ عَلَيْهِ يَعْنِي مَنْ مَاتَ فَلَا إِثْمَ عَلَيْهِ وَمَنْ تَأَخَّرَ أَجَلُهُ فَلَا إِثْمَ عَلَيْهِ لِمَنْ اتَّقَى الْكِبَائِرَ؛ من لا يحضره الفقيه، ج ٢، ص ٤٨٠

﴿٢٨٤٠﴾ الصادق عليه السلام: فَلَا إِثْمَ عَلَيْهِ لِمَنْ اتَّقَى الْكِبَائِرَ؛ الكافي، ج ٤، ص ٥٢١

﴿٢٨٤١﴾ ابن عباس رضي الله عنهما: إِنَّ الْمُتَّقِينَ [قَالَ: يَعْنِي] الَّذِينَ اتَّقَوْا الشُّرُكَ وَالذُّنُوبَ [وَالْكَبَائِرَ؛

شواهد التنزيل، ج ٢، ص ٤١٦

﴿٢٨٤٢﴾ ابن عباس رضي الله عنهما: فِي قَوْلِهِ تَعَالَى إِنَّ الْمُتَّقِينَ قَالَ: نَزَلَتْ خَاصَّةً فِي عَلِيٍّ وَحَمْزَةَ وَجَعْفَرَ وَفَاطِمَةَ عَلَيْهِ السَّلَامُ يَقُولُ: إِنَّ الْمُتَّقِينَ فِي الدُّنْيَا [مِنْ] الشُّرُكِ وَالْفَوَاحِشِ وَالْكَبَائِرِ؛

شواهد التنزيل، ج ٢، ص ٢٦٩

٢٣-١-٤- المنكر

﴿٢٨٤٣﴾ أمير المؤمنين عليه السلام: فَالْمُتَّقُونَ ... غَائِبًا مُنْكَرُهُ حَاضِرًا مَعْرُوفُهُ مُقْبِلًا خَيْرُهُ مُدْبِرًا شَرُّهُ؛

نهج البلاغة، ص ٣٠٣

٢٤-١-٤- المناهي

﴿٢٨٤٤﴾ حديث قدسي: وَأَنْتَ عَمَّا نَهَيْتُكَ تَكُنْ مِنْ أَوْرَعِ النَّاسِ؛ مستدرک الوسائل، ج ١١، ص ٢٨٢

﴿٢٨٤٥﴾ الصادق عليه السلام: وَيَلْزِمُكَ التَّقِيَّةُ الَّتِي هِيَ قَوَامُ دِينِكَ بِهَا وَالْوَرَعُ عَمَّا نَهَيْتَ عَنْهُ وَالْخُصُومَةُ وَكَثْرَةُ الْإِيمَانِ وَالْجِدَالِ الَّذِي فِيهِ الْإِيمَانُ فَإِذَا فَعَلْتَ ذَلِكَ تَمَّ حُجُّكَ وَعُمُرُتُكَ؛

وسائل الشيعة، ج ١٤، ص ٥٢٧

٢٥-١-٤- ما نهاكم عنه

﴿٢٨٤٦﴾ أمير المؤمنين عليه السلام: وَاتَّقُوا اللَّهَ فِيمَا نَهَاكُمْ عَنْهُ؛ مستدرک الوسائل، ج ٦، ص ١٥٧

﴿آنچه اهل پرهیزکاری از آن می پرهیزند / گناه، نافرمانی، حرام﴾

۲۱-۱-۶- زشتی

﴿۲۸۳۷﴾ آیا شما را به بدترین زنانان آگاه کنم؟ زانی که در خاندانشان ذلیل و نزد شوهر سخت و مغرورند، نازا هستند، کینه‌ای دارند که نمی‌گذارد از هیچ عمل قبیحی پرهیز کنند. ﴿۲۸۳۸﴾ پست‌ترین زنان شما زنی است که در خانواده‌ی خویش خوار و بی‌مقدار بوده، و بعد در خانه شوهر خود را بزرگ و عزیز به شمار آورد.

۲۲-۱-۶- گناهان بزرگ

﴿۲۸۳۹﴾ سخن خدای بلندمرتبه: «فَمَنْ تَعَجَّلَ فِي يَوْمَيْنِ فَلَا إِثْمَ عَلَيْهِ؛ یعنی کسی که بمیرد گناهی بر او نیست، و همچنین کسی که اجلش به تأخیر افتد، پس گناهی بر او نیست، و این حکم مخصوص کسی است که از گناهان کبیره پرهیزد. ﴿۲۸۴۰﴾ «فَلَا إِثْمَ عَلَيْهِ»، این حکم مخصوص کسی است که از گناهان کبیره پرهیزد. ﴿۲۸۴۱﴾ در آیه‌ی: «إِنَّ الْمُتَّقِينَ؛ منظور از متّقین، کسانی هستند که از شرک و خطاها و گناهان کبیره پرهیز کردند. ﴿۲۸۴۲﴾ آیه‌ی: «إِنَّ الْمُتَّقِينَ»، مخصوص علی (علیه السلام) و حمزه و جعفر و فاطمه (علیهم السلام) نازل شده است که می‌گویند: در دنیا از شرک و گناهان کوچک و بزرگ تقوا دارند.

۲۳-۱-۶- بدی

﴿۲۸۴۳﴾ پرهیزکاران ... زشتی‌اش پنهان، و خوبی‌اش آشکار است، نیکی‌اش روی آورده، و شرّش روی گردانده است.

۲۴-۱-۶- آنچه از آن‌ها نهی شده است

﴿۲۸۴۴﴾ خداوند می‌فرماید: «ای فرزند آدم! از آنچه بر تو حرام کردم دوری‌گزین تا از پارساترین مردم باشی».

﴿۲۸۴۵﴾ در این سفر (حج) تقیّه را همراه خود کن که قوام دینت به آن است، از آنچه که نهی شده‌ای و خصومت و قسم‌خوردن زیاد و جدالی که در آن قسم می‌خوری، پرهیز کن که اگر چنین کردی، حج و عمره‌ات را کامل کرده‌ای.

۲۵-۱-۶- آنچه از آن نهی شده‌اید

﴿۲۸۴۶﴾ درباره‌ی آنچه که از آن نهی شده‌اید، تقوا پیشه کنید.

﴿ مَا يَتَّقُونَ مِنْهُ أَهْلُ التَّقْوَى / الشُّبُهَاتِ ﴾

٢٦-١-٤- اللّٰذَاتُ

﴿٢٨٤٧﴾ أمير المؤمنين عليه السلام: عِنْدَ حُضُورِ الشَّهَوَاتِ وَاللّٰذَاتِ يَتَّبِعِينَ وَرَعَ الْأَتْقِيَاءُ؛

مستدرک الوسائل، ج ١١، ص ٣٤٦

﴿٢٨٤٨﴾ أمير المؤمنين عليه السلام: إِنَّمَا هِيَ نَفْسِي أَرُوضُهَا بِالتَّقْوَى لِتَأْتِيَ آمِنَةً يَوْمَ الْخَوْفِ الْأَكْبَرِ وَ تَثْبُتَ عَلَى جَوَانِبِ الْمَزَلِقِ وَلَوْ شِئْتُ لَاهْتَدَيْتُ الطَّرِيقَ إِلَى مُصَفَى هَذَا الْعَسَلِ وَلُبَابِ هَذَا الْقَمَحِ وَ نَسَائِجِ هَذَا الْقَزِّ وَ لَكِنْ هِيَ هَاتِ أَنْ يَغْلِبَنِي هَوَايَ وَ يَقُودَنِي جَشَعِي إِلَى تَخِيرِ الْأَطْعِمَةِ وَ لَعَلَّ بِالْحِجَازِ أَوْ الْيَمَامَةِ مَنْ لَا طَمَعَ لَهُ فِي الْقُرْصِ وَ لَا عَهْدَ لَهُ بِالشَّيْخِ أَوْ أَيْتِ مِيطَانًا وَ حَوْلِي يُطُونُ غَرْنِي وَ أَكْبَادُ حَرَى؛ نهج البلاغة، ص ٤١٦

٢٧-١-٤- الموبقاتُ

﴿٢٨٤٩﴾ العسكري عليه السلام: هُدَى لِلْمُتَّقِينَ الَّذِينَ يَتَّقُونَ الْمُوبَقَاتِ؛ بحار الأنوار، ج ٢، ص ٣٤

﴿٢٨٥٠﴾ السجاد عليه السلام: فَنَحْنُ نَنْهَى عَنِ الْمُنْكَرِ... قَالُوا وَ لَعَلَّهُمْ يَتَّقُونَ وَ نَعْظُمُهُمْ أَيْضًا لَعَلَّهُمْ تَنْجَعُ

فِيهِمْ أَلْمَوَاعِظُ فَيَتَّقُوا هَذِهِ الْمُوبَقَةَ وَ يَحْذَرُوا عُقُوبَتَهَا؛ بحار الأنوار، ج ١٤، ص ٥٦

٢٨-١-٤- مَا تَسْتَحْيِي مِنْ إِظْهَارِهِ فِي عَلَانِيَتِكَ

﴿٢٨٥١﴾ أمير المؤمنين عليه السلام: مِنْ أَفْضَلِ الْوَرَعِ أَنْ لَا تُبْدِيَ فِي خُلُوتِكَ مَا تَسْتَحْيِي مِنْ إِظْهَارِهِ

فِي عَلَانِيَتِكَ؛ غرر الحكم، ص ٢٧٤

٢-٤- الشُّبُهَاتُ وَ مَا لَا بَأْسَ بِهِ

١-٢-٤- الشُّبُهَاتُ

﴿٢٨٥٢﴾ الصادق عليه السلام: عَنْ فَضِيلِ بْنِ عِيَّازٍ قَالَ... سَأَلْتُهُ عَنِ الْوَرَعِ مِنَ النَّاسِ قَالَ الَّذِي يَتَوَرَّعُ

عَنْ مَحَارِمِ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ وَ يَجْتَنِبُ هَوْلًا وَ إِذَا لَمْ يَتَّقِ الشُّبُهَاتِ وَقَعَ فِي الْحَرَامِ وَ هُوَ لَا يَعْرِفُهُ وَ

إِذَا رَأَى الْمُنْكَرَ فَلَمْ يُنْكِرْهُ وَ هُوَ يَقْدِرُ عَلَيْهِ؛ الكافي، ج ٥، ص ١٠٨

﴿٢٨٥٣﴾ أمير المؤمنين عليه السلام: إِذَا اتَّقَيْتَ الْمُحَرَّمَاتِ وَ تَوَرَّعْتَ عَنِ الشُّبُهَاتِ وَ آدَيْتَ

الْمَفْرُوضَاتِ وَ تَنَفَّلْتَ بِالنَّوَافِلِ فَقَدْ أَكْمَلْتَ فِي الدِّينِ الْفَضَائِلَ؛ مستدرک الوسائل، ج ١٧، ص ٣٢٤

﴿٢٨٥٤﴾ الرسول ﷺ: حَلَالٌ بَيْنٌ وَ حَرَامٌ بَيْنٌ وَ بَيْنَهُمَا شُبُهَاتٌ لَا يَعْلَمُهَا كَثِيرٌ مِنَ النَّاسِ فَمَنْ

اتَّقَى الشُّبُهَاتِ فَقَدْ اسْتَبْرَأَ لِدِينِهِ وَ عَرَضِهِ؛ مستدرک الوسائل، ج ١٧، ص ٣٢٣

«آنچه اهل پرهیزکاری از آن می پرهیزند / شبهات»

۲۶-۱-۶- لذات

﴿۲۸۴۷﴾ میزان ورع افراد هنگام حضور شهوت‌ها و لذت‌ها، آشکار می‌گردد.

﴿۲۸۴۸﴾ من نفس خود را با پرهیزکاری می‌پرورانم، تا در روز قیامت که هراسناک‌ترین روزهاست در امان، و در لغزشگاه‌های آن ثابت قدم باشد. من اگر می‌خواستم، می‌توانستم از عسل پاک، و از مغز گندم، و بافته‌های ابریشم، برای خود غذا و لباس فراهم آورم، اما هیئات که هوای نفس بر من چیره گردد، و حرص و طمع مرا وا دارد که طعام‌های لذیذ برگزینم، درحالی که در «حجاز» یا «یمامه» کسی باشد که به قرص نانی نرسد، و یا هرگز شکمی سیر نخورد، یا من سیر بخوابم و پیرامونم شکم‌هایی که از گرسنگی به پشت چسبیده، و جگرهای سوخته وجود داشته باشد.

۲۷-۱-۶- هلاک‌کننده‌ها

﴿۲۸۴۹﴾ «هُدًی لِّلْمُتَّقِينَ»؛ آنانی که از ارتکاب گناهان کبیره پرهیز می‌کنند.

﴿۲۸۵۰﴾ ما نهی از منکر می‌کنیم... شاید آن‌ها [بپذیرند، و از گناه باز ایستند، و] تقوا پیشه کنند. و همچنین آنان را پند می‌دهیم شاید این پندها در آنان مفید واقع شود و از این گناه خطرناک دست بردارند و از عقوبت آن برحذر باشند.

۲۸-۱-۶- آنچه از انجام آشکارش شرم می‌کنی

﴿۲۸۵۱﴾ از برترین نشانه‌های ورع این است که آنچه را از اظهارش در آشکار حیا می‌کنی، در خلوت آشکار نکنی.

۲-۶- شبهات و حتی آنچه مشکل ندارد

۱-۲-۶- شبهات

﴿۲۸۵۲﴾ فضیل بن عیاض گوید:... از امام علیه السلام در مورد پرهیزکارترین مردم سؤال کردم فرمود: «یعنی کسی که از محرّمات الهی پرهیز و از آنان دوری کند. اگر کسی از شبهات پرهیز نکند و وقتی امر منکری را می‌بیند با آنکه قدرتش را دارد [تا آن را منکر اعلام و با آن مقابله کند]، آن را منکر نشمارد، بدون آنکه متوجّه شود، حتماً به حرام خواهد افتاد.

﴿۲۸۵۳﴾ وقتی در محرّمات تقوا پیشه کنی و در شبهات ورع داشته باشی و واجبات را ادا کرده و مستحبات را انجام دهی، فضائل دینت را کامل کرده‌ای.

﴿۲۸۵۴﴾ حلال و حرام، آشکارند و شبهات میان این دو هستند که عده‌ی زیادی از مردم آن‌ها را نمی‌شناسند [و تشخیص نمی‌دهند]، پس هر کس که در شبهات تقوا پیشه کند دین و آبروش را [از نابودی] دور کرده است.

﴿ مَا يَتَّقُونَ مِنْهُ أَهْلُ التَّقْوَى / الشُّبُهَات ﴾

﴿ ٢٨٥٥ ﴾ أمير المؤمنين عليه السلام: فَإِنَّ مَنْ اتَّقَى اللَّهَ ... رَفَعَ عَقْلُهُ عَنْ أَهْلِ الدُّنْيَا فَبَدَنُهُ مَعَ أَهْلِ الدُّنْيَا وَ قَلْبُهُ وَ عَقْلُهُ مُعَايِنُ الْآخِرَةِ فَأَظْفَأَ بَصُوءَ قَلْبِهِ مَا أَبْصَرَتْ عَيْنَاهُ مِنْ حُبِّ الدُّنْيَا فَقَدَّرَ حَرَامَهَا وَ جَانِبَ شُبُهَاتِهَا؛ مشكاة الأنوار، ص ٢٦٧

﴿ ٢٨٥٦ ﴾ الباقر عليه السلام: لَيْسَ بِتَقْوَى اللَّهِ طُولُ عِبَادَةٍ وَ لَكِنَّمَا التَّقْوَى مُجَانِبَةُ الشُّبُهَةِ؛ مجموعة ورام،

ج ٢، ص ٣٠٥

﴿ ٢٨٥٧ ﴾ الصادق عليه السلام: أَوْرَعَ النَّاسَ مَنْ وَقَفَ عِنْدَ الشُّبُهَةِ؛ وسائل الشيعة، ج ٢٧، ص ١٦٢

﴿ ٢٨٥٨ ﴾ الصادق عليه السلام: أَصْلُ الْوَرَعِ دَوَامُ الْمُحَاسَبَةِ وَ صِدْقُ الْمُقَاوَلَةِ وَ صَفَاءُ الْمُعَامَلَةِ وَ

الْخُرُوجُ مِنْ كُلِّ شُبُهَةٍ؛ بحار الأنوار، ج ٦٧، ص ٣٠٧

﴿ ٢٨٥٩ ﴾ أمير المؤمنين عليه السلام: الْوَرَعُ الْوُقُوفُ عِنْدَ الشُّبُهَةِ؛ مستدرک الوسائل، ج ١٧، ص ٣٢٤

١-٢-٦- مُشْتَبِهَاتُ الْأُمُور

﴿ ٢٨٦٠ ﴾ أمير المؤمنين عليه السلام: فَاتَّقُوا اللَّهَ عِبَادَ اللَّهِ تَقِيَّةَ ذِي لُبٍّ ... لَمْ تَفْتَلِهِ فَاتِلَاتُ الْغُرُورِ وَ لَمْ

تَعْمَ عَلَيْهِ مُشْتَبِهَاتُ الْأُمُورِ؛ نهج البلاغة، ص ١١١

١-٢-٦- الدُّخُولُ فِي الشُّبُهَةِ

﴿ ٢٨٦١ ﴾ الرسول ﷺ: يَا أَبَا ذَرٍّ إِنَّ الْمُتَّقِينَ الَّذِينَ يَتَّقُونَ اللَّهَ عَزَّ وَ جَلَّ مِنَ الشَّيْءِ الَّذِي لَا يُتَّقَى

مِنْهُ خَوْفًا مِنَ الدُّخُولِ فِي الشُّبُهَةِ؛ بحار الأنوار، ج ٧٤، ص ٨٨

١-٢-٦- تَقَحُّمُ الشُّبُهَاتِ

﴿ ٢٨٦٢ ﴾ أمير المؤمنين عليه السلام: ذِمَّتِي بِمَا أَقُولُ رَهِينَةٌ وَ أَنَا بِهِ زَعِيمٌ إِنَّ مَنْ صَرَّحَتْ لَهُ الْعِبَرُ عَمَّا

بَيْنَ يَدَيْهِ مِنَ الْأَمْثَلَاتِ حَجَزَتْهُ التَّقْوَى عَنْ تَقَحُّمِ الشُّبُهَاتِ؛ نهج البلاغة، ص ٥٧

١-٢-٦- الرِّيبُ

﴿ ٢٨٦٣ ﴾ أمير المؤمنين عليه السلام: صَلَاحُ التَّقْوَى تَجَنُّبُ الرِّيبِ؛ غرر الحكم، ص ٢٦٨

﴿ ٢٨٦٤ ﴾ أمير المؤمنين عليه السلام: مَا شَيْءٌ أَهْوَنُ مِنْ وَرَعٍ وَ إِذَا رَاكَ أَمْرٌ فَدَعَهُ؛ شرح نهج البلاغة،

ج ٢٠، ص ٢٨٨

١-٢-٦- الرِّيبَةُ

﴿ ٢٨٦٥ ﴾ الصادق عليه السلام: أَصْلُ الْوَرَعِ دَوَامُ الْمُحَاسَبَةِ وَ صِدْقُ الْمُقَاوَلَةِ وَ صَفَاءُ الْمُعَامَلَةِ وَ

الْخُرُوجُ مِنْ كُلِّ شُبُهَةٍ وَ رَفُضُ كُلِّ عَيْبَةٍ وَ رِيْبَةٍ؛ بحار الأنوار، ج ٦٧، ص ٣٠٧

«آنچه اهل پرهیزکاری از آن می‌پرهیزند / شبهات»

﴿۲۸۵۵﴾ پس کسی که تقوای خدا را پیشه کند ... عقل خود را از اهل دنیا برمی‌دارد. جسمش همراه اهل دنیا اما دل و عقلش نگران آخرت است. پس به‌وسیله‌ی نور دلش آنچه چشمانش از دوستی دنیا می‌بیند، را خاموش می‌کند. حرام دنیا را ناپاک می‌داند و از شبهه‌ناک آن دوری می‌نماید.

﴿۲۸۵۶﴾ تقوا معادل عبادت طولانی نیست بلکه تقوا دوری از [مال و افکار] شبهه‌ناک است.

﴿۲۸۵۷﴾ پارساترین مردم کسی است که در مورد شبهه توقف کند.

﴿۲۸۵۸﴾ اصل و پایه‌ی تقوا و شیوه پرهیزکاری این است که همیشه و در همه حال حساب اعمال خود را داشت؛ راستی در گفتار، در معاملات پاک و با صفا بودن، از هر کار و عمل شبهه‌ناک برکنار بودن.

﴿۲۸۵۹﴾ ورع یعنی توقف [و احتیاط] در هنگام روبه‌رویی با شبهات.

۱-۲-۶- امور شبهه‌ناک

﴿۲۸۶۰﴾ پس ای بندگان خدا! تقوای الهی پیشه کنید، تقوای خردمندی که ... عوامل کبر و غرور او را از راه حق باز نگردانده، و امور اشتباه انگیز بر او پوشیده نمانده است.

۲-۱-۲-۶- داخل‌شدن در شبهات

﴿۲۸۶۱﴾ ای ابوذر! متقیان کسانی هستند که از ترس واردشدن در موارد شبهه‌ناک، از چیزهایی که پرهیز از آن‌ها لازم نیست هم پرهیز می‌کنند.

۳-۱-۲-۶- درافتادن در شبهات

﴿۲۸۶۲﴾ نسبت به آنچه می‌گویم مسئولیت دارم، و نسبت به آن ضامن و پای‌بندم. کسی که عبرت‌های روزگار کیفرهای پیش رویش را بر او آشکار کند، تقوا او را از در افتادن در اشتباهات مانع می‌گردد.

۲-۲-۶- شک

﴿۲۸۶۳﴾ دوری از شبهات، موجب اصلاح تقوا است.

﴿۲۸۶۴﴾ چیزی ساده‌تر از ورع نیست، هرگاه کاری تو را به شک انداخت، آن کار را رها کن.

۱-۲-۲-۶- شک

﴿۲۸۶۵﴾ اصل و پایه‌ی تقوا و شیوه پرهیزکاری این است که همیشه و در همه حال حساب اعمال خود را داشت؛ راستی در گفتار، در معاملات پاک و با صفا بودن، از هر عیب و از هر عمل شبهه‌ناک برکنار بودن.

«آنچه اهل پرهیزکاری از آن می پرهیزند / غفلت، مستی نعمت و...»

۶-۲-۲-۲- جایگاه های شک

«۲۸۶۶» از مواضع مشکوک [و تهمت آمیز] پرهیزید، و حتی نباید کسی با مادرش راه برود؛ زیرا همه ی مردم نمی دانند که وی مادر اوست.

۶-۲-۳- بی اشکال

۶-۲-۳-۱- آنچه بی اشکال است از ترس آنچه اشکال دارد

«۲۸۶۷» من آیه ای به قدر این آیه نمی شناسم که اگر مردم به همان اکتفا کنند، کفایتشان کند. سپس این آیه را تلاوت نمود: «و هر کس تقوای الهی پیشه کند، خداوند راه نجاتی برای او فراهم می کند» و فرمود: «متّقیان به این دلیل متّقی نامیده شدند که آنچه را که در آن مشکلی نیست ترک می کنند، از ترس اینکه در آن چیز مشکلی باشد».

۶-۲-۳-۲- آنچه بی اشکال است از ترس آنچه اشکال دارد

«۲۸۶۸» ای مردم! بنده، تا زمانی که مردم از دست و زبان او در سلامت و امنیّت نباشند، مسلمان محسوب نمی شود و تا وقتی که برادر مؤمنش از شرّ او و همسایه اش از آزار او در امان نباشد به درجه ی ایمان نمی رسد؛ و بنده متّقی نمی شود مگر آنچه را که در آن مشکلی نیست نگوید، از ترس اینکه در آن چیز مشکلی باشد.

«۲۸۶۹» کسی از متّقین شمرده نمی شود، مگر اینکه از آنچه مباح است از بیم آنچه مباح نیست، صرف نظر نماید. همانا هر کس از بیتوته کردن بترسد، در شب مسیر را طی می کند و هر کس شب هنگام مسیر را طی کند، به مقصد می رسد.

۶-۲-۳-۳- آنچه از آن پرهیز نمی شود

«۲۸۷۰» ای ابوذر! متّقیان کسانی هستند که از ترس وارد شدن در موارد شبهه ناک، از چیزهایی که پرهیز از آن ها لازم نیست هم پرهیز می کنند.

۶-۳- غفلت، مستی نعمت، فراموشی، مسلّط شدن نادانی

۶-۳-۱- غفلت

«۲۸۷۱» پرهیزکاران ... اگر در میان غافلان باشد از ذاکرانش به حساب می آورند، و اگر در میان ذاکران باشد در شمار غافلان نمی آورند.

۶-۳-۲- مستی نعمت

«۲۸۷۲» بنابراین از مستی های نعمت پرهیزید، و از سختی های عقوبت حذر کنید.

﴿ مَا يَتَّقُونَ مِنْهُ أَهْلُ التَّقْوَى / التَّفْرِيطُ ﴾

٣-٣-٦. النسيان

﴿٢٨٧٣﴾ الصادق عليه السلام: عَنْ أَبِي بصير قَالَ سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام عَنْ قَوْلِ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ اتَّقُوا اللَّهَ حَقَّ تَقَاتِهِ قَالَ يُطَاعُ فَلَا يُعْصَى وَ يُذَكَّرُ فَلَا يُنْسَى وَ يُشْكَرُ فَلَا يُكْفَرُ؛ وسائل الشيعة، ج ١٥، ص ٢٣٥

٤-٣-٦۔ نَسِیَانُ مَا ذُكِّرَ

﴿٢٨٧٤﴾ أمير المؤمنين (عليه السلام): فَأَلْمُتَّقُونَ ... يَعْتَرِفُ بِالْحَقِّ قَبْلَ أَنْ يُشْهَدَ عَلَيْهِ لَا يُضِيعُ مَا اسْتَحْفِظَ
وَلَا يَنْسَى مَا ذُكِّرَ؛ نهج البلاغة، ص ٣٠٣

٥-٣-٦- تسلیطُ السّفه

﴿٢٨٧٥﴾ العسكرى الْمَلَكُوتِ: هُدَى لِّلْمُتَّقِينَ الَّذِينَ ... يَتَّقُونَ تَسْلِيْطَ السَّقَّةِ عَلَى أَنْفُسِهِمْ؛ بحار الأنوار، ج ٢، ص ٣٤

﴿٢٨٧٦﴾ السَّجَّادُ عَلَيْهِ السَّلَامُ: ... الْمُتَّقِينَ الَّذِينَ يَتَّقُونَ الْمُؤَبَّاتِ وَيَتَّقُونَ تَسْلُطَ السُّفَهَاءِ عَلَى أَنْفُسِهِمْ؛
مجموعة ورام، ج ٢، ص ٩٩

٤-٦- التفریط

﴿٢٨٧٧﴾ وَاتَّبِعُوا أَحْسَنَ مَا أُنزِلَ إِلَيْكُم مِّن رَّبِّكُم مِّن قَبْلِ أَن يَأْتِيَكُمُ الْعَذَابُ بَعْتَةً وَأَنْتُمْ لَا تَشْعُرُونَ* أَن تَقُولَ نَفْسٌ يَا حَسْرَتَى عَلَىٰ مَا فَرَطْتُ فِي جَنبِ اللَّهِ وَإِن كُنتُ لَمِنَ السَّٰخِرِينَ* أَوْ تَقُولَ لَوْ أَنَّ اللَّهَ هَدَانِي لَكُنتُ مِنَ الْمُتَّقِينَ؛ الزمر ٥٧-٥٥
١-٤-٦. الْفَقْدُ عِنْدَ طَاعَتِهِ

﴿٢٨٧٨﴾ أمير المؤمنين عليه السلام: فَهَذَا مَا فَرَضَ اللَّهُ تَبَارَكَ وَتَعَالَى عَلَى جَوَارِحِكَ فَاتَّقِ اللَّهَ يَا بُنَيَّ وَاسْتَعْمِلْهَا بِطَاعَتِهِ وَرِضْوَانِهِ وَإِيَّاكَ أَنْ يَرَاكَ اللَّهُ تَعَالَى عِنْدَ مَعْصِيَتِهِ أَوْ يَفْقِدَكَ عِنْدَ طَاعَتِهِ؛ من لا يحضره الفقيه، ج ٢، ص ٦٢٨

﴿٢٨٧٩﴾ الصَّادِقُ عليه السلام: سَأَلَ الصَّادِقُ عليه السلام عَنْ تَفْسِيرِ التَّقْوَى فَقَالَ أَنْ لَا يَفْقِدَكَ اللَّهُ حَيْثُ أَمَرَكَ وَلَا يَرَاكَ حَيْثُ نَهَاكَ؛ بحار الأنوار، ج ٤٧، ص ٢٨٥

﴿٢٨٨﴾ الرَّسُولُ ﷺ: تَرَكُ مَا لَا يَغْنِي زِينَةُ الْوَرَعِ؛ بحار الأنوار، ج ٧٤، ص ١٣٣

«آنچه اهل پرهیزکاری از آن می پرهیزند / کم کاری»

۳-۳-۶- فراموشی

«۲۸۷۳» ابو بصیر گوید: از امام صادق علیه السلام در مورد این آیه: «آن گونه که حق تقوا و پرهیزکاری است، از خدا بپرهیزید!» سؤال کردم. فرمود: «این پرهیز عبارت از این است که خدا را بدون عصیان اطاعت و بدون فراموشی او را یاد کرد و بدون ناسپاسی شکرش را به جای آورد».

۴-۳-۶- فراموش کردن آنچه به یادش آرند

«۲۸۷۴» پرهیزکاران ... پیش از حاضر کردن شاهد، خود اقرار به حق می نمایند. امانت را تباه نمی کنند، و آنچه را به یادش آرند به فراموشی نمی سپارد.

۵-۳-۶- مسلط شدن نادانی

«۲۸۷۵» «هُدًى لِّلْمُتَّقِينَ»؛ آنانی که ... از مسلط ساختن نادانی بر خودشان دوری می کنند.
«۲۸۷۶» باتقوایان کسانی هستند که از مهلکه ها و از تسلط انسان نادان بر خود پرهیز می کنند.

۴-۶- کم کاری

«۲۸۷۷» و از بهترین دستورهایی که از سوی پروردگارتان بر شما نازل شده پیروی کنید پیش از آنکه عذاب (الهی) ناگهان به سراغ شما آید در حالی که از آن خبر ندارید! * (این دستورها برای آن است که) مبدا کسی روز قیامت بگوید: «افسوس بر من از کوتاهی هایی که در اطاعت فرمان خدا کردم و از مسخره کنندگان (آیات او) بودم!» * یا بگوید: «اگر خداوند مرا هدایت می کرد، از پرهیزکاران بودم!»

۱-۴-۶- یافت نشدن هنگام فرمانبرداری

«۲۸۷۸» این مطالب، چیزهایی است که خداوند تبارک و تعالی بر اعضا و جوارح تو واجب کرده؛ پس ای فرزند عزیزم! برای اطاعت و کسب رضایت خدا، این دستورات را به کار گیر؛ مبدا خدا تو را در حال انجام معصیتش ببیند یا در جایی که باید اطاعتش کنی، تو را نیابد.
«۲۸۷۹» درباره ی معنای تقوا از امام صادق علیه السلام سؤال شد. فرمود: «تقوا یعنی اینکه خداوند تو را در کنار دستورها و اوامر خود حاضر و آماده ببیند و در موارد نهی و محرّمات، تو را نبیند».

۲-۴-۶- بی معنی

«۲۸۸۰» ترک آنچه نامربوط است، زینت ورع است.

﴿ مَا يَتَّقُونَ مِنْهُ أَهْلُ التَّقْوَى / الدُّنْيَا، الْحِرْصُ وَ ... ﴾

﴿ ٢٨٨١ ﴾ الصادق عليه السلام: أَصْلُ الْوَرَعِ دَوَامُ الْمُحَاسَبَةِ وَصِدْقُ الْمُقَاوَلَةِ وَصَفَاءُ الْمُعَامَلَةِ وَالْخُرُوجُ مِنْ كُلِّ شُبْهَةٍ وَرَفْضُ كُلِّ عَيْبَةٍ وَرِيْبَةٍ وَمُفَارَقَةُ جَمِيعِ مَا لَا يَغْنِيهِ؛ بحار الأنوار، ج ٤٧، ص ٣٠٧
٣-٤-٤-٦- البطالة

﴿ ٢٨٨٢ ﴾ الصادق عليه السلام: فَإِذَا أَكْرَمَ اللَّهُ الْعَبْدَ بِهَذِهِ الثَّلَاثِ هَانَ عَلَيْهِ الدُّنْيَا وَإِيْلَاسُ وَالْخُلُقُ وَلَا يَطْلُبُ الدُّنْيَا تَكَاثُرًا وَتَفَاحُشًا وَلَا يَطْلُبُ عِنْدَ النَّاسِ عِزًّا وَغُلُوبًا وَلَا يَدْعُ أَيَّامَهُ بَاطِلًا فَهَذَا أَوَّلُ دَرَجَةِ الْمُتَّقِينَ؛ مشكاة الأنوار، ص ٣٢٥
٣-٤-٤-٦- إضاعة ما استُحْفِظَ

﴿ ٢٨٨٣ ﴾ أمير المؤمنين عليه السلام: فَالْمُتَّقُونَ ... يَعْتَرِفُ بِالْحَقِّ قَبْلَ أَنْ يُشْهَدَ عَلَيْهِ لَا يُضِيعُ مَا اسْتُحْفِظَ وَلَا يَنْسَى مَا ذُكِّرَ؛ نهج البلاغة، ص ٣٠٣
٣-٤-٤-٦- العجز

﴿ ٢٨٨٤ ﴾ أمير المؤمنين عليه السلام: إِنَّ لَأَهْلِ التَّقْوَى عِلَامَاتٍ يُعْرِفُونَ بِهَا ... قِلَّةُ الْعَجْزِ وَالْبُخْلِ؛ بحار الأنوار، ج ٤٧، ص ٢٨٢
٤-٥-٦- الدُّنْيَا، الْحِرْصُ وَالشُّحُّ وَالطَّمَعُ وَالتَّكَاثُرُ
١-٥-٥-٦- الدُّنْيَا

﴿ ٢٨٨٥ ﴾ الرسول صلى الله عليه وآله: الدُّنْيَا دَارُ بَلَاءٍ ... طُوبَى لِعَبْدٍ اتَّقَى مِنْهَا رَبَّهُ؛ بحار الأنوار، ج ٧٤، ص ١٨٧
﴿ ٢٨٨٦ ﴾ السَّجَادِ عَلَيْهِ السَّلَامُ: اجْعَلْ تَقْوَاكَ مِنَ الدُّنْيَا زَادِي؛ الصحيفة السجادية عليه السلام، الدعاء ٢١
﴿ ٢٨٨٧ ﴾ الصادق عليه السلام: فَإِذَا أَكْرَمَ اللَّهُ الْعَبْدَ بِهَذِهِ الثَّلَاثِ هَانَ عَلَيْهِ الدُّنْيَا وَإِيْلَاسُ وَالْخُلُقُ وَلَا يَطْلُبُ الدُّنْيَا تَكَاثُرًا وَتَفَاحُشًا وَلَا يَطْلُبُ عِنْدَ النَّاسِ عِزًّا وَغُلُوبًا وَلَا يَدْعُ أَيَّامَهُ بَاطِلًا فَهَذَا أَوَّلُ دَرَجَةِ الْمُتَّقِينَ؛ مشكاة الأنوار، ص ٣٢٥
﴿ ٢٨٨٨ ﴾ أمير المؤمنين عليه السلام: مِلَاكُ اتَّقَى رَفْضُ الدُّنْيَا؛ غرر الحكم، ص ١٣٨
١-٥-٥-٦- أَهْلُ الدُّنْيَا

﴿ ٢٨٨٩ ﴾ أمير المؤمنين عليه السلام: فَإِنَّ مَنْ اتَّقَى اللَّهَ ... رَفَعَ عَقْلُهُ عَنْ أَهْلِ الدُّنْيَا فَبَدَنُهُ مَعَ أَهْلِ الدُّنْيَا وَ قَلْبُهُ وَ عَقْلُهُ مُعَايِنُ الْآخِرَةِ فَاطْفًا بِضَوْءِ قَلْبِهِ مَا أَبْصَرَتْ عَيْنَاهُ مِنْ حُبِّ الدُّنْيَا فَقَدَّرَ حَرَامَهَا وَ جَانِبَ شُبْهَاتِهَا؛ مشكاة الأنوار، ص ٢٦٧

«آنچه اهل پرهیزکاری از آن می‌پرهیزند / دنیا، حرص و...»

﴿۲۸۸۱﴾ اصل و پایه‌ی تقوا و شیوه پرهیزکاری این است که همیشه و در همه حال حساب اعمال خود را داشت؛ راستی در گفتار، در معاملات پاک و با صفا بودن، از هر کار و عمل شبهه‌ناک برکنار بودن، شک و تردید به خود راه ندادن، از هر چیزی که سودی ندارد دور شدن.

۳-۴-۶- بیهودگی

﴿۲۸۸۲﴾ وقتی خداوند به بنده‌اش این سه صفت را کرامت کند، [شرّ] دنیا و ابلیس و همه‌ی خلائق برای او آسان می‌شود و آن‌ها عبارتند از: در دنیا به دنبال زیاده‌طلبی و تفاخر نیستند، عزّت و بزرگی را از مردم طلب نمی‌کنند [بلکه از خدا می‌طلبند] و روزگار خود را به بطالت سپری نمی‌کنند. و این اولین درجه‌ی تقواست.

۴-۴-۶- ضایع کردن آنچه باید حفظ کند

﴿۲۸۸۳﴾ پرهیزکاران ... پیش از حاضر کردن شاهد، خود اقرار به حق می‌نماید. امانت را تباه نمی‌کند، و آنچه را به یادش آرند به فراموشی نمی‌سپارد.

۵-۴-۶- ناتوانی

﴿۲۸۸۴﴾ اهل تقوا علائم و نشانه‌هایی دارند که به آن شناخته می‌شوند؛ از جمله: اندک بودن بخل و ناتوانی.

۵-۶- دنیا، حرص، طمع، زیاده‌طلبی

۱-۵-۶- دنیا

﴿۲۸۸۵﴾ دنیا سرای بلاست ... خوشا به حال بنده‌ای که در جهت تقوای خدایش از دنیا پرهیز کرده است.

﴿۲۸۸۶﴾ تقوا و ترس از کیفر خود را از دنیا [برای سفر آخرت] توشه‌ام قرار ده.

﴿۲۸۸۷﴾ وقتی خداوند به بنده‌اش این سه صفت را کرامت کند، [شرّ] دنیا و ابلیس و همه‌ی خلائق برای او آسان می‌شود و آن‌ها عبارتند از: در دنیا به دنبال زیاده‌طلبی و تفاخر نیستند، عزّت و بزرگی را از مردم طلب نمی‌کنند [بلکه از خدا می‌طلبند] و روزگار خود را به بطالت سپری نمی‌کنند. و این اولین درجه‌ی تقواست.

﴿۲۸۸۸﴾ ملاک و معیار تقوا، رها کردن دنیا است.

۱-۵-۶- اهل دنیا

﴿۲۸۸۹﴾ پس کسی که تقوای خدا را پیشه کند ... عقل خود را از اهل دنیا برمی‌دارد. جسمش همراه اهل دنیا اما دل و عقلش نگران آخرت است. پس به وسیله‌ی نور دلش آنچه چشمانش از دوستی دنیا می‌بیند، را خاموش می‌کند. حرام دنیا را ناپاک می‌داند و از شبهه‌ناک آن دوری می‌نماید.

﴿ مَا يَتَّقُونَ مِنْهُ أَهْلُ التَّقْوَى / الدُّنْيَا، الْحِرْصُ وَ ... ﴾

٢-١-٥-٦- هُمُ الدُّنْيَا

﴿ ٢٨٩٠ ﴾ الرَّسُولُ ﷺ: وَ أَمَّا عَلَامَةُ التَّقَى فَسِتَّةُ يَخَافُ اللَّهُ وَيَحْذَرُ بَطْشَهُ وَيُمْسِي وَيُصْبِحُ كَأَنَّهُ يَرَاهُ لَا تَهْمُهُ الدُّنْيَا وَلَا يَعْظُمُ عَلَيْهِ مِنْهَا شَيْءٌ لِحُسْنِ خُلُقِهِ؛ بحار الأنوار، ج ١، ص ١٢١
٣-١-٥-٦- إِرَادَةُ الدُّنْيَا

﴿ ٢٨٩١ ﴾ أمير المؤمنين عليه السلام: فَالْمُتَّقُونَ ... أَرَادَتْهُمْ الدُّنْيَا فَلَمْ يُرِيدُوهَا وَأَسَرَتْهُمْ فَفَدَوْا أَنْفُسَهُمْ مِنْهَا؛ نهج البلاغة، ص ٣٠٣

٤-١-٥-٦- الغَلَبَةُ عَلَى شَيْءٍ مِنَ الدُّنْيَا

﴿ ٢٨٩٢ ﴾ الأئمة عليهم السلام: الدُّنْيَا وَمَا فِيهَا لِلَّهِ تَبَارَكَ وَتَعَالَى وَلِرَسُولِهِ وَلَنَا فَمَنْ غَلَبَ عَلَى شَيْءٍ مِنْهَا فَلْيَتَّقِ اللَّهَ وَلْيُؤَدِّ حَقَّ اللَّهِ تَبَارَكَ وَتَعَالَى وَلْيُبَرِّ إِخْوَانَهُ فَإِنْ لَمْ يَفْعَلْ ذَلِكَ فَاللَّهُ وَرَسُولُهُ وَنَحْنُ بُرَأَاءُ مِنْهُ؛ الكافي، ج ١، ص ٤٠٨
٥-١-٥-٦- حُبُّ الدُّنْيَا، حَرَامُهَا وَشُبُهَاتُهَا

﴿ ٢٨٩٣ ﴾ أمير المؤمنين عليه السلام: فَإِنَّ مَنْ اتَّقَى اللَّهَ ... رَفَعَ عَقْلُهُ عَنْ أَهْلِ الدُّنْيَا فَبَدَنَهُ مَعَ أَهْلِ الدُّنْيَا وَ قَلْبُهُ وَعَقْلُهُ مُعَايِنُ الْآخِرَةِ فَأَطْفَأَ بَصُوءَ قَلْبِهِ مَا أَبْصَرَتْ عَيْنَاهُ مِنْ حُبِّ الدُّنْيَا فَقَدَّرَ حَرَامُهَا وَ جَانِبَ شُبُهَاتِهَا؛ مشكاة الأنوار، ص ٢٤٧
٦-١-٥-٦- غُرُورُ الدُّنْيَا

﴿ ٢٨٩٤ ﴾ أمير المؤمنين عليه السلام: اتَّقُوا غُرُورَ الدُّنْيَا فَإِنَّهَا تَسْتَرْجِعُ [تترجع] أَبَدًا مَا خَدَعَتْ بِهِ مِنْ الْمَحَاسِنِ وَ تَرْجِعُ الْمُطْمَئِنِّ إِلَيْهَا وَ الْقَاطِنِ؛ غرر الحكم، ص ١٣٥
٧-١-٥-٦- لَيْسَتْ الدُّنْيَا بِدَارِ الْمُتَّقِينَ

﴿ ٢٨٩٥ ﴾ أمير المؤمنين عليه السلام: الْوَيْلُ لِمَنْ جَمَعَ الدُّنْيَا وَأَوْرَثَهَا مَنْ لَا يَحْمَدُهُ وَقَدِيمَ عَلَى مَنْ لَا يَعْذِرُهُ الدُّنْيَا دَارُ الْمُنَافِقِينَ وَ لَيْسَتْ بِدَارِ الْمُتَّقِينَ؛ بحار الأنوار، ج ٧٥، ص ٢٢
٨-١-٥-٦- الْوَحْشَةُ مِنَ الدُّنْيَا

﴿ ٢٨٩٦ ﴾ الباقر عليه السلام: أَنْ أَهْلَ التَّقْوَى ... وَحْشُوا الدُّنْيَا لِبَطَاةِ مَلِكِهِمْ وَنَظَرُوا إِلَى اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ وَ إِلَى مَحَبَّتِهِ بِقُلُوبِهِمْ؛ الكافي، ج ٢، ص ١٣٢
﴿ ٨٦٠ ﴾

«آنچه اهل پرهیزکاری از آن می‌پرهیزند / دنیا، حرص و...»

۲-۱-۵-۶- مهم شمردن دنیا

«۲۸۹۰» نشان پرهیزکار شش چیز است: از خدا پروا دارد، از مؤاخذه‌اش حذر کند، به گونه‌ای صبح و شام می‌کند که گویا او را می‌بیند. دنیا را مهم نمی‌شمارد، و بر اثر خوشخویی چیزی از دنیا را بزرگ نمی‌شمارد.

۳-۱-۵-۶- دنیاخواهی

«۲۸۹۱» پرهیزکاران ... دنیا آنان را خواست و آنان دنیا را نخواستند، به اسارتشان کشید و آنان با پرداخت جانشان خود را آزاد کردند.

۴-۱-۵-۶- غلبه بر چیزی از دنیا

«۲۸۹۲» دنیا و هر چه در آن است برای خداوند متعال و رسولش و برای ماست. پس هرگاه کسی بر چیزی از امور دنیا دست‌یافت، تقوای الهی پیشه کند و حق خداوند را ادا کند و به برادران دینی‌اش نیکی کند؛ که اگر چنین نکند خدا و رسولش و ما از او تبری می‌جوییم.

۵-۱-۵-۶- دوستی دنیا، حرام آن و شبهات آن

«۲۸۹۳» پس کسی که تقوای خدا را پیشه کند ... عقل خود را از اهل دنیا برمی‌دارد. جسمش همراه اهل دنیا اما دل و عقلش نگران آخرت است. پس به‌وسیله‌ی نور دلش آنچه چشمانش از دوستی دنیا می‌بیند، را خاموش می‌کند. حرام دنیا را ناپاک می‌داند و از شبهه‌ناک آن دوری می‌نماید.

۶-۱-۵-۶- فریب دنیا

«۲۸۹۴» از فریب دنیا بپرهیزید؛ زیرا دنیا هر خوبی و نعمتی که از سر فریب به انسان دهد، همواره پس می‌گیرد و کسی را که به دنیا دل ببندد و در آن جا خوش کند، کوچ می‌دهد.

۷-۱-۵-۶- دنیا خانه‌ی پرهیزکاران نیست

«۲۸۹۵» وای بر کسی که دنیا را جمع کند و برای کسی بگذارد که او را نمی‌ستاید، و خود به پیشگاه کسی برود که عذرش را نمی‌پذیرد. دنیا خانه‌ی منافقین است نه خانه‌ی متّقین.

۸-۱-۵-۶- رمیدن از دنیا

«۲۸۹۶» پرهیزکاران ... برای اطاعت پروردگار از دنیا هراس دارند. و با دل‌های خود به سوی خداوند و محبتش رو آوردند.

﴿ مَا يَتَّقُونَ مِنْهُ أَهْلُ التَّقْوَى / الدُّنْيَا، الْحِرْصُ وَ ... ﴾

٩-١-٥-٦- هَانِ عَلَيْهِ الدُّنْيَا وَ إِبْلِيسُ وَ الْخَلْقُ

﴿ ٢٨٩٧ ﴾ الصَّادِقُ عليه السلام: هَانِ عَلَيْهِ الدُّنْيَا وَ إِبْلِيسُ وَ الْخَلْقُ وَ لَا يَطْلُبُ الدُّنْيَا تَكَثُّراً وَ تَفَاخُراً وَ لَا يَطْلُبُ مَا عِنْدَ النَّاسِ عِزّاً وَ غُلُوراً وَ لَا يَدْعُ أَيَّامَهُ بَاطِلاً فَهَذَا أَوَّلُ دَرَجَةِ التَّقَى؛ بحار الأنوار، ج ١، ص ٢٢٦

١٠-١-٥-٦- هَانِ عَلَيْهِ مَصَائِبُ الدُّنْيَا

﴿ ٢٨٩٨ ﴾ الصَّادِقُ عليه السلام: [قَالَ عَنْوَانُ الْبَصْرِيُّ] قُلْتُ يَا أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام مَا حَقِيقَةُ الْعُبُودِيَّةِ قَالَ ثَلَاثَةُ أَشْيَاءٍ أَنْ ... لَا يُدَبِّرُ الْعَبْدُ لِنَفْسِهِ تَدْبِيراً ... وَ إِذَا فَوَّضَ الْعَبْدُ تَدْبِيرَ نَفْسِهِ عَلَى مُدَبِّرِهِ هَانَ عَلَيْهِ مَصَائِبُ الدُّنْيَا ... فَهَذَا أَوَّلُ دَرَجَةِ التَّقَى؛ بحار الأنوار، ج ١، ص ٢٢٦

٢-٥-٦- الْحِرْصُ

﴿ ٢٨٩٩ ﴾ أمير المؤمنين عليه السلام: اتَّقُوا الْحِرْصَ فَإِنَّ صَاحِبَهُ [مُصَاحِبَهُ] رَهِينُ ذُلٍّ وَ عَنَاءٍ؛

غرر الحكم، ص ٢٩٥

٣-٥-٦- شَحُّ النَّفْسِ

﴿ ٢٩٠٠ ﴾ وَ الَّذِينَ تَبَوَّؤُوا الدَّارَ وَ الْإِيمَانَ مِنْ قَبْلِهِمْ يُحِبُّونَ مَنْ هَاجَرَ إِلَيْهِمْ وَ لَا يَجِدُونَ فِي صُدُورِهِمْ حَاجَةً مِمَّا أُوتُوا وَ يُؤْتُونَ عَلَى أَنْفُسِهِمْ وَ لَوْ كَانَ بِهِمْ خَصَاصَةٌ وَ مَنْ يُوقِ شُحَّ نَفْسِهِ فَأُولَئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ؛ الحشر ٩

﴿ ٢٩٠١ ﴾ الْعَسْكَرِيُّ عليه السلام: قَالُوا يَا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ وَ مَا الْمُطِيعُونَ لَكُمْ قَالَ الَّذِينَ يُوحِّدُونَ رَبَّهُمْ وَ يَصِفُونَهُ بِمَا يَلِيقُ بِهِ مِنَ الصِّفَاتِ وَ يُؤْمِنُونَ بِمُحَمَّدٍ عليه السلام وَ يُطِيعُونَ اللَّهَ فِي إِيْتَانِ فَرَائِضِهِ وَ تَرْكِ مَحَارِمِهِ وَ يُحِبُّونَ أَوْقَاتَهُمْ بِذِكْرِهِ وَ بِالصَّلَاةِ عَلَى نَبِيِّهِ مُحَمَّدٍ عليه السلام وَ يَتَّقُونَ عَلَى أَنْفُسِهِمُ الشُّحَّ وَ الْبُخْلَ وَ يُؤَدُّونَ كُلَّ مَا فَرَضَ عَلَيْهِمْ مِنَ الزَّكَاةِ وَ لَا يَمْنَعُونَهَا؛ مستدرک الوسائل، ج ١١، ص ٢٥٧

٤-٥-٦- الطَّمَعُ

﴿ ٢٩٠٢ ﴾ أمير المؤمنين عليه السلام: رَأْسُ الْوَرَعِ تَرْكُ الطَّمَعِ؛ غرر الحكم، ص ٢٧٢

﴿ ٢٩٠٣ ﴾ أمير المؤمنين عليه السلام: يُعْجِبُنِي أَنْ يَكُونَ الرَّجُلُ حَسَنَ الْوَرَعِ مُتَنَزِّهاً عَنِ الطَّمَعِ كَثِيرَ

الْإِحْسَانِ قَلِيلَ الْإِمْتِنَانِ؛ غرر الحكم، ص ٢٧٢

«آنچه اهل پرهیزکاری از آن می‌پرهیزند / دنیا، حرص و...»

۹-۱-۵-۶- دنیا و ابلیس و آفریدگان نزد او کم‌اهمیت‌اند

﴿۲۸۹۷﴾ دنیا، ابلیس و مردم در نظر او اهمیتی ندارد و آسان جلوه می‌کند. او دنیا را به عنوان زیاده‌خواهی و فخرفروشی نمی‌خواهد، عزّت و سربلندی از مردم نمی‌جوید و عمرش را به بیهودگی نمی‌گذراند و این اولین درجه‌ی تقوا است.»

۱۰-۱-۵-۶- گرفتاری‌های دنیا نزد او کم‌اهمیت است

﴿۲۸۹۸﴾ [عنوان بصری گوید:] عرض کردم: «حقیقت عبودیت و بندگی چیست؟» فرمود: «سه چیز است. ... دوّم اینکه تدبیر و اداره کردن را از خود نداند ... با داشتن شرط دوّم، مصیبت‌های دنیا بر او آسان می‌شود ... و این اولین درجه‌ی تقوا است.»

۲-۵-۶- حرص

﴿۲۸۹۹﴾ از حرص پرهیزید که شخص حریص، درگیر ذلّت و سختی خواهد بود.

۳-۵-۶- زیاده‌خواهی نفس

﴿۲۹۰۰﴾ و برای کسانی است که در این سرا [سرزمین مدینه] و در سرای ایمان پیش از مهاجران مسکن گزیدند و کسانی را که به سوبشان هجرت کنند دوست می‌دارند، و در دل خود نیازی به آنچه به مهاجران داده شده احساس نمی‌کنند و آن‌ها را بر خود مقدّم می‌دارند هر چند خودشان بسیار نیازمند باشند کسانی که از بخل و حرص نفس خویش باز داشته شده‌اند رستگاراند!

﴿۲۹۰۱﴾ به امام علی علیه السلام عرض کردند: «یا امیرالمؤمنین! اطاعت‌کنندگان از شما چه کسانی هستند؟» فرمود: «کسانی که پروردگارشان را یکی بدانند و بدانچه شایسته خدایی اوست، او را ستایش کنند؛ محمد صلی الله علیه و آله پیامبرش را باور دارند؛ خدا را در انجام واجبات و ترک محرّمات اطاعت کنند؛ اوقات خود را به یاد او و به درود بر پیامبر او محمد صلی الله علیه و آله و خاندان پاکش زنده دارند؛ بر خویشان از تنگ‌نظری و بخل پرهیزند؛ و زکات [و سایر وجوه و مالیات دینی] خود را بپردازند و از پرداخت آن خودداری نکنند.»

۴-۵-۶- طمع

﴿۲۹۰۲﴾ اصل ورع، ترک طمع است.

﴿۲۹۰۳﴾ از فردی که خوب ورع دارد و از طمع پاک است و بسیار نیکی می‌کند و کم منت

می‌گذارد، خوشم می‌آید.

﴿ مَا يَتَّقُونَ مِنْهُ أَهْلُ التَّقْوَى / الْغَى ﴾

﴿ ٢٩٠٤ ﴾ أمير المؤمنين عليه السلام: ضَادُّوا الطَّمَعَ بِالْوَرَعِ؛ غررالحكم، ص ٢٧٢
﴿ ٢٩٠٥ ﴾ أمير المؤمنين عليه السلام: فَالْمُتَّقُونَ ... فَمِنْ عَلَامَةِ أَحَدِهِمْ أَنَّكَ تَرَى لَهُ ... طَلَبًا فِي حَلَالٍ وَ
نَشَاطًا فِي هُدًى وَ تَحَرُّجًا عَنْ طَمَعٍ؛ نهج البلاغة، ص ٣٠٣
١-٤-٥-٦- كَثْرَةُ الطَّمَعِ

﴿ ٢٩٠٦ ﴾ أمير المؤمنين عليه السلام: كَثْرَةُ الطَّمَعِ عُنْوَانُ قِلَّةِ الْوَرَعِ؛ غررالحكم، ص ٢٩٧
٢-٤-٥-٦- مَذَلَّةُ الطَّمَعِ

﴿ ٢٩٠٧ ﴾ أمير المؤمنين عليه السلام: دَلَالَةُ حُسْنِ الْوَرَعِ غُرُوفُ النَّفْسِ عَنْ مَذَلَّةِ الطَّمَعِ؛ غررالحكم، ص ٢٤٠
٥-٥-٦- التَّكَاثُرُ

﴿ ٢٩٠٨ ﴾ الصَّادِق عليه السلام: هَانَ عَلَيْهِ الدُّنْيَا وَإِلَيْسُ وَالْخَلْقُ وَلَا يَطْلُبُ الدُّنْيَا تَكَاثُرًا وَتَفَاخُرًا وَ
لَا يَطْلُبُ مَا عِنْدَ النَّاسِ عِزًّا وَغُلُوبًا وَلَا يَدْعُ أَيَّامَهُ بَاطِلًا فَهَذَا أَوَّلُ دَرَجَةِ التَّقَى؛ بحار الأنوار، ج ١،
ص ٢٢٦

٦-٦- الْغَى وَالْخُرُوجُ مِنَ الْحَقِّ
١-٦-٦- الْغَى

﴿ ٢٩٠٩ ﴾ أمير المؤمنين عليه السلام: لَا وَرَعَ مَعَ غَى؛ غررالحكم، ص ٢٧٥
٢-٦-٦- الْخُرُوجُ مِنَ الْحَقِّ

﴿ ٢٩١٠ ﴾ أمير المؤمنين عليه السلام: فَالْمُتَّقُونَ ... لَا يَدْخُلُ فِي الْبَاطِلِ وَلَا يَخْرُجُ مِنَ الْحَقِّ؛ نهج البلاغة، ص ٣٠٣
٧-٦- تَجَاهَ اللَّهُ وَالرَّسُولَ ﷺ
١-٧-٦- التَّمَثُّلُ بِالرَّبِّ

﴿ ٢٩١١ ﴾ أمير المؤمنين عليه السلام: اتَّقُوا أَنْ تَمَثَّلُوا بِالرَّبِّ الَّذِي لَا مِثْلَ لَهُ أَوْ تُشَبِّهُوهُ مِنْ خَلْقِهِ أَوْ
تُلْقُوا عَلَيْهِ الْأَوْهَامَ أَوْ تُعْمَلُوا فِيهِ الْفِكْرَ وَ تَضْرِبُوا لَهُ الْأَمْثَالَ أَوْ تَنْعَتُوهُ بِنُعُوتِ الْمَخْلُوقِينَ فَإِنَّ
لِمَنْ فَعَلَ ذَلِكَ نَارًا؛ بحار الأنوار، ج ٣، ص ٢٩٨
٢-٧-٦- إِثَارُ أَحَدٍ عَلَى رِضَى اللَّهِ وَ هَوَاهُ

﴿ ٢٩١٢ ﴾ الصَّادِق عليه السلام: فَاتَّقِ اللَّهَ وَلَا تُؤْثِرْ أَحَدًا عَلَى رِضَاهُ وَ هَوَاهُ؛ وسائل الشيعة، ج ١٧، ص ٢١١
﴿ ٨٦٤ ﴾

﴿آنچه اهل پرهیزکاری از آن می پرهیزند / گمراهی﴾

﴿۲۹۰۴﴾ به کمک مراعات ورع با طمع مخالفت کنید.

﴿۲۹۰۵﴾ پرهیزکاران ... از نشانه‌های دیگرشان آن است که هر کدام را دارای ... جویای حلال، نشاط در هدایت، و دوری‌گزین از طمع مشاهده می‌کنی.

۱-۴-۵-۶- فراوانی طمع

﴿۲۹۰۶﴾ اندکی طمع [در وجود شخص] گواه کم‌بودن ورع است.

۲-۴-۵-۶- خواری طمع

﴿۲۹۰۷﴾ دلیل نیکویی ورع، برگشتن نفس از خواری طمع است.

۵-۵-۶- زیاده‌طلبی

﴿۲۹۰۸﴾ دنیا، ابلیس و مردم در نظر او اهمیتی ندارد و آسان جلوه می‌کند. او دنیا را به عنوان زیاده‌خواهی و فخرفروشی نمی‌خواهد، عزّت و سربلندی از مردم نمی‌جوید و عمرش را به بیهودگی نمی‌گذراند و این اولین درجه‌ی تقوا است.

۶-۶- گمراهی و خارج شدن از جاذبه‌ی حق

۱-۶-۶- گمراهی

﴿۲۹۰۹﴾ تقوا با گمراهی و خیانت جمع نمی‌شود.

۲-۶-۶- خارج شدن از جاذبه‌ی حق

﴿۲۹۱۰﴾ پرهیزکاران ... در باطل وارد نمی‌شود، و از حق خارج نمی‌گردد.

۷-۶- در مقابل خدا و پیامبر ﷺ

۱-۷-۶- تصوّر شکل برای خدا

﴿۲۹۱۱﴾ از خدا بترسید و پرهیز کنید از اینکه برای خداوندی که مثل و مانند ندارد چیزی را مثل و مانند قرار دهید، یا آنکه او را به چیزی از آفریده‌هایش تشبیه کنید، یا آنکه پرده‌ی اوهام خویش را بر او افکنید، یا آنکه فکر خود را درباره‌ی او به کار بندید، یا آنکه مثال بزنید یا آنکه او را به صفات آفریده‌شدگان وصف کنید که بهره‌ی هرکس که چنین کند، آتش خواهد بود.

۲-۷-۶- ترجیح‌دادن کسی بر رضایت خدا و میل او

﴿۲۹۱۲﴾ از خدا بترس و کسی را به رضای خدا و خواستش مقدّم مدار.

﴿ مَا يَتَّقُونَ مِنْهُ أَهْلُ التَّقْوَى / تَجَاهُ اللَّهِ وَ الرَّسُولِ (ص) ﴾

٣-٧-٤- البدع

﴿ ٢٩١٣ ﴾ أمير المؤمنين عليه السلام: فَاتَّقُوا الْبِدْعَ وَ الزَّمُوا الْمُهَيْجَ؛ نهج البلاغة، ص ٢٠٢

٤-٧-٤- مَحَبَّةُ غَيْرِ اللَّهِ

﴿ ٢٩١٤ ﴾ الباقر عليه السلام: أَنَّ أَهْلَ التَّقْوَى ... قَطَعُوا مَحَبَّتَهُمْ بِمَحَبَّةِ رَبِّهِمْ؛ الكافي، ج ٢، ص ١٣٢

٥-٧-٤- الرِّيَاءُ

﴿ ٢٩١٥ ﴾ الرسول صلى الله عليه وآله: فَاتَّقُوا الرِّيَاءَ فَإِنَّهُ شِرْكٌ بِاللَّهِ؛ بحار الأنوار، ج ٨١، ص ٢٢٧

﴿ ٢٩١٦ ﴾ الرسول صلى الله عليه وآله: فَاتَّقُوا اللَّهَ فَاجْتَنِبُوا الرِّيَاءَ فَإِنَّهُ شِرْكٌ بِاللَّهِ؛ تفسير العياشي، ج ١، ص ٢٨٣

﴿ ٢٩١٧ ﴾ الرسول صلى الله عليه وآله: فَاتَّقُوا اللَّهَ وَ اجْتَنِبُوا الرِّيَاءَ؛ بحار الأنوار، ج ٦٩، ص ٢٩٥

﴿ ٢٩١٨ ﴾ الرسول صلى الله عليه وآله: فَاتَّقُوا اللَّهَ فِي الرِّيَاءِ؛ وسائل الشيعة، ج ١، ص ٦٩

٦-٧-٤- التَّكَلُّفُ

﴿ ٢٩١٩ ﴾ الرسول صلى الله عليه وآله: نَحْنُ مَعَاشِرَ الْأَنْبِيَاءِ وَالْأَتْقِيَاءِ وَالْأَمَنَاءِ بَرَاءٌ مِنَ التَّكَلُّفِ؛

مصباح الشريعة، ص ١٤٠

﴿ ٢٩٢٠ ﴾ الصادق عليه السلام: الْمُتَّكِلُفُ مُخْطِئٌ وَإِنْ أَصَابَ وَالْمُتَطَوِّعُ مُصِيبٌ وَإِنْ أَخْطَأَ وَ

الْمُتَّكِلُفُ لَا يَسْتَجْلِبُ فِي عَاقِبَةِ أَمْرِهِ إِلَّا الْهَوَانَ وَ فِي الْوَقْتِ إِلَّا التَّعَبَ وَالْعَنَاءَ وَالشَّقَاءَ وَ

الْمُتَّكِلُفُ ظَاهِرُهُ رِئَاءٌ وَ بَاطِنُهُ نِفَاقٌ فَهُمَا جَنَاحَانِ يَطِيرُ بِهِمَا الْمُتَّكِلُفُ وَ لَيْسَ فِي الْجُمْلَةِ مِنْ

أَخْلَاقِ الصَّالِحِينَ وَ لَا مِنْ شِعَارِ الْمُتَّقِينَ التَّكَلُّفُ فِي آيٍ بَابٍ كَانَ؛ بحار الأنوار، ج ٧٠، ص ٣٩٤

٧-٧-٤- الشَّرْكُ

﴿ ٢٩٢١ ﴾ فَاعْبُدُوا مَا شِئْتُمْ مِنْ دُونِهِ قُلْ إِنَّ الْخَاسِرِينَ الَّذِينَ خَسِرُوا أَنْفُسَهُمْ وَأَهْلِيهِمْ يَوْمَ

الْقِيَامَةِ أَلَا ذَٰلِكَ هُوَ الْخُسْرَانُ الْمُبِينُ * لَهُمْ مِنْ فَوْقِهِمْ ظُلَلٌ مِنَ النَّارِ وَمِنْ تَحْتِهِمْ ظُلَلٌ ذَٰلِكَ يُخَوِّفُ

اللَّهُ بِهِ عِبَادَهُ يَا عِبَادِ فَاتَّقُونِ؛ الزمر ١٥

﴿ ٢٩٢٢ ﴾ ابن عباس رضي الله عنهما: إِنَّ الْمُتَّقِينَ [قَالَ: يَعْنِي] الَّذِينَ اتَّقَوْا الشَّرْكَ وَ الذُّنُوبَ [وَ] الْكِبَائِرَ؛

شواهد التنزيل، ج ٢، ص ٤١٦

«آنچه اهل پرهیزکاری از آن می‌پرهیزند / در مقابل خدا و پیامبر(ص)»

۳-۷-۶- بدعت

«۲۹۱۳» از بدعت‌ها بپرهیزید، و ملازم راه هدایت شوید.

۴-۷-۶- دوست‌داشتن غیر خدا

«۲۹۱۴» پرهیزکاران ... به واسطه‌ی محبت خداوند دل از دیگران بردند.

۵-۷-۶- ریا

«۲۹۱۵» از ریا بترسید که همانا آن شرک به خداست.

«۲۹۱۶» تقوا پیشه کنید و از ریا دور شوید که شرک است.

«۲۹۱۷» از خدا پروا کنید و از ریا اجتناب نمایید.

«۲۹۱۸» درباره‌ی ریا از خدا بترسید.

۶-۷-۶- تکلف

«۲۹۱۹» ما پیامبران و متقیان و امینان خدا، از تکلف دور هستیم.

«۲۹۲۰» کسی که به تکلف کار می‌کند خطاکار است اگر چه عمل او صحیح باشد، و هرکس به قصد اطاعت و امتثال، عمل می‌کند اعمال او درست است اگر چه بر خلاف واقع باشد. و شخصی که از روی تکلف عمل می‌کند، در عاقبت امر خود نتیجه‌ای جز خواری و ذلت به دست نخواهد آورد، و در حال حاضر نیز به جز زحمت و مشقت و ناراحتی اندوخته‌ای نخواهد داشت. و ظاهر امر شخص متکلف خودنمایی و ریاکاری بوده، و باطن امر او به نفاق و خلاف خواهد برگشت، و با این دو بال ریا و نفاق حرکت کرده و خواه و ناخواه به سوی دوزخ و گرفتاری خواهد رسید. و در نتیجه باید متوجه شد که افراد صالح و پرهیزکار هرگز روی تکلف عمل نکرده و به این صفت متصف نخواهند شد.

۷-۷-۶- شرک

«۲۹۲۱» شما هر چه را جز او می‌خواهید بپرستید! بگو: «زبانکاران واقعی آناند که سرمایه وجود خویش و بستگانشان را در روز قیامت از دست داده‌اند! آگاه باشید زبان آشکار همین است!» * برای آنان از بالای سرشان سایبان‌هایی از آتش، و در زیر پایشان نیز سایبان‌هایی از آتش است این چیزی است که خداوند با آن بندگان را می‌ترساند! ای بندگان من! از نافرمانی من بپرهیزید!

«۲۹۲۲» در آیه‌ی: «إِنَّ الْمُتَّقِينَ» منظور از متقین، کسانی هستند که از شرک و خطاها و گناهان کبیره پرهیز کردند.

﴿ مَا يَتَّقُونَ مِنْهُ أَهْلُ التَّقْوَى / تَجَاهُ اللَّهِ وَ الرَّسُولِ (ص) ﴾

﴿ ٢٩٢٣ ﴾ ابن عباس رضي الله عنه: فِي قَوْلِهِ تَعَالَى إِنَّ الْمُتَّقِينَ قَالَ: نَزَلَتْ خَاصَّةً فِي عَلِيٍّ وَ حَمْزَةَ وَ جَعْفَرَ وَ فَاطِمَةَ عليهم السلام يَقُولُ: إِنَّ الْمُتَّقِينَ فِي الدُّنْيَا [مِنْ] الشُّرُكِ وَ الْفَوَاحِشِ وَ الْكِبَائِرِ؛
شواهد التنزيل، ج ٢، ص ٢٦٩

﴿ ٢٩٢٤ ﴾ الصَّادِق عليه السلام: فِي قَوْلِ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ هُوَ أَهْلُ التَّقْوَى وَأَهْلُ الْمَغْفِرَةِ قَالَ قَالَ اللَّهُ تَبَارَكَ وَ تَعَالَى أَنَا أَهْلُ أَنْ أَتَّقَى وَ لَا يُشْرِكْ بِي عَبْدِي شَيْئًا؛ بحار الأنوار، ج ٣، ص ٤
﴿ ٢٩٢٥ ﴾ أمير المؤمنين عليه السلام: فَإِنْ اسْتَوَى الْعَمَلَانِ أَذْهَبَ اللَّهُ الشَّرَّ بِالْخَيْرِ وَ أَذْخَلَهُ الْجَنَّةَ وَ إِنْ كَانَ لَهُ فَضْلٌ أَعْطَاهُ اللَّهُ بِفَضْلِهِ وَ إِنْ كَانَ عَلَيْهِ فَضْلٌ وَ هُوَ مِنْ أَهْلِ التَّقْوَى لَمْ يُشْرِكْ بِاللَّهِ تَعَالَى وَ اتَّقَى الشُّرُكَ بِهِ فَهُوَ مِنْ أَهْلِ الْمَغْفِرَةِ يَغْفِرُ اللَّهُ لَهُ بِرَحْمَتِهِ إِنْ شَاءَ وَ يَتَفَضَّلُ عَلَيْهِ بِعَفْوِهِ؛
بحار الأنوار، ج ٧، ص ٢٦٢
٧-٨-٤- أنواع الكفر

﴿ ٢٩٢٦ ﴾ العسكري عليه السلام: فِي قَوْلِهِ تَعَالَى هُدًى لِلْمُتَّقِينَ قَالَ بَيَّانٌ وَ شِفَاءٌ لِلْمُتَّقِينَ مِنْ شَيْعَةِ مُحَمَّدٍ عليه السلام وَ عَلِيِّ عليه السلام إِنَّهُمْ اتَّقَوْا أَنْوَاعَ الْكُفْرِ فَتَرَكُوهَا؛ مستدرک الوسائل، ج ١٢، ص ٢٩٦
٧-٩-٤- كُفْرَانُ النِّعَمِ

﴿ ٢٩٢٧ ﴾ الرسول عليه السلام: اتَّقُوا ثَلَاثًا فَإِنَّهَا مُعَلِّقَاتُ بِالْعَرْشِ تَشْكُو الْخَلْقَ الرَّحِمُ تَقُولُ قُطِعَتْ وَ النِّعْمَةُ تَقُولُ كُفِرَتْ وَ الْعَهْدُ يَقُولُ خُفِرَتْ؛ مستدرک الوسائل، ج ١١، ص ٣٥٢
﴿ ٢٩٢٨ ﴾ الصَّادِق عليه السلام: عَنْ أَبِي بَصِيرٍ قَالَ سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام عَنْ قَوْلِ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ اتَّقُوا اللَّهَ حَتَّى تُقَاتِيَهُ قَالَ يُطَاعُ فَلَا يُعْصَى وَ يُذَكَّرُ فَلَا يُنْسَى وَ يُشْكَرُ فَلَا يُكْفَرُ؛ وسائل الشيعية، ج ١٥، ص ٢٣٥

٧-١٠-٤- مَنْ يَقْطَعُهُ عَنِ اللَّهِ
﴿ ٢٩٢٩ ﴾ الصَّادِق عليه السلام: أَصْلُ الْوَرَعِ ... يَقْطَعُ مَنْ يَقْطَعُهُ عَنِ اللَّهِ؛ بحار الأنوار، ج ٦٧، ص ٣٠٧
٧-١١-٤- اسْتِهْزَاءُ الدِّينِ وَ الْوَهْنُ بِالْأَمْرِ

﴿ ٢٩٣٠ ﴾ الباقر عليه السلام: فَاتَّقُوا اللَّهَ فَإِنَّ اللَّهَ قَدْ أَوْضَحَ لَكُمْ أَعْلَامَ دِينِكُمْ وَ مَنَارَ هُدَاكُمْ فَلَا تَأْخُذُوا أَمْرَكُمْ بِالْوَهْنِ وَ لَا أَذْيَانَكُمْ هُزُوا؛ بحار الأنوار، ج ٢، ص ٩٨

«آنچه اهل پرهیزکاری از آن می‌پرهیزند / در مقابل خدا و پیامبر(ص)»

﴿۲۹۲۳﴾ آیه‌ی: «إِنَّ الْمُتَّقِينَ»، مخصوص علی علیه السلام و حمزه و جعفر و فاطمه علیهم السلام نازل شده است که می‌گوید: در دنیا از شرک و گناهان کوچک و بزرگ تقوا دارند.

﴿۲۹۲۴﴾ منظور از این آیه: «او اهل تقوا و اهل آمرزش است»؛ این است که خداوند بلند مرتبه می‌فرماید: «من شایسته‌ی آن هستم که تقوای من به جای آورده شود و بنده‌ی من، هیچ چیز را شریک من قرار ندهد.

﴿۲۹۲۵﴾ پس اگر عمل خیر و شرّ بنده برابر باشد خدا با حسنات او تمام بدی‌هایش را می‌برد و او را داخل بهشت می‌کند. و اگر دارای فضلی باشد، خدا به فضلش می‌افزاید و اگر بر او فضلی باشد و او از اهل تقوا باشد و به خدای تعالی شرک نورزیده باشد و از شرک به او پرهیز کند، پس او از اهل مغفرت است. و اگر خدا بخواهد او را به سبب رحمتش می‌بخشد و با عفویش بر او تفضل می‌کند.

۸-۷-۶- انواع کفر

﴿۲۹۲۶﴾ در تفسیر آیه‌ی: «هُدًى لِّلْمُتَّقِينَ» فرمود: «قرآن، بیان و شفایی برای شیعیان باتقوای محمد صلی الله علیه و آله و علی علیه السلام است. آنان از انواع کفر پرهیز کرده و آن را ترک کردند.

۹-۷-۶- کفران نعمت

﴿۲۹۲۷﴾ از سه چیز پرهیز کنید که بر عرش آویزانند و از خلائق شکایت می‌کنند، رحمی که می‌گوید: «مرا قطع کردند (قطع رحم کردند)»، نعمتی که می‌گوید: «مرا کفران گفتند [و شکر نکردند]»، و عهدی که می‌گوید: «مرا شکستند».

﴿۲۹۲۸﴾ ابو بصیر گوید: از امام صادق علیه السلام در مورد این آیه: «آن گونه که حقّ تقوا و پرهیزکاری است، از خدا بپرهیزید» سؤال کردم. فرمود: «این پرهیز عبارت از این است که خدا را بدون عصیان اطاعت و بدون فراموشی او را یاد کرد و بدون ناسپاسی شکرش را به جای آورد».

۱۰-۷-۶- آنچه او را از خدا باز دارد

﴿۲۹۲۹﴾ اصل و پایه‌ی تقوا و شیوه پرهیزکاری ... قطع کردن ارتباط و پیوند خود از کسانی که با خدا ارتباط ندارند.

۱۱-۷-۶- به سخره گرفتن دین و سبک شمردن آن

﴿۲۹۳۰﴾ پرهیزکار باشید، خدا نشانه دین شما و چراغ‌های هدایتتان را برایتان واضح ساخته است. پس کارتان را سست نگیرید و دینتان را بازیچه قرار ندهید.

﴿ مَا يَتَّقُونَ مِنْهُ أَهْلُ التَّقْوَى / تَجَاهَ النَّاسِ ﴾

﴿ ٢٩٣١ ﴾ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَتَّخِذُوا الَّذِينَ اتَّخَذُوا دِينَكُمْ هُزُوءًا وَلَعِبًا مِّنَ الَّذِينَ أُوتُوا الْكِتَابَ مِنْ قَبْلِكُمْ وَالْكَفَّارَ أَوْلِيَاءَ وَاتَّقُوا اللَّهَ إِنَّ كُثُومَ مُؤْمِنِينَ؛ المائدة ٥٧
١٢-٧-٦- التَّقَدُّمُ بَيْنَ يَدَيِ اللَّهِ وَرَسُولِهِ

﴿ ٢٩٣٢ ﴾ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَقْدِمُوا بَيْنَ يَدَيِ اللَّهِ وَرَسُولِهِ وَاتَّقُوا اللَّهَ إِنَّ اللَّهَ سَمِيعٌ عَلِيمٌ؛
الحجرات ١

١٣-٧-٦- كِتْمَانُ أَمْرِ مُحَمَّدٍ ﷺ وَ أَمْرِ وَصِيِّهِ ﷺ
﴿ ٢٩٣٣ ﴾ الْعَسْكَرِيُّ ﷺ: قَالَ عَزَّ وَجَلَّ وَإِيَّايَ فَاتَّقُونِ فِي كِتْمَانِ أَمْرِ مُحَمَّدٍ ص وَ أَمْرِ وَصِيِّهِ؛
بحار الأنوار، ج ٩، ص ١٧٨

١٤-٧-٦- أَنْ يَكُونَ مِنَ الَّذِينَ لَا دِينَ لَهُمْ
﴿ ٢٩٣٤ ﴾ الصَّادِقُ ﷺ: فَلْيَتَّقِ اللَّهَ أَمْرُؤُ وَ لِيَحْذَرُ أَنْ يَكُونَ مِنْهُمْ؛ تهذيب الأحكام، ج ٦، ص ١٣٣
١٥-١-٦- أَنْ يَكُونَ مِنَ الَّذِينَ لَا يَرْجُو لِلَّهِ وَقَارًا

﴿ ٢٩٣٥ ﴾ أمير المؤمنين ﷺ: فَاتَّقِ اللَّهَ وَ لَا تَكُنْ مِمَّنْ لَا يَرْجُو لِلَّهِ وَقَارًا؛ بحار الأنوار، ج ٣٣، ص ٨٤

٨-٦- تَجَاهَ النَّاسِ

١-٨-٦- مَعْصِيَةُ الْوَالِدَيْنِ

﴿ ٢٩٣٦ ﴾ أمير المؤمنين ﷺ: فَاتَّقُوا اللَّهَ وَ لَا تَعْصُوا الْوَالِدَيْنِ؛ الكافي، ج ١، ص ٤٢٨

٢-٨-٦- الظُّلْمُ بِالزَّوْجَةِ

﴿ ٢٩٣٧ ﴾ الْحَسَنُ ﷺ: جَاءَ رَجُلٌ إِلَى الْحَسَنِ ﷺ يَسْتَشِيرُهُ فِي تَزْوِيجِ ابْنَتِهِ فَقَالَ زَوْجَهَا مِنْ رَجُلٍ تَقَى فَإِنَّهُ إِنْ أَحَبَّهَا أَكْرَمَهَا وَ إِنْ أَبْغَضَهَا لَمْ يَظْلِمَهَا؛ مكارم الأخلاق، ص ٢٠٤
٣-٨-٦- قَطِيعَةُ الرَّحِمِ

﴿ ٢٩٣٨ ﴾ الرَّسُولُ ﷺ: فَاتَّقُوا اللَّهَ وَ ارْجِعُوا عَمَّا أَنْتُمْ عَلَيْهِ مِنَ الظُّلْمِ وَ الْجَوْرِ وَ قَطِيعَةِ الرَّحِمِ؛
بحار الأنوار، ج ١٩، ص ٣

﴿ ٢٩٣٩ ﴾ الرَّسُولُ ﷺ: اتَّقُوا ثَلَاثًا فَإِنَّهَا مُعَلَّقَاتُ بِالْعَرْشِ تَشْكُو الْخَلْقَ الرَّحِمُ تَقُولُ قُطِعْتَ وَ النَّعْمَةُ تَقُولُ كُفِرْتَ وَ الْعَهْدُ يَقُولُ خُفِرْتَ؛ مستدرك الوسائل، ج ١١، ص ٣٥٢

﴿ ٢٩٤٠ ﴾ الصَّادِقُ ﷺ: عَنْ حُذَيْفَةَ بْنِ مَنْصُورٍ قَالَ قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ ﷺ اتَّقُوا الْحَالِقَةَ فَإِنَّهَا تُمِيتُ الرِّجَالَ قُلْتُ وَ مَا الْحَالِقَةُ قَالَ قَطِيعَةُ الرَّحِمِ؛ الكافي، ج ٢، ص ٣٤٦
﴿ ٨٧٠ ﴾

«آنچه اهل پرهیزکاری از آن می‌پرهیزند / در مقابل مردم»

﴿۲۹۳۱﴾ ای کسانی که ایمان آورده‌اید! افرادی که آیین شما را به باد استهزاء و بازی می‌گیرند - از اهل کتاب و مشرکان - ولیّ خود انتخاب نکنید و از خدا بپرهیزید اگر ایمان دارید!

۶-۷-۱۲ پیشی گرفتن از خدا و پیامبر ﷺ

﴿۲۹۳۲﴾ ای کسانی که ایمان آورده‌اید! چیزی را بر خدا و رسولش مقدّم نشمرید (و پیشی بگیرید)، و تقوای الهی پیشه کنید که خداوند شنوا و داناست!

۶-۱-۱۳ مخفی نگاه داشتن امر پیامبر ﷺ و جانشین او

﴿۲۹۳۳﴾ خداوند فرموده است: «و تنها از من [و مخالفت دستورهایم] بترسید [نه از مردم]!؛ در مورد کتمان امر محمد ﷺ و امر وصیّ او از من بترسید.

۶-۱-۱۴ قرارداد داشتن در میان آنان که دین ندارند

﴿۲۹۳۴﴾ فرد باید تقوا پیشه کند و از آنان [که دین ندارند] نباشد.

۶-۱-۱۵ قرارداد داشتن در میان آنان که برای خدا عظمت قائل نیستند

﴿۲۹۳۵﴾ پس از خدا بترس و از جمله کسانی نباش که برای خدا عظمت قائل نیستند.

۶-۸ در مقابل مردم

۶-۸-۱ نافرمانی پدر و مادر

﴿۲۹۳۶﴾ از خدا پروا کنید و نافرمانی پدر و مادر را نکنید.

۶-۸-۲ ظلم به همسر

﴿۲۹۳۷﴾ مردی نزد امام حسن علیّه السلام آمد و در مورد ازدواج دخترش از ایشان مشورت خواست. فرمود: «او را به ازدواج مردی با تقوا دریاور که چنین فردی اگر دخترت را دوست داشته باشد، گرامی‌اش می‌دارد اما اگر از او بدش بیاید، به خاطر صفت تقوایش به دخترت ظلم نمی‌کند».

۶-۸-۳ قطع رحم

﴿۲۹۳۸﴾ از ظلم و عناد و لجاجت و قطع رحم دست بردارید و از خداوند بترسید.

﴿۲۹۳۹﴾ از سه چیز پرهیز کنید که بر عرش آویزانند و از خلائق شکایت می‌کنند، رحمی که می‌گوید: «مرا قطع کردند (قطع رحم کردند)»، نعمتی که می‌گوید: «مرا کفران گفتند [و شکر نکردند]»، و عهده‌ای که می‌گوید: «مرا شکستند».

﴿۲۹۴۰﴾ حذیفه بن منصور گوید: امام صادق علیّه السلام فرمود: «از حلقه بپرهیزید؛ چراکه آن انسان را می‌میراند [و به نابودی می‌کشاند]». عرض کردم: «حلقه چیست؟» فرمود: «قطع رحم است».

﴿ مَا يَتَّقُونَ مِنْهُ أَهْلُ التَّقْوَى / تَجَاهَ النَّاسِ ﴾

٤-٨-٤- الإضرارُ بِالْجَارِ

﴿٢٩٤١﴾ أمير المؤمنين عليه السلام: فَالْمُتَّقُونَ ... لَا يُنَابِزُ بِالْأَلْقَابِ وَلَا يُضَارُّ بِالْجَارِ وَلَا يَشْمَتُ

بِالْمَصَائِبِ؛ نهج البلاغة، ص ٣٠٣

٤-٨-٥- التَّقْصِيرُ فِي حُقُوقِ إِخْوَانِكُمُ الْمُؤْمِنِينَ

﴿٢٩٤٢﴾ العسكري عليه السلام: فَاتَّقُوا اللَّهَ وَلَا تَتَعَرَّضُوا لِمَقْتِ اللَّهِ بِتَرْكِ التَّقِيَّةِ وَالتَّقْصِيرِ فِي

حُقُوقِ إِخْوَانِكُمُ الْمُؤْمِنِينَ؛ بحار الأنوار، ج ٧١، ص ٢٢٩

٤-٨-٦- سِتْرُ الْعُلُومِ عَنْ أَهْلِهَا الْمُسْتَحَقِّينَ لَهَا

﴿٢٩٤٣﴾ العسكري عليه السلام: فِي قَوْلِهِ تَعَالَى هُدًى لِلْمُتَّقِينَ قَالَ بَيَّانٌ وَشِفَاءٌ لِلْمُتَّقِينَ مِنْ شَيْعَةِ

مُحَمَّدٍ صلى الله عليه وآله وَ عَلَى عليه السلام إِنَّهُمْ اتَّقَوْا ... سِتْرَ الْعُلُومِ عَنْ أَهْلِهَا الْمُسْتَحَقِّينَ لَهَا وَ فِيهِمْ نَشْرُوهَا؛

مستدرک الوسائل، ج ١٢، ص ٢٩٦

٤-٨-٧- مُجَالَسَةُ مَنْ يُشْكَلُ عَلَيْهِ الْوَاضِحُ

﴿٢٩٤٤﴾ الصادق عليه السلام: أَصْلُ الْوَرَعِ ... تَرْكُ فَتْحِ أَبْوَابٍ لَا يَدْرِي كَيْفَ يُغْلِقُهَا وَلَا يُجَالِسُ مَنْ

يُشْكَلُ عَلَيْهِ الْوَاضِحُ؛ بحار الأنوار، ج ٦٧، ص ٣٠٧

٤-٨-٨- مُصَاحَبَةُ مُسْتَخْفِي الدِّينِ

﴿٢٩٤٥﴾ الصادق عليه السلام: أَصْلُ الْوَرَعِ ... لَا يُصَاحِبُ مُسْتَخْفِي الدِّينِ؛ بحار الأنوار، ج ٦٧، ص ٣٠٧

٤-٨-٩- طَاعَةُ الْكَافِرِينَ وَالْمُنَافِقِينَ

﴿٢٩٤٦﴾ يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ اتَّقِ اللَّهَ وَلَا تُطِعِ الْكَافِرِينَ وَالْمُنَافِقِينَ إِنَّ اللَّهَ كَانَ عَلِيمًا حَكِيمًا؛ الأحزاب ١

٤-٨-١٠- وَلَايَةُ الطَّوَاعِغِ

﴿٢٩٤٧﴾ الصادق عليه السلام: مَنْ أَعْطَى الْخُمْسَ وَاتَّقَى وَلَايَةَ الطَّوَاعِغِ ... فَسَيُسْرُهُ لِلْيُسْرِ؛

مستدرک الوسائل، ج ٧، ص ٢٨٠

٤-٨-١١- الْأَذَى

٤-٨-١١-١- أَذَى الْمُؤْمِنِينَ

﴿٢٩٤٨﴾ الصادق عليه السلام: وَاعْلَمْ أَنَّهُ لَا وَرَعَ أَنْفَعُ مِنْ تَجَنُّبِ مَحَارِمِ اللَّهِ وَ الْكَفِّ عَنْ أَذَى

الْمُؤْمِنِينَ وَ اغْتِيَابِهِمْ؛ الكافي، ج ٨، ص ٢٤٤

«آنچه اهل پرهیزکاری از آن می‌پرهیزند / در مقابل مردم»

۴-۸-۶- زیان‌زدن به همسایه

﴿۲۹۴۱﴾ پرهیزکاران ... احدی را با لقب زشت صدا نمی‌کند، به همسایه زیان نمی‌زند، به بلاهایی که به سر مردم می‌آید شادی نمی‌نماید.

۵-۸-۶- کوتاهی در ادای حقوق برادران مؤمن

﴿۲۹۴۲﴾ از خدا بترسید و خود را به سبب ترک تقیه و تقصیر در ادای حقوق برادران خود، دچار دشمنی با خدا نکنید.

۶-۸-۶- مخفی کردن دانش از افراد سزاوار

﴿۲۹۴۳﴾ در تفسیر آیه‌ی: «هُدًی لِّلْمُتَّقِينَ» فرمود: «قرآن، بیان و شفای برای شیعیان باتقوای محمد ﷺ و علی علیه السلام است. آنان ... از پوشاندن علم [اهل بیت] بر افرادی که اهل آن هستند و استحقاق درک آن را دارند، پرهیز کرده و آن را در بین آنان نشر داده‌اند.

۷-۸-۶- همنشینی با کسی که وضاحت را برای تو مشکل می‌کند

﴿۲۹۴۴﴾ اصل و پایه‌ی تقوا و شیوه پرهیزکاری ... دری را که راه بستن آن را نمی‌داند به روی خود نگشودن، همنشینی نکردن با افرادی که وضاحت را برای تو مشکل می‌کنند.

۸-۸-۶- دوستی با کسانی که دین را سبک می‌شمرند

﴿۲۹۴۵﴾ اصل و پایه‌ی تقوا و شیوه پرهیزکاری ... رفاقت و دوستی نکردن با افرادی که دین و امور دینی را سبک می‌شمرند.

۹-۸-۶- فرمان‌بری از کافران و منافقان

﴿۲۹۴۶﴾ ای پیامبر! تقوای الهی پیشه کن و از کافران و منافقان اطاعت مکن که خداوند عالم و حکیم است.

۱۰-۸-۶- ولایت‌پذیری طاغوت

﴿۲۹۴۷﴾ هر کس خمسه را بپردازد و از پذیرش ولایت طاغوت بپرهیزد؛ امرش را آسان خواهیم کرد.

۱۱-۸-۶- آزار

۱-۱۱-۸- آزار مؤمنین

﴿۲۹۴۸﴾ آگاه باش که هیچ پرهیزکاری پرسودتر از دوری از گناهان و بازداری [خویشتن] از آزاررسانی به مؤمنین و غیبت‌نمودن از آنان نیست.

﴿ مَا يَتَّقُونَ مِنْهُ أَهْلُ التَّقْوَى / تَجَاهَ النَّاسِ ﴾

٢-١١-٨-٤- أَدَى النَّاسِ

﴿ ٢٩٤٩ ﴾ أمير المؤمنين عليه السلام: كَيْفَ تَكُونُ مُسْلِمًا وَلَا يَسْلَمُ النَّاسُ مِنْكَ وَكَيْفَ تَكُونُ مُؤْمِنًا وَلَا تَأْمَنُكَ النَّاسُ وَكَيْفَ تَكُونُ مُتَّقِيًا وَالنَّاسُ يَتَّقُونَ أَذَاكَ؛ مجموعة ورام، ج ٢، ص ٢٢٧

١٢-٨-٤- الْبَخْسُ

﴿ ٢٩٥٠ ﴾ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِذَا تَدَايَيْتُمْ بِدِينٍ إِلَى أَجَلٍ مُسَمًّى فَالْكُتْبُ وَلَيْكُتْبُ بَيْنَكُمْ كَاتِبٌ بِالْعَدْلِ وَلَا يَأْبَ كَاتِبٌ أَنْ يَكْتُبَ كَمَا عَلَّمَهُ اللَّهُ فَلْيَكُتْبْ وَلْيَمْلِلِ الَّذِي عَلَيْهِ الْحَقُّ وَلْيَتَّقِ اللَّهَ رَبَّهُ وَلَا يَبْخَسْ مِنْهُ شَيْئًا؛ البقرة ٢٨٢

١٣-٨-٤- الْحَسَدُ

﴿ ٢٩٥١ ﴾ أمير المؤمنين عليه السلام: لَيْسَ الْحَسَدُ مِنْ خُلُقِ الْأَتْقِيَاءِ؛ مستدرک الوسائل، ج ١٢، ص ٢٣

﴿ ٢٩٥٢ ﴾ أمير المؤمنين عليه السلام: فَاتَّقُوا اللَّهَ وَلَا تَكُونُوا لِنِعْمِهِ عَلَيْكُمْ أُضْدَادًا وَلَا لِفَضْلِهِ عِنْدَكُمْ حُسَادًا؛ بحار الأنوار، ج ١٤، ص ٤٦٧

﴿ ٢٩٥٣ ﴾ الصّادق عليه السلام: فَاتَّقُوا اللَّهَ وَلَا يَحْسُدَنَّ بَعْضُكُمْ بَعْضًا؛ بحار الأنوار، ج ١٤، ص ٢٥٥

﴿ ٢٩٥٤ ﴾ أمير المؤمنين عليه السلام: مَنْ اتَّقَى قَلْبُهُ لَمْ يَدْخُلْهُ الْحَسَدُ؛ غرر الحكم، ص ٣٠٠

١٤-٨-٤- خَفَرُ الْعَهْدِ

﴿ ٢٩٥٥ ﴾ الرّسول ﷺ: اتَّقُوا ثَلَاثًا فَإِنَّهَا مُعَلِّقَاتُ بِالْعَرْشِ تَشْكُو الْخَلْقَ الرَّحِمُ تَقُولُ قُطِعَتْ وَ النِّعْمَةُ تَقُولُ كُفِرَتْ وَ الْعَهْدُ يَقُولُ خُفِرَتْ؛ مستدرک الوسائل، ج ١١، ص ٣٥٢

١٥-٨-٤- الْمُخَاصِمَةُ

﴿ ٢٩٥٦ ﴾ الصّادق عليه السلام: لَا يُخَاصِمُ إِلَّا رَجُلٌ لَيْسَ لَهُ وَرَعٌ أَوْ رَجُلٌ شَاكٍ؛ وسائل الشيعة، ج ١٦، ص ٢٠٠

١٦-٨-٤- الْعَدَاوَةُ

﴿ ٢٩٥٧ ﴾ العسكري عليه السلام: وَاتَّقُوا الْحَمِيَّةَ وَالْغَضَبَ وَالْعَدَاوَةَ وَالنِّمِيَّةَ وَمَا لَمْ تَرْضَوْهُ أَنْ يُؤْتَى إِلَيْكُمْ فَلَا تَأْتُوهُ إِلَى أَحَدٍ؛ بحار الأنوار، ج ٧٥، ص ٤٤٣

١-١٦-٨-٤- مَهَابِطُ الْعُدُوَانِ

﴿ ٢٩٥٨ ﴾ أمير المؤمنين عليه السلام: اتَّقُوا مَدَارِجَ الشَّيْطَانِ وَمَهَابِطَ الْعُدُوَانِ؛ نهج البلاغة، ص ٢١١

«آنچه اهل پرهیزکاری از آن می‌پرهیزند / در مقابل مردم»

۲-۱۱-۶-آزار مردم

﴿۲۹۴۹﴾ چگونه ممکن است مسلمان باشی درحالی که مردم از تو در سلامت نیستند؟! چگونه ممکن است مؤمن باشی درحالی که مردم از تو در امان نیستند؟! چگونه ممکن است با تقوا باشی درحالی که مردم از آزارهای تو در هراسند؟

۱۲-۶- کوتاهی نگارنده در قراردادهای مالی

﴿۲۹۵۰﴾ ای کسانی که ایمان آورده‌اید! هنگامی که بدهی مدّت‌داری (به خاطر وام یا داد و ستد) به یکدیگر پیدا کنید، آن را بنویسید! و باید نویسنده‌ای از روی عدالت، (سند را) در میان شما بنویسد! و کسی که قدرت بر نویسندگی دارد، نباید از نوشتن - همان طور که خدا به او تعلیم داده - خودداری کند! پس باید بنویسد، و آن کس که حق بر عهده اوست، باید املا کند، و از خدا که پروردگار اوست بپرهیزد، و چیزی را فروگذار ننماید!

۱۳-۶- حسادت

﴿۲۹۵۱﴾ حسادت از اخلاق باتقوایان نیست.
﴿۲۹۵۲﴾ از خدا پروا کنید، و با نعمت‌هایش به ستیزه برنخیزید، و به احسان او بر خودتان حسادت نورزید.

﴿۲۹۵۳﴾ از خدا پروا کنید و به یکدیگر حسادت نکنید.
﴿۲۹۵۴﴾ کسی که قلبش تقوا دارد، حسد وارد آن نمی‌شود.

۱۴-۶- عهدشکنی

﴿۲۹۵۵﴾ از سه چیز پرهیز کنید که بر عرش آویزانند و از خلائق شکایت می‌کنند، رحمی که می‌گوید: «مرا قطع کردند (قطع رحم کردند)»، نعمتی که می‌گوید: «مرا کفران گفتند [و شکر نکردند]»، و عهده‌ای که می‌گوید: «مرا شکستند».

۱۵-۶- مجادله

﴿۲۹۵۶﴾ جز فردی که ورع ندارد یا شخصی که در وجود خدا شک دارد، کسی در موضوع وجود خدا بحث و مجادله نمی‌کند.

۱۶-۶- دشمنی

﴿۲۹۵۷﴾ از حمیت و خشم و دشمنی و سخن‌چینی و هر چه نسبت به خود اکراه دارید، بر کنار باشید و برای دیگری روا ندارید.

۱-۱۶-۶- راه‌های دشمنی

﴿۲۹۵۸﴾ از راه‌های شیطان و موارد کینه و دشمنی پرهیز کنید.

﴿ مَا يَتَّقُونَ مِنْهُ أَهْلُ التَّقْوَى / تَجَاهَ النَّاسِ ﴾

١٧-٨-٤- الغضبُ

﴿ ٢٩٥٩ ﴾ العسكري عليه السلام: وَاتَّقُوا الْحَمِيَّةَ وَالْغَضَبَ وَالْعَدَاوَةَ وَالنَّمِيمَةَ وَمَا لَمْ تَرْضَوْهُ أَنْ يُؤْتَى إِلَيْكُمْ فَلَا تَأْتُوهُ إِلَى أَحَدٍ؛ بحار الأنوار، ج ٧٥، ص ٤٤٣
﴿ ٢٩٦٠ ﴾ الباقر عليه السلام: إِنَّ طَبَائِعَ النَّاسِ كُلَّهَا مُرَكَّبَةٌ عَلَى الشَّهْوَةِ وَالرَّغْبَةِ وَالْحِرْصِ وَالرَّهْبَةِ وَالْغَضَبِ وَاللَّذَّةِ إِلَّا أَنَّ فِي النَّاسِ مَنْ زَمَّ هَذِهِ الْخِلَالَ بِالتَّقْوَى وَالْحَيَاءِ وَالْأَنَفِ؛ مستدرک الوسائل،

ج ١١، ص ٢١٢

١٨-٨-٤- تَشَفَّى الْغَيْظِ

﴿ ٢٩٦١ ﴾ الرسول ﷺ: مَنْ اتَّقَى رَبَّهُ كُلَّ لِسَانُهُ وَلَمْ يَشَفْ غَيْظُهُ؛ كشف الريبة، ص ٢٩
١٩-٨-٤- الظُّلْمُ وَالْبَغْيُ وَالْجَوْرُ وَالْحَمِيَّةُ

١-١٩-٨-٤- الظُّلْمُ

﴿ ٢٩٦٢ ﴾ الرسول ﷺ: فَاتَّقُوا اللَّهَ وَارْجِعُوا عَمَّا أَنْتُمْ عَلَيْهِ مِنَ الظُّلْمِ وَالْجَوْرِ وَقَطِيعَةِ الرَّحِمِ؛

بحار الأنوار، ج ١٩، ص ٣

﴿ ٢٩٦٣ ﴾ الرسول ﷺ: اتَّقُوا الظُّلْمَ فَإِنَّهُ ظُلُمَاتُ يَوْمِ الْقِيَامَةِ؛ الكافي، ج ٢، ص ٣٣٢
﴿ ٢٩٦٤ ﴾ الحسن عليه السلام: جَاءَ رَجُلٌ إِلَى الْحَسَنِ عليه السلام يَسْتَشِيرُهُ فِي تَزْوِيجِ ابْنَتِهِ فَقَالَ زَوْجُهَا مِنْ رَجُلٍ تَقِيَّ فَإِنَّهُ إِنْ أَحَبَّهَا أَكْرَمَهَا وَإِنْ أَبْغَضَهَا لَمْ يَطْلُمَهَا؛ مكارم الأخلاق، ص ٢٠٤
٢-١٩-٨-٤- البغْيُ

﴿ ٢٩٦٥ ﴾ أمير المؤمنين عليه السلام: اتَّقُوا الْبَغْيَ فَإِنَّهُ يَجْلِبُ النِّقَمَ وَيَسْلُبُ النِّعَمَ وَيُوجِبُ الْغَيْرَ؛

مستدرک الوسائل، ج ١٢، ص ٨٧

٣-١٩-٨-٤- الجَوْرُ

﴿ ٢٩٦٦ ﴾ الرسول ﷺ: فَاتَّقُوا اللَّهَ وَارْجِعُوا عَمَّا أَنْتُمْ عَلَيْهِ مِنَ الظُّلْمِ وَالْجَوْرِ وَقَطِيعَةِ الرَّحِمِ؛

بحار الأنوار، ج ١٩، ص ٣

٤-١٩-٨-٤- الْحَمِيَّةُ

﴿ ٢٩٦٧ ﴾ العسكري عليه السلام: وَاتَّقُوا الْحَمِيَّةَ وَالْغَضَبَ وَالْعَدَاوَةَ وَالنَّمِيمَةَ وَمَا لَمْ تَرْضَوْهُ أَنْ يُؤْتَى إِلَيْكُمْ فَلَا تَأْتُوهُ إِلَى أَحَدٍ؛ بحار الأنوار، ج ٧٥، ص ٤٤٣

﴿آنچه اهل پرهیزکاری از آن می‌پرهیزند / در مقابل مردم﴾

۱۷-۸-۶- خشم

﴿۲۹۵۹﴾ از حمیت و خشم و دشمنی و سخن‌چینی و هر چه نسبت به خود اکراه دارید، بر کنار باشید و برای دیگری روا ندارید.

﴿۲۹۶۰﴾ طبع مردم ترکیبی از شهوت و میل و حرص و ترس و غضب و لذت است مگر آنکه شخصی در این میان با تقوا و حیا و بزرگ‌منشی بر آن مهار بزند.

۱۸-۸-۶- بیرون‌ریختن خشم

﴿۲۹۶۱﴾ هر کس از خدا بترسد، زبانش کند می‌شود و خشم خویش را آشکار نمی‌کند.

۱۹-۸-۶- ظلم و سرکشی و جور و حمایت نابجا

۱-۱۹-۸-۶- ظلم

﴿۲۹۶۲﴾ از ظلم و عناد و لجajt و قطع رحم دست بردارید و از خداوند بترسید.

﴿۲۹۶۳﴾ خود را از ستم باز دارید که آن تاریکی روز قیامت است.

﴿۲۹۶۴﴾ مردی نزد امام حسن علیه السلام آمد و در مورد ازدواج دخترش از ایشان مشورت خواست. فرمود: «او را به ازدواج مردی با تقوا دریاور که چنین فردی اگر دختری را دوست داشته باشد، گرامی‌اش می‌دارد اما اگر از او بدش بیاید، به خاطر صفت تقوایش به دختری ظلم نمی‌کند».

۲-۱۹-۸-۶- سرکشی

﴿۲۹۶۵﴾ از ستم بپرهیزید که گرفتاری به بار می‌آورد و نعمت را سلب می‌کند و موجب تغییر [نعمت] می‌شود.

۳-۱۹-۸-۶- جور

﴿۲۹۶۶﴾ از ظلم و عناد و لجajt و قطع رحم دست بردارید و از خداوند بترسید.

۴-۱۹-۸-۶- تعصب نابجا

﴿۲۹۶۷﴾ از حمیت و خشم و دشمنی و سخن‌چینی و هر چه نسبت به خود اکراه دارید، بر کنار باشید و برای دیگری روا ندارید.

﴿ مَا يَتَّقُونَ مِنْهُ أَهْلُ التَّقْوَى / تَجَاهِ النَّاسِ ﴾

٥-١٩-٨-٦- الحيفُ عَلَى مَنْ يُبْغِضُ

﴿٢٩٦٨﴾ أمير المؤمنين عليه السلام: فَأَلْمَتُّونَ ... لَا يَحِيفُ عَلَى مَنْ يُبْغِضُ وَلَا يَأْتُمُّ فِيمَنْ يُحِبُّ؛

نهج البلاغة، ص ٣٠٣

٢٠-٨-٦- الغشُّ

﴿٢٩٦٩﴾ الرسول ﷺ: فَقَالَ لَهَا رَسُولُ اللَّهِ ﷺ إِذَا بَعْتَ فَأَحْسِنِي وَلَا تَغْشِي فَإِنَّهُ أَتَقَى لِلَّهِ وَ

أَتَقَى لِلْمَالِ؛ الكافي، ج ٥، ص ١٥١

٢١-٨-٦- الكبيرُ

﴿٢٩٧٠﴾ أمير المؤمنين عليه السلام: فَأَلْمَتُّونَ ... بُعْذُهُ عَمَّنْ تَبَاعَدَ عَنْهُ زُهْدٌ وَنَزَاهَةٌ وَدُؤُهُ مِمَّنْ دَنَا

مِنْهُ لَيْنٌ وَرَحْمَةٌ لَيْسَ تَبَاعَدُهُ بِكَبِيرٍ وَعَظَمَةٌ وَلَا دُؤُهُ بِمَكْرٍ وَخَدِيعَةٍ؛ نهج البلاغة، ص ٣٠٣

١-٢١-٨-٦- طَلَبُ الْعِزَّةِ وَالْعُلُوِّ عِنْدَ النَّاسِ

﴿٢٩٧١﴾ الصادق عليه السلام: فَإِذَا أَكْرَمَ اللَّهُ الْعَبْدَ بِهَذِهِ الثَّلَاثِ هَانَ عَلَيْهِ الدُّنْيَا وَإِيلَيسُ وَالْخَلْقُ وَ

لَا يَطْلُبُ الدُّنْيَا تَكَاثُرًا وَتَفَاحُشًا وَلَا يَطْلُبُ عِنْدَ النَّاسِ عِزًّا وَعُلُوًّا وَلَا يَدْعُ أَيَّامَهُ بَاطِلًا فَهَذَا أَوَّلُ

دَرَجَةِ الْمُتَّقِينَ؛ مشكاة الأنوار، ص ٣٢٥

٢-٢١-٨-٦- الْعَظَمَةُ

﴿٢٩٧٢﴾ أمير المؤمنين عليه السلام: فَأَلْمَتُّونَ ... بُعْذُهُ عَمَّنْ تَبَاعَدَ عَنْهُ زُهْدٌ وَنَزَاهَةٌ وَدُؤُهُ مِمَّنْ دَنَا

مِنْهُ لَيْنٌ وَرَحْمَةٌ لَيْسَ تَبَاعَدُهُ بِكَبِيرٍ وَعَظَمَةٌ وَلَا دُؤُهُ بِمَكْرٍ وَخَدِيعَةٍ؛ نهج البلاغة، ص ٣٠٣

٣-٢١-٨-٦- التَّفَاخُرُ

﴿٢٩٧٣﴾ الصادق عليه السلام: فَإِذَا أَكْرَمَ اللَّهُ الْعَبْدَ بِهَذِهِ الثَّلَاثِ هَانَ عَلَيْهِ الدُّنْيَا وَإِيلَيسُ وَالْخَلْقُ وَ

لَا يَطْلُبُ الدُّنْيَا تَكَاثُرًا وَتَفَاحُشًا وَلَا يَطْلُبُ عِنْدَ النَّاسِ عِزًّا وَعُلُوًّا وَلَا يَدْعُ أَيَّامَهُ بَاطِلًا فَهَذَا أَوَّلُ

دَرَجَةِ الْمُتَّقِينَ؛ مشكاة الأنوار، ص ٣٢٥

٤-٢١-٨-٦- الْمُبَاهَاةُ مَعَ النَّاسِ

﴿٢٩٧٤﴾ الصادق عليه السلام: إِذَا اشْتَغَلَ الْعَبْدُ بِمَا أَمَرَهُ اللَّهُ تَعَالَى وَنَهَاهُ لَا يَتَفَرَّغُ مِنْهُمَا إِلَى الْمِرَاءِ وَ

الْمُبَاهَاةِ مَعَ النَّاسِ ... فَهَذَا أَوَّلُ دَرَجَةِ التَّقَى؛ بحار الأنوار، ج ١، ص ٢٢٦

«آنچه اهل پرهیزکاری از آن می پرهیزند / در مقابل مردم»

۵-۱۹-۶-۸- ستم بر آن که مورد بغض است

«۲۹۶۸» پرهیزکاران ... بر دشمن ستم نمی کنند، و به خاطر محبوبشان مرتکب گناه نمی شوند.

۲۰-۶-۸- ناراستی

«۲۹۶۹» پیامبر ﷺ به او (زینب کَلَّاج عطر فروش) فرمود: «هرگاه جنسی می فروشی جنس خوبی بفروش، و در معامله غش نکن، که این روش به تقوا نزدیک تر و برای ماندن مال [و برکت داشتن آن] بهتر است»

۲۱-۶-۸- کبر

«۲۹۷۰» پرهیزکاران ... دوری اش از آن که دوری می کند محض زهد و پاک ماندن، و نزدیکی اش به آن که نزدیک می شود به خاطر نرمی و رحمت است، دوری اش از راه تکبر و خودخواهی، و نزدیکی اش از باب مکر و فریب نیست.

۱-۲۱-۶-۸- عزت طلبی از مردم

«۲۹۷۱» وقتی خداوند به بنده اش این سه صفت را کرامت کند، [شرّ دنیا و ابلیس و همه ی خلائق برای او آسان می شود و آن ها عبارتند از: در دنیا به دنبال زیاده طلبی و تفاخر نیستند، عزّت و بزرگی را از مردم طلب نمی کنند [بلکه از خدا می طلبند] و روزگار خود را به بطالت سپری نمی کنند. و این اولین درجه ی تقواست.

۲-۲۱-۶-۸- بزرگی

«۲۹۷۲» پرهیزکاران ... دوری اش از آن که دوری می کند محض زهد و پاک ماندن، و نزدیکی اش به آن که نزدیک می شود به خاطر نرمی و رحمت است، دوری اش از راه تکبر و خودخواهی، و نزدیکی اش از باب مکر و فریب نیست.

۳-۲۱-۶-۸- فخر فروشی

«۲۹۷۳» وقتی خداوند به بنده اش این سه صفت را کرامت کند، [شرّ دنیا و ابلیس و همه ی خلائق برای او آسان می شود و آن ها عبارتند از: در دنیا به دنبال زیاده طلبی و تفاخر نیستند، عزّت و بزرگی را از مردم طلب نمی کنند [بلکه از خدا می طلبند] و روزگار خود را به بطالت سپری نمی کنند. و این اولین درجه ی تقواست.

۴-۲۱-۶-۸- تفاخر نزد مردم

«۲۹۷۴» اگر کسی به انجام اوامر و ترک نواهی مشغول شود دیگر با مردم فخر و مباهات و مجادله نمی کند ... و این اولین درجه ی تقوا است.

﴿ مَا يَتَّقُونَ مِنْهُ أَهْلُ التَّقْوَى / تَجَاهُ النَّفْسِ ﴾

٢٢-٨-٤- المَكْرُ

﴿ ٢٩٧٥ ﴾ أمير المؤمنين عليه السلام: فَأَلْمَتُّونَ ... بَعْدَهُ عَمَّنْ تَبَاعَدَ عَنْهُ زُهْدٌ وَنَزَاهَةٌ وَدُنُوهُ مِمَّنْ دَنَا مِنْهُ لِينٌ وَرَحْمَةٌ لَيْسَ تَبَاعُدُهُ بِكَبِيرٍ وَعَظَمَةٌ وَلَا دُنُوهُ بِمَكْرٍ وَخَدِيعَةٍ؛ نهج البلاغة، ص ٣٠٣
٢٢-٨-٤- الخَدِيعَةُ

﴿ ٢٩٧٦ ﴾ أمير المؤمنين عليه السلام: فَأَلْمَتُّونَ ... بَعْدَهُ عَمَّنْ تَبَاعَدَ عَنْهُ زُهْدٌ وَنَزَاهَةٌ وَدُنُوهُ مِمَّنْ دَنَا مِنْهُ لِينٌ وَرَحْمَةٌ لَيْسَ تَبَاعُدُهُ بِكَبِيرٍ وَعَظَمَةٌ وَلَا دُنُوهُ بِمَكْرٍ وَخَدِيعَةٍ؛ نهج البلاغة، ص ٣٠٣
٢٢-٨-٤- الغُرُورُ

﴿ ٢٩٧٧ ﴾ أمير المؤمنين عليه السلام: فَاتَّقُوا اللَّهَ عِبَادَ اللَّهِ تَقِيَّةَ ذِي لُبٍّ ... لَمْ تَفْتِلْهُ فَاتِلَاتُ الْغُرُورِ وَلَمْ تَعَمْ عَلَيْهِ مُشْتَبِهَاتُ الْأُمُورِ؛ نهج البلاغة، ص ١١١
٢٢-٨-٤- غُرُورُ الدُّنْيَا

﴿ ٢٩٧٨ ﴾ أمير المؤمنين عليه السلام: اتَّقُوا غُرُورَ الدُّنْيَا فَإِنَّهَا تَسْتَرْجِعُ [تترجع] أَبَدًا مَا خَدَعَتْ بِهِ مِنْ الْمَحَاسِنِ وَتُزْعِجُ الْمُطْمَئِنِّ إِلَيْهَا وَالْقَاطِنِ؛ غررالحكم، ص ١٣٥
٩-٤- تَجَاهُ النَّفْسِ
٩-٤-١- الْأَمَلُ

﴿ ٢٩٧٩ ﴾ أمير المؤمنين عليه السلام: عِبَادَ اللَّهِ إِنَّ تَقْوَى اللَّهِ حَمَتُ أَوْلِيَاءَ اللَّهِ مَحَارِمَهُ وَالْزَمَتُ قُلُوبَهُمْ مَخَافَتَهُ حَتَّى أَسْهَرَتْ لَيَالِيَهُمْ وَأَظْلَمَاتُ هَوَاجِرِهِمْ فَأَخَذُوا الرَّاحَةَ بِالنَّصَبِ وَالرِّىَّ بِالْظُّمَاءِ وَاسْتَقْرَبُوا الْأَجَلَ فَبَادَرُوا الْعَمَلَ وَكَذَّبُوا الْأَمَلَ فَلَا حَظَّوَا الْأَجَلَ؛ نهج البلاغة، ص ١٦٩
٩-٤-١-١- بَاطِلُ الْأَمَلِ

﴿ ٢٩٨٠ ﴾ أمير المؤمنين عليه السلام: اتَّقُوا بَاطِلَ الْأَمَلِ فَرُبَّ مُسْتَقْبَلِ يَوْمٍ لَيْسَ بِمُسْتَدْبِرِهِ وَمَغْبُوطٍ فِي أَوَّلِ لَيْلَةٍ قَامَتْ بَوَاكِيهِ فِي آخِرِهِ؛ غررالحكم، ص ٣١٢
٩-٤-١-٢- خِدَاعُ الْأَمَالِ

﴿ ٢٩٨١ ﴾ أمير المؤمنين عليه السلام: اتَّقُوا خِدَاعَ الْأَمَالِ فَكَمْ مِنْ مُؤَمِّلٍ يَوْمَ لَمْ يُدْرِكْهُ وَبَانِيَ بِنَاءٍ لَمْ يَسْكُنْهُ وَجَامِعٍ مَالٍ لَمْ يَأْكُلْهُ وَلَعَلَّهُ مِنْ بَاطِلٍ جَمَعَهُ وَمِنْ حَقٍّ مَنَعَهُ أَصَابَهُ حَرَامًا وَاحْتَمَلَ بِهِ آثَامًا؛ غررالحكم، ص ٣١٣

﴿آنچه اهل پرهیزکاری از آن می پرهیزند / در مقابل خود﴾

۲۲-۸-۶- مکر

﴿۲۹۷۵﴾ پرهیزکاران ... دوری‌اش از آن که دوری می‌کند محض زهد و پاک‌ماندن، و نزدیکی‌اش به آن که نزدیک می‌شود به خاطر نرمی و رحمت است، دوری‌اش از راه تکبر و خودخواهی، و نزدیکی‌اش از باب مکر و فریب نیست.

۱-۲۲-۸-۶- نیرنگ

﴿۲۹۷۶﴾ پرهیزکاران ... دوری‌اش از آن که دوری می‌کند محض زهد و پاک‌ماندن، و نزدیکی‌اش به آن که نزدیک می‌شود به خاطر نرمی و رحمت است، دوری‌اش از راه تکبر و خودخواهی، و نزدیکی‌اش از باب مکر و فریب نیست.

۲-۲۲-۸-۶- فریب

﴿۲۹۷۷﴾ پس ای بندگان خدا! تقوای الهی پیشه کنید، تقوای خردمندی که ... عوامل کبر و غرور او را از راه حق باز نگردانده، و امور اشتباه انگیز بر او پوشیده نمانده است.

۱-۲-۲۲-۸-۶- فریب دنیا

﴿۲۹۷۸﴾ از فریب دنیا بپرهیزید؛ زیرا دنیا هر خوبی و نعمتی که از سر فریب به انسان دهد، همواره پس می‌گیرد و کسی را که به دنیا دل ببندد و در آن جا خوش کند، کوچ می‌دهد.

۹-۶- در مقابل خود

۱-۹-۶- آرزو

﴿۲۹۷۹﴾ ای بندگان خدا! همانا تقوای الهی دوستان خدا را از انجام محرمات باز می‌دارد و قلب‌هایشان را پر از ترس خدا می‌سازد، تا آنکه شب‌های آنان با بی‌خوابی و روزهایشان با تحمل تشنگی و روزه‌داری، سپری می‌گردد، که آسایش آخرت را با رنج دنیا و سیراب‌شدن آنجا را با تحمل تشنگی دنیا به دست آورند. اجل و مرگ را نزدیک دیده و در اعمال نیکو شتاب کرده‌اند، آرزوهای دنیایی را دروغ خواندند و مرگ به درستی نگریستند.

۱-۱-۹-۶- آرزوی باطل

﴿۲۹۸۰﴾ از آرزوهای باطل بپرهیزید که چه بسیار است مواردی که روزی خواهد آمد که قابل بازگشت نیست و چه بسیار است مواردی که در اوّل شب غبطه‌ی چیزی را می‌خورند و در آخر شب [از داشتن آن] به گریه می‌افتادند.

۲-۱-۹-۶- آرزوی فریبنده

﴿۲۹۸۱﴾ از اینکه آرزوها فریبتان دهد، بپرهیزید. چه بسیار هستند افرادی که آرزوی روزی را داشتند که هیچ‌گاه آن را درک نکردند، بنایی ساختند اما هیچ‌گاه در آن منزل نکردند، مال جمع کردند اما هیچ‌گاه از آن مصرف نکردند [چون اجل مهلت نداد] و چه بسا این مال از باطل جمع شده و با جلوگیری از حقی و به‌صورت حرام به‌دست‌آمده باشد و احتمال انجام گناه توسط آن باشد.

﴿ مَا يَتَّقُونَ مِنْهُ أَهْلُ التَّقْوَى / تَجَاهِ النَّفْسِ ﴾

٢-٩-٩- إعطاء سُؤْلِ النَّفْسِ، الرَّغْبَةُ وَ الرَّهْبَةُ، تَذْيِيرُ الْعَبْدِ لِنَفْسِهِ

١-٢-٩-٩- إعطاء سُؤْلِ النَّفْسِ

﴿ ٢٩٨٢ ﴾ أمير المؤمنين عليه السلام: فَالْمُتَّقُونَ ... إِنْ اسْتَضَعَبَتْ عَلَيْهِ نَفْسُهُ فِيمَا تَكْرَهُ لَمْ يُعْطِهَا سُؤْلَهَا

فِيمَا تُحِبُّ قُرَّةَ عَيْنِهِ فِيمَا لَا يَزُولُ وَ زَهَادَتُهُ فِيمَا لَا يَبْقَى؛ نهج البلاغة، ص ٣٠٣

٢-٢-٩-٩- الرَّغْبَةُ وَ الرَّهْبَةُ

﴿ ٢٩٨٣ ﴾ الباقر عليه السلام: إِنْ طَبَّاعَ النَّاسِ كُلُّهَا مُرَكَّبَةٌ عَلَى الشَّهْوَةِ وَ الرَّغْبَةِ وَ الْحِرْصِ وَ الرَّهْبَةِ وَ الْغَضَبِ وَ اللَّذَّةِ إِلَّا أَنْ فِي النَّاسِ مَنْ زَمَّ هَذِهِ الْخِلَالَ بِالتَّقْوَى وَ الْحَيَاءِ وَ الْأَنْفِ؛ مستدرک الوسائل،

ج ١١، ص ٢١٢

٣-٢-٩-٩- تَذْيِيرُ الْعَبْدِ لِنَفْسِهِ

﴿ ٢٩٨٤ ﴾ الصادق عليه السلام: [قَالَ غُنَوَانُ الْبَصْرِيِّ] قُلْتُ يَا أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام مَا حَقِيقَةُ الْعُبُودِيَّةِ قَالَ

ثَلَاثَةُ أَشْيَاءَ أَنْ لَا يَرَى الْعَبْدُ لِنَفْسِهِ فِيمَا خَوَّلَهُ اللَّهُ مِلْكَاً لِأَنَّ الْعَبْدَ لَا يَكُونُ لَهُمْ مِلْكَ يَرَوْنَ

الْمَالِ مَالِ اللَّهِ يَصْعَوْنَهُ حَيْثُ أَمَرَهُمُ اللَّهُ بِهِ وَ لَا يُدْبِرُ الْعَبْدُ لِنَفْسِهِ تَذْيِيراً وَ جُمْلَةً اسْتِغَالَةً فِيمَا

أَمَرَهُ تَعَالَى بِهِ وَ نَهَاهُ عَنْهُ ... فَهَذَا أَوَّلُ دَرَجَةِ التَّقَى؛ بحار الأنوار، ج ١، ص ٢٢٦

٣-٩-٩- تَرْكِيةُ النَّفْسِ، الرِّضَا مِنْ أَعْمَالِهِمُ الْقَلِيلِ، اسْتِكْثَارُ الْكَثِيرِ، رُؤْيَةُ مَا خَوَّلَهُ اللَّهُ مِلْكَاً

١-٣-٩-٩- تَرْكِيةُ النَّفْسِ

﴿ ٢٩٨٥ ﴾ فَلَا تُزَكُّوا أَنْفُسَكُمْ هُوَ أَعْلَمُ بِمَنِ اتَّقَى؛ النجم ٣٢

٢-٣-٩-٩- الرِّضَا مِنْ أَعْمَالِهِمُ الْقَلِيلِ

﴿ ٢٩٨٦ ﴾ أمير المؤمنين عليه السلام: فَالْمُتَّقُونَ ... لَا يَرْضَوْنَ مِنْ أَعْمَالِهِمُ الْقَلِيلَ وَ لَا يَسْتَكْثِرُونَ الْكَثِيرَ؛

نهج البلاغة، ص ٣٠٣

٣-٣-٩-٩- اسْتِكْثَارُ الْكَثِيرِ

﴿ ٢٩٨٧ ﴾ أمير المؤمنين عليه السلام: فَالْمُتَّقُونَ ... لَا يَرْضَوْنَ مِنْ أَعْمَالِهِمُ الْقَلِيلَ وَ لَا يَسْتَكْثِرُونَ الْكَثِيرَ؛

نهج البلاغة، ص ٣٠٣

٤-٣-٩-٩- رُؤْيَةُ مَا خَوَّلَهُ اللَّهُ مِلْكَاً

﴿ ٢٩٨٨ ﴾ الصادق عليه السلام: [قَالَ غُنَوَانُ الْبَصْرِيِّ] قُلْتُ يَا أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام مَا حَقِيقَةُ الْعُبُودِيَّةِ قَالَ

﴿آنچه اهل پرهیزکاری از آن می پرهیزند / در مقابل خود﴾

۶-۹-۲- دادن خواسته‌ی نفس، میل و ترس، تدبیر بنده بر خود

۶-۹-۲-۱- دادن خواسته‌ی نفس

﴿۲۹۸۲﴾ پرهیزکاران ... اگر نفسش وی را در آنچه بر او سنگین است پیروی نکند او نیز آنچه را که نفس به آن رغبت دارد به او نمی‌دهد. روشنی چشمش در آن چیزی است که جاوید است، و بی‌رغبتی‌اش در آن است که فانی‌شدنی است.

۶-۹-۲-۲- میل و ترس

﴿۲۹۸۳﴾ طبع مردم ترکیبی از شهوت و میل و حرص و ترس و غضب و لذت است مگر آنکه شخصی در این میان با تقوا و حیا و بزرگ‌منشی بر آن مهار بزند.

۶-۹-۲-۳- تدبیر کردن

﴿۲۹۸۴﴾ [عنوان بصری گوید:] عرض کردم: «حقیقت عبودیت و بندگی چیست؟» فرمود: «سه چیز است. اول اینکه ملک و مال را که خدا به او داده از خود نداند، چون بنده مالک چیزی نیست، مال را مال خدا دانسته و به دستور او مصرف می‌کند. دوم اینکه تدبیر و اداره کردن را از خود نداند، (گرداننده اصلی امور خداوند است). سوم اینکه اشتغالاتش مطابق امر و نهی خداوند باشد... و این اولین درجه‌ی تقوا است.»

۶-۹-۳- پاک‌دانستن خود، رضایت از اعمال کم خود، زیاددانستن اعمال، عطایای دنیوی را ثروت دانستن

۶-۹-۳-۱- پاک‌دانستن خود

﴿۲۹۸۵﴾ پس خودستایی نکنید، او پرهیزکاران را بهتر می‌شناسد!

۶-۹-۳-۲- رضایت از اعمال کم خود

﴿۲۹۸۶﴾ پرهیزکاران ... به طاعت اندک خشنود نمی‌شوند، و طاعت زیاد را زیاد نمی‌دانند.

۶-۹-۳-۳- زیاددانستن اعمال

﴿۲۹۸۷﴾ پرهیزکاران ... به طاعت اندک خشنود نمی‌شوند، و طاعت زیاد را زیاد نمی‌دانند.

۶-۹-۳-۴- عطایای دنیوی را ثروت دانستن

﴿۲۹۸۸﴾ [عنوان بصری گوید:] عرض کردم: «حقیقت عبودیت و بندگی چیست؟» فرمود: «سه چیز است. اول اینکه ملک و مال را که خدا به او داده از خود نداند، چون بنده مالک چیزی نیست، مال را مال خدا دانسته و به دستور او مصرف می‌کند. دوم اینکه تدبیر و اداره کردن را از

﴿ مَا يَتَّقُونَ مِنْهُ أَهْلُ التَّقْوَى / مَعَاصِي الْبُطْنِ وَ الْفَرْجِ ﴾

ثَلَاثَةُ أَشْيَاءَ أَنْ لَا يَرَى الْعَبْدُ لِنَفْسِهِ فِيمَا خَوَّلَهُ اللَّهُ مِلْكَاً لِأَنَّ الْعَبِيدَ لَا يَكُونُ لَهُمْ مِلْكٌ يَرَوْنَ
الْمَالَ مَالِ اللَّهِ يَضَعُونَهُ حَيْثُ أَمَرَهُمُ اللَّهُ بِهِ وَلَا يُدَبِّرُ الْعَبْدُ لِنَفْسِهِ تَذْيِيراً وَ جُمْلَةً أَشْتِغَالَهُ فِيمَا
أَمَرَهُ تَعَالَى بِهِ وَ نَهَاهُ عَنْهُ فَإِذَا لَمْ يَرِ الْعَبْدُ لِنَفْسِهِ فِيمَا خَوَّلَهُ اللَّهُ تَعَالَى مِلْكَاً هَانَ عَلَيْهِ الْإِنْفَاقُ
فِيمَا أَمَرَهُ اللَّهُ تَعَالَى أَنْ يُنْفِقَ فِيهِ ... فَهَذَا أَوَّلُ دَرَجَةِ التَّقْوَى؛ بحار الأنوار، ج ١، ص ٢٢٦

٤-٩-٦- معارضة من العلم ما لا يحتمل قلبه، القياس

١-٤-٩-٦- معارضة من العلم ما لا يحتمل قلبه و لا يتفهّمه من قائل

﴿ ٢٩٨٩ ﴾ الصادق عليه السلام: أَصْلُ الْوَرَعِ ... تَرَكُ فَتَحَ أَبْوَابَ لَا يَذَرِي كَيْفَ يُغْلِقُهَا وَ لَا يُجَالِسُ مَنْ
يُشْكَلُ عَلَيْهِ الْوَاضِحُ وَ لَا يُصَاحِبُ مُسْتَخْفِي الدِّينِ وَ لَا يُعَارِضُ مَنْ الْعِلْمُ مَا لَا يَحْتَمِلُ قَلْبُهُ وَ لَا
يَتَفَهَّمُهُ مِنْ قَائِلٍ وَ يَقْطَعُ مَنْ يَقْطَعُهُ عَنِ اللَّهِ؛ بحار الأنوار، ج ٦٧، ص ٣٠٧

٢-٤-٩-٦- القياس

﴿ ٢٩٩٠ ﴾ الصادق عليه السلام: فَاتَّقِ اللَّهَ وَ لَا تَقَسْ؛ وسائل الشيعة، ج ٢، ص ٣٥٠

١٠-٦- معاصي البطن و الفرج

١-١٠-٦- مؤاكلة التقوى

﴿ ٢٩٩١ ﴾ أمير المؤمنين عليه السلام: وَ احْذَرِ مِمَّنْ ... يُبَادِرُ الدُّنْيَا وَ يُؤَاكِلُ التَّقْوَى؛ بحار الأنوار، ج ٧٥، ص ١٠

٢-١٠-٦- الفقاع

﴿ ٢٩٩٢ ﴾ الرضا عليه السلام: فَمَنْ كَانَ مِنْ شَيْعَتِنَا فَلْيَتَوَرَّعْ عَنْ شُرْبِ الْفُقَاعِ فَإِنَّهُ شَرَابُ أَغْدَانِنَا فَإِنْ لَمْ
يَفْعَلْ فَلَيْسَ مِنَّا؛ وسائل الشيعة، ج ٢٥، ص ٣٦٣

٣-١٠-٦- الزنا

﴿ ٢٩٩٣ ﴾ الرسول صلى الله عليه وآله: إِنْ اللَّهَ مُسْتَخْلِفُكُمْ فِي الدُّنْيَا فَانْظُرُوا كَيْفَ تَعْمَلُونَ فَاتَّقُوا الزَّنا وَ

الربا؛ إرشاد القلوب، ج ١، ص ٧١

١١-٦- معاصي اللسان

١-١١-٦- جدال كل مفتون

﴿ ٢٩٩٤ ﴾ الرسول صلى الله عليه وآله: اتَّقُوا جِدَالَ كُلِّ مَفْتُونٍ؛ مستدرک الوسائل، ج ١٢، ص ٢٤٨

«آنچه اهل پرهیزکاری از آن می پرهیزند / شهوت»

خود نداند، (گرداننده اصلی امور خداوند است). سوّم اینکه اشتغالاتش مطابق امر و نهی خداوند باشد، زیرا با داشتن شرط اوّل، اتفاق بر او آسان می گردد ... و این اوّلین درجهی تقوا است».

۶-۹-۴ معارضه‌ی علمی فراتر از ظرفیت خود، قیاس

۶-۹-۴-۱ معارضه‌ی علمی فراتر از ظرفیت خود

﴿۲۹۸۹﴾ اصل و پایه‌ی تقوا و شیوه پرهیزکاری این است که ... دری را که راه بستن آن را نمی‌داند به روی خود نگشودن، همنشینی نکردن با افراد بی‌درک و شعور، رفاقت و دوستی نکردن با افرادی که دین و امور دینی را سبک می‌شمزند، جدال و معارضه نکردن با کسانی که علم و دانش آنان بالاتر از او است و مطالب بلند و سنگین آن‌ها را درک نمی‌کند، قطع کردن ارتباط و پیوند خود از کسانی که با خدا ارتباط ندارند، چرا که رابطه با آنان، موجب قطع رابطه با خدا می‌گردد.

۶-۹-۴-۲ قیاس

﴿۲۹۹۰﴾ تقوای خدا پیشه ساز و قیاس نکن.

۶-۱۰ گناهان مربوط به شکم و شهوترانی

۶-۱۰-۱ از طریق تقوا نان خوردن

﴿۲۹۹۱﴾ از کسی که ... به سرعت به‌سوی دنیا می‌تازد و از طریق تقوا نان می‌خورد، بپرهیز.

۶-۱۰-۲ آجیو

﴿۲۹۹۲﴾ هر کس که از شیعیان ماست باید از نوشیدن آجیو پرهیز کند که نوشیدنی دشمنان

ماست. هر کس چنین نکند از ما نیست.

۶-۱۰-۳ زنا

﴿۲۹۹۳﴾ به تحقیق خدا شما را در دنیا خلیفه قرار داد؛ پس دقت کنید چگونه عمل می‌کنید.

از عمل زنا و گرفتن و دادن ربا برحذر باشید و احتراز نمایید.

۶-۱۱ گناهان زبان

۶-۱۱-۱ جدال با خودشیفته

﴿۲۹۹۴﴾ از جدل با کسی که خودشیفته است، بپرهیزید.

﴿ مَا يَتَّقُونَ مِنْهُ أَهْلُ التَّقْوَى / مَعَاصِي اللِّسَانِ ﴾

٢-١١-٤- حَدِيثُ الْغَيْرِ

﴿٢٩٩٥﴾ أمير المؤمنين عليه السلام: الْإِيمَانُ أَنْ تُؤْثِرَ الصَّدَقَ حَيْثُ يَضُرُّكَ عَلَى الْكَذِبِ حَيْثُ يَنْفَعُكَ وَ أَلَّا يَكُونَ فِي حَدِيثِكَ فَضْلٌ عَنْ عَمَلِكَ وَأَنْ تَتَّقِيَ اللَّهَ فِي حَدِيثِ غَيْرِكَ؛ نهج البلاغة،

ص ٥٥٦

﴿٢٩٩٦﴾ الصادق عليه السلام: وَ الْمُتَوَرَّعُ يَحْتَاجُ إِلَى ثَلَاثَةِ أَصُولٍ الصَّحِّحَ عَنْ عَثَرَاتِ الْخُلُقِ أَجْمَعَ وَ تَرَكَ خَطِيئَتَهُ فِيهِمْ وَ اسْتَوَاءَ الْمَدْحِ وَ الذَّمِّ؛ مستدرک الوسائل، ج ١١، ص ٢٧١

٣-١١-٤- خُضُوعُ الْقَوْلِ فِي النِّسَاءِ

﴿٢٩٩٧﴾ يَا نِسَاءَ النَّبِيِّ لَسْتُنَّ كَأَحَدٍ مِنَ النِّسَاءِ إِنْ اتَّقَيْتُنَّ فَلَا تَحْضَعْنَ بِالْقَوْلِ فَيَطْمَعَ الَّذِي فِي قَلْبِهِ مَرَضٌ وَقُلْنَ قَوْلًا مَعْرُوفًا؛ الأحزاب ٣٢

٤-١١-٤- الدَّعْوَى - إِنْ كَانَ مُبْطَلًا -

﴿٢٩٩٨﴾ السَّجَادُ عليه السلام: وَ أَمَّا حَقُّ خَضَمِكَ الَّذِي تَدْعِي عَلَيْهِ فَإِنْ كُنْتَ مُحِقًّا فِي دَعْوَاكَ أَجْمَلْتَ مُقَاوَلَتَهُ وَ لَمْ تَجْعَدْ حَقَّهُ وَ إِنْ كُنْتَ مُبْطَلًا فِي دَعْوَاكَ اتَّقَيْتَ اللَّهَ عَزَّ وَ جَلَّ وَ تُبَيَّنَ إِلَيْهِ وَ تَرَكَتِ الدَّعْوَى؛ من لا يحضره الفقيه، ج ٢، ص ٦٢٣

٥-١١-٤- الإِدْعَاءُ مَا لَيْسَ لَهُ بِحَقٍّ

﴿٢٩٩٩﴾ الرضا عليه السلام: إِنْ زَيْدَ بْنَ عَلِيٍّ لَمْ يَدَّعِ مَا لَيْسَ لَهُ بِحَقٍّ وَ إِنَّهُ كَانَ اتَّقَى لِلَّهِ مِنْ ذَلِكَ؛ وسائل الشيعة، ج ١٥، ص ٥٣

٦-١١-٤- الشَّمَاتَةُ بِالْمَصَائِبِ

﴿٣٠٠٠﴾ أمير المؤمنين عليه السلام: فَالْمُتَّقُونَ ... لَا يُنَابِزُ بِالْأَلْقَابِ وَ لَا يُضَارُّ بِالْجَارِ وَ لَا يَشْمَتُ بِالْمَصَائِبِ؛ نهج البلاغة، ص ٣٠٣

٧-١١-٤- إِظْهَارُ أَسْرَارِ اللَّهِ وَ إِذَاعَةُ الْحَدِيثِ

١-٧-١١-٤- إِظْهَارُ أَسْرَارِ اللَّهِ

﴿٣٠٠١﴾ العسكري عليه السلام: فِي قَوْلِهِ تَعَالَى هُدًى لِلْمُتَّقِينَ قَالَ بَيَانٌ وَ شِفَاءٌ لِلْمُتَّقِينَ مِنْ شَيْعَةِ مُحَمَّدٍ صلى الله عليه وآله وَ عَلَى عليه السلام إِنَّهُمْ اتَّقَوْا ... إِظْهَارُ أَسْرَارِ اللَّهِ تَعَالَى وَ أَسْرَارِ أَرْكَيَاءِ عِبَادِهِ الْأَوْصِيَاءِ بَعْدَ مُحَمَّدٍ صلى الله عليه وآله فَكَنَّمُوهَا؛ مستدرک الوسائل، ج ١٢، ص ٢٩٦

«آنچه اهل پرهیزکاری از آن می پرهیزند / گناهان زبان»

۲-۱۱-۶- سخن گفتن درباره‌ی دیگری

«۲۹۹۵» نشانه‌ی ایمان این است که راستی را در جایی که به زیان توست بر دروغی که به سود توست مقدم بداری، و اینکه گفتارت از کردارت بیشتر نباشد، و در سخن گفتن درباره‌ی دیگری از خدا پروا کن.

«۲۹۹۶» صاحب ورع، به سه اصل محتاج است: اوّل آنکه از آزارهای مردم اعراض کند و متعرّض ایشان نشود. دوّم آنکه در افشای حال مردم نباشد و غیبت ایشان نکند. سوّم آنکه مدح و ذمّ مردم نسبت به او مساوی باشد، نه از مدح کسی خرسند شود و نه از ذمّ کسی دلگیر.

۳-۱۱-۶- هوس‌انگیز سخن گفتن زنان

«۲۹۹۷» ای همسران پیامبر! شما همچون یکی از آنان معمولی نیستید اگر تقوا پیشه کنید پس به گونه‌ای هوس‌انگیز سخن نگوئید که بیماردلان در شما طمع کنند، و سخن شایسته بگوئید!

۴-۱۱-۶- ادّعی باطل

«۲۹۹۸» حقّی که طرف دعوای تو در دادگاه بر تو دارد این است که اگر تو در ادّعی خود بر حق هستی، خوب حرف بزنی و حقّ او را انکار نکنی؛ اما اگر تو بر حق نیستی [و خودت این را می‌دانی] تقوا پیشه کن و توبه کن و از ادّعیات دست بردار.

۵-۱۱-۶- ادّعی ناحق

«۲۹۹۹» زیدبن‌علی ادّعی ناحق نمی‌کرد؛ او متّقی‌تر از این بود که چنین کند.

۶-۱۱-۶- شماتت مصیبت‌دیده

«۳۰۰۰» پرهیزکاران ... احدی را با لقب زشت صدا نمی‌کند، به همسایه زیان نمی‌زند، به بلاهایی که به سر مردم می‌آید شادی نمی‌نماید.

۷-۱۱-۶- آشکار کردن اسرار الهی، فاش کردن حدیث اهل بیت (علیهم‌السلام)

۱-۷-۱۱-۶- آشکار کردن اسرار الهی

«۳۰۰۱» در تفسیر آیه‌ی: «هُدًی لِّلْمُتَّقِينَ» فرمود: «قرآن، بیان و شفایی برای شیعیان باتقوای محمّد (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) و علی (علیه‌السلام) است. آنان ... از افشای اسرار الهی و اسرار بندگان پاکیزه‌ی خدا که اوصیای بعد از محمّد (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) هستند، پرهیز کرده و آن را پنهان داشته‌اند.

﴿ مَا يَتَّقُونَ مِنْهُ أَهْلُ التَّقْوَى / مَعَاصِي اللِّسَانِ ﴾

٢-٧-١١-٦- إِذَاعَةُ الْحَدِيثِ

﴿ ٣٠٠٢ ﴾ الرضا عليه السلام: فَاتَّقُوا اللَّهَ وَلَا تُذِيعُوا حَدِيثَنَا؛ الكافي، ج ٢، ص ٢٢٤

٨-١١-٦- الضَّحْكُ مَعَ أَعْلَى الصَّوْتِ

﴿ ٣٠٠٣ ﴾ أمير المؤمنين عليه السلام: فَالْمُتَّقُونَ ... إِنْ صَمَتَ لَمْ يَغْمَهُ صَمْتُهُ وَإِنْ ضَحِكَ لَمْ يَغْلُ

صَوْتُهُ؛ نهج البلاغة، ص ٣٠٣

٩-١١-٦- اغْتِيَابُ الْمُؤْمِنِينَ

﴿ ٣٠٠٤ ﴾ الصادق عليه السلام: وَاعْلَمْ أَنَّهُ لَا وَرَعَ أَنْفَعُ مِنْ تَجَنُّبِ مَحَارِمِ اللَّهِ وَالْكَفِّ عَنِ أَدَى

الْمُؤْمِنِينَ وَاغْتِيَابِهِمْ؛ الكافي، ج ٨، ص ٢٤٤

١٠-١١-٦- الْفُحْشُ

﴿ ٣٠٠٥ ﴾ أمير المؤمنين عليه السلام: فَالْمُتَّقُونَ ... بَعِيداً فُحْشُهُ لَيْنًا قَوْلُهُ؛ نهج البلاغة، ص ٣٠٣

١١-١١-٦- الْقَذْفُ

﴿ ٣٠٠٦ ﴾ الصادق عليه السلام: عَمِرُو بْنِ نُعْمَانَ الْجُعْفِيِّ قَالَ كَانَ لِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام صَدِيقٌ لَا يَكَادُ

يُفَارِقُهُ إِذَا ذَهَبَ مَكَانًا فَيَتَيْنِمَا هُوَ يَمْشِي مَعَهُ فِي الْحِذَائِينَ وَمَعَهُ غُلَامٌ لَهُ سِنْدِيٌّ يَمْشِي خَلْفَهُمَا إِذَا أَلْتَفَتَ الرَّجُلُ يُرِيدُ غُلَامَهُ ثَلَاثَ مَرَّاتٍ فَلَمْ يَرَهُ فَلَمَّا نَظَرَ فِي الرَّابِعَةِ قَالَ يَا ابْنَ الْفَاعِلَةِ أَيْنَ كُنْتَ قَالَ فَرَفَعَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام يَدَهُ فَصَكَ بِهَا جَبْهَةَ نَفْسِهِ ثُمَّ قَالَ سُبْحَانَ اللَّهِ تَقَذَّفَ أُمُّهُ قَدْ كُنْتُ أَرَى أَنَّ لَكَ وَرَعًا فَإِذَا لَيْسَ لَكَ وَرَعٌ فَقَالَ جُعِلْتُ فِدَاكَ إِنْ أُمُّهُ سِنْدِيَّةٌ مُشْرِكَةٌ فَقَالَ أَمَا عَلِمْتَ أَنَّ لِكُلِّ أُمَةٍ نِكَاحًا تَنَحَّ عَنْهُ قَالَ فَمَا رَأَيْتُهُ يَمْشِي مَعَهُ حَتَّى فَرَّقَ الْمَوْتُ بَيْنَهُمَا؛ الكافي،

ج ٢، ص ٣٢٤

١٢-١١-٦- الْقَوْلُ بِمَا لَا يَعْلَمُ

﴿ ٣٠٠٧ ﴾ الصادق عليه السلام: مِنَ الْوَرَعِ أَنْ لَا يَقُولَ مَا لَا يَعْلَمُ؛ مستدرک الوسائل، ج ١٧، ص ٢٥٠

١٣-١١-٦- الْكِذْبُ

﴿ ٣٠٠٨ ﴾ الباقر عليه السلام: كَانَ عَلِيُّ بْنُ الْحُسَيْنِ عليه السلام يَقُولُ لَوْ لَدِهِ اتَّقُوا الْكُذْبَ الصَّغِيرَ مِنْهُ وَالْكَبِيرَ

فِي كُلِّ جِدٍّ وَهَزَلٍ؛ الكافي، ج ٢، ص ٣٣٨

«آنچه اهل پرهیزکاری از آن می پرهیزند / گناهان زبان»

۶-۱۱-۷-۲ فاش کردن حدیث اهل بیت علیهم السلام

«۳۰۰۲» از خدا بترسید و حدیث ما را فاش نکنید.

۶-۱۱-۸ خنده با صدای بلند

«۳۰۰۳» پرهیزکاران ... اگر سکوت کند سکوتش غمگینش نمی کند، و اگر بخندد قهقهه

نمی زند.

۶-۱۱-۹ غیبت مؤمنین

«۳۰۰۴» آگاه باش که هیچ پرهیزکاری پرسودتر از دوری از گناهان و بازداری [خوشتن] از

آزاررسانی به مؤمنین و غیبت نمودن از آنان نیست.

۶-۱۱-۱۰ فحش

«۳۰۰۵» پرهیزکاران ... زبان دشنام ندارد، گفتارش نرم است.

۶-۱۱-۱۱ اتهام به بی عفتی

«۳۰۰۶» عمرو بن نعمان جعفی گفت: امام صادق علیه السلام دوستی داشت که هیچ گاه از امام علیه السلام

جدا نمی شد. یک بار به بازار کفش فروشان رفتند و همراه آن حضرت غلامی هندی بود و پشت سر آن دو حرکت می کرد در بین راه مرد سه بار برگشت و با غلامش کار داشت اما هر سه بار او را ندید وقتی برای بار چهارم نگاه کرد، گفت: «ای حرام زاده! کجایی؟» امام علیه السلام دستش را بالا برد و به پیشانی خود زد و فرمود: «سبحان الله! به مادرش تهمت زنا می زنی؟! گمان می کردم تو اهل ورع هستی اما با این کلام تو ورعی نداری». گفت: «فدایت شوم! مادرش هندی و مشرک است». فرمود: «مگر نمی دانی که هر امتی برای خود روش ازدواجی دارد [که اگر به همان عمل کند، زنا نکرده است] از من دور شو». از آن به بعد ندیدم که با امام صادق علیه السلام راه برود تا آنکه مرگ بین آن دو فاصله افکند.

۶-۱۱-۱۲ سخن گفتن نسبت به آنچه نمی داند

«۳۰۰۷» از نشانه های ورع این است که فرد، در مورد چیزی که به آن علم ندارد، چیزی

نگوید.

۶-۱۱-۱۳ دروغ

«۳۰۰۸» امام سجّاد علیه السلام به فرزندش می فرمود: «از دروغ؛ کوچک و بزرگش، جدی و

شوخی اش بپرهیزید، زیرا آن که در چیز کوچک دروغ گوید به دروغ بزرگ نیز جرأت پیدا می کند».

﴿ مَا يَتَّقُونَ مِنْهُ أَهْلُ التَّقْوَى / مَعَاصِي اللِّسَانِ ﴾

١٤-١١-٦- تَكْذِيبُ اللَّهِ

﴿ ٣٠٩ ﴾ الرَّسُولُ ﷺ: اتَّقُوا تَكْذِيبَ اللَّهِ قِيلَ يَا رَسُولَ اللَّهِ وَكَيْفَ ذَاكَ قَالَ يَقُولُ أَحَدُكُمْ قَالَ اللَّهُ فَيَقُولُ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ كَذَبْتَ لَمْ أَقُلْهُ وَ يَقُولُ لَمْ يَقُلِ اللَّهُ فَيَقُولُ عَزَّ وَجَلَّ كَذَبْتَ قَدْ فُتِنْتُ؛

بحار الأنوار، ج ٢، ص ١١٧

١٥-١١-٦- اللِّسَانُ

﴿ ٣١٠ ﴾ الرَّسُولُ ﷺ: قَالَ فَمَا أَتَقَى ؟ فَأَوْمَأَ بِيَدِهِ إِلَى لِسَانِهِ؛ شرح نهج البلاغة، ج ١٠، ص ١٣٦

﴿ ٣١١ ﴾ الصَّادِقُ ﷺ: مَنْ أَتَقَى مِنْ مَثُونَةٍ لَفْلَقِهِ وَ قَبْقَبِهِ وَ ذَبْذَبِهِ دَخَلَ الْجَنَّةَ؛ جامع الأخبار، ص ٩٤

﴿ ٣١٢ ﴾ الصَّادِقُ ﷺ: اتَّقُوا الْكَلَامَ فَإِنَّا نُؤْتِي بِهِ؛ بحار الأنوار، ج ٢٦، ص ١٥١

١٦-١١-٦- اللَّعْنُ

﴿ ٣١٣ ﴾ الصَّادِقُ ﷺ: إِنْ كُنْتُمْ تُرِيدُونَ أَنْ تَكُونُوا مَعَنَا يَوْمَ الْقِيَامَةِ لَا يَلْعَنُ بَعْضُكُمْ بَعْضًا

فَاتَّقُوا اللَّهَ وَ أَطِيعُوا؛ بحار الأنوار، ج ٨، ص ١٤

١٧-١١-٦- الْمِرَاءُ

﴿ ٣١٤ ﴾ الرَّسُولُ ﷺ: أَوْرَعَ النَّاسِ مَنْ تَرَكَ الْمِرَاءَ وَإِنْ كَانَ مُحِقًّا؛ من لا يحضره الفقيه، ج ٤،

ص ٣٩٤

﴿ ٣١٥ ﴾ الصَّادِقُ ﷺ: إِذَا اشْتَغَلَ الْعَبْدُ بِمَا أَمَرَهُ اللَّهُ تَعَالَى وَ نَهَاهُ لَا يَتَفَرَّغْ مِنْهُمَا إِلَى الْمِرَاءِ وَ

الْمُبَاهَاةَ مَعَ النَّاسِ ... فَهَذَا أَوَّلُ دَرَجَةِ التَّقَى؛ بحار الأنوار، ج ١، ص ٢٢٦

١٨-١١-٦- التَّنَابُزُ بِالْأَلْقَابِ

﴿ ٣١٦ ﴾ أمير المؤمنين ﷺ: فَالْمُتَّقُونَ ... لَا يُنَابِزُ بِالْأَلْقَابِ وَ لَا يُضَارُّ بِالْجَارِ وَ لَا يَشْتُمُ

بِالْمَصَائِبِ؛ نهج البلاغة، ص ٣٠٣

١٩-١١-٦- النَّمِيمَةُ

﴿ ٣١٧ ﴾ العسكري ﷺ: وَ اتَّقُوا الْحَمِيَّةَ وَ الْغَضَبَ وَ الْعَدَاوَةَ وَ النَّمِيمَةَ وَ مَا لَمْ تَرْضَوْهُ أَنْ

يُؤْتَى إِلَيْكُمْ فَلَا تَأْتُوهُ إِلَى أَحَدٍ؛ بحار الأنوار، ج ٧٥، ص ٤٤٣

٢٠-١١-٦- الْيَمِينُ الْكَاذِبَةُ

﴿ ٣١٨ ﴾ أمير المؤمنين ﷺ: اتَّقُوا الْيَمِينَ الْكَاذِبَةَ؛ مستدرک الوسائل، ج ١٦، ص ٣٩

«آنچه اهل پرهیزکاری از آن می‌پرهیزند / گناهان زبان»

۱۴-۱۱-۶- دروغ دانستن اوامر خدا

﴿۳۰۹﴾ بپرهیزید از اینکه خدا را تکذیب نمایید. عرض شد: «ای رسول خدا! آن چگونه است؟» فرمود: یکی از شما می‌گوید: «خدا چنین فرموده است». و خداوند می‌فرماید: «دروغ گفتی، آن را من نگفته‌ام!» یا می‌گوید: «خداوند نفرموده است»، پس خدای بلندمرتبه می‌فرماید: «دروغ گفتی، آن را نگفته‌ام».

۱۵-۱۱-۶- زبان

﴿۳۱۰﴾ یکی از اصحاب عرض کرد: «از چه چیزی باید پرهیز کنم [که ایمانم در امان باشد]؟». حضرت با دست مبارکش به زبانش اشاره کرد [که از گناهان زبان پرهیز کنید].
﴿۳۱۱﴾ هر کس لقلقه‌ی زبانش و قار و قور شکمش و هوسرانی شهوتش را کنترل کند، وارد بهشت می‌شود.

﴿۳۱۲﴾ از صحبت کردن درباره‌ی ما بپرهیزید که سخن شما را به ما می‌رسانند.

۱۶-۱۱-۶- لعن

﴿۳۱۳﴾ اگر می‌خواهید روز قیامت با ما باشید یکدیگر را لعن نکنید؛ پس از خدا بترسید و اطاعت کنید.

۱۷-۱۱-۶- مجادله

﴿۳۱۴﴾ پارساترین مردم کسی است که جدال را ترک کند اگر چه حق با او باشد.
﴿۳۱۵﴾ اگر کسی به انجام اوامر و ترک نواهی مشغول شود دیگر با مردم فخر و مباهات و مجادله نمی‌کند ... و این اولین درجه‌ی تقوا است.

۱۸-۱۱-۶- نسبت بد دادن

﴿۳۱۶﴾ پرهیزکاران ... احدی را با لقب زشت صدا نمی‌کند، به همسایه زیان نمی‌زند، به بلاهایی که به سر مردم می‌آید شادی نمی‌نماید.

۱۹-۱۱-۶- سخن چینی

﴿۳۱۷﴾ از حمیت و خشم و دشمنی و سخن چینی و هر چه نسبت به خود اکراه دارید، بر کنار باشید و برای دیگری روا ندارید.

۲۰-۱۱-۶- سوگند دروغ

﴿۳۱۸﴾ از قسم دروغ بپرهیزید.

﴿ مَا يَتَّقُونَ مِنْهُ أَهْلُ التَّقْوَى / مَعَاصِي الْمَالِ ﴾

١٢-٦- معاصي المال

١٢-١-٦- البخل

﴿ ٣٠١٩ ﴾ أمير المؤمنين عليه السلام: إِنَّ لِأَهْلِ التَّقْوَى عِلَامَاتٍ يُعْرِفُونَ بِهَا ... قَلَّةُ الْعَجْزِ وَالْبُخْلِ؛

بحار الأنوار، ج ٦٧، ص ٢٨٢

١٢-٢-٦- الربا

﴿ ٣٠٢٠ ﴾ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَأْكُلُوا الرِّبَا أَضْعَافًا مُضَاعَفَةً وَاتَّقُوا اللَّهَ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ؛ آل عمران ١٣٠

﴿ ٣٠٢١ ﴾ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ وَذَرُوا مَا بَقِيَ مِنَ الرِّبَا إِن كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ؛ البقرة ٢٧٨

﴿ ٣٠٢٢ ﴾ الرَّسُولُ ﷺ: إِنَّ اللَّهَ مُسْتَخْلِفُكُمْ فِي الدُّنْيَا فَانظُرُوا كَيْفَ تَعْمَلُونَ فَاتَّقُوا الزَّناَ وَ

الربا؛ إرشاد القلوب، ج ١، ص ٧١

١٢-٣-٦- طلب الرزق

﴿ ٣٠٢٣ ﴾ الرَّسُولُ ﷺ: فَاتَّقُوا اللَّهَ رَبَّكُمْ وَاجْمِلُوا فِي طَلَبِ الرِّزْقِ؛ بحار الأنوار، ج ٢٠، ص ١٢٥

﴿ ٣٠٢٤ ﴾ الباقر عليه السلام: فَاتَّقُوا اللَّهَ وَاجْمِلُوا فِي الطَّلَبِ؛ الكافي، ج ٢، ص ٧٤

١٢-٤-٦- المطالب

﴿ ٣٠٢٥ ﴾ أمير المؤمنين عليه السلام: إِنَّمَا الْوَرَعُ التَّحَرُّى فِي الْمَكَاسِبِ وَالْكَفُّ عَنِ الْمَطَالِبِ؛

غرر الحكم، ص ٢٤٨

﴿ ٣٠٢٦ ﴾ أمير المؤمنين عليه السلام: أَوْرَعُ النَّاسِ أَنْزَهُهُمْ عَنِ الْمَطَالِبِ؛ غرر الحكم، ص ٢٧٣

١٢-٥-٦- أَنْ يَرَى الْعَبْدُ لِنَفْسِهِ فِيمَا خَوَّلَهُ اللَّهُ مِلْكَاً

﴿ ٣٠٢٧ ﴾ الصادق عليه السلام: [قَالَ عَنْوَانُ الْبَصْرِيُّ] قُلْتُ يَا أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام مَا حَقِيقَةُ الْعُبُودِيَّةِ قَالَ

ثَلَاثَةُ أَشْيَاءَ أَنْ لَا يَرَى الْعَبْدُ لِنَفْسِهِ فِيمَا خَوَّلَهُ اللَّهُ مِلْكَاً لِأَنَّ الْعَبِيدَ لَا يَكُونُ لَهُمْ مِلْكٌ يَرَوْنَ

الْمَالِ مَالِ اللَّهِ يَضَعُونَهُ حَيْثُ أَمَرَهُمُ اللَّهُ بِهِ ... فَهَذَا أَوَّلُ دَرَجَةِ التَّقَى؛ بحار الأنوار، ج ١، ص ٢٢٦

١٢-٦-٦- مَالُ الْغَيْرِ

﴿ ٣٠٢٨ ﴾ أمير المؤمنين عليه السلام: كُنْ بِمَالِكَ مُتَبَرِّعاً وَعَنْ مَالِ غَيْرِكَ مُتَوَرِّعاً؛ غرر الحكم، ص ٣٧٦

﴿ ٣٠٢٩ ﴾ أمير المؤمنين عليه السلام: أَفْضَلُ السَّخَاءِ أَنْ تَكُونَ بِمَالِكَ مُتَبَرِّعاً وَعَنْ مَالِ غَيْرِكَ

مُتَوَرِّعاً؛ غرر الحكم، ص ٣٧٦

«آنچه اهل پرهیزکاری از آن می پرهیزند / گناهان مالی»

۱۲-۶- گناهان مالی

۱۲-۱-۶- بخل

﴿۳۰۱۹﴾ اهل تقوا علائم و نشانه‌هایی دارند که به آن شناخته می‌شوند؛ از جمله: اندک بودن بخل و ناتوانی.

۱۲-۲-۶- ربا

﴿۳۰۲۰﴾ ای کسانی که ایمان آورده‌اید! ربا (و سود پول) را چند برابر نخرید! از خدا بپرهیزید، تا رستگار شوید!

﴿۳۰۲۱﴾ ای کسانی که ایمان آورده‌اید! از (مخالفت فرمان) خدا بپرهیزید، و آنچه از (مطالبات) ربا باقی مانده، رها کنید اگر ایمان دارید!

﴿۳۰۲۲﴾ به تحقیق خدا شما را در دنیا خلیفه قرار داد؛ پس دقت کنید چگونه عمل می‌کنید. از عمل زنا و گرفتن و دادن ربا برحذر باشید و احتراز نمایید.

۱۲-۳-۶- به دنبال روزی بودن

﴿۳۰۲۳﴾ پس از خدا بترسید و به درستی طلب روزی کنید.

﴿۳۰۲۴﴾ پس تقوا پیشه کنید و در روزی‌تان زیاده‌طلبی نکنید.

۱۲-۴-۶- درخواست از دیگران

﴿۳۰۲۵﴾ رتبه‌ی عالی پرهیزکاری، کوشش برای کسب حلال و اجتناب از دست‌درازی جلوی دیگران است.

﴿۳۰۲۶﴾ باورع‌ترین مردم کسی است که از دست‌درازی جلوی دیگران منزّه‌تر باشد.

۱۲-۵-۶- عطایای دنیوی را ثروت پنداشتن

﴿۳۰۲۷﴾ [عنوان بصری گوید:] عرض کردم: «حقیقت عبودیت و بندگی چیست؟» فرمود: «سه چیز است. اوّل اینکه ملک و مال را که خدا به او داده از خود نداند، چون بنده مالک چیزی نیست، مال را مال خدا دانسته و به دستور او مصرف می‌کنند ... و این اوّلین درجه‌ی تقوا است».

۱۲-۶-۶- مال دیگران

﴿۳۰۲۸﴾ از مال خود انفاق و از مال مردم اجتناب کن.

﴿۳۰۲۹﴾ بیشترین سخاوت این است که از مال خود انفاق و از مال مردم اجتناب کنی.

﴿ مَا يَتَّقُونَ مِنْهُ أَهْلُ التَّقْوَى / مَعَاصِي الْمَالِ ﴾

﴿ ٣٠٣٠ ﴾ أمير المؤمنين عليه السلام: السَّخَاءُ أَنْ تَكُونَ بِمَالِكَ مُتَبَرِّعاً وَعَنْ مَالٍ غَيْرِكَ مُتَوَرِّعاً؛

غررالحكم، ص ٣٧٥

﴿ ٣٠٣١ ﴾ الصادق عليه السلام: الْمُؤْمِنُ مَنْ كَانَ بِمَالِهِ مُتَبَرِّعاً وَعَنْ مَالٍ غَيْرِهِ مُتَوَرِّعاً؛ إرشادالقلوب،

ج ١، ص ١٣٩

﴿آنچه اهل پرهیزکاری از آن می پرهیزند / گناهان مالی﴾

﴿۳۰۳۰﴾ سخاوت این است که از مال خودت انفاق و از مال مردم اجتناب کنی.

﴿۳۰۳۱﴾ مؤمن کسی است که از مال خود انفاق و از مال مردم اجتناب نماید.

الفصل السابع: درجاتُ التقوى و المتقين

٧-١- التقوى ذو درجاتٍ

﴿٣٠٣٢﴾ لَيْسَ عَلَى الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ جُنَاحٌ فِيمَا طَعِمُوا إِذَا مَا اتَّقَوْا وَآمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ ثُمَّ اتَّقَوْا وَآمَنُوا ثُمَّ اتَّقَوْا وَأَحْسَنُوا وَاللَّهُ يُحِبُّ الْمُحْسِنِينَ؛ المائدة ٩٣

٧-٢- أَحَبُّ الْإِخْوَانِ عَلَى قَدْرِ التَّقْوَى

﴿٣٠٣٣﴾ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عليه السلام: عَلَيْكَ يَا إِخْوَانُ الصَّدِّيقُ فَأَكْثَرُ مِنْ اكْتِسَابِهِمْ فَإِنَّهُمْ عِدَّةٌ عِنْدَ الرَّخَاءِ وَجَنَّةٌ عِنْدَ الْبَلَاءِ وَشَاوِرٌ فِي حَدِيثِكَ الَّذِينَ يَخَافُونَ اللَّهَ وَ أَحَبُّ الْإِخْوَانِ عَلَى قَدْرِ التَّقْوَى؛ بحار الأنوار، ج ٧١، ص ١٨٦

٧-٣- تقوى العام، تقوى الخاص، تقوى خاص الخاص

﴿٣٠٣٤﴾ الصَّادِقُ عليه السلام: التَّقْوَى عَلَى ثَلَاثَةِ أَوْجُهٍ تَقْوَى بِاللَّهِ فِي اللَّهِ وَهُوَ تَرْكُ الْحَلَالِ فَضْلاً عَنِ الشُّبْهَةِ وَهُوَ تَقْوَى خَاصَّ الْخَاصِّ وَ تَقْوَى مِنَ اللَّهِ وَهُوَ تَرْكُ الشُّبْهَاتِ فَضْلاً عَنِ حَرَامٍ وَهُوَ تَقْوَى الْخَاصِّ وَ تَقْوَى مِنْ خَوْفِ النَّارِ وَالْعِقَابِ وَهُوَ تَرْكُ الْحَرَامِ وَهُوَ تَقْوَى الْعَامِّ وَ مِثْلُ التَّقْوَى كَمَا يَجْرِي فِي نَهْرٍ وَ مِثْلُ هَذِهِ الطَّبَقَاتِ الثَّلَاثِ فِي مَعْنَى التَّقْوَى كَأَشْجَارٍ مَغْرُوسَةٍ عَلَى حَافَةِ ذَلِكَ النَّهْرِ مِنْ كُلِّ لَوْنٍ وَ جِنْسٍ وَ كُلُّ شَجَرَةٍ مِنْهَا يَسْتَمِصُّ الْمَاءَ مِنْ ذَلِكَ النَّهْرِ عَلَى قَدْرِ جَوْهَرِهِ وَ طَعْمِهِ وَ لَطَافَتِهِ وَ كَثَافَتِهِ ثُمَّ مَنَافِعُ الْخَلْقِ مِنْ ذَلِكَ الْأَشْجَارِ وَ الثَّمَارِ عَلَى قَدْرِهَا وَ قِيَمَتِهَا قَالَ اللَّهُ تَعَالَى صِنَوَانٌ وَغَيْرُ صِنَوَانٍ يُشْقَى بِمَاءٍ وَاحِدٍ وَ نُفِضَلُ بَعْضُهَا عَلَى بَعْضٍ فِي الْأَكْلِ الْآيَةُ فَالتَّقْوَى لِلطَّاعَاتِ كَالْمَاءِ لِلْأَشْجَارِ وَ مِثْلُ طَبَائِعِ الْأَشْجَارِ وَ الثَّمَارِ فِي لَوْنِهَا وَ طَعْمِهَا مِثْلُ

فصل ۷: درجات پرهیزکاری و طبقات پرهیزکاران

۷-۱- پرهیزکاری دارای درجات است

﴿۳۰۳۲﴾ بر کسانی که ایمان آورده و اعمال صالح انجام داده‌اند، گناهی در آنچه خورده‌اند نیست (و نسبت به نوشیدن شراب، قبل از نزول حکم تحریم، مجازات نمی‌شوند) اگر تقوا پیشه کنند، و ایمان بیاورند، و اعمال صالح انجام دهند سپس تقوا پیشه کنند و ایمان آورند سپس تقوا پیشه کنند و نیکی نمایند. و خداوند، نیکوکاران را دوست می‌دارد.

۷-۲- برادران را بر مبنای پرهیزکاری‌شان دوست بدار

﴿۳۰۳۳﴾ بر تو است که با برادران راستین باشی؛ بیشتر آنان را به دست بیاور، زیرا که در خوشی پشتیبان تو‌اند و در برابر بلا سپر هستند. هنگام پیشامدها، با کسانی مشورت کن که خداترسند و برادران را به خاطر تقوا دوست داشته باش.

۷-۳- پرهیزکاری عام، پرهیزکاری خاص، پرهیزکاری خاص‌الخاص

﴿۳۰۳۴﴾ تقوا سه قسم است: اول: تقوای با استعانت از خدا در راه خدا. و آن ترک حلال تا چه رسد به موارد شبهه‌ناک. و این را تقوای خاص‌الخاص می‌گویند. دوم: تقوای از خدا که امور شبهه‌ناک را هم علاوه بر محرّمات کنار می‌گذارد که تقوای خاصّان و است. سوم: تقوایی که ترس از آتش دوزخ و عذاب الهی انگیزه‌ی اوست که در این صورت فقط محرّمات را ترک می‌کند که این مرحله‌ی تقوای عوام است. تقوا مانند آبی است که در نهری جریان دارد و این سه مرتبه از تقوی، مانند درختانی هستند که بر لب آن نهر کاشته شده‌اند. درختان گوناگون از هر رقم رنگ و جنس که هر درختی بر طبق جوهر و ماهیت خود و ظرافت و تنومندی خود، از آب نهر استفاده می‌کند. میزان استفاده‌ی مردم از این درختان و میوه‌های آن‌ها نیز به کیفیت و چگونگی آن‌ها بستگی دارد. خداوند می‌فرماید: «[و درختان میوه گوناگون] که گاه بر یک پایه می‌رویند و گاه بر دو پایه. همه‌ی آن‌ها از یک آب سیراب می‌شوند! و با این حال، بعضی از آن‌ها را بر دیگری برتری می‌دهیم». نسبت تقوا با طاعات و عبادات، نسبت آب است به درختان؛ و

﴿درجات التقوى و المتقين / تقوى خاص و عام﴾

مَقَادِيرُ الْإِيمَانِ فَمَنْ كَانَ أَعْلَى دَرَجَةٍ فِي الْإِيمَانِ وَ أَصْفَى جَوْهَرًا بِالرُّوحِ كَانَ أَتْقَى وَ مَنْ كَانَ أَتْقَى كَانَتْ عِبَادَتُهُ أَخْلَصَ وَ أَطْهَرَ وَ مَنْ كَانَ كَذَلِكَ كَانَ مِنَ اللَّهِ أَقْرَبَ؛ بحار الأنوار، ج ٦٧، ص ٢٩٥

٧-٤- تقوى خاص و عام

﴿٣٠٣٥﴾ الصادق عليه السلام: لَيْسَ الشَّانُ فِي الْأَخْذِ وَالْإِعْطَاءِ وَلَكِنَّ النَّاجِيَ مِنَ اتَّقَى اللَّهَ فِي الْأَخْذِ وَالْإِعْطَاءِ وَ اعْتَصَمَ بِحَبَالِ الْوَرَعِ وَ النَّاسُ فِي هَاتَيْنِ الْخَصْلَتَيْنِ خَاصُّ وَ عَامُّ فَالْخَاصُّ يَنْظُرُ فِي دَقِيقِ الْوَرَعِ فَلَا يَتَنَاوَلُ حَتَّى يَتَيَقَّنَ أَنَّهُ حَلَالٌ وَ إِذَا أَشْكَلَ عَلَيْهِ تَنَاوَلَ عِنْدَ الضَّرُورَةِ وَ الْعَامُّ يَنْظُرُ فِي الظَّاهِرِ فَمَا لَمْ يَجِدْهُ وَ لَمْ يَعْلَمْهُ غَضَبًا وَ لَا سَرِقَةً تَنَاوَلَ وَ قَالَ لَا بَأْسَ هُوَ لِي حَلَالٌ وَ الْأَمْرُ فِي ذَلِكَ بَيْنُ يَأْخُذُ بِحُكْمِ اللَّهِ وَ يَنْفِقُ فِي رِضَى اللَّهِ تَعَالَى؛ مستدرک الوسائل، ج ١٣، ص ٢٩٣

٧-٥- تقوى السر و العلانية

﴿٣٠٣٦﴾ فقه الرضا عليه السلام: أَرَوِي مَنْ أَرَادَ أَنْ يَكُونَ أَعَزَّ النَّاسِ فَلْيَتَّقِ اللَّهَ سِرًّا وَ عَلَانِيَةً؛

بحار الأنوار، ج ٦٧، ص ٢٩٤

﴿٣٠٣٧﴾ الرسول صلى الله عليه وآله: فَاتَّقُوا اللَّهَ فِي سَرَائِرِكُمْ وَ عَلَانِيَتِكُمْ؛ بحار الأنوار، ج ٩٣، ص ٣٠٣

﴿٣٠٣٨﴾ الرسول صلى الله عليه وآله: فَاتَّقُوا اللَّهَ فِي عَاجِلِ أَمْرِكُمْ وَ آجِلِهِ فِي السِّرِّ وَ الْعَلَانِيَةِ؛

مستدرک الوسائل، ج ٦، ص ٣٣

٧-٦- تقوى القلب

﴿٣٠٣٩﴾ ذَلِكَ وَ مَنْ يُعَظِّمُ شَعَائِرَ اللَّهِ فَإِنَّهَا مِنْ تَقْوَى الْقُلُوبِ؛ الحج ٣٢

﴿٣٠٤٠﴾ أمير المؤمنين عليه السلام: مَنْ اتَّقَى قَلْبُهُ لَمْ يَدْخُلْهُ الْحَسَدُ؛ غرر الحكم، ص ٣٠٠

﴿٣٠٤١﴾ أمير المؤمنين عليه السلام: أَفْضَلُ مِنْ صِحَّةِ الْبَدَنِ تَقْوَى الْقَلْبِ؛ نهج البلاغة، ص ٥٤٤

﴿٣٠٤٢﴾ أمير المؤمنين عليه السلام: إِنَّ مِنَ النِّعَمِ سَعَةَ الْمَالِ وَ أَفْضَلُ مِنْ ذَلِكَ صِحَّةُ الْبَدَنِ وَ أَفْضَلُ

مِنْ ذَلِكَ تَقْوَى الْقُلُوبِ؛ بحار الأنوار، ج ١، ص ٨٨

٧-٧- تقوى النفس

﴿٣٠٤٣﴾ الكاظم عليه السلام: فَاتَّقُوا اللَّهَ فِي أَنْفُسِكُمْ؛ بحار الأنوار، ج ٤٨، ص ٧٣

﴿درجات پرهیزکاری / پرهیزکاری خاص و عام﴾

ارزش‌های متفاوت انسان در درجات و مراتب ایمان، نظیر انواع مختلف و گوناگون درختان و میوه‌ها است که در رنگ و طعم و مزه و بو با هم متفاوت و مختلف هستند. هرکس در درجه بالاتری از ایمان قرار گرفته و روح باصفاتی داشته باشد، تقوا و پرهیزکاری بیشتری دارد و هر کس که با تقواتر باشد، عبادت او پاک‌تر و خالص‌تر است. و هر آن کس که چنین باشد، به خدا نزدیک‌تر و در درگاه الهی مقرب‌تر است.

۷-۴- پرهیزکاری خاص و عام

﴿۳۰۳۵﴾ پس تنها بخشیدن و گرفتن ارزشی ندارد و کسی نجات می‌یابد که در بخشیدن و گرفتن، خدا را در نظر بگیرد و تقوا پیشه کند. و مردم در این دو خصلت - بخشیدن و گرفتن - دو گونه‌اند؛ خاص و عام. و اما گروه خاص؛ آنان با تقوایی دقیق در امور می‌نگرند، و چیزی را نمی‌خورند مگر آنکه یقین پیدا کنند حلال است، و در موارد شبهه‌ناک نیز فقط به مقدار ضرورت اکتفا می‌کنند. و گروه عام کسانی هستند که به ظواهر امور می‌نگرند و هر آن چیزی را که به غضب‌بودن و سرقت آن آگاهی و اطمینان نیافته، استفاده کرده و می‌گویند؛ مشکلی نیست، آن برایم حلال است، و انسان امین در این مورد کسی است که مطابق حکم و دستور الهی چیزی را به دست آورد، و در راه رضای خداوند متعال انفاق کند.

۷-۵- پرهیزکاری نهان و آشکار

﴿۳۰۳۶﴾ روایت می‌کنم که هرکس می‌خواهد عزیزترین مردم باشد، باید در نهان و آشکار از خدا بترسد و تقوا داشته باشد.
﴿۳۰۳۷﴾ در پنهان و آشکاران از خدا پروا کنید.
﴿۳۰۳۸﴾ در امور حال و آینده‌تان آشکارا و پنهان تقوای خدا را پیشه کنید.

۷-۶- پرهیزکاری قلب

﴿۳۰۳۹﴾ این است (مناسک حج)؛ و هرکس شعائر الهی را بزرگ دارد، این کار نشانه‌ی تقوای دل‌هاست.
﴿۳۰۴۰﴾ کسی که قلبش تقوا دارد، حسد وارد آن نمی‌شود.
﴿۳۰۴۱﴾ مهم‌تر از تندرستی، تقوای دل است.
﴿۳۰۴۲﴾ قطعاً ثروتمندی یکی از نعمت‌هاست و بهتر از آن، سلامتی بدن است و خوب‌تر از همه آن‌ها تقوا است.

۷-۷- پرهیزکاری نفس

﴿۳۰۴۳﴾ درباره‌ی خودتان از خدا بترسید.

﴿درجات التَّقْوَى وَالْمُتَّقِينَ / تَقْوَى تَنْفَعُهُ﴾

٧-٨- تَقْوَى تَنْفَعُهُ

﴿٣٠٤٤﴾ أمير المؤمنين عليه السلام: وَاللَّهِ مَا أَرَى عَبْدًا يَتَّقِي تَقْوَى تَنْفَعُهُ حَتَّى يَخْتَرِنَ لِسَانَهُ؛

بحار الأنوار، ج ٤٨، ص ٢٩١

٧-٩- تَقْوَى لَا تَنْفَعُ

﴿٣٠٤٥﴾ أمير المؤمنين عليه السلام: اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ تَقْوَى لَا تَنْفَعُ؛ بحار الأنوار، ج ٨٣، ص ٣٢٥

٧-١٠- تَقْوَى مُؤَمِّلُ ثَوَابِهِ وَخَافِ عِقَابِهِ

﴿٣٠٤٦﴾ السَّجَاد عليه السلام: فَاتَّقُوا اللَّهَ عِبَادَ اللَّهِ تَقْوَى مُؤَمِّلِ ثَوَابِهِ وَخَافِ عِقَابِهِ؛ بحار الأنوار، ج ٧٥،

ص ١٢٨

٧-١١- تَقِيَّةَ ذِي لُبٍّ

﴿٣٠٤٧﴾ أمير المؤمنين عليه السلام: فَاتَّقُوا اللَّهَ عِبَادَ اللَّهِ تَقِيَّةَ ذِي لُبٍّ؛ نهج البلاغة، ص ١١١

٧-١٢- اسْتِشْعَارُ التَّقْوَى

﴿٣٠٤٨﴾ لقمان عليه السلام: أَمَّا الْعَشْرَةُ الْكَامِلَةُ الَّتِي تَنَالُ بِهَا الدُّنْيَا وَالْآخِرَةُ فَالزُّهْدُ فِيمَا بَقِيَ وَ
الِاسْتِعْدَادُ لِمَا يَأْتِي وَكَثْرَةُ النَّدَمِ عَلَى مَا فَاتَ وَإِدْمَانُ الْإِسْتِغْفَارِ وَاسْتِشْعَارُ التَّقْوَى وَخُشُوعُ
الْقَلْبِ وَكَثْرَةُ الذِّكْرِ لِلَّهِ تَعَالَى وَالرِّضَا بِأَفْعَالِ اللَّهِ سُبْحَانَهُ وَمُلَازِمَةُ الصِّدْقِ وَالْعَمَلُ بِمَا يُنْجِي؛

أعلام الدين، ص ١٥٨

٧-١٣- إِشْعَارُ التَّقْوَى

﴿٣٠٤٩﴾ أمير المؤمنين عليه السلام: طُوبَى لِمَنْ أَشْعَرَ التَّقْوَى قَلْبَهُ؛ غرر الحكم، ص ٢٦٩

٧-١٤- أَصْلُ الْوَرَعِ

﴿٣٠٥٠﴾ الصَّادِق عليه السلام: أَصْلُ الْوَرَعِ دَوَامُ الْمُحَاسَبَةِ وَصِدْقُ الْمُقَاوَلَةِ وَصَفَاءُ الْمُعَامَلَةِ وَ
الْخُرُوجُ مِنْ كُلِّ شُبْهَةٍ وَرَفْضُ كُلِّ عَيْبَةٍ وَرِيبةٍ وَمُفَارَقَةُ جَمِيعِ مَا لَا يَغْنِيهِ وَتَرْكُ فَتْحِ أَبْوَابِ لَا
يَذَرِي كَيْفَ يُغْلِقُهَا وَلَا يُجَالِسُ مَنْ يُشْكِلُ عَلَيْهِ الْوَاضِحُ وَلَا يُصَاحِبُ مُسْتَخْفِيَ الدِّينِ وَلَا يُعَارِضُ
مَنْ أَعْلَمَ مَا لَا يَحْتَمِلُ قَلْبُهُ وَلَا يَتَفَهَّمُهُ مِنْ قَائِلٍ وَيَقْطَعُ مَنْ يَقْطَعُهُ عَنِ اللَّهِ؛ بحار الأنوار، ج ٤٧،

ص ٣٠٧

﴿درجات پرهیزکاری / پرهیزکاری سودمند﴾

۷-۸- پرهیزکاری سودمند

﴿۳۰۴۴﴾ به خدا سوگند! هیچ بنده‌ای دارای تقوای مفید نخواهد شد، مگر اینکه زبان‌ش را حفظ کند.

۷-۹- پرهیزکاری پایان‌ناپذیر

﴿۳۰۴۵﴾ خداوند! از تو تقوایی می‌خواهم که تمام نشود.

۷-۱۰- پرهیزکاری‌ای که امید پاداشش می‌رود و بیم عذابش

﴿۳۰۴۶﴾ ای بندگان خدا! تقوای خداوند را همچون کسی که آرزومند پاداش او و ترسان از مجازاتش می‌باشد، رعایت کنید.

۷-۱۱- پرهیزکاری خردمندان

﴿۳۰۴۷﴾ پس ای بندگان خدا! تقوای الهی پیشه کنید، تقوای فردی خردمند.

۷-۱۲- همراه‌بودن با پرهیزکاری

﴿۳۰۴۸﴾ آن ده چیزی که به واسطه آن به دنیا و آخرت می‌توان رسید عبارتند از: زهدورزیدن در آنچه باقی مانده و آماده‌شدن برای آنچه پیش خواهد آمد و پشیمانی فراوان بر آنچه از دست رفته و عادت کردن به استغفار و بروزدادن تقوا و خشوع قلب و زیاد به یاد خداوند متعال بودن و راضی به کارهای خداوند سبحان بودن و پیوسته و همراه با راستی بودن و انجام کاری که انسان را نجات می‌دهد.

۷-۱۳- همراه‌بودن با پرهیزکاری

﴿۳۰۴۹﴾ خوشا به حال آنکه در قلبش تقوا را حس می‌کند.

۷-۱۴- ریشه‌ی پرهیزکاری

﴿۳۰۵۰﴾ اصل و پایه‌ی تقوا و شیوه پرهیزکاری این است که همیشه و در همه حال حساب اعمال خود را داشت؛ راستی در گفتار، در معاملات پاک و با صفا بودن، از هر کار و عمل شبهه‌ناک برکنار بودن، شک و تردید به خود راه ندادن، از هر چیزی که سودی ندارد دور شدن، دری را که راه بستن آن را نمی‌داند به روی خود نگشودن، همنشینی نکردن با افرادی که واضحات را برای تو مشکل می‌کنند، رفاقت و دوستی نکردن با افرادی که دین و امور دینی را سبک می‌شمزند، جدال و معارضه نکردن با کسانی که علم و دانش آنان بالاتر از او است و مطالب بلند و سنگین آن‌ها را درک نمی‌کند، قطع کردن ارتباط و پیوند خود از کسانی که با خدا ارتباط ندارند، چرا که رابطه با آنان، موجب قطع رابطه با خدا می‌گردد.

﴿درجات التقوى و المتقين / أول درجة التقى﴾

٧-١٥- أول درجة التقى

﴿٣٠٥١﴾ الصادق عليه السلام: [قَالَ عُنْوَانُ الْبَصْرِ] قُلْتُ يَا أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام مَا حَقِيقَةُ الْعُبُودِيَّةِ قَالَ ثَلَاثَةُ أَشْيَاءَ أَنْ لَا يَرَى الْعَبْدُ لِنَفْسِهِ فِيمَا خَوَّلَهُ اللَّهُ مِلْكَاً لِأَنَّ الْعَبِيدَ لَا يَكُونُ لَهُمْ مِلْكٌ يَرَوْنَ الْمَالَ مَالِ اللَّهِ يَضَعُونَهُ حَيْثُ أَمَرَهُمُ اللَّهُ بِهِ وَلَا يُدَبِّرُ الْعَبْدُ لِنَفْسِهِ تَذْبِيراً وَ جُمْلَةً اشْتِغَالَهُ فِيمَا أَمَرَهُ تَعَالَى بِهِ وَ نَهَاَهُ عَنْهُ فَإِذَا لَمْ يَرَ الْعَبْدُ لِنَفْسِهِ فِيمَا خَوَّلَهُ اللَّهُ تَعَالَى مِلْكَاً هَانَ عَلَيْهِ الْإِنْفَاقُ فِيمَا أَمَرَهُ اللَّهُ تَعَالَى أَنْ يُنْفِقَ فِيهِ وَ إِذَا فَوَّضَ الْعَبْدُ تَذْبِيرَ نَفْسِهِ عَلَى مُدَبِّرِهِ هَانَ عَلَيْهِ مَصَائِبُ الدُّنْيَا وَ إِذَا اشْتَغَلَ الْعَبْدُ بِمَا أَمَرَهُ اللَّهُ تَعَالَى وَ نَهَاَهُ لَا يَتَفَرَّغُ مِنْهُمَا إِلَى الْمِرَاءِ وَ الْمُبَاهَاةِ مَعَ النَّاسِ فَإِذَا أَكْرَمَ اللَّهُ الْعَبْدَ بِهَذِهِ الثَّلَاثَةِ هَانَ عَلَيْهِ الدُّنْيَا وَ الْإِلْسُ وَ الْخَلْقُ وَ لَا يَطْلُبُ الدُّنْيَا تَكَاثُراً وَ تَفَاخُراً وَ لَا يَطْلُبُ مَا عِنْدَ النَّاسِ عِزّاً وَ غُلُوراً وَ لَا يَدْعُ أَيَّامَهُ بِاطِلَالٍ فَهَذَا أَوَّلُ دَرَجَةِ التَّقَى؛

بحار الأنوار، ج ١، ص ٢٢٦

٧-١٦- بَعْضُ التَّقَى

﴿٣٠٥٢﴾ أمير المؤمنين عليه السلام: اتَّقِ اللَّهَ بَعْضَ التَّقَى وَ إِنْ قَلَّ وَ اجْعَلْ بَيْنَكَ وَ بَيْنَ اللَّهِ سِتْراً وَ إِنْ

رَقَّ؛ نهج البلاغة، ص ٥١١

٧-١٧- تَثْبِيْتُ عَلَى التَّقْوَى

﴿٣٠٥٣﴾ الرسول صلى الله عليه وآله: الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي آرَانَا وَلَايَتَكَ وَ أَخَذَ مِيثَاقَنَا بِذَلِكَ وَ زَادَنَا إِيمَاناً وَ

تَثْبِيْتاً عَلَى التَّقْوَى؛ بحار الأنوار، ج ٥٧، ص ١٢٥

٧-١٨- تَمَامُ التَّقْوَى

﴿٣٠٥٤﴾ الرسول صلى الله عليه وآله: تَمَامُ التَّقْوَى أَنْ تَتَعَلَّمَ مَا جَهِلْتَ وَ تَعْمَلَ بِمَا عَلِمْتَ؛ مجموعة ورام، ج ٢، ص ١١٩

٧-١٩- حِرْصُ فِي تَقْوَى

﴿٣٠٥٥﴾ أمير المؤمنين عليه السلام: وَ مِنْ عَلَامَاتِ أَحَدِهِمْ (المؤمنون) أَنْ يَكُونَ لَهُ حَزْمٌ فِي لَبِنٍ وَ

إِيمَانٌ فِي يَقِينٍ وَ حِرْصٌ فِي تَقْوَى؛ بحار الأنوار، ج ٧٥، ص ٢٣

٧-٢٠- حُسْنُ التَّقْوَى

﴿٣٠٥٦﴾ أمير المؤمنين عليه السلام: يُسْتَدَلُّ عَلَى دِينِ الرَّجُلِ بِحُسْنِ تَقْوَاهُ وَ صِدْقِ وَرَعِهِ؛ غرر الحكم، ص ٢٧١

«درجات پرهیزکاری / اولین درجه‌ی پرهیزکاری»

۷-۱۵- اولین درجه‌ی پرهیزکاری

﴿۳۰۵۱﴾ [عنوان بصری گوید:] عرض کردم: «حقیقت عبودیت و بندگی چیست؟» فرمود: «سه چیز است. اوّل اینکه ملک و مال را که خدا به او داده از خود نداند، چون بنده مالک چیزی نیست، مال را مال خدا دانسته و به دستور او مصرف می‌کند. دوّم اینکه تدبیر و اداره کردن را از خود نداند، (گرداننده اصلی امور خداوند است). سوّم اینکه اشتغالاتش مطابق امر و نهی خداوند باشد، زیرا با داشتن شرط اوّل، انفاق بر او آسان می‌گردد و با داشتن شرط دوّم، مصیبت‌های دنیا بر او آسان می‌شود و با فراهم شدن شرط سوّم عبودیت، دیگر فخر و مباهات و مجادله با مردم نمی‌کند. هرگاه خداوند با این سه ویژگی بنده را گرامی دارد دنیا، ابلیس و مردم در نظر او اهمّیتی ندارد و آسان جلوه می‌کند. او دنیا را به عنوان زیاده‌خواهی و فخرفروشی نمی‌خواهد، عزّت و سربلندی از مردم نمی‌جوید و عمرش را به بیهودگی نمی‌گذراند و این اولین درجه‌ی تقوا است.»

۷-۱۶- بخشی از پرهیزکاری

﴿۳۰۵۲﴾ از خدا پروا داشته باش اگر چه اندک باشد (کار خویش را با خدا یکسره نکن که به گرفتاری همیشگی برسد) و بین خود و خدا پرده‌ای قرار ده اگر چه نازک باشد (حدود و احکام خدا را حفظ کرده پرده دری نکن و جای آشتی بگذار که اگر پشیمان شدی راه داشته باشی).

۷-۱۷- تثبیت بر پرهیزکاری

﴿۳۰۵۳﴾ سپاس خدا را که ولایت تو را به ما نشان داد و از ما برای آن پیمان گرفت و ایمان و عقیده‌ی ما را با آن زیاد کرد و بر تقوا پایدارمان ساخت.

۷-۱۸- تمامیت پرهیزکاری

﴿۳۰۵۴﴾ تمام تقوا همین است که آنچه نمی‌دانی بیاموزی و آنچه آموختی عمل کنی.

۷-۱۹- حرص بر پرهیزکاری

﴿۳۰۵۵﴾ از نشانه‌های آن‌ها (مؤمنان) این است که به همراه ملایمت، و ایمان با یقین، و حرص در تقوا استوارند.

۷-۲۰- حسن پرهیزکاری

﴿۳۰۵۶﴾ با تقوای خوب و راستی و ورع فرد، به دین‌داری او می‌توان استدلال کرد.

﴿دَرَجَاتُ التَّقْوَى وَ الْمُتَّقِينَ / حُسْنُ الْوَرَعِ﴾

﴿٣٠٥٧﴾ أمير المؤمنين عليه السلام: الْعَزْلَةُ حُسْنُ التَّقْوَى؛ غررالحكم، ص ٣١٨

٧-٢١- حُسْنُ الْوَرَعِ

﴿٣٠٥٨﴾ أمير المؤمنين عليه السلام: شَيْئَانِ لَا يُوَاظِنُهُمَا عَمَلٌ: حُسْنُ الْوَرَعِ وَالْإِحْسَانُ إِلَى الْمُؤْمِنِينَ؛

غررالحكم، ص ٣٨٣

﴿٣٠٥٩﴾ الصَّادِق عليه السلام: عَنْ زُرَّارَةَ قَالَ:.... قُلْتُ لَهُ أَصْلَحَكَ اللَّهُ أَمْ رَأَيْتَ مَنْ صَامَ وَصَلَّى وَاجْتَنَبَ الْمَحَارِمَ وَحَسَنَ وَرَعَهُ مِمَّنْ لَا يَعْرِفُ وَلَا يَنْصِبُ فَقَالَ إِنَّ اللَّهَ يُدْخِلُ أَوْلِيكَ الْجَنَّةَ بِرَحْمَتِهِ؛ بحار الأنوار، ج ٢٧، ص ١٨٣

﴿٣٠٦٠﴾ أمير المؤمنين عليه السلام: سِيَاسَةُ الدِّينِ بِحُسْنِ الْوَرَعِ وَالْيَقِينِ؛ غررالحكم، ص ٢٧١

﴿٣٠٦١﴾ أمير المؤمنين عليه السلام: دَلَالَةُ حُسْنِ الْوَرَعِ غُرُوفُ النَّفْسِ عَنْ مَذَلَّةِ الطَّمَعِ؛ غررالحكم،

ص ٢٤٠

٧-٢٢- حَسَنُ الْوَرَعِ

﴿٣٠٦٢﴾ أمير المؤمنين عليه السلام: يُعْجِبُنِي أَنْ يَكُونَ الرَّجُلُ حَسَنَ الْوَرَعِ مُتَنَزِّهًا عَنِ الطَّمَعِ كَثِيرَ

الْإِحْسَانِ قَلِيلَ الْإِمْتِنَانِ؛ غررالحكم، ص ٢٧٢

٧-٢٣- أَحْسَنُ الْوَرَعِ

﴿٣٠٦٣﴾ الأئمة عليهم السلام: وَ الْوَرَعُ حَسَنٌ وَ هُوَ مِنَ الْعُلَمَاءِ أَحْسَنُ؛ إرشاد القلوب، ج ١، ص ١٩٣

٧-٢٤- حَقُّ تَقَاتِهِ

﴿٣٠٦٤﴾ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ حَقَّ تَقَاتِهِ وَلَا تَمُوتُنَّ إِلَّا وَأَنْتُمْ مُسْلِمُونَ؛ آل عمران ١٠٢

﴿٣٠٦٥﴾ الزَّهْرَاءُ عليها السلام: فَاتَّقُوا اللَّهَ حَقَّ تَقَاتِهِ وَأَطِيعُوهُ فِيمَا أَمَرَكُمْ بِهِ؛ شرح نهج البلاغة، ج ١٦، ص ٢١١

﴿٣٠٦٦﴾ أمير المؤمنين عليه السلام: فَاتَّقُوا اللَّهَ أَيُّهَا النَّاسُ حَقَّ تَقَاتِهِ وَاسْتَشْعِرُوا خَوْفَ اللَّهِ جَلَّ

ذِكْرُهُ؛ الكافي، ج ٨، ص ٢٥٦

﴿٣٠٦٧﴾ أمير المؤمنين عليه السلام: مَنْ اتَّقَى اللَّهَ حَقَّ تَقَاتِهِ أَعْطَاهُ اللَّهُ أَنْسًا بَلَا أَنْيسَ وَغَنَاءَ بَلَا مَالٍ وَ

عِزًّا بَلَا سُلْطَانَ؛ مستدرک الوسائل، ج ١١، ص ٢٦٥

﴿درجات پرهیزکاری / حسن ورع﴾

﴿۳۰۵۷﴾ عزلت و گوشه‌گیری زیبایی پرهیزکاری است.

۷-۲۱- حسن ورع

﴿۳۰۵۸﴾ دو چیز است که با هیچ عملی برابری نمی‌کند: ورع نیکو و نیکی به مؤمنان.

﴿۳۰۵۹﴾ زرارہ گوید: به امام صادق علیه السلام عرض کردم: «در مورد کسی که روزه ندارد و نماز بخواند و از کارهای حرام پرهیز کند و پرهیزکار باشد، اما اعتقاد به امامت نداشته باشد، ولی ناصبی و دشمن هم نباشد [چه می‌فرمایی]؟» فرمود: «خداوند آن‌ها را به رحمت خود وارد بهشت می‌کند».

﴿۳۰۶۰﴾ سیاست دین و کامل گردانیدن آن، به نیکویی پرهیزکاری و یقین است.

﴿۳۰۶۱﴾ دلیل نیکویی ورع، برگشتن نفس از خواری طمع است.

۷-۲۲- دارای ورع نیکو

﴿۳۰۶۲﴾ از فردی که خوب ورع دارد و از طمع پاک است و بسیار نیکی می‌کند و کم منت می‌گذارد، خوشم می‌آید.

۷-۲۳- نیکوترین ورع

﴿۳۰۶۳﴾ ورع خوب است و [مراعات] این خوبی از علما بهتر است.

۷-۲۴- حق پرهیزکاری

﴿۳۰۶۴﴾ ای کسانی که ایمان آورده‌اید! آن گونه که حق تقوا و پرهیزکاری است، از خدا بپرهیزید! و از دنیا نروید، مگر اینکه مسلمان باشید! (باید گوهر ایمان را تا پایان عمر، حفظ کنید!) ﴿۳۰۶۵﴾ آن طور که شایسته است، تقوا پیشه کنید و از خدا در امور که شما را به آن امر کرده، اطاعت کنید.

﴿۳۰۶۶﴾ ای مردم! تقوای الهی داشته باشید، به قدری که حق تقوا را رعایت کرده باشید و ترس از خداوند جلیل را شعار خود قرار دهید.

﴿۳۰۶۷﴾ هر کس آن طور که شایسته است، از خداوند پروا کند؛ خداوند به او انس و آرامش بدون انیس و همراه؛ غنا و بی‌نیازی بدون داشتن مال؛ و عزت و احترامی بدون داشتن مقام سلطنت عنایت می‌فرماید.

﴿دَرَجَاتُ التَّقْوَى وَ الْمُتَّقِينَ / حَقِيقَةُ الْوَرَعِ﴾

﴿٣٠٦٨﴾ الصَّادِقُ عليه السلام: عَنْ أَبِي بَصِيرٍ قَالَ سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام عَنْ قَوْلِ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ اتَّقُوا اللَّهَ حَقَّ تَقَاتِهِ قَالَ يُطَاعُ فَلَا يُعْصَى وَيُذَكَّرُ فَلَا يُنْسَى وَيُشْكَرُ فَلَا يُكْفَرُ؛ وسائل الشيعة، ج ١٥، ص ٢٣٥

﴿٣٠٦٩﴾ الصَّادِقُ عليه السلام: عَنْ أَبِي بَصِيرٍ قَالَ سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام عَنْ قَوْلِ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ اتَّقُوا اللَّهَ حَقَّ تَقَاتِهِ قَالَ يُطَاعُ فَلَا يُعْصَى وَيُذَكَّرُ فَلَا يُنْسَى وَيُشْكَرُ فَلَا يُكْفَرُ؛ وسائل الشيعة، ج ١٥، ص ٢٣٥

٧-٢٥- حَقِيقَةُ الْوَرَعِ

﴿٣٠٧٠﴾ السَّجَّادُ عليه السلام: [قَالَ زَيْنُ الْعَابِدِينَ عليه السلام لِلشَّيْلِ] فَعِنْدَ مَا ذَبَحَتْ هَدْيَكَ نَوَيْتَ أَنَّكَ ذَبَحْتَ حَنْجَرَةَ الطَّمَعِ بِمَا تَمَسَّكَتَ بِهِ مِنْ حَقِيقَةِ الْوَرَعِ وَأَنَّكَ اتَّبَعْتَ سُنَّةَ إِبْرَاهِيمَ عليه السلام بِذَبْحِ وَلَدِهِ وَنَمْرَةٍ فُوَادِهِ وَرِيحَانِ قَلْبِهِ وَحَاجَةٍ سُنَّتُهُ لِمَنْ بَعْدَهُ وَقَرَبِهِ إِلَى اللَّهِ تَعَالَى لِمَنْ خَلْفَهُ قَالَ لَأُ؛ مستدرک الوسائل، ج ١٠، ص ١٧٠

٧-٢٦- دَائِمُ تَقْوَى

﴿٣٠٧١﴾ الباقر عليه السلام: مَا عَاشَ قَوْمٌ قَطُّ فِي غَضَارَةٍ مِنْ كَرَامَةِ نِعَمِ اللَّهِ فِي مَعَاشٍ دُنْيَاً وَ لَا دَائِمٍ تَقْوَى فِي طَاعَةِ اللَّهِ وَ الشُّكْرِ لِنِعْمِهِ فَأَزَالَ ذَلِكَ عَنْهُمْ إِلَّا مِنْ بَعْدِ تَغْيِيرٍ مِنْ أَنْفُسِهِمْ وَ تَحْوِيلٍ عَنْ طَاعَةِ اللَّهِ وَ الْحَادِثِ مِنْ ذُنُوبِهِمْ وَ قَلَّةِ مُحَافَظَةِ وَ تَرْكِ مُرَاقَبَةِ اللَّهِ جَلَّ وَ عَزَّ وَ تَهَاوُنِ بِشُكْرِ نِعْمَةِ اللَّهِ لِأَنَّ اللَّهَ عَزَّ وَ جَلَّ يَقُولُ فِي مُحْكَمِ كِتَابِهِ إِنَّ اللَّهَ لَا يُغَيِّرُ مَا بِقَوْمٍ حَتَّى يُغَيِّرُوا مَا بِأَنْفُسِهِمْ؛ الكافي، ج ٨، ص ٢٥٦

٧-٢٧- دَقِيقُ الْوَرَعِ

﴿٣٠٧٢﴾ الصَّادِقُ عليه السلام: فَالْخَاصُّ يَنْظُرُ فِي دَقِيقِ الْوَرَعِ فَلَا يَتَنَاوَلُ حَتَّى يَتَيَقَّنَ أَنَّهُ حَلَالٌ وَإِذَا أَشْكَلَ عَلَيْهِ تَنَاوَلَ عِنْدَ الضَّرُورَةِ؛ مستدرک الوسائل، ج ١٣، ص ٢٩٣

٧-٢٨- أَرْفَعُ دَرَجَاتِ الْمُتَّقِينَ

﴿٣٠٧٣﴾ السَّجَّادُ عليه السلام: الرِّضَا بِالْمَكْرُوهِ أَرْفَعُ دَرَجَاتِ الْمُتَّقِينَ؛ بحار الأنوار، ج ٧٩، ص ١٣٤

﴿درجات پرهیزکاری / حقیقت ورع﴾

﴿۳۰۶۸﴾ ابو بصیر گوید: از امام صادق علیه السلام در مورد این آیه: «اتَّقُوا اللَّهَ حَقَّ تَقَاتِهِ» سؤال کردم. فرمود: «این پرهیز عبارت از این است که خدا را بدون عصیان اطاعت و بدون فراموشی او را یاد کرد و بدون ناسپاسی شکرش را به جای آورد».

﴿۳۰۶۹﴾ ابو بصیر گوید: از امام صادق علیه السلام در مورد این آیه: «آن گونه که حق تقوا و پرهیزکاری است، از خدا بپرهیزید!» سؤال کردم. فرمود: «این پرهیز عبارت از این است که خدا را بدون عصیان اطاعت و بدون فراموشی او را یاد کرد و بدون ناسپاسی شکرش را به جای آورد».

۷-۲۵- حقیقت ورع

﴿۳۰۷۰﴾ [امام علیه السلام به شبلی که تازه از سفر حج برگشته بود فرمود:] آنگاه که قربانیات را سر بریدی، نیت کردی که گلولی طمع را با حقیقت ورع و پرهیزکاری ببری؟ آیا از سنت ابراهیم علیه السلام تبعیت کردی که خواست فرزندش و ثمره‌ی زندگی‌اش و گل خوشبوی قلبش را قربانی کند و او را وسیله‌ای برای تقرب به خداوند برای نسل‌های بعد قرار داد؟ عرض کرد: «نه [چنین نیتی نکردم]».

۷-۲۶- دوام پرهیزکاری

﴿۳۰۷۱﴾ به خدا سوگند هیچ‌گاه مردمی در خرمی نعمت‌های خداوندی و نه در پرهیزکاری دایمی که در انجام طاعت خدا و شکر نعمت‌های او زندگی خویش را سپری کرده باشند، از نعمت‌های خداوند بی‌بهره نمی‌شوند؛ مگر پس از آنکه خودشان آن را دگرگون ساخته و از فرمانبری حق روی بر تافته‌اند و در به جا آوردن شکر نعمت خدا سستی ورزیده‌اند، چراکه خداوند عزّ و جلّ در کتاب استوار خود فرموده است: «خداوند سرنوشت هیچ قوم [و ملت] را تغییر نمی‌دهد مگر آنکه آنان آنچه را در خودشان است تغییر دهند».

۷-۲۷- پرهیزکاری دقیق

﴿۳۰۷۲﴾ و اما گروه خاص؛ آنان با تقوایی دقیق در امور می‌نگرند، و چیزی را نمی‌خورند مگر آنکه یقین پیدا کنند حلال است، و در موارد شبهه‌ناک نیز فقط به مقدار ضرورت اکتفا می‌کنند.

۷-۲۸- بالاترین درجات پرهیزکاری

﴿۳۰۷۳﴾ خشنودی به ناملایمات، والاترین درجه‌ی پرهیزکاران است.

﴿درجات التَّقْوَى وَ الْمُتَّقِينَ / مَزِيدُ التَّقْوَى﴾

٧-٢٩- مَزِيدُ التَّقْوَى

﴿٣٠٧٤﴾ الصَّادِقُ عليه السلام: مَزِيدُ التَّقْوَى يَكُونُ مِنْ أَصْلِ أَطْلَاعِ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ عَلَى سِرِّ الْعَبْدِ بِطَفْهِ؛ مصباح الشريعة، ص ٥٩

٧-٣٠- إِزْدِيَادُ الْوَرَعِ

﴿٣٠٧٥﴾ أمير المؤمنين عليه السلام: مَنْ زَادَ وَرَعَهُ نَقَصَ إِثْمُهُ؛ غرر الحكم، ص ٢٧٣

٧-٣١- سَلَامَةُ الْوَرَعِ

﴿٣٠٧٦﴾ أمير المؤمنين عليه السلام: مَنْ اغْتَزَلَ سَلَمَ وَرَعَهُ؛ غرر الحكم، ص ٣١٩

٧-٣٢- شِدَّةُ التَّقْوَى

﴿٣٠٧٧﴾ أمير المؤمنين عليه السلام: سِتَّةٌ يُحْتَبَرُ بِهَا دِينَ الرَّجُلِ قُوَّةُ الدِّينِ وَ صِدْقُ الْيَقِينِ وَ شِدَّةُ التَّقْوَى وَ مُغَالَبَةُ الْهَوَى وَ قِلَّةُ الرَّغَبِ وَ الْإِجْمَالُ فِي الطَّلَبِ؛ غرر الحكم، ص ٨٥

٧-٣٣- شِدَّةُ الْوَرَعِ

﴿٣٠٧٨﴾ الصَّادِقُ عليه السلام: إِنَّمَا أَصْحَابُ جَعْفَرٍ مَنِ اشْتَدَّ وَرَعُهُ وَ عَمِلَ لِخَالِقِهِ؛ مستدرک الوسائل،

ج ١١، ص ٢٧٠

﴿٣٠٧٩﴾ الصَّادِقُ عليه السلام: إِذَا أَرَدْتَ أَنْ تَعْرِفَ أَصْحَابِي فَانْظُرْ إِلَى مَنْ اشْتَدَّ وَرَعُهُ وَ خَافَ خَالِقَهُ وَ رَجَا ثَوَابَهُ وَ إِذَا رَأَيْتَ هَؤُلَاءِ فَهَؤُلَاءِ أَصْحَابِي؛ الكافي، ج ٢، ص ٢٣٦

﴿٣٠٨٠﴾ الصَّادِقُ عليه السلام: إِنَّمَا أَصْحَابِي مَنْ اشْتَدَّ وَرَعُهُ وَ عَمِلَ لِخَالِقِهِ وَ رَجَا ثَوَابَهُ فَهَؤُلَاءِ

أَصْحَابِي؛ الكافي، ج ٢، ص ٧٧

٧-٣٤- شُمُوسُ الْأَتْقِيَاءِ

﴿٣٠٨١﴾ زيارة الجامعة الكبيرة: السَّلَامُ عَلَيْكُمْ أَيُّمَّةَ الْمُؤْمِنِينَ وَ سَادَةَ الْمُتَّقِينَ وَ كُبَرَاءَ الصِّدِّيقِينَ وَ أُمَرَاءَ الصَّالِحِينَ وَ قَادَةَ الْمُحْسِنِينَ وَ أَعْلَامَ الْمُهْتَدِينَ وَ أَنْوَارَ الْعَارِفِينَ وَ وَرَثَةَ الْأَنْبِيَاءِ وَ صَفْوَةَ الْأَوْصِيَاءِ وَ شُمُوسَ الْأَتْقِيَاءِ؛ بحار الأنوار، ج ٩٩، ص ١٦٢

٧-٣٥- صِحَّةُ فِي التَّقْوَى

﴿٣٠٨٢﴾ الصَّادِقُ عليه السلام: اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ صِحَّةَ فِي تَقْوَى؛ المجتبی، ص ١١

﴿درجات پرهیزکاری / افزایش پرهیزکاری﴾

۷-۲۹- افزایش پرهیزکاری

﴿۳۰۷۴﴾ یگانه عامل ازدیاد و تقویت تقوا، اطلاع کامل و ایمان انسان است به اینکه خدا به تمامی اسرار و نیات و خاطرات بنده‌اش آگاهی دارد.

۷-۳۰- افزایش پرهیزکاری

﴿۳۰۷۵﴾ کسی که ورعش زیاد شود، گناهش کم می‌شود.

۷-۳۱- سلامت ورع

﴿۳۰۷۶﴾ کسی که گوشه‌نشینی کند، ورعش سالم می‌ماند.

۷-۳۲- شدت پرهیزکاری

﴿۳۰۷۷﴾ با شش چیز است که صحت دین فرد آزموده می‌شود: قوت دین [و میزان پایداری بر دینداری]، راستی یقین، شدت تقوا، چیره‌شدن بر هوای نفس، کم میلی به دنیا و درخواست مختصر داشتن.

۷-۳۳- شدت ورع

﴿۳۰۷۸﴾ یاران جعفر کسانی هستند که در نهایت پارسایی هستند و فقط برای خدا کار می‌کنند.

﴿۳۰۷۹﴾ اگر می‌خواهی اصحاب مرا بشناسی، به کسی بنگر که پرهیزکاری‌اش بسیار باشد و از خالق خود بترسد و به ثواب او امیدوار باشد، هرگاه این مردم را دیدی، این‌ها اصحاب من هستند.

﴿۳۰۸۰﴾ اصحاب من کسانی هستند که ورعشان شدید باشد و برای خالقشان عمل کنند و ثواب او را امیدوار باشند. این‌ها اصحاب من هستند.

۷-۳۴- خورشیدهای پرهیزکاران

﴿۳۰۸۱﴾ [زیارت جامعه: سلام بر شما ای ائمه‌ی مؤمنان، سروران متقیان، بزرگان صدیقان، امیران صالحان، رهبران نیکوکاران، پرچم‌های هدایت‌یافتگان، انوار عارفان، وارثان انبیا، برگزیده‌ی برگزیدگان و خورشید پرهیزکاران.

۷-۳۵- صحت در پرهیزکاری

﴿۳۰۸۲﴾ خدایا! از تو صحت و سلامت تقوایم را می‌طلبم.

﴿ذَرَجَاتُ التَّقْوَى وَالْمُتَّقِينَ / صِحَّةُ الْوَرَعِ﴾

٧-٣٦- صِحَّةُ الْوَرَعِ

﴿٣٠٨٣﴾ أمير المؤمنين عليه السلام: لَقَدْ سَبَقَ إِلَى جَنَّاتِ عَدْنٍ أَقْوَامٌ مَا كَانُوا أَكْثَرَ النَّاسِ صَلَاةً وَلَا صِيَامًا وَلَا حَجًّا وَلَا اعْتِمَارًا وَلَكِنَّ عَقْلُوا عَنْ اللَّهِ أَمْرَهُ فَحَسَنَتْ طَاعَتُهُمْ وَصَحَّ وَرَعُهُمْ وَكَمُلَ يَقِينُهُمْ فَفَاقُوا غَيْرَهُمْ بِالْحُظُوتِ وَرَفِيعِ الْمَنْزِلَةِ؛ شرح نهج البلاغة، ج ٢٠، ص ٢٧٠

٧-٣٧- صِدْقُ التَّقَى

﴿٣٠٨٤﴾ أمير المؤمنين عليه السلام: مَنْ صَبَرَ عَلَى طَوْلِ الْأَذَى أَبَانَ عَنْ صِدْقِ التَّقَى؛ غرر الحكم، ص ٢٨٥

﴿٣٠٨٥﴾ أمير المؤمنين عليه السلام: مَنْ صَبَرَ عَلَى مُرِّ الْأَذَى أَبَانَ عَنْ صِدْقِ التَّقْوَى؛ غرر الحكم، ص ٢٨٥

٧-٣٨- صِدْقُ الْوَرَعِ

﴿٣٠٨٦﴾ أمير المؤمنين عليه السلام: يُسْتَدَلُّ عَلَى دِينِ الرَّجُلِ بِحُسْنِ تَقْوَاهُ وَصِدْقِ وَرَعِهِ؛ غرر الحكم، ص ٢٧١

﴿٣٠٨٧﴾ أمير المؤمنين عليه السلام: لِيَصْدُقَ وَرَعُكَ وَيَشْتَدَّ تَحْرِيكُكَ وَتَخْلُصَ نِيَّتُكَ فِي الْأَمَانَةِ وَ

الْيَمِينِ؛ غرر الحكم، ص ٢٥١

﴿٣٠٨٨﴾ أمير المؤمنين عليه السلام: بِصِدْقِ الْوَرَعِ يُحْصَنُ الدِّينُ؛ غرر الحكم، ص ٢٧١

﴿٣٠٨٩﴾ أمير المؤمنين عليه السلام: أَعْلَى الْأَعْمَالِ إِخْلَاصُ الْإِيمَانِ وَصِدْقُ الْوَرَعِ وَالْإِقْيَانُ؛

غرر الحكم، ص ١٥٥

﴿٣٠٩٠﴾ أمير المؤمنين عليه السلام: مَنْ صَدَقَ وَرَعُهُ اجْتَنَبَ الْمُحَرَّمَاتِ؛ غرر الحكم، ص ٢٧٣

٧-٣٩- صَلَاحُ التَّقْوَى

﴿٣٠٩١﴾ أمير المؤمنين عليه السلام: صَلَاحُ التَّقْوَى تَجَنُّبُ الرِّيبِ؛ غرر الحكم، ص ٢٦٨

٧-٤٠- مَا اسْتَطَعْتُمْ

﴿٣٠٩٢﴾ فَاتَّقُوا اللَّهَ مَا اسْتَطَعْتُمْ وَأَسْمِعُوا وَأَطِيعُوا وَأَنْفِقُوا خَيْرًا لَأَنْفُسِكُمْ وَمَنْ يُوقِ شُحَّ نَفْسِهِ

فَأُولَئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ؛ التغابن ١٦

﴿٣٠٩٣﴾ الصَّادِقُ عليه السلام: فَاتَّقُوا مَا اسْتَطَعْتُمْ؛ مستدرک الوسائل، ج ٨، ص ١٦٣

﴿٣٠٩٤﴾ الْبَاقِرُ عليه السلام: فَاتَّقُوا اللَّهَ عِبَادَ اللَّهِ بِمَا اسْتَطَعْتُمْ وَأَطِيعُوا وَسَلَّمُوا الْأَمْرَ لَاهِلِهِ تَفْلِحُوا؛

بحار الأنوار، ج ٦٦، ص ٣٩٩

﴿درجات پرهیزکاری / سخت پرهیزکاری﴾

۷-۳۶- سخت پرهیزکاری

﴿۳۰۸۳﴾ گروه‌هایی به سوی بهشت برین [از دیگران] پیشی گرفتند که بیش از دیگران اهل روزه، نماز، حج و عمره نبودند، بلکه آنان در موعظه‌های الهی تعقل کردند. در نتیجه طاعتشان نیک و ورعشان صحیح و یقینشان کامل شد و بر امتیازی بالاتر از دیگران و منزلتی بزرگ دست یافتند.

۷-۳۷- درستی پرهیزکاری

﴿۳۰۸۴﴾ هر کس بر طولانی شدن آزارها صبر کند، راستی تقوایش آشکار می‌شود.

﴿۳۰۸۵﴾ هر کس بر تلخی اذیت‌ها صبر کند، درستی تقوایش آشکار می‌شود.

۷-۳۸- درستی پرهیزکاری

﴿۳۰۸۶﴾ با تقوای خوب و راستی و ورع فرد، به دین‌داری او می‌توان استدلال کرد.

﴿۳۰۸۷﴾ باید که ورع تو درست، و احتیاط تو شدید، و نیت تو در امانت و سوگند، خالص

باشد.

﴿۳۰۸۸﴾ با درستی ورع، دین محفوظ می‌شود.

﴿۳۰۸۹﴾ برترین عمل خالص بودن ایمان و راست بودن ورع و یقین است.

﴿۳۰۹۰﴾ هر کس که ورعش راست باشد، از گناهان دوری می‌کند.

۷-۳۹- صلاح پرهیزکاری

﴿۳۰۹۱﴾ دوری از شبهات، موجب اصلاح تقوا است.

۷-۴۰- آن قدر که می‌توانید

﴿۳۰۹۲﴾ پس تا می‌توانید تقوای الهی پیشه کنید و گوش دهید و اطاعت نمایید و انفاق کنید

که برای شما بهتر است و کسانی که از بخل و حرص خویشتن مصون بمانند رستگارانند!

﴿۳۰۹۳﴾ به قدر توانتان از خدا پروا کنید.

﴿۳۰۹۴﴾ پس ای بندگان خدا! تا جایی که می‌توانید از او پروا کنید و از او اطاعت کنید و امر

ولایت را به اهلش تسلیم کنید تا رستگار شوید.

﴿ذَرَجَاتُ التَّقْوَى وَ الْمُتَّقِينَ / عِلْمُ التَّقْوَى﴾

﴿٣٠٩٥﴾ الصَّادِقُ (عليه السلام): مَنْ اتَّقَى اللَّهَ عَزَّ وَ جَلَّ نَجَا فَاتَّقُوا اللَّهَ عِبَادَ اللَّهِ بِمَا اسْتَطَعْتُمْ؛

بحار الأنوار، ج ٤٦، ص ٣٩٩

﴿٣٠٩٦﴾ الصَّادِقُ (عليه السلام): يَا شِيعَةَ آلِ مُحَمَّدٍ اتَّقُوا اللَّهَ مَا اسْتَطَعْتُمْ؛ الكافي، ج ٢، ص ٦٣٧

٧-٤١- عِلْمُ التَّقْوَى

﴿٣٠٩٧﴾ الجَوَادُ (عليه السلام): كَتَبَ عَلَى نَفْسِهِ الرَّحْمَةَ فَسَقَتْ قَبْلَ الْغَضَبِ فَتَمَّتْ صِدْقًا وَ عَدْلًا فَلَيْسَ

يَبْدِئُ الْعِبَادَ بِالْغَضَبِ قَبْلَ أَنْ يُغْضِبُوهُ وَ ذَلِكَ مِنْ عِلْمِ الْيَقِينِ وَ عِلْمِ التَّقْوَى؛ الكافي، ج ٨، ص ٥٢

٧-٤٢- عِمَادُ الْأَتْقِيَاءِ

﴿٣٠٩٨﴾ الصَّادِقُ (عليه السلام): السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا عِمَادَ الْأَتْقِيَاءِ؛ بحار الأنوار، ج ٩٧، ص ٣٧٣

٧-٤٣- أَعْمَلُ النَّاسِ بِالتَّقْوَى

﴿٣٠٩٩﴾ الرَّسُولُ (عليه السلام): قَالَ قَائِلُ النَّاسِ خَيْرٌ عِنْدَ اللَّهِ قَالَ أَخَوْفُهُمْ لِلَّهِ وَ أَعْمَلُهُمْ بِالتَّقْوَى وَ

أَزْهَدُهُمْ فِي الدُّنْيَا؛ من لا يحضره الفقيه، ج ٤، ص ٣٨١

٧-٤٤- أَفْضَلُ الْأَتْقِيَاءِ

﴿٣١٠٠﴾ السَّجَّادُ (عليه السلام): الْبِرُّ بَرٌّ مَنْ أَقَامَ الصَّلَاةَ بِحُدُودِهَا وَ عِلْمٌ أَنَّ أَكْبَرَ حُدُودِهَا الدُّخُولُ فِيهَا

وَ الْخُرُوجُ عَنْهَا مُعْتَرِفًا بِفَضْلِ مُحَمَّدٍ سَيِّدِ أَنْبِيَائِهِ وَ عِيْدِهِ وَ الْمَوَالَاةِ لِسَيِّدِ الْأَوْصِيَاءِ وَ أَفْضَلِ الْأَتْقِيَاءِ عَلَى النَّبِيِّ وَ قَائِدِ الْأَخْيَارِ وَ أَفْضَلِ أَهْلِ دَارِ الْقَرَارِ بَعْدَ النَّبِيِّ الزَّكِيِّ الْمُخْتَارِ؛ بحار الأنوار،

ج ٢٤، ص ٣٨٤

٧-٤٥- أَفْضَلُ الْوَرَعِ

﴿٣١٠١﴾ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ (عليه السلام): مِنْ أَفْضَلِ الْوَرَعِ أَنْ لَا تَبْدِئَ فِي خَلْوَتِكَ مَا تَسْتَحْيِي مِنْ إِيْظَاهَرِهِ

فِي عَلَانِيَتِكَ؛ غرر الحكم، ص ٢٧٤

﴿٣١٠٢﴾ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ (عليه السلام): مِنْ أَفْضَلِ الْوَرَعِ اجْتِنَابُ الْمُحَرَّمَاتِ؛ غرر الحكم، ص ٢٧٣

﴿٣١٠٣﴾ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ (عليه السلام): غَضُّ الطَّرْفِ مِنْ أَفْضَلِ الْوَرَعِ؛ غرر الحكم، ص ٢٦٠

﴿٣١٠٤﴾ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ (عليه السلام): أَفْضَلُ الْوَرَعِ حُسْنُ الظَّنِّ؛ غرر الحكم، ص ٢٥٣

﴿٣١٠٥﴾ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ (عليه السلام): أَفْضَلُ الْوَرَعِ تَجَنُّبُ الشَّهَوَاتِ؛ مستدرک الوسائل، ج ١١، ص ٣٤٣

﴿درجات پرهیزکاری / دانش پرهیزکاری﴾

﴿۳۰۹۵﴾ هر کس تقوای الهی پیشه کند، نجات می‌یابد. پس ای بندگان خدا! تا جایی که می‌توانید، از او پروا کنید.

﴿۳۰۹۶﴾ ای شیعه خاندان محمد ﷺ از خداوند تا آنجا که می‌توانید پروا دارید.

۷-۴۱- دانش پرهیزکاری

﴿۳۰۹۷﴾ خداوند «رحمت و بخشش را بر خود حتم کرده» و رحمتش بر خشمش پیشی گرفته، و به درستی و عدالت تمام می‌شود. خداوند پیش از آنکه او را به خشم آورند، با بندگان خود به خشم آغاز نمی‌کند. و این حقیقت از علم الیقین و علم پرهیزکاری است.

۷-۴۲- ستون پرهیزکاران

﴿۳۰۹۸﴾ سلام بر تو ای ستون و تکیه‌گاه پرهیزکاران.

۷-۴۳- عامل‌ترین مردم در پرهیزکاری

﴿۳۰۹۹﴾ پرسیدند: «بهترین مردم چه کسانی هستند؟» فرمود: «آن که از خدا بیشتر می‌ترسد و تقوا را بیشتر می‌شناسد در دنیا زاهدتر است».

۷-۴۴- برترین پرهیزکاران

﴿۳۱۰۰﴾ نیکوکار کسی است که نماز را با حدود و شرایط آن انجام دهد و بداند که مهمترین شرط نماز، شروع و تمام کردن آن با اعتراف به فضل محمد ﷺ بر تمام انبیاء و بندگان و دوستی علی ﷺ سرور اوصیاء و بهترین اتقیا سرور خوبان و رهبر نیکان و بهترین ساکنان بهشت بعد از پیامبر پاک برگزیده است.

۷-۴۵- برترین پرهیزکاری

﴿۳۱۰۱﴾ از برترین نشانه‌های ورع این است که آنچه را از اظهارش در آشکار حیا می‌کنی، در خلوت آشکار نکنی.

﴿۳۱۰۲﴾ بالاترین ورع، دوری از گناهان است.

﴿۳۱۰۳﴾ یکی از بالاترین ورع‌ها، چشم‌پاکی است.

﴿۳۱۰۴﴾ بالاترین ورع، حسن ظنّ [به خدا] است.

﴿۳۱۰۵﴾ بالاترین ورع، دوری از گناهان است.

﴿دَرَجَاتُ التَّقْوَى وَ الْمُتَّقِينَ / قِلَّةُ الْوَرَعِ﴾

٧-٤٦- قِلَّةُ الْوَرَعِ

﴿٣١٠٦﴾ أمير المؤمنين عليه السلام: آفَةُ الْعُدُولِ قِلَّةُ الْوَرَعِ؛ غرر الحكم، ص ٣٤٧

٧-٤٧- قَادَةُ الْأَتْقِيَاءِ

﴿٣١٠٧﴾ الصَّادِق عليه السلام: فَإِنَّهُمْ خُلَفَائِي وَأَوْصِيَائِي وَ حُجَجُ اللَّهِ عَلَى الْخَلْقِ بَعْدِي وَ سَادَةُ أُمَّتِي وَ قَادَةُ الْأَتْقِيَاءِ إِلَى الْجَنَّةِ؛ بحار الأنوار، ج ٢٣، ص ١٤٤

٧-٤٨- قُوَّةُ التَّقَى

﴿٣١٠٨﴾ الصَّادِق عليه السلام: صُونُوا دِينَكُمْ بِالْوَرَعِ وَ قُوَّةِ التَّقَى؛ ثواب الأعمال، ص ٢٤٦

٧-٤٩- كَثْرَةُ التَّقَى

﴿٣١٠٩﴾ أمير المؤمنين عليه السلام: كَثْرَةُ التَّقَى غُنَوَانُ وَفُورِ الْوَرَعِ؛ غرر الحكم، ص ٢٦٨

٧-٥٠- كَثْرَةُ الْوَرَعِ

﴿٣١١٠﴾ أمير المؤمنين عليه السلام: اسْتَعِنْ عَلَى الْعَدْلِ بِحُسْنِ النِّيَّةِ فِي الرَّعِيَّةِ وَ قِلَّةِ الطَّمَعِ وَ كَثْرَةِ الْوَرَعِ؛ مستدرک الوسائل، ج ١١، ص ٣١٩

٧-٥١- كَمَالُ التَّقَى

﴿٣١١١﴾ أمير المؤمنين عليه السلام: مَنْ جَاهَدَ نَفْسَهُ أَكْمَلَ التَّقَى؛ غرر الحكم، ص ٢٤٣

٧-٥٢- إِلْزَامُ كَلِمَةِ التَّقْوَى

﴿٣١١٢﴾ إِذْ جَعَلَ الَّذِينَ كَفَرُوا فِي قُلُوبِهِمُ الْحَمِيَّةَ الْحَمِيَّةَ الْجَاهِلِيَّةَ فَأَنْزَلَ اللَّهُ سَكِينَتَهُ عَلَى رَسُولِهِ وَعَلَى الْمُؤْمِنِينَ وَأَلْزَمَهُمْ كَلِمَةَ التَّقْوَى وَكَانُوا أَحَقَّ بِهَا وَأَهْلَهَا وَكَانَ اللَّهُ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمًا؛ الفتح ٢٦

﴿٣١١٣﴾ عند استهلال شهر رمضان: أَلْزَمَنِي كَلِمَةَ التَّقْوَى الَّتِي أَلْزَمَهَا الْمُتَّقِينَ؛ بحار الأنوار، ج ٩٥، ص ٣٣٠

٧-٥٣- مَنْ اِمْتَحَنَ اللَّهُ قَلْبَهُ لِلتَّقْوَى

﴿٣١١٤﴾ أمير المؤمنين عليه السلام: لَيْسَ عَبْدٌ مِمَّنْ اِمْتَحَنَ اللَّهُ قَلْبَهُ لِلتَّقْوَى إِلَّا وَ قَدْ أَصْبَحَ وَ هُوَ يَوَدُّنَا مَوَدَّةً يَجِدُهَا عَلَى قَلْبِهِ وَ لَيْسَ عَبْدٌ مِمَّنْ سَخِطَ اللَّهُ عَلَيْهِ إِلَّا أَصْبَحَ يُبْغِضُنَا بِغَضَةٍ يَجِدُهَا عَلَى قَلْبِهِ؛ دعائم الإسلام، ج ١، ص ٦٣

﴿درجات پرهیزکاری / کمی پرهیزکاری﴾

۷-۴۶- کمی پرهیزکاری

﴿۳۱۰۶﴾ آفت افراد منصف، کم‌بودن ورع است.

۷-۴۷- پیشوای پرهیزکاران

﴿۳۱۰۷﴾ پس به‌درستی که ایشان خلیفه و جانشینان و نشانه‌های الهی بر مردم بعد از من و سرور امّتم و پیشوای پرهیزکاران به سوی بهشت هستند.

۷-۴۸- قوّت پرهیزکاری

﴿۳۱۰۸﴾ به کمک ورع و نیروی تقوا از دینتان حفاظت کنید.

۷-۴۹- فراوانی پرهیزکاری

﴿۳۱۰۹﴾ کثرت تقوا نماد و نشانه‌ی فراوانی ورع است.

۷-۵۰- فراوانی پرهیزکاری

﴿۳۱۱۰﴾ با حسن نیت در مورد مردم و کم‌کردن طمع و زیادکردن ورعت، بر عمل بر مبنای عدل یاری بخواه.

۷-۵۱- کمال پرهیزکاری

﴿۳۱۱۱﴾ کسی که با نفسش مبارزه نماید، تقوا را به کمال رسانده است.

۷-۵۲- همراه‌شدن با کلمه‌ی پرهیزکاری

﴿۳۱۱۲﴾ (به خاطر بیاورید) هنگامی را که کافران در دل‌های خود خشم و نخوت جاهلیّت داشتند و (در مقابل)، خداوند آرامش و سکینه خود را بر فرستاده خویش و مؤمنان نازل فرمود و آن‌ها را به حقیقت تقوا ملزم ساخت، و آنان از هر کس شایسته‌تر و اهل آن بودند و خداوند به همه چیز دانا است.

﴿۳۱۱۳﴾ [دعای استهلال ماه مبارک رمضان:] مرا بر کلمه‌ی تقوا ملزم ساز آن‌چنان که پرهیزکاران را به آن ملزم ساختی.

۷-۵۳- آن که خدا قلبش را برای پرهیزکاری آزمود

﴿۳۱۱۴﴾ هر بنده‌ای که خداوند قلبش را در مورد تقوا آزموده است، هر روزش را با مودّت و دوستی ما شروع می‌کند، محبتی که آن را در دلش حسّ می‌کند و هر بنده‌ای که خدا بر او خشم گرفته هر روزش را با بغض و کینه نسبت به ما شروع می‌کند، کینه‌ای که در دلش حسّ می‌کند.

﴿دَرَجَاتُ التَّقْوَى وَ الْمُتَّقِينَ / نِعَمَ الْوَرَعِ﴾

٧-٥٤- نِعَمَ الْوَرَعِ

﴿٣١١٥﴾ أمير المؤمنين عليه السلام: نِعَمَ الْوَرَعِ غَضُّ الطَّرْفِ؛ غررالحكم، ص ٢٦٠

٧-٥٥- أَنْفَعُ الْوَرَعِ

﴿٣١١٦﴾ أمير المؤمنين عليه السلام: لَا وَرَعَ أَنْفَعُ مِنْ تَرْكِ الْمَحَارِمِ وَ تَجَنُّبِ الْمَآثِمِ؛ غررالحكم،

ص ٢٧٣

﴿٣١١٧﴾ أمير المؤمنين عليه السلام: لَا وَرَعَ أَنْفَعُ مِنْ تَجَنُّبِ الْمَحَارِمِ؛ غررالحكم، ص ٢٧٣

﴿٣١١٨﴾ الصَّادِقُ عليه السلام: وَاعْلَمْ أَنَّهُ لَا وَرَعَ أَنْفَعُ مِنْ تَجَنُّبِ مَحَارِمِ اللَّهِ وَ الْكَفِّ عَنْ أَذَى

الْمُؤْمِنِينَ وَ اغْتِيَابِهِمْ؛ الكافي، ج ٨، ص ٢٤٤

٧-٥٦- الْأَوْرَعُ مِنَ النَّاسِ

﴿٣١١٩﴾ الصَّادِقُ عليه السلام: سُئِلَ الصَّادِقُ عليه السلام مَنْ الْأَوْرَعُ مِنَ النَّاسِ قَالَ الَّذِي يَتَوَرَّعُ عَنْ مَحَارِمِ

اللَّهِ؛ بحار الأنوار، ج ٧، ص ٣٠٨

٧-٥٧- الْوَرَعُ مِنَ النَّاسِ

﴿٣١٢٠﴾ الصَّادِقُ عليه السلام: عَنْ فَضِيلِ بْنِ عِيَّازٍ قَالَ:.... سَأَلْتُهُ عَنِ الْوَرَعِ مِنَ النَّاسِ قَالَ الَّذِي يَتَوَرَّعُ

عَنْ مَحَارِمِ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ وَ يَجْتَنِبُ هَؤُلَاءِ وَ إِذَا لَمْ يَتَّقِ الشُّبُهَاتِ وَقَعَ فِي الْحَرَامِ وَ هُوَ لَا يَعْرِفُهُ وَ

إِذَا رَأَى الْمُتَكَبِّرَ فَلَمْ يُكَبِّرْهُ وَ هُوَ يَقْدِرُ عَلَيْهِ؛ الكافي، ج ٥، ص ١٠٨

٧-٥٨- وَرَعُ الْمُؤْمِنِ

﴿٣١٢١﴾ أمير المؤمنين عليه السلام: وَرَعُ الْمُؤْمِنِ يَظْهَرُ فِي عَمَلِهِ؛ غررالحكم، ص ٢٧٤

٧-٥٩- وَرَعُ الْمُنَافِقِ

﴿٣١٢٢﴾ أمير المؤمنين عليه السلام: وَرَعُ الْمُنَافِقِ لَا يَظْهَرُ إِلَّا عَلَى لِسَانِهِ؛ غررالحكم، ص ٤٥٩

٧-٦٠- وَرَعُ رَاجِحٍ

﴿٣١٢٣﴾ أمير المؤمنين عليه السلام: الْعَمَلُ وَرَعٌ رَاجِحٌ؛ غررالحكم، ص ٢٧٤

٧-٦١- وَرَعٌ فِي إِجْمَالٍ

﴿درجات پرهیزکاری / پرهیزکاری خوب﴾

۷-۵۴- پرهیزکاری خوب

﴿۳۱۱۵﴾ پاکی چشم [و چشم‌پوشی بر گناهان]، ورع خوبی است.

۷-۵۵- سودمندترین پرهیزکاری

﴿۳۱۱۶﴾ هیچ ورعی پرمفعت‌تر از کنار گذاشتن محرّمات الهی و دوری از گناهان نیست.

﴿۳۱۱۷﴾ هیچ ورعی پرمفعت‌تر از دوری از گناهان نیست.

﴿۳۱۱۸﴾ آگاه باش که هیچ پرهیزکاری پرسودتر از دوری از گناهان و بازداری [خویشتن] از آزارسانی به مؤمنین و غیبت‌نمودن از آنان نیست.

۷-۵۶- پرهیزکارترین مردم

﴿۳۱۱۹﴾ از امام صادق علیه السلام درباره‌ی با ورع‌ترین مردم سؤال شد. فرمود: «کسی است که از محارم الهی پرهیز کند».

۷-۵۷- فرد پرهیزکار

﴿۳۱۲۰﴾ فضیل بن عیاض گوید:... از امام علیه السلام در مورد پرهیزکارترین مردم سؤال کردم فرمود: «یعنی کسی که از محرّمات الهی پرهیز و از آنان دوری کند. اگر کسی از شبهات پرهیز نکند و وقتی امر منکری را می‌بیند با آنکه قدرتش را دارد [تا آن را منکر اعلام و با آن مقابله کند]، آن را منکر نشمارد، بدون آنکه متوجّه شود، حتماً به حرام خواهد افتاد.

۷-۵۸- پرهیزکاری مؤمن

﴿۳۱۲۱﴾ ورع مؤمن در عملش بروز می‌کند.

۷-۵۹- پرهیزکاری منافق

﴿۳۱۲۲﴾ پرهیزکاری منافق جز در زبانش ظاهر نمی‌شود [و در دلش تقوا ندارد].

۷-۶۰- پرهیزکاری برتر

﴿۳۱۲۳﴾ کار، ورعی است که برتری دارد.

۷-۶۱- پرهیزکاری در میانه‌روی

﴿دَرَجَاتُ التَّقْوَى وَالْمُتَّقِينَ / وَرَعٌ فِي يَقِينٍ﴾

﴿٣١٢٤﴾ السَّجَادُ عليه السلام: اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ، وَارْزُقْنِي صِحَّةً فِي عِبَادَةٍ، وَفَرَاغاً فِي زَهَادَةٍ، وَعِلْماً فِي اسْتِعْمَالٍ، وَوَرَعاً فِي إِجْمَالٍ؛ الصحيفة السجادية عليه السلام، الدعاء ٢٠
٦٢-٧- ورَعٌ فِي يَقِينٍ

﴿٣١٢٥﴾ أمير المؤمنين عليه السلام: مِنْ عَلَامَةِ أَحَدِهِمْ أَنَّكَ تَرَى لَهُ قُوَّةً فِي دِينٍ وَوَرَعاً فِي يَقِينٍ؛
بحار الأنوار، ج ٧٥، ص ٧٣

﴿درجات پرهیزکاری / پرهیزکاری همراه با یقین﴾

﴿۳۱۲۴﴾ بار خدایا! بر محمد و آل او درود فرست، و تندرستی در عبادت و آسایش در زهد و دوری از دنیا و علم با عمل و پرهیزکاری از روی میانه‌روی را روزی من کن.

۶۲-۷. پرهیزکاری همراه با یقین

﴿۳۱۲۵﴾ از نشانه‌های [مُتَّقین] یکی از ایشان این است که در او قدرتی در دین و پرهیزکاری در یقین می‌بینی.

الفصل الثامن: المواضع التي يؤكد فيها التقوى الكثير ويوصي به

٨-١- على أي حال كنت عليه

٨-١-١ في الأخذ والإعطاء

﴿٣١٢٦﴾ الصادق عليه السلام: ليس الشأن في الأخذ والإعطاء ولكن الناجي من اتقى الله في الأخذ

و الإعطاء واعتصم بحبال الورع؛ مستدرک الوسائل، ج ١٣، ص ٢٩٣

٨-١-٢ في سرائركم وعلانياتكم

﴿٣١٢٧﴾ الرسول صلى الله عليه وآله: فاتقوا الله في سرائركم وعلانياتكم؛ بحار الأنوار، ج ٩٣، ص ٣٠٣

﴿٣١٢٨﴾ الرسول صلى الله عليه وآله: فاتقوا الله في عاجل أمركم وآجله في السر والعلانية؛

مستدرک الوسائل، ج ٦، ص ٣٣

﴿٣١٢٩﴾ أمير المؤمنين عليه السلام: كان عهد علي عليه السلام إلى محمد بن أبي بكر هذا ما عهد عبد الله

علي أمير المؤمنين إلى محمد بن أبي بكر حين ولأه مصر أمره بتقوى الله في السر والعلانية و

خوف الله تعالى في المغيب والمشهد؛ بحار الأنوار، ج ٣٣، ص ٥٤٠

﴿٣١٣٠﴾ أمير المؤمنين عليه السلام: أمره بتقوى الله في سرائر أمره وخفيات عمله حيث لا شهيد

غيره ولا وكيل دونه؛ نهج البلاغة، ص ٣٨٢

﴿٣١٣١﴾ أمير المؤمنين عليه السلام: أنه أوصى مخنف بن سليم الأزدي وقد بعثه على الصدقة بوصية

طويلة أمره فيها بتقوى الله ربه في سرائر أموره وخفيات أعماله؛ بحار الأنوار، ج ٩٣، ص ٨٥

﴿٣١٣٢﴾ الرسول صلى الله عليه وآله: أوصيك بتقوى الله في سريرتك وعلانياتك؛ شرح نهج البلاغة، ج ١٧، ص ٦٧

﴿٣١٣٣﴾ أمير المؤمنين عليه السلام: إني أوصيك بتقوى الله في أمر سرك وعلانياتك وعلى أي

حال كنت عليه؛ بحار الأنوار، ج ٧٤، ص ٣٩٢

فصل ۸: مواضعی که در آن رعایت تقوا بیشتر تأکید و سفارش شده است

۸-۱- در همه‌ی حالات

۸-۱-۱- در گرفتن و دادن

﴿۳۱۲۶﴾ پس تنها بخشیدن و گرفتن ارزشی ندارد و کسی نجات می‌یابد که در بخشیدن و گرفتن، خدا را در نظر بگیرد و تقوا پیشه کند و به ریسمان ورع چنگ بزند.

۸-۱-۲- در پنهان و آشکارتان

﴿۳۱۲۷﴾ در پنهان و آشکارتان از خدا پروا کنید.

﴿۳۱۲۸﴾ در امور حال و آینده‌تان آشکارا و پنهان تقوای خدا را پیشه کنید.

﴿۳۱۲۹﴾ عهدنامه علی به محمد بن ابوبکر این بود: این چیزی است که بنده خدا علی، امیرمؤمنان به محمد بن ابوبکر عهد کرد، زمانی که او را بر مصر ولایت داد و به تقوای خدا در پیدا و پنهان و ترس از خدا در غیاب و حضور امر کرد.

﴿۳۱۳۰﴾ او را به ترس از خدا در اسرار پنهانی و اعمال مخفی سفارش می‌کنم، آنجا که هیچ گواهی غیر از او، و نماینده‌ای جز خدا نیست.

﴿۳۱۳۱﴾ هنگامی که مخنف بن سلیم ازدی را برای تحصیل داری زکات روانه کرد، سفارش طولانی‌ای به او کرد و فرمود که در کارهای پنهانی خود از پروردگار خویش پروا کن.

﴿۳۱۳۲﴾ تو را در پنهان و آشکارت به تقوای الهی توصیه می‌کنم.

﴿۳۱۳۳﴾ من تو را به پروای الهی در پنهان و آشکار کارهایت و در هر شرایطی که هستی

سفارش می‌کنم.

﴿المواضع التي يُؤكِّد فيها التَّقْوَى الكَثِيرَ / عَلَى أَى حَالٍ كُنْتَ عَلَيْهِ﴾

﴿٣١٣٤﴾ أمير المؤمنين عليه السلام: فَإِنِّي أُوصِيكُمْ بِتَقْوَى اللَّهِ فِي سِرِّ أَمْرِكُمْ وَعَلَانِيَتِهِ وَعَلَى أَى حَالٍ كُنْتُمْ عَلَيْهِ؛ بحار الأنوار، ج ٣٣، ص ٥٤٢

﴿٣١٣٥﴾ أمير المؤمنين عليه السلام: فَعَلَيْكَ بِالتَّقْوَى فِي سِرِّ أَمْرِكَ وَعَلَانِيَتِهِ؛ شرح نهج البلاغة، ج ٦، ص ٧١

﴿٣١٣٦﴾ أمير المؤمنين عليه السلام: فَعَلَيْكَ بِتَقْوَى اللَّهِ فِي مَقَامِكَ وَمَقْعَدِكَ وَسِرِّكَ وَعَلَانِيَتِكَ؛

بحار الأنوار، ج ٣٣، ص ٥٨٥

﴿٣١٣٧﴾ الصادق عليه السلام: عَنْ أَبِي بَصِيرٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ قُلْتُ لَهُ مَا عِلَّةُ الْأُضْحِيَّةِ فَقَالَ إِنَّهُ يُغْفَرُ لِصَاحِبِهَا عِنْدَ أَوَّلِ قَطْرَةٍ تَقْطُرُ مِنْ دَمِهَا عَلَى الْأَرْضِ وَلِيَعْلَمَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ مَنْ يَتَّقِيهِ بِالْغَيْبِ؛ وسائل الشيعة، ج ١٤، ص ٢٠٦

٨-١-٣- فِي الْغِنَى وَالْفَقْرِ

﴿٣١٣٨﴾ أمير المؤمنين عليه السلام: يَا بَنِي أَوْصِيكَ بِتَقْوَى اللَّهِ فِي الْغِنَى وَالْفَقْرِ؛ بحار الأنوار، ج ٧٤، ص ٢٣٨

٨-١-٤- فِي الْغَيْبِ وَالشَّهَادَةِ

﴿٣١٣٩﴾ أمير المؤمنين عليه السلام: عَلَيْكَ بِتَقْوَى اللَّهِ فِي الْغَيْبِ وَالشَّهَادَةِ؛ غرر الحكم، ص ٢٧٠

٨-١-٥- فِي مَقَامِكَ وَمَقْعَدِكَ

﴿٣١٤٠﴾ أمير المؤمنين عليه السلام: فَعَلَيْكَ بِتَقْوَى اللَّهِ فِي مَقَامِكَ وَمَقْعَدِكَ وَسِرِّكَ وَعَلَانِيَتِكَ؛

بحار الأنوار، ج ٣٣، ص ٥٨٥

٨-١-٦- فِي عَاجِلِ أَمْرِكُمْ وَآجِلِهِ

﴿٣١٤١﴾ الرسول ﷺ: فَاتَّقُوا اللَّهَ فِي عَاجِلِ أَمْرِكُمْ وَآجِلِهِ فِي السِّرِّ وَالْعَلَانِيَةِ؛

مستدرک الوسائل، ج ٦، ص ٣٣

٨-١-٧- فِي الدِّينِ وَالْدُنْيَا وَالْآخِرَةِ

﴿٣١٤٢﴾ الرسول ﷺ: وَاجْعَلْنِي إِلهِي مِمَّنْ آمَنَ وَاتَّقَى فِي الدِّينِ وَالْدُنْيَا وَالْآخِرَةِ؛

مستدرک الوسائل، ج ٧، ص ٤٤٣

٨-١-٨- الْعِيشُ

﴿٣١٤٣﴾ دعاء اليوم السادس والعشرين: اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ عِيشَ تَقَى؛ العدد القوية، ص ٣٢٢

٨-١-٩- عَلَى أَى حَالٍ كُنْتَ عَلَيْهِ

﴿٣١٤٤﴾ أمير المؤمنين عليه السلام: إِنِّي أُوصِيكَ بِتَقْوَى اللَّهِ فِي أَمْرِ سِرِّكَ وَعَلَانِيَتِكَ وَعَلَى أَى حَالٍ كُنْتَ عَلَيْهِ؛ بحار الأنوار، ج ٧٤، ص ٣٩٢

﴿مواضعی که در آن رعایت تقوا بیشتر سفارش شده / در همه‌ی حالات﴾

﴿۳۱۳۴﴾ من شما را به تقوای خدا در امور پیدا و پنهانتان و در هر حالی که بودید، توصیه می‌کنم.

﴿۳۱۳۵﴾ من تو را به پروای الهی در پنهان و آشکار کارهایت سفارش می‌کنم.

﴿۳۱۳۶﴾ تمسک به تقوای خدا در قیام و نشست، و در پیدا و پنهان بر تو لازم است.

﴿۳۱۳۷﴾ ابوبصیر گوید: به امام صادق علیه السلام عرض کردم: «دلیل قربانی کردن چیست؟» فرمود: «با ریختن اولین قطره‌ی خونس بر زمین، موجب آمرزش صاحبش می‌شود و دلیلش این است که خداوند بداند چه کسی در غیابش تقوا دارد».

۳-۱-۸ در حال دارایی و فقر

﴿۳۱۳۸﴾ ای فرزندم! تو را سفارش می‌کنم به ترس از خدا، در حال دارایی و فقر.

۴-۱-۸ در پنهان و آشکار

﴿۳۱۳۹﴾ بر تو باد به مراعات تقوای الهی در پنهان و آشکار.

۵-۱-۸ در قیام و نشست

﴿۳۱۴۰﴾ تمسک به تقوای خدا در قیام و نشست، و در پیدا و پنهان بر تو لازم است.

۶-۱-۸ در امور حال و آینده

﴿۳۱۴۱﴾ در امور حال و آینده‌تان آشکارا و پنهان تقوای خدا را پیشه کنید.

۷-۱-۸ در دین و دنیا و آخرت

﴿۳۱۴۲﴾ خدایا! مرا از کسانی قرار ده که ایمان آورده و در دین و دنیا و آخرت تقوا پیشه می‌کنند.

۸-۱-۸ زندگی

﴿۳۱۴۳﴾ [دعای روز بیست و ششم:] خدایا! من یک زندگی پرهیزکارانه از تو می‌خواهم.

۹-۱-۸ در هر شرایطی که هستی

﴿۳۱۴۴﴾ من تو را به پروای الهی در پنهان و آشکار کارهایت و در هر شرایطی که هستی سفارش می‌کنم.

﴿المَوَاضِعُ الَّتِي يُؤَكَّدُ فِيهَا التَّقْوَى الْكَثِيرُ / فِي أَمْرِ اللَّهِ﴾

﴿٣١٤٥﴾ أمير المؤمنين عليه السلام: سِتَّةٌ تُخْتَبَرُ بِهَا عُقُولُ النَّاسِ الْجِلْمُ عِنْدَ الْغَضَبِ وَالصَّبْرُ عِنْدَ الرَّهْبِ وَالْقَصْدُ عِنْدَ الرَّغْبِ وَتَقْوَى اللَّهِ فِي [عَلَى] كُلِّ حَالٍ وَحُسْنُ الْمُدَارَاةِ وَقَلَّةُ الْمُمَارَاةِ؛ غررالحكم، ص ٥٥

٨-٢- في أمر الله، في خاصّة نفسك، في كل شيء، في حق الناس

٨-٢-١- في أمر الله

﴿٣١٤٦﴾ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَقْدِمُوا بَيْنَ يَدَيِ اللَّهِ وَرَسُولِهِ وَاتَّقُوا اللَّهَ إِنَّ اللَّهَ سَمِيعٌ عَلِيمٌ؛

الحجرات ١

﴿٣١٤٧﴾ الصّادق عليه السلام: مَا أُوتِيَ لِقَمَانُ الْحِكْمَةِ لِحَسَبٍ وَلَا مَالٍ وَلَا بَسْطٍ فِي جِسْمٍ وَلَا جَمَالٍ وَلَكِنَّهُ كَانَ رَجُلًا قَوِيًّا فِي أَمْرِ اللَّهِ مُتَوَرِّعًا فِي اللَّهِ سَاكِنًا سَكِينًا؛ وسائل الشريعة، ج ١، ص ٣٠٥

٨-٢-٢- جهة ما خلقتكم له

﴿٣١٤٨﴾ أمير المؤمنين عليه السلام: اتَّقُوا اللَّهَ جِهَةً مَا خَلَقَكُمْ لَهُ؛ غررالحكم، ص ٢٧٢

٨-٢-٣- في ما أنتم عنه مسئولون

﴿٣١٤٩﴾ أمير المؤمنين عليه السلام: إِنِّي أُوصِيكُمْ بِتَقْوَى اللَّهِ فِيمَا أَنْتُمْ عَنْهُ مَسْئُولُونَ وَعَمَّا أَنْتُمْ إِلَيْهِ

صائرُونَ؛ بحار الأنوار، ج ٣٣، ص ٥٨٥

٨-٢-٤- في ما أمركم به ونهاكم عنه

﴿٣١٥٠﴾ أمير المؤمنين عليه السلام: فَاتَّقُوا اللَّهَ عِبَادَ اللَّهِ فِيمَا أَمَرَكُمْ بِهِ وَأَطِيعُوهُ وَانْتَهُوا عَمَّا نَهَاكُمْ

عَنْهُ فَلَا تَعْصُوهُ؛ المصباح للكفعمي، ص ٧١٤

﴿٣١٥١﴾ الزهراء عليها السلام: فَاتَّقُوا اللَّهَ حَقَّ تَقَاتِهِ فِيمَا أَمَرَكُمْ بِهِ وَانْتَهُوا عَمَّا نَهَاكُمْ عَنْهُ؛

بحار الأنوار، ج ٦، ص ١٠٧

﴿٣١٥٢﴾ الصّادق عليه السلام: وَاتَّقُوا اللَّهَ فِيمَا يَأْمُرُكُمْ وَفَرَضَ عَلَيْكُمْ؛ بحار الأنوار، ج ٢٣، ص ٥١

٨-٢-٥- في ما فرض عليكم

﴿٣١٥٣﴾ الصّادق عليه السلام: وَاتَّقُوا اللَّهَ فِيمَا يَأْمُرُكُمْ وَفَرَضَ عَلَيْكُمْ؛ بحار الأنوار، ج ٢٣، ص ٥١

٨-٢-٦- في ما نهاكم عنه

﴿٣١٥٤﴾ أمير المؤمنين عليه السلام: وَاتَّقُوا اللَّهَ فِيمَا نَهَاكُمْ عَنْهُ؛ مستدرک الوسائل، ج ٦، ص ١٥٧

﴿٩٢٤﴾

«مواضعی که در آن رعایت تقوا بیشتر سفارش شده / مسائل مربوط به خدا»

﴿۳۱۴۵﴾ با شش چیز است که عقل مردم سنجیده می‌شود: بردباری در هنگام غضب، صبر در هنگام ترس، میانه‌روی در خواسته‌ها، تقوای الهی در همه حال، مدارای نیک با دیگران و کم بودن جدال و ستیزه.

۸-۲- مسائل مربوط به خدا، خودت، همه چیز و مردم

۸-۲-۱ در امر خدا

﴿۳۱۴۶﴾ ای کسانی که ایمان آورده‌اید! چیزی را بر خدا و رسولش مقدم نشمرید (و پیشی مگیرید)، و تقوای الهی پیشه کنید که خداوند شنوا و داناست!

﴿۳۱۴۷﴾ حکمت لقمان علیه السلام به خاطر حسب و نسب نیکو یا مال و دارایی و یا نیرومند بودن و زیبا بودن، به او عطا نشد؛ بلکه دلیلش این بود که او مردی بود که در [اجرای] دستورات الهی فردی قوی و محکم، اهل ورع از خدا، آرام و خاموش بود.

۸-۲-۲ آنچه به خاطر آن آفریده شده‌اید

﴿۳۱۴۸﴾ تقوای الهی را در همان جهتی که خدا شما را برای آفریده است، رعایت کنید.

۸-۲-۳ آنچه که درباره‌ی آن مورد سؤال واقع می‌شوید

﴿۳۱۴۹﴾ من شما را به تقوای خدا در آنچه که درباره‌ی آن مورد سؤال واقع می‌شود و آنچه که به‌سوی آن در حرکت هستید، توصیه می‌کنم.

۸-۲-۴ آنچه بدان امر شده‌اید و از آن بازداشته شده‌اید

﴿۳۱۵۰﴾ بندگان خدا! از خدا در اموری که شما را به آن امر کرده، تقوا پیشه کنید و از او اطاعت کرده و از آنچه که از انجام آن نهی کرده، دست بردارید و معصیت خدا را نکنید.

﴿۳۱۵۱﴾ در آنچه خدا شما را به آن امر فرموده به مقداری که می‌توانید تقوا و پرهیزکاری داشته و از آنچه شما را از آن نهی کرده، دست بردارید.

﴿۳۱۵۲﴾ در مورد واجبات و دستوراتی که داده است، از خدا پروا کنید.

۸-۲-۵ آنچه بر شما واجب شده است

﴿۳۱۵۳﴾ در مورد واجبات و دستوراتی که داده است، از خدا پروا کنید.

۸-۲-۶ آنچه از آن نهی شده‌اید

﴿۳۱۵۴﴾ درباره‌ی آنچه که از آن نهی شده‌اید، تقوا پیشه کنید.

﴿المواضع التي يؤكّد فيها التّقوى الكثير / في الدين﴾

٧-٢-٨- في ما يُسَخِّطُ الله و ما يُرْضِيهِ

﴿٣١٥٥﴾ الصادق عليه السلام: في قول الله عزَّ وَّ جَلَّ و ما كَانَ اللهُ لِيُضِلَّ قَوْمًا بَعْدَ إِذْ هَدَاهُمْ حَتَّى يُبَيِّنَ لَهُمْ مَا يَتَّقُونَ قَالَ حَتَّى يَعْرِفَهُمْ مَا يُرْضِيهِ وَ مَا يُسَخِّطُهُ؛ الكافي، ج ١، ص ١٦٣

٨-٢-٨- في الدين

﴿٣١٥٦﴾ الصادق عليه السلام: اتَّقُوا عَلَى دِينِكُمْ فَاحْجُبُوهُ بِالتَّقِيَّةِ فَإِنَّهُ لَا إِيمَانَ لِمَنْ لَا تَقِيَّةَ لَهُ؛ الكافي،

ج ٢، ص ٢١٨

﴿٣١٥٧﴾ الصادق عليه السلام: اتَّقُوا اللهَ عَلَى دِينِكُمْ وَ احْجُبُوا بِالتَّقِيَّةِ فَإِنَّهُ لَا إِيمَانَ لِمَنْ لَا تَقِيَّةَ لَهُ؛

المحاسن، ج ١، ص ٢٥٧

﴿٣١٥٨﴾ الصادق عليه السلام: أَوْصِيَكُمْ بِتَقْوَى اللهِ عزَّ وَّ جَلَّ وَ الْوَرَعِ فِي دِينِكُمْ؛ الكافي، ج ٢،

ص ٦٣٦

﴿٣١٥٩﴾ أمير المؤمنين عليه السلام: أَنَّ أَفْضَلَ الْعِفَّةِ الْوَرَعُ فِي دِينِ اللهِ وَ الْعَمَلُ بِطَاعَتِهِ؛ بحار الأنوار،

ج ٧٤، ص ٣٩٢

﴿٣١٦٠﴾ أمير المؤمنين عليه السلام: أَنَّ أَفْضَلَ الْفَقْهِ الْوَرَعُ فِي دِينِ اللهِ وَ الْعَمَلُ بِطَاعَتِهِ؛ بحار الأنوار،

ج ٣٣، ص ٥٤٩

﴿٣١٦١﴾ الرسول صلى الله عليه وآله: مَنْ لَمْ يَتَوَرَّعْ فِي دِينِ اللهِ تَعَالَى ابْتِلَاهُ اللهُ بِنِثَالٍ خِصَالٍ إِمَّا أَنْ يُمِيتَهُ

شَابًا أَوْ يُوقِعَهُ فِي خِدْمَةِ السُّلْطَانِ أَوْ يُسْكِنَهُ فِي الرِّسَالَتِ؛ مستدرک الوسائل، ج ١١، ص ٢٧٤

﴿٣١٦٢﴾ الصادق عليه السلام: قَالَ عَبْدُ الْحَمِيدِ بْنُ أَبِي الْحَدِيدِ: سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللهِ عليه السلام عَنْ لُقْمَانَ وَ

حِكْمَتِهِ فَقَالَ أَمَّا وَ اللهُ مَا أُوتِيَ الْحِكْمَةُ لِحَسَبٍ وَ لَا أَهْلٍ وَ لَا مَالٍ وَ لَا بَسْطَةِ فِي الْجِسْمِ وَ لَا

جَمَالٍ وَ لَكِنَّهُ كَانَ رَجُلًا قَوِيًّا فِي أَمْرِ اللهِ مُتَوَرِّعًا فِي دِينِهِ سَاكِنًا سَكِينًا؛ قصص الأنبياء للراوندي، ص ١٩١

٩-٢-٨- في خاصّة نفسِك

﴿٣١٦٣﴾ الرسول صلى الله عليه وآله: فَاتَّقِ اللهَ فِي خَاصَّةِ نَفْسِكَ وَ رَاقِبْهُ فِيمَا حَمَلَكَ؛ مستدرک الوسائل،

ج ١٣، ص ١٤٢

﴿٣١٦٤﴾ أمير المؤمنين عليه السلام: فَاتَّقِ اللهَ فِي نَفْسِكَ وَ نَازِعِ الشَّيْطَانَ قِيَادَكَ؛ بحار الأنوار، ج ٣٣، ص ١١٦

﴿٣١٦٥﴾ أمير المؤمنين عليه السلام: فَاتَّقُوا اللهَ عزَّ وَّ جَلَّ وَ أَنْظَرُوا لِأَنْفُسِكُمْ؛ الكافي، ج ٢، ص ٦٣٩

﴿مواضعی که در آن رعایت تقوا بیشتر سفارش شده / دین﴾

۸-۲-۷ آنچه خدا را به خشم می‌آورد و آنچه او را راضی می‌کند

﴿۳۱۵۵﴾ در مورد سخن خدای بلندمرتبه: «چنان نبود که خداوند قومی را، پس از آن که آن‌ها را هدایت کرد [و ایمان آوردند] گمراه [و مجازات] کند مگر آنکه اموری را که باید از آن بپرهیزند، برای آنان بیان نماید؛» فرمود: «اینکه به ایشان آنچه او را خشنود گرداند و آنچه او را به خشم آورد، بشناساند».

۸-۲-۸ دین

﴿۳۱۵۶﴾ در دینتان اهل تقوا باشید و آن را با تقیّه حفاظت کنید؛ همانا کسی که تقیّه ندارد، ایمان ندارد [و نمی‌تواند ایمانش را حفظ کند].

﴿۳۱۵۷﴾ در دینتان اهل تقوا باشید و آن را با تقیّه حفاظت کنید؛ همانا کسی که تقیّه ندارد، ایمان ندارد.

﴿۳۱۵۸﴾ شما را به تقوای خداوند متعال و ورع در دینتان توصیه می‌کنم.

﴿۳۱۵۹﴾ همانا بافضیلت‌ترین عفت ورع در دین خدا و عمل به طاعت الهی است.

﴿۳۱۶۰﴾ همانا بافضیلت‌ترین فقه ورع در دین خدا و عمل به طاعت الهی است.

﴿۳۱۶۱﴾ خداوند کسی را که در دین خدا، ورع نداشته باشد، به یکی از این سه خصلت مبتلا می‌کند؛ یا در جوانی او را می‌میراند یا او را به [گرفتاری] خدمت پادشاهی می‌اندازد و یا در روستاها ساکنش می‌گرداند.

﴿۳۱۶۲﴾ عبدالحمید بن ابی‌الحدید گوید: از امام صادق علیه السلام در مورد لقمان علیه السلام و حکمتش پرسیدم، فرمود: «به خدا قسم! حکمت لقمان علیه السلام به خاطر حسب و نسب نیکو یا خاندان بزرگ یا مال و دارایی و یا نیرومند بودن و زیبابودن، به او اعطا نشد بلکه دلیلش این بود که او مردی بود که در [اجرای] دستورات الهی فردی قوی و محکم، اهل ورع در دین خدا، خاموش و آرام بود».

۸-۲-۹ درباره‌ی خودت

﴿۳۱۶۳﴾ در مورد شخص خودت بیشتر تقوا داشته باش و در کاری که بر دوش نهاده شده، بیشتر مراقب باش.

﴿۳۱۶۴﴾ پس درباره‌ی خود از خدا بترس، و با شیطان ایستادگی کرده مهارت را از چنگش بیرون کن.

﴿۳۱۶۵﴾ تقوای خداوند بلندمرتبه را پیشه کنید و مراقب خودتان باشید.

﴿المَوَاضِعُ الَّتِي يُؤَكِّدُ فِيهَا التَّقْوَى الْكَثِيرُ / فِي الْمَشْيِ﴾

﴿٣١٦٦﴾ الكاظم عليه السلام: فَاتَّقُوا اللَّهَ فِي أَنْفُسِكُمْ؛ بحار الأنوار، ج ٤٨، ص ٧٣
٨-٢-١٠- في المشي

﴿٣١٦٧﴾ الكاظم عليه السلام: وَعِبَادُ الرَّحْمَانِ الَّذِينَ يَمْشُونَ عَلَى الْأَرْضِ هَوْنًا وَإِذَا خَاطَبَهُمُ الْجَاهِلُونَ قَالُوا سَلَامًا أَنَّهُ سُئِلَ عَنْ هَذِهِ آيَةِ فَقَالَ هُمْ الْإِئِمَّةُ يَتَّقُونَ فِي مَشْيِهِمْ؛ بحار الأنوار، ج ٤٦، ص ٢٦٠
﴿٣١٦٨﴾ أمير المؤمنين عليه السلام: فَالْمُتَّقُونَ ... مَشْيُهُمُ التَّوَاضُّعُ؛ نهج البلاغة، ص ٣٠٣
٨-٢-١١- في المذهب

﴿٣١٦٩﴾ أمير المؤمنين عليه السلام: آيِنَ الْمُتَوَرَّعُونَ فِي مَكَاسِبِهِمْ وَالْمُتَنَزِّهُونَ فِي مَذَاهِبِهِمْ؛ نهج البلاغة، ص ١٨٧
٨-٢-١٢- في الخلوات

﴿٣١٧٠﴾ أمير المؤمنين عليه السلام: اتَّقُوا مَعَاصِيَ اللَّهِ فِي الْخَلَوَاتِ فَإِنَّ الشَّاهِدَ هُوَ الْحَاكِمُ؛ نهج البلاغة، ص ٥٣٢

﴿٣١٧١﴾ السَّجَّاد عليه السلام: عَنِ الطَّائِفِ بْنِ الْيَمَانِ قَالَ سَمِعْتُ عَلِيَّ بْنَ الْحُسَيْنِ عليه السلام يَقُولُ عَلَامَاتُ الْمُؤْمِنِ خَمْسٌ قُلْتُ وَمَا هُنَّ يَا ابْنَ رَسُولِ اللَّهِ قَالَ الْوَرَعُ فِي الْخُلُوعِ وَالصَّدَقَةُ فِي الْقَلَّةِ وَالصَّبْرُ عِنْدَ الْمُصِيبَةِ وَالْحِلْمُ عِنْدَ الْغَضَبِ وَالصَّدْقُ عِنْدَ الْخَوْفِ؛ بحار الأنوار، ج ٤٤، ص ٢٩٣
٨-٢-١٣- في كل شيء حتى عن البقاع والبهائم

﴿٣١٧٢﴾ أمير المؤمنين عليه السلام: اتَّقُوا اللَّهَ فِي عِبَادِهِ وَبِلَادِهِ فَإِنَّكُمْ مَسْئُولُونَ حَتَّى عَنِ الْبَقَاعِ وَالْبَهَائِمِ؛ بحار الأنوار، ج ٣٢، ص ٤٠
٨-٢-١٤- في حق الناس

﴿٣١٧٣﴾ أمير المؤمنين عليه السلام: فَاتَّقُوا اللَّهَ وَارْعَوْا حَقَّهُمْ فَوَ اللَّهِ لَوْ زَالُوا لَزِلْتُ مَعَهُمْ لِأَنَّ رَسُولَ اللَّهِ قَالَ لَهُمْ أَرْوُلُ مَعَكُمْ حَيْثُمَا زِلْتُمْ؛ شرح نهج البلاغة، ج ٤، ص ٣٥
٨-٢-١٤-١- حديث الغير

﴿٣١٧٤﴾ أمير المؤمنين عليه السلام: الْإِيمَانُ أَنْ تُؤْثِرَ الصَّدَقَ حَيْثُ يَضُرُّكَ عَلَى الْكَذِبِ حَيْثُ يَنْفَعُكَ وَالْأَلَّا يَكُونَ فِي حَدِيثِكَ فَضْلٌ عَنْ عَمَلِكَ وَأَنْ تَتَّقِيَ اللَّهَ فِي حَدِيثِ غَيْرِكَ؛ نهج البلاغة، ص ٥٥٦

﴿مواضعی که در آن رعایت تقوا بیشتر سفارش شده / روش زندگی﴾

﴿۳۱۶۶﴾ درباره‌ی خودتان از خدا بترسید.

۸-۲-۱۰- روش زندگی

﴿۳۱۶۷﴾ از امام کاظم علیه السلام درباره‌ی این آیه: «بندگان [خاص خداوند] رحمان، کسانی هستند که با آرامش و بی‌تکبر بر زمین راه می‌روند» سؤال شد. فرمود: «ایشان ائمه هستند که در راه رفتنشان بر روی زمین تقوا پیشه می‌کنند.

﴿۳۱۶۸﴾ پرهیزکاران ... رفتارشان فروتنی است.

۸-۲-۱۱- روش زندگی

﴿۳۱۶۹﴾ پرهیزکاران در کسب، و پاکیزگان در راه و روش چه شدند؟

۸-۲-۱۲- در خلوت

﴿۳۱۷۰﴾ از نافرمانی خدا در خلوت‌ها پروا کنید، که بیننده همان حکم‌کننده است.

﴿۳۱۷۱﴾ طاووس بن یمان گوید: شنیدم که امام سجاده علیه السلام می‌فرمود: «نشانه‌های مؤمن پنج چیز هستند». گفتم: «ای پسر پیامبر خدا! کدامند؟» فرمود: «پارسایی در خلوت، صدقه در نداری، شکیبایی در آسیب‌زدگی، بردباری در هنگام خشم، و راستی با ترس».

۸-۲-۱۳- درباره‌ی همه چیز حتی سرزمین‌ها و خانه‌ها و حیوانات

﴿۳۱۷۲﴾ تقوا پیشه کنید زیرا شما در پیشگاه خداوند، حتی از شهرها و خانه‌ها و حیوانات

بازخواست می‌شوید.

۸-۲-۱۴- حق الناس

﴿۳۱۷۳﴾ تقوا پیشه کنید و حق آن‌ها (انصار) را رعایت کنید. به خدا قسم اگر آن‌ها بروند، من

نیز همراه آنان می‌روم؛ چون پیامبر صلی الله علیه و آله در مورد آنان فرمود: «شما هرکجا بروید من نیز با شما می‌روم».

۸-۲-۱۴-۱- صحبت درباره‌ی دیگران

﴿۳۱۷۴﴾ نشانه‌ی ایمان این است که راستی را در جایی که به زیان توست بر دروغی که به

سود توست مقدم بداری، و اینکه گفتارت از کردارت بیشتر نباشد، و در سخن گفتن درباره‌ی دیگری از خدا پروا کن.

﴿المَوَاضِعُ الَّتِي يُؤَكَّدُ فِيهَا التَّقْوَى الْكَثِيرُ / البيع﴾

٢-١٤-٨-أمر إخوانكم

﴿٣١٧٥﴾ الصَّادِقُ عَلَيْهِ السَّلَامُ: فَاتَّقُوا اللَّهَ فِي إِخْوَانِكُمُ الْمُسْلِمِينَ الْمَسَاكِينَ فَإِنَّ لَهُمْ عَلَيْكُمْ حَقًّا أَنْ

تُحِبُّوهُمْ؛ الكافي، ج ٨، ص ٧

٣-١٤-٨-أمر الخليل

﴿٣١٧٦﴾ السَّجَّادُ عَلَيْهِ السَّلَامُ: وَأَمَّا حَقُّ الْخَلِيلِ أَنْ لَا تَغُرَّهُ وَلَا تَغْشَهُ وَلَا تَخْذَعَهُ وَتَتَّقِيَ اللَّهَ

تَبَارَكَ وَتَعَالَى فِي أَمْرِهِ؛ من لا يحضره الفقيه، ج ٢، ص ٦٢٣

٤-١٤-٨-النساء

﴿٣١٧٧﴾ نِسَاؤُكُمْ حَرْثٌ لَكُمْ فَاتُوا حَرْثَكُمْ أَنَّى شِئْتُمْ وَقَدِّمُوا لِأَنْفُسِكُمْ وَاتَّقُوا اللَّهَ وَاعْلَمُوا أَنَّكُمْ

مُلاقُوهُ وَبَشِّرِ الْمُؤْمِنِينَ؛ البقرة ٢٢٣

﴿٣١٧٨﴾ الرَّسُولُ ﷺ: اتَّقُوا اللَّهَ فِي النَّسَاءِ؛ مستدرک الوسائل، ج ١٤، ص ١٨٢

﴿٣١٧٩﴾ الصَّادِقُ عَلَيْهِ السَّلَامُ: اتَّقُوا اللَّهَ فِي الضَّعِيفِينَ يَعْنِي بِذَلِكَ الْيَتِيمَ وَالنَّسَاءَ وَإِنَّمَا هُنَّ عَوْرَةٌ؛

الكافي، ج ٥، ص ٥١١

٥-١٤-٨-اليتيم

﴿٣١٨٠﴾ وَلْيَخْشَ الَّذِينَ لَوْ تَرَكَوا مِنْ خَلْفِهِمْ ذُرِّيَّةً ضِعَافًا خَافُوا عَلَيْهِمْ فَلْيَتَّقُوا اللَّهَ وَلْيَقُولُوا قَوْلًا

سَدِيدًا؛ النساء ٩

﴿٣١٨١﴾ الصَّادِقُ عَلَيْهِ السَّلَامُ: اتَّقُوا اللَّهَ فِي الضَّعِيفِينَ يَعْنِي بِذَلِكَ الْيَتِيمَ وَالنَّسَاءَ وَإِنَّمَا هُنَّ عَوْرَةٌ؛

الكافي، ج ٥، ص ٥١١

﴿٣١٨٢﴾ الصَّادِقُ عَلَيْهِ السَّلَامُ: اتَّقُوا مَالَ الْيَتِيمِ فَإِنَّ مَالَ الْيَتِيمِ عَقَالُ؛ الكافي، ج ٤، ص ٢١١

٨-٣-البيع، التجارة، المال، الطبابة، الحكومة، أخذ الصدقات للوالي، المكاسب

١-٣-٨-البيع

﴿٣١٨٣﴾ الرَّسُولُ ﷺ: فَقَالَ لَهَا رَسُولُ اللَّهِ ﷺ إِذَا بَعْتَ فَأَحْسِنِي وَلَا تَغْشَى فَإِنَّهُ أَتَقَى لِلَّهِ وَ

أَبْقَى لِلْمَالِ؛ الكافي، ج ٥، ص ١٥١

٢-٣-٨-التجارة

﴿٣١٨٤﴾ الرَّسُولُ ﷺ: يَا مَعْشَرَ التُّجَّارِ أَنْتُمْ فُجَّارٌ إِلَّا مَنْ اتَّقَى وَبَرَ وَصَدَقَ؛ مستدرک الوسائل،

ج ١٣، ص ٢٤٩

﴿مواضعی که در آن رعایت تقوا بیشتر سفارش شده / تجارت﴾

۸-۲-۱۴-۲- امر برادران

﴿۳۱۷۵﴾ در مورد برادران مسلمان و مسکین خود تقوای الهی را مدّ نظر داشته باشید چون آن‌ها بر شما حقّ دارند و حقّ آن‌ها این است که دوستشان بدارید.

۸-۲-۱۴-۳- امر معاشران

﴿۳۱۷۶﴾ حقّ کسی که با تو معاشرت دارد، این است: او را فریب ندهی و با او غش نکنی و به او نیرنگ زنی و در رابطه با او از خداوند پروا کنی.

۸-۲-۱۴-۴- زنان

﴿۳۱۷۷﴾ زنان شما، محل بذرافشانی شما هستند پس هر زمان که بخواهید، می‌توانید با آن‌ها آمیزش کنید. و (سعی نمایید از این فرصت بهره گرفته، با پرورش فرزندان صالح) اثر نیکی برای خود، از پیش بفرستید! و از خدا بهره‌یزید و بدانید او را ملاقات خواهید کرد و به مؤمنان، بشارت ده! ﴿۳۱۷۸﴾ در برخورد با زنان، تقوای خدا را رعایت کنید.

﴿۳۱۷۹﴾ در مورد برخورد با دو گروه ضعیف یعنی یتیم‌ها و زنان که بدون وسیله و قدرت دفاعی هستند، تقوا داشته باشید.

۸-۲-۱۴-۵- یتیم

﴿۳۱۸۰﴾ کسانی که اگر فرزندان ناتوانی از خود بیادگار بگذارند از آینده آنان می‌ترسند، باید (از ستم درباره‌ی یتیمان مردم) بترسند! از (مخالفت) خدا بهره‌یزند، و سخنی استوار بگویند. ﴿۳۱۸۱﴾ در مورد برخورد با دو گروه ضعیف یعنی یتیم‌ها و زنان که بدون وسیله و قدرت دفاعی هستند، تقوا داشته باشید.

﴿۳۱۸۲﴾ از مال یتیم پروا کنید که مال یتیم همچون پابند است.

۸-۳- تجارت، خرید و فروش، مال، طبابت، حکومت، دریافت حقوق بیت‌المال، کسب و کار

۸-۳-۱- خرید و فروش

﴿۳۱۸۳﴾ پیامبر ﷺ به او (زینب کَلّاج عطر فروش) فرمود: «هرگاه جنسی می‌فروشی جنس خوبی بفروش، و در معامله غش نکن، که این روش به تقوا نزدیک‌تر و برای ماندن مال [و برکت داشتن آن] بهتر است»

۸-۳-۲- تجارت

﴿۳۱۸۴﴾ ای تاجران! شما گناهکارید، مگر کسی که پرهیزکار باشد و نیکی کند و راست بگوید.

﴿المَوَاضِعُ الَّتِي يُؤَكَّدُ فِيهَا التَّقْوَى الْكَثِيرُ / المالُ﴾

٨-٣-٣- المالُ

﴿٣١٨٥﴾ المهدي عليه السلام: أَنَّهُ مَنْ اتَّقَى رَبَّهُ مِنْ إِخْوَانِكَ فِي الدِّينِ وَ خَرَجَ عَلَيْهِ بِمَا هُوَ مُسْتَحِقُّهُ كَانَ آمِنًا مِنَ الْفِتْنَةِ الْمُظْلَمَةِ وَ مِحْنَةِ الْمُظْلِمَةِ الْمُضِلَّةِ وَ مَنْ بَخِلَ مِنْهُمْ بِمَا آعَارَهُ اللَّهُ مِنْ نِعْمَتِهِ عَلَى مَنْ أَمَرَهُ بِصِلَتِهِ فَإِنَّهُ يَكُونُ خَاسِرًا بِذَلِكَ لِأَوَّلَاهُ وَ آخِرَتِهِ؛ بحار الأنوار، ج ٥٣، ص ١٧٦

٨-٣-٤- الطبابةُ

﴿٣١٨٦﴾ أمير المؤمنين عليه السلام: مَنْ تَطَبَّبَ فَلْيَتَّقِ اللَّهَ وَ لِيَنْصَحْ وَ لِيَجْتَهِدْ؛ بحار الأنوار، ج ٥٩، ص ٧٤

٨-٣-٥- الحكومةُ

﴿٣١٨٧﴾ الصادق عليه السلام: اتَّقُوا الْحُكُومَةَ فَإِنَّ الْحُكُومَةَ إِنَّمَا هِيَ لِلْإِمَامِ الْعَالِمِ بِالْقَضَاءِ الْعَادِلِ فِي الْمُسْلِمِينَ لِنَبِيِّ أَوْ وَصِيِّ نَبِيٍّ؛ الكافي، ج ٧، ص ٤٠٦

﴿٣١٨٨﴾ أمير المؤمنين عليه السلام: ثُمَّ جَاءَ وَنِي كَتَاتِبُ الْخَيْلِ فَبَايَعُونِي فَأَنَا أَسْتَهْدِي اللَّهَ بِهَدَاهُ وَ أَسْتَعِينُهُ عَلَى التَّقْوَى؛ بحار الأنوار، ج ٢٨، ص ٨٩

٨-٣-٦- أَخْذُ الصَّدَقَاتِ

﴿٣١٨٩﴾ أمير المؤمنين عليه السلام: مِنْ وَصِيَّةٍ لَهُ كَانَ يَكْتُبُهَا لِمَنْ يَسْتَعْمِلُهُ عَلَى الصَّدَقَاتِ: انْطَلِقْ عَلَى تَقْوَى اللَّهِ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ وَ لَا تُرَوِّعَنَّ مُسْلِمًا وَ لَا تَجَنَازَنَّ عَلَيْهِ كَارَهَا وَ لَا تَأْخُذَنَّ مِنْهُ أَكْثَرَ مِنْ حَقِّ اللَّهِ فِي مَالِهِ فَإِذَا قَدِمْتَ عَلَى الْحَيِّ فَأَنْزِلْ بِمَائِهِمْ مِنْ غَيْرِ أَنْ تُخَالِطَ أُنْيَاتَهُمْ؛ نهج البلاغة، ص ٣٨٠

٨-٣-٧- ولايةُ الْعَمَلِ

﴿٣١٩٠﴾ الصادق عليه السلام: حَمَادٌ عَنْ حُمَيْدٍ قَالَ قُلْتُ لِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام إِنِّي وَلَّيْتُ عَمَلًا فَهَلْ لِي مِنْ ذَلِكَ مَخْرَجٌ فَقَالَ مَا أَكْثَرَ مَنْ طَلَبَ مِنْ ذَلِكَ الْمَخْرَجَ فَعَسَرَ عَلَيْهِ قُلْتُ فَمَا تَرَى قَالَ أَرَى أَنَّ تَتَّقِيَ اللَّهَ عَزَّ وَ جَلَّ وَ لَا تَعُودَ؛ تهذيب الأحكام، ج ٦، ص ٣٣٢

٨-٣-٨- الْمَكَاسِبُ

﴿٣١٩١﴾ أمير المؤمنين عليه السلام: إِنَّمَا الْوَرَعُ التَّحَرُّيُّ فِي الْمَكَاسِبِ وَ الْكَفُّ عَنِ الْمَطَالِبِ؛ غرر الحكم، ص ٢٤٨

﴿مواضعی که در آن رعایت تقوا بیشتر سفارش شده / مال﴾

۸-۳-۳ مال

﴿۳۱۸۵﴾ کسی از برادران دینی‌ات که از پروردگارش بترسد و واجبات مالی خود را ادا کند؛ از فتنه‌ای فراگیر و رنج‌های تاریک و گمراه‌کننده‌ی آن ایمن می‌شود. و هر کس نسبت به نعمت‌هایی که خدا به امانت به او سپرده، بخل ورزد و آن را از کسانی که خدا امر به صله‌ی آنان نموده دریغ دارد، با این عمل خسران دنیوی و اخروی عایدش می‌شود.

۸-۳-۴ طبابت

﴿۳۱۸۶﴾ پزشک باید خداترس و خیرخواه و کوشا باشد.

۸-۳-۵ حکومت

﴿۳۱۸۷﴾ از حکومت بر مردم پرهیزید که این منصب، مخصوص امامی است که به قضاوت آشنا و عالم است و در میان مسلمانان، به عدالت رفتار می‌کند که چنین مقامی از آن پیامبر یا وصیّ پیامبر است.

﴿۳۱۸۸﴾ آن‌گاه [مردم] چون دسته‌ی اسب‌ها پیش من آمدند و با من بیعت نمودند. من از هدایت خداوند، هدایت می‌طلبم و از او برای تقوا پیشه‌کردن یاری می‌خواهم.

۸-۳-۶ دریافت حقوق بیت‌المال

﴿۳۱۸۹﴾ دستور العمل امام علیه السلام به مأموران جمع‌آوری مالیات: با ترس از خدایی که یکتاست و همتایی ندارد حرکت کن. در سر راه هیچ مسلمانی را نترسان، یا با زور از زمین او نگذر و افزون‌تر از حقوق الهی از او مگیر. هرگاه به آبادی رسیدی، در کنار آب فرود آی و وارد خانه کسی مشو.

۸-۳-۷ کارگزار حکومت

﴿۳۱۹۰﴾ حمّاد از حمید روایت کرده که به امام صادق علیه السلام عرض کردم: «من مسئولیت کاری را [در دربار پادشاهان ظلم] برعهده گرفته‌ام، آیا راه خروجی از آن دارم؟» فرمود: «عده‌ی زیادی هستند که می‌خواهند از این کار خارج شوند و کار برایشان سخت شده است». گفتم: «نظرتان چیست؟» فرمود: «نظر من این است که تقوای الهی پیشه کنی و بازنگردی».

۸-۳-۸ کسب و کار

﴿۳۱۹۱﴾ رتبه‌ی عالی پرهیزکاری، کوشش برای کسب حلال و اجتناب از دست‌درازی جلوی دیگران است.

﴿المواضع التي يؤكد فيها التفوى الكثير / رعاية الحدود﴾

﴿٣١٩٢﴾ أمير المؤمنين عليه السلام: آيَنَ الْمُتَوَرَّعُونَ فِي مَكَاسِبِهِمْ وَ الْمُتَنَزَّهُونَ فِي مَذَاهِبِهِمْ؛

نهج البلاغة، ص ١٨٧

٨-٣-٩- رعاية الحدود

٨-٣-٩-١ الأكل

﴿٣١٩٣﴾ وَكُلُوا مِمَّا رَزَقَكُمُ اللَّهُ حَلَالًا طَيِّبًا وَاتَّقُوا اللَّهَ الَّذِي أَنْتُمْ بِهِ مُؤْمِنُونَ؛ المائدة ٨٨

﴿٣١٩٤﴾ فَكُلُوا مِمَّا غَنِمْتُمْ حَلَالًا طَيِّبًا وَاتَّقُوا اللَّهَ إِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَحِيمٌ؛ الأنفال ٦٩

٨-٣-٩-٢ محارم النساء

﴿٣١٩٥﴾ لَا جُنَاحَ عَلَيْهِنَّ فِي آبَائِهِنَّ وَلَا أَبْنَائِهِنَّ وَلَا إِخْوَانِهِنَّ وَلَا أَبْنَاءِ إِخْوَانِهِنَّ وَلَا أَبْنَاءَ أَخَوَاتِهِنَّ وَلَا نِسَائِهِنَّ وَلَا مَا مَلَكَتْ أَيْمَانُهُنَّ وَاتَّقِينَ اللَّهَ إِنَّ اللَّهَ كَانَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ شَهِيدًا؛ الأحزاب

٥٥

٨-٣-٩-٣ التداين

﴿٣١٩٦﴾ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِذَا تَدَايَنْتُمْ بِدَيْنٍ إِلَى أَجَلٍ مُسَمًّى فَاكْتُبُوهُ وَلْيَكْتُبَ بَيْنَكُمْ كَاتِبٌ بِالْعَدْلِ وَلَا يَأْبَ كَاتِبٌ أَنْ يَكْتُبَ كَمَا عَلَّمَهُ اللَّهُ فَلْيَكْتُبْ وَلْيُمْلِلِ الَّذِي عَلَيْهِ الْحَقُّ وَلْيَتَّقِ اللَّهَ رَبَّهُ وَلَا يَبْخَسْ مِنْهُ شَيْئًا فَإِنْ كَانَ الَّذِي عَلَيْهِ الْحَقُّ سَفِيهًا أَوْ ضَعِيفًا أَوْ لَا يَسْتَطِيعُ أَنْ يُمِلَّ هُوَ فَلْيُمْلِلْ وَلِيُّهُ بِالْعَدْلِ وَاسْتَشْهِدُوا شَهِيدَيْنِ مِنْ رِجَالِكُمْ فَإِنْ لَمْ يَكُونَا رَجُلَيْنِ فَرَجُلٌ وَامْرَأَتَانِ مِمَّنْ تَرْضَوْنَ مِنَ الشُّهَدَاءِ أَنْ تَضِلَّ إِحْدَاهُمَا فَتُذَكِّرَ إِحْدَاهُمَا الْأُخْرَى وَلَا يَأْبَ الشُّهَدَاءُ إِذَا مَا دُعُوا وَلَا تَسْمُوا أَنْ تَكْتُبُوهُ صَغِيرًا أَوْ كَبِيرًا إِلَى أَجَلِهِ ذَلِكَمْ أَقْسَطُ عِنْدَ اللَّهِ وَأَقْوَمُ لِلشَّهَادَةِ وَأَدْنَى أَلَّا تَرْتَابُوا إِلَّا أَنْ تَكُونَ تِجَارَةً حَاضِرَةً تُدِيرُونَهَا بَيْنَكُمْ فَلَيْسَ عَلَيْكُمْ جُنَاحٌ أَلَّا تَكْتُبُوهَا وَأَشْهِدُوا إِذَا تَبَايَعْتُمْ وَلَا يُضَارَ كَاتِبٌ وَلَا شَهِيدٌ وَإِنْ تَفَعَّلُوا فَإِنَّهُ فُسُوقٌ بِكُمْ وَاتَّقُوا اللَّهَ وَاعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمٌ؛ البقرة

٢٨٢

﴿مواضعی که در آن رعایت تقوا بیشتر سفارش شده / رعایت حدود شرعی﴾

﴿۳۱۹۲﴾ پرهیزکاران در کسب، و پاکیزگان در راه و روش چه شدند؟

۸-۳-۹ رعایت حدود شرعی

۸-۳-۹-۱ خوردن

﴿۳۱۹۳﴾ و از نعمت‌های حلال و پاکیزه‌ای که خداوند به شما روزی داده است، بخورید! و از (مخالفت) خداوندی که به او ایمان دارید، پرهیزید!

﴿۳۱۹۴﴾ از آنچه به غنیمت گرفته‌اید، حلال و پاکیزه بخورید و از خدا پرهیزید خداوند آمرزنده و مهربان است!

۸-۳-۹-۲ زنان محرم

﴿۳۱۹۵﴾ بر آنان [همسران پیامبر] گناهی نیست در مورد پدران و فرزندان و برادران و فرزندان برادران و فرزندان خواهران خود و زنان مسلمان و بردگان خویش (که بدون حجاب و پرده با آنها تماس بگیرند) و تقوای الهی را پیشه کنید که خداوند نسبت به هر چیزی شاهد و آگاه است.

۸-۳-۹-۳ قرض دادن

﴿۳۱۹۶﴾ ای کسانی که ایمان آورده‌اید! هنگامی که بدهی مدّت‌داری (به خاطر وام یا داد و ستد) به یکدیگر پیدا کنید، آن را بنویسید! و باید نویسنده‌ای از روی عدالت، (سند را) در میان شما بنویسد! و کسی که قدرت بر نویسندگی دارد، نباید از نوشتن - همان طور که خدا به او تعلیم داده - خودداری کند! پس باید بنویسد، و آن کس که حق بر عهده اوست، باید املا کند، و از خدا که پروردگار اوست پرهیزد، و چیزی را فروگذار ننماید! و اگر کسی که حق بر ذمه اوست، سفیه (یا از نظر عقل) ضعیف (و مجنون) است، یا (به خاطر لال بودن)، توانایی بر املا کردن ندارد، باید ولیّ او (به جای او)، با رعایت عدالت، املا کند! و دو نفر از مردان (عادل) خود را (بر این حق) شاهد بگیرید! و اگر دو مرد نبودند، یک مرد و دو زن، از کسانی که مورد رضایت و اطمینان شما هستند، انتخاب کنید! (و این دو زن، باید با هم شاهد قرار گیرند)، تا اگر یکی انحرافی یافت، دیگری به او یادآوری کند. و شهود نباید به هنگامی که آنها را (برای شهادت) دعوت می‌کنند، خودداری نمایند! و از نوشتن (بدهی خود)، چه کوچک باشد یا بزرگ، ملول نشوید (هر چه باشد بنویسید)! این، در نزد خدا به عدالت نزدیکتر، و برای شهادت مستقیم تر، و برای جلوگیری از تردید و شک (و نزاع و گفتگو) بهتر می‌باشد مگر اینکه داد و ستد نقدی باشد که بین خود، دست به دست می‌کنید. در این صورت، گناهی بر شما نیست که آن را ننویسید. ولی هنگامی که خرید و فروش (نقدی) می‌کنید، شاهد بگیرید! و نباید به نویسنده و شاهد، (به خاطر حق‌گویی)، زیانی برسد (و تحت فشار قرار گیرند)! و اگر چنین کنید، از فرمان پروردگار خارج شده‌اید. از خدا پرهیزید! و خداوند به شما تعلیم می‌دهد خداوند به همه چیز داناست.

﴿المواضع التي يُؤكَّد فيها التَّقوى الكثير / رِعايةُ الحدود﴾

٨-٣-٩-٤- الشَّهَادَةُ

﴿٣١٩٧﴾ ذَلِكَ أَذْنَى أَنْ يَأْتُوا بِالشَّهَادَةِ عَلَى وَجْهِهَا أَوْ يَخَافُوا أَنْ تُرَدَّ أَيْمَانٌ بَعْدَ أَيْمَانِهِمْ وَاتَّقُوا اللَّهَ

وَاسْمِعُوا وَاللَّهُ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الْفَاسِقِينَ؛ المائدة ١٠٨

﴿٣١٩٨﴾ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا كُونُوا قَوَّامِينَ لِلَّهِ شُهَدَاءَ بِالْقِسْطِ وَلَا يَجْرِمَنَّكُمْ شَنَاَنُ قَوْمٍ عَلَى أَلَّا

تَعْدِلُوا اعْدِلُوا هُوَ أَقْرَبُ لِلتَّقْوَى وَاتَّقُوا اللَّهَ إِنَّ اللَّهَ خَبِيرٌ بِمَا تَعْمَلُونَ؛ المائدة ٨

٨-٣-٩-٥- الْأَشْهُرُ الْحُرُمُ

﴿٣١٩٩﴾ إِنَّ عِدَّةَ الشُّهُورِ عِنْدَ اللَّهِ اثْنَا عَشَرَ شَهْرًا فِي كِتَابِ اللَّهِ يَوْمَ خَلَقَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ

مِنْهَا أَرْبَعَةٌ حُرُمٌ ذَلِكَ الدِّينُ الْقَيِّمُ فَلَا تَظْلِمُوا فِيهِنَّ أَنْفُسَكُمْ وَقَاتِلُوا الْمُشْرِكِينَ كَافَّةً كَمَا يُقَاتِلُونَكُمْ

كَافَّةً وَاعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ مَعَ الْمُتَّقِينَ؛ التوبة ٣٦

٨-٣-٩-٦- الصَّيْدُ وَالدَّبِيحَةُ

﴿٣٢٠٠﴾ يَسْأَلُونَكَ مَاذَا أَحَلَّ لَهُمْ قُلْ أُحِلَّ لَكُمْ الطَّيْبَاتُ وَمَا عَلَّمْتُم مِّنَ الْجَوَارِحِ مُكَلِّبِينَ

تُعَلِّمُونَهُنَّ مِمَّا عَلَّمَكُمُ اللَّهُ فَكُلُوا مِمَّا أَمْسَكْنَ عَلَيْكُمْ وَاذْكُرُوا اسْمَ اللَّهِ عَلَيْهِ وَاتَّقُوا اللَّهَ إِنَّ اللَّهَ سَرِيعٌ

الْحِسَابِ؛ المائدة ٤

﴿٣٢٠١﴾ أُحِلَّ لَكُمْ صَيْدُ الْبَحْرِ وَطَعَامُهُ مَتَاعًا لَّكُمْ وَلِلْغَايَةِ وَحُرِّمَ عَلَيْكُمْ صَيْدُ الْبَرِّ مَا دُمْتُمْ

حُرُمًا وَاتَّقُوا اللَّهَ الَّذِي إِلَيْهِ تُحْشَرُونَ؛ المائدة ٩٦

٨-٣-٩-٧- الطَّلَاقُ

﴿٣٢٠٢﴾ وَإِذَا طَلَّقْتُمُ النِّسَاءَ فَبَلَغْنَ أَجَلَهُنَّ فَأَمْسِكُوهُنَّ بِمَعْرُوفٍ أَوْ سِرِّحُوهُنَّ بِمَعْرُوفٍ وَلَا

تُمْسِكُوهُنَّ ضِرَارًا لِّتَعْتَدُوا وَمَنْ يَفْعَلْ ذَلِكَ فَقَدْ ظَلَمَ نَفْسَهُ وَلَا تَتَّخِذُوا آيَاتِ اللَّهِ هُزُوًا وَادْكُرُوا نِعْمَتَ

اللَّهِ عَلَيْكُمْ وَمَا أَنْزَلَ عَلَيْكُمْ مِنَ الْكِتَابِ وَالْحِكْمَةِ يَعِظُكُمْ بِهِ وَاتَّقُوا اللَّهَ وَاعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ بِكُلِّ شَيْءٍ

عَلِيمٌ؛ البقرة ٢٣١

﴿مواضعی که در آن رعایت تقوا بیشتر سفارش شده / رعایت حدود شرعی﴾

۴-۹-۳-۸- گواهی

﴿۳۱۹۷﴾ این کار، نزدیک تر است به اینکه گواهی به حق دهند، (و از خدا بترسند) و یا (از مردم) بترسند که (دروغشان فاش گردد، و) سوگندهایی جای سوگندهای آن‌ها را بگیرد. از (مخالفت) خدا بپرهیزید، و گوش فرا دهید! و خداوند، جمعیت فاسقان را هدایت نمی‌کند. ﴿۳۱۹۸﴾ ای کسانی که ایمان آورده‌اید! همواره برای خدا قیام کنید، و از روی عدالت، گواهی دهید! دشمنی با جمعیتی، شما را به گناه و ترک عدالت نکشاند! عدالت کنید، که به پرهیزکاری نزدیک تر است! و از (معصیت) خدا بپرهیزید، که از آنچه انجام می‌دهید، با خبر است!

۵-۹-۳-۸- ماه‌های حرام

﴿۳۱۹۹﴾ تعداد ماه‌ها نزد خداوند در کتاب الهی، از آن روز که آسمان‌ها و زمین را آفریده، دوازده ماه است که چهار ماه از آن، ماه حرام است (و جنگ در آن ممنوع می‌باشد). این، آیین ثابت و پابرجا (ی الهی) است! بنا بر این، در این ماه‌ها به خود ستم نکنید (و از هر گونه خونریزی بپرهیزید!) و (به هنگام نبرد) با مشرکان، دسته جمعی پیکار کنید، همان گونه که آن‌ها دسته جمعی با شما پیکار می‌کنند و بدانید خداوند با پرهیزکاران است!

۶-۹-۳-۸- شکار و ذبح

﴿۳۲۰۰﴾ از تو سؤال می‌کنند چه چیزهایی برای آن‌ها حلال شده است؟ بگو: «آنچه پاکیزه است، برای شما حلال گردیده (و نیز صید) حیوانات شکاری و سگ‌های آموخته (و تربیت یافته) که از آنچه خداوند به شما تعلیم داده به آن‌ها یاد داده‌اید، (بر شما حلال است) پس، از آنچه این حیوانات برای شما (صید می‌کنند و) نگاه می‌دارند، بخورید و نام خدا را (به هنگام فرستادن حیوان برای شکار،) بر آن ببرید و از (معصیت) خدا بپرهیزید که خداوند سریع الحساب است!» ﴿۳۲۰۱﴾ صید دریا و طعام آن برای شما و کاروانیان حلال است تا (در حال احرام) از آن بهره‌مند شوید ولی ما دام که محرم هستید، شکار صحرا برای شما حرام است و از (نافرمانی) خدایی که به سوی او محشور می‌شوید، بترسید!

۷-۹-۳-۸- طلاق

﴿۳۲۰۲﴾ و هنگامی که زنان را طلاق دادید، و به آخرین روزهای «عده» رسیدند، یا به طرز صحیحی آن‌ها را نگاه دارید (و آشتی کنید)، و یا به طرز پسندیده‌ای آن‌ها را رها سازید! و هیچ‌گاه به خاطر زیان رساندن و تعدی کردن، آن‌ها را نگاه ندارید! و کسی که چنین کند، به خویشتن ستم کرده است. (و با این اعمال، و سوء استفاده از قوانین الهی)، آیات خدا را به استهزا نگیرید! و به یاد بیاورید نعمت خدا را بر خود، و کتاب آسمانی و علم و دانشی که بر شما نازل کرده، و شما را با آن، پند می‌دهد! و از خدا بپرهیزید! و بدانید خداوند از هر چیزی آگاه است.

﴿المواضع التي يؤكّد فيها التّفوّى الكثير / رعاية الحدود﴾

﴿٣٢٠٣﴾ يا أَيُّهَا النَّبِيُّ إِذَا طَلَقْتُمُ النِّسَاءَ فَطَلِّقُوهُنَّ لِعَدَّتِهِنَّ وَأَحْصُوا الْعِدَّةَ وَاتَّقُوا اللَّهَ رَبَّكُمْ لَا تُخْرِجُوهُنَّ مِنْ بُيُوتِهِنَّ وَلَا يَخْرُجْنَ إِلَّا أَنْ يَأْتِيَنَّ بِفَاحِشَةٍ مُبَيَّنَةٍ وَتِلْكَ حُدُودُ اللَّهِ وَمَنْ يَتَعَدَّ حُدُودَ اللَّهِ فَقَدْ ظَلَمَ نَفْسَهُ لَا تَدْرِي لَعَلَّ اللَّهَ يُحْدِثُ بَعْدَ ذَلِكَ أَمْرًا؛ الطلاق ١

﴿٣٢٠٤﴾ وَإِذْ تَقُولُ لِلَّذِي أَنْعَمَ اللَّهُ عَلَيْهِ وَأَنْعَمْتَ عَلَيْهِ أَمْسِكْ عَلَيْكَ زَوْجَكَ وَاتَّقِ اللَّهَ؛

الأحزاب ٣٧

١-٧-٩-٨- الطّلاقُ وَ الرِّضَاعَةُ

﴿٣٢٠٥﴾ وَالْوَالِدَاتُ يُرْضِعْنَ أَوْلَادَهُنَّ حَوْلَيْنِ كَامِلَيْنِ لِمَنْ أَرَادَ أَنْ يُتِمَّ الرَّضَاعَةَ وَعَلَى الْمَوْلُودِ لَهُ رِزْقُهُنَّ وَكِسْوَتُهُنَّ بِالْمَعْرُوفِ لَا تُكَلَّفُ نَفْسٌ إِلَّا وُسْعَهَا لَا تُضَارُّ وَالِدَةُ بَوْلِدِهَا وَلَا مَوْلُودٌ لَهُ بِوَلَدِهِ وَعَلَى الْوَارِثِ مِثْلُ ذَلِكَ فَإِنْ أَرَادَا فِصَالًا عَنْ تَرَاضٍ مِنْهُمَا وَتَشَاوُرٍ فَلَا جُنَاحَ عَلَيْهِمَا وَإِنْ أَرَدْتُمْ أَنْ تَسْتَرْضِعُوا أَوْلَادَكُمْ فَلَا جُنَاحَ عَلَيْكُمْ إِذَا سَلَّمْتُمْ مَا آتَيْتُمْ بِالْمَعْرُوفِ وَاتَّقُوا اللَّهَ وَاعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ بِمَا تَعْمَلُونَ بَصِيرٌ؛ البقرة ٢٣٣

٢-٧-٩-٨- الطّلاقُ وَ الْمَهْرُ

﴿٣٢٠٦﴾ الصّادق عليه السلام: عَنْ حَفْصِ بْنِ الْبَخْتَرِيِّ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام فِي الرَّجُلِ يُطَلِّقُ امْرَأَتَهُ أَوْ يَمْتَنِعُهَا قَالَ نَعَمْ أَوْ مَا يُحِبُّ أَنْ يَكُونَ مِنَ الْمُحْسِنِينَ أَوْ مَا يُحِبُّ أَنْ يَكُونَ مِنَ الْمُتَّقِينَ؛ الكافي، ج ٦، ص ١٠٤

٨-٩-٣-٨- القِصَاصُ

﴿٣٢٠٧﴾ وَلَكُمْ فِي الْقِصَاصِ حَيَاةٌ يَا أُولِي الْأَلْبَابِ لَعَلَّكُمْ تَتَّقُونَ؛ البقرة ١٧٩

٩-٩-٣-٨- إِنْفَازُ الْوَصِيَّةِ

﴿٣٢٠٨﴾ الرّسول الله ﷺ: قَدْ عَهَدْتُ إِلَيْكَ أَخَذْتُ الْعَهْدَ لَكَ بِمَحْضَرِ أَمِينِي رَبِّ الْعَالَمِينَ جَبْرِئِيلَ وَمِيكَائِيلَ يَا عَلِيُّ بِحَقِّهِمَا عَلَيْكَ إِلَّا أَنْفَذْتَ وَصِيَّتِي عَلَى مَا فِيهَا وَعَلَى قَبُولِكَ إِيَّاهَا بِالصَّبْرِ وَالْوَرَعِ؛ بحار الأنوار، ج ٢٢، ص ٤٧٩

﴿مواضعی که در آن رعایت تقوا بیشتر سفارش شده / رعایت حدود شرعی﴾

﴿۳۲۰۳﴾ ای پیامبر! هر زمان خواستید زنان را طلاق دهید، در زمان عدّه، آن‌ها را طلاق گویند [زمانی که از عادت ماهانه پاک شده و با همسرشان نزدیکی نکرده باشند]، و حساب عدّه را نگه دارید و از خدایی که پروردگار شماست بپرهیزید نه شما آن‌ها را از خانه‌هایشان بیرون کنید و نه آن‌ها (در دوران عدّه) بیرون روند، مگر آنکه کار زشت آشکاری انجام دهند این حدود خداست، و هرکس از حدود الهی تجاوز کند به خویشتن ستم کرده تو نمی‌دانی شاید خداوند بعد از این، وضع تازه (و وسیله اصلاحی) فراهم کند!

﴿۳۲۰۴﴾ (به خاطر بیاور) زمانی را که به آن کس که خداوند به او نعمت داده بود و تو نیز به او نعمت داده بودی [به فرزند خوانده‌ات «زید»] می‌گفتی: «همسرت را نگاه‌دار و از خدا بپرهیز!»

۱-۷-۹-۳-۸- طلاق و شیردادن

﴿۳۲۰۵﴾ مادران، فرزندان خود را دو سال تمام، شیر می‌دهند، (این) برای کسی است که بخواهد دوران شیرخوارگی را تکمیل کند. و بر آن کس که فرزند برای او متولّد شده [پدر]، لازم است خوراک و پوشاک مادر را به طور شایسته (در مدت شیر دادن پردازد حتی اگر طلاق گرفته باشد). هیچ کس موظّف به بیش از مقدار توانایی خود نیست! نه مادر (به خاطر اختلاف با پدر) حق ضرر زدن به کودک را دارد، و نه پدر. و بر وارث او نیز لازم است این کار را انجام دهد [هزینه مادر را در دوران شیرخوارگی تأمین نماید]. و اگر آن دو، با رضایت یکدیگر و مشورت، بخواهند کودک را (زودتر) از شیر بازگیرند، گناهی بر آن‌ها نیست. و اگر (با عدم توانایی، یا عدم موافقت مادر) خواستید دایه‌ای برای فرزندان خود بگیرید، گناهی بر شما نیست به شرط اینکه حق گذشته مادر را به طور شایسته پردازید. و از (مخالفت فرمان) خدا بپرهیزید! و بدانید خدا، به آنچه انجام می‌دهید، بیناست!

۲-۷-۹-۳-۸- طلاق و مهریه

﴿۳۲۰۶﴾ حفص بن بختری از امام صادق علیه السلام در مورد مردی سؤال کرد که زنش را طلاق داده، آیا باید مهرش را بدهد؟ فرمود: «بله! مگر نمی‌خواهد از محسنین باشد؟! مگر نمی‌خواهد از متّقین باشد؟»

۸-۳-۹-۸- قصاص

﴿۳۲۰۷﴾ و برای شما در قصاص، حیات و زندگی است، ای صاحبان خرد! باشد که تقوا پیشه کنید.

۹-۳-۹-۸- انجام وصیت

﴿۳۲۰۸﴾ من پیش از این از تو پیمان گرفته بودم. اما اکنون می‌خواهم همان پیمان را در حضور دو شاهد که امین پروردگارند (جبرئیل و میکائیل) با تو تجدید کنم. ای علی! تو را به حقی که این دو فرشته بر تو دارند، سوگند می‌دهم به وصایای من چنان که در آن است، عمل کنی و در پذیرش آن با صبر و ورع در حفظ و حراست آن بکوشی.

﴿المواضع التي يؤكد فيها التقوى الكثير / العبادات﴾

٨-٤- العبادات

٨-٤-١- الجمعة

﴿٣٢٠٩﴾ الرضا عليه السلام: فَجَعَلَ الْجُمُعَةَ مَجْمَعاً نَدَبَ إِلَيْهِ لِتَطْهِيرِ مَا كَانَ قَبْلَهُ وَغَسَلَ مَا أَوْقَعَتْهُ مَكَاسِبُ السَّوْءِ مِنْ مِثْلِهِ إِلَى مِثْلِهِ وَذَكَرَى لِلْمُؤْمِنِينَ وَنَبِيَّانَ حَشِيَّةِ الْمُتَّقِينَ؛ بحار الأنوار، ج ٩٤، ص ١١٤

٨-٤-٢- الحج والعمرة

﴿٣٢١٠﴾ وَأَتِمُّوا الْحَجَّ وَالْعُمْرَةَ لِلَّهِ فَإِنْ أُخْصِرْتُمْ فَمَا اسْتَيْسَرَ مِنَ الْهَدْيِ وَلَا تَحْلِقُوا رُءُوسَكُمْ حَتَّى يَبْلُغَ الْهَدْيُ مَحَلَّهُ فَمَنْ كَانَ مِنْكُمْ مَرِيضاً أَوْ بِهِ أَذًى مِنْ رَأْسِهِ فَفِدْيَةٌ مِنْ صِيَامٍ أَوْ صَدَقَةٍ أَوْ نُسْكِ فَإِذَا أَمِنْتُمْ فَمَنْ تَمَتَّعَ بِالْعُمْرَةِ إِلَى الْحَجِّ فَمَا اسْتَيْسَرَ مِنَ الْهَدْيِ فَمَنْ لَمْ يَجِدْ فَصِيَامُ ثَلَاثَةِ أَيَّامٍ فِي الْحَجِّ وَسَبْعَةٍ إِذَا رَجَعْتُمْ تِلْكَ عَشْرَةٌ كَامِلَةٌ ذَلِكَ لِمَنْ لَمْ يَكُنْ أَهْلُهُ حَاضِرِي الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ وَاتَّقُوا اللَّهَ وَاعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ شَدِيدُ الْعِقَابِ؛ البقرة ١٩٦

﴿٣٢١١﴾ وَادْكُرُوا اللَّهَ فِي أَيَّامٍ مَعْدُودَاتٍ فَمَنْ تَعَجَّلَ فِي يَوْمَيْنِ فَلَا إِثْمَ عَلَيْهِ وَمَنْ تَأَخَّرَ فَلَا إِثْمَ عَلَيْهِ لِمَنِ اتَّقَى وَاتَّقُوا اللَّهَ وَاعْلَمُوا أَنَّكُمْ إِلَيْهِ تُحْشَرُونَ؛ البقرة ٢٠٣

٨-٤-٣- الإحرام

﴿٣٢١٢﴾ الصَّادِق عليه السلام: إِذَا أَحْرَمْتَ فَعَلَيْكَ بِتَقْوَى اللَّهِ؛ الكافي، ج ٤، ص ٣٣٧

٨-٤-٤- عند الذبح

﴿٣٢١٣﴾ السَّجَّاد عليه السلام: [قَالَ زَيْنُ الْعَابِدِينَ عليه السلام لِلشَّيْخِ] فَعِنْدَ مَا ذَبَحْتَ هَذِيكَ نَوَيْتَ أَنَّكَ ذَبَحْتَ حَنْجَرَةَ الطَّمَعِ بِمَا تَمَسَّكَتَ بِهِ مِنْ حَقِيقَةِ الْوَرَعِ وَأَنَّكَ اتَّبَعْتَ سُنَّةَ إِبْرَاهِيمَ عليه السلام بِذَبْحِ وَلَدِهِ وَثَمَرَةِ فُؤَادِهِ وَرِيحَانِ قَلْبِهِ وَحَاجَّةِ سُنَّتِهِ لِمَنْ بَعْدَهُ وَقَرَّبَهُ إِلَى اللَّهِ تَعَالَى لِمَنْ خَلَفَهُ قَالَ لَأُ؛ مستدرک الوسائل، ج ١٠، ص ١٧٠

٨-٤-٥- شعائر الله

﴿مواضعی که در آن رعایت تقوا بیشتر سفارش شده / عبادات﴾

۸-۴-۱ عبادات

۸-۴-۱-۱ نماز جمعه

﴿۳۲۰۹﴾ جمعه را روز گردآمدن قرار داد که مقصود آن محو گناهان گذشته و شستن تأثیرات کردارهای بد از این جمعه تا آن جمعه است، تا تذکر مؤمنان و موقعیتی برای روشن شدن خشیت و خداترسی پرهیزکاران باشد.

۸-۴-۱-۲ حج و عمره

﴿۳۲۱۰﴾ و حج و عمره را برای خدا به اتمام برسانید! و اگر محصور شدید، (و مانعی مانند ترس از دشمن یا بیماری، اجازه نداد که پس از احرام بستن، وارد مکه شوید)، آنچه از قربانی فراهم شود (ذبح کنید، و از احرام خارج شوید)! و سرهای خود را نتراشید، تا قربانی به محلش برسد (و در قربانگاه ذبح شود)! و اگر کسی از شما بیمار بود، و یا ناراحتی در سر داشت، (و ناچار بود سر خود را بتراشد)، باید فدیّه و کفّاره‌ای از قبیل روزه یا صدقه یا گوسفندی بدهد! و هنگامی که (از بیماری و دشمن) در امان بودید، هر کس با ختم عمره، حج را آغاز کند، آنچه از قربانی برای او میسر است (ذبح کند)! و هر که نیافت، سه روز در ایام حج، و هفت روز هنگامی که باز می‌گردید، روزه بدارد! این، ده روز کامل است. (البته) این برای کسی است که خانواده او، نزد مسجد الحرام نباشد [اهل مکه و اطراف آن نباشد]. و از خدا بپرهیزید! و بدانید که او، سخت کیفر است!

﴿۳۲۱۱﴾ و خدا را در روزهای معینی یاد کنید! (روزهای ۱۱ و ۱۲ و ۱۳ ماه ذی حجه). و هر کس شتاب کند، (و ذکر خدا را) در دو روز انجام دهد، گناهی بر او نیست، و هر که تأخیر کند، (و سه روز انجام دهد نیز) گناهی بر او نیست برای کسی که تقوا پیشه کند. و از خدا بپرهیزید! و بدانید شما به سوی او محشور خواهید شد!

۸-۴-۳ احرام

﴿۳۲۱۲﴾ بعد از پوشیدن لباس احرام، مراقب باش که تقوا را از دست ندهی.

۸-۴-۴ هنگام ذبح قربانی

﴿۳۲۱۳﴾ [امام علیه السلام به شبلی که تازه از سفر حج برگشته بود فرمود:] آنگاه که قربانی‌ات را سر بریدی، نیت کردی که گلولی طمع را با حقیقت ورع و پرهیزکاری ببری؟ آیا از سنت ابراهیم علیه السلام تبعیت کردی که خواست فرزندش و ثمره‌ی زندگی‌اش و گل خوشبوی قلبش را قربانی کند و او را وسیله‌ای برای تقرّب به خداوند برای نسل‌های بعد قرار داد؟ عرض کرد: «نه [چنین نیتی نکردم]».

۸-۴-۵ شعائر الهی

﴿المواضع التي يؤكّد فيها التقوى الكثير / العبادات﴾

﴿٣٢١٤﴾ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَحْلُوا شَعَائِرَ اللَّهِ وَلَا الشَّهْرَ الْحَرَامَ وَلَا الْهَدْيَ وَلَا الْقَلَائِدَ وَلَا آمِينَ
الْبَيْتِ الْحَرَامِ يَبْتَغُونَ فَضْلًا مِنْ رَبِّهِمْ وَرِضْوَانًا وَإِذَا حَلَلْتُمْ فَاصْطَادُوا وَلَا يَجْرِمَنَّكُمْ شَنَاَنُ قَوْمٍ أَنْ
صَدُّوكُمْ عَنِ الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ أَنْ تَعْتَدُوا وَتَعَاوَنُوا عَلَى الْبِرِّ وَالتَّقْوَى وَلَا تَعَاوَنُوا عَلَى الْإِثْمِ وَالْعُدْوَانِ
وَاتَّقُوا اللَّهَ إِنَّ اللَّهَ شَدِيدُ الْعِقَابِ؛ المائدة ٢

٨-٤-٦- الصيام

﴿٣٢١٥﴾ أُحِلَّ لَكُمْ لَيْلَةَ الصَّيَامِ الرَّفَثُ إِلَى نِسَائِكُمْ هُنَّ لِبَاسٌ لَكُمْ وَأَنْتُمْ لِبَاسٌ لَهُنَّ عَلِمَ اللَّهُ
أَنَّكُمْ كُنْتُمْ تَخْتَانُونَ أَنْفُسَكُمْ فَتَابَ عَلَيْكُمْ وَعَفَا عَنْكُمْ فَالآنَ بَاشِرُوهُنَّ وَابْتَغُوا مَا كَتَبَ اللَّهُ لَكُمْ وَ
كُلُوا وَاشْرَبُوا حَتَّى يَتَبَيَّنَ لَكُمُ الْخَيْطُ الْأَبْيَضُ مِنَ الْخَيْطِ الْأَسْوَدِ مِنَ الْفَجْرِ ثُمَّ أَتُمُوا الصَّيَامَ إِلَى
اللَّيْلِ وَلَا تَبَاشِرُوهُنَّ وَأَنْتُمْ عَاكِفُونَ فِي الْمَسَاجِدِ تِلْكَ حُدُودُ اللَّهِ فَلَا تَقْرُبُوهَا كَذَلِكَ يُبَيِّنُ اللَّهُ آيَاتِهِ
لِلنَّاسِ لَعَلَّهُمْ يَتَّقُونَ؛ البقرة ١٨٧

٨-٤-٧- عِنْدَ طَهَارَةِ جَوَارِحِكَ بِالْمَاءِ

﴿٣٢١٦﴾ الصَّادِقُ (عليه السلام): طَهَّرْ قَلْبَكَ لِلتَّقْوَى وَالْيَقِينِ عِنْدَ طَهَارَةِ جَوَارِحِكَ بِالْمَاءِ؛ بحار الأنوار،

ج ٧٧، ص ٣٣٩

﴿٣٢١٧﴾ الصَّادِقُ (عليه السلام): طَهَّرْ قَلْبَكَ بِالتَّقْوَى وَالْيَقِينِ عِنْدَ طَهَارَةِ جَوَارِحِكَ بِالْمَاءِ؛

مستدرک الوسائل، ج ١، ص ٣٥٣

٨-٤-٨- الأُضْحِيَّةُ

﴿٣٢١٨﴾ الصَّادِقُ (عليه السلام): عَنْ أَبِي بَصِيرٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ (عليه السلام) قَالَ قُلْتُ لَهُ مَا عِلَّةُ الْأُضْحِيَّةِ فَقَالَ
إِنَّهُ يُغْفَرُ لِصَاحِبِهَا عِنْدَ أَوَّلِ فِطْرَةٍ تَقْطُرُ مِنْ دَمِهَا عَلَى الْأَرْضِ وَلِيَعْلَمَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ مَنْ يَتَّقِيهِ
بِالْغَيْبِ؛ وسائل الشيعة، ج ١٤، ص ٢٠٦

٨-٤-٩- النُسُكُ

﴿٣٢١٩﴾ الصَّادِقُ (عليه السلام): أَلَا لَا خَيْرَ فِي نُسُكِ لَا وَرَعَ فِيهِ؛ الكافي، ج ١، ص ٣٦

٨-٤-١٠- الْمَسْأَلَةُ

﴿٣٢٢٠﴾ أمير المؤمنين (عليه السلام): وَلِتَكُنْ مَسْأَلَتُكُمْ وَتَمَلُّقُكُمْ مَسْأَلَةً ذُلٍّ وَخُضُوعٍ وَشُكْرِ وَ

خُشُوعٍ بِتَوْبَةٍ وَتَوَرُّعٍ؛ شرح نهج البلاغة، ج ١٩، ص ١٤٠

﴿٩٤٢﴾

﴿مواضعی که در آن رعایت تقوا بیشتر سفارش شده / عبادات﴾

﴿۳۲۱۴﴾ ای کسانی که ایمان آورده‌اید! شعائر و حدود الهی (و مراسم حج را محترم بشمرید! و مخالفت با آن‌ها) را حلال ندانید! و نه ماه حرام را، و نه قربانی‌های بی‌نشان و نشاندار را، و نه آن‌ها را که به قصد خانه‌ی خدا برای به دست آوردن فضل پروردگار و خشنودی او می‌آیند! اما هنگامی که از احرام بیرون آمدید، صیدکردن برای شما مانعی ندارد. و خصومت با جمعیتی که شما را از آمدن به مسجد الحرام (در سال حدیبیه) بازداشتند، نباید شما را وادار به تعدی و تجاوز کند! و (همواره) در راه نیکی و پرهیزکاری با هم تعاون کنید! و (هرگز) در راه گناه و تعدی همکاری ننمایید! و از (مخالفت فرمان) خدا بپرهیزید که مجازات خدا شدید است!

۸-۴-۶- روزه

﴿۳۲۱۵﴾ آمیزش جنسی با همسرانتان، در شب‌ روزهایی که روزه می‌گیرید، حلال است. آن‌ها لباس شما هستند و شما لباس آن‌ها (هر دو زینت هم و سبب حفظ یکدیگرید). خداوند می‌داند که شما به خود خیانت می‌کردید (و این کار ممنوع را انجام می‌دادید) پس توبه شما را پذیرفت و شما را بخشید. اکنون با آن‌ها آمیزش کنید، و آنچه را خدا برای شما مقرر داشته، طلب نمایید! و بخورید و بیاشامید، تا رشته‌ی سپید صبح، از رشته‌ی سیاه (شب) برای شما آشکار گردد! سپس روزه را تا شب، تکمیل کنید! و در حالی که در مساجد به اعتکاف پرداخته‌اید، با زنان آمیزش نکنید! این، مرزهای الهی است پس به آن نزدیک نشوید! خداوند، این چنین آیات خود را برای مردم، روشن می‌سازد، باشد که پرهیزکار گردند!

۸-۴-۷- هنگام شستن اعضا

﴿۳۲۱۶﴾ هنگامی که اعضای بدن را با آب تطهیر می‌کنی، قلبت را با یقین و تقوا پاک کن.
﴿۳۲۱۷﴾ هنگامی که اعضای بدن را با آب پاک می‌گردانی، قلبت را نیز با تقوا و یقین پاک بگردان.

۸-۴-۸- قربانی

﴿۳۲۱۸﴾ ابوبصیر گوید: به امام صادق علیه السلام عرض کردم: «دلیل قربانی کردن چیست؟» فرمود: «با ریختن اولین قطره‌ی خونس بر زمین، موجب آمرزش صاحبش می‌شود و دلیلش این است که خداوند بداند چه کسی در غیابش تقوا دارد».

۸-۴-۹- عبادات

﴿۳۲۱۹﴾ در عمل و مناسکی که همراه با ورع نباشد، هیچ خیری نیست.

۸-۴-۱۰- دعا و درخواست

﴿۳۲۲۰﴾ درخواستان [به درگاه خدا] خواسته‌ای از سر ذلت و خضوع و شکر و خشوع و با توبه و ورع باشد.

﴿المَوَاضِعُ الَّتِي يُؤَكَّدُ فِيهَا التَّقْوَى الْكَثِيرُ / عِنْدَ مَا حَرَّمَ اللَّهُ﴾

١١-٤-٨- الإستغفارُ

﴿٣٢٢١﴾ الباقر عليه السلام: أَسْتَغْفِرُكَ اسْتَغْفَارَ تَقْوَى؛ بحار الأنوار، ج ٩٩، ص ٥٥

٨-٥- عِنْدَ مَا حَرَّمَ اللَّهُ، عِنْدَ الشَّهَوَاتِ وَاللَّذَاتِ وَالنَّعَمَاتِ، عِنْدَ الشُّبُهَاتِ

٨-٥-١- عِنْدَ مَا حَرَّمَ اللَّهُ

﴿٣٢٢٢﴾ أمير المؤمنين عليه السلام: أَيُّهَا النَّاسُ الزَّهَادَةُ قَصْرُ الْأَمَلِ وَالشُّكْرُ عِنْدَ النِّعَمِ وَالْوَرَعُ عِنْدَ الْمَحَارِمِ فَإِنْ عَرِفَ ذَلِكَ عَنْكُمْ فَلَا يَغْلِبُ الْحَرَامُ صَبْرَكُمْ وَلَا تَنْسَوُا عِنْدَ النِّعَمِ شُكْرَكُمْ؛

بحار الأنوار، ج ٦٧، ص ٣١٧

٨-٥-٢- عِنْدَ حُضُورِ الشَّهَوَاتِ وَاللَّذَاتِ

﴿٣٢٢٣﴾ أمير المؤمنين عليه السلام: عِنْدَ حُضُورِ الشَّهَوَاتِ وَاللَّذَاتِ يَتَبَيَّنُ وَرَعُ الْأَتْقِيَاءِ؛

مستدرک الوسائل، ج ١١، ص ٣٤٦

٨-٥-٣- عِنْدَ غَلَبَةِ الشَّهْوَةِ

﴿٣٢٢٤﴾ أمير المؤمنين عليه السلام: لَا وَرَعَ كَغَلَبَةِ الشَّهْوَةِ؛ غرر الحكم، ص ٢٧٤

٨-٥-٤- فِي رَغْبَةٍ

﴿٣٢٢٥﴾ الصادق عليه السلام: الْمُؤْمِنُ لَهُ قُوَّةٌ فِي دِينٍ وَحَزْمٌ فِي لَيْنٍ وَإِيمَانٌ فِي يَقِينٍ وَحِرْصٌ فِي فِقْهِ وَنَشَاطٌ فِي هُدًى وَبِرٌّ فِي اسْتِقَامَةٍ وَعِلْمٌ فِي حِلْمٍ وَكَيْسٌ فِي رَفْقٍ وَسَخَاءٌ فِي حَقٍّ وَقَصْدٌ فِي غِنًى وَتَجَمُّلٌ فِي فَاقَةٍ وَعَفْوٌ فِي قُدْرَةٍ وَطَاعَةٌ لِلَّهِ فِي نَصِيحَةٍ وَانْتِهَاءٌ فِي شَهْوَةٍ وَوَرَعٌ فِي رَغْبَةٍ؛ الكافي، ج ٢، ص ٢٣١

٨-٥-٥- فِي نِعَمِ اللَّهِ

﴿٣٢٢٦﴾ وَادْكُرُوا نِعْمَةَ اللَّهِ عَلَيْكُمْ وَمِثَاقَهُ الَّذِي وَاتَّقَكُمُ بِهِ إِذْ قُلْتُمْ سَمِعْنَا وَأَطَعْنَا وَاتَّقُوا اللَّهَ إِنَّ

اللَّهَ عَلِيمٌ بِذَاتِ الصُّدُورِ؛ المائدة ٧

﴿٣٢٢٧﴾ الرضا عليه السلام: أَيُّهَا النَّاسُ اتَّقُوا اللَّهَ فِي نِعَمِ اللَّهِ عَلَيْكُمْ فَلَا تَنْفَرُوهَا عَنْكُمْ بِمَعَاصِيهِ بَلِ

اسْتَدِيمُوهَا بِطَاعَتِهِ وَشُكْرِهِ عَلَى نِعَمِهِ وَأَيَادِيهِ؛ بحار الأنوار، ج ٤٩، ص ١٨٢

﴿مواضعی که در آن رعایت تقوا بیشتر سفارش شده / محرّمات﴾

۸-۴-۱۱- آمرزش طلبی

﴿۳۲۲۱﴾ از تو آمرزشی از روی تقوا و پرهیزکاری می‌خواهم.

۸-۵- محرّمات، شهوات، لذّات، نعمت‌ها، شبهه‌ها

۸-۵-۱- محرّمات الهی، شهوات و لذّات و نعمات و موارد شبهه‌ناک

﴿۳۲۲۲﴾ ای مردم! زهد یعنی کوتاه‌کردن آمال و آرزو، شکر و سپاس بر نعمت و ورع و پرهیز نمودن از حرام. و اگر به این حالت و این صفات عالیه دست نیافتید و موفق نشدید، مراقب باشید که تمایل به حرام، بر صبر شما غلبه نکند و هنگام نعمت‌ها شکرگزاری را فراموش نکنید.

۸-۵-۲- هنگام حاضرشدن شهوات و لذّات

﴿۳۲۲۳﴾ میزان ورع افراد هنگام حضور شهوات و لذّات، آشکار می‌گردد.

۸-۵-۳- غلبه‌ی شهوت

﴿۳۲۲۴﴾ هیچ ورعی، مثل غلبه بر شهوت [پرازش] نیست.

۸-۵-۴- هنگام تمایل

﴿۳۲۲۵﴾ مؤمن در امر دین نیرومند است و با وجود نرمی دور اندیشی دارد و ایمانش بایقین است و برای تحصیل فقه حریص، در هدایت‌جویی بانشاط و با وجود ثبات و پایداری نیکوکار است. خویشنداری‌اش با علم است و با ملایمت زیرکی دارد، سخاوتش در راه حق است و در زمان توانگری اقتصاد را از دست نمی‌دهد، و در زمان ناداری خوش‌ظاهر و با آرایش می‌باشد و در زمان قدرت گذشت دارد و با وجود خیرخواهی مردم اطاعت خدا می‌کند، و در حال شهوت باز می‌ایستد و در زمان رغبت پرهیزکاری می‌کند.

۸-۵-۵- نعمت‌های الهی

﴿۳۲۲۶﴾ و به یاد آورید نعمت خدا را بر شما، و پیمانی را که با تأکید از شما گرفت، آن زمان که گفتید: «شنیدیم و اطاعت کردیم»! و از (مخالفت فرمان) خدا بپرهیزید که خدا، از آنچه درون سینه‌هاست، آگاه است!

﴿۳۲۲۷﴾ ای مردم! از خدا پروا کنید و قدر نعمت او را بدانید. مبادا با معصیت، نعمت را از خود سلب کنید! به وسیله‌ی اطاعت و بندگی و شکر و سپاسگزاری، دوام و بقای آن نعمت‌ها را بخواهید.

﴿المواضع التي يؤكد فيها التقوى الكثير / الفتنه﴾

٨-٥-٦- من غلب على شيء من الدنيا

﴿٣٢٢٨﴾ الأئمة عليهم السلام: الدنيا وما فيها لله تبارك وتعالى ولرسوله ولنا فمن غلب على شيء منها فليتنق الله وليؤد حق الله تبارك وتعالى وليبر إخوانه فإن لم يفعل ذلك فالله ورسوله ونحن برأء منه؛ الكافي، ج ١، ص ٤٠٨

٨-٥-٧- عند ما لديك

﴿٣٢٢٩﴾ أمير المؤمنين عليه السلام: فاتق الله فيما لديك؛ بحار الأنوار، ج ٣٣، ص ٨٢

٨-٥-٨- عند الشبهة

﴿٣٢٣٠﴾ أمير المؤمنين عليه السلام: الورع الوقوف عند الشبهة؛ مستدرک الوسائل، ج ١٧، ص ٣٢٤

﴿٣٢٣١﴾ أمير المؤمنين عليه السلام: لا ورع كالوقوف عند الشبهة؛ مستدرک الوسائل، ج ١٢، ص ٤٦

٨-٦- الفتنه والفقير والأذى

٨-٦-١- الفتنه

﴿٣٢٣٢﴾ الرسول صلى الله عليه وآله: عمر بن سعد فقال... سمعت رسول الله صلى الله عليه وآله يقول: «يكون من بعدى

فتنة خير الناس فيها الخفي التقى»؛ وقعة صفين، ص ٥٣٨

٨-٦-٢- الفقر

﴿٣٢٣٣﴾ أمير المؤمنين عليه السلام: إذا لم ترزق غنى فلا تحرم تقوى؛ شرح نهج البلاغة، ج ٢٠، ص ٢٧١

٨-٦-٣- الأذى

﴿٣٢٣٤﴾ أمير المؤمنين عليه السلام: من صبر على طول الأذى أبان عن صدق التقى؛ غرر الحكم، ص ٢٨٥

﴿٣٢٣٥﴾ أمير المؤمنين عليه السلام: من صبر على مر الأذى أبان عن صدق التقوى؛ غرر الحكم،

ص ٢٨٥

٨-٧- تجاه الناس

٨-٧-١- التعاون

﴿٣٢٣٦﴾ أمير المؤمنين عليه السلام: فإنما أنتم إخوان على دين الله والله ما يفرق بين أهوائكم إلا

خُبث سرائركم ولو تحاببتهم وتناصحتهم لتعاونتم على البر والتقوى؛ مجموعة ورام، ج ٢، ص ٢٤٨

﴿٩٤٦﴾

﴿مواضعی که در آن رعایت تقوا بیشتر سفارش شده / فتنه﴾

۸-۵-۶ هنگامی که بر چیزی از دنیا دست یابد

﴿۳۲۲۸﴾ دنیا و هر چه در آن است برای خداوند متعال و رسولش و برای ماست. پس هرگاه کسی بر چیزی از امور دنیا دست یافت، تقوای الهی پیشه کند و حق خداوند را ادا کند و به برادران دینی‌اش نیکی کند؛ که اگر چنین نکند خدا و رسولش و ما از او تبری می‌جوییم.

۸-۵-۷ آنچه نزد دوست

﴿۳۲۲۹﴾ [در توصیه به معاویه فرمود:] «نسبت به آنچه در اختیار داری، از خدا بترس».

۸-۵-۸ موارد شبهه‌ناک

﴿۳۲۳۰﴾ ورع یعنی توقف [و احتیاط] در هنگام روبه‌رویی با شبهات.

﴿۳۲۳۱﴾ هیچ ورعی همچون باز ایستادن در شبهه نیست.

۸-۶ فتنه و فقر و آزار

۸-۶-۱ فتنه

﴿۳۲۳۲﴾ عمر بن سعد گفت: از رسول خدا ﷺ شنیدم که فرمود: «بعد از من فتنه‌ای رخ خواهد داد که بهترین مردم در آن زمان افرادی هستند که مخفیانه [اعمال خیر انجام می‌دهند] و باتقوایند».

۸-۶-۲ فقر

﴿۳۲۳۳﴾ اگر آن قدر روزی نداری که بی‌نیاز گردی، خودت را از تقوا محروم مکن.

۸-۶-۳ آزار دیدن

﴿۳۲۳۴﴾ هر کس بر طولانی شدن آزارها صبر کند، راستی تقوایش آشکار می‌شود.

﴿۳۲۳۵﴾ هر کس بر تلخی اذیت‌ها صبر کند، درستی تقوایش آشکار می‌شود.

۸-۷ در مقابل دیگران

۸-۷-۱ همکاری

﴿۳۲۳۶﴾ مردم! شما در دین خدا، برادران یکدیگرید. به خدا قسم بدطینتی شماست که هدف و خواسته‌هایتان را مختلف و متفاوت کرده است. اگر یکدیگر را دوست بدارید و خیرخواه هم باشید، حتماً بر انجام امور نیک و در کسب تقوا، یکدیگر را یاری خواهید کرد.

﴿المواضع التي يؤكّد فيها التّقوى الكثير و يوصى به / السّفَر، العمل و...﴾

٢-٧-٨- السُّلُوكُ مَعَ أَهْلِ الْآخِرَةِ

﴿٣٢٣٧﴾ الرّسول ﷺ: يَا عَلِيُّ مِنْ صِفَاتِ الْمُؤْمِنِ أَنْ يَكُونَ جَوَالَ الْفِكْرِ... إِنْ سَلَكَ مَعَ أَهْلِ الدُّنْيَا كَانَ أَكْبَسَهُمْ وَإِنْ سَلَكَ مَعَ أَهْلِ الْآخِرَةِ كَانَ أَوْرَعَهُمْ؛ مستدرک الوسائل، ج ١١، ص ١٧٨
٣-٧-٨- الْمَطَالِبُ

﴿٣٢٣٨﴾ أمير المؤمنين عليه السلام: الْكَمَالُ فِي ثَلَاثٍ: الصَّبْرُ عَلَى النَّوَائِبِ وَ التَّوَرُّعُ فِي الْمَطَالِبِ وَ
إِسْعَافِ الطَّالِبِ؛ غرر الحكم، ص ٢٨٢
٨- السّفَر، العمل، الكلام، اللباس
١-٨-٨- السّفَرُ

﴿٣٢٣٩﴾ الرّسول ﷺ: اللَّهُمَّ إِنَّا نَسْأَلُكَ فِي سَفَرِنَا هَذَا الْبِرَّ وَ التَّقْوَى؛ مستدرک الوسائل، ج ٨، ص ١٣٧
٢-٨-٨- العملُ

﴿٣٢٤٠﴾ أمير المؤمنين عليه السلام: وَرَعَ الْمُؤْمِنُ يَظْهَرُ فِي عَمَلِهِ؛ غرر الحكم، ص ٢٧٤
﴿٣٢٤١﴾ أمير المؤمنين عليه السلام: لَا يَتَّقِي الشَّرَّ فِي فِعْلِهِ إِلَّا مَنْ يَتَّقِيهِ فِي قَوْلِهِ؛ غرر الحكم، ص ٢١٤
﴿٣٢٤٢﴾ أمير المؤمنين عليه السلام: لَا خَيْرَ فِي عَمَلٍ إِلَّا مَعَ الْيَقِينِ وَ الْوَرَعِ؛ غرر الحكم، ص ١٥٦
﴿٣٢٤٣﴾ أمير المؤمنين عليه السلام: الْعَمَلُ وَرَعٌ رَاجِحٌ؛ غرر الحكم، ص ٢٧٤
٣-٨-٨- مَا قَدَّمْتَ

﴿٣٢٤٤﴾ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ وَلْتَنْظُرْ نَفْسٌ مَا قَدَّمَتْ لِغَدٍ وَ اتَّقُوا اللَّهَ إِنَّ اللَّهَ خَبِيرٌ بِمَا تَعْمَلُونَ؛ الحشر ١٨
٤-٨-٨- الْفِقْهُ

﴿٣٢٤٥﴾ أمير المؤمنين عليه السلام: لَا خَيْرَ فِي الْقَوْلِ إِلَّا مَعَ الْعَمَلِ إِلَى أَنْ قَالَ وَ لَا فِي الْفِقْهِ إِلَّا مَعَ الْوَرَعِ؛ مستدرک الوسائل، ج ٧، ص ١٣٤
﴿٣٢٤٦﴾ الرّسول ﷺ: يَا عَلِيُّ لَا خَيْرَ فِي قَوْلٍ إِلَّا مَعَ الْفِعْلِ وَ لَا فِي الْمَنْظَرِ إِلَّا مَعَ الْمَخْبَرِ وَ لَا فِي الْمَالِ إِلَّا مَعَ الْجُودِ وَ لَا فِي الصَّدَقِ إِلَّا مَعَ الْوَفَاءِ وَ لَا فِي الْفِقْهِ إِلَّا مَعَ الْوَرَعِ؛ مستطرفات السرائر، ص ٦٢٠

﴿مواضعی که در آن رعایت تقوا بیشتر سفارش شده / سفر، عمل و...﴾

۸-۷-۲ همراهی با اهل آخرت

﴿۳۲۳۷﴾ ای علی! از اوصاف مؤمن است که دارای فکر و اندیشه متحرک باشد... اگر با دنیاداران راه برود از همه زیرک‌تر است و اگر با آخرت‌طلبان، از همه پرهیزکارتر است.

۸-۷-۳ درخواست

﴿۳۲۳۸﴾ کمال در سه چیز است: صبر در سختی‌ها، ورع در خواسته‌ها و کمک به کسی که درخواستی دارد.

۸-۸ سفر، عمل، گفتار، لباس

۸-۸-۱ سفر

﴿۳۲۳۹﴾ بار خدایا! ما در این سفر از تو نیکی و تقوا را خواهیم.

۸-۸-۲ عمل

﴿۳۲۴۰﴾ ورع مؤمن در عملش بروز می‌کند.

﴿۳۲۴۱﴾ کسی در اعمالش از بدی پرهیز نخواهد کرد مگر اینکه در کلامش از بدی پرهیز کند.

﴿۳۲۴۲﴾ در عملی که همراه یقین و ورع نباشد، هیچ خیری نیست.

﴿۳۲۴۳﴾ کار، ورعی است که برتری دارد.

۸-۸-۳ آنچه پیش می‌فرستد

﴿۳۲۴۴﴾ ای کسانی که ایمان آورده‌اید از (مخالفت) خدا بپرهیزید و هرکس باید بنگرد تا برای فردایش چه چیز از پیش فرستاده و از خدا بپرهیزد که خداوند از آنچه انجام می‌دهید آگاه است!

۸-۸-۴ فقه

﴿۳۲۴۵﴾ خیری در گفتار نخواهد بود مگر اینکه عمل هم باشد... و فقه بدون ورع و پرهیزکاری سودی ندارد.

﴿۳۲۴۶﴾ ای علی! در حرفی که همراه با عمل نیست، در دیدنی که عبرتی در آن نیست، مال و دارایی بدون بخشش، دوستی کردن بدون وفاداری و در تفقه بدون مراعات ورع، خیری نیست.

﴿أَحَقُّ النَّاسِ بِالْوَرَعِ وَالتَّقْوَى﴾

٨-٨-٥- الكلام

﴿٣٢٤٧﴾ الرسول ﷺ: فَوَظُنْ نَفْسَكَ عَلَى الْوَرَعِ وَاحْرُزْ لِسَانَكَ فَلَا تَنْطِقُ إِلَّا بِمَا لَكَ؛

مستدرک الوسائل، ج ٩، ص ٣٦٣

﴿٣٢٤٨﴾ الرسول ﷺ: لَا يَتَّقِيَ الْعَبْدُ حَتَّى يَخْزَنَ مِنْ لِسَانِهِ؛ مجموعة ورام، ج ١، ص ٥

﴿٣٢٤٩﴾ الرسول ﷺ: إِنَّ عَلَى لِسَانِ كُلِّ قَائِلٍ رَقِيباً فَلْيَتَّقِ اللَّهَ الْعَبْدُ وَلْيَنْظُرْ مَا يَقُولُ؛

وسائل الشيعة، ج ١٢، ص ١٩٥

﴿٣٢٥٠﴾ الرسول ﷺ: قَالَ فَمَا أَتَقَى؟ فَأَوْمَأَ بِيَدِهِ إِلَى لِسَانِهِ؛ شرح نهج البلاغة، ج ١٠، ص ١٣٦

٨-٨-٦- التناجي

﴿٣٢٥١﴾ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِذَا تَنَاجَيْتُمْ فَلَا تَتَنَاجَوْا بِالْإِثْمِ وَالْعُدْوَانِ وَمَعْصِيَةِ الرَّسُولِ وَتَنَاجَوْا

بِالْبِرِّ وَالتَّقْوَى وَاتَّقُوا اللَّهَ الَّذِي إِلَيْهِ تُحْشَرُونَ؛ المجادلة ٩

٨-٨-٧- اللباس

﴿٣٢٥٢﴾ الباقر ﷺ: عَنِ الْبَاقِرِ ﷺ أَنَّهُ يُقَالُ عِنْدَ لُبْسِ الثَّوْبِ الْجَدِيدِ اللَّهُمَّ اجْعَلْهُ ثَوْبَ يُمْنٍ

وَتَقْوَى وَبَرَكَهٍ؛ مفتاح الفلاح، ص ١٦٧

﴿٣٢٥٣﴾ الصَّادِق ﷺ: فَإِذَا لَبِسْتَ ثِيَابَكَ فَقُلِ اللَّهُمَّ أَلْبِسْنِي التَّقْوَى وَجَنِّبْنِي الرَّدَى فَإِذَا فَعَلْتَ

ذَلِكَ أَمِنْتَ مِنْ كُلِّ دَاءٍ؛ من لا يحضره الفقيه، ج ١، ص ١١٢

﴿٣٢٥٤﴾ فقه الرضا ﷺ: وَإِذَا لَبِسْتَ ثَوْبَكَ الْجَدِيدَ فَقُلِ الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي كَسَانِي مِنَ الرِّيشِ

مَا أَوَارَى بِهِ عَوْرَتِي وَاتَّجَمَّلَ بِهِ عِنْدَ النَّاسِ اللَّهُمَّ اجْعَلْهُ لِبَاسَ التَّقْوَى؛ مستدرک الوسائل، ج ٣،

ص ٢٦٩

٨-٨-٩- أَحَقُّ النَّاسِ بِالْوَرَعِ وَالتَّقْوَى

﴿٣٢٥٥﴾ السَّجَّاد ﷺ: إِنَّ أَحَقَّ النَّاسِ بِالِاجْتِهَادِ وَالْوَرَعِ وَالْعَمَلِ بِمَا عِنْدَ اللَّهِ وَبِرِضَاهُ

الْأَنْبِيَاءُ وَاتَّبَاعُهُمْ؛ مستدرک الوسائل، ج ١، ص ١٢٥

٨-٩-١- الْأَوْصِيَاءُ وَاتَّبَاعُهُمْ

﴿٣٢٥٦﴾ السَّجَّاد ﷺ: إِنَّ أَحَقَّ النَّاسِ بِالْوَرَعِ وَالِاجْتِهَادِ فِيمَا يُحِبُّ اللَّهُ وَيَرْضَى الْأَوْصِيَاءُ وَ

اتَّبَاعُهُمْ؛ بحار الأنوار، ج ٦٥، ص ٣٠

«سزاوارترین مردم به رعایت ورع و پرهیزکاری»

۸۸۵- کلام

﴿۳۲۴۷﴾ خویشتن را بر پرهیزکاری عادت ده و زبانت را حفظ کن و جز از آنچه که برای توست و نه علیه تو، سخن مگو.

﴿۳۲۴۸﴾ بنده تا زمانی که زبانش را نگه ندارد، به تقوا دست نمی‌یابد.

﴿۳۲۴۹﴾ خداوند مراقب زبان هر گوینده‌ای است. بنده باید از خدا بترسد و بنگرد که چه می‌گوید.

﴿۳۲۵۰﴾ یکی از اصحاب عرض کرد: «از چه چیزی باید پرهیز کنم [که ایمانم در امان باشد]؟». حضرت با دست مبارکش به زبانش اشاره کرد [که از گناهان زبان پرهیز کنید].

۸۸۶- نجوا

﴿۳۲۵۱﴾ ای کسانی که ایمان آورده‌اید! هنگامی که نجوا می‌کنید، و به گناه و تعدی و نافرمانی رسول (خدا) نجوا نکنید، و به کار نیک و تقوا نجوا کنید، و از خدایی که همگی نزد او جمع می‌شوید پرهیزید!

۸۸۷- لباس

﴿۳۲۵۲﴾ امام باقر علیه السلام هنگام پوشیدن لباس جدید می‌فرمود: «خدایا! این لباس را برای من لباس میمنت و تقوا و برکت قرار بده».

﴿۳۲۵۳﴾ هنگامی که لباس خود را پوشیدی بگو: «خدایا! به من جامه‌ی تقوا بپوشان و از هلاکت برهان». پس اگر این کار را انجام دهی، از هر دردی در امانی.

﴿۳۲۵۴﴾ وقتی لباس نو می‌پوشی بگو: «حمد و سپاس از آن خدایی است که مرا با لباسی زیبا پوشاند تا بدنم را با آن بپوشانم و نزد مردم زیبا باشم. خدایا این لباس را لباس تقوای من قرار بده».

۸۸۹- سزاوارترین مردم به رعایت ورع و پرهیزکاری

﴿۳۲۵۵﴾ پیامبران علیهم السلام و پیروانشان، شایسته‌ترین افراد در مراعات تلاش و ورع و عمل به آنچه دستور خدا و مورد رضایت خداست، هستند.

۸۹۱- جانشینان پیامبران و پیروانشان

﴿۳۲۵۶﴾ سزاوارترین مردم به پرهیزکاری و کوشش کردن در آنچه که مایه‌ی دوستی و خشنودی خداوند است، اوصیا و پیروان آنها هستند.

«الأوقات»

٢-٩-٨- جَعْفَرِيٌّ

﴿٣٢٥٧﴾ الصادق عليه السلام: فَإِنَّ الرَّجُلَ مِنْكُمْ إِذَا وَرَعَ فِي دِينِهِ وَصَدَقَ الْحَدِيثَ وَآدَى الْأَمَانَةَ وَحَسَنَ خُلُقَهُ مَعَ النَّاسِ قِيلَ هَذَا جَعْفَرِيٌّ فَيَسْرُنِي ذَلِكَ وَيَدْخُلُ عَلَى مِنْهُ السُّرُورُ وَقِيلَ هَذَا أَدَبُ جَعْفَرٍ وَإِذَا كَانَ عَلَى غَيْرِ ذَلِكَ دَخَلَ عَلَى بَلَاؤُهُ وَغَارُهُ وَقِيلَ هَذَا أَدَبُ جَعْفَرٍ؛ الكافي، ج ٢، ص ٦٣٦

٣-٩-٨- الْعُلَمَاءُ

﴿٣٢٥٨﴾ الباقر عليه السلام: الْعُلَمَاءُ فِي أَنْفُسِهِمْ خَانَةٌ إِنْ كَتَمُوا النَّصِيحَةَ إِنْ رَأَوْا تَائِهًا ضَالًّا لَا يَهْدُونَهُ أَوْ مَيِّتًا لَا يُحْيُونَهُ فَبُئْسَ مَا يَصْنَعُونَ لِأَنَّ اللَّهَ تَبَارَكَ وَتَعَالَى أَخَذَ عَلَيْهِمُ الْمِيثَاقَ فِي الْكِتَابِ أَنْ يَأْمُرُوا بِالْمَعْرُوفِ وَيَنْهَوْا عَنِ الْمُنْكَرِ وَأَنْ يَتَعَاوَنُوا عَلَى الْبِرِّ وَالتَّقْوَى وَلَا يَتَعَاوَنُوا عَلَى الْإِثْمِ وَالْعُدْوَانِ؛ بحار الأنوار، ج ٧٥، ص ٣٦١

﴿٣٢٥٩﴾ الرسول صلى الله عليه وآله: يَأْتِي عَلَى أُمَّتِي زَمَانٌ تَكُونُ أُمَرَاؤُهُمْ عَلَى الْجَوْرِ وَعُلَمَاؤُهُمْ عَلَى الطَّمَعِ وَقِلَّةُ الْوَرَعِ؛ بحار الأنوار، ج ١٠٠، ص ٨٢

﴿٣٢٦٠﴾ أمير المؤمنين عليه السلام: مِنَ الْمَفْرُوضِ عَلَى كُلِّ عَالِمٍ أَنْ يَصُونَ بِالْوَرَعِ جَانِبَهُ وَأَنْ يَبْذُلَ عِلْمَهُ لِمَنْ يَطَالِبُهُ؛ غرر الحكم، ص ٤٤

﴿٣٢٦١﴾ الأئمة عليهم السلام: عَالِمٌ لَا وَرَعَ لَهُ كَشَجَرَةٍ لَا ثَمَرَةَ لَهَا؛ إرشاد القلوب، ج ١، ص ١٩٣

﴿٣٢٦٢﴾ الأئمة عليهم السلام: وَالْوَرَعُ حَسَنٌ وَهُوَ مِنَ الْعُلَمَاءِ أَحْسَنُ؛ إرشاد القلوب، ج ١، ص ١٩٣

١٠-٨- الأوقات

١-١٠-٨- رَمَضانُ

﴿٣٢٦٣﴾ أمير المؤمنين عليه السلام: قَالَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ فَقُمْتُ فَقُلْتُ يَا رَسُولَ اللَّهِ مَا أَفْضَلُ الْأَعْمَالِ فِي هَذَا الشَّهْرِ فَقَالَ يَا أَبَا الْحَسَنِ أَفْضَلُ الْأَعْمَالِ فِي هَذَا الشَّهْرِ الْوَرَعُ عَنْ مَحَارِمِ اللَّهِ؛ وسائل الشيعة، ج ١٠، ص ٣١٣

﴿٣٢٦٤﴾ الباقر عليه السلام: اللَّهُمَّ ارْزُقْنِي فِيهِ الْجِدَّ وَالْإِجْتِهَادَ وَالْقُوَّةَ وَالنَّشَاطَ وَالْإِنَابَةَ وَالتَّوْبَةَ وَالرَّغْبَةَ وَالرَّهْبَةَ وَالْجَزَعَ وَالْخُشُوعَ وَالرَّقَّةَ وَصِدْقَ اللِّسَانِ وَالْوَجَلَ مِنْكَ وَالرَّجَاءَ لَكَ وَالتَّوَكُّلَ عَلَيْكَ وَالثِّقَةَ بِكَ وَالْوَرَعَ عَنْ مَحَارِمِكَ؛ من لا يحضره الفقيه، ج ٢، ص ١٠٤

«زمان‌های سفارش شده»

۸-۹-۲- منسوب به امام جعفر صادق (علیه السلام)

«۳۲۵۷» هرگاه فردی از شما در دینش ورع داشته باشد، راست بگوید، امانت را ادا کند و اخلاقش با مردم خوب باشد و بگویند: «این فرد جعفری است»، این موضوع مرا خوشحال می‌کند و از جانب او شادی به قلب من وارد می‌شود و مردم می‌گویند: «این ادب جعفری است». و اگر غیر از این باشد، بلا و نکبتش نیز به قلب من وارد می‌شود و می‌گویند: «این ادب جعفری است».

۸-۹-۳- دانشمندان

«۳۲۵۸» با سوادان [دنیاطلب و زشت‌خو که در کسوت علماء درآمده‌اند] در ذات خود خیانت پیشه‌اند و خیرخواهی را پنهان می‌کنند، و اگر گمراهی را ببینند راهنمایی‌اش نمی‌کنند و مرده‌ای را زنده نمی‌گردانند. پس چه بد می‌کنند، زیرا خداوند متعال در قرآن از آن‌ها پیمان گرفته است که در آنچه دستور داده شده‌اند امر به معروف کنند، و در آنچه نهی شده‌اند مردم را نهی کنند و بر کار نیک و تقوا همیاری کنند و در امور گناه‌آلوده و متجاوزانه همیاری نکنند.

«۳۲۵۹» زمانی بر امتم فرا می‌رسد که حاکمانشان ظالم، علمایشان طمعکار و کم تقوا هستند.

«۳۲۶۰» بر هر عالمی واجب است که با ورع، خودش را حفظ کند و علمش را به درخواست‌کنندگان علمش عطا کند.

«۳۲۶۱» عالم بی ورع مثل درخت بی‌ثمر است.

«۳۲۶۲» ورع خوب است و [مراعات] این خوبی از علما بهتر است.

۸-۱۰- زمان‌های سفارش شده

۸-۱۰-۱- رمضان

«۳۲۶۳» امیر المؤمنین (علیه السلام) فرمود: من برخاستم و عرض کردم: «ای پیامبر خدا! کدام عمل در این ماه بهتر است؟» فرمود: «ای ابو الحسن! بهترین عمل در این ماه ترس از محرمات خدای بلندمرتبه است».

«۳۲۶۴» [دعا در ماه رمضان:] خدایا! در این ماه جدّ و جهد و نیرو و نشاط و انابه و توبه و امید و بیم و زاری و خشوع و صدق زبان و وحشت و هراس از خودت و امیدواری به خودت، و توکل بر خودت، و اطمینان به خودت، و پارسایی از محرمات را نصیبم فرما.

﴿الأوقات﴾

٢-١٠-٨- غيبة الإمام عليه السلام

﴿٣٦٥﴾ الصادق عليه السلام: إِنَّ لِصَاحِبِ هَذَا الْأَمْرِ غَيْبَةً فَلْيَتَّقِ اللَّهَ عَبْدُ وَلْيَتَمَسَّكَ بِدِينِهِ؛ الكافي.

ج ١، ص ٣٣٥

﴿٣٦٦﴾ الرسول عليه السلام: طُوبَى لِلصَّابِرِينَ فِي غَيْبَتِهِ طُوبَى لِلْمُتَّقِينَ عَلَى مَحَجَّتِهِمْ؛ كفاية الأثر.

ص ٥٦

﴿زمان‌های سفارش شده﴾

۲-۱۰-۸- دوران غیبت امام علیه السلام

﴿۳۲۶۵﴾ صاحب الأمر علیه السلام غیبتی دارد که بندگان باید به خدا پناه ببرند و به دین خدا چنگ زنند.

﴿۳۲۶۶﴾ خوشا به حال افرادی که در غیبت او (مهدی علیه السلام)، صبر پیشه می‌کنند. خوشا به حال کسانی که در محبت‌ورزیدن در راه اهل بیت علیهم السلام استوار ماندند.

الفصل التاسع: ثمرات التقوى

٩-١- الصفات التي تولد من رعاية التقوى

٩-١-١- الإيمان واليقين

٩-١-١-١- الإيمان

٩-١-١-١-١- التقوى سبب الإيمان

﴿٣٢٦٧﴾ أمير المؤمنين عليه السلام: سبب الإيمان التقوى؛ غرر الحكم، ص ٢٧١

٩-١-١-١-٢- التقوى عدة الإيمان

﴿٣٢٦٨﴾ أمير المؤمنين عليه السلام: فالإيمان أصل الحق وأصل الحق سبيله الهدى ... والتقوى عُدته؛

بحار الأنوار، ج ٦٥، ص ٣٨٢

٩-١-١-١-٣- لقي الله مؤمناً بما جاء به محمد صلى الله عليه وآله

﴿٣٢٦٩﴾ الصادق عليه السلام: فمن اتقى الله فيما أمره لقي الله مؤمناً بما جاء به محمد صلى الله عليه وآله؛ الكافي،

ج ١، ص ١٨١

٩-١-١-١-٤- صلاح الإيمان

﴿٣٢٧٠﴾ أمير المؤمنين عليه السلام: صلاح الإيمان التقوى؛ غرر الحكم، ص ٢٧١

٩-١-١-١-٥- ثبات الإيمان

﴿٣٢٧١﴾ أمير المؤمنين عليه السلام: ثبات الإيمان الورع وزواله الطمع؛ مستدرک الوسائل، ج ١١، ص ٢٦٩

﴿٣٢٧٢﴾ الصادق عليه السلام: عن أبان بن سويد عن أبي عبد الله عليه السلام قال قلت له ما الذي يثبت

الإيمان في العبد قال الذي يثبت فيه الورع والذي يخرج منه الطمع؛ وسائل الشيعة، ج ٢٠،

ص ٣٥٨

فصل ۹: ثمرات و نتایج تقوا

۹-۱- صفاتی که از رعایت پرهیزکاری نتیجه می‌شود

۹-۱-۱- ایمان و یقین

۹-۱-۱-۱- ایمان

۹-۱-۱-۱-۱- پرهیزکاری موجب ایمان می‌شود

﴿۳۲۶۷﴾ دلیل ایمان، تقوا است.

۹-۱-۱-۱-۲- پرهیزکاری سرمایه‌ی ایمان است

﴿۳۲۶۸﴾ پس ایمان ریشه‌ی حق است. و ریشه‌ی حق راهش هدایت... و پرهیزکاری ساز و

برگش است.

۹-۱-۱-۱-۳- پرهیزکار خدا را در حال ایمان ملاقات می‌کند

﴿۳۲۶۹﴾ پس کسی که از خدا نسبت به اوامرش پروا داشته باشد خدا را در حالی ملاقات

می‌کند که به آنچه محمد ﷺ آورده است، مؤمن باشد.

۹-۱-۱-۱-۴- صلاح ایمان

﴿۳۲۷۰﴾ اصلاح‌کننده‌ی ایمان، تقوا است.

۹-۱-۱-۱-۵- ثبات ایمان

﴿۳۲۷۱﴾ ثبات ایمان به ورع و ناپودی آن به طمع است.

﴿۳۲۷۲﴾ ابان بن سوید گوید: از امام صادق علیه السلام پرسیدم: «چه چیز است که ایمان را پایدار و

محکم می‌نماید؟» فرمود: «آنچه که ایمان بنده را ثابت و محکم می‌کند، پرهیزکاری و ورع است

و آنچه که بنده را از ایمان بیرون می‌برد؛ حرص و طمع است».

﴿ثمرات التَّقوى / الصفات التي تُولدُ مِنْ رِعايةِ التَّقوى﴾

﴿٣٢٧٣﴾ أمير المؤمنين عليه السلام: سئل أمير المؤمنين عليه السلام ما ثباتُ الإيمانِ قال الورعُ فقيل ما زوّاله قال الطمَعُ؛ وسائل الشيعة، ج ١٦، ص ٢٥

﴿٣٢٧٤﴾ الصادق عليه السلام: عَنْ سَعْدَانَ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ قُلْتُ لَهُ مَا الَّذِي يُثَبِّتُ الْإِيمَانَ فِي الْعَبْدِ قَالَ الْوَرَعُ وَالَّذِي يُخْرِجُهُ مِنْهُ قَالَ الطَّمَعُ؛ الكافي، ج ٢، ص ٣٢٠
٩-١-١-١-٦-٤- كمالُ الإيمان

﴿٣٢٧٥﴾ الرسول ﷺ: لَا يَكْمُلُ الْمُؤْمِنُ فِي إِيْمَانِهِ حَتَّى تَكُونَ فِيهِ ثَلَاثُ خِصَالٍ حِلْمٌ يَرُدُّعُهُ عَنِ الْجَهْلِ وَوَرَعٌ يَخْجِزُهُ عَنِ الْمَعَاصِي وَكَرَمٌ يَحْسُنُ بِهِ صُحْبَتَهُ؛ مستدرک الوسائل، ج ١١، ص ٢٨٨
﴿٣٢٧٦﴾ الصادق عليه السلام: فَمَنْ اتَّقَى اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ حَافِظًا لِحَوَارِجِهِ مُوفِيًا كُلَّ جَارِحَةٍ مِنْ جَوَارِحِهِ بِمَا فَرَضَ اللَّهُ عَلَيْهِ لَقِيَ اللَّهَ تَعَالَى مُسْتَكْمِلًا لِإِيْمَانِهِ وَهُوَ مِنْ أَهْلِ الْجَنَّةِ وَمَنْ خَانَ فِي شَيْءٍ مِنْهَا أَوْ تَعَدَّى مَا أَمَرَ اللَّهُ فِيهَا لَقِيَ اللَّهَ نَاقِصًا لِإِيْمَانِهِ؛ تفسير العياشي، ج ١، ص ٦٣
٩-١-١-١-٧- وجدانُ طعمِ الإيمان

﴿٣٢٧٧﴾ الرسول ﷺ: مَنْ لَمْ يَكُنْ فِيهِ ثَلَاثٌ لَمْ يَجِدْ طَعْمَ الْإِيْمَانِ حِلْمٌ يَرُدُّ بِهِ جَهْلَ الْجَاهِلِ وَوَرَعٌ يَخْجِزُهُ عَنِ الْمَحَارِمِ وَخُلُقٌ يُدَارِي بِهِ النَّاسَ؛ مستدرک الوسائل، ج ١١، ص ٢٩١
٩-١-١-٢- اليقين

﴿٣٢٧٨﴾ أمير المؤمنين عليه السلام: إِنْ تَقَوَّى اللَّهَ عِمَارَةُ الدِّينِ وَعِمَادُ الْيَقِينِ وَإِنَّهَا لِمِفْتَاحُ صَلَاحٍ وَ مِصْبَاحُ نَجَاحٍ؛ غرر الحكم، ص ٢٧٤
٩-١-١-٢-١- تيقنوا أنَّهم جيرانُ اللهِ غداً في آخرتهم

﴿٣٢٧٩﴾ أمير المؤمنين عليه السلام: وَاعْلَمُوا عِبَادَ اللَّهِ أَنَّ الْمُتَّقِينَ ... تَيَقَّنُوا أَنََّّهُمْ جِيرَانُ اللَّهِ غَدًا فِي آخِرَتِهِمْ لَا تَرُدُّ لَهُمْ دَعْوَةً وَلَا يَنْقُصُ لَهُمْ نَصِيبٌ مِنْ لَذَّةِ بَحَارِ الْأَنْوَارِ؛ ج ٣٣، ص ٥٨١
٩-١-٢- الولاية

﴿٣٢٨٠﴾ الصادق عليه السلام: عَنْ مِهْزَمِ الْأَسَدِيِّ قَالَ ... دَخَلْتُ عَلَى أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ ... أَمَا تَعْلَمُ أَنَّ أَمْرَنَا (هَذَا لَا يَتِمُّ) إِلَّا بِالْوَرَعِ؛ وسائل الشيعة، ج ٢٠، ص ١٩٦
٩-١-٣- ملكُ النَّفسِ، الْعَفَافُ، التَّنَزُّهُ، الْإِجْتِنَابُ، التَّزَكِّيَّةُ، الْجَلَاءُ، الطَّهَارَةُ، الْعَصْمَةُ

«نتایج تقوا / صفاتی که از رعایت پرهیزکاری نتیجه می شود»

﴿۳۲۷۳﴾ از امیرمؤمنان علیه السلام سؤال شد: «ایمان بنده را چه چیزی تثبیت می کند؟» فرمود: «ورع». پرسید: «چه چیزی آن را زایل می کند؟» فرمود: «طمع».

﴿۳۲۷۴﴾ سعدان گوید: از امام صادق علیه السلام پرسیدم: «ایمان بنده را چه چیزی تثبیت می کند؟» فرمود: «ورع». پرسیدم: «چه چیزی او را [از ایمان] خارج می کند؟» فرمود: «طمع».

۹-۱-۱-۱-۶- کمال ایمان

﴿۳۲۷۵﴾ ایمان مؤمن کامل نمی شود مگر آنکه سه خصلت در او باشد: بردباری ای که او را از جهل بازدارد، ورعی که مانع او از ارتکاب معصیت خدا شود و کرامتی که موجب هم صحبتی خوب او شود.

﴿۳۲۷۶﴾ هرکس خداوند بلندمرتبه را در حالی ملاقات نماید که اعضای بدن خود را حفظ نموده و هر عضوی از اعضایش آنچه که خداوند بر آن واجب ساخته، انجام داده است، با ایمان کامل خداوند را ملاقات می نماید و از اهل بهشت است. و هرکس که در چیزی از آن ها خیانت روا دارد و یا از امر خداوند یا فراتر بگذارد، در حالی خداوند را ملاقات می کند که ایمانش ناقص است.

۹-۱-۱-۱-۷- چشیدن طعم ایمان

﴿۳۲۷۷﴾ کسی که سه خصلت ندارد، طعم ایمان را نمی چشد: بردباری ای که به کمک آن از پس جهل جاهلان برآید، ورعی که مانع او از ارتکاب معصیت خدا شود و اخلاق [خوبی] که بتواند با مردم مدارا کند.

۹-۱-۱-۲- یقین

﴿۳۲۷۸﴾ تقوای الهی، آبادی دین و ستون یقین و کلید صلاح و چراغ نجات است.

۹-۱-۱-۲-۱- یقین می کنند که در آخرت همسایه ی خداوند

﴿۳۲۷۹﴾ ای بندگان خدا، آگاه باشید! پرهیزکاران ... یقین داشتند در روز قیامت از همسایگان خدا هستند؛ هر چه درخواست کنند، به آنان داده می شود، و هرگونه لذتی در اختیارشان قرار دارد.

۹-۱-۲- ولایت

﴿۳۲۸۰﴾ مهزم اسدی گوید: خدمت امام صادق علیه السلام رسیدم. فرمود: «... مگر نمی دانی کسی که پرهیزکاری نداشته باشد به دوستی و ولایت ما اهل بیت نمی رسد».

۹-۱-۳- تسلط بر نفس، دوری از پلیدی ها، پارسایی، پاکی، عصمت

﴿ثَمَرَاتُ التَّقْوَى / الصِّفَاتُ الَّتِي تُوَلَّدُ مِنْ رِعَايَةِ التَّقْوَى﴾

٩-١-٣-١- مَلِكُ النَّفْسِ

﴿٣٢٨١﴾ أمير المؤمنين عليه السلام: أَهْلَكَ شَيْءٌ الشُّكُّ وَالْارْتِيَابُ، أَمْلَكَ شَيْءٌ الْوَرَعَ وَالْاجْتِنَابُ؛

غررالحكم، ص ٧١

٩-١-٣-٢- سِيَاسَةُ النَّفْسِ

﴿٣٢٨٢﴾ أمير المؤمنين عليه السلام: سُوِسُوا أَنْفُسَكُمْ بِالْوَرَعِ وَ دَاوُوا مَرْضَاكُمْ بِالصَّدَقَةِ؛ غررالحكم،

ص ٣٩٥

٩-١-٣-٣- الْعَفَافُ

﴿٣٢٨٣﴾ أمير المؤمنين عليه السلام: التَّقْوَى جَمَاعُ التَّنْزِهِ وَالْعَفَافُ؛ غررالحكم، ص ٢٧٤

٩-١-٣-٤- التَّنْزَهُ وَالنَّزَاهَةُ

﴿٣٢٨٤﴾ أمير المؤمنين عليه السلام: لَا نَزَاهَةَ كَالْتَوَرُّعِ؛ غررالحكم، ص ٢٧٠

﴿٣٢٨٥﴾ أمير المؤمنين عليه السلام: ثَمَرَةُ التَّوَرُّعِ النَّزَاهَةُ؛ غررالحكم، ص ٢٧٤

٩-١-٣-٤-١- جَمَاعُ التَّنْزِهِ

﴿٣٢٨٦﴾ أمير المؤمنين عليه السلام: التَّقْوَى جَمَاعُ التَّنْزِهِ وَالْعَفَافُ؛ غررالحكم، ص ٢٧٤

٩-١-٣-٤-٢- عَنْ دَنَسِ السَّيِّئَاتِ

﴿٣٢٨٧﴾ أمير المؤمنين عليه السلام: إِنَّكَ إِنْ تَوَرَّعْتَ تَنَزَّهْتَ عَنْ دَنَسِ السَّيِّئَاتِ؛ غررالحكم، ص ٢٧٢

٩-١-٣-٤-٣- عَنْ الدُّنْيَا

﴿٣٢٨٨﴾ أمير المؤمنين عليه السلام: بِالْوَرَعِ يَكُونُ التَّنْزَهُ مِنَ الدُّنْيَا [عَنِ الدُّنْيَا]؛ غررالحكم، ص ٢٧٤

٩-١-٣-٥- الْاجْتِنَابُ مِنَ الْمُحَرَّمَاتِ

﴿٣٢٨٩﴾ أمير المؤمنين عليه السلام: مَنْ صَدَقَ وَرَعُهُ اجْتَنَبَ الْمُحَرَّمَاتِ؛ غررالحكم، ص ٢٧٣

٩-١-٣-٦- الْإِنْتِهَاءُ عَنِ الْمَعْصِيَةِ

﴿٣٢٩٠﴾ أمير المؤمنين عليه السلام: عَلِمْتُ (مُرِيْمٌ) أَنَّ التَّقَى يَنْهَاهُ عَنِ الْمَعْصِيَةِ؛ بحار الأنوار، ج ١٤، ص ٢٢٤

٩-١-٣-٧- التَّزْكِيَةُ

﴿٣٢٩١﴾ أمير المؤمنين عليه السلام: كُنْ وَرِعًا تَكُنْ زَكِيًّا؛ غررالحكم، ص ٢٧٤

﴿٣٢٩٢﴾ أمير المؤمنين عليه السلام: بِالْوَرَعِ يَتَزَكَّى الْمُؤْمِنُ؛ غررالحكم، ص ٢٧٤

﴿٩٤٠﴾

﴿نتایج تقوا / صفاتی که از رعایت پرهیزکاری نتیجه می‌شود﴾

۹-۱-۳-۱- تسلط بر نفس

﴿۳۲۸۱﴾ تباه‌کننده‌ترین چیز، شک و تردید است؛ آنچه بیش از هر چیز تو را مالک نفست می‌کند ورع و پرهیزکاری است.

۹-۱-۳-۲- مدیریت نفس

﴿۳۲۸۲﴾ خودتان را بر پرهیزکاری سیاست [و تربیت] کنید و بیمارانتان را با صدقه درمان نمایید.

۹-۱-۳-۳- پارسایی

﴿۳۲۸۳﴾ تقوا، گردآورنده‌ی پاکیزگی و خویشن‌داری است.

۹-۱-۳-۴- پاکی

﴿۳۲۸۴﴾ هیچ پاکی‌ای مانند پرهیزکاری نیست.

﴿۳۲۸۵﴾ ثمره‌ی ورع‌ورزیدن، پاکی است.

۹-۱-۳-۴-۱- گردآورنده‌ی پاکی

﴿۳۲۸۶﴾ تقوا، گردآورنده‌ی پاکیزگی و خویشن‌داری است.

۹-۱-۳-۴-۲- از آلودگی بدی‌ها

﴿۳۲۸۷﴾ اگر ورع داشته باشی از آلودگی گناهان پاک می‌شوی.

۹-۱-۳-۴-۳- از پستی‌ها

﴿۳۲۸۸﴾ با ورع از پستی‌ها پاک شوید.

۹-۱-۳-۵- دوری از محرّمات

﴿۳۲۸۹﴾ هر کس که ورعش راست باشد، از گناهان دوری می‌کند.

۹-۱-۳-۶- باز ایستادن از نافرمانی

﴿۳۲۹۰﴾ مریم می‌دانست که تقوا، انسان پرهیزکار را از معصیت باز می‌دارد.

۹-۱-۳-۷- پاکی

﴿۳۲۹۱﴾ اهل ورع باش تا پاک باشی.

﴿۳۲۹۲﴾ مؤمن با ورع، پاک می‌شود.

﴿ثَمَرَاتُ التَّقْوَى / الصِّفَاتُ الَّتِي تُوَلَّدُ مِنْ رِعَايَةِ التَّقْوَى﴾

﴿٣٢٩٣﴾ أمير المؤمنين عليه السلام: وَاصْدُقُوا فِي أَقْوَالِكُمْ وَاخْلُصُوا فِي أَعْمَالِكُمْ وَتَزَكُّوا بِالْوَرَعِ؛

غرر الحكم، ص ٢١٧

﴿٣٢٩٤﴾ الرسول ﷺ: لَا زَكَاةَ لِمَنْ لَا وَرَعَ لَهُ؛ مستدرک الوسائل، ج ٧، ص ٨

٩-١-٣-٧-١- تزكية العلم

﴿٣٢٩٥﴾ أمير المؤمنين عليه السلام: لَا يَزُكُّو الْعِلْمَ بِغَيْرِ وَرَعٍ؛ غرر الحكم، ص ٤٨

٩-١-٣-٧-٢- تزكية الأعمال

﴿٣٢٩٦﴾ أمير المؤمنين عليه السلام: بِالتَّقْوَى تَزَكُّو الْأَعْمَالُ؛ غرر الحكم، ص ٢٧٤

٩-١-٣-٨- الجلاء

٩-١-٣-٨-١- جلاء عشا أبصاركم و ضياء سواد ظلمتكم

﴿٣٢٩٧﴾ أمير المؤمنين عليه السلام: فَإِنَّ تَقْوَى اللَّهِ دَوَاءٌ دَاءٍ قُلُوبِكُمْ وَبَصَرُ عَمَى أَفْتِدَتِكُمْ وَشِفَاءُ

مَرَضِ أَجْسَادِكُمْ وَصَلَاحُ فَسَادِ صُدُورِكُمْ وَطُهُورُ دَنَسِ أَنْفُسِكُمْ وَجِلَاءُ عَشَا أَبْصَارِكُمْ وَأَمْنُ

فَرْعِ جَأَشِكُمْ وَضِيَاءُ سَوَادِ ظُلُمَتِكُمْ؛ نهج البلاغة، ص ٣١٢

٩-١-٣-٨-٢- جلاء العميان والجهل

﴿٣٢٩٨﴾ الباقر عليه السلام: إِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ يَقْبِي بِالتَّقْوَى عَنِ الْعَبْدِ مَا عَزَبَ عَنْهُ عَقْلُهُ وَيُجْلِي

بِالتَّقْوَى عَنْهُ عَمَاهُ وَجَهْلَهُ؛ الكافي، ج ٨، ص ٥٢

٩-١-٣-٩- الطهارة

٩-١-٣-٩-١- طهارة القلب

﴿٣٢٩٩﴾ ادریس عليه السلام: وَاغْسِلْ قَلْبَكَ بِالتَّقْوَى كَمَا تَغْسِلُ ثِيَابَكَ بِالْمَاءِ؛ بحار الأنوار، ج ٩٢، ص ٤٧١

٩-١-٣-٩-٢- طهور دَنَسِ أَنْفُسِكُمْ

﴿٣٣٠٠﴾ أمير المؤمنين عليه السلام: فَإِنَّ تَقْوَى اللَّهِ دَوَاءٌ دَاءٍ قُلُوبِكُمْ وَبَصَرُ عَمَى أَفْتِدَتِكُمْ وَشِفَاءُ

مَرَضِ أَجْسَادِكُمْ وَصَلَاحُ فَسَادِ صُدُورِكُمْ وَطُهُورُ دَنَسِ أَنْفُسِكُمْ وَجِلَاءُ عَشَا أَبْصَارِكُمْ وَأَمْنُ

فَرْعِ جَأَشِكُمْ وَضِيَاءُ سَوَادِ ظُلُمَتِكُمْ؛ نهج البلاغة، ص ٣١٢

٩-١-٣-١٠- الطيب

﴿٣٣٠١﴾ الرسول ﷺ: مَنْ تَطَيَّبَ فَلْيَتَّقِ اللَّهَ وَلْيَنْصَحْ وَلْيَجْتَهِدْ؛ مستدرک الوسائل، ج ١٦، ص ٤٥٩

﴿٩٦٢﴾

﴿نتایج تقوا / صفاتی که از رعایت پرهیزکاری نتیجه می‌شود﴾

﴿۳۲۹۳﴾ در سخن‌هایتان راستگو و در کارهایتان با اخلاص باشید و با ورع خود را تزکیه کنید.

﴿۳۲۹۴﴾ کسی که ورع ندارد، پاکی ندارد.

۹-۱-۳-۷-۱- پاک‌ی علم

﴿۳۲۹۵﴾ علم فقط با ورع پاک می‌گردد.

۹-۱-۳-۷-۲- پاک‌ی اعمال

﴿۳۲۹۶﴾ با تقوا، اعمال خود را تزکیه کنید.

۹-۱-۳-۸- جلادادن

۹-۱-۳-۸-۱- جلادادن نابینایی دیدگان و روشن کردن تاریکی‌ها

﴿۳۲۹۷﴾ زیرا تقوا و ترس از خدا داروی درد قلب‌ها و بینایی کوری دل‌ها و بهبودی بیماری تن‌ها و اصلاح فساد سینه‌ها و پاکیزگی چرک نفس‌ها و روشنی پوشش دیده‌ها و ایمنی ترس دل و نور سیاهی تاریکی [نادانی] شما است.

۹-۱-۳-۸-۲- برطرف کردن نابینایی و نادانی

﴿۳۲۹۸﴾ همانا خداوند بلندمرتبه در پرتوی تقوا انسان را از آنچه که عقلش به آن نمی‌رسد حفظ می‌کند، و با تقوا کوری و جهلش را از میان می‌برد.

۹-۱-۳-۹- پاک‌ی

۹-۱-۳-۹-۱- پاک‌ی قلب

﴿۳۲۹۹﴾ [صحف حضرت ادریس علیه السلام]: قلبت را با تقوا شستشو ده همان‌طوری که لباس‌هایت را با آب می‌شویی.

۹-۱-۳-۹-۲- پاک‌شدن آلودگی‌های جان‌هایتان

﴿۳۳۰۰﴾ زیرا تقوا و ترس از خدا داروی درد قلب‌ها و بینایی کوری دل‌ها و بهبودی بیماری تن‌ها و اصلاح فساد سینه‌ها و پاکیزگی چرک نفس‌ها و روشنی پوشش دیده‌ها و ایمنی ترس دل و نور سیاهی تاریکی [نادانی] شما است.

۹-۱-۳-۱۰- پاک‌ی

﴿۳۳۰۱﴾ هر کس می‌خواهد خوب و پاک باشد، تقوا پیشه کند و نصیحت بپذیرد و تلاش

کند.

﴿ثَمَرَاتُ التَّقْوَى / الصِّفَاتُ الَّتِي تُوَلَّدُ مِنْ رِعَايَةِ التَّقْوَى﴾

١١-٣-٩-العصمة

- ﴿٣٣٠٢﴾ الصادق عليه السلام: مَنْ اغْتَصَمَ بِاللَّهِ وَبَتَّقَوَاهُ عَصَمَهُ اللَّهُ؛ مستدرک الوسائل، ج ١١، ص ٢١٣
- ﴿٣٣٠٣﴾ الحسن عليه السلام: عَصَمَنَا اللَّهُ وَإِيَّاكُمْ بِمَا عَصَمَ بِهِ أَوْلِيَاءَهُ وَأَهْلَ طَاعَتِهِ وَآلِهِمْ وَأَيَّاكُمْ تَقَوَاهُ؛ بحار الأنوار، ج ٣٢، ص ٨٨
- ﴿٣٣٠٤﴾ أمير المؤمنين عليه السلام: بِالتَّقْوَى قُرِنَتِ الْعِصْمَةُ؛ غرر الحكم، ص ٢٦٩
- ﴿٣٣٠٥﴾ أمير المؤمنين عليه السلام: عَصَمَنَا اللَّهُ وَإِيَّاكُمْ بِالتَّقْوَى؛ من لا يحضره الفقيه، ج ١، ص ٥١٧
- ﴿٣٣٠٦﴾ أمير المؤمنين عليه السلام: عَصَمَكُمْ اللَّهُ بِالتَّقْوَى وَزَيَّنَكُمْ بِالْمَغْفِرَةِ؛ بحار الأنوار، ج ٣٣، ص ٦٣٩
- ﴿٣٣٠٧﴾ الصادق عليه السلام: أَيُّمَا عَبْدٍ أَقْبَلَ قَبْلَ مَا يُحِبُّ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ أَقْبَلَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ قَبْلَ كُلِّ مَا يُحِبُّ وَمَنْ اغْتَصَمَ بِاللَّهِ وَبَتَّقَوَاهُ عَصَمَهُ اللَّهُ وَمَنْ أَقْبَلَ قَبْلَهُ وَعَصَمَهُ لَمْ يُبَالِ لَوْ سَقَطَتِ السَّمَاءُ عَلَى الْأَرْضِ [أَوْ كَانَتْ نَازِلَةً عَلَى أَهْلِ الْأَرْضِ] فَسَمِلَتْهُمْ نَلِيَّةٌ وَكَانَ فِي حِرْزِ اللَّهِ بِالتَّقْوَى مِنْ كُلِّ بَلِيَّةٍ أَلَيْسَ اللَّهُ تَبَارَكَ وَتَعَالَى يَقُولُ إِنَّ الْمُتَّقِينَ فِي مَقَامٍ أَمِينٍ؛ مستدرک الوسائل، ج ١١، ص ٢١٣
- ﴿٣٣٠٨﴾ أمير المؤمنين عليه السلام: وَاجْتَوُوا إِلَى التَّقْوَى فَإِنَّهُ [فَإِنَّهَا] جَنَّةٌ مَنِعَةٌ مَنْ لَجَأَ إِلَيْهَا حَسَنَتُهُ وَمَنْ اغْتَصَمَ بِهَا عَصَمَتْهُ؛ غرر الحكم، ص ٢٧٠
- ﴿٣٣٠٩﴾ أمير المؤمنين عليه السلام: اْعْلَمُوا أَنَّ مَلَكَ أَمْرِكُمُ الدِّينُ وَعِصْمَتُكُمْ التَّقْوَى؛ بحار الأنوار، ج ٣٤، ص ٣٤٦

١١-٣-٩-العصمة من الذنوب

- ﴿٣٣١٠﴾ السَّجَادُ عليه السلام: وَاجْعَلْنِي فِي جَمِيعِ ذَلِكَ مِنَ الْمُصْلِحِينَ بِسُؤَالِي إِيَّاكَ... الْمُعْصُومِينَ مِنَ الذُّنُوبِ وَالزَّلَلِ وَالْخَطَا بِتَقْوَاكَ؛ الصحيفة السجادية عليه السلام، الدعاء ٢٥
- ١١-٣-٩-العصمة عن الإثم
- ﴿٣٣١١﴾ الأئمة عليهم السلام: فَاسْأَلْكَ أَنْ تُصَلِّيَ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَأَنْ تَعْصِمَنِي بِطَاعَتِكَ عَنْ مَعْصِيَتِكَ... وَبِالتَّقْوَى عَنِ الْإِثْمِ؛ تهذيب الأحكام، ج ٣، ص ٩٦
- ١١-٣-٩-العصمة من محارم الله

- ﴿٣٣١٢﴾ الرسول صلى الله عليه وآله: مَنْ أُعْطِيَ أَرْبَعَ خِصَالٍ أُعْطِيَ خَيْرَ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ وَفَازَ بِحَظِّهِ مِنْهُمَا وَرَعَ يَعْصِمُهُ مِنْ مَحَارِمِ اللَّهِ وَحُسْنُ خُلُقٍ يَعْيشُ بِهِ فِي النَّاسِ وَحِلْمٌ يَدْفَعُ بِهِ جَهْلَ الْجَاهِلِ وَزَوْجَةٌ صَالِحَةٌ تُعِينُهُ عَلَى أَمْرِ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ؛ مستدرک الوسائل، ج ١٤، ص ١٧٠
- ﴿٩٦٤﴾

«نتایج تقوا / صفاتی که از رعایت پرهیزکاری نتیجه می‌شود»

۱۱-۳-۹-عصمت

﴿۳۳۰۲﴾ هر کس که به خداوند و تقوای الهی پناهنده شود، خدا پناهش می‌دهد.
﴿۳۳۰۳﴾ خداوند ما و شما را از لغزش‌ها به دور دارد همان‌گونه که اولیاء و اهل طاعتش را دور داشته است. خداوند به ما و شما تقوا الهام کند.
﴿۳۳۰۴﴾ ایمنی و عصمت، رفیق و قرین تقواست.
﴿۳۳۰۵﴾ خدا ما و شما را به وسیله‌ی تقوا محفوظ بدارد.
﴿۳۳۰۶﴾ [خطاب به اهل مصر بعد از منصوب کردن مالک اشتر:] خداوند شما را با تقوا حفظ کند و با مغفرت بیاراید.
﴿۳۳۰۷﴾ هر بنده‌ای که به آنچه خدای بلندمرتبه دوست دارد روی کند، خداوند نیز به آنچه او دوست دارد رو می‌کند. هر کس به خدا و تقوای الهی پناهنده شود، خداوند به او پناه می‌دهد و برای کسی که به خدا رو کرده و خدا او را پذیرفته و پناه داده، دیگر مهم نیست که آسمان به زمین بیاید یا بلا و گرفتاری‌ای به اهل زمین نازل شود و آن‌ها را در برگیرد چون او در پناه امان تقوای الهی است و از همه‌ی بلاها در امان است؛ مگر خداوند متعال نفرمود: «پرهیزکاران در جایگاه امنی قرار دارند»؟!

﴿۳۳۰۸﴾ به تقوا پناه برید که سپری مستحکم است و هر که به آن رو کرد نیکویش گرداند و هر که به آن پناه برد، پناهش داد.
﴿۳۳۰۹﴾ بدانید که معیار کار شما، دین و عصمت شما، تقوا و پرهیزکاری است.

۱۱-۳-۹-۱-در امان ماندن از گناه

﴿۳۳۱۰﴾ خداوند! چنان کن که در همه حال به درخواستی که از تو می‌کنم در زمره‌ی مصلحان درآیم... [آنان که] به یمن تقوای تو از گناهان و لغزش‌ها و نادرستی‌ها در امان مانده‌اند.

۱۱-۳-۹-۲-در امان ماندن از گناه

﴿۳۳۱۱﴾ خداوند! از تو می‌خواهم که بر محمد و خاندان او درود بفرستی و مرا با توفیق اطاعتت از معصیتت ... با تقوا از گناه، در امان داری.

۱۱-۳-۹-۳-در امان ماندن از محرمات

﴿۳۳۱۲﴾ چهار چیز است که اگر به کسی داده شود، خیر دنیا و آخرت به او داده شده و با امتیاز آن‌ها پیروز می‌شود که عبارتند از: ورعی که او را از گناهان حفظ کند، خلق نیکویی که با آن در میان مردم زندگی کند، بردباری‌ای که با آن جهل جاهلان را دفع کند و همسر نیکویی که او را در امور دنیا و آخرت یاری کند.

﴿ثمراتُ التَّقْوَى / الصفاتُ التي تُولَدُ مِنْ رِعايَةِ التَّقْوَى﴾

٩-١-٣-١١-٤- العِصْمَةُ فِي الْحَيَاةِ

﴿٣٣١٣﴾ أمير المؤمنين عليه السلام: إِنَّ التَّقْوَى عِصْمَةٌ لَكَ فِي حَيَاتِكَ وَزُلْفَى لَكَ بَعْدَ مَمَاتِكَ؛

غررالحكم، ص ٢٧٤

٩-١-٣-١١-٥- الإمام عليه السلام عِصْمَةُ الْمُتَّقِينَ

﴿٣٣١٤﴾ زيارة الحسين عليه السلام: السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا عِصْمَةَ الْمُتَّقِينَ؛ بحار الأنوار، ج ٩٨، ص ٢٣٥

٩-١-٤- الخَشْيَةُ

﴿٣٣١٥﴾ الحسن عليه السلام: فَاحْتَرِسُوا مِنَ اللَّهِ بِكَثْرَةِ الذِّكْرِ وَاخْشَوْا اللَّهَ بِالتَّقْوَى؛ بحار الأنوار،

ج ٧٥، ص ١٠٤

٩-١-٥- الإسلامُ

﴿٣٣١٦﴾ أمير المؤمنين عليه السلام: الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي شَرَعَ الْإِسْلَامَ فَسَهَّلَ شَرَائِعَهُ لِمَنْ وَرَدَهُ ... وَالتَّقْوَى

عُدَّتْهُ؛ الأمالي للطوسي، ص ٣٧

٩-١-٥-١- حِفْظُ الْإِسْلَامِ

﴿٣٣١٧﴾ الرسول صلى الله عليه وآله: قَالَ صلى الله عليه وآله لَا يَدْخُلُ الْجَنَّةَ إِلَّا مَنْ كَانَ مُسْلِمًا فَقَالَ أَبُو ذَرٍّ يَا رَسُولَ اللَّهِ وَمَا

الْإِسْلَامُ فَقَالَ الْإِسْلَامُ غُرْبَانٌ وَلِبَاسُهُ التَّقْوَى وَشِعَارُهُ الْهُدَى وَدِتَارُهُ الْحَيَاءُ؛ بحار الأنوار، ج ٧٤، ص ١٥٨

٩-١-٥-٢- تَزْيِينُ الْإِسْلَامِ

﴿٣٣١٨﴾ العسكري عليه السلام: فَقَالَ يَا مُحَمَّدُ وَمِنْ النَّاسِ مَنْ يُعْجِبُكَ قَوْلُهُ فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَ

بِإِظْهَارِهِ تِلْكَ [لَكَ] الدِّينَ وَالْإِسْلَامَ وَتَزِينُهُ فِي حَضْرَتِكَ بِالْوَرَعِ وَالْإِحْسَانِ؛ بحار الأنوار، ج ٩، ص ١٨٨

٩-١-٦- السَّمَاحَةُ

﴿٣٣١٩﴾ الصادق عليه السلام: مَنْ كَانَتْ فِيهِ خَلَّةٌ مِنْ ثَلَاثَةِ انْظَمَتْ فِيهِ ثَلَاثَتُهَا فِي تَفْخِيمِهِ وَهَيْبَتِهِ وَ

جَمَالِهِ مَنْ كَانَ لَهُ وَرَعٌ أَوْ سَمَاحَةٌ أَوْ شَجَاعَةٌ؛ بحار الأنوار، ج ٧٥، ص ٢٣٢

٩-١-٧- الدِّينُ

٩-١-٧-١- جَمَاعُ الدِّينِ

﴿٣٣٢٠﴾ أمير المؤمنين عليه السلام: عَلَيْكَ بِالتَّقْوَى وَالصَّدْقِ فَهُمَا جَمَاعُ الدِّينِ؛ غررالحكم، ص ١٣٨

﴿٣٣٢١﴾ أمير المؤمنين عليه السلام: ثَلَاثُ هُنَّ جَمَاعُ الدِّينِ الْعِفَّةُ وَالْوَرَعُ وَالْحَيَاءُ؛ غررالحكم، ص ٨٥

﴿ثَمَرَاتُ التَّقْوَى / الصِّفَاتُ الَّتِي تُوَلَّدُ مِنْ رِعَايَةِ التَّقْوَى﴾

٢-٧-١-٩- جَمَالُ الدِّينِ

﴿٣٣٢٢﴾ أمير المؤمنين عليه السلام: جَمَالُ الدِّينِ الْوَرَعُ؛ غررالحكم، ص ٢٧١

٣-٧-١-٩- حِصْنُ الدِّينِ

﴿٣٣٢٣﴾ أمير المؤمنين عليه السلام: بِصِدْقِ الْوَرَعِ يُحْصَنُ الدِّينُ؛ غررالحكم، ص ٢٧١

٤-٧-١-٩- سِيَاسَةُ الدِّينِ

﴿٣٣٢٤﴾ أمير المؤمنين عليه السلام: سِيَاسَةُ الدِّينِ بِحُسْنِ الْوَرَعِ وَالْيَقِينِ؛ غررالحكم، ص ٢٧١

٥-٧-١-٩- إِصْلَاحُ الدِّينِ

﴿٣٣٢٥﴾ أمير المؤمنين عليه السلام: مَا أَصْلَحَ الدِّينَ كَأَلْتَقْوَى؛ غررالحكم، ص ٢٧١

﴿٣٣٢٦﴾ أمير المؤمنين عليه السلام: ثَمَرَةُ الْوَرَعِ صَلَاحُ النَّفْسِ وَالدِّينِ؛ غررالحكم، ص ٢٧١

﴿٣٣٢٧﴾ أمير المؤمنين عليه السلام: الْوَرَعُ يُصْلِحُ الدِّينَ وَيَصُونُ النَّفْسَ وَيُزَيِّنُ الْمُرُوءَةَ؛ غررالحكم،

ص ٢٧١

٦-٧-١-٩- صَلَاحُ الدِّينِ

﴿٣٣٢٨﴾ أمير المؤمنين عليه السلام: صَلَاحُ الدِّينِ الْوَرَعُ؛ غررالحكم، ص ٢٧١

﴿٣٣٢٩﴾ أمير المؤمنين عليه السلام: سَبَبُ صَلَاحِ الدِّينِ الْوَرَعُ؛ غررالحكم، ص ٢٧١

٧-٧-١-٩- عِمَارَةُ الدِّينِ

﴿٣٣٣٠﴾ أمير المؤمنين عليه السلام: إِنْ تَقَوَّى اللَّهُ عِمَارَةُ الدِّينِ وَعِمَادُ الْيَقِينِ وَإِنَّهَا لَمِفْتَاحُ صَلَاحٍ وَ

مِصْبَاحُ نَجَاحٍ؛ غررالحكم، ص ٢٧٤

٨-٧-١-٩- إِعَانَةُ الدِّينِ

﴿٣٣٣١﴾ أمير المؤمنين عليه السلام: خَيْرُ أُمُورٍ [أَعْوَانٍ] الدِّينُ الْوَرَعُ؛ غررالحكم، ص ٨٦

﴿٣٣٣٢﴾ أمير المؤمنين عليه السلام: عَلَيْكَ بِالْوَرَعِ فَإِنَّهُ عَوْنُ الدِّينِ وَشِيْمَةُ الْمُخْلِصِينَ؛ غررالحكم، ص ٢٧١

٩-٧-١-٩- اسْتِبْرَاءُ الدِّينِ

﴿٣٣٣٣﴾ الرَّسُولُ ﷺ: حَلَالٌ بَيْنٌ وَحَرَامٌ بَيْنٌ وَبَيْنَهُمَا شُبُهَاتٌ لَا يَعْلَمُهَا كَثِيرٌ مِنَ النَّاسِ فَمَنْ

اتَّقَى الشُّبُهَاتِ فَقَدْ اسْتَبْرَأَ لِدِينِهِ وَعَرَضِهِ؛ مستدرک الوسائل، ج ١٧، ص ٣٢٣

١٠-٧-١-٩- اسْتِقَامَةُ الدِّينِ

﴿٣٣٣٤﴾ الْأَئِمَّةُ عليهم السلام: بِالْوَرَعِ يَسْتَقِيمُ الدِّينُ؛ مجموعة ورام، ج ٢، ص ١١٩

﴿نتایج تقوا / صفاتی که از رعایت پرهیزکاری نتیجه می‌شود﴾

۹-۱-۷-۲- زیبایی دین

﴿۳۳۲۲﴾ جمال دین به ورع است.

۹-۱-۷-۳- قلعه‌ی دین

﴿۳۳۲۳﴾ با درستی ورع، دین محفوظ می‌شود.

۹-۱-۷-۴- مدیریت دین

﴿۳۳۲۴﴾ سیاست دین و کامل گردانیدن آن، به نیکویی پرهیزکاری و یقین است.

۹-۱-۷-۵- اصلاح دین

﴿۳۳۲۵﴾ چیزی مانند تقوا نمی‌تواند دین را اصلاح کند.

﴿۳۳۲۶﴾ صلاح شخص و دین، ثمره‌ی ورع است.

﴿۳۳۲۷﴾ ورع دین را اصلاح می‌کند و نفس را مصون و ایمن می‌کند و مروت را تزیین

می‌کند.

۹-۱-۷-۶- صلاح دین

﴿۳۳۲۸﴾ ورع، موجب صلاح دین است.

﴿۳۳۲۹﴾ ورع، موجب صلاح دین است.

۹-۱-۷-۷- آبادانی دین

﴿۳۳۳۰﴾ تقوای الهی، آبادی دین و ستون یقین و کلید صلاح و چراغ نجات است.

۹-۱-۷-۸- یاری دین

﴿۳۳۳۱﴾ بهترین کار [و کمک‌کننده‌ی] دین، ورع است.

﴿۳۳۳۲﴾ بر تو باد به مراعات ورع که کمک‌کننده‌ی دین و اخلاق خالصان است.

۹-۱-۷-۹- پاک‌کردن دین

﴿۳۳۳۳﴾ حلال و حرام، آشکارند و شبهات میان این دو هستند که عده‌ی زیادی از مردم

آن‌ها را نمی‌شناسند [و تشخیص نمی‌دهند]؛ پس هر کس که در شبهات تقوا پیشه کند دین و آبرویش را [از نابودی] دور کرده است.

۹-۱-۷-۱۰- ثبات‌بخشیدن به دین

﴿۳۳۳۴﴾ دین، با ورع استقامت می‌یابد.

﴿ثمراتُ التَّقْوَى / الصفاتُ التي تُولَدُ مِنْ رِعايَةِ التَّقْوَى﴾

٨-١-٩- الشَّجَاعَةُ، الْمُرُوَّةُ، الْهَيْبَةُ

١-٨-١-٩- الشَّجَاعَةُ

﴿٣٣٣٥﴾ الصَّادِقُ عليه السلام: مَنْ كَانَتْ فِيهِ خَلَّةٌ مِنْ ثَلَاثَةِ أَنْتَظَمَتْ فِيهِ ثَلَاثَتُهَا فِي تَفْخِيمِهِ وَهَيْبَتِهِ وَجَمَالِهِ مَنْ كَانَ لَهُ وَرَعٌ أَوْ سَمَاحَةٌ أَوْ شَجَاعَةٌ؛ بحار الأنوار، ج ٧٥، ص ٢٣٢

٢-٨-١-٩- الْمُرُوَّةُ

﴿٣٣٣٦﴾ أمير المؤمنين عليه السلام: الْوَرَعُ يُصْلِحُ الدِّينَ وَيَصُونُ النَّفْسَ وَيُزِينُ الْمُرُوَّةَ؛ غرر الحكم،

ص ٢٧١

٣-٨-١-٩- الْهَيْبَةُ

﴿٣٣٣٧﴾ تعقيب الصلاة: وَارْزُقْنِي هَيْبَةَ الْمُتَّقِينَ؛ البلد الأمين، ص ١٠

٩-١-٩- شَرْحُ الصَّدْرِ

﴿٣٣٣٨﴾ دعاء الساعة الثانية: فَاسْأَلْكَ أَنْ تَزِيدَنِي مِنْ لَدُنْكَ عِلْماً وَتَهَبَ لِي حُكْماً وَتَجْبِرَ

كُسْرِي وَتَشْرَحَ بِالتَّقْوَى صَدْرِي؛ بحار الأنوار، ج ٨٣، ص ٣٤١

١٠-١-٩- الشُّكْرُ

﴿٣٣٣٩﴾ وَلَقَدْ نَصَرَكُمُ اللَّهُ بِبَدْرٍ وَأَنْتُمْ أَذِلَّةٌ فَاتَّقُوا اللَّهَ لَعَلَّكُمْ تَشْكُرُونَ؛ آل عمران ١٢٣

١١-١-٩- الطَّاعَةُ وَالْعِبَادَةُ

١-١١-٩- الطَّاعَةُ

﴿٣٣٤٠﴾ أمير المؤمنين عليه السلام: فَإِنَّ التَّقْوَى... أَحْكُمُ عَلَى طَاعَةِ اللَّهِ فَإِنَّهَا كَهْفُ الْعَابِدِينَ وَفَوْزُ

الْفَائِزِينَ وَآمَانُ الْمُتَّقِينَ؛ بحار الأنوار، ج ٧٤، ص ٣٧٥

٢-١١-٩- الْعِبَادَةُ

﴿٣٣٤١﴾ الرَّسُولُ ﷺ: أَصْلُ الدِّينِ الْوَرَعُ كُنْ وَرِعاً تَكُنْ أَعْبَدَ النَّاسِ؛ بحار الأنوار، ج ٦٧، ص ٢٨٦

﴿٣٣٤٢﴾ الرَّسُولُ ﷺ: يَا أَبَا ذَرٍّ كُنْ وَرِعاً تَكُنْ أَعْبَدَ النَّاسِ؛ بحار الأنوار، ج ٧٤، ص ٨٨

﴿٣٣٤٣﴾ الصَّادِقُ عليه السلام: طَلَبْتُ الْعِبَادَةَ فَوَجَدْتُهَا فِي الْوَرَعِ؛ مستدرک الوسائل، ج ١٢، ص ١٧٣

﴿٩٧٠﴾

﴿نتایج تقوا / صفاتی که از رعایت پرهیزکاری نتیجه می‌شود﴾

۹-۱-۸- شجاعت، جوانمردی، هیبت

۹-۱-۸-۱- شجاعت

﴿۳۳۳۵﴾ هرکس یکی از این سه صفت را داشته باشد دو صفت دیگر نیز در بزرگی و هیبت و جمال وی تنظیم می‌شود: پارسایی، بخشنده‌گی و شجاعت.

۹-۱-۸-۲- جوانمردی

﴿۳۳۳۶﴾ ورع دین را اصلاح می‌کند و نفس را مصون و ایمن می‌کند و مروت را تزئین می‌کند.

۹-۱-۸-۳- هیبت

﴿۳۳۳۷﴾ [تعقیب نماز:] و هیبت باتقوایان را روزی من گردان.

۹-۱-۹- گشایش سینه

﴿۳۳۳۸﴾ [دعای ساعت دوم از طلوع خورشید:] از تو می‌خواهم که بر دانش من بیفزایی، و به من حکمت ببخشی و کاستی‌هایم را جبران کنی و سینه‌ام را به تقوا گشاده گردانی.

۹-۱-۱۰- شکر

﴿۳۳۳۹﴾ خداوند شما را در «بدر» یاری کرد (و بر دشمنان خطرناک، پیروز ساخت) در حالی که شما (نسبت به آن‌ها)، ناتوان بودید. پس، از خدا پرهیزید (و در برابر دشمن، مخالفتِ فرمان‌پیامبر نکنید)، تا شکر نعمت او را بجا آورده باشید!

۹-۱-۱۱- طاعت و عبادت

۹-۱-۱۱-۱۲- طاعت

﴿۳۳۴۰﴾ تقوا... شما را به اطاعت خدا وادار می‌کند، زیرا پرهیزکاری پناه عابدان، رستگاری رستگاران و ایمنی پرهیزکاران است.

۹-۱-۱۱-۲- عبادت

﴿۳۳۴۱﴾ اصل و اساس دین ورع و تقواست، اگر پرهیزکار باشی، عبادت تو از همه با ارزش‌تر است.

﴿۳۳۴۲﴾ ای ابوذر! با ورع باش تا بنده‌ترین مردم باشی.

﴿۳۳۴۳﴾ به دنبال عبادت می‌گشتم آن را در ورع یافتم.

﴿ثَمَرَاتُ التَّقْوَى / الصِّفَاتُ الَّتِي تُؤَلِّدُ مِنْ رِعَايَةِ التَّقْوَى﴾

﴿٣٣٤٤﴾ حديث قدسي: يَا أَحْمَدُ هَلْ تَدْرِي مَتَى يَكُونُ [لِي] الْعَبْدُ عَابِدًا قَالَ لَا يَا رَبِّ قَالَ إِذَا اجْتَمَعَ فِيهِ سَبْعُ خِصَالٍ وَرَعٌ يَحْجُزُهُ عَنِ الْمَحَارِمِ وَصَمْتٌ يَكْفِيهِ عَمَّا لَا يَعْنِيهِ وَخَوْفٌ يَزِدُّهُ فِي كُلِّ يَوْمٍ مِنْ بُكَائِهِ وَحَيَاءٌ يَسْتَحِي مَنِّي فِي الْخَلَاءِ وَأَكْلُ مَا لَا بُدَّ مِنْهُ وَتُبْغِضُ الدُّنْيَا لِبُغْضِي لَهَا وَ يُحِبُّ الْأَخْيَارَ لِحُبِّي لَهُمْ؛ مستدرك الوسائل، ج ٩، ص ١٩

﴿٣٣٤٥﴾ الرَّسُولُ ﷺ: لَا يَكُونُ الرَّجُلُ مُسْلِمًا حَتَّى يَسْلَمَ النَّاسُ مِنْ يَدِهِ وَلِسَانِهِ وَلَا يَكُونُ مُؤْمِنًا حَتَّى يَأْمَنَ أَخُوهُ بِوَأَقْفِهِ وَجَارُهُ بِوَادِرِهِ وَلَا يَكُونُ عَالِمًا حَتَّى يَكُونَ عَامِلًا بِمَا عَلِمَ وَلَا يَكُونُ عَابِدًا حَتَّى يَكُونَ وَرِعًا وَلَا يَكُونَ وَرِعًا حَتَّى يَكُونَ زَاهِدًا؛ إرشاد القلوب، ج ١، ص ١٦

١-١١-٢-١-٩- حُسْنُ الْعِبَادَةِ

﴿٣٣٤٦﴾ أمير المؤمنين عليه السلام: مَنْ تَوَرَّعَ حَسَنَتِ عِبَادَتُهُ؛ غرر الحكم، ص ٢٧٤

١-١١-٢-٢-٩- يَفْتَحُ عَلَى الْعَبْدِ أَبْوَابَ الْعِبَادَةِ

﴿٣٣٤٧﴾ حديث قدسي: يَا أَحْمَدُ الْوَرَعُ يَفْتَحُ عَلَى الْعَبْدِ أَبْوَابَ الْعِبَادَةِ فَتَكْرَمَ بِهِ عِنْدَ الْخَلْقِ وَ يَصِلَ بِهِ إِلَى اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ؛ بحار الأنوار، ج ٧٤، ص ٢٦

١-١١-٢-٣-٩- نِظَامُ الْعِبَادَةِ

﴿٣٣٤٨﴾ السَّجَادُ ﷺ: الْوَرَعُ نِظَامُ الْعِبَادَةِ فَإِذَا انْقَطَعَ ذَهَبَتِ الدِّيَانَةُ كَمَا إِذَا انْقَطَعَ السُّلْكُ اتَّبَعَهُ النَّظَامُ؛ مجموعة ورام، ج ٢، ص ٨٨

١-١٢-٩- الْعَدْلُ وَالْحَقُّ

١-١٢-٩-١- الْعَدْلُ

﴿٣٣٤٩﴾ أمير المؤمنين عليه السلام: اسْتَعِنْ عَلَى الْعَدْلِ بِحُسْنِ النِّيَّةِ فِي الرِّعْيَةِ وَقِلَّةِ الطَّمَعِ وَكَثْرَةِ

الْوَرَعِ؛ مستدرك الوسائل، ج ١١، ص ٣١٩

١-١٢-٩-٢- الْحَقُّ

﴿٣٣٥٠﴾ أمير المؤمنين عليه السلام: فَالْإِيْمَانُ أَصْلُ الْحَقِّ وَأَصْلُ الْحَقِّ سَبِيلُهُ الْهُدَى ... وَالتَّقْوَى عُذَّتُهُ؛

بحار الأنوار، ج ٦٥، ص ٣٨٢

﴿٣٣٥١﴾ أمير المؤمنين عليه السلام: أَنَّهُ لَا يَحْمِلُ النَّاسَ عَلَى الْحَقِّ إِلَّا مَنْ وَرَعَهُمْ عَنِ الْبَاطِلِ؛ الكافي،

ج ٧، ص ٤١٢

﴿نتایج تقوا / صفاتی که از رعایت پرهیزکاری نتیجه می‌شود﴾

﴿۳۳۴۴﴾ ای احمد! آیا می‌دانی بنده چه وقت عابد به حساب می‌آید؟ عرض کرد: «نه»، فرمود: «وقتی که هفت خصلت در او جمع شود، که عبارتند از: ورعی که او را از حرام‌ها باز دارد. خاموشی‌ای که او را از سخنان بیهوده نگاه دارد. ترسی که هر روز بر گریه‌اش بیفزاید. حیا و شرمی که او را در نهان از من شرمند سازد. به اندازه‌ی رفع گرسنگی غذا بخورد. چون من دنیا را دشمن می‌دارم، او نیز دنیا را دشمن بدارد. چون من خوبان را دوست می‌دارم، او نیز آن‌ها را دوست بدارد».

﴿۳۳۴۵﴾ تا زمانی که مردم از دست و زبان کسی در سلامت و امنیت نباشند جزء مسلمانان محسوب نمی‌شود و تا وقتی که برادر مؤمنش از شر او و همسایه‌اش از آزارش در امان نباشد به درجه‌ی ایمان نمی‌رسد. و تا زمانی که به آنچه می‌داند عمل نکند جزء عالمان محسوب نمی‌شود و تا زمانی که ورع نداشته باشد جزء عابدان محسوب نمی‌شود و تا زمانی که زاهد نباشد جزء اهل ورع محسوب نمی‌شود.

۹-۱۱-۲-۱- عبادت نیکو

﴿۳۳۴۶﴾ هر کس ورع پیشه کند، عبادتش نیکو می‌گردد.

۹-۱۱-۲-۲- درهای عبادت به روی بنده گشوده می‌شود

﴿۳۳۴۷﴾ ای احمد! ورع درهای عبادت و بندگی را به روی بنده باز می‌کند و موجب گرامی‌شدن بنده در میان مردم است و بنده را به خدایش می‌رساند.

۹-۱۱-۲-۳- نظم‌دهنده به عبادت

﴿۳۳۴۸﴾ ورع، نظام عبادت است. پس وقتی ورع از بین رفت، دیانت از بین رفته است، همچنان که وقتی رشته و نخ گسیخته شد، دانه‌ها و مهره‌ها نیز به دنبال آن متفرق گشته و از هم می‌پاشند.

۹-۱۱-۱۲- عدل و حق

۹-۱۱-۱۲-۱- عدل

﴿۳۳۴۹﴾ با حسن نیت در مورد مردم و کم‌کردن طمع و زیادکردن ورعت، بر عمل بر مبنای عدل یاری بخواه.

۹-۱۱-۱۲-۲- حق

﴿۳۳۵۰﴾ پس ایمان ریشه‌ی حق است. و ریشه‌ی حق راهش هدایت... و پرهیزکاری ساز و برگش است.

﴿۳۳۵۱﴾ فقط آن که مردم را از باطل پرهیز می‌دهد، می‌تواند آن‌ها را به عمل بر طبق حق وادارد.

﴿ثمراتُ التَّقْوَى / الصفاتُ التي تُؤلِّدُ مِنْ رِغَايَةِ التَّقْوَى﴾

٩-١-١٣- العلمُ، الحِكْمَةُ، الفَهْمُ، العقلُ

٩-١-١٣-١ العلمُ

﴿٣٣٥٢﴾ الرَّسُولُ ﷺ: أَشْعِرُ قَلْبَكَ بِالتَّقْوَى تَنَلِ الْعِلْمُ؛ بحار الأنوار، ج ١، ص ٢٢٦
﴿٣٣٥٣﴾ الرَّسُولُ ﷺ: أَنْ مُوسَى عَلَيْهِ السَّلَامُ لَقِيَ الْخَضِرَ عَلَيْهِ السَّلَامُ فَقَالَ أَوْصِنِي فَقَالَ الْخَضِرُ... يَا مُوسَى
وَطَنَ نَفْسَكَ عَلَى الصَّبْرِ تَلَقَّ الْحُلُمُ وَأَشْعِرْ قَلْبَكَ التَّقْوَى تَنَلِ الْعِلْمُ؛ منية المريد، ص ١٤٠
٩-١-١٣-١-١ العلمُ بالفرائضِ

﴿٣٣٥٤﴾ الْعَسْكَرِيُّ عَلَيْهِ السَّلَامُ: هُدَى لِمُتَّقِي الدِّينِ يَتَّقُونَ الْمُؤَبَّاتِ وَيَتَّقُونَ تَسْلِيطَ السَّفَهَةِ عَلَى
أَنْفُسِهِمْ حَتَّى إِذَا عَلِمُوا مَا يَجِبُ عَلَيْهِمْ عِلْمُهُ عَمِلُوا بِمَا يُوجِبُ لَهُمْ رِضَا رَبِّهِمْ؛ بحار الأنوار، ج ٢، ص ٣٤
٩-١-١٣-١-٢ إِنَّ اللَّهَ عَلَّمَهُمْ

﴿٣٣٥٥﴾ وَاتَّقُوا اللَّهَ وَيُعَلِّمَكُمُ اللَّهُ وَاللَّهُ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمٌ؛ البقرة ٢٨٢

٩-١-١٣-١-٣ الْعَالَمُ الْحَقُّ

﴿٣٣٥٦﴾ حَدِيثٌ قَدْسِي: أَوْحَى اللَّهُ تَبَارَكَ وَتَعَالَى إِلَى دَاوُدَ عَلَيْهِ السَّلَامُ: الْعَالَمُ حَقٌّ هُوَ الَّذِي يَنْطِقُ
عَنْهُ أَعْمَالُهُ الصَّالِحَةُ وَأَوْرَادُهُ الزَّائِكَةُ وَصِدْقُهُ وَتَقْوَاهُ لَا لِسَانُهُ وَتَصَاوُلُهُ وَدَعْوَاهُ؛ بحار الأنوار،
ج ٢، ص ٣٢

٩-١-١٣-٢ الحِكْمَةُ

٩-١-١٣-٢-١ الحِكْمَةُ مِيرَاثُ التَّقْوَى

﴿٣٣٥٧﴾ الصَّادِقُ عَلَيْهِ السَّلَامُ: الْحِكْمَةُ ضِيَاءُ الْمَعْرِفَةِ وَمِيرَاثُ التَّقْوَى؛ بحار الأنوار، ج ١، ص ٢١٥

٩-١-١٣-٢-٢ أُوتِيَ لَقْمَانُ الْحِكْمَةَ لِأَنَّهُ كَانَ مُتَوَرِّعًا

﴿٣٣٥٨﴾ الصَّادِقُ عَلَيْهِ السَّلَامُ: قَالَ عَبْدُ الْحَمِيدِ بْنُ أَبِي الْحَدِيدِ: سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ ﷺ عَنْ لُقْمَانَ وَ
حِكْمَتِهِ فَقَالَ أَمَّا وَاللَّهِ مَا أُوتِيَ الْحِكْمَةَ لِحَسَبٍ وَلَا أَهْلٍ وَلَا مَالٍ وَلَا بَسْطَةِ فِي الْجِسْمِ وَلَا
جَمَالٍ وَلَكِنَّهُ كَانَ رَجُلًا قَوِيًّا فِي أَمْرِ اللَّهِ مُتَوَرِّعًا فِي دِينِهِ سَاكِتًا سَكِينًا؛ قصص الأنبياء للراوندي، ص ١٩١
٩-١-١٣-٢-٣ رَأْسُ كُلِّ حِكْمَةٍ

﴿٣٣٥٩﴾ عِيسَى عَلَيْهِ السَّلَامُ: إِنَّ الْحِكْمَةَ نُورٌ كُلُّ قَلْبٍ وَالتَّقْوَى رَأْسُ كُلِّ حِكْمَةٍ؛ بحار الأنوار، ج ١٤،

ص ٣١٥

«نتایج تقوا / صفاتی که از رعایت پرهیزکاری نتیجه می‌شود»

۹-۱-۱۳- علم، حکمت، فهم، عقل

۹-۱-۱۳-۱- علم

«۳۳۵۲» دلت را به پرهیزکاری بیدار کن تا به علم دست یابی.

«۳۳۵۳» حضرت موسی علیه السلام حضرت خضر علیه السلام را ملاقات کرد و گفت: «مرا موعظه کن». خضر علیه السلام فرمود: «... ای موسی! خودت را به شکیبایی وادار تا به بردباری برسی و پرهیزکاری را با دلت آشنا ساز تا به دانش و معرفت دست یابی».

۹-۱-۱۳-۱-۱- آگاهی به واجبات

«۳۳۵۴» «مایه هدایت پرهیزکاران است»؛ آنانی که از ارتکاب گناهان کبیره پرهیز می‌کنند و از مسلمات ساختن نادانی بر خودشان دوری می‌نمایند تا واجباتشان را بدانند و به آنچه مورد رضای خداست، عمل کنند.

۹-۱-۱۳-۱-۲- خداوند پرهیزکاران را دانش عطا می‌کند

«۳۳۵۵» از خدا بپرهیزید! و خداوند به شما تعلیم می‌دهد خداوند به همه چیز داناست.

۹-۱-۱۳-۱-۳- دانشمند حقیقی

«۳۳۵۶» عالم حقیقی که سزاوار است از او استفاده شود کسی است که اعمال صالح و پاک و درستی و پرهیزکاری او از درون و مقام او گواهی بدهد، نه زبان و بحث و جدل کردن.

۹-۱-۱۳-۲- حکمت

۹-۱-۱۳-۲-۱- حکمت، میراث پرهیزکاری است

«۳۳۵۷» حکمت، سبب جلا و روشنی معرفت و میراث پرهیزکاری است.

۹-۱-۱۳-۲-۲- به این دلیل به لقمان حکمت داده شد، چون پرهیزکار بود

«۳۳۵۸» عبدالحمید بن ابی‌الحدید گوید: از امام صادق علیه السلام در مورد لقمان علیه السلام و حکمتش پرسیدم، فرمود: «به خدا قسم! حکمت لقمان علیه السلام به خاطر حسب و نسب نیکو یا خاندان بزرگ یا مال و دارایی و یا نیرومند بودن و زیابودن، به او اعطا نشد بلکه دلایل این بود که او مردی بود که در [اجرایی] دستورات الهی فردی قوی و محکم، اهل ورع در دین خدا، خاموش و آرام بود».

۹-۱-۱۳-۲-۳- سرمنشأ هر حکمت

«۳۳۵۹» حکمت؛ نور هر دل، و پرهیزکاری در رأس هر حکمت است.

﴿ثمراتُ التَّقْوَى / الصفاتُ التي تُولَدُ مِنْ رِعايَةِ التَّقْوَى﴾

٣-١٣-٩-الفهم

﴿٣٣٦٠﴾ سنن ادریس عليه السلام: وَ اعْلَمُوا وَ اسْتَيْقِنُوا أَنَّ تَقْوَى اللَّهِ ... الْفَاتِحُ لِلْبُوابِ الْخَيْرِ وَ الْفَهْمِ وَ الْعَقْلُ؛ بحار الأنوار، ج ١١، ص ٢٨٣

٣-١٣-٩-العقل

١-٣-٩-فتح أبواب العقل

﴿٣٣٦١﴾ سنن ادریس عليه السلام: وَ اعْلَمُوا وَ اسْتَيْقِنُوا أَنَّ تَقْوَى اللَّهِ ... الْفَاتِحُ لِلْبُوابِ الْخَيْرِ وَ الْفَهْمِ وَ الْعَقْلُ؛ بحار الأنوار، ج ١١، ص ٢٨٣

٢-٣-٩-تقوية العقل

﴿٣٣٦٢﴾ الرسول ﷺ: إِنَّ اللَّهَ تَعَالَى خَلَقَ الْعَقْلَ مِنْ نُورٍ مَخْزُونٍ فِي سَابِقِ عِلْمِهِ الَّذِي لَمْ يَطْلُعْ عَلَيْهِ نَبِيٌّ مُرْسَلٌ وَ لَا مَلَكٌ مُقَرَّبٌ فَجَعَلَ الْعِلْمَ نَفْسَهُ وَ الْفَهْمَ رُوحَهُ وَ الزُّهْدَ رَأْسَهُ وَ الْحَيَاءَ عَيْنَهُ وَ الْحِكْمَةَ لِسَانَهُ وَ الرَّأْفَةَ هِمَّةً وَ الرَّحْمَةَ قَلْبَهُ ثُمَّ إِنَّهُ حَشَاهُ وَ قَوَّاهُ بِعَشْرَةِ أَشْيَاءَ الْيَقِينِ وَ الْإِيمَانِ وَ الصِّدْقِ وَ السَّكِينَةِ وَ الْوَقَارِ وَ الرِّفْقِ وَ التَّقْوَى وَ الْإِخْلَاصِ وَ الْعَطِيَّةِ وَ الْقَنُوعِ وَ التَّسْلِيمِ وَ الرِّضَا وَ الشُّكْرِ؛ إرشاد القلوب، ج ١، ص ١٩٧

٣-٣-٩-شدة العقل

﴿٣٣٦٣﴾ أمير المؤمنين عليه السلام: فَإِنَّ مَنْ اتَّقَى اللَّهَ ... فَجَدَّ وَ اجْتَهَدَ وَ اتَّعَبَ بَدَنَهُ حَتَّى بَدَتْ الْأَضْلَاعُ وَ غَارَتِ الْعَيْنَانِ فَأَبْدَلَهُ اللَّهُ مِنْ ذَلِكَ قُوَّةً فِي بَدَنِهِ وَ شِدَّةً فِي عَقْلِهِ وَ مَا ادَّخَرَ لَهُ فِي الْآخِرَةِ أَكْثَرَ؛ مشكاة الأنوار، ص ٢٦٧

١٤-٩-التوبة، ذبح حنجرة الطمع وَ عَدَمَ دُخُولِ الْحَسَدِ فِي الْقَلْبِ وَ راجع: الفصل الثامن؛ مَا يَتَّقِي مِنْهُ

١-١٤-٩-التوبة

﴿٣٣٦٤﴾ الحسن عليه السلام: التَّقْوَى بَابُ كُلِّ تَوْبَةٍ وَ رَأْسُ كُلِّ حِكْمَةٍ وَ شَرَفُ كُلِّ عَمَلٍ؛ بحار الأنوار، ج ٧٥، ص ١١٠

٢-١٤-٩-ذبح حنجرة الطمع

﴿٣٣٦٥﴾ السجاد عليه السلام: [قَالَ زَيْنُ الْعَابِدِينَ عليه السلام لِلشَّيْطَانِ] فَعِنْدَ مَا دَبَّحْتَ هَدْيَكَ نَوَيْتَ أَنَّكَ

«نتایج تقوا / صفاتی که از رعایت پرهیزکاری نتیجه می‌شود»

۹-۱-۱۳-۳- فهم

﴿۳۳۶۰﴾ بدانید و مطمئن باشید که تقوای الهی ... گشاینده‌ی درهای خیر و فهم و عقل است.

۹-۱-۱۳-۴- عقل

۹-۱-۱۳-۳-۱- گشاینده‌ی دروازه‌های عقل

﴿۳۳۶۱﴾ بدانید و مطمئن باشید که تقوای الهی ... گشاینده‌ی درهای خیر و فهم و عقل است.

۹-۱-۱۳-۳-۲- تقویت عقل

﴿۳۳۶۲﴾ خداوند متعال، عقل را از نوری که در مخزن علم قدیم خود بود خلق کرد. علمی که هیچ پیامبر و فرشته‌ای را به آن مطلع نکرده است. علم را وجود عقل و فهم را روح آن قرار داد. سر عقل را زهد و چشمانش را حیا و زبانش را از حکمت آفرید. کوشش و تلاشش را رأفت و قلبش را از رحمت خلق کرد. سپس اندام تنش را با ده جزء تقویت کرد که عبارتند از: یقین، ایمان، راستی، آرامش، وقار، مدارا، تقوا، اخلاص، بذل و بخشش، قناعت، تسلیم، رضایت و شکر.

۹-۱-۱۳-۳-۳- استحکام عقل

﴿۳۳۶۳﴾ پس آن که از خدا پروا کند ... با جدّیت تلاش می‌کند و جسم خود را به حدّی به زحمت می‌اندازد که استخوان‌هایش از شدّت لاغری آشکار می‌شوند و چشمانش گودافتاده. پس خداوند در مقابل ریاضت‌های شخص پرهیزکار به جسم او توان و به خرد او صلابت عطا می‌کند. و البته آنچه برای آخرتش ذخیره می‌کند بیشتر است.

۹-۱-۱۴- توبه، بریدن گلوی طمع، داخل نشدن حسادت در قلب؛ و.ر.به: فصل ۸؛ آنچه از آن باید پرهیز کرد

۹-۱-۱۴-۱- توبه

﴿۳۳۶۴﴾ تقوا راه ورود هر توبه و بازگشت است و در افق اعلاّی هر خرد و دانایی، و مرتبه عالی هر کرداری است.

۹-۱-۱۴-۲- بریدن گلوی طمع

﴿۳۳۶۵﴾ [امام علی(ع)] به شبلی که تازه از سفر حج برگشته بود فرمود: [آنگاه که قربانی‌ات را سر بریدی، نیت کردی که گلوی طمع را با حقیقت ورع و پرهیزکاری ببری؟ آیا از سنّت ابراهیم(ع)]

﴿ثَمَرَاتُ التَّقْوَى / ثَمَرَاتُ التَّقْوَى فِي الدُّنْيَا﴾

ذَبَحَتْ حَنْجَرَةَ الطَّمَعِ بِمَا تَمَسَّكَتَ بِهِ مِنْ حَقِيقَةِ الْوَرَعِ وَأَنْكَرَ اتَّبَعَتْ سُنَّةَ إِبْرَاهِيمَ عَلَيْهِ السَّلَامُ بِذَنْجٍ وَلَدِهِ وَثَمَرَةَ فُؤَادِهِ وَرِيحَانَ قَلْبِهِ وَحَاجَّةَ سُنَّتِهِ لِمَنْ بَعْدَهُ وَقَرَّبَهُ إِلَى اللَّهِ تَعَالَى لِمَنْ خَلْفَهُ قَالَ

لَا؛ مستدرک الوسائل، ج ١٠، ص ١٧٠

٩-١٤-١-٣- عَدَمُ دُخُولِ الْحَسَدِ فِي قَلْبِهِ

﴿٣٣٦٦﴾ أمير المؤمنين عليه السلام: مَنْ اتَّقَى قَلْبُهُ لَمْ يَدْخُلْهُ الْحَسَدُ؛ غرر الحكم، ص ٣٠٠

٩-٢- ثَمَرَاتُ التَّقْوَى فِي الدُّنْيَا

٩-٢-١- عَطَايَا اللَّهِ

٩-٢-١-١- تَوْبَةُ اللَّهِ

﴿٣٣٦٧﴾ وَاتَّقُوا اللَّهَ إِنَّ اللَّهَ تَوَّابٌ رَحِيمٌ؛ الحجرات ١٢

٩-٢-١-٢- مَحَبَّةُ اللَّهِ

٩-٢-١-٢-١- إِنْ اللَّهُ يُحِبُّ الْمُتَّقِينَ

﴿٣٣٦٨﴾ بَلَى مَنْ أَوْفَى بِعَهْدِهِ وَاتَّقَى فَإِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُتَّقِينَ؛ آل عمران ٧٦

﴿٣٣٦٩﴾ إِنْ اللَّهُ يُحِبُّ الْمُتَّقِينَ؛ التوبة ٤

﴿٣٣٧٠﴾ كَيْفَ يَكُونُ لِلْمُشْرِكِينَ عَهْدٌ عِنْدَ اللَّهِ وَعِنْدَ رَسُولِهِ إِلَّا الَّذِينَ عَاهَدْتُمْ عِنْدَ الْمَسْجِدِ

الْحَرَامِ فَمَا اسْتَقَامُوا لَكُمْ فَاسْتَقِيمُوا لَهُمْ إِنْ اللَّهُ يُحِبُّ الْمُتَّقِينَ؛ التوبة ٧

﴿٣٣٧١﴾ ابن عباس عليه السلام: إِنْ اللَّهُ يُحِبُّ الْمُتَّقِينَ قَالَ الَّذِينَ يَتَّقُونَ اللَّهَ فِيمَا حَرَّمَ عَلَيْهِمْ وَيُوفُونَ

بِالْعَهْدِ؛ بحار الأنوار، ج ٣٥، ص ٣٠٢

٩-٢-١-٢-٢- إِنْ اللَّهُ يُحِبُّ الْأَتْقِيَاءَ

﴿٣٣٧٢﴾ الرَّسُولُ ﷺ: إِنْ اللَّهُ يُحِبُّ الْأَتْقِيَاءَ؛ أعلام الدين، ص ٢٩٤

﴿٣٣٧٣﴾ الرَّسُولُ ﷺ: إِنْ اللَّهُ يُحِبُّ الْأَخْفِيَاءَ الْأَتْقِيَاءَ الْأَبْرِيَاءَ الَّذِينَ إِذَا غَابُوا لَمْ يُفْقَدُوا وَإِذَا

حَضَرُوا لَمْ يُعْرَفُوا؛ مستدرک الوسائل، ج ١١، ص ٣٩٢

٩-٢-١-٢-٣- إِنْ اللَّهُ يُحِبُّ التَّقَى

﴿٣٣٧٤﴾ أمير المؤمنين عليه السلام: إِنْ اللَّهُ سُبْحَانَهُ يُحِبُّ الْمُتَعَفِّفَ الْحَبِيَّ التَّقَى الرَّاضِيَ؛ غرر الحكم، ص ٢٥٦

﴿نتایج تقوا / نتایج پرهیزکاری در دنیا﴾

تبعیت کردی که خواست فرزندش و ثمره‌ی زندگی‌اش و گل خوشبوی قلبش را قربانی کند و او را وسیله‌ای برای تقرّب به خداوند برای نسل‌های بعد قرار داد؟ عرض کرد: «نه [چنین نیتی نکردم]».

۹-۱-۱۴-۳- داخل نشدن حسادت در قلب

﴿۳۳۶۶﴾ کسی که قلبش تقوا دارد، حسد وارد آن نمی‌شود.

۹-۲- نتایج پرهیزکاری در دنیا

۹-۲-۱- عطایای خداوند

۹-۲-۱-۱- روکردن خدا و پذیرش توبه

﴿۳۳۶۷﴾ تقوای الهی پیشه کنید که خداوند توبه‌پذیر و مهربان است!

۹-۲-۱-۲- محبت خداوند

۹-۲-۱-۲-۱- خداوند پرهیزکاران را دوست دارد

﴿۳۳۶۸﴾ آری، کسی که به پیمان خود وفا کند و پرهیزکاری پیشه نماید، (خدا او را دوست می‌دارد زیرا) خداوند پرهیزکاران را دوست دارد.

﴿۳۳۶۹﴾ خداوند پرهیزکاران را دوست دارد!

﴿۳۳۷۰﴾ چگونه برای مشرکان پیمانی نزد خدا و رسول او خواهد بود (در حالی که آن‌ها همواره آماده شکستن پیمانشان هستند)؟! مگر کسانی که نزد مسجد الحرام با آنان پیمان بستید (و پیمان خود را محترم شمردند) تا زمانی که در برابر شما وفادار باشند، شما نیز وفاداری کنید، که خداوند پرهیزکاران را دوست دارد!

﴿۳۳۷۱﴾ «إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُتَّقِينَ»؛ یعنی کسانی که از خدا به خاطر آنچه بر آن‌ها حرام کرده، می‌ترسند، و به عهد خود وفا می‌کنند.

۹-۲-۱-۲-۲- خداوند پرهیزکاران را دوست دارد

﴿۳۳۷۲﴾ همانا خداوند پرهیزکاران را دوست دارد.

﴿۳۳۷۳﴾ خداوند، نیکان باتقوایی را که مخفیانه عمل می‌کنند دوست دارد، همان کسانی که وقتی نیستند کسی سراغشان را نمی‌گیرد و وقتی هستند، گمنام‌اند.

۹-۲-۱-۲-۳- خداوند پرهیزکار را دوست دارد

﴿۳۳۷۴﴾ خداوند سبحان! انسان عقیف و باحیا و متقی و اهل رضا را دوست می‌دارد.

﴿ثَمَرَاتُ التَّقْوَى / ثَمَرَاتُ التَّقْوَى فِي الدُّنْيَا﴾

﴿٣٣٧٥﴾ الرَّسُولُ ﷺ: إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ التَّقِيَّ النَّقِيَّ؛ عَوَالِي اللَّالِي، ج ١، ص ٢٨١

٩-٢-١-٢-٤- إِذَا أَرَدْتَ أَنْ يُحِبَّكَ اللَّهُ اتَّقِهِ

﴿٣٣٧٦﴾ الرَّسُولُ ﷺ: إِذَا أَرَدْتَ أَنْ يُحِبَّكَ اللَّهُ فَخَفِّهِ وَاتَّقِهِ؛ مُسْتَدْرَكُ الْوَسَائِل، ج ٤، ص ٤٧٢

٩-٢-١-٢-٥- يَا حَبِيبَ الْأَتَقِيَاءِ

﴿٣٣٧٧﴾ الرَّسُولُ ﷺ: يَا حَبِيبَ الْأَتَقِيَاءِ؛ بَحَارُ الْأَنْوَار، ج ٩١، ص ٣٩٦

٩-٢-١-٢-٦- أَحَبُّ الْعِبَادِ إِلَى اللَّهِ

﴿٣٣٧٨﴾ الرَّسُولُ ﷺ: إِنَّ أَحَبَّ الْعِبَادِ إِلَى اللَّهِ الْأَتَقِيَاءُ الْأَخْفِيَاءُ الَّذِينَ إِذَا حَضَرُوا لَمْ يُعْرَفُوا

و إِذَا غَابُوا لَمْ يُفْتَقَدُوا؛ التَّحْصِينُ لِابْنِ فَهْدٍ الْحَلِيِّ، ص ١٩

٩-٢-١-٢-٧- فَأَحَبُّهُمْ اللَّهُ وَ سَمَاءُهُمُ الْمُتَّقِينَ

﴿٣٣٧٩﴾ الرَّسُولُ ﷺ: سَأَلَ عَلِيُّ الطَّلِيحُ رَسُولَ اللَّهِ ﷺ عَنْ تَفْسِيرِ قَوْلِهِ يَوْمَ نَحْشُرُ الْمُتَّقِينَ الْآيَةَ

قَالَ يَا عَلِيُّ إِنَّ الْوَفْدَ لَا يَكُونُونَ إِلَّا رُكْبَانًا أَوْ لَيْتَكَ رَجَالَ اتَّقَوْا اللَّهَ فَأَحَبَّهُمُ اللَّهُ وَ اخْتَصَّاهُمْ وَ

رَضِيَ أَعْمَالَهُمْ فَسَمَاءُهُمُ اللَّهُ الْمُتَّقِينَ؛ بَحَارُ الْأَنْوَار، ج ٧، ص ١٧٢

٩-٢-١-٣- كَانَ فِي حِزْبِ اللَّهِ بِالتَّقْوَى

﴿٣٣٨٠﴾ الصَّادِقُ الطَّلِيحُ: أَيُّمَا عَبْدٍ أَقْبَلَ قَبْلَ مَا يُحِبُّ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ أَقْبَلَ اللَّهُ قَبْلَ مَا يُحِبُّ وَ

مَنْ اغْتَصَمَ بِاللَّهِ عَصَمَهُ اللَّهُ وَ مَنْ أَقْبَلَ اللَّهَ قَبْلَهُ وَ عَصَمَهُ لَمْ يَبَالِ لَوْ سَقَطَتِ السَّمَاءُ عَلَى الْأَرْضِ

أَوْ كَانَتْ نَازِلَةً نَزَلَتْ عَلَى أَهْلِ الْأَرْضِ فَشَمَلَتْهُمْ بَلِيَّةٌ كَانَتْ فِي حِزْبِ اللَّهِ بِالتَّقْوَى مِنْ كُلِّ بَلِيَّةٍ أ

لَيْسَ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ يَقُولُ إِنَّ الْمُتَّقِينَ فِي مَقَامٍ أَمِينٍ؛ الْكَافِي، ج ٢، ص ٦٥

٩-٢-١-٤- الْإِخْتِصَاصُ

﴿٣٣٨١﴾ الرَّسُولُ ﷺ: سَأَلَ عَلِيُّ الطَّلِيحُ رَسُولَ اللَّهِ ﷺ عَنْ تَفْسِيرِ قَوْلِهِ يَوْمَ نَحْشُرُ الْمُتَّقِينَ الْآيَةَ

قَالَ يَا عَلِيُّ إِنَّ الْوَفْدَ لَا يَكُونُونَ إِلَّا رُكْبَانًا أَوْ لَيْتَكَ رَجَالَ اتَّقَوْا اللَّهَ فَأَحَبَّهُمُ اللَّهُ وَ اخْتَصَّاهُمْ وَ

رَضِيَ أَعْمَالَهُمْ فَسَمَاءُهُمُ اللَّهُ الْمُتَّقِينَ؛ بَحَارُ الْأَنْوَار، ج ٧، ص ١٧٢

٩-٢-١-٥- رَأْفَةُ اللَّهِ

﴿٣٣٨٢﴾ الْأُئِمَّةُ الطَّلِيحَةُ: يَا رَءُوفًا بِكُلِّ عَبْدٍ اتَّقَاهُ؛ الْبَلَدُ الْأَمِين، ص ٣٦٩

٩-٢-١-٦- رَحْمَةُ اللَّهِ

﴿٣٣٨٣﴾ إِنَّمَا الْمُؤْمِنُونَ إِخْوَةٌ فَأَصْلِحُوا بَيْنَ أَخَوَيْكُمْ وَاتَّقُوا اللَّهَ لَعَلَّكُمْ تُرْحَمُونَ؛ الْحَجَرَات ١٠

﴿٩٨٠﴾

«نتایج تقوا / نتایج پرهیزکاری در دنیا»

﴿۳۳۷۵﴾ خداوند فرد با تقوا را دوست دارد.

۹-۲-۱-۲-۴ اگر می‌خواهی خدا تو را دوست بدارد پرهیزکار شو

﴿۳۳۷۶﴾ اگر می‌خواهی خدا تو را دوست بدارد از او بترس و تقوای او پیشه کن.

۹-۲-۱-۲-۵ ای دوستدار پرهیزکاران

﴿۳۳۷۷﴾ ای دوست پرهیزکاران!

۹-۲-۱-۲-۶ دوست‌داشتنی‌ترین بنده نزد خدا

﴿۳۳۷۸﴾ محبوب‌ترین بندگان نزد خدا، متقینی هستند که مخفیانه عمل می‌کنند چنانکه

وقتی حاضرند، کسی آنان را نمی‌شناسد و وقتی نیستند، کسی سراغ آنان را نمی‌گیرد.

۹-۲-۱-۲-۷ خدا دوستشان دارد و پرهیزکارشان می‌نامد

﴿۳۳۷۹﴾ علی علیه السلام از رسول خدا صلی الله علیه و آله درباره‌ی آیه‌ی: «يَوْمَ نَخْشِرُ الْمُتَّقِينَ إِلَى الرَّحْمَنِ وَفْدًا»

پرسید؛ فرمود: «وفد جز سواره نیست؛ آنان مردانی هستند که تقوای الهی پیشه کردند و خدا آنان را دوست می‌دارد و آنان را جدا کرده و از اعمالشان راضی گشته و آنان را متقین نامیده‌اند».

۹-۲-۱-۳ با پرهیزکاری در حزب خدا هستند

﴿۳۳۸۰﴾ هر بنده‌ای که به آنچه خدای متعال دوست دارد، روی آورد، خدا به آنچه او دوست

دارد رو می‌آورد، و هر کس به خدا پناه جوید، خداوند او را پناه می‌دهد. و کسی که خدا به او رو آورده و او را پناه داده است، باکی ندارد، و اگر آسمان بر زمین بیفتد یا بلایی بر اهل زمین نازل شود و همه را فراگیرد، او به سبب تقوایش در زمره‌ی حزب خداست و از هر بلایی محفوظ است، مگر نه این است که خداوند می‌فرماید: «پرهیزکاران در جایگاه امنی قرار دارند».

۹-۲-۱-۴ اختصاص دادن

﴿۳۳۸۱﴾ علی علیه السلام از رسول خدا صلی الله علیه و آله درباره‌ی آیه‌ی: «يَوْمَ نَخْشِرُ الْمُتَّقِينَ إِلَى الرَّحْمَنِ وَفْدًا»

پرسید؛ فرمود: «وفد جز سواره نیست؛ آنان مردانی هستند که تقوای الهی پیشه کردند و خدا آنان را دوست می‌دارد و آنان را جدا کرده و از اعمالشان راضی گشته و آنان را متقین نامیده‌اند».

۹-۲-۱-۵ مهربانی

﴿۳۳۸۲﴾ ای خدایی که نسبت به بندگان باتقوایش، رئوف و مهربان است.

۹-۲-۱-۶ رحمت

﴿۳۳۸۳﴾ مؤمنان برادر یکدیگرند پس دو برادر خود را صلح و آشتی دهید و تقوای الهی پیشه

کنید، باشد که مشمول رحمت او شوید!

﴿ثَمَرَاتُ التَّقْوَى / ثَمَرَاتُ التَّقْوَى فِي الدُّنْيَا﴾

- ﴿٣٣٨٤﴾ وَأَتَّقُوا اللَّهَ إِنَّ اللَّهَ تَوَّابٌ رَحِيمٌ؛ الحجرات ١٢
- ﴿٣٣٨٥﴾ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ وَآمِنُوا بِرُسُولِهِ يُؤْتِكُمْ كِفْلَيْنِ مِنْ رَحْمَتِهِ وَيَجْعَلْ لَكُمْ نُورًا تَمْشُونَ بِهِ وَيَغْفِرْ لَكُمْ وَاللَّهُ غَفُورٌ رَحِيمٌ؛ الحديد ٢٨
- ﴿٣٣٨٦﴾ فَكُلُوا مِمَّا غَنِمْتُمْ حَلَالًا طَيِّبًا وَاتَّقُوا اللَّهَ إِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَحِيمٌ؛ الأنفال ٦٩
- ﴿٣٣٨٧﴾ وَهَذَا كِتَابٌ أَنْزَلْنَاهُ مُبَارَكٌ فَاتَّبِعُوهُ وَاتَّقُوا لَعَلَّكُمْ تُرْحَمُونَ؛ الأنعام ١٥٥
- ﴿٣٣٨٨﴾ وَلَنْ تَسْتَطِيعُوا أَنْ تَعْدِلُوا بَيْنَ النِّسَاءِ وَلَوْ حَرَضْتُمْ فَلَا تَمِيلُوا كُلَّ الْمِيلِ فَتَدْرُواهَا كَالْمُعَلَّقَةِ وَإِنْ تُصْلِحُوا وَتَتَّقُوا فَإِنَّ اللَّهَ كَانَ غَفُورًا رَحِيمًا؛ النساء ١٢٩
- ﴿٣٣٨٩﴾ أَوْ عَجِبْتُمْ أَنْ جَاءَكُمْ ذِكْرٌ مِنْ رَبِّكُمْ عَلَى رَجُلٍ مِنْكُمْ لِيُنذِرَكُمْ وَلِتَتَّقُوا وَلَعَلَّكُمْ تُرْحَمُونَ؛ الأعراف ٦٣
- ﴿٣٣٩٠﴾ مَنْ تَقِيَ السَّيِّئَاتِ يَوْمَئِذٍ فَقَدْ رَحِمْنَاهُ وَذَلِكَ هُوَ الْفَوْزُ الْعَظِيمُ؛ غافر ٩-٧
- ﴿٣٣٩١﴾ وَإِذَا قِيلَ لَهُمُ اتَّقُوا مَا بَيْنَ أَيْدِيكُمْ وَمَا خَلْفَكُمْ لَعَلَّكُمْ تُرْحَمُونَ؛ يس ٤٥
- ﴿٣٣٩٢﴾ أمير المؤمنين عليه السلام: فَرَحِمَ اللَّهُ امْرَأً رَاقِبَ رَبِّهِ وَتَنَكَّبَ ذَنْبَهُ وَكَابَرَ هَوَاهُ وَكَذَّبَ مِنْهُ امْرَأً زَمَ نَفْسَهُ مِنَ التَّقْوَى بِزِمَامٍ وَالْجَمْعُ مِنْ خَشْيَةِ رَبِّهَا بِلِجَامٍ فَقَادَهَا إِلَى الطَّاعَةِ بِزِمَامِهَا وَ قَدَعَهَا عَنِ الْمَعْصِيَةِ بِلِجَامِهَا؛ بحار الأنوار؛ ج ٧٤؛ ص ٣٤٩ الكافي، ج ٨، ص ١٧٠
- ﴿٣٣٩٣﴾ أمير المؤمنين عليه السلام: رَحِمَ اللَّهُ امْرَأً ... جَعَلَ الصَّبْرَ رَغْبَةً حَيَاتِهِ وَالتَّقَى عُدَّةَ وَفَاتِهِ؛ بحار الأنوار، ج ٦٦، ص ٤٠٨
- ﴿٣٣٩٤﴾ أمير المؤمنين عليه السلام: فَرَحِمَ اللَّهُ امْرَأً ... جَعَلَ الصَّبْرَ مَطِيَّةَ نَجَاتِهِ وَالتَّقْوَى عُدَّةَ وَفَاتِهِ وَ دَوَاءَ أَجْوَانِهِ؛ الكافي، ج ٨، ص ١٧٠
- ﴿٣٣٩٥﴾ العسكري عليه السلام: إِنْ أَشْرَفَ أَعْمَالِ الْمُؤْمِنِينَ ... الصَّلَاةُ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ الطَّيِّبِينَ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِمْ وَاسْتَدْعَاءُ رَحْمَةِ اللَّهِ وَ رِضْوَانِهِ لِشَيْعَتِهِمُ الْمُتَّقِينَ؛ مستدرک الوسائل، ج ٥، ص ٣٤٠

«نتایج تقوا / نتایج پرهیزکاری در دنیا»

﴿۳۳۸۴﴾ تقوای الهی پیشه کنید که خداوند توبه‌پذیر و مهربان است!

﴿۳۳۸۵﴾ ای کسانی که ایمان آورده‌اید! تقوای الهی پیشه کنید و به رسولش ایمان بیاورید تا دو سهم از رحمتش به شما ببخشد و برای شما نوری قرار دهد که با آن (در میان مردم و در مسیر زندگی خود) راه بروید و گناهان شما را ببخشد و خداوند غفور و رحیم است.

﴿۳۳۸۶﴾ از آنچه به غنیمت گرفته‌اید، حلال و پاکیزه بخورید و از خدا بپرهیزید خداوند آمرزنده و مهربان است!

﴿۳۳۸۷﴾ و این کتابی است پر برکت، که ما (بر تو) نازل کردیم از آن پیروی کنید، و پرهیزکاری پیشه نمایید، باشد که مورد رحمت (خدا) قرار گیرید!

﴿۳۳۸۸﴾ شما هرگز نمی‌توانید (از نظر محبت قلبی) در میان زنان، عدالت برقرار کنید، هر چند کوشش نمایید! ولی تمایل خود را به کلی متوجه یک طرف نسازید که دیگری را به‌صورت زنی که شوهرش را از دست داده درآورید! و اگر راه صلاح و پرهیزکاری پیش گیرید، خداوند آمرزنده و مهربان است.

﴿۳۳۸۹﴾ آیا تعجب کرده‌اید که دستور آگاه‌کننده پروردگارتان به وسیله‌ی مردی از میان شما به شما برسد، تا (از عواقب اعمال خلاف) بیمتان دهد، و (در پرتو این دستور)، پرهیزکاری پیشه کنید و شاید مشمول رحمت (الهی) گردید؟!

﴿۳۳۹۰﴾ و هرکس را که در آن روز از بدی‌ها نگاه داری، مشمول رحمت ساختهای و این است همان رستگاری عظیم!

﴿۳۳۹۱﴾ و هرگاه به آن‌ها گفته شود: «از آنچه پیش رو و پشت سر شماست [از عذاب‌های الهی] بترسید تا مشمول رحمت الهی شوید!» (اعتنا نمی‌کنند).

﴿۳۳۹۲﴾ پس خدا رحمت کند آن بنده‌ای را که پروردگار خود را در نظر داشته باشد و از گناه شانه خالی کند، با هوای نفس ستیز کند و آرزوی خود را دروغ به حساب آورد. بنده‌ای که نفس خود را به مهار پرهیزکاری لگام زده و با لگام ترس از پروردگار خود، بر دهانش دهانه نهاده است، مهارش را به سوی طاعت خدا کشانیده و با دهانه‌ای که بر آن زده، از نافرمانی بازش داشته است.

﴿۳۳۹۳﴾ خدا رحمت کند کسی را که ... پایداری را مرکب نجات خود قرار دهد و تقوا را توشه روز مرگ خود سازد.

﴿۳۳۹۴﴾ خدا رحمت کند آن کس را که... پایداری را مرکب رهایی خود و پرهیزکاری را ذخیره‌ی آخرتش و درمان دردهای سوزان درونی‌اش قرار دهد.

﴿۳۳۹۵﴾ بهترین مأموریت آن‌ها در هر مرتبه‌ای این است که... صلوات بر محمد و خاندان پاکش بفرستند و تقاضای رحمت و مغفرت و رضوان الهی برای شیعیان پرهیزکار آن‌ها نمایند.

﴿ثَمَرَاتُ التَّقْوَى / ثَمَرَاتُ التَّقْوَى فِي الدُّنْيَا﴾

﴿٣٣٩٦﴾ أمير المؤمنين عليه السلام: فَمَنْ أَخَذَ بِالتَّقْوَى عَزَبَتْ عَنْهُ الشَّدَائِدُ بَعْدَ دُنُوعِهَا وَاحْلَوْلَتْ لَهُ الْأُمُورُ بَعْدَ مَرَارَتِهَا وَانْفَرَجَتْ عَنْهُ الْأُمُوجُ بَعْدَ تَرَاكُمِهَا وَاسْتَهَلَّتْ لَهُ الصَّعَابُ بَعْدَ إِنْصَابِهَا وَهَطَلَتْ عَلَيْهِ الْكِرَامَةُ بَعْدَ فُحُوطِهَا وَتَحَدَّبَتْ عَلَيْهِ الرَّحْمَةُ بَعْدَ نُفُورِهَا وَتَفَجَّرَتْ عَلَيْهِ النِّعَمُ بَعْدَ نُضُوبِهَا وَوَبَلَّتْ عَلَيْهِ الْبَرَكَةُ بَعْدَ إِرْذَاذِهَا؛ نهج البلاغة، ص ٣١٢

﴿٣٣٩٧﴾ السَّجَّادُ (عليه السلام): أَسْأَلُكَ بِأَنَّ لَكَ الطَّوْلَ وَالْقُدْرَةَ وَالْحَوْلَ وَأَنْ تَحُطَّ عَنِّي وَزْرِي وَتَعْصِمَنِي وَتَجْعَلَنِي مِنَ الَّذِينَ أَنْجَبْتَهُمْ لِطَاعَتِكَ وَأَدْخَلْتَهُمُ بِالْتَّقْوَى فِي سَعَةِ رَحْمَتِكَ وَرِضْوَانِكَ؛ إقبال الأعمال، ص ١٤٩

﴿٣٣٩٨﴾ الصَّادِق (عليه السلام): إِنَّا لَا نَعُدُّ الرَّجُلَ مُؤْمِنًا حَتَّى يَكُونَ لَجَمِيعِ أَمْرِنَا مُتَّبِعًا مُرِيدًا أَلَا وَإِنْ
مِنْ أَتْبَاعِ أَمْرِنَا وَإِرَادَتِهِ الْوَرَعَ فَتَزَيَّنُوا بِهِ بِرَحْمَتِكُمُ اللَّهُ وَكَبِدُوا أَعْدَاءَنَا بِهِ يَنْعَشْكُمْ اللَّهُ؛
الكافي، ج ٢، ص ٧٨

۷-۱-۲-۹- إِنَّ اللَّهَ مُطِلُّ عَلَيْهِمْ بَوَاجِهَهُ

﴿٣٣٩٩﴾ الصَّادِقُ (عليه السلام): قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ (عليه السلام) لِبَعْضِ أَصْحَابِهِ بَعْدَ كَلَامِ إِنْ الْمُؤْمِنِينَ مِنْ أَهْلِ
وَلَايَتِنَا وَشِيعَتِنَا إِذَا اتَّقَوْا لَمْ يَزَلِ اللَّهُ تَعَالَى مُطَّلًا عَلَيْهِمْ بِوَجْهِهِ حَتَّى يَتَفَرَّقُوا وَ لَا يَزَالِ الذُّنُوبُ
تَتَسَاقَطُ عَنْهُمْ كَمَا تَتَسَاقَطُ الْوَرَقُ وَ لَا يَزَالِ يَدُ اللَّهِ عَلَى يَدِ أَشَدِّهِمَا حُبًّا لِصَاحِبِهِ؛ بِحَارِ الْأَنْوَارِ،
ج ٧١، ص ٢٨٠

٨-١-٢-٩- التَّائِيْدُ بِرُوحِ مِنَ اللّٰهِ

﴿٣٤٠﴾ الكَافِمُ ^(الْمُكَافِئُ): إِنَّ اللَّهَ تَبَارَكَ وَتَعَالَى أَيْدِ الْمُؤْمِنِ بِرُوحٍ مِنْهُ تُخَضِّرُهُ فِي كُلِّ وَقْتٍ يُحْسِنُ فِيهِ وَيَتَّقِي وَتَغِيبُ عَنْهُ فِي كُلِّ وَقْتٍ يُذْنِبُ فِيهِ وَيَعْتَدِي؛ الكافي، ج ٢، ص ٢٤٨

٩-٢-١-٩- نُصْرَةُ اللَّهِ

﴿٣٤٠﴾ الكَاسِمُ عليه السلام: يَا نَاصِرَ أَوْلِيَّائِهِ الْمُتَّقِينَ؛ بحار الأنوار، ج ٩٢، ص ٢٤٨
١٠-١-٢-٩- وَقَايَةُ اللَّهِ

﴿٣٤٠٢﴾ أمير المؤمنين عليه السلام: إِنْ اتَّقَيْتَ اللَّهَ وَقَاكَ؛ غرر الحكم، ص ٢٧٢

﴿٣٤٠٣﴾ الصَّادِقُ عَلَيْهِ السَّلَامُ: مَنْ اتَّقَى اللَّهَ وَقَاهُ؛ بَحَارُ الْأَنْوَارِ، ج ٧٥، ص ١٩٩

«نتایج تقوا / نتایج پرهیزکاری در دنیا»

﴿۳۳۹۶﴾ آن که دست به دامن تقوا بزند، سختی‌ها پس از نزدیک شدن از او دور می‌گردد، و امور بعد از تلخی برای او شیرین می‌شود، و امواج فتنه‌ها پس از تراکم از اطراف او پراکنده می‌گردد و دشواری‌ها پس از رنجاندنش بر او آسان می‌شود، و باران کرامت پس از نایاب شدن بر او می‌بارد، و رحمت رمیده شده به او روی می‌آورد، و چشمه‌ی نعمت پس از خشک شدن بر او به جوشش می‌آید و برکات کاسته شده بر او فراوان می‌گردد.

﴿۳۳۹۷﴾ به این سبب که بخشش و قدرت و بازدارندگی از آن توست، از تو می‌خواهم که بار گناه مرا از دوشم برداری و مرا نگاه داری و از کسانی بگردانی که برای طاعتت برگزیده‌ای و به واسطه‌ی پرهیزکاری در رحمت گسترده و خشنودیت وارد کنی.

﴿۳۳۹۸﴾ ما کسی را مؤمن نمی‌دانیم مگر اینکه همه دستورات ما را به کار ببندد. و یکی از اوامر ما ورع و پرهیزکاری می‌باشد. خداوند شما را رحمت کند! خود را به ورع زینت دهید و دشمنان ما را با زینت خود فریفته کنید تا خداوند شما را شاداب گرداند.

۷-۱-۲-۹- خداوند با رویش به آنان توجّه می‌کند

﴿۳۳۹۹﴾ امام صادق علیه السلام به یکی از اصحابش، پس از سخنی که با او داشت، فرمود: «همانا مؤمنان ولایتمدار و شیعه‌ی ما، اگر پرهیزکار باشند هنگامی که به یکدیگر می‌رسند، پیوسته خداوند نظر لطف به آن‌ها دارد، تا از هم جدا شوند؛ و گناهانشان فرو می‌ریزد، چنانکه برگ درخت فرو می‌ریزد؛ و پیوسته دست خدا به همراه دست آن کسی است که یارش را بیشتر دوست دارد.

۸-۱-۲-۹- تأیید با روحی از جانب خدا

﴿۳۴۰۰﴾ خداوند تبارک و تعالی مؤمن را با روحی از جانب خود تأیید نموده است که هر زمان بنده نیکی و پرهیزکاری کند، آن روح حاضر می‌گردد و هر زمان که گناه و نافرمانی کند از او نهان می‌گردد.

۹-۱-۲-۹- یاری خدا

﴿۳۴۰۱﴾ ای یاری‌دهنده‌ی دوستان خود که پرهیزکاران هستند.

۱۰-۱-۲-۹- نگهداری خدا

﴿۳۴۰۲﴾ اگر تو تقوای الهی داشته باشی خدا حفظت می‌کند.

﴿۳۴۰۳﴾ هر کس از خدا بترسد، خدا او را نگه می‌دارد.

﴿ثَمَرَاتُ التَّقْوَى / ثَمَرَاتُ التَّقْوَى فِي الدُّنْيَا﴾

﴿٣٤٠٤﴾ الرَّسُولُ ﷺ: قَضَى اللَّهُ عَلَى نَفْسِهِ أَنَّهُ مَنْ آمَنَ بِهِ هَدَاهُ وَمَنْ اتَّقَاهُ وَقَاهُ؛

مستدرک الوسائل، ج ١١، ص ٢١٨

﴿٣٤٠٥﴾ الْبَاقِرُ ﷺ: إِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ يَبْقَى بِالتَّقْوَى عَنِ الْعَبْدِ مَا عَزَبَ عَنْهُ عَقْلُهُ وَيُجْلَى

بِالتَّقْوَى عَنْهُ عَمَاهُ وَجَهْلُهُ؛ الْكَافِي، ج ٨، ص ٥٢

١١-١-٩- أَنْ اللَّهَ مَعَهُ

﴿٣٤٠٦﴾ إِنَّ اللَّهَ مَعَ الَّذِينَ اتَّقَوْا وَالَّذِينَ هُمْ مُحْسِنُونَ؛ النحل ١٢٨

﴿٣٤٠٧﴾ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا قَاتِلُوا الَّذِينَ يَلُونَكُمْ مِنَ الْكُفَّارِ وَلْيَجِدُوا فِيكُمْ غِلْظَةً وَاعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ

مَعَ الْمُتَّقِينَ؛ التوبة ١٢٣

﴿٣٤٠٨﴾ الشَّهْرُ الْحَرَامُ بِالشَّهْرِ الْحَرَامِ وَالْحُرُمَاتُ قِصَاصٌ فَمَنْ اعْتَدَى عَلَيْكُمْ فَاعْتَدُوا عَلَيْهِ

بِمِثْلِ مَا اعْتَدَى عَلَيْكُمْ وَاتَّقُوا اللَّهَ وَاعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ مَعَ الْمُتَّقِينَ؛ البقرة ١٩٤

﴿٣٤٠٩﴾ إِنَّ عِدَّةَ الشُّهُورِ عِنْدَ اللَّهِ اثْنَا عَشَرَ شَهْرًا فِي كِتَابِ اللَّهِ يَوْمَ خَلَقَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ

مِنْهَا أَرْبَعَةٌ حُرُمٌ ذَلِكَ الدِّينُ الْقَيِّمُ فَلَا تَظْلِمُوا فِيهِنَّ أَنْفُسَكُمْ وَقَاتِلُوا الْمُشْرِكِينَ كَافَّةً كَمَا يُقَاتِلُونَكُمْ

كَافَّةً وَاعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ مَعَ الْمُتَّقِينَ؛ التوبة ٣٦

﴿٣٤١٠﴾ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ ﷺ: فَإِنَّ اللَّهَ مَعَ مَنْ اتَّقَاهُ؛ بحار الأنوار، ج ٣٣، ص ٥٤٠

١٢-١-٩- إِمْدَادُ الرَّبِّ

﴿٣٤١١﴾ إِذْ تَقُولُ لِلْمُؤْمِنِينَ أَلَنْ يَكْفِيَكُمْ أَنْ يُمَدِّدَ رَبُّكُمْ بِثَلَاثَةِ آفٍ مِنَ الْمَلَائِكَةِ مُنَزَّلِينَ*

بَلَى إِنْ تَصْبِرُوا وَتَتَّقُوا وَيَأْتُوكُمْ مِنْ فُورِهِمْ هَذَا يُمْدِدْكُمْ رَبُّكُمْ بِخَمْسَةِ آفٍ مِنَ الْمَلَائِكَةِ مُسَوِّمِينَ؛

آل عمران ١٢٥-١٢٤

١٣-١-٩- التَّوْفِيقُ مِنَ اللَّهِ

﴿٣٤١٢﴾ الرَّسُولُ ﷺ: لَا يُبْرِمُهُ إِلَّا حَاحُ الْمُلْحِنِ عَلَيْهِ الْعَاصِمُ لِلصَّالِحِينَ وَالْمُوقِّقُ لِلْمُتَّقِينَ؛

روضها لواعظين، ج ١، ص ٩٢

١٤-١-٩- وَلا يَهْدِي اللَّهُ

«نتایج تقوا / نتایج پرهیزکاری در دنیا»

﴿۳۴۰۴﴾ خداوند بر خود واجب دانسته که هر کس به او ایمان آورد، هدایت کند و هر کس تقوای او را رعایت کند، از [هلاکت و لغزش] نگاه دارد.
﴿۳۴۰۵﴾ همانا خداوند بلندمرتبه در پرتوی تقوا انسان را از آنچه که عقلش به آن نمی‌رسد حفظ می‌کند، و با تقوا کوری و جهلش را از میان می‌برد.

۹-۲-۱-۱۱- خدا با اوست

﴿۳۴۰۶﴾ خداوند با کسانی است که تقوا پیشه کرده‌اند، و کسانی که نیکوکارند.
﴿۳۴۰۷﴾ ای کسانی که ایمان آورده‌اید! با کافرانی که به شما نزدیک‌ترند، پیکار کنید! (و دشمن دورتر، شما را از دشمنان نزدیک غافل نکند!) آن‌ها باید در شما شدت و خشونت (و قدرت) احساس کنند و بدانید خداوند با پرهیزکاران است!

﴿۳۴۰۸﴾ ماه حرام، در برابر ماه حرام! (اگر دشمنان، احترام آن را شکستند، و در آن با شما جنگیدند، شما نیز حق دارید مقابله به مثل کنید.) و تمام حرام‌ها، (قابل) قصاص است. و (به طور کلی) هر کس به شما تجاوز کرد، همانند آن بر او تعدی کنید! و از خدا بپرهیزید (و زیاده روی ننمایید!) و بدانید خدا با پرهیزکاران است!

﴿۳۴۰۹﴾ تعداد ماه‌ها نزد خداوند در کتاب الهی، از آن روز که آسمان‌ها و زمین را آفریده، دوازده ماه است که چهار ماه از آن، ماه حرام است (و جنگ در آن ممنوع می‌باشد). این، آیین ثابت و پابرجا (ی الهی) است! بنا بر این، در این ماه‌ها به خود ستم نکنید (و از هر گونه خونریزی بپرهیزید!) و (به هنگام نبرد) با مشرکان، دسته جمعی پیکار کنید، همان گونه که آن‌ها دسته جمعی با شما پیکار می‌کنند و بدانید خداوند با پرهیزکاران است!
﴿۳۴۱۰﴾ همانا خداوند همراه کسی است که از او پروا کند.

۹-۲-۱-۱۲- کمک الهی

﴿۳۴۱۱﴾ در آن هنگام که تو به مؤمنان می‌گفتی: «آیا کافی نیست که پروردگارتان، شما را به سه هزار نفر از فرشتگان، که از آسمان فرود می‌آیند، یاری کند؟!» * آری، (امروز هم) اگر استقامت و تقوا پیشه کنید، و دشمن به همین زودی به سراغ شما بیاید، خداوند شما را به پنج هزار نفر از فرشتگان، که نشانه‌هایی با خود دارند، مدد خواهد داد!

۹-۲-۱-۱۳- توفیق الهی

﴿۳۴۱۲﴾ اصرارهای اصرارکنندگان او را خسته نمی‌کند، ایجاد پناهگاه برای صالحان و عطای توفیق به متقین بر عهده‌ی خداست.

۹-۲-۱-۱۴- ولایت خدا

﴿ثَمَرَاتُ التَّقْوَى / ثَمَرَاتُ التَّقْوَى فِي الدُّنْيَا﴾

١-١٤-١-٩-٢-اللهُ وَلِيُّ الْمُتَّقِينَ

﴿٣٤١٣﴾ وَإِنَّ الظَّالِمِينَ بَعْضُهُمْ أَوْلِيَاءُ بَعْضٍ وَاللَّهُ وَلِيُّ الْمُتَّقِينَ؛ الجاثية ١٩

٢-١٤-١-٩-٢-أَنَّ اللَّهَ مَوْلَى أَهْلِ التَّقْوَى

﴿٣٤١٤﴾ الرَّسُولُ ﷺ: يَا حَاشِيَ الْعِزِّ قُلُوبَ أَهْلِ التَّقْوَى وَيَا مُتَوَكِّلِيهِمْ بِحُسْنِ سَرَائِرِهِمْ وَيَا

مُؤْمَنِيهِمْ بِحُسْنِ تَعَبُدِهِمْ؛ بحار الأنوار، ج ٩٢، ص ٣٢٠

٣-١٤-١-٩-٢-اللَّهُ وَلِيُّ الْأَتْقِيَاءِ

﴿٣٤١٥﴾ الْكَاسِمُ ﷺ: يَا إِلَهَ الْأَنْبِيَاءِ وَوَلِيَّ الْأَتْقِيَاءِ؛ بحار الأنوار، ج ٨٨، ص ١٩٥

٤-١٤-١-٩-٢-هُمْ أَوْلِيَاءُ اللَّهِ حَقًّا

﴿٣٤١٦﴾ الرَّسُولُ ﷺ: يَا أَبَا ذَرٍّ إِنَّ أَهْلَ الْوَرَعِ وَالزُّهْدِ فِي الدُّنْيَا هُمْ أَوْلِيَاءُ اللَّهِ حَقًّا؛

بحار الأنوار، ج ٧٤، ص ٨٨

١٥-١-٩-٢-الْمُوجِبَةُ عَلَى اللَّهِ حَقِّكُمْ

﴿٣٤١٧﴾ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ ﷺ: عِبَادَ اللَّهِ أَوْصِيَكُمْ بِتَقْوَى اللَّهِ فَإِنَّهَا حَقُّ اللَّهِ عَلَيْكُمْ وَالْمُوجِبَةُ

عَلَى اللَّهِ حَقِّكُمْ وَأَنْ تَسْتَعِينُوا عَلَيْهِ بِاللَّهِ وَتَسْتَعِينُوا بِهَا عَلَى اللَّهِ؛ نهج البلاغة، ص ٢٨٤

٢-٢-٩-الْفُرْقَانُ، الْهَدَايَةُ، الدَّلَالَةُ، الرُّشْدُ، النَّهْجُ الْقَوِيمُ

١-٢-٩-الْفُرْقَانُ

﴿٣٤١٨﴾ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِنْ تَتَّقُوا اللَّهَ يَجْعَلْ لَكُمْ فُرْقَانًا وَيُكَفِّرْ عَنْكُمْ سَيِّئَاتِكُمْ وَيَغْفِرْ لَكُمْ وَ

اللَّهُ ذُو الْفَضْلِ الْعَظِيمِ؛ الأنفال ٢٩

٢-٢-٩-الْهَدَايَةُ

﴿٣٤١٩﴾ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ ﷺ: هُدًى مَنْ أَشْعَرَ التَّقْوَى قَلْبُهُ [قَلْبُهُ التَّقْوَى]؛ غرر الحكم، ص ٢٧٥

١-٢-٩-الْهَدَايَةُ الْقُرْآنُ

﴿٣٤٢٠﴾ ذَلِكَ الْكِتَابُ لَا رَيْبَ فِيهِ هُدًى لِلْمُتَّقِينَ؛ البقرة ٢

٢-٢-٩-جَنَى ثَمَارِ الْهُدَى

﴿٣٤٢١﴾ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ ﷺ: مَنْ غَرَسَ أَشْجَارَ التَّقَى جَنَى ثَمَارَ الْهُدَى؛ كنز الفوائد، ج ١، ص ٢٧٩

«نتایج پرهیزکاری در دنیا»

۹-۲-۱-۱۴-۱ خداوند یاور پرهیزکاران است

﴿۳۴۱۳﴾ و ظالمان یار و یاور یکدیگرند، اما خداوند یار و یاور پرهیزکاران است!

۹-۲-۱-۱۴-۲ خداوند سرپرست پرهیزکاران است

﴿۳۴۱۴﴾ ای فزاینده‌ی عزّت در دل‌های تقواییان، ای سرپرست آن‌ها به سبب نیکی باطنشان، ای ایمن‌گرداننده‌ی آنان به سبب بندگی نیکشان.

۹-۲-۱-۱۴-۳ خداوند سرپرست پرهیزکاران است

﴿۳۴۱۵﴾ ای پروردگار پیامبران و سرپرست پرهیزکاران.

۹-۲-۱-۱۴-۴ پرهیزکاران دوستان حقیقی خداوند

﴿۳۴۱۶﴾ ای ابوذر! مردم پارسا و زاهد در دنیا حقیقتاً از اولیاء الله هستند.

۹-۲-۱-۱۵ واجب‌کننده‌ی حقّ شما بر خداست

﴿۳۴۱۷﴾ ای بندگان خدا! شما را به پرهیزکاری سفارش می‌کنم، که حقّ خداوند بر شماست، و نیز موجب حقّ شما بر پروردگار است. از خدا برای پرهیزکاری یاری بخواهید، و برای انجام دستورات خدا از تقوا یاری جویید.

۹-۲-۲-۱ اسباب تشخیص حق از باطل، هدایت، راهنمایی، راه راست

۹-۲-۲-۱ اسباب تشخیص حق از باطل

﴿۳۴۱۸﴾ ای کسانی که ایمان آورده‌اید! اگر از (مخالفت فرمان) خدا بپرهیزید، برای شما وسیله‌ای جهت جداساختن حق از باطل قرار می‌دهد (روشن‌بینی خاصی که در پرتو آن، حق را از باطل خواهید شناخت) و گناهانتان را می‌پوشاند و شما را می‌آمرزد و خداوند صاحب فضل و بخشش عظیم است!

۹-۲-۲-۲ هدایت

﴿۳۴۱۹﴾ کسی که در قلبش، حسّ تقوا دارد، هدایت شده است.

۹-۲-۲-۲-۱ راهنمایی قرآن

﴿۳۴۲۰﴾ آن کتاب با عظمتی است که شک در آن راه ندارد؛ و مایه‌ی هدایت پرهیزکاران است.

۹-۲-۲-۲-۲ میوه‌دادن درخت هدایت

﴿۳۴۲۱﴾ هرکس درخت تقوا را بکارد میوه‌ی هدایت را می‌چیند.

﴿ثَمَرَاتُ التَّقْوَى / ثَمَرَاتُ التَّقْوَى فِي الدُّنْيَا﴾

٣-٢-٩- الدلالة

﴿٣٤٢٢﴾ أمير المؤمنين عليه السلام: مَنْ يُطِيعِ اللَّهَ وَرَسُولَهُ يَكُنْ سَبِيلُ الرَّشَادِ سَبِيلَهُ وَنُورُ التَّقْوَى دَلِيلَهُ؛ الكافي، ج ٥، ص ٣٧١

٣-٢-٩- الرشد

﴿٣٤٢٣﴾ الحسن عليه السلام: وَاعْلَمُوا أَنَّهُ مَنْ يَتَّقِ اللَّهَ يَجْعَلْ لَهُ مَخْرَجًا مِنَ الْفِتَنِ وَيَسُدَّهُ فِي أَمْرِهِ وَيَهَيِّئْ لَهُ رُشْدَهُ وَيُفْلِحْهُ بِحُجَّتِهِ وَيُبَيِّضْ وَجْهَهُ وَيُعْطِيهِ رَغْبَتَهُ؛ بحار الأنوار، ج ٧٥، ص ١١٠

٣-٢-٩- النهج القويم

﴿٣٤٢٤﴾ أمير المؤمنين عليه السلام: لَا تُقَدِّمُ وَلَا تُجْهِمُ إِلَّا عَلَى تَقْوَى اللَّهِ وَطَاعَتِهِ تَطَفَّرَ بِالنُّجْحِ وَالنَّهْجِ الْقَوِيمِ؛ غرر الحكم، ص ١٨٣

٣-٢-٩- الولاية، المودة، سرور الإمام عليه السلام، إعانة الإمام عليه السلام، كَانَ مِنْ أَصْحَابِ الْقَائِمِ عليه السلام

٣-٢-٩- ولاية الرسول عليه السلام

﴿٣٤٢٥﴾ الرسول عليه السلام: عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عليه السلام قَالَ قَامَ رَسُولُ اللَّهِ عليه السلام عَلَى الصَّفَا فَقَالَ يَا بَنِي هَاشِمٍ يَا بَنِي عَبْدِ الْمُطَّلِبِ إِنِّي رَسُولُ اللَّهِ إِلَيْكُمْ وَإِنِّي شَفِيقٌ عَلَيْكُمْ وَإِنِّي لِي عَمَلِي وَلِكُلِّ رَجُلٍ مِنْكُمْ عَمَلُهُ لَا تَقُولُوا إِنَّ مُحَمَّدًا مِنَّا وَسَدَخُلْ مَدْخَلَهُ فَلَا وَاللَّهِ مَا أَوْلِيَانِي مِنْكُمْ وَلَا مِنْ غَيْرِكُمْ يَا بَنِي عَبْدِ الْمُطَّلِبِ إِلَّا الْمُتَّقُونَ إِلَّا فَلَا أَعْرِفُكُمْ يَوْمَ الْقِيَامَةِ تَأْتُونَ تَحْمِلُونَ الدُّنْيَا عَلَى ظُهُورِكُمْ وَيَأْتُونَ النَّاسُ يَحْمِلُونَ الْآخِرَةَ إِلَّا إِنِّي قَدْ أَعْدَرْتُ إِلَيْكُمْ فِيمَا بَيْنِي وَبَيْنَكُمْ وَفِيمَا بَيْنِي وَبَيْنَ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ فَيْكُمْ؛ الكافي، ج ٨، ص ١٨٢

٣-٢-٩- ولاية الأئمة عليهم السلام

﴿٣٤٢٦﴾ أمير المؤمنين عليه السلام: إِنَّ مَلَكَ هَذَا الْأَمْرِ الْوَرَعَ لَأَنَّهُ لَا يُنَالُ وَلَا يُتَنَّى إِلَّا بِالْوَرَعِ؛

كتاب سليم بن قيس، ص ٨٢٦

﴿٣٤٢٧﴾ الصادق عليه السلام: فَأَعِينُونَا عَلَى ذَلِكَ بَوَرَعٍ وَاجْتِهَادٍ فَإِنَّكُمْ لَنْ تَنَالُوا وَلَا يُتَنَّى إِلَّا بِالْوَرَعِ وَ

الاجتهاد؛ إرشاد القلوب، ج ١، ص ١٠١

«نتایج تقوا / نتایج پرهیزکاری در دنیا»

۹-۲-۲-۳- راهنمایی

﴿۳۴۲۲﴾ کسی که از خداوند و رسولش ﷺ اطاعت می‌کند؛ مسیرش، راه هدایت و نور تقوا، راهنمایش می‌گردد.

۹-۲-۲-۴- رشد

﴿۳۴۲۳﴾ و بدانید که هر کس تقوای الهی پیشه کند، خداوند از میان [امواج] فتنه راه نجاتی برای او فراهم می‌کند و گامش را در کارش استوار می‌کند و [موجبات] رهیابی او را فراهم کرده و حجتش را پیروزمند و رویش را سپید می‌کند و دلخواهش را به او می‌بخشد.

۹-۲-۲-۵- راه درست

﴿۳۴۲۴﴾ جز بر پایه تقوای الهی و فرمانبرداری او پیش مرو و باز نایست، تا به هدف خود و راه راست دست‌یابی.

۹-۲-۳- ولایت، دوستی، شادکردن امام علی (ع)، یاری‌رساندن به امام علی (ع)، قرارگرفتن در یاران حضرت قائم (عج)

۹-۲-۳-۱- ولایت پیامبر ﷺ

﴿۳۴۲۵﴾ امام باقر علی (ع) فرمود: پیامبر ﷺ بر فراز کوه صفا ایستاد و فرمود: «ای بنی‌هاشم! ای فرزندان عبدالمطلب! من فرستاده‌ی خدا به‌سوی شما و دلسوز شمایم؛ عمل من به‌پای خودم و عمل هرکدام از شما نیز به پای خودش نوشته می‌شود. نگوئید محمد از ماست پس ما نیز در هر جایگاهی که او باشد، هستیم. فرزندان عبدالمطلب! به خدا قسم دوستان من چه از میان شما و چه از غیر شما، فقط اهل تقوا هستند [و ملاک دوستی من تقواست نه خویشاوندی]. بدانید که من شما را در روز قیامت نمی‌شناسم [و شفاعتتان نمی‌کنم] اگر در حالی وارد قیامت شوید که بار دنیا را بر دوش می‌کشید حال آنکه دیگر مردم، بار آخرت بر دوش دارند. بدانید که من حجت را تمام کردم و عذر بین خودم و شما و عذر بیم خودم و خدای متعال را در مورد شما آوردم [تا دیگر در روز قیامت به‌واسطه‌ی خویشاوندی از من شفاعت نخواهید].»

۹-۲-۳-۲- ولایت امامان (علیهم‌السلام)

﴿۳۴۲۶﴾ ملاک این مذهب ورع است، فقط با ورع می‌توان به ولایت ما رسید.

﴿۳۴۲۷﴾ مرا با ورع و اجتهاد یاری کنید زیرا که شما به دوستی ما نمی‌رسید مگر به واسطه‌ی

ورع و دوری از گناه.

﴿ثَمَرَاتُ التَّقْوَى / ثَمَرَاتُ التَّقْوَى فِي الدُّنْيَا﴾

﴿٣٤٢٨﴾ الصَّادِقُ عَلَيْهِ السَّلَامُ: عَنْ خَيْثَمَةَ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: دَخَلْتُ عَلَيْهِ لِأُودِّعَهُ فَقَالَ... وَاعْلَمُهُمْ يَا خَيْثَمَةُ أَنَا لَا نَغْنِي عَنْهُمْ مِنَ اللَّهِ شَيْئًا إِلَّا بِالْعَمَلِ الصَّالِحِ فَإِنْ وَلَّيْنَا لَا تَنَالُ إِلَّا بِالْوَرَعِ؛ وسائل الشيعة، ج ١٢، ص ٧

﴿٣٤٢٩﴾ الباقر عَلَيْهِ السَّلَامُ: لَا يُنَالُ وَلَّيْنَا إِلَّا بِالْوَرَعِ وَالْعَمَلِ؛ روضهاواعظين، ج ٢، ص ٢٩٤
 ﴿٣٤٣٠﴾ الصَّادِقُ عَلَيْهِ السَّلَامُ: يَا ابْنَ جُنْدَبٍ بَلِّغْ مَعَاشِرَ شِيعَتِنَا وَقُلْ لَهُمْ لَا تَذْهَبَنَّ بِكُمْ الْمَذَاهِبُ فَوَاللَّهِ لَا تَنَالُ وَلَّيْنَا إِلَّا بِالْوَرَعِ وَالْاجْتِهَادِ فِي الدُّنْيَا وَمَوَاسَاةِ الْإِخْوَانِ فِي اللَّهِ؛ مستدرک الوسائل، ج ١١، ص ٢٧٢

﴿٣٤٣١﴾ الباقر عَلَيْهِ السَّلَامُ: رَحِمَ اللَّهُ امْرَأً أَحْيَا أَمْرَنَا وَعَمِلَ بِأَحْسَنِهِ قُلْ لَهُمْ إِنَّا لَا نُغْنِي عَنْكُمْ مِنَ اللَّهِ شَيْئًا إِلَّا بِعَمَلٍ صَالِحٍ وَلَنْ تَنَالُوا وَلَّيْنَا إِلَّا بِالْوَرَعِ؛ مستدرک الوسائل، ج ٨، ص ٣١١
 ﴿٣٤٣٢﴾ الباقر عَلَيْهِ السَّلَامُ: وَلَا يُنَالُ غَدَاً وَلَّيْنَا إِلَّا بِالْفَضْلِ وَالْوَرَعِ؛ مشكاة الأنوار، ص ٥٩
 ﴿٣٤٣٣﴾ الصَّادِقُ عَلَيْهِ السَّلَامُ: وَاعْلَمُوا أَنَّ وَلَّيْنَا لَا تَنَالُ إِلَّا بِالْوَرَعِ وَالْاجْتِهَادِ؛ الكافي، ج ٨، ص ٢١٢
 ٣-٢-٩- إتمام أمر الولاية

﴿٣٤٣٤﴾ الصَّادِقُ عَلَيْهِ السَّلَامُ: عَنْ مِهْزَمِ الْأَسَدِيِّ قَالَ... دَخَلْتُ عَلَى أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ... أَمَا تَعْلَمُ أَنَّ أَمْرَنَا (هَذَا لَا يَتِمُّ) إِلَّا بِالْوَرَعِ؛ وسائل الشيعة، ج ٢٠، ص ١٩٦
 ٣-٢-٩- مَوَدَّةُ الْأَئِمَّةِ عَلَيْهِ السَّلَامُ

﴿٣٤٣٥﴾ الباقر عَلَيْهِ السَّلَامُ: ذَلِكَ قَوْلُ اللَّهِ تِلْكَ الدَّارُ الْآخِرَةُ نَجْعُهَا لِلَّذِينَ لَا يُرِيدُونَ عُلُوًّا فِي الْأَرْضِ وَلَا فَسَادًا وَالْعَاقِبَةُ لِلْمُتَّقِينَ فَخُنْ الْعَاقِبَةَ يَا سَعْدُ وَأَمَّا مَوَدَّتُنَا لِلْمُتَّقِينَ؛ بحار الأنوار، ج ٢٤، ص ٣٩٦
 ٣-٢-٩- سُورَةُ الْإِمَامِ عَلَيْهِ السَّلَامُ

﴿٣٤٣٦﴾ الصَّادِقُ عَلَيْهِ السَّلَامُ: فَإِنَّ الرَّجُلَ مِنْكُمْ إِذَا وَرَعَ فِي دِينِهِ وَصَدَقَ الْحَدِيثَ وَأَدَّى الْأَمَانَةَ وَحَسَنَ خُلُقَهُ مَعَ النَّاسِ قِيلَ هَذَا جَعْفَرِيٌّ فَيَسْرُنِي ذَلِكَ وَيَدْخُلُ عَلَى مَنْهُ السُّرُورُ وَقِيلَ هَذَا آدَبُ جَعْفَرٍ وَإِذَا كَانَ عَلَى غَيْرِ ذَلِكَ دَخَلَ عَلَى بِلَاؤُهُ وَعَارُهُ وَقِيلَ هَذَا آدَبُ جَعْفَرٍ؛ الكافي، ج ٢، ص ٦٣٦
 ٣-٢-٩- إِعَانَةُ الْإِمَامِ عَلَيْهِ السَّلَامُ

﴿٣٤٣٧﴾ الصَّادِقُ عَلَيْهِ السَّلَامُ: وَاللَّهِ لَلَّهِ أَشَدُّ حُبًّا لَكُمْ مِنِّي فَأَعِينُونَا عَلَى ذَلِكَ بِالْوَرَعِ وَالْاجْتِهَادِ وَالْعَمَلِ بِطَاعَتِهِ؛ بحار الأنوار، ج ٧، ص ٢٠٥

«نتایج تقوا / نتایج پرهیزکاری در دنیا»

﴿۳۴۲۸﴾ خیمه گوید: برای وداع و خداحافظی خدمت امام باقر علیه السلام شرفیاب شدم. فرمود: «... به آنان (دوستان من) اعلام کن و بگو که ما برای شما در نزد خدا نمی‌توانیم کاری بکنیم، مگر اینکه دارای عمل باشید، و به ولایت و دوستی ما به جز از راه تقوا و پرهیزکاری نمی‌رسید».

﴿۳۴۲۹﴾ فقط با ورع و عمل می‌توان به ولایت ما رسید.

﴿۳۴۳۰﴾ پسر جندب! به شیعیان ما ابلاغ نما و بگو: «مبادا تحت تأثیر عقاید گوناگون قرار گیرید! که به خدا سوگند، [اسباب] رسیدن به دوستی و ولایت ما جز در پرتو پرهیزکاری و تلاش در دنیا و مساوات با برادران در راه خدا میسر نخواهد بود و به آن نمی‌توان رسید».

﴿۳۴۳۱﴾ رحمت خدا بر فردی که امر ما را زنده کند و عمل نیکو انجام دهد؛ به آنان بگو ما فقط با عمل صالح شما از شما بی‌نیاز می‌شویم. و فقط با ورع می‌توان به ولایت ما رسید.

﴿۳۴۳۲﴾ در روز قیامت، فقط با فضایل و ورع می‌توان به ولایت ما دست یافت.

﴿۳۴۳۳﴾ آگاه باشید که فقط با ورع و کوشش به ولایت ما می‌رسید.

۹-۲-۳-۳ به کمال رسیدن امر ولایت

﴿۳۴۳۴﴾ مهزم اسدی گوید: خدمت امام صادق علیه السلام رسیدم. فرمود: «... مگر نمی‌دانی کسی که پرهیزکاری نداشته باشد به دوستی و ولایت ما اهل بیت نمی‌رسد».

۹-۲-۳-۴ دوستی ائمه علیهم السلام

﴿۳۴۳۵﴾ در این آیه: «این سرای آخر تو را [تنها] برای کسانی قرار می‌دهیم که اراده برتری‌جویی در زمین و فساد را ندارند و عاقبت نیک برای پرهیزکاران است»؛ ای سعد! منظور از: «الْعَاقِبَةُ»، ما هستیم. اما مودّت و دوستی ما متعلّق به پرهیزکاران است.

۹-۲-۳-۵ خوشحال کردن امام علیه السلام

﴿۳۴۳۶﴾ هرگاه فردی از شما در دینش ورع داشته باشد، راست بگوید، امانت را ادا کند و اخلاقش با مردم خوب باشد و بگویند: «این فرد جعفری است»، این موضوع مرا خوشحال می‌کند و از جانب او شادی به قلب من وارد می‌شود و مردم می‌گویند: «این ادب جعفری است». و اگر غیر از این باشد، بلا و نکبتش نیز به قلب من وارد می‌شود و می‌گویند: «این ادب جعفری است».

۹-۲-۳-۶ یاری‌رساندن به امام علیه السلام

﴿۳۴۳۷﴾ به خدا قسم هر آینه خدا شما را از من بیشتر دوست می‌دارد؛ پس ما را بر این امر با تقوای زیاد و تلاش فراوان و عمل به طاعت خدا یاری کنید.

﴿ثَمَرَاتُ التَّقْوَى / ثَمَرَاتُ التَّقْوَى فِي الدُّنْيَا﴾

﴿٣٤٣٨﴾ الْبَاقِرُ الرَّقِيقُ: أَعْيُنُونَا بِالْوَرَعِ فَإِنَّهُ مَنْ لَقِيَ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ مِنْكُمْ بِالْوَرَعِ كَانَ لَهُ عِنْدَ اللَّهِ فَرَجًا؛ الكافي، ج ٢، ص ٧٨

﴿٢٢٣٩﴾ الصَّادِقُ عليه السلام: إِنَّ شِيعَةَ عَلِيٍّ كَانُوا خُمْصَ الْبُطُونِ ذُبُلَ الشَّفَاهِ أَهْلَ رَأْفَةٍ وَعِلْمٍ وَحِلْمٍ يُعْرِفُونَ بِالرَّهْبَانِيَّةِ فَأَعِينُوا عَلَى مَا أَنْتُمْ عَلَيْهِ بِالْوَرَعِ وَالْاجْتِهَادِ؛ الكافي، ج ٢، ص ٢٣٣

٧-٣-٩- كان من أصحاب القائم عليه السلام

﴿٣٤٠﴾ الصَّادِقُ الطَّلَعُ: مَنْ سُرَّ أَنْ يَكُونَ مِنْ أَصْحَابِ الْقَائِمِ فَلْيَنْتَظِرْ وَلْيَعْمَلْ بِالْوَرَعِ وَ
مَحَاسِنِ الْإِخْلَاقِ وَهُوَ مُنْتَظَرٌ؛ بحار الأنوار، ج ٥٢، ص ١٤٠
٢-٤-٩- الأمن والأمان، العافية، الدواء، الشفاء، العتق، الراحة، التسهيل، التيسير، المخرج،
عزب الشدائد

١-٤-٢-٩- الأمن والأمان

١-١-٤-٢-٩-الأمان مِنَ الْفِتْنَةِ الْمُظْلَّةِ وَمِحْنِهَا الْمُظْلِمَةِ الْمُضِلَّةِ

﴿٣٤١﴾ المهدى ﷺ: أَنَّهُ مَنِ اتَّقَى رَبَّهُ مِنْ إِخْوَانِكَ فِي الدِّينِ وَخَرَجَ عَلَيْهِ بِمَا هُوَ مُسْتَحِقُّهُ كَانَ آمَنًا مِنَ الْفِتْنَةِ الْمُظْلَمَةِ وَمَحَنَهَا الْمُظْلَمَةُ الْمُضْلَةُ وَمَنْ بَخِلَ مِنْهُمْ بِمَا آعَارَهُ اللَّهُ مِنْ نِعْمَتِهِ عَلَى مَنْ أَمَرَهُ بِصَلَاتِهِ فَإِنَّهُ يَكُونُ خَاسِرًا بِذَلِكَ لِأَوْلَاهُ وَآخِرَتِهِ؛ بحار الأنوار، ج ٥٣، ص ١٧٦

١-٢-٤-٩- سار في بلاد عدوه آمناً

﴿٣٤٤٢﴾ الرَّسُولُ ﷺ: مَنِ اتَّقَى اللَّهَ عَاشَ قَوِيًّا وَ سَارَ فِي بِلَادِ عَدُوِّهِ آمِنًا؛ بحار الأنوار، ج ٦٧، ص ٢٨٣

٢-٤-٢-٩- العافية

﴿٣٤٤٣﴾ أمير المؤمنين عليه السلام: الْخَيْرُ عَافِيَةٌ لِّلْمُتَّقِينَ؛ بحار الأنوار، ج ٦٥، ص ٣٨٥

١-٢-٤-٢-٩- طول العافية

﴿٣٤٤﴾ الصَّادِقُ (عليه السلام): إِنَّ الْحَقَّ مُنِيفٌ فَأَعْمَلُوا بِهِ وَمَنْ سَرَّهُ طُولُ الْعَافِيَةِ فَلْيَتَّقِ اللَّهَ؛
بحار الأنوار، ج ٦٩، ص ٢٣٢

٣-٤-٢-٩-الدَّوَاءُ

۱-۳-۴-۲-۹- دَوَاءُ دَاءِ قُلُوبِكُمْ

«نتایج تقوا / نتایج پرهیزکاری در دنیا»

﴿۳۴۳۸﴾ ما را با مراعات ورع یاری کنید که هر کدام از شما خداوند را درحالی که ورع دارد ملاقات کند، نزد خداوند گشایش [و آسودگی] دارد.

﴿۳۴۳۹﴾ شیعه ی علی علیه السلام، دارای شکم‌هایی خالی، و لب‌هایی خشک هستند و اهل رأفت و علم و بردباری هستند و به ترک دنیا معروفند. در اعتقادی که بر آن هستید ما را با ورع و تلاش یاری کنید.

۹-۲-۳-۷- قرار گرفتن در یاران حضرت قائم علیه السلام

﴿۳۴۴۰﴾ هرکس مشتاق است که از یاران قائم ما باشد، باید منتظر ظهور او باشد و پرهیزکاری پیشه سازد و دارای اخلاق نیکو باشد و این‌گونه انتظار آن روز را بکشد.

۹-۲-۴- امنیت، عافیت، دوا، درمان، آزادشدن، آسودگی، راحتی، آسانی، خروج، کنارزدن مشکلات

۹-۲-۴-۱- امنیت

۹-۲-۴-۱-۱- در امان بودن از فتنه‌ی فراگیر و بی‌آمدهای گمراه‌کننده‌ی آن

﴿۳۴۴۱﴾ کسی از برادران دینی‌ات که از پروردگارش بترسد و واجبات مالی خود را ادا کند؛ از فتنه‌ای فراگیر و رنج‌های تاریک و گمراه‌کننده‌ی آن ایمن می‌شود. و هر کس نسبت به نعمت‌هایی که خدا به امانت به او سپرده، بخل ورزد و آن را از کسانی که خدا امر به صله‌ی آنان نموده دریغ دارد، با این عمل خسران دنیوی و اخروی عایدش می‌شود.

۹-۲-۴-۱-۲- در سرزمین دشمن در امنیت سیر می‌کند

﴿۳۴۴۲﴾ کسی که دارای تقوا باشد، در زندگی قوی و نیرومند و در سرزمین دشمن هم در امن و امان است.

۹-۲-۴-۲- عافیت

﴿۳۴۴۳﴾ خیر و نیکی عافیتی برای پرهیزکاران است.

۹-۲-۴-۲-۱- تداوم عافیت

﴿۳۴۴۴﴾ حق، عالی است به آن عمل کنید و هرکس از طول عافیت و سلامتی و خوشی زیاد خوشحال می‌شود باید از خداوند بترسد.

۹-۲-۴-۳- دوا

۹-۲-۴-۳-۱- دوی درد دل‌هایتان

﴿ثَمَرَاتُ التَّقْوَى / ثَمَرَاتُ التَّقْوَى فِي الدُّنْيَا﴾

﴿٣٤٤٥﴾ أمير المؤمنين عليه السلام: فَإِنَّ تَقْوَى اللَّهِ دَوَاءٌ دَاءِ قُلُوبِكُمْ وَبَصْرُ عَمَى أَفْئِدَتِكُمْ وَشِفَاءٌ مَرَضِ أَجْسَادِكُمْ وَصَلَحُ فُسَادِ صُدُورِكُمْ وَطُهورُ دَنَسِ أَنْفُسِكُمْ وَجِلَاءُ عَشَا أَبْصَارِكُمْ وَآمَنُ فَرَعِ جَاشِكُمْ وَضِيَاءُ سَوَادِ ظُلْمَتِكُمْ؛ نهج البلاغة، ص ٣١٢

٣-٢-٤-٩- داووا بها الأسقام

﴿٣٤٦﴾ أمير المؤمنين عليه السلام: التَّقْوَى... أَشْعِرُوهَا قُلُوبَكُمْ وَارْحَضُوا بِهَا ذُنُوبَكُمْ وَادَّوُوا بِهَا الْأَسْقَامَ؛ نهج البلاغة، ص ٢٨٤
٤-٢-٩- الشِّفَاءُ

﴿٣٤٤٧﴾ العسكري عليه السلام: فِي قَوْلِهِ تَعَالَى هُدًى لِّلْمُتَّقِينَ قَالَ بَيَّانٌ وَ شِفَاءٌ لِّلْمُتَّقِينَ مِنْ شَيْعَةِ مُحَمَّدٍ عليه السلام وَ عَلَى عليه السلام إِنَّهُمْ اتَّقُوا أَنْوَاعَ الْكُفْرِ فَتَرَكَوْهَا وَ اتَّقُوا أَنْوَاعَ الذُّنُوبِ الْمُؤَبَّاتِ فَرَضَوْهَا وَ اتَّقُوا إِظْهَارَ أَسْرَارِ اللَّهِ تَعَالَى وَ أَسْرَارَ أَزْكَيَاءِ عِبَادِهِ الْأَوْصِيَاءِ بَعْدَ مُحَمَّدٍ عليه السلام فَكْتُمُوهَا وَ اتَّقُوا سِتْرَ الْعُلُومِ عَنْ أَهْلِهَا الْمُسْتَحْقِينَ لَهَا وَ فِيهِمْ نَشْرُوهَا: مستدرک الوسائل، ج ١٢، ص ٢٩٦

١-٢-٣-٩- شِفَاءُ مَرَضِ أَجْسَادِكُمْ

﴿٣٤٤٨﴾ أمير المؤمنين عليه السلام: فَإِنَّ تَقْوَى اللَّهِ دَوَاءٌ دَاءٌ قُلُوبِكُمْ وَبَصْرُ عَمَى أَفْئِدَتِكُمْ وَشِفَاءٌ مَرَضِ أَجْسَادِكُمْ وَصَلَحُ فُسَادِ صُدُورِكُمْ وَطُهورٌ دَسِ أَنْفُسِكُمْ وَجَلَاءٌ عَشَا أَبْصَارِكُمْ وَآمَنٌ فَرَعَ جَاشِكُمْ وَضِيَاءٌ سَوَادِ ظَلَمَتِكُمْ؛ نهج البلاغة، ص ٣١٢

٥-٢-٩- عِتْقُ مِنْ كُلِّ مَلَكَةٍ

﴿٣٤٩﴾ أمير المؤمنين عليه السلام: فَإِنَّ تَقْوَى اللَّهِ مِفْتَاحُ سَدَادٍ وَ ذَخِيرَةٌ مَعَادٍ وَ عِقْدٌ مِنْ كُلِّ مَلَكَةٍ وَ نَجَاةٌ مِنْ كُلِّ هَلَكَةٍ؛ نهج البلاغة، ص ٣٥١

٤-٢-٩-٦- الرَّاحَةُ عِنْدَ الْمَوْتِ

﴿٣٤٥﴾ الصَّادِقُ (عليه السلام): أَنَّهُ قَالَ لِسَدِيرٍ... وَأَتَاهُ مَلَكُ الْمَوْتِ بِقَبْضِ رُوحِهِ فَيَنَادِي رُوحَهُ فَخَرَجَ مِنْ جَسَدِهِ فَأَمَّا الْمُؤْمِنُ فَمَا يُحْسُ بِخُرُوجِهَا وَذَلِكَ قَوْلُ اللَّهِ سُبْحَانَهُ وَتَعَالَى يَا أَيُّهَا النَّفْسُ الْمُظْمِنَةُ ارْجِعِي إِلَىٰ رَبِّكِ رَاضِيَةً مَرْضِيَّةً فَادْخُلِي فِي عِبَادِي وَادْخُلِي جَنَّتِي ثُمَّ قَالَ

«نتایج پرهیزکاری در دنیا»

﴿۳۴۴۵﴾ زیرا تقوا و ترس از خدا داروی درد قلبها و بینایی کوری دلها و بهبودی بیماری تنها و اصلاح فساد سینهها و پاکیزگی چرک نفسها و روشنی پوشش دیدهها و ایمنی ترس دل و نور سیاهی تاریکی [نادانی] شما است.

۹-۲-۴-۳-۲ با آن دردهایتان را درمان کنید

﴿۳۴۴۶﴾ دلهای خود را با تقوا زنده کنید، و گناهان خود را با آن شستشو دهید. بیماریهای روان و جان خود را با تقوا درمان کنید.

۹-۲-۴-۴ درمان

﴿۳۴۴۷﴾ در تفسیر آیهی: «هُدًیً لِّلْمُتَّقِينَ» فرمود: «قرآن، بیان و شفایی برای شیعیان باتقوای محمد ﷺ و علی ﷺ است. آنان از انواع کفر پرهیز کرده و آن را ترک کردند؛ از انواع گناهان مهلک پرهیز کرده و به گوشه‌ای افکنده‌اند، از افشای اسرار الهی و اسرار بندگان پاکیزه‌ی خدا که اوصیای بعد از محمد ﷺ هستند، پرهیز کرده و آن را پنهان داشته‌اند و از پوشاندن علم [اهل بیت] بر افرادی که اهل آن هستند و استحقاق درک آن را دارند، پرهیز کرده و آن را در بین آنان نشر داده‌اند.

۹-۲-۴-۴۳-۱ درمان بیماری بدن‌هایتان

﴿۳۴۴۸﴾ زیرا تقوا و ترس از خدا داروی درد قلبها و بینایی کوری دلها و بهبودی بیماری تنها و اصلاح فساد سینهها و پاکیزگی چرک نفسها و روشنی پوشش دیدهها و ایمنی ترس دل و نور سیاهی تاریکی [نادانی] شما است.

۹-۲-۴-۵ آزادشدن از سلطه

﴿۳۴۴۹﴾ قطعاً تقوای الهی کلید درستی و اندوخته‌ی قیامت و رهایی از سلطه‌ی هر سلطه‌گر و نجات از هر هلاکتی است.

۹-۲-۴-۶ راحتی هنگام مرگ

﴿۳۴۵۰﴾ به سدید فرمود: [هر یک از شما می‌بیند که] ملک الموت می‌آید تا جانش را بگیرد، و روحش را صدا می‌زند تا از تنش بیرون آید، اما آنکه مؤمن باشد، آمدنش را احساس نمی‌کند (برایش تلخی و ناگواری‌ای وجود ندارد) و این است سخن خدای متعال که می‌فرماید: «تو ای روح آرام‌یافته! به سوی پروردگارت بازگرد درحالی که هم تو از او خشنودی و هم او از تو خشنود است، پس در سلک بندگانم درآی، و در بهشتم وارد شو!»؛ این مقام برای کسی است که پارسا باشد و با برادران دینی خود همراهی داشته باشد و به آنها خیر رساند. اگر ورع نداشته باشد و به برادرانش خیری نرساند، به او گفته می‌شود: «چه چیزی تو را از پارسایی و همراهی کردن برادرانت

﴿۹۹۷﴾

﴿ثَمَرَاتُ التَّقْوَى / ثَمَرَاتُ التَّقْوَى فِي الدُّنْيَا﴾

ذَلِكَ لِمَنْ كَانَ وَرِعًا مُؤَاسِيًا لِإِخْوَانِهِ وَصُورًا لَهُمْ وَإِنْ كَانَ غَيْرَ وَرِعٍ وَلَا وَصُولَ لِإِخْوَانِهِ قِيلَ لَهُ مَا مَنَعَكَ مِنَ الْوَرَعِ وَالْمُؤَاسَاةِ لِإِخْوَانِكَ أَنْتَ مِمَّنْ انْتَحَلَ الْمَحَبَّةَ بِلِسَانِهِ وَلَمْ يُصَدِّقْ ذَلِكَ بِفِعْلٍ وَإِذَا لَقِيَ رَسُولَ اللَّهِ ﷺ وَآمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ ﷺ لَقِيَاهُمَا مُعْرِضِينَ مُقْطَعَيْنِ فِي وَجْهِهِ غَيْرَ شَافِعَيْنِ لَهُ قَالَ سَدِيرٌ مَنْ جَدَعَ اللَّهُ أَنْفَهُ قَالَ قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ ﷺ فَهُوَ ذَاكَ؛ بحار الأنوار، ج ٦، ص ١٨٦

٩-٢-٤-٧- التسهيل

٩-٢-٤-٧-١- أسهلت له الصعاب

﴿٣٤٥١﴾ أمير المؤمنين ﷺ: فَمَنْ أَخَذَ بِالتَّقْوَى عَزَبَتْ عَنْهُ الشَّدَائِدُ بَعْدَ دُنُوعِهَا وَاحْلَوْلَتْ لَهُ الْأُمُورُ بَعْدَ مَرَارَتِهَا وَانْفَرَجَتْ عَنْهُ الْأُمُوجُ بَعْدَ تَرَاكُمِهَا وَاسْهَلَتْ لَهُ الصَّعَابُ بَعْدَ إِنْصَابِهَا وَهَطَلَتْ عَلَيْهِ الْكَرَامَةُ بَعْدَ فُحُوطِهَا وَتَحَدَّبَتْ عَلَيْهِ الرَّحْمَةُ بَعْدَ نُفُورِهَا وَتَفَجَّرَتْ عَلَيْهِ النِّعَمُ بَعْدَ نُضُوبِهَا وَوَبَلَّتْ عَلَيْهِ الْبَرَكَةُ بَعْدَ إِرْدَاذِهَا؛ نهج البلاغة، ص ٣١٢

٩-٢-٤-٧-٢- سهّل الله مخرجه

﴿٣٤٥٢﴾ أمير المؤمنين ﷺ: مَا اتَّقَى أَحَدٌ إِلَّا سَهَّلَ اللَّهُ مَخْرَجَهُ؛ غرر الحكم، ص ٢٧٢

٩-٢-٤-٨- التيسير

﴿٣٤٥٣﴾ وَمَنْ يَتَّقِ اللَّهَ يَجْعَلْ لَهُ مِنْ أَمْرِهِ يُسْرًا؛ الطلاق ٤

﴿٣٤٥٤﴾ إِنَّ سَعْيَكُمْ لَشَتَى * فَأَمَّا مَنْ أَعْطَى وَاتَّقَى * وَصَدَّقَ بِالْخُسْنَى * فَسَنُيَسِّرُهُ لِلْيُسْرَى؛

الليل ٧-٤

﴿٣٤٥٥﴾ الصَّادِقُ ﷺ: مَنْ أَعْطَى الْخُمُسَ وَاتَّقَى وَلَايَةَ الطَّوَاعِيتِ... فَسَنُيَسِّرُهُ لِلْيُسْرَى؛

مستدرک الوسائل، ج ٧، ص ٢٨٠

٩-٢-٤-٩- المخرج

﴿٣٤٥٦﴾ وَمَنْ يَتَّقِ اللَّهَ يَجْعَلْ لَهُ مَخْرَجًا؛ وَيَرْزُقْهُ مِنْ حَيْثُ لَا يَحْتَسِبُ؛ الطلاق ٣-٢

﴿٣٤٥٧﴾ الرَّسُولُ ﷺ: إِنِّي لَأَعْلَمُ آيَةً لَوْ أَخَذَ بِهَا النَّاسُ لَكَفَتْهُمْ وَمَنْ يَتَّقِ اللَّهَ الْآيَةُ فَمَا زَالَ

يَقُولُهَا وَيُعِيدُهَا؛ بحار الأنوار، ج ٦٧، ص ٢٨١

﴿٣٤٥٨﴾ أمير المؤمنين ﷺ: مَا اتَّقَى أَحَدٌ إِلَّا سَهَّلَ اللَّهُ مَخْرَجَهُ؛ غرر الحكم، ص ٢٧٢

«نتایج پرهیزکاری در دنیا»

بازداشت؟ تو از کسانی هستی که به زبان اظهار دوستی می کنند و با کردار آن را پیاده نمی کنند». و زمانی که با رسول خدا ﷺ و امیر مؤمنان (علیه السلام) برخورد کند، از او روی برمی گردانند و غضبناک هستند و شفاعت او را نمی کنند. سدید گفت: «از کسانی است که خدا بینی آن ها را بریده»؟ فرمود: «همان است».

۷-۴-۲-۹- آسانی

۱-۷-۴-۲-۹- مشکلات بر او آسان میشود

﴿۳۴۵۱﴾ آن که دست به دامن تقوا بزند، سختی ها پس از نزدیک شدن از او دور می گردد، و امور بعد از تلخی برای او شیرین می شود، و امواج فتنه ها پس از تراکم از اطراف او پراکنده می گردد و دشواری ها پس از رنجاندنش بر او آسان می شود، و باران کرامت پس از نایاب شدن بر او می بارد، و رحمت رمیده شده به او روی می آورد، و چشمه ی نعمت پس از خشک شدن بر او به جوشش می آید و برکات کاسته شده بر او فراوان می گردد.

۲-۷-۴-۲-۹- راه خروج از مشکلات بر او آسان می شود

﴿۳۴۵۲﴾ کسی تقوا پیشه نمی کند مگر اینکه، خداوند راه گریز [از مشکلات] را برایش آسان می کند.

۸-۴-۲-۹- آسانی

﴿۳۴۵۳﴾ و هر کس تقوای الهی پیشه کند، خداوند کار را بر او آسان می سازد! ﴿۳۴۵۴﴾ که سعی و تلاش شما مختلف است: * اما آن کس که (در راه خدا) اتفاق کند و پرهیزکاری پیش گیرد، * و جزای نیک (الهی) را تصدیق کند، * ما او را در مسیر آسانی قرار می دهیم! * اما کسی که بخل ورزد و (از این راه) بی نیازی طلبد، * و پاداش نیک (الهی) را انکار کند. ﴿۳۴۵۵﴾ هر کس خمسه را بپردازد و از پذیرش ولایت طاغوت بپرهیزد؛ امرش را آسان خواهیم کرد.

۹-۴-۲-۹- خروج

﴿۳۴۵۶﴾ و هر کس تقوای الهی پیشه کند، خداوند راه نجاتی برای او فراهم می کند، و او را از جایی که گمان ندارد روزی می دهد. ﴿۳۴۵۷﴾ من آیه ای را می دانم که اگر مردم آن را بگیرند و عمل کنند، برای آن ها کافی است. و همین آیه ی «وَمَنْ يَتَّقِ اللَّهَ...» را می خواند و مکرراً تکرار می فرمود. ﴿۳۴۵۸﴾ کسی تقوا پیشه نمی کند مگر اینکه، خداوند راه گریز [از مشکلات] را برایش آسان می کند.

﴿ثَمَرَاتُ التَّقْوَى / ثَمَرَاتُ التَّقْوَى فِي الدُّنْيَا﴾

﴿٣٤٥٩﴾ الرَّسُولُ ﷺ: لَوْ أَنَّ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ كَانَتَا رَتْقًا عَلَى عَبْدٍ ثُمَّ اتَّقَى اللَّهَ لَجَعَلَ اللَّهُ لَهُ مِنْهُمَا فَرْجًا وَمَخْرَجًا؛ بحار الأنوار، ج ٦٧، ص ٢٨٥
٩-٢-٤-٩-١- المَخْرَجُ مِنْ كُلِّ ضَيْقٍ

﴿٣٤٦٠﴾ أمير المؤمنين عليه السلام: مَنْ اتَّقَى اللَّهَ سُبْحَانَهُ جَعَلَ لَهُ مِنْ كُلِّ هَمٍّ فَرْجًا وَمِنْ كُلِّ ضَيْقٍ مَخْرَجًا؛ غرر الحكم، ص ٢٧٢
٩-٢-٤-٩-٢- المَخْرَجُ مِنَ الْفِتَنِ

﴿٣٤٦١﴾ الْحَسَنُ عليه السلام: وَاعْلَمُوا أَنَّهُ مَنْ يَتَّقِ اللَّهَ يَجْعَلْ لَهُ مَخْرَجًا مِنَ الْفِتَنِ وَيُسَدِّدْهُ فِي أَمْرِهِ وَيَهَيِّئْ لَهُ رُشْدَهُ وَيَقْلِبْهُ بِحُجَّتِهِ وَيُبَيِّضْ وَجْهَهُ وَيُعْطِيهِ رَغْبَتَهُ؛ بحار الأنوار، ج ٧٥، ص ١١٠
٩-٢-٤-٩-٣- المَخْرَجُ مِمَّا يَكْرَهُونَ

﴿٣٤٦٢﴾ السَّجَّادُ عليه السلام: فَإِنَّ اللَّهَ ضَمِنَ لِلْمُتَّقِينَ الْمَخْرَجَ مِنْ حَيْثُ يَكْرَهُونَ وَالرِّزْقَ مِنْ حَيْثُ لَا يَحْتَسِبُونَ؛ بحار الأنوار، ج ٤٦، ص ٩٥
﴿٣٤٦٣﴾ أمير المؤمنين عليه السلام: فَإِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ قَدْ جَعَلَ لِلْمُتَّقِينَ الْمَخْرَجَ مِمَّا يَكْرَهُونَ وَالرِّزْقَ مِنْ حَيْثُ لَا يَحْتَسِبُونَ؛ الكافي، ج ٥، ص ٣٦٩
٩-٢-٤-٩-١٠- الْفَرَجُ

﴿٣٤٦٤﴾ الرَّسُولُ ﷺ: لَوْ أَنَّ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ كَانَتَا رَتْقًا عَلَى عَبْدٍ ثُمَّ اتَّقَى اللَّهَ لَجَعَلَ اللَّهُ لَهُ مِنْهُمَا فَرْجًا وَمَخْرَجًا؛ بحار الأنوار، ج ٦٧، ص ٢٨٥
﴿٣٤٦٥﴾ أمير المؤمنين عليه السلام: مَنْ اتَّقَى اللَّهَ سُبْحَانَهُ جَعَلَ لَهُ مِنْ كُلِّ هَمٍّ فَرْجًا وَمِنْ كُلِّ ضَيْقٍ مَخْرَجًا؛ غرر الحكم، ص ٢٧٢

﴿٣٤٦٦﴾ أمير المؤمنين عليه السلام: فَمَنْ أَخَذَ بِالتَّقْوَى عَزَبَتْ عَنْهُ الشَّدَائِدُ بَعْدَ دُنُوبِهَا وَاحْلَوْلَتْ لَهُ الْأُمُورُ بَعْدَ مَرَارَتِهَا وَانْفَرَجَتْ عَنْهُ الْأُمُوجُ بَعْدَ تَرَاقُمِهَا وَاسْتَهَلَّتْ لَهُ الصَّعَابُ بَعْدَ انْصَابِهَا وَهَطَلَتْ عَلَيْهِ الْكِرَامَةُ بَعْدَ فُحُوطِهَا وَتَحَدَّبَتْ عَلَيْهِ الرَّحْمَةُ بَعْدَ نُفُورِهَا وَتَفَجَّرَتْ عَلَيْهِ النِّعَمُ بَعْدَ نُضُوبِهَا وَوَبَلَّتْ عَلَيْهِ الْبَرَكَةُ بَعْدَ إِرْذَاذِهَا؛ نهج البلاغة، ص ٣١٢
﴿٣٤٦٧﴾ الْبَاقِرُ عليه السلام: أَعِينُونَا بِالْوَرَعِ فَإِنَّهُ مَنْ لَقِيَ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ مِنْكُمْ بِالْوَرَعِ كَانَ لَهُ عِنْدَ اللَّهِ فَرْجًا؛ الكافي، ج ٢، ص ٧٨

«نتایج پرهیزکاری در دنیا»

﴿۳۴۵۹﴾ اگر تمام درهای آسمان و زمین به روی بنده‌ای بسته شود، ولی این بنده تقوا و پرهیزکاری نماید، قطعاً خداوند راه‌هایی از آن را فراهم نموده و توسعه و گشایشی برای او قرار می‌دهد.

۹-۲-۴-۹-۱- راه خروج از هر سختی

﴿۳۴۶۰﴾ هر کس تقوای خدا را پیشه کند، خداوند برای او در هر مشکلی راه حل و در هر تنگنایی راه خروج قرار می‌دهد.

۹-۲-۴-۹-۲- راه خروج از فتنه‌ها

﴿۳۴۶۱﴾ و بدانید که هر کس تقوای الهی پیشه کند، خداوند از میان [امواج] فتنه راه نجاتی برای او فراهم می‌کند و گامش را در کارش استوار می‌کند و [موجبات] رهیابی او را فراهم کرده و حجتش را پیروزمند و رویش را سپید می‌کند و دلخواهش را به او می‌بخشد.

۹-۲-۴-۹-۳- راه خروج از آنچه نمی‌پسندید

﴿۳۴۶۲﴾ خداوند برای پرهیزکاران ضمانت کرده که آن‌ها را از جایی که دوست ندارند، نجات دهد و از جایی که گمان نمی‌برند، روزی بخشد.

﴿۳۴۶۳﴾ خداوند متعال پرهیزکاران را از آنچه نمی‌پسندند، رهایی عطا فرمود و از آنجایی که هرگز گمان نمی‌برند، روزی بخشید.

۹-۲-۴-۱۰- گشایش

﴿۳۴۶۴﴾ اگر تمام درهای آسمان و زمین به روی بنده‌ای بسته شود، ولی این بنده پرهیزکاری نماید، قطعاً خداوند راه‌هایی از آن را فراهم نموده و توسعه و گشایشی برای او قرار می‌دهد.

﴿۳۴۶۵﴾ هر کس تقوای خدا را پیشه کند، خداوند برای او در هر مشکلی راه حل و در هر تنگنایی راه خروج قرار می‌دهد.

﴿۳۴۶۶﴾ آن که دست به دامن تقوا بزند، سختی‌ها پس از نزدیک‌شدن از او دور می‌گردد، و امور بعد از تلخی برای او شیرین می‌شود، و امواج فتنه‌ها پس از تراکم از اطراف او پراکنده می‌گردد و دشواری‌ها پس از رنجاندنش بر او آسان می‌شود، و باران کرامت پس از نایاب‌شدن بر او می‌بارد، و رحمت رمیده شده به او روی می‌آورد، و چشمه‌ی نعمت پس از خشک‌شدن بر او به جوشش می‌آید و برکات کاسته‌شده بر او فراوان می‌گردد.

﴿۳۴۶۷﴾ ما را با مراعات ورع یاری کنید که هر کدام از شما خداوند را درحالی که ورع دارد ملاقات کند، نزد خداوند گشایش [و آسودگی] دارد.

﴿ثَمَرَاتُ التَّقْوَى / ثَمَرَاتُ التَّقْوَى فِي الدُّنْيَا﴾

١١-٤-٢-٩- عَزَبَتْ عَنْهُ الشَّدَائِدُ

﴿٣٤٦٨﴾ أمير المؤمنين عليه السلام: فَمَنْ أَخَذَ بِالتَّقْوَى عَزَبَتْ عَنْهُ الشَّدَائِدُ بَعْدَ دُنُوبِهَا وَاحْلَوْلَتْ لَهُ الْأُمُورُ بَعْدَ مَرَارَتِهَا وَانْفَرَجَتْ عَنْهُ الْأُمُوجُ بَعْدَ تَرَكَمِهَا وَاسْهَلَتْ لَهُ الصَّعَابُ بَعْدَ إِنْصَابِهَا وَهَطَلَتْ عَلَيْهِ الْكِرَامَةُ بَعْدَ قُحُوطِهَا وَتَحَدَّبَتْ عَلَيْهِ الرَّحْمَةُ بَعْدَ نُفُورِهَا وَتَفَجَّرَتْ عَلَيْهِ النِّعَمُ بَعْدَ نُضُوبِهَا وَوَبَلَّتْ عَلَيْهِ الْبَرَكَةُ بَعْدَ إِرْذَاذِهَا؛ نهج البلاغة، ص ٣١٢

٥-٢-٩- الْأُنْسُ وَالِدَّةُ

١-٥-٢-٩- آنَسَهُ مِنْ غَيْرِ بَشَرٍ

﴿٣٤٦٩﴾ الصادق عليه السلام: عَنْ يَعْقُوبَ بْنِ شُعَيْبٍ قَالَ سَمِعْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام يَقُولُ مَا نَقَلَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ عَبْدًا مِنْ ذُلِّ الْمَعَاصِي إِلَى عِزِّ التَّقْوَى إِلَّا أَغْنَاهُ مِنْ غَيْرِ مَالٍ وَأَعَزَّهُ مِنْ غَيْرِ عَشِيرَةٍ وَآنَسَهُ مِنْ غَيْرِ بَشَرٍ؛ الكافي، ج ٢، ص ٧٦

٢-٥-٢-٩- أَعْطَاهُ اللَّهُ أَنْسًا بَلَا أَنْيسَ

﴿٣٤٧٠﴾ أمير المؤمنين عليه السلام: مَنْ اتَّقَى اللَّهَ حَقَّ تَقَاتِهِ أَعْطَاهُ اللَّهُ أَنْسًا بَلَا أَنْيسَ وَغَنَاءً بَلَا مَالٍ وَعِزًّا بَلَا سُلْطَانَ؛ مستدرک الوسائل، ج ١١، ص ٢٦٥

٣-٥-٢-٩- الدَّعَةُ

﴿٣٤٧١﴾ أمير المؤمنين عليه السلام: أُوصِيَكُمْ عِبَادَ اللَّهِ بِتَقْوَى اللَّهِ فَإِنَّهَا الزَّمَامُ وَالْقِيَامُ فَتَمَسَّكُوا بِوَتَائِقِهَا وَاعْتَصِمُوا بِحَقَائِقِهَا تَوَلُّ بِكُمْ إِلَى أَكْنَانِ الدَّعَةِ وَأَوْطَانِ السَّعَةِ وَمَعَاوِلِ الْحِرْزِ وَمَنَازِلِ الْعِزِّ فِي يَوْمٍ تَشْخَصُ فِيهِ الْأَبْصَارُ؛ نهج البلاغة، ص ٣٠٩

٦-٢-٩- اللَّذَّةُ وَالْحَلَاوَةُ

١-٦-٢-٩- الْحَلَاوَةُ

﴿٣٤٧٢﴾ أمير المؤمنين عليه السلام: فَمَنْ أَخَذَ بِالتَّقْوَى عَزَبَتْ عَنْهُ الشَّدَائِدُ بَعْدَ دُنُوبِهَا وَاحْلَوْلَتْ لَهُ الْأُمُورُ بَعْدَ مَرَارَتِهَا وَانْفَرَجَتْ عَنْهُ الْأُمُوجُ بَعْدَ تَرَكَمِهَا وَاسْهَلَتْ لَهُ الصَّعَابُ بَعْدَ إِنْصَابِهَا وَهَطَلَتْ عَلَيْهِ الْكِرَامَةُ بَعْدَ قُحُوطِهَا وَتَحَدَّبَتْ عَلَيْهِ الرَّحْمَةُ بَعْدَ نُفُورِهَا وَتَفَجَّرَتْ عَلَيْهِ النِّعَمُ بَعْدَ نُضُوبِهَا وَوَبَلَّتْ عَلَيْهِ الْبَرَكَةُ بَعْدَ إِرْذَاذِهَا؛ نهج البلاغة، ص ٣١٢

«نتایج پرهیزکاری در دنیا»

۱۱-۲-۹- سختی‌ها از او دور می‌شوند

﴿۳۴۶۸﴾ آن که دست به دامن تقوا بزند، سختی‌ها پس از نزدیک‌شدن از او دور می‌گردد، و امور بعد از تلخی برای او شیرین می‌شود، و امواج فتنه‌ها پس از تراکم از اطراف او پراکنده می‌گردد و دشواری‌ها پس از رنجاندنش بر او آسان می‌شود، و باران کرامت پس از نایاب‌شدن بر او می‌بارد، و رحمت رمیده شده به او روی می‌آورد، و چشمه‌ی نعمت پس از خشک‌شدن بر او به جوشش می‌آید و برکات کاسته‌شده بر او فراوان می‌گردد.

۵-۲-۹- انس و راحتی

۱-۵-۲-۹- بدون هم‌نشینی با انسان دیگری به او انس اعطا می‌شود

﴿۳۴۶۹﴾ یعقوب بن شعیب می‌گوید: از امام صادق علیه السلام شنیدم که می‌فرمود: خداوند به بنده‌ای که او را از پستی و ذلت گناه و معصیت بیرون آورد و به عزت و عظمت تقوا برساند، سه امتیاز عنایت می‌فرماید: غنا و بی‌نیازی بدون داشتن ثروت، عزت و احترام بدون داشتن عشیره و فامیل، و انس و راحتی بدون همراه بودن با کسی.

۲-۵-۲-۹- بدون هم‌نشینی با انسان دیگری خداوند به او انس اعطا می‌کند

﴿۳۴۷۰﴾ هر کس آن طور که شایسته است، از خداوند پروا کند؛ خداوند به او انس و آرامش بدون انیس و همراه؛ غنا و بی‌نیازی بدون داشتن مال؛ و عزت و احترامی بدون داشتن مقام سلطنت عنایت می‌فرماید.

۳-۵-۲-۹- آرامش

﴿۳۴۷۱﴾ ای بندگان خدا! شما را به پرهیزکاری سفارش می‌کنم، که عامل کنترل و مایه‌ی استواری شماست، پس به رشته‌های تقوا چنگ زنید و به حقیقت‌های آن پناه آورید، تا شما را به سر منزل آرامش و جایگاه‌های وسیع و پناهگاه‌های محکم و منزلگاه‌های پر عزت برساند، در روزی که چشم‌ها خیره می‌شود.

۶-۲-۹- لذت و شیرینی

۱-۶-۲-۹- شیرینی

﴿۳۴۷۲﴾ آن که دست به دامن تقوا بزند، سختی‌ها پس از نزدیک‌شدن از او دور می‌گردد، و امور بعد از تلخی برای او شیرین می‌شود، و امواج فتنه‌ها پس از تراکم از اطراف او پراکنده می‌گردد و دشواری‌ها پس از رنجاندنش بر او آسان می‌شود، و باران کرامت پس از نایاب‌شدن بر او می‌بارد، و رحمت رمیده شده به او روی می‌آورد، و چشمه‌ی نعمت پس از خشک‌شدن بر او به جوشش می‌آید و برکات کاسته‌شده بر او فراوان می‌گردد.

﴿تَمَرَاتُ التَّقْوَى / ثَمَرَاتُ التَّقْوَى فِي الدُّنْيَا﴾

٩-٢-٦-٢-أَصَابُوا لَذَّةَ الدُّنْيَا فِي دُنْيَاهُمْ

﴿٣٤٧٣﴾ أمير المؤمنين عليه السلام: وَاعْلَمُوا عِبَادَ اللَّهِ أَنَّ الْمُتَّقِينَ ... أَصَابُوا لَذَّةَ الدُّنْيَا فِي دُنْيَاهُمْ وَتَيَقَّنُوا أَنَّهُمْ جِيرَانُ اللَّهِ غَدًا فِي آخِرَتِهِمْ لَا تُرَدُّ لَهُمْ دَعْوَةٌ وَلَا يُنْقَصُ لَهُمْ نَصِيبٌ مِنْ لَذَّةٍ؛

بحار الأنوار، ج ٣٣، ص ٥٨١

٩-٢-٧-الْخَيْرُ وَالْبِرْكَةُ، تَضَاعَفُ النِّفَقَاتِ، الرِّيحُ، الرِّزْقُ، النِّعْمَةُ وَالتَّنْعُمُ، الْحَيَاةُ

٩-٢-٧-١-الْخَيْرُ

﴿٣٤٧٤﴾ وَقِيلَ لِلَّذِينَ اتَّقَوْا مَاذَا أَنْزَلَ رَبُّكُمْ قَالُوا خَيْرًا لِلَّذِينَ أَحْسَنُوا فِي هَذِهِ الدُّنْيَا حَسَنَةٌ وَ

لِدَارِ الْآخِرَةِ خَيْرٌ وَلَنِعْمَ دَارُ الْمُتَّقِينَ؛ النحل ٣٠

﴿٣٤٧٥﴾ وَإِبْرَاهِيمَ إِذْ قَالَ لِقَوْمِهِ اعْبُدُوا اللَّهَ وَاتَّقُوهُ ذَلِكَ خَيْرٌ لَكُمْ إِنْ كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ؛ العنكبوت ١٦

﴿٣٤٧٦﴾ الصَّادِق عليه السلام: مَنْ يَتَّقِ اللَّهَ فَهُوَ بِخَيْرٍ؛ بحار الأنوار، ج ٢٦، ص ٢١٢

﴿٣٤٧٧﴾ أمير المؤمنين عليه السلام: الْخَيْرُ عَافِيَةٌ لِلْمُتَّقِينَ؛ بحار الأنوار، ج ٦٥، ص ٣٨٥

﴿٣٤٧٨﴾ أمير المؤمنين عليه السلام: نَسَأَلُ اللَّهَ ذَا السُّلْطَانِ الْعَظِيمِ وَالْوَجْهَ الْكَرِيمِ وَالْحِلْمَ الْعَظِيمِ

[الْخَيْرَ] وَالْخَيْرُ عَاقِبَةُ الْمُتَّقِينَ؛ الغارات، ج ١، ص ٨٦

﴿٣٤٧٩﴾ الرَّسُولُ ﷺ: لَا يَزَالُ النَّاسُ بِخَيْرٍ مَا أَمَرُوا بِالْمَعْرُوفِ وَنَهَوْا عَنِ الْمُنْكَرِ وَتَعَاوَنُوا

عَلَى الْبِرِّ وَالتَّقْوَى فَإِذَا لَمْ يَفْعَلُوا ذَلِكَ نَزَعَتْ مِنْهُمْ الْبَرَكَاتُ وَسَلَّطَ بَعْضُهُمْ عَلَى بَعْضٍ وَلَمْ يَكُنْ

لَهُمْ نَاصِرٌ فِي الْأَرْضِ وَلَا فِي السَّمَاءِ؛ تهذيب الأحكام، ج ٦، ص ١٨١

٩-٢-٧-١-١-كُلُّ الْخَيْرِ

﴿٣٤٨٠﴾ الصَّادِق عليه السلام: فَإِنَّهُ مَنْ يَتَّقِ اللَّهَ فَقَدْ أَحْرَزَ نَفْسَهُ مِنَ النَّارِ بِإِذْنِ اللَّهِ وَأَصَابَ الْخَيْرَ

كُلَّهُ فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ؛ بحار الأنوار، ج ٢٤، ص ٢٨٦

٩-٢-٧-١-٢-كُلُّ خَيْرٍ

﴿٣٤٨١﴾ أمير المؤمنين عليه السلام: التَّقَى سَاقٍ إِلَى كُلِّ خَيْرٍ؛ كنز الفوائد، ج ١، ص ٢٧٩

٩-٢-٧-١-٣-جَمَاعُ الْخَيْرِ

﴿٣٤٨٢﴾ الرَّسُولُ ﷺ: اتَّقُوا اللَّهَ فَإِنَّهُ جَمَاعُ الْخَيْرِ وَقَالَ مَنْ أَحَبَّ أَنْ يَكُونَ أَكْرَمَ النَّاسِ

فَلْيَتَّقِ اللَّهَ؛ مشكاة الأنوار، ص ٤٥

«نتایج تقوا / نتایج پرهیزکاری در دنیا»

۹-۲-۶-۲ ... لذت زهد را می‌چشند

﴿۳۴۷۳﴾ ای بندگان خدا، آگاه باشید! پرهیزکاران ... لذت پرهیزکاری در ترک حرام دنیا را چشیدند، و یقین داشتند در روز قیامت از همسایگان خدا هستند، جایگاهی که هر چه درخواست کنند، داده می‌شود، و هرگونه لذتی در اختیارشان قرار دارد.

۹-۲-۷-۲ خیر و برکت، افزایش ثروت، سود، روزی، نعمت، زندگی

۹-۲-۷-۱ خیر

﴿۳۴۷۴﴾ (ولی هنگامی که) به پرهیزکاران گفته می‌شد: «پروردگار شما چه چیز نازل کرده است؟» می‌گفتند: «خیر (و سعادت)» (آری،) برای کسانی که نیکی کردند، در این دنیا نیکی است و سرای آخرت از آن هم بهتر است و چه خوب است سرای پرهیزکاران!

﴿۳۴۷۵﴾ ما ابراهیم را (نیز) فرستادیم، هنگامی که به قومش گفت: «خدا را پرستش کنید و از (عذاب) او بپرهیزید که این برای شما بهتر است اگر بدانید!

﴿۳۴۷۶﴾ هر کس تقوای الهی پیشه کند، پس او در خیر و نیکی است.

﴿۳۴۷۷﴾ خیر و نیکی عاقبتی برای پرهیزکاران است.

﴿۳۴۷۸﴾ از خداوند آن سلطنت بزرگ و آن سیمای بخشنده و بردباری بزرگ را می‌طلبیم و عاقبت اهل تقوا، خیر است.

﴿۳۴۷۹﴾ مردم همواره در خیر هستند تا آنگاه که امر به معروف و نهی از منکر کنند و یکدیگر را بر نیکی و محبت یاری نمایند. هرگاه این اعمال را ترک کنند برکت‌ها از آن‌ها گرفته می‌شود و گروهی بر گروهی دیگر مسلط می‌گردند و در زمین و آسمان کسی آن‌ها را یاری نمی‌کند.

۹-۲-۷-۱-۱ همه‌ی خیر

﴿۳۴۸۰﴾ هر کس تقوا پیشه کند، به لطف خدا جان خویش را از آتش جهنم رها نموده و به تمام خیر دنیا و آخرت رسیده است.

۹-۲-۷-۱-۲ همه‌ی خیر

﴿۳۴۸۱﴾ انسان باتقوا به‌سوی هر خیری روانه می‌شود.

۹-۲-۷-۱-۳ گردآورنده‌ی خیر

﴿۳۴۸۲﴾ تقوای الهی داشته باشید که جمع همه‌ی خیرهاست، هر کس می‌خواهد گرامی‌ترین مردم باشد، تقوای الهی داشته باشد.

﴿ثَمَرَاتُ التَّقْوَى / ثَمَرَاتُ التَّقْوَى فِي الدُّنْيَا﴾

٩-٢-٧-١-٤- تَجْمَعُ مِنَ الْخَيْرِ مَا لَا يَجْمَعُ غَيْرُهَا

﴿٣٤٨٣﴾ أمير المؤمنين عليه السلام: عَلَيْنَاكُمْ بِتَقْوَى اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ فَإِنَّهَا تَجْمَعُ مِنَ الْخَيْرِ مَا لَا يَجْمَعُ غَيْرُهَا وَيُذْرِكُ بِهَا مِنَ الْخَيْرِ مَا لَا يُذْرِكُ بِغَيْرِهَا خَيْرُ الدُّنْيَا وَخَيْرُ الْآخِرَةِ؛ بحار الأنوار، ج ٣٣، ص ٥٤٣

﴿٣٤٨٤﴾ أمير المؤمنين عليه السلام: عَلَيْنَاكُمْ بِتَقْوَى اللَّهِ فَإِنَّهَا تَجْمَعُ الْخَيْرَ وَلَا خَيْرَ غَيْرُهَا وَيُذْرِكُ بِهَا مِنَ الْخَيْرِ مَا لَا يُذْرِكُ بِغَيْرِهَا مِنْ خَيْرِ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ قَالَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ وَقِيلَ لِلَّذِينَ اتَّقَوْا مَاذَا أَنْزَلَ رَبُّكُمْ قَالُوا: خَيْرًا؛ مستدرک الوسائل، ج ١١، ص ٢٦٦

٩-٢-٧-١-٥- خَيْرُ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ

﴿٣٤٨٥﴾ أمير المؤمنين عليه السلام: خَيْرُ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ فِي خِصْلَتَيْنِ الْغِنَى وَالتَّقَى وَشَرُّ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ فِي خِصْلَتَيْنِ الْفَقْرُ وَالْفُجُورُ؛ شرح نهج البلاغة، ج ٢٠، ص ٣٠١

﴿٣٤٨٦﴾ الرسول ﷺ: مَنْ أُعْطِيَ أَرْبَعَ خِصَالٍ أُعْطِيَ خَيْرَ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ وَفَازَ بِحَظِّهِ مِنْهُمَا وَرَعَ يَعْصِمُهُ مِنْ مَحَارِمِ اللَّهِ وَحُسْنُ خُلُقٍ يَعْيشُ بِهِ فِي النَّاسِ وَحِلْمٌ يَدْفَعُ بِهِ جَهْلَ الْجَاهِلِ وَزَوْجَةٌ صَالِحَةٌ تُعِينُهُ عَلَى أَمْرِ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ؛ مستدرک الوسائل، ج ١٤، ص ١٧٠

٩-٢-٧-١-٦- عَاجِلُ الْخَيْرِ وَآجِلُهُ

﴿٣٤٨٧﴾ أمير المؤمنين عليه السلام: إِنَّ الْمُتَّقِينَ حَازُوا عَاجِلَ الْخَيْرِ وَآجِلَهُ؛ مستدرک الوسائل، ج ١١، ص ٢٦٦

٩-٢-٧-١-٧- فَتَحُ أَبْوَابُ الْخَيْرِ

﴿٣٤٨٨﴾ سنن ادریس عليه السلام: وَاعْلَمُوا وَاسْتَيْقِنُوا أَنَّ تَقْوَى اللَّهِ ... الْفَاتِحُ لِأَبْوَابِ الْخَيْرِ وَالْفَهْمِ وَالْعَقْلُ؛ بحار الأنوار، ج ١١، ص ٢٨٣

٩-٢-٧-١-٨- الدَّعْوَةُ إِلَى الْخَيْرِ

﴿٣٤٨٩﴾ سنن ادریس عليه السلام: وَاعْلَمُوا وَاسْتَيْقِنُوا أَنَّ تَقْوَى اللَّهِ هِيَ ... السَّبَبُ الدَّاعِي إِلَى الْخَيْرِ؛ بحار الأنوار، ج ١١، ص ٢٨٣

٩-٢-٧-١-٩- بَرَزَ مَهْلُهُ

﴿٣٤٩٠﴾ أمير المؤمنين عليه السلام: فَمَنْ أَشْعَرَ التَّقْوَى قَلْبَهُ بَرَزَ مَهْلُهُ وَفَازَ عَمَلُهُ؛ نهج البلاغة، ص ١٩٠

«نتایج تقوا / نتایج پرهیزکاری در دنیا»

۴-۱-۷-۲-۹- از خیر آن را جمع می‌کند که چیز دیگری جمع نمی‌کند

«۳۴۸۳» بر شما باد به تقوا که آن جامع خیراتی است که غیر آن چنین نیکی‌هایی را در بر ندارد، و خیراتی از خیرات دنیا و آخرت با آن به‌دست می‌آید که با غیر آن به‌دست نخواهد آمد.

«۳۴۸۴» بر شما باد به تقوای الهی که جمع تمام خیرها در اوست و خیری در غیر آن نیست، با تقوا خیرهایی از دنیا و آخرت قابل درک و کسب است که با هیچ‌چیز دیگری قابل کسب نیست. خداوند متعال فرموده است: هنگامی که به پرهیزکاران گفته می‌شد: «پروردگار شما چه چیز نازل کرده است؟» می‌گفتند: خیر و نیکی.

۵-۱-۷-۲-۹- خیر دنیا و آخرت

«۳۴۸۵» خیر دنیا و آخرت در دو خصلت بی‌نیازی و تقوا است و شرّ دنیا و آخرت در دو خصلت فقر و گناه است.

«۳۴۸۶» چهار چیز است که اگر به کسی داده شود، خیر دنیا و آخرت به او داده‌شده و با امتیاز آن‌ها پیروز می‌شود که عبارتند از: ورعی که او را از گناهان حفظ کند، خلق نیکویی که با آن در میان مردم زندگی کند، بردباری‌ای که با آن جهل جاهلان را دفع کند و همسر نیکویی که او را در امور دنیا و آخرت یاری کند.

۶-۱-۷-۲-۹- خیر دنیا و آخرت

«۳۴۸۷» اهل تقوا خیر دنیا و آخرت را کسب کرده‌اند.

۷-۱-۷-۲-۹- گشایش درهای خیر

«۳۴۸۸» بدانید و مطمئن باشید که تقوای الهی ... گشاینده‌ی درهای خیر و فهم و عقل است.

۸-۱-۷-۲-۹- دعوت به خیر

«۳۴۸۹» بدانید و مطمئن باشید که تقوای الهی ... سببی است که به سوی خیر می‌کشاند.

۹-۱-۷-۲-۹- پیشی گرفتن در خیر

«۳۴۹۰» پس کسی که تقوا و پرهیزکاری را شعار قلبش قرار داد در خیر و نیکویی از دیگری پیشی گرفت و کردارش رستگار گردید.

﴿ثَمَرَاتُ التَّقْوَى / ثَمَرَاتُ التَّقْوَى فِي الدُّنْيَا﴾

٩-٢-٧-٢- البركة

٩-٢-٧-٢-١- فَتَحُ الْبَرَكَاتِ

﴿٣٤٩١﴾ وَلَوْ أَنَّ أَهْلَ الْقُرَى آمَنُوا وَاتَّقَوْا لَفَتَحْنَا عَلَيْهِم بَرَكَاتٍ مِنَ السَّمَاءِ وَالْأَرْضِ وَلَكِنْ كَذَّبُوا فَأَخَذْنَاهُمْ بِمَا كَانُوا يَكْسِبُونَ؛ الأعراف ٩٦

٩-٢-٧-٢-٢- وَبَلَّتْ عَلَيْهِ الْبَرَكَةُ

﴿٣٤٩٢﴾ أمير المؤمنين عليه السلام: فَمَنْ أَخَذَ بِالتَّقْوَى عَزَبَتْ عَنْهُ الشَّدَائِدُ بَعْدَ دُنُوبِهَا وَاحْلَوْلَتْ لَهُ الْأُمُورُ بَعْدَ مَرَارَتِهَا وَانْفَرَجَتْ عَنْهُ الْأَمْوَاجُ بَعْدَ تَرَكَمِهَا وَأَسْهَلَتْ لَهُ الصَّعَابُ بَعْدَ إِنْصَابِهَا وَهَطَلَتْ عَلَيْهِ الْكَرَامَةُ بَعْدَ فُحُوطِهَا وَتَحَدَّثَتْ عَلَيْهِ الرَّحْمَةُ بَعْدَ نُفُورِهَا وَتَفَجَّرَتْ عَلَيْهِ النِّعَمُ بَعْدَ نُضُوبِهَا وَوَبَلَّتْ عَلَيْهِ الْبَرَكَةُ بَعْدَ إِرْذَاذِهَا؛ نهج البلاغة، ص ٣١٢

٩-٢-٧-٢-٣- بَارَكَ اللَّهُ لَهُمْ

﴿٣٤٩٣﴾ الباقر عليه السلام: وَجَدْنَا فِي كِتَابِ عَلِيِّ بْنِ الْحُسَيْنِ عليه السلام أَلَّا إِنْ أَوْلِيَاءَ اللَّهِ لَا خَوْفَ عَلَيْهِمْ وَ لَا هُمْ يَحْزَنُونَ إِذَا أَدَّوْا فَرَأَيْضَ اللَّهِ وَ أَخَذُوا سُنْنَ رَسُولِ اللَّهِ وَ تَوَرَّعُوا عَنْ مَحَارِمِ اللَّهِ وَ زَهَدُوا فِي عَاجِلِ زَهْرَةِ الدُّنْيَا وَ رَغَبُوا فِيْمَا عِنْدَ اللَّهِ وَ اكْتَسَبُوا الطَّيِّبَ مِنْ رِزْقِ اللَّهِ لَوْجِهَ اللَّهِ لَا يُرِيدُونَ بِهِ التَّفَاخَرَ وَ التَّكَاثُرَ ثُمَّ انْفَقَوْا فِيْمَا يُلْزَمُهُمْ مِنْ حُقُوقٍ وَاجِبَةٍ فَأُولَئِكَ الَّذِينَ بَارَكَ اللَّهُ لَهُمْ فِيْمَا اكْتَسَبُوا وَ يُنَابُونَ عَلَى مَا قَدَّمُوا لِآخِرَتِهِمْ؛ بحار الأنوار، ج ٦٤، ص ٢٧٧

٩-٢-٧-٣- تَضَاعَفُ النِّفَقَاتِ

﴿٣٤٩٤﴾ الرسول صلى الله عليه وآله: يَا مُرَبِّي نَفَقَاتِ أَهْلِ التَّقْوَى وَ مُضَاعَفَهَا؛ بحار الأنوار، ج ٩٢، ص ٣٢٢

٩-٢-٧-٤- الرِّبْحُ

٩-٢-٧-٤-١- تِجَارَةُ مُرْبِحَةٍ

﴿٣٤٩٥﴾ أمير المؤمنين عليه السلام: فَالْمُتَّقُونَ ... صَبَرُوا أَيَّاماً قَصِيرَةً أَغْبَتَتْهُمْ رَاحَةً طَوِيلَةً تِجَارَةُ مُرْبِحَةٍ يَسَّرَهَا لَهُمْ رَبُّهُمْ؛ نهج البلاغة، ص ٣٠٣

٩-٢-٧-٤-٢- سَالِكُهَا رَابِحٌ

﴿٣٤٩٦﴾ أمير المؤمنين عليه السلام: فَإِنَّ التَّقْوَى ... مَسْلُكُهَا وَاضِحٌ وَ سَالِكُهَا رَابِحٌ وَ مُسْتَوْدَعُهَا حَافِظٌ؛

نهج البلاغة، ص ٢٨٤

«نتایج تقوا / نتایج پرهیزکاری در دنیا»

۹-۲-۷-۲-۲- برکت

۹-۲-۷-۲-۲-۱- گشایش برکات

«۳۴۹۱» و اگر اهل شهرها و آبادی‌ها، ایمان می‌آوردند و تقوا پیشه می‌کردند، برکات آسمان و زمین را بر آن‌ها می‌گشودیم ولی (آن‌ها حق را) تکذیب کردند ما هم آنان را به کیفر اعمالشان مجازات کردیم.

۹-۲-۷-۲-۲-۲- بارش برکات

«۳۴۹۲» آن که دست به دامن تقوا بزند، سختی‌ها پس از نزدیک‌شدن از او دور می‌گردد، و امور بعد از تلخی برای او شیرین می‌شود، و امواج فتنه‌ها پس از تراکم از اطراف او پراکنده می‌گردد و دشواری‌ها پس از رنجاندنش بر او آسان می‌شود، و باران کرامت پس از نایاب‌شدن بر او می‌بارد، و رحمت رمیده شده به او روی می‌آورد، و چشمه‌ی نعمت پس از خشک‌شدن بر او به جوشش می‌آید و برکات کاسته‌شده بر او فراوان می‌گردد.

۹-۲-۷-۲-۲-۳- برکت بر آنان باد

«۳۴۹۳» در نامه علی بن حسین علیه السلام آمده است که دوستان خداوند نه ترسی دارند و نه اندوهگین می‌شوند. وقتی به واجبات عمل کنند و به سنت‌های پیامبر صلی الله علیه و آله پایبند بوده و از حرام پروا کنند و در دنیا زهد بورزند و به آنچه که نزد خداست رغبت نشان دهند و روزی حلال خدا را برای خدا و بدون قصد فخرفروشی و مال اندوزی کسب کنند، سپس حقوق واجب را که بر گردن دارند، از راه انفاق بپردازند؛ آن‌ها همان کسانی هستند که خداوند به کسب و کار آن‌ها برکت می‌دهد و برای آنچه که برای آخرت خود پیش فرستاده‌اند، پاداش داده می‌شوند.

۹-۲-۷-۲-۳- افزایش درآمد

«۳۴۹۴» ای فزاینده‌ی درآمدهای تقوایی‌ها که آن‌ها را چندین برابر قرار می‌دهی.

۹-۲-۷-۴- سود

۹-۲-۷-۴-۱- تجارت سودآور

«۳۴۹۵» پرهیزکاران ... روزی چند را در راه حق صبر کردند که برای آنان راحتی جاوید به دنبال آورد، این است تجارتی سودآور که خداوند برای آنان مهیا نمود.

۹-۲-۷-۴-۲- پیمایندگی آن سودبرنده است

«۳۴۹۶» راه تقوا روشن، و پیمایندگی آن بهره‌مند، و امانت‌دارش خدا، که حافظ آن خواهد بود.

﴿ثَمَرَاتُ التَّقْوَى / ثَمَرَاتُ التَّقْوَى فِي الدُّنْيَا﴾

٣-٧-٩-٢-٤-الأَرْبَاحُ مِنْ غَيْرِ بَضَاعَةٍ

﴿٣٤٩٨﴾ لقمان عليه السلام: يَا بُنَيَّ اتَّخِذْ تَقْوَى اللَّهِ تِجَارَةً تَأْتِكَ الْأَرْبَاحُ مِنْ غَيْرِ بَضَاعَةٍ؛

مجموعة ورام، ج ٢، ص ٢٣١

٥-٧-٩-٢-الرزقُ

١-٥-٧-٩-٢-الرزقُ الحلال

﴿٣٤٩٩﴾ الرسول ﷺ: فَمَنْ اتَّقَى اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ وَصَبَرَ آتَاهُ اللَّهُ بِرِزْقِهِ مِنْ حِلٍّ وَمَنْ هَتَكَ حِجَابَ السُّرِّ وَعَجَلَ فَأَخَذَهُ مِنْ غَيْرِ حِلٍّ قُصَّ بِهِ مِنْ رِزْقِهِ الْحَلَالِ وَحُوسِبَ عَلَيْهِ يَوْمَ الْقِيَامَةِ؛

الكافي، ج ٥، ص ٨٠

٢-٥-٧-٩-٢-رزقُ لا يَحْتَسِبُ

﴿٣٥٠٠﴾ وَمَنْ يَتَّقِ اللَّهَ يَجْعَلْ لَهُ مَخْرَجًا؛ وَيَرْزُقْهُ مِنْ حَيْثُ لَا يَحْتَسِبُ؛ الطلاق ٣-٢

﴿٣٥٠١﴾ الصادق عليه السلام: فَإِنَّ اللَّهَ قَدْ ضَمِنَ لِمَنْ اتَّقَاهُ أَنْ يُحَوَّلَهُ عَمَّا يَكْرَهُ إِلَى مَا يُحِبُّ وَيَرْزُقْهُ

مِنْ حَيْثُ لَا يَحْتَسِبُ؛ الكافي، ج ٨، ص ٤٩

﴿٣٥٠٢﴾ السجاد عليه السلام: فَإِنَّ اللَّهَ ضَمِنَ لِلْمُتَّقِينَ الْمَخْرَجَ مِنْ حَيْثُ يَكْرَهُونَ وَالرِّزْقَ مِنْ حَيْثُ

لَا يَحْتَسِبُونَ؛ بحار الأنوار، ج ٤٦، ص ٩٥

﴿٣٥٠٣﴾ أمير المؤمنين عليه السلام: فَإِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ قَدْ جَعَلَ لِلْمُتَّقِينَ الْمَخْرَجَ مِمَّا يَكْرَهُونَ وَ

الرِّزْقَ مِنْ حَيْثُ لَا يَحْتَسِبُونَ؛ الكافي، ج ٥، ص ٣٦٩

﴿٣٥٠٤﴾ الصادق عليه السلام: إِنَّ اللَّهَ أَبِي إِلَّا أَنْ يَجْعَلَ أَرْزَاقَ الْمُتَّقِينَ مِنْ حَيْثُ لَا يَحْتَسِبُونَ؛

وسائل الشيعة، ج ١٧، ص ٥٦

٦-٧-٩-٢-النَّعْمَةُ وَالتَّنْعَمُ

١-٦-٧-٩-٢-التَّنْعَمُ

﴿٣٥٠٥﴾ السجاد عليه السلام: إِنَّ بَيْنَ اللَّيْلِ وَالنَّهَارِ رَوْضَةً يَرْتَعُ فِي نَوْرِهَا الْأَبْرَارُ وَيَتَنَعَّمُ فِي

حَدَائِقِهَا الْمُتَّقُونَ فَذَابُوا سَهْرًا فِي اللَّيْلِ وَصَيَّامًا فِي النَّهَارِ؛ إرشاد القلوب، ج ١، ص ٨٣

٢-٦-٧-٩-٢-النَّعِيمُ

﴿٣٥٠٦﴾ إِنَّ الْمُتَّقِينَ فِي جَنَّاتٍ وَنَعِيمٍ؛ الطور ١٧

﴿١٠١٠﴾

﴿نتایج تقوا / نتایج پرهیزکاری در دنیا﴾

۳-۴-۷-۹- سود بدون سرمایه

﴿۳۴۹۸﴾ ای پسر! تقوای خدا را تجارت خود قرار بده درحالی که هیچ کالایی نداشتی، سود و منفعت می‌بری.

۵-۷-۲-۹- روزی

۱-۵-۷-۲-۹- روزی حلال

﴿۳۴۹۹﴾ پس هرکس از خدا بترسد و شکایا باشد، خدا روزی او را از راه حلال به او خواهد رساند، و هرکس بی‌حیایی کند و شتاب ورزد و آن را از غیر حلال به دست آورد، از روزی حلال او کاسته خواهد شد، و باید روز قیامت حساب آن را پس بدهد.

۲-۵-۷-۲-۹- روزی از آنجا که نمی‌پنداری

﴿۳۵۰۰﴾ و هرکس تقوای الهی پیشه کند، خداوند راه نجاتی برای او فراهم می‌کند، و او را از جایی که گمان ندارد روزی می‌دهد.

﴿۳۵۰۱﴾ خداوند برای کسی که باتقوا باشد ضمانت کرده که وضع او را از آنچه خوش ندارد به آنچه دوست دارد تغییر دهد، و به او از جایی که گمان ندارد روزی دهد.

﴿۳۵۰۲﴾ خداوند برای پرهیزکاران ضمانت کرده که آن‌ها را از جایی که دوست ندارند، نجات دهد و از جایی که گمان نمی‌برند، روزی بخشد.

﴿۳۵۰۳﴾ خداوند متعال پرهیزکاران را از آنچه نمی‌پسندند، رهایی عطا فرمود و از آنجایی که هرگز گمان نمی‌برند، روزی بخشید.

﴿۳۵۰۴﴾ همانا خداوند راضی نشد مگر اینکه رزق و روزی پرهیزکاران را از جایی برای ایشان بفرستد که خود گمان نمی‌کنند.

۶-۷-۲-۹- نعمت و بهره‌مندی از آن

۱-۶-۷-۲-۹- بهره‌مندی از نعمت

﴿۳۵۰۵﴾ زمان بین شب و روز، چون باغی است که نیکان در نور آن بهره‌مند شده و از باغ‌های آن متنعم می‌شوند؛ و باتقوایان شبانگاهان در عبادت و سحرخیزی ذوب می‌شوند و در روز، روزه می‌گیرند.

۲-۶-۷-۲-۹- نعمت

﴿۳۵۰۶﴾ ولی پرهیزکاران در میان باغ‌های بهشت و نعمت‌های فراوان جای دارند.

«نتایج تقوا / نتایج پرهیزکاری در دنیا»

۳-۶-۷-۹-۲- پایداری نعمت

﴿۳۵۰۷﴾ تقوای خدا را داشته باشید و از او بترسید، تا نعمتهایی که بر شما ارزانی داشته شده را تغییر ندهد.

۴-۶-۷-۹-۲- به کمال رسیدن نعمت

﴿۳۵۰۸﴾ از خدا بترسید تا شما را ثابت قدم بدارد و نعمتش را بر شما تمام نماید.

۵-۶-۷-۹-۲- تثبیت نعمت

﴿۳۵۰۹﴾ تو و خود را به تقوا سفارش می‌کنم که تقوا موجب زینت کلام و پایدارشدن نعمتها می‌شود.

۶-۶-۷-۹-۲- بارش نعمت

﴿۳۵۱۰﴾ آن که دست به دامن تقوا بزند، سختی‌ها پس از نزدیک‌شدن از او دور می‌گردد، و امور بعد از تلخی برای او شیرین می‌شود، و امواج فتنه‌ها پس از تراکم از اطراف او پراکنده می‌گردد و دشواری‌ها پس از رنجاندنش بر او آسان می‌شود، و باران کرامت پس از نایاب‌شدن بر او می‌بارد، و رحمت رمیده شده به او روی می‌آورد، و چشمه‌ی نعمت پس از خشک‌شدن بر او به جوشش می‌آید و برکات کاسته‌شده بر او فراوان می‌گردد.

۷-۶-۷-۹-۲- نتیجه‌دادن عمل

﴿۳۵۱۱﴾ کارها با ورع، ثمره و نتیجه می‌دهند.

۸-۶-۷-۹-۲- زندگی

۱-۸-۶-۷-۹-۲- درخت زندگی

﴿۳۵۱۲﴾ و برای اهل تقوا شاخه‌های درخت زندگی را ثمره می‌دهد.

۲-۸-۶-۷-۹-۲- زندگی پاک

﴿۳۵۱۳﴾ خداوند آنچه گذشتگان و آیندگان، مردم را نصیحت و سفارش کنند، در یک خصلت و صفت تکمیل نموده و آن تقواست. فرموده است: «و ما به کسانی که پیش از شما، کتاب آسمانی به آن‌ها داده شده بود، سفارش کردیم، [همچنین] به شما سفارش می‌کنیم که از [نافرمانی] خدا بپرهیزید». در تقوا مجموعه‌ی عبادات صالح است و به وسیله‌ی همان تقوا به درجات عالی و نهایی‌ترین مراتب می‌رسید. و زندگی عالی در پناه خدا و انس دائم [با او] به وسیله‌ی همین تقوا بوده است. خداوند می‌فرماید «یقیناً پرهیزکاران در باغ‌ها و نه‌رهای بهشتی جای دارند» در جایگاه صدق نزد خداوند مالک مقتدر».

﴿ثَمَرَاتُ التَّقْوَى / ثَمَرَاتُ التَّقْوَى فِي الدُّنْيَا﴾

٩-٧-٢-٩- رُدُّ الضَّرَرِ وَالْخُسْرَانِ

٩-٧-٢-٩-١- لَا يَضُرُّكُمْ تَوَاضُعُ شَيْءٍ مِنْ دُنْيَاكُمْ

﴿٣٥١٤﴾ أمير المؤمنين عليه السلام: أَلَا وَإِنَّهُ لَا يَضُرُّكُمْ تَوَاضُعُ شَيْءٍ مِنْ دُنْيَاكُمْ بَعْدَ حِفْظِكُمْ وَصِيَّةَ اللَّهِ وَالتَّقْوَى وَلَا يَنْفَعُكُمْ شَيْءٌ حَافِظْتُمْ عَلَيْهِ مِنْ أَمْرِ دُنْيَاكُمْ بَعْدَ تَضْيِيعِ مَا أَمَرْتُمْ بِهِ مِنَ التَّقْوَى؛

بحار الأنوار، ج ٧٥، ص ٩٤

٩-٧-٢-٩-٢- لَا يَضُرُّهُمْ كَيْدُ الْأَعْدَاءِ شَيْئًا

﴿٣٥١٥﴾ إِنْ تَمَسَّسَكُمْ حَسَنَةٌ تَسَوُّهُمْ وَإِنْ تُصِيبَكُمْ سَيِّئَةٌ يَفْرَحُوا بِهَا وَإِنْ تَضَيَّرُوا وَتَتَّقُوا لَا

يَضُرُّكُمْ كَيْدُهُمْ شَيْئًا إِنْ اللَّهَ بِمَا يَعْمَلُونَ مُحِيطٌ؛ آل عمران ١٢٠

٩-٧-٢-٩-٣- لَا يَظْمَأُ زَرْعُ قَوْمٍ وَلَا سِنْخُ أَصْلٍ

﴿٣٥١٦﴾ أمير المؤمنين عليه السلام: لَا يَهْلِكُ عَلَى التَّقْوَى سِنْخُ أَصْلٍ وَلَا يَظْمَأُ عَلَيْهَا زَرْعُ قَوْمٍ؛

نهج البلاغة، ص ٥٨

﴿٣٥١٧﴾ أمير المؤمنين عليه السلام: عَنْ عَلِيٍّ عليه السلام أَنَّهُ خَطَبَ النَّاسَ فَقَالَ أَمَّا بَعْدُ فَذِمَّتِي رَهِينَةً وَأَنَا بِهِ

زَعِيمٌ لَا يَهِيْجُ عَلَى التَّقْوَى زَرْعُ قَوْمٍ وَلَا يَظْمَأُ عَلَى التَّقْوَى سِنْخُ أَصْلٍ؛ مستدرک الوسائل، ج ١٧، ص ٢٥٥

٩-٧-٢-٩-٤- لَا يَهِيْجُ عَلَى التَّقْوَى زَرْعُ قَوْمٍ

﴿٣٥١٨﴾ أمير المؤمنين عليه السلام: عَنْ عَلِيٍّ عليه السلام أَنَّهُ خَطَبَ النَّاسَ فَقَالَ أَمَّا بَعْدُ فَذِمَّتِي رَهِينَةً وَأَنَا بِهِ

زَعِيمٌ لَا يَهِيْجُ عَلَى التَّقْوَى زَرْعُ قَوْمٍ وَلَا يَظْمَأُ عَلَى التَّقْوَى سِنْخُ أَصْلٍ؛ مستدرک الوسائل، ج ١٧، ص ٢٥٥

٩-٢-٨- الصَّلَاحُ وَالْإِصْلَاحُ

﴿٣٥١٩﴾ أمير المؤمنين عليه السلام: إِنْ تَقْوَى اللَّهَ عِمَارَةُ الدِّينِ وَعِمَادُ الْيَقِينِ وَإِنَّهَا لِمِفْتَاحُ صَلَاحٍ وَ

مِصْبَاحُ نَجَاحٍ؛ غرر الحكم، ص ٢٧٤

﴿٣٥٢٠﴾ أمير المؤمنين عليه السلام: التَّقْوَى مِفْتَاحُ الصَّلَاحِ؛ غرر الحكم، ص ٢٧١

٩-٢-٨-١- صَلَاحُ الْإِيْمَانِ

﴿٣٥٢١﴾ أمير المؤمنين عليه السلام: صَلَاحُ الْإِيْمَانِ الْوَرَعُ وَفَسَادُهُ الطَّمَعُ؛ مستدرک الوسائل، ج ١٢، ص ٧١

٩-٢-٨-٢- صَلَاحُ النَّفْسِ وَالدِّينِ

﴿٣٥٢٢﴾ أمير المؤمنين عليه السلام: ثَمَرَةُ الْوَرَعِ صَلَاحُ النَّفْسِ وَالدِّينِ؛ غرر الحكم، ص ٢٧١

﴿١٠١٤﴾

«نتایج تقوا / نتایج پرهیزکاری در دنیا»

۹-۲-۷-۹- برطرف شدن ضرر و زیان

۹-۲-۷-۹-۱ از دست رفتن چیزی از دنیا به شما زیانی نمی‌زند

«۳۵۱۴» آگاه باشید که با حفظ اساس دستورات الهی و پرهیزکاری، دیگر پایین آمدن سطح دنیائتان به شما ضرری نمی‌رساند. و همین طور پس از نادیده گرفتن دستور پرهیزکاری، دیگر حفظ متاعی از دنیا سودی به حالتان نخواهد داشت.

۹-۲-۷-۹-۲ نیرنگ دشمنان زیانی نمی‌زند

«۳۵۱۵» اگر نیکی به شما برسد، آن‌ها را ناراحت می‌کند و اگر حادثه ناگواری برای شما رخ دهد، خوشحال می‌شوند. (اما) اگر (در برابرشان) استقامت و پرهیزکاری پیشه کنید، نقشه‌های (خائنانه) آنان، به شما زیانی نمی‌رساند خداوند به آنچه انجام می‌دهند، احاطه دارد.

۹-۲-۷-۹-۳ زراعت‌شان تشنه نمی‌شود و ریشه‌شان نابود نمی‌شود

«۳۵۱۶» ریشه‌ای که بر تقوا روییده نابود نمی‌گردد، و زراعت قومی که آب تقوا خورده تشنه نمی‌شود.

«۳۵۱۷» از امام علی علیه السلام روایت شده که ایشان برای مردم خطبه‌ای می‌خواند و فرمود: «اما بعد؛ ضمانت می‌دهم و خودم این ضمانت را بر عهده می‌گیرم که با تقوا، کشت و زرع هیچ قومی خشک نمی‌شود و با تقوا هیچ ریشه‌ای تشنه نمی‌شود».

۹-۲-۷-۹-۴ با پرهیزکاری زراعت تشنه نمی‌شود

«۳۵۱۸» از امام علی علیه السلام روایت شده که ایشان برای مردم خطبه‌ای می‌خواند و فرمود: «اما بعد؛ ضمانت می‌دهم و خودم این ضمانت را بر عهده می‌گیرم که با تقوا، کشت و زرع هیچ قومی خشک نمی‌شود و با تقوا هیچ ریشه‌ای تشنه نمی‌شود».

۹-۲-۸- صلاح

«۳۵۱۹» تقوای الهی، آبادی دین و ستون یقین و کلید صلاح و چراغ نجات است.

«۳۵۲۰» کلید صلاح، تقواست.

۹-۲-۸-۱ صلاح ایمان

«۳۵۲۱» اصلاح و رشد ایمان به پرهیزکاری و نابودی‌اش به طمع‌ورزیدن است.

۹-۲-۸-۲ صلاح نفس و دین

«۳۵۲۲» صلاح نفس و دین، ثمره‌ی ورع است.

﴿ثَمَرَاتُ التَّقْوَى / ثَمَرَاتُ التَّقْوَى فِي الدُّنْيَا﴾

﴿٣٥٢٣﴾ أمير المؤمنين عليه السلام: سَبَبُ صَلَاحِ النَّفْسِ الْوَرَعَ؛ مستدرک الوسائل، ج ١٢، ص ٧١
٩-٢-٨-٣- صَلَاحُ فَسَادِ صُدُورِكُمْ

﴿٣٥٢٤﴾ أمير المؤمنين عليه السلام: فَإِنْ تَقَوَّى اللَّهُ دَوَاءُ دَاءٍ قُلُوبِكُمْ وَبَصَرُ عَمَى أَفْئِدَتِكُمْ وَشِفَاءُ مَرَضِ أَجْسَادِكُمْ وَصَلَاحُ فَسَادِ صُدُورِكُمْ وَطُهُورُ دَنَسِ أَنْفُسِكُمْ وَجِلَاءُ عَشَا أَبْصَارِكُمْ وَأَمْنُ فَرْعِ جَاشِكُمْ وَضِيَاءُ سَوَادِ ظُلْمَتِكُمْ؛ نهج البلاغة، ص ٣١٢

﴿٣٥٢٥﴾ أمير المؤمنين عليه السلام: مَنْ اتَّقَى أَصْلَحَ؛ غرر الحكم، ص ٢٧٤

﴿٣٥٢٦﴾ أمير المؤمنين عليه السلام: مَنْ لَمْ يُصْلِحْهُ الْوَرَعَ أَفْسَدَهُ الطَّمَعُ؛ غرر الحكم، ص ٢٩٧
٩-٢-٨-٤- إِصْلَاحُ الدِّينِ

﴿٣٥٢٧﴾ أمير المؤمنين عليه السلام: الْوَرَعَ يُصْلِحُ الدِّينَ وَيَصُونُ النَّفْسَ وَيُزَيِّنُ الْمُرُوءَةَ؛ غرر الحكم،

ص ٢٧١

﴿٣٥٢٨﴾ الصادق عليه السلام: سُئِلَ كَعْبُ الْأَخْبَارِ مَا الْأَصْلَحُ فِي الدِّينِ وَمَا الْأَفْسَدُ فَقَالَ الْأَصْلَحُ الْوَرَعَ وَالْأَفْسَدُ الطَّمَعُ؛ مستدرک الوسائل، ج ١٢، ص ٦٩

﴿٣٥٢٩﴾ أمير المؤمنين عليه السلام: صَلَاحُ الدِّينِ الْوَرَعَ؛ غرر الحكم، ص ٢٧١

﴿٣٥٣٠﴾ أمير المؤمنين عليه السلام: سَبَبُ صَلَاحِ الدِّينِ الْوَرَعَ؛ غرر الحكم، ص ٢٧١

﴿٣٥٣١﴾ أمير المؤمنين عليه السلام: نَكَدُ الدِّينِ الطَّمَعُ وَصَلَاحُهُ الْوَرَعَ؛ غرر الحكم، ص ٢٧٢

٩-٢-٨-٤-١- مَا أَصْلَحَ الدِّينَ كَالْتَّقْوَى

﴿٣٥٣٢﴾ أمير المؤمنين عليه السلام: مَا أَصْلَحَ الدِّينَ كَالْتَّقْوَى؛ غرر الحكم، ص ٢٧١

٩-٢-٨-٤-٢- مَا أَصْلَحَ الدِّينَ كَالْوَرَعَ

﴿٣٥٣٣﴾ أمير المؤمنين عليه السلام: مَا أَصْلَحَ الدِّينَ كَالْوَرَعَ؛ غرر الحكم، ص ٢٧١

٩-٢-٨-٥- الْبَلَاءُ

﴿٣٥٣٤﴾ أمير المؤمنين عليه السلام: الْبَلَاءُ أَسْرَعُ إِلَى الْمُؤْمِنِ الْمُتَّقِي مِنَ الْمَطَرِ إِلَى قَرَارِ الْأَرْضِ؛

علل الشرائع، ج ١، ص ٤٤

﴿٣٥٣٥﴾ أمير المؤمنين عليه السلام: أَنَّ الْبَلَاءَ أَسْرَعُ إِلَى الْمُؤْمِنِ التَّقِيِّ مِنَ الْمَطَرِ إِلَى قَرَارِ الْأَرْضِ؛

الكافي، ج ٢، ص ٢٥٩

«نتایج تقوا / نتایج پرهیزکاری در دنیا»

﴿۳۵۲۳﴾ ورع، سبب صلاح نفس است.

۳-۸-۲-۹- اصلاح کردن فساد دل‌هایتان

﴿۳۵۲۴﴾ زیرا تقوا و ترس از خدا داروی درد قلب‌ها و بینایی کوری دل‌ها و بهبودی بیماری تن‌ها و اصلاح فساد سینه‌ها و پاکیزگی چرک نفس‌ها و روشنی پوشش دیده‌ها و ایمنی ترس دل و نور سیاهی تاریکی [نادانی] شما است.

﴿۳۵۲۵﴾ کسی که تقوا پیشه کند، اصلاح خواهد شد.

﴿۳۵۲۶﴾ کسی را که ورع اصلاح نکرده، طمع فاسد می‌کند.

۴-۸-۲-۹- اصلاح کردن دین

﴿۳۵۲۷﴾ ورع دین را اصلاح می‌کند و نفس را مصون و ایمن می‌کند و مروت را تزئین می‌کند.

﴿۳۵۲۸﴾ از کعب الاحبار پرسیدند: «صلاح و فساد دین کدام است؟» جواب داد: «ورع دین را صالح می‌کند ولی طمع آن را فاسد می‌کند».

﴿۳۵۲۹﴾ ورع، موجب صلاح دین است.

﴿۳۵۳۰﴾ ورع، موجب صلاح دین است.

﴿۳۵۳۱﴾ تیرگی دین طمع است و صلاح آن پرهیزکاری است.

۱-۴-۸-۲-۹- چیزی مانند تقوا نمی‌تواند دین را اصلاح کند

﴿۳۵۳۲﴾ چیزی مانند تقوا نمی‌تواند دین را اصلاح کند.

۲-۴-۸-۲-۹- چیزی مانند ورع نمی‌تواند دین را اصلاح کند

﴿۳۵۳۳﴾ هیچ چیزی مانند پرهیزکاری، دین را اصلاح نمی‌کند.

۵-۸-۲-۹- بلا

﴿۳۵۳۴﴾ بلا سریع‌تر از رسیدن باران به زمین، بر مؤمن باتقوا نازل می‌شود

﴿۳۵۳۵﴾ به راستی، بلا شتابان‌تر است به سوی مؤمن باتقوا، از باران به سوی قرارگاه

زمین.

﴿ثَمَرَاتُ التَّقْوَى / ثَمَرَاتُ التَّقْوَى فِي الدُّنْيَا﴾

٩-٢-٩- الدُّنْيَا، الْغِنَاءُ وَالسَّعَةُ وَالْكَفَايَةُ

٩-٢-٩-١ الْغِنَاءُ

﴿٣٥٣٦﴾ الرَّسُولُ ﷺ: كَفَى بِالْمَوْتِ وَاعْظَاً وَكَفَى بِالتَّقْوَى غِنًى؛ بحار الأنوار، ج ٧٤، ص ١٣٩

﴿٣٥٣٧﴾ الْبَاقِرُ ﷺ: اللَّهُمَّ اغْنِنِي بِالتَّقْوَى؛ بحار الأنوار، ج ٨٧، ص ١٦

﴿٣٥٣٨﴾ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ ﷺ: مَنْ اتَّقَى اللَّهَ فَازَ وَغَنَى؛ غرر الحكم، ص ٢٧١

٩-٢-٩-٢ غِنَاءُ بِلَا مَالٍ

﴿٣٥٣٩﴾ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ ﷺ: مَنْ اتَّقَى اللَّهَ حَقَّ تَقَاتِهِ أَعْطَاهُ اللَّهُ أَنْسَاءً بِلَا أَنْيسٍ وَغِنَاءً بِلَا مَالٍ وَ

عِزًّا بِلَا سُلْطَانٍ؛ مستدرک الوسائل، ج ١١، ص ٢٦٥

﴿٣٥٤٠﴾ الصَّادِقُ ﷺ: عَنْ يَعْقُوبَ بْنِ شُعَيْبٍ قَالَ سَمِعْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ ﷺ يَقُولُ مَا نَقَلَ اللَّهُ

عِزًّا وَجَلَّ عَبْدًا مِنْ ذَلِكَ الْمَعَاصِي إِلَى عِزِّ التَّقْوَى إِلَّا أَغْنَاهُ مِنْ غَيْرِ مَالٍ وَاعْزَاهُ مِنْ غَيْرِ عَشِيرَةٍ وَ

آنَسَهُ مِنْ غَيْرِ بَشَرٍ؛ الكافي، ج ٢، ص ٧٦

٩-٢-٩-٣ الْإِغْنَاءُ

﴿٣٥٤١﴾ الرَّسُولُ ﷺ: يَا مُغْنِي أَهْلِ التَّقْوَى بِإِمَاطَتِهِ الْأَذَى فِي جَمِيعِ الْأُمُورِ عَنْهُمْ؛

مصباح المتعبد، ص ٢٣٧

﴿٣٥٤٢﴾ الصَّادِقُ ﷺ: عَنْ فَضِيلٍ قَالَ قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ ﷺ بَلَغَ مَنْ لَقِيََتْ عَنَّا السَّلَامَ وَقُلْ لَهُمْ

إِنْ أَحَدَنَا لَا يُغْنِي عَنْهُمْ وَاللَّهُ شَيْئًا إِلَّا بَوْرَعٍ فَاحْفَظُوا أَلْسِنَتَكُمْ وَكُفُّوا أَيْدِيَكُمْ؛ مستدرک الوسائل،

ج ١١، ص ٢٦٨

﴿٣٥٤٣﴾ الْبَاقِرُ ﷺ: عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ ﷺ قَالَ لِبَعْضِ شِيعَتِهِ بَلَغَ مَنْ لَقِيََتْ مِنْ مَوَالِينَا عَنَّا السَّلَامَ

وَقُلْ لَهُمْ إِنِّي لَا أَغْنِي عَنْكُمْ مِنَ اللَّهِ شَيْئًا إِلَّا بَوْرَعٍ وَاجْتِهَادٍ؛ مستدرک الوسائل، ج ٣، ص ٧٦

٩-٢-٩-٤ الدُّنْيَا

﴿٣٥٤٤﴾ الْبَاقِرُ ﷺ: فِي قَوْلِهِ تَعَالَى وَلَنِعْمَ دَارُ الْمُتَّقِينَ قَالَ الدُّنْيَا؛ مستدرک الوسائل، ج ١٣، ص ١٦

﴿٣٥٤٥﴾ لَقْمَانُ ﷺ: أَمَّا الْعَشْرَةُ الْكَامِلَةُ الَّتِي تَنَالُ بِهَا الدُّنْيَا وَالْآخِرَةُ فَالزُّهْدُ فِيمَا بَقِيَ وَ

الِاسْتِعْدَادُ لِمَا يَأْتِي وَكَثْرَةُ النَّدَمِ عَلَى مَا فَاتَ وَإِدْمَانُ الِاسْتِغْفَارِ وَاسْتِشْعَارُ التَّقْوَى وَخُشُوعُ

الْقَلْبِ وَكَثْرَةُ الذِّكْرِ لِلَّهِ تَعَالَى وَالرِّضَا بِأَفْعَالِ اللَّهِ سُبْحَانَهُ وَمُلَازِمَةُ الصَّدْقِ وَالْعَمَلُ بِمَا يُنْجِي؛

أعلام الدين، ص ١٥٨

«نتایج تقوا / نتایج پرهیزکاری در دنیا»

۹-۲-۹- دنیا، توانگری، گشایش و بی‌نیازی از دیگران

۹-۲-۹-۱- توانگری

﴿۳۵۳۶﴾ برای پندآموزی، مرگ و برای بی‌نیازی، پرهیزکاری کافی است.

﴿۳۵۳۷﴾ پروردگارا مرا به وسیله‌ی تقوا بی‌نیاز فرما.

﴿۳۵۳۸﴾ کسی که تقوا پیشه، رستگار و بی‌نیاز است.

۹-۲-۹-۲- توانگری بدون مال

﴿۳۵۳۹﴾ هر کس آن‌طور که شایسته است، از خداوند پروا کند؛ خداوند به او انس و آرامش بدون انیس و همراه؛ غنا و بی‌نیازی بدون داشتن مال؛ و عزّت و احترامی بدون داشتن مقام سلطنت عنایت می‌فرماید.

﴿۳۵۴۰﴾ یعقوب بن‌شعیب می‌گوید: از امام صادق علیه السلام شنیدم که می‌فرمود: خداوند به بنده‌ای که او را از پستی و ذلّت گناه و معصیت بیرون آورد و به عزّت و عظمت تقوا برساند، سه امتیاز عنایت می‌فرماید؛ غنا و بی‌نیازی بدون داشتن ثروت، عزّت و احترام بدون داشتن عشیره و فامیل، و انس و راحتی بدون همراه بودن با کسی.

۹-۲-۹-۳- بی‌نیازی

﴿۳۵۴۱﴾ ای بی‌نیازکننده‌ی تقوایندگان با دور کردن سختی‌ها از آنان در تمامی امور.

﴿۳۵۴۲﴾ فضیل گوید: امام صادق علیه السلام فرمود: به هر کس از دوستان ما که رسیدی، سلام ما را برسان و به آن‌ها بگو: «به خدا قسم! ما فقط افراد باورع را بی‌نیاز می‌کنیم؛ پس زبانتان را حفظ کنید و [از گناهان] دست بکشید».

﴿۳۵۴۳﴾ امام باقر علیه السلام به یکی از شیعیانشان فرمود: «به هر کس از دوستان ما که رسیدی، سلام ما را برسان و به آن‌ها بگو ما فقط با ورع و تلاش شما، از شما بی‌نیاز [و قانع] می‌شویم».

۹-۲-۹-۴- دنیا

﴿۳۵۴۴﴾ منظور از سخن خداوند متعال: «و چه خوب است سرای پرهیزکاران!»؛ دنیاست.

﴿۳۵۴۵﴾ آن ده چیزی که به واسطه آن به دنیا و آخرت می‌توان رسید عبارتند از: زهدورزیدن در آنچه باقی مانده و آماده‌شدن برای آنچه پیش خواهد آمد و پشیمانی فراوان بر آنچه از دست رفته و عادت کردن به استغفار و بروز دادن تقوا و خشوع قلب و زیاد به یاد خداوند متعال بودن و راضی به کارهای خداوند سبحان بودن و پیوسته و همراه با راستی بودن و انجام کاری که انسان را نجات می‌دهد.

﴿ثَمَرَاتُ التَّقْوَى / ثَمَرَاتُ التَّقْوَى فِي الدُّنْيَا﴾

﴿٣٥٤٦﴾ أمير المؤمنين عليه السلام: مَنْ أَحَبَّنَا فَلْيَعْمَلْ بِعَمَلِنَا وَلْيَسْتَعِنْ بِالْوَرَعِ فَإِنَّهُ أَفْضَلُ مَا يُسْتَعَانُ

بِهِ فِي أَمْرِ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ؛ بحار الأنوار، ج ١٠، ص ٩٢

٩-٢-٩-٤-١- أَطَاعَتْهُ الدُّنْيَا

﴿٣٥٤٧﴾ الرسول ﷺ: خَصْلَةٌ مَنْ لَزِمَهَا أَطَاعَتْهُ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةُ وَرَجَّحَ الْفَوْزَ فِي الْجَنَّةِ؛ قِيلَ: وَ

مَا هِيَ يَا رَسُولَ اللَّهِ؟ قَالَ: التَّقْوَى؛ مستدرک الوسائل، ج ١١، ص ٢٦٧

٩-٢-٩-٤-٢- هَانَ عَلَيْهِ الدُّنْيَا وَإِبْلِيسُ وَالْخَلْقُ

﴿٣٥٤٨﴾ الصادق عليه السلام: فَإِذَا أَكْرَمَ اللَّهُ الْعَبْدَ بِهَذِهِ الثَّلَاثِ هَانَ عَلَيْهِ الدُّنْيَا وَإِبْلِيسُ وَالْخَلْقُ وَ

لَا يَطْلُبُ الدُّنْيَا تَكَثُّرًا وَتَفَاخُرًا وَلَا يَطْلُبُ عِنْدَ النَّاسِ عِزًّا وَعُلُوًّا وَلَا يَدْعُ أَيَّامَهُ بَاطِلًا فَهَذَا أَوَّلُ
دَرَجَةِ الْمُتَّقِينَ؛ مشكاة الأنوار، ص ٣٢٥

٩-٢-٩-٤-٣- وَرَثَةُ الْأَرْضِ

﴿٣٥٤٩﴾ قَالَ مُوسَى لِقَوْمِهِ اسْتَعِينُوا بِاللَّهِ وَاصْبِرُوا إِنَّ الْأَرْضَ لِلَّهِ يُورِثُهَا مَنْ يَشَاءُ مِنْ عِبَادِهِ وَ

الْعَاقِبَةُ لِلْمُتَّقِينَ؛ الأعراف ١٢٨

﴿٣٥٥٠﴾ الباقر عليه السلام: وَجَدْنَا فِي كِتَابِ عَلِيِّ عليه السلام إِنَّ الْأَرْضَ لِلَّهِ يُورِثُهَا مَنْ يَشَاءُ مِنْ عِبَادِهِ وَ

الْعَاقِبَةُ لِلْمُتَّقِينَ أَنَا وَاهْلُ بَيْتِي الَّذِينَ أَوْرَثَنَا اللَّهُ الْأَرْضَ وَنَحْنُ الْمُتَّقُونَ وَالْأَرْضُ كُلُّهَا لَنَا؛

الكافي، ج ١، ص ٤٠٧

٩-٢-٩-٥- السَّعَةِ

﴿٣٥٥١﴾ أمير المؤمنين عليه السلام: أَوْصِيَكُمْ عِبَادَ اللَّهِ بِتَقْوَى اللَّهِ فَإِنَّهَا الزَّمَامُ وَالْقِيَامُ فَتَمَسَّكُوا

بَوَتَائِقِهَا وَاعْتَصِمُوا بِحَقَائِقِهَا تَوَلَّ بِكُمْ إِلَى أَكْنَانِ الدَّعَةِ وَأَوْطَانِ السَّعَةِ وَمَعَالِ الْحِرْزِ وَمَنَازِلِ

الْعِزِّ فِي يَوْمٍ تَشْخَصُ فِيهِ الْأَبْصَارُ؛ نهج البلاغة، ص ٣٠٩

٩-٢-٩-٦- الكَفَايَةِ

﴿٣٥٥٢﴾ الرسول ﷺ: إِنِّي لَا أَعْلَمُ آيَةَ لَوْ أَخَذَ بِهَا النَّاسُ لَكَفَّتْهُمْ وَمَنْ يَتَّقِ اللَّهَ الْآيَةَ فَمَا زَالَ

يَقُولُهَا وَيُعِيدُهَا؛ بحار الأنوار، ج ٦٧، ص ٢٨١

﴿١٠٢٠﴾

«نتایج تقوا / نتایج پرهیزکاری در دنیا»

﴿۳۵۴۶﴾ کسی که ما اهل بیت را دوست می‌دارد، باید عمل و روشش مانند عمل ما باشد و از ورع و تقوا استعانت جوید که بهترین معین و یاور انسان در امور دنیوی و اخروی تقواست.

۱-۴-۹-۲-۹-۲ دنیا از او فرمان می‌برد

﴿۳۵۴۷﴾ هرکس ملازم و پایبند یک خصلت باشد، دنیا و آخرت در اختیار اوست و کامیابی ورود به بهشت را به دست می‌آورد. سؤال شد: «آن چیست؟» فرمود: تقوا.

۲-۴-۹-۲-۹-۲ دنیا و ابلیس و آفریدگان در نظرش کم‌اهمیت جلوه می‌کنند

﴿۳۵۴۸﴾ وقتی خداوند به بنده‌اش این سه صفت را کرامت کند، [شرّ] دنیا و ابلیس و همه ی خلائق برای او آسان می‌شود و آن‌ها عبارتند از: در دنیا به دنبال زیاده‌طلبی و تفاخر نیستند، عزّت و بزرگی را از مردم طلب نمی‌کنند [بلکه از خدا می‌طلبند] و روزگار خود را به بطالت سپری نمی‌کنند. و این اولین درجه‌ی تقواست.

۳-۴-۹-۲-۹-۲ به ارث بردن زمین

﴿۳۵۴۹﴾ موسی به قوم خود گفت: «از خدا یاری جویید، و استقامت پیشه کنید، که زمین از آن خداست، و آن را به هرکس از بندگانش که بخواهد، واگذار می‌کند و سرانجام (نیک) برای پرهیزکاران است!»

﴿۳۵۵۰﴾ در کتاب امام علی علیه السلام یافتیم که فرموده بود: «زمین از آن خداست، و آن را به هر کس از بندگانش که بخواهد، واگذار می‌کند و سرانجام [نیک] برای پرهیزکاران است». من و اهل بیتم همان کسانی هستیم که خداوند متعال ما را وارث زمین قرار داده است و ماییم که پرهیزکاران هستیم، و زمین به صورت کامل از آن ماست.

۵-۴-۹-۲-۹-۲ گشایش

﴿۳۵۵۱﴾ ای بندگان خدا! شما را به پرهیزکاری سفارش می‌کنم، که عامل کنترل و مایه‌ی استواری شماست، پس به رشته‌های تقوا چنگ زنید و به حقیقت‌های آن پناه آورید، تا شما را به سر منزل آرامش و جایگاه‌های وسیع و پناهگاه‌های محکم و منزلگاه‌های پر عزّت برساند، در روزی که چشم‌ها خیره می‌شود.

۶-۴-۹-۲-۹-۲ بی‌نیازی از دیگران

﴿۳۵۵۲﴾ من آیه‌ای را می‌دانم که اگر مردم آن را بگیرند و عمل کنند، برای آن‌ها کافی است. و همین آیه‌ی «و هر کس تقوای الهی پیشه کند، خداوند راه نجاتی برای او فراهم می‌کند» را می‌خواند و مکرراً تکرار می‌فرمود.

﴿ثَمَرَاتُ التَّقْوَى / ثَمَرَاتُ التَّقْوَى فِي الدُّنْيَا﴾

﴿٣٥٥٣﴾ الرَّسُولُ ﷺ: إِنِّي لَأَعْرِفُ آيَةَ لَوْ أَخَذَ بِهَا النَّاسُ لَكَفَاهُمْ ثُمَّ قَرَأَ وَمَنْ يَتَّقِ اللَّهَ وَ قَالَ
إِنَّمَا سُمِّيَ الْمُتَّقُونَ الْمُتَّقِينَ لِتَرْكِهِمْ عَمَّا لَا بَأْسَ بِهِ حَدَوْا مِمَّا بِهِ الْبَأْسُ؛ مستدرک الوسائل، ج ١١، ص ٢٦٧
٩-٢-١٠- كَثْرَةُ الْأَصْدِقَاءِ وَ إِكْمَادُ الْعَدُوِّ

٩-٢-١٠-١- كَثْرَةُ الْأَصْدِقَاءِ

﴿٣٥٥٤﴾ الْعَسْكَرِيُّ ﷺ: مَنْ كَانَ الْوَرَعَ سَجِيَّتَهُ وَ الْكَرَمَ طَبِيعَتَهُ وَ الْحِلْمَ خَلْقَهُ كَثُرَ صَدِيقُهُ وَ
الْتِنَاءُ عَلَيْهِ وَ انْتَصَرَ مِنْ أَعْدَائِهِ بِحُسْنِ الثَّنَاءِ عَلَيْهِ؛ بحار الأنوار، ج ٧٥، ص ٣٧٩
٩-٢-١٠-٢- إِكْمَادُ الْعَدُوِّ

﴿٣٥٥٥﴾ الصَّادِقُ ﷺ: أَكْمِدُوا عَدُوَّكُمْ بِالْوَرَعِ؛ وسائل الشيعة، ج ١٥، ص ٢٤٨
٩-٢-١١- فَتَحُ أَبْوَابِ الْعِبَادَةِ وَ نَقْصُ الْإِثْمِ
٩-٢-١١-١- فَتَحُ أَبْوَابِ الْعِبَادَةِ

﴿٣٥٥٦﴾ حَدِيثٌ قَدْسِي: يَا أَحْمَدُ الْوَرَعَ يَفْتَحُ عَلَى الْعَبْدِ أَبْوَابَ الْعِبَادَةِ فَتَكْرَمَ بِهِ عِنْدَ الْخَلْقِ وَ
يَصِلُ بِهِ إِلَى اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ؛ بحار الأنوار، ج ٧٤، ص ٢٦
٩-٢-١١-٢- نَقْصُ الْإِثْمِ

﴿٣٥٥٧﴾ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ ﷺ: مَنْ زَادَ وَرَعُهُ نَقَصَ إِثْمُهُ؛ غرر الحكم، ص ٢٧٣
٩-٢-١٢- مَحَبَّةُ النَّاسِ وَ مَوَدَّةُ الْمَلَائِكَةِ
٩-٢-١٢-١- مَحَبَّةُ النَّاسِ

﴿٣٥٥٨﴾ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ ﷺ: مَنْ اتَّقَى اللَّهَ أَحَبَّهُ النَّاسُ وَ إِنِ كَرِهُوا؛ بحار الأنوار، ج ٧٥، ص ٧٩
٩-٢-١٢-٢- مَوَدَّةُ الْمَلَائِكَةِ

﴿٣٥٥٩﴾ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ ﷺ: قَضَاءُ حُقُوقِ الْإِخْوَانِ أَشْرَفُ أَعْمَالِ الْمُتَّقِينَ يَسْتَجْلِبُ مَوَدَّةَ
الْمَلَائِكَةِ الْمُقَرَّبِينَ وَ شَوْقَ الْخُورِ الْعَيْنِ؛ وسائل الشيعة، ج ١٦، ص ٢٢٢
٩-٢-١٣- النَّيْلُ إِلَى مَا يُحِبُّ
٩-٢-١٣-١- إِجْتِنَاءُ ثِمَارِ الْمُنَى

﴿٣٥٦٠﴾ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ ﷺ: مَنْ غَرَسَ أَشْجَارَ الثَّقَى اجْتَنَى ثِمَارَ الْمُنَى؛ بحار الأنوار، ج ٧٥، ص ٧٩

﴿نتایج تقوا / نتایج پرهیزکاری در دنیا﴾

﴿۳۵۵۳﴾ من آیه‌ای به قدر این آیه نمی‌شناسم که اگر مردم به همان اکتفا کنند، کفایتشان کند. سپس این آیه را تلاوت نمود: «و هر کس تقوای الهی پیشه کند، خداوند راه نجاتی برای او فراهم می‌کند» و فرمود: «متّقیان به این دلیل متّقی نامیده شدند که آنچه را که در آن مشکلی نیست ترک می‌کند، از ترس اینکه در آن چیز مشکلی باشد».

۹-۲-۱۰- افزایش دوستان و اندوهناک‌شدن دشمنان

۹-۲-۱۰-۱- افزایش دوستان

﴿۳۵۵۴﴾ آن‌که پرهیزکاری خوی او و احسان زیورش باشد، ستایش نیکو را از دشمنانش به یاری می‌گیرد و با ستایش‌هایی که از او می‌شود، بر دشمنانش پیروز می‌گردد.

۹-۲-۱۰-۲- اندوهناک‌شدن دشمنان

﴿۳۵۵۵﴾ دشمنان را با ورع اندوهناک کنید.

۹-۲-۱۱- گشایش درهای عبادت و کاسته‌شدن از گناه

۹-۲-۱۱-۱- گشایش درهای عبادت

﴿۳۵۵۶﴾ ای احمد! ورع درهای عبادت و بندگی را به روی بنده باز می‌کند و موجب گرمای شدن بنده در میان مردم است و بنده را به خدایش می‌رساند.

۹-۲-۱۱-۲- کاسته‌شدن از گناه

﴿۳۵۵۷﴾ کسی که ورع زیاد شود، گناهش کم می‌شود.

۹-۲-۱۲- محبت مردم و فرشتگان

۹-۲-۱۲-۱- محبت مردم

﴿۳۵۵۸﴾ هرکس از خدا پروا کند، مردم او را دوست می‌دارند حتی اگر نخواهند.

۹-۲-۱۲-۲- محبت فرشتگان

﴿۳۵۵۹﴾ رسیدگی به حقوق برادران مؤمن از باسرف‌ترین کارهای متّقین است که موجب جلب محبت ملائکه‌ی مقرب و اشتیاق حورالعین به صاحب آن عمل می‌شود.

۹-۲-۱۳- دستیابی به آنچه دوست دارد

۹-۲-۱۳-۱- میوه‌چینی از درخت آرزوها

﴿۳۵۶۰﴾ هرکس درخت‌های تقوا را بکارد از آن میوه‌های آرزوی خود را خواهد چید.

﴿ثَمَرَاتُ التَّقْوَى / ثَمَرَاتُ التَّقْوَى فِي الدُّنْيَا﴾

٢-١٣-٩- الإجابة، لَا تُرَدُّ لَهُمْ دَعْوَةٌ

﴿٣٥٤١﴾ الصَّادِقُ عَلَيْهِ السَّلَامُ: إِنَّ رَجُلًا كَانَ فِي بَنِي إِسْرَائِيلَ قَدْ دَعَا اللَّهَ أَنْ يَرْزُقَهُ غُلَامًا يَدْعُو ثَلَاثًا وَ ثَلَاثِينَ سَنَةً فَلَمَّا رَأَى أَنَّ اللَّهَ تَعَالَى لَا يُجِيبُهُ قَالَ يَا رَبِّ أَعِيدْ أَنَا مِنْكَ فَلَا تَسْمَعْ مِنِّي أَمْ قَرِيبٌ أَنْتَ فَلَا تُجِيبُنِي فَأَتَاهُ آتٍ فِي مَنَامِهِ فَقَالَ لَهُ إِنَّكَ تَدْعُو اللَّهَ بِلِسَانٍ بَدِيٍّ وَقَلْبٌ غَلَقٌ غَيْرِ نَقِيٍّ وَ بَنِيَّةٌ غَيْرِ صَادِقَةٍ فَأَقْلَعُ مِنْ بَدَائِكَ فَلْيَتَّقِ اللَّهَ قَلْبُكَ وَ لْتَحْسُنْ نِيَّتَكَ قَالَ فَفَعَلَ الرَّجُلُ ذَلِكَ فَدَعَا اللَّهَ عَزَّ وَ جَلَّ فَوُلِدَ لَهُ غُلَامٌ؛ مستدرک الوسائل، ج ٥، ص ١٨٨

٣-١٣-٩- يُحوِّلهُ اللهُ إِلَى مَا يُحِبُّ

﴿٣٥٤٢﴾ الصَّادِقُ عَلَيْهِ السَّلَامُ: فَإِنَّ اللَّهَ قَدْ ضَمِنَ لِمَنْ اتَّقَاهُ أَنْ يُحوِّلهُ عَمَّا يَكْرَهُ إِلَى مَا يُحِبُّ وَ يَرْزُقَهُ مِنْ حَيْثُ لَا يَحْتَسِبُ؛ الكافي، ج ٨، ص ٤٩

٤-١٣-٩- دَرَكُ كُلِّ طَالِبٍ

﴿٣٥٤٣﴾ أمير المؤمنين عَلَيْهِ السَّلَامُ: فَإِنَّ التَّقْوَى أَفْضَلُ كَنْزٍ وَ أَحْرَزُ حِرْزٍ وَ أَعَزُّ عِزٍّ فِيهِ نَجَاةٌ كُلُّ هَارِبٍ وَ دَرَكُ كُلِّ طَالِبٍ وَ ظَفَرُ كُلِّ غَالِبٍ؛ مجموعة ورام، ج ٢، ص ٨٨

٥-١٣-٩- الرِّغْبَةُ

١-١٣-٩- يُعْطِيهِ رَغْبَتَهُ

﴿٣٥٤٤﴾ الحسن عَلَيْهِ السَّلَامُ: وَ اعْلَمُوا أَنَّهُ مَنْ يَتَّقِ اللَّهَ يَجْعَلُ لَهُ مَخْرَجًا مِنَ الْفِتَنِ وَ يُسَدِّدُهُ فِي أَمْرِهِ وَ يُهَيِّئُ لَهُ رُشْدَهُ وَ يُفْلِحُهُ بِحُجَّتِهِ وَ يُبَيِّضُ وَجْهَهُ وَ يُعْطِيهِ رَغْبَتَهُ؛ بحار الأنوار، ج ٧٥، ص ١١٠

٢-١٣-٩- تَنَالُ الرِّغَائِبَ

﴿٣٥٤٥﴾ أمير المؤمنين عَلَيْهِ السَّلَامُ: فَإِنَّ تَقْوَى اللَّهَ ... بِهَا يَنْجَحُ الطَّالِبُ وَ يَنْجُو الْهَارِبُ وَ تَنَالُ الرِّغَائِبَ؛ نهج البلاغة، ص ٣٥١

٦-١٣-٩- مَا اشْتَهَتْ نَفْسُهُ

﴿٣٥٤٦﴾ أمير المؤمنين عَلَيْهِ السَّلَامُ: وَ اعْلَمُوا أَنَّهُ مَنْ يَتَّقِ اللَّهَ يَجْعَلُ لَهُ مَخْرَجًا مِنَ الْفِتَنِ وَ نُورًا مِنَ الظُّلُمِ وَ يُخَلِّدُهُ فِي مَا اشْتَهَتْ نَفْسُهُ وَ يُنْزِلُهُ مَنْزِلَ الْكَرَامَةِ عِنْدَهُ فِي دَارِ اصْطِنَاعِهَا لِنَفْسِهِ ظِلُّهَا عَرْشُهُ وَ نُورُهَا بَهْجَتُهُ وَ زُورُهَا مَلَائِكَتُهُ وَ رُقَقَاؤُهَا رُسُلُهُ؛ نهج البلاغة، ص ٢٦٦

«نتایج تقوا / نتایج پرهیزکاری در دنیا»

۹-۲-۱۳-۲-۲-۲ اجابت و رد نشدن دعا

﴿۳۵۶۱﴾ در میان بنی اسرائیل مردی بود که به درگاه خداوند دعا خوانده بود که به او پسر بچه‌ای ببخشد، آن مرد سی و سه سال خداوند را فرا می‌خواند، و هنگامی که مشاهده کرد خداوند متعال دعای او را اجابت نمی‌فرماید گفت: «پروردگارا، آیا من از تو دورم که صدایم را نمی‌شنوی، یا اینکه نزدیک هستی و دعای مرا اجابت نمی‌فرمایی؟» آن‌گاه شخصی به خواب آن مرد آمد و به او گفت: «همانا تو خداوند را با زبانی دشنام‌گو، قلبی وابسته به دنیا و ناپاک و نیتی ناراست فرا می‌خوانی، بنابراین از دشنام و ناسزاگویی دست بردار و باید قلبت تقوای خدا داشته باشد و نیتت نیکو گردد»؛ مرد چنان کرد و سپس خداوند بلندمرتبه را فرا خواند و پسر بچه‌ای برای او به دنیا آمد.

۹-۲-۱۳-۳-۲-۳ خداوند شرایط را به آنچه مطلوب آن‌هاست تغییر می‌دهد

﴿۳۵۶۲﴾ خداوند برای کسی که باتقوا باشد ضمانت کرده که وضع او را از آنچه خوش ندارد به آنچه دوست دارد تغییر دهد، و به او از جایی که گمان ندارد روزی دهد.

۹-۲-۱۳-۴-۲-۴ رسیدن به خواسته‌ها

﴿۳۵۶۳﴾ تقوا پرفضیلت‌ترین گنج و محکم‌ترین سپر و پرنفوذترین عزت است. نجات هر گریزان و رسیدن هر درخواست‌کننده به طلبش و پیروزی هر شخص پیروز در تقواست.

۹-۲-۱۳-۵-۲-۵ تمایل

۹-۲-۱۳-۵-۱-۵-۱ اعطای آنچه تمایل دارد

﴿۳۵۶۴﴾ و بدانید که هرکس تقوای الهی پیشه کند، خداوند از میان [امواج] فتنه راه نجاتی برای او فراهم می‌کند و گامش را در کارش استوار می‌کند و [موجبات] رهایی او را فراهم کرده و حجتش را پیروزمند و رویش را سپید می‌کند و دلخواهش را به او می‌بخشد.

۹-۲-۱۳-۵-۲-۵-۲ رسیدن به آرزوها

﴿۳۵۶۵﴾ طالب به کمک تقوا به مرادش می‌رسد، و گریزان [از جهنم] به وسیله‌ی تقوا نجات پیدا می‌کند و طالب مشتاق به آنچه که رغبت دارد، می‌رسد.

۹-۲-۱۳-۶-۲-۶ آنچه می‌خواهد

﴿۳۵۶۶﴾ و بدانید هرکس تقوای خداوند را پیشه کند، حق تعالی راه بیرون‌شدن از فتنه و تباهی‌ها و روشنایی از تاریکی‌ها [ی نادانی و گمراهی] را به او نشان می‌دهد، و او را در آنچه آرزو داشته (بهشت) جاودان نگه می‌دارد، و او را نزد خود در منزل گرمی در سرایی که برای [دوستان] خویش اختیار فرموده وارد می‌نماید، سایه‌ی آن سرا عرش و روشنایی آن خشنودی خداست، و زیارت‌کنندگان آن فرشتگان و دوستان آن پیامبران او می‌باشند.

﴿ثَمَرَاتُ التَّقْوَى / ثَمَرَاتُ التَّقْوَى فِي الدُّنْيَا﴾

٧-١٣-٩- يُعْطِيهِ اللَّهُ رَغْبَتَهُ

﴿٣٥٦٧﴾ الْحَسَنُ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ: وَاعْلَمُوا أَنَّهُ مَنْ يَتَّقِ اللَّهَ يَجْعَلْ لَهُ مَخْرَجًا مِنَ الْفِتَنِ وَيُسَدِّدْهُ فِي أَمْرِهِ وَيَهَيِّئْ لَهُ رُشْدَهُ وَيُقْلِحْهُ بِحُجَّتِهِ وَيَبَيِّضْ وَجْهَهُ وَيُعْطِيهِ رَغْبَتَهُ؛ بحار الأنوار، ج ٧٥، ص ١١٠

١٤-٢-٩- الإِجْلَالُ وَالتَّنَاءُ وَالتَّحْسِينُ

١-١٤-٩- الإِجْلَالُ

﴿٣٥٦٨﴾ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ: الْوَرَعُ مُجَلٌّ؛ غرر الحكم، ص ٢٧٤

٢-١٤-٩- التَّنَاءُ

١-٢-١٤-٩- حَسَنُ التَّنَاءِ عَلَيْهِ

﴿٣٥٦٩﴾ الْعَسْكَرِيُّ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ: مَنْ كَانَ الْوَرَعُ سَجِيَّتَهُ وَالْإِفْضَالُ حَلِيتَهُ انْتَصَرَ مِنْ أَعْدَائِهِ بِحُسْنِ التَّنَاءِ عَلَيْهِ وَتُحْصَنُ بِالذِّكْرِ الْجَمِيلِ مِنْ وُضُولِ نَقْصِ إِلَيْهِ؛ بحار الأنوار، ج ٦٦، ص ٤٠٧

٢-١٤-٩- كَثُرَ التَّنَاءُ عَلَيْهِ

﴿٣٥٧٠﴾ الْعَسْكَرِيُّ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ: مَنْ كَانَ الْوَرَعُ سَجِيَّتَهُ وَالْكَرَمُ طَبِيعَتَهُ وَالْحِلْمُ خَلْتَهُ كَثُرَ صَدِيقُهُ وَالتَّنَاءُ عَلَيْهِ وَانْتَصَرَ مِنْ أَعْدَائِهِ بِحُسْنِ التَّنَاءِ عَلَيْهِ؛ بحار الأنوار، ج ٧٥، ص ٣٧٩

٣-١٤-٩- التَّحْسِينُ

﴿٣٥٧١﴾ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ: وَاجْتَوُوا إِلَى التَّقْوَى فَإِنَّهُ [فَإِنَّهَا] جَنَّةٌ مَنِيعَةٌ مَنْ لَجَأَ إِلَيْهَا حَسَنَتُهُ وَمَنْ اغْتَصَمَ بِهَا عَصَمَتْهُ؛ غرر الحكم، ص ٢٧٠

٤-١٤-٩- الْحَمْدُ

﴿٣٥٧٢﴾ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ: طُوبَى لِمَنْ أَطَاعَ مُحَمَّدًا تَقَوَّاهُ وَعَصَى مَذْمُومَ هَوَاهُ؛ غرر الحكم،

ص ٢٦٩

٥-١٤-٩- تُحْصَنُ بِالذِّكْرِ الْجَمِيلِ

﴿٣٥٧٣﴾ الْعَسْكَرِيُّ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ: مَنْ كَانَ الْوَرَعُ سَجِيَّتَهُ وَالْإِفْضَالُ حَلِيتَهُ انْتَصَرَ مِنْ أَعْدَائِهِ بِحُسْنِ التَّنَاءِ عَلَيْهِ وَتُحْصَنُ بِالذِّكْرِ الْجَمِيلِ مِنْ وُضُولِ نَقْصِ إِلَيْهِ؛ بحار الأنوار، ج ٦٦، ص ٤٠٧

﴿١٠٢٦﴾

«نتایج تقوا / نتایج پرهیزکاری در دنیا»

۹-۲-۱۳-۷ آنچه را می‌خواهد خدا به او عطا می‌کند

«۳۵۶۷» و بدانید که هرکس تقوای الهی پیشه کند، خداوند از میان [امواج] فتنه راه نجاتی برای او فراهم می‌کند و گامش را در کارش استوار می‌کند و [موجبات] رهایی او را فراهم کرده و حجتش را پیروزمند و رویش را سپید می‌کند و دلخواهش را به او می‌بخشد.

۹-۲-۱۴- بزرگداشت و تحسین

۹-۲-۱۴-۱ بزرگداشت

«۳۵۶۸» پرهیزکاری بزرگ کننده است.

۹-۲-۱۴-۲ ستایش

۹-۲-۱۴-۲-۱ به نیکی ستوده می‌شود

«۳۵۶۹» هر کس تقوا و ورع را خُلق خود سازد، و کرم را زیور خویش گیرد، با ستایش‌هایی که از او می‌شود، بر دشمنانش پیروز می‌گردد و با ذکر زیبا و جمیل از رسیدن کاستی به او جلوگیری می‌شود.

۹-۲-۱۴-۲-۲ فراوان ستوده می‌شود

«۳۵۷۰» آن‌که پرهیزکاری خوی او و احسان زیورش باشد، ستایش نیکو را از دشمنانش به یاری می‌گیرد و با ستایش‌هایی که از او می‌شود، بر دشمنانش پیروز می‌گردد.

۹-۲-۱۴-۳ تحسین

«۳۵۷۱» به تقوا پناه برید که سپری مستحکم است و هر که به آن رو کرد نیکویش گرداند و هر که به آن پناه برد، پناهش داد.

۹-۲-۱۴-۴ ستایش

«۳۵۷۲» خوشا به حال کسی که از تقوای پسندیده فرمانبرداری کند و هوی و هوس نکوهیده را نافرمانی نماید.

۹-۲-۱۴-۵ به نیکی یاد می‌شود

«۳۵۷۳» هر کس تقوا و ورع را خُلق خود سازد، و کرم را زیور خویش گیرد، با ستایش‌هایی که از او می‌شود، بر دشمنانش پیروز می‌گردد و با ذکر زیبا و جمیل از رسیدن کاستی به او جلوگیری می‌شود.

﴿ثَمَرَاتُ التَّقْوَى / ثَمَرَاتُ التَّقْوَى فِي الدُّنْيَا﴾

٩-٢-١٤-٦- التزيين

﴿٣٥٧٤﴾ الكاظم عليه السلام: اللَّهُمَّ زَيِّنْ زِينَتِي بِالتَّقْوَى؛ مستدرک الوسائل، ج ١، ص ٤١١

﴿٣٥٧٥﴾ السجاد عليه السلام: أَسْتَوْدِعُكَ يَا إِلَهِي غُدُوِّي وَرَوَاجِي وَمَقِيلِي وَأَهْلَ وَلَائِي مَنْ كَانَ مِنْهُمْ هُوَ أَوْ كَائِنُ زِينَتِي وَإِيَّاهُمْ بِالتَّقْوَى؛ بحار الأنوار، ج ٨٧، ص ٦٨

٩-٢-١٤-٦-١- تزيين المروءة

﴿٣٥٧٦﴾ أمير المؤمنين عليه السلام: الْوَرَعُ يُصْلِحُ الدِّينَ وَيَصُونُ النَّفْسَ وَيُزَيِّنُ الْمَرْوَةَ؛ غرر الحكم،

ص ٢٧١

٩-٢-١٤-٧- أَهْلِيَّةُ أَخَذِ الدُّعَاءِ

﴿٣٥٧٧﴾ الرسول ﷺ: أَنَّ جَبْرَائِيلَ نَزَلَ عَلَيْهِ بِهَذَا الدُّعَاءِ مِنَ السَّمَاءِ وَنَزَلَ عَلَيْهِ ضَاحِكًا مُسْتَبْشِرًا فَقَالَ السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا مُحَمَّدٌ قَالَ وَعَلَيْكَ السَّلَامُ يَا جَبْرَائِيلُ فَقَالَ إِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ بَعَثَ إِلَيْكَ بِهَدِيَّةٍ قَالَ وَمَا تِلْكَ الْهَدِيَّةُ يَا جَبْرَائِيلُ قَالَ كَلِمَاتٌ مِنْ كُنُوزِ الْعَرْشِ أَكْرَمَكَ اللَّهُ بِهَا... فَعَلَّمَهُنَّ يَا مُحَمَّدُ الْمُتَّقِينَ وَ لَا تَعْلَمُهُنَّ الْمُنَافِقِينَ فَإِنَّهَا دَعْوَةٌ مُسْتَجَابَةٌ لِقَائِلِهِنَّ إِنْ شَاءَ اللَّهُ وَ هُوَ دُعَاءُ أَهْلِ الْبَيْتِ الْمَعْمُورِ حَوْلَهُ إِذَا كَانُوا يَطُوفُونَ بِهِ؛ بحار الأنوار، ج ٩٢، ص ١٩٨

﴿٣٥٧٨﴾ الصادق عليه السلام: لَا تَطْلُعُوا هَذَا الدُّعَاءَ وَالتَّسْبِيحَ إِلَّا مَنْ اجْتَمَعَتْ فِيهِ خَمْسَةٌ خِصَالُ

الْهُدَى وَالتَّقَى وَ الْوَرَعُ وَ الصِّيَانَةُ وَ الزُّهْدُ وَ لَا تَعْلَمُوهَا سَفَهَاءُكُمْ؛ بحار الأنوار، ج ٩٢، ص ٤٤١

﴿٣٥٧٩﴾ الرسول ﷺ: يَا مُحَمَّدُ وَمَنْ دَعَا بِهِ فِي شَهْرِ رَمَضَانَ ثَلَاثَ مَرَّاتٍ أَوْ مَرَّةً وَاحِدَةً حَرَّمَ اللَّهُ جَسَدَهُ عَلَى النَّارِ وَ وَجَبَتْ لَهُ الْجَنَّةُ وَ وَكَّلَ اللَّهُ بِهِ مَلَكَ يَحْفَظَانِهِ مِنَ الْمَعَاصِي وَ كَانَ فِي أَمَانِ اللَّهِ تَعَالَى طُولَ حَيَاتِهِ وَ عِنْدَ مَمَاتِهِ يَا مُحَمَّدُ وَ لَا تَعْلَمُهُ إِلَّا لِمُؤْمِنٍ تَقَى؛ بحار الأنوار،

ج ٩١، ص ٣٨٤

٩-٢-١٥- الحِفظُ، الْحِجْزُ، الْحِرْزُ، الْحِصْنُ، الْجَنَّةُ، الْعِقَالُ وَ راجع: الفصل الأول؛ التقوى لباس،

التَّقْوَى جُنَّةٌ، التَّقْوَى حِصْنٌ

٩-٢-١٥-١- الْحِيفُ

٩-٢-١٥-١-١- الْحِيفُ مِنَ السَّيِّئَاتِ

﴿٣٥٨٠﴾ أمير المؤمنين عليه السلام: الْوَرَعُ جُنَّةٌ مِنَ السَّيِّئَاتِ؛ غرر الحكم، ص ٢٧٠

«نتایج تقوا / نتایج پرهیزکاری در دنیا»

۹-۲-۱۴-۶- تزئین

﴿۳۵۷۴﴾ خداوندا! مرا با تقوا زینت بده.

﴿۳۵۷۵﴾ خدایا! صبحگاهم، شامگاهم، بستم و افراد تحت سرپرستی‌ام، کسی که از آنان بوده یا هست را به تو می‌سپارم، من و آنان را به تقوا مزین کن.

۹-۲-۱۴-۶-۱- تزئین جوانمردی

﴿۳۵۷۶﴾ ورع دین را اصلاح می‌کند و نفس را مصون و ایمن می‌کند و مروت را تزئین می‌کند.

۹-۲-۱۴-۷- شایستگی دریافت دعا

﴿۳۵۷۷﴾ جبرئیل این دعا را از آسمان بر ایشان فرود آورد و با خنده و بشارت بر ایشان نازل شد و فرمود: «سلام بر تو ای محمد». فرمود: «و سلام بر تو ای جبرئیل»، عرض کرد: «خداوند بلندمرتبه این هدیه را به‌سوی تو فرستاد»، فرمود: «ای جبرئیل! آن چه هدیه‌ای است؟» جواب داد: «کلماتی از گنج‌های عرش که خداوند تو را به‌وسیله‌ی آن گرامی داشت» ... ای محمد! این کلمات را به تقواییشان بیاموز و به منافقان نیاموز، به‌راستی که آن‌ها دعای مستجابی برای گوینده‌شان هستند این شاء الله، و آن دعای اهل بیت المعمور است آنگاه که به دور آن طواف کنند».

﴿۳۵۷۸﴾ کسی را بر این دعا و تسبیح آگاه نکنید مگر این که پنج خصلت را داشته باشد هدایت، تقوا، ورع، امانتداری و زهد و آن را به کم خردان نیاموزید.

﴿۳۵۷۹﴾ جبرئیل گفت: ای محمد! و هر کس در ماه رمضان سه بار یا یک بار آن را بخواند خداوند بدنش را بر آتش حرام می‌کند و بهشت را بر او واجب می‌گرداند. و خداوند دو فرشته را مأمور می‌کند تا او را از گناهان بازدارند و در تمام مدت زندگی و پس از مرگ در امان خداوند خواهد بود. ای محمد، آن را جز به مؤمنان پرهیزکار یاد نده.

۹-۲-۱۵- حفظ، نگهداری، قلعه، سپر، بند و ربه: فصل ۱؛ پرهیزکاری لباس و سپر و قلعه است

۹-۲-۱۵-۱- حفظ

۹-۲-۱۵-۱-۱- نگهداری از بدی‌ها

﴿۳۵۸۰﴾ ورع، سپری در برابر گناهان است.

﴿ثَمَرَاتُ التَّقْوَى / ثَمَرَاتُ التَّقْوَى فِي الدُّنْيَا﴾

١-٢-١٥-٩-٢- حفظُ الدِّينِ

﴿٣٥٨١﴾ أمير المؤمنين عليه السلام: أَمْنَعُ حُصُونِ الدِّينِ التَّقْوَى؛ غررالحكم، ص ٢٧٠

١-٢-١٥-٩-٢- الحِجْزُ

١-٢-١٥-٩-٢- عَنِ مَعَاصِي اللَّهِ

﴿٣٥٨٢﴾ الرَّسُولُ ﷺ: ثَلَاثٌ مَنْ لَمْ تَكُنْ فِيهِ أَوْ وَاحِدَةٌ مِنْهُنَّ فَلَا يُعْتَدَنَّ بِشَيْءٍ مِنْ عَمَلِهِ تَقْوَى يَحْجُزُهُ عَنْ مَعَاصِي اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ أَوْ حِلْمٌ يَكْفُ بِهِ السَّفِيهَ أَوْ خُلُقٌ يَعِيشُ بِهِ فِي النَّاسِ؛ بحار الأنوار، ج ٤٨، ص ٣٩٤

﴿٣٥٨٣﴾ الصَّادِقُ عليه السلام: وَارْزُقْنِي مِنَ الْوَرَعِ مَا يَحْجُزُنِي عَنْ مَعَاصِيكَ؛ بحار الأنوار، ج ٩٤،

ص ٣٣٦

﴿٣٥٨٤﴾ الصَّادِقُ عليه السلام: عَلَيْكَ بَوْرَعٌ يَحْجُزُكَ عَنْ مَعَاصِي اللَّهِ؛ الكافي، ج ٤، ص ٣٣٧

﴿٣٥٨٥﴾ الرَّسُولُ ﷺ: لَا يَكْمُلُ الْمُؤْمِنُ فِي إِيْمَانِهِ حَتَّى تَكُونَ فِيهِ ثَلَاثٌ خِصَالٌ حِلْمٌ يَرُدُّهُ

عَنِ الْجَهْلِ وَوَرَعٌ يَحْجُزُهُ عَنِ الْمَعَاصِي وَكَرَمٌ يَحْسُنُ بِهِ صُحْبَتُهُ؛ مستدرک الوسائل، ج ١١، ص ٢٨٨

﴿٣٥٨٦﴾ السَّجَّادُ عليه السلام: اللَّهُمَّ أَعْطِنِي بَصِيرَةً فِي دِينِكَ وَفَهْمًا فِي حُكْمِكَ وَفَقْهًا فِي عِلْمِكَ

وَكَفْلَيْنِ مِنْ رَحْمَتِكَ وَوَرَعًا يَحْجُزُنِي عَنْ مَعَاصِيكَ؛ بحار الأنوار، ج ٩٥، ص ٩٢

١-٢-١٥-٩-٢- عَنْ تَقَحُّمِ الشُّبُهَاتِ

﴿٣٥٨٧﴾ أمير المؤمنين عليه السلام: ذِمَّتِي بِمَا أَقُولُ رَهِينَةٌ وَأَنَا بِهِ زَعِيمٌ إِنَّ مَنْ صَرَّحَتْ لَهُ الْعِبَرُ عَمَّا

بَيْنَ يَدَيْهِ مِنَ الْمَثَلَاتِ حَجَزَتْهُ التَّقْوَى عَنْ تَقَحُّمِ الشُّبُهَاتِ؛ نهج البلاغة، ص ٥٧

١-٢-١٥-٩-٢- عَنِ الْمَحَارِمِ

﴿٣٥٨٨﴾ الرَّسُولُ ﷺ: مَنْ لَمْ يَكُنْ فِيهِ ثَلَاثٌ لَمْ يَجِدْ طَعْمَ الْإِيْمَانِ حِلْمٌ يَرُدُّ بِهِ جَهْلَ الْجَاهِلِ وَ

وَرَعٌ يَحْجُزُهُ عَنِ الْمَحَارِمِ وَخُلُقٌ يُدَارِي بِهِ النَّاسَ؛ مستدرک الوسائل، ج ١١، ص ٢٩١

﴿٣٥٨٩﴾ حَدِيثٌ قَدْسِي: يَا أَحْمَدُ هَلْ تَدْرِي مَتَى يَكُونُ [لِي] الْعَبْدُ عَابِدًا قَالَ لَا يَا رَبَّ قَالَ إِذَا

اجْتَمَعَ فِيهِ سَبْعُ خِصَالٍ وَرَعٌ يَحْجُزُهُ عَنِ الْمَحَارِمِ وَصَمْتُ يَكْفُهُ عَمَّا لَا يَعْنِيهِ وَخَوْفٌ يَزِدُّهُ فِي

كُلِّ يَوْمٍ مِنْ بُكَائِهِ وَحَيَاءٌ يَسْتَجِي مَنِي فِي الْخَلَاءِ وَ أَكَلُ مَا لَا بُدَّ مِنْهُ وَ بِنِغْصُ الدُّنْيَا لِبِنِغْصِي لَهَا وَ

يُحِبُّ الْأَخْيَارَ لِحُبِّي لَهُمْ؛ مستدرک الوسائل، ج ٩، ص ١٩

«نتایج تقوا / نتایج پرهیزکاری در دنیا»

۹-۲-۱۵-۱-۲-۱ حفظ دین

﴿۳۵۸۱﴾ مستحکم‌ترین قلعه در دین، تقواست.

۹-۲-۱۵-۲-۱-۲ نگهداری

۹-۲-۱۵-۲-۱-۲-۱ از نافرمانی خدا

﴿۳۵۸۲﴾ سه چیز است که اگر این‌ها یا لااقل یکی از این‌ها در کسی نباشد، به اعمال و عبادتش اعتنایی مکن: «تقوا و پرهیزی که او را از معصیت الهی باز دارد؛ یا حلم و بردباری که نادان و احمق را از خود دور کند؛ یا اخلاق خوشی که در جامعه زندگی کند».

﴿۳۵۸۳﴾ از پارسایی آنقدر روزی‌ام فرما که مرا از نافرمانی‌ات باز دارد.

﴿۳۵۸۴﴾ تا آن حدّ پرهیزکار باش که از نافرمانی خدا مانع گردد.

﴿۳۵۸۵﴾ ایمان مؤمن کامل نمی شود مگر آنکه سه خصلت در او باشد: بردباری‌ای که او را از جهل باز دارد، ورعی که مانع او از ارتکاب معصیت خدا شود و کرامتی که موجب هم‌صحبتی خوب او شود.

﴿۳۵۸۶﴾ خدایا! بصیرت در دین و فهم احکام و ژرف‌اندیشی در دانش خود و دو بهره کامل از رحمت و پرهیزی که مرا از نافرمانی تو باز دارد، عطایم کن.

۹-۲-۱۵-۲-۲-۱ از افتادن در شبهات

﴿۳۵۸۷﴾ نسبت به آنچه می‌گویم مسئولیت دارم، و نسبت به آن ضامن و پای‌بندم. کسی که عبرت‌های روزگار کیفرهای پیش رویش را بر او آشکار کند، تقوا او را از در افتادن در اشتباهات مانع می‌گردد.

۹-۲-۱۵-۲-۳-۱ از محرّمات

﴿۳۵۸۸﴾ کسی که سه خصلت ندارد، طعم ایمان را نمی‌چشد: بردباری‌ای که به کمک آن از پس جهل جاهلان برآید، ورعی که مانع او از ارتکاب معصیت خدا شود و اخلاق [خوبی] که بتواند با مردم مدارا کند.

﴿۳۵۸۹﴾ ای احمد! آیا می‌دانی بنده چه وقت عابد به حساب می‌آید؟ عرض کرد: «نه»، فرمود: «وقتی که هفت خصلت در او جمع شود، که عبارتند از: ورعی که او را از حرام‌ها باز دارد. خاموشی‌ای که او را از سخنان بی‌پهوده نگاه دارد. ترسی که هر روز بر گریه‌اش بیفزاید. حیا و شرمی که او را در نهان از من شرم‌منده سازد. به اندازه‌ی رفع گرسنگی غذا بخورد. چون من دنیا را دشمن می‌دارم، او نیز دنیا را دشمن بدارد. چون من خوبان را دوست می‌دارم، او نیز آن‌ها را دوست بدارد.

﴿ثَمَرَاتُ التَّقْوَى / ثَمَرَاتُ التَّقْوَى فِي الدُّنْيَا﴾

﴿٣٥٩٠﴾ الصَّادِقُ عَلَيْهِ السَّلَامُ: مَنْ لَمْ تَكُنْ فِيهِ ثَلَاثُ خِصَالٍ لَمْ يَنْفَعْهُ الْإِيمَانُ حِلْمٌ يَرُدُّ بِهِ جَهْلَ الْجَاهِلِ وَوَرَعٌ يَحْجُزُهُ عَنْ طَلَبِ الْمَحَارِمِ وَخُلُقٌ يُدَارِي بِهِ النَّاسَ؛ بحار الأنوار، ج ٧٥، ص ٢٣٧
﴿٣٥٩١﴾ أمير المؤمنين عليه السلام: الْوَرَعُ يَحْجُزُ عَنِ ارْتِكَابِ الْمَحَارِمِ؛ غرر الحكم، ص ٢٧٢
١٥-٢-٩- الحِرْزُ

١-٣-١٥-٢-٩- التَّقْوَى حِرْزٌ لِمَنْ عَمِلَ بِهَا

﴿٣٥٩٢﴾ أمير المؤمنين عليه السلام: التَّقْوَى حِرْزٌ لِمَنْ عَمِلَ بِهَا؛ غرر الحكم، ص ٢٧٠

١٥-٢-٩-٣- التَّقْوَى فِي الْيَوْمِ الْحِرْزُ

﴿٣٥٩٣﴾ أمير المؤمنين عليه السلام: فَإِنَّ التَّقْوَى فِي الْيَوْمِ الْحِرْزُ وَالْجَنَّةُ وَفِي غَدِ الطَّرِيقُ إِلَى الْجَنَّةِ؛

نهج البلاغة، ص ٢٨٤

١٥-٢-٩-٣- التَّقْوَى حِرْزٌ مِنَ النَّارِ

﴿٣٥٩٤﴾ الصَّادِقُ عَلَيْهِ السَّلَامُ: فَإِنَّهُ مَنْ يَتَّقِ اللَّهَ فَقَدْ أَحْرَزَ نَفْسَهُ مِنَ النَّارِ بِإِذْنِ اللَّهِ وَأَصَابَ الْخَيْرَ

كُلَّهُ فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ؛ بحار الأنوار، ج ٢٤، ص ٢٨٦

١٥-٢-٩-٣- التَّقْوَى تَوَلُّوْا بِكُمْ إِلَى مَعَاوِلِ الْحِرْزِ

﴿٣٥٩٥﴾ أمير المؤمنين عليه السلام: أَوْصِيَكُمْ عِبَادَ اللَّهِ بِتَّقْوَى اللَّهِ فَإِنَّهَا الزَّمَامُ وَالْقِيَامُ فَتَمَسَّكُوا

بِوَتَائِقِهَا وَاعْتَصِمُوا بِحَقَائِقِهَا تَوَلُّوْا بِكُمْ إِلَى أَكْنَانِ الدَّعَةِ وَأَوْطَانِ السَّعَةِ وَمَعَاوِلِ الْحِرْزِ وَمَنَازِلِ

الْعِزِّ فِي يَوْمٍ تَشْخَصُ فِيهِ الْأَبْصَارُ؛ نهج البلاغة، ص ٣٠٩

١٥-٢-٩-٣- لَا مَعْقِلَ أَحْرَزُ مِنَ الْوَرَعِ

﴿٣٥٩٦﴾ أمير المؤمنين عليه السلام: لَا مَعْقِلَ أَحْرَزُ مِنَ الْوَرَعِ؛ بحار الأنوار، ج ٧٤، ص ٢٣٨

١٥-٢-٩-٣- أَحْرَزُ حِرْزٌ

﴿٣٥٩٧﴾ أمير المؤمنين عليه السلام: فَإِنَّ التَّقْوَى أَفْضَلُ كَنْزٍ وَأَحْرَزُ حِرْزٍ وَأَعَزُّ عِزٍّ فِيهِ نَجَاةُ كُلِّ

هَارِبٍ وَدَرَكٌ كُلِّ طَالِبٍ وَظَفَرٌ كُلِّ غَالِبٍ؛ مجموعة ورام، ج ٢، ص ٨٨

١٥-٢-٩-٤- الْحِصْنُ

﴿٣٥٩٨﴾ العسكري عليه السلام: مَنْ كَانَ الْوَرَعُ سَجِيَّتَهُ وَالْإِفْضَالُ حَلِيَّتَهُ انْتَصَرَ مِنْ أَعْدَائِهِ بِحُسْنِ

الْتِمَاءِ عَلَيْهِ وَتُحَصَّنَ بِالذِّكْرِ الْجَمِيلِ مِنْ وُضُولِ نَقْصِ إِلَيْهِ؛ بحار الأنوار، ج ٦٦، ص ٤٠٧

﴿١٠٣٢﴾

«نتایج پرهیزکاری در دنیا»

﴿۳۵۹۰﴾ هر کس سه خصلت را ندارد ایمانش به او سودی نمی‌بخشد: حلمی که نادانی جاهلان را از او بگرداند، پرهیزکاری‌ای که او را از حرام باز دارد، و اخلاقی که بتواند با مردم بسازد.

﴿۳۵۹۱﴾ ورع از ارتکاب گناهان جلوگیری می‌کند.

۹-۲-۱۵-۳- نگهبانی

۹-۲-۱۵-۳-۱- پرهیزکاری برای کسی که بدان عمل کند نگهبان است

﴿۳۵۹۲﴾ تقوا برای کسی که به آن عمل کند، حرز و امان است.

۹-۲-۱۵-۳-۲- پرهیزکاری در دنیا نگهبان است

﴿۳۵۹۳﴾ به‌درستی که پرهیزکاری امروز حرز و سپر است و فردا راهی به‌سوی بهشت است.

۹-۲-۱۵-۳-۳- پرهیزکاری از آتش نگهبان است

﴿۳۵۹۴﴾ هر کس تقوا پیشه کند، به لطف خدا جان خویش را از آتش جهنم رها نموده و به تمام خیر دنیا و آخرت رسیده است.

۹-۲-۱۵-۳-۴- پرهیزکاری شما را به قلعه‌های حفاظت شده می‌کشاند

﴿۳۵۹۵﴾ ای بندگان خدا! شما را به پرهیزکاری سفارش می‌کنم، که عامل کنترل و مایه‌ی استواری شماست، پس به رشته‌های تقوا چنگ زنید و به حقیقت‌های آن پناه آورید، تا شما را به سر منزل آرامش و جایگاه‌های وسیع و پناهگاه‌های محکم و منزلگاه‌های پر عزت برساند، در روزی که چشم‌ها خیره می‌شود.

۹-۲-۱۵-۳-۵- هیچ قلعه‌ای محکم‌تر از ورع نیست

﴿۳۵۹۶﴾ دژی محکم‌تر از پرهیزکاری نیست.

۹-۲-۱۵-۳-۶- حفاظت‌کننده‌ترین حفاظ

﴿۳۵۹۷﴾ تقوا پرفضیلت‌ترین گنج و محکم‌ترین سپر و پرنفوذترین عزت است. نجات هر گریزان و رسیدن هر درخواست‌کننده به طلبش و پیروزی هر شخص پیروز در تقواست.

۹-۲-۱۵-۴- قلعه‌ی محافظ

﴿۳۵۹۸﴾ هر کس تقوا و ورع را خلق خود سازد، و کرم را زیور خویش گیرد، با ستایش‌هایی که از او می‌شود، بر دشمنانش پیروز می‌گردد و با ذکر زیبا و جمیل از رسیدن کاستی به او جلوگیری می‌شود.

﴿ثَمَرَاتُ التَّقْوَى / ثَمَرَاتُ التَّقْوَى فِي الدُّنْيَا﴾

١-٤-١٥-٩-٢- دارُ حصْنِ عَزِيزٍ

﴿٣٥٩٩﴾ أمير المؤمنين عليه السلام: اَعْلَمُوا عِبَادَ اللَّهِ أَنَّ التَّقْوَى دَارُ حِصْنٍ عَزِيزٍ وَالْفُجُورَ دَارُ حِصْنٍ

ذَلِيلٍ؛ نهج البلاغة، ص ٢٢١

٢-٤-١٥-٩-٢- التَّقْوَى حِصْنٌ حَصِينٌ

﴿٣٦٠٠﴾ أمير المؤمنين عليه السلام: التَّقْوَى حِصْنٌ حَصِينٌ لِمَنْ لَجَأَ إِلَيْهِ؛ غرر الحكم، ص ٢٧٠

﴿٣٦٠١﴾ أمير المؤمنين عليه السلام: اَعْلَمُوا عِبَادَ اللَّهِ أَنَّ التَّقْوَى حِصْنٌ حَصِينٌ وَالْفُجُورَ حِصْنٌ ذَلِيلٌ لَا

يَمْنَعُ أَهْلَهُ وَلَا يُخْرِزُ مَنْ لَجَأَ إِلَيْهِ؛ بحار الأنوار، ج ٧٥، ص ٦٢

٣-٤-١٥-٩-٢- أَمْنَعُ حِصْنٌ

﴿٣٦٠٢﴾ أمير المؤمنين عليه السلام: لَا حِصْنَ أَمْنَعُ مِنَ التَّقْوَى؛ غرر الحكم، ص ٢٧٠

٤-٤-١٥-٩-٢- حصن الدين

﴿٣٦٠٣﴾ أمير المؤمنين عليه السلام: بِصِدْقِ الْوَرَعِ يُحَصِّنُ الدِّينَ؛ غرر الحكم، ص ٢٧١

٥-٤-١٥-٩-٢- الْجَنَّةُ

١-٥-١٥-٩-٢- التَّقْوَى جَنَّةٌ

﴿٣٦٠٤﴾ أمير المؤمنين عليه السلام: التَّقْوَى أَكْثَرُ سَبَبٍ بَيْنَكَ وَبَيْنَ اللَّهِ إِنْ أَخَذْتَ بِهِ وَجَنَّةٌ مِنْ

عَذَابٍ أَلِيمٍ؛ غرر الحكم، ص ٢٧٠

٢-٥-١٥-٩-٢- التَّقْوَى جَنَّةٌ مَنِيعةٌ

﴿٣٦٠٥﴾ أمير المؤمنين عليه السلام: وَاجْتَوُوا إِلَى التَّقْوَى فَإِنَّهُ [فَإِنَّهَا] جَنَّةٌ مَنِيعةٌ مَنْ لَجَأَ إِلَيْهَا

حَسَنَتُهُ وَمَنْ اغْتَصَمَ بِهَا عَصَمَتْهُ؛ غرر الحكم، ص ٢٧٠

٣-٥-١٥-٩-٢- الْوَرَعُ جَنَّةٌ

﴿٣٦٠٦﴾ أمير المؤمنين عليه السلام: الْوَرَعُ جَنَّةٌ؛ نهج البلاغة، ص ٤٦٩

٤-٥-١٥-٩-٢- الْمَعْقِلُ

١-٤-١٥-٩-٢- أَحْسَنُ الْمَعْقِلِ

﴿٣٦٠٧﴾ أمير المؤمنين عليه السلام: لَا مَعْقِلَ أَحْسَنُ مِنَ الْوَرَعِ؛ نهج البلاغة، ص ٥٤٠

﴿نتایج تقوا / نتایج پرهیزکاری در دنیا﴾

۹-۲-۱۵-۴-۱- پرهیزکاری خانه‌ی حفاظت‌شده‌ی نفوذناپذیر است

﴿۳۵۹۹﴾ ای بندگان خدا! بدانید که تقوا، دژی محکم و شکست‌ناپذیر است، اما هرزگی و گناه، خانه‌ای در حال فروریختن و خوارکننده است.

۹-۲-۱۵-۴-۲- پرهیزکاری قلعه‌ی حفاظت‌شده است

﴿۳۶۰۰﴾ تقوا برای کسی که به آن پناه برد، قلعه‌ای مستحکم است.

﴿۳۶۰۱﴾ بندگان خدا! بدانید که پرهیزکاری قلعه‌ی محکم و استواری است و تبهکاری

قلعه‌ای سست و بی‌بنیاد، که نه ساکنان خود را [از آسیب] جلوگیری می‌کند، و نه پناهنده به آن را در امان می‌دارد.

۹-۲-۱۵-۴-۳- دست‌نیافتنی‌ترین قلعه

﴿۳۶۰۲﴾ تقوا تنها قلعه‌ی مستحکم است.

۹-۲-۱۵-۴-۴- نگهبان دین

﴿۳۶۰۳﴾ با درستی ورع، دین محفوظ می‌شود.

۹-۲-۱۵-۵- سپر

۹-۲-۱۵-۵-۱- پرهیزکاری سپر است

﴿۳۶۰۴﴾ اگر از تقوا بهره‌گیری، میان تو و خدا را محکم می‌کند و سپر تو از عذاب دردناک می‌گردد.

۹-۲-۱۵-۵-۲- پرهیزکاری سپر نفوذناپذیر است

﴿۳۶۰۵﴾ به تقوا پناه برید که سپری مستحکم است و هر که به آن رو کرد نیکویش گرداند و هر که به آن پناه برد، پناهِش داد.

۹-۲-۱۵-۵-۳- ورع سپر است

﴿۳۶۰۶﴾ پاکدامنی سپر است.

۹-۲-۱۵-۶- قلعه

۹-۲-۱۵-۶-۱- بهترین قلعه

﴿۳۶۰۷﴾ دژی نیکوتر از پرهیزکاری نیست.

﴿ثَمَرَاتُ التَّقْوَى / ثَمَرَاتُ التَّقْوَى فِي الدُّنْيَا﴾

١٥-٢-٩-٧-صِيَانَةُ

﴿٣٦٠٨﴾ أمير المؤمنين عليه السلام: التَّقْوَى... أَلَا فَصُونُوهَا وَتَصُونُوا بِهَا؛ نهج البلاغة، ص ٢٨٤

﴿٣٦٠٩﴾ أمير المؤمنين عليه السلام: لَا صِيَانَةَ لِمَنْ لَا وَرَعَ لَهُ؛ غررالحكم، ص ٢٧٠

١٥-٢-٩-٧-١-خَيْرُ صِيَانَةٍ

﴿٣٦١٠﴾ أمير المؤمنين عليه السلام: عَلَيْكَ بِالْوَرَعِ فَإِنَّهُ خَيْرُ صِيَانَةٍ؛ غررالحكم، ص ٢٧٠

١٥-٢-٩-٧-٢-صِيَانَةُ النَّفْسِ

﴿٣٦١١﴾ أمير المؤمنين عليه السلام: الْوَرَعُ يُصْلِحُ الدِّينَ وَ يَصُونُ النَّفْسَ وَ يُزَيِّنُ الْمُرُوَّةَ؛ غررالحكم،

ص ٢٧١

﴿٣٦١٢﴾ أمير المؤمنين عليه السلام: مَنْ تَوَرَعَ عَنِ الشَّهَوَاتِ صَانَ نَفْسَهُ؛ مستدرک الوسائل، ج ١١،

ص ٣٤٥

١٥-٢-٩-٧-٣-صِيَانَةُ الْجَانِبِ

﴿٣٦١٣﴾ أمير المؤمنين عليه السلام: مِنَ الْمَقْرُوضِ عَلَى كُلِّ عَالِمٍ أَنْ يَصُونَ بِالْوَرَعِ جَانِبَهُ وَأَنْ يَبْذُلَ

عِلْمَهُ لَطَالِبِهِ؛ غررالحكم، ص ٤٤

١٥-٢-٩-٧-٤-صِيَانَةُ الدِّينِ

﴿٣٦١٤﴾ الصَّادِقُ عليه السلام: صُونُوا دِينَكُمْ بِالْوَرَعِ وَ قُوَّةِ التَّقَى؛ ثواب الأعمال، ص ٢٤٦

١٥-٢-٩-٨-إِسْتِبْرَاءُ الدِّينِ وَالْعَرَضِ

﴿٣٦١٥﴾ الرَّسُولُ ﷺ: حَلَالٌ بَيْنُ وَ حَرَامٌ بَيْنُ وَ بَيْنَهُمَا شُبُهَاتٌ لَا يَعْلَمُهَا كَثِيرٌ مِنَ النَّاسِ فَمَنْ

اتَّقَى الشُّبُهَاتِ فَقَدْ اسْتَبْرَأَ لِدِينِهِ وَ عَرَضِهِ؛ مستدرک الوسائل، ج ١٧، ص ٣٢٣

١٥-٢-٩-٩-إِمَاطَةُ الْأَذَى

﴿٣٦١٦﴾ الرَّسُولُ ﷺ: يَا مُغْنَى أَهْلِ التَّقْوَى بِإِمَاطَتِهِ الْأَذَى فِي جَمِيعِ الْأُمُورِ عَنْهُمْ؛

مصباح المتعجد، ص ٢٣٧

١٥-٢-٩-١٠-صَرَفُ شَرِّ الْأَعْدَاءِ

﴿٣٦١٧﴾ الْمَهْدِيُّ عليه السلام: وَ اصْرِفِ اللَّهُمَّ عَنِّي مِنْ شَرِّهِ وَ مَكْرِهِ وَ فَسَادِهِ وَ ضَرِّهِ مَا تَصْرِفُهُ عَنِ

الْقَوْمِ الْمُتَّقِينَ؛ البلد الأمين، ص ٣٣٥

«نتایج تقوا / نتایج پرهیزکاری در دنیا»

۹-۲-۱۵-۷- حفاظت

﴿۳۶۰۸﴾ آگاه باشید! تقوا را حفظ کنید و خویشتن را با تقوا حفظ نمایید.

﴿۳۶۰۹﴾ کسی که ورع ندارد، [مصون و] در امان نیست.

۹-۲-۱۵-۷-۱- بهترین حفاظت

﴿۳۶۱۰﴾ بر تو باد به مراعات ورع که بهترین محافظ است.

۹-۲-۱۵-۷-۲- حفاظت نفس

﴿۳۶۱۱﴾ ورع دین را اصلاح می‌کند و نفس را مصون و ایمن می‌کند و مروت را تزئین می‌کند.

﴿۳۶۱۲﴾ هرکس از شهوت‌ها پرهیز کند، خودش را حفظ کرده است.

۹-۲-۱۵-۷-۳- حفاظت اطراف

﴿۳۶۱۳﴾ بر هر عالمی واجب است که با ورع، خودش را حفظ کند و علمش را به درخواست‌کنندگان علمش عطا کند.

۹-۲-۱۵-۷-۴- حفاظت دین

﴿۳۶۱۴﴾ به کمک ورع و نیروی تقوا از دینتان حفاظت کنید.

۹-۲-۱۵-۸- پاک‌نگاه‌داشتن دین و آبرو

﴿۳۶۱۵﴾ حلال و حرام، آشکارند و شبهات میان این دو هستند که عده‌ی زیادی از مردم آن‌ها را نمی‌شناسند [و تشخیص نمی‌دهند]، پس هر کس که در شبهات تقوا پیشه کند دین و آبرویش را [از نابودی] دور کرده است.

۹-۲-۱۵-۹- دور کردن آزار

﴿۳۶۱۶﴾ ای بی‌نیازکننده‌ی تقوایپیشگان با دور کردن سختی‌ها از آنان در تمامی امور.

۹-۲-۱۵-۱۰- برطرف کردن شر دشمنان

﴿۳۶۱۷﴾ خداوند! از من شرّ و مکر و فساد و ضرر را همان‌گونه که از گروه اهل تقوا دور کردی، دور کن.

﴿ثَمَرَاتُ التَّقْوَى / ثَمَرَاتُ التَّقْوَى فِي الدُّنْيَا﴾

١١-١٥-٢-٩-الْقَطْعُ

١-١١-١٥-٢-٩-الْقَطْعُ الْخَطَايَا

﴿٣٦١٨﴾ أمير المؤمنين عليه السلام: أَلَا وَبِالتَّقْوَى تُقَطَّعُ حُمَةُ الْخَطَايَا وَبِالْيَقِينِ تُدْرَكُ الْغَايَةُ

الْقُصُورَى؛ نهج البلاغة، ص ٢٢١

٢-١١-١٥-٢-٩-الْقَطْعُ عِلَاقِ الدُّنْيَا

﴿٣٦١٩﴾ أمير المؤمنين عليه السلام: فَقَطَّعُوا عِلَاقِ الدُّنْيَا وَاسْتَظْهَرُوا بِرَادِ التَّقْوَى؛ نهج البلاغة، ص ٣٢١

١٢-١٥-٢-٩-الْوَقَايَةُ

١-١٢-١٥-٢-٩-مَنْ اتَّقَى اللَّهَ يَتَّقَى

﴿٣٦٢٠﴾ الكاظم عليه السلام: مَنْ اتَّقَى اللَّهَ يَتَّقَى وَمَنْ أَطَاعَ اللَّهَ يُطَاعَ؛ الكافي، ج ١، ص ١٣٧

٢-١٢-١٥-٢-٩-تَوْقَى مَقْتِ اللَّهِ وَعُقُوبَتَهُ وَسَخَطَهُ

﴿٣٦٢١﴾ الرسول ﷺ: إِنْ تَقَوَّى اللَّهَ تَوْقَى مَقْتَهُ وَتَوْقَى عُقُوبَتَهُ وَتَوْقَى سَخَطَهُ؛

مستدرک الوسائل، ج ٦، ص ٣٣

٣-١٢-١٥-٢-٩-أَوْقَى جُنَّةً

﴿٣٦٢٢﴾ أمير المؤمنين عليه السلام: أَوْقَى جُنَّةَ التَّقْوَى؛ غرر الحكم، ص ٢٧٢

١٦-٢-٩-الثَّبَاتُ وَالتَّثْبِيتُ، السَّدَادُ وَالتَّسْدِيدُ

١-١٦-٢-٩-التَّثْبِيتُ

﴿٣٦٢٣﴾ أمير المؤمنين عليه السلام: [كَتَبَ إِلَى مَالِكِ بْنِ الْحَارِثِ الْأَشْترِ:] عَصَمَكُمُ اللَّهُ بِالْهُدَى وَ

تَبَتَّكُمُ بِالتَّقْوَى؛ بحار الأنوار، ج ٣٣، ص ٥٥٢

﴿٣٦٢٤﴾ الرسول ﷺ: اللَّهُمَّ ثَبِّتْنِي بِالتَّقْوَى؛ بحار الأنوار، ج ٩٧، ص ١٧٩

٢-١٦-٢-٩-تَثْبِيتُ الْأَقْدَامِ

﴿٣٦٢٥﴾ أمير المؤمنين عليه السلام: فَاتَّقُوا اللَّهَ يُثَبِّتْ أَقْدَامَكُمْ وَيُنِّمُ نِعْمَتَهُ عَلَيْكُمْ؛ بحار الأنوار، ج ٢٨، ص ٢٤٧

٣-١٦-٢-٩-السَّدَادُ

﴿٣٦٢٦﴾ أمير المؤمنين عليه السلام: فَإِنْ تَقَوَّى اللَّهَ مِفْتَاحُ سَدَادٍ وَذَخِيرَةُ مَعَادٍ وَعِشْقُ مِنْ كُلِّ مَلَكَةٍ وَ

نَجَاةٌ مِنْ كُلِّ هَلَكَةٍ؛ نهج البلاغة، ص ٣٥١

«نتایج تقوا / نتایج پرهیزکاری در دنیا»

۹-۲-۱۵-۱۱- بریدن

۹-۲-۱۵-۱۱-۱- قطع کردن خطاها

«۳۶۱۸» آگاه باشید! با پرهیزکاری، ریشه‌های گناهان را می‌توان برید و با یقین می‌توان به برترین جایگاه معنوی دسترسی پیدا کرد.

۹-۲-۱۵-۱۱-۲- قطع کردن پیوندهای دنیوی

«۳۶۱۹» پس پیوندهای دنیا را از خود قطع کنید، و به توشه تقوا پشت خود را قوی گردانید.

۹-۲-۱۵-۱۲- نگهداری

۹-۲-۱۵-۱۲-۱- هر که از خدا پروا کند حفاظت می‌شود

«۳۶۲۰» هر کس خدا را اطاعت و از او پروا کند، مردم هم از او اطاعت و پروا خواهند کرد.

۹-۲-۱۵-۱۲-۲- تقوا از خشم و عقوبت خدا مصون می‌دارد

«۳۶۲۱» ترس خدا از دشمنی و عقوبت و خشم وی مصون می‌دارد.

۹-۲-۱۵-۱۲-۳- حفاظت‌کننده‌ترین سپر

«۳۶۲۲» تقوا کاراترین سپر است.

۹-۲-۱۶- تثبیت، محکم کردن

۹-۲-۱۶-۱- تثبیت

«۳۶۲۳» [خطاب به مالک بن حارث اشتر:] خداوند شما را با هدایت حفظ کند و با تقوا ثابت

قدم سازد.

«۳۶۲۴» [زیارت پیامبر ﷺ:] بارخدا! مرا با تقوا ثابت بدار.

۹-۲-۱۶-۲- ثابت کردن گام‌ها

«۳۶۲۵» از خدا بترسید تا شما را ثابت قدم بدارد و نعمتش را بر شما تمام نماید.

۹-۲-۱۶-۳- محکم کردن

«۳۶۲۶» قطعاً تقوای الهی کلید درستی و اندوخته‌ی قیامت و رهایی از سلطه‌ی هر سلطه‌گر

و نجات از هر هلاکتی است.

﴿ثَمَرَاتُ التَّقْوَى / ثَمَرَاتُ التَّقْوَى فِي الدُّنْيَا﴾

٩-٢-١٦-٤- التَّسَدِيدُ فِي الْأَمْرِ

﴿٣٦٢٧﴾ الْحَسَنُ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ: وَاعْلَمُوا أَنَّهُ مَنْ يَتَّقِ اللَّهَ يَجْعَلْ لَهُ مَخْرَجًا مِنَ الْفِتَنِ وَيُسَدِّدْهُ فِي أَمْرِهِ وَيُهَيِّئْ لَهُ رُشْدَهُ وَيُفْلِحْهُ بِحُجَّتِهِ وَيَبَيِّضْ وَجْهَهُ وَيُعْطِيهِ رَغْبَتَهُ؛ بحار الأنوار، ج ٧٥، ص ١١٠

٩-٢-١٦-٥- إِسْتِقَامَةُ الدِّينِ

﴿٣٦٢٨﴾ الْأَثَمَةُ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ: بِالْوَرَعِ يَسْتَقِيمُ الدِّينُ؛ مجموعة ورام، ج ٢، ص ١١٩

٩-٢-١٧- القُوَّةُ وَالظَّفَرُ وَالْغَلْبَةُ

٩-٢-١٧-١- القُوَّةُ

﴿٣٦٢٩﴾ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ: فَإِنَّ مَنْ اتَّقَى اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ وَشَبَّحَ وَرَوَى؛ مشكاة الأنوار، ص ٢٦٧

٩-٢-١٥-١٧-١- قُوَّةُ بَدَنِهِ

﴿٣٦٣٠﴾ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ: فَإِنَّ مَنْ اتَّقَى اللَّهَ ... فَجَدَّ وَاجْتَهَدَ وَاتَّعَبَ بَدَنَهُ حَتَّى بَدَتْ الْأَضْلَاعُ وَغَارَتِ الْعَيْنَانِ فَأَبْدَلَهُ اللَّهُ مِنْ ذَلِكَ قُوَّةً فِي بَدَنِهِ وَشِدَّةً فِي عَقْلِهِ وَمَا ادَّخَرَ لَهُ فِي الْآخِرَةِ أَكْثَرَ؛ مشكاة الأنوار، ص ٢٦٧

٩-٢-١٥-١٧-٢- عَاشَ قَوِيًّا

﴿٣٦٣١﴾ الرَّسُولُ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ: مَنْ اتَّقَى اللَّهَ عَاشَ قَوِيًّا وَسَارَ فِي بِلَادِ عَدُوِّهِ آمِنًا؛ بحار الأنوار، ج ٦٧، ص ٢٨٣

٩-٢-١٧-٢- ظَفَرُ كُلِّ غَالِبٍ

﴿٣٦٣٢﴾ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ: فَإِنَّ التَّقْوَى أَفْضَلُ كَنْزٍ وَأَحْزَرُ حِرْزٍ وَأَعَزُّ عِزٍّ فِيهِ نَجَاةُ كُلِّ هَارِبٍ وَدَرَكُ كُلِّ طَالِبٍ وَظَفَرُ كُلِّ غَالِبٍ؛ مجموعة ورام، ج ٢، ص ٨٨

٩-٢-١٧-٣- الغَلْبَةُ

٩-٢-١٧-٣-١- غَلْبَةُ الْأُمُورِ السَّيِّئَةِ وَالْأَهْوَاءِ الْمُرْدِيَةِ

﴿٣٦٣٣﴾ الْعَسْكَرِيُّ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ: قَالَ أَخْبَرَنِي بِالْقُوَّةِ الَّتِي قَوَّى اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ بِهَا الْعِبَادَ فِي تَغَالِبِ تِلْكَ الْأُمُورِ السَّيِّئَةِ وَالْأَهْوَاءِ الْمُرْدِيَةِ قَالَ الْعِلْمُ وَالْعَقْلُ وَالْعَمَلُ بِهِمَا ... الْمَعْرِفَةُ بِالْحَقُوقِ وَالْخُذُودُ فِي التَّقْوَى؛ بحار الأنوار، ج ٧٥، ص ٤٢١

«نتایج تقوا / نتایج پرهیزکاری در دنیا»

۹-۲-۱۶-۴- محکم کردن کار

﴿۳۶۲۷﴾ و بدانید که هرکس تقوای الهی پیشه کند، خداوند از میان [امواج] فتنه راه نجاتی برای او فراهم می‌کند و گامش را در کارش استوار می‌کند و [موجبات] رهیابی او را فراهم کرده و حجتش را پیروزمند و رویش را سپید می‌کند و دلخواهش را به او می‌بخشد.

۹-۲-۱۶-۵- پایداری دین

﴿۳۶۲۸﴾ دین، با ورع استقامت می‌یابد.

۹-۲-۱۷- نیرو و پیروزی و غلبه

۹-۲-۱۷-۱- توان

﴿۳۶۲۹﴾ پس کسی که تقوای خدا را پیشه کند، عزیز و نیرومند می‌گردد و سیر و سیراب می‌شود

۹-۲-۱۵-۱۷-۱- توان بدنی

﴿۳۶۳۰﴾ پس آن که از خدا پروا کند ... باجذیت تلاش می‌کند و جسم خود را به حدی به زحمت می‌اندازد که استخوان‌هایش از شدت لاغری آشکار می‌شوند و چشمانش گودافتاده. پس خداوند درمقابل ریاضت‌های شخص پرهیزکار به جسم او توان و به خرد او صلابت عطا می‌کند. و البته آنچه برای آخرتش ذخیره می‌کند بیشتر است.

۹-۲-۱۵-۱۷-۲- با قوت زندگی می‌کند

﴿۳۶۳۱﴾ کسی که دارای تقوا باشد، در زندگی قوی و نیرومند و در سرزمین دشمن هم در امن و امان است.

۹-۲-۱۷-۲- پیروزی هر پیروزمند

﴿۳۶۳۲﴾ تقوا پرفضیلت‌ترین گنج و محکم‌ترین سپر و پرنفوذترین عزت است. نجات هر گریزان و رسیدن هر درخواست‌کننده به طلبش و پیروزی هر شخص پیروز در تقواست.

۹-۲-۱۷-۳- غلبه

۹-۲-۱۷-۳-۱- غلبه بر امور ناشایست و تمایلات نابودکننده

﴿۳۶۳۳﴾ [شاهزاده] گفت: «من را از آن قوه‌ای که خدای متعال بندگان خود را به آن نیرومند می‌کند تا بر بدکاری‌ها و هوس‌های هلاکت‌بار فائق آیند، باخبر کن؟» بلوهر گفت: «علم و عقل و عمل به آن دو و ... دانستن حدود و حقوق در تقواست».

﴿ثَمَرَاتُ التَّقْوَى / ثَمَرَاتُ التَّقْوَى فِي الدُّنْيَا﴾

٩-٢-١٧-٣-٢- غَلْبَةُ الشَّيْطَانِ

﴿٣٦٣٤﴾ أمير المؤمنين عليه السلام: أَشْعَرُ قَلْبِكَ التَّقْوَى وَ خَالِفِ الْهَوَى تَغْلِبِ الشَّيْطَانَ؛ غرر الحكم، ص ٢٧٤

٩-٢-١٧-٣-٣- مَا تَسْتَظْهَرُ بِهِ عَلَى الْعَدُوِّ

﴿٣٦٣٥﴾ لقمان عليه السلام: يَا بُنَيَّ لِيَكُنْ مِمَّا تَسْتَظْهَرُ بِهِ عَلَى عَدُوِّكَ الْوَرَعَ عَنِ الْمَحَارِمِ وَالْفَضْلُ فِي دِينِكَ وَالصِّيَانَةُ لِمُرُوتِكَ وَالْإِكْرَامُ لِنَفْسِكَ أَنْ تُدْنِسَهَا بِمَعَاصِي الرِّحْمَنِ وَمَسَاوِي الْأَخْلَاقِ وَ قَبِيحُ الْأَفْعَالِ؛ بحار الأنوار، ج ١٣، ص ٤١٨

٩-٢-١٧-٤- الْعَوْنُ

٩-٢-١٧-٤-١- عَوْنُ الدِّينِ وَالْوَلَايَةِ

﴿٣٦٣٦﴾ أمير المؤمنين عليه السلام: مَنْ أَحَبَّنَا فَلْيَعْمَلْ بِعَمَلِنَا وَ لِيَسْتَعِنْ بِالْوَرَعِ فَإِنَّهُ أَفْضَلُ مَا يُسْتَعَانُ بِهِ فِي أَمْرِ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ؛ بحار الأنوار، ج ١٠، ص ٩٢

﴿٣٦٣٧﴾ الباقر عليه السلام: اتَّقُوا اللَّهَ وَ اسْتَعِينُوا عَلَى مَا أَنْتُمْ عَلَيْهِ بِالْوَرَعِ وَ الْجَاهِدَادِ فِي طَاعَةِ اللَّهِ؛

بحار الأنوار، ج ٦، ص ١٨٧

٩-٢-١٧-٤-٢- عَوْنُ صِدْقٍ

﴿٣٦٣٨﴾ الرسول ﷺ: إِنْ تَقَوَّى اللَّهُ لِمَنْ عَمِلَ بِهِ عَلَى وَجَلٍ وَ مَخَافَةٍ مِنْ رَبِّهِ عَوْنٌ صِدْقٌ عَلَى مَا تَبْغُونَ مِنْ أَمْرِ الْآخِرَةِ؛ مستدرک الوسائل، ج ٦، ص ٣٣

٩-٢-١٨- الْعِزُّ، الْفَخْرُ، الْعُلُوُّ

٩-٢-١٨-١- الْعِزُّ

﴿٣٦٣٩﴾ الرسول ﷺ: يَا حَاشِيَ الْعِزِّ قُلُوبَ أَهْلِ التَّقْوَى وَ يَا مُتَوَلِّيَهُمْ بِحُسْنِ سَرَائِرِهِمْ وَ يَا مُؤْمِنَهُمْ بِحُسْنِ تَعَبُّدِهِمْ؛ بحار الأنوار، ج ٩٢، ص ٣٢٠

﴿٣٦٤٠﴾ أمير المؤمنين عليه السلام: فَإِنْ مَنْ اتَّقَى اللَّهَ عَزَّ وَ قَوَّى وَ شَبَّحَ وَ رَوَّى؛ مشكاة الأنوار، ص ٢٦٧

﴿٣٦٤١﴾ لقمان عليه السلام: كُنْ مُتَّقِيًا تَكُنْ عَزِيزًا؛ إرشاد القلوب، ج ١، ص ٧٢

﴿٣٦٤٢﴾ أمير المؤمنين عليه السلام: أَوْصِيَكُمْ عِبَادَ اللَّهِ بِتَقْوَى اللَّهِ فَإِنَّهَا الزَّمَامُ وَ الْقِيَامُ فَتَمَسَّكُوا بِوَتَائِقِهَا وَ اعْتَصِمُوا بِحَقَائِقِهَا تَوَلُّ بِكُمْ إِلَى أَكْثَانِ الدَّعَةِ وَ أَوْطَانِ السَّعَةِ وَ مَعَاوِلِ الْحِرْزِ وَ مَنَازِلِ الْعِزِّ فِي يَوْمٍ تَشْخَصُ فِيهِ الْأَبْصَارُ؛ نهج البلاغة، ص ٣٠٩

﴿١٠٤٢﴾

«نتایج تقوا / نتایج پرهیزکاری در دنیا»

۹-۲-۱۷-۳-۲- غلبه بر شیطان

﴿۳۶۳۴﴾ شعار قلبت را تقوا قرار بده و با هوای نفست مخالفت کن تا بر شیطان غلبه کنی.

۹-۲-۱۷-۳-۳- آنچه بدان در مقابل دشمنت پشتیبانی می‌شوی

﴿۳۶۳۵﴾ پسر! آنچه که باید با آن خودت را در برابر دشمنت حمایت کنی؛ دوری از گناهان، بزرگی دینت، حفظ مردانگی، بزرگ داشتن نفس خود از آنچه که آن را به عصیان خداوند و اخلاق بد و کارهای زشت آلوده کنی، می‌باشد.

۹-۲-۱۷-۴- یاری

۹-۲-۱۷-۴-۱- یاری بر دین و ولایت

﴿۳۶۳۶﴾ کسی که ما اهل بیت را دوست می‌دارد، باید عمل و روشش مانند عمل ما باشد و از ورع و تقوا استعانت جوید که بهترین معین و یاور انسان در امور دنیوی و اخروی تقواست. ﴿۳۶۳۷﴾ تقوای خدا پیشه کنید و ما را به واسطه‌ی آنچه به آن اعتقاد دارید با ورع و اجتهاد در راه طاعت الهی یاری کنید.

۹-۲-۱۷-۴-۲- یاری صادق

﴿۳۶۳۸﴾ پرهیزکاری برای کسی که با بیم و ترس به آن عمل کند برای آن چیزهایی که از آخرت می‌خواهید یآوری نیکوست.

۹-۲-۱۸- عزّت، فخر، برتری

۹-۲-۱۸-۱- عزّت

﴿۳۶۳۹﴾ ای فزاینده‌ی عزّت در دل‌های تقواییان، ای سرپرست آن‌ها به سبب نیکی باطنشان، ای ایمن گرداننده‌ی آنان به سبب بندگی نیکشان.

﴿۳۶۴۰﴾ پس کسی که تقوای خدا را پیشه کند، عزیز و نیرومند می‌گردد و سیر و سیراب

می‌شود

﴿۳۶۴۱﴾ باتقوا باش تا عزّت‌مند شوی.

﴿۳۶۴۲﴾ ای بندگان خدا! شما را به پرهیزکاری سفارش می‌کنم، که عامل کنترل و مایه‌ی استواری شماس، پس به رشته‌های تقوا چنگ زنید و به حقیقت‌های آن پناه آورید، تا شما را به سر منزل آرامش و جایگاه‌های وسیع و پناهگاه‌های محکم و منزلگاه‌های پر عزّت برساند، در روزی که چشم‌ها خیره می‌شود.

﴿ثَمَرَاتُ التَّقْوَى / ثَمَرَاتُ التَّقْوَى فِي الدُّنْيَا﴾

﴿٣٦٤٣﴾ أمير المؤمنين عليه السلام: التَّقْوَى تُعِزُّ الْفُجُورُ يُذِلُّ؛ غرر الحكم، ص ٤٦٢

﴿٣٦٤٤﴾ أمير المؤمنين عليه السلام: الْعَزِيزُ مَنْ أَعَزَّتْهُ التَّقْوَى؛ أعلام الدين، ص ٨٤

﴿٣٦٤٥﴾ أمير المؤمنين عليه السلام: وَرَعَ يَعِزُّ خَيْرٌ مِنْ طَمَعَ يُذِلُّ؛ غرر الحكم، ص ٢٧٢

١-٤-١٨-٢-٩- أَعَزَّهُ مِنْ غَيْرِ عَشِيرَةٍ

﴿٣٦٤٦﴾ الصَّادِق عليه السلام: عَنْ يَعْقُوبَ بْنِ شُعَيْبٍ قَالَ سَمِعْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام يَقُولُ مَا نَقَلَ اللَّهُ

عَزَّ وَجَلَّ عَبْدًا مِنْ ذُلِّ الْمَعَاصِي إِلَى عِزِّ التَّقْوَى إِلَّا أَغْنَاهُ مِنْ غَيْرِ مَالٍ وَأَعَزَّهُ مِنْ غَيْرِ عَشِيرَةٍ وَ

أَنَسَهُ مِنْ غَيْرِ بَشَرٍ؛ الكافي، ج ٢، ص ٧٦

٢-٤-١٨-٢-٩- عِزُّ بِلَا سُلْطَانٍ

﴿٣٦٤٧﴾ أمير المؤمنين عليه السلام: مَنْ اتَّقَى اللَّهَ حَقَّ تَقَاتِهِ أَعْطَاهُ اللَّهُ أَنْسًا بِلَا أَنْيسٍ وَغَنَاءً بِلَا مَالٍ وَ

عِزًّا بِلَا سُلْطَانٍ؛ مستدرک الوسائل، ج ١١، ص ٢٦٥

٣-٤-١٨-٢-٩- أَعَزَّ النَّاسِ

﴿٣٦٤٨﴾ الرَّسُولُ ﷺ: مَنْ أَرَادَ أَنْ يَكُونَ أَعَزَّ النَّاسِ فَلْيَتَّقِ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ؛ مستدرک الوسائل،

ج ١١، ص ٢٦٧

﴿٣٦٤٩﴾ فَهَ الرِّضَا عليه السلام: مَنْ أَرَادَ أَنْ يَكُونَ أَعَزَّ النَّاسِ فَلْيَتَّقِ اللَّهَ سِرَّهُ وَعَلَانِيَتِهِ؛ بحار الأنوار،

ج ٦٧، ص ٢٩٤

﴿٣٦٥٠﴾ الرَّسُولُ ﷺ: مَنْ أَحَبَّ أَنْ يَكُونَ أَعَزَّ النَّاسِ فَلْيَتَّقِ اللَّهَ؛ بحار الأنوار، ج ٧٤، ص ١٣٠

٢-٤-١٨-٩- الْفَخْرُ

﴿٣٦٥١﴾ الرَّسُولُ ﷺ: عَنِ النَّبِيِّ ﷺ أَنَّهُ قَالَ إِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ يَقُولُ وَصَّعْتُ خَمْسَةً فِي

خَمْسَةٍ وَالنَّاسُ يَطْلُبُونَهَا فِي خَمْسَةٍ فَلَا يَجِدُونَهَا وَصَّعْتُ الْغِنَى فِي الْقِنَاعَةِ وَالنَّاسُ يَطْلُبُونَهُ فِي

كَثْرَةِ الْمَالِ فَلَا يَجِدُونَهُ وَصَّعْتُ الْعِزَّ فِي خِدْمَتِي وَالنَّاسُ يَطْلُبُونَهُ فِي خِدْمَةِ السُّلْطَانِ فَلَا

يَجِدُونَهُ وَصَّعْتُ الْفَخْرَ فِي التَّقْوَى وَالنَّاسُ يَطْلُبُونَهُ بِالْأَنْسَابِ فَلَا يَجِدُونَهُ وَصَّعْتُ الرَّاحَةَ فِي

الْجَنَّةِ وَالنَّاسُ يَطْلُبُونَهَا فِي الدُّنْيَا فَلَا يَجِدُونَهُ؛ مستدرک الوسائل، ج ١٢، ص ١٧٣

٣-٤-١٨-٩- الْعُلُوُّ

﴿٣٦٥٢﴾ صَاحِبِ ادْرِيسِ عليه السلام: اسْتَعِنَ بِاللَّهِ يُعْنِكَ وَاسْتَهْدِهِ يَهْدِكَ وَاعْلَمْ أَنَّكَ بِهِ تَنْجُو وَ

بِتَقْوَاهُ تَرْتَفِعُ وَتَعْلُو؛ بحار الأنوار، ج ٩٢، ص ٤٧١

﴿١٠٤٤﴾

«نتایج تقوا / نتایج پرهیزکاری در دنیا»

﴿۳۶۴۳﴾ تقوا به انسان عزّت می‌دهد و گناهان انسان را ذلیل می‌کند.

﴿۳۶۴۴﴾ عزیز کسی است که تقوا او را عزیز کرده باشد.

﴿۳۶۴۵﴾ ورعی که عزّت می‌بخشد بهتر از طمعی است که ذلّت می‌دهد.

۱-۴-۱۸-۲-۹- بدون خاندان او را عزیز می‌کند

﴿۳۶۴۶﴾ یعقوب بن شعیب می‌گوید: از امام صادق (علیه السلام) شنیدم که می‌فرمود: خداوند به بنده‌ای که او را از پستی و ذلّت گناه و معصیت بیرون آورد و به عزّت و عظمت تقوا برساند، سه امتیاز عنایت می‌فرماید؛ غنا و بی‌نیازی بدون داشتن ثروت، عزّت و احترام بدون داشتن عشیره و فامیل، و انس و راحتی بدون همراه بودن با کسی.

۲-۴-۱۸-۲-۹- عزّت بدون پادشاهی

﴿۳۶۴۷﴾ هر کس آن‌طور که شایسته است، از خداوند پروا کند؛ خداوند به او انس و آرامش بدون انیس و همراه؛ غنا و بی‌نیازی بدون داشتن مال؛ و عزّت و احترامی بدون داشتن مقام سلطنت عنایت می‌فرماید.

۳-۴-۱۸-۲-۹- عزیزترین مردم

﴿۳۶۴۸﴾ هر که می‌خواهد از همه عزیزتر باشد، راهش این است که از خدا بترسد.

﴿۳۶۴۹﴾ هر کس می‌خواهد عزیزترین مردم باشد، باید در نهان و آشکار از خدا بترسد و تقوا داشته باشد.

﴿۳۶۵۰﴾ هر کس که دوست دارد در میان عزیزترین مردم باشد، تقوا پیشه کند.

۲-۴-۱۸-۲-۹- فخر

﴿۳۶۵۱﴾ از پیامبر (صلی الله علیه و آله) روایت شده که فرمود: خداوند بلندمرتبه می‌فرماید: پنج چیز را درون پنج چیز قرار دادم ولی مردم آن‌ها را در پنج چیز دیگر می‌جویند لذا نمی‌یابند. بی‌نیازی و غنا را در قناعت قرار دادم ولی مردم آن را در زیادی مال جستجو می‌کنند و نمی‌یابند. عزّت را در اطاعت از خودم قرار دادم و مردم آن را در اطاعت از سلاطین جستجو کرده و نمی‌یابند. فخر را در تقوا قرار دادم و مردم آن را در نسب و اصالت خانوادگی جستجو می‌کنند و نمی‌یابند. آرامش را در بهشت قرار دادم مردم در دنیا دنبال آن می‌گردند و نمی‌یابند.

۳-۴-۱۸-۲-۹- ارتقاء

﴿۳۶۵۲﴾ [صحیفه حضرت ادریس (علیه السلام)]: از خدا کمک بخواه تا تو را یاری کند و از او هدایت خواه تا تو را راه نماید و بدان که تو به او نجات یابی و به تقوای او رفعت یابی و اوج گیری.

﴿ثَمَرَاتُ التَّقْوَى / ثَمَرَاتُ التَّقْوَى فِي الدُّنْيَا﴾

١٩-٢-٩- الفضلُ وَالتَّفاضُلُ

١٩-٢-٩- الفضلُ

﴿٣٦٥٣﴾ الرَّسُولُ ﷺ: يَا سَلَمَانَ إِنَّهُ لَيْسَ لِأَحَدٍ مِنْ هَؤُلَاءِ عَلَيْكَ فَضْلٌ إِلَّا بِتَقْوَى اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ فَمَنْ كُنْتَ أَتَقَى مِنْهُ فَأَنْتَ أَفْضَلُ مِنْهُ؛ بحار الأنوار، ج ٦٧، ص ٢٨٩

﴿٣٦٥٤﴾ الْبَاقِرُ الطَّلَبِيُّ: لَيْسَ لِأَحَدٍ عَلَى أَحَدٍ تَفَضُّلٌ إِلَّا بِتَقْوَى اللَّهِ؛ مستدرک الوسائل، ج ١٣، ص ١١٢
﴿٣٦٥٥﴾ الرَّسُولُ ﷺ: لَا فَضْلَ لِلْعَرَبِيِّ عَلَى الْعَجَمِيِّ وَلَا لِلْأَحْمَرِ عَلَى الْأَسْوَدِ إِلَّا بِالتَّقْوَى؛

مستدرک الوسائل، ج ١٢، ص ٨٩

﴿٣٦٥٦﴾ الرَّسُولُ ﷺ: لَيْسَ لِعَرَبِيٍّ عَلَى عَجَمِيٍّ فَضْلٌ إِلَّا بِالتَّقْوَى؛ بحار الأنوار، ج ٧٣، ص ٣٤٨
﴿٣٦٥٧﴾ الْبَاقِرُ الطَّلَبِيُّ: عُقْبَةُ بْنُ بَشِيرٍ الْأَسَدِيُّ قَالَ قُلْتُ لِأَبِي جَعْفَرٍ الطَّلَبِيِّ: أَنَا عُقْبَةُ بْنُ بَشِيرٍ الْأَسَدِيُّ وَ أَنَا فِي الْحَسَبِ الضَّحْمِ مِنْ قَوْمِي قَالَ فَقَالَ مَا تَمَنَّيْنَا بِحَسَبِكَ إِنْ اللَّهَ رَفَعَ بِالْإِيمَانِ مَنْ كَانَ النَّاسُ يُسَمُّونَهُ وَضِيعًا إِذَا كَانَ مُؤْمِنًا وَ وَضَعَ بِالْكَفْرِ مَنْ كَانَ النَّاسُ يُسَمُّونَهُ شَرِيفًا إِذَا كَانَ كَافِرًا فَلَيْسَ لِأَحَدٍ فَضْلٌ عَلَى أَحَدٍ إِلَّا بِالتَّقْوَى؛ الكافي، ج ٢، ص ٣٢٨

﴿٣٦٥٨﴾ الرَّسُولُ ﷺ: قَالَ النَّبِيُّ ﷺ لِسَلَمَانَ لَيْسَ لِأَحَدٍ مِنْ هَؤُلَاءِ عَلَيْكَ فَضْلٌ إِلَّا بِتَقْوَى اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ وَإِنْ كَانَ التَّقْوَى لَكَ عَلَيْهِمْ فَأَنْتَ أَفْضَلُ؛ الكافي، ج ٨، ص ١٨١
١٩-٢-٩- التَّفاضُلُ

﴿٣٦٥٩﴾ الرَّسُولُ ﷺ: بِالتَّقْوَى يَتَفَاضَلُونَ لَا بِالْأَبَاءِ؛ مجموعة ورام، ج ٢، ص ١١٩
﴿٣٦٦٠﴾ الصَّادِقُ الطَّلَبِيُّ: مِنْ سُؤَالِ الزُّنْدِيقِ الَّذِي سَأَلَ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ ﷺ عَنْ مَسَائِلَ كَثِيرَةٍ أَنْ قَالَ... فَمَا بَالُ وَلَدِ آدَمَ فِيهِمْ شَرِيفٌ وَ وَضِيعٌ قَالَ الشَّرِيفُ الْمُطِيعُ وَ الْوَضِيعُ الْعَاصِي قَالَ أَلَيْسَ فِيهِمْ فَاضِلٌ وَ مَفْضُولٌ قَالَ إِنَّمَا يَتَفَاضَلُونَ بِالتَّقْوَى قَالَ فَتَقُولُ إِنْ وَلَدَ آدَمَ كُلُّهُمْ سَوَاءً فِي الْأَصْلِ لَا يَتَفَاضَلُونَ إِلَّا بِالتَّقْوَى؛ بحار الأنوار، ج ١٠، ص ١٧٠

١٩-٢-٢٠- الْكَمَالُ وَ الْإِكْمَالُ

١٩-٢-٢٠- الْكَمَالُ

﴿٣٦٦١﴾ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ الطَّلَبِيُّ: الْكَمَالُ فِي ثَلَاثٍ: الصَّبْرُ عَلَى النَّوَائِبِ وَ التَّوَرُّعُ فِي الْمَطَالِبِ وَ إِسْعَافِ الطَّالِبِ؛ غرر الحكم، ص ٢٨٢

«نتایج پرهیزکاری در دنیا»

۹-۲-۱۹- برتری

۹-۲-۱۹-۱- برتری

«۳۶۵۳» ای سلمان! کسی از این جماعت جز به خاطر تقوا و ترس از خدای متعال بر تو فضیلتی ندارد. پس هرگاه از کسی باتقواتر باشی از او برتر خواهی بود.

«۳۶۵۴» هیچ کس بر فرد دیگر برتری ای ندارد مگر به تقوای الهی.

«۳۶۵۵» هیچ عربی بر عجمی یا سرخپوستی بر سیاهپوستی برتری ندارد جز به تقوا.

«۳۶۵۶» و عربی را بر عجمی جز به تقوا برتری نمی‌باشد.

«۳۶۵۷» عقبه بن بشیر اسدی گوید: به امام باقر علیه السلام عرض کردم: «من عقبه بن بشیر اسدی هستم و در قوم خود دارای خاندان بزرگی هستم». فرمود: «تو با حَسَب خود بر سر ما مَنّت می‌گذاری؟ اگر کسی که مردم او را پست می‌شمردند، مؤمن باشد، خداوند متعال او را بالا می‌برد و کسی را که مردم شریف می‌دارند، اگر کافر باشد به سبب کفرش پست می‌شمرد. پس برای شخصی برتری بر دیگری نیست مگر به واسطه‌ی تقوا».

«۳۶۵۸» پیامبر صلی الله علیه و آله به سلمان فرمود: هیچ یک از این گروه بر تو برتری ندارد مگر به پرهیزکاری و اگر تو پرهیزکارتر از آنها باشی از آنها برتری.

۹-۲-۱۹-۲- برتری

«۳۶۵۹» بر مبنای پرهیزکاری بر یکدیگر فضیلت پیدا می‌کنند نه بر اساس پدران و خاندانتان.

«۳۶۶۰» از جمله پرسش‌های شخص زندیق این بود که از امام صادق علیه السلام پرسید: «چرا میان فرزندان آدم بعضی با شخصیت هستند و برخی زبون و خوار؟» فرمود: «شریف فرد پرهیزکار است و پست کسی است که گناه کند». پرسید: «مگر در میان آنها بهتر و بدتر وجود ندارد؟» فرمود: «ملاک برتری فقط تقوا و پرهیزکاری است». پرسید: «شما می‌گویید که تمام فرزندان آدم در ریشه برابرند و فقط به وسیله‌ی تقوا بر هم برتری دارند؟» فرمود: «آری... بدان که هرکس رعایت تقوا را کند، خدا او را گرمی می‌دارد».

۹-۲-۲۰- به کمال رساندن

۹-۲-۲۰-۱- کمال

«۳۶۶۱» کمال در سه چیز است: صبر در سختی‌ها، ورع در خواسته‌ها و کمک به کسی که درخواستی دارد.

﴿ ثَمَرَاتُ التَّقْوَى / ثَمَرَاتُ التَّقْوَى فِي الْآخِرَةِ ﴾

٢-٢٠-٩- كَمَالُ الدِّينِ

﴿٣٦٦٢﴾ الرَّسُولُ ﷺ: كَمَالُ الدِّينِ الْوَرَعُ؛ مستدرک الوسائل، ج ١١، ص ٢٦٨

٣-٢٠-٩- إِكْمَالُ الْفَضَائِلِ فِي الدِّينِ

﴿٣٦٦٣﴾ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ ﷺ: إِذَا اتَّقَيْتَ الْمُحَرَّمَاتِ وَتَوَرَّعْتَ عَنِ الشُّبُهَاتِ وَادَّيْتِ

الْمَفْرُوضَاتِ وَتَنَفَّلْتَ بِالنَّوَافِلِ فَقَدْ أَكْمَلْتَ فِي الدِّينِ الْفَضَائِلَ؛ مستدرک الوسائل، ج ١٧، ص ٣٢٤

٤-٢٠-٩- مَا بَلَغَ الْأَئِمَّةُ ﷺ بِهَا مَا بَلَغَ

﴿٣٦٦٤﴾ الرِّضَا ﷺ: عَنِ الْحَسَنِ بْنِ الْجَهْمِ قَالَ: كُنْتُ عِنْدَ الرِّضَا ﷺ وَعِنْدَهُ زَيْدُ بْنُ مُوسَى

أَخُوهُ وَهُوَ يَقُولُ يَا زَيْدُ اتَّقِ اللَّهَ فَإِنَّا بَلَّغْنَا مَا بَلَّغْنَا بِالتَّقْوَى فَمَنْ لَمْ يَتَّقِ وَلَمْ يَرَأِ قَبْهَ فَلَيْسَ مِنَّا وَ

لَسْنَا مِنْهُ؛ بحار الأنوار، ج ٤٦، ص ١٧٦

٣-٩- ثَمَرَاتُ التَّقْوَى فِي الْآخِرَةِ

١-٣-٩- الْآخِرَةُ الْعَاقِبَةُ، الدَّارُ

١-١-٣-٩- الْآخِرَةُ

١-١-٣-٩- الْآخِرَةُ لِلْمُتَّقِينَ

﴿٣٦٦٥﴾ وَإِنْ كُلُّ ذَلِكَ لَمَّا مَتَاعُ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةُ عِنْدَ رَبِّكَ لِلْمُتَّقِينَ؛ الزخرف ٣٥

٢-١-٣-٩- الْآخِرَةُ خَيْرٌ لِمَنِ اتَّقَى

﴿٣٦٦٦﴾ وَالْآخِرَةُ خَيْرٌ لِمَنِ اتَّقَى وَلَا يُظْلَمُونَ فَتِيلًا؛ النساء ٧٧

٣-١-٣-٩- زَادَ الْآخِرَةُ الْوَرَعَ وَالتَّقَى

﴿٣٦٦٧﴾ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ ﷺ: زَادَ الْمَرْءُ [الْمُؤْمِنِ] إِلَى الْآخِرَةِ الْوَرَعَ وَالتَّقَى؛ غرر الحكم، ص ١٥٠

٤-١-٣-٩- عَوْنُ الْآخِرَةِ

﴿٣٦٦٨﴾ الصَّادِقُ ﷺ: اللَّهُمَّ أَعِنِّي عَلَى دِينِي بِالدُّنْيَا وَعَلَى آخِرَتِي بِالتَّقْوَى؛ بحار الأنوار، ج ٩١، ص ٣١٥

٥-١-٣-٩- عَوْنُ صِدْقٍ عَلَى إِبْتِغَاءِ الْآخِرَةِ

﴿٣٦٦٩﴾ الرَّسُولُ ﷺ: إِنْ تَقَوَّى اللَّهُ لِمَنْ عَمِلَ بِهِ عَلَى وَجَلٍ وَمَخَافَةٍ مِنْ رَبِّهِ عَوْنُ صِدْقٍ عَلَى

مَا تَبْغُونَ مِنْ أَمْرِ الْآخِرَةِ؛ مستدرک الوسائل، ج ٦، ص ٣٣

﴿١٠٤٨﴾

﴿نتایج تقوا / نتایج پرهیزکاری در آخرت﴾

۲-۲۰-۹-۲- تمام و کمال دین

﴿۳۶۶۲﴾ کمال دین در پرهیزکاری است.

۳-۲۰-۹-۲- کمال فضیلت‌های دینی

﴿۳۶۶۳﴾ وقتی در محرمات تقوا پیشه کنی و در شبهات ورع داشته باشی و واجبات را ادا

کرده و مستحبات را انجام دهی، فضائل دینت را کامل کرده‌ای.

۴-۲۰-۹-۲- آنچه امامان علیهم‌السلام با آن به مقاماتشان رسیده‌اند

﴿۳۶۶۴﴾ حسن بن جهم گوید: خدمت امام رضا علیه‌السلام بودم و زید برادرش نیز آنجا بود؛ به او

می‌فرمود: «زید! از خدا بترس! ما با تقوا و پرهیزکاری به این مقام رسیده‌ایم. هرکس با تقوا و

پرهیزکار نباشد از ما نیست و ما از او بیزاریم.

۳-۹- نتایج پرهیزکاری در آخرت

۱-۳-۹- آخرت، عاقبت، خانه‌ی آخرت

۱-۱-۳-۹- آخرت

۱-۱-۳-۹- آخرت متعلق به پرهیزکاران است

﴿۳۶۶۵﴾ و انواع زیورها ولی تمام این‌ها بهره زندگی دنیاست، و آخرت نزد پروردگارت از آن

پرهیزکاران است!

۲-۱-۳-۹- آخرت برای آن‌که پرهیزکاری ورزد بهتر است

﴿۳۶۶۶﴾ و سرای آخرت، برای کسی که پرهیزکار باشد، بهتر است! و به اندازه رشته شکافِ

هسته خرمایی، به شما ستم نخواهد شد!

۳-۱-۳-۹- توشه‌ی آخرت ورع و پرهیزکاری است

﴿۳۶۶۷﴾ توشه‌ی فرد (مؤمن) برای آخرت، ورع و تقوا است.

۴-۱-۳-۹- یاور آخرت

﴿۳۶۶۸﴾ خدایا! با امکانات دنیا مرا بر دینم و با تقوا بر آخرتم یاری کن.

۵-۱-۳-۹- یاور صادق بر به‌دست آوردن آخرت

﴿۳۶۶۹﴾ پرهیزکاری برای کسی که با بیم و ترس به آن عمل کند برای آن چیزهایی که از

آخرت می‌خواهید یآوری نیکوست.

﴿ثَمَرَاتُ النَّقْوَى / ثَمَرَاتُ النَّقْوَى فِي الْآخِرَةِ﴾

١-١-٣-٩- أَفْضَلُ مَا يُسْتَعَانُ بِهِ فِي أَمْرِ الْآخِرَةِ

﴿٣٦٧٠﴾ أمير المؤمنين (عليه السلام): مَنْ أَحَبَّنَا فَلْيَعْمَلْ بِعَمَلِنَا وَلَيْسْتَغِنِ بِالْوَرَعِ فَإِنَّهُ أَفْضَلُ مَا يُسْتَغَانُ

بِهِ فِي أَمْرِ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ؛ بحار الأنوار، ج ١٠، ص ٩٢

٧-١-١-٣-٩- تنالُ بها الآخرةُ

﴿٣٦٧﴾ لقمان عليه السلام: أَمَّا الْعَشْرَةُ الْكَامِلَةُ الَّتِي تَنَالُ بِهَا الدُّنْيَا وَالْآخِرَةُ فَالزُّهْدُ فِيمَا بَقِيَ وَ
الِاسْتِعْدَادُ لِمَا يَأْتِي وَ كَثْرَةُ النَّدَمِ عَلَى مَا فَاتَ وَ إِدْمَانُ الِاسْتِغْفَارِ وَ اسْتِشْعَارُ التَّقْوَى وَ خُشُوعُ
الْقَلْبِ وَ كَثْرَةُ الذِّكْرِ لِلَّهِ تَعَالَى وَ الرِّضَا بِأَعْمَالِ اللَّهِ سُبْحَانَهُ وَ مِلَّازِمَةُ الصَّدْقِ وَ الْعَمَلُ بِمَا يُنْجِي؛

أعلام الدين، ص ١٥٨

٨-١-١-٣-٩- الآخِرَةُ أَطَاعَتْ أَهْلَ التَّقْوَى

﴿٣٦٧٢﴾ الرَّسُولُ ﷺ خَصْلَةٌ مِّنْ لَّرَمَهَا أَطَاعَتْهُ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةُ وَرَبِحَ الْفَوْزَ فِي الْجَنَّةِ؛ قِيلَ: وَ

مَا هِيَ يَا رَسُولَ اللَّهِ؟ قَالَ: التَّقْوَى؛ مستدرک الوسائل، ج ۱۱، ص ۲۶۷

٢-١-٣-٩- دارُ الْآخِرَةِ، دارُ الْأَمَانِ، دارُ اصْطِنَعَهَا اللَّهُ لِنَفْسِهِ، الدَّارُ الَّتِي خَلَقَهَا اللَّهُ سُبْحَانَهُ مِنْ

لَوْلَوْ بَيْضَاءُ، نِعَم الدَّارِ

١-٢-١-٣-٩- دار الآخرة

﴿٣٦٧٣﴾ وَمَا أَرْسَلْنَا مِنْ قَبْلِكَ إِلَّا رَجُلًا نُوحِيَ إِلَيْهِمْ مِنْ أَهْلِ الْقُرَىٰ أَلَمْ يَسِيرُوا فِي الْأَرْضِ

فَيَنْظُرُوا كَيْفَ كَانَ عَاقِبَةُ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ وَلَدَارُ الْآخِرَةِ خَيْرٌ لِلَّذِينَ اتَّقَوْا أَفَلَا تَعْقِلُونَ؛ يوسف ١٠٩

﴿٣٦٧٤﴾ وَمَا الْحَيَاةُ الدُّنْيَا إِلَّا لَعِبٌ وَلَهُمْ وَلِلدَّارِ الْآخِرَةِ خَيْرٌ لِلَّذِينَ يَتَّقُونَ أَفَلَا تَعْقِلُونَ؛ الْأَنْعَامُ

۳۲

﴿٣٦٧٥﴾ وَانْكُتِبَ لَنَا فِي هَذِهِ الدُّنْيَا حَسَنَةً وَفِي الْآخِرَةِ إِنَّا هُنَا إِلَيْكَ قَالِ عَذَابِي أُصِيبُ بِهِ

مَنْ أَسَاءَ وَرَحِمْتِي وَسِعَتْ كُلَّ شَيْءٍ فَسَأَكْتُبُهَا لِلَّذِينَ يَتَّقُونَ وَيُؤْتُونَ الزَّكَاةَ وَالَّذِينَ هُمْ بِآيَاتِنَا

يُؤْمِنُونَ؛ الأعراف ١٥٦

﴿٣٦٧٦﴾ أَلَمْ يُمْخَذْ عَلَيْهِمْ مِيثَاقُ الْكِتَابِ أَنْ لَا يَقُولُوا عَلَى اللَّهِ إِلَّا الْحَقَّ وَدَرَسُوا مَا فِيهِ وَالِدَارُ

الْآخِرَةُ خَيْرٌ لِلَّذِينَ يَتَّقُونَ أَفَلَا تَعْقِلُونَ؛ الأعراف ١٦٩

﴿ ١ . ٥ . ﴾

«نتایج تقوا / نتایج پرهیزکاری در آخرت»

۹-۳-۱-۱-۶- بهترین چیزی که با آن بر امر آخرت می‌توان یاری طلبید

«۳۶۷۰» کسی که ما اهل بیت را دوست می‌دارد، باید عمل و روشش مانند عمل ما باشد و از ورع و تقوا استعانت جوید که بهترین معین و یاور انسان در امور دنیوی و اخروی تقواست.

۹-۳-۱-۱-۷- با آن به آخرت می‌رسی

«۳۶۷۱» آن ده چیزی که به واسطه آن به دنیا و آخرت می‌توان رسید عبارتند از: زهدورزیدن در آنچه باقی مانده و آماده‌شدن برای آنچه پیش خواهد آمد و پشیمانی فراوان بر آنچه از دست رفته و عادت کردن به استغفار و بروز دادن تقوا و خشوع قلب و زیاد به یاد خداوند متعال بودن و راضی به کارهای خداوند سبحان بودن و پیوسته و همراه با راستی بودن و انجام کاری که انسان را نجات می‌دهد.

۹-۳-۱-۱-۸- آخرت از اهل پرهیزکاری فرمان می‌برد

«۳۶۷۲» هرکس ملازم و پایبند یک خصلت باشد، دنیا و آخرت در اختیار اوست و کامیابی ورود به بهشت را به دست می‌آورد. سؤال شد: «آن چیست؟» فرمود: تقوا.

۹-۳-۱-۲- خانه‌ی آخرت، خانه‌ی امنیت، خانه‌ای که خداوند برای خودش درست کرده است، خانه‌ای که خدا از در سفید درست کرده است، بهترین خانه

۹-۳-۱-۲-۱- خانه‌ی آخرت

«۳۶۷۳» و ما نفرستادیم پیش از تو، جز مردانی از اهل آبادی‌ها که به آن‌ها وحی می‌کردیم! آیا (مخالفتان دعوت تو)، در زمین سیر نکردند تا ببینند عاقبت کسانی که پیش از آن‌ها بودند چه شد؟! و سرای آخرت برای پرهیزکاران بهتر است! آیا فکر نمی‌کنید؟! «۳۶۷۴» زندگی دنیا، چیزی جز بازی و سرگرمی نیست! و سرای آخرت، برای آن‌ها که پرهیزکارند، بهتر است! آیا نمی‌اندیشید؟!

«۳۶۷۵» و برای ما، در این دنیا و سرای دیگر، نیکی مقرر فرما چه اینکه ما به سوی تو بازگشت کرده‌ایم! «(خداوند در برابر این تقاضا، به موسی) گفت:» مجازاتم را به هرکس بخواهم می‌رسانم و رحمت‌م همه چیز را فراگرفته و آن را برای آن‌ها که تقوا پیشه کنند، و زکات را بپردازند، و آن‌ها که به آیات ما ایمان می‌آورند، مقرر خواهم داشت!

«۳۶۷۶» پس از آن‌ها، فرزندان‌ی جای آن‌ها را گرفتند که وارث کتاب (آسمانی، تورات) شدند (اما با این حال)، متاع این دنیای پست را گرفته، (بر اطاعت فرمان خدا ترجیح می‌دهند) و می‌گویند: «(اگر ما گنه‌کاریم توبه می‌کنیم و) به زودی بخشیده خواهیم شد!» اما اگر متاع دیگری همانند آن به دستشان بیافتد، آن را (نیز) می‌گیرند، (و باز حکم خدا را پشت سر می‌افکنند). آیا پیمان کتاب (خدا) از آن‌ها گرفته نشده که بر خدا (دروغ نیندند، و) جز حق نگویند، و آنان بارها آن را خوانده‌اند؟! و سرای آخرت برای پرهیزکاران بهتر است، آیا نمی‌فهمید؟!

﴿ ثَمَرَاتُ التَّقْوَى / ثَمَرَاتُ التَّقْوَى فِي الْآخِرَةِ ﴾

٢-١-٣-٩- دارُ اصْطَنَعَهَا اللهُ لِنَفْسِهِ

﴿٣٦٧٧﴾ أمير المؤمنين عليه السلام: وَاعْلَمُوا أَنَّهُ مَنْ يَتَّقِ اللَّهَ يَجْعَلْ لَهُ مَخْرَجًا مِنَ الْفِتَنِ وَنُورًا مِنَ الظُّلُمِ وَيُخَلِّدَهُ فِي مَا اشْتَهَتْ نَفْسُهُ وَيُنْزِلُهُ مَنْزِلَ الْكَرَامَةِ عِنْدَهُ فِي دَارِ اصْطَنَعَهَا لِنَفْسِهِ ظِلُّهَا عَرْشُهُ وَنُورُهَا بَهْجَتُهُ وَزُورُهَا مَلَأَتْكَتُهُ وَرُفَقَاؤُهَا رُسُلُهُ؛ نهج البلاغة، ص ٢٦٦

٢-١-٣-٩- الدَّارُ الَّتِي خَلَقَهَا اللهُ سُبْحَانَهُ مِنْ لَوْلُؤَةٍ بَيَضَاءَ

﴿٣٦٧٨﴾ أمير المؤمنين عليه السلام: يَا أَحْنَفُ شَغَلَكَ نَظْرُكَ فِي وَجْهِ وَاحِدَةٍ تُبْدِي الْأَسْقَامَ بِغَاضِرَةِ وَجْهِهَا وَدَارٌ قَدْ أَشْغَلَتْ بِنَقْشِ رَوَاقِهَا وَسُتُورٍ قَدْ عَلَّقَتْهَا وَالرَّيْحُ وَالْأَجَامُ مُوَكَّلَةٌ بِشَمَرِهَا لَيْسَتْ دَارُكَ هَذِهِ دَارُ الْبَقَاءِ فَأَحْمَتِكَ الدَّارُ الَّتِي خَلَقَهَا اللهُ سُبْحَانَهُ مِنْ لَوْلُؤَةٍ بَيَضَاءَ فَشَقَّقَ فِيهَا أَثْنَاهَا وَغَرَسَ فِيهَا أَشْجَارَهَا وَظَلَّلَ عَلَيْهَا بِالنَّضِجِ مِنْ أَثْمَارِهَا وَكَبَسَهَا بِالْعَوَاقِبِ مِنْ حُورِهَا ثُمَّ أَسْكَنَهَا أَوْلِيَاءَهُ وَأَهْلَ طَاعَتِهِ فَلَوْ رَأَيْتَهُمْ يَا أَحْنَفُ وَقَدْ قَدِمُوا عَلَى زِيَادَاتِ رَبِّهِمْ سُبْحَانَهُ فَإِذَا ضَرَبَتْ جَنَائِبُهُمْ صَوْتٌ رَوَّاحِلُهُمْ بِأَصْوَاتٍ لَمْ يَسْمَعْ السَّامِعُونَ بِأَحْسَنَ مِنْهَا وَأَظْلَمَتْهُمْ غَمَامَةٌ فَأَمْطَرَتْ عَلَيْهِمُ الْمَسْكَ وَالرَّادَنَ وَصَهَلَتْ خُبُولُهَا بَيْنَ أَغْرَاسِ تِلْكَ الْجَنَانِ وَتَخَلَّلَتْ بِهِمْ نُوفُهُمْ بَيْنَ كُتُبِ الرِّغْفَرَانِ وَيَتَطَيُّ مِنْ تَحْتِ أَقْدَامِهِمُ اللَّوْلُؤُ وَالْمَرْجَانُ وَاسْتَقْبَلَتْهُمْ قَهَارِمَتُهَا بِمَنَابِرِ الرِّيحَانِ وَتَفَاجَتْ لَهُمْ رِيحٌ مِنْ قِبَلِ الْعَرْشِ فَنَشَرَتْ عَلَيْهِمُ الْيَاسَمِينَ وَالْأَقْحَوَانَ وَذَهَبُوا إِلَى أَبَائِهِمْ فَيَفْتَحُ لَهُمُ الْبَابَ رِضْوَانُ ثُمَّ سَجَدُوا لِلَّهِ فِي فَنَاءِ الْجَنَانِ فَقَالَ لَهُمُ الْجَبَّارُ ارْفَعُوا رُءُوسَكُمْ فَإِنِّي قَدْ رَفَعْتُ عَنْكُمْ مَثُونَةَ الْعِبَادَةِ وَأَسْكَنْتُكُمْ جَنَّةَ الرِّضْوَانِ ذَلِكَ مَا أَعَدَّ اللَّهُ لِلْمُتَّقِينَ؛ بحار الأنوار، ج ٧، ص ٢٢١

٢-١-٣-٩- دارُ الْأَمَانِ

﴿٣٦٧٩﴾ أمير المؤمنين عليه السلام: إِذَا آمَنْتَ بِاللَّهِ وَاتَّقَيْتَ مَحَارِمَهُ أَحَلَّكَ دَارَ الْأَمَانِ وَإِذَا أَرْضَيْتَهُ تَعَمَّدَكَ بِالرِّضْوَانِ؛ غرر الحكم، ص ٨٨

٢-١-٣-٩- نِعَمَ الدَّارِ

﴿٣٦٨٠﴾ وَقِيلَ لِلَّذِينَ اتَّقَوْا مَاذَا أَنْزَلَ رَبُّكُمْ قَالُوا خَيْرًا لِلَّذِينَ أَحْسَنُوا فِي هَذِهِ الدُّنْيَا حَسَنَةٌ وَلِلَّذِينَ اتَّقَوْا خَيْرٌ وَلَنِعْمَ دَارُ الْمُتَّقِينَ؛ النحل ٣٠

﴿نتایج تقوا / نتایج پرهیزکاری در آخرت﴾

۹-۳-۱-۲-۲- خانهای که خدا برای خودش درست کرده است

﴿۳۶۷۷﴾ و بدانید هرکس تقوای خداوند را پیشه کند، حق تعالی راه بیرون شدن از فتنه و تباهی‌ها و روشنایی از تاریکی‌ها [ی نادانی و گمراهی] را به او نشان می‌دهد، و او را در آنچه آرزو داشته (بهشت) جاودان نگه می‌دارد، و او را نزد خود در منزل گرمی در سرایی که برای [دوستان] خویش اختیار فرموده وارد می‌نماید، سایه ی آن سرا عرش و روشنایی آن خشنودی خداست، و زیارت‌کنندگان آن فرشتگان و دوستان آن پیامبران او می‌باشند.

۹-۳-۱-۲-۳- خانهای که خدا از در سفید درست کرده است

﴿۳۶۷۸﴾ ای احنف، شاید توجّه به دنیا، تو را بازداشته از اینکه به سرایی توجّه کنی که خداوند سبحان، آن را از لؤلؤ سفید آفریده و در آن، رودها را جاری کرده، از حوریان جوان، سرشارش ساخته و سپس دوستان و اهل طاعتش را در آن مأوا داده است. ای احنف، اگر آن‌ها را ببینی درحالی که بر نعمت‌های فراوان پروردگارشان وارد شده‌اند، [در می‌یابی] وقتی که آهنگ حرکت می‌نمایند و شترانی که سوار ندارند، یدک می‌شوند، قافله‌شان آهنگی را ترنم می‌نماید که هیچ گوشی صدایی به این زیبایی نشنیده است و ابری بر ایشان سایه افکنده که مشک و زعفران بر آن‌ها می‌بارد. اسبان‌شان در بین درختان این باغ‌ها شیهه می‌کشند، شترانشان بین توده‌های زعفران، برای آن‌ها راه باز می‌کنند و در زیر پاهایشان درّ و مرجان می‌غلطد. [در این هنگام] کارگزاران بهشت با دسته‌های بزرگ گل‌های خوشبو، به استقبال آن‌ها می‌آیند و نسیم ملایمی از جانب عرش بر آن‌ها می‌وزد که گل‌های یاسمن و بابونه را بر سر آنان می‌افشاند. آنگاه به‌سوی در بهشت می‌روند و رضوان (خازن بهشت) در را به رویشان می‌گشاید و آن‌ها در آستانه در بهشت، برای خداوند به سجده می‌افتند و پروردگار عالم، خطاب به آن‌ها می‌فرماید: «سر از سجده بردارید که من رنج عبادت را از شما برداشتم و در بهشت، شما را جای دادم». و آن (بهشت) نعمتی است که خداوند برای پرهیزکاران مهیا فرموده است.

۹-۳-۱-۲-۴- خانهای امنیّت

﴿۳۶۷۹﴾ وقتی به خدا ایمان آوردی و از محرّمات پرهیز کردی، وارد خانه‌ی امن شده‌ای و وقتی خدا را راضی کردی خداوند تو را در رضوان خود داخل می‌کند.

۹-۳-۱-۲-۵- بهترین خانه

﴿۳۶۸۰﴾ (ولی هنگامی که) به پرهیزکاران گفته می‌شد: «پروردگار شما چه چیز نازل کرده است؟» می‌گفتند: «خیر (و سعادت)» (آری)، برای کسانی که نیکی کردند، در این دنیا نیکی است و سرای آخرت از آن هم بهتر است و چه خوب است سرای پرهیزکاران!

﴿ ثَمَرَاتُ التَّقْوَى / ثَمَرَاتُ التَّقْوَى فِي الْآخِرَةِ ﴾

﴿ ٣٦٨١ ﴾ الباقِر الطَّلَبِي: فِي قَوْلِهِ تَعَالَى وَلَنِعْمَ دَارُ الْمُتَّقِينَ قَالَ الدُّنْيَا؛ مستدرِك الوسائل، ج ١٣،

ص ١٦

١-٣-٩- العاقبة

﴿ ٣٦٨٢ ﴾ قَالَ مُوسَى لِقَوْمِهِ اسْتَعِينُوا بِاللَّهِ وَاصْبِرُوا إِنَّ الْأَرْضَ لِلَّهِ يُورِثُهَا مَنْ يَشَاءُ مِنْ عِبَادِهِ وَ

الْعَاقِبَةُ لِلْمُتَّقِينَ؛ الأعراف ١٢٨

﴿ ٣٦٨٣ ﴾ تِلْكَ مِنْ أَنْبَاءِ الْغَيْبِ نُوحِيهَا إِلَيْكَ مَا كُنْتَ تَعْلَمُهَا أَنْتَ وَلَا قَوْمُكَ مِنْ قَبْلِ هَذَا

فَاصْبِرْ إِنَّ الْعَاقِبَةَ لِلْمُتَّقِينَ؛ هود ٤٩

﴿ ٣٦٨٤ ﴾ تِلْكَ الدَّارُ الْآخِرَةُ نَجْعَلُهَا لِلَّذِينَ لَا يُرِيدُونَ عُلُوًّا فِي الْأَرْضِ وَلَا فَسَادًا وَالْعَاقِبَةُ

لِلْمُتَّقِينَ؛ القصص ٨٣

﴿ ٣٦٨٥ ﴾ وَأْمُرْ أَهْلَكَ بِالصَّلَاةِ وَاصْطَبِرْ عَلَيْهَا لَا نَسْأَلُكَ رِزْقًا نَحْنُ نَرْزُقُكَ وَالْعَاقِبَةُ لِلتَّقَى؛ طه

١٣٢

﴿ ٣٦٨٦ ﴾ المَهْدِي الطَّلَبِي: إِنَّ دَوْلَتَنَا آخِرُ الدُّوَلِ وَلَمْ يَبْقَ أَهْلُ بَيْتِ لَهْمُ دَوْلَةٌ إِلَّا مَا مَلَكُوا قَبْلَنَا لِنَّا

يَقُولُوا إِذَا رَأَوْا سَيْرَتَنَا إِذَا مَلَكْنَا سِرْنَا بِمَثَلِ سِيرَةِ هَؤُلَاءِ وَهُوَ قَوْلُ اللَّهِ تَعَالَى وَالْعَاقِبَةُ لِلْمُتَّقِينَ؛

إعلام الوري، ص ٤٦٢

﴿ ٣٦٨٧ ﴾ أمير المؤمنين الطَّلَبِي: جَعَلَ اللَّهُ الْعَاقِبَةَ لِلتَّقَى؛ الكافي، ج ٨، ص ١٧٠

٢-٣-٩- لَا يُحَاسَبُ، لَا يُفْتَشُّ

١-٣-٩- لَا يُحَاسَبُ

﴿ ٣٦٨٨ ﴾ الصَّادِق الطَّلَبِي: وَ أَمَّا الْمُتَوَرَّغُونَ عَنِ الْمَعَاصِي فَمَا أَحَاسِبُهُمْ؛ بحار الأنوار، ج ٩٠، ص ٣٣٣

٢-٣-٩- لَا يُفْتَشُّ

﴿ ٣٦٨٩ ﴾ حديث قدسي: يَا مُوسَى أَلْبَغْ قَوْمَكَ أَنَّهُ مَا تَعَبَّدَ لِي الْمُتَعَبِّدُونَ بِمَثَلِ الْوَرَعِ عَنْ

مَحَارِمِي قَالَ مُوسَى فَمَاذَا أَتَبَّهْتُمْ عَلَى ذَلِكَ قَالَ إِنِّي أَفْتَشُّ النَّاسَ عَنْ أَعْمَالِهِمْ وَلَا أَفْتَشُّهُمْ حَيَاءً

مِنْهُمْ؛ بحار الأنوار، ج ٦٧، ص ٣٠٧

﴿ ٣٦٩٠ ﴾ حديث قدسي: وَ أَمَّا الْمُتَعَبِّدُونَ لِي بِالْوَرَعِ عَنْ مَحَارِمِي فَلِإِنِّي أَفْتَشُّ النَّاسَ عَنْ

أَعْمَالِهِمْ وَلَا أَفْتَشُّهُمْ حَيَاءً مِنْهُمْ؛ وسائل الشيعة، ج ١٥، ص ٢٢٦

﴿ ١٠٥٤ ﴾

﴿نتایج تقوا / نتایج پرهیزکاری در آخرت﴾

﴿۳۶۸۱﴾ منظور از سخن خداوند متعال: «و چه خوب است سرای پرهیزکاران!»، دنیاست.

۳-۱-۳-۹- عاقبت

﴿۳۶۸۲﴾ موسی به قوم خود گفت: «از خدا یاری جویید، و استقامت پیشه کنید، که زمین از آن خداست، و آن را به هرکس از بندگان که بخواهد، واگذار می کند و سرانجام (نیک) برای پرهیزکاران است!»

﴿۳۶۸۳﴾ این ها از خبرهای غیب است که به تو (ای پیامبر) وحی می کنیم نه تو، و نه قومت، این ها را پیش از این نمی دانستید! بنا بر این، صبر و استقامت کن، که عاقبت از آن پرهیزکاران است! ﴿۳۶۸۴﴾ (آری)، این سرای آخر تو را (تنها) برای کسانی قرار می دهیم که اراده برتری جویی در زمین و فساد را ندارند و عاقبت نیک برای پرهیزکاران است!

﴿۳۶۸۵﴾ خانواده خود را به نماز فرمان ده و بر انجام آن شکیا باش! از تو روزی نمی خواهیم (بلکه) ما به تو روزی می دهیم و عاقبت نیک برای تقواست!

﴿۳۶۸۶﴾ دولت ما آخرین دولتهاست و هیچ اهل بیتهی که ادعای دولت دارند باقی نمی ماند، مگر اینکه قبل از ما به حکومت می رسند تا وقتی سیره ی ما را دیدند، نگویند که اگر ما به حکومت می رسیدیم، مانند سیره ی اینان عمل می کردیم و این تفسیر سخن خداست که فرمود: «وَالْعَاقِبَةُ لِلْمُتَّقِينَ».

﴿۳۶۸۷﴾ خداوند، عاقبت را برای پرهیزکاری برقرار داشته است.

۲-۳-۹- مورد محاسبه قرار نمی گیرد، بازجویی نمی شود

۱-۲-۳-۹- مورد محاسبه قرار نمی گیرد

﴿۳۶۸۸﴾ و اما کسانی که از معاصی و گناهان اجتناب می ورزند، پس ایشان را به حساب نمی کشم.

۲-۲-۳-۹- بازجویی نمی شود

﴿۳۶۸۹﴾ [خدا به موسی علیه السلام وحی کرد:] ای موسی! به امت خود بگو که برای تقرب به من، هیچ وسیله ای مانند پارسایی از محرمات من نیست. موسی علیه السلام عرض کرد: «خدایا! چه پاداشی به آنان عنایت می فرمایی؟» خطاب رسید: «روز آخرت از اعمال تمام مردم بازرسی خواهیم کرد، ولی از اهل تقوا شرم نموده و آن ها را بازرسی نمی کنیم».

﴿۳۶۹۰﴾ [مناجات خداوند با حضرت موسی علیه السلام:] اما آنان که با ورع و پرهیزکاری از محرمات، حق عبادت مرا انجام می دهند، این پاداش را دارند که من اعمال تمام بندگان را بررسی می نمایم، ولی اعمال آن ها را به خاطر شرم و حیایی که از آن ها دارم، حسابرسی نمی کنم.

﴿ ثَمَرَاتُ التَّقْوَى / ثَمَرَاتُ التَّقْوَى فِي الْآخِرَةِ ﴾

٩-٣-٣- عَدَمُ الْهَلَاكَةِ وَالنَّدَامَةِ

﴿ ٣٦٩١ ﴾ زبور داود عليه السلام: فِي الزَّبُورِ قُلْ لِأَخْبَارِ بَنِي إِسْرَائِيلَ وَرُهْبَانِهِمْ حَدِيثُوا مِنَ النَّاسِ الْأَتَقِيَاءِ فَإِنْ لَمْ تَجِدُوا فِيهِمْ تَقِيًّا فَحَادِثُوا الْعُلَمَاءَ وَإِنْ لَمْ تَجِدُوا عَالِمًا فَحَادِثُوا الْعُقَلَاءَ فَإِنَّ التَّقَى وَالْعِلْمَ وَالْعَقْلَ ثَلَاثُ مَرَاتِبَ مَا جَعَلْتُ وَاحِدَةً مِنْهُنَّ فِي خَلْقِي وَأَنَا أُرِيدُ هَلَاكَهُ؛ بحار الأنوار،

ج ١، ص ٢٠٦

﴿ ٣٦٩٢ ﴾ أمير المؤمنين عليه السلام: لَا يَهْلِكُ عَلَى التَّقْوَى سِنْخُ أَصْلٍ وَلَا يَظْمَأُ عَلَيْهَا زَرْعُ قَوْمٍ؛

نهج البلاغة، ص ٥٨

٩-٣-٣-١- لَا يَهْلِكُ مَنْ تَبِعَهَا

﴿ ٣٦٩٣ ﴾ أمير المؤمنين عليه السلام: التَّقْوَى غَايَةُ لَا يَهْلِكُ مَنْ تَبِعَهَا وَلَا يَنْدَمُ مَنْ يَعْمَلُ بِهَا لِأَنَّ بِالتَّقْوَى فَازَ الْفَائِزُونَ وَبِالْمَعْصِيَةِ خَسِرَ الْخَاسِرُونَ فَلْيَزِدْ جِرْ أَوَّلُو النَّهْيِ وَلْيَتَذَكَّرْ أَهْلُ التَّقْوَى؛

بحار الأنوار، ج ٦٥، ص ٣٨٢

٩-٣-٣-٢- لَمْ يَبُلْ سِرْبَالُهُ

﴿ ٣٦٩٤ ﴾ أمير المؤمنين عليه السلام: مَنْ تَسَرَّبَ أَثْوَابُ التَّقَى لَمْ يَبُلْ سِرْبَالُهُ؛ غرر الحكم، ص ٢٧٠

٩-٣-٣-٣- لَا يَنْدَمُ مَنْ يَعْمَلُ بِهَا

﴿ ٣٦٩٥ ﴾ أمير المؤمنين عليه السلام: التَّقْوَى غَايَةُ لَا يَهْلِكُ مَنْ تَبِعَهَا وَلَا يَنْدَمُ مَنْ يَعْمَلُ بِهَا لِأَنَّ بِالتَّقْوَى فَازَ الْفَائِزُونَ وَبِالْمَعْصِيَةِ خَسِرَ الْخَاسِرُونَ فَلْيَزِدْ جِرْ أَوَّلُو النَّهْيِ وَلْيَتَذَكَّرْ أَهْلُ التَّقْوَى؛

بحار الأنوار، ج ٦٥، ص ٣٨٢

٩-٣-٤- النَّجَاةُ، الْأَمْنُ وَالْأَمَانُ، الْخَلَاصُ، تَجَنُّبُ النَّارِ، تَسَاقُطُ الذُّنُوبِ، السَّلَامَةُ، الْعَفْوُ، الْمَعَادُ،

الْمَغْفِرَةُ، تَكْفِيرُ السَّيِّئَاتِ، لَا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ، لَا يَمَسُّهُمْ السُّوءُ

٩-٣-٤-١- النَّجَاةُ

﴿ ٣٦٩٦ ﴾ وَأَنْجَيْنَا الَّذِينَ آمَنُوا وَكَانُوا يَتَّقُونَ؛ النمل ٥٣

﴿ ٣٦٩٧ ﴾ وَيُنْجِي اللَّهُ الَّذِينَ اتَّقَوْا بِمَفَازَتِهِمْ لَا يَمَسُّهُمْ السُّوءُ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ؛ الزمر ٦١

﴿ ٣٦٩٨ ﴾ وَأَمَّا ثَمُودُ فَهَدَيْنَاهُمْ فَاسْتَحَبُّوا الْعَمَى عَلَى الْهُدَى فَأَخَذَتْهُمْ صَاعِقَةُ الْعَذَابِ الْهُونِ

بِمَا كَانُوا يَكْسِبُونَ * وَنَجَّيْنَا الَّذِينَ آمَنُوا وَكَانُوا يَتَّقُونَ؛ فصلت ١٧-١٨

﴿ ١٠٥٦ ﴾

«نتایج تقوا / نتایج پرهیزکاری در آخرت»

۹-۳-۳- عدم نابودی و پشیمانی

«۳۶۹۱» در کتاب زبور آمده است: به دانشمندان و زاهدان بنی اسرائیل بگو: با مردم پرهیزکار گفتگو کنید. اگر در میان مردم پرهیزکار نیافتید، با دانشمندان مذاکره کنید. اگر عالمی نیافتید، با عاقلان مذاکره کنید، زیرا تقوا و علم و عقل سه درجه است که هیچ یک از آن‌ها را در بنده‌ای از بندگانم که قصد هلاک او را داشته باشم، قرار ندادم.

«۳۶۹۲» ریشه‌ای که بر تقوا روییده نابود نمی‌گردد، و زراعت قومی که آب تقوا خورده تشنه نمی‌شود.

۹-۳-۳-۱- هر که آن را پیروی کند هلاک نمی‌شود

«۳۶۹۳» پرهیزکاری هدفی است که پیرو آن نابود نمی‌شود و هرکس به آن عمل کند، پشیمان نمی‌شود. زیرا پیروزمندان با تقوا کامیاب شدند و زیانکاران با نافرمانی زیان بردند. و باید خردمندان باز ایستند و پرهیزکاران پند گیرند.

۹-۳-۳-۲- پیراهنش کهنه نخواهد شد

«۳۶۹۴» هرکس جامه‌های پرهیزکاری را بر تن کند پیراهنش کهنه نخواهد شد.

۹-۳-۳-۳- هرکس به آن عمل کند، پشیمان نمی‌شود

«۳۶۹۵» پرهیزکاری هدفی است که پیرو آن نابود نمی‌شود و هرکس به آن عمل کند، پشیمان نمی‌شود. زیرا پیروزمندان با تقوا کامیاب شدند و زیانکاران با نافرمانی زیان بردند. و باید خردمندان باز ایستند و پرهیزکاران پند گیرند.

۹-۳-۴- نجات، امنیت، خلاص شدن، دور شدن از آتش، ریختن گناهان، امنیت، بخشش، پناه، آمرزش، پوشیده شدن بدی‌ها، نه ترسی بر آنان است و نه نگرانی، بدی به آنان نمی‌رسد

۹-۳-۴-۱- نجات

«۳۶۹۶» و کسانی را که ایمان آورده و تقوا پیشه کرده بودند نجات دادیم!

«۳۶۹۷» و خداوند کسانی را که تقوا پیشه کردند با رستگاری رهایی می‌بخشد هیچ بدی به آنان نمی‌رسد و هرگز غمگین نخواهند شد.

«۳۶۹۸» اما ثمود را هدایت کردیم، ولی آن‌ها نابینایی را بر هدایت ترجیح دادند به همین جهت صاعقه - آن عذاب خوارکننده - به خاطر اعمالی که انجام می‌دادند آن‌ها را فروگرفت! * و کسانی را که ایمان آوردند و پرهیزکار بودند نجات بخشیدیم!

﴿ ثَمَرَاتُ التَّقْوَى / ثَمَرَاتُ التَّقْوَى فِي الْآخِرَةِ ﴾

- ﴿ ٣٦٩٩ ﴾ أمير المؤمنين عليه السلام: مَنْ يَتَّقِ يَنْجُ؛ بحار الأنوار، ج ٧٤، ص ٢٨٢
- ﴿ ٣٧٠٠ ﴾ الباقر عليه السلام: بِالتَّقْوَى نَجَا نُوحٌ وَمَنْ مَعَهُ فِي السَّفِينَةِ وَصَالِحٌ وَمَنْ مَعَهُ مِنَ الصَّاعِقَةِ؛ الكافي، ج ٨، ص ٥٢
- ﴿ ٣٧٠١ ﴾ أمير المؤمنين عليه السلام: نَجَا مَنْ اتَّقَى وَصَدَّقَ بِالْحُسْنَى؛ بحار الأنوار، ج ٣٤، ص ١٣٨
- ﴿ ٣٧٠٢ ﴾ الصادق عليه السلام: مَنْ اتَّقَى اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ نَجَا فَاتَّقُوا اللَّهَ عِبَادَ اللَّهِ بِمَا اسْتَطَعْتُمْ؛ بحار الأنوار، ج ٦٦، ص ٣٩٩
- ﴿ ٣٧٠٣ ﴾ الصادق عليه السلام: لَيْسَ الشَّانُ فِي الْأَخْذِ وَالْإِعْطَاءِ وَلَكِنَّ النَّاجِيَ مَنْ اتَّقَى اللَّهَ فِي الْأَخْذِ وَالْإِعْطَاءِ وَاعْتَصَمَ بِحَبَالِ الْوَرَعِ؛ مستدرک الوسائل، ج ١٣، ص ٢٩٣
- ﴿ ٣٧٠٤ ﴾ الباقر عليه السلام: فَإِنَّ اللَّهَ يُنْجِي مَنْ اتَّقَاهُ بِمَقَارِئِهِمْ لَا يَمَسُّهُمْ السُّوءُ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ؛ الكافي، ج ٣، ص ٤٢٢
- ﴿ ٣٧٠٥ ﴾ أمير المؤمنين عليه السلام: ثَلَاثُ مُنْجِيَّاتٍ وَثَلَاثُ مُهْلِكَاتٍ فَأَمَّا الْمُنْجِيَّاتُ فَتَقْوَى اللَّهِ فِي السِّرِّ وَالْعَلَانِيَةِ وَقَوْلُ الْحَقِّ فِي الْغَضَبِ وَالرِّضَا وَإِعْطَاءُ الْحَقِّ مِنْ نَفْسِكَ وَأَمَّا الْمُهْلِكَاتُ فَشَحُّ مَطَاعٍ وَهَوَى مُتَّبِعٍ وَإِعْجَابُ الْمَرْءِ بِرَأْيِهِ؛ مستدرک الوسائل، ج ١، ص ١٣٥
- ﴿ ٣٧٠٦ ﴾ أمير المؤمنين عليه السلام: فَإِنَّ التَّقْوَى أَفْضَلُ كَنْزٍ وَأَحْرَزُ حِرْزٍ وَأَعَزُّ عِزٍّ فِيهِ نَجَاةُ كُلِّ هَارِبٍ وَدَرَكُ كُلِّ طَالِبٍ وَظَفَرُ كُلِّ غَالِبٍ؛ مجموعة ورام، ج ٢، ص ٨٨
- ﴿ ٣٧٠٧ ﴾ أمير المؤمنين عليه السلام: فَإِنَّ تَقْوَى اللَّهِ ... نَجَاةٌ مِنْ كُلِّ هَلَكَةٍ بِهَا ... يَنْجُو الْهَارِبُ؛ نهج البلاغة، ص ٣٥١
- ﴿ ٣٧٠٨ ﴾ أمير المؤمنين عليه السلام: أَوْصِيَكُمْ عِبَادَ اللَّهِ بِتَقْوَى اللَّهِ وَطَاعَتِهِ فَإِنَّهَا النَّجَاةُ غَدًا وَالْمُنْجَاةُ أَبَدًا؛ نهج البلاغة، ص ٢٣٠
- ﴿ ٣٧٠٩ ﴾ أمير المؤمنين عليه السلام: وَرَعٌ يُنْجِي خَيْرٌ مِنْ طَمَعٍ يُرْدِي؛ غرر الحكم، ص ٢٧٢
- ﴿ ٣٧١٠ ﴾ حديث قدسي: إِنَّ الْوَرَعَ مِثْلُهُ كَمِثْلِ السَّفِينَةِ كَمَا أَنَّ فِي الْبَحْرِ لَا يَنْجُو إِلَّا مَنْ كَانَ فِيهَا كَذَلِكَ لَا يَنْجُو الزَّاهِدُونَ إِلَّا بِالْوَرَعِ؛ بحار الأنوار، ج ٧٤، ص ٢٦
- ١-١-٣-٩- نَجَاةٌ مِنْ كُلِّ هَلَكَةٍ
- ﴿ ٣٧١١ ﴾ أمير المؤمنين عليه السلام: فَإِنَّ تَقْوَى اللَّهِ ... نَجَاةٌ مِنْ كُلِّ هَلَكَةٍ بِهَا ... يَنْجُو الْهَارِبُ؛ نهج البلاغة، ص ٣٥١

﴿نتایج تقوا / نتایج پرهیزکاری در آخرت﴾

- ﴿۳۶۹۹﴾ هر کس پرهیزکاری کند، نجات می‌یابد.
- ﴿۳۷۰۰﴾ با تقوا نوح و همراهان او در کشتی، و صالح و همراهان او از آذرخش نجات یافتند.
- ﴿۳۷۰۱﴾ هر کس تقوا پیشه کرد، نجات یافت و به عاقبت خیر ایمان آورد.
- ﴿۳۷۰۲﴾ هر کس تقوای الهی پیشه کند، نجات می‌یابد. پس ای بندگان خدا! تا جایی که می‌توانید، از او پروا کنید.
- ﴿۳۷۰۳﴾ پس تنها بخشیدن و گرفتن ارزشی ندارد و کسی نجات می‌یابد که در بخشیدن و گرفتن، خدا را در نظر بگیرد و تقوا پیشه کند و به ریسمان ورع چنگ بزند.
- ﴿۳۷۰۴﴾ خداوند کسانی را که نسبت به او تقوا داشته باشند نجات می‌دهد: «با رستگاری رهایی می‌بخشد؛ هیچ بدی به آنان نمی‌رسد و هرگز غمگین نخواهند شد».
- ﴿۳۷۰۵﴾ سه چیز است که نجات بخش است و سه چیز است که مهلک است. نجات بخش‌ها عبارتند از: تقوای خدا در پنهانی و آشکارا، گفتن حق در حالت غضب یا رضایت و حق را از جانب خود به صاحب حق دادن؛ اما هلاک کننده‌ها عبارتند از بخلی که تبعیت شود و هوای نفسی که پیروی شود و خودشیفتگی فرد به نظر خودش (خودرأیی).
- ﴿۳۷۰۶﴾ تقوا پرفضیلت‌ترین گنج و محکم‌ترین سپر و پرنفوذترین عزت است. نجات هر گریزان و رسیدن هر درخواست‌کننده به طلبش و پیروزی هر شخص پیروز در تقواست.
- ﴿۳۷۰۷﴾ تقوای الهی ... نجات از هر هلاکتی است ... و گریزان [از جهنم] به وسیله‌ی تقوا نجات پیدا می‌کند.
- ﴿۳۷۰۸﴾ بندگان خدا! شما را به ترس از خدا و فرمانبرداری او سفارش می‌کنم، زیرا پیروی از فرمان او سبب رستگاری فردا [ی قیامت] و رهایی [از عذاب] همیشگی است.
- ﴿۳۷۰۹﴾ ورعی که نجات می‌دهد بهتر از طمعی است که هلاک می‌کند.
- ﴿۳۷۱۰﴾ ورع مانند کشتی در دریاست که هر کس بر آن سوار شود، نجات می‌یابد و زاهدان جز با داشتن ورع نجات نمی‌یابند.
- ۱-۴-۳-۹- نجات از هر مهلکه
- ﴿۳۷۱۱﴾ تقوای الهی ... نجات از هر هلاکتی است ... و گریزان [از جهنم] به وسیله‌ی تقوا نجات پیدا می‌کند.

﴿ ثَمَرَاتُ التَّقْوَى / ثَمَرَاتُ التَّقْوَى فِي الْآخِرَةِ ﴾

١-٢-٣-٩- النجاة من المهالك

﴿ ٣٧١٢ ﴾ الباقر عليه السلام: بالتقوى فاز الصابرون ونجت تلك العصب من المهالك ولهم إخوان على تلك الطريقة يلتمسون تلك الفضيلة نبذوا طغيانهم من الإيراد بالشهوات لما بلغهم في الكتاب من الأمثال؛ الكافي، ج ٨، ص ٥٢

١-٣-٣-٩- النجاة من نار جهنم

﴿ ٣٧١٣ ﴾ وإن منكم إلا وادها كان على ربك حتماً مقضياً* ثم ننجي الذين اتقوا ونذر الظالمين فيها جثياً؛ مريم ٧٢-٧١

﴿ ٣٧١٤ ﴾ الرسول عليه السلام: عن أبي سميعة قال: قال آخرون يدخلونها جميعاً ثم ينجى الذين اتقوا فلقيت جابر بن عبد الله فسأله فأوماً بإصبعه إلى أذنيه فقال صمنا إن لم أكن سمعت رسول الله عليه السلام يقول الورود الدخول لا يبقى بر ولا فاجر إلا يدخلها تكون على المؤمنين برداً و سلاماً كما كانت على إبراهيم حتى إن للنار أو قال لجهنم ضجيجاً من بردها ثم ينجى الذين اتقوا؛ بحار الأنوار، ج ٨، ص ٢٤٩

﴿ ٣٧١٥ ﴾ ابن عباس رضي الله عنه: [في قوله تعالى: إِنَّ لِلْمُتَّقِينَ مَفَازًا قَالَ: هُوَ عَلَى بَنِ أَبِي طَالِبٍ، هُوَ وَ اللَّهِ سَيِّدٌ مَنْ اتَّقَى اللَّهَ وَ خَافَهُ، اتَّقَاهُ عَنْ ارْتِكَابِ الْفَوَاحِشِ، وَ خَافَهُ عَنْ اقْتِرَافِ الْكَبَائِرِ مَفَازًا نَجَاةً مِنَ النَّارِ وَالْعَذَابِ وَ قَرَبًا مِنَ اللَّهِ فِي مَنَازِلِ الْجَنَّةِ؛ شواهد التنزيل، ج ٢، ص ٤١٩

١-٣-٣-٩- الأمن والأمان

﴿ ٣٧١٦ ﴾ الرسول عليه السلام: يَا حَاشِيَ الْعِزِّ قُلُوبَ أَهْلِ التَّقْوَى وَيَا مُتَوَكِّلِيهِمْ بِحُسْنِ سَرَائِرِهِمْ وَيَا مُؤَمِّنِيهِمْ بِحُسْنِ تَعَبُدِهِمْ؛ بحار الأنوار، ج ٩٢، ص ٣٢٠

﴿ ٣٧١٧ ﴾ السجاد عليه السلام: اللَّهُمَّ وَصِّلْ عَلَى التَّابِعِينَ مِنْ يَوْمِنَا هَذَا إِلَى يَوْمِ الدِّينِ... وَ تُصَبِّرْهُمْ إِلَى أَمْنٍ مِنْ مَقِيلِ الْمُتَّقِينَ؛ الصحيفة السجادية عليه السلام، الدعاء ٤

١-٣-٣-٩- دخل الجنة آمناً

﴿ ٣٧١٨ ﴾ أمير المؤمنين عليه السلام: أَلَا وَإِنَّ التَّقْوَى مَطَايَا ذُلٍّ حُمِلَ عَلَيْهَا أَهْلُهَا وَ أُعْطُوا أَزِمَتِهَا فَأُورِدَتْهُمْ الْجَنَّةَ وَ فُتِحَتْ لَهُمْ أَبْوَابُهَا وَ وَجِدُوا رِيحَهَا وَ طِبِيبَهَا وَ قِيلَ لَهُمْ ادْخُلُوهَا بِسَلَامٍ آمِنِينَ؛ الكافي، ج ٨، ص ٦٧

﴿نتایج تقوا / نتایج پرهیزکاری در آخرت﴾

۹-۳-۴-۱-۲-۲ نجات از هر مهلکه

﴿۳۷۱۲﴾ در پرتو تقوا شکیبایان و گروه‌های شیعه از مهلکه‌ها نجات یافتند و آنان برادرانی با همین آیین دارند که این فضیلت را خواهانند، و از گشتن پیرامون شهوت خودداری می‌کردند، و این به سبب عقوبت و پندهایی بود که در قرآن می‌خواندند.

۹-۳-۴-۱-۳ نجات از آتش جهنم

﴿۳۷۱۳﴾ و همه شما (بدون استثنا) وارد جهنم می‌شوید این امری است حتمی و قطعی بر پروردگارت! * سپس آن‌ها را که تقوا پیشه کردند از آن رهایی می‌بخشیم و ظالمان را - در حالی که (از ضعف و ذلت) به زانو درآمده‌اند - در آن رها می‌سازیم.

﴿۳۷۱۴﴾ ابوسمینه گوید:... گروهی معتقد بودند که همه وارد جهنم می‌شوند اما خداوند کسانی را که تقوا پیشه کردند رهایی می‌بخشد. من با جابر بن عبدالله دیدار کردم و از او در این باره سؤال پرسیدم. او با انگشت خود به گوش‌هایش اشاره کرد و گفت: «گوش‌هایم کر شوند اگر از رسول خدا ﷺ نشنیده باشم که فرمود: «ورود همان دخول است و هر نیکوکار و فاجری وارد می‌شوند و آتش بر مؤمنان سرد و سلامت است همانطور که بر ابراهیم علیهِ السلام بود تا جایی که جهنم از سردی آتش ناله می‌کند، سپس پرهیزکاران نجات می‌یابند».

﴿۳۷۱۵﴾ در توضیح و تفسیر «إِنَّ لِلْمُتَّقِينَ مَفَازًا» بیان کرد که منظور از «مُتَّقِينَ» در آیه، علی‌بن‌ابی‌طالب علی‌ه‌السلام سید و سرور پرهیزکاران است، از ارتکاب به فواحش دوری کرده و از نزدیکی به کبائر برحذر بوده است. پاداش او رستگاری و نجات از آتش جهنم است. اوست که در منازل قرب الهی جای می‌گیرد و به نعمت‌های بهشتی متنعم می‌شود.

۹-۳-۴-۲-۲ امانیت

﴿۳۷۱۶﴾ ای فزاینده‌ی عزّت در دل‌های تقواییان، ای سرپرست آن‌ها به سبب نیکی باطنشان، ای ایمن‌گرداننده‌ی آنان به سبب بندگی نیکشان.

﴿۳۷۱۷﴾ بار خدایا! از امروز تا روز قیامت بر تابعین درود فرست... [چنان درودی که به سبب آن] ایشان را به جایگاه آسودگی (بهشت) که آسایشگاه پرهیزکاران است، روانه گردانی.

۹-۳-۴-۲-۱ در کمال امانیت وارد بهشت می‌شود

﴿۳۷۱۸﴾ آگاه باش که تقوا مانند مرکب‌های رامی است که سوارکاران مخصوص دارد و لجام در اختیار آن‌ها است و به بهشت رهسپار می‌شوند. تا جایی که درب‌های بهشت برای آنان باز شده و رایحه و بوی بهشت را استشمام می‌کنند و به آنان گفته می‌شود: «داخل این باغ‌ها شوید با سلامت و امانیت!».

﴿ثَمَرَاتُ التَّقْوَى / ثَمَرَاتُ التَّقْوَى فِي الْآخِرَةِ﴾

٢-٢-٣-٩-أَمِنْ فَزَعِ جَاشِكُمْ

﴿٣٧١٩﴾ أمير المؤمنين عليه السلام: فَإِنْ تَقَوَّى اللَّهُ دَوَاءُ دَاءِ قُلُوبِكُمْ وَبَصَرُ عَمَى أَفْتِدَتِكُمْ وَشِفَاءُ مَرَضِ أَجْسَادِكُمْ وَصَلَحَ فَسَادِ صُدُورِكُمْ وَظُهُورُ دَسِ أَنْفُسِكُمْ وَجِلَاءُ عَشَا أَبْصَارِكُمْ وَأَمِنْ فَزَعِ جَاشِكُمْ وَضِيَاءُ سَوَادِ ظُلُمَتِكُمْ؛ نهج البلاغة، ص ٣١٢

٣-٢-٣-٩-أَمِنَةً يَوْمَ الْخَوْفِ الْأَكْبَرِ

﴿٣٧٢٠﴾ أمير المؤمنين عليه السلام: إِنَّمَا هِيَ نَفْسِي أَرُوضُهَا بِالتَّقْوَى لِتَأْتِيَ أَمِنَةً يَوْمَ الْخَوْفِ الْأَكْبَرِ وَتَنْتَبِثَ عَلَى جَوَانِبِ الْمَزَلَقِ وَلَوْ شِئْتُ لَاهْتَدَيْتُ الطَّرِيقَ إِلَى مُصَفَى هَذَا الْعَسَلِ وَلُبَابِ هَذَا الْقَمَحِ وَنَسَائِجِ هَذَا الْقَزِّ وَلَكِنْ هِيَئَاتِ أَنْ يَغْلِبَنِي هَوَايَ وَيَقُودَنِي جَشَعِي إِلَى تَخْيِيرِ الْأَطْعِمَةِ وَلَعَلَّ بِالْحِجَازِ أَوْ الْيَمَامَةِ مَنْ لَا طَمَعَ لَهُ فِي الْقُرْصِ وَلَا عَهْدَ لَهُ بِالشَّعِيعِ أَوْ أَبَيْتَ مِبْطَانًا وَحَوْلِي بَطُونٌ غَرْنِي وَ أَكْبَادُ حَرَى؛ نهج البلاغة، ص ٤١٦

٤-٢-٣-٩-أَمَانٌ مِنَ النَّارِ

﴿٣٧٢١﴾ الصادق عليه السلام: وَأَتَاهُمْ تَقْوَاهُمْ أَيْ ثَوَابُ تَقْوَاهُمْ أَمَانًا مِنَ النَّارِ؛ بحار الأنوار، ج ٢٤، ص ٣٢٠

٥-٢-٣-٩-دَارُ الْأَمَانِ

﴿٣٧٢٢﴾ أمير المؤمنين عليه السلام: إِذَا أَمَنْتَ بِاللَّهِ وَاتَّقَيْتَ مَحَارِمَهُ أَحَلَّكَ دَارَ الْأَمَانِ وَإِذَا أَرْضَيْتَهُ تَعَمَّدَكَ بِالرِّضْوَانِ؛ غرر الحكم، ص ٨٨

٦-٢-٣-٩-مَقَامُ أَمِينٍ

﴿٣٧٢٣﴾ إِنَّ الْمُتَّقِينَ فِي مَقَامِ أَمِينٍ؛ الدخان ٥١

﴿٣٧٢٤﴾ الصادق عليه السلام: أَيُّمَا عَبْدٍ أَقْبَلَ قَبْلَ مَا يُحِبُّ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ أَقْبَلَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ قَبْلَ كُلِّ مَا يُحِبُّ وَمَنْ اغْتَصَمَ بِاللَّهِ وَتَقَوَّاهُ عَصَمَهُ اللَّهُ وَمَنْ أَقْبَلَ قَبْلَهُ وَعَصَمَهُ لَمْ يُبَالِ لَوْ سَقَطَتِ السَّمَاءُ عَلَى الْأَرْضِ [أَوْ كَانَتْ نَازِلَةً عَلَى أَهْلِ الْأَرْضِ] فَشَمَلَتْهُمْ بَلِيَّةٌ وَكَانَ فِي حِرْزِ اللَّهِ بِالتَّقْوَى مِنْ كُلِّ بَلِيَّةٍ أَلَيْسَ اللَّهُ تَبَارَكَ وَتَعَالَى يَقُولُ إِنَّ الْمُتَّقِينَ فِي مَقَامِ أَمِينٍ؛ مستدرک الوسائل، ج ١١، ص ٢١٣

٣-٣-٩-الْخِلَاصُ

﴿٣٧٢٥﴾ أمير المؤمنين عليه السلام: فَاتَّقِ اللَّهَ يَا ابْنَ حَنِيفٍ وَلْتَكْفِكَ أَقْرَاصُكَ لِيَكُونَ مِنَ النَّارِ

خِلَاصُكَ؛ بحار الأنوار، ج ٤٠، ص ٣٤١

«نتایج تقوا / نتایج پرهیزکاری در آخرت»

۹-۳-۴-۲-۲-۲ ایمنی ترس دل

«۳۷۱۹» زیرا تقوا و ترس از خدا داروی درد قلبها و بینایی کوری دلها و بهبودی بیماری تنها و اصلاح فساد سینهها و پاکیزگی چرک نفسها و روشنی پوشش دیدهها و ایمنی ترس دل و نور سیاهی تاریکی [نادانی] شما است.

۹-۳-۴-۲-۳ ایمنی در روز ترس بزرگ

«۳۷۲۰» من نفس خود را با پرهیزکاری می‌پرورانم، تا در روز قیامت که هراسناک‌ترین روزهاست در امان، و در لغزشگاه‌های آن ثابت قدم باشد. من اگر می‌خواستم، می‌توانستم از غسل پاک، و از مغز گندم، و بافته‌های ابریشم، برای خود غذا و لباس فراهم آورم، اما هیئات که هوای نفس بر من چیره گردد، و حرص و طمع مرا وا دارد که طعام‌های لذیذ برگزینم، درحالی‌که در «حجاز» یا «یمامه» کسی باشد که به قرص نانی نرسد، و یا هرگز شکمی سیر نخورد، یا من سیر بخوایم و پیرامونم شکم‌هایی که از گرسنگی به پشت چسبیده، و جگرهای سوخته وجود داشته باشد.

۹-۳-۴-۲-۴ ایمنی از آتش

«۳۷۲۱» «و روح تقوا به آنان می‌بخشد»؛ ثواب پرهیزکاری ایشان، امان از آتش است.

۹-۳-۴-۲-۵ خانه‌ی امن

«۳۷۲۲» وقتی به خدا ایمان آوردی و از محرمات پرهیز کردی، وارد خانه‌ی امن شده‌ای و وقتی خدا را راضی کردی خداوند تو را در رضوان خود داخل می‌کند.

۹-۳-۴-۲-۶ جایگاه امن

«۳۷۲۳» (ولی) پرهیزکاران در جایگاه امنی قرار دارند،

«۳۷۲۴» هر بنده‌ای که به آنچه خدای بلندمرتبه دوست دارد روی کند، خداوند نیز به آنچه او دوست دارد رو می‌کند. هر کس به خدا و تقوای الهی پناهنده شود، خداوند به او پناه می‌دهد و برای کسی که به خدا رو کرده و خدا او را پذیرفته و پناه داده، دیگر مهم نیست که آسمان به زمین بیاید یا بلا و گرفتاری‌ای به اهل زمین نازل شود و آن‌ها را در بگیرد چون او در پناه امان تقوای الهی است و از همه‌ی بلاها در امان است؛ مگر خداوند متعال نفرمود: «پرهیزکاران در جایگاه امنی قرار دارند»؟!

۹-۳-۴-۳ خلاص شدن

«۳۷۲۵» ای پسر حنیف! از خدا بترس و به قرص‌های نان خودت قناعت کن، تا تو را از آتش دوزخ رهایی بخشد.

﴿ ثَمَرَاتُ التَّقْوَى / ثَمَرَاتُ التَّقْوَى فِي الْآخِرَةِ ﴾

﴿ ٣٧٢٦ ﴾ أمير المؤمنين عليه السلام: فَبِتَقْوَى اللَّهِ أَرْجُو خَلَاصِي؛ بحار الأنوار، ج ٤٠، ص ٣٤٨

﴿ ٣٧٢٧ ﴾ الرسول ﷺ: تَجَنَّبُوا الْمَعَاصِيَ فَبِتَقْوَى اللَّهِ يُرْجَى الْخَلَاصُ؛ بحار الأنوار، ج ٧، ص ٣١٥

٩-٣-٤-٤- تَجَنَّبُ النَّارَ

﴿ ٣٧٢٨ ﴾ فَأَنْذَرْتُكُمْ نَارًا تَلَظَّى * لَا يَصْلِيهَا إِلَّا الْأَشْقَى * الَّذِي كَذَّبَ وَتَوَلَّى * وَسَيُجَنَّبُهَا

الْأَتَقَى * الَّذِي يُؤْتِي مَالَهُ يَتَزَكَّى؛ الليل ١٨- ١٤

٩-٣-٤-٥- إسْقَاطُ

٩-٣-٤-٥-١- إسْقَاطُ النَّسِيَانِ وَالسَّهْوِ وَالْغَلَطِ مَا اتَّقَى فِيهِ

﴿ ٣٧٢٩ ﴾ فقه الرضا عليه السلام: وَأَرَوَى أَنَّ اللَّهَ تَبَارَكَ وَتَعَالَى اسْقَطَ مِنَ الْمُؤْمِنِ مَا لَا يَعْلَمُ وَمَا لَا

يَتَعَمَّدُ وَالنَّسِيَانَ وَالسَّهْوَ وَالْغَلَطَ وَمَا اسْتَكْرَهُوا عَلَيْهِ وَمَا اتَّقَى فِيهِ وَمَا لَا يُطِيقُ؛

مستدرک الوسائل، ج ١٢، ص ٢٥

﴿ ٣٧٣٠ ﴾ الرضا عليه السلام: كُلُّ شَيْءٍ مِمَّا يُبَاعُ إِذَا اتَّقَى اللَّهُ فِيهِ الْعَبْدُ فَلَا بَأْسَ؛ الكافي، ج ٥، ص ١١٤

﴿ ٣٧٣١ ﴾ وَادْكُرُوا اللَّهَ فِي أَيَّامٍ مَعْدُودَاتٍ فَمَنْ تَعَجَّلَ فِي يَوْمَيْنِ فَلَا إِثْمَ عَلَيْهِ وَمَنْ تَأَخَّرَ فَلَا إِثْمَ

عَلَيْهِ لِمَنِ اتَّقَى وَاتَّقُوا اللَّهَ وَاعْلَمُوا أَنَّكُمْ إِلَيْهِ تُحْشَرُونَ؛ البقرة ٢٠٣

٩-٣-٤-٦- تَسَاقُطُ الذُّنُوبِ

﴿ ٣٧٣٢ ﴾ الصَّادِق عليه السلام: قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام لِبَعْضِ أَصْحَابِهِ بَعْدَ كَلَامٍ إِنَّ الْمُؤْمِنِينَ مِنْ أَهْلِ

وَلَايَتِنَا وَشِيعَتِنَا إِذَا اتَّقَوْا لَمْ يَزَلِ اللَّهُ تَعَالَى مُطِلاً عَلَيْهِمْ بِوَجْهِهِ حَتَّى يَتَفَرَّقُوا وَلَا يَزَالُ الذُّنُوبُ

تَسَاقُطُ عَنْهُمْ كَمَا تَسَاقُطُ الْوَرَقُ وَلَا يَزَالُ يَدُ اللَّهِ عَلَى يَدِ أَشَدَّهِمَا حُبًّا لِصَاحِبِهِ؛ بحار الأنوار،

ج ٧١، ص ٢٨٠

٩-٣-٤-٧- لَيْسَ عَلَيْهِمْ جُنَاحُ

﴿ ٣٧٣٣ ﴾ لَيْسَ عَلَى الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ جُنَاحٌ فِيمَا طَعِمُوا إِذَا مَا اتَّقَوْا وَآمَنُوا وَ

عَمِلُوا الصَّالِحَاتِ ثُمَّ اتَّقَوْا وَآمَنُوا ثُمَّ اتَّقَوْا وَأَحْسَنُوا وَاللَّهُ يُحِبُّ الْمُحْسِنِينَ؛ المائدة ٩٣

٩-٣-٤-٨- ارْحَضُوا بِهَا ذُنُوبَكُمْ

﴿ ٣٧٣٤ ﴾ أمير المؤمنين عليه السلام: التَّقْوَى... أَشْعَرُوهَا قُلُوبَكُمْ وَارْحَضُوا بِهَا ذُنُوبَكُمْ وَدَاوُوا بِهَا

الْأَسْقَامَ؛ نهج البلاغة، ص ٢٨٤

﴿نتایج تقوا / نتایج پرهیزکاری در آخرت﴾

﴿۳۷۲۶﴾ و با تقوای از خدا امید رهایی داشته باشیم.

﴿۳۷۲۷﴾ با تقوای الهی از معاصی دور شوید که با تقوای الهی امید خلاصی می‌رود.

۹-۳-۴-۴- دور شدن از آتش

﴿۳۷۲۸﴾ و من شما را از آتشی که زبانه می‌کشد بیم می‌دهم* کسی جز بدبخت‌ترین مردم وارد آن نمی‌شود* همان کس که (آیات خدا را) تکذیب کرد و به آن پشت نمود!* و به‌زودی با تقواترین مردم از آن دور داشته می‌شود* همان کس که مال خود را (در راه خدا) می‌بخشد تا پاک شود.

۹-۳-۴-۵- ریختن

۹-۳-۴-۵-۱- ریختن خطاها

﴿۳۷۲۹﴾ در فقه الرضا روایت شده که خداوند مواردی را از گردن مؤمنان ساقط کرده [و بر آنان مؤاخذة نمی‌کند]؛ آنچه نمی‌دانند، آنچه به‌عمد انجام نداده‌اند، آنچه فراموش کرده‌اند و سهو و غلط و آنچه از سر اجبار انجام داده‌اند و آنچه در آن تقوا پیشه کرده‌اند و آنچه از تحملشان خارج است. ﴿۳۷۳۰﴾ وقتی بنده تقوا پیشه می‌کند، هر چیزی که [بر این مبنا] بخرد، اشکالی ندارد. ﴿۳۷۳۱﴾ و خدا را در روزهای معینی یاد کنید! (روزهای ۱۱ و ۱۲ و ۱۳ ماه ذی حجه). و هر کس شتاب کند، (و ذکر خدا را) در دو روز انجام دهد، گناهی بر او نیست، و هر که تأخیر کند، (و سه روز انجام دهد نیز) گناهی بر او نیست برای کسی که تقوا پیشه کند. و از خدا بپرهیزید! و بدانید شما به سوی او محشور خواهید شد!

۹-۳-۴-۶- ریختن گناهان

﴿۳۷۳۲﴾ امام صادق (علیه السلام) به یکی از اصحابش، پس از سخنی که با او داشت، فرمود: «همانا مؤمنان ولایتمدار و شیعه‌ی ما، اگر پرهیزکار باشند هنگامی که به یکدیگر می‌رسند، پیوسته خداوند نظر لطف به آن‌ها دارد، تا از هم جدا شوند؛ و گناهانشان فرو می‌ریزد، چنانکه برگ درخت فرو می‌ریزد؛ و پیوسته دست خدا به همراه دست آن کسی است که یارش را بیشتر دوست دارد.

۹-۳-۴-۷- گناهی بر آن‌ها نیست

﴿۳۷۳۳﴾ بر کسانی که ایمان آورده و اعمال صالح انجام داده‌اند، گناهی در آنچه خورده‌اند نیست (و نسبت به نوشیدن شراب، قبل از نزول حکم تحریم، مجازات نمی‌شوند) اگر تقوا پیشه کنند، و ایمان بیاورند، و اعمال صالح انجام دهند سپس تقوا پیشه کنند و ایمان آورند سپس تقوا پیشه کنند و نیکی نمایند. و خداوند، نیکوکاران را دوست می‌دارد.

۹-۳-۴-۸- گناهانتان را با آن شستشو دهید

﴿۳۷۳۴﴾ دل‌های خود را با تقوا زنده کنید، و گناهان خود را با آن شستشو دهید. بیماری‌های روان و جان خود را با تقوا درمان کنید.

﴿ ثَمَرَاتُ التَّقْوَى / ثَمَرَاتُ التَّقْوَى فِي الْآخِرَةِ ﴾

٩-٣-٤-٩- السَّلَامَةُ وَالسَّلَامُ

٩-٣-٤-٩-١- السَّلَامَةُ مِنْ أَهْوَالِ يَوْمِ الْقِيَامَةِ

﴿ ٣٧٣٥ ﴾ الرَّسُولُ ﷺ: فَالْتَمِسُوا بِالتَّقْوَى السَّلَامَةَ مِنْ أَهْوَالِ يَوْمِ الْقِيَامَةِ؛ بحار الأنوار، ج ٣٦،

ص ٣٣١

٩-٣-٤-٩-٢- السَّلَامَةُ مِنَ التَّلَفِ

﴿ ٣٧٣٦ ﴾ الْبَاقِرُ ﷺ: فَإِنِّي أُوصِيكَ بِتَقْوَى اللَّهِ فَإِنَّ فِيهَا السَّلَامَةَ مِنَ التَّلَفِ وَالْغَنِيمَةَ فِي

الْمُنْقَلَب؛ الكافي، ج ٨، ص ٥٢

٩-٣-٤-٩-٣- الثَّبَاتُ عَلَى جَوَانِبِ الْمَزَلَقِ

﴿ ٣٧٣٧ ﴾ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ ﷺ: إِنَّمَا هِيَ نَفْسِي أَرُوضُهَا بِالتَّقْوَى لِتَأْتِيَ آمِنَةً يَوْمَ الْخَوْفِ الْأَكْبَرِ وَ

تَثْبُتَ عَلَى جَوَانِبِ الْمَزَلَقِ وَلَوْ شِئْتُ لَاهْتَدَيْتُ الطَّرِيقَ إِلَى مُصَفَى هَذَا الْعَسَلِ وَلُبَابِ هَذَا الْقَمَحِ وَ نَسَائِجِ هَذَا الْقَزِّ وَلَكِنْ هُنَّهَاتُ أَنْ يَغْلِبَنِي هَوَايَ وَيَقُودَنِي جَشَعِي إِلَى تَخْيِيرِ الْأَطْعَمَةِ وَلَعَلَّ بِالْحِجَازِ أَوْ الْإِمَامَةِ مَنْ لَا طَمَعَ لَهُ فِي الْقُرْصِ وَلَا عَهْدَ لَهُ بِالشَّيْعِ أَوْ آبَيْتَ مِبْطَانًا وَ حَوْلَى بَطُونٍ غَرْنِي وَ أَكْبَادُ حَرَى؛ نهج البلاغة، ص ٤١٦

٩-٣-٤-٩-٤- ادْخُلُوهَا بِسَلَامٍ

﴿ ٣٧٣٨ ﴾ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ ﷺ: أَلَا وَإِنَّ التَّقْوَى مَطَايَا ذُلٍّ حَمِلَ عَلَيْهَا أَهْلُهَا وَأَعْطُوا أَرْزَمَتَهَا

فَأُورِدَتْهُمْ الْجَنَّةَ وَفُتِحَتْ لَهُمْ أَبْوَابُهَا وَجَدُّوا رِيحَهَا وَطَيْبَهَا وَقِيلَ لَهُمْ ادْخُلُوهَا بِسَلَامٍ آمِينَ؛

الكافي، ج ٨، ص ٦٧

٩-٣-٤-٩-٥- سَلَامُ الْمَلَائِكَةِ

﴿ ٣٧٣٩ ﴾ وَسِيقَ الَّذِينَ اتَّقَوْا رَبَّهُمْ إِلَى الْجَنَّةِ زُمَرًا حَتَّى إِذَا جَاؤُهَا وَفُتِحَتْ أَبْوَابُهَا وَقَالَ لَهُمْ

حَزَنَتُهَا سَلَامٌ عَلَيْكُمْ طِبْتُمْ فَادْخُلُوهَا خَالِدِينَ؛ الزمر ٧٣

٩-٣-٤-٩-١٠- الْمَعَادُ

﴿ ٣٧٤٠ ﴾ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ ﷺ: أُوصِيكُمْ عِبَادَ اللَّهِ بِتَقْوَى اللَّهِ الَّتِي هِيَ الزَّادُ وَبِهَا الْمَعَادُ زَادٌ مُبْلَغٌ

وَمَعَادٌ مُنْجَحٌ؛ نهج البلاغة، ص ١٦٩

﴿نتایج تقوا / نتایج پرهیزکاری در آخرت﴾

۹-۳-۴-۹- امنیت و آرامش

۹-۳-۴-۹-۱- امنیت در مراحل هول‌انگیز قیامت

﴿۳۷۳۵﴾ پس به واسطه‌ی تقوا، امنیت از وحشت‌های روز قیامت را به دست آورید.

۹-۳-۴-۹-۲- درمان‌بودن از نابودی

﴿۳۷۳۶﴾ تو را به تقوا توصیه می‌کنم، زیرا در تقوا سلامت و رهایی از تلف‌شدن [و هلاکت] و سودبردن در بازگشت‌گاه [آخرت] است.

۹-۳-۴-۹-۳- عدم لغزش در جایگاه‌های لغزنده

﴿۳۷۳۷﴾ من نفس خود را با پرهیزکاری می‌پرورانم، تا در روز قیامت که هراسناک‌ترین روزهاست در امان، و در لغزشگاه‌های آن ثابت قدم باشد. من اگر می‌خواستم، می‌توانستم از عسل پاک، و از مغز گندم، و بافته‌های ابریشم، برای خود غذا و لباس فراهم آورم، اما هیبت‌ها که هوای نفس بر من چیره گردد، و حرص و طمع مرا وا دارد که طعام‌های لذیذ برگزینم، درحالی‌که در «حجاز» یا «یمامه» کسی باشد که به قرص نانی نرسد، و یا هرگز شکمی سیر نخورد، یا من سیر بخوام و پیرامونم شکم‌هایی که از گرسنگی به پشت چسبیده، و جگرهای سوخته وجود داشته باشد.

۹-۳-۴-۹-۴- در کمال امنیت وارد بهشت شوید

﴿۳۷۳۸﴾ آگاه باش که تقوا مانند مرکب‌های رامی است که سوارکاران مخصوص دارد و لجام در اختیار آن‌ها است و به بهشت رهسپار می‌شوند. تا جایی که درب‌های بهشت برای آنان باز شده و رایحه و بوی بهشت را استشمام می‌کنند و به آنان گفته می‌شود: «داخل این باغ‌ها شوید با سلامت و امنیت!».

۹-۳-۴-۹-۵- پیام امن فرشتگان

﴿۳۷۳۹﴾ و کسانی که تقوای الهی پیشه کردند گروه گروه به سوی بهشت برده می‌شوند هنگامی که به آن می‌رسند درهای بهشت گشوده می‌شود و نگهبانان به آنان می‌گویند: «سلام بر شما! گوارایتان باد این نعمت‌ها! داخل بهشت شوید و جاودانه بمانید!»

۹-۳-۴-۱۰- پناه

﴿۳۷۴۰﴾ ای بندگان خدا! شما را به تقوای الهی سفارش می‌کنم، که زاد و توشه‌ی سفر قیامت است. تقوا توشه‌ای است که به منزل رساند، پناهگاهی است که ایمن می‌گرداند.

﴿ ثَمَرَاتُ التَّقْوَى / ثَمَرَاتُ التَّقْوَى فِي الْآخِرَةِ ﴾

١١-٤-٣-٩- العَفْوُ

﴿ ٣٧٤١ ﴾ أمير المؤمنين عليه السلام: فَإِنْ اسْتَوَى الْعَمَلَانِ أَذْهَبَ اللَّهُ الشَّرَّ بِالْخَيْرِ وَأَدْخَلَهُ الْجَنَّةَ وَإِنْ كَانَ لَهُ فَضْلٌ أَعْطَاهُ اللَّهُ بِفَضْلِهِ وَإِنْ كَانَ عَلَيْهِ فَضْلٌ وَهُوَ مِنْ أَهْلِ التَّقْوَى لَمْ يُشْرِكْ بِاللَّهِ تَعَالَى وَاتَّقَى الشُّرُكَ بِهِ فَهُوَ مِنْ أَهْلِ الْمَغْفِرَةِ يَغْفِرُ اللَّهُ لَهُ بِرَحْمَتِهِ إِنْ شَاءَ وَيَتَفَضَّلُ عَلَيْهِ بِعَفْوِهِ؛ بحار الأنوار، ج ٧، ص ٢٦٢

١٢-٤-٣-٩- الْمَغْفِرَةُ

﴿ ٣٧٤٢ ﴾ فَكُلُوا مِمَّا غَنِمْتُمْ حَلَالًا طَيِّبًا وَاتَّقُوا اللَّهَ إِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَحِيمٌ؛ الأنفال ٦٩
 ﴿ ٣٧٤٣ ﴾ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ وَآمِنُوا بِرُسُولِهِ يُؤْتِكُمْ كِفْلَيْنِ مِنْ رَحْمَتِهِ وَيَجْعَلْ لَكُمْ نُورًا تَمْشُونَ بِهِ وَيَغْفِرْ لَكُمْ وَاللَّهُ غَفُورٌ رَحِيمٌ؛ الحديد ٢٨
 ﴿ ٣٧٤٤ ﴾ وَلَنْ تَسْتَطِيعُوا أَنْ تَعْدِلُوا بَيْنَ النِّسَاءِ وَلَوْ حَرَضْتُمْ فَلَا تَمِيلُوا كُلَّ الْمِيلِ فَتَدْرُواهَا كَالْمِئْلَقَةِ وَإِنْ تُصْلِحُوا وَتَتَّقُوا فَإِنَّ اللَّهَ كَانَ غَفُوراً رَحِيماً؛ النساء ١٢٩
 ﴿ ٣٧٤٥ ﴾ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِنْ تَتَّقُوا اللَّهَ يَجْعَلْ لَكُمْ فُرْقَاناً وَيُكَفِّرْ عَنْكُمْ سَيِّئَاتِكُمْ وَيَغْفِرْ لَكُمْ وَاللَّهُ ذُو الْفَضْلِ الْعَظِيمِ؛ الأنفال ٢٩
 ﴿ ٣٧٤٦ ﴾ مَثَلُ الْجَنَّةِ الَّتِي وُعدَ الْمُتَّقُونَ فِيهَا أَنْهَارٌ مِنْ مَاءٍ غَيْرِ آسِنٍ وَأَنْهَارٌ مِنْ لَبَنٍ لَمْ يَتَغَيَّرْ طَعْمُهُ وَأَنْهَارٌ مِنْ خَمْرٍ لَذَّةٍ لِلشَّارِبِينَ وَأَنْهَارٌ مِنْ عَسَلٍ مُصَفًّى وَلَهُمْ فِيهَا مِنْ كُلِّ الثَّمَرَاتِ وَمَغْفِرَةٌ مِنْ رَبِّهِمْ؛ محمد ١٥
 ﴿ ٣٧٤٧ ﴾ كَلَّا إِنَّهُ تَذَكُّرٌ * فَمَنْ شَاءَ ذَكَرْهُ * وَمَا يَدُكُّوْنَ إِلَّا أَنْ يَشَاءَ اللَّهُ هُوَ أَهْلُ التَّقْوَى وَأَهْلُ

الْمَغْفِرَةِ؛ المدثر ٥٤-٥٦

﴿ ٣٧٤٨ ﴾ أمير المؤمنين عليه السلام: فَإِنْ اسْتَوَى الْعَمَلَانِ أَذْهَبَ اللَّهُ الشَّرَّ بِالْخَيْرِ وَأَدْخَلَهُ الْجَنَّةَ وَإِنْ كَانَ لَهُ فَضْلٌ أَعْطَاهُ اللَّهُ بِفَضْلِهِ وَإِنْ كَانَ عَلَيْهِ فَضْلٌ وَهُوَ مِنْ أَهْلِ التَّقْوَى لَمْ يُشْرِكْ بِاللَّهِ تَعَالَى وَاتَّقَى الشُّرُكَ بِهِ فَهُوَ مِنْ أَهْلِ الْمَغْفِرَةِ يَغْفِرُ اللَّهُ لَهُ بِرَحْمَتِهِ إِنْ شَاءَ وَيَتَفَضَّلُ عَلَيْهِ بِعَفْوِهِ؛ بحار الأنوار، ج ٧، ص ٢٦٢

﴿نتایج تقوا / نتایج پرهیزکاری در آخرت﴾

۱۱-۴-۹-عفو

﴿۳۷۴۱﴾ پس اگر عمل خیر و شرّ بنده برابر باشد خدا با حسنات او تمام بدی‌هایش را می‌برد و او را داخل بهشت می‌کند. و اگر دارای فضلی باشد، خدا به فضلش می‌افزاید و اگر بر او فضلی باشد و او از اهل تقوا باشد و به خدای تعالی شرک نورزیده باشد و از شرک به او پرهیز کند، پس او از اهل مغفرت است. و اگر خدا بخواهد او را به سبب رحمتش می‌بخشد و با عفویش بر او تفضل می‌کند.

۱۲-۴-۹-آمرزش

﴿۳۷۴۲﴾ از آنچه به غنیمت گرفته‌اید، حلال و پاکیزه بخورید و از خدا بپرهیزید خداوند آمرزنده و مهربان است!

﴿۳۷۴۳﴾ ای کسانی که ایمان آورده‌اید! تقوای الهی پیشه کنید و به رسولش ایمان بیاورید تا دو سهم از رحمتش به شما ببخشد و برای شما نوری قرار دهد که با آن (در میان مردم و در مسیر زندگی خود) راه بروید و گناهان شما را ببخشد و خداوند غفور و رحیم است.

﴿۳۷۴۴﴾ شما هرگز نمی‌توانید (از نظر محبت قلبی) در میان زنان، عدالت برقرار کنید، هر چند کوشش نمایید! ولی تمایل خود را به کلی متوجه یک طرف نسازید که دیگری را به صورت زنی که شوهرش را از دست داده درآورید! و اگر راه صلاح و پرهیزکاری پیش گیرید، خداوند آمرزنده و مهربان است.

﴿۳۷۴۵﴾ ای کسانی که ایمان آورده‌اید! اگر از (مخالفت فرمان) خدا بپرهیزید، برای شما وسیله‌ای جهت جداساختن حق از باطل قرار می‌دهد (روشن‌بینی) و گناهانتان را می‌پوشاند و شما را می‌آمرزد و خداوند صاحب فضل و بخشش عظیم است!

﴿۳۷۴۶﴾ توصیف بهشتی که به پرهیزکاران وعده داده شده، چنین است: در آن نه‌رهایی از آب صاف و خالص که بدبو نشده، و نه‌رهایی از شیر که طعم آن دگرگون نگشته، و نه‌رهایی از شراب (طهور) که مایه لذت نوشندگان است، و نه‌رهایی از عسل مصفاست، و برای آن‌ها در آن از همه‌ی انواع میوه‌ها وجود دارد و (از همه بالاتر) آمرزشی است از سوی پروردگارشان! آیا این‌ها همانند کسانی هستند که همیشه در آتش دوزخند و از آب جوشان نوشانده می‌شوند که اندرونشان را از هم متلاشی می‌کند؟!

﴿۳۷۴۷﴾ چنین نیست که آن‌ها می‌گویند، آن (قرآن) یک تذکر و یادآوری است! * هرکس بخواهد از آن پند می‌گیرد* و هیچ کس پند نمی‌گیرد مگر اینکه خدا بخواهد او اهل تقوا و اهل آمرزش است!

﴿۳۷۴۸﴾ پس اگر عمل خیر و شرّ بنده برابر باشد خدا با حسنات او تمام بدی‌هایش را می‌برد و او را داخل بهشت می‌کند. و اگر دارای فضلی باشد، خدا به فضلش می‌افزاید و اگر بر او فضلی باشد و او از اهل تقوا باشد و به خدای تعالی شرک نورزیده باشد و از شرک به او پرهیز کند، پس او از اهل مغفرت است. و اگر خدا بخواهد او را به سبب رحمتش می‌بخشد و با عفویش بر او تفضل می‌کند.

﴿ ثَمَرَاتُ التَّقْوَى / ثَمَرَاتُ التَّقْوَى فِي الْآخِرَةِ ﴾

﴿ ٣٧٤٩ ﴾ الصَّادِقُ عليه السلام: سَأَلَ السُّدِّيُّ جَعْفَرَ بْنَ مُحَمَّدٍ عليه السلام عَنْ قَوْلِ اللَّهِ تَعَالَى مَثَلُ الْجَنَّةِ الَّتِي وَعَدَ الْمُتَّقُونَ قَالَ هِيَ فِي عَلِيٍّ وَأَوْلَادِهِ وَشِيعَتِهِمْ هُمُ الْمُتَّقُونَ وَهُمْ أَهْلُ الْجَنَّةِ وَالْمَغْفِرَةِ؛ بحار الأنوار، ج ٧، ص ٢٠٢
٩-٣-٤-١٣- تكفير السيئات

﴿ ٣٧٥٠ ﴾ وَلَوْ أَنَّ أَهْلَ الْكِتَابِ آمَنُوا وَاتَّقَوْا لَكَفَّرْنَا عَنْهُمْ سَيِّئَاتِهِمْ وَلَأَدْخَلْنَاَهُمْ جَنَّاتِ النَّعِيمِ؛ المائدة ٦٥

﴿ ٣٧٥١ ﴾ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِن تَتَّقُوا اللَّهَ يَجْعَلْ لَكُمْ فُرْقَانًا وَيُكَفِّرْ عَنْكُمْ سَيِّئَاتِكُمْ وَيَغْفِرْ لَكُمْ وَاللَّهُ ذُو الْفَضْلِ الْعَظِيمِ؛ الأنفال ٢٩
﴿ ٣٧٥٢ ﴾ وَمَنْ يَتَّقِ اللَّهَ يُكَفِّرْ عَنْهُ سَيِّئَاتِهِ وَيُعْظِمْ لَهُ أَجْرًا؛ الطلاق ٥
٩-٣-٤-١٤- لَا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ

﴿ ٣٧٥٣ ﴾ يَا بَنِي آدَمَ إِنَّمَا يَأْتِيَنَّكُمْ رُسُلٌ مِنْكُمْ يَقُصُّونَ عَلَيْكُمْ آيَاتِي فَمَنِ اتَّقَى وَأَصْلَحَ فَلَا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ؛ الأعراف ٣٥
﴿ ٣٧٥٤ ﴾ أَلَا إِنَّ أَوْلِيَاءَ اللَّهِ لَا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ * الَّذِينَ آمَنُوا وَكَانُوا يَتَّقُونَ؛ يونس ٦٣-٦٢

﴿ ٣٧٥٥ ﴾ الْأُتَمَّةُ عليه السلام: رُوي أَنَّهُ يُنَادِي يَوْمَ الْقِيَامَةِ يَا عِبَادَ اللَّهِ لَا خَوْفٌ عَلَيْكُمْ فَتَرَفَعُ الْخَلَائِقُ رُءُوسُهُمْ وَيَقُولُونَ نَحْنُ عِبَادُ اللَّهِ ثُمَّ يُنَادِي الثَّانِيَةَ فَيَرَفَعُ أَهْلُ الْكِتَابِ رُءُوسَهُمْ فَيَقُولُونَ نَحْنُ الَّذِينَ آمَنَّا فَيُنَادِي الثَّالِثَةَ الَّذِينَ يَتَّبِعُونَ النَّبِيَّ الْأُمِّيَّ فَيُنْكَسُ أَهْلُ الْكِتَابِ رُءُوسَهُمْ وَيَبْقَى أَهْلُ التَّقْوَى؛ مستدرک الوسائل، ج ١١، ص ٢٦٧

﴿ ٣٧٥٦ ﴾ أمير المؤمنين عليه السلام: أَسْأَلُ اللَّهَ... أَنْ يَجْعَلَ مِنَ الْمُتَّقِينَ الَّذِينَ لَا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ؛ بحار الأنوار، ج ٣٣، ص ٥٤٩
٩-٣-٤-١٥- لَا يَمَسُّهُمُ السُّوءُ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ

﴿ ٣٧٥٧ ﴾ وَيُنَجِّي اللَّهُ الَّذِينَ اتَّقَوْا بِمَفَازَتِهِمْ لَا يَمَسُّهُمُ السُّوءُ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ؛ الزمر ٦١
﴿ ٣٧٥٨ ﴾ الصَّادِقُ عليه السلام: فَأَمَّا الَّذِينَ اتَّقَوْا مِنْ شِيعَتِنَا فَقَدْ نَجَاهُمْ اللَّهُ بِمَفَازَتِهِمْ لَا يَمَسُّهُمُ السُّوءُ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ؛ بحار الأنوار، ج ٨، ص ٤٧

﴿نتایج تقوا / نتایج پرهیزکاری در آخرت﴾

﴿۳۷۴۹﴾ سُدّی از امام صادق علیه السلام درباره‌ی آیه‌ی: «توصیف بهشتی که به پرهیزکاران وعده داده شده»؛ سؤال کرد. امام علیه السلام فرمود: «این آیه درباره‌ی علی علیه السلام و اولاد اوست و شیعیانشان همان متّقین هستند و آنان اهل بهشت و مغفرت هستند».

۹-۳-۴-۱۳- پوشیده شدن بدی‌ها

﴿۳۷۵۰﴾ و اگر اهل کتاب ایمان بیاورند و تقوا پیشه کنند، گناهان آن‌ها را می‌بخشیم و آن‌ها را در باغ‌های پر نعمت بهشت، وارد می‌سازیم.

﴿۳۷۵۱﴾ ای کسانی که ایمان آورده‌اید! اگر از (مخالفت فرمان) خدا بپرهیزید، برای شما وسیله‌ای جهت جداساختن حق از باطل قرار می‌دهد (روشن‌بینی خاصی که در پرتو آن، حق را از باطل خواهید شناخت) و گناهانتان را می‌پوشاند و شما را می‌آمرزد و خداوند صاحب فضل و بخشش عظیم است!

﴿۳۷۵۲﴾ و هر کس تقوای الهی پیشه کند، خداوند گناهانش را می‌بخشد و پاداش او را بزرگ می‌دارد!

۹-۳-۴-۱۴- نه ترسی بر آنان است و نه نگرانی

﴿۳۷۵۳﴾ ای فرزندان آدم! اگر رسولانی از خود شما به سراغتان بیایند که آیات مرا برای شما بازگو کنند، (از آن‌ها پیروی کنید) کسانی که پرهیزکاری پیشه کنند و عمل صالح انجام دهند (و در اصلاح خویش و دیگران بکوشند)، نه ترسی بر آن‌هاست و نه غمناک می‌شوند.

﴿۳۷۵۴﴾ همان‌ها که ایمان آوردند، و (از مخالفت فرمان خدا) پرهیز می‌کردند.

﴿۳۷۵۵﴾ در روایت آمده که روز قیامت ندایی بلند می‌شود که: «ای بندگان خدا! ترسی نداشته باشید». با شنیدن این ندا، مردم سرهایشان را بلند کرده و می‌گویند: «ما بندگان خداییم [و مورد خطاب این ندا]». برای بار دوّم همان صدا می‌آید و اهل کتاب نیز سرهای خود را بالا می‌آورند و می‌گویند: «ما همان کسانی هستیم که ایمان آوردیم». برای بار سوّم صدایی بلند می‌شود که می‌گوید: «همان کسانی که از پیامبر اُمّی تبعیت می‌کنند». پس اهل کتاب سرشان را پایین می‌اندازند و فقط اهل تقوا باقی می‌مانند [که مخاطبان این ندا هستند].

﴿۳۷۵۶﴾ از خدا می‌خواهم... ما را از متّقیانی که ترس و اندوهی بر آنان نیست قرار دهد.

۹-۳-۴-۱۵- بدی به آنان نمی‌رسد و نگران نمی‌شوند

﴿۳۷۵۷﴾ و خداوند کسانی را که تقوا پیشه کردند با رستگاری رهایی می‌بخشد هیچ بدی به آنان نمی‌رسد و هرگز غمگین نخواهند شد.

﴿۳۷۵۸﴾ اما شیعیان پرهیزکار و خدا ترس ما را خداوند با رستگاری و سعادت‌مندی خودش نجات داده است، هیچ بدی و گزند و غمی به آن‌ها نمی‌رسد.

﴿ ثَمَرَاتُ التَّقْوَى / ثَمَرَاتُ التَّقْوَى فِي الْآخِرَةِ ﴾

١٦-٣-٩-٤-١٦ ما مِنْ حِسَابِ الظَّالِمِينَ عَلَيْهِمْ مِنْ شَيْءٍ

﴿ ٣٧٥٩ ﴾ إِذَا رَأَيْتَ الَّذِينَ يَخُوضُونَ فِي آيَاتِنَا فَأَعْرِضْ عَنْهُمْ حَتَّى يَخُوضُوا فِي حَدِيثٍ غَيْرِهِ وَ
إِنَّمَا يُنْسِيَنَّكَ الشَّيْطَانُ فَلَا تَتَّعِدْ بَعْدَ الذِّكْرِ مَعَ الْقَوْمِ الظَّالِمِينَ * وَمَا عَلَى الَّذِينَ يَتَّقُونَ مِنْ

حِسَابِهِمْ مِنْ شَيْءٍ وَلَكِنْ ذِكْرٌ لَعَلَّهُمْ يَتَّقُونَ؛ الانعام ٦٨-٦٩
٥-٣-٩-الأجر، الثواب، الجزاء، الشكر من الله، الغنيمه، الذخر، الكنز

١-٣-٥-٩-الأجر

﴿ ٣٧٦٠ ﴾ إِنَّمَا الْحَيَاةُ الدُّنْيَا لَعِبٌ وَلَهُوَ إِنْ تُوْمِنُوا وَتَتَّقُوا يُؤْتِكُمْ أَجْرَكُمْ وَلَا يَسْأَلْكُمْ أَمْوَالَكُمْ؛

محمد ٣٦

١-٣-٥-٩-أجر الآخرة

﴿ ٣٧٦١ ﴾ وَلَا جُزْأَ الْآخِرَةِ خَيْرٌ لِلَّذِينَ آمَنُوا وَكَانُوا يَتَّقُونَ؛ يوسف ٥٧

١-٣-٥-٩-أجر عظيم

﴿ ٣٧٦٢ ﴾ الَّذِينَ اسْتَجَابُوا لِلَّهِ وَالرَّسُولِ مِنْ بَعْدِ مَا أَصَابَهُمُ الْقَرْحُ لِلَّذِينَ أَحْسَنُوا مِنْهُمْ وَاتَّقُوا أَجْرٌ

عظيم؛ آل عمران ١٧٢

﴿ ٣٧٦٣ ﴾ مَا كَانَ اللَّهُ لِيَذَرَ الْمُؤْمِنِينَ عَلَى مَا أَنْتُمْ عَلَيْهِ حَتَّى يَمِيزَ الْخَبِيثَ مِنَ الطَّيِّبِ وَمَا كَانَ

اللَّهُ لِيُظْلِعَكُمْ عَلَى الْغَيْبِ وَلَكِنَّ اللَّهَ يَجْتَبِي مِنْ رُسُلِهِ مَنْ يَشَاءُ فَأَمَتُوا بِاللَّهِ وَرُسُلِهِ وَإِنْ تُوْمِنُوا وَتَتَّقُوا

فَلَكُمْ أَجْرٌ عَظِيمٌ؛ آل عمران ١٧٩

﴿ ٣٧٦٤ ﴾ وَمَنْ يَتَّقِ اللَّهَ يَكْفِرْ عَنْهُ سَيِّئَاتِهِ وَيُعْظِمْ لَهُ أَجْرًا؛ الطلاق ٥

١-٣-٥-٩-أجره كَأَجْرِ عِيسَى ابْنِ مَرْيَمَ عليه السلام

﴿ ٣٧٦٥ ﴾ الْأُتْمَةُ عليه السلام؛ عَالِمٌ وَرِعٌ أَجْرُهُ كَأَجْرِ عِيسَى ابْنِ مَرْيَمَ عليه السلام؛ مجموعة ورام، ج ٢، ص ١١٨

١-٣-٥-٩-١-٤ كَانَ لَهُ مِثْلُ أَجْرِ الثَّقَلَيْنِ الْجَنِّ وَالْإِنْسِ

﴿ ٣٧٦٦ ﴾ الباقر عليه السلام؛ مَنْ مَشَى إِلَى سُلْطَانٍ جَائِرٍ فَأَمَرَهُ بِتَقْوَى اللَّهِ وَوَعَظَهُ وَخَوَّفَهُ كَانَ لَهُ

مِثْلُ أَجْرِ الثَّقَلَيْنِ الْجَنِّ وَالْإِنْسِ وَمِثْلُ أَعْمَالِهِمْ؛ وسائل الشيعة، ج ١٦، ص ١٣٤

﴿ ١٠٧٢ ﴾

﴿نتایج تقوا / نتایج پرهیزکاری در آخرت﴾

۹-۳-۴-۱۶- از حساب ستمکاران بر آنان نیست

﴿۳۷۵۹﴾ هرگاه کسانی را دیدی که آیات ما را استهزا می‌کنند، از آن‌ها روی بگردان تا به سخن دیگری پردازند! و اگر شیطان از یاد تو ببرد، هرگز پس از یاد آمدن با این جمعیت ستمگر منشین! ﴿و (اگر) افراد با تقوا (برای ارشاد و اندرز با آن‌ها بنشینند)، چیزی از حساب (و گناه) آن‌ها بر ایشان نیست ولی (این کار، باید تنها) برای یادآوری آن‌ها باشد، باشد که (بشنوند و) تقوی پیشه کنند!﴾

۹-۳-۵- پاداش، قدردانی خدا، غنیمت، ذخیره، گنج

۹-۳-۵-۱- پاداش

﴿۳۷۶۰﴾ زندگی دنیا تنها بازی و سرگرمی است و اگر ایمان آورید و تقوا پیشه کنید، پاداش‌های شما را می‌دهد و اموال شما را نمی‌طلبد.

۹-۳-۵-۱-۱- پاداش آخرت

﴿۳۷۶۱﴾ (اَمَّا) پاداش آخرت، برای کسانی که ایمان آورده و پرهیزکاری داشتند، بهتر است!

۹-۳-۵-۱-۲- پاداشی بزرگ

﴿۳۷۶۲﴾ آن‌ها که دعوت خدا و پیامبر ﷺ را، پس از آن همه جراحاتی که به ایشان رسید، اجابت کردند (و هنوز زخمهای میدان احد التیام نیافته بود، به سوی میدان «حمراء الاسد» حرکت نمودند) برای کسانی از آن‌ها، که نیکی کردند و تقوا پیش گرفتند، پاداش بزرگی است. ﴿۳۷۶۳﴾ چنین نبود که خداوند، مؤمنان را به همان‌گونه که شما هستید واگذارد مگر آنکه ناپاک را از پاک جدا سازد. و نیز چنین نبود که خداوند شما را از اسرار غیب، آگاه کند (تا مؤمنان و منافقان را از این راه بشناسید این بر خلاف سنت الهی است) ولی خداوند از میان رسولان خود، هر کس را بخواهد برمیگزیند (و قسمتی از اسرار نهان را که برای مقام رهبری او لازم است، در اختیار او می‌گذارد). پس (اکنون که این جهان، بوته آزمایش پاک و ناپاک است)، به خدا و رسولان او ایمان بیاورید! و اگر ایمان بیاورید و تقوا پیشه کنید، پاداش بزرگی برای شماست. ﴿۳۷۶۴﴾ هر کس تقوای الهی پیشه کند، خداوند گناهانش را می‌بخشد و پاداش او را بزرگ می‌دارد!

۹-۳-۵-۱-۳- پاداشی همانند پاداش عیسی بن مریم ﷺ

﴿۳۷۶۵﴾ عالمی که ورع دارد، اجری مانند اجر عیسی بن مریم ﷺ دارد.

۹-۳-۵-۱-۴- پاداشی مانند پاداش جنّ و انس

﴿۳۷۶۶﴾ هر کس نزد سلطان جائری برود و او را به تقوای از خدا وادارد و او را بیم دهد و پند دهد، ثواب ثقلین از جنّ و آدمی را دارد، و مانند اعمالشان را دارد.

﴿ثَمَرَاتُ النَّقْوَى / ثَمَرَاتُ النَّقْوَى فِي الْآخِرَةِ﴾

٥-١-٥-٣-٩- لَا يُضِيعُ أَجْرَهُمْ

﴿٣٧٤٧﴾ قَالُوا إِنَّكَ لَأَنْتَ يُوسُفُ قَالَ أَنَا يُوسُفُ وَهَذَا أَخِي قَدْ مَنَّ اللَّهُ عَلَيْنَا إِنَّهُ مِنْ يَتَّى وَ
يَضْبِرُ فَإِنَّ اللَّهَ لَا يُضِيعُ أَجْرَ الْمُحْسِنِينَ؛ يوسف ٩٠
٢-٥-٩- الثَّوَابُ وَالْجَزَاءُ

١-٢-٥-٣-٩- الثواب

﴿٣٧٦٨﴾ وَلَوْ أَنَّهُمْ آمَنُوا وَاتَّقَوْا لَمْ تُشِيبْهُ مِنْ عِنْدِ اللَّهِ خَيْرٌ لَوْ كَانُوا يَعْلَمُونَ؛ البقرة ١٠٣

﴿٣٧٦٩﴾ أمير المؤمنين عليه السلام: وَ عَلَى اللَّهِ ثَوَابُ مَنْ أَحْسَنَ وَ اتَّقَى؛ الأما لي للطوسي، ص ٧٠

﴿ ٣٧٧٠ ﴾ الصَّادِقُ (عليه السلام): وَأَتَاهُمْ ثِقْوَاهُمْ أَيْ ثَوَابَ تَقْوَاهُمْ أَمَاناً مِنَ النَّارِ؛ بحار الأنوار، ج ٢٤،

ص ۳۲۰

﴿٣٧٧﴾ الباقِرُ الطَّيِّبُ: وَجَدْنَا فِي كِتَابِ عَلِيٍّ بْنِ الْحُسَيْنِ (عليه السلام) أَلَا إِنَّ أَوْلِيَاءَ اللَّهِ لَا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ إِذَا أَدَّوْا فَرَائِضَ اللَّهِ وَآخَذُوا سُنْنَ رَسُولِ اللَّهِ وَتَوَرَّعُوا عَنْ مَحَارِمِ اللَّهِ وَزَهَدُوا فِي عَاجِلِ زَهْرَةِ الدُّنْيَا وَرَغِبُوا فِيَمَا عِنْدَ اللَّهِ وَاكْتَسَبُوا الطَّيِّبَ مِنْ رِزْقِ اللَّهِ لَوْجَهَ اللَّهِ لَا يُرِيدُونَ بِهِ التَّفَاخُرَ وَالتَّكَاثُرَ ثُمَّ أَنْفَقُوا فِيَمَا يُلْزَمُهُمْ مِنْ حَقُوقٍ وَاجِبَةٍ فَأُولَئِكَ الَّذِينَ بَارَكَ اللَّهُ لَهُمْ فِيَمَا اكْتَسَبُوا وَيَتَابُونَ عَلَى مَا قَدَّمُوا لِآخِرَتِهِمْ؛ بحار الأنوار، ج ٤٦، ص ٢٧٧

٢-٢-٥-٣-٩- أَفْضَلُ الثَّوَابِ وَ أَحْسَنُ الْجَزَاءِ

﴿٣٧٧٢﴾ أمير المؤمنين (عليه السلام): لِمُتَّقِينَ عِنْدَ اللَّهِ غَدَاً أَحْسَنُ الْجَزَاءِ وَأَفْضَلُ الثَّوَابِ لَمْ يَجْعَلِ اللَّهُ

الدُّنْيَا لِلْمُتَّقِينَ أَجْرًا [جَزَاءً] وَلَا ثَوَابًا؛ بحار الأنوار، ج ٣٢، ص ١٨

۳-۲-۵-۳-۹۔ جَزَاءُ مَنْ رَبَّكَ

﴿٣٧٧٣﴾ إِنَّ لِلْمُتَّقِينَ مَفَازًا حَدَائِقَ وَأَعْنَابًا، وَكَوَاعِبَ أَتْرَابًا، وَكَأْسًا دِهَاقًا، لَا يَسْمَعُونَ فِيهَا

لَعُؤَا وَلَا كِذَّابًا؛ جَزَاءٌ مِّن رَّبِّكَ عَطَاءٌ حِسَابًا؛ النبا ٣٦-٣١

٣-٥-٩- الشُّكْرُ مِنَ اللَّهِ (لا يُكْفَرُ)

﴿٣٧٧٤﴾ وَمَا يَفْعَلُوا مِنْ خَيْرٍ فَلَنْ يُكْفَرُوهُ وَاللَّهُ عَلِيمٌ بِالْمُتَّقِينَ؛ آل عمران ١١٥

﴿ ١٠٧٤ ﴾

«نتایج تقوا / نتایج پرهیزکاری در آخرت»

۵-۱-۳-۹- پاداششان از بین نمی‌رود

﴿۳۷۶۷﴾ گفتند: «آیا تو همان یوسفی؟! گفت: « (آری،) من یوسفم، و این برادر من است! خداوند بر ما مَنّت گذارد هر کس تقوا پیشه کند، و شکیبایی و استقامت نماید، (سرانجام پیروز می‌شود) چرا که خداوند پاداش نیکوکاران را ضایع نمی‌کند!»

۲-۳-۵-۹- ثواب و پاداش

۱-۲-۳-۵-۹- ثواب

﴿۳۷۶۸﴾ و اگر آن‌ها ایمان می‌آوردند و پرهیزکاری پیشه می‌کردند، پاداشی که نزد خداست، برای آنان بهتر بود، اگر آگاهی داشتند!!

﴿۳۷۶۹﴾ البته پاداش هر که نیکی کند و پرهیز نماید، بر عهده‌ی خداوند است.

﴿۳۷۷۰﴾ «و روح تقوا به آنان می‌بخشد؛ ثواب پرهیزکاری ایشان، امان از آتش است.

﴿۳۷۷۱﴾ در نامه علی بن حسین (علیه السلام) آمده است که دوستان خداوند نه ترسی دارند و نه اندوهگین می‌شوند. وقتی به واجبات عمل کنند و به سنت‌های پیامبر (صلی الله علیه و آله) پایبند بوده و از حرام پروا کنند و در دنیا زهد بورزند و به آنچه که نزد خداست رغبت نشان دهند و روزی حلال خدا را برای خدا و بدون قصد فخرفروشی و مال اندوزی کسب کنند، سپس حقوق واجبی را که بر گردن دارند، از راه انفاق پردازند؛ آن‌ها همان کسانی هستند که خداوند به کسب و کار آن‌ها برکت می‌دهد و برای آنچه که برای آخرت خود پیش فرستاده‌اند، پاداش داده می‌شوند.

۲-۲-۳-۵-۹- برترین پاداش

﴿۳۷۷۲﴾ فردای قیامت اهل تقوا نزد خداوند از فضیلت بیشتری برخوردارند. خداوند در دنیا برای اهل تقوا پاداش و ثواب قرار نداده است.

۳-۲-۳-۵-۹- پاداشی از جانب پروردگارت

﴿۳۷۷۳﴾ مسلماً برای پرهیزکاران نجات و پیروزی بزرگی است. مسلماً برای پرهیزکاران نجات و پیروزی بزرگی است؛ باغ‌هایی سرسبز، و انواع انگورها، و حوریانی بسیار جوان و هم‌سن و سال، و جام‌هایی لبریز و پیایی (از شراب طهور)! در آنجا نه سخن لغو و بیهوده‌ای می‌شنوند و نه دروغی! این پاداشی است از سوی پروردگارت و عطیه‌ای است کافی!

۳-۳-۵-۹- قدردانی خداوند

﴿۳۷۷۴﴾ و آنچه از اعمال نیک انجام دهند، هرگز کفران نخواهد شد! (و پاداش شایسته آن را می‌بینند.) و خدا از پرهیزکاران، آگاه است.

﴿ ثَمَرَاتُ التَّقْوَى / ثَمَرَاتُ التَّقْوَى فِي الْآخِرَةِ ﴾

٩-٣-٥-٤- الغنيمَةُ

﴿ ٣٧٧٥ ﴾ الباقر عليه السلام: فَإِنِّي أُوصِيكَ بِتَقْوَى اللَّهِ فَإِنَّ فِيهَا السَّلَامَةَ مِنَ التَّلَفِ وَالْغَنِيمَةَ فِي الْمُنْقَلَبِ؛ الكافي، ج ٨، ص ٥٢

﴿ ٣٧٧٦ ﴾ الرضا عليه السلام: بِالْوَرَعِ عَنِ الْمَحَارِمِ أَرْجُو الْفَوْزَ بِالْمَعَانِمِ؛ وسائل الشيعة، ج ١٧، ص ٢٠٣

٩-٣-٥-٥- الذَّخِرُ

٩-٣-٥-٥-١- ذَخِيرَةُ الْآخِرَةِ

﴿ ٣٧٧٧ ﴾ أمير المؤمنين عليه السلام: فَإِنَّ مَنْ اتَّقَى اللَّهَ ... فَجَدَّ وَاجْتَهَدَ وَاتَّعَبَ بَدَنَهُ حَتَّى بَدَتْ الْأَضْلَاعُ وَغَارَتِ الْعَيْنَانِ فَأَبْدَلَهُ اللَّهُ مِنْ ذَلِكَ قُوَّةً فِي بَدَنِهِ وَشِدَّةً فِي عَقْلِهِ وَمَا ادَّخَرَ لَهُ فِي الْآخِرَةِ أَكْثَرَ؛ مشكاة الأنوار، ص ٢٦٧

٩-٣-٥-٥-٢- ذَخِيرَةُ مَعَادٍ

﴿ ٣٧٧٨ ﴾ أمير المؤمنين عليه السلام: فَإِنَّ تَقْوَى اللَّهِ مِفْتَاحُ سَدَادٍ وَذَخِيرَةُ مَعَادٍ وَعِثْقٌ مِنْ كُلِّ مَلَكَةٍ وَنَجَاةٌ مِنْ كُلِّ هَلَكَةٍ؛ نهج البلاغة، ص ٣٥١

٩-٣-٥-٥-٣- خَيْرُ الذَّخْرِ

﴿ ٣٧٧٩ ﴾ أمير المؤمنين عليه السلام: أَحْسَنُ اللَّبَاسِ الْوَرَعُ وَخَيْرُ الذَّخْرِ التَّقْوَى؛ غرر الحكم، ص ٢٧٠

٩-٣-٥-٥-٤- الْكَنْزُ

﴿ ٣٧٨٠ ﴾ أمير المؤمنين عليه السلام: فَإِنَّ التَّقْوَى أَفْضَلُ كَنْزٍ وَأَحْزَرُ حِرْزٍ وَأَعَزُّ عِزٍّ فِيهِ نَجَاةٌ كُلُّ هَارِبٍ وَدَرَكٌ كُلُّ طَالِبٍ وَظَفَرٌ كُلِّ غَالِبٍ؛ مجموعة ورام، ج ٢، ص ٨٨

٩-٣-٥-٥-٥- الْأُنْسُ، الرَّاحَةُ

٩-٣-٥-٥-١- الْأُنْسُ الدَّائِمُ

﴿ ٣٧٨١ ﴾ الصادق عليه السلام: قَدْ أَجْمَعَ اللَّهُ تَعَالَى مَا يَتَوَصَّى بِهِ الْمُتَوَاصُونَ مِنَ الْأَوَّلِينَ وَالْآخِرِينَ فِي خَصْلَةٍ وَاحِدَةٍ وَهِيَ التَّقْوَى قَالَ اللَّهُ جَلَّ وَعَزَّ وَلَقَدْ وَصَّيْنَا الَّذِينَ أُوتُوا الْكِتَابَ مِنْ قَبْلِكُمْ وَإِيَّاكُمْ أَنْ اتَّقُوا اللَّهَ وَفِيهِ جَمَاعُ كُلِّ عِبَادَةٍ صَالِحَةٍ وَصَلَ مَنْ وَصَلَ إِلَى الدَّرَجَاتِ الْعُلَى وَالرُّتَبَةِ الْقُصْوَى وَبِهِ عَاشَ مَنْ عَاشَ مَعَ اللَّهِ بِالْحَيَاةِ الطَّيِّبَةِ وَالْأُنْسُ الدَّائِمُ قَالَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ إِنَّ الْمُتَّقِينَ فِي جَنَّاتٍ وَنَهَرٍ فِي مَقْعَدٍ صِدْقٍ عِنْدَ مَلِكٍ مُقْتَدِرٍ؛ بحار الأنوار، ج ٧٥، ص ٢٠٠

«نتایج تقوا / نتایج پرهیزکاری در آخرت»

۹-۳-۵-۴- غنیمت

«۳۷۷۵» تو را به تقوا توصیه می‌کنم، زیرا در تقوا سلامت و رهایی از تلف‌شدن [و هلاکت] و سودبردن در بازگشت‌گاه [آخرت] است.

«۳۷۷۶» با تقوا و اجتناب از محارم امید رسیدن به غنیمت را دارم.

۹-۳-۵-۵- ذخیره

۹-۳-۵-۵-۱- ذخیره‌ی آخرت

«۳۷۷۷» پس آن که از خدا پروا کند ... با جدّیت تلاش می‌کند و جسم خود را به حدّی به زحمت می‌اندازد که استخوان‌هایش از شدّت لاغری آشکار می‌شوند و چشمانش گودافتاده. پس خداوند در مقابل ریاضت‌های شخص پرهیزکار به جسم او توان و به خرد او صلابت عطا می‌کند. و البته آنچه برای آخرتش ذخیره می‌کند بیشتر است.

۹-۳-۵-۵-۲- ذخیره‌ی آخرت

«۳۷۷۸» قطعاً تقوای الهی کلید درستی و اندوخته‌ی قیامت و رهایی از سلطه‌ی هر سلطه‌گر و نجات از هر هلاکتی است.

۹-۳-۵-۵-۳- بهترین ذخیره

«۳۷۷۹» بهترین لباس، ورع [و پارسایی] و بهترین توشه تقواست.

۹-۳-۵-۶- گنج

«۳۷۸۰» تقوا پرفضیلت‌ترین گنج و محکم‌ترین سپر و پرنفوذترین عزّت است. نجات هر گریزان و رسیدن هر درخواست‌کننده به طلبش و پیروزی هر شخص پیروز در تقواست.

۹-۳-۶- انس و آرامش

۹-۳-۶-۱- انس دائم

«۳۷۸۱» خداوند آنچه گذشتگان و آیندگان، مردم را نصیحت و سفارش کنند، در یک خصلت و صفت تکمیل نموده و آن تقواست. فرموده است: «و ما به کسانی که پیش از شما، کتاب آسمانی به آن‌ها داده شده بود، سفارش کردیم، [همچنین] به شما سفارش می‌کنیم که از [نافرمانی] خدا بپرهیزید». در تقوا مجموعه‌ی عبادات صالح است و به وسیله‌ی همان تقوا به درجات عالی و نهایی‌ترین مراتب می‌رسید. و زندگی عالی در پناه خدا و انس دائم [با او] به وسیله‌ی همین تقوا بوده است. خداوند می‌فرماید «یقیناً پرهیزکاران در باغ‌ها و نه‌رهای بهشتی جای دارند» در جایگاه صدق نزد خداوند مالک مقتدر».

﴿ ثَمَرَاتُ التَّقْوَى / ثَمَرَاتُ التَّقْوَى فِي الْآخِرَةِ ﴾

٢-٦-٣-٩- الراحةُ

﴿ ٣٧٨٢ ﴾ أمير المؤمنين عليه السلام: عِبَادَ اللَّهِ إِنَّ تَقْوَى اللَّهِ حَمَتُ أَوْلِيَاءَ اللَّهِ مَحَارِمَهُ وَالزَّمَتُ قُلُوبَهُمْ مَخَافَتَهُ حَتَّى أَسْهَرَتْ لَيَالِيَهُمْ وَأَظْمَأَتْ هَوَاجِرَهُمْ فَأَخَذُوا الرَّاحَةَ بِالنَّصَبِ وَالرِّىَّ بِالظَّمِّ وَاسْتَقَرُّوا الْأَجَلَ فَبَادَرُوا الْعَمَلَ وَكَذَّبُوا الْأَمَلَ فَلَا حَظَّوَا الْأَجَلَ؛ نهج البلاغة، ص ١٦٩

١-٢-٣-٩- راحةُ الدَّارَيْنِ

﴿ ٣٧٨٣ ﴾ الصادق عليه السلام: الْمُؤْمِنُ ... يَعْلَمُ أَنَّ التَّمَسُّكَ بِالْقَنَاعَةِ وَالتَّقْوَى يُورِثُ لَهُ رَاحَةَ

الدَّارَيْنِ؛ مستدرک الوسائل، ج ١، ص ٢٦٦

٢-٢-٣-٩- راحةُ طَوِيلَةٍ

﴿ ٣٧٨٤ ﴾ أمير المؤمنين عليه السلام: فَالْمُتَّقُونَ ... صَبَرُوا أَيَّاماً قَصِيرَةً أَغْبَتَتْهُمْ رَاحَةُ طَوِيلَةٍ تِجَارَةً

مُرَبِّحَةً يَسْرَهَا لَهُمْ رَبُّهُمْ؛ نهج البلاغة، ص ٣٠٣

٣-٣-٩-٩- مَا أَنْفَعَ الْمَوْتَ لَهُ!

﴿ ٣٧٨٥ ﴾ أمير المؤمنين عليه السلام: مَا أَنْفَعَ الْمَوْتَ لِمَنْ أَشْعَرَ الْإِيمَانَ وَالتَّقْوَى قَلْبَهُ؛ غررالحكم، ص ٢٧١

٧-٣-٩- الخَلَّةُ، التَّعَارُفُ

١-٧-٣-٩- الخَلَّةُ فِي الْقِيَامَةِ

﴿ ٣٧٨٦ ﴾ هَلْ يَنْظُرُونَ إِلَّا السَّاعَةَ أَنْ تَأْتِيَهُمْ بَغْتَةً وَهُمْ لَا يَشْعُرُونَ * الْأَخِلَاءُ يَوْمَئِذٍ بَعْضُهُمْ

لِبَعْضٍ عَدُوٌّ إِلَّا الْمُتَّقِينَ؛ الزخرف ٦٧-٦٦

﴿ ٣٧٨٧ ﴾ الرسول ﷺ: يَا ابْنَ مَسْعُودٍ فَلْيَكُنْ جُلَسَاؤُكَ الْأَبْرَارَ وَإِخْوَانُكَ الْأَتْقِيَاءَ وَالزُّهَادَ لِأَنَّ

اللَّهَ تَعَالَى قَالَ فِي كِتَابِهِ الْأَخِلَاءُ يَوْمَئِذٍ بَعْضُهُمْ لِبَعْضٍ عَدُوٌّ إِلَّا الْمُتَّقِينَ؛ بحار الأنوار، ج ٧٤، ص ١٠١

﴿ ٣٧٨٨ ﴾ الرسول ﷺ: قَالَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ الْأَخِلَاءُ يَوْمَئِذٍ بَعْضُهُمْ لِبَعْضٍ عَدُوٌّ إِلَّا الْمُتَّقِينَ لِأَنَّ

أَصْلَ الْحُبِّ التَّبَرُّؤُ عَنْ سِوَى الْمَحْبُوبِ؛ مستدرک الوسائل، ج ١٢، ص ٢٢٠

﴿ ٣٧٨٩ ﴾ علي بن ابراهيم عليه السلام: الْأَخِلَاءُ يَوْمَئِذٍ بَعْضُهُمْ لِبَعْضٍ عَدُوٌّ إِلَّا الْمُتَّقِينَ يَعْنِي الْأَصْدِقَاءَ

يُعَادِي بَعْضُهُمْ بَعْضًا وَقَالَ الصَّادِقُ عليه السلام: إِلَّا كُلُّ خَلَّةٍ كَانَتْ فِي الدُّنْيَا فِي غَيْرِ اللَّهِ فَإِنَّهَا تَصِيرُ

عَدَاوَةً يَوْمَ الْقِيَامَةِ وَقَالَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عليه السلام وَلِلظَّالِمِ غَدَاً بِكَفِّهِ عَضَّةٌ وَالرَّحِيلُ وَشَيْكٌ وَ

لِلْأَخِلَاءِ نَدَامَةٌ إِلَّا الْمُتَّقِينَ؛ بحار الأنوار، ج ٦٦، ص ٢٣٧

﴿ ١٠٧٨ ﴾

﴿نتایج تقوا / نتایج پرهیزکاری در آخرت﴾

۲-۶-۳-۹- آرامش

﴿۳۷۸۲﴾ ای بندگان خدا! همانا تقوای الهی دوستان خدا را از انجام محرّمات باز می‌دارد و قلب‌هایشان را پر از ترس خدا می‌سازد، تا آنکه شب‌های آنان با بی‌خوابی و روزهایشان با تحمل تشنگی و روزه‌داری، سپری می‌گردد، که آسایش آخرت را با رنج دنیا و سیراب‌شدن آنجا را با تحمل تشنگی دنیا به دست آوردند. اجل و مرگ را نزدیک دیده و در اعمال نیکو شتاب کرده‌اند، آرزوهای دنیایی را دروغ خواندند و مرگ به درستی نگریستند.

۱-۲-۶-۳-۹- آرامش دو جهان

﴿۳۷۸۳﴾ مؤمن ... درمی‌یابد که پای‌بندی به قناعت و تقوا، موجب راحتی و آسایش دو سرای اوست.

۲-۲-۶-۳-۹- آرامش طولانی

﴿۳۷۸۴﴾ پرهیزکاران ... روزی چند را در راه حق صبر کردند که برای آنان راحتی جاوید به دنبال آورد، این است تجارتی سودآور که خداوند برای آنان مهیا نمود.

۳-۳-۶-۹- چقدر مرگ برای او مفید است!

﴿۳۷۸۵﴾ چقدر مرگ برای کسی که قلبش احساس ایمان و تقوا می‌کند مفید است.

۷-۳-۹- دوستی، آشنایی

۱-۷-۳-۹- دوستی در قیامت

﴿۳۷۸۶﴾ دوستان در آن روز دشمن یکدیگرند، مگر پرهیزکاران!

﴿۳۷۸۷﴾ پسر مسعود! باید خوبان همنشینان تو و پاکان و زاهدان، برادران تو باشند؛ چراکه خداوند می‌فرماید: «دوستان در آن روز دشمن یکدیگرند، مگر پرهیزکاران!».

﴿۳۷۸۸﴾ خداوند بلندمرتبه می‌فرماید: «دوستان در آن روز دشمن یکدیگرند، مگر پرهیزکاران!»، چون اصل محبت به این است که از غیر محبوب دل ببرد.

﴿۳۷۸۹﴾ «الْأَخِلَاءُ يَوْمَئِذٍ بَعْضُهُمْ لِبَعْضٍ عَدُوٌّ إِلَّا الْمُتَّقِينَ»؛ یعنی دوستان با یکدیگر دشمنی می‌کنند. و امام صادق علیه السلام فرمود: «هر دوستی که در دنیا برای غیر خدا باشد، در روز قیامت به دشمنی تبدیل می‌شود. امیر المؤمنان علیه السلام فرمود: «و ظالم، فردای قیامت، دست خود را گاز می‌گیرد و هنگامه‌ی کوچ نزدیک است و همه‌ی دوستان به جز پرهیزکاران دچار پشیمانی می‌گردند.

﴿ ثَمَرَاتُ التَّقْوَى / ثَمَرَاتُ التَّقْوَى فِي الْآخِرَةِ ﴾

٩-٣-٧-٢- يتعارفون في القيامة فيكلم بعضهم بعضاً

﴿٣٧٩٠﴾ أمير المؤمنين عليه السلام: فَجَمَعَ اللَّهُ الْخَلَائِقَ فِي ذَلِكَ الْيَوْمِ فِي مَوْطِنٍ يَتَعَارَفُونَ فِيهِ فَيُكَلِّمُ بَعْضُهُمْ بَعْضًا وَيَسْتَغْفِرُ بَعْضُهُمْ لِبَعْضٍ أُولَئِكَ الَّذِينَ بَدَتْ مِنْهُمْ الطَّاعَةُ مِنَ الرُّسُلِ وَالْأَتْبَاعِ وَتَعَاوَنُوا عَلَى الْبِرِّ وَالتَّقْوَى فِي دَارِ الدُّنْيَا؛ بحار الأنوار، ج ٧، ص ٣١٣
٩-٣-٨- الجَنَّةُ، جَنَّةُ الْمَأْوَى، جَنَّةُ الْخُلْدِ، جَنَّتُ عَدْنُ، جَنَّتُ النَّعِيمِ، جَنَّتُ وَ عُيُونُ، جَنَّتُ وَ نَعِيمُ، جَنَّتُ وَ نَهْرُ، أَرْضُ بَيْضَاءُ، الْحَدَاقُ، رِيَاضُ الْخُلْدِ، الْفِرْدَوْسُ، طُوبَى
٩-٣-٨-١- الجَنَّةُ

٩-٣-٨-١-١- الجَنَّةُ ثَوَابُ الْمُتَّقِينَ

﴿٣٧٩١﴾ الرسول ﷺ: جَعَلَ الْجَنَّةَ ثَوَابَ الْمُتَّقِينَ وَ النَّارَ عِقَابَ الظَّالِمِينَ؛ مستدرک الوسائل،

ج ١٤، ص ٢٠٤

٩-٣-٨-١-٢- الجَنَّةُ دَارُ الْآتِقِيَاءِ

﴿٣٧٩٢﴾ أمير المؤمنين عليه السلام: الْجَنَّةُ دَارُ الْآتِقِيَاءِ؛ غرر الحكم، ص ١٤٨

٩-٣-٨-١-٣- الجَنَّةُ يُورَثُ لِلْمُتَّقِينَ

﴿٣٧٩٣﴾ تِلْكَ الْجَنَّةُ الَّتِي نُورِثُ مِنْ عِبَادِنَا مَنْ كَانَ تَقِيًّا؛ مريم ٦٣

٩-٣-٨-١-٤- إِنَّ التَّقْوَى طَرِيقُ إِلَى الْجَنَّةِ

﴿٣٧٩٤﴾ أمير المؤمنين عليه السلام: فَإِنَّ التَّقْوَى فِي الْيَوْمِ الْحَرِّ وَالْجَنَّةُ وَ فِي غَدِ الطَّرِيقُ إِلَى الْجَنَّةِ؛

نهج البلاغة، ص ٢٨٤

٩-٣-٨-١-٥- أُرْزِلَتْ الْجَنَّةُ لِلْمُتَّقِينَ

﴿٣٧٩٥﴾ وَأُرْزِلَتْ الْجَنَّةُ لِلْمُتَّقِينَ؛ الشعراء ٩٠

﴿٣٧٩٦﴾ وَأُرْزِلَتْ الْجَنَّةُ لِلْمُتَّقِينَ عَيْرَبَعِيدٍ؛ ق ٣١

٩-٣-٨-١-٦- تُزْلَفُ الْجَنَّةُ لِلْمُتَّقِينَ

﴿٣٧٩٧﴾ أمير المؤمنين عليه السلام: بِالطَّاعَةِ تُزْلَفُ الْجَنَّةُ لِلْمُتَّقِينَ؛ غرر الحكم، ص ١٨٣

٩-٣-٨-١-٧- يُزْلَفُ الْمُتَّقِينَ الْجَنَّةُ

﴿نتایج تقوا / نتایج پرهیزکاری در آخرت﴾

۹-۳-۷-۲ در قیامت یکدیگر را می‌شناسند و با هم صحبت می‌کنند

﴿۳۷۹۰﴾ پس خدا خلائق را در آن روز جمع می‌کند در جایی که در آنجا یکدیگر را می‌شناسند و برخی با برخی دیگر تکلم نموده و بعضی برای بعضی دیگر استغفار می‌کنند؛ اینان رسولان و پیروان آنان هستند که طاعتشان نسبت به خدا آشکار شده و در دار دنیا بر نیکی و تقوا یکدیگر را یاری کردند.

۹-۳-۸ بهشت، بهشت آرامگاه، بهشت جاودان، بهشت‌های پر نعمت، باغ‌ها و چشمه‌ها، باغ‌ها و نعمت‌ها، باغ‌ها و رودها، سرزمین سپید، باغ‌ها، باغ‌های جاودان، فردوس، طوبی

۹-۳-۸-۱ بهشت

۹-۳-۸-۱-۱ بهشت پاداش پرهیزکاران است

﴿۳۷۹۱﴾ خداوند بهشت را ثواب پرهیزکاران و آتش را جزای ظالمان قرار داد.

۹-۳-۸-۱-۲ بهشت خانه‌ی باتقویان است

﴿۳۷۹۲﴾ بهشت جایگاه اهل تقواست.

۹-۳-۸-۱-۳ بهشت برای باتقویان به ارث می‌رسد

﴿۳۷۹۳﴾ این همان بهشتی است که به بندگان پرهیزکار خود، به ارث می‌دهیم.

۹-۳-۸-۱-۴ تقوا راهی به سوی بهشت است

﴿۳۷۹۴﴾ به درستی که پرهیزکاری امروز حرز و سپر است و فردا راهی به سوی بهشت است.

۹-۳-۸-۱-۵ بهشت به پرهیزکاران نزدیک می‌شود

﴿۳۷۹۵﴾ (در آن روز،) بهشت برای پرهیزکاران نزدیک می‌شود.

﴿۳۷۹۶﴾ (در آن روز) بهشت را به پرهیزکاران نزدیک می‌کنند، و فاصله‌ای از آنان ندارد!

۹-۳-۸-۱-۶ بهشت به پرهیزکاران نزدیک می‌شود

﴿۳۷۹۷﴾ با اطاعت [خدا] بهشت به متقین نزدیک می‌شود.

۹-۳-۸-۱-۷ بهشت به پرهیزکاران نزدیک می‌شود

﴿ثَمَرَاتُ التَّقْوَى / ثَمَرَاتُ التَّقْوَى فِي الْآخِرَةِ﴾

﴿٣٧٩٨﴾ الصَّادِقُ (عليه السلام): فَيَحْشُرُ النَّاسَ عِنْدَ صَخْرَةٍ بَيْتِ الْمَقْدِسِ فَيَحْشُرُ أَهْلَ الْجَنَّةِ عَنْ يَمِينِ الصَّخْرَةِ وَيُزَلِّفُ الْمُتَّقِينَ وَيَصِيرُ جَهَنَّمَ عَنْ يَسَارِ الصَّخْرَةِ فِي تُحُومِ الْأَرْضَيْنِ السَّابِعَةِ وَفِيهَا الْفَلَقُ وَالسَّجَّينَ؛ بحار الأنوار، ج ٧، ص ١١٦

١-٨-٣-٩- أُعِدَّتْ الْحَنَّةُ لِلْمُتَّقِينَ

﴿٣٧٩﴾ أمير المؤمنين عليه السلام: سَابِقُوا إِلَى مَغْفِرَةٍ مِنْ رَبِّكُمْ وَ رَحْمَةٍ وَجَنَّةٍ عَرْضُهَا السَّمَاوَاتُ وَ الْأَرْضُ أُعِدَّتْ لِلْمُتَّقِينَ وَاعْلَمُوا أَنَّكُمْ لَنْ [لَمْ] تَنَالُوهَا إِلَّا بِالتَّقْوَى؛ تفسير فرات الكوفي، ص ٣٦٦

﴿٣٨٠﴾ وَسَارِعُوا إِلَى مَغْفِرَةٍ مِنْ رَبِّكُمْ وَجَنَّةٍ عَرْضُهَا السَّمَاوَاتُ وَالْأَرْضُ أُعِدَّتْ لِلْمُتَّقِينَ؛

آل عمران ١٣٣

٩-١-٨-٣-٩- أَكْثَرُ مَا تَلَجُّ بِهِ أُمَّتِي فِي الْجَنَّةِ النَّفْوَى

﴿٣٨٠﴾ الرَّسُولُ ﷺ: أَكْثَرُ مَا تَلِجُ بِهِ أُمَّتِي فِي النَّارِ الْأَجْوَانُ الْبَطْنُ وَالْفَرْجُ وَأَكْثَرُ مَا تَلِجُ بِهِ أُمَّتِي فِي الْجَنَّةِ التَّقْوَى وَحُسْنُ الْخُلُقِ؛ مستدرک الوسائل، ج ٨، ص ٤٤١

١٠-١-٣-٩- الْأُمَّةُ الْعِلْمِيَّةُ فَادَّةُ الْأَتْقِيَاءِ إِلَى الْجَنَّةِ

﴿٣٨٠٢﴾ الصَّادِقُ (عليه السلام): فَإِنَّهُمْ خُلَفَائِي وَأَوْصِيَائِي وَحُجَجُ اللَّهِ عَلَى الْخَلْقِ بَعْدِي وَسَادَةُ أُمَمِي
وَقَادَةُ الْأَتْقِيَاءِ إِلَى الْحَنَّةِ؛ بحار الأنوار، ج ٢٣، ص ١٤٤
١-١١-٨-٣-٩- التَّقْوَى أَوْرَدَتْ رَاكِبَهُ الْحَنَّةَ

﴿٣٨٠٣﴾ أمير المؤمنين عليه السلام: أَلَا وَإِنَّ التَّقْوَى مَطَايَا ذُلٍّ حُمِلَ عَلَيْهَا أَهْلُهَا وَاعْطُوا أَرْزَمَتَهَا فَأُورِدَتْهُمْ الْجَنَّةَ وَفُتِحَتْ لَهُمْ أَبْوَابُهَا وَوَجَدُوا رِيحَهَا وَطِبَّيَهَا وَقِيلَ لَهُمْ ادْخُلُوهَا بِسَلَامٍ آمَنِينَ؛
الكافي، ج ٨، ص ٦٧

١٢-١-٨-٣-٩- الَّذِينَ اتَّقَوْا رَبَّهُمْ لَهُمْ جَنَّاتٌ

﴿٣٨٠٤﴾ لَا يَعْرِزُكَ تَقَلُّبُ الَّذِينَ كَفَرُوا فِي الْبِلَادِ * مَتَاعٌ قَلِيلٌ ثُمَّ مَا أُوتِيتُمْ جَهَنَّمَ وَبِئْسَ الْمِهَادُ *
لَكِنَّ الَّذِينَ اتَّخَذُوا زِينَتَهُمْ لَهُمْ جَنَّاتٌ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ خَالِدِينَ فِيهَا نُزُلًا مِنْ عِنْدِ اللَّهِ وَمَا عِنْدَ
اللَّهِ خَيْرٌ لِلْآبِرَاءِ ۖ آل عمران ١٩٨-١٩٦

﴿نتایج تقوا / نتایج پرهیزکاری در آخرت﴾

﴿۳۷۹۸﴾ پس مردم نزد صخره‌ی بیت المقدس جمع می‌شوند؛ اهل بهشت در سمت راست صخره و به متقین نزدیک می‌گردند و جهنم در سمت چپ صخره انتهای زمین‌های هفتم قرار می‌گیرد و فلق و سجین نیز در آنجاست.

۸-۱-۳-۹- بهشت برای پرهیزکاران آماده می‌شود

﴿۳۷۹۹﴾ به‌سوی مغفرت و رحمت و بهشت خداوند از هم سبقت بگیرید، بهشتی که وسعت آن به اندازه‌ی آسمان‌ها و زمین است و برای باتقوایان آماده شده است. بدانید که شما فقط به‌واسطه‌ی تقوا به آن‌ها دست می‌یابید.

﴿۳۸۰۰﴾ و شتاب کنید برای رسیدن به آمرزش پروردگارتان و بهشتی که وسعت آن، آسمان‌ها و زمین است و برای پرهیزکاران آماده شده است.

۹-۱-۳-۹- بیشترین امت من به خاطر پرهیزکاری به بهشت می‌روند

﴿۳۸۰۱﴾ بیشتر چیزی که اتمم را به دوزخ می‌برد، دو میان خالی است؛ یعنی شکم و فرج. بیشتر چیزی که اتمم را به بهشت می‌برد، تقوای خدا و حسن خلق است.

۱۰-۱-۳-۹- امامان علیهم‌السلام پیشوای پرهیزکاران به‌سوی بهشت هستند

﴿۳۸۰۲﴾ پس به‌درستی که ایشان خلیفه و جانشینان و نشانه‌های الهی بر مردم بعد از من و سرور اتمم و پیشوای پرهیزکاران به سوی بهشت هستند.

۱۱-۱-۳-۹- پرهیزکاری سوار خود را به بهشت وارد می‌کند

﴿۳۸۰۳﴾ آگاه باش که تقوا مانند مرکب‌های رامی است که سوارکاران مخصوص دارد و لجام در اختیار آن‌ها است و به بهشت رهسپار می‌شوند. تا جایی که درب‌های بهشت برای آنان باز شده و رایحه و بوی بهشت را استشمام می‌کنند و به آنان گفته می‌شود: «داخل این باغ‌ها شوید با سلامت و امنیّت!».

۱۲-۱-۳-۹- آنان که از پروردگارشان پروا می‌کنند، برایشان بهشت‌هایی آماده است

﴿۳۸۰۴﴾ رفت و آمد (پیروزمندانه) کافران در شهرها، تو را نفریب! * این متاع ناچیزی است و سپس جایگاهشان دوزخ، و چه بد جایگاهی است! * ولی کسانی (که ایمان دارند، و) از پروردگارشان می‌پرهیزند، برای آنها باغ‌هایی از بهشت است، که از زیر درختانش نهرها جاری است همیشه در آن خواهند بود. این، نخستین پذیرایی است که از سوی خداوند به آن‌ها می‌رسد و آنچه در نزد خداست، برای نیکان بهتر است!

﴿ثَمَرَاتُ النَّقْوَى / ثَمَرَاتُ النَّقْوَى فِي الْآخِرَةِ﴾

١٣-١-٨-٣-٩- إِنَّ اللَّهَ يُدْخِلُ مَنْ حَسُنَ وَرَعُهُ الْجَنَّةَ

﴿٣٨٠٥﴾ الصَّادِقُ (عليه السلام): عَنْ زُرَّارَةَ قَالَ... قُلْتُ لَهُ أَصْلَحَكَ اللَّهُ أَمْ رَأَيْتَ مَنْ صَامَ وَصَلَّى وَاجْتَنَّبَ الْمَحَارِمَ وَحَسَنَ وَرَعَهُ مِمَّنْ لَا يَعْرِفُ وَلَا يَنْصِبُ فَقَالَ إِنَّ اللَّهَ يُدْخِلُ أَوْلَئِكَ الْجَنَّةَ بِرَحْمَتِهِ؛ بحار الأنوار، ج ٢٧، ص ١٨٣

١٤-١-٨-٣-٩- مَنْ اتَّقَى اللَّهَ هُوَ مِنْ أَهْلِ الْجَنَّةِ

﴿٣٨٠٦﴾ الصَّادِقُ (عليه السلام): فَمَنْ اتَّقَى اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ حَافِظًا لِحَوَارِهِ مُوفِيًا كُلَّ جَارِحَةٍ مِنْ جَوَارِحِهِ بِمَا فَرَضَ اللَّهُ عَلَيْهِ لَقِيَ اللَّهَ تَعَالَى مُسْتَكْمِلًا لِإِيمَانِهِ وَهُوَ مِنْ أَهْلِ الْجَنَّةِ وَمَنْ خَانَ فِي شَيْءٍ مِنْهَا أَوْ تَعَدَّى مَا أَمَرَ اللَّهُ فِيهَا لَقِيَ اللَّهَ نَاقِصَ الْإِيمَانِ؛ تفسير العياشي، ج ١، ص ٦٣

١٥-١-٣-٩- خُلِقَ الْجَنَّةُ لِكُلِّ تَقِيٍّ

﴿٣٨٠٧﴾ الرَّسُولُ ﷺ لَمَّا خَلَقَ اللَّهُ الْجَنَّةَ قَالَتْ: يَا رَبِّ لِمَنْ خَلَقْتَنِي؟ قَالَ: لِكُلِّ سَخِيٍّ تَقِيٍّ؛

قَالَتْ: رَضِيتُ يَا رَبُّ؛ مستدرک الوسائل، ج ٧، ص ١٨

١٦-١-٨-٣-٩- دُخُولُ الْجَنَّةِ لِمَنْ كَانَ وَرَعًا

﴿٣٨٠٨﴾ الصَّادِقُ (عليه السلام): أَنَّهُ قَالَ لِسَدِيرٍ... وَآتَاهُ مَلِكُ الْمَوْتِ بَقْبُضَ رُوحِهِ فَيَنَادِي رُوحَهُ فَتَخْرُجُ مِنْ جَسَدِهِ فَأَمَّا الْمُؤْمِنُ فَمَا يُحْسُ بِخُرُوجِهَا وَذَلِكَ قَوْلُ اللَّهِ سُبْحَانَهُ وَتَعَالَى يَا أَيُّهَا النَّفْسُ الْمُطْمَئِنَّةُ ارْجِعِي إِلَىٰ رَبِّكِ رَاضِيَةً مَرْضِيَّةً فَادْخُلِي فِي عِبَادِي وَادْخُلِي جَنَّاتِي ثُمَّ قَالَ ذَلِكَ لِمَنْ كَانَ وَرِعًا مُؤَسِّيًا لِإِخْوَانِهِ وَصَوْلًا لَهُمْ وَإِنْ كَانَ غَيْرَ وَرِعٍ وَلَا وَصُولَ لِإِخْوَانِهِ قِيلَ لَهُ مَا مَنَعَكَ مِنَ الْوَرَعِ وَالْمُؤَاسَاةِ لِإِخْوَانِكَ أَنْتَ مِمَّنْ انْتَحَلَ الْمَحَبَّةَ بِلِسَانِهِ وَلَمْ يُصَدِّقْ ذَلِكَ بِفِعْلٍ وَإِذَا لَقِيَ رَسُولَ اللَّهِ (صلى الله عليه وآله وسلم) وَأَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ (عليه السلام) لَقِيَاهُمَا مُعْرِضِينَ مُقْطِعِينَ فِي وَجْهِهِ غَيْرَ شَافِعِينَ لَهُ قَالَ سَدِيرٌ مِنْ جَدِّعَ اللَّهُ أَنْفَهُ قَالَ قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ (عليه السلام) فَهُوَ ذَاكَ؛ بَحَارُ الْأَنْوَارِ، ج ٦،

ص ۱۸۶

١٧-١-٨-٣-٩- مَنْ اتَّقَى دَخَلَ الْجَنَّةَ

﴿٣٨٠٩﴾ الصَّادِقُ (عليه السلام): مَنْ انْقَى مِنْ مُمُونَةٍ لَقَلْبِهِ وَفَقْبِهِ وَدَذِبَهُ دَخَلَ الْجَنَّةَ؛ جامع الأخبار.

ص ۹۴

﴿نتایج تقوا / نتایج پرهیزکاری در آخرت﴾

۱۳-۱-۸-۹-۳- خداوند آن را که دارای ورع نیکوست وارد بهشت می‌کند

﴿۳۸۰۵﴾ زراره گوید: به امام صادق علیه السلام عرض کردم: «در مورد کسی که روزه بدارد و نماز بخواند و از کارهای حرام پرهیز کند و پرهیزکار باشد، اما اعتقاد به امامت نداشته باشد، ولی ناصبی و دشمن هم نباشد [چه می‌فرمایی]؟» فرمود: «خداوند آن‌ها را به رحمت خود وارد بهشت می‌کند».

۱۴-۱-۸-۹-۳- هر که از خدا پروا کند او اهل بهشت است

﴿۳۸۰۶﴾ هر کس خداوند بلندمرتبه را در حالی ملاقات نماید که اعضای بدن خود را حفظ نموده و هر عضوی از اعضایش آنچه که خداوند بر آن واجب ساخته، انجام داده است، با ایمان کامل خداوند را ملاقات می‌نماید و از اهل بهشت است. و هر کس که در چیزی از آن‌ها خیانت روا دارد و یا از امر خداوند پا فراتر بگذارد، در حالی خداوند را ملاقات می‌کند که ایمانش ناقص است.

۱۵-۱-۸-۹-۳- آفرینش بهشت برای پرهیزکاران

﴿۳۸۰۷﴾ هنگامی که خداوند بهشت را خلق کرد، بهشت گفت: «خداوند! مرا برای که خلق کردی؟» فرمود: «تو را برای همه‌ی بخشنده‌های با تقوا خلق کردم». و بهشت گفت: «پروردگارا! به این انتخاب راضی‌ام».

۱۶-۱-۸-۹-۳- ورود به بهشت برای هر کس که پرهیزکار باشد

﴿۳۸۰۸﴾ به سدید فرمود: [هر یک از شما می‌بیند که] ملک الموت می‌آید تا جانش را بگیرد، و روحش را صدا می‌زند تا از تنش بیرون آید، اما آنکه مؤمن باشد، آمدنش را احساس نمی‌کند (برایش تلخی و ناگواری‌ای وجود ندارد) و این است سخن خدای متعال که می‌فرماید: «تو ای روح آرام‌یافته! به سوی پروردگارت بازگرد در حالی که هم تو از او خشنودی و هم او از تو خشنود است، پس در سلک بندگانم درآی، و در بهشتم وارد شو!»؛ این مقام برای کسی است که پارسا باشد و با برادران دینی خود همراهی داشته باشد و به آن‌ها خیر رساند. اگر ورع نداشته باشد و به برادرانش خیری نرساند، به او گفته می‌شود: «چه چیزی تو را از پارسایی و همراهی کردن برادرانت بازداشت؟ تو از کسانی هستی که به زبان اظهار دوستی می‌کنند و با کردار آن را پیاده نمی‌کنند». و زمانی که با رسول خدا صلی الله علیه و آله و امیر مؤمنان علیه السلام برخورد کند، از او روی برمی‌گردانند و غضبناک هستند و شفاعت او را نمی‌کنند. سدید گفت: «از کسانی است که خدا بینی آن‌ها را بریده؟» فرمود: «همان است».

۱۷-۱-۸-۹-۳- هر که پروا کند وارد بهشت می‌شود

﴿۳۸۰۹﴾ هر کس لقلقه‌ی زبانش و قار و قور شکمش و هوسرانی شهوتش را کنترل کند، وارد بهشت می‌شود.

﴿ثَمَرَاتُ التَّقْوَى / ثَمَرَاتُ التَّقْوَى فِي الْآخِرَةِ﴾

١٨-١-٨-٣-٩- رَجَوْتُ لِلْمُؤْمِنِ الْوَرَعَ الْجَنَّةَ

﴿٣٨١٠﴾ الصَّادِقُ ^{الْمَلَكُ}: لَا يَجْمَعُ اللَّهُ لِمُؤْمِنٍ الْوَرَعَ وَالزُّهْدَ فِي الدُّنْيَا إِلَّا رَجَوْتُ لَهُ الْجَنَّةَ؛

وسائل الشيعة، ج ١٥، ص ٢٤٦

١٩-١-٨-٣-٩- سَادَةُ أَهْلِ الْجَنَّةِ الْمُتَّقُونَ

﴿٣٨١﴾ أمير المؤمنين عليه السلام: سَادَةُ أَهْلِ الْجَنَّةِ الْأَسْخِيَاءُ وَ الْمُتَّقُونَ؛ غرر الحكم، ص ٣٧٨

٢٠-١-٨-٣-٩-ملوك الجنة الاتقياء

﴿٣٨١٢﴾ أمير المؤمنين (عليه السلام): مَلُوكُ الْجَنَّةِ الطَّيِّبِيُّونَ وَ الْمُخْلِصُونَ؛ غرر الحكم، ص ١٩٨

٢١-١-٨-٣-٩- سَيَقَ الَّذِينَ اتَّقَوْا رَبَّهُمْ إِلَى الْجَنَّةِ زُمَرًا

﴿٣٨١٣﴾ وَسِيقَ الَّذِينَ اتَّقَوْا رَبَّهُمْ إِلَى الْجَنَّةِ زُمَرًا حَتَّىٰ إِذَا جَاؤَهَا وَفُتِحَتْ أَبْوَابُهَا وَقَالَ لَهُمْ

خَزَنَتُهَا سَلَامٌ عَلَيْكُمْ طِبْتُمْ فَادْخُلُوهَا خَالِدِينَ؛ الزمر ٧٣

۲۲-۱-۸-۳-۹- لِلَّذِينَ اتَّقَوْا عِنْدَ رَبِّهِمْ جَنَّاتٌ

﴿٣٨١٤﴾ زَيْنَ لِلنَّاسِ حُبُّ الشَّهَوَاتِ مِنَ النِّسَاءِ وَالْبَنِينَ وَالْقَنَاطِيرِ الْمُقَنْطَرَةِ مِنَ الذَّهَبِ وَ

الْفِصَّةِ وَالْخَيْلِ الْمُسَوَّمَةِ وَالْأَنْعَمِ وَالْحَرْثَ ذَلِكَ مَتَاعُ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَاللَّهُ عِنْدَهُ حُسْنُ الْمَبَإِ ﴿١٠٠﴾ قُلْ أ

أَنْتُمْ كُمْ بِخَيْرٍ مِنْ ذَلِكَ لِّلَّذِينَ اتَّقَوْا عِنْدَ رَبِّهِمْ جَنَّاتٌ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ خَالِدِينَ فِيهَا وَأَزْوَاجٌ

مُطَهَّرَةٌ وَرِضْوَانٌ مِّنَ اللَّهِ وَاللَّهُ بَصِيرٌ بِالْعِبَادِ؛ آل عمران ١٥-١٤

٢٣-١-٨-٣-٩- لَمْ يَدْعُ لِلْجَنَّةِ مَطْلَبًا

﴿٣٨١٥﴾ أمير المؤمنين عليه السلام: مَنْ جَمَعَ سِتَّ خِصَالٍ لَمْ يَدْخُلْ لُجْنَةَ مَطْلَبٍ وَلَا عَنِ النَّارِ مَهْرَبًا

عَرَفَ اللَّهَ فَأَطَاعَهُ وَعَرَفَ الشَّيْطَانَ فَعَصَاهُ وَعَرَفَ الدُّنْيَا فَرَفَضَهَا وَعَرَفَ الْآخِرَةَ فَطَلَبَهَا وَعَرَفَ

الْبَاطِلَ فَاتَّقَاهُ وَعَرَفَ الْحَقَّ فَاتَّبَعَهُ؛ جامع الأخبار، ص ١٠٨

٢٤-١-٨-٣-٩- من لَزِمَ التَّقْوَى رَجَحَ الْفَوْزَ فِي الْجَنَّةِ

﴿٣٨١٦﴾ الرَّسُولُ ﷺ: خَصْلَةٌ مَنْ لَزَمَهَا أَطَاعَتْهُ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةُ وَرَبِحَ الْفَوْزَ فِي الْجَنَّةِ، قِيلَ: وَ

مَا هِيَ يَا رَسُولَ اللَّهِ؟ قَالَ: التَّقْوَى؛ مستدرک الوسائل، ج ۱۱، ص ۲۶۷

﴿نتایج تقوا / نتایج پرهیزکاری در آخرت﴾

۱۸-۱-۸-۹-۳- برای مؤمن پرهیزکار امید بهشت دارم

﴿۳۸۱۰﴾ هرگاه خداوند برای مؤمنی، [توفیق] ورع و زهد در دنیا را یکجا جمع کند، حتماً امید دارم که بهشتی شود.

۱۹-۱-۸-۹-۳- سرور اهل بهشت، پرهیزکارانند

﴿۳۸۱۱﴾ بزرگ و سرور اهل بهشت، اهل سخاوت و تقوا [در دنیا] هستند.

۲۰-۱-۸-۹-۳- پادشاهان بهشت پرهیزکارانند

﴿۳۸۱۲﴾ پادشاهان بهشت، اهل تقوا و اخلاص هستند.

۲۱-۱-۸-۹-۳- آنان که پروای پروردگارشان را داشتند به سوی بهشت سوق داده می‌شوند

﴿۳۸۱۳﴾ و کسانی که تقوای الهی پیشه کردند گروه گروه به سوی بهشت برده می‌شوند هنگامی که به آن می‌رسند درهای بهشت گشوده می‌شود و نگهبانان به آنان می‌گویند: «سلام بر شما! گوارایتان باد این نعمت‌ها! داخل بهشت شوید و جاودانه بمانید!»

۲۲-۱-۸-۹-۳- برای آنان که پروای پروردگارشان کنند بهشت‌هایی است

﴿۳۸۱۴﴾ محبت امور مادی، از زنان و فرزندان و اموال هنگفت از طلا و نقره و اسب‌های ممتاز و چهارپایان و زراعت، در نظر مردم جلوه داده شده است (تا در پرتو آن، آزمایش و تربیت شوند ولی) این‌ها (در صورتی که هدف نهایی آدمی را تشکیل دهند)، سرمایه زندگی پست (مادی) است و سرانجام نیک (و زندگی والا و جاویدان)، نزد خداست. * بگو: «آیا شما را از چیزی آگاه کنم که از این (سرمایه‌های مادی)، بهتر است؟» برای کسانی که پرهیزکاری پیشه کرده‌اند، (و از این سرمایه‌ها، در راه مشروع و حق و عدالت، استفاده می‌کنند) در نزد پروردگارشان (در جهان دیگر)، باغ‌هایی است که نهرها از پای درختانش می‌گذرد همیشه در آن خواهند بود و همسرانی پاکیزه، و خشنودی خداوند (نصیب آن‌هاست). و خدا به (امور) بندگان، بیناست.

۲۳-۱-۸-۹-۳- بهانه‌ای برای عدم ورود او به بهشت نیست

﴿۳۸۱۵﴾ کسی که شش خصلت در وجودش جمع شده، بهانه‌ای دیگر برای ورود به بهشت و دلیلی دیگر برای دوری از آتش نمی‌خواهد. خدا را بشناسد و اطاعتش کند، شیطان را بشناسد و اطاعتش نکند، دنیا را بشناسد و آن را ترک کند، آخرت را بشناسد و طلب کند، باطل را شناخته و از آن پرهیز کند، حق را شناخته و از آن پیروی کند.

۲۴-۱-۸-۹-۳- هر که با پرهیزکار همراه باشد بر بهشت کامیاب می‌شود

﴿۳۸۱۶﴾ هرکس ملازم و پایبند یک خصلت باشد، دنیا و آخرت در اختیار اوست و کامیابی ورود به بهشت را به دست می‌آورد. سؤال شد: «آن چیست؟» فرمود: تقوا.

﴿ ثَمَرَاتُ التَّقْوَى / ثَمَرَاتُ التَّقْوَى فِي الْآخِرَةِ ﴾

٢٥-٨-٣-٩- نَالَ الْجَنَّةَ مَنْ اتَّقَى

﴿٣٨١٧﴾ أمير المؤمنين عليه السلام: نَالَ الْجَنَّةَ مَنْ اتَّقَى عَنِ الْمَحَارِمِ؛ غرر الحكم، ص ٢٧٢

٢٦-٨-٣-٩- وَعَدَ اللَّهُ الْجَنَّةَ مَنْ يَتَّقِيهِ

﴿٣٨١٨﴾ الرسول ﷺ: الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي قَرَّبَ مِنْ حَامِدِيهِ وَدَنَا مِنْ سَائِلِيهِ وَوَعَدَ الْجَنَّةَ مَنْ

يَتَّقِيهِ وَانْذَرَ بِالنَّاسِ مَنْ يَعْصِيهِ؛ مستدرک الوسائل، ج ١٤، ص ٢٠٧

٢٧-٨-٣-٩- وَعَدَ اللَّهُ الْمُتَّقِينَ الْجَنَّةَ

﴿٣٨١٩﴾ العسكري عليه السلام: أَمَرَ اللَّهُ أَنْ يُبْنَى مِنْهَا لِلْمُؤْمِنِينَ بَمَا فِي هَذَا الْكِتَابِ قُصُورٌ وَدُورٌ وَ

مَنَازِلٌ وَمَسَاكِينُ [مَسَاكِينُ] مُشْتَمِلَةٌ عَلَى أَنْوَاعِ النِّعَمِ الَّتِي وَعَدَهَا الْمُتَّقِينَ مِنْ عِبَادِهِ مِنَ الْأَشْجَارِ وَالْأَسْبَاتِينَ وَالتَّمَارِ وَالْحُورِ الْحِسَانِ وَالْمُخَلَّدِينَ مِنَ الْوُلَدَانِ كَاللَّيْلِ الْمُنْثُورَةِ وَسَائِرِ نَعِيمِ الْجَنَّةِ وَ

خَيْرَاتِهَا؛ بحار الأنوار، ج ٨، ص ١٦٥

٢٨-٨-٣-٩- وَعِدَ الْمُتَّقُونَ الْجَنَّةَ

﴿٣٨٢٠﴾ مَثَلُ الْجَنَّةِ الَّتِي وَعَدَ الْمُتَّقُونَ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ كُلُّهَا دَائِمٌ وَظِلُّهَا تِلْكَ عُقْبَى

الَّذِينَ اتَّقَوْا وَعُقْبَى الْكَافِرِينَ النَّارُ؛ الرعد ٣٥

﴿٣٨٢١﴾ مَثَلُ الْجَنَّةِ الَّتِي وَعَدَ الْمُتَّقُونَ فِيهَا أَنْهَارٌ مِنْ مَاءٍ غَيْرِ آسِنٍ وَأَنْهَارٌ مِنْ لَبَنٍ لَمْ يَتَغَيَّرْ

طَعْمُهُ وَأَنْهَارٌ مِنْ خَمْرٍ لَذَّةٍ لِلشَّارِبِينَ وَأَنْهَارٌ مِنْ عَسَلٍ مُصَفًّى وَلَهُمْ فِيهَا مِنْ كُلِّ الثَّمَرَاتِ وَمَغْفِرَةٌ

مِنْ رَبِّهِمْ؛ محمد ١٥

٢٩-٨-٣-٩- وَصَفُ حَالِ الْمُتَّقِينَ بَعْدَ دُخُولِهِمُ الْجَنَّةَ

﴿٣٨٢٢﴾ الباقر عليه السلام: فِي وَصْفِ حَالِ الْمُتَّقِينَ فِي الْقِيَامَةِ وَبَعْدَ دُخُولِهِمُ الْجَنَّةَ قَالَ ثُمَّ يَبْعَثُ

اللَّهُ إِلَيْهِ أَلْفَ مَلَكٍ يُهَيِّئُونَهُ بِالْجَنَّةِ وَيُرَوِّجُونَهُ الْحُورَاءَ قَالَ فَيَنْتَهَوْنَ إِلَى أَوَّلِ بَابٍ مِنْ جَنَّاتِهِ فَيَقُولُونَ لِلْمَلِكِ الْمَوْكَلِ بِأَبْوَابِ جَنَّاتِهِ اسْتَأْذِنْ لَنَا عَلَى وَلِيِّ اللَّهِ فَإِنَّ اللَّهَ بَعَثَنَا إِلَيْهِ نَهْنُئُهُ فَيَقُولُ لَهُمُ الْمَلِكُ حَتَّى أَقُولَ لِلْحَاجِبِ فَيُعَلِّمُهُ مَكَانَكُمْ قَالَ فَيَدْخُلُ الْمَلِكُ إِلَى الْحَاجِبِ وَبَيْنَهُ وَبَيْنَ الْحَاجِبِ ثَلَاثُ جَنَّاتٍ حَتَّى يَنْتَهِيَ إِلَى أَوَّلِ بَابٍ فَيَقُولُ لِلْحَاجِبِ إِنَّ عَلَى بَابِ الْعَرْصَةِ أَلْفَ مَلَكٍ

﴿نتایج تقوا / نتایج پرهیزکاری در آخرت﴾

۹-۳-۸-۱-۲۵ هر که پرهیزکار باشد به بهشت می‌رسد

﴿۳۸۱۷﴾ کسی که از گناهان پرهیز می‌کند، به بهشت خواهد رسید.

۹-۳-۸-۱-۲۶ خداوند به آنان که پروا کنند وعده‌ی بهشت داده است

﴿۳۸۱۸﴾ ستایش ویژه خداوندی است که به کسانی که او را حمد می‌گویند، و به کسانی که از او چیزی می‌طلبند، نزدیک است. و بهشت را به کسانی که تقوا دارند، وعده داده است.

۹-۳-۸-۱-۲۷ خداوند به آنان که پروا کنند وعده‌ی بهشت داده است

﴿۳۸۱۹﴾ خداوند دستور داد که برای مؤمنان از آن (قطعه‌ای از کوه که به آسمان رفت) قصرها، خانه‌ها و منازل و مسکن‌هایی بسازند که شامل انواع نعمت‌هایی باشند که برای اهل تقوا وعده داده شده است. و از جمله‌ی این نعمت‌ها، درختان، باغ‌ها، میوه‌ها، حوری‌های زیبارو و فرزندان جاودانند که مانند مروارید پراکنده هستند، و دیگر نعمت‌های بهشت و خیر و خوبی‌های آن می‌باشند.

۹-۳-۸-۱-۲۸ به پرهیزکاران وعده‌ی بهشت داده شده است

﴿۳۸۲۰﴾ توصیف بهشتی که به پرهیزکاران وعده داده شده، (این است که) نهرهای آب از زیر درختانش جاری است، میوه آن همیشگی، و سایه‌اش دائمی است این سرانجام کسانی است که پرهیزکاری پیشه کردند و سرانجام کافران، آتش است!

﴿۳۸۲۱﴾ توصیف بهشتی که به پرهیزکاران وعده داده شده، چنین است: در آن نهرهایی از آب صاف و خالص که بدبو نشده، و نهرهایی از شیر که طعم آن دگرگون نگشته، و نهرهایی از شراب (طهور) که مایه لذت نوشندگان است، و نهرهایی از عسل مصفاست، و برای آن‌ها در آن از همه‌ی انواع میوه‌ها وجود دارد و (از همه بالاتر) آمرزشی است از سوی پروردگارشان! آیا این‌ها همانند کسانی هستند که همیشه در آتش دوزخند و از آب جوشان نوشانده می‌شوند که اندرونشان را از هم متلاشی می‌کند؟!

۹-۳-۸-۱-۲۹ وصف حال پرهیزکاران بعد از ورودشان به بهشت

﴿۳۸۲۲﴾ امام باقر علیه السلام در وصف حال متقیان در روز قیامت و پس از رفتن به بهشت فرمود: «خداوند هزار فرشته به‌سوی او می‌فرستد تا بهشت را به او تبریک و تهنیت بگویند و حوریان را به ازدواج او درآورند. پس به اولین در از باغ‌های او می‌رسند و به فرشته‌ای که دربان باغ‌های اوست می‌گویند: «از ولی خدا برای ما اجازه بگیر که خداوند ما را فرستاده تا به او تهنیت و تبریک گوئیم»، فرشته به آن‌ها می‌گوید: «بایستید تا به دربان بگوئیم و دربان او را از ورود شما آگاه کند». فرشته به سراغ دربان که فاصله‌اش با او سه باغ بهشتی است می‌آید و چون به نخستین در

﴿ثَمَرَاتُ التَّقْوَى / ثَمَرَاتُ التَّقْوَى فِي الْآخِرَةِ﴾

أَرْسَلَهُمْ رَبُّ الْعَالَمِينَ لِيُهْتَنُّوا وَلِيُّ اللَّهِ وَ قَدْ سَأَلُوا أَنْ أَدْنَ لَهُمْ عَلَيْهِ فَيَقُولَ الْحَاجِبُ إِنَّهُ لَيَعْظُمُ عَلَىَّ أَنْ أَسْتَأْذِنَ لِأَحَدٍ عَلَى وَلِيِّ اللَّهِ وَ هُوَ مَعَ زَوْجَتِهِ الْحَوْرَاءِ قَالَ وَ بَيْنَ الْحَاجِبِ وَ بَيْنَ وَلِيِّ اللَّهِ جَنَّتَانِ قَالَ فَيَدْخُلُ الْحَاجِبُ إِلَى الْقِيَمِ فَيَقُولُ لَهُ إِنَّ عَلَى بَابِ الْعَرْصَةِ أَلْفَ مَلَكٍ أَرْسَلَهُمْ رَبُّ الْعِزَّةِ يَهْتَنُّونَ وَلِيُّ اللَّهِ فَاسْتَأْذِنَ فَيَقْدُمُ الْقِيَمِ إِلَى الْخُدَّامِ فَيَقُولُ لَهُمْ إِنَّ رُسُلَ الْجَبَّارِ عَلَى بَابِ الْعَرْصَةِ وَ هُمْ أَلْفُ مَلَكٍ أَرْسَلَهُمُ اللَّهُ يَهْتَنُّونَ وَلِيُّ اللَّهِ فَاعْلَمُوهُ بِمَكَانِهِمْ قَالَ فَيَعْلَمُونَهُ فَيُؤْذَنُ لِلْمَلَائِكَةِ فَيَدْخُلُونَ عَلَى وَلِيِّ اللَّهِ وَ هُوَ فِي الْعُرْفَةِ وَ لَهَا أَلْفُ بَابٍ وَ عَلَى كُلِّ بَابٍ مِنْ أَبْوَابِهَا مَلَكٌ مُوَكَّلٌ بِهِ فَإِذَا أُذِنَ لِلْمَلَائِكَةِ بِالْدُخُولِ عَلَى وَلِيِّ اللَّهِ فَتَفْتَحُ كُلُّ مَلَكٍ بَابَهُ الْمُوَكَّلَ بِهِ قَالَ فَيَدْخُلُ الْقِيَمِ كُلُّ مَلَكٍ مِنْ بَابٍ مِنْ أَبْوَابِ الْعُرْفَةِ قَالَ فَيُبَلِّغُونَهُ رِسَالَةَ الْجَبَّارِ جَلَّ وَ عَزَّ وَ ذَلِكَ قَوْلُ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ وَالْمَلَائِكَةُ يَدْخُلُونَ عَلَيْهِمْ مِنْ كُلِّ بَابٍ أَيْ مِنْ أَبْوَابِ الْعُرْفَةِ سَلَامٌ عَلَيْكُمْ إِلَى آخِرِ الْآيَةِ قَالَ وَ ذَلِكَ قَوْلُهُ عَزَّ وَ جَلَّ وَإِذَا رَأَيْتَ ثُمَّ رَأَيْتَ نَعِيمًا وَمُلْكًا كَبِيرًا يَعْنِي بِذَلِكَ وَلِيُّ اللَّهِ وَ مَا هُوَ فِيهِ مِنَ الْكِرَامَةِ وَ النَّعِيمِ وَ الْمُلْكِ الْعَظِيمِ الْكَبِيرِ أَنَّ الْمَلَائِكَةَ مِنْ رُسُلِ اللَّهِ عَزَّ وَ ذَكَرَهُ يَسْتَأْذِنُونَ عَلَيْهِ فَلَا يَدْخُلُونَ عَلَيْهِ إِلَّا بِإِذْنِهِ فَذَلِكَ الْمُلْكُ الْعَظِيمُ الْكَبِيرُ؛ بحار الأنوار، ج ٥٦،

ص ۲۳۶

٣٠-١-٨-٣-٩- يُوجِبُ اللَّهُ الْجَنَّةَ

﴿٣٨٢٣﴾ الرَّسُولُ ﷺ: خَمْسٌ لَا يَجْتَمِعْنَ إِلَّا فِي مُؤْمِنٍ حَقًّا يُوجِبُ اللَّهُ لَهُ بِهِنَّ الْجَنَّةَ النُّورَ فِي الْقَلْبِ وَالْفَهْمَ فِي الْإِسْلَامِ وَالْوَرَعَ فِي الدِّينِ وَالْمَوَدَّةَ فِي النَّاسِ وَحُسْنَ السَّمْتِ فِي الْوُجْهِ؛

بحار الأنوار، ج ١، ص ٢١٩

٢-٨-٣-٩- جَنَّاتُ عَدْنُ

١-٢-٨-٣-٩- الْمُتَّقُونَ يَدْخُلُونَ جَنَّاتٍ عَدْنٍ

﴿٣٨٢٤﴾ جَنَّاتٌ عَدْنٌ يَدْخُلُونَهَا يُجْرَى مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ لَهُمْ فِيهَا مَا يَشَاءُونَ كَذَلِكَ يَجْزِي اللَّهُ

الْمُتَّقِينَ؛ النحل ٣١

٢-٢-٨-٣-٩- إِبَاحَةُ جَنَاتِ عَدْنٍ لِأَهْلِ الْوَرَعِ

﴿نتایج تقوا / نتایج پرهیزکاری در آخرت﴾

ورودی رسد، به دربان می‌گوید: «در جلوی در هزار فرشته ایستاده‌اند که آن‌ها را پروردگار جهانیان فرستاده تا به ولیّ خداوند تبریک بگویند، و از من درخواست کرده‌اند تا برای ایشان اذن ورود بگیرم»، دربان می‌گوید: «به‌راستی که برای من سخت است درحالی که ولیّ خداوند با همسر حوریّه‌اش خلوت کرده برای کسی اذن ملاقات بگیرم». و فاصله دربان تا ولیّ خداوند دو باغ است. پس آن دربان نزد پیشکار مخصوص می‌رود و به او می‌گوید: «در دم در، هزار فرشته‌اند که پروردگار عزّت آنان را فرستاده تا به ولیّ خداوند تبریک بگویند برای ایشان اذن ورود بگیر»، پیشکار مخصوص به نزد خدمتکاران می‌رود و به آن‌ها می‌گوید: «همانا فرستادگان خداوند جبار در دم در، به انتظار اذن ورود ایستاده‌اند و آن‌ها هزار فرشته‌اند که خداوند ایشان را فرستاده تا به ولیّ خداوند تبریک بگویند، پس ولیّ خداوند را از جایگاه ایشان آگاه کنید»، آنان نیز اطلاع می‌دهند و اجازه‌ی ورود برای فرشتگان می‌گیرند و آن‌ها نزد ولیّ خداوند می‌آیند، در آن غرفه‌ای که هزار در دارد و بر هر دری از درهای آن فرشته‌ای گماشته شده است، و چون اذن ورود این فرشتگان صادر می‌شود هر یک از فرشتگان، دری را که بر آن موکّل هستند می‌گشایند. در این وقت پیشکار مخصوص هر یک از آن فرشته را از دری از درهای آن غرفه وارد می‌کند و آنان پیام خداوند جبار بلندمرتبه را به ولیّ خداوند می‌رسانند و این سخن خداوند متعال است که می‌فرماید: ﴿وَالْمَلَائِكَةُ يَدْخُلُونَ عَلَيْهِمْ مِنْ كُلِّ بَابٍ﴾ یعنی از درهای غرفه، سلام بر شما به خاطر صبر و استقامتتان! چه نیکوست سرانجام آن سرا [ی جاویدان]». و این است سخن خداوند که می‌فرماید: «و هنگامی که آنجا را ببینی نعمت‌ها و ملک عظیمی را می‌بینی»؛ و مقصود در این آیه، ولیّ خداوند و آن کرامت و نعمت‌ها و سلطنت بزرگ و با شکوهی است که او دارد. که به راستی فرشتگان فرستاده‌ی خداوند برای ورود، از او اجازه می‌گیرند و بدون اذن او وارد نمی‌شوند و این سلطنت بزرگ باشکوه است.

۹-۳-۸-۱-۳۰- خداوند بهشت را بر آنان واجب کرده است

﴿۳۸۲۳﴾ پنج چیز است که فقط در مؤمن جمع می‌شود که خدا به واسطه‌ی آن بهشت را بر او واجب می‌کند: روشنی در دل، فهم اسلام، ورع در دین، مردم دوستی و خوشرویی.

۹-۳-۸-۲- بهشت جاویدان

۹-۳-۸-۲-۱- پرهیزکاران وارد بهشت جاویدان می‌شوند

﴿۳۸۲۴﴾ باغ‌هایی از بهشت جاویدان است که همگی وارد آن می‌شوند نه‌رها از زیر درختانش می‌گذرد هر چه بخواهند در آنجا هست خداوند پرهیزکاران را چنین پاداش می‌دهد!

۹-۳-۸-۲-۲- جایز شدن بهشت جاویدان برای پرهیزکاران

﴿ثَمَرَاتُ التَّقْوَى / ثَمَرَاتُ التَّقْوَى فِي الْآخِرَةِ﴾

﴿٣٨٢٥﴾ حديث قدسي: يَا مُوسَى مَا تَقَرَّبَ إِلَيَّ الْمُتَقَرِّبُونَ بِبِشْلِ الْوَرَعِ عَنْ مَحَارِمِي فَلَا يُنَى أُبِيحُهُمْ جَنَّاتِ عَدْنٍ لَا أَشْرَكَ مَعَهُمْ أَحَدًا؛ بحار الأنوار، ج ٦٧، ص ٣٠٩
٩-٣-٨-٢-٣- سَبَقُوا إِلَى جَنَّاتِ عَدْنٍ مِنْ صَحٍّ وَرَعُهُمْ

﴿٣٨٢٦﴾ أمير المؤمنين عليه السلام: لَقَدْ سَبَقَ إِلَى جَنَّاتِ عَدْنٍ أَقْوَامٌ مَا كَانُوا أَكْثَرَ النَّاسِ صَلَاةً وَلَا صِيَامًا وَلَا حَجًّا وَلَا اعْتِمَارًا وَلَكِنْ عَقَلُوا عَنْ اللَّهِ أَمْرَهُ فَحَسَنَتْ طَاعَتُهُمْ وَصَحَّ وَرَعُهُمْ وَكَمُلَ يَتَّبِعُهُمْ فَفَاقُوا غَيْرَهُمْ بِالْحُظْوَةِ وَرَفِيعِ الْمَنْزِلَةِ؛ شرح نهج البلاغة، ج ٢٠، ص ٢٧٠
٩-٣-٨-٣- جَنَّاتِ النَّعِيمِ

٩-٣-٨-٣-١- أَدْخَلْنَا الْمُتَّقِينَ جَنَّاتِ النَّعِيمِ

﴿٣٨٢٧﴾ وَلَوْ أَنَّ أَهْلَ الْكِتَابِ آمَنُوا وَاتَّقَوْا لَكَفَّرْنَا عَنْهُمْ سَيِّئَاتِهِمْ وَلَأَدْخَلْنَاَهُمْ جَنَّاتِ النَّعِيمِ؛

المائدة ٦٥

٩-٣-٨-٣-٢- إِنَّ لِلْمُتَّقِينَ عِنْدَ رَبِّهِمْ جَنَّاتِ النَّعِيمِ

﴿٣٨٢٨﴾ إِنَّ لِلْمُتَّقِينَ عِنْدَ رَبِّهِمْ جَنَّاتِ النَّعِيمِ؛ القلم ٣٤
٩-٣-٨-٤- جَنَّاتٍ وَعُيُونُ

٩-٣-٨-٤-١- إِنَّ الْمُتَّقِينَ فِي جَنَّاتٍ وَعُيُونٍ

﴿٣٨٢٩﴾ إِنَّ الْمُتَّقِينَ فِي جَنَّاتٍ وَعُيُونٍ؛ الحجر ٤٥

﴿٣٨٣٠﴾ إِنَّ الْمُتَّقِينَ فِي جَنَّاتٍ وَعُيُونٍ؛ الذاريات ١٥

٩-٣-٨-٥- جَنَّاتٍ وَنَعِيمٍ

٩-٣-٨-٥-١- إِنَّ الْمُتَّقِينَ فِي جَنَّاتٍ وَنَعِيمٍ

﴿٣٨٣١﴾ حديث قدسي: طُوبَى لَكَ يَا ابْنَ مَرْيَمَ إِنْ كُنْتَ لَهَا مِنْ الْعَامِلِينَ مَعَ آبَائِكَ آدَمَ وَ إِبْرَاهِيمَ فِي جَنَّاتٍ وَنَعِيمٍ لَا تَبْغِي بِهَا بَدَلًا وَلَا تَحْوِيلًا كَذَلِكَ أَفْعَلُ بِالْمُتَّقِينَ؛ الكافي، ج ٨، ص ١٣٦

﴿٣٨٣٢﴾ إِنَّ الْمُتَّقِينَ فِي جَنَّاتٍ وَنَعِيمٍ؛ الطور ١٧

﴿١٠٩٢﴾

﴿نتایج تقوا / نتایج پرهیزکاری در آخرت﴾

﴿۳۸۲۵﴾ [خدا به موسی علیه السلام وحی کرد:] ای موسی! برای تقرّب به من، هیچ وسیله‌ای مانند پرهیز از محرّماتم نیست. همانا من اقامت در بهشت‌های جاودان را به آن‌ها اجازه می‌دهم و دیگری را با آن‌ها شریک نمی‌سازم.

۹-۳-۸-۲-۳ آن که پرهیزکاری‌اش صحیح باشد در ورود به بهشت جاویدان سبقت می‌گیرد
﴿۳۸۲۶﴾ گروه‌هایی به سوی بهشت برین [از دیگران] پیشی گرفتند که بیش از دیگران اهل روزه، نماز، حج و عمره نبودند، بلکه آنان در موعظه‌های الهی تعقّل کردند. در نتیجه طاعتشان نیک و ورعشان صحیح و یقینشان کامل شد و بر امتیازی بالاتر از دیگران و منزلتی بزرگ دست یافتند.

۹-۳-۸-۳- بهشت‌های نعمت

۹-۳-۸-۳-۱ پرهیزکاران را به بهشت‌های نعمت وارد می‌کنیم
﴿۳۸۲۷﴾ و اگر اهل کتاب ایمان بیاورند و تقوا پیشه کنند، گناهان آن‌ها را می‌بخشیم و آن‌ها را در باغ‌های پر نعمت بهشت، وارد می‌سازیم.

۹-۳-۸-۳-۲ برای پرهیزکاران نزد پروردگارشان بهشت‌های نعمت است
﴿۳۸۲۸﴾ مسلماً برای پرهیزکاران نزد پروردگارشان باغ‌های پر نعمت بهشت است!

۹-۳-۸-۴- باغ‌ها و چشمه‌ها

۹-۳-۸-۴-۱ همانا پرهیزکاران در بهشت‌ها و چشمه‌ها هستند
﴿۳۸۲۹﴾ به یقین، پرهیزکاران در باغ‌ها (ی سرسبز بهشت) و در کنار چشمه‌ها هستند.
﴿۳۸۳۰﴾ به یقین، پرهیزکاران در باغ‌های بهشت و در میان چشمه‌ها قرار دارند.

۹-۳-۸-۵- بهشت‌ها و نعمت‌ها

۹-۳-۸-۵-۱ پرهیزکاران در بهشت‌ها و نعمت‌ها هستند
﴿۳۸۳۱﴾ ای پسر مریم! خوشا به حالت اگر از جمله‌ی عمل‌کنندگان برای کسب چنین سربازی باشی، پس همراه و همنشین پدران آدم علیه السلام و ابراهیم علیه السلام خواهی بود و در باغ‌ها و نعمت‌هایی که خواستار هیچ‌گونه تغییر و دگرگونی در آن‌ها نیستی، و من این‌گونه با پرهیزکاران رفتار می‌نمایم.

﴿۳۸۳۲﴾ ولی پرهیزکاران در میان باغ‌های بهشت و نعمت‌های فراوان جای دارند.

﴿ثَمَرَاتُ التَّقْوَى / ثَمَرَاتُ التَّقْوَى فِي الْآخِرَةِ﴾

٩-٣-٨-٦- جَنَّاتٌ وَ نَهْرٌ

٩-٣-٨-٦-١- إِنَّ الْمُتَّقِينَ فِي جَنَّاتٍ وَ نَهْرٍ

﴿٣٨٣٣﴾ إِنَّ الْمُتَّقِينَ فِي جَنَّاتٍ وَ نَهْرٍ؛ الْقَمَر ٥٤

٩-٣-٨-٧- جَنَّاتٌ لَا يَشْرَكُهُمْ فِيهَا غَيْرُهُمْ

٩-٣-٨-٧-١- أُدْخِلُهُمْ جَنَّاتٌ لَا يَشْرَكُهُمْ فِيهَا غَيْرُهُمْ

﴿٣٨٣٤﴾ حديث قدسي: وَ أَمَّا الْمُتَقَرَّبُونَ بِالْوَرَعِ عَنْ مَحَارِمِي فَإِنِّي أُدْخِلُهُمْ جَنَّاتٌ لَا يَشْرَكُهُمْ

فِيهَا غَيْرُهُمْ؛ إرشاد القلوب، ج ١، ص ٩٦

٩-٣-٨-٨- جَنَّةُ الْمَأْوَى

٩-٣-٨-٨-١- التَّقْوَى يُبَلِّغُكُمْ جَنَّةَ الْمَأْوَى

﴿٣٨٣٥﴾ أمير المؤمنين عليه السلام: عَلَيْكُمْ بِلُزُومِ الْبَقِيَّةِ وَ التَّقْوَى فَإِنَّهُمَا يُبَلِّغَانِكُمُ جَنَّةَ الْمَأْوَى؛

مستدرک الوسائل، ج ١١، ص ٢٠٠

٩-٣-٨-٩- جَنَّةُ الْخُلْدِ

٩-٣-٨-٩-١- وَعِدَ الْمُتَّقُونَ جَنَّةَ الْخُلْدِ

﴿٣٨٣٦﴾ قُلْ أَذَلِكَ خَيْرٌ أَمْ جَنَّةُ الْخُلْدِ الَّتِي وَعِدَ الْمُتَّقُونَ كَانَتْ لَهُمْ جَزَاءً وَ مَصِيرًا؛ الفرقان ١٥

٩-٣-٨-١٠- أَرْضٌ بَيْضَاءُ

﴿٣٨٣٧﴾ الرَّسُولُ ﷺ: قَالَ فَصِفْ لِي هَذِهِ الْأَرْضَ قَالَ يَا ابْنَ سَلَامٍ هِيَ أَرْضٌ بَيْضَاءُ كَالشَّمْسِ وَ

رِيحُهَا كَالْمِسْكِ وَ ضَوْؤُهَا كَالْقَمَرِ وَ نَبَاتُهَا كَالزَّعْفَرَانِ يُحْشَرُونَ [يُحْشَرُ] عَلَيْهَا الْمُتَّقُونَ يَوْمَ

الْقِيَامَةِ قَالَ صَدَقْتَ يَا مُحَمَّدٌ؛ بحار الأنوار، ج ٥٧، ص ٢٥٣

٩-٣-٨-١١- الْحَدَائِقُ

٩-٣-٨-١١-١- إِنَّ لِلْمُتَّقِينَ حَدَائِقَ

﴿٣٨٣٨﴾ إِنَّ لِلْمُتَّقِينَ مَفَازًا؛ حَدَائِقَ وَ أَعْنََابًا؛ وَ كَوَاعِبَ أَتْرَابًا؛ وَ كَأْسًا دِهَاقًا؛ لَا يَسْمَعُونَ فِيهَا

لَعْوًا وَ لَا كِذَابًا؛ جَزَاءً مِّن رَّبِّكَ عَطَاءً حِسَابًا؛ النبأ ٣٦-٣١

﴿١٠٩٤﴾

﴿نتایج تقوا / نتایج پرهیزکاری در آخرت﴾

۹-۳-۸-۶- باغ‌ها و نهرها

۹-۳-۸-۶-۱- پرهیزکاران در بهشت‌ها و نهرها هستند

﴿۳۸۳۳﴾ یقیناً پرهیزکاران در باغ‌ها و نهروهای بهشتی جای دارند.

۹-۳-۸-۷- بهشت‌هایی که دیگری شریکشان نیست

۹-۳-۸-۷-۱- در بهشت‌هایی داخلشان می‌کنم که دیگری شریکشان نیست

﴿۳۸۳۴﴾ [وحي خداوند به حضرت موسی (علیه السلام):] و اما آنان که به واسطه‌ی پرهیز از گناه و ورع به من نزدیک می‌شوند، بهشتی عطا خواهیم کرد که شریکی نداشته باشند.

۹-۳-۸-۸- بهشت امن

۹-۳-۸-۸-۱- پرهیزکاری شما را به بهشت امن می‌رساند

﴿۳۸۳۵﴾ بر شماست که همیشه همراه یقین و تقوا باشید که این دو شما را به بهشت امن خواهد رساند.

۹-۳-۸-۹- بهشت جاوید

۹-۳-۸-۹-۱- به پرهیزکاران بهشت جاوید داده شده است

﴿۳۸۳۶﴾ (ای پیامبر!) بگو: «آیا این بهتر است یا بهشت جاویدانی که به پرهیزکاران وعده داده شده؟! بهشتی که پاداش اعمال آن‌ها، و قرارگاهشان است.»

۹-۳-۸-۱۰- زمین سپید

﴿۳۸۳۷﴾ ابن‌سلام گفت: «برای من آن زمین را وصف کن». پیامبر (ﷺ) فرمود: «زمینی درخشان همانند خورشید می‌باشد که بادش بوی مشک دارد و روشنی‌اش چون ماه و گیاهش چون زعفران است؛ و پرهیزکاران روز قیامت بر آن محشور می‌شوند».

۹-۳-۸-۱۱- باغ‌ها

۹-۳-۸-۱۱-۱- برای پرهیزکاران باغ‌هایی است

﴿۳۸۳۸﴾ مسلماً برای پرهیزکاران نجات و پیروزی بزرگی است. مسلماً برای پرهیزکاران نجات و پیروزی بزرگی است؛ باغ‌هایی سرسبز، و انواع انگورها، و حوریانی بسیار جوان و هم‌سن و سال، و جام‌هایی لبریز و پیایی (از شراب طهور)! در آنجا نه سخن لغو و بیهوده‌ای می‌شنوند و نه دروغی! این پاداشی است از سوی پروردگارت و عطیه‌ای است کافی!

﴿ ثَمَرَاتُ التَّقْوَى / ثَمَرَاتُ التَّقْوَى فِي الْآخِرَةِ ﴾

١٢-٨-٩-٣- رياضُ الخلدِ

١-١٢-٨-٩-٣- المتّقون يسكنون رياضَ الخلدِ

﴿ ٣٨٣٩ ﴾ أمير المؤمنين عليه السلام: أَيَّتَهَا النَّفْسُ أَخْلَصِي لِيَلِكِ وَنَهَارِكِ بِالذَّاكِرِينَ لَعَلَّكَ أَنْ

تَسْكُنِي رِيَاضَ الْخُلْدِ مَعَ الْمُتَّقِينَ؛ بحار الأنوار، ج ٩١، ص ١٠٩

١٣-٨-٩-٣- الرّىّ والشّيعُ

﴿ ٣٨٤٠ ﴾ أمير المؤمنين عليه السلام: عِبَادَ اللَّهِ إِنَّ تَقْوَى اللَّهِ حَمَتُ أَوْلِيَاءِ اللَّهِ مَحَارِمَهُ وَالْزَمَتُ

قُلُوبَهُمْ مَخَافَتَهُ حَتَّى أَسْهَرَتْ لَيَالِيَهُمْ وَأَظْمَأَتْ هَوَاجِرَهُمْ فَأَخَذُوا الرَّاحَةَ بِالنَّصَبِ وَالرِّىَّ بِالْظَّمِّ

وَاسْتَقْرَبُوا الْأَجَلَ فَبَادَرُوا الْعَمَلَ وَكَذَّبُوا الْأَمَلَ فَلَا حَظَّوْا إِلَّا بِالْجَلِّ؛ نهج البلاغة، ص ١٦٩

١-١٣-٨-٩-٣- شيعٍ وروى

﴿ ٣٨٤١ ﴾ أمير المؤمنين عليه السلام: فَإِنَّ مَنْ اتَّقَى اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ وَشَاعَ وَرَوَى؛ مشكاة الأنوار،

ص ٢٦٧

١٤-٨-٩-٣- اشتياقُ حُورِ الْعَيْنِ إِلَيْهِ

﴿ ٣٨٤٢ ﴾ أمير المؤمنين عليه السلام: قَضَاءُ حُقُوقِ الْإِخْوَانِ أَشْرَفُ أَعْمَالِ الْمُتَّقِينَ يَسْتَجْلِبُ مَوَدَّةَ

الْمَلَائِكَةِ الْمُقَرَّبِينَ وَشَوْقِ الْحُورِ الْعَيْنِ؛ وسائل الشيعة، ج ١٦، ص ٢٢٢

١٥-٨-٩-٣- طوبى

﴿ ٣٨٤٣ ﴾ أمير المؤمنين عليه السلام: إِنَّ لِأَهْلِ التَّقْوَى عِلَامَاتٍ يُعْرِفُونَ بِهَا ... طُوبَى لَهُمْ وَحَسَنُ مَا بَ

وَ طُوبَى شَجَرَةٍ فِي الْجَنَّةِ أَصْلُهَا فِي دَارِ رَسُولِ اللَّهِ فَلَيْسَ مِنْ مُؤْمِنٍ إِلَّا وَفَى دَارِهِ غُصْنٌ مِنْ

أَغْصَانِهَا لَا يَنُوبُ فِي قَلْبِهِ شَيْئٌ إِلَّا آتَاهُ [آتَاهُ] ذَلِكَ الْغُصْنُ وَلَوْ أَنَّ رَاكِبًا مُجِدًّا سَارَ فِي ظِلِّهَا مِائَةَ

عَامٍ مَا خَرَجَ مِنْهَا وَلَوْ أَنَّ غُرَابًا طَارَ مِنْ أَصْلِهَا مَا بَلَغَ أَغْلَاهَا حَتَّى يَبْيَاضَ هَرَمًا أَلَا فَفَى هَذَا

فَارْغَبُوا؛ بحار الأنوار، ج ٦٧، ص ٢٨٢

﴿ ٣٨٤٤ ﴾ الرسول ﷺ: الدُّنْيَا دَارُ بَلَاءٍ ... طُوبَى لِعَبْدٍ اتَّقَى مِنْهَا رَبَّهُ؛ بحار الأنوار، ج ٧٤، ص ١٨٧

«نتایج تقوا / نتایج پرهیزکاری در آخرت»

۹-۳-۸-۱۲- باغ‌های جاوید

۹-۳-۸-۱۲-۱- پرهیزکاران در باغ‌های جاوید ساکن می‌شوند

﴿۳۸۳۹﴾ ای نفس! روز و شب را با ذکر خالص کن، باشد که همراه با پرهیزکاران در باغ‌های بهشت ساکن شوی.

۹-۳-۸-۱۳- سیراب‌شدن

﴿۳۸۴۰﴾ ای بندگان خدا! همانا تقوای الهی دوستان خدا را از انجام محرمات باز می‌دارد و قلب‌هایشان را پر از ترس خدا می‌سازد، تا آنکه شب‌های آنان با بی‌خوابی و روزهایشان با تحمل تشنگی و روزه‌داری، سپری می‌گردد، که آسایش آخرت را با رنج دنیا و سیراب‌شدن آنجا را با تحمل تشنگی دنیا به دست آوردند. اجل و مرگ را نزدیک دیده و در اعمال نیکو شتاب کرده‌اند، آرزوهای دنیایی را دروغ خواندند و مرگ به درستی نگریستند.

۹-۳-۸-۱۳-۱- سیر و سیراب می‌شود

﴿۳۸۴۱﴾ پس کسی که تقوای خدا را پیشه کند، عزیز و نیرومند می‌گردد و سیر و سیراب می‌شود.

۹-۳-۸-۱۴- اشتیاق حورالعین به او

﴿۳۸۴۲﴾ رسیدگی به حقوق برادران مؤمن از باشرف‌ترین کارهای متّقین است که موجب جلب محبّت ملائکه‌ی مقرب و اشتیاق حورالعین به صاحب آن عمل می‌شود.

۹-۳-۸-۱۵- درخت طوبی

﴿۳۸۴۳﴾ اهل تقوا علائم و نشانه‌هایی دارند که به آن شناخته می‌شوند... خوشا به حالشان و بازگشتشان نیکو خواهد بود. و درخت طوبی درختی است در بهشت که ریشه‌اش در خانه رسول خدا ﷺ است و در خانه‌ی هر یک از مؤمنین و اهل بهشت شاخه‌ای از آن وجود دارد که هر چه را که مؤمن نیّت کند و هر رقم خواسته‌ای که داشته باشد، خداوند از همان شاخه به او می‌دهد. و این درخت به قدری بزرگ است که اگر اسب سواری با سرعت هر چه بیشتر اسبش را براند و تا مدّت یک صد سال برود، از سایه این درخت بیرون نمی‌رود. و اگر پرنده‌ای از پایین این درخت شروع به پرواز نماید، به نقطه‌ی بالای آن نمی‌رسد، گرچه به پیری برسد. شما را هشدار می‌دهم که برای رسیدن به چنین جایی همّت گمارید.

﴿۳۸۴۴﴾ دنیا سرای بلاست ... خوشا به حال بنده‌ای که در جهت تقوای خدایش از دنیا پرهیز کرده است.

﴿ ثَمَرَاتُ التَّقْوَى / ثَمَرَاتُ التَّقْوَى فِي الْآخِرَةِ ﴾

﴿ ٣٨٤٥ ﴾ الرَّسُولُ ﷺ: طُوبَى لِلصَّابِرِينَ فِي غَيْبَتِهِ طُوبَى لِلْمُتَّقِينَ عَلَى مَحَاجَّتِهِمْ؛ كَفَايَةُ الْأَثَرِ،

ص ٥٦

﴿ ٣٨٤٦ ﴾ الْكَاسِمُ ﷺ: طُوبَى لِلْمُطَهَّرَةِ قُلُوبُهُمْ أُولَئِكَ هُمُ الْمُتَّقُونَ يَوْمَ الْقِيَامَةِ؛ بَحَارُ الْأَنْوَارِ، ج ١،

ص ١٤٧

﴿ ٣٨٤٧ ﴾ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ ﷺ: فَطُوبَى لِي أَنَا السَّعِيدُ طُوبَى لِي أَنَا النَّقِيُّ؛ مَصْبَاحُ الْمُتَهَجِّدِ، ص ٢٢٠

﴿ ٣٨٤٨ ﴾ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ ﷺ: طُوبَى لِمَنْ أَطَاعَ مَحْمُودَ تَقْوَاهُ وَعَصَى مَذْمُومَ هَوَاهُ؛ غُرَرُ الْحَكَمِ،

ص ٢٦٩

﴿ ٣٨٤٩ ﴾ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ ﷺ: طُوبَى لِمَنْ أَشْعَرَ التَّقْوَى قَلْبَهُ؛ غُرَرُ الْحَكَمِ، ص ٢٦٩

١٦-٨-٩-٣-٩- ظِلَالٌ وَ عُيُونٌ

١-١٦-٨-٩-٣-٩- إِنْ الْمُتَّقِينَ فِي ظِلَالٍ وَ عُيُونٍ

﴿ ٣٨٥٠ ﴾ إِنْ الْمُتَّقِينَ فِي ظِلَالٍ وَ عُيُونٍ؛ الْمُرْسَلَاتُ ٤١

٢-١٦-٨-٩-٣-٩- ظِلُّ ظَلِيلٍ

﴿ ٣٨٥١ ﴾ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ ﷺ: أَلَا وَإِنَّ التَّقْوَى مَطَايَا ذُلُّ حُمِلَ عَلَيْهَا أَهْلُهَا فَسَارَتْ بِهِمْ تَأْوُدًا

حَتَّى إِذَا جَاءُوا ظِلًّا ظَلِيلًا؛ بَحَارُ الْأَنْوَارِ، ج ٣٢، ص ١٤

١٧-٨-٩-٣-٩- غُرْفٌ

١-١٧-٨-٩-٣-٩- الَّذِينَ اتَّقَوْا رَبَّهُمْ لَهُمْ غُرْفٌ

﴿ ٣٨٥٢ ﴾ لَكِنَّ الَّذِينَ اتَّقَوْا رَبَّهُمْ لَهُمْ غُرْفٌ مِنْ فَوْقِهَا غُرْفٌ مَبْنِيَّةٌ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ وَعَدَ

اللَّهُ لَا يُخْلِفُ اللَّهُ الْمِيعَادَ؛ الزمر ٢٠

١٨-٨-٩-٣-٩- الْفِرْدَوْسُ

١-١٨-٨-٩-٣-٩- الْأَتْقِيَاءُ أَصْحَابُ الْفِرْدَوْسِ

﴿ ٣٨٥٣ ﴾ الرَّسُولُ ﷺ: سَأَلْتُ الْفِرْدَوْسُ رَبَّهَا فَقَالَ أَيْ رَبِّ زَيْنِي فَإِنَّ أَصْحَابِي وَأَهْلِي أَتَقِيَاءُ

أَبْرَارُ؛ بَحَارُ الْأَنْوَارِ، ج ٤٣، ص ٣٠٦

٩-٣-٩- الدَّرَجَاتُ، الرَّفْعَةُ، الرَّفِيقُ الْأَعْلَى

﴿نتایج تقوا / نتایج پرهیزکاری در آخرت﴾

﴿۳۸۴۵﴾ خوشا به حال افرادی که در غیبت او (مهدی علیه السلام)، صبر پیشه می‌کنند. خوشا به حال کسانی که در محبت‌ورزیدن در راه اهل‌بیت علیهم السلام استوار ماندند.

﴿۳۸۴۶﴾ خوشا به حال پاک‌دلان، آنان پرهیزکاران روز واپسین هستند.

﴿۳۸۴۷﴾ خوشا به حال من که خوشبختم، خوشا به حال من که باتقوایم.

﴿۳۸۴۸﴾ خوشا به حال کسی که از تقوای پسندیده فرمانبرداری کند و هوی و هوس نکوهیده را نافرمانی نماید.

﴿۳۸۴۹﴾ خوشا به حال آنکه در قلبش تقوا را حس می‌کند.

۹-۳-۸-۱۶- سایه‌سار و چشمه‌ها

۹-۳-۸-۱۶-۱- پرهیزکاران در سایه‌سار و چشمه‌ها هستند

﴿۳۸۵۰﴾ (در آن روز) پرهیزکاران در سایه‌های (درختان بهشتی) و در میان چشمه‌ها قرار دارند.

۹-۳-۸-۱۶-۲- سایه‌ی آرامش

﴿۳۸۵۱﴾ آگاه باش که تقوا همانند مرکب رام است که اهل تقوا بر آن سوار شده و به وادی آسایش و هدایت رهنمون می‌شوند.

۹-۳-۸-۱۷- غرفه‌ها

۹-۳-۸-۱۷-۱- آنان که از پروردگارشان پروا کنند برایشان غرفه‌هایی است

﴿۳۸۵۲﴾ ولی آن‌ها که تقوای الهی پیشه کردند، غرفه‌هایی در بهشت دارند که بر فراز آن‌ها غرفه‌های دیگری بنا شده و از زیر آنها نهرها جاری است این وعده الهی است، و خداوند در وعده خود تخلف نمی‌کند!

۹-۳-۸-۱۸- فردوس

۹-۳-۸-۱۸-۱- پرهیزکاران اصحاب فردوس‌اند

﴿۳۸۵۳﴾ فردوس از خدا تقاضا کرد و گفت: «پروردگارا! مرا زینت کن، زیرا ساکنین من پرهیزکاران و نیکوکارانند».

۹-۳-۹- درجات، بلندی، مقام بالا

﴿ ثَمَرَاتُ التَّقْوَى / ثَمَرَاتُ التَّقْوَى فِي الْآخِرَةِ ﴾

٩-٣-٩-١ رَفِيعُ الدَّرَجَاتِ

﴿٣٨٥٤﴾ أمير المؤمنين عليه السلام: عَلَيْكُمْ بِلُزُومِ الدِّينِ وَالتَّقْوَى وَالْيَقِينِ فَهِنَّ أَحْسَنُ الْحَسَنَاتِ وَبِهِنَّ يُنَالُ [تُنَالُ] رَفِيعُ الدَّرَجَاتِ؛ غرر الحكم، ص ٨٥
٩-٣-٩-٢ الدَّرَجَاتُ الْعُلَى وَالرُّتْبَةُ الْقُصْوَى

﴿٣٨٥٥﴾ الصادق عليه السلام: قَدْ أَجْمَعَ اللَّهُ تَعَالَى مَا يَتَوَصَّى بِهِ الْمُتَوَاصُونَ مِنَ الْأَوَّلِينَ وَالْآخِرِينَ فِي خَصَلَةٍ وَاحِدَةٍ وَهِيَ التَّقْوَى قَالَ اللَّهُ جَلَّ وَعَزَّ وَلَقَدْ وَصَّيْنَا الَّذِينَ أُوتُوا الْكِتَابَ مِنْ قَبْلِكُمْ وَإِيَّاكُمْ أَنْ اتَّقُوا اللَّهَ وَفِيهِ جَمَاعُ كُلِّ عِبَادَةٍ صَالِحَةٍ وَصَلَّ مَنْ وَصَلَ إِلَى الدَّرَجَاتِ الْعُلَى وَالرُّتْبَةِ الْقُصْوَى وَبِهِ عَاشَ مَنْ عَاشَ مَعَ اللَّهِ بِالْحَيَاةِ الطَّيِّبَةِ وَالْأَنْسِ الدَّائِمِ قَالَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ إِنَّ الْمُتَّقِينَ فِي جَنَّاتٍ وَنَهَرٍ فِي مَقْعَدٍ صَدِيقٍ عِنْدَ مَلِكٍ مُقْتَدِرٍ؛ بحار الأنوار، ج ٧٥، ص ٢٠٠
٩-٣-٩-٣ الرِّفْعَةُ

﴿٣٨٥٦﴾ صفح ادريس عليه السلام: اسْتَعِنَ بِاللَّهِ يُعْنِكَ وَاسْتَهْدِهِ يَهْدِكَ وَاعْلَمْ أَنَّكَ بِهِ تَنْجُو وَتَقْوَاهُ تَرْتَفِعُ وَتَعْلُو؛ بحار الأنوار، ج ٩٢، ص ٤٧١
﴿٣٨٥٧﴾ أمير المؤمنين عليه السلام: لَا تَضَعُوا مَنْ رَفَعْتُهُ التَّقْوَى وَلَا تَرْفَعُوا مَنْ رَفَعْتُهُ الدُّنْيَا؛ نهج البلاغة، ص ٢٨٤

﴿٣٨٥٨﴾ أمير المؤمنين عليه السلام: لَا تَضَعْ مَنْ رَفَعْتُهُ التَّقْوَى؛ غرر الحكم، ص ٢٧٥
٩-٣-٩-٣-١ رَفْعَةُ الدَّرَجَةِ

﴿٣٨٥٩﴾ الرسول ﷺ: إِنْ تَقْوَى اللَّهَ تَبَيَّضَ الْوُجُوهُ وَتَرْضَى الرَّبَّ وَتَرْفَعُ الدَّرَجَةَ؛ مستدرک الوسائل، ج ٦، ص ٣٣
٩-٣-٩-٣-٢ رَفْعَةُ الْآخِرَةِ

﴿٣٨٦٠﴾ أمير المؤمنين عليه السلام: لَا يُذْرِكُ أَحَدٌ رَفْعَةَ الْآخِرَةِ إِلَّا بِإِخْلَاصِ الْعَمَلِ وَتَقْصِيرِ الْأَمَلِ وَلُزُومِ التَّقْوَى؛ غرر الحكم، ص ١٥٥
٩-٣-٩-٣-٣ رَفْعَةُ الْمَنْزِلَةِ

﴿٣٨٦١﴾ أمير المؤمنين عليه السلام: لَقَدْ سَبَقَ إِلَى جَنَاتٍ عَذْنُ أَقْوَامٍ مَا كَانُوا أَكْثَرَ النَّاسِ صَلَاةً وَلَا صِيَامًا وَلَا حَجًّا وَلَا اعْتِمَارًا وَلَكِنْ عَقَلُوا عَنْ اللَّهِ أَمْرَهُ فَحَسُنْتَ طَاعَتُهُمْ وَصَحَّ وَرَعُهُمْ وَكَمُلَ يَتَّبِعُهُمْ فَفَاقُوا غَيْرَهُمْ بِالْخُطْوَةِ وَرَفِيعِ الْمَنْزِلَةِ؛ شرح نهج البلاغة، ج ٢٠، ص ٢٧٠

﴿نتایج تقوا / نتایج پرهیزکاری در آخرت﴾

۹-۳-۹-۱- درجات بالا

﴿۳۸۵۴﴾ بر شما باد به همراهی و ملازمه با دین و تقوا و یقین که این‌ها، بهترین نیکی‌هاست و به واسطه‌ی آن‌ها می‌توان به درجه‌های عالی رسید.

۹-۳-۹-۲- درجات بالا و رتبه‌ی دور از دسترس

﴿۳۸۵۵﴾ خداوند آنچه گذشتگان و آیندگان، مردم را نصیحت و سفارش کنند، در یک خصلت و صفت تکمیل نموده و آن تقواست. فرموده است: «و ما به کسانی که پیش از شما، کتاب آسمانی به آن‌ها داده شده بود، سفارش کردیم، [همچنین] به شما سفارش می‌کنیم که از [نافرمانی] خدا بپرهیزید». در تقوا مجموعه‌ی عبادات صالح است و به وسیله‌ی همان تقوا به درجات عالی و نهایی‌ترین مراتب می‌رسید. و زندگی عالی در پناه خدا و انس دائم [با او] به وسیله‌ی همین تقوا بوده است. خداوند می‌فرماید «یقیناً پرهیزکاران در باغ‌ها و نه‌رهای بهشتی جای دارند» در جایگاه صدق نزد خداوند مالک مقتدر».

۹-۳-۹-۳- بلندی

﴿۳۸۵۶﴾ [صحیفه حضرت ادریس علیه السلام]: از خدا کمک بخواه تا تو را یاری کند و از او هدایت خواه تا تو را راه نماید و بدان که تو به او نجات یابی و به تقوای او رفعت یابی و اوج گیری.

﴿۳۸۵۷﴾ آن کس را که تقوا منزلت داد، خوار نشمارید، و آن را که دنیا عزیزش کرد، گرامی ندارید.

﴿۳۸۵۸﴾ کسی که تقوا او را بالا برده، پست نشمار.

۹-۳-۹-۳-۱- بلندی درجه

﴿۳۸۵۹﴾ تقوای الهی چهره را سپید و خدا را خشنود و مرتبه را بلند می‌کند.

۹-۳-۹-۳-۲- ارتقاء اخروی

﴿۳۸۶۰﴾ هیچ‌یک از شما جایگاه آخرت را درک نخواهد کرد مگر با داشتن اخلاص در کارها و کوتاه کردن آرزوها و پیوستگی و همراهی با تقوا.

۹-۳-۹-۳-۳- بالا رفتن منزلت

﴿۳۸۶۱﴾ گروه‌هایی به سوی بهشت برین [از دیگران] پیشی گرفتند که بیش از دیگران اهل روزه، نماز، حج و عمره نبودند، بلکه آنان در موعظه‌های الهی تعقل کردند. در نتیجه طاعتشان نیک و ورعشان صحیح و یقینشان کامل شد و بر امتیازی بالاتر از دیگران و منزلتی بزرگ دست یافتند.

﴿نتایج تقوا / نتایج پرهیزکاری در آخرت﴾

۹-۳-۹-۴- مقام بالا

﴿۳۸۶۲﴾ از خدا پروا کنید، از خدا پروا کنید، از خدا پروا کنید. بر شما باد به تقوا، راستگویی، امانتداری، حفظ عفت و پاکدامنی، تا در اعلیٰ علیین با ما باشید.

۹-۳-۱۰- سروری و برتری

۹-۳-۱۰-۱- سروری

۹-۳-۱۰-۱-۱- پرهیزکاران سرور مردم‌اند

﴿۳۸۶۳﴾ شریف‌ترین مردم، عالمان و سرور مردم، باتقویان و پادشاهان مردم، زاهدان هستند.

۹-۳-۱۰-۱-۲- پرهیزکاران سرور اهل بهشت‌اند

﴿۳۸۶۴﴾ بزرگ و سرور اهل بهشت، اهل سخاوت و تقوا [در دنیا] هستند.

۹-۳-۱۰-۱-۳- پرهیزکاران سرور‌اند

﴿۳۸۶۵﴾ پرهیزکاران و اهل تقوا، بزرگان و آقایان هستند.

۹-۳-۱۰-۲- برتری بر دیگران

﴿۳۸۶۶﴾ زندگی دنیا برای کافران زینت داده شده است، از این رو افراد باایمان را (که گاهی دستشان تهی است)، مسخره می‌کنند در حالی که پرهیزکاران در قیامت، بالاتر از آنان هستند (چرا که ارزش‌های حقیقی در آنجا آشکار می‌گردد، و صورت عینی به خود می‌گیرد) و خداوند، هر کس را بخواهد بدون حساب روزی می‌دهد.

۹-۳-۱۱- بازگشتی نیکو، داخل شدن از بزرگ‌ترین در، سپیدی روی، رسیدن به سرمنز

۹-۳-۱۱-۱- بازگشتی نیکو

﴿۳۸۶۷﴾ این یک یادآوری است، و برای پرهیزکاران فرجام نیکویی است.

﴿۳۸۶۸﴾ اهل تقوا علائم و نشانه‌هایی دارند که به آن شناخته می‌شوند... خوشا به حالشان و

بازگشتشان نیکو خواهد بود.

۹-۳-۱۱-۲- داخل شدن از بزرگ‌ترین در

﴿۳۸۶۹﴾ اما دری که بزرگ‌تر از همه‌ی درهاست، از آن در بندگان شایسته داخل می‌شوند و

آنان اهل زهد و پارسایی هستند و به خداوند متعال مشتاق و با او مأنوس هستند.

﴿ ثَمَرَاتُ التَّقْوَى / ثَمَرَاتُ التَّقْوَى فِي الْآخِرَةِ ﴾

٣-١١-٩- تَبْيِضُ الْوَجْهِ وَإِفْلَاحُ الْحُجَّةِ

﴿ ٣٨٧٠ ﴾ الحسن عليه السلام: وَاعْلَمُوا أَنَّهُ مَنْ يَتَّقِ اللَّهَ يَجْعَلْ لَهُ مَخْرَجًا مِنَ الْفِتَنِ وَيُسَدِّدْهُ فِي أَمْرِهِ وَيَهَيِّئْ لَهُ رُشْدَهُ وَيُفْلِحْهُ بِحُجَّتِهِ وَيَبَيِّضْ وَجْهَهُ وَيُعْطِيَهُ رَغَبَتَهُ؛ بحار الأنوار، ج ٧٥، ص ١١٠
﴿ ٣٨٧١ ﴾ الرسول ﷺ: إِنَّ تَقْوَى اللَّهِ تَبْيِضُ الْوُجُوهُ وَتَرْضَى الرَّبَّ وَتَرْفَعُ الدَّرَجَةَ؛

مستدرک الوسائل، ج ٦، ص ٣٣

٣-١١-٩- زَادُ مُبْلَغُ

﴿ ٣٨٧٢ ﴾ أمير المؤمنين عليه السلام: أَوْصِيَكُمْ عِبَادَ اللَّهِ بِتَقْوَى اللَّهِ الَّتِي هِيَ الزَّادُ وَبِهَا الْمَعَادُ زَادُ مُبْلَغُ

وَمَعَادُ مُنْجٍ؛ نهج البلاغة، ص ١٦٩

٣-١٢-٩- الْحَشَرُ فِي السَّابِقِينَ، الْحَشَرُ بِالْحُسْنَى وَالسُّرُورِ

٣-١٢-٩- الْحَشَرُ فِي أَوَّلِ زُمْرَةِ السَّابِقِينَ

﴿ ٣٨٧٣ ﴾ الرسول ﷺ: مَنْ قَرَأَ هَذِهِ السُّورَةَ أَى سُوْرَةِ مَرْيَمَ أُعْطِيَ بِعَدَدٍ مَنْ صَدَّقَ كُلَّ نَبِيٍّ وَرَسُولٍ ذَكَرَ فِي هَذِهِ السُّورَةِ وَبَعْدَ مَنْ كَذَّبَهُمْ مِنْهَا حَسَنَاتٍ وَدَرَجَاتٍ كُلُّ دَرَجَةٍ كَمَا بَيْنَ السَّمَاءِ وَالْأَرْضِ أَلْفَ أَلْفٍ مَرَّةً وَيُزَوَّجُ بِعَدِيدَةٍ فِي الْفِرْدَوْسِ وَخَشِيرَةِ يَوْمِ الْقِيَامَةِ مَعَ الْمُتَّقِينَ فِي أَوَّلِ زُمْرَةِ السَّابِقِينَ؛ مستدرک الوسائل، ج ٤، ص ٣٤٤

٣-١٢-٩- الْحَشَرُ بِالْحُسْنَى وَالسُّرُورِ

﴿ ٣٨٧٤ ﴾ العسكري عليه السلام: يَوْمَ يَخْسَرُ فِيهِ الْمُبْطِلُونَ وَيُخْشَرُ إِلَى رَبِّهِمْ بِالْحُسْنَى وَالسُّرُورِ

الْمُتَّقُونَ؛ مستدرک الوسائل، ج ١١، ص ٢٥٣

٣-١٣-٩- الْقُرْبُ وَالزُّلْفَى

٣-١٣-٩- الْقُرْبُ

﴿ ٣٨٧٥ ﴾ أمير المؤمنين عليه السلام: فَاتَّقُوا اللَّهَ عَزَّ ذِكْرُهُ وَسَارِعُوا إِلَى رِضْوَانِ اللَّهِ وَالْعَمَلِ بِطَاعَتِهِ وَ

التَّقَرُّبِ إِلَيْهِ بِكُلِّ مَا فِيهِ الرِّضَا؛ الكافي، ج ٨، ص ١٧٣

﴿ ٣٨٧٦ ﴾ فقه الرضا عليه السلام: وَقَدْ قَالَ اللَّهُ لَنْ يَنَالَ اللَّهُ لُحُومُهَا وَلَا دِمَاؤُهَا وَلَكِنْ يَنَالُهُ التَّقْوَى

مِنْكُمْ فَلَا تَدْعُوا التَّقَرُّبَ إِلَى اللَّهِ جَلَّ وَعَزَّ بِالْقَلِيلِ وَالْكَثِيرِ عَلَى حَسَبِ الْإِمْكَانِ؛ بحار الأنوار،

ج ٩٣، ص ١٩١

﴿نتایج تقوا / نتایج پرهیزکاری در آخرت﴾

۹-۳-۱۱-۳- سییدی روی و دوست داشتن برهان

﴿۳۸۷۰﴾ و بدانید که هرکس تقوای الهی پیشه کند، خداوند از میان [امواج] فتنه راه نجاتی برای او فراهم می‌کند و گامش را در کارش استوار می‌کند و [موجبات] رهایی او را فراهم کرده و حجتش را پیروزمند و رویش را سپید می‌کند و دلخواهش را به او می‌بخشد.

﴿۳۸۷۱﴾ تقوای الهی چهره را سپید و خدا را خشنود و مرتبه را بلند می‌کند.

۹-۳-۱۱-۴- توشه‌ای رساننده به سرمنز

﴿۳۸۷۲﴾ ای بندگان خدا! شما را به تقوای الهی سفارش می‌کنم، که زاد و توشه‌ی سفر قیامت است. تقوا توشه‌ای است که به منزل رساند، پناهگاهی است که ایمن می‌گرداند.

۹-۳-۱۲- محشورشدن با پیشروان، محشورشدن به نیکی و شادمانی

۹-۳-۱۲-۱- محشورشدن با پیشروان

﴿۳۸۷۳﴾ هر کس سوره‌ی مریم را [با فهم و تدبّر در معانی آن] تلاوت کند، خداوند به تعداد تمام افرادی که پیامبران و رسولان ذکر شده در این سوره را تصدیق و تکذیب کرده‌اند، به او حسنه و درجه عطا می‌کند که هر درجه‌ی آن به اندازه‌ی فاصله‌ی بین آسمان و زمین و هزاران هزار بار بیشتر است و او را به همین میزان در بهشت به تزویج درمی‌آورد و در روز قیامت همراه اهل تقوا محشور می‌کند و در اولین گروه سابقین قرارشان می‌دهد.

۹-۳-۱۲-۲- محشورشدن به نیکی و شادمانی

﴿۳۸۷۴﴾ روزی که بدکاران زیان می‌کنند، و پرهیزکاران با نیکی و شادی به‌سوی پروردگارشان برانگیخته می‌شوند.

۹-۳-۱۳- نزدیک شدن به خدا

۹-۳-۱۳-۱- نزدیک شدن به خدا

﴿۳۸۷۵﴾ از خدای والامقام بترسید و به‌سوی رضوان خدا و انجام طاعت و تقرّب به او و هرچه خشنودی او در آن است، بشتابید.

﴿۳۸۷۶﴾ خداوند فرموده است: «نه گوشت‌ها و نه خون‌های آن‌ها، هرگز به خدا نمی‌رسد. آنچه به او می‌رسد، تقوا و پرهیزکاری شماست». پس تا حدّ امکان تقرّب‌جستن به خداوند بلندمرتبه را با [صدقه‌های] کم و زیاد رها نکنید.

﴿ ثَمَرَاتُ التَّقْوَى / ثَمَرَاتُ التَّقْوَى فِي الْآخِرَةِ ﴾

﴿ ٣٨٧٧ ﴾ حديث قدسي: إِنَّ الْوَرَعَ يُقَرَّبُ الْعَبْدَ إِلَى اللَّهِ تَعَالَى؛ بحار الأنوار، ج ٧٤، ص ٢٦

١-١٣-٩- مَا تَقَرَّبَ إِلَى الْمُتَقَرَّبُونَ بِمِثْلِ الْوَرَعَ

﴿ ٣٨٧٨ ﴾ حديث قدسي: يَا مُوسَى مَا تَقَرَّبَ إِلَى الْمُتَقَرَّبُونَ بِمِثْلِ الْوَرَعَ عَنْ مَحَارِمِي فَإِنِّي

أُبِيحُهُمْ جَنَاتٍ عَذْنٍ لَا أَشْرِكُ مَعَهُمْ أَحَدًا؛ بحار الأنوار، ج ٦٧، ص ٣٠٩

﴿ ٣٨٧٩ ﴾ حديث قدسي: مَا تَقَرَّبَ إِلَى الْمُتَقَرَّبُونَ بِمِثْلِ الْوَرَعَ مِنْ خَشْيَتِي؛ إرشاد القلوب، ج ١،

ص ٩٦

١-١٣-٩- لَمْ يَتَقَرَّبُوا إِلَى بَشِيءٍ أَحَبَّ إِلَيَّ مِنَ الْوَرَعَ

﴿ ٣٨٨٠ ﴾ الصَّادِقُ عَلَيْهِ السَّلَامُ: أَوْحَى اللَّهُ إِلَى مُوسَى عَلَيْهِ السَّلَامُ: إِنَّ عِبَادِي لَمْ يَتَقَرَّبُوا إِلَى بَشِيءٍ أَحَبَّ إِلَيَّ

مِنْ ثَلَاثٍ خِصَالٍ الزُّهْدِ فِي الدُّنْيَا وَالْوَرَعَ عَنِ الْمَعَاصِي وَالْبُكَاءِ مِنْ خَشْيَتِي؛ بحار الأنوار، ج ٩٠،

ص ٣٣٣

﴿ ٣٨٨١ ﴾ الصَّادِقُ عَلَيْهِ السَّلَامُ: قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ: أَوْحَى اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ إِلَى مُوسَى عَلَيْهِ السَّلَامُ: أَنْ عِبَادِي

لَمْ يَتَقَرَّبُوا إِلَى بَشِيءٍ أَحَبَّ إِلَيَّ مِنْ ثَلَاثٍ خِصَالٍ قَالَ مُوسَى يَا رَبِّ وَمَا هُنَّ قَالَ يَا مُوسَى الزُّهْدُ

فِي الدُّنْيَا وَالْوَرَعَ عَنِ الْمَعَاصِي وَالْبُكَاءُ مِنْ خَشْيَتِي قَالَ مُوسَى يَا رَبِّ فَمَا لِمَنْ صَنَعَ ذَا فَأَوْحَى

اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ إِلَيْهِ يَا مُوسَى أَمَّا الزَّاهِدُونَ فِي الدُّنْيَا فَفِي الْجَنَّةِ وَأَمَّا الْبُكَاءُ مِنْ خَشْيَتِي فَفِي

الرَّفِيعِ الْأَعْلَى لَا يُشَارِكُهُمْ أَحَدٌ وَأَمَّا الْوَرَعُونَ عَنْ مَعَاصِي فَإِنِّي أَفْتَشُ النَّاسَ وَلَا أَفْتَشُهُمْ؛ الكافي،

ج ٢، ص ٤٨٢

١-١٣-٩- كَانَ مِنَ اللَّهِ أَقْرَبَ

﴿ ٣٨٨٢ ﴾ الصَّادِقُ عَلَيْهِ السَّلَامُ: فَالتَّقْوَى لِلطَّاعَاتِ كَالْمَاءِ لِلْأَشْجَارِ وَمِثْلُ طَبَائِعِ الْأَشْجَارِ وَالثَّمَرِ فِي

لَوْهِنِهَا وَطَعْمِهَا مِثْلُ مَقَادِيرِ الْإِيمَانِ فَمَنْ كَانَ أَعْلَى دَرَجَةٍ فِي الْإِيمَانِ وَأَصْفَى جَوْهَرًا بِالرُّوحِ كَانَ

أَتْقَى وَمَنْ كَانَ أَتْقَى كَانَتْ عِبَادَتُهُ أَخْلَصَ وَأَطْهَرَ وَمَنْ كَانَ كَذَلِكَ كَانَ مِنَ اللَّهِ أَقْرَبَ؛

بحار الأنوار، ج ٦٧، ص ٢٩٥

١-١٣-٩- الزُّلْفَى

﴿ ٣٨٨٣ ﴾ أمير المؤمنين عَلَيْهِ السَّلَامُ: إِنَّ التَّقْوَى عِصْمَةٌ لَكَ فِي حَيَاتِكَ وَزُلْفَى لَكَ بَعْدَ مَمَاتِكَ؛

غرر الحكم، ص ٢٧٤

﴿نتایج تقوا / نتایج پرهیزکاری در آخرت﴾

﴿۳۸۷۷﴾ همانا ورع بنده را به خدای بلند مرتبه نزدیک می‌سازد.

۱-۱۳-۹-۳-۱ با هیچ چیز مثل ورع نمی‌توان به خدا نزدیک شد

﴿۳۸۷۸﴾ [خدا به موسی علیه السلام وحی کرد:] ای موسی! برای تقرّب به من، هیچ وسیله‌ای مانند پرهیز از محرّماتم نیست. همانا من اقامت در بهشت‌های جاودان را به آن‌ها اجازه می‌دهم و دیگری را با آن‌ها شریک نمی‌سازم.

﴿۳۸۷۹﴾ [وحی خداوند به حضرت موسی علیه السلام:] برای تقرّب به من، هیچ وسیله‌ای مانند پارسایی از ترس من نیست.

۲-۱۳-۹-۳-۱ با چیزی دوست‌داشتنی‌تر از ورع به من نزدیک نمی‌شوند

﴿۳۸۸۰﴾ خدای بلندمرتبه به موسی علیه السلام وحی فرمود: «همانا بندگان من به چیزی محبوب‌تر از سه خصلت به من تقرّب نجستند؛ زهد نسبت به دنیا [و بی‌اعتنایی به آن] و ورع [و پارسایی] از نافرمانی‌ها و معاصی، و گریه از ترس من».

﴿۳۸۸۱﴾ امام صادق علیه السلام فرمود: خدای بلندمرتبه به موسی علیه السلام وحی فرمود: «همانا بندگان من به چیزی محبوب‌تر از سه خصلت به من تقرّب نجستند»، موسی علیه السلام عرض کرد: «پروردگارا! آن‌ها کدام است؟» فرمود: «زهد در دنیا [و بی‌اعتنایی به آن] و ورع [و پارسایی] از نافرمانی‌ها و معاصی، و گریه از ترس من». موسی علیه السلام عرض کرد: «پروردگارا! هرکس این‌ها را به جا آورد، چه پاداشی دارد؟» خداوند به موسی علیه السلام وحی کرد: «ای موسی! آنان که در دنیا زهد ورزند در بهشت می‌باشند، و آنان که از ترس من گریه کنند در بلندترین منازل هستند، و احدی در آن منازل با آن‌ها شریک نمی‌باشد، و آن‌ها که از نافرمانی‌های من بپرهیزند، پس آن زمان که همه‌ی مردم را [در روز قیامت] بازرسی می‌کنم آن‌ها را بازرسی نخواهم کرد».

۳-۱۳-۹-۳-۱ به خدا نزدیک‌تر است

﴿۳۸۸۲﴾ نسبت تقوا با طاعات و عبادات، نسبت آب است به درختان؛ و ارزش‌های متفاوت انسان در درجات و مراتب ایمان، نظیر انواع مختلف و گوناگون درختان و میوه‌ها است که در رنگ و طعم و مزه و بو با هم متفاوت و مختلف هستند. هرکس در درجه بالاتری از ایمان قرار گرفته و روح باصفاتری داشته باشد، تقوا و پرهیزکاری بیشتری دارد و هر کس که با تقواتر باشد، عبادت او پاک‌تر و خالص‌تر است. و هر آن کس که چنین باشد، به خدا نزدیک‌تر و در درگاه الهی مقرب‌تر است.

۲-۱۳-۹-۳-۱ نزدیک شدن به خدا

﴿۳۸۸۳﴾ تقوا در زندگانی‌ات محافظ تو و بعد از مرگت موجب نزدیکی تو [به خداوند] است.

﴿ ثَمَرَاتُ التَّقْوَى / ثَمَرَاتُ التَّقْوَى فِي الْآخِرَةِ ﴾

١٤-٣-٩-القبول

﴿ ٣٨٨٤ ﴾ السَّجَادُ عليه السلام: اللَّهُمَّ تَقَبَّلْ مِنَّا كَمَا تَقَبَّلْتَ مِنَ الْمُتَّقِينَ؛ إقبال الأعمال، ص ٢٣٦

﴿ ٣٨٨٥ ﴾ الصَّادِقُ عليه السلام: تَفْسِيرُ التَّقْوَى تَرْكُ مَا لَيْسَ بِأَخْذِهِ بَأْسٌ حَذَرًا عَمَّا بِهِ بَأْسٌ وَهُوَ فِي

الْحَقِيقَةِ طَاعَةٌ وَذِكْرُ بَلَا نَسْيَانٍ وَعِلْمُ بَلَا جَهْلٍ مَقْبُولٌ غَيْرُ مَرْدُودٍ؛ بحار الأنوار، ج ٦٧، ص ٢٩٥

١٤-٣-٩-قبول الأعمال

﴿ ٣٨٨٦ ﴾ وَائِلٌ عَلَيْهِمْ نَبَأُ ابْنَيْ آدَمَ بِالْحَقِّ إِذْ قَرَّبَا قُرْبَانًا فَتُقُبِّلَ مِنْ أَحَدِهِمَا وَلَمْ يُتَقَبَّلْ مِنَ الْآخَرِ

قَالَ لَأَقْتُلَنَّكَ قَالَ إِنَّمَا يَتَقَبَّلُ اللَّهُ مِنَ الْمُتَّقِينَ؛ المائدة ٢٧

﴿ ٣٨٨٧ ﴾ الصَّادِقُ عليه السلام: اتَّقِ اللَّهَ وَكُنْ حَيْثُ شِئْتَ وَمِنْ أَيِّ قَوْمٍ شِئْتَ فَإِنَّهُ لَا خِلَافَ لِأَحَدٍ فِي

التَّقْوَى وَالتَّقْوَى مَحْبُوبٌ عِنْدَ كُلِّ فَرِيقٍ وَفِيهِ اجْتِمَاعُ كُلِّ خَيْرٍ وَرُشْدٍ وَهُوَ مِيزَانُ كُلِّ عِلْمٍ وَ

حِكْمَةٍ وَآسَاسُ كُلِّ طَاعَةٍ مَقْبُولَةٍ؛ مصباح الشريعة، ص ٥٩

﴿ ٣٨٨٨ ﴾ الرَّسُولُ عليه السلام: [قَالَ ابْنُ سَلَامٍ] فَأَخْبَرَنِي عَنْ أَهْلِ الْجَنَّةِ يَدْخُلُونَ فِيهَا بِالْإِسْلَامِ أَوْ

بِالْإِيمَانِ أَوْ بِالْعَمَلِ قَالَ مِنْهُمْ مَنْ يَدْخُلُ بِالثَّلَاثَةِ يَكُونُ مُسْلِمًا مُؤْمِنًا عَامِلًا فَيَدْخُلُ الْجَنَّةَ ثَلَاثَةَ

أَعْمَالٍ أَوْ يَكُونُ نَصْرَانِيًّا أَوْ يَهُودِيًّا أَوْ مَجُوسِيًّا فَيُسَلِّمُ بَيْنَ الصَّلَاتَيْنِ وَيُؤْمِنُ بِاللَّهِ وَيَخْلَعُ الْكُفْرَ مِنْ

قَلْبِهِ فَيَمُوتُ عَلَى مَكَانِهِ وَلَمْ يُخَلَّفْ مِنَ الْأَعْمَالِ شَيْئًا فَيَكُونُ مِنْ أَهْلِ الْجَنَّةِ فَذَلِكَ إِيْمَانُ بَلَا

عَمَلٍ وَيَكُونُ يَهُودِيًّا أَوْ نَصْرَانِيًّا يَتَصَدَّقُ وَيُنْفِقُ فِي غَيْرِ ذَاتِ اللَّهِ فَهُوَ عَلَى الْكُفْرِ وَالضَّلَالَةِ يَعْبُدُ

الْمَخْلُوقَ دُونَ الْخَالِقِ فَإِذَا مَاتَ عَلَى دِينِهِ كَانَ فَوْقَ عَمَلِهِ فِي النَّارِ يَوْمَ الْقِيَامَةِ لِأَنَّ اللَّهَ لَا يَقْبَلُ إِلَّا

مِنَ الْمُتَّقِينَ قَالَ صَدَقْتَ يَا مُحَمَّدُ؛ بحار الأنوار، ج ٩، ص ٣٣٧

﴿ ٣٨٨٩ ﴾ عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عليه السلام: وَقَوْلُهُ لَنْ يَنَالَ اللَّهُ لُحُومُهَا وَلَا دِمَاؤُهَا وَلَكِنْ يَنَالُهُ التَّقْوَى مِنْكُمْ

أَيُّ لَا يَبْلُغُ مَا يَتَقَرَّبُ بِهِ إِلَى اللَّهِ وَإِنْ نَحَرَهَا إِذَا لَمْ يَتَّقِ اللَّهَ وَإِنَّمَا يَتَقَبَّلُ مِنَ الْمُتَّقِينَ؛ بحار الأنوار،

ج ٩٦، ص ٢٨٤

﴿ ٣٨٩٠ ﴾ الرَّسُولُ عليه السلام: يَا أَبَا ذَرٍّ كُنْ بِالْعَمَلِ بِالتَّقْوَى أَشَدَّ اهْتِمَامًا مِنْكَ بِالْعَمَلِ فَإِنَّهُ لَا يَقِلُّ

عَمَلٌ بِالتَّقْوَى وَكَيْفَ يَقِلُّ عَمَلٌ يَتَقَبَّلُ يَقُولُ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ إِنَّمَا يَتَقَبَّلُ اللَّهُ مِنَ الْمُتَّقِينَ؛ بحار الأنوار،

ج ٧٤، ص ٨٨

﴿نتایج تقوا / نتایج پرهیزکاری در آخرت﴾

۱۴-۳-۹- پذیرش

﴿۳۸۸۴﴾ خداوند! همان گونه که از متّقین می‌پذیری از ما نیز بپذیر.
﴿۳۸۸۵﴾ تفسیر تقوا چنین است که انسان آن چه را بی‌اشکال است نیز ترک کند که مبدا به حرام منجر شود که این در واقع اطاعت است و یاد دائم و بدون فراموشی حق و نیز آگاهی بدون جهالت که عمل بر مبنای آن مقبول است و مردود نیست.

۱-۱۴-۳-۹- پذیرش اعمال

﴿۳۸۸۶﴾ و داستان دو فرزند آدم را به حقّ بر آن‌ها بخوان: هنگامی که هر کدام، کاری برای تقرّب (به پروردگار) انجام دادند اما از یکی پذیرفته شد، و از دیگری پذیرفته نشد (برادری که عملش مردود شده بود، به برادر دیگر) گفت: «به خدا سوگند تو را خواهم کشت!» (برادر دیگر) گفت: «(من چه گناهی دارم؟ زیرا) خدا، تنها از پرهیزکاران می‌پذیرد!»
﴿۳۸۸۷﴾ تقوا داشته باش؛ دیگر مهم نیست در چه جایگاهی یا از کدام قبیله باشی. که هیچ کس در ارزش و فضیلت تقوا حرفی ندارد. پرهیزکار در نظر همه محبوب و محترم است، هرگونه خیر و خوبی و رشد و سعادت در تقواست و ارزش و ارزیابی هرگونه دانش و علمی، با تقواست و قبولی اطاعت و عبادت به تقوا بسته است.

﴿۳۸۸۸﴾ ابن‌سلام گفت: «بگو بینم بهشتیان به واسطه‌ی اسلام داخل بهشت می‌شوند یا به واسطه‌ی ایمان یا عمل؟» فرمود: «بعضی با هر سه داخل بهشت می‌شوند. آنان که مسلمان مؤمن عامل هستند با سه عمل داخل بهشت می‌شوند. یا کسی مسیحی و یا یهودی و یا مجوس است ولی بین دو نماز مسلمان می‌شود و کفر را از دل می‌زداید و پس از مسلمان شدن از دنیا می‌رود، او با اینکه عملی انجام نداده، از اهل بهشت خواهد بود، این ایمان بدون عمل است. و یا یهودی و یا مسیحی است که صدقه می‌دهد و انفاق می‌کند ولی نه در راه خدا، او در کفر و گمراهی خویش است، مردم‌پرست است نه خداپرست، اگر بمیرد در جهنّم خواهد بود، چون خداوند جز از متّقین و پرهیزکاران عملی را نمی‌پذیرد». گفت: «درست است یا محمّد!».

﴿۳۸۸۹﴾ خداوند فرموده است: «نه گوشت‌ها و نه خون‌های آن‌ها، هرگز به خدا نمی‌رسد. آنچه به او می‌رسد، تقوا و پرهیزکاری شماست». یعنی اگر تقوا نداشته باشد، آنچه را که به واسطه‌ی آن به خدا تقرّب می‌جوید به خدا نمی‌رسد هر چند آن را نحر کند. و خداوند تنها از پرهیزکاران می‌پذیرد.

﴿۳۸۹۰﴾ ای ابوذر! به عمل با تقوا بیشتر همّت داشته باش تا به عمل [تنها]، که عمل با تقوا کم نمی‌شود. و چگونه عمل مقبول کم می‌گردد، حال آنکه خداوند متعال می‌فرماید: «خدا، تنها از پرهیزکاران می‌پذیرد».

﴿ ثَمَرَاتُ التَّقْوَى / ثَمَرَاتُ التَّقْوَى فِي الْآخِرَةِ ﴾

﴿ ٣٨٩١ ﴾ الصَّادِقُ عليه السلام: عُمَرُ بْنُ حَنْظَلَةَ قَالَ قُلْتُ لِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام إِنَّ آيَةً فِي الْقُرْآنِ تُشَكِّكُنِي قَالَ وَمَا هِيَ قُلْتُ قَوْلُ اللَّهِ تَعَالَى إِنَّمَا يَتَقَبَّلُ اللَّهُ مِنَ الْمُتَّقِينَ قَالَ وَأَيُّ شَيْءٍ شَكَّكَتَ فِيهَا قُلْتُ مَنْ صَلَّى وَصَامَ وَعَبَدَ اللَّهَ قَبْلَ مِنْهُ قَالَ إِنَّمَا يَتَقَبَّلُ اللَّهُ مِنَ الْمُتَّقِينَ الْعَارِفِينَ ثُمَّ قَالَ أَنْتَ أَزْهَدُ فِي الدُّنْيَا أَمْ الضَّحَّاكُ بْنُ قَيْسٍ قُلْتُ لَا بَلِ الضَّحَّاكُ بْنُ قَيْسٍ قَالَ فَذَلِكَ لَا يَتَقَبَّلُ مِنْهُ شَيْءٌ كَمَا ذَكَرْتُ؛ مستدرک الوسائل، ج ١، ص ١٦١

﴿ ٣٨٩٢ ﴾ الصَّادِقُ عليه السلام: عَنِ الْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ الْعَسْكَرِيِّ عَنْ آبَائِهِ عَنِ الصَّادِقِ عليه السلام فِي حَدِيثٍ طَوِيلٍ قَالَ إِنَّ مَنْ اتَّبَعَ هَوَاهُ وَأَعْجَبَ بِرَأْيِهِ كَانَ كَرَجُلٍ سَمِعْتُ غُنَاءَ الْعَامَّةِ تُعْظِمُهُ وَتَصِفُهُ فَأَحْبَبْتُ لِقَاءَهُ مِنْ حَيْثُ لَا يَعْرِفُنِي فَرَأَيْتُهُ قَدْ أَخَذَ بِهِ خَلْقٌ كَثِيرٌ مِنْ غُنَاءِ الْعَامَّةِ فَمَا زَالَ يُرَاوِعُهُمْ حَتَّى فَارَقَهُمْ وَلَمْ يَقِرَّ فَنَبِغْتُهُ فَلَمْ يَلْبَثْ أَنْ مَرَّ بِخَبَّازٍ فَتَغَفَّلَهُ فَأَخَذَ مِنْ دُكَّانِهِ رَغِيفَيْنِ مُسَارَقَةً فَتَعَجَّبْتُ مِنْهُ ثُمَّ قُلْتُ فِي نَفْسِي لَعَلَّهُ مُعَامَلَةٌ ثُمَّ مَرَّ بَعْدَهُ بِصَاحِبِ رُمَّانٍ فَمَا زَالَ بِهِ حَتَّى تَغَفَّلَهُ وَأَخَذَ مِنْ عِنْدِهِ رُمَّانَتَيْنِ مُسَارَقَةً فَتَعَجَّبْتُ مِنْهُ ثُمَّ قُلْتُ فِي نَفْسِي لَعَلَّهُ مُعَامَلَةٌ ثُمَّ أَقُولُ وَمَا حَاجَتُهُ إِذَا إِلَى الْمُسَارَقَةِ ثُمَّ لَمْ أَزَلْ أَتَّبِعُهُ حَتَّى مَرَّ بِمَرِيضٍ فَوَضَعَ الرِّغِيفَيْنِ وَالرُّمَّانَتَيْنِ بَيْنَ يَدَيْهِ ثُمَّ ذَكَرَ أَنَّهُ سَأَلَهُ عَنْ فِعْلِهِ فَقَالَ لَهُ لَعَلَّكَ جَعَفَرُ بْنُ مُحَمَّدٍ قُلْتُ بَلَى فَقَالَ لِي فَمَا يَنْفَعُكَ شَرَفُ أَصْلِكَ مَعَ جَهْلِكَ فَقُلْتُ وَمَا الَّذِي جَهَلْتُ مِنْهُ قَالَ قَوْلُ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ مَنْ جَاءَ بِالْحَسَنَةِ فَلَهُ عَشْرُ أَمْثَالِهَا وَمَنْ جَاءَ بِالسَّيِّئَةِ فَلَا يُجْزَى إِلَّا مِثْلُهَا وَإِنِّي لَمَّا سَرَقْتُ الرِّغِيفَيْنِ كَانَتْ سَيِّئَتَيْنِ وَلَمَّا سَرَقْتُ الرُّمَّانَتَيْنِ كَانَتْ سَيِّئَتَيْنِ فَهَذِهِ أَرْبَعُ سَيِّئَاتٍ فَلَمَّا تَصَدَّقْتُ بِكُلِّ وَاحِدَةٍ مِنْهَا كَانَ لِي أَرْبَعُونَ حَسَنَةً فَانْتَقَصَ مِنْ أَرْبَعِينَ حَسَنَةً أَرْبَعُ سَيِّئَاتٍ وَبَقِيَ لِي سِتُّ وَثَلَاثُونَ حَسَنَةً فَقُلْتُ لَهُ تَكَلِّتْ أَتُكِّ أَنْتَ الْجَاهِلُ بِكِتَابِ اللَّهِ أَمْ سَمِعْتَ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ يَقُولُ إِنَّمَا يَتَقَبَّلُ اللَّهُ مِنَ الْمُتَّقِينَ إِنَّكَ لَمَّا سَرَقْتَ رَغِيفَيْنِ كَانَتْ سَيِّئَتَيْنِ وَلَمَّا سَرَقْتَ رُمَّانَتَيْنِ كَانَتْ أَيْضًا سَيِّئَتَيْنِ وَلَمَّا دَفَعْتَهُمَا إِلَى غَيْرِ صَاحِبِهِمَا بِغَيْرِ أَمْرٍ صَاحِبِهِمَا كُنْتَ إِنَّمَا أَنْتَ أَضَفْتَ أَرْبَعَ سَيِّئَاتٍ إِلَى أَرْبَعِ سَيِّئَاتٍ وَلَمْ تُضِفْ أَرْبَعِينَ حَسَنَةً إِلَى أَرْبَعِ سَيِّئَاتٍ فَجَعَلَ يُلَاحِظُنِي فَأَنْصَرَفْتُ وَتَرَكْتُهُ قَالَ الصَّادِقُ عليه السلام بِمِثْلِ هَذَا التَّأْوِيلِ الْقَصِيحِ الْمُسْتَكْرَهَ يَضِلُّونَ وَيُضِلُّونَ؛ وسائل الشيعة، ج ٩، ص ٤٦٦

«نتایج تقوا / نتایج پرهیزکاری در آخرت»

«۳۸۹۱» عمر بن حنظله گوید: به امام صادق علیه السلام عرض کردم: «یک آیه در قرآن مرا به شک انداخته است». فرمود: «کدام آیه؟» عرض کردم: «آیهی إِنَّمَا يَتَقَبَّلُ اللَّهُ مِنَ الْمُتَّقِينَ». فرمود: «در چه چیز این آیه شک کرده‌ای؟» گفتم: «هر کس نماز بخواند و روزه بگیرد و خدا را بپرستد، از او می‌پذیرد». فرمود: «خداوند از پرهیزکاران عارف می‌پذیرد». بعد فرمود: «تو پارسا و زاهدتر هستی یا ضحاک بن قیس؟» گفتم: «نه، ضحاک بن قیس». فرمود: «از او هیچ یک از عبادت‌هایی را که ذکر کردی نمی‌پذیرند».

«۳۸۹۲» امام عسکری علیه السلام از پدران بزرگوارش نقل می‌کند که: امام صادق علیه السلام در حدیثی طولانی فرمود: «کسی که از هوای نفسش تبعیت کند و شیفته‌ی نظر خویش باشد مثل آن مردی است که شنیدم توسط عامه‌ی مردم نادان، بزرگ داشته می‌شود و او را [به نیکی] توصیف می‌کنند و از آنجا که او را نمی‌شناختم، دوست داشتم او را ببینم و او را در حالی دیدم که گروهی از مردم عوام به گردش حلقه زده‌اند. پنهان و مخفی از آن‌ها ایستادم. درحالی که چهره‌ی خود را پوشانده بودم و به او و مردم نگاه می‌کردم. همواره با مکر و حيله با آن‌ها رفتار می‌نمودم! تا اینکه از ایشان جدا شدم! من به دنبال او رفتم و چیزی نگذشت که به ناوایی رسیدم سر او را گرم کرد و از دکانش دو نان دزدید. تعجب کردم و پیش خود گفتم شاید با صاحب دکان حساب قبلی دارد! بعد از آن نزد انارفروشی رفت و مدام مشغول سرگرم کردن او بود تا اینکه دو انار از او دزدید. تعجب کردم و پیش خود گفتم شاید با صاحب دکان حساب قبلی دارد! بعد گفتم اگر معامله کرده‌اند چه نیاز است که به صورت مخفی کالایش را بردارد؟! همچنان به دنبالش رفتم تا آنکه به بیماری رسید و دو نان و انار را نزد او گذاشت. از او در مورد کارش سؤال کردم. او گفت: «احتمالاً تو جعفر بن محمد هستی». گفتم: «بله». گفت: «شرافت خانوادگی‌ات چه سودی به حالت دارد، وقتی جاهل هستی؟» گفتم: «به چه چیزی جهل دارم؟» گفت: «به این کلام خداوند که فرمود: هر کس کار نیکی بجا آورد، ده برابر آن پاداش دارد، و هر کس کار بدی انجام دهد، جز بمانند آن، کیفر نخواهد دید؛ پس وقتی که من دو نان را دزدیدم، دو گناه کردم و وقتی دو انار را دزدیدم دو گناه دیگر کردم که می‌شود چهار گناه؛ اما وقتی آن چهارتا را صدقه دادم، چهل ثواب دارم. آن چهار گناه از این چهل ثواب کم می‌شود و سی و شش ثواب برای من باقی می‌ماند!» گفتم: «مادرت به عزایت بنشیند! تو به کتاب خدا جاهلی؛ مگر این کلام خدا را نشنیده‌ای که «خدا، تنها از پرهیزکاران می‌پذیرد؟! وقتی که تو دو نان را دزدیدی، دو گناه کردی و وقتی دو انار را دزدیدی دو گناه دیگر کردی و وقتی آن را به فردی غیر از صاحبانشان و بدون اجازه صاحبانشان دادی، چهار گناه دیگر به چهار گناه قبلی خود افزودی نه اینکه چهل ثواب به چهار گناه افزوده باشی». و او خیره به من نگاه می‌کرد که من از او روی برگرداندم و از پیشش رفتم». با حرف‌هایی همچون این تأویلات زشت و قبیح، هم خود گمراه می‌شوند و هم دیگران را گمراه می‌کنند.

﴿ثَمَرَاتُ التَّقْوَى / ثَمَرَاتُ التَّقْوَى فِي الْآخِرَةِ﴾

﴿٣٨٩٣﴾ زيارة أمير المؤمنين عليه السلام: تَقَبَّلْ مِنِّي فَإِنَّكَ تَتَقَبَّلُ مِنَ الْمُتَّقِينَ؛ بحار الأنوار، ج ٩٧،

ص ٣٢٧

﴿٣٨٩٤﴾ حديث قدسي: يَا مُوسَى إِنَّ ابْنِي آدَمَ تَوَاضَعَا فِي مَنْزِلَةٍ لَيْنَالَا بِهَا مِنْ فَضْلِي وَ رَحْمَتِي فَقَرَّبَا قُرْبَانًا وَلَا أَقْبَلُ إِلَّا مِنَ الْمُتَّقِينَ؛ الكافي، ج ٨، ص ٤٥

﴿٣٨٩٥﴾ أمير المؤمنين عليه السلام: صِفَتَانِ لَا يَقْبَلُ اللَّهُ سُبْحَانَهُ إِلَّا عَمَلًا إِلَّا بِهِمَا التَّقَى وَالْإِخْلَاصُ؛

غرر الحكم، ص ١٥٥

﴿٣٨٩٦﴾ الصادق عليه السلام: عَنْ أَبِي بصير عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام أَنَّهُ قَالَ ذَاتَ يَوْمٍ أَلَا أُخْبِرُكُمْ بِمَا لَا يَقْبَلُ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ مِنَ الْعِبَادِ عَمَلًا إِلَّا بِهِ فَقُلْتُ بَلَى فَقَالَ شَهَادَةُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَأَنْ مُحَمَّدًا عَبْدُهُ وَرَسُولُهُ وَالْإِقْرَارُ بِمَا أَمَرَ اللَّهُ وَالْوَلَايَةُ لَنَا وَالْبِرَاءَةُ مِنْ أَعْدَائِنَا يَعْنِي أئِمَّةَ [الْأئِمَّةِ] خَاصَّةً وَالتَّسْلِيمُ لَهُمْ وَالْوَرَعُ وَالِاجْتِهَادُ وَالطَّمَأْنِينَةُ وَالِانْتِظَارُ لِلْقَائِمِ؛ بحار الأنوار، ج ٥٢، ص ١٤٠

﴿٣٨٩٧﴾ الرسول ﷺ: يَا أَبَا ذَرٍّ إِنْ اللَّهَ لَا يَنْظُرُ إِلَى صُورِكُمْ وَلَا إِلَى أَمْوَالِكُمْ وَلَكِنْ يَنْظُرُ إِلَى قُلُوبِكُمْ وَأَعْمَالِكُمْ يَا أَبَا ذَرٍّ إِنْ التَّقْوَى هَاهُنَا وَأَشَارَ بِيَدِهِ إِلَى صَدْرِهِ؛ مستدرک الوسائل، ج ١١، ص ٢٦٤

﴿٣٨٩٨﴾ أمير المؤمنين عليه السلام: لَا يَقْبَلُ مَعَ التَّقْوَى عَمَلٌ وَكَيْفَ يَقْبَلُ مَا يُتَقَبَّلُ؛ مستدرک الوسائل،

ج ١١، ص ٢٦٦

﴿٣٨٩٩﴾ الرسول ﷺ: لَوْ صَلَّيْتُمْ حَتَّى تَكُونُوا كَالْأَوْثَارِ وَصُمْتُمْ حَتَّى تَكُونُوا كَالْحَنَائِيَا لَمْ يَقْبَلِ اللَّهُ مِنْكُمْ إِلَّا بَوْرَعٌ؛ بحار الأنوار، ج ٨١، ص ٢٥٨
٢-١٤-٩- قبول القربان

﴿٣٩٠٠﴾ الصادق عليه السلام: قَالَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ لَنْ يَنَالَ اللَّهُ لُحُومُهَا وَلَا دِمَاؤُهَا وَلَكِنْ يَنَالُهُ التَّقْوَى مِنْكُمْ ثُمَّ قَالَ أَنْظِرْ كَيْفَ قَبِلَ اللَّهُ قُرْبَانَ هَابِيلَ وَرَدَّ قُرْبَانَ قَابِيلَ؛ وسائل الشيعة، ج ١٤، ص ٢٠٦
٣-١٤-٩- قبول الولاية

﴿٣٩٠١﴾ الرسول ﷺ: فَسَأَلْتُ جِبْرِيلَ أَنْ يَسْتَعْفِيَ لِي مِنْ تَلْيِغِ ذَلِكَ إِلَيْكُمْ أَيُّهَا النَّاسُ لِعِلْمِي بِقِلَّةِ الْمُتَّقِينَ وَكَثْرَةِ الْمُنَافِقِينَ؛ الاحتجاج، ج ١، ص ٥٩
﴿١١١٢﴾

«نتایج تقوا / نتایج پرهیزکاری در آخرت»

﴿۳۸۹۳﴾ [زیارت امیرالمؤمنین (علیه السلام):] از من بپذیر که همانا تو از پرهیزکاران می‌پذیری.
﴿۳۸۹۴﴾ [مواعظ خداوند به حضرت موسی (علیه السلام):] ای موسی! دو پسر آدم (علیه السلام) در یک مقام تواضع کردند تا در پرتو آن به فضل و رحمت من دست پیدا کنند. هر کدام از آنها نیز یک قربانی دادند؛ ولی من جز از پرهیزکاران چیزی نمی‌پذیرم.
﴿۳۸۹۵﴾ دو صفت است که خداوند فقط اعمالی که همراه این دو صفت باشد می‌پذیرد، تقوا و اخلاص.

﴿۳۸۹۶﴾ ابوبصیر گوید: روزی امام صادق (علیه السلام) فرمود: «آیا شما را از چیزی که خداوند هیچ عملی را بدون آن از بندگان نمی‌پذیرد، آگاه نکنم؟» عرض کردم: «بفرمایید». فرمود: «گواهی دادن بر اینکه معبودی جز الله نیست، و اینکه محمد (صلی الله علیه و آله) بنده و فرستاده‌ی اوست، و اقرار به هر آنچه خداوند به آن امر فرموده است، و دوستی به خاطر ما، و بیزاری از دشمنان ما، به خصوص دشمنان امامان (علیهم السلام)، و تسلیم شدن در برابر امامان و پرهیز و کوشش و اطمینان داشتن، و چشم به راه قائم (علیه السلام) بودن».

﴿۳۸۹۷﴾ ای ابوذر! خداوند به چهره‌ها و اموال شما نگاه نمی‌کند، بلکه به دل‌ها و اعمال شما می‌نگرد. ای ابوذر! تقوا در اینجاست و پیامبر (صلی الله علیه و آله) به سینه‌ی خود اشاره فرمود.
﴿۳۸۹۸﴾ عملی که توأم با تقوا باشد، کم و اندک شمرده نمی‌شود. چگونه می‌شود عملی را که مورد قبول و پذیرش خدا شده، کم و اندک شمرد؟!
﴿۳۸۹۹﴾ اگر آنقدر نماز بگذارید تا مانند زه کمان گردید و آنقدر روزه بگیرید تا چون کمان

شوید، خداوند قبول نمی‌کند مگر آنکه از محرّمات دوری کنید.

۹-۳-۱۴-۲- پذیرش قربانی

﴿۳۹۰۰﴾ خداوند متعال فرمود: «لَنْ يَنَالَ اللَّهُ لُحُومُهَا وَلَا دِمَاؤُهَا وَلَكِنْ يَنَالُهُ التَّقْوَى مِنْكُمْ؛ نه گوشت‌ها و نه خون‌های آنها، هرگز به خداوند نمی‌رسد. آنچه به او می‌رسد، تقوا و پرهیزکاری شماست». بنگر که چگونه خداوند قربانی‌هایی را قبول کرد اما قربانی‌هایی را نپذیرفت.

۹-۳-۱۴-۳- پذیرش ولایت

﴿۳۹۰۱﴾ من از جبرئیل خواستم تا از خداوند بخواهد که مرا از ابلاغ این امر (ولایت علی (علیه السلام)) به شما عفو کند؛ چون می‌دانستم که اهل تقوا در میان شما اندک و اهل نفاق بسیارند.

﴿ثَمَرَاتُ التَّقْوَى / ثَمَرَاتُ التَّقْوَى فِي الْآخِرَةِ﴾

١٥-٣-٩- النَّبِيلُ بِمَا عِنْدَ اللَّهِ، الْوُفُودُ إِلَى اللَّهِ، الْوُصُولُ إِلَى اللَّهِ

١-١٥-٣- النَّبِيلُ بِمَا عِنْدَ اللَّهِ

﴿٣٩٠٢﴾ الْبَاقِرُ عليه السلام: إِنَّهُ لَا يُنَالُ مَا عِنْدَ اللَّهِ إِلَّا بِوَرَعٍ وَاجْتِهَادٍ؛ الْكَافِي، ج ٨، ص ٢٤٠

﴿٣٩٠٣﴾ الصَّادِقُ عليه السلام: لَنْ تَنَالُوا مَا عِنْدَ اللَّهِ إِلَّا بِالْوَرَعِ؛ مُسْتَدْرَكُ الْوَسَائِلِ، ج ١١، ص ٢٦٨

٢-١٥-٣- الْوُفُودُ إِلَى اللَّهِ

﴿٣٩٠٤﴾ يَوْمَ نَحْشُرُ الْمُتَّقِينَ إِلَى الرَّحْمَنِ وَفْدًا؛ مَرِيَم ٨٥

﴿٣٩٠٥﴾ الرَّسُولُ عليه السلام: هُوَ قَوْلُ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ يَوْمَ نَحْشُرُ الْمُتَّقِينَ إِلَى الرَّحْمَنِ وَفْدًا عَلَى

الرَّحَائِلِ؛ بحار الأنوار، ج ٦٥، ص ١٤٠

﴿٣٩٠٦﴾ الصَّادِقُ عليه السلام: فِي قَوْلِ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ يَوْمَ نَحْشُرُ الْمُتَّقِينَ إِلَى الرَّحْمَنِ وَفْدًا قَالَ

يُحْشَرُونَ عَلَى النَّجَائِبِ؛ بحار الأنوار، ج ٧، ص ١٨٤

﴿٣٩٠٧﴾ الرَّسُولُ عليه السلام: مَنْ صَامَ اثْنَيْ عَشَرَ يَوْمًا كَانَ يَوْمَ الْقِيَامَةِ مِنَ الْآمِنِينَ وَيُحْشَرُ مَعَ

الْمُتَّقِينَ وَفْدِ الرَّحْمَنِ جَلَّ جَلَالُهُ؛ مُسْتَدْرَكُ الْوَسَائِلِ، ج ٧، ص ٥٣٥

﴿٣٩٠٨﴾ الرَّسُولُ عليه السلام: هَؤُلَاءِ شِيعَتُكَ يَا عَلِيُّ وَأَنْتَ إِمَامُهُمْ وَهُوَ قَوْلُهُ يَوْمَ نَحْشُرُ الْمُتَّقِينَ

إِلَى الرَّحْمَنِ وَفْدًا؛ بحار الأنوار، ج ٧، ص ١٧٢

﴿٣٩٠٩﴾ الرَّسُولُ عليه السلام: سَأَلَ عَلِيُّ عليه السلام رَسُولَ اللَّهِ عليه السلام عَنْ تَفْسِيرِ قَوْلِهِ يَوْمَ نَحْشُرُ الْمُتَّقِينَ الْآيَةَ

قَالَ يَا عَلِيُّ إِنَّ الْوُفْدَ لَا يَكُونُونَ إِلَّا رُكْبَانًا أَوْ لَيْتَكَ رَجَالَ اتَّقُوا اللَّهَ فَأَحْبَبَهُمُ اللَّهُ وَاخْتَصَّهُمْ وَ

رَضِيَ أَعْمَالَهُمْ فَسَمَّاهُمُ اللَّهُ الْمُتَّقِينَ؛ بحار الأنوار، ج ٧، ص ١٧٢

٣-١٥-٣- الْوُصُولُ إِلَى اللَّهِ

﴿٣٩١٠﴾ حَدِيثٌ قَدْسِي: يَا أَحْمَدُ الْوَرَعُ يَفْتَحُ عَلَى الْعَبْدِ أَبْوَابَ الْعِبَادَةِ فَتَكْرَمَ بِهِ عِنْدَ الْخَلْقِ وَ

يَصِلُ بِهِ إِلَى اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ؛ بحار الأنوار، ج ٧٤، ص ٢٦

١-٣-١٥-٣- مَا بِهِ وَصَلَ الْإِنْسَانُ إِلَى الدَّرَجَاتِ الْعُلَى

﴿٣٩١١﴾ الصَّادِقُ عليه السلام: قَدْ أَجْمَعَ اللَّهُ تَعَالَى مَا بَتَوَاصَى بِهِ الْمُتَوَاصُونَ مِنَ الْأَوَّلِينَ وَالْآخِرِينَ

فِي خَصْلَةٍ وَاحِدَةٍ وَهِيَ التَّقْوَى قَالَ اللَّهُ جَلَّ وَعَزَّ وَلَقَدْ وَصَّيْنَا الَّذِينَ أُوتُوا الْكِتَابَ مِنْ قَبْلِكُمْ وَ

إِيَّاكُمْ أَنْ اتَّقُوا اللَّهَ وَفِيهِ جِمَاعُ كُلِّ عِبَادَةٍ صَالِحَةٍ وَصَلَ مَنْ وَصَلَ إِلَى الدَّرَجَاتِ الْعُلَى وَالرُّتَبَةِ

﴿نتایج تقوا / نتایج پرهیزکاری در آخرت﴾

۹-۳-۱۵- رسیدن به آنچه نزد خداست، وارد شدن بر خدا، رسیدن به خدا

۹-۳-۱۵-۱- رسیدن به آنچه نزد خداست

﴿۳۹۰۲﴾ چیزی که نزد خداست فقط با ورع و تلاش قابل دسترسی است.

﴿۳۹۰۳﴾ کسی به آنچه که نزد خداست نمی‌رسد، مگر با رعایت ورع.

۹-۳-۱۵-۲- وارد شدن بر خدا

﴿۳۹۰۴﴾ در آن روز که پرهیزکاران را دسته جمعی به سوی خداوند رحمان (و پاداش‌های او)

محشور می‌کنیم.

﴿۳۹۰۵﴾ «يَوْمَ نَخْشِرُ الْمُتَّقِينَ إِلَى الرَّحْمَنِ وَفْدًا» یعنی بر سر زمین‌ها.

﴿۳۹۰۶﴾ درباره‌ی آیه‌ی: «يَوْمَ نَخْشِرُ الْمُتَّقِينَ إِلَى الرَّحْمَنِ وَفْدًا؛ فرمود: «سوار بر شتران نجیب

محشور می‌شوند».

﴿۳۹۰۷﴾ کسی که دوازده روز روزه بدارد، در روز قیامت از امان‌یافتگان است و با پرهیزکارانی

که به پیشگاه خداوند بلندمرتبه وارد می‌شوند، محشور می‌شود.

﴿۳۹۰۸﴾ ای علی! اینان شیعیان تو و افراد مخلص به ولایت تو هستند و تو پیشوای آن‌ها

هستی و این بیان آیه: «يَوْمَ نَخْشِرُ الْمُتَّقِينَ إِلَى الرَّحْمَنِ وَفْدًا»؛ است.

﴿۳۹۰۹﴾ علی (علیه السلام) از رسول خدا ﷺ درباره‌ی آیه‌ی: «يَوْمَ نَخْشِرُ الْمُتَّقِينَ إِلَى الرَّحْمَنِ وَفْدًا»

پرسید؛ فرمود: «وفد جز سواره نیست؛ آنان مردانی هستند که تقوای الهی پیشه کردند و خدا آنان

را دوست می‌دارد و آنان را جدا کرده و از اعمالشان راضی گشته و آنان را متقین نامیده‌اند».

۹-۳-۱۵-۳- رسیدن به خدا

﴿۳۹۱۰﴾ ای احمد! ورع درهای عبادت و بندگی را به روی بنده باز می‌کند و موجب

گرامی‌شدن بنده در میان مردم است و بنده را به خدایش می‌رساند.

۹-۳-۱۵-۳-۱- آنچه انسان با آن به درجات بالا می‌تواند برسد

﴿۳۹۱۱﴾ خداوند آنچه گذشتگان و آیندگان، مردم را نصیحت و سفارش کنند، در یک خصلت

و صفت تکمیل نموده و آن تقواست. فرموده است: «و ما به کسانی که پیش از شما، کتاب

آسمانی به آن‌ها داده شده بود، سفارش کردیم، [همچنین] به شما سفارش می‌کنیم که از

[نافرمانی] خدا بپرهیزید». در تقوا مجموعه‌ی عبادات صالح است و به وسیله‌ی همان تقوا به

درجات عالی و نهایی‌ترین مراتب می‌رسید. و زندگی عالی در پناه خدا و انس دائم [با او] به

﴿ثَمَرَاتُ التَّقْوَى / ثَمَرَاتُ التَّقْوَى فِي الْآخِرَةِ﴾

الْقُصُوى وَ بِهِ عَاشَ مَنْ عَاشَ مَعَ اللَّهِ بِالْحَيَاةِ الطَّيِّبَةِ وَالْأَنْسِ الدَّائِمِ قَالَ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ إِنَّ الْمُتَّقِينَ فِي جَنَّاتٍ وَنَهَرٍ فِي مَقْعَدٍ صَدِّقٍ عِنْدَ مَلِكٍ مُقْتَدِرٍ؛ بحار الأنوار، ج ٧٥، ص ٢٠٠
٩-٣-١٦- السَّعَادَةُ، الْفَلَاحُ، الْفَوْزُ، النَّجَاحُ
٩-٣-١٦-١ السَّعَادَةُ

﴿٣٩١٢﴾ الرَّضَا عَلَيْهِ السَّلَامُ: جَفَّ الْقَلَمُ بِحَقِيقَةِ الْكِتَابِ مِنَ اللَّهِ بِالسَّعَادَةِ لِمَنْ آمَنَ وَ اتَّقَى وَ الشَّقَاوَةِ مِنَ اللَّهِ تَبَارَكَ وَ تَعَالَى لِمَنْ كَذَبَ وَ عَصَى؛ بحار الأنوار، ج ٥، ص ١٥٤
﴿٣٩١٣﴾ الرَّسُولُ ﷺ: سَبَقَ الْعِلْمُ وَ جَفَّ الْقَلَمُ وَ مَضَى الْقَضَاءُ وَ تَمَّ الْقَدَرُ بِتَحْقِيقِ الْكِتَابِ وَ تَصْدِيقِ الرُّسُلِ وَ بِالسَّعَادَةِ مِنَ اللَّهِ لِمَنْ آمَنَ وَ اتَّقَى وَ بِالشَّقَاءِ لِمَنْ كَذَبَ وَ كَفَرَ وَ بِالْوَلَايَةِ مِنَ اللَّهِ لِلْمُؤْمِنِينَ وَ بِالْبِرَاءَةِ مِنْهُ لِلْمُشْرِكِينَ؛ بحار الأنوار، ج ٥، ص ٩٣
﴿٣٩١٤﴾ الْكَاسِمُ عَلَيْهِ السَّلَامُ: وَ ارْزُقْنِي خُشُوعَ الْخَاشِعِينَ وَ عَمَلَ الصَّالِحِينَ وَ صَبْرَ الصَّابِرِينَ وَ أَجْرَ الْمُحْسِنِينَ وَ سَعَادَةَ الْمُتَّقِينَ؛ بحار الأنوار، ج ٩٢، ص ٤٤٨
﴿٣٩١٥﴾ الصَّادِقُ عَلَيْهِ السَّلَامُ: قُلِ اللَّهُمَّ اجْعَلْنِي أَحْشَاكَ كَأَنِّي أَرَاكَ وَ أَسْعِدْنِي بِتَقْوَاكَ وَ لَا تُشْقِنِي بِنَشْطِي لِمَعَاصِيكَ؛ الكافي، ج ٢، ص ٥٧٧
﴿٣٩١٦﴾ الصَّادِقُ عَلَيْهِ السَّلَامُ: السَّعِيدُ يَتَعَطَّى بِمَوْعِظَةِ التَّقْوَى وَ إِنْ كَانَ يُرَادُ بِالْمَوْعِظَةِ غَيْرُهُ؛ الكافي،

ج ٨، ص ١٥٠

٩-٣-١٦-٢ الْفَلَاحُ

﴿٣٩١٧﴾ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اصْبِرُوا وَ صَابِرُوا وَ رَابِطُوا وَ اتَّقُوا اللَّهَ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ؛ آل عمران ٢٠٠
﴿٣٩١٨﴾ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ وَ ابْتَغُوا إِلَيْهِ الْوَسِيلَةَ وَ جَاهِدُوا فِي سَبِيلِهِ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ؛

المائدة ٣٥

﴿٣٩١٩﴾ قُلْ لَا يَسْتَوِي الْخَبِيثُ وَالطَّيِّبُ وَلَوْ أَعْجَبَكَ كَثْرَةُ الْخَبِيثِ فَاتَّقُوا اللَّهَ يَا أُولِي الْأَلْبَابِ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ؛ المائدة ١٠٠

﴿٣٩٢٠﴾ يَسْأَلُونَكَ عَنِ الْأَهْلِ قُلْ هِيَ مَوَاقِيتُ لِلنَّاسِ وَالْحَجِّ وَلَيْسَ الْبِرُّ بِأَنْ تَأْتُوا الْبُيُوتَ مِنْ ظُهُورِهَا وَلَكِنَّ الْبِرَّ مَنْ اتَّقَى وَ اتَّقَى الْبُيُوتَ مِنْ أَبْوَابِهَا وَ اتَّقُوا اللَّهَ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ؛ البقرة ١٨٩

﴿نتایج تقوا / نتایج پرهیزکاری در آخرت﴾

وسیله‌ی همین تقوا بوده است. خداوند می‌فرماید «یقیناً پرهیزکاران در باغ‌ها و نه‌رهای بهشتی جای دارند» در جایگاه صدق نزد خداوند مالک مقتدر».

۹-۳-۱۶- سعاد، رستگاری، پیروزی، کامیابی

۹-۳-۱۶-۱- سعاد

﴿۳۹۱۲﴾ قلم به حقیقت کتاب از جانب خداوند خشکید که کسی که ایمان بیاورد و تقوا بورزد، به سعاد می‌رسد و کسی که تکذیب کند و عصیان نماید، از جانب خداوند تبارک و تعالی به شقاوت می‌رسد.

﴿۳۹۱۳﴾ علم پیشی گرفته و قلم خشکیده و قضا نافذ گشته و تقدیر تمام گشته است؛ به‌درستی که کتاب و تصدیق رسولان و سعاد از جانب خدا برای کسی است که ایمان بیاورد و تقوا پیشه کند. و شقاوت برای کسی است که تکذیب کند و کافر شود. و ولایت از جانب خداوند برای مؤمنان و برائت از جانب خداوند نسبت به مشرکان است.

﴿۳۹۱۴﴾ فروتنی خاشعان و کردار صالحان و صبر صابران و ثواب نیکوکاران و نیکبختی پرهیزکاران را روزی من گردان.

﴿۳۹۱۵﴾ بگو: خدایا! مرا ترسی عطا کن که گویا تو را می‌بینم و با توفیق تقوایت مرا خوشبخت کن و مرا با سرور انجام معصیت، به شقاوت میافکن.

﴿۳۹۱۶﴾ انسان خوشبخت کسی است که از موعظه‌ی به تقوا پند بگیرد حتی اگر خطاب موعظه شخص دیگری باشد.

۹-۳-۱۶-۲- رستگاری

﴿۳۹۱۷﴾ ای کسانی که ایمان آورده‌اید! (در برابر مشکلات و هوس‌ها) استقامت کنید! و در برابر دشمنان (نیز)، پایدار باشید و از مرزهای خود، مراقبت کنید و از خدا بپرهیزید، شاید رستگار شوید!

﴿۳۹۱۸﴾ ای کسانی که ایمان آورده‌اید! از (مخالفت فرمان) خدا بپرهیزید! و وسیله‌ای برای تقرب به او بجویید! و در راه او جهاد کنید، باشد که رستگار شوید!

﴿۳۹۱۹﴾ بگو: «هیچ گاه) ناپاک و پاک مساوی نیستند هر چند فزونی ناپاک‌ها، تو را به شگفتی اندازد! از (مخالفت) خدا بپرهیزید ای صاحبان خرد، شاید رستگار شوید!

﴿۳۹۲۰﴾ در باره «هلال‌های ماه» از تو سؤال می‌کنند بگو: «آن‌ها، بیان اوقات (و تقویم طبیعی) برای (نظام زندگی) مردم و (تعیین وقت) حج است». و (آن چنان که در جاهلیت مرسوم بود که به هنگام حج، که جامه احرام می‌پوشیدند، از درِ خانه وارد نمی‌شدند، و از نقبِ پشتِ خانه وارد می‌شدند، نکنید!) کار نیک، آن نیست که از پشتِ خانه‌ها وارد شوید بلکه نیکی این است که پرهیزکار باشید! و از درِ خانه‌ها وارد شوید و تقوا پیشه کنید، تا رستگار گردید!

﴿ثمرات التَّقْوَى / ثمرات التَّقْوَى فِي الْآخِرَةِ﴾

﴿٣٩٢١﴾ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَأْكُلُوا الرِّبَا أَضْعَافاً مُضَاعَفَةً وَاتَّقُوا اللَّهَ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ؛ آل عمران

١٣٠

﴿٣٩٢٢﴾ وَالَّذِينَ تَبَوَّأُوا الدَّارَ وَالْإِيمَانَ مِنْ قَبْلِهِمْ يُحِثُّونَ مَنْ هَاجَرَ إِلَيْهِمْ وَلَا يَجِدُونَ فِي صُدُورِهِمْ حَاجَةً مِمَّا أُوتُوا وَيُؤْثِرُونَ عَلَى أَنْفُسِهِمْ وَلَوْ كَانَ بِهِمْ خَصَاصَةٌ وَمَنْ يُوقِ شُحَّ نَفْسِهِ فَأُولَئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ؛ الحشر ٩

﴿٣٩٢٣﴾ الْبَاقِرُ عليه السلام: فَاتَّقُوا اللَّهَ عِبَادَ اللَّهِ بِمَا اسْتَطَعْتُمْ وَأَطِيعُوا وَأَسَلُّوا الْأَمْرَ لِأَهْلِهِ تُفْلِحُوا؛

بحار الأنوار، ج ٦٦، ص ٣٩٩

﴿٣٩٢٤﴾ أمير المؤمنين عليه السلام: قَدْ أَفْلَحَ التَّقِيُّ الصَّمُوتُ؛ غرر الحكم، ص ٢١٦

٣-١٦-٩- الفُوزُ

﴿٣٩٢٥﴾ إِنَّ لِلْمُتَّقِينَ مَفَازًا؛ حَدَائِقَ وَأَعْنَابًا؛ وَكَوَاعِبَ أَتْرَابًا؛ وَكَأَسَا دِهَاقًا؛ لَا يَسْمَعُونَ فِيهَا

لَغْوًا وَلَا كِذَابًا؛ جَزَاءً مِمَّنْ رَزَقَ عَطَاءً حِسَابًا؛ النبأ ٣٦-٣١

﴿٣٩٢٦﴾ وَمَنْ يُطِيعِ اللَّهَ وَرَسُولَهُ وَيَخْشِ اللَّهَ وَيَتَّقِهِ فَأُولَئِكَ هُمُ الْفَائِزُونَ؛ النور ٥٢

﴿٣٩٢٧﴾ أمير المؤمنين عليه السلام: التَّقْوَى غَايَةُ لَا يَهْلِكُ مَنْ تَبِعَهَا وَلَا يَنْدِمُ مَنْ يَعْمَلُ بِهَا لِأَنَّ

بِالتَّقْوَى فَازَ الْفَائِزُونَ وَبِالْمَعْصِيَةِ خَسِرَ الْخَاسِرُونَ فَلْيَزِدْ جِرْ أَوْلُو النَّهْيِ وَلْيَتَذَكَّرْ أَهْلُ التَّقْوَى؛

بحار الأنوار، ج ٦٥، ص ٣٨٢

﴿٣٩٢٨﴾ أمير المؤمنين عليه السلام: مَنْ اتَّقَى اللَّهَ فَازَ وَغَنَى؛ غرر الحكم، ص ٢٧١

﴿٣٩٢٩﴾ الصَّادِقُ عليه السلام: عَنِ الصَّادِقِ عليه السلام أَنَّهُ قَالَ فِي حَدِيثٍ فَازَ وَاللَّهِ الْأَبْرَارُ وَخَسِرَ الْأَشْرَارُ

أَتَذَرِي مِنَ الْأَبْرَارِ هُمُ الَّذِينَ خَافُوهُ وَاتَّقَوْهُ؛ مستدرک الوسائل، ج ١١، ص ٢٣٣

﴿٣٩٣٠﴾ أمير المؤمنين عليه السلام: بِالتَّقْوَى فَازَ مَنْ فَازَ مِنَ الْمُتَّقِينَ قَالَ اللَّهُ تَبَارَكَ وَتَعَالَى إِنَّ

لِلْمُتَّقِينَ مَفَازًا وَقَالَ وَيُنَجِّي اللَّهُ الَّذِينَ اتَّقَوْا بِمَفَازَتِهِمْ لَا يَمَسُّهُمْ الشُّوْءُ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ؛ بحار الأنوار،

ج ٧٥، ص ١١٠

﴿٣٩٣١﴾ الْبَاقِرُ عليه السلام: بِالتَّقْوَى فَازَ الصَّابِرُونَ وَنَجَتْ تِلْكَ الْعُصْبُ مِنَ الْمَهَالِكِ وَلَهُمْ إِخْوَانٌ

عَلَى تِلْكَ الطَّرِيقَةِ يَلْتَمِسُونَ تِلْكَ الْفَضِيلَةَ نَبَذُوا طُغْيَانَهُمْ مِنَ الْإِيرَادِ بِالشَّهَوَاتِ لِمَا بَلَغَهُمْ فِي

الْكِتَابِ مِنَ الْمَثَلَاتِ؛ الكافي، ج ٨، ص ٥٢

﴿نتایج تقوا / نتایج پرهیزکاری در آخرت﴾

﴿۳۹۲۱﴾ ای کسانی که ایمان آورده‌اید! ربا (و سود پول) را چند برابر نخرید! از خدا بپرهیزید، تا رستگار شوید!

﴿۳۹۲۲﴾ و برای کسانی است که در این سرا [سرزمین مدینه] و در سرای ایمان پیش از مهاجران مسکن گزیدند و کسانی را که به سویشان هجرت کنند دوست می‌دارند، و در دل خود نیازی به آنچه به مهاجران داده شده احساس نمی‌کنند و آن‌ها را بر خود مقدم می‌دارند هر چند خودشان بسیار نیازمند باشند کسانی که از بخل و حرص نفس خویش باز داشته شده‌اند رستگاراند! ﴿۳۹۲۳﴾ پس ای بندگان خدا! تا جایی که می‌توانید از او پروا کنید و از او اطاعت کنید و امر ولایت را به اهلش تسلیم کنید تا رستگار شوید.

﴿۳۹۲۴﴾ قطعاً انسان با تقوا و ساکت (که عمل خیر خود را جار نمی‌زند)، رستگار است.

۳-۱۶-۳- پیروزی

﴿۳۹۲۵﴾ مسلماً برای پرهیزکاران نجات و پیروزی بزرگی است. مسلماً برای پرهیزکاران نجات و پیروزی بزرگی است؛ باغهایی سرسبز، و انواع انگورها، و حوریانی بسیار جوان و هم‌سن و سال، و جامه‌هایی لبریز و پیایی (از شراب طهور)؛ در آنجا نه سخن لغو و بیهوده‌ای می‌شنوند و نه دروغی! این پاداشی است از سوی پروردگارت و عطیه‌ای است کافی!

﴿۳۹۲۶﴾ و هرکس خدا و پیامبرش را اطاعت کند، و از خدا بترسد و از مخالفت فرمانش بپرهیزد، چنین کسانی همان پیروزمندان واقعی هستند!

﴿۳۹۲۷﴾ پرهیزکاری هدفی است که پیرو آن نابود نمی‌شود و هرکس به آن عمل کند، پشیمان نمی‌شود. زیرا پیروزمندان با تقوا کامیاب شدند و زیانکاران با نافرمانی زیان بردند. و باید خردمندان باز ایستند و پرهیزکاران پند گیرند.

﴿۳۹۲۸﴾ کسی که تقوا پیشه، رستگار و بی‌نیاز است.

﴿۳۹۲۹﴾ امام صادق علیه السلام در حدیثی فرمود: «به خدا قسم! نیکان رستگار هستند و بدان ضرر می‌کنند. می‌دانی نیکان چه کسانی هستند؟ همان کسانی که از خدا می‌ترسند و تقوا دارند.

﴿۳۹۳۰﴾ پرهیزکاران در پرتو رعایت تقوا رستگار شدند. خداوند تبارک و تعالی فرمود: «مسلماً برای پرهیزکاران نجات و پیروزی بزرگی است». و نیز فرمود: «و خداوند کسانی را که تقوا پیشه کردند با رستگاری رهایی می‌بخشد هیچ بدی به آنان نمی‌رسد و هرگز غمگین نخواهند شد».

﴿۳۹۳۱﴾ در پرتو تقوا شکیبایان و گروه‌های شیعه از مهلکه‌ها نجات یافتند و آنان برادرانی با همین آیین دارند که این فضیلت را خواهانند، و از گشتن پیرامون شهوت خودداری می‌کردند، و این به سبب عقوبت و پندهایی بود که در قرآن می‌خواندند.

﴿ ثَمَرَاتُ التَّقْوَى / ثَمَرَاتُ التَّقْوَى فِي الْآخِرَةِ ﴾

﴿ ٣٩٣٢ ﴾ أمير المؤمنين عليه السلام: أَوْصِيَكُمْ عِبَادَ اللَّهِ بِتَقْوَى اللَّهِ الَّتِي ... دَعَا إِلَيْهَا أَسْمَعُ دَاعٍ وَوَعَاهَا خَيْرُ وَاَعٍ فَاسْمَعْ دَاعِيَهَا وَفَارَ وَاعِيَهَا؛ نهج البلاغة، ص ١٦٩

﴿ ٣٩٣٣ ﴾ أمير المؤمنين عليه السلام: فَارَ مَنْ اسْتَصْبَحَ بِنُورِ الْهُدَى وَخَالَفَ دَوَاعِيَ الْهَوَى وَجَعَلَ الْإِيمَانَ عُدَّةَ مَعَادِهِ وَالتَّقْوَى ذُخْرَهُ وَزَادَهُ؛ غرر الحكم، ص ٩٤
٩-٣-١٦-٣-١- الْمَقَازُ

﴿ ٣٩٣٤ ﴾ ابن عباس رضي الله عنه: فِي قَوْلِهِ إِنَّ لِلْمُتَّقِينَ مَفَازًا هُوَ عَلَى بَنِي أَبِي طَالِبٍ عليه السلام سَيِّدٌ مَنْ اتَّقَى عَنِ ارْتِكَابِ الْفَوَاحِشِ؛ بحار الأنوار، ج ٤٠، ص ٣٢٠
٩-٣-١٦-٣-٢- الْمَقَازُ

﴿ ٣٩٣٥ ﴾ وَيُنَجِّي اللَّهُ الَّذِينَ اتَّقَوْا بِمَفَازَتِهِمْ لَا يَمَسُّهُمْ السُّوءُ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ؛ الزمر ٦١
٩-٣-١٦-٣-٣- الْفَوْزُ الْعَظِيمُ

﴿ ٣٩٣٦ ﴾ مَنْ تَقَى السَّيِّئَاتِ يَوْمَئِذٍ فَقَدْ رَحِمْتُهُ وَذَلِكَ هُوَ الْفَوْزُ الْعَظِيمُ؛ غافر ٧-٩
﴿ ٣٩٣٧ ﴾ الرَّسُولُ ﷺ: مَنْ يَتَّقِ اللَّهَ فَقَدْ فَازَ فَوْزًا عَظِيمًا؛ مستدرک الوسائل، ج ٦، ص ٣٣
٩-٣-١٦-٣-٤- فَازَ عَمَلُهُ

﴿ ٣٩٣٨ ﴾ أمير المؤمنين عليه السلام: مَنْ أَشْعَرَ قَلْبُهُ التَّقْوَى فَازَ عَمَلُهُ؛ غرر الحكم، ص ٢٧١
﴿ ٣٩٣٩ ﴾ أمير المؤمنين عليه السلام: فَمَنْ أَشْعَرَ قَلْبُهُ بَرَزَ مَهْلُهُ وَفَارَ عَمَلُهُ؛ نهج البلاغة، ص ١٩٠
٩-٣-١٦-٣-٥- فَوْزَ الْآخِرَةِ

﴿ ٣٩٤٠ ﴾ أمير المؤمنين عليه السلام: مَنْ أَحَبَّ فَوْزَ الْآخِرَةِ فَعَلَيْهِ بِالتَّقْوَى؛ غرر الحكم، ص ٢٧١
٩-٣-١٦-٣-٦- الْفَوْزُ بِالْمَغَانِمِ

﴿ ٣٩٤١ ﴾ الرضا عليه السلام: بِالْوَرَعِ عَنِ الْمَحَارِمِ أَرْجُو الْفَوْزَ بِالْمَغَانِمِ؛ وسائل الشيعة، ج ١٧، ص ٢٠٣
٩-٣-١٦-٤- النَّجَاحُ

﴿ ٣٩٤٢ ﴾ أمير المؤمنين عليه السلام: فَإِنَّ تَقْوَى اللَّهِ مِفْتَاحُ سَدَادٍ وَذَخِيرَةُ مَعَادٍ وَعِتْقٌ مِنْ كُلِّ مَلَكَةٍ وَ نَجَاةٌ مِنْ كُلِّ هَلَكَةٍ بِهَا يَنْجَحُ الطَّالِبُ وَيَنْجُو الْهَارِبُ وَتَنَالُ الرِّغَائِبُ؛ نهج البلاغة، ص ٣٥١
﴿ ٣٩٤٣ ﴾ أمير المؤمنين عليه السلام: فَإِنَّ تَقْوَى اللَّهِ ... بِهَا يَنْجَحُ الطَّالِبُ وَيَنْجُو الْهَارِبُ وَتَنَالُ الرِّغَائِبُ؛ نهج البلاغة، ص ٣٥١

﴿نتایج تقوا / نتایج پرهیزکاری در آخرت﴾

﴿۳۹۳۲﴾ ای بندگان خدا! شما را به تقوای الهی سفارش می‌کنم، که ... بهترین گوینده آن را به گوش مردم خوانده و بهترین شنونده آن را فرا گرفت، پیامبری که بهتر از هر کس سخن را به گوش مردم رساند. پس خواننده، دعوت خود را به خوبی شنوند، و شنونده خود را رستگار گرداند. ﴿۳۹۳۳﴾ کسی که روز خود را با طلب نور هدایت و مخالفت با خواسته‌های نفس خود آغاز کند و ایمان را سرمایه‌ای برای معاد خود و تقوا را ذخیره و توشه آن قرار دهد؛ رستگار است.

۱-۳-۱۶-۹-۳-۱ کامیابی

﴿۳۹۳۴﴾ درباره‌ی این آیه: «مسلماً برای پرهیزکاران نجات و پیروزی بزرگی است» گفت: «منظور علی بن ابی طالب (علیه السلام) است که سرور پرهیزکاران از فواحش و پلیدی‌هاست».

۲-۳-۱۶-۹-۳-۲ پیروزی

﴿۳۹۳۵﴾ و خداوند کسانی را که تقوا پیشه کردند با رستگاری‌های می‌بخشد هیچ بدی به آنان نمی‌رسد و هرگز غمگین نخواهند شد.

۳-۳-۱۶-۹-۳-۳ پیروزی بزرگ

﴿۳۹۳۶﴾ و هر کس را که در آن روز از بدی‌ها نگاه داری، مشمول رحمت ساخته‌ای و این است همان رستگاری عظیم!

﴿۳۹۳۷﴾ هر کس از خدا بترسد، کامیابی بزرگ یافته است.

۴-۳-۱۶-۹-۳-۴ عملش به هدف رسید

﴿۳۹۳۸﴾ کسی که در قلبش، تقوا را حس کند، در اعمالش پیروز است.

﴿۳۹۳۹﴾ پس کسی که تقوا و پرهیزکاری را شعار قلبش قرار داد در خیر و نیکی‌ی از دیگری پیشی گرفت و کردارش رستگار گردید.

۵-۳-۱۶-۹-۳-۵ پیروزی آخرت

﴿۳۹۴۰﴾ هر کس می‌خواهد که در آخرت رستگار شود، به دنبال تقوا باشد.

۶-۳-۱۶-۹-۳-۶ پیروزی در رسیدن به غنائم

﴿۳۹۴۱﴾ با تقوا و اجتناب از محارم امید رسیدن به غنیمت را دارم.

۴-۳-۱۶-۹-۳-۴ کامیابی

﴿۳۹۴۲﴾ قطعاً تقوای الهی کلید درستی و اندوخته‌ی قیامت و رهایی از سلطه‌ی هر سلطه‌گر و نجات از هر هلاکتی است. طالب به کمک تقوا به مرادش می‌رسد، و گریزان [از جهنم] به وسیله‌ی تقوا نجات پیدا می‌کند و طالب مشتاق به آنچه که رغبت دارد، می‌رسد.

﴿۳۹۴۳﴾ طالب به کمک تقوا به مرادش می‌رسد، و گریزان [از جهنم] به وسیله‌ی تقوا نجات پیدا می‌کند و طالب مشتاق به آنچه که رغبت دارد، می‌رسد.

﴿ ثَمَرَاتُ التَّقْوَى / ثَمَرَاتُ التَّقْوَى فِي الْآخِرَةِ ﴾

١-٤-١٦-٩- الظَّفَرُ بِالنُّجْحِ

﴿٣٩٤٤﴾ أمير المؤمنين عليه السلام: لَا تُقَدِّمُ وَلَا تُجَحِّمُ إِلَّا عَلَى تَقْوَى اللَّهِ وَطَاعَتِهِ تَظْفَرُ بِالنُّجْحِ وَ

النُّهْجِ الْقَوِيمِ؛ غرر الحكم، ص ١٨٣

٢-٤-١٦-٩- مَعَاذُ مُنْجِحُ

﴿٣٩٤٥﴾ أمير المؤمنين عليه السلام: أَوْصِيَكُمْ عِبَادَ اللَّهِ بِتَقْوَى اللَّهِ الَّتِي هِيَ الزَّادُ وَبِهَا الْمَعَاذُ زَادُ مُبْلَغُ

وَمَعَاذُ مُنْجِحُ؛ نهج البلاغة، ص ١٦٩

٣-٤-١٦-٩- مِصْبَاحُ نَجَاحُ

﴿٣٩٤٦﴾ أمير المؤمنين عليه السلام: إِنْ تَقَوَّى اللَّهُ عِمَارَةَ الدِّينِ وَعِمَادَ الْيَقِينِ وَإِنَّهَا لَمِفْتَاحُ صَلَاحٍ وَ

مِصْبَاحُ نَجَاحٍ؛ غرر الحكم، ص ٢٧٤

١٧-٣-٩- الشَّانُ وَالْكَرَامَةُ وَالشَّرَافَةُ

١-١٧-٣-٩- الشَّانُ

﴿٣٩٤٧﴾ أمير المؤمنين عليه السلام: يَا كُمَيْلُ لَيْسَ الشَّانُ أَنْ تُصَلِّيَ وَتَصُومَ وَتَتَصَدَّقَ [إِنَّمَا] الشَّانُ أَنْ

تَكُونَ الصَّلَاةُ فُعَلَتْ بِقَلْبٍ تَقِيٍّ وَعَمَلٌ عِنْدَ اللَّهِ مَرْضِيٌّ وَخُشُوعٌ سَوِيٌّ وَإِبْقَاءٌ لِلْجِدِّ فِيهَا؛

مستدرک الوسائل، ج ٤، ص ٩٤

٢-١٧-٣-٩- الْكَرَامَةُ وَالْإِكْرَامُ

١-٢-١٧-٣-٩- الْكَرَامَةُ

﴿٣٩٤٨﴾ أمير المؤمنين عليه السلام: طَلَبْتُ الْكَرَامَةَ فَمَا وَجَدْتُ إِلَّا بِالتَّقْوَى اتَّقُوا لِتَكْرُمُوا؛

مستدرک الوسائل، ج ١١، ص ١٩٢

٢-٢-١٧-٣-٩- فَهُوَ الشَّرِيفُ الْمُكْرَمُ

﴿٣٩٤٩﴾ أمير المؤمنين عليه السلام: فَمَنْ اتَّقَى اللَّهَ فَهُوَ الشَّرِيفُ الْمُكْرَمُ؛ بحار الأنوار، ج ٧٥، ص ٩٤

٣-٢-١٧-٩- الْكَرَامَاتُ

﴿٣٩٥٠﴾ الباقر عليه السلام: أَمَّا قَوْلُهُ إِنَّ لِلْمُتَّقِينَ مَفَازًا قَالَ فِيهِ الْكَرَامَاتُ؛ بحار الأنوار، ج ٨، ص ١٣٤

٤-٢-١٧-٩- إِنْ يَكُنْ لَكَ تَقْوَى فَإِنَّ لَكَ كَرَمًا

﴿نتایج تقوا / نتایج پرهیزکاری در آخرت﴾

۹-۳-۱۶-۴-۱ پیروزی‌ها

﴿۳۹۴۴﴾ جز بر پایه تقوای الهی و فرمانبرداری او پیش مرو و باز نایست، تا به هدف خود و راه راست دست‌یابی.

۹-۳-۱۶-۴-۲ بازگشت پیروزمندانه

﴿۳۹۴۵﴾ ای بندگان خدا! شما را به تقوای الهی سفارش می‌کنم، که زاد و توشه‌ی سفر قیامت است. تقوا توشه‌ای است که به منزل رساند، پناهگاهی است که ایمن می‌گرداند.

۹-۳-۱۶-۴-۳ چراغ کامیابی

﴿۳۹۴۶﴾ تقوای الهی، آبادی دین و ستون یقین و کلید صلاح و چراغ نجات است.

۹-۳-۱۷-۱ شأن، گرمی‌داشت، شرافت

۹-۳-۱۷-۱-۱ شأن

﴿۳۹۴۷﴾ ای کمیل! مقام تو به این نیست که نماز بخوانی و روزه بگیری و صدقه بدهی. مقام آن است که نماز همراه قلب پاک انجام شود و موردپسند الهی بوده، همراه با خشوع متعادل و دوام جدیت باشد.

۹-۳-۱۷-۲ بزرگی و گرمی‌داشت

۹-۳-۱۷-۲-۱ بزرگی

﴿۳۹۴۸﴾ جویای کرامت بودم و آن را تنها در تقوا یافتم، تقوا پیشه کنید تا کرامت یابید.

۹-۳-۱۷-۲-۲ او صاحب شرافت و کرامت است

﴿۳۹۴۹﴾ در این صورت هرکس که از خدا بترسد، او شریف و محترم است.

۹-۳-۱۷-۲-۳ کرامات

﴿۳۹۵۰﴾ «مسلماً برای پرهیزکاران نجات و پیروزی بزرگی است»؛ به معنای کرامت‌ها است.

۹-۳-۱۷-۲-۴ اگر پرهیزکاری داری دارای کرامتی

﴿ ثَمَرَاتُ التَّقْوَى / ثَمَرَاتُ التَّقْوَى فِي الْآخِرَةِ ﴾

﴿ ٣٩٥١ ﴾ أمير المؤمنين عليه السلام: افْتَخَرَ رَجُلَانِ عِنْدَ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ عليه السلام فَقَالَ أَوْفَتْخِرَانِ بِأَجْسَادِ بَالِيَةٍ وَأَرْوَاحٍ فِي النَّارِ إِنْ يَكُنْ لَكَ عَقْلٌ فَإِنَّ لَكَ خُلُقًا وَإِنْ يَكُنْ لَكَ تَقْوَى فَإِنَّ لَكَ كَرَمًا وَإِلَّا فَالْجِمَارُ خَيْرٌ مِنْكَ وَلَسْتُ بِخَيْرٍ مِنْ أَحَدٍ؛ وسائل الشيعة، ج ١٦، ص ٤٣
٩-٣-١٧-٢-٥- يُنْزِلُهُ مَنْزِلَ الْكَرَامَةِ

﴿ ٣٩٥٢ ﴾ أمير المؤمنين عليه السلام: وَاعْلَمُوا أَنَّهُ مَنْ يَتَّقِ اللَّهَ يَجْعَلْ لَهُ مَخْرَجًا مِنَ الْفِتَنِ وَنُورًا مِنَ الظُّلُمِ وَيُخْلِدُهُ فِي مَا اشْتَهَتْ نَفْسُهُ وَيُنْزِلُهُ مَنْزِلَ الْكَرَامَةِ عِنْدَهُ فِي دَارِ اصْطِنَعَهَا لِنَفْسِهِ ظِلًّا عَرْشُهُ وَنُورًا بِهْجَتِهِ وَزُورًا مَلَأَتْكَتُهُ وَرُفَقَاؤُهَا رُسُلُهُ؛ نهج البلاغة، ص ٢٦٦
٩-٣-١٧-٢-٤- هَطَلَتْ عَلَيْهِ الْكَرَامَةُ

﴿ ٣٩٥٣ ﴾ أمير المؤمنين عليه السلام: فَمَنْ أَخَذَ بِالتَّقْوَى عَزَبَتْ عَنْهُ الشَّدَائِدُ بَعْدَ دُنُوبِهَا وَاحْلَوْلَتْ لَهُ الْأُمُورُ بَعْدَ مَرَارَتِهَا وَانْفَرَجَتْ عَنْهُ الْأَمْوَاجُ بَعْدَ تَرَاكُمِهَا وَأَسْهَلَتْ لَهُ الصَّعَابُ بَعْدَ انْصَابِهَا وَهَطَلَتْ عَلَيْهِ الْكَرَامَةُ بَعْدَ فُحُوطِهَا وَتَحَدَّبَتْ عَلَيْهِ الرَّحْمَةُ بَعْدَ نُفُورِهَا وَتَفَجَّرَتْ عَلَيْهِ النِّعَمُ بَعْدَ نُضُوبِهَا وَوَبَلَتْ عَلَيْهِ الْبَرَكَةُ بَعْدَ إِرْذَاذِهَا؛ نهج البلاغة، ص ٣١٢
٩-٣-١٧-٢-٧- مِفْتَاحُ الْكَرَمِ

﴿ ٣٩٥٤ ﴾ أمير المؤمنين عليه السلام: مِفْتَاحُ الْكَرَمِ التَّقْوَى؛ بحار الأنوار، ج ٧٥، ص ٩
٩-٣-١٧-٢-٨- إِنْ أَكْرَمَكُمْ عِنْدَ اللَّهِ اتَّقَاكُمْ

﴿ ٣٩٥٥ ﴾ يَا أَيُّهَا النَّاسُ إِنَّا خَلَقْنَاكُمْ مِنْ ذَكَرٍ وَأُنْثَى وَجَعَلْنَاكُمْ شُعُوبًا وَقَبَائِلَ لِتَعَارَفُوا إِنَّ أَكْرَمَكُمْ عِنْدَ اللَّهِ اتَّقَاكُمْ إِنَّ اللَّهَ عَلِيمٌ خَبِيرٌ؛ الحجرات ١٣

﴿ ٣٩٥٦ ﴾ الرَّسُولُ ﷺ: أَكْرَمَكُمْ عَلَيْهِ الْيَوْمَ اتَّقَاكُمْ؛ بحار الأنوار، ج ٢١، ص ١٣٨
﴿ ٣٩٥٧ ﴾ الرَّسُولُ ﷺ: يَقُولُ اللَّهُ تَعَالَى يَوْمَ الْقِيَامَةِ أَمَرْتُكُمْ فَضِيعْتُمْ مَا عَهَدْتُ إِلَيْكُمْ فِيهِ وَرَفَعْتُكُمْ أَنْسَابَكُمْ فَالْيَوْمَ أَرْفَعُ نَسَبِي وَأَضَعُ أَنْسَابَكُمْ أَيْنَ الْمُتَّقُونَ إِنَّ أَكْرَمَكُمْ عِنْدَ اللَّهِ اتَّقَاكُمْ؛ بحار الأنوار، ج ٦٧، ص ٢٧٨

﴿ ٣٩٥٨ ﴾ الرَّسُولُ ﷺ: كُلُّكُمْ بَنُو آدَمَ طَفَّ الصَّاعِ إِلَّا مَنْ أَكْرَمَهُ اللَّهُ بِالتَّقْوَى إِنَّ أَكْرَمَكُمْ عِنْدَ اللَّهِ اتَّقَاكُمْ؛ مستدرک الوسائل، ج ١١، ص ٢٦٧

﴿نتایج تقوا / نتایج پرهیزکاری در آخرت﴾

﴿۳۹۵۱﴾ دو نفر در خدمت امیر المؤمنین علیه السلام نسبت به گذشتگانشان به هم افتخار می کردند، حضرت فرمود: «آیا به بدن های پوسیده و ارواح به آتش کشیده شده افتخار می کنید؟ اگر عقل داشته باشید دارای خلق (اخلاق یا خلقت محترم و انسانی) هم هستید، اگر تقوا داشته باشید دارای کرامت هم هستید، و گر نه الاغ بهتر از شماس است و از کسی بهتر نیستید.

۵-۲-۱۷-۳-۹- بر جایگاه کرامت وارد می شود

﴿۳۹۵۲﴾ و بدانید هر کس تقوای خداوند را پیشه کند، حق تعالی راه بیرون شدن از فتنه و تباهی ها و روشنائی از تاریکی ها [ی نادانی و گمراهی] را به او نشان می دهد، و او را در آنچه آرزو داشته (بهشت) جاودان نگه می دارد، و او را نزد خود در منزل گرمی در سرایی که برای [دوستان] خویش اختیار فرموده وارد می نماید، سایه ی آن سرا عرش و روشنائی آن خشنودی خداست، و زیارت کنندگان آن فرشتگان و دوستان آن پیامبران او می باشند.

۶-۲-۱۷-۳-۹- کرامت بر او می بارد

﴿۳۹۵۳﴾ آن که دست به دامن تقوا بزند، سختی ها پس از نزدیک شدن از او دور می گردد، و امور بعد از تلخی برای او شیرین می شود، و امواج فتنه ها پس از تراکم از اطراف او پراکنده می گردد و دشواری ها پس از رنجاندنش بر او آسان می شود، و باران کرامت پس از نایاب شدن بر او می بارد، و رحمت رمیده شده به او روی می آورد، و چشمه ی نعمت پس از خشک شدن بر او به جوشش می آید و برکات کاسته شده بر او فراوان می گردد.

۷-۲-۱۷-۳-۹- کلید کرامت

﴿۳۹۵۴﴾ کلید کرم و بزرگواری تقواست.

۸-۲-۱۷-۳-۹- ارجمندترین شما نزد خدا پرهیزکارترین شماس است

﴿۳۹۵۵﴾ ای مردم، ما شما را از مرد و زنی آفریدیم، و شما را ملت و قبیله قبیله گردانیدیم تا با یکدیگر شناسایی متقابل حاصل کنید. در حقیقت ارجمندترین شما نزد خدا پرهیزکارترین شماس است. بی تردید، خداوند دانای آگاه است.

﴿۳۹۵۶﴾ امروز بهترین و گرامی ترین شما نزد خداوند، باتقواترین شماس است.

﴿۳۹۵۷﴾ خداوند متعال روز قیامت به مردم خطاب نموده و می فرماید: «اوامر و دستورهایی به شما دادم و شما عهد و پیمان بستید که آن ها را انجام دهید، ولی شما آن عهد و پیمان را نادیده گرفته و به نسبت و قومیت خود بالیدید. من هم امروز افرادی را که به من انتساب و ارتباط دارند، درجانشان را رفعت داده و مقام آن ها را بالا می برم و نسب های بی ارزش شما را پست و ناچیز می دانم. اهل تقوا کجا هستند؟ بیایند! که باتقواترین شما نزد خداوند گرامی هستند».

﴿۳۹۵۸﴾ ای فرزندان آدم! همه ی شما دارای نقص و کمبود هستید مگر آنان که خداوند آنان را با بخشش تقوا، گرامی داشته است؛ «گرامی ترین شما نزد خداوند با تقواترین شماس است».

﴿ ثَمَرَاتُ التَّقْوَى / ثَمَرَاتُ التَّقْوَى فِي الْآخِرَةِ ﴾

٩-٢-١٧-٣-٩- أكرم الناس

﴿ ٣٩٥٩ ﴾ الرسول ﷺ: يَا أَبَا ذَرٍّ مَنْ سَرَّهُ أَنْ يَكُونَ أَكْرَمَ النَّاسِ فَلْيَتَّقِ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ؛

مكارم الأخلاق، ص ٤٦٧

﴿ ٣٩٦٠ ﴾ الرسول ﷺ: اتَّقُوا اللَّهَ فَإِنَّهُ جَمَاعُ الْخَيْرِ وَقَالَ مَنْ أَحَبَّ أَنْ يَكُونَ أَكْرَمَ النَّاسِ

فَلْيَتَّقِ اللَّهَ؛ مشكاة الأنوار، ص ٤٥

﴿ ٣٩٦١ ﴾ الرسول ﷺ: مَنْ أَحَبَّ أَنْ يَكُونَ أَكْرَمَ النَّاسِ فَلْيَتَّقِ اللَّهَ؛ مشكاة الأنوار، ص ٤٥

٩-٢-١٧-٣-٩- لَيْسَ أَحَدٌ أَكْرَمَ مِنْ أَحَدٍ إِلَّا بِالتَّقْوَى

﴿ ٣٩٦٢ ﴾ الرسول ﷺ: لَيْسَ أَحَدٌ أَكْرَمَ مِنْ أَحَدٍ إِلَّا بِالتَّقْوَى؛ بحار الأنوار، ج ٣٧، ص ١١٣

٩-٢-١٧-٣-٩- أَعَزُّ الْكَرَمِ

﴿ ٣٩٦٣ ﴾ أمير المؤمنين عليه السلام: لَا كَرَمَ أَعَزُّ مِنَ التَّقْوَى؛ بحار الأنوار، ج ٦٧، ص ٢٨٨

٩-٢-١٧-٣-٩- كَرَمُ الرَّجُلِ تَقْوَاهُ

﴿ ٣٩٦٤ ﴾ الصادق عليه السلام: أَصْلُ الرَّجُلِ عَقْلُهُ وَحَسَبُهُ دِينُهُ وَكَرَمُهُ تَقْوَاهُ؛ بحار الأنوار، ج ٧٥، ص ٢٠٢

﴿ ٣٩٦٥ ﴾ الباقر عليه السلام: أَصْلُ الْمَرْءِ دِينُهُ وَحَسَبُهُ خُلُقُهُ وَكَرَمُهُ تَقْوَاهُ؛ مستدرک الوسائل، ج ١٢، ص ٨٩

﴿ ٣٩٦٦ ﴾ الرسول ﷺ: حَسَبُ الْمَرْءِ دِينُهُ وَمُرُوَّتُهُ وَعَقْلُهُ وَشَرَفُهُ وَجَمَالُهُ وَكَرَمُهُ تَقْوَاهُ؛

الكافي، ج ٨، ص ٧٩

٩-٢-١٧-٣-٩- أكرم الله

﴿ ٣٩٦٧ ﴾ الصادق عليه السلام: مَنْ اتَّقَى اللَّهَ أَكْرَمَهُ وَمَنْ أَطَاعَهُ أَحَبَّهُ وَمَنْ أَحَبَّهُ لَمْ يُعَذِّبْهُ بِالنَّارِ؛

بحار الأنوار، ج ١٠، ص ١٧٠

﴿ ٣٩٦٨ ﴾ الرسول ﷺ: اللَّهُمَّ كَرِّمْنِي بِالتَّقْوَى؛ الكافي، ج ٤، ص ٥٥١

٩-٢-١٧-٣-٩- تَكْرَمَ بِهِ عِنْدَ الْخَلْقِ

﴿ ٣٩٦٩ ﴾ حديث قدسي: يَا أَحْمَدُ الْوَرَعَ يَفْتَحُ عَلَى الْعَبْدِ أَبْوَابَ الْعِبَادَةِ فَتَكْرَمَ بِهِ عِنْدَ الْخَلْقِ وَ

يَصِلُ بِهِ إِلَى اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ؛ بحار الأنوار، ج ٧٤، ص ٢٦

٩-٢-١٧-٣- الشَّرَفُ

﴿ ٣٩٧٠ ﴾ أمير المؤمنين عليه السلام: فَمَنْ اتَّقَى اللَّهَ فَهُوَ الشَّرِيفُ الْمُكْرَمُ؛ بحار الأنوار، ج ٧٥، ص ٩٤

﴿نتایج تقوا / نتایج پرهیزکاری در آخرت﴾

۹-۲-۱۷-۳-۹- گرامی‌ترین مردم

﴿۳۹۵۹﴾ ای ابوذر! اگر کسی خوشحال می‌شود که از افراد باکرامت باشد، تقوای الهی پیشه کند.

﴿۳۹۶۰﴾ تقوای الهی داشته باشید که جمع همه‌ی خیرهاست، هرکس می‌خواهد گرامی‌ترین مردم باشد، تقوای الهی داشته باشد.

﴿۳۹۶۱﴾ هرکس دوست دارد گرامی‌ترین مردم باشد، باید تقوای خدا را پیشه کند.

۱۰-۲-۱۷-۳-۹- هیچ‌کسی از دیگری گرامی‌تر نیست مگر به خاطر تقوا

﴿۳۹۶۲﴾ هیچ‌کسی از دیگری گرامی‌تر نیست مگر به خاطر تقوا.

۱۱-۲-۱۷-۳-۹- عزیزترین کرامت

﴿۳۹۶۳﴾ کرامت و احترامی با ارزش‌تر از تقوا نیست.

۱۲-۲-۱۷-۳-۹- کرامت آدمی پرهیزکاری اوست

﴿۳۹۶۴﴾ اصل مرد عقل اوست و شرافتش دین او و بزرگواری‌اش تقوای اوست.

﴿۳۹۶۵﴾ اصالت فرد به دین او، حسب و نسبش به اخلاقش و کرامت او به تقوایش است.

﴿۳۹۶۶﴾ حسب و نسب فرد، به دین و مروّت و عقل و شرف و جمال و کرامت و تقوایش است.

۱۳-۲-۱۷-۳-۹- خداوند او را گرامی می‌دارد

﴿۳۹۶۷﴾ هرکس تقوا پیشه کند، خدا او را گرامی می‌دارد و هرکس خدا را اطاعت کند، محبوب او می‌شود، و خداوند محبوب خود را با آتش عذاب نمی‌کند.

﴿۳۹۶۸﴾ خداوند! مرا با [توفیق کسب] تقوا، کرامت ببخش.

۱۴-۲-۱۷-۳-۹- با پرهیزکاری نزد مردم گرامی می‌شود

﴿۳۹۶۹﴾ ای احمد! ورع درهای عبادت و بندگی را به روی بنده باز می‌کند و موجب گرامی‌شدن بنده در میان مردم است و بنده را به خدایش می‌رساند.

۳-۱۷-۳-۹- شرافت

﴿۳۹۷۰﴾ در این صورت هرکس که از خدا بترسد، او شریف و محترم است.

﴿ ثَمَرَاتُ التَّقْوَى / ثَمَرَاتُ التَّقْوَى فِي الْآخِرَةِ ﴾

﴿ ٣٩٧١ ﴾ أمير المؤمنين عليه السلام: لَا شَرَفَ إِلَّا بِالتَّقْوَى؛ مستدرک الوسائل، ج ١٣، ص ١٥٢

﴿ ٣٩٧٢ ﴾ الحسين عليه السلام: الشَّرَفُ التَّقْوَى؛ بحار الأنوار، ج ٧٥، ص ١٢٨

﴿ ٣٩٧٣ ﴾ الرضا عليه السلام: عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ مُوسَى بْنِ نَصْرِ الرَّازِيِّ قَالَ سَمِعْتُ أَبِي يَقُولُ قَالَ رَجُلٌ لِلرَّضَا عليه السلام وَاللَّهِ مَا عَلَى وَجْهِ الْأَرْضِ أَشْرَفُ مِنْكَ أَبَا فَقَالَ التَّقْوَى شَرَفَتْهُمْ وَطَاعَةُ اللَّهِ أَحْظَتْهُمْ؛ بحار الأنوار، ج ٤٦، ص ١٧٧
١-٣-١٧-٩- شَرَفُ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ

﴿ ٣٩٧٤ ﴾ أمير المؤمنين عليه السلام: التَّقْوَى ظَاهِرُهُ شَرَفُ الدُّنْيَا وَبَاطِنُهُ شَرَفُ الْآخِرَةِ؛ غرر الحكم،

ص ٢٧٤

٢-٣-١٧-٩- شَرَفُ كُلِّ عَمَلٍ

﴿ ٣٩٧٥ ﴾ الحسن عليه السلام: التَّقْوَى بَابُ كُلِّ تَوْبَةٍ وَرَأْسُ كُلِّ حِكْمَةٍ وَشَرَفُ كُلِّ عَمَلٍ؛ بحار الأنوار،

ج ٧٥، ص ١١٠

١٨-٣-٩- النُّورُ

١-٣-١٨-٩- نُورٌ تَمْشُونَ بِهِ

﴿ ٣٩٧٦ ﴾ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ وَآمِنُوا بِرَسُولِهِ يُؤْتِكُمْ كِفْلَيْنِ مِنْ رَحْمَتِهِ وَيَجْعَلْ لَكُمْ نُورًا

تَمْشُونَ بِهِ وَيَغْفِرْ لَكُمْ وَاللَّهُ غَفُورٌ رَحِيمٌ؛ الحديد ٢٨

٢-٣-١٨-٩- نُورٌ مِنَ الظُّلُمِ

﴿ ٣٩٧٧ ﴾ أمير المؤمنين عليه السلام: وَاعْلَمُوا أَنَّهُ مَنْ يَتَّقِ اللَّهَ يَجْعَلْ لَهُ مَخْرَجًا مِنَ الْفِتَنِ وَنُورًا مِنَ الظُّلُمِ وَيُخْلِدُهُ فِي مَا اشْتَهَتْ نَفْسُهُ وَيُنْزِلُهُ مَنْزِلَ الْكَرَامَةِ عِنْدَهُ فِي دَارِ اصْطِنَاعِهَا لِنَفْسِهِ ظِلُّهَا عَرْشُهُ وَنُورُهَا بَهْجَتُهُ وَزُورُهَا مَلَأَتْكَتُهُ وَرَفَقَاؤُهَا رُسُلُهُ؛ نهج البلاغة، ص ٢٦٦

٣-٣-١٨-٩- تَلْمَعُ وُجُوهُهُمْ نُورًا

﴿ ٣٩٧٨ ﴾ الرسول ﷺ: ثُمَّ تَرَدُّ عَلَى رَايَةِ أُخْرَى تَلْمَعُ وُجُوهُهُمْ نُورًا فَأَقُولُ لَهُمْ مَنْ أَنْتُمْ

فَيَقُولُونَ نَحْنُ أَهْلُ كَلِمَةِ التَّوْحِيدِ وَالتَّقْوَى نَحْنُ أُمَّةُ مُحَمَّدٍ ﷺ؛ بحار الأنوار، ج ٤٤، ص ٢٤٧

«نتایج تقوا / نتایج پرهیزکاری در آخرت»

﴿۳۹۷۱﴾ شرافت فقط با تقوا کسب می‌شود.

﴿۳۹۷۲﴾ شرافت و بزرگواری تقواست.

﴿۳۹۷۳﴾ محمد بن موسی گوید: از پدرم شنیدم مردی به امام رضا علیه السلام عرض کرد: «کسی روی زمین از شما با شخصیت‌تر از حیث پدر نیست». فرمود: «تقوی باعث شخصیت آن‌ها شد و بندگی خدا آن‌ها را به این مقام رساند». دیگری گفت: «به خدا قسم شما بهترین مردم هستی!» فرمود: «قسم نخور. بهتر از من کسی است که پرهیزکارتر و مطیع‌تر برای خدای متعال باشد».

۹-۳-۱۷-۳-۱- شرافت دنیا و آخرت

﴿۳۹۷۴﴾ تقوا، ظاهرش شرافت در دنیا و باطنش، شرافت در آخرت است.

۹-۳-۱۷-۳-۲- شرافت هر عملی

﴿۳۹۷۵﴾ تقوا راه ورود هر توبه و بازگشت است و در افق اعلائی هر خرد و دانایی، و مرتبه عالی هر کرداری است.

۹-۳-۱۸- نور

۹-۳-۱۸-۱- نوری که به آن ره می‌پیمایید

﴿۳۹۷۶﴾ ای کسانی که ایمان آورده‌اید! تقوای الهی پیشه کنید و به رسولش ایمان بیاورید تا دو سهم از رحمتش به شما ببخشد و برای شما نوری قرار دهد که با آن (در میان مردم و در مسیر زندگی خود) راه بروید و گناهان شما را ببخشد و خداوند غفور و رحیم است.

۹-۳-۱۸-۲- نوری در تاریکی‌ها

﴿۳۹۷۷﴾ و بدانید هر کس تقوای خداوند را پیشه کند، حق تعالی راه بیرون‌شدن از فتنه و تباهی‌ها و روشنایی از تاریکی‌ها [ای نادانی و گمراهی] را به او نشان می‌دهد، و او را در آنچه آرزو داشته (بهشت) جاودان نگه می‌دارد، و او را نزد خود در منزل گرمی در سرایی که برای [دوستان] خویش اختیار فرموده وارد می‌نماید، سایه‌ی آن سرا عرش و روشنایی آن خشنودی خداست، و زیارت‌کنندگان آن فرشتگان و دوستان آن پیامبران او می‌باشند.

۹-۳-۱۸-۳- روی‌هایشان از نور می‌درخشد

﴿۳۹۷۸﴾ گروهی با صورتهایی نورانی در زیر پرچمی وارد می‌شوند و من بدان‌ها می‌گویم: «شما چه کسانی هستید؟» می‌گویند: «ما اهل توحید و تقواییم؛ ما امت حضرت محمد صلی الله علیه و آله هستیم».

﴿ ثَمَرَاتُ التَّقْوَى / ثَمَرَاتُ التَّقْوَى فِي الْآخِرَةِ ﴾

١٨-٣-٩- أنار قلوب المتقين

﴿٣٩٧٩﴾ الرسول ﷺ: الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي أَلْهَمَ بَفَوَاتِحِ عِلْمِهِ النَّاطِقِينَ وَأَنَارَ بَثَوَاقِبِ عَظَمَتِهِ قُلُوبَ الْمُتَّقِينَ؛ مستدرک الوسائل، ج ١٤، ص ٢٠٤

﴿٣٩٨٠﴾ أمير المؤمنين عليه السلام: [قَالَ فِي عَمْرُو بْنِ الْحَقِيقِ:] اللَّهُمَّ نَوِّرْ قَلْبَهُ بِالتَّقَى وَاهْدِهِ إِلَى صِرَاطِكَ الْمُسْتَقِيمِ لَيْتَ أَنَّ فِي جُنْدِي مِائَةً مِثْلَكَ فَقَالَ حُجْرٌ إِذَا وَاللَّهِ يَا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ صَحَّ جُنْدُكَ وَقَلَّ فِيهِمْ مَنْ يَغِشُّكَ؛ بحار الأنوار، ج ٣٢، ص ٣٩٩

١٩-٣-٩- الرضوان

﴿٣٩٨١﴾ أمير المؤمنين عليه السلام: فَاتَّقُوا اللَّهَ عَزَّ ذِكْرُهُ وَسَارِعُوا إِلَى رِضْوَانِ اللَّهِ وَالْعَمَلِ بِطَاعَتِهِ وَالتَّقَرُّبِ إِلَيْهِ بِكُلِّ مَا فِيهِ الرِّضَا؛ الكافي، ج ٨، ص ١٧٣

﴿٣٩٨٢﴾ الحسين عليه السلام: أَبْهَا النَّاسِ فَإِنَّكُمْ إِنْ تَتَّقُوا اللَّهَ وَتَعْرِفُوا الْحَقَّ لِأَهْلِهِ يَكُنْ أَرْضَى لِلَّهِ عَنْكُمْ؛ بحار الأنوار، ج ٤٤، ص ٣٧٦

﴿٣٩٨٣﴾ العسكري عليه السلام: إِنَّ أَشْرَفَ أَعْمَالِ الْمُؤْمِنِينَ... الصَّلَاةُ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ الطَّيِّبِينَ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِمْ وَاسْتَدْعَاءُ رَحْمَةِ اللَّهِ وَرِضْوَانِهِ لِشِعَتِهِمُ الْمُتَّقِينَ؛ مستدرک الوسائل، ج ٥، ص ٣٤٠

﴿٣٩٨٤﴾ الرسول ﷺ: سَأَلَ عَلَىُّ عَلَيْهِ السَّلَامُ رَسُولَ اللَّهِ ﷺ عَنْ تَفْسِيرِ قَوْلِهِ يَوْمَ نَحْشُرُ الْمُتَّقِينَ آيَةً قَالَ يَا عَلِيُّ إِنَّ الْوَفْدَ لَا يَكُونُونَ إِلَّا رُكْبَانًا أُولَئِكَ رَجَالٌ اتَّقَوْا اللَّهَ فَأَحَبَّهُمُ اللَّهُ وَاخْتَصَّهُمْ وَرَضِيَ أَعْمَالَهُمْ فَسَمَّاهُمُ اللَّهُ الْمُتَّقِينَ؛ بحار الأنوار، ج ٧، ص ١٧٢

﴿٣٩٨٥﴾ أمير المؤمنين عليه السلام: يَا كَمِيلُ لَيْسَ الشَّانُ أَنْ تُصَلِّيَ وَتَصُومَ وَتَتَّصِدَّقَ [إِنَّمَا] الشَّانُ أَنْ تَكُونَ الصَّلَاةُ فُعِلَتْ بِقَلْبٍ تَقَى وَعَمَلٌ عِنْدَ اللَّهِ مَرْضَى وَخُشُوعٌ سَوَى وَإِقْبَاءٌ لِلْجِدِّ فِيهَا؛ مستدرک الوسائل، ج ٤، ص ٩٤

﴿٣٩٨٦﴾ دعاء في اليوم الخامس عشر: أَعْطِ نَفْسِي تَقْوَاهَا فِي كُلِّ يَوْمٍ مَا يُرْضِيكَ عَنِّي؛ إقبال الأعمال، ص ١٥٣

﴿٣٩٨٧﴾ أمير المؤمنين عليه السلام: إِنَّ اللَّهَ تَعَالَى أَوْصَاكُمْ بِالتَّقْوَى وَجَعَلَهَا رِضَاهُ مِنْ خَلْقِهِ؛ غرر الحكم، ص ٢٦٩

﴿نتایج تقوا / نتایج پرهیزکاری در آخرت﴾

۹-۳-۱۸-۴- قلب‌های پرهیزکاران نور می‌پراکند

﴿۳۹۷۹﴾ سپاس خداوندی را که با کلید عملش به ناطقین الهام کرد و با شهاب‌های عظمتش قلوب متقین را روشنی بخشید.

﴿۳۹۸۰﴾ [در دعا برای عمروبن‌حمق فرمود:] بارِ الهی! دل او را به نور تقوا روشن دار و وی را به راه راست هدایت فرما. (خطاب به او فرمود): ای کاش در سپاه من صد نفر همانند تو می‌بودند. حجر گفت: «ای امیر مؤمنان! بنابراین تو را به خدا سوگند، سپاه خود را پاکسازی کن و شماری از آنان که به تو نیرنگ می‌زنند، طرد نما».

۹-۳-۱۹- رضایت

﴿۳۹۸۱﴾ از خدای والامقام بترسید و به‌سوی رضوان خدا و انجام طاعت و تقرّب به او و هرچه خشنودی او در آن است، بشتابید.

﴿۳۹۸۲﴾ ای گروه مردم! اگر شما از خدا بترسید و حق را برای اهل آن بشناسید باعث خشنودی خداوند از شما می‌باشد.

﴿۳۹۸۳﴾ بهترین مأموریت آن‌ها در هر مرتبه‌ای این است که... صلوات بر محمد و آل پاکش بفرستند و تقاضای رحمت و مغفرت و رضوان الهی برای شیعیان پرهیزکار آن‌ها نمایند.

﴿۳۹۸۴﴾ علی‌الکلیه از رسول خدا ﷺ درباره‌ی آیه‌ی: «يَوْمَ نَحْشُرُ الْمُتَّقِينَ إِلَى الرَّحْمَنِ وَفْدًا» پرسید؛ فرمود: «وفد جز سواره نیست؛ آنان مردانی هستند که تقوای الهی پیشه کردند و خدا آنان را دوست می‌دارد و آنان را جدا کرده و از اعمالشان راضی گشته و آنان را متقین نامیده‌اند».

﴿۳۹۸۵﴾ ای کمیل! مقام تو به این نیست که نماز بخوانی و روزه بگیری و صدقه بدهی. مقام آن است که نماز همراه قلب پاک انجام شود و موردپسند الهی بوده، همراه با خشوع متعادل و دوام جدیت باشد.

﴿۳۹۸۶﴾ [دعای روز پانزدهم:] در همه‌ی روزها به من تقوای نفسی عطا کن که تو را از من راضی کند.

﴿۳۹۸۷﴾ خداوند متعال شما را به تقوا توصیه کرده و آن را شرط رضایتش از مخلوقاتش قرار داده است.

﴿ثَمَرَاتُ التَّقْوَى / ثَمَرَاتُ التَّقْوَى فِي الْآخِرَةِ﴾

﴿٣٩٨٨﴾ السَّجَّادُ عليه السلام: أَسْأَلُكَ بَانَ لَكَ الطُّوْلَ وَالْقُدْرَةَ وَالْحَوْلَ وَأَنْ تَحُطَّ عَنِّي وَزْرِي وَتَعْصِمَنِي وَتَجْعَلَنِي مِنَ الَّذِينَ أَنْجَبْتَهُمْ لِطَاعَتِكَ وَأَدْخَلْتَهُمُ بِالْثَقْوَى فِي سَعَةِ رَحْمَتِكَ وَرِضْوَانِكَ؛ إقبال الأعمال، ص ١٤٩

﴿٣٩٨٩﴾ الرَّسُولُ ﷺ: إِنَّ تَقْوَى اللَّهِ تُبَيِّضُ الْوُجُوهُ وَتُرْضِي الرَّبَّ وَتَرْفَعُ الدَّرَجَةَ؛
مستدرک الوسائل، ج ٦، ص ٣٣
١-١٩-٣-٩-رضوان من الله

﴿٣٩٩﴾ زَيْنَ لِلنَّاسِ حُبُّ الشَّهَوَاتِ مِنَ النِّسَاءِ وَالْبَنِينَ وَالْقَنَاطِيرِ الْمُقَنْطَرَةِ مِنَ الذَّهَبِ وَ
الْفِضَّةِ وَالْخَيْلِ الْمُسَوَّمَةِ وَالْأَنْعَامِ وَالْحَرْثَ ذَلِكَ مَتَاعُ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَاللَّهُ عِنْدَهُ حُسْنُ الْمَاِبِ ﴿٣٩٩﴾ قُلْ أ
أُنَبِّئُكُمْ بِخَيْرٍ مِنْ ذَلِكَ لِّلَّذِينَ اتَّقَوْا عِنْدَ رَبِّهِمْ جَنَّاتٌ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ خَالِدِينَ فِيهَا وَأَزْوَاجٌ
مُطَهَّرَةٌ وَرِضْوَانٌ مِّنَ اللَّهِ وَاللَّهُ بَصِيرٌ بِالْعِبَادِ؛ آل عمران ١٥-١٤

٢-١٩-٣-٩- رِضْوَانُ اللَّهِ

﴿٣٩٩﴾ أمير المؤمنين (عليه السلام): أَوْصِيَكُمْ بِتَقْوَى اللَّهِ فَإِنَّ تَقْوَى اللَّهِ خَيْرُ مَا تَوَاصَى بِهِ عِبَادُ اللَّهِ وَ أَقْرَبُهُ إِلَى رِضْوَانِ اللَّهِ وَ خَيْرُهُ فِي عَوَاقِبِ الْأُمُورِ عِنْدَ اللَّهِ؛ بحار الأنوار، ج ٣٢، ص ٣٥٦

٣-١٩-٩- منتهى رضاه

﴿٣٩٩٢﴾ أمير المؤمنين (عليه السلام): وَأَوْصَاكُمْ بِالْتَّقْوَى وَجَعَلَهَا مُمْتَهَى رِضَاهُ وَحَاجَّتَهُ مِنْ خَلْفِهِ؛ نهج البلاغة، ص ٢٦٦

﴿٣٩٩٣﴾ أمير المؤمنين (عليه السلام): إِنَّ التَّقْوَى مُنْتَهَى رِضَى اللَّهِ مِنْ عِبَادِهِ وَحَاجَتِهِ مِنْ خَلْقِهِ؛
غرر الحكم، ص ٢٦٩

﴿٣٩٩٤﴾ الْحَسَنُ (رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ): أَوْصَاكُمْ بِالتَّقْوَى وَجَعَلَ التَّقْوَى مُنْتَهَى رِضَاهُ؛ بحار الأنوار، ج ٧٥، ص ١١٠

﴿٣٩٩﴾ العسكري التَّائِبُ: يَوْمَ يَخْسِرُ فِيهِ الْمُبْطِلُونَ وَيُخْشَرُ إِلَى رَبِّهِم بِالْحُسْنَى وَالسُّرُورِ
الْمُتَّقُونَ؛ مستدرک الوسائل، ج ١١، ص ٢٥٣

١٩-٣-٩٠- العرس

﴿ ٣٩٩٦ ﴾ الصَّادِقُ عَلَيْهِ السَّلَامُ: الْقِيَامَةُ عُرْسٌ لِلْمُتَّقِينَ؛ روضهاواعظين، ج ٢، ص ٤٩٧

﴿نتایج تقوا / نتایج پرهیزکاری در آخرت﴾

﴿۳۹۸۸﴾ به این سبب که بخشش و قدرت و بازدارندگی از آن توسست، از تو می‌خواهم که بار گناه مرا از دوشم برداری و مرا نگاه داری و از کسانی بگردانی که برای طاعتت برگزیده‌ای و به واسطه‌ی پرهیزکاری در رحمت گسترده و خشنودیات وارد کنی.

﴿۳۹۸۹﴾ تقوای الهی چهره را سپید و خدا را خشنود و مرتبه را بلند می‌کند.

۱-۱۹-۳- رضایت خداوند

﴿۳۹۹۰﴾ محبت امور مادی، از زنان و فرزندان و اموال هنگفت از طلا و نقره و اسب‌های ممتاز و چهارپایان و زراعت، در نظر مردم جلوه داده شده است (تا در پرتو آن، آزمایش و تربیت شوند ولی) این‌ها (در صورتی که هدف نهایی آدمی را تشکیل دهند)، سرمایه زندگی پست (مادی) است و سرانجام نیک (و زندگی والا و جاویدان)، نزد خداست. * بگو: «آیا شما را از چیزی آگاه کنم که از این (سرمایه‌های مادی)، بهتر است؟» برای کسانی که پرهیزکاری پیشه کرده‌اند، (و از این سرمایه‌ها، در راه مشروع و حق و عدالت، استفاده می‌کنند)، در نزد پروردگارشان (در جهان دیگر)، باغ‌هایی است که نهرها از پای درختانش می‌گذرد همیشه در آن خواهند بود و همسرانی پاکیزه، و خشنودی خداوند (نصیب آن‌هاست). و خدا به (امور) بندگان، بیناست.

۲-۱۹-۳- رضایت خداوند

﴿۳۹۹۱﴾ من شما را به تقوای الهی سفارش می‌کنم زیرا تقوا بهترین چیزی است که بندگان خدا به آن سفارش می‌شوند، و نزدیک‌ترین وسیله برای جلب رضایت خداست و نزد خداوند خوش عاقبت‌ترین کارهاست.

۳-۱۹-۳- نهایت رضایت خداوند

﴿۳۹۹۲﴾ و شما را به تقوا و پرهیزکاری سفارش نموده و آن را آخرین مرتبه‌ی رضا و خشنودی خود قرار داده و از بندگان خواسته است که از معاصی پرهیز نموده از او بترسند، و به طاعت بکوشند.]

﴿۳۹۹۳﴾ تقوا، نهایت رضای خداوند از بندگان و تمام خواسته‌ی او از مخلوقاتش است.

﴿۳۹۹۴﴾ [خداوند] شما را به پرهیزکاری که نهایت خشنودی اوست سفارش کرده است.

۴-۱۹-۳- با شادمانی نزد پروردگارشان محشور می‌شود

﴿۳۹۹۵﴾ روزی که بدکاران زیان می‌کنند، و پرهیزکاران با نیکی و شادی به‌سوی پروردگارشان برانگیخته می‌شوند.

۵-۱۹-۳- جشن

﴿۳۹۹۶﴾ قیامت برای پرهیزکاران، مانند عروسی [و بزم شادی] است.

﴿۱۱۳۳﴾

﴿ثَمَرَاتُ النَّقْوَى / ثَمَرَاتُ النَّقْوَى فِي الْآخِرَةِ﴾

﴿٣٩٩٧﴾ الصَّادِقُ (عليه السلام): الْقِيَامَةُ عُرْسُ الْمُتَّقِينَ؛ مستدرک الوسائل، ج ١١، ص ٢٦٥

٢٠-٣-٩- مع النبي ﷺ و الأئمة عليهم السلام

۱-۲۰-۳-۹- مع النبي ﷺ

﴿٣٩٩﴾ الرَّسُولُ ﷺ: وَإِذَا فِيهَا رَجُلٌ أَشْمَطُ الرَّأْسِ وَاللَّحْيَةِ جَالِسٌ عَلَى كُرْسَى فَقُلْتُ يَا جَبْرِئِيلُ مَنْ هَذَا الَّذِي فِي السَّمَاءِ السَّابِعَةِ عَلَى بَابِ الْبَيْتِ الْمَعْمُورِ فِي جِوَارِ اللَّهِ فَقَالَ هَذَا يَا مُحَمَّدُ أَبُوكَ إِبْرَاهِيمُ وَهَذَا مَحْلُكُ وَمَحَلُّ مَنْ أَتَى مِنْ أُمَّتِكَ ثُمَّ قَرَأَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ إِنَّ أَوْلَى النَّاسِ بِإِبْرَاهِيمَ لِلَّذِينَ اتَّبَعُوهُ وَهَذَا النَّبِيُّ وَالَّذِينَ آمَنُوا وَاللَّهُ وَلِيُّ الْمُؤْمِنِينَ؛ بحار الأنوار، ج ١٨، ص ٣٢٥

٢-٢٠-٣-٩- مع الأئمة عليهم السلام

﴿٣٩٩٩﴾ الصَّادِقُ (عليه السلام): إِنْ كُنْتُمْ تُرِيدُونَ أَنْ تَكُونُوا مَعَنَا يَوْمَ الْقِيَامَةِ لَا يَلْعَنُ بَعْضُكُمْ بَعْضًا فَاتَّقُوا اللَّهَ وَأَطِيعُوا بِحَارِ الْأَنْوَارِ، ج ٨، ص ١٤

١-٢-٢٠-٣-٩- مع الأئمة العظماء في درجتهم

﴿٤٠٠﴾ الصَّادِقُ (عليه السلام): عَنْ أَبِي بصيرٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ (عليه السلام) فِي حَدِيثٍ قَالَ قُلْتُ جُعِلْتُ فِدَاكَ أَشَيِّعْتَكُمْ مَعَكُمْ قَالَ نَعَمْ إِذَا هُمْ خَافُوا اللَّهَ وَرَاقَبُوهُ وَاتَّقَوْهُ وَأَطَاعُوهُ وَاتَّقُوا الذُّنُوبَ فَإِذَا فَعَلُوا ذَلِكَ كَانُوا مَعَنَا فِي دَرَجَتِنَا؛ مستدرک الوسائل، ج ١١، ص ٢٣٥

٢-٢-٢٠-٣-٩- مع الأئمة عليهم السلام في الرفيق الأعلى

﴿٢٠١﴾ الصَّادِقُ عَلَيْهِ السَّلَامُ: قَالَ اتَّقُوا اللَّهَ اتَّقُوا اللَّهَ اتَّقُوا اللَّهَ اتَّقُوا اللَّهَ عَلَيْكُمْ بِالْوَرَعِ وَصِدْقِ الْحَدِيثِ وَ إِذَاءَ الْأَمَانَةِ وَعِفَّةِ الْبَطْنِ وَالْفَرْجِ تَكُونُوا مَعَنَا فِي الرَّفِيقِ الْأَعْلَى؛ بحار الأنوار، ج ٦٤، ص ٣-٢٠-٩-٣-٢٠

﴿٤٠٠٢﴾ الصَّادِقُ (عليه السلام): مَنْ اتَّقَى مِنْكُمْ وَأَصْلَحَ فَهُوَ مِنَّا أَهْلَ الْبَيْتِ؛ دعائم الإسلام، ج ١، ص ٦٢

﴿نتایج تقوا / نتایج پرهیزکاری در آخرت﴾

﴿۳۹۹۷﴾ روز قیامت روز شادی متقین است.

۹-۳-۲۰- همراهی با پیامبر ﷺ و ائمه اطهار

۹-۳-۲۰-۱- همراهی با پیامبر ﷺ

﴿۳۹۹۸﴾ در آنجا (آسمان هفتم) مردی را دیدم که موی سر و ریش او سیاه و سفید بود و بر تختی نشسته بود. پرسیدم: «ای جبرئیل! این مرد کیست که در آسمان هفتم و بر در بیت المعمور و جوار باری تعالی ساکن است؟» گفت: «این پدرت، ابراهیم است و این مقام و محلّ تو و پرهیزکاران امت تو خواهد بود»، سپس پیامبر ﷺ خواند: «سزاوارترین مردم به ابراهیم، آن‌ها هستند که از او پیروی کردند، و [در زمان و عصر او، به مکتب او وفادار بودند همچنین] این پیامبر و کسانی که [به او] ایمان آورده‌اند [از همه سزاوارترند] و خداوند، ولیّ و سرپرست مؤمنان است».

۹-۳-۲۰-۲- همراهی با ائمه اطهار

﴿۳۹۹۹﴾ اگر می‌خواهید روز قیامت با ما باشید یکدیگر را لعن نکنید؛ پس از خدا بترسید و اطاعت کنید.

۹-۳-۲۰-۲-۱- همراهی با ائمه اطهار در درجه‌ی ایشان

﴿۴۰۰۰﴾ ابوبصیر گوید: به امام صادق علیه السلام عرض کردم: «فدایت شوم! آیا شیعیان شما نیز همراه و هم‌درجه‌ی شما هستند؟» فرمود: «آری، وقتی که آنان از خدا بترسند و مراقبت کنند و تقوای الهی داشته و از خدا اطاعت کنند و از گناهان پرهیز کنند و همه‌ی این کارها را انجام دهند، در درجه‌ای که ما هستیم، همراه ما خواهند بود».

۹-۳-۲۰-۲-۲- همراهی با ائمه اطهار در مقام بالا

﴿۴۰۰۱﴾ از خدا پروا کنید، از خدا پروا کنید، از خدا پروا کنید. بر شما باد به تقوا، راستگویی، امانتداری، حفظ عفت و پاکدامنی، تا در اعلیٰ علّیین با ما باشید.

۹-۳-۲۰-۳- از ما اهل بیت اطهار است

﴿۴۰۰۲﴾ هر کدام شما که تقوا پیشه کند و [امر خویش را] اصلاح کند، از ما اهل بیت محسوب می‌شود.

الفصل العاشر: عَوَاقِبُ فَقْدِ التَّقْوَى وَ مُفَارَقَتُهُ

١٠-١- الصِّفَاتُ الَّتِي تَوْلَدُ مِنْ عَدَمِ رِعَايَةِ التَّقْوَى

١٠-١-١- الْخِيَانَةُ

﴿٤٠٣﴾ أمير المؤمنين عليه السلام: الْخِيَانَةُ دَلِيلٌ عَلَى قِلَّةِ الْوَرَعِ وَ عَدَمِ الدِّيَانَةِ؛ مستدرک الوسائل، ج ١٤، ص ١٤

١٠-١-٢- الشَّرُّ

﴿٤٠٤﴾ الرسول الله: مَنْ لَمْ يَتَحَلَّ بِالْوَرَعِ اسْتَفَادَهُ الشَّرُّ وَ مَلَكَتْهُ الْأَطْمَاعُ؛ مجموعة ورام، ج ٢، ص ١١٥

١٠-١-٣- الشَّرْكُ

﴿٤٠٥﴾ الصادق عليه السلام: إِنَّمَا يَتَقَبَّلُ اللَّهُ مِنَ الْمُتَّقِينَ فَمَنْ اتَّقَى اللَّهَ عَزَّ وَ جَلَّ فِيمَا أَمَرَهُ لَقِيَ اللَّهَ عَزَّ وَ جَلَّ مُؤْمِنًا بِمَا جَاءَ بِهِ مُحَمَّدٌ الله هَيْهَاتَ هَيْهَاتَ فَاتَ قَوْمٌ وَ مَاتُوا قَبْلَ أَنْ يَهْتَدُوا وَ ظَنُّوا أَنَّهُمْ آمَنُوا وَ أَشْرَكُوا مِنْ حَيْثُ لَا يَعْلَمُونَ؛ الكافي، ج ٢، ص ٤٧

١٠-١-٤- الطَّمَعُ

﴿٤٠٦﴾ أمير المؤمنين عليه السلام: مَنْ لَمْ يُصْلِحْهُ الْوَرَعُ أَفْسَدَهُ الطَّمَعُ؛ غرر الحكم، ص ٢٩٧

﴿٤٠٧﴾ الرسول الله: مَنْ لَمْ يَتَحَلَّ بِالْوَرَعِ اسْتَفَادَهُ الشَّرُّ وَ مَلَكَتْهُ الْأَطْمَاعُ؛ مجموعة ورام، ج ٢، ص ١١٥

١٠-١-٥- الْعِدَاوَةُ

﴿٤٠٨﴾ هَلْ يَنْظُرُونَ إِلَّا السَّاعَةَ أَنْ تَأْتِيَهُمْ بَغْتَةً وَهُمْ لَا يَشْعُرُونَ * الْأَخِلَاءُ يَوْمَئِذٍ بَعْضُهُمْ

لِبَعْضٍ عَدُوٌّ إِلَّا الْمُتَّقِينَ؛ الزخرف ٦٧-٦٦

١٠-١-٦- الْفُجُورُ

﴿٤٠٩﴾ الرسول الله: يَا مَعْشَرَ التُّجَّارِ أَنْتُمْ فُجَّارٌ إِلَّا مَنْ اتَّقَى وَ بَرَّ وَ صَدَقَ؛ مستدرک الوسائل،

ج ١٣، ص ٢٤٩

فصل ۱۰: پی‌آمدهای نداشتن تقوا و جدایی از آن

۱۰-۱- صفتی که از نداشتن تقوا نتیجه می‌شود

۱۰-۱-۱- خیانت

﴿۴۰۳﴾ خیانت گواهی بر کمبود ورع و نبود دیانت است.

۱۰-۱-۲- بدی

﴿۴۰۴﴾ کسی که مزین به ورع نباشد، شرّ، پیشوای او شده و طمع‌ها بر او مسلط می‌شوند.

۱۰-۱-۳- شرک

﴿۴۰۵﴾ «خدا، تنها از پرهیزکاران می‌پذیرد»؛ پس هرکس در آنچه خداوند به آن دستور داده از خداوند پروا نماید، خداوند بلندمرتبه را در حالی ملاقات می‌کند که به آنچه که محمد ﷺ آورده، ایمان دارد. افسوس، افسوس، قومی پیش از آنکه هدایت شوند، مردند و گمان بردند که ایمان آوردند حال آنکه ندانسته مشرک بودند.

۱۰-۱-۴- طمع

﴿۴۰۶﴾ کسی را که ورع اصلاح نکرده، طمع فاسد می‌کند.

﴿۴۰۷﴾ کسی که مزین به ورع نباشد، شرّ، پیشوای او شده و طمع‌ها بر او مسلط می‌شوند.

۱۰-۱-۵- دشمنی

﴿۴۰۸﴾ دوستان در آن روز دشمن یکدیگرند، مگر پرهیزکاران!

۱۰-۱-۶- گناه

﴿۴۰۹﴾ ای تاجران! شما گناهکارید، مگر کسی که پرهیزکار باشد و نیکی کند و راست بگوید.

﴿عَوَاقِبُ فَقْدِ التَّقْوَى فِي الدُّنْيَا﴾

١٠-٢- عَوَاقِبُ فَقْدِ التَّقْوَى فِي الدُّنْيَا

١٠-٢-١- سَخَطُ اللَّهِ وَمَقْتُهُ

﴿٤٠١٠﴾ أمير المؤمنين عليه السلام: فَاتَّقُوا اللَّهَ عِبَادَ اللَّهِ وَجَاهِدُوا فِي سَبِيلِهِ قَبْلَ أَنْ يَنَالَكُمْ سَخَطُهُ

بَعْضِيَانِكُمْ لَهُ؛ بحار الأنوار، ج ٣٤، ص ١٣٤

﴿٤٠١١﴾ العسكري عليه السلام: فَاتَّقُوا اللَّهَ وَلَا تَتَعَرَّضُوا لِمَقْتِ اللَّهِ بِتَرْكِ التَّقِيَّةِ وَالتَّقْصِيرِ فِي

حُقُوقِ إِخْوَانِكُمُ الْمُؤْمِنِينَ؛ بحار الأنوار، ج ٧١، ص ٢٢٩

١٠-٢-٢- لَا يَتَقَبَّلُ اللَّهُ مِنْهُ

﴿٤٠١٢﴾ وَأَثَلُ عَلَيْهِمْ نَبَأُ ابْنِي آدَمَ بِالْحَقِّ إِذْ قَرَّبَا قُرْبَانًا فَتَقَبَّلَ مِنْ أَحَدِهِمَا وَلَمْ يُتَقَبَّلْ مِنَ الْآخَرِ

قَالَ لِأَقْتُلَنَّكَ قَالَ إِنَّمَا يَتَقَبَّلُ اللَّهُ مِنَ الْمُتَّقِينَ؛ المائدة ٢٧

﴿٤٠١٣﴾ عَلَى بْنِ إِبْرَاهِيمَ عليه السلام: وَقَوْلُهُ لَنْ يَنَالَ اللَّهُ لُحُومُهَا وَلَا دِمَاؤُهَا وَلَكِنْ يَنَالُهُ التَّقْوَى مِنْكُمْ

أَيُّ لَا يَبْلُغُ مَا يَتَقَرَّبُ بِهِ إِلَى اللَّهِ وَإِنْ نَحَرَهَا إِذَا لَمْ يَتَّقِ اللَّهَ وَإِنَّمَا يَتَقَبَّلُ مِنَ الْمُتَّقِينَ؛ بحار الأنوار،

ج ٩٦، ص ٢٨٤

﴿٤٠١٤﴾ الصَّادِقُ عليه السلام: عُمَرُ بْنُ حَنْظَلَةَ قَالَ قُلْتُ لِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام إِنَّ آيَةً فِي الْقُرْآنِ

تُشَكِّكُنِي قَالَ وَمَا هِيَ قُلْتُ قَوْلُ اللَّهِ تَعَالَى إِنَّمَا يَتَقَبَّلُ اللَّهُ مِنَ الْمُتَّقِينَ قَالَ وَآيُ شَيْءٍ شَكَّكَتَ

فِيهَا قُلْتُ مَنْ صَلَّى وَصَامَ وَعَبَدَ اللَّهَ قَبْلَ مِنْهُ قَالَ إِنَّمَا يَتَقَبَّلُ اللَّهُ مِنَ الْمُتَّقِينَ الْعَارِفِينَ ثُمَّ قَالَ

أَنْتَ أَزْهَدُ فِي الدُّنْيَا أَمْ الضَّحَّاكُ بْنُ قَيْسٍ قُلْتُ لَا بَلِ الضَّحَّاكُ بْنُ قَيْسٍ قَالَ فَذَلِكَ لَا يَتَقَبَّلُ مِنْهُ

شَيْءٌ كَمَا ذَكَرْتُ؛ مستدرک الوسائل، ج ١، ص ١٦١

﴿٤٠١٥﴾ الصَّادِقُ عليه السلام: عَنْ الْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ الْعَسْكَرِيِّ عَنْ آبَائِهِ عَنِ الصَّادِقِ عليه السلام فِي حَدِيثٍ

طَوِيلٍ قَالَ إِنَّ مَنْ اتَّبَعَ هَوَاهُ وَأَعْجَبَ بَرَأْيِهِ كَانَ كَرَجُلٍ سَمِعَتْ غُثَاءُ الْعَامَّةِ تَعْظُمُهُ وَتَصِفُهُ

فَأَحْبَبَتْ لِقَاءَهُ مِنْ حَيْثُ لَا يَعْرِفُنِي فَرَأَيْتُهُ قَدْ أَخَذَ بِهِ خَلْقٌ كَثِيرٌ مِنْ غُثَاءِ الْعَامَّةِ فَمَا زَالَ

يُرَاوِغُهُمْ حَتَّى فَارَقَهُمْ وَلَمْ يَقِرَّ فَنَبِغْتُهُ فَلَمْ يَلْبَثْ أَنْ مَرَّ بِخَبَّازٍ فَتَغَفَّلَهُ فَأَخَذَ مِنْ ذَكَانِهِ رَغِيفَيْنِ

مُسَارِقَةً فَتَعَجَّبْتُ مِنْهُ ثُمَّ قُلْتُ فِي نَفْسِي لَعَلَّهُ مُعَامَلَةٌ ثُمَّ مَرَّ بَعْدَهُ بِصَاحِبٍ رُمَّانٍ فَمَا زَالَ بِهِ حَتَّى

تَغَفَّلَهُ وَأَخَذَ مِنْ عِنْدِهِ رُمَّانَتَيْنِ مُسَارِقَةً فَتَعَجَّبْتُ مِنْهُ ثُمَّ قُلْتُ فِي نَفْسِي لَعَلَّهُ مُعَامَلَةٌ ثُمَّ أَقُولُ وَ

﴿پیامد بی تقوایی در دنیا﴾

۲-۱۰- پیامد بی تقوایی در دنیا

۱-۲-۱۰- خشم خدا

﴿۴۰۱۰﴾ ای بندگان خدا! از خدا بترسید و در راهش جهاد کنید؛ پیش از آنکه در اثر گناهانتان غضبش به سوی شما آید و شما را در بر گیرد.

﴿۴۰۱۱﴾ از خدا بترسید و خود را به سبب ترک تقیه و تقصیر در ادای حقوق برادران خود، دچار دشمنی با خدا نکنید.

۲-۲-۱۰- عدم پذیرش اعمال

﴿۴۰۱۲﴾ و داستان دو فرزند آدم را به حق بر آن‌ها بخوان: هنگامی که هر کدام، کاری برای تقرب (به پروردگار) انجام دادند اما از یکی پذیرفته شد، و از دیگری پذیرفته نشد (برادری که عملش مردود شده بود، به برادر دیگر) گفت: «به خدا سوگند تو را خواهم کشت!» (برادر دیگر) گفت: «(من چه گناهی دارم؟ زیرا) خدا، تنها از پرهیزکاران می‌پذیرد!

﴿۴۰۱۳﴾ خداوند فرموده است: «نه گوشت‌ها و نه خون‌های آن‌ها، هرگز به خدا نمی‌رسد. آنچه به او می‌رسد، تقوا و پرهیزکاری شماست». یعنی اگر تقوا نداشته باشد، آنچه را که به واسطه‌ی آن به خدا تقرب می‌جوئید به خدا نمی‌رسد هر چند آن را نحر کند. و خداوند تنها از پرهیزکاران می‌پذیرد.

﴿۴۰۱۴﴾ عمر بن حنظله گوید: به امام صادق علیه السلام عرض کردم: «یک آیه در قرآن مرا به شک انداخته است». فرمود: «کدام آیه؟» عرض کردم: «آیه‌ی: «خدا، تنها از پرهیزکاران می‌پذیرد!»،». فرمود: «در چه چیز این آیه شک کرده‌ای؟» گفتم: «هرکس نماز بخواند و روزه بگیرد و خدا را بپرستد، از او می‌پذیرد». فرمود: «خداوند از پرهیزکاران عارف می‌پذیرد». بعد فرمود: «تو پارسا و زاهدتر هستی یا ضحاک بن قیس؟» گفتم: «نه، ضحاک بن قیس». فرمود: «از او هیچ یک از عبادت‌هایی را که ذکر کردی نمی‌پذیرند».

﴿۴۰۱۵﴾ امام عسکری علیه السلام از پدران بزرگوارش نقل می‌کند که: امام صادق علیه السلام در حدیثی طولانی فرمود: «کسی که از هوای نفسش تبعیت کند و شیفته‌ی نظر خویش باشد مثل آن مردی است که شنیدم توسط عامه‌ی مردم نادان، بزرگ داشته می‌شود و او را [به نیکی] توصیف می‌کنند و از آنجا که او را نمی‌شناختم، دوست داشتم او را ببینم و او را در حالی دیدم که گروهی از مردم عوام به گردش حلقه زده‌اند. پنهان و مخفی از آن‌ها ایستادم. درحالی که چهره‌ی خود را پوشانده بودم و به او و مردم نگاه می‌کردم. همواره با مکر و حيله با آن‌ها رفتار می‌نمودم! تا اینکه از ایشان جدا شد! من به دنبال او رفتم و چیزی نگذشت که به ناوایی رسید سر او را گرم کرد و از دکانش دو نان دزدید. تعجب کردم و پیش خود گفتم شاید با صاحب دکان حساب قبلی دارد! بعد از آن نزد انارفروشی رفت و مدام

﴿عَوَاقِبُ فَهْدِ التَّقْوَى فِي الدُّنْيَا﴾

مَا حَاجْتُهُ إِذَا إِلَى الْمَسَارِقَةِ ثُمَّ لَمْ أَزَلْ أَتَّبِعْهُ حَتَّى مَرَّ بِمَرِيضٍ فَوَضَعَ الرَّغِيفَيْنِ وَالرُّمَانَتَيْنِ بَيْنَ يَدَيْهِ ثُمَّ ذَكَرَ أَنَّهُ سَأَلَهُ عَنْ فِعْلِهِ فَقَالَ لَهُ لَعَلَّكَ جَعَفَرُ بْنُ مُحَمَّدٍ قُلْتُ بَلَى فَقَالَ لِي فَمَا يَنْفَعُكَ شَرَفُ أَصْلِكَ مَعَ جَهْلِكَ فَقُلْتُ وَمَا الَّذِي جَهَلْتُ مِنْهُ قَالَ قَوْلُ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ مَنْ جَاءَ بِالْحَسَنَةِ فَلَهُ عَشْرُ أَمْثَالِهَا وَمَنْ جَاءَ بِالسَّيِّئَةِ فَلَا يُجْزَى إِلَّا مِثْلُهَا وَإِنِّي لَمَّا سَرَقْتُ الرَّغِيفَيْنِ كَانَتْ سَيِّئَتَيْنِ وَلَمَّا سَرَقْتُ الرُّمَانَتَيْنِ كَانَتْ سَيِّئَتَيْنِ فَهَذِهِ أَرْبَعُ سَيِّئَاتٍ فَلَمَّا تَصَدَّقْتُ بِكُلِّ وَاحِدَةٍ مِنْهَا كَانَ لِي أَرْبَعُونَ حَسَنَةً فَانْتَقَصَ مِنْ أَرْبَعِينَ حَسَنَةً أَرْبَعُ سَيِّئَاتٍ وَبَقِيَ لِي سِتُّ وَثَلَاثُونَ حَسَنَةً فَقُلْتُ لَهُ تَكَلَّتْكَ أُمُّكَ أَنْتَ الْجَاهِلُ بِكِتَابِ اللَّهِ أَمَا سَمِعْتَ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ يَقُولُ إِنَّمَا يَتَقَبَّلُ اللَّهُ مِنَ الْمُتَّقِينَ إِنَّكَ لَمَّا سَرَقْتَ رَغِيفَيْنِ كَانَتْ سَيِّئَتَيْنِ وَلَمَّا سَرَقْتَ رُمَانَتَيْنِ كَانَتْ أَيْضًا سَيِّئَتَيْنِ وَلَمَّا دَفَعْتَهُمَا إِلَى غَيْرِ صَاحِبِهِمَا بَغِيرَ أَمْرٍ صَاحِبِهِمَا كُنْتَ إِنَّمَا أَنْتَ أَضَفْتَ أَرْبَعَ سَيِّئَاتٍ إِلَى أَرْبَعِ سَيِّئَاتٍ وَلَمْ تُضِفْ أَرْبَعِينَ حَسَنَةً إِلَى أَرْبَعِ سَيِّئَاتٍ فَجَعَلَ يُلَاحِظُنِي فَأَنْصَرَفْتُ وَتَرَكْتُهُ قَالَ الصَّادِقُ (عليه السلام) بِمِثْلِ هَذَا التَّأْوِيلِ الْقَبِيحِ الْمُسْتَكْرَهَ يَضِلُّونَ وَيُضِلُّونَ؛ وسائل الشيعة، ج ٩، ص ٢٦٦

﴿٢٠١٦﴾ الرسول (ﷺ): إِنْ أَحَدُكُمْ لَيَرْفَعُ يَدَيْهِ إِلَى السَّمَاءِ يَقُولُ يَا رَبِّ يَا رَبِّ وَمَطْعَمُهُ حَرَامٌ وَمَلْبَسُهُ حَرَامٌ فَأَيُّ دُعَاءٍ يُسْتَجَابُ لِهَذَا وَآيُ عَمَلٍ يَقْبَلُ مِنْهُ وَهُوَ يُنْفِقُ مِنْ غَيْرِ حِلٍّ إِنْ حَجَّ حَرَامًا وَإِنْ تَصَدَّقَ بِحَرَامٍ وَإِنْ تَزَوَّجَ بِحَرَامٍ وَإِنْ صَامَ أَفْطَرَ عَلَى حَرَامٍ فَيَا وَيْحَهُ مَا عَلِمَ أَنَّ اللَّهَ طَيِّبٌ لَا يَقْبَلُ إِلَّا الطَّيِّبَ وَقَدْ قَالَ فِي كِتَابِهِ إِنَّمَا يَتَقَبَّلُ اللَّهُ مِنَ الْمُتَّقِينَ؛ إرشاد القلوب، ج ١، ص ٦٩

﴿٢٠١٧﴾ الباقر (عليه السلام): فَلَا تَغْرَنَكُمْ الدُّنْيَا وَلَا تَرْكَنُوا إِلَيْهَا فَإِنَّهَا دَارُ غُرُورٍ كَتَبَ اللَّهُ عَلَيْهَا وَ عَلَى أَهْلِهَا الْفَنَاءَ فَتَزَوَّدُوا مِنْهَا الَّذِي أَكْرَمَكُمْ اللَّهُ بِهِ مِنَ التَّقْوَى وَالْعَمَلِ الصَّالِحِ فَإِنَّهُ لَا يَصِلُ إِلَى اللَّهِ مِنْ أَعْمَالِ الْعِبَادِ إِلَّا مَا خَلَصَ مِنْهَا وَلَا يَتَقَبَّلُ اللَّهُ إِلَّا مِنَ الْمُتَّقِينَ؛ الكافي، ج ٣، ص ٢٢٢

﴿٢٠١٨﴾ حديث قدسي: يَا مُوسَى إِنَّ ابْنِي آدَمَ تَوَاضَعَا فِي مَنْزِلَةٍ لَيْنَالَا بِهَا مِنْ فَضْلِي وَرَحْمَتِي فَقَرَّبَا قُرْبَانًا وَلَا أَقْبَلُ إِلَّا مِنَ الْمُتَّقِينَ؛ الكافي، ج ٨، ص ٤٥

﴿پیامد بی تقوایی در دنیا﴾

مشغول سرگرم کردن او بود تا اینکه دو انار از او دزدید. تعجب کردم و پیش خود گفتم شاید با صاحب دکان حساب قبلی دارد! بعد گفتم اگر معامله کرده‌اند چه نیاز است که به صورت مخفی کالایش را بردارد؟! همچنان به دنبالش رفتم تا آنکه به بیماری رسید و دو نان و انار را نزد او گذاشت. از او در مورد کارش سؤال کردم. او گفت: «احتمالاً تو جعفر بن محمد هستی». گفتم: «بله». گفت: «شرافت خانوادگی‌ات چه سودی به حالت دارد، وقتی جاهل هستی؟» گفتم: «به چه چیزی جهل دارم؟» گفت: «به این کلام خداوند که فرمود: «هر کس کار نیکی بجا آورد، ده برابر آن پاداش دارد، و هر کس کار بدی انجام دهد، جز بمانند آن، کیفر نخواهد دید»؛ پس وقتی که من دو نان را دزدیدم، دو گناه کردم و وقتی دو انار را دزدیدم دو گناه دیگر کردم که می شود چهار گناه؛ اما وقتی آن چهارتا را صدقه دادم، چهل ثواب دارم. آن چهار گناه از این چهل ثواب کم می شود و سی و شش ثواب برای من باقی می ماند!» گفتم: «مادرت به عزایت بنشیند! تو به کتاب خدا جاهلی؛ مگر این کلام خدا را نشنیده‌ای که «خدا، تنها از پرهیزکاران می پذیرد»؟! وقتی که تو دو نان را دزدیدی، دو گناه کردی و وقتی دو انار را دزدیدی دو گناه دیگر کردی و وقتی آن را به فردی غیر از صاحبانشان و بدون اجازه صاحبانشان دادی، چهار گناه دیگر به چهار گناه قبلی خود افزودی نه اینکه چهل ثواب به چهار گناه افزوده باشی». و او خیره به من نگاه می کرد که من از او روی برگرداندم و از پیشش رفتم». با حرف‌هایی همچون این تأویلات زشت و قبیح، هم خود گمراه می شوند و هم دیگران را گمراه می کنند.

﴿۴۰۱۶﴾ یکی از میان شما دست به طرف آسمان بر می دارد و می گوید: «ای خدا! ای خدا! و حال آنکه آنکه طعام او و لباس او حرام است؛ برای چنین شخص چه دعایی مستجاب می شود و چه عملی از او قبول می گردد؛ حال آنکه از غیر حلال خرج می کند. اگر حج کند حج حرام کرده و اگر صدقه دهد صدقه ی حرام داده و اگر زن بگیرد به حرام گرفته و اگر روزه دارد بر حرام افطار کرده است. پس وای بر او! آیا نمی داند که خداوند پاک است و جز پاک را قبول نمی کند. و در قرآن کریم فرموده است: «خدا، تنها از پرهیزکاران می پذیرد!».

﴿۴۰۱۷﴾ دنیا شما را فریب ندهد، به آن اعتماد نکنید و تکیه گاه خود قرار ندهید که دنیا خانه ای پر مکر و فریب است و خداوند عاقبت دنیا و اهلش را نابودی و فنا تقدیر کرده است. پس تلاش کنید تا توشه ای از دنیا برچینید که نزد خداوند گرامی باشد [و خداوند به واسطه ی آنان شما را بزرگ دارد] که همان تقوا و عمل صالح است؛ زیرا تنها اعمالی که از سر اخلاص انجام شده‌اند مقبول خداوند است و خداوند تنها اعمال اهل تقوا را می پذیرد.

﴿۴۰۱۸﴾ [مواعظ خداوند به حضرت موسی (علیه السلام):] ای موسی! دو پسر آدم (علیه السلام) در یک مقام تواضع کردند تا در پرتو آن به فضل و رحمت من دست پیدا کنند. هر کدام از آنها نیز یک قربانی دادند؛ ولی من جز از پرهیزکاران چیزی نمی پذیرم».

﴿عَوَاقِبُ فَقْدِ التَّقْوَى فِي الدُّنْيَا﴾

﴿٤٠١٩﴾ أمير المؤمنين عليه السلام: صِفَتَانِ لَا يَقْبَلُ اللَّهُ سُبْحَانَهُ الْأَعْمَالُ إِلَّا بِهِمَا التَّقَى وَالْإِخْلَاصُ؛

غرر الحكم، ص ١٥٥

﴿٤٠٢٠﴾ الصادق عليه السلام: عَنْ أَبِي بصير عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام أَنَّهُ قَالَ ذَاتَ يَوْمٍ أَلَا أُخْبِرُكُمْ بِمَا لَا يَقْبَلُ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ مِنَ الْعِبَادِ عَمَلًا إِلَّا بِهِ فَقُلْتُ بَلَى فَقَالَ شَهَادَةُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَأَنَّ مُحَمَّدًا عَبْدُهُ وَرَسُولُهُ وَالْإِقْرَارُ بِمَا أَمَرَ اللَّهُ وَالْوَلَايَةُ لَنَا وَالْبِرَاءَةُ مِنْ أَعْدَائِنَا يَعْنِي أئِمَّةَ [الْأئِمَّةِ] خَاصَّةً وَالتَّسْلِيمُ لَهُمْ وَالْوَرَعُ وَالْاجْتِهَادُ وَالطَّمَأْنِينَةُ وَالِانْتِظَارُ لِلْقَائِمِ؛ بحار الأنوار، ج ٥٢، ص ١٤٠

﴿٤٠٢١﴾ الرسول ﷺ: لَوْ صَلَّيْتُمْ حَتَّى تَكُونُوا كَالْأَوْثَارِ وَصُمْتُمْ حَتَّى تَكُونُوا كَالْحَنَائِيَا لَمْ يَقْبَلِ اللَّهُ مِنْكُمْ إِلَّا بِوَرَعٍ؛ بحار الأنوار، ج ٨١، ص ٢٥٨

﴿٤٠٢٢﴾ الصادق عليه السلام: قَالَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ لَنْ يَنَالَ اللَّهُ لُحُومُهَا وَلَا دِمَاؤُهَا وَلَكِنْ يَنَالُهُ التَّقْوَى مِنْكُمْ ثُمَّ قَالَ أَنْظِرْ كَيْفَ قَبِلَ اللَّهُ قُرْبَانَ هَابِيلَ وَرَدَّ قُرْبَانَ قَابِيلَ؛ وسائل الشيعة، ج ١٤، ص ٢٠٦
١٠-٢-٣- لَا يَرْضَى اللَّهُ عَنْهُ

﴿٤٠٢٣﴾ عيسى عليه السلام: لَا يَكُونُ عَمَلٌ فِي مَرْضَاةِ الرَّبِّ إِلَّا بِقَلْبٍ تَقَى؛ بحار الأنوار، ج ١٤، ص ٣١٥
١٠-٢-٤- غَيْبَةُ رُوحٍ مِنَ اللَّهِ

﴿٤٠٢٤﴾ الكاظم عليه السلام: إِنْ اللَّهَ تَبَارَكَ وَتَعَالَى أَيْدَ الْمُؤْمِنِ بِرُوحٍ مِنْهُ تَحْضُرُهُ فِي كُلِّ وَقْتٍ يُحْسِنُ فِيهِ وَيَتَّقَى وَتَغِيبُ عَنْهُ فِي كُلِّ وَقْتٍ يُذْنِبُ فِيهِ وَيَعْتَدِي؛ الكافي، ج ٢، ص ٢٦٨
١٠-٢-٥- الْخُرُوجُ عَنِ الْوَلَايَةِ

﴿٤٠٢٥﴾ السَّجَّاد عليه السلام: فَاتَّقُوا اللَّهَ عِبَادَ اللَّهِ الْمُتَنَحِّلِينَ لِمَحَبَّتِنَا وَإِيَّاكُمْ وَالذُّنُوبَ الَّتِي قَلَّ مَا أَصَرَ عَلَيْهَا صَاحِبُهَا إِلَّا آدَاهُ إِلَى الْخِذْلَانِ الْمُؤَدَّى إِلَى الْخُرُوجِ عَنْ وَلَايَةِ مُحَمَّدٍ وَعَلِيِّ وَطَائِفَتَيْهِ مِنَ الْإِهْمَا وَالدُّخُولِ فِي مَوَالَاةِ أَعْدَائِنَا؛ مستدرک الوسائل، ج ١٢، ص ١٠١
١٠-٢-٥-١- بَرَاءَةُ اللَّهِ وَرَسُولِهِ ﷺ وَالْأُتْمَةُ عليه السلام مِنْهُ

﴿٤٠٢٦﴾ الأئمة عليهم السلام: الدُّنْيَا وَمَا فِيهَا لِلَّهِ تَبَارَكَ وَتَعَالَى وَلِرَسُولِهِ وَلَنَا فَمَنْ غَلَبَ عَلَى شَيْءٍ مِنْهَا فَلْيَتَّقِ اللَّهَ وَلْيُؤَدِّ حَقَّ اللَّهِ تَبَارَكَ وَتَعَالَى وَلْيَبِرَّ إِخْوَانَهُ فَإِنْ لَمْ يَفْعَلْ ذَلِكَ فَاللَّهُ وَرَسُولُهُ وَنَحْنُ بُرَاءٌ مِنْهُ؛ الكافي، ج ١، ص ٤٠٨

«پیامد بی تقوایی در دنیا»

﴿۴۰۱۹﴾ دو صفت است که خداوند فقط اعمالی که همراه این دو صفت باشد می پذیرد، تقوا و اخلاص.

﴿۴۰۲۰﴾ ابوبصیر گوید: روزی امام صادق علیه السلام فرمود: «آیا شما را از چیزی که خداوند هیچ عملی را بدون آن از بندگان نمی پذیرد، آگاه نکنم؟» عرض کردم: «بفرمایید». فرمود: «گواهی دادن بر اینکه معبودی جز الله نیست، و اینکه محمد صلی الله علیه و آله بنده و فرستاده‌ی اوست، و اقرار به هر آنچه خداوند به آن امر فرموده است، و دوستی به خاطر ما، و بیزاری از دشمنان ما، به خصوص دشمنان امامان علیهم السلام، و تسلیم شدن در برابر امامان و پرهیز و کوشش و اطمینان داشتن، و چشم به راه قائم علیه السلام بودن».

﴿۴۰۲۱﴾ اگر آنقدر نماز بگذارید تا مانند زه کمان گردید و آنقدر روزه بگیرید تا چون کمان شوید، خداوند قبول نمی کند مگر آنکه از محرمات دوری کنید.

﴿۴۰۲۲﴾ خداوند متعال فرمود: «نه گوشت‌ها و نه خون‌های آن‌ها، هرگز به خداوند نمی‌رسد. آنچه به او می‌رسد، تقوا و پرهیزکاری شماست». بنگر که چگونه خداوند قربانی‌هاییل را قبول کرد اما قربانی‌هاییل را نپذیرفت.

۳-۲-۱۰- عدم رضایت خدا

﴿۴۰۲۳﴾ هیچ عملی بدون وجود قلبی پارسا و پرهیزکار مورد رضایت خداوند متعال قرار نخواهد گرفت.

۴-۲-۱۰- غایب شدن روحی که از جانب خداست

﴿۴۰۲۴﴾ خداوند تبارک و تعالی مؤمن را با روحی از جانب خود تأیید نموده است که هر زمان بنده نیکی و پرهیزکاری کند، آن روح حاضر می‌گردد و هر زمان که گناه و نافرمانی کند از او نهان می‌گردد.

۵-۲-۱۰- خارج شدن از ولایت

﴿۴۰۲۵﴾ بندگان خدا! ای کسانی که ادعای محبت ما را دارید! بترسید از گناهای که کم هستند اما صاحبش بر آن گناه اصرار دارد، چون اصرار بر گناهان کوچک انسان را به پستی‌ای می‌کشاند که موجب خروج از ولایت محمد صلی الله علیه و آله و علی علیه السلام و اهل بیت پاکشان می‌شود و وارد پذیرش ولایت دشمنان اهل بیت علیهم السلام می‌کند.

۱-۲-۵-۱۰- تبری جستن خدا و پیامبر صلی الله علیه و آله و امامان علیهم السلام از او

﴿۴۰۲۶﴾ دنیا و هر چه در آن است برای خداوند متعال و رسولش و برای ماست. پس هرگاه کسی بر چیزی از امور دنیا دست یافت، تقوای الهی پیشه کند و حق خداوند را ادا کند و به برادران دینی‌اش نیکی کند؛ که اگر چنین نکند خدا و رسولش و ما از او تبری می‌جوییم.

﴿عَوَاقِبُ فَقْدِ التَّقْوَى فِي الدُّنْيَا﴾

٢-٥-١٠- لَا يُنَالُ وَلَا يَتَنَا إِلَّا بِالْوَرَعِ

﴿٢٧٠﴾ أمير المؤمنين عليه السلام: قَالَ سَلِمٌ فَحَدَّثْتُ أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ عليه السلام بِالْكُوفَةِ... وَاعْلَمْ أَنَّ اللَّهَ تَعَالَى يُعْطِي الدُّنْيَا الْبَرَّ وَالْفَاجِرَ وَإِنَّ هَذَا الْأَمْرَ الَّذِي أَنْتَ فِيهِ إِنَّمَا يُعْطِيهِ اللَّهُ صَفْوَتَهُ مِنْ خَلْقِهِ إِنْ أَمَرْنَا لَا يَعْرِفُهُ إِلَّا ثَلَاثَةٌ مِنَ الْخَلْقِ مَلَكٌ مُقَرَّبٌ أَوْ نَبِيٌّ مُرْسَلٌ أَوْ عَبْدٌ امْتَحَنَ اللَّهَ قَلْبَهُ لِلْإِيمَانِ يَا سَلِمُ إِنْ مَلَكَ هَذَا الْأَمْرَ الْوَرَعُ لَأَنَّهُ لَا يُنَالُ وَلَا يَتَنَا إِلَّا بِالْوَرَعِ؛ كتاب سليم بن قيس، ص ٨٢٦

﴿٢٨٠﴾ الصادق عليه السلام: عَنْ خَيْثَمَةَ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عليه السلام قَالَ: دَخَلْتُ عَلَيْهِ لِأُودِّعَهُ فَقَالَ... وَاعْلَمْتُمْ يَا خَيْثَمَةُ أَنَّا لَا نُنْغِي عَنْهُمْ مِنَ اللَّهِ شَيْئًا إِلَّا بِالْعَمَلِ الصَّالِحِ فَإِنْ لَا تَنَالُ إِلَّا بِالْوَرَعِ؛ وسائل الشيعة، ج ١٢، ص ٧

﴿٢٩٠﴾ الباقر عليه السلام: لَا يُنَالُ وَلَا يَتَنَا إِلَّا بِالْوَرَعِ وَالْعَمَلِ؛ روضها لواعظين، ج ٢، ص ٢٩٤

﴿٣٠٠﴾ الصادق عليه السلام: يَا ابْنَ جُنْدَبٍ بَلِّغْ مَعَاشِرَ شِيعَتِنَا وَقُلْ لَهُمْ لَا تَذْهَبَنَّ بِكُمْ الْمَذَاهِبُ فَوَ اللَّهِ لَا تَنَالُ وَلَا يَتَنَا إِلَّا بِالْوَرَعِ وَالْإِجْتِهَادِ فِي الدُّنْيَا وَمَوَاسَاةِ الْإِخْوَانِ فِي اللَّهِ؛ مستدرک الوسائل، ج ١١، ص ٢٧٢

﴿٣١٠﴾ الباقر عليه السلام: رَحِمَ اللَّهُ امْرَأً أَحْيَا أَمْرَنَا وَعَمِلَ بِأَحْسَنِهِ قُلْ لَهُمْ إِنَّا لَا نُغْنِي عَنْكُمْ مِنَ اللَّهِ شَيْئًا إِلَّا بِعَمَلٍ صَالِحٍ وَلَنْ تَنَالُوا وَلَا يَتَنَا إِلَّا بِالْوَرَعِ؛ مستدرک الوسائل، ج ٨، ص ٣١١

﴿٣٢٠﴾ الباقر عليه السلام: وَلَا يُنَالُ غَدًا وَلَا يَتَنَا إِلَّا بِالْفَضْلِ وَالْوَرَعِ؛ مشكاة الأنوار، ص ٥٩

﴿٣٣٠﴾ الصادق عليه السلام: وَاعْلَمُوا أَنَّ وَلَا يَتَنَا لَا تَنَالُ إِلَّا بِالْوَرَعِ وَالْإِجْتِهَادِ؛ الكافي، ج ٨، ص ٢١٢

٢-٥-١٠- لَيْسَ مِنِّي وَلَا مِنَ اللَّهِ

﴿٣٤٠﴾ الرسول ﷺ: ثَلَاثٌ مَنْ لَمْ تَكُنْ فِيهِ فَلَيْسَ مِنِّي وَلَا مِنَ اللَّهِ قِيلَ يَا رَسُولَ اللَّهِ ﷺ وَمَا هُنَّ قَالَ حِلْمٌ يَرُدُّ بِهِ جَهْلُ الْجَاهِلِ وَحُسْنُ خُلُقٍ يَعْيشُ بِهِ وَوَرَعٌ يَحْجُزُهُ عَنْ مَعَاصِي اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ؛ وسائل الشيعة، ج ٢٠، ص ٣٥٩

٢-٥-١٠- لَيْسَ مِنَّا وَلَا لَسْنَا مِنْهُ

﴿٣٥٠﴾ الرضا عليه السلام: فَمَنْ لَمْ يَتَّقِ اللَّهَ وَلَمْ يُرَاقِبْهُ فَلَيْسَ مِنَّا وَلَا لَسْنَا مِنْهُ؛ بحار الأنوار، ج ٩٣، ص ٢٢٤

﴿پیامد بی تقوایی در دنیا﴾

۲-۵-۲-۱۰- به ولایت ما جز با ورع نمی‌رسد

﴿۴۰۲۷﴾ سلیم گوید: با امام علی علیه السلام در کوفه سخن می‌گفتم:... فرمود: بدان که خداوند تعالی دنیا را به انسان خوب و بد می‌دهد اما این امری را که تو بر آن هستی (ولایت)، خداوند فقط به برگزیدگانی از مخلوقاتش می‌دهد. امر ما را فقط سه گروه می‌شناسند: فرشته‌ای مقرب، رسولی فرستاده‌شده و بنده‌ای که خداوند قلبش را برای ایمان سنجیده. ای سلیم! ملاک این قضیه ورع است، فقط با ورع می‌توان به ولایت ما رسید.

﴿۴۰۲۸﴾ خیمه گوید: برای وداع و خداحافظی خدمت امام باقر علیه السلام شرفیاب شدم. فرمود: «... به آنان (دوستان من) اعلام کن و بگو که ما برای شما در نزد خدا نمی‌توانیم کاری بکنیم، مگر اینکه دارای عمل باشید، و به ولایت و دوستی ما به جز از راه تقوا و پرهیزکاری نمی‌رسید».

﴿۴۰۲۹﴾ فقط با ورع و عمل می‌توان به ولایت ما رسید.

﴿۴۰۳۰﴾ پسر جندب! به شیعیان ما ابلاغ نما و بگو: «مبادا تحت تأثیر عقاید گوناگون قرار گیرید! که به خدا سوگند، [اسباب] رسیدن به دوستی و ولایت ما جز در پرتو پرهیزکاری و تلاش در دنیا و مساوات با برادران در راه خدا میسر نخواهد بود و به آن نمی‌توان رسید».

﴿۴۰۳۱﴾ رحمت خدا بر فردی که امر ما را زنده کند و عمل نیکو انجام دهد؛ به آنان بگو ما فقط با عمل صالح شما از شما بی‌نیاز می‌شویم. و فقط با ورع می‌توان به ولایت ما رسید.

﴿۴۰۳۲﴾ در روز قیامت، فقط با فضایل و ورع می‌توان به ولایت ما دست یافت.

﴿۴۰۳۳﴾ آگاه باشید که فقط با ورع و کوشش به ولایت ما می‌رسید.

۳-۵-۲-۱۰- نه از ماست و نه از خدا

﴿۴۰۳۴﴾ سه چیز است که در هر کس نباشد، او از من و از خدای بلندمرتبه نیست. گفته شد: «ای رسول خدا! آن‌ها چیست؟» فرمود: «بردباری‌ای که جهل نادان را به خودش بازگرداند و اخلاق نیکویی که با آن در بین مردم زندگی کند و تقوایی که او را از گناه در پیشگاه خدای متعال باز دارد».

۴-۵-۲-۱۰- از ما نیست و ما هم از او نیستیم

﴿۴۰۳۵﴾ پس هر کس تقوای الهی را نداشته باشد و مراقبش نباشد از ما نیست و ما نیز از او نمی‌باشیم.

﴿عَوَاقِبُ فَقْدِ التَّقْوَى فِي الدُّنْيَا﴾

﴿٤٠٣٦﴾ الرضا عليه السلام: عَنْ الْحَسَنِ بْنِ الْجَهْمِ قَالَ: كُنْتُ عِنْدَ الرِّضَا عَلَيْهِ السَّلَامُ وَعِنْدَهُ زَيْدُ بْنُ مُوسَى أَخُوهُ وَهُوَ يَقُولُ يَا زَيْدُ اتَّقِ اللَّهَ فَإِنَّا بَلَّغْنَا مَا بَلَّغْنَا بِالتَّقْوَى فَمَنْ لَمْ يَتَّقِ وَلَمْ يَرَأِقْبَهُ فَلَيْسَ مِنَّا وَلَسْنَا مِنْهُ؛ بحار الأنوار، ج ٤٦، ص ١٧٦

﴿٤٠٣٧﴾ الرضا عليه السلام: فَمَنْ كَانَ مِنْ شِيعَتِنَا فَلْيَتَوَرَّعْ عَنْ شُرْبِ الْفَقَّاعِ فَإِنَّهُ شَرَابُ أَعْدَائِنَا فَإِنْ لَمْ يَفْعَلْ فَلَيْسَ مِنَّا؛ وسائل الشيعة، ج ٢٥، ص ٣٦٣
٥-٢-١٠- ليس من أولياء الرسول ﷺ

﴿٤٠٣٨﴾ الرسول ﷺ: عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ قَامَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ عَلَى الصَّفَا فَقَالَ يَا بَنِي هَاشِمٍ يَا بَنِي عَبْدِ الْمُطَّلِبِ إِنِّي رَسُولُ اللَّهِ إِلَيْكُمْ وَإِنِّي شَفِيقٌ عَلَيْكُمْ وَإِنِّي لِي عَمَلِي وَلِكُلِّ رَجُلٍ مِنْكُمْ عَمَلُهُ لَا تَقُولُوا إِنَّ مُحَمَّدًا مِنَّا وَسَنَدْخُلُ مَدْخَلَهُ فَلَا وَاللَّهِ مَا أَوْلِيَانِي مِنْكُمْ وَلَا مِنْ غَيْرِكُمْ يَا بَنِي عَبْدِ الْمُطَّلِبِ إِنَّا الْمُتَّقُونَ أَلَا فَلَا أَعْرِفُكُمْ يَوْمَ الْقِيَامَةِ تَأْتُونَ تَحْمِلُونَ الدُّنْيَا عَلَى ظُهُورِكُمْ وَيَأْتُونَ النَّاسُ يَحْمِلُونَ الْآخِرَةَ أَلَا إِنِّي قَدْ أَغْدَرْتُ إِلَيْكُمْ فِيمَا بَيْنِي وَبَيْنَكُمْ وَفِيمَا بَيْنِي وَبَيْنَ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ فِيكُمْ؛ الكافي، ج ٨، ص ١٨٢
٥-٢-١٠- ليس من شيعة علي عليه السلام

﴿٤٠٣٩﴾ الصادق عليه السلام: لَيْسَ مِنْ شِيعَةِ عَلِيٍّ عَلَيْهِ السَّلَامُ مَنْ لَا يَتَّقِي؛ بحار الأنوار، ج ٧٢، ص ٢١٢
﴿٤٠٤٠﴾ الباقر عليه السلام: فَوَاللَّهِ مَا شِيعَتُنَا إِلَّا مَنْ اتَّقَى اللَّهَ وَأَطَاعَهُ؛ الكافي، ج ٢، ص ٧٤
﴿٤٠٤١﴾ الصادق عليه السلام: لَيْسَ مِنْ شِيعَتِنَا مَنْ يَكُونُ فِي مِصْرٍ يَكُونُ فِيهِ مِائَةُ أَلْفٍ وَيَكُونُ فِي الْمِصْرِ أَوْرَعُ مِنْهُ؛ وسائل الشيعة، ج ١٥، ص ٢٤٧
٥-٢-١٠- مَا تُنَالُ شَفَاعَتُنَا

﴿٤٠٤٢﴾ الباقر عليه السلام: وَاللَّهِ مَا تُنَالُ شَفَاعَتُنَا إِلَّا بِالتَّقْوَى وَالْوَرَعِ وَالْعَمَلِ الصَّالِحِ وَالْجِدِّ وَالِاجْتِهَادِ؛ أعلام الدين، ص ١٤٣
٥-٢-١٠- لَا أُغْنِي عَنْهُمْ مِنَ اللَّهِ شَيْئًا إِلَّا بِالْوَرَعِ

﴿٤٠٤٣﴾ الباقر عليه السلام: يَا فَضِيلُ أُنْبِغْ مَنْ لَقِيتَ مِنْ مَوَالِينَا عَنَّا السَّلَامَ وَقُلْ لَهُمْ إِنِّي لَا أُغْنِي عَنْهُمْ مِنَ اللَّهِ شَيْئًا إِلَّا بِالْوَرَعِ؛ بحار الأنوار، ج ٦٧، ص ٣٠٨
﴿١١٤٦﴾

«پیامد بی تقوایی در دنیا»

﴿۴۰۳۶﴾ حسن بن جهم گوید: خدمت امام رضا علیه السلام بودم و زید برادرش نیز آنجا بود؛ به او می‌فرمود: «زید! از خدا بترس! ما با تقوا و پرهیزکاری به این مقام رسیده‌ایم. هر کس با تقوا و پرهیزکار نباشد از ما نیست و ما از او بیزاریم.

﴿۴۰۳۷﴾ هر کس که از شیعیان ماست باید از نوشیدن آبجو پرهیز کند که نوشیدنی دشمنان ماست. هر کس چنین نکند از ما نیست.

۵-۲-۱۰- از اولیای پیامبر صلی الله علیه و آله نیست

﴿۴۰۳۸﴾ امام باقر علیه السلام فرمود: پیامبر صلی الله علیه و آله بر فراز کوه صفا ایستاد و فرمود: «ای بنی‌هاشم! ای فرزندان عبدالمطلب! من فرستاده‌ی خدا به‌سوی شما و دلسوز شمایم؛ عمل من به‌پای خودم و عمل هر کدام از شما نیز به پای خودش نوشته می‌شود. نگوئید محمد از ماست پس ما نیز در هر جایگاهی که او باشد، هستیم. فرزندان عبدالمطلب! به خدا قسم دوستان من چه از میان شما و چه از غیر شما، فقط اهل تقوا هستند [و ملاک دوستی من تقواست نه خویشاوندی]. بدانید که من شما را در روز قیامت نمی‌شناسم [و شفاعتتان نمی‌کنم] اگر در حالی وارد قیامت شوید که بار دنیا را بر دوش می‌کشید حال آنکه دیگر مردم، بار آخرت بر دوش دارند. بدانید که من حجت را تمام کردم و عذر بین خودم و شما و عذر بیم خودم و خدای متعال را در مورد شما آوردم [تا دیگر در روز قیامت به‌واسطه‌ی خویشاوندی از من شفاعت نخواهید].»

۶-۲-۱۰- از شیعیان علی علیه السلام نیست

﴿۴۰۳۹﴾ کسی که تقوا ندارد، از شیعیان علی علیه السلام نیست.

﴿۴۰۴۰﴾ به خدا قسم! فقط کسانی که از خدا پروا می‌کنند و از او اطاعت می‌کنند، شیعیان ما هستند.

﴿۴۰۴۱﴾ از شیعیان ما نیست کسی که در شهری باشد که صد هزار نفر و بیشتر در آن باشند، و در آن شهر شخصی پرهیزکارتر از او بوده باشد.

۷-۲-۱۰- به شفاعت ما نمی‌رسد

﴿۴۰۴۲﴾ به خداوند قسم! تنها با تقوا و ورع و عمل صالح و تلاش و کوشش می‌توان به شفاعت ما رسید.

۸-۲-۱۰- ما کاری برای کسی نمی‌کنیم مگر اینکه اهل ورع باشد

﴿۴۰۴۳﴾ ای فضیل! سلام مرا به هر یک از دوستان که دیدی برسان و به آنان بگو که من برای شما در نزد خدا کاری نمی‌توانم بکنم، مگر آنکه دارای تقوا باشید.

﴿عَوَاقِبُ فَقْدِ التَّقْوَى فِي الدُّنْيَا﴾

٩-٥-١٠- لَا نُغْنِي عَنْكُمْ مِنَ اللَّهِ شَيْئًا إِلَّا بِالْوَرَعِ

﴿٤٠٤٤﴾ الباقر عليه السلام: قَالَ لِبَعْضِ شِيعَتِهِ إِنَّا لَا نُغْنِي عَنْكُمْ مِنَ اللَّهِ شَيْئًا إِلَّا بِالْوَرَعِ؛ بحار الأنوار،

ج ٧٥، ص ١٨٨

١٠-٥-١٠- طَرَدُ الْإِمَامِ عليه السلام

﴿٤٠٤٥﴾ الصَّادِق عليه السلام: عَمْرُو بْنُ نُعْمَانَ الْجُعْفِيُّ قَالَ كَانَ لِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام صَدِيقٌ لَا يَكَادُ يُفَارِقُهُ إِذَا ذَهَبَ مَكَانًا فَيَنْتَمَا هُوَ يَمْشِي مَعَهُ فِي الْحَدَّائِينَ وَ مَعَهُ غُلَامٌ لَهُ سِنْدِيٌّ يَمْشِي خَلْفَهُمَا إِذَا انْتَفَتِ الرَّجُلُ يُرِيدُ غُلَامَهُ ثَلَاثَ مَرَّاتٍ فَلَمْ يَرَهُ فَلَمَّا نَظَرَ فِي الرَّابِعَةِ قَالَ يَا ابْنَ الْفَاعِلَةِ آيْنَ كُنْتَ قَالَ فَرَفَعَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام يَدَهُ فَصَكَ بِهَا جَبْهَةَ نَفْسِهِ ثُمَّ قَالَ سُبْحَانَ اللَّهِ تَقَذَّفَ أُمُّهُ قَدْ كُنْتُ أَرَى أَنَّ لَكَ وَرَعًا فَإِذَا لَيْسَ لَكَ وَرَعٌ فَقَالَ جُعِلْتُ فِدَاكَ إِنَّ أُمَّهُ سِنْدِيَّةٌ مُشْرِكَةٌ فَقَالَ مَا عَلِمْتُ أَنَّ لِكُلِّ أُمَّةٍ نِكَاحًا تَنْحَ عَنْهُ قَالَ فَمَا رَأَيْتُهُ يَمْشِي مَعَهُ حَتَّى فَرَكَ الْمَوْتُ بَيْنَهُمَا؛ الكافي،

ج ٢، ص ٣٢٤

١١-٥-١٠- إِعْرَاضُ الرَّسُولِ ﷺ

﴿٤٠٤٦﴾ الصَّادِق عليه السلام: أَنَّهُ قَالَ لِسَدِيرٍ... وَآتَاهُ مَلِكُ الْمَوْتِ بَقْبُضِ رُوحِهِ فَيَنَادِي رُوحَهُ فَتَخْرُجُ مِنْ جَسَدِهِ فَأَمَّا الْمُؤْمِنُ فَمَا يُحْسُ بِخُرُوجِهَا وَ ذَلِكَ قَوْلُ اللَّهِ سُبْحَانَهُ وَ تَعَالَى يَا أَيَّتُهَا النَّفْسُ الْمُطْمَئِنَّةُ ارْجِعِي إِلَىٰ رَبِّكِ رَاضِيَةً مَرْضِيَّةً فَادْخُلِي فِي عِبَادِي وَادْخُلِي جَنَّاتِي ثُمَّ قَالَ ذَلِكَ لِمَنْ كَانَ وَرَعًا مُوَاسِيًا لِإِخْوَانِهِ وَصَوْلًا لَهُمْ وَ إِنْ كَانَ غَيْرَ وَرَعٍ وَ لَا وَصُولَ لِإِخْوَانِهِ قِيلَ لَهُ مَا مَنَعَكَ مِنَ الْوَرَعِ وَ الْمَوَاسَاةِ لِإِخْوَانِكَ أَنْتَ مِمَّنْ انْتَحَلَ الْمَحَبَّةَ بِلِسَانِهِ وَ لَمْ يُصَدِّقْ ذَلِكَ بِفِعْلٍ وَ إِذَا لَقِيَ رَسُولَ اللَّهِ ﷺ وَ أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ عليه السلام لَقِيَاهُمَا مُعْرِضِينَ مُقْطِبِينَ فِي وَجْهِهِ غَيْرَ شَافِعِينَ لَهُ قَالَ سَدِيرٌ مَنْ جَدَعَ اللَّهُ أَنْفَهُ قَالَ قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام فَهُوَ ذَاكَ؛ بحار الأنوار، ج ٦،

ص ١٨٦

١٢-٥-١٠- لَا يَتِمُّ أَمْرُ الْوَلَايَةِ

﴿٤٠٤٧﴾ الصَّادِق عليه السلام: عَنْ مِهْزَمِ الْأَسَدِيِّ قَالَ... دَخَلْتُ عَلَى أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ... أَمَا تَعْلَمُ

أَنَّ أَمْرَنَا (هَذَا لَا يَتِمُّ) إِلَّا بِالْوَرَعِ؛ وسائل الشيعة، ج ٢٠، ص ١٩٦

«پیامد بی تقوایی در دنیا»

۹-۵-۲-۱۰- ما کاری برای شما نمی‌کنیم مگر اینکه اهل ورع باشید

«۴۰۴۴» به برخی از شیعیانش فرمود: «ما به جز از راه ورع نمی‌توانیم تأثیری در درگاه الهی داشته باشیم».

۱۰-۵-۲-۱۰- طردشدن توسط امام (علیه السلام)

«۴۰۴۵» عمرو بن نعمان جعفی گفت: امام صادق (علیه السلام) دوستی داشت که هیچ‌گاه از امام (علیه السلام) جدا نمی‌شد. یک‌بار به بازار کفش‌فروشان رفتند و همراه آن حضرت غلامی هندی بود و پشت سر آن دو حرکت می‌کرد در بین راه مرد سه بار برگشت و با غلامش کار داشت اما هر سه بار او را ندید وقتی برای بار چهارم نگاه کرد، گفت: «ای حرام‌زاده! کجایی؟» امام (علیه السلام) دستش را بالا برد و به پیشانی خود زد و فرمود: «سبحان الله! به مادرش تهمت زنا می‌زنی؟! گمان می‌کردم تو اهل ورع هستی اما با این کلام تو ورعی نداری». گفت: «فدایت شوم! مادرش هندی و مشرک است». فرمود: «مگر نمی‌دانی که هر امتی برای خود روش ازدواجی دارد [که اگر به همان عمل کند، زنا نکرده است] از من دور شو». از آن به بعد ندیدم که با امام صادق (علیه السلام) راه برود تا آنکه مرگ بین آن دو فاصله افکند.

۱۱-۵-۲-۱۰- روی گرداندن پیامبر (صلی الله علیه و آله)

«۴۰۴۶» به سدید فرمود: [هر یک از شما می‌بیند که] ملک الموت می‌آید تا جانش را بگیرد، و روحش را صدا می‌زند تا از تنش بیرون آید، اما آنکه مؤمن باشد، آمدنش را احساس نمی‌کند (برایش تلخی و ناگواری‌ای وجود ندارد) و این است سخن خدای متعال که می‌فرماید: «تو ای روح آرام‌یافته! به سوی پروردگارت بازگرد درحالی که هم تو از او خشنودی و هم او از تو خشنود است، پس در سلک بندگانه درآی، و در بهشت وارد شو». این مقام برای کسی است که پارسا باشد و با برادران دینی خود همراهی داشته باشد و به آن‌ها خیر رساند. اگر ورع نداشته باشد و به برادرانش خیری نرساند، به او گفته می‌شود: «چه چیزی تو را از پارسایی و همراهی کردن برادرانت بازداشت؟ تو از کسانی هستی که به زبان اظهار دوستی می‌کنند و با کردار آن را پیاده نمی‌کنند». و زمانی که با رسول خدا (صلی الله علیه و آله) و امیر مؤمنان (علیه السلام) برخورد کند، از او روی برمی‌گردانند و غضبناک هستند و شفاعت او را نمی‌کنند. سدید گفت: «از کسانی است که خدا بینی آن‌ها را بریده؟» فرمود: «همان است».

۱۲-۵-۲-۱۰- به اتمام نرسیدن امر ولایت

«۴۰۴۷» مهزم اسدی گوید: خدمت امام صادق (علیه السلام) رسیدم. فرمود: «... مگر نمی‌دانی کسی که پرهیزکاری نداشته باشد به دوستی و ولایت ما اهل بیت نمی‌رسد».

﴿عَوَاقِبُ فَقْدِ التَّقْوَى فِي الدُّنْيَا﴾

١٣-٥-٢-١٠- إِتْعَابُ الْإِمَامِ عليه السلام

﴿٤٠٤٨﴾ الصَّادِقُ عليه السلام: عَلَيْكُمْ بِالْوَرَعِ فَإِنَّهُ الدِّينُ الَّذِي نُلَازِمُهُ وَنَدِينُ اللَّهَ تَعَالَى بِهِ وَنُرِيدُهُ مِمَّنْ يُؤَالِينَا لَا تُتَعَبُونَا بِالشَّفَاعَةِ؛ وسائل الشيعة، ج ١٥، ص ٢٤٨
٦-٢-١٠- الْخُرُوجُ عَنِ الْعِدَالَةِ

﴿٤٠٤٩﴾ أمير المؤمنين عليه السلام: آفَةُ الْعُدُولِ قِلَّةُ الْوَرَعِ؛ غرر الحكم، ص ٣٤٧

٧-٢-١٠- لَا إِيمَانَ لَهُ

١-٢-٧-١٠- بُطْلَانُ نِظَامِ الْإِيمَانِ

﴿٤٠٥٠﴾ الرَّسُولُ ﷺ: الْإِيمَانُ فِي عَشْرَةِ الْمَعْرِفَةِ وَالطَّاعَةِ وَالْعِلْمِ وَالْعَمَلِ وَالْوَرَعِ وَالْاجْتِهَادِ وَالصَّبْرِ وَالْيَقِينِ وَالرِّضَا وَالتَّسْلِيمِ فَأَيُّهَا فَقَدْ صَاحِبُهُ بَطَلَ نِظَامُهُ؛ بحار الأنوار، ج ٤٦، ص ١٧٥

٢-٢-١٠- لَا إِيمَانَ لَهُ

﴿٤٠٥١﴾ الصَّادِقُ عليه السلام: لَا إِيمَانَ لِمَنْ لَا وَرَعَ لَهُ؛ وسائل الشيعة، ج ١٦، ص ٢١٠

٣-٢-١٠- لَا يَنْفَعُ الْإِيمَانُ لَهُ

﴿٤٠٥٢﴾ أمير المؤمنين عليه السلام: لَا يَنْفَعُ الْإِيمَانُ بَغَيْرِ تَقْوَى؛ غرر الحكم، ص ٨٩

﴿٤٠٥٣﴾ الصَّادِقُ عليه السلام: مَنْ لَمْ تَكُنْ فِيهِ ثَلَاثُ خِصَالٍ لَمْ يَنْفَعَهُ الْإِيمَانُ حِلْمٌ يَرُدُّ بِهِ جَهْلَ

الْجَاهِلِ وَوَرَعٌ يَحْجِزُهُ عَنِ طَلَبِ الْمَحَارِمِ وَخُلُقٌ يَدَارِي بِهِ النَّاسَ؛ بحار الأنوار، ج ٧٥، ص ٢٣٧

٤-٢-١٠- لَا يَكْمُلُ الْمُؤْمِنُ فِي إِيْمَانِهِ حَتَّى تَكُونَ فِيهِ وَرَعٌ يَحْجِزُهُ عَنِ الْمَعَاصِي

﴿٤٠٥٤﴾ الرَّسُولُ ﷺ: لَا يَكْمُلُ الْمُؤْمِنُ فِي إِيْمَانِهِ حَتَّى تَكُونَ فِيهِ ثَلَاثُ خِصَالٍ حِلْمٌ يَرُدُّ عَنْهُ

عَنِ الْجَهْلِ وَوَرَعٌ يَحْجِزُهُ عَنِ الْمَعَاصِي وَكَرَمٌ يَحْسُنُ بِهِ صُحْبَتُهُ؛ مستدرک الوسائل، ج ١١، ص ٢٨٨

٥-٢-١٠- فَسَادُ نِظَامِ الْإِيمَانِ

﴿٤٠٥٥﴾ الرَّسُولُ ﷺ: الْإِيمَانُ فِي عَشْرَةِ أَشْيَاءَ الْمَعْرِفَةِ وَالطَّاعَةِ وَالْعِلْمِ وَالْعَمَلِ وَالْوَرَعِ وَ

الْاجْتِهَادِ وَالصَّبْرِ وَالْيَقِينِ وَالرِّضَا وَالتَّسْلِيمِ فَأَيُّهَا فَقَدْ صَاحِبُهُ فَسَدَ نِظَامُهُ؛ معدن الجواهر،

ص ٧٠

﴿پیامد بی تقوایی در دنیا﴾

۱۳-۵-۲-۱۰- به زحمت انداختن امام علیه السلام

﴿۴۰۴۸﴾ بر شما باد به پرهیزکاری زیرا پرهیزکاری همان دینی است که ما به آن وابسته‌ایم و خداوند را به وسیله‌ی آن دینداری می‌کنیم و آن را از کسانی که ما را دوست می‌دارند می‌خواهیم تا ما را با شفاعت به زحمت نیافکنند.

۶-۲-۱۰- از بین رفتن عدالت

﴿۴۰۴۹﴾ آفت افراد منصف، کم‌بودن ورع است.

۷-۲-۱۰- ایمان ندارد

۱-۷-۲-۱۰- باطل‌شدن سررشته‌ی ایمان

﴿۴۰۵۰﴾ ایمان در ده چیز است: شناخت و فرمان برداری و علم و عمل و ورع و اجتهاد و صبر و یقین و رضا و تسلیم. پس اگر صاحب آن یکی از آن‌ها را از دست دهد، نظام ایمان او از بین می‌رود.

۲-۷-۲-۱۰- ایمان ندارد

﴿۴۰۵۱﴾ کسی که ورع ندارد، ایمان ندارد.

۳-۷-۲-۱۰- ایمان برایش سودی به همراه ندارد

﴿۴۰۵۲﴾ ایمان بدون تقوا بی‌فایده است.

﴿۴۰۵۳﴾ هرکس سه خصلت را ندارد ایمانش به او سودی نمی‌بخشد: حلمی که نادانی جاهلان را از او بگرداند، پرهیزکاری‌ای که او را از حرام باز دارد، و اخلاقی که بتواند با مردم بسازد.

۴-۷-۲-۱۰- ایمان مؤمن کامل نمی‌شود مگر آنکه ورعی داشته باشد که مانع او از نافرمانی شود

﴿۴۰۵۴﴾ ایمان مؤمن کامل نمی‌شود مگر آنکه سه خصلت در او باشد: بردباری‌ای که او را از جهل بازدارد، ورعی که مانع او از ارتکاب معصیت خدا شود و کرامتی که موجب هم‌صحبتی خوب او شود.

۵-۷-۲-۱۰- فاسدشدن سررشته‌ی ایمان

﴿۴۰۵۵﴾ ایمان در ده چیز است: شناخت، اطاعت، علم، عمل، ورع، تلاش، صبر، یقین، رضا و تسلیم. هرکدام از این موارد که از دست برود، صاحب آن صفات را فاسد می‌کند.

﴿عَوَاقِبُ فَقْدِ التَّقْوَى فِي الدُّنْيَا﴾

١٠-٢-٧-٤- لَمْ يَجِدْ طَعْمَ الْإِيمَانِ

﴿٤٠٥٦﴾ الرَّسُولُ ﷺ: مَنْ لَمْ يَكُنْ فِيهِ ثَلَاثٌ لَمْ يَجِدْ طَعْمَ الْإِيمَانِ حِلْمٌ يَرُدُّ بِهِ جَهْلُ الْجَاهِلِ وَ
وَرَعٌ يَخْجِزُهُ عَنِ الْمَحَارِمِ وَخُلُقٌ يُدَارِي بِهِ النَّاسَ؛ مستدرک الوسائل، ج ١١، ص ٢٩١
١٠-٢-٨- لَّا دِينَ لَهُ

١٠-٢-٨-١- ذَهَابُ الدِّيَانَةِ

﴿٤٠٥٧﴾ السَّجَادُ الطَّيِّبُ: أَوْرَعُ نِظَامِ الْعِبَادَةِ فَإِذَا انْقَطَعَ ذَهَبَتِ الدِّيَانَةُ كَمَا إِذَا انْقَطَعَ السُّلْكُ
اتَّبَعَهُ النَّظَامُ؛ مجموعة ورام، ج ٢، ص ٨٨

﴿٤٠٥٨﴾ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ الطَّيِّبُ: أَفْسَدَ دِينَهُ مَنْ تَعَرَّى عَنِ الْوَرَعِ؛ غرر الحكم، ص ٢٧١

﴿٤٠٥٩﴾ الرِّضَا الطَّيِّبُ: لَّا دِينَ لِمَنْ لَّا وَرَعَ لَهُ؛ وسائل الشيعة، ج ١٦، ص ٢١١

١٠-٢-٨-٢- فَسَادُ الدِّينِ

﴿٤٠٦٠﴾ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ الطَّيِّبُ: أَفْسَدَ دِينَهُ مَنْ تَعَرَّى عَنِ الْوَرَعِ؛ غرر الحكم، ص ٢٧١

١٠-٢-٨-٣- لَّا دِينَ لَهُ

﴿٤٠٦١﴾ الرِّضَا الطَّيِّبُ: لَّا دِينَ لِمَنْ لَّا وَرَعَ لَهُ؛ وسائل الشيعة، ج ١٦، ص ٢١١

١٠-٢-٨-٤- لَّا إِسْلَامَ لَهُ

﴿٤٠٦٢﴾ الرِّضَا الطَّيِّبُ: لَّا إِسْلَامَ لِمَنْ لَّا وَرَعَ لَهُ؛ بحار الأنوار، ج ٧٢، ص ٤١٢

١٠-٢-٩- لَّا ثَمَرَةَ لَهُ

﴿٤٠٦٣﴾ الْأَئِمَّةُ الطَّيِّبَةُ: عَالِمٌ لَّا وَرَعَ لَهُ كَشَجَرَةٍ لَّا ثَمَرَةَ لَهَا؛ إرشاد القلوب، ج ١، ص ١٩٣

١٠-٢-١٠- لَّا زَكَاةَ لَهُ

﴿٤٠٦٤﴾ الرَّسُولُ ﷺ: لَّا زَكَاةَ لِمَنْ لَّا وَرَعَ لَهُ؛ مستدرک الوسائل، ج ٧، ص ٨

١٠-٢-١٠-١- لَّا يَزْكُو الْعِلْمُ

﴿٤٠٦٥﴾ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ الطَّيِّبُ: لَّا يَزْكُو الْعِلْمُ بِغَيْرِ وَرَعٍ؛ غرر الحكم، ص ٤٨

١٠-٢-١١- لَّا صِيَانَةَ لَهُ

﴿٤٠٦٦﴾ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ الطَّيِّبُ: لَّا صِيَانَةَ لِمَنْ لَّا وَرَعَ لَهُ؛ غرر الحكم، ص ٢٧٠

﴿پیامد بی تقوایی در دنیا﴾

۶-۷-۲-۱۰- طعم ایمان را نمی‌چشد

﴿۴۰۵۶﴾ کسی که سه خصلت ندارد، طعم ایمان را نمی‌چشد: بردباری‌ای که به کمک آن از پس جهل جاهلان برآید، ورعی که مانع او از ارتکاب معصیت خدا شود و اخلاق [خوبی] که بتواند با مردم مدارا کند.

۸-۲-۱۰- دین ندارد

۱-۲-۸-۱۰- از بین رفتن دین

﴿۴۰۵۷﴾ ورع، نظام عبادت است. پس وقتی ورع از بین رفت، دیانت از بین رفته است، همچنان که وقتی رشته و نخ گسیخته شد، دانه‌ها و مهره‌ها نیز به دنبال آن متفرق گشته و از هم می‌پاشند.

﴿۴۰۵۸﴾ کسی که با ورع خود را نپوشیده باشد، دینش را فاسد خواهد کرد.

﴿۴۰۵۹﴾ کسی که ورع ندارد، دین ندارد.

۲-۲-۸-۱۰- فاسدشدن دین

﴿۴۰۶۰﴾ کسی که با ورع خود را نپوشیده باشد، دینش را فاسد خواهد کرد.

۳-۲-۸-۱۰- دین ندارد

﴿۴۰۶۱﴾ کسی که ورع ندارد، دین ندارد.

۴-۲-۸-۱۰- اسلام ندارد

﴿۴۰۶۲﴾ کسی که ورع ندارد، اسلام ندارد.

۹-۲-۱۰- بهره ندارد

﴿۴۰۶۳﴾ عالم بی ورع مثل درخت بی‌ثمر است.

۱۰-۲-۱۰- پاکی ندارد

﴿۴۰۶۴﴾ کسی که ورع ندارد، پاکی ندارد.

۱-۲-۱۰-۱۰- علمش پاک نیست

﴿۴۰۶۵﴾ علم فقط با ورع پاک می‌گردد.

۱۱-۲-۱۰- حفاظت ندارد

﴿۴۰۶۶﴾ کسی که ورع ندارد، [مصون و] در امان نیست.

﴿عَوَاقِبُ فَقْدِ التَّقْوَى فِي الدُّنْيَا﴾

١٢-١٠-١- لَا كَرَامَةَ لَهُ

﴿٤٠٦٧﴾ الصَّادِقُ عَلَيْهِ السَّلَامُ: يَا عِيسَى بْنُ عَبْدِ اللَّهِ لَيْسَ مِنَّا وَلَا كَرَامَةٌ مَنْ كَانَ فِي مِصْرٍ فِيهِ مَائَةٌ أَلْفٍ أَوْ يَزِيدُونَ وَكَانَ فِي ذَلِكَ الْمِصْرِ أَحَدُ أَوْرَعٍ مِنْهُ؛ الكافي، ج ٢، ص ٧٨
١٣-١٠-٢- لَا تَصْلُحُ الْإِمَامَةُ لَهُ

﴿٤٠٦٨﴾ الرَّسُولُ ﷺ: لَا تَصْلُحُ الْإِمَامَةُ إِلَّا لِرَجُلٍ فِيهِ ثَلَاثُ خِصَالٍ وَرَعٌ يَحْجُزُهُ عَنْ مَعَاصِي اللَّهِ وَحِلْمٌ يَمْلِكُ بِهِ غَضَبَهُ وَحُسْنُ الْوَلَايَةِ عَلَى مَنْ يَلِي حَتَّى يَكُونَ لَهُمْ كَالْوَالِدِ الرَّحِيمِ؛ الكافي، ج ١، ص ٤٠٧

١٤-١٠-٢- لَا يَنْفَعُ اجْتِهَادُ لَا وَرَعٍ فِيهِ

﴿٤٠٦٩﴾ الصَّادِقُ عَلَيْهِ السَّلَامُ: وَاعْلَمْ أَنَّهُ لَا يَنْفَعُ اجْتِهَادُ لَا وَرَعٍ فِيهِ؛ الكافي، ج ٢، ص ٧٦
﴿٤٠٧٠﴾ الْبَاقِرُ عَلَيْهِ السَّلَامُ: عَلَيْكَ بِتَقْوَى اللَّهِ وَاجْتِهَادٍ فِي دِينِكَ وَاعْلَمْ أَنَّهُ لَا يُغْنِي عَنْكَ

اجْتِهَادُ لَيْسَ مَعَهُ وَرَعٌ؛ بحار الأنوار، ج ٦٧، ص ٣٠٨
١٥-١٠-٢- لَا يَنْفَعُكُمْ شَيْءٌ مِنْ دُنْيَاكُمْ بَعْدَ تَضْيِيعِ التَّقْوَى

﴿٤٠٧١﴾ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ: أَلَا وَ إِنَّهُ لَا يَضُرُّكُمْ تَوَاضُعُ شَيْءٍ مِنْ دُنْيَاكُمْ بَعْدَ حِفْظِكُمْ وَصِيَّةَ اللَّهِ وَالتَّقْوَى وَلَا يَنْفَعُكُمْ شَيْءٌ حَافِظْتُمْ عَلَيْهِ مِنْ أَمْرِ دُنْيَاكُمْ بَعْدَ تَضْيِيعِ مَا أَمَرْتُمْ بِهِ مِنَ التَّقْوَى؛ بحار الأنوار، ج ٧٥، ص ٩٤

١٦-١٠-٢- لَا يَنْفَعُ زُهْدٌ مَنْ لَمْ يَتَحَلَّ بِالْوَرَعِ

﴿٤٠٧٢﴾ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ: لَا يَنْفَعُ زُهْدٌ مَنْ لَمْ يَتَحَلَّ عَنِ الطَّمَعِ وَيَتَحَلَّ بِالْوَرَعِ؛ غرر الحكم، ص ٢٧٦

١٧-١٠-٢- لَا يَنْفَعُ الْعِبَادَةُ بِلَا وَرَعٍ

﴿٤٠٧٣﴾ الرَّسُولُ ﷺ: وَاعْلَمْ أَنَّكُمْ لَوْ صَلَّيْتُمْ حَتَّى تَكُونُوا كَالْحَنَائِبِ وَصُمْتُمْ حَتَّى تَكُونُوا كَالْأَوْتَارِ مَا يَنْفَعُكُمْ ذَلِكَ إِلَّا بِوَرَعٍ؛ بحار الأنوار، ج ٧٤، ص ٨٨
١٨-١٠-٢- لَمْ يُسْتَتَرَ بِشَيْءٍ

﴿٤٠٧٤﴾ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ: مَنْ تَعَرَّى مِنْ لِبَاسِ التَّقْوَى لَمْ يُسْتَتَرَ بِشَيْءٍ مِنَ اللَّبَاسِ؛ بحار الأنوار، ج ٧٤، ص ٢٣٨

﴿پیامد بی تقوایی در دنیا﴾

۱۲-۲-۱۰- کرامت ندارد

﴿۴۰۶۷﴾ ای عیسی بن عبد الله! از ما نیست و شرافتی ندارد کسی که در شهری باشد که صد هزار نفر و بیشتر در آن باشند، و در آن شهر شخصی پرهیزکارتر از او بوده باشد.

۱۳-۲-۱۰- امامت جز با آن اصلاح نمی شود

﴿۴۰۶۸﴾ امامت فقط شایسته‌ی کسی است که در او سه خصلت باشد: ورعی که او را از هر نافرمانی نسبت به خدا باز دارد. بردباری؛ تا آنجا که بر خشم خود مسلط باشد. سرپرستی خوب نسبت به هرکس که بر او سرپرست است؛ تا آنجا که برای آن‌ها پدری مهربان باشد.

۱۴-۲-۱۰- تلاش کسی که ورع ندارد بی فایده است

﴿۴۰۶۹﴾ و بدان که هر کوششی [چه در عبادت و چه در دیگر کارها] که ورع و پارسایی در آن نباشد سود ندارد.

﴿۴۰۷۰﴾ همیشه متقی باشید و در دین خود جهد و کوشش کنید و بدانید عبادتی که در آن ورع نباشد و کوششی که در آن تقوا نباشد، فایده‌ای ندارد.

۱۵-۲-۱۰- بعد از ضایع کردن پرهیزکاری هیچ چیزی از دنیا برای شما فایده ندارد

﴿۴۰۷۱﴾ آگاه باشید که با حفظ اساس دستورات الهی و پرهیزکاری، دیگر پایین آمدن سطح دنیائتان به شما ضرری نمی‌رساند. و همین طور پس از نادیده گرفتن دستور پرهیزکاری، دیگر حفظ متاعی از دنیا سودی به حالتان نخواهد داشت.

۱۶-۲-۱۰- آن که به پرهیزکاری آراسته نیست زهد برایش سودمند نیست

﴿۴۰۷۲﴾ کسی که طمع را از وجودش خالی نکرده و خود را با ورع زینت نکرده، از زهدش نفعی نمی‌برد.

۱۷-۲-۱۰- عبادت بدون پرهیزکاری بی فایده است

﴿۴۰۷۳﴾ بدان که اگر آنقدر نماز بگزارید تا خمیده شوید، و آنقدر روزه بگیرید که چون نی لاغر شوید، این اعمال سودی نمی‌بخشد مگر اینکه با ورع و پارسایی همراه باشد.

۱۸-۲-۱۰- پوشیده نمی شود

﴿۴۰۷۴﴾ هرکس لباس پرهیزکاری را از خود برکند، دیگر با هیچ لباسی عیوب خود را نخواهد پوشاند.

﴿عَوَاقِبُ فَقْدِ التَّقْوَى فِي الدُّنْيَا﴾

﴿٤٠٧٥﴾ أمير المؤمنين عليه السلام: مَنْ تَعَرَّى عَنْ لِبَاسِ التَّقْوَى لَمْ يَسْتَتِرْ بِشَيْءٍ مِنْ أَسْبَابِ الدُّنْيَا؛

غرر الحكم، ص ٢٧٠

١٩-٢-١٠- لَيْسَ بِالشَّانِ

﴿٤٠٧٦﴾ أمير المؤمنين عليه السلام: يَا كُمَيْلُ لَيْسَ الشَّانُ أَنْ تُصَلِّيَ وَتَصُومَ وَتَتَصَدَّقَ [إِنَّمَا] الشَّانُ أَنْ تَكُونَ الصَّلَاةُ فَعَلَتْ بِقَلْبٍ تَقِيٍّ وَعَمَلٌ عِنْدَ اللَّهِ مَرْضِيٌّ وَخُشُوعٌ سَوِيٌّ وَإِقْبَاءٌ لِلْجِدِّ فِيهَا؛

مستدرک الوسائل، ج ٤، ص ٩٤

٢٠-٢-١٠- لَيْسَ بِتَائِبٍ

﴿٤٠٧٧﴾ الرسول ﷺ: التَّائِبُ إِذَا لَمْ يَسْتَبِنْ أَثَرَ التَّوْبَةِ فَلَيْسَ بِتَائِبٍ يُرْضَى الْخُصَمَاءُ وَيُعِيدُ الصَّلَوَاتِ وَيَتَوَاضَعُ بَيْنَ الْخَلْقِ وَيَتَّقِي نَفْسَهُ عَنِ الشَّهَوَاتِ ... إِذَا رَأَيْتُمُ الْعَبْدَ عَلَى هَذِهِ الصُّورَةِ فَهُوَ تَائِبٌ نَاصِحٌ لِنَفْسِهِ؛ بحار الأنوار، ج ٦، ص ٣٥

٢١-٢-١٠- مَا يُعْبَأُ بِهِ

﴿٤٠٧٨﴾ الصادق عليه السلام: عَنْ صَفْوَانَ الْجَمَّالِ قَالَ سَمِعْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام يَقُولُ مَا يُعْبَأُ بِمَنْ يَوْمٌ هَذَا النَّبِيُّ إِذَا لَمْ يَكُنْ فِيهِ خِصَالُ ثَلَاثٍ حِلْمٌ يَمْلِكُ بِهِ غَضَبَهُ وَخَلْقٌ يُخَالِقُ بِهِ مَنْ صَحِبَهُ وَوَرَعٌ يَحْجُزُهُ عَنْ مَعَاصِي اللَّهِ؛ تهذيب الأحكام، ج ٥، ص ٤٤٥

﴿٤٠٧٩﴾ الباقر عليه السلام: مَا يُعْبَأُ مَنْ يَسْلُكُ هَذَا الطَّرِيقَ إِذَا لَمْ يَكُنْ فِيهِ ثَلَاثُ خِصَالٍ وَرَعٌ يَحْجُزُهُ عَنْ مَعَاصِي اللَّهِ وَحِلْمٌ يَمْلِكُ بِهِ غَضَبَهُ وَحُسْنُ الصُّحْبَةِ لِمَنْ صَحِبَهُ؛ الكافي، ج ٤، ص ٢٨٦

٢٢-٢-١٠- لَا يَكُونُ عَابِدًا

﴿٤٠٨٠﴾ الرسول ﷺ: لَا يَكُونُ الرَّجُلُ مُسْلِمًا حَتَّى يَسْلَمَ النَّاسُ مِنْ يَدِهِ وَلِسَانِهِ وَلَا يَكُونُ مُؤْمِنًا حَتَّى يَأْمَنَ أَخُوهُ بِوَأْتِقِهِ وَجَارُهُ بِوَادِرِهِ وَلَا يَكُونُ عَالِمًا حَتَّى يَكُونَ عَامِلًا بِمَا عَلِمَ وَلَا يَكُونُ عَابِدًا حَتَّى يَكُونَ وَرِعًا وَلَا يَكُونُ وَرِعًا حَتَّى يَكُونَ زَاهِدًا؛ إرشاد القلوب، ج ١، ص ١٦

٢٣-٢-١٠- لَا يُعْتَدَنَّ بِشَيْءٍ مِنْ عَمَلِهِ

﴿٤٠٨١﴾ الرسول ﷺ: ثَلَاثٌ مَنْ لَمْ تَكُنْ فِيهِ أَوْ وَاحِدَةٌ مِنْهُنَّ فَلَا يُعْتَدَنَّ بِشَيْءٍ مِنْ عَمَلِهِ تَقْوَى يَحْجُزُهُ عَنْ مَعَاصِي اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ أَوْ حِلْمٌ يَكْفُ بِهِ السَّفِيهِ أَوْ خُلُقٌ يَعِيشُ بِهِ فِي النَّاسِ؛

بحار الأنوار، ج ٦٨، ص ٣٩٤

﴿پیامد بی تقوایی در دنیا﴾

﴿۴۰۷۵﴾ کسی که لباس تقوا به تن ندارد، عیوبش با هیچ‌یک از اسباب دنیایی پوشیده نمی‌شود.

۱۹-۲-۱۰- شأن و منزلتی ندارد

﴿۴۰۷۶﴾ ای کمیل! مقام تو به این نیست که نماز بخوانی و روزه بگیری و صدقه بدهی. مقام آن است که نماز همراه قلب پاک انجام شود و موردپسند الهی بوده، همراه با خشوع متعادل و دوام جدیت باشد.

۲۰-۲-۱۰- توبه‌کننده محسوب نمی‌شود

﴿۴۰۷۷﴾ اگر نشان توبه در توبه‌کننده آشکار نشود توبه نکرده است؛ طلبکاران را خشنود سازد، نمازها را اعاده کند، میان مردم فروتنی کند، خود را از شهوات و خواهش‌های نفسانی به دور دارد ... هرگاه بنده‌ای را با این اوصاف دیدید، او توبه‌کننده‌ی حقیقی و خیرخواه خویش است.

۲۱-۲-۱۰- به او توجه نمی‌شود

﴿۴۰۷۸﴾ صفوان گوید: شنیدم امام صادق (علیه السلام) می‌فرمود: «به کسی که قصد حج دارد اما [این] سه خصلت در او نیست، اعتنایی نمی‌شود؛ بردباری‌ای که کنترل غضبش را داشته باشد، اخلاق خوب با همراه و هم‌صحبت، ورعی که مانع او از ارتکاب معصیت خدا شود». ﴿۴۰۷۹﴾ به کسی که این راه (حج) را می‌پیماید اما [این] سه خصلت در او نیست، اعتنایی نمی‌شود؛ ورعی که مانع او از ارتکاب معصیت خدا شود، بردباری‌ای که کنترل غضبش را داشته باشد، هم‌صحبتی و معاشرت خوب با همراه و هم‌صحبت.

۲۲-۲-۱۰- عبادت‌کننده نیست

﴿۴۰۸۰﴾ تا زمانی که مردم از دست و زبان کسی در سلامت و امنیت نباشند جزء مسلمانان محسوب نمی‌شود و تا وقتی که برادر مؤمنش از شر او و همسایه‌اش از آزارش در امان نباشد به درجه‌ی ایمان نمی‌رسد. و تا زمانی که به آنچه می‌داند عمل نکند جزء عالمان محسوب نمی‌شود و تا زمانی که ورع نداشته باشد جزء عابدان محسوب نمی‌شود و تا زمانی که زاهد نباشد جزء اهل ورع محسوب نمی‌شود.

۲۳-۲-۱۰- چیزی از اعمالش به حساب نمی‌آید

﴿۴۰۸۱﴾ سه چیز است که اگر این‌ها یا لااقل یکی از این‌ها در کسی نباشد، به اعمال و عبادتش اعتنایی مکن: «تقوا و پرهیزی که او را از معصیت الهی باز دارد؛ یا حلم و بردباری که نادان و احمق را از خود دور کند؛ یا اخلاق خوشی که در جامعه زندگی کند».

﴿عَوَاقِبُ فَقْدِ التَّقْوَى فِي الدُّنْيَا﴾

١٠-٢-٢٤-١- لَيْسَ أَعْمَالُهُ كَامِلًا

﴿٤٠٨٢﴾ الرَّسُولُ ﷺ: يَا عَلِيُّ ثَلَاثٌ مَنْ لَمْ يَكُنْ فِيهِ لَمْ يَتِمَّ عَمَلُهُ وَرَعَ يَحْجُزُهُ عَنْ مَعَاصِي اللَّهِ وَخُلُقٌ يُدَارِي بِهِ النَّاسَ وَحِلْمٌ يَرُدُّ بِهِ جَهْلَ الْجَاهِلِ؛ وسائل الشيعة، ج ١٥، ص ٢٤٦

١٠-٢-٢٥-١- كُنْ تَنَالُوا مَا عِنْدَ اللَّهِ إِلَّا بِالْوَرَعِ

﴿٤٠٨٣﴾ الصَّادِقُ ﷺ: لَنْ تَنَالُوا مَا عِنْدَ اللَّهِ إِلَّا بِالْوَرَعِ؛ مستدرک الوسائل، ج ١١، ص ٢٦٨

١٠-٢-٢٦-١- الوقوعُ فِي الْحَرَامِ، اللَّذَاتُ وَالشَّهَوَاتُ، السَّيِّئَاتُ وَالتَّبَعَاتُ

١٠-٢-٢٦-١- الوقوعُ فِي الْحَرَامِ وَهُوَ لَا يَعْرِفُهُ

﴿٤٠٨٤﴾ الصَّادِقُ ﷺ: عَنْ فَضِيلِ بْنِ عِيَاضٍ قَالَ:.... سَأَلْتُهُ عَنِ الْوَرَعِ مِنَ النَّاسِ قَالَ الَّذِي يَتَوَرَّعُ عَنْ مَحَارِمِ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ وَيَجْتَنِبُ هَوْلًا وَإِذَا لَمْ يَبْقِ الشُّبُهَاتُ وَقَعَ فِي الْحَرَامِ وَهُوَ لَا يَعْرِفُهُ وَإِذَا رَأَى الْمُنْكَرَ فَلَمْ يُنْكِرْهُ وَهُوَ يَقْدِرُ عَلَيْهِ؛ الكافي، ج ٥، ص ١٠٨

١٠-٢-٢٦-٢- اللَّذَاتُ وَالشَّهَوَاتُ، السَّيِّئَاتُ وَالتَّبَعَاتُ

﴿٤٠٨٥﴾ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ ﷺ: إِنْ مَنْ فَارَقَ التَّقْوَى أَغْرَى بِاللَّذَاتِ وَالشَّهَوَاتِ وَقَعَ فِي تَبِعِهِ السَّيِّئَاتِ وَلَزِمَهُ كَبِيرُ التَّبَعَاتِ؛ غررالحكم، ص ٢٧٤

١٠-٢-٢٧-١- الضَّلَالَةُ، مَلَأَ الْقَلْبَ مِنَ الْفِتَنِ وَمَوْتُ الْقَلْبِ

١٠-٢-٢٧-١- الضَّلَالَةُ

﴿٤٠٨٦﴾ وَمَا كَانَ اللَّهُ لِيُضِلَّ قَوْمًا بَعْدَ إِذْ هَدَاهُمْ حَتَّى يُبَيِّنَ لَهُمْ مَا يَتَّقُونَ إِنَّ اللَّهَ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمٌ؛ التوبة ١١٥

١٠-٢-٢٧-٢- فَقْدُ الْهَدَايَةِ

﴿٤٠٨٧﴾ الصَّادِقُ ﷺ: إِنَّمَا يَتَقَبَّلُ اللَّهُ مِنَ الْمُتَّقِينَ فَمَنْ اتَّقَى اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ فِيمَا أَمَرَهُ لَقِيَ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ مُؤْمِنًا بِمَا جَاءَ بِهِ مُحَمَّدٌ ﷺ هَيْهَاتَ هَيْهَاتَ فَاتَ قَوْمٌ وَمَاتُوا قَبْلَ أَنْ يَهْتَدُوا وَظَنُوا أَنَّهُمْ آمَنُوا وَأَشْرَكُوا مِنْ حَيْثُ لَا يَعْلَمُونَ؛ الكافي، ج ٢، ص ٤٧

١٠-٢-٢٧-٣- مَلَأَ الْقَلْبَ مِنْ فِتَنِ الدُّنْيَا

﴿٤٠٨٨﴾ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ ﷺ: خَلُوْ الْقَلْبَ مِنَ التَّقْوَى يَمْلَأُهُ مِنْ فِتَنِ الدُّنْيَا؛ غررالحكم، ص ٦٧

﴿پیامد بی تقوایی در دنیا﴾

۲۴-۱۰-۱- اعمالش کامل نیست

﴿۴۰۸۲﴾ ای علی! سه خصلت است که در هرکس نباشد، عمل او تمام نیست: اوّل: ورع و تقوایی که او را از گناهان باز دارد. دوّم: اخلاقی که با مردم به سبب آن مدارا کند. سوّم: حلم و بردباری که به وسیله آن، چهل جاهل را باز گرداند.

۲۵-۱۰-۲- به آنچه نزد خداست جز با پرهیزکاری نمی‌رسید

﴿۴۰۸۳﴾ کسی به آنچه که نزد خداست نمی‌رسد، مگر با رعایت ورع.

۲۶-۱۰-۲- افتادن در حرام، لذّتها، شهوات، بدی‌ها و گناهان دارای پیامد

۱-۱۰-۲-۲۶- افتادن در حرامی که از آن آگاه نیست

﴿۴۰۸۴﴾ فضیل بن عیاض گوید:... از امام علیه السلام در مورد پرهیزکارترین مردم سؤال کردم فرمود: «یعنی کسی که از محرّمات الهی پرهیز و از آنان دوری کند. اگر کسی از شبهات پرهیز نکند و وقتی امر منکری را می‌بیند با آنکه قدرتش را دارد [تا آن را منکر اعلام و با آن مقابله کند]، آن را منکر نشمارد، بدون آنکه متوجّه شود، حتماً به حرام خواهد افتاد.

۲-۱۰-۲-۲۶- شهوات، بدی‌ها و گناهان دارای پیامد

﴿۴۰۸۵﴾ کسی که از تقوا جدا شود، فریب لذّتها و شهوات را خواهد خورد و در بیابان بدی‌ها خواهد افتاد و با تبعات بزرگی همراه خواهد بود.

۲۷-۱۰-۲- گمراهی، پرشدن قلب از فتنه‌ها و مرگ قلب

۱-۱۰-۲-۲۷- گمراهی

﴿۴۰۸۶﴾ چنان نبود که خداوند قومی را، پس از آن که آنها را هدایت کرد (و ایمان آوردند) گمراه (و مجازات) کند مگر آنکه اموری را که باید از آن پرهیزند، برای آنان بیان نماید (و آنها مخالفت کنند) زیرا خداوند به هر چیزی داناست!

۲-۱۰-۲-۲۷- عدم رهیابی

﴿۴۰۸۷﴾ «خدا، تنها از پرهیزکاران می‌پذیرد»؛ پس هرکس در آنچه خداوند به آن دستور داده از خداوند پروا نماید، خداوند بلندمرتبه را در حالی ملاقات می‌کند که به آنچه که محمد صلی الله علیه و آله آورده، ایمان دارد. افسوس، افسوس، قومی پیش از آنکه هدایت شوند، مردند و گمان بردند که ایمان آوردند حال آنکه ندانسته مشرک بودند.

۳-۱۰-۲-۲۷- پرشدن قلب از فتنه‌ها

﴿۴۰۸۸﴾ خالی بودن قلب از تقوا موجب پرشدن آن از فتنه‌های دنیاست.

﴿عَوَاقِبُ فَقْدِ التَّقْوَى فِي الدُّنْيَا﴾

١٠-٢-٢٧-٤- مَوْتُ الْقَلْبِ

﴿٤٠٨٩﴾ أمير المؤمنين عليه السلام: مَنْ قَلَّ حَيَاؤُهُ قَلَّ وَرَعُهُ وَمَنْ قَلَّ وَرَعُهُ مَاتَ قَلْبُهُ وَمَنْ مَاتَ قَلْبُهُ دَخَلَ النَّارَ؛ نهج البلاغة، ص ٥٣٦

﴿٤٠٩٠﴾ أمير المؤمنين عليه السلام: مَنْ قَلَّ وَرَعُهُ مَاتَ قَلْبُهُ؛ غرر الحكم، ص ٢٧٤

١٠-٢-٢٨- الهَلَاكَةُ وَالْفُسَادُ

﴿٤٠٩١﴾ لقمان عليه السلام: يَا بُنَيَّ إِنَّ الدُّنْيَا بَحْرٌ عَمِيقٌ وَقَدْ هَلَكَ فِيهَا عَالَمٌ كَثِيرٌ فَاجْعَلْ سَفِينَتَكَ فِيهَا أَلِيْمَانًا بِاللَّهِ وَاجْعَلْ شِرَاعَهَا التَّوَكُّلَ عَلَى اللَّهِ وَاجْعَلْ زَادَكَ فِيهَا تَقْوَى اللَّهِ؛ من لا يحضره الفقيه، ج ٢، ص ٢٨٢

﴿٤٠٩٢﴾ لقمان عليه السلام: يَا بُنَيَّ إِنَّ الدُّنْيَا بَحْرٌ عَمِيقٌ قَدْ غَرِقَ فِيهَا عَالَمٌ كَثِيرٌ فَلْتَكُنْ سَفِينَتَكَ فِيهَا تَقْوَى اللَّهِ؛ الكافي، ج ١، ص ١٥
١٠-٢-٢٨-١- الْفَسَادُ

﴿٤٠٩٣﴾ أمير المؤمنين عليه السلام: مَنْ لَمْ يُصْلِحْهُ الْوَرَعُ أَفْسَدَهُ الطَّمَعُ؛ غرر الحكم، ص ٢٩٧

١٠-٢-٢٨-٢- الْإِقْتِلَاعُ

﴿٤٠٩٤﴾ عيسى عليه السلام: وَيْلَكُمْ يَا عِبِيدَ الدُّنْيَا لَا كَحُكَمَاءَ تَعْقِلُونَ وَلَا كَحُلَمَاءَ تَفْقَهُونَ وَلَا كَعُلَمَاءَ تَعْلَمُونَ وَلَا كَعَبِيدٍ أَتْقِيَاءَ وَلَا كَأَحْرَارٍ كِرَامٍ تُوشِكُ الدُّنْيَا أَنْ تَقْتُلِعَكُمْ؛ بحار الأنوار، ج ١٤، ص ٣١١

١٠-٢-٢٨-٣- التَّلَفُ

﴿٤٠٩٥﴾ الباقر عليه السلام: فَإِنِّي أُوصِيكَ بِتَقْوَى اللَّهِ فَإِنَّ فِيهَا السَّلَامَةَ مِنَ التَّلَفِ وَالْغَنِيمَةَ فِي الْمُنْقَلَبِ؛ الكافي، ج ٨، ص ٥٢
١٠-٢-٢٨-٤- مَاتَ شَابًا

﴿٤٠٩٦﴾ الرسول ﷺ: مَنْ لَمْ يَتَوَرَّعْ فِي دِينِ اللَّهِ تَعَالَى ابْتِلَاهُ اللَّهُ بِثَلَاثِ خِصَالٍ إِمَّا أَنْ يُمِيتَهُ شَابًا أَوْ يُوقِعَهُ فِي خِدْمَةِ السُّلْطَانِ أَوْ يُسْكِنَهُ فِي الرِّسَالَتِ؛ مستدرک الوسائل، ج ١١، ص ٢٧٤
١٠-٢-٢٩- تَغْيِيرُ النِّعْمَةِ وَغَلَبَةُ الْفِتَنِ

﴿پیامد بی تقوایی در دنیا﴾

۴-۲۷-۱۰-۱- مرگ قلب

﴿۴۰۸۹﴾ هرکس حیایش اندک است پرهیزکاری اش اندک است، هرکس پرهیزکاری اش کم باشد دلش می میرد، و هرکس دلش بمیرد به دوزخ می رود.
﴿۴۰۹۰﴾ کسی که ورعش کم باشد، قلبش می میرد.

۸-۲-۱۰-۱- هلاکت و فساد

﴿۴۰۹۱﴾ فرزند عزیزم! دنیا دریایی ژرف است و جهانی بسیار در آن هلاک شده اند، پس کشتی خود را در آن دریا، ایمان به خدا و بادبانش را توکل بر خدا و توشه‌ی خود را در آن، تقوای خدای بلندمرتبه قرار ده.
﴿۴۰۹۲﴾ پسر عزیزم! بدان که دنیا دریایی عمیق است و عده‌ی بسیاری در آن غرق شده اند. پس تقوای خدا را کشتی نجات خود قرار ده.

۱-۲۸-۱۰-۲- فساد

﴿۴۰۹۳﴾ کسی را که ورع اصلاح نکرده، طمع فاسد می کند.

۲-۲۸-۱۰-۲- برکنده شدن

﴿۴۰۹۴﴾ وای بر شما دنیاپرستان، نه مانند حکیمان فکر می کنید، نه مثل خردمندان می فهمید، نه چون دانشمندان علم دارید، نه به بندگان پرهیزکار شباهت دارید، نه به آزادمردان بزرگوار هستید. نزدیک است که دنیا شما را از بیخ برکنده و زیر و رو کند، سپس به رو در افکند.

۳-۲۸-۱۰-۲- تلف شدن

﴿۴۰۹۵﴾ تو را به تقوا توصیه می کنم، زیرا در تقوا سلامت و رهایی از تلف شدن [و هلاکت] و سودبردن در بازگشت گاه [آخرت] است.

۴-۲۸-۱۰-۲- جوان مرگ شدن

﴿۴۰۹۶﴾ خداوند کسی را که در دین خدا، ورع نداشته باشد، به یکی از این سه خصلت مبتلا می کند؛ یا در جوانی او را می میراند یا او را به [گرفتاری] خدمت پادشاهی می اندازد و یا در روستاها ساکنش می گرداند.

۹-۲-۱۰-۱- از دست رفتن نعمت و غلبه‌ی فتنه‌ها

﴿عَوَاقِبُ فَقْدِ التَّقْوَى فِي الْآخِرَةِ﴾

١-٢٩-١٠- تَغْيِيرُ النِّعْمَةِ

﴿٤٠٩٧﴾ الصَّادِقُ عليه السلام: اتَّقُوا اللَّهَ لَا يُغَيِّرُ مَا بِكُمْ مِنْ نِعْمَةٍ؛ بحار الأنوار، ج ٤٣، ص ٢٦٨
 ﴿٤٠٩٨﴾ الصَّادِقُ عليه السلام: اتَّقُوا اللَّهَ لَا تُغَيِّرُوا مَا بِكُمْ مِنْ نِعْمَةٍ؛ بحار الأنوار، ج ١٤، ص ١٤٤
 ١-٢٩-٢- لَا يُرَى إِلَّا سُلْطَانُ جَائِرٍ أَوْ غَنِيٌّ بِخَيْلٍ أَوْ عَالِمٌ مُرَاغِبٌ فِي الْمَالِ أَوْ فَقِيرٌ كَذَّابٌ
 أَوْ شَيْخٌ فَاجِرٌ أَوْ صَبِيٌّ وَقِحٌ أَوْ امْرَأَةٌ رَغْنَاءُ

﴿٤٠٩٩﴾ الرَّسُولُ عليه السلام: رَوَى جَابِرُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ الْأَنْصَارِيُّ قَالَ حَجَجْتُ مَعَ رَسُولِ اللَّهِ عليه السلام حَجَّةَ الْوَدَاعِ فَلَمَّا قَضَى النَّبِيُّ عليه السلام مَا افْتَرَضَ عَلَيْهِ مِنَ الْحَجِّ أَتَى مُودَّعَ الْكَعْبَةِ فَلَزِمَ حَلْقَةَ الْبَابِ وَ نَادَى بِرَفْعِ صَوْتِهِ أَيُّهَا النَّاسُ فَاجْتَمِعْ أَهْلُ الْمَسْجِدِ وَ أَهْلُ السُّوقِ فَقَالَ اسْمَعُوا إِنِّي قَائِلٌ مَا هُوَ بَعْدِي كَأَنَّ فُلَيْبَلْغُ شَاهِدَكُمْ غَائِبَكُمْ ثُمَّ بَكَى رَسُولُ اللَّهِ عليه السلام حَتَّى بَكَى لِبُكَائِهِ النَّاسُ أَجْمَعِينَ فَلَمَّا سَكَتَ مِنْ بُكَائِهِ قَالَ ااعْلَمُوا رَحِمَكُمُ اللَّهُ أَنَّ مِثْلَكُمْ فِي هَذَا الْيَوْمِ كَمِثْلَ وَرَقٍ لَا شَوْكَ فِيهِ إِلَى أَرْبَعِينَ وَ مِائَةِ سَنَةٍ ثُمَّ يَأْتِي مِنْ بَعْدِ ذَلِكَ شَوْكٌ وَ وَرَقٌ إِلَى مِائَتَيْ سَنَةٍ ثُمَّ يَأْتِي مِنْ بَعْدِ ذَلِكَ شَوْكٌ لَا وَرَقَ فِيهِ حَتَّى لَا يُرَى فِيهِ إِلَّا سُلْطَانُ جَائِرٍ أَوْ غَنِيٌّ بِخَيْلٍ أَوْ عَالِمٌ مُرَاغِبٌ فِي الْمَالِ أَوْ فَقِيرٌ كَذَّابٌ أَوْ شَيْخٌ فَاجِرٌ أَوْ صَبِيٌّ وَقِحٌ أَوْ امْرَأَةٌ رَغْنَاءُ ثُمَّ بَكَى رَسُولُ اللَّهِ عليه السلام فَقَامَ إِلَيْهِ سَلْمَانُ الْفَارِسِيُّ وَ قَالَ يَا رَسُولَ اللَّهِ أَخْبِرْنَا مَتَى يَكُونُ ذَلِكَ فَقَالَ عليه السلام يَا سَلْمَانُ إِذَا... قَلَّ الْوَرَقُ وَ كَثُرَ الطَّمَعُ؛ بحار الأنوار، ج ٥٢، ص ٢٦٢

١-٢٩-٢-١٠- خِدْمَةُ السُّلْطَانِ أَوْ السُّكُونَةِ فِي الرَّسَائِقِ

﴿٤١٠٠﴾ الرَّسُولُ عليه السلام: مَنْ لَمْ يَتَوَرَّعْ فِي دِينِ اللَّهِ تَعَالَى ابْتِلَاءُ اللَّهِ بِثَلَاثِ خِصَالٍ إِمَّا أَنْ يُمِيتَهُ شَابًا أَوْ يُوقِعَهُ فِي خِدْمَةِ السُّلْطَانِ أَوْ يُسْكِنَهُ فِي الرَّسَائِقِ؛ مستدرک الوسائل، ج ١١، ص ٢٧٤

١-٣-١٠- عَوَاقِبُ فَقْدِ التَّقْوَى فِي الْآخِرَةِ

١-٣-١٠-١- نَارُ جَهَنَّمَ

﴿٤١٠١﴾ وَمِنَ النَّاسِ مَنْ يُعْجِبُكَ قَوْلُهُ فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَيُشْهَدُ اللَّهُ عَلَى مَا فِي قَلْبِهِ وَهُوَ أَلَدُّ الْخِصَامِ * وَإِذَا تَوَلَّى سَعَى فِي الْأَرْضِ لِيُفْسِدَ فِيهَا وَيُهْلِكَ الْحَرْثَ وَالنَّسْلَ وَاللَّهُ لَا يُحِبُّ الْفُسَادَ * وَإِذَا قِيلَ لَهُ اتَّقِ اللَّهَ أَخَذَتْهُ الْعِزَّةُ بِالْإِثْمِ فَحَسْبُهُ جَهَنَّمُ وَلَبِئْسَ الْمِهَادُ؛ البقرة ٢٠٦-٢٠٤

«پیامدهای فقدان تقوا در جهان دیگر»

۱-۲۹-۱۰- از دست رفتن نعمت

﴿۴۰۹۷﴾ تقوای خدا را داشته باشید و از او بترسید، تا نعمتهایی را که بر شما ارزانی داشته تغییر ندهد.
﴿۴۰۹۸﴾ تقوای خدا داشته باشید و از او بترسید، و نعمتهایی را که بر شما ارزانی داشته، تغییر ندهید.

۲-۲۹-۱۰- جز سلطان ظالم یا ثروتمند بخیل یا عالم دنیاپرست یا فقیر دروغگو یا

پیرمردزناکار یا بچه‌ی بی‌آبرو و یا زن بی‌پروا دیده نمی‌شود

﴿۴۰۹۹﴾ جابر بن عبدالله انصاری می‌گوید: «در سال حجۃ الوداع با پیامبر ﷺ به حج رفتیم. پیامبر ﷺ بعد از انجام اعمال حج آمد تا با خانه‌ی خدا وداع کند. آنگاه حلقه‌ی در را گرفت و با صدای رسا فرمود: «ای مردم!» با این صدا تمام مردمی که در مسجدالحرام و بازار بودند، جمع شدند. آنگاه پیامبر ﷺ فرمود: «ای مردم! آنچه را که بعد از من روی می‌دهد و هم اکنون به شما می‌گویم، از من بشنوید و حاضران شما به غایبین خود برسانند». سپس گریست، به طوری که از گریه ایشان همه مردم گریستند. چون حضرت از گریستن آرام گرفت، فرمود: «ای مردم! خدا شما را بیامرزد! بدانید که شما از این روز تا صد و چهل سال بعد، مانند برگی هستید که خار نداشته باشد. آنگاه تا دویست سال برگ و خار خواهد داشت و بعد از آن خار بدون برگ است، به طوری که در آن زمان جز سلطان ظالم یا ثروتمند بخیل یا عالم دنیاپرست یا فقیر دروغگو یا پیرمردزناکار یا بچه‌ی بی‌آبرو و یا زن بی‌پروا دیده نمی‌شود». آنگاه باز گریست. سلمان ﷺ برخاست و عرض کرد: «یا رسول الله! آنچه فرمودید چه زمانی واقع می‌شود؟» فرمود: «ای سلمان! در زمانی که... تقوا کم و طمع زیاد شود...».

۳-۲۹-۱۰- خدمت سلطان یا حاشیه‌نشینی

﴿۴۱۰۰﴾ خداوند کسی را که در دین خدا، ورع نداشته باشد، به یکی از این سه خصلت مبتلا می‌کند؛ یا در جوانی او را می‌میراند یا او را به [گرفتاری] خدمت پادشاهی می‌اندازد و یا حاشیه‌نشین می‌شود.

۳-۱۰- پیامدهای فقدان تقوا در جهان دیگر

۱-۳-۱۰- آتش جهنم

﴿۴۱۰۱﴾ و از مردم، کسانی هستند که گفتار آنان، در زندگی دنیا مایه‌ی اعجاب تو می‌شود (در ظاهر، اظهار محبت شدید می‌کنند) و خدا را بر آنچه در دل دارند گواه می‌گیرند. (این در حالی است که) آنان، سرسخت‌ترین دشمنانند. (نشانه‌ی آن، این است که) هنگامی که روی برمی‌گردانند (و از نزد تو خارج می‌شوند)، در راه فساد در زمین، کوشش می‌کنند، و زراعت‌ها و چهارپایان را نابود می‌سازند (با اینکه می‌دانند) خدا فساد را دوست نمی‌دارد. و هنگامی که به آن‌ها گفته شود: «از خدا بترسید!» (لجاجت آنان بیشتر می‌شود)، و لجاجت و تعصب، آن‌ها را به گناه می‌کشاند. آتش دوزخ برای آنان کافی است و چه بد جایگاهی است!

﴿عَوَاقِبُ فَقْدِ التَّقْوَى فِي الْآخِرَةِ﴾

﴿٤١٠٢﴾ أَفَمَنْ أَشَسَّ بُنْيَانَهُ عَلَى تَقْوَى مِنَ اللَّهِ وَرِضْوَانٍ خَيْرٌ أَمْ مَنْ أَشَسَّ بُنْيَانَهُ عَلَى شَفَا جُرْفٍ هَارٍ فَأَنْهَارِيهِ فِي نَارٍ جَهَنَّمَ وَاللَّهُ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الظَّالِمِينَ؛ التوبة ١٠٩-١٠٧

﴿٤١٠٣﴾ الرَّسُولُ ﷺ: يَا أَبَا ذَرٍّ لَا يَكُونُ الرَّجُلُ مِنَ الْمُتَّقِينَ حَتَّى يُحَاسِبَ نَفْسَهُ أَشَدَّ مِنْ مُحَاسَبَةِ الشَّرِيكِ شَرِيكِهِ فَيَعْلَمَ مِنْ أَيْنَ مَطْعَمُهُ وَمِنْ أَيْنَ مَشْرَبُهُ وَمِنْ أَيْنَ مَلْبَسُهُ أَمْ مِنْ حَلَالٍ أَوْ مِنْ حَرَامٍ يَا أَبَا ذَرٍّ مَنْ لَمْ يُبَالِ مِنْ أَيْنَ اكْتَسَبَ الْمَالُ لَمْ يُبَالِ اللَّهُ مِنْ أَيْنَ أَدْخَلَهُ النَّارَ؛ وسائل الشريعة، ج ١٦، ص ٩٨

﴿٤١٠٤﴾ أمير المؤمنين عليه السلام: مَنْ قَلَّ حَيَاؤُهُ قَلَّ وَرَعُهُ وَمَنْ قَلَّ وَرَعُهُ مَاتَ قَلْبُهُ وَمَنْ مَاتَ قَلْبُهُ دَخَلَ النَّارَ؛ نهج البلاغة، ص ٥٣٦
١٠-٣-٢- الحسرة

﴿٤١٠٥﴾ وَاتَّبِعُوا أَحْسَنَ مَا أُنْزِلَ إِلَيْكُمْ مِنْ رَبِّكُمْ مِّن قَبْلِ أَنْ يَأْتِيَكُمُ الْعَذَابُ بَغْثَةً وَأَنْتُمْ لَا تَشْعُرُونَ* أَنْ تَقُولَ نَفْسٌ يَا حَسْرَتَى عَلَى مَا فَرَّطْتُ فِي جَنْبِ اللَّهِ وَإِنْ كُنْتُ لَمِنَ السَّخِرِينَ* أَوْ تَقُولَ لَوْ أَنَّ اللَّهَ هَدَانِي لَكُنْتُ مِنَ الْمُتَّقِينَ؛ الزمر ٥٧-٥٥
١٠-٣-٣- الخزي

﴿٤١٠٦﴾ وَاتَّقُوا اللَّهَ وَلَا تَحْزُونِ؛ الحجر ٦٩
١٠-٣-٤- الخسران

﴿٤١٠٧﴾ الرَّسُولُ ﷺ: يَا أَبَا ذَرٍّ مَنْ لَمْ يَأْتِ يَوْمَ الْقِيَامَةِ بِثَلَاثٍ فَقَدْ خَسِرَ قُلْتُ وَمَا الثَّلَاثُ فِدَاكَ أَبِي وَأُمِّي قَالَ وَرَعٌ يَخْجُزُهُ عَمَّا حَرَّمَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ عَلَيْهِ وَحِلْمٌ يَرُدُّ بِهِ جَهْلَ السَّفِيهِ وَخُلُقٌ يُدَارِي بِهِ النَّاسَ؛ بحار الأنوار، ج ٧٤، ص ٨٨

﴿٤١٠٨﴾ أمير المؤمنين عليه السلام: التَّقْوَى غَايَةُ لَا يَهْلِكُ مَنْ تَبِعَهَا وَلَا يَنْدَمُ مَنْ يَعْمَلُ بِهَا لِأَنَّ بِالتَّقْوَى فَازَ الْفَائِزُونَ وَبِالْمَعْصِيَةِ خَسِرَ الْخَاسِرُونَ فَلْيَزِدْ جِرْ أَوَّلُو النَّهْيِ وَلْيَتَذَكَّرْ أَهْلُ التَّقْوَى؛ بحار الأنوار، ج ٦٥، ص ٣٨٢
١٠-٣-٥- الشقاوة

﴿٤١٠٩﴾ الرضا عليه السلام: جَفَّ الْقَلَمُ بِحَقِيقَةِ الْكِتَابِ مِنَ اللَّهِ بِالسَّعَادَةِ لِمَنْ آمَنَ وَاتَّقَى وَالشَّقَاوَةَ مِنَ اللَّهِ تَبَارَكَ وَتَعَالَى لِمَنْ كَذَبَ وَعَصَى؛ بحار الأنوار، ج ٥، ص ١٥٤
﴿١١٦٤﴾

«پیامدهای فقدان تقوا در جهان دیگر»

«۴۱۰۲» آیا کسی که شالوده آن را بر تقوای الهی و خشنودی او بنا کرده بهتر است، یا کسی که اساس آن را بر کنار پرتگاه سستی بنا نموده که ناگهان در آتش دوزخ فرومی‌ریزد؟ و خداوند گروه ستمگران را هدایت نمی‌کند!

«۴۱۰۳» ای ابوذر! کسی از پرهیزکاران نخواهد بود مگر آنگاه که سخت تر از شریکی که به حساب شریک خود می‌رسد به حساب خود برسد. و بداند که خوردنی و نوشیدنی و پوشیدنی او از کجا فراهم می‌آید، از حلال است یا از حرام؟! ای ابوذر! کسی که در بند دانستن آن نباشد که مال را از کجا به دست آورد، خدا در بند آن نخواهد بود که او را از کجا وارد دوزخ کند.

«۴۱۰۴» هرکس حیایش اندک است پرهیزکاری‌اش اندک است، هرکس پرهیزکاری‌اش کم باشد دلش می‌میرد، و هرکس دلش بمیرد به دوزخ می‌رود.

۲-۳-۱۰- افسوس

«۴۱۰۵» و از بهترین دستورهایی که از سوی پروردگارتان بر شما نازل شده پیروی کنید پیش از آنکه عذاب (الهی) ناگهان به سراغ شما آید در حالی که از آن خبر ندارید!*(این دستورها برای آن است که) مبادا کسی روز قیامت بگوید: «افسوس بر من از کوتاهی‌هایی که در اطاعت فرمان خدا کردم و از مسخره‌کنندگان (آیات او) بودم!»* یا بگوید: «اگر خداوند مرا هدایت می‌کرد، از پرهیزکاران بودم!»

۳-۳-۱۰- رسوایی

«۴۱۰۶» و از خدا بترسید، و مرا شرمنده نسازید!

۴-۳-۱۰- زیان

«۴۱۰۷» یا ابوذر! هرکس در قیامت بدون سه چیز بیاید، زیانکار است. پرسیدم: «آنها چیست؟» فرمود: «ورع و پارسایی که او را از گناهان حفظ کند، و حلمی که در برابر نادانی سفیهان او را نگه دارد، و اخلاقی که به‌وسیله‌ی آن با مردم مدارا نماید».

«۴۱۰۸» پرهیزکاری هدفی است که پیرو آن نابود نمی‌شود و هرکس به آن عمل کند، پشیمان نمی‌شود. زیرا پیروزمندان با تقوا کامیاب شدند و زیانکاران با نافرمانی زیان بردند. و باید خردمندان باز ایستند و پرهیزکاران پند گیرند.

۵-۳-۱۰- بدبختی

«۴۱۰۹» قلم به حقیقت کتاب از جانب خداوند خشکید که کسی که ایمان بیاورد و تقوا بورزد، به سعادت می‌رسد و کسی که تکذیب کند و عصیان نماید، از جانب خداوند تبارک و تعالی به شقاوت می‌رسد.

﴿عَوَاقِبُ فَقْدِ التَّقْوَى فِي الْآخِرَةِ﴾

﴿٤١١٠﴾ الرَّسُولُ ﷺ: سَبَقَ الْعِلْمُ وَجَفَّ الْقَلَمُ وَمَضَى الْقَضَاءُ وَتَمَّ الْقَدَرُ بِتَحْقِيقِ الْكِتَابِ وَتَصْدِيقِ الرُّسُلِ وَبِالسَّعَادَةِ مِنَ اللَّهِ لِمَنْ آمَنَ وَاتَّقَى وَبِالشَّقَاءِ لِمَنْ كَذَّبَ وَكَفَرَ وَبِالْوَلَايَةِ مِنَ اللَّهِ لِلْمُؤْمِنِينَ وَبِالْبِرَاءَةِ مِنْهُ لِلْمُشْرِكِينَ؛ بحار الأنوار، ج ٥، ص ٩٣
١٠-٣-٦- العارُ

﴿٤١١١﴾ أمير المؤمنين عليه السلام: مَنْ تَعَرَّى عَنِ الْوَرَعِ اَدْرَعَ جِلْبَابَ الْعَارِ؛ غرر الحكم، ص ٢٧٠
﴿٤١١٢﴾ الصَّادِقُ عليه السلام: فَإِنَّ الرَّجُلَ مِنْكُمْ إِذَا وَرَعَ فِي دِينِهِ وَصَدَقَ الْحَدِيثَ وَآدَى الْأَمَانَةَ وَحَسَنَ خُلُقَهُ مَعَ النَّاسِ قِيلَ هَذَا جَعْفَرِيٌّ فَيَسْرُنِي ذَلِكَ وَيَدْخُلُ عَلَيَّ مِنْهُ السُّرُورُ وَقِيلَ هَذَا آدَبُ جَعْفَرٍ وَإِذَا كَانَ عَلَى غَيْرِ ذَلِكَ دَخَلَ عَلَى بِلَاؤُهُ وَعَارُهُ وَقِيلَ هَذَا آدَبُ جَعْفَرٍ؛ الكافي، ج ٢، ص ٦٣٦
١٠-٣-٧- الْعِقَابُ الشَّدِيدُ

﴿٤١١٣﴾ وَاتَّقُوا اللَّهَ إِنَّ اللَّهَ شَدِيدُ الْعِقَابِ؛ المائدة ٢
﴿٤١١٤﴾ وَمَا آتَاكُمُ الرَّسُولُ فَخُذُوهُ وَمَا نَهَاكُمْ عَنْهُ فَانْتَهُوا وَاتَّقُوا اللَّهَ إِنَّ اللَّهَ شَدِيدُ الْعِقَابِ؛ الحشر ٧
١٠-٣-٨- الْهَلَاكَةُ

﴿٤١١٥﴾ أمير المؤمنين عليه السلام: رَبِّ مَا أَخْرَصَنِي عَلَى مَا زَهَّدَنِي فِيهِ وَحَتَّيْنِي عَلَيْهِ إِنْ لَمْ تُعِنِّي عَلَى دُنْيَايَ بِزُهْدٍ وَعَلَى آخِرَتِي بِتَقْوَى [بِتَقْوَايَ] هَلَكْتُ؛ بحار الأنوار، ج ٩١، ص ٢٣٤
﴿٤١١٦﴾ أمير المؤمنين عليه السلام: رَبِّ... إِنْ لَمْ تُعِنِّي عَلَى دُنْيَايَ بِزُهْدٍ وَعَلَى آخِرَتِي بِتَقْوَى هَلَكْتُ؛ مستدرک الوسائل، ج ١١، ص ١١٠

﴿٤١١٧﴾ الرَّسُولُ ﷺ: لَا بُدَّ لِلْمُسَافِرِ مِنْ زَادٍ فَمَنْ لَمْ يَتَزَوَّدْ وَسَافَرَ عَطَبَ وَهَلَكَ وَخَيْرُ الزَّادِ التَّقْوَى؛ بحار الأنوار، ج ٣٨، ص ٩٩
١٠-٣-٨-١- الْعَطَبُ

﴿٤١١٨﴾ الرَّسُولُ ﷺ: لَا بُدَّ لِلْمُسَافِرِ مِنْ زَادٍ فَمَنْ لَمْ يَتَزَوَّدْ وَسَافَرَ عَطَبَ وَهَلَكَ وَخَيْرُ الزَّادِ التَّقْوَى؛ بحار الأنوار، ج ٣٨، ص ٩٩

«پیامدهای فقدان تقوا در جهان دیگر»

﴿۴۱۱۰﴾ علم پیشی گرفته و قلم خشکیده و قضا نافذ گشته و تقدیر تمام گشته است؛ به درستی که کتاب و تصدیق رسولان و سعادت از جانب خدا برای کسی است که ایمان بیاورد و تقوا پیشه کند. و شقاوت برای کسی است که تکذیب کند و کافر شود. و ولایت از جانب خداوند برای مؤمنان و برائت از جانب خداوند نسبت به مشرکان است.

ع-۳-۱۰- ننگ

﴿۴۱۱۱﴾ کسی که پوشش ورع بر تن ندارد پیراهنی از ننگ و عار بر تن می‌کند.
﴿۴۱۱۲﴾ هرگاه فردی از شما در دینش ورع داشته باشد، راست بگوید، امانت را ادا کند و اخلاقی با مردم خوب باشد و بگویند: «این فرد جعفری است»، این موضوع مرا خوشحال می‌کند و از جانب او شادی به قلب من وارد می‌شود و مردم می‌گویند: «این ادب جعفری است». و اگر غیر از این باشد، بلا و نکبتش نیز به قلب من وارد می‌شود و می‌گویند: «این ادب جعفری است».

ع-۳-۱۰- عقوبت شدید

﴿۴۱۱۳﴾ و از (مخالفت فرمان) خدا بپرهیزید که مجازات خدا شدید است!
﴿۴۱۱۴﴾ آنچه را رسول خدا برای شما آورده بگیرید (و اجرا کنید)، و از آنچه نهی کرده خودداری نمایید و از (مخالفت) خدا بپرهیزید که خداوند کیفرش شدید است!

ع-۳-۱۰- هلاکت

﴿۴۱۱۵﴾ پروردگارا! چه اندازه حریصم بر آنچه مرا از آن بر کنار کرده و به دوری آن وادارم کردی، و اگر تو به پارسایی در دنیا و پرهیزکاری در امور آخرت کمک ندهی هلاک می‌شوم.

﴿۴۱۱۶﴾ پروردگارا! اگر تو به پارسایی در دنیا و پرهیزکاری در امور آخرت کمک ندهی هلاک خواهم شد.

﴿۴۱۱۷﴾ مسافر توشه‌ای لازم دارد، پس هرکس توشه بر نگرفته و به سفر برود؛ از پای در آید و هلاک گردد و بهترین توشه پرهیزکاری است.

ع-۳-۱۰- هلاکت

﴿۴۱۱۸﴾ مسافر توشه‌ای لازم دارد، پس هرکس توشه بر نگرفته و به سفر برود؛ از پای در آید و هلاک گردد و بهترین توشه پرهیزکاری است.

﴿عَوَاقِبُ فَقْدِ التَّقْوَى فِي الْآخِرَةِ﴾

٢-٨-٣-١٠- دَقَّ اللَّهُ مِنْ هَذَا حَيْرُومَهُ وَقَطَعَ مِنْهُ خَيْشُومَهُ

﴿٤١١٩﴾ أمير المؤمنين عليه السلام: فَصَاحِبُ الْجَهْلِ وَالْمِرَاءِ مُؤْذٍ مُمَارٍ مُتَعَرِّضٌ لِلْمَقَالِ فِي أَنْدِيَةِ الرِّجَالِ بَتَذَاكُرِ الْعِلْمِ وَصِفَةِ الْحِلْمِ قَدْ تَسَرَّبَلَ بِالْخُشُوعِ وَتَخَلَّى مِنَ الْوَرَعِ فَدَقَّ اللَّهُ مِنْ هَذَا خَيْشُومَهُ وَقَطَعَ مِنْهُ حَيْرُومَهُ؛ الكافي، ج ١، ص ٤٩

﴿٤١٢٠﴾ أمير المؤمنين عليه السلام: فَأَمَّا صَاحِبُ الْمِرَاءِ وَالْجَهْلِ تَرَاهُ مُؤْذِيًا مُمَارِيًا لِلرِّجَالِ فِي نَدِيَّةِ الْمَقَالِ قَدْ تَسَرَّبَلَ بِالتَّخَشُّعِ وَتَخَلَّى مِنَ التَّوَرُّعِ فَدَقَّ اللَّهُ مِنْ هَذَا حَيْرُومَهُ وَقَطَعَ مِنْهُ خَيْشُومَهُ؛ روضهاواعظين، ج ١، ص ٩

٣-٨-٣-١٠- هَبَاءُ مَنُثُورُ

﴿٤١٢١﴾ الصَّادِقُ عليه السلام: وَكُلُّ عِبَادَةٍ غَيْرِ مُؤَسَّسَةٍ عَلَى التَّقْوَى فَهِيَ هَبَاءٌ مَنُثُورٌ قَالَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ أَفَمَنْ أَتَّسَّ بِثِيَابِهِ عَلَى تَقْوَى مِنَ اللَّهِ وَرِضْوَانٍ خَيْرٌ أَمْ مَنْ أَتَّسَّ بِثِيَابِهِ عَلَى شَفَا جُرُفٍ هَارٍ فَانْهَارِهِ فِي نَارِ جَهَنَّمَ الْآيَةُ وَتَفْسِيرُ التَّقْوَى تَرَكُّ مَا لَيْسَ بِأَخْذِهِ بَأْسٌ حَذَرًا عَمَّا بِهِ بَأْسٌ وَهُوَ فِي الْحَقِيقَةِ طَاعَةٌ وَذِكْرُ بِلَا نِسْيَانٍ وَعِلْمُ بِلَا جَهْلِ مَقْبُولٌ غَيْرُ مَرْدُودٍ؛ بحار الأنوار، ج ٦٧، ص ٢٩٥

«پیامدهای فقدان تقوا در جهان دیگر»

۲-۸-۳-۱۰- خداوند بینی‌اش را به خاک می‌مالد و کمرش را می‌شکند

«۴۱۹» شخصی که دارای جهل و جدال‌آزاردهنده و جدل‌کننده است و در جمع مردم متعرض گفتگوهای است که او را به گفتگوی دانش و توصیف بردباری متصف می‌کنند، پیراهن فروتنی را پوشیده و از پرهیزکاری تهی گردیده است. از این‌رو خداوند او را ذلیل می‌کند و کمر او را خم کند.

«۴۲۰» خودنما و جاهل را می‌بینی که در انجمن‌های سخن به آزار دیگران می‌پردازد و با مردم جدال می‌کند. جامه خداترسی در برکرده ولی در دل پروایی از خدا ندارد، خدا سینه‌ی چنین دانشمندی را می‌شکند و بینی‌اش را از بن می‌کند.

۳-۸-۳-۱۰- همچون گردی پراکنده خواهد بود

«۴۲۱» و هر عبادتی که بر پایه تقوا استوار نباشد، «غبار دستخوش باد» است که خداوند فرموده: «آیا کسی که شالوده‌ی آن را بر تقوای الهی و خشنودی او بنا کرده بهتر است، یا کسی که اساس آن را بر کنار پرتگاه سستی بنا نموده که ناگهان در آتش دوزخ فرو می‌ریزد؟! و تفسیر تقوا چنین است که انسان آن چه را بی‌اشکال است نیز ترک کند که مبادا به حرام منجر شود که این در واقع اطاعت است و یاد دائم و بدون فراموشی حق و نیز آگاهی بدون جهالت که عمل بر مبنای آن مقبول است و مردود نیست.

الفصلُ الحادى عشر: أهلُ التَّقْوَى وَ الْمُتَّقُونَ وَ راجع: الفصلُ الثانى؛ مِنْ عَلَامَاتِ الْأَنْبِيَاءِ وَ الْأَئِمَّةِ وَ الْأَوْلِيَاءِ

١١-١- الله

١١-١-١- أهلُ التَّقْوَى

﴿٤١٢٢﴾ صلاة العيدين: اللَّهُمَّ أَهْلَ الْكِبَرِيَاءِ وَالْعِظَمَةِ وَأَهْلَ الْجُودِ وَالْجَبَرُوتِ وَأَهْلَ الْعَفْوِ
وَالرَّحْمَةِ وَأَهْلَ التَّقْوَى وَالْمَغْفِرَةِ؛ تهذيب الأحكام، ج ٣، ص ١٣٩
﴿٤١٢٣﴾ دعاء العشرات: فَإِنَّكَ أَهْلُ التَّقْوَى وَأَهْلُ الْمَغْفِرَةِ وَأَنَا أَهْلُ الذُّنُوبِ وَالْخَطَايَا؛

بحار الأنوار، ج ٨٣، ص ٢٧٣

﴿٤١٢٤﴾ الرسول ﷺ: يَا أَهْلَ التَّقْوَى وَأَهْلَ الْمَغْفِرَةِ؛ بحار الأنوار، ج ٩٢، ص ٤٣٧
﴿٤١٢٥﴾ دعاء اليوم الثلاثين: أَسْأَلُكَ يَا رَبِّ بِمَا حَمَلَ عَرْشُكَ مِنْ عِزٍّ جَلَالِكَ أَنْ تَفْعَلَ بِي
مَا أَنْتَ أَهْلُهُ لَا مَا أَنَا أَهْلُهُ فَإِنَّكَ أَنْتَ أَهْلُ التَّقْوَى وَأَهْلُ الْمَغْفِرَةِ؛ بحار الأنوار، ج ٩٤، ص ٣١٩
﴿٤١٢٦﴾ السجاد ﷺ: يَا أَهْلَ التَّقْوَى وَيَا مَنْ لَهُ الْأَسْمَاءُ الْحُسْنَى؛ الصحيفة السجادية ﷺ.

الدعاء ٥١

﴿٤١٢٧﴾ الصادق ﷺ: فِي قَوْلِ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ هُوَ أَهْلُ التَّقْوَى وَأَهْلُ الْمَغْفِرَةِ قَالَ قَالَ اللَّهُ
تَبَارَكَ وَتَعَالَى أَنَا أَهْلُ أَنْ أَتَّقَى وَلَا يُشْرِكْ بِي عَبْدِي شَيْئًا؛ بحار الأنوار، ج ٣، ص ٤
﴿٤١٢٨﴾ الباقر ﷺ: هُوَ أَهْلُ التَّقْوَى وَأَهْلُ الْمَغْفِرَةِ قَالَ فَالتَّقْوَى فِي هَذَا الْمَوْضِعِ النَّبِيُّ ﷺ وَ
الْمَغْفِرَةُ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ ﷺ؛ بحار الأنوار، ج ٢٤، ص ٣٢٥

﴿٤١٢٩﴾ الصادق ﷺ: فِي قَوْلِهِ جَلَّ تَنَاوُهُ هُوَ أَهْلُ التَّقْوَى وَأَهْلُ الْمَغْفِرَةِ قَالَ أَنَا أَهْلُ أَنْ يَتَّقِيَنِي
عَبْدِي فَإِنْ لَمْ يَفْعَلْ فَأَنَا أَهْلُ أَنْ أَغْفِرَ لَهُ؛ بحار الأنوار، ج ٦٧، ص ٢٨٦

فصل ۱۱: اهل تقوا و پرهیزکاران

۱۱-۱-۱ خدا

۱۱-۱-۱-۱ اهل تقوا

﴿۴۱۲۲﴾ [نماز عید:] خداوند! ای اهل بزرگی و عظمت و ای اهل جود و سلطنت و اهل گذشت و رحمت و اهل تقوا و مغفرت!

﴿۴۱۲۳﴾ [دعای عشرات:] تو اهل تقوا و زینده‌ی آمرزش می‌باشی، و من گناهکار و خطاکار هستم.

﴿۴۱۲۴﴾ ای سزاوار تقوا و ای زینده‌ی آمرزش.

﴿۴۱۲۵﴾ [دعای روز سی‌ام:] پروردگارا از تو می‌خواهم به حق آنچه عرش تو از بزرگی و شکوهت حمل کرده، که با من آن‌گونه که تو شایسته‌ی آنی رفتار کنی و نه آن‌گونه که من شایسته‌ی آن هستم که تو سزاوار تقوا و آمرزش هستی.

﴿۴۱۲۶﴾ ای سزاوار پرهیزکاری (ای کسی که شایسته است از عقاب و کیفرت بپرهیزند) و ای کسی که نام‌های نیکو داری.

﴿۴۱۲۷﴾ منظور از این آیه: «او اهل تقوا و اهل آمرزش است!»؛ این است که خداوند بلند مرتبه می‌فرماید: «من شایسته‌ی آن هستم که تقوای من به جای آورده شود و بنده‌ی من، هیچ چیز را شریک من قرار ندهد.

﴿۴۱۲۸﴾ امام باقر علیه السلام در مورد: «او اهل تقوا و اهل آمرزش است»؛ فرموده است: «تقوا در این آیه پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و مغفرت، امیرمؤمنان علیه السلام است».

﴿۴۱۲۹﴾ امام صادق علیه السلام در تفسیر آیه‌ی شریفه: «او اهل تقوا و اهل آمرزش است»؛ فرموده است: «یعنی من اهل و شایسته‌ی این هستم که بنده‌ام از من بترسد و تقوا داشته باشد و اگر چنین نشد، من اهلیت و شایستگی دارم که او را ببخشم».

﴿أَهْلُ التَّقْوَى وَالْمُتَّقُونَ﴾

﴿٤١٣٠﴾ فقه الرضا عليه السلام: اللَّهُمَّ أَنْتَ... أَهْلُ التَّقْوَى وَالرَّحْمَةِ؛ مستدرک الوسائل، ج ٦، ص ١٤١
 ﴿٤١٣١﴾ دعاء اليوم الثاني والعشرين: سُبْحَانَ رَبِّيَ الْعَلِيِّ الْأَعْلَى الْوَهَّابِ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ أَهْلُ
 النَّعَمِ وَالْكَرَمِ وَالْفَضْلِ وَالتَّقَى؛ بحار الأنوار، ج ٩٤، ص ٢٦٨
 ١-١١-٢- ذُو التَّقْوَى

﴿٤١٣٢﴾ دعاء في عشية عرفة: يَا ذَا الْجَلَالِ وَالْإِكْرَامِ يَا ذَا التَّقْوَى؛ إقبال الأعمال، ص ٤١٢
 ١١-٢- رسول الله صلى الله عليه وآله

﴿٤١٣٣﴾ إِذْ جَعَلَ الَّذِينَ كَفَرُوا فِي قُلُوبِهِمُ الْحَمِيَّةَ الْحَمِيَّةَ الْجَاهِلِيَّةَ فَأَنْزَلَ اللَّهُ سَكِينَتَهُ عَلَى
 رَسُولِهِ وَعَلَى الْمُؤْمِنِينَ وَالزَّمَهُمْ كَلِمَةَ التَّقْوَى وَكَانُوا أَحَقَّ بِهَا وَأَهْلَهَا وَكَانَ اللَّهُ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمًا؛
 الفتح ٢٦

﴿٤١٣٤﴾ في صحف إدريس: [قَالَ آدَمُ عليه السلام] وَمَنْ هَذَا النَّبِيُّ يَا رَبِّ وَمَا اسْمُهُ قَالَ هَذَا مُحَمَّدٌ
 نَبِيُّ وَرَسُولِي وَآمِنِي وَنَجِيِّي وَخَيْرَتِي وَصَفْوَتِي وَخَالِصَتِي وَحَبِيبِي وَخَلِيلِي وَ
 أَكْرَمَ خَلْقِي عَلَى وَ أَحَبُّهُمْ إِلَيَّ وَ أَثَرُهُمْ عِنْدِي وَ أَقْرَبُهُمْ مِنِّي وَ أَعْرَفُهُمْ لِي وَ أَرْجَحُهُمْ حِلْمًا وَ
 عِلْمًا وَ إِيْمَانًا وَ يَقِينًا وَ صِدْقًا وَ بَرًّا وَ عَفَافًا وَ عِبَادَةً وَ خُشُوعًا وَ وَرَعًا وَ سِلْمًا وَ إِسْلَامًا؛
 بحار الأنوار، ج ١١، ص ١٥١

﴿٤١٣٥﴾ الرسول صلى الله عليه وآله: وَ سَيُجَنَّبُهَا الْأَتْقَى قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صلى الله عليه وآله وَ مَنْ تَبِعَهُ؛ بحار الأنوار، ج ٢٤،
 ص ٤٦

﴿٤١٣٦﴾ الرسول صلى الله عليه وآله: فَأَنَا أَتَقَى وَ لِدِ آدَمَ وَ أَكْرَمَهُمْ عَلَى اللَّهِ وَ لَا فَخْر؛ بحار الأنوار، ج ١٦،
 ص ١٢٠

﴿٤١٣٧﴾ أمير المؤمنين عليه السلام: أَرْسَلَهُ دَاعِيًا إِلَى الْحَقِّ وَ شَاهِدًا عَلَى الْخَلْقِ فَلَبَّغَ رِسَالَاتِ رَبِّهِ غَيْرَ
 وَ أَنْ لَا مُقَصِّرَ وَ جَاهِدَ فِي اللَّهِ أَعْدَاءَهُ غَيْرَ وَاهِنٍ وَ لَا مُعَذِّرٍ إِمَامٌ مَنْ اتَّقَى وَ بَصُرَ مَنْ اهْتَدَى؛
 نهج البلاغة، ص ١٧٣

﴿٤١٣٨﴾ الرسول صلى الله عليه وآله: إِنِّي أَخْشَاكُمْ لِلَّهِ وَ اتَّقَاكُمْ لَهُ؛ بحار الأنوار، ج ٦٧، ص ٣٤٤
 ﴿٤١٣٩﴾ الرسول صلى الله عليه وآله: عَنْ جَابِرِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ، قَالَ:.... فَقَامَ النَّبِيُّ صلى الله عليه وآله فِينَا فَقَالَ قَدْ عَلِمْتُمْ أَنِّي
 اتَّقَاكُمْ لِلَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ وَ أَصَدِّقُكُمْ وَ أَبْرُّكُمْ؛ بحار الأنوار، ج ٣٠، ص ٦٢٦

«اهل تقوا و پرهیزکاران»

﴿۴۱۳۰﴾ خدایا! تو اهل تقوا و رحمت هستی.

﴿۴۱۳۱﴾ [دعای روز بیست و دوم:] منزّه است پروردگار بلندمرتبه و والا و بخشنده‌ی من. معبودی جز خدا نیست که سزاوار نعمت‌ها و بخشش و لطف و پرهیزکاری است.

۱۱-۱-۲ صاحب تقوا

﴿۴۱۳۲﴾ [دعای شامگاه عرفه:] ای بزرگ و بزرگوار! ای نگاه دارنده!

۱۱-۲ پیامبر ﷺ

﴿۴۱۳۳﴾ (به خاطر بیاورید) هنگامی را که کافران در دل‌های خود خشم و نخوت جاهلیّت داشتند و (در مقابل)، خداوند آرامش و سکینه خود را بر فرستاده خویش و مؤمنان نازل فرمود و آن‌ها را به حقیقت تقوا ملزم ساخت، و آنان از هرکس شایسته‌تر و اهل آن بودند و خداوند به همه چیز دانا است.

﴿۴۱۳۴﴾ آدم ﷺ عرض کرد: «پروردگارا! این پیامبر کیست و اسم او چیست؟» فرمود: «محمد، پیامبر، فرستاده و امین من، نجیب، برترین و برگزیده، دوست و هم‌نشین و بهترین مخلوق من، دوست‌داشتنی‌ترین، نزدیک‌ترین فرد به من و با معرفت‌ترین مخلوقات است. از نظر حلم، علم، ایمان، یقین، صدق، نیکی، عفاف، عبادت، خشوع، ورع، صلح و اسلام بهترین است». ﴿۴۱۳۵﴾ «و بزودی با تقواترین مردم از آن دور داشته می‌شود»؛ پیامبر ﷺ فرمود: «هرکس پیرویش کند».

﴿۴۱۳۶﴾ من از پرهیزکارترین فرزندان آدم ﷺ هستم و گرامی‌ترین آنان در نزد خداوند می‌باشم، و این گفتار من جهت فخر و مباهات نیست.

﴿۴۱۳۷﴾ خداوند متعال حضرت محمد ﷺ را فرستاد که خلائق را به‌سوی حق تعالی دعوت نماید و بر طاعت و معصیت آنان [در قیامت] شاهد و گواه باشد، پس احکام پروردگارش را تبلیغ نمود، بدون هیچ‌گونه سستی [در انجام وظیفه] و یا تقصیر و کوتاهی، و در راه خدا با دشمنان او جهاد کرده و جنگید، بدون آنکه ضعف و ناتوانی بر او راه یابد و یا آنکه عذر و بهانه آورد. و اوست پیشوای پرهیزکاران و بینای هدایت‌شدگان.

﴿۴۱۳۸﴾ همانا من خاشع‌ترین شما در نزد خدا و باتقواترین شما برای او هستم.

﴿۴۱۳۹﴾ جابر ﷺ گفت: ... پیامبر ﷺ در میان ما ایستاد و فرمود: «به‌درستی که من باتقواترین شما، راست‌گوترین شما و نیکوکارترین شما در پیشگاه خداوند هستم».

﴿أَهْلُ التَّقْوَى وَالْمُتَّقُونَ﴾

﴿٤١٤٠﴾ أمير المؤمنين عليه السلام: نَشْهَدُ أَنَّ مُحَمَّدًا صلى الله عليه وآله بَعِثَ اللَّهُ بَوَحْيِهِ وَنَبِيِّهِ بَعَيْنِهِ وَرَسُولُهُ بُنُورُهُ أَرْسَلَهُ مُجِيبًا مُذَكِّرًا مُؤَدِّيًا مُتَقِيًا؛ الغارات، ج ١، ص ٩٢

﴿٤١٤١﴾ الصلاة على النبي صلى الله عليه وآله: ثُمَّ أَشْهَدُنَا عَلَى أَنْفُسِنَا أَنَّ مُحَمَّدًا صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ رَسُولُكَ خَاتَمُ النَّبِيِّينَ وَسَيِّدُ الْمُرْسَلِينَ وَإِمَامُ الْمُتَّقِينَ؛ بحار الأنوار، ج ٩٩، ص ٢١٦

﴿٤١٤٢﴾ زيارة إبراهيم بن رسول الله صلى الله عليه وآله: أَسْأَلُكَ أَنْ تُصَلِّيَ عَلَى مُحَمَّدٍ عَبْدِكَ الْمُصْطَفَى وَحَبِيبِكَ الْمُجْتَنَبِيِّ نَبِيِّ الرَّحْمَةِ وَالْهُدَى وَيَنْبُوعِ الْحِكْمَةِ وَالنَّدَى وَمَعْدِنِ الْخَشْيَةِ وَالتَّقَى؛ بحار الأنوار، ج ٩٧، ص ٢٢٣

﴿٤١٤٣﴾ أمير المؤمنين عليه السلام: ثُمَّ قَالَ اللَّهُ تَعَالَى لِنُورِ مُحَمَّدٍ صلى الله عليه وآله: اُنْزِلْ فِي بَحْرِ الْعِزِّ فَنَزَلَ ثُمَّ فِي بَحْرِ الصَّبْرِ ثُمَّ فِي بَحْرِ الْخُشُوعِ ثُمَّ فِي بَحْرِ التَّوَاضُعِ ثُمَّ فِي بَحْرِ الرِّضَا ثُمَّ فِي بَحْرِ الْوَفَاءِ ثُمَّ فِي بَحْرِ الْجَلَمِ ثُمَّ فِي بَحْرِ التَّقَى؛ بحار الأنوار، ج ٥٤، ص ٢٠٠

﴿٤١٤٤﴾ فقه الرضا عليه السلام: اللَّهُمَّ إِنِّي أَتَوَسَّلُ إِلَيْكَ فِي يَوْمٍ فَقْرِي وَفَاقَتِي عِنْدَ تَحِيرِي وَعِنْدَ انْقِطَاعِ حُجَّتِي بِحَبِّكَ وَبِحَبِيبِكَ ... سَيِّدُ مَنْ مَضَى مِنَ الْأَوَّلِينَ وَسَيِّدُ مَنْ بَقِيَ مِنَ الْآخِرِينَ الْخَالِصُ الْمُخْلِصُ الصَّفْوَةُ الصَّفْوَةُ السَّيِّدُ الْأَبْرَ تَاجُ الْأَنْبِيَاءِ وَإِكْلِيلُ الرُّسُلِ وَفَخْرُ الثَّقَلَيْنِ وَافْتِخَارُ الْمَلَائِكَةِ عِلْمُ الْهُدَى وَطَوْذُ التَّقَى؛ بحار الأنوار، ج ٩٢، ص ٣٥٨

﴿٤١٤٥﴾ الباقر عليه السلام: اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ عَبْدِكَ وَرَسُولِكَ وَآمِينَكَ وَنَجِيِّكَ وَصَفْوَتِكَ وَصَفِيِّكَ وَدَلِيلِكَ مِنْ خَلْقِكَ الَّذِي انْتَجَبْتَهُ لِرِسَالَاتِكَ وَاسْتَخْلَصْتَهُ لِدِينِكَ وَاسْتَرْعَيْتَهُ عِبَادَكَ وَاتَّمَمْتَهُ عَلَى وَحْيِكَ وَجَعَلْتَهُ عِلْمَ الْهُدَى وَبَابَ التَّقَى؛ بحار الأنوار، ج ٩١، ص ٤٥

﴿٤١٤٦﴾ الصادق عليه السلام: اللَّهُمَّ فَصِّلْ عَلَيْهِ وَاجْزِهِ عَنَّا أَفْضَلَ الْجَزَاءِ بِمَا أَحْيَا مِنْ سِتِّكَ وَأَقَامَ مِنْ دِينِكَ وَسَارَعَ إِلَى رِضَاكَ وَعَمِلَ بِتَقْوَاكَ؛ بحار الأنوار، ج ٩٩، ص ٢٢٤

﴿٤١٤٧﴾ أمير المؤمنين عليه السلام: أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ وَأَنَّ مُحَمَّدًا رَسُولُ اللَّهِ صلى الله عليه وآله نَبِيُّ الْهُدَى وَمَوْضِعُ التَّقْوَى؛ الكافي، ج ٨، ص ٣٦٠

﴿٤١٤٨﴾ الباقر عليه السلام: ثُمَّ قَالَ تَعَالَى كَلَّا بَلْ لَا يَخَافُونَ الْآخِرَةَ هِيَ دَوْلَةُ الْقَائِمِ عليه السلام ثُمَّ قَالَ تَعَالَى بَعْدَ أَنْ عَرَّفَهُمُ التَّذْكِيرَةَ أَنَّهَا الْوَلَايَةُ كَلَّا إِنَّهُ تَذْكِيرٌ * فَمَنْ شَاءَ ذَكَرَهُ * وَمَا يَذْكُرُونَ إِلَّا أَنْ يَشَاءَ اللَّهُ هُوَ أَهْلُ التَّقْوَى وَأَهْلُ الْمَغْفِرَةِ قَالَ فَالتَّقْوَى فِي هَذَا الْمَوْضِعِ النَّبِيُّ صلى الله عليه وآله وَالْمَغْفِرَةُ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عليه السلام؛

بحار الأنوار، ج ٢٤، ص ٣٢٥

«اهل تقوا و پرهیزکاران»

﴿۴۱۴۰﴾ شهادت می‌دهم که محمد ﷺ، بر مبنای وحی الهی به پیامبری برانگیخته شده و با کمک الهی نبی خداست و با همراهی نور خدا، فرستاده‌ی اوست. او را پیامبری قرار داده که دعایش مستجاب است و مورد نظر خداست و رساننده است و باتقواست.

﴿۴۱۴۱﴾ [سلام و صلوات بر پیامبر ﷺ]: سپس ما را بر خودمان گواه گرفتی که محمد که درودهای تو بر او باد، فرستاده‌ی تو، آخرین پیامبران و پیشوای فرستادگان، و امام پارسایان است.

﴿۴۱۴۲﴾ از تو می‌خواهم که بر محمد، بنده برگزیده‌ات و حبیب منتخب، نبی رحمت و هدایت، چشمه‌ی حکمت و بخشش، معدن خشیت و تقوا درود فرستی.

﴿۴۱۴۳﴾ سپس خداوند متعال از نور محمد ﷺ بیست دریای نور آفرید و در هر دریا علومی بود که تنها خداوند متعال آن‌ها را می‌دانست، سپس به نور محمد ﷺ فرمود به دریای عزت فرود آی و او فرود آمد، سپس به دریای صبر، سپس به دریای خشوع، سپس به دریای تواضع، سپس به دریای رضا، سپس به دریای وفا، سپس به دریای حلم، سپس به دریای تقوا.

﴿۴۱۴۴﴾ خداوند! در روز فقر و نیازم و به هنگام سرگشتگی و تمام شدن حجت به محبت تو و محبوب تو (پیامبر ﷺ) توسل می‌جویم .. سرور گذشتگان و آقای آیندگان که باقی‌اند، پاک رهاکننده شده برگزیده، برگزیده، سرور نیکوکار، تاج پیامبران و تاج رسولان و فخر ثقلین و افتخار فرشتگان پرچم هدایت کوه تقوا، نور تاریکی.

﴿۴۱۴۵﴾ خداوند! بر محمد بنده و فرستاده و امین و همراه و نجات‌دهنده و برگزیده و راهنمای بندگان خود سلام و درود بفرست کسی که او را برای رسالات خود برگزیدی و برای دینت خالص گردانیدی و بندگان را به او سپردی و او را امین وحی خود قرار دادی و او را پرچم هدایت کردی و در تقوا و حجت عظیم و دستاویز محکم قرار دادی.

﴿۴۱۴۶﴾ خدایا! [بر پیامبر ﷺ] به خاطر آن مقدار از سنت‌های تو که زنده ساخت و آن مقدار از دین تو که برپا داشت و به سوی کسب رضایت تو شتافت و به تقوای تو عمل نمود، بر او درود فرست و به او از طرف ما برترین جزا بده.

﴿۴۱۴۷﴾ گواهی می‌دهم که معبودی جز خدای یگانه که شریک ندارد نیست و به راستی که محمد رسول خدا پیامبر هدایت و مرکز تقواست.

﴿۴۱۴۸﴾ سپس خدای تعالی می‌فرماید: «چنین نیست که آنان می‌گویند، بلکه آن‌ها از آخرت نمی‌ترسند»؛ منظور دولت حضرت قائم ﷺ است. آنگاه خداوند پس از معرفی «تذکره» که منظور همان ولایت آل محمد است می‌فرماید: «چنین نیست که آن‌ها می‌گویند، آن (قرآن) یک تذکر و یادآوری است! هر کس بخواهد از آن پند می‌گیرد، و هیچ کس پند نمی‌گیرد مگر اینکه خدا بخواهد او اهل تقوا و اهل آمرزش است»؛ التَّقْوَى در این آیه پیامبر اکرم ﷺ و الْمَغْفِرَةِ امیر المؤمنین علی ﷺ است.

﴿أَهْلُ التَّقْوَى وَالْمُتَّقُونَ﴾

١١-٣- الأئمة الطيبة: والزهراء عليها السلام

﴿٤١٤٩﴾ الأئمة الطيبة: السَّلامُ عَلَيْكُمْ أئِمَّةَ الْهُدَى وَمَصَابِيحَ الدُّجَى وَأَهْلَ التَّقْوَى وَأَعْلَامَ التُّقَى؛ بحار الأنوار، ج ٩٩، ص ١٤٨

﴿٤١٥٠﴾ الأئمة الطيبة: السَّلامُ عَلَيْكُمْ أَهْلَ التَّقْوَى؛ الكافي، ج ٤، ص ٥٥٩

﴿٤١٥١﴾ الأئمة الطيبة: وَأَنْتُمْ أَهْلُ إِبْرَاهِيمَ عليه السلام الَّذِينَ ارْتَضَاكُمْ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ لِلْإِمَامَةِ وَاجْتِنَابِكُمْ لِلْخِلَافَةِ وَعَصَمَتِكُمْ مِنَ الذُّنُوبِ وَبِرَّكُمْ مِنَ الْعُيُوبِ وَطَهَرَكُمْ مِنَ الرَّجْسِ وَفَضَّلَكُمْ بِالنُّوعِ وَالْجِنْسِ وَاصْطَفَاكُمْ عَلَى الْعَالَمِينَ بِالنُّورِ وَالْهُدَى وَالْعِلْمِ وَالتَّقَى وَالْحِلْمِ وَالنُّهَى وَالسَّكِينَةِ وَالْوَقَارِ وَالْخَشْيَةِ وَالِاسْتِغْفَارِ وَالْحِكْمَةِ وَالْآثَارِ وَالتَّقْوَى؛ بحار الأنوار، ج ٩٧، ص ٢٠٧

﴿٤١٥٢﴾ الأئمة الطيبة: الْأَئِمَّةُ الْمَعْصُومُونَ وَالْأَوْلِيَاءُ الْمَرْضِيُّونَ وَالْعُلَمَاءُ الصَّادِقُونَ وَالْحُكَمَاءُ الرَّاسِخُونَ الْمُبِينُونَ وَالْبُشَرَاءُ النَّذَرَاءُ الشُّرَفَاءُ الْفُضَلَاءُ وَالسَّادَةُ الْأَتْقِيَاءُ الْأَمِيرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَالنَّاهُونَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَاللَّابِسُونَ شِعَارَ الْبُلُوَى وَرِدَاءَ التَّقْوَى؛ بحار الأنوار، ج ٩٧، ص ٢٠٧

﴿٤١٥٣﴾ الأئمة الطيبة: أَشْهَدُ أَنْكُمْ السَّبِيلُ إِلَى اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ وَالطَّرْقُ إِلَى ثَوَابِهِ وَالْهُدَاةُ إِلَى خَلِيقَتِهِ وَالْأَعْلَامُ فِي بَرِّيَّتِهِ وَالسُّفَرَاءُ بَيْنَهُ وَبَيْنَ خَلْقِهِ وَأَوْتَادُهُ فِي أَرْضِهِ وَخَزَائِنُهُ عَلَى عِلْمِهِ وَأَنْصَارُ كَلِمَةِ التَّقْوَى؛ بحار الأنوار، ج ٩٧، ص ٢٠٧

﴿٤١٥٤﴾ الكاظم عليه السلام: [وَعِبَادُ الرَّحْمَنِ الَّذِينَ يَمْشُونَ عَلَى الْأَرْضِ هَوْنًا وَإِذَا خَاطَبَهُمُ الْجَاهِلُونَ قَالُوا سَلَامًا] أَنَّهُ سُئِلَ عَنْ هَذِهِ الْآيَةِ فَقَالَ هُمْ الْأَئِمَّةُ يَتَّقُونَ فِي مَشْيِهِمْ؛ بحار الأنوار، ج ٩٦، ص ٢٦٠

﴿٤١٥٥﴾ الرسول صلى الله عليه وآله: نَحْنُ مَعَاشِرَ الْأَنْبِيَاءِ وَالْأَتْقِيَاءِ وَالْأَمَنَاءِ بِرَاءً مِنَ التَّكْلِيفِ؛

مصباح الشريعة، ص ١٤٠

﴿٤١٥٦﴾ زيارة الجامعة الكبيرة: السَّلامُ عَلَيْكُمْ أئِمَّةَ الْمُؤْمِنِينَ وَسَادَةَ الْمُتَّقِينَ وَكُبَرَاءَ الصِّدِّيقِينَ وَأُمَرَاءَ الصَّالِحِينَ وَقَادَةَ الْمُحْسِنِينَ وَأَعْلَامَ الْمُهْتَدِينَ وَأَنْوَارَ الْعَارِفِينَ وَوَرَثَةَ الْأَنْبِيَاءِ وَصَفْوَةَ الْأَوْصِيَاءِ وَشُمُوسَ الْأَتْقِيَاءِ؛ بحار الأنوار، ج ٩٩، ص ١٦٢

﴿٤١٥٧﴾ أمير المؤمنين عليه السلام: صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ الْأَتْقِيَاءِ؛ بحار الأنوار، ج ٨٤، ص ٣٣٩

﴿٤١٥٨﴾ الصادق عليه السلام: وَصَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ الطَّاهِرِينَ الْأَخْيَارِ الْأَتْقِيَاءِ الْأَبْرَارِ؛ بحار الأنوار،

ج ٨٣، ص ١٠٧

«اهل تقوا و پرهیزکاران»

۱۱-۳- ائمه علیهم السلام و حضرت زهرا علیها السلام

﴿۴۱۴۹﴾ سلام بر شما پیشوایان هدایت، و چراغ‌های تاریکی، و اهل تقوا، و نشانه‌های پرهیزکاری.

﴿۴۱۵۰﴾ سلام بر شما اهل تقوا.

﴿۴۱۵۱﴾ و شما خویشان ابراهیم علیه السلام هستید که خداوند شما را برای امامت پسندید، برای خلافت برگزید و از گناهان محفوظتان داشت و از عیوب مبرأتان کرد و از آلودگی پاکتان کرد و شما را در نوع و جنس برتری داد و با نور، هدایت، علم، پرهیزکاری، بردباری، عقل، آرامش، وقار، خشیت، استغفار، حکمت، آثار و تقوا بر جهانیان برگزید.

﴿۴۱۵۲﴾ [شما] ائمه‌ی معصوم، اولیای پسندیده، علمای صادق، حکمای نافذه بیانگر، بشیران انذاردهنده، شریفان فاضل، سروران متقی، امرکننده به معروف و نهی‌کننده از منکر، دربرکننده‌ی جامعه‌ی بلا و ردای تقوا هستید.

﴿۴۱۵۳﴾ گواهی می‌دهم که شما راه به‌سوی خداوند عزوجل، و راه‌های ثواب، هدایتگران به سوی خلائق او، نشانه‌هایی در میان مخلوقات او، سفیرانی بین او و خلق او، ستون‌های او در زمینش، خزانه‌داران او بر عملش و یاوران کلمه‌ی تقوا هستید.

﴿۴۱۵۴﴾ از امام کاظم علیه السلام درباره‌ی این آیه: «بندگان [خاص خداوند] رحمان، کسانی هستند که با آرامش و بی‌تکبر بر زمین راه می‌روند» سؤال شد. فرمود: «ایشان ائمه هستند که در راه رفتنشان بر روی زمین تقوا پیشه می‌کنند.

﴿۴۱۵۵﴾ ما پیامبران و متقیان و امینان خدا، از تکلف دور هستیم.

﴿۴۱۵۶﴾ [زیارت جامعه]: سلام بر شما ای ائمه‌ی مؤمنان، سروران متقیان، بزرگان صدیقان، امیران صالحان، رهبران نیکوکاران، پرچم‌های هدایت‌یافتگان، انوار عارفان، وارثان انبیا، برگزیده‌ی برگزیدگان و خورشید پرهیزکاران.

﴿۴۱۵۷﴾ بر محمد و خاندانش که از زمره‌ی پرهیزکاران هستند، درود بفرست.

﴿۴۱۵۸﴾ بر محمد و خاندان پاکش که از زمره‌ی بهترین‌ها و پرهیزکاران و نیکوکارانند، درود فرست.

«أَهْلُ التَّقْوَى وَالْمُتَّقُونَ»

﴿٤١٥٩﴾ السَّجَادُ عليه السلام: اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ خَاتَمِ الْأَنْبِيَاءِ وَآلِهِ الْبَرَّةِ الْأَتْقِيَاءِ وَعَلَى عِثْرَتِهِ النُّجَبَاءِ؛ بحار الأنوار، ج ٩١، ص ١٥٥

﴿٤١٦٠﴾ الرَّسُولُ عليه السلام: الْأَئِمَّةُ بَعْدِي اثْنَا عَشَرَ عَدَدَ نُقَبَاءِ بَنِي إِسْرَائِيلَ كُلُّهُمْ أَمَنَاءُ أَتَقِيَاءُ؛ معصومون؛ جامع الأخبار، ص ١٧

﴿٤١٦١﴾ ابْنُ عَبَّاسٍ رضي الله عنه: إِنَّ الْمُتَّقِينَ فِي ظِلَالٍ وَعُيُونٍ مَنِ اتَّقَى الذُّنُوبَ عَلَى بَنِ أَبِي طَالِبٍ وَ الْحَسَنِ وَ الْحُسَيْنِ عليهما السلام؛ بحار الأنوار، ج ٤٠، ص ٣٢٠

﴿٤١٦٢﴾ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عليه السلام: يَا كَمِيلُ نَحْنُ وَاللَّهِ الَّذِينَ اتَّقَوْا وَالَّذِينَ هُمْ مُحْسِنُونَ؛ بحار الأنوار، ج ٧٤، ص ٢٧٦

﴿٤١٦٣﴾ الْمَهْدِيُّ عليه السلام: إِنْ دَوَّلْنَا آخِرَ الدُّوَلِ وَلَمْ يَبْقَ أَهْلُ بَيْتِ لِهْمُ دَوْلَةٌ إِلَّا مَلَكُوا قَبْلَنَا لِنَّا يَقُولُوا إِذَا رَأَوْا سِيرَتَنَا إِذَا مَلَكْنَا سِرْنَا بِمَثَلِ سِيرَةِ هَؤُلَاءِ وَهُوَ قَوْلُ اللَّهِ تَعَالَى وَالْعَاقِبَةُ لِلْمُتَّقِينَ؛ إعلام الوری، ص ٤٦٢

﴿٤١٦٤﴾ الْبَاقِرُ عليه السلام: فِي قَوْلِهِ عَزَّ وَجَلَّ وَالَّذِينَ يَقُولُونَ رَبَّنَا هَبْ لَنَا مِنْ أَزْوَاجِنَا وَذُرِّيَّاتِنَا قُرَّةَ أَعْيُنٍ وَاجْعَلْنَا لِلْمُتَّقِينَ إِمَامًا أَيْ هِدَاةً يَهْتَدَى بِنَا وَهَذِهِ لَالِ مُحَمَّدٍ خَاصَّةً؛ تأويل الآيات الظاهرة، ص ٣٨١

﴿٤١٦٥﴾ الصَّادِقُ عليه السلام: أَبَانُ بْنُ تَغْلِبٍ قَالَ: سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام عَنْ قَوْلِهِ وَالَّذِينَ يَقُولُونَ رَبَّنَا هَبْ لَنَا مِنْ أَزْوَاجِنَا وَذُرِّيَّاتِنَا قُرَّةَ أَعْيُنٍ وَاجْعَلْنَا لِلْمُتَّقِينَ إِمَامًا قَالَ نَحْنُ هُمْ أَهْلُ الْبَيْتِ؛ بحار الأنوار، ج ٢٤، ص ١٣٤

﴿٤١٦٦﴾ الْبَاقِرُ عليه السلام: بِنَا هَدَى اللَّهُ أَوْلَكُمُ وَبَنَا يَخْنِمُ آخِرَكُمْ فَإِنْ يَكُنْ لَكُمْ مُلْكٌ مُعَجَّلٌ فَإِنَّ لَنَا مُلْكًا مُؤَجَّلًا وَ لَيْسَ بَعْدَ مُلْكِنَا مُلْكٌ لَأَنَا أَهْلُ الْعَاقِبَةِ يَقُولُ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ وَالْعَاقِبَةُ لِلْمُتَّقِينَ؛ الكافي، ج ١، ص ٤٧١

﴿٤١٦٧﴾ الصَّادِقُ عليه السلام: عَنْ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ عليه السلام أَنَّهُ سَمِعَ رَجُلًا يَطُوفُ بِالْبَيْتِ وَهُوَ يَقُولُ اللَّهُمَّ اجْعَلْنِي مِنَ الَّذِينَ إِذَا ذُكِرُوا بِآيَاتِكَ لَمْ يَخْرُوا عَلَيْهَا صُمًّا وَعُمِيَانًا رَبِّ اجْعَلْنِي مِنَ الَّذِينَ يَقُولُونَ رَبَّنَا هَبْ لَنَا مِنْ أَزْوَاجِنَا وَذُرِّيَّاتِنَا قُرَّةَ أَعْيُنٍ وَاجْعَلْنَا لِلْمُتَّقِينَ إِمَامًا فَقَالَ لَهُ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام لَقَدْ سَأَلْتَ رَبَّكَ شَطَطًا سَأَلْتَهُ أَنْ يَجْعَلَكَ إِمَامًا لِلْمُتَّقِينَ مُفْتَرَضَ الطَّاعَةِ، فَقَالَ لَهُ بَعْضُ أَصْحَابِهِ جُعِلْتُ فِدَاكَ فِيمَنْ الْأَيَّةُ الْأُولَى قَالَ فَيَكُمُ أَنْزَلْتُ قَالَ فَالْثَّانِيَةُ قَالَ فِينَا؛ دعائم الإسلام، ج ١، ص ٢٤

«اهل تقوا و پرهیزکاران»

﴿۴۱۵۹﴾ خداوند! بر محمد خاتم پیامبران و خاندانش که نیکوکار و پرهیزکارند و بر خاندان نجیبش درود فرست.

﴿۴۱۶۰﴾ امامان بعد از من به تعداد نقباء بنی اسرائیل و دوازده نفر هستند که همه شان مورد اعتماد و با تقوا و معصوم هستند.

﴿۴۱۶۱﴾ درباره ی آیه ی: «پرهیزکاران در سایه های [درختان بهشتی] و در میان چشمه ها قرار دارند»؛ گفت: «کسی که از گناهان دوری کند؛ یعنی: علی بن ابی طالب و حسن و حسین (علیهم السلام)».

﴿۴۱۶۲﴾ ای کمیل! به خدا قسم آنان که پرهیزکار و نیکوکارند، ما هستیم.

﴿۴۱۶۳﴾ دولت ما آخرین دولت هاست و هیچ اهل بیتی که ادعای دولت دارند باقی نمی ماند، مگر اینکه قبل از ما به حکومت می رسند تا وقتی سیره ی ما را دیدند، نگویند که اگر ما به حکومت می رسیدیم، مانند سیره ی اینان عمل می کردیم و این تفسیر سخن خداست که فرمود: «سرانجام (نیک) برای پرهیزکاران است».

﴿۴۱۶۴﴾ در تفسیر کلام خداوند متعال: «و کسانی که می گویند: «پروردگارا! از همسران و فرزندانمان مایه روشنی چشم ما قرار ده، و ما را برای پرهیزکاران پیشوا گردان!»، فرمود: «یعنی هدایتی که به واسطه ی ما هدایت شود و این هدایت مخصوص ما اهل بیت است».

﴿۴۱۶۵﴾ ابان بن تغلب گوید: «از امام صادق (علیه السلام) در مورد این آیه پرسیدم: «و کسانی که می گویند: «پروردگارا! از همسران و فرزندانمان مایه روشنی چشم ما قرار ده، و ما را برای پرهیزکاران پیشوا گردان» فرمود: «منظور از آیه ما اهل بیت هستیم».

﴿۴۱۶۶﴾ خدا به وسیله ی ما امت های قبل از شما را هدایت کرد و به وسیله ی ما کار شما پایان می پذیرد؛ اگر شما قدرتی زودگذر دارید، ما سلطنتی طولانی داریم و بعد از فرمانروایی ما دیگر فرمانروایی نخواهد بود؛ زیرا ما اهل عاقبت هستیم و خداوند متعال می فرماید: «سرانجام (نیک) برای پرهیزکاران است».

﴿۴۱۶۷﴾ امام صادق (علیه السلام) این جملات را از مردی که خانه ی کعبه را طواف می کرد شنید: «خدایا مرا از کسانی قرار مده که وقتی آیات تو بر آنان خوانده می شود، مانند انسان کر و کور روی آن نمی افتند». پروردگارا! مرا از کسانی قرار بده که می گویند: «پروردگارا! از همسران و فرزندانمان مایه روشنی چشم ما قرار ده و ما را برای پرهیزکاران پیشوا گردان». امام (علیه السلام) به او فرمود: «درخواست های پراکنده از پروردگارت می کنی! خواستی که تو را پیشوای متّین قرار دهد در حالی که این آیه در مورد افرادی نازل شده که اطاعتشان واجب است». یکی از اصحاب پرسید: «فدایت شوم! آیه ی اوّل در مورد چه کسی نازل شده است؟» امام (علیه السلام) فرمود: «آیه ی اوّل در مورد شما (شیعیان) نازل شده و آیه ی دوّم در مورد ما (اهل بیت (علیهم السلام)) نازل شده است».

«أَهْلُ التَّقْوَى وَالْمُتَّقُونَ»

﴿٤١٦٨﴾ الباقر عليه السلام: ذَلِكَ قَوْلُ اللَّهِ تِلْكَ الدَّارُ الْآخِرَةُ نَجْعُهَا لِلَّذِينَ لَا يُرِيدُونَ عُلُوًّا فِي الْأَرْضِ وَلَا فُسَادًا وَالْعَاقِبَةُ لِلْمُتَّقِينَ فَنَحْنُ الْعَاقِبَةُ يَا سَعْدُ وَ أَمَّا مَوَدَّتُنَا لِلْمُتَّقِينَ؛ بحار الأنوار، ج ٢٤، ص ٣٩٦

﴿٤١٦٩﴾ الصادق عليه السلام: لَقَدْ ذَكَرَكُمْ اللَّهُ فِي كِتَابِهِ فَقَالَ الْأَخْلَاءُ يَوْمَئِذٍ بَعْضُهُمْ لِبَعْضٍ عَدُوًّا إِلَّا الْمُتَّقِينَ فَالْخُلُقُ وَاللَّهُ أَغْدَاءُ غَيْرِنَا وَ شِيعَتَنَا وَ مَا عَنِ الْمُتَّقِينَ غَيْرِنَا وَ غَيْرَ شِيعَتِنَا؛ بحار الأنوار، ج ٤٧، ص ٣٩٠

﴿٤١٧٠﴾ زيارة الحسين عليه السلام: قَدْ غَذَّتْكَ كَفُّ سَيِّدِ الْمُرْسَلِينَ وَ رَبَّيْتَ فِي حَجَرِ الْمُتَّقِينَ؛ بحار الأنوار، ج ٦٥، ص ١٣٠

﴿٤١٧١﴾ الرضا عليه السلام: اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ أَهْلِ بَيْتِهِ الْأَئِمَّةِ الْهَادِينَ الْمَهْدِيِّينَ الْعُلَمَاءِ الصَّادِقِينَ الْأَبْرَارَ الْمُتَّقِينَ؛ بحار الأنوار، ج ٥٢، ص ٢١

﴿٤١٧٢﴾ الأئمة عليهم السلام: أَسْأَلُكَ أَنْ تُصَلِّيَ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ عَلَيْهِ وَ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ الْمُتَّقِينَ الزَّاهِدِينَ بِجَمِيعِ صَلَوَاتِكَ؛ بحار الأنوار، ج ٨٢، ص ٢٧٢

﴿٤١٧٣﴾ الرسول ﷺ: وَ مِنْ بَعْدِ الْحُسَيْنِ تِسْعَةُ مِنْ صَلْبِهِ خُلَفَاءُ اللَّهِ فِي أَرْضِهِ وَ حُجَجُهُ عَلَى عِبَادِهِ وَ أَمَنَؤُهُ عَلَى وَحْيِهِ وَ أئِمَّةُ الْمُسْلِمِينَ وَ قَادَةُ الْمُؤْمِنِينَ وَ سَادَاتُ الْمُتَّقِينَ تَسْعُهُمُ الْقَائِمُ الَّذِي يَمْلَأُ اللَّهُ عِزًّا وَ جَلًّا بِهِ الْأَرْضُ نُورًا بَعْدَ ظُلُمَتِهَا وَ عَدْلًا بَعْدَ جَوْرِهَا؛ بحار الأنوار، ج ٣٦، ص ٢٥٣

﴿٤١٧٤﴾ الأئمة عليهم السلام: السَّلَامُ عَلَيْكُمْ أئِمَّةَ الْمُؤْمِنِينَ وَ سَادَةَ الْمُتَّقِينَ؛ بحار الأنوار، ج ٩٧، ص ٢٠٧

﴿٤١٧٥﴾ الرسول ﷺ: الْحَسَنُ وَ الْحُسَيْنُ عليهما السلام سَيِّدَا شَبَابِ أَهْلِ الْجَنَّةِ وَ الْأَئِمَّةُ بَعْدَهُمَا سَادَةُ الْمُتَّقِينَ؛ بحار الأنوار، ج ٣٦، ص ٢٢٨

﴿٤١٧٦﴾ الرسول ﷺ: فِي خُطْبَةِ الْغَدِيرِ: مَعَاشِرَ النَّاسِ مَا مِنْ عِلْمٍ إِلَّا وَ قَدْ أَحْصَاهُ اللَّهُ فِيَّ وَ كُلُّ عِلْمٍ عِلْمُهُ فَقَدْ أَحْصَيْتُهُ فِي الْمُتَّقِينَ مِنْ وَلَدِهِ وَ مَا مِنْ عِلْمٍ إِلَّا وَ قَدْ عِلَّمْتُهُ عَلِيًّا وَ هُوَ الْإِمَامُ الْمُبِينُ؛ بحار الأنوار، ج ٣٥، ص ٤٢٨

﴿٤١٧٧﴾ ابن عباس رضي الله عنهما: [فِي قَوْلِهِ تَعَالَى: إِنَّ الْمُتَّقِينَ] قَالَ: يَعْنِي [الَّذِينَ اتَّقَوْا الشِّرْكَ وَ الذُّنُوبَ] [وَ] الْكِبَائِرَ، [وَ هُمْ] عَلَى وَ الْحَسَنِ وَ الْحُسَيْنِ عليهما السلام؛ شواهد التنزيل، ج ٢، ص ٤١٦

﴿٤١٧٨﴾ الكاظم عليه السلام: عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْفَضِيلِ عَنْ أَبِي الْحَسَنِ الْمَاضِي عليه السلام قَالَ... قُلْتُ إِنَّ الْمُتَّقِينَ قَالَ نَحْنُ وَ اللَّهُ وَ شِيعَتُنَا لَيْسَ عَلَى مِلَّةِ إِبْرَاهِيمَ غَيْرِنَا؛ الكافي، ج ١، ص ٤٣٤

«اهل تقوا و پرهیزکاران»

﴿۴۱۶۸﴾ در این آیه: « (آری) این سرای آخر تو را (تنها) برای کسانی قرار می‌دهیم که اراده برتری‌جویی در زمین و فساد را ندارند و عاقبت نیک برای پرهیزکاران است؛ ای سعد! منظور از: «الْعَاقِبَةُ»، ما هستیم. اما مودّت و دوستی ما متعلّق به پرهیزکاران است.

﴿۴۱۶۹﴾ خداوند در این آیهی قرآن شما را یاد کرده: «دوستان در آن روز دشمن یکدیگرند، مگر پرهیزکاران!»؛ مردم با یکدیگر دشمن هستند مگر ما و شیعیانمان. [منظورش از متّقین فقط ما و شیعیانمان هستیم].

﴿۴۱۷۰﴾ [زیارت امام حسین (علیه السلام)]: دست آقای پیامبران به تو غذا داده و در دامن پرهیزکاران پرورش یافتی.

﴿۴۱۷۱﴾ خدایا! بر محمّد و اهل بیتش که امامان هدایت‌گر و هدایت‌شده و علمای راستگو و نیکان متّقین هستند، درود فرست.

﴿۴۱۷۲﴾ از تو می‌خواهم که با تمام رحمت بر محمّد و آل محمّد که پرهیزکاران و زاهدان در دنیا هستند، درود بفرستی.

﴿۴۱۷۳﴾ و پس از حسین (علیه السلام) نه تن از صُلب او جانشینان خداوند بر روی زمین، حجت‌های او بر بندگان و اُمنای او بر قرآنش خواهند بود، آنان ائمّه‌ی مسلمانان و پیشوای مؤمنان و سرور پرهیزکاران هستند. نهمین آن‌ها قائم (علیه السلام) خواهد بود که خداوند بلندمرتبه به وسیله‌ی او زمین را پس از تاریکی، مالا مال از نور و پس از ظلم و ستم، سرشار از عدل و پس از جهل، آکنده از علم و دانش خواهد کرد.

﴿۴۱۷۴﴾ سلام بر شما پیشوایان مؤمنان و سروران پرهیزکاران.

﴿۴۱۷۵﴾ حسن و حسین (علیه السلام) دو آقای جوان اهل بهشت هستند و امامان پس از ایشان سروران پرهیزکارانند.

﴿۴۱۷۶﴾ در خطبه‌ی غدیر آمده است: ای مردم! هیچ علمی نیست مگر اینکه خداوند آن را در من به ودیعه نهاده است و هیچ علمی به من آموخته نشد مگر اینکه در فرزندان پرهیزکار او به ودیعه نهاده‌ام و هیچ علمی نیست مگر اینکه آن را به علی (علیه السلام) منتقل کرده‌ام و او امام مبین است.

﴿۴۱۷۷﴾ ابن عباس (رضی الله عنه) درباره‌ی سخن خداوند: «إِنَّ الْمُتَّقِينَ»، گفته است: «یعنی کسانی که از شرک و گناه و کبایر پرهیز کردند و آنان عبارت بودند از: علی و حسن و حسین (علیه السلام)».

﴿۴۱۷۸﴾ محمّد بن فضیل گوید: به امام کاظم (علیه السلام) گفتم: منظور از «إِنَّ الْمُتَّقِينَ»، چه کسانی هستند. فرمود: «به خدا قسم، منظور از متّقین ما و شیعیانمان هستیم که پیرو آیین و روش

ابراهیم (علیه السلام) هستیم و جز ما کس دیگری نیست».

﴿أَهْلُ التَّقْوَى وَالْمُتَّقُونَ﴾

﴿٤١٧٩﴾ الباقر عليه السلام: نَحْنُ الْمَتَانِي الَّذِي أَعْطَاهُ اللَّهُ نَبِيَّنَا مُحَمَّدًا عليه السلام وَنَحْنُ وَجْهُ اللَّهِ نَتَقَلَّبُ فِي الْأَرْضِ بَيْنَ أَظْهُرِكُمْ وَنَحْنُ عَيْنُ اللَّهِ فِي خَلْقِهِ وَيَدُهُ الْمَبْسُوطَةُ بِالرَّحْمَةِ عَلَى عِبَادِهِ عَرَفْنَا مَنْ عَرَفْنَا وَجَهْلَنَا مَنْ جَهْلَنَا وَإِمَامَةَ الْمُتَّقِينَ؛ الكافي، ج ١، ص ١٤٣

﴿٤١٨٠﴾ الصادق عليه السلام: مَثَلُ الْجَنَّةِ الَّتِي وَعَدَ الْمُتَّقُونَ وَهُمْ آلُ مُحَمَّدٍ وَأَشْيَاعُهُمْ؛ بحار الأنوار،

ج ٢٤، ص ٣٢٠

﴿٤١٨١﴾ الهادي عليه السلام: أَشْهَدُ أَنَّكُمْ الْأَئِمَّةُ الرَّاشِدُونَ الْمَهْدِيُّونَ الْمُعْصُومُونَ الْمَكْرُمُونَ

الْمُقَرَّبُونَ الْمُتَّقُونَ؛ من لا يحضره الفقيه، ج ٢، ص ٦٠٩

﴿٤١٨٢﴾ الباقر عليه السلام: وَجَدْنَا فِي كِتَابِ عَلِيِّ عليه السلام إِنَّ الْأَرْضَ لِلَّهِ يُورِثُهَا مَنْ يَشَاءُ مِنْ عِبَادِهِ وَالْعَاقِبَةُ لِلْمُتَّقِينَ أَنَا وَاهْلُ بَيْتِي الَّذِينَ أَوْثَرْنَا اللَّهُ الْأَرْضَ وَنَحْنُ الْمُتَّقُونَ وَالْأَرْضُ كُلُّهَا لَنَا؛

الكافي، ج ١، ص ٤٠٧

﴿٤١٨٣﴾ الصادق عليه السلام: سَأَلَ السُّدِّيُّ جَعْفَرَ بْنَ مُحَمَّدٍ عليه السلام عَنْ قَوْلِ اللَّهِ تَعَالَى مَثَلُ الْجَنَّةِ الَّتِي وَعَدَ الْمُتَّقُونَ قَالَ هِيَ فِي عَلِيٍّ وَأَوْلَادِهِ وَشِيعَتِهِمْ هُمُ الْمُتَّقُونَ وَهُمْ أَهْلُ الْجَنَّةِ وَالْمَغْفِرَةِ؛

بحار الأنوار، ج ٧، ص ٢٠٢

﴿٤١٨٤﴾ أمير المؤمنين عليه السلام: عَصَمَكُمُ اللَّهُ بِالْهُدَى وَتَبَّكُمُ بِالتَّقَى؛ الغارات، ج ١، ص ١٦٦

﴿٤١٨٥﴾ الرسول عليه السلام: فَإِنَّا مَنَازِلُ الْهُدَى وَآئِمَّةُ التَّقَى؛ بحار الأنوار، ج ٢٧، ص ١٩٨

﴿٤١٨٦﴾ الرسول عليه السلام: يَا عَلِيُّ أَنْتَ مِنْ آئِمَّةِ الْهُدَى وَأَوْلَادُكَ مِنْكَ فَاتَّبِعْ قَادَةَ الْهُدَى وَالتَّقَى؛

بحار الأنوار، ج ٢٣، ص ٢٢١

﴿٤١٨٧﴾ الأئمة عليهم السلام: اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ الْمُصْطَفَى وَعَلَى الْمُرْتَضَى وَفَاطِمَةَ الزَّهْرَاءِ [و]

الْحَسَنَ الرِّضَا وَالْحُسَيْنَ الْمُصْطَفَى وَجَمِيعِ الْأَوْصِيَاءِ وَمَصَابِيحِ الدُّجَى وَأَعْلَامِ الْهُدَى وَمَنَارِ

التَّقَى؛ بحار الأنوار، ج ٥٢، ص ٢١

﴿٤١٨٨﴾ الباقر عليه السلام: إِلَيْهِمْ بُعِثَ الرُّوحُ الْأَمِينُ مِمَّا مِنَ اللَّهِ عَلَيْهِمْ فَضْلُهُمْ بِهِ وَخَصَّهُمْ بِذَلِكَ وَ

آتَاهُمْ تَقْوَاهُمْ وَبِالْحِكْمَةِ قَوَاهُمْ هُمْ فُرُوعُ طَيْبَةٍ وَأَصُولُ مَبَارَكَةٍ خَزَانُ الْعِلْمِ وَوَرَنَةُ الْحِلْمِ وَ

أَوَّلُو التَّقَى؛ بحار الأنوار، ج ٢٣، ص ٢٤٤

«اهل تقوا و پرهیزکاران»

﴿۴۱۷۹﴾ ما همان مثنی (معنای سوره حمد) هستیم که خداوند به پیامبر ما محمد ﷺ عطا فرمود، ما وجه الله هستیم که در میان شما و در روی زمین می گردیم. ما چشمان خدا در میان مخلوقاتش هستیم و ما دستان گشوده به رحمت خداوند در میان بندگانست هستیم. هر کس ما را می شناسد، خوب می شناسد و هر کس نمی شناسد، نشناخته [و نخواهد شناخت]. ما پیشوایان باتقوایان هستیم.

﴿۴۱۸۰﴾ «توصیف بهشتی که به پرهیزکاران وعده داده شده»؛ آن ها آل محمد ﷺ و پیروان ایشان هستند.

﴿۴۱۸۱﴾ گواهی می دهیم که شما پیشوایان رشدیافته و راه یافته، وارستگان گرامی و مقربان پرهیزکار هستید.

﴿۴۱۸۲﴾ در کتاب امام علی علیه السلام یافتیم که فرموده بود: «زمین از آن خداست، و آن را به هر کس از بندگان که بخواهد، واگذار می کند و سرانجام (نیک) برای پرهیزکاران است!». من و اهل بیت همان کسانی هستیم که خداوند متعال ما را وارث زمین قرار داده است و ماییم که پرهیزکاران هستیم، و زمین به صورت کامل از آن ماست.

﴿۴۱۸۳﴾ سدی از امام صادق علیه السلام درباره ی آیه ی: «توصیف بهشتی که به پرهیزکاران وعده داده شده»؛ سؤال کرد. امام علیه السلام فرمود: «این آیه درباره ی علی علیه السلام و اولاد اوست و شیعیانشان همان متقین هستند و آنان اهل بهشت و مغفرت هستند».

﴿۴۱۸۴﴾ خداوند با هدایت شما را پناه داده و با تقوا شما را ثابت قدم کرده است.

﴿۴۱۸۵﴾ ما پایگاه های هدایت و پیشوای پرهیزکاران هستیم.

﴿۴۱۸۶﴾ یا علی! تو از پیشوایان هدایتی و اولاد من از تو خواهند بود و شما رهنمایان هدایت و پرهیزکاری هستید.

﴿۴۱۸۷﴾ خدایا! بر محمد مصطفی و علی مرتضی و فاطمه زهرا و حسن مورد رضا و حسین برگزیده و جمیع اوصیا و چراغ های تاریکی ها و علم های هدایت و مناره های تقوا درود فرست.

﴿۴۱۸۸﴾ روح الامین به سوی آن ها فرستاده شد. منتی است از جانب خدا بر ایشان که آن ها را به واسطه ی آن برتری داد و امتیاز بخشید و به ایشان پرهیزکاری شان را بخشید و به حکمت تقویت نمود. شاخه های پاک و ریشه های مبارکند. گنجینه های علم و وارثان حلم و صاحبان تقوا هستند.

﴿أَهْلُ التَّقْوَى وَالْمُتَّقُونَ﴾

﴿٤١٨٩﴾ أمير المؤمنين عليه السلام: يَا مُحَمَّدُ يَا عَلِيُّ يَا فَاطِمَةُ الزَّهْرَاءُ يَا حَسَنُ يَا حُسَيْنُ سَيِّدِي شَبَابِ أَهْلِ الْجَنَّةِ يَا مَوْلَى الطَّاهِرِينَ يَا ذَوِي النَّهْيِ وَالتَّقَى... أَنَا مُنْتَظَرُ لِأَمْرِكُمْ...؛ بحار الأنوار،

ج ٩٧، ص ٣٤٥

﴿٤١٩٠﴾ الأئمة عليهم السلام: اصْطَفَاكُمْ عَلَى الْعَالَمِينَ بِالنُّورِ وَالْهُدَى وَالْعِلْمِ وَالتَّقَى؛ بحار الأنوار،

ج ٩٧، ص ٢٠٧

﴿٤١٩١﴾ السَّجَاد عليه السلام: أَيُّهَا النَّاسُ إِنَّ اللَّهَ تَعَالَى وَلَهُ الْحَمْدُ اثْبَاتَنَا أَهْلَ الْبَيْتِ بِلَاءٍ حَسَنٍ حَيْثُ جَعَلَ رَايَةَ الْهُدَى وَالْعَدْلِ وَالتَّقَى فِينَا وَجَعَلَ رَايَةَ الضَّلَالَةِ وَالرَّدَى فِي غَيْرِنَا؛ بحار الأنوار،

ج ٤٥، ص ١٧٤

﴿٤١٩٢﴾ ابن عباس رضي الله عنه: فِي قَوْلِهِ تَعَالَى يَوْمَ نَدْعُوا كُلَّ أُنَاسٍ بِإِمَامِهِمْ قَالَ إِذَا كَانَ يَوْمُ الْقِيَامَةِ دَعَا اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ أَيْمَةَ الْهُدَى وَمَصَابِيحَ الدُّجَى وَأَعْلَامَ التَّقَى أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ وَالْحَسَنَ وَ

الْحُسَيْنَ عليهم السلام؛ بحار الأنوار، ج ٣٨، ص ١٥٤

﴿٤١٩٣﴾ أمير المؤمنين عليه السلام: نَحْنُ مَنَارُ الْهُدَى وَأَعْلَامُ التَّقَى؛ بحار الأنوار، ج ٢٣، ص ١٨٤

﴿٤١٩٤﴾ الهادي عليه السلام: السَّلَامُ عَلَى أَيْمَةِ الْهُدَى وَمَصَابِيحِ الدُّجَى وَأَعْلَامِ التَّقَى؛

من لا يحضره الفقيه، ج ٢، ص ٦٠٩

﴿٤١٩٥﴾ الصادق عليه السلام: اتَّبِعُوا رَسُولَ اللَّهِ وَأَهْلَ بَيْتِهِ وَأَقْرُوا بِمَا نَزَلَ مِنْ عِنْدِ اللَّهِ وَاتَّبِعُوا

آثَارَ الْهُدَى فَإِنَّهُمْ عَلَامَاتُ الْأَمَانَةِ وَالتَّقَى؛ الكافي، ج ١، ص ١٨١

﴿٤١٩٦﴾ الرسول صلى الله عليه وآله: آلُ مُحَمَّدٍ كُلُّ تَقَى؛ شواهد التنزيل، ج ١، ص ٢٨٣

﴿٤١٩٧﴾ الباقر عليه السلام: نَحْنُ شَجَرَةُ أَصْلُهَا رَسُولُ اللَّهِ صلى الله عليه وآله وَفَرْعُهَا عَلِيُّ بْنُ أَبِي طَالِبٍ عليه السلام...

إِلَيْهِمْ بُعِثَ الرُّوحُ الْأَمِينُ مَنَّا مِنَ اللَّهِ عَلَيْهِمْ فَضْلُهُمْ بِهِ وَخَصَّهُمْ بِذَلِكَ وَأَتَاهُمْ تَقْوَاهُمْ؛

بحار الأنوار، ج ٢٣، ص ٢٤٤

﴿٤١٩٨﴾ الصادق عليه السلام: السَّلَامُ عَلَى شَجَرَةِ التَّقْوَى؛ مستدرک الوسائل، ج ١٠، ص ٢٢٢

﴿٤١٩٩﴾ الصادق عليه السلام: اللَّهُمَّ فَلَكَ الْحَمْدُ عَلَى إِنْعَامِكَ عَلَيْنَا بِالَّذِي هَدَيْتَنَا إِلَى وَكَايَةِ وَلَاةِ

أَمْرِكَ مِنْ بَعْدِ نَبِيِّكَ الْأَيْمَةِ الْهُدَاةِ الرَّاشِدِينَ الَّذِينَ جَعَلْتَهُمْ أَرْكَانًا لِتَوْحِيدِكَ وَأَعْلَامَ الْهُدَى وَ

مَنَارَ التَّقْوَى؛ تهذيب الأحكام، ج ٣، ص ١٤٥

«اهل تقوا و پرهیزکاران»

﴿۴۱۸۹﴾ [زیارت امیرالمؤمنین (علیه السلام):] ای محمد، ای علی، ای فاطمه زهرا، ای حسن و ای حسین دو سرور در جوانان اهل بهشت. ای سروران پاک، ای خردمندان و پرهیزکاران... من منتظر فرمان شمایم...

﴿۴۱۹۰﴾ شما را با نور، هدایت، علم، پارسایی بر جهانیان برگزید.

﴿۴۱۹۱﴾ ای مردم! خدای متعال که حمد مخصوص اوست، ما اهل بیت را به آزمایشی نیکو آزمود: پرچم هدایت و عدل و تقوا را در میان ما نهاد و پرچم ضلالت و پستی را در غیر ما قرار داد.

﴿۴۱۹۲﴾ در مورد سخن خدای متعال: «[به یاد آورید] روزی را که هر گروهی را با پیشوایشان می‌خوانیم!»؛ گفت: چون روز قیامت شود، خدای متعال ائمه هدی و چراغ‌های درخشان شب تار و بزرگان پرهیزکاری، امیرالمؤمنین و حسن و حسین (علیهم السلام) را فرامی‌خواند.

﴿۴۱۹۳﴾ ما راسخان در علم و مشعل‌های هدایت و پرچم‌های تقوا هستیم.

﴿۴۱۹۴﴾ سلام بر پیشوایان هدایت و چراغ‌های محیط ظلمت و پرچم‌های تقوا.

﴿۴۱۹۵﴾ از رسول خدا (صلی الله علیه و آله) و اهل بیتش (علیهم السلام) پیروی کنید و به آنچه از نزد خدا نازل شده اقرار کنید و از هدایت‌گران پیروی کنید که آنان نشانه‌های امانت و تقوا هستند.

﴿۴۱۹۶﴾ خاندان محمد (صلی الله علیه و آله) همه اهل تقوا هستند.

﴿۴۱۹۷﴾ زیادبن منذر گوید: از امام باقر (علیه السلام) شنیدم که می‌فرمود: ما درختی هستیم که ریشه آن پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) و تنه‌اش علی بن ابی طالب (علیه السلام) است... روح الامین به سوی آن‌ها فرستاده شد. منتی است از جانب خدا بر ایشان که آن‌ها را به واسطه‌ی آن برتری داد و امتیاز بخشید و به ایشان پرهیزکاریشان را بخشید.

﴿۴۱۹۸﴾ [در زیارت امام علی (علیه السلام):] سلام بر درخت تقوا.

﴿۴۱۹۹﴾ خدایا! حمد و سپاس مخصوص توست که نعمت هدایت را به ما اعطا فرمودی. هدایتی که ما را به سوی اولی‌الامرهای بعد از پیامبر (صلی الله علیه و آله) هدایت کرده. امامانی که هدایتگران راه صلاح‌اند؛ همان‌هایی که ستون‌های توحیدت قرار داده‌ای. همان‌هایی که راهنمایان طریق هدایت و نشانه‌های روشن‌گر تقوا هستند.

«أَهْلُ التَّقْوَى وَالْمُتَّقُونَ»

﴿٤٢٠٠﴾ دعاء يوم الغدير: اللَّهُمَّ فَلكَ الْحَمْدُ عَلَى إِنْعامِكَ عَلَيْنَا بِالْهُدَى الَّذِي هَدَيْتَنَا بِهِ إِلَى وَلاةِ أَمْرِكَ مِنْ بَعْدِ نَبِيِّكَ الْإِمامَةِ الْهُدَاةِ الرَّاشِدِينَ الَّذِينَ جَعَلْتَهُمْ أَرْكاناً لِتَوْحِيدِكَ وَاتِّباعِ الْهُدَاةِ مِنْ بَعْدِ النَّذِيرِ الْمُنذِرِ وَأَعْلَامِ الْهُدَى وَمَنارِ الْقُلُوبِ وَالتَّقْوَى؛ تهذيب الأحكام، ج ٣، ص ١٤٦

﴿٤٢٠١﴾ الباقر عليه السلام: السَّلَامُ عَلَيْكُمْ أَهْلُ الْبِرِّ وَالتَّقْوَى؛ كامل الزيارات، ص ٥٣

﴿٤٢٠٢﴾ الصادق عليه السلام: إِنَّ الْمُفْضَلَ بْنَ عَمْرٍو دَخَلَ عَلَيْهِ... قَالَ سَمِعْتُ أَبِي يَقُولُ مَنْ مَضَتْ لَهُ سَنَةٌ فَلَمْ يَصِلْنا مِنْ مَالِهِ بِمَا قَلَّ أَوْ كَثُرَ لَمْ يَنْظُرِ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ إِلَيْهِ يَوْمَ الْقِيامَةِ إِلَّا أَنْ يَغْفُوَ ثُمَّ قَالَ أَيْ مُفْضَلُ إِنَّهَا فَرِيضَةٌ فَرَضَهُ اللَّهُ لَنَا عَلَى شِيعَتِنَا فِي كِتَابِهِ إِذْ يَقُولُ لَنْ تَنالُوا الْبِرَّ حَتَّى تُنْفِقُوا مِمَّا تُحِبُّونَ فَنَحْنُ أَهْلُ الْبِرِّ وَالتَّقْوَى وَ سُبُلُ الْهُدَى؛ دعائم الإسلام، ج ١، ص ٥٨

﴿٤٢٠٣﴾ الصادق عليه السلام: يَا مُفْضَلُ تَعْلَمُ أَنَّهُمْ عَلِمُوا مَا خَلَقَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ وَ ذَرَأَهُ وَ بَرَأَهُ وَأَنَّهُمْ

كَلِمَةُ التَّقْوَى؛ بحار الأنوار، ج ٢٦، ص ١١٦

﴿٤٢٠٤﴾ الرسول عليه السلام: نَحْنُ كَلِمَةُ التَّقْوَى وَ سَبِيلُ الْهُدَى؛ بحار الأنوار، ج ٢٤، ص ١٨٤

﴿٤٢٠٥﴾ الرضا عليه السلام: نَحْنُ حُجَجُ اللَّهِ فِي أَرْضِهِ وَ خُلَفَاؤُهُ فِي عِبَادِهِ وَ أَمَنَّاؤُهُ عَلَى سِرِّهِ وَ نَحْنُ

كَلِمَةُ التَّقْوَى؛ بحار الأنوار، ج ٢٣، ص ٣٥

﴿٤٢٠٦﴾ الصادق عليه السلام: السَّلَامُ عَلَيْكُمْ يَا سَادَةَ الْوَرَى وَ الْآيَةَ الْكُبْرَى وَ الْحُجَّةَ الْعُظْمَى وَ الدَّعْوَةَ الْحُسْنَى وَ الْمَثَلَ الْأَعْلَى وَ شَجَرَةَ الْمُنتَهَى وَ بَابَ الْهُدَى وَ كَلِمَةَ التَّقْوَى؛ بحار الأنوار، ج ٩٧، ص ٣٤٣

﴿٤٢٠٧﴾ الرسول عليه السلام: فَنَحْنُ كَلِمَةُ التَّقْوَى وَ سَبِيلُ الْهُدَى؛ بحار الأنوار، ج ١٦، ص ٣٧٤

﴿٤٢٠٨﴾ الصادق عليه السلام: يَا مُفْضَلُ إِنَّهَا فَرِيضَةٌ فَرَضَهَا اللَّهُ عَلَى شِيعَتِنَا فِي كِتَابِهِ إِذْ يَقُولُ لَنْ تَنالُوا الْبِرَّ حَتَّى تُنْفِقُوا مِمَّا تُحِبُّونَ فَنَحْنُ الْبِرُّ وَ التَّقْوَى وَ سَبِيلُ الْهُدَى وَ بَابُ التَّقْوَى؛ بحار الأنوار، ج ٩٣، ص ٢١٦

﴿٤٢٠٩﴾ الباقر عليه السلام: إِلَيْهِمْ بُعِثَ الرُّوحُ الْأَمِينُ مَنَّا مِنْ اللَّهِ عَلَيْهِمْ فَضْلُهُمْ بِهِ وَ خَصَّهُمْ وَأَصُولُ مُبَارَكَةٍ مُسْتَقَرُّ قَرَارِ الرَّحْمَةِ خَزَانُ الْعِلْمِ وَ وَرَثَةُ الْحِلْمِ وَ أَوْلُو التَّقْوَى وَ النُّهَى؛ بحار الأنوار، ج ٢٦، ص ٢٥٠

﴿٤٢١٠﴾ الباقر عليه السلام: فَهُمْ أَيْمَةُ الْهُدَى وَ الدَّعَاةُ إِلَى التَّقْوَى؛ بحار الأنوار، ج ٢٦، ص ٢٥٠

«اهل تقوا و پرهیزکاران»

﴿۴۲۰۰﴾ [نماز روز غدیر و دعای آن:] خدایا! حمد و سپاس مخصوص توست که نعمت هدایت را به ما عطا فرمودی، هدایتی که ما را به سوی اولی الامرهای بعد از پیامبر ﷺ هدایت کرده؛ امامانی که هدایتگران راه صلاح اند؛ همان‌هایی که ستون‌های توحیدت قرار داده‌ای. رهبرانی که بعد از پیامبر بشارت‌دهنده و اندازنده‌ات برای مردم قرار داده‌ای تا از آنان پیروی کنند. همان‌هایی که راهنمایان طریق هدایت و نشانه‌های روشن‌گر قلب و تقوا هستند.

﴿۴۲۰۱﴾ سلام بر شما اهل نیکی و پرهیزکاری.

﴿۴۲۰۲﴾ مفضل خدمت امام صادق علیه السلام رسید... امام علیه السلام فرمود: «شنیدم که پدرم می‌فرمود: «هرکس یک سال [خمس] بر او بگذرد و بخشی از اموالش، چه اندک و چه زیاد [به عنوان خمس] به ما نرسد، خداوند روز قیامت به او نظر نخواهد کرد. مگر آنکه خدا از او بگذرد». سپس افزود: «ای مفضل! خمس، واجبی است که خداوند در کتاب خود بر پیروان ما واجب فرموده، آنجا که می‌فرماید: «هرگز به (حقیقت) نیکوکاری نمی‌رسید مگر اینکه از آنچه دوست می‌دارید». ما اهل نیکی و تقوا و راه‌های هدایت هستیم».

﴿۴۲۰۳﴾ ای مفضل! آیا می‌دانی آن‌ها از آنچه که خدا آفریده و به وجود آورده اطلاع دارند؟ و آن‌ها کلمه‌ی تقوا هستند.

﴿۴۲۰۴﴾ ما کلمه‌ی تقوا و راه هدایت هستیم.

﴿۴۲۰۵﴾ ما حجت خدا در روی زمین و خلیفه‌ی او در میان بندگان و امین اسرار خدا و کلمه‌ی تقوا هستیم.

﴿۴۲۰۶﴾ سلام بر شما! ای سرور مردم و نشانه‌ی بزرگ و برهان عظیم و دعوت نیکو و نمونه‌ی والا و شجره‌ای که به نهایت رسیدند و در هدایت و کلمه‌ی تقوا هستند.

﴿۴۲۰۷﴾ ما واژه‌ی پرهیزکاری و راه هدایت هستیم.

﴿۴۲۰۸﴾ ای مفضل! این از فرائضی است که خداوند آن را بر شیعیان ما واجب گردانیده است؛ آنجا که در کتابش فرموده است: «هرگز به حقیقت نیکوکاری نمی‌رسید مگر اینکه از آنچه دوست می‌دارید، انفاق کنید». آن برّ و پاکی و آن تقوا و راه هدایت و آن دروازه‌ی تقوا ما هستیم.

﴿۴۲۰۹﴾ به سوی آن‌ها روح الامین نازل شده است. این‌ها لطف و عنایتی است از خدا بر آن‌ها که به ایشان اختصاص داده و آن‌ها را با این مقامات مزیت بخشیده است. آن‌ها پایگاه‌های بابرکت و قرارگاه رحمت خدا هستند. گنجینه‌های علم و وارث حلم و تقوای پیشه‌گان هستند.

﴿۴۲۱۰﴾ آن‌ها ائمه‌ی هدی و داعیان تقوا هستند.

«أَهْلُ التَّقْوَى وَالْمَتَّقُونَ»

﴿٤٢١١﴾ العسكري عليه السلام: أَشْهَدُ أَنَّكَ وَالْأَئِمَّةَ مِنْ وَلَدِكَ كَلِمَةُ التَّقْوَى؛ مصباح المتهجد، ص ٤٠٢
 ﴿٤٢١٢﴾ الصادق عليه السلام: الْأَعْمَشُ عَنْ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ عليه السلام قَالَ: سَأَلْتُهُ عَنْ أَفْضَلِ الْخَلْقِ بَعْدَ رَسُولِ اللَّهِ صلى الله عليه وآله فَقَالَ عَلِيُّ بْنُ أَبِي طَالِبٍ عليه السلام وَبَعْدَهُ... ثُمَّ مُحَمَّدٌ بْنُ عَلِيٍّ ثُمَّ جَعْفَرُ بْنُ مُحَمَّدٍ ثُمَّ مِنْ بَعْدِهِ الْأَئِمَّةُ الْهَادَةُ الْمَهْدِيُّونَ فَإِنَّ فِيهِمُ الْوَرَعَ وَالْعِفَّةَ؛ إرشاد القلوب، ج ٢، ص ٢٢١

١١-٤ - عَلِيُّ عليه السلام

﴿٤٢١٣﴾ ابن عباس رضي الله عنه: فِي قَوْلِهِ إِنَّ لِلْمُتَّقِينَ مَفَازًا هُوَ عَلِيُّ بْنُ أَبِي طَالِبٍ عليه السلام سَيِّدُ مَنْ اتَّقَى عَنْ ارْتِكَابِ الْفَوَاحِشِ؛ بحار الأنوار، ج ٤٠، ص ٣٢٠

﴿٤٢١٤﴾ ابن عباس رضي الله عنه: فِي قَوْلِهِ تَعَالَى وَمَنْ يُطِيعِ اللَّهَ وَرَسُولَهُ وَيَخْشِ اللَّهَ وَيَتَّقِهِ فَأُولَئِكَ هُمُ الْفَائِزُونَ قَالَ نَزَلَتْ فِي عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ عليه السلام؛ بحار الأنوار، ج ٣٥، ص ٤٠١

﴿٤٢١٥﴾ السجاد عليه السلام: الْبِرُّ بِرُّ مَنْ أَقَامَ الصَّلَاةَ بِحُدُودِهَا وَعَلِمَ أَنَّ أَكْبَرَ حُدُودِهَا الدُّخُولُ فِيهَا وَالْخُرُوجُ عَنْهَا مُعْتَرِفًا بِفَضْلِ مُحَمَّدٍ سَيِّدِ أَنْبِيَائِهِ وَعِيْدِهِ وَالْمَوَالَاةِ لِسَيِّدِ الْأَوْصِيَاءِ وَأَفْضَلِ الْأَتَقِيَاءِ عَلَى عليه السلام وَقَائِدِ الْأَخْيَارِ وَأَفْضَلِ أَهْلِ دَارِ الْقَرَارِ بَعْدَ النَّبِيِّ الزَّكِيِّ الْمُخْتَارِ؛ بحار الأنوار، ج ٢٤، ص ٣٨٤

﴿٤٢١٦﴾ الصادق عليه السلام: السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا عِمَادَ الْأَتَقِيَاءِ؛ بحار الأنوار، ج ٩٧، ص ٣٧٣

﴿٤٢١٧﴾ الصادق عليه السلام: وَسَيَجَنَّبُهَا الْأَتَقَى قَالَ ذَاكَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ وَشَيْعَتُهُ؛ بحار الأنوار، ج ٢٤، ص ٣٩٨

﴿٤٢١٨﴾ أمير المؤمنين عليه السلام: فَوَ اللَّهِ لَا أَقُولَنَّ قَوْلًا لَا يُطِيقُ أَنْ يَقُولَهُ أَحَدٌ مِنْ خَلْقِكَ أَنَا عَلَّمُ الْهُدَى وَكُهْفُ التَّقَى وَمَحَلُّ السَّخَاءِ وَبَحْرُ النَّدَى وَطَوْدُ النُّهَى وَمَعْدِنُ الْعِلْمِ وَنُورُ فِي ظُلْمِ الدُّجَا وَخَيْرٌ مِنْ أَمْنٍ وَاتَّقَى وَ اكْمَلُ مِنْ تَقَمَّصَ وَ ارْتَدَى وَأَفْضَلُ مَنْ شَهِدَ النُّجُوى بَعْدَ النَّبِيِّ الْمُصْطَفَى؛ بحار الأنوار، ج ٢٥، ص ٣٢

﴿٤٢١٩﴾ الصادق عليه السلام: لِلَّذِينَ أَحْسَنُوا مِنْهُمْ وَاتَّقُوا أَجْرٌ عَظِيمٌ إِنَّمَا أَنْزَلْتُ فِي أَمِيرِ

الْمُؤْمِنِينَ عليه السلام؛ شواهد التنزيل، ج ١، ص ١٧٣

﴿٤٢٢٠﴾ ابن عباس رضي الله عنه: [فِي قَوْلِهِ تَعَالَى: إِنَّ لِلْمُتَّقِينَ مَفَازًا قَالَ: هُوَ عَلِيُّ بْنُ أَبِي طَالِبٍ، هُوَ وَ اللَّهِ سَيِّدُ مَنْ اتَّقَى اللَّهَ وَخَافَهُ، اتَّقَاهُ عَنْ ارْتِكَابِ الْفَوَاحِشِ، وَخَافَهُ عَنْ اقْتِرَافِ الْكِبَائِرِ مَفَازًا نَجَاةً مِنَ النَّارِ وَالْعَذَابِ وَقُرْبًا مِنَ اللَّهِ فِي مَنَازِلِ الْجَنَّةِ؛ شواهد التنزيل، ج ٢، ص ٤١٩

«اهل تقوا و پرهیزکاران»

﴿۴۲۱۱﴾ گواهی می‌دهم که تو و امامان از فرزندان، کلمه‌ی تقوا هستید.
﴿۴۲۱۲﴾ اعمش گوید: در مورد بهترین مخلوقات بعد از پیامبر ﷺ از امام علی (ع) سؤال کردم.
فرمود: «علی بن ابی طالب (ع) و بعد از او... و پس از او محمد بن علی و پس از او جعفر بن محمد و بعد از او امامان هدایت‌شده و هدایت‌گرند که در آن‌ها ورع و پاک‌دامنی است».

۴-۱۱- علی (ع)

﴿۴۲۱۳﴾ درباره‌ی این آیه: «مسلماً برای پرهیزکاران نجات و پیروزی بزرگی است»؛ گفت:
«منظور علی بن ابی طالب (ع) است که سرور پرهیزکاران از فواحش و پلیدی‌هاست».
﴿۴۲۱۴﴾ در مورد آیه‌ی: «و هر کس خدا و پیامبرش را اطاعت کند، و از خدا بترسد و از مخالفت فرمانش بپرهیزد، چنین کسانی همان پیروزمندان واقعی هستند!»؛ گفت: «این آیه درباره‌ی علی بن ابی طالب (ع) نازل شده است».

﴿۴۲۱۵﴾ نیکوکار کسی است که نماز را با حدود و شرایط آن انجام دهد و بداند که مهمترین شرط نماز، شروع و تمام کردن آن با اعتراف به فضل محمد ﷺ بر تمام انبیاء و بندگان و دوستی علی (ع) سرور اوصیاء و بهترین اتقیا سرور خوبان و رهبر نیکان و بهترین ساکنان بهشت بعد از پیامبر پاک برگزیده است.

﴿۴۲۱۶﴾ سلام بر تو ای ستون و تکیه‌گاه پرهیزکاران.

﴿۴۲۱۷﴾ «و بزودی با تقواترین مردم از آن دور داشته می‌شود»؛ یعنی امیرمؤمنان (ع) و پیروانش.

﴿۴۲۱۸﴾ به خدا قسم! سخنی می‌گویم که احدی از خلق نمی‌تواند ادعا کند: من، پس از پیامبر ﷺ، پرچم هدایت و پناهگاه تقوا و جایگاه سخاوت و دریای جود و کوه بلند عقل و معدن دانش و نور تاریکی‌های تیره و بهترین مؤمنان و متقیان و کامل‌ترین شخصی که جامه و ردا پوشیده و بالاترین شخصی که شاهد نجوی بوده، هستم.

﴿۴۲۱۹﴾ آیه‌ی: «برای کسانی از آن‌ها، که نیکی کردند و تقوا پیش گرفتند، پاداش بزرگی است.»، در شأن امیر المؤمنین علی (ع) نازل شده است.

﴿۴۲۲۰﴾ در توضیح و تفسیر «مسلماً برای پرهیزکاران نجات و پیروزی بزرگی است»؛ بیان کرد که منظور از «متقین» در آیه، علی بن ابی طالب (ع) سید و سرور پرهیزکاران است، از ارتکاب به فواحش دوری کرده و از نزدیکی به کبائر برحذر بوده است. پاداش او رستگاری و نجات از آتش جهنم است. اوست که در منازل قرب الهی جای می‌گیرد و به نعمت‌های بهشتی متعم می‌شود.

﴿أَهْلُ التَّقْوَى وَالْمُتَّقُونَ﴾

﴿٤٢٢١﴾ ابن عباس رضي الله عنه: هُدَى يَعْنِي تَبَيَّنَا وَنَذِيرًا لِلْمُتَّقِينَ عَلَى بَنِ أَبِي طَالِبٍ الَّذِي لَمْ يُشْرِكْ بِاللَّهِ طَرَفَةً عَيْنٍ وَآخَلَصَ لِلَّهِ الْعِبَادَةَ يُبْعَثُ إِلَى الْجَنَّةِ بِغَيْرِ حِسَابٍ هُوَ وَشِيعَتُهُ؛ بحار الأنوار، ج ٣٥، ص ٣٩٧

﴿٤٢٢٢﴾ الرسول ﷺ: وَاجْعَلْنَا لِلْمُتَّقِينَ إِمَامًا قَالَ عَلَى بْنُ أَبِي طَالِبٍ صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِمْ أَجْمَعِينَ؛ بحار الأنوار، ج ٢٤، ص ١٣٥

﴿٤٢٢٣﴾ أمير المؤمنين عليه السلام: أَنَا سَيِّدُ الْوَصِيِّينَ وَوَصِيُّ سَيِّدِ النَّبِيِّينَ أَنَا إِمَامُ الْمُسْلِمِينَ وَقَائِدُ الْمُتَّقِينَ؛ بحار الأنوار، ج ٣٩، ص ٣٤١

﴿٤٢٢٤﴾ أمير المؤمنين عليه السلام: أَتَيْهَا النَّاسُ سَلُونِي قَبْلَ أَنْ تَفْقِدُونِي أَنَا يَعْسُوبُ الْمُؤْمِنِينَ وَغَايَةُ السَّابِقِينَ وَلسَانَ الْمُتَّقِينَ؛ بحار الأنوار، ج ٢٦، ص ١٥٣

﴿٤٢٢٥﴾ الرسول ﷺ: إِنْ عَلِيًّا إِمَامًا أَوْ لِيَائِي وَنُورٌ لِمَنْ أَطَاعَنِي وَهُوَ الْكَلِمَةُ الَّتِي أَلْزَمْتُهَا الْمُتَّقِينَ؛ بحار الأنوار، ج ١٨، ص ٣٣٧

﴿٤٢٢٦﴾ السَّجَّاد عليه السلام: قَوْلُهُ عَزَّ وَجَلَّ وَإِنْ كُنْتُمْ أَهْلًا لِمَشْرُكُونَ وَالْيَهُودَ وَسَائِرَ النِّوَاصِبِ مِنَ الْمُكَذِّبِينَ لِمُحَمَّدٍ فِي الْقُرْآنِ فِي تَفْضِيلِهِ عَلَيًّا أَخَاهُ الْمُبَرَّزَ عَلَى الْفَاضِلِينَ الْفَاضِلَ عَلَى الْمُجَاهِدِينَ الَّذِي لَا نَظِيرَ لَهُ فِي نُصْرَةِ الْمُتَّقِينَ؛ بحار الأنوار، ج ١٧، ص ٢١٦

﴿٤٢٢٧﴾ ابن عباس رضي الله عنه: أَمْ نَجْعَلُ الْمُتَّقِينَ عَلَى وَاصِحَائِهِ؛ بحار الأنوار، ج ٢٤، ص ٧

﴿٤٢٢٨﴾ الحسين عليه السلام: فَإِنَّمَا يَسْرُنَا بِلِسَانِكَ لِتُبَشِّرَ بِهِ الْمُتَّقِينَ فَبَشِّرْ بِذَلِكَ النَّبِيُّ الْعَرَبِيُّ لِعَلِّي بْنِ أَبِي طَالِبٍ عَلَيْهِ الصَّلَاةُ وَالسَّلَامُ؛ بحار الأنوار، ج ٤٤، ص ٢١٠

﴿٤٢٢٩﴾ الباقر عليه السلام: إِنَّ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ سَيَجْعَلُ لَهُمُ الرَّحْمَنُ وُدًّا فَإِنَّمَا يَسْرُنَا بِلِسَانِكَ لِتُبَشِّرَ بِهِ الْمُتَّقِينَ وَهُوَ عَلَى؛ بحار الأنوار، ج ٣٥، ص ٣٥٥

﴿٤٢٣٠﴾ الصادق عليه السلام: عَنْ أَبِي بصير عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام ... قُلْتُ: فَإِنَّمَا يَسْرُنَا بِلِسَانِكَ لِتُبَشِّرَ بِهِ الْمُتَّقِينَ وَتُذَكِّرَ بِهِ قَوْمًا لَدَا قَالَ إِنَّمَا يَسْرُهُ اللَّهُ عَلَى لِسَانِهِ حِينَ أَقَامَ أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ عليه السلام

عَلَّمَا فَبَشَّرَ بِهِ الْمُؤْمِنِينَ وَانذَرَهُ الْكَافِرِينَ؛ الكافي، ج ١، ص ٤٣١

﴿٤٢٣١﴾ الرسول ﷺ: لَمَّا أُسْرِيَ بِي إِلَى السَّمَاءِ وَانْتَهَيْتُ إِلَى سِدْرَةِ الْمُنتَهَى نُودِيَْتُ يَا مُحَمَّدُ اسْتَوْصِ بَعْلِي خَيْرًا فَإِنَّهُ سَيِّدُ الْمُسْلِمِينَ وَإِمَامُ الْمُتَّقِينَ وَقَائِدُ الْغُرِّ الْمُحَجَّلِينَ يَوْمَ الْقِيَامَةِ؛

بحار الأنوار، ج ١٨، ص ٤٠٩

«اهل تقوا و پرهیزکاران»

﴿۴۲۲۱﴾ هُدًى؛ یعنی برای روشنگری و هشدار، لِلْمُتَّقِينَ؛ یعنی برای علی بن ابی طالب (علیه السلام) حتی به اندازه ی پلک برهم زدن هم به خدا شرک نورزید و خدا را خالصانه عبادت نمود، خود و پیروانش بدون بازخواست به بهشت روانه می شوند.

﴿۴۲۲۲﴾ در مورد «ما را برای پرهیزکاران پیشوا گردان»؛ پرسیده شد. فرمود: «منظور علی بن ابی طالب (علیه السلام) است».

﴿۴۲۲۳﴾ من سرور اوصیا و وصی سرور پیامبرانم، من امام مسلمانان و پیشوای پرهیزکارانم.

﴿۴۲۲۴﴾ ای مردم! از من بپرسید، پیش از آنکه مرا از دست دهید؛ من رهبر مؤمنان و هدف پیشروان و زبان متّقین هستم.

﴿۴۲۲۵﴾ به درستی که علی (علیه السلام) امام اولیای من است و برای هرکس که مرا اطاعت می کند، نور است و کلمه ای است که پرهیزکاران را به آن ملزم کرده ام.

﴿۴۲۲۶﴾ خداوند عزّ و جلّ فرمود: «وَإِنْ كُنْتُمْ» ای بت پرستان و یهودیان و دیگر ستیزه جوئیانی که قرآن محمد (صلی الله علیه و آله) را انکار می کنید و نمی پذیرید که او برادرش علی (علیه السلام) را برتری داد، او را که برترین ارجمندان و ارجمندترین جهادگران است و در یاری پرهیزکاران هیچ همتایی ندارد».

﴿۴۲۲۷﴾ «أَمْ نَجْعَلُ الْمُتَّقِينَ»؛ یعنی علی (علیه السلام) و یارانش.

﴿۴۲۲۸﴾ «و ما فقط آن [قرآن] را بر زبان تو آسان ساختیم تا پرهیزکاران را به وسیله ی آن بشارت دهی»؛ رسول خدا (صلی الله علیه و آله) این مژده را به حضرت علی بن ابی طالب (علیه السلام) داد.

﴿۴۲۲۹﴾ «مسلماً کسانی که ایمان آورده و کارهای شایسته انجام داده اند، خداوند رحمان محبّتی برای آنان در دل ها قرار می دهد! و ما فقط آن [قرآن] را بر زبان تو آسان ساختیم تا پرهیزکاران را به وسیله ی آن بشارت دهی، و دشمنان سرسخت را با آنان انذار کنی»؛ یعنی علی (علیه السلام).

﴿۴۲۳۰﴾ ابوبصیر گوید: از امام صادق (علیه السلام) در مورد این آیه: «تا پرهیزکاران را به وسیله ی آن بشارت دهی، و دشمنان سرسخت را با آنان انذار کنی»؛ پرسیدم. فرمود: «این را موقعی که امیر المؤمنین (علیه السلام) را به جانشینی خود تعیین نمود، بر زبان پیامبر (صلی الله علیه و آله) جاری کرد؛ خداوند مؤمنین را بشارت داد و کافران را تهدید نمود».

﴿۴۲۳۱﴾ چون مرا به آسمان بالا بردند و به سدره المنتهی رسیدم، ندایی به من رسید که: «ای محمد سفارش مرا به نیکی درباره ی علی (علیه السلام) بپذیر که او سرور مسلمین، و پیشوای متّقین، و در قیامت پیشوای پیشانی سپیدانی است که در غرفه های بهشتی آرمیده اند».

«أَهْلُ التَّقْوَى وَالْمُتَّقُونَ»

﴿٤٢٣٢﴾ الرَّسُولُ ﷺ: نَظَرَ النَّبِيُّ ﷺ إِلَى أَبِي طَالِبٍ ﷺ فَقَالَ هَذَا خَيْرُ الْأَوَّلِينَ وَالْآخِرِينَ مِنْ أَهْلِ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِينَ هَذَا سَيِّدُ الْوَصِيِّينَ وَإِمَامُ الْمُتَّقِينَ؛ بحار الأنوار، ج ٢٧، ص ٣١٥

﴿٤٢٣٣﴾ الرَّسُولُ ﷺ: يَا أَبَا ذَرٍّ هَذَا رَايَةُ الْهُدَى وَكَلِمَةُ التَّقْوَى وَالْعُرْوَةُ الْوُثْقَى وَإِمَامُ الْمُتَّقِينَ وَضِيَاءُ أَوْلِيَائِي وَنُورٌ مَنْ أَطَاعَنِي وَهُوَ الْكَلِمَةُ الَّتِي أَلَزَمَهَا اللَّهُ الْمُتَّقِينَ؛ تأويل الآيات الظاهرة، ص ٨٣١

﴿٤٢٣٤﴾ أمير المؤمنين ﷺ: أَنَا إِمَامُ الْمُتَّقِينَ وَمَوْلَى الْمُؤْمِنِينَ وَقَائِدُ الْمُتَّقِينَ؛ بشارة المصطفى، ص ١٥٥

﴿٤٢٣٥﴾ الرَّسُولُ ﷺ: هَؤُلَاءِ شِيعَتُكَ يَا عَلِيُّ وَأَنْتَ إِمَامُهُمْ وَهُوَ قَوْلُهُ يَوْمَ نَحْشُرُ الْمُتَّقِينَ إِلَى الرَّحْمَنِ وَقَدْ؛ بحار الأنوار، ج ٧، ص ١٧٢

﴿٤٢٣٦﴾ الْبَاقِرُ ﷺ: فِي قَوْلِهِ تَعَالَى وَالَّذِي جَاءَ بِالصِّدْقِ وَصَدَّقَ بِهِ أُولَئِكَ هُمُ الْمُتَّقُونَ قَالُوا هُوَ عَلِيُّ ﷺ؛ بحار الأنوار، ج ٣٥، ص ٤٠٧

﴿٤٢٣٧﴾ الرَّسُولُ ﷺ: إِنْ اتَّبَعْتُمُوهُ [عَلِيُّ ﷺ] هَدَاكُمْ وَإِنْ أَطَعْتُمُوهُ أَدْخَلَكُمْ الْجَنَّةَ فَوَسَّ بِإِلَيْهِ أَبُو ذَرٍّ الْغِفَارِيُّ رَضِيَ اللَّهُ تَعَالَى عَنْهُ فَقَالَ يَا رَسُولَ اللَّهِ فَكَيْفَ قُلْتَ ذَا قَالَ لِأَنَّهُ يَأْمُرُ بِالتَّقَى وَيَعْمَلُ بِهَا وَالشَّيْطَانُ يَأْمُرُ بِالْمُنْكَرِ وَيَعْمَلُ بِالْفَحْشَاءِ؛ بحار الأنوار، ج ٣٩، ص ٢٣٣

﴿٤٢٣٨﴾ أمير المؤمنين ﷺ: فَطُوبَى لِي أَنَا السَّعِيدُ طُوبَى لِي أَنَا التَّقَى؛ مصباح المتعبد، ص ٤٢٠

﴿٤٢٣٩﴾ الرَّسُولُ ﷺ: مَعَاشِرَ النَّاسِ هُوَ [عَلِيُّ ﷺ] يُودَى ذَيْنَ اللَّهِ وَالْمُجَادِلُ عَنْ رَسُولِ اللَّهِ وَالتَّقَى النَّقِيُّ الْهَادِي الْمُهْدِي نَبِيَّهُ خَيْرُ نَبِيٍّ وَوَصِيُّهُ خَيْرُ وَصِيٍّ؛ التحصين لابن طاوس، ص ٥٨٢

﴿٤٢٤٠﴾ أمير المؤمنين ﷺ: السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا عَلَمَ الْهُدَى وَمَنَارَ التَّقَى؛ بحار الأنوار، ج ٩٧، ص ٣٣١

﴿٤٢٤١﴾ الْهَادِي ﷺ: اللَّهُمَّ وَصَلِّ عَلَى... عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ... مَنْ هُوَ مِنْهُ بِمَنْزِلَةِ هَارُونَ مِنْ مُوسَى خَامِسَ أَصْحَابِ الْكِسَاءِ وَبَعْلَ سَيِّدَةِ النَّسَاءِ الْمُؤَثِّرِ بِالْقُوَّةِ بَعْدَ ضَرْ الطَّوَى وَالْمَشْكُورِ سَعْيُهُ فِي هَلْ أَتَى مِصْبَاحَ الْهُدَى وَمَأْوَى التَّقَى؛ بحار الأنوار، ج ٩٩، ص ١٧٨

﴿٤٢٤٢﴾ الْحَسَنُ ﷺ: يَا مُعَاوِيَةَ إِنَّمَا الْخَلِيفَةُ مَنْ سَارَ بِسِيرَةِ رَسُولِ اللَّهِ وَعَمِلَ بِطَاعَةِ اللَّهِ وَ

لَعَمْرِي إِنَّا لَأَعْلَامُ الْهُدَى وَمَنَارُ التَّقَى؛ بحار الأنوار، ج ٤٤، ص ٤١

«اهل تقوا و پرهیزکاران»

﴿۴۲۳۲﴾ پیامبر ﷺ رو به جانب علی بن ابی طالب علیه السلام کرد و فرمود: «این بهترین پیشینیان و آیندگان از بین اهل آسمان‌ها و زمین‌هاست؛ این سرور پیشوایان و امام متّقین و رهبر سفیدرویان است.»

﴿۴۲۳۳﴾ ای ابوذر! علی پرچم هدایت، کلمه‌ی تقوا، ریسمان محکم الهی، پیشوای اولیاء من و نور طاعت‌پیشگان من است. او کلمه‌ای است که خداوند متعال آن را بر پرهیزکاران واجب کرده است.

﴿۴۲۳۴﴾ من امام اهل تقوا و مولای مؤمنان و پیشوای متّقیانم.

﴿۴۲۳۵﴾ ای علی! اینان شیعیان تو و افراد مخلص به ولایت تو هستند و تو پیشوای آن‌ها هستی و این بیان آیه: «در آن روز که پرهیزکاران را دسته جمعی بسوی خداوند رحمان (و پادشاهی او) محشور می‌کنیم»؛ است.

﴿۴۲۳۶﴾ در باب مصداق آیه‌ی: «در آن روز که پرهیزکاران را دسته جمعی بسوی خداوند رحمان (و پادشاهی او) محشور می‌کنیم»؛ فرمود: «علی علیه السلام است.»

﴿۴۲۳۷﴾ پیامبر ﷺ فرمود: «... اگر از علی بن ابی طالب پیروی کنید، شما را هدایت نموده و اگر از او اطاعت کنید شما را به بهشت وارد می‌کند»؛ پس ابوذر غفاری رضی الله عنه از جای برخاسته و عرض کرد: «یا رسول الله! چگونه چنین سخنی را می‌فرمایید؟» فرمود: «چون علی به پرهیزکاری امر می‌کند و خود به آنچه امر می‌نماید، عمل می‌کند و شیطان امر به منکر نموده و مرتکب فحشا می‌شود.»

﴿۴۲۳۸﴾ خوشا به حال من که خوشبختم، خوشا به حال من که باتقوایم.

﴿۴۲۳۹﴾ ای مردم! علی علیه السلام یاور دین خدا و دفاع‌کننده‌ی از رسول اوست. او پرهیزکار پاکیزه و راهنمایی ارشاد شده [به دست خود خدا] است. پیامبرتان برترین پیامبر، وصی او برترین وصی است.

﴿۴۲۴۰﴾ [زیارت امیرالمؤمنین علیه السلام]: درود بر تو ای نشانه هدایت و گلدسته‌ی پرهیزکاری و ریسمان محکم الهی.

﴿۴۲۴۱﴾ خداوند! بر علی بن ابیطالب درود فرست؛... همان کسی که نسبت به پیامبر، به منزله هارون نسبت به موسی بود، پنجمین فرد از افراد کساء و همسر سرور بانوان، مقدّم دارنده‌ی دیگران در غذا، با وجود گرسنگی شدید، کسی که تلاشش در سوره‌ی هل اُتی مورد سپاس قرار گرفته است، چراغ هدایت، و پناه پرهیزکار.

﴿۴۲۴۲﴾ خلیفه کسی است که طبق سیره و دستور پیامبر صلی الله علیه و آله عمل نماید. به جان خودم قسم که ما علم‌های هدایت و گلدسته‌های تقوا هستیم.

﴿أَهْلُ التَّقْوَى وَالْمُتَّقُونَ﴾

﴿٤٢٤٣﴾ أمير المؤمنين عليه السلام: أَشْهَدُ أَنَّكَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ وَحَاصَّةُ نَفْسِ الْمُتَجَبِّينَ وَزَيْنُ الصِّدِّيقِينَ وَصَابِرُ الْمُتَمَنِّحِينَ وَأَنَّكَ حَكَمُ اللَّهِ فِي أَرْضِهِ وَقَاضِي أَمْرِهِ وَبَابُ حُكْمَتِهِ وَعَاقِدُ عَهْدِهِ وَالنَّاطِقُ بِوَعْدِهِ وَالْحَبْلُ الْمَوْصُولُ بَيْنَهُ وَبَيْنَ عِبَادِهِ وَكَهْفُ النَّجَاةِ وَمِنْهَاجُ التَّقَى؛ بحار الأنوار، ج ٩٧، ص ٤٠٩

﴿٤٢٤٤﴾ أمير المؤمنين عليه السلام: عَنْ الْأَصْبَغِ بْنِ نُبَاتَةَ قَالَ دَخَلْتُ فِي بَعْضِ الْأَيَّامِ عَلَى أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ عليه السلام فِي جَامِعِ الْكُوفَةِ، فَإِذَا بِجَمٍّ غَفِيرٍ وَمَعَهُمْ عَبْدٌ أَسْوَدُ فَقَالُوا يَا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ هَذَا الْعَبْدُ سَارِقٌ. فَقَالَ لَهُ الْإِمَامُ أَسَارِقُ أَنْتَ يَا غُلَامُ فَقَالَ لَهُ نَعَمْ. فَقَالَ لَهُ مَرَّةً ثَانِيَةً أَسَارِقُ أَنْتَ يَا غُلَامُ فَقَالَ نَعَمْ يَا مَوْلَايَ. فَقَالَ لَهُ الْإِمَامُ عليه السلام إِنَّ قُلْتَهَا ثَالِثَةً قَطَعْتُ يَمِينَكَ فَقَالَ أَسَارِقُ أَنْتَ يَا غُلَامُ قَالَ نَعَمْ يَا مَوْلَايَ. فَأَمَرَ الْإِمَامُ بِقَطْعِ يَمِينِهِ فَقَطَعَتْ، فَأَخَذَهَا بِشِمَالِهِ وَهِيَ تَقْطُرُ دَمًا، فَلَقِيَهُ ابْنُ الْكَوَّاءِ وَكَانَ يَشْنَأُ أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ عليه السلام فَقَالَ لَهُ مَنْ قَطَعَ يَمِينَكَ قَالَ قَطَعَ يَمِينِي الْإِنزَعُ الْبَطِينُ، وَبَابُ الْيَقِينِ، وَحَبْلُ اللَّهِ الْمَتِينُ، وَالشَّافِعُ يَوْمَ الدِّينِ الْمُصَلَّى إِحْدَى وَخَمْسِينَ. قَطَعَ يَمِينِي إِمَامُ التَّقَى، وَابْنُ عَمِّ الْمُصْطَفَى؛ بحار الأنوار، ج ٣٤، ص ٢٦٧

﴿٤٢٤٥﴾ العسكري عليه السلام: كَمْ مِنْ أَمْرٍ صَدَّكَ عَنْ إِمْضَاءِ عَزْمِكَ فِيهِ التَّقَى وَاتَّبَعَ غَيْرُكَ فِي مِثْلِهِ الْهَوَى؛ بحار الأنوار، ج ٩٧، ص ٣٦٤

﴿٤٢٤٦﴾ أمير المؤمنين عليه السلام: فَوَ اللَّهُ لَا أَقُولَنَّ قَوْلًا لَا يُطِيقُ أَنْ يَقُولَهُ أَحَدٌ مِنْ خَلْقِكَ أَنَا عِلْمُ الْهُدَى وَكَهْفُ التَّقَى؛ بحار الأنوار، ج ٢٥، ص ٣٢

﴿٤٢٤٧﴾ جبرئيل عليه السلام: تَهَدَّمَتْ وَاللَّهِ أَرْكَانُ الْهُدَى وَانْطَمَسَتْ وَاللَّهِ نُجُومُ السَّمَاءِ وَأَعْلَامُ التَّقَى؛ بحار الأنوار، ج ٤٢، ص ٢٨٠

﴿٤٢٤٨﴾ أمير المؤمنين عليه السلام: لَوْ لَا الدِّينُ وَالتَّقَى لَكُنْتُ أَذْهَى الْعَرَبِ؛ شرح نهج البلاغة، ج ١، ص ٢٨

﴿٤٢٤٩﴾ أمير المؤمنين عليه السلام: لَوْ لَا التَّقَى لَكُنْتُ أَذْهَى الْعَرَبِ؛ الكافي، ج ٨، ص ٢٢

﴿٤٢٥٠﴾ الرسول ﷺ: فَقَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ لِمَنْ حَوْلَهُ هَذَا عَلَى قَدْ أَتَاكُمْ تَقَى الْقَلْبِ نَقَى

الْكَفَّيْنِ؛ بحار الأنوار، ج ٤٠، ص ٢٠٣

﴿٤٢٥١﴾ أمير المؤمنين عليه السلام: الصَّلَاةُ قُرْبَانُ كُلِّ تَقَى؛ نهج البلاغة، ص ٤٩٤

«اهل تقوا و پرهیزکاران»

﴿۴۲۴۳﴾ [سید در زیارت امیرالمؤمنین (علیه السلام):] گواهی می‌دهم که تو امیرمؤمنان، مخصوص نفس برگزیدگان، زینت راستگویان و صبور آزموده‌شدگان هستی و تو داور خدا در زمینش، اجراکننده‌ی امر او، دروازه‌ی حکمت او، منعقدکننده‌ی عهد او، گوینده‌ی وعده‌ی او، ریسمان متصل بین او و بندگان او، غار نجات و طریق تقوا هستی.

﴿۴۲۴۴﴾ از اصبح بن نباته روایت شده که گوید: روزی از روزها در مسجد کوفه خدمت امیرالمؤمنین (علیه السلام) شرفیاب شدم. جمعی بسیار به همراه غلامی سیاه حضور داشتند. آنان اظهار کردند که: «ای امیرالمؤمنین! این غلام سارق است». امام (علیه السلام) به او فرمود: «ای غلام! آیا تو سارق هستی؟ او در پاسخ گفت: «آری». حضرت بار دوم به او فرمود: «ای غلام! آیا تو سارق هستی؟ او گفت: «آری، ای سرورم». فرمود: «اگر برای بار سوم بگویی [به سرقت اعتراف کنی] دستت را قطع می‌کنم». پس از آن امام (علیه السلام) فرمود: «ای غلام! آیا تو سارق هستی؟ او گفت: «آری، ای سرورم». امام (علیه السلام) دستور قطع دست وی را صادر کرد و دست او بریده شد. غلام با دست چپ، دست راست بریده را درحالی که خون از آن می‌چکید، گرفت. ابن کواء او را دید. ابن کواء همیشه از امیرالمؤمنین (علیه السلام) بدگویی می‌کرد. او به غلام گفت: «چه کسی دست راستت را برید؟» غلام در پاسخ گفت: «دست راستم را همان کسی بریده که موی جلوی سرش ریخته، شکمش برآمده و راه ورود به یقین و ریسمان محکم خدا و شافع روز جزاست و پنجاه و یک رکعت نماز می‌خواند. دست راست مرا او برید که پیشوای پرهیزکاری است و پسر عمّ مصطفی است».

﴿۴۲۴۵﴾ [در زیارت امام علی (علیه السلام):] و چه بسا اموری که تقوا تو را از اجرای اراده‌ات باز داشت و غیر تو در امثال آن از امیال پیروی کردند.

﴿۴۲۴۶﴾ به خدا قسم سخنی می‌گویم که احدی از خلق نمی‌تواند ادعا کند: من، پس از پیامبر مصطفی، پرچم هدایت و پناهگاه تقوا هستم.

﴿۴۲۴۷﴾ به خدا سوگند پایه‌های هدایت و ستارگان آسمان و پرچم‌های تقوا ویران و نابود گشت و ریسمان محکم پاره شد.

﴿۴۲۴۸﴾ اگر [محدودیت‌های ناشی از] دین و تقوا نبود من [از نظر شما] زیرک‌ترین فرد عرب بودم. [اما تقوا نمی‌گذارد به هر حربه‌ای متوسل شوم لذا از نظر شما زیرک‌ترین فرد نیستم].

﴿۴۲۴۹﴾ اگر [محدودیت‌های ناشی از] تقوا نبود من [از نظر شما] زیرک‌ترین فرد عرب بودم. [اما تقوا نمی‌گذارد به هر حربه‌ای متوسل شوم لذا از نظر شما زیرک‌ترین فرد نیستم].

﴿۴۲۵۰﴾ رسول خدا (صلی الله علیه و آله) به کسانی که در اطرافش بودند فرمود: این علی است؛ کسی که قلبی تقواییشه و دستانی پاک دارد.

﴿۴۲۵۱﴾ نماز سبب تقرّب و نزدیکی هر پرهیزکاری است [به رحمت خدا].

﴿أَهْلُ التَّقْوَى وَالْمُتَّقُونَ﴾

﴿٤٢٥٢﴾ الرَّسُولُ ﷺ: أَمَّا عَلِيُّ بْنُ أَبِي طَالِبٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ فَإِنَّهُ أَخِي وَشَقِيقِي وَصَاحِبُ الْأَمْرِ بَعْدِي وَصَاحِبُ لَوَائِي فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ وَصَاحِبُ حَوْضِي وَشَفَاعَتِي وَهُوَ مَوْلَى كُلِّ مُسْلِمٍ وَإِمَامُ كُلِّ مُؤْمِنٍ وَقَائِدُ كُلِّ تَقِيٍّ؛ بحار الأنوار، ج ٢٨، ص ٣٧

﴿٤٢٥٣﴾ الرَّسُولُ ﷺ: مَنْ أَرَادَ أَنْ يَنْظُرَ إِلَى آدَمَ عَلَيْهِ السَّلَامُ فِي عِلْمِهِ وَإِلَى نُوحٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ فِي تَقْوَاهُ وَإِلَى إِبْرَاهِيمَ عَلَيْهِ السَّلَامُ فِي حِلْمِهِ وَإِلَى مُوسَى عَلَيْهِ السَّلَامُ فِي هَيْبَتِهِ وَإِلَى عِيسَى عَلَيْهِ السَّلَامُ فِي عِبَادَتِهِ فَلْيَنْظُرْ إِلَى عَلِيٍّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ؛ بحار الأنوار، ج ٣٩، ص ٣٩

﴿٤٢٥٤﴾ الرَّسُولُ ﷺ: [سنن ابن داود:] لَمَّا كَانَ يَوْمُ الْحُدَيْبِيَّةِ خَرَجَ إِلَيْنَا أَنَاسٌ مِنَ الْمُشْرِكِينَ مِنْ رُؤْسَانِهِمْ فَقَالُوا قَدْ خَرَجَ إِلَيْكُمْ مِنْ آبَائِنَا وَآرْقَائِنَا وَإِنَّمَا خَرَجُوا فِرَارًا مِنْ خِدْمَتِنَا فَارْذُدْهُمْ إِلَيْنَا فَقَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ: يَا مَعْشَرَ قُرَيْشٍ لَسْتُمْ لَنَا عَنْ مُخَالَفَةِ أَمْرِ اللَّهِ أَوْ لِيُبَعِّثَنَّ اللَّهُ عَلَيْكُمْ مَنْ يَضْرِبُ رِقَابَكُمْ بِالسَّيْفِ الَّذِينَ قَدْ امْتَحَنَ اللَّهُ قُلُوبَهُمْ لِلتَّقْوَى قَالَ بَعْضُ أَصْحَابِ رَسُولِ اللَّهِ ﷺ: مَنْ أَوْلَيْكَ يَا رَسُولَ اللَّهِ قَالَ مِنْهُمْ خَاصِفُ النَّعْلِ وَكَانَ قَدْ أُعْطِيَ عَلِيًّا عَلَيْهِ السَّلَامُ نَعْلَهُ يَخْصِفُهَا؛ كشف الغمة، ج ١، ص ٣٣٥

﴿٤٢٥٥﴾ أمير المؤمنين عليه السلام: أَنَا عُرْوَةُ اللَّهِ الْوُثْقَى وَكَلِمَةُ اللَّهِ التَّقْوَى؛ معاني الأخبار، ص ١٧

﴿٤٢٥٦﴾ الحسين عليه السلام: فَأَشْهَدُ أَنَّكَ ابْنُ النَّبِيِّينَ وَابْنُ سَيِّدِ الْمُؤْمِنِينَ وَابْنُ حَلِيفِ التَّقْوَى؛

بحار الأنوار، ج ٦٥، ص ١٣٠

﴿٤٢٥٧﴾ الرَّسُولُ ﷺ: آلَا وَإِنَّ اللَّهَ نَظَرَ إِلَى أَهْلِ الْأَرْضِ نَظْرَةً فَاخْتَارَ مِنْهَا رَجُلَيْنِ أَحَدَهُمَا أَنَا فَبَعَثَنِي رَسُولًا وَالْآخَرَ عَلِيُّ بْنُ أَبِي طَالِبٍ وَأَوْحَى إِلَيَّ أَنْ أَخِذَهُ أَخًا وَخَلِيلًا وَزَيْرًا وَوَصِيًّا وَخَلِيفَةً آلَا وَإِنَّهُ وَلِيُّ كُلِّ مُؤْمِنٍ بَعْدِي مِنَ الْوَالَةِ وَالْأَلَةِ اللَّهِ وَمَنْ عَادَاهُ عَادَاهُ اللَّهُ لَا يُحِبُّهُ إِلَّا مُؤْمِنٌ وَلَا يُبْغِضُهُ إِلَّا كَافِرٌ هُوَ زُرُّ الْأَرْضِ بَعْدِي وَسَكْنُهَا وَهُوَ كَلِمَةُ اللَّهِ التَّقْوَى وَعُرْوَةُ اللَّهِ الْوُثْقَى؛ بحار الأنوار، ج ٢٢، ص ١٤٨

﴿٤٢٥٨﴾ الرَّسُولُ ﷺ: عَنْ عَلِيٍّ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: صَعِدَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ الْمُنْبَرَ فَقَالَ إِنَّ اللَّهَ نَظَرَ إِلَى أَهْلِ الْأَرْضِ نَظْرَةً فَاخْتَارَنِي مِنْهُمْ ثُمَّ نَظَرَ ثَانِيَةً فَاخْتَارَ عَلِيًّا أَخِي وَزَيْرِي وَوَارِثِي وَوَصِيًّا وَخَلِيفَتِي فِي أُمَّتِي وَوَلِيَّ كُلِّ مُؤْمِنٍ بَعْدِي مَنْ تَوَلَّاهُ تَوَلَّى اللَّهَ وَمَنْ عَادَاهُ عَادَ اللَّهُ وَمَنْ أَحَبَّهُ أَحَبَّ اللَّهُ وَمَنْ أَبْغَضَهُ أَبْغَضَهُ [أَبْغَضَ] اللَّهُ وَاللَّهُ لَا يُحِبُّهُ إِلَّا مُؤْمِنٌ وَلَا يُبْغِضُهُ إِلَّا كَافِرٌ وَهُوَ نُورُ الْأَرْضِ بَعْدِي وَرُكْنُهَا وَهُوَ كَلِمَةُ التَّقْوَى؛ بحار الأنوار، ج ٢٣، ص ٣٢٠

«اهل تقوا و پرهیزکاران»

﴿۴۲۵۲﴾ اما علی بن ابی طالب علیه السلام، برادر و همسان من بوده و صاحب الامر پس از من، و صاحب لوای من در دنیا و آخرت و صاحب حوض و شفاعت من است. او مولای هر فرد مسلمان و امام هر مؤمن و پیشوای هر فرد با تقوا [پس از مرگ من است].

﴿۴۲۵۳﴾ هر کس می خواهد به آدم علیه السلام در علمش، به نوح علیه السلام در فهمش، به یحیی بن زکریا علیه السلام در زهدش، به موسی بن عمران علیه السلام در شدت عمل به خرج دادنش نگاه کند، باید به علی بن ابی طالب علیه السلام نظر کند.

﴿۴۲۵۴﴾ روز حدیبیه عده ای از رؤسای مشرکان به سمت ما آمدند و گفتند: «عده ای از فرزندان و غلامان ما فرار کرده و پیش شما آمده اند، آن ها را به ما تحویل دهید». رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: «ای جماعت قریش! یا دست از مخالفت با دستورات خدا بردارید و یا اینکه خدا کسی را به سوی شما می فرستد که با شمشیر، گردنتان را بزند. از کسانی که خداوند دلشان را با تقوا آزموده است». عده ای از اصحاب پرسیدند: «ای رسول خدا! آن ها کیستند؟» فرمود: «یکی از آن ها کسی است که کفشش را تعمیر می کند» و کفش هایش را برای تعمیر به علی علیه السلام داد.

﴿۴۲۵۵﴾ من عروة الوثقی و کلمه ی تقوای خداوند هستم.

﴿۴۲۵۶﴾ [زیارت قبر امام حسین علیه السلام]: من گواهم که تویی فرزند پیامبران و پسر آقای مؤمنان و پسر هم پیمان تقوا و پرهیزکاری.

﴿۴۲۵۷﴾ آگاه باشید که خدا به اهل زمین نگریست و از همه ی آنان دو مرد را انتخاب کرد؛ یکی من هستم که مرا برای رسالت و نبوت فرستاد و دیگری علی بن ابی طالب علیه السلام است. خدا به من وحی کرده است که او را برادر، دوست، وزیر، وصی و خلیفه ی خود در میان امت قرار دهم. آگاه باشید که او بعد از من ولی هر مؤمنی است. هر که با او دوستی کند خدا با او دوستی می کند و هر که با او دشمنی ورزد خدا با او دشمنی می کند. تنها مؤمن است که او را دوست دارد و فقط کافر با او دشمنی می ورزد. او بعد از من به مثابه ی ستون زمین و مایه ی آرامش آن است و او کلمه ی تقوا و ریسمان محکم خداست.

﴿۴۲۵۸﴾ علی بن ابی طالب علیه السلام فرمود: پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله بر منبر رفت و فرمود: خداوند نگاهی به اهل زمین کرد و مرا از میان آن ها برگزید. برای مرتبه ی دوم نگاهی کرد، پس علی علیه السلام را برگزید؛ برادر و وزیر و وارث و وصی و جانشین من در میان امت و ولی هر مؤمنی پس از من است. هر کس او را دوست بدارد، خدا را دوست داشته و هر کس او را دشمن بدارد، با خدا دشمنی کرده است و هر کس به او محبت ورزد، به خدا محبت ورزیده است و هر کس به او بغض ورزد، خدا به او بغض می ورزد. به خدا سوگند جز مؤمن او را دوست نمی دارد و جز کافر با او دشمنی نمی ورزد. او نور زمین پس از من و رکن آن و کلمه ی تقواست.

﴿أَهْلُ التَّقْوَى وَالْمُتَّقُونَ﴾

﴿٤٢٥٩﴾ الرَّسُولُ ﷺ: يَا أَبَا ذَرٍّ إِنَّ اللَّهَ تَبَارَكَ وَتَعَالَى تَفَرَّدَ بِمُلْكِهِ وَوَحْدَانِيَّتِهِ فَعَرَفَ عِبَادَهُ الْمُخْلِصِينَ لِنَفْسِهِ وَأَبَاحَ لَهُمُ الْجَنَّةَ فَمَنْ أَرَادَ أَنْ يَهْدِيَهُ عَرَفَهُ وَلَايَتَهُ وَمَنْ أَرَادَ أَنْ يَطْمَسَ عَلَى قَلْبِهِ أَمْسَكَ عَنْهُ مَعْرِفَتَهُ يَا أَبَا ذَرٍّ هَذَا رَأْيَةُ الْهُدَى وَكَلِمَةُ التَّقْوَى؛ بحار الأنوار، ج ٤٠، ص ٥٥

﴿٤٢٦٠﴾ أمير المؤمنين عليه السلام: أَنَا غُرُوةُ اللَّهِ الْوُثْقَى وَكَلِمَةُ التَّقْوَى؛ بحار الأنوار، ج ٢٤، ص ١٨٤

﴿٤٢٦١﴾ أمير المؤمنين عليه السلام: السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ أَشْهَدُ أَنَّكَ كَلِمَةُ التَّقْوَى وَبَابُ

الْهُدَى؛ الكافي، ج ٤، ص ٥٧٠

﴿٤٢٦٢﴾ الرَّسُولُ ﷺ: مَنْ أَرَادَ أَنْ يَنْظُرَ إِلَى نُوحٍ ﷺ فِي عَزْمِهِ وَإِلَى مُوسَى ﷺ فِي عِلْمِهِ وَ

عِيسَى ﷺ فِي وَرَعِهِ فَلْيَنْظُرْ إِلَى عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ ﷺ؛ بحار الأنوار، ج ٤٠، ص ٨٨

﴿٤٢٦٣﴾ الكاظم عليه السلام: عَنْ أَبِي إِبْرَاهِيمَ عليه السلام أَنَّهُ قَالَ فِي السَّنَةِ الَّتِي قُبِضَ عَلَيْهِ فِيهَا: إِنِّي أُوحِذُ فِي هَذِهِ السَّنَةِ وَالْأَمْرُ إِلَى ابْنِي عَلِيٍّ سَمِيَّ عَلِيٍّ وَعَلِيٌّ فَأَمَّا عَلِيُّ الْأَوَّلُ فَعَلِيُّ بْنُ أَبِي طَالِبٍ وَأَمَّا عَلِيُّ الْآخِرُ فَعَلِيُّ بْنُ الْحُسَيْنِ عليه السلام أُعْطِيَ فَهَمُ الْأَوَّلِ وَحِلْمُهُ وَنَصْرُهُ وَوَرَعُهُ وَوَرْدُهُ وَدِينُهُ وَمِخْنَةُ الْآخِرِ وَصَبْرُهُ عَلَى مَا يَكْرَهُ؛ الإرشاد، ج ٢، ص ٢٥٢

﴿٤٢٦٤﴾ الرَّسُولُ ﷺ: أَتَانِي جَبْرِئِيلُ قَالَ فَقَالَ لِي يَقُولُ اللَّهُ لَكَ يَا مُحَمَّدٌ وَالزَّمَهُمْ كَلِمَةَ

التَّقْوَى وَكَانُوا أَحَقَّ بِهَا وَأَهْلُهَا وَلَايَةُ عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ عليه السلام؛ بحار الأنوار، ج ١٨، ص ٣٩٢

﴿٤٢٦٥﴾ الرضا عليه السلام: عَنْ مَالِكِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ قَالَ: قُلْتُ لِمَوْلَايَ الرِّضَا عليه السلام قَوْلُهُ لَقَدْ رَضِيَ اللَّهُ

وَالزَّمَهُمْ كَلِمَةَ التَّقْوَى قَالَ هِيَ وَلَايَةُ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ عليه السلام فَالْمَعْنَى أَنَّ الْمُلْزَمِينَ بِهَا شِيعَتُهُ كَانُوا أَحَقَّ بِهَا وَأَهْلُهَا؛ بحار الأنوار، ج ٣٦، ص ٥٥

﴿٤٢٦٦﴾ ابْنُ عَبَّاسٍ عليه السلام: فِي قَوْلِهِ تَعَالَى إِنَّ الْمُتَّقِينَ قَالَ: نَزَلَتْ خَاصَّةً فِي عَلِيٍّ وَحَمْزَةٍ وَجَعْفَرٍ وَفَاطِمَةَ عليه السلام يَقُولُ: إِنَّ الْمُتَّقِينَ فِي الدُّنْيَا [مِنْ] الشُّرُكِ وَالْفَوَاحِشِ وَالْكَبَائِرِ؛

شواهد التنزيل، ج ٢، ص ٢٦٩

﴿٤٢٦٧﴾ ابْنُ عَبَّاسٍ عليه السلام: فِي قَوْلِهِ تَعَالَى أَمْ نَجْعَلُ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ كَالْمُفْسِدِينَ

فِي الْأَرْضِ أَمْ نَجْعَلُ الْمُتَّقِينَ كَالْفُجَّارِ قَالَ نَزَلَتْ آيَةٌ فِي ثَلَاثَةِ مِنَ الْمُسْلِمِينَ فَهُمْ الْمُتَّقُونَ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ وَفِي ثَلَاثَةِ مِنَ الْمُشْرِكِينَ هُمُ الْمُفْسِدُونَ فِي الْأَرْضِ فَأَمَّا الثَّلَاثَةُ مِنَ الْمُسْلِمِينَ فَعَلِيُّ بْنُ أَبِي طَالِبٍ وَحَمْزَةُ وَعُبَيْدَةُ وَأَمَّا الثَّلَاثَةُ مِنَ الْمُشْرِكِينَ فَعُتْبَةُ بْنُ رَبِيعَةَ وَشَيْبَةُ وَالْوَلِيدُ بْنُ عُتْبَةَ وَهُمْ الَّذِينَ يُبَارِزُونَ يَوْمَ بَدْرٍ فَقَتَلَ عَلَى الْوَلِيدِ وَقَتَلَ حَمْزَةُ عُتْبَةَ بْنَ رَبِيعَةَ وَقَتَلَ عُبَيْدَةُ شَيْبَةَ؛ بحار الأنوار، ج ١٩، ص ٢٩٨

«اهل تقوا و پرهیزکاران»

﴿۴۲۵۹﴾ ای ابوذر! خداوند متعال در وحدانیت و ملکش یکتا بود سپس بندگان مخلصش را برای خود در نظر گرفت و برای آن‌ها بهشت را مباح کرد. هر کس را که بخواهد هدایت کند ولایتش را به او خواهد شناساند و هر کس را بخواهد گمراه کند وی را از شناخت آن باز دارد. ای ابوذر! علی پرچم هدایت و کلمه‌ی تقواست.

﴿۴۲۶۰﴾ من دستگیره‌ی محکم‌تر خداوند و کلمه‌ی تقوا هستم.

﴿۴۲۶۱﴾ سلام بر تو ای امیر مؤمنان! شهادت می‌دهم که تو روح تقوا و باب هدایت هستی.

﴿۴۲۶۲﴾ هر کس می‌خواهد به نوح علیه السلام در اراده‌اش و به موسی علیه السلام در علمش و به عیسی علیه السلام در پارسای‌اش بنگرد، به سیمای علی بن ابی طالب علیه السلام بنگرد.

﴿۴۲۶۳﴾ امام کاظم علیه السلام در سالی که در همان سال از دنیا رفت، فرمود: من در این سال از دنیا می‌روم و کار امامت با پسر من علی علیه السلام است که هم نام علی و علی است. علی اول علی بن ابی طالب علیه السلام است و علی دیگر، علی بن حسین علیه السلام به وی فهم و حلم و یاری و ورع و ورد و دین علی اول عطا شده است و محنت و شکیبایی علی آخر بر ناگواری‌ها.

﴿۴۲۶۴﴾ جبرئیل به نزد آمد و گفت: «خداوند به تو می‌گوید: ای محمد! منظور از آیه‌ی: «و آن‌ها را به حقیقت تقوا ملزم ساخت، و آنان از هر کس شایسته‌تر و اهل آن بودند»؛ ولایت علی بن ابی طالب علیه السلام است».

﴿۴۲۶۵﴾ مالک بن عبدالله می‌گوید: به مولایم امام رضا علیه السلام عرض کردم: «خداوند از مؤمنان - هنگامی که در زیر آن درخت با تو بیعت کردند - راضی و خشنود شد...» و نیز آیه‌ی: «و آن‌ها را به حقیقت تقوا ملزم ساخت» به چه معناست؟ فرمود: «ولایت امیر مؤمنان علیه السلام است و مفهوم آن این است که ملتزمان به آن، شیعیان وی هستند زیرا آنان از هر کس شایسته‌تر و اهل آن بودند».

﴿۴۲۶۶﴾ آیه‌ی: «إِنَّ الْمُتَّقِينَ»، مخصوص علی علیه السلام و حمزه و جعفر و فاطمه علیهم السلام نازل شده است که می‌گوید: در دنیا از شرک و گناهان کوچک و بزرگ تقوا دارند.

﴿۴۲۶۷﴾ در مورد آیه‌ی: «آیا کسانی را که ایمان آورده و کارهای شایسته انجام داده‌اند همچون مفسدان در زمین قرار می‌دهیم، یا پرهیزکاران را همچون فاجران؟» گفته است: «درباره‌ی سه نفر از مسلمانان که همان پرهیزکارانی بودند که کارهای شایسته انجام می‌دادند و سه نفر از مشرکان که همان مفسدان فاجر بودند، نازل شده است. آن سه نفر از مسلمانان عبارت بودند از: علی بن ابی طالب علیه السلام و حمزه بن عبدالمطلب و عبید بن حارث بن عبدالمطلب که در روز بدر مبارزه کردند، علی علیه السلام ولید را و حمزه عتبه را و عبیده شبیه را کشت.

«أَهْلُ التَّقْوَى وَ الْمُتَّقُونَ»

١١-٥- الْحَسَنُ وَ الْحُسَيْنُ عَلَيْهِمَا السَّلَامُ

﴿٤٢٦٨﴾ الكاظم عليه السلام: الْحَسَنُ وَ الْحُسَيْنُ سَيِّدَا شَبَابِ أَهْلِ الْجَنَّةِ الْفَاضِلَيْنِ الرَّاجِحَيْنِ الزَّكِيِّينِ التَّقِيِّينَ؛ بحار الأنوار، ج ٩٢، ص ٤٤٨

١١-٦- الْحَسَنُ الزَّكِيُّ عليه السلام

﴿٤٢٦٩﴾ زيارة أمير المؤمنين عليه السلام: بِمُحَمَّدٍ خَاتَمِ النَّبِيِّينَ رَسُولِكَ إِلَى الْعَالَمِينَ وَ بِأَخِيهِ وَ ابْنِ عَمِّهِ الْأَنْزَعِ الْبَاطِنِ الْعَلَمِ الْمَكِينِ عَلَى أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ وَ بِالْحَسَنِ الزَّكِيِّ عِصْمَةِ الْمُتَّقِينَ... أَنْ تَكْشِفَ مَا بِي مِنَ الْهُمُومِ؛ بحار الأنوار، ج ٩٧، ص ٣٣٣

﴿٤٢٧٠﴾ الحسن عليه السلام: فَقَالَ الْحَسَنُ بْنُ عَلِيٍّ عَلَيْهِ السَّلَامُ أَعَلَيْ تَفْتَخِرُ يَا مُعَاوِيَةُ أَنَا ابْنُ عُرْوَةَ الثَّرَى أَنَا ابْنُ مَأْوَى التَّقَى؛ بحار الأنوار، ج ٤٤، ص ١٠٣

١١-٧- الْحُسَيْنُ عليه السلام

﴿٤٢٧١﴾ زيارة الحسين عليه السلام: السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا عِصْمَةَ الْمُتَّقِينَ؛ بحار الأنوار، ج ٩٨، ص ٢٣٥

﴿٤٢٧٢﴾ الصادق عليه السلام: السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا ابْنَ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْكَ يَا أَبَا عَبْدِ اللَّهِ أَشْهَدُ أَنَّكَ قَدْ بَلَغْتَ عَنِ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ مَا أُمِرْتُ بِهِ وَ لَمْ تَخْشَ أَحَدًا غَيْرَهُ وَ جَاهَدْتَ فِي سَبِيلِهِ وَ عَبْدَتَهُ صَادِقًا حَتَّى أَتَاكَ الْيَقِينُ أَشْهَدُ أَنَّكَ كَلِمَةُ التَّقْوَى وَ بَابُ الْهُدَى؛ الكافي، ج ٤، ص ٥٧٢

١١-٨- السَّجَادُ عليه السلام

﴿٤٢٧٣﴾ السَّجَادُ عليه السلام: إِبْرَاهِيمُ بْنُ أَدْهَمَ وَ فَتَحَ الْمُوصِلِيُّ قَالَ كُلُّ وَاحِدٍ مِنْهُمَا كُنْتُ أَسِيحُ فِي الْبَادِيَةِ مَعَ الْقَافِلَةِ فَعَرَضْتُ لِي حَاجَةٌ فَتَنَحَّيْتُ عَنِ الْقَافِلَةِ فَإِذَا أَنَا بِصَبْيٍ يَمْشِي... فَقُلْتُ أَيْنَ الزَّادُ وَ الرَّاحِلَةُ فَقَالَ زَادِي تَقْوَايَ وَ رَاحِلَتِي رَجُلَايَ وَ قَصْدِي مَوْلَايَ إِلَى أَنْ ذَكَرَ أَنَّهُ كَانَ عَلَى بَنِي الْحُسَيْنِ بْنِ عَلِيٍّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ [قَالَ فَبَيْنَا نَحْنُ كَذَلِكَ إِذْ أَقْبَلَ شَابٌّ حَسَنُ الْوَجْهِ عَلَيْهِ ثِيَابُ بَيْضٍ حَسَنَةً فَعَانَقَ الصَّبِيَّ وَ سَلَّمَ عَلَيْهِ فَأَقْبَلْتُ عَلَى الشَّابِّ وَ قُلْتُ لَهُ أَسْأَلُكَ بِالَّذِي حَسَنَ خَلْقِكَ مَنْ هَذَا الصَّبِيُّ فَقَالَ مَا تَعْرِفُهُ هَذَا عَلِيُّ بْنُ الْحُسَيْنِ بْنِ عَلِيٍّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ]؛ مستدرک الوسائل، ج ٨، ص ٣١

١١-٩- الكاظم عليه السلام

«اهل تقوا و پرهیزکاران»

۵-۱۱- امام حسن و حسین علیهما السلام

«۴۲۶۸» امام حسن و امام حسین علیهما السلام آقایان جوانان اهل بهشت و فاضلان ترجیح داده شدگان پاکیزه‌های پرهیزکاران هستند.

۶-۱۱- امام حسن مجتبی علیه السلام

«۴۲۶۹» من با توسل به محمد صلی الله علیه و آله خاتم پیامبران و فرستاده‌ی تو به سوی جهانیان، و توسل به برادر و پسر عمویم، که از شرک پاک و به دور و دانشمند و روشنگر است، علی امیر مؤمنان علیه السلام، و به حسن تزکیه یافته‌ترین پاکدامنی پرهیزکاران... به سوی تو تقرب می‌جویم که تمامی غم‌ها و غصه‌هایم را از من بزدایی.

«۴۲۷۰» امام حسن علیه السلام فرمود: «ای معاویه! آیا بر من فخر می‌فروشی؟ من فرزند اصل و ریشه‌ی زمین و فرزند جایگاه تقوا و پرهیزکاری هستم».

۷-۱۱- امام حسین علیه السلام

«۴۲۷۱» [زیارت امام حسین علیه السلام:] سلام بر تو ای نگهبان اهل تقوا.

«۴۲۷۲» سلام بر تو ای پسر امیرمؤمنان! سلام بر تو ای اباعبدالله! شهادت می‌دهم که تو دستورات الهی را به مردم رساندی و در این راه از کسی جز خدا نترسیدی، در راه خدا جهاد کردی و صادقانه او را پرستیدی تا جایی که به شهادت رسیدی. شهادت می‌دهم که تو روح تقوا و باب هدایت هستی.

۸-۱۱- امام سجاد علیه السلام

«۴۲۷۳» ابراهیم ادهم و فتح موصلی هر کدام گفتند: با قافله در بیابان می‌رفتم، احتیاجی پیدا کردم. از قافله دور شدم، ناگهان دیدم پسرکی راه می‌رود،... گفتم: «پس خوراکی و مرکب سواری‌ات کو؟» گفت: «زاد من پرهیزکاری من است و مرکب سواری‌ام دو پای من و هدفم مولایم است»... در همین میان جوانی خوش صورت با لباسی سفید پیش آمد و کودک را در آغوش گرفته بر او سلام کرد. من به جوان گفتم: «تو را به آن خدایی که این ظاهر آراسته و زیبا را به تو داده، این پسرک کیست؟» گفت: «او را نمی‌شناسی؟ او علی بن الحسین بن علی بن ابی طالب علیه السلام است».

۹-۱۱- امام کاظم علیه السلام

﴿أَهْلُ التَّقْوَى وَالْمُتَّقُونَ﴾

﴿٤٢٧٤﴾ الكاظم عليه السلام: أَنَا الْمُؤَيَّدُ الْمَحْبُورُ الْمُظْفَرُ الْمَنْصُورُ قَدْ كَرَّمَتْنِي كَلِمَةُ التَّقْوَى؛

بحار الأنوار، ج ٩١، ص ٣٢٧

١٠-١١-الرضا عليه السلام

﴿٤٢٧٥﴾ الرضا عليه السلام: أَنَا الْمُؤَيَّدُ الْمَنْصُورُ وَالْمُظْفَرُ الْمُتَوَجَّحُ الْمَحْبُورُ وَقَدْ لَزِمْتُ كَلِمَةَ التَّقْوَى؛

بحار الأنوار، ج ٩١، ص ٣٥١

﴿٤٢٧٦﴾ الكاظم عليه السلام: عَنْ أَبِي إِبْرَاهِيمَ عليه السلام أَنَّهُ قَالَ فِي السَّنَةِ الَّتِي قُبِضَ عَلَيْهِ فِيهَا: إِنِّي أَوْخَذُ فِي هَذِهِ السَّنَةِ وَالْأَمْرُ إِلَى ابْنِي عَلِيِّ سَمِيِّ عَلِيٍّ وَعَلِيٌّ فَأَمَّا عَلِيُّ الْأَوَّلُ فَعَلِيُّ بْنُ أَبِي طَالِبٍ وَأَمَّا عَلِيُّ الْآخِرُ فَعَلِيُّ بْنُ الْحُسَيْنِ عليه السلام أُعْطِيَ فَهُمْ الْأَوَّلُ وَحِلْمُهُ وَنَصْرُهُ وَوَرَعُهُ وَوَرْدُهُ وَدِينُهُ وَمِخْنَةُ الْآخِرِ وَصَبْرُهُ عَلَيَّ مَا يَكْرَهُ؛ الإرشاد، ج ٢، ص ٢٥٢

١١-١١-مُحَمَّدُ بْنُ عَلِيٍّ الثَّانِي التَّقِيُّ عليه السلام

﴿٤٢٧٧﴾ الجواد عليه السلام: سَمَّى مُحَمَّدُ بْنُ عَلِيٍّ الثَّانِي التَّقِيَّ لِأَنَّهُ اتَّقَى اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ فَوْقَاهُ شَرَّ الْمَأْمُونِ لَمَّا دَخَلَ عَلَيْهِ بِاللَّيْلِ سَكْرَانٌ فَضْرَبَهُ بِسَيْفِهِ حَتَّى ظَنَّ أَنَّهُ قَدْ قَتَلَهُ فَوْقَاهُ اللَّهَ شَرَّهُ؛

بحار الأنوار، ج ٥٠، ص ١٦

﴿٤٢٧٨﴾ العسكري عليه السلام: اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ بْنِ عَلِيٍّ بْنِ مُوسَى عليه السلام عِلْمَ التَّقَى؛ بحار الأنوار،

ج ٩١، ص ٧٧

١٢-١١-الحجَّةُ عليه السلام

﴿٤٢٧٩﴾ زيارة الإمام المستتر عليه السلام: اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَيْهِ صَلَاةً تُظْهِرُ بِهَا حُجَّتَهُ وَتُوضِّحُ بِهَا بَهْجَتَهُ وَتَرْفَعُ بِهَا دَرَجَتَهُ وَتُؤَيِّدُ بِهَا سُلْطَانَهُ وَتُعْظِمُ بِهَا بُرْهَانَهُ وَتُشَرِّفُ بِهَا مَكَانَهُ وَتُعَلِّي بِهَا بُنْيَانَهُ وَتُعِزُّ بِهَا نَصْرَهُ وَتَرْفَعُ بِهَا قَدْرَهُ وَتُسَمِّي بِهَا ذِكْرَهُ وَتُظْهِرُ بِهَا كَلِمَتَهُ وَتُكْثِرُ بِهَا نَصْرَتَهُ وَتُعِزُّ بِهَا دَعْوَتَهُ وَتَزِيدُهُ بِهَا إِكْرَامًا وَتَجْعَلُهُ لِلْمُتَّقِينَ إِمَامًا؛ بحار الأنوار، ج ٩٩، ص ٨٥

﴿٤٢٨٠﴾ الصادق عليه السلام: أَتَاكَ اللَّهُ لِأَمَّةٍ مُحَمَّدٍ بِرَجُلٍ مِنْ أَهْلِ الْبَيْتِ يُشِيرُ بِالتَّقَى وَيَعْمَلُ بِالْهُدَى وَلَا يَأْخُذُ فِي حُكْمِهِ الرِّشَا وَاللَّهِ إِنِّي لَأَعْرِفُهُ بِاسْمِهِ وَاسْمِ أَبِيهِ ثُمَّ يَأْتِينَا الْغَلِيظُ الْقَصْرَةَ ذُو الْخَالِ وَالشَّامَتَيْنِ الْقَائِدُ الْعَادِلُ الْحَافِظُ لِمَا اسْتَوْدَعَ يَمْلَأُهَا عَدْلًا وَقِسْطًا كَمَا مَلَأَهَا الْفُجَّارُ جَوْرًا وَظُلْمًا؛ بحار الأنوار، ج ٥٢، ص ٢٦٩

«اهل تقوا و پرهیزکاران»

﴿۴۲۷۴﴾ من تأییدشده و شادمان و پیروزمند یاری شده هستم. کلمه‌ی تقوا مرا گرامی داشت.

۱۰-۱۱- امام رضا علیه السلام

﴿۴۲۷۵﴾ من تأیید و یاری شده و پیروز تاجدار متنعم و همنشین کلمه‌ی تقوا شده‌ام.

﴿۴۲۷۶﴾ امام کاظم علیه السلام در سالی که در همان سال از دنیا رفت، فرمود: من در این سال از دنیا می‌روم و کار امامت با پسر من علی علیه السلام است که هم نام علی و علی است. علی اول علی بن ابی طالب علیه السلام است و علی دیگر، علی بن حسین علیه السلام به وی فهم و حلم و یاری و ورع و ورد و دین علی اول عطا شده است و محنت و شکیبایی علی آخر بر ناگواری‌ها.

۱۱-۱۱- امام جواد علیه السلام

﴿۴۲۷۷﴾ به امام جواد علیه السلام تقی گفته می‌شد؛ زیرا ایشان از خدای بلندمرتبه ترسید و خدا نیز او را از شرّ مأمون مصون داشت. شبی مأمون با حالت مستی بر حضرت وارد شد و ضربه‌ای با شمشیر به حضرت زد به گونه‌ای که گمان کرد امام علیه السلام را کشته، اما خدا شرّ او را از سر امام دور نمود.

﴿۴۲۷۸﴾ درود خدا بر تو ای نشانه تقوا و پرهیزکاری ای محمد بن علی بن موسی.

۱۲-۱۱- امام زمان علیه السلام

﴿۴۲۷۹﴾ [زیارت امام زمان علیه السلام]: خدایا! بر او درودی فرست که با آن حجتش را آشکار، شادمانی‌اش را نمایان و مقامش را والا و قدرتش را تأیید نمایی، و برهانش را بزرگ و مکانش را با شکوه گردانی، و بنیانش را بلند مرتبه قرار دهی، و پیروزی‌اش را با شکوه و جایگاهش را درخور گردانی، و یادش را پر آوازه و کلمه‌ی حقش را نمایان سازی، و پیروزی‌اش را فزونی بخشی، و دعوتش را عزتمندانه گردانی، و بر بزرگواری او بیفزایی و او را برای پرهیزکاران امام قرار داده و سلام و درود ما را در این مکان و در این زمان و در هر مکان و زمان به او برسانی.

﴿۴۲۸۰﴾ خداوند مردی را که از دودمان ماست و برای امت محمد صلی الله علیه و آله نگهداشته، ظاهر می‌گرداند تا دستور تقوا دهد و به هدایت رفتار کند و در صدور حکم رشوه نگیرد. به خدا قسم من او را به اسم خود و پدرش می‌شناسم. آنگاه مردی که گردنی قوی دارد و دارای دو خال سیاه است به سوی ما خواهد آمد. او قائم عادل و حافظ امانت الهی است، او زمین را پر از عدل و داد می‌کند، چنان‌که فاجران آن را پر از ظلم و ستم کرده باشند.

﴿أَهْلُ التَّقْوَى وَالْمُتَّقُونَ﴾

﴿٤٢٨١﴾ الرَّسُولُ ﷺ: مَنْ أَحَبَّ أَنْ يَلْقَى اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ وَقَدْ كَمَلَ إِيْمَانُهُ وَحَسَنَ إِسْلَامُهُ فَلْيَتَوَالَ الْحُجَّةَ بْنَ الْحَسَنِ الْمُنتَظَرَ صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِ هُوَ لَأَئِمَّةُ الْهُدَى وَأَعْلَامُ التَّقَى؛ بحار الأنوار، ج ٢٧، ص ١٠٧

﴿٤٢٨٢﴾ الرَّسُولُ ﷺ: رَكَّبَ اللَّهُ فِي صُلْبِ الْحَسَنِ ﷺ نُطْفَةً مُبَارَكَةً يَرْضَى بِهَا كُلُّ مُؤْمِنٍ فَهُوَ إِمَامٌ تَقَى مُهْدِيٌ يَحْكُمُ بِالْعَدْلِ وَيَأْمُرُ بِهِ؛ الصراط المستقيم، ج ٢، ص ١٥٤

﴿٤٢٨٣﴾ الرَّسُولُ ﷺ: إِنَّ اللَّهَ تَبَارَكَ وَتَعَالَى رَكَّبَ فِي صُلْبِ الْحَسَنِ ﷺ نُطْفَةً مُبَارَكَةً زَكِيَّةً طَيِّبَةً طَاهِرَةً مُطَهَّرَةً يَرْضَى بِهَا كُلُّ مُؤْمِنٍ مِمَّنْ قَدْ أَخَذَ اللَّهُ عَلَيْهِ مِيثَاقَهُ فِي الْوَلَايَةِ وَيَكْفُرُ بِهَا كُلُّ جَا حِدٍ فَهُوَ إِمَامٌ تَقَى؛ بحار الأنوار، ج ٣٦، ص ٢٠٧

﴿٤٢٨٤﴾ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ ﷺ: فَيَبْعَثُ جَيْشًا إِلَى الْمَدِينَةِ فَيَدْخُلُونَهَا فَيَسْرِفُونَ فِيهَا فِي الْقَتْلِ وَالْفَوَاحِشِ وَيَهْرُبُ مِنْهُمْ رَجُلٌ مِنْ وَلَدِي زَكِيِّ تَقَى الَّذِي يَمْلَأُ الْأَرْضَ عَدْلًا وَقِسْطًا كَمَا مِلْتُ ظُلْمًا وَجَوْرًا وَإِنِّي لَأَعْرِفُ اسْمَهُ وَابْنُ كَمْ هُوَ يَوْمَئِذٍ وَعَلَامَتُهُ وَهُوَ مِنْ وَلَدِ ابْنِي الْحُسَيْنِ ﷺ؛ بحار الأنوار، ج ٣٣، ص ١٥٧

﴿٤٢٨٥﴾ الْمَهْدِيُّ ﷺ: السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا جَامِعَ الْكَلِمَةِ عَلَى التَّقْوَى؛ بحار الأنوار، ج ٩٩، ص ٨٥

﴿٤٢٨٦﴾ دَعَاءُ التَّذْبَةِ: أَتَيْنَ صَدْرُ الْخَلَائِفِ ذُو الْبَرِّ وَالتَّقْوَى؛ بحار الأنوار، ج ٩٩، ص ١٠٦

﴿٤٢٨٧﴾ دَعَاءُ التَّذْبَةِ: أَتَيْنَ جَامِعَ الْكَلِمِ عَلَى التَّقْوَى؛ بحار الأنوار، ج ٩٩، ص ١٠٦

١١-١٣- الزهراء ﷺ

﴿٤٢٨٨﴾ الزهراء ﷺ: السَّلَامُ عَلَيْكِ أَيَّتُهَا النَّقِيَّةُ النَّقِيَّةُ؛ بحار الأنوار، ج ٩٧، ص ١٩٩

﴿٤٢٨٩﴾ الزهراء ﷺ: رَوْضَةُ الْوَاعِظِينَ: مَرَضَتْ فَاطِمَةُ ﷺ مَرَضًا شَدِيدًا... وَجَهَتْ خَلْفَ عَلِيٍّ ﷺ وَأَخْضَرْتُهُ فَقَالَتْ يَا ابْنَ عَمٍّ إِنَّهُ قَدْ نَعَيْتُ إِلَى نَفْسِي وَإِنِّي لَا أَرَى مَا بِي إِلَّا أَنِّي لَأَحِقُّ بِأَبِي سَاعَةً بَعْدَ سَاعَةٍ وَأَنَا أَوْصِيكَ بِأَشْيَاءٍ فِي قَلْبِي قَالَ لَهَا عَلِيُّ ﷺ أَوْصِينِي بِمَا أَحْبَبْتَ يَا بِنْتَ رَسُولِ اللَّهِ فَجَلَسَ عِنْدَ رَأْسِهَا وَأَخْرَجَ مِنْ كَانَ فِي الْبَيْتِ ثُمَّ قَالَتْ يَا ابْنَ عَمٍّ مَا عَهَدْتَنِي كَاذِبَةً وَلَا خَائِنَةً وَلَا خَالَفْتُكَ مِنْذُ عَاشَرْتَنِي فَقَالَ ﷺ مَعَاذَ اللَّهِ أَنْتِ أَعْلَمُ بِاللَّهِ وَأَبْرُ وَأَتَقَى وَأَكْرَمُ وَأَشَدُّ خَوْفًا مِنَ اللَّهِ مِنْ أَنْ أُوْبَّخَكَ بِمُخَالَفَتِي قَدْ عَزَّ عَلَى مُفَارَقَتِكَ وَتَفَقُّدِكَ إِلَّا أَنَّهُ أَمْرٌ لَا بُدَّ مِنْهُ وَاللَّهُ جَدَّدْتَ عَلَى مُصِيبَةِ رَسُولِ اللَّهِ ﷺ وَقَدْ عَظُمَتْ وَفَاتَكَ وَفَقَدَكَ فَإِنَّا لِلَّهِ وَإِنَّا إِلَيْهِ رَاجِعُونَ؛ بحار الأنوار، ج ٤٣، ص ١٩١

«اهل تقوا و پرهیزکاران»

﴿۴۲۸۱﴾ هر کس مایل است خدا را ملاقات کند با ایمان کامل و اسلام نیکو، باید حجة بن الحسن امام منتظر علیه السلام را دوست بدارد. این‌ها باید پیشوایان هدایت و راهنمای تقوا.

﴿۴۲۸۲﴾ خداوند در صلب امام عسکری علیه السلام، نطفه‌ای مبارک قرار داد که همه‌ی مؤمنان به آن خشنود می‌شوند و او امام با تقوا و هدایت‌شده است که بر اساس عدل حکم می‌کند و همه را به عدل امر می‌کند.

﴿۴۲۸۳﴾ همانا خدای تبارک و تعالی در صلب حسن علیه السلام نطفه‌ای قرار داد که مبارک، پاک، پاکیزه و طاهر و مطهر است و هر مؤمنی که خداوند از او پیمان ولایت گرفته باشد به او راضی خواهد بود، چنان که هر معاندی او را انکار می‌کند، او امامی پرهیزکار است.

﴿۴۲۸۴﴾ ای معاویه!... مردی از فرزندان تو... سپاهی به‌سوی مدینه گسیل می‌دارد و آن‌ها در آن داخل می‌شوند و در قتل و فواحش در آن زیاده‌روی می‌کنند. مردی پاک و متقی از فرزندان من که با قسط و عدل زمین را آکنده می‌کند چنانکه از ظلم و ستم آکنده است از آنان می‌گریزد و من اسم او را و اینکه در آن روز چند سال دارد و علامتش چیست را می‌دانم. و او از فرزندان پسر حسین علیه السلام است که پسر تیزد او را می‌کشد.

﴿۴۲۸۵﴾ [دعای کنار سرداب:] سلام بر تو ای گردآورنده مردم بر محور پرهیزکاری.

﴿۴۲۸۶﴾ کجاست برترین جانشینان و صاحب نیکی و تقوی؟

﴿۴۲۸۷﴾ کجاست گردآورنده‌ی مردم بر محور پرهیزکاری؟

۱۱-۱۳- حضرت زهرا علیها السلام

﴿۴۲۸۸﴾ [زیارت حضرت فاطمه علیها السلام]: سلام بر تو ای تقوایپیشه‌ی پاکدامن.

﴿۴۲۸۹﴾ حضرت فاطمه علیها السلام به شدت بیمار شد... فرستاد تا حضرت امیر علیه السلام آمد، آنگاه فرمود: «ای پسر عمو! اجل من فرا رسیده و هر لحظه خود را به حالی می‌بینم که دارم به پدرم ملحق می‌شوم. می‌خواهم درباره‌ی آنچه که در دل دارم به تو وصیت کنم». امام علی علیه السلام فرمود: «ای دختر پیامبر! هر وصیتی که دوست داری بکن». سپس بالای سر حضرت زهرا نشست و دستور داد افرادی که در اتاق بودند، خارج شدند. آنگاه حضرت فاطمه علیها السلام فرمود: «ای پسر عمو! آیا در این مدتی که تو با من معاشرت داشتی، دروغ و خیانت و مخالفتی از من دیدی؟» امام علیه السلام فرمود: «ابداً! پناه به خدا می‌برم! تو به وجود خدا داناتر، نیکوکارتر، پرهیزکارتر، گرامی‌تر و از خدا ترسان‌تر از آن هستی که من تو را به دلیل مخالفت کردن با خویش سرزنش کنم. حقا که جدایی و فقدان تو برای من بسیار ناگوار است، ولی چه باید کرد، چاره‌ای نیست. به خدا قسم که تو مصیبت پیامبر خدا را برای من تجدید کردی. حقا که وفات و فقدان تو برای من بسیار سنگین و بزرگ است. ما از آن خداییم و به سوی او بازمی‌گردیم».

﴿أَهْلُ التَّقْوَى وَالْمُتَّقُونَ﴾

﴿٤٢٩٠﴾ أمير المؤمنين عليه السلام: أَلَمْ أَقُلْ لَكَ أَنَا وَلَدُ فَاطِمَةَ ذَاتِ التَّقَى؛ الفضائل، ص ٨٠
﴿٤٢٩١﴾ الأئمة عليهم السلام: بِحَقِّ الْحَسَنِ وَالْحُسَيْنِ سِبْطِي نَبِيَّ الْهُدَى وَرَضِيَعي ثُدَيِ التَّقَى؛

مستدرک الوسائل، ج ٦، ص ٣١٦

﴿٤٢٩٢﴾ الزهراء عليها السلام: فَاطِمَةُ بِنْتُ رَسُولِ اللَّهِ وَبَضْعَةُ لَحْمِهِ وَصَمِيمُ قَلْبِهِ وَفِلَذَةُ كَبِدِهِ وَ النُّخْبَةُ مِنْكَ لَهُ وَ التُّخْفَةُ خَصَصْتُ بِهَا وَصِيَّهَ وَ حَبِيبَةَ الْمُصْطَفَى وَ قَرِينَةَ الْمُرْتَضَى وَ سَيِّدَةَ النِّسَاءِ وَ مُبَشِّرَةَ الْأَوْلِيَاءِ حَلِيفَةَ الْوَرَعِ وَ الزُّهْدِ؛ بحار الأنوار، ج ٩٧، ص ١٩٩

﴿٤٢٩٣﴾ ابن عباس رضي الله عنه: فِي قَوْلِهِ تَعَالَى إِنَّ الْمُتَّقِينَ قَالَ: نَزَلَتْ خَاصَّةً فِي عَلِيٍّ وَ حَمْزَةَ وَ جَعْفَرٍ وَ فَاطِمَةَ عليهم السلام يَقُولُ: إِنَّ الْمُتَّقِينَ فِي الدُّنْيَا [مِنْ] الشُّرُكِ وَ الْفَوَاحِشِ وَ الْكِبَائِرِ؛

شواهد التنزيل، ج ٢، ص ٢٦٩

١١-١٤- الأنبياء عليهم السلام وَ أَتْبَاعُهُمْ

﴿٤٢٩٤﴾ السَّجَاد عليه السلام: فِي كُلِّ دَهْرٍ وَ زَمَانٍ أَرْسَلَتْ فِيهِ رَسُولًا وَ أَقَمْتَ لِأَهْلِهِ دَلِيلًا مِنْ لَدُنْ آدَمَ إِلَى مُحَمَّدٍ عليه السلام مِنْ أَيْمَةِ الْهُدَى، وَ قَادَةَ أَهْلِ التَّقَى عَلَى جَمِيعِهِمُ السَّلَامُ؛

الصحيفة السجادية عليه السلام، الدعاء ٤

﴿٤٢٩٥﴾ أمير المؤمنين عليه السلام: عَلَيْكَ بِالتَّقَى فَإِنَّهُ خُلِقَ الْأَنْبِيَاءُ؛ غرر الحكم، ص ٢٧٠
﴿٤٢٩٦﴾ الباقر عليه السلام: كَانَ مَا بَيْنَ نُوحٍ مِنَ الْأَتْقِيَاءِ مُسْتَخْفِينَ وَ لِذَلِكَ خَفِيَ ذِكْرُهُمْ فِي الْقُرْآنِ فَلَمْ يُسَمَّوْا كَمَا سُمِّيَ مَنْ اسْتَعْلَنَ مِنَ الْأَنْبِيَاءِ وَ هُوَ قَوْلُ اللَّهِ وَرُسُلًا لَمْ تُقْصَصْهُمْ عَلَيْكَ وَكَلَّمَ اللَّهُ مُوسَى تَكْلِيمًا يَعْنِي لَمْ أُسَمِّ الْمُسْتَخْفِينَ كَمَا سَمَّيْتُ الْمُسْتَعْلَنِينَ مِنَ الْأَنْبِيَاءِ؛ بحار الأنوار، ج ١١،

ص ٣٨

﴿٤٢٩٧﴾ السَّجَاد عليه السلام: إِنَّ أَحَقَّ النَّاسِ بِالْاجْتِهَادِ وَ الْوَرَعِ وَ الْعَمَلِ بِمَا عِنْدَ اللَّهِ وَ بَرِيضَةِ الْأَنْبِيَاءِ وَ أَتْبَاعِهِمْ؛ مستدرک الوسائل، ج ١، ص ١٢٥

﴿٤٢٩٨﴾ الأئمة عليهم السلام: ثَلَاثَةٌ مِنْ سُنَنِ الْمُرْسَلِينَ الطَّهُّورِ وَ النَّكَاحِ وَ الْوَرَعِ؛ مجموعة ورام، ج ٢،

ص ١٢١

«اهل تقوا و پرهیزکاران»

﴿۴۲۹۰﴾ [در مفاخره با حضرت فاطمه علیها السلام فرمود:] آیا به تو نگفتم که من فرزند فاطمه (بنت اسد) آن زن باتقوا هستم؟

﴿۴۲۹۱﴾ به حق حسن و حسین دو نوه پیامبر هدایت و دو شیرخواره پستان تقوا و پرهیزکاری... از تو مسألت دارم.

﴿۴۲۹۲﴾ [زیارت حضرت زهرا علیها السلام]: فاطمه دختر رسول خدا، پاره تن او، جوهره قلب او، جگرگوشه‌ی او، برگزیده از جانب تو برای او و تحفه‌ای برای وصیش که او را به او مخصوص گردانیدی، محبوبه‌ی مصطفی، همراه مرتضی، بانوی زنان، بشارت‌دهنده‌ی اولیاء، هم‌پیمان با پرهیزکاری و زهد.

﴿۴۲۹۳﴾ آیه‌ی: «إِنَّ الْمُتَّقِينَ»، مخصوص علی علیه السلام و حمزه و جعفر و فاطمه علیهم السلام نازل شده است که می‌گوید: در دنیا از شرک و گناهان کوچک و بزرگ تقوا دارند.

۱۴-۱۱- پیامبران علیهم السلام و پیروانشان

﴿۴۲۹۴﴾ در هر روزگار و زمانی که در آن پیغمبری فرستادی و برای اهل آن دلیل و راهنمایی گماشتی از زمان آدم علیه السلام تا محمد صلی الله علیه و آله از پیشوایان هدایت و رستگاری و جلوداران اهل تقوا و پرهیزکاری که بر همه آن‌ها سلام و درود باد.

﴿۴۲۹۵﴾ بر تو باد به تقوا که از اخلاق پیامبران است.

﴿۴۲۹۶﴾ در زمان نوح علیه السلام برخی از پیامبران بودند که به طور پنهانی به رسالت مشغول بودند لذا نام آنان در قرآن نیامده و مانند دیگر پیامبرانی که به طور علنی به رسالت مشغول بوده‌اند برای آنان نامی ذکر نشده است. این مطلب در آیه‌ی: «و پیامبرانی که سرگذشت آن‌ها را پیش از این، برای تو باز گفته‌ایم و پیامبرانی که سرگذشت آن‌ها را بیان نکرده‌ایم و خداوند با موسی سخن گفت. [و این امتیاز، از آن او بود.]»، است؛ یعنی خداوند برای پیامبران در خفا نامی مانند دیگر پیامبران در نظر نگرفت.

﴿۴۲۹۷﴾ پیامبران علیهم السلام و پیروانشان، شایسته‌ترین افراد در مراعات تلاش و ورع و عمل به آنچه دستور خدا و مورد رضایت خداست، هستند.

﴿۴۲۹۸﴾ این سه چیز از سنت پیامبران است: طهارت، ازدواج و ورع.

﴿أَهْلُ التَّقْوَى وَالْمُتَّقُونَ﴾

١١-١٥- نُوحٌ عَلَيْهِ السَّلَامُ

﴿٤٢٩٩﴾ الرَّسُولُ ﷺ: مَنْ أَرَادَ أَنْ يَنْظُرَ إِلَى آدَمَ عَلَيْهِ السَّلَامُ فِي عِلْمِهِ وَإِلَى نُوحٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ فِي تَقْوَاهُ وَإِلَى إِبْرَاهِيمَ عَلَيْهِ السَّلَامُ فِي حِلْمِهِ وَإِلَى مُوسَى عَلَيْهِ السَّلَامُ فِي هَيْبَتِهِ وَإِلَى عِيسَى عَلَيْهِ السَّلَامُ فِي عِبَادَتِهِ فَلْيَنْظُرْ إِلَى عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ؛ بحار الأنوار، ج ٣٩، ص ٣٩

١١-١٦- الْمَسِيحُ عَلَيْهِ السَّلَامُ

﴿٤٣٠٠﴾ زَكَرِيَّا عَلَيْهِ السَّلَامُ: وَأَنَّ الْعَاقِبَةَ لِلْمُتَّقِينَ وَعَدَهُمُ الْفَرَجَ بِقِيَامِ الْمَسِيحِ بَعْدَ نِيفٍ وَعِشْرِينَ سَنَةً مِنْ هَذَا الْقَوْلِ؛ بحار الأنوار، ج ١٣، ص ٤٤٨

﴿٤٣٠١﴾ حَدِيثٌ قَدْسِي: طُوبَى لَكَ يَا ابْنَ مَرْيَمَ إِنْ كُنْتَ لَهَا مِنَ الْعَامِلِينَ مَعَ آبَائِكَ آدَمَ وَإِبْرَاهِيمَ فِي جَنَّتٍ وَنَعِيمٍ لَا تَبْغِي بِهَا بَدَلًا وَلَا تَحْوِيلًا كَذَلِكَ أَفْعَلُ بِالْمُتَّقِينَ؛ الكافي، ج ٨، ص ١٣٦

﴿٤٣٠٢﴾ الرَّسُولُ ﷺ: مَنْ أَرَادَ أَنْ يَنْظُرَ إِلَى نُوحٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ فِي عَزَمِهِ وَإِلَى مُوسَى عَلَيْهِ السَّلَامُ فِي عِلْمِهِ وَعِيسَى عَلَيْهِ السَّلَامُ فِي وَرَعِهِ فَلْيَنْظُرْ إِلَى عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ؛ بحار الأنوار، ج ٤٠، ص ٨٨

﴿٤٣٠٣﴾ الرَّسُولُ ﷺ: لَا أَقَلَّتِ الْغَبْرَاءُ أَصْدَقُ لَهْجَةٍ مِنْ أَبِي ذَرٍّ، أَشَبَّهُهُ عِيسَى فِي وَرَعِهِ؛ بحار الأنوار، ج ٣١، ص ١٨٥

١١-١٧- يَحْيَى عَلَيْهِ السَّلَامُ

﴿٤٣٠٤﴾ يَا يَحْيَى خُذِ الْكِتَابَ بِقُوَّةٍ وَءَاتَيْنَاهُ الْحُكْمَ صَبِيًّا * وَحَنَانًا مِنْ لَدُنَّا وَزَكَاةً وَكَانَ تَقِيًّا؛ مريم ١٢-١٣

١١-١٨- الْأَوْصِيَاءُ وَاتِّبَاعُهُمْ وَرَاجِعُ: الْفَصْلُ الثَّانِي؛ مِنْ عَلَامَاتِ الْإِمَامِ عَلَيْهِ السَّلَامُ

﴿٤٣٠٥﴾ السَّجَادُ عَلَيْهِ السَّلَامُ: إِنَّ أَحَقَّ النَّاسِ بِالْوَرَعِ وَالِاجْتِهَادِ فِيمَا يُحِبُّ اللَّهُ وَيَرْضَى الْأَوْصِيَاءُ وَاتِّبَاعُهُمْ؛ بحار الأنوار، ج ٤٥، ص ٣٠

١١-١٩- أَوْلِيَاءُ اللَّهِ

﴿٤٣٠٦﴾ الْبَاقِرُ عَلَيْهِ السَّلَامُ: وَجَدْنَا فِي كِتَابِ عَلِيِّ بْنِ الْحُسَيْنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ أَلَا إِنَّ أَوْلِيَاءَ اللَّهِ لَا خَوْفَ عَلَيْهِمْ وَلَا لَهُمْ يَحْزَنُونَ إِذَا أَدَّوْا فَرَائِضَ اللَّهِ وَآخَذُوا سُنَنَ رَسُولِ اللَّهِ وَتَوَرَّعُوا عَنْ مَحَارِمِ اللَّهِ وَزَهَدُوا

«اهل تقوا و پرهیزکاران»

۱۱-۱۵- نوح علیه السلام

«۴۲۹۹» هر کس می‌خواهد به آدم علیه السلام در علمش، به نوح علیه السلام در فهمش، به یحیی بن زکریا علیه السلام در زهدش، به موسی بن عمران علیه السلام در شدت عمل به خرج دادنش نگاه کند، باید به علی بن ابی طالب علیه السلام نظر کند.

۱۱-۱۶- مسیح علیه السلام

«۴۳۰۰» [زکریا علیه السلام گفت:] «و عاقبت نیکو فقط برای انسان‌های با تقواست» و به آن‌ها وعده داد که بیست و چند سال بعد از این سخن، حضرت عیسی مسیح ظهور می‌کند.

«۴۳۰۱» ای پسر مریم! خوشا به حالت اگر از جمله‌ی عمل‌کنندگان برای کسب چنین سرایی باشی، پس همراه و همنشین پدران آدم علیه السلام و ابراهیم علیه السلام خواهی بود و در باغ‌ها و نعمت‌هایی که خواستار هیچ‌گونه تغییر و دگرگونی در آن‌ها نیستی، و من این‌گونه با پرهیزکاران رفتار می‌نمایم.

«۴۳۰۲» هر کس می‌خواهد به نوح علیه السلام در اراده‌اش و به موسی علیه السلام در علمش و به عیسی علیه السلام در پارسای‌اش بنگرد، به سیمای علی بن ابی طالب علیه السلام بنگرد.

«۴۳۰۳» زمین غبارآلود، سخنگویی را که راستگوتر از ابوذر باشد بر خود حمل نکرده است. او شبیه‌ترین انسان به عیسی علیه السلام در پرهیزکاری‌اش می‌باشد.

۱۱-۱۷- یحیی علیه السلام

«۴۳۰۴» ای یحیی! کتاب (خدا) را با قوت بگیر! و ما فرمان نبوت (و عقل کافی) در کودکی به او دادیم! * و رحمت و محبتی از ناحیه خود به او بخشیدیم، و پاکی (دل و جان)! و او پرهیزکار بود!

۱۱-۱۸- جانشینان پیامبران علیهم السلام و پیروانشان و ر.به: فصل ۲؛ از علامات امام علیه السلام

«۴۳۰۵» سزاوارترین مردم به پرهیزکاری و کوشش کردن در آنچه که مایه‌ی دوستی و خشنودی خداوند است، اوصیا و پیروان آن‌ها هستند.

۱۱-۱۹- اولیاءالله

«۴۳۰۶» در نامه علی بن حسین علیه السلام آمده است که دوستان خداوند نه ترسی دارند و نه اندوهگین می‌شوند. وقتی به واجبات عمل کنند و به سنت‌های پیامبر صلی الله علیه و آله پایبند بوده و از حرام پروا کنند و در دنیا زهد بورزند و به آنچه که نزد خداست رغبت نشان دهند و روزی حلال خدا را

﴿أَهْلُ التَّقْوَى وَالْمُتَّقُونَ﴾

فِي عَاجِلِ زَهْرَةِ الدُّنْيَا وَرَغَبُوا فِيمَا عِنْدَ اللَّهِ وَاكْتَسَبُوا الطَّيِّبَ مِنْ رِزْقِ اللَّهِ لَوَجْهِ اللَّهِ لَا يُرِيدُونَ بِهِ التَّفَاخُرَ وَالتَّكَاثُرَ ثُمَّ اتَّقَوْا فِيمَا يَلْزَمُهُمْ مِنْ حُقُوقٍ وَأَجَبَةٍ فَأُولَئِكَ الَّذِينَ بَارَكَ اللَّهُ لَهُمْ فِيمَا اكْتَسَبُوا وَيُثَابُونَ عَلَى مَا قَدَّمُوا لِآخِرَتِهِمْ؛ بحار الأنوار، ج ٤٦، ص ٢٧٧

٢٠-١١- شَيْعَةُ مُحَمَّدٍ ﷺ وَ عَلِيٍّ عَلَيْهِ السَّلَامُ

﴿٤٣٠٧﴾ الصَّادِقُ عَلَيْهِ السَّلَامُ: يَحْيَى بْنُ أَبِي الْقَاسِمِ قَالَ سَأَلْتُ الصَّادِقَ عَلَيْهِ السَّلَامُ عَنْ أَوَّلِ سُورَةِ الْبَقَرَةِ الْمِ ذَلِكَ الْكِتَابُ لَا رَيْبَ فِيهِ هُدًى لِلْمُتَّقِينَ الَّذِينَ يُؤْمِنُونَ بِالْغَيْبِ وَيُقِيمُونَ الصَّلَاةَ وَمِمَّا رَزَقْنَاهُمْ يُنْفِقُونَ وَالَّذِينَ يُؤْمِنُونَ بِمَا أُنْزِلَ إِلَيْكَ وَمَا أُنْزِلَ مِنْ قَبْلِكَ وَبِالْآخِرَةِ هُمْ يُوقِنُونَ مَنْ هُمُ الْمُتَّقُونَ وَ مَا الْمُرَادُ بِالْغَيْبِ قَالَ الْمُتَّقُونَ شَيْعَةُ عَلِيٍّ وَ الْغَيْبُ هُوَ الْحُجَّةُ الْغَائِبُ ﷺ؛ منتخب الأنوار المضيئة، ص ٧٦

﴿٤٣٠٨﴾ الْبَاقِرُ عَلَيْهِ السَّلَامُ: عَنْ جَابِرٍ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ... قَوْلُهُ ذَلِكَ الْكِتَابُ لَا رَيْبَ فِيهِ قَالَ الْكِتَابُ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ لَا شَكَّ فِيهِ أَنَّهُ إِمَامٌ هُدًى لِلْمُتَّقِينَ فَالْآيَتَانِ لِشَيْعَتِنَا هُمُ الْمُتَّقُونَ؛ بحار الأنوار، ج ٢٤، ص ٣٥١

﴿٤٣٠٩﴾ الصَّادِقُ عَلَيْهِ السَّلَامُ: فِي قَوْلِهِ تَعَالَى الْم ذَلِكَ الْكِتَابُ لَا رَيْبَ فِيهِ قَالَ كِتَابُ عَلِيٍّ لَا رَيْبَ فِيهِ هُدًى لِلْمُتَّقِينَ قَالَ الْمُتَّقُونَ شَيْعَتُنَا؛ بحار الأنوار، ج ٢، ص ٢١

﴿٤٣١٠﴾ الصَّادِقُ عَلَيْهِ السَّلَامُ: الْم ذَلِكَ الْكِتَابُ لَا رَيْبَ فِيهِ هُدًى لِلْمُتَّقِينَ الَّذِينَ يُؤْمِنُونَ بِالْغَيْبِ فَقَالَ الْمُتَّقُونَ شَيْعَةُ عَلِيٍّ عَلَيْهِ السَّلَامُ وَ أَمَّا الْغَيْبُ فَهُوَ الْحُجَّةُ الْغَائِبُ؛ بحار الأنوار، ج ٥١، ص ٥٢

﴿٤٣١١﴾ عَسْكَرِي عَلَيْهِ السَّلَامُ: فَنَزَلَ الْم ذَلِكَ الْكِتَابُ لَا رَيْبَ فِيهِ هُدًى لِلْمُتَّقِينَ الْكِتَابُ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ وَ الْمُتَّقِينَ شَيْعَتُهُ؛ بحار الأنوار، ج ٤١، ص ٢٤٤

﴿٤٣١٢﴾ الْعَسْكَرِيُّ عَلَيْهِ السَّلَامُ: فِي قَوْلِهِ تَعَالَى هُدًى لِلْمُتَّقِينَ قَالَ بَيَّانٌ وَ شِفَاءٌ لِلْمُتَّقِينَ مِنْ شَيْعَةِ مُحَمَّدٍ ﷺ وَ عَلِيٍّ عَلَيْهِ السَّلَامُ إِنَّهُمْ اتَّقَوْا أَنْوَاعَ الْكُفْرِ فَتَرَكُوهَا وَ اتَّقَوْا أَنْوَاعَ الذُّنُوبِ الْمُؤَبَّاتِ فَرَفَضُوهَا وَ اتَّقَوْا إِظْهَارَ أَسْرَارِ اللَّهِ تَعَالَى وَ أَسْرَارِ أَرْكَبَاءِ عِبَادِهِ الْأَوْصِيَاءِ بَعْدَ مُحَمَّدٍ ﷺ فَكَتَمُوهَا وَ اتَّقَوْا سِتْرَ الْعُلُومِ عَنْ أَهْلِهَا الْمُسْتَحْقِّينَ لَهَا وَ فِيهِمْ نَشَرُوهَا؛ مستدرک الوسائل، ج ١٢، ص ٢٩٦

«اهل تقوا و پرهیزکاران»

برای خدا و بدون قصد فخرفروشی و مال اندوزی کسب کنند، سپس حقوق واجبی را که بر گردن دارند، از راه انفاق پردازند؛ آن‌ها همان کسانی هستند که خداوند به کسب و کار آن‌ها برکت می‌دهد و برای آنچه که برای آخرت خود پیش فرستاده‌اند، پاداش داده می‌شوند.

۲۰-۱۱- شیعی محمد ﷺ و علی ﷺ

﴿۴۳۰۷﴾ یحیی بن ابی القاسم گوید: از امام صادق ﷺ در مورد ابتدای سوره بقره که می‌فرماید: «الم آن کتاب با عظمتی است که شک در آن راه ندارد و مایه هدایت پرهیزکاران است. (پرهیزکاران) کسانی هستند که به غیب [آنچه از حس پوشیده و پنهان است] ایمان می‌آورند و نماز را برپا می‌دارند و از تمام نعمت‌ها و مواهبی که به آنان روزی داده‌ایم، انفاق می‌کنند. و آنان که به آنچه بر تو نازل شده، و آنچه پیش از تو (بر پیامبران پیشین) نازل گردیده، ایمان می‌آورند و به رستخیز یقین دارند.» سؤال کردم: «مراد از متّقیان کیست و منظور از غیب چیست؟» فرمود: «متّقیان، شیعیان علی ﷺ هستند. و «غیب»، حجتّ غائب خداست.»

﴿۴۳۰۸﴾ جابر از امام باقر ﷺ پرسید: «آن کتاب با عظمتی است که شک در آن راه ندارد؛ چیست؟» فرمود: «کتاب امیرمؤمنان است و شکی در امامت او نیست، هُدًی لِّلْمُتَّقِينَ؛ این دو آیه مربوط به شیعیان ماست که متّقین، آن‌ها هستند.»

﴿۴۳۰۹﴾ امام صادق ﷺ درباره‌ی آیه: «الم آن کتاب با عظمتی است که شک در آن راه ندارد؛» فرمود: «کتاب علی ﷺ است که شکی در آن نیست.» و «مایه هدایت پرهیزکاران است؛» منظور، شیعیان ما هستند.»

﴿۴۳۱۰﴾ «الم آن کتاب با عظمتی است که شک در آن راه ندارد و مایه هدایت پرهیزکاران است. (پرهیزکاران) کسانی هستند که به غیب [آنچه از حس پوشیده و پنهان است] ایمان می‌آورند؛ «الْمُتَّقُونَ»؛ شیعیان علی ﷺ هستند. و «الْغَيْبُ»؛ حجتّ غایب است.

﴿۴۳۱۱﴾ آیه‌ی: «الم آن کتاب با عظمتی است که شک در آن راه ندارد و مایه هدایت پرهیزکاران است.» نازل شد و «الْكِتَابُ»، در این آیه امیرمؤمنان ﷺ و «الْمُتَّقِينَ»، شیعیان او هستند.

﴿۴۳۱۲﴾ در تفسیر آیه‌ی: «هُدًی لِّلْمُتَّقِينَ» فرمود: «قرآن، بیان و شفایی برای شیعیان باتقوای محمد ﷺ و علی ﷺ است. آنان از انواع کفر پرهیز کرده و آن را ترک کردند؛ از انواع گناهان مهلک پرهیز کرده و به گوشه‌ای افکنده‌اند، از افشای اسرار الهی و اسرار بندگان پاکیزه‌ی خدا که اوصیای بعد از محمد ﷺ هستند، پرهیز کرده و آن را پنهان داشته‌اند و از پوشاندن علم [اهل بیت] بر افرادی که اهل آن هستند و استحقاق درک آن را دارند، پرهیز کرده و آن را در بین آنان نشر داده‌اند.

﴿أَهْلُ التَّقْوَى وَالْمُتَّقِينَ﴾

﴿٤٣١٣﴾ الصادق عليه السلام: ذَلِكَ الْكِتَابُ لَا رَيْبَ فِيهِ هُدًى لِّلْمُتَّقِينَ قَالَ بَيَّانٌ لِّشِيعَتِنَا؛ بحار الأنوار،

ج ٢، ص ١٦

﴿٤٣١٤﴾ الباقر عليه السلام: مَثَلُ إِجْرَاءٍ [أَجْرَاهُ] اللَّهُ فِي شِيعَتِنَا كَمَا يُجْرِي لَهُمْ فِي الْأَصْلَابِ ثُمَّ يَزْرَعُهُمْ فِي الْأَرْحَامِ وَيُخْرِجُهُمْ لِلْغَايَةِ الَّتِي أَخَذَ عَلَيْهَا مِيثَاقَهُمْ فِي الْخَلْقِ مِنْهُمْ أَتْقِيَاءَ وَ شُهَدَاءَ وَمِنْهُمْ الْمُتَحَنِّنُ قُلُوبُهُمْ وَمِنْهُمْ الْعُلَمَاءُ وَمِنْهُمْ النُّجَبَاءُ وَمِنْهُمْ النُّجَدَاءُ وَمِنْهُمْ أَهْلُ التَّقَى وَمِنْهُمْ أَهْلُ التَّقْوَى وَمِنْهُمْ أَهْلُ التَّسْلِيمِ؛ بحار الأنوار، ج ٦٩، ص ١٧٠

﴿٤٣١٥﴾ الصادق عليه السلام: لَيْسَ مِنْ شِيعَةِ عَلِيِّ عَلَيْهِ السَّلَامُ مَنْ لَا يَتَّقِي؛ بحار الأنوار، ج ٧٢، ص ٤١٢

﴿٤٣١٦﴾ أمير المؤمنين عليه السلام: ... أُولَئِكَ مِنْ شِيعَتِي الْأَطْيَبُونَ وَإِخْوَانِي الْأَكْرَمُونَ الْأَتَقِيَاءُ؛

إرشاد القلوب، ج ١، ص ١٤٤

﴿٤٣١٧﴾ الرَّسُولُ ﷺ: يَا عَلِيُّ لَا يَحْفَظُنِي فِيكَ إِلَّا الْأَتَقِيَاءُ الْأَبْرَارُ الْأَصْفِيَاءُ وَمَا هُمْ فِي أُمَّتِي

إِلَّا كَالشَّعْرَةِ الْبَيْضَاءِ فِي الثَّوْرِ الْأَسْوَدِ فِي اللَّيْلِ الْغَابِرِ؛ بحار الأنوار، ج ٢٨، ص ٥١

﴿٤٣١٨﴾ الصادق عليه السلام: سَيُجْتَنَّبُهَا الْأَتَقِيُّ الْمُؤْمِنُ؛ بحار الأنوار، ج ٢٤، ص ٤٦

﴿٤٣١٩﴾ الرَّسُولُ ﷺ: وَ سَيُجْتَنَّبُهَا الْأَتَقِيُّ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ وَمَنْ تَبِعَهُ؛ بحار الأنوار، ج ٢٤،

ص ٤٦

﴿٤٣٢٠﴾ الصادق عليه السلام: وَ سَيُجْتَنَّبُهَا الْأَتَقِيُّ قَالَ ذَاكَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ وَ شِيعَتُهُ؛ بحار الأنوار،

ج ٢٤، ص ٣٩٨

﴿٤٣٢١﴾ الباقر عليه السلام: فَوَاللَّهِ مَا شِيعَتُنَا إِلَّا مَنْ اتَّقَى اللَّهَ وَ أَطَاعَهُ؛ الكافي، ج ٢، ص ٧٤

﴿٤٣٢٢﴾ الصادق عليه السلام: لَقَدْ ذَكَرَكُمْ اللَّهُ فِي كِتَابِهِ فَقَالَ الْأَخْلَاءُ يَوْمَئِذٍ بَعْضُهُمْ لِبَعْضٍ عَدُوٌّ إِلَّا

الْمُتَّقِينَ فَالْخَلْقُ وَاللَّهُ أَعْدَاءُ غَيْرِنَا وَ شِيعَتُنَا وَمَا عَنِ الْمُتَّقِينَ غَيْرِنَا وَ غَيْرَ شِيعَتِنَا؛ بحار الأنوار،

ج ٤٧، ص ٣٩٠

﴿٤٣٢٣﴾ الرَّسُولُ ﷺ: فَضْرَبَ عَلَى مَنْكِبِ عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ فَقَالَ هَؤُلَاءِ شِيعَتُكَ وَأَنْتَ

إِمَامُهُمْ وَهُوَ قَوْلُ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ يَوْمَ نَحْشُرُ الْمُتَّقِينَ إِلَى الرَّحْمَنِ وَفْدًا؛ إرشاد القلوب، ج ٢،

ص ٢٩٢

«اهل تقوا و پرهیزکاران»

﴿۴۳۱۳﴾ «آن کتاب با عظمتی است که شک در آن راه ندارد و مایه هدایت پرهیزکاران است.»؛ این بیانی برای شیعیان ماست.

﴿۴۳۱۴﴾ این مثلی است که در شیعیان ما جاری می‌گردد همان‌گونه که برای آن‌ها در اصلااب جریان پیدا می‌کند و بعد در ارحام کشت می‌شود و سپس ایشان را برای هدف و انجام عهده‌ی که پرودگار به هنگام خلقت از آن‌ها پیمان گرفته است، خارج می‌کند. گروهی از آن‌ها از متّقین و شهدا هستند و گروهی، کسانی هستند که خداوند دل‌هایشان را مورد آزمایش قرار می‌دهد، دسته‌ای از آن‌ها از علماء بوده و جماعتی از بزرگان به شمار می‌روند و پاره‌ای از آنان از شجاعان و روشن‌گران [راه هدایت] به شمار می‌آیند. بعضی پرهیزکار هستند و دسته‌ای اهل تقوا و فضیلت می‌باشند، گروهی اهل تسلیم و رضا به شمار می‌روند.

﴿۴۳۱۵﴾ کسی که تقوا ندارد، از شیعیان علی علیه السلام نیست.

﴿۴۳۱۶﴾ ... آنان از شیعیان خوب و برادران بزرگوار و با تقوای ما هستند.

﴿۴۳۱۷﴾ ای علی! کسی وصیت من در مورد تو را حفظ نمی‌کند مگر متّقیان و افراد نیکوصفت و برگزیده؛ که آن‌ها در امت من مانند موی سفید در بدن گاو سیاه در شب تاریک هویدایند.

﴿۴۳۱۸﴾ آیه‌ی: «و به‌زودی با تقواترین مردم از آن دور داشته می‌شود»، منظور مؤمن است.

﴿۴۳۱۹﴾ «و به‌زودی با تقواترین مردم از آن دور داشته می‌شود»، پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: «هرکس پیرویش کند».

﴿۴۳۲۰﴾ «و به‌زودی با تقواترین مردم از آن دور داشته می‌شود»؛ یعنی امیرمؤمنان علیه السلام و پیروانش.

﴿۴۳۲۱﴾ به خدا قسم! فقط کسانی که از خدا پروا می‌کنند و از او اطاعت می‌کنند، شیعیان ما هستند.

﴿۴۳۲۲﴾ خداوند در این آیه‌ی قرآن شما را یاد کرده: «دوستان در آن روز دشمن یکدیگرند، مگر پرهیزکاران»؛ مردم با یکدیگر دشمن هستند مگر ما و شیعیانمان.

﴿۴۳۲۳﴾ رسول خدا صلی الله علیه و آله بر دوش علی بن ابی طالب علیه السلام زد و فرمود: «این‌ها پیروان و شیعیان تو هستند و تو امام آنان و این همان کلام خداست که فرمود: «در آن روز که پرهیزکاران را دسته جمعی به‌سوی خداوند رحمان [و پاداش‌های او] محشور می‌کنیم»».

﴿۴۳۲۴﴾ وقتی خداوند فرشتگان را با فضیلت و برتری برگزیدگان امت محمد صلی الله علیه و آله و پیروان علی علیه السلام و جانشینان وی بر آنان آشنا کرد و اینکه آنان در ظرفیت پذیرش محبت پروردگارشان چنان هستند که ملائکه قادر به آن نیستند، برگزیدگان با تقوا را با تفضّل بر ایشان به فرزندان آدم علیه السلام نشان داد. سپس فرمود: «پس به این دلیل بر آدم سجده کنید چون او دربرگیرنده‌ی نورهای این خلائق برتر است».

﴿أَهْلُ التَّقْوَى وَالْمُتَّقُونَ﴾

﴿٤٣٢٤﴾ العسكري عليه السلام: فَلَمَّا عَرَفَ اللَّهُ مَلَائِكَتَهُ فَضَّلَ خِيَارَ أُمَّةٍ مُحَمَّدٍ ﷺ وَشِيعَةَ عَلِيٍّ وَخُلَفَائِهِ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ وَاحْتِمَالَهُمْ فِي جَنْبِ مَحَبَّةِ رَبِّهِمْ مَا لَا يَحْتَمِلُهُ الْمَلَائِكَةُ أَبَانَ بَنِي آدَمَ الْخِيَارَ الْمُتَّقِينَ بِالْفَضْلِ عَلَيْهِمْ ثُمَّ قَالَ فَلِذَلِكَ فَاسْجُدُوا لِآدَمَ لِمَا كَانَ مُشْتَمِلًا عَلَى أَنْوَارِ هَذِهِ الْخَلَائِقِ الْأَفْضَلِينَ؛ بحار الأنوار، ج ١١، ص ١٣٦

﴿٤٣٢٥﴾ الصادق عليه السلام: فَاسْأَلْكَ بِمُحَمَّدٍ الْمُصْطَفَى الَّذِي قَطَعْتَ بِهِ حُجَجَ الْمُحْتَجِّينَ وَغُذِرَ الْمُعْتَذِرِينَ وَجَعَلْتَهُ رَحْمَةً لِلْعَالَمِينَ أَنْ لَا تَحْرِمَنِي زِيَارَةَ وَلِيِّكَ وَأَخِي نَبِيِّكَ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ وَقَصْدَهُ وَتَجْعَلَنِي مِنْ وَفْدِهِ الصَّالِحِينَ وَشِيعَتِهِ الْمُتَّقِينَ؛ بحار الأنوار، ج ٩٧، ص ٢٨١

﴿٤٣٢٦﴾ العسكري عليه السلام: إِنْ أَشْرَفَ أَعْمَالُ الْمُؤْمِنِينَ... الصَّلَاةُ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ الطَّيِّبِينَ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِمْ وَاسْتَدْعَاءُ رَحْمَةِ اللَّهِ وَرِضْوَانِهِ لِشِيعَتِهِمُ الْمُتَّقِينَ؛ مستدرک الوسائل، ج ٥، ص ٣٤٠

﴿٤٣٢٧﴾ الصادق عليه السلام: يَا أَبَا مُحَمَّدٍ الْأَخْلَاءُ يَوْمَئِذٍ بَعْضُهُمْ لِبَعْضٍ عَدُوٌّ إِلَّا الْمُتَّقِينَ وَاللَّهُ مَا أَرَادَ بِهِذَا غَيْرَكُمْ؛ الكافي، ج ٨، ص ٣٥

﴿٤٣٢٨﴾ ابن عباس رضي الله عنهما: أَمْ نَجْعَلُ الْمُتَّقِينَ عَلَى وَأَصْحَابِهِ؛ بحار الأنوار، ج ٢٤، ص ٧

﴿٤٣٢٩﴾ الكاظم عليه السلام: عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْفَضِيلِ عَنْ أَبِي الْحَسَنِ الْمَاضِي عليه السلام قَالَ... قُلْتُ إِنَّ الْمُتَّقِينَ قَالَ نَحْنُ وَاللَّهِ وَشِيعَتُنَا لَيْسَ عَلَى مِلَّةِ إِبْرَاهِيمَ غَيْرُنَا؛ الكافي، ج ١، ص ٤٣٤

﴿٤٣٣٠﴾ الرسول صلى الله عليه وآله: هَؤُلَاءِ شِيعَتُكَ يَا عَلِيُّ وَأَنْتَ إِمَامُهُمْ وَهُوَ قَوْلُهُ يَوْمَ نَحْشُرُ الْمُتَّقِينَ إِلَى الرَّحْمَنِ وَفْدًا؛ بحار الأنوار، ج ٧، ص ١٧٢

﴿٤٣٣١﴾ الصادق عليه السلام: مَثَلُ الْجَنَّةِ الَّتِي وَعَدَ الْمُتَّقُونَ وَهُمْ آلُ مُحَمَّدٍ وَأَشْيَاعُهُمْ؛ بحار الأنوار، ج ٢٤، ص ٣٢٠

﴿٤٣٣٢﴾ الكاظم عليه السلام: مَنْ عَادَى شِيعَتَنَا فَقَدْ عَادَانَا إِلَى أَنْ قَالَ شِيعَتُنَا الَّذِينَ يَقِيمُونَ الصَّلَاةَ وَيُؤْتُونَ الزَّكَاةَ وَيَحْجُونَ الْبَيْتَ الْحَرَامَ وَيَصُومُونَ شَهْرَ رَمَضَانَ وَيُؤَلُّونَ أَهْلَ الْبَيْتِ وَيَبْرءُونَ مِنْ أَعْدَائِنَا أَوْلِيَّكَ أَهْلُ الْإِيمَانِ وَالتَّقَى؛ وسائل الشيعة، ج ١، ص ٢٤

﴿٤٣٣٣﴾ الصادق عليه السلام: شِيعَتُنَا أَهْلُ الْهُدَى وَأَهْلُ التَّقَى؛ الكافي، ج ٢، ص ٢٣٣

﴿٤٣٣٤﴾ ابن عباس رضي الله عنهما: ثُمَّ أُنْفَتَ النَّبِيُّ ﷺ إِلَى أَصْحَابِهِ فَقَالَ لَهُمْ مَنْ يُتَوَجَّ الْأَعْرَابِيُّ أَضْمَنَ لَهُ عَلَى اللَّهِ تَاجَ التَّقَى قَالَ فَوَتَّبَ إِلَيْهِ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عَلِيُّ بْنُ أَبِي طَالِبٍ عليه السلام وَقَالَ فِدَاكَ أَبِي وَأُمِّي وَمَا تَاجُ التَّقَى فَذَكَرَ مِنْ صِفَتِهِ قَالَ فَتَزَعَّ عَلَى ﷺ عِمَامَتَهُ فَعَمَّمَ بِهَا الْأَعْرَابِيَّ؛ بحار الأنوار، ج ٤٣، ص ٧١

«اهل تقوا و پرهیزکاران»

﴿۴۳۲۵﴾ از تو می‌خواهم که به حقّ محمد ﷺ که به‌وسیله‌ی او حاجت‌های پنهانی و عذر عذرآوردگان رفع می‌شود و او را به عنوان رحمت برای جهانیان قرار دادی، مرا از زیارت ولیّ و برادر پیامبرت، امیرمؤمنان ﷺ و رفتن به‌سوی مزار او محروم نگردانی و مرا از یاران صالح و پیروان باتقوای او قرار دهی.

﴿۴۳۲۶﴾ بهترین مأموریت آن‌ها در هر مرتبه‌ای این است که... صلوات بر محمد و آل پاکش بفرستند و تقاضای رحمت و مغفرت و رضوان الهی برای شیعیان پرهیزکار آن‌ها نمایند.

﴿۴۳۲۷﴾ ای ابو محمد! «دوستان در آن روز دشمن یکدیگرند، مگر پرهیزکاران»؛ به خدا سوگند خدا از این سخن مقصودی جز شما ندارد.

﴿۴۳۲۸﴾ «أَمْ نَجْعَلُ الْمُتَّقِينَ»؛ یعنی علی ﷺ و یارانش.

﴿۴۳۲۹﴾ محمدبن فضیل گوید: به امام کاظم ﷺ گفتم: منظور از «إِنَّ الْمُتَّقِينَ»، چه کسانی هستند. فرمود: «به خدا قسم، منظور از متّقین ما و شیعیانمان هستیم که پیرو آیین و روش ابراهیم ﷺ هستیم و جز ما کس دیگری نیست».

﴿۴۳۳۰﴾ ای علی! اینان شیعیان تو و افراد مخلص به ولایت تو هستند و تو پیشوای آن‌ها هستی و این بیان آیه: «در آن روز که پرهیزکاران را دسته جمعی بسوی خداوند رحمان (و پادشهای او) محشور می‌کنیم»؛ است.

﴿۴۳۳۱﴾ «توصیف بهشتی که به پرهیزکاران وعده داده شده»؛ آن‌ها آل محمد ﷺ و پیروان ایشان هستند.

﴿۴۳۳۲﴾ هرکس شیعیان ما را دشمن بدارد، با ما دشمن است... شیعیان ما کسانی هستند که نماز را بپا می‌دارند، زکات می‌دهند، به زیارت خانه‌ی خدا می‌روند و مناسک حج را انجام می‌دهند، ماه رمضان را روزه می‌گیرند، اهل بیت پیغمبر ﷺ را دوست دارند و از دشمنان آن‌ها بیزارند. این‌ها اهل ایمان و تقوا و پارسایی و پرهیزکاری‌اند.

﴿۴۳۳۳﴾ شیعیان ما اهل هدایت و اهل تقوا می‌باشند.

﴿۴۳۳۴﴾ [پس از اسلام آوردن مردی اعرابی،] رسول خدا ﷺ بار دیگر رو به صحابه کرد و فرمود: «چه کسی عمامه‌ای به این اعرابی می‌دهد تا من از طرف خدای تعالی ضامن شوم که تاج تقوا به وی عطا فرماید؟» حضرت علی بن ابی طالب ﷺ از جای برخاست و گفت: «پدر و مادرم به فدایت! تاج تقوا چگونه تاجی است؟» پس از اینکه رسول خدا وصف آن را شرح داد، علی ﷺ عمامه خود را باز کرد و آن را به سر اعرابی بست.

«أَهْلُ التَّقْوَى وَالْمُتَّقُونَ»

﴿٤٣٣٥﴾ الصادق عليه السلام: إِنَّ أَصْحَابِي أُولُو النُّهَى وَالتَّقَى فَمَنْ لَمْ يَكُنْ مِنْ أَهْلِ النُّهَى وَالتَّقَى فَلَيْسَ مِنْ أَصْحَابِي؛ بحار الأنوار، ج ٥، ص ١٦٦

﴿٤٣٣٦﴾ أمير المؤمنين عليه السلام: أُولَئِكَ أَصْحَابِي وَشِيعَتِي حَقًّا الَّذِينَ أَمْتَحَنَ اللَّهُ قُلُوبَهُمْ لِلتَّقْوَى لَهُمْ مَغْفِرَةٌ وَأَجْرٌ عَظِيمٌ؛ أعلام الدين، ص ١٣٥

﴿٤٣٣٧﴾ الرضا عليه السلام: عَنْ مَالِكِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ قَالَ: قُلْتُ لِمَوْلَايَ الرِّضَا عليه السلام قَوْلُهُ لَقَدْ رَضِيَ اللَّهُ وَالَزَمَهُمْ كَلِمَةَ التَّقْوَى قَالَ هِيَ وَلَايَةُ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ عليه السلام فَالْمَعْنَى أَنَّ الْمُلْزَمِينَ بِهَا شِيعَتُهُ كَانُوا أَحَقَّ بِهَا وَأَهْلُهَا؛ بحار الأنوار، ج ٣٦، ص ٥٥

﴿٤٣٣٨﴾ الصادق عليه السلام: أَنْتُمْ أَحَقُّ النَّاسِ بِالْوَرَعِ؛ تفسير العياشي، ج ١، ص ٣٧٦

﴿٤٣٣٩﴾ الصادق عليه السلام: إِنَّ أَحَقَّ النَّاسِ بِالْوَرَعِ آلُ مُحَمَّدٍ وَشِيعَتُهُمْ كَيْ تَقْتَدِيَ الرَّعِيَّةُ بِهِمْ؛

مستدرک الوسائل، ج ١، ص ١١٥

﴿٤٣٤٠﴾ الباقر عليه السلام: إِنَّ شِيعَتَنَا أَهْلُ التَّوَّاضُعِ وَالتَّخَشُّعِ وَالتَّعَبُّدِ وَالْوَرَعِ وَالِاجْتِهَادِ؛

أعلام الدين، ص ١٤٣

١١-٢١- مُحِبُّ عَلَى عليه السلام

﴿٤٣٤١﴾ الرسول صلى الله عليه وآله: يَا عَلِيُّ طُوبَى لِمَنْ أَحْبَبَكَ وَصَدَّقَ بِكَ وَوَيْلٌ لِمَنْ أَبْغَضَكَ وَكَذَّبَ بِكَ مُحِبُّوكَ مَعْرُوفُونَ فِي السَّمَاءِ السَّابِعَةِ وَالْأَرْضِ السَّابِعَةِ السُّفْلَى وَمَا بَيْنَ ذَلِكَ هُمْ أَهْلُ الدِّينِ وَالْوَرَعِ؛ بحار الأنوار، ج ٥، ص ١٥٠

١١-٢٢- أُمَّةُ مُحَمَّدٍ صلى الله عليه وآله

﴿٤٣٤٢﴾ الرسول صلى الله عليه وآله: ثُمَّ تَرَدُّ عَلَى رَايَةِ أُخْرَى تَلْمَعُ وَجُوهُهُمْ نُورًا فَأَقُولُ لَهُمْ مَنْ أَنْتُمْ فَيَقُولُونَ نَحْنُ أَهْلُ كَلِمَةِ التَّوْحِيدِ وَالتَّقْوَى نَحْنُ أُمَّةُ مُحَمَّدٍ صلى الله عليه وآله؛ بحار الأنوار، ج ٤٤، ص ٢٤٧

١١-٢٣- الْعِبَادُ الصَّالِحُونَ

﴿٤٣٤٣﴾ أمير المؤمنين عليه السلام: خَيْرُ مَا اكْتَسَبَتْ مِمَّا بَقِيَ مِنَ الدُّنْيَا مَا أَصَابَ الْعِبَادُ الصَّالِحِينَ

فِيمَا مَضَى مِنْهَا مِنَ التَّقْوَى؛ بحار الأنوار، ج ٣٣، ص ٩٩

﴿٤٣٤٤﴾ الصادق عليه السلام: وَ عَلَيْكُمْ بِهَدَى الصَّالِحِينَ وَ قَارِهِمْ وَ سَكِينَتِهِمْ وَ حِلْمِهِمْ وَ تَخَشُّعِهِمْ

و وَرَعِهِمْ عَنْ مَحَارِمِ اللَّهِ؛ الكافي، ج ٨، ص ١٣

«اهل تقوا و پرهیزکاران»

﴿۴۳۳۵﴾ همانا یاران من خردمند و پرهیزکارند. بنابراین هرکس اهل خرد و پرهیزکاری نباشد، از یاران من نیست.

﴿۴۳۳۶﴾ آنان یاران و پیروان واقعی من هستند که خداوند قلبشان را برای تقوا آزموده است. و برای آن‌ها آمرزش و اجری فراوان است».

﴿۴۳۳۷﴾ مالک بن عبدالله می‌گوید: به مولایم امام رضا علیه السلام عرض کردم: «خداوند از مؤمنان - هنگامی که در زیر آن درخت با تو بیعت کردند - راضی و خشنود شد...» و نیز آیه‌ی: «و آن‌ها را به حقیقت تقوا ملزم ساخت» به چه معناست؟ فرمود: «ولایت امیرمؤمنان علیه السلام است و مفهوم آن این است که ملتزمان به آن، شیعیان وی هستند زیرا آنان از هرکس شایسته‌تر و اهل آن بودند».

﴿۴۳۳۸﴾ شما سزاوارترین مردم به پرهیزکاری هستید.

﴿۴۳۳۹﴾ سزاوارترین مردم به پرهیزکاری، آل محمد علیهم السلام و شیعیان آن‌ها هستند تا سایر افراد به آن‌ها اقتدا کنند.

﴿۴۳۴۰﴾ شیعیان ما اهل تواضع و خضوع و تعبد و ورع و تلاش هستند.

۱۱-۲۱- دوستدار علی علیه السلام

﴿۴۳۴۱﴾ ای علی! خوشا به حال کسی که تو را دوست دارد و تصدیق می‌کند. و وای بر کسی که تو را دشمن دارد و تکذیب می‌کند. دوستان تو در آسمان هفتم و طبقه‌ی هفتم زمین و میان آسمان هفتم و زمین هفتم معروف و مشهور به دین و ورع هستند.

۱۱-۲۲- امت محمد علیه السلام

﴿۴۳۴۲﴾ گروهی با صورتهایی نورانی در زیر پرچمی وارد می‌شوند و من بدان‌ها می‌گویم: «شما چه کسانی هستید؟ می‌گویند: «ما اهل توحید و تقواییم؛ ما امت حضرت محمد صلی الله علیه و آله هستیم».

۱۱-۲۳- بندگان صالح

﴿۴۳۴۳﴾ بهترین چیزی که در باقی‌مانده‌ی دنیا کسب می‌کنی چیزی است که بندگان صالح در روزگار گذشته‌ی دنیا از تقوا به‌دست آورده‌اند.

﴿۴۳۴۴﴾ بر شما باد هدایت صالحان، وقار و آرامش و حلم و خشوع و ورع آن‌ها از محرمات خدا.

«أَهْلُ التَّقْوَى وَالْمُتَّقُونَ»

١١-٢٤- الأبرارُ

﴿٤٣٤٥﴾ الصادق عليه السلام: عَنْ الصَّادِقِ عَلَيْهِ السَّلَامُ أَنَّهُ قَالَ فِي حَدِيثٍ فَازَ وَاللَّهِ الْأَبْرَارُ وَخَسِرَ الْأَشْرَارُ أَ تَدْرِي مَنْ الْأَبْرَارُ هُمُ الَّذِينَ خَافُوهُ وَاتَّقَوْهُ؛ مستدرک الوسائل، ج ١١، ص ٢٣٣

١١-٢٥- عِبَادُ الرَّحْمَانِ

﴿٤٣٤٦﴾ وَعِبَادُ الرَّحْمَانِ الَّذِينَ يَمْشُونَ عَلَى الْأَرْضِ هَوْنًا وَإِذَا خَاطَبَهُمُ الْجَاهِلُونَ قَالُوا سَلَامًا... * وَالَّذِينَ يَقُولُونَ رَبَّنَا هَبْ لَنَا مِنْ أَزْوَاجِنَا وَذُرِّيَّاتِنَا قُرَّةَ أَعْيُنٍ وَاجْعَلْنَا لِلْمُتَّقِينَ إِمَامًا؛

الفرقان ٧٤-٦٣

١١-٢٦- أَبُو الدَّحْدَاحِ

﴿٤٣٤٧﴾ الرَّسُولُ ﷺ: وَ سَيُجَنَّبُهَا الْأَتْقَى يَعْنِي أَبَا الدَّحْدَاحِ؛ بناء المقالة الفاطمية، ص ٢٥٥

١١-٢٧- أَبُو ذَرٍّ

﴿٤٣٤٨﴾ الرَّسُولُ ﷺ: لَا أَقْلَتِ الْغُبْرَاءُ أَصْدَقَ لَهْجَةٍ مِنْ أَبِي ذَرٍّ، أَشَبَّهُ عِيسَى فِي وَرَعِهِ؛

بحار الأنوار، ج ٣١، ص ١٨٥

١١-٢٨- إِخْوَةُ يُوسُفَ

﴿٤٣٤٩﴾ الصادق عليه السلام: عَنْ نَشِيطِ بْنِ صَالِحِ الْبَجَلِيِّ قَالَ: قُلْتُ لِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام: أَمْ كَانَ إِخْوَةُ يُوسُفَ أَنْبِيَاءَ قَالَ لَا وَ لَا بَرَّةَ أَتْقِيَاءَ وَ كَيْفَ وَ هُمْ يَقُولُونَ لِأَبِيهِمْ يَعْقُوبَ تَاللهِ إِنَّكَ لَفِي ضَلَالِكَ

الْقَدِيم؛ بحار الأنوار، ج ١٢، ص ٣١٦

١١-٢٩- حَمْزَةُ وَ جَعْفَرُ وَ عُبَيْدَةُ

﴿٤٣٥٠﴾ ابْنُ عَبَّاسٍ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ: فِي قَوْلِهِ تَعَالَى إِنَّ الْمُتَّقِينَ قَالَ: نَزَلَتْ خَاصَّةً فِي عَلِيٍّ وَ حَمْزَةَ وَ جَعْفَرَ وَ فَاطِمَةَ عَلَيْهِ السَّلَامُ يَقُولُ: إِنَّ الْمُتَّقِينَ فِي الدُّنْيَا [مِنْ] الشُّرُكِ وَ الْفَوَاحِشِ وَ الْكِبَائِرِ؛

شواهد التنزيل، ج ٢، ص ٢٦٩

﴿٤٣٥١﴾ ابْنُ عَبَّاسٍ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ: فِي قَوْلِهِ تَعَالَى أَمْ نَجْعَلُ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ كَالْمُفْسِدِينَ فِي الْأَرْضِ أَمْ نَجْعَلُ الْمُتَّقِينَ كَالْفُجَّارِ قَالَ نَزَلَتْ آيَةٌ فِي ثَلَاثَةِ مِنَ الْمُسْلِمِينَ فَهُمْ الْمُتَّقُونَ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ وَ فِي ثَلَاثَةِ مِنَ الْمُشْرِكِينَ هُمْ الْمُفْسِدُونَ فِي الْأَرْضِ فَأَمَّا الثَّلَاثَةُ مِنْ

﴿١٢١٨﴾

«اهل تقوا و پرهیزکاران»

۱۱-۲۴- نیکان

«۴۳۴۵» امام صادق علیه السلام در حدیثی فرمود: «به خدا قسم! نیکان رستگار هستند و بدان ضرر می‌کنند. می‌دانی نیکان چه کسانی هستند؟ همان کسانی که از خدا می‌ترسند و تقوا دارند.

۱۱-۲۵- عبادالرحمان

«۴۳۴۶» بندگان (خاص خداوند) رحمان، کسانی هستند که با آرامش و بی‌تکبر بر زمین راه می‌روند و هنگامی که جاهلان آن‌ها را مخاطب سازند (و سخنان نابخردانه گویند)، به آن‌ها سلام می‌گویند (و با بی‌اعتنایی و بزرگواری می‌گذرند)* ... و کسانی که می‌گویند: «پروردگارا! از همسران و فرزندانمان مایه روشنی چشم ما قرار ده، و ما را برای پرهیزکاران پیشوا گردان!»

۱۱-۲۶- ابودحداح

«۴۳۴۷» در آیه ی: «وَسَيُجَنَّبُهَا الْأَتْقَى»؛ منظور از متقی، ابوالحداح است [که درخت خرمایی را خرید و به پیامبر صلی الله علیه و آله داد تا پیامبر صلی الله علیه و آله درختی در بهشت را برای او ضمانت کند].

۱۱-۲۷- ابوذر

«۴۳۴۸» زمین غبارآلود، سخنگویی را که راستگوتر از ابوذر باشد بر خود حمل نکرده است. او شبیه‌ترین انسان به عیسی صلی الله علیه و آله در پرهیزکاری‌اش می‌باشد.

۱۱-۲۸- برادران یوسف

«۴۳۴۹» نشیط گوید: از امام صادق علیه السلام پرسیدم: «آیا برادران یوسف علیه السلام پیامبر بودند؟» فرمود: «آنان نه پیامبر بودند و نه نیکوکار و نه پرهیزکار. چگونه می‌توانستند پیامبر باشند وقتی به پدرشان یعقوب علیه السلام می‌گفتند: «به خدا تو در همان گمراهی سابق هستی».

۱۱-۲۹- حمزه و جعفر و عبیده

«۴۳۵۰» آیه ی: «إِنَّ الْمُتَّقِينَ»، مخصوص علی علیه السلام و حمزه و جعفر و فاطمه علیهم السلام نازل شده است که می‌گوید: در دنیا از شرک و گناهان کوچک و بزرگ تقوا دارند.

«۴۳۵۱» در مورد آیه ی: «آیا کسانی را که ایمان آورده و کارهای شایسته انجام داده‌اند همچون مفسدان در زمین قرار می‌دهیم، یا پرهیزکاران را همچون فاجران؟» گفته است: «درباره ی سه نفر از مسلمانان که همان پرهیزکارانی بودند که کارهای شایسته انجام می‌دادند و سه نفر از مشرکان که همان مفسدان فاجر بودند، نازل شده است. آن سه نفر از مسلمانان عبارت

﴿أَهْلُ التَّقْوَى وَالْمُتَّقُونَ﴾

الْمُسْلِمِينَ فَعَلَى بْنِ أَبِي طَالِبٍ وَحَمْزَةَ وَعُبَيْدَةَ وَأَمَّا الثَّلَاثَةُ مِنَ الْمُشْرِكِينَ فَعُتْبَةُ بْنُ رَبِيعَةَ وَشَيْبَةُ وَالْوَلِيدُ بْنُ عُتْبَةَ وَهُمْ الَّذِينَ يُبَارِزُونَ يَوْمَ بَدْرٍ فَقَتَلَ عَلَى الْوَلِيدِ وَكَتَلَ حَمْزَةَ عُتْبَةُ بْنُ رَبِيعَةَ وَكَتَلَ عُبَيْدَةَ شَيْبَةُ؛ بحار الأنوار، ج ١٩، ص ٢٩٨

١١-٣٠- ذو القرنين

﴿٤٣٥٢﴾ الباقر عليه السلام: إِنَّ ذَا الْقَرْنَيْنِ لَمْ يَكُنْ نَبِيًّا لَكِنَّهُ كَانَ عَبْدًا صَالِحًا أَحَبَّ اللَّهُ فَاحَبَّهُ اللَّهُ وَنَاصَحَ اللَّهُ فَنَاصَحَهُ اللَّهُ أَمَرَ قَوْمَهُ بِتَقْوَى اللَّهِ؛ بحار الأنوار، ج ١٢، ص ١٩٤

﴿٤٣٥٣﴾ الرسول عليه السلام: إِنَّ ذَا الْقَرْنَيْنِ كَانَ عَبْدًا صَالِحًا جَعَلَهُ اللَّهُ حُجَّةً عَلَى عِبَادِهِ فَدَعَا قَوْمَهُ إِلَى اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ وَأَمَرَهُمْ بِتَقْوَاهُ؛ إعلام الوری، ص ٤٤٠

١١-٣١- رُوْبِيل

﴿٤٣٥٤﴾ الرسول عليه السلام: رَجَعَ تَنُوخًا إِلَى الْقَرْيَةِ فَلَقِيَ رُوْبِيلَ فَقَالَ لَهُ يَا تَنُوخَا أَيُّ الرَّأْيَيْنِ كَانَ أَصُوبَ وَآحَقَّ أَنْ يَتَّبِعَ رَأْيِي أَوْ رَأْيِكَ فَقَالَ لَهُ تَنُوخَا بَلْ رَأْيِكَ كَانَ أَصُوبَ وَلَقَدْ كُنْتُ أَشْرْتُ بِرَأْيِ الْحُكَمَاءِ الْعُلَمَاءِ فَقَالَ لَهُ تَنُوخَا أَمَا إِنِّي لَمْ أَزَلْ أَرَى أَنِّي أَفْضَلُ مِنْكَ لَزُهْدِي وَفَضْلِ عِبَادَتِي حَتَّى اسْتَبَانَ فَضْلَكَ لِفَضْلِ عِلْمِكَ وَمَا أَعْطَاكَ اللَّهُ رَبُّكَ مِنَ الْحِكْمَةِ مَعَ التَّقْوَى أَفْضَلُ مِنَ الزُّهْدِ وَالْعِبَادَةِ بَلَا عِلْمٍ؛ بحار الأنوار، ج ١٤، ص ٣٩٧

١١-٣٢- زَيْدُ بْنُ عَلِيٍّ

﴿٤٣٥٥﴾ الرضا عليه السلام: إِنَّ زَيْدَ بْنَ عَلِيٍّ لَمْ يَدَّعِ مَا لَيْسَ لَهُ بِحَقٍّ وَإِنَّهُ كَانَ أَتَقَى لِلَّهِ مِنْ ذَلِكَ؛

وسائل الشيعة، ج ١٥، ص ٥٣

١١-٣٣- فَضْلُ بْنُ سَهْلٍ

﴿٤٣٥٦﴾ الرضا عليه السلام: وَسَأَلَ أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ مَا لَمْ يَزَلْ لَهُ سَائِلًا وَإِلَيْهِ رَاغِبًا مِنَ التَّخَلَّى وَالتَّزَهُدِ فَعَظَّمْ ذَلِكَ عِنْدَهُ وَعِنْدَنَا لِمَعْرِفَتِنَا بِمَا جَعَلَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ فِي مَكَانِهِ الَّذِي هُوَ بِهِ مِنَ الْعِزِّ لِلدِّينِ وَالسُّلْطَانِ وَالْقُوَّةِ عَلَى صِلَاحِ الْمُسْلِمِينَ وَجِهَادِ الْمُشْرِكِينَ وَمَا أَرَى اللَّهَ بِهِ مِنْ تَصْدِيقِ نَبِيِّهِ وَيَمْنِ نَقِيَّتِهِ وَصِحَّةِ تَذْيِيرِهِ وَقُوَّةِ رَأْيِهِ وَنُجْحِ طَلِبَتِهِ وَمُعَاوَنَتِهِ عَلَى الْحَقِّ وَالْهُدَى وَالْبِرِّ وَالتَّقْوَى؛ بحار الأنوار، ج ٤٩، ص ١٥٩

﴿١٢٢٠﴾

«اهل تقوا و پرهیزکاران»

بودند از: علی بن ابی طالب (علیه السلام) و حمزه بن عبدالمطلب و عبیده بن حارث بن عبدالمطلب که در روز بدر مبارزه کردند، علی (علیه السلام) ولید را و حمزه عتبه را و عبیده شیهه را کشت.

۱۱-۳۰- ذوالقرنین

«۴۳۵۲» ذوالقرنین، پیامبر نبود، بلکه بنده‌ی درستکاری بود که دوستدار خداوند شد و خداوند نیز او را دوست داشت و برای خداوند خیرخواه بود و خداوند نیز برای او خیرخواه شد. او به قومش دستور داد تا تقوای الهی پیشه کنند.

«۴۳۵۳» ذوالقرنین بنده‌ی صالحی بود که خدا او را حجت بر بندگان خود قرار داد و او قومش را به سوی خدای متعال دعوت نمود و آنان را امر به تقوای خدا کرد.

۱۱-۳۱- روبیل

«۴۳۵۴» تنوخا به شهر بازگشت؛ و روبیل را ملاقات کرد، روبیل به او گفت: «ای تنوخا! کدام رأی و نظر صحیح بوده و شایسته است که از آن پیروی شود؟ رأی و نظر من یا تو؟» تنوخا به او گفت: «من پیوسته خود را به خاطر پرهیزکاری و زهد خویش و فضل عبادتم از تو برتر می‌پنداشتم تا اینکه فضل و برتری تو به خاطر فضل علمت آشکار گشت و حکمتی که پروردگارت همراه با تقوا به تو بخشیده است از پرهیزکاری و عبادتی که بدون علم و دانش باشد برتر است».

۱۱-۳۲- زیدبن علی

«۴۳۵۵» زیدبن علی ادعای ناحق نمی‌کرد؛ او متقی‌تر از این بود که چنین کند.

۱۱-۳۳- فضل بن سهل

«۴۳۵۶» او (فضل بن سهل) پیوسته تقاضا داشت و مکرر درخواست می‌کرد که کناره‌گیری کند، ولی این کار در نظر مأمون و ما خیلی دشوار می‌نمود. چون می‌دانستیم وجود او چقدر در مورد کمک به دین مفید است و چقدر برای مسلمانان و پیکار با مشرکان نیرو و قدرت است. و همچنین به خاطر صدق و صفایی که با حسن تدبیر و نیک‌اندیشی و شدت کمک و پشتیبانی او از حق و حقیقت و تقوا و نیکوکاری دارد.

«أَهْلُ التَّقْوَى وَالْمُتَّقُونَ»

١١-٣٤- عَبْدُ اللَّهِ بْنِ سَلَامٍ

﴿٤٣٥٧﴾ الرَّسُولُ ﷺ: [دَعَا قَوْمًا مِنَ الْيَهُودِ] فَقَالَ بِمَنْ تَرْضَوْنَ حَكَمًا بَيْنِي وَبَيْنَكُمْ قَالُوا بِعَبْدِ اللَّهِ بْنِ سَلَامٍ قَالَ وَ أَيْ رَجُلٍ هُوَ قَالُوا رَيْسُنَا وَ ابْنُ رَيْسِنَا وَ سَيِّدُنَا وَ ابْنُ سَيِّدِنَا وَ عَالِمُنَا وَ ابْنُ عَالِمِنَا وَ وَرَعْنَا وَ ابْنُ وَرَعِنَا وَ زَاهِدُنَا وَ ابْنُ زَاهِدِنَا فَقَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ أَرَأَيْتُمْ إِنْ آمَنَ بِي أَ تُؤْمِنُونَ قَالُوا قَدْ آعَاذَهُ اللَّهُ مِنْ ذَلِكَ ثُمَّ آعَاذَهَا وَ آعَادُوهَا فَقَالَ أَخْرَجْ عَلَيْهِمْ يَا عَبْدَ اللَّهِ وَ أَظْهِرْ مَا قَدْ أَظْهَرَهُ اللَّهُ لَكَ مِنْ أَمْرِ مُحَمَّدٍ ﷺ فَخَرَجَ عَلَيْهِمْ وَ هُوَ يَقُولُ أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَ حُدَّهُ لَا شَرِيكَ لَهُ وَ أَشْهَدُ أَنَّ مُحَمَّدًا عَبْدُهُ وَ رَسُولُهُ الْمَذْكُورُ فِي التَّوْرَةِ وَ الْإِنْجِيلِ وَ الزَّبُورِ وَ صُحُفِ إِبْرَاهِيمَ وَ سَائِرِ كُتُبِ اللَّهِ الْمَدْلُوكِ فِيهَا عَلَيْهِ وَ عَلَى أَخِيهِ عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ ﷺ فَلَمَّا سَمِعُوهُ يَقُولُ ذَلِكَ قَالُوا يَا مُحَمَّدُ سَفِيهِنَا وَ ابْنُ سَفِيهِنَا وَ شَرُّنَا وَ ابْنُ شَرُّنَا وَ فَاسِقُنَا وَ ابْنُ فَاسِقِنَا وَ جَاهِلُنَا وَ ابْنُ جَاهِلِنَا؛ بحار الأنوار، ج ٩، ص ٣٢٦

١١-٣٥- لُقْمَانُ

﴿٤٣٥٨﴾ الصَّادِقُ ﷺ: قَالَ عَبْدُ الْحَمِيدِ بْنُ أَبِي الْحَدِيدِ: سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ ﷺ عَنْ لُقْمَانَ وَ حِكْمَتِهِ فَقَالَ أَمَّا وَاللَّهِ مَا أُوتِيَ الْحِكْمَةَ لِحَسَبٍ وَ لَا أَهْلٍ وَ لَا مَالٍ وَ لَا بَسْطَةِ فِي الْجِسْمِ وَ لَا جَمَالٍ وَ لَكِنَّهُ كَانَ رَجُلًا قَوِيًّا فِي أَمْرِ اللَّهِ مُتَوَرِّعًا فِي دِينِهِ سَاكِنًا سَكِينًا؛ قصص الأنبياء للراوندي، ص ١٩١

١١-٣٦- مُتَمِّمُ بْنُ فَيْرُوزٍ

﴿٤٣٥٩﴾ الْكَاسِمُ ﷺ: فَقَالَ لَهُ أَبُو إِبْرَاهِيمَ ﷺ قَدْ نَصَحَكَ صَاحِبُكَ الَّذِي لَقِيتَ فَقَالَ الرَّاهِبُ مَا اسْمُهُ جُعِلَتْ فِدَاكَ قَالَ هُوَ مُتَمِّمُ بْنُ فَيْرُوزٍ وَ هُوَ مِنْ أَبْنَاءِ الْفُرْسِ وَ هُوَ مِمَّنْ آمَنَ بِاللَّهِ وَ حُدَّهُ لَا شَرِيكَ لَهُ وَ عَبْدُهُ بِالْإِخْلَاصِ وَ الْإِيْقَانِ وَ فَرَّ مِنْ قَوْمِهِ لَمَّا خَافَهُمْ فَوَهَبَ لَهُ رَبُّهُ حُكْمًا وَ هَدَاهُ لِسَبِيلِ الرِّشَادِ وَ جَعَلَهُ مِنَ الْمُتَّقِينَ؛ الكافي، ج ١، ص ٤٨٣

١١-٣٧- أَهْلُ نَيْنَوَى

﴿٤٣٦٠﴾ الْبَاقِرُ ﷺ: إِنَّ أَهْلَ نَيْنَوَى قَدْ آمَنُوا وَ اتَّقَوْا؛ بحار الأنوار، ج ١٤، ص ٣٨٣

«اهل تقوا و پرهیزکاران»

۱۱-۳۴- عبدالله بن سلام

﴿۴۳۵۷﴾ گروهی از یهودیان را خوانده و فرمود: «چه کسی را قبول دارید تا بین من و شما حکومت کند؟» گفتند: «عبدالله بن سلام». فرمود: «او نزد شما چگونه شخصی است؟» گفتند: «او رئیس ماست و پسر رئیسمان و سرور و فرزند سرور ما و عالم و پسر دانشمند ماست. مردی پارساست و پدری پارسا داشت و بسیار زاهد و متدین است». فرمود: «اگر او به من ایمان آورد آیا شما ایمان خواهید آورد؟» گفتند: «خدا او را از این شرّ نگه دارد». باز سؤال کرد و آن‌ها همین جواب را دادند. پیامبر ﷺ در این موقع صدا زد: «عبدالله خارج شو و برای آن‌ها آنچه خدا برایت از نبوت حضرت محمد ﷺ آشکار نموده اظهار نما». عبدالله بن سلام خارج شد درحالی که می‌گفت: «گواهی می‌دهم که معبودی جز خدای یگانه نیست و محمد بنده و فرستاده‌ی اوست. همان کسی که در تورات و انجیل و زبور و صحف ابراهیم و سایر کتب آسمانی نامش برده شده و نام او و برادرش علی بن ابیطالب یاد شده است». وقتی یهودیان این سخن را از او شنیدند گفتند: «این مرد نادانترین ماست و فرزند مردی نادان و بدترین ماست و فرزند بدترین و فاسق پسر فاسق و نادان و فرزند نادانی است».

۱۱-۳۵- لقمان

﴿۴۳۵۸﴾ عبدالحمید بن ابی‌الحدید گوید: از امام صادق ﷺ در مورد لقمان ﷺ و حکمتش پرسیدم، فرمود: «به خدا قسم! حکمت لقمان ﷺ به خاطر حسب و نسب نیکو یا خاندان بزرگ یا مال و دارایی و یا نیرومندبودن و زیبابودن، به او اعطا نشد بلکه دلیلش این بود که او مردی بود که در [اجرای] دستورات الهی فردی قوی و محکم، اهل ورع در دین خدا، خاموش و آرام بود».

۱۱-۳۶- متمم بن فیروز

﴿۴۳۵۹﴾ امام کاظم ﷺ [به راهب] فرمود: «کسی که ملاقاتش کرده‌ای، خیرخواه تو بوده است». راهب عرض کرد: «فدایتان شوم! نام او چیست؟» حضرت فرمود: «او متمم بن فیروز است که از ایرانیان بوده و از کسانی است که به خدای یکتا ایمان دارد و او را با اخلاص و یقین می‌پرستد، چون با قوم خود مخالفت کرد، از آن‌ها فرار کرد و پروردگارش حکمت را به او موهبت نمود و به راه راست هدایت نمود و او را از متّقین قرار داد».

۱۱-۳۷- اهالی نینوا

﴿۴۳۶۰﴾ [خداوند به یونس ﷺ فرمود:] همانا ساکنان نینوا ایمان آورده و پرهیزکار شده‌اند.

﴿أَهْلُ التَّقْوَى وَالْمُتَّقُونَ﴾

٣٨-١١- الملائكة

﴿٤٣٦﴾ الرَّسُولُ ﷺ: يَا مَنْ خَلَقَ السَّمَاوَاتِ وَمَلَأَهَا جُنُوداً مِنَ الْمُسَبِّحِينَ لَهُ مِنْ مَلَائِكَتِهِ وَالْمُحَجِّدِينَ لِقُدْرَتِهِ وَعَظَمَتِهِ وَأَفْرَغَ عَلَى أَبْدَانِهِمْ حُلُلَ الْكَرَامَاتِ وَأَنْطَقَ أَلْسِنَتَهُمْ بِضُرُوبِ اللُّغَاتِ وَالْبَسَهُمْ شِعَارَ التَّقْوَى؛ بحار الأنوار، ج ٩٧، ص ١٦٦

«اهل تقوا و پرهیزکاران»

۱۱-۳۸- فرشتگان

«۴۳۶۱» [زیارت پیامبر ﷺ]: ای کسی که آسمان‌ها را آفرید و آن‌ها را از سربازانی از فرشتگان تسبیح‌کننده و تمجیدکنندگان قدرت و عظمتش آکنده کرد و بر بدن‌های آنان جامه‌های کرامت پوشانید و زبان‌هایشان را به انواع زبان‌ها سخنور کرد و جامه‌ی تقوا بر تنشان کرد.

الفصلُ الثاني عشر: التَّعاملُ معَ الْمُتَّقِينَ وَالَّذِينَ لَا يَتَّقُونَ؛ وَثَمَرَاتُ مُصَاحَبَتِهِمْ

١٢-١- التَّعاملُ معَ الْمُتَّقِينَ

١٢-١-١- الإمامُ عليه السلام يَسْأَلُ مُرَافَقَةَ الْمُتَّقِينَ

﴿٤٣٦٢﴾ دعاء يوم السبت: وَإِذْ لَمْ يُوجِبْ لِي عَمَلِي مُرَافَقَةَ الْمُتَّقِينَ فَلَا تَرُدَّ سَيِّدِي تَوَجُّهِي بِمَنْ تَوَجَّهْتُ بِهِ إِلَيْكَ؛ بحار الأنوار، ج ٨٧، ص ١٤٦

١٢-١-٢- الإمامُ عليه السلام يَسْأَلُ خُلَّةَ الْمُتَّقِينَ

﴿٤٣٦٣﴾ أمير المؤمنين عليه السلام: جَعَلَ اللَّهُ خُلَّتَنَا وَوَدَّنا خُلَّةَ الْمُتَّقِينَ وَوَدَّ الْمُخْلِصِينَ؛ بحار الأنوار،

ج ٣٣، ص ٥٤٩

١٢-١-٣- المَذَاكِرَةُ

﴿٤٣٦٤﴾ الباقر عليه السلام: عَنِ الْبَاقِرِ عليه السلام رَحِمَ اللَّهُ عَبْدًا أَحْيَا الْعِلْمَ فَقِيلَ وَمَا إِحْيَاؤُهُ قَالَ أَنْ

يُذَكِّرَهُ بِهِ أَهْلُ الدِّينِ وَالْوَرَعِ؛ بحار الأنوار، ج ١، ص ٢٠٦

﴿٤٣٦٥﴾ الباقر عليه السلام: عَنْ أَبِي الْجَارُودِ قَالَ سَمِعْتُ أَبَا جَعْفَرٍ عليه السلام يَقُولُ رَحِمَ اللَّهُ عَبْدًا أَحْيَا

الْعِلْمَ قَالَ قُلْتُ وَمَا إِحْيَاؤُهُ قَالَ أَنْ يُذَكِّرَ بِهِ أَهْلَ الدِّينِ وَأَهْلَ الْوَرَعِ؛ الكافي، ج ١، ص ٤١

١٢-١-٤- إِحْتِرَازُ مِمَّا وَصَفَتْ لَكَ أَهْلُ الْوَرَعِ

﴿٤٣٦٦﴾ الرَّسُولُ عليه السلام: قَالَ أَيْلِسُ لِيَحْيَى عليه السلام... يَا نَبِيَّ اللَّهِ احْتَرِزْ مِنْنِي وَمِنْ مَصَائِدِي الَّتِي

وَصَفَتْ لَكَ الْأَنْبِيَاءُ وَالصَّالِحُونَ وَالنُّسَاكُ وَأَهْلُ الْوَرَعِ؛ بحار الأنوار، ج ٦٠، ص ٢٢٨

١٢-١-٥- لَا تَضَعْ مَنْ رَفَعْتَهُ التَّقْوَى

﴿٤٣٦٧﴾ أمير المؤمنين عليه السلام: لَا تَضَعْ مَنْ رَفَعْتَهُ التَّقْوَى؛ غرر الحكم، ص ٢٧٥

فصل ۱۲: تعامل با پرهیزکاران و ناپرهیزکاران و نتیجه‌ی آن

۱۲-۱- تعامل با پرهیزکاران

۱۲-۱-۱- امام علی (علیه السلام) همراهی پرهیزکاران را می‌طلبد

﴿۴۳۶۲﴾ [دعای روز شنبه:] و عمل من موجب همراهی من با پارسایان نشده است. پس ای مولای من! اقبالم را با کسی که با او به‌سوی تو روی آورده‌ام، رد نکن.

۱۲-۱-۲- امام علی (علیه السلام) دوستی پرهیزکاران را می‌طلبد

﴿۴۳۶۳﴾ خداوند دوستی و علاقه به ما را، دوستی متقیان و علاقه مخلصان قرار می‌دهد.

۱۲-۱-۳- مذاکره

﴿۴۳۶۴﴾ امام باقر (علیه السلام) فرمود: «خدا رحمت کند بنده‌ای را که علم را زنده کند». عرض شد: «احیای علم چگونه است؟» فرمود: «با دینداران و پرهیزکاران مذاکره علمی نماید».

﴿۴۳۶۵﴾ ابوجارود گوید: از امام باقر (علیه السلام) شنیدم که فرمود: «رحمت خدا بر بنده‌ای که علم را زنده کند». پرسیدم: «زنده کردن علم به چیست؟» فرمود: «به اینکه علم را نزد اهل دین و اهل ورع بیاموزد [و با آنان مذاکره کند]».

۱۲-۱-۴- پرهیز از آنچه اهل ورع بر حذر می‌دارند

﴿۴۳۶۶﴾ ابلیس به یحیی (علیه السلام) گفت: ای پیغمبر خدا از من و از دام‌هایم که پیغمبران و نیکان و عابدان و پارسایان برایت بیان کردند، بپرهیز.

۱۲-۱-۵- کسی که تقوا او را بالابرده است، پست‌نشان

﴿۴۳۶۷﴾ کسی که تقوا او را بالابرده، پست‌نشان.

﴿ثَمَرَاتُ مُصَاحِبَةِ الْأَتْقِيَاءِ﴾

١٢-٢- ثَمَرَاتُ مُصَاحِبَةِ الْأَتْقِيَاءِ

١٢-٢-١- إِنْ كُنْتَ جَاهِلًا عَلِّمُوكَ وَإِنْ كُنْتَ عَالِمًا ارْزُدْكَ عِلْمًا

﴿٤٣٦٨﴾ أمير المؤمنين عليه السلام: جَالِسُ أَهْلِ الْوَرَعِ وَالْحِكْمَةِ وَ أَكْثَرُ مُنَاقَشَتِهِمْ فَإِنَّكَ إِنْ كُنْتَ جَاهِلًا عَلِّمُوكَ وَإِنْ كُنْتَ عَالِمًا ارْزُدْكَ عِلْمًا؛ غررالحكم، ص ٤٢٩

١٢-٢-٢- يَغْنَمُ فُضَائِلَهُمْ وَ تَهْدِيهِ [تَهْدِيهِ] عُلُومُهُمْ وَ تُزِينُهُ صُحُبَتُهُمْ

﴿٤٣٦٩﴾ أمير المؤمنين عليه السلام: عَجِبْتُ لِمَنْ يَرْغَبُ فِي التَّكْثُرِ مِنَ الْأَصْحَابِ كَيْفَ لَا يَصْحَبُ الْعُلَمَاءَ الْأَلْبَاءَ الْأَتْقِيَاءَ الَّذِينَ يَغْنَمُ فُضَائِلَهُمْ وَ تَهْدِيهِ [تَهْدِيهِ] عُلُومُهُمْ وَ تُزِينُهُ صُحُبَتُهُمْ؛

غررالحكم، ص ٤٣٠

١٢-٢-٣- تَسْلَمُ وَ تَغْنَمُ

﴿٤٣٧٠﴾ أمير المؤمنين عليه السلام: اصْحَبْ أَخَا التَّقَى وَ الدِّينِ تَسْلَمُ وَ اسْتَرْشِدْهُ تَغْنَمُ؛ غررالحكم، ص ٤١٦

١٢-٢-٤- الْخَيْرُ

﴿٤٣٧١﴾ الصَّادِقُ عليه السلام: عَنْ سُلَيْمَانَ بْنِ خَالِدٍ قَالَ سَمِعْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام يَقُولُ اسْتَشِرِ الْعَاقِلَ مِنَ الرِّجَالِ الْوَرَعَ فَإِنَّهُ لَا يَأْمُرُ إِلَّا بِخَيْرٍ؛ وسائل الشريعة، ج ١٢، ص ٤٢

١٢-٣- عَاقِبَةُ تَرْكِ مُصَاحِبَةِ الْأَتْقِيَاءِ

١٢-٣-١- مَفْسَدَةٌ فِي الدِّينِ وَ الدُّنْيَا

﴿٤٣٧٢﴾ الصَّادِقُ عليه السلام: عَنْ سُلَيْمَانَ بْنِ خَالِدٍ قَالَ سَمِعْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام يَقُولُ اسْتَشِرِ الْعَاقِلَ مِنَ الرِّجَالِ الْوَرَعَ فَإِنَّهُ لَا يَأْمُرُ إِلَّا بِخَيْرٍ وَ إِيَّاكَ وَ الْخِلَافَ فَإِنَّ مُخَالَفَةَ الْوَرَعَ الْعَاقِلِ مَفْسَدَةٌ فِي الدِّينِ وَ الدُّنْيَا؛ وسائل الشريعة، ج ١٢، ص ٤٢

١٢-٤- التَّعَامُلُ مَعَ الَّذِينَ لَا يَتَّقُونَ

١٢-٤-١- فَكُنْ كَابِنِ اللَّبُونِ لَا ظَهْرُ فَيْرُكَبٍ وَ لَا وَبَرٌ فَيُسْلَبَ وَ لَا ضَرَعٌ فَيُحْلَبَ

﴿٤٣٧٣﴾ أمير المؤمنين عليه السلام: مِنْ وَصِيَّةِ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ عليه السلام لَوْلَدِهِ الْحَسَنِ عليه السلام كَيْفَ وَ أَنَّى بَكَ يَا بُنَيَّ إِذَا صِرْتَ فِي قَوْمٍ... إِخْوَانُ الظَّاهِرِ وَ أَعْدَاءُ السَّرَائِرِ يَتَصَاحَبُونَ عَلَى غَيْرِ تَقْوَى فَإِذَا افْتَرَقُوا ذَمَّ بَعْضُهُمْ بَعْضًا... فَكُنْ عِنْدَ ذَلِكَ يَا بُنَيَّ كَابِنِ اللَّبُونِ لَا ظَهْرُ فَيْرُكَبٍ وَ لَا وَبَرٌ فَيُسْلَبَ وَ لَا ضَرَعٌ فَيُحْلَبَ؛ بحار الأنوار، ج ٧٤، ص ٢٣٦

﴿ثمرات همنشینی با پرهیزکاران﴾

۱۲-۲- ثمرات همنشینی با پرهیزکاران

۱۲-۲-۱- اگر نادان باشی به تو می آموزد، اگر عالم باشی، بر علمت می افزاید

﴿۴۳۶۸﴾ با اهل ورع و حکمت همنشینی کن و با آنان بسیار گفتگو کن که اگر جاهل باشی به تو می آموزند و اگر عالم باشی، علمت را می افزایند.

۱۲-۲-۲- فضائلشان بی نیازشان می کند، و علمشان آن ها را تهذیب کرده و هم صحبتی شان مایه ی جمال است

﴿۴۳۶۹﴾ در عجبم از کسی که میل دارد دوستان زیادی داشته باشد ولی با دانشمندان و خردمندان و اهل تقوا مصاحبت نمی کند؟! افرادی که فضائلشان می تواند آن فرد را بی نیاز کند و علمشان آن ها را تهذیب کرده و هم صحبتی شان مایه ی جمال آنان است.

۱۲-۲-۳- سالم می مانی و بهره مند می شوی

﴿۴۳۷۰﴾ با برادر پرهیزکار مصاحبت کن تا سالم بمانی و از او راهنمایی به راه راست را بجوی تا غنیمت یابی.

۱۲-۲-۴- خیر

﴿۴۳۷۱﴾ سلیمان بن خالد گوید: شنیدم امام صادق علیه السلام می فرمود: «با مرد خردمند پارسا مشورت کن، زیرا او جز به خیر نظر نمی دهد».

۱۲-۳- عاقبت ترک همنشینی با پرهیزکاران

۱۲-۳-۱- فاسد شدن دین و دنیا

﴿۴۳۷۲﴾ سلیمان بن خالد گوید: شنیدم امام صادق علیه السلام می فرمود: «با مرد خردمند پارسا مشورت کن، زیرا او جز به خیر نظر نمی دهد، و مبدا خلاف آن کنی، زیرا مخالفت با پارسای خردمند تباهی در دین و دنیا را در پی دارد.

۱۲-۴- تعامل با ناپرهیزکاران

۱۲-۴-۱- مانند بچه شتر باش؛ نه سواری بده، نه کرکی از تو بگیرند و نه شیری از تو بدوشند

﴿۴۳۷۳﴾ امیرالمؤمنین علیه السلام به پسرش امام حسن علیه السلام وصیت فرمود: «پسرم! هرگاه میان گروهی رفتی که... در ظاهر برادر، ولی در باطن دشمنان نهانی هستند. و بدون پرهیزکاری همراهی می کنند. و هرگاه پراکنده شوند، یکدیگر را نکوهش می کنند... پسرم! در این هنگام مانند بچه شتر باش؛ نه سواری بده، نه کرکی از تو بگیرند و نه شیری بدوشند».

﴿التَّعَامُلُ مَعَ الْمُتَّقِينَ وَالَّذِينَ لَا يَتَّقُونَ﴾

١٢-٤-٢- عَدَمُ قَبُولِ إِسْتِشَارَتِهِ

﴿٤٣٧٤﴾ أمير المؤمنين عليه السلام: فَقُلْتُ لَهُ (صَاحِبُ مُصَابِ بْنِ نَاجِيَةَ) إِنِّي مُسْتَشِيرُكَ فِيهِمَا (عَبْدُ اللَّهِ بْنُ وَهَبٍ وَزَيْدُ بْنُ حُصَيْنٍ الطَّائِي) فَمَاذَا تَأْمُرُنِي بِهِ قَالَ إِنِّي أَمُرُكَ أَنْ تَدْعُوهُمَا فَتَضْرِبَ رِقَابَهُمَا فَعَلِمْتُ أَنَّهُ لَا وَرَعَ لَهُ وَلَا عَقْلَ فَقُلْتُ لَهُ وَاللَّهِ مَا أَظُنُّ لَكَ وَرَعًا وَلَا عَقْلًا لَقَدْ كَانَ يَنْبَغِي لَكَ أَنْ تَعْلَمَ أَنِّي لَا أَقْتُلُ مَنْ لَمْ يُقَاتِلْنِي وَلَمْ يُظَاهِرْ لِي عَدَاوَتَهُ؛ بحار الأنوار، ج ٣٣، ص ٤١٧

١٢-٤-٣- لَا تَتَّقُ بِمَنْ لَا وَرَعَ لَهُ

﴿٤٣٧٥﴾ أمير المؤمنين عليه السلام: وَإِيَّاكَ أَنْ تَتَّقَ لِتَحْمِيلِ زَادِكَ بِمَنْ لَا وَرَعَ لَهُ وَلَا أَمَانَةَ فَيَكُونُ مِثْلَكَ مِثْلَ ظُلْمَانٍ رَأَى سَرَابًا حَتَّى إِذَا جَاءَهُ لَمْ يَجِدْهُ شَيْئًا فَتَبَقَّى فِي الْقِيَامَةِ مُنْقَطَعًا بِكَ؛ من لا يحضره الفقيه، ج ٤، ص ٣٨٨

«تعامل با ناپرهیزکاران»

۱۲-۴-۲- عدم پذیرش مشورت

«۴۳۷۴» من [به رییس بنی ناجیه] گفتم: «درباره‌ی آن دو (عبدالله بن وهب و زید بن حصین طائی) از تو مشورت می‌خواهم در این خصوص چه دستوری به من می‌دهی؟» گفت: «به تو امر می‌کنم که آن دو را بخوانی و گردنشان را بزنی». دانستم که او نه پرهیزکار است و نه عقل دارد، به او گفتم: «به خدا سوگند! نه برای تو پرهیزکاری گمان می‌کنم و نه عقل. شایسته بود بدانی من کسی را که با من نجنگد و دشمنی‌اش را بر من آشکار نکند، نمی‌کشم».

۱۲-۴-۳- به آن که ورع ندارد اعتماد نکن

«۴۳۷۵» مبدا توشه‌ی راحت را بر دوش فردی که نه ورع دارد و نه امانتدار است، بگذاری که در این صورت مانند آن تشنه‌ای هستی که سرابی می‌بیند و در پی‌اش می‌رود اما وقتی می‌رسد، آبی نمی‌یابد پس چنین نباش که توشه‌ات در قیامت به تو نخواهد رسید.

فهرست منابع

قرآن.

- الاحتجاج؛ ابو منصور احمد بن علی طبرسی، مرتضی، مشهد، ۱۴۰۳ ق.
- الاختصاص؛ شیخ مفید، کنگره جهانی شیخ مفید، قم، ۱۴۱۳ ق.
- الإرشاد؛ شیخ مفید، کنگره جهانی شیخ مفید، قم، ۱۴۱۳ ق.
- إرشاد القلوب؛ حسن بن ابی الحسن دیلمی، شریف رضی، قم، ۱۴۱۲ ق.
- الإستبصار؛ شیخ طوسی، دارالکتب الإسلامیه، تهران، ۱۳۹۰ ق.
- الإشراف؛ شیخ مفید، کنگره جهانی شیخ مفید، قم، ۱۴۱۳ ق.
- الإعلام؛ شیخ مفید، کنگره جهانی شیخ مفید، قم، ۱۴۱۳ ق.
- أعلام الدین؛ حسن بن ابی الحسن دیلمی، مؤسسه آل البيت (علیهم السلام)، قم، ۱۴۰۸ ق.
- إعلام الوری؛ امین الاسلام فضل بن حسن طبرسی، دارالکتب الإسلامیه، تهران، بی تا.
- الإفصاح؛ شیخ مفید، کنگره جهانی شیخ مفید، قم، ۱۴۱۳ ق.
- إقبال الأعمال؛ سید علی بن موسی بن طاوس، دارالکتب الإسلامیه، تهران، ۱۳۶۷ ش.
- أقسام المولی فی اللسان؛ شیخ مفید، کنگره جهانی شیخ مفید، قم، ۱۴۱۳ ق.
- الألفین؛ بن فهد حلّی، دار الهجرة، قم، ۱۴۰۹ ق.
- الأمالی؛ شیخ صدوق، کتابخانه اسلامیه، ۱۳۶۲ هجری.
- الأمالی؛ شیخ طوسی، دارالثقافة، قم، ۱۴۱۴ ق.
- الأمالی؛ شیخ مفید، کنگره جهانی شیخ مفید، قم، ۱۴۱۳ ق.
- الأمان؛ سید علی بن موسی بن طاوس، آل البيت (علیهم السلام)، قم، ۱۴۰۹ ق.
- الأنوار؛ احمد بن عبدالله بکری، شریف رضی، قم، ۱۴۱۱ ق.
- أوائل المقالات؛ شیخ مفید، کنگره جهانی شیخ مفید، قم، ۱۴۱۳ ق.
- إیمان أبی طالب للفخار؛ سید فخار بن معد موسوی، سید الشهداء (علیهم السلام)، قم، ۱۴۱۰ ق.

﴿فهرست منابع﴾

- إيمان أبي طالب للمفيد؛ شيخ مفيد، كنگره جهانی شیخ مفید، قم، ۱۴۱۳ ق.
- بحار الأنوار؛ علامه مجلسی، مؤسسة الوفاء، بیروت، ۱۴۰۴ ق.
- البرهان فی تفسیر القرآن؛ سید هاشم بن سلیمان بحرانی، تصحیح قسم الدراسات الإسلامية مؤسسة البعثة، قم، ۱۳۷۴ ش.
- بشارة المصطفى؛ عمادالدين طبري، كتابخانه حيدريه، نجف، ۱۳۸۳ ق.
- بصائر الدرجات؛ محمد بن حسن بن فروخ صفار، كتابخانه آيت الله مرعشي، قم، ۱۴۰۴ ق.
- بلاغات النساء؛ ابن طيفور احمد بن ابي طاهر، شريف رضى، قم.
- البلد الأمين و الدرع الحصين؛ ابراهيم بن على عاملی، مؤسسة الأعلمی للمطبوعات، بیروت، ۱۴۱۸ ق.
- بناء المقالة الفاطمية؛ سيد احمد بن موسى بن طاوس، مؤسسه آل البيت عليه السلام، قم، ۱۴۱۱ ق.
- تأويل الآيات الظاهرة؛ سيد شرف الدين حسينی استرآبادی، جامعه مدرسين، قم، ۱۴۰۹ ق.
- التحصين لابن طاوس؛ سيد على بن موسى بن طاوس، مؤسسه دارالكتاب، قم، ۱۴۱۳ ق.
- التحصين لابن فهد الحلبي؛ بن فهد حلبي، مدرسه امام مهدي عليه السلام، قم، ۱۴۰۶ ق.
- تحف العقول؛ حسن بن شعبه حراني، جامعه مدرسين، قم، ۱۴۰۴ ق.
- التذكرة بأصول الفقه؛ شيخ مفيد، كنگره جهانی شیخ مفيد، قم، ۱۴۱۳ ق.
- تصحیح الاعتقاد؛ شيخ مفيد، كنگره جهانی شیخ مفيد، قم، ۱۴۱۳ ق.
- تفسير العياشي؛ محمد بن مسعود عياشي، علميه، تهران، ۱۳۸۰ ق.
- تفسير القمي؛ على بن ابراهيم بن هاشم قمی، دارالكتاب قم، ۱۴۰۴ ق.
- تفسير امام عسكري عليه السلام؛ امام حسن عسكري عليه السلام، مدرسه امام مهدي عليه السلام، قم، ۱۴۰۹ ق.
- تفسير فرات الكوفي؛ فرات بن ابراهيم كوفي، بی تا، ۱۴۱۰ ق.
- تفضيل أمير المؤمنين عليه السلام؛ شيخ مفيد، كنگره جهانی شیخ مفيد، قم، ۱۴۱۳ ق.
- تقريب المعارف؛ ابوالصلاح حلبی، جامعه مدرسين قم، ۱۴۰۴ ق.
- التمحيص؛ محمد بن همام اسكافي، مدرسه امام مهدي عليه السلام، قم، ۱۴۰۴ ق.
- تنزيه الأنبياء عليهم السلام؛ سيد مرتضى علم الهدی، شريف رضى، قم.
- تهذيب الأحكام؛ شيخ طوسي، دارالكتب الإسلامية، تهران، ۱۳۶۵ ش.
- توحيد المفضل؛ مفضل بن عمر جعفی كوفي، مكتبة الداوری، قم، ۱۹۶۹ م.
- التوحيد؛ شيخ صدوق، جامعه مدرسين قم، ۱۳۹۸ ق، ۱۳۵۷ ش.
- ثواب الأعمال؛ شيخ صدوق، شريف رضى، قم، ۱۳۶۴ ش.
- جامع الأخبار؛ تاج الدين شعيري، رضى، قم، ۱۳۶۳ ش.

﴿فهرست منابع﴾

- الجعفریات؛ محمد بن محمد بن اشعث کوفی، ج ۱، مكتبة نينوى الحديثة، تهران.
- جمال الأسبوع؛ سيد على بن موسى بن طاوس، رضى، قم.
- الحكايات؛ شيخ مفيد، كنگره جهانى شيخ مفيد، قم، ۱۴۱۳ ق.
- الخرائج و الجرائح؛ قطب الدين راوندی، مؤسسه امام مهدي عليه السلام قم، ۱۴۰۹ ق.
- خصائص الأئمة عليهم السلام؛ سيد رضى، مجمع البحوث آستان قدس رضى، مشهد، ۱۴۰۶ ق.
- الخصال؛ شيخ صدوق، جامعه مدرسين، قم، ۱۴۰۳ ق.
- خلاصة الإيجاز؛ شيخ مفيد، كنگره جهانى شيخ مفيد، قم، ۱۴۱۳ ق.
- دعائم الإسلام؛ نعمان بن محمد تميمي مغربي، دارالمعارف، ۱۳۸۵ ق.
- الدعوات؛ قطب الدين راوندی، مدرسه امام مهدي عليه السلام قم، ۱۴۰۷ ق.
- دلائل الإمامة؛ محمد بن جرير طبري، دار الذخائر للمطبوعات، قم.
- ديوان الإمام على عليه السلام؛ امام على بن ابى طالب عليه السلام، پیام اسلام، قم، ۱۳۶۹ ش.
- روضة الواعظين؛ محمد بن حسن فتال نيشابورى، روضة الواعظين، ج ۱، رضى قم.
- رياض السالكين فى شرح صحيفة سيد الساجدين، سيد عليخان بن احمد كبير مدني، تصحيح؛ محسن حسيني اميني، دفتر اسلامي، قم، ۱۴۰۹ ق.
- الزهد؛ حسين بن سعيد اهوازي، الزهد، ج ۱، حسينيان، بى جا، ۱۴۰۲ ق.
- سعد السعود؛ سيد على بن موسى بن طاوس، دارالذخائر، قم، بى تا.
- شرح الكافي - الأصول و الروضة، محمد صالح بن احمد، مازندراني، تصحيح، ابوالحسن شعراني، المكتبة الإسلامية، تهران، ۱۳۸۲ ق.
- شرح نهج البلاغة؛ ابن ابى الحديد، كتابخانه آيت الله مرعشى، قم، ۱۴۰۴ ق.
- شواهد التنزيل؛ حاكم حسانى، مؤسسه چاپ و نشر بى جا، ۱۴۱۱ ق.
- صحيفة الرضا عليه السلام؛ امام على بن موسى الرضا عليه السلام، كنگره جهانى امام رضا عليه السلام، مشهد، ۱۴۰۶ ق.
- الصحيفة السجادية؛ امام سجاد عليه السلام، الهادى، قم، ۱۳۷۶ ش.
- الصراط المستقيم؛ على بن يونس نباطى بياضى، كتابخانه حيدريه، نجف، ۱۳۸۴ ق.
- صفات الشيعة؛ شيخ صدوق، اعلمى، تهران، بى تا.
- الصوارم المهرقة؛ قاضى نورالله شوشترى، ج ۱، نهضت، تهران، ۱۳۶۷ ق.
- طب الأئمة عليهم السلام؛ عبدالله و حسين بسطامى، شريف رضى، قم، ۱۴۱۱ ق.
- طب الرضا عليه السلام؛ امام على بن موسى الرضا عليه السلام، خيام، قم، ۱۴۰۲ ق.
- طب النبى عليه السلام؛ ابوالعباس مستغفرى، رضى، قم، ۱۳۶۲ ش.

﴿فهرست منابع﴾

- الطرائف؛ سید علی بن موسی بن طاوس، خیام، قم، ۱۴۰۰ ق.
- العدد القویة؛ رضی الدین علی بن یوسف حلّی، کتابخانه آیت الله مرعشی قم، ۱۴۰۸ ق.
- عدة الداعی؛ بن فهد حلّی، دارالکتاب الاسلامی، بی جا، ۱۴۰۷ ق.
- علل الشرائع؛ شیخ صدوق، مکتبه الداوری، قم، بی تا.
- العمدة؛ بن بطریق یحیی بن حسن حلّی، جامعه مدرّسین قم، ۱۴۰۷ ق.
- عوالی الآلی؛ بن ابی جمهور احسائی، سید الشهداء علیه السلام قم، ۱۴۰۵ ق.
- العویص؛ شیخ مفید، کنگره جهانی شیخ مفید قم، ۱۴۱۳ ق.
- عین العبرة؛ سید احمد بن موسی بن طاوس، دارالشهاب، قم، بی تا.
- عیون أخبار الرضا علیه السلام؛ شیخ صدوق، جهان، بی جا، ۱۳۷۸ ق.
- الغارات؛ ابراهیم بن محمد ثقفی، مؤسسه دارالکتاب، قم، ۱۴۱۰ ق.
- غرر الحکم؛ عبدالواحد بن محمد تمیمی آمدی، یک جلد، دفتر تبلیغات اسلامی قم، ۱۳۶۶ ش.
- الغیبة للطوسی؛ شیخ طوسی، مؤسسه معارف اسلامی، قم، ۱۴۱۱ ق.
- الغیبة للنعمانی؛ محمد بن ابراهیم نعمانی، مکتبه الصدوق، تهران، ۱۳۹۷ ق.
- فتح الأبواب؛ سید علی بن موسی بن طاوس، مؤسسه آل البيت علیهم السلام قم، ۱۴۰۹ ق.
- فرج المهموم؛ سید علی بن موسی بن طاوس، دار الذخائر، قم.
- فرحة الغری؛ سید عبدالکریم بن طاوس، رضی، قم.
- فضائل الأشهر الثلاثة؛ شیخ صدوق، مکتبه الداوری، قم.
- فضائل الشيعة؛ شیخ صدوق، اعلمی، تهران.
- الفضائل؛ شاذان بن جبرئیل قمی، رضی، قم، ۱۳۶۳ ش.
- فقه الرضا علیه السلام؛ امام رضا علیه السلام، کنگره جهانی امام رضا علیه السلام، مشهد، ۱۴۰۶ ق.
- فقه القرآن؛ قطب الدین راوندی، کتابخانه آیت الله مرعشی، قم، ۱۴۰۵ ق.
- فلاح السائل سید علی بن موسی بن طاوس، دفتر تبلیغات اسلامی، قم، بی تا.
- قرب الإسناد؛ عبدالله بن جعفر جمیری قمی، کتابخانه نینوی، تهران، بی تا.
- قصص الأنبياء؛ سید نعمت الله جزائری، کتابخانه آیت الله مرعشی، قم، ۱۴۰۴ ق.
- قصص الأنبياء؛ قطب الدین راوندی، بنیاد پژوهش های آستان قدس رضوی، مشهد، ۱۴۰۹ ق.
- الکافی؛ ثقة الاسلام کلینی، دار الکتب الإسلامية، تهران، ۱۳۶۵ ش.
- کامل الزیارات؛ ابن قولویه قمی، مرتضویه، نجف اشرف، ۱۳۵۶ ق.
- کتاب سلیم؛ سلیم بن قیس هلالی کوفی، الهادی، قم، ۱۴۱۵ ق.

«فهرست منابع»

- کتاب‌المزار؛ شیخ مفید، کنگره جهانی شیخ مفید قم، ۱۴۱۳ ق.
- کشف الريبة؛ شهید ثانی، مرتضوی، مشهد، ۱۳۹۰ ق.
- کشف الغمة؛ علی بن عیسیٰ اربلی، بنی‌هاشمی، تبریز، ۱۳۸۱ ق.
- کشف البیقین؛ علامه حلی حسن بن یوسف، مؤسسه چاپ وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ۱۴۱۱ ق.
- کفاية الأثر؛ علی بن محمد خزاز قمی، بیدار، قم، ۱۴۰۱ ق.
- کمال‌الدین؛ شیخ صدوق، دارالکتب الإسلامیه، قم، ۱۳۹۵ ق.
- کنز الفوائد؛ ابوالفتح کراجکی، دارالذخائر قم، ۱۴۱۰ ق.
- اللهوف؛ سید علی بن موسی بن طاوس، جهان، تهران، ۱۳۴۸ ش.
- المؤمن؛ حسین بن سعید اهوازی، مدرسه امام مهدی علیه السلام قم، ۱۴۰۴ ق.
- مئة منقبة؛ بن شاذان قمی، مدرسه امام مهدی علیه السلام قم، ۱۴۰۷ ق.
- متشابه القرآن؛ بن شهر آشوب مازندرانی، بیدار، بی‌جا، ۱۳۲۸ ش.
- مثیر الأحزان؛ بن نما حلی، مدرسه امام مهدی علیه السلام قم، ۱۴۰۶ ق.
- المجتنی؛ سید علی بن موسی بن طاوس، دارالذخائر، قم، ۱۴۱۱ ق.
- مجمع‌البحرین، فخرالدین بن محمد طریحی، تصحیح احمد حسینی اشکوری، مرتضوی، تهران، ۱۳۷۵ ش.

- مجموعه‌ورام؛ ورام بن ابی فراس، مکتبه الفقیه، قم.
- محاسبة النفس؛ سید علی بن موسی بن طاوس، مرتضوی.
- المحاسن؛ احمد بن محمد بن خالد برقی، دارالکتب الإسلامیه، قم، ۱۳۷۱ ق.
- مسائل علی بن جعفر علیه السلام؛ علی بن جعفر علیه السلام، مؤسسه آل البيت علیهم السلام قم، ۱۴۰۹ ق.
- مسار الشیعة؛ شیخ مفید، کنگره جهانی شیخ مفید، قم، ۱۴۱۳ ق.
- مستدرک الوسائل؛ محدث نوری، مؤسسه آل البيت علیهم السلام قم، ۱۴۰۸ ق.
- مستطرفات السرائر؛ محمد بن ادريس حلی، جامعه مدرسين، قم، ۱۴۱۱ ق.
- مسکن الفؤاد؛ شهید ثانی، کتابخانه بصیرتی، قم، بی‌تا.
- مشكاة الأنوار؛ ابوالفضل علی بن حسن طبرسی، کتابخانه حیدریه، نجف اشرف، ۱۳۸۵ ق.
- مصادقة الإخوان؛ شیخ صدوق، کرمانی، قم، ۱۴۰۲ ق.
- مصباح الشریعة؛ امام صادق علیه السلام، مؤسسه الأعلمی للمطبوعات، بی‌جا، ۱۴۰۰ ق.
- مصباح‌المتهجد؛ شیخ طوسی، مؤسسه فقه الشیعه، بیروت، ۱۴۱۱ ق.
- المصباح؛ ابراهیم بن علی عاملی کفعمی، رضی، قم، ۱۴۰۵ ق.

«فهرست منابع»

- معانی الأخبار؛ شیخ صدوق، جامعه مدرسين، قم، ۱۳۶۱ ش.
- معدن الجواهر؛ ابوالفتح کراجکی، کتابخانه مرتضویه، تهران، ۱۳۹۴ ق.
- مفتاح الفلاح؛ شیخ بهایی، دار الأضواء، بیروت، ۱۴۰۵ ق.
- المقام الأسنى؛ ابراهیم بن علی عاملی کفعمی، مؤسسه قائم آل محمد علیه السلام، قم، ۱۴۱۲ ق.
- المقنعة؛ شیخ مفید، کنگره جهانی شیخ مفید، قم، ۱۴۱۳ ق.
- مکارم الأخلاق؛ رضی الدین حسن بن فضل طبرسی، شریف رضی، قم، ۱۴۱۲ ق.
- المناقب؛ بن شهر آشوب مازندرانی، ۴ ج، مؤسسه علامه، قم، ۱۳۷۹ ق.
- منتخب الأنوار المضيئة؛ علی بن عبدالکریم نیلی نجفی، خیام، قم، ۱۴۰۱ ق.
- من لا يحضره الفقيه؛ شیخ صدوق، جامعه مدرسين، قم، ۱۴۱۳ ق.
- منية المريد؛ شهید ثانی، دفتر تبلیغات اسلامی، قم، ۱۴۰۹ ق.
- مهج الدعوات؛ سید علی بن موسی بن طاوس، دار الذخائر، قم، ۱۴۱۱ ق.
- نزهة الناظر؛ یحیی بن سعید حلّی، رضی، قم، ۱۳۹۴ ق.
- نهج الفصاحة (مجموعه ی کلمات قصار حضرت رسول صلی الله علیه و آله)، به کوشش ابو القاسم پاینده، دنیای دانش، تهران، ۱۳۸۲ ش.
- نهج البلاغة؛ امام علی علیه السلام، دار الهجره، قم.
- نهج الحق؛ حسن بن یوسف حلّی، دارالهجرة، قم، ۱۴۰۷ ق.
- النوادر؛ احمد بن محمد بن عیسی اشعری علیه السلام، مدرسه امام مهدی علیه السلام، قم، ۱۴۰۸ ق.
- النوادر؛ سید فضل الله راوندی، مؤسسه دارالکتاب، قم.
- الهدایة الكبرى، حسین بن حمدان خصیبی، البلاغ، بیروت، ۱۴۱۹ ق.
- وسائل الشيعة؛ شیخ حر عاملی، مؤسسه آل البيت علیهم السلام، قم، ۱۴۰۹ ق.
- الوسيلة؛ ابن حمزه طوسی، کتابخانه آیت الله مرعشی، قم، ۱۴۰۸ ق.
- وقعة صفین؛ نصر بن مزاحم بن سيار منقری، کتابخانه آیت الله مرعشی، قم، ۱۴۰۳ ق.
- اليقين؛ سید علی بن موسی بن طاوس، مؤسسه دارالکتاب، قم، ۱۴۱۳ ق.